مجله الکترونیکی ویستا : خانه و خانواده - شماره ششم - سفر
تاریخ انتشار : چهارشنبه ۱۵ دی ۱۳۸۹

فهرست مطالب این شماره

- «شیر سنگی» همدان تندیسی از عهد باستان
- ۱۰ آرامگاه تماشایی جهان
- ۴نکته مهم در رانندگی سفرهای تابستانی بی خطر
- ۵۰ نکته برای سفری لذت‌بخش
- آب رفته به جوی باز می گردد؟
- آبشار دوقلو
- آبگرم گیوی
- آبیانه در اصفهان
- آتشکده در یزد
- آتلانتیس
- آدامس جویدن ممنوع!
- آرامش در اوج
- آرامگاه امپراتور چین شی حوان
- آسیب های مهاجرت بر نوجوانان

- آشنایی با "دلتا ورکز" هلند
- آشنایی با باغ فردوس
- آشنایی با پل گلدن گیت
- آشنایی با جاذبه‌های گردشگری جزیره کیش
- آشنایی با جاذبه‌های گردشگری مالزی
- آشنایی با چینی‌خانه اردبیل
- آشنایی با دیوار برلین
- آشنایی با ساختمان امپایر استیت
- آشنایی با سد ایتایپو
- آشنایی با شهر مقدس کربلا
- آشنایی با قیزقلعه ساوه
- آشنایی با کلات
- آشنایی با مسجد جامع ۵۰۰ ساله اردکان
- آشنایی با مسجد جامع اصفهان
- آشنایی با موزه واتیکان
- آشور (قلعه الشرقاط)
- آقا میرزا اسداله روضاتی
- آک سکی
- آن‌که رفت، آن‌که ماند، آن‌که آمد
- آیا ارزش خاک کیش را می‌دانیم؟
- آیزانویی
- آیوالیک
- ابوموسی؛ خوش آب و هواترین جزیره خلیج فارس
- ادامه تحصیلات در فرانسه راهنمای عملی
- ارگ بم در استان کرمان
- ارگ تاریخی راین دیدنی مثل ارگ بم
- ارگ کریمخانی
- اروپا و مهاجران آن
- از خارگ تا اسالم با یاد جلال آل احمد
- از خطابه‌گویان و راه‌یابان دیروز تا راهنمایان امروز
- از سفر دلزدگان
- استانبول و طعم دلچسب چای

- استرالیا، سرزمین کانگوروها
- استرس و مسافرتهای تجاری
- اسرار شهر افسانه ای اسکندریه
- اسکندریه؛ موزه‌ای زیر آب
- اشکفت دوفیری
- اطلاعات عمومی در مورد گذرنامه
- اعجاز خلقت در «گرمارود» الموت
- افسانه قالیچه های پرنده ایرانی!
- افشره حیات وحش ایران
- افغانستان؛ آیا توریسم احیا خواهد شد؟
- اقیانوس ابرها
- اگر با کوچولوهایمان به سفر می رویم
- امامزاده عبدالله کلور
- امروز جذب ایرانیان خارج از کشور یک ضرورت است
- امواجی که ایرانیان را به دوبی برد
- اول ویزا بعد بلیت
- اولین چادر، اولین مسافر!
- اهتمام به آموزش و فضای مجازی در گردشگری
- اهرام مصر چگونه ساخته شدند
- اهمیت اهداف و آداب سفر
- ایران پاتوق اتباع همسایه
- ایران و۱۳ پیست اسکی بین المللی
- ایرانی مهاجر، ایرانی غریب ایرانی تنها
- ایزنیک
- ایمن سفر کنید لطفاً!
- این غریبه‌های تازه‌وارد
- اینترکنتیننتال پاریس
- اینجا صاحب دارد
- ایوان تخت مرمر (کاخ گلستان)
- با ۲۸ شرط، سالم سفر کنید
- با آرامش سفر کنیم
- با خود چه چیزی به سفر ببریم؟

- با سفر آرامش پیدا کنید
- بار دیگر شهری که دوست می داشتم
- بازار اردبیل
- بازار بزرگ مکاره ی سفر
- بازار تبریز به روایت سفرنامه ها
- بازار قدیمی شهر کرمانشاه
- بازار قیصریه اصفهان
- بازگشت مهاجرت به تهران
- باغ ارم شیراز
- باغ دولت آباد در یزد
- باغ شا زده، نگین سبز کویر ماهان
- باغ فردوس
- باغ ملی یا ال گلی در آذربایجان شرقی
- باغهای تاریخی بیرجند
- باغهای معلق بابل در عراق
- باکستر جهنم مهاجران
- بایدها و نبایدهای سفر ایمن برای سالمندان
- برج آزادی در تهران
- برج ایفل
- برج بابل، از افسانه تا واقعیت
- برج پیزا (ایتالیا)
- برج خاموش در یزد
- برج روسیه (Russia Tower)
- برج قابوس , بلندترین برج آجری جهان
- برجهای چند منظوره ساری
- بررسی روند مهاجرت در کشور
- بررسی نقش امنیت در توسعه گردشگری
- برو سفر سلامت
- بزرگترین دژ آجری ایران
- بسیار سفر باید تا تلخ شود کامی ...
- بقاع متبرکه و ضرورت توجه به گردشگری مذهبی
- بگو آخر این سفر می رسم کجا

- بنای زیرزمینی زیبای ایتالیا، تعداد عجایب جهان را به عدد ۸ رساند
- بودروم
- بوی کوچ، بوی سفر، بوی راه!
- به دنبال کدام ستاره؟
- به کجا چنین شتابان؟
- بهداشت درحج
- بهداشت کاروانهای حج
- بهشت کوچک اروپا
- بهشتی در مرز کویر و جنگل
- بی گدار به آب نزنید
- بیت امام در خمینی
- بیدستانی به نام ابیانه
- پارک سنگی جمشیدیه
- پارک ملی کویر
- پاییز فصل سفر . . .
- پاییز و زمستان رویایی در قمصر
- پل خواجو
- پل صفوی بیستون
- پناهندگان و مهاجران تعریف تفاوت دو مفهوم
- پنجشنبه دین
- پیامدهای فرهنگی توسعهٔ جهانگردی
- پیچ وخم های پردست انداز سفر
- تابستان ایرانی
- تابستان شمال و شهرهای بی مسافر
- تاجیکستان
- تارسوس
- تاریخ مصر
- تاریخچه پرلاشز
- تالاب انزلی با زیبایی‌های بسیار
- تالاب شادگان؛ پشت دیوار فراموشی
- تالابهای گلستان، حلقه فراموش شده صنعت گردشگری
- تالابی در آغوش نخلستان

- تأملی تازه در مفهوم چند واژه
- تپه و قلعه جوقین
- تپه های سیالک در اصفهان
- تخت سلیمان
- تسهیلات نوروزی از وعده تا عمل؛ ببینیم و تعریف کنیم!
- تضادهای میان دو اجتماع
- تعطیلات امسال کجا می‌روید؟
- تعطیلات پرخطر
- تقابل دو فرهنگ در مهاجرت و پی‌آمدهای آ ن
- تو می‌روی به سلامت!
- تو می‌روی به سلامت
- تور فرامنطقه‌ای
- توریست خوشگذران ،حامل زباله های فرهنگی
- توریسم از نگاه سعدی
- توریسم امتحانی
- توریسم به سبک ایرانی
- توریسم درمانی در دنیا شتاب گرفته است و ما ...
- توریسم سقط جنین و گسترش فزاینده نگرانی های اخلاقی پیرامون آن
- توریسم صنعت نوین قرن بیست و یکم
- توریسم عشایری
- توریسم ورزش (Sport Tourism)
- توریسم ورزشی
- توصیه ساده و مفید برای همراهی با کودکان در سفر
- توصیه های بهداشتی برای مسافران تابستانی
- توصیه های سفر به هند
- توصیه های مفید برای سفری خوش
- توصیه هایی برای سفر زمینی در تعطیلات
- توصیه‌های سفر را جدی بگیرید
- تویسرکان؛ مدفن حضرت حَبَقوق(ع) پیامبری از نسل حضرت موسی(ع(
- جاده چالوس؛ راه سفر زیبا تر از مقصد
- جاده های خالی از سفر!
- جاذبه های شمال استرالیا

- جاذبه های طبیعی استان سیستان و بلوچستان
- جاذبه های طبیعی استان مرکزی
- جاذبه های طبیعی قله الوند
- جاذبه های گردشگری «قلعه شاهدژ»
- جاذبه های گردشگری استان مازندران
- جاذبه های گردشگری بیابان ها و کویر های ایران
- جاذبه‌های توریستی کردستان
- جاذبه‌های گردشگری روستای رمین در چابهار
- جاکارتا ، شهر ترافیک
- جایی که ستاره‌ها فرود می‌آیند
- جزایری که در ایران وجود دارند!!
- جزیره سنتورینی
- جزیره قشم
- جزیره های شگفت‌انگیز در میان دریای شن‌های روان
- جستاری بر طرح ساماندهی اتباع خارجی غیرقانونی
- جوامع عشایری و مشکلات و برنامه های آن ها
- جهان و معضل پناهندگان
- جهانی‌سازی و مهاجرت
- چادرخوابی الگویی جدید در اقامتهای سفر
- چادرها جور هتل‌ها را می‌کشند
- چاله میدان کجاست ؟
- چشمـــه میـــشی
- چشم‌اندازهای تاریخی و طبیعی روستای اسجیل
- چشم‌اندازهای طبیعی مشهور چین
- چشمه آب معدنی آب گرّو
- چطور کودکان را در سفر سرگرم کنیم؟
- چگونه خطرات مسافرت‌های نوروزی را به حداقل برسانیم؟
- چند و چون مهاجرت
- چهار باغ در استان اصفهان
- چهل ستون در اصفهان
- چین. پکن. شهر ممنوعه
- حاج آقا شجاع

- حاج علی
- حافظ شیرازی
- حج و سلامت
- خانواده، مهاجرت و جدایی
- خانه حاج کاظم رسولیان
- خانه‌ای دور از خانه
- خرابه‌های "آدم پکن : جو کودیان
- خشونت خانوادگی
- خلاقیت برای سفرهای ارزان قیمت نوروزی
- خوانسار، شهری زیبا در حصار کوه ها
- خوراک و وعده های غذایی در کویر
- خوراکی‌های سفر
- دبی، توصیه‌های اقامت
- در بازار بزرگ رشت
- در دل جنگل های دهکده آل تپه
- در هنگام سفر اجازه دهید کودکتان چمدان مخصوص به خود داشته باشند
- درب امام
- دردشت
- دروازه باغ ملی در تهران
- دره بزرگ - Grand Canyon
- دریاچه بایکال
- دریاچه گهر، نگین اشترانکوه
- دست اندازهای سفر در جاده زندگی
- دلارهای گمشده در ایران
- دلایل مهاجرت سیل آسای مسلمانان
- دماوند، نماد طبیعت ایران
- دوان؛ نمادی از تمدن ایران باستان
- دور دنیا در ۱۳ روز
- ده سال تا نقطه صفر
- دهدشت(بلاد شاپور)
- دهکده گردشگری کویر، گردشگران را به کویر گردی فرا می خواند
- دیدار از نخجوان

- دیدنی های مسکو (روسیه)
- دیوار چین
- دیوار چین
- راز آن لبخند مهربان
- راز سرزمین من
- راهنمای تور کیست؟
- راهنمای سلامتی در مسافرت‌ها
- رستوران بین راهی؛ خطر در کمین است!
- رقص با شکارچیان کله انسان
- رودخانه و باغ وبافت کهن در دامنه بینالود
- روزی که وارونه می شود...
- روستا و جاذبه های اکوتوریستی آن
- روستاهای دیولو و کای پینگ
- روشهای یافتن آب در کویر
- رویای ایرانی پشت دروازه اروپا
- زلاند نو
- زندگی پشت هیچستان
- زیوه؛ زیورآذربایجان
- ساباطها
- ساخت کانال سوئز در ۱۸ سال
- سبز کوه و سبز شاخه ها
- سبزی بی کران کوه و جنگل
- ستون تثلیث مقدس چیست؟
- سر در مجلسی
- سراب‌ها و آبگرم‌های استان مرکزی
- سردر عالی قاپو قزوین
- سرزمین انجیر معابد و جنگل حرا
- سفر سلامت
- سفر بد نیست اگر این نکات را رعایت کنید
- سفر به پیچ و خم شادی ها
- سفر به جنگل های ارس
- سفر به سرزمین قلاع اسماعیلی

- سفر به طرود
- سفر خوب
- سفر در این فصل ارزان و لذت‌بخش است
- سفر سبز بهاری دور از خطوط سیاه
- سفر نوروزی با سلامت
- سفر و شادی ،نیاز بنیادین مردم ایران
- سفر و وحدت هویت فردی و جمعی
- سفر، مهارت‌هایی لازم دارد که دانستن آنها لذتبخش‌ترش می‌کند
- سفر؛ ضرورتی برای زندگی
- سفرت بخیر، اما ...
- سفردر زمستان هم رونق دارد
- سفرنامه‌ی تاشکند
- سفرهای ارزان قیمت !!
- سفرهای تابستانی آغاز می‌شود
- سفری با اقامت در هتل پر ستاره
- سفری به اعماق زمین
- سفری به باغ شازده ماهان
- سفری در محدوده تهران
- سلامت عمره گزاران و حجی به یاد ماندنی
- سلامت و ایمنی در تابستان
- سلامت و عبادت
- سنگینی بار حضور پناهندگان در ایران
- سوار بر لوکهای مست تا قلعه رامرود
- سوهانک؛ بام دیگری برای تهران
- سهم ایرانیان مهاجر در دگرگونی جمعیتی آمریکا
- سهم ناچیز ایران از توریسم ورزشی
- سیتـــی لاج ؛ عجیـــــب تـــــرین هتـــــل دنیـــــــا
- شب، ستاره، سکوت ،کویر...
- شگفتی های جزیره زیبای قشم
- شمس تبریزی و خوی
- شهر باستانی "پین یایو "استان شان سی
- شهر باستانی لی جیان

- شهر ممنوعه
- شهر ممنوعه بیجینگ
- شهرک‌های جذاب چین
- شهری که با یاری اجنه ساخته شد
- شهری که دیگر نمی شناسیمش
- شهری میان تنگه بسفر
- شهمیرزاد بهشت کویر سمنان
- شیراز - سرای مشیر
- طبیعت‌گردی در انتهای آفریقا
- طبیعتگردی زندگی به توان بی نهایت
- طوقچی
- عالی قاپو در اصفهان
- عبور از دروازه تاریخ
- عبور ازکویر بیکران
- عجایب هفت گانه کلاسیک
- عجایب هفت گانه معاصر
- عجایب هفتگانه
- عجایب هفت‌گانه جهان
- عروس زاگرس
- عزیز الله
- عشایر؛حافظان میراث فرهنگی ایران زمین
- عشق، کویر و ماشین دو دیفرانسیل
- عمارت کلاه فرنگی
- عوارض سفر هوایی(Jet Lag) و رژیم غذایی آن
- غار جعیتای لبنان کجا و غار علیصدر کجا
- غار سنگی یون گان
- غار کتل خور یا کوه خورشید
- غاراین دنیای اسرارآمیز
- غارهای ایران
- غارهای سنگی" لون مین"
- غارهای موگای دون حوان
- فارس پایتخت فرهنگی کشور

- فرار «دست»ها
- فرار ژن ها مخاطره آمیزترین رویکرد فرار مغزها
- فرار مغز ها و عوامل موثر بر آن
- فرار مغزها (brain drain)
- فرار مغزها از امریکا
- فرار مغزها و آینده تیره و تار عراق
- فرار مغزها و مهاجرت پزشکان
- فرار نخبگان محصول قرار پخمگان!
- فراز و نشیب های کوچ
- فراغت در طبیعت؛انرژی شفابخش
- فصل داغ سفر
- فیروزه کوه های لرستان
- قبرستان پرلاشز
- قبل از شروع سفر برنامه مسافرت را تنظیم کنید
- قرآن و گردشگری
- قراری برای رفتن دلیلی برای ماندن
- قرن بیست و یکم قرن مهاجرت
- قره کلیسا (قره کلیسا، کلیسای طاطائوس یا تادئوس)
- قشم ، جزیره ای با شگفتی های فراوان
- قشم، رنگین کمان خلیج فارس
- قصر مجازی و امپراتور مجازی
- قصرهای امپراتوری مینگ و کینگ
- قلب این سرزمین در زیر خاک می‌تپد
- قلعه رودخان آرمیده در دل جنگل انبوه
- قلعه سبز و شهر پلکانی
- قلعه و سنگ و جنگل هزاررنگ
- قمصر پایتخت گل و گلاب ایران
- قوانین ورود جهانگردان به ایران با خودروهای شخصی
- کاخ آپادانا - پلکان شرقی
- کاخ بزرگ کرملین
- کاخ پودالا
- کاخ شمس العماره در تهران

- کاخ گلستان در تهران
- کاخ‌های امپراتوری متعلق به سلسله"مینگ " و " کینگ " در پکن
- کار،آن سوی آب‌های گرم خلیج فارس
- کاروانسراها
- کاش
- کاشان
- کاشان؛ شهر بامهای گنبدی
- کالبد شکافی مهاجرت پزشکان
- کاهش هزینه‌های مسافرت
- کتیبه تنگ صئولک
- کرمان؛ از کویر تا...
- کسی به فریادش نرسید
- کفش، کوله پشتی، حرکت!
- کلیسای جامع سنت باسیل مسکو
- کلیسای جامع کلن
- کلیسای جامع کیف، اکراین
- کلیسای وانک
- کلیسای یاکوب مقدس
- کمپ کویری شهداد
- کمپینگ تابستانی
- کنیسه ها
- کوچ
- کوله‌بار زنانه‌ای که سنگین است
- کوه <امی> اولین زیارتگاه بودائیان
- کوه اومه شن و بودای سنگی له شن
- کوه خواجه‌سیستان، نگینی درخشان در تاریکی کویر
- کوه خورشید و گنبد آجری
- کوه هوان شان
- کیش گنجینه ای ملی از نگاه صنعت گردشگری
- کیش ویلاهایی برای هزار نورچشمی
- گپی با پزشکان مهاجر
- گدایان خارجی عامل شیوع بیماری سل مقاوم در ایران!

- گذر از جاده ابریشم
- گذری بر میدان نقش جهان اصفهان
- گردشگران آبعلی
- گردشگری بدون ماشین
- گردشگری دانشجویی بعد از کما
- گردشگری گوناگون
- گردشگری و میراث فرهنگی، در حسرت مدیریت خلاق و آینده‌نگر
- گرومه در جدال با صخره‌ها
- گزارشی درباره وضع مهاجران غیرقانونی
- گشت و گذاری در لاله‌زار قدیم و جدید
- گشتی در شهر ممنوعه چین
- گل فشان قلب تپندهٔ «تُنک»
- گنبد جبلیه
- گورستان غول‌ها
- لار دیوانه
- لاویج در آیینه تاریخ
- لبیک با تندرستی
- مارکوپولوی جهانگرد
- ماسوله در استان گیلان
- ماکو
- مالزی از فقر تا ثروت
- مثلث شیطان
- مجسمه زئوس
- مجموعه بازار کرمان
- مجموعه گنجعلی خان
- محدودیت در حمایت وسوسه های مهاجرت زمینه فعالیت نخبگان درعرصه های مختلف را مهیا کنیم
- محله قدیم آلاشت
- مدیریت اکوتوریسم
- مدیریت در توریسم
- مراقب بیماری‌های مسافرتی باشید
- مرجان‌ها هم حق زندگی دارند
- مرنجاب، اقامتگاه کویر مرکزی ایران

- مرنجاب؛زیبایی های دل انگیز کویر
- مساجد
- مسجد جامع کبیر
- مسجد جامع شش ناو
- مسجد حکیم
- مسجد شیخ لطف الله
- مسجد ملا اسمعیل
- مشکل گردشگری کجاست؟
- مصر سرزمین رازها
- معبد آناهیتا
- معبد آسمانی(چین)
- معبد ابو سیمبل
- معبد کنفوسیوس اقامتگاه کنفوسیوس
- معبدی بر فراز جمکران
- معرفی باغ‌های تاریخی استان یزد
- معرفی کشور اندونزی
- معمای ابوالهول
- مقبره پیر باکران در اصفهان
- مقصدتان کجاست؟
- مکانهای دیدنی آذرشهر
- منار جنبان
- مناطق تاریخی و گردشگری ایران
- موانع توسعه گردشگری
- موزه لوور نگین درخشان فرانسه
- مولانای ایرانی ها، منبع درآمد ترک ها
- مهاجران افغانی در ایران، انسانهایی از نوع درجه دو
- مهاجران در راه ماندگان در انتظار
- مهاجرت
- مهاجرت
- مهاجرت ایرانیان به آمریکا
- مهاجرت ژن‌ها
- مهاجرت مثبت؛ فرار منفی

- مهاجرت و پدیده ای به نام "خارجی هراسی" در فرانسه
- مهاجرت و فرار مغزها
- مهاجرت؛ واکنش به توسعه نامتوازن
- مهاجرتهای روستایی و علل و پیامدهای آن؛ نمونه: استان سیستان و بلوچستان
- مهاجرین شهری و هویت قومی
- مهم‌ترین توصیه‌های بهداشتی پزشکان برای حفظ سلامت حجاج
- میدان امام حسین(ع) اصفهان
- میدان نقش جهان در اصفهان
- میهمان‌نوازی به سبک ایرانی
- میهمان‌نوازی حرفه‌ای را بیاموزیم
- نارنجستان قوام - شیراز
- ندارها به بعضی جاها می روند داراها به همه جا
- نقاط دیدنی میلان - ایتالیا
- نقبی بر تبدیل شدن دوبی به قطب گردشگری و تجاری برای ایرانیان
- نقش جهان طنین کاشی آبی یا لاجورد دریای چین!
- نقش رستم
- نقش گردشگری روستایی در توسعه کشاورزی منطقه ریجاب استان کرمانشاه
- نقش مرز مهران در توسعه روابط تجاری توریستی
- نقش مهاجران در افزایش جرایم جامعه
- نکات ایمنی سفر به کویر
- نکات بهداشتی برای پیشگیری از بیماری در طول سفر
- نگاه به بیرون
- نگاهی به پدیده مهاجرت پزشکان
- نگاهی به قلعه تاریخی "فلک‌الافلاک" خرم‌آباد
- نگاهی به مهاجرت و تأثیرات آن بر خانواده‌ها و زنان ایرانی
- نگاهی گذرا به مهاجرت
- نگینی بر دامن کرکس
- نیاسر
- نیاسر، میراث جهانی
- نیگ شیا در چین
- نیمی از مهاجران زنان هستند
- ورزش و گردشگری

- وضعیت عمومی منابع گردشگری
- وقتی رویای مهاجرت به غرب کابوس می شود
- وقتی زمان و مکان فراموش می‌شود
- وقتی سفر یک توفیق اجباری است
- وقتی عجیب بودن، عجیب است
- وقتی همه بازمی‌گردند...
- ویژگی های منطقه نمونه گردشگری بوذرجمهر قاین
- هارون ولایت دراصفهان
- هرم بزرگ جیزه
- هرم جیزه و باغهای معلق بابل
- هشت بهشت در اصفهان
- هفت خان مسافرت
- هفت، رقمی اسرارآمیز و مقدس
- هگمتانه، شهر کوه و تاریخ
- همسفر شما بیماری شماست!
- همه چیز در مورد برج ایفل - La Tour Eiffel
- هیچ کس منتظر ما نبود
- یاوری به نام توریسم ورزشی
- یکبار دیگر، انتخاب عجایب هفتگانه

لینک دانلود : **http://vista.ir/?view=pdf**

لینک ضمیمه : **http://vista.ir/?view=item&id=107613**

«شیر سنگی» همدان تندیسی از عهد باستان

مجسمه شیر سنگی همداناز یادمانهای تاریخ ایران باستان یکی از مهمترین جاذبه‌های گردشگری این شهر است.

این مجسمه به‌همراه قرینه‌اش ابتدا در دروازه شهر همدان قرار داشته و اعراب به هنگام فتح همدان آن را باب‌الاسد به معنی دروازه شیر نامیده‌اند. در سال ۳۱۹ هجری - قمری نیز که دیلمیان همدان را به تصرف خود درآوردند دروازه شهر را به کلی تخریب کردند.

مرد آویج دیلمی قصد داشت یکی از آنها را به ری منتقل کند ولی چون موفق نشد پنجه‌های یکی از شیرهارا شکست و دیگری را به‌طور کامل تخریب کرد.

مجسمه آسیب دیده تا سال ۱۳۲۸هجری شمسی بر روی زمین افتاده بود تا این که مهندس‌سیحون طراح و معمار آرامگاه بوعلی سینا آن را در محل فعلی نصب کرد.

شیر سنگی همدان، اکنون در انتهای‌خیابانی به همین نام، روی ستونی از جنس خاک و سنگ‌خفته است.

او زمانی نگاهبان شهر بوده و بیشتر مورخان و پژوهشگرانی که روزگاری از این دیار گذر کرده‌اند، هر یک براساس مستنداتی که صحیح می‌پنداشتند، درباره شیرسنگی مطلبی نوشته‌اند.

شیر سنگی، از جمله قدیمی‌ترین یادگارهای شهر همدان است و گفته می‌شود این تندیس از هزار سال پیش احترام ویژه‌ای داشته است.

تندیس شیر همدان‌از سنگ قهوه‌ای رنگ است که اندازه آن ۵۶/۳ متر است.این تندیس دارای پیکری باریک اما ورزیده سینه پهنا وسری بزرگ دارد.

شیر سنگی همدان هیچ مراقب و حصار ویژه‌ای ندارد و در واقع، رها شده است، درحالی که باید بیشتر به آن رسیدگی شود.

شیرسنگی همدان با قدمتی‌بیش از ۲ هزار سال اکنون در میان میدانی در همدان به‌اسباب بازی کودکان تبدیل شده و مسئولان هم سال‌هاست خبر از ایجاد حوضی در اطراف این <سنگ‌شیر> می‌دهند تا دسترسی به این مجسمه تاریخی غیرممکن شود.

اما کارشناسان میراث فرهنگی این‌اقدامها را عاملی دیگری برای از بین رفتن میراث دیرینه‌برجای مانده از دوره اشکانیان می‌دانند.

پیکر دیرینه <سنگ شیر>، پس از گسترش شهر همدان اکنون در میان‌پارکی محصور شده است و امروزه بدون توجه به تاریخ و اهمیت آن به بازیچه ای برای کودکان، دفتر مشقی برای بزرگسالان و جایگاهی برای روشن کردن شمع و نذر و نیاز تبدیل شده است.

این همه در حالی است که این مجسمه سنگی به دلیل قدمت و اهمیت آن می‌تواند عامل موثری برای جلب گردشگر و نشانه‌ای از غنی بودن تمدن و مردم همدان به‌شمار رود.

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=101862

vista.ir
Online Classified Service

۱۰ آرامگاه تماشایی جهان

تور جهانگردان، همواره در جست وجوی اماکن جذاب و دیدنی هستند تا با تماشای آن ها خاطرات خوشی با خود به کشورهایشان ببرند.جالب است بدانید برخی از بهترین اماکن تاریخی و شاهکارهای معماری جهان، آرامگاه هایی هستند که بشر برای رسیدن به آرامش در خاک، آن ها را هرچه باشکوه تر و پرجلال تر ساخته است. خواندن فهرست ۱۰ تایی مشهورترین آرامگاه های جهان که سالانه میلیون ها توریست در سراسر جهان از آن ها بازدید می کنند خالی از لطف نیست.

۱) تاج محل:بدون شک، تاج محل واقع در آگرای هند یکی از زیباترین آثار تاریخی جهان است. شاه جهان، این آرامگاه را در قرن هفدهم برای یادبود

همسر محبوبش ممتاز محل برپا کرد.

در ساخت این بنای تاریخی از مرمر سفید راجستان هند، کریستال چین، فیروزه تبت و یاقوت سری لانکا استفاده شده است.

۲) اهرام ثلاثه مصر: این اهرام واقع در حومه قاهره که حدود ۳ هزار و ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بنا شده اند، بسیار مدرن به نظر می رسند.این اهرام که به نظر می رسد آسمان را شکاف داده اند، سالانه میلیون ها جهانگرد سوار بر شتر و مجهز به دوربین ویدیویی را جذب می کند، برای ساخت این اهرام ۲۰ الی ۳۰ هزار کارگر به کارگرفته شدند و بزرگ ترین هرم با بیش از ۲ میلیون قطعه ساخته شد.

۳) معابد دوگون: مالی واقع در غرب آفریقا یکی از شگفت انگیزترین نقاط جهان است که قبیله بدوی دوگون در آن جا زندگی می کند. معابد شگفت انگیز موجود در کوه های منطقه در حالی که راه قابل شناسایی برای رسیدن به آن ها وجود ندارد جاذبه این منطقه را بیشترکرده است.

٤) گورستان غیر کاتولیکی ایتالیا: در این گورستان که در منطقه ای پرجمعیت در شهر رم قرار دارد. شاعر انگلیسی جان کیتس که در سن ٢٦ سالگی درگذشت، و نیز شلی یکی دیگر از شاعران انگلیسی دفن شده اند. همچنین مقبره شگفت انگیز یک ژنرال رومی که به شکل هرم است در آن واقع شده است.

٥) آرامگاه جاودان هالیوود: زمین های چمن بی عیب و نقص و بناهای یادبود در آرامگاه شاهانه و جاودانه هالیوود، تصور نهایی اکثر هالیوودی ها است.اکنون محل زیبا و باشکوه پشت استودیو پارامونت مدفن کله گنده هایی از جمله رادولف والنتینو، بازیگر ایتالیایی، داگلاس فربنکس، بازیگر و فیلم نامه نویس و تهیه کننده آمریکایی و مل بلانکس، دوبله صدای « باگزبانی» است.

٦) کاتاکام: طبق قوانین باستانی رم، خاک سپاری در محدوده شهر ممنوع بود و جسد اکثر رومیان سوزانده می شد؛ اما مسیحیان در مجموعه تونل های بی پایان زیرزمینی واقع در نزدیکی جاده قدیمی «ویاآپیا» مردگان خود را دفن می کردند این تونل ها که کاتاکام نامیده می شدند دارای نقاشی های دیواری نخستین مسیحیان محراب بودند و اکنون نماد خاطره انگیزترین مکان ها در این کشور به حساب می آیند.

۷) آرامگاه پری لاشز: این گورستان واقع در فرانسه که بیشترین بازدیدکننده در جهان را به خود اختصاص می دهد، محل دفن هنرپیشه های معروف و متفاوتی از جمله ادیت پیاف، خواننده فرانسوی، مارسل پروست، منتقد و نویسنده فرانسوی، اسکار وایلد، شاعر و نمایش نامه نویس ایرلندی، اونوره دوبالزاک، نویسنده فرانسوی است. پس از تاسیس این گورستان در سال ۱۸۰٤ مدیریت آن برای جذب افراد به این مکان تصمیم به انتقال بقایای افراد معروف و سرشناس به این محل گرفت.

۸) معبد پاکال: در تپه های منتهی به کوه های چیاپاس و بقایای شهر قدیمی پالنکیس، معبد پاکال قرار دارد. این آرامگاه متعلق به پاسکال، پادشاه و موسس این شهر در قرن هفتم است که در مکانی باشکوه و پوشیده شده از مه و جنگل قرار دارد در داخل این معبد باشکوه کتیبه ها و اهرامی با پله های شیب دار قرار گرفته است که مشهورترین بنای تاریخی این شهر به شمار می رود.

۹) مقبره حیوانات خانگی هارتسدل: در سال ۱۸۹٦، یک دام پزشک به اسم ساموئل جانسن، باغ سیب خود را در اختیار دوستش گذاشت تا سگش را در آن جا دفن کند هم اکنون این آرامگاه واقع در نیویورک محل دفن بیش از ۷۰۰ هزار حیوان خانگی از جمله سگ های جنگی مشهور و نیز بناهای یادبودی برای سگ های هلال احمر که در جنگ جهانی دوم شرکت داشتند و نیز حیوانات هنرپیشه های معروف است.

۱۰) شهر مردگان مصر: این مکان عجیب ترین آرامگاه جهان محسوب می شود زیرا که نه تنها مرده ها بلکه زنده ها نیز در آن جا مستقر هستند، کمبود جدی مسکن در قاهره باعث اسکان خانواده ها در گورستان های بزرگ واقع در حومه شهر شده است، مردم مصر به طور سنتی مرده های خود را در محلی که دور تا دور آن اتاق هایی برای اسکان افراد در زمان عزاداری های طولانی قرار دارد، دفن می کنند.

در حال حاضر افراد ساکن در گورستان از سنگ قبر به عنوان میز استفاده می کنند!

رویترز

منبع : روزنامه خراسان

http://vista.ir/?view=article&id=122556

vista.ir
Online Classified Service

۴نکته مهم در رانندگی سفرهای تابستانی بی خطر

سفرهای تابستانی کم و بیش آغاز شده و با توجه به اینکه امسال از مدت فصل سفر، ۲۰روز کاسته شده- به دلیل شروع ماه رمضان از دهه دوم شهریور حجم آن فشرده تر می شود. بنابراین باید شاهد ترافیک سنگین تری در جاده های کشور باشیم. به همین دلیل پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی توصیه هایی برای مسافرت های درون و برون شهری دارد که در ذیل می آید.

امید است رانندگان با توجه به این توصیه ها خاطرات خوشی برای خود، خانواده و دیگران رقم بزنند و تابستان داغ امسال را به جهنمی جگرسوز برای دیگران تبدیل نکنند.

- رانندگی در آزادراه ها

رانندگی در آزاد راه ها تابع مقرراتی است که رعایت آنها به ایمنی سفر می انجامد این مقررات عبارتند از:

۱) اطمینان از سلامت وسیله نقلیه (لاستیک ها، چراغ های راهنما، ترمز و...)

۲) خود و دیگر سرنشین صندلی جلو را به استفاده از کمربند ایمنی عادت داده و کودکان را به ضرورت استفاده از کمربند ایمنی هنگام رانندگی آموزش دهید.

۳) پس از قرار گرفتن در خط عبور آزاد راه با توجه به سرعت های مجاز و مشخصات وسیله نقلیه خود (کندرو و تندرو) در خط تعیین شده حرکت کنید.

۴) در هنگام تغییر مسیر با حفظ فاصله و احتیاط کامل از چراغ راهنما و آینه استفاده کنید.

۵) از بیرون نبودن اعضاء بدن سرنشینان اتومبیل در هنگام حرکت اطمینان حاصل کنید و حواستان متمرکز رانندگی باشد.

۶) سعی کنید در هنگام رانندگی با سرنشینان اتومبیل و تلفن همراه صحبت نکنید.

۷) در هنگام نزدیک شدن به محل اخذ عوارض ضمن کاهش سرعت با توجه به آینه وسیله نقلیه و بدون انحراف به چپ و راست ناگهانی در مسیری که قبلا پیش بینی کرده اید قرار گیرید.

۸) در پشت فرمان اتومبیل نگهبان جان خود و همسفران باشید و با سرعت مناسب و اعصاب آرام رانندگی کنید.

۹) جاده همیشه تسلیم راننده با احتیاط است. راه باز وسوسه انگیز است. پس با سرعت غیرمجاز رانندگی نکنید.

۱۰) هنگام سفر، کنار آزاد راه توقف نکنید. با کمی حوصله به نزدیکترین پارکینگ می رسید و در صورت ضرورت و نیاز به توقف خودرو را به شانه خاکی راه هدایت کنید.

۱۱) از پاک کردن شیشه ها و چراغ های اتومبیل خود غفلت نکنید.

- خطرات حرکت با دنده عقب در بزرگراه ها

آگاهی و شناخت کامل رانندگان از علائم ترافیکی و دانستن معنا و مفهوم هر کدام و پیروی از دستورات و توصیه های آنها یکی از مهمترین عوامل ایمنی تردد در کلیه راه ها و بخصوص در بزرگراه ها و آزادراه ها می باشد.

به عنوان مثال هنگامی که وارد یکی از بزرگراه های داخل شهر می شویم، باید خروجی های آن را بشناسیم و قبل از رسیدن به محل مورد نظر، با استفاده از چراغ راهنما و رعایت حق تقدم عبور سایر وسایل نقلیه، در منتهی الیه سمت راست قرار گرفته و خودمان را برای عبور از خروجی بزرگراه آماده سازیم. این کار آسان، با توجه به تابلوهای اخباری راهنمایی (علائم پیش آگاهی جهت نما)، امکان پذیر است. ولی متأسفانه عده ای از رانندگان وقتی از مقابل خروجی مورد نظر بزرگراه گذشته یا به اشتباه وارد خروجی یک بزرگراه شدند، ناگهان در میانه راه متوقف و تصمیم به بازگشت می گیرند و با حرکت به صورت دنده عقب می کوشند به جای اولشان بازگردند تا وارد خروجی شده یا مسیر بزرگراه را تا رسیدن به خروجی مورد نظرشان، ادامه دهند! ولی باید این نکته را در نظر داشت که همواره آسان ترین راه حل بهترین راه برای رسیدن به هدف نیست.

انجام این کار یعنی حرکت با دنده عقب، در موارد مذکور و به ویژه در خروجی پل های هوایی بسیار خطرناک است. زیرا با توجه به کم بودن عرض خروجی بزرگراه ها و پل ها همین طور به دلیل انحنای مسیر و کامل نبودن میدان دید احتمال تصادف با خودروهایی که با شتاب و بدون آمادگی و پیش بینی قبلی وارد خروجی می شوند، افزایش پیدا کرده و چه بسا به جرح و مرگ رانندگان و سرنشینان آنها و به خصوص راکبان موتورسیکلت ها می انجامند. پس به یاد داشته باشیم وقتی که به اشتباه وارد خروجی بزرگراه یا پل هوایی شدیم. یا از مقابل خروجی مورد نظرمان در بزرگراه عبور کردیم حق دنده عقب گرفتن و به خطر انداختن جان خود و سایرین را نداریم.

- حرکت بین خطوط

برای نظم بخشیدن به رفت و آمد خودروها و پیشگیری از برخورد و تصادف آنان با یکدیگر، بزرگراه ها، آزادراه ها و خیابان های عریض را خط کشی کرده اند تا وسایل نقلیه از میان این خطوط عبور کنند و مزاحم رفت و آمد بقیه خودروها نشوند. با این حال برخی از رانندگان ترجیح می دهند از روی خطوط این معابر بگذرند و لحظه به لحظه نیز مسیر خود را عوض کنند! به این معنا که یک باره تصمیم بگیرند از سمت دیگری حرکت کنند و دوباره به جای اولشان بازگردند.

به رانندگان توصیه می شود هنگام رانندگی، مسیر حرکت خود را حفظ کنند و با این کار هم خودشان سریع تر و به سلامت به مقصد رسیده و هم سایر رانندگان بدون دغدغه خاطر به مسیرشان ادامه دهند. بدون آنکه نیازی به انجام مانورهای خطرناک و دردسرآفرین باشد.

همچنین رانندگان می توانند با توجه به تابلوهای رایانه ای و گوش دادن به پیام های ترافیکی رادیو پیام از وضعیت عمومی ترافیک شهر تهران آگاه شوند و درباره عبور از خیابان یا بزرگراهی که ترافیک سبک تری دارد، تصمیم بگیرند؛ این اقدام باعث می شود ترافیک بزرگراه ها بهتر توزیع شود و رانندگان، زودتر به مقصد برسند.

- سبقت مجاز

بهترین راه برای رسیدن به ترافیک روان در سطح شهر و بهبود بخشیدن به وضعیت عبور و مرور، اصلاح رفتار ترافیکی شهروندان است که این مهم تنها از طریق اجرای صحیح مقررات میسر می شود. با توجه به اینکه آیین نامه راهنمایی و رانندگی سرعت را در هر موقعیت خاصی تعیین کرده است لذا رانندگان می توانند با رعایت سرعت مجاز، برای تسهیل در رانندگی و طی مسافت در زمان کمتر، از خودروی جلویی خود با رعایت قوانین و شرایط مکانی خاص سبقت بگیرند. رانندگانی که قصد سبقت گرفتن از خودرویی که در جهت آنها حرکت می کند را دارند باید پس از دادن علایم لازم (روز بوق کوتاه، شب استفاده از نور بالا و پایین چراغ خودرو) فقط از سمت چپ آنها سبقت بگیرند و پس از طی مسافت کافی به نحوی که راه خودرویی که از آن سبقت گرفته شده مسدود نشود یا موجب تصادف نشود مجدداً به طرف راست بروند و در مسیر اولیه حرکت قرار گیرند. شایان ذکر است که سبقت گرفتن ازطرف راست وسیله نقلیه ای که در حال گردش به چپ می باشد مجاز است. رانندگان خودروهایی که از آنها سبقت گرفته می شود بایستی راه را برای خودرویی که در حال سبقت گرفتن است باز کنند و بر سرعت خود اضافه نکنند.

منبع : روزنامه کیهان

http://vista.ir/?view=article&id=322191

vista.ir
Online Classified Service

۵۰ نکته برای سفری لذت‌بخش

تفریح و نشاط یکی از عوامل مهم در افزایش کارائی و سلامت افراد خانواده و نتیجتاً جامعه است و یکی از عواملی است که لذت (مطلوبیت) خانواده را افزایش می‌دهد. سفر نیز یکی از راه‌های کسب نشاط و تفریح و به ویژه تجربه است. هر چند که مسافرت هزینه‌بر است ولی هر خانواده می‌تواند با توجه به درآمد خود سفری را برای خود به ویژه در ایام تعطیل تدارک ببیند. به یاد داشته باشید بهترین انتخاب انتخابی است که با توجه به امکانات در اختیار خانواده خود، مطلوبیت را به حداکثر برسانید. در مقاله ذیل سعی شده است با یادآوری نکاتی درباره سفر و به کارگیری آنها مطلوبیت سفر خود را به حداکثر ممکن برسانید.

● وسائل ضروری برای سفر

اگر قصد دارید با خودرو شخصی خود به سفر بروید به شما توصیه می‌کنیم چک‌لیستی از لوازم مورد نیاز سفر را تهیه کرده و با نشانه‌گذاری از همراه بودن آنها با خود مطمئن شوید از جمله مهمترین وسائل، جعبه ابزار شامل پیچ‌گوشتی دو سو و چهار سو، انبردست و دمباریک، آچار چرخ، تسمه پروانه و ... چراغ‌قوه، فیوز، ظرف یدکی جهت بنزین، روغن، آب، کپسول آتش‌نشانی، آچار شمع و ... است.

همراه داشتن موبایل، یک جفت کابل برای اتصال باطری، شمع نو، پلاتین سالم و روغن موتور و ...

● بازدید خودرو قبل از سفر

قبل از سفر به شما توصیه می‌کنیم از موارد ذیل به‌طور کامل توسط کارشناسان مجرب بازدید به عمل آید.

روغن کلاچ ـ آب رادیاتور ـ روغن موتور ـ برف پاک‌کن ـ چراغ سیار ـ تلمبه باد ـ چراغ‌های راهنمای جلو و عقب ـ روغن گیربکس ـ روغن ترمز ـ شیشه‌شور ـ زاپاس.

● فنون رانندگی در شب

بیشتر تصادفات در هنگام شب اتفاق می‌افتد که به علت کاهش قدرت بینائی در شب و محدود بودن دید راننده است. از طرفی استفاده از نوربالا در شب باعث می‌شود قدرت دید رانندگانی که از روبه‌رو می‌آیند به شدت کاهش یابد و قادر به تشخیص صحیح موقعیت خودرو روبه‌رو نشوند. لذا استفاده از نوربالا نه‌تنها باعث روشن شدن سطح جاده نمی‌شود بلکه باعث تغییر مسیر و انحراف رانندگان روبه‌رو و در نتیجه تصادف می‌شود. هنگام سفر به رانندگان توصیه می‌شود از تمیز بودن شیشه‌های اتومبیل و سالم بودن چراغ‌های اتومبیل مطمئن شده و با سرعتی حدود ۲۰ کیلومتر کمتر از آنچه در روز رانندگی می‌کنند در شب مبادرت به رانندگی کنند.

هنگام رانندگی در شب به موارد ذیل توجه لازم داشته باشید:

۱) هرگز با نوربالا حرکت نکنید.

۲) به نوربالای اتومبیل‌هائی که از روبه‌رو می‌آیند نگاه نکنید بلکه به حاشیه سمت راست یا خط سفید وسط جاده نگاه کنید.

۳) اگر احساس خستگی و خواب‌آلودگی دارید، ماشین را در یک جای مطمئن متوقف کرده و کمی استراحت کنید.

۴) اگر از مسیری عبور می‌کنید که نور کافی ندارد، مراقب عابران پیاده‌ای که ممکن است لباس تیره هم پوشیده‌اند باشید.

۵) هیچ‌گاه اتومبیل را در قسمت آسفالت جاده متوقف نکنید.

● فنون رانندگی در مناطق کوهستانی

رانندگی در مناطق کوهستانی به دلیل کاهش اکسیژن و افزایش ارتفاع هم بر روی خودرو و هم بر روی راننده اثراتی می‌گذارد بهتر است قبل از رانندگی در مناطق کوهستانی نسبت به آگاهی از وضعیت هوای آن منطقه طی ساعات آینده از اداره هواشناسی اقدام نمائید. به شما اکیداً توصیه می‌کنیم تمام وسائل و تجهیزات خودرو را بازبینی نمائید. بازدید صحیح از لنت‌های ترمز، آزمایش ترمز دستی، مطمئن بودن از سالم بودن جعبه دنده بسیار مهم است در برخورد با شیب‌های تند و پیچ کور و خطرناک بسیار با دقت عمل نمائید. در گذر از پیچ‌ها با سرعتی حرکت کنید که

همیشه بتوانید خودرو را در نیمه مقابل رؤیت جاده متوقف کنید.

تمام سربالائی‌ها و سرپائینی‌ها را با دنده‌ای طی کنید که خودرو تمام مسیر را بدون تعویض دنده طی نماید. به یاد داشته باشید در هر سربالائی و سرپائینی با همان دنده‌ای که درگیر شده‌اید مسیر را طی کنید و هیچ‌گاه اقدام به تعویض دنده نکنید به ویژه در سراشیبی... در عبور از سرازیری‌ها از دنده و ترمز با هم استفاده نمائید.

- ۵۰ توصیه برای داشتن سفری لذت‌بخش و مطمئن

۱) نام جاده‌ها و شهرهائی که در مسیر سفر شما قرار دارند را روی نقشه یا کاغذ یادداشت کنید.

۲) تمام مدارک مربوط به خودرو و دفترچه‌های درمانی خانواده را به همراه داشته باشید.

۳) از کمربند ایمنی در صندلی‌های جلو و عقب خودرو حتماً استفاده کنید.

۴) با سرعت بیش از حد و سبقت بی‌جا سلامتی خود و فرزندانتان را به خطر نیاندازید.

۵) در طول سفر برای رفع خستگی، به توقف و استراحت بپردازید.

۶) در گذرگاه‌های کوهستانی و تونل‌ها که احتمال ریزش سنگ وجود دارد بوق ممتد و بی‌جا نزنید.

۷) در شب از نوربالا استفاده نکنید و فقط از نوربالا برای علامت دادن استفاده کنید.

۸) در طول سفر از غذاهای سبک حاوی ویتامین A مثل پنیر، کره و میوه‌های تازه استفاده کنید.

۹) در هنگام سفر همیشه یکی از شیشه‌های خودرو را به اندازه ۵ سانتی‌متر باز بگذارید تا هوای تازه وارد خودرو شود.

۱۰) همواره باد لاستیک خودرو و تنظیم موتور خودرو را جدی بگیرید.

۱۱) برای سبقت گرفتن از نبودن خودرو در عقب و روبه‌رو و کنار مطمئن شوید.

۱۲) از مصرف آب‌هائی که به سلامتی آنها مطمئن نیستید پرهیز نمائید.

۱۳) در طول سفر از لوازم شخصی مشترک مثل حوله، شانه، ریش‌تراش و ... پرهیز نمائید.

۱۴) به فرهنگ و آداب و رسوم افراد محلی احترام بگذارید.

۱۵) به هنگام استراحت در محیطهای باز از پشه‌بند استفاده کنید.

۱۶) مجهز به جعبه کمک‌های اولیه و سرم‌های ضدمار و عقرب‌گزیدگی باشید.

۱۷) از مصرف لبنیات غیرپاستوریزه (محلی) خودداری نمائید.

۱۸) از بردن مواد لبنی، تخم مرغ و شیر به دنبال خود اجتناب کنید.

۱۹) برای خوردن کنسرو حتماً آنرا ۲۰ دقیقه بجوشانید.

۲۰) به هنگام خرید مواد غذائی نسبت به تاریخ انقضا و پروانه بهداشتی آن مطمئن شوید.

۲۱) از مصرف نوشیدنی‌های گرم در لیوان‌های یک‌بار مصرف (شفاف) خودداری کنید.

۲۲) از خرید مواد غذائی از دوره‌گردها و اغذیه‌فروشی‌های کنار جاده خودداری کنید.

۲۳) تا می‌توانید در هنگام سفر از غذاهای سبک (حاضری) نان و پنیر و گردو و ... استفاده کنید.

۲۴) از بردن میوه‌های بدون پوست (مثل انگور) در طول سفر خودداری کنید.

۲۵) درد شکم، تهوع ـ استفراغ، اسهال، ضعف و بی‌حالی، استشمام بوب ماده سمی از دهان، خواب‌آلودگی، تنفس ضعیف و بالاخره اغماء از نشانه‌های مسمومیت سفر است.

۲۶) در صورت بروز مسمومیت سفر که بسیار شایع است، بهتر است در قسمتی از وسیله نقلیه قرار بگیرید که کمترین تکان را دارد. (میانه اتوبوس ـ صندلی جلوی خودرو ـ کنار بال هواپیما) اگر در کشتی هستید با بروز این وضع به موج‌ها نگاه نکنید به افق خیره شوید.

۲۷) در شب قبل از سفر و در طول سفر کمتر غذا و نوشیدنی بخورید.

۲۸) به فرزندان کوچک خود نام، سن، شماره تلفن و آدرس محل سکونت خود را یاد بدهید.

۳۰) از آراستن فرزندان خود به طلا و جواهرات بپرهیزید و به آنها بیاموزید که از نشان دادن پول خود به دیگران خودداری کنند.

۳۱) به آنها یاد دهید هنگام موارد اضطراری با پلیس رابطه برقرار کرده و پلیس را دوست خود بدانند.

۳۲) سوئیچ ماشین را هیچ‌وقت در دسترس کودکان نگذارید.

۳۳) سوئیچ ماشین را هیچ‌وقت داخل خودرو نگذارید.

۳۴) هنگام سوار شدن ابتدا بچه‌ها و هنگام پیاده شدن ابتدا بزرگ‌ترها اقدام به این امر نمایند.

۳۵) فرزندان خود را در پارک‌ها، گردشگاه‌ها به ویژه مکان‌های متروک، خالی، خلوت و دورافتاده تنها نگذارید.

۳۶) کودکان زیر ۱۰ سال را حتماً در صندلی عقب بنشانید.

۳۷) در زمان گرم بودن موتور درب رادیاتور را یک‌باره باز نکنید.

۳۸) خودروئی که روی جک قرار دارد را آچارکشی نکرده و تکان ندهید.

۳۹) قبل از روشن کردن خودرو ابتدا ترمزدستی را بکشید و دنده را در حالت خلاصی بگذارید.

۴۰) با موتور خاموش در سرازیری رانندگی نکنید چراکه باعث ناتوانی سیم ترمز می‌شود.

۴۱) در حین رانندگی سوئیچ را خارج نکنید زیرا باعث قفل فرمان و حادثه می‌شود.

۴۲) در موقع روشن شدن علائم اخطار دهنده خودرو، در اسرع وقت در جای مناسب خودرو را متوقف کنید.

۴۳) برای مهار کردن خودرو از یک تکه سنگ یا چوب زیر لاستیک‌ها استفاده کنید.

۴۴) از رادیوپخش‌های کشوئی و یا پنل‌دار استفاده کنید.

۴۵) از قرار دادن رادیوپخش بغل‌دار زیر صندلی یا داشبورت خودداری کنید.

۴۶) از قرار دادن کیف دستی و یا لوازم قیمتی روی صندلی خودداری کنید.

۴۷) از قفل‌های سوئیچی صندوق عقب استفاده کنید.

۴۸) از ترک اتومبیل حتی در زمان کوتاه اجتناب کنید.

۴۹) چنانچه ماشین شما دچار نقص فنی شد برای رفع نقص حتماً درب‌های خودرو را ببندید.

۵۰) هنگام حمل وجوه نقد سعی کنید یک نفر از همراهانتان با شما باشد البته استفاده از کارت اعتباری توصیه جدی ما به شماست.

منبع : ماهنامه اقتصاد خانواده

http://vista.ir/?view=article&id=323467

vista.ir
Online Classified Service

آب رفته به جوی باز می گردد؟

در محاسبات اقتصادی کشورهای صنعتی، جذب هر فرد تحصیل کرده با مدرک کارشناسی ارشد و دکتری از کشورهای در حال توسعه، یک میلیون دلار سود در بردارد در اواسط قرن بیستم میلادی، منابع مادی و فیزیکی به عنوان کلید اساسی رشد و توسعه در کشورها مطرح بودند ولی امروزه مشخص شده که شرط کافی برای دستیابی به توسعه پایدار، تنها منابع مالی نیست و نقش انکارناپذیر منابع انسانی و سرمایه‌گذاری در این امر، مهم‌ترین اصل تحول و توسعه است. البته کیفیت منابع انسانی بر کمیت آن برتری دارد و این امر به میزان سرمایه‌گذاری کشورها برای تربیت نیروهای متخصص وابسته است. آثار مثبت سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به

سرعت از حوزه فردی و خانوادگی خارج می‌شود و در جامعه انتشار پیدا می‌کند.

ارتباط میان دانشگاه‌ها و جامعه یک ارتباط متقابل است. دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای تاثیرگذار در جامعه، افراد را برای خدمت به جامعه تربیت می‌کنند، بنابراین شناخت نیازهای جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. متاسفانه در حال حاضر آموزش‌های دانشگاهی در برخی موارد متناسب با نیازهای جامعه نیست و بسیاری از دانش‌آموختگان پس از فراغت از تحصیل با استقبال صاحبان مشاغل روبه‌رو نمی‌شوند و قادر نخواهند بود شغل متناسب با تخصص و مدرک تحصیلی خود پیدا کنند. مهاجرت نیروهای متخصص از کشوری به کشور دیگر، امری بدیهی و طبیعی است. جابه‌جایی نیروهای متخصص در کشورهای توسعه‌یافته نیز اتفاق می‌افتد ولی آنچه اهمیت این مهاجرت را بیشتر می‌کند و لزوم بررسی جنبه‌های گوناگون آن را مشخص‌تر می‌کند، مهاجرت یک طرفه این نیروها از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته است که ریشه در مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد. این پدیده را می‌توان از جنبه‌های متعددی مانند مشکلات سیستم آموزشی، عدم تعادل بین تربیت نیروی انسانی و ایجاد شغل برای این نیروها و فقدان رویکرد آکادمیک در دانشگاه‌ها برای کارآفرینی بررسی کرد. با مهاجرت نخبگان و متخصصان، سرمایه اصلی کشورهای در حال توسعه که همان نیروی انسانی متخصص است، به بهای ارزان در اختیار کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرد. در محاسبات اقتصادی کشورهای صنعتی، جذب هر فرد تحصیل کرده با مدرک کارشناسی ارشد و دکتری از کشورهای در حال توسعه، یک میلیون دلار سود در بردارد.

گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که ایران در میان ۶۱ کشور در حال توسعه دارای رتبه اول از نظر مهاجرت نخبگان و متخصصان است. آمارها نشان می‌دهند که تعدادی از افراد متخصص نظیر اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها که برای ادامه تحصیل و یا استفاده از فرصت مطالعاتی از ماموریت آموزشی و بورس‌های تحصیلی استفاده کرده‌اند، به کشور بازنگشته‌اند. تعدادی از دانشجویان و دانش‌آموزان برتر نظیر دانش‌آموزان المپیادی نیز جذب کشورهای توسعه‌یافته شده‌اند. آمارها نشان می‌دهند که حدود ۲۰ درصد از کل مهاجران ایرانی مقیم آمریکا، دارای مدارک تحصیلی عالیه هستند که حدود ۹ درصد از آنها دارای دکترای پزشکی هستند. از مجموع ۱۶۲۶ پزشک ایرانی که در سال ۱۳۴۹ به آمریکا مهاجرت کرده‌اند، ۱۲۴۰ نفر از آنها فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران و ۲۱۹ نفر فارغ‌التحصیل دانشگاه شیراز بوده‌اند که نشان می‌دهد کشورهای توسعه‌یافته از دیرباز در صدد جذب نیروهای متخصص از کشورهای توسعه‌یافته بوده‌اند و این امر تنها پس از انقلاب شکوهمند اسلامی رخ نداده است.

دلایل گوناگونی را می‌توان برای جابه‌جایی و مهاجرت نیروهای متخصص بیان کرد. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های خروج از کشور افراد متخصص، دست‌یابی به فرصت شغلی مناسب‌تر است. برنامه‌های آموزشی فعلی دانشگاه‌ها به طور کامل بر اساس نیازهای جامعه نیستند و در طی فرآیندهای آموزشی در دانشگاه‌ها به تربیت نیرویی که بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد و احساس رضایت کافی از مفید بودن در جامعه را بیان کند، پرداخته نمی‌شود. افراد نخبه، علاقه‌مند به رفع مشکلات جامعه از طریق شناخت آن و ارایهٔ راهکارهای مناسب اجرایی هستند. اگر شرایط پژوهش و ارایه راهکار برای آنها فراهم نشود، به مهاجرت خواهند پرداخت و ایده‌های خود را در کشور دیگری که توان ارایه آن را داشته باشند، بیان خواهند کرد. نمونه بارز در این مورد، دمینگ است که از آمریکا به ژاپن مهاجرت می‌کند و ایده خود را در زمینه TQM (Total Quality Managment) عملی می‌کند.

بنابراین ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب و امکان بهره‌گیری از توان پژوهشی کشور همراه با یک نقشه راه مشخص می‌تواند از پدیده خروج متخصصان و صادرات مغز جلوگیری کند. نکته قابل توجه دیگر، وابستگی دانش‌آموختگان به محل تحصیل خود است. این پدیده که امری طبیعی به نظر می‌رسد، در برخی موارد مشکل‌ساز می‌شود. هنگامی که افراد را برای شعب دانش نوین و انتقال فناوری‌های مدرن به خارج از کشور اعزام می‌کنیم، باید به این نکته توجه داشته باشیم که امتیازات ویژه علمی، اجتماعی و اقتصادی در برخی کشورها سبب وابستگی فکری افراد به آن کشورها شده و از طرفی، به دلیل آنکه این امتیازات را در داخل کشور نمی‌یابند، علاقه‌مند به ماندن در آن کشورها می‌شوند. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی برای دوره‌های کوتاه‌مدت و برقراری ارتباط دوجانبه برای تبادل استاد و دانشجو و راه‌اندازی دوره‌های مشترک بتواند تا حدودی این نقیصه را برطرف کند.

البته بیان این نکته ضروری است که افزایش بیکاری در کشورهای غربی (مانند فرانسه و ایتالیا) و فراوانی نیروهای متخصص بومی در این کشورها سبب شده که این کشورها نیز همچون گذشته تمایلی به جذب نیروهای متخصص کشورهای دیگر نداشته باشند، مگر آنکه متخصصان خارجی دارای برتری‌هایی نسبت به متخصصان بومی باشند.

در برخی تحقیقات، کمبود بودجه‌های آموزشی و پژوهشی را یکی از علل اساسی فرار مغزها و مهاجرت متخصصان ذکر نموده‌اند که به نظر می‌رسد بیش از بودجه، فقدان برنامه‌ریزی منسجم و کارآمد در این عرصه اهمیت داشته باشد. ضعف رسانه‌های داخلی در بیان نقاط قوت و ضعف

چنین پدیده‌هایی، همراه با تبلیغات رسانه‌های بیگانه برای ناامن جلوه دادن فضای داخل کشور نیز زمینه‌ساز بازنگشتن برخی از متخصصان به داخل کشور می‌شود. وظیفه رسانه‌های داخلی، بیان واقعیات جامعه به ویژه از نظر علمی است. پیشرفت‌های چشم‌گیری که طی دو دهه اخیر در کشور رخ داده، توان انکارناپذیر جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد و ترغیب افرادی که علاقه‌مند به خدمت هستند، می‌تواند در تقویت بنیه علمی کشور بیش از پیش موثر باشد.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319323

vista.ir
Online Classified Service

آبشار دوقلو

این آبشار در ارتفاع ۲۷۰۰ متری در زیر پناهگاه شیرپلا قرار گرفته و یکی از زیباترین آبشارهای ناحیه شمیرانات است.

▪ آدرس: مسیر کوهستانی دربند، توچال

این آبشار از ذوب برف های بلندی های البرز به وجود آمده است و محلی مناسب برای رفع خستگی کوه‌نوردان است.

از دیگر آبشارهای استان تهران می‌توان به آبشار اوسون در دربند، آبشار پسنگ در مسیر پناهگاه شیرپلا ،آبشار سوتک در شمال غربی دربند و آبشار شکر آب در ناحیه میگون اشاره کرد.

آبشارهای فصلی دیگری در استان تهران وجود دارد که از ذوب برف ها در بهار و تابستان پدید می‌آیند. مانند آبشار فصلی پیچ آدران در کیلومتر ۱۵ جاده کرج- چالوس، آبشار سنگان در مسیر امامزاده داوود و آبشار منظریه در ناحیه شمیرانات.

آبشار یخ کوه دماوند نیز یکی از مشهورترین آبشارهای یخی جهان است.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=93888

vista.ir
Online Classified Service

آبگرم گیوی

منطقه خلخال شامل دو شهرستان خلخال و کوثر می باشد در این دو شهرستان در مجموع پنج آبگرم معدنی شناسایی شده است .

که دو چشمه به نامهای ایستی سو (آبگرم گیوی) و داش حمام در شهرستان کوثر و سه چشمه به نامهای آبگرم گرمخانه و آبگرم خوشنامه و آبگرم تیل در شهرستان خلخال می باشد.

از مجموع آبگرمهای فوق ایستی سو (آبگرم گیوی) شناخته شده و از تاسیسات مناسبی جهت استفاده برخوردار می باشد این آبگرم در ارتفاع ۱۷۲۰ متری از سطح دریا واقع است میزان آبدهی آن دو لیتر در ثانیه و دمای آب ۵۲ درجه سانتیگراد می باشد این آبگرم در مسیر جاده خلخال به اردبیل قرار داشته و با توجه به اینکه رودخانه زیبای هروچای و باغهای دو طرف رودخانه نیز در مسیر این جاده و در پایین دست آبگرم قرار دارند باعث بوجود آمدن مجموعه زیبا و طبیعی گردشگری در این منطقه شده که نظر هر بیننده ای را به طرف خود جلب می نماید.

از سایر مزایای این آبگرم که باعث شناخته شدن آن در اقسا نقاط کشور شده است جنبه درمانی آن در موارد درد مفاصل و گرفتگی اعضای بدن و درد کمر و سایر موارد می باشد که همه روزه شاهد حضور مسافران و گردشگران از این منطقه می باشد در حال حاضر امکاناتی چون استخر بهداشتی و مناسب کمپ و اتاقهای اقامتی و فروشگاههای مواد غذایی در محل مستقر بوده و وظیفه استقبال از میهمانان را بر عهده دارند.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97828

vista.ir
Online Classified Service

آبیانه در اصفهان

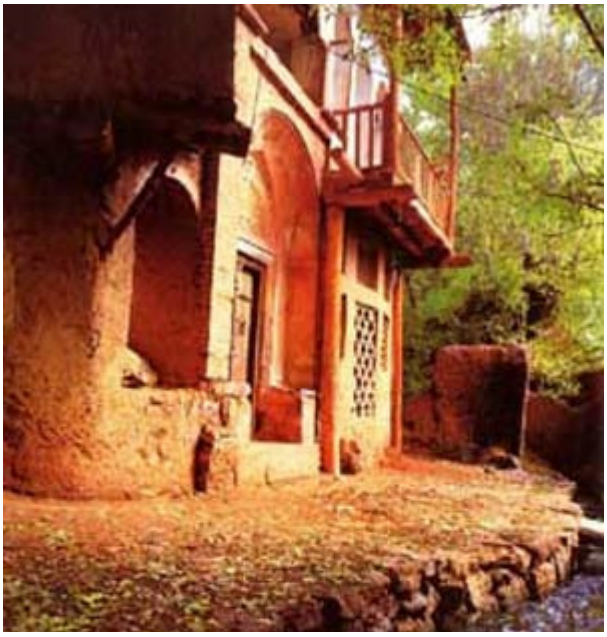

آبیانه روستای زیبایی در ۷۰ کیلومتری جنوب کاشان است. این روستا نمونه زنده ای از شیوه های معماری , آداب و رسومها و مثال جالبی از سازگاری انسان با طبیعت به شمار می رود. این روستا با داشتن کوچه های سراشیب و باریک , بسیار متراکم است و خانه های واقع شده در سراشیبی آن , همچون مسیر پلکانی می باشند. در اینجا سقفهای برخی از خانه ها به عنوان حیاط خانه های بالاتر در سراشیبی بکار می روند. در این روستا تعدادی ساختمانهای اسلامی و زرتشتی هم وجود دارند که همه اینها ارزش یک بازدید دقیق را دارند. این روستا در سراشیبی شمالی کوه کرکس و در ۲۸ کیلومتری شهر نطنز واقع شده است. آبیانه دارای آب وهوای معتدل است . آداب و رسوم و سنتهای مردم این منطقه همچون ساختمانهایش, تصویری زیبا از ایران قدیم را نشان می دهد. یونسکو , آبیانه را به عنوان یک روستای تاریخی ثبت کرده است.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91951

vista.ir
Online Classified Service

آتشکده در یزد

مهمترین آتشکده زرتشتیان , این آتشکده می باشد که بر روی تپه ای در باغی کوچک در قسمت شرقی خیابان آیت الله کاشانی واقع گردیده است. این آتشکده همه روزه صبح و عصر به استثنای تعطیلات رسمی برای بازدید عموم آزاد است. بازدید ازاین آتشکده رایگان است اما هدیه ها پذیرفته می شود. این آتشکده را درختان همیشه سبز احاطه کرده اند و یک استخر دایره ای شکل در حیاط آن قرار دارد که بازتاب بسیار زیبایی از معبد را در عکسبرداری هنری نشان می دهد. آتش مقدس که در پشت شیشه ای از داخل موزه کوچک نمایان است, بر طبق گفته های زرتشتیان ارشد , از سال ۴۷۰ پس از میلاد روشن بوده است و آنرا در سال ۱۹۴۰ از محل اصلی اش به این مکان آورده شده اند . این آتشکده تمام زرتشتیان را از سراسر دنیا به خود جذب می کند و در اینجا شخصی نیز وجود دارد که تمام چیزها را به زبان انگلیسی برای خارجیها توضیح می دهد. در اینجا همچنین دو نقاشی وجود دارد که توسط یکی از زرتشتیان ایجاد شده است. از نظر معماری شباهتهای زیادی بین این آتشکده و آتشکده های زرتشتی های ایرانی وجود دارد. مکانهای زرتشتی دیگری هم مانند قلعه اسدان (دژ شیرها) در شمال یزد وجود دارد . پر اهمیت ترین آتشکده, چک چک می باشد که در۵۲ کیلومتری شمال یزد قرار دارد.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94340

vista.ir
Online Classified Service

آتلانتیس

سالها پیش از ما مردمی روی زمین زندگی میکردند تمدنهایی که از آنها فقط افسانه هایی برای ما به یادگار مونده ...اما افسانه ها ریشه در حقایق دارند شاید سالها قبل تمدنهایی روی زمین زندگی میکردند که خیلی از الان ما پیشرفته تر بودند هیچ به درستی نمی دونیم ساختمانهایی با عظمت باورنکردنی چطور در اون زمانها ساخته میشدند! یکی از چنین تمدنهایی که همیشه محقق ها رو امیدوار نگه داشته سرزمینی که ازش در کتابهای تاریخ مکرر یاد شده سرزمین رویایی کاوشگران آتلانتیس همیشه مورد توجه من بوده من معتقدم که یک روز این شهر در زیر آبهای اقیانوس کشف خواهد شد و تعجب همگان را بر خواهد انگیخت داستان از این قراره که در میانه اقیانوس محلی ما بین آمریکای لاتین و آفریقا جایی که الان فرسنگها آب کستره این مکان رو پوشونده روزی سرزمینی وجود داشت جزیره ای بزرگ که مردمی با تمدن و علم فوق العاده زندگی میکردند مردمی که از روی ستاره ها نقشه های اخترشناسی ایجاد میکردن مردمی که کاخهای چند طبقه میساختند ارتشی که نامش تن هر دشمنی رو به لرزه می انداخت دانشمندان منجم ها فیزیکدان ها زبان شناسان تجار و خلاصه هر قشری از مرد در این سرزمین زندگی میکردند اما یک روز ناگهان جزیره شروع کرد به سقوط و غرق شدن در پهنه اقیانوس و از تمدن عظیم اتلانتیس قط نقشه های شهر و تعدادی اشیا و وسایل به یادگار موند ! بله اتلانتیس شهر زیبای افسانه ای شهری که سالها قرمانروای دریاها بود به راحتی نابود شد اما این داستان رو ما بارها شنیدیم شما هم همین طور خوب فکر کنید شما هم درباره این اتفاق زیاد شنیدید مادربزرگها بارها چنین داستانی رو برای بچه ها تعریف کردند به یاد دارید؟ داستان مردی که با کشتی از شهری در حال غرق شدن گریخت داستان مردی به نام نوح این دو داستان میتونند بی ربط نباشند شاید شهر افسانه ای اتلانتیس همون شهر اشنای خودمون باشه که پیامبر بزرگ خداوند نوح (ع) با کشتی تاریخی خود اونجا رو ترک گفت و شهر برای همیشه در اقیانوس خشم خدا فرو رفت به هر حال تمدن ها روزی به اوج میرسن و روزی نابود میشوند شاید روزی مردمی داستان ما رو هم برای هم تعریف کنند داستان سرزمین هایی که در آتش بمب های اتمی و هبدروژنی از بین رفت و از اون فقط خرابه های برجها و پلهای سوخته باقی موند تا سالها بعد مردمی دیگر روی خاکستر های جنگ افسانه ای گندم بکارند و با شمشیر در روی زمین زندگی تازه ای بنا کنند چه کسی میدونه ....

http://fara-ravan.blogfa.com/cat-۴.aspx

منبع : مطالب ارسال شده

http://vista.ir/?view=article&id=103327

vista.ir
Online Classified Service

آدامس جویدن ممنوع!

جمهوری ترکیه با مساحتی در حدود ۷۷۹ هزار کیلومتر مربع و با جمعیتی قریب به ۶۷ میلیون نفر در شمال غربی کشورمان قرار دارد. زبان رسمی مردم ترکیه، ترکی استانبولی و دین مردم آن نیز اسلام است. استانبول مهمترین شهر ترکیه به شمار می‌آید.

سالهاست که ترکیه به عنوان یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه در جذب توریسم است و هرساله میلیونها دلار از عواید حاصله وارد چرخه اقتصاد این کشور می‌شود. به همین علت آداب و رسوم ملل این هفته را با اماکن دیدنی ترکیه آغاز می‌کنم. یکی از این اماکن «قلعه وان» در استان وان کنار دریاچه وان است. این قلعه عظیم در بالای کوه قرار گرفته است و امروزه به شکل مخروبه‌یی است که ستونهای عظیم و دیوارهای سربه‌فلك کشیده آن، چشم هر بیننده‌یی را به خود جلب می‌کند.

«مقام ابراهیم» هم یکی دیگر از اماکن دیدنی ترکیه است که این محل در واقع چاهی است که مردم معتقدند شفابخش است. در مقام ابراهیم یك ساختمان زیبای توریستی و زیارتی بنا شده است که محل سکونت مسافرین است.

جالب است بدانید پرچم کشور ترکیه یك پرچم قدیمی است که در روی رنگ قرمز آن یك هلال ماه و یك ستاره سفیدرنگ دیده می‌شود. عامه مردم ترکیه در موردهلال روی پرچم چنین می‌گویند: «در سال ۳۳۹ پیش از میلاد، فیلیپ پدر اسکندر مقدونی قصد حمله و کشورگشایی داشت که درخشش شدید هلال ماه در شب، فیلیپ را ناکام کرد و وی موفق به تصرف نشد. هلال ماه سمبل امپراتوری بیزانس بود و بعدها نیز امپراتوری عثمانی آن را بر پرچم خود حفظ کرد. در اواسط قرن نوزدهم ستاره‌یی به پرچم ترکیه اضافه شد که الهام گرفته از سوره «طارق» قرآن کریم است و فضای آن ستاره بامدادی است.

خالی از لطف نیست که بدانید سالها جشن گرفتن نوروز برای مردم کردتبار ترکیه قدغن بود. اما چند سالی است که این جشن آزاد شده و مردم این منطقه براحتی به استقبال بهار و نوروز می‌روند. آنها با برگزاری این جشن از هویت فرهنگی و ملی خویش پاسداری می‌کنند. اگرچه اکثریت مردم ترکیه را مسلمانان تشکیل می‌دهند اما دولت این کشور یك دولت سکولار است. به همین علت در موسم ماه مبارك رمضان رستورانها در طول روز باز است. گرچه مسلمانان به احترام این ماه مبارك، رستورانهای خود را تا موقع افطار می‌بندند اما هیچ‌کس در بستن یا بازگذاشتن رستورانش مجبور نیست.

در ترکیه رسم است که مسلمانان با کباب ترکی و چای روزه خود را بگشایند و خرید و فروش در بازارهای ترکیه تا سحر ادامه دارد. در این میان شبکه‌های تلویزیونی هم بیکار ننشسته و اقدام به پخش برنامه‌های جذاب و مفرح می‌کنند. یکی از این برنامه‌های جذاب «پاپ استار» است. در این برنامه مردم عادی صدای خود را برای خوانندگی امتحان می‌کنند و هیات داوران نیز هر بار چند نفر را به جامعه هنری ترکیه معرفی می‌کنند.

چای پررنگ، تلخ، بی‌مزه و بی‌عطر و بو نوشیدنی محبوب مردم ترکیه است آنها با قهوه میانه خوبی ندارند. غذاهای محبوبشان نیز «کباب اسکندری» و «کباب دونر» است. اما از آنجایی که قیمت غذا و انواع شیرینی در ترکیه بسیار گران است از این رو کدبانوهای خانه بیکار ننشسته و سعی می‌کنند تا برای اعضای خانواده‌شان غذا و شیرینی بپزند. قیمت یك کیلو شیرینی در ترکیه تقریبا ۱۸ هزار تومان است و از آنجایی که سطح درآمد و میانگین معیشتی مردم پایین است آنها کمتر بیرون از منزل غذا سرو می‌کنند. ولی فکر نکنید کار رستوران‌دارها در ترکیه کساد است زیرا در هر فصلی از سال که به ترکیه بروید، توریست‌های فراوانی می‌بینید. چه در زمستان که توریست‌های عمدتا عرب برای اسکی به پیست‌های این کشور می‌روند و چه در تابستان که در بیم از گرما به سواحل ترکیه می‌روند.

در مورد ترکیه باید گفت که مردم متحمل پرداخت مالیات‌های سنگین هستند. هرگاه به این کشور رفتید حسابی مواظب باشید که به اماکن و وسایل عمومی این کشور آسیبی وارد نسازید زیرا در صورت مشاهده هرگونه تخلفی شما باید جریمه‌های سنگین پرداخت کنید. مردم ترکیه معتقدند علت اصلی پیشرفت کشورشان به رغم عدم برخورداری از معادن و سرمایه‌های طبیعی، همین مالیات‌های آنهاست.

امروزه موسیقی ترکیه در میان مردم کشورهای خاورمیانه از محبوبیت بالایی برخوردار است و به محض ورود آلبوم جدید از خوانندگان مطرح این کشور بسرعت در کشورهای مجاور به فروش می‌رسد. وقتی علت این امر را از یك آهنگساز جویا شدم، در پاسخ گفت: «موسیقی ترکیه حتی بدون کلام، با انسان حرف می‌زند، درددل می‌کند و به علت وجود حزنی که در موسیقی مشرق‌زمینی است بسرعت در دل می‌نشیند.»

از جمله جشن‌های ملی مردم ترکیه می‌توان به سالروز تولد و مرگ آتاتورك، جشن تاج‌گذاری اولین پادشاه عثمانی (که خود از عوامل جذب

توریست است)، فتح شهرهای مهم توسط آتاتورك و جشن يك هفته‌یی جمهوریت اشاره کرد.

در مراسم سالروز فوت آتاتورك مردم بمدت يك ربع به احترام او سکوت اختیار می‌کنند. آنها با پوشیدن کت و شلوار سرمه‌یی و کراوات قرمز در حالی که ساکت هستند، ادای احترام می‌کنند حال تصور کنید کسی سهوا حرف زده یا آدامس بخورد، چه می‌شود؟ این اتفاق برای یکی از رهبران محلی حزب حاکم ترکیه افتاد. «ویسل ویچی» رییس حزب عدالت و توسعه در شهر فتسا واقع در ساحل دریای سیاه، چندی پیش در حالی که به سمت مجسمه مصطفی کمال آتاتورك بنیانگذار ترکیه سکولار می‌رفت، آدامسی در دهان گذاشت. او قصد داشت به مناسبت هشتاد و هشتمین سالگرد تاسیس پارلمان ترکیه دسته گلی روی آرامگاه آتاتورك بگذارد. وی به اتهام توهین به آتاتورك به دادگاه احضار شد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که استانبول را شهر هزار مسجد می‌نامند.

بر روی هفت تپه این شهر، هفت مسجد قرار دارد که از مهمترین آنها «ایاصوفیه» و مسجد «سلطان محمود» است . اخیرا رویت این هفت تپه از فراز آسمان ممکن شده است و هلی‌کوپترهایی برای این منظور اختصاص یافته‌اند تا توریست‌ها را به تماشای این منطقه زیبای کشورشان به آسمان ببرند تا از آن ارتفاع این منظره را ببینند اما بخاطر هزینه بالای هلی‌کوپتر از آن استقبال نشد.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=223883

vista.ir
Online Classified Service

آرامش در اوج

کافی است اراده داشته باشید و وسایل پیاده‌روی و گردشگری را در طبیعت مهیا کنید. برای این سفر ابتدا باید شهر تهران را به سمت خاور به سمت دماوند ترک کنیم. راه دماوند و جاده آن خود شرحی جداگانه را می‌طلبد که از این مجال خارج است. به دماوند که برسیم، باید از مسیر دامداری هومند که تقریبا ۲۰ کیلومتر است راه را ادامه دهیم. جاده‌ای پرپیچ و خم و کوهستانی که بعد از روستای چنار جاده خاکی و سنگلاخ می‌شود. بهتر است برای رفتن به این مسیر از وسیله نقلیه استفاده کنیم.

هر چه این گردنه‌ها را بالاتر برویم، هوا سردتر می‌شود و منظره کوه پر صلابت دماوند برانسان سایه می‌افکند. در ابتدای مسیر به گروه‌های کوچکی برمی‌خوریم که در این منطقه ساکن هستند. به گفته مورخان، اهالی ساکن در اطراف این جاده، در زمان حمله مغول به این مکان پناه برده‌اند ولی به خاطر سرمای شدید و بارش زیاد برف به مناطق پایین‌تر مهاجرت کرده‌اند.

جاده دریاچه جاده‌ای سرد، خشک و کوهستانی است با پوشش کم گیاهی که می‌توان در بعضی از دامنه‌ها پوشش کم علفزارها را دید که چراگاه دام‌های عشایر که عمدتا سنگسری هستند را تشکیل می‌دهند. بعضی از این دامنه‌ها خاک نرم و شیب ملایم دارد و بعضی دیگر صخره‌ای و جولانگاه کل‌ها و بزهای کوهی است. شاید در هر دامنه بتوان تک درخت افرایی را دید که استراحتگاه کمیابی را برای جانوران این پهنه ساخته است.

اگر کمی دقت کنید و فریب استتار زیبای کبک‌ها را نخورید، می‌توانید دسته‌های مختلفی از آنها را در کنار جاده ببینید و شاید شانس دیدن پرواز عقابی را برفراز دره داشته باشید. راستی لذت تماشای جست وخیز سنجاب‌های زمینی را از دست ندهید.

گاهی بوته‌های قرمزی حواس انسان را از جاده می‌دزدد بوته‌هایی که همچون نگینی در این مکان می‌درخشند. بله بوته‌های وحشی زرشک که در بعضی دامنه‌ها به صورت تک و در برخی دیگر سطح وسیع‌تری را اشغال کردند. در مسیر از کف دره و از رودخانه‌ای کوچک عبور می‌کنیم تا راه را در کوه مقابل ادامه دهیم. کندوهایی که زنبورداران این منطقه در کنار این رود دارند، خود باعث عطری دل‌انگیز از شهد و عسل در این منطقه شده است. اینجا دره‌ای ساکت و آرام است که گهگاه با صدای زنگوله رمه‌ها یا صدای پارس سگ‌های گله شکسته می‌شود.

هوا دارد سردتر می‌شود؛ یک شیب دیگر تا دریاچه بیشتر نمانده است. در سمت چپ هم جاده‌ای به دره سیستان می‌رود که به گفته بومیان منطقه آثار باستانی فراوانی دارد و پای دستگاه‌های گنج‌یاب را به این منطقه کشانده است.

پس از این بلندی بالاخره به دریاچه تار می‌رسیم. دریاچه‌ای کوچک، زیبا، خاموش و پرابهت، دریاچه تار در ارتفاع حدود ۳۳۰۰ متری از سطح دریاهای آزاد و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۳ دقیقه و طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۵۱ دقیقه است.

دریاچه‌ای در اوج که بیشترین طولش حدودا ۵/۱ کیلومتر است که در جهت شمال‌غرب به جنوب شرق آرمیده و عمق آن در عمیق‌ترین نقطه به ۷۰ متر می‌رسد. درباره چگونگی تشکیل این دریاچه می‌توان به نظرات دانشمندانی همچون اشتال (۱۸۹۷)، البناخ (۱۹۷۲) و سهرابی (۱۲۷۳) رجوع کرد که همگی با اتفاق نظر و با بررسی شواهد به این نتیجه رسیده‌اند: شکل‌گیری دریاچه تار، عملکرد تواƒم راندگی مشا فشم (ابیک، فیروزکوه، شاهرود) و کوه لغزی پهلویی دریاچه (زرین‌کوه) نقش اساسی داشته و بدین ترتیب حرکات جوان این راندگی در زمان کواترنر سبب رانش‌بزرگی از زرین‌کوه و ایجاد پشته‌ای به بلندای ۵۰ متر شده که همچون سدی براین دره استوار شده است.

آنها که می‌خواهند شب را در دریاچه تار بمانند زمان قرص کامل ماه در آنجا باشند و در زیر نور مهتاب فیروزه‌ای، تار را نقره‌گون تماشا کنندآب این دریاچه حاصل جوشش چشمه‌های زیر آن و آب شدن برف‌ها از روی کوه‌های مشرف همچون قره‌داغ، شاه نشین، سیاه چالی و دو برار (دو برادر) و همچنین از سوی دیگر که آبراهه فعلی است، تامین می‌شود.

آب این دریاچه به نوبه خود جالب توجه است. آبی شیرین که ماهی‌هایی از جمله قزل‌آلای خال قرمز و رنگین‌کمان و ماهی زردپی در آن وجود دارد.

دریاچه ترکیبات شیمیایی خاص خود را دارد و سرشار از املاح است که براساس مطالعات لوفلرین (۱۹۵۰)، کلسیم، منیزیم، کربنات و... دارد.

اطراف این دریاچه هیچ پوشش گیاهی‌ای وجود ندارد. می‌گویند در گذشته‌ای نه چندان دور پوشش فراوانی از گیاه آویشن بوده که فرسایش این عطر و منظره را از اینجا برچیده است.

انتهای جاده و ابتدای دریاچه ساحلی تقریبا مسطح با شیب ملایم است که می‌شود در آنجا به استراحت پرداخت، ولی شاید بخواهید دور این دریاچه گشتی بزنید. اگر به سمت شمال این دریاچه از مسیر باریکی که وجود دارد حرکت کنیم، بعد از اولین پیچ به دامنه کوهی با خاک سرخ برخورد می‌کنیم که نشان دهنده ترکیبات متفاوت خاک در این قسمت از حاشیه دریاچه است و چشمه‌های کوچکی در این راه وجود دارند که بعضی از مناطق این جاده را لغزنده‌تر می‌کند. پس از چند دقیقه به مکانی وسیع و آبرفتی می‌رسیم که حاصل آبرفت رودها و مسیل‌های فصلی است که با خشک شدن این رودها در پایان آب شدن برف‌ها این پهنه چهره‌ای ترک فام برخود می‌گیرد که فضایی متفاوت را در این منطقه ایجاد می‌کند.

اگر کمی به خود سختی داده باشید و صبح زود هنگام طلوع آفتاب در این مکان باشید، می‌توان گله‌های حیوانات را که برای نوشیدن آب دریاچه آمده‌اند دید.

حتی شاید بتوانید چند راس گرگ را هم از نزدیک ببینید وگرنه باید به دیدن رد پای حیوانات اکتفا کنید. حدودا می‌توانید در کمتر از یک ساعت این دریاچه را دور بزنید و به نقطه شروع باز گردید.

برای ماهیگیری در این دریاچه باید سری به کانکس محیطبان‌ها که در انتهای جاده است بزنید و مجوز ماهیگیری بگیرید و قلاب در آب بیفکنید و در سکوت به انتظار بنشینید. البته شنا در این دریاچه سرد ممنوع است و شاید هم بهتر که کسی نمی‌تواند آرامش و سکوت آن را بر هم زند، سکوتی سحرانگیز که شاید قوی‌ترین انسان‌ها را از خود بی‌خود کند ولی از این سکوت در آخر هفته به خاطر هجوم گردشگران خبری نیست.

بهترین زمان برای رفتن به این دریاچه خرداد و تیر ماه است که طراوت و تازگی خاصی دارد و تازه از دل یخ و برف بیرون آمده است.

در راه برگشت کمی از آب چشمه‌ای که در کنار محیطبانی است بنوشید که بسیار گواراست. می‌توان مسیر برگشت را از راه دریاچه هویر انتخاب کنید و فیروزکوه را به سمت تهران بیاید که تقریبا مسیری طولانی (۹۸ کیلومتر) است.

و اما آنها که می‌خواهند شب را در دریاچه تار بمانند، امیدوارم زمان قرص کامل ماه در آنجا باشید و در زیر نور مهتاب فیروزه‌ای، تار را نقره گون ببینید و به صدای زوزه‌گرگ ها گوش دهید. با طبیعت یکی شوید و لذت ببرید.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=365141

vista.ir
Online Classified Service

آرامگاه امپراتور چین شی حوان

آرامگاه امپراتور چین شی حوان و دالان‌های مجسمه‌های گلی وسفالی سربازان واسبهایی که همراه امپراتور دفن شده‌اند :

آرامگاه چین شی حوان درشهر شی آن واقع در غرب چین به لحاظ ساختار و موضوع یکی ازبزرگترین آرامگاههای امپراتوران در جهان است. دالان‌های مجسمه‌های گلی و سفالی سربازان و اسبهایی گلی و سفالی که همراه امپراتور دفن شده‌اند همانند اهرام مصر شهرت دارد و هشتمین اعجاز جهان است. "چین شی حوان " نخستین امپراتور جامعه فئودالی چین (سال ۲۵۹ قبل از میلاد – سال ۲۱۰ قبل از میلاد) و در تاریخ چین فردی قابل توجه است. این امپراتور برای اولین بار چین را به وحدت رساند و تدابیری برای مساعدت به توسعه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی اتخاذ نمود. مثلا پول واحد – خط – اوزان و مقادیر (واحدهای طول و حجم و وزن). در ضمن به منظور جلوگیری از تعرض حکومت اقلیت ملی شمالی، او همچنین دیوار چین را برای دفاع در برابر حملات دشمن ساخت. این اقدامات موجب شده است که این امپراتور در تاریخ چین به عنوان سیاستمداری مشهور شناخته شود. ازسوی دیگر او فردی بسیار بیرحم و ولخرج بود و برای محدود کردن اندیشه‌های موجود ،در عملیاتی وحشیانه‌ای " کتاب‌ها را سوزانده و دانشمندان حامی کنفوسیوس را زنده به گور کرد " و کتاب هایی که با اراده و سلطه وی همخوانی نداشت به اتش ریخت و حتی دانشمندانی را که به لحاظ تفکر با وی نظریه متفاوت داشتند ،زنده به گور کرد در زمان وی برای ساخت ارامگاهش وقصرهای مجلل اموال مردم نیز مورد تطاول قرار گرفت. وی پس از به وحدت رساندن چین به ساخت ارامگاه خود مبادرت ورزید و ۷۰۰ هزار نفر را برای این کار به خدمت گرفت و ساخت این مقبره به مدت ۴۰ سال ادامه داشت. ارامگاه این امپراتور در" لی شان " حومه شهر شی ان استان شان سی چین به مساحت۵۶کیلومتر مربع دیده می‌شود طول ان از جنوب تا شمال در پایه ارامگاه ۳۵۰ متر و عرض آن از شرق تا غرب ۳۴۵ متر و ارتفاع آن۷۶ متر و شکل ان همانند هرم است. باستان شناسان پس از اکتشاف این اثر در اطراف ارامگاه وی ۵۰۰ دالان و قبرستان کسانی را که همراه وی دفن شده بودند یافتند مانند دالان ارابه مسی طویله اسب‌ها و دالان سربازان. کشف این ارامگاه به عنوان هشتمین اعجاز جهان بسیار اتفاقی و تصادفی بود . سال ۱۹۷۴ روستاییان محلی درصدد حفاری چاه بودند در حین حفاری آنان سفالین‌های شکسته را یافتند که مورد توجه قرار گرفت و پس از آن آثار دیگر از دل خاک بیرون کشیده شد. ۵۰۰ مجسمه سفالی ۱۸ ارابه چوبی و یک صد اسب سفالی از جمله کشفیات است. بلندای این مجسمه‌ها ۸/۱ متر است سیمای انها حقیقی است این مجسمه‌های سفالی مورد پسند مردم کشورهای جهان قرار گرفته و گردشگران خارجی که به چین آمده‌اند و از آنها دیدن کرده اند و رهبران کشورهایی که به چین سفر کردند نیز خواستار بازدید از این اثار تاریخی شدند. ریگان رییس جمهور سابق امریکا از این اعجاز بزرگ تقدیر کرد. به دلیل وجود فناوری در محافظت کشفیات و برای حفاظت بیشتر آرامگاه " چین شی حوان" ، چین قصد ندارد آرامگاه اصلی این امپراتور را حفاری کند. در سالهای اخیر دردالان‌هایی که همراه امپراتور دفن شده ۵۰ هزار شی مهم تاریخی از خاک بیرون امده از جمله ارابه‌های مسی گرانبها . این ارابه‌های مفرغی در سال ۱۹۸۰ کشف شد بخشی از قطعات یدکی آن را تزیینات طلایی و نقره‌ای شامل می‌شود. اندازه آنها یک دوم اشیای واقعی است. امپراتور یاد شده قصد داشت پس از مرگ نیز سلطه‌اش ادامه یابد اما سه سال پس از مرگش قیام کشاورزان بر پا و سلسله چین برانداخته شد. اما این آرامگاه که به لحاظ دامنه وسیع و گنجینه‌های ان بیشتر است بیش از دو هزار سال در زیر خاک مدفون گردید. با توجه به ارزش بس عظیم تاریخی این آرامگاه ، سال ۱۹۸۷ یونسکو آنرا به عنوان میراث فرهنگی جهان به ثبت رساند.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8711

آسیب های مهاجرت بر نوجوانان

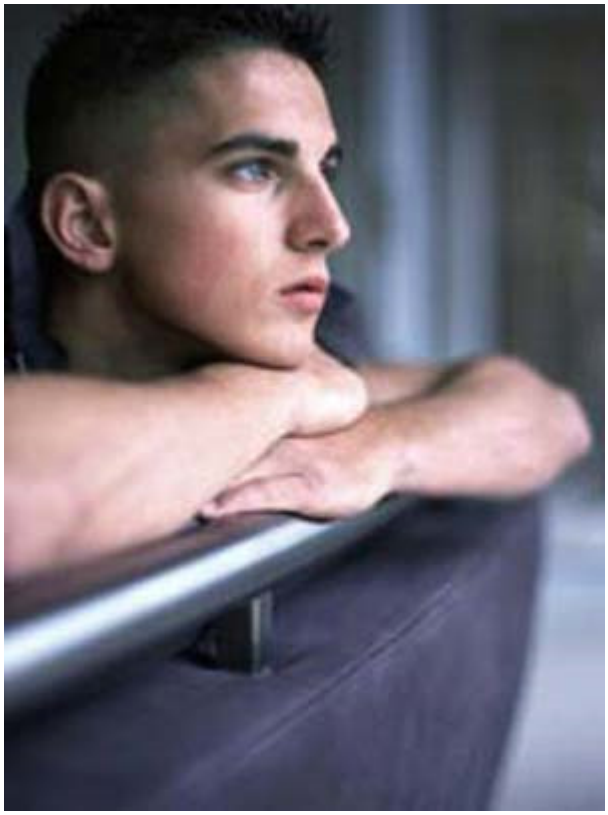

با ازدواج غیابی از ایران به اروپا مهاجرت کرد. بیست سال پیش وقتی پسرش پنج ساله بود به دلیل بیماری عصبی شوهرش از او جدا شد و بعد از چند سال تعقیب و گریز و تهدیدهای جانی از طرف شوهرش ناگزیر به مهاجرت دوم شد.این بار مقصد کانادا بود. تنها، با پسر ۱۳ ساله اش.

▪ خاطرات دوران تازه مهاجرت را این طور شروع می کند:

"اولین جایی که رفتیم شلتر (خوابگاه) بود. سه ماه زندگی در سرپناه زنان و بعد هم زندگی پر فراز و نشیب گذشته، هم مرا عصبی کرده بود و هم پسرم را.

خیلی زود عصبی می شدم، گاهی هم کنترل از دستم می رفت و او را به باد کتک می گرفتم. بلکه درس بخواند و مدرسه برود."

افراد در مهاجرت والدین در فضای جدیدی قرار می گیرند. موقعیت اجتماعی فرد تنزل می کند، اوضاع اقتصادی خانواده در حد نازل تری قرار می گیرد. از سویی نا آشنایی با زبان و فرهنگ کشور میزبان و...گاه احساس حقارت و شهروند درجه دوم بودن، همگی می تواند تاثیر مخربی در رابطه والدین و کودکان داشته باشد و تربیت کودکان را تحت الشعاع قرار دهد و آن را به مساله فرعی تبدیل کند و همه اینها وقتی با خشونت والدین همراه می شود، در نهایت به متلاشی شدن روابط آنها با کودکان می انجامد.

▪ عباس آزادیان، روانپزشک مقیم تورنتو

صدای ضعیف و گرفته "مینا" از پشت خطوط تلفن چندین و چند بار، حین گفت و گو خاموش می شود. تا او بتواند آرامش قبلی را به دست بیاورد: بغض و گریه و درد.

ولی ادامه می دهد: "اوایل با تنبیه و تهدید و قهر و خلاصه هر وسیله ای بود، وادارش می کردم برود مدرسه ولی کم کم دیگر همه چیز بی اثر بود. تا اینکه رفته رفته مدرسه را کنار گذاشت. مشروب و سیگار و دیسکو شده همه چیز برای او. یک سال تمام ترک تحصیل کرد. یک بار هم که اعترض کردم سه هفته خانه نیامد."

او نه از جامعه ایرانیان، نه از مدرسه و نه از هیچ جای دیگر کمکی دریافت نکرد. سه سال و نیم است که مرتب به روانپزشک مراجعه می کند. از او می پرسم چرا تا به حال تنها ماندی و ازدواج نکردی؟ می گوید: "همان تفکر غلط ایرانی. نمی خواستم کسی به پسرم کمتر از گل بگوید."

پرخاشگریهای مهرداد ۱۷ ساله حالا دیگر ظاهرا تنها به کلام او محدود نمی شود، چنانچه مینا می گوید: "حالا دیگر دست روی من دراز می کند و مرا به باد کتک می گیرد. همین چند وقت پیش زد و دستم را شکست. هنوز هم سه تا از انگشتان دستم حس ندارند."

پرخاشگریهای مهرداد ۱۷ ساله حالا دیگر ظاهرا تنها به کلام او محدود نمی شود، چنانچه مینا (مادرش) می گوید: "حالا دیگر دست روی من دراز می کند و مرا به باد کتک می گیرد. همین چند وقت پیش زد و دستم را شکست. هنوز هم سه تا از انگشتان دستم حس ندارند."

ولی او با همان حس مادرانه بخشی از تقصیر را به گردن می گیرد و کم حوصلگی و از کوره در رفتن های خودش را عامل تشدید تنش های خانگی می داند. علاوه بر آنکه عوامل محیطی، جامعه دوستان، مدرسه و حمایت های زیاد حقوقی از بچه ها را از عناصری می داند که در تغییرات شخصیتی فرزندش تاثیر زیادی داشته است.

▪ روایت شهریار

شاید کم نباشند کودکان و جوانان مهاجر ایرانی که به نوعی از آسیب های روانی بعد از مهاجرت رنج می برند.

چنانچه دامنه این مشکلات گاه آنها را تا مرز افسردگی های شدید، پرخاشگری و اختلال در روابط اجتماعی پیش می برد.

همانطور که شهریار ۲۰ ساله را برای سالیان متوالی به سکوت فرو برد: ۹ سال پیش وقتی ۱۱ سال بیشتر نداشت قاچاقی با مادر و برادر کوچکترش به کانادا، پیش پدرش، آمدند.

دوری چند ساله پدر شهریار از خانواده و اختلافات خانوادگی زندگی مشترک پدر و مادر او را از هم می پاشاند.

"از آن به بعد هر کار کردم مدرسه نرفت. من هم که ناچار بودم برای تامین مخارج زندگی از صبح تا شب بیرون از خانه کار کنم. وقتی از کار برمی گشتم می دیدم رفته ساعتها تو کمد اتاق ایستاده. روزی می شد که ۱۰ ساعت توی کمد می ماند. من هم خسته بودم و بی حوصله، کتکش می زدم. وقتی هم که نتیجه نمی گرفتم پلیس را خبر می کردم، می آمدند میبردنش."

اینها را مادرش برای ما بازگو می کند و می گوید: "هر بار که می بردمش بیمارستان روانی، ولش می کردند. می گفتند مشکل خاصی ندارد. خواستم ببرمش پیش روانپزشک یک بار آمد، دیگر نیامد."

برابرآمار ارایه شده از سوی آژانس بهداشت عمومی کانادا خودکشی جوانان به دلیل افسردگی و احساس تنهایی دومین عامل مرگ و میر این گروه بعد از حوادث موتور سواری به شمار می رود.

شهریار رفته رفته از خانه فراری شد. نه کار و نه درس. گاهی فقط می رود کافی نت، بازی کامپیوتری را خیلی دوست دارد. گاهی هم وقتی هوا نامساعد به خانه پناه می آورد. یا یک جا می نشیند و به یک نقطه خیره می شود، یا یک دفعه شروع می کند به کوبیدن در و پنجره بی آنکه حرفی بزند.

به هر حال شاید بتوان نمونه های این چنینی را زیاد در جامعه مهاجران دید، اما آنچه بدیهی است آن که، همچنانکه مهاجرت می تواند شرایط رشد و تعالی را در دسترس افراد قرار دهد، از طرفی هم مسایل و مشکلات عدیده ای را به خانواده تحمیل می کند.

● خشونت ممنوع!

تفاوت فرهنگی، مشکل زبان، مشکلات و درگیری های خانوادگی، محیط مدرسه و جامعه دوستان همگی می تواند منشا بروز استرس و مشکلات روانی و رفتاری در کودکان و نوجوانان بعد از مهاجرت باشد و به گفته دکتر عباس آزادیان روانپزشک ایرانی مقیم تورنتو، عواقب وخیمی را برای آنها در پی داشته باشد.

برابرآمار ارایه شده از سوی آژانس بهداشت عمومی کانادا خودکشی جوانان به دلیل افسردگی و احساس تنهایی دومین عامل مرگ و میر این گروه بعد از حوادث موتور سواری به شمار می رود.

در میان تمامی عوامل یاد شده، صاحبنظران بر نقش خانواده در کاهش آثار منفی مهاجرت در کودکان و جوانان تاکید می کنند.

استفاده از روشهای ناهنجار تربیتی و بویژه اعمال خشونت در روابط با فرزندان می تواند برای همیشه روابط والدین با فرزندان را در مهاجرت متلاشی کند.

دکتر آزادیان معتقد است: "افراد در مهاجرت والدین در فضای جدیدی قرار می گیرند. موقعیت اجتماعی فرد تنزل می کند، اوضاع اقتصادی خانواده در حد نازل تری قرار می گیرد. از سویی نا آشنایی با زبان و فرهنگ کشور میزبان و...گاه احساس حقارت و شهروند درجه دوم بودن، همگی می تواند تاثیر مخربی در رابطه والدین و کودکان داشته باشد و تربیت کودکان را تحت الشعاع قرار دهد و آن را به مساله فرعی تبدیل کند و همه اینها وقتی با خشونت والدین همراه می شود، در نهایت به متلاشی شدن روابط آنها با کودکان می انجامد."

نتیجه، در چنین شرایطی، از دست رفتن امکان داشتن تاثیر مثبت در سرنوشت وتصمیمات آتی کودکان است. احساس سردرگمی، پوچی و بی هدفی در زندگی وقتی به سراغ کودک می آید و عدم تمایل به ادامه تحصیل در مدرسه، اعتیاد به مواد مخدر، الکلیسم وانواع کارهای خلاف را برای او به ارمغان می آورد.

دکترآزادیان در مقاله ای می نویسد: "تنبیه بدنی و فیزیکی و حتی تهدید و توهین لفظی، انواع خشونت در خانواده به شمار می آیند که در دوران

مهاجرت عواقب ناهنجاری را برای کودکان در پی دارند و از طرف دیگر سیکل ودایره خشونت را دایمی می کنند چنانکه چنین کودکانی برای تربیت فرزندان خود در آینده راهی جز اعمال خشونت نخواهند داشت."

● کودکان تنها

در کنار مشکلاتی چون فقر در خانواده های مهاجر، پذیرش فرهنگ جدید، زبان و رویارویی با برخی از انواع تبعیض ها در جامعه و مدرسه، آنچه کودکان مهاجر را بیشتر از همه تهدید می کند، حس تنهایی و گاه ترس در آنان است.

نتایج یک پژوهش ۵ ساله در مرکز عالی آموزشی هاروارد، ۸۵ درصد کودکان مهاجر طی سالهای اخیر (در منطقه بوستون و بی) در دوران مهاجرت از یکی از والدین خود جدا شدند.

همانطور که یکی از مدیران مدارس تورنتو می گوید، کودکانی که تنها با یک نفر از والدین زندگی می کنند درصد بالایی را به خود اختصاص می دهند.

برای مهار حس تنهایی در کودکان صاحبنظران بر نقش خانواده ها تاکید دارند. برقرای روابطی سالم و دوستانه و در عین حال گذراندن وقت با کودک و نوجوان به شکل های گوناگون راهی است که شاید برخی مواقع به دست فراموشی سپرده شود.

در این زمینه دکتر آزادیان می گوید: "جمله ای که متاسفانه از بسیاری از پدر ومادرها می شنویم این است که: ما که دوست بچه ها نیستیم. متاسفانه والدین ازاین عبارت برداشت غلطی در ذهن دارند. ما از دوست به بچه ها نزدیک تریم ومی توانیم بیشتر از هر دوستی به آنها عشق و علاقه نشان دهیم، با آنها همراهی کنیم و همدل آنها باشیم ولی باید روش های درست تربیتی را بیاموزیم."

● ایجاد احساس گناه = سرکوبی اراده در کودکان

تغییر شرایط زندگی فرهنگی، اجتماعی واقتصادی و احیانا آزادی های بیشتر فردی و حمایت های حقوقی از کودکان در کشور مقصد، گاه خانواده ها را به انتخاب شیوه تربیتی ناهنجار دیگری هدایت می کند که آن ایجاد احساس گناه در کودکان است.

"پیام این عده از والدین به فرزندانشان این است که اگر مطابق دستور آنها رفتار نکنند، کودکانی گستاخ و بی ارزش هستند. از طرفی ممکن است در آنها ترس ایجاد کنیم که در صورت عدم توجه به تعالیم و دستورات ما، عشق و علاقه ما را از دست خواهند داد." اینها نکاتی است که دکتر آزادیان یادآور می شود.

حاصل نهایی این برخوردها خرد کردن اراده کودکان است و به بار آوردن کودکانی مطیع، آنچنان که این روانپزشک ایرانی اعتقاد دارد. و پیامد استفاده از این شیوه ناهنجار تعلیم و تربیت، تحویل انسانهایی بی اراده، ضعیف و بدون اعتماد به نفس به جامعه است که همواره دچار وابستگی دایم به والدین خود هستند.

● تازه واردین در معرض خطر

آمار ارایه شده از سوی شورای توسعه اجتماعی کانادا نشان می دهد که در سال ۱۹۹۸ حدود دو میلیون جوان ۱۵ تا ۱۹ ساله در این کشور زندگی می کنند و این در حالی است که مهاجران تازه وارد به این سرزمین مهاجرخیز در بیش از سایرین در معرض بی کاری، ترک تحصیل، و ابتلا به مشکلات روحی و اخلاقی مختلف هستند.

مینا خلمی، مسئول امور جوانان انجمن زنان افغان در انتاریو می گوید: "مشکل بزرگی که جوانان مهاجر را تهدید می کند، عدم وجود ارتباطی مناسب بین والدین و آنها است. این ارتباط در جامعه مهاجران افغان خیلی ضعیف است. خانواده ها بعد از مهاجرت از تاثیر شرایط فرهنگی محیط جدید بر فرزندان خود ترس دارند و بر همین اساس اقدام به اعمال فشار می کنند. حتی بسیاری از دختران افغان به دلیل تابو بودن خیلی از مسایل از جمله دوستی با جنس مخالف اجازه شرکت در گارگاههای آموزش سلامت را که ما در انجمن برگزار می کنیم ندارند و به همین دلیل از سطح معلومات پایینی برخوردارند. بسیاری از آنها حق بیرون رفتن از خانه را ندارند. فقط مدرسه، خانه و نگهداری از خواهران و برادران خود در خانه. در حالی که پدر و مادر هر دو بیرون از خانه مشغول کار هستند و اینها همگی آسیب های غیرقابل جبرانی را به جوان مهاجر می زند."

او شیوع درصد بالای اعتیاد به مواد مخدر در جوانان مهاجر افغان، ترک تحصیل از مدرسه، رفتن به کلوپ های شبانه و استفاده از الکل و مشکلات افسردگی و گاه خودکشی در این گروه را از مشکلات مبتلا به این گروه می داند و تاکید می کند:"بسیاری از خانواده ها نیاز به آموزش های جدی دارند."

تردیدی نیست که جمع زیادی از مهاجران خانه و کاشانه خود را به صرف ساختن آینده ای درخشان برای فرزندان و داشتن فرزندانی برومند ترک می گویند، اما گاه با غفلت از نقش و رسالت مهم خود، ناخواسته از آمال خود فاصله می گیرند.

بدون نادیده گرفتن نقش برنامه ریزان اجتماعی در حمایت از کودکان و جوانان مهاجر از یک طرف و ضرورت ایجاد تشکل های قومی منسجم و فعال در کشورهای مهاجر پذیر، باید گفت که پدران و مادران در این میان نقشی دیگر ایفا می کنند.

منبع : پایگاه اطلاع رسانی پزشکی ایران سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=227379

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با "دلتا ورکز" هلند

دلتاورکز مجموعه‌ای از اقدامات ساختمانی است که بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۹۷ در جنوب غرب هلند برای جلوگیری از پیشروی دریا در دلتای راین-مویزه -شلت انجام شده است.

این مجموعه کارهای ساختمانی از سوی انجمن مهندسان عمران آمریکا به عنوان یکی از عجایب هفت‌گانه دنیای مدرن معرفی شده‌اند.

این مجموعه شامل سدها، کانال‌های آب، اهرم‌های کنترل جریان آب، خاک‌ریزها و چندین سیل‌گیر است. هدف از ساخت چنین سازه‌هایی کوتاه کردن خطوط ساحلی هلند و در نتیجه کم‌کردن تعداد خاک‌ریزهایی است که باید برای جلوگیری از نفوذ آب دریا در خشکی ساخته شود.

- تاریخچه ساخت

دهانه‌های رودهای راین، مویزه و شلت قرن‌ها عامل بروز سیل‌های مخرب در هلند بوده است و از قرن‌ها پیش جلوگیری از این سیل‌های در ذهن هلندی‌ها بوده است. در طرح هلندی‌ها برای ساخت مجموعه دلتاورکز، تبدیل دهانه‌ها رودخانه‌ها به دریاچه موضوع اصلی پروژه بود.

طرح ساخت این پروژه در دهه ۳۰ میلادی مطرح شد اما با وقوع جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۵۰ به تعویق افتاد. پس از سیل دریای شمال در سال ۱۹۵۳ کمیسونی برای بررسی طرح‌های پیشین تشکیل شد و در نهایت پروژه دلتا دوباره مطرح شد.

با شروع کار چندین سد بزرگ در دلتا ساخته شد و در کنار آن عملیات راه‌سازی و ایجاد راه‌های دریایی برای این که زندگی اقتصادی مردم دچار مشکل نشود پیش برده شد. این طرح در نهایت در سال ۱۹۹۷ به پایان رسید.

دولت هلند این طرح را بزرگ‌ترین عملیات عمرانی برای مقاله با سیل در جهان معرفی کرده است. در این طرح ۱۶ هزار و ۵۰۰ کیلومتر خاکریز و ۳۰۰ سازه عمرانی ساخته شده است. در حال حاضر هم خاکریزهای این طرح هر ساله برای مقابله با افزایش سطح آب بلندتر می‌شوند وا نتظار می‌رود این اقدام تا سال ۲۰۱۵ ادامه داشته باشد.

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=124820

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با باغ فردوس

باغ و عمارت ییلاقی فردوس در اراضی محمدیه با دو عمارت در شمال و جنوب به دستور محمد شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰) ساخته شد که عمارت شمالی به کلی ویران و عمارت جنوبی فعلا پا برجاست.

این باغ به شماره ۱۸۷۶ مورخ ۱۱/۵/۷۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. تاریخ بنای باغ فردوس به دوران محمدشاه که سومین پادشاه قاجار بود می‌رسد. پایه این باغ و عمارت ییلاقی را حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه ریخته است.

عمارت باغ فردوس در قسمت شمالی باغ ساخته شده است و از ابتدا به صورت کاخ و محل اقامت اعیان، تزئین شده است. مساحت باغ۲۰ هزار متر مربع و طولش در حدود ۲۸۰ متر و مساحت عمارت ۱۰۰۰ متر مربع، شامل سه طبقه و نیم، به عرض ۲۶ متر و به طول تقریبا ۳۴ متر است. شیب زمین آن از شمال غربی به جنوب شرقی است و تندی این شیب به حدی است که کف طبقه اول بنا با قسمت جنوبی باغ و سقف آن با قسمت شمالی باغ هم سطح است.

بعد از فوت محمدشاه در سال ۱۲۶۴ هـ . ق، ناصرالدین‌شاه اراضی اطراف این باغ را از مالکان خرید و به باغ افزود و پس از اینکه دختر خود را به معیرالممالک، پسر نظام‌الممالک، داد این باغ را به عنوان هدیه ازدواج به او بخشید و از او خواست ساختمان عمارت جنوبی را تمام کند. معیرالممالک که خود معمار بود پس از خرج مبالغی هنگفت ساختمان را به اتمام رساند و مراسم عروسی را در همین باغ برگزار کرد.

پس از فوت نظام‌الدوله، این باغ و ساختمان به پسرش دوست‌علی خان معیرالممالک، رسید. دوست‌علی خان به باغ و ساختمان آن اهمیتی نمی‌داد و هر وقت به ییلاق می‌آمد، نزدیک مظهر قنات زیر چنارها برای خود خیمه و خرگاهی بر پا می‌کرد. در نتیجه به دلیل عدم مراقبت و رسیدگی این ساختمان رو به خرابی گذاشت. او سنگهای مرمر بنا را از جا کند و در نمای عمارت امیریه (مدرسه نظام فعلی) به کار برد.

حاجی میرزا حسین پسر حاجی میرزا خلیل، تاجر شیرازی که در سرای امیر حجره داشت باغ فردوس را از دوستعلی خان معیرالممالک خرید و دست به تعمیرات آن زد. پس از او میرزا حسین تهرانی در سال ۱۳۰۸ هـ . ق مالک باغ شد. در حدود سال ۱۳۱۸ هـ . ق در زمان مظفرالدین‌شاه، میرزا اسماعیل خان امین‌الملک، برادر امین‌السلطان اتابک، آنجا را خریداری کرد. در حدود سال ۱۳۲۹هـ . ق برای سومین بار این باغ رو به خرابی گذاشت. محمد ولی‌خان سپهسالار تنکابنی (خلعتبری) آن را از ورّاث امین‌الملک به مبلغ ۱۸هزار تومان خرید.

تجارتخانه طومانیانس که از محمد ولی‌خان سپهسالار مبلغی طلبکار بود برای وصول طلب خود به عدلیه مراجعه کرد. مراجع امر هم پس از رسیدگی، باغ و عمارت را در مقابل طلب به طومانیانس دادند. پس از چندی دولت وقت در مقابل وجهی که از طومانیانس طلبکار بود باغ را ضبط کرد و اراضی آن را متری ۲ تومان و ۳ تومان به کارمندان وزارتخانه‌ها فروخت که قیمت آن را پنج ساله به اقساط بپردازند. قسمتی که باغ فردوس کنونی است در سال ۱۳۱۶ هـ .ش. به دستور علی اصغر حکمت، وزیر معارف، خریداری شد و عمارت آن مرمت گردید و دبیرستان شاپور تجریش در آنجا دایر شد.

در دوران پهلوی دوم، این بنا به دفتر برنامه‌ریزی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله اختصاص یافت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اختیار صدا و سیما و بعد از آن زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مرکز اسلامی آموزش فیلم‌سازی تبدیل و سپس با هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

بنیاد سینمایی فارابی، سازمان میراث فرهنگی کشور و شهرداری تهران برای محل دائمی «موزه سینما» در نظر گرفته شد و موزه سینما در ۲۸ شهریور ۱۳۸۱ با حضور رئیس‌جمهور وقت، رسماً افتتاح شد.

فاطمه حیدری - هما ایرانی بهبهانی

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=119395

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با پل گلدن گیت

گلدن گیت پلی معلق است که در سانفرانسیسکو آمریکا قرار دارد.

این پل در دهانه خلیج سانفرانسیسکو قرار دارد . گلدن گیت سانفرانسیسکو را از بخش شمالی به مارین کاونتی متصل می‌کند. گلدن گیت هنگامی که در اواخر دهه ۳۰ میلادی به بهره‌برداری رسید تا سال‌ها با ۲۷۳۷ متر طول بلندترین پل معلق جهان بود.

- تاریخچه پل

این پل در واقع میراث عصر مناقشه، اختلاف و درگیری است. گلدن گیت در دهه‌ای ساخته شد که هنوز رکود اقتصادی آمریکا در آن احساس می‌شد. پیش از پایان مراحل ساخت این پروژه عظیم در سال ۱۹۳۷ همگان احداث آن را غیرممکن می دانستند، بویژه آن که در زمان ساخت این پل مه غلیظ و بادهایی با سرعت ۶۰ مایل، عملیات احداث را با مشکل مواجه کرده بودند. همین امر سبب شده تا بسیاری این پل را غیرقابل ساخت بدانند.

به رغم این شرایط جوی و طبیعی وحشتناک گلدن گیت طی چهار سال و اندی ساخته شد. در این مدت نسبتاً طولانی ۳۵ میلیون دلار صرف احداث این پل شد.

طی دوران ساخت این پل حوادث دلخراشی نیز اتفاق افتاد که از جمله آنها می توان به مرگ ۱۱ نفر از کارگران اشاره کرد.

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=124553

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با جاذبه‌های گردشگری جزیره کیش

جزیره کیش با ۹۰ کیلومتر مربع مساحت یکی از زیباترین جزایر خلیج فارس است که در ۱۸ کیلومتری کرانه جنوبی ایران واقع شده است.

کیش از طبیعتی زیبا و منحصر به فرد بر خوردار است. سواحل آرام با ماسه‌های مرجانی آب زلال دریا که شفافیت کم نظیر آن، امکان مشاهده انواع آبزیان را در عمق چند متری مقدور می‌سازد.

پوشش گیاهی مناسب و سر سبز و باطراوت این جزیره به ویژه در ۷ ماه از سال چشم‌اندازی زیبا و تماشائی به آن بخشیده است که سالانه حدود یک میلیون نفر از دوستداران طبیعت و دریا را به سوی خود جلب می‌کند.

● مساجد کیش:

کیش دارای ۷ مسجد و حسینیه است، مسجد امیر(ع)، مسجد خاتم الانبیاء و مسجد نور از بزرگترین مساجد کیش هستند.

مسجد خاتم الانبیاء (ص) که مناره‌های آن سر به آسمان کشیده و رو به سوی دریا دارد در منطقه سفین، سمت شمال غربی جزیره واقع شده و از مهمترین بناهای مذهبی کیش به شمار می‌آید و نمازهای جماعات و جمعه در این محل برگزار می‌شود.

مسجد امیرالمومنین (ع) دارای بافت معماری بسیار قدیمی است و در سال ۱۳۷۰ توسط سازمان میراث فرهنگی ایران بازسازی شده و در منطقه ماشه واقع می‌باشد.

از دیگر مسجدهای زیبا و قدیمی کیش مسجد جامع نور می‌باشد که سبک معماری آن ترکیبی از هنر ایرانی و اسلامی است. این مسجد در منطقه سفین واقع شده و متعلق به مسلمانان اصل سنت است.

● آثار باستانی جزیره:

کیش در روزگارانی بسیار دور منطقه آبادی بوده و یکی از قطب‌های تجارت میان چین و اروپا و شمال آفریقا بوده است.

گرچه هنوز بررسی‌های باستان شناسی وسیعی در نقاط مختلف جزیره به عمل نیامده، اما در هر گوشه جزیره می‌توان آثاری از گذشتگان را مشاهده کرد که هر کدام یادآور دوران مجد و عظمت این جزیره بوده است.

در جریان فعالیت‌های عمرانی جزیره کیش و در برخی از پژوهش‌های باستان شناسی محدود گذشته آثاری در سطح جزیره پیدا شده است که ارزش فراوانی دارد و مجموعه جذابی را تشکیل می‌دهد که بخشی از آن در ساختمان کانون هنر در معرض بازدید عموم قرار دارد.

سکه‌های ایرانی و خارجی مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی، ظروف مسی، مفرغی و سفالین، سنگ نوشته‌های اوایل دوره اسلامی (به خط کوفی)، سنگ قبر و یک عراده توپ از جمله آثاری هستند که در معرض دید قرار دارند.

عملیات اکتشافی باستان‌شناسی بقایای شهر تاریخی جزیره در سه مجموعه مجزا انجام شده است:

● خانه اعیانی:

خانه اعیانی یادآور خانه‌های چندخانوار قدیمی در داخل فلات ایران و در شهرهایی چون یزد، اصفهان و کاشان است و یکی از نمونه‌های قدیمی مسکن جمعی در حاشیه خلیج فارس محسوب می‌شود.

علاوه بر وسعت خانه و همچنین فضاهای مختلف و متنوع آن، کاشی‌های ستاره‌ای شکل که در این خانه به دست آمده است، همانند کاشی‌هایی که زینت بخش بناهای مهم ایلخانی ایران همچون تخت سلیمان و سلطانیه به کار رفته است.

● بخش کارگاهی و صنعتی:

این مجموعه درست در کنار دریا ساخته شده و دارای معماری و فضاهای ناشناخته‌ای است.

مجموعه کانال‌های افقی و زیرزمینی و چاه‌های متعدد در گوشه و کنار، مجموعه بسیار جالب و نادری را تشکیل می‌دهد که هنوز عملکرد آن‌ها

روشن نیست، اما به نظر می‌رسد که ارتباط مستقیم، با فعالیت‌های صیادی (صید ماهی، مروارید و مرجان) داشته و برای دسترسی آسان‌تر به دریا احداث گردیده است.

- مجموعه حمام:

شامل حمامی است با صحن‌های متعدد و حصار آن به مساحت تقریبی ۵۰۰ مترمربع. سربینه و گرمخانه و تون حمام در جنوب بخش ذکر شده قرار گرفته و توسط راهرو سرپوشیده‌ای از آن جدا شده است.

- شهر زیرزمینی کاریز:

قنات کیش بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت دارد و از آب شیرین قابل شرب ساکنان جزیره را تامین می‌کرده ولی اکنون به یک شهر زیر زمینی شگفت انگیز بدل شده که بیش از ۱۰۰۰۰ متر مربع وسعت دارد.

شهر زیر زمینی کاریز در فاز یک شامل غرفه‌های صنایع دستی ایران و جهان، رستوران سنتی و جدید، موزه سالن آمفی‌تئاتر سالن کنفرانس، گالری‌های هنری است.

شهر کاریز در عمق ۱۶ متری زیر زمین قرار دارد. سقف آن ۸متر ارتفاع و بیشتر سقف آن مملو از سنگواره، صدف و مرجان‌هایی است که با نظر کارشناسی ۲۷۰ تا ۵۷۰ میلیون سال قدمت دارد و تک تک آن شناسایی و دارای شناسنامه رسمی است.

کارگزاران شهر زیر زمینی بر این باورند که دو ویژگی کاریز را در فهرست ابنیه جهانی درخواهد آورد.

خاک‌های برداشت شده از کاریز دارای خواص درمانی زیادی است که در گل درمانی استفاده‌های فراوان خواهد داشت.

- آب انبارهای سنتی:

در جزیره کیش، مانند بسیاری از نقاط کم آب کشور، در دهه‌های گذشته از آب انبارهای مخصوصی برای ذخیره آب‌های حاصل از نزولات آسمانی استفاده می‌شد.

این آب انبارها در انتهای آبگیرهای طبیعی در عمق زمین در جزیره کیش، مانند بسیاری از نقاط کم آب کشور، در دهه‌های گذشته از آب انبارهای مخصوصی برای ذخیره آب‌های حاصل از نزولات آسمانی استفاده می‌شد.

- کشتی یونانی:

در غرب جزیره و در نزدیکی مجتمع غروب کیش، یک کشتی عظیم الجثه در سواحل نیلگون کیش جا خوش کرده است که به کشتی یونانی معروف است. کشتی یونانی از نظر تاریخی قدمت و اهمیت چندانی ندارد. این کشتی در ۴ مرداد سال ۱۳۴۵ که از بندر امام خمینی (ره) عازم یونان بوده است به گل نشست و ۸۰ روز تلاش اورینوکو، یدک‌کش هلندی برای بیرون کشیدن این کشتی به ثمری نرسید.

- سواحل کیش:

خاک کیش ساختار مرجانی دارد و با رنگ نقره فام در زیرآفتاب از درخشندگی خیره‌کننده‌ای برخوردار است.

آب دریا در ساحل این جزیره شفاف و روشن است و تا فاصله‌ای دور می‌توان کف دریا را به راحتی تماشا کرد. کیش به نسبت وسعت خود دارای یکی از وسیع ترین سواحل است و در دنیا کمتر ساحلی را می‌توان یافت که به وسعت سواحل کیش قابل استفاده باشد.

ماهی‌های تزیینی و بسیار زیبا که در آب‌های حاشیه کیش غوطه‌ور هستند و وجودشان را از تماشاگران پنهان نمی‌کنند، از جاذبه‌های استثنایی کیش به حساب می‌آیند. در عین حال مرغوب‌ترین ماهی‌های خوراکی کشور نیز در همین سواحل صید می‌شود.

ساحل کیش از کم خطرترین سواحل دنیاست. آب‌های ساحلی کیش فاقد کوسه خطرناک بوده و استفاده از آب دریا کاملا بی‌خطر است.

کوسه‌هایی که بعضا در ساحل کیش دیده می‌شوند از ماهی‌های کوچک تغذیه می‌کنند و برای شناگران خطری ندارند.

ساحل کیش از آن نوع سواحل استثنایی است که هم در فصل سرد و هم در فصل گرم برای مسافران قابل استفاده می‌باشد و امکان ورزش‌های دریایی در آن فراهم شده است.

- جاده جهان:

جاده جهان به صورت یک جاده کمربندی، جزیره کیش را احاطه کرده است. در سرتاسر طول این جاده ۲۵ قطعه زمین به استان‌های کشور واگذار شده است تا در آن آثار هنری، مصنوعات و تولیدات خود را به نمایش گذارند.

جاده جهان نمادی از ارتباط فرهنگ‌های مختلف ایران و جهان است. این جاده امکان ارتباط با طبیعت بکر جزیره را در سمت‌های جنوبی و غربی فراهم آورده است.

دوستداران مناظر طبیعی می‌توانند چشم اندازهایی از دریا، ساحل، پوشش گیاهی و حیات جانوری متنوع جزیره را در سرتاسر طول جاده مشاهده کنند.

جاده جهان شب‌ها چون کمربندی نگین جزیره را در میان گرفته است و تمامی پهنای جزیره را در دیدرس مسافرانی که با پروازهای شبانه به منطقه می‌رسند، قرار می‌دهد.

- آکواریوم، حیات در دریا:

خلیج فارس از حیات آبزی بسیار متنوعی برخوردار است. سیاحتگران در هر گوشه ساحل، می‌توانند انواع ماهیان و دیگر آبزیان را که برخی از آن‌ها بسیار عجیب به نظر می‌رسند، در داخل آب‌های شفاف تماشا کنند.

در آکواریوم کیش که در ساختمان کانون هنر قرار دارد انواع مختلفی از آبزیان زیبا و شگفت‌انگیز خلیج فارس نگهداری می‌شود.

برای کسانی که امکان غواصی در زیر آب و دیدن ماهی‌های رنگارنگ زیبا را در محیط طبیعی خود ندارند، دیدار از آکواریوم می‌تواند به یادماندنی و خاطره انگیز باشد.

- نمایشگاه خزندگان:

در این نمایشگاه بیش از ۱۰۰ گونه خزنده از خانواده مارسانان به نمایش گذاشته شده است.

مارهای عظیم بوا، پیتون آفریقا و آمازون، سوسمار ایگوانه ماداگاسکار، عقرب سیاه امپراتور آفریقا، مار پرنده تایلند، عنکبوت‌های بزرگ و پرنده‌خوار برزیلی نمونه‌هایی از این گونه خزندگان هستند.

- مجموعه موجودات تاکسیدرمی شده:

تاکسیدرمی روشی برای نگهداری از کالبد موجودات زنده با حفظ ظاهر طبیعی آن‌هاست.

در دانشگاه کیش صدها نمونه از موجوداتی نظیر پرندگان، خزندگان، سخت‌پوستان و موجودات دریایی خلیج فارس و جزیره کیش تاکسیدرمی شده و در معرض دید علاقمندان قرار دارد.

- منطقه جنگلی کیش:

منطقه جنگلی کیش در جنوب شرقی جزیره قرار دارد. این جنگل مصنوعی که اغلب درختان آن در سال ۱۳۷۱ کاشته شده اند، حدود ۶۰۰ هکتار وسعت دارد.

آکاسیا، درمان عقرب، اوکالیپتوس، ابریشم مصری، کهور، کنار، لور، گز، خرما و تمرهندی انواع درختان موجود در منطقه جنگلی است.

- روستای باغو:

باغو از آبادی‌های قدیمی کیش است که در جنوب غربی جزیره قرار دارد. در حال حاضر، این آبادی جز چند خانوار دامدار، سکنه دیگری ندارد. در بین بومیان، حاصلخیزی این منطقه زبانزد است.

در این منطقه بیشه انبوهی از انواع درختان بومی به چشم می‌خورد که در آن میان، مجموعه درختان کهن‌سال لور زیبایی چشمگیری دارد.

- بوستان آهوان:

این بوستان با ۲ هکتار مساحت در انتهای خیابان فردوسی جزیره قرار دارد و دارای ۱۷ قفس برای نگهداری از انواع حیوانات می‌باشد.

شیر، آهو، روباه، شغال، میمون، گوزن، و انواع پرندگان در بوستان آهوان نگهداری می‌شوند.

آهوها برخلاف سایر حیوانات که در قفس نگهداری می‌شوند به صورت آزاد در این بوستان زندگی می‌کنند. همچنین در این بوستان، وسایل بازی کودکان نیز نصب شده است.

- نخلستان‌های کیش:

پرورش نخل در کیش از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است. اغلب جهانگردانی که در سده‌های گذشته از کیش دیدار کرده‌اند به وجود نخلستان‌های انبوه در این جزیره اشاره کرده‌اند.

باغ بهشت تنها نخلستان به جای مانده از دوره‌های گذشته است که در غرب محله سفین واقع شده و از جمله زیباترین نخلستان‌های کیش است که به ویژه در هنگام غروب آفتاب چشم اندازی زیبا و تماشایی دارد.

- ورزش‌های دریایی در کیش:

یکی از امتیازات کیش، سواحل زیبا و آرام آن است و تقریبا همه نقاط آن در سرتاسر جزیره برای شنا و انواع ورزش های دریایی مساعد است.

وجود سوابق طولانی و تاریخی مردم این دیار در صید مروارید و ارج و منزلت دریا و دریانوردی در فرهنگ مردم خطه جنوب ایران در کنار موقعیت مساعد طبیعت و دریا در کیش موجب شده است که برنامه توسعه ورزش های دریایی با سرعتی به مراتب بیش از آن چه انتظار می‌رفت مورد استقبال واقع شود و با موفقیت به مرحله اجرا درآید.

در کیش علاوه بر امکانات پراکنده در سرتاسر سواحل جزیره، دو مجموعه کامل با انواع تجهیزات و وسایل پیشرفته برای تفریح و ورزش‌های دریایی در اختیار علاقمندان قرار دارد.

• آموزش غواصی:

غواصی در سواحل کیش به دلیل مرجانی بودن جزیره و شفافیت آب دریا که امکان تماشای انواع آبزیان زیبا و منحصر به فرد این منطقه را میسر می‌سازد جاذبه فراوانی برای گردشگران و شهروندان کیش دارد.

دو مرکز در باشگاه ورزش‌های دریایی کیش و اسکله تفریحی خدمات و آموزش‌های لازم همراه با کلیه تجهیزات و امکانات (لباس مخصوص، کپسول هوا و. . .) را در اختیار علاقمندان به غواصی قرار می‌دهند.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=364027

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با جاذبه‌های گردشگری مالزی

مالزی یکی از توریستی‌ترین کشورهای جنوب شرق آسیاست. مالزی به دو شبه جزیره غربی و شرقی تقسیم شده است که هر کدام جاذبه‌هایی را در بر دارند

طی چند سال اخیر مالزی به یکی از مهم‌ترین مقاصد توریستی تبدیل شده است.

آب و هوای شرجی و استوایی متفاوت با آب و هوای معمول کشورمان به مراکز تفریحی مالزی جاذبه بخشیده. علاوه بر جاذبه‌های تفریحی، وجود فرهنگ‌های غنی آسیایی مانند مالایی، هندی و چینی بر این مطلب افزوده است. زبان رسمی این کشور مالایی است ولی انگلیسی به طور گسترده توسط مردم صحبت می شود.

• کجا و چه زمان؟

در سفر به مالزی یکی از یکنواخت ترین آب و هواهای آسیا را تجربه خواهید کرد . دمای هوا از ۲۰ تا ۳۰ درجه سانتی‌گراد در مناطق مختلف در نوسان است. احتمالا دو سه روز اول سفر گرما و رطوبت بالا برای شما آزار دهنده خواهد بود، ولی به لذت از مناظر و شهرهای مالزی می ارزد. فصل باران‌های شدید در بخش غربی از شهریور تا آذر و در بخش شرقی از مهر تا اسفند می‌باشد.

بهترین زمان سفر از لحاظ فرهنگی و تفریحی ماه مبارک رمضان و سال نو چینی می‌باشد. با وجود اکثریت مسلمان و بودایی این دو زمان یکی از بهترین اوقات برای لذت از فستیوال‌های خرید و تفریح مالزی هستند. سال نو چینی در سال آینده (۲۰۰۹) ۲۶ ژانویه مصادف با ۷ بهمن ۱۳۸۷ است.

پایتخت مالزی، کوالالامپور بیشترین جاذبه‌های تفریحی کشور را در بر می‌گیرد.

برج‌های پتروناس و مرکز خرید سوریا در زیر این دو برج قلب تجارت کوالالامپور را تشکیل می‌دهند.

خیابان بینتانگ یا به زبان مالایی بوکیت بینتانگ (bukit bintang) چند مرکز خرید مهم این شهر و چند رستوران را درخود جای داده است.

مرکز خرید لوکس استار هیل در این خیابان یکی از پر بیننده‌ترین گالری‌های هنری این شهر به حساب می‌آید.

خایابان پتالینگ با دکه‌ها و سوپر مارکت‌های به سبک هندی بازتاب این فرهنگ در کوالالامپور می‌باشد.

موزه ملی، مسجد جامع، محله چینی‌ها، پارک آبی سانوی لاگون (sunway lagoon) و چندین مرکز خرید از جمله میدولی (midvalley) و وان یو (۱U) پر رفت و آمدترین محل‌های توریستی کوالالامپور و اطراف آن می‌باشند.

از دیگر شهرهای توریستی مالزی به گنتینگ (genting) می‌توان نام برد.

شهر بازی و سینمای چهار بعدی این شهر و هوای نسبتاً خنک یکی از مرتفع‌ترین شهرهای مالزی را به مرکز تفریحی تبدیل کرده است.

نباید جزایر استوایی مالزی را نیز نادیده گرفت. لنگکاوی، تیومان و ترنگانو توریستی‌ترین جزایر مالزی می‌باشند.

رفت و آمد به این جزایر توسط قایق‌های مسافرتی انجام می‌شود. پنانگ (penang) و پورت دیکسون (port dickson) از شهرهای ساحلی مالزی به شمار می‌آیند، ولی به دلیل آلودگی آب سواحل در بعضی از قسمت‌ها انتخاب مناسبی برای لذت از سواحل این کشور نمی‌باشد.

قسمت شرقی مالزی به دلیل دارا بودن بافت بسیار سنتی و کمبود خدمات توریستی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، اما جنگل‌های شگفت‌انگیز ساباه و ساراواک می‌توانند انتخاب مناسبی برای افراد ماجراجو باشند.

- مخاطرات سفر:

به دلیل وجود گروه‌های تروریستی به هیچ وجه ریسک رفتن به جزایر دور افتاده و قسمت‌های شرقی استان ساباه را نکنید.

- پول و روادید:

پول مالزی رینگت نام دارد. هر رینگت برابر ۲۸۵ تومان می‌باشد. دلار آمریکا، یورو، دینار و ریال کشورهای عربی واحدهای پولی هستند که در مالزی بیشترین خرید و فروش را دارند. مالزی در ۸:۰۰ + ساعت گرینویچ قرار دارد.

- رانندگی:

اگر قصد رانندگی در مالزی را دارید حتما باید گواهینامه رانندگی بین‌المللی (IDP) را از اداره راهنمایی و رانندگی دریافت کنید. دفاتر اجاره اتومبیل در فرودگاها و هتل‌های مالزی وجود دارند که اکثرا معتبر و تایید شده می‌باشند.

- جرایم:

همراه داشتن و مصرف مواد مخدر در مالزی می‌تواند مجازات‌های سنگین زندان و اعدام را در بر داشته باشد. اگر داروهای مسکن و ضد درد مصرف می‌کنید حتما نسخه پزشک خود را همراه داشته باشید.

رشید عسگری

وزارت توریسم مالزی: www.tourism.gov.my

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=111249

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با چینی‌خانه اردبیل

چینی‌خانه یکی از زیباترین تالارهای دوران شاه‌عباس صفوی در اردبیل است که بیش از ۴۰۰ سال پیش توسط شیخ‌بهایی طراحی شده است.

این تالار در قسمت شرقی قندیل خانه یارواق اصلی مجموعه شیخ‌صفی‌الدین قرار دارد که دارای چهار شاه‌نشین و طاق‌نماهای زیبا و نفیس از مقرنس گچی است، نقاشی‌ها، طلاکاری‌ها و هماهنگی رنگ‌ها با سطوح مقرنس از اسلیم‌ها و گل‌های زیبا شاهکاری به وجود آورده است که هر بیننده‌ای را به شگفت و حیرت وامی‌دارد.

بنای این تالار از استحکام فوق‌العاده‌ای برخوردار است که حتی وقوع زلزله‌ای به قدرت ۲/۷ ریشتر اثری در آن نداشته.

چینی‌خانه ۱۲۵۶ محفظه دارد که در همه آنها چینی‌های اهدایی امپراتور چین به شاه‌عباس به مناسبت احیای جاده ابریشم و چینی‌هایی که از طرف دولت ایران به کشور چین سفارش شده بود، قرار داشته است.

ظروف چینی پس از رسیدن به ایران توسط هنرمندان حکاک در اصفهان به مهر «بنده شاه ولایت عباس» ممهور شده و به اردبیل فرستاده می‌شد و در محفظه‌های تالار چینی‌خانه قرار می‌گرفت.

شاه عباس زمانی که برای استراحت یا چله‌نشینی به اردبیل سفر می‌کرد، در تالار چینی‌خانه اقامت می‌کرده است.

گفته می‌شود پس از امضای عهدنامه ننگین ترکمن‌چای بیش از ۸۰۰ عدد ظروف چینی و حدود ۴ هزار کتاب دست‌نویس نفیس با بسیاری از عتیقه‌جات مجموعه شیخ‌صفی‌الدین توسط ژنرال باسکویچ غارت شد که تعدادی از این آثار در موزه آرمیتاژ و موزه دیگری در روسیه به نمایش گذاشته شده است.

تعدادی از چینی‌های تالارچینی خانه اردبیل همچنین به موزه ملی در تهران و موزه‌های شیراز و اصفهان منتقل شد که در سال ۱۳۷۰ در روز جهانی موزه با انتقال بخشی از چینی‌ها از موزه ملی،تالار چینی‌خانه به‌طور رسمی گشایش یافت.

تالار چینی‌خانه علاوه بر ظروف چینی زیبا و گلدان‌های پرنقش و نگار، با اشیا دیگری مانند یک جلد قرآن نفیس به خط کوفی روی پوست آهو مربوط به بیش از ۱۱۰۰ سال پیش که از لحاظ قدمت تاریخی سومین قرآن نفیس در ایران است و مهرسنگی سلاطین صفوی با شش اسم از اسما خداوند و گل‌های هشت پر به نشانه عرفان پادشاهان صفوی و دوازده پر به عنوان شیعه دوازده امامی بودن آنان فرامین و سکه‌های نقره‌ای دوره صفوی آراسته شده است.

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=101274

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با دیوار برلین

دیوار برلین که احداث آن نشانه آغاز و فرو ریختن آن نشانه پایان جنگ سرد و رویارویی ابرقدرت هاست برای مدت ۲۸ سال در وسط شهر برلین برپا بود و این شهر را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرد.

سال ۱۹۴۵ بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، متفقین شامل آمریکا، انگلیس، فرانسه و شوروی که در این جنگ به پیروزی رسیده بودند کشور آلمان را به چهار بخش که هر کدام تحت کنترل یکی از آنها بود تقسیم کردند. سه بخش تحت کنترل آمریکا، انگلیس و فرانسه بعداً یکی شدند و جمهوری فدرال آلمان که به عنوان آلمان غربی معروف بود را تشکیل دادند.

در بخش تحت کنترل شوروی در ۷ اکتبر ۱۹۴۹یک دولت کمونیستی تشکیل شد که به جمهوری دموکراتیک آلمان یا آلمان شرقی معروف شد. با حاکم شدن مناسبات کمونیستی در آلمان شرقی شرایط اقتصادی و سیاسی آن به وخامت گرایید و نارضایتی گسترده مردم را در پی داشت.

این ناراضیان بویژه در برلین شرقی به دنبال شرایط بهتر زندگی راه برلین غربی را در پیش گرفتند به طوری که براساس آمارهای منتشره طی شش ماه اول سال ۱۹۶۱ تعداد ۱۶۰هزار نفر از برلین شرقی به برلین غربی پناهنده شدند. این امر موجب عصبانیت دولت آلمان شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشورهای اقماری آن شد.

در پی این تحولات، نیکیتا خروشچف، نخست وزیر وقت شوروی، به منظور جلوگیری از سیل مهاجران آ لمان شرقی به آلمان غربی دستور ساخت دیوار برلین را صادر کرد. دولت آلمان شرقی تحت رهبری «اریش هونیکر» در ۱۳اوت ۱۹۶۱ساخت دیوار برلین را به عنوان «دیوار حافظ ضد فاشیست» آغاز کرد.

این دیوار به منظور جدا کردن برلین شرقی و جمهوری دموکراتیک آلمان از برلین غربی با استفاده از سیم خاردار و موانع ضدتانک احداث شد. در این چارچوب خیابانها تکه تکه شد و موانع بر سر راه پیاده روها گذاشته شد. در اطراف این منطقه هم تانک ها تجمع کردند. خطوط مترو و قطارهای محلی بین برلین شرقی و غربی متوقف و ارتباط تلفن این دو بخش نیز قطع شد. همچنین ساکنان برلین شرقی از ورود به برلین غربی منع شدند که این امر به دلیل این که حدود ۶۰ هزار نفر از ساکنان برلین شرقی در برلین غربی کار می کردند مشکلات زیادی به بار آورد.

در ۲۰سپتامبر ،۱۹۶۱ دولت آلمان شرقی منازل نزدیک این دیوار را تخریب کرد و کار احداث یک دیوار دائمی با مواد سخت را آغاز کرد که در پایان طول آن به ۱۶۶ کیلومتر رسید.ارتفاع این دیوار ۴ متر بود. بعد از آن یک مسیر نگهبانی، یک راهگذر با دیده بان ها، برج های دیده بانی، سنگرهای زیرزمینی و دیوار دوم بود.احداث دیوار برلین باعث شد تا مرز بین آلمان شرقی و آلمان غربی در ۱۹۲ مسیر و خیابان که ۹۷ مورد آن به برلین شرقی و ۹۵ مورد آن به سایر مناطق آلمان شرقی منتهی می شد قطع شود.

در نقاط مرزی که برای عبور و مرور مورد استفاده قرار می گرفت نیز ایستگاههای بازرسی ایجاد شد که مهمترین آن گذرگاه ایستگاه بازرسی «چارلی» در بخش آمریکایی برلین غربی بود. در ۱۷ اوت ۱۹۶۲ پیتر فیشر که قصد داشت در نزدیکی این منطقه از دیوار برلین بالا رود توسط نگهبانان کشته شد. این امر موجب آشوب در برلین غربی و نفرت ساکنان برلین غربی از آمریکایی ها شد.

بر اساس گزارش هایی که به تازگی منتشره شده تحقیقات پژوهشگران آلمانی نشان می دهد که در طول دوران جنگ سرد ۱۲۵ نفر بر روی دیوار برلین کشته شده اند.این آمارها در یک گزارش دولتی آلمان با عنوان"مرگ بر روی دیوار از ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۹"ذکر شده است.قبلا تعداد کشته ها بر روی دیوار برلین ۲۰۰ نفر ذکر می شد.

تحقیقات جدید همچنین نشان می دهد که ۹۳ مورد از قربانیان شهروندان آلمان شرقی بودند که قصد فرار داشته اند.۳۲ مورد دیگر نیز زمانی کشته شده اند که قصد فرار نداشته اند که شامل ۸ نگهبانی که به طور اتفاقی کشته شده اند نیز می شود.۶۲مورد نیز خود کشی بوده که

قربانیان نجات یافته اند.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ با آب شدن تدریجی یخ های روابط شرق و غرب و اجرای سیاست های گلاسنوست و پروسترویکای میخائیل گورباچف در شوروی زمینه فروپاشی دیوار برلین فراهم شد. در واقع پایان عمر آلمان شرقی زمانی آغاز شد که دولت کمونیستی مجارستان درهای خود را بر روی غرب گشود.

از آنجا که مهاجرت بین کشورهای کمونیستی ممنوع نبود، در پی این رویداد ساکنان آلمان شرقی که مجاز به رفت وآمد به مجارستان بودند از طریق مجارستان و نیز چکسلواکی به آلمان غربی و سایر کشورهای اروپای غربی رفت و آمد می کردند.هجوم گسترده ساکنان آلمان شرقی به آلمان غربی، استعفای اریش هونیکر و تظاهرات گسترده روزهای دوشنبه مردم آلمان شرقی و حذف محدودیت مسافرت شهروندان آلمان شرقی توسط دولت جدید آن کشور در نهایت باعث شد تا در روز ۹ نوامبر ۱۹۸۹دیوار برلین خراب شود و تنها قطعات کوچکی از این نشانه جنگ سرد بین شرق و غرب به عنوان یادگار تاریخ باقی بماند.

دکتر علی صباغیان

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=122905

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با ساختمان امپایر استیت

امپایر استیت ساختمانی ۱۰۳ طبقه در نیویورک و سمبلی از آمریکا است. این ساختمان به مدت چهل سال بلندترین ساختمان طبقاتی در دنیا بود و از سوی انجمن مهندسان عمران آمریکا به عنوان یکی از عجایب هفتگانه دنیای مدرن لقب گرفته است. امپایر استیت بخشی از هویت شهر نیویورک است و در سراسر جهان به عنوان یکی از سمبل‌های آمریکا شناخته می‌شود.

● تاریخچه ساخت

عملیات ساختمانی امپایر استیت در ماه مارس ۱۹۳۰ در زمینی که پیشتر هتل والدورف آستوریا در آن واقع بود آغاز شد و ۱۴ ماه بعد اتمام یافت. این ساختمان تا پیش از آنکه برج‌های دوقلو در نیویورک ساخته شوند، بلندترین برج طبقاتی دنیا به شمار می رفت.

امپایر استیت ۴۴۸ متر ارتفاع دارد که البته آخرین طبقه آن (صد و دومین طبقه) در ارتفاع ۳۹۱ متری واقع شده است. بقیه ارتفاع این ساختمان به آنتن تلویزیونی بالای آن مربوط می‌شود. کل هزینه ساخت امپایر استیت به انضمام زمین آن در حدود ۴۱ میلیون دلار بوده است که از این میزان ۲۴ میلیون دلار هزینه‌ای است که خرج سازه ساختمان شده است.

این ساختمان سال ۱۹۳۱ (اول ماه مه) توسط رئیس جمهور وقت آمریکا هربرت هوور افتتاح شد، به این صورت که رئیس جمهور با فشار دادن دکمه ای در واشنگتن چراغ های این ساختمان را در نیویورک روشن کرد.

امپایر استیت از این سال به بعد به مدت چهل سال بلندترین ساختمان طبقاتی جهان و نیویورک بود تا این که ساختمان‌های دوقلوی مرکز تجارت

جهانی ساخته شدند. پس از ماجرای یازده سپتامبر امپایر استیت دوباره لقب بلندترین ساختمان نیویورک را به خود اختصاص داد.

امپایر استیت سال ۱۹۸۶ از سوی دولت آمریکا به عنوان بخشی از میراث تاریخی و فرهنگی کشور شناخته شد و پلاک مخصوصی به همین خاطر دریافت کرد.

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=124420

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با سد ایتایپو

سد ایتایپو که بر روی رودخانه پارانا در مرز پاراگوئه و برزیل زده شده است طولانی‌ترین سد جهان است.

سد ایتایپو در سال ۱۹۹۴ از سوی انجمت مهندسی عمران آمریکا به عنوان یکی از عجیب هفت‌گانه دنیای مدرن انتخاب شد. نام این سد به معنای صدای سنگ است. ایتایپو در قالب یک پروژه دوجانبه و بر رودخانه پارانا میان دو کشور برزیل و پاراگوئه ساخته شد. ۱۸ واحد مولد برق این سد قادر به تولید ۱۴گیگا وات برق است.

با مشاهده آمارهایی که اخیراً از میزان انرژی تولیدی این سد به دست آمده اند، می توان به عظمت سد ایتایپو پی برد. نیروگاه ایتایپو در واقع ۲۰ درصد از کل انرژی مورد نیاز صنایع برزیل و ۹۳ درصد انرژی پاراگوئه را تامین می‌کند.

این نیروگاه همچنین محل بزرگی برای جذب توریسم محسوب می شود. تاکنون بیش از ۱۰ میلیون نفر از ۱۶۲ کشور جهان از این سد نیروگاه بازدید کرده‌اند.

لازم به ذکر است که برزیل صنعتی ترین کشور آمریکای لاتین است و برای کسب انرژی لازم برای صنایع خود به انرژی و منابع آن شدیدا به نیرویی که این سد تولید می‌کندنیازمند است. پاراگوئه نیز به عنوان یکی از کم درآمدترین کشورهای آمریکای جنوبی برای تحقق اهداف خود در راستای توسعه اقتصادی به انرژی به مثابه یک نیروی محرکه نیاز دارد.

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=125704

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با شهر مقدس کربلا

شهر مقدس کربلا در صد کیلومتری جنوب غربی بغداد واقع شده است.

در زمان حیات امام علی (ع) این شهر را به اسامی نینوا و شط الفرات نیز می‌شناختند. جمعیت شهر کربلا براساس آمار سال ۲۰۰۳ در حدود ۵۷۲.۳۰۰ نفر است و این شهر مرکز استان کربلا است.

شهر کربلا پس از شهرهای مکه، مدینه منوره، بیت‌المقدس و نجف، مقدس ترین شهر شیعیان جهان محسوب می‌شود. در واقع در نزدیکی همین شهر بود که واقعه مصیبت بار عاشورا رخ داد.

● ریشه نام کربلا

نظریات زیادی درباره ریشه‌زبانی نام کربلا وجود دارد. برخی بر این باورند که نام کربلا در زبان آشوری کهن ریشه دارد و از دو بخش کرب به معنای نزدیک و الله به معنای خداوند گرفته شده است.

برخی دیگر مانند یاقوت حموی جغرافی دان مسلمان بر این باورند که نام کربلا از واژه عربی کربلاط به معنای زمین نرم اخذ شده است. برخی دیگر نیز معتقدند این واژه در اصل برگرفته از زمان فارسی و دو کلمه کار و بالا است.

● درباره کربلا

کربلا از ثروتمندترین شهرهای عراق است و منابع اصلی درآمد آن از زائرین اماکن متبرکه و کشاورزی است و بویژه محصول خرما است. این شهر از دوبخش قدیم یا بخش مذهبی و کربلای جدید تشکیل شده است. مدارس اسلامی و ساختمان‌های دولتی زیادی نیز در کربلا متمرکز شده‌اند.

مرقد مطهر امام حسین (ع) که در برخی از منابع نیز آن را مسجدالحسین(ع) نامگذاری کرده‌اند، در مرکز بخش مذهبی شهر کربلا قرار دارد.در روز عاشورای حسینی بسیاری از مسلمانان و شیعیان جهت زیارت این مکان مقدس به شهر کربلا می‌آیند. بسیاری از زائران مسن نیز به کربلا می‌آیند تا آخرین سال‌ها و روزهای زندگی خود را در این شهر مقدس سپری کنند.

به دلیل وجود مرقد مطهر امام حسین در شهر کربلا ، ۱۰۰ مسجد و ۲۳ مدرسه دینی در این شهر ساخته شده‌اند.

● تاریخ کربلا

مهمترین واقعه تاریخ شهر مقدس کربلا، شهادت جانگداز امام حسین(ع) و ۷۲ نفر از یاران ایشان در عاشورای سال ۶۱ هجری(۱۰ اکتبر ۶۸۰ میلادی) است.

حسین بن علی(ع) یکی از محورهای وحدت شیعه و از چهره‌های برجسته و شاخصی بود که مورد توجه قرار داشت و همواره سلطه گران اموی از نفوذ شخصیت او بیم داشتند.

با مرگ معاویه در سال ۶۰ هجری، یزید به والی مدینه نوشت که از امام حسین(ع) به نفع او بیعت بگیرد. اما سید الشهدا که فساد یزید و بی‌لیاقتی او را می‌دانست، از بیعت امتناع کرد و برای نجات اسلام از بلیه سلطه یزید که به زوال و محو دین می‌انجامید، راه مبارزه را پیش گرفت.

از مدینه به مکه هجرت کرد و در پی نامه‌نگاری‌های کوفیان و شیعیان عراق به آن حضرت و دعوت برای آمدن به کوفه، آن امام ابتدا مسلم بن عقیل را فرستاد و نامه‌هایی برای شیعیان کوفه و بصره نوشت و با دریافت پاسخ کوفیان در بیعتشان با مسلم بن عقیل، در روز هشتم ذیحجه سال ۶۰ هجری از مکه به سوی عراق، حرکت کرد.

پیمان‌شکنی کوفیان و شهادت مسلم بن عقیل، اوضاع عراق را نامطلوب ساخت و سیدالشهدا که همراه خانواده، فرزندان و یاران به سوی کوفه می‌رفت، پیش از رسیدن به کوفه در سرزمین«کربلا» در محاصره سپاه کوفه قرار گرفت.تسلیم نیروهای یزیدی نشد و سرانجام در روز عاشورا در آن سرزمین، مظلومانه و تشنه‌کام، همراه اصحابش به شهادت رسید.

از آن پس، کربلا کانون الهام و عاشورا سرچشمه قیام و آزادگی شد و کشته شدن وی، سبب زنده شدن اسلام و بیدار شدن وجدان‌های خفته گردید.

شهر کربلا از کم آبی در مقیضه بود که در اوئل قرن هجدهم با ساختن بندی در ابتدای نهر حسینیه این مشکل تا حدود زیادی مرتفع شد. در ۱۸۰۱ میلادی و پس از حمله واهابی‌ها به کربلا شهر به شدت آسیب دید و و هابی‌ها کربلا را غارت کردند.پس از حمله وهابی‌ها و رفع قائله آنان بزرگان کربلا حکومت خودمختاری را در این شهر اعلام کردند، اما دوره حاکمیت بزرگان کربلا بر این شهر زیاد طول نکشید و با حمله عثمانی‌ها در سال ۱۸۴۳ خاتمه یافت.

حاکمیت عثمانی‌ها بر کربلا سبب مهاجرت بسیاری از علما از این شهر به نجف مقدس شد.از این زمان به بعد نجف مرکزیت دینی یافت. تا سال‌های اولیه قرن بیستم میلادی ایرانیان ۷۵ درصد سکنه کربلا را تشکیل می‌دادند، اما در دوره سلطه بریتانیایی‌ها بر کربلا جمعیت ایرانیان ساکن کربلا به تدریج کاهش یافت.

در زمان حاکمیت صدام حسین در عراق سخت گیری‌ها بر مردم شهر کربلا شدت یافت و در این زمان غیر شیعیان مجاز به سفر به کربلا نبودند. در سال ۱۹۹۱ و در جریان قیام شیعیان علیه حکومت صدام حسین آسیب‌های فراوانی به شهر کربلا وارد شد. سرکوب قیام شیعیان عراق نقاب را از چهره بی رحم صدام برکشید و چهره واقعی او را برملا و بی رحمی و سنگدلی صدام نزد جهانیان را آشکار ساخت.

در سال ۲۰۰۴، قریب یکسال پس از اشغال عراق توسط نظامیان آمریکایی و پس از سقوط حکومت صدام ، بیش از یک میلیون زائر جهت زیارت حرمین مطهر به شهر کربلا رفتند.اما انفجار بمب صدها زائر را به شهادت رساند.این واقعه جانگداز در واقع به واسطه اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی و نبود شرایط امنیتی مناسب در شهر کربلا رخ داده بود.

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=123449

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با قیزقلعه ساوه

یکی از مهمترین آثار شگفت‌انگیز معماری کشور در مناطق مرتفع و سخت گذر ایران در دوره باستان که تاکنون ناشناخته مانده قیز قلعه ساوه می‌باشد.

عظمت بنا و فلسفه وجودی ساخت آن دراین منطقه به حدی جالب است که می‌توان از آن به عنوان یکی از منابع مهم جذب گردشگر بین‌المللی به استان مرکزی و همچنین معرفی دستاوردهای معماری ملی و باستانی ایران قدیم اشاره کرد. قصر، عبادتگاه و دژ دفاعی قلعه دختر ساوه بر روی صخره بلندی مشرف به دشت ساوه بنا شده که از سه طرف شرق، غرب و جنوب بوسیله صخره‌های متعدد دیگری احاطه شده‌است.

از نمای شمالی قلعه سه قله صخره‌ای بلند مشاهده می‌شود که قصر و قلعه در نوک قله‌ای که در وسط قرار گرفته ساخته شده و این قلعه از جاده ساوه به همدان و از تمامی دشت و شهر ساوه قابل رویت است.

در دو طرف صخره قیز قلعه دو رودخانه کوچک جاری است، رودخانه ضلع شرقی دایمی، اما رودخانه‌ای که در ضلع غربی قرار دارد به صورت فصلی است.

نزدیکترین آبادی به قلعه، روستای قیز قلعه است که از منابع آبی این دو رودخانه تغذیه می‌شود، بعداز قیزقلعه، روستای سرخده‌است که در کنار رودخانه قره‌چای قرار دارد و قلعه از روی پل سرخده به راحتی قابل دید است.

قلعه از دو بخش اصلی دژدفاعی و قصر تشکیل شده که در مجموع حدود ۳۰۰۰ متر مربع مساحت دارد.

برای رسیدن به قلعه می‌توان باوسیله نقلیه سواری تا پای دامنه صخره رفت، و سپس مسافتی حدود ۳۰۰متر را باید پیاده طی کرد تا به دروازه اصلی ورود به قلعه رسید.

دروازه ورودی در ضلع‌شرقی صخره قرار دارد که بعداز عبوراز رودخانه کوچک، بقایای دیواره دروازه که از سنگ و ساروج ساخته شده است دیده می‌شود.

با عبور از این دروازه باید حدود ی۱۰۰ متر دامنه شیب دار ضلع جنوب شرقی صخره را برای رسیدن به نوک قلعه که ساختمان اصلی قصر(نیایشگاه) قرار دارد را طی نمود، شیب دامنه جنوب شرقی حدود ۶۰درصد است.

تمامی دیوراه صخره به صورت پرتگاه می‌باشد و هر نقطعه‌ای که احساس می‌شده می‌توان از آن عبور نمود باسنگ وساروج تا بالای صخره بسته شده است، به طوری که هیچ راه نفوذی از سه ضلع شمالی، شرقی و غربی به درون قلعه وجود ندارد.

ورود به قلعه از طریق چند راه پله سرپوشیده صورت می‌گرفته که با مهارت ویژه‌ای استتار شده‌اند و استتار راه پله‌ها با ساختن دیورای از لاشه سنگ و ساروج درست در امتداد دیواره‌های صخره صورت گرفته است.

پنج راه‌پله پشتی بنا و دو راه‌پله درغرب بنا که درکنار پرتگاه در ارتفاع چندمتری از سطح رودخانه ساخته شده به اتاقهای تعبیه شده در دل صخره منتهی می‌شوند.

ازپله‌های پشت بنا برای ورود و خروج محافظان و نگهبانان استفاده می‌شده و از پله‌های غربی برای وررد و خروج مقامات به‌داخل قلعه و حمل آذوقه استفاده می‌شده‌است.

در مقابل راه پله‌های غربی و بر روی صخره مقابل راه باریکی وجود دارد که محل رفت وآمد ساکنان قلعه بوده و اتاقهای قلعه تو درتو و به‌یکدیگر ارتباط داشته‌اند.

باتوجه به ارتفاع دیواره و طاقهای فرو ریخته احتمال می‌رود که بنای قصر دارای طبقه دوم و سوم هم بوده و در سمت دروازه ورودی، بنای دیگری وجود دارد که احتمالا برای عبادتگاه مورد استفاده بوده و این مکان دارای محرابی به سوی دشت ساوه (دریاچه قدیمی ساوه) و در جهت خلاف قبله می‌باشد.

در اطراف کاخ اصلی حفره‌های متعددی برای ذخیره آب ساخته شده و لوله‌های سفالی شکسته‌ای در این مجموعه یافت شده که نشانگر استفاده از شبکه آبرسانی و فاضلاب می‌باشد.

بنای قیز قلعه کاملا بر دشت ساوه مسلط بوده ودارای چهار برج دیده‌بانی در ضلع شمالی، غربی و شرقی است که از میانه صخره تا بالای آن با سنگ و ساروج کار شده‌است.

اما از نظر قدمت و کاربرد بنا، بر اساس اسناد و مدارک تاریخی و تحقیقات به‌عمل آمده درخصوص قلعه‌های دختر ساخته شده درایران می‌توان به سوابق معابد آناهیتا و مهر پرستی ایرانیان اشاره نمود.

بر اساس این تحقیقات، قلعه دختر ساوه نیایشگاهی برای عبادت و احترام به آب و ناهید در پیش از اسلام و قبل از خشکیدن دریاچه ساوه در دوره ساسانیان بوده، محراب ساخته شده بر روی دریاچه قدیمی ساوه در قلعه این احتمال را بیشتر می‌کند.

بنای تاریخی قیز قلعه در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۹به شماره ۸۶۰۰در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌است.

از دیگر قلعه‌های تاریخی استان مرکزی می‌توان به قلعه‌های حاج وکیل اراک، آردمین غرق آباد در ۵۶کیلومتری جاده ساوه به همدان، الویر روستای ساوه، اسماعیلیه بر روی کوه قره‌داغ در ۳۵کیلومتری جنوب‌غربی ساوه، جمشیدی نیمور محلات، آقاخان محلاتی شهر محلات و خسروانی محلات اشاره نمود.

راههای دسترسی: جاده ساوه به همدان، روستای سرخده، عبور از میان روستا و عبور از پل ساخته شده بر روی رودخانه قره چای، حرکت به سوی روستای قیز قلعه و عبور از میان روستا وطی مسیر حدود یک هزار و ۵۰۰متر که تماما با وسیله نقلیه سواری قابل انجام است، فاصله قیز قلعه تا ساوه حدود ۲۳ کیلومتراست.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97825

آشنایی با کلات

کوه، رود، دشت، دره، باغ، شالیزار، کرد، ترک، فارس، معماری ایران، هنر هندوستان، اسطوره، تاریخ...؛ اینها همه با هم در جایی جمع شده‌اند که در قیاس با این سرزمین پهناور، یک وجب جا بیشتر نیست: کلات

اما همین یک وجب جا آن قدر زیباست که فردوسی بزرگ در وصفش می‌گوید:

همان به که سوی کلات و چرم/ برانیم و منزل کنیم از میم

چپ و راست آباد و آب روان / بیابان چه جوییم و رنج روان

این یک وجب جا، همان دژ نفوذ ناپذیری است که تیمور گورکانی ۱۴ بار به فتح آن کوشید و ناکام ماند و همان قلعه امنی است که نادرشاه افشار خزاین به غنیمت آورده از هند را درونش پنهان ساخت.

با این حال، از آن ۲۴ میلیون زائر و مسافری که هرسال به خراسان می‌روند، کمتر کسی به سوی کلات راه کج می‌کند ؛ این راه از شمال مشهد آغاز می‌شود و پس از عبور از روستای پاژ (زادگاه فردوسی) ۱۴۵ کیلومتر آن سوتر به کلات می‌رسد و پس از کلات، زمینی نیست که از خاکش عطر ایران به مشام برسد؛ آن سوتر هرچه هست خانه همسایه است: ترکمنستان.

راه مشهد به کلات، مدام چهره عوض می‌کند. گاه تو را بر ستیغ کوه می‌برد و گاه به ژرفای دره ؛ گاه خشکی تپه ماهورها را پیش رویت می‌گذارد و گاه از میان درختان انبوه گذرت می‌دهد ؛ گاه آبی آسمان را در آیینه شالیزار قاب می‌گیرد و گاه... . اصلا جاده مشهد به کلات راه رسیدن نیست، خود مقصدی است برای رفتن. این را اگر آن ۲۴ میلیون مسافر ندانند، مشهدی‌ها خوب می‌دانند و از همین رو اگر روز تعطیل و فراغتی پیدا کنند، راه کلات را در پیش می‌گیرند.

کلات را کوه‌های بلند در میان گرفته‌اند و راه‌های طبیعی ورود به شهر که محلی‌ها به آن دربند می‌گویند، سخت و صعب العبور هستند. یکی که از همه فراخ‌تر است، دربند ارغونشاه نام دارد و آن را رودخانه‌ای به نام ژرف رود از میان کوه‌ها گشوده است. ژرف رود از جنوب غربی وارد کلات می‌شود و پس از پیمودن طول شهر، از زاویه‌ای مخالف به کشور ترکمنستان می‌رود. در دهه‌های اخیر، تونلی در کنار دربند ارغونشاه ساخته‌اند که راه ورود به شهر را کوتاه‌تر و آسان‌تر کرده است.

اما مردمان کلات نیز برای خود حکایتی شنیدنی دارند. گرچه کلات از قدیم‌الایام جای آبادی بوده است، اما آبادی خود در سه سده اخیر را وامدار نادرشاه افشار است. هم از این روست که کلات را کلات نادری لقب داده‌اند. نادر این دژ طبیعی را برای نگاهداری غنایمی که از فتح هندوستان آورده بود، برگزید و جماعتی از سپاهیانش را مأمور حفاظت از آن ساخت. چون سپاهیان او مخلوطی از فارس‌ها و ترک‌ها و کردها بودند، لاجرم کلاتی‌های امروز که بازماندگان همان‌هایند، به این سه قوم نسب می‌رسانند و در شهر کوچک خویش به سه زبان با یکدیگر سخن می‌گویند.

بیشترشان کشاورزی و باغداری می‌کنند و زنانشان در قالی‌بافی مهارت بسیار دارند.

مهم‌ترین یادگار نادر در کلات، کاخی است به نام قصر خورشید. این قصر در میان باغی بزرگ به شیوه باغ‌های ایرانی بنا شده، اما ساختمانش تلفیقی است از معماری ایران و هندوستان ؛ چرا که نادر علاوه بر سیم و زر و جواهر، هنرمندان زیادی را از هند به ایران آورد و زبده‌ترینشان را به آرایش قصر خورشید واداشت. پس اگر حالا بر سنگ‌های نمای بیرونی قصر، نقش میوه‌هایی چون موز و آناناس را می‌بینیم، نباید گمان کنیم که ۳۰۰ سال پیش اجدادمان چنین میوه‌هایی را می‌شناخته اند و می‌خورده اند. اینها هنر دست هندوانی است که به اقلیم و سرزمینی دیگر تعلق داشتند.

قصر خورشید، ساختمانی است سه طبقه ؛ طبقه زیرین که همان زیرزمین باشد جایی است مخوف و تاریک که گفته‌اند یا جای نگاهداری بخشی از خزاین نادر بوده یا زندانی برای مغضوبین درگاه. اما حالا به همت سازمان میراث فرهنگی خراسان، نمایشگاهی است که مراحل بازسازی قصر خورشید در سال‌های اخیر را به تصویر می‌کشد.

طبقه دوم یا هم کف، تالاری بزرگ در میان دارد و اتاق‌هایی در پیرامون. تالار با تزییناتی به شیوه بناهای صفوی آراسته و طلا کاری شده است و چون دورادور دیوار آن کتیبه‌ای حاوی سوره نبأ با تاریخ مرگ نادر (۱۱۶۰ ه.ق) به چشم می‌آید، برخی چنین نتیجه گرفته‌اند که نادر قصر خورشید را به عنوان آرامگاه خویش بنا کرده بود. (آرامگاه کنونی او در مرکز شهر مشهد قرا دارد.)

طبقه سوم نیز گنبد استوانه‌ای بزرگی است که از ۶۶ نیم ستون سنگی تشکیل یافته بدین سبب در تمام بناهای تاریخی ایران یکتا و بی‌همتا ست. از کنار این گنبد مدور می‌توان باغ زیبای پیرامون قصر و نمای عمومی شهر کلات را تماشا کرد.

در میان این منظره دلفریب، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، گنبد فیروزه‌ای رنگ مسجدی است که درست در محور قصر خورشید و چشم در چشم آن جای گرفته است. مسجد به صفت گنبد زیبایش کبود گنبد خوانده می‌شود. یادگاری است از دوره سلجوقیان (سده پنجم و ششم هجری) و شاهدی است بر اهمیت و آبادانی کلات در آن روزگار. این مسجد بعدها، یک بار در زمان نادرشاه و یک بار در زمان فتحعلیشاه قاجار مرمت شد و امروز زیر گنبد بلند خویش، جسم پاک شهیدان کلات را درآغوش کشیده است. بعد از این دو بنای فاخر، سومین اثر تاریخی بزرگ در کلات، بند نادری است که گرچه نام خویش را مثل خیلی از داشته‌های کلات از فاتح هندوستان گرفته، اما احتمالا او فقط مرمتگرش بوده، نه سازنده‌اش.

بند نادری با ۷۰ متر ارتفاع و عرضی متغیر بین ۷ تا ۱۲ متر، روی ژرف رود بنا شده است و طبق شواهد موجود ممکن است در دوره ایلخانان مغول (سده هفتم و هشتم هجری) از سنگ و آجر و ساروج ساخته شده باشد.

غیر از این‌ها باید از برج و باروی کلات نام برد که پیش از دوره نادروجود داشته و به دستور او تجدید ساختمان شده است. پایین برج و بارو و مشرف به دربند ارغونشاه کتیبه‌ای ناتمام به زبان ترکی وجود دارد که از صفات داشته و نداشته نادر می‌گوید. در روستای خشت در ۱۳ کیلومتری کلات نیز استحکامات و آب انبارهای روستای خشت خودنمایی می‌کنند که باز از دوره نادر باقی مانده اند. اثر دیگر، یک رشته لوله سنگی است که آب شیرین نهر قره سو را از ۱۲ کیلومتری کلات به شهر می‌آورده است و حالا جز تکه‌هایی از آن باقی نیست. هوش سرشاری نمی‌خواهد که آدم حدس بزند این یکی هم از روزگار نادر به جا مانده است.

به این‌ها باید بقایای قلعه فرود در روستای گرو در یک کیلومتری شمال غربی کلات را افزود که عمرش به دوره پیش از اسلام می‌رسد و شاید جایگاه فرود افسانه‌ای در شاهنامه فردوسی بوده است.

اینها جملگی در طبیعت زیبایی قرار دارند که وصفش نه گفتنی است نه شنیدنی، بلکه دیدنی است. حالا اگر می‌خواهید به کلات بروید، باید بدانید که نه در زمستان می‌توان رفت که جاده پربرف و شهر سرد و سوزان است و نه در هفته‌هایی از پاییز که باران‌های سیل آسا معروف به هفته بار حتی کلاتی‌ها را در خانه حبس می‌کند. بهار و تابستان بهترین هنگام برای دیدار کلات است و اگر خودروی شخصی ندارید، اتوبوس و سواری در میدان بار نوغان در شمال شهر مشهد، شما را به مقصد می‌رساند. با اتوبوس ۳ تا ۴ ساعت راه است و با سواری ۲ تا ۳ ساعت.

این یک وجب جا، درست روی پشت این گربه بزرگ و دوست داشتنی، مینیاتوری است از همه زیبایی‌های سرزمین پهناورمان ایران.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=339142

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با مسجد جامع ۵۰۰ ساله اردکان

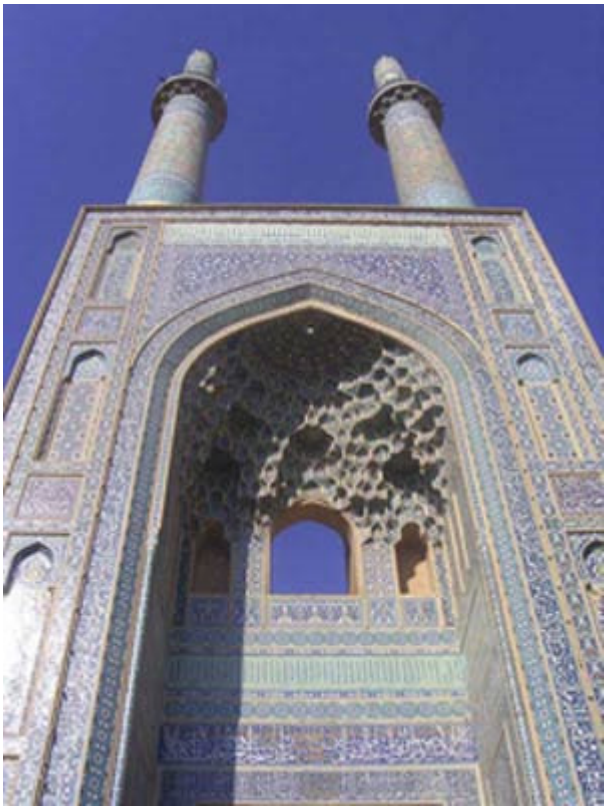

مسجد جامع اردکان، متعلق به قرن دهم هجری قمری از بناهای تاریخی، مذهبی بافت قدیمی شهر است.

بنای خشت و گلی مسجد شبستان بزرگ، ایوان رفیع و گنبدی به وسعت ۶۴ متر مربع دارد که در ۵۰۰ سال گذشته پنج بار تعمیر و مرمت شده است. قدیمی ترین اثر این مسجد زیرانداز – زیلویی – است متعلق به سال ۱۰۱۶ هجری قمری که در موزه مردم شناسی اردکان نگه داری می شود.

مسجد جامع اردکان با اینکه تزئینات و کاشیکاری ندارد، مزین به یک در ورودی با ارزش هنری است.

در به شکل بسیار زیبا با صدها قطعه چوب پنج ضلعی ساخته شده است.

بر روی دماغه در، هشت قطعه فلز به شکل مربع بوده که فعلا" چهار قطعه آن باقی مانده است و جای چهار قطعه دیگر خالی است و عبارات «الله» و «محمد» به خط کوفی بر روی آنها حک شده است.

محراب مسجد با قطعه های کاشی، متعلق به اوایل دوره صفویه مزین شده است و در میان آنها سنگ مرمر نصب شده است.

بنا چندی پیش در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی قرار گرفت.

در شهرستان اردکان جمعا" ۵۳ اثر تاریخی وجود دارد که از این میان ۲۰ اثر در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

منبع : بنیاد اندیشه اسلامی

http://vista.ir/?view=article&id=99995

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با مسجد جامع اصفهان

اگر تاریخ ایران را به سه دوره پیش از تاریخ، دوره ایران باستان و دوره اسلامی تقسیم‌بندی کنیم، به ترتیب معبد چغازنبیل، مجموعه تخت جمشید و مسجد جامع اصفهان بهترین گزینه‌های معماری این دوران هستند.

مسجد جامع اصفهان موزه‌ای است از تحول و تکامل معماری ایرانی در طول چهارده قرن تاریخ ایران پس از اسلام. واقعیت عینی تونل زمان را با گشت زدن در مسجد جامع اصفهان می‌توان لمس کرد.

اینجا مکان مقدسی است که در ابتدا جایگاه یک آتشکده عصر ساسانی بوده، سپس یک مسجد ساده در قرن دوم و سوم هجری بر روی آن بنا شده.

بعد از آن، دیلمیان، سلجوقیان، ایلخانیان، مظفریان، تیموریان، ترکمن‌ها، صفوی‌ها، افغان‌ها و قاجارها یا توسعه‌اش داده‌اند یا مرمتش کرده‌اند.

از طرفی طعمه حریق شده، از زلزله لرزیده و هم در جنگ بمباران شده و با این حال گنبد تاج‌الملک آن نهصد سال است که بدون برداشتن حتی یک ترک به حیات خود ادامه می‌دهد و اغراق نیست اگر بگوییم این گنبد یکی از کامل‌ترین گنبدهای آجری بنا شده بر روی کره زمین است.

گفته می‌شود در مسجد جامع اصفهان از ۴۸۴ تکنیک مختلف برای ساخت تاق‌های قوسی استفاده شده است. علاوه بر همه اینها زیباترین محراب گچبری شده مساجد ایران، محراب الجایتو را می‌توان در اینجا به تماشا ایستاد.

در مسجد جامع اصفهان شبستان صفویه، شبستان سلجوقی، شبستان آل‌مظفر، ایوان‌های چهار طرف، مسجد الجایتو، آرامگاه علامه مجلسی، صفه حکیم، صفه عمربن عبدالعزیز، محراب دراویش، حوض، صحن، گنبد نظام‌الملک ، گنبد تاج‌الملک و.. از آثاری هستند که باید به دقت دیده شوند

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=101275

vista.ir
Online Classified Service

آشنایی با موزه واتیکان

موزه واتیکان (Musei Vaticani) که یکی از عظیم‌ترین و غنی‌ترین موزه‌های جهان است در سال ۱۵۰۶ تاسیس شد

موزه واتیکان یکی از دیدنی‌های اصلی شهر واتیکان است. این موزه که آثار هنری و تاریخی بی‌نظیری را که مرتبط با مسیحیت و مذهب کاتولیک است در خود جای داده، سالیانه پذیرای حدود ۴ میلیون بازدید کننده است.

این موزه در سال ۱۵۰۶ میلادی توسط پاپ ژولیوس دوم بنیان نهاده شد.

موزه واتیکان ساختمانی در داخل کشور واتیکان است که شامل چند مجموعه موزه است و از بخش‌های متنوعی تشکیل شده و آثاری از

تمدن‌های مختلف در بر دارد.

بخش اصلی آن از هنر عمومی و تندیس‌ها و پیکره‌های بسیاری تشکیل شده و آثار هنری بسیاری از کلیسای کاتولیک روم را به نمایش گذاشته است.

پاپ ژولیوس دوم این موزه را در قرن شانزدهم (سال ۱۵۰۶ میلادی) تأسیس کرد. سالانه از این موزه بیشتر از ۵ میلیون نفر بازدید می‌کنند. ورودی برای هر نفر ۱۴ یورو است بخش اصلی درآمد واتیکان از این موزه تامین می‌شود.

موزه واتیکان اکتبر سال ۲۰۰۶ پانصدمین سالگرد تأسیس خود را با گشایش دائمی حفاری قبرستان واتیکان جشن گرفت. امروزه مجموعه موزه واتیکان ترکیبی از موزه‌ها و گالری‌های مختلف پاپی هستند که تحت حمایت پاپ کلمنت چهاردهم (۱۷۶۹-۱۷۷۴) و پاپ پیوس ششم (۱۷۷۵-۱۷۹۹) آغاز به کار کردند.

قسمت موزه پروفین لاتران دربرگیرنده تندیس‌های باستانی (به ویژه تابوت‌های سنگی مرمر یک دست) و سنگ نوشته‌هایی از دوران مسیحیت باستانی است.

در سال ۱۹۱۰ و دوران پاپ سنت پیوس دهم (۱۹۰۳-۱۹۱۴) گالری سنگ‌شناسی عبری در داخل موزه پیوکریستین شکل گرفت که دربرگیرنده ۱۳۷ سنگ نوشته عبری از گورستان‌های باستانی در رم است و بعدها توسط پاپ ژان بیست و سوم (۱۹۵۸-۱۹۶۳) از قصر لاتران به ساختمان داخلی واتیکان منتقل و در سال ۱۹۷۰ افتتاح شد.

این موزه همچنین دربرگیرنده مجموعه مختلفی از پرده‌های منقوش و قالیچه‌نماهایی از قرن پانزدهم و هفدهم و همچنین مجموعه‌ای از نقشه‌ها و نقاشی‌های مختلف ایتالیا است. در داخل موزه واتیکان بیش از هرجای دیگری در جهان آثار برهنه وجود دارد.

بخش تاریخی موزه واتیکان نیز در سال ۱۹۷۳ پایه‌گذاری شد که دربرگیرنده مجموعه‌ای از پرتره‌های پاپی و اشیاء سپاه نظامی پاپی و همچنین اشیایی برای مراسم و تشریفات خاص است که دیگر استفاده نمی‌شود. موزه اتومبیل و کالسکه نیز بخشی از موزه تاریخی واتیکان است.

شهر واتیکان با دو کیلومتر طول و هزار نفر شهروند- کوچکترین کشور مستقل جهان - در سال ۱۹۲۹ طبق عهدنامه لاترن (Lateran Treat) تأسیس شد. کشور و یا به عبارت بهتر شهرک واتیکان تقریبا در مرکز شهر رم واقع شده است. این شهر مانند ارگ و یا قلعه توسط دیوارهای مربوط به قرون وسطایی احاطه شده است و ۶ دروازه دارد.

کشیش‌ها و پدران روحانی برای چندین قرن مانع هر گونه بروز خلاقیت و هنر بودند. آن دوره سیاه تاریخی به نام قرون وسطی یادآور حوادثی مانند دادگاه‌های تفتیش عقاید، سوزاندن و کشتن بود.

محاکمه گالیله و سوزاندن جرنوبرنادو نمونه‌هایی از این رویدادهای سیاه است که بار سنگین آن را برای همیشه واتیکان بردوش دارد. اما با ظهور دوره نوگرایی، هنر در همه زمینه بویژه در نقاشی و ترسیم، شکوفایی یافت. تعدادی از معروفترین هنرمندان و معماران دوره رنسانس ایتالیا برای ساختن بناهای واتیکان توسط پاپ به کار گماشته شده بودند.

کتابخانه واتیکان و بخش‌های متنوع موزه آن حاوی اطلاعات تاریخی است که به لحاظ علمی و فرهنگی بسیار ارزشمند است. در سال ۱۹۸۴ سازمان جهانی یونسکو، تمام شهر واتیکان را در فهرست مناطق تاریخی خود ثبت کرد و تنها نمونه‌ای است که در آن کل یک کشور به‌عنوان اثری تاریخی ثبت می‌شود.

در موزه واتیکان نیز آثاری از تمدن پارسی وجود دارد. در این موزه همچنین سه کره جهان مربوط به سال‌های ۱۵۶۰ تا ۱۸۰۰ وجود دارد که اگرچه در آنها همچون سایر نقشه‌های قرون ۱۶ و ۱۷ ، قاره آمریکا و اقیانوسیه وجود ندارند اما در هر سه کره نقشه ایران با نام پارس و معادل لاتین خلیج فارس(سینوس پرسی) وجود دارد.

یک نقشه نیز روی چرم به سبک نقشه‌های باستانی بطلمیوسی وجود دارد که در آن نیز معادل خلیج فارس (سینوس پرسی) وجود دارد. یک نقشه روی چرم نیز وجود دارد که کار هنرمند لئوناردو داوینچی است و نام ایران را با نام امپراتوری پارس دارد.

اصولا نقشه‌های فعلی موجود در جهان قدمتی بیشتر از ۵۰۰ سال ندارند حتی آنهایی که بر اساس نقشه‌های بطلمیوس و نقشه نگاران باستان ترسیم شده‌اند مربوط به همین ۵ قرن اخیر هستند و اصل هیچیک از نقشه‌های منسوب به علمای یونان و روم در اختیار نیست.

در آخرین یکشنبه هر ماه، موزه واتیکان درهایش را برای بازدیدکنندگان به صورت مجانی باز می‌کند. صف مردمی که خواهان بازدید از موزه واتیکان در آخرین یکشنبه هرماه هستند، به حدی طولانی می‌شود که از چندین خیابان می‌گذرد.

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=127681

آشور (قلعه الشرقاط)

- نام کشور: عراق
- (Ashur)Qalat Sherqat
- شماره ثبت: ۰۰.۰ ۱۴ ۴۳ E ۰۰.۰ ۲۸ ۳۵ N
- سال ثبت: ۲۰۰۳
- ثبت در فهرست میراث جهانی در خطر: ۲۰۰۳

شهر باستانی آشور در ساحل رود دجله در شمال بینالنهرین قرار دارد و در منطقه با ویژگیهای خاص زمین ـ بومشناختی، در حد فاصل زمینهای کشاورزی دیم و بارانی، واقع شده است. این دولت ـ شهر که قدمتش به هزاره سوم پیش از میلاد میرسد، از قرن چهاردهم تا نهم پیش از میلاد نخستین پایتخت امپراتوری آشور و یک کانون تجاری با اهمیت بینالمللی بوده است. این شهر که به نام خدای آشور نامگذاری شده است، همچنین به عنوان پایتخت مذهبی آشوریان شناخته میشده است. این شهر توسط بابلیان نابود شد، اما در دوره اشکانی و بین قرون اول و دوم میلادی بار دیگر احیا شد.

▪ دلایل ثبت:

ـ اول : شهر آشور که در هزاره سوم پیش از میلاد تأسیس شده است، بین قرون چهاردهم و نهم پیش از میلاد، زمانی که نخستین پایتخت امپراطوری آشور بود، مهمترین نقش خود را ایفا کرده است. آشور همچنین پایتخت مذهبی این امپراتوری و محل تدفین و تاجگذاری پادشاهان آشوری بوده است.

ـ دوم : شواهد به دست آمده از عمارتهای دولتی و مسکونی آشور در جریان حفاریهای باستانشناسی، سند بینظیری از تکامل شیوههای ساختمانسازی از دوره سومریان و اکدیان تا دوره آشوریان و نیز مدت کوتاهی در دوره اشکانیان محسوب میشود

منبع : روزنامه سیاست‌روز

http://vista.ir/?view=article&id=106045

آقا میرزا اسداله روضاتی

سقاخانه آقا میرزا اسدالله روضاتی

این سقاخانه در طرف غربی خیابان طالقانی واقع و یکی از زیباترین سقاخانه‌های اصفهان است. نمایش بیرونی آن بدین گونه است: بر پیشانی آن لوحه‌هایی از شعر محتشم کاشانی به خط نستعلیق به رنگ سفید بر زمینه کاشی آبی نوشته شده و سر در آن را با نقش معقلی زیبای خورشید پوشانده و بر دو ستون از سنگ پارسی قرار داده‌اند. بر میله‌های پنجره‌اش قفلها و تکه پارچه‌های گوناگون رنگینی را بسته اند و بر پشتش بشکه آبی و کاسه‌ای جا دارد و گاهی نیازمندی سکه پولی کف آن می‌اندازد. سقاخانه را متبرک می‌دانند. کلید داری سقاخانه و رسیدگی به پاره‌ای از امور آن به عهده مسگری نزدیک سقاخانه است. اشعار سر در به شرح زیر است.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

یا ابا عبدالله الحسین

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

یا اباعبدالله الحسین

این صبح تیره باز دمید از کجا کزو کار جهان و خلق جهان جمله درهم است

یا ابا عبدالله الحسین

گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب کآشوب در تمامی ذرات عالم است

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست .....

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105938

vista.ir
Online Classified Service

آک سکی

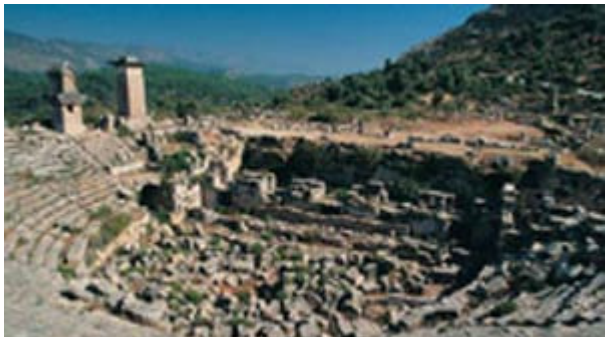

این شهرستان دومین شهرستان قدیمی آنتالیا بعد از آلانیا محسوب می شود و در یک منطقه کوهستانی و ناهموار قرار گرفته است.

فعالیتهای توریستی در این شهر همگام با شهرهای دیگر آنتالیا در چند سال اخیر رشد موفقی داشته است. این شهر سرزمین اصلی گل های بهمن محسوب می‌شود و هر ساله پذیرای جهانگردان و شکارچیان فراوانی می باشد و در ماههای زمستان توریستهای محلی و خارجی به منظور زیارت

این گل ها به این خطه هجوم می آورند. در کوههای گدنگلمز این منطقه انواع بزهای کوهی زندگی می کند و شکار آنها در قبال پول و مجوز امکانپذیر است. یکی دیگر از جاهای تفریحی این شهرستان، مکانهای پرورش ماهی قزل آلا روستاهای سینان خواجه و گوموش داملای آن می باشد. از مکانهای دیدنی این منطقه ییلاقهای گرگ تپه و چیمن، وادی ایرماک، غارتازه کشف شده بوجاک آلان با عمق ۳۴۰ متر، مسجد جامع و مدرسه مرکز شهرستان می باشد.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97298

vista.ir
Online Classified Service

آن‌که رفت، آن‌که ماند، آن‌که آمد

● قانون اعزام دانشجو به خارج هشتاد ساله شد

این یادداشت ناچیز را، به دلیلی که خودشان می‌دانند و خودم، پیشکش می‌کنم به محضر معلمی عزیز و سخن‌شناس و نیک‌اندیش، جناب آقای دکتر فرشاد روشن‌ضمیر، استاد گروه فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

مهرماه سال ۱۳۴۶ است و چیزی به برگزاری مراسم تاجگذاری محمدرضا پهلوی نمانده. شادروان دکتر لطفعلی صورتگر، استاد ادبیات دانشگاه تهران، نوبت صبحگاهی تدریس شاهنامه فردوسی را برای دانشجویان مقطع دکترا به پایان رسانده و اینک در اتاق کار خود نشسته و قصیده غرّای تاجگذاری را می‌سراید. مرحوم مهندس مهدی بازرگان، استاد و نخستین رییس دانشکده فنی دانشگاه تهران – خدا می‌داند برای بار چندم – به کیفر در افتادن با حکومت پهلوی در زندان قصر محبوس است. زنده‌یاد دکتر محمدعلی مجتهدی، دانشگاه صنعتی آریامهر آن زمان و شریف آتی را راه انداخته و حالا دارد گروه‌های تخصصی را تجهیز می‌کند تا موسسه‌ای نمونه و بی‌نقص تحویل رییس بعدی دهد.

آیا بین این سه آدمی که یکی تا مغز استخوان دلباخته رژیم موجود است، دیگری فکروذکری ندارد جز جنگیدن با همان رژیم و سومی هرگز به سیاست نیاندیشیده، وجه اشتراکی می‌شود یافت؟ شاید بشود. این هر سه، از اعضای نخستین گروه یک‌صدوچند نفری دانشجویان اعزامی بودند که به سال ۱۳۰۷ و در دوره پهلوی اول و با بورس دولتی و اعتبار یک‌صدهزارتومانی «قانون اعزام محصل به خارجه» [۱] به فرنگ رفتند. هر سه در ایران به دنیا آمدند، در ایران زیستند، آن کردند که در دل به صلاح ایران می‌دانستند و هر سه در ایران روی در نقاب خاک کشیدند. نسلی از علم‌آموزان که با بورسیه‌های دولتی و در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲ به اروپا رفتند و پس از بازگشت، سیمای فن و دانش را در این آب‌وخاک دگرگون کردند، تکرارناشدنی است. باقیات صالحات‌شان را در بنیادهایی که در گوشه‌وکنار این ملک بر پا کرده‌اند، در کتاب‌هایی که نگاشته‌اند، در شاگردانی که پرورده‌اند و هر روز و بیش از همه جا، در حیات دانشگاهی ایران به رای‌العین می‌توان دید.

یگانگی این نسل، صرفاً در آنچه از خود بر جای گذاشتند، نیست؛ در رفتار شگفت و استثنایی‌شان هم هست. از بین ده‌ها هزار تن کسانی که در

هشتاد سالِ بعد از اینان با اعتبارات دولتی به گوشه‌وکنار کره زمین رفتند، همواره درصدی از اعزام‌شدگان قرار در فرنگ را بر بازگشت به وطن ترجیح دادند و فقط این یک گروه بودند که بی‌کم‌وکاست همگی به ایران بازگشتند و سی سالی را که تا بازنشستگی راه داشتند، در کشور پدری‌شان طی کردند – گیریم که بعضی‌شان، مثل مرحوم مهندس بازرگان، بخشی چشمگیر از دوران «خدمت»شان را در حبس گذارندند، ولی حتی محبس‌شان هم در طول و عرض جغرافیایی کشوری به اسم ایران جای داشت و زندان رفتن‌شان هم به قصد خدمت به همین مرزوبوم بود.

صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بسیاری دیگر از نهادهای جهانی، مهاجرت نیروی کار ماهر تحصیل‌کرده، مانند دانشمندان، مهندسان و پزشکان، را از کشورهای کمتر توسعه‌یافته به ممالک ثروتمندِ صنعتی ذیل عنوان کلی و کمی گنگ نشتی یا تخلیه مغزها [۲] طبقه‌بندی می‌کنند. بر من روشن نیست که چرا از دیرباز ما این عبارت ذاتاً نارسا را در زبان فارسی به «فرار مغزها» ترجمه کرده‌ایم و از این برگردان خود دست بردار نیستیم. لابد می‌خواهیم تلویحاً بگوییم که این جریانِ رودخانه‌ی سرمایه‌های انسانی را از ارتفاع پست فقرا به بالادست اغنیا نمی‌پسندیم و دوست‌تر می‌داریم که علمای ممالک پردرآمد به مدد ضعفا بیایند و حالا که نمی‌آیند، حداقل خبرگان و باسوادان کشورهای کم‌درآمد الی‌الابد در سرزمین مادری‌شان بمانند و خانه خودشان را آباد کنند، نه آن‌که باغچه غریبه‌ها را بیل بزنند.

دنیا، اگر دنیای بی‌رحمی هم نباشد، عالَم واقعیاتِ سرسخت است و نه خواب‌وخیال‌های شیرین؛ این را می‌دانیم که از دست‌کم دویست سال پیش، شماری از کارگران و افزارمندان ماهر و تجار و کسبه‌ی متمول ایرانی در جست‌وجوی کار پردرآمدتر و شرایط زندگی بهتر از آذربایجان ایران رخت بر می‌بستند و در باکو و تفلیس و استانبول رحل اقامت می‌افکندند، تا به امروز که گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول [۳ و ۴] خبر می‌دهند که ایران، به نسبت جمعیت‌اش، بیشترین میزان مهاجرت را در جهان دارد و علاوه بر آن در بین کل کشورهای دنیا، مهاجران ایرانی از هر گروه مشابهی باسوادترند: هر سال یک‌صدوپنجاه هزار نفر ایرانیِ تحصیل‌کرده به خارج مهاجرت می‌کنند [۵]، عده خیلی بیشتری از درس‌خوانده‌ها سعی در مهاجرت می‌کنند اما به هر علتی، حسرت به دل می‌مانند و از همه مهم‌تر این‌که بیست‌وپنج درصد از جمعیتِ مهاجران ایرانیِ ساکن در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی [OECD] تحصیلات لیسانس و بالاتر دارند. در مقام مقایسه، باید گفت که این نسبت برای دومین صادرکننده آدم‌های تحصیل‌کرده، یعنی کره جنوبی، پانزده درصد بیش نیست.

از این جمع کثیر، کسانی به اتکای پس‌انداز خودشان یا به پشتوانه ارث پدرشان جاده عزیمت‌شان را به دنیای صنعتی صاف کرده‌اند؛ درس‌شان را خوانده‌اند، تعهدات قانونی‌شان را به ازای تحصیل رایگان انجام داده‌اند، مدرک‌شان را گرفته‌اند، شغل مناسب حال و درخور رشته تحصیلی‌شان نجسته‌اند، افق اقتصادی کشور را تیره‌وتار دیده‌اند، شاید ضوابط و شئون و مقررات مملکت را مغایر آرزوها و دلخواه خود یافته‌اند و تصمیم به زندگی در جایی دیگر گرفته‌اند - جایی که حدس می‌زنند با روحیات و خواسته‌های‌شان سازگارتر باشد. مساله، مساله انتخاب فردی است و نمی‌توان به ضرب‌وزور نفی‌اش کرد و ندیده‌ام که کسی، از جمله متعصب‌ترین میهن‌پرستان، ناله و نفرین بدرقه این گروه از مهاجران کند. حتی آدمی مثل شیخ اجل، با آن‌همه قول‌وغزل در مدح موطن‌اش شیراز، این‌قدر شجاعت و صراحت داشت که وقتی در بر روی پاشنه نمی‌چرخید یا روزگار بر او سخت می‌گرفت، با صدای بلند می‌گفت: «سعدیا حبّ وطن گرچه حدیثی است صحیح / نتوان مُرد به سختی، که من اینجا زادم» و بعد، راه بغداد و بصره و هندوستان، راه مهاجرت، در پیش می‌گرفت.

▪ گروهی دیگر، آنان‌اند که اگر بمانند، در غیاب زمین مزروعی حاصل‌خیز، غنچه استعدادشان نشکفته می‌پژمرد و این، منصفانه نیست. خانمی جوان به نام پردیس ثابتی که چهل‌ونهمین آدم باهوش دنیا در سال ۲۰۰۷ است، در زندگی‌اش یک عشق دارد و آن هم ژنتیک تکامل و در بیست‌وپنج سالگی جایزه‌ای می‌گیرد که در طول تاریخ دانشگاه هاروارد تنها دو زن دیگر به آن دست یافته‌اند، راهی ندارد مگر آن‌که در جایی زندگی کند که قادر است سالی سه میلیون دلار هزینه تحقیقات‌اش را بدهد. وحید تارخ و لطفی‌علی عسکرزاده و علی جوان، اگر در هاروارد و برکلی و امرآی‌تی ماندگار نمی‌شدند، امروز بشریت از شناختن رمزهای گره‌های فضازمان [۶]، از کاربردهای منطق فازی [۷] و از مواهب لیزر گازی محروم مانده بود و اسم اینان در کتاب‌های تاریخ علم و منطق و ریاضیات، هم‌تراز ارسطو و برتراند راسل و کلود ای شَنون [۸]، غول بنیان‌گذار نظریه‌های نوین ارتباطات، ثبت نمی‌شد. تراژدی دل‌خراشی است، ولی همین است که هست و جای نابغه، تا اطلاع ثانوی، در کنار نوابغ و در مراکز پژوهشی ممالک توسعه‌یافته است: نه فقط علی جوان، بلکه همه دوازده دانشمند نابغه‌ی برتر دنیا در سال ۲۰۰۷، در دانشگاه‌های کشورهای صنعتی به کار مشغول بوده‌اند [۹].

این جماعتِ سفرکردگان، حتی اگر مثل عمادالدین تاج‌خورشید یا کیکاووس پرنگ، با بورس دولتی به خارج رفته و برنگشته باشند، تا وقتی که در مجله ساینس مقاله می‌نویسند و همگنان، تاج سر دانش داروسازی جهان می‌دانندشان، اگر هم فقط گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند و نه زیلوی ایران‌زمین را، باز قافله‌ی دل‌های ما را به همراه دارند، مایه سربلندی‌مان‌اند و تک‌تک‌شان را «هر کجا هست خدایا به سلامت دارش». با این

احوال، چه می‌شود کرد که ته دل‌مان همیشه این آرزوی نامحقق جا خوش کرده که کاش اینان هم مانند آمارتیا سِن هندی برنده‌ی جایزه نوبل اقتصاد، پس از آن‌که قله‌های افتخار را فتح کردند، بیایند، هفت‌هشت سالی بمانند و چیزی را شبیه به مکتب دهلی در اقتصاد در زادگاه خودشان بنیان گذارند که اینک فخر هندیان است و کوس رقابت با ممتازترین دپارتمان‌های اقتصاد دانشگاه‌های استنفورد و شیکاگو را می‌زند. یا همان جا که هستند چکه‌ای از دریای تحقیق و مطالعه خود را، بر سیاق آمارتیا سِن، وقف درمان میراث شوم جهان سوم – فقر و گرسنگی و بیماری – کنند.

قبول کنیم که قسمتی از بی‌رغبتی دانشمندان مهاجرت‌گزیده‌ی تراز اول ما، به بازگشتی هر چند کوتاه به ایران، گاه از سر بی‌تدبیری و تنگ‌چشمی و ترس‌مان از رقیب قَدَر است. برنامه تلویزیونی مهاجران را مخالفان لوس‌آنجلس‌نشین دولت ایران نساخته بودند؛ صدا و سیمای خودمان تولیدش کرده بود. پرفسور کیوان مزدا، تکخال بی‌نظیر اُرتوپدی کودکان، که یک روز هم در زندگی حرفه‌ای‌اش در بخش خصوصی کار نکرده و با دستمزدِ ناچیز دولتی در بیمارستان روبر دِبره‌ی پاریس بچه‌های فقیر موبور چشم‌آبی را جراحی می‌کند، با دل‌خوری می‌گفت که سال‌هاست می‌کوشد باز گردد و به‌رایگان دستیاران ایرانی را آموزش دهد. می‌گفت که همقطاران اُرتوپد ایرانی‌اش از بیم کساد شدن کسب‌وکارشان، آن‌قدر سنگ در راه آمدن‌اش انداخته‌اند که حالا دارد به کمک دوستان‌اش در کابُل بیمارستانی برای، به قول خودش، «اطفال‌ها و زنان‌ها» می‌سازد تا از شنیدن زبان فارسی، حتی شده به لهجه‌ی افغانی، بی‌نصیب نماند. پیری حافظه مرا بدجوری به دست‌انداز انداخته؛ شما یادتان می‌آید کدام شاعر شیرپاک‌خورده‌ای سروده بود «مرنجان دل‌ام را که این مرغ وحشی / ز بامی که بر خاست، مشکل نشیند»؟

▪ گروه سومی از مهاجران نیز هستند که در هیچ‌یک از طبقات قبلی جای نمی‌گیرند:

مالیات من و شما و پول نفت ملت را گرفته‌اند، تحت عنوان دانشجوی مقطع پی‌اچ‌دی یا فرصت مطالعاتی رفته‌اند، کنگر اصیل ایرانی خورده‌اند و در دیار غرب لنگر انداخته‌اند. نه با منش و کردارشان در غربت گلی به سر مملکت زده‌اند، نه چیزی به خزاین دانش بشری افزوده‌اند و نه باز می‌گردند بلکه چهار دانشجوی هموطن تشنه‌ی علم روز را با دستاوردهای توسعه‌یافتگان آشنا کنند. البته هر کس سلیقه‌ای دارد و اگر آدمیزادی پیدا می‌شود که راضی است همسر فوق‌لیسانس‌اش پیش‌بند ببندد و در رستوران، ظرف کثیف غریبه‌های پرعور و ادا را بشوید و خودش، به جای تدریس در دانشگاه‌های ایران، برای چندرغاز درآمد، با مدرک پی‌اچ‌دی و خروارخروار ادعا، صبح تا شب به عنوان اُپراتور پشت دستگاه اچ‌پی‌ال‌سی جان بکند، عیبی ندارد - خودش می‌داند و خانواده‌اش؛ به شرط آن‌که خرج درس خواندن و مدرک گرفتن‌اش را از جیب داده باشد و به شرط آن‌که لقمه را از دهان بچه‌های پابرهنه نهبندان نقاپیده باشیم و چندهزار فرسنگ آن‌ورتر به حلقوم محصل اعزامیِ ماندگار در فرنگ نریخته باشیم.

گذارتان به هر یک از شهرهای دانشگاهی اروپا، آمریکای شمالی یا استرالیا بیفتد، ناگزیر با قومی از این جنس رو در رو خواهید شد و در نگاه اول بازشان نخواهید شناخت. نه پوشش، نه کلام، نه نشست و برخاست‌شان کمترین شباهتی به موجودی ندارد که تصویرش را سال‌ها پیش و در ایران در مغزتان ساخته بودید و این شک در قلب‌تان می‌نشیند که آن ادا و اطوار و مقدس‌نمایی‌های پیشین نه به قصد قربت و مهر به معرفت، که به عزم غربت و عشق به اقامت در غرب بوده. حقاً پوست خیلی کلفتی می‌خواهد که آدم ده سال یا بیشتر نقابی بر چهره و صورت‌اش بزند که با ذات و سیرت‌اش کوچک‌ترین تجانسی ندارد - آن هم برای آن‌که آخر کار در خانه‌ی بیگانه‌ها، با حقوق و مزایای تکنسین ماهر، شغلی را بپذیرد که هیچ شهروند بومیِ متوسط‌الحالی میلی به تصدی‌اش ندارد.

چند روز دیگر و در یکم خرداد ماه، قانون اعزام محصل به خارجه هشتاد ساله خواهد شد؛ باز، کسانی با اعتبارات دولتی به فرنگ خواهند رفت و باز، کمافی‌السابق، شماری از آنان باز نخواهند گشت. سقوط از آن سوی پشت‌بام و منع اعزام دانشجو به خارج چاره کار نیست. اشکال، از هر چه که باشد، از آدم‌های زرنگی نیست که به آسانی آب خوردن نظام گزینش محصل اعزامی را گول می‌زنند؛ اشکالی اگر هست - که هست – در آن نظام گزینشی است که هشتاد سال آزگار است نمی‌تواند اصل را از قلب، سره را از ناسره، سیرت را از صورت و میهن‌پرستی و تقوا را از فرصت‌طلبی و ظاهرسازی باز شناسد. گروکشی با وثیقه‌های سنگین هم علاج درد نیست. مملکت ما پر است از مصطفی چمران‌ها و مهدی بازرگان‌ها و محمدعلی مجتهدی‌هایِ بالقوه‌یِ کشف‌ناشده. یافتن و به فعل در آوردن‌شان، محتاج بازنگری در زاویه نگاه‌مان به آدم‌های دوروبرمان است و بس.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319288

vista.ir
Online Classified Service

آیا ارزش خاک کیش را می‌دانیم؟

کیش، مروارید خلیج‌فارس، یک مروارید حقیقی است. جنس آن مانند مروارید است یعنی از فعالیت مرجان‌ها بوجود می‌آید. مروارید، ترشحات صدف‌هاست که همان مواد آهکی در مقابل ذرات شن که تن نرم و حساس آنها را می‌آزارد. صدف مواد کلسیمی و آهکی را از محیط جذب می‌کند و اطراف ذره شن آزاردهنده جای می‌گذارد، به‌صورت یک مروارید نرم بدون آزار، در داخل صدف و در مجاورت جسم حساس او قرار گیرد.

جزایر مرجانی در اثر فعالیت میلیاردها میلیارد مرجان در طول میلیون‌ها سال به‌وجود می‌آیند. هر مرجان موجود ریزی است که برای خود از مواد آهکی که در آب وجود دارد، خانه‌ای ترشح می‌کند و در آن زندگی می‌کند. در طول شب، این مرجان روزن (خانه) آهکی خود را باز می‌کند و با حرکت تاژک‌های خود که از روزن خانه‌اش به داخل آب می‌فرستد، از مواد معلق در آب جذب و تغذیه می‌کند.

وقتی که عمر مرجان "coral" به سر آمد، خانه آهکی کوچک او باقی می‌ماند و هیچ مرجانی آن را تصاحب نمی‌کند چون هر مرجانی برای خود خانه‌ای می‌سازد. نظر به استحکام این خانه‌های آهکی، آنان برای قرن‌ها و هزاره‌ها در آب باقی می‌مانند و به مرور به حجم و ارتفاع آنها افزوده می‌شود چون به‌مرور به تعداد خانه‌های خالی آهکی که صاحبان آنها مرده‌اند اضافه می‌شود و خود این سازه که در اثر سعی موجودات زنده تشکیل شده از آب خارج می‌شود و یک جزیره مرجانی را تشکیل می‌دهند.

برخی از این سازه‌ها به‌قدری عظمت دارند که حتی از سطح ماه نیز دیده شده‌اند مانند صخره‌های مرجانی در جنوب استرالیا.

این سازه همچنین از نظر تامین محیط‌زیست برای سایر موجودات در کف آب بسیار اهمیت دارند و موجب تنوع زیستی در کف آب می‌شوند مجموع گیاهان و جانوران آبزی و نیز ماهیان در اطراف این مرجان‌ها تشکیل می‌شوند و رنگارنگ‌ترین جلوه‌های حیات بر روی کره زمین را به‌خصوص در هنگام شب پدید می‌آورند.

در شب برعکس، هنگامی که مرجان‌ها به دلیل مسمومیت و یا مثلاً آلودگی نفتی و یا مثلاً گرم شدن آب (تاثیر گلخانه‌ای) از بین بروند آن همه رنگ تبدیل به سفیدی مرگ‌بار و زشتی می‌شود که به آن "Bleach" می‌گویند و این یکی از غمناک‌ترین مناظری است که یک زیست‌شناس در زندگی می‌بیند. در خلیج‌فارس چند سال پیش این منظره‌ها دیده شد. گرمای آب را مسئول این پدیده می‌دانند، به همراه آلودگی آب....

- تولد لاک پشت‌ها، یک اتفاق زیبا در جزیره کیش

اسفند ماه که به نیمه می رسد، اتفاق زیبائی در سواحل جنوبی کشورمان دوستداران محیط زیست را به سمت خودفرا می‌خواند. این گزارش نگاهی دارد به تمام مسائلی که طی سالیان دراز بر این موجودات روا داشته‌ایم و تاثیرات دخالت انسان در برهم زدن نظم طبیعت پیوسته می تازد و آن را به صورت یک بحران زیست محیطی درمی‌آورد.

لاک پشت های دریایی به عنوان گروهی از جانوران که معرف بخش قدیمی و متفاوتی از تنوع زیستی جهان به شمار می‌روند، رده‌بندی شده‌اند. این موجودات در راسته‌ای همراه کروکودیل‌ها و مارمولک ها از مهره داران ۲۰۰ میلیون سال پیش هستند و پیش از دیگر خزندگان پا به مرحله حیات گذاشته‌اند.

لاک پشت های دریایی در ۲ خانواده، همراه مارهای دریایی، تنها خزندگانی هستند که با زندگی در آب دریا سازش یافته‌اند، اما ارتباط خود را با خشکی قطع نکرده‌اند. آنها برای تنفس به سطح آب وابسته هستند و در فصل تولیدمثل برای تخمگذاری به سمت سواحل شنی حرکت می‌کنند.

لاک پشت‌ها معمولا از گیاهان دریایی یا عروسهای دریایی، اسنفج‌ها، لار و سخت‌پوستان و نرمتنان تغذیه می‌کنند.

۸ گونه لاک‌پشت‌های دریایی پراکنش جهانی دارند و انتشار جغرافیایی آنها در آبهای گرم و نیمه‌گرم استوایی و از جمله خلیج فارس و دریای عمان است.

عمده سواحل ایران که لاک پشت‌ها را در خود پرورش می دهند عبارتند از جزایر لاوان، قشم ، شیدور و لارک.

لاک پشت های دریایی در قرن ۱۸ و ۱۹ جمعیت های بزرگی بالغ بر میلیون‌ها عدد را در دریاها تشکیل می دادند، ولی در چند دهه گذشته عوامل مختلف ازجمله صید و شکار، تخریب زیستگاه‌ها و مناطق تخمگذاری و این اواخر با ایجاد انواع آلودگی‌ها قدرت بقای کمتری دارند، به طوری که در حال حاضر تنها جمعیت انگشت شماری از آنها از سیل خطرات متعدد در امان مانده‌اند که این جمعیت هم بشدت رو به کاهش گذاشته‌اند...

منبع : ماهنامه سفر

http://vista.ir/?view=article&id=277240

vista.ir
Online Classified Service

آیزانویی

این شهر که در دوران اولیه بیزانس مرکز روانشناسی بوده است ، در دوران امپراتوری روم با صنعت پشم بافی و شراب سازی توسعه و شهر ثروتمندی شد.

اولین حفاریهای علمی در آیزانوئی به سال ۱۹۲۶ از طرف انستیتو آرکئولوزی (باستانشناسی) آلمان شروع شد. بدون شک مهمترین بنای آیزانویی مقبره زئوس است. این بنا بلحاظ معماری در آنادولو بی همتاست. امروزه گالریها و بازراچه ها در زیر باغچه های حیاط ها نظیر یک رویا پا برجاست. در باغچه مقبره سنگ های مزارها که هر کدام به شکل .... و کوره طراحی شده اند توجه بازید کنندگان را به خود جلب می کنند. اسم مقبره قهرمان افسانه ای بنام آزان از بهم پیوستن پری آبها اراتو وخانه افسانه ای پادشاه آدکاس بوجود آمده و درطول زمان به آیزانو تغییر یافته است. این ثار تاریخی در ۵۷ کیلومتری مرکز شهر کوتاهیا واقع است.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97826

vista.ir
Online Classified Service

آیوالیک

آیوالیک که یکی از شهر های با لیکسیر می باشد با پلاژها و آب تمیز دریا و با سواحل زیبای احاطه شده از طرف باغات زیتون یک مرکز تاریخی و تفریحی با آثار باستانی فراوان است .

● تاریخ :

آیوالیک در عصر آنتیک با نام کیدونیا که به معنای یک نوع به وحشی بود نامیده میشد. در عصر اولیه تحت حاکمیت M&#۳۰۵;sya ، هیتیت ، فریق ، لیدی ، در قرن وسطی تحت حاکمیت روم و یونان و از قرن ۱۵ نیز تحت حاکمیت ترکان بوده است . رومیان و ترکان سالهای سال در کنار یکدیگر زندگی کرده اند. در قرن ۱۹ و آغاز قرن بیستم ، اهالی روم که دوران طلایی خود را بسر می بردند در سال ۱۸۲۱ در قیام یونانی ها شرکت کردند در نتیجه بخش اعظم شهر تخلیه گردیده و سپس علیرغم اینکه اجازه بازگشت به شهر را یافته اند لیکن هیچگاه به دوران گذشته خود بازنگشته است . علیرغم اینکه امروزه با آثار زیادی از دوران گذشته برخورد نمی شود لیکن قطعات سفالی متعلق به دوره روم و Hellesnist قابل مشاهده است.

● آب و هوا :

آیوالیک با بیش از یکصد کیلومتر نواحی ساحلی ، آب و هوای مخصوص به خود را داشته و در معرض توفان های دریایی قرار دارد . در تابستانها نیز بادهای مدیترانه ای بر گرمای شدید آن تاثیر گذار است.

● راه ارتباطی : از طریق جاده های زمینی از بالیکسیر و سایر استانها می توان به آیوالیک مسافرت نمود.

▪ تلفن ترمینال : ۳۱۲۱۱۰۰ (۰۰۹۰۲۶۶)

● خوردنی ها :

در رستورانهای مخصوص ماهی که در سواحل آیوالیک و بویژه در سواحل جزیره جوندا قرار دارند می توان از خوردن ماهی مشهور منطقه بنام پاپالینا Papalina ، محصولات دریایی ، مزه ها و غذاهای سبزی مشهور منطقه اژه لذت برد .

● اماکن دیدنی :

▪ جزیره جوندا (علی بی) :

این جزیره که راه آیوالیک به دریای آزاد را بسته است بوسیله یک پل به شهر متصل شده است . در فصل تابستان در هر ساعت سفر دریایی با قایق ها به این جزیره برقرار میشود . در جزیره تعداد زیادی کلیسا و عبادتگاه وجود دارد . بزرگترین کلیسای این جای عکس جزیره Taksiyarhis نام دارد . ناقوس بزرگ این کلیسا در موزه برگاما قرار دارد. از مناطق مرتفع جزیره می توان مناظر بسیار زیبای تنگه و جزایر را مشاهده نمود. در رستورانهایی که بطور منظم در مرکز جزیره قرار دارند می توان با خوردن ماهی مشهور منطقه بنام پاپالینا و نیز محصولات دریایی، مزه ها و غذاهای سبزی، شام لذیذی را صرف نمود.

▪ سفره شیطان :

در بالای کمپ جنگل کاج قرار دارد . تپه که از تراکم مواد یک آتشفشان قدیمی بوجود آمده بشکل یک سفره دایره مانند است . در داخل یک قفس آهنی نیز یک جای پای بزرگ که بنا به روایت متعلق به شیطان است قرار دارد. از سفره شیطان که یک تپه مرتفع مشرف بر جزایر و جنگلهای کاج آیوالیک است می توان زیبایی بی نظیر غروب آفتاب را تماشا کرد. در این ناحیه یک رستوران نیز وجود دارد.

▪ خانه های آیوالیک قدیمی :

دربها ، دستگیره ها ، پنجره ها ، کنده کاریهای چوبی و سنگی خانه های قدیمی ، خاطره زمانهای قدیم را زنده می کند.

● پلاژها

▪ پلاژهای ساریم ساکلی :

در ۸ کیلومتری مرکز شهر قرار دارد . این پلاژ با سواحل شنی که دارای ۷ کیلومتر طول و ۱۰۰ متر عرض می باشد محل استقرار مهمانخانه ها ، کافه تریا جای عکس و رستورانها و کازینوهای فراوان است . پلاژ شاهین کایا که در امتداد این پلاژ قرار دارد نیز دارای ساحل شنی بسیار تمیزی است.

▪ آلتین اوا :

آلتین اوا که یکی از نواحی زیبای آیوالیک می باشد دارای سواحل تمیزی است . این ناحیه که در ۱۳ کیلومتری مرکز شهر قرار دارد با گردشگاهها و استراحتگاههای داخل جنگل ، مکان بسیار ایده آلی برای پیک نیک می باشد. علی چتین کایا : یک پلاژ عمومی با ساحل شنی و تمیز در کرانه شمالی شهر قرار دارد.

● منطقه دوبا :

▪ (پلاژ شهرداری) :

بروی جاده منتهی به جزیره علی بی قرار دارد.

▪ جزیره جوندا (علی بی) :

در ۸ کیلومتری مرکز شهر قرار دارد . اطراف جزیره ، پلاژ طبیعی است.

● مساجد و کلیساها :

▪ مسجد ساعتلی :

در مرکز شهر و در محله عصمت پاشا قرار داشته و از سوی رومی ها محلی بعنوان کلیسا ساخته شده و از سال ۱۹۲۸ بعنوان مسجد مورد استفاده قرار می گیرد.

▪ کلیسای Taksiyarhis :

این کلیسا که در سال ۱۸۷۳ ساخته شده و با سنگهای حجاری شده خود توجه همگان را بخود جلب می کند در بخش چشمه پایین قرار دارد . این محل ، اولین محله شهر بود که مسیحیان و مسلمانان در کنار هم زندگی می کردند. کوچه های اطراف آن و بافت معماری آن به سبک نئوکلاسیک می باشد. کلیسا از نظر ویژگی معماری ، حجاری سنگهای مرمر ، تزیینات سقف شامل موضوعات مذهبی ، تصاویر مربوط به زندگی حضرت عیسی از لحظه ولادت تا وفات ، پرتره های نقاشی شده بروی پوست ماهی یکی از آثار بسیار جالب شهر است که هنوز بدون تخریب پابرجا مانده است.

▪ کلیسای ایا نیکولا (Aya Nikola) :

در جزیره علی بی واقع شده جای عکس است و با چینی کاریهایی که موضوعات دینی روایت شده در تورات و انجیل را به تصویر کشیده تزیین شده است.

▪ عبادتگاه Ay&#۳۰۵;s&#۳۰۵;&#۲۸۷;&#۳۰۵; :

به این عبادتگاه که نام ترکی شده آن Ay&#۳۰۵;s&#۳۰۵;&#۲۸۷;&#۳۰۵; شده و در دنباله شمالی جزیره علی بی در منطقه پاتریچا قرار دارد پس از عبور از روستای اول و دوم می رسیم . قسمت اعظم ویژگیهای مخصوص جای عکس بخود را حفظ کرده است .

▪ عبادتگاه LEKA :

این عبادتگاه که در کرانه شمالی مدخل ورودی تنگه دالیان به خلیج قرار داشته و از بین درختان زیتون مشاهده میشود ، ویژگیهای خاص خود را حفظ نموده و بیانگر تلاش کشیشان برای ساخت آن است.

● غواصی :

آیوالیک علاوه بر غنای تاریخی و فرهنگی ، از نظر زیباییهای کف دریا و غواصی در آن بویژه در اطراف جزیره ها یکی از مراکز بسیار مهم است.

● سایر اماکن دیدنی :

▪ جزیره گوورجین :

یکی از اماکنی که خداوند آن را مقدس شمرده و در خلیج پاتریچا قرار دارد جزیره گوورجین نام دارد. عبادتگاه داخل جزیره از قرون وسطی تا به امروز باقی مانده است.

▪ چاملیک (جنگل کاج) :

در اطراف شهر و در تپه مشرف به شهر قرار دارد . تپه با درختان کاج پوشیده شده است .

- بدون دیدن برنگرد
- بدون دیدن غروب در سفره شیطان
- بدون خوردن ماهی در جزیره جوندا و دیدن کلیساها
- بدون غواصی در جزیره آیوالیک
- بدون ورود به دریا از طرف ساریم ساکلی
- بدون گردش و قایق سواری در اطراف جزیره
- بدون خریدن زیتون و روغن زیتون بر نگردید.
- زنجیره ارتباطی
- اداره گردشگری استان
- استانداری بالیکسیر
- شهرداری بالیکسیر
- دانشگاه بالیکسیر
- منطقه صنعتی بالیکسیر
- شهرک کوچک صنعتی بالیکسیر
- اتاق داروسازان بالیکسیر

منبع : سایت سفارت ترکیه

http://vista.ir/?view=article&id=340156

vista.ir
Online Classified Service

ابوموسی؛ خوش آب و هواترین جزیره خلیج فارس

جزیره ابوموسی در خلیج‌فارس یکی از جزایری است که مورد مناقشه ایران و امارات متحده عربی است. به همین دلیل کسی نمی‌تواند به این جزیره پا بگذارد.

مشخصاتی که در مورد جزیره ابوموسی برای شما می‌نویسم هیچ‌کدام بر اساس مطالعه از روی سند یا کتاب خاصی نیست. چون منبع حتی مختصری هم در این مورد نیافتم. همه بر اساس مشاهدات شخصی یا شنیده‌ها است. ارقام و اعداد هم تقریبی هستند. من مدتی از زمان خدمت سربازی را در این جزیره گذراندم و این نوشته حاصل مشاهدات من است.

فاصله زمانی اسکله نیروی دریایی بندرعباس واقع در جنوب غربی شهر بندر تا جزیره ابوموسی به وسیله ناوچه‌های نیروی دریایی بین نه تا ده ساعت است. معمولا ناوچه‌های لجستیکی که تنها وسیله

حمل و نقل دریایی آن مسیر بودند، هنگام غروب یا آخر شب از بندر حرکت می‌کردند و صبح، هنگام طلوع خورشید یا بعد از آن به جزیره می‌رسیدند. به وسیله هواپیماهای مسافربری یا باربری ارتش، این زمان به ۴۵ - ۳۰ دقیقه کاهش یافت.

رفتن به جزیره برای افراد عادی مقدور نیست. نظامی‌ها (جهت ماموریت) یا اشخاصی که دارای کار مشخص و دائم و افراد ساکن حق رفتن به آنجا را داشتند. کسانی هم که از طرف فردی یا ارگانی و نهادی دعوت می‌شوند این اجازه را دریافت می‌کردند.

●تاسیسات موجود

یك اسكله و حوضچه (رایك) برای پهلو گرفتن كشتی‌های ماهیگیری و نظامی، یك باند فرودگاه و هلی‌كوپتر یك اسكله هاورکرافت، یك كارخانه آب شیرین‌كن جهت ساكنان ایرانی و یك آب شیرین‌كن برای اعراب، سردخانه، تاسیسات رفاهی مانند سوپرمارکت، سینمای روباز، مخابرات، مدرسه و ... نیز برای ساكنان وجود دارد.

طساکنان

در جزیره هم ایرانیان و هم اماراتی‌ها زندگی می‌کنند. ایرانی‌ها شامل افراد بومی که از سال‌ها قبل در آنجا ساکن هستند که شغل آنها ماهیگیری به وسیله لنج است و کسانی که جهت کار اداری مانند پرسنل فرمانداری، شهرداری، آموزش و پرورش، بخش بهداشت و تعدادی مغازه‌دار (فقط خواروبار) به همراه خانواده‌هایشان در آنجا زندگی می‌کنند.

بیشتر جمعیت مربوط به نظامی‌ها می‌شود که شامل پرسنل نیروی دریایی، هوایی، زمینی و سپاه هستند. همه اینها به جز نظامی‌ها در شهرکی که متعلق به ایران است، ساکن هستند.

اعراب نیز در شهرکی که متعلق به خودشان است، زندگی می‌کنند. اعراب فقط یك آب شیرین‌كن متعلق به خودشان دارند. بقیه امکانات متعلق به ایران است و آنها نیز حق استفاده دارند به جز فرودگاه. در آن موقع هفته‌ای یك بار یك ناو به نام «خاطر» برای اعراب آذوقه و مایحتاج لازم به همراه افراد جایگزین را به جزیره حمل می‌کرد (از امارات) که این ناو در اسکله ایران پهلو می‌گرفت. آنها حق رفت و آمد در شهرك ایرانی‌ها را دارند، حتی شرطه‌هایشان (نیروهای پلیس). اما ایرانی‌ها حق رفتن به محدوده آنها را ندارند. حتی ما به عنوان افسر نگهبان برای گشت نگهبانی حق توقف در شهرك آنها را نداریم.

●اوضاع طبیعی

مساحت ابوموسی که تقریبا بیضی شکل است و در حدود ۲۱-۲۰ کیلومتر مربع است و محیط آن تقریبا ۱۸- ۱۶ کیلومتر. یعنی تقریبا ابعادی به اندازه ۴ در ۵ کیلومتر.

دور تا دور جزیره جاده‌ای کشیده شده که بین این جاده و ساحل (آب دریا) سنگرها و استحکامات نظامی ایران است (به جز بخش عرب‌نشین) سواحل جزیره در یك بخش (سمت شمالی) شنی و در بخش دیگر (سمت جنوبی) صخره‌ای و سنگی است و بسیار زیبا.

آب سواحل به علت نبود آلودگی تا آن زمان بسیار زلال و شفاف بود. بستر تمام سواحل دارای مرجان‌های متنوع و گوناگون در اندازه‌های بسیار بزرگ است. تنوع جانوری دریایی بسیار جالب است، به طوری که خودم کوسه، سفره ماهی، لاك‌پشت سبز دریایی، مار ماهی، شاه میگو و انواع جانوران دریایی و ماهیان رنگارنگ را از نزدیك و مکرر دیده بودم.

استفاده از این سواحل فقط در یك قسمت برای عموم آزاد بود و آن هم ساحل شهرك و اسکله بود و بقیه دست نظامی‌ها بود و آنها فقط حق تردد در آنجا را داشتند. به علت سواستفاده و بی‌توجهی بعضی از افراد این سواحل روز به روز خراب‌تر و آلوده‌تر می‌شد تا جایی که زباله در بعضی اکناف این کناره‌ها مجتمع شده بود. چیزی که به تازگی شنیده‌ام این است که از آن مرجان‌ها چیزی در حال حاضر باقی نمانده و همه را کنده و برده‌اند.

عمق سواحل ابوموسی در بیشتر نقاط کم است و در بیشتر نقاط بستر دریا شیب بسیار ملایمی دارد تا جایی که هنگام مد عمق آب از کنار خشکی تا ۳۰۰-۲۰۰ متر آن طرف‌تر تقریباً به اندازه ۲ متر باقی می‌ماند و در هنگام جذر در بعضی جاها تمام مرجان‌ها و بستر دریا کاملا از آب بیرون قرار می‌گیرد. به دلیل همین عمق کم، مرجان‌ها صدمه‌پذیر بودند.

محیط خشکی جزیره شبیه ناحیه جنوب ایران است و در آن به جز پرندگان دریایی چند نوع پرنده کوچك خشکی‌زی مانند گنجشك وجود دارد. مار، عقرب، لاك‌پشت، چند نوع مارمولك و آگاما (نوعی سوسمار کوچك) را خودم دیدم.

در جزیره باغی مصنوعی وجود دارد به نام باغ جلال. جلال یزدی تبار بود که در زمان شاه به علت خلاف کار بودن به آنجا تبعید شده بود و در حال حاضر برای خودش دم و دستگاهی درست کرده، از جمله این باغ، بزرگ‌ترین فروشگاه جزیره نیز مال او بود و در امور غیرنظامی جزیره یکی از افراد

صاحب‌نظر و صاحب رای و با نفوذ بود.

در جزیره فقط یك كوه بلند مخروطی شكل به نام كوه «طوا» وجود دارد. ارتفاع این كوه از سطح دریا را نفهمیدم ولی از سطح جزیره ۸۰۰-۷۰۰ متر ارتفاع دارد.

بقیه جزیره تپه ماهور و دشت است. بعضی از برجستگی‌های تپه‌ها شنی بسیار زیبایی مانند تپه‌های كویری است كه اكثر آنها در كنار ساحل شكل گرفته‌اند. جای جای جزیره پر است از استحكامات نظامی.

در محوطه سنگری كه من فرمانده آن بودم، ۱۳ قبر كوچك و بزرگ قرار داشت كه می‌گفتند از افراد بومی هستند و نفهمیدم مربوط به چه زمانی هستند. از خانه‌های قدیمی و محلی بومی‌ها چیزی وجود نداشت و خود من فرد بومی ایرانی كه متعلق به خود ابوموسی باشد، ندیدم.

از جزیره در روزهایی كه هوا شرجی نبود كوه‌های رأس‌الخیمه امارات را به خوبی می‌شد دید و می‌گفتند با قایق موتوری تا آنجا ۳ ساعت بیشتر راه نیست.

آب و هوای جزیره در فصل گرما (بهار، تابستان، پاییز) بسیار گرم و شرجی است اما از اواخر پاییز تا اوایل و اواسط بهار، هوا بسیار مطبوع است. به جرأت می‌گویم در هیچ جای جنوب ایران، دریایی به خوش رنگی و هوایی لطیف‌تر از ابوموسی نیست.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227187

vista.ir
Online Classified Service

ادامه تحصیلات در فرانسه راهنمای عملی

• درخواست روادید

با توجه به وجود انواع مختلف روادید، تصمیم گیری در مورد مدت و هدف از اقامت كه تقاضای روادید برمبنای آن صورت می پذیرد، امری بسیار مهم و ضروری است. باید توجه داشت كه پس از ورود به خاك فرانسه امكان هیچ گونه تمدید و یا تغییر در نوع روادید وجود ندارد.

درخواست های روادید از طریق بخش همكاری و فعالیت فرهنگی سفارت فرانسه در تهران انجام می گیرد.

اغلب تاخیر های احتمالی در صدور روادید به دلیل نواقص پرونده متقاضیان می باشد بنابراین به هنگام تحویل پرونده باید از كامل بودن مدارك و مستندات مورد نیاز اطمینان حاصل نمایید(ترجمه تایید شده مدارك، اصل مدارك و...)

▪ انواع مختلف روادید

۱) روادید دانشجویی بلند مدت

تمام دانشجویان غیر اروپایی (دانشجویانی كه تابعیت جامعه اقتصادی اروپا، آندورا، موناكو، سوییس، سن مارین و واتیكان را ندارند) در صورتی كه اقامت پیش بینی شده آنها بیش از شش(۶) ماه باشد باید جهت ادامه تحصیلات خود، روادید دانشجویی بلند مدت اخذ نمایند.

مدت اعتبار این روادید بیش از یك سال نخواهد بود و دانشجویان از هر ملیتی در صورت تهیه و ارایه مدارك اعلام شده از سوی مراجع ذیصلاح می توانند روادید دانشجویی خود را تمدید كنند.

http://www.diplomatie.fr/venir/pays.html

برای دریافت اقامت دانشجویی در هنگام ورود به فرانسه و در مهلت دو ماهه داشتن این نوع روادید ضروری است.

۲) روادید اقامت کوتاه مدت

برای تحصیلاتی که مدت آنها کمتر از شش ماه می باشد و روادید اقامت کوتاه مدت فرد را از درخواست اقامت معاف می کند و خود این نوع روادید به عنوان مجوز اقامت معتبر است.

ـ توجه : در پایان برنامه پیش بینی شده، ادامه تحصیل در دیگر رشته ها بدون بازگشتن به کشور مبدأ به منظور اخذ روادید دانشجویی بلند مدت غیرممکن است و امکان تغییر روادید اخذ شده به هیچ وجه در فرانسه وجود ندارد.

۳) روادید دانشجویی کنکور

روادید دانشجویانی که جهت شرکت در یك کنکور و یا یك امتحان درخواست می شود، برای اقامت های کوتاه مدت-حداکثر ۹۰ روز- صادر می گردد. در صورت موفقیت و پذیرش قطعی در واحد آموزش مربوطه، دانشجو بدون نیاز به برگشتن به کشور مبدأ روادید اقامت بلند مدت را دریافت می نماید. در صورتی که جهت ثبت نام قطعی در موسسه آموزشی، نیاز به آموزش های مقدماتی و یا تکمیلی باشد نیز روادید کنکور صادر می گردد.

▪ تذکر:

روادید توریستی، از هر نوع که باشد، تحت هیچ شرایطی ، نه در فرانسه و نه در هیچ یك از دیگر کشورهای جامعه اروپا قابل تغییر به روادید دانشجویی نمی باشد.

▪ مدارك معتبر مورد نیاز

تمامی دانشجویان باید پرونده ای را جهت ارایه به بخش همکاری و فعالیت فرهنگی سفارت فرانسه در تهران تشکیل دهند. (اصل مدارك ذیل باید هنگام مصاحبه در کنسولگری ارائه شود.)

۴) روادید دانشجویی بلند مدت

ـ فرم روادید بلند مدت که با دقت و با ذکر تاریخ تکمیل و توسط متقاضی امضا شده باشد.

- ۵ قطعه عکس جدید متقاضی بدون روتوش سال جاری.

مدارك درخواستی ذیل باید در سه نسخه و هر کدام در یك پوشه جداگانه ارایه گردد:

- کپی آخرین مدرك تحصیلی ایرانی به همراه ترجمه فرانسه آن که به هم الصاق شده باشند.

- کپی ترجمه رسمی تایید شده شناسنامه ایرانی متقاضی و همچنین کپی اصل فارسی شناسنامه که به هم الصاق شده باشند.

- CV متقاضی

- کپی گواهی ثبت نام (یا پیش ثبت نام) در یك دانشگاه یا یك موسسه عالی فرانسوی دولتی یا خصوصی که مورد تایید دولت باشد.

- کپی ۵ صفحه اول گذرنامه به همراه کپی صفحات روادید قبلی کشورهای شن گن

- مستندات مالی

۱) یك حساب بانکی فرانسوی(فرانسه) به نام دانشجو با اعتباری معادل ۶۰۰۰ یورو

۲) تقبل هزینه توسط فردی در فرانسه (نامه تقبل هزینه با امضای گواهی شده در شهرداری، حساب بانکی و فیش حقوقی ۳ ماه گذشته ، کارت شناسایی ملی یا گذرنامه یا کارت اقامت.)

مبلغ قابل پرداخت: ۱۰۰ یورو

۵) روادید اقامت کوتاه مدت

- ۲ فرم روادید کوتاه مدت که با دقت و با ذکر تاریخ تکمیل و توسط متقاضی امضا شده باشد

- ۲ قطعه عکس جدید متقاضی بدون روتوش سال جاری.

-CV متقاضی

- کپی یك دعوتنامه (در زمینه های فرهنگی، هنری، زبانشناختی یا علمی)

- کپی معرفی نامه محل کار متقاضی روادید در ایران

- کپی پنج صفحه اول گذرنامه به همراه کپی صفحات روادید قبلی کشورهای شن گن

- مستندات مالی

۱) یك صورت موجودی حساب به نام متقاضی روادید از یك بانك ایرانی با حداقل موجودی ۳۵۰۰۰۰۰۰ ریال

۲) نامه ی تقبل تمام هزینه های اقامت و سفر در فرانسه از طرف فرد یا موسسه یی که شما را به فرانسه دعوت کرده است یا موسسه ایرانی که شما برای آنها کار می کنید.

مبالغ قابل پرداخت:

- برای اقامت کمتر از یك ماه ۲۵ یورو

- برای اقامت کمتر از یك تا سه ماه ۳۰ یورو

- برای اقامت یك تا سه ماهه باامکان ورود مکرر به فرانسه ۳۵ یورو

۶) روادید کنکور

- ۲ فرم روادید کوتاه مدت که با دقت و با ذکر تاریخ تکمیل و توسط متقاضی امضا شده باشد

- ۲ قطعه عکس جدید متقاضی بدون روتوش سال جاری.

-CV متقاضی

- کپی دعوتنامه ارسالی از طرف دانشگاه یا موسسه فرانسوی

- کپی ۵ صفحه اول گذرنامه به همراه کپی صفحات روادید قبلی کشورهای شن گن

- مستندات مالی: صورت موجودی حساب بانکی متقاضی روادید از یك بانك ایرانی با حداقل موجودی ۳۵۰۰۰۰۰۰ ریال

ـ هزینه قابل پرداخت : ۳۰ یورو

● نکات قابل توجه قبل از عزیمت

▪ کپی و اصل بعضی از مدارك در فرانسه مورد نیاز شما خواهد بود.

▪ تمامی مدارکی که برای ثبت نام و درخواست روادید تهیه کرده اید

▪ گواهی نامه پایان تحصیلات متوسطه و دانشگاهی و ریز نمرات ۳ سال آخر تحصیلات

▪ گذرنامه معتبر و کپی و ترجمه صفحاتی که نشانگر مشخصات فردی، ملیت و مدت اعتبار گذرنامه می باشد. اگر اعتبار گذرنامه شما نزدیك به اتمام است، آن را تمدید نمایید (تاریخ اعتبار کارتهای اقامت تا تاریخ اعتبار گذرنامه شما محدود خواهد بود)

- ترجمه شناسنامه که برای تهیه کارت شناسایی در فرانسه مورد استفاده قرار گرفته و برای انجام بعضی از کارها ضروری است.

- گواهینامه رانندگی که به همراه کارت دانشجویی شما را مجاز به رانندگی در فرانسه می نماید.

- عکس

▪ تذکر:

تجهیزات برقی در فرانسه با برق ۲۲۰ و ۵۰ HZ کار می کند.

در ماه ژانویه سال ۲۰۰۴ ارزش ریالی واحد یورو حدود ۱۰۰۰۰ ریال می باشد.

● کارت اقامت

دانشجویانی دارای روادید بلند مدت باید کارت اقامت موقت را درخواست نمایند که بر آن لفظ "دانشجو" قید شده باشد.حداکثر مدت اعتبار این کارت یك سال می باشد و در صورت طولانی تر شدن تحصیلات باید هر سال آن را تمدید نمود. کارت اقامت به همراه گذرنامه معتبر مدارك معتبر مورد نیاز جهت اقامت در فرانسه می باشند.

۱) درخواست کارت اقامت

این درخواست باید حداکثر ظرف دو ماه پس از ورود به فرانسه انجام گردد.

با توجه به ضروری بودن این مدرك جهت بسیاری از موارد، شایسته است تا هرچه سریعتر در جهت دریافت آن اقدام شود. جهت ارایه درخواست کارت اقامت باید به فرمانداری دپارتمان اقامت مراجعه شود این درخواست شامل یك پرونده و فهرست مدارك و مستندات مورد نیاز می باشد. (این فهرست ممکن است در مناطق مختلف متفاوت باشد). تمامی مدارك باید به زبان فرانسه یا ترجمه رسمی باشد.

▪ اصل مدارك ارایه شده هنگام صدور روادید اقامت بلند مدت (که شامل مستندات مالی نیز می گردد.)

▪ گواهی ثبت نام در یك موسسه آموزش عالی.

▪ مدارك بیمه (تامین اجتماعی دانشجو، بیمه درمانی و...)

▪ مدارك مسكن

ـ مسكن شخصی:

رسید پرداخت اجاره، آخرین قبض برق، بیمه مسكن، قرارداد اجاره

ـ خوابگاه دانشجویی:

تاییدیه مدیرخوابگاه در سربرگ رسمی موسسه

ـ سكونت نزد شخص حقیقی:

گواهی سكونت تایید شده توسط شخص حقیقی به همراه مدارك مسكن این شخص مانند رسید پرداخت اجاره، قبض برق، فتوكپی كارت ملی(شناسایی) معتبر. نمونه گواهی سكونت در فرمانداری دپارتمان موجود است.

- فرم معاینات پزشكی كه رایگان و اجباری بوده و توسط OMI (دفتر مهاجرتهای بین المللی) كه افراد دارای تابعیتهای غیر فرانسوی تابع آن هستند.

- گذرنامه معتبر به همراه كپی صفحات حاوی مشخصات فردی، ملیت، مدت اعتبار گذرنامه و روادید دانشجویی بلند مدت

- ۲تا۳ عدد عكس سیاه و سفید جدید

- یك پاكت تمبر شده با آدرس متقاضی

-یك تا سه هفته پس از تحویل پرونده یك رسید و یك دعوتنامه برای دریافت كارت اقامت به دست شما خواهد رسید. حضور متقاضی كارت هنگام دریافت الزامی است.

۲) تمدید كارت اقامت

تقاضای تمدید كارت اقامت باید ۲ ماه قبل از انقضای مدت اعتبار آن صورت پذیرد. علاوه بر مدارکی كه به هنگام اولین درخواست دریافت كارت اقامت ارایه شده است، مدارکی مربوط به اقامت فرد در فرانسه طی سالی قبل نیز مورد نیاز است. فرمانداریها موظفند بررسی كنند كه آیا متقاضی واقعاً به تحصیل مشغول است. جهت حصول به این اطمینان می توانند علاوه بر مدارك زیر، هر نوع مدرك دیگری كه نشانگر صحت فعالیتهای تحصیلاتی می شود مانند، ریز نمرات گواهی حضور و غیاب و... را از متقاضی درخواست نمایند.

▪ مدارك مورد نیاز:

- گذرنامه معتبر:

در صورت نیاز می توان اعتبار آنرا در سفارت ایران در فرانسه تمدید كرد.

- مدارك دال بر جدیت و تایید انجام تحصیلات :

مانند فهرست تحصیلات پی گرفته از هنگام ورود به فرانسه و پروژه های مطالعاتی. مدارك مربوط به دروس تحصیلات سال گذشته: دیپلم های اخذ شده ،گواهی حضور در امتحانات و كلاسها، ریز نمرات و...

- مدارك مالی:

علاوه بر مستنداتی كه برای سال آینده مورد نیاز است، مسئولین ذیربط می توانند حساب های مالی سال گذشته را نیز كنترل كنند. بنابراین تمام مدارکی كه مؤید مبالغی است كه شما در آن ذینفع بوده اید مانند:

صورتحسابهای بانك، انتقال وجه، تبدیل ارز و حواله های پولی،... را نزد خود نگهدارید.

- نتایج معاینه پزشكی، رایگان انجام شده توسط دفتر مهاجرتهای بین المللی۳) تغییر آدرس

▪ هرگونه تغییر آدرس باید به مراجع ذیل اطلاع داده شود:

- در صورت جابجایی در همان شهر مراتب به اداره پلیس محل جدید اقامت اطلاع داده شود.

- در صورتی كه در یك دپارتمان از شهری به شهری دیگر نقل مكان می كنید مراتب به اطلاع شهرداری یا اداره پلیس رسانده شود.

- در صورتی كه از یك دپارتمان دیگر نقل مكان نمایید، باید از طریق فرمانداری شهر جدید محل استقرار، كارت اقامت جدید درخواست نمایید.

▪ تذكر: با توجه به اختیارات منطقه ای فرمانداران، شهرداریها نشانی فرمانداری حوزه محل سكونت را به شما می دهند.

۴)بیمه ها

▪ بیمه های اجباری

▪ بیمه درمانی

ـ تمامی دانشجویان کمتر از ۲۸ سال که طول مدت تحصیل آنها در یك واحد آموزشی معتبر بیش از ۴ ماه باشد، خود به خود مشمول بیمه تامین اجتماعی دانشجویی می شوند. مشمول شدن به این بیمه هنگام ثبت نام اداری در آن موسسه آموزشی انجام می گیرد. حق بیمه برای یك سال حدود ۱۸۰ یورو است.

ـ دیگر دانشجویان که طول مدت تحصیل ایشان کمتر از ۴ ماه باشد، یا در موسسه آموزشی تحصیل می کنند که مورد تایید نمی باشد، و دانشجویانی که بیشتر از ۲۸ سال دارند) باید به صورت اختیاری و نزد یکی از شرکت های خصوصی بیمه خود را بیمه درمان نمایند که هزینه این امر بین ۱۵۰ تا ۵۵۰ یورو متغیر است.

▪ بیمه مسئولیت های مدنی

بیمه یی است که ۳/۱ غرامت حوادث را متعهد گردیده و نزد شرکتهای خصوصی بیمه قابل بیمه گذاری است.

▪ بیمه حوادث متعدد مسکن

بیمه محل سکونت در مقابل حوادثی مانند: سرقت: سیل، حریق و ... اجباری است که این بیمه گذاری نزد شرکت های خصوصی بیمه قابل انجام بوده و هزینه آن برای تعهد یك ساله حدود ۶۰ یورو می باشد.

▪ بیمه های تکمیلی

▪ بیمه انتقال به کشور متبوع

این بیمه به انتقال به کشور متبوع را در صورت بیماری یا مرگ متعهد می گردد. این بیمه نزد شرکتهای خصوصی بیمه قابل انجام است. اگر چه این بیمه اجباری نیست، انجام آن مؤکداً به دانشجویان خارجی سفارش گردیده و حتی می تواند جزء الزامات فرمانداری جهت درخواست کارت اقامت قرار گیرد.

▪ بیمه های تکمیلی درمان

معمولاً سازمان تامین اجتماعی ۷۰% هزینه های درمان را مسترد می نماید.سازمان های بیمه خصوصی بیمه نامه های مختلفی را ارائه می کنند و در قبال یك حق بیمه سالانه خدمات بیمه أی تامین اجتماعی را تکمیل یا فرد را در برابر حوادث خاص مانند مسافرت، ورزش،... بیمه می کنند.

تعداد زیادی از این سازمانها منجمله بیمه های دانشجویی در فرانسه وجود دارد..

▪ بیمه اتومبیل

در فرانسه هرگونه وسیله نقلیه از قبیل دوچرخه، موتورسیکلت، اتومبیل و غیره باید بیمه شود. این بیمه گذاری ها نزد شرکت های خصوصی بیمه گر صورت می گیرد و حق بیمه آن بسته به وسیله نقلیه است.

۵) مسکن

اجارهٔ مسکن در فرانسه تابع مقررات است و موضوع قرارداد اجاره یا اجاره نامه مفاهیمی مانند مدت اجاره، مبلغ اجاره (اجاره بها) هزینه های شارژ، اعلام از پیش تخلیه ،مبلغ وثیقه، شرایط تمدید و... را شامل می شود.

موجرین مسکن اعم از آژانسها، سازمان ها و یا شخص ثالث مبلغی را تحت عنوان ودیعه می گیرند که معادل دو ماه اجاره بها می باشد. این مبلغ هنگام تخلیه مسکن در صورتی که آسیبی به مورد اجاره نرسیده باشد و مطابق روز اول تحویل شود، به مستاجر مسترد می گردد.

غالباً از دانشجویان وثیقه یی (عموماً از والدین)درخواست می شود. یك ماه پیش پرداخت و حق کمیسیون، در صورت اجاره مسکن از بنگاه های معاملات مسکن،باید قبل از تحویل کلید پرداخت شود.

پرداخت مبلغ اجاره در ابتدای هر ماه صورت می پذیرد. در همه موارد بیمه حوادث متعدد مسکن (حداقل در مقابل حریق و سیل) امری الزامی است. تهیه مسکن در شهرهای بزرگ حتی برای خود فرانسویها هم معضل بزرگی است که علت این امر یکی قیمت های بالا و دیگری کمبود مسکن خالی می باشد. اجارهٔ مسکن در شهر پاریس به طور متوسط دوبرابر اجاره آن در شهرستانها است.

با توجه به مشکلات موجود برای دانشجویان در فرانسه جهت تهیه مسکن وجوددارد (مانند قیمت های بالا، کمبود مسکن خالی شرایط سخت

اجاره مسکن) نظام اقامتگاههای دانشجویی به دو صورت خوابگاههای دانشگاهی و خوابگاههای خصوصی وجود دارد.

▪ انواع مختلف مسکن برای دانشجویان

۱) خوابگاههای دانشگاهی

مدیریت این خوابگاهها که معمولاً در شهرکهای دانشگاهی یا در شهر هستند به عهده مراکز فعالیتهای دانشگاهی و آموزشی CROUS است. این خوابگاهها شامل اتاقهای مبله حدود ۱۰ تا ۱۲ مترمربع با دستشویی، دوش و ظرفشویی مشترك می باشند. ضمناً آشپزخانه و سالن مطالعه و سالن جلسات عمومی نیز در اختیار می باشد. بعضی از این خوابگاهها دارای خدمات ویژه مانند نظافت بخشهای عمومی، تعویض ملحفه ها ، نگهبانی دائمی و ... متوسط اجاره این خوابگاهها بین ۱۲۰ تا ۳۰۰ یورو در ماه است.

این مسکن ها بر حسب موازین اجتماعی اعطا می شوند. گرفتن اتاق در خوابگاه دانشجویی به خصوص در شهر پاریس بسیار مشکل است. زیرا که این خوابگاهها در واقع برای دانشجویان بورسیه و در درجه اول برای دانشجویان بورسیه دولت فرانسه در نظر گرفته شده اند.

۲) خوابگاههای دانشجویی خصوصی

این خوابگاههای خصوصی به منظور استفاده دانشجویان در شهرهای بزرگ ایجاد شده است که در سالهای اخیر و به منظور جبران کمبود خوابگاههای دانشجویی توسعه یافته است. این خوابگاهها شامل سوییتهای مبله و مجهز (شامل آشپزخانه کوچك با ظرفشویی یا بدون آن، حمام، کابینت و ...) و فضاهای عمومی شامل کافه تریا، سالن ویدئو و تلویزیون، سالن جلسات ، بخش تهیه فتوکپی و ماشینهای لباسشویی اتوماتیك ... می باشد. اجاره این سوئیتها تابع مقررات رهن و اجارهٔ بخش خصوصی بوده و با انعقاد قرارداد اجاره که شامل ودیعه نیز می باشد قابل اجرا است که این وجه ضمانت در پایان قرارداد در صورتی که شرایط مسکن هنگام تخلیه مانند روز اول تحویل باشد و آسیبی به مسکن نرسیده باشد به مستاجر مسترد می گردد.

در بعضی از این خوابگاهها در صورتی که قرارداد اجاره حداقل برای مدت یکسال باشد هزینه های برق و مالیات مسکن برعهده دانشجو است.

مبلغ اجاره نیز در پاریس بین ۵۹۰ تا ۶۸۶ و در دیگر شهرها بین ۴۰۰ تا ۶۸۶ یورو متغیر است.

۳) مسکن شخصی

برای دانشجویان، این نوع اجاره مسکن (حتی به صورت یك اتاق یا یك سوئیت مبله) منوط به ارائه وثیقه ای از سوی والدین می باشد که ضامن پرداخت اجاره است. به طور کلی درآمد اعلام شده این مبلغ باید ۴ برابر اجاره بها باشد. هزینه هایی مانند پست، نگهبان، نظافت بخشهای عمومی که مجموعاً حدود ۵۰ یورو می شود، به اجاره بها نیز اضافه می گردد.

در آگهی های مسکن عبارت CC نشانگر این است که هزینه های شارژ در قیمت اجاره قید شده حساب شده است. در صورتی که این عبارت CC در آگهی های مسکن قید نشده بود مبلغ شارژ ماهانه را سوال نمایید.

مسکن مربوط به بخش خصوصی را می توان از طریق بنگاههای معاملات ملکی یا مستقیماً از طریق مالکین و آگهی آنها در روزنامه اجاره نمود.

۴) اجاره مسکن از یک خانواده

یکی دیگر از راههای تهیه مسکن که بیشتر مناسب اقامتهای کوتاه مدت است، اجاره یك اتاق مبله در یك خانواده است. شکلهای مختلفی از این نوع اجاره وجود دارد مانند: با صبحانه، یا بامکان استفاده از آشپزخانه و ...

در تمامی موارد، خواسته های مالکین می تواند متغیر باشد (وثیقه یا پیش پرداخت یك ماه اجاره) یا محدودیتهایی شامل دعوت دوستان، سرو صدا و... اجاره ماهانه نیز در پاریس بر حسب شکل اجاره می تواند بین ۸۰۰ تا ۱۰۵۰ یورو متغیر باشد. عموماً اجاره ماهانه در شهرستان نصف اجاره در پاریس است.

۵) هتلها

سکونت در هتل با توجه به قیمت ۴۸ یورو برای هر شب فقط می تواند یك راه حل موقتی باشد. البته بعضی از هتلها برای اقامتهای یك ماهه یا بیشتر تعرفه های ارزانتری را اعمال می کنند.

● بعضی مفاهیم کلیدی

▪ اشتراك برق و گاز فرانسه EDF.GDF و خدمات مخابراتی:

اشتراکهای برق، گاز و مخابرات به نام افراد صادر می شود وبه همین منظور درخواستهای اشتراك باید به نام مستاجر باشد. این درخواستها پس از تحویل مسکن در دفاتر ذیربط مستقر در محل زندگی شما قابل ارائه است و در کمتر از یك هفته اشتراك شما وصل خواهد شد.

ـ حق اشتراك برق: ۲۰/۴ یورو در ماه

ـ حق اشتراك گاز: ۲ یورو در ماه

ـ حق اشتراك تلفن: ۴۹/۱۰ یورو در ماه

▪ اجاره نامه

قراردادی است که با موجر منعقد می گردد و طرفین آنرا امضا می کنند. مستاجر نسخه ای از اجاره نامه نگه می دارد که مدرك سکونت و مبلغ آن است.

- هزینه های تنظیم اجاره نامه به عهده مستاجر بوده و مدت اجاره، مبلغ اجاره، هزینه های شارژ، زمان اطلاع تخلیه، میزان وثیقه و شرایط تمدید اجاره در اجاره نامه قید می شود.

▪ صندوق کمکهای خانوادگی

اداره درخواستها و پرداخت کمك هزینه مسکن، خانوادگی، تك والد، ... را به عهده دارد.

نشانیهای لازم در شهرداری شهر یا منطقه سکونتتان موجود است.

www.caf.fr

▪ وثیقه

برای اجاره مسکن، معمولاً وثیقه ای معادل ۳/۱ ارزش مسکن از سوی موجر به عنوان تضمین (عموماً از والدین) مطالبه می شود.

▪ وجه الضمان

مبلغی است که به عنوان ضمانت از مستاجر هنگام عقد قرارداد اخذ می گردد و در پایان آن در صورتی که به مسکن مورد قرارداد خسارتی نرسیده باشد به مستاجر مسترد می شود.

▪ قبض برق / تلفن

قبوض برق و تلفن هر دوماه یکبار شامل حق اشتراك و مبلغ میزان مصرف ارسال می شود این قبوض را نزد خود نگهدارید زیرا این قبوض مدرك سکونت و نشانی شما هستند.

▪ مالیات مسکن

هرموجر یا مستاجری در تاریخ اول ژانویه هر سال باید مالیات مسکن خود را بپردازد. مبلغ این مالیات بستگی به محل سکونت شما داشته و می تواند تا بیش از ۲ ماه اجاره بها افزایش یابد.

این مالیات که به منظور تامین بودجه شهر دریافت می شود یك سال کامل را در بر می گیرد.

اظهارنامه های مالیاتی حدود ۱۵ اکتبر ارسال می شوند و مالیات را باید قبل از ۱۵ دسامبر پرداخت نمود..

▪ اعلام قبلی مبنی بر تخلیه مسکن (مورد اجاره)

عبارت از حداقل مدت زمانی است که مستاجر باید تصمیم خود درباره تخلیه مورد اجاره را به موجر اعلام نماید.ه این موضوع در اجاره نامه قید شده است. غالباً این زمان ۳ ماه است و می توان با مذاکره آن را به یك ماه تقلیل داد (مانند معرفی مستاجر جانشین).

عدم رعایت این امر از سوی مستاجر، حتی اگر مورد اجاره را تخلیه نموده باشد، او را موظف به پرداخت مبلغ کرایه تا پایان قرارداد می نماید

▪ رسید پرداخت اجاره بها

پس از پرداخت هرماه از اجاره، موجر رسید پرداختی به مستاجر ارائه می کند. این رسید مدرك سکونت در مراحل اداری است.

▪ کمکهای مسکن

هر دانشجوی خارجی می تواند از امکانات کمك اجتماعی مسکن ALS تحت شرایط زیر بهره مند گردد:

- داشتن یك مجوز اقامت معتبر

- سکونت در منطقه ای که بیش از ۱۰۰۰۰۰ سکنه دارد.

- درآمد فرد بیش تر از سقف لازم درآمد برای درخواست کمك نباشد.

- مساحت مسکن نباید کمتر از ۹ مترمربع برای یك نفر تنها نباشد و ضمناً دارای سیستم گرمایش، انشعاب آب و دستشویی (حتی روی پاگرد) باشد.

درخواست مورد نظر باید به صندوق کمکهای خانوادگی محل سکونت ارائه شود.

مبلغ آن می تواند تا ۵۰% اجاره شما با سقف ۱۶۳ یورو در پاریس و ۱۴۰ یورو در شهرستانها باشد به محض استقرار در مسکن این درخواست را ارئه کنید.

منبع : سفارت فرانسه در ایران

http://vista.ir/?view=article&id=246585

vista.ir
Online Classified Service

ارگ بم در استان کرمان

ارگ بم در استان کرمان ارگ بم یا قلعه مشهور بم د ر روی صخره بسیار بزرگی ساخته شده است که محدوده ای به وسعت ۶ کیلومتر مربع را می پوشاند. این بنا ۳۰۰ متر طول و ۲۰۰ متر عرض داشته و از ۲ قسمت تشکیل شده است. این د&#۶۴۳۹۵; ۵ شیوه ساختاری از خشت خام دارد که مربوط به ۵ یا ۶ قرن قبل از میلاد می باشد. این مکان تحت تعمیرات مکرر بوده و شامل استحکاماتی می باشد. این بنا مرکب از یک ورودی قدیمی – استحکامات دقیق – تعدادی ساختمان از زمان صفویه – یک مسجد و یک بنا می باشد که به چهارفصل یا کاخ ۴ فصله معروف است . در مورد چگونگی ساختمان این بنای مجلل و باشکوه ۲ کتیبه یا دست نوشته وجود دارد که حاصل مرمتهای اخیر ارگ بم می باشد. هردو لوح در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۳۷ شمسی یا ۱۹۵۸ میلادی پیدا شده اند که یکی از آنها دربخش حفاظت از میراث فرهنگی و دیگری در بخش باستان شناسی نگهداری می شود. کرمان قلب جهان است .این سخن را یکی از شاعران صوفی قرن ۸ میلادی می گوید. ارگ بم شامل قسمتهای زیر می باشد. دروازه جنوبی اصلی - بازار اصلی شهر- مسجد باشکوه و مجلل- پادگان مستحکم قلعه- عمارت مجلل چهار فصل در اینجا لازم به ذکر است که این میراث باشکوه جهانی به خاطر زلزله ای که در سال ۲۰۰۳ در بم رخ داد قریب به ۸۰ درصد آن تخریب شد .

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91950

vista.ir
Online Classified Service

ارگ تاریخی راین دیدنی مثل ارگ بم

اگر چه استان کرمان را به کویری بودنش در ایران می شناسند اما در دل این استان مناطقی وجود دارند که از لحاظ اقلیمی هیچ شباهتی با مناطق کویری و کم باران استان کرمان ندارند.

." راین " یکی از این مناطق است که در ۱۰۰ کیلومتری جنوب شهر کرمان و بر دامنه کوه هزار قرار گرفته است.

بر پایه نوشته های تاریخی راین با قدمتی کهن که به ساسانیان می رسد در مسیری مناسب برای تجارت قرار داشته است و یکی از مراکز داد و ستد کالا و بافت پارچه های ارزشمند بوده است. البته راین از گذشته به عنوان یکی از مراکز ساخت شمشیر و چاقو و سپس تفنگ هم بوده است که هنوز چاقو سازی کم و بیش در این شهر رواج دارد. وجود آبشاری زیبا در نزدیکی شهر ، کوه زیبای هزار به ارتفاع ۴۵۰۱ متر ، باغ های فراوان میوه ، معادن مرمر سبز ، صورتی، سولفات سدیم و چشمه های آب معدنی غیر خوراکی ، توانسته این منطقه را به عنوان یک منطقه جذاب گردشگری معرفی کند.

● ارگ راین مثل ارگ بم

اما وجود ارگ راین در این منطقه ، از لحاظ تاریخی نیز به شهر جلوهای خاص داده است. ارگی با مساحت بیش از ۲۰ هزار متر مربع که پس از ارگ بم دومین بنای خشتی جهان از لحاظ وسعت است و پس از تخریب ارگ بم بر اثر زلزله این شهر بیش از گذشته مورد توجه گردشگران خارجی و داخلی قرار گرفته است.

این بنای زیبای خشتی که در جنوب شرقی شهر راین و بر فراز تپه ای قرار گرفته است تا حدود زیادی به ارگ بم شباهت ظاهری دارد .پلان آن تقریباً مربع شکل است و چندین برج در اطراف آن ساخته شده است. حصاری که در اطراف این ارگ کشیده شده است بیش از ۱۰ متر ارتفاع دارد و تنها ورود ی ارگ از قسمت شرقی آن است که با سر دری بزرگ به محوطه داخلی راه دارد.

بر پایه کتابهای تاریخی ، در زمان یزدگرد سوم پادشاه ساسانی (سال ۳۱ هجری) که اعراب به فرماندهی مجاشع ابن مسعود سلمی ، شهر کرمان و بساری از مناطق این ایالت را به تصرف خود در آوردند و نتواستند به ارگ راین که دژی مستحکم بود راه پیدا کنند.

اما به هر حال تاریخ این ارگ نسبتا ناشناخته است و تنها با کاوشهای دقیق باستان شناسی که تا کنون در آن انجام شده است می توان به قدمت دقیق آن دست یافت. قدمت این ارگ زیبا ، تخریب ارگ بم و معرفی بیشتر آن در سالهای اخیر باعث شده است ارگ راین بیش از گذشته مورد توجه گردشگران قرار گیرد و با معرفی بیشتر آن می توان راین را به عنوان یکی از قطب های جالب توجه گردشگری کشور تبدیل کرد. در این میان مدیر روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان در مورد برنامه های جدید ی که در مورد این ارگ تاریخی اجرا خواهد شد می گوید: قرار است غرفه هایی برای ارایه صنایع دستی این منطقه از جمله قالی بافی و چاقو سازی به صورت رایگان در اختیار صنعتگران دستی شهر راین قرار گیرد.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=96044

vista.ir
Online Classified Service

ارگ کریمخانی

ارگ کریمخانی قصر سلطنتی و اندرونی کریم خان زند (م. ۱۱۹۳) حاکم شیراز بوده است که در سال ۱۱۸۰ ه.ق به دستور وی ساخته شد و در حال حاضر در شمال شرقی شیراز، در حوالی میدان شهدا واقع شده است. کریم خان زند برای ساختن قصر خود ماهرترین سنگ تراشان، معماران و هنرمندان آن عصر را به شیراز دعوت کرد و بهترین نوع مصالح را از شهرها و کشورهای مختلف خریداری نمود و در اختیار کارگران قرار داد. در مدت زمان کوتاهی بنای ارگ ساخته شد.

میدان کریم خانی به عنوان تأسیسات و ارسن شهری شامل سه بخش می شد:

۱) بخش سیاسی که شامل عمارت کلاه فرنگی و دیوانخانه بود.

۲) بخش اقتصادی که شامل بازار وکیل می شد.

۳) بخش نظامی که شامل میدان مشق می شد.

در این میدان، ارگ به عنوان خانه پادشاه و هسته اصلی میدان عمل می کرد. درساختن ارگ، معماری نظامی و معماری مسکونی هر دو با هم به کار رفته است چرا که ارگ خانه پادشاه می بود و باید از ضریب امنیتی بالایی برخوردار باشد. بنابراین دیواره های بیرونی که همانند دیوارهای یک قلعه نظامی است، بسیار مرتفع است.دیواره بنا در پایین ۳ متر ضخامت دارد و به صورت مخروط ناقص بالا رفته و ضخامت آن در بالا به ۲.۸ متر می رسد. و در قسمت بالا دیوارکی جانپناه دارد که محل استقرار سربازان بوده، تیرکش هایی نیز در این دیوار تعبیه شده که برخی کوچک هستند و حالت مورب دارند که محل قرار دادن تفنگ و اسلحه بوده و دیگر سوراخ های بزرگتری که برای راندن دشمن بوده است. هشتی ورودی آن فضای بزرگی است که یک در به باره بند (اصطبل) داشته و در حال حاضر مکان فروش بلیط است و در مقابل دری دارد که به پشت بام می رفته. همچنین در داخل هشتی چند طاق نما برای نشستن وجود دارد. هشتی ارگ نسبت به هشتی دیگر خانه ها تزیینات کمتری دارد. در قسمت باره بند اتاق هایی مخصوص سر مهتر وجود داشته که هم اینک ویران شده است. این مکان در زمان پهلوی به عنوان زندان زنان مورد استفاده قرار گرفت، در وسط آن ساختمانی احداث شده بود که به هنگام مرمت ویران شد.

۴) حیاط خلوت در پای ۴ برج وجود دارد که حالت خدماتی دارند، بجز یکی از آنها که به هشتی راه می یابد و در واقع باره بند بوده. این اطاق که .....؟ اتاق و دستشویی داشته، مخصوص خدمه بوده. برج ها دارای سه طبقه اندکی راه آنها از درون همین حیاط خلوت هاست. از داخل حیاط پلکانی به طبقه دوم می رود و از آنجا به وسیله یک رشته پلکان به طبقه سوم می روند یعنی از طبقه اول به طبقه دوم راهی وجود ندارد. در حمام داخل ارگ از طریق یکی از همین حیاط خلوت ها بوده که بعداً در دیگری از داخل خود حیاط ارگ به حمام گشوده می شود. این حمام همانند سایر حمام ها دارای سر بینه و گره خانه است. سر بینه آن نیز شامل یک رختکن و یک حوض چندضلعی در وسط می باشد که به وسیله آهکبری تزیین شده است. از آنجا نیز وارد برزخ سوم شده که یک راه به واجبی خانه و یک راه به تخت گرم خانه حمام دارد. در درون گرمخانه سر در خزینه وجود دارد. در زیر خزینه آب گرم تون حمام قرار گرفته است.

ارگ کریمخانی قلعه ای مستطیل شکل است که در هر یک از اضلاع آن برجی از آجر به ارتفاع ۱۵ متر ساخته شده است. مابین اضلاع شمالی، جنوبی و غربی، ایوان بزرگی متشکل از یک تالار و ۲ اتاق سه دری بزرگ قرار دارد.

در جلو هر سه ایوان مزبور دو ستون سنگی محکم به ارتفاع ۸ الی ۹ متر به چشم می خورد. همچنین طبق معماری دوران زندیه حوضی ۴ گوش در جلو هر ایوان ساخته شده است که آب آنها از آب رکناباد تأمین می شده.

ضلع شرقی ارگ دیوار بلندی است که درب ورودی در وسط آن قرار دارد. بر بالای سردر ورودی صحنه ای از جنگ رستم و دیو سفید به وسیله کاشی های هفت رنگ لعابدار تصویر شده است.

حمام خصوصی پادشاه و راهرو و اتاق نگهبانان نیز در پشت همین دیوار ساخته شده اند. در جلو این ایوان نیز دو ستون چوبی قرار دارد و حوضی چهارگوش نیز در جلو ایوان خودنمایی می کند. مساحت حیاط قصر ۱۲.۸ × ۹۳.۶ متر است.

شالوده و دیوارهای ارگ از سنگ ساخته شده اند و برای ساختن بقیه بنا از خشت پخته استفاده شده است. تزیینات داخلی، شامل قاب ها، ازاره

هایی از سنگ مرمر یزد و تبریز و آیینه های بزرگی از روسیه، ترکیه عثمانی و اروپاست. نقاشی قسمت های بالا و سقف اتاق ها با آب طلا و لاجورد و رنگ های گیاهی و معدنی رنگ آمیزی شده اند. نقش های اطاق ها اغلب گل و گیاه و به شکل ترنج و اسلیمی است. ارگ از نوع بناهای سه ایوانه است که ضلع ورودی آن به بخش خدماتی اختصاص دارد.

پس از منقرض شدن حکومت زندیه و روی کار آمدن سلسله قاجاریه ارگ به دارالحکومه تبدیل شد و مکانی برای استقرار یافتن والیان و حاکمان فارس گردید و تا اوایل سلطنت پهلوی نیز وضع به همین منوال بود. در زمان استانداری شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما (متولد ۱۲۳۶ ، متوفی ۱۳۱۸ ه.ش) به دستور وی کاشی کاری های ارگ ترمیم شد.

در واقع در زمان حکومت قاجاریه به دلیل خصومت قاجاریان با زندیان، نقاشی ها و کاشی کاری های زندیه کلنگی شدند و نقاشی ها و تزئینات قاجاریه جای آن را گرفتند. امروزه یکی از ارکان مرمت بناهای زندیه آن است که نقاشی ها و تزیینات آنها را از زیر نقاشی های قاجاریه بیرون آورده و به نمایش بگذارند.

در زمان سلطنت رضاخان پهلوی بین سال های ۱۳۲۰-۱۳۰۴ و بعد از آن ارگ به عنوان زندان بزرگ شهر در اختیار شهربانی قرار گرفت. در طول این مدت تمام آثار نقاشی و مقرنس کاری اتاق ها را با گچ پوشاندند و اکثر اتاق ها و تالارها به وسیله چندین دیوار به صورت سلول های کوچکی در آمد.

در سال ۱۳۵۰ ساختمان ارگ در اختیار سازمان میراث فرهنگی قرار گرفت و کار مرمت و بازسازی آن مورد توجه قرار گرفت. بازسازی بنا در سال ۱۳۵۶ آغاز شد. در بازسازی ارگ برای حفظ اصالت بنا دقت فراوانی شده و نقاشی های زیبای آن از زیر گچ کاری ها بیرون آمده است.

ارگ کریمخانی در سال ...؟ ذیل شماره ۹۱۸ در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

/http://tachar.blogsky.com/۱۳۸۴/۱۲

منبع : مطالب ارسال شده

http://vista.ir/?view=article&id=112384

vista.ir
Online Classified Service

اروپا و مهاجران آن

ایلیا جزایری:«مهاجران نیاز به اروپا دارند و اروپا به مهاجران نیاز دارد.» کوفی‌عنان دبیرکل سازمان ملل متحد، پیش‌تر در برابر پارلمان اروپا، این‌گونه سخن گفته بود. مشکل در اینجاست که مهاجران همچنان به اروپا نیاز دارند اما گویی اروپا جلوی نیاز خود به آنها را گرفته است؛ بلکه در تلاش است تعداد زیادی از آنها را «پشت درها» قرار دهد. کشورهای اروپایی چندی است شعار «پایان دادن به مهاجرت‌های غیرقانونی» را سرلوحه خود قرار داده است. این‌گونه بود که طرح‌های بسیاری پیشنهاد شد که آخرین آنها طرح «کارت آبی»، بود به سان همان کارت سبز یا «گرین کارت» آمریکایی. که خارجی‌های مقیم در ایالات متحده از آن به عنوان کارت شناسایی و اقامت خود استفاده می‌کنند. آبی‌رنگ اروپا است. پروژه «کارت آبی» اروپایی چند هدف را به‌طور همزمان پی می‌گیرد نخست به پایان دادن به مهاجرت‌های غیرقانونی به اروپا، دوم: برنامه‌ریزی راه‌حلی بررسی شده

برای مقابله با مشکل پیری که قاره اروپا را تهدید می‌کند. سوم؛ تلاش برای همسان‌سازی شرطهای کار. برخی پیش‌بینی‌ها می‌گوید که اروپا در دهه آینده نیاز به ۲۰ میلیون مهاجر دارد. برخی از آمارهای رسمی حاکی از آن است که در حال حاضر، هشت میلیون مهاجر در اروپا حضور دارند. به هر حال، مهاجران امروزه موضوع بحث‌های بزرگ و فراوانی در اروپا هستند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از سال ۱۹۹۹، بحث و بررسی «سیاست هماهنگ مهاجرت» را آغاز کرده بودند. این سیاست سعی دارد مسئله را با دیدگاه گروهی اروپا حل و فصل کند و قانونگذاری‌ها در این خصوص را همسان‌سازی کند. در این چارچوب یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها در مقابل ریاست فرانسه بر اتحادیه اروپا، گشوده شده است که سعی دارد که آنچه در «میثاقنامه اروپا برای مهاجرت و پناهندگی» نامیده می‌شود، دست یابد. بدون شک «نیکلا سارکوزی» سعی دارد این «میثاقنامه» یکی از «موفقیت‌های اروپایی»اش باشد. موفقیتی که چه بسا بتواند موجب پیروزی‌های بعدی او در انتخابات آینده فرانسه از جمله انتخابات ریاست‌جمهوری باشد. باید توجه داشت که دوره ریاست‌جمهوری در فرانسه از دور دوم ریاست‌جمهوری ژاک شیراک رئیس‌جمهور سابق این کشور، از هفت سال، به پنج سال کاهش یافته است. این بدین معنی است که به محض پایان یک انتخابات ریاست‌جمهوری در فرانسه، زمینه‌سازی برای انتخابات آینده، آغاز می‌شود. همچنین، ساختار انتخاباتی فرانسه، به مسئله مهاجرت بسیار حساس است و می‌توان شعارهای انتخاباتی را برگرد آن متمرکز کرد. آنگونه که وزیر کشور فرانسه در جمع وزرای کشور، کشورهای ۲۷ گانه عضو اتحادیه اروپا در هفت ژوئیه گذشته مطرح کرد، «میثاقنامه اروپایی برای مهاجرت و پناهندگی» در صیغه کنونی خود تاکید دارد که مهاجران می‌توانند «برگ برنده‌ای» برای کشورهای اتحادیه اروپا باشند. در این‌باره متن پیش‌نویس میثاقنامه بسیار روشن و آشکار است.این پیش‌نویس به دلیل «واقعیت دموگرافی کشورهای اروپایی و بازار کار در آنها»، به مهاجران به عنوان برگ برنده، می‌نگرد. عبدالله واد رئیس‌جمهور سنگال در این‌باره آشکارتر و صریح‌تر از همه سخن گفت هنگامی که به این نکته اشاره کرد که هدف از طرح «اتحادیه مدیترانه‌ای»، فراهم کردن نیروی کارگر برای اروپاست. جالب توجه است تاکیدهایی که روی «میثاقنامه اروپایی برای مهاجرت و پناهندگی» صورت می‌گیرد، آنگونه که انتظار می‌رفت از سوی کسانی نیست که خواستار کاهش فشار روی مهاجران هستند، بلکه از سوی کسانی است که دیگران را متهم به «تساهل» در برابر این مسئله و توجه نکردن به خطرهای آن می‌کنند. اولین مسئله‌ای که این گروه درباره خطرهای مهاجرت مطرح می‌کنند، تاثیر منفی آن به هویت ملی کشورهای مهاجرپذیر است. برخی نیز در سخن گفتن از «از هم‌گسیختی فرهنگی» ناشی از واقعیت دموگرافی به وجود آمده از مهاجرت، تردید نمی‌کنند. آنچه که به صراحت گفته نمی‌شود اما در حقیقت حرف دل و مقصود مطرح‌کنندگان این سخنان است. این است که افزایش تعداد مهاجران مسلمان باعث شده که این گروه در انتخابات تعدادی از کشورهای اروپایی، دارای وزن و تاثیرگذاری می‌شوند. برخی دیگر، مشکل «زبان» را مطرح می‌کنند و خواستار آن هستند که کمترین شرط برای پذیرش مهاجری، آشنایی او با زبان کشور مقصد باشد. مسئله شناخت زبان برای «دریافت تابعیت» خود را به‌طور جدی‌تر مطرح می‌کند. سوال‌های بسیاری در این‌باره مطرح می‌شود از جمله اینکه: چگونه فردی می‌تواند فرانسوی یا آلمانی شود بی‌آنکه بتواند به زبان‌های فرانسوی و آلمانی، به‌خوبی سخن بگوید؟ پرونده بحث‌برانگیز مهاجرت با چالش‌های چندی روبه‌رو است. به گفته وزیر فرانسوی، میثاقنامه اروپایی برای مهاجرت و پناهندگی» ابتدا معتقد است که اروپا نباید قلعه یا نونلی باشد که هر کس که بخواهد و هر زمانی که بخواهد، از آن عبور کند؛ اما چگونه بر نسخه‌ای که در این‌باره پیچیده شده این است که اروپا خود مهاجران خود را «انتخاب» کند، یا به عبارتی، کسانی را که به آنها نیاز دارد، بپذیرد. این راه‌حل هوشمندانه‌ای برای اروپا به نظر می‌رسد. به عبارتی شاید این‌گونه اجرا شود که تعداد «مهاجران قانونی» افزایش یابد بدون آنکه به تعداد کسانی که زیر چتر «غیرقانونی‌ها» قرار می‌گیرند، کاهش جدی تحمیل نمی‌شود. به علاوه اینکه تصمیم‌های بسیاری که با هدف پایان دادن به مهاجرت‌ها گرفته شده مانع از ورود تعداد زیادی از مهاجران با استفاده از روزنه‌های مختلف موجود در قوانین یا روزنه‌هایی که گاهی با بدن‌های خود در سیم خاردارها ایجاد می‌کنند، نشده است. این تصمیم‌ها همچنین نتوانسته حرکت قایق‌های «سری» مهاجران از جنوب دریای مدیترانه به شمال آن نشده است، قایق‌هایی که گاهی بستر دریاها سرنوشت آنها و سوارشان را رقم می‌زند و گاهی نیز به مقصد می‌رسند. هرچه باشد اطلاعات حاکی از آن است که اینگونه سفرها ادامه دارد اما گاهی سخن گفتن از آنها در رسانه‌ها کاهش می‌یابد. یکی از شعارهایی که امروزه کشورهای اروپایی سرلوحه خود قرار داده‌اند، «گشودن درها در برابر جهان» است. کشورهای اروپایی اما با فشارهای خود، دستیابی به اجازه ورود و ویزا را گاهی به مسئله محال تبدیل می‌کنند. مسئله‌ای که گاهی اروپا را به قلعه شبیه می‌کند. به هر حال مسئله مهاجرت در اروپا جدی است و به‌طور جدی درباره آن بحث می‌شود.

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=331797

vista.ir
Online Classified Service

از خارگ تا اسالم با یاد جلال آل احمد

اوایل خرداد بود و هنوز هفت صبح بود. اما گرما دمدار بود و مرطوب، و نسیم خنکی از گوشه ناشناسی از دریا در آن می تراوید. خوشم می آمد که ماسه نرم فرودگاه را که غباری از آن بر نمی خاست با پا بپراکنم. حالت کودکی را پیدا کرده بودم که در عالم تخیلات خود به سرزمین عجیبی گام گذاشته است و در هر آنی به انتظار کشف تازه ایست. و نمی دانم چرا گمان می کردم آن چه پا بر آن نهاده ام چیزیست یا جاییست جدای از آن چه در اوراق کتابها دیده ام.

● از کتاب خارگ، دُر یتیم خلیج

ـ سفرنامه اسالم گیلان

بسان چشم بر هم زدنی گذشت، روزی که جلال پای بر ساحل خارگ گذاشت و کلمات بالا را در قالب کتاب "خارگ، در یتیم خلیج" نوشت تا روزی که در کنار ساحل دریای خزر، بریده از همه کس روح ناآرامش را به آرامش ابدی دریا پیوند داد. فقط ده سال، راهی طولانی از خلیج فارس تا دریای خزر. از خارگ، شمال غرب استان بوشهر تا اسالم، شمال غرب استان گیلان، از دریا به دریا، از بودن تا نبودن. کوتاهی زندگی اش را انگار فهمیده بود که آرام و قرار نداشت. گویند اسپند روی آتش بود. به همین دلیل بود که بقول دوستانش تند تند می نوشت و حوصله گذاشتن فعل و فاعل در جملاتش را هم نداشت.

اکنون در راهم. در راه اسالم. آخرین مکان بودن جلال. جاده قزوین، تا چشم کار می کند جاده است و دشت. آسمان را ابرهای سیاهی پوشانده است. بوی بی قراری و تلاطم در فضا موج می زند. آسمان هر لحظه تیره تر می شود. روح پرتلاتم جلال در عمر کوتاه ۴۸ ساله اش را میتوان در ابرهای نا آرام بهاری حس کرد. ابرهایی که در تمامی روزهای سال گذشته در خواب بودند. و ناگهان بغض شان سر باز می کند. چنان خود را به تن جاده می سایند و شلاق رگبار بهاری را بر سر ماشین می کوبند که جز توقف در کنار جاده گریزی نیست. صدایی در گوشم می پیچد: "نیم قرن نیامدید چه اتفاقی افتاد؟ حالا می خواهید بیایید چکار؟" اما مگر میشود که نرفت. از آنروزی که تلفنم زنگ زد و دوستی به تالش دعوتم کرد تمام رویای چندین ساله در ذهنم روشن شد. دیدن تالش بهانه ام بود. این را از همان اولین سوال که ازش پرسیدم فهمید: "می خواهم خانه جلال را ببینم!" پرسید: "جلال کیست؟" و این سوال آزار دهنده چقدر بارها در گوشم تکرار شد در شهری که هنوز آخرین نفس های جلال در فضایش موج می زد.

رگبار باران تا قزوین ادامه دارد و بعدش این جاده های خلوت است که پاهایت را به شوق زودتر رسیدن بر پدال گاز می فشارد. شهر ها را یکی یکی می گذرم: کوهین، لوشان، منجیل، رودبار، رشت، فومن، صومعه سرا، ماسال، رضوانشهر و اسالم، چسبیده به شهر تالش، جاییکه مسافران نوروزی به محض رسیدن به آن، یاد شهر آستارا می افتند و اینکه اگر با سرعت برانند می توانند بعد از یک ساعت به شمالی ترین نقطه استان گیلان و هم مرز با جمهوری آذربایجان برسند و از نعمت خرید اجناس بنجل و ارزان روسی بهرمند گردند. درباره نام این شهر گفته شده که در آغاز آهسته‌رو بوده زیرا کاروانان و مسافران زمانی که به این منطقه مردابی ساحلی می‌رسیدند ناچار به حرکت آهسته‌تر می‌شدند. همان نام "اوسته رو" یا "هوسته رو" تالشی به مرور تبدیل به آستارا شده است.

● طبیعت زیبای استان گیلان

بعد از خوردن نهار آنهم از نوع ماهی سفیدش در یکی از روستاهای زیبای تالش و هنگامی که دیگر همراهان را چرت سنگینی فرا گرفته، فرصت را مغتنم شمرده و به دوست میزبان اشاره می کنم که برویم. می دانستم آنچیزی که من در جستجویش هستم برای همراهان جذابیتی ندارد و این را در شهر اسالم به چشم دیدم. می پرسد: "آدرس یا نشانی داری؟" میگویم از موسپیدها که بپرسیم خود همه نشان است که کاش نپرسیده بودم تا شرمنده موی سپیدشان نمی شدم. از موسپید های برنج فروش تا کتاب فروش و کباب فروش و ماهی فروش. همه جوابها شبیه هم بود: "نمی دانیم". یاد سوال جغرافی دوران مدرسه می افتم: "مرکز چوب ایران کجاست؟" و حالا بدنبال جوابم: "اسالم مرکز چوب ایران یا آدمهایی از جنس...؟" از موسپیدها که ناامید شدم رفتم سراغ جوانی تو مغازه عکاسی که عکس تمام مناظر و دیدنی های اسالم و تالش را به دیوار زده بود. پرسیدم: "عکس خانه جلال کو؟" گفت خانه را آب گرفته و چیزی از آن باقی نمانده. گفتم از همان باقی نمانده اش هم می توانستی عکسی بزنی. با تعجب نگاهم کرد و گفت: شرمنده!. نیمچه آدرسی می دانست آنهم نه با اطمینان. خیابانی با نام جلال تمام آنچیزی است که او می دانست. آمدیم و آمدیم تا رسیدیم به تابلویی با نام جلال آل احمد، نصب شده در خیابان اصلی شهر اما بین دو کوچه نزدیک به هم که معلوم نیست اولی کوچه جلال است یا دومی. شانسی اولی را انتخاب می کنیم و وارد کوچه ای می شویم که در دور دست ها و انتهایش دریا نمایان است. رگبار شدید بهاری که شب قبل باریدن گرفت، درختان جنگلی را شسته و هوا را لطافت خاصی بخشیده است. بوی مرطوب و سکر آور برگهای جنگلی روی علفزار شبنم نشسته، فضا را انباشته است. ابرهای بهاری انگار هنوز هم دلِ کندن از این جنگل و دریا را ندارند و به همراه نسیم ملایمی که از سوی دریا می وزد گستره نیمه روشن آسمان را درمی نوردند.

● کومه ماهیگیران محل نگهداری کلیه وسایل ماهیگیری

یک دستم به دوربین فیلمبرداری است تا این همه مناظر زیبای طبیعی را از دست ندهم و دست دیگرم به فرمان تا چاله های پرآب باران را که تمام عرض جاده خاکی جلال را پوشانده با کمترین تکان و لرزش رد کنم. دست دیگری ندارم تا با صدای استاد افتخاری و غزل زیبای عطار که فضای ماشین را پر کرده روی فرمان ضرب بگیرم: "ای دل اگر عاشقی در پی دلدار باش، بر در دل روز و شب منتظر یار باش..." زنان با لباسهای شاد و رنگارنگ محلی تو حیاط های بدون دیوار و حصار گرم کارند. هر چه به دریا نزدیکتر می شوم از تراکم درختان جنگلی کاسته می شود. ده دقیقه ای زمان لازم است تا رسیدن به دریا. دریایی که آرام است و طوفان دیشب متلاطمش نکرده. انتهای جاده در کنار ساحل به تعدادی از مسافران نوروزی ختم می شود که اطراف کلبه های کوچک و رنگارنگ ساخت شهرداری سرگرم تفریح هستند.

● کلبه های رنگارنگ ساخت شهرداری

بدنبال تابلویی از نشانی خانه جلال می گردم، خبری نیست. می خواهم از مسافران بپرسم اما بی خیال می شوم. در سمت راست انتهای جاده کلبه ماهیگیری قرار دارد با چند تایی قایق. درون کلبه چند نفری هستند، مشغول خوردن چای و خسته از سفر دریا انگار. یکی از آنها رو به من می گوید ماهی تمام شد. می گویم ماهی نمی خواهم. دنبال خانه جلال می گردم. به تعجب نگاهی به من و نگاهی به یکدیگر می اندازند و آنکه بنظر جوانتر از بقیه می آید از کومه ماهیگیری می زند بیرون. می گوید چیزی از آن خانه باقی نمانده که بخواهی ببینی. می پرسم شما جایش را می دانی؟ نفس عمیقی می کشد و می گوید بچه که بودیم می آمدیم اینجا بازی. اینجا جنگل بود و تا دریا فاصله زیادی داشت. کلبه جلال اینجا بود. می آمدیم اطراف این خانه و حتی روی پشت بام آن بازی می کردیم. روزهای خیلی خوبی بود. تمام اینجا برایم خاطره است. حیف...

● ۲ شهریور ۱۳۴۷، اسالم گیلان، جلال (سمت چپ) در کنار مصطفی شعاعیان

بعد ها آب دریا شروع کرد به بالا آمدن، تا رسید به اینجا. خانه جلال و دیگر خانه ها را آب خراب کرد و چیزی از آنها باقی نگذاشت. با دست اشاره می کند با چند متر آنسوتر و می گوید این چند تکه سنگ باقی مانده از خانه جلال است که دریا هیچ نشان دیگری را باقی نگذاشته. چشم که می گردانم چند تکه سنگ می بینم بر کناره آب که دریا احاطه شان کرده است. انگار جلال بر یکی از همان سنگها نشسته و دفترچه معروفش در دست مشغول نوشتن است. بیاد خاطره طنز ایرج افشار می افتم، صاحب مجله "راهنمای کتاب" که نقل می کرد چند بار او را در سفرهای دور و دراز دیدم پویا و کنجکاو. روزی بر ساحل خلیج فارس در دیهی از بندر بوشهر، بامدادی که هنوز آفتاب نتابیده بود گرم نوشتن دیدمش. پرسیدم چه می نویسی؟ گفت: "خزعبلاتی که در آینده اباطیل شناسان و نبش قبر کن هایی چون تو از آن نان بخورند".

● چند تکه سنگ بر کنار آب، تنها بازمانده از خانه جلال

اینجا همان کلبه ای است که آیت الله طالقانی پسر عموی جلال در مورد آن می گوید: "جلال دو هفته قبل از فوتش اصرار زیادی داشت تا در این کلبه مهمانش باشم. می گفت دل پر دردی برای درد دل دارم." خانه اسالم جلال تکه زمینی بود که میرزای توکلی به او داده بود و جلال با دست خود خانه ای به شکل لانه زنبور و شش گوش در آن ساخت. جلال در طول زندگی کوتاه اما پرشتاب و پرشور خود حس حسادت خیلی ها را

برانگیخت حتی برخی از نزدیکترین دوستان و کسان خود را، به گمانم حتی از حس حسادت دریا هم بی نصیب نماند تا کمکی باشد برای این بشر خاکی تا گرد فراموشی را بر نام جلال و کاشانه اش بکشد. می پرسم از مسافرانی که به اینجا می آیند کسی متوجه می شود که اینجا خانه جلال است؟ می گوید نه. می گویم تابلوی راهنما ندارد اینجا؟ می گوید نه. می پرسم سازمان میراث فرهنگی برای حفظ این بنا کاری نکرد؟ می گوید یکبار آمدند ولی گفتند چون سن بنا زیر صد سال است طبق قانون سازمان نمی توانیم از آن حفاظت کنیم. گفتم لااقل می توانستند دیواری اطرافش بکشند برای محافضت از دریا تا وقتی که سن بنا شد صد سال. گفت این هم فکری است ولی دیگه دیر شده.

مسافران نوروزی کمی آنسوتر سرگرم بازی و پختن کباب هستند. کسی متوجه اینسوی آب نیست. دیگه موقع برگشتن است. صدایی در گوشم زنگ می زند که نمی دانم کجا شنیده ام: "چندی بر کنار این ساحل ماندی و رفتی. و حالا سالهاست که این امواج برای بوسیدن جای پایت می آیند و می روند".

http://vista.ir/?view=article&id=366323

vista.ir
Online Classified Service

از خطابه‌گویان و راه‌یابان دیروز تا راهنمایان امروز

صنعت گردشگری در سال‌های اخیر به‌عنوان مهمترین مقوله در امر پیشرفت جوامع نقش داشته است.صنعتی که از گذشته‌های دور البته نه به شکل امروزی وجود داشته زیرا مردم روزگاران پیشین نیز به سفر کردن علاقه داشته و اهمیت آن را دریافته بودند. هر چند به سفر کردن علاقه داشته و اهمیت آن را دریافته بودند. هر چند مسافرت و انتقال یافتن از یک مکان به مکانی دیگر بسیار سخت و دشوار بود اما مردمانی که به این مسئله توجه جدی داشتند نه از گرمای تابستان و نه از راهزنانی که در میان کوه‌ها کمین بسته بودند هراسی به دل راه نمی‌دادند و راه خود را برای رسیدن به آنچه در ذهن داشتند پیش می‌گرفتند. بسیاری برای تجارت، اندکی برای کسب علم و عده‌ای برای دیدار از بستگان و آشنایان به غرب رفته خود عزم سفر می‌کردند. اما از این میان عده‌ای نیز برای به پیدا کردن بهتر مسیر و آشنا شدن به مقاصد سفر خود اطلاعات کافی نداشتند و از همان‌جا بود که راهنمایان این گروه‌ها شکل گرفتند. عده‌ای که با اطلاعات و آگاهی خود نسبت به راه‌ها، جاده‌ها و مسیرهای دشوار و سهل می‌توانستند به مسافران کمک شایانی کنند. این رویه از گذشته تا به امروز ادامه داشته و در همین دوران نیز به پیشرفت‌هائی رسید. در جامعه امروز راهنمایان وجهه بهتری نزد مسافرین یافته‌اند و حتی دیگر به‌عنوان یک رشته به‌خصوص تحت آموزش قرار داده می‌شوند و وظایف بیشتری بر دوش آنها قرار گرفته است.در همین رابطه مسعودی مورخ و کارشناس می‌گوید: در صنعت گردشگری که عموماً به‌صورت دسته‌جمعی اجراء می‌گردد فردی که مهمترین نقش را در این میان بازی می‌کند، فردی که حاصل زحمات تمام آژانس‌ها است و می‌تواند این تلاش را به نقطه اوج برساند یا یکباره تمام آن را از میان برد راهنما و در اصطلاح لیدر تور است. شخصی که مورد اعتماد هر دو طرف مسافر و آژانس است و شاید بتوان گفت مهمترین نقش را در گردشگری ایفا می‌کند. حال نیاز است که شغل این شخص تعریف شد و حدود و مرز آن همراه انتظاراتی که طرفین از او دارند نیز مشخص باشد. این راهنمای تور می‌افزاید: این شغل اگر چه سابقه‌ای حدود ۴۰ تا ۵۰ ساله در کشور ما دارد ولی بتازگی مورد اهمیت قرار گرفته. زیرا در پی همان بی‌اطلاعی‌ها از کم و کیف دقیق صنعت گردشگری و به دنبال آن راهنمایان نیز خود گاهی از اهمیت شغل خود بی‌اطلاع هستند و طرف‌های آنان هم که تورگردان و مردم هستند نیز اطلاع دقیقی از تعریف این شغل و انتظاراتی که باید از او داشته باشند ندارد.وی می‌گوید: ابتدائی‌ترین راهنمایان در طی قرون ۱۴ تا ۱۸ تورهای بزرگی ترتیب می‌دادند که مسافران آنها را جوانان اشرافی تشکیل می‌دادند. راهنمایان آن دوره یا خطابه‌گویان عبارت بودند از کسانی‌که دارای فصاحت بوده و به چند زبان سخن می‌گفتند و به کلیه موضوعات اشراف داشتند مانند تاریخ، ادبیات، معماری و دیگر امور. سپس با نیاز به دانستن جغرافی برای طی راه به‌طور دقیق‌تر، به اشخاصی که در این زمینه از تبحر برخوردار باشند احتیاج پیدا شود لذا از خردمندان و آموزگاران شخصی یا مشاورین روحانی استفاده شد که به راه‌یابان معروف

شدند.در دوران امپراتوری باستان از ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا ۵۰۰ سال پس از آن تمدن‌های بزرگی مانند ایرانیان، یونانی‌ها، رومی‌ها و آشوری‌ها و مصری‌ها از طریق زمین و دریا به وسیله راهنمایان خود به نام Proemos یا نمایندگان و مدیران تورها به سفر خود ادامه می‌دادند.در دوران قرون وسطی به‌علت سقوط امپراتوری روم جاده‌ها، تجارت و اقتصاد نیز به افول و انحطاط کشیده شد.راهنمایان طی این دوران به نام‌های راه‌یابان، حافظان ایمنی حامیان و رشوه‌دهندگان معروف بودند. در دوره‌های بعد مانند رنسانس با به‌وجود آمدن صنعت و رشد دوباره تمدن تورهای بزرگ شکل گرفت که به نام دوره آموزش خوانده می‌شد.مسعودی می‌افزاید: در این دوره تصویر راهنمایان در نظر دیگران بهبود یافته بود و راهنمایان به‌عنوان آموزگاران مسافر شناخته می‌شدند. آنها در ایالات متحده پس از جنگ شکل گرفتند و در جنگ پنسیلوانیا خانواده‌های کشته‌شدگان و عدم سوءاستفاده افراد سودجو، از طرف مسئولان تصمیم گرفته شده راهنمایان را پس از طی دوره با نصب کارت راهنمائی بر روی سینه آنها جهت هدایت خانواده‌ها به‌سوی اجساد فرزندانشان به پارک پنسیلوانیا اعزام کنند. همچنین این مورخ می‌افزاید: راهنمایان اروپا از انگستان و با کمک توماس کوک در سال ۱۸۴۱ با آموزش‌های لازم همراه با ارزشیابی و تدوین مقررات راهنمایان این رشته تعریف و ایجاد شد. موزه‌داران در این دوره از شهرت بسیار خوبی برخوردار بودند که به آنها Docent گفته می‌شد.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=212119

vista.ir
Online Classified Service

از سفر دلزدگان

معمولا خانوادههایی که بچه مدرسه‌ای دارند، غیر از تعطیلات نوروز، تنها در تابستانها فرصت خوبی برای مسافرت پیدا می‌کنند.

البته مسافرت هم شرایطی دارد که شاید جور کردن آن برای همه به آسانی ممکن نباشد. اما گاهی با وجود فراهم بودن همه شرایط هم، میل و رغبت زیادی برای سفر رفتن در خانواده وجود ندارد! یکی از علل این بی‌میلی، ایجاد حالت دل بهم خوردگی، رنگ‌پریدگی، عرق سرد، زیاد شدن بزاق، سردرد، سرگیجه، تهوع و استفراغ است که بیماری حرکت نامیده می‌شود.

بیماری حرکت، اختلال شایعی است که در اثر حرکت‌های مکرر مانند حرکت ماشین، قطار و کشتی - در دریای متلاطم – به وجود می‌آید. این مشکل معمولا در سنین ۲ تا ۱۲سالگی شایع‌تر بوده و به تدریج با افزایش سن،کمتر می‌شود اما در همین دوره هم بدون درمان نیست. پس به‌جای فرار از مسافرت، تنها کافی است که راه چاره را یاد بگیریم.

● وقتی که مغز گیج می‌شود

آیا می‌دانید مغز چگونه حرکت را می‌فهمد؟ از۳مسیر مختلف، پیام‌های عصبی به مغز می‌رسد؛ یک پیام از گوش داخلی (لابیرنت) ، حس حرکت، شتاب و سنگینی را به مغز رسانده و چشم‌ها با حس بینایی و بافت‌های

عمقی بدن از طریق گیرندههای عضلانی هم۲ پیام دیگر را برای درک حرکت به مغز مخابره می‌کنند تا بتوانیم تعادل و توازن خود را حفظ کرده و موقعیت خود را در فضا درک کنیم. وقتی ما عمدا حرکت می‌کنیم، مثلا وقتی راه می‌رویم، این اطلاعات رسیده از۳مسیر به‌وسیله مغز ما هماهنگ می‌شود.

اما وقتی ما در ماشینی نشستهایم که درحال حرکت است (حرکت ناخواسته) هماهنگی بین این قسمت‌ها انجام نمی‌شود و به نظر می‌رسد که ناسازگاری بین آنها وجود دارد. علت بیماری حرکت، طبق نظریه‌های موجود، همین ناسازگاری است.

● چشم‌های گوش می‌بینند

البته گاهی ممکن است بدون اینکه حرکت کنید هم دچار چنین حالتی بشوید و این وقتی است که نشسته‌اید و تصویری را تماشا می‌کنید که پیام حرکت را به مغزتان مخابره می‌کند. مثلا در شهر بازی تصاویر سینما ۲۰۰۰ را تماشا می کنید.

در این شرایط، چشم به مغز می‌گوید که حرکت وجود دارد اما گوش داخلی خبر از بی‌حرکتی می‌دهد. یا مثلا وقتی در اتومبیل نشسته‌اید و کتاب می‌خوانید، چشم شما پیام بی‌حرکتی و گوش داخلی، پیام حرکت را به مغز می‌فرستد و اینجاست که مغز دچار تناقض می‌شود و می‌توانیم بگوییم گیج می‌شود. بد نیست بدانید، احتمال ایجاد بیماری حرکت در زمانی که حرکت پیچیده‌تر است، بیشتر می‌شود.

مثلا در حرکت همزمان افقی و عمودی، این بیماری بیشتر ایجاد می شود؛ حرکت‌هایی مانند حرکت کشتی،حرکت اتومبیل در زمین ناهموار وپرواز هواپیما در هوای نامساعد.

دریازدگی هم نوعی بیماری حرکت است، مانند ماشین‌گرفتگی. فرقش این است که تعداد بیشتری از آدم‌ها را گرفتار می‌کند.

البته تمام اینها، یک نظریه و توجیه برای این بیماری است وگرنه قضیه پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. مثلا جالب است بدانید نابینایان هم ممکن است دچار بیماری حرکت بشوند.

اما اگر کسی اجزای درك حس وضعیت را در گوش داخلی نداشته باشد، چنین حالتی برای او پیش نمیآید. این قضیه، نشان می‌دهد که در درک حرکت، گوش داخلی نسبت به چشم، نقش اساسی‌تری دارد.

● ۱+۱۲ روش برای پیشگیری از دلزدگی در سفر

اگر شما هم مستعد این حالت هستید، بهتر است از روش‌های زیر برای پیشگیری کمک بگیرید؛ چون اگرچه معمولا این حالت با توقف حرکت درمان می‌شود اما در بعضی از افراد تا چند روز پس از پایان سفر هم ادامه می‌یابد.

هنگام حرکت به جهتی نگاه کنید که به سوی آن حرکت می‌کنید تا چشمان شما با گوش داخلی‌تان هماهنگ شود. اگر موقع حرکت به پایین نگاه کنید، چشم شما پیام سکون و گوش داخلی پیام حرکت را به مغزتان می‌فرستد و این ناهماهنگی شما را به دردسر می‌اندازد.

- اگر سوارماشین هستید، روی صندلی جلو بنشینید و به مناظر دوردست نگاه کنید. استفاده از تکیه‌گاه برای گردن هم می‌تواند به شما کمک کند.

- اگر سوارکشتی هستید، به عرشه بروید و به افق دور نگاه کنید.

اتاق خود را از کابین‌های روی عرشه بالایی و همچنین جلو یا وسط کشتی که تکان‌های کمتری دارند، انتخاب کنید.

- اگر سوار هواپیما هستید، کنار پنجره نشسته و به بیرون نگاه کنید.

- در جلوی هواپیما و روی بال‌های هواپیما تکان کمتر است. ترجیحا موقع بلیت‌گرفتن، این صندلی‌ها را انتخاب کنید.

- هنگام مسافرت، کتاب نخوانید و در قطار روی صندلیهایی که خلاف جهت حرکت است، ننشینید.

- با مسافرانی که بدحال بوده و حالت تهوع و استفراغ دارند، صحبت نکرده و به آنها نگاه نکنید.

- قبل ازسفر، غذاهای چرب، شور و حجیم نخورید و بهتر است از خوردن لبنیات هم خودداری کنید. غذاهای سبک و خشک و میوه‌های حاوی آنتی‌اکسیدان، مانند لیموترش و آلبالو، برای قبل و در طول مسافرت مناسب‌ترند.

- از بوهای نامطبوع یا تند قبل و در طول مسافرت دوری کنید. خوردن غذاهای بودار (مثل تخم مرغ) و سیگار کشیدن مسافران در اتوبوس، ممکن است موجب بدحالی سایرین شود. بنابراین، اگر خودتان هم دچار این بیماری نمیشوید، به‌خاطر رعایت حال دیگران هم که شده، سیگار نکشید و بوی غذا راه نیندازید. وجود تهویه مناسب هنگام مسافرت، در هر وسیله نقلیه‌ای می‌تواند مفید باشد.

- می‌توانید قبل از حرکت، طبق توصیه پزشک از داروهای پیشگیری کننده استفاده کرده یا دارو را همراه خود ببرید تا درصورت نیاز، مصرف کنید. البته معمولا این داروها صرف‌نظر از نوع‌شان، برای پیشگیری، اثر بهتری دارند.

- این بیماری معمولا مشکل جدی ایجاد نکرده و با روشهای گفته‌شده درمان می‌شود اما اگر شدید بود یا به‌تدریج شدت آن بیشتر شد، لازم است به پزشک مراجعه کنید.

- درمورد کسانی که شغل آنها ایجاب می‌کند دائم در سفر باشند (مثل خلبان‌ها و کارکنان کشتی)، معمولا نمیتوان از درمان‌های دارویی استفاده کرد چون این داروها حالت‌هایی مانند خواب‌آلودگی ایجاد می‌کنند. اما جالب است بدانید تمرینهای بیوفیدبک و ریلکسیشن می‌تواند درحدود ۷۶درصد موارد، علائم را در این افراد کم‌کند.

این تمرینات با کاهش اضطراب و تنش عضلانی همراه بوده و در کنار تمرین تنفس (نفس عمیق و طولانی) و درمان شناختی - رفتاری ، بسیار موفقیت‌آمیز است.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=269531

vista.ir
Online Classified Service

استانبول و طعم دلچسب چای

این شهر نه تنها شهری هنری است که دوستداران سنگ های قدیمی را به خود جذب می کند، بلکه بندری بسیار مهم در بوسفور و دریای مرمره به شمار می رود. این شهر در سال ۳۲۴ پس از میلاد مسیح توسط کنستانتین، امپراتور روم ساخته شد. آن هم درست در جایی که سابقاً بیزانس نام داشت. قسطنطنیه به ترتیب پایتخت امپراتوری بیزانس (۴۵۳ - ۳۹۵) بود و بعدها هم به پایتخت امپراتوری عثمانی (۱۹۲۳ - ۱۴۵۳) تبدیل شد. ساخت پایتخت سلطنتی جدید خیلی سریع صورت گرفت (۳۳۰ - ۳۲۴) یعنی تنها شش سال برای ساخت آن زمان صرف شد. قسطنطنیه خیلی زود توانست پایتخت سیاسی - اقتصادی بیزانس و پایتخت مذهبی شرق مسیحی شود. در عین حال درگیری های ایدئولوژیك و بحث های روشنفکرانه نیز در آن جا رواج داشت. اولین دانشگاه آن نیز در سال ۳۳۰ پس از میلاد بنا شد. در واقع تمدن فرهنگی، فکری، مذهبی و هنری این شهر درخشش خاصی داشت.

فعالیت های تجاری گسترده قسطنطنیه، تجار خارجی را نیز به سرعت جذب کرد و کم کم دسته دسته گروه های مختلفی به سوی آن سرازیر شدند. نفوذ خارجی ها در قرن دوم و سوم شدت بیشتری گرفت. این مسئله سبب شد که کم کم قسطنطنیه به زوال اقتصادی و سیاسی برسد. سال ۱۲۰۴ صلیبیون به تصرف آن پرداختند و تا سال ۱۲۶۱ آن را پایتخت خود قرار دادند.نام استانبول از سال ۱۴۵۳ به بعد روی شهر گذاشته شد. ترك ها در آن سال توانستند شهر را فتح کنند و آن را مقر دولت عثمانی قرار دهند. به این ترتیب نام شهر را نیز به میل خود تغییر دادند. در آغاز قرن پانزدهم جمعیت شهر در حدود ۵۰ هزار نفر بود، اما اواسط قرن شانزدهم ساکنان آن به ۵۰۰ هزار نفر رسیدند. کلیساها همگی به مسجد تبدیل شده و بناهای دیگری نیز برای تکمیل شهر در گوشه و کنار ساخته شدند. خیلی زود شهر در قالب اسلام فرو رفت. از قرن هجدهم به بعد، استانبول و نقاط اطرافش هدف توسعه طلبی شوروی سابق قرار گرفت. طی جنگ جهانی اول شهر و بندر آن توسط متحدان شوروی بلوکه شد. سپس فرانسه به اشغال آن پرداخت. بریتانیا و ایتالیا هم به نوبه خود از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۳ آن را به تصرف در آوردند. تا این که بالاخره در سال ۱۹۲۳ کنفرانس لوزان آن را به ترك ها بازگرداند، اما ترك ها ترجیح دادند پایتخت شان را به آنکارا تغییر دهند. پس از جنگ جهانی دوم استانبول دوباره رونق اقتصادی خود را به دست آورد.هم اکنون نیز این شهر پایتخت اقتصادی ترکیه است. استانبول امروز مرکز صنعتی، تجاری و مالی کل

کشوری است که در قلب منطقه حاصلخیز کشت پنبه، میوه، زیتون و توتون واقع شده است. در واقع یك سوم تولیدات ملی ترکیه تنها در این شهر صورت می گیرد. می گویند برای رسیدن به استانبول بهتر است از راه دریایی عبور کنیم. اما به اعتقاد ما بهتر است وقتی سوار بر کشتی بزرگ تجاری سفید رنگ راهی شهر می شوید چشمان خود را ببندید و تا زمانی که به بوسفور نرسیده اید انرژی خود را هدر ندهید. از این جا به بعد دیگر می توانید با چشم بر هم زدنی شهر را تشخیص دهید و از آن لذت ببرید. استانبول کهن که مناره های متعدد و با شکوهش تا آسمان بر افراشته شده، روی پیش آمدگی زمین ساخته شده است.دریای مرمره، در جنوب و ساحل درخشان و طلایی رنگ واقع در شمال، فضای بسیار مناسب جغرافیایی شهر را تعیین کرده اند. بناهای شهر منحصر به فرد هستند و از همه طرف مردم را جذب می کنند. استانبول هم اروپایی است و هم آسیایی. به هنگام مشاهده جذابیت های دیداری آن مدام به دنبال کلماتی مثل باشکوه، با عظمت و جذاب می گردیم، اما گاهی برای توصیف ناچاریم از واژه های پرهیاهو، پر هرج و مرج و درهم و برهم استفاده کنیم. استانبول امروزی آن قدر پرجمعیت و به هم ریخته است که همه سرسام می گیرند.برای دیدار از شهر بهتر است اول سری به محله «امین اونویی» بزنیم. این محله در مجاورت بازارهای بزرگی واقع شده و ایستگاه راه آهن و بارانداز نیز در آن جا است. جمعیت این محله حدود ۱۰۰ هزار نفر است، اما روزانه بیش از دو میلیون نفر به آن جا آمد و شد می کنند. ایستگاه های اتوبوس و بارانداز‌ها به پل «گالاتا» ختم می شوند.

سر و صدای موتور کشتی ها، بوق ها، فریادها، اتومبیل های کوچك و بزرگ، کامیون ها، عابرانی که شتابان خیابان ها را پشت سر می گذارند و همه وهمه چنانند که گویی سال ها است زیر این پل افسانه ای قرار ملاقات داشته اند. بوسفور شبیه یك خیابان پهن پوشیده از آب است که به جای اتومبیل، کشتی ها با آرامش دل انگیزی در آن رفت وآمد می کنند. در آب های ساحل طلایی رنگ، ماهی ها بی خیال به شنا مشغولند و ماهیگیران بی هیچ تاثری برای گذران زندگی استانبولی خود به صید آنها می پردازند و تعادل زندگی و چرخه بقای موقت را خاطر نشان می کنند. چرخه ای که بیزانس سال ۶۵۸ پیش از میلاد را به شکل کنونی درآورده و خدا می داند که بعدها آن را به چه صورتی در خواهد آورد.

برای فاصله گرفتن از تاریخ و افسانه ها بهتر است به یکی از قهوه خانه ها سری بزنید و با صرف چای سرخ رنگ و دلچسب روح انگیز استانبول را حس کنی، بد نیست به بازار مصری ها یا بازار بزرگ هم سری بزنید. جواهر فروشی های با شکوه و بازارهای کوچك از جمله بازار چای که در فضای ۵/۱ متر مربعی حجره های آن در روز بیش از هزار معامله صورت می گیرد، رونق زندگی مردم را نشان می دهد.

هر چند این جا ترکیه است، اما قهوه ترك بیش از اندازه گران شده و امروزه کمتر کسی فکر خوردن آن را به سرش راه می دهد. در عوض چای متداول ترین نوشیدنی است. برگ سبز آن در کوه های اطراف دریای سیاه پرورش می یابد و سپس به صورت غلیظ و سرخ در استکان هایی کوچك صرف می شود. به هر جا پا بگذارید از خیابان و میدان گرفته تا فروشگاه های مدرن و سالن های انتظار، شخصی را می بینید که سینی بزرگ به دست گرفته و فریاد می زند:«چای !... چای!» نمی دانید از کجا بیرون می آیند یا به کجا می روند، اما وقتی به خودتان می آیید می بینید که پنج استکان را خالی کرده اید.

پس از بازار بزرگ به محله بایزید می رسید، هر چند چای های این منطقه طعم خوبی ندارد، اما آن جا محله ای است که گویی از دستبرد و هجوم سال ها و قرن ها مصون مانده است. مسجد قدیمی خاکستری رنگ و مرمرهایی که نور آفتاب را به هزاران پرتو تبدیل می کنند نشان دهنده عظمت عثمانیان هستند. زمانی که صدای اذان به گوش می رسد، میدان پر از پیرمردهایی با ریش و سبیل می شود که سال های سال هر روز برای عبادت به این منطقه سرازیر می شوند. قرن ها است که این محله به همین شکل باقی مانده است.

خیابان های استانبول همیشه پر است از کسانی که با شتاب به سوی بازارهای میوه، ساندویچ فروشی ها و ... سرازیر می شوند. صدای قطار های درون شهری و تاکسی ها در میان فریا دهای ماهی فروشان گم می شود. ده ها هزار نفر می روند و می آیند. در این میان گاهی برای رسیدن به مقصد تنه می خوریم. عبور هر روزه از این خیابان ها با ماجراهای گوناگونی همراه است. عابران ترك بی هیچ واهمه ای خود را به درون این ترافیك جهنمی می اندازند و با هل دادن و تنه زدن به مقصد می رسند. تردد همیشگی مسافران و اتومبیل ها دیگر برای آنها عادی شده. دود سیاه رنگ حاصل از کشتی ها و اتومبیل ها آن چنان با هم مخلوط می شود که ابر سیاه همیشگی ای بر فراز پدید می آورد.

آیا صوفیا

کلیسای آیا صوفیا در اصل در سال ۳۲۵ میلادی ساخته شد. امپراتور می خواست از این کلیسا، زیباترین و بزرگ ترین کلیسای ممکن در روی زمین را بسازد. دو معمار به همراه ده هزار کارگر و تلی از طلا شروع به کار کردند. سال ۵۳۷ کلیسا افتتاح شد. پس از فتح استانبول توسط عثمانیان کلیسا به مسجد تبدیل شد و سپس مناره هایی نیز به آن افزودند. سال ۱۹۳۵ آتاتورك تصمیم گرفت آن را به موزه ای فرهنگی تبدیل کند. گنبد های آن ۵۴ متر بالاتر از زمین قرار دارند و در مجموع ۱۰۷ ستون در داخل ساختمان وجود دارد.

مسجد آبی

این مسجد در قرن هفدهم بنا شده است و درست روبه روی آیا صوفیا قرار دارد. شش مناره هماهنگ و متقارن و موزاییك های آبی و سبز موجب شهرت آن شده اند. این مسجد که مسجد سلطان احمد نام دارد به خاطر رنگ کاشیکاری هایش به مسجد آبی مشهور شده است.

قصر توپکاپی

در سال ۱۴۷۸ این کاخ بنا شد.دربار با شکوه سلاطینی که نزدیك به چهار قرن در آن می زیستند واقعاً تماشایی است. سلیمان کبیر نیز بخشی را به حرمسرا تبدیل کرد که هنوز هم قابل مشاهده است. درآشپرخانه این قصر، مجموعه بی نظیری از ظروف چینی ساخت چین و ژاپن چشم ها را خیره می کند. گنج های جمع شده در این قصر واقعاً بی نظیر است و می توان گفت که در کل جهان رقیبی ندارد.

یره باتان سرای

برای ذخیره آب مورد نیاز برای مواقع ضروری، صدها مخازن در استانبول وجود داشت.«یره باتان سرای» در نزدیکی آیا صوفیا یکی از این مخازن است که در دوره بیزانسی ها ساخته شد. طول آن ۱۴۰ متر و عرضش ۷۰ متر است. ستون های با شکوه این بنا که از آب سر برآورده در محیطی مملو از نور و موسیقی دل انگیز آب جلوه خاصی دارد. این مخزن برای قصر توپکاپی مورد استفاده قرار می گرفت. در انتهای آن دو مجسمه از «مدوسا» به عنوان محافظ ستون ها قرار دارد.

در امتداد بوسفور خانه های متعددی به نام «یالیس» وجود دارد که بین تپه و دریا، به سبك عثمانی و از جنس چوب ساخته شده اند. حدود سی خانه از این نوع هم اکنون پا برجا هستند. اگر خیلی سعی کنید شاید موفق شوید یکی از آنها را به قیمت ۵۰ میلیون دلار خریداری کنید.

گردآوری و ترجمه : سهیلا قاسمی

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=204120

vista.ir
Online Classified Service

استرالیا، سرزمین کانگوروها

●استرالیا، سرزمین کانگوروها

درباره یك قاره، به عنوان یك کشور عظیم، صحبت می‌کنیم. در واقع این کشور بزرگترین جزیره اقیانوسیه در اقیانوس کبیر محسوب می‌شود. بله، می‌خواهیم در مورد استرالیا مطالبی شنیدنی و خواندنی ارائه دهیم. این سرزمین پهناور به طور ناگهانی در سالهای اخیر راه ترقی و پیشرفت را طی کرده است. البته در این کشور مدرن، هنوز انسانهایی هستند که به روش انسانهای عصر حجر زندگی می‌کنند. در واقع آنان ساکنان اصلی و اولیه استرالیا هستند و مردم حاضر در استرالیا همه مهاجرند و از کشورهای گوناگون به آنجا نقل مکان کرده اند. در ذیل به توصیف این کشور عظیم، اما کم جمعیت می‌پردازیم.

●استرالیا، سرزمین هفت رنگ

استرلیا ششمین کشور بزرگ جهان است. این سرزمین ۵۰ درصد بزرگتر از اورپاست، اما تراکم جمعیتش کمترین درصد را در جهان دارد؛ یعنی این طور برآورد شده که در استرالیا در هر یك کیلومتر مربع دو انسان زندگی می‌کنند. استرلیا موقعیت جغرافیایی عجیبی دارد. در این کشور تضادهای زیادی دیده می‌شود. این کشور از لحاظ عجیب و غریب بودن آب و هوا، وجود حیوانات دیدنی، گونه های مختلف و محیط زیست مقام چهاردهم را در کشورهای مختلف داراست. مرکز این سرزمین، پست و اطراف آن مرتفع است. در قسمت پست مرکزی دریاچه ای به نام دریاچه تورنس واقع شده و در ساحل شرقی آن سلسله جبالی قرار دارد که آن را سلسله آلپ می‌نامند. گفتنی است بلندترین قله آن ۳۲۴۱ متر ارتفاع دارد. آب و هوای استرالیا متفاوت است. قسمت مرکزی آن خشك و سوزان و قسمت شرق و جنوب شرقی مرطوب و معتدل است. استرالیایی ها بیش از۳۰۰۰ ساعت در سال آفتاب می‌بینند. محصول استرالیا نیشکر، پنبه، غلات، گوشت گاو، پشم گوسفند و گوشت شترمرغ است. رودخانه های مهم آن دارلینگ و مورای است که به یکدیگر متصل است. مساحت این کشور ۷۷۰۴۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. می‌توان شهرهای بزرگ استرالیا را ملبورن، سیدنی، آدلایدپرت، بندرداروین و پریسبان (در استرالیای غربی) نام برد. یولورو یك تخته سنگ به بلندی ۳/۶ و به عرض ۲و به قطر ۹/۴ کیلومتر می‌باشد که یکی از زیباترین و منحصربه فردترین سنگهای استرالیا و جهان است. این سنگ بر اثر تابش خورشید تغییر رنگ می‌دهد، یعنی رنگ آن در سحرگاه با هنگام ظهر متفاوت است. استرالیا بیش از ۷۰۰۰ ساحل دارد و در سواحل آن سنگهای تزیینی بسیار زیبایی یافت می‌شود که بسیار ارزشمندند. برای مثال در استرالیا جنوبی در کوبرپدی سنگهای تزیینی به وفور یافت می‌شود. علاوه بر سنگهای تزیینی با ارزش، در استرالیا طلا نیز یافت می‌شود. کالگورلی در استرالیای غربی معدنی از طلاست. در واقع استرالیا یکی از بزرگترین تولیدکنندگان طلادر جهان می‌باشد. در ضمن بلندترین راه آهن جهان در تقاطع نالاربورپلین است که از نارینا در استرالیای غربی تا نزدیك واتسون در استرالیای جنوبی کشیده شده است. البته امروزه حدود ۴۷۸ کیلومتر از این خط راه آهن از بین رفته است. در استرالیا جاده ها و بزرگراههای طویلی نیز وجود دارد. برای مثال ایردرکایگانا در استرالیای غربی بلندترین بزرگراه در استرالیاست که ۱۵۰ کیلومتر طول دارد. در ضمن یکی از جاده های طولانی که از پرت تا آدلاید کشیده شده ۲۷۰۰ کیلومتر طول دارد که همه این جاده، اتومبیل روست. محیط زیست کشاورزی و حیوانیبلندترین حصارهای جهان در استرالیا قرار دارد.

حصار دینگو در مرکز کویین لند حدود ۵۵۳۱ کیلومتر طول و ۱/۸ متر ارتفاع دارد. این حصار در دورتادور مراتع گوسفندان و شترمرغها ساخته شده، تا از دسترس حمله انواع حیوانات وحشی به دور باشند. در این کشور بیش از ۱۴۰میلیون راس گوسفند در مراتع و مزارع وجود دارد. پشم گوسفند استرالیایی از لحاظ کیفیت و کمیت در جهان اهمیت خاصی دارد و یك منبع صادراتی و اقتصادی برای این کشور محسوب می‌شود. به این ترتیب می‌توان افزود که استرالیا بزرگترین صادر کننده پشم در جهان است. این سرزمین از لحاظ دام بسیار غنی است و بیش از ۲۴ میلیون راس گاو دارد که در بخش صادرات پوست و گوشت گاو نیز جزو بزرگترین صادر کنندگان در دنیا می‌باشد. این سرزمین حاصلخیز بیش از۲۵۰۰۰ گونه گیاهی دارد که از آن ها برای مصارف خوراکی و دارویی استفاده می‌کنند و این در حالی است که در سراسر اروپا تنها ۱۷۰۰۰ گونه گیاهی وجود دارد. استرالیا از لحاظ زراعت و کشاورزی در

جهان مقام اول را داراست. کانگورو یك حیوان منحصر به فرد است که فقط در استرالیا زندگی می‌کند و زیستگاه اصلی آن دراستراليياست. برآورد شده که بیش از ۴۰ میلیون کانگورو در این سرزمین یافت می‌شود. شترمرغ نیز یکی دیگر از گونه های جانوری استراليياست که از گوشت، پر و تخم آن استفاده می‌شود. کوالا نیز دیگر حیوان جالبی است که فقط در استرالیا یافت می‌شود.

در این سرزمین جنگلهای وسیعی دیده می‌شود که سبب خوش آب و هوایی و تنوع گونه های گیاهی و جانوری شده است. به طور کلی در این قاره، عجیب، غریب ترین حیوانات و گیاهان دیده می‌شود.

●تاریخچه ای کوتاه از تسخیرکنندگان استرالیا

استرالیا توسط دریانوردان اروپایی تسخیر شد؛ زیرا تنها راه دستیابی به این سرزمین آب است. یکی از مدعیان کشف استرالیا «جودینهوداردیا»ی پرتغالی بود، چرا که پرتغالیها در آن دوران در دریانوردی قدرتمند بودند. او در سال ۱۵۹۸ از پرتغال سفر دریایی اش را آغاز کرد و بعد از چند سال دریا نوردی به این سرزمین پهناور در اقیانوس کبیر رسید. او اولین اروپایی بود که در سال ۱۶۰۱ به این سرزمین پانهاد. وی سرزمین جدید را «آرنهملند» نامید. ویلیام جانسزون هلندی در سال ۱۶۰۶ با کشتی اش به نام دایفکن به استرالیا رفت. او این سرزمین را «هلند نو» نامید. وی امیدوار بود که بتواند در این سرزمین طلا، نقره و ادویه بیابد. او باور نمی کرد این سرزمین یك جزیره عظیم باشد. «جیمزکوك» دریانورد انگلیسی نیز در سال ۱۷۶۰ به سوی استرالیا رفت. او در ۲۲ آگوست ۱۷۷۰ این سرزمین را متعلق به انگلیس دانست. وی این سرزمین را به پادشاه جورج سوم،

پادشاه وقت انگلیس تقدیم کرد. کوك قصد داشت این سرزمین را شکوفا کند. آنان در ابتدا به قسمتی از استرالیا پا نهادند که بخش بیابانی استرالیا بود، اما کوك به این سرزمین خوش بین بود. در سفر بعدی او چند زیست شناس به نامهای دانیل کارل سلاندر و جوزف بانك را به همراه خود برد تا آنان بر این سرزمین مطالعه و وضعیف آنجا را مشخص کنند. کوك در ۲۹ آوریل ۱۷۷۱ کوك استرالیا را یافت که آن را تاسمانیا نامید. او در آنجا زیباترین گلهای جهان را مشاهده کرد و با یافتن این مکان سبب شادمانی انگلیسی ها شد. گفتنی است این منطقه بسیار پردرخت بود. در ۲۳ آگوست همان سال جیمزکوك به طور رسمی استرالیا را یکی از مستعمرات انگیلس اعلام کرد و با جنگ و نزاع با بومیان و همچنین دیگر مدعیان کاشف استرالیا توانست پیروز شود. در آن دوران انگیلس وضعیت خوبی نداشت. تورم اقتصادی، جرم، جنایت و دزدی در آن بیداد می‌کرد.مردم برای سیر کردن شکمشان دست به هر خلافی می‌زدند.

زندانها پر از خلافکاران شده بود. انگیلس تصمیم گرفت خلافکاران و دزدان را به کشوهای مستعمره امریکا بفرستد تا در آنجا زندانی شوند، اما در سال ۱۷۸۱ که استقلال امریکا اعلام شد، این کشور دیگر پذیرای دزدان و جانیهای انگلیسی نبود؛ پس باموافقت کاپیتان کوك زندانیها به جزیره تازه تاسیس فرستاده شدند؛ زیرا این سرزمین آنقدر وسعت داشت که زندانیها را در آنجا نگهداری کنند. همچنین برای حاصلخیز کردن و آبادانی این سرزمین نیاز به نیروی انسانی بود که برای این منظور از زندانیان استفاده کردند. آنان مجبور بودند بدون دریافت مزد بر روی زمینهای استرالیا کار کنند. لذا در ۶ دسامبر ۱۷۸۶ اولین گروه زندانیان با کشتی به استرالیا فرستاده شدند. البته زندانیان در این مسیر با وضعیت نامناسب کشتی ها، گرسنگی، بیماری و... روبه رو می‌شدند تا به استرالیا می‌رسیدند. در آنجا نیز باید به کارهای سخت با تن پوشهای نامناسب و غل و زنجیر مشغول می‌شدند و آنقدر کار می‌کردند تا همانجا می‌مردند. البته همه زندانیان، گناهکار و جنایتکار نبودند. عده ای از آنان مبارزان ایرلندی بودند که با حکومت حاکم بر انگلیس مبارزه می‌کردند.اولین کشتی به همراه ۷۰۰ زندانی و ۱۵۰۰ داوطلب به سوی استرالیا حرکت کرد که اکثرشان مرد بودند. کاپیتان فیلیپ این کاروان را به استرالیا رساند و بعد از گشت و تفحص شهر امروزی سیدنی را کشف و نام این شهر را تعیین کرد. کم کم پای نظامیها نیز به استرالیا باز شد؛ چرا که برای محافظت از زندانیان به نیروهای نظامی نیاز بود. ساکنان اولیه یا به عنوانی دیگر تسخیر کنندگان استرالیا، انگلیسی بودند و به ویژه زندانیان تعداد زیادی از افراد استرالیا را تشکیل می‌دادند. اگر به ساکنان امروزی استرالیا بگوییم که احتمالا پدران و اجداد شما زندانیان خلافکار بوده اند ناراحت می‌شوند، اما نمی توان از حقیقت فرار کرد. کم کم ساختمان سازی در آنجا آغاز شد. جان مك آرتور یکی از تجار بزرگ انگلیس در سال ۱۸۱۰ به همراه همسر و فرزندش پا به استرالیا نهاد تا برای خرید پشم مرینوس و فرستادن آن به کشورهای اروپایی و آسیایی اقدام کند. در آن زمان مانند امروز پشم گوسفندان استرالیا بهترین کالا برای اروپا محسوب می‌شد. این خانواده جزو اولین خانواده هایی بود که به استرالیا آمد. البته در میان زندانیان تعداد معدودی زن نیز دیده می‌شد.در قرن ۱۹ ماتیو فلیندر که در نقشه کشی مهارت داشت به استرالیا سفر و نقشه آنجا را ترسیم کرد.در سال ۱۸۲۴ شهر کویین لند و در سال ۱۸۳۵ ملبورن و در سال ۱۸۳۶ آدلاید به عنوان شهرهای واقعی افتتاح شدند. اولین تلگراف خانه در سال ۱۸۶۲ در آدلاید برقرار و به سواحل شمالی و جنوبی تلگراف فرستاده شد. در سال ۱۸۵۱ در مناطق باتورست ذرات طلا به وفور یافت شد. در نتیجه انبوه جمعیت برای جمع آوری طلا به سوی آنجا آمدند. اولین خط راه آهن در سال ۱۸۷۲ در آلیس اسپرینگ بنا شد. تا آن زمان وسیله نقلیه در مناطق کویری و خشك، شتر بود، البته امروزه هنوز شترها برای نمایش و جذب توریست در بیابانهای استرالیا یافت می‌شود. کم کم استرالیا به شهرهای مختلف تقسیم شد و مهاجران از کشورهای مختلف برای کسب زمین و زراعت و دام پروری به سوی آنجا راهی شدند. نیروهای دفاعی استرالیا بنام ANZACS یعنی گروههای ارتشی نیوزلند و استرالیایی در ۲۵ آوریل سال ۱۹۰۰ شکل گرفت که هر ساله روز برقراری این نیرو را جشن می‌گیرند. حال در ذیل به بیان تاریخ ساکنان اصلی استرالیا یا به زبانی دیگر بومیان استرالیا می‌پردازیم. بومیان استرالیا قدمت بومیان استرالیا به بیش از ۶۰۰۰۰ سال پیش می‌رسد. خصوصیت نژادی آن ها پوستی قهوه ای رنگ و موهای مشکی و مجعد می‌باشد. آنان مانند سرخ پوستان بدنشان را رنگ می‌کنند. البته مردم بومی استرالیا عقب افتاده ترین قبایل روی زمین هستند. مردم استرالیا در هنگام جشنها به رنگ کردن بدن خود می‌پردازند. آنان با زخمی کردن بدنشان، با خون جاری شده از زخم، بدن خود را رنگ می‌کنند. آنان مانند اجداد خود از طریق شکار و ماهیگیری زندگی خود را می‌گذرانند. دینگو که شبیه سگ می‌باشد حیوان دست آموز و خانگی قبایل استرالیاست. بومیان به صورت قبیله ای زندگی می‌کنند. باید متذکر شد که هنوز این قبایل در دل بیابان هاو جنگلهای استرالیا وجود دارند. البته با ورود سفیدپوستان به استرالیا بسیاری از آنان زیر تیر رگبارهای آنان قلع و قمع شدند و عده ای نیز به اسارت و بیگاری سفیدپوستان درآمدند اما کم کم تعدادشان روبه زوال رفت. امروزه حدود ۵۰۰ قبیله که دارای زبانها و فرهنگهای مختلف می‌باشند در استرالیا یافت می‌شوند. در سال ۱۷۸۸ تعداد بومیان ۳۵۰۰۰۰ نفر بود که در سال ۱۸۶۰ به ۵۰۰۰۰ نفر رسید. اکنون دولت استرالیا تا حدی بومیان استرالیا را که ساکنان واقعی این سرزمین هستند حمایت کرده است. به این ترتیب جمعیتشان به ۲۳۰۰۰۰ نفر رسیده است. در ذیل به توصیف رسومات این قبایل

می‌پردازیم. هر قبیله اسم و رسومات خاص خود را داراست که ما به بیان گوشه ای از این رسومات عجیب می‌پردازیم:در یکی از قبیله ها در نزدیك بندر داروین برای نوجوانانی که به سن بلوغ رسیده اند جشن برپا می‌کنند. نوجوان پسر ۱۳ تا ۱۵ ساله سرش را میان پای رئیس قبیله می‌گذارد. رئیس قبیله با یك تکه سنگ تیز لثه های نوجوان را برش می‌دهد و دندانهای جلوی فرد را با یك سنگ دیگر می‌شکند. آنان معتقدند درصورتی یك فرد می‌تواند پا به دنیای بزرگسالی بگذارد که دو دندان جلویش شکسته شود. همچنین بدنشان را با گیاهان رنگی و خون بدنشان رنگ می‌کنند. آنان مردگان خود را دفن نمی کنند؛ بلکه در بالای تپه ای قرار می‌دهند تا گوشت و پوست مرده توسط لاشخورها خورده شود. سپس استخوانهای باقیمانده میان فرزندان و اعضای خانواده تقسیم می‌شود و به طور یادگاری از آن ها نگهداری می‌کنند. به دلیل وجود تراکم درختان اکالیپتوس، بومیان از پوست این درخت استفاده های زیادی مانند پارچه بافی و گونی بافی می‌کنند. در ضمن کانگورو یکی از حیوانات معروف در استرالیاست. این حیوان با دو پای بلند و دستهای کوتاهش در حالی که بچه خود را درون کیسه در جلو سینه اش نگهداری می‌کند، بسیار تیزپاست. بومیان برای شکار این حیوان تدابیر زیادی دارند،برای مثال برای شکار کانگورو چند پوست درخت را نزدیك محل زندگی این حیوان قرار می‌دهند و خودشان درون آن پوسته ها می‌روند و با تیرو کمان منتظر کانگورو می‌شوند، همچنین بومرنگ یکی از ابزار شکار بومیان استرالیا محسوب می‌شود. همانطور که می‌دانید بومرنگ را از چوب یا استخوان درست می‌کنند و یك وسیله هلالی شکل است که یك طرفش را در دست می‌گیرند و بالای سرشان به چرخش در می‌آورند و پرتاب می‌کنند. جالب اینجاست که این وسیله به نقطه موردنظر می‌رود و باز می‌گردد. البته پرتاب آن نیاز به مهارت فراوان دارد.

●علایق و فرهنگ مردم استرالیا

کمی هم در مورد علایق و فرهنگ مردمان استرالیا بخوانید:مردم استرالیا علاقه زیادی به ورزش دارند. از ۱۹ میلیون استرالیایی ۷ میلیون نفر به ورزشهای مختلف حرفه ای مشغول هستند که تعداد کمی نیست. البته در استرالیا بیش از ۱۲۰ ملیت وجود دارد؛ زیرا یك کشور مهاجرنشین است. استرالیایی ها به برگزاری جشنها علاقه زیادی دارند. آنان همه جشنهای ملیتهای مختلف را در کشورشان برگزار می‌کنند. درضمن زبان اصلی آنان انگلیسی است. مردمان استرالیا بسیار خوش گذران هستند. آنان ایام تعطیل خود را به دشت و مراتع و سواحل دریا می‌روند و غذای خود را در آنجا میل می‌کنند. مردمان استرالیا به روزنامه و مجله خوانی علاقه زیادی دارند و بیش از ۱۲۰۰ عنوان مجله در کشور استرالیا به چاپ می‌رسد.

●رخدادهای مهم استرالیا

اول ژانویه ۱۹۰۱ استرالیا تقریبا مستقل و دارای پرچم و پارلمان و قانون اساسی مستقل شد.

در سال ۱۹۰۳ برای اولین بار زنان در استرالیا توانستند در انتخابات پارلمانی رای دهند.

در آگوست ۱۹۱۴ استرالیا وارد جنگ جهانی اول شد.

در نوامبر ۱۹۱۸ پایان جنگ جهانی اول اعلام شد. در این جنگ ۶۰۰۰۰ استرالیایی کشته شدند.

در سال ۱۹۳۱ برآورد شد که یك سوم استرالیایی ها کارگر هستند.

در دسامبر ۱۹۳۲ پل بندری سیدنی افتتاح شد.

در سال ۱۹۳۹ رابرت منزی، نخست وزیر وقت استرالیا جنگ با آلمان را اعلام کرد.

در سال ۱۹۴۲ در جنگ جهانی دوم، نیروهای استرالیایی به نیروهای امریکایی پیوستند و در برابر پیشروی ژاپنیها به سوی دریای کورال ایستادگی کردند.

در سال ۱۹۴۵ جنگ جهانی دوم به پایان رسید.

در سال ۱۹۴۸ استرالیایی ها وارد صنعت اتومبیل سازی شدند.

در تابستان ۱۹۵۶ بازیهای المپیك در ملبورن برگزار شد.

در سال ۱۹۶۳ بومیان استرالیا مانند دیگر شهروندان، حقوق کامل یك سفیدپوست را یافتند.

در ۱۹۷۳ سالن اپرا و تئاتر سیدنی توسط ملکه الیزابت دوم افتتاح شد. در همان سال پاتریك وایت به عنوان اولین استرالیایی توانست در رشته ادبیات جایزه نوبل را بگیرد.

در فوریه ۱۹۸۳ جنگلهای استرالیا آتش گرفت و بیش از ۴۰۰ میلیون دلار به استرالیا ضرر و زیان وارد شد و بیش از ۷۰۰ نفر کشته شدند.

در سال ۱۹۹۸ جمعیت استرالیا به ۱۹ میلیون نفر رسید.

در سال ۱۹۹۹ استرالیایی ها در یك رفراندم شركت كردند و به برقراری جمهوری رای دادند، اما۵۵درصد از آنان به باقی ماندن سلطنت پادشاهی رای دادند.

در تابستان ۲۰۰۰ بازیهای المپیك در سیدنی برگزار شد.

در سال ۲۰۰۱ استرالیایی ها جشن صدسالگی استقلال و برقراری پارلمانشان را برگزار كردند.

- درخت ركوع

در جنگلی در نزدیكی شهر سیدنی استرالیا درختی یافت شده است كه انسانی را در حال ركوع برای بیننده تداعی می‌كند. حال نكته جالبتر این است كه این درخت انسان گونه به سوی كعبه ركوع می‌كند. همانطور كه در عكس مشاهده می‌كنید این درخت كاملا شبیه انسانی است كه دستهایش را به زانو زده و در برابر خدا ركوع می‌كند. این هم یكی از شگفتیهای جهان خلقت.

منبع : خبرگزاری ایسنا

http://vista.ir/?view=article&id=224608

vista.ir
Online Classified Service

استرس و مسافرتهای تجاری

با گسترش اقتصاد جهانی، سفرهای بین المللی در دنیای پهناور به صورت گسترده ای در دو دهه اخیر افزایش یافته است. از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ تعداد مسافران هوایی از ۶۰۰ میلیون به ۸۵۰ میلیون نفر افزایش یافته است و طبق گزارشهای سازمان توریسم جهانی، افزایش سالانه ۵ تا ۱۳ درصد مشاهده می شود.

بنابراظهارات اداره بازرگانی ایالات متحده، سفرهای تجاری ۳۰ درصد از مجموع مسافرتهای هوایی بین المللی را تشكیل می دهد.

سلامتی و بهداشت جسمی كاركنان در اثر افزایش مسافرتهای بین المللی به خطر می افتد و آنها در معرض بیماریهایی همچون بیماریهای معده، عفونت و جراحت قرار می گیرند كه شناخته شده هستند.

بنابراین، ارتقاء و نگهداری سلامت مسافران كاری، یك نگرانی مهم و از حقوق كاركنان است.

افرادی كه در بخشهای بهداشت شغلی در آژانسهای بین المللی و شركتهای چندملیتی كار می كنند، به خوبی نسبت به نیازهای سلامتی كاركنانشان آشنا و آگاهند. اما هنوز، به ندرت در رابطه با سلامت مسافران كاری و استرسها به عنوان یك موضوع مجزا پرداخته اند.

با آنكه كاركنان و متخصصانی كه با آنها درتماسند، تاثیر استرس مسافرت و اهمیت تعادل بین زندگی و كار برای مسافران را درك می كنند، با وجود این، موضوعها همچنان به صورت گسترده ای نادیده گرفته می شوند. اما هم اكنون هوشیاری نسبت به اثر نیروی نهفته استرس مسافرت روی كیفیت كاری و پیشرفت در اهداف تجاری درحال افزایش است به خصوص استرسهای تجربه شده توسط تصمیم گیرندگان اجرایی. بانك جهانی درحدود ۱۰۰۰۰ كارمند و مشاور را از ۱۸۰ كشور استخدام كرده است كه حدود ۴۰۰۰ نفر از آنها، مدیران و كارشناسان فنی هستند كه به منظور كمك به كشورهای درحال توسعه به مناطق مختلف جهانی سفر می كنند.

تماسهای پزشكی با این كاركنان به متخصصان بهداشت كاری بانك جهانی ثابت كرده است كه استرس و فشار یك مشكل مشترك میان مسافران تجاری است.

يك بررسی روی درخواستهای بيمه پزشكی در نيمه دهه ۱۹۹۰ م.ثابت كرده كه بيشتر اين درخواستها مربوط به كارمندانی بوده كه به سفرهای تجاری می رفته اند، كه در زنان ۱۶ درصد و مردان ۸۰ درصد بيشتر بوده است.

ولی شگفت انگيزترين موضوع اين است كه درخواستهای مربوط به بيماريهای روانی دو تا سه برابر نسبت به ديگر (بيماريها مانند عفونت و جراحت و...) برای مسافران بيشتر از غيرمسافران (مسافرت نكرده ها) افزايش داشته است.

اين مسئله خصوصاً قابل توجه است، زيرا اين كاركنان عموماً از فرهنگهای گوناگون هستند و از بيشتر آنها انتظار نمی رود تا به درمانهای روانی دستيابی داشته باشند، مگر در شرايط حاد

● عوامل فشار روانی

بانك جهانی سرگرم يافتن جواب اين سوال است كه چه عواملی در ايجاد فشارهای روانی موثرند. چندين عامل مهم برای استرسهای مسافرتی به نظر رسيد كه مهمترين آنها را می توان تاثير سفرهای تكراری روی زندگی خانوادگی و شخصی افراد، احساس منزوی بودن به هنگام سفر، آثار هواپيمازدگی (مثل خواب آلودگی و مشكلات تمركز حـواس) و انباشته شدن كارها نام برد. علاوه بر اين موارد مسافران همچنين گزارش كرده اند كه اين مسافرتها پاداشی برای آنها بوده است، زيرا آنها توانسته اند كار مهمی را در همكاری نزديك با مشتری انجام دهند.

نتايج فشارهای شديد بسيار مهم بود، زيرا مسافران مجرب را كه در سفرهای بين المللی گسترده عادت كرده انـد، تحت تاثيـر قرار می دهد.

اين كاركنان بسيار پرانگيزه و آموزش ديده بوده و تمايلی به شكايت آشكار از استرس ندارند. ولی حقيقت اين است كه بسياری از فشارهای خانوادگی و خصوصی گزارش شده حاكی از آن است كه استرس زيادی روی آنها بوده است.

تحقيقات مربوط به بهداشت شغلی بانك جهانی، استرس و هواپيمازدگی را به عنوان مشكلات اصلی برای مسافران تجاری خود بيان كرده است.

مذاكراتی كه با بخشهای پزشكی ديگر سازمانها صورت گرفته، نگرانيهای مشابهی را درباره كاركنانی نشان داده است كه به سفر می روند. اما هنوز استنباط جامعی از عوامل تشكيل دهنده استرسهای به دست نيامده است، هرچند اين مشكل بيش از يك موضوع فردی بوده است.

بنابراين، به منظور اعتبار بخشيدن به اهميت فشارهای مسافرت و هواپيمازدگی برای مسافران و سازمانهای استخدام كننده آنها، لازم بود تا متخصصان بهداشت سازمانهای مختلف را گردهم آورند تا اگر مسائل مربوط به استرس در سازمانها معمول باشند، مداخله ای برای افراد و سازمانها صورت پذيرد تا از مشكلات و مسائل بهداشتی و سلامتی بيشتر جلوگيری شود. بنابراين، شناخت شرايط و كم و كيف استرسهای مسافرت و همچنين شناخت بهترين كارها برای تخفيف و يا جلوگيری از استرس و مشكلات روانی ميان كاركنانی كه به مسافرت تجاری می روند و توسعه مسير تحقيقات در آينده مهم می شود. به منظور تحقق بخشيدن به اين اهداف، بانك جهانی يك گردهمايی دوروزه به نام فشارها و مسافران تجاری و بهداشت سازمانی را در واشنگتن برگزار كرد. محور اصلی همايش اين بود كه بحث پيرامون فشار مسافرت را به عنوان استراتژی بهداشت سازمانی برای سازمانهايی رونق بخشد كه مسافران بين المللی دارند.

● نگرانيهای مشترك

تقريباً ۱۰۰ متخصص سلامتی و كارشناس بهداشت مسافرت، همچون متخصصان مديريت و منابع انسانی از هفت كشور در كنفرانس حضور يافتند كه نمايندگی بيش از ۵۰ سازمان را برعهده داشتند. در اين كنفرانس نمايندگانی از سازمانها و شركتهايی نظير خدمات مراقبتهای پزشكی و توليد و مراقبتهای پزشكی، توليدات شيميايی نفت و گاز، خطوط هوايی، بانكها، سازمان ملل، دانشگاهها، مراكز پزشكی، جنرال الكتريك رويال داچ شل، چيس مانهاتان بانك، زيمنس، آ.بی.ام، كورنينك و نظاير آن حضور يافتند.

مركز بهداشت شغلی بانك جهانی و حمايت كننده مالی آن يعنی كالج آمريكايی بهداشت محيط شغل (ACOEM) در همايش استرسهای مسافرت ديدگاههای مختلف را در مورد اين مشكل گردآوری كرد. هرچند توافق كلی در همايش، درمورد مسافرتهای كاری به عنوان تجـربـه ای مثبت بود، اما بيشتر شركت كنندگان با اين موضوع موافق بودند كه فشارهای مسافرت شامل هواپيمازدگی، خستگی و فروپاشی خانواده از پيامدهای متداول مسافرتهای بين المللی پی درپی بوده است. بسياری نيز اذعان كردند كه اين معضلات تاحدی مشكل پنهانی در سازمانهايشان بوده است، ولی تاثير استرسهای مسافرتی به عنوان يك مشكل كاری در اولويت نگريسته نمی شده است.

▪ بيش از ۲۵ سخنران رئوس مقالات خود را به شرح زير عنوان كردند:

۱) استرسهای مسافرتی:

استرسهای مسافرتی ممكن است به عنوان يك واكنش رفتاری، احساسی يا ذهنی كاركنان به صورت فردی نسبت به نيازها و شرايط ناشی از مسافرتهای كاری پی درپی نگريسته شود. آثار شامل خستگی و فرسودگی، افت و خيز در حوصله افراد، روابط خانوادگی از هم گسيخته و روابط

کاری و کاهش اثربخشی درکار است. منابع فشارها نیز شامل منطقه زمانی مسافرت، جدائیهای مکرر از اداره مرکزی و زندگی شخصی و خانوادگی، اضافه کاری و نحوه مدیریت افراد است. برای افراد، حفظ سلامتی، رفاه، روابط اجتماعی خوب و عملکرد خوب درکار مهم است.

یك مطالعه روشن ساخت، مسافران کاری که برای دوره هـای خیلـی طولانی به سفر می روند ممکن است استرس کمتری از دیگر همکاران خود که سفر نمی کنند داشته باشند. هرچند شاید افراد با زمینه های کاری متفاوتی موردبررسی قرا رگرفته باشند. یك مطالعه درمیان هسمران مسافران کاری بین المللی ثابت کرده است که اثرات مسافرتهای تکراری بر خانواده، سبب ایجاد مشکلات احساسی و فروپاشی روابط خانوادگی گردیده است.

برای سازمانها، نگرانیهای حفظ نیروی کار سالم و اثربخش برای رسیدن به اهداف سازمان مهم است. مسئولیت برای فهم و انجام هر کاری درمورد استرس کاری میان کارمندان و مدیران و سازمان تقسیم می شود و همه در آن سهیم هستند.

۲) هواپیمازدگی و عملکرد:

سیستم های چندگانه بدن در اثر تغییر مناطق زمانی در سفر، هرکدام به نسبت مختلف تنظیم می شوند و حتی افراد مجرب هم احتمالاً عملکردی کمتر از مقدار بهینه اثربخشی در کار را بعد از مسافرت در فقط تعدادی مناطق زمانی انجام می دهند. هواپیمازدگی و فرسودگی می تواند روی حوصله و تعادل و رفتار افراد تاثیرگذارد و این نکته قابل توجهی برای شرکتهایی است که با کارکنانی پی درپی به مسافرت می روند.

چندین کارشناس اروپایی و آمریکایی در زمینه هواپیمازدگی اطلاعات اخیر را درمورد تاثیر منطقه زمانی به عملکرد ذهنی و جسمی را به همراه پیشنهادهای زیر به عنوان مدیریت این مشکل ارائه دادند:

ـ در مقصد، اجازه یك زمان استراحت به افراد بدهند، به جای اینکه مستقیماً و به سرعت به جلسه مذاکره بروند؛

ـ استفاده از رژیم غذایی مناسب؛

ـ ورزش کردن در سفرهای کاری؛

ـ یك روز مرخصی قبل از حرکت از خانه یا بعد از خانه و اداره مرکزی.

۳) خطرات سلامتی جسم در سفر:

چندین کارشناس پزشکی مسافرت، خطرات سلامتی جسمی برای مسافران بین المللی از جمله رفتارهای خطرآفرین خود را بررسی کرده اند. موضوع لخته شدن خون در میان مسافران توجه خاصی را به خود اختصاص داده است.

علایمی که در مسافرت باید مراقب آنها بود، شامل درد مداوم در عضله ساق پا، ورم مچ پا، سینه یا مشکلات تنفسی است و هرکدام از مسافران به محض مشاهده هریك از این آثار باید به پزشك مراجعه کنند.▪ براساس تجربه های معمول برای جلوگیری از این بیماری پیشنهادهای زیر توصیه می شود:

ـ به طور منظم برخیزید و در راهرو قدم بزنید؛

ـ درصورت امکان، برای فضای بیشتر پاهای خود را دراز کنید؛

ـ درصورت نداشتن حساسیت نسبت به آسپرین کودك، قبل از پرواز از آن استفاده کنید؛

ـ تا می توانید آب بنوشید و از الکل اجتناب کنید؛

کسانی که رگهای گشاد دارند، درصورت مشاوره با پزشك از جوراب ساق بلند استفاده کنند.

۴) اقدامات پیشگیرانه:

در میزگردهایی برای بحث پیرامون رهیافتهای مختلف جهت مدیریت سلامتی جسمی و جلوگیری از خطرات بهداشت جسمی و فشارهای جسمی و فشارهای مسافرت، چندین الگو از آموزشهای بهداشتی در سفرهای کاری و غیره ارائه شده است.

سخنرانان موضوعهایی شامل تدارك اطلاعات بهداشت مسافرت و سفارش آنها به کارکنان، کنترل اسهال مسافران، مصون سازی ازجمله اقدامات ضد مالاریا، و توصیه هایی بـرای جلـوگیری از فشارهای سفر را ارائه داده اند.

مطالب ارائه شده شامل دیدگاههای زیادی همچون مدیریت استرس به صورت فردی، پیشنهادهای همسران برای بهبود توازن کار و خانواده، برنامه سلامتی ذهنی و پیشنهادهایی برای جلوگیری و مداخله در هر دو سطح فردی و سازمانی بود.

▪ ازجمله پیشنهادهای ارائه شده می توان ده موارد زیر را نام برد:

ـ تصدیق این مطلب توسط سازمان که استرس مسافرتی یك نگرانی مدیریت است؛ - داشتن مدیریتی مسئول برای مدیریت منطقی برنامه ریزی

زمانی مسافرت، شامل حدود مسافرت و بحثهای گروههای کاری به صورت دوره های پیرامون کاهش فشارهای کار و سفرهای کاری؛

ـ فراهم آوردن کارگاهها و ابزار آموزشی درمورد بحث مدیریت استرس و تعادل کار و خانواده برای مسافران کاری؛

ـ استفاده از مجلات سلامتی در شرکت برای کارکنان و خانواده هایشان به منظور تدارك پیشرفت اطلاعات و راهنمایی پیرامون سلامتی مسافرت و حفظ توازن کار و زندگی؛

ـ تدارك دستیابی آسان به متخصصان بهداشت و مسافرت.

۵) بهداشت مسافرت:

مدیران بهداشت سازمانی، سازمانهای اسمیت کلین، بچام، جنرال الکتریك، برتیش ایرویز و سازمان ملل و بانك جهانی ترکیبهای خاصی از برنامه های بهداشتی مسافرت خود را ارائه دادند. همه آنها نمونه هایی از خدمات پزشکی مسافرت یکسان را تدارك دیده بودند، ازجمله: ایمن سازی، آموزشهای بهداشت سفر (شامل وب سایت داخلی) تخلیه اضطراری و مشاوره برای مشکلات پزشکی بعد از سفر.

یك مطالعه موردی و مدلی برای مدیریت وضعیتهای اضطراری پزشکی میان کارکنانی که مسافرت می کنند ارائه شد که در آنها نیازهای مسافران به عنوان بخشی از ارتقاء محیط کاری سالم و به عنوان پرداختن به اولویتهای سازمانی اصلی برای حفظ کارکنانی موثر وسالم توجه ویژه شد.

۶) تحقیقات مسافرتی:

تا امروز تحقیقات بهداشت سفر روی خطرات سلامتی فیزیکی و درمان فرسودگی و خستگی، بیماری منطقه ای و جراحت، متمرکز بود. برای کامل کردن این مسئله توجه بیشتری نسبت به خطرات روحی و روانی و جلوگیری موثر از فشارهای مرتبط با مشکلات سلامتی نیاز بود.

در این پیگرد توجه دقیقی برای سنجش استرسهای سفر در سرتاسر بررسیها و تکنیکهای مصاحبه، آگاهی نسبت به ارتباط مسافرت و اثربخشی کار و رفاه خانوادگی، بهبود روشهایی برای تحقیق در روابط بین فشارهای سفر و نتایج پزشکی لازم است و شرکت کنندگان روی نیاز به همکاری متخصصان بهداشت سفر و مشاغل، روانشناسان، مدیران منابع انسانی برای جلب توجه سازمانها به این مشکلات توافق داشتند.

در داخل سازمانها، آنها تلاشهایی را برای ارتقاء یك محیط کاری سالم، و مهیا ساختن آموزشهایی برای کارکنان، و مدیران در مدیریت فشارهای سفر و هواپیمازدگی از سر گرفتند.

بانك جهانی همچنین نشستی را برای آشنا کردن مسافرانش با بهترین روشها برای مدیریت سفر، استرسهای خانوادگی و هواپیمازدگی و به حداقل رساندن خطرات سلامتی جسمی طرح ریزی کرد.

این گونه نشستها به وسیله متخصصان شغلی سازمان، پرستاران، متخصصان بهداشت ذهنی در مشاوره با مسافران و همسرانشان توسعه خواهدیافت.

۷) پیشنهادهایی برای سازمانهای نگران:

برای سازمانهایی که با مشکلاتی همانند مشکلات بانك جهانی روبرو هستند، راهکارهای زیر ضروری است:

ـ حجم مسافرتها را محدود کنند. استانداردهایی برای سلامتی و مضربودن میزان مسافرتها تعیین شود، زیرا مدیران و کارمندانشان به یك نقطه مرجع برای مدیریت سفر نیاز دارند؛

ـ برنامه ریزی زمانی سفر به صورت هرچه بهتر و به منظور به حداقل رساندن طول زمان سفر مدیریت گردد. این باعث آمادگی کاری بهتر و کاهش آشفتگی زندگی شخصی و خانوادگی افراد خواهدشد؛

ـ محدودکردن تعداد مسافرتهای کاری بین المللی، با استفاده از آلترناتیوهایی مانند کنفرانسهای ویدئویی؛

ـ پیداکردن آلترناتیوها برای سفرهای پی درپی می تواند مشکلات این گونه سفرها را کاهش دهد. درضمن زمان بیشتری را برای پرواز دراختیار می گذارد و اثربخشی کار در آن سفرها را که واقعاً ضروری هستند، بهبود می بخشد؛

ـ مهیا کردن یك روز مرخصی به منظور سازگاری مجدد بعد از سفرهای کاری.

ـ اجازه داده شود تماسهای بیشتر با خانه در شرکت گسترش یابد. تماس تلفنی به کاهش منزوی بودن احساسات از خانواده، دوستان نزدیك کمك می کند و باعث تمرکز بهتری روی کار می شود.

ـ برای پرداختن به فشار مسافرت و مشکلات بهداشتی در دوره های طولانی و در مسیرهای دور که خیلی برای سازمانشان اهمیت دارد مدیران عالی رتبه باید با متخصصان بهداشت شغلی و کارمندان منابع انسانی به منظور سنجیدن سطح فشار وضعیت کارمندانشان همکاری کنند؛

ـ آنها باید از کارمندان خود درباره تجربیاتشان سوال کنند هم از جنبه های مثبت و هم جنبه های پراسترس. آنها باید همچنین به صورتی فعال

جستجو کنند نظرات همسران آنها را جویا شوند و از آنها درباره عوامل کاهش فشار سوال کنند.

هنگامی که آنها راه حلی را در سطح سازمان یا فرد پیدا کردند، باید کارکنان را در اجرای هریك از طرحها و برنامه های طراحی شده درگیر سازند تا اثرات نامطلوب ناشی از مسافرتهای پی درپی را کاهش دهند.

مخاطرات فشارهای مسافرت کاری، موجب افزایش هزینه های مراقبتهای پزشکی مستقیم برای سازمان خواهندشد.

اضافه کاری، خستگی و از هم پاشیدگی خانواده همگی به افزایش استرس و همچنین تمایل زیاد به کاهش اثربخشی کار در اثر سفرهای تکراری منجر می گردد. افزایش آگاهی و آموزش در شرکت، درمورد اثرات فشار مسافرت روی کارکنان و خانواده هایشان، تا آنجا که هزینه های مستقیم و غیرمستقیم را به حداقل برساند و رفاه کارکنان را افزایش بخشد، ضروری است.

منبع : سایر منابع

http://vista.ir/?view=article&id=236751

vista.ir
Online Classified Service

اسرار شهر افسانه ای اسکندریه

شهر افسانه ای اسکندریه توسط اسکندر زمانی که در حال لشکرکشی به مصر به قصد فتح تمام جهان (در آن زمان) بود، بنا شد.

اکنون دانشمندان رد پای این شهر که هفت قرن قبل از ورود اسکندر کبیر به آن قدمت داشته را در زیر آب ها یافته اند. نتایج به دست آمده نشان می دهد احتمالاً قسمتی از داستان ادیسه هومر در این شهر رخ داده است. این کشف می تواند نوری به دنیای باستان بتاباند.

شهر الکساندرا (یا همان اسکندریه) در ساحل مدیترانه در سال۳۳۲ قبل از میلاد بنا شد. این شهر به علت داشتن کتابخانه بزرگ که در زمان خود بزرگ ترین کتابخانه جهان بود و داشتن فانوس دریایی در جزیره فرعون ها که یکی از عجایب هفت گانه جهان است بسیار شهرت داشت. بنا به اعتقاد برخی از باستان شناسان این شهر روی روستایی به نام راکتدت که مردمانش به ماهیگیری اشتغال داشته اند بنا شده است. زمانی که از کف دریا در بندر اسکندریه لایروبی به عمل آمد معلوم شد که شهری بسیار بزرگ و پیشرفته هزار سال قبل از میلاد مسیح در این مکان وجود داشته است. جان دانیل استنلی جغرافیدان و باستان شناس موزه تاریخ طبیعی و همکارانش از تیوپ های لرزنده برای زدن گمانه در زیر آب استفاده کردند تا بتوانند به عمق ۲۰ متری آب دسترسی پیدا کنند و به مطالعه آنچه در زیر آب قرار دارد، بپردازند. نتایج به دست آمده از این کشف موجب جنجال زیادی در بین مورخان شده است. استنلی بیان داشت: «شهر اسکندریه در حال حاضر چهار میلیون نفر را در خود جای داده است. تجمع این همه انسان در این شهر باستانی و ایجاد زباله های صنعتی شهری و تخلیه آنها به دریا موجب شده است که چنین کشف مهمی سال ها به علت آلودگی دریا از چشم انسان معاصر دور بماند.» تاکنون محققان موفق به کشف قطعات سرامیکی و سرب های با خلوص بالا که در صنعت ساخت و ساز بکار می رفته، شده اند. سنگ های بکار رفته در شهر الکساندرا از مصر به این شهر وارد شده و در ساخت آنها از سیمان هم بهره گرفته می شد. تمام این آثار نشان از این امر دارد که حتی قبل از اسکندر این شهر دارای تمدن رشد یافته ای بوده است. استنلی به لایوساینس گفت: «اسکندریه بر فراز شهری متمدن و باشکوه ساخته شده است.

به نظر می رسد قبل از ورود اسکندر، این شهر برای خود دارای شهرت عظیمی بوده زیرا تنها شهری پیشرفته می تواند چنین ساختمان های مهندسی ساز و قوی داشته باشد، البته تا قبل از این کشف هیچ چیز در مورد راکتدت کشف نشده است.» اسکندر این شهر را برای حفاظت از بندر آن در برابر توفان های زمستانی مدیترانه بنا کرد. بندرت در ساحل مدیترانه می توان جایی چنین مسطح را پیدا کرد. الکساندرا به علت داشتن ساحلی مسطح مکان مناسبی برای ساخت بندر به حساب می آمده است. بنا به ادعای استنلی از این شهر در داستان حماسی ادیسه نام برده شده است. او گفت: «در این شهر بندری وجود داشته که از طریق آن امکان به آب انداختن کشتی ها به دریا وجود داشته است. به علاوه این مکان محل مناسبی برای تعمیر کشتی های آسیب دیده نیز بوده است زیرا بندر آن هیچ کنگره و بخش های ناصافی نداشته است.» این بندر به احتمال زیاد بهشتی برای یونانی ها محسوب می شده است. اکتشافات آینده می تواند گذشته غبارآلود این شهر را قبل از ورود اسکندر به آن روشن کند. استنلی افزود: «متأسفانه در حال حاضر هیچ اطلاعات قابل استنادی درباره افرادی که قبل از ورود اسکندر در این شهر زندگی می کردند در دست نیست.»

[علیرضا سزاوار]

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=122285

vista.ir
Online Classified Service

اسکندریه؛ موزه‌ای زیر آب

گرچه بیش از چند قرن است که تمدن باستانی مصر مورد کاوش و جست‌وجوی باستان‌شناسان قرار دارد، اما هنوز جذابیت‌ها و شگفتی‌های آن برجای خود باقی است.

در آینده نزدیک گردشگران می‌توانند کاخ کلئوپاترا، ملکه باستانی مصر را زیر آب‌های بندر اسکندریه مشاهده کنند. پروژه بلند پروازانه دولت مصر با همکاری معماران فرانسوی، امکان ایجاد نخستین موزه زیر آب جهان را فراهم خواهد کرد.

در دهه ۹۰ میلادی، کاوش‌ها در زیر آب‌های اسکندریه منجر به کشف هزاران شیء باستانی شد: ۲۶ مجسمه ابوالهول یا اسفینکس، کشتی‌های غرق شده یونانی و رمی، یک نیم‌تنه بزرگ از خدای رودخانه نیل، مجسمه‌های تقدیمی به خدایان کهن، زیورآلات و همچنین ستون‌ها و قطعات بزرگ سنگی.

تعدد آثار کشف شده زیر دریا، فکر ایجاد موزه‌ای بزرگ را برای جلب گردشگران به این نقطه مطرح کرد. در سال ۲۰۰۶ یک نشست بین‌المللی به منظور طرح فکرها و ایده‌های گوناگون برای تاسیس این موزه در شهر اسکندریه برپا شد.

هدف این نشست نه تنها بررسی راه‌های ایجاد موزه‌ای زیر آب، بلکه به دست دادن الگویی مناسب برای سایر کشورهایی بود که خواهان استفاده از جذابیت‌های باستانی زیر دریاهای خود هستند.

در حال حاضر یونان، چین و سنگاپور نیز مشغول مطالعه و بررسی امکان تاسیس چنین موزه‌هایی هستند. مصری‌ها از حدود سال ۲۰۰۰ عملیات

خروج آثار باستانی را از زیر آب متوقف کردند.

باستان‌شناسان از آن پس تنها به خارج کردن سکه‌ها، جواهرات و سایر اشیاء کوچک و قیمتی پرداختند که احتمال به سرقت رفتن‌شان وجود داشت.

آثار باستانی دیگر و بناهای غرق شده همچنان در زیر آب باقی ماندند تا در آینده نزدیک بخش‌هایی از پروژه بزرگ موزه زیردریایی اسکندریه را تشکیل دهند.

از مهم‌ترین مسایل و مشکلات پیش روی موزه، آلودگی شدید و ورود فاضلاب به دریاست که باعث تیره و کدر شدن رنگ آب و در نتیجه کاهش دید آثار باستانی زیر آب می‌شود.

از این رو مقامات شهر اسکندریه ابتدا به چاره‌جویی برای رفع این مشکل پرداختند تا ورود فاضلاب به آب‌های ساحلی متوقف شود.

اکنون کانال‌های بزرگ ورود فاضلاب به آب‌های بندر مسدود شده و شهرداری در حال جایگزین کردن روش‌های دیگری برای دفع فاضلاب است.

شهر اسکندریه در حدود سال ۳۳۲ پیش از میلاد توسط اسکندر مقدونی پایه‌گذاری شد. شهر بر کرانه دریای مدیترانه و حاشیه غربی رود نیل قرار گرفته است.

اسکندریه برای قرن‌ها مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهر مصر باقی ماند. فانوس دریایی اسکندریه یکی از عجایب هفتگانه دنیای باستانی، کتابخانه مشهور اسکندریه و همچنین قصرها و معابد از مهم‌ترین آثار دوران باستان اسکندریه هستند.

بخش بیشتر این آثار یا از بین رفته‌اند و یا براثر یک زلزله شدید اکنون در زیر آب قرار دارند.

نام اسکندریه از یک‌سو با نام اسکندر مقدونی بنیان‌گذار شهر و از سوی دیگر با داستان‌های تاریخی ملکه کلئوپاترا که به همراه معشوق رمی خود، مارک آنتونی در این شهر به سر می‌برد و در همانجا نیز خودکشی کرد، پیوند خورده است.

شهر اسکندریه نقش مهمی در گسترش فرهنگ هلنی در سراسر منطقه مدیترانه داشته است. موزه جدید اسکندریه شامل قسمت‌هایی در ساحل و خشکی و همچنین قسمت مهمی در زیر آب خواهد بود.

طراح این پروژه بزرگ ژاک روژری (Jacques Rougerie) معمار فرانسوی است. او چهار سازه مرتفع به شکل بادبان قایق‌هایی که از سده‌های پیش تاکنون روی نیل سفر می‌کنند طراحی کرده است؛ بادبان‌های شیشه‌ای بسیار بلند که از داخل آب سر برافراشته و با نور ملایم آبی رنگی روشن خواهند شد.

این چهار بادبان فروزان اشاره‌ای به فانوس باستانی اسکندریه نیز خواهد داشت که قرن‌ها راهنمای دریانوردان مصری بوده است.

در زیر آب دریا، تونل‌ها و گالری‌هایی از جنس فایبرگلاس ایجاد خواهد شد که بازدیدکنندگان در طول آن می‌توانند آثاری را که هنوز زیر آب قرار دارد تماشا کنند.

از آنجایی که عمق خلیج اسکندریه بیش از پنج تا شش متر نیست، طراحان این سازه زیرآبی با مساله فشار بیش از حد آب روبه‌رو نخواهند بود.

اما ایجاد جذابیت برای گردشگران تنها یکی از دلایل احداث این موزه است. دلیل دیگر این تصمیم رعایت معاهده «حفاظت از میراث زیر آب» سازمان جهانی یونسکو مصوب سال ۲۰۰۱ میلادی است.

طبق این معاهده، گزینه مطلوب درمورد میراث فرهنگی زیر آب، حفاظت و نگهداری از آن‌ها در همان محل است و ترجیح بر آن است تا حد ممکن این آثار از محل خود (بستر اقیانوس، دریا، دریاچه، رودخانه، تالاب) خارج نشوند.

این بند از معاهده به اهمیت قرار داشتن میراث فرهنگی در زمینه و بستر تاریخی خود اشاره دارد. از طرف دیگر حضور چند صد ساله بعضی آثار در زیر آب باعث شده تا آن‌ها با محیط اطراف خود به تعادل برسند و خروج ناگهانی‌شان از آب می‌تواند اثرات نامطلوبی بر آن‌ها بگذارد.

با این حال یونسکو توصیه می‌کند هنگامی که مسایل حفاظتی، مرمتی یا مطالعاتی، استخراج آن‌ها را از زیر آب لازم کند، باید به آن مبادرت ورزید.

اما آیا ساختن موزه‌ای درست روی آثار، آسیب‌هایی برای این میراث غرق شده به همراه نخواهد داشت؟ این پرسشی است که هم‌اکنون گروه بزرگی متشکل از باستان‌شناس، مرمت‌گر، مهندس، معمار و تخصص‌های دیگر مشغول بررسی پاسخ‌های آن هستند و در صورتی که تمام جوانب امر سنجیده شود این پروژه رویایی ظرف سه سال ساخته خواهد شد.

پیش از این طرح‌های دیگری به جای احداث موزه مطرح شده بود. از جمله استفاده از زیردریایی‌های کوچک برای گردش بازدیدکنندگان و دیدن آثار.

اما از آنجا که حرکت مداوم این قایق‌ها و زیردریایی‌ها می‌توانست اثرات نامطلوبی روی شهر غرق شده اسکندریه داشته باشد، استفاده از آن مورد تایید قرار نگرفت.

موزه زیر آب شهر اسکندریه به همراه کتابخانه مدرن آن که در سال ۲۰۰۲ افتتاح شد، دوباره این شهر را به یکی از مراکز مهم فرهنگی تبدیل خواهد کرد.

بیژن روحانی

منابع مرتبط:".Alexandria." Encyclopædia Britannica. ۲۰۰۸. Encyclopædia Britannica Online. Oct. ۲۰۰۸

Bossone, Andrew, Underwater Museum Planned for Egypt&#۰۳۹;s Alexandria, National Geographic News, September ۱۶, ۲۰۰۸.

El-Aref, Nevine, "Under the waves; Will Egypt build the first offshore underwater museum?", Al Ahram Weekly, Issue No. ۸۰۳, ۱۳ - ۱۹ July ۲۰۰۶.

.UNESCO Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage, Paris, ۲ November ۲۰۰۱

منبع : رادیو زمانه

http://vista.ir/?view=article&id=119138

vista.ir
Online Classified Service

اشکفت دوفیری

- اشکفت دوفیری

این اشکفت که غاری طبیعی است با ساختمانی بر جا مانده از دوران صفویه در شمال روستای بن زرد یاسوج واقع شده است .

- اشکفت سیاه

این اشکفت در قسمت بالایی کوهی در شمال روستای چالموره قرار دارد. درون غار پوشیده از کود حیوانی و خاکستر است.در بیشتر بخشهای جنوبی غار، کف صخره مشخص است. در عوض در بخش شمالی کف غار دیده نمی شود و به نظر عمق بیشتری دارد. در جلوی دهانه غار نهشته بسیاری قرار دارد. مقابل غار سکویی از تخته سنگهای بزرگ چیده شده است که چندان قدیمی نیستند وبه نوعی به استفاده بومیان در دوره اخیر مربوط می شود. این محوطه در اقلیمی معتدل و نیمه کوهستانی قرار دارد. میزان بارش در این منطقه چندان زیاد نیست و زمینها جز در بهار پوشش گیاهی چندان خوبی ندارند.در اثر فرسایش ناشی از عوامل طبیعی، قسمتهایی از اشکفت فروریخته و به نظر می رسد در نتیجه فعالیتهای انسانی بخشهایی ازآن دستکاری شده است.

- اشکفت داودی

اشکفت داودی در فاصله تقریبا ۹ کیلومتری شرق دیشموک ودر داخل تنگ فارتق واقع شده است . این اثر غاری است تقریباً مثلثی شکل که با شیبی تند به جاده تنگ فارتق منتهی می شود. ارتفاع این غار، از سطح جاده در حدود ۲۵ متر است. در بخش های بیرونی این غار بقایای ابزارهای سنگی نظیر ریزتیغه وتراشه وغیره به چشم می خورد قدمت آثار این غار به دورهِ پیش از تاریخ می رسد.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=122546

vista.ir
Online Classified Service

اطلاعات عمومی در مورد گذرنامه

مدت اعتبار گذرنامه های جدید پنج سال است که پس از گذشت پنج سال از تاریخ صدور آن باید تجدید شود.محل اقامت قانونی افراد در گذرنامه های قدیمی در صفحه هشت درج شده است و ارتباطی به ویزای دائم (اقامت دائم) ندارد. این امر به مفهوم آن است که برای مقامات ایرانی، مستندات گذرنامه که توسط نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران درج شده، ملاک عمل است.دارندگان گذرنامه با محل اقامت انگلستان قبل از مسافرت به ایران باید نسبت به گرفتن مهر خروج مکرر از طریق کنسولگری اقدام کنند.

دارندگان گذرنامه با محل اقامت ایران به محض ورود به ایران باید نسبت به گرفتن مهر خروج از ایران (مهر سبز) با ارائه اصل شناسنامه اقدام کنند.در صورت اضافه شدن نام همسر یا فرزند به گذرنامه به عنوان همراه، نسبت به اصلاح مهر خروجی اقدام شود (این اصلاحیه برای مقیم های خارج از کشور از طریق نمایندگی و در مورد مقیم های ایران با مراجعه به اداره گذرنامه در تهران یا شهرستان ها انجام می شود.)بانوان مقیم ایران که گذرنامه خود را از کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در لندن دریافت کرده و بدون همسر و به همراه فرزندان خود به ایران مسافرت می کنند، باید قبل از سفر فرم اجازه خروج (S۴) که توسط شوهر امضا شده و به تایید نمایندگی رسیده است را جهت دریافت مهر خروجی (مهر سبز) به همراه داشته باشند.در صورت افزوده شدن نام فرزند در گذرنامه معتبر قدیمی برای مقیم های ایران، گرفتن فرم اجازه خروج فرزند که به تایید کنسولگری رسیده باشد، جهت اصلاح مهر سبز الزامی است.در صورت افزوده شدن نام همسر یا فرزند در گذرنامه قبل از مسافرت لازم است به وزارت کشور انگلستان مراجعه و نسبت به درج مهر اقامت (ویزا) فرد اضافه شده در گذرنامه اقدام شود.جهت سهولت در انجام امور هموطنان ارجمند و جلوگیری از سفر و تردد مسافران موارد زیر به صورت پستی (ارسال مدارک برای کنسولگری و سپس بازگرداندن آن) انجام می شود:

▪ تمدید گذرنامه

▪ کلیه موارد صدور گذرنامه جدید به جز افرادی که گذرنامه خود را مفقود کرده اند و دارای مدارک پناهندگی بوده و فاقد گذرنامه هستند.

کسانی که قصد تفکیک گذرنامه همسر یا فرزندان خود را دارند یا برای بانوانی که متقاضی تفکیک و صدور گذرنامه جداگانه برای فرزندان هستند، اجازه شوهر برای زن و ولی قانونی برای فرزندان و امضای فرم اجازه خروج در حضور مسوول مربوطه لازم است. اینک به منظور جلوگیری از تردد و سفر از راه های دور، چنانچه فرم اجازه خروج (G/M) توسط مرد برای همسر و فرزندان در حضور SOLICITOR در نزدیک ترین نقطه محل زندگی شما تایید و همراه سایر مدارک با پست سفارشی ارسال شود، نسبت به درخواست شما اقدام خواهد شد و نیاز به حضور هیچ یک از افراد نیست.

● درج نام همراهان در گذرنامه جدید

براساس مقررات جاری مشخصات همراهان در گذرنامه های جدید تنها هنگام صدور گذرنامه ممکن خواهد بود و چنانچه دارنده گذرنامه پس از صدور گذرنامه خود تقاضای درج نام همراه داشته باشد باید نسبت به درخواست صدور گذرنامه جدید برای خود با درج نام همراه یا صدور گذرنامه جداگانه برای همراه خود اقدام کند.

▪ مدارک لازم:

۱) تکمیل یک نسخه تقاضانامه درج نام همراهان در گذرنامه مورد نظر توسط پدر یا ولی قانونی و امضا در حضور مسوول گذرنامه (.G۹)

۲) ارائه اصل شناسنامه صاحب گذرنامه.

۳) ارائه اصل شناسنامه افرادی که باید نام ایشان به عنوان همراه در گذرنامه درج شود.

۴) دو قطعه عکس ۴ه۳ افرادی که باید نام ایشان به عنوان همراه در گذرنامه درج شود (اطفال زیر دو سال هم باید عکس ارائه کنند).

۵) پرداخت هزینه درج نام برای هر نفر.

۶) با توجه به اینکه برگرداندن گذرنامه و سایر مدارک تنها از طریق پست امکان پذیر است، حتماً یک عدد پاکت پستی سفارشی به آدرس خودتان که هزینه آن پرداخت شده باشد را نیز ضمیمه کنید.

▪ نام اطفال کمتر از ۱۸ سال تمام که همراه یکی از والدین یا جد یا جده پدری یا مادری یا زن پدر یا شوهر مادر یا خواهر و برادر خود مسافرت می کنند، در صورت درخواست ولی یا قیم آنها بر حسب مورد در گذرنامه اشخاص مذکور ثبت می شود.

▪ درج نام همراهان فقط در گذرنامه های قدیمی امکان پذیر بوده و این رویه به صورت موقتی است. از نظر فنی امکان اضافه کردن نام همراهان در گذرنامه های طرح جدید جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد و تنها هنگام درخواست صدور (به صورت همزمان) امکان پذیر است.

▪ چنانچه فرم مربوطه به صورت ناقص تکمیل شده یا فاقد امضا باشد، به درخواست فرستنده ترتیب اثر داده نخواهد شد و مدارک ارسال شده بازگردانده خواهد شد.

▪ تصویر مدارک هویت نظیر شناسنامه، کارت پایان خدمت، کارت ملی و... تنها در صورتی به جای اصل مدارک قابل پذیرش خواهد بود که از طریق وزارت امور خارجه در تهران برای این نمایندگی ارسال شده باشد بنابراین چنانچه اصل مدارک را در اختیار ندارید از یکی از بستگان خود در تهران بخواهید مدرک هویتی شما را به وزارت امور خارجه، ساختمان شماره ۳، اداره گذرنامه و امور روادید برده تا تصویر آن از طریق اداره مذکور برای این نمایندگی فکس شود.

برای تکمیل فرم های مربوطه از خودکار مشکی استفاده کنید.

● تفکیک گذرنامه فرزندان زیر ۱۸ سال

با توجه به اینکه بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران، سن قانونی ۱۸ سال است این بخش منحصراً شامل تفکیک گذرنامه فرزندانی است که هنوز به سن قانونی نرسیده اند و نمی توانند بدون اجازه ولی قانونی، برای دریافت گذرنامه اقدام کنند.

▪ مدارک لازم:

۱) تکمیل یک نسخه فرم گذرنامه (۱-۱) (۱G - ۲G) (ترجیحاً این فرم را به صورت پشت و رو و در یک ورق چاپ کنید).

۲) تکمیل فرم نحوه نگارش نام (A۲).

ـ تذکر: لازم است مندرجات بخش فارسی این فرم منطبق با مندرجات شناسنامه جدید جمهوری اسلامی ایران متعلق به متقاضی باشد.

۳) ارائه اصل شناسنامه متقاضی صدور گذرنامه (شناسنامه افراد بالای ۱۵ سال باید عکس دار باشد).

۴) ارائه اصل گذرنامه ای که نام متقاضی به عنوان همراه در آن درج و با آن از کشور خارج شده است.

۵) ارائه کارت شناسایی ملی (چنانچه دارای کارت ملی نیستید به توضیحات ذیل مراجعه کنید).

۶) چهار قطعه عکس ۴ه۶ پشت نویسی شده (برای آقایان بدون عینک و کلاه و برای خانم ها با حجاب کامل).

۷) تکمیل فرم تغییر محل اقامت (G۳) (جهت متقاضیان تغییر محل اقامت به انگلستان).

۸) تکمیل تقاضانامه تفکیک گذرنامه (G۲) توسط پدر.

۹) پرداخت هزینه های مربوطه (برای اطلاع از میزان هزینه های مربوط به صدور گذرنامه).

۱۰) با توجه به اینکه برگرداندن گذرنامه و دیگر مدارک تنها از طریق پست امکان پذیر است، حتماً یک عدد پاکت پستی سفارشی به آدرس خودتان که هزینه آن پرداخت شده باشد را نیز ضمیمه کنید.

با توجه به اینکه متقاضی به سن قانونی نرسیده است، لازم است برخی فرم های خواسته شده توسط پدر یا ولی قانونی وی و در حضور مسوول مربوطه در کنسولگری امضا شود.

صدور گذرنامه منوط به ارائه کلیه مدارک مورد نیاز است و چنانچه فرم های مربوطه به صورت ناقص تکمیل شده یا فاقد امضا باشد، به درخواست ترتیب اثر داده نشده و مدارک به متقاضی بازگردانده خواهد شد.ارائه کارت شناسایی ملی برای افراد بالای ۱۵ سال جهت درج کد ملی در گذرنامه جدید لازم است؛ بنابراین ضروری است هموطنانی که تاکنون برای اخذ کارت ملی شناسایی اقدام نکرده اند، همزمان مدارک خود را برای دریافت کارت ملی به بخش سجلات ارائه کنند (مدارک لازم جهت دریافت کارت ملی). بدیهی است به منظور جلوگیری از تاخیر در صدور گذرنامه، این

نمایندگی راساً نسبت به استعلام شماره ملی متقاضی اقدام خواهد کرد.تصویر مدارک هویت نظیر شناسنامه، کارت ملی و... تنها در صورتی به جای اصل مدارک قابل پذیرش خواهد بود که از طریق وزارت امور خارجه در تهران برای این نمایندگی ارسال شده باشد. بنابراین چنانچه اصل مدارک را در اختیار ندارید از یکی از بستگان خود در تهران بخواهید، مدرک هویتی تان را به وزارت امور خارجه، ساختمان شماره ۳، اداره گذرنامه و روادید برده تا تصویر آن از طریق اداره مذکور برای این نمایندگی فکس شود.

جهت تماس در موارد ضروری لطفاً شماره تلفن همراه خود را در اختیار بخش گذرنامه قرار دهید.برای تکمیل فرم های مربوطه از خودکار مشکی استفاده کنید.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=320794

vista.ir
Online Classified Service

اعجاز خلقت در «گرمارود» الموت

نام الموت از دیربازبا «گرمارود»، پیوند ناگسستنی داشته و این پیوند از جنبه های مختلف قابل بررسی است. گاهی از آن به عنوان «پل ارتباطی» و گاهی نیز به عنوان منشأ اقتصادی یاد می شود. جدا از این پیوند ناگسستنی،رمز و راز گرمارود را باید در «شاهکار بزرگ خلقت» آن جست وجو کرد؛ شاهکاری که سالیان سال، اذهان بسیاری را به خود جلب کرده است. از قلعه مهم آن به عنوان «آشیانه عقاب دیگر» یاد می شود و با این اوصاف، می توان به تاریخچه دیدنی ها و شنیدنی های گرمارود پرداخت.

● تاریخچه گرمارود

گرمارود یا «گرماب رود»، تقریباً نقطه پایان الموت(۱) است که از شمال به قلعه «نویذر»، منطقه «زرسك» و «گچ لات»(۲) و از جنوب به گردنه های «اوانك»، از شرق به گردنه «نرم» و کوه های «اواتر» و ازغرب به قریه «کلان» محدود می شود. بزرگان محل، بر این باورند که از ایام گذشته نام روستا برگرفته از رود گرمارود (شاهرود) بوده است. عده ای نیز وجود آب های معدنی گرم و سرد دامنه کوه ها و پیوستن آن به رود گرمارود را علل نام روستا می دانند.

بافت قدیمی روستا، همچنان در پای صخره های تند و تیز قرار گرفته و ساکنان آن تقریباً از نسلهای گذشته اند، اما در دهه اخیر همچنان شاهد ساخت و سازهایی در حاشیه رودخانه و فضای سبز منطقه هستیم. زلزله اخیر در منطقه الموت موجب شد بیش از ۵۰ درصد از بافت قدیمی گرمارود، بازسازی و مقاوم سازی شود.

در حال حاضر بیش از سیصد و پنجاه خانوار در این روستا زندگی می کنند که شکل زندگی بیشتر آنان به صورت ییلاق - قشلاقی است. به طوری که مهمترین مرکز تجمع گرمارودیها، شهرستان کرج است و عده ای نیز به شهرستان های قزوین، هشتگرد، آبیك، تهران و تنکابن کوچ کرده اند و این سنت قدیمی را همچنان حفظ می کنند.

● ارتفاعات گرمارود

▪ کوه «زردگله» یا (زرد قله): در نخستین بارش های پائیزی، این کوه پوشیده از برف شده و تا اوایل تیر ماه این پوشش برفی باقی می ماند.

قدیمی ها، دیدن کوزه های زردرنگ رادر این کوه که به «گله» معروف است و همچنین زردی خاك آن را از دلایل شهرت این کوه می دانند. این کوه، گرمارود و روستای «اوانك» را در احاطه خوددارد.

▪ ارتفاعات «دربند»(۳) و «ویرانه»: این مناطق از دامنه های البرز و از نواحی مرتفع «رودر» به شمار می رود.

▪ کوه «پیله سره»: این کوه وسعت زیادی دارد و در قدیم پوشیده از درختان تنومند و کهنسال بود که با از بین رفتن جنگل، اهالی در آن به کشت گندم نیز پرداختند. امروز این ناحیه مرتفع فقط برای چرای دام ها به کار می رود و به جز چند دره مرطوب، بقیه نقاط آن خشك و عاری از هرگونه بوته و درخت است.

▪ کوه «گچ لات»: در ادامه بخش شمالی روستای گرمارود، کوه معروف «گچ لات» مشاهده می شود که نمونه دیگری از زیبایی های منطقه به شمار می رود. پوشش گچ در این منطقه از فرسنگ ها دور دیده می شود و از دیرباز، اهالی گرمارود و آبادی های مجاور، در اندود حمام ها از گچ این منطقه استفاده می کرده اند و این امر تا دو دهه اخیر نیز تداوم داشت.

▪ دوقلوهای کله قندی: «دوقلوهای کله قندی» که در اصطلاح محلی به آنها «لوله کمر» نیز می گویند، دو ستون سنگی هر کدام با بیش از ۱۵ متر ارتفاع است که در شرق و غرب بالای روستای گرمارود قرار داشته، ازقدمت زیادی نیز برخوردارند. امروزه این دوقلوها، همچنان نماد یا شاخص اصلی تاریخ گرمارود محسوب می شوند. از آنجا که این دوقلوها، ظاهری به شکل «کله قند» دارند، از قدیم نزد اهالی به نام «کله قندی» شهرت داشتند.

▪ کوه سنگی (دیوار سنگی): این کوه، حدود دو کیلومتر مسافت دارد و در طول «لوله کمر» و ضلع شرقی گرمارود قرار گرفته است. ریزش سنگ های این کوه، تهدیدی جدی برای ساکنان بخش شرقی روستا است که متأسفانه با توجه به زلزله اخیر منطقه و ریزش سنگ ها ساکنان این بخش دوباره به بازسازی خانه ها پرداختند.

▪ ارتفاعات «نرم»: این ارتفاعات ، بهار و تابستان سرسبزی دارد و پوشش جنگل و درختان تنومند «حورس» آن از قدیم، گواه این مطلب است. منطقه دارای خاك نرم و علف مرغوبی است که از چیدن علف ها برای ذخیره دام ها در زمستان بهره برداری می شود.

● قلعه های گرمارود

▪ «قلعه نویذر» یا آشیانه عقاب دیگر: «قلعه نویذر» در یك ارتفاع بسیار بالا که با صخره های سخت گره خورده است، مشاهده می شود. ارتفاع این قلعه از سطح رودخانه شاهرود حدود ۲ هزار متر است و از نظر موقعیت جغرافیایی، دژ نویذر را باید مهمترین دژ الموت دانست. این قلعه با این که دره الموت(۴) را در چشم انداز خود دارد، بر ارتفاعات البرزچال، زیورچال، خشچال، زردگله و بلندی های اواتر و ازاتر و گردنه های نرم لات و اوانك نیز ناظر است. این قلعه، به لحاظ این که تقریباً درآخرین خطه الموت بنا شده، حائز اهمیت بوده است؛ زیرا دیده بانان از این طریق بخشی از ارتفاعات شمال کشور و دره الموت را زیر کنترل خود داشتند.

در بعضی از کتاب ها و سفرنامه های تاریخی از قلعه نویذر به نام «میمون دژ» یاد می کنند، اما آنچه از بزرگان محله گرمارود می توان نقل کرداین است که قلعه نویذر را «قلعه نوذرشاه یا نویذر شاه» نیز می نامند. روایت های محلی، حکایت از آن دارد که آخرین حاکم این قلعه، یعنی نوذرشاه، ازحاکمانی بود که احتمالاً در لشکرکشی های مغول به قتل رسید.

این قلعه دارای برج ها، آب انبار و مکان هایی به نام «اسب طویله» است که بخش اعظم آنها از بین رفته است.

امروزه فرسایش زمین، آمد و شد به قلعه را دشوار کرده است، به طوری که بازدید از قلعه بدون امکانات صخره نوردی و بلدچی های محلی امکانپذیر نیست.

نکته قابل توجه درباره این دژ، گورستان آن است که جدا از قلعه و در مکانی به نام «خاك کافران» یا به اصطلاح محلی، «کافرانی خاکی سر» واقع است.

اکنون این گورستان نیز به خرابه تبدیل شده است. از ویژگی های این قلعه، قرار گرفتن آن در بالای روستای گرمارود است و شاید قلعه نشینان نیازهای اقتصادی خود را از مردمان محله گرمارود تأمین می کردند. هم اکنون کارشناسان محلی در یك اقدام جدی، درصدد بازشناسی این دژ و تحقیق در آن هستند.

▪ قلعه «پس»: این قلعه نیز در شمال گرمارود و در پشت محل قرار دارد و حاشیه های آن نیز از سنگ است.

▪ تپه «گرد گول»: این تپه در گردنه گرمارود - اوانك، واقع شده و تعیین کننده مرزاین دو روستاست.

رودهای گرمارود

▪ «گرماب رود» یا «گرما رود»: منشأ این رود، کوه های بلند «اواتر»، «ازاتر» و «دینه رود» است که همچنان از عوامل رونق کشاورزی و سرچشمه اقتصاد گرمارود به حساب می آید. غیر از شالیزارها و باغ های کشاورزی که در حاشیه این رودخانه وجود دارد، در آن ماهی نیز پرورش می دهند. شهرك «مصطفی ده» در حال حاضر مرکز پرورش ماهی قزل آلا به شمار می رود و بخشی از گوشت مصرفی مردم را تأمین می کند.

▪ خرد رود(خردلو): این رود از دامنه های «زنگلان» جاری شده و در نزدیکی محل، بین دو دهنه صخره سخت، تشکیل آبشار داده که امروز به «آبشار گرمارود»، معروف است و پس از عبور از منطقه «گرمدره» به رود گرمارود می پیوندد.

▪ «زرسك رود»: این رود از بلندی ها و دامنه های «زرسك» سرچشمه گرفته و همچنان در امر کشاورزی نیز از آن استفاده می شود. از پیامدهای این رود، تعیین مرز روستای گرمارود با قریه «کلان» است. مجموع این رودها و پیوستن دیگر رودها در پایین الموت، تشکیل یك «شاهرود» می دهد که در نهایت به سد «منجیل» می پیوندد.

▪ «شور آب دره» معروف به دره «شلودره»: این دره بین ضلع غربی گردنه «اوانك» و ضلع شرقی «پیله سره» واقع شده است و به عبارت شور بودن آب این دره و مشاهده سفیدی نمك در حاشیه ها، این دره به «شورآب دره» معروف شده است.

▪ ناحیه مرتفع «زرسك»: سالیان سال، محصولات کشاورزی این ناحیه، مورد توجه اهالی بوده و بیشتر آنان به شکل «شراکتی» در برداشت محصولات منطقه سهیم هستند. «گردو»، مهم ترین محصول این ناحیه به شمار می رود.

▪ شهرك «مصطفی ده»: این منطقه به برکت دو رود حاشیه آن، به عنوان «کمربند سبز منطقه» مطرح است. حبوبات، سیب و گردو مهم ترین محصولات این منطقه به شمار می رود. آنچه امروزه اهمیت این منطقه را دوچندان می کند، ساخت شیلات و پرورش ماهی در حاشیه دو رود این منطقه است.

▪ منطقه سرسبز «رودر»: این منطقه نیز از مناطق کشاورزی گرمارود محسوب می شود. مرغوب ترین محصولات کشاورزی آن، گردو، سیب و یونجه است. وجود درختان کهنسال و تنومند گردو، به عنوان «سایبان» باعث شده تا این منطقه به عنوان تفریح گاهی دایمی، از نسل های گذشته مورد توجه اهالی قرار گیرد.

▪ منطقه «زیور»: دشت سرسبز «زیور»، نقطه عطف کشاورزی گرمارود به شمار می رود که اهالی از مدتها پیش در اندیشه آباد کردن آن بودند. محصولات این منطقه، یونجه و گردو است.

▪ منطقه «پشت آسیاب»: قدیمی های محل از سکونت داشتن اجداد خود در این منطقه خبر می دهند. همچنین گفته می شود اهالی گرمارود برای آسیاب کردن گندم به این منطقه رجوع می کردند، از همین رو از قدیم این منطقه به نام «پشت آسیاب» شهرت یافته و امروزه به عنوان منطقه ای کشاورزی با محصولات سیب و گردو مطرح است.

▪ حاشیه های شرقی و غربی گرمارود: حاشیه شرقی رود گرمارود، معروف به «پسی لات» است که در آن باغ های کشاورزی نیز وجود دارد. « آسیاب آبی» محل نیز در این منطقه قرار داشته که امروزه خرابه های این اثر تاریخی همچنان آشکار است.

حاشیه غربی رود گرمارود، معروف به «سنگ لات» و «قلعه لات» (۵) است که محصولات کشاورزی آن حبوبات، سیب، آلبالو، گیلاس، زردآلو و گلابی است.

▪ منطقه «سرخرمن» و سنگ لات:از دیرباز محدوده های این منطقه مرکز کشت گندم و جو بود و اهالی برای خرمن کردن جای مناسبی را انتخاب کردند که امروزه لفظ «سرخرمن» یا (خرمنی سر) به عنوان منطقه ای کشاورزی همچنان در اذهان گرمارودی ها باقی است. عمده ترین محصول این منطقه «حبوبات» است.

▪ مناطق «زیجارگ»،«لوسرگ»، «لزور»: این نواحی، از محدوده های شرقی گرمارود به شمار می رود که عمده ترین محصولات کشاورزی آن یونجه، گردو و انواع علف های صحرایی و غیرصحرایی است. «سیب ترش» منطقه «لزور» در نزد گرمارودی ها، شهرت زیادی دارد و همچنین وجود امامزاده در منطقه «لوسرگ»، اهمیت این منطقه را دوچندان کرده است.

▪ منطقه «لیسانك»: محدوده های جنوب شرقی گرمارود که در بدنه کوه نیز قرارگرفته، مشهور به «لیسانك» است. این منطقه همچنان به عنوان منطقه ای کشاورزی مطرح است و عمده ترین محصولات آن یونجه، قیصی، آلبالو و گردو است.

▪ مناطق «زیورو» و «زرسك رود»: این مناطق در غرب گرمارود قراردارد و مهم ترین محصولات کشاورزی آن سیب، گیلاس، آلبالو، گلابی و زردآلو است.

▪ منطقه «گرمدره»: این منطقه شمالی، همچنان پای قله های سخت گذر قرارگرفته و به برکت رود «خردلو» همچنان به عنوان منطقه ای

کشاورزی مطرح است.

▪ منطقه «جیرسرا» (۶) : این منطقه در ضلع غربی روستای گرمارود واقع شده و امروزه منطقه ای مسکونی - کشاورزی، به شمار می رود.

▪ منطقه «گل چال»(۷) : از دیگر مناطق جنوبی گرمارود، می توان به «گل چال» نیز اشاره کرد. این منطقه از ایام گذشته به دلیل داشتن خاك مرغوب برای اندودخانه ها، موردتوجه اهالی بود و امروزه چاله های به جامانده، نشاندهنده عملکرد نسل های گذشته است.

▪ منطقه «فال دمجار»: محدوده های شمالی«زیورو» معروف به «فال دمجار» است که عاری از هرگونه کشت و درخت است. در قدیم این محدوده ها محل کشت گندم و جو بود، اما اکنون تپه های آن به دلیل وجود «گون»(۸) و بعضی از بوته های ریز و درشت، منطقه مناسب برای چرای دام هاست.

«مرزباغ رود»، «تمی جارگ»، «جولك»، «خورتوسر»، «خشچال»، «زیورچال»، «چل نو»، «لات آسیاب» و «دوران» از دیگر مناطق گرمارود به شمار می رود.

● آب معدنی های گرمارود

«گرآب» (گرآو) (۹)، آب معدنی معروف الموت است که در چند کیلومتری محله گرمارود قرارگرفته و از شهرت خاصی نیز برخوردار است.

● همسایگان گرمارود

گرمارود، از شمال شرقی با «پیچ بن» از شرق با «اواتر»، «نرم لات» و «دینه رود» از جنوب با «اوانك» از جنوب غربی با «ورك»، «ویکان» و «حسن آباد» و از غرب با «کلان» همسایه است.

● آبشار گرمارود

از دیدنی های گرمارود، آبشار آن است. ارتفاع آبشار را از سطح زمین حدود ۱۵۰ متر تخمین می زنند که پرش آب آن در فصل بهار دیدنی است. بخشی از آبشار، «پله گونه» است که خود آبشارهای دیگری را تشکیل می دهد. این آبشار بین دو دهنه از صخره های سخت قرارگرفته و از نقاط متعدد دیده می شود. این آبشار، محله گرمارود را به دو بخش، «این دست محله» و «آن دست محله» تقسیم کرده است.

«گرمارود»، این خطه پایانی الموت اگر بخوبی به تصویر کشیده شود، عظمت و ثروت آن آشکارتر خواهدشد.

با این که گرمارود پل ارتباطی الموت و شمال کشور به شمار می رود، اما متأسفانه ساخت جاده آن به شمال کشور مشمول زمان شده است.

بازسازی نکردن قلعه نویذر، بی توجهی به زیباسازی حاشیه های آبشارگرمارود، غفلت از بازسازی و مرمت زیارتگاه ها، بی اعتنایی به ثروت طبیعی «گچ» در منطقه گچ لات، نبودن تسهیلات بهداشتی و درمانی، مکان های ورزشی و کتابخانه ازجمله مواردی است که یاری مسئولان استان و دولتمردان را می طلبد.

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=242568

vista.ir
Online Classified Service

افسانه قالیچه های پرنده ایرانی!

حتما شما نیر تاکنون از قالیچه های پرنده در داستانها و افسانه ها شنیده اید اما شاید باور نمی کنید افسانه قالیچه های پرنده در داستان های هزار و یک شب واقعیت داشته باشد!

می توانید تصور کنید روی یک قالیچه پرنده در حال عبور از مرزهای فیزیکی

حقیقی هستید!

هنری بک،کاشف فرانسوی در سرداب‌های زیرزمینی قلعه الموت، در نزدیکی دریای خزر، طومارهایی یافته است که شواهد جدیدی در مورد قالیچه‌های پرنده به دست می‌دهند. این طومارها که به طرز خارق‌العاده‌ای سالم مانده‌اند، در اوایل قرن سیزدهم میلادی توسط یک محقق یهودی به نام اسحاق بن شریره نوشته شده‌اند. قالیچه‌های پرنده‌ای که می‌توانستند چند متر بر فراز زمین شناور باشند، نخستین بار توسط کیمیاگران و صنعت‌گران دربار ملکه صبا ساخته شد و ملکه صبا آن را به نشانه عشق خود برای حضرت سلیمان فرستاد.

قرن‌ها پس از آن که قالیچه‌های پرنده تنها یک افسانه هزار و یک شبی تصور می‌شد، هنری بک، کاشف فرانسوی، شواهد مستند از وجود قالیچه‌های پرنده در ایران یافته است.

هنری بک در سرداب‌های زیرزمینی قلعة الموت، در نزدیکی دریای خزر، طومارهایی یافته است که شواهد جدیدی در مورد قالیچه‌های پرنده به دست می‌دهند. این طومارها که به طرز خارق‌العاده‌ای سالم مانده‌اند، در اوایل قرن سیزدهم میلادی توسط یک محقق یهودی به نام اسحاق بن شریره نوشته شده‌اند.

پس از آن که پروفسور جی. دی. سپتیموس، زبان شناس مشهور این متون را از زبان فارسی به انگلیسی ترجمه کرد، این دست‌نوشته‌ها باعث جنجال‌های زیادی در جامعه علمی جهان شدند. مدت کوتاهی پس از انتشار ترجمه این متون، کنفرانسی با حضور کارشناسان برجسته بین‌المللی در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی لندن برگزار شد. بسیاری از مورخان با حمله به بک، این دست نوشته‌ها را جعلی خواندند. اما پروفسور سپتیموس که به خاطر عدم شرکت بک در این کنفرانس به خاطر تولد فرزندش دفاع از او را به عهده داشت، گفت که این متون باید به طور دقیق مورد بررسی قرار بگیرند.

قدمت این دست نوشته‌ها اکنون در انستیتوی لئوناردو داوینچی شهر تریست، به کمک روش رادیو کربن در حال تعیین است.

بنا بر نوشته‌های بن شریره، حکام مسلمان قالیچه‌های پرنده را وسیله‌ای شیطانی می‌دانسته‌اند و به همین خاطر دانش و سازندگان آن را سرکوب کرده‌اند و ردپای آن را از تاریخ به دقت پاک کرده‌اند. هرچند قالیچه‌های پرنده تا اواخر قرن سیزدهم میلادی بافته و فروخته می‌شده‌اند، اما استفاده از آن در انحصار افراد خاصی بوده است.

بنا بر یادداشت‌های بن‌شریره، نخستین اشارات به قالیچه‌های باستانی در دو متن باستانی صورت گرفته است. یکی از این کتاب‌ها، مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌ها است که توسط شامشاد، وزیر نبوکدنزر پادشاه بابلی جمع‌آوری شده است و منبع دیگر، مجموعه‌ای از گفتگوهای باستانی است که توسط شخصی به نام ژوزفوس نگاشته شده است.

بر اساس نوشته‌های بن شریره، قالیچه‌های پرنده‌ای که می‌توانستند چند متر بر فراز زمین شناور باشند، نخستین بار توسط کیمیاگران و صنعت‌گران دربار ملکه صبا ساخته شد و ملکه صبا آن را به نشانه عشق خود برای حضرت سلیمان فرستاد. اما وقتی ملکه صبا خبر برخورد سرد حضرت سلیمان را با هدیه‌اش شنید، دل‌شکسته شد و صنعت‌گران خود را از دربار بیرون کرد. این صنعت‌گران در نهایت در ناحیه بین‌النهرین و در نزدیکی شهر بغداد ساکن شدند و کسب و کار خود را ادامه دادند.

بن شریره در یادداشت‌های خود به توضیح چگونگی کار این قالیچه‌های پرنده می‌پردازد، اما متاسفانه اکثر اصطلاحات و عبارات فنی به کار رفته در این قسمت قابل فهم نیستند. اما از قسمت‌های قابل خواندن متن چنین برمی‌آید که قالیچه‌های پرنده هم مانند قالیچه‌های معمولی روی دار بافته می‌شده‌اند و تفاوت آن‌ها با قالیچه‌های معمولی در مرحله رنگرزی بوده است.

صنعتگران دربار ملکه صبا گِل مخصوصی «به دست آمده از چشمه‌های کوهستان» کشف کرده بودند که هنگامی که در معرض حرارت شدید، «داغ‌تر از آتش حلقة هفتم جهنم» در ظرفی محتوی روغن یونانی قرار می‌گرفت، خاصیت ضد مغناطیسی پیدا می‌کرد. با توجه به مغناطیس بودن کرة زمین، و وجود میلیون‌ها محور مغناطیسی که از قطب جنوب تا قطب شمال کشیده شده‌اند، قالیچه‌هایی که الیاف شان به این گل آغشته می‌شد می‌توانستند از سطح زمین فاصله بگیرند. این فاصله با توجه به غلظت و میزان گل به کار رفته، از یک متر تا چند ده متر می‌رسید. محورهای مغناطیسی مانند ریل‌های هوایی عمل می‌کردند و قالیچه می‌توانست در امتداد این محورها پیش رود.

بر اساس یادداشت‌های بن شریره، کتابخانه اسکندریه تعداد زیادی از این قالیچه‌های پرنده را در اختیار داشته است و آن را برای گردش میان قفسه‌های مملو از پاپیروس کتابخانه در اختیار مراجعه‌کنندگان به کتابخانه می‌گذاشته است. این کتابخانه که در یک زیگورات قرار داشته است،

بیش از ۴۰ هزار طومار خطی در اختیار داشته است که توسط سیصد نسل از کاتبان نگاشته شده بود. سقف این کتابخانه آن‌قدر بلند بوده است که بسیاری از مراجعه‌کنندگان ترجیح می‌داده‌اند به حالت شناور در هوا و روی قالیچه‌های پرنده مطالعه کنند.

بر اساس یادداشت‌های بن شریره، ساخت قالیچه‌های پرنده در سرزمین‌های اسلامی به دو دلیل سرکوب شد. نخست این که حکام مسلمان می‌گفتند بشر قرار نیست پرواز کند و قالیچه‌های پرنده باعث به هم خوردن نظم امور می‌شوند. دلیل دوم بیشتر اقتصادی بود. بسیاری از اشراف و ثروتمندان عرب ثروت خود را مدیون گله‌های شتر و اسب خود بودند و دلشان نمی‌خواست چند صنعتگر فقیر و بی‌چیز با ساخت قالیچه‌های پرنده کسب و کار آن‌ها را نابود کنند.

قالیچه‌های پرنده در زمان حکومت خلفای اموی و عباسی به شدت سرکوب شدند و در نهایت در سال ۱۲۲۶ میلادی و با حمله مغول‌ها به آسیای مرکزی، در هرات و بلخ و بخارا حمام خون به راه افتاد. مغول‌ها در جریان غارت و تاراج خود، چند قالیچه پرنده هم پیدا کردند و هنگامی که مردی به آن‌ها گفت این قالیچه‌ها تیزروتر از اسب‌های پاکوتاه مغول‌ها هستند، چنگیزخان چنان از این توهین برآشفته شد که سر مرد را از تنش جدا کرد و دستور داد تمام قالیچه‌های پرنده قلمروی وسیعش را جمع‌آوری و نابود کنند.

http://vista.ir/?view=article&id=358692

vista.ir
Online Classified Service

افشره حیات وحش ایران

• پارك ملی گلستان

پارك ملی گلستان مهمترین گردشگاه طبیعی استان گلستان است که حدوداً ۹۲ هزار هکتار مساحت دارد. پارك ملی گلستان به تنهایی یك هشتم گونه های گیاهی، یك سوم پرندگان و بیش از ۵۰ درصد گونه های پستانداران ایران را یکجا در خود جای داده است. این پارك به دلیل برخورداری از سه تیپ مختلف آب و هوایی دارای اکوسیستم های جنگلی، کوهستانی و بیابانی است. پارك ملی گلستان به تنهایی یك هشتم گونه های گیاهی و بیش از ۵۰ درصد گونه های پستانداران ایران را در خود جای داده است. خرس قهوه ای، گوزن مرال و شوکا، پلنگ، قوچ و میش، کل و بز از شاخص ترین گونه های پارك ملی گلستان است. یکی از مهم ترین پستاندارانی که در پارك ملی گلستان زیست می کند، قوچ اوریال بزرگترین و زیباترین قوچ ایرانی است که شکارچیان خارجی بسیار به آن علاقه مندند.

پوشش گیاهی پارك شامل جنگل های نیمه مرتفع در نواحی استپی خشك است. جوامع گیاهی خاصی منطقه را می پوشانند. علاوه بر گونه های متنوع گیاهی، گونه های جانوری نیز در پارك وجود دارند. علاوه بر گونه های جانوری گونه های آبزی نیز در رودخانه های پارك حیات دارند. این پارك دارای دره های متعدد است. منابع آبی پارك متعدد بوده و شامل رودخانه و چشمه ها و یك رشته قنات است. آبشار گلستان در بالادست تفرجگاه آبشار در پارك قرار دارد. ارتفاع آبشار ۵/۱۹ متر و دارای آب همیشگی است. محیط های پیرامون از جنگل های پهن برگ خزری پوشیده شده است. پارك ملی گلستان در فاصله ۴۵ کیلومتری شرق مینودشت و ۱۵۰ کیلومتری شرق گرگان واقع است. خوشبختانه در این پارك کمپ هایی وجود دارند که بشود شب را در آنها گذراند. طبیعت گلستان بسیار گسترده است. از مهمترین نقاط طبیعی گلستان:

▪جهان نما: این کوه در ارتفاعات جنوبی شهر گرگان و جنوب شرقی کردکوی واقع شده و جزء سلسله جبال البرز شرقی محسوب می شود. جهان نما سه هزار و ۸۶ متر ارتفاع دارد و نام خود را از روستایی که در دامنه آن واقع شده، گرفته است. کوه جهان نما یکی از مهم ترین زیستگاه های حیات وحش استان گلستان است.

آبشار زیارت: این آبشار در ۵ کیلومتری جنوب روستای زیارت و ۱۹ کیلومتری جنوب گرگان و در مسیر یکی از شاخه های فرعی رودخانه خاصه رود زیارت به نام شاخه آبشار قرار دارد. این شاخه رودخانه از طریق دو آبشار مجاور از ارتفاع ۱۵متر به داخل محوطه حوضچه که در محل ریزش ایجاد شده می ریزد. به دلیل بالا بودن رطوبت نسبی محیط روی تخته سنگ ها نیز پوشیده از خزه و گلسنگ است.

▪تالاب آجی گل: این تالاب در جنوب روستای تنگلی واقع شده و مساحت آن بالغ بر ۳۵۰ هکتار است. در بالادست این تالاب دریاچه ای به مساحت ۱۰۰ هکتار به نام دریاچه نمك قرار دارد. این تالاب از دو بخش تشکیل شده است. قسمت غربی آن تا حدی عمیق است و عمق آن در بیشتر نقاط یك تا یك و نیم متر و حداکثر سه متر است ولی در قسمت شرقی که به وسیله نیزاری از بخش غربی جدا می شود عمق آب کمتر از یك متر است. آب تالاب از رودخانه مرزی اترك تامین می شود. حاشیه غربی آن دارای نی متراکم است و اطراف تالاب را درختان بزرگ و کوچك گز پوشانده.

▪تالاب آلاگل: تالاب آلاگل در شرق جاده آق قلا به اینچه برون واقع شده که مساحت آن در زمان پرآبی به ۲۵۰۰ هکتار می رسد. آب این تالاب همانند تالاب های آجی گل و آلماگل از رودخانه مرزی اترك و زهکش های طبیعی تامین می شود. محیط های پیرامونی تالاب با نی و جگن و درختچه های گز پوشیده شده است. هرساله در فصل مهاجرت هزاران پرنده به این تالاب و دیگر تالاب های استان می آیند که انواع قو، فلامینگو، اردك، پرستو و غاز از این دسته اند.

▪تالاب آلماگل: این تالاب در شمال روستای تنگلی واقع شده و با فاصله کمی از مرز ایران و ترکمنستان قرار گرفته است. مساحت این تالاب ۲۰۷ هکتار است. عمق آب آن در بیشتر نقاط بین یك تا یك و نیم متر متغیر است و حداکثر به ۳ متر می رسد.

حواشی این تالاب در اکثر نقاط پوشیده از نی است. اطراف تالاب در ضلع جنوبی و مسیر کانال ورودی آب به تالاب را جنگل های گز پوشانده است. در این تالاب به علت نزدیکی به مرز، شکار و هرگونه تیراندازی ممنوع است. آب این تالاب به علت نزدیکی رودخانه اترك شیرین است. آلماگل یکی از تالاب های بین المللی کشور است.

▪پارك جنگلی النگ دره: این پارك در ضلع جنوبی شهرستان گرگان واقع است. رودخانه از قسمت جنوب پارك به شمال امتداد دارد و به طور تقریبی از وسط آن می گذرد. تیپ گیاهی پارك از درختان جنگل های جلگه ای مانند جوامع انجیلی و ممرز و... و دیگر گونه های گیاهی تشکیل شده است.

▪پارك طبیعی ناهارخوران: ناهارخوران از قدیمی ترین تفرجگاه های استان گلستان و شهرستان گرگان است. ناهارخوران در ۴ کیلومتری جنوب شهر گرگان واقع شده و دارای پوشش گیاهی غنی است.

▪آشوراده: یکی از جلوه های تماشایی استان گلستان، همچون سایر نواحی شمالی ایران، وجود روستاهای زیبا به ویژه در دل جنگل های آن است. از جمله این روستاها می توان به ناحیه روستایی آشوراده اشاره کرد. آشوراده از جمله نقاط دیدنی و تماشایی استان گلستان و از توابع شهرستان بندرترکمن است که در ۲۵ کیلومتری مرکز استان یعنی شهر گرگان واقع شده است. آشوراده به شکل جزیره است و آب و هوای معتدل مرطوب دارد. زبان مردم این جزیره فارسی و ترکی است.

همه مردم مسلمان و پیرو مذهب شیعه یا سنی هستند. این جزیره زیستگاه مناسبی برای انواع جانوران است و همواره یکی از جزیره های دیدنی و توریست پذیر استان گلستان محسوب می شود. تماشای صید ماهیان خاوری، اسکله، تاسیسات بندر ترکمن و سواحل جزیره آشوراده از جاذبه های این ناحیه به شمار می آید. علاوه بر این جاذبه ها تالاب گمیشان، آبشار باران کوه، پارك جنگلی دلند، پارك جنگلی قرق و دیوار دفاعی گرگان و گنبد کاووس را هم می توان به عنوان مهمترین آثار باستانی استان گلستان نام برد. با برنامه ریزی سفری چهارروزه می توان قسمتی از جاذبه های مهم استان گلستان را دید و سری هم به دشت نازساری زیستگاه گونه منحصر به فرد گوزن زرد ایرانی زد. زمان سفر بهتر است در تیرماه باشد.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229036

vista.ir
Online Classified Service

افغانستان؛ آیا توریسم احیا خواهد شد؟

افغانستان، بخاطر جنگ و ناآرامی، از نقشه توریسم محو شده است. اما چه فرصت هایی برای بازگشت دارد؟ جاذبه های توریستی اش کدام اند؟ در مقاله ذیل تلاش می شود به این سئوالات پاسخ داده شود.

بنابر عقیده عمومی، وقتی کشوری، طی سی سال گذشته، تجاوزات، جنگ های داخلی، و همه نوع کشمکش درونی و تخریب زیربنایش را مشاهده کرده، توریسم احتمالا آخرین چیزی است که به ذهن افراد خطور می کند. اما نگرش نوین، که تاحدی بواسطه افزایش سفرهای بین المللی رایج شده و مدعی است توریسم- درصورتی که بخوبی مدیریت شود- با بهمراه آوردن منابع مالی، دانش و حسن نیت فراوان می تواند عامل مهمی در بازسازی باشد، دید متفاوتی دارد.

افغانستان اساسا همیشه یك چهارراه تجاری بوده که در تعریف اش از عبارت "سکان آسیا" استفاده کرده اند. از دوران بسیار قدیم، جایگاه مرکزی افغانستان غیرقابل چشم پوشی بوده است. چند امپراطوری مهم، باختران ها، گریك ها بعد از اسکندر، و محمد غزنی در قرن دهم پس از میلاد، و ... بخاطر جایگاه جغرافیایی افغانستان بوجود آمدند.

در زمان ما نیز رویدادی مهم در این کشور رخ داده: ظهور طالبان، کنترل سریع آن ها بر عمده قسمت های کشور و سقوط شان تاثیری فوق العاده بر افغانستان و منطقه داشت. ما هنوز در حال ارزیابی اهمیت تاریخی طالبان، و درس هایی که می توان از حکومت کوتاهشان آموخت، هستیم. این کشور، علیرغم آسیب دیدگی نمادهای فیزیکی اش، در جذب توریست ها سابقه ای طولانی دارد. شاید دیگر نتوان موزه کابل و بودای بزرگ بامیان را مرمت کرد، اما چیزهای زیادی هست که می توان مجددا کشف شان کرد: کوه ها، صحراها، و قبیله نشین هایی با تبار متفاوت که با میهماندوستی عجیبی از بازدیدکنندگان استقبال می کنند. در غرب نیز ثروتی پنهان وجود دارد. افغانستان، به مدت تقریبا سی سال، بر روی مسافران معمولی بسته بوده است. این امر در آسیا تقریبا بی نظیر است، و برای سرمایه گذاران و توریست های نوین گیرایی]خاصی[دارد.

●قدیم و حال

با سفر زمینی همراه با گروه ها از افغانستان تا هند در دهه ۱۹۷۰ تجربه زیادی کسب کردم. عبور از ایران و رسیدن به هرات در آن روزها به معنی تجربه صحنه هایی بود که قرون وسطی را یادآوری می کردند: ساختمان های کوچك، و خیابان هایی پر از وسایلی که اسب و شتر آن ها را می کشیدند. هوای خنك غروب مردان موقر با لباس های رنگارنگ را به خیابان ها می کشید که با تعارفات خاص خودشان با یکدیگر سلام و احوالپرسی می کردند. تعظیم، دست روی سینه، و "سلام علیکم، سلام، حالتان چطور است؟" و در جواب "خوبم."

امروزه خیلی چیزها تغییر کرده، بجز تعارفات طبیعی. افغانستان به زور به دنیای نوین کشیده شد. یك سفر شخصی ده روزه، از غرب به شرق

کشور در نوامبر/دسامبر ۲۰۰۲ (اولین ملاقاتم از این کشور بعد از سال ۱۹۸۱) جزئیات عملی را تفکیک نمود. افغانستان هنوز جذاب بود، نسبتا امن بود، و هینترلند میتوانست در آنجا فعالیت کند. سفر من به یك ماجرای واقعی تبدیل شد.

گروهی از ۱۲ مسافر جسور، که در بین شان فقط یك نفر زیر چهل سال داشت و پیرترین شان ۷۵ ساله بود، در آوریل سال گذشته وارد تهران شد، و این درحالی بود که روز بعد هنگام فرود در مشهد با بوران و برف مواجه گردید. برای تجدید قوا یك روز بیش تر در شهر حرم امام رضا ماندیم.

قدم زدن در مرکز شهر بسیار جالب بود. حرم بزرگ ما را جذب خود کرد، و مقیاس وسیع صحن های اطراف حرم همه ما را شگفت زده کرد. شام گوارا به سبك ایرانی و دیدار از یك چایخانه ما را آرام کرد و با آداب و رسوم شرق آشنایمان کرد.

عزیمت زودهنگام به سوی مرز باعث تنظیم الگوی روزهای آتی شد. امور خرید آب معدنی و خوراکی برای سفر شب قبل انجام شده بود. کمبود آب آشامیدنی تمیز در افغانستان یك معضل است اما آب معدنی بطری شده در شهرها فراوان است، گرچه طبق استانداردهای محلی گران است.

خوب بودن جاده های ایران تکان های جاده های افغانستان را تشدید می کند. اما قبل از هر چیز به تجربه مرزی می رسیم. عبور از مرزهای آسیایی با وسیله شخصی و گروهی از غربی ها می تواند تجربه ای تلخ مملو از سوء تفاهم ها باشد: زبان، فرهنگ، و حتی دشمنی آشکار. اما با دقت زیاد در آماده کردن اسناد برای افراد و خودرو، به اضافه رضایتنامه درباره سرنوشت شخصی و چندین انشاء اله، سرانجام از این تجربه گذشتیم.

در سال ۲۰۰۳، مرز اسلام قلعه افغانستان دریایی بود از هرج و مرج آشکار، اما برای گروه ما تجربه جالبی محسوب می شد. مسئولان با نوعی تردید به ما نگاه می کردند. "ما یك NGO بودیم؟ نه! نظامی بودیم؟ معلوم است که نه! پس آنجا چکار می کردیم؟" ما نسلی بودیم که احتمالا ۲۵ سال بود دیده نشده بودیم- گروهی از توریست های غربی. بالاخره، لبخند، و کمی ناباوری، روی صورتهایشان ظاهر شد. "بسیار خوب، خیلی خوش آمدید."

●هرات

سپس سفر به هرات آغاز شد. جاده جدید درحال ساخت، موازی با راه خاکی است. باید دقت زیادی به خرج دهید، مگر اینکه بخواهید وسیله تان را از بین ببرید. سفرهای گذشته را از یادنمی برم- ۱۲۵ کیلومتر مسیر هرات هیچ مشکلی نداشت. با احداث جاده جدید از سال بعد، مجددا مشکلات برطرف خواهد شد. غروب بود که به شهر رسیدیم و هتلی را که قرار بوددر آن بمانیم پیدا کردیم. یك راننده تاکسی خوش برخورد برای کمك به یافتن هتل در تاریکی به یاری مان آمد.

روز بعد، گردش مان در شهر تایید کننده نظر من بود، مبنی بر این که هرات بیش از هر شهر دیگری در افغانستان جاذبه های توریستی دارد. حال و هوای تجارت با ایران، که روز به روز در حال افزایش است، شهر را به تکاپو وادار کرده. شکوه معماری اسلامی را می توان به بهترین نحو در مسجد جامی (از قرن دوازدهم) مشاهده کرد. مناره های مصلای تیموری و مقبره گوهرشاد شگفت انگیزترین نوع از تزیین کاشی کاری را دارا هستند. مقبره جامی (شاعر) نیز در شهر قرار دارد. ارگ بزرگ بر شهر مسلط است. در داستان ها آمده که این ارگ را ابتدا اسکندر بزرگ ساخته.

جنگ های خشونت آمیز اخیر در شهر ساختمان های زیادی را تخریب کرد اما ارگ را می توان همانگونه چندین قرن پیش دیده می شده اکنون مشاهده کرد. درست شش کیلومتر بیرون از شهر گازرگاه قرار دارد، مکانی باشکوه و ویژه. بازدیدکنندگان از مقبره صوفی مقدس و خواجه عبداله انصاری (شاعر)، که در سال ۱۰۰۶ درهرات به دنیا آمد و در آن فوت کرد و نیز از مقبره های رهبران و شاهان سابق افغانستان که شعرا و مسافران قدیمی به آنها اشاره کرده اند دیدن می کنند. دانشمندان و درویش ها، به مدت چندین قرن، به این سرزمین صلح می آمدند. مردم شهر به ما (گروهی از توریست های مسن که به ساختمان هایی که آنان بی ارزش قلمداد می کردند با تعجب می نگریستند) خیره شده بودند. توریست ها هنوز عجیب و غریب هستند و مردم محلی می خواهند بیش تر درباره شان بدانند، همان قدر که توریست ها دوست دارند درباره مردم محلی بدانند.

دیدار ما از مسجد (که هنرمندی ماهر درحال مرمت و تعویض کاشی هایش بود) با خاتمه نماز همزمان شد و خیلی زود عده زیادی از نمازگزاران کنجکاو ما را احاطه کردند و سئوالات زیادی پرسیدند. در آنجا نوعی اشتیاق برای اخبار، ولع برای هنجار و غرور برای مسلمان و افغان بودن وجود دارد. مهمان نوازی، تنوع، رنگ و اغلب فرش های نفیس منطقه اشتیاق بدست آوردن این شکوه مندی ها را در گروه ما ایجاد میکردند. مجبور بودم موارد پیش پا افتاده ای مثل عوارض گمرکی، حمل فیزیکی موارد و مشکلات بار زیادی را به آنان گوشزد کنم، اما بی فایده بود.

سفر ما تازه آغاز شده بود. اکنون اثاثیه زیادی داشتیم. وقت آن رسیده بود که مسیری که به نام "جاده روسیه به قندهار" شناخته میشد را پیش بگیریم. طولی نکشید که با موانع نیرویی شبه نظامی- که ماهیتی ناشناخته داشت- مواجه شدیم، که احتمالا برای گرفتن مالیات راه را بسته

بودند. جاده هراس انگیزبود، و نشانه های کشمکش در جاده دیده می شد. احتیاط بسیار زیادی لازم است و اجتناب از خطرهای خاص خیلی زود به یك غریزه تبدیل می شود.

وقتی با لاشه سوخته هواپیمایی در کنار جاده مواجه می شوی، چشم انداز برایت آشکار می شود، و خشونت بشر را بی پرده می بینی. این مدخل صحرای افسانه ای مرگ بود، خشك و ناخوشایند. اما گاهی برای صرف چای کنار جاده می ایستادیم و درباره وضعیت جاده بحث می کردیم. نگهداری خودروی مان اهمیت زیادی داشت و سفرمان بیش از آنچه برنامه ریزی کرده بودیم طول کشید. خودروی مان باید سه هفته دوام می آورد. شب هنگام در یك چایخانه توقف کردیم- در آنجا چیز دیگری نبود. یك کیلومتر پایین تر از جاده یك هتل قدیمی روسی قرار داشت، که اکنون تخریب شده و پر از لاشه خودروهای زرهی بود. بنابراین، بعد از یك جلسه دیگر از "چه کسانی هستید؟" در چایخانه غذای محلی را خوردیم و برای خواب آماده شدیم.

اتوبوس محلی قبل از سپیده دم راه افتاد و ما بلافاصله دنبالش کردیم. روزی طولانی پیش روی بود، و بحث راننده درباره وضعیت بد جاده ادامه داشت. برای سرعت بخشیدن به بازسازی جاده که برنامه ریزی و تایید شده بود دعا کرده بودند. وقتی جاده جدید تکمیل شود، سفر هرات-قندهار فقط یك روز طول می کشد. ما، خسته و کوفته، فقط می خواستیم تا شب به یك هتل برسیم.

●قندهار

بخاطر ملاحظات امنیتی قصد نداشتیم دوشب در قندهار بمانیم. اما انعطاف پذیری کلید سفر موفقیت آمیز در افغانستان است. خودروی ما به کمی تعمیرنیاز داشت و مجبور بودیم توقف کنیم. قندهار سرزمین جالبی بود. قبل از حمله روسیه به افغانستان، قندهار سرزمین حاصلخیزی برای عمده آسیا محسوب می شد، و انگور و انارش به درستی معروف شده. از دیدن نشانه های احیای این کشت وکار، علیرغم کشت ناخوشایند خشخاش بصورت پراکنده، هیجان زده شدم. این شهر از نظر سنت های اسلامی و موسسات دولتی افغانستان مهم است. مسجد عبای حضرت محمد یکی از مقدس ترین حرم ها در این کشور است. تاریخ باستان نیز اهمیت دارد: اسکندر شهری را در اینجا تاسیس کرد و بقایای باستانی اش در همین نزدیکی هستند. در زمان معاصر، قندهار مقر طالبان بود.

از اینجا تا مرز پاکستان ۹۰ کیلومتر و تا کویته کمی بیش تر از این است. قندهار، بخاطر قرارگرفتن در مسیر تجاری، پر است از هتل، رستوران و بازار. تاثیر پاکستان بر منابع مالی و بازرگانان بسیار قوی است. حساس ترین مسافران می توانند جریان پنهان مواجهه اسلامی را حس کنند. شهر بخاطر گلدوزی هایش، انبار ترانزیت ابریشم، کلاه های گلدوزی شده قبیله ای، کت های بی آستین، بازارهای جالب و مکان های تاریخی معروف است.

با وجود این، شهر با گذشته و حال متزلزل برای غربی ها و بسیاری ازمسافران باقی مانده، بنابراین دقت بسیاری لازم است. روز بعد ترجیح دادیم برای دیدن "لشکرگار" و "بست" به خارج از شهر برویم. این مکان اقامتگاه زمستانی شاهان غزنوی بود، که توسط مغول ها تخریب، و در سال ۱۲۲۱ توسط تیمور بازسازی شده بود. بقایای حیرت برانگیز، و طاق بزرگ بسیار معروف هستند.

وضع جاده ها همچنان خراب بود. دو روز طول کشید تا با رانندگی محتاطانه به غزنه (حدود ۳۵۲ کیلومتر دورتر از شهر) برسیم. تنها نبودیم: دسته های اتوبوس ها و کامیون ها، که بعضی هایشان بیش از اندازه بارگیری شده بودند اطرافمان بودند. اکنون ما درحال طی مسیر بر روی "جاده امریکایی" بودیم. این جاده، که برخلاف جاده سیمانی روس ها، از آسفالت ساخته شده در اکثر مناطق تا حد خرابی کامل فرسایش یافته. آسفالت به نگهداری بیش تری نیاز دارد. اما در این روزها با مهمان نوازی صمیمانه ای مواجه شدیم. هیچ کس قصد ایجاد دردسر نداشت، بلکه می خواستند از ما محافظت کنند. خبرهای خوب برای آینده- گروهی از مهندسان هندی و کارمندان سازمان ملل را در حال بررسی جاده دیدیم. احتمالا کار بازسازی جاده شروع شده است.●غزنه

بالاخره به غزنه رسیدیم، شهری معروف با تاریخ نظامی ممتد، سابقه ای بودایی و وضعیت تقریبا متزلزل کنونی. محبت و گرمی ذاتی مردم شهر بر من تاثیر گذاشت. دژ بزرگ از کیلومترها دورتر قابل مشاهده است و درست پشت آن دو برج یا مناره قرار دارد، که توسط مسعود۱۱۱ و بهرام شاه (شاهان غزنوی) ساخته شده اند. این مکان ها درغزنه معروف هستند. آجرکاری بر روی برج ها از نتایج هنر اسلامی دوره ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ بعد از میلاد می باشد. کمی بالاتر بقایای کاخ سلطان مسعود و آرامگاه سلطان محمود (فاتح بزرگ قرن دهم) قرار دارند.

●کابل

گردش ما در جنوب تقریبا کامل شده بود و ۱۴۵ کیلومتر نهایی به کابل بر روی جاده تقریبا جدیدالاحداثی طی شد که قبل از وارد شدن به دره کابل از میان تپه ها می گذرد. دشمنی و کشمکش بین احزاب، برای کنترل کابل، تا حدی بوده که مین روبی اطراف شهر سال ها طول خواهد کشید.

می توان]با هواپیما[از کابل به هرات پرواز کرد، اما صحراهای خشك جنوبی افغانستان تجربه ای هستند که نباید از دست شان داد.

پایتخت افغانستان اکنون، بخاطر بازگشت پناهندگان و ناآرامی مداوم در بخش های دورافتاده کشور، جمعیت زیادی دارد. برای توریست یا مسافر، جذابیت های شهر عبارت اند از هتل ها و مسافرخانه های متعادل، غذاهای متنوع و رستوران ها بعلاوه¬ی دسترسی به کالاها و اجناسی که در دیگر نقاط افغانستان در دسترس نیستند. در این شهر پر جنب و جوش، تماس با دنیای خارج از طریق اینترنت و تلفن آسان است. شرایط جوی تقریبا در تمام طول سال ملایم و قابل تحمل است. برای کارگزاران قدرت در این دنیای خاص و بازرگانان، کابل جایی است که در نهایت مجبوری تجارت خود را در آن انجام دهی.

تنوع و پیچیدگی خیابانی مثل "چیکن استریت" توریست ها را گیج می کند. تعداد خیابان های مشابه در دنیا، که این تعداد مغازه - که همه نوع ابزار دست ساز کشور را ارائه کنند- را در خود جای بدهد، بسیار اندك است. کتاب های راهنما، سنگ لاجورد، قالیچه، گلدوزی، سلاح، جواهرات، هرچیزی! فقط بپرسید. البته قیمت در اینجا بالاتر از بقیه مناطق کشور است، اما هرچیزی که بخواهید می توانید بخرید. کابل شهر یادبودها، اماکن مذهبی، قلعه دژمانند ، و البته برای افغان ها، بازاری که محصولات خارجی در آن فروخته می شود، نیز هست. کابل خودش را برای فصل های آتی آماده می کند. از هتل اینترکنتینتال به پایین، همه هتل ها درحال نوسازی هستند. وزارتخانه های دولتی و دیگر موسسات باید دوباره از زیر بنا ساخته شوند. با گردش در حومه شمالی و جنوبی معنی ویرانی کامل، بخاطر جنگ های داخلی ۲۰ سال گذشته، را درخواهید یافت. کارهای زیادی هست که باید انجام شود. سالن خالی موزه، که بصورت دلخراشی غارت شده، نیازمند همکاری بین المللی است.

پروازهای بین المللی سفر به کابل را آغاز کرده اند و تردیدی وجود ندارد که توریسم خیلی زود شروع خواهد شد. ستاد توریستی آماده و منتظر است، و تعدادی از توریست های متعهد با حضورشان به آن رونق داده اند. با توسعه زیربنای توریستی گردشگری تسهیل می شود و سفر به خارج از کابل دشوار نخواهد بود. دیدار از غزنه، بامیان و جلال آباد آسان ترین دیدار خواهد بود.

●بامیان

ما، پس از استراحت و تجدید قوا، به سوی کوه های شمالی رفتیم- محل زندگی قبایل قومی متفاوت: تاجیك ها، هزاره ها، ازبك ها، و ترکمن ها. کوه ای هندوکش برای همه شناخته شده اند- بلند، پوشیده از برف، پر از دره های مخفی و رودهایی که از کوه سرازیر می شوند. قبل از عبور از تونل سالنگ، که راه اصلی به شمال و مزار شریف می باشد، می بایست به دره بودایی بامیان (۲۲۳ کیلومتری کابل) می رفتیم. در اینجا یکی از بزرگ ترین عجایب دنیا قرار داشت: مجسمه بزرگ بودا با ۵۵ فوت ارتفاع که متاسفانه در عملی وحشیانه، که نمونه اش در قرن گذشته یافت نمی شود، تخریب شد. با وجود این، غارها، فرورفتگی ها (که در آن ها مجسمه ها را جای داده بودند) و ویرانه های پادشاهی و شهری قدیمی که توسط مغول ها تخریب شد و طالبان به آن آسیب رساندند، هنوز در اینجا قرار دارند. یك مسافرخانه جدید گشایش یافته و شهرها/دژهای باستانی مجاور بر روی قله کوه ها ، و نیز دریاچه های بسیار زیبای "بند امیر"، همگی در انتظار کشف شدن هستند.

●تونل سالنگ

جنگجویان در کل این منطقه جنگیدند و تا چهار سال پیش که درگیری حزبی پایان یافت هنوز خط مقدم نبرد محسوب می شد. مین روبی کل منطقه سال ها ادامه خواهد داشت. اگر بخواهید به شمال، پشت کوه ها، بروید باید بین تونل یا راه طولانی بیرون یکی را انتخاب کنید. البته ذکر این نکته که تونل ترسناك سالنگ - شاهکار مهندسی عظیم دهه ۶۰ که به شدت خراب شده - درحال بازسازی است، بسیار ترغیب کننده است. موسسه آقا خان در حال کسب حمایت مالی برای سازه های روستایی و پل ها در این منطقه است. اسماعیلی های زیادی در این منطقه هستند. تجربه تونل و جاده برای ما تجربه خوبی نبود. در راه برگشت، بخاطر برف وبوران اواخر ماه می که به نابسامانی و مسدود شدن جاده ها منجر شد، مجبور شدیم از چایخانه ها استفاده کنیم. وقتی تونل و جاده های نزدیك بازسازی شوند، چنین طوفان هایی مسئله ساز نخواهند بود. بهرحال، چشم انداز عالی است. اینجا دنیای دیگری است، بسیار دور از صحراهای داغ و خشکی قندهار. این جاده اصلی به سوی شمال به تاجیکستان نیز متصل می شود و شما را به فلات بی پایان آسیا می آورد، که هزاران مایل وسعت دارد.

هنگام عبور از این جاده با اسکلت تانك ها، خودروهای زرهی و روستاهای ویران شده برخورد کردیم- که شاهدی هستند بر دیوانگی محض و طمع جنگ طلبان. مردم شمال به خارجی ها بیش تر عادت دارند و، مثل جنوبی ها، با تردید به حضورمان در منطقه نمی نگریستند. چند مکان باستانی وجود دارد – که در زمان صلح خاکبرداری شده و اکنون به فراموشی سپرده شده اند- که در درك گذشته باستانی بسیار مهم هستند. این مکان ها شامل ویرانه های معبد سرخ کتل می شود که اکنون متروکه باقی مانده و در انتظار بازدیدکنندگان، توضیحات و توجه می باشد.

مناطق دیدنی شمال بسیار بیش تر از آنچیزی است که من درباره اش نوشته ام- قندوز-شهری قرون وسطایی، که زمانی با دیوارمحصور شده

بود، دیگر شهرها، معادن سنگ لاجورد که در شرق مخفی هستند.

●مزار شریف

زمان ما در این سفر محدود بود. می بایست مزار شریف را می دیدیم، که صحنه عمده جنگ ها بوده و مرکز قسمت شمالی محسوب می شود. مزار شریف همچنین مذهبی ترین و مشهور ترین زیارتگاه در افغانستان را درخود جای داده است- زیارتگاه حضرت علی، پسرعمو و داماد پیامر. هر ساله هزاران نفر(با الهام گرفتن از داستان ها، سنن، و از همه بالاتر، با الهام گرفتن از ایمان) برای عبادت به این زیارتگاه می آیند. ما که هستیم که بخواهیم درباره علت آمدن نزد خدا بحث کنیم؟ زیارتگاه نقطه توجه شهر است. بعد از بازسازی های اخیرش، ساختمانی رنگارنگ و تقریبا زیبا با معماری موزون و کاشی کاری پدیدار شده است. خود شهر کاملا نوین است، و آثار درگیری های اخیر بر شهر نمایان است. مزارشریف، همانند کابل، محل هتل ها، غذا، و استراحت قبل از پیشروی است.

در نزدیکی شهر یك گنجینه قرار دارد، و آن ویرانه های شهر باستانی بلخ است، که گفته می شود یکی از قدیمی ترین شهرهای دنیا است. طبق روایات، زیارتگاه ها و آیین ها به قرن پنجم قبل از میلاد برمی گردند. اسکندر شهری در اینجا بنا نمود، بقایای بودایی اطراف شهر باقی مانده و دیوارهای شهر که حداقل ۱۲ کیلومتر طول دارد هنوز اینجا است. ویرانه های گنبد نوح (یکی از قدیمی ترین مساجد در آسیا) تزئیناتی مشابه با تزئینات قرن هشتم سامرا در عراق دارد. بلخ، زادگاه "رومی بلخی" (شاعر صوفی) است. این شهر دانشگاهی، مرکز اسلامی یادگیری و تقوا، توسط چنگیزخان ویران شد اما شاهرخ آن را احیا کرد. بر روی زیارتگاه خواجه ابو نصر پارسا کار خارق العاده ای انجام شده. هرکسی که به هنر، تاریخ و فرهنگ علاقه مند است باید این مکان باستانی را ببیند.

بازگشت به کابل از شمال، علیرغم این که طولانی است، باید یك روز طول بکشد. اما هیچ چیزی در این دنیا قطعی نیست و شرایط آب و هوایی ما را شکست داد. پروازها از مزار همیشه پر هستند، که خود شاهدی است بر محبوبیت بلخ.

کابل، برای بسیاری از توریست ها، نقطه عزیمت از افغانستان است، و آنان برای خروج از پایتخت از پروازهای بین المللی استفاده می کنند. اما برای آن هایی که زمان و قوه تصور دارند یك ریسك وجود دارد: کابل از طریق تنگه کابل به جلال آباد و خروج از افغانستان از طریق گذرگاه معروف خیبر به پیشاور در پاکستان. این گذرگاه ها بوی تاریخ می دهند و، از قرونی که شاهد تاسیس افغانستان مدرن و کوتاه سازی آرزوهای استعماری بریتانیا و سیك ها (در قرن ۱۸ و ۱۹) بوده اند، غرق در خون می باشند. عزیمت از دره کابل به تنگه کابل از میان سرزمینی با شکوه صورت می گیرد. جاده در دست مرمت است و در صورت تکمیل به جاده اصلی تجاری تبدیل خواهد شد. جلال آباد سابقه بودایی جالبی دارد، در زمان های مختلف متزلزل بوده، اما بازارخوبی برای اجناس شمالغربی است و دارای هتل های متعادلی می باشد. قالیچه ها در این منطقه تنوع جالبی دارند.

زمانی این منطقه، تا مرز پاکستان، چندین اردوگاه پناهندگان را در خود جای داده بود و مشاهده اردوگاه های خالی خوب بود. در خود مرز عده ای پیاده در حال عبور بودند. عبور از سمت افغانستان آسان بود.

پاکستان بخاطر کاغذبازی اش، که ما هم تجربه کردیم، معروف است.

من با عصبانیت آن هایی که درانتظار وارد شدن یا خارج شدن از پاکستان بودند موافق هستم.

گذرگاه خیبر بوی قرن گذشته را می دهد و بخشی از آن محسوب می شود. دژها، سربازان مرز شمالغربی و فضای عجیب "لندی کتل"، سکوی راه آهن، و شهر باستانی قاچاقچی ها. یك معبد بودایی بر خانه های بزرگ مستحکم (که گفته می شود به عوامل مهم بازار سیاه تعلق دارد) مشرف است. به پیشاور، شهر پرجنب و جوش مدرن/باستانی، خوش آمدید- شهری ممتاز در استان مرزی شمالغرب، با جمعیت عمدتا افغانی، شهری مملو از توطئه های عمیق سیاسی، ارتدوکسی اسلامی، پر از بازرگان، صراف و قاچاقچی. در پایان سفرتان در افغانستان، آیا می توانید چیزی بیش تر از این درباره یك شهر بپرسید؟

سفر به افغانستان یك نکته را ثابت کرد. پتانسیل این کشور به عنوان یك مقصد توریستی عمده بسیار بالا است. تمام مزیت های طبیعی را دارا است، چشم انداز گوناگون، صحراها، کوه ها، صنایع دستی زیبا، قالیچه هایی که در دنیا شناخته شده اند، باستان شناسی، بعضی ساختمان های زیبا و سابقه تاریخی فوق العاده که قوه تخیل را تحریك می کند. اما بزرگ ترین امتیاز مهمان نوازی خالصانه افراد مختلف است.

چطور می توان این پتانسیل فوق العاده را درك کرد؟ فقط با سرمایه گذاری عظیم در جاده ها، ارتباطات هوایی، زیر ساخت ها، و جلوه های توریسم- راهنماهای تعلیم دیده، هتلداری، ادبیات توریستی، سرمایه گذاری در مدیریت امکان باستانی. گونه های مختلف حمل و نقل نیز باید به کارگرفته و نگهداری شود. سرانجام اینکه، امنیت برای مسافران ضروری است. ممکن است بگویید کار دشواری است. اما توسعه توریسم تازه آغاز

شده و باید مورد تشویق قرار گیرد. افغانستان با آغوش باز و ذهنی پذیرا از همه استقبال می کند.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227963

اقیانوس ابرها

• جنگل ابر

جنگل ابر یکی از دست نخورده ترین جنگل های ایران واقع در ۳۵ کیلومتری شمال شرق سمنان است. زیبایی آن چیزی فراتر از یك جنگل است چون یك اقیانوس ابر اضافه تر از جنگل های شمال و شمال غرب دارد. این جنگل در استان سمنان و در نزدیکی روستای ابر واقع شده و تقریباً مرز سمنان و گلستان است؛ جایی که از ضخامت کوه های البرز کاسته می شود و ابرهای گرفتار در پشت این دیواره از لابه لای دره ها به سمت جنوب سرازیر می شوند. به همین خاطر تقریباً از بعدازظهر تا نیمه های شب با سرد شدن هوا چنان می نماید که جنگل به روی ابرها سوار شده است. دید کاملاً محدود و شب بسیار سرد می شود.

این اتفاق منطقه ابر را دگرگون کرده و آب و هوایی متفاوت از سراسر سمنان به آن داده است. جنگل ابر رسم کویری خارتوران و گرمای بسطام و خرقان را زیر پا گذاشته است. با بیست دقیقه رانندگی در این منطقه می شود از پوشش انبوه جنگلی و سرمای استخوان سوز به پوشش استپی و سپس کویر رسید. این تناقض و آغشته بودن به ابر دلیل شهرت رویایی بودن جنگل ابر بین طبیعت گردان است.

در قسمت های جنوبی جنگل، یعنی قسمتی که به تمدن نزدیك تر است پوشش گیاهی تنك دیده می شود. هرچه پیش بروی این پوشش انبوه تر می شود. در عمق جنگل تپه های پرشیب وجود دارد که سراسر پوشیده از درختان بلند است. رودخانه ای نیز در این عمق جاری است. مشهورترین درخت منطقه اورس است. درختی با ریشه های بلند که روی زمین می خزد. به خاطر هجوم ابرها و محدود شدن دید باید زمان مناسب را برای راهپیمایی در جنگل انتخاب کرد. آفتاب که بزند می شود گشت و گذار را شروع کرد. جنگل ابر پر از تپه است. تپه هایی که شیب ملایم و پوشش تنك دارند بهترین انتخاب برای گلگشت اند.

از روی همین تپه ها تصویر کوچك قلعه ماران، یادگار ایلامی ها را هم می شود روی کوه مشاهده کرد. با توجه به اینکه راه پاکوب در این تپه ها کمتر به چشم می خورد و گاه سراسر تپه پوشیده از گیاه است باید کفش مناسب و گتر به پا داشت. در این گلگشت ها احتمال بر خوردن به گله های کوچك گوسفند و بز هم هست که در آغلی کوچك که کنار چشمه های پر آب ساخته شده اند نگه داری می شوند. مناطق ابتدایی جنگل ابر ییلاق چوپانان گلستانی است، اما در عمق جنگل اثری از انسان دیده نمی شود. سه چهار ساعت مانده به غروب، با کاهش دما ابرها به جنگل سرازیر می شوند و گستره دید کاملاً محدود می شود. به همین دلیل از این زمان تا دمیدن دوباره آفتاب باید از گردش دست برداشت. همچنین در کوتاه ترین گردش هم باید خوراکی و آب و چراغ قوه به همراه داشت، چون گاهی این ابرها هستند که زمان گردش را تعیین می کنند. نزدیك صبح دوباره از شدت ابر کاسته می شود و دره ها از ابر پر و خالی می شوند. صبح زود بهترین زمان برای عکاسی است. وقتی که ابرها بیایند به خاطر رطوبت نمی توان از دوربین های دیجیتال استفاده کرد.

تابستان بهترین فصل سفر به ابر است. فقط ممکن است اواخر شهریور، پاییز در رفتن به ابر تعجیل کند. پاییز با اینکه توفان رنگ ها را به جنگل ابر

می برد ممکن است با سرمای طاقت فرسا اجازه گشت و گذار و شب مانی را از گردشگران سلب کند. با توجه به اینکه این منطقه کاملاً دست نخورده است هیچ امکانات رفاهی در آن یافت نمی شود. بنابراین برای گذران شب باید به خانه های روستای ابر و یا چادر زدن در دل جنگل فکر کرد. اگر بنا بر شب مانی در جنگل باشد بهتر است سفر همراه با تورهای طبیعت گردی انجام شود. با توجه به سرمای شدید هوا در شب باید کیسه خواب، لباس گرم و بادگیر به همراه داشت. (به دلیل رطوبت ۹۵ درصدی هوا برای جلوگیری از خیس شدن باید بادگیر پوشید.) برنامه سفر به ابر باید چهارروزه باشد تا بتوان سر راه سری هم به مقبره بایزید بسطامی در بسطام و آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی در خرقان زد. برنامه سفر تورهای طبیعت گردی معمولاً چهارروزه است که یك روز آن به دیدن این مناطق و سه روز دیگر به گشت و گذار در جنگل ابر می گذرد.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229034

vista.ir
Online Classified Service

اگر با کوچولوهایمان به سفر می رویم

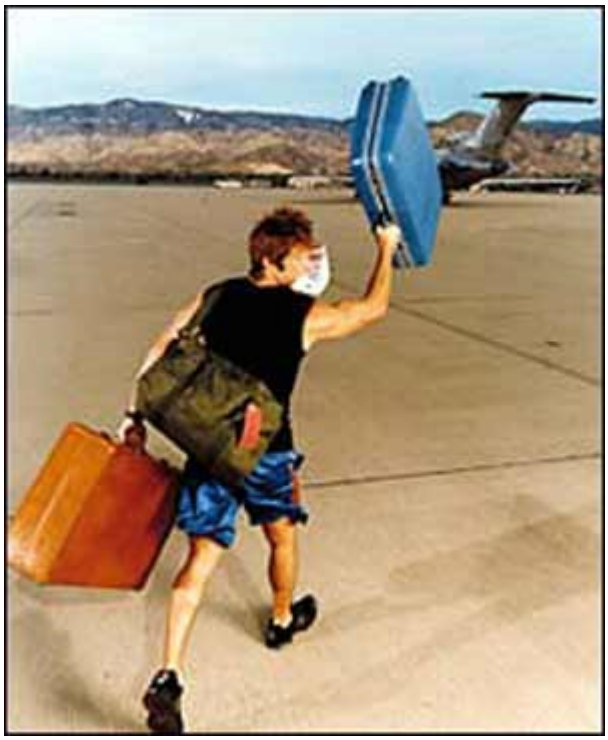

با شروع فصل تابستان، وقت مسافرت های خانوادگی هم از راه می رسد. فرقی نمی کند که سفر شما با ماشین از میان کوه ها و جنگل و صحرا و بیابان باشد یا با هواپیما به یك نقطه خوش آب و هوا. به هر حال با همراه داشتن یك کوچولو، ممکن است سفر شما شباهت کمتری به مسافرت های معمول داشته باشد.

شما خواه در یك فرودگاه شلوغ باشید یا یك ماشین پر سر و صدا، یا در ترافیك غروب تعطیل آخر هفته به دام افتاده باشید و یا حتی آب و هوای ناپایدار شما را غافلگیر نماید؛ راه های زیادی برای مشغول کردن کودکان و در نتیجه شبیه کردن مسافرتتان به مسافرت های معمول در اختیار دارید. در زیر چند پیشنهاد خلاقانه برای سرگرم کردن بچه ها طی سفر ارایه می دهیم.

چنان چه در جاده می رانید

این درست که ساعت ها گذراندن وقت در ماشین با بچه ها ممکن است کسالت بار به نظر برسد اما با چند توصیه می توانید فضایی خلق کنید تا هم به شما خوش بگذرد و هم بچه ها از سفر کردن لذت بیشتری ببرند.

- آواز و موسیقی: هیچ چیز مثل موسیقی کودکان گذر زمان را کوتاه نمی کند. چند نوار موسیقی مورد علاقه بچه ها همراه ببرید.
- اسباب بازی های موزیکال: این اسباب بازی ها نیز می توانند در طول سفر با ماشین، کودکان را شاد و قانع سازند.
- تماشای منظره ها: هر منظره ای جالب خواهد بود اگر از این فرصت برای آموزش چیزهایی که کودکان کمتر از نزدیك دیده اند یا هرگز ندیده اند استفاده کنید. مثلاً درباره کوه، جنگل، صحرا، کویر، باران، مه و مانند آن که در طول سفر می بینید با او صحبت کنید.
- بیشتر نگهدارید: اگر با بچه ها و با ماشین سفر می کنید در برنامه ریزی سفر، زمان بیشتری از حالت معمول در نظر بگیرید. کودکتان به توقف های کوتاه نیاز پیدا خواهد کرد.

و این توقف ها از یکنواختی ماشین سواری های طولانی در حین سفر می کاهد.

▪ با او نقشه خوانی کنید: قبل از سفر نقشه ای از محلی که قرار است بروید روی کاغذ بکشید. شکل و شمایل آن طوری باشد که بچه ها از آن خوششان بیاید و در ضمن نقاط مهم در طول راه را روی نقشه علامت گذاری کنید. بچه ها نیز می توانند نقشه خودشان را بکشند. نقاط جالب سفر را به بچه ها نشان دهید و از آن ها بخواهید روی نقشه خود دور آن نقاط خط بکشند. این کار سبب می شود تا کودکان درك روشن تری از فاصله ای که پیموده اید و راهی که در پیش دارید به دست آورند.

▪ زیردستی نقاشی: پیش از سفر یك زیردستی نقاشی مخصوص برای نقاشی از لوازم التحریر فروشی بخرید. به این ترتیب بچه ها می توانند بخشی از طول سفر را با نقاشی کردن بگذرانند. این کار زمانی برای سکون و آرامش نیز در اختیار شما خواهد گذاشت.

▪ صندلی مخصوص: هرگز کودك را بیرون از صندلی مخصوص کودك ننشانید، این کار ارزش ریسك کردن ندارد. اگر کودك شما از آن دسته بچه هایی است که در صندلی مخصوصش به اصطلاح نحسی می کند و بی تاب است، زمان بیشتری برای سفر در نظر بگیرید و از توقف های بین راه برای رفع خستگی کودك بهره بگیرید.

▪ بطری آب را فراموش نکنید: در طول سفر در فصل تابستان، حتماً به میزان کافی به بچه ها آب بنوشانید، چون کودك تشنه بدخلق است.

اگر با هواپیما به سفر می روید

برای بچه ها هیچ چیز هیجان انگیزتر از سفر با هواپیما نیست اما به نظر می رسد برای بچه های خیلی کوچك این طور نباشد. اگر با خانواده سفر می کنید در این جا توصیه هایی برای شما داریم.

الف) به هنگام صعود و فرود هواپیما به بچه های کوچك چیزی بخورانید. با این کار کودك به هنگام اوج گرفتن هواپیما مشغول مکیدن و یا بلعیدن خواهد بود و دچار ناراحتی گوش و یا گرفتن گوش ناشی از اختلاف فشار هوا، نخواهد شد. معمولاً فرود هواپیما سبب ناراحتی بیشتر گوش می شود بنابراین سعی کنید حتی زمانی هم که احساس می کنید هواپیما در حال کم کردن ارتفاع است شروع به خوراندن خوراکی به بچه بکنید.

ب) گاه پرواز هواپیماها با تاخیر انجام می شود بنابراین حتماً اسباب بازی با خود به همراه داشته باشید. به کودك اجازه دهید چمدان سفر مخصوص به خود داشته باشد.

یك کوله پشتی حاوی اسباب بازی ها، بطری آب و مقداری تنقلات به کودکتان کمك خواهد کرد که احساس بزرگانه ای به خود بگیرد و در هواپیما نیز رفتار بهتری داشته باشد.

ج) هیچ چیز غیر از کارت بازی خانوادگی به گذر زمان کمك نمی کند. انواع کارت های بازی که مناسب سن همه باشد می توانند مفید باشند.

د) بی تردید کودکتان نمی تواند در حالت معمول ابرها، دریا، کوه ها و صحراها را از بالا و از آن زاویه تماشا کند، مراقب باشید این صحنه ها را از دست ندهید.

و) غذایی که در هواپیما سرو می شود ممکن است قابل پیش بینی نباشد و شما هم احتمالاً خواهان یك کودك گرسنه در طول یك پرواز طولانی نیستید، بنابراین خوراك مختصر اما سالمی را به همراه داشته باشید که اگر کودك به منوی غذایی هواپیما علاقه نداشت به او بدهید.

منبع : روزنامه جوان

http://vista.ir/?view=article&id=244297

vista.ir
Online Classified Service

امامزاده عبدالله کلور

شهر کلور در قسمت جنوبی و بیست و پنج کیلومتری شهر خلخال در منطقه بسیاز زیبا و خـوش آب و هوا به نام منطقه شاهرود واقع گریده است.

زبان تاتی گویش مردم این دیــار بوده و شغــل اصلی اکثر ساکنین آن کشاورزی و دامداری می باشد این شهر به لحاظ قرارگرفتن در منطقه کوهستانی و بدلیل هم مرز بودن با استان گیلان دارای آب و هوای بسیار لطیفی در تمام فصول سال بخصوص در فصل تابستان بوده و باعث بوجود آمدن باغها و مزارع وسیع و میوه های مختلف از قبیل گردو-سیب-زردالو-گلابی-انگور-هلو-توت وشاتوت-ومیوه‌های جالیزی مانند خیار-گوجه-طالــبی و غیــره شده است

از مناطق تفریحی و گردشی این شهر می توان به امامزاده عبدالله، چشمـــه ورازشت، آبشـــار سجن، امامزاده سیدحسین، و رودخانه شاهرود و باغهای اطراف آنرا نام برد

امامزاده سیدعبدالله (ع) که از نوادگان حضرت امام موسی الکاظم (ع) که آرامگـاه آن حضرت در یک کیلومتـری شهر کلور در کنار چشمه زلال بسیــار خنک مشهـــور به جیگیزات و رودخـــانه پرخروش شاهرود در دل کوههای بلند منطقه قرار گرفته است ساختمان این امامزاده نوساز بوده و بـا الگوگیری از معماری اسلامی بصورت چهار ضلعی با پنجره های مشبک ساخته شده است باغهــای بسیار با مصفایی اطــراف این امامزاده را فرا گرفته که از وسط آن رودخـانه بسیــار زیبا و پرآبی عبور می کند همچنین جاده مابیـن شهــر و امامزاده از میان باغهــای کلور گذشته و درختـان گردو و توت مانند چتری دو طرف جاده را فرا گرفته که منظره بی بدیلی را بوجود آورده و چشم هر بیننده ای را نــوازش می دهد در محوطه امامزاده نیز سکوهایی برای نشستن خـانواده ها و وسایــل بازی برای کودکان مهیا گردیده است همه ساله در اولین روز ماه رجب جشن رغایب در محوطه این امامزاده با حضور اهالی و سایر میهمانان و بازدیدکنندگان با شور و حیجان فراوان برگزار می شود .

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=96586

vista.ir
Online Classified Service

امروز جذب ایرانیان خارج از کشور یک ضرورت است

گروهی از نمایندگان مجلس هفتم درصدد تشکیل فراکسیون ایرانیان مهاجر هستند. در حال حاضر بیش از ۳ میلیون نفر ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند که به دلیل نبود زمینه‌های لازم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور را ترک کرده‌اند. اغلب ایرانیان مقیم خارج از قشر تحصیلکرده هستند و بعضی از آنان نیز در زمینه‌های اقتصادی و هنری فعالیت می‌کنند. در هر حال اکثر ایرانیان مهاجر از نخبگان هستند. طبق آخرین آمار وضعیت و پراکندگی ایرانیان مقیم خارج از کشور به شرح زیر است:

۱. سالیانه بیش از ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تحصیلکرده از ایران خارج می‌شوند که

اگر بعد از تحصیلات متوسطه دبیرستان بطور متوسط هر یک از آنان ۵ سال در دانشگاه‌های داخل تحصیل کرده باشند و هر سال نیز بطور متوسط ۳ میلیون تومان هزینه تحصیل هر یک باشد یعنی سالیانه حدود ۵/۲ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج می‌شود. جالب اینکه جای این نخبگان را در داخل کشور افراد غیرمتخصص و کم‌هوش پر می‌کنند و بویژه در مراکز دولتی این مدیران ضعیف و ناتوان باعث اتلاف منابع و بیت‌المال شده و نخبگان جدیدی را فراری می‌دهند و باعث نارضایتی مردم می‌شوند. چنانچه عملا می‌بینیم شعار دولت در زمینه تحول اداری و تکریم مردم به دلیل ناتوانی مدیران محقق نشد. اصولا اغلب مدیران دولتی نگاه علمی به مقوله مدیریت ندارند بلکه با توجه به روابط حزبی یا فامیلی منصوب می‌شوند و از دانش مدیریتی محروم هستند.

۲. سرمایه‌های مستقیم ایرانیان مقیم خارج حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار است که این رقم معادل ۲۵ سال صدور کالاهای نفتی و غیرنفتی ایران است و اگر این سرمایه‌ها به کشور برگردند برای ۴۵۰ میلیون نفر یعنی بیش از ۶ برابر جمعیت فعلی ایران شغل ایجاد می‌کنند.

۳. آمار مهاجران دانشگاهی به ترتیب زیر است:

استاد کامل ۴۲ درصد، استادیار ۳۲ درصد، دانشیار ۱۳ درصد.

۴. اغلب جوانان ایرانی که در المپیادهای جهانی درخشیدند و با تلاش مسئولان کشور بویژه معلمان سختکوش جوایز بین‌المللی دریافت کردند کشور را ترک کرده‌اند. در واقع مدیران مدارس و معلمان جان بر کف با حداقل امکانات برای کشورهای بیگانه نخبه پرورش می‌دهند در حالی که بیش از ۸۰ درصد معلمان ما زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

۵. بیش از ۳۰ شبکه تلویزیونی ماهواره‌یی فارسی زبان از خارج کشور برنامه پخش می‌کنند در حالی که اغلب برنامه‌های آنان در داخل کشور تولید می‌شود که به دلیل انحصار رسانه‌یی زمینه پخش آنها در داخل وجود ندارد. ضریب اشتغالزایی صنعت رسانه‌یی ایرانیان برای شهرهای لس‌آنجلس و دوبی بسیار بالا است در حالی که سالیانه بیش از ۶۰۰ هزار نفر توریست ایرانی به شهرهای دوبی و ترکیه سفر می‌کنند.

با این اوصاف ورود نمایندگان محترم مجلس هفتم به حوزه ایرانیان مقیم خارج از کشور اگر چه دیر هنگام است ولی قابل تقدیر و تشکر هست برای اینکه چشم‌پوشی از هموطنان در اقصی نقاط جهان باعث خروج بیشتر سرمایه‌ها و تهاجم گسترده فرهنگی می‌شود. علاوه بر آن ایرانیان مقیم خارج نفوذ زیادی در مراکز علمی، سیاسی و اقتصادی کشورهای میزبان دارند و در شرایط بحران می‌توانند به دولت ایران کمک کنند. مثلا در سال گذشته وقتی که نام خلیج‌فارس توسط نشریه امریکایی تحریف شد ایرانیان مقیم خارج از کشور به آن واکنش نشان دادند و اعتراض کردند که اعتراضات آنان نیز موثر واقع شد ولی دولت ایران هیچ کمکی به ایرانیان مهاجر نکرد در نتیجه در بحث انرژی هسته‌یی آنان واکنش خاصی نشان ندادند و به یاری دولت ایران نشتافتند. از این رو برای جلب نظر ایرانیان مقیم خارج و استفاده از حمایت مادی و معنوی آنان شایسته است اقدامات ذیل توسط مجلس و دولت ایران به عمل آید:

۱. نگاه مدیران دولتی به ایرانیان مقیم خارج تغییر کند و مدیران دولتی آنان را به عنوان سرمایه‌های ملی و شهروندان درجه یک تلقی کنند. برخی مسوولان ایرانیان مهاجر را عوامل بیگانه و ضدفرهنگی قلمداد می‌کنند.

۲. قانون انتخابات اصلاح شود.

۳. ترتیبی اتخاذ شود تا ایرانیان مقیم خارج تابستان هر سال با حمایت مالی و تدارکاتی دولت به کشور سفر کنند تا پیوندهای آنان با ملت ایران قطع نشود. علاوه بر آن از دانش و تجربیات آنها نیز استفاده شود.

۴. در برخی مناطق کشور مثل جزیره کیش، شهر اصفهان، سرعین اردبیل، بندر انزلی و... مناطق ویژه توریستی ایجاد شود تا ایرانیان مهاجر بتوانند در قالب توریسم به ایران سفر کنند. مقررات دست و پا گیر و دخالت مراکز دولتی مهمترین مانع ورود توریست‌ها به ایران است.

۵. مجلس شورای اسلامی قانون عفو عمومی ایرانیان مقیم خارج از کشور را تصویب کند. به موجب آن کلیه ایرانیان مقیم خارج از کشور آزادانه بتوانند به کشور سفر کرده و در صورت داشتن فعالیت سیاسی یا اقتصادی تحت حمایت دولت قرار گیرند. کلیه فعالان سیاسی بتوانند در احزاب سیاسی به صورت مسالمت‌آمیز فعالیت کرده و تریبونی برای ارتباط با مردم در اختیار آنان قرار گیرد.

دکتر عباس حاتمی

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=218272

vista.ir
Online Classified Service

امواجی که ایرانیان را به دوبی برد

پیش از آنکه با وقوع انقلاب در ایران و دگرگونی سریع و همه جانبه زندگی در این کشور، موجی از مهاجرت ایرانیان به خارج آغاز شود، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس زیستگاه جمعیت کثیری از ایرانیان مهاجر بودند.

درباره پیشینه حضور ایرانیان در ساحل جنوبی خلیج فارس روایتهای تاریخی گوناگونی وجود دارد اما در دوره های اخیر تاریخی، تجمع ایرانیان در این کشور به قرن نوزدهم میلادی باز می گردد.

سرزمینهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که خود بخشی از تاریخشان را به عنوان پاره ای از خاک ایران سپری کرده اند عمدتاً پس از کشف نفت در اواخر قرن نوزدهم میلادی و نیاز گسترده به نیروی کار، به دلیل جمعیت اندکشان کمبودی را که در نیروی کار داشتند از پرجمعیت ترین کشوری که در نزدیکی شان قرار داشت، یعنی ایران تأمین کردند.

اما در میان امیرنشینهای عربی که زیستگاه ایرانیان مهاجر شدند، دوبی حکایت دیگری دارد و ایرانیان نه برای پر کردن خلأ نیروی کار در صنعت نفت بلکه به عنوان بازرگان و سرمایه گذار راهی این بندر عربی شدند.

شمار ایرانیان ساکن دوبی بین دویست تا سیصد هزار نفر تخمین زده می شود و ایرانیان پس از مهاجران شبه قاره هند، عمده ترین جمعیت مهاجر در دوبی را تشکیل می دهند.

این امیرنشین که به گفته مورخان از تاریخ پیدایش آن حتی دویست سال هم نمی گذرد، بخش عمده ای از همین تاریخ کوتاه را با ایرانیانی شریک است که سوار بر موجهای خلیج فارس از آن سوی آب آمدند.

درباره این موجها، محمد مسینایی که از ایرانیان پرسابقه دوبی است و سالها به مطالعه هموطنان خود در این شهر نشسته است می گوید نخستین موج مهاجرت ایرانیان به دوبی در زمان فرمانروایی ناصرالدین شاه قاجار بر ایران در قرن نوزدهم میلادی پس از آن به راه افتاد که برای نخستین بار بر کالاهایی که از شبه قاره هند به بندرعباس وارد می شد و از این بندر به دیگر بنادر حاشیه خلیج فارس انتقال می یافت عوارض گمرکی وضع گردید.

بازرگانان بندرعباس و مناطق اطراف آن که پرداخت عوارض گمرکی را مقرون به صرفه نمی دیدند به دنبال بارانداز دیگری برای کالاهای خود گشتند و خور دوبی را در آن سوی خلیج فارس برای خود مناسب دیدند.

بسیاری از ایرانیانی که پس از انقلاب به دوبی مهاجرت کردند به این شهر به چشم ایستگاهی برای یافتن راه مهاجرت به غرب نگریستند و بیشترشان تاکنون موفق شده اند به کشورهای غربی بکوچند

- محمد مسینایی

خور دوبی خلیج کوچکی است که از میان شهر دوبی می گذرد و باراندازی طبیعی برای این بندر فراهم آورده است.

دوبی در آن زمان امیرنشینی تحت الحمایه بریتانیا و فاقد مقررات گمرکی و مالیاتی بود.

آن گونه که مورخان می گویند، حکام دوبی در دورانی که نخستین مهاجران ایرانی را جذب این شهر کردند، امکانات و امتیازات ویژه ای برایشان

فراهم آوردند که نمونه آن را می توان در محله بستکیه دوبی دید، محله ای که حکام دوبی مخصوص بازرگانان و صیادان مروارید از شهر کوچک بستک در استان هرمزگان در جنوب ایران ساختند.

موج دوم مهاجرت ایرانیان به دوبی، آن گونه که محمد مسینایی می گوید با واقعه کشف حجاب در زمان حکومت رضا شاه پهلوی در ایران آغاز شد. در هفدهم دی ۱۳۱۴ (هفتم ژانویه) ۱۹۳۶، دولت ایران استفاده از حجاب سنتی را برای زنان ممنوع اعلام کرد و این امر باعث شد شماری از مردم حاشیه خلیج فارس که میزان تعصبات مذهبی در آنها بالا بود به آن سوی خلیج فارس و از جمله دوبی بکوچند تا بتوانند به دلخواه خود احکام مذهبی را به جا آورند.

به روایت محمد مسینایی، موج بعدی مهاجرت را وقوع انقلاب در سال ۱۹۷۹ در ایران به راه انداخت، انقلابی که در واقع جمع کثیری از ایرانیان را به دلائل مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره روانه خارج کرد.

این طیف از مهاجران از جهات مختلف با مهاجران پیشین ایرانی متفاوت بودند و از جمله تفاوتهایی که محمد مسینایی به آنها اشاره می کند، این است که بسیاری از این دسته از مهاجران به دوبی به چشم ایستگاهی برای یافتن راه مهاجرت به غرب نگریستند و بیشتر آنان تاکنون موفق شده اند به کشورهای غربی بکوچند.

امواج مهاجرت ایرانیان به دوبی همچنان ادامه یافت و عمدتاً در سالهای پس از پایان جنگ ایران و عراق، آن گونه که محمد مسینایی می گوید، گروه تازه ای از مهاجران ایرانی وارد دوبی شدند که او از آنان با عنوان تکنوکراتها یاد می کنند، یعنی مهاجرانی که برای پرکردن بازار کار و در جستجوی فرصتهای شغلی به دوبی کوچیدند.

تازه ترین موج مهاجرت ایرانیان به دوبی، آن گونه که محمد مسینایی می گوید، طی چند سال اخیر به راه افتاده و هنوز ادامه دارد.

این گروه از مهاجران، به گفته آقای مسینایی، بر اثر تبلیغات وسیع و امکاناتی که برای سرمایه گذاری در دوبی به راه افتاده جذب این امیرنشین شده و برخی به صورت دائم و بعضی به شکل موقت دوبی را برای زندگی برگزیده اند.

آن گونه که محمد مسینایی می گوید، بخش عمده فعالیت این دسته از مهاجران ایرانی، سرمایه گذاری در ساخت و ساز و املاک است.

http://vista.ir/?view=article&id=288736

vista.ir
Online Classified Service

اول ویزا بعد بلیت

تا پیش از آن که کامپیوتر به خانه ها راه پیدا کند، برای انجام بسیاری از کارها از جمله گرفتن ویزا مردم باید زمان زیادی را درصف های طولانی پشت در سفارتخانه های فعال در تهران سپری می کردند اما امروزه کامپیوتر و دنیای اینترنتی بسیاری از کارها را آسان کرده است به طوری که حتی سفارت انگلیس در تهران نیز اقدام به ارایه فرم ویزا از طریق اینترنت کرده است. البته این اتفاق علاوه بر این که موجب صرفه جویی در وقت شده است دست دلالان و فروشندگان فرم ویزا در خارج از سفارتخانه ها را نیز کوتاه کرده است.

در سایت یک سفارت در تهران درخصوص مراحل و مدارک مورد نیاز برای اخذ ویزا آمده است:

- به چه دلیل باید مدارکی را همراه با تقاضای خود ارایه دهم؟

طبق مقررات جهانی، این وظیفه شماست که افسر ویزا را متقاعد کنید که شرایط لازم برای دریافت ویزا را دارید. هدف ما این است که تقاضای شما را بدون مصاحبه بررسی کنیم، بنابراین اطمینان حاصل کنید که هنگام ارایه درخواست ویزا مدارک لازم را تا حد امکان ارایه داده اید. چنانچه مدارک لازم را ارایه ندهید ممکن است درخواست تان بدون مصاحبه رد شود. تا حد امکان مدارکی را ارایه دهید که قابل بررسی توسط شخص دیگری باشد. برای مثال بررسی این که خط تلفن همراه واقعا به شخص مورد نظر تعلق دارد ممکن است مشکل باشد، در حالی که انجام همین بررسی در مورد تلفن ثابت آسان تر است.

متوجه هستیم که ممکن است در تمام موارد قادر نباشید چنین مدارکی را ارایه دهید، اما در نظر داشته باشید که در صورت ارایه آن ها کنسولگری را در امر تصمیم گیری یاری می کنید.

● چه نوع مدارکی را باید ارایه دهم؟

شرایط هر شخص متفاوت است به همین دلیل است که فهرست ثابتی از مدارک مورد نیاز را اعلام نمی کنیم. به صورت کلی می گوییم که چه نوع مدارکی برای افسر ویزا مورد نیاز است تا متقاعد شود شرایط خاصی از مقررات مهاجرتی را دارا هستید.

به اختیار خودتان می توانید همین مدارک یا مدارک متفاوتی را ارایه دهید. باید اطلاعات موجود در زمینه تقاضای ویزای موردنظر را مطالعه کنید. لطفا اطمینان حاصل کنید تمامی مدارک و نامه های لازم را همراه با تقاضای خود ارایه می دهید و از ارسال، فکس کردن و ارایه مدارک به صورت مجزا خودداری کنید.

● آیا کپی مدارک قبول است؟

در صورت امکان اصل مدارک را ارایه دهید. بررسی اصل مدارک آسان تر از کپی آن هاست اما می دانیم که به دلیل ارزش برخی مدارک، ممکن است تمایلی برای ارایه آ ن ها نداشته باشید. در چنین شرایطی یک کپی با کیفیت مناسب از مدرک ارایه دهید. اصل مدارک را می توان برای اطمینان از این که تغییری در آن صورت نگرفته است بررسی کرد. همچنین در صورت امکان مدارک خود را پرس یا جلد پلاستیکی نکنید.

● آیا مدارک غیر زبان انگلیسی مورد قبول هستند؟

خیر. افسر ویزایی که در مورد درخواست ویزا تصمیم گیری می کند، مدارکی که به زبان انگلیسی ترجمه نشده باشند را مورد بررسی قرار نخواهد داد.

● آیا مدرکی هست که ارایه آن ضرورتی نداشته باشد؟

لطفا کارت اعتباری و یا اصل بلیت هواپیما را ارایه نکنید.

● چنانچه مدارک توصیه شده را ارایه نکنم چه اتفاقی خواهد افتاد؟

در صورتی که مدارک توصیه شده را ارایه نکنید، افسر ویزا قادر نخواهد بود صلاحیت تان برای دریافت ویزا را مورد بررسی قرار دهد و در نتیجه ممکن است درخواست تان رد شود.

● برای تقاضای روادید فرزندم چه باید بکنم؟

چنانچه فرزند شما کمتر از ۱۸ سال دارد، نه تنها باید شرایط مقررات مهاجرت را دارا باشد، بلکه باید ثابت شودکه ایشان والدین و یا قیمی جهت مراقبت از خود دارد. همچنین هماهنگی مناسب جهت سفر ایشان به کشورما از نظر سفر، اقامت و مراقبت از ایشان باید انجام شود. از تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۶، نام فرد بزرگسالی که همراه کودکان سفر می کند در روادید آن ها ثبت می شود و کودکان باید همراه آن فرد بزرگسال سفر کنند. چنانچه برنامه های سفر تغییر کند، باید متناسب با آن سفر تقاضای ویزای جدیدی ارایه شود.

● چگونه می توانم تقاضای خود را ارایه دهم؟

سفارت ما در تهران از این پس تنها درخواست متقاضیان ویزا را به صورت آنلاین دریافت می کند. باید فرم درخواست ویزا را در... تکمیل کرده و یک نسخه چاپ شده از آن را به همراه دیگر مدارک هنگام مراجعه به سفارت تحویل افسر ویزا دهید. لطفا توجه داشته باشید که هنگام ارایه تقاضا، باید در ایران باشید. در مدت زمان مناسب تقاضا را بررسی می کنیم و به خاطر داشته باشید که در مواقع شلوغ سال، بررسی تقاضا و تصمیم گیری ممکن است بیش تر به طول بینجامد. توصیه این است که پیش از صدور روادید خود اقدام به تهیه بلیت نکنید.

● برای تقاضای ویزای غیر اقامت چه مدارکی باید ارایه دهم؟

گذرنامه ای که حداقل شش ماه اعتبار داشته باشد. ویزای شما یک صفحه کامل را خواهد گرفت، بنابراین گذرنامه شما باید یک برگه کامل (پشت و رو) خالی داشته باشد که روی آن هیچ ویزا، مهر و یا برچسبی زده نشده باشد.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=315344

vista.ir
Online Classified Service

اولین چادر، اولین مسافر!

تابستان آمده است اما مطمئن باشید از روی نشانه های معمولی نمی توانید رسیدن فصل گرم به گیلان را حس کنید.

علم شدن کولرها و ایرکاندیشن ها، به چشم خوردن عینك های آفتابی، وزش بادهای گرم و پرغباری که هیچ وقت آرامش قبل از طوفان را نوید نمی دهند، تابش آفتاب داغ و سوزانی که عرق روزهای مرطوبش، عینك را روی بینی ات لیز می دهد و خلاصه کلافه شدن ناشی از ماندن در ترافیك یك روز پر حرارت با آسفالتی که برق می زند، هیچ کدام نشانه های رسیدن تابستان به دیاری نیستند که سابقاً استان چهار فصل نام داشت و حالا دیگر ... !

این نشانه ها را در همه فصلهای این استان می توانید بیابید. هر سال هکتار هکتار از ریه های اکسیژن ساز گیلان کم می شود و دیگر صدای چك چك قطرات آب داخل سطلهای زیر کولر مغازه ها را حتی در پاییز و زمستان هم می توانید بشنوید.

گیلان دیگر گیلان سابق نیست که بهشت گردشگران بود و حالا دیگر برای خودش یك پا بندر عباس است، با این حال فرصت خوبی برای فرار کردن از دود و دم پایتخت و پناه بردن به یك پارکینگ کوچکتر است!

با وجود همه اینها، اگر می خواهید بدون هیچ تقویم و ساعتی اعم از خیامی و آفتابی و میلادی، دریابید که تابستان چه زمانی رختش را در گیلان پهن می کند، باید کنار یکی از خیابانها یا چهارراه های اصلی شهر یا حوالی یك پارك و بوستان مرکز رشت بایستید و منتظر بمانید تا اولین چادر سفری، به پا شود. حالا با خیال آسوده تقویم یا ساعتتان را نگاه کنید. درست به هدف زدید. تابستان از همین لحظه شروع شده است.

دقیقاً نمی دانم گیلان چند هتل دارد. استانی که ۵/۲ میلیون نفر جمعیت دارد و متراکم ترین نقطه ایران به لحاظ جمعیتی است با شهرهایی که شاید مساحت هر کدامشان اندازه کل محوطه یك ساختمان بلند تهران هم نشوند، اما هتلهای چند شهر اصلی گیلان شاید هر ساله با رسیدن تعطیلات نوروزی و فصل تابستان، از خلوت ترین نقاط کشور باشند.

در عین حال، کافی است یك خودرو کولردار اختیار کنید تا از رطوبت باور نکردنی سالهای اخیر هوای گیلان گزندی نبینید و بدانید که دیگر گیلان آن استان سرسبز و پر درختی نیست که کتاب درسی سال اول ابتدایی تان هم حسرتش را می خورد، و بزنید به دل خیابانها و میادین اصلی شهر.

هیچ می توانید باور کنید که شهر در حالت فوق العاده بعد از اعلام خطر وقوع زلزله یا حمله هوایی جنگنده ها قرار ندارد؟ هیچ می توانید باور کنید که رشت یعنی پایتخت فرهنگی و سیاسی سالهای عصر مشروطه، یك شهر ویرانه و زلزله زده نیست که بازماندگان یك بلای طبیعی فجیع برای در امان ماندن از پس لرزه های احتمالی اش، به کوچه و خیابانها ریخته اند؟

اما می توانم به شما تضمین بدهم با صدها هزار خودروی شخصی متوقف شده در میدانها، خیابانها و حتی کوچه های شهر و هزاران هزار چادری که در آنها میلیونها مسافر با لهجه ها، زبانها و رنگهای مختلف اتراق می کنند، بساط چای و قلیان و کوفته تبریزی به پا می دارند و خلاصه صاحبخانه می شوند، رشت همچنان یك شهر آرام و بی سر و صداست که شاید در آن فقط هر از گاهی صدای آژیر یك بنز گشت ارشاد شنیده

شود و بعد صدای همهمه جوانهای همیشه تجمع کرده علم الهدی و خیابان شیك و بعد دوباره سکوت و دوباره سیر تکراری مسافرانی که کنار خیابانها می خوابند.

چه در ایام نوروز و چه در روزهای تابستان، جمعیت گیلان به طور متوسط ۳ برابر می شود یعنی اگر مبنا را ورود ۳ میلیون مسافر نوروزی سال ۸۶ به استان بدانیم و جمع این تقریباً ۶ میلیون نفر را بر ۱۴ هزار کیلومتر مربع مساحت استان تقسیم کنیم، نتیجه می گیریم که هر یك کیلومتر مربع را ۴۲۸ نفر به صورت کاملاً محترمانه اشغال کرده اند و باز با یك تقسیم ساده دیگر در می یابیم که به هر نفر، تقریباً ۲۳۰۰ متر مربع فضای زندگی می رسد.

قاعدتاً از آنجا که شاید یك درصد مسافران نوروزی یا تابستانی گیلان هم افتخار نمی دهند به هتلهای سطح شهر بروند، در نتیجه در روزهایی که گیلان خودش به یك هتل یا مهمانپذیر بزرگ و طبیعی تبدیل می شود، تراکم جمعیتی نسبت به روزهای عادی در استان ۳ برابر می شود و کافی است فقط درصد کمی از آنهایی که گیلان را ندیده اند، همزمان با مسافران استان اراده کنند و به این استان بروند، آنگاه یك فاجعه انفجار جمعیتی رخ می دهد و دیگر نیروی انتظامی، بیمارستانها و سازمانهای خدمات شهری استانهای مجاور هم نمی توانند به داد مردم برسند! دقیقاً نمی دانم چرا گیلان همه مسافرانش را وسوسه می کند که به جای سودآوری و کمك به اقتصاد استان، با هر سفر خود، یادگاری دیگری بر درخت قدیمی اما ضعیف و بیجان گردشگری گیلان حك کنند و آن را فرسوده تر سازند.

در این میان ما خودمان هم خیلی پر تلاش و فعال ظاهر می شویم و آن طور که علی علی آبادی عبداللهی استاندار گفته، نزدیك به هفت کمپینگ با ظرفیت برپایی ۷۰۰ چادر در هر کدام از آنها و مجموع نسبی ۵ هزار چادر در نوروز امسال برپا شد و این میزان چادرها، افزون بر تعداد چادرهایی بود که مسافران، خودشان همراه می آوردند و در نقاط غیر قانونی، مسکونی، تجاری و حتی نظامی شهر برپا می کردند و لذت «سفر به شمال» را با خود یدك می کشیدند.

به گفته استاندار، در گیلان ۲۲ هتل و مهمانپذیر ممتاز داریم که امسال ۶۰۰ تخت و ۴ هزار صندلی جدید هم با احداث هتلهای جدید به ظرفیت آنها اضافه شده است.

البته از هتلهایی که غیر فعالند، تعطیل شده اند، در بحران برف سه سال گذشته فرو ریختند یا آسیب دیدند و هیچ گاه نیز به حالت اولیه برنگشتند صرف نظر می کنیم. با این حال گمان می کنم آنقدر جای تمیز و قابل اسکان و ۴ ستاره به بالا هست که مجبور نباشیم چادرهای بر پا شده مسافران گیلان را هر سال وسط میادین، در فضای سبز حاشیه بلوارها، وسط بوستانها، کنار استخرها و عوارض طبیعی، کنار در ورودی ادارات و پایانه ها و جاهایی ببینیم که بعدش مجبور شویم صدای سوت زدن مغزمان را هم تحمل کنیم.

هیچ کسی منکر نیست که گیلان همیشه باید زیر سایه پیشرفتهای استانهای مجاور، تنها با حسرت خبر احداث اولین هتل هفت ستاره خاورمیانه در رامسر را بشنود یا از دو برابر شدن اعتبارات عمرانی اردبیل خبر بگیرد و خود در غم محرومیت و مهجوریت، بسوزد و با سیلی رنگ و لعاب درختانی که آنها هم کم کم دارند از پهنه سبز دیار مردم گیل و دیلم رفت بر می بندند، صورت محرومیتش را سرخ نگاه دارد، اما بگذارید یك سؤال اساسی مطرح کنم.

آیا مسافران و هموطنانی که به امید سفر به «شمال» و بدون اینکه هیچ گاه مقصد نهایی خود را بدانند، از سر اتفاق به گیلان می رسند، حاضر می شوند هنگام سفر به شهرهای جنوبی و همیشه سوزان ایران، به بنادری مثل کیش و قشم و بندرعباس نیز در کنار دریا چادر طبیعی برپا کنند و با لیوانهای چای و کلوچه، در دمای بالای ۵۰ درجه سانتی گراد، پذیرای خود و اهالی خانواده شان باشند؟

آیا هوای معتدل و قابل قبول گیلان که کم کم دارد یکی پس از دیگری منابع طبیعی استراتژیك خود را از دست می دهد، می تواند توجیهی برای این اشتباه ما باشد که به دلیل استفاده از اکسیژن خالص طبیعی و فضای سبز، محل رفت و آمد خودروها، پایانه ها، مناطق اداری و نظامی شهر را اشغال کنیم و کمترین زحمتی برای رزرو یك هتل ساده یا رفتن به یك مهمانپذیر قابل قبول و استاندارد به خودمان تحمیل نکنیم؟

هیچ وقت با خودمان فکر کرده ایم چرا هر ساله فقط آمار مسافرانی که به گیلان آمدند و چادر زدند، به دست رسانه ها می رسد؟ هیچ وقت به ذهنمان رسیده است که چرا هر سال فقط میزان هزینه های دولت برای مسافران در گیلان منتشر می شود و هیچ وقت کسی نمی فهمد که با سفر یك ایرانگرد به گیلان، مثلاً یك ریال عاید صنعت گردشگری استان شده یا به طور غیر مستقیم مثلا برای نصف یك انسان اشتغالزایی شده است؟

منبع : روزنامه قدس

http://vista.ir/?view=article&id=267098

vista.ir
Online Classified Service

اهتمام به آموزش و فضای مجازی در گردشگری

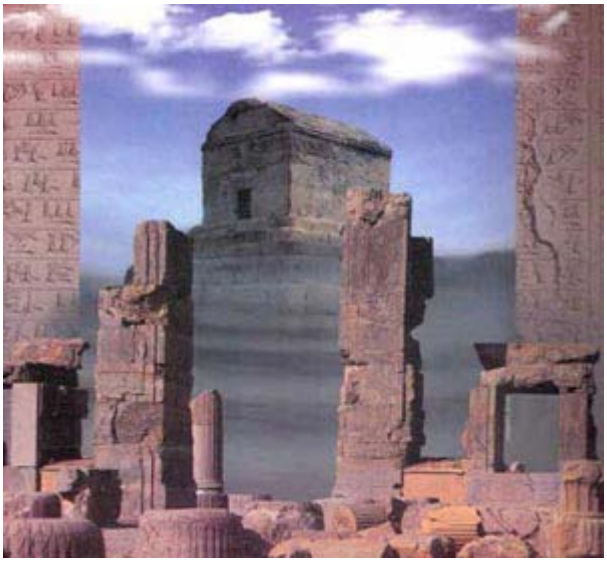

اصولا گردشگری و رویای سفر به سرزمین های مختلف در میان ساکنان کشور های پیشرفته از رواج بیشتر و اقبال بلندتری برخوردار است که به گفته بسیاری از کارشناسان و صاحبنظران، سهولت گردشگری برای مردم غرب ریشه در آموزش از مقاطع پائین در کشورهای پیشرفته دارد. علاقمندان اما دلایل گوناگونی برای سفر کردن بدین معنا دارند، تغییر و تحول در نحوه زندگی، استراحت و بازگشت به زندگی روزمره، کسب تجربه از مردم کشورهای مختلف، آشنایی با فرهنگ و سنن در جهان و... لذا رسیدن به این خواسته نیازمند راهکارها و روش های مناسب و کارآمدی است که بسیاری از مردم در سراسر جهان با آن آشنا نیستند و یا اصولا نحوه استفاده از آن فنون را نمی دانند.

هم اکنون بسیاری از مردم کشورهای مختلف علاقمند به سفر کردن اند و لذا سال های متمادی است که در مدارس آنها سفرهای داخلی و خارجی، یکی از کرسی های تدریس در مقاطع راهنمایی و متوسط دبیرستان است و حتی در برخی کشورها در مقطع پایه ابتدایی با دانش آموزان کار می شود. به گفته مسئولان آموزشی در این کشورها، هدف از این امر، آموزش جوانان به همکاری و تعاون و زندگی در شرایط غیرعادی و دور از خانواده است. تقویت حس استقلال و توانایی و از همه مهمتر استعداد آشنایی با فرهنگ ها، گونه های طبیعی و زیستی و تاریخ در کشورهای گوناگون از دیگر اهداف آموزش سفر محسوب می شود.

- تهیه زمینه های سفر

تا آنجا که دانش آموزان برای این سفرها آموزش دیده تا وسائل کمتر و سبکتری را به همراه داشته و حتی نحوه چیدمان کوله های سفری نیز به آنها آموزش داده می شود.

پیش از سفر نیز روش چادرزدن، مراقبت های پزشکی سطحی و کمک های اولیه به آنها آموزش داده شده و در این اثنا با چگونگی نقشه خوانی و تطابق آنها آشنا خواهند شد. این سفرها عمدتا به شکل گروهی و با برآورد کمترین هزینه، زمان و مکان های استقرار انجام می شود. از آنجا که اینگونه سفرها بیشتر مختص قشر جوانان است، بنابراین به خاطر اقشار سنی که توانایی اینگونه مسافرت ها را ندارند، کشورهای میزبان با درنظر گرفتن این موضوع با ساماندهی و افزایش سیستم حمل و نقل میان شهری و کشوری مبادرت ورزیده اند.

کشورهای آسیای جنوبی شرقی همچون بعضی از کشورهای اروپایی علاوه بر ارتقای سطح ناوگان حمل و نقل، خدمه این ناوگان ها را نیز آموزش داده اند تا چگونه با مسافران برخورد نمایند. تمامی خدمه مؤظفند تا اطلاعات و نیازهای معقول گردشگران را پاسخ گویند.

راهنمایان حاضر در سفرهای داخل و خارج می بایست به چند زبان زنده دنیا آشنا بوده و اطلاعات دقیق و به روزی را در اختیار گردشگران قرار دهند، ضمن آنکه در هر دوره نیز آموزش های خاص و جامعی را باید ببینند.

انتظار می رود سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با هماهنگی مراکز آموزش عالی به گماردن دوره های متناوب آموزشی و تشکیل کلاس ها و کارگاه های آموزشی مبادرت ورزیده تا از رهگذر آموزش مستمر و روزآمد شدن عرصه گردشگری و ارتقای سطح میراث فرهنگی، کشور ما نیز در

زمره متولیان صنعت سوم در هزار سوم درآید.

• اهتمام به گردشگری مجازی در ایران

۶۲۳میلیارددلار گردش مالی سالیانه توریسم در جهان است که متأسفانه سهم کشور ایران به ۰.۱ درصد هم نمی رسد.

وقتی که ابزارهای نوین در ارتباطات و اطلاع رسانی به خدمت شهروندان درمی آید، آنگاه تغییر و تحول در فنون زندگانی اجتناب ناپذیر خواهد شد. یکی از مهمترین آنها دگردیسی در گردشگری و فرم جدید جاذبه های میراث فرهنگی و در واقع تولد گردشگری مجازی است که بازدید اینترنتی از میراث فرهنگی و تاریخی یک کشور به همراه کلیه اطلاعات و آگاهی از امکانات مربوطه، از زیر مجموعه های این واقعیت است. حسن این پدیده برای ما ایرانی ها که هنوز ایران خود راندیده و نمی شناسیم لااقل در این است که با اینترنت می توان شناخت بهتر و بیشتری از کشور چهارفصل و زیبای خود، به دست آورد. گردشگری مجازی که حداکثر دو دهه از عمر آن می گذرد، حضور در سرزمین دیجیتالی وب و مشاهده داده های صورتی، متنی و تصویری از دنیای فیزیکی پیرامون ماست. یاد ژول ورن به خیر که ایکاش بود و می دید با یک کلیک می توان دور دنیا را سیاحت نمود. با استفاده از سایت های کاخ موزه ها، اماکن باستانی جهان می توان به دنیایی از اطلاعات متنی و تصویری از میراث فرهنگی و نمادهای تاریخ باستان دست یافت. این در حالی است که برخی ازپایگاههای دولتی در اینترنت امروزه سیستم های دوربین شهری خود را به سرزمین دیجیتال نیز پیوند داده اند. با این دوربین ها می توان شهرهای مختلف را به صورت زنده و الساعه مشاهده نمود وحتی از آنها عکس یادگاری گرفت. گفتنی است که شهرداری تهران، چنین سرویسی را در دسترس علاقمندان قرارداده است.

متاسفانه با وجود بیش از یک هزار سایت دولتی ایران در اینترنت و بیش از یکصد هزار سایت خصوصی فارسی در فضای وب اما هنوز مجموع عملکرد ایران در حوزه گردشگری مجازی و معرفی آثار ماندگار تاریخی- تمدنی در قلمرو میراث فرهنگی، به سمت اشتغال زایی مولد و اطلاع رسانی فراگیر هدفمند پیش نرفته است.

هنوز پس از گذشت سالها از هزاره سوم میلادی، سایت های سفارتخانه های ما در خارج از کشور وضعیت مطلوبی نداشته و سازمان های دولتی ایران در اینترنت، بستر ارتباطی دیجیتالی خوبی با مخاطبان درون و برون سازمانی خود ندارند.

رسم درآمدزایی از صنعت فناوری اطلاعات تنها مربوط به تولید نرم افزار و سخت افزار نیست بلکه همانطور که کتاب الکترونیکی (e-book) و تجارت الکترونیکی نقش مستقیمی در توسعه درآمدزایی دارند، گردشگری مجازی هم به صورت غیرمستقیم مارکتینگ بین المللی در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری است که می باید مورد توجه واقع شود.

• لوازم گردشگری اینترنتی

گردشگری اینترنتی باید در راستای اهداف یک دولت الکترونیک قوی، مورد بازبینی و بررسی قرارگیرد. با استقرار دولت الکترونیک می توان زیرساخت های لازم را جهت اطلاع رسانی و دسترسی دیجیتالی به پتانسیل های گردشگری کشور فراهم نمود.

گردشگری اینترنتی لوازماتی دارد که برای استقرار و پیاده سازی آن در کشور باید به آنها اهتمام کرد. گردشگری آن لاین مقوله نوینی در صنعت جهانگردی و میراث فرهنگی محسوب شده و لذا کنوانسیون اروپایی جرایم رایانه ای و صدها قانون اینترنتی دیگر که فضا رابرای قانونمندکردن فعالیت های وب مهیا می کند، خود عاملی مثبت و موثر در راستای استقرار فرهنگ گردشگری آن لاین در جهان وب است.

از طرفی اشتغال زایی مولدی که از جانب فناوری اطلاعاتی و ارتباطی روز می تواند در اختیار رشد GNP ایران قراربگیرد، با وجود مولفه های اثربخشE- TOURISM قابل حصول خواهدبود.

با تمام تلاش هایی که اخیرا صورت گرفته اما هنوز هموطنان و خارجیان بسیاری از نقاط دیدنی کشور را نمی شناسند و بیشترشان مشهد مقدس، شمال، اصفهان و شیراز را نقاط گردشگری ایران معرفی می کنند حال آن که گوشه گوشه ایران، دیدنی است.

منبع : روزنامه کیهان

http://vista.ir/?view=article&id=355730

vista.ir
Online Classified Service

اهرام مصر چگونه ساخته شدند

آزتک‌ها، مایاها و مصریان باستان سه تمدن متفاوت با یک ویژگی مشترک داشتند و این اشتراک چیزی نبوده است به جز اهرام.از این میان، مصریان، اهرام خود را به گونه‌ای ساخته‌اند که شکلی موقرتر و رساتر را به خود گرفته است.

بناهایی عظیم با پایه‌ای وسیع و چهار دیوار مثلثی شکل که در یک نقطه به هم می‌رسند.به گزارشی از میراث آریا در حالیکه اهرام آزتک‌ها و مایاها، بناهایی با تعدادی پلکان و سقف صاف بودند.دونالد ردفورد، کارشناس مطالعات کلاسیک و مدیترانه‌ای باستان از دانشگاه پن استیک در رابطه با شکل اهرام معتقد است که شاید این شکل متمایز و برجسته از مقبره‌های فراعنه به علت مذهب خورشید پرستی آنها باشد.مصریان باستان معتقد بودند "را("Ra) خداوند آفتاب مصریان، پدر فراعنه، پیش از به وجود آمدن دیگر خدایان خود را از تپه هرم گونه کوچکی در زمین به وجود آورد و این مورد می‌تواند باعث تقویت فرضیه‌ای شود که اهرام را اشعه‌های خورشیدی ذکر می‌کردند.

اهرام مصر تقریبا در یک دوره ۱۰۰۰ ساله و در زمان شکوفایی و عظمت فراعنه مصر بین سال‌های ۲۷۰۰ تا ۱۷۰۰ قبل از میلاد بنا شده‌اند. شاه جوذر (Djoser) اولین نوع از اهرام به وجود آورد.ایمهوتپ معمار این بنا، ساختمان را به صورت پله‌ای به همراه ۶ دیرک و به گونه‌ای مستطیلی ساخت که در آن سلاطین اولیه مصر مدفون شده‌اند.بزرگترین و معروفترین اهرام در گیزا (Giza) به چشم می‌خورد که هرم بزرگ گیزا منصوب به فرعون "خوفو" از جمله آنان است.شاید در طول قرن‌ها، نظریه‌های متفاوتی در مورد نحوه شکل گیری اهرام را ارائه شده است.

بعضی معتقدند که موجوداتی فرازمینی در ساخت آن نقش داشتند بعضی دیگر بر این باورند که این فن‌آوری بعد از گذشت سالیان به فراموشی سپرده شد. اما با این وجود، امروزه پیچیدگی زیادی در نحوه ساخت آن به چشم نمی‌خورد.اسناد و مدارک به دست آمده حاوی این مطالب است که به عنوان مثال نزدیک به ۲۰ تا ۳۰ هزار کارگر طی ۲۳ سال هرم بزرگ گیزا را به وجود آوردند. در حالی که کلیسای جامع نوتردام (Notre Dame) پاریس بعد از گذشت ۲۰۰ سال تکمیل شد.دوناله ردفورد معتقد است: فراعنه بعد از به حکومت رسیدن، تیمی از مهندسان، معماران، کارفرمایان را برای ساخت اهرام خود تشکیل می‌دادند.

اهرام را معمولا در جنب باختری رود نیل می‌ساختند تا ارواح فراعنه با غروب و طلوع خورشید هم راستا باشد.باستان‌شناسان دو علت عمده را دلیل این انتخاب می‌دانند. شرقی بودن آن نسبت به افق غربی و غروب خورشید و غرابت آن با ممفیس (Memphis) شهر مرکزی مصر باستان.دیوارهای اهرام مصر را با سنگ آهنگ درست می‌کردند تا جلوه‌ای سفید رنگ به اهرام داده و باعث مشخص بودن آنها تا فواصل چندین مایلی باشد.سنگ فوقانی اهرام را از جنس گرانیت و دیگر سنگ‌های سخت ساخته لایه‌ای از طلا یا نقره بر روی آن می‌کشیدند تا انعکاس کننده نور آفتاب باشد. نحوه استخراج سنگ‌ها، چگونگی برش و بیرون کشاندن آنها هنوز مجهول مانده است.

بعضی از یافته‌ها به وجود قلم‌های مسی اشاره دارد که برای استخراج سنگ آهک استفاده می‌شده است. اما سنگ‌هایی همچون گرانیت نیازمند ابزاری مستحکم‌تر برای استخراج بودند. دولریت (Dolerite) نوعی دیگر از سنگ سیاه آتشفشانی است که برای این کار مورد استفاده قرار می‌گرفت.طی فرایند استخراج، دولرتیها را بر روی لبه سنگ‌های گرامیتی می‌ساییدند و آنها را بیرون می‌آوردند.

نزدیک به ۷۰ کارگر سنگ‌ها را می‌کشیدند، در زیر آنها، شکافهایی به وجود می‌آوردند و پیچهای چوبی در آن فرو کرده و با آب پر می‌کردند. پیچها منبسط شده و سنگ را به دو نیم می‌کرد. سپس آنها را برای محل بر روی قایق‌های مخصوص قرار می‌دادند. اما، آیا کارگران به زور و بدون مزد دست به چنین کارهایی می‌زدند.ردفورد این تفکر و اندیشه را رد کرده است.

وی نظام برده‌داری در مصر باستان را بسیار پیچیده عنوان می‌کند.وی اذعان می کند که نظام قانونی در استخدام برده‌ها و نحوه برده‌داری در مصر بسیار پیچیده بود. روستاییانی که در ساخت اهرام شرکت داشته‌اند در ازای خوراک، پوشاک و مسکنی که در شهرک اهرام به آنها تعلق

می‌گرفت موظف به پرداخت مالیات بودند.با این وجود و با گذشت سالها و انجام مطالعات و تحقیقات بسیار، هنوز شکایتی در نحوه حمل، استخراج و بنای ساختمان‌ها وجود دارد که ناشناخته باقی مانده است.

منبع : روزنامه سیاست روز

http://vista.ir/?view=article&id=309742

vista.ir
Online Classified Service

اهمیت اهداف و آداب سفر

مسافرت به سرزمینها و مکانهای تاریخی و دیدن جلوه ها و جاذبه های طبیعی به هر منظوری پیشینه طولانی دارد . (۱) خداوند متعال سرنوشت انسان را به گونه ای رقم زد که در دامن طبیعت رشد کند و به طور کلی بدان نیازمند باشد. مظاهر طبیعی نیز بعنوان مواهب الهی در خدمت انسان قرار گرفته تا نیازهای او را برآورد و زمینه ساز بقا و حیات او باشد . در قرآن کریم افزون بر ۷۵۰ آیه به پدیده های طبیعی اشاره داشته و بیش از ده درصد آیات این کتاب به موضوع طبیعت اختصاص یافته است . بدین سان قرآن از زوایای گوناگون به طبیعت نگریسته به برخی از پدیده های طبیعی سوگند یاد کرده مظاهر طبیعی را آیات الهی شمرده و از این راه انسان را به شناسایی طبیعت و تدبر در آن فراخوانده است . (۲) سفر به جوامع دیگر و آشنایی با نقاط ضعف و قوت فرهنگهای حاکم بر دیگر جامعه ها سبب ایجاد روشن بینی و دانایی و گسترش دید و بینش در شخص می گردد به همین جهت در آموزه های اسلام سیر و سفر مورد تشویق و سفارش قرار گرفته است تا آن جا که قرآن کریم بارها مسلمانان را تشویق می کند تا به سیر و سیاحت بپردازد با فرهنگ های مختلف و برداشت های گوناگون از زندگی در اقوام و ملل دیگر آشنا شوند به فرجام شوم کژاندیشان بدکردار پی ببرند و از بهره های ناساز و کجروی های آنان عبرت بگیرند و پند بیاموزند و در برابر از نقطه قوت های زندگی آنان بهره مند شوند و دستاوردهای والا و ارزشمند در جهت تکامل فرهنگ بشری به شمار آید ارج نهاده است . به همانگونه حضور ملتها و قومیتهای دیگر با فرهنگهای متفاوت می تواند سبب حرکت و پویایی در فرهنگ جامعه میزبان باشد . (۳) در قرآن نه تنها سیاحت به سبب آثار و فایده های فراوان آن امری شروع و مباح شمرده شده بلکه ترک آن دست کم برای گروهی از انسانها مورد سرزنش و توبیخ قرار گرفته است . در یک بررسی کلی می توان آیات در پیوند با این موضوع را در سه دسته مورد مطالعه قرار داد :

۱) آیاتی که ترک سیاحت را سرزنش می کنند . البته خطاب همه یا بیشتر اینگونه آیات کافران و ستیزه گران با حق است مانند آیه « اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم و کانوا اشد منهم قوه » : آیا در زمین گردش نمی کنند تا بنگرند به چگونگی سرانجام کسانی که پیش از ایشان زندگی می کردند واز ایشان نیرومندتر بودند (آیه ۴۵ فاطر) و یا در سوره یوسف آیه ۱۰۹ روم آیه ۹ غافر آیه ۲۱ و ۸۲ و محمد (ص) آیه ۱۰ نیز آمده است . و مانند آیه « افلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها » (آیه ۴۶ حج) که سیر و سیاحت را سبب تعقل و

اندیشه و بالا رفتن سطح آگاهی و بینش انسان دانسته یعنی همان عنصری که بی تردید سنگ بنا و شالوده رشد و توسعه ی زندگی انسان در ابعاد گوناگون فرهنگی سیاسی اقتصادی و... است زیرا روشن است که یک جامعه بسته و بی خبر از دیگر ملت ها در هیچ زمینه ای رشد شایسته و بایسته ندارد و از تجربه ها و دست آوردهای علمی و فکری و اجتماعی دیگران محروم است .

۲) آیاتی که به این کار فرمان می دهند :

« قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین » آیه ۱۷۳ آل عمران . ممکن است با عنایت به عبارت « فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین » در ذیل آیه گفته شود این فرمان تنها متوجه کافران و تکذیب کنندگان حق است و از آن مطلوب بودن جهانگردی برای همه مردم حتی مسلمانان و اهل ایمان استفاده نمی شود ولی با نگاه دوباره به تعبیرهای آیه ونیز آیه ی بعد روشن می شود خطاب در این آیه نسبت به همه مردم که در زمان وحی می توانستند مخاطب این آیه باشند گسترش دارد. آیه ی بعد می گوید : « هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقین » در آیه دیگری می خوانیم : « قل سیروافی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المجرمین . آیه ۶۹ نحل »

در اینگونه آیات هدف از سیر و مسافرت را پند و عبرت گیری از گذشتگان اعلام کرد و لی در برخی آیات به هدفی فراتر از این برمی خوریم و آن اندیشه و مطالعه در عالم خلقت و آگاهی یافتن از چگونگی آفرینش و شگفتی های آن است . مانند آیه ۲۰ سوره عنکبوت که می فرماید : قل سیروافی الارض فانظروا کیف بذا الخلق .

۳) آیاتی که به سیاحت و جهانگردی شماری از انسانهای برگزیده و الهی اشاره می کند مانند آیات ۸۲ تا ۹۸ سوره کهف که به سیر و سیاحت ذوالقرنین می پردازد. داستان این شخصیت الهی که باید او را « قهرمان جهانگردی » نامید با آیه « ویسالونک عن ذی القرنین قل سائلو علیکم منه ذکرا » آغاز می شود . (۴) پاره ای دیگر از روایات به شرح و بسط جهانگردی ذوالقرنین می پردازند که از آنها به گونه تلویحی مطلوب بودن این کار دانسته می شود. از باب نمونه ضمن روایت مفصلی که اصبغ بن نباته از امیرالمومنین علیه السلام نقل می کند آمده است :

...خدا به ذوالقرنین وحی کرد و به او دستور داد : در غرب و شرق زمین به سیاحت بپردازد و خداوند به او وحی کرد سرزمین ها را به تصرف تو درآوردم و بندگان را مقهور تو ساختم .برحسب برخی دیگر از روایات امام عصر علیه السلام نیز به سیاحت و جهانگردی هدفمند الهی می پردازد و شرق و غرب زمین را در می نوردد . (۵) در روایاتی دیگر مسافرت مورد تشویق قرار گرفته و فواید معنوی و مادی آن یادآوری شده است از جمله در حدیث نبوی آمده است : « سافروا تصحوا سافروا تغتموا : مسافرت کنید تا سلامتی و عافیت یابید . مسافرت کنید تا بهره مند شوید . (۶) علامه امینی رحمه الله علیه درباره سفر و مسافرت فرموده اند : « من اگر مرجع بودم و وجوهات شرعی به دست من می رسید همه را به طلاب می دادم تا سفر کنند. می گفتم بروید و جهان و انسان را بشناسید. » حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی در این ارتباط می فرمایند : « با توسعه گردشگری علاوه بر معرفی جاذبه های طبیعی و تاریخی ذهنیت های منفی ایجاد شده در اثر تبلیغات سو از بین می رود و واقعیت های نظام اسلامی و دستاوردهای موفق انقلاب بیشتر به جهانیان معرفی می شود . (۷)

علت این امر که در قرآن و کلام معصومان مردم بارها به سیر و سیاحت تشویق شده اند اینست که پی آمدهای فردی و اجتماعی و فایده های مادی و معنوی فراوانی در سفر نهفته است که به مهمترین آنها اشاره می کنیم :

الف) عبرت گیری از ملت های گذشته ـ در آیه ۴۲ سوره دوم رسول خدا مامور می شود که به مردم دستور دهد تا در زمین گردش کنند و فرجام گذشتگان را ببینند که چگونه خانه هایشان ویران و آثارشان نابود گشته و نسلشان از میان رفته و دچار انواع گرفتاری ها و بلاها شده اند. این بدان سبب است که بیشترشان مشرک بوده اند. خداوند جزای برخی کرده هایشان را به ایشان چشانید تا شاید عبرت گیرند و در نتیجه به دامن توحید برگردند.

ب) آشنایی با زندگی پیشینیان ـ در آیه ۱۳۷ آل عمران آمده است که خداوند سنت هایی داشته که این سنت ها هرگز ویژه گروهی خاص نبوده است و به صورت سلسله قانون های الهی در باره همگان و آیندگان اجرا می شود. در این سنت ها پیروزی ها و پیشرفت های افراد با ایمان و مجاهد و یکتاپرست و شکست و نابودی های ملت های بی ایمان و گناهکار نیز پیش بینی شده که در تاریخ آمده است . خداوند با فراخوانی مردم به سیاحت و تشویق به اندیشیدن و تدبر در کردار اخبار و آثار پشتیبان بیش از پیش آنان را با عوامل شکست یا پیروزی و ناکامی و کامیابی جامعه های پیشین آشنا می کند.

ج) شناخت آفریدگار ـ در آیه ۲۰ عنکبوت خداوند حجت را بر مشرکان تمام می کند و آنان را با گردش در زمین راهنمایی می فرماید تا بفهمند که آفرینش پدیده ها با اختلاف هایی که در طبیعت ها و رنگ ها و شکل هایشان است چگونه بوده و خداوند چگونه بدون الگو و نقشه پیشین آنان را با قدرت آفریده است .

د) پرورش اندیشه ـ رسول گرامی اسلام (ص) به زیبایی این رهاورد مهم سفر را باز گفته است : « سفر کنید. همانا اگر مالی در سفر به چنگ نیاورید به حتم اندیشه شما فزونی خواهد یافت . »

بی گمان سفر به کشورها و سرزمین های گوناگون به ویژه کشورهای با تمدن انسان را با رهاوردهای تمدن بشری آشنا می سازد و امتیاز تمدن های بشری را به مردم نشان می دهد و افق هایی ژرف و گسترده فراروی انسان می گشاید.

هـ ـ برخورداری از تفریح سالم ـ در این زمینه علی علیه السلام می فرمایند : خردمند از شهری به شهری (و از کشوری به کشور دیگر) نمی رود مگر برای یکی از این سه چیز کسب حلال برای گذراندن زندگی گام نهادن در راه آخرت و برخورداری از لذت حلال . در این بیان امام علی (ع) برخورداری از لذت های حلال را در گرو گردش دانسته و آن را بخشی از زندگی مسلمانان شمرده است .

وـ دیدار خویشان (صله رحم)ـ رسول گرامی اسلام (ص) می فرمایند : همه افراد امتم به حاضر و غایب شان حتی آنان که در رحم مادر و پشت پدرانشان هستند سفارش می کنم که به خویشان خود بپیوندد هر چند یک سال راه پیش رو داشته باشند.

دیدار خویشاوندان نزدیکان و دوستان یکی از هدفهای والای گردشگری اسلامی است که از آن به « صله رحم » تعبیر می شود و امروز گونه ای از جهان گردی اجتماعی به شمار می آید. دیدار خویشان از مبارک ترین رویدادهایی است که در زندگی هر انسانی روی می دهد. راهی شدن برای صله رحم شادابی روح تقویت اراده دل گرمی و پشتکار و پاداش و ثواب بی شمار دارد و ترک آن به صلاح دین و دنیای هیچ مسلمانی نیست . امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید :

« صله رحم خلق را نیکو دست را با سخاوت و نفس را پاکیزه می گرداند روزی را افزون می کند و مرگ را به تاخیر می اندازد. »

زـ زیارت ـ یکی دیگر از هدفهای سفر در اسلام زیارت مشاهد و عتبات عالیات است که توشه اندوزی برای آخرت هر مسلمانی است . در اسلام درباره زیارت امامان بسیار تاکید شده است . امام رضا علیه السلام درباره زیارت مشاهد مقدس امامان معصوم علیه السلام می فرمایند :

« هر امامی بر گردن دوستان و پیروان خود عهد و پیمانی دارد. این عهد و پیمان هرگز بریده نمی شود. این عهد آن گاه به کمال خود می رسد که آرامگاه امام خود را زیارت کند پس هر کس که امام خود را با رغبت زیارت کند و آن چه را که آنان به آن فراخوانده اند تصدیق کند آنان او را در قیامت در پیشگاه خداوند شفاعت خواهند کرد. »

براین اساس زیارت از موثرترین سفرهای عبادی در اسلام است . هر مسلمانی توفیق زیارت امامان علیهم السلام را آرزو می کند تا خود را از سرچشمه جوشان معنویت آن بزرگواران سیراب سازد . (۸)

براساس آمارها میل به سفر در دل ایرانیان حتی ۷ برابر کشورهای پیشرفته و توسعه یافته جهان می باشد . این وضعیت ریشه در فرهنگ کشور ما هم دارد که در کنار آن طبیعت و جاذبه های سفر در سرزمین چهار فصل ایران زمین آنقدر فراوان است که میل به مسافرت را در دل مردمان خود هفت برابر سایر اقوام و ملتها زنده ساخته است . در کنار ضعف های عمده و ناهماهنگی های ابزار مسافرت در کشورمان بسیاری از مسافران خود نیز از فرهنگ و آداب مسافرت کمتر استفاده می برند که البته این وضعیت به دلیل تعریف نشدن اصل « سفر » و عدم رواج « فرهنگ مسافرت » پدیدار شده است . در چنین حالتی آنچه که بیش از هر چیز باید در هدف کار رسانه ها (مراکز آموزشی و تربیتی) باشد بهبود و ارتقا فرهنگ صحیح « مسافرت » و آموزش عمومی « آداب سفر » است در این میان نقش رسانه ملی و آموزش و پرورش باید پر رنگ تر از دیگر مراکز باشد . (۹) تهیه برنامه های متنوع و سودمند درباره اهمیت اهداف و آداب سفر و همچنین گنجاندن این موضوع در کتابهای درسی باید در دستور کار این مراکز قرار گیرد. مقاله ی خود را با ذکر برخی از آداب پیامبر عظیم الشان اسلام در سفر به پایان می برم . از جمله آداب آن حضرت در سفر این بود که : آن جناب بیشتر در روز پنج شنبه به مسافرت می رفتند و هر وقت به مسافرت می رفت پنج چیز با خود برمی داشت :

۱) آئینه

۲) سرمه دان

۳) شانه

۴)مسواک

۵)مقراض

همچنین در روایات آمده است که رسول خدا(ص) وقتی راه می رفت طوری با نشاط می رفت که بنظر می رسید خسته و کسل نیست . هر وقت از بلندیها سرازیر می شد می گفت : « لااله الاالله » و هر وقت بر بلندیها بالا می رفت می گفت : « الله اکبر » و از هیچ منزلی کوچ نمی کرد مگر اینکه در آن منزل دو رکعت نماز می خواند و می فرمود : اینکار را برای این می کنم که این منازل به نمازی که در آنها خوانده ام شهادت دهند.

ایشان هر وقت با مومنین خداحافظی می فرمود می گفت : خداوند تقوا را زاد و توشه شما قرار دهد و به هر خیری مواجهتان سازد و هر حاجتی را از شما برآورده کند و دین و دنیای شما را سالم و ایمن سازد و شما را با غنیمت فراوان برگرداند . (۱۰)

منبع : روزنامه جمهوری اسلامی

http://vista.ir/?view=article&id=368743

vista.ir
Online Classified Service

ایران پاتوق اتباع همسایه

دور افتادن از سرزمین آبا و اجدادی هیچ وقت نمی تواند نهایت آمال و آرزوی مردمانی باشد که زندگی در غربت را به جان خریده اند ولی برای بازگشت به خانه لحظه شماری می کنند.پناه بردن به سرزمین دیگری برای فرار از تهدیدها، هرچند می تواند چند صباحی او را از مواجهه با خطرات مصون دارد، اما قطعا تحمل سختی های زندگی در غربت نیز نمی تواند برای او یک خواسته و آرزو باشد.

عجین شدن با فرهنگ سرزمین بیگانه و زندگی در کنار مردمانی که غریبه اند، همه و همه از پیامدهای مهاجرت اجباری است که یک "پناهنده" آن را به جان می خرد تا شاید بتواند آرامش موقت برای خود و اطرافیانش فراهم کند اما قطعا او از این وضعیت راضی نخواهد بود، هرچند که میزبان هم از او پذیرایی خوبی به عمل آورد...اصولا پناهنده به شخصی اطلاق می شود که به علت ترس از اینکه تحت تعقیب و آزار و اذیت قرار می گیرد، ناچار می شود زندگی در خارج از کشورش را انتخاب کند.

البته پناهندگی، قوانین خاص خودش را دارد که افراد پناهنده می بایست آنها را مورد توجه قرار داده و مد نظر داشته باشند.

ایران به عنوان دومین کشور پذیرای بیشترین تعداد پناهندگان در دنیا، از جایگاه خاصی در نزد جامعه بین الملل برخوردار است. به طوری که بیشترین میزان رضایت از نحوه میزبانی از پناهندگان، مربوط به کشور ایران بوده و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان نیز بر این نکته صحه گذارده و همواره بر تقدیر از ایران تاکید داشته است. این کمیساریا موظف است حرکتهای بین المللی را در جهت حمایت جهانی از پناهندگان و حل مشکلات آنها، هماهنگ نموده و هدایت نماید.

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در سال ۱۹۸۴ دفتر خود را در ایران افتتاح کرد و به دنبال هجوم گسترده پناهندگان عراقی به خاطر جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و با شروع برنامه بازگشت پناهندگان افغانی به کشورشان در سال ۱۹۹۲، این کمیساریا حضور و فعالیتهای خود در ایران را گسترش داد.حمایت از پناهندگان از طریق حصول اطمینان از اینکه به حقوق اولیه آنها در کشور میزبان احترام گذاشته می شود; حصول اطمینان از اینکه دولت به اصل عدم بازگرداندن پناهندگان به اجبار به کشوری که ممکن است در آنجا تحت تعقیب و آزار و شکنجه قرار می گیرند، احترام بگذارد; تسهیل بازگشت داوطلبانه و پایدار پناهندگان ثبت نام شده افغانی و عراقی از ایران در امنیت و به طور محترمانه و حصول اطمینان از داوطلبانه بودن بازگشت; ارتقا» حقوق پناهندگان در ایران، بهبود وضعیت حمایتی پناهندگان و رفاه بیشتر زنان، کودکان و مردان از طریق بهبود استانداردهای مربوط به سن، جنسیت و خشونت های مربوط به آن و آگاه سازی در زمینه HIV و...، از مهم ترین اولویتهای کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در ایران است.

در ابتدای سال ۲۰۰۸، جمهوری اسلامی ایران میزبان حدود ۹۱۰ هزار پناهنده ثبت نام شده افغانی و ۵۴ هزار پناهنده ثبت نام شده عراقی بود که قطع به یقین آمار پناهندگان با توجه به حضور کسانی که از مسیرهای غیرقانونی وارد کشورمان شده و در ایران زندگی می کنند، بیش از این تعداد خواهد بود. در هر حال، اولین قرارداد سه جانبه میان کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان و دولتهای ایران و افغانستان، در سال ۲۰۰۲ امضا شد و از آن زمان تا کنون، این قرارداد هر سال تمدید گردیده است. قرارداد مذکور آخرین بار در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۸۵ تمدید گردید و طی آن توافقاتی نیز حاصل شد.به گزارش مهر، بر اساس توافقات جدید، کمیساریای عالی موظف شد جهت تسهیل در بازگشت پناهندگان به کشورشان، به هر خانواده ۱۰۰ دلار آمریکا تا سقف ۵۰۰ دلار امریکا برای خانواده های ۵ یا بیش از ۵ نفره بپردازد. همچنین دولت افغانستان با واگذاری زمین به بازگشتگان، کمک خواهد کرد و دولت ایران نیز اجازه کار و اقامت یک ساله(قابل تمدید) برای یک عضو خانواده بازگشت کننده در نظر خواهد گرفت.از ابتدای برنامه بازگشت دواطلبانه پناهندگان افغان تا فوریه ۲۰۰۸، حدود ۱،۷ میلیون پناهنده افغانی از ایران به کشورشان بازگشته اند. ضمن اینکه حدود ۱۴۶ هزار پناهنده عراقی نیز بین نوامبر ۲۰۰۳ و دسامبر ۲۰۰۷ به کشور خود بازگشته اند.

اما با تمام تدابیری که اندیشیده شده و تسهیلاتی که برای بازگشت دواطلبانه پناهندگان افغان به کشورشان فراهم آمده است، آمار رسمی از عدم استقبال پناهندگان برای بازگشت به سرزمین مادری خود حکایت دارد. به طوری که در ۶ ماهه اول سال ۲۰۰۸ تنها ۱۵۰۰ نفر پناهنده افغانی به صورت داوطلبانه به کشور خود بازگشته اند.

حضور اتباع افغان در کشورمان، شاید به لحاظ نزدیکی فرهنگ و دین، تعارضاتی در پی نداشته باشد اما واقعیت این است که سکونت این قبیل اتباع در برخی از مناطق کشورمان، با مشکلاتی همراه بوده که در پی آن شاهد تبعات زیانبار این مشکلات بوده ایم. بنابراین، جدای از هزینه های کلان میزبانی از پناهندگان که بر دوش دولت ایران سنگینی می کند، آثار ناشی از آسیبهای حضور پناهندگان در این مناطق، بعضا سنگین تر از خسارات اقتصادی است.

با رجوع به صفحات حوادث روزنامه ها و تامل در پرونده های جنایی و...، متوجه می شویم که یک طرف قضیه در تعدادی از این پرونده ها، اتباع افغان بوده اند که بنابر دلایلی متهم بوده و مرتکب جرم و جنایت شده اند. در نتیجه این ذهنیت شکل گرفته که وجود پناهندگان در هر جامعه ای می تواند خسارات ناگواری به دنبال داشته باشد.

ازدواج اتباع افغان با دختران ایرانی به خصوص دختران مشهدی، از دیگر مشکلات و معضلاتی است که موجب از هم گسیختگی برخی خانواده ها شده و تبعات آن به مراتب، بیش از محاسن این قبیل ازدواجها بوده است.

در هر حال، ایران به عنوان یکی از امن ترین کشورها برای حضور پناهندگان افغان و عراقی در منطقه، از جایگاه ممتازی در نزد جامعه بینالملل برخوردار است و این موضوع بارها مورد تاکید کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان قرار گرفته و به این واقعیت اذعان داشتهاند که هیچ گاه نتوانسته اند آن طور که باید و شاید از عهده وظایف خود در قبال حمایت از دولت ایران برآیند.شاید، روز جهانی پناهنده(۲۰ ژوئن) بهترین بهانه باشد برای پرداختن به دردها و رنجهای پناهندگان و در عین حال، توجه به مشکلات عدیده ای که متوجه کشورهای میزبان پناهندگان است.

منبع : روزنامه ابتکار

http://vista.ir/?view=article&id=321756

vista.ir
Online Classified Service

ایران و ۱۳ پیست اسکی بین المللی

۹ پیست اسکی در سهند تبریز، توچال، دیزین، شمشک و دربندسر یک ماه پیش و با حضور نماینده فنی فدراسیون جهانی اسکی به عنوان پیست

های بین المللی معرفی شدند. با بین المللی شدن این ۹ پیست تعداد پیست های بین المللی ایران به ۱۳ عدد رسید. چهار پیست بین المللی در دیزین، سه پیست در شمشک و دو پیست در توچال، دربندسر و سهند تبریز قرار دارد. بررسی وضعیت این پیست ها می تواند راهی جهت آشنایی و معرفی آنها برای گردشگران داخلی و خارجی باشد.

- پیست اسکی سهند

پیست اسکی سهند در ۳۹ کیلومتری جنوب شرقی شهر تبریز قرار دارد که فاصله زمانی آن از تبریز ۴۰ دقیقه است.تاکنون کارهای زیربنایی پیست مانند جاده دسترسی، برق، آب، تلفن و مجموعه مدیریتی احداث شده است. طرح توجیهی این مجموعه در دست اقدام است که شامل ۱۲دستگاه بالابر، هتل های پنج ستاره و سه ستاره، مجموعه های آپارتمانی، ویلایی و اماکن ورزشی طراحی شده که به مرور زمان انجام می شود. تاکنون دو دستگاه بالابر تله اسکی به طول هزار و دویست متر به صورت موازی و دو دستگاه مبتدی به طول یکصد متر نصب شده است. فصل اسکی شش ماه در سال و ارتفاع تقریبی برف چهار متر است. مسیر جاده به پیست بهمن گیر نیست. فضای این پیست برای انجام هر گونه ورزش زمستانی مناسب و نوع برف آن پودری است.

- پیست اسکی بین المللی دیزین

پیست اسکی دیزین اولین پیست اسکی در ایران است که از طرف فدراسیون جهانی اسکی پیش از این برای برگزاری مسابقات رسمی تایید شده و عنوان بین المللی به خود گرفته بود. نکات فنی مانند شیب مسیر، طول مسیر، محل برگزاری مسابقات و امکانات رفاهی این مجموعه موجب شد آن را به عنوان پیست بین المللی برای اسکی به رسمیت بشناسند.

دیزین در شمال کوه های تهران (منطقه گاجره) و به فاصله ۱۲۳ کیلومتر از مسیر جاده چالوس و ۷۱ کیلومتر از مسیر شمشک قرار دارد.اولین دستگاه های بالابر دیزین در سال ۱۳۴۸ نصب شده و شامل سه تله کابین، دو تله سیژ، ۷ تله اسکی بشقابی و یک تله اسکی چکشی است. فصل اسکی در دیزین از اوایل آذر تا اوایل خرداد و امکانات رفاهی آن شامل دو هتل، ۱۹ کلبه و ۵ رستوران است.فعالیت مجموعه دیزین به فصل زمستان محدود نمی شود. در سال ۱۳۷۲ با نظر فدراسیون جهانی اسکی و همکاری متخصصان این رشته کلنگ احداث پیست اسکی چمن در این منطقه زده شد و تلاش یک ساله باعث شد در سال ۱۳۷۳ این پیست مورد بهره برداری قرار گیرد. در سال ۱۳۷۵ اولین دوره مسابقات بین المللی در این مکان برگزار شد و فدراسیون جهانی این امکانات را برای مسابقات جام قاره یی آسیا مناسب دانست و نمایندگی مسابقات اسکی چمن غرب آسیا را به ایران سپرد.زمان بهره برداری از این پیست در زمستان هر روز ایام هفته و در تابستان روزهای پنجشنبه، جمعه و ایام تعطیل است.مدرسه اسکی (برف، چمن) از جمله امکانات آموزشی این پیست است.

- پیست اسکی بین المللی شمشک

پیست اسکی شمشک در ۵۷ کیلومتری شمال شرقی تهران در روستای شمشک است. این پیست برای اولین بار در سال ۱۳۳۷ بهره برداری شد. این پیست دو تله سیژ، سه تله اسکی بشقابی و دو تله اسکی چکشی دارد.پیست اسکی شمشک بعد از پیست اسکی دیزین در شهریور ۱۳۷۵ و با تغییرات در شیب و مسیر پیست آن از طرف فدراسیون جهانی بین المللی راه اندازی شد. امکانات رفاهی این پیست دو هتل و ۴ رستوران بوده که در فصل زمستان پذیرای ورزشکاران و طبیعت دوستان است.ارتفاع بالا ترین نقطه این پیست از سطح دریا ۳۰۵۰ و پایین ترین نقطه آن ۲۵۵۰ متر است. فصل اسکی در شمشک از اوایل آذر تا اواسط فروردین است. هوای مطلوب این منطقه در تابستان و نزدیکی آن به تهران باعث جلب توجه بسیاری از توریست های داخلی و خارجی می شود. هنگام زمستان نورافکن های زردرنگ، محیطی را برای اسکی بازان فراهم می آورند تا بتوانند شب ها هم در شمشک اسکی کنند.این پیست هر روز هفته زمستان ها باز و مدرسه اسکی هم در خدمت علاقه مندان است.

- پیست اسکی دربندسر

جدید ترین پیست اسکی تهران در سال ۱۳۶۱ با همکاری پیشکسوتان و علاقه مندان به ورزش اسکی در قالب یک شرکت خصوصی راه اندازی شد. این پیست در ۶۰ کیلومتری شمال شرقی تهران در روستای دربندسر قرار دارد.دستگاه های بالابر پیست دربندسر یک تله سیژ و دو تله اسکی چکشی است. ارتفاع پایین ترین نقطه این پیست از سطح دریا ۲۶۰۰ متر و بلند ترین نقطه آن ۳۰۵۰ است. فصل اسکی در دربندسر از اواسط آذر تا اواخر فروردین است.منطقه رودبار قصران (مناطق میگون، زاگون، فشم، اوشان، شمشک، دربندسر و") آب و هوای متنوع و طبیعت

زیبایی دارد. دره «تلتنگه» هم در شمال دربندسر است و در تیرماه هر سال می توان در آن اسکی کرد. این پیست هم هر روز هفته زمستان ها باز و مدرسه اسکی هم در خدمت علاقه مندان است.

● توچال، مرتفع ترین پیست اسکی کشور

ویژ گی ارتفاعات توچال آن است که کوهنوردی و اسکی در آنجا با هم تلفیق شده اند در صورتی که در پیست های دیگر فقط کار تخصصی اسکی صورت می گیرد. ارتفاع پیست توچال نزدیک به ۳۶۰۰ متر است.بیشتر ورزشکارانی که برای اسکی به توچال می روند از یک تا سه شب آنجا می مانند. این پیست از سال ۱۳۵۲ فعال است.آموزش های مدرسه اسکی توچال بیشتر در دو رشته آلپاین و اسنوبورد است. این مدرسه لوازم اسکی را به علاقه مندان اجاره می دهد.هتل توچال بیش از سه سال است که افتتاح شده. این هتل در ارتفاع ۳۵۴۵ متری قرار دارد و مرتفع ترین هتل در سطح خاورمیانه است. این هتل۳۰ اتاق دارد. در سالن هتل میز بیلیارد، دستگاه خودپرداز، رستوران، سلف سرویس، کافی شاپ، میز شطرنج، دارت و پینگ پنگ وجود دارد.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=294005

vista.ir
Online Classified Service

ایرانی مهاجر، ایرانی غریب ایرانی تنها

پسرخاله پدرم هر سال که به ایران می آمد سری هم به خانه ما می زد. روز قبل به مادرم می گفت؛ «منیرجان، برایم قورمه سبزی درست کن.» قورمه سبزی را با چنان ولعی می خورد که انگار سال ها در قحطی به سر برده است. می گفت؛ «طعم قورمه سبزی مرا یاد روزهای دور هم بودن می اندازد. یاد خاطرات بچگی، یاد پدر و مادر...»

در آن عالم کودکی برای من عجیب بود که مگر آدم، ممکن است دلش برای قورمه سبزی تنگ بشود... سال ها است که از او خبری نیست. مرده است یا شاید زنده باشد. نمی دانم. او هم در هیاهوی روزانگی ها فراموش شد. حالا که سال ها می گذرد می فهمم که ایرانی خارج از وطن نه تنها ممکن است دلش برای قورمه سبزی تنگ بشود بلکه در حسرت آن گریه هم می کند...

داستان ایرانی های مهاجر داستان تلخی است. غربت و حسرت و تنهایی و فقر و سختی و بیکاری را در هم ضرب کنید، ببینید چه حاصلی می دهد. ایرانی داخل وطن هم می تواند گرفتار غربت بشود. گرفتار حسرت و تنهایی. فقر هم رهایش نکند و با بیکاری دست به گریبان باشد. اما این کاستی ها انگار در خاک وطن طعم دیگری دارد. حداقل، گزش طعمش به اندازه ای نیست که قابل تحمل نباشد. اما خارج از وطن و هر قدمی دور از مرزهای هوایی و زمینی و دریایی ایران، هر تنگنای کوچک، باتلاقی را می ماند که دست و پا زدن در آن، بیشتر تو را فرو می کشد. ایرانی مهاجر هیچ چیز ندارد. نه هویت دارد و نه اعتبار. نه ریشه دارد و نه پایداری. یک درخت خشکیده است که هیچ زمینی ریشه هایش را پذیرا نیست. یک موجود معلق در هوا است که اگر خیلی به او لطف شده باشد شهروند درجه ۳ به شمار خواهد آمد. وسعت صدایش حتی به اندازه سایر آدم ها هم نیست. اگر بخواهد بانگی برآرد که صدایی ندارد و اگر فقیر باشد که حتی نمی تواند دهان بگشاید. ایرانی مهاجر، ناشنوا است و نابینا. نه می

شنود و نه می بیند. در واقع، ضربه مواجهه با عریانی واقعیت غربت آنقدر سنگین است که او را کر و کور می کند. از همان لحظه یی که از در گردان فرودگاه پا به خیابان می گذارد... دائم در حال پندار تصویر است. تصاویر زیبا و فریبای تبلیغاتی.

کجاست آن تصاویر؟ همان تصاویری که به امید آنها دل از وطن کند و تمام پل ها را ویران کرد؟ ایرانی مهاجر اگر یک اشتباه هم مرتکب شده باشد، «مهاجرت»، بزرگترین اشتباه عمرش است. یک ایرانی که قصد مهاجرت کرده، آنقدر دستش به دهانش می رسیده که پول بلیت و ویزا و حداقل، ۶ ماه زندگی را جور کند و این دست به دهان رسیدن را هم مرهون زندگی شاهانه ای است که در ایران داشته. پوزخند می زنید. طبیعی است. هیچ کدام از ما به زندگی شاهانه ای که در ایران داریم باور نداریم. چون با زندگی غیر از این روبه رو نشده ایم. در تمام عمرمان ناز کرده ایم، نق زده ایم، توقعات بیجا رانده ایم، ایراد گرفته ایم، در فراق آزادی و تفریح و رفاه اشک ریخته ایم و حسرت خورده ایم که ای کاش یک برگ خشکیده در کشور سوئیس بودیم. اما یک بار هم با خود روراست نبودیم که تعریف ما از آزادی و تفریح و رفاه چیست؟ آزادی برای ما فقط در پوشیدن هر لباسی و به زبان آوردن هر کلامی معنا شده است. فکر می کنیم اگر مهاجرت کنیم، می توانیم به این آزادی دست پیدا کنیم. که اگر معنای آزادی این است چه غافلیم که عریانی در قفس غربت معنایی ندارد. رفاه را در داشتن اتومبیل و خریدهای بی سروته و پر کردن اتاق های خانه از وسایل به درد نخور و غیرضروری تعریف می کنیم. اما هیچ گاه فکر نکردیم که آیا توان خرد شدن زیر بار سنگین قسط و بدهی هر روزه و هر ماهه را داریم؟ تفریح برایمان در نوشیدن و خوردن و رفتن به دیسکو و آزادانه با دختر و پسر در خیابان قدم زدن است. غافل از آنکه ما، فقط ما، در آن کولاک بدبختی که در زندگی مهاجرت گرفتارش می شویم اصلاً از یاد می بریم که باید وقتی را هم به تفریح اختصاص دهیم. جان کندن برای به دست آوردن ناچیزترین حداقل ها، وقتی برای فکر کردن به تفریح باقی نمی گذارد. اصلاً وقتی برای اندیشیدن باقی نمی گذارد. چقدر دنیای ما کوچک است. آنچه که ما آزادی و رفاه و تفریح می پنداریمش و فکر می کنیم که برای ما هم دست یازیدنی است، بخشی از فرهنگ جامعه بیگانه است که ما را به دلیل ایرانی بودن مان هیچ گاه برنمی تابد. جامعه یی که باید با زبان آن فکر کرد، خندید، گریست، فریاد زد، خواب دید، مرد، زندگی کرد. کدام یک از ایرانیان مهاجر چنین توانایی یی دارند؟ خانواده های ایرانی مهاجر که بعد از مدت کوتاهی سر و کله زدن با فرهنگی که از سنخش نیستند راه جدایی را پیموده اند، مردان و زنان مهاجر ایرانی که فقط به خاطر امرار معاش، تن به جارو زدن مغازه و شستن توالت و دستفروشی و سرایداری داده اند، دختران و پسران مهاجر ایرانی که سرگردان و غریب به کافه ها و بارهای شبانه پناه برده اند تا شادی آفرین دقایق انتهای شب برای بیگانه با دنیای خودبیگانه باشند، تحصیل کردگان مهاجر ایرانی که به امید فردای بهتر، دقایق آینده را در تاریک ترین دخمه ها و پستوهای دکان یک کارفرمای هندی یا چینی یا بنگلادشی یا پاکستانی باطل می کنند... مصداق ها کم نیست. شکوه ها آن طرف مرز زبان می گشاید. مهمان سالی یک بار شما، از فروشگاه های لوکس و بیمه رایگان و خریدهای اقساطی و چراغ راهنمایی و غذاهای لذیذ و بارهای شبانه و طبیعت سرسبز و خرم برای شما تعریف می کند. کاش می توانستید او را در حین التماس کردن به صاحبخانه و کارفرما و مشتری و پلیس و سرایدار، در یکی از محله های فقیرنشین هر کشوری ببینید که آن موقع، فرصت خوبی برای گریستن بود...

در ایران، کم نمی شناسم همین امروز، مردان و زنان نازنینی را که وطن را با همه خوبی ها و بدی ها دوست دارند. «انسان هایی» که زندگی را در «وطن» زیبا می بینند. پا به پای خوشی ها و ناخوشی های وطن، گذر عمر را طی می کنند. اینها، یاران غارند. رفیقان گرمابه و گلستان. صمیمی و بی غش. و باید از اینها پرسید که چرا با تمام مکنت و سواد و مقام و ارزش هایی که در روح و جسم شان نهفته داشتند، این همه سال ترک وطن نکردند؟ نمی توانستند؟ پذیرفته نمی شدند؟ جایشان نبود؟ انسان های والایی که لذت دیرپای راه رفتن در همین خیابان های پرچاله چوله و استشمام همین هوای آلوده و سرگردانی در همین ترافیک و تن دادن به همین گرانی را، لذت دیرپای زندگی در ایران را به هیچ دقیقه فانی و آنی در خارج از ایران نمی فروشند.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=293098

vista.ir
Online Classified Service

ایزنیک

ایزنیک شهری است که هر مشت خاک آن سرشار از آثار هزاران ساله فرهنگی بوده و از صدها سال پیش تا کنون سه فصل صفحات تاریخ منطقه است .این شهر یکی از نادر شهرهایی که پایتخت های امپراتوری شده است ، میباشد.

- چینی کاری :

تاریخ چینی کاری در ایزنیک را می توان از آثار چینی کاری که تاریخ آنها مشخص است را بوضوح دریافت . قدیمی ترین چینی های عثمانی که مناره مسجد یشیل (سبز) را که در سالهای ۹۱-۱۳۷۸ ساخته شده را تزیین نموده از نظر تکنیک و دکور ، علاوه بر اینکه فرهنگ سلجوقی را تداوم بخشید ، از نظر رنگ غنی تر از آنها می باشد . این چینی ها که نام خود را به این مسجد داده است از نظر تنوع و غنای رنگهای سبز و فیروزه ای بسیار جالب است. طبق اسناد تاریخی ، چینی های استفاده شده در بنا های استانبول در ایزنیک ساخته شده است.

مرکز سرامیکهایی که به نامهای Rodos و گروه شام - میلت مشهور است ، شهر ایزنیک است . سیاح اولیا چلبی که در قرن ۱۷ به ایزنیک آمده بود وجود بیش از ۳۰۰ کوره چینی پزی را تثبیت کرده است . در چینی های ایزنیک نقش گلهایی مانند لاله ، سنبل ، انار و وش مورد استفاده قرار گرفته است . همچنین علاوه بر نقش انسان تصویر حیواناتی از قبیل پرنده ، ماهی ، خرگوش و سگ و نیز کشتی نیز دیده میشود . رنگهای آبی ، فیروزه ای ، سبز و قرمز بیشترین رنگهای مورد استفاده است .

- تاریخ :

در تپه های واقع در نزدیکی شهر ، آثار تمدن متعلق به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد دیده میشود. در قرن هفتم پیش از میلاد و پیش از مهاجرت اقوام تراک ، مرکز سکونتی که در این محل ساخته شده بود (هلیکاره)Helikare نام داشت . در سکه های ضرب شده نام Khrysea Polis (شهر زرین) خوانده میشود. این شهر که در سال ۳۱۶ پیش از میلاد از سوی ژنرال آنتیگونوس Ant&#۳۰۵;gonos فرمانده امپراتور مقدونیه اسکندر بازسازی شده و نام Antigonela را بخود گرفته است . در جنگی که پس از مرگ اسکندر بین Antigonos و ژنرال Lysimakhos در گرفت و منجر به پیروزی Lysimakhos گردید به نام Anti Patros و همسرش N&#۳۰۵;kaia نامگذاری شده است. این شهر که در سال ۲۹۳ پیش از میلاد تحت حاکمیت پادشاهی Bithynia قرار گرفته بود با نامهای معماری مهمی تزیین یافته است . Nikaia که برای مدتی پایتخت Bithynia شده بود پس از مدتی بعنوان یکی از مراکز سکونت روم در آمد .

Nikaia با تلاش یکی از حواریون Biyhynia به نام پتروس با مسیحیت آشنا میشود . در دوران امپراتوری Constantinus اول ممنوعیت های مربوط به مسیحیت برداشته می شود. در آغاز فصل تابستان سال ۳۲۵ ، Nikaia شاهد واقعه ای که برای مسیحیت بسیار مهم بود می شود و Konsul اول در کاخ Senatus تشکیل می گردد . در این جلسه که امپراتور Constantinus نیز در آن حضور داشت ۲ موضوع مهم مورد بحث و بررسی قرار میگیرد . طبق نظریه Arius که از دانشمندان دینی اسکندریه بود " حضرت عیسی فقط یک انسان بود و از خداوند زاده نشده است ". این نظریه که در مدت کوتاهی طرفداران بسیاری پیدا کرد موجب مخالفت اسقف ها قرار گرفت . نظریه " حضرت عیسی پسر خدا است " که امروز نیز در دنیای مسیحیت از آن دفاع میکنند پس از بخشهای فراوان مورد قبول واقع شده است . متنی۲۰ماده ای که پس از این جلسه قبول گردید بنام اعیاد مسیحیت و قوانین Nikaia مشهور شده است. Konsul هفتم در سال ۷۸۷ در ایا صوفیه ایزنیک تشکیل گردید . در این جلسه که به ریاست ملکه &rene;۳۰۴# برگزار گردید ممنوعیت های مربوط به عکس و مجسمه برداشته شد.

ایزنیک همچنین پایتخت سلجوقیان و بیزانس نیز شده است . ایزنیک که در سال ۱۳۳۱ از سوی ارتشهای عثمانی به تصرف در آمده بود همراه با دوره عثمانی جان تازه ای گرفت . ایزنیک تحت حاکمیت عثمانی مرکز هنر ، تجارت و فرهنگ شد. افراد مشهور بسیاری در مدرسه اورهان قاضی تدریس کردند . صوفیان مشهور همچون داوود قیصری ، ابوفاضل موسی ، عبدالله رومی اشرف اوغلو در این شهر زندگی کردند و آثار بسیاری از خود بر جای گذاشتند . اولین مسجد ، مدرسه و عمارت دوره عثمانی در ایزنیک ساخته شده است. در قرون ۱۴ ، ۱۵ و ۱۶ ایزنیک مرکز هنر گردید و

چینی و سرامیک های مشهور جهان در این شهر تولید و ساخته شده است . ایزنیک با نقشه مسکونی شهری مدل توری باقیمانده از عصر Hellenisti ، و با آثار تاریخی باقیمانده از دوران روم ، بیزانس و عثمانی ، هنوز هم بافت تاریخی خود را حفظ کرده است. آب و هوا : ایزنیک دارای آب و هوای یک شهر بندری است . زمستانهای ایزنیک معمولا" بسیار بارانی و تابستانها نیز بدون اینکه سبب خشکسالی شود بارانی است.

• اماکن دیدنی

▪ گور سنگ و بنا های تاریخی تومولوس (Tumulus) :

▪ تخته سنگ بربر :

در دامنه یک تپه واقع در شرق ایزنیک می باشد و از یک تخته سنگ بسیار بزرگ تشکیل و به شکل یک اتاق است . در زمینه آن نیز گورهایی دیده میشود. این اثر متعلق به قرن دوم پیش از میلاد بوده و یکی از آثار بسیار مهم دوره Hellenisti در ایزنیک میباشد بنظر می رسد که این تخته سنگ غول پیکر به Prusias دوم پادشاه Bithynia است.

▪ بشتاش (Obelisk) :

این گور که در بین باغات شمال شهر واقع گردیده بروی جاده روم قدیم قرار دارد . نام دیگر بشتاش ، نیشانتاشی و دیکیلی تاش می باشد. از کتیبه ای که به زبان یونانی نوشته شده مشخص می گردد که به قرن یکم و C.Cassius Philiscus تعلق دارد . در روی سنگ ششم بالای این اثر مجسمه ای شبیه مجسمه یک عقاب و یا Nike خدای پیروزی قرار دارد . در یک سمت این اثر نیز مجسمه Philisius از آثار باقیمانده شناسایی شده است . ارتفاع این اثر ۱۲ متر است .

▪ Hypoge :

یک گور زیرزمینی بی نظیر که در منطقه هسپکلی شهرستان البیلی واقع شده و بنظر می رسد که در قرون ۵-۴ ساخته شده است . سقف و دیوارهای آن با چینی های رنگ مخصوص دوران اولیه مسیحیت پوشیده شده است . در این اتاق ۳ گور وجود دارد.

▪ چهار تپه :

در داخل گورستان شهرداری البیلی قرار دارد. وجود ۲ گور در Tumulus تثبیت شده است . گور اول در کنار جاده و دارای اتاق گور مربعی Dromosiu و ۲ کلیسا در دو طرف آن است . اتاق گور دیگر از مرمر سفید ساخته شده و با سنگهای نخراشیده و درختان پوشانیده شده است .

• سایر آثار تاریخی :

▪ کاخ بیزانس (Senatus) :

این کاخ که در قرن چهارم ساخته شده بود اکنون در زیر آبهای دریاچه قرار دارد. موزائیک های کف آن هنوز هم در زیر خاک بوده تقدیمی مسیحیان ، الوهیت عیسی و اولین جلسه ۳۱۸ کشیش در مورد انسان بودن حضرت عیسی در سال ۳۲۵ در این مکان منعقد گردیده است .در سال ۷۸۷ نیز بحث و بررسی اختلافات ارتوکسها در رابطه با تصویر کشیشان نیز در جلسه هفتم در این مکان برگزار شده است.

▪ حصارها :

طول حصارهای چند ضلعی و پنج پر که اطراف ایزنیک را احاطه کرده اند ۴۹۷۰ متر است . چنانچه از تقاطع دو جاده اصلی ایزنیک نگاه شود ۴ درب اصلی دیده می شود .این حصارها که ساخت آنها در دوره Hellenisti آغاز شده بود در دوران روم و بیزانس با اضافاتی شکل امروزی خود را گرفته است . از چهار درب اصلی شهر فقط درب Lefke و درب استانبول بصورت سالم باقی مانده است . بخشی از درب ینی شهیر و تمامی درب دریاچه تخریب شده است . در درب استانبول ماسک های آورده شده از تئاتر پیدا شده است . در دربهای Lefke و استانبول از قطعات Friz مرمر برجسته استفاده شده است.

▪ تئاتر :

تئاتر باستانی ایزینک در محوطه وسیعی که بین ساحل دریاچه و درب ینی شهیر قرار دارد ساخته شده است . این تئاتر در دوره امپراتوری Traianus با تلاش والی Bithynia Prokonsu بنام Plin&#۳۰۵;us و در بین سالهای ۱۱۲-۱۱۱ ساخته شده است . این تئاتر در قرن ۱۳ به گورستان عمومی تبدیل شده است . در سالهای بعد از آن نیز کلیسا ، کاخ و در دوران عثمانی کارگاههای سرامیک و کوره های چینی پزی در داخل آن ساخته شده است.

▪ چشمه حشره (Bocek ayazma) :

در نزدیکی کلیسای Koimesis قرار دارد . روی آن با گنبدی پوشیده شده و یک بنای مدور است . بنظر می رسد که بخشی از عبادتگاه Hyakinthos

بوده است . این یکی از آثاری است که از قرون ششم تا کنون بصورت سالم باقی مانده است .

• مساجد و کلیسا ها :

▪ کلیسای Koimesis :

از سوی اسقف اعظم Hyakinthos در قرن هشتم ساخته شده است . بنظر می رسد که این کلیسا بخشی از عبادتگاه Hyakinthos بوده است . این اثر بر اثر زلزله ۱۰۶۵ فرو ریخته و آثار باقیمانده کلیسای Koimesis با اضافاتی تعمیر شده است . موزائیک های کلیسا در سال ۱۸۰۷ بدرخواست دانیل که Metropolit ایزنیک بود تجدید شده است .

▪ کلیسای ایا صوفیه :

در تقاطع دو جاده اصلی و دقیقا" در مرکز شهر قرار دارد . یکی از آثار دوره بیزانس بوده و احتمالا" پس از زلزله قرن یازدهم تجدید بنا شده است. در سال ۱۳۳۱ بنام مسجد اورهان قاضی نامگذاری شده است . این بنا بر اثر زلزله و آتش سوزیها تخریب شده است . در قرن ۱۶ تغییرات بسیاری از سوی معمار سینان در آن داده شده و بازسازی گردیده است . در دیوار یک اتاق گور تصویر حضرت عیسی بروی چینی دیده میشود . این بنا محل تشکیل Konsul هفتم بوده است . به همین دلیل یکی از مراکز مهم توریزم اعتقادی است. کلیسای Hagios Tryphonos : در سمت چپ جاده منتهی به درب استانبول قرار دارد . چند قطعه از دیوار موزائیکهای کف آن بدست آمده است . تکنیک دیوار آن نشانگر آن است که این اثر در دوران بیزانس و در قرن ۱۰ و ۱۱ ساخته شده است .

▪ کلیسای Ayatrifon :

در سمت راست جاده منتهی به درب نوشهیر قرار دارد . از نظر نقشه ، مشابه مسجد کاریه استانبول است . بنظر میرسد که با گنبد بزرگ پوشیده شده و کف آن نیز با موزائیک تزیین یافته بود . این کلیسا احتمالا" در قرن ۱۳ از سوی Teodoros Laskaris و به نام Aya Trifon ساخته شده است.

▪ مسجد حاجی ازبک :

اولین مسجد ساخته شده عثمانی در ایزنیک می باشد. سقف آن با یک گنبد سرامیکی به قطر ۸ متر پوشیده شده است . این مسجد در سال ۱۳۳۳ ساخته شده است .

▪ مسجد سبز (یشیل) :

این مسجد که به صورت سمبل ایزنیک در آمده است نام خود را از مناره آجری و چینی سبز خود گرفته است . ساخت این مسجد در سال ۱۳۷۸ از سوی خیرالدین پاشا آغاز شد ولی به واسطه فوت وی ، از سوی پسرش علی پاشا در سال ۱۳۹۱ به پایان رسید . این مسجد در بین مساجد یک گنبدی دوره عثمانی ، یکی از باشکوهترین آنهاست . مناره بی همتای آن در گوشه سمت راست قرار دارد . بدنه این مسجد با چینی های ابی و سبز رنگ و با تکنیک موزائیک زیگزاگی تزیین شده است . این مناره نمونه مهمی از انعکاس معماری سنتی سلجوقی به هنر عثمانی است.

▪ مسجد محمود چلبی :

این مسجد از سوی محمود چلبی از نوادگان خیرالدین پاشا در سال ۱۴۴۲ ساخته شده است.

▪ مسجد و حمام اورهان بی :

این مسجد در خارج از درب ینی شهیر در سمت چپ و در بین مزارع قرار داشته و بصورت خرابه باقی مانده است .حمام نیز در بین مسجد و حصارها واقع شده است.

• آرامگاهها :

مسجد و آرامگاه شیخ قطب الدین ، مسجد و آرامگاه اشرفی رومی ، آرامگاه یعقوب چلبی ، آرامگاه قرقیزها ، آرامگاه ساری سالتوک ، آرامگاه خیرالدین پاشا ، عمارت و آرامگاه ابراهیم پاشا ، آرامگاه خلیل پاشا ، آرامگاه هویسوزها ، آرامگاه سلطان آهی وین و آرامگاه عبدالوهاب از مهمترین آرامگاههای ایزنیک میباشد.

• سرای و حمام ها :

▪ سرای رستم پاشا :

امروزه بصورت دیوارهای تخریب شده در بین خانه ها قرار دارد. فقط بخشی از دیوارهای عثمانی و غربی آن پابرجاست . این بنا در قرن ۱۶ از طرف معمار سینان و بنام رستم پاشا صدراعظم سلطان سلیمان قانونی ساخته شده است.

▪ حمام اسماعیل بی :

متعل به اواخر قرن ۱۴ و اوایل قرن ۱۵ بوده و با معماری داخلی خود یک اثر منتخب است.

▪ حمام حاجی حمزه :

در کنار مسجد محمود چلبی قرار داشته و نام دیگر آن حمام محمود دوم است. در قرن ۱۵ ساخته شده است .

▪ حمام میدان :

این حمام که به نام حمام مراد اول نیز شناخته می شود در اواخر قرن ۱۴ بصورت دو حمامی ساخته شده است.

● موزه ها :

▪ موزه ایزنیک :

عمارت (نیلوفر خاتون) از سوی سلطان عثمانی مراد اول و به یاد بود مادرش نیلوفر خاتون ساخته شده است . این بنا که بعنوان عمارت مورد استفاده قرار می گرفت در واقع مرکز ی برای اطعام روزانه فقیران بود . این ساختمان که در دوره جمهوریت و برای اهداف مختلف بعنوان انبار استفاده میگردید در سال ۱۹۶۰ بصورت موزه در آمد. این عمارت که یکی از بناهای تاریخی است یکی از بهترین نمونه های معماری دوره عثمانی در قرن ۱۴ میباشد. در این موزه آثار جمع آوری شده از ایزینک و نواحی اطراف ، تئاتر و آثار کشف شده از حفاری کوه پزی ایزنیک به نمایش در آمده است . در حیاط موزه آثاری از یونان ، روم ، بیزانس و عثمانی قرار دارد.

● خوردنی ها :

خوراک میگو ، سوپ ماهی سازان ، ماهی پایین ، کباب و یا آب پز، سالاد کرفس ازجمله خوراکیهایی است که میتوان در رستورانهای اطراف دریاچه ایزنیک خورد و لذت برد .

● خریدنی ها :

یکی از بهترین خریدنی های ایزنیک ، چینی های مشهور ایزنیک است. همچنین می توان یکی از انواع زیتون را که به طور فراوانی در منطقه به دست می آید تهیه نمود.

▪ بدون دیدن برنگرد

ـ بدون دیدن موزه ایزنیک

ـ بدون دیدن گورهای باستانی تیمولوس

ـ بدون گردش در حصارهای ایزنیک

ـ بدون زیارت کلیسای ایا صوفیه محل تجمع Konsil هفتم

ـ بدون دیدن مساجد با چینی کاریهای مشهور

ـ بدون خریدن چینی های ایزنیک برنگردید.

منبع : سایت سفارت ترکیه

http://vista.ir/?view=article&id=340090

vista.ir
Online Classified Service

ایمن سفر کنید لطفاً!

به نظر می رسد «سفر کردن» و صرفا «چمدان بستن» از مقوله هایی نباشد که بتوان آن را «تیتر یك» صفحه زندگی کرد، اما تابستان از راه رسیده و وقت مناسبی است برای لذت بردن از تعطیلات؛ چنان چه هوای سفر به سرتان زده و به فکر بستن چمدان ها افتاده اید توصیه می کنیم به خودتان زحمت خواندن این مطلب را بدهید چرا که کمك بزرگی به بهتر گذراندن اوقات خوش و دلچسب شما و خانواده تان می کند.

• سفر با هواپیما

گرچه هنوز سفر کردن با هواپیما در کشور ما برای بسیاری لوکس و شیك و گران به شمار می رود اما اگر بودجه تان اجازه چنین سفری را می دهد مراقب جت زدگی باشید. هواپیمازدگی عارضه ای است که در حین پرواز طولانی تحت تاثیر عوامل متعددی بروز می کند. گذشته از بر هم خوردن ساعت بیولوژیك بدن و اختلال ساعت خواب، فشار هوای داخل هواپیما، نوع تغذیه، استرس قبل از سفر، عدم تحرك و جابه جایی از دیگر عوامل بروز «جت لگ» به شمار می روند. برای پیشگیری از چنین وضعیتی توصیه می شود: روز قبل از سفر را به آرامی، آسایش و خونسردی بگذرانید.

شب قبل را زود بخوابید و هرگونه نگرانی از به تاخیر افتادن پرواز را از خود دور کنید. دست کم ۱۲ ساعت قبل از پرواز از نوشیدن نوشابه های گاز دار و غذاهای نفاخ، حجیم و پرچرب خودداری کنید. تا می توانید آب و آبمیوه های طبیعی بنوشید. زمان پرواز لباس راحت بپوشید. در صورت ابتلا به دیابت ساعت تزریق انسولین خود را با ساعت کشور مقصد تطبیق دهید. اگر سیگاری هستید ۲۴ ساعت قبل از سفر، سیگار را حداقل موقتا کنار بگذارید.

• سفرهای داخلی

۱) نخستین توصیه:

قبل از آنکه از خانه خارج شوید تهیه دو فهرست از کارهایی است که باید پیش از سفر انجام دهید و همچنین لوازمی که در حین سفر مورد نیاز است. فهرست دومی برای زمانی است که به هنگام برگشت با تطبیق فهرست اول در منزل، مطمئن شوید که چیزی را جا نگذاشته اید.

۲) دومین توصیه:

تا حد امکان ساعات اولیه روز را برای حرکت به سمت مقصد خود انتخاب کنید. حرکت در بامداد و صبحگاه مزایای بسیاری دارد. در این زمان هم جاده خلوت تر است و هم کمتر در معرض گرمای مسیر قرار می گیرید. این موضوع در صورت داشتن کودکی خردسال ضروری تر می نماید.

در مسافرت های داخلی، مهم ترین دلیلی که سبب می شود لحظات دلپذیر و خاطره انگیز سفر با عذاب و اعصاب خردکنی همراه شود، عدم رعایت بهداشت و مصرف غذاهای تهدید آمیز است که به مسمومیت و بروز بیمار های انگلی ختم می شود به همین دلیل کودکان، زنان باردار و سالمندان بیش از دیگران به مراقبت نیاز دارند.

۳) سومین توصیه:

مقداری مواد غذایی و آب (به ویژه برای پیشگیری از مشکلات فعلی ناشی از آب آلوده) به همراه خود ببرید. امکان بروز تصادف در راه و یا ترافیك جاده ای و صف های طویل برای تهیه غذا و یا مواد غذایی مورد نیاز بین راه ممکن است شما را چندین ساعت در جاده معطل کند در عین حال مجبور نخواهید شد به رستوران های گاه نامطمئن بین راه مراجعه کنید.

بهتر است از مصرف هر نوع غذای پخته که بیش از ۲ ساعت از زمان پختشان گذشته در دمای معمولی و همچنین غذاهای حاوی تخم مرغ خام مانند سس مایونز خودداری کنید. در صورت استفاده از آب های مشکوك، حتما آن را بجوشانید. سطح بیرونی تخم مرغ ها معمولا به میکروب «سالمونلا» آلوده است، قبل از مصرف حتما آنها را بشویید.

چاقو مهم ترین عامل انتقال باکتری است، دقت کنید با کاردی که گوشت تمیز می کنید، میوه پوست نکنید. در صورت ابتلا به اسهال برای جلوگیری از کاهش آب بدن، به میزان زیاد آب، چای یا آبمیوه رقیق بنوشید. بیماری بوتولیسم نیز یکی دیگر از تهدیدات غذایی در تابستان است، نوعی مسمومیت غذایی که در پی مصرف غذاهای کنسروی آلوده به باکتری بروز می کند.

به خاطر داشته باشید: تب، سردرد، ضعف، دل درد، اسهال، استفراغ، کندی ضربان قلب، افت فشار خون، خشك شدن دهان، تاری دید، تشنج و مشکل بلع از شایع ترین نشانه های بیماری بوتولیسم است. پرهیز از خرید قوطی های کنسروی که قسمتی از آن بیرون زده یا محتویات آن رنگ و بوی عجیب دارد و جوشاندن حداقل ۲۰ دقیقه قوطی در آب از مهم ترین کارهایی است که برای رویارویی با بوتولیسم می توان انجام داد.

۴) چهارمین توصیه:

توجه داشته باشید برای حمل مواد غذایی فاسد شدنی حتما از یخدان استفاده کنید. همچنین بردن مقداری ظروف یك بار مصرف و لوازم پیك نیك مانند زیرانداز، چراغ شارژی حتی در شرایطی که قصد اقامت در هتل را دارید برای مواد غیر قابل پیش بینی در راه بی ضرر است.

۵) پنجمین توصیه:

داروهایتان را از خاطر نبرید. چنان چه شما و یا عضوی از اعضای خانواده تان از آن دسته بیمارانی هستید که دارویی خاص مصرف می کنید با توجه به تعداد روزهای اقامت و یا حتی بیشتر از آن، دارو همراه داشته باشید. در ضمن به طور کلی به هنگام سفر کردن با هر نوع وسیله ای، به همراه داشتن مقداری دارو الزامی است. این داروها شامل مسکن، ضداسهال، ضدتهوع و درد معده و دل پیچه و قرص های ضدحساسیت است. در عین حال که به همراه بردن جعبه کمك های اولیه را فراموش نمی کنید. این جعبه باید تمام این لوازم و وسایل را داشته باشد: باند، گاز استریل، الکل طبی، قیچی کوچك، چسب زخم، بتادین، دستکش استریل، پماد سوختگی و ضدنیش حشرات.

۶) ششمین توصیه:

با مراجعه به تعمیرگاه پیش از سفر از سالم بودن موتور، چرخ ها، لاستیك ها و فرمان خودروتان مطمئن شوید. مقداری آب برای پر کردن رادیاتور ماشین به همراه ببرید و با بردن طناب مخصوص بکسول، سیم اتصال باتری و تابلوی چراغ دار احتیاط، مسافرتی امن تر خواهید داشت.

۷) آخرین توصیه:

از آنجا که ممکن است در ساعاتی از روز زیر آفتاب شدید رانندگی کنید زدن عینك آفتابی الزامی است همان طور که داشتن کپسول آتش نشانی!

منبع : روزنامه جوان

http://vista.ir/?view=article&id=262995

vista.ir
Online Classified Service

این غریبه‌های تازه‌وارد

انگلیسی‌ها به‌طرز شگفتی در یادگیری زبان دیگر مردمان کوتاهی می‌کنند اما از اینکه مهاجران باید زبان آنان را بیاموزند بسیار خوشنودند.

در هفته‌ای که گذشت دولت انگلیس اعلام کرد ۴۰۰۰۰ جوینده کار که ادعا کرده‌اند انگلیسی ضعیفشان باعث محرومیت آنها از اشتغال شده است از ماه آوریل فرصت دارند سعی کنند زبان انگلیسی بیاموزند و در غیر این‌صورت از مزایایشان محروم خواهند شد. این تصمیم دولت پس از ماه‌ها بحث و جدل در مورد بهبود شرایط اقلیت‌ها به‌خصوص مسلمانان اتخاذ شد. دولت

انگلیس ابراز نگرانی کرده است که این گروه‌ها در یادگیری شیوه زندگی انگلیسی‌ها موفق نیستند. از سال ۲۰۰۵، افرادی که خواستار شهروندی انگلیس هستند می‌بایست امتحانی را به زبان انگلیسی بدهند که موضوع آن زندگی در بریتانیا است.

از ماه آوریل این امتحان برای کسانی که در مراحل پایانی اخذ تاییدیه شهروندی و اقامتشان هستند هم اجباری خواهد بود. گردن براون در کنفرانس حزب کار که رهبری آن‌را برعهده داشت و در ماه سپتامبر برگزار شد، گفت: «این درست است که کسانی که می‌خواهند به این کشور بیایند باید زبان انگلیسی را بیاموزند». کاملا صحیح است.

زندگی آسانتر و کار سودمندتر می‌شود اگر بتوانید به زبان مردم کشوری که در آن زندگی می‌کنید صحبت کنید. مهاجرانی که زبان انگلیسی را به‌طور روان صحبت می‌کنند نسبت به سایر مهاجران ۲۰درصد شانس بیشتر برای یافتن شغل دارند. به علاوه میانگین درآمد آنها هم حدود ۲۰درصد از سایرین بیشتر است.

این نتایج براساس گزارشی که به‌تازگی مرکز خیریه تحصیلات بزرگسالان منتشر کرده به‌دست آمده است. اما به راستی چرا در شرایطی که با یادگیری زبان انگلیسی، مهاجران پول خوبی دریافت می‌کنند، باز هم آن را نمی‌آموزند؟

واقعیت این است که آنها همین کار را انجام می‌دهند. تعداد زبان آموزانی که در دوره‌های «انگلیسی برای گویشوران سایر زبان‌ها» (ESOL) شرکت می‌کنند طی چهار سال منتهی به جولای سال ۲۰۰۵ بیش از ۳ برابر شده است و به نزدیك به نیم میلیون نفر رسیده است. اما حتی این آمار تاثیرگذار هم اصل موضوع را نمایان نمی‌کند: دانشکده‌های برخی نقاط کشور فهرست انتظارهایی دارند که در آن افراد ۲ سال است که در انتظار ثبت‌نام در دوره‌های یادگیری زبان هستند. دانشکده تاور هملت در شرق لندن تنها دانشجویانی را می‌پذیرد که می‌توانند در ۸۰درصد کلاس‌ها حضور یابند. با وجود این نوبت در فهرست انتظار این دانشکده بیش از یك‌سال زمان می‌برد. واقعیت این است که تقاضا بیش از عرضه است و یعنی اگر کسی در این میان نمی‌تواند نمره قبولی احراز کند آن دولت است. اگرچه بودجه برای این منظور افزایش قابل توجهی یافته است، اما همگام با نیاز نبوده است. در سال مختوم به جولای ۲۰۰۵ این بودجه به سالانه ۵۷۷ پوند برای هر زبان‌آموز رسید در حالی‌که در سال ۰۱-۲۰۰۰ این رقم ۶۴۸ پوند بوده است. مرکز خیریه تحصیلات بزرگسالان اعلام کرده است که نتیجه این وضعیت، تنزل استانداردهای تدریس به‌خصوص در محل اسکان پناهندگان و مهاجران اروپای شرقی است. البته این گروه‌ها تعداد چندان زیادی از مهاجران را هم تشکیل نمی‌دهند.

دولت انگلیس به جای تزریق پول بیشتر در این بخش، تصمیم گرفته است شهریه‌ای برای این دوره‌ها تعیین کند تا به‌گفته دولت «تقاضاها به طرز کارآمدتری مدیریت شود» این به وضوح به معنای کنار گذاشتن برخی از زبان‌آموزان است.

از ماه سپتامبر به بعد همه به‌جز افراد بیکار و آنهایی که از حمایت‌های درآمدی دولت برخوردارند، می‌بایست برای درس‌هایشان پول بپردازند. دانشکده‌ها هنوز به کار خود مشغولند و تغییری در نحوه کارشان به‌وجود نیامده است اما یك زبان‌آموز دوره‌های پاره وقت سالانه به طور متوسط باید حدود ۳۰۰ پوند پرداخت کند.

دولت خواستار مشارکت شرکت‌هایی که کارمندان مهاجر را استخدام می‌کنند شده است. اما این خواست دولت هیچ اجباری را برای شرکت‌ها در پی ندارد. (حتی یك از مدرسان زبان می‌گوید: هیچ امیدی نیست که کارفرمایان به ثبت نام کارکنان مهاجرشان در دوره‌های ESOL اقدام کنند) و خلاصه اینکه در میان قربانیان این روش «مدیریت تقاضا» سایر افرادی که دولت علاقه‌مند به جذبشان است نیز حضور خواهند داشت.

شمیم نظامی یکی از مدرسان دوره ESOL در دانشکده بردفورد در کلاسش عروس‌های تازه واردی دارد که به واسطه ازدواج از آسیای جنوبی به این کشور مهاجرت کرده‌اند. او می‌گوید دولت نگران وضعیت این افراد است و معتقد است آنها بیش از همه منزوی خواهند ماند. بسیاری از آنها نه در فهرست بیکاران کشور هستند و نه در فهرست برخورداران از مزیت‌های حمایتی.

بنابراین خیلی زود از خانواده همسرانشان خواهند خواست که هزینه آموزششان را بپردازند. آنها بدون یادگیری زبان انگلیسی قادر به حضور در جلسات اولیا و مربیان مدارس فرزندانشان نخواهند بود، بدون همراه نمی‌توانند نزد پزشکشان بروند یا درصدها فعالیت اجتماعی شرکت کنند. دولت انگلیس خود به فقر دامن می‌زند. از سال ۲۰۰۱ تاکنون امتحان ESOL بیش از نیمی از بودجه‌های مربوط به «فنون زندگی» را در این کشور به خود اختصاص داده، دوره‌های آموزش به بی‌سوادان را به نابودی کشانده و بیشتر متولدین انگلستان را که شرایط بهتری برای پست‌های دولتی دارند هدف قرار داده است. اما در چنین شرایطی بیشتر از هر زمان دیگری دولت انگلیس پول صرف ترجمه می‌کند.

در ماه دسامبر بی‌بی‌سی ارقام مربوط به بخش ترجمه را جمع بست و به این نتیجه رسید که سالانه ۱۰۰میلیون پوند صرف این بخش می‌شود. طی پنج سال اخیر بودجه ترجمه دستگاه قضایی انگلستان به سه برابر افزایش یافت. گویی تخصیص بودجه‌های آموزش زبان انگلیسی به مهاجران برای دولت این کشور آب در هاون کوبیدن بوده است.

http://vista.ir/?view=article&id=249353

اینترکنتیننتال پاریس

اینترکنتیننتال پاریس

نشانی:

Rue de Castiglione ۳

۷۵۰۰۱ Paris

France

Tel: +۳۳ ۱ ۴۴ ۷۷ ۱۱ ۱۱, Fax: +۳۳ ۱ ۴۴ ۷۷ ۱۴ ۶۰

پست الکترونیکی:

http://paris-ic.intercontinental.com/icparfra/email.html

هتل "اینترکنتیننتال پاریس" یکی از مجلل ترین هتل ها در پاریس است. این چشم انداز معروف پاریسی، که قبلا صومعه بوده است، یکی از پرطرفدارترین هتل ها برای مسافران تجاری و آسودمند است. اینترکنتیننتال پاریس در مکانی عالی واقع شده، و "باغ های تویلری" که توسط "لنوتر" در سال ۱۶۶۴ طراحی شده اند، "پلس وندوم" و "پلس دو لا کنکورد" به نحو زیبایی احاطه شده است. بنابراین در قلب نواحی تاریخی، فرهنگی و معاملاتی پاریس قرار گرفته.

همه ۴۳۸ اتاق و سوئیت این هتل طوری طراحی شده اند که احساس "اقامت در یك آپارتمان خصوصی دلپذیر پاریسی" را القا نمایند. این هتل دو رستوران فوق العاده، باشگاه ورزشی به سبك مراکشی (با سونا و حمام بخار مراکشی) و خارق العاده ترین فضاهای ملاقات در تمام پاریس را دارا است، از جمله "لو سالن امپریال"، که در قرن نوزدهم ساخته شده و صحنه نمایش چند تن ازطراحان معروف فرانسوی بوده است: "گوی لاروش، یوس سنت لورنت، کریستین لاکروا، و ...".

تاسیسات هتل یك مرکز تمرینات جسمانی را شامل می شود که تجهیزات پیشرفته تمرین در آن ۲۴ ساعت شبانه روز در دسترس هستند. مرکز تجاری هتل برای کمك به میهمانان حقوقی دامنه ای جامع از خدمات را ارائه می کند.

این هتل گنجینه ای تاریخی است، که قدمت اش به دومین امپراطوری فرانسه بازمی گردد. مکان هتل در دهه ۱۶۰۰ در اصل یك صومعه راهبان کاپوچین بود، و در واقع، مدخل ورودی هتل بر روی غذاخوری صومعه واقع شده. این ساختمان تا "انقلاب کبیر" در سال ۱۷۹۲ همچنان صومعه بود، و لویی شانزدهم و ماری آنتوانت آخرین روزهای عمرشان را در آن سپری کردند. در هفتم جولای ۱۸۸۰، اعضای اتحادیه امریکا-فرانسه و فردریك آگوست بارتولدی (پیکرتراش) در هتل ملاقات کردند تا درباره یادبود دوستی امریکا-فرانسه بحث کنند، که البته این یادبود همان مجسمه آزادی است.

●پارك هایات پاریس

http://paris.vendome.hyatt.com/parph/index.shtml

آدرس:

Rue de la Paix ۵

۷۵۰۰۲ Paris

France

پارك هايات پاريس-وندوم واقعا يك هتل لوكس است، كه به نحو ايده آلی در قلب پاريس و در خيابان مشهور "ريو دو لا پا" قرار گرفته، و فاصله اش با "پلس وندوم" و "پلس دو لا كنكورد" بسيار كم است. موزه "لوور" و "دورسای"، و نيز ديگر مناطق ديدنی پاريس مثل "اپرا"، و همچنين اختصاصی ترين مغازه های پاريس، در نزديكی اين هتل قرار گرفته اند.

اد توتل، طراح داخلی هتل، از معماری كلاسيك فرانسه الهام گرفته، و آن را با طراحی معاصر هتل درآميخته است. فضاهای موزون و متقارن، سقف های بلند، ستون ها و صحن های داخلی از استفاده ساده و نوين از مواد كلاسيك همچون ماهون و سنگ آهك بهره می برند. اين معماری، همراه با تاكيد بر "يك نوع احساس سكونت" و انتخاب دقيق آثار اصيل هنری معاصر در سراسر پارك هايات پاريس-وندوم، آلترناتيو بی نظيری بوجود آورده كه انگيزه ای فوق العاده در فضايی گرم و دلپذير به ميهمانان هتل ارائه می كند.

۱۷۷ اتاق جادار هتل، از جمله ۳۵ سوئيت، بصورت سفارشی طوری طراحی شده اند كه بصورت همزمان هم پناهگاهی آرامش بخش باشند و هم از آخرين فناوری های روز بهره ببرند.

تاسيسات هتل يك باشگاه ورزشی، با كف چوبی، ديوارهای ماهونی، دوش های سنگی و گچبری های طلاكاری شده همراه با تاسيسات جداگانه برای زنان و مردان، با اتاق های بخار و سونا برای استراحت بدنی، را شامل می شود.

رستوران اصلی هتل "لو پارك"، از سه شنبه تا شنبه (بجز شنبه ظهر) برای نهار و شام باز است و ارائه كننده "هنر خوراك شناسی" ابتكار آميز می باشد.

از صبحانه تا نوشيدنی آخر وقت، "لو اركيده" يك مكان ملاقات عالی برای صرف نوشيدنی ها يا خوراكی های سبك در داخل هتل فراهم می كند.

"لا تراس"، مشرف بر صحن داخلی هتل، يك كافه (بار) بسيار زيبا در قلب هتل است كه انواع خوراكی ها و نوشيدنی ها را سرو می كند.

پارك هايات پارس-وندوم مجموعا هشت اتاق ملاقات دارد، از جمله شش اتاق پذيرايی چندكاربردی، كه برای ميزبانی رويدادهای پاريس (از ضيافت شام و جشن گرفته تا سمينارها و ملاقات های تجاری مهم) ايده آل هستند. دو اتاق هيئت رئيسه هتل، با نور طبيعی، خلوت مطلوب برای ملاقات های تا ۱۴ نفر، يا ملاقات برای يك شام بسيار خصوصی، را فراهم می كند.

اين مكان متمايز در پاريس برای برآوردن نيازهای مسافران هنرسنج طراحی شده، و قابليت سرويس دهی بسيار مطلوب در مقياس شخصی و صميمانه را دارد.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=228007

vista.ir
Online Classified Service

اينجا صاحب دارد

اسكندر كبير شهر اسكندريه را در سال ۳۳۱ پيش از ميلاد در مصر بنا گذاشت. بعضی پژوهشگران می گويند اين منطقه تا پيش از آن سرزمينی خالی از سكنه بوده است اما با توجه به اينكه بندری طبيعی است و به خاطر نزديكی آن به دلتای نيل، پيش از اسكندر نيز بايد ساكنانی را به خويش جذب كرده باشد. در واقع متون باستانی حكايت از حضور قومی پيشين به نام راكوتيس ها دارند اما شواهد باستان شناختی چندانی در تاييد اين گزارش ها به دست نيامده بود. آلن ويرو (A.Veron) شيميدان

محیطی دانشگاه پل سزان در اکسپرواس فرانسه و چهار نفر از همکارانش برای خاتمه دادن به این بحث از بندر قدیمی اسکندریه رسوباتی استخراج کردند. آنها سن هر لایه از رسوبات را با استفاده از تاریخ گذاری کربن صدف های دریایی و مرجان های به دام افتاده در آن تعیین کردند. سپس حجم سرب موجود در هر لایه را اندازه گرفتند زیرا سرب نشانه گویایی از فعالیت های پیشرفته انسانی است. مردم از زمان های باستان از سرب در شیشه گری، تعیین عمق با وزنه سربی، کشتی سازی و قالب گیری مجسمه ها استفاده کرده و بندرهایشان را نیز با آن آلوده اند. تحلیل های پژوهشگران همان طور که انتظار می رفت در حدود زمان بنا شدن اسکندریه افزایش سریعی را در صنعت نشان داد که تا صدها سال پس از آن به همین شکل باقی ماند. در واقع میزان سرب در بندر باستانی اسکندریه دو برابر میزان آن در دهانه رودخانه های صنعتی امروزه است. اما تحلیل ها دو افزایش کوچك و قدیمی تر را نیز نشان می دهند. نخستین آنها به حدود ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد و به زمانی بازمی گردد که آبادی های بسیاری در دلتای نیل شکل گرفته بود. دومی در حدود سال ۹۰۰ پیش از میلاد و در پایان بیستمین سلسله فراعنه مصر که بسیار ثروتمند و پررونق بودند و درست پیش از آنکه آشوری ها، نوبیایی ها و ایرانیان به هجوم به مصر و تاراج شهرهایشان عادت کنند، به وقوع پیوست. شاید در زمانی که اسکندر از راه رسید چیز قابل توجهی از راکوتیس ها باقی نمانده بود. با این همه ظاهراً تاریخ سکونت انسان در این منطقه بسیار طولانی بوده است.

Natural History, Jul.& Aug.۲۰۰۶

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=15657

vista.ir
Online Classified Service

ایوان تخت مرمر (کاخ گلستان)

ایوان تخت مرمر که پیش از این دیوانخانه و ایوان دارالاماره نامیده می شد، در سال ۱۱۷۳ بنا گردید. در دوران سلطنت سلسله قاجار، شاهان در این مکانگرد هم می آمدند و در ایام نوروز و عیدهای دیگر به طبقات مختلف مردم شادباش می دادند. ساختمان این عمارت دو بار دستخوش تغییرات وسیع شد؛ بار اول در سال ۱۲۰۶ که آقا محمد خان به شیراز لشکر کشید و در آنجا قصر وکیل را ویران کرد و دستور داد پرده های نقاشی و آینه های قدی و مرمرها و ستونهای بلند و درهای خاتم کاری آن را به تهران منتقل و در ایوان دیوان خانه نصب کنند، ساختمان دچار تغییر شد، سقف آن را بلندتر کردند تا ستونهای مرمر را در آن کار گذارند و بعضی طاقچه ها و طاق نماها را پر کردند. تغییرات وسیع تر در حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری در دوران سلطنت ناصرالدین شاه و در پی بروز خرابی هایی در ساختمان ایوان انجام شد. تزئینات ایوان از گچبری ، سنگ تراشی، خاتم کاری، آینه کاری و منبت و مشبک بسیار زیبا و دل انگیز است.

در این فضا شش پرده بزرگ نقاشی از فتحعلی شاه و جنگ غوریان، شکارگاه شاه اسماعیل صفوی و پیکار امیر تیمور با ایلدرم بایزید سلطان

عثمانی نصب شده است. در طاق نماهای زیر سقف نیز چندین تابلوی کوچک رنگ روغن از صورت زنان و مردان فرنگی در پشت شیشه نصب شده بود که برخی از آنها هنوز در این ایوان قرار دارد. یکی از زیباترین متعلقات این ایوان که نام بنا نیز از آن ماخوذ شده، تخت مرمر یا تخت سلیمانی است. این تخت در حدود سال ۱۲۲۰ هجری قمری به دستور فتحعلی شاه از سنگ مرمر زرد معادن یزد، توسط سنگ تراشان اصفهانی ساخته شد. طراحی تخت را میرزا بابای شیرازی نقاش باشی و سرپرستی حجاری آن را استاد محمد ابراهیم اصفهانی حجارباشی دربار انجام دادند. تخت مرمر به شکل سکوی بلند دیواره داری روی دوش سه دیو و شش فرشته و یازده ستون مارپیچی که بعضی از آنها بر پشت شیر قرار دارند، در وسط ایوان مستقر شده است. در سطح عمودی پله و تارمی ها و دست اندازهای گرداگرد آن، اشکال و اشعاری بر روی سنگ کنده کاری شده است. ازدیگر تزئینات این بنا، دو در خاتم بسیار اعلا در دو طرف شاه نشین و ارسیپنج دری بسیار نفیس دیوار پشتی آن است. بناهای ضلع شمالی مجموعه گلستان به ترتیب از غرب به شرق عبارتند از: تالار سلام(تالار موزه) ، تالار آینه، تالار عاج یا سفره خانه، تالار برلیان و عمارت خوابگاه که همه از بناهای دوره ناصری است. معروف ترین این بناها تالار آینه و سپس تالار سلام است.

- موزه ملی جواهرات

تاریخچه جواهرات ایران از زمان حکومت صفویه آغاز می‌شود، زیرا تا قبل از صفویه، جواهرات گرانبهایی در خزانه دولتی وجود نداشته است و براساس‌نوشته‌های سیاحان خارجی، پادشاهان صفوی بیش‌از دو قرن ۹۰۷(تا۱۱۴۸قمری) دست به جمع‌آوری جواهرات زدند و حتی کارشناسان دولت صفوی جواهرات را از بازارهای هند و عثمانی و کشورهایی مانند فرانسه و ایتالیا خریداری می‌کردند و به اصفهان، پایتخت حکومت می آوردند. در پایان سلطنت شاه سلطان حسین و با ورود محمود افغان به ایران، خزاین دولت با حمله افغان‌ها غارت شد و مقداری از آن‌ها که به وسیله محمود افغان به اشرف افغان منتقل شده بود، پس از ورود شاه تهماسب دوم به اصفهان، به چنگ نادر افتاد و از خروج آن‌ها از ایران جلوگیری شد. بعدها نادر برای پس گرفتن آن قسمت از جواهرات که به هندوستان منتقل شده بود، نامه‌هایی به دربار هند نوشت، اما جواب نامساعد شنید. پس از لشکرکشی نادر به هند ۱۱۵۸(قمری)، محمدشاه گورکانی مبالغی نقدینه، جواهر و اسلحه تسلیم نادر کرد. اما بخشی از اموال و خزاینی که نادر از هندوستان به دست آورده بود به ایران نرسید و در راه بازگشت به ایران از میان رفت.

نادر پس از بازگشت به ایران، مقدار قابل ملاحظه‌ای از جواهرات را به رسم ارمغان برای امرا و حکام و شاهان کشورهای همسایه فرستاد. همچنین مقداری از اشیای نفیس و مرصع را به آستان حضرت امام‌رضا (ع) تقدیم کرد و مقداری را نیز به سپاه خود بخشید. درسال ۱۱۶۰ هجری قمری، پس از قتل نادر، احمد بیگ افغان ابدالی، از سرداران نادر، دست به غارت جواهرات خزانه نادر زد. از جمله گوهرهایی که از ایران خارج شد و هرگز بازنگشت، الماس معروف کوه نور بود. این الماس در سال۱۲۶۶ هجری قمری، به ملکه ویکتوریا اهدا شد. در دوران قاجار، مجموعه جواهرات جمع آوری و ضبط شد و تعدادی از جواهرات بر تاج کیانی، تخت نادری، کره جواهرنشان و تخت‌طاووس نصب گردید. در سال ۱۳۱۶ شمسی، قسمت عمده جواهرات به بانک ملی ایران منتقل گردید وبه عنوان وثیقه اسناد بدهی دولت به بانک بابت پشتوانه اسکناس قرار گرفت. خزانه فعلی در سال ۱۳۳۴ ساخته و درسال ۱۳۳۹ با تا‡سیس بانک مرکزی ایران افتتاح و به این بانک سپرده شد.این موزه تا قبل از انقلاب فعالیت داشته و بعد از آن تعطیل و دوباره درسال ۱۳۶۹ برای عموم بازگشایی شد.

جواهرات مهم این موزه، الماس دریای نور، تخت طاووس یا تخت خورشید، تخت نادری و کره جواهر نشان است. موزه جواهرات ملی با مساحتی حدود ۱۰۰۰ متر مربع مجهز به سیستم ایمنی است که توسط آلمانی‌ها ساخته شده است. جواهرات شاخص موزه عبارتند از: دریای نور که درشت‌ترین و زیباترین الماس برلیان در میان گوهرهای سلطنتی ایران و یکی از گوهرهای معروف جهان است. گفته می‌شود این الماس هزار سال پیش کشف و استخراج شده است. وزن آن اکنون هفت مثقال و ۲۰ نخود، یعنی در حدود ۱۸۲ قیراط و صورتی است، ولی پیش از تراش، زیادتر از این بوده است. این الماس توسط نادرشاه افشار، جزء هدایای محمد شاه گورکانی و غنایم جنگی از هند به ایران آورده شده و بعد از طی دوران‌های مختلف به دست شاهان قاجاریه رسیده است. دریای نور تا زمان ناصرالدین شاه در وسط یکی از بازوبندهای سلطنتی نصب می‌شد، ولی در زمان او که استفادهاز بازوبند منسوخ شد، آن را به صورت پیش کلاه درآوردند و در قابی زرین با شیر و خورشید و تاج مرصع به ۴۵۷ قطعه برلیان ریز و عالی و چهار قطعه یاقوت قرار دادند. این الماس برلیان از دو سو تراش خورده و به شکل هرم مثلث‌القاعده‌ای است که قاعده آن چهار سانتی‌متر درازا و سه سانتی‌متر پهنا دارد و دو سوی دیگر حدود دو سانتی‌متر است.

همه سطوح دریای نور صاف و یک نواخت می باشد، جز یک سمت آن که فتحعلی‌شاه با کندن عبارت <سلطان صاحب‌قران فتحعلی‌شاه قاجار ۱۲۴۴>، از ارزش آن کاسته است. کره جغرافیایی از دیگر اشیای نفیس موزه است. وزن کره با پایه‌های طلایی آن حدود ۵/۳۷ کیلوگرم و در روی آن ۵۱۳۶۶ قطعه جواهر گوناگون به وزن ۴/۳۶۵۶ گرم نشانده شده است. اقیانوس‌ها و دریاها زمردنشان و آسیا مرصع به یاقوت و لعل، ایران مرصع به

الماس، اروپا مرصع به یاقوت، آفریقا مرصع به یاقوت سرخ و کبود و آمریکای شمالی و جنوبی و استرالیا مرصع به یاقوت و لعل است و خط استوابه وسیله الماس نشان داده شده و دو حلقه زرین ساده که در روی آنها گل‌های الماس نشان نصب شده،به طور متقاطع کره را در میان گرفته است. بر روی کره، القاب ناصرالدین شاه منبت و الماس نشان شده است. در این کره، کوه دماوند با یاقوت درشتی مشخص و شهر تهران با یاقوت معروفی به نام اورنگ زیب نمایان است. تاج‌ماه ، جواهر دیگری است که بعد از دریای نور، در میان جواهرات سلطنتی خودنمایی می‌کند. این سنگ سفید و خوش آب و رنگ بادامی شکل، ۱۱۲ قیراط وزن دارد و در وسط بازوبند سلطنتی بازوی چپ قرار داشت. اما بعدها به صورت دگمه یا بر روی سینه یا پیش کلاه نصب می‌کردند و اینک به صورت پیاده در خزانه جواهرات سلطنتی ایران نگهداری می‌شود. تاج‌کیانی، تاجی است که پادشاهان در مراسم تاجگذاری از آن استفاده می‌کردند.

- موزه هنرهای معاصر

این موزه در ضلع شمالی بلوار کشاورز و غرب پارک لاله در زمینی به وسعت ۲۰۰۰ مترمربع واقع شده است ودر سال۱۳۵۶ فعالیت فرهنگی و هنری خود را آغاز کرد. پیرامون آن فضایی سبز و زیبا موسوم به پارک مجسمه با تندیس‌هایی ارزشمند از هنرمندان پر آوازه معاصر ایران و جهان قرار گرفته‌است. ساختمان موزه، که یکی از نمونه‌های با ارزش معماری نوین ایران می‌باشد، با الهام از معماری سنتی ایران و مفاهیم فلسفی آن بنا شده است. طراحی و معماری این بنا به دست کامران دیبا انجام گرفته است. هشتی، چهارسو، معبر و گذرگاه از جمله عناصر چشم‌نوازی هستند که بازدیدکنندگان هنر دوست را به تا‡مل در هنر و فرهنگ ایران زمین وا می‌دارد. موزه هنرهای معاصر، مرکز فعالیت‌ها و رویدادهای مهم هنری ایران در زمینه هنرهای تجسمی به شمار می‌آید. گالری موزه مکان برگزاری نمایشگاه‌های مختلف هنری است، به هنگام برپایی هر نمایشگاه، یک یا دو گالری نیز به نمایش گنجینه‌هایی از هنرمندان بزرگ جهان اختصاص می‌یابد. ساختمان موزه تلفیقی ازمعماری مدرن و سنتی می باشد که با الهام از بادگیرهای مناطق حاشیه کویر ایران ساخته شده است.

تندیس‌هایی زیبا و با ارزش از هنرمندان معاصر همچون هنری مور، آلبرتو جیاکومتی و پرویز تناولی فضای سبز اطراف را به پارک مجسمه بدل ساخته است. بیننده مسیری چرخشی را در گرداگرد فضای اصلی موزه می‌پیماید و پس از تماشای نگارخانه‌ها، به هشتی می‌رسد در دل هشتی، اثر زیبا و نوین ماده و فکرکه توسط هنرمند ژاپنی نوریوکی هاراگوچی، از روغن و پولاد ساخته شده است، خود نمایی می‌کند. مجموعه دائمی موزه هنرهای معاصر تهران، ازحدود ۳۰۰۰ اثر ارزشمند و یکتا تشکیل شده که به نخبگان دیروز و امروز هنرهای تجسمی ایران و جهان تعلق دارد و در مالکیت موزه است. آثاری از هنرمندان پرآوازه مانند رنوار، لوترک، گوگن، پیکاسو، ماکس ارنست و ماگریت از آن جمله هستند. در کتابخانه تخصصی موزه هزاران عنوان کتاب فارسی و غیر فارسی در زمینه‌های معماری، نقاشی، طراحی، ارتباط تصویری، عکاسی، صنعت سینما و دیگر زمینه‌های هنری گرد آمده است.

- تخت کیکاووس

تخت کیکاووس در حدود ۱۸ کیلومتری شهر شهریار و ۸ کیلومتری ملارد در روستای بیدگنه قرار گرفته است که به دوران ساسانی باز می گردد. این اثر که در ۱۲کیلومتری غرب تخت رستم واقع است جایگاه مقدسی برای برگزاری آیین های مذهبی در دوران باستان بوده و شامل سه بنا می باشد که هر سه در پای یک تپه بلند به ارتفاع ۱۰۰ متر قرار گرفته اند. این تپه به شکل تیغه ای است که در دشت پیش رفتهو در نوک آن سکویی به شکل ذوزنقه به اضلاع ۱۰ ، ۱۱ و ۸ متر وجود دارد ودسترسی بدان از طریق راهی عریض در دل کوه که به قسمت جنوب سکو منتهی می‌شودامکان پذیر است. این بنا از سنگهایی که با ملات مخصوصی از گچ به هم متصل شده اند، ساخته شده است. چهار طاقی تخت کیکاووس در پای بنا قرار دارد ونقشه آن به شکل مربع است با در گاهی در شمال به عرض ۲۳۰ ساتی متر و دیوارهایی به قطر ۷۷ سانتی متر و به طور کلی در شمار چهار طاقی های عهد ساسانی طبقه بندی می‌شود.

- تنگه واشی

تنگه واشی یا تنگه ساواشی مکانی است تفریحی و توریستی که در حدود ۱۵ کیلومتری شمال غربی شهرستان فیروزکوه واقع است که با داشتن آب و هوای مناسب در تابستان ها، میزبان جمعیت کثیری از مسافران و گردشگران می باشد. مناظر زیبا و آب و هوای خوب، تنها بخشی از جذابیتهای تنگه واشی است و شاید یکی از جذابترین بخشهای سفر به تنگه واشی حرکت در رودخانه ای است که در بین یک دره سنگی قرار دارد. با توجه به نزدیکی تنگه واشی به شهر تهران، امکان مسافرت یک روزه به این منطقه وجود دارد به خصوص در تابستان هزاران نفر از ساکنین استان تهران و حتی استانهای اطراف به این منطقه مسافرت می کنند. در سال های اخیر، بسیاری از موسسه های توریستی، اقدام به برگزاری تورهای گوناگونی در این منطقه نموده اند که همین عامل باعث افزایش شهرت و معروفیت این منطقه شده است. تنگه واشی به طول حدود ۳۰۰

متر و با دیواره های صخره ای بلند به ارتفاع حدد ۱۰۰ متر محل عبور رودخانه ای است که از کوه های ساواشی سر چشمه می گیرد و از میان دشت می گذرد. در فصل تابستان که آب به کمترین میزان خود می رسد، عمق آن به حدی است که در برخی نقاط تا زیر زانوی شما را خیس نماید.

از دید آنوبانینی یکی از مهمترین جذابیت های این تنگه، همین عبور از میان آب است. کل مسافت را باید از داخل آب طی نمود. بعد از عبور از تنگه اول و گذر از دشتی سرسبز و زیبا، تنگه دوم قرار گرفته که حدود ۲ کیلومتر با تنگه اولی فاصله دارد. این تنگه هم تقریبا مشابه تنگه اول بوده و به همان ترتیب باید از آن گذشت. این تنگه هم بسیار زیبا و چشم نواز بوده و از دیواره های سنگی آن در نقاط مختلف چشمه های آب زلال و خنکبه سمت پایین روان است. در انتهای این تنگه نیز هیاهوی ریزش آب آبشاری زیبا مسافران را به خود می خواند تا در زیر آبشار و در هوای گرم تابستانه تنی به آب بزنند. تنگه واشی علاوه بر طبیعت زیبا، دارای آثار باستانی نیز می باشد. یکی از سه کتیبه معروف دوره قاجار در این تنگه واقع شده است. دو کتیبه دیگر در چشمه علی شهر ری و تونل وانا در جاده هراز واقع شده اند. هر سه این کتیبه ها به دستور فتحعلی شاه قاجار حکاکی شده است. فتحعلی شاه که زمان قبل از پادشاهی خویش را در شیراز گذرانده بود، با دیدن نقش برجسته های آن دیار، سه نفر به نامهای حجارباشی، نقاش باشی و معمارباشی را مسئول ساخت این سه کتیبه در تهران کرد. کتیبه واقع در تنگه واشی دارای ابعاد شش در هفت متر است که وقایع زمان فتحعلی شاه ،دورتا دور کتیبه روایت شده است. بزرگترین نقش برجستهاین کتیبه ها، نقش شکارگاه با تصویر اسب، نیزه و شکارهایش است که در اطراف آن می توان عباس میرزا، علی قلی میرزا و علی نقی میرزا پسران فتحعلی شاه و همچنین نوادگانش را در حال شکار دید. این کتیبهکه حدودا ۱۸۵ ساله است به گونه ای در دل کوه حک شده که از بارش و تابش آفتاب در امان است در این تنگه گیاه کمیاب باریجه که مصارف مهم صنعتی و دارویی دارد می روید.

● آب گرم لاریجان

آب گرم لاریجان یکی دیگر از دیدنی های شهریار به شمار می رود. آب معدنی لاریجان با ۳۰۰ حمام خصوصی و دو حمام همگانی، پذیرای مبتلایان به بیماری های پوستی، رماتیسم، مجاری تنفسی و عصبی است.

● دشت شقایق

دشت شقایق شهریار، در دامنه های منطقه اخترآباد، در غرب شهرستان شهریار همه ساله میزبان هزاران بازدید کننده و تور طبیعت گردی از مناطق مختلف کشور و به ویژه، استان تهران است. از اواسط اردیبهشت ماه تا اواخر خرداد، دامنه کوهها و تپه های زیبای اختر آباد ملارد به وسعت چندین هکتار پوشیده از گلهای شقایقی می شود که سرخی آن از دور دستها نیز قابل مشاهده است؛ آنچنان که گویی چادری سرخ بر روی دشت کشیده شده است.

● حمام مهدی خانی

این حمام در بازار بزرگ تهران قرار دارد. مساحت آن در حدود ۹۰۰ متر مربع و شامل ،حمام به مساحت ۴۵۰ متر مربع و تاسیساتی چون یک واحد پتو بافی، واحد مسکونی، مغازه و سرایداری است. این بنا دارای جرزهای آجری با ملات گل و آهک می باشد. بنای حمام متعلق به دوره قاجار وحدود ۸۰ در صد آن سالم به نظر می‌رسد.

● حمام همتیار

حمام همتیار یکی از حمام های قدیمی تهران در خیابان وحدت اسلامی واقع است. این بنا که همچنان شکل و فرم تاریخی خود را حفظ کرده، به دو بخش زنانه و مردانه تقسیم شده و مشغول کار است. دربخش داخلی حمام اجزای طاق و تویزه های بسیار زیبا به چشم می خورد. پاگرد، حوضچه ، ستون ها و سرستونهای زیبا، بینه، گرم خانه، سرد خانه و ... از دیگر اجزای این بناست.

● حمام درده

در مرکز روستای "در ده" از توابع فرمانداری فیروزکوه، حمام قدیمی وجود دارد که قدمت آن به ۲۰۰ سال پیش می رسد. برای ورود به حمام باید از چند پله پایین رفت، با چرخشی به سمت چپ فضای رختکن مشخص می شود و با چرخشی دیگر به سمت چپ به گرم خانه راه می یابد. فضای رختکن مربع و دارای سکوهایی برای نشستن است. در وسط نیز یک حوض سنگی بیضی شکل مشاهده می شود. گرم خانه دارای پلان مستطیل، سقف گنبدی و طاق جناغی با نور گیر است. مصالح به کار رفته در بنا ، ملات ساروج و سیمان است .

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=344910

vista.ir
Online Classified Service

با ۲۸ شرط، سالم سفر کنید

با تمام شدن فصل امتحانات، بسیاری از والدین برای رفع خستگی خود و فرزندان‌شان به سفر می روند. مهم نیست این سفر چند روزه یا به کجا باشد و یا با هواپیما یا با خودروی شخصی باشد، مهم این است که همه اعضای خانواده خاطره خوبی از این سفر داشته باشند، همگی به سلامت تعطیلات را به سر برسانند و سفر بی‌خطری داشته باشند و این ها میسر نمی‌شود، مگر این که امنیت و سلامت همه افراد خانواده تامین شود.

در سفر، امکان بروز هر واقعه غیر منتظره‌ای وجود دارد. بنابراین برای اینکه اتفاقات ناخوشایند، اوقات خوش ما را تلخ نکند، لازم است که نکات ایمنی را رعایت کنیم.

پیش از رفتن به سفر، ابتدا مکانی را که قصد دارید به آنجا مسافرت کنید، انتخاب نمایید. در این صورت می‌توانید متناسب با آن مکان، وسایل لازم را تهیه و ساک خود را آماده کنید. تغییرات آب و هوایی را در نظر بگیرید تا آمادگی لازم را در شرایط گوناگون جوی داشته باشید.

● اقامت در کنار دریا

عده‌ای ترجیح می‌دهند کنار رودخانه و دریا اقامت کنند تا از فضای آزاد آن لذت ببرند و تنی هم به آب بزنند. باید مراقب باشید در فاصله دورتری از رودخانه یا دریا، چادر خود را بر پا کنید. نشستن در کنار رودخانه متلاطم برای شما خطرناک است، به خصوص اگر هوا ابری و بارانی باشد. بنابراین بهتر است زیرانداز خود را در کنار رودخانه، دره یا محلی که امکان دارد هنگام بارش باران سیلابی شود، پهن نکنید.

اگر می‌خواهید در آب دریاچه یا رودخانه شنا کنید، ابتدا کف آب را بررسی کنید و اولین باری که وارد آن می‌شوید، به آهستگی و با احتیاط قدم بردارید و مراقب سنگ‌ها، شاخه‌های مخفی، گودال‌ها و جلبک‌های آبی باشید. اگر جریان آب تند است، وارد آب نشوید. فقط در محل‌های امن و حفاظت شده شنا کنید، زیاد از ساحل دور نشوید و به موازات ساحل شنا کنید. نگذارید جریان آب شما را از ساحل دور کند.

● چه وسیله‌ای برای سفر انتخاب می‌کنید؟

پیش از سفر فکر کنید که بهتر است با چه وسیله‌ای به مسافرت بروید. ایمنی وسیله، سرعت، قیمت و سهولت دسترسی به مناطقی را که قرار است بازدید کنید، بررسی کنید.

بسیاری از افراد، مسافرت با خودروی شخصی را ترجیح می‌دهند چون هم اختیار دست خودشان است و هر جا که بخواهند، توقف می‌کنند و هم این که هزینه کمتری پرداخت می‌کنند. اما استفاده از قطار و اتوبوس، خستگی راه را برای راننده ی خودروی شخصی ندارد. هواپیما هم سریع‌تر است و در عین حال پرهزینه.

هر خانواده بسته به بودجه‌ای که برای سفر خود در نظر می‌گیرد، وسیله مسافرت را انتخاب می‌کند. پیش از قیمت، بهتر است به نکات ایمنی وسیله‌ای که با آن به مسافرت می‌رویم، توجه کنیم.

● ۱۸ نکته درباره سفر با خودروی شخصی

۱) سعی کنید پیش از سفر، از سالم بودن خودروی خود و کارکرد درست همه قسمت‌های آن مطمئن شوید.

۲) اگر سفر شما طولانی است، هر دو ساعت یک بار توقف کرده و استراحت کنید.

۳) پیش از سفر از وضعیت جاده‌ها مطمئن شوید.

۴) شب پیش از سفر، خوب بخوابید.

۵) در حال رانندگی، با سرنشینان شوخی و خنده‌های بی‌مورد و بحث نکنید. خوردن و آشامیدن و صحبت با تلفن همراه، عملی خطرناک و حتی تهدیدکننده جان راننده و سرنشینان است.

۶) بستن کمربند ایمنی را هرگز فراموش نکنید.

۷) فشار باد تایرها را بررسی کنید. اختلاف فشار باد تایرها می‌تواند در کنترل خودرو تاثیر بگذارد.

۸) بار بیش از حد مجاز حمل نکنید.

۹) آهسته برانید تا هم از مناظر اطراف جاده لذت ببرید و هم سالم به مقصد برسید. احتیاط در رانندگی نشانه کم‌تجربگی و ترس نیست، بلکه نشانه علاقه شما به جان و مال و خانواده‌تان است.

۱۰) اگر با فرزند خردسال خود سفر می‌کنید، حتما صندلی مخصوص کودک را همراه ببرید.

۱۱) با رعایت همه اصول ایمنی و سرعت مطمئن رانندگی کنید تا حادثه‌ای برای شما و دیگران پیش نیاید.

۱۲) به هشدارهای هواشناسی و پلیس توجه کنید.

۱۳) توجه کنید کسانی که سرماخوردگی دارند یا مبتلا به بیماری‌های پوستی یا گوارشی هستند، نباید در تهیه غذا شرکت داشته باشند.

۱۴) اگر زیر آفتاب رانندگی می‌کنید حتما از سایبان، ضد آفتاب و عینک آفتابی استفاده کنید.

۱۵) هنگامی که قصد قدم زدن در هوای آزاد را دارید، از کرم ضدآفتاب استفاده کنید.

۱۶) اگر استراحت‌گاه خود را در جنگل اختیار کرده‌اید، از محل استراحت خود زیاد دور نشوید تا راه را گم نکنید.

۱۷) کیف کمک‌های اولیه را فراموش نکنید. چراغ‌قوه، سیم‌اتصال باتری و تابلوی چراغدار احتیاط را با خود ببرید.

۱۸) آب اضافی برای پر کردن رادیاتور به همراه داشته باشید.

- ۵ نکته درباره سفر با قطار و اتوبوس

۱) سعی کنید یک ماه پیش از سفر، بلیت خود را از مراکز معتبر تهیه کنید.

۲) اگر با اتوبوس قصد سفر دارید، بلیت را حتما از تعاونی‌ها بخرید و هیچ‌گاه در کنار جاده منتظر اتوبوس نباشید.

۳) اگر در اتوبوس و قطار، دچار سرگیجه و حالت تهوع می‌شوید، هنگام حرکت کتاب نخوانید و در صندلی‌هایی که خلاف جهت حرکت اتوبوس یا قطار هستند، ننشینید.

۴) هر جا که قطار یا اتوبوس توقف کرد، پیاده شوید، کمی آب بخورید و نفس عمیق بکشید و کمی هم پیاده‌روی کنید. این کار موجب می‌شود خون در پاهایتان که مدت طولانی بی‌حرکت بوده است، جریان یابد.

۵) از خوردن بیش از حد تنقلات و مواد غذایی در اتوبوس و قطار پرهیز کنید.

- ۵ نکته درباره سفر با هواپیما

۱) اگر بیماری خاصی دارید و قصد سفر با هواپیما را دارید، حتما میهمان‌دار هواپیما را از این موضوع با خبر کنید و ترجیحا دو برابر مقدار معمول، دارو به همراه داشته باشید.

۲) اگر مبتلا به بیماری قند هستید، وسیله آزمایش قند خون و باتری اضافی به همراه خود ببرید. نان خشک یا بیسکوییت بدون شکر، بادام زمینی و آب‌میوه را فراموش نکنید.

۳) اگر باید ساک‌تان را به قسمت تحویل بار بدهید، حتما نیمی از این مواد را در کیف‌دستی یا کوله‌پشتی به همراه داشته باشید.

۴) اگر قرار است نوزادی را با خود به سفر ببرید، حتما پیش از سفر با هواپیما، با پزشک نوزاد خود صحبت کنید، چون تغییر فشار هوا ممکن است برای او ضرر داشته باشد.

۵) اگر با نوزادتان سفر می‌کنید، بهتر است در ردیف صندلی‌های مجاور درب های خروج اضطراری بنشینید. صندلی‌های مجاور دیوار حایل درون هواپیما بهتر است.

منبع : علوم ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند

http://vista.ir/?view=article&id=330166

با آرامش سفر کنیم

درست است که مسافرت با اتومبیل شخصی بسیار لذت بخش تر از دیگر وسایل نقلیه است ولی اگر مقصد یکی از کشورهای خارجی باشد ناچار به انتخاب هواپیما هستیم. برای سپری کردن روزهای خوش در مسافرت های هوایی رعایت برخی نکات ضروری به نظر می رسد.

در هر حال اگر قصد سفر با هواپیما دارید، مراقب هواپیمازدگی باشید. هواپیمازدگی یا Jetlag عارضه ای است که در حین پرواز طولانی تحت تاثیر عوامل متعددی بروز می کند. مهم ترین این عوامل برهم خوردن ساعت بیولوژیک بدن است. طی مسافرت خصوصاً سفرهای طولانی ترشح هورمون ملاتونین که مسوولیت ساعت بیولوژیک و زیستی انسان را برعهده دارد، کاهش یافته و موجب اختلال ساعت خواب و بیداری فرد می شود.

فشار هوای داخل هواپیما، نوع تغذیه، استرس قبل از سفر، نداشتن تحرک و جابه جایی از دیگر عوامل بروز جت لگ به شمار می روند. مهم ترین شاخصه مبتلایان به جت زدگی بروز اختلالات گوارشی است. خستگی، نداشتن حوصله و انرژی، خواب آلودگی، احساس تورم در ناحیه پا و عدم تمرکز از مهم ترین عوارض پرواز زدگی است که در بیش از نیمی از مسافران بروز می کند. برای مقابله با چنین عارضه ای، رعایت نکات زیر توصیه می شود؛ روز قبل از سفر را به آرامی، آسایش و خونسردی بگذرانید. شب قبل را زود بخوابید و هرگونه استرس و نگرانی از به تاخیر افتادن پرواز را از خود دور کنید.

حداقل ۱۳ ساعت قبل از پرواز از نوشیدن الکل و نوشابه های گازدار و غذاهای نفاخ، حجیم و چرب خودداری کنید. تا می توانید آب و آب میوه های طبیعی بنوشید. زمان پرواز لباس راحت بپوشید و حتی الامکان از صندل یا دمپایی استفاده کنید. صورتتان را با کرم مرطوب کننده بپوشانید تا خشک نشود.

از خوردن قرص خواب آور یا آرام بخش بپرهیزید. در مسافرت های طولانی برای کاهش گرفتگی های عضلانی ناحیه دست، کتف، پا و گردن حرکت کششی انجام دهید. برای جلوگیری از تورم در ناحیه ساق و قوزک پا بلند شوید و کمی راه بروید. نرمش های ساده ای وجود دارد که با انجام آنها می توانید کسالت و خستگی را جبران کرده و انرژی ازدست رفته را بازیابید. صاف روی صندلی خود بنشینید، کف پایتان را روی سطح زمین قرار دهید، سپس به صورتی که پاشنه های پایتان روی زمین قرار دارد، نوک پنجه را به آرامی بالا آورید، سپس نوک انگشتان پا را ثابت نگه داشته و پاشنه پایتان را به طرف بالا حرکت دهید.

همین طور که روی صندلی نشسته اید، سه مرتبه شانه های خود را به طرف بالا و پایین حرکت دهید. سر خود را به آرامی به طرف سینه خم کنید و دوباره به عقب برگردانید. این نرمش از گرفتگی عضلات گردن شما جلوگیری می کند.

برای بهبود وضعیت گردش خون، در حالت نشسته، زانوی پای راست را به طرف سینه بالا بیاورید و دوباره به پایین برگردانید. این نرمش را در هر دو پا انجام دهید. در صورت ابتلا به دیابت ساعت تزریق انسولین خود را با ساعت کشور مقصد تطبیق دهید.

مصرف غذاهای حاوی ویتامین C، B۱۲ و پتاسیم نظیر مرکبات، موز، سیب زمینی در یکی دو هفته قبل از سفر تا یکی دو هفته بعد از بازگشت، کمک بزرگی به کاهش حملات Jetlag می کند.

اگر سیگاری هستید از شروع زمان بارگیری استعمال سیگار را قطع کنید.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=265916

vista.ir
Online Classified Service

با خود چه چیزی به سفر ببریم؟

● از همراه داشتن لوازم غیر ضروری خودداری کنید.

تعطیلات نزدیک است و شما به فکر سفر و بستن چمدانها هستید. به گفته متخصصین امور مسافرتی، بهترین کار برای داشتن یک سفر آسوده، تهیه فهرستی از لوازم مورد نیازی است که با خود به سفر خواهید برد. اما گاهی محافظه کارترین مسافران هم گاهی مواردی را فراموش میکنند یا حتا به آن فکر هم نمیکنند. این موارد مهم و کارآمد چه هستند؟

● این موارد را به همراه داشته باشید:

۱) گیره لباس (یا سنجاق قفلی بزرگ) گیره لباس در سفر استفاده ای کاملا متفاوت دارد! و بهترین وسیله برای کیپ کردن در بسته های خوراکی نیمه تمام مانند چیپس، محکم کردن کیسه لباسهای نم دار است.

۲) در بازکن قوطی و بطری، به یاد داشته باشید که همیشه در رستوران غذا نخواهید خورد و کنسرو و نوشیدنی را با دربازکن به شما نمیفروشند.

۳) آب، اگر سفر شما بیش از سه ساعت طول میکشد، حتما یک بطری بزرگ آب همراه داشته باشید. یک اسپری کوچک آب هم در سفرهای گرم و خشک بسیار مفید خواهد بود. با اسپری کردن کمی آب به صورتتان بسیار سرحال خواهید شد.

۴) ماشین حساب جیبی، تنها وسیله ای که برای تبدیل قیمتها و ارز در مسافرتهای خارجی نیاز دارید.

۵) لیف حمام، لیف حمام در میان تجهیزات بسیاری از هتلها وجود ندارد. پس یکی همراه داشته باشید.

۶) یک بسته بزرگ دستمال کاغذی. بسیاری از هتلها یا اصلا در اتاقها دستمال نمیگذارند یا فقط به یک بسته کوچک اکتفا میکنند.

۷) یک کپی از تمام مدارک مهم سفر. پاسپورت(صفحه عکس دار)، بلیطها، کارت هویت، کارت اعتباری، گواهینامه رانندگی، چک مسافرتی.... در صورت گم شدن هر یک از این اسناد، شما شماره و بقیه مشخصات لازم را همراه خواهید داشت.

البته فراموش نکنید که کپی مدارک ره همراه با اصل آن در یک جا نگذارید.

۸) کمی آب نبات. بد نیست یک بسته آب نبات همراه داشته باشید تا به کسانی که کاری برایتان انجام میدهند تعارف کنید. مانند راننده تاکسی، دربان متل و... این بهترین روش برای شروع یک برخورد دوستانه است.

● چند مورد که همراه نداشتن آن بهتر است

۱) بطری کامل شامپو، لوسیون و مانند اینها. بهتر است از انواع مسافرتی آن همراه ببرید یا مقداری از هر کدام را در بطریهای کوچک پلاستیکی ریخته و با خود ببرید.

۲) یک لباس برای هر روز! چند تکه لباس قابل جور کردن با همدیگر را بردارید و سعی کنید از رنگهای هماهنگ استفاده کنید.

۳) سشوار و اتو. اینها فقط بار شما را سنگین میکنند و معمولا در تمام هتلها موجود هستند. برای اطمینان بیشتر با یک تلفن به هتل، مشکل حل خواهد شد.

۴) لوازم واقعا اضافی. اگر وسایلی هستند که نمیدانید به درد خواهند خورد یا نه، بهتر است آنها را در خانه بگذارید. پشیمان نخواهید شد.

منبع : ایرانیان انگلستان

http://vista.ir/?view=article&id=279788

vista.ir
Online Classified Service

با سفر آرامش پیدا کنید

خسته اید، صبح ها به سختی از رختخواب بیرون می آیید و اشتیاقتان را برای کار، سرگرمی و زندگی اجتماعی از دست داده اید. می توانید از مرخصی های مسافرتیتان استفاده کنید ولی خرج و مخارج بالاست و فکر نمی کنید که پول کم شما ارزش سفر رفتن را داشته باشد.

با وجود درآمد ناچیز و برنامه کاری فشرده ای که دارید، خیلی دشوار است که کار را کنار بگذارید و برنامه بریزید که به مسافرت بروید. ولی بیرون رفتن، حتی برای مدتی کوتاه هم که شده، برای سلامتی شما بسیار مفید است واقعاً به نفعتان نیست که سفر رفتن را نادیده بگیرید.

● از سفرتان بهترین استفاده را ببرید!

اگر پیشنهاد یک سفر کاری به شما شده است، قبول کنید چون باعث می شود تجربیاتتان بیشتر شده و موقعیت شغلیتان هم بهتر گردد. به علاوه موجب می شود که محیط کارتان هم، هر چند به طور موقت، تغییر کند.

اگر می خواهید به سفری تفریحی بروید، دقت کنید که چه همراهی برای خود انتخاب می کنید. اگر از نامزد غرغرو یا رفیق بی پولتان خسته شده اید، ممکن است این سفر به تجربه ای پر استرس تبدیل شود که همه ی منفعت هایی که می تواست برایتان داشته باشد را از بین ببرد.

گاهی اوقات مجبورید به تنهایی سفر کنید. این باعث می شود که افراد جدیدی را ملاقات نموده و ارتباطات جدیدی با دیگران ایجاد کنید، ضمن اینکه به شما این آزادی را می دهد که هر چه دوست دارید انتخاب کنید. البته نوع سفری که انتخاب می کنید خیلی مهم است. سعی کنید که کاملاً مطابق میلتان باشد. اگر عاشق گردش کردن و بازدید از جاهای دیدنی هستید یا از استراحت کردن تمام روز کنار دریا لذت می برید راهی شهر شوید.

از طرف دیگر، اگر می خواهید در حال خوردن نوشیدنی کمی هم آفتاب بگیرید، این بهترین انتخاب ممکن خواهد بود.

مسافرت، چه کاری چه تفریحی، می تواند فواید بسیاری هم برای جسم و هم فکر شما داشته باشد. در زیر به بعضی از فواید سفر برای سلامتی شما اشاره می کنیم.

۱- فشار و استرستان کم تر خواهد شد

سفر به شما این امکان را می دهد که کمی استراحت نموده و فشارهای روحی را از خودتان دور کنید. سفر خستگی شما را از بین می برد. حتی اگر سفری کاری باشد و شما مجبور باشید که ساعت های متمادی در کنفرانس هایی شرکت کنید، در عوض با کشور یا شهر جدیدی آشنا خواهید شد. ممکن است مسافرت اضطراب و استرس هم داشته باشد، به خصوص اگر سفر شما همراه با گردش و بازدید از جاهای دیدنی باشد و یا شما نیاز به آشنایی با زبان های مختلف داشته باشید و یا مقصدتان شهری شلوغ باشد. اما استرس سفر یک استرس مثبت است و مثل اضطراب شما از کار زیاد یا زندگی روزمره نیست. کاهش فشار و استرس روحی همیشه به سلامتی شما کمک خواهد کرد.

۲- تنوعی به زندگیتان خواهید داد

طبق جمله ای که می گوید: &#۰۳۹;هر تغییر و تنوعی به اندازه استراحت خوب است.&#۰۳۹;، مسافرت از هر نوعی که باشد باعث می شود که شما، هر چند به مدتی کوتاه، از زندگی عادی خود دور شده و همین مسئله به تنهایی انرژی زیادی به شما می دهد. اینکه بخواهید برنامه روزانه خود را کمی تغییر دهید، می تواند به عنوان نوعی درمان برای شما محسوب شود و این کار از کسل و خسته شدن فکر و جسم شما جلوگیری می کند.

۳- از هوای آزاد بهره خواهید برد

در طی سفر شما بیشتر بیرون از ساختمان و در هوای آزاد خواهید بود تا اینکه طبق معمول داخل چهاردیواری اتاقتان در اداره حبس شوید. اینطوری می توانید بیشتر از هوای تازه و سالم لذت ببرید. اگر برای گردش به کوهستان یا برای استراحت به کنار دریا بروید، نسبت به روزهای عادی عمیق تر تنفس خواهید کرد و اکسیژن بیشتری به بدنتان وارد خواهد شد. همچنین می توانید از آفتاب گرفتن هم استفاده ی زیادی ببرید، به شرط اینکه احتیاط های لازم برای جلوگیری از آفتاب سوختگی را فراموش نکنید.

۴- فعالیت جسمی بیشتری خواهید داشت

سفر با یکسری فعالیت بدنی اضافی همراه خواهد بود. ممکن است شما در برنامه سفرتان شنا در دریا یا گردش و بازدید از مکان های دیدنی یا والیبال ساحلی را گنجانده باشید، ولی حتی اگر هم بخواهید تمام روز را به استراحت بپردازید باز هم از ماندن در خانه بهتر است و بیشتر پیاده روی خواهید کرد و در کل نسبت به برنامه عادی همیشگیتان فعالیت جسمی بسیار بیشتری خواهید داشت.

۵- از غذا خوردن لذت خواهید برد

حتی اگر به سفری دریایی بروید یا پیوسته در استراحتگاهی اقامت کنید، خیلی کم تر از زمانی که در منزل خود هستید از غذاهای آماده استفاده خواهید کرد. غذا خوردن در رستوران قطعاً خیلی بهتر از غذاهایی است که به سرعت آماده می شوند و با مایکروفر پخته می شوند. احتمالاً در طی سفر غذاهای فرنگی را در خارج از کشور امتحان خواهید کرد. دیگر نگران وعده های غذایی و میزان کالری مصرفیتان نیستید و به راحتی از مزه کردن غذاهای خوشمزه مختلف لذت خواهید برد.

۶- رفتارهایتان را اصلاح خواهید کرد

برنامه ریزی هم قسمتی از تفریحاتتان است. زمانی که سفری در پیش دارید، یکنواختی و کار سخت از ساعت ۹ تا ۵ و همیشه منتظر وقت استراحت بودن به نظر قابل تحمل تر می شود و باعث می گردد که بهتر با مشکلات کاری کنار بیایید. سفر کردن دید و احساس تازه ای نسبت به فرهنگ ها و آداب و رسوم مختلف به شما داده و به شما کمک می کند که از زندگی بیشتر لذت ببرید. بنا به مقصدی که انتخاب می کنید، سفر حتی باعث می شود دید تازه ای نسبت به شهر خودتان هم پیدا کنید.

۷- اشخاص مختلفی را ملاقات خواهید کرد

سفر کمک می کند تا افراد مختلفی را از سرتاسر جهان ملاقات کنید. اجتماعی بودن و معاشرت کردن نوعی درمان به حساب می آید و همچنین باعث می شود که با فرهنگ ها و آداب و رسوم مختلف آشنا شوید.

۸- خاطره ای به یاد ماندنی خواهید داشت

اگر تواناییش را دارید که به هر کجا که دوست دارید سفر نمایید، این کار را بکنید چون ممکن است بعدها پشیمان شوید. پس اگر همیشه آرزو داشتید که به استرالیا سفر کنید، الان وقتش است.

۹- با همسرتان ارتباط جدیدی برقرار خواهید کرد

سفر به شما این امکان را هم می دهد که بدون فکر کردن به وظایف و مسئولیت های خانه زمان بیشتری را با همسرتان بگذرانید و کمی به گذشته برگردید. مطمئناً گذراندن اوقاتی خوش کنار همسرتان در سفر خیلی بهتر از دعوا کردن سر نوبت شستشوی ظروف است.

چمدان هایتان را ببندید!

سفر کردن یکی از فعالیت هایی است که نباید نادیده گرفته شود. اگر زیاد به مسافرت می روید، سعی کنید بیشتر روی فواید آن مطالعه کنید چون اینگونه از سفرتان بیشتر لذت خواهید برد.

از فرصت هایی که برای مسافرت برایتان پیش می آید نهایت استفاده را برده و از تاثیری که بر جسم و روحتان دارد استقبال کنید. سفر می تواند خیلی برای سلامتیتان مفید باشد، پس چمدان هایتان را ببندید و راهی شوید. سفر خوش!

http://vista.ir/?view=article&id=237979

vista.ir
Online Classified Service

بار دیگر شهری که دوست می داشتم

تابستان برای ما ایرانی ها معنای خاصی دارد؛ فصلی است که نشاط و سرزندگی به همراه دارد و سفر را در ذهن تداعی می کند. کمتر کارمند، کارگر و سرمایه داری را می توان یافت که به فکر مسافرت تابستانی نباشد. هر خانواده ای بسته به میزان درآمد و شرایط خانوادگی نوع خاصی از سفر را برای خود انتخاب می کند ولی همه در یک موضع اشتراک دارند و آن هم رفتن به شهری است که دوستش دارند.سفر نیز همچون امور دیگر آداب خاص خود را دارد که اگر رعایت نشود، نتیجه ای جز اوقات تلخی، کسالت و خستگی و البته زیان مادی چیز دیگری به همراه ندارد.

بیشترین مواردی که باعث به هم خوردن لذت سفر می شود، به ناراحتی های جسمانی مربوط می شود. این موضوع در افرادی که به بیماری خاصی نظیر دیابت دچارند از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه شما هم به دیابت مبتلایید یا قصد سفر با فرد دیابتیک را دارید، به توصیه های زیر توجه کنید. کیف حاوی داروها و وسایل پزشکی مصرفی خود (انسولین و سرنگ کافی، دارو های پایین آورنده قند خون و مواد ضدعفونی کننده لازم برای آماده سازی محل تزریق انسولین) را حتماً همراه داشته باشید، هرگز آن را همراه بار یا وسایل دیگر خود تحویل ندهید زیرا ممکن است گم شود یا انسولین موجود در آن چنانچه در معرض حرارت بسیار بالا یا برودت بسیار پایین قرارگیرد، اثر خود را از دست بدهد. چند بطری آب سالم یا نوشیدنی های کم کالری، آب مورد نیاز بدن شما را تامین خواهد کرد. در هواپیما تا حد امکان قدم بزنید و در صندلی خود اندام های تحتانی و انگشتان پاها را مرتباً حرکت دهید. اندام های خود را حرکت و سر خود را از طرفی به طرف دیگر بچرخانید.

در طول مسافرت در صورتی که خون رسانی به پاها خوب بوده و مشکل خاصی ندارید، کافی است فقط به صورت روزانه پاهایتان را وارسی کنید. اگر قصد دارید برای مسافرت کفش جدیدی بخرید، مواظب باشید کاملاً راحت و اندازه باشد و قبل از شروع مسافرت آن را امتحان کنید. از پا برهنه

راه رفتن بپرهیزید. در کنار دریا از دمپایی پلاستیکی استفاده کنید و هنگام شنا جوراب های شنا بپوشید. در مسافرت به مناطق خیلی گرم بهتر است انسولین در یخچال نگهداری شود. طی مسافرت به مناطق خیلی گرم از کیسه یخ یا فلاسک حاوی یخ استفاده کنید. در این موارد از تماس مستقیم انسولین با یخ جلوگیری کنید. می توانید شیشه انسولین را از جعبه مقوایی خارج و در یک پارچه مرطوب بپیچید. در صورت عدم دسترسی به این وسایل انسولین را در پارچه خیسی گذاشته و با خود حمل کنید.

به خاطر داشته باشید در آب و هوای خیلی گرم، انسولین از محل تزریق سریع تر جذب می شود بنابراین قند خون خود را به طور مرتب وارسی کنید. هیچ گاه مدت طولانی در آفتاب نمانید. دراز کشیدن طولانی در ساحل آفتابی ممکن است قند خون تان را بالا ببرد. اگر قند خون تان بالاست، ممکن است با حضور در یک منطقه گرم سریع آب بدن خود را از دست بدهید از این رو حتماً مقدار زیادی مایعات غیرشیرین بنوشید. جهت جلوگیری از آفتاب سوختگی، از کرم های ضدآفتاب استفاده کنید. اگر هم در آب و هوای سرد قرار گرفتید و اشکال خون رسانی یا بی حسی در پا پیدا کردید، حتماً مراقب یخ زدگی باشید. نوارهای آزمایش قند خون را در دمای اتاق قرار دهید چرا که در هوای سرد ممکن است قند خون را به طور کاذب کمتر از معمول نشان دهند.در صورتی که قصد سفر با هواپیما را دارید آمادگی مقابله با پدیده هواپیمازدگی را که از اختلال در چرخه خواب ناشی می شود، داشته باشید. برای جلوگیری از این اختلال حین سفرهای طولانی هوایی پیش از حرکت به مقدار کافی بخوابید، غذای متعادل و سبکی بخورید و از پرخوری بپرهیزید. می توانید برای مدت کوتاهی از قرص های خواب آور هم استفاده کنید.

اگر مبتلا به بیماری خاص هستید و برای آن دارو مصرف می کنید، به قدر کافی از آن دارو در کیف دستی خود به همراه داشته باشید. هوای درون هواپیما خشک است برای جلوگیری از کم آبی بدن در طول سفر از آب و نوشابه های فاقد کافئین و الکل استفاده کنید. چنانچه حین پرواز دچار گوش درد می شوید، پیش از پرواز از داروهای ضداحتقان (پرخونی مخاط) استفاده کنید. برای جلوگیری از لخته شدن خون در وریدهای پا در طول پرواز عضلات ساق پایتان را منقبض کنید، چند قدمی راه بروید و آب بنوشید. عقرب زدگی، مارگزیدگی و زنبورگزیدگی از دیگر عارضه هایی است که در هر سفری امکان پیش آمدنش وجود دارد و به همین دلیل دانستن نکاتی که بتوان خطرات حاصل از آن را کاهش داد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. عقرب ها بیشتر در آب و هوای گرم و شب ها فعال هستند و به این علت رعایت نکات ایمنی در مورد جلوگیری از عقرب گزیدگی مثل پوشیدن جوراب، شلوار و کفش مناسب، تکان دادن کفش و لباس قبل از پوشیدن به خصوص در مناطق گرمسیری و هنگام تاریکی هوا اهمیت دارد.

زهر اکثر عقرب های سمی باعث نابودی گلبول های قرمز خون می شود و در محل گزش نیز تغییر رنگ موضعی و تورم دردناک ایجاد می کند که حتماً باید توسط پزشک معاینه شده و با تزریق سرم ضدعقرب درمان شود. علاوه بر آسیب به گلبول های قرمز، زهر عقرب علائم عصبی شامل بیقراری، تشنج، راه رفتن نامتعادل، تکلم منقطع، آبریزش از دهان، حساسیت شدید پوست به لمس، انقباضات ماهیچه ای، درد شکم و کاهش کارکرد سیستم تنفسی ایجاد می کند. هنگام بروز چنین عارضه ای یک پارچه با عرض حداقل چهار تا پنج سانتی متر حدود پنج سانتی متر بالاتر از محل گزش (یعنی قسمتی از اندام که به تنه مصدوم نزدیک تر است) ببندید به گونه ای که باعث کندشدن جریان لنف و خون سیاهرگی در اندام مربوطه شود. برای تخفیف درد قبل از آنکه مورد معاینه قرار گیرد، باید محل زخم با آب و صابون شست وشو داده شود و با قرار دادن کمپرس آب سرد روی موضع دردناک، تورم را کاهش داد. در زمان عقرب زدگی یادآوری این مساله نیز مهم است که در طول این مدت فرد مصدوم به هیچ وجه نباید از داروهای خواب آور استفاده کند.مارزدگی نیز اغلب در مناطق مرطوب و همچنین بیابانی و خشک اتفاق می افتد.

هنگام وقوع این عارضه بسته به نوع سم و میزان ورود آن به بدن علائمی در دو گروه خفیف و شدید در بدن مصدوم ظاهر می شود؛ تورم، تغییر رنگ، درد کم، احساس قلقلک، ضربان سریع، ضعف عمومی، تهوع، استفراغ، اختلال دید. علائم مارگزیدگی خفیف بوده و تورم سریع و کرختی بدن، درد، مردمک سنجاقی، به خود پیچیدن، هذیان، شوک، تشنج، فلج، عدم وجود نبض علائم مارگزیدگی شدید به شمار می رود. از آنجا که اکثر گزیدگی ها در ناحیه دست و پا اتفاق می افتد بستن نواحی عضو مصدوم قبل از مراجعه به بیمارستان یا مراکز درمانی در کنترل عارضه و تخفیف درد نقش مهمی دارد. برای این کار با استفاده از پارچه یا باندی که حدود چهار تا پنج سانتی متر عرض داشته باشد، بالا و پایین محل گزیدگی را ببندید. البته باند یا پارچه را طوری ببندید که مانع مسدود شدن خون سرخرگی نشود. احتمال زنبورگزیدگی نیز در هر منطقه ای وجود دارد. درد، قرمزی، تورم، خارش در محل گزش، کهیر، ورم در ناحیه گلو و دهان یا هر دو، تنفس مشکل و صدادار، تهوع و استفراغ، درد در قفسه سینه، ضعف و بی حالی، کاهش فشار خون و کاهش هوشیاری فرد از جمله نشانه هایی است که در فرد زنبورگزیده دیده می شود. در صورت گزش بلافاصله نیش حشره را بیرون آورید. محل گزش را با آب و صابون شسته و روی آن را با پماد آنتی بیوتیک بپوشانید. قرار دادن یخ روی محل گزش می تواند باعث تخفیف درد شود که می توان در هر ساعت، ۲۰ دقیقه از یخ استفاده کرد. البته باید بین محل گزش و یخ یک پارچه تمیز قرار

داد تا از سرمازدگی پوست اجتناب شود.در صورت ادامه یافتن علائمی چون تنفس مشکل، اختلال در تکلم، التهاب دهان یا حلق، بثورات و لکه های جوش مانند در سراسر بدن، کاهش سطح هوشیاری و درگیر کردن کره چشم به سرعت به مراکز درمانی مراجعه کنید.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=323361

vista.ir
Online Classified Service

بازار اردبیل

بازار اردبیل مجموعه ای است مرکب از همه عناصر تشکیل دهنده وابسته به آن، تشکیلاتی چون تیمچه، سرا، حمام و مسجد این بازار در مرکز شهر و در طرفین خیابان امام خمینی قرارگرفته است. این مجموعه از سابقه ای طولانی برخوردار است. قدیمی ترین سیاحانی که از بازار اردبیل نام برده اند عبارتنداز: مقدسی و اصطخری در سده چهارم هجری که آن را به صورت صلیب در چهار راسته توصیف کرده اند. بازار اردبیل در قرن های هفتم و هشتم رونق فراوان داشت. در سده های بعد، قسمتی از بازار بزرگ و تیمچه‌ها و سراها از موقوفات بقعه شیخ صفی الدین به شمار می رفته و درآمد و عواید حاصله به مصرف مخارج این بقعه می رسید. بنای کنونی بازار و عناصر وابسته به آن از آثار دوره صفویه و زندیه است که بر بنیان اولیه بازار ساخته شده است. کوچه مجموعه بازار اردبیل ازنظر ابعاد و تناسب، در خور شهری قدیمی و تاریخی چون اردبیل نیست، ولی هم اکنون نیز به عنوان مرکز اقتصاد و تجارت اردبیل نقش عمده ایفا می کند. قسمت عمده بازار اردبیل در خیابان کشی های نیم قرن گذشته تخریب شده و ارتباط بعضی از بخشهای آن با همت مرکزی بازار از بین رفته است. بازار اردبیل با تاق نمای جانبی، تاق و تویزه و گنبدهای ساده شامل راسته بازار اصلی، بازار زرگران، بازار قیصریه، راسته پیرعبدالملک، بازار خواهان ، بازار کفاشان و علافان است. پر قسمت های بازار در دوره صفویه بنا، یا مرمت شده است.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=109956

vista.ir
Online Classified Service

بازار بزرگ مکاره ی سفر

ما ادعا می‌کنیم که جزو برترین کشورها در خصوص داشتن جذابیت‌های گردشگری هستیم. این مطلب را آن قدر شنیده و نوشته‌ایم که راستش را بخواهید شده‌ایم مثل کسی که هر روز چلوکباب بخورد ! چلوکباب چه ربطی به جاذبه های گردشگری دارد؟ خیلی هم ربط دارد. سلسله مطالب ذیل به شما ثابت می‌کند که خوب هم ربط دارد. اگر در این زمینه شما نظری مخالف دارید می‌توانید عنوان کنید قول می‌دهم که هیچکس توجهی به آن نکند!

ما با همه جذابیت‌ها و قابلیت‌هایی که در صنعت گردشگری دنیا داریم محدودیت‌هایی هم داریم که البته از این محدودیت‌ها نه تنها ناراحت نیستیم که آن را جزو ارزش‌های خود نیز طبقه‌بندی می‌کنیم. حتماً می‌دانید که توریسم زیر شاخه‌های مختلفی دارد که از این زیر شاخه‌ها فقط چند تایی از آن را نمی‌توانید در ایران پیدا کنید. توریسم تفریحی به آن معنا که دیگران مد نظر دارند در ایران یافت نمی‌شود و نباید هم یافت شود.

اما سایر زیر شاخه‌ها نه تنها می‌تواند وجود داشته باشد که بهترین آنها هم وجود دارد. توریسم تاریخی، فرهنگی، ورزشی، علمی، ماجراجویی، درمانی، ترانزیتی، مذهبی، اکوتوریسم، و... به بهترین شکل در ایران وجود دارد. اما چرا با این همه قابلیت‌ها طبق بعضی از آمارها رتبه‌ی ما در جذب گردشگر از هشتاد هم فراتر رفته است؟

به چند دلیل عمده‌ی آن اشاره می‌کنم:

- ما هنوز نتوانسته‌ایم به سایر ملل دنیا بقبولانیم که کشورمان از افغانستان و سودان و اتیوپی و بورکینافاسو امن‌تر است.
- ما هنوز نتوانسته‌ایم به سایر ملل دنیا همه قابلیت‌های توریستی خود را به درستی معرفی کنیم.
- ما هنوز نتوانسته‌ایم ناوگان حمل و نقل هوایی، ریلی، جاده‌ای و دریایی خود را مطابق با استانداردهای جهانی بهینه‌سازی کنیم.
- ما هنوز نتوانسته‌ایم گردشگرانی که مایل به سفر ایران هستند را شناسایی و جذب کنیم.
- ما هنوز نتوانسته‌ایم به گردشگران داخلی اطلاعات درست و کاملی در خصوص جاذبه‌های کشور ارایه کنیم.
- ما هنوز نتوانسته‌ایم ...

به ماجرای برگزاری نمایشگاه matta در کوالالامپور اگر توجه کنید به عمده‌ی مسایل پیش گفته پی خواهید برد. پس می‌پردازم به چگونگی برگزاری این نمایشگاه و حضور ایران در آن. لطفاً توجه فرمایید:

شاید یکی از دلایل عمده‌ای که باعث شد نمایشگاه matta برایم جالب باشد ملاقات دو ساعته من با دکتر محسن امامی در مشهد بود. دکتر که برخلاف دفعات گذشته با خانواده به مشهد آمده بود دلیل سفر را زیارت و خداحافظی خود و خانواده‌اش عنوان کرد. او تصمیم گرفته بود به مالزی اسباب‌کشی کند و فعالیت‌های خود را در آن کشور متمرکز کند. و هم او بود که از برگزاری این نمایشگاه باخبرم کرد. مالزی کشور مهمی است و جالب اینجاست که تاکنون در هیچ يك از نمایشگاه‌های توریستی آن کشور ما شرکت نداشته‌ایم. اما تا دلتان بخواهد در آلمان و اسپانیا و انگلستان و... نمایشگاه برپا کرده‌ایم و البته خواهیم کرد. تصمیم می‌گیرم این نمایشگاه را پیگیری کنم و در صورت امکان سفری به آنجا داشته باشم.

تماسهایی با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری می‌گیریم و از دوستان خود در آنجا می‌پرسیم که نمایشگاه matta در مالزی چه نمایشگاهی است و برنامه حضور ایران در آن کشور چیست؟ تا ۶ روز مانده به برگزاری نمایشگاه تقریباً هیچکس نمی‌داند موضوع چیست. با دکتر ملك‌زاده تماس می‌گیرم و با وی در چند نوبت گفتگو می‌کنم. دکتر، مالزی را کشور مهمی می‌داند و عنوان می‌کند که هر طور شده در این نمایشگاه حضور خواهیم داشت اما مشکل جای دیگری بود. از قرار معلوم بودجه‌ای برای حضور ایران در نمایشگاه matta در نظر گرفته نشده بود و آن طور که بعداً متوجه می‌شوم چند روز قبل از برگزاری مبلغ اجاره محل در نمایشگاه واریز می‌شود و در آخرین لحظات حضور ایران در نمایشگاه matta که یکی از مهمترین بازارهای توریستی منطقه شرق آسیا است قطعی می‌شود.

سالهاست که کشور مالزی در حوزه‌ی گردشگری دارای ۲ نمایشگاه بزرگ است. یکی matta که هر ۶ ماه یکبار برگزار می‌شود که عمده شرکت

کنندگان آن آژانس‌های خدمات مسافرتی مالزی و دیگر کشورها هستند و دیگری نمایشگاه جهانگردی کوالالامپور. مالزی را ما یك کشور هدف در جذب گردشگر و مراودات توریستی می‌دانیم و اینکه چگونه در طی سالهای گذشته حتی نمی‌دانستیم چنین نمایشگاه‌هایی در این کشور برگزار می‌شود یکی از دلایل پیش گفته است یعنی عدم شناخت ما از بازارهای هدف. Matta هر ۶ ماه یکبار و نمایشگاه جهانگردی کوالالامپور هر سال یکبار برگزار می‌شود. اما تاکنون ما از این رویدادهای مهم نه تنها غافل که اصلاً اطلاع نداشته‌ایم. اگر به منابع خبری رجوع کنید درخواهید یافت که این نمایشگاه اصلاً در تقویم کاری سازمان نیز نبوده است. این قبیل نمایشگاه‌ها بهانه‌ای است تا دولت مردان ما در حوزه گردشگری یك بازنگری اساسی در فعالیت‌های تبلیغاتی خود داشته باشند و بررسی کنند آیا واقعاً حضور نمایشگاهی ما در سایر کشورها اهمیت دارد یا خیر. اگر دارد چه کشورهایی در اولویت می‌باشند. و آیا در کشورهای دارای اولویت فعالیتی صورت گرفته است یا خیر. نگارنده بر این باور است که دفاتر نمایندگی کشورمان در کشورهای مختلف تا زمانی که حوزه گردشگری در آنجا دارای نمایندگی نشده است می‌بایست نسبت به انعکاس این رویدادها به تهران همت گمارند. البته از قرار معلوم در آینده‌ای نامشخص دفاتر نمایندگی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در همه سفارتخانه‌ها فعال خواهد شد که این مهم می‌تواند این نقیصه را برطرف کند.

▪ باز گردیم به نمایشگاه matta:

ملاقات من با دکتر امامی تقریباً ۲۵ روز قبل از برگزاری نمایشگاه صورت گرفت و به پیشنهاد وی بود که تصمیم گرفتم چه ایران در این نمایشگاه حضور داشته باشد و چه نداشته باشد یك شماره از مجله مسافران را به همین موضوع اختصاص داده و منتشر نماییم. که حاصل آن نشریه شماره ۳۶ بود که تماماً به زبان انگلیسی و ویژه توزیع در کشور مالزی منتشر شد. شما می‌توانید این نشریه را در سایت www.mosaferan.ir ببینید. در انتشار این شماره مسایلی نیز به وجود آمد که در جای خود به آن خواهم پرداخت. هرچند ممکن است مطرح کردن بعضی از مسایل باب میل تعدادی از مدیران سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور به خصوص چند تن از مدیران میانی استانها نباشد!

تا قبل از سفر «عدنان» وزیر جهانگردی مالزی و هیئت همراه به تهران شاید کمتر کسی تمایل به پرداختن به آن کشور را داشت. بعد از سفر عدنان به ایران و ملاقات با مهندس مشائی و امضای پروتکل همکاری‌های توریستی این امیدواری به وجود آمد که تحولی در مناسبات گردشگری دو کشور ایجاد شود. به خصوص اینکه مردم مالزی به سفر بسیار علاقه‌مند هستند و طبق آماری که وجود دارد هر ساله نزدیك به ۲۰ میلیون نفر از مردم مالزی به خارج از کشورشان سفر می‌کنند که سهم ایران با همه علاقه‌ای که مالزیایی‌ها به ایران دارند حدود ۲۰۰۰ نفر است.

اجازه بدهید توجه شما را به آمارهایی که رسمی و غیر رسمی تاکنون منتشر شده است جلب کنم شاید به بعضی از دلایلی که قبلاً نوشتم نزدیك‌تر شویم. طبق آمار هر روز نزدیك به ۳۰ پرواز مستقیم از شهرهای مختلف از قبیل تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، کیش، لار، بندرعباس، و .... به دبی مسافر حمل می‌کند که شرکت‌های آسمان، ایران‌ایر، ایران‌ایرتور، کیش‌ایر، آریا، امارات، العربیه و... وظیفه جابجایی سالانه نزدیك به یك میلیون و دویست هزار نفر از ایرانیان را به دبی به عهده دارند. لازم به یادآوری هم نیست که ما در حال حاضر از نظر سیاسی و اجتماعی و ارضی مشکلاتی نیز با امارات متحده عربی داریم و از آن سو تعداد مسافران اماراتی که به ایران سفر می‌کنند سالانه به ۵ هزار نفر هم نمی‌رسد و در مقابل اگر کشور مالزی را در نظر بگیریم می‌بینیم که تنها ۲ پرواز در هفته از تهران به مقصد کوالالامپور انجام می‌شود که آن هم عمدتاً تکمیل بوده و همیشه تقاضا برای آن بسیار زیاد است، و حال اگر کسی خواسته باشد از مالزی به ایران سفر کند رزرو جا در این دو پرواز هفتگی بسیار سخت است چرا که عمدتاً صندلی‌های این پرواز در تهران به صورت رفت و برگشت قبلاً توسط ایرانی‌ها رزرو شده است.

پس به این ترتیب گردشگران مالزیایی می‌بایست توسط کشوری ثالث مثل امارات، بحرین، قطر و ... به ایران سفر کنند. یعنی به جای ۵ ساعت پرواز مستقیم می‌بایست ۹ ساعت پرواز غیر مستقیم انجام دهند. حداقل ۵ ساعت انتظار در کشور ثالث را هم باید مد نظر داشت. یك موضوع جالب به خاطرم آمد که نوشتن آن خالی از لطف نیست. وقتی از تهیه بلیت به مقصد مالزی توسط ایران‌ایر ناامید شدم تصمیم گرفتم حداقل نشریه را با ایران‌ایر به مالزی ارسال کنم اما وقتی هزینه ارسال بار توسط ایران‌ایر را با قطرایر مقایسه کردم بهتر دیدم این زحمت را به یك شرکت هواپیمایی خارجی بدهم! و جالب‌تر اینکه وقتی «جعفر سال افزون» رییس ایستگاه مشهد این شرکت متوجه شد که بار ارسالی ما یك محموله فرهنگی است تخفیف دیگری هم در نظر گرفت که همین جا از او تشکر می‌کنم. ولی از حق و انصاف هم نباید گذشت که پرواز قطری بسیار منظم و راحت بود و البته قیمت مناسب‌تری هم داشت. این هم یکی دیگر از دلایل پیش‌گفته! بگذریم...● ورود به مالزی:

ساعت ۶ بعد از ظهر با هواپیمای مجهز قطر ایرویز به سمت دوحه پرواز می‌کنیم. معمولاً پروازهای با تاخیر در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد که البته تعجب‌برانگیز هم هست. اما در کشور ما معمولاً پروازهای بی‌تاخیر ما را متعجب می‌کند و این پرواز هم در کمال تعجب بدون تاخیر انجام شد!! پس از ۲ ساعت وارد دوحه می‌شویم و بعد از ۵/۳ ساعت انتظار با هواپیمایی بزرگتر و مجهزتر به سمت کوالالامپور پرواز می‌کنیم. رضا ایرانمنش مدیر

وقت روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت توسعه گردشگری ایران نیز که با پرواز قطری از تهران به دوحه آمده است با همین پرواز به کوالالامپور می‌آید. شرکت توسعه گردشگری ایران متولی برپایی غرفه ایران در نمایشگاه matta بود.

برای سفر به مالزی نیاز به دریافت ویزا نیست. اجازه اقامت حداکثر ۱۴ روزه بدون هیچ هزینه‌ای در فرودگاه بین‌المللی کوالالامپور که یکی از زیباترین و مجهزترین فرودگاه‌های منطقه است صادر می‌شود اقامت بیش از ۱۴ روز نیاز به طی مراحلی دارد که زیاد هم سخت نیست بعد از ورود به فرودگاه و طی کردن تشریفاتی ساده و مختصر قبل از آنکه از فرودگاه خارج شویم تابلویی که اسم من و رضا ایرانمنش بر آن نوشته شده است توجه ما را جلب می‌کند. دکتر امامی اتومبیلی را برای ما به فرودگاه فرستاده بود. وقتی فهمیدم که فاصله شهر تا فرودگاه نزدیك به ۵۰ کیلومتر است بیشتر به محبتی که دکتر داشت پی بردم!

تصمیم می‌گیرم در تمام مراحل برگزاری نمایشگاه ایرانمنش را همراهی کنم. او توضیح می‌دهد که در آخرین ساعات قبل از حرکت وسایل نمایشگاهی را که شامل اقلام تبلیغاتی و وسایل تزیین غرفه بوده است را مهیا و ارسال کرده است.

پس از استقرار در هتل legent هماهنگی‌ها برای برپایی هرچه بهتر غرفه ایران در نمایشگاه آغاز می‌شود. ملاقات با سفیر جمهوری اسلامی ایران در مالزی اولین اقدام است سفیر قول می‌دهد که از هیچ گونه کمکی دریغ نکند و این گونه هم می‌شود و انصافاً او و همکارانش همه تلاش خود را می‌کنند تا غرفه‌ای آبرومند داشته باشیم.

سفیر در گفتگویی که با من داشت مردم مالزی را گردشگرانی نجیب عنوان کرد و ابراز امیدواری کرد که با تلاش بیشتر مسوولین گردشگری کشور امکاناتی فراهم شود تا این گردشگران با سهولت بیشتری به ایران سفر کنند. او گفت که شیراز و اصفهان و مشهد شهرهایی هستند که مالزیایی‌ها علاقه‌مندند تا از آنجا دیدن کنند. اسکی و کویر را هم جاذبه‌ای دیگر عنوان کرد که کشور مالزی از آن بی‌بهره است. شاید به همین دلیل است که یکی از خیابان‌های اصلی و پر تردد کوالالامپور به نام اصفهان نامگذاری شده است. ایرانمنش از فرصت استفاده می‌کند و در خصوص شرکت مشترکی که در شرف تاسیس است برای سفیر توضیح می‌دهد و از وی می‌خواهد که در این زمینه نیز سفارت از هر گونه مساعدتی دریغ نکند که سفیر در این زمینه هم قول می‌دهد هرگونه همکاری که لازم است انجام دهد، و البته از ما هم قول می‌گیرد که بعد از نمایشگاه مقداری از مجلات مسافران و اقلام تبلیغاتی مانند بروشور و پوستر و ... را در اختیار سفارت قرار دهیم که بین علاقه‌مندانی که تعدادشان کم نیست توزیع کنند که من در خصوص نشریه مسافران و ایرانمنش هم در رابطه با اقلام تبلیغاتی قول همکاری می‌دهیم که در پایان نمایشگاه به قولمان هم عمل کردیم.

انتشار مسافران شماره ۳۶ به زبان انگلیسی برای توزیع در کشور مالزی خود حکایت جالبی دارد. شاید یکی دیگر از دلایل عقب‌ماندگی ما در بحث جذب گردشگر را بتوان در همین حکایت جستجو کرد. عمده مردم مالزی با ایران آشنایی چندانی ندارند. دلیلی هم برای آشنایی آنها وجود ندارد چرا که تاکنون کمتر فعالیتی در خصوص معرفی ایران در آن کشور صورت گرفته است و انتشار نشریه‌ای که بتواند گوشه‌ای از جذابیت‌های کشور به خصوص جذابیت‌هایی که مورد علاقه مردم آن خطه باشد برای اولین بار بود که صورت می‌گرفت. برای همین تصمیم گرفتیم ایران را به صورت کلی و چند استان مهم را به صورت شاخص و تفصیلی معرفی کنیم. کرمانشاه، فارس، خراسان رضوی، قم، اصفهان، تهران و کیش انتخاب و مکاتبات و مکالمات با مسوولین استانی آغاز شد تا جاذبه‌های هر استان با صلاحدید مسوولین همان استان معرفی شود. (البته با قبول حدود ۲۵ درصد از هزینه‌ها)

چند تن از مسوولین استانها با رویی گشاده و علاقه فراوان در کمتر از دو روز تمام مطالبی که نیاز داشتیم را ارسال کردند و البته بعضی از مدیران رده متوسط استانها هم آن قدر مشغول کار و تلاش بودند که فرصت نداشتند کار کنند !!

لطفاً این دو موضوع را با هم مقایسه کنید:

▪ وقتی به مالزی رسیدم تصمیم گرفتم ملاقاتی با عدنان وزیر گردشگری مالزی داشته باشم در کمتر از ۲۴ ساعت (دقیقاً ۱۸ ساعت) توانستم او و تعدادی از معاونینش را در دفترش ملاقات و مصاحبه کنم.

▪ یك هفته با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان اصفهان تماس گرفتیم و نامه فرستادیم بعد از یك هفته موفق شدیم با منشی معاون گردشگری آن استان گفتگو کنیم. به علت عدم حضور معاون گردشگری در اصفهان هرچه درخواست کردیم موفق به دریافت شماره موبایل معاون محترم نشدیم پس از این تلاش ناموفق موبایل وی را از همتای او در استان دیگری گرفتیم و پس از بارها تماس و توضیح اینکه چه کار می‌خواهیم انجام دهیم فرمودند که فردا تماس بگیریم و فردا و پس فردای آن روز به طور کامل با موبایل خاموش وی مکالمه کردیم !! و جالب اینجاست که قبل از اینکه قرار گفتگو برای روز بعد گذاشته شود گله کردیم که چرا شماره موبایل را منشی شما حاضر نیست اعلام کند که پاسخ شنیدیم؛ قرار

نیست موبایل مسوولین!! در اختیار هر کسی قرار بگیرد !! بماند که هنوز که هنوز است نه پاسخی شفاهی از آن استان دریافت کردیم و نه جواب مکاتبات ما را دادند.

خب وقتی در کشوری بیگانه یك روزنامه‌نگار با تخصص گردشگری بتواند در کمتر از ۲۴ ساعت وزیری را ملاقات کند و در کشور خودش نتواند حتی تلفنی با معاون گردشگری یك استان ارتباط برقرار کند به نظر شما نباید آن کشور با ۲۵ میلیون نفر جمعیت ۱۸ میلیون توریست ورودی در سال داشته باشد؟ و... بگذریم.

به هر حال مقدمات برپایی غرفه فراهم می‌شود و همکاران سفیر نهایت همکاری را با ما به عمل می‌آورند. قرار می‌شود تا بازدیدی از محل غرفه داشته باشیم تا با بررسی وضعیت موجود و با توجه به وسایلی که در راه بود به غرفه‌آرایی مشغول شویم غرفه ایران در سالن شماره یك قرار گرفته بود و پس از بازدید اولیه متوجه شدیم که فقط زمین در اختیار ما قرار خواهد گرفت و از موکت، روشنایی، پانل‌ها، و... خبری نخواهد بود! (دلیل آن را دیر واریز کردن وجه اعلام کردند) وسایل هنوز از تهران نرسیده بود و تلاش ما هم برای کسب اطلاع از چگونگی ارسال بار نتیجه نمی‌داد. اختلاف زمانی نزدیك به ۵ ساعت هم مزید بر علت شده بود تا ظهر هر روز نتوانیم با تهران ارتباط برقرار کنیم. و بعد از برقراری ارتباط هم جواب دقیقی نمی‌توانستیم بگیریم. به هر صورت یك روز قبل از برگزاری نمایشگاه اعلام شد که بار در فرودگاه است و با تلاش زیاد سفارت بار ترخیص و به محل نمایشگاه حمل شد. پس از باز کردن بسته‌بندی‌ها تازه متوجه شدیم که نیمی از بار به مالزی نرسیده است (البته مابقی بار که قسمت مهم آن هم بود یك روز مانده به خاتمه نمایشگاه به مالزی رسید!!). از یك طرف غرفه‌ای بدون امکانات و از سویی دیگر عدم دریافت کامل بار این نگرانی را به وجود آورد که این غرفه چگونه در کمتر از یك روز آماده خواهد شد. خوشبختانه دکتر امامی و همکارانش به خصوص علیرضا قادری که صاحب تجربه در برگزاری نمایشگاه‌های توریستی در کشورهای مختلف بود بسیاری از مشکلات را حل کردند. دکتر با سعی و تلاش فراوان موفق شد با کمترین هزینه ممکن امکانات اولیه غرفه از قبیل موکت، پانل‌ها، کتیبه‌ها و... را مهیا کند و از طرف دیگر با کمك یکی از ایرانیان علاقه‌مند به نام محسن امیدزاد توانستیم مبلمانی شکیل با تعدادی از صنایع دستی ایرانی را به نمایشگاه آورده و غرفه‌ای زیبا مهیا کنیم. بدون تردید اگر همکاری سفارت، دکتر امامی، علیرضا قادری و محسن امیدزاد نبود (با توجه به نرسیدن بار به نمایشگاه) غرفه ایران به هیچ وجه امکان برپایی پیدا نمی‌کرد. بی‌انصافی است که اگر از تلاش یك ایرانی دیگر که خواست نامی از او نبرم یاد نکنم. همو بود که با توجه به حرفه سابقش توانست با هماهنگی‌های زیاد پوشش بسیار خوب خبری به نمایشگاه بدهد. صدا و سیما، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری فارس و ... در همان روز اول گزارش‌های مفصلی از غرفه ایران به کشور مخابره کردند که احتمالاً در بخش‌های مختلف خبری آن را ملاحظه کردید.● طوفان زرد:

matta هر ۶ ماه یکبار در کوالالامپور برگزار می‌شود. این نمایشگاه را می‌توان «بازار بزرگ مکاره سفر» نیز نامید. در این نمایشگاه از غرفه‌های غول پیکری که در سایر نمایشگاهها معمولاً می‌بینیم خبری نبود عمده تزیین‌هایی که در غرفه‌ها دیده می‌شد لیست قیمت‌های تورها، بلیت هواپیماها و ... که مشتاقان سفر را به سوی خود جلب می‌کرد. در هر غرفه گاهی تا ۵۰ دستگاه رایانه و ۱۰۰ نفر غرفه‌دار دیده می‌شد که به شدت مشغول کار بودند. انبوه بازدیدکننده‌هایی که عمدتاً با ظاهری چینی- مالایی دیده می‌شدند مرا به یاد اصطلاح توفان زرد انداخت صف‌های طویل که در مقابل بعضی از غرفه‌ها ایجاد می‌شد واقعاً حیرت‌انگیز بود یعنی به راستی این مردم برای خرید خدمات سفر چنین مشتاق بودند؟

دکتر امامی توضیح داد که «سفر در این کشورها معمولاً با برنامه‌ریزی انجام می‌شود و این نمایشگاه محلی است که می توانند برای سفرهای آینده برنامه‌ریزی و با قیمتی بسیار مناسب خدمات سفر را خریداری کنند. معمولاً هتل‌ها، شرکت‌های هواپیمایی و آژانس‌های خدمات مسافرتی و... به مناسبت برگزاری این نمایشگاه تخفیف‌های بسیار زیادی می‌دهند برای همین مردم ترجیح می‌دهند در این نمایشگاه اقدام به خرید تور کنند و ازدحام جمعیت نیز به همین دلیل است».

با خود فکر می‌کنم که سهم ما از این بازار ۳۰۰ میلیون نفری چقدر است؟ (اندونزی، مالزی و...)

حدوداً ۶۰۰ آژانس خدمات مسافرتی در این نمایشگاه دارای غرفه بودند که تور و بلیت هر کشوری که می‌خواستید را می‌توانستید تهیه کنید. تلاش من برای پیدا کردن آژانسی که تور ایران ارایه کند متاسفانه بی‌نتیجه بود. فقط یك آژانس مالزیایی که همکار آژانس رژان بود و پرسنل آن هم در غرفه‌ی ایران مستقر شده بودند اقدام به فروش تور ایران می‌کردند. نام این آژانس Ramza و شعارش Be Iran khosh Amadid بود.

غرفه ایران با استقبال خوبی مواجه شده بود. اقلام تبلیغاتی که با دست و دلبازی به بازدیدکنندگان اهداء می‌شد باعث شده بود که افراد زیادی به سمت غرفه ایران جذب شوند. پوسترهای بزرگ، زیبا و البته گران قیمت، ساك‌های دستی با کیفیت خوب و... و بسیاری از اقلام تبلیغاتی دیگر که مطمئن هستم با توجه به قیمت کاغذ و هزینه خدمات چاپ بالغ بر چندین میلیون تومان هزینه آن شده بود. خوشبختانه یا متاسفانه فقط یکی

از اقلام توزیعی، کشورمان را به صورت تقریباً کامل به مخاطبین معرفی کرد و آن هم نشریه مسافران بود و مابقی اقلام در پوستر، CD، کارت پستال، خلاصه شده بود.

در چهار روز برگزاری نمایشگاه افراد مختلفی از غرفه ایران بازدید کردند. سفیر و تعدادی از همکارانش و همچنین تعدادی زیادی از مقامات کشور مالزی و انبوه بازدید کنندگان دیگر با حضور در غرفه ایران و گفتگو با دست‌اندرکاران غرفه، آشنایی خوبی با ایران پیدا کردند.

• این بخش خصوصی نازنین:

اینجا لازم است نکته‌ای را عنوان کنم که ممکن است تعدادی از دوستان بخش خصوصی را برنجاند. اما چاره‌ای نیست. گفتنی‌ها را باید گفت: غرفه ایران متشکل از ۷ شرکت از بخش خصوصی یك غرفه نیز در اختیار معاونت سیاحتی منطقه آزاد کیش و تنها هتلی که از ایران در این نمایشگاه حضور داشت هتل آسمان اصفهان بود. اما حضور بخش خصوصی بدین صورت بود که شرکت توسعه گردشگری ایران اقدام به اجاره فضا و تجهیز غرفه نمود و فضایی آماده همراه با اقلام تبلیغاتی در اختیار شرکت‌های بخش خصوصی قرار داد. متاسفانه تعدادی از شرکت کنندگان نه تنها استفاده لازم را از این امکانات نکردند که نبودنشان بهتر از حضورشان بود چرا که می‌شد به جای آنها شرکت‌های فعال‌تری را جایگزین کرد. چگونه می‌شود در آن بازار پر جنب و جوش و یا به تعبیری «بازار بزرگ مکاره سفر» که هر کدام از غرفه‌ها با انبوه مراجعه کنندگان مواجه بودند شرکت‌هایی باشند که روز دوم نمایشگاه با سرعتی حیرت‌آور تمام اقلام تبلیغاتی خود را توزیع نمایند و پس از آن غرفه خود را تعطیل کنند؟! حال یا به کشور باز گردند و یا از دیدنی‌ها و جاذبه‌های خرید آن کشور بهره ببرند؟

این وضعیت را که می‌بینم تصمیم می‌گیرم با مهندس هاتفی که متولی برگزاری این قبیل نمایشگاه‌هاست گفتگویی انجام دهم که این گفتگو به صورت مجزا در همین شماره چاپ شده است.

به هر حال این نمایشگاه فرصت مناسبی بود تا بتوانیم با بازاری بزرگ آشنا شویم بازاری به نام مالزی. کشوری زیبا و ارزان و با مردمانی خونگرم و به قول سفیر توریست‌های نجیب. ما سالهاست که از این منطقه از جهان غافل بوده‌ایم. شاید اگر مسوولین کشور ما از میزان علاقه‌مندی مردم مالزی و اندونزی به ایران آگاهی داشتند با جدیت بیشتری به مناسبات گردشگری بین ایران و این منطقه فکر می‌کردند.

در اینجا می‌توان به طور خلاصه به بعضی از عوامل که باعث عدم مسافرت مالزیایی‌ها به ایران می‌شود اشاره کرد:

▪ عدم آشنایی مردم مالزی و منطقه از جذابیت‌های منحصر به فرد ایران

▪ قیمت گران بلیت هواپیمای ایران ایر

▪ قیمت گران هتل‌های پنج ستاره در ایران

▪ تشریفات اخذ ویزا

امضای پروتکل همکاریهای گردشگری ایران و مالزی فرصت بسیار خوبی است تا بتوانیم از بازار بزرگ منطقه شرق و جنوب شرق آسیا بهره‌برداری کنیم. دوستان ما در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور باید بدانند که سالهاست بازار ۳۰۰ میلیون نفری آن منطقه را به فراموشی سپرده‌ایم و همه سعی و تلاشمان را در کشورهایی متمرکز کرده‌ایم که به شدت از عدم توازن مسافران ورودی و خروجی آن رنج برده‌ایم. ما هر سال در ATM امارات حضور پیدا می‌کنیم. هر سال سعی می‌کنیم به بهترین شکل ممکن در فیتور اسپانیا، ITB برلین و بازار جهانی گردشگری لندن حضور پیدا کنیم. حتی از سن پطرزبورگ هم غافل نیستیم. اما این منطقه را با همه محاسنش از یاد برده ایم. امضای پروتکل همکاریهای گردشگری ایران و مالزی را باید جدی گرفت. ایجاد شرکتی مشترك بین دو کشور که مقدمات آن فراهم شده است فرصتی است برای جذب گردشگرانی نجیب و خونگرم و مسلمان که به ایران و ایرانی عشق می‌ورزند. خبر تاسیس این شرکت واقعاً مایه مسرت است اگر تا انتها دنبال و از حد حرف و شعار خارج شود و به مرحله‌ی عمل برسد. تبادل گردشگر بین ایران و مالزی- ایران و اندونزی به هر میزان که باشد به سود ایران است سفر ایرانیان به این کشورها می‌تواند به تبادل بیشتر فرهنگی کمك کند و از سویی به کشوری سفر می‌کنند که نسبت به کشورهای هدف کنونی از جمله ترکیه، امارات و... از سلامت اجتماعی بیشتری برخوردار است و حضور مالزیایی‌ها در ایران نیز با توجه به خلق و خوی آنها نسبت به ایرانیان در خور توجه خواهد بود چرا که مردمان این خطه کمتر ما را دچار نگرانی‌های معمول می‌کنند. آمار نشان می‌دهد که از جمعیت ۲۵ میلیون نفری مالزی رقمی نزدیك به ۲۰ میلیون نفر هر سال به خارج از کشور مسافرت می‌کنند که سهم ایران از این ۲۰ میلیون نفر تنها ۷۰۰۰ نفر است. خوشبختانه شاهد بودم که همه تلاش شرکت توسعه گردشگری ایران در به نتیجه رساندن این شرکت ایرانی، مالزیایی است تا هرچه سریعتر فعالیت‌های آن به مرحله اجرا برسد.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=249135

بازار تبریز به روایت سفرنامه ها

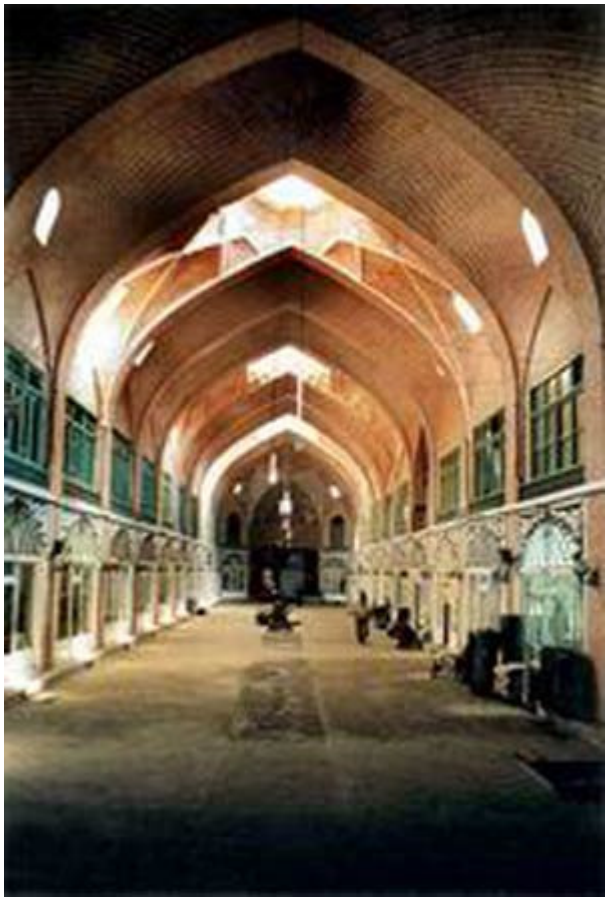

بازار تبریز به عنوان یکی از مراکز بزرگ و مهم تجاری کشور از نادرترین بناهایی در سطح دنیا است که با چنین وسعتی به صورت سرپوشیده طراحی و اجرا شده است. ویژگی های ارجح معماری، الگوهایی برگرفته از معماری سنتی ایران و تغییر و نوآوری در آنها، بسیار کم نظیرند. تعدد و تنوع کاربری ها، نحوه سازماندهی فضاها (فضاهای مثبت و منفی)، شبکه معابر داخل بازار و اتصال به شبکه های شهری و غیره از نکات بسیار مهم بازار تبریز به شمار می آیند که همیشه در دوره های مختلف تاریخی و حتی در زمان معاصر نیز با انعطاف پذیری بالا جوابگوی بسیاری از نیازهای ساختاری و فضایی لازمه یک مرکز تجاری بوده است. کل مجموعه با اقدامات میراث فرهنگی استان و حمایت کسبه و اصناف به مرور زمان مورد مرمت واقع شده و هم اکنون با ساخت و ساز هایی که در اطراف بازار انجام شده با کارآیی نسبتا بالایی به زندگی خویش ادامه می دهد. البته مسائل حفاظتی و نگهداری بنا، به خصوص بعد از بازسازی، چندان شایان توجه نبوده و نیازمند توجه بیشتری است. بازار کنونی تبریز مربوط به اواخر زندیه (یعنی از زلزله ای که در سال ۱۱۹۳ ه.ق روی داد) و عصر قاجار است و در زمان عباسی میرزا که تبریز ولیعهد نشین ودارالسلطنه کشور بود سراها و تیمچه ها و بازارهای عالی تازه ای در این مجموعه احداث شدند.

اما بازار تبریز در دوره های مختلف تاریخی دستخوش تغییرات بسیاری بوده و مخاطرات بسیاری را از سر گذرانده است. در این مجال کوتاه سعی بر این است که بازار تبریز را نه از بعد معماری و متخصصان امر، بلکه از زبان مسافران و رهگذران تاریخ به تماشا بنشینیم و گذشته و حالات بازار را در دوره ها مختلف به بحث بگذاریم.

تبریز به علت قرار گرفتن در سر راه شرق و غرب از بدو آبادی و آمدن به صورت یک شهر بزرگ، مرکز مبادلهء کالاهای بازرگانی کشورهای اروپائی و آسیائی بوده و خود نیز بنا به مقتضیات جغرافیائی محصولات کشاورزی و صنعتی فراوان داشته که به ا قصی نقاط دنیای آنروز صادر می گردیده و این معاملات ایجاب می کرده که بازارها و مراکزی برای مبادله و فروش کالاهای گوناگون شرقی و غربی داشته باشد.لذا اکثر موٌرخان و جغرافی نویسان و جهانگردان اسلامی و خارجی مطالب جالبی در بارهء کالاها و وضع بازرگانی و بازارهای تبریز نوشته اند؛ من می توان به خاطرات جهانگرد فرانسوی ژان شاردن «۱۷۱۳) «Jean Chardinم – ۱۶۴۳م) اشاره کرد:

« ... تبریز شهر مستعد و بزرگی است. از نظر وسعت و استعداد دومین شهر ایران محسوب می شود. این شهر دارای ۱۵۰۰۰ خانه، ۱۵۰۰۰ دکان

و مغازه، ۲۵۰ مسجد، ۳۰۰ کاروانسرا، ۵۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. در تبریز عمارات و قصور عالی ندیدیم، لکن بهترین و با شکوه ترین بازارهای آسیا را در این شهر یافتیم. دکان ها و حجره ها از هم مجزا بوده و در کوچه های دالان مانند دارز و پهن و بلند و سرپوشیده به بلندی ۵ پا واقع شده اند که مجموعه آنها بازار را تشکیل می دهند و فوق العاده زیبا، خوش منظر و تماشایی است. این بازار قلب شهر را تشکیل می دهد، منازل و خانه ها در خارج بازار ساخته شده اند. انبوه جمعیت و اجناس بازرگانی که در بازار انباشته شده اند بسیار جالب و دیدنی بوده، به طور حیرت آوری ابهت و جلال بازار را نمودار می سازند»

ابن بطوطه«Ebne Batute» نویسنده و جهانگرد مراکشی در سفرنامه خود ار وفور نعمت و عظمت بازارها به ویژه از بناهای تاریخی همچون عمارت «شنب غازان» و «ارک علی شاه»(۱) به عنوان آثار منحصر به فرد دوره خویش یاد کرده و اذعان دارد که از دیدن بازار تبریز غرق حیرت و تعجب شده است. وی در بازدید از بازار طلا و جواهر که در آن زمان «قیصریه» نام داشته است و در سال ۱۴۰۲ م(۸۰۵ ه.ق) به فرمان شاه اوزون حسن بنا شده، چنین می نویسد:

«وقتی به بازار جواهریان رفتم، بسکه از انواع جواهرات دیدم، چشمم خیره گشت. غلامان خوشگل با جامه های فاخر، دستمال های ابریشمین به کمر بسته پیش خواجگان ایستاده بودند و جواهرات را به زنان ترک نشان می دادند. زنان در خرید جواهر بیکدیگر سبقت می جستند»

هم اکنون مرکز فروش طلا و جواهرات در بازار تبریز، بازار «امیر» نام دارد و از راسته طویلی از مغازه ها تشکیل شده است و در ضلع شرقی آن تیمچه امیر یکی از با شکوهترین تیمچه های مجموعه بازار تبریز به قرار دارد. بنای تیمچه را به میرزا محمد خان نظام زنگنه نسبت می دهند که در زمان نائب السلطنه عباس ولیعهد فتحعلی به مقام امیر نظامی رسیده است، بعد از گذشتن از تیمچه امیر وارد حیاط بزرگی با درختان کهن می شویم که بنایی دو طبقه در دورتادور حیاط شکل گرفته اند و شامل کارگاه های جواهر سازیند.

راسته‌های معروف بازار تبریز عبارت‌اند از: بازارامیر، بازارکفاشان، بازار حرمخانه، راسته بازار، یمنی دوز بازار، بازار حلاجان، قیز بستی بازار، بازار کلاهدوزان، دلاله زن بازار، بازار صادقیه، بازارمسگران، بازار حاج محمد حسین، بازارمشیر، بازارچهء شتربان، بازار صفی، بازارچهء خیابان و چند بازار دایر و مرتب دیگر. بزرگ‌ترین گنبد بازار، گنبد تیمچهء مظفریه است که هم اکنون یکی از مراکز بزرگ فرش در ایران محسوب می شود.

مادام دروتی اسمیت «Druti Esmit» از مستشرقان معروف فرانسه در سفری کهبه سال ۱۳۴۰ به تبریز داشته، در کتاب «خاطراتی از شرق» بازار تبریز را چنین توصیف کرده است:

«... سقف بازار با طاق های آجری مرتبی پوشیده شده بود و در فواصل معین دارای روزنه های شیشه ای برزگی هستند که حتی در روزهای ابری نیز فضای تیره داخل بازار را روشن می سازند. همه جا تا چشم کار می کرد، مغازه بود. ما برای تماشا به راه افتادیم. قریب ۵۰ دکان فقط کت و شلوار مردانه و لباس های دیگر و پارچه می فروختند. دهها مغازه کفاشی وجود داشت که روی هر سه دیوار آن ردیف های کفش به اندازه ها و شکل های مختلف آویخته شده بودند علاوه بر این اجناس و لوازم خانه نیز در بازار عرضه می شدند. پتوهای پشمی، زیلوهای زبر ترک،شیرینی، میوه و انداع ادویه در کیسه های دهان باز هوای بازار را معطر می ساختند...»

بازار تبریز علاوه بر کاروانسراها، حجره ها، تیمچه ها، بازارچه ها، در داخل و یا در جنب آن چند مسجد و مدرسه طلاب بنا شده اند و مهمترین آنها مسجد جامع تبریز است که در دوران صفوی بر روی ویرانه های مسجد جامع زمان سلجوقیان بنا شده است؛ درازای مسجد ۶۷ متر و پهنای آن به ۱۴.۵ متر می رسد. تزئینات کاشیکاری در این مسجد دیده نمی شود، فقط کتیبه های برجسته به خط ثلث عالی در ۱۵ سطر مربوط به سال ۱۵۶۴ م نوشته استاد علاءالدین محمد تبریزی، خوشنویس دوران صفوی، به چشم می خورد.

منبع : میان گستره

http://vista.ir/?view=article&id=108216

vista.ir
Online Classified Service

بازار قدیمی شهر کرمانشاه

بازار قدیمی شهر کرمانشاه دارای قدمتی بیش از ۱۵۰سال است. این بازار هنوز پویایی خود را حفظ کرده و نقش مهمی در اقتصاد این شهر و شهر های همجوار آن دارد. در گذشته های نه چندان دور به غیر از داد و ستد، بخشی از فعالیت های تولیدی و صنعتی نیز در همین بازار انجام می گرفت. با گذشت زمان از تعداد تولید کنندگان که بیشتر صنعتگر بودند، کاسته شد و در نتیجه سهم تولید در بازار بسیار محدود گشت. از عمده ترین مراکز تولیدی می توان به بازار آهنگرها ، بازار مسگرها، زین سازان ، راسته صحافان ، راسته تفنگ سازان در تیمچه سید اسماعیل اشاره کرد. امروزه بخش تولید تنها به بازار آهنگرها، بازار کلوچه پزها و بخش کمی از بازار زرگرها محدود شده است. برخی از راسته های بازار با نام اقلیت های قومی یا مذهبی معروف است. در مسیر طولانی بازار، سراها و کاروانسراهای متعددی وجود داشته است که خدماتی را در اختیار مسافرین و بازرگانان قرار می دادند.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=128206

vista.ir
Online Classified Service

بازار قیصریه اصفهان

قدیمی‌ترین توصیفی که از بازار اصفهان به جا مانده است، شرحی است از قرن چهارم هجری قمری (دوران دیالمه)، در کتاب «رسالهٔ محاسن اصفهان» تحت عنوان «بازار جورین» که می‌گوید:

«بازاری بود بر دروازهٔ خور (خورشید) که یکی از چهار دروازهٔ مشهور اصفهان در آن زمان بوده و در فصل نوروز عامهٔ مردم اصفهان با انواع خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و آلات و ادوات موسیقی یکی دو ماه را در آن محل به تفریح و عیش و عشرت می‌گذراندند و بالطبع برای احتیاج این جمعیت از اغذیه، البسه و غیره بازارهایی برپا می‌کردند و طوافان و بازاریان انواع نعمت‌ها را در آنجا گرد می‌آورند.»

در همین کتاب کالاهایی که در بازار اصفهان عرضه می‌شد، به این شرح آمده است: ظرائف بغداد، خزهای کوفی، دیبای روم، شرب مصر، جواهر بحرین، آبنوس عمان، عاج هندوستان، گلیم‌های آذربایجان و گیلان، فرش‌های آرمَن و ...

در قرن هشتم هجری قمری، «از بازار مظفریه با شش دروازه و چهارصد باب دکان و حجره که با آجر و گچ بنا شده و در داخل آن چهار کاروان‌سرای

بزرگ مجهز به اتاق‌هایی برای سکونت مسافرین و اهل معاملات، با اصطبل، فضای باز، دو مسجد و یک سقایه» نام برده شده است.

ناصرخسرو در سال ۴۴۴ هجری قمری، از عظمت بازار اصفهان در آن دوران یاد کرده است.

بازارهای کنونی اصفهان که شاخه‌هایی از بازار بزرگ سراسری آن است، در دورهٔ صفوی همزمان با بناهای میدان بزرگ و مجموعهٔ آثار اطراف آن پدید آمده و توسعه یافتند.

شوالیه ژان شاردن فرانسوی «از بازار قیصریه و بازار بزرگ اصفهان با سردر عالی و تزئینات آجرهای چینی (کاشی‌کاری) و سکوهای وسیع (از) سنگ یشم و سماق که (بر آن‌ها) جواهرفروشان و زرگران انواع و اقسام زیورآلات و جواهرآلات و سکه‌های کمیاب را به فروش می‌رساندند»، یاد کرده است. در بالای سردر قیصریه، تصویری است که شاه‌عباس را در جنگ با ازبکان، یا در شکارگاه نشان می‌دهد و همچنین تصاویری از مردان و زنان اروپایی نیز دیده می‌شود. ساعت و ناقوس بزرگی هم بالای سردر بازار نصب شده که در جنگ شاه‌عباس با پرتغالی‌ها در هرمز به دست ایرانیان افتاد و به اصفهان انتقال داده شد.

بر سردر قیصریه، هم‌اکنون دو پشت‌بغل کاشی‌کاری صحیح و سالم وجود دارد که به شیوهٔ مینیاتورهای دوران صفوی، یک نفر تیرانداز را با سر انسان و تنهٔ شیر و دم‌اژدها نشان می‌دهد. این مجموعه، نمایش برج قوس است که مورخین مشرق زمین، زمان احداث شهر اصفهان را در این برج باور داشته‌اند.

شاردن می‌نویسد : «از سردر قیصریه وارد مجلل‌ترین و بزرگ‌ترین بازارهای اصفهان می‌شویم که محل فروش پارچه‌های گرانبهاست و گنبد منقش بزرگی در وسط آن قرار دارد. در طرف راست این گنبد، ضرابخانه و در طرف دیگر آن «کاروان‌سرای لَله‌بیک» بنا شده است.» «شاردن» از کاروان‌سرای «مولتانیان» در این بازار نام می‌برد که عده‌ای از مولتانیان هند در آن به تجارت و دادوستد اشتغال داشته‌اند. او به بازار صحافان، صندوق‌سازان، سرّاجان و کاروان‌سرای برنج‌فروشان، بازار لبّافان، آهنگران، کاروان‌سرای گلپایگانی‌ها و کاروان‌سرای حلاّجان، بازار کفاشان و ساغری‌سازان، بازار عطاران، قنادان، داروفروشان و فروشندگان زیورآلات و پارچه‌های کهنهٔ قیمتی و بازار مسگران، راسته‌های ترکش‌دوزها و زین‌سازان و چپق‌سازان و تیر و کمان‌فروشان، همچنین به زیباترین و بزرگ‌ترین قهوه‌خانهٔ اصفهان در مدخل بازار قیصریه اشاره کرده است؛ با تالارهای بزرگ و نیمکت‌هایی که به راحتی می‌توان روی آن‌ها نشست.

امتداد بازار بزرگ اصفهان به مسجد جامع و سپس به «بازار عربان» منتهی می‌شود. این بازار را به مناسبت مجاورت با گنبد نظام‌الملک و مسجد جامع، «بازار نظامیه» یا «نظام‌الملکی» نیز گفته‌اند و تا نیم قرن پیش رشته‌های طولانی و متعددی، این بازار را به بازارهای دروازهٔ طوقچی و بازار غاز و میدان وصل می‌کرده است. از انشعابات دیگر آن، بازار ریسمان و مدرسهٔ کاسه‌گران است.

مجموعهٔ آثار تاریخی دیگری مانند مدرسهٔ ملاعبدالله (مولانا عبدالله شوشتری)، ساروتقی، مسجد جارچی‌باشی، مدرسهٔ صدر، مدرسهٔ نیماورد؛ و کاروان‌سراهایی از عهد صفویه و قاجاریه مانند کاروان‌سرای مخلص، گلشن و تیمچهٔ ملک و بسیاری کاروان‌سراها و تیمچه‌های دیگر؛ و حمام‌هایی از عصر صفویه، بر اهمیت تاریخی مجموعهٔ معماری بازار بزرگ اصفهان که از سردر قیصریه تا سردر مسجد اصفهان امتداد دارد، افزوده است.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97303

vista.ir
Online Classified Service

بازگشت مهاجرت به تهران

مقوله مهاجرت به تهران به‌صورت جدی از اوایل دهه چهل شمسی همزمان با هجوم گسترده جمعیت از سراسر ایران به سوی پایتخت مورد توجه نظام برنامه‌ریزی کشور قرار گرفت که اوج آن در مصوبه خردادماه سال ۴۶ هیات‌وزیران وقت در مورد ممنوعیت استقرار صنایع در محدوده ۱۲۰ کیلومتری تهران تجلی یافت (رشد جمعیت شهر تهران طی دوره ۳۵- ۴۵ سالانه ۷درصد بوده است).

از آن زمان تاکنون مساله مهاجرت و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن همواره به عنوان یکی از معضلات اساسی تهران مطرح بوده و در سطح وسیعی مورد توجه پژوهشگران و برنامه‌ریزان کشور قرارگرفته و مطالعات متعددی در مورد آن انجام شده است و سیاست‌های متنوعی نیز از سوی دولت‌های مختلف برای مواجهه با آن اتخاذ گردیده و به مرحله اجرا درآمده است. این سیاست‌ها به‌رغم اینکه نتوانسته‌اند نتایج مورد انتظار را به‌طور کامل برآورده سازند و مهاجرت به تهران را به نحو مطلوبی کنترل نمایند، اما به هرحال در کاهش سرعت این پدیده تا حدودی موفق عمل کرده‌اند.

در نتیجه ایجاد محدودیت‌های سیاستی و غیرسیاستی مختلف برای مهاجرت به تهران طی چند دهه گذشته، نرخ رشد جمعیت این شهر که در سال ۴۵ بیش از دو برابر نرخ رشد جمعیت کل کشور بود (۷درصد در مقابل ۱۳/۳درصد) کاهش یافت و به ۳/۴درصد در سال ۵۵، ۹/۲درصد در سال ۶۵ و ۱۳/۱درصد در سال ۷۵ رسید در حالی که در همین سال‌ها، نرخ رشد جمعیت کشور به ترتیب۷۱/۲، ۹۱/۳ و ۹۶/۱درصد بود. در نتیجه این تحول، سهم شهر تهران از جمعیت کشور که از ۶/۱۱درصد سال ۴۵ به ۴/۱۳درصد در سال ۵۵ افزایش یافته بود در سال‌های ۶۵ و ۷۵ به ترتیب به ۲/۱۲ و ۳/۱۱درصد فروکاسته شد. البته وقوع چنین پدیده‌ای نتیجه کند شدن واقعی روند مهاجرت به شهر تهران نبود بلکه مهاجران با برخورد به سد مشکلات در تهران به فضاهای پیرامونی آن هجوم آوردند.

در واقع حصول چنین نتیجه ای به قیمت تخریب اراضی کشاورزی غرب، جنوب غرب و تا حدی جنوب استان تهران صورت گرفت. در دوره ۶۵- ۷۵، بیش از ۵۰۵هزار نفر از جمعیت شهرستان تهران آن را ترک نموده و غالب آنان در شهرستان‌های شهریار، رباط کریم و کرج سکنی گزیدند. این در حالی است که در این مدت فقط نزدیک ۴۵هزار نفر از سایر نقاط استان تهران به شهرستان تهران مهاجرت نمودند. در دوره ۶۵- ۷۵ تراز کل مهاجرت به شهرستان تهران، منفی ۳۷۶هزار نفر بوده است. نتیجه آنکه، با وجود کاهش سهم شهر تهران از جمعیت کشور، سهم استان تهران از جمعیت کشور در سه دهه یاد شده همواره صعودی بوده و از ۴/۱۳درصد در سال ۴۵ به ۲/۱۷درصد در سال ۷۵ افزایش یافته است، هرچند که نرخ رشد جمعیت استان تهران در طول این سال‌ها روندی کاهشی داشته و از ۴۳/۴درصد سال ۵۵ به ترتیب به ۲۷/۴ و ۴۸/۲درصد در سال‌های ۶۵ و ۷۵ تقلیل پیدا کرد، اما برخلاف شهر تهران، از نرخ رشد جمعیت کل کشور پائینتر نیامد (جدول۱).

«نرخ خالص مهاجرت» که «نسبت تعداد خالص مهاجرین به جمعیت» را نشان می‌دهد مهم‌ترین شاخصی است که در ادبیات مهاجرت برای بررسی روند تحولات آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. بررسی روند تغییرات این شاخص برای دو دهه ۵۵- ۶۵ و ۶۵- ۷۵، به خوبی گویای تحولات فوق‌الذکر در مورد استان تهران است، چرا که نرخ خالص مهاجرت به استان تهران در دهه ۶۵- ۷۵ به شدت کاهش یافت و از ۸/۶درصد سال ۶۵ به ۴درصد در سال ۷۵ رسید (جدول۲).

پس تا اینجای بحث می‌توان گفت:

۱) در طی سال‌های دهه ۶۵- ۷۵، روند مهاجرپذیری شهر تهران تدریجا متوقف گردیده و این شهر به نقطه ای مهاجر فرست تبدیل شد و در نتیجه، رشد جمعیت آن کاهش یافته و سهم‌اش از جمعیت کشور و استان تهران روندی نزولی پیدا کرد، اما مهاجرت به این شهر به صورت غیرمستقیم همچنان ادامه یافت و مهاجران علاقه‌مند به سکونت در شهر تهران در نقاط شهری و روستایی پیرامون آن بخصوص در شهرها و روستاهای غربی و جنوب غربی این شهر سکنی گزیده و روزها جهت کار و فعالیت روانه آن می‌شدند به گونه‌ای که به‌رغم مهاجرفرست شدن این شهر، چنین پدیده‌ای برای عموم مردم محسوس نبوده و کمتر کسی مهاجرفرست بودن این شهر را باور داشته و دارد.

۲) در طی سه دهه ۴۵ تا ۷۵، به‌رغم اینکه روند مهاجرپذیری استان تهران ادامه یافته و سهم این استان از جمعیت کشور روندی صعودی را طی نمود، اما سرعت مهاجرت به آن کاهش پیدا کرد و لذا رشد جمعیت استان تهران در طی این سال‌ها روندی نزولی داشت.

انتشار نتایج سرشماری عمومی‌نفوس و مسکن سال ۸۵، باز هم نظرها را به سوی پدیده مهاجرت به تهران جلب کرده است. سوال آن است که

آیا روند تحولات مهاجرتی دهه ۶۵- ۷۵ استان تهران، در دهه ۷۵- ۸۵ نیز تداوم داشته یا اینکه اتفاقات جدیدی رخ داده است؟ برای پاسخ به این سوال، در اینجا تغییرات سه متغیر «سهم استان تهران از جمعیت کشور»، «نرخ رشد جمعیت استان تهران» و «نرخ خالص مهاجرت به استان تهران» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

▪ سهم استان تهران از جمعیت کشور:

بر اساس نتایج سرشماری سال۸۵، از قریب به ۷۰میلیون و ۵۰۰هزار نفر جمعیت کل کشور در آبان سال۸۵ بیش از ۱۲میلیون و ۴صدهزار نفر در استان تهران ساکن بوده‌اند که ۱۹درصد کل جمعیت کشور را شامل می‌شود. همانگونه که ملاحظه می‌گردد روند افزایشی سهم استان تهران از جمعیت کشور که در طول سه دهه ۴۵ تا ۷۵ بی وقفه تداوم داشته، در دهه ۷۵- ۸۵ نیز همچنان به افزایش خود ادامه داده است که این افزایش سهم حتی بسیار بیشتر از دو دهه قبلی می‌باشد (جدول۱). بنابراین می‌توان گفت که در طی دوره ۷۵- ۸۵، روند مهاجرپذیری استان تهران همچنان ادامه یافته و حتی نسبت به دو دهه قبلی شدیدتر نیز شده است. بار اصلی این مهاجرت‌ها را شهرستان‌های شهریار، رباط‌کریم و کرج بر دوش کشیده‌اند به گونه‌ای که از کل ۷۸۴هزار مهاجرت خالص دهه گذشته به استان تهران از خارج آن، حدود ۲۶۷هزار نفر در شهرستان‌های شهریار و رباط کریم، ۱۴۷هزار نفر در شهرستان کرج و ۷۶هزار نفر در شهرستان‌های ورامین و پاکدشت سکنی گزیده‌اند و فقط نزدیک ۱۹هزار نفر محل اقامت جدید خود را شهرستان تهران قرار داده‌اند.

در طول سال‌ها ۷۵ تا۸۵، کاهش سهم شهر تهران از جمعیت کشور که از دوره ۵۵- ۶۵ آغاز شده بود ادامه یافت و به ۱/۱۱درصد رسید که حاکی از تداوم روند محدود شدن مهاجرت به این شهر در طول ۱۰ ساله گذشته می‌باشد (جدول۱). در طی سال‌های یادشده، در مقابل ورود ۸۶۰هزار نفر مهاجر به شهرستان تهران، بیش از یک‌میلیون و ۲۲۰هزار نفر این شهرستان را به مقصد سایر نقاط استان تهران و یا سایر استان‌های کشور ترک کردند.

▪ نرخ رشد جمعیت استان تهران:

همان‌گونه که قبلا اشاره شد نرخ رشد سالانه جمعیت استان تهران در طی سه دهه ۴۵ تا ۷۵، روندی نزولی داشته و از ۴۳/۴درصد دهه ۴۵- ۵۵ به ۴۸/۲درصد در دهه ۶۵- ۷۵ کاهش یافت، اما نتایج سرشماری سال ۸۵ حاکی از توقف روند کاهشی نرخ رشد جمعیت این استان و افزایش آن به ۶۳/۲درصد طی دوره ۷۵- ۸۵ می‌باشد. این درحالی است که نرخ رشد جمعیت کشور به روند کاهنده خود در این دهه نیز ادامه داده و از ۹۶/۱درصد دهه ۶۵- ۷۵ به ۶۱/۱درصد برای دهه ۷۵- ۸۵ کاهش یافته است (جدول۱). بنابراین روند تغییرات نرخ رشد سالانه جمعیت استان تهران برای دوره ۷۵- ۸۵، ضمن نمایان کردن تداوم حرکات جمعیتی قابل توجه به سوی این استان، نشانه‌ای روشن از تشدید چنین حرکاتی است.

فضای تشدید روند مهاجرت به استان تهران در طی دهه ۷۵- ۸۵ حتی در موردشهر تهران نیز که در طول سال‌های ۶۵ تا ۷۵ روند مهاجرپذیری آن محدود شده و به مهاجرفرستی تغییر جهت داده بود آثار خود را نشان داد و روند مهاجر فرستی این شهر را کندتر کرد به گونه‌ای که نرخ رشد جمعیت این شهر که در طول سال‌های ۴۵ تا ۷۵ مداوما و با سرعتی قابل توجه در حال کاهش بود مجددا افزایش و از ۱۳/۱درصد دوره ۶۵-۷۵ به ۴۴/۱درصد برای دوره ۷۵- ۸۵ رسید هرچند که همچنان در سطحی پائینتر از نرخ رشد جمعیت کشور باقی ماند(جدول۱).

▪ نرخ خالص مهاجرت به استان تهران:

طبق نتایج سرشماری سال ۸۵، در طول دوره ۷۵- ۸۵ بیش از ۲میلیون و ۴۰۰هزار نفر به استان تهران وارد (از درون و بیرون آن) و نزدیک یک‌میلیون و ۶۲۰هزار نفر از آن خارج شده‌اند (به مقصد درون و بیرون آن) و در نتیجه، به صورت خالص حدود ۷۸۴هزار نفر در طول ۱۰ساله گذشته به این استان مهاجرت کرده‌اند که ۸/۵درصد جمعیت این استان در سال ۸۵ می‌باشد. بنابراین نرخ خالص مهاجرت برای استان تهران در دوره ۷۵- ۸۵ حدود ۸/۵درصد است در حالی که این نرخ برای دوره ۶۵- ۷۵ تنها ۴درصد بوده است (جدول۲). ملاحظه می‌گردد که براساس شاخص «نرخ خالص مهاجرت» نیز روند مهاجرپذیری استان تهران در ده‌ساله اخیر به‌رغم سیاست دولت‌ها برای تحدید آن، به‌صورت نسبتا قابل‌توجهی تشدید گردیده است.

با بررسی روند تحولات سه شاخص فوق‌الذکر، می‌توان گفت که به نظر می‌رسد در طول ده‌ساله ۷۵- ۸۵، روند کاهنده مهاجرت به استان تهران متوقف گردیده و روند صعودی به خود گرفته است. حتی شهر تهران که برای مدت‌ها از مهاجر پذیری به مهاجر فرستی تغییر جهت داده بود تحت‌تاثیر تشدید روند مهاجرپذیری استان تهران قرار گرفته و رشد جمعیت آن نسبت به دوره ۶۵- ۷۵ افزایش یافته و از ۱۳/۱ به ۴۴/۱ رسید.

بدین ترتیب مشاهده می‌گردد که نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۸۵ حاکی از تشدید روند مهاجرت به استان تهران طی دهه گذشته است، اما نکته‌ای که در این میان جلب توجه می‌کند آن است که آمار متولدین و فوت‌شدگان ثبت شده ده‌ساله ۷۵- ۸۵ که توسط سازمان

ثبت احوال تولید و منتشرشده و علی‌القاعده اطلاعاتی در مورد رشد جمعیت به خصوص رشد طبیعی آن ارائه می‌کند چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی با نتایج سرشماری سال ۸۵ دارد؟ مقایسه نتایج سرشماری سال ۸۵ با آمار متولدین و فوت‌شدگان ثبت شده در طول یک دهه گذشته، نتایج قابل‌تاملی را در ارتباط با مهاجرت به استان تهران ارائه نموده و سوالات مختلفی را در این زمینه به ذهن متبادر می‌سازد.

براساس نتایج سرشماری سال ۸۵، نزدیک ۳ میلیون و هفتادهزار نفر در طول ده‌ساله ۷۵- ۸۵ بر جمعیت استان تهران افزوده شد که با توجه به اینکه تعداد خالص مهاجرین وارد شده به این استان طی دوره یادشده حدود ۷۸۴هزار نفر بوده است، لذا قاعدتا باید میزان افزایش طبیعی جمعیت این استان در ده‌ساله گذشته حدود ۲میلیون و ۲۸۶هزار نفر بوده باشد. از طرف دیگر بر اساس، آمار سازمان ثبت احوال، تفاوت تعداد متولدین و فوت‌شدگان ثبت شده استان تهران که باید علی‌القاعده حداکثر میزان افزایش طبیعی جمعیت این استان را نشان دهد در طول سال‌های ۷۶ تا ۸۵، نزدیک یک‌میلیون و ۲۰۰هزار نفر بوده است که یک‌میلیون و ۸۶هزار نفر کمتر از رقم مشابه حاصل از نتایج سرشماری سال ۸۵ می‌باشد. به عبارت دیگر بر اساس، آمار متولدین و فوت شدگان ثبت شده استان تهران، میزان خالص مهاجرت به این استان طی ده‌ساله گذشته حدود ۴/۲ برابر رقم حاصل از نتایج سرشماری ۸۵ یعنی نزدیک یک‌میلیون و ۸۷۳هزار نفر است (جدول۳).

در این مورد شاید عنوان شود که بخشی از متولدین ثبت شده ممکن است از استان تهران خارج شده باشند که در این صورت در واقع به این معنی خواهد بود که خالص مهاجرین به استان تهران حتی بیشتر از آن میزانی بوده که در ستون آخر جدول ۳ آمده است. اشکال دیگری که می‌تواند مطرح شود آن است که احتمال دارد تولد برخی از متولدین اعلام نشده و در نتیجه ثبت هم نگردیده و لذا در آمار ارائه شده از سوی سازمان ثبت احوال نیامده است. هر چند که وقوع چنین پدیده‌ای در جایی چون شهر تهران و استان تهران که بیش از ۹۱درصد جمعیت آن شهرنشین هستند بعید به نظر می‌رسد، اما توجه به واقعیات اجتماعی استان تهران از بعد تنظیم خانواده و همچنین ملاحظه این نکته که نرخ رشد جمعیت کل کشور در ۱۰ سال گذشته سالانه فقط ۶۱/۱درصد بوده و تصور غالب نیز بر آن است که نرخ رشد طبیعی جمعیت در استان تهران پایین‌تر از نرخ رشد جمعیت کل کشور است، درستی این فرضیه که «نرخ رشد طبیعی ۱/۱درصدی برای جمعیت استان تهران طی دوره ۷۵- ۸۵ که بر اساس، آمار خالص متولدین ثبت شده محاسبه می‌شود از نرخ رشد طبیعی ۰۲/۲درصدی محاسبه شده براساس نتایج سرشماری سال ۸۵ (جدول۴)، به واقعیت نزدیک‌تر است» را تقویت می‌کند.

درصورت مبنا قرار گرفتن، آمار خالص متولدین ثبت شده برای بررسی روند مهاجرت به استان تهران ملاحظه می‌شود که نرخ خالص مهاجرت به استان تهران در دوره ۷۵- ۸۵، بسیار فراتر از رقم ۸/۵درصدی مربوط به نتایج سرشماری سال ۸۵ بوده و به رقم بسیار بالای ۱۴درصد می‌رسد. این در حالی است که نرخ خالص مهاجرت به استان تهران در دوره ۶۵- ۷۵ براساس ماخذ، آماری ثبت احوال، فقط رقم ۶/۶درصد را نشان می‌دهد (جدول۴).

با این تفاسیر شاید بتوان با احتمال بیشتری از بازگشت مهاجرت به تهران سخن گفت. البته اگر هم نخواهیم، آمار خالص متولدین ثبت شده را مبنای تحلیل و سیاست‌گذاری در زمینه مهاجرت به تهران قرار دهیم، اما یافتن پاسخی برای تباین، آماری یادشده و تبیین دلایل آن بسیار راهگشا و مفید خواهد بود و رفع ابهام در این زمینه از بعد انتخاب، آمارهای مورد اعتماد برای سیاست‌گذاران و همچنین پژوهشگران ضروری به نظر میرسد.

بررسی و تبیین دلایل مهاجرت به تهران و ارائه پیشنهادهای سیاستی در این زمینه مجال دیگری می‌طلبد، اما اجمالا مناسب است به این موضوع اشاره شود که مهاجرت به تهران عمدتا متاثر از دو عامل زیر است:

▪ حجیم شدن دولت و بخش عمومی، مخصوصا که سهم تهران از این حجیم‌شدن‌ها معمولا بالاتر و نقدتر است. براساس مطالعه‌ای که توسط مرکز، آمار ایران در سال ۸۱ انجام گردیده است در سال ۷۹، بیش از ۲۷درصد مصرف نهایی دولت در استان تهران صورت گرفته است. با توجه به سهم ۱۹درصدی استان تهران از جمعیت کشور می‌توان نتیجه گرفت که در سال مورد بررسی، مصرف نهایی دولت در این استان به ازای هر نفر نزدیک ۵/۱ برابر کل کشور بوده است.

▪ صرفه‌های ناشی از تجمع

دنبال کردن «راهبرد ایجاد رقبای اقتصادی قدرتمند برای تهران در سایر نقاط کشور»، کارآمدترین استراتژی برای مواجهه با پدیده مهاجرت به تهران به نظر می‌رسد.

منبع : روزنامه دنیای اقتصاد

http://vista.ir/?view=article&id=278809

vista.ir
Online Classified Service

باغ ارم شیراز

باغ ارم در شمال غربی شیراز، واقع در خیابان ارم بوده و از ضلع شمال غربی به بلوار دانشجو (خیابان آسیاب سه‌تایی) محدود می‌گردد. بطوریکه از اسناد تاریخی بر می‌آید، باغ ارم تا سال ۱۳۲۵ ه.ش در خارج شهر شیراز و در سمت شمال غربی آن واقع بوده و اطراف آن بیابان و رودخانه و سنگلاخ بوده است. با گسترش شهر شیراز، به تدریج این باغ در داخل شهر و در شمال غرب آن قرار گرفت و هم‌اکنون با گسترش بیشتر شهر شیراز به سمت غرب، این باغ در شمال شهر شیراز قرار گرفته است. باغ ارم از ضلع شمال غربی به بلوار دانشجو (خیابان آسیاب سه‌تایی)، از شمال شرقی به بلوار ارم و در رأس شمالی به میدان ارم محدود می‌گردد. این باغ در دامنه کوه آسیاب سه‌تایی قرار داشته و در حدود ۳-۲ کیلومتر تا کوه معروف بابا کوهی، در شهر شیراز فاصله دارد.

- تاریخچه

باغ ارم شیراز بطور مسلم از دوره سلجوقیان و در تمام دوره آل اینجو و آل مظفر و گورکانیان وجود داشته و با توجه به اینکه سیستم فئودالی بطور کامل بر جامعه آن دوره حاکم بوده بدون تردید بانیان و صاحبان باغ ارم که باغی ارزشمند بوده، در آن زمان حکام وقت بوده‌اند. احتمال می‌رود اتابک قراچه که از طرف سنجر سلجوقی به حکومت فارس منصوب بوده دستور احداث این باغ را داده باشد.

بعد از وی تا جلوس شاه شیخ ابواسحاق اینجو که احتمالاً باغ ارم را در تصدی داشت، اطلاعی از نحوه مالکیت این باغ در دست نیست. شاه شیخ ابواسحاق اینجو در سال ۷۴۲ ه.ق جلوس نموده و در سال ۷۵۷ ه.ق کشته شد. پس از انقراض سلسله آل اینجو بوسیله آل مظفر، احتمالاً باغ ارم به مالکیت سلاطین آل مظفر در آمده است و در عهد شاه منصور آخرین پادشاه این خاندان که به دست گورکانیان کشته شد، باغ در نهایت آبادانی و شکوه بوده است. از عصر صفویه به بعد باغ ارم در نوشته‌های جهانگردان، آباد و باشکوه توصیف شده است. در عهد کریم خان زند احتمالاً باغ ارم در مالکیت سران سلسله زندیه بوده و مانند سایر ابنیه و باغهای شیراز مرمت یافته است. از اواخر دوره زندیه تقریباً بیش از هفتاد و پنج سال باغ ارم در تصاحب سران ایل قشقایی بوده است. خاندان جانی خان قشقایی که از دوره فتحعلی شاه قاجار با سمت ایلخانی و ایل بیگی بر ایل قشقایی فرمانروایی می‌کردند، مدت مدیدی این باغ را در اختیار داشته و از آنجا به عنوان مقر فرمانفرمایی خود در شهر شیراز استفاده می‌کرده‌اند. نخستین ایلخان این خاندان یعنی جانی خان و پسرش محمد قلی خان عمارتی با شکوه در این باغ بنا نهادند. در اوایل دوره قاجاریه بعضی از سران ایل قشقایی که مالکین سابق باغ ارم بوده‌اند در گوشه‌ای از این باغ به خاک سپرده شده‌اند که در حال حاضر نشانی از این قبور در دست نیست. ساختمان عمارت این باغ در دوره ناصرالدین شاه قاجار هنوز مرغوب و قابل توجه بوده است. در دوره سلطنت ناصرالدین شاه، حاج نصیرالملک شیرازی باغ را از خاندان ایلخانی خریداری نموده و ساختمان فعلی موجود در باغ را به جای عمارت ایلخانی بنا نمود ولی احتمالاً اساس ساختمان قبلی را حفظ کرده است. پس از درگذشت حاج نصیرالملک در سال ۱۳۱۱ ه.ق تزئینات بنا و بعضی قسمتهای ناتمام بوسیله ابوالقاسم خان نصیرالملک، مالک این باغ اتمام یافته است.

در آن زمان توصیفی توسط فرصت‌الدوله شیرازی راجع به این باغ داده شده که به شرح زیر می‌باشد: "... بستانی است بی مثال و گلشنی است

بهشت تمثال ...، سروهایش سر به افلاک کشیده، عماراتی دارد شاهانه مشتمل بر تالاری که به واسطه دو ستون قوی پیکر بر پاست و ارسی‌ها، گوشواره‌ها و اتاقها و رواقهای دیگر را از فوقانی و تحتانی داراست. آبشارهای متعدده از هر جانب آن روان است و سبزه‌های اطراف جویش چون خط برگرد عارض نوش لبان. بنای اول آن را محمد قلی خان ایلخانی نهاده سپس مرحوم حاجی نصیرالملک خریده و حکم به بنیاد عمارات مذکور داده. حاجی محمد حسن معمار... آن بنا را برآورده باغی دیگر برآن افزوده‌اند. آن نیز هوایش معطر است...، خلوتی دیگر دارد که نارنجستانش نام نهاده‌اند. باربند و کوشکی هم برای آن قرار داده‌اند."

دونالد ویلبر درباره باغ ارم شیراز چنین نگاشته است: "... برای مدت لااقل ۷۵ سال این عمارت در تصاحب خان‌ها و یا سران قبیله قشقایی بود. همین ساختمان هسته مرکزی باغ به شمار می‌رود. در این موقع دیواری در وسط باغ احداث کردند و بدین ترتیب باغ به دو قسمت تقسیم گردید. باغ ارم محبوبیت فراوان خود را مدیون درختان مرکبات و خیابان طویلی است که در دو طرف آن سروهای باشکوه غرس گردیده و ساختمان جالب توجهی که شاهد مهمان‌نوازی بی دریغ ایل قشقایی بوده است. هرچند سال یکبار مقداری از درختان مرکبات بر اثر سرمای سخت از بین می‌روند درحالی که سروها در عرض پنجاه سال اخیر همچنان جذابیت خود را حفظ کرده‌اند ... ." در تهیه طرح باغ، محور طولانی آن مشخص گردیده است. امروز کوشک اصلی، هسته مرکزی این باغ و جالب‌توجه‌ترین جنبه آن را تشکیل می‌دهد. اطاقهای طبقه زیرین تقریباً زیرزمین است و تالار مرکزی آن را برای استراحت در روزهای گرم تابستان در نظر گرفته‌اند. نهر آب مستقیماً از این تالار می‌گذرد و در سر راه خود قبل از اینکه به حوض بزرگی فرو ریزد استخر را پر می‌کند. دیوارها و کف این تالار از کاشی‌های رنگین پوشیده شده است. پلکانی این طبقه را به طبقه بالاتر و به راهروهایی که به تالار بزرگ منتهی می‌گردد متصل می‌سازد. منظره جنوبی آن همان ادامه محور اصلی است و از طرف شمال چشم انداز آن را تپه‌هایی تشکیل می‌دهد که در حاشیه رودخانه قرار گرفته است. در این محل نیز مانند بسیاری دیگر از ساختمانهای شیراز کاشیهای براق و سنگهای تراش میراث قدیم را از نو رواج می‌دهد. این قسمت سه گوش (سنتوری) منظره‌ای را متعلق به دوره ساسانیان که با کاشیهای رنگی زینت شده نشان می‌دهد درحالی که در طبقه‌ای که هم‌سطح زمین ساخته شده تخته سنگهای آهکی نسخه‌های تحریف شده‌ای است از نقوش برجسته دوره هخامنشیان که در تخت جمشید دیده می‌شود. در سراسر این ناحیه وسیع بوته گل سرخ کمتر دیده می‌شود و به جای آن در گلخانه که داخل آن را با چوب به طرز پلکانی ترتیب داده‌اند انواع گلها را در گلدان نگاهداری می‌کنند تا آنها را در نقاط اصلی در داخل کوشک و خارج آن قرار دهند."

باغ ارم پس از فوت ابوالقاسم خان نصیرالملک به فرزندش رسید و پس از چندی به یکی از سران ایل قشقایی فروخته شد. سپس به تصرف دولت درآمده و به دانشگاه شیراز واگذار شده است. دانشگاه شیراز مدتها به عنوان کاخ پذیرایی از آنجا استفاده می‌نمود. در سالهای ۱۳۵۰_۱۳۴۵ه.ش این باغ با اعتبار واگذاری از طرف سازمان برنامه و بودجه و زیر نظر مسئولین وقت دانشگاه، تعمیر اساسی شده و زمین وسیعی نیز در حاشیه بلوار ارم و بلوار آسیاب سه‌تایی به آن افزوده شده است. امروزه باغ ارم همچنان در اختیار دانشگاه شیراز می‌باشد و در حقیقت به تمام مردم تعلق دارد.

- معرفی

باغ ارم شیراز به عنوان مکانی دیدنی و تفریحی مورد بازدید مردم و سیاحان قرار می‌گیرد. شیوه معماری عمارت باغ ارم که در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار بنا گردیده با ویژگیهایی که دارد همچون سایر بناهای همانند آن دوره پیروی از اسلوب معماری زندیه و صفویه است.

عمارت اصلی باغ ارم که فعلاً موجود و از ساخته‌های دوره نصیرالملک بشمار می‌آید در سمت مغرب باغ قرار دارد. این عمارت رو به مشرق و دارای سه طبقه است، و از لحاظ معماری، نقاشی، حجاری، کاشی‌کاری و گچ‌بری شاهکار صنعت و هنر دوره قاجاریه است. طبقه زیرین که هم‌سطح زمین است در وسط دارای یک تالار اصلی بنام حوضخانه است. دو طرف این حوضخانه دو راهرو است و در انتهای هر دو راهرو پله‌هایی برای رفتن به طبقه بالا ساخته شده است. در دو طرف راهروها نیز دو سالن بزرگ است. مجاور سالن ضلع جنوبی آشپزخانه خیلی وسیعی است. طبقه دوم عمارت چنانکه گفته شد در وسط ایوانی بزرگ با دو ستون بلند دارد. در پشت ایوان یک سالن بزرگ واقع است و دو جانب آن دو راهرو می‌باشد که بالای آن دو گوشوار است و چهار اتاق نیز در طرفین راهروها است.

در دو طرف ایوان بزرگ دو ایوان کوچک رو به مشرق قرار دارد که پشت آنها ارسی‌ها و درک‌هایی است. این ایوانها هرکدام دارای دو ستون سنگی یکپارچه کوچک می‌باشد. انتهای شمالی و جنوبی عمارت نیز دو راهرو است. در ضلع جنوبی این طبقه هم در بالای آشپزخانه طبقه زیرین یک آشپزخانه وسیع و به همان اندازه وجود دارد. طبقه سوم در وسط دارای یک سالن بزرگ مشابه سالن طبقه دوم است که پنجره‌های آن به ایوان اصلی باز می‌شود و در دو طرف این سالن دو راهرو است. در جنب راهرو ضلع شمالی عمارت دو اتاق در جنب راهرو ضلع جنوبی یک اتاق و یک سالن بزرگ است. دو ایوان نیز در دو طرف همانند ایوانی‌های طبقه دوم و درست بالای آنها قرار دارد. بالای آشپزخانه طبقه دوم در طبقه سوم

بصورت تراس است.

هشت باب اتاق هم در جنوب ضلع شمالی عمارت اصلی و چسبیده به آن قرار دارد. این مجموعه هشت اتاقی همان باربندی است که فرصت‌الدوله شیرازی در آثار عجم به آن اشاره نموده است. این اتاقها در سالهای اخیر مرمت شده و در حال حاضر به واحد سرپرستی و امور اداری باغ اختصاص یافته است. در کنار ورودی شرقی باغ نیز دو اتاق قرار گرفته که برای سکونت نگهبانان و خدمه ایجاد شده است. در پشت ساختمان اصلی یعنی در طرف مغرب باغ عمارت و محوطه اندرون قرار دارد. عمارت اندرون دارای دو سالن و پنج اتاق است.

ایوان ساختمان اصلی رو به مشرق است و در طبقه دوم و سوم قرار دارد. در جلو این ایوان زیبا دو ستون سنگی یکپارچه بلند واقع شده و سرستونها به طرز ماهرانه‌ای حجاری شده است. نقش سرستونها را تصویر مردانی با لباسهای دوره قاجاریه و گل و بوته‌هایی بطور قرینه تشکیل می‌دهد. درمیان ساختمانهای دوره قاجاریه در شیراز ایوان دو ستونی باغ ارم از نظر دارا بودن تزئینات گچبری زیبا بر دیوارهای سه جانب آن نسبت به بناهای مشابه دارای امتیاز خاصی است.

کف سالن‌های طبقه پایین عمارت هم‌سطح زمین است. تالار مرکزی واقع در طبقه پایین را که به حوضخانه معروف است برای استراحت در روزهای گرم تابستان ایجاد نموده‌اند. این تالار دارای آب نمایی است و نهر آب از وسط آن می‌گذرد و سپس به استخر بزرگی در جلو عمارت مربوط می‌شود. در وسط تالار حوضخانه یک ستون سنگی حجاری شده قرار گرفته و دیوارها و کف تالار با کاشی‌های هفت رنگ که به طرزی زیبا و ماهرانه بکار رفته مزین است. سقف حوضخانه با کاشی‌های معرق و هفت رنگ پوشیده شده که تصاویر زیبایی از شکارگاهها و مناظر طبیعت و داستان خسرو و شیرین و نقوش دیگر را در بردارد. کاشی‌های سقف حوضخانه را باید از بهترین نمونه‌های این هنر در دوره قاجاریه دانست.

کاشی‌های نمای عمارت نیز دارای زیبایی‌ها و ویژگیهای خیره‌کننده و دلپذیری است. کاشیکاریها عموماً به سبک کارهای دوره زندیه و قاجاریه است و طرحها و مناظر بدیعی در آنها به نظر می‌رسد. کاشی‌های نمای عمارت اصلی و عمارت اندرون باغ در اصطلاح اهل فن مشهور به کاشی هفت رنگ است.

از نظر هنر عالی نقاشی نیز این عمارت بی نصیب نمانده است. سقف دو سالن طبقه سوم ساختمان که با تیرهای چوبی و تخته‌های منظم پوشیده شده دارای نقاشی‌های زیبا و بسیار نفیسی است. در این نقاشی‌ها گل و بوته و طرحهای اسلیمی و تابلوهای متعدد از شکارگاهها و چهره زنان و تصاویری از قصرهایی به سبک اروپایی نشان داده شده است. هنر ظریف نقاشی روی سقف که اهل این فن آن را مرجوک (بر وزن مردمک) نامند در دوره قاجاریه در شهر شیراز کاملاً رواج داشته و حتی در بیشتر خانه‌های معمولی و کوچک نیز بکار می‌رفته و نخستین بار هم بوسیله استادان شیرازی در ساختمانهای مهم تهران متداول شده است. قسمت عمده درهای چوبی عمارت از چوب ساج تهیه شده و به همین جهت با گذشت سالهای زیاد هیئت اصلی خود را همچنان حفظ نموده است.

در بالای عمارات باغ ارم هلالی‌های زیبایی ساخته‌اند که در اصطلاح معماران محلی فارس به آن "سنتوری" می‌گویند. این هلالی‌ها با کاشیهای رنگین و نقش‌دار ساخته شده و به شیوه کاشیکاریهای دوره زندیه و قاجاریه است. به روی این هلالیها تصاویری از ناصرالدین شاه قاجار، داستانهایی از فردوسی و نظامی و ادبیات کهن فارسی و قصه‌های مذهبی کاشیکاری شده است.

در پشت عمارت اصلی و در طرف مغرب باغ، اندرون و عمارت آن وجود دارد. نمای پشت عمارت اصلی باغ ارم به جانب شرقی اندرون است و در این ضلع درهایی برای رفت و آمد به ساختمان وجود دارد در ضلع غربی آن عمارتی یک طبقه است که از سطح محوطه اندرون بلندتر است. در ورودی اصلی اندرون نیز رو به مغرب و از داخل همین عمارت است. امروزه با توجه به توسعه باغ و اضافه شدن زمینهای زیادی در قسمت غربی به باغ ارم عمارت اصلی و اتاقهای باربند قدیم و ساختمان اندرون و محوطه محصور آن کلا بصورت یک مجموعه در وسط قرار گرفته است، و اکنون در اندرون به طرف گلستان گل رز که در این قسمت ایجاد شده باز می‌شود. در قسمت جلو در ورودی اندرون یک چهار ضلعی که در اطراف آن طاقچه‌هایی ایجاد نموده‌اند و اصطلاحاً به آن غلام نشین می‌گویند واقع شده است.

بالای پیشانی عمارت اندرون دارای هلالی کاشیکاری نقش‌دار و زیبایی است. کاشیکاری این هلالی همزمان با کاشیکاریهای هلالی‌های عمارت اصلی باغ انجام گرفته و متعلق به دوره قاجاریه است. جلو دو ستون آجری طرفین اتاق وسط که این هلالی بالای آن واقع شده دارای کاشیکاریهای معرق است.

محوطه اندرون نیز تماماً درختکاری و گلکاری شده است. در وسط محوطه خیابانی با سمت شرقی_غربی از جلو نمای عمارت اندرون تا عمارت اصلی باغ ایجاد شده است که درمیان آن یک حوض آب نما وجود دارد در سالهای ۱۳۵۰- ۵۱۳۴۵.ش در ساختمان اندرون و محوطه آن نیز تعمیراتی بعمل آمده است.

فضای باغ ارم از لحاظ اسلوب خیابان‌کشی و درخت‌کاری نه تنها در بین باغهای شیراز بلکه در تمام مناطق کشور ما کم نظیر است. پاره‌ای از هنرشناسان را عقیده بر این است که از نظر باغ‌سازی طرح باغ ارم یادآور باغهای عهد ساسانی است.

زمین باغ بشکل مربع مستطیل بسیار وسیعی است که یک ضلع بزرگتر آن به جانب شمال و بلوار موسوم به "ارم" و یک ضلع کوچکتر به جانب مغرب و بلوار موسوم به "بلوار دانشجو" (آسیاب سه تایی) است. دو جانب دیگر باغ محدود به باغها و خانه‌های مسکونی است. مساحت باغ ارم در دوران گذشته افزایش و کاهش بسیار یافته است.

در سه دهه پیش قسمتهایی در سمت غربی باغ ازجمله اراضی دهی موسوم به "کوشک" به مساحت باغ افزوده شده است. در این زمان مساحت کل باغ ارم نزدیک ۱۱۰۳۸۰ متر مربع است. سمت شیب زمین از غرب به سوی شرق است و مجموعه عمارت اصلی و اندرون در قسمت مغرب و در بلندی چشم‌گیری قراردارد. به سبب شیب زیاد زمین در قسمتهایی از خیابانهای اصلی و دیگر خیابانهای باغ پله‌هایی ایجاد نموده‌اند و این پستی و بلندی زمین بر زیبایی فضای باغ بسی افزوده است.

در جلوی نمای عمارت اصلی باغ ارم که مشرف بر باغ است استخر آب‌نمای بزرگی است که تصویر عمارت در آن نمایان می‌شود. مساحت این استخر سیصد و سی و پنج متر مربع است و محیط آن را هجده قطعه سنگ بزرگ و یکپارچه تشکیل می‌دهد و احتمالاً مربوط به دوره جانی خان ایلخانی است. استخر باغ ارم سابقاً گودتر بوده ولی در تعمیرات اخیر پرشده و اکنون عمق آن نیم متر است. کف و اطراف این استخر هنگام تعمیرات چند سال پیش با کاشی سفید پوشیده شده است. آب روان و زلالی که از نهر اعظم است پس از گردش در حوضچه حوضخانه وارد جویهای اطراف استخر می‌شود و سپس در جوی عریض خیابان اصلی و جویبارهای دیگر در خیابانهای باغ و اطراف باغچه‌ها روان می‌گردد.

هنگام تعمیر و بازسازی باغ سه حوض آب‌نما در اراضی قسمت جدید ضلع شمال غربی ساخته شده است. یک میدان ورزشی هم در همین قسمت و در شمال دیوار اندرون احداث گردیده است.

درهای ورودی باغ ارم در ضلع شمالی قرارداد و به طرف بلوار "ارم" باز می‌شود. سر در ورودی اصلی که به عمارت نزدیکتر است در سالهای اخیر برجای سر در قبلی آن به طرز زیبایی از آجر ساخته شده است. درگاه دیگری هم در همین سمت و در انتهای باغ قراردارد که در سال ۱۳۴۴ هجری قمری ایجاد شده است. بر بالای جبهه خارجی این سر در کتیبه‌ای از سنگ مرمر نصب شده و دو کتیبه کاشی نیز در طرفین آن بچشم می‌خورد.

چنانکه از بیان مولف فارسنامه ناصری بر می‌آید در دوره قاجاریه این باغ حصار و دیواری از "چینه گل" داشته است. در سالهای بعد همزمان با توسعه فضای باغ این دیوار خراب شده و دو ضلع آن را که مجاور بلوارهای "ارم" و "آسیاب سه‌تایی" است با نرده‌های آهنی محصور کرده‌اند، تا بینندگانی که از حاشیه این خیابانها می‌گذرند از دیدن منظره زیبای باغ محظوظ گردند. قسمتهایی از این نرده‌ها با گیاهان رونده زیبایی مثل پیچ برفی و پیچ اناری و پیچ امین‌الدوله پوشیده شده است.

در وسط باغ ارم خیابان اصلی آن با سمت غربی_شرقی احداث شده است که از مقابل ساختمان و استخر بزرگ آغاز شده و تا انتهای باغ ادامه دارد. در دو طرف این خیابان شمشادهای کوتاه حصاری پرورش داده‌اند و در وسط آن چنانکه گفته شد از جلو استخر بزرگ تا وسط باغ، جوی آبی است که در وسط باغ به جدولها و جویهای متعدد تقسیم شده و آب روان از آنجا در قسمتهای دیگر باغ جاری می‌گردد. گلکاریهای اطراف این جوی بر زیبایی آن افزوده است. در وسط خیابان اصلی آنجا که جوی آب به شبکه‌های طرفین تقسیم می‌شود پله‌هایی ایجاد شده و ادامه خیابان از پایین پله‌ها تا انتهای باغ مسطح و شن‌ریزی است. دو طرف این خیابان را سروناز‌ها و درختان تنومند دیگر فراگرفته است. در پایه یکی از سروناز‌های خیابان اصلی که حدود سی متر بلندی آنست، تاکی تنومند و کهن وجود دارد که شاخه‌های آن همچون ساقه پیچک، چنان برگرد سرو تابیده و از پای تا سرا آنرا در آغوش گرفته است که در هیچ باغ دیگری نظیر آن را نمی‌توان دید و مخصوصاً در فصل تابستان که تاک ثمر می‌آورد زیبایی آن موجب شگفتی هر بیننده‌ای است. خیابان وسیع دیگری با جهت شمالی_جنوبی در وسط باغ، خیابان اصلی را قطع می‌کند. علاوه بر این دو خیابان عریض، خیابانهای دیگری هم به موازات این دو در تمام قسمتهای باغ احداث شده است.

در این باغ وسیع سروناز‌های بلند و زیبایی وجود دارد که سالهای زیادی بر آنها گذشته و موجب شهرت باغ شده است. درمیان سروهای باغهای شیراز نیز سروهای باغ ارم زیباتر و جلوه آن خیره کننده‌تر است. بلندترین سروناز این باغ که قریب سی و پنج متر بلندی آن است، بلندترین سروناز شیراز است. سروی است کشیده و گویی دست هنرمندی آن را بدین استواری و موزونی تراشیده است. این درخت شهرت بین المللی یافته است و نویسندگان و جهانگردان خارجی عکسها و مقالات بسیاری درباره آن منتشر نموده‌اند.

▪ انواع درختان باغ ارم را می‌توان به دو دسته درختان غیر مثمر و درختان مثمر تقسیم کرد:

۱) درختان غیر مثمر باغ عبارتند از: سرو ناز، کاج، افرا، ارغوان، بید مجنون، سیاه بید، زبان گنجشک، بید مشک، سپیدار، و اکالیپتوس.

۲) درختان مثمر باغ عبارتند از: انار، ازگیل، نارنج، خرمالو، گردو، زردآلو، بادام، سیب، به و گلابی.

محصول اصلی درختان میوه‌دار باغ در درجه اول انار است و در درجه دوم می‌توان مرکبات را بحساب آورد. درختان مرکبات باغ ارم در ردیف سایر نارنجستانها و باغهای مرکبات شیراز است ولی دیگر درختان و سرونازهای باغ در مدت سالیان دراز موزون و شکوهمند گردیده و مرتباً هم بر زیبایی آنها افزوده شده است.

این باغ امروزه علاوه بر سروهای زیبا به داشتن انواع گل نیز اشتهار دارد. در دو دهه اخیر گلهای بسیاری از هر نوع در آن پرورش داده شده است و مخصوصاً گلهای رز گوناگون آن دیدنی و جالب نظر است. در موقع توسعه باغ، گلستانی از انواع گل رز در ضلع غرب و شمال غربی احداث گردیده که در آن قریب دویست و پنجاه واریته گل رز پرورش داده شده است. این گلستان از نظر تنوع و بسیاری از انواع گل رز در کشور ما بی‌نظیر و در کشورهای همجوار و آسیا کم نظیر است و به طوریکه شهرت دارد در بین کشورهای مشرق زمین بجز این گلستان ارزشمند فقط در دو سه کشور دیگر گلستانهای رز با این تنوع پرورش داده شده است.

▪ بجز گلهای رز گوناگون و زیبای باغ که جای صحبت فراوان دارد انواع دیگر گلهای موجود در باغ ارم را می‌توان به ده عنوان کلی دسته بندی نمود:

۱) درختچه‌های زینتی دارای گلهای زیبا

۲) درختچه‌های زینتی دارای برگهای زیبا

۳) گلهای یک ساله مقاوم به سرما

۴) گلهای یک ساله حساس به سرما

۵) گلهای پیازدار

۶) بوته‌های دائمی گل‌دار

۷) گیاهان دائمی پوششی و رونده

۸) گیاهان یک‌ساله رونده

۹) گیاهان حصاری

۱۰) گلهای گلخانه‌ای

قسمت عمده آبی که این باغ را مشروب می‌سازد مانند بیشتر باغهای شیراز از نهر اعظم است. این نهر به جدول‌های متعدد تقسیم می‌گردد که هرکدام را بنا می‌خوانند و از آن جمله جدول میری می‌باشد که یک پنجم از نهر اعظم است. باغ ارم از جدول میری مشروب می‌گردد. علاوه براین، دو حلقه چاه عمیق در باغ حفر گردیده که آب مورد نیاز بوسیله پمپ تأمین شده و با استفاده از لوله کشی به مصرف آبیاری گلهای باغ می‌رسد. از آب لوله کشی شهر نیز برای آشامیدن و مصارف عمارات استفاده می‌گردد.

منبع : کلوب

http://vista.ir/?view=article&id=310916

vista.ir
Online Classified Service

باغ دولت آباد در یزد

حرارت در لبه کویر بسیار طاقت فرساست . دودکشهای بلند به عنوان دریچه های هوا عمل می کنند و به این اقامتگاهها راحتی وآسایش می بخشند. این یک بنای پیچیده است که آنرا بر اساس شیوه معماری ایرانیان مبتکر

ساخته اند و شامل یک باغ بزرگ و تعدادی ساختمان می باشد. آب آن از طریق قنات تامین می شود و تا همین اواخر از آن برای اقامت فرمانداران استانها استفاده می کردند . برجسته ترین قسمت این بنا , بادگیر ۲۳ متری آن می باشد که بر روی سقف قرار گرفته و یک جوی آب در داخل آن جریان دارد , هوا از بالا به داخل وارد می شود و از طریق جریان آب خنک می گردد . درها و پنجره های مشبک با شیشه های رنگی نیز منظره دلپذیری را بوجود آورده اند.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91949

vista.ir
Online Classified Service

باغ شا زده، نگین سبز کویر ماهان

شهر ماهان ، محل آرامگاه شاه‌نعمت‌الله ولی است. جایی که شاعر و عارف نامی دل را به صفا و تن را به آرامش آن داد.

ماهان را اگر نگوییم همه، که بیشتر ایرانیان می‌شناسند، آستانه شاه نعمت‌الله ولی هر روز پذیرای میهمانان بسیاری از اقصی‌نقاط کشور است و در فاصله‌ای نه چندان دور از این مجموعه، درست در دامنه‌کوههای <تیگران> ، باغی به غایت زیبا و مصفا قرار دارد که حکایت ساختن آن روایت رنج و مرارت است. روایت سالها کار و تلاش و زحمت صدها نفر برای رضایت خاطر یک تن که او هم در حسرت آن ماند.

در کتاب تاریخ کرمان نوشته احمدعلی خان وزیری آمده است، <باغ نصریه را محمد حسن خان سردار بنا کرد و عمارت آن را ناصرالدوله ساخت>، پیش از آنکه وزارت فرهنگ و هنر آن را خریداری کند چهار دانگ آن متعلق به زرتشتیان کرمان بود.

این باغ که امروزه به <باغ شاهزاده> شهرت دارد در نیم فرسنگی ماهان واقع است.

عبدالحمید میرزا فرمانفرما برای ساختن این باغ از اطراف و اکناف کرمان عمله و کارگر گرفت و بسیاری از ثروتمندان در ساختن آن اجباراً کمک کردند و حتی مجبور به آوردن بیجه‌ها و نهال‌های درختان از نقاط مختلف شدند.

روایتی هست که <چون خبر مرگ ناگهانی ناصرالدوله را به ماهان بردند، بنایی که مشغول تکمیل سر در ساختمان بود به محض وصول خبر، تغار گچی را که به دست داشت محکم به دیوار چسباند و خود از چوب بست پایین آمد و این تغار گچ سالها همچنان باقی بود.>

باغ شاهزاده یکی از زیباترین باغهای ایران است باغی که چون نگینی درخشان و باشکوه در دل کویر هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌کند.

این باغ زیبا در دامنه کوههای <تیگران> قرار دارد و طرح اصلی باغ مانند باغهای سنتی ایران دارای دو عمارت با یک رشته آب‌نما و حوض‌های به هم پیوسته در محور مرکزی است. این باغ دارای بخش‌های مختلف از جمله عمارت، سر در، عمارت شاه‌نشین و حمام است، عمارت اصلی در قسمت جنوب باغ نزدیک در غربی قرار دارد.

این عمارت ابتدا به صورت ساختمان دو اشکوبه با ایوان‌های قوسی و سایبان سنتی بود که سالها قبل طبقه فوقانی آن تخریب شد و در سال ۱۳۷۰ براساس نقشه اولیه بازسازی آن به انجام رسید.

در اطراف باغ ساختمان‌های دیگری هم به چشم می‌خورد از جمله حمامی زیبا با خزینه‌های سنگی و دیوارهای کاشیکاری که نزدیک عمارت اصلی بنا شده است.

حمام باغ نیز همزمان با بازسازی ساختمان اصلی مرمت شد و هم اینک کاربری موزه دارد.

در قسمت جلو عمارت اصلی، حوضی بزرگ با ۵ فواره قرار دارد، آب این حوض که از قنات معروف <تیگران> سرچشمه می‌گیرد به پاشویه سنگی اطراف آن ریخته و از آنجا به سوی ده شرشره آبشارگونه جاری می شود.

از قسمت‌های جالب و باارزش باغ شبکه آبرسانی و حوض‌های آب آن است که در محور مرکزی باغ قرار دارد و در کنار پیاده‌روهای اصلی و ردیف‌هایی از سروهای بلند قامت و سرسبز و سایه فکن نمای کلی باغ را تشکیل می‌دهند و چشم‌اندازی بس زیبا و دلفریب دارد.

باغ شاهزاده ماهان باغی است به غایت زیبا و رویایی که با درختان سر به فلک کشیده و زمزمه جویباری که از هرگوشه و کنار آن شنیده می‌شود، احساسی سرشار از آرامش به انسان می‌هد.

این مجموعه زیبا و خاطره‌انگیز را شاهزاده فرمانفرما از خاندان <قجر> بنا گذاشت، اما دست اجل هرگز به او فرصت استفاده از این همه زیبایی را نداد و قبل از آنکه از آن بهره‌ای ببرد برای حضور در میهمانی مرگ به تهران فراخوانده شد.

بتول ایزدپناه

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=118358

vista.ir
Online Classified Service

باغ فردوس

به دستور محمدشاه قاجار ،درسال ۱۲۶۴ ق، قصری برای او در نزدیکی تجریش ساخته شد؛ اما هم زمان با بیماری و مرگ او قصر نیمه تمام ماند و و ی در همان قصر نیمه تمام به نام محمدیه (در محل محمودیه فعلی) از

دنیا رفت.

هم زمان با ساخت قصر محمدیه، درباریان نزدیک به او نیز در همان حوالی اقدام به احداث باغ یا عمارت ییلاقی کردند. از جمله حسین‌علی‌خان معیرالممالک باغی احداث کرد که به باغ فردوس مشهور شد.

عمارت باغ فردوس در دو طبقه به سبک قاجاریه و معروف به گوش فیل بنا گذاشته شد. زمین‌های قسمت جنوبی و سراشیبی باغ نیز با سنگ چین‌هایی به صورت هفت قطعه مسطح و مطبق در آمد و روی هریک از قطعات، استخری با فواره‌های متعدد احداث شد. استخرها به گونه‌ای ساخته شده بودند که از فواصل دورتر، بزرگ‌تر به نظر می آمدند.

سپس، دوست‌علی‌خان، پسر حسین‌علی‌خان، به همت معماران اصفهانی و یزدی، ساختمانی در قسمت جنوبی باغ برپا کرد و نام آن را رشک بهشت گذاشت. پلکان و بخش‌های دیگری از ساختمان از مرمر اعلای یزد و دیوارهای داخل اتاق با کاغذهای طلایی برجسته پوشانده شده بود. اما دوست‌علی‌خان اعتنای چندانی به باغ و ساختمان آن نکرد و با گذشت زمان ساختمان رو به خرابی گذاشت تا حدی که سنگ‌های مرمر آن کنده و به عمارت امیریه (مدرسه‌نظام) برده شد. بعد از آن مالکیت باغ چند بار دست به دست شد تاسرانجام ،در سال ۱۳۱۸ ق، در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار، محمدولی‌خان سپهسالار تنکابنی آن را از ورثه امین‌الملک خرید.

سپهسالار، علاوه بر ایجاد فواره و استخرهای مطبق، قنات باغ فردوس را نیز احیا کرد و سر دری با شکوه در مظهر قنات (میدان گاه فعلی باغ فردوس) ساخت. ولی به دلیل بدهی به تجارت‌خانه طومانیانس، باغ را به او داد و طومانیانس نیز باغ را در ازای بدهی به دولت رضاخان واگذار کرد.

سرانجام، درسال ۱۳۱۶ ش، وزارت معارف (آموزش و پرورش) آنجا را خرید و ساختمان را مرمت و دبیرستان شاپور تجریش را در آن تأسیس کرد

درسال ۱۳۵۰ ساختمان موجود در باغ به مرکز فرهنگی و هنری و نمایشگاهی تبدیل شد و پس از انقلاب نیز در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97293

vista.ir
Online Classified Service

باغ ملی یا ال گلی در آذربایجان شرقی

قبل از اینکه از تبریز خارج شوید فرصت دیدن باغ ملی یا ال گلی را از دست ندهید. یک دامنه با شکوه و پارکی در اطراف یک دریاچه مصنوعی که در منطقه ای به وسعت ۵۴۶۷۵ مترمربع به سبک باغ تخت در شمال شیراز یا قصر قاجار در شمال تهران اما بسیار کوچکتر قرار دارد. ال گلی که تنها ۴ کیلومتر از تبریز پایین رود قرار دارد مکان بسیار زیبایی است . این مکان محل محبوبی برای اقامت آخر هفته ساکنان اطراف است. تپه ای در قسمت شرقی پارک قرار دارد که ازروی پله ها به سمت استخر سوق داده می

شود و یک آبشار که در نوک تپه قرار دارد و به سمت استخر سرازیر می گردد. در مرکزاین استخر یک ساختمان شش گوشه بزرگ قرار دارد . گفته می شود که این استخر را در دوران سلطنت شاهان آق قویانلو احداث کرده اند , اگرچه آنرا در زمان صفویان وسعت داده اند. این بنا را در زمان حکمرانی قهرمان میرزا (پسر عباس میرزا از سلسله قاجار) به طور بنیادی تعمیر کردند. اخیرا نیز پارک بزرگی در جاده فرودگاه ساخته شده است که بازدید کننده های زیادی را به خود جلب می کند.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91956

vista.ir
Online Classified Service

باغ‌های تاریخی بیرجند

اقلیم خشک و نسبتا گرم جغرافیایی ایران باعث شده توجه خاصی به کاشت درختان در فضاهای معماری شود. باغ‌های ایرانی همواره یکی از مصادیق بارز هنر، علم و ذوق ایرانی بوده و در همه منابعی که به معرفی و شرح شهرها و مجتمع‌های زیست ایرانیان پرداخته‌اند، از آن ذکر شده است. به گفته مورخان یونانی، پیرامون خانه‌های بیشتر ایرانیان را باغ‌هایی در برگرفته که به آنها پردیس می‌گفته‌اند. در لغتنامه دهخدا، پردیس برگرفته شده از زبان مادی (پارادائز) ذکر شده است.

همچنین بسیاری از مورخان در آثار خود این واژه را به کار برده‌اند. به طور مثال، گزنفون در شرح بازدید لوساندروس از باغی که کوروش در ساردیس ساخته بود، واژه پردیس را به کار برده است.

جهان اسلام دو سبک باغ‌سازی را از ایرانیان اقتباس کرده که با گذشت زمان کم و بیش در بین ملت‌ها رواج یافت؛ یکی باغ به عنوان ظرف که ساختمان در وسط آن قرار می‌گرفت و دیگری باغ به عنوان مظروف که احاطه شده توسط ساختمان‌ها بود و همچنین استفاده از فضای باز شهری به عنوان باغ میدان و محل تفریح و تفرج و تعاملات اجتماعی از دوره صفویه در شهرهای ایرانی آغاز می‌شود که می‌توان این باغ‌ها را در نواحی مختلف ایران از جمله بیرجند مشاهده کرد.

باغ‌ها و عمارت‌های بیرجند با طراحی فضای سبز به نمایش گذاشتن آب در جوی‌ها، استخر و فواره‌ها، محیطی زیبا و کاملا متفاوت با اقلیم منطقه را به نمایش گذاشته‌اند. این باغ‌ها که اکثرا متعلق به خاندان‌های ثروتمند و بالاخص خاندان علم بوده‌اند، به تعداد زیاد در داخل شهر بیرجند و روستاهای اطراف پراکنده‌اند که از آن جمله می‌توان باغ‌ها و عمارت‌های رحیم آباد، معصومیه، بهلگرد، امیرآباد شیبانی، علی‌آباد، شوکت‌آباد و ارگ کلاه‌فرنگی یا ارگ میرحسن خان اشاره کرد که از لحاظ معماری، تزئینات و طراحی شباهت فراوانی با یکدیگر دارند.

اما آنچه در اینجا باید بدان توجه داشت مورد بی‌مهری قرار گرفتن و عدم‌توجه به این باغ‌های زیباست که هر کدام هزاران حرف نگفته دارند، امید است با تلاش مسوولان و توجه مردم به این اماکن تاریخی درهای نهفته آنها بازگشته و از اماکن استقبال بیشتری به عمل آید.

- باغ و عمارت اکبریه

این مجموعه تاریخی در انتهای خیابان معلم _ بیرجند و در داخل محدوده روستای تاریخی اکبریه قرار گرفته است. تفاوت ویژگی‌های معماری در

بخش‌های مختلف این بنا نشان‌دهنده ساخت بنا طی چند دوره است. به نحوی که ساخت این مجموعه از اوایل دوره قاجار تا اواخر این دوره و در چند مرحله انجام شده است. این مجموعه شامل چند عمارت است که هرعمارت شامل طبقات متعددی است که به وسیله دالان‌های متعدد به یکدیگر راه دارد. در بخش‌هایی از این اتاق‌ها تزئینات گچی دیده می‌شود و بخش‌هایی از آن نیز فاقد هرگونه تزئین است.

همچنین درهای موجود در این عمارت چوبی بوده که با شیشه‌های رنگی تزئین شده‌اند. وجود درختان بلندقامت کاج در دو طرف خیابان اصلی عمارت مرکزی این مجموعه بر زیبایی و طراوت باغ و نمای آن افزوده است. در طبقه همکف عمارت مرکزی، تالار زیبا با تزئینات گچی با طرح‌های اسلیمی و درب‌های چوبی وجود دارد و همچنین در میانه خانه این عمارت در قسمت ساختمان مرکزی آن قرار دارد آینه‌کاری‌هایی بوده که متاسفانه قسمت اعظم آن از بین رفته است.

بخش اداری این عمارت که جدیدترین قسمت آن است، در اوایل دوره پهلوی احداث شده است. درختان و گیاهان استفاده شده در این باغ به دو نوع کلی: تزئینی و میوه‌دار تقسیم می‌شوند که شامل درختان: کاج، بوته‌های شمشاد و همچنین درختان: زردآلو، پسته، انار و توت است. هم اکنون بخش‌های مختلف این باغ و عمارت مورد استفاده اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری خراسان جنوبی است. بخش احداث شده در دوره زندیه به عنوان کتابخانه و دانشکده هنر دانشگاه بیرجند فعال است. از بخش مرکزی که در دوره قاجار احداث شده به عنوان موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی استفاده می‌شود. بخش ساخته شده در دوره پهلوی کاربری اداری دارد و بالاخره دیگر بخش‌ها به عنوان سفره‌خانه و چایخانه سنتی اختصاص یافته است.

- باغ و عمارت رحیم آباد

این عمارت در داخل روستای رحیم‌آباد و در حاشیه خیابان شهیدمدرس قرار گرفته است این از بناهای دوره قاجار به شمار می‌رود و تاریخ ساخت این بنا سال ۱۳۱۵ ه.ق است. این مجموعه شامل بخش‌های متعددی از جمله عمارت اصلی با راهروها و اتاق‌های متعدد، اصطبل و حوضخانه که دارای گنبدی کلاه‌فرنگی است. عمارت رحیم‌آباد دارای سه تالار بزرگ است که از لحاظ کاربری به عنوان پذیرایی از مهمانان و تشریفات استفاده می‌شده است و دارای تزئینات مقرنس، آینه‌کاری، گچبری است.

درب‌ها و پنجره‌های تالار دارای کتیبه‌هایی به شکل هلالی و تزئینات مشبک با طرح اسلیمی است که استفاده از شیشه‌های رنگی بر زیبایی آن افزوده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این بنا می‌توان به وجود انبوه تزئینات و در انواع مختلف اشاره کرد. امروزه بخشی از این باغ و عمارت به عنوان مرکز آموزش هنرهای سنتی اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری خراسان جنوبی استفاده می‌شود و همچنین در یکی از قسمت‌های آن رستوران سنتی تاسیس شده که پذیرای مهمانان فراوانی در طول شبانه‌روز است.

- باغ و عمارت بهلگرد

این مجموعه در فاصله یک کیلومتری شامل روستای بهلگرد و حدود ۱۵ کیلومتری شرق بیرجند قرار گرفته و شامل دو باغ، دو عمارت، اصطبل، محل سکونت خدمه و نیز یخدان طبیعی است. نکته‌ای که درباره تزئینات این عمارت قابل ذکر است تزئینات کمتر این باغ نسبت به سایر باغ‌هاست. طبقه اول این عمارت دارای چهار ستون دایره‌ای آجری است که مهم‌ترین عناصر تزئینی باغ را در خود جای داده‌اند. این مجموعه دارای دو باغ مجزای اندرونی و بیرونی است که باغ اندرونی از نظر وسعت بسیار کوچک‌تر از باغ بیرونی است. در مرکز این باغ استخری وجود دارد که جزیره‌ای با طرح هشت ضلعی در مرکز آن واقع شده است.

نکته جالب توجه در این باغ وجود یخچالی است که عملکرد آن تولید یخ در زمستان و ذخیره آن تا تابستان است. اصول کار این یخچال به این صورت است که از طریق نهری در زمستان آب به استخر وارد می‌شده که این آب در زمستان یخ می‌بندد و کارگران با پاشیدن آب بر قطر آن می‌افزودند و هنگامی که قطر یخ به اندازه کافی رسید، یخ را شکسته و برای استفاده در تابستان به مخزن منتقل می‌کرده‌اند.

- باغ و عمارت شوکت آباد

مجموعه تاریخی شوکت‌آباد در فاصله ۵ کیلومتری شرق شهر بیرجند قرار گرفته است. این مجموعه نیز همانند سایر مجموعه‌ها شامل بخش‌های متعددی است که هر بخش تزئینات خاص خود را دارد، از جمله حوضخانه که دارای بیشترین ویژگی‌های معماری و تزئینی است. این قسمت دارای گنبدی بزرگ است که در مرکز آن یک کلاه فرنگی با پنجره‌هایی که از طریق آن بخشی از نور حوضخانه تامین شده تعبیه شده. از دیگر فضاهای مهم تشکیل‌دهنده این مجموعه می‌توان به اندرونی یا محل خصوصی خانواده حاکم اشاره کرد. این بخش که در جنوبی‌ترین قسمت مجموعه قرار گرفته از لحاظ معماری و طرح شباهت فراوانی به خانه‌های مسکونی واقع در بافت قدیم بیرجند دارد. از مهم‌ترین تزئینات این عمارت می‌توان به قاب‌های گچی ایوان اندرونی، رخبام‌های تزئینی و طاق‌نماهای اطراف حوضخانه اشاره کرد. از عناصر معماری مهمی که مربوط به مجموعه است

اما در فاصله ۵۰۰ متری از باغ قرار دارد یخچال طبیعی است که از خشت و گل ساخته شده است. از بخشی از این بنا به عنوان موزه تاریخ طبیعی و حیات وحش بیرجند استفاده می‌شود و بخشی دیگر به رستوران سنتی تغییر کاربری داده است.

- باغ و عمارت معصومیه

مجموعه معصومیه در نزدیکی غرب بیرجند در دوره «پهلوی» احداث شده است. بارزترین ویژگی این بنا نوع خاص معماری آن است چرا که این عمارت به‌گونه‌ای طراحی شده که نمای اصلی عمارت در آب استخر مقابل آن کاملا بازتاب می‌کند، به نحوی که عمارت چهلستون اصفهان را تداعی می‌کند. این عمارت همچون سایر بناهای تاریخی تمام فضاها و اتاق‌های آن به یکدیگر راه دارند. به صورتی که امکان ورود به داخل ساختمان از هر سوی عمارت میسر است.

در این عمارت، علاوه بر باغ اصلی دو باغ دیگر نیز به چشم می‌خورد که در یکی از آنها عمارتی ساده خودنمایی می‌کند و دیگری فاقد عمارت است. از جمله نکات جالب این عمارت وجود وسایل یکی از خانواده‌های قدیمی بیرجند در داخل آن است که می‌توان این بنا را به موزه‌ای برای بازدید عموم تبدیل کرد تا سایرین از نحوه زندگی این خاندان مطلع شوند.

- باغ و عمارت مود

باغ و قلعه مود در روستای مود از توابع شهرستان بیرجند و در فاصله ۴۰ کیلومتری شرق بیرجند قرار دارد.

این عمارت طی دو مرحله ساخته شده است که مرحله اول آن شامل: ساخت قسمت‌های اصلی بنا در دوره زندیه و عمارت دوم که بنایی است مربوط به دوران قاجار ساخته شده است.

آنچه از بررسی بنا به دست می‌آید این است که این بنا در اصل قلعه‌ای بوده است دفاعی و وجود حصاری قوی و قطور با برج‌های متعدد دلیل این مدعاست. این بنا در مجموع دارای ۲۰ برج مدور است یک خندق نیز دور تا دور قلعه حفر شده که دفاع از قلعه را آسان‌تر می‌کرده است. از جمله تزئینات این بنا می‌توان به نقوش اسلیمی، گل‌بته و نقوش پرندگان اشاره کرد که متاسفانه توسط عوامل طبیعی نظیر باد و باران و تابش آفتاب این نقوش تا حد زیادی تخریب شده‌اند.

- باغ و عمارت امیرآباد

باغ و کوشک امیرآباد در ۵ کیلومتری غرب واقع شده است. احداث این بنا به اوایل دوره قاجار بر می‌گردد. آنچه در طراحی این باغ به عنوان الگوی باغ‌های ایرانی ملحوظ شده است تا حد زیادی به دلیل استفاده از مضمون‌های آشنا با معماری اسلامی و نمایش نمادهای سنتی تصویری است که به صورتی موفقیت‌آمیز و تقریبا ابتکاری بوده است از جمله فرم چلیپایی طبقه همکف و به وجود آوردن همان فرم در فضای داخلی طبقه اول بنا که نوعی وحدت و یکپارچگی را در کل ساختمان کوشک به‌وجود آورده است.

از نظر تزئینات نیز تزئینات تقریبا ساده‌ای در این عمارت به‌کار رفته است. در حال حاضر باغ در اختیار دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند است و اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری خراسان جنوبی در صدد است تا با مشارکت دانشگاه بیرجند آن را به موزه کشاورزی بیرجند تبدیل کند.

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=338725

vista.ir
Online Classified Service

باغهای معلق بابل در عراق

در عراق باغهای معلق بابل یکی از بحث انگیزترین عجایب هفتگانه می باشد چرا که هنوز برخی از باستان شناسان در وجود داشتن آنها شک

دارند. بعد از بدست آمدن اسناد اصلی و خرابه های بر جا مانده از آن زمان وجود داشتن آنها ثابت شد البته در مقیاسی کمتر از آنچه تصور می شود . در این میان سئوالی مطرح است که این باغهای معلق چرا ساخته شده اند؟ در پاسخ این سؤال می توان گفت که موثق ترین سند حاکی از آن است که شاه نبوچاد نزار دوم که دارای شهرت مذهبی می باشد این بنای عجیب را برای خوشحال کردن همسرش در ۶ قرن قبل از میلاد ساخت چرا که همسرش از دیدن چشم انداز صحرا مانند بابیلون دچار دلتنگی برای محل زندگی اش شده بود. جایی که دارای کوهها و جنگلهای سرسبزی بود به همین خاطر به دستور شاه تپه مصنوعی سبز و خرمی ساخته شد که دارای درختان و گلها و گیاهان زیبایی بود . بعضی ها می گویند که یک ملکه آشوری قدرتمند باغهای معلق را برای تفریح و سرگرمی خودش ساخته است و افراد دیگری عقیده دارند که این باغها به دستور یک شاه آشوری ساخته شده است.

http://poshtibani-maghale.blogfa.com/post-۳۹.aspx

منبع : مطالب ارسال شده

http://vista.ir/?view=article&id=93544

vista.ir
Online Classified Service

باکستر جهنم مهاجران

بازداشتگاه باکستر یکی از بازداشتگاه های مهاجران غیرقانونی در استرالیا است. بسیاری از مهاجرانی که توانسته اند در این کشور مهاجرت گرفته و یا به کشورهایشان بازگردانده شده اند هیچ خاطره خوبی از این مرکز ندارند و برخی آن را یك زندان مخوف می دانند. این بازداشتگاه که مهاجرانی از آفریقا، چین، اوکراین و... را در خود جای داده است، در میان ایرانیان به بازداشتگاه سیاه معروف است. تعداد زیادی از ایرانیان در این بازداشتگاه به سر می برند که برخی از آنها سال ها از انتقالشان به این مرکز می گذرد. هرساله در این مرکز مهاجران غیرقانونی به دلیل مشکلات مختلف و کمبود امکانات گوناگون دست به اعتصاب، شورش و... می زنند. دو سال پیش دو ایرانی در انتقاد به وضعیت خود و مشخص نشدن پرونده لب ها و مژه هایشان را دوختند اما این امر کمکی به حل مشکلات آنها نکرد و هر دو پس از انتقال به بیمارستان و مداوا به ایران بازپس فرستاده شدند. یکی از افرادی که در این کمپ به مدت پنج سال به سر برده و در آخر به ایران بازگردانده شده با یادآوری وضعیت نامناسب ایرانیان و دیگر مهاجران این مرکز می گوید: این مرکز جای بسیار وحشتناکی است، قانون جنگل برآن حکمفرما است و هر کس که قدرت بیشتری دارد، حاکم است و بقیه از دستورات او تبعیت می کنند. وی که هم اینك ۳۵ سال دارد با اشاره به رفتار نامناسب ماموران کمپ می گوید: نخستین روزی که به این مرکز وارد شدم تعدادی کودك در محوطه در حال بازی بودند، مردی قوی هیکل نیز بر روی نرده ها آنها را نظاره می کرد. هنگامی که می خواستم لباس هایم را درآورم و آبی به سر و صورتم بزنم، یکی از ایرانیانی که با من هم اتاق بود، گفت: هیچ وقت در باکستر به تنهایی به حمام نرو و لباس هایت را نیز از خودت دور نکن، حتی اگر آنها را شستی، تا زمانی که روی بند خشك نشده، چشم از آن بر ندار. اینجا هیچ زمان امن نیست. همان شب تازه چشم هایم گرم شده بود که با فریادهای یکی از زنان بازداشتگاه به بیرون پریدم مرد قوی هیکلی

که صبح نظاره گر کودکان بود همان شب هم به مادر و هم به کودك تجاوز کرده بود. صحنه بسیار وحشتناکی بود این مرد چینی بدون هیچ نگرانی از اتاق آنها خارج و پس از ورود به اتاقش در را قفل کرد. مهاجران مرد ایرانی که به شدت از این وضعیت ناراضی و ناراحت بودند به اتاق وی حمله برده و مرد چینی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. تا پیش از این ماموران کمپ باکستر وارد عمل نشده بودند اما با حمله ایرانیان آنها وارد اتاق شده و مرد چینی را از زیر دست و پای آنها بیرون کشیدند. از فردای آن روز اعتصاب آغاز شد تا دادگاه روی پرونده مرد چینی حکم صادر کند.

مادر و کودك مورد تجاوز قرار گرفته بدون هیچ روان درمانی به حال خود رها شدند و سه ماه پس از این حادثه مادر و کودك در حالی که مادر رگش را زده و کودکش را نیز پیشتر خفه کرده بود در اتاقشان پیدا کردند. یك سال و نیم پس از این واقعه مرد چینی برای همیشه از استرالیا اخراج شد. هومن با یادآوری این خاطره در حالی که قادر نبود از سرازیر شدن اشکش جلوگیری کند می گوید این صحنه ها در باکستر به نوعی عادی شده و این در حالی است که ماموران باکستر نیز به جمع متخلفان پیوسته اند. این ماموران که به مهاجران غیرقانونی به چشم متخلف نگاه می کنند از آنها در بسیاری موارد سوءاستفاده کرده و برخی اوقات نیز به دختران و زنان تجاوز می کنند اما هیچ دادگاهی هنوز حاضر به رسیدگی به پرونده آنها نیست. باکستر جهنمی است که همه می دانند اگر از آن شکایت کنند تنها راه پیش رویشان بسته شدن پرونده و باگرداندن شان به کشورشان است. دعواهای نژادی از دیگر مشکلات این بازداشتگاه است. ماموران با دریافت پول هایی از مهاجران غیرقانونی برای آنها مواد مخدر و مشروبات الکلی تهیه می کنند و مهاجران با مصرف آنها از خود بی خود شده و در وسط کمپ عربده می کشند و جنگ نزاع شروع می شود. در بسیاری مواقع ساکنان بازداشتگاه برای مراقبت از خود و اعضای همراهشان پشت درهای اتاق تخت های چوبی زوار در رفته قرار می دهند تا مانع ورود افراد به داخل شوند. کمبود آب و دوری باکستر از شهر از دیگر مشکلات این بازداشتگاه است. در بسیاری از تابستان های گرم این منطقه نبود آب سبب گرمازدگی و تشنگی شدید می شود. هومن با اشاره به سفر نمایندگان مختلف سازمان ملل در زمان های مختلف می گوید: پیش از آمدن این نمایندگان ماموران تمامی اتاق ها را نظافت کرده، منابع را پر آب کرده، وسایل بازی در اختیار بچه ها قرار می دهند، مامور ارشد بازداشتگاه نیز به مهاجران غیرقانونی گوشزد می کند که نباید هیچ شکایتی مطرح شود در غیر این صورت پرونده شاکی از روال رسیدگی خارج شده و شاکی به کشورش بازگردانده می شود. هرگاه نیز شکایتی از ماموران ارشد بازداشتگاه باکستر می شود، با حالتی تمسخرآمیز می گویند شما از کشور خود فرار کرده اید، اگر ناراضی هستید می توانید بروید، کسی از شما نخواسته که به اینجا بیایید. این در حالی است که بر طبق گزارش استرالیا، کانادا، نیوزیلند و آمریکا بیشترین مهاجران جهان را به خود اختصاص می دهند. تعداد مهاجران در این کشورها در خلال سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ از ۱۵ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر به ۴۶ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. البته این آمار دربرگیرنده مهاجران قانونی است که حقوق آنها کاملاً متفاوت از مهاجرانی است که به شکل غیرقانونی به کشورهای مختلف وارد می شوند.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=218876

vista.ir
Online Classified Service

بایدها و نبایدهای سفر ایمن برای سالمندان

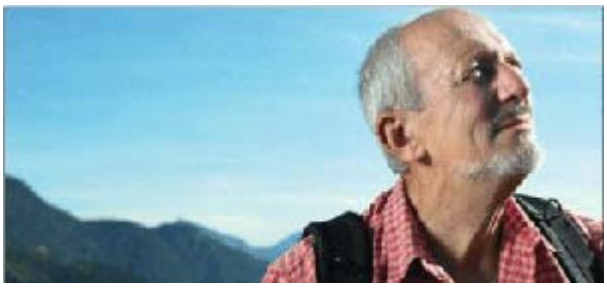

شما و همسرتان، دوران بازنشستگی را می‌گذرانید. با هم قرار می‌گذارید امسال تعطیلات عید را به یك مسافرت کوتاه خارج از کشور بروید. از درون روزنامه تور موردنظرتان را پیدا می‌کنید و همه مدارك لازم مثل گذرنامه، .... را به دفتر تور می‌دهید و بلیت‌هایتان را تحویل می‌گیرید. همه چیز به خوبی پیش می‌رود به سلامتی به سوی مقصد پرواز می‌کنید ولی ناگهان

هنگامی که از فرودگاه به هتل می‌روید، درون تاکسی حال همسرتان چندان خوب نیست.

به دلیل هیجانات طول سفر تپش قلبش بالا رفته است. او را به هتل می‌رسانید و تلاش می‌کنید مشکل همسرتان و بیماری قلبی زمینه‌ای او را با یك پزشك انگلیسی زبان در میان بگذارید ولی رساندن مقصودتان به او خیلی مشکل است.

کار وقتی خراب‌تر می‌شود که شما به داروخانه هتل می‌روید و دارویی مشابه دارویی که همسرتان روزانه مصرف می‌کرد و فراموش کرده‌اید که با خود بیاورید خریداری می‌کنید. ولی با مصرف دارو، حال همسرتان بدتر می‌شود چرا که پزشك به شما می‌گوید گر چه این دو دارو تشابه اسمی دارند ولی این دارو که محصول شرکت داروسازی کشوری است که به آن مسافرت کرده‌اید، دو برابر قوی‌تر از دارویی است که در کشورتان به صورت روتین مصرف می‌کردید....

دوران بازنشستگی و سالمندی، زمان مناسبی برای مسافرت و تفریح است. در این شرایط شما پس‌انداز مناسبی دارید و نیز فشار کاری شما کاهش یافته است. به علاوه فرزندان سر و سامان گرفته‌اند و هر یك به سرخانه و زندگی خود رفته‌اند، بنابراین چرا از این دوران برای دیدن مناطق دیدنی کشورمان و یا سایر نقاط دیدنی جهان (مصر، چین، ...) استفاده نکنید. ولی پیش از اینکه تدارك یك سفر دو نفره را ببنید، اول شرایط سفر را فراهم کنید؛ سفر در سالمندی.

- اگر ناتوانی جسمی دارید

ممکن است شما یا همسرتان به دلیل بالا رفتن سن، در حرکت کردن کمی مشکل داشته باشید ولی این شرایط مانع سفر شما نمی‌شوند، به شرط اینکه درست برنامه‌ریزی کنید.

اگر می‌خواهید با هواپیما سفر کنید، پیش از سفر با روابط عمومی آن خطوط هوایی تماس بگیرید و ببینید چه امکانات ویژه‌ای برای کسانی که ناتوانی جسمی دارند، تدارك دیده‌اند مثل سرویس‌های حمل و نقل ویژه و یا تهیه کردن غذاهای مخصوص. سپس لازم است راهنمای تور خود را از ناتوانی جسمی خود آگاه کنید و نیازهای ویژه‌ای را که دارید با او در میان بگذارید، مثلا بگویید شما باید در طول سفر از <واکر> استفاده کنید. با سازمان‌های توریستی مقصد تماس بگیرید و ببینید چه امکانات ویژه‌ای برای افرادی که ناتوانی جسمی دارند در نظر گرفته‌اند.

از مسوولان هتل بخواهید یك اتاق در طبقات پایین هتل در اختیارتان بگذارند و از آنها بپرسید آیا حمام این اتاق به گونه‌ای طراحی شده است که شما بتوانید با <ویلچر> وارد آن شوید؟

- امنیت در هتل

اگر تنها و یا با همسرتان مسافرت می‌کنید باید بیش از پیش مراقب امنیت خودتان باشید، چرا که در مناطق توریستی همواره تعدادی دزد در کمین هستند که از فرصت استفاده کرده و به سرقت اموال مسافران می‌پردازند.

به ویژه این افراد ممکن است چون شما سالمند هستید و به تصور اینکه نمی‌توانید با آنها مقابله کنید شما را طعمه خودشان قرار دهند ولی اصلا نگران نباشید. فقط کافی است اصول ایمنی را در طول سفر دقیقا رعایت کنید. در اتاق هتل و یا ویلایی را که اجاره کرده‌اید، به روی افرادی که نمی‌شناسید، نگشایید.

اگر این افراد خود را مستخدم هتل معرفی کردند با پذیرش هتل تماس بگیرید و ببینید گفته آنها صحت دارد و برای چه هدفی قصد دارند وارد اتاقتان شوند. هنگامی که قصد دارید محل سکونت‌تان را ترك کنید در و پنجره‌های اتاقتان را قفل کنید و در کمدی را که اشیای قیمتی، مدارك و پول‌هایتان در آن است را به دقت کنترل کنید. کلید اتاق خود را روی میز رستوران و یا محلی که به راحتی می‌تواند دزیده شود، رها نکنید. به علاوه همسفران غریبه را به اتاقتان دعوت نکنید. در طول سفر جواهرات قیمتی و پول نقد زیادی همراه نبرید.

اشیای قیمتی خود را می‌توانید به صندوق امانات هتل تحویل دهید و رسید دریافت کنید. اگر با اتومبیل خودتان سفر می‌کنید این اشیای قیمتی را در اتومبیلتان نگه ندارید.

- یك مسافرت سالم

سفر کردن برای سالمندان هر چه قدر هم که اهل سفر و تفریح باشند، استرس‌زا است. تأخیر در حرکت هواپیما، ساعات طولانی سفر، همه و همه سفر را برای سالمندان مشکل‌تر می‌کنند. سیستم ایمنی بدن شما در برابر بیماری بسیار شکننده است.

ممکن است کشورهایی که شما به آن مسافرت می‌کنید با محل سکونت‌تان اختلاف ساعت داشته باشند بنابراین برای اینکه بدن‌تان با شرایط

جدید تطبیق پیدا کند، برنامه‌ریزی کنید تا در طول سفر خواب کافی داشته باشید و با شرایط، جدید کنار بیایید.

پیش از سفر برنامه تور خود را بررسی کنید و ببینید آیا پیاده‌روی و یا کوهنوردی در مناطق جنگلی زیبا، درحد توانایی شما است یا خیر و شما می‌توانید همپای سایر همسفران‌تان پیاده‌روی کنید؟

اگر قرار است به مناطقی سفر کنید که در آن بیماری‌های مسری مثل مالاریا رایج است (شایع است)، پیش از سفر واکسن و یا سرم‌هایی را که سیستم ایمنی شما را تقویت می‌کنند دریافت کنید، به ویژه اینکه در این دوران سیستم ایمنی شما بسیار آسیب‌پذیر است. در صورتی که شما بیماری مانند سرطان دارید که در حال پیشرفت است حتما يك رونوشت (کپی) از مدارك پزشکی خود را درون چمدان‌تان جای دهید تا در صورت لزوم پزشکان بتوانند از آنها استفاده کنند.

پیش از سفر، وسایل ضروری خود را کنترل کنید. عینك، دست دندان مصنوعی، و سایر وسایلی را که برای فعالیت عادی و روزمره لازم دارید حتما کنترل کنید تا آنها را حتما همراه برده باشید.

در طول سفر به مناطق جدید که تا به حال به آن سفر نکرده‌اید، ممکن است دچار اسهال و استفراغ شوید. به اصطلاح می‌گویند <آب‌به‌آب> شده‌اید. در این شرایط به ویژه اگر اسهال شما بسیار شدید شد و یا حاوی خون بود، حتما مشکل خود را با کادر درمانی در میان بگذارید.

اگر در هر حال شما در يك کشور غریبه، نیاز به کادر درمانی و یا پزشك پیدا کردید، سعی کنید به بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین مرکز پزشکی و یا بیمارستان آن محل مراجعه کنید چون در این مراکز پزشکی اصلی امکانات ویژه‌ای برای مسافران بیمار در نظر گرفته شده است، مثل مترجم و یا امکانات ارتباط با پزشك خانوادگی‌تان.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=245356

vista.ir
Online Classified Service

برج آزادی در تهران

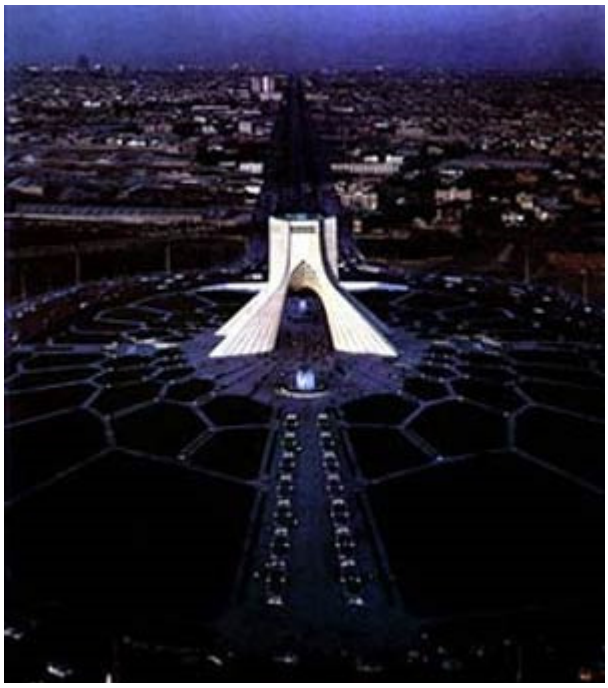

این برج بیانگر شهر تهران است وقسمتی از بنای فرهنگی آزادی می باشد که در میدان آزادی تهران در منطقه ای به وسعت پنج هکتار قرار گرفته است. این بنا متشکل از قسمتهای زیر است , برج ۵۰ متری آزادی که قسمت اصلی موزه را تشکیل داده است و معماری آن ترکیبی از سبک معماری اسلامی و ساسانی است. سالن صدا وسیما ی این بنا که طراحی آن بر پایه نقشه جغرافیایی ایران است بیانگر خصوصیات منطقه ای ایران در قدیم می باشد که به فرهنگ , روش زندگی , مذهب و بناهای تاریخی مربوط می شود. یک ناقل ماشینی به بازدید کنندگانش این اجازه را می دهد که از سالن در آرامش کامل بازدید کنند . برخی از راهروها و سالنها به نمایشگاههای موقتی اختصاص داده شده اند. سالن تصاویر متغیر با ۱۲ اتاق نمایشگر فعالیتهای فرهنگی , صنایع دستی , ابتکارهای جدید و غیره می باشد. یک سینما , کتابخانه و دیگر خدمات کامل کننده فعالیتهای این ساختمان هستند.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91953

vista.ir
Online Classified Service

برج ایفل

برج ایفل که در زبان فرانسه La Tour Eiffel نامیده می شود، برجی فلزی است که در فضای یک سبز عمومی (Champ de Mars) در مجاورت رود سن (Seine) در پاریس بنا شده است. ایفل مرتفع ترین بنای پاریس، در زمره مشهورترین نمادهای جهان است که امروزه از مهمترین مراکز جذب توریست به شمار می رود. نام ایفل در حقیقت برگرفته از نام گوستاو ایفل (Gustave Eiffel) طراح این برج باشکوه است.

• اعداد و ارقام

برج ایفل با ۳۰۰ متر ارتفاع تقریبا معادل یک ساختمان ۷۰ طبقه می باشد، با انضمام یک آنتن ۲۴ متری که در بالای آن قرار گرفته ارتفاع کلی برج به ۳۲۴ متر - یک ساختمان ۸۱ طبقه - می رسد.

ایفل در سال ۱۸۸۹ به عنوان مرتفع ترین برج جهان بنا شد و این عنوان را تا سال ۱۹۳۰ که آسمانخراش کرایسلر (Chrysler) با ۳۱۹ متر ارتفاع در شهر نیویورک ساخته شد، حفظ کرد. امروزه ایفل، در کشور فرانسه پس از برج فرستنده Allouis Longwave با ۳۵۰ متر ارتفاع، در رده دوم قرار دارد، اما در شهر پاریس کماکان رتبه اول را به خود اختصاص داده است.

در این بنا ۷,۳۰۰ تن فلز به کار رفته و وزن کلی آن ۱۰,۱۰۰ تن می باشد. تعداد پله هایی که به نوک برج منتهی می شود تقریبا پس از هر بار بازسازی تغییر کرده، در ابتدا ۱,۷۱۰ پله وجود داشت، در اوایل دهه ۱۹۸۰ پس از اولین بازسازی، تعداد آنها به ۱,۹۲۰ رسید و امروز نیز ۱,۶۶۵ پله در ایفل به چشم می خورد.

بسته به دمای محیط اطراف، نوک برج ممکن است بر اثر انبساط فلزات، در قسمتی از برج که به سمت خورشید است، تا هشت سانتی متر تغییر مکان داشته باشد.

به منظور حفاظت در مقابل زنگ زدگی هر هفت سال یک بار با استفاده از ۵۰ تن رنگ، ایفل را رنگ می کنند. رنگ هایی که به کار گرفته می شود بسته به موقعیت متغیر است، در حال حاضر رنگ ایفل تقریبا قهوه ای است.

• تاریخچه

این بنا بین سالهای ۱۸۸۷ تا ۱۸۸۹ به عنوان ورودی یک نمایشگاه بین المللی (Exposition Universelle) که به مناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب

فرانسه برگزار می شد، در مختصات جغرافیایی ۴۸″۵۱′۲۹°N و ۵۲″۱۷′۴۰°E ساخته شد. ایفل در روز ۳۱ ماه مارس سال ۱۸۸۹ افتتاح شد و از ۶ ماه مه همان سال در معرض بازدید عمومی قرار گرفت.

سیصد کارگر با استفاده از تعداد سه میلیون و پانصد میخ پرچ، ۱۸,۰۳۸ قطعه فلز ساختمانی را به هم متصل کردند. عملیات ساخت چنین بنایی بدون شک با خطرات بسیاری همراه بود، زیرا بر خلاف آسمان خراش های عادی، این برج روباز و بدون طبقات میانی بنا شده و عملا به جز دو طبقه که در پایین آن قرار دارد، چیز دیگری به چشم نمی خورد.

به دلیل دقت و احتیاط فراوانی که در ساخت بنا به منظور حفظ جان کارگران به عمل آمد، ساخت این برج عظیم تنها یک نفر تلفات داشت، آنهم در زمان نصب آسانسوری که توسط شرکت Otis، بزرگترین شرکت سازنده آسانسور در جهان، انجام شد.

از ابتدای قرن بیستم، تاسال ۱۹۰۹ که در مجاورت ضلع جنوبی ایفل یک مرکز رادیویی دائمی ساخته شد، از ایفل به عنوان فرستنده رادیویی استفاده می شد. از سال ۱۹۵۷ این برج جهت ارسال رادیو و تلویزیون FM استفاده می شود.

ایفل دو رستوران به نام های Altitude ۹۵ در طبقه اول (۹۵ متر بالاتر از سطح دریا) و Jules Verne که یک رستوران فرانسوی بسیار گران قیمت مجهز به آسانسور خصوصی است، قرار دارد.

● رخدادها

در سال ۱۹۳۰ با اتمام آسمانخراش Chrysler در نیویورک، ایفل عنوان مرتفع ترین برج جهان را از دست داد.

بین سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۴ تابلو های تبلیغاتی شرکت سیتروئن (Citroën)، به عنوان مرتفع ترین بیل بوردهای جهان، زینت بخش سه وجه برج بودند.

در سوم ژانویه سال ۱۹۵۶ قسمت بالای برج طعمه حریق شد.

در سال ۱۹۵۹ آنتن رادیویی فعلی به بالای برج افزوده گشت.

در سال ۲۰۰۰ نورافکن های پر قدرت در برج نصب شد و از آن تاریخ تا کنون هر شب نمایشی از نورهای رنگارنگ برج، برفراز آسمان شهر پاریس اجرا می گردد.

در ۲۸ نوامبر سال ۲۰۰۲ شمار بازدید کنندگان ایفل به ۲۰۰ میلیون نفر رسید.

در ساعت ۷:۲۰ بعدازظهر روز ۲۲ ژوئیه سال ۲۰۰۳، در اتاق تجهیزات فرستنده رادیویی ایفل، آتش سوزی رخ داد و فرو نشاندن آتش ۴۵ دقیقه به طول انجامید. خوشبختانه این واقعه تلفات جانی به دنبال نداشت.

● ۷۲ نام

نام ۷۲ تن از دانشمندان و مهندسین فرانسوی که در راه اندازی و ساخت این پروژه همکاری داشته اند، بر روی برج حک شده است. روی این حکاکی در اوایل قرن بیستم با رنگ پوشانده شد. در سال ۱۹۸۶ مجددا شرکتی به نام SNTE (dExploitation de la Tour Eiffel Société Nouvelle) به بازسازی این حکاکی پرداخت. شرکت مذکور طی قراردادی با مقامات شهر پاریس مسئولیت اداره و نگهداری ایفل را عهده دار شده است.

en.wikipedia.org

منبع : ایفستیوال

http://vista.ir/?view=article&id=90766

vista.ir
Online Classified Service

برج بابل، از افسانه تا واقعیت

سفرپیدایش کتاب مقدس به داستان پیدایش جهان اشاره می کند و یکی از سرفصل های اصلی این بخش به موضوع زبان های مختلف نوع بشر اختصاص دارد.

طبق گفته انجیل، در آغاز زبان تمام مردم زمین یکی بود. در سرزمین بابل مردمی جاه طلب زندگی می کردند که تصمیم گرفتند برج بلندی بسازند. آنقدر بلند که به بهشت برسند. با این کار درصدد آن بودند نام خود را در تاریخ ثبت کنند و برخلاف دستور خدایشان که به پراکندگی در زمین حکم کرده بود، در یک جا جمع شوند.

پروژه ساخت این برج آغاز شد. ذات الهی از این عمل ناخشنود شد و حکم بر آن شد که در زمین پراکنده گردند و هرکدام به زبانی صحبت کنند به طوری که هیچ یک زبان دیگری را نفهمد. حکم الهی بر آنان جاری شد، زبان های مختلف جهان به وجود آمدند و مردم در سراسر زمین پراکنده شدند.

آیا این داستان انجیل ریشه های تاریخی نیز دارد؟ برخی عقیده دارند که این، فقط داستانی است بدون ریشه های تاریخی و در طول تاریخ هیچگاه تمام انسان های کره زمین به یک زبان واحد سخن نگفته اند. برخی نیز بر این عقیده اند که این داستان کاملا جنبه نمادین دارد و احتمالا این تنها توجیهی بوده است که انسان های پیشین برای تعدد زبان های موجود داشته اند.

اما واقعیت چیست؟ آیا دلیل و معتبری برای قبول یا رد داستان برج بابل وجود دارد؟

- زبان شناسی

در آغاز محققان زبان شناسی با مطالعاتشان سعی داشتند تا به یک ریشه واحد برای زبان های گوناگون برسند. ماکس ف.مولر (۱۹۰۰-۱۸۲۳) یکی از بزرگترین زبانشناسان تاریخ، به مقایسه زبان های باستانی با یکدیگر پرداخته و شباهت ها و تفاوت های آنها را با یکدیگر ذکر کرده است. این استاد دانشگاه آکسفورد در کتاب خود با نام «علم زبان» چنین می نویسد:

ما تمام حالاتی را که زبان می تواند به خود بگیرد را آزمایش کرده ایم و اکنون به این پرسش رسیده ایم که آیا با وجود این همه اختلاف در ریشه ها آیا می توانیم قبول کنیم که زبان های دنیا یک ریشه واحد داشته اند؟ پاسخ ما به این پرسش مثبت است.

سانسکریت زبان باستانی و سنتی هند است. سر ویلیام جونز (۱۷۹۴-۱۷۴۶) محقق و استاد مسلم این زبان در سال ۱۷۸۹ نوشت:

هرچند زبان سانسکریت زبانی قدیمی است، اما ساختار فوق العاده ای دارد. کامل تر از یونانی، مفصل تر از لاتین و خالص تر و خوشایند تر از هرزبان دیگری است. با این حال با هردو زبان ذکر شده خویشاوندی نزدیکی دارد و ریشه های فعل ها و دستور زبان آنها بسیار به هم شباهت دارد و محال است که این شباهت اتفاقی باشد. هیچ زبان شناسی نیست که در زبان های مختلف تحقیق کند و منکر شباهت های بسیار زبان ها یمختلف با یکدیگر شود. این به آن معناست که همه زبان ها از یک ریشه هستند و ان زبانی است که دیگر وجود خارجی ندارد.

جونز اشاره می کند که که زبان های گوتیک، سلتی، و فارسی به همین خانواده زبان شناسی تعلق دارند که البته اکنون با عنوان زبان های هند و اروپایی شناخته می شوند.

جی. آلدرس درباره تحقیق دوجلدی جونز برروی کتاب مقدس اینگونه می نویسد:

جونز ثابت می کند که بین زبان های امریکای مرکزی و جنوبی در یک سو و زبان های سومری(قدیمی ترین زبان شناخته شده) و مصری در سوی دیگر رابطه مشخصی وجود دارد و این کشف بزرگی است. او با این کار ثابت کرد که داستان های کتاب های قدیمی مانند انجیل تنها یک افسانه ساده نیستند و در برخی موارد بسیار معتبر تر از آنی هستند که پنداشته می شدند.

دکتر هرالد اشتایگر نیز در این زمینه نظر جالبی دارد. اومی گوید:

هرچند زبان ها و لهجه های بسیاری در دنیا وجود دارند –تقریبا به ۳۰۰۰ زبان و لهجه- ولی با تحقیقاتی که برروی خانواده های بزرگ زبان ها انجام

شده ثابت شده است که همه این زبان ها از یک زبان مادر مشتق شده اند. کلمات ودستور زبان ها بسیار به هم شبیه هستند. به نظر من این به آن معنا نیست که یکی از زبان ها این شباهت ها را از زبان دیگری وارد خود کرده است، بلکه این به آن معناست که این زبان ها شباهت هایشان را از یک زبان اصلی ارث برده اند.

شاید داستان های انجیل راست باشد و حقیقاتا برج بابلی وجود داشته است و شاید در ابتدا همه مردم جهان زبانی واحد دشته اند.

- تاریخ

آبیدنوس (مورخ یونانی اواسط قرن چهارم پیش از میلاد) به نقل از اوسه بیوس از برج بلندی و ویران شده ای در بابل صحبت می کند. او می نویسد:

قبل از ویرانی این برج همه مردم به یک زبان صحبت می کردند، اما پس از آن به ورطه پریشانی و تعدد زبان افتادند.

پلاتو در یکی از کارهایش از عصری طلائی صحبت می کند که همه مردم به یک زبان صحبت می کردند اما خدایان کاری کردند که زبان هرقوم متفاوت شود.

اشاره به برج بلندی در بابل بر واقعیتی به نام زیگورات منطبق است. زیگورات ها از طبقات متعددی ساخته می شدند به طوری که طبقه بالایی کوچکتر از طبقه زیرین بود و این نحوه معماری تا بالای برج ادامه داشته است و از بالاترین نقطه برج به عنوان معبدی برای یکی از خدایان استفاده می شده است.

دونالد جی.وایزمن استاد و متخصص قوم آشور در دانشگاه لندن نیز معتقد است که این داستان انجیل به شدت با شواهد تاریخی سازگار است.

- باستان شناسی

محل دقیق برج بابل تاکنون مساله حل نشده است و هر جا که احتمال می رود برج آنجا بوده باشد، خرابه ای باستانی وجود دارد و این تشخیص محل دقیق این برج را دشوار ساخته است.

بسیاری از مورخان یهودی و مسلمان عقیده دارند که این برج در «بورسیپا» در ۱۱ کیلومتری بخش شمالی بابل قرار دارد و برخی عقیده دارند که این برج در ساحل شرقی فرات قرار داشته است و البته بسیاری براین باورند که بسیاری از این خرابه ها را نسل های بعدی به تقلید و شاید برای زنده نگه داشتن خاطره برج بابل ساخته اند.

با این حال هنوز بسیاری درباره داستان برج بال و کاربرد واقعی برج بابل تردید هایی دارند. برخی معتقدند که این برج محلی برای رصد ستاره ها بوده است و مردم آن روز بابل برای محاسبه چگونگی حرکت سیاره ها از آن استفاده می کرده اند. عده ای نیز عقیده دارند که برج بابل، ستونی بلند بوده است نه یک زیگورات و آن را تقلید مردم آن سرزمین از پگانیست های مصری می دانند.

در این میان تنها یک چیز را می توان قطعی دانست؛ هزاران سال است که مردم جهان زبان یکدیگر را نمی فهمند.

منبع : دو هفته نامه فریاد

http://vista.ir/?view=article&id=266650

vista.ir
Online Classified Service

برج پیزا (ایتالیا)

برج کج پیزا , برج ناقوس‌دار کلیسای جامع ایتالیاست و ناقوس آن ۵/۳ تن وزن دارد. ساخت این برج از آگوست ۱۱۷۳ شروع شد و (با دو وقفه طولانی‌مدت) بدون هیچ تغییری در طرح اولیه حدود ۲۰۰ سال به طول

انجامیده است.

در گذشته تصور می‌شد که کجی برج پیزا بخشی از طرح اولیه آن بوده است ولی امروزه می‌دانیم که این مساله صحت ندارد. ساخت این برج به صورت عمودی طراحی شده بود ولی در طول ساخت آن به تدریج کج شد (برخی معتقدند که اگر این برج کج نمی‌شد، بی‌شک یکی از فوق العاده‌ترین برج‌های ناقوس‌دار دنیا می‌شد.)

این برج به دلیل کجی و زیبایی خاصی که دارد از سال ۱۱۷۳ تاکنون همیشه کانون توجه همگان بوده است.

منبع : جهانگردی

http://vista.ir/?view=article&id=74907

vista.ir
Online Classified Service

برج خاموش در یزد

دخمه یا قلعه خاموشان (برجهای خاموش) , این سه ساختمان پرعظمت از بین دیگر ساختمانهایی که بر بلندای تپه وجود داشته اند باقی مانده اند , این بناها در مجاورت یزد (در حدود ۱۵ کیلومتری جنوب غرب) قرار دارند جاییکه جسد زرتشیان را به پای برج می آوردند و تشریفات مذهبی ای را در حضور اقوام و آشنایان فرد مرده انجام می دادند , سپس کشیشان جسد را به داخل برج می بردند و آنرا بر روی سنگهای مسطح کف زمین قرار می دادند , بدین گونه با دوری از خاک , آب و آتش (عناصر الهی که آلوده کننده هستند) , روح فرد مرده متعلق به اهورامزدا می شد . بعد ازمدتی کوتاه کلاغها و لاشخورها جسد را از هم میدریدند و تکه تکه می کردند, پس ازآن استخوانها را بدرون چاله ای در مرکز برج می انداختند. در پای برجها بقایای ساختمانهایی دیده می شود که زمانی در مراسمهای تشییع جنازه به کار می رفت. هنگامیگه هنوز از برجها برای تدفین زرتشتیان استفاده می کردند , تنها کشیشها اجازه ورود به درون برجها را داشتند. امروزه بازدید برخی ازآنها برای عموم آزاد است. درداخل این تپه ساختمانهای زرتشتی متروکه دیگری هم وجود دارند که شامل یک چشمه خشک شده, یک آشپزخانه و یک دستشویی می شوند. سنت قرار دادن اجساد در برج خاموش در حدود پنجاه سال پیش در دنیای زرتشتیان منسوخ شد و ازآن زمان آتش جاودانه به درون آتشکده تازه ساخته شده در مرکز شهر یزد انتقال یافت. در حقیقت , ازاین برجها تا سال ۱۹۸۷ و تا زمانیکه همه اجساد زرتشتیان رادر قبرستان پای برجها دفن کردند استفاده می شد.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94338

vista.ir
Online Classified Service

برج روسیه (Russia Tower)

به نظر شما این برج های آسمان خراش که در سرتا سر روسیه به سرعت سر بر می آورند تا کجا پیش می روند و شکل جماهیر شوروی در آینده چگونه خواهد شد ؟

به تازگی نورمن فاستر (Norman Foster) طراح مشهور انگلیسی ، عهده دار مسئولیتی برای طراحی ۴ الی ۵ عدد از این برج های بومی که شکلی گوشه دار و نوک تیز دارند شده است . به همین جهت به روشنی واضح است که این شخص در ساختن این نوع برج های زیست محیطی یکی از مشهورترین طراحان جهان است .

اما سوالی که اینجا مطرح است اینست که ، ایجاد ارتباط بین مراجعه کنندگان و شرایط جغرافیایی محل تا چه حد از اهمیت برخوردار است ؟؟

اما آنچه مسلم است ، ما در آینده نزدیک با شنیدن این خبر بسیار هیجان زده خواهیم شد: « در مسکو سازه ی عظیم دیگری با نام برج روسیه (Russia Tower) ساخته شده که یک برج زیست محیطی است و طراح آن کسی جز نورمن فاستر نیست. » . زمانی که این برج عظیم در سال ۲۰۱۲ تکمیل گردد ، به بزرگترین برج اروپا با ارتفاعی بالغ بر ۶۱۲.۲ متر بدل گشته و پس از برج تایپه ۱۰۱(۱۰۱ Taipei) و برج دبی (Burj Dubai) سومین برج بلند دنیا خواهد بود. از قرار معلوم این تنها امتیاز این برج نیست ، چون Russia Tower در دنیا بلندترین ساختمانی خوهد بود که دارای سیستم تهویه طبیعی می باشد.

نظر به قریب الوقوع بودن هجوم و سر برآوردن این نوع آسمان خراشهای پاک و سبز در روسیه ، فکر میکنم سیستم تهویه طبیعی بطور حتم یکی از مهمترین ارکان اصلی و جذاب در طراحی برج روسیه باشد . این سازه شامل چندین آپارتمان ، هتل ، اداره و فضای آزاد است . برای بهره برداری از سیکل انرژی ، سیستم با کنترل مصرف انرژی درجه حرارت و آب گرم سراسر سازه را تأمین می کند .

بعلاوه یکسری باغ سبز خانگی در هسته مرکزی ساختمان بصورت متحرک وجود دارد که به سیستم تهویه طبیعی در بهتر شدن کیفیت هوای داخلی سازه کمک می کند و در کنار آن یک فضای سبز برای ساکنان ساختمان فراهم می کند تا باعث تغییر در روحیه و سرگرمی آنان شود .

هرم نوک تیز Foster+Partner طوری ساخته می شود که بتواند از حداکثر نوردهی و روشنایی روز استفاده کرده ، تا از این طریق برج قادر به کاهش دادن روشنایی الکتریکی و گرمای مورد نیاز در طول روز باشد. اگر همه چیز بر اساس نقشه پیش برود ، برج روسیه پیشگام معماری نوین در حوزه ساخت ابر آسمان خراش ها شده و باعث تقویت اقتصاد و قدرت اجتماعی مسکو می شود .

ساخت این پروژه از سپتامبر ۲۰۰۷ آغاز شده و در سال ۲۰۱۲ تکمیل خواهد شد .

بدلیل حجم بالای تصاویر برای مشاهده تصاویر به آدرس زیر مراجعه کنید.

نویسنده : مجتبی رودکی

منبع : http:// civilwave.blogfa.com

منبع : مطالب ارسال شده

http://vista.ir/?view=article&id=127896

برج قابوس , بلندترین برج آجری جهان

برج قابوس , بلندترین برج آجری جهان از جمله آثار معماری قرن چهارم هجری است که در نزدیکی شهر جرجان روی تپه ای بنا شده است.

هدف از ساخت بنا که بر طبق کتیبه آن, در زمان حیات بانی بنا ساخته شده است, استفاده از آن به عنوان مقبره وی بوده است.

منشا ساخت برج قابوس مشخص نیست, ولی اتینگ هاوزن معتقد است با توجه به این که قابوس یک زرتشتی تازه مسلمان شده بود و هنوز با سنت های پیش از اسلام پیوند داشت, می توان منشا ساخت آن را در برخی آثار یادبود مزدایی و دگرسانی خیمه و چادر به یک بنای معماری جستجو کرد.

این بنا از چهار بخش تشکیل شده است که شامل پی و صفه بنا, سردابه, بدنه و گنبد مخروطی می شود.

ارتفاع بنا ۷۰ متر است, بدنه بنا ۳۷ متر ارتفاع دارد و دارای ۱۰ ترک است.

منبع : تبیان

http://vista.ir/?view=article&id=101743

برج‌های چند منظوره ساری

«ساری» مرکز ایالت تاریخی طبرستان بوده و دارای بناهای تاریخی متعددی از دوران پیش و پس از اسلام است. در میان این بناها، قلاع و استحکامات

فراوانی نیز ساخته شده‌اند. انی بناها، بخشی از تاسیسات دفاعی مازندران به شمار می‌آمده که به منظور مقابله با هجوم بیگانگان ساخته و طراحی شده‌اند . نکته قابل توجه آن است که این برجها نه تنها کاربرد نظامی داشته‌اند، بلکه قابلیت بهره گیری از آن در موارد متعدد دیگر نیز مورد توجه بوده است.

▪ برج رسکت

یکی از این برجها، برج رسکت است که در بخش دو دانگه شهرستان ساری و روی تپه‌ای بنا شده است. از این بنا هم به عنوان یک پایگاه نظامی و هم مقبره یکی از شهریاران ال باوند(احتمالا هرمز) و ینز به عنوان میل راهنما استفاده می‌شده است. از جمله ویژگی‌های این بنا علاوه بر تاریخ معماری و تزیینات آجری، کتیبه تزیینی آن است که به خط کوفی مشجر در بدنه مشاهده می‌شود. این برج متعلق به اوایل اسلام و از اولین بناهای اسلامی در خطه شمال ایران است.

▪ برج امامزاده عباس

از دیگر برجهای چند منظوره، برج مقبره یا امامزاده عباس شهر ساری است. این بنا در محله آزاد گله در شرق رودخانه تجن واقع است. رج متعلق به قرن نهم هجری قمری و مدفن ۳ تن از سادات است. ساختمان اصلی مقبره دارای نقشه هشت ضلعی است و با گند رک دوپوش ساخته شده است. از تزیینات مهم این مجموعه علاوه بر تزیینات معماری ساختمان برج می‌توان به کاربرد تزیینات منبت کاری روی در و صندوق آن اشاره کرد. منبت کاری زیبای صندوق چوبی آن از کم نظیرترین یادگارهای به جامانده عصر تیموری در مازندران است. این صندوق توسط شمس الدین احمد نجار ساروی ساخته شده است.

▪ برج آرامگاهی امامزاده یحیی

این بنا نمونه‌ای از معماری زیبای به کار رفته در برجهای آرامگاهی است. برج امامزاده یحیی در مرکز شهر ساری قرار دارد. برج روی قبور یحیی، حسین و خواهرشان سکینه از فرزندان امیر قوام الدین مرعشی، با نقشه مدور و گنبد دو پوش که پوشش خارجی آن به شکل رک یا هشت ترک است، ساخته شده است. از تزیینات این بنا می‌توان به قرنیس‌های سینه کفتری و طاق‌های تزیینی اشاره کرد. تزیینات وابسته به معماری این برج آرامگاهی در نورگیر و صندوق منبت کاری شده آن است که مورد اخیر با دو شیوه نقاشی روغنی (لاکی) و هنر منبت کاری تزیین شده که احتمالا می‌توان آن را از اولین نمونه‌های باقی مانده نقاشی چوب در ایران نام برد.

▪ برج سلطان زین العابدین

برج آرامگاهی یاد شده، در مرکز شهر ساری و در کنار برج امامزاده یحیی قرار گرفته و متعلق به قرن نهم هجری است. در داخل این بنا قبر سلطان زین العابدین مرعشی و چند نفر دیگر از نوادگان میر قوم الدین مرعشی قرار دارد، برج مذکور با نقشه مربع و گنبد رک و به صورت روپوش ساخته شده است. قسمت‌هایی از کاشی آبی فیروزه‌ای در قمست داخلی و بیرونی بنا باقی مائده که حکایت از کاربرد فراوان آن در بناهای عصر تیموری مازندران دارد. صندوق چوبی منبت کاری شده از دیگر تزیینات وابسته به معماری این بنا بوده که در جریان آتش سوزی دهه‌های گذشته دچار آسیب دیدگی شدید شده است.

منبع : بنیاد اندیشه اسلامی

http://vista.ir/?view=article&id=99996

vista.ir
Online Classified Service

بررسی روند مهاجرت در کشور

اگر چه باروری و مرگ و میر میزان رشد جمعیت (رشد طبیعی) را تعیین می‌کنند، اما اندازه جمعیت به جابه‌جایی جمعیت نیز (فرآیندی که از طریق آن مردم، مناطق جغرافیایی مشخص را ترک کرده یا به آن وارد می‌شوند) وابسته است.

مهاجرت به عنوان یک واقعه تاثیرگذار بر رشد و تغییر جمعیت، تنها به خاطر ابعاد فضایی و زمانی که بر آن تاثیر می‌گذارند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مهاجرت همچنین انعکاس تغییراتی است که در تار و پود جامعه‌ای که مردم بدان تعلق دارند، اتفاق می‌افتد (تغییرات در فرهنگ، شرایط اقتصادی و اجتماعی و ساخت‌های سیاسی). از این رو، مهاجرت باید نه تنها به عنوان یک پدیده (واقعه یا موقعیتی که در خور یک مطالعه علمی است)، بلکه به عنوان یک فرا پدیده (واقعه‌ای که اتفاق آن به علت بستر و موقعیتی است که مردم در آن زندگی می‌کنند) توصیف شود.

مهاجرت پدیده خاصی است که به اشکال مختلفی، جنس و گروه‌های سنی، پیروان مذاهب، اقلیت‌های قومی و دارندگان تخصص، ثروت و مهارت را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در مواردی نیز به شکل عام و همگانی ظاهر می‌شود و به همین دلیل آثار و پیامدهای متعدد و گوناگونی را برجای می‌گذارد.

- تعاریف و مفاهیم

تاکنون تعاریف مختلفی از مهاجرت ارائه شده است و هرکدام از اندیشمندان از دیدگاه خاصی به موضوع نگریسته‌اند. البته با وجود تفاوت، وجه اشتراک زیادی بین این تعاریف وجود دارد که این اشتراک‌ها نقطه شروع تحقیقات جمعیتی تلقی می‌شوند. از جمله تعاریف جامع مهاجرت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد. این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدا یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی، به مقصد یا محل اقامت جدید بینجامد.

به نظر برخی مهاجرت نوعی انتخاب است که از طرف مهاجر انجام می‌گیرد. رولان پرسا جمعیت‌شناس فرانسوی مهاجرت را حرکات افراد یا گروه‌ها می‌داند که تغییر طولانی محل اقامت معمولی فرد را به دنبال دارد. به نظر وی در تحلیل حرکات جمعیتی سه نکته باید مد نظر قرار گیرد.

الف) دایمی یا طولانی بودن مدت اقامت در محل جدید.

ب) وجود فاصله مکانی بین دو محل.

ج) وجود فاصله زمانی و زمان انجام مهاجرت.

در تعریف دیگری، مهاجرت به هرگونه تغییر همیشگی محل اقامت گفته می‌شود و شامل رهاکردن فعالیت‌های سازمان‌یافته در یک محل و انتقال دایره فعالیت‌ها به محل دیگر است. بنابراین مهم‌ترین جنبه مهاجرت جابه‌جایی است اما هر جابه‌جایی مهاجرت تلقی نمی‌شود. به برخی جابه‌جایی‌ها که محل سکونت برای همیشه تغییر نکرده است مهاجرت گفته نمی‌شود. همچنین امکان دارد محل سکونت فرد تغییر کند اما نیازی به تغییر دایره فعالیت نباشد (به دلیل نزدیکی محل)، در این‌صورت فرد نقل مکان کرده است نه مهاجرت. همه مهاجران نقل مکان می‌کنند اما همه نقل مکان کنندگان مهاجر نیستند.

- مهاجرت‌های بین‌المللی و داخلی

این تقسیم‌بندی با ملاک قرار دادن مرز بین کشورها و سرزمین‌ها انجام می‌گیرد. اگر فردی از کشوری به کشور دیگر مهاجرت کند، این نوع

مهاجرت، مهاجرت بین‌المللی به شمار می‌آید، برون کوچ از نظر مبدا و درون کوچ از نظر مقصد. تمایز بین مهاجرت درون‌کشوری و میان‌کشوری از آن رو اهمیت دارد که مهاجرت‌های میان‌کشوری بسیار مشکل‌تر انجام می‌شود و در نتیجه، به انگیزه‌های بسیار قوی‌تر نیاز دارد. افزون بر این، تاثیرهای فرهنگی مهاجرت میان - کشوری، به طور معمول بیشتر از درون‌کشوری است و با احتمال قوی‌تر، شامل تغییر زبان، آداب و رسوم، سیاست‌ها و به طور کلی، تغییر شیوه زندگی و جهان‌بینی می‌شود. سازمان ملل متحد مهاجرهای بین‌المللی را چنین تعریف می‌کند: مهاجر بین‌المللی به افرادی اطلاق می‌شود که طی یک سال وارد یک کشور می‌شوند و مدت اقامتشان در آن کشور بیش از یک سال است. مهاجران بین‌المللی را می‌توان به مهاجران قانونی، مهاجران غیرقانونی، پناهندگان و پناه‌جویان تقسیم‌بندی کرد. مهاجرت بین‌المللی بعضی اوقات آزاد است اما به طور معمول فرد یا باید شرایط سخت ورود به کشور را دارا باشد یا تقاضای پناهندگی کند یا به‌طور غیرقانونی وارد شود. در مقابل ممکن است فردی محل اقامت معمولی خود را در داخل یک کشور یا سرزمین معینی تغییر دهد و در محل جدیدی مستقر شود که در چارچوب مقررات و تقسیمات سرزمینی آن کشور، مهاجرت تلقی شود. این نوع مرزها را مرز تقسیم‌بندی‌های داخلی یک سرزمین یا کشور می‌گویند و جابه‌جایی انجام گرفته مهاجرت داخلی نامیده می‌شود. مهاجرت داخلی به طور معمول آزاد است، بدین معنا که مردم حق انتخاب دارند. به طور کلی می‌توان گفت که مهاجرت داخلی بیشتر تحت تاثیر ویژگی‌های فردی مردم قرار دارد درحالی‌که مهاجرت بین‌المللی بیشتر از فضای اجتماعی، سیاسی و موقعیت‌های فراهم آمده تاثیر می‌پذیرد. بنابراین اهداف مهاجران داخلی نیز متفاوت از مهاجران بین‌المللی خواهد بود.

مهاجرت‌های داخلی خود به انواع مختلفی از قبیل مهاجرت‌های شهر به شهر، روستا به شهر، روستا به روستا، شهر به روستا، بین‌استانی، داخل استانی و... قابل تقسیم هستند که هر کدام از منظر خاصی به موضوع مهاجرت می‌پردازند.

● دیدگاه‌ها

به دلیل بین رشته‌ای بودن مقوله مهاجرت در علوم انسانی، اجتماعی و اقتصادی، آرا و نظریه‌های مهاجرتی در قالب دیدگاه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سیستمی مطرح شده‌اند که خلاصه ای در مورد این نگرش‌ها ارائه می‌شود.

▪ دیدگاه اقتصادی

این دیدگاه مهاجرت‌ها را سازوکاری برای باز توزیع نیروی کار به حساب می‌آورد. از صاحب‌نظران عمده این نگرش می‌توان از آدام اسمیت و اقتصاددانان کلاسیک نام برد که مهاجران کارگر را نیز تابع قانون عرضه و تقاضای اقتصادی می‌دانستند. این نظریه به تدریج تکامل یافت و به نظریه اقتصاد جدید مهاجرت رسید که در آن اصول و قوانین مشخصی برای مهاجرت‌ها مطرح شد و سپس در برخورد آرا و عقاید به نگرش‌های سیستمی گرایش یافت.

▪ دیدگاه اجتماعی

این دیدگاه عامل اقتصاد را عامل منحصر به فرد برانگیزاننده مهاجرت‌ها نمی‌داند و علاوه بر عوامل ارادی، انگیزه‌هایی مانند تشکیل خانوار و الحاق به آن، تحصیل، تحمل یا عدم تحمل شرایط زیستی، تمایل به زندگی در نقاط خاص، عوامل قومی، نژادی و فرهنگی را نیز نادیده نمی‌گیرد.

▪ دیدگاه سیاسی

نگرش‌های سیاسی تبیین مهاجرت در وهله اول به قوانین و مقرراتی برمی‌گردد که به‌طور معمول به صورت یک طرفه از سوی کشورهای مهاجرپذیر به کشورهای مهاجرفرست تحمیل می‌شود و پیامدهای این امور نیز در مواردی مهاجرت‌های خاصی را برمی‌انگیزد که حداقل در آغاز به دور از انگیزه‌های اقتصادی است و حتی در مواردی در مقابل آن قرار می‌گیرد.

▪ دیدگاه سیستمی

دیدگاه سیستمی بر نگرش جامع به مساله مهاجرت‌ها تاکید دارد و نگرش‌های تک بعدی را برای شناخت، درک و تحلیل مهاجرت‌ها کافی نمی‌داند. از منظر این دیدگاه ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به صورت تنها و جدا از هم بر مهاجرت تاثیر نمی‌گذارند، بلکه به عنوان مجموعه‌های تفکیک‌ناپذیر بستر لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم می‌کنند و آن را تداوم می‌بخشند.

● پیامدها

گرچه پیامدهای مهاجرت‌ها را باید بسته به نوع مهاجرت تشریح و تحلیل کرد اما می‌توان فارغ از انواع مهاجرت‌ها، پیامدهای کلی و مشترک آنها را برشمرد.

برخی از پیامدهای عمومی مهاجرت‌ها عبارت‌اند از:

▪ افزایش یا کاهش جمعیت:

مهاجرت‌ها به هرشکلی که جریان یابند باعث افزایش جمعیت نقاط مهاجرپذیر و کاهش جمعیت نقاط مهاجرفرست می‌شوند. این تغییر تعداد جمعیت می‌تواند به صورت تند و سریع در یک دوره کوتاه‌مدت پیش آید یا آنکه به صورتی مستمر و طولانی که وجه غالب مهاجرت‌ها هستند، جریان یابد (مانند مهاجرت‌های روستا شهری، مهاجرت از اقصی نقاط به شهرهای بزرگ و به ویژه مراکز کشورهای در حال توسعه، مهاجرت از مستعمرات به کشورهای استعمارگر و....)

مهاجرت‌های شدید و کوتاه‌مدت در پی حوادث طبیعی، سیاسی و نظایر آن پیش می‌آید و پس از مدتی فروکش می‌کند. این مهاجرت‌ها می‌توانند پس از گذراندن دوران اوج خود به مهاجرت‌های کند و طولانی تبدیل شوند.

▪ تغییر ترکیب جمعیت:

این تغییر به طور عمده به دو صورت تغییر در ترکیب جنسی و تغییر در ترکیب سنی خودنمایی می‌کند و تغییر در ترکیب قومیت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز به دنبال می‌آورد. در مواردی که مهاجرت‌ها به شکل خانواری انجام می‌گیرد، تاثیر چندانی بر ترکیب جنسی و سنی جمعیت باقی نمی‌گذارد. مگر آنکه ساختار جمعیتی مبدا مهاجرتی، تفاوت‌های بارزی با ساختار جمعیتی مقصد مهاجرتی داشته باشد اما در بسیاری از موارد نسبت مردان در بین مهاجران بیش از زنان است. در این حالت مهاجرت باعث افزایش نسبت جنسی جمعیت در منطقه مهاجرپذیر و کاهش آن در منطقه مهاجرفرست می‌شود.

تسریع رشد جمعیت شهری و کاهش رشد جمعیت روستایی: مهاجرت‌ها یکی از عوامل برانگیزاننده رشد جمعیت شهری بوده و مهاجران اغلب به قصد استقرار در نقاط شهری به ویژه شهرهای بزرگ به این اقدام دست می‌زنند. شواهد نشان می‌دهد که اثر مهاجرت در افزایش جمعیت شهری در کل منطقه اسکاپ و نواحی آسیای شرقی و آسیای جنوب شرقی بیش از اثر رشد طبیعی جمعیت است.

پیامدهای اقتصادی : از عمده‌ترین پیامدهای اقتصادی مهاجرت‌ها، تفاوت دستمزدها و شرایط کاری مهاجران با کارگران بومی است که نوعی دوگانگی در بازار کار را به وجود می‌آورد. در برخی از کشورها امکان کار و فعالیت برای همه مهاجران یکسان نیست و این تفاوت با گذر زمان رو به کاهش می‌گذارد. همچنین مهاجرت‌ها نقش مهمی در انتقال سرمایه‌و تجارب به کشورهای مهاجرفرست بازی می‌کنند.

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی : یکی از پیامدهای عمده مهاجرتی، آشنایی مردم با فرهنگ و تمدن‌های مختلف است. نقش مهاجرت در تداخل فرهنگ‌ها و پویایی فرهنگی جوامع در طول تاریخ بشر ذهن بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران را به خود مشغول داشته و تحقیقات فراوانی در این زمینه صورت گرفته است. از نقطه نظر فرهنگی، نکته مورد اهمیت در تمام مهاجرت‌ها، یکسان بودن فرهنگ مبدا و مقصد است. چنانچه تفاوت‌های فرهنگی میان مبدا و مقصد مهاجرت وجود داشته باشد، بحث تاثیرپذیری مهاجران از فرهنگ‌مقصد یا تاثیرگذاری آنها برفرهنگ مقصد، مدنظر قرار می‌گیرد.

مهاجران به طور معمول ضمن اخذ برخی از ویژگی‌های فرهنگی مقصد، بعضی از ویژگی‌های فرهنگی مبدا را نیز حفظ می‌کنند. به این ترتیب در درازمدت ویژگی‌های فرهنگ آنان به فرهنگ بینابین فرهنگ مبدا و مقصد تبدیل می‌شود. سپس در بین نسلهای بعدی این مهاجران به تدریج ویژگی‌های فرهنگ مقصد، غلبه بیشتری پیدا می‌کند. اگر گروهی از مهاجران دارای ویژگی‌های فرهنگی غنی و قوی باشند، اقلیتی فرهنگی را در مقصد مهاجرت تشکیل می‌دهند و چه بسا فرهنگ مقصد را متاثر می‌سازند. گرچه پذیرش فرهنگ‌های گوناگون به وسیله مهاجران و ساکنان بومی در ابتدا با مقاومت و عکس‌العمل‌های منفی همراه است. اما آنچه در آغاز به شکل برخورد تمدن‌ها خودنمایی می‌کند، در نهایت از بده و بستان‌های فرهنگی آنها، فرهنگ‌های متعالی‌تری به وجود می‌آید. مانند آمریکا که بخش عمده‌ای از فرهنگ، پیشرفت و تعالی خود را مدیون مهاجران است. البته در برخی از موارد این تاثیرها در جهت مثبت نیست.

ادغام و شبیه شدن فرهنگی به مراتب پیچیده‌تر از ادغام اقتصادی است و تفاوت‌های فرهنگی میان مبدا و مقصد مهاجرت می‌تواند منشا مسایل و مشکلاتی برای مهاجران و به ویژه فرزندان آنها باشد. فراوانی میزان ناهنجاری‌های اجتماعی و افت تحصیلی، از نمونه‌های بارز اینگونه مشکلات است. همچنین پدیده حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن از عوارض اینگونه مهاجرت‌هاست که مطالعه آن در حیطه مباحث دیگر جامعه‌شناسی است.

از نظر اجتماعی مهاجرت به نوعی کثرت‌گرایی در جامعه و استقرار نهادهای لازم برای حفظ حقوق بشر منجر می‌شود، پیشداوری‌های موجود در باره ارتکاب بیشتر مهاجران به رفتارهای بزهکارانه را از میان می‌برد، افراطگری‌های ملی‌گرایی را تعدیل می‌کند و به نوعی به اشتراک همگانی در زندگی اجتماعی می‌انجامد.

- وضعیت مهاجرت در ایران

طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ بالغ بر ۸ میلیون و ۷۱۸ هزار و ۷۷۰ نفر جابه‌جا شده‌اند که از این رقم تعداد ۶ میلیون و ۱۲۲ هزار و ۶۷۵ نفر (۲۲/۷۰ درصد) مهاجران وارد شده از سایر نقاط به نقاط شهری و ۲ میلیون و ۵۹۶ هزار و ۹۵ نفر (۷۸/۲۹ درصد) مهاجران وارد شده به نقاط روستایی بوده‌اند. مبدا مهاجرت ۸ میلیون و ۴۳۵ هزار و ۸۶۵ نفر داخل کشور بوده است، ۲۳۸ هزار و ۳۳۱ نفر از خارج از کشور وارد کشور شده بوده‌اند و مبدا مهاجرت ۴۴ هزار و ۵۷۴ نفر نیز نامشخص بوده است. از تعداد ۸ میلیون و ۴۳۵ هزار و ۸۶۵ نفر که مبدا مهاجرت آنها داخل کشور بوده است تعداد ۵۹ میلیون و ۵۲۰ هزار و ۷۶ نفر (۵۶/۷۰ درصد) در مناطق شهری و ۲ میلیون و ۴۸۳ هزار و ۷۸۹ نفر (۴۴/۲۹ درصد) در مناطق روستایی ساکن شده‌اند. مبدا مهاجرت ۵ میلیون و ۶۰۲ هزار و ۸۶۵نفر مناطق شهری داخل کشور بوده است که از این تعداد ۴ میلیون و ۶۲ هزار و ۲۷۱ نفر (۵/۷۲ درصد) در نقاط شهری ساکن شده‌اند و یک میلیون و ۵۴۰ هزار و ۶۹۴ نفر (۵/۲۷درصد) به نقاط روستایی مهاجرت کرده‌اند.

مبدا مهاجرت ۲ میلیون و ۸۳۳ هزار نفر مناطق روستایی داخل کشور بوده است که از این تعداد یک میلیون و ۸۸۹ هزار و ۹۰۵ نفر (۷۱/۶۶ درصد) در نقاط شهری ساکن شده‌اند و ۹۴۳ هزار و ۹۵ نفر (۲۹/۳۲ درصد) به نقاط روستایی مهاجرت کرده‌اند. از تعداد ۲۳۸ هزار و ۳۳۱ نفر مهاجران واردشده از خارج نیز تعداد ۱۳۷ هزار و ۷۱۴ نفر (۷۸/۵۷ درصد) در نقاط شهری و ۱۰۰ هزار و ۶۱۷ نفر (۲۲/۴۲ درصد) در نقاط روستایی ساکن شده‌اند. از تعداد ۴۴ هزار و ۵۷۴ نفر مهاجر که مبدا نامشخص داشته‌اند، ۲۲ هزار و ۸۵۵ نفر (۷۸/۷۳ درصد) در نقاط شهری و ۱۱۶۸۹ نفر (۲۲/۲۶ درصد) در نقاط روستایی ساکن شده‌اند.

اطلاعات به دست آمده از سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ تعداد ۱۲ میلیون و ۱۴۸ هزار و ۱۴۸ نفر در کشور جابه‌جا شده‌اند یا از خارج از کشور وارد کشور شده‌اند. از این تعداد ۶ میلیون و ۷۵۴ هزار و ۹۹۴ نفر (۶/۵۵ درصد) مرد و ۵۳۹۳۱۵۴ نفر (۴/۴۴ درصد) زن بوده‌اند. در دوره یادشده بیشترین تعداد مهاجران در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله و ۲۹-۲۵ ساله که سنین ورود به تحصیلات عالی و اشتغال بوده، است. الگوی سنی مهاجران نشان می‌دهد که نسبت مهاجران در گروه‌های سنی با نسبت جمعیت در آن گروه سنی مرتبط بوده و در گروه‌های سنی که نسبت جمعیت در آن گروه‌ها بالاست، نسبت مهاجران نیز در آن گروه‌های سنی بالا است.

بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، از تعداد ۱۲ میلیون و ۱۴۸ هزار و ۱۴۸ نفر مهاجر دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، تعداد ۸ میلیون و ۶۷۳ هزار و ۶۶۷ نفر (۴/۷۱ درصد) در نقاط شهری و ۳ میلیون و ۴۷۴ هزار و ۴۸۱ نفر (۶/۲۸ درصد) در نقاط روستایی سکونت گزیده‌اند.

براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد ۳ میلیون و ۸۹۸ هزار و ۴۳ نفر (۰۹/۳۲ درصد) از کل جمعیت جابه‌جا شده طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ در داخل شهرستان محل سرشماری جابه‌جا شده‌اند، تعداد ۳ میلیون و ۱۱۱ هزار و ۶۸۹ نفر (۶۱/۲۵ درصد) بین شهرستان‌های داخل استان‌ها جابه جا شده‌اند، تعداد ۴ میلیون و ۷۷۴ هزار و ۴۱نفر (۳/۳۹ درصد) در شهرستان‌های استان‌های مختلف جابه‌جا شده‌اند، تعداد ۲۶۰ هزار و ۴۹۵ نفر (۱۴/۲ درصد) از خارج ازکشور وارد محل سرشماری شده‌اند و مبدا ۱۰ هزار و ۳۸۸ نفر (۸۶/۰ درصد) نیز نامشخص بوده است.

مبدا مهاجرت ۱۱ میلیون و ۱۷۳ هزار و ۷۷۲ نفر داخل کشور بوده است، ۲۶۰ هزار و ۴۹۵ نفر از خارج از کشور وارد کشور شده بوده‌اند و مبدا مهاجرت ۱۰۳ هزار و ۸۸۱ نفر نیز نامشخص بوده است. از تعداد ۱۱ میلیون و ۷۸۳ هزار و ۷۷۲ نفر که مبدا مهاجرت آنها داخل کشور بوده است تعداد ۸ میلیون و ۳۸۹ هزار و ۶۷۶ نفر (۲/۷۱ درصد) در مناطق شهری و ۳میلیون و ۳۹۴ هزار و ۹۶ نفر (۸/۲۸ درصد) در مناطق روستایی ساکن شده‌اند. مبدا مهاجرت ۸ میلیون و ۷۱۵ هزار و ۷۱۹ نفر مناطق شهری داخل کشور بوده است که از این تعداد ۶ میلیون و ۳۸۵ هزار و ۶۶۵ نفر (۲۷/۷۳ درصد) در نقاط شهری ساکن شده‌اند و ۲ میلیون و ۳۳۰ هزار و ۵۴ نفر (۷۳/۲۶ درصد) به نقاط روستایی مهاجرت کرده‌اند. همچنین مبدا مهاجرت ۳ میلیون و ۶۸ هزار و ۵۵ نفر مناطق روستایی داخل کشور بوده است که از این تعداد ۲ میلیون و ۴ هزار و ۱۲ نفر (۳۲/۶۵ درصد) در نقاط شهری ساکن شده‌اند و یک میلیون و ۶۴۰ هزار و ۴۳ نفر (۶۸/۳۴ درصد) به نقاط روستایی مهاجرت کرده‌اند. از تعداد ۲۶۰ هزار و ۴۹۵ نفر مهاجران واردشده از خارج نیز تعداد ۱۹۸ هزار و ۱۵۹ نفر (۰۷/۷۶ درصد) در نقاط شهری و ۶۲ هزار و ۳۳۶ نفر (۹۳/۲۳ درصد) در نقاط روستایی ساکن شده‌اند. همچنین از تعداد ۱۰۳ هزار و ۸۸۱ نفر مهاجر که مبدا مهاجرت آنها نامشخص بوده است، ۸۵ هزار و ۸۳۲ نفر (۶۳/۸۲ درصد) در نقاط شهری و ۱۸ هزار و ۴۹ نفر (۳۷/۱۷ درصد) در نقاط روستایی ساکن شده‌اند.همچنین نتایج حاصل نشان از افزایش تعداد جمعیت مهاجر شهر به روستا می‌دهد. بدین معنا که جهت مهاجرت‌های بین روستا و شهر بیشتر از شهر به روستا بوده است.

اطلاعات به دست آمده از سرشماری عمومی‌نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که تعداد مهاجران روستا به شهر در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، ۲ میلیون و ۴ هزار و ۱۲ نفر بوده است در حالی که تعداد مهاجران شهر به روستا در این دوره ۲ میلیون و ۳۳۰ هزار و ۵۴ نفر بوده است. این امر نشان می‌دهد که طی این دوره تعداد ۳۲۶ هزار و ۴۲ نفر خالص مهاجرت به نفع مناطق روستایی بوده است.

نگاهی به مهاجران جابه‌جا شده در داخل شهرستان محل سرشماری نشان می‌دهد که این پدیده به دلیل بالا بودن مهاجرت از شهر به روستا در

داخل شهرستان‌ها رخ داده است.

مهاجرت از شهر به روستا در داخل شهرستان محل سرشماری طی این دوره ۱۴۲ هزار و ۳۰۸ نفر بوده در حالی که مهاجران روستا به شهر ۶۴۳ هزار و ۱۳نفر بوده‌اند.

مقایسه مهاجرت در دوره‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ و ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ رقم مطلق جمعیت مهاجر، نسبت به دوره قبل افزایش قابل توجهی داشته و تعداد ۳ میلیون و ۴۲۹ هزار و ۳۷۸ نفر (۳۹ درصد) بیشتر از تعداد مهاجران دوره قبل بوده است.

در بخش‌های پیشین، علل مرتبط با مهاجرت به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت علل مهاجرت در ایران طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد. طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵بیشترین تعداد مهاجرت‌ها به پیروی از خانواده بوده که بیشتر شامل زن و فرزندان مهاجران اصلی است. بعد از علت تبعیت از خانواده، جست‌وجوی کار و تحصیل در مراحل بعدی قرار دارند.

خارج شدگان به مهاجرانی گفته می‌شود که از استان مورد نظر به سایر استان‌ها مهاجرت کرده‌اند و واردشدگان به مهاجرانی گفته می‌شود که از سایر استان‌هابه استان مورد نظر مهاجرت کرده‌اند. به تفاضل بین مهاجران وارد شده به استان و خارج شده از استان نیز خالص مهاجرت اطلاق می‌شود. درصورت مثبت بودن حاصل این تفاضل، استان مهاجرپذیر و در غیر این صورت مهاجر فرست در نظر گرفته می‌شود. استان‌های عمده مهاجرپذیر کشور طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به ترتیب استان‌های تهران، اصفهان، مازندران، خراسان رضوی، یزد، گلستان، گیلان و استان‌هایی نظیر آذربایجان شرقی، کرمانشاه و خوزستان استان‌های مهاجرفرست بوده‌اند.

- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مهاجرت و چگونگی توزیع مجدد جمعیت در داخل کشور یکی از اساسی‌ترین عواملی است که سیاستگذاران اقتصادی و اجتماعی جامعه برای نظم و جهت دادن به جابه‌جایی‌های جمعیتی و نیز هدایت جمعیت به سوی قطب‌های مورد نظر به آن توجه دارند.

مهاجرت پیچیده‌ترین فرآیند جمعیت شناختی است زیرا باید تعداد جابه‌جایی‌ها، مقصدهای گوناگون و دلایل بی‌شمار آن را در نظر گرفت. مهاجرت‌ها به لحاظ پیامدهای مختلفی (از قبیل پیامدهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) که در مقصد و مبدا مهاجرتی از خود به جای می‌گذارند نیز حایز اهمیت فراوان هستند.

در طول تاریخ معاصر، روند کلی مهاجرت در کشور از روستا به شهر و از شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر بوده اما در برخی موارد از جمله دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، جریان معکوس مهاجرت از شهر به روستا نیز اتفاق افتاده است. بخش زیادی از مهاجران جذب مناطقی هستند که جزء مناطق صنعتی محسوب می‌شوند.

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=365019

vista.ir
Online Classified Service

بررسی نقش امنیت در توسعه گردشگری

از ضروریات زندگی امروز وجود امنیت در سطح جوامع می باشد. صاحبنظران امنیت را به دو بخش امنیت ملی و خارجی تقسیم می کنند که امنیت داخلی را مربوط به عوامل داخلی می دانند و تهدید دولت های دیگر را در خارج از مرزهای جغرافیایی را در حوزه امنیت خارجی برمی شمرند.

امنیت و گردشگری دو مقوله وابسته به یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ در

مناسبات داخلی و خارجی هستند. امنیت و گردشگری در تعامل دوجانبه هم می توانند تأثیر افزایشی بر هم داشته باشند و هم تأثیر کاهشی. به این معنا که افزایش (یا کاهش) امنیت، باعث رونق (یا رکود) گردشگری خواهد شد و بالعکس، بنابراین گردشگری ارتباط مستقیم با مقوله امنیت است. ایجاد امنیت، تسهیلات و ارائه امکانات رفاهی و خدماتی لازم به گردشگران از جمله وظایف اصلی دولت ها نسبت به جریان گردشگری می باشد.

در این مقاله رابطه گردشگری و امنیت که جوامع و دولت ها نقش مستقیم و غیرمستقیم در این زمینه دارند مورد تحلیل قرار می گیرد.

- مقدمه

گردشگری بزرگترین و پررونقترین صنعت جهان است، انتظار می رود که در قرن بیست و یکم نیز این صنعت پیشتاز بوده و سیر صعودی آن ادامه یابد. جهانگردی یك قدرت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بزرگ و البته پدیده ای بسیار سیاسی است و بنابر عقیدهٔ پك و لپی طبعیت جهانگردی در هر جامعه ای، متأثر از عوامل پیچیده و در هم بافته سیاسی و همچنین ویژگی های جغرافیایی است که دیگران را مجذوب خود می کند. (هال، ۱۳۸۲، ص ۱۱)

بنابر عقیده کارشناسان، گردشگری دانشی است چند رشته ای که اگر بدون انجام تجزیه و تحلیل های امنیتی و سیاسی دقیق توسعه و تکامل یابد قطعاً کامل نخواهد بود. (همان منبع، ص ۱۲)

یکی از مواردی که می بایست در گردشگری قویاً مورد تأکید قرار گیرد امنیت می باشد، آسایش، راحتی و امنیت از مسائل بسیار مهمی است که گردشگران را به نقاط مختلف دنیا جلب می کند. (ابرار اقتصادی، ۱۳۸۵)

پیشرفت و رفاه مردم به وسیله ترویج یك نظم جهانی در سایه امنیت که ضمن آن بتوان به توسعه صلح آمیز و منظم دیگر کشورها کمك نموده و از تجربیات و تواناییهای آنها حداکثر منفعت را برد. (تاجیك، ۱۳۸۱، ص ۴۵)

در توسعه گردشگری عوامل متعددی تأثیرگذار هستند که امنیت شاخصترین عامل گسترش گردشگری است، بازنگری در ارتباط ارگانیك صنعت توریسم و امنیت ملی یك ضرورت است. همگام با گسترش این صنعت در برههٔ کنونی ارتباط ارگانیك این صنعت با مؤلفه هایی چون امنیت داخلی و ملی، صنایع حمل و نقل، خدمات، رسانه های جامعه، آموزش و پرورش و غیره دارد، وارد فاز جدیدی شده است.

به اعتقاد کارشناسان میان گردشگری و ثبات و توسعه امنیت، رابطه تعریف شده وجود دارد چرا که توسعه زیر ساختهای گردشگری، همکاری دستگاههای فرهنگی و تبلیغات مناسب و مشارکت گسترده دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی همزمان با توسعهٔ گردشگری، توسعهٔ امنیت ملی را نیز به همراه خواهد داشت، نقش و تأثیر صنعت جهانگردی در توریسم امنیت ملی یك کشور چنان است که اکثریت کشورهای توسعه یافته با وجود دارا بودن منابع کلان اقتصادی و درآمد، ترجیح می دهند بر روی صنعت توریسم متمرکز شوند. حضور مستقیم بازدید کنندگان و گردشگران در یك کشور علاوه بر توسعه اقتصاد و تبادلات فرهنگی، آن کشور را بعنوان یك قطب امن گردشگری به جهانیان معرفی می کند تا آنجا که امنیت در معنای گسترده یکی از مهمترین مسائلی است که در میزان تقاضای گردشگران خارجی برای سفر به هر کشور دیگر تأثیرگذار است.

اکنون کارشناسان گردشگری بر این باورند که رابطه امنیت ملی و گردشگری باید مورد توجه قرار گیرد بطوریکه تعریف جدیدی از امنیت ملی در سایه حضور گردشگران خارجی و شناخت واقعیتهای داخلی و انتقال آنها به خارج یك ابزار ضروری و لازم است. به این ترتیب امنیت داخلی و ملی شاخصترین عامل گسترش گردشگری در هر کشوری است که می خواهد خود را با مشخصات کشورهای پیشرو در امر توریسم تطبیق دهد. با سیاست تنش زدایی در روابط خارجی می توان زمینه مساعدی برای جلب گردشگران کمك کرد.

بنابراین ضرورت دارد که جاذبه های گردشگری در خارج از مرزها به نحو مطلوب تبلیغ گردد و زمینه های لازم برای سهولت رفت و آمد گردشگران خارجی فراهم آید.

سازمانهای توسعه گردشگری و کارشناسان این شاخه معتقدند که رشد و توسعه اقتصادی پدیده ای کاملاً امنیت محور بوده و یکی از بخش های اقتصادی که به شدت آسیب می بیند صنعت گردشگری است.

توسعه صنعت گردشگری در هر کشور نشان از ثبات امنیت ملی در آن کشور است و نیز زمانی گردشگری در کشور رونق می یابد که توجه دولت آن برای تأمین امنیت گردشگران بیشتر شده باشد.

مقاصد گردشگری در تمام نقاط مختلف يك كشور پراكنده است ، در صورتی كه امنيت در اين مناطق تأمين شود، ضريب امنيت ملی آن كشور نيز افزايش می يابد و علاوه بر اين ورود گردشگران خارجی به يك كشور نه تنها موجب تهديد امنيت ملی نمی شود بلكه به تحكيم آن نيز كمك می كند. (آرمين، ۱۳۸۴)

● جوامع و انديشه های سياسی ميزبان

در انديشه های سياسی، جامعه (در مقوله گردشگری جامعه ميزبان) را اغلب در معنای خاصتری كه جامعهٔ مدنی ناميده می شود می شناسند.

جامعه مدنی در شكل اوليه خود به اجتماع سياسی مربوط است، اجتماعی در چارچوب قانون و نشان دهندهٔ وفاداری به دولت می باشد. متفكران سياسی اوليه همچنين جامعه منظم و بشردوست را پايه زندگی متمدن می دانستند و اعتقاد بر اين است كه اينگونه جوامع توانايی تعامل فرهنگی به ويژه ميزبانی ديگر قوميتها را به خوبی پذيرا هستند. (هيوود، ۱۳۸۳، ص ۶۶-۶۵)

آنها معتقدند كه در يك نظام سياسی باز می توان تعادل اجتماعی را تأمين كرد و از فروافتادن به ناآرامی و خشونت جلوگير كرد. (همان منبع، ص ۷۲)

اينجاست كه می توان شرايط ميزبانی در اين نظام سياسی باز كه تعادل اجتماعی در آن برقرار شده و محاسبات اقتصادی انجام داد و در اين نظام انسانهای عاقل بايد به قوانين اجتماعی و به يكديگر احترام بگذارند زيرا بدون احترام به يكديگر امنيت اجتماعی از بين رفته و جامعه دستخوش ناامنی می شود. (همان منبع، ص ۱۰۰)

به عقيده كارشناسان سازمان جهانی گردشگری شرايط لازم برای رسيدن به توسعه پايدار سرمايه گذاری در گردشگری با اتكا بر انديشه های سياسی و امنيت جوامع در سطح ملی و منطقه ای می باشد و بدون آن نمی توان به توسعه پايدار انديشيد.

روش: در اين مقاله تأثير شاخصهای امنيتی در فرآيند گردشگری به روش اسنادی و كتابخانه ای مورد بررسی قرار گرفته است.

● بررسی واژه امنيت و مفهوم آن

واژه امنيت در فرهنگ عميد از مصدر درامان بودن به معنی ايمنی، آرامش و آسودگی معنی شده است. (عميد، ۱۳۷۲، ص ۲۳)

و در فرهنگ لغات انگليسی آكسفورد، از دو منظر به ارائه تعاريفی دربارهٔ امنيت

می پردازد، نخست از منظر شرايط تأمين و تحفظ چهار تعريف زير بدست می آيد:

الف) شرايط محفوظ ماندن از خطر و يا در معرض خطر قرار نگرفتن.

ب) آزادی از ترديد، اطمينان و در اعتماد بودن.

ج) آزادی از بيم، اضطراب يا حراست از آينده.

د) كيفيت تأمين استحكام، پيوستگی و ثبات.

دوم به اعتبار ابزار امنيت، شش تعريف ديگر پيشنهاد می كند:

الف) چيزی كه تأمين و تحفظ ايجاد نمايد كه حمايت و محافظت را شامل می شود.

ب) ابزار تأمين و ثبات در مواضع خود.

ج) بستری برای تأمين بگونه ای كه امنيت در آن ضمانت شود.

د) دارايی متراكم شده و يا سرريز شده.

هـ) كسی كه خود را برای ديگری گرو می گذارد (يا به گرو گرفته می شود) به مثابه يك ضمانت

و) مدركی كه به وسيله يك تضمين كننده به مثابه تضمين برای حق پرداخت خود نگاه داشته می شود و بطور كلی امنيت در بعد معنی فقدان تهديدات نسبت به ارزش ها، منافع، اهداف در جهت ذهنی، فقدان ترس از اينكه بنيانهای ملی (ارزش ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فيزيك و غيرفيزيكی) واقع بشوند را مورد سنجش قرار می دهد. (تاجيك، ۱۳۸۱، ص ۴۷-۴۶)

امنيت يكی از موضوعاتی است كه ذهن بشر را در اعصار مختلف به نوعی به خود مشغول داشته و موجبات نگرانی انسان را فراهم آورده، اما پيوندهای چند جانبه اين مفهوم با مسائل حوزه اقتصاد، سياست و فرهنگ اجتماعی، عملاً توجيه و تفسير و درك و شناخت اين واژه را دشوارتر ساخته، بطوريكه مرز و تعريف قابل قبول همگانی برای آن، كار چندان ساده ای نبوده و نيست. برای مثال، مفهوم امنيت شغلی در مقابل امنيت شخصی يا امنيت داخلی در برابر امنيت بين المللی، ظاهراً می تواند در يك رديف و راستا قرار گيرد، حال آنكه چنين نيست و هر يك از آنها حوزهٔ

خاصی از قلمرو و علوم انسانی را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر علم اقتصاد از یك سو، روابط بین المللی از سوی دیگر و علوم سیاسی نیز در مقابل آنها صف آرایی کرده اند تا امکان درك صحیح از مفهوم امنیت را برای انسان مدرن مجهز به آخرین تکنولوژی فراهم آورد.

امروزه دستاوردهای دانش و تکنولوژی، بحران امنیت را چنان گسترش داده که ضرورتاً ذهن بشر بیش از گذشته در جهت شناخت وضعیت حال و آینده مهیا شده است و از جمله برنامه توسعه ملل متحد(undp) محور توسعه را در سال ۱۹۹۴ بر انسان متکی ساخته و لزوم انتقال از «امنیت هسته ای» به «امنیت انسانی» را مورد توجه قرار داده است و صاحبنظران نیز انسان متفکر و مستعد برای نوآوری را بعنوان با ارزش ترین سرمایه جوامع انسانی شناسایی و معرفی می کند ، ضمن آنکه بر روابط بین آزادی، امنیت و توسعه، نظریات اندیشمندان چون لاك و جان استوارت میل را به خاطر می آورد که باید محدوده معینی برای حداقل از آزادی شخصی وجود داشته باشد که به هیچ قیمتی مورد تجاوز و تعرض دیگران قرار نگیرد و این محدوده معین همان حداقل امنیتی است که انسان بر مبنا و بستر آن، زمینه ها و الزامات ارائه تفکرات خلاق خود را پایه گذاری می کند. (مهدیخانی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳)

- امنیت و تفاهم فرهنگی بین کشورها

در دورهٔ پس از جنگ سرد، فرهنگ و مذهب جایگزین ایدئولوژی شده اند و به صورت منابع عمده ای در آمده اند که می توانند تنشها و تعارضهای بین المللی را کاهش دهند. این امر بارها به اثبات رسیده است که اگر سایر جوامع را دست آویز قرار داده و آنها را به سوی جوامع انسانی به حساب نیاوریم نتیجه مطلوب به بار نخواهد آمد. می توان گفت: که با این دیدگاه گردشگری با تکیه به فرهنگ موجب می شود که افراد از مناطق مختلف دنیا در کنار یکدیگر قرار گیرند تا بتوانند چیزهای جدید را کشف کنند که ویژگی منحصر بفرد آن موجب ارتباط و همبستگی بیشتر آنها می شود و وسیله یا ابزاری است بسیار مهم برای تفاهم و امنیت صلح بین المللی و جلوگیری از تعارضات و تنش ها. (چاك، ۱۳۸۲، ص ۴۴۷)

به بیان دیگر در تفاهم فرهنگی موضوعاتی مانند حقوق بشر، مسائل زیست محیطی، امنیت که سابقاً در دوران جنگ سرد و قبل از آن در قالب بیانیه ها، قطعنامه ها، آموزه ها و اعلامیه ها و به صورت یك آرمان و آرزو و با صفت «جهانی» مطرح می شد، اینك شکل عینی تری به خود می گیرند.

واژهٔ جهانی شدن و گفتگوی تمدنها که امروز از آن یاد می شود بسیاری از الگوهای رفتاری گذشته را زیر سؤال برده و بخشهای مختلف زندگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی را با دیدگاه متفاوتی از گذشته مورد بررسی قرار می دهد.(قوام، ۱۳۸۲، ص ۱۷۸)

- امنیت در کشورهای جهان سوم

این نکته نیز آشکار است که آسیب پذیریهای اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان سوم دارای ارتباط مستقیمی با امنیت است و در اکثریت موارد حتی از کشورهای پیشرفته این ارتباط مستقیم تر و با اهمیت تر است. تهدید در جهان سوم دارای پایه های اقتصادی و اجتماعی حداقل همسنگ با پایه های سیاسی و نظامی است، بنابراین از لحاظ مفهوم امنیت باید منعکس کننده تهدیدات ناشی از مسائل اقتصادی و اجتماعی باشد، خواه این امر به فرسایش مشروعیت صرفاً در داخل مربوط باشد یا نمودهای خارجی و تقسیم بندی های اجتماعی و شکل های اقتصادی آن باشد. (آزر، ۱۳۷۹، ص ۲۴۵)

- مواردی که می توانند امنیت اجتماعی را تهدید کنند

عوامل بسیاری در تهدید امنیت اجتماعی مؤثر هستند ولی در کشورهای جهان سوم این عوامل از تعدد بسیاری برخوردار هستند که به مواردی از آنها که در تمامی این کشور مشترك هستند به طور مختصربه آنها اشاره می شود:

- فقدان مشارکت نهادینه مردم و ایفای نقش مسؤلانه توسط آنها.
- فقدان سیستم جامع کنترل جمعیت با داده های آماری.
- روند رو به رشد سازمان یافتگی و پیچیدگی، کنترل ناپذیری و مهار گسیختگی جرایم مختلف.
- کاهش محدودیت های سنی، جنسی، جغرافیایی و ... در وقوع جرایم.
- معضل فزاینده عدم تناسب ظرفیتهای ترافیکی، حمل و نقل شهری و برون شهری.
- فقدان کنترل مؤثر مرزها و دو پدیده فراگیر قاچاق کالا و مواد مخدر.
- معضل حضور و فعالیت میلیونها مهاجر و پناهدنه از کشورهای همجوار.
- کاهش فزاینده امنیت اخلاقی در جامعه.
- معضل وجود میلیونها معتاد به مواد مخدر و روند رو به رشد آن.

▪ فقدان وجود نگرش راهبردی به گذراندن اوقات فراغت و غنی سازی آنها.

(فصلنامه امنیت اجتماعی، ۱۳۸۲، ص ۴۰-۳۹)● امنیت و توسعه گردشگری

امنیت چیزی جزء تفاهم و مشارکت عمومی جمعیت ساکن یك واحد سیاسی برای رسیدن به رفاه عمومی نیست، این جمعیت بایستی به سطحی از درجه آگاهی به منظور درك موقعیت ها و واقعیتها برای ایفای نقش بی ضرر برسد تا در آن توانایی دولت و ملت جهت حفظ و بهره برداری از فرهنگ و ارزشهایش افزایش یابد. این همان امنیت ملی است. لذا اگر به این نتیجه برسیم توسعه صنعت گردشگری می تواند درآمدزا باشد و از طریق افزایش درآمد می تواند مفاسد اجتماعی را در جامعه کاهش داده و منجر به توزیع عادلانه ثروت و درآمد شودنا بجا نگفته ایم. (رحیم پور، ۱۳۸۴)

امروز امنیت به عنوان مهمترین و زیربنایی ترین اصل در تدوین استراتژی توسعه گردشگری در جهان به شمار می آید. صنعت ظریف و پیچیده گردشگری ارتباط همه جانبه ای در سطوح ملی و منطقه ای داشته و هرگونه بروز ناامنی و بکارگیری خشونت در سطوح مختلف زیانهای جبران ناپذیری به این صنعت وارد می سازد. بعنوان مثال یك سرمایه گذار در زمینه گردشگری و یا کارشناسان یك کمپانی سرمایه گذار بین المللی در قالب جهانگرد به آن منطقه سفر می کنند، اگر در ارزیابی کارشناسی خود محیط و مقصد مورد نظر از ویژگی و امنیتی لازم برخوردار نباشد مسلماً به این نتیجه خواهد رسید که توریست در این منطقه امنیت مالی و جانی ندارد و قطعاً سرمایه خود را منتقل نخواهد کرد. (رحیم پور، ۱۳۸۴)

از طرف دیگر در جهان امروز هر چه از تعریف علمی برخوردار نباشد یا به شکست مختوم است یا حالت رکود به خود می گیرد.

مثلاً امنیت در بخش ترابری و حمل و نقل، اقامتگاهها، هتلها، جاذبه ها، سفرسازان و سازمان های گردشگری برای توسعه توریسم باید هماهنگی لازم را با یکدیگر داشته باشند. در علم جهانگردی واژه Availbility به مفهوم مهیا بودن دارای اهمیت بسیار است بعنوان نمونه در بخش ترابری، جاده وجود دارد ولی وزارت راه و ترابری، اعلام می کندکه در جاده ها روزانه بیش از ۳۰ هزار نفر کشته می شود. یعنی آن جاده Availbe (مهیا) نیست. و از سوی دیگر وقتی توریست جای مناسب برای اقامت نداشته باشد دیگر باز نمی گردد. (نشریه جهان هوانوردی و گردشگری شماره ۵۱، ۱۳۸۳)

● عناصر تأثیرگذار در امنیت جهانگردان

۱) نقش دولت ها

دولت و بخش خصوصی باید نسبت به حفظ سلامت گردشگران حساس باشند و بطور کلی جنبه های خطرناك گردشگری باید حل و فصل شوند. به هر گونه مشکل تندرستی، حمله به توریستها، بیماریهایی مانند مالاریا و ایدز پرداخته شود و از آن مطلع باشند و دیگر دولت ها را در جریان امر قرار دهند. شرایط و آیین نامه های تسهیل مسافرتی، به ویژه قسمت مهاجرت و گمرك باید تا حد امکان کارآمد و کاربرپسند باشد، در عین حال مقررات را اعمال کند. (سازمان جهانی جهانگردی، ۱۳۸۴، ص ۷۹)

۲) برنامه ریزی

چنانچه گردشگری با برنامه ریزی خوب اداره و توسعه داده نشود می تواند مشکلات اجتماعی – فرهنگی به وجود آورد. در بعضی مواقع ازدحام توسط توریستها موجب سلب آسایش ساکنان می شود که به خشم و احساس دشمنی آنان نسبت به جهانگردی می انجامد. اگر تعداد بیش از حد جهانگرد در منطقه ای وجود داشته باشد - که به ویژه در فصول شلوغ اتفاق می افتد – سبب ازدحام در ویژگی های جاذب و رفاهی، رستوران، فروشگاه و وسایل حمل و نقل می شوند و ساکنین نمی توانند به آسانی از آنها استفاده کنند. در صورتیکه ساکنان کاملاً از دسترس به ویژگی های رفاهی، از قبیل هتلها و اقامتگاههای ساحلی منع شده باشند، ممکن است حتی بیشتر خشمگین شوند. این موضوع در اجتماعات کوچك روستایی می تواند مخرب باشد و چنانچه ساکنان تصور کنند که منافع اقتصادی زیادی از گردشگری عایدشان نمی شود و توسعه گردشگری از طریق را منافع خارجی کنترل می شود، این موضوع می تواند موجب خشم آنان شود.

۳) هویت فرهنگی

برخی مسائل می تواند به ضعف فرهنگی و سست شدن احساس هویت فرهنگی بیانجامد. استفاده بیش از حد گردشگران از مناطق باستانشناختی و تاریخی می تواند موجب تخریب آنها شود. وقتی لباس، مراسم، موسیقی، رقص، صنایع دستی و الگوهای فرهنگی محلی بطور ناشایست بعنوان جاذبه های توریستی ارائه شوند می توانند موجب تجارتی شدن مفرط و از دست رفتن اصالت آنها شود. یکی دیگر از آثار جهانگردی که می تواند به صورت تقلید مردم، به ویژه جوانان تقلید از الگوهای رفتاری و پوشاکی گردشگران باشد. این امر بدون شناخت پس زمینه های متفاوت فرهنگی و موقعیت اجتماعی – اقتصادی جهانگردان انجام می شود. بعلاوه ممکن است سوء تفاهم و مناقشاتی میان

جهانگردان و ساکنان به علت تفاوت زبان و رسوم بروز کند.

با توسعه گردشگری ممکن است مشکلات اجتماعی از قبیل اعتیاد به مواد مخدر و الکل و جرائم دیگر بدتر شوند. پژوهشی که دربارهٔ این مشکلات انجام شده است نشان می دهد که جهانگردی به ندرت عامل اصلی و اولیه این جرایم و تبهکاریها هستند، ولی ممکن است فرصتی برای گسترش آنها فراهم کند. (همان منبع، ص ۵۶-۵۷)

۴) عوامل سیاسی و اداری

این عوامل در ارتباط با معیارهای مورد موافقت جهت تسهیل در امر جابجایی افرادی است که هدفشان مسافرت است به ویژه در مرزهایی که کنترل جدی نمی کنند (توسط پلیس و گمرکات)، معیارهای «رفاهی» نامناسب مانع شرایط مناسب بین کشورها می شود که از نظر جغرافیایی نزدیك یکدیگر هستند. عدم ثبات سیاسی و تغییرات ناگهانی نیز از عوامل شدیداً بازدارنده هستند. (ولا، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸)

۵) شبکهٔ راهها

دورهٔ سلطنت شاه عباس اول را می توان یکی از مهمترین ادوار توسعهٔ جهانگردی در ایران به حساب آورد. این توسعه به چند عامل بستگی داشت که مهمترین آن عبارت بود از امنیت و توسعه راههای ارتباطی و تأسیسات اقامتی که در این دوره برای سهولت ارتباط و توسعه (امنیتی و اقتصادی) کشور شبکه منظمی از راههای اساسی به وجود آمد. بطوریکه امروزه هنوز راههایی که به نام «راه شاه عباسی» معروف است در برخی نقاط کشور شناخته می شود که در واقع جانشین «شاهراه بزرگ هخامنشی» است که به موازات مرمت راههای قدیمی و ایجاد راههای جدید، شاه عباس به آسایش و رفاه مسافران توجه خاص داشت. (همایون، ۱۳۸۴، ص ۶۹-۶۸)

- عواملی که با گردشگری در تعامل هستند

در آن سوی فراگرد ارتباطی جهانگردی جامعه میزبان قرار دارد. میزبان فرد یا نهادی است که گردشگر در مقصد خود با او سر و کار دارد. در این مورد تقسیم بندی را

می توان براساس نوع و میزبان درگیری میزبان و میزان اهمیت آن در ارتباط با موضوع امنیت با جهانگردان بررسی کرد.

نخستین نهاد درگیر با مسأله دولتها هستند. دخالت دولت در امر جهانگردی از چند راه صورت می پذیرد.

نخستین و مهمترین آن دخالت از راه سیاستگذاری است. در بیشتر موارد، دولتها با بررسی وضع کلی کشور از جنبه های مختلفی به تنظیم و اعمال سیاستهای محدود کننده، جهت دهنده یا تشویقی می پردازند.

همچنین انجام تشریفات اداری، ورود و خروج گدشگران خارجی و مسائل امنیتی آنان از قبیل صدور روادید و نظارت گمرکی برعهده دولت است. شرکتها و سازمانها و مراکز خدماتی وابسته به گردشگری دومین گروه میزبان هستند. متصدیان امور تأسیسات حمل و نقل از قبیل شرکتهای هواپیمایی و مؤسسات کرایه خودرو، تأسیسات اقامتی مانند هتلها و متلها، آژانسهای هواپیمایی و مسافرتی، خدمات مالی مربوط به گردشگری مانند کارتهای اعتباری و چکهای مسافرتی، فروشگاههای ویژه گردشگری مانند فروشگاههای صنایع دستی، خدمات آموزشی و همچنین انتشارات این حوزه در این دسته جای می گیرند. کارگران غیر محلی و حتی خارجی را نیز که برای کار به منطقه دارای جاذبه گردشگری مهاجرت می کنند باید از جمله این گروه به حساب آورد. این گروه در کنار دولتها وظیفه تأسیس و نگهداری از جاذبه ها را نیز به عهده دارد.

سومین گروه «افراد و کسبه»ای هستند که اگر چه در بازار گردشگری دارای سهمی هستند، اما امرار معاش آنان وابسته به این صنعت نیست. به هر حال این عده بطور مستقیم و شخصی با گردشگران سر و کار دارند و از آنجا که برای گردشگران نگاهی عمیق تر واقعی تر به جامعه میزبان فراهم می کنند، در فراگرد امنیت نقش مهمی بازی می کنند.

سرانجام در آخرین گروه «عامه مردم» قرار می گیرند که واقعی ترین محمل های فرهنگ کشور میزبان به شمار می روند و در عین حال کمترین فرصت را برای ارتباط با گردشگران معمولی در اختیار دارند.

در ارتباط با این گروه که نصیب گردشگران می شود این ارتباط ارزشمندترین نوع ارتباط است که در گردشگری می تواند به وقوع بپیوندد و مبانی سیاستگذاریها در دولت قرار گیرد. (همان منبع، ص ۹۸-۹۹)

- امنیت معتبرترین جاذبهٔ گردشگری (در ایران)

ذکر این نکته لازم است که آنچه «امنیت گردشگری» نامیده می شود تنها حفاظت او از شر دزدان و تبهکاران نیست، تلفات جاده ای، سقوط هواپیما، بوروکراسی در تشریفات روادید و بیمه، نحوهٔ برخورد نیروی انتظامی، نحوهٔ فعالیت کسبه، محدود بودن ساعات کسب کار کسبه در ارتباط با گردشگری به دلیل نداشتن امنیت پس از ساعت مقرر است، در صورتی که بسیاری از درآمدهای گردشگری از طریق تفریحات شبانه مانند

کنسرتهای موسیقی، تئاتر، برگزاری جشنواره های فرهنگی و هنری بدست می آید. در غیر این صورت گردشگرانی که به اینگونه مناطق سفر می کنند و هزینه سنگینی را برای دیدار از این مناطق متقبل می شوند چاره ای ندارند جز اینکه نیمی از وقت خود را در اتاقهای هتل سپری کنند، زیرا نیروی انتظامی امنیت ساعات نیمه شب را تضمین نمی کند. نیاز گردشگر در استفاده بهینه از روزهای سفر تنها در سایه امنیت مسیر است. (کاکاوند، ۱۳۸۶)

بطور کلی به نظر می رسد امنیت یك کالای جهانی است که همهٔ اعضای جامعه سعی می کنند آنرا بدست آورند و باید این نکته را خاطرنشان کرد که قراردادن مسائلی تحت عنون موضوعات امنیتی، می تواند باعث بروز وضعیت بحرانی شود که مستلزم تدابیر شدید اضطراری است که چه بسا نابجا بوده و نیز امکان دارد باعث تحریك واکنشهای شدید از سوی دیگران شود، بعلاوه کسب امنیت زیاد باعث ترویج «حالت خوش» خیالی می شود که خود مانع پیشرفت مترقیانه شده و به حالت رضایت گونه نظرات و انعطاف ناپذیر نسبت به گرفتاری دیگران کمك می کند. (ماندل، ۱۳۷۹، ص ۴۵)

http://vista.ir/?view=article&id=265637

vista.ir
Online Classified Service

برو سفر سلامت

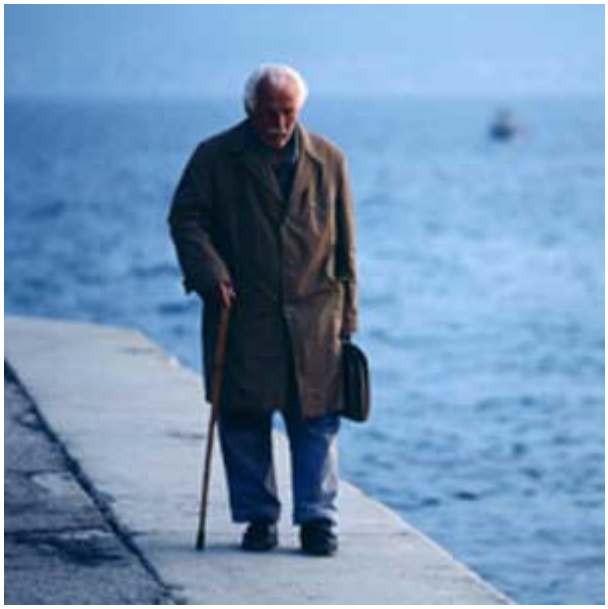

● قابل توجه سالمندان عازم سفر

اگر می‌خواهید سفر کنید، باید چند نکته‌زیر را که برای آمادگی‌های قبل از سفر و نیز طی سفر مناسب است را بدانید

۱) سری به پزشکتان بزنید:

قبل از مسافرت به پزشکتان سر بزنید و او را در جریان مسافرت خود قرار دهید. در این جلسه، پزشك یك معاینه کلی از شما به عمل خواهد آورد و شرایط کلی بدن را کنترل خواهد کرد. اگر احتیاج به تزریق واکسن داشته باشید، واکسن لازم را هم برایتان تجویز می‌کند.

۲) یك جعبه کمك‌های اولیه همراه شما:

شما دیگر پا به سن گذاشته‌اید، پس بهتر است قبل از سفر یك جعبه کمك‌های اولیه برای خودتان تدارك ببینید. در این جعبه می‌توانید داروهای مورد نیاز خود را قرار دهید. قرص سردرد، ضداسیدهای معده، محلول‌های ضدعفونی کننده، پنبه، بانداژ، دستکش استریل، کرم‌های ضدآفتاب و انواع قرص‌ها و اسپری‌های حشره‌کش. البته باید داروهایی که به دلیل بیماری‌های احتمالی خودتان در هر روز مصرف می‌کنید را نیز همراه ببرید.

● در سفر...

۱) داروهایتان را فراموش نکنید:

شاید در طول مسافرت به شما آن‌قدر خوش بگذرد که فراموش کنید داروهایتان را مصرف کنید ولی این اصلا بهانه خوبی نیست و ممکن است همین فراموشکاری، تمام مسافرت شما را خراب کند. بنابراین می‌توانید از یکی از همراهانتان بخواهید مصرف داروهایتان را به شما یادآوری کند و یا ساعت موبایلتان را طوری تنظیم کنید که ساعات مصرف داروها زنگ بزند و مصرف داروها را به شما یادآوری کند. در ضمن مقدار کافی از داروهای

روزانه‌تان را همراه ببرید. شاید اگر داروهایتان در طول مسافرت تمام شود نتوانید نسخه‌دارویی‌تان را به آسانی تجدید کنید.

۲) آب معدنی بنوشید:

در طول سفر زیاد فعالیت نکنید، به ویژه اگر به مناطق جنوبی کشورمان و یا کشورهایی سفر می‌کنید که آب و هوای گرم دارند. این نکته‌ای است که سالمندانی که به حج می‌روند باید دقیقا مدنظر داشته باشند. همیشه بهتر است در این سفرها بطری‌های آب معدنی همراه داشته باشید. استفاده از آب شیرهای شهری که به آن سفر می‌کنید ممکن است چندان سالم نباشد. بنابراین شیشه آب خودتان را همراه ببرید و حتما در این شیشه‌های آب را محکم کنید. فراموش نکنید از آب همین شیشه‌ها برای شست‌وشوی دهانتان پس از مسواك زدن و شست‌وشوی دندان مصنوعی‌تان استفاده کنید و از آب شیر آب استفاده نکنید. مراقب یخ‌های آماده‌ای که در نوشیدنی‌ها می‌اندازند نیز باشید. این یخ‌ها می‌توانند حاوی میکروب باشند.

۳) نیم نگاهی به غذاهای آماده:

مراقب غذاهای آماده باشید. ساندویچ‌ها، سالادها و میوه‌ها ممکن است آلوده باشند و چون دستگاه گوارش شما در این سنین بسیار حساس است شما را دچار مشکل کنند.

۴) کفش مناسب بپوشید:

شما ممکن است لازم باشد همراه افراد دیگر در یك تور مسافرتی در یك منطقه دیدنی، ساعات زیادی را پیاده‌روی کنید. در این شرایط باید حتما یك کفش مناسب بپوشید. یك کلاه بر سر بگذارید که از تابش آفتاب در امان بمانید و از کرم‌های ضدآفتاب استفاده کنید. در فواصل زمانی مناسب صبر کنید. کمی بنشینید و استراحت کنید ولی پیش از آن راهنمای تور را در جریان بگذارید که حواسشان به شما باشد تا جا نمانید.

۵) هوای پاهایتان را داشته باشید:

برای جلوگیری از لخته شدن خون در رگ‌های پایتان، هنگامی که روی صندلی قطار هواپیما و یا اتوبوس نشسته‌اید پاهایتان را بکشید. در طول مسافرت درون قطار یا اتوبوس یا هواپیما در سفرهای طولانی کمی راه بروید البته به شرط اینکه مسیر صاف بوده و امکان زمین خوردن شما حین تکان‌های وسیله نقلیه وجود نداشته باشد. نوشیدن آب کافی را فراموش نکنید.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=247644

vista.ir
Online Classified Service

بزرگترین دژ آجری ایران

در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب غربی فومن در قسمتی از ارتفاعات پوشیده از درخت های سرسبز قلعه رودخان بزرگ ترین دژ آجری کشور قرار دارد، مدت‌ها مرکز فرمانروایان گیلان بوده است.

مساحت قلعه در حدود ۵۰ هزار متر مربع و در ارتفاع ۶۰۰ متری در بلندترین نقطه کوه واقع شده است. ۶۵ برج و بارو و دیواری به طول ۱۵۰۰ متر دارد. رطوبت بیش از حد هوا باعث رویش گیاه در لابه‌لای دیوارهای قلعه و پوسیدگی آنها شده، اما با این حال در مقایسه با قلعه‌های دیگر، رودخان سالم مانده است.

برخی بنیاد قلعه را به دوره ساسانیان یعنی قبل از اسلام نسبت داده‌اند. قلعه در زمان حکومت سلجوقیان تجدید بنا شده است و از پایگاه‌های مبارزاتی اسماعیلیان بوده است. برای رسیدن به این قلعه بعد از عبور از شهر فومن و گذشتن از روستاهای گشت، کردمحله، سیاه کش، شمس تالان، گوراب پس، هولس کام، سیدآباد و قلعه رودخان به روستای حیدرآلات می‌رسیم که از این روستا تا خود قلعه حدود ۵ کیلومتر فاصله است که شامل مسیری زیبا همراه با رودخانه‌ای کوچک می‌باشد.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97305

vista.ir
Online Classified Service

بسیار سفر باید تا تلخ شود کامی ...

شاید آغاز فصل تعطیلا ت بهانه خوبی باشد برای افزایش تبلیغات رنگارنگ و پرآب و تاب آژانس های مسافرتی ودفاتر خدمات گردشگری تبلیغاتی که آنچنان صفحات مطبوعات و سایت ها و سایر رسانه ها را پرکرده است که هر خواننده یا بیننده ای را وسوسه می کند برای یک بار هم که شده دل به دریا بزنند و به واسطه این دفاتر سری به این شهرها یا حتی کشورهای پرآوازه بزنند.

سفر به طور کلی در گسترش فرهنگ، ارتقای سطح اجتماعی و آشنایی با تجربه های جدید و به یاد ماندنی نقش مهمی دارد و سفرهای گروهی و دسته جمعی که در اصطلا ح گردشگری به آن تور گفته می شود و توسط آژانس های مسافرتی مجاز تشکیل می شود، در صورتی که با شناخت کافی و توجه به نکات لا زم ترتیب داده شود، می تواند سبب افزایش علا قه مسافران به سفر شود. اما متاسفانه هر ساله به دلیل عدم اطلا ع و شناخت کافی از تعهدات یک دفتر خدمات مسافرتی در قبال مسافران، سبب می شود رویای شیرین بسیاری از مسافران به خاطره ای تلخ همراه با نارضایتی تبدیل شود.

سفر چه به صورت گروهی و چه انفرادی یکی از مفیدترین راه های گذران بخشی از تعطیلا ت است که در صورت برنامه ریزی بهینه برای یک سفر به طور قطع تجربیات و خاطرات شیرین آن دو چندان خواهد شد.

در این میان استفاده از تورهای گردشگری و دفاتر خدمات مسافرتی دارای

محاسن بیشتری نسبت به سفرهای خصوصی است.

تقابل فرهنگی و برقراری یک روابط اجتماعی دوستانه با سایر همسفران، پرداخت کل هزینه سفر که در اکثر موارد شامل تخفیف های گروه نیز می شود، بر طرف شدن مشکلا ت غیر قابل پیش بینی مانند: تهیه بلیط در تاریخ مورد نظر، پیدا نکردن هتل یا محل مناسبی برای اقامت، آشنا نبودن با جاذبه های مقصد مشکلا ت زبان و برقراری ارتباط با سایرین در مقصد سفر از جمله محاسنی است که سبب افزایش تمایل به مسافرت های گروهی به وسیله تورهای مجاز خواهد شد. بدیهی است که با توجه به برخی نکات مهم قبل از انتخاب یک دفتر خدماتی مسافرتی مناسب می توان سفری آسان و به یادماندنی رقم زد. با این حال متاسفانه عده زیادی از مردم از توجه به نکات مهم درباره این گونه دفاتر در آغاز بی تفاوت می گذرند و بعد از بازگشت از سفر تازه تصمیم می گیرند با عزمی راسخ و پشتکاری فراوان به دنبال شکایت از دفتر مورد نظر راه بیفتند.

در حال حاضر در سطح استان تهران ۲۲۵۰ آژانس مسافرتی و گردشگری به طور قانونی با مجوز سازمان میراث فرهنگی،صنایع دستی گردشگری استان تهران مشغول به فعالیت می باشند.

طبق تعرفه آئین نامه گردشگری آژانس های مجاز به ۳ دسته تقسیم می شوند: آژانس های بند الف که فعالیت آن شامل فروش بلیط هواپیما و قطار، چه داخلی و چه خارجی می شود. این دسته از آژانس ها مستقیما زیر نظر سازمان هواپیمایی کشور فعالیت می کنند و عملکرد آنها مرتبط با سازمان گردشگری نمی باشد.

آژانس های بند الف فقط وظیفه تهیه و صدور بلیط قطار و هواپیما به نقاط مختلف را دارند و به هیچ عنوان اجازه انجام سایر فعالیت ها از جمله اجرای تورهای سیاحتی و گردشگری و اخذ ویزا را ندارند.

آژانس های بند ب آژانس هایی هستند که فعالیت آنها شامل اجرای تور، اخذ ویزا، مجری گری به عنوان تهیه بلیط و هتل و اعزام مسافر در قالب تور سیاحتی می شود این دسته از آژانس ها مستقیما زیر نظر سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی گردشگری استان تهران فعالیت می کنند در صورت بروز هرگونه تخلف از طریق این سازمان با آژانس متخلف برخورد می شود.

آژانس های بند پ که شامل سفرهای زیارتی خارج از کشور می شود و مستقیما زیر نظر سازمان حج و زیارت فعالیت می کنند.

به طور کلی هیچ یک از آژانس هایی که در هر یک از بندهای فوق مشغول فعالیت می باشند اجازه فعالیت همزمان را در سایر بندها را ندارند و در صورتی که در کنار فعالیت های اصلی خود اقدام به اعزام مسافر در قالب سایر بندها نماید متخلف شناخته شده و عملکرد آن قانونی نمی باشد.

مهدی عنبری کارشناس سازمان گردشگری استان تهران در این خصوص معتقد است: ما در سال گذشته حدود ۲۵۰ شکایت از برخی از آژانس های مسافرتی و گردشگری داشته ایم که تعداد بسیاری از این شکایت ها بیشتر به دلیل بی اطلاعی مسافران از شرایط سفر و قراردادی بود که بین آژانس و مسافر بسته می شد تا متخلف بودن آن آژانس یا دفتر مسافرتی به عبارت دیگر بسیاری از مردم قبل از انتخاب این گونه دفاتر به نکات و موارد مهم توجه نمی کنند و تعداد زیادی از آژانس ها هم اطلاعات جامع و کاملی در اختیار مسافران قرار نمی دهند و همین موضوع سبب افزایش نارضایتی و شکایت مسافران می شود. اما همان طور که گفته شده هیچ گونه از این موارد به معنای متخلف بودن آژانس نیست بلکه تنها علت نارضایتی عدم اطلاع رسانی صحیح است. وی افزود: به طور مثال در زمستان سال گذشته (۸۶) به علت بارندگی و برف شدید تمام پروازهای فرودگاه امام و مهرآباد به مدت ۵ روز لغو شد و همین موضوع به دلیل آن که در هیچ یک از موارد قرارداد آژانس ها ذکر نشده بود شکایت زیادی را به دنبال داشت بسیاری از مسافران به علت اطلا ع رسانی ناقص آژانس ها را مصوب این بی نظمی و اختلا ل می دانستند یا چنان چه به هر دلیلی به فردی توسط کشور میزبان ویزا داده نشود هزینه ای که بابت گرفتن ویزا برای آن فرد، توسط آژانس دریافت شده از بین می رود و برگردانده نمی شود.

این هم جزو مواردی است که به علت عدم اطلا ع رسانی صحیح شکایات و اعتراضات فراوانی را اخیرا به دنبال داشته است. عنبری افزود: همراه داشتن انواع داروهای کدئین دار و آرام بخش مانند: استامینوفن و دیازپام ها در فرودگاه برخی از کشورها مانند دبی و امارات به معنای همراه داشتن مواد مخدر تلقی شده و در صورت عدم اطلا ع رسانی قبلی و همراه نداشتن نسخه پزشک دردسرهایی برای مسافر به همراه خواهد داشت.

وی در پایان گفت و گوی خود با مردم سالاری گفت: موارد دیگر از جمله افزایش قیمت پس از بستن قرارداد یا اطلا ع نداشتن مسافران از این که بیمه سفر جزو موارد الزامی است نه اختیاری یا آگاهی از شرایط شهر یا کشور میزبان در بسیاری از مواقع مشکلا ت زیادی را برای مسافران به همراه دارند که ناشی از عدم اطلا ع رسانی صحیح دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری می باشد و همان طور که گفته شد برخلا ف تصور عموم

این شکایت و مشکلا ت در اغلب مواقع به معنای مقصر بودن دفاتر مسافرتی و گردشگری نیست بلکه ناشی از اطلا ع رسانی ناقص است.

- می توان آسوده سفر کرد اگر...

برخلاف باور عموم مردم صرف چاپ آگهی و تبلیغات در مطبوعات یا سایر رسانه ها به معنای داشتن مجوز و فعالیت قانونی یک دفتر خدمات مسافرتی نیست زیرا چه بسا بسیار بوده اند دفاتری که بدون مجوز اقدام به بستن تور و جذب مسافر به صورت غیرقانونی کرده اند و همین امر منجر به نارضایتی و مشکلات فراوانی برای مسافران شده است.

به طور کلی به نظر می رسد مواردی وجود دارد که در صورت توجه کافی به آن می توان سفری شیرین را تجربه کرد. قبل از پرداختن هزینه و سایر مدارک جهت بستن قرارداد ابتدا از مجوز و پروانه آژانس موردنظر از طریق سازمان گردشگری استان تهران مطمئن شده و سپس اقدام به پرداخت هزینه و بستن قرارداد نمایند. همچنین دفتر ملزم به انعقاد قرارداد مکتوب سفر با امضای مدیر دفتر با مسافر است و باید یک نسخه از این قرارداد در اختیار مسافر قرار گیرد، همچنین آگاهی از لزوم بیمه در قرارداد،نوع وسیله سفر، نوع پرواز (چارتر یا غیرچارتر بودن)، درجه قطار و نوع اتوبوس، داشتن راهنمای مورد تایید سازمان، قیمت، مدت و تاریخ رفت و برگشت سفر، درجه و نوع محل اقامت از جمله موارد مهمی است که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد ضمن آنکه باید این انتقاد جدی را به سازمان وارد دانست که چرا در خصوص لزوم آگاهی مسافران از حقوقی که آژانس ها باید در برابر آنها متعهد شوند، اطلاعاتی را در اختیار افکار عمومی قرار نمی دهند... .

منبع : روزنامه مردم سالاری

http://vista.ir/?view=article&id=328826

vista.ir
Online Classified Service

بقاع متبرکه و ضرورت توجه به گردشگری مذهبی

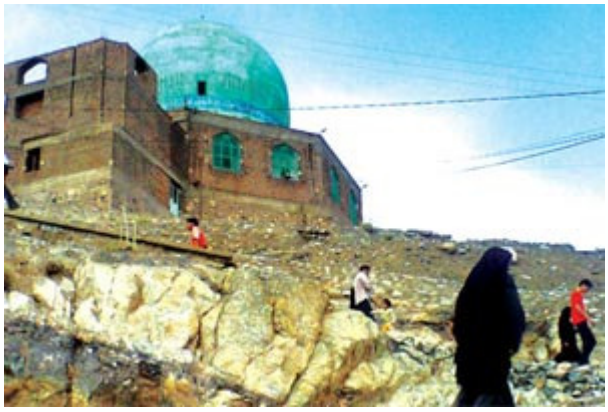

گسترش صنعت گردشگری برای افزایش درآمد کشورهایی که دارای قابلیت های مستعدی در این زمینه هستند، امری ضروری است.در ایران اسلامی نیز چند سالی است که این مهم مورد عنایت قرار گرفته و تاکنون شاهد پیشرفت هایی در این خصوص بوده ایم هر چند مشکلات فراوانی هنوز بعد از گذشت چند سال فعالیت دستگاه های مختلف به خصوص سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در این مورد به چشم می خورد که با همکاری همه دستگاه های مربوط مرتفع خواهد شد.

چندی پیش برای رونق بخشیدن به گردشگری مذهبی تفاهم نامه ای بین روسای سازمان های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و اوقاف و امور خیریه کشور در تهران به امضا رسید که بر اساس مفاد آن قرار است با همکاری این دو سازمان از قابلیت های موجود در بقاع و اماکن متبرکه برای رونق بخشیدن به گردشگری مذهبی استفاده شود.پس از ابلاغ این تفاهم نامه استان ها، قرار است کمیته ای مشترک از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و اداره کل اوقاف و امور خیریه هر استان برای تدوین آئین نامه مربوط تشکیل شود که در استان با انجام این کار امیدواریم اقدامات موثری در این مورد صورت گیرد.استان ما نیز، دارای قابلیت های زیادی در این خصوص می باشد که در صورت توجه به آن می تواند رونق گردشگری نقش مهمی را ایفا کند زیرا در این منطقه بیش از ۲۰۰ بقعه و اماکن متبرکه است که دارای شهرت محلی یا منطقه ای می باشند که از این تعداد، ۶۲ بقعه متبرکه تحت پوشش اداره کل اوقاف و امور خیریه استان در شهرستان های بیرجند، قاینات، نهبندان، سرایان، سربیشه،

فردوس و بشرویه و درمیان هستند.امام زاده سید محمد نقیب در روستای شید بیرجند، امام زادگان حسن و افضل در روستای کومیران قاین، مزار امام زاده سیدحامد علوی روستای چنشت و بی بی زینب خاتون (س) در شهرستان سربیشه از جمله بقاع متبرکه استان می باشند.

در جای جای استان اماکن متبرکه ای با بودن آب و هوای مناسب و چشم اندازهای طبیعی وجود دارد که در حال حاضر پذیرای مسافران و زائران زیادی در طول ایام مختلف سال می باشند.در صورتی که با همکاری سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری و اداره کل اوقاف و امور خیریه، اقدامات موثری برای فراهم کردن امکانات زیارتی و تفریحی در این مناطق صورت گیرد، برای رونق بخشی به گردشگری مذهبی می توان با توجه به وجود جاذبه های موجود در این اماکن از آن ها بهره گرفت و شاهد افزایش مسافران و زائران از این طریق به مناطق مختلف استان باشیم.

- بقعه متبرکه بی بی زینب خاتون (س)

آستانه مبارکه بی بی زینب خاتون (س) مشهور به مزار کاهی در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان بیرجند و در بخش مود شهرستان سربیشه در منطقه ای سرسبز و خوش آب و هوا قرار دارد.بنابر روایات مشهور دختر امام موسی کاظم (ع) در گذر از روستای کاهین به واسطه بیماری دار فانی را وداع و در سرپشته ای در صدف خاک مدفون شده است.ضریح این بقعه متبرکه طرح ضریح مطهر امام رضا(ع) است که در سال ۱۳۸۳ نصب شد.طرح جامع این بقعه متبرکه در سال های اخیر از پیشرفت خوبی برخوردار بوده است و امکانات رفاهی آن در حال حاضر واحدهای زائر سرا، فروشگاه، کشتارگاه، سرویس بهداشتی، مخابرات، وسیله حمل و نقل عمومی و ... می باشد که سالیان حدود ۱۵۰ هزار زائر از نقاط مختلف کشور برای زیارت به این مکان مقدس مشرف می شوند.

- بقعه متبرکه امامزاده سلطان کریم شاه(ع)

این بقعه متبرکه در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی شهرستان سرایان و در روستای کریمو قرار دارد.

بنابر اعتقاد مردم منطقه این امام زاده برادر سلطان محمد عابد کاخک و اولاد امام موسی بن جعفر (ع) می باشد.امام زاده در منطقه ییلاقی و سرسبز با آب و هوای مطبوع قراردارد.ساختمان جدید آن در سال ۱۳۶۲ با زیربنای ۴۰۰ متر مربع احداث شد.طرح جامع آن نیز در زمینی به مساحت ۴ هکتار در حال اجرا می باشد و امکاناتی چون زائر سرا، کتابخانه، فروشگاه، پارک کودک و ... در توسعه ساختمان بقعه در نظر گرفته شده است.

- بقعه متبرکه امام زاده سلطان ابراهیم رضا (ع)

آستان مبارک سلطان ابراهیم رضا در روستای آب گرم گزیک شهرستان درمیان و بر سر پشته ای واقع است.در نزدیکی آن چشمه آب گرمی وجود دارد که برای بهبود بیماری ها نافع است.این امامزاده را از اولاد امام موسی بن جعفر (ع) می دانند.بنای اصلی مقبره مربوط به دوران تیموری می باشد که در دوره های مختلف بازسازی شده است.این بنای تاریخی در فهرست آثار فرهنگی به ثبت رسیده و از لحاظ هنری دارای ویژگی های قابل توجهی است.از جمله در بخش ورودی بنا گره چینی به صورت گچی مشاهده می شود.از مهم ترین اجزای معماری بنا، طاق نماهایی در چهار طرف بنا و گنبد خانه آن می باشد.درهای چوبی بنا آثار ارزشمندی از هنر منبت را در خود جای داده است.بر سطح دیوارهای گنبد خانه تا ارتفاع ۵/۱ متری آثار جالبی از خوشنویسی دیده می شود.بعضی از خطوط دارای تاریخ نگارش ها می باشند و تاریخ تعداد زیادی از آن ها به دوره صفوی بر می گردد.در دیگر نقاط خراسان جنوبی نیز بقاع متبرکه وجود دارد که در فرصت های آتی به معرفی هر یک از آن ها خواهیم پرداخت.

قربانی

منبع : روزنامه خراسان

http://vista.ir/?view=article&id=124916

vista.ir
Online Classified Service

بگو آخر این سفر می رسم کجا

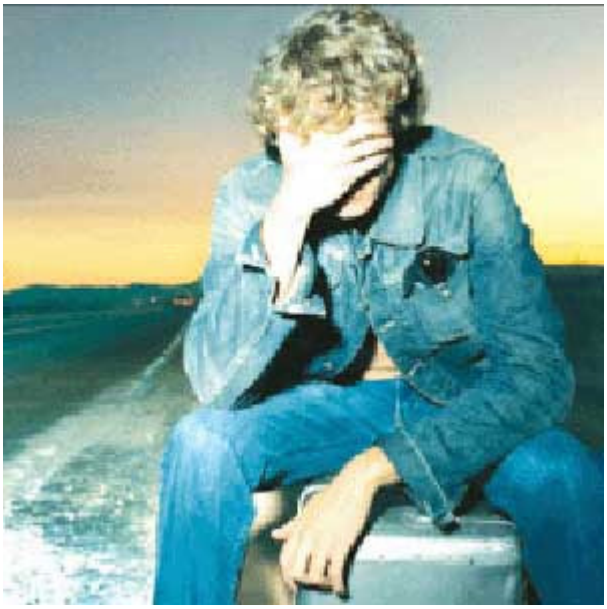

• آثار مهاجرت بر سلامت مهاجران

تحقیقات انجام شده در مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا نشان می‌دهد که مهاجرت هم می‌تواند بیمارمان کند و بر سطح سلامت ما تاثیر بگذارد.

فرزانه فولادبند

خیلی‌ها دوست دارند در وطن خودشان و در همان جایی که به دنیا آمده‌اند زندگی کنند. اما بعضی اوقات افراد به خاطر شرایطی مانند ادامه تحصیل، کار و یا سایر شرایط، گاه با علاقه و گاهی به اجبار، به شهر یا کشور دیگری مهاجرت می‌کنند تا برای مدتی و یا تمام عمر دور از وطنشان زندگی کنند. نتایج تحقیقات انجام شده در مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا نشان می‌دهد که مهاجرت هم می‌تواند بیمارمان کند و بر سطح سلامت ما تاثیر بگذارد.

• مهاجرت و سلامت

از صدها سال پیش با مهاجرت، به عنوان یکی از عوامل کاهش دهنده سلامت جسمی و روحی برخورد شده است. اداره بهداشت عمومی آمریکا زمانی که در سال ۱۹۰۲ تاسیس شد، بزرگ‌ترین وظیفه‌اش قرنطینه کردن و بررسی مهاجران و افراد تازه وارد، از نظر ابتلای‌آنها به بیماری‌های جسمی و روحی بود.برخی کارشناسان می‌گویند <مهاجران گروهی داوطلب هستند که بنا به خواست خودشان باید فشارها و سختی‌های زیادی را برای نقل و انتقال به سرزمین دیگر تحمل کنند.> مهاجرت به طور قطعی بر سطح سلامت جوامع تاثیر می‌گذارد؛ به خصوص وقتی افراد از کشورهایی مهاجرت کرده باشند که بیماری‌های عفونی در کشورشان شیوع داشته باشد.

• تازه‌واردها سالم‌ترند

نتایج تحقیقات در چند دهه اخیر نشان داده است افرادی که در خانواده‌های خارجی مهاجر به آمریکا به دنیا آمده‌اند، نسبت به افرادی که در خانواده‌های بومی آمریکایی به دنیا آمده‌اند، با وجود دسترسی کمترشان به امکانات و مراقبت‌های بهداشتی، سالم تر زندگی کرده و بیشتر عمر می‌کنند.

همچنین مهاجران آسیایی، سفید پوست، سرخ پوست و سیاه پوست به طور متوسط چهار سال بیشتر از سفید پوستان آمریکایی عمر می‌کنند و در طول زندگی‌شان کمتر به بیماری‌های مزمن مانند بیماری‌های عصبی و روانی مبتلا می‌شوند. اما آخرین اطلاعات، در مورد بهداشت و سلامت مهاجران نشان می‌دهد این موضوع با گذشت زمان کاهش پیدا می‌کند.

• دوری از وطن، دوری از سلامت

بر اساس مطالعه جدیدی که توسط مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا صورت گرفته است، با مقایسه سلامت مهاجران و افراد بومی مشخص شده که مهاجران اروپایی بعد از گذشت پنج سال زندگی در آمریکا به سطح سلامتی بیشتری دست پیدا می‌کنند؛ در حالی که در مورد سایر مهاجران عکس این موضوع صادق است. هیچ کس علت دقیق این موضوع را نمی‌داند و دلایل آن هم بسیار پیچیده است.

همین‌طور سرخ پوستان بومی فقیری که تا به حال به پزشك مراجعه نکرده‌اند از سرخ پوست‌هایی که بعد از مهاجرت خانوادهایشان در آمریکا متولد شده‌اند، سالم‌ترند. همچنین ۱۶ درصد سرخ پوست‌های مهاجرکه کمتر از پنج سال در آمریکا زندگی کرده‌اند مشکل چاقی و اضافه وزن دارند؛ در حالی که ۲۲ درصد از سرخ پوستانی که بیشتر از پنج سال در آمریکا زندگی می‌کنند دچار چاقی هستند.

به علاوه میزان ابتلا به فشار خون و بیماری‌های قلبی- عروقی در افرادی که مدت زیادی از مهاجرت آنها گذشته است به دلیل استرس و نداشتن وضعیت مناسب روانی تا حد قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. نتایج یك مطالعه که در هاوایی انجام شده، نشان داده است که سرطان پستان و سرطان روده بزرگ و بیماری‌های قلبی- عروقی در میان ژاپنی‌ها و کره‌ای‌هایی که مدت زیادی از مهاجرت آنها به آمریکا می‌گذرد، بیشتر است. در مجموع، این شرایط زندگی در آمریکا است که آمریکایی‌ها را بیمارتر از دیگران می‌کند و آنها را در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد نرخ فشار خون، چاقی و دیابت در بین آمریکا یی‌ها بالاتر از متوسط جامعه آمریکا است که در نهایت این شرایط سلامت تازه واردان و مهاجران را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد.

• سلامت در وطن

افراد در کشور خودشان بیشتر به سنت‌ها و فرهنگ‌های شان پای‌بند هستند. وابستگی به فرهنگ‌ها و سنت‌هایی مانند ازدواج، پای‌بندی به اصول اخلاقی و زندگی کردن در خانواده‌های بزرگ و با تعداد افراد بیشتر، عدم مصرف مشروبات الکی و مصرف کمتر دارو و چربی، همه رفتارهای سالمی‌هستند که برای حفظ سلامت افراد یك مزیت به حساب می‌آیند. بعد از مهاجرت و با گذشت زمان، افراد بیشتر از فرهنگ و آداب و رسوم خود دور می‌شوند. کار زیاد، تنها زندگی کردن، طلاق و خوردن غذاهای آماده، جای رفتارهای سالم را می‌گیرد. در شرایط برابر، زنان مهاجر در کشور خودشان نسبت به کشور آمریکا کمتر در معرض طلاق و عادات بدی مانند مصرف مشروبات الکلی و کشیدن سیگار قرار می‌گیرند.

• تو با ما فرق داری!

تبعیض و تحمل استرس در روابط و فشارهای روحی که مهاجران به ویژه سرخ پوستان و سیاه پوستان در آمریکا با آن مواجه هستند، یکی دیگر از عواملی است که سلامت این افراد را در معرض خطر قرار می‌دهد. فردی که از شهر و یا کشورش به شهر یا کشور دیگری مهاجرت می‌کند، شرایط سختی را پیش رو دارد و با تغییراتی در زندگی مواجه می‌شود. تفاوت‌های فرهنگی، تفاوت‌هایی مانند تفاوت در زبان و مذهب، تغییر جایگاه و موقعیت فرد در اجتماع، تغییر شغل، دوری از دوستان و اقوام، همه و همه فرد را در معرض استرس قرار می‌دهند. تغییر فرهنگ و پذیرفتن فرهنگ زندگی در آمریکا سبب می‌شود سلامتی افراد به کمتر از متوسط سلامت در نژادشان نزول کند. مشکل پایین آمدن سطح سلامت به دنبال مهاجرت، تنها در آمریکا مطرح نیست. در کانادا که تضاد و تعارض بین بومی‌ها و مهاجران کمتر از آمریکا است، باز هم همین مشکل وجود دارد (در کانادا ۲۰ درصد جمعیت مهاجر هستند و در آمریکا ۱۲ درصد جمعیت را مهاجران تشکیل می‌دهند.) وضعیت سلامت مهاجران سفید پوست در کانادا بهتر از سیاه‌پوست‌ها است و مدت بیشتری سلامت‌شان را حفظ می‌کنند که به نظر می‌رسد رژیم بد غذایی و ورزش نکردن دلیل این اختلاف باشد اما به هر حال وضعیت برخورداری و دسترسی امکانات بهداشتی برای مهاجران در کانادا بهتر از آمریکا است.

• کوچولوهای اسرارآمیز

در نهایت ممکن است ژن‌ها، بهترین دلیل برای کاهش سطح سلامت مهاجران به کشورهای پیشرفته باشند. مطالعات و تحقیقات در زمینه ژنتیك نشان داده است که افراد لاتین، سیاه پوست‌ها و ساکنان شرق آسیا بیشتر به دیابت و فشار خون مبتلا می‌شوند. فرض بر این است که بدن افرادی که در مناطق فقیر دنیا زندگی می‌کنند با شرایط جدید سازگاری ندارد و هنگام پیروی از رژیم‌های غذایی کشورهای پیشرفته (با مصرف زیاد کربوهیدرات و پروتئین) بیشتر دچار چاقی و مشکلات متابولیسمی می‌شوند.

• تلاش برای حفظ سلامتی

با توجه به آنچه در مطالعات مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا و سایر اطلاعات بهداشتی موجود در زمینه سلامت مهاجران انجام شده، واضح است که تمام عوامل و شرایطی که به مرور زمان فرد را بیمار می‌کند، در اثر کارها و رفتارهایی ایجاد می‌شود که این افراد می‌توانستند انجام ندهند.

به طور کلی، ورزش کردن، پیروی از رژیم غذایی مناسب و نیز مصرف نکردن سیگار و مشروبات الکلی در حفظ سلامت همه افراد از جمله مهاجرین بسیار موثر است.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=247614

vista.ir
Online Classified Service

بنای زیرزمینی زیبای ایتالیا، تعداد عجایب جهان را به عدد ۸ رساند

در دامنه کوه آلپ در شمال ایتالیا، در ۳۰ مایلی شهر باستانی تورین، در دره‌ای به نام Valchiusella، روستایی وجود دارد که قدمت آن به قرون وسطی می‌رسد، این دهکده منظره‌ای چشم‌نواز دارد، اما بنای عجیبی که در عنوان این پست به آن اشاره شده، در زیر زمین و در دل یک صخره بزرگ قرار دارد.

۳۰ متر زیر سطح زمین و پنهان از چشم مردم، بنایی عجیب قرار دارد که آن را می‌توان با شهر افسانه‌ای آتلانتیس مقایسه کرد و لقب هشتمین بنای عجیب دنیا را به آن داد.

این بنای زیرزمینی شامل ۹ معبد حیرت‌انگیز در ۵ طبقه است که ابعاد و زیبایی آن، نفس را در سینه حبس می‌کند.

این ساختمان را می‌توان به یک کتاب سه‌بعدی تشبیه کرد که تاریخ بشریت را روایت می‌کند. معبدها به وسیله تونل‌های به شدت آراسته‌ای به هم متصل شده‌اند. حجم این تونل‌ها به ۳۰۰ هزار فوت مکعب می‌رسد. اما، تنها عده کمی اجازه بازدید از این بنای شگفت‌انگیز را دارند.

جالب است بدانید که دولت ایتالیا تنها چند سال است که از وجود چنین بنایی مطلع شده است.

اگر تا اینجای پست را خوانده باشید، شاید تصور کنید که این معبد که معبد Damanhur نام دارند، به جا مانده از یک تمدن قدیمی است. ولی اینطور نیست!

این بنا، حاصل کار یک دلال سابق بیمه است. در ابتدای دهه ۶۰ میلادی وقتی «اوبرتو آیرودی» Oberto Airaudi ده ساله بود، دچار تجربه‌های دیداری عجیبی می‌شد ،او تصاویر عجیبی می‌دید که فکر می‌کرد مربوط به زندگی گذشتگان و معابد حیرت‌انگیز باشد.

اوبرتو توانایی‌های ماوراء طبیعی داشت، او می‌توانست مناظر دور را ببیند و جزئیات ساختمانی هر بنایی را تصور کند.

سرانجام او تصمیم گرفت که تصوراتش را به واقعیت تبدیل کند. اوبرتو که دوست دارد «فالکو» خطاب شود، شروع کرد به کندن یک حفره آزمایشی در زیر خانه والدینش تا از اصول حفاری سر دربیاورد. در سال ۱۹۷۷ اوبرتو، جای مناسب برای ساختن معبدش پیدا کرد و خانه ای در آنجا ساخت.

شیشه‌کاری سقف تالار آینه‌ها

تالار آینه‌ها

در آگوست ۱۹۷۹، اوبرتو به همراه چند نفر از دوستانش کار حفر کردن معابد را آغاز کردند. نام Damanhur از نام معبد زیرزمینی مصریان گرفته شده که معنی شهر نور را می‌دهد.

از آنجا که آنها اجازه رسمی برای ساخت چنین ساختمانی نگرفته بودند، تنها افراد محدودی با افکار نزدیک به خودشان را از ایجاد این بنا آگاه کردند. داوطلبانی از همه کشورهای جهان به مدت ۱۶ سال، در ۴ شیفت کاری روزانه مشغول حفاری و ساخت این معبد شدند. آنها بدون اینکه نقشه از قبل طراحی‌شده‌ای برای معبد داشته باشند، تنها به طرح‌ها و تصورات اوبرتو متکی بودند.

در سال ۹۱ کار ساخت چندین معبد از معابد ۹ گانه تقریبا به اتمام رسید. سطح دیوارها با نقاشی‌ها ، کاشی‌ها، تندیس‌ها و درهای مخفی و پنجره‌هایی با شیشه رنگی پوشیده شد.

تالار کره‌ها

اما در این زمان دیگر کار آنها از حالت سری خارج شده بود. نخستین بار پلیس به خاطر فرار از پرداخت مالیات مزاحم اوبرتو شد ولی یک سال بعد تهدید پلیس جدی‌تر بود، آنها اوبرتو را تهدید کردند که یا به پلیس اجازه بازرسی بدهد و یا کل بنا را دینامیت نابود خواهند کرد.

دادستان منطقه همراه سه پلیس با تردید وارد بنا شدند و به مجرد وارد شدن به نخستین معبد به نام تالار زمین، دهانشان از تعجب بازماند.

مقامات سعی کردند که این بنا را به نفع دولت ضبط کنند. به گروه گفته شد که کار روی تزئینات داخلی را ادمه دهند ولی معبد دیگری حفر نکنند.

امروزه کسانی که در ساختن معبد Damanhur مشارکت داشتند، دانشگاه، مدرسه، سوپرمارکت و مزارع اختصاصی خودشان را دارند. البته آنها رهبر معنوی خود را پرستش نمی کنند و از معابد تنها به منظور مراقبه گروهی استفاده می‌کنند.

فالکو می گوید: «این معابد به انسان‌ها یادآوری می‌کنند که هر کس توانایی‌هایی بیشتر از حد ادراکش را دارد و اگر بدانیم چگونه به گنجینه‌های نهان اندرونمان برسیم، می‌توانیم به آنها دسترسی پیدا کنیم.»

http://vista.ir/?view=article&id=285732

بودروم

هومروس Homeros در توصیف بودروم آن را سرزمین آبی های ابدی خوانده و جواد شاکر نیز گفته است که به جای آنکه در مکانی غرق در نور بخوابید ، در اینجا غرق در نور زندگی کنید. در طول تاریخ ، بودروم که در گذشته Hali Karnassosخوانده می شد همیشه صحنه مبارزه برای حاکمیت بر این دیار بوده است.

بودروم بروی یک شبه جزیره بوجود آمده از ادغام بنا در شرق و غرب با قلعه بلند ، خانه های سفید رنگ ردیف شده در کناره های دو بندر ، گنبدها و کوچه های تنگ منتهی به دریا با کشتی های تفریحی که شهرت جهانی یافته اند و نیز با کارخانه های کشتی سازی خود یک سرزمین مشهور شده است.

امروزه بودروم ، همه عناصر و عوامل لازم و قابل انتظار برای یک منطقه توریستی را در خود جمع کرده یکی از مراکز مهم گردشگری است که در تابستان و زمستان قابل زندگی است. از صاحبان کشتی های تفریحی ثروتمند تا گردشگرانی که با بودجه محدود خود از چهار گوشه جهان به اینجا سرازیر می شوند و تعطیلات طولانی تابستانی خود را میگذرانند ، همه و همه و با هر بودجه ای انتظارات خود را بر آورده شده می بینند.

- تاریخ بودروم :

بودروم در گذشته مهد تمدنهای بسیاری بوده است . بودروم که در طول قرون گذشته مورد تعرض و اشغال بسیاری که از جزایر دریای اژه می آمدند یکی از مراکز بسیار مهم محسوب می شد.در منطقه بین &onia;۳۰۴# و Karia ، Likia که نسبت به سایرین کوچکتر است قرار دارد.

بودروم (Hali Karnassos) یکی از شهرهای مهم کاریا شد.این منطقه ، افراد مشهوری همچون مورخ نامدار هرودوت اولین دریاسالار زنArtemisia اول و Artemisia دوم و هنرمندانی چون Leachares و Shepas را پرورش داده است.

بودروم در طول تاریخ تحت حاکمیت پرسها ، مقدونیه ای ها ، امپراتوری های روم و بیزانس بوده است . بیزانس در سال ۱۰۷۱ در مالازگیرت پس از شکست از آلپ ارسلان سلطان سلجوقی ، حاکمیت خود بروی آناطولی را از دست داده است . از سوی سلطان عثمانی محمد چلبی در سال ۱۴۱۵ در Halikarnassos سکونت داده شده است . شوالیه های رودوسRodos قلعه بودروم امروزی را ساخته و منطقه را تحت حاکمیت خود قرار داده اند. سلطان سلیمان قانونی که دریای مدیترانه را بصورت یک دریاچه ترک در آورده است در طی سفر خود به Rodos در سال ۱۵۲۲ همراه با Rodos بودروم را هم به سرزمین عثمانی اضافه کرده است.

- آب و هوا :

زمستانهایی معتدل و بارانی و تابستانهای گرم و خشک دارد. لیکن نسیم بعد از ظهری در تابستان ها ، کمی از شدت گرما می کاهد .

- راه ارتباطی :

▪ جاده زمینی :

از هر نقطه کشور می توان با اتوبوس به این شهر سفر کرد. ترمینال اتوبوسرانی در مرکز شهر قرار دارد.

ـ تلفن ترمینال : ۳۱۶۲۶۳۷ (۰۰۹۰۲۵۲)

▪ راه دریایی :

به جزایر یونانی استانکوی و رودوس سفرهای منظم دریایی برقرار است . از بودروم به داتچا ، دیدیم و دالیان نیز ارتباط دریایی وجود دارد. محل حرکت کشتی و اتوبوسهای دریایی ، بندر اصلی است .

آژانس کشتی بودروم ۳۱۶۰۸۸۲ (۰۰۹۰۲۵۲)

اتوبوس دریایی بودروم ۳۱۶۱۰۸۷ (۰۰۹۰۲۵۲)

▪ مسیر هوایی :

فرودگاه میلاس - بودروم در ۳۰ کیلومتری مرکز شهر است . در اینجا نیز سرویس های هواپیمایی ترکیه و تاکسی وجود دارد.

ـ تلفن فرودگاه : ۵۲۳۰۱۰۱ (۰۰۹۰۲۵۲)

● اماکن دیدنی :

▪ شهرهای باستانی

▪ تئاتر باستانی :

به روی جاده بودروم - تورگوت رئیس واقع شده است . در حفاری های انجام یافته سن تئاتر بیرون آورده شده و محلهای نشستن بازسازی شده است. ظرفیت این تاتر ۱۳۰۰۰ نفر می باشد.

▪ گور سنگها :

در بالای تاتر و دامنه قرار داشته و متعلق به دوران Helenisti و روم می باشد.

▪ درب Myndos :

یکی از دربهای ورودی hali Karnossos بوده است که در غرب شهر قرار دارد . درب میندوس از دو برج تاریخی و یک شبستان داخلی که درب ورودی به شهر که در پشت آن جای داشته تشکیل شده است . بازسازی مرحله اول برج و حصارهایی که در شمال این درب قرار دارند در سال ۱۹۹۹ به پایان رسیده است .

▪ قلعه چیفیت (As Pat) :

در جنوب غربی شبه جزیره و در نزدیکی منطقه باغلا بروی تخته سنگها ساخته شده و آثار تمدنهای مختلف را در خود جای داده است.

● شهرهای باستانی :

شهرهای باستانی شبه جزیره عبارتند از میندوس (Myndos) ، ترمه نا ، تلمیسوس ، کادی یاندا و . theangela

▪ Stratonikeia :

خرابه های موجود در روستای اسکی حصار بروی جاده یاتاغان - میلاس با آثار فراوان باقیمانده خود به دوران کاریا (Karia) ، روم و بیزانس تعلق دارد.

▪ Lagina :

در کیلومتر ۹ جاده خاکی منتهی به عبادتگاه Hekate واقع در منطقه تورگوت از توابع یاتاغان ساخته شده است. در حفاری های انجام یافته مشخص شده که لاگینا که یکی از مراکز مهم کاریا بوده است از عصر برنز یکی از مکانهای مسکونی بوده است.

▪ Sedir Adeun :

جزیره Sedir که از آک یاکا - گوک اوا و یا از چاملی کوی می توان از طریق دریا به آن سفر کرد بواسطه زیباییهای طبیعی و تاریخی یکی از مراکز جذاب منطقه است . پرستشگاه آپولو ، تئاتر و بندر آنتیک از اولین مکانهای قابل دیدن در این جزیره است . پلاژ معروف کلئوپاترا نیز در این جزیره قرار دارد.

● آب انبارها :

تقریبا" در همه جای شبه جزیره آب انبارهای ساخته شده در دوران عثمانی که امروزه بنام گونبت معروف شده است دیده می شود . در دوران خود از سوی افراد ثروتمند و بنام خودشان ساخته شده است.

● قلعه ها :

▪ قلعه ببودروم (Saint Petrum) :

در قرن پانزدهم میلادی از سوی شوالیه های رودوس و بنام پتر Peter St. در طی ۹۹ سال ساخته شده است . در اولین مکان تاسیس Hali Kanassos و به روی جزیره Zephyrion ساخته شده است . در هنگام ساخت این قلعه سنگهای آرامگاه Mau solos در دیوارهای قلعه مورد استفاده قرار گرفته است. در دوران عثمانی با اضافه کردن یک مناره به کلیسای داخل آن به یک مسجد تبدیل گردیده است . همچنین یک حمام کوچک ترک نیز ساخته شده است . این قلعه که در سال ۱۵۹۵ بعنوان زندان مورد استفاده قرار می گرفت امروزه بصورت موزه در آمده است. وسعت این قلعه حدود ۳۰۰۰۰ متر مربع بوده و دارای ۵ برج می باشد. این برجها ، برجهای فرانسوی ، انگلیسی ، ایتالیایی ، آلمانی و نیز برج مار است.

- مساجد و آرامگاهها :

▪ مسجد مصطفی پاشا :

هنگامیکه مصطفی پاشا برای ساخت یک کارخانه کشتی سازی به بودروم آمده بود در سال ۱۷۲۳ این مسجد را ساخته است.

▪ مسجد تپه جیک (Tepecik) :

از سوی مباشر مصطفی پاشا بنام حمام آغا ساخته شده است .

▪ مسجد عدلیه :

با پولهای ارسالی از طرف عبدالحمید دوم و پولهای جمع آوری شده از مردم در سال ۱۹۰۱ ساخته شده است .

آرامگاه سالدیر شاه خراسانی ، آرامگاه گنبدی ، آرامگاه مصطفی پاشا شامل قبور مصطفی پاشا و کاپیتان دریا جعفر پاشا ، آرامگاه کویون بابا نیز از اماکن دیدنی منطقه است .

- مراکز تفریحی :

بودروم یکی از مهمترین شهرهای تفریحی سواحل دریای اژه می باشد. علاوه بر جنب و جوشی که در همه ساعات روز وجود دارد ، جذابیت شبهای بودروم نیز از ویژگیهای این شهر است . در خیابان جمهوریت که از میدان اسکله آغاز و تا انتهای محله کوم باغچه ادامه می یابد بویژه در شبهای تابستان مملو از میخانه ، دیسکو ، بارها و کازینوهایی می باشد که امکان تفریحی برای همه گروههای سنی را فراهم می آورد. در شبهای اسرار آمیز بودروم ، منظره قلعه که همانند یک طلسم باقیمانده از قرون گذشته میدرخشد، زیبایی خاصی به شبهای بودروم می بخشد. علاوه بر بارهایی که در خیابان جمهوریت وجود دارد در کوچه بانک و داخل بندر نیز مراکز جاز گرفته تا موسیقی میخانه ای در آن به گوش می رسد. بودروم شبهای بسیار جذاب و جالبی را می گذراند.

- توریزم کشتیهای تفریحی :

بودروم ، مرکز توریزم کشتیهای تفریحی شامل ساخت ،تعمیر و نگهداری و بهره برداری است .ساخت قایقها به مدل کرجی در کارخانه کشتی سازی ایچملر که اکنون نام آن به شهر بودروم عجین گشته ، همانند گذشته ادامه دارد.

در این تاسیسات که خود به اندازه کارخانه می باشد با تکنولوژی مدرن کشتی های تفریحی بادبانی بسیار لوکس بطول ۳۰ متر تولید می شود.

در بودروم یک لنگرگاه کشتی به ظرفیت ۲۷۵ کشتی قرار دارد . همچنین در ۱۲ منطقه نیز خدمات مربوط به تعمیر و نگهداری کشتی ها انجام میگیرد.

مسابقات قایق سواری بودروم ، شاید تنها مسابقه ای در نوع خود در جهان می باشد که افراد بی تجربه و حتی نوزادان می توانند در آن شرکت کنند. مسابقه بودروم کاپ (Bodrum-Cup) مسابقه ای است که کرجی ها ۳۰-۱۵ متری لوکس در آن شرکت میکنند . متقاضیان می توانند شخصا" در مسابقه شرکت کنند و یا این کار را به کارگران کشتی سپرده و خود از زیباییهای محیط لذت ببرند.

- سفر آبی :

خلیج گوک اوا که از بودروم بطرف جنوب شرقی امتداد می یابد بعنوان مسیر یک سفر دریایی که از طرف ماهیگیرآلکارناس و عذرا ارهات کشف شده از آن زمان تا کنون با عنوان سفر آبی نام گذاری شده است.

هنگامیکه قایقها از بودروم بطرف گوک اوا حرکت میکنند ، آهنگ سبز و آبی را و زیبایی های زیر آبهای شفاف را کشف میکنند. دریانوردی و ساخت قایق از صدها سال پیش در بودروم مرسوم بوده و با نیاز گردشگران افزایش یافته است . اکنون توریزم کشتی تفریحی یکی از منابع مهم درآمد بودروم شده است . اماکنی مانند کارا آرا (جزیره سیاه)کارا گاجیک ، پابوچ بورنو ، جزیره کارگی ، آلا کیشلا و چوکرتمه از اولین مکانهایی است که در هنگام سفر آبی دیده میشوند . ایستگاههایی مانند کوچوک چاتی ، بیوک چاتی ، هفت جزیره ، لونگوز ، دگیرمن ، کاراجا سووت دارای آبی

بسیار تمیز است . علاوه بر زیبایی های طبیعی ، جزیره سدیر Sedir ، شهر باستانی کراموس و هفت جزیره نیز از اماکن تاریخی جالب توجه است . برای دیدن این همه زیبایی می باید ۱۰-۷ روز فرصت داشت .

- پلاژها :

▪ Guverc&#۳۰۵;nl&#۳۰۵;k گوورجینلیک :

در ۲۵ کیلومتری بودروم قرار دارد که با زیبایی های طبیعی و تداخل رنگهای سبز و آبی ، علاوه بر اشباع نشدنی ، با جزیره صالح که در مقابل خود دارد جاذبه بی نظیری پیدا کرده است .

▪ توربا :

روستای آرامی در ۵ کیلومتری بودروم است. از توربا که یک روستای شیرین و پرجنب و جوش با دریایی بسیار تمیز و شفاف و درختان همیشه سرسبز کاج و زیتون است میتوان از طریق دریا به دیدیم ، میلت و پری انه (Priene) تورهای تفریحی برگزار نمود.

▪ گول کوی :

در ۱۳ کیلومتری شمال بوردوم واقع شده و با درختان کاج ، نارنگی و غیره که بوسه بر ساحل دریا می زنند یکی از مناطق خارق العاده این شهر است.

▪ گون دوغان :

گردشگاه گون دوغان که زیبایی طبیعی خود را کاملا" حفظ کرده و دست کمتر انسانی به آن رسیده در ۱۸ کیلومتری بوردوم قرار داشته و باغات نارنگی آن مشهور است.

▪ یالی کاواک :

این روستا که در ۱۸ کیلومتری بودروم قرار دارد در شمال غربی شبه جزیره واقع شده است . آسیابهای بادی ، دریا ، ماهی و نارنج آن بسیار مشهور است . یکی دیگر از ویژگیهای این روستا نیز پرورش مشهورترین ابرفروشان کشور است .

▪ گوموشلوک :

یکی از قدیمی ترین واحدهای مسکونی شبه جزیره است.در این منطقه و در ناحیه ای که جزیره تاوشان را به زمین متصل میکند آثار باقیمانده از بندر قدیمی را می توان مشاهده نمود. گوموشلوک دریای تمیز و ماهی آن مشهور است با زیبایی های طبیعی خود بسیار جذاب است .

▪ قلعه قاضی :

قلعه قاضی که با دریا و باغات نارنج محصور شده در ۲۳ کیلومتری بودروم واقع شده است و نام خود را از باقیمانده قلعه که نمونه جالبی از معماری دوره Helenisti است گرفته است .

▪ تورگوت رئیس :

این روستا که نام خود را از دریانورد مشهور ترکیه بنام دریاسالار تورگوت رئیس گرفته پس از بودروم شلوغترین و پر جمعیت ترین منطقه مسکونی شبه جزیره است . این روستا که باغات نارنگی آن مشهور است یکی از مکانهایی است که زیبایی غروب آفتاب را به وضوح می توان مشاهده کرد .

▪ آک یارلار :

این گردشگاه که دارای آب بسیار تمیز و ساحل شنی ایده آلی است در ۱۳ کیلومتری بودروم قرار دارد. نام قدیمی آن Arhialla بوده و برای ورزش Sorf مکان بسیار مناسبی است.

▪ باغلا :

دارای یکی از زیباترین گردشگاه و پلاژهای شبه جزیره است که در ۱۴ کیلومتری بوردوم واقع شده است و مکان مناسبی برای کمپ می باشد.

▪ آسپات :

نام قدیمی آسپات که در ترانه های بسیار نیز آورده شده آسپارتوس(Aspartos) است . پس از باغلا و در منطقه مرتفع از ساحل دریا ، آثار باقیمانده از تمدنهای مختلف عصر کلاسیک را می توان مشاهده نمود.

▪ اورتاکنت :

اورتاکنت که آب دریای معتدل و باغات نارنگی خود شهرت یافته در ۱۴ کیلومتری بودروم قرار داشته و مناسبترین مکان برای مشاهده زندگی

روستایی در منطقه بودروم است .

▪ Bitez :

در ۱۰ کیلومتری بودروم قرار داشته و با باغات نارنگی که اراضی بین روستا و دریا را پوشانیده یکی از مناطق بسیار زیبایی است که رنگ سبز طبیعت و آبی دریا را در کنار هم به تماشا گذاشته است .

▪ کارا آوا (جزیره سیاه) :

این جزیره که در ۶ کیلومتری بودروم قرار دارد با آب گرم شفابخش خود مشهور است . این آب از یک غار طبیعی سرازیر می شود و نیز گل حاصله از غار در درمان بسیاری از بیماریها موثر می باشد.

▪ آدابغازی (اکواریوم) :

بواسطه شفافیت آب آن ، نام آن را آکواریوم گذارده اند . در کناره این دریا و تا عمق ۳۰ متری می توان زیبایی های کف دریا را با چشم غیر مسلح تماشا کرد.

▪ خانه های سنتی بوردوم :

ویژگیهای مشترک معماری سنتی بودروم ، طبقات ورودی بدون پنجره ، دربهای طبقه دوم و پلکانهای داخلی و یا ورود با پل ها می باشد. این خانه ها که بر اساس قانون تحت حفاظت قرار گرفته اند در مرکز ، در اورتاکنت ، گوموشلوک (در روستای کوجا کایا) به وفور دیده میشوند. شخصیت های هنری و ادبی که در این مکان سکونت می نمایند این خانه ها را بازسازی کرده و جذابیت خاصی به بودروم می بخشند.

● موزه ها :

▪ موزه باستان شناسی زیر زمینی (زیر آبی) بودروم :

امروزه در نوع خود یکی از بزرگترین و مهمترین موزه های جهان است آثار بدست آمده از حفاریهایی از سال ۱۹۶۰ آغاز شده در این موزه که در قلعه بودروم ساخته شده قرار گرفته و به نمایش گذارده شده است. در این موزه آلبوم Amphora مدیترانه شرقی ، آثار بدست آمده از تحقیقات انجام یافته در مردابهای نزدیک بودروم به نمایش گذاشته شده است . مردابهای این منطقه شامل یاسی آوا ، شیطان دره سی ، بندر سرچه می باشد. مشاهده قدیمی ترین کشتی غرق شده جهان نیز از آثار جالب توجه منطقه است.

ـ تلفن قلعه بودروم : ۳۱۶۱۰۹۵ (۰۰۹۰۲۵۲)

ـ روزهای بازدید : همه روزها بغیر از دوشنبه ها

ـ ساعات بازدید : ۱۰ الی ۱۲ و ۱۴ الی ۱۸

▪ موزه روباز Mausoleion :

بعلت قرار داشتن گور Mausoleion از پادشاهان کاریا به این نام خوانده میشود و این بنای یادبود که بر اثر زلزله بزرگ آناطولی کاملا" تخریب و از بین رفته و یکی از عجایب هفتگانه جهان به شمار می رفت امروزه یک موزه کوچک ساخته شده است. کلمه Mozele (آرامگاه) که امروزه مورد استفاده قرار میگیرد از نام پادشاهMausoleion گرفته شده است . اکثر سنگهای مربوط به Mausoleion در ساخت قلعه بودروم بکار رفته و قطعات زیبای منقوش آن نیز در هنگام حفاری های قرن ۱۹ از سوی انگلیسی ها به موزه بریتانیا منتقل شده است.

● خوردنیها :

مزه ای بنام کوپ اوغلی که با ماست تهیه میشود ،دلمه گل کدو ، مربای برگاموت ، روغن چای سبز از خوراکی های محلی است.

● خریدنی ها :

صنایع دستی در بودروم بسیار توسعه یافته است . پوشاک چرم ، بافتنی ها ، منجوق ، زینت آلات نقره ای، سوزن دوزی ها و لوازم دکوری تولیدی در بودروم را می توان از فروشگاه های جاده بین میدان اسکله تا دیسکو Halikarnas خریداری کرد. صندلهای بودروم شهرت جهانی دارد .

بازار بودروم یکی از مرتکز ایده آل برای خرید و فروش است .در بودروم و اطراف آن ۶ روز در هفته بازارهای محلی که در آنها از میوه تا خشکبار و بقولی از شیر مرغ تا جان آدمیزاد عرضه میشود برپا میشود .پارچه های ۱۰۰% دستباف میلاس(Milas) و رومیزی و پرده و لباس و بافتنی های دکوری تهیه شده از این پارچه ها را می توان از این بازارها خریداری کرد.

▪ بدون دیدن برنگرد

- بدون دیدن قلعه بودروم و موزه زیز زمینی

- بدون رفتن به سه شنبه بازار
- بدون شرکت در گشت های روزانه دریایی با قایق
- بدون گشت دریایی حتی کوتاه مدت
- بدون مشاهده بودروم از تاتر باستانی
- بدون رفتن به بارهای بودروم
- بدون خوردن ماهی در گوموشلوک
- بدون خوردن بوبرک آب پز مدل بودروم
- بدون خوردن دلمه گل کدو و قورمه سبزی تند
- بدون خریدن منجق بودروم و بافتنی

برنگردید.

▪ تلفنهای ضروری

ـ فرمانداری : ۳۱۶۱۰۰۱ (۰۰۹۰۲۵۲)

ـ شهرداری : ۳۱۶۱۰۰۹ (۰۰۹۰۲۵۲)

ـ اداره اطلاعات توریستی : ۳۱۶۱۰۹۱ (۰۰۹۰۲۵۲)

ـ پلیس : ۳۱۶۸۰۸۰ (۰۰۹۰۲۵۲)

ـ بیمارستان : ۳۱۳۱۴۳۰(۰۰۹۰۲۵۲)

منبع : سایت سفارت ترکیه

http://vista.ir/?view=article&id=340328

vista.ir
Online Classified Service

بوی کوچ، بوی سفر، بوی راه!

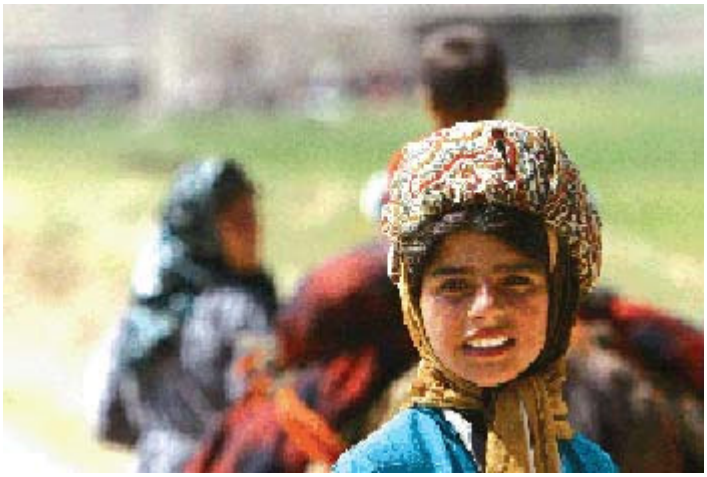

درست به کردار علف می‌ماند. چیزی مثل ذات رویش. مثل یک وسوسه ناپیدا در سودای جانی که خسته می‌شود به گرمسیر تنبلی‌ها و نشستن‌ها. و بی تاب می‌شود با یک کلمه رفتن. کوتاه است و بس کافی برای هر که پنبه جانش به روغن چراغی آغشته باشد. خود کبریت است برای انبار جانی که تو باشی.

شوق در قلمه پاها بالا می‌دود و خون سرازیر می‌شود در کف پاها تا آن گونه توان یابد که باید و بایست. چیزی مثل یک انگشت اشاره در جانت دوردست‌ها را نشانت می‌دهد و سر بالایی‌های سخت راه از پنیر نرمتر است و سر به زیرتر.

از پشت دره‌های دور اندیکا بی‌بی سالخورده بر سر دیواره خانه‌ای توسری خورده و خرد، دست‌ها سایبان کرده و دور دست‌های شمال را می‌نگرد. چشمان خسته و دیر زیستش اکنون جان یافته و چونان

عقابی سالخورده کوه‌ها را می‌کاود. او که به گاه رشتن و بافتن چشمش به رنگ‌ها راه نمی‌برد چه مشتاق اکنون برف را بر سره‌های دوردست زردکوه می‌بیند.

پس کمر راست می‌کند و با صدایی که ازسالخوردگی‌های دیر زیستانه‌اش بعید است فریاد می‌کند که: "آی کارد به جگر رسیده‌ها! بار کنید که وقت کوچه! هر سال که از کوچ برمی‌گردم یقین دارم که سال بعد باز هم با سیاست‌هایی که دولت در زمینه عشایر به کار می‌گیرد، از میزان مردمان کوچگر این سرزمین بخش زیادی کاسته و به میزان یکجانشینان این سرزمین افزوده خواهد شد.

یکجانشینانی که به دلیل همان سیاست‌های ناآگاهانه و گاه عامدانه مردمان مولد را به مصرف‌کنندگانی تبدیل خواهد کرد که در حاشیه شهرهای بزرگ به حاشیه‌نشینی خواهند پرداخت وتا چند سالی دیگر جز در رویاهای پیران کوچگر نیز دیگر شاید نشانی از کوچ نیابیم.

زیباست واژه‌هایی که خود ایشان به کار می‌گیرند در گروه‌بندی‌ها و تقسیماتشان: بادی و خاکی !یکجانشینان را خاکی و وابستگان به خاک می‌نامند آنان که دل به کشت و زرعی خرد در حاشیه روستاهای توسری خورده بسته‌اند و با فروش جالیز و پالیزشان روزگار می‌گذرانند و بادی‌ها همان آنان‌اند که دل به خاک نبسته و این گونه بر باد می‌روند. دیگر اینان که در راه‌ها می‌روند دیگر دل به ایلراه‌ها نمی‌سپارند بلکه خط سیاه آسفالت را چون شریانی که آن‌ها را به شهرها می‌کشاند پی می‌گیرند.

در این مسیر جز در مقطعی کوتاه در حوالی دهدز همه ایلات بختیاری از راهی و پلی گذر می‌کردند که تشکیلات دولتی و با همیاری وزارت نیرو و سد کارون سه برایشان فراهم کرده بودند. گو اینکه به پاداش سدی که ساخته‌اند تا از آن برق بفروشند بخش قابل ملاحظه‌ای از مراتع ایل با همه شیرهای سنگی‌اش تنها یادگار سرزمین شیرمردان و علیمردان خان نیز به زیر آب کشیده شد. پس بختیاری این بار نه تنها که بر باد بلکه بر آب نیز رفت!

عکس‌ها در اواخر فروردین ماه گرفته شده و نشان از کوچ زودرسی دارد به رغم باران فراوان در گرمسیر حتی. و علی رغم دستور اکید سازمان عشایری و جنگل‌ها و مراتع که اعلام کرده بودند تا پایان اردیبهشت ماه سال جاری هیچ ایلاتی حق ورود به مناطق ییلاقی را ندارد و گرنه از بابت هر راس گوسفند و بز دستگیر شده در ییلاق از هشت تا سی هزار تومان جریمه می‌شوند، چون که سودای کوچ در سر داشتند و هنوز دل بر باد بهار بسته بودند بی‌اندیشه‌ای به بخشنامه دولتمردان به راه زدند و حال که ما عکس‌هایشان را تماشا می‌کنیم در ییلاق‌های سبز زردکوه مزه تازه ترین پونه‌های کوهی را مزمزه می‌کنند، شیر میش می‌نوشند و به وربره‌ها و بزغاله‌ها دل خوش می‌دارند و... همین!

منبع : ماهنامه سفر

http://vista.ir/?view=article&id=277225

vista.ir
Online Classified Service

به دنبال کدام ستاره؟

نظرات پزشکان جوان ایرانی که در داخل یا خارج کشور مشغول تحصیل یا کار هستند را در مورد مهاجرت بیان می‌کند. این مطالب تنها بازتابی از عقاید شخصی تعداد معدودی از همکاران است

- مرتضی دانائیان، اینترن دانشگاه شهید بهشتی

مرتضی دانائیان که ماه‌های آخر اینترنی خود را می‌گذراند و از حالا خود را برای آزمون دستیاری اسفند ماه آماده می‌کند اینگونه اظهارنظر می‌کند: «یاری اندر کس نمی‌بینم یاران را چه شد/ دوستی که آخر آمد دوستداران را

چه شد». «به نظر من به دلیل اینکه جو مبتلا به جامعه کنونی ما، خواسته یا ناخواسته، جو نخبه‌کشی و منزوی کردن جامعه فرهیختگان است، باوجود اینکه بنده شرایط رفتن از ایران جهت ادامه تحصیل در خارج از کشور را ندارم و میل باطنی‌ام نیز ماندن و سوختن و ساختن است؛ ولی معتقدم نمی‌توان به همکاران محترمی که جهت ادامه تحصیل یا حتی ادامه زندگی به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند خرده‌ای گرفت.»

- نام محفوظ ، پزشک عمومی

این پزشک عمومی که رتبه خوب ۲۰۲ را در آزمون دستیاری سال ۸۶ کسب کرده است، فقدان امنیت شغلی برای پزشکان عمومی و تعریف نشدن جایگاه مناسب از نظر اقتصادی و شان اجتماعی برای پزشکان عمومی را مهم‌ترین علت مهاجرت پزشکان می‌داند. بنابراین، این قشر از جامعه که روزی از نخبگان و افراد برتر جامعه علمی کشور بوده‌اند، نه تنها از نظر علمی کاری مناسب با تلاش و آموخته‌هایشان به دست نمی‌آورند بلکه از نظر اقتصادی نیز کار کردن با مدرک پزشک عمومی با در نظر گرفتن میزان تحصیلات و زحمت و مسوولیت این عزیزان اصلا ارضا کننده نیست. شاید به دلیل آنکه قانون حدود و جایگاه افراد را در کشورهای توسعه یافته به خوبی مشخص کرده است، امنیت شغلی و اقتصادی پزشکان و جایگاه مناسب پزشک عمومی در نظام درمان آن کشورها موجب امیدواری پزشکانی باشد که قصد مهاجرت دارند. ضمن اینکه ادامه تحصیل در آن کشورها به دلیل تضمین آینده شغلی و وجود محیطهای واقعا آکادمیک با وجود افراد برجسته در محیط آموزشی انگیزه بخش دانشجویان است. اما باید توجه داشته باشیم که فرآیند مهاجرت یک فرآیند زمان‌گیر و هزینه‌بر است. فرد حمایت‌های مادی و معنوی خویش را از دست می‌دهد و باید با هنجارهایی اخت بگیرد که تاکنون با آنها بیگانه بوده است.

- دکتر سپاس، رزیدنت سال دوم جراحی عمومی:

من تاکنون به مهاجرت و گزینه‌های پیش رو در خارج از کشور فکر نکرده‌ام. از ابتدا روی ادامه تحصیل در ایران فکر می‌کردم و خوشبختانه به این هدفم نیز دست یافته‌ام. همیشه یک سری اعتقادات و باورهایی برای خود داشته‌ام که موجب شده چنین انتخابی داشته باشم. شرایط حاکم بر بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های ما هر چند که با مشکلاتی مواجه است اما از آن ناراضی نیستم و احساس نیازی به مهاجرت نمی‌کنم.

- دکتر علی شیدفر، پزشک عمومی

دکتر شیدفر که پس از خدمت سربازی حدود یک سال در اطراف ماهشهر به عنوان پزشک عمومی طبابت کرده، خود را برای شرکت در مرحله اول آزمون USMLE در تیر ماه جاری آماده می‌کند دلایل جالبی برای این تصمیم خود دارد. من در طی دوران تحصیلم به خاطر باورها و اعتقادات خودم، هرگز به فکر مهاجرت و ادامه تحصیل در کشورهای دیگر نبودم. اما بعد از آنکه در دوره انترنی و طرح از نزدیک با شرایط کاری موجود برای پزشکان آشنا شدم، احساس متفاوتی پیدا کردم. اکنون مهاجرت و ادامه تحصیل در خارج را به عنوان پنجره جدیدی پیش روی خود می‌بینم که تاکنون به آن فکر نکرده بودم. به نظر من اگر کسی می‌خواهد از راه طبابت درآمد مادی فراوان کسب کند، بهتر است که در ایران پول درآوردن ساده‌تر از سایر کشورها است. ضمن اینکه در کشورهای اروپایی و مخصوصا آمریکا، مسایلی مانند سو کردن پزشکان به شدت رایج شده است. بنابراین کم بودن میزان شکایت‌ها از پزشکان و راحت بودن کسب درآمد از جمله مزیت‌هایی است که اگر کسی به آنها فکر می‌کند نباید به فکر مهاجرت باشد. اما آنچه برای من مهم است کیفیت زندگی و میزان رضایت فرد از زندگی خودش است. چند روز پیش با یک رزیدنت رادیولوژی صحبت می‌کردم. شاید آرزوی بسیاری از خوانندگان شما، این باشد که بتوانند در رشته رادیولوژی قبول شوند. اما دیدم که این فرد هم همانند بسیاری دیگر از رزیدنت‌ها، از زندگی خود راضی نیست! مگر ما چند بار زندگی می‌کنیم؟ اگر قرار باشد که از زندگی خود احساس رضایت نکنیم که فایده‌ای ندارد!

در کشورهای غربی همان طوری که اجر و قرب بیماران بیشتر است، اجر و قرب پزشکان هم بیشتر است. برخلاف ایران که عادت کرده‌ایم کارها را حجیم و پرتعداد انجام دهیم، در کشورهای غربی سعی می‌شود تا پزشکان با تعداد کمی بیمار مواجهه شوند اما آنها را با دقت و اصولی درمان کنند. متاسفانه در اورژانس‌های ما و مراکز درمانی دیگر کمتر به این ابعاد پزشکی توجه می‌شود و همواره پزشک سعی در آرام کردن اوضاع دارد تا با طبابت اصولی و علمی فکر می‌کنیم که اگر ۲۰ بار یک عمل جراحی را انجام دهیم، همه چیز را یاد خواهیم گرفت. اما شاید با دو یا سه بار عمل جراحی در شرایط استاندارد و براساس معیارهای آموزشی درست، بتوان به همان مهارت‌ها دست یافت.

یکی از علت‌های مهم دیگری که من را بر آن داشته تا در کشورهای غربی رزیدنتی بخوانم این است که متاسفانه مدرکی که ما به پزشکان متخصصان ارایه می‌دهیم، وجهه بین‌المللی ندارد و کشورهای دیگر آن را قبول ندارند. که به نظرم این موضوع برای نظام سلامت ایران یک نقطه ضعف بزرگ به حساب می‌آید. چه زمانی این اشکالات آموزشی را اصلاح خواهیم کرد؟

• نام محفوظ، دانشجوی PhD (هلند)

من دانشجوی PhD در یکی از شهرهای شمالی هلند هستم. حدود دو ماه پیش ایران را ترک کردم. بگذارید مقایسه کنیم: در ایران من پزشکی عمومی بودم که در یک شرکتی دارویی کار می‌کردم؛ بدون رضایت شغلی با درآمد ۴۳۰ هزارتومان در ماه. برای ادامه تحصیل چه در رشته‌های بالینی و چه در رشته‌های علوم پایه باید حداقل یک سال سرمایه گذاری می‌کردم، درس می‌خواندم، کلاس می‌رفتم و بعد طی مراحل رزیدنتی یا تکمیل دوره PhD تازه برای پیدا کردن کار و اجازه طبابت در شهرهای بزرگ کلی دردسر انتظارم را می‌کشید. اینجا من یک دانشجوی PhD هستم با حقوق ۱۶۰۰ یورو در ماه که از درس خواندن و کار تحقیقاتی کردن همزمان لذت می‌برم. تسهیلات و بودجه تحقیقاتی در اینجا واقعاً حیرت‌آور است. در عین حال، از من انتظار نمی‌رود که تمامی وقتم حتی تعطیلات آخر هفته کار کنم. هیچ اجباری برای هر روز سرکار رفتن نیست، تنها از من انتظار دارند کار خود را تحویل دهم. به‌طور مسلم، در این محیط آرامش بیشتری دارم و از اینکه پروژه تحقیقاتی من نتیجه‌ای خواهد داشت که از آن استفاده خواهد شد، احساس رضایت بسیار می‌کنم. این در حالی است که فرصت‌های شغلی و یا ادامه تحصیل در همین دوره به ما معرفی خواهند شد. به‌طور مسلم مشکلاتی از قبیل آشنا نبودن با محیط یا ندانستن زبان یا دوری از خانواده هستند اما در مجموع و در مقایسه با انواع استرس‌ها برای زندگی معمول، برای هزینه زندگی، برای ادامه تحصیل و پیدا کردن شغل مناسب در ایران به نظر من چندان با اهمیت نیستند.

• دکتر احسان چیت‌ساز، پزشک عمومی و محقق

احسان که در شهریور سال ۸۲ رتبه سوم آزمون جامع علوم پایه کشوری را کسب کرده، دلایل خود را برای مهاجرت پزشکان به خارج از کشور به دو گروه دلایل آموزشی و دلایل معیشتی تقسیم می‌کند. احسان معتقد است که کیفیت آموزش در حوزه‌های پزشکی در ایران بسیار افت کرده است. به خصوص آنکه این اتفاق درباره استادان، امکانات و کوریکولوم آموزشی بیشتر به چشم می‌آید. او معتقد است که در وزارت بهداشت اهمیت لازم به آموزش پزشکی داده نمی‌شود و همین امر موجب چنین پیامدهایی در سطح دانشگاه‌ها شده است. مشکلات عدیده‌ای که وزارت بهداشت در حوزه سلامت مردم با آنها درگیر است، موجب شده تا آموزش پزشکان تحت‌الشعاع این موضوع قرار بگیرد. از جمله مشکلات دیگری که پیش روی نخبگان عرصه پزشکی قرار دارد، کم‌رنگ بودن تحقیقات و نقش آن در آموزش پزشکان است. حجم کاری بسیار زیادی که در دوره رزیدنتی بر دوش پزشکان است موجب می‌شود تا رزیدنت‌های ایران فرصت اندکی برای مطالعه نیزنداشته باشند و این امر برای افرادی که علاقه‌مند به مطالعه و خواندن هستند یک نقطه ضعف به حساب می‌آید. مشکلات معیشتی موجود از جمله دلایل انکارناپذیر بخش زیادی از مهاجران ما است. در حال حاضر، بیشتر اقشار تحصیل کرده کشور با مشکلات اقتصادی مواجه هستند که پزشکان نیز این امر مستثنا نیستند. ضمن آنکه به دلیل وجود مشکلات فرهنگی در جامعه، احساس می‌کنیم بین اقشار تحصیل کرده و بیشتر مردم فاصله‌ای به وجود آمده که موجب شده مردم عادی و افراد تحصیل کرده درک مناسبی از یکدیگر نداشته باشند.

• نام محفوظ، پزشک عمومی

این پزشک عمومی که به تازگی در مرحله اول آزمون USMLE نمره بسیار خوبی کسب کرده، دلایل خود را برای ادامه تحصیل خارج از ایران این‌گونه بیان می‌کند: آینده شغلی یک پزشک متخصص در ایران با ابهامات متعددی روبه‌رو است. تعداد متخصصان روز به روز بیشتر می‌شود و این افزایش بی‌رویه پذیرش دستیار تخصصی بدون داشتن برنامه کاری برای آنها کار پسندیده‌ای نیست. در جامعه احترام اجتماعی لازم برای متخصصان وجود ندارد. افراد فارغ‌التحصیل بر اساس ضوابط علمی برای موقعیت‌های گوناگون شغلی انتخاب نمی‌شوند. عوامل متعدد و غیرقابل پیش‌بینی بر فعالیت‌های احتمالی یک دستیار به عنوان عضو هیات علمی یا متخصص فعال در بخش درمان اثرگذار است. این عوامل به اعتقاد من، به طور خاص در حوزه وزارت بهداشت و درمان شدیدتر از سایر بخش‌های کشور است. در کشور ما در حال حاضر شرایط زندگی یک دستیار به لحاظ اقتصادی بسیار پیچیده است. قوانین بسیاری فعالیت خارج از بیمارستان یک دستیار را محدود می‌کند و او باید به حقوق بی‌نهایت نازل خود اکتفا کند. روند آموزش دستیاری در حال حاضر روندی است غیرعلمی. انگیزه فعالیت‌های مولد علمی در استادان وجود ندارد و تنها به تولید مقالات نسخه‌برداری شده برای بالا بردن آمارها بسنده می‌کنیم

• حسین فتاحی، اینترن دانشگاه شهید بهشتی

به نظر من، بالا بودن سطح توقع هم‌کلاسی‌های من در دست‌یابی به بالاترین سطح هر چیز و مهم‌تر از همه آموزش، عمده دلیل مهاجرت آنان به خارج از کشور است. این افراد به دلیل توانمندی‌هایی که دارند، از آن چیزی که به آن دست پیدا کرده‌اند، راضی نیستند. اما من معتقدم که گاهی اوقات این افراد در بهترین دانشگاه‌های دنیا یا در بهترین سطح زندگی هم ارضا نخواهند شد. شاهد این قضیه این مساله است که این افراد در دوران دبیرستان برای پذیرش در بهترین دانشگاه‌ها تلاش کردند به امید آنکه آموزش، پژوهش و امکانات بهتری در مقایسه با دبیرستان داشته

باشند، حال آنکه در حال حاضر که با واقعیت مواجه شده‌اند، آن فضای رویایی خود را فضایی به طور کامل متفاوت پیدا کرده‌اند و چنین مساله‌ای حتی با پذیرش گرفتن در بهترین دانشگاه‌های دنیا نیز حادث خواهد شد (این موضوع را بر اساس اطلاعات و بررسی‌های خود نسبت به وضعیت موجود در دانشگاه‌های کشورهای مختلف عنوان می‌کنم)

اما نکته‌ای که از همه برای من مهمتر است، آن است که افرادی که از کشور مهاجرت می‌کنند نباید فقط به خودشان و منافع خودشان فکر کنند. از نظر من اگر کسی کشور خود را برای کسب مقام و شهرت و ثروت فراموش کند، کار ناپسندی انجام داده است. اما اگر برای کسب تجربه و مهارت و کمک به کشورش اقدام به چنین کاری کند، شاید حتی نیازمند تقدیر و حمایت هم باشد. گروهی از افراد هم معتقدند که با فعالیت‌هایشان در دانشگاه‌های دیگر به پیشرفت علم کمک خواهند کرد و همه دنیا از جمله ایرانیان از نتیجه کار آنها منتفع خواهند شد. به عنوان مثال، کسانی که در جهت کاهش مشکلات بیماران مبتلا به ایدز و درمان آن تلاش می‌کنند، اگر چنین هدفی داشته باشند نمی‌توان بر آنها خرده گرفت.

● دکتر محمدامین سرشت، رزیدنت جراحی عمومی

دکتر امین سرشت که خود را برای آزمون بورد جراحی شهریور ماه امسال آماده می‌کند، معتقد است که قبول شدن در رشته دلخواه در ایران کار بسیار مشکلی است. به همین دلیل اگر قبول شدن در آزمون دستیاری ایران در برخی رشته ها به همان اندازه مشکل باشد که در خارج از ایران مشکل است، عده‌ای ترجیح می‌دهند که برای قبولی در آن آزمون‌ها تلاش کنند چرا که مدارک دانشگاه‌های غربی به مراتب معتبرترند. ضمن آنکه در صورتی که افراد توانایی آن را داشته باشند می‌توانند در خارج از ایران به زندگی خود ادامه دهند. برخی از دوستان من هم هستند که برای شرکت در این‌گونه آزمون‌ها تلاش می‌کنند. اما اغلب آنان کسانی هستند که یکی دو بار در آزمون دستیاری اینجا شرکت کرده‌اند و موفق نبوده‌اند و به سراغ این راه آمده‌اند. تعداد کسانی که از ابتدا به این راه پا گذاشته‌اند به مراتب کمتر است. در ایران در تعداد پذیرش رزیدنت‌ها محدودیت داریم در حالی که در خارج از ایران گزینه‌های بیشتری پیش روی داوطلبان قرار می‌گیرد و این شانس قبولی را زیادتر می‌کند. من اکنون که به پایان دوره رزیدنتی خود رسیده‌ام، می‌بینم که توانایی‌های زیادی در جراحی کسب کرده‌ام. کمتر موردی بوده که در طی دوره تحصیل نمونه‌ای از آن را ندیده باشم. به عبارت دیگر بیشتر از آنچه که فکر می‌کردم در این مدت مریض دیده‌ام. اما این تنها اصل کار بود. حواشی رزیدنتی در ایران بسیار بدتر از اصل آن است. حقوق رزیدنتی بسیار کم و ناکافی است. قدردانی لازم در جامعه وجود ندارد. فارغ از دید خودخواهی، جامعه آن طور که باید قدر پزشکان خود را نمی‌داند و در مقایسه با زحماتی که رزیدنت‌ها متحمل می‌شوند، قدردانی لازم دیده نمی‌شود. رزیدنت‌ها وقت کمی برای مطالعه دارند، در حالی که کار عملی بسیار زیادی انجام می‌دهند و این عدم تعادل بین مطالعه و کار عملی باعث افزایش هزینه‌ها می‌شود، اخیرا شنیدم که در آمریکا ساعت کاری رزیدنت‌ها را با همین توجیه کاهش داده‌اند. در مجموع حجم کاری زیاد، بی‌خوابی‌های فراوان و مشکلات معیشتی، ذهن رزیدنت‌ها را از مساله اصلی درس خواندن و تمرکز روی بیماران دور می‌کند. رزیدنتی که ۵۰-۴۰ درصد مشغله ذهنی‌اش مسایل معیشتی و اقتصادی است نمی‌تواند روی درس و بیمار به خوبی تمرکز کند.

● دکتر نیما- ج، پزشک عمومی

وقتی در کشوری زندگی می‌کنی که در همه حال و همه وقت شاهد توهین به پزشکان هستی، مگر امیدی برای ماندن هم باقی می‌ماند؟ داخل تاکسی که هستی گوینده رادیو به بهانه برنامه طنز به پزشکان توهین می‌کند. نوروز که تلویزیون تماشا می‌کنی، شاهد اهانت به پزشکان هستی. اینترن که بودم، حتی همکاران پزشک که در رده‌های مدیریتی و درمانی بیمارستان‌ها قرار داشتند، کمترین توجهی به ما نداشتند. برای حداقل مطالبات رفاهی آموزشی خودمان گوش شنوایی پیدا نمی‌کردیم. رزیدنت‌های سال بالا هر روز با رزیدنت‌های سال پایین‌تر خودشان بیشتر بدرفتاری می‌کنند. آیا برای پیشبرد کارها با افرادی با این سطح تحصیلی باید همانند سرباز صفرهای پادگان‌ها رفتار کرد؟ به پزشکی آمدم که به درد بیمار احترام بگذاریم و اگر لطف خدا شامل حالم بشود، دردهایش را آرام کنم. اما یک شب به اورژانس بیمارستان‌ها سر بزنید. چه باعث شده که دیگر به درد بیمار احترام نگذاریم؟ «یک آپاندیسیت و ۲ تا انسداد داریم». دیگر کمتر کسی است که با بیمار کار داشته باشد. همه فکر و ذکرمان شده بیماری و بیماری‌هاش

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319267

vista.ir
Online Classified Service

به کجا چنین شتابان؟

به پدیده مهاجرت از ابعاد گوناگون و متفاوتی نگریسته شده است. این مساله در اصل پدیده‌ای اجتماعی است ولی به پدیده مهاجرت نخبگان و به طور خاص پزشکان کمتر پرداخته شده است. بنابر برخی آمارها در سال‌های پیش از انقلاب از میان ۶۰۰ تا ۶۵۰ پزشکی که سالیانه از مجموعه دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شده‌اند، ۴۰۰ تا ۴۵۰ نفر از آنان مسیر مهاجرت را می‌پیموده‌اند که عامل موثر در آن اغلب به دلیل تصمیم برای ادامه تحصیل بوده و بیشتر آنان راهی کشور آمریکا می‌شده‌اند. بخش عمده‌ای از پزشکانی که فارغ‌التحصیل آمریکا بوده‌اند و هم‌اکنون در کشورمان مشغول به خدمت هستند، از مهاجران همان سال‌های دور هستند. البته برخی از آنان نیز هرگز به کشور بازنگشتند. این گونه از مهاجرت که به سهولت صورت می‌گرفته، از لحاظ ابعاد و ماهیت با مهاجرت سال‌های بعدی تفاوت بنیادین داشته است. البته جز جذابیت‌هایی که ادامه تحصیل در آن کشور برای فارغ‌التحصیلان کشورمان داشته است و شاید هنوز هم دارد، یکی از مسایلی که مهاجرت برای ادامه تحصیل را در آن مقطع گریزناپذیر می‌کرده است، عدم فقدان دوره‌های آموزشی در مقاطع تخصص و فوق‌تخصص در آن سال‌ها و در کشورمان بوده است که با گسترش این دوره‌ها در سال‌های اخیر، بسیاری از افراد را از صرافت مهاجرت به دلیل ادامه تحصیل انداخته است. درباره مهاجرت در سال‌های اخیر نظرات مثبت و منفی فراوانی ابراز شده؛ نظرات مثبت شامل تماس با منابع درجه اول علمی جهان، درک حضور استادان طراز اول، استفاده از امکانات فراهم شده در آن کشورها برای تحقیقات و فراهم بودن زیرساخت‌ها و نرم‌افزارهای پژوهش برشمرده شده است. برخی نکات منفی که به این پدیده نسبت داده‌اند نیز در غالب واژه «فرار مغزها» و تبعات ناشی از آن توصیف شده است.

- نگاهی به سیر مهاجرت پزشکان

نگاهی به سیر مهاجرت پزشکان در کشورمان نشانگر چند موج متفاوت است که در زیر به آنها به طور گذرا اشاره خواهم کرد:

۱)مهاجرت به کشور آمریکا:

همان‌طور که اشاره شد، این گونه از مهاجرت در سال‌های پیش از انقلاب از رونق بیشتری برخوردار بود، هر چند هنوز بسیاری از پزشکان جوان و حتی پا به سن گذاشته! کشورمان به این کشور به عنوان گزینه‌ای مطلوب برای ادامه تحصیل، زندگی و کار نمی‌نگرند و مشتاقانه در پی شرکت در امتحان USMLE هستند، هر چند که مصائب و مشکلات بسیاری را تحمل کنند که خود داستان جداگانه و مفصلی دارد. آنان در ذهن خویش این باور را دارند که مهاجرت به آمریکا به تحمل این مشکلات می‌ارزد هر چند که تضییقات و سخت‌گیری‌های روافزونی که به داوطلبان ایرانی خواستار شرکت در این آزمون اعمال می‌شود، گزینه مهاجرت به آمریکا را از انتخاب اول بسیاری از پزشکان جوان خارج کرده است.

۲) مهاجرت به کشورهای کانادا و انگلستان:

در پس سخت‌گیری‌های روزافزون مسوولان کشور آمریکا در دادن ویزا به علاقه‌مندان ایرانی توجه بسیاری از علاقه‌مندان به مهاجرت به این دو کشور جلب شد. در سال‌های پایانی دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد روزنامه‌ها و مجلات کشورمان پر از آگهی‌هایی بودند که پزشکان و خانواده‌شان را به مهاجرت به کانادا ترغیب می‌کردند. این کشور به نیروی کار متخصص نیاز داشت و درهای خود را به روی مهاجران گشوده بود و کشوری مهاجرپذیر بود. به همین دلایل به عنوان کشور مطلوب بسیاری از علاقه‌مندان مهاجرت تلقی می‌شد. حجم روزافزون پرونده‌های مهاجرتی که در سفارتخانه این کشور تشکیل می‌شد و صف‌های طویل اخذ مدرک برای تشکیل پرونده مهاجرت جلوی سفارت این کشور در تهران نشان از تلاش جدی آنانی داشت که قصد داشتند به هر ترتیب که شده راهی برای مهاجرت به این کشور بیابند. بسیاری نیز در همین دوره راه کشور انگلیس را در پی گرفتند، هر چند که مهاجرت به این کشور به قصد ادامه تحصیل و زندگی و کار با مشکلات متعددی روبه‌رو بود که عمده آنان عبارت

بودند از:

▪ فقدان فرصت‌های شغلی مناسب

▪ متفاوت بودن سبک طب انگلیسی با سبک طبی که در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شود و به طور عمده آمریکایی است و فقدان الزامی مبنی بر پیدا شدن مکانی برای گذراندن دوره تخصص پس از طی کردن امتحان .PLAB

۳) مهاجرت پزشکان به استرالیا:

موج سوم مهاجرت پزشکان که از دو یا سه سال پیش آغاز شده است، مهاجرت به کشور استرالیاست که در پی مهاجرت گروهی از پزشکان عمومی کشورمان برای کار در این کشور به عنوان گزینه جدید مهاجرت مورد توجه و علاقه پزشکان قرار گرفته است. تعداد بسیار زیادی از پزشکانی که این روزها راهی کلاس IELTS هستند و پر شدن زودهنگام و پیش از موعد امتحان MCQ در حوزه‌های برگزاری این آزمون نشان از علاقه‌مندی وافر ایرانیان به مهاجرت به این کشور دارد.

گونه دیگری از مهاجرت که در سال‌های اخیر رواج یافته است، مهاجرت برای ادامه تحصیل در کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای همچون مالزی و فیلیپین و هند و ... است. بسیاری از علاقه‌مندان به تحصیل پزشکی و بالاخص پزشکان عمومی‌ای که راهی به تحصیل در دوره تخصص در کشور خودمان نمی‌یابند، راهی این کشورها می‌شوند تا به تحصیلات خودشان در این کشورها ادامه دهند. گونه اخیر از مهاجرت واجد نکات مثبت پیش گفته نیست. این کشورها اغلب از سطح پایین‌تری از دانش پزشکی نسبت به کشورمان برخوردارند. تصمیم به مهاجرت و جلای وطن تصمیم دشواری است، هر چند که بسیاری از رفتگان و مهاجران از سطح بالای دستمزدها، رفاه عمومی و اجتماعی و احترام حرفه‌ای مناسب در این کشورها حکایت‌ها تعریف می‌کنند، ولی باید توجه داشت که عوارض منفی آن را نیز دریافت و نباید تنها به این جنبه‌ها برای تصمیم‌گیری بسنده کرد. بسیاری از پزشکان این کشورها – انگلستان، استرالیا و کانادا- برای به دست آوردن رفاه بیشتر از کشور خودشان مهاجرت می‌کنند. باید بپذیرید که در این کشورها به شما همواره به عنوان یک خارجی نگاه می‌شود و در جایی که وطن‌تان نیست باید چند برابر افراد همان کشورها زحمت بکشید تا به آنچه می‌خواهید برسید. مهاجرت افراد نخبه و تحصیل‌کرده آثار اجتماعی و فرهنگی متعددی را در کشورمان به جای می‌گذارد. علاوه بر این، انرژی، وقت و زمان بسیار زیادی که از منابع عمومی یک ملت صرف پرورش آنان شده است نصیب کشورهای مزبور می‌شود و این موج، چرخه معیوبی است که به توسعه‌نیافتگی دامن می‌زند. همان معضلی که کشورهای آفریقایی سال‌ها است در بخش بهداشت و درمان‌شان با آن دست به گریبان هستند بنا بر برخی آمارها تا ۹۰ درصد تحصیل‌کردگان پزشکی و پرستاری و حرفه‌های مرتبط در این کشورها مهاجرت می‌کنند.به نظر می‌رسد در صورت فراهم شدن زیرساخت‌های مناسب اجتماعی و تامین حداقل‌ها بسیاری از پزشکان جوان که گروه هدف در زمینه مهاجرت هستند، از مهاجرت منصرف شوند و بسیاری از مهاجرت‌کردگان نیز به آغوش وطن خودشان بازگردند.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319276

vista.ir
Online Classified Service

بهداشت درحج

به لحاظ اهمیت آگاهی ازمسائل بهداشتی و پزشکی و رعایت آن در ایّام حج، «میقات» میکوشد در حدّ امکان مسائلی را که اطلاع از آن برای راهیان دیاردوست ضرورت دارد بخامه متخصصّان امور پزشکی عرضه کند.

● مقدمه

کلیه‌ها که به صورت دو عضو لوبیایی شکل در پشت پرده صفاق قرار گرفته‌اند، از اعضاء حساسی هستند که آب اضافی بدن و سموم تشکیل شده در سلولهای مختلف را در لولههای تشکیل دهنده ادرار از طریق خواص فیزیکی و شیمیایی به صورت ادرار دفع می‌کند. کلیهها فشار خون بین ۸۰ تا ۱۸۰ میلیمتر جیوه را بدون آسیب تحمل میکنند ولی کاهش یا افزایش شدید فشار خون باعث صدمه به کلیه میشود. از طرف دیگر بالا رفتن غلظت مواد دفعی از کلیهها سبب رسوب آنها و تشکیل سنگ میگردد. عفونتها کلیوی نیز باید بطور صحیح درمان شوند تا اختلالی در کار کلیهها ایجاد نشود، در این مقاله به اختصار نحوه کار کلیه و مواردی که باعث آسیب به کلیه میشوند توضیح داده خواهد شد.

- بیان مسأله:

کلیه‌ها دو عضوی هستند که در بالغین مجموعاً ۲۴۰۱ وزن بدن را تشکیل میدهند.۱ و در قسمت پشت پرده صفاق وزیر حجاب حاجز (دیافراگم) قرار گرفتهاند. کلیهها علیرغم وزن کمی که دارند در هر دقیقه ۲۰%۲ مقدار برون ده قلب وارد آنها میشود و از این حجم خون بالا که وارد آن میشود در هر دقیقه يك میلیلیتر ادرار ساخته و از طریق لولههای حالب وارد مثانه میشود. تشکیل ادرار در لولههای سازنده ادرار، به علت خاصیت فیزیکی (اسمزی) یا خاصیت شیمیایی (تبادلات یونی) است که آب و املاح اضافی و سموم بدن بوسیله آن دفع میشود و باعث تعادل آب و املاح بدن میگردد. کلیهها به راحتی فشار خون بین ۸۰ تا ۱۸۰ میلیمتر جیوه را تحمل مینمایند که در نتیجه آسیبی به بافتهای آن وارد نمیشود.۳ ولی به هر دلیل که فشار خون از حد مجاز پایینتر و یا بالاتر برود سبب صدمات بافت کلیه شده و کار آنرا مختل میکند. خونریزیهای شدید با تبهای بسیار بالا و تعریق شدید و محدودیتهای طولانی مایعات از مواردی هستند که سبب کاهش بیش از حد فشار خون و حالت شوك میشوند. از طرف دیگر چون املاح هم از کلیهها دفع میشوند، در صورتیکه به علت مصرف زیاد املاح و یا کم شدن حجم ادرار غلظت این مواد در ادرار بالا برود سبب رسوب آنها و تدریجاً تشکیل سنگ میگردد. کم شدن حجم ادرار همچنین باعث توقف بیش از معمول ادرار شده و این توقف طولانی باعث میشود که رشد میکروبها نیز سهولت یافته و تأثیر آنها بر بافتهای مختلف دستگاه ادراری بیشتر باشد.

با این خلاصهای که از کار کلیه بیان شد به اهمیت حیاتی این اعضاء حساس پی میبریم و لذا به عنوان شکر نعمتی که خداوند به ما عطا فرموده باید شرایطی فراهم نمائیم که این اعضا حساس آزرده نشوند.

کشور ما از نظر جغرافیایی در منطقه معتدل شمالی قرار گرفته و به لحاظ موقعیت آب و هوایی مردم با خوردن مایعات و آب به علت عدم تشنگی کمتر عادت دارند. ولی در کشور حجاز به علت آب و هوای گرم نیاز به مصرف آب بیشتر محسوس است. زائرین ایرانی که توفیق تشرف به مکه معظمه و مدینه منوره را پیدا مینمایند باید به این نکته توجه داشته باشند که در مدت سفر آنان در کشور حجاز به علت گرمای شدید تعریق بیش از حد معمول است و لذا مقادیر زیادی از آب بدن از این طریق دفع میشود. از سوی دیگر چون زائرین عزیز به مصرف آب بیشتر عادت ندارند لذا حجم مایعات بدن شدیداً کاهش مییابد. نبودن آبخوریهای عمومی در مسیرهای حرکت زائرین در مکه مکرمه و مدینه منوره خود مزید بر علت است. از طرف دیگر گرمای محیط سبب اتساع عروق محیطی شده و خون بیشتری در آنها جمع شده که باعث کاهش خون عروق مرکزی میشود. مجموع فاکتورها سبب میشود که خونگیری کلیه کمتر شده و کلیه تحت فشار قرار گیرد و حجم ادراری که ساخته میشود کم و غلیظ باشد و به علت غلظت و کم بودن حجم ادرار استعداد رسوب تدریجی مواد و تشکیل سنگ کلیه بالا میرود. در کلیههایی که کار آنها در حد نرمال نباشد، این کاهش مایعات و کم خونی کلیه، سبب تسریع در از کار افتادن کامل کلیه میشود. همانطوری که بیان شد توقف طولانی ادرار در مسیر عبور، سبب میشود که فرصت بیشتری به میکروبها برای رشد آنها داده شود و لذا ریسك عفونت ادراری و کلیوی افزایش مییابد که خود عفونت میتواند به عنوان زمینهای برای تشکیل رسوب ادراری و سنگ باشد که معمولاً موارد دیگری هم روی آن رسوب میکنند و مجموعه عفونت کلیوی و سنگ باعث از بین رفتن بافت فعال کلیه شده و آن را تخریب مینماید.

در مجموع برای جلوگیری از تشکیل سنگ بایستی حجم ادرار ۲۴ ساعته را به ۳۶۰۰ میلیلیتر یعنی بین ۳ تا ۴ لیتر در شبانه روز رساند۴ که خود این حجم بالای ادرار، سبب میشود که عفونتها هم نتوانند فرصت رشد پیدا کنند.

مجموعه آنچه بطور خلاصه بیان شد نشان دهنده اهمیت مصرف آب در همه حالات بخصوص در مدت اقامت در کشور حجاز است. از بدو ورود به فرودگاه جده و وجود هوای شرجی، تعریق شدید شروع میشود و لزوم مصرف آب بیشتر را ایجاب میکند.

در زیارت حرم مطهر پیغمبر در مدینه منوره به علت ازدحام جمعیت علیرغم وجود وسائل خنك کننده بازهم گرما بیش از معمول است و نیاز به

مصرف آب را محسوس مینماید. در هنگام طواف بیتالله الحرام ازدحام شدیدتر است و تعریق بسیار شدیدی وجود دارد. وقوف در عرفات و منی و در زیر چادرها، طی مسافت طولانی برای رمی جمرات و تجمع جمعیت در این محلها، بازهم به گرمای بیشتر هوا و تعریق زیادتر کمك میکند و لذا توصیه میشود که برای پیشگیری از صدمات کلیوی در ایام این مسافرت روحانی با همراه داشتن یك قمقمه آب و نوشیدن آب بیشتر، از بیآبی (خشکی) کلیه ممانعت نماییم و در صورت وجود علائم عفونت ادراری مثل سوزش ادرار یا تغییر رنگ آن، به پزشك مراجعه نماییم. لازم به ذکر است که در صورت عدم مصرف آب بالا رفتن غلظت ادرار خود باعث سوزش و تغییر رنگ ادرار میشود و لذا با مصرف آب زیادتر ابتدا قبل از مراجعه به پزشك بایستی این علت را برطرف نموده و سپس در صورت پایدار بودن علائم جهت درمان به مراکز بهداشتی درمانی مستقر در مدینه منوره و مکه معظمه مراجعه نمود.

منبع : سایر منابع

http://vista.ir/?view=article&id=257427

vista.ir
Online Classified Service

بهداشت کاروانهای حج

بسم الله الرحمن الرحیم

«وَ أَذِّنْ فِی النّاس بِالحَجِّ یَأتُوکَ رجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأتینَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمیق. لِیَشهَدُوا مَنافِعَ لَهُم وَ یَذکُرُوا اسْمَ اللهِ فِی اَیّام مَعلُومات عَلی ما رَزَقَهُم مِن بَهیمَةِ الأنعامِ فَکُلُوا مِنها وَاَطعِمُوا البَائِسَ الفَقیرَ»۱

- پیشگفتار

در طول قرن های متمادی، از زمان برخاستن ندای ابراهیم خلیل الله ـ ع ـ تا دعوت پیامبر خاتم حضرت محمد ـ ص ـ و از آن زمان تاکنون، انبوه خداجویان، گروه گروه لبیک گویان، دل از خانه و کاشانه خویش بریده و سرا پا شوق و شور، به سوی معبود و معشوق می شتابند و گردخانه او به طواف و راز و نیاز می پردازند و در این اقیانوس عظیم، بندگان دلباخته، روح خویش را با زلال استغفار و استغاثه و ابراز اطاعت و بندگی تطهیر می کنند و با ره توشه تقوا، به دیار خویش باز می گردند و از شمیم صفای این سعی عاشقانه، فضای محیط زندگی را عطر آگین و اشتیاق عاشقان لقای معشوق را افزونتر می سازند.

اینک که پس از قرن ها، فرزندان اسلام یکبار دیگر با تأسی به اسوه حسنه، رسول خدا ـ ص ـ ، پیروزمندانه به قطع دست های شیاطین پرداخته و برشکستن و زدودن بت های پیدا و ناپیدا از دامان میهن اسلامی توفیق یافته اند. همچنین مفتخر به جانفشانی در راه آرمان های اسلامی آن فخر عالم امکان و تربیت یافته مکتب شهادت و ایثار، رهبر کبیر و همیشه جاوید انقلاب اسلامی، امام خمینی ـ رضوان الله تعالی علیه ـ و شاگرد برگزیده و فرزندش، حضرت آیت الله خامنه ای ـ مدظله العالی ـ عزم خویش را در برافراشتن پرچم «لااله الاّ الله» بر فراز گیتی به منصّه ظهور رسانده اند، حضور زائران سرزمین شهیدان گلگون کفن در کنار زائران دیگر ملل اسلامی، شکوهی دوباره به حج ابراهیمی داده و بت های مرئی و نامرئی را در سراسر جهان به لرزه افکنده و نوید فرا رسیدن صبح امید را پس از شام تیره حاکمیت شیاطین و ستم پیشگان، نوید می دهد.

به هر صورت، مدیریّت دشوار و سنگین کاروان های زائر خانه خدا و مسؤولیت سرپرستی این عاشقان خداجو، در ابعاد مختلف از لحظه حرکت به

سوی سرزمین قبله تا لحظه رسیدن دوباره به وطن، بر عهده کسانی است که علی رغم همه سختی ها عزم خود را بر خدمت میهمانان خدا جزم کرده و به این خدمت بزرگ کمر همّت بسته اند.

از آنجا که این مسؤولیت، همه جانبه است و پاسداری از تندرستی این جمعیّت انبوه، که در میان آنان سالخوردگان، جوانان، افراد نیازمند به مراقبت های ویژه، همه با هم در سرزمینی دور از خانه و خانواده، در دیاری با مسائل خاص اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی، در کنار میلیون ها میهمان از شرق و غرب و شمال و جنوب این جهان پهناور حضور دارند، ضرورت توجه به مسائل خاص بهداشتی را به شدت طلب می کند. در این مجموعه، تلاش می کنیم آنچه را که یک مدیر کاروان به عنوان بخشی از مسؤولیت همه جانبه خود باید بداند و بر اجرای آن نظارت کند و همه اعضای کاروان و همکاران خود را در این مسؤولیت مشترک یاری و ترغیب نماید به بیانی ساده و بی پیرایه عرضه کنیم. تا به یاری پروردگار و همّت و تلاش خستگی ناپذیر آنان و همکاری و همراهی همکاران آنها در کاروان و نیز زائران بیت الله الحرام، در یک کوشش دسته جمعی با پیشگیری از بیماری ها و حوادث و تأمین آسایش جسمی، روانی و اجتماعی راهیان خانه خدا، این سفر پربرکت و این مهاجرت الی الله، با سرفرازی میهن اسلامی، تندرستی و رفاه زائران و خدمتگزاران آنها، و بالاتر از همه رضای پروردگار بیچون توأم گردد.

● فصل اوّل

▪ مسؤولیت کاروان در تأمین بهداشت زائران

درست است که هیأت پزشکی حج با بسیج امکانات خود در طول این سفر، از آغاز تا پایان، در خدمت زائران و کاروان های حج می باشد لیکن مسؤولیت ویژه تأمین تندرستی زائران و حفظ آن، بر عهده مدیر کاروان و همکاران او است که در طول این سفر، عهده دار امور حمل و نقل، اسکان، تغذیه، انجام اعمال و مناسک، جابجایی های ایّام ترویه، عرفه، عید قربان و ایام تشریق می باشند.

همانگونه که مراقبت های بهداشتی و رعایت دستورالعمل های مربوط، می تواند از وقوع هر حادثه ناگوار و خطرات جانی به آسانی پیشگیری نماید. سهل انگاری در مسائل مربوط به تأمین تندرستی زائران نیز می تواند خطرات جدّی بدنبال داشته باشد لذا شایسته است با توجه به اهمیّت مسأله، مدیران محترم کاروان ها به مسؤولیت سنگین و دشواری که پذیرفته اند، توجّه خاصی نمایند و نسبت به مراعات اصول بهداشتی در کاروان توسط همه کارکنان کاروان و نیز زائران نظارت جدّی و مداوم داشته باشند. بدیهی است در هر مورد که لازم باشد هیأت پزشکی حج آماده همکاری و انجام خدمات لازم خواهد بود.

▪ آماده سازی زائران برای سفر

نکات ساده ای وجود دارد که آموزش آنها به زائران، قبل از عزیمت به سرزمین حجاز، هم ضروری است و هم بسیار سودمند.

بخشی از این آموزش ها درباره آشنایی با انجام واجبات حج، ادای دیون شرعی، دلجویی و حلالی خواستن از بستگان و معاشرین و مانند اینها است و بخش دیگری نیز در مورد تهیه لوازم ضروری; مانند لباس کافی و مناسب، ساک، پارچه احرام، خمیر دندان و مسواک، حوله، وسائل اصلاح، و غیره است.

همچنین اگر زائرانی به دلائلی، نیازمند مراقبت های درمانی ویژه و مداوم هستند، به منظور پیشگیری از مشکلات، لازم است نسبت به همراه داشتن توصیه های پزشکی خاص خود و احیاناً داروها و غیره اقدام نمایند.

گرمای فوق العاده هوا در جدّه، مکه و مدینه، همراه داشتن یک قمقمه کوچک آب و یک بادبزن دستی را برای هر زائری ضروری می سازد. و نیز لازم است لیوان نشکنی را با خود داشته باشد تا او را از استفاده از لیوان های آلوده بی نیاز سازد. پس با توجه به آنچه که ذکر شد، فرصت مناسبی در اختیار مدیران محترم کاروان قبل از سفر وجود دارد تا به زائران، آموزش اوّلیه و ساده را جهت آمادگی آنان برای این سفر بدهند.

قطعاً همین سفارش های قبل از سفر می تواند موجب پیشگیری از مشکلات بعدی باشد.

برخی از نکاتی که اینک ذکر می شود مربوط به آموزش زائران و مجموعه آنها بطور کلی در آموزش، اجرا و نظارت بر آنها در مسؤولیت کاروان و مدیریت آن است.

▪ لباس مناسب

لباس های نخی و فاقد الیاف مصنوعی برنگ های سفید و یا روشن، از دیگر انواع لباس ها مناسب تر و با شرایط آب و هوای سرزمین حجاز بکارگیری آنها آسان تر است. از آنجا که گاهی مشاهده می شود تعداد اندکی از زائران ایرانی با تکیه بر گرمای هوا در انتخاب لباس رعایت شؤونات ملّی را نمی کنند لذا شایسته است مدیران کاروان ها این گونه افراد را متوجه اهمیّت مسأله و ضرورت پوشیدن لباس هایی که موجب تحقیر و بی احترامی آنان و هموطنانشان نشود بنمایند.

▪ حمل غذا توسط زائران

همه ساله مشاهده می شود که تعدادی از زائران، هنگام حرکت از منزل تا فرودگاه، به همراه خود مقداری غذا حمل می کنند و پس از پرواز از ایران به فرودگاه جدّه و نیز حتّی در فاصله فرودگاه جده تا مدینه یا مکّه، از غذای همراه خود استفاده می کنند و این کار سبب مسمومیت غذایی آنان و مشکلات بعدی آن می گردد.

لذا به نظر می رسد صرفنظر از ضرورت تذکّر به زائران در مورد خودداری از به همراه آوردن غذایی فاسد شدنی، نظارت بر این نکته و ممانعت از مصرف خوردنی هایی که احتمالاً زائر به همراه خود آورده نیز لازم باشد.

▪ در فرودگاه جده

با هر هواپیمایی که از ایران وارد جدّه می شود، تقریباً ۲ تا ۳ کاروان پیاده می شود. معمولاً تشریفات گمرکی و آماده ساختن وسیله نقلیه برای حرکت زائران به مدینه یا مکّه چندین ساعت وقت می گیرد. در این ساعات، کارشناسان آموزش بهداشت هیأت پزشکی حج، خود را به محل تجمّع زائران می رسانند و نکات ساده و ضروری بهداشتی را به آنان تذکّر می دهند. همکاری روحانیون، مدیران و خدمه کاروان ها می تواند به ثمر بخشی این آموزش ها کمک مؤثر کند.

زائران معمولاً یک وعده غذا را در فرودگاه جده صرف می کنند لیکن گاهی دیده می شود که برخی از زائران بدلیل عدم تمایل به صرف غذا در آن ساعت، غذای خود را تحویل می گیرند و آن را همراه خود به داخل اتوبوس می برند تا در فاصله میان جدّه تا مقصد، صرف کنند. این کار کاملاً خطرناک است و با کمال تأسف همه ساله چند مورد مسمومیت غذایی به همین دلیل دیده می شود.

بنابراین، بجز آب، میوه، نان و نوشابه حمل هیچگونه خوردنی دیگری برای زائران مجاز نیست و چنانچه به هر دلیل صرف غذا در فرودگاه جدّه میسر نباشد، نگهداری، حمل و توزیع مواد غذایی مصرف نشده، غیر از میوه، نان و نوشابه می تواند خطرناک باشد.

از آنجا که به هر صورت، زائران با ورود به محیط جدید و خطرات آلودگی های مختلف می باید بسیار بیش از گذشته مراقب سلامت و نظافت خود باشند، تذکّر نکاتی، مانند شستشوی مکرّر با آب و صابون پس از استفاده از توالت یا قبل از خوردن غذا، همچنین آشامیدن آب و مایعات کافی برای جبران تعریق سودمند است و نیز با توجه به احتمال گم شدن آنها و سرگردانی آنان توصیه به فاصله نگرفتن از محلّ استقرار زائران کاروان ضروری است.

● فصل دوم

▪ بهداشت مسکن و محل استقرار کاروان

ـ بهداشت کلّی ساختمان

ساختمان های محل اسکان زائران، گرچه با تلاش فراوان و همکاری گروه های مختلف مهندسی و بهداشتی انتخاب شده اند لیکن بطور کلّی با شرایط استقرار تعداد زیادی زائر، بصورت کاروانی، در چند اتاق آنها و تهیه غذای آنها، آنهم یکجا، معمولاً مناسب نیستند لذا همین مسأله مشکلاتی را به دنبال دارد; از جمله محل آشپزخانه کاروان ها غالباً در حیاط خلوت یا بام ساختمان و یا در فضای سرپوشیده دیگری که به عنوان آشپزخانه ساخته نشده انتخاب می شود. همچنین محلّ انبار، تعداد توالت ها، دستشویی ها، حمام ها، وضعیت فاضلاب، محل رختشویی و مانند اینها پاسخگوی نیاز بصورت مطلوب نیست. با وجود این، رعایت چند نکته می تواند به رفع مشکلات کمک و از پیدایش برخی خطرات پیشگیری نماید:

۱) بهداشت آب انبارها

با توجه به این که در طول سال، بسیاری از ساختمان های اجاره شده، بلا استفاده بوده اند، همچنین متأسفانه شرایط ساختمانی آب انبارها و دریچه های آنها به گونه ای است که احتمال آلودگی آب انبار و رخنه برخی حشرات و تجمع کثافات در آنها وجود دارد، لذا خدمه کاروان که قبل از ورود زائران به ساختمان، در محل حضور یافته و ساختمان را برای استقرار زائران آماده می سازند، لازم است ابتدا آب انبار را کاملاً تخلیه کرده و بخوبی شستشو نمایند و سپس برای آخرین بار دیوار و کف آب انبار را با محلولی شامل یک قاشق مرباخوری (۵ گرم) پرکلرین در یک سطل آب (۱۰ لیتر) بشویند و با جمع آوری و تخلیه آب مورد اشاره، آب انبار را آماده بهره برداری نمایند.

ـ تذکّر اوّل:

آب لوله کشی شهرهای مکّه و مدینه نیاز به کلرینه کردن مجدّد ندارد. بلکه اگر آب لوله کشی کافی نبود و کسانی خواستند از آب حمل شده در تانکرها استفاده کنند، باید در برابر هر ۱۰۰۰ لیتر (یک متر مکعب) آبِ کلرینه نشده، یک قاشق مرباخوری (۵ گرم) پرکلرین را در مقداری آب حل

کرده به داخل آب انبار بریزند; به عبارت دیگر، مثلاً اگر از یک تانکر ۱۴۰۰۰ لیتری، آب بداخل آب انبار تخلیه می شود، همزمان با تخلیه، ریختن ۱۴ قاشق مرباخوری پرکلرین به داخل آب انبار ضروری می باشد. مأمورین بهداشتی در هر بار مراجعه به کاروان، مقدار کلر باقیمانده آب مصرفی را با دستگاه کلر سنج اندازه گیری خواهند نمود و خدمه کاروان ها را راهنمایی خواهند کرد.

مجدداً یادآور می شود که کلرینه کردن آب باید همیشه همزمان با تخلیه آب از تانکرها انجام شود.

ـ تذکّر دوم:

قبل از ورود و استقرار زائران در ساختمان، لازم است خدمه پیش پرواز در صورت عدم مراجعه مأمورین بهداشتی، با مراجعه به نزدیکترین واحد بهداشتی درمانی هیأت پزشکی حج، یا به گروه بهداشت مستقر در بیمارستان مرکزی نسبت به تهیه پرکلرین و مواد ضد عفونی کننده لازم برای دستشویی ها و تهیه پوسترهای بهداشتی و نصب آنها در جاهای مناسب اقدام نمایند

۲) دستشویی ها، توالت ها و حمام ها

نظافت مداوم و همیشگی توالت ها، دستشویی ها و حمام ها یک کار کاملاً ضروری و بسیار مهم است که هرگونه بی توجهی به آن می تواند برای سلامت زائران خطرات جدّی داشته باشد. ممکن است برخی از زائران به دلایلی، در رعایت نظافت محل های ذکر شده دقّت کافی نداشته باشند امّا از آنجا که استفاده تعداد زیادی از زائران با شرایط جسمی، عادات، آلودگی های احتمالی و نیز رفتار بهداشتی مختلف از آنها، ممکن است سبب بروز گرفتاری ها و شیوع بیماری ها شود لذا بهداشت این قسمت ها از ساختمان را باید به عنوان محلّ های بسیار مهمّ بطور جدّی و مداوم تحت نظر داشت و همه روزه محوطه مربوطه را با آب و پودرهای پاک کننده شستشو داد و از بکار بردن جاروب بکار گرفته شده در توالت برای شستشوی راهروها جداً خودداری نمود.

ریختن مواد ضد عفونی کننده در داخل کاسه توالت و اطراف آن مفید است. مأمورین بهداشتی هنگام تحویل این مواد راهنمایی لازم را خواهند نمود. مع الوصف اگر از کرئولین برای این مقصود استفاده می شود، محلول ۵ درصد آن را باید تهیه و بکار گرفت، به این ترتیب که در یک ظرف، ۱ پیمانه از این ماده را در تقریباً ۲۰ پیمانه آب ریخت و با وسیله ای مثل آفتابه آن را در داخل کاسه توالت و محوطه اطراف آن پاشید.

برای ضد عفونی کردن حمام، وان حمام، و راهروهای اطراف دستشویی ها می توان از محلول کلردار به روش زیر استفاده کرد، ابتدا در یک سطل آب (۱۰ لیتر) یک قاشق مرباخوری (۵ گرم) گرد پرکلرین ریخته و سپس با این محلول کف محوطه حمام و دستشویی ها را بشویید.

در هر توالت و حمام قرار دادن یک ظرف زباله در دار که لااقل روزی یکبار تخلیه شود، ضروری است. کنار دستشویی ها لازم است به اندازه کافی حوله کاغذی یا دستمال کاغذی وجود داشته باشد و بهر حال قرار دادن حوله معمولی در دستشویی ها و حمام ممنوع است.

□ نکته مهم: همیشه باید به مقدار کافی صابون در تمام دستشویی ها وجود داشته باشد.

۳) بهداشت اتاق ها

اتاق ها محل استراحت و خواب زائران است در هر اتاق به تناسب گنجایش آن، تعدادی از زائران اسکان داده خواهند شد. احتمال دارد بعضی از زائران به اندازه کافی مراعات اصول بهداشتی را نکنند و همین مسأله ممکن است سلامت سایرین را به خطر بیندازد، بنابراین لازم است بطریق صحیح و با زبان خوش موارد اشکال تذکر داده شود. نظافت اتاق ها دست کم روزی یکبار باید به دقت انجام شود. در هر اتاق قرار دادن یک سطل زباله دردار برای جمع آوری تدریجی مواد دور ریختنی و سپس جمع آوری همه آنها لااقل هر روز یکبار ضروری است.

یکی از چیزهایی که سبب اشکال در نظافت اتاق ها می شود، قرار دادن وسایل اضافی در اتاق ها است، لذا شایسته است تا حد امکان، در کاروان محل هایی برای نگهداری چمدان ها و وسائل اضافی زائران پیش بینی شود.

نکته بسیار مهم دیگر، پاکیزگی و نظافت رختخواب ها است، البته هر زائر فقط از رختخواب مخصوص خود استفاده خواهد کرد لیکن شستشوی ملافه ها و روبالشی ها باید بطور مرتب و تقریباً هفته ای دو بار صورت گیرد، گاهی ممکن است بدلیل تعریق بیش از اندازه، تعویض ملافه ها بفاصله کمتر نیز ضرورت پیدا کند.

زائران پس از استراحت و برخاستن از خواب لازم است رختخواب های خود را جمع کنند.

محل صرف غذا باید جدا از اتاق های زائران باشد و بطور کلّی صرف غذا در اتاق ها درست نیست.

□ نکته بسیار مهم:

متأسفانه در میان زائران، کسانی وجود دارند که هنوز نتوانسته اند عادت زشت و زیان بخش سیگار کشیدن را ترک نمایند.

سیگار کشیدن، حتی اگر بر اساس فتاوای موجود، صریحاً تحریم نشده باشد، با انجام چند گناه آشکار و آزار دهنده توأم است.

ضرر رساندن به خود، مزاحمت و آزار همسفران و اسراف و اتلاف مال نمونه های واضحی از گناهانی است که معمولاً معتادان به سیگار مرتکب می شوند.

به هر صورت، صرفنظر از زشتی این عمل، لازم است به زائرانی که مبتلا به این بلا هستند تذکر داده شود که به هیچ وجه در داخل اتاق ها مجاز به سیگار کشیدن نیستند.

۴) بهداشت انبارها، یخچال و فریزر

اصولاً محل انبار که در آن مواد غذایی نگهداری می شود، باید از انباری که محلّ نگهداری وسایل و مواد دیگر است، کاملاً جدا باشد.

انبار باید خشک و خنک باشد. مواد غذایی در کیسه های سربسته یا ظروف مخصوص روی سکّو یا داخل جعبه های مناسب قرار بگیرد; بطوری که لااقل ۲۰ سانتیمتر از سطح زمین بالاتر گذاشته شود. جایی که حلب های پنیر و میوه جات نگهداری می شود، باید کاملاً خنک باشد. یخچال و فریزر در سرزمین حجاز از وسائل بسیار ضروری، مهم و اساسی هستند لذا نسبت به طرز کار آنها باید کاملاً مراقب بود، برای آن که یخچال و فریزر درست کار کنند، باید اولاً بر سطح کاملاً صاف و افقی در جای مناسب قرار داده شوند (مورّب قرار داده نشوند) و ثانیاً پشت یخچال و فریزر که محلّ لوله های گاز آن ها است با دیوار فاصله داشته باشد تا تبادل حرارت به آسانی صورت گیرد.

گاهی حتی ممکن است مجبور شویم نزدیک یخچال یا فریزر، پنکه ای را بکار اندازیم تا تبادل حرارت لوله های گاز آنها آسان شود و درست کار کنند.

داخل یخچال و فریزر هم باید کاملاً تمیز باشد. از قرار دادن مواد غذایی بصورتی که دیگر مواد غذایی موجود در آنها را آلوده کند، باید خودداری نمود. ضمناً انباشتن مقدار زیادی مواد غذایی روی یکدیگر، مانع رسیدن سرمای کافی به بخشی از آن و سبب فساد آن خواهد گردید.

گوشت های آماده مصرف را باید در بسته بندی مناسب در داخل فریزر قرار داد.

□ توجه: هنگامی که مقدار قابل توجهی برفک در فریزر یا یخچال تولید می شود، انتقال سرما با اشکال توأم خواهد بود لذا باید نسبت به برطرف کردن بر فک اقدام نمود.

نکته مهم: نگهداری مواد غذایی پخته شده مازاد بر مصرف، در داخل یخچال و فریزر برای استفاده بعدی، ممنوع است.

۵) بهداشت آسانسور، دستگیره ها، نرده ها

با توجه به رفت و آمد مکرّر زائران به کمک آسانسور و استفاده آنها از دستگیره ها و نیز دست زدن به نرده ها، لازم است نسبت به ضد عفونی کردن دستگیره ها و نرده های مورد اشاره اقدام شود.

یک روش آسان برای این منظور، استفاده از محلول ۵% دتول است; به این ترتیب که تقریباً نصف ۱ پیمانه دتول را در ۵/۹ پیمانه آب حل کرده به کمک دستکش، ابر یا دستمالی را درآن قرارداده خیس می کنیم، سپس ابر یا دستمال را روی تمام دستگیره ها و نرده ها می مالیم.

۶) درها و پنجره های توری

اصولاً ارتباط میان داخل اتاق ها، انبار، آشپزخانه، توالت ها و محیط خارج ساختمان نباید بصورتی باشد که مگس و حشرات بتوانند داخل آنها شوند; به عبارت دیگر، یا باید درها و پنجره ها کاملاً بسته باشند و یا دریچه ها و درهای دارای توری سالم، در این محل ها قرار داشته باشند.

کاروان ها لازم است نسبت به ترمیم توری های پاره شده یا نصب دریچه های توری دار، با کمک مالکین ساختمان ها اقدام فوری نمایند و به هر صورت از ورود مگس و حشرات به داخل ساختمان، به عنوان یک خطر جدّی، با اهمیت بسیاری جلوگیری کنند.

۷) محل رختشویی

در شرایط فعلی، در هر کاروان می توان محلّ مناسبی را برای رختشویی اختصاص داد. در این صورت زائران نباید از دستشویی ها جهت رختشویی استفاده نمایند.

همچنین شایسته است با توجه به امکانات، محل مناسبی برای آویختن رخت های شسته و خشک کردن آنها پیش بینی شود تا زائران تنها از همان محل برای این منظور استفاده نمایند.

۸) بهداشت آشپزخانه و وسایل آن

آشپزخانه در تأمین سلامت زائران تأثیر فوق العاده ای دارد; به نحوی که هرگونه بی دقّتی در این خصوص می تواند خطرات جدّی برای زائران و کارکنان کاروان به دنبال داشته باشد.

مهمترین نکاتی که قطعاً باید در شرایط فعلی ساختمان ها مراعات شود عبارتند از:

الف) پاکیزگی همه قسمت های آشپزخانه:

پاکیزه نگاه داشتن آشپزخانه، جز با نظافت و شستشوی مکرّر با آب و مواد پاک کننده، جمع آوری سریع زباله و مواد زاید، خودداری از قرار دادن وسایل اضافی در آشپزخانه و کنترل رفت و آمد، جلوگیری از ورود افراد دیگر (بجز کارکنان آشپزخانه) میسّر نیست.

ب) جلوگیری از ورود مگس و حشرات:

شاید بسیاری از آشپزخانه های کاروان، به دلایلی که قبلاً ذکر شد، به این منظور از پیش آماده نشده باشند، امّا به هر حال به محض این که محلّی نام آشپزخانه گرفت، باید در حد افراط و وسواس نسبت به پاکیزگی عمومی آن کوشید و به هر طریق که لازم باشد، از ورود مگس به داخل آن، بطور کاملاً جدّی جلوگیری بعمل آورد. ورود مگس به آشپزخانه به معنای ورود آلودگی و خطر بیماری و مرگ است. لذا به هیچ عنوان نباید پنجره ها یا درهای توری را بازگذاشت. همچنین با سرپوشیده نگاه داشتن زباله و قرار ندادن مواد غذایی در جایی که استفاده مگس از آن میسّر شود، باید خطر آلودگی بوسیله مگس را برطرف کرد و در صورت ضرورت با دقت کافی، بدون آن که ظرفی یا ماده غذایی و وسیله ای که با غذا سرو کار دارد آلوده شود، از حشره کش مناسب استفاده نمود.

ج) مناسب بودن مجاری فاضلاب:

مجاری فاضلاب آشپزخانه باید سرپوشیده باشد و به نحوی فاضلاب به مجرای اصلی هدایت شود که به هیچ وجه محیط اطراف را آلوده ننماید. بسیار دیده می شود که فاضلاب آشپزخانه های کاروان ها به داخل کوچه و خیابان وارد شده فضایی را آلوده نموده است.

د) بهداشت محل ظرفشویی:

باید محل مناسبی برای ظرفشویی پیش بینی شود; به نحوی که این محل از قسمت تهیه و طبخ مواد غذایی کاملاً جدا باشد. فاضلاب محل ظرفشویی باید به نحو صحیح دفع شود و از آلوده کردن اطراف آن جلوگیری گردد.

هـ) بهداشت ظروف زائران و وسایل آشپزخانه:

پس از شستشوی اولیه ظروف زائران; یعنی پس از آن که آنها را با آب گرم و مواد پاک کننده شستشو دادند و آبکشی اوّلیه انجام شد، باید ظروف را در داخل تشت یا ظرف مناسبی قرار داد و در آن محلولی از پرکلرین شامل ۵ گرم (۱ قاشق مرباخوری) پرکلرین به ازاء هر ۱۰ لیتر آب (یک سطل یا نصف یک حلب بزرگ) ریخت و پس از ۲۰ دقیقه تا نیم ساعت ظروف را از آن خارج کرده و مجدداً با آب پاکیزه آبکشی نمایند و در محل مناسبی قرار دهند تا آب آن بچکد و ظروف خشک شوند. روی ظرف خشک شده را باید با پارچه تمیز پوشاند و از دسترس مگس و گرد و غبار محفوظ داشت، بطور کلی استفاده از ظروف تَرَک دار و آسیب دیده، ممنوع است.

دیگ ها و ظروف بزرگ آشپزخانه را نیز باید پس از استفاده، به خوبی با آب گرم و مواد پاک کننده پاکیزه کرد و پس از آبکشی، در جای مناسبی بصورت وارونه قرار داد همچنین سایر وسایل کار; مثل کفگیر و ملاقه و غیره را نیز باید کاملاً پاکیزه ساخت.

لازم به تذکر است که استفاده از ظروف مسی قرمز (سفید نشده) و ظروف تَرَک دار، کاردهای درزدار، کفگیر و کفگیره برّه دو تکه (دارای میخ پرچ) مجاز نیست.

تخته گوشت خُرد کنی باید سالم و بدون ترک باشد و پس از هر بار استفاده و پاکیزه کردن و شستن، روی آن را با نمک نرم فراوان بپوشانند برای خُرد کردن خیار و پیاز و غیره نباید از تخته گوشت خُرد کنی استفاده شود بلکه برای این منظور، لازم است تخته دیگری تهیه شود.

و) دفع بهداشتی زباله آشپزخانه

زباله آشپزخانه را باید بطور مرتب و بی وقفه از محیط آشپزخانه خارج کرد و در داخل کیسه های زباله، که سر آن بسته شده باشد یا در داخل ظروف زباله در دار، ریخت.

بسیار دیده می شود که کارتن های مقوایی مربوط به مرغ و گوشت و میوه جات، به همان صورت داخل ظروف زباله ریخته می شود و به همین دلیل سطل های زباله اغلب زود پر می شوند و در آنها باز می ماند لذا مقوا و جعبه و نظایر آنها را باید ابتدا کمی فشرد و به هر حال طوری در ظروف زباله قرار داد که سبب بازماندن در سطل زباله نشوند.

ز) شستشو و ضدّ عفونی کردن آشپزخانه

اگر چه باید تأکید کرد که در آشپزخانه به هیچ وجه، بجز آب پاکیزه و بهداشتی، آب دیگری نباید به هیچ منظور، حتی شستشوی کف و دیوار آشپزخانه بکار رود، مع الوصف اضافه می کنیم خوب است هر روز یکبار پس از شستشو و پاکیزه سازی کامل آشپزخانه، محوطه آشپزخانه را با محلول پرکلرین بوسیله جاروی پاکیزه یا «ت» ضدّ عفونی نمایند.

محلول پرکلرین را، همانطور که قبلاً برای ضدّ عفونی کردن حمام گفتیم، به این ترتیب می توان تهیه نمود: در یک سطل آب (۱۰ لیتر آب)، یک قاشق مرباخوری (۵ گرم) گرد پرکلرین می ریزیم و از این محلول برای ضد عفونی کردن کف آشپزخانه استفاده می نماییم.

در خاتمه این بحث، تذکر این نکته سودمند است که آشپزخانه باید تمیزترین قسمت ساختمان باشد.

۹) بهداشت آبدارخانه

تقریباً اصول کلّی ذکر شده در مورد آشپزخانه; مانند ضرورت پاکیزگی، عدم دسترسی مگس، بهداشت مجاری فاضلاب، داشتن سطل زباله در دار، بهداشت محل شستشوی استکان و نعلبکی. ضد عفونی گاه بگاه استکان ها با محلول پرکلرین (که ضمناً سبب رفع کدورت و باعث شفافیت استکان ها هم می شود) باید به همان صورت مراعات شود.

نکته خاص آبدار خانه، قرار دادن قند و شکر در قنددان و ظروف در دار و قطع دسترسی مگس به آن و جلوگیری از ورود افراد مختلف به آبدارخانه است.

ضمناً از آنجا که چای پر رنگ برای سلامت انسان زیان بخش است و سبب یبوست مزاج و مشکلات دیگر می شود، توصیه می گردد چای را به صورت کمرنگ و به مقدار فراوان در اختیار زائران قرار دهند.

۱۰) بهداشت کلمن های آب

با توجه به شرایط خاص سرزمین حجاز، اجباراً از کلمن های آب بسیار استفاده می شود ـ پس از شستشوی یخ در داخل آبکش و ریختن آن در داخل کلمن، مقداری آب پاکیزه اضافه می شود تا زائران از آن استفاده کنند.

چند نکته قابل ذکر در این جا وجود دارد که در عین سادگی، دارای اهمیت است:

الف) بهداشت یخ

یخ را از هنگام دریافت از کارخانه یخ، باید در جعبه ها یا ظروف مناسب، حمل نمود و سپس در جای مناسب و بهداشتی یا استفاده از نایلون و مشمع پاکیزه نگهداری کرد. گاهی دیده می شود که قالب های یخ را روی زمین یا در داخل وانت روی کف محل حمل بار قرار می دهند. این کار سبب می شود که مقداری از یخ که بتدریج آب می شود آلودگی ها را در خودش حل کند و به آسانی به داخل قسمت های دیگر یخ نفوذ کند شستشوی ظاهری یخ قادر به رفع این گونه آلودگی ها بطور کلی نیست، پس از شکستن قالب های یخ همانگونه که اشاره شد باید یخ را با آب پاکیزه در داخل آبکش شست و سپس به داخل ظروف آب ریخت.

ب) عدم دستکاری داخل کلمن

متأسفانه گاهی دیده شده است که برخی افراد برای خنک کردن قوطی نوشابه، آن را داخل کلمن آب قرار داده اند! این کار سبب آلودگی آب و لطمه زدن به سلامت دیگران می شود.

ج) کنترل درجه سرمای آب

از آنجا که به دلایل خاص، کاروان ها ناچارند مقدار زیادی یخ را در داخل کلمن قرار دهند و این کار موجب خواهد شد که آب آشامیدنی بشدت سرد باشد و بسیاری از اوقات زائران تشنه و عرق کرده از آن استفاده نمایند لذا توصیه می شود کنار کلمن های آب، ظرف شیردار دیگری که در آن آب معمولی است نیز قرار داده شود تا زائران میزان سرمای آب مصرفی خود را کنترل نمایند.

د) شستشوی کلمن ها

به هر صورت هنگام تعویض آب و یخ، کلمن ها باید آنها را از آب باقیمانده تخلیه کرد و هر چند یکبار با آب پاکیزه شستشو داد.

۱۱) بهداشت سفره و محل صرف غذا

محلی که برای صرف غذا در نظر گرفته می شود، باید کاملاً پاکیزه، دارای جای کافی و مانند سایر قسمت ها از دسترس مگس در امان باشد.

خوب است سفره ها را کمی با پهنای کمتر بگسترانند و به هیچ کس اجازه پاگذاشتن در سفره، به هر عنوان; مثل چیدن ظروف یا توزیع غذا و مانند اینها ندهند. همچنین هنگام جمع کردن سفره دو سر سفره را ابتدا روی هم قرار دهند سپس به دفعات لازم تا کنند، فایده این کار این است که هیچگاه قسمت زیر سفره که با فرش اتاق تماس دارد با داخل سفره که محل قرار دادن ظروف غذا است تماس پیدا نمی کند.

۱۲) کپسول های آتش نشانی

در داخل ساختمان باید به تعداد کافی کپسول آتش نشانی برای مقابله با حوادث احتمالی وجود داشته باشد. معمولاً به دلیل کنترلی که از جانب مسؤولین دولت حجاز وجود دارد، کم و بیش این کپسول ها را در داخل ساختمان ها می توان دید اما متأسفانه بسیاری از کارکنان کاروان ها طرز

کار با آنها را به دقت نمی دانند و همین مسأله می تواند موجب خطراتی شود.

لازم است مدیران محترم کاروان ها به طریق مقتضی و با آموزش های لازم به کمک افرادی که با طرز کار آنها آشنایی دارند، از آمادگی خدمه کاروان برای استفاده صحیح از آنها در مواقع خطر مطمئن شوند.

http://vista.ir/?view=article&id=280602

vista.ir
Online Classified Service

بهشت کوچک اروپا

نه تنها سوئیس که زوریخ و دریاچه اش از پنجره کوچك هواپیما، جلوه ای زیبا دارند.

اما چرا سوئیس؟ چرا اسپانیا نه؟ پاسخ به این سؤال بسیار ساده است، درباره اسپانیا و مراکز دیدنی و توریستی آن بسیار نوشته شده در حالی که از کشورهای اروپای مرکزی و به ویژه سوئیس که مردی از چهار زبان و فرهنگ آلمانی، ایتالیایی، فرانسوی و رومانیایی در آن زندگی می کنند، کمتر نوشته شده و کمتر به جذابیت ها و دیدنی های شهرهای آن کشور پرداخته شده است؛ سوئیسی که همواره در سایه همان فرهنگ های فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی قرار داشته است. البته سوئیس همواره شهرتش را مدیون بانك ها، کارخانه های شکلات سازی و مناظر سرسبزش است و کمتر به شهرهای آن پرداخته شده است. منظور ژنو و برن نیستند، منظور اصلی زوریخ است؛ زوریخی که آن طور که از اسم آن برمی آید، شهری است که در آن فرهنگ آلمانی غالب است.

زوریخ از نظر جمعیتی و وسعت شهربزرگترین سوئیس است. این شهر در کنار دریاچه ای واقع شده که به جذابیت های تاریخی و فرهنگی آن وجهه ای جغرافیایی نیز بخشیده است.

اهمیت زوریخ و دریاچه اش مایکل.جی اگووینو - خبرنگار نیویورك تایمز- را برآن داشته تا ضمن سفر به آن شهر، گزارشی درباره جذابیت های توریستی آن تهیه کند، در این باره می خوانید:زوریخ باشکوه، امن و سرشار از ثروت، در سال های اخیر جلوه سابق خود را از دست داده و بدل به شهری کاملاً متفاوت شده است.

زوریخ امروزی در واقع شهری است مهاجرپذیر که دیگر آن شور و نشاط سابق را ندارد و جوانان پرسروصدای آن جای خود را به پسرانی بی هیاهو داده اند. در کنار این تحولات، هنر معاصر نیز گالری ها و نمایشگاه های هنری در سراسر شهر را به قبضه خود در آورده است.

البته تصاویری از نماهایی متفاوت از التشتات یا بخش قدیمی شهر، همچنان روی کارت پستال های زوریخی خودنمایی می کنند. بلوار بانهوف اشتراسه نیز هم چنان شکوه خود را با مغازه های لوکس و مجللش حفظ کرده است. دریاچه زوریخ که در اطراف آن دورنمایی از کوه های آلپ را می توان به وضوح مشاهده کرد، یادگاری است از شکوه و جلال تاریخی شهر زوریخ. اما زوریخ در نظر جوانان و اروپایی هایی که همه چیز را از منظر جهانی نگاه می کنند، شهری است غربی، شهری است که پیش از آنکه شهرنشینی در آن رواج داشته باشد، مرکزی صنعتی در آن قرار داشته که توسط خطوط آهن با سایر نقاط ارتباط برقرار می کرده است. اما امروزه در این منطقه که میان رودخانه لیمات و خطوط آهن واقع شده، تغییرات بسیاری را می توان مشاهده کرد. پیرو این تغییرات انجام گرفته بخش لانگ اشتراسه امروزه یکی از مقاصد اصلی هنرمندان، دانشجویان و

روشنفکران است. خانه های متعدد هنر، سینماها و رستوران ها و کبابی ها زینت بخش لانگستراسه هستند.

می گویند، سوئیسی ها از آب و هوای کشورشان به شدت احساس نارضایتی کرده و طی یکسال همواره از آب و هوای نامطلوب انتقاد می کنند، اما شما باور نکنید. به دلیل رطوبت پایین، شهر زوریخ در فصول بهار و تابستان آب و هوای بسیار مساعدی دارد. به همین منظور نیز استخرهای سونا و استخرهای شنای متعددی در کرانه لیمات ساخته شده اند. جهانگردان نیز می توانند ساعاتی را با قایقرانی بر دریاچه، دوچرخه سواری در خیابان ها و کوچه پس کوچه های بخش قدیمی شهر و تماشای فیلم در سینماهای سرباز سپری کنند.

●محل اقامت

اگر شما با خرج شرکتی که در آن به فعالیت اقتصادی مشغول هستید به سوئیس آمده اید، به بخش قدیمی شهر بروید و با قدری گشاده دستی اتاقی را در اقامتگاه مخصوص کارمندان ادارات و شرکت ها اجاره کنید.این محل، در واقع سکونتگاهی است که افراد طبقه متوسط در آن رحل اقامت می افکنند.

این اقامتگاه توریستی یا به عبارتی بهتر هتل، دارای پارکی اختصاصی است که به دریاچه و خیابان بانهوف اشتراسه منتهی می شود.چند بلوك آنطرف تر نیز هتل پارك هیات زوریخ قرار دارد که بهره برداری از آن سال گذشته آغاز شده است. نمای این هتل با ترکیبی از شیشه و سازه های فولادی ساخته شده و همانگونه که هتل دارای ظاهری مدرن است، اتاق های آن نیز مطابق مد روز تزیین شده اند. در مجموعه توریستی پارك هیات همچنین یك اتاق کنفرانس ساخته شده است. شکوه جلال امروزی، مخارج بالایی را برای اقامت جهانگردان نیز رقم زده است.

●کجا غذا بخوریم

در مرکز شهر، رستوران کروننهال همواره پذیرای توریست های خارجی است. علاوه بر آنکه نحوه طبخ در این رستوران بسیار مطلوب است، دیوارهای رستوران نیز به تابلوهایی اصل از پیکاسو، براکه و جیاکومتیس مزین شده اند. در این رستوران همچنین استیك تارتار سرو می شود، استیك تارتار بشقابی است از گوشت چرخ کرده خام. اگر دقیقاً به خاطر داشته باشید، در یکی از برنامه های مستر بین نیز از غذای استیك تارتار برای جذابیت و بالا رفتن میزان طنزپردازی آن برنامه استفاده شده بود. (اشاره به مراسم تولد مستربین که او، خود را به یك رستوران دعوت کرده بود.)

اما در غرب زوریخ نیز رستوران لاسان، یکی از مشهورترین سالن های غذاخوری است که مشتریان زیادی را به سبب سرو غذاهای خوب، به خود جذب کرده است.

●گشت روزانه

اگر به عنوان جهانگرد به زوریخ آمده اید، حتماً در طول روز به بخش قدیمی شهر بروید و به اطراف و اکناف آن سرك بکشید، به رغم آنکه بخش قدیمی شهر را می توان در قیاس با شهر ایتالیایی ونیز، بسیار فقیرانه توصیف کرد، اما گشت و گذار در این منطقه می تواند شما را به رویایی دور و دراز و تاریخی فرو برد.

در این بخش از شهر می توانید، آثار بدیع تاریخی شهر زوریخ را از نظر بگذرانید. در کرانه شرق رودخانه، ساختمان تازه بازسازی شده کونستاوس- اصلی ترین موزه هنری شهر- قراردارد. بین ماه های مه و سپتامبر نیز شما می توانید در بخش هایی از دریاچه زوریخ که جهت آبتنی اختصاص داده شده اند، شنا کنید؛ البته در ازای انجام این ورزش تفریحی و استفاده از آب دریاچه، باید ۶ فرانك پرداخت کنید.

در بخش دیگری از دریاچه و در نزدیکی فواره بزرگ در بخش میثنکوای امکانات تفریحی متعددی وجود دارد که می توانید در دریاچه شنا کنید. در اینجا رستوران های زیادی وجود دارند که می توانید پس از انجام ورزش فرح بخش شنا به آنجا بروید و تغییر ذائقه دهید.

در کل در زوریخ می توانید تقریباً از همان امکاناتی برخوردار شوید که در سواحل فرانسه و اسپانیا آنها را در اختیارتان می گذارند.

البته تفاوت هایی میان این مناطق توریستی نیز باید قائل شد. درواقع چشم انداز طبیعی سوئیس و به ویژه شهر زوریخ کاملا متفاوت با مناطق توریست خیز جنوب اسپانیا و فرانسه است.

●شهر ثروت و شهرت

زوریخ با جمعیتی معادل ۳۶۶ هزار و ۱۴۵ نفر بزرگترین شهر سوئیس محسوب می شود.

البته جمعیت این شهر با احتساب حومه و نواحی اطراف آن به یك میلیون و ۹۱ هزار و ۷۳۲ نفر می رسد. این شهر مرکز کانتون زوریخ است. زوریخ اصلی ترین مرکز تجاری کشور سوئیس نیز محسوب می شود. این شهر همچنین در زمره مهمترین شهرهای جهان قرار دارد.ریشه نام شهر از واژه سلتیك توروس گرفته شده است. در زمان رومی ها نیز نام توریکم بر شهر اطلاق شده بود.از نظر جغرافیایی شهر زوریخ در محل تلاقی دریاچه

زوریخ با رودخانه لیمات قرار دارد.دریاچه زوریخ نیز از همه طرف از سوی تپه های سرسبز احاطه شده است.زوریخ و سوئیس هر دو نام هایی هستند که واژگانی نظیر بانکداری و شکلات سازی را در ذهن تداعی می کنند. در واقع معتبرترین بانك های جهانی در سوئیس قرار داشته و سیاستمداران و شخصیت های مطرح جهانی در این بانك ها دارای حساب مالی هستند.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=222191

vista.ir
Online Classified Service

بهشتی در مرز کویر و جنگل

منطقه خطیرکوه در موقعیت عرض جغرافیایی: ۹، ۳۵ طول جغرافیایی: ۱۰، ۵۳ در کره زمین واقع شده است.

با بررسی و مطالعه موقعیت سیاسی و جغرافیایی منطقه خطیرکوه در دهه های گذشته درمی یابیم روستاهای خطیرکوه قبل از سال های ۱۳۰۰ جزو استان تهران، شهر فیروزکوه و از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۶ جزو حوضه سیاسی استان مازندران شهر پل سفید و از سال ۱۳۶۷ به بعد جزو استان سمنان بوده است با مطالعه و قدمت نام و نشان روستاهای منطقه خطیرکوه در جغرافیای ایران، استان (تهران، مازندران و سمنان) به آن پرداخته شده است تنها روستایی که در تاریخ مازندران از منطقه خطیرکوه از آن نام برده شد روستای کمرود خطیرکوه می باشد که در لغت نامه دهخدا به آن اشاره شده است. یکی از دلایل شکل گرفتن سایر روستاهای خطیرکوه در حاشیه رودخانه کبیر، وجود آب رودخانه کبیر جهت کشت و کار و امکان کسب و کار بهتر به دلیل تردد تاجران و موقعیت آب و هوای مناسب تر در ایام سرد سال در کنار رودخانه بود.

در گذشته مردم منطقه روستاهای حاشیه رودخانه کبیر را کمرو روار می گفتند که در سال های بعد با پرجمعیت شدن هرکدام نامی به خود گرفته اند که امروزه روستاهای منطقه خطیرکوه به نام های کمرود، زرشک دره، بند بن، پاقلعه، رودبار، لرد می باشند.

منطقه خطیرکوه به سبب موقعیت سوق الجیشی در طول تاریخ از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است.

منطقه خطیرکوه در رده ای از البرز مرکزی واقع شده که از شمال به شهرستان سواد کوه و از جنوب به شهرستان سمنان و از مشرق به شهرستان ساری (شهر سنگده) و از مغرب به استان تهران (شهرستان فیروزکوه) محدود است. منطقه خطیرکوه در گذشته جزو منطقه راستوپی از بخش مرکزی سواد کوه بود اعتماد السلطنه در کتاب التدوین فی احوال جبال شروین ص (۷۳) بلوک (راستوپی) را شامل این روستاها دانسته است طالع، شورمست، میآر کلا، ازآن رود و کمرود.

راستوپی نام رودی است که از شمال کوه های خطیرکوه سرچشمه می گیرد که امروزه سرچشمه آن به روزیه خطیرکوه معروف است که پس از پیوستن چند شاخه فرعی چون رود سرخاب و دلاور به آن، رو به شمال جریان می یابد این رود پس از عبور از شهر پل سفید در دو راهی آزاد مهر شاخه ولوپی از سمت چپ به آن می پیوندد و پس از این به نام تالار جریان می یابد. ساکنین پایین دست رودخانه کبیر (امافتی ها، ملردی ها، برنتی ها و بایع کلایی ها این روخانه را ولاراو می شناسند ولاراو به زبان محلی یعنی آبی با حجم زیاد منجر به عقب رانده شدن کناره رودخانه شده و زمین های مسیر رودخانه را تخریب نموده و آن را از بین می برد.

کوه های منطقه خطیرکوه و رشته کوه های همجوار آن به صورت مرز اقلیمی برای مازندران با استان سمنان و تهران عمل کرده است و رویش جنگل های مازندران از کوهستان آغاز شده به طرف شمال ادامه می یابد که چشم هر بیننده ای را در هر فصل به خود جلب می کند.

منطقه خطیرکوه از لحاظ شرایط اقلیمی جزو دسته بندی اقلیم خزری می باشد که خاص کرانه های دریای خزر و مناطق کوهستانی مشرف به دریا می باشد.

آب و هوای منطقه خطیرکوه جزو آب و هوای معتدل کوهستانی است. ویژگی های این اقلیم عبارت است از دمای معتدل با نوسانات کم شبانه روزی، رطوبت کم، وزش نسیم دریایی و بادهای محلی و بالاخره بارندگی کم در مناطق کوهستانی که در بیشتر فصل های زمستان و بهار فرو می ریزد و به پیدایش جنگل در ارتفاعات مشرف به دریا می انجامد.

ناگفته نماند میزان بارش باران به همان میزان که به ارتفاعات نزدیک تر می شویم از سهم آن کمتر می شود. کشاورزان این مناطق برای دسته بندی جو، گندم، یونجه و شبدر... به دلیل رطوبت خزری در صبحدم سود برده و محصولات خود را جمعآوری می نمایند تا از میزان ضایعات در هنگام بسته بندی در وسط روز کاسته شود و عمل دسته بندی راحت تر انجام گیرد.

- بارندگی در منطقه خطیرکوه

بیشتر بارندگی در منطقه خطیرکوه در فصل زمستان و بهار می باشد. ریزش های کوهستانی اغلب به صورت برف می باشد آب شدن تدریجی آن در فصل های بهار و تابستان آب رودخانه ها را تامین می کند آب رودخانه بزرگ کبیر آب دشت ها و کوهپایه های مسیر رودخانه را تامین می کند و در نهایت در دو راهی دوآب به رود خانه تالار پیوسته به دریای مازندران می ریزد.

ریزش های مربوط به فصل پاییز و بهار بیشتر رگباری گذرا می باشد در کل منطقه خطیرکوه جزو مناطق کم باران می باشد. بارش رگباری مناطق خطیرکوه به دلیل عدم پوشش گیاهی مناسب و تنک بودن پوشش گیاهی در بعضی مناطق و عدم فرصت کافی برای جذب آب و شیب زیاد منجر به راه افتادن سیل های خروشان می شود. با توجه به بارش کم در فصل تابستان و کمبود آب کشاورزی در روستای کمرود خطیرکوه مهار آب های سطحی و رودخانه بند بن (که بخشی از آن حاصل رودخانه دارکش و کمر بنک است) در طول ۶ ماه از سال خصوصا در فصل زمستان و بهار می تواند مشکل روستا را حل نماید. براساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۸۵ جمعیت این روستا شامل ۱۰۱ خانوار با تعداد ۲۹۸ نفر (۱۴۲ مرد و ۱۵۶ زن) می باشد. لازم به ذکر است با توجه به موقعیت گردشگری و آب و هوای مناسب در ۸ ماه از سال و همچنین زیبایی کوهستان در فصل زمستان جمعیت فصلی و مسافر در این روستا بعضی مواقع تا ۲۰۰۰ نفر نیز می رسد.

- اماکن دیدنی و جاذبه های گردشگری

از نظر طبیعی و حیات وحش می توان از جنگل های زیبای نسوم، دارکش، وارتا، سلوش و غیره با تنوع گیاهی پهن برگ و سوزنی برگ و گیاهان دارویی همچون گل گاوزبان، باریجه، آویشن و حیوانات وحشی چون بز کوهی، خرس، پلنگ، گراز و غیره نام برد.

از اماکن زیارتی می توان به مقبره سیدنظام الدین و همچنین ساختمان قدیمی سقانفار با معماری سنتی و قدمت بیش از ۳۰۰ سال در حسینیه کمرود نام برد. از نقاط تفریحی می توان به آبشار کمرود، چشمه های چمن، چشمه باغک، چشمه استین سر و تپه زیبای کتلیم که چشم انداز وسیعی از تنگه خطیرکوه از سوادکوه تا چاشم دارد.قله معروف قدمگاه با ارتفاع ۳۶۵۱ متر از سطح دریا که در بین کوهنوردان به علم کوه سمنان معروف است همه ساله میزبان تعداد زیادی کوهنورد از سراسر ایران و جهان می باشد. همچنین در دامنه قله دو یخچال طبیعی قرار دارد که مردم کمرود در فصل تابستان جهت پذیرایی مهمانان در مجالس عروسی یخ مورد نیاز خود را از آن تهیه می کنند.

- غذاها و محصولات غذایی

از محصولات دامی این روستا می توان به شیر، ماست، کره، آروشه، لور، سرشیر محلی، سرماست محلی، عسل طبیعی، قره قروت (تفره) و غیره اشاره نمود. همچنین محصولات باغی مانند گیلاس، آلبالو، زردآلو، توت و به ویژه گردو می توان نام برد. از محصولات خوراکی صحرایی می توان از سامباروک (آلبالوئک)، سولی، زرشک، ولیک، سیب وحشی، گالش انگور و غیره می توان نام برد. نان پنجه کش، نان گرده و کچیله نون محتوی گردو از نان های بسیار خوشمزه دست پخت زنان این آبادی است. همچنین آش گزنه، آش زرشک، تفره که با قره قروت درست می شود و غذاهای محلی دیگر که مجال توضیح نیست.

- صنایع دستی

صنایع دستی شامل جاجیم بافی، گلیم بافی، فرش دست بافت، نمد، لباس پشمی و غیره است.

- اثرات اقلیمی کوه های خطیرکوه

منطقه خطیرکوه در دهانه رشته کوه های البرز خاوری واقع شده است که رشته کوه های آن از کوه دماوند رشته می گیرند فاصله جلگه دماوند تا پای بزرگترین قله مرتفع خطیرکوه (قدمگاه) حدودا ۱۶۵ کیلومتر می باشد رشته کوه های منطقه خطیرکوه به عنوان مرز میان دو اقلیم عمل کرده به طوری که دامنه های شمالی با پوششی از انبوه گیاهان و درختان جنگلی و دامنه های جنوبی خشک و کم گیاه و کم درخت می باشد درختان دامنه جنوبی کوه های خطیرکوه اغلب اورس می باشد چوب این درختان در مقابل رطوبت و پوسیدگی بسیار مقاوم می باشد. به همین لحاظ کمتر سرایی پیدا می شود که پرور آن از اورس نباشد.

به همان اندازه به سمت جنوب و کویر می رویم از پوشش گیاهی کاسته می شود و همین طور به سمت شمال می رویم پوشش گیاهی بیشتر و جنگل ها انبوه تر می شود. قلل مرتفع و ارتفاعات مزبور در مقابل جریان هوای مربوط دریای خزری همانند سد عمل کرده که از عبور جریانات مربوط به طرف جنوب ممانعت می نماید به همین دلیل مناطق جنوبی و شمالی دارای آب و هوای متضاد می باشند رودخانه هایی که در دامنه شمالی البرز جریان دارند همواره دارای آب بوده و برعکس رودخانه های دامنه جنوبی بسیار کمآب یا فصلی می باشد. روستاهای خطیرکوه دارای زمستان سرد و تابستانی خنک و معتدل مایل به سرد می باشد. ساکنین کمرود خطیرکوه ناگزیر به تحمل زمستانی سرد با برف های سنگی می باشند. برای بررسی کوه های منطقه خطیرکوه راه و روش های زیادی وجود دارد که می توان از آن بهره گرفت. همان طور که مستحضر هستید کوه های منطقه خطیرکوه در دره البرز خاوری واقع شده است که تحت عنوان منطقه خطیرکوه یا تنگه خطیرکوه بیان می شود.

واژه تنگه در فرهنگ فارسی به معنی آبراهه و به معنای عبور آب از میان دو پیش آمادگی است در زبان محلی به معنی گذرگاه تنگ یا کوچه ای باریک می باشد. معنی مترادف یا دیگر آن به زبان محلی غلت می باشد که غلت های معروف تنگه خطیرکوه (هرزه کلای غلت، رنگم غلت، شاهین تنگ غلت، سرتنگه غلت) می توان نام برد. حد و سامان تنگه خطیرکوه از شمال در محل سه راهی دوآب سواد کوه (محل تلاقی آب رودخانه ورسک و اوریم با رودخانه کبیر خطیرکوه) شروع تا گذر از دهانه آبشار خطیرکوه (محل تلاقی آب چشمه روزیه خطیرکوه با آب چاشم) ختم می شود.در بالای دهانه آبشار سمت مشرق گردنه کوچک دارد که محل گذر پیاده رو به سمت سرچشمه روزیه است که معروف به کوتره گردن (کوتر به زبان محلی کبوترگردن) می باشد که ارتباط با گردنه سولا دارد که ۵۰۰ متر مانده به گردنه درخت اورس در مسیر پیاده قدیمی دارد که به درخت جلینگ دار معروف است مرسوم بر آن بود که رهگذران در موقع گذر از کنار آن سنگی به سوی آن پرتاب می کردند در صورت برگشت سنگ اعتقاد داشتند صحیح و سالم به خانه خویش برمی گردند. محل فرود آمدن آبشار خطیرکوه تنگه ای باریک می باشد که عرض قسمت پایین آن حداکثر ۵ متر و ارتفاع بالاتر از ۸۰ متر، عرض آن به ۶۰ متر نمی رسد. با این وصف با گذر از عرض این تنگه دوربرگردان تنگه خطیرکوه شروع می شود که ادامه تپه سولا به سمت مشرق به روستای چاشم و کوه نیزوا است و ادامه تپه سولا به سمت شمال در پای تپه سر تپه (شرق روستای سر تنگه) با گذر از رودخانه آریم و کنگلو در ادامه به شدای کربه زبان محلی (کوه شهدا، وصل به روستای امافت) در انتها به کوه سرخل و کوه دبرار (کوه های خرج و بایع کلا) در پای قلعه دوآب در (محل تلاقی آب رودخانه ورسک و اوریم با رودخانه کبیر خطیرکوه) ختم می شود.

- زمین شناسی کوه های خطیرکوه

جابه جایی و حرکات زمین بارها خشکی ها را تغییر شکل داده، آنها را به زیر آب ها برده یا از زیر آب درآورده و یا در زیر دریاها مدفون ساخته است براساس نقشه زمین شناسی ایران، منطقه خطیرکوه نتیجه حرکات کوهزایی دوران سوم سنوزوئیک (دوره ترشیاری) می باشد.

روزگاری منطقه خطیرکوه در زیر آب بوده، وجود سنگ های فسیلی در مناطق مرتفع گویای این واقعیت است.متوسط میزان بارندگی سالیانه ۵۰۰ تا ۴۰۰ میلی متر می باشد که مقدار بیشتر آن به صورت بارش برف می باشد. از لحاظ میزان درجه حرارت متوسط روزانه در مدت سال ۵ تا ۱۰ درجه سانتیگراد است.از لحاظ ریسک زلزله خیزی (برحسب درجه بندی مرکالی) جزو مناطق با درجه ۷ مرکالی به بالا (منطقه خسارات زیاد) می باشد. (کتاب نقشه جغرافیای کامل ایران صفحه ۱۳۸۸ لغایت ۱۴۲۷) از لحاظ مناطق رویشی در ناحیه شمالی کوه های خطیرکوه شروع جنگل های مازندران است و ناحیه جنوب کوه های خطیرکوه رویش جنگل های اورس بوده و حرکت به سوی جنوب جزو رویش های استپی می باشد. اراضی این مناطق که اکثرا در دامنه کوه واقع شده دارای شیب نسبتا تند و پستی و بلندی می باشد دارای خاک کم عمق، درشت دانه و جوان به دلیل جایگزینی خاک ها به دلیل فرسایش تدریجی می باشد در مناطق نزدیک به حاشیه رودخانه ها خاک ها رسی و عمیق تر می باشند خاک های منطقه خطیرکوه به رنگ های قهوه ای، سفید، سیاه، قرمز، آبی، خاک زرد (معروف به سنگ حنا) دیده می شود. ماسه سنگ های سرخ در محل رنگم (در کوهپایه جنوب شرقی روستای بندبن خطیرکوه) که شاید نام منطقه به لحاظ رنگی بودن ماسه و خاک آنجا گرفته شده است) خاک های منطقه به خاطر درشت دانه بودن و سنگ لاخ ها بیشتر مناسب باغداری می باشد.

- قله قدمگاه

در سمت جنوب روستای کمرود با ارتفاع ۳۶۵۱ متر از سطح دریا بر روستای کمرود خطیرکوه سایه افکنده است به طوری که بر فراز آن در هوای صاف و آسمان آبی شهرهای فیروزکوه، قائم شهر، ساری، جویبار، کیا کلا، بابل و روستاها و کوه های جنوبی... به وضوح دیده می شود. روستای کمرود ایستگاه صعود کوهنوردان و گردشگران در تمام ایام سال به قله قدمگاه است سالانه حداقل بیش از ۵۰ گروه کوهنوردی به قله قدمگاه صعود می کنند.

وجه تسمیه آن: معنی تحت الفظی آن محلی برای قدم زدن است بعضی می گویند حضرت علی(ع) از این نقطه جغرافیایی عبور کرد به میمنت قدم مبارک آن امام قدمگاه گفتند. شاید هم به لحاظ موقعیت استراتژیک محل که یک برج دیدبانی در فرق قله داشت که به دلیل تخریب افراد سودجو برای دسترسی به گنج از بین رفته است. چون نگهبانان همیشه در حال قدم زدن بودند به این نام گرفت. مناطق هم جوار با قدمگاه (خورد قدمگاه، سردکش گردن، اسین، کلومک، یخچال، هل لار، آرنگ دگ، غلامعلی خسه، امیر دره، سرخ گردن، خشک گل وار، چاشمیج، گت چال، کوره سر لپه را می توان نام برد. یکی از جاذبه های دیدنی غار یا چاه حفر شده در داخل صخره در ضلع غربی قله قدمگاه می باشد که مختصر راجع به آن می پردازیم.

● چاه سنگی یا غار:

در فاصله ۸ کیلومتری از روستای کمرود (جاده خاکی) و در فاصله یک کیلومتری (پیاده روی) در جنوب غربی مرتع بالا چالمیش قرار گرفته است (در غرب قله قدمگاه) ارتفاع فعلی این چاه حدودا ۴۰ متر می باشد که در دل صخره قرار گرفته است که در گذشته دارای درب سنگی بزرگ بوده که در اثر فشار جانبی کوه، درب آن جابه جا شده است.

روایت بر این است این چاه به قله قدمگاه و یخچال طبیعی یا زیارتگاه راه دارد در گذشته افرادی که به دیدن چاه می رفتند سنگ هایی را به یاد دوستان به ته چاه رها می کردند به طوری که یک سنت شده بود.

چگونگی حفر آن، چشم هر بیننده ای را به حیرت و تفکر در مورد انسان های دیرین باز می دارد. نمی دانم نام این مکان را باید غار گذاشت یا چاه شاید غار مناسب تر باشد. دهانه غار... ارتفاع آن... است. داخل غار خیلی ساده و صاف و سر راست می باشد. این غار در ارتفاع و بالای کوه در داخل صخره حفر شده است.

با توجه به موقعیت غار به نظر می رسد این غار پناهگاه کسانی بود که در خط الراس ضلع غربی کوه قدمگاه به عنوان نگهبان بودند تا از ورود لشکریان بیگانه به سرزمین طبرستان جلوگیری نمایند. از آنجایی که یکی از شگرف های ایرانیان باستان پرتاب سنگ بر لشکریان بیگانه در مناطق مرتفع و کوه ها بود به نظر می رسد در صورت عدم توانایی نگهبانان در مقابل هجوم لشکریان بیگانه به قصد فریب دشمن به این غار پناه می بردند. به محض این که لشکریان بیگانه از کنار غار به سمت پایین و طبرستان عبور می کردند امکان برگشت سریع از مسیر حوالی غار به سمت قله بسیار ضعیف بود، با پرتاب سنگ ها از ناحیه بالادست نیروهای دشمن را از بین می بردند.

یخچال طبیعی در جنوب غربی روستای کمرود و در سمت شمال و دامنه قله قدمگاه واقع شده است. فاصله آن تا روستای کمرود تقریبا ۶ کیلومتر راه پیاده می باشد مدخل رودی به یخچال طبیعی دارای هوای بسیار دلنشین و سرد می باشد از دیرایام مردم این دیار یخ مورد نیاز مناسبت های مختلف را از اینجا تهیه می کردند کوهنوردان و گردشگران و... در وقت صعود به قله قدمگاه از مواهب این یخچال طبیعی بهره می گیرند و نفسی تازه می کنند.

▪ معاون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری همدان:

تله کابین گنج نامه شهریورماه به شکل آزمایشی بهره برداری می شود

معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان گفت: با حل مشکلات اعتباری ساخت تله کابین گنج نامه، قرار است که این پروژه شهریورماه به صورت آزمایشی بهره برداری شود.

علیرضا ایزدی در گفت وگو با ایسنا، با اشاره به بروز مشکلاتی در روند پروژه تله کابین گنج نامه، بیان کرد: مشکل اعتباری و برق کشی، پروژه را مدتی توقف کرد که با رفع این موارد، ادامه عملیات اجرایی آن توسط سرمایه گذار خصوصی از سرگرفته شده است. پروژه احداث تله کابین گنج نامه پس از نگرانی دوست داران میراث فرهنگی از آسیب رساندن آن به کتیبه های گنج نامه با جابه جایی مسیر تا ۷۰۰ متر نسبت به مسیر قبلی، از اوایل سال گذشته آغاز شد.

این تله کابین در ارتفاع ۱۶۰ متر، طول ۱۶۵۰ و در فاصله ۷۰۰ متری، با سرمایه گذاری حدود ۱۵ میلیارد تومان در سه فاز اجرایی تعریف شد و قرار بود، مرحله نخست آن تا پایان سال گذشته به بهره برداری برسد.

▪ پرونده ارتفاع مجتمع تجاری

در حریم گنبد قابوس در دست بررسی است

مدیر پایگاه شهر جرجان و گنبد قابوس در استان گلستان از بررسی پرونده مجتمع تجاری قابوس برای طرح پیشنهاد جدید شهرداری در کمیته فنی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور خبر داد.

جاوید ایمانیان در گفت وگو با ایسنا، در این باره توضیح داد: سی تیرماه جلسه ای را با کارشناسان شهرداری برگزار کردیم. در این جلسه عنوان شد که آن ها با رعایت ۷/۵ متر ارتفاع برای مجتمع موافق هستند، ولی پیشنهاد کردند که در قسمت های انتهایی و جانبی با توجه به طرحی که دارند، ارتفاع ۸/۵ متر داشته باشند که ما موافقت نکردیم. به گفته او، مجتمع تجاری قابوس در حریم گنبد قابوس قرار دارد که در طرح اولیه ارتفاع زیادی داشت، ولی پس از مخالفت مسوولان میراث فرهنگی ارتفاع را به ۱۵ متر کاهش دادند. گرچه براساس ضوابط حریم مشخص شد که میزان ارتفاع باید ۷/۵ متر و نما نیز با نمای گنبد قابوس همگون باشد. در نهایت، با پی گیری هایی که انجام شدند، به طور موقت ساخت مجتمع با آن میزان ارتفاع متوقف شد. وی افزود: اکنون پس از برگزاری جلسه های مختلف، در آخرین جلسه پیشنهاد جدید شهرداری رعایت ارتفاع ۷/۵ متر در جلوی مجتمع و ارتفاع ۸/۵ متر در برخی قسمت های دیگر است که در استان با آن موافقت نشد و آن ها می خواهند که پیشنهادشان در کمیته فنی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور مطرح شود. حال باید ببینیم که آیا سازمان میراث فرهنگی با این پیشنهاد جدید شهرداری موافقت می کند.

منبع : روزنامه مردم سالاری

http://vista.ir/?view=article&id=328953

vista.ir
Online Classified Service

بی گدار به آب نزنید

گاه ساده ترین اتفاقات یک سفر خوب را به تلخ ترین روزهای زندگی تبدیل می کند اما با تاملی اندک پیش از سفر و آگاهی داشتن نسبت به چند نکته می توان سفری خوب را در دفتر خاطرات زندگی ثبت کرد.

● چک لیست تهیه کنید

مدتی قبل از سفر چک لیستی از تمامی کارهایی که باید قبل از سفر به انجام برسانید و تمامی وسایل و تجهیزاتی که باید به همراه ببرید، تهیه کنید.

تاریخی برای انجام هر یک ذکر کنید تا در ساعات پایانی دچار مشکل نشوید. تمامی مطالبی که در ادامه می آید، بسته به نوع سفر و نیازهای شما می تواند در قالب چک لیستی که تهیه می کنید گنجانده شود.

اگر با چند خودرو سفر می کنید، می توانید با سرنشینان دیگر خودروها چک لیست خود را مقایسه کرده و نسبت به کفایت آمادگی خود و دیگران برای سفر اطمینان حاصل کنید.

در مورد مسیری که انتخاب کرده اید، شرایط فصلی و امکان پذیر بودن سفر، با راهنمای خبره مشورت و به توصیه های او عمل کنید.

بدون او جاده را ترک نکنید. لزوم بهره گیری از راهنما و نقشه های دقیق با بزرگنمایی مناسب برای سفر به کویر ضروری است.

● تجهیزات سنگین را ثابت کنید

تجهیزات سنگین مثل جعبه آچار، جک و دیگر وسایل را در صورتی که درون خودرو یا روی باربند قرار دارند، محکم کنید. برای چنین کاری می توانید از جعبه های فلزی و مستعمل استفاده کنید. کافی است که در فضای زیر صندلی یا محل قرار دادن بار، جعبه های فلزی را توسط پیچ و مهره به بدنه ثابت کنید.

حال می توانید از جعبه های فوق برای حمل تجهیزات سنگین یا برنده درون خودرو بهره ببرید. در صورتی که از چنین روشی بهره نمی برید، به هر نحو ممکن از بازی و لق زدن وسایل سنگین درون خودرو جلوگیری کنید.

در صورت استفاده از باربند، سعی کنید تجهیزات را کاملاً توسط طناب یا کش هایی که برای بستن بار روی موتورسیکلت استفاده می شود ثابت کنید.

به این ترتیب از میزان صدمه دیدن سرنشینان و تجهیزات در تکان های شدید کاسته می شود.

● تجهیزاتی که برای سفرهای خارج از جاده به همراه می برید

هنگامی که فرسنگ ها از راه های اصلی، پمپ بنزین و مکانیک دور هستید و از زمین هایی دشوار عبور می کنید، باید تنها روی خود و امکانات خود حساب کنید. در چنین شرایطی ضرب المثل «هرچه خوار آید، روزی به کار آید» صادق است.

شاید سفرهای زیادی را بدون نیاز به تجهیزات زیر پشت سر گذاشته باشید، ولی حادثه رخ می دهد. برخی از وسایل زیر بسته به نوع خودرو اختصاصی هستند، ولی برخی دیگر می توانند مورد استفاده دیگر وسایل نقلیه نیز واقع شوند.

● فهرست لوازم سفر

روغن ترمز و کلاچ، روغن موتور، روغن گیربکس، روغن کمک و واسکازین، دیفرانسیل ها و تمامی گریس خورهای گاردان و فرمان را کنترل و در صورت لزوم روانکاری کنید. در زمستان از دارا بودن ضدیخ اطمینان حاصل کنید.

ـ نکته؛ رینگ های آلومینیومی برای سفرهای خارج از جاده مناسب نیستند و احتمال شکستن آنها وجود دارد. رینگ های فابریک خودرو در چنین سفرهایی بهترین انتخاب است. همچنین لاستیک هایی که دارای گل های جهت دار هستند و برای سرعت های بالا طراحی شده اند، برای خارج از جاده مناسب نبوده و علاوه بر اینکه به سرعت صدمه می بینند از کارایی مطلوبی برخوردار نیستند.

● مواردی که باید هنگام رانندگی رعایت کنید

▪ چهارچرخ؛ سفر خارج از جاده با خودروی سواری یا تک دیفرانسیل اشتباه است. از سوی دیگر دودیفرانسیل هم معجزه نمی کند. همواره به قابلیت های خود و خودروی خود آگاه باشید و از ماجراجویی و ریسک محاسبه نشده بپرهیزید. با این حال به کسانی که تجربه کمتری از سفر به کویر دارند پیشنهاد می شود اگر نمی خواهند با تور به مسافرت بروند حداقل گروهی به کویر مسافرت کنند.

▪ چیدمان خودروها

درصورتی که گروهی سفر می کنید، تمامی افراد گروه به ویژه رانندگان باید از روحیه همراهی و همکاری تیمی برخوردار باشند. تکروی و سرکشی همواره حادثه ساز است. اولین و آخرین خودرو باید همواره مشخص بوده و دیگران نباید بدون هماهنگی از اولین و آخرین خودرو عبور کنند. خودرویی که پیشاپیش حرکت می کند باید با همراهی راهنما یا فردی محلی که با ناحیه آشنایی دارد، حرکت کند.

خودروهای دیگر به دنبال خودروی اول و حتی الامکان دقیقاً از روی مسیر خودروی جلویی به حرکت ادامه دهند. حرکت خودروها در کنار یکدیگر می تواند حادثه ساز باشد. آخرین خودرو از وضعیت خودروهای جلو گزارش دهد. درصورت توقف هریک از خودروها، کاروان متوقف می شود. هر راننده باید از تعداد سرنشینان خود آگاهی داشته باشد و همواره قبل از حرکت از حضور همه سرنشینان اطمینان حاصل کند.

▪ امن ترین را انتخاب کنید

با انتخاب مسیرهای امن و آسان خود را با کمترین هزینه به مقصد برسانید. چه بسا مسیرهای مشکل شما را از رسیدن به هدف بازداشته یا با مشکلات جدی مواجه کند. این موضوع که برای رانندگی خارج از جاده اقدام کرده اید دلیلی برای خودکشی نیست.

برای سلامت خود و همراهان خود و وسیله نقلیه احترام قائل باشید و از ماجراجویی بپرهیزید. قبل از انتخاب مسیر به عملی بودن و قابل بازگشت بودن آن فکر کنید. حتی الامکان از جاده ها برای طی مسیر استفاده کنید. همواره کوره راه بهتر از بی راهه است.

درصورتی که ناچار به خروج از راه هستید، نسبت به کیفیت زمین از نظر رطوبت، سنگلاخ یا ماسه یی بودن و شیب و عوارض آن تحقیق کنید. گاه لایه یی نازک و خشک روی خاک تشکیل می شود که برای پیاده رفتن کاملاً استوار و قابل اعتماد به نظر می رسد ولی هنگام عبور خودرو لایه خشک شکسته و خودرو در گل یا ماسه گرفتار می شود. در کشور ما بسیاری از مسیرهای خارج از جاده پوشیده از گدازه های آتشفشانی است.

در این نواحی سنگ هایی تیره رنگ با لبه هایی تیز مشاهده می شود. عبور از چنین مسیرهایی احتمال پنچری را افزایش می دهد.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=288065

vista.ir
Online Classified Service

بیت امام در خمینی

بیت شریف امام در خمین بعد از قریب به دو قرن هنوز کانون نگاه های تحسین آمیز مردم است. این عمارت مستحکم در حاشیه کویر پهناور ایران نمادی از پایگاهای مردمی و کانون های مبارزه با ستم و تبعیض حکومت های ظالم و جائر است.

از چشم انداز برج بلندی که در حاشیه یکی از حیاط های چهارگانه این عمارت ساخته شده است حس صیانت از مردم بی پناهی که در سال های متمادی آماج تهدید خانها و خانزاده های حکومتی و غیر حکومتی بودند به وضوح قابل رویت است.

سیداحمد در ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۵۵ هجری قمری عمارتی به مساحت تقریبی ۴۳۲۶ مترمربع از شخصی به نام محسن ساکن و اهل خمین خریداری کرد. این مجموعه مسکونی چهار هسته ای در محل سر پل خمین واقع شده است و در بافت تاریخی این شهر چنین عمارتی یافت نمی شود.

بر خلاف معماری خانه های سنتی ایرانی در این عمارت چهار هسته ای که چهار حیاط دارد هیچ کدام از حیاط ها نقش مرکزی ندارند.

بر اساس مشاهده مستقیم این اجزا را از عمارت می توان بر شمرد:

۱) جلوخان: بخش نسبتا وسیعی است که به صورت فرورفتگی در کنار مسیر و در جلوی در اصلی قرار دارد.

۲) فضای ورودی اصلی و پیش طاق: در اصلی این خانه در پیش خان قرار دارد. این در دو لنگه بود ه و هر لنگه متشکل از چند ردیف تخته ضخیم طولی است.

۳) هشتی: بعد از عبور از ورودی که در پیش طاق قرار دارد وارد فضایی کاملا سر بسته به نام هشتی می شویم که یک هشت ضلعی کامل است.

۴) دالان: بعد از هشتی در راهرو طویل و کم عرض و تاریکی قرار می گیریم که به آن دالان می گویند. این دالان مانع ورود ناگهانی به فضای داخل عمارت است.

۵) حیاط: مجموعه بیت دارای چهار حیاط کوچک و بزرگ است که کف حیاط سنگفرش و دارای باغچه و آبنماست:

حیاط اندرونی حاج سید مصطفی (پدر امام) که بعدها خانه موروثی آیت الله پسندیده شد.

حیاط بیرونی حاج سید مصطفی و محل تدریس و جلسه های دینی و پذیرایی از میهمانان.

حیاط دارای شبستان محل تولد امام خمینی(ره).

حیاط موروثی امام خمینی(ره).

۶) اطاق ها

اطاق های عمارت به صورت سه دری، پنج دری و تالار ساخته شده که به طور پراکنده در چند هسته عمارت استقرار یافته اند. برخی از آنها زمستان نشین و برخی تابستان نشین اند.

۷) شبستان: در زیر تالار، شبستان عمارت قرار دارد که دارای چهار دالان مستقیم است که از دو طرف به حیاط راه دارند.

این مکان به دلیل داشتن سقف دو پوسته و شدت جریان هوا خنک بوده و محل مناسبی برای نگهداری مواد فاسد شدنی و استراحت ساکنین در تابستان است.

۸) برج: در قسمت شمالی عمارت یک برج سه طبقه قرار دارد. معمولا از طبقات زیر برای استراحت نگهبانان استفاده می شده است. این برج حدود یازده متر ارتفاع دارد که به کل بافت تاریخی شهر مسلط است. این برج علاوه بر کاربرد دفاعی به عنوان شاخص عمارت به کار می رفته است. وجود چند انبار، اصطبل، آشپزخانه و... از دیگر اجزا و فضاهای کارکردی این عمارت محسوب می شود. در حال حاضر این مجموعه به عنوان مکان تاریخی فرهنگی در تمامی ایام سال پذیرای زائران و پژوهشگران و علاقمندان به حضرت امام (س) می باشد.

منبع : روزنامه مردم‌سالاری

http://vista.ir/?view=article&id=106964

vista.ir
Online Classified Service

بیدستانی به نام ابیانه

چارقد هایی با گل های سرخ و دامن های پرچین مشکی و سینی های پر از آلو هایی که در مرز رسیدن به لواشک شدن هستند، با ساختمان های کاهگلی سرخ رنگ و پنجره های مربع متقارن، همه تعریف بی رحمانه من از روستای تاریخی و گردشگری ابیانه است که در دره سرسبز برزرود در ۴۰ کیلومتری شمال نطنز و در همسایگی کاشان قرار دارد.

ابیانه که روستایی با ماکتی زیبا و آراسته شده است، بسیاری از خانه های بازسازی شده آن خالی از سکنه است و به غیر از چند سالمند، تعداد ساکنان جوان آن به تعداد انگشت های دست می رسد.

● ابیانه جراحی شد

از سال ۱۳۸۰ طرح بهسازی و احیای روستای ابیانه آغاز شد. نام ابیانه از واژه «ویونا» یا «ویونه» به معنای بیدستان گرفته شده که در مکاتبات و گفتار فارسی به ابیانه تغییر کرده است. طبق اسناد موجود خاستگاه اولیه روستا مشخص نیست. «آثاری که بتواند قدمت روستا را در سکونتگاه اولیه خود نمایان کند، موجود نیست. فقط وجود آتشکده هرپاک و محراب مسجد جامع با درهای منقش با تاریخ ۵۰۰ سال ه.ق. است که نشان از قدمت روستا دارد.» تنها بخش باقی مانده از تاریخ قدیم ابیانه، نوع لباس پوشیدن اهالی است؛ پوششی که به گفته خود اهالی گاه با جبر مسوولان پایگاه میراث فرهنگی دیکته می شود.

بر اساس گزارش بنیاد مسکن اسلامی روستای ابیانه دارای بافتی فشرده و پیوسته است، با کوچه های تنگ و باریک. تغییر ساختار طبیعی کوه از شمال به جنوب باعث تغییر و فرم پذیری روستا شده است.

خانه های روستای ابیانه بدون حیاط و با سقف های کم وسعت است. خانه ها به صورت پلکانی و با استفاده از مصالح بومی موجود در منطقه و با کلاف کشی چوبی ساخته شده اند. خانه ها به طور معمول رو به آفتاب بوده و برای فرار از سرما تنگ هم ساخته شده اند. در عبور از میان بافت احیاشده روستا که با معبر سنگ شده، حکم راهنمایی گردشگران را بازی می کند، می توان دریافت که روستا از بازی احجام کوچک و بزرگ مکعبی شکل با رنگ قرمز ساخته شده است. طبق مطالعات انجام شده از سوی طرح اجرایی بهسازی بافت روستای ابیانه، این روستا دارای ویژگی هایی است که آن را از سایر روستا ها متمایز می کند. فرم پذیری بناها از شکل خالص مربع، فرم پذیری نماها از شکل چهارگوش به طور عمده، وجود پنجره های چوبی بدون شیشه، انواع ایوان با یک ساخت هماهنگ، در های منقش و کتیبه دار، کلون ها و کلیدهای چوبی، وجود اجاق و اتاق ها و ایوان ها و چهارصفه بودن و سه تا چهار طبقه بودن عمده خانه ها از جمله ویژگی های این روستا است. اما این روستای متفاوت و تاریخی با قلعه ها و گورستان های قدیمی مهمان پذیر خوبی برای گردشگران نیست.

- روستای گردشگری

جاده پیچ درپیچ با حاشیه یی پوشیده شده از درختان چنار تنومند و نهر آبی که از پای آن عبور می کند، با انارستانی که از سرمای زمستان به خشکی رسیده است و درختان کهنسال زردآلو و سیب گویای آن است که به روستای ابیانه نزدیک می شویم. کوه هایی که به سرخی می رسند و خاک های سرخ تر، از روستایی یاقوتی در پیش رو و پشت به کوه و رو به آفتاب خبر می دهد که در آستانه ورود به این روستای تاریخی و گردشگری هیچ تابلویی را نمی یابی که تو را به سوی کوچه پس کوچه های روستا هدایت کند. پیش از رسیدن به روستا از کنار چند قبرستان کوچک عبور می کنید که سرشار از رمز و راز هستند.

روی قبر ها پوشیده شده از چند تکه سنگ با نشان ها و اشکال هندسی دو سنگ کوچک استاده در پای قبر با علامتی فلش مانند دیده می شود. سنگ های نشانه که معرف فرد فوت شده هستند، مثلثی اند و تنها حکاکی یک شانه در کنار آن نشان می دهد که شما سر قبر یک زن نشسته اید. هر چه به ابیانه نزدیک تر می شوید قبرستان های کنار جاده از شکل منحصر به فرد خود خارج شده و شبیه قبر های امروزی می شوند. شاید برای همین کهنسالان آفتاب نشین ابیانه نمی دانستند در پاسخ به پرسش های ما درباره علامت های روی قبرها چه باید بگویند. خوشامدگوی تو به روستا، مینی سوپر ابیانه و هتلی با همین نام است. سرخ و با ویترینی از پنجره های مربع و کوچک. خیابان نه چندان بلند منتهی به بافت قدیم روستا با حاشیه پرشده از خودروهای پارک شده و مسافران سرگردان که برای تماشای روستا با خیال آسوده نیازمند گریزی به سرویس بهداشتی هستند، به اجبار مسافران را به تنها مسیر پیش رو هدایت می کند. کسی نمی داند سرویس بهداشتی کجاست. زنی کوچک و ریزنقش که بساط برگه زردآلو و لواشکش را برای مسافران پهن کرده و از روی چین های صورتش می توان عمر او را بیش از ۷۰ تخمین زد، می گوید سرویس بهداشتی روستا کجاست. اما تاکید دارد آبی در کار نیست. مسافران با بطری های آبی که زمانی در آن نوشابه یافت می شد، در محوطه اطراف سرویس بهداشتی با شش چشمه برای زنان و مردان به صف منتظر ایستاده بودند.

کسی در میان صف انتظار که روستا را گشته، به دیگر مسافران برای بازدید راهنمایی می دهد. هیچ بروشور و راهنمایی در کار نیست. باید کشف و شهود کرد تا روستای تاریخی ابیانه را دید. در دستان بسیاری از گردشگران کیسه های شیرینی حاجی بادام محصول شهر کاشان دیده می شود. از مغازه دار میانه راه می پرسم سوغات این سرزمین چیست؟ می خندد و نان محلی و سرکه های سیب را که درون بطری های کوچک آب معدنی ریخته شده اند، نشان می دهد.

می پرسم رئیس پایگاه میراث فرهنگی ابیانه به شما اجازه می دهد سرکه های سیب را درون بطری های از قبل استفاده شده، بریزید و به گردشگران بفروشید؟ نگاه و پرسشی که تمام صورتش را پر می کند، متوجهم می کند که تا به حال چیزی درباره پایگاه یا رئیس آن نشنیده است.

خبری از سوغات یا صنایع دستی در روستا نیست. چند مغازه که از بیسکویت تا سی دی معرفی ابیانه در آن یافت می شود، چند دست از لباس های دست دوز زنان ابیانه را آویزان کرده اند. قیمت پیراهن روی لباس ۶۰ هزار تومان است. نرسیده به امامزاده یحیی و عیسی پیرزنی چند دست لباس زنانه و چند شلوار مردانه را روی بند رختی آویزان کرده و در حرکتی ابتکاری آنها را ساعتی اجاره می داد. در میان آن روستای ساکت و آرام و بدون هیجان مجال خوبی برای جوان ترها بود تا از خود با لباس های اجاره یی عکسی به یادگار بگیرند. در بروشور ها و کتاب هایی که به فراوانی درباره روستای تاریخی و دیدنی ابیانه منتشر شده، می توان نشانه هایی از آثار تاریخی از جمله قلعه ها، خانقاه و مساجد در این روستا و اطراف آن یافت. اما این روستا که به عنوان روستای هدف گردشگری معرفی شده و مورد توجه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قرار گرفته و حتی

سازمان بنیاد مسکن طرح احیا و بازسازی آن را به پایان رسانده است، فاقد زیرساخت های اولیه و ضروری گردشگری است.

با وجود همه جاذبه های گردشگری در این روستا، گردشگران فاقد هدف و برنامه برای روستاگردی و آشنایی با آداب و رسوم هستند.

- بناهای مذهبی و عمومی ابیانه

مسجد جامع در وسط ده واقع شده است که با طاق بندی ضربی و مخصوصاً درهای ورودی منبت کاری با گل و بوته و خطوط برجسته و گل درشت توجه هر تازه واردی را جلب می کند.

مسجد «پرزله» در محله معروف «پرزله» واقع شده است و مشتمل بر یک شبستان در طبقه همکف با کوچه است که با در دولنگه یی به راهرو کوچکی متصل می شود.

مسجد «حاجتگاه» در قسمت غربی ده و در کنار قبرستان سابق واقع شده است. جبهه شرقی آن با روکاری آجری و دریچه ها و پنجره های مشبک هلالی نمای جالبی دارد. مسجد «یسمان» در میان محله «یسمان» واقع شده و اثر یا نوشته یی تاریخی ندارد اما آنچه مسلم است از بناهای قبل از دوره صفویه است. «امامزاده ابیانه» یا « زیارت» مدفن دو تن از فرزندان امام موسی کاظم(ع) است.

زیارتگاه « هینزا» نیز در زاویه جنوب شرقی ده و در دره کم عرض و طویلی شامل قریب به یک هکتار باغ های میوه قرار دارد. پیش از این اهالی روستا به علت نداشتن زمین کافی برای کشاورزی ناچار بوده اند خواربار مورد نیاز خود را از خارج تامین کنند لذا یک حس ذخیره اندوزی و صرفه جویی در آنان به وجود آمده که این شیوه زندگی پایه اصلی و اساسی اقتصاد و دوام و بقای مردم ده را تشکیل داده است. از طرفی فکر تهیه زمین کشاورزی و تامین خواروبار مورد نیاز موجب شده اهالی از سمت شرق و غرب ده تا شعاع ۵۰ کیلومتری درصدد خرید ملک و زمین و باغ باشند و این شیوه ذخیره اندوزی و صرفه جویی در میان مردم منطقه زبانزد بوده ولی به آن جنبه خست نمی توان داد.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=347272

vista.ir
Online Classified Service

پارک سنگی جمشیدیه

یکی از زیباترین نقاط تهران پارک سنگی جمشیدیه است، شاید کسانی که در تهران زندگی می کنند یا یک بار به دیدن این پارک رفته اند با من هم عقیده باشند. پارکی که نمونه آن را در هیچ نقطه دیگر از ایران (البته متاسفانه) نداریم. قسمت اول این پارک در سال ۱۳۵۰ و به مساحت ۱۲ هکتار در دامنه کوهپایه البرز ساخته شد.

محوطه سازی بسیار زیبا و متنوع پارک آن چنان جالب توجه است که هرکس را که برای بار اول آن را می بیند محسور خود می کند. سنگ فرش زیبا، آبنما ها و جویهای متعدد، و حتی نرده های چوبی کنار مسیر ها که با دقت بسیار از شاخه های درختان ساخته شده اند. دریاچه زیبای پارک که در انتهای پلکانی سنگی قرار دارد و در بالاترین قسمت اولیه پارک قرار داشت.

در سال ۱۳۷۲ تصمیم به ساخت بخش جدید برای پارک گرفته شد که به

نام باغ فردوسی خوانده می شود. مدخل و ورودی اصلی با یک سطح سنگ فرش شده و یک سری پله که تا بالای تپه بالا می آید و منظر زیبایی در بالای شهر را بوجود می آورد، آغاز گردیده است. در کنار راهها، منطقه ای برای نشستن، رفع خستگی و پذیرایی و سرگرمی ساخته شده است.

همچنین چهار خانه فرهنگ برای نمایش فرهنگ آذربایجانی های ایران، کردها، ترکمن ها و اقوام منطقه زاگرس ساخته شده است. راه اصلی نهایتاً به سمت مجسمه و تندیس باغ که در قسمت شرق قرار دارد، گسترش می یابد و پیاده رو نیز به سمت دره فوقانی منتهی می شود.

از درون باغ یک راه پله عریض آبشار گونه می گذرد که شعب آن بصورت راههای شبکه ای در این محدوده گسترده شده اند و حاشیه آنها از گیاهان متنوع بومی با رنگ مناسب و هماهنگی با طبیعت انتخاب شده است.

قطعات کوچک وتخته سنگهای بزرگ در امتداد مسیرها تعبیه شده اند. در برخی فضاها، به کمک سنگها تندیسهایی که تمثیلی از جانورانی چون ماهی ها، خزندگان و پرندگان است، حجاری شده است. در طراحی چهار خانه فرهنگ، مصالح و فرمهای سنتی، راه و روش ها و آداب و رسوم زندگی آن اقوام را نمایش می دهد.

منبع : دنیای معماری

http://vista.ir/?view=article&id=114506

vista.ir
Online Classified Service

پارک ملی کویر

در فاصله ای نه چندان دور از جنوب شرقی پایتخت مجموعه و نمایشگاهی طبیعی از وحوش کمیاب بیابانی و کویری وجود دارد.

کل و بز، قوچ و میش وحشی، گربه شنی، جبیر، یوزپلنگ ایرانی و جوامع گیاهی متنوع. این منطقه مجموع شبه جزیره ای است که بین دریاچه نمک، کویر ریگ، کویر مرکزی و کویر گرمسار محصور و نمونه بارزی از بیابان ها و استپ های کم آب است. این منطقه در سطح کره زمین یکی از چند نقاطی است که به عنوان ذخیره گاه کره باید مورد حفاظت قرار گیرد.

این منطقه در سال ۱۳۴۳ توسط کانون شکار ایران با مساحت ۶۰۹ هزار و ۴۳۸ هکتار حفاظت شده، اعلام شد و در سال ۱۳۵۵ به پارک ملی تبدیل شد و در سال ۵۷ شورای عالی محیط زیست با آزاد اعلام کردن قسمت های جنوبی، آبریزهای کوه سرخ و آبریزهای جنوبی کوه سفید آب را جزو پارک ملی اعلام کرد و مساحت پارک به ۶۷۰ هزار هکتار رسید. در سال ۶۱ با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و امکانات و توانایی های حفاظتی به دو قسمت پارک ملی به وسعت ۴۲۰ هزار هکتار شامل منطقه سیاه کوه، نخجیر، سفید آب و کلیه ارتفاعات و تپه ماهورها و دشت های مجاور آن و منطقه حفاظت شده کویر به مساحت ۲۵۰ هزار هکتار شامل دشت های مکوش، سیاه پرده، پرده زرد و ارتفاعات دوازده امام و نره خرکوه تقسیم شد که تحت مدیریت اداره کل حفاظت محیط زیست استان سمنان اکنون قرار دارد.

پارک ملی و منطقه حفاظت شده کویر مرکزی در غرب کویر مرکزی ایران و شرق دریاچه نمک و قم رود در استان قم، پیشوا و دهستان ارادان و قشلاق بزرگ گرمسار و شمال دهستان ابوزید آباد کاشان قرار دارد که در محدوده استان های تهران - قم، سمنان و اصفهان واقع شده است و

دارای اقلیم خشک و بیابانی است و بیشتر بارندگی آن از آبان تا اردیبهشت ماه می بارد. متوسط میزان سالیانه باران در منطقه ۱۵۰ میلی متر است. معمولاً گرمای شدید از اوایل خرداد تا پایان مهر در منطقه ادامه دارد.

● راه های ورودی منطقه

مناسب ترین راه ورودی منطقه از طریق راه آسفالته ورامین، پیشوا تا یک کیلومتری ایستگاه راه آهن ابردژ ادامه دارد و از مسیر جاده شنی قلعه بلند، عسگرآباد، حصارگلی به پاسگاه محیط بانی مبارکیه می رسد.

از سمت جنوبی منطقه راه دیگری از طریق کاشان، آران، مرنجاب به پاسگاه محیط بانی سفید آب و نرسیده به بندعلی خان را از طریق جاده ورامین، جواد آباد، چرمشهر به محیط بانی فصلی بندعلی خان می رسد.

راه های دیگری برای ورود به منطقه وجود دارد که عبور از آنها بدون راهنما کاری بسیار خطرناک است. جهت جلوگیری از هرگونه پیشامد سوء و ناگوار احتمالی باید قبل از انجام برنامه سفر به کسب اطلاع و مجوز اداره کل حفاظت محیط زیست استان سمنان و هماهنگی با واحدهای تابعه مستقر در منطقه اقدام شود. پارک ملی کویر قریب یک سال است که از اداره حفاظت محیط زیست استان تهران به استان سمنان واگذار شده است.

● منابع عمده آبی

دریاچه نمک که تنها دریاچه ای است که در جوار پارک قرار دارد یکی از بزرگترین شوره زارهای ایران است. این دریاچه حالت مثلثی دارد که رأس آن در شمال قرار گرفته و وسعت آبگیر دریاچه حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مربع و مرز غربی پارک ملی کویر را تشکیل می دهد. آب این دریاچه بسیار شور است و در هنگام غروب از قله سیاه کوه منظره بسیار زیبایی دارد. دریاچه نمک حوزه آبگیر بسیاری از رودخانه های مرکزی ایران است و اطراف آن باتلاق های زیادی وجود دارد هر چند هیچ نوع آبزی در آب این دریاچه وجود ندارد ولی زمستان ها تعداد قابل توجهی از پرندگان مهاجر آبزی به این دریاچه و رودهای اطراف آن روی می آورند. سال ها پیش، تابستان ها نیز تعدادی فلامینگو در نواحی جنوبی آن دیده می شد.

● آبگیرهای دیگر

آبگیر مکوش، بیره زرد، اسب قدیر اکثراً خشک و محل جمع شدن سیلاب هستند. رودخانه های منطقه عبارتند از: رودخانه بندعلی خان، این رودخانه مهمترین رودی است که در منطقه حفاظت شده کویر جاری بوده و سرچشمه این رود از کوه خرسنگ است که رودخانه جاجرود را به وجود می آورد و در مسیر خود از مناطق حفاظت شده ورچین و جاجرود و پارک ملی خجیر عبور کرده در پارچین که وارد دشت ورامین می شود چندین شاخه می شود و مورد استفاده آبیاری قرار می گیرد و پساب رودخانه جاجرود و مسیل فاضلاب تهران را در جلگه ورامین دریافت کرده و در بندعلی خان وارد منطقه حفاظت شده می شود. چند سالی است که مانداب های رودخانه بندعلی خان به علت ریزش فاضلاب کارخانه های مختلف به گنداب تدیل شده و دیگر زمستان زیستگاه بعضی پرندگان مهاجر مخصوص خوتکا و سرسبز نیست.

رودخانه قره چای: که از کوه های راسوند در جنوب اراک سرچشمه گرفته بعد از گذر از اراک و ساوه با قم رود یکی شده به دریاچه نمک می ریزد. شعبه سفلای این رود در نزدیکی مرزهای حفاظت نشده کویر زیستگاه زمستانی انواع پرندگان مهاجر آبزی به خصوص غار، اردک های کله سبز و خوتکا و اردک های خشک زی مانند آنقوط و باد کوبه ای در تمام فصول بوده و حائز اهمیت است.

● چشمه های حائز اهمیت پارک ملی

عین الرشید، آب محله، شکر آب، نخجیر، چشمه شاهی، سیاه کوه از معروف ترین چشمه های پارک ملی کویر است، در حال حاضر تأمین کننده آب قصر بهرام است این چشمه در دامنه شمالی سیاه کوه قرار دارد و مشرف به قصر بهرام است که به وسیله یک کانال آبی روباز به طرف قصر شاهی و عمارت حرمسرا هدایت شده که از عجایب معماری به شمار می رود. چشمه شاهی آب شیرین مایل به شور دارد که به وسیله لوله به قصر بهرام برای استفاده عموم هدایت شده است در اطراف چشمه نی و درخت بادامک به وفور دیده می شود چشمه های دیگر که آبشخور قوچ و میش و جبیر است عبارتند از: چشمه بید، چشمه عین الرشید،حوض آقا محمد، چشمه آب محله، چشمه بز، چشمه سرخ، چشمه پیغمبر، چشمه آب گله، چشمه قاجاریه، چشمه شکراب، چشمه طلحه، چشمه ملک آباد، چشمه زنبوری، چشمه آب باریک، چشمه لکاب، چشمه میراب دراز. پارک ملی کویر علاوه بر داشتن جوامع گیاهی کویری، نیمه کویری و جوامع گیاهی خاک های شور در بخش های کوهستانی دارای جوامع گیاهی با سیمایی استپی است حفاظت از منطقه و جلوگیری از بوته کنی، چرای دام، قطع درختچه ها به طور چشمگیری باعث ترمیم پوشش زنده خاک شده و گیاهان فرصت یافته اند تا استقرار و رشد و توسعه یابند.

بسیاری از شن ها و ریگ های روان و متحرک که از ویژگی های بارز مناطق کاملاً کویری است در این منطقه کمتر به چشم می خورد با استقرار

رستنی ها تثبیت یافته اند مگر در مناطق حفاظت شده که در بخش هایی از آن هنوز از این پدیده ها وجود دارد.

• گیاهان پارک ملی کویر:

گیاهان پارک ملی کویر از گونه های خشکی پسند (گزروفیت ها) و گیاهان شور پسند (هالوفیت) هستند که به عنوان شاخص زنده تطابق با شرایط اکولوژیکی نامساعد زیستی قسمتی از سال را در معرض کمبود آب قرار داشته و برای ادامه حیات و سازگاری با کمبود آب و شوری خاک ساختمان خاصی پیدا می کند که معرف خشکی و محدودیت های زیستی این گیاهان برای مقابله با کم آبی، حرارت زیاد، برگ های کوچک منتهی به خار پیدا می کنند که معرف خشکی و محدودیت های زیستی این گیاهان برای مقابله با کم آبی، حرارت زیاد برگ های کوچک منتهی به خار پیدا می کنند. در بیشتر نقاط هموار و کوهپایه ای جامعه درمنه دیده می شود. پارک ملی کویر علاوه بر دشت های هموار و تپه ماهورها دارای رشته کوه هایی در بخش جنوبی، شرقی و مرکزی نیز است. این کوه ها شامل سیاه کوه، نخجیر و سفیدآب می شوند. در کوهپایه های سیاه کوه و کوه های خشک نزدیک چشمه سفیدآب درختچه های بادامک، شیر خشت و خنجک به صورت تک درختان پراکنده و روی دامنه ها جوامع گیاهی استپی دیده می شود.

در دره ها و کوهپایه های سنگی گونه کاروان کش اغلب به چشم می خورد در اطراف چشمه های لب شور گونه های گز، گرگ تیغ، توده های انبوه نی از جوامع گیاهی این منطقه به شمار می آید. در اطراف قصر بهرام که از خاک های سنگریزه ای تشکیل شده درمنه همراه با شور، گون، آتریپلکس، سودا، هلیوتروپیوم پراکنده اند روی دامنه های صخره ای کوه ها بوته چوبک، پوشیده شده است.

منبع : کلوب

http://vista.ir/?view=article&id=310922

vista.ir
Online Classified Service

پاییز فصل سفر . . .

سفر در سرزمین ایران پیشینه ای دیرینه دارد؛ شاید اولین گردشگرانی که از این سرزمین گسترده عبور می کردند، بازرگانانی بودند که بار شترها و اسب هایشان را پارچه های رنگین و ادویه های عطرآگین تشکیل می داد، بازرگانانی که از جاده ابریشم عبور می کردند و با گذر از قلب ایران زمین، کوله باری از خاطره و تجربه را همراه کالاهایشان به سرزمین های دیگر می بردند.

بیهوده نیست که در سفرنامه های جهانگردان حرفه ای از مارکوپولو گرفته تا شرق شناسانی که در قرن گذشته پا به مشرق زمین می گذاشتند، ایران پوشیده از راز و رمز بود و یک زیبایی مسحورکننده، عطرآگین و مرموز... اگر بخواهیم در تاریخ عقب تر برویم و نسل های خیلی خیلی دورمان را پی بگیریم، باز می بینیم که ایران و ایرانی ریشه در سفر دارد. آریایی ها که اجداد ما محسوب می شوند خود از سرزمین های سرد شمالی به حرکت درآمدند و با کوچ های بزرگ جمعیتی به فلات ایران سرازیر شدند و اینجا بیتوته کردند.

آب و هوای معتدل، زمین حاصلخیز و دسترسی به منابع آبی، همه و همه از ویژگی هایی بود که این قوم جست وجوگر را به این سرزمین کشاند، آنها را پاگیر کرد و در اینجا اسکان داد.

کوچ پاییزه عشایر نیز شاید به نوعی تداوم همان حرکت اجدادی باشد؛ از سردسیر به گرمسیر آن هم در آغاز تغییر طبیعت... بازهم شترهای دنباله دار، زنان و مردان رنگین پوش و مهربان و کودکان آفتاب خورده و شاد...

آن هم در پاییزی که فصل حیات رنگین طبیعت است؛ مثل انسانی که با کوله باری از تجربه مرحله خردسالی و جوانی را پشت سر می گذارد و با نگاهی عمیق تر و پخته تر به زندگی می نگرد، طبیعت پاییز در اوج شکوه جلوه می کند و انسان را به خود می خواند. انسانی را که خسته و تب زده از زندگی شهری امروزی می رود تا به زندگی یکنواخت تری در نیمه دوم سال تن بدهد.

انسانی که از هماهنگی با طبیعت فاصله گرفته و با این همه در جست وجوی آن است و حداقل در ادبیات مکتوب خود، در گفت وگوهای روزانه و در مقاله های روزنامه ای و گزارش های تلویزیونی از این کمبود سخن می گوید و با این همه جسارت عمل کردن به آن را به خود نمی دهد.

اما همه چیز در دسترس است؛ باد ملایمی که می وزد، برگ هایی که از رنگ شش ماه گذشته فاصله می گیرند و رنگین کمانی از رنگ های گرم؛ زرد، نارنجی و قرمز را به نمایش می گذارند و شاخه هایی که با دست باد به حرکت درمی آیند... کشاورزانی که خرمن های رسیده را درو می کنند و جاده هایی که فارغ از ازدحام تابستانی گردشگران، در انتظار مسافران دریادل هستند.

پاییز ایران در هر منطقه جغرافیایی به رنگی جلوه می کند، با عطر خاص آن منطقه. از مناطق کوهپایه ای اطراف تهران، روستاهای ییلاقی مثل شمشک و دیزین گرفته تا شکر آب و آهار... که همین نزدیکی هاست تا کویر گسترده و بیکرانی که با شب های پرستاره و کاروانسراهای خالی بین راهی جست وجوگر مسافر است، همه و همه می توانند زیباترین برنامه های سفر کوتاه مدت را پیش روی ما بگذارند.

میلیون ها پرنده مهاجر که به تالاب های شمالی رو می آورند و سواحل گرم جنوب ایران نیز از انتخاب های دیگر باشد. کافی است از فرصت مغتنم استفاده کنیم، از بهانه هایی مثل مدرسه بچه ها دست بکشیم و راه بیفتیم. فراموش نکنید یک سفردو سه روزه برای فرزندانمان بسیار آموزنده تر است.

فرزندانی که بیشتر در گرمای تابستان سفر را تجربه کرده اند و از طبیعت رنگین پاییز و حتی سرمای زمستان در نقاط مختلف تجربه ای ندارند.

پاییز فصل سفر است؛ مثل پرنده های مهاجر...

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=254196

vista.ir
Online Classified Service

پاییز و زمستان رویایی در قمصر

آن هنگام که بر تن تفدیده گرم کویر قدم می‌گذاری و جدای از گرمای محبت مردمان مهربانش، حرارت آن دیار، گرماسوز تنت می‌شود هیچ تصور نمی‌کنی که این سرزمین در دل خود گوهری ناب پرورانیده باشد که با دیدنش انگشت حیرت به دندان بگیری و اعجاز دیگری از قدرت خالق را به نظاره بنشینی و با تمام وجود لمس کنی. در آن برهوت خاك و گرما، شهری واقع شده است، زیبا، دنج، دلپذیر و هنوز بکر و دست نخورده در دل کوهستانهای چشم‌نواز که نامش از فضای بسته آن کوهستانها برکشیده است و تا بیکران مرزهای جغرافیایی، متن کتابهای تحقیقی و دنیای رویایی جهانگردان راه یافته است.

سخن از قمصر، پایتخت گل و گلاب است عطر گلابی که گلهایش از سجاده‌ی نمازگزاران، و عطر مردان و زنان تا بازارهای اروپا را فرا گرفته است.و گذشته از همه‌ی این‌ها چه افتخاری از این بالاتر که خانه خدا، حرمین شریفین و بقاء متبرکه ائمه اطهار هرساله با گلاب قمصر شستشو داده می‌شود.

●موقعیت جغرافیایی

قمصر سکونت‌گاهی است در دامنه‌های کوهستانی جنوب شهر کاشان که در فاصله‌ی ۲۵ کیلومتری از این شهر قرار گرفته است همچنین در فاصله‌ی ۱۶۰ کیلومتری از شهر اصفهان و نیز در فاصله‌ی ۲۰۰ کیلومتری تهران (اتوبان تهران- قم- کاشان- اصفهان) که از لحاظ موقعیت جغرافیایی در ۱۵ ۲۶ طول شرقی و ۴۵ ۳۳ عرض شمالی واقع شده است. این شهر با ارتفاع متوسط ۱۹۰۰ متر از سطح دریا، همچون لکه‌ای سبز با بازوهای متعدد در امتداد دره‌های کم شیب کوههای بخش مرکزی ایران تنیده شده است.

قمصر، از تقسیمات کشوری در محدوده‌ی استان اصفهان می‌باشد. قمصر، به وسیله‌ی بزرگراهی به طول ۱۵ کیلومتر به اتوبان سراسری شمال- جنوب (تهران- قم- کاشان- اصفهان- شیراز- بندر) متصل می‌شود که این امر یکی از مهمترین شاخصهای رشد و ترقی از لحاظ جغرافیایی برای یك شهر است و دیگر اینکه قمصر همچون مرواریدی است که در صدف ارتفاعات کرکس در جنوب و جنوب غربی کوههای اسبی، در قسمت غرب، میدان و کوه سم و کوههای لارفات درقسمت شرق و کوه اشك در شمال قرار گرفته است.

با توجه به وضعیت کویری منطقه‌ی کاشان و خشکی پایدار هوای آن، موقعیت رطوبتی هوای قمصر در این منطقه امتیاز ویژه‌ای است که با توجه به اقلیم سرد و برفگیر منطقه، از یکسو در متعادل سازی درجه حرارت هوا بسیار موثر بوده، و از سویی دیگر در تابستان نیز منشأ طراوت، دلانگیزی و اعتدال هوای شهر- برخلاف منطقه کویری- است. شایان ذکر است که میزان تبخیر و تعریق قمصر در حدود ۷۰۰ میلیمتر است. درباره‌ی آثار مثبت این کوهستانها باید گفت: ناهمواری‌ها، آب و هوای کوهستانی و ریزش‌های به نسبت زیاد برف و باران از سویی تبخیر و حرارت کمتر، اعتدال بی‌نظیر آب و هوایی را برای این شهر به ارمغان آورده است.

در مجموع به لحاظ اقلیمی، در درون بافت باغ شهر، زیر سایه‌ی درختان و کنار جوی‌های آب روان حتی شرایط مطلوب‌تری وجود دارد و در اثر رطوبت بالای نسبی هوا، زمستانهای سرد ولی با سرمایی آرام و ملایم و تابستانهای معتدل، شرایط آب و هوایی مطلوب و دلپذیری را در حاشیه‌ی کویر برای منطقه به ارمغان آورده که ممتازترین ویژگی این شهر محسوب می‌شود، زیرا در تمام عرصه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان عنصری مثبت در توسعه‌ی شهر مطرح بوده است.

آنگاه که باد با موسیقی زیبای خود گیسوان آشفته درختان را شانه می‌زند و نوید از آمدن فصلی رویایی و خاطره‌انگیز می‌دهد، پاییز قمصر تابلویی می‌شود به نهایت و غایت دیدنی تا بدان جا که هر رهگذری در این فصل قدم به دیارمان گذارد جانش آرامتر از خواب درختان می‌شود تا شاید آرامش گمشده خود را در کنار طبیعت بکر و خواستنی قمصر پیدا کند و دل سپارد به مناجات درختان.

پاییز، فصل الهام بخش شاعران و عارفان است آنجا که برگها بی هیچ کلام بر روی شانه‌های زمین می‌ریزند.

پاییز فصل خلوت است، تنها کافی است دستانمان را زیر باران حیات‌بخش او بگیریم تا پر از احساس شویم و عاشق ماندن را بهتر تجربه کنیم. عشق به خالق و عشق به خلق او را.

و یا زمستان قمصر آن زمان که ترنم لالایی خواب بر درختان و طبیعت طنین‌انداز شده و برف چادر سپیدش را بر تن آن می‌پوشاند تا حیات و ممات زندگی را بهتر باور کنیم و همه اینها به قمصر جلوه‌ای انگشت‌نما بخشیده است.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227205

vista.ir
Online Classified Service

پل خواجو

پل خواجو پل خواجو که یکی از معروفترین پلهای اصفها ن است تحسین بسیاری از بازدید کننده ها را از قرن ۱۷ برانگیخته است . این پل در روی رودخانه ای در همان نقطه ساخته شده بود منطقه ای از حوالی خواجو که در راه قدیمی شیراز قرار داشت . این پل احتما&#۶۵۲۷۱; در زمان پادشاهی تیموریان ساخته شده است . شاه عباس دوم این بنای حاضر را در سال ۱۶۵۰ ساخته است. این بنا ۲۳ طاق دارد که طول آن ۴۳۶ فوت و عرض آن ۳۹ فوت می باشد. شاه عباس که دومین شاه سلسله صفویه بوده این پل را بر روی خرابه های پل حسن بایک در سالهای ۱۶۵۰ یا ۱۶۵۵ بنا کرده است. این پل تابحال نامهای مختلفی همچون پل شاه و پل خواجو و پل بابا رکن الدین و پل گبرها داشته است . محل عبور این پل به عرض ۵/۷ متر می باشد و از آجرها و سنگهایی ساخته شده که دارای ۲۱ کانال بزرگتر و ۲۶ کانال کوچکتر می باشند. قطعات سنگی که در ساخت این پل بکار رفته اند طولشان به ۲ متر می رسد و فاصله هر کانال و پایه سقف ۲۰ متر می باشد.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94309

vista.ir
Online Classified Service

پل صفوی بیستون

بالا دست پل بتونی کنونی که بر سر راه صحنه به کرمانشاه واقع است ، پل آجری عظیمی از بناهای عصر صفوی دیده می شود .

این پل بر سر راهی است که در زمان صفویه از قزوین به همدان و کرمانشاه کشیده شده بود و به بغداد مستعمل می شد . این راه از قزوین به همدان از آنجا به همدان ، اسدآباد ، کنگاور و از کنگاور به صحنه و بیستون که تا امروز بر دینور آب پل آجری آن باقی است می رفت و از آنجا به کرمانشاه که هنوز پل آجری عظیم آن که به پل کهنه مشهور است برجاست از آنجا به ماهیدشت می رفت که از پل آجری می گذشت و به شاه آباد غرب و سرمیل میرسد . از سرمیل تا سرپل ذهاب راه شاه عباسی تا امروز در دامنه کوه و تپه ها باقی است . این راه از سرپل به قصر شیرین و از آنجا به خانقین می رفته است .

درازای پل بیستون ۱۱۵ متر و پهنای آن با احتساب جان پناه طرفین ۶۹۰ سانتیمتر است . پهنای جان پناه هر یک ۳۷ سانتیمتر و بلندی آنها از سطح پل ۵۰ سانتیمتر است . که از آن فقط قسمتی باقی است . در طول پل

دو دهنه اصلی و دو دهنه کوچکتر در شرق دهانه های اصلی قرار دارد . چشمه های پل از شرق به غرب : چشمه اول به دهانه ۵۰۰ سانتیمتر و بلندی آن از سطح آب تا تیزی طاق ۵۵۰ و تا سطح پل ۸۷۰ سانتیمتر قطر پایه اول ۷۸۰ سانتیمتر است . چشمه دوم به دهانه ۴۹۰ و بلندی آن تا تیزی طاق ۶۲۰ و تا سطح پل ۱۰۰۰ سانتیمتر است . قطر پایه دوم ۷۹۰ سانتیمتر است . چشمه سوم به دهانه ۱۱ متر و بلندی آن تا تیزه طاق ۹۵۰ و تا سطح پل ۱۰۸۰ سانتیمتر است . اختلافی که این چشمه با چشمه های دیگر دارد این است که طاق این چشمه ریخته و هنگام تعمیر آن به جای جناقی ، طاق هلالی زده شده است . قطر پایه سوم ۸۲۰ سانتیمتر است . چشمه چهارم دهانه اش ۱۰۵۰ و بلند آن تا تیزی ۱۰/۱۱ متر است و تا سطح پل ۶۰/۱۲ سانتیمتر است .(برگرفته از سایت کرمانشاه توریسم)

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97297

vista.ir
Online Classified Service

پناهندگان و مهاجران تعریف تفاوت دو مفهوم

از میان پناهنده و مهاجر، نباید به خاطر نگهداشتن یکی، دیگری را قربانی کنیم مهاجرت به دلایلی غیر از پناهندگی نیز از دیرباز وجود داشته است. اگر در سوابق پیشینیان خود به دقت اندیشه کنیم، در خواهیم یافت که ریشه های همه ما در جای دیگری است. مهاجرت اغلب زمینه ساز مهمی برای پیشرفت بوده و به نظر می رسد که از این پس نیز چنین باشد. پناهندگانی که از جنگ و آزار و شکنجه می گریزند، در آسیب پذیرترین وضعیتی که می توان تصور کرد قرار دارند اما اساساً پناهنده با مهاجر فرق دارد. به همین علت طرز رفتار با آنها به موجب قوانین بین المللی متفاوت است. مهاجران، به ویژه مهاجران اقتصادی، به میل خود جا به جا می شوند تا دورنمای زندگی خود و خانواده خود را بهبود ببخشند. اما پناهندگان به خاطر نجات جان خود و حفظ آزادی شان ناچارند از جایی به جای دیگر بروند. پناهندگانی که از جنگ و آزار و شکنجه می گریزند، در آسیب پذیرترین وضعیتی که می توان تصور کرد قرار دارند. آنها در برابر دولت خودشان بی پناهند.در واقع حکومت خود آنها است که به شکنجه و آزار تهدیدشان می کند. اگر حکومت های دیگر آنها را راه ندهند و نپذیرند و هنگامی که بر آنها وارد شدند به آنها کمك نکنند، حالا در واقع این حکومت های میزبان هستند که آنها را به مرگ، یا تحمل يك زندگی غیرقابل تحمل در سایه، بدون بهره وری از حقوق انسانی و منابع مالی محکوم می کنند. حتی کسانی که در اثر سیل، زلزله و بلایای طبیعی دیگر آواره می شوند، در وضع مشابهی نیستند. دولت ها معمولاً با آنها همدردی می کنند و آنها را از خود نمی رانند. زیرا آنها هنوز از حقوق انسانی خود برخوردارند. کنترل های مرزی پیوسته سختگیرانه تر می شود، با این هدف که از ورود مهاجران غیرقانونی جلوگیری شود آنها پناهنده نیستند. «پناهنده زیست محیطی» یا «پناهنده اقتصادی» وجود خارجی ندارد. علت این امر آن است که دو دسته متفاوت از آدم ها که در حال جابه جایی اند، پناهندگان و مهاجران هستند و اغلب آنها را با هم اشتباه می گیرند و با آنها یکسان برخورد می کنند: برخوردی حاکی از بی اعتمادی و حتی بیزاری و طرد. قوانین بین المللی که برای حمایت از پناهندگان وضع شده، به شدت زیر فشار قرار گرفته است. کنترل های مرزی پیوسته سختگیرانه تر می شود، با این هدف که از ورود مهاجران غیرقانونی جلوگیری شود. البته کشور ها حق دارند که تصمیم بگیرند چه تعداد مهاجر را می پذیرند و البته همه ما بر سر نیاز به جلوگیری از تروریسم داخلی و بین المللی اتفاق نظر داریم. کنترل های مرزی و محدودیت مهاجرت اموری ضروری هستند. اما ما باید با طرد همه خارجیان مقابله کنیم. چه، در شرایط فعلی هم پناهندگان

دستیابی به یك وضعیت ایمن را به طور روزافزونی مشکل می یابند. اصطلاح سومی هم هست که سردرگمی در مورد آن از دو مورد پیشین هم بیشتر است و آن اصطلاح «پناهجو» است. در برخی کشورها این اصطلاح همچون دشنام به کار می رود. اگر رسیدگی به ادعای پناهجویان سال ها طول بکشد، همه درها برای سوء استفاده کسانی که می خواهند آنها را استثمار کنند باز خواهد بود. سرانجام بعضی از «پناهجویان» به موقعیت «پناهندگی» دست پیدا می کنند. برخی هم به این موقعیت نمی رسند. کسانی که به عنوان پناهنده پذیرفته نمی شوند، ممکن است به کشور خودشان برگردانده شوند. اگر رسیدگی به ادعای پناهجویان سال ها طول بکشد، همه درها برای سوء استفاده کسانی که می خواهند آنها را استثمار کنند باز خواهد بود. اما اگر نظام مهاجر پذیری، سریع، منصفانه و کارا باشد، انگیزه غیر پناهندگان برای ورود به کشور کاهش می یابد. بیشتر قاچاقچیان انسان نیز بین پناهنده و مهاجر تفاوت قائل نمی شوند. آنها هرکسی را که بتواند پول بدهد، قاچاق می کنند. افزایش تعداد پناهجویان در اروپا باعث عقب افتادن رسیدگی به تقاضاهای پناهندگی شد و سیستم را کند کرد. همین امر باعث رونق کار قاچاقچیان انسان شد. در اروپا در دهه ۱۹۹۰ که در بالکان جنگ پیش آمد و اوضاع افغانستان و عراق به وخامت گرایید، تعداد پناهجویان به شدت افزایش یافت. این افزایش باعث عقب افتادن رسیدگی به تقاضاهای پناهندگی شد و سیستم را کند کرد. همین امر باعث رونق کار قاچاقچیان انسان شد. امروز تعداد پناهجویان در اروپا به نصف تعداد دهه ۹۰ رسیده است. تعداد پناهندگان در دیگر نقاط جهان نیز رو به کاهش است. این بدان معنا است که اینك ما در وضعیتی هستیم که بتوانیم به بهبود کیفیت نظام پناهنده پذیری در کشورهای صنعتی و همین طور به ایجاد شرایط بهتر در کشور های مبدأ فکر کنیم. باید برایمان روشن باشد که پناهنده کیست و چه کسی مهاجر است. نباید به خاطر نگه داشتن یکی از این دو، دیگری را قربانی کنیم. زمان آن فرارسیده است که از روش های منفی فاصله بگیریم. باید از سیاست مرز های بسته، بازداشت پناهجویان، رهگیری در دریا ها و کاهش مبلغ پرداختی به پناهندگان بار دیگر به سنت های باستانی پناهنده پذیری بازگردیم. مطمئناً ما به روش های بهتری برای مدیریت جهانی موضوع پناهجویی نیاز داریم. کمیساریای عالی سازمان ملل برای امور پناهندگان پیشنهادهای آینده نگرانه ای برای دستیابی به این هدف ارائه داده است. اما برای شروع کار، ابتدا باید برایمان روشن باشد که پناهنده کیست و چه کسی مهاجر است. نباید به خاطر نگه داشتن یکی از این دو، دیگری را قربانی کنیم.

*کمیسیونر عالی سازمان ملل متحد برای امور پناهندگان

رود لوبرز

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=212710

vista.ir
Online Classified Service

پنجشنبه دین

سقاخانه مسجد پنجشنبه دین

در محله جویباره (منطقه یهودی نشین) اصفهان سقاخانه پنجشنبه دین قرار دارد و مسجد آن به همین نام، آن سو تر است. شکل این سقاخانه متفاوت از دیگر سقاخانه ها و بسیار ساده است. نشان چندانی از سقاخانه ندارد جز رنگ سبز آن. پنجره اش از نقوش پیچیده و قشنگی زینت یافته که درگذشته از میله آهنی میساخته‌اند و نیز حفاظ ایمنی به شمار می آید. بر میله های پنجره چند قفل دیده می شود و قفل بزرگی هم دو لنگه پنجره را به هم بسته است. کف درون سقاخانه یک پارچه جارو شده و برا ی

جلوگیری از زحمت بسیار رفت و روب سقاخانه، کلیددار آن چاره ای اندیشیده و همه ابزار و خرت و پرت سقاخانه را در گوشه ای گنجانده و بخش دیگر را در سنگاب آن تلنبار کرده و دیوارهایش بی هیچ عکس ونشانی است.

آنچه در این سقاخانه دیده شد از این قرار است: دو دانه جاشمعی چهارگوش آهنی که گردیهای کوچکی را در کف دارد. چند دانه چراغ لامپای کوچک و بزرگ، یک دانه چراغ لاله با آویز و یک دانه لوستر با سه چراغ، دو نشان پنجه دست، نشان ستاره شش پر با واژه (یا حسین) در میان، قابهای خطی کوچک (الله، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) و شمایل پنج تن از جنس فلز، شمایلهای بزرگ حضرت محمد (ص)، علی و حسین (ع)، شمایل ائمه در اندازه های کوچک، برگهایی از قرآن مجید به همراه دعاها و ورودی های طوماری لوله شده که در گوشه و کنار آنها از نم دیوار، خورده شده اند. چند تقویم چاپی به همراه شمایل حضرت محمد (ص) و علی (ع)، متن نامه زائری از مشهد با تصویری از آرامگاه امام رضا (ع)، یک تسبیح دانه سیاه و چندین متر پارچه به رنگ سبز سیدی و آبی با کف پوشهای سرخ پلاستیکی نقش جقه دار.

این توده اشیاء نمودار چیزی به نام (فرهنگ سقاخانه) هستند که پیشتر سخنش رفت.

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105942

vista.ir
Online Classified Service

پیامدهای فرهنگی توسعهٔ جهانگردی

در آستانهٔ ورود به هزارهٔ سوم میلادی «صنعت جهانگردی» به عنوان یکی از سه صنعت درآمدزا و مهم جهان در کنار«صنایع نفت» و«خودروسازی» مورد توجه دولتها قرار گرفته است و پیش بینی می شود که در سالهای آغازین قرن بیست و یکم، از این لحاظ به مقام نخست برسد. در گسترش این پدیده عوامل مختلفی از قبیل ظهور فن آوریهای جدید در زمینهٔ نظامهای حمل و نقل و ارتباطات، جهانی شدن اقتصاد و توسعهٔ تولید صنعتی و همچنین، افزایش جمعیت و جهانی شدن مسائل آن و نیز عوامل ویژه ای مانند ازدیاد اوقات فراغت ـ که از آن به نام«تمدن فراغت» یاد می شود ـ و سهولت کسب درآمد بیش از نیازهای زندگی روزمره دخالت داشته اند.

تا آنجا که به موضوع این نوشتار مربوط می شود، در مورد عامل گسترش خارق العاده فن آوریهای جدید در زمینهٔ نظام های ارتباطی، نکته ای کوتاه اما مهم شایان توجه می نماید. بااختراع پی در پی رسانه های انبوهی، چنین به نظر می رسد که تولد هر رسانه با توجه به ویژگهای جدیدی که به همراه می آورد، افول رسانه های پیش از خود را به دنبال داشته باشد. به عنوان مثال، با پیوستن تلویزیون به جمع رسانه های انبوه آن عصر، تصور می شد که دوران دو رقیب پیش از آن یعنی رادیو و سینما به پایان رسیده است. برتری تلویزیون نسبت به رادیو دربرخورداری از تصویر و حرکت و نسبت به سینما در امکان استفاده از آن در منزل، تنوع برنامه ها و مقید نبودن به زمانی خاص بود. اما پژوهشگران ارتباطات، با کمال تعجب مشاهده نمودند که چنین اتفاقی نیفتاد. سبب، این بود که هررسانه ای با برخورداری از ویژگیهای خاص خود، مناسب شرایط مکانی، زمانی و محتوایی ویژه ای است و با ظهور رسانه های جدید نه تنها اعتبار و موقعیت خود را از دست نمی دهد که با استفاده از رسانه ای، تشویقی باشد براستفاده تکمیلی از رسانه ای دیگر.

آن چه درمورد «جهانگردی» نیز اتفاق افتاد، از همین قاعده پیروی کرد. نخست، چنین تصور می شد که با آمدن جهان به خانه ها از راه رسانه های

انبوهی مانند تلویزیون، اشتیاق مردم برای دیدن شگفتیهای جهان بویژه با توجه به هزینهٔ کالای آن، تا حد زیادی فروکش کند. اما در این مورد نیز، شاهد بودیم که آشنایی اجمالی با دیدنیهای جهان -که از طریق گسترش رسانه های انبوهی ممکن شده بود- تشویقی شد برای مردم عادی به تجربهٔ این امور از نزدیک، و در عین حال، راهنمای مناسبی شد برای کسانی که از دیرباز به جهان و جهانگردی علاقه مند بوده اند.

یکی از علل اصلی این روی آوری به «جهانگردی» به عنوان یکی از انواع ارتباطات در دوران حکومت رسانه های انبوهی، می تواند کامل تر بودن آن از لحاظ توان وارزش ارتباطی نسبت به رسانه های دیگر باشد. در این نوع ارتباط، به جای رسانه های بی جان، با انسان به عنوان رسانه ای بسیار پیچیده و کارآمد همراه با تمام امکانات ارتباطی ویژهٔ آن مواجهیم. در جهانگردی برخلاف دیگر انواع ارتباطات، نه تنها پیام که تمام نظام ارتباطی با همهٔ ویژگیهای انسانی و فرهنگی جا به جا می شود. مجادله درباره اهمیت بیشتر پیام یا ابزار -که یکی از مجادلات بنیادی دانش ارتباطات است -در جهانگردی معنی ندارد. چه به اهمیت پیام معتقد باشیم و چه به اهمیت ابزار و کانال، در اینجا، هم پیام و هم کانال، هر دو انسان است. در ارتباطی که از راه جهانگردی به وقوع می پیوندد، انسان، نقش مرکزی و محوری دارد که در عین حال، می تواند بقیهٔ نظامهای ارتباطی را نیز- از قبیل کتاب- با خود همراه کند.

آنچه در اینجا شایان ذکر می نماید، این است که اگر چه جهانگردی را می توان یکی از کاملترین انواع ارتباطات دانست، اما این پدیده نیز همانند دیگر اشکال ارتباطات از تأثیر آنچه دراصطلاح،« اخلال» یا «پارازیت» در فراگرد ارتباط می خوانیم، در امان نیست. اخلال در ارتباط می تواند روی هر یک از عناصر آن تأثیر گذارد و در نهایت فراگرد ارتباط را با مشکل روبه رو کند یا به قطع آن منجر شود. اگر ارتباط میان دو نفر یا بیشتر نتواند برهمدلی میان آنان بیفراید، بی‌شک مقصود اساسی از ارتباط حاصل نشده و در اصطلاح تخصصی، ارتباط با اخلال مواجه شده است.

متأسفانه، در جهانگردی معاصر نیز بروز مسائلی فرهنگی سبب ایجاد اخلال در این فراگرد مهم ارتباطی میان انسانها و در نهایت برجا گذاشتن تأثیرات مخرب فرهنگی شده و مدتها است که اندیشهٔ پژوهشگران حوزه های وابسته به آن را به خود معطوف داشته است. نکتهٔ قابل توجه در این رویارویی فرهنگی که می تواند در آن ایجاد اخلال نماید، این است که در اینجا اختلافی عمیق میان جهانگرد و جامعهٔ میزبان به عنوان دو رکن اصلی این پدیده وجود دارد: جهانگرد در سفر است و میزبان در خانهٔ خود، جهانگرد، در حال استراحت و گذراندن تعطیلات است و میزبان، در حال کار و تلاش زندگی روزمره و از همه مهمتر این که جهانگرد معمولاً از یک کشور غربی است و میزبان، جامعه ای است به اصطلاح در حال توسعه و جهان سومی.

مطالعهٔ جریان جهانگردی در جهان نشان می دهد که بیشترین تبادل جهانگرد، میان کشورهای شمال و جنوب و بویژه از کشورهای شمال به جنوب است. حجم جهانگردی میان کشورهای شمال و همچنین، در مرحلهٔ بعد میان کشورهای جنوب، بسیار کمتر از حجم دو جریان یاد شده است. (Mowhana, p,۱۴۲) این واقعیت می تواند تأییدی باشد برنظریهٔ جریان یک سویهٔ اطلاعات از کشورهای استعمارگر به سوی کشورهای مستعمرهٔ آنان و جریان از مرکز به حاشیه که نتیجه ای جز سلطهٔ فرهنگی و به عبارت دیگر غرب زدگی به دنبال ندارد.

با تصویری که از جهانگردی در کشورهای غربی ساخته می شود، سطح زندگی آنان در نگاه کشورهای میزبان بسیار پیشرفته جلوه می کند و این گونه کشورها نیز به نوبهٔ خود تلاش می کنند تا هنگام مسافرت اربابان به کشورشان، با وجود فقر و اختلاف طبقاتی موجود در کشور، آن سطح را در واقعیت نیز حفظ نموده و زندگی مشابه زندگی تصویر شدهٔ جهانگردان را در سرزمین خود برای ایشان فراهم آورند . این مسأله در صورت عدم وجود مدیریت توانا، به نوبه خود منجر به افزایش واردات کالاها و تخصصهای مختلف از «کشورهای جهانگرد فرست» می شود که علاوه بر سرازیر نمودن بیشتر سود به دست آمده از این صنعت به همان کشورها، خود کمکی است شایان توجه به ایجاد و حفظ تصویر برتری غرب و در نهایت غرب زدگی و تشدید قدرت امپریالیزم فرهنگی .همچنین، از آنجا که جهانگردان در کشور میزبان معمولاً به اعمالی دست می زنند که هیچ گاه در خانهٔ خود مرتکب نمی شوند، ناتوانی در آموزش این گروه و ضعف ضوابط محدود کننده- چه از سوی «کشورهای جهانگرد فرست» و چه از سوی «کشورهای جهانگرد پذیر»- می تواند منجر به بروز مسائل فرهنگی و زیست محیطی جبران ناپذیری شود. علاوه برآن، در نظر نگرفتن محدودیتها و قوانین فقهی ادیان و مذاهب مختلف از سوی جهانگردان در کشورهای مذهبی چه بسا منجر به بروز حوادثی شود که اساس جهانگردی را در آن کشور در معرض مخاطره قرار دهد.

گذشته از اینها،جهانگردی با ایجاد مشاغل کاذب و موسمی ممکن است، علاوه بر ایجاد مشکلات اقتصادی، سبب کشاندن مهاجران شهرها و روستاهای همجوار وحتی بیگانه به منطقهٔ برخوردار از جاذبهٔ جهانگردی شود و درهمان حال، نسبت گروهها و طبقات شاغل در جامعهٔ میزبان و نسبت در آمد آنان را نیز- که متناسب با ساختار فرهنگی آن جامعه و بطور طبیعتی شکل گرفته است، - به یکباره دگرگون کند. این مسائل می توانند بحرانهای شدیدی را در روابط میان طبقات اجتماعی بویژه روابط زن و مرد و بطور کلی خانواده در جامعهٔ جهانگردپذیر موجب شوند. از سوی

دیگر، عدم رعایت عدالت اجتماعی در سیاستهای توسعهٔ جهانگردی می تواند سبب تبعیض و فشار برمردمان بومی شده و بافت فرهنگی آنان را دستخوش لطمات جدی نماید.

این مسائل و مشکلات دیگری از این دست، سبب شده است تا در جهان معاصر، هر از چندی، مخالفتهایی با جهانگردی و اعمال جهانگردان، به ویژه جهانگردان خارجی از سوی اهالی منطقه ای که به دلیل برخورداری از جاذبه های جهانگردی، مورد هجوم بازدیدکنندگان واقع شده است، شکل گیرد. این مخالفت ها در برخی مواقع می تواند حالت تهاجمی نیز به خود بگیرد. «باتلر» بطور کلی شش مرحله را از آغاز تا انجام سرنوشت یک منطقهٔ جهانگردپذیر تشخیص می دهد و در آن به توضیح چگونگی دگرگون شدن روابط میان جهانگردان و جامعهٔ میزبان در طی این مراحل می پردازد. این مراحل عبارت است از:

۱- مرحله کشف:

داستان منطقهٔ مورد نظر با این مرحله آغاز می گردد. در این زمان، تعداد اندکی جهانگرد بدون این که به شخص یا سازمانی برای تنظیم برنامه هایشان وابسته باشند، به منطقه وارد شده و تلاش می کنند تا به عمق فرهنگ آن جامعه وارد شوند و با اهالی آن جا ارتباط برقرار کنند. طبیعی است که در این مرحله، زبان به عنوان وسیلهٔ ارتباط قرار گیرد. در مقابل میزبانان نیز تلاش می کنند تا نهایت مهمان نوازی را در برخورد با این میهمانان تازه از راه رسیده از خود نشان دهند. در این مرحله تأثیر وتأثر اجتماعی ناچیز است و فعالیتهای اقتصادی، بیشتر در سطح خرد و با تمرکز برمحوریت فرد یا خانواده جریان می یابد.

۲- مرحلهٔ درگیری:

در نقطه های آغازین این مرحله تعداد جهانگردان اندک اندک رو به افزایش می گذارد و میزبانان نیز با درک این موقعیت به فکر پاسخ به نیازهای جهانگردان و فراهم آوردن امکاناتی برای آنان می افتند. یکی از نخستین نشانه های ورود به این مرحله، اختصاص قسمتی از منزل به امر اسکان جهانگردان است. در این مرحله، جهانگردان هنوز نسبت به شیوهٔ زندگی محلی از خود تمایل نشان می دهند و ارتباط میان جهانگرد و میزبان در سطح بالایی ادامه می یابد. زبان ارتباط نیز در این مرحله کمکم جای خود را به استفاده از نشانه ها و ارتباطات غیرکلامی و در برخی موارد، چاپ و توزیع بروشورهای حاوی اطلاعات لازم برای جهانگردان بویژه در مورد مسأله اسکان می دهد.

در مراحل بعدی با شدت گرفتن ورود جهانگردان به منطقه، اندیشهٔ کسب درآمد از راه پذیرش جهانگردان تقویت می شود و امکانات نیز متناسب با آن افزایش می یابد. این مسأله به نوبهٔ خود سبب خارج شدن فعالیتهای اقتصادی از حیطهٔ خانواده می شود و امور کلان تری را از قبیل اخذ وام و تأسیس شعبهٔ بانک با خود به دنبال می آورد.

۳- مرحلهٔ توسعه:

با افزایش چشمگیر تعداد جهانگردانی که به منطقه وارد می شوند، دیگر می توان گفت که منطقه به یک منطقهٔ «توریستی» تبدیل شده است. با ورود به این مرحله ابعاد جغرافیایی نیز گسترش می یابد و با وارد شدن شرکتهای غیرمحلی و حتی خارجی به صحنه، فعالیتهای اقتصادی محلی در حاشیه قرار می گیرد. ورود کارگران مهاجر از دیگر مناطق، کاهش تماس و ارتباط افراد جامعهٔ میزبان را با جهانگردان به دنبال داشته و زبان بین‌المللی جهانگردی را حاکم می کند. در این مرحله، جهانگردی به یک فعالیت تجاری تبدیل می شود.

۴- مرحله ثبات:

در این زمان، منطقهٔ مورد نظر از حالت انحصاری و دست نخوردگی بیرون آمده و شبیه به هر منطقهٔ توریستی دیگری در سراسر جهان شده است. کاهش درآمدی که همراه با این مسأله پدیدار می شود، گردانندگان صنعت جهانگردی منطقه را به سازماندهی و جلب جهانگردان به صورت گروهی وادار می سازد.

۵- مرحلهٔ رکود:

با رسیدن منطقه به حد اشباع و آغاز کاهشی چشمگیر در درآمدهای حاصل از جهانگردی، مشکلات زیست محیطی، اجتماعی واقتصادی گوناگون رخ می نماید و افراد جامعهٔ میزبان را که اینک نسبت به جمیعت جهانگردان و همچنین کارگران مهاجر در اقلیت قرار گرفته اند، دچار بحران می نماید. با کنار کشیدن سرمایه گذاریهای خارجی، جهانگردی منطقه در آستانهٔ سقوط واقعی قرار می گیرد.

۶- تجدید حیات یا سقوط؟

در این مرحله تنها امیدی که برای مقامات محلی باقی می ماند، این است که با کمک سازمانهای باقیمانده در محل با یک برنامه ریزی انواع جدیدی را جهانگرد تشخیص دهند و باتغییر کاربری تأسیسات موجود، به جلب آنان بپردازند. نمونهٔ این امر می تواند تبدیل هتلها و مهمانخانه ها به

آسایشگاه سالمندان و در پی آن استفادهٔ فضاهای تفریحی برای استراحت این میهمانان تازه باشد.شکست در این فرآیند تجدید حیات، به معنی ادامهٔ سریع سقوط منطقه و برجای ماندن تأسیسات گرد گرفته ای است که تنها یادآور روزهای پرشکوه رونق منطقه است. (Ryan, ۱۳۳-۱۳۶)

«داکسی» نیز هماهنگ با «باتلر» اما با تأکید بیشتر بر رفتار جامعهٔ میزبان، در بررسی تأثیرات اجتماعی جهانگردی براین گونه جوامع، رفتار و نگرش متفاوت را در تنوع نگاه آنان به روند گسترش جهانگردی تشخیص می دهد.

۱- سرخوشی:

در این مرحله که با مرحلهٔ کشف همزمان است، میزبان به چشم میهمان به جهانگردان می نگرد و آنان را با گرمی پذیرا می شود. سبب این امر می تواند حس مهمان نوازی افراد جامعه باشد یا در صورت وجود فقر در آن جامعه، امید آنان به یافتن یک منبع جدید درآمد.

۲- بی تفاوتی:

در پی ورود به مرحلهٔ دیگر و افزایش جمعیت جهانگردان، ارتباط افراد جامعهٔ میزبان با آنان رسمی‌تر می شود و در مقابل، جهانگردان نیز تمایل کمتری به وارد شدن درزندگی روزمرهٔ اهالی منطقه را از خود نشان می دهند. زبان جهانگردانی که از این پس به منطقه می آیند، دیگر زبان محلی منطقه نیست.

۳- آزردگی:

با ورود به مرحلهٔ توسعه و واژگون شدن نسبت جمعیت میزبان و جهانگرد و در حاشیه قرار گرفتن میزبانان، مشکلات بسیاری برای این گروه رخ می نماید. مغازه ها شلوغ می شوند، ولی از تأمین نیازهای روزانهٔ مردم جامعه خبری نیست و به جای آن ،اجناس مورد علاقهٔ جهانگردان از قبیل صنایع دستی عرضه می شود.با افزایش تعداد جهانگردان و به دنبال آن افزایش تعداد خودروهای در حال رفت و آمد در منطقه، سختی زندگی، هر روز بیش از پیش خود را برمردم بومی تحمیل می کند و سرانجام سبب آغاز تغییر نگرش افراد جامعهٔ میزبان به جهانگردان می شود.

۴- دشمنی:

در انتهای زنجیرهٔ روابط میزبان و جهانگرد، با وارد شدن به مرحلهٔ رکود- همان گونه که پیش از این توضیح داده شد- مشکل ظرفیت، بیش از هر زمان دیگری خود را نشان می دهد و میزبانان را متقاعد می سازد که مسبب همهٔ این تبعیضها و نارساییها «جهانگردان» هستند. این مسأله سبب بروز حالتی در افراد می شود که می توان نام آن را «دشمنی» نهاد. (Ryan, ۱۳۶-۱۳۷)

در این جا این پرسش پیش می آید که آیا همیشه تأثیرات فرهنگی جهانگردی، تأثیراتی منفی است یا این فرایند ارتباطی می تواند تأثیرات فرهنگی مثبتی نیز به دنبال داشته باشد؟ «تراویس» در بررسی ادبیات این حوزه نشان می دهد که مطالعات مربوط به تأثیرات فرهنگی – اجتماعی و سیاسی جهانگردی با نسبتی برابر ۳/۸ به ۱ برآن است که بطورکلی جهانگردی منشأ بروز تأثیرات منفی است.(Ryan, ۱۴۶) همچنین، می توان این نکته را به این گزارش افزود که شاید با نسبتی بیش از این، مطالعات مربوط به تأثیرات و پیامدهای فرهنگی جهانگردی، معطوف به تأثیر ورود جهانگردان برجامعهٔ میزبان است و تا حد زیادی، تأثیرات متقابل جامعهٔ میزبان را برجهانگردان نادیده می گیرد.

این نوع نگاه به «جهانگردی» از یک اختلاف مبنایی دربارهٔ تعریف آن ناشی می شود. در تعریف این فعالیت اجتماعی، همانند تمامی امور اجتماعی ـ از جمله فرهنگ و جامعه که به سبب هم سنخ بودن با ذهن بشر همچنان در اجمال باقی مانده اند – دیدگاههای مختلفی وجود دارد. گروهی به «جهانگردی» به عنوان یک فعالیت اقتصادی می نگرند و در نتیجه، آن را یک صنعت می دانند. نمونهٔ این دیدگاه در تعریف زیر به چشم می خورد:

«جهانگردی عبارت است از بررسی عرضه وتقاضا در زمینهٔ امکانات اقامتی، پذیرایی و خدمات جانبی برای کسانی که خارج از منزل خود به سر می برند، و همچنین، بررسی الگوهای هزینه و ایجاد شغل که از آن ناشی می شود. «Ryan, p.۵))

گروهی نیز آن را با دیدی فنی نگریسته و براساس آن تعریفی ارائه داده اند. از این جمله است تعریفی که در پژوهشی با عنوان «پژوهشی در جهانگردی داخلی» در انگلستان برای جمع‌آوری اطلاعات صورت گرفته است:

«جهانگردی عبارت است از اقامت خارج از منزل برای مدت یک شب یا بیشتر با هدف گذراندن تعطیلات، بازدید دوستان و اقوام، شرکت در همایش‌های تجاری با هر هدف دیگری به جز اموری از قبیل تحصیل شبانه روزی یا استخدام «نیمه دائم» (Ryan, p.۵)

دستهٔ سوم تعاریف، بازتاب دیدگاه کسانی است که جهانگردی را عاملی روانشناختی به شمار آورده اند. به این تعریف توجه کنید:

«جهانگردی، ابزاری است که مردم به وسیلهٔ آن در زمان فراغت از فشارهای شغلی و الگوهای روزمرهٔ زندگی در منزل، با تجربهٔ وضعیتها و مکانهای تازه، منافع روانشناختی کسب می کنند.» (Ryanp.۶)

سرانجام در دستهٔ چهارم تعاریف کسانی قرار می گیرند که در مورد جهانگردی دیدگاهی کل نگر دارند. نمونه ای از تعاریف این گروه از«جهانگردی»

این چنین است:

«سفر کنندگان در روز از شهرهای مختلف، تماشاگران نمایش که شبها از لندن می آیند، مسافران قطار از تمام نقاط جهان، شرکت‌کنندگان در کنفرانسها و ...» (Ryan, p.۶)

در مورد تعاریف یاد شده از «جهانگردی» نکته ای فرهنگی و ارتباطی وجود دارد که توجه به آن می تواند مبنای نگاهی دگرگونه و سیاستگذاریهایی نوین در این امر گردد و آن، این واقعیت است که تا پیش از این، در واکنشی حیرت زده از درآمد سرشاری که در دهه های اخیر از این راه نصیب کشورهای جهان گردیده و به پیروی از اشتباهی تاریخی که رشد اقتصادی را معادل توسعه دانسته و در سیاستگذاریها جنبه‌های فرهنگی را تنها زمانی لحاظ کرده است که سود اقتصادی از آن حاصل شود- همان گونه که تا کنون در پی توضیح آن بوده ایم- رسم براین بوده است که به «جهانگردی» اصالتاً به عنوان یک پدیدهٔ اقتصادی مربوط به دوران پس از پایان جنگ دوم و جهانی شدن اقتصاد نگریسته شود؛ در صورتی که می دانیم بسیار پس از ظهور نوع جدید جهانگردی ـ که در جای خود به دلیل این که شکل خاص تری از جهانگردی بطور کلی است، شایستهٔ توجه ویژه می باشد – این فعالیت به عنوان یک ارتباط میان فرهنگی در جهان بشریت وجود داشته و منشأ آثار بسیاری در جهت تولد و گسترش تمدنها بوده است. گویاترین مثال این نقش انکار ناشدنی، تأثیر جهانگردی مسملین و اشتیاق بی پایان آنان به شناخت جهان و فرهنگهای مختلف آن، در بسط و گسترش تمدن اسلامی است.

پذیرش این نکته می تواند یک نتیجهٔ منطقی را به دنبال داشته باشد و آن لزوم تعریف و طبقه بندی دوبارهٔ جهانگردی و این بار براساس ویژگی میان فرهنگی آن است که در این حالت، انواع دیگر ارتباطات میان فرهنگی از آنجا که در حوزهٔ موضوعی، روش شناختی و سیاستگذاری با آن مشترکند، در این تعریف داخل می شوند. با این نگرش،می توانیم جهانگردی را می توانیم پیش از آن که فعالیتی اقتصادی و مربوط به دوران جدید باشد، ارتباطی میان فرهنگی بدانیم با ویژگیهای فرهنگی و ارتباطی در خور توجه و همانند هر ارتباط میان فرهنگی دیگر، موقعیتی الهی که همواره از آغاز زندگی بشر بر روی کرهٔ خاکی با وی همراه بوده است. به این موهبت الهی در آیهٔ کریمهٔ زیر اشارهٔ ظریفی شده است:

«یا أیها الناس إنا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا إن اکرمکم عندالله أتقیکم إن لله علیم خبیر.»

سورهٔ حجرات ـ آیه ۱۳

«ای مردم! ما همهٔ شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید نه آن که بواسطهٔ نسب بر هم فخر و مباهات کنید وبدانید که اصل و نسب نژادی مایهٔ افتخار نیست، بلکه بزرگوارترین و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین مردمند و خدا بر نیک و بد مردم و ظاهر و باطن خلق کاملاً آگاه است.»

براساس این آیهٔ کریمه، اصولاً تمام اختلافاتی که میان افراد بشر از زن و مرد وجود دارد و تمامی تقسیم بندیهای فرهنگی که انسانها را از یکدیگر متمایز می کند، همه و همه برای این در وجود انسانها به امانت گذاشته شده که آنها را تشویق به برقراری ارتباط، ایجاد همدلی و همزبانی با دیگران و کشف خصوصیات فرهنگی آنان کند و صدچند مهمتر و در سایهٔ آن آگاهی برجنبه های مغفول فرهنگ خودی که به دلیل احاطه برانسان و همچنین ویژگی قوم مداری فرهنگ غالباً از دید وی پنهان می ماند،ظفر می یابد. همین جنبه های پنهان فرهنگ است که معمولاً سد بزرگی را برسر راه ارتباطات میان فرهنگی تشکیل می دهد. متأسفانه با وجود تصریحی که در آیهٔ کریمهٔ فوق وجود دارد، هنوز تصور غالب براین است که وجود اختلافات فرهنگی، نه تنها عاملی برای تشویق به ارتباط با فرهنگهای دیگری نبوده که مانع اصلی بر سر راه تفاهم میان مردمان دنیا است.(Jan. Tourism, an Exploration, NJ, prentice - Hall.)۱۹۹۴

اکنون اگر «جهانگردی» را یک «ارتباط میان فرهنگی» و به دنبال آن، یکی از انواع ارتباطات بدانیم، باید بتوانیم همانند دیگر فعالیتهای ارتباطی برای تبیین و تحلیل آن، عناصر سازندهٔ آن را شناسایی کنیم و در حد توان به ارائهٔ مدلی برای نشان دادن چگونگی رابطهٔ میان این عناصر دست یابیم. ارائهٔ مدل برای به تصویر کشیدن فراگرد ارتباطات در اشکال مختلف آن - به جز پیش مدلی که به ۲۳۰۰ سال پیش باز می گردد و در آن، ارسطو در هر ارتباطی سه جزء متمایز را یعنی گوینده، گفتار و مخاطب تشخیص می دهد ـ با مدل مشهور هارولد لاسول در سال ۱۹۴۸ و مدل ارتباطی کلود شنن و وارن ویور در سال ۱۹۴۹ آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد. (محسنیان راد، صص۳۷۵-۳۸۰)

اگر به فراگرد ارتباطیی که در اثر فعالیتهای جهانگردی به وجود می آید بدقت بنگریم، می توانیم رد پای شش عنصر اصلی را در آن بیابیم که تحلیل این فراگرد برپایهٔ آن ممکن می شود. این شش عنصر عبارتند از : جهانگرد، میزبان، انگیزه، جاذبه، تأثیر و بستر. در هر فعالیت جهانگردانه این عناصر بروشنی قابل تشخیص است و هر جا که امکان گردآمدن این عناصر در کنار هم فراهم باشد، می توان گفت که جهانگردی به عنوان یک ارتباط میان فرهنگی در حال شکل گرفتن است.ادامهٔ این نوشتار به بررسی و توضیح بیشتری پیرامون این عناصر و تلاش برای طراحی یک مدل ویژهٔ

جهانگردی اختصاص دارد:

۱- جهانگرد:

طبیعی است که نخستین عنصر قابل تشخیص در «جهانگردی»، خود «جهانگرد» باشد. جهانگرد را کسی تعریف کرده اند که برای تفریح، فراغت، تعطیلات، سلامتی، آموزش، دین، ورزش، تجارت یا دلایل خانوادگی سفر کند. (van Harssel, p.V) همان گونه که می بینیم، در این تعریف، بیشتر به انگیزه های جهانگردان از سفر توجه شده تا خود این گروه. باید توجه داشت که این عنصر از اصناف مختلفی تشکیل شده که هر کدام تأثیری مستقیم برنوع تعامل فرهنگی نهفته در جهانگردی از خود برجای می گذارند. اگر تمایلات جهانگردان را در انطباق با جامعهٔ میزبان و تعمیق ارتباط میان فرهنگی در تقسیم بندی لحاظ کنیم، بر این اساس می توان به انواع زیر رسید:

۱-۱- جهانگردان شبه کاشف (Explorer-Type Tourists): این گروه از جهانگردان به دنبال کشف و دانستن هستند و تعداد آنها نیز محدود است. این عده که ترجیح می دهند به جای «جهانگرد»، «انسان شناس» خطاب شوند، در میان مردم محلی به مثابهٔ یک «مشاهده‌گر فعال» زندگی می کنند و بسادگی با هنجارهای جامعهٔ میزبان در سکونت، غذا و شیوهٔ زندگی خو می گیرند. سفر این عده معمولاً طولانی است و این زمان طولانی به آنها امکان تماس و شناخت بیشتر جامعهٔ میزبان را می دهد.

۱-۲- جهانگردان نخبه (Elite Tourists): این گروه که از نظر تعداد بسیار اندکند، شامل افرادی می شود که پیش از این تقریباً همه جا را دیده اند و اکنون، به عنوان مثال می خواهند یک هفته سفر با یک کرجی پارویی را به همراه یک راهنما را در یکی از رودخانه های بزرگ جهان تجربه کنند. این عده، از گروه پیشین در این که واقعاً جهانگردند، متمایز می شوند. این گروه از وسایلی استفاده می کنند که در ابتدای سفر قابل پیش بینی و تهیه است. آنها بدون اینکه تمایلی به فعال بودن در مشاهدات خود از کشور میزبان داشته باشند، خود را با شرایط زندگی جدید اما موقت، خود را انطباق داده و از این راه، شناخت عمیقی نسبت به جوامع مختلف پیدا می کنند.

۱-۳- جهانگردان تکرو (off-Beat Tourists): دو تمایل، این گونه جهانگردان را از دیگران متمایز می کند. نخست، فاصله گرفتن از هیاهوی جهانگردان و دوم، تمایل به بالا بردن هیجان سفربا انجام اموری ورای هنجارها. بطور کلی این گروه با اندک امکاناتی به سر برده و خود را با شرایط سفر براحتی تطبیق می دهند.

۱-۴- جهانگردان غیرمعمول (unusual Tourists): این گروه را جهانگردانی تشکیل می دهند که حاضرند به جای خرید، به یک تور یک روزه برای بازدید از مردم بومی بروند. اینان، مردمان دیگر را فرهنگهای ابتدایی به شمار می آورند و در عین حال که علاقه مند به این بازدید هستند، اما به ظرف غذا و نوشابهٔ خود تمایل بیشتری نشان می دهند و حاضر نیستند آسایش خود را به مخاطره بیندازند.

۱-۵- جهانگردان انبوه (Mass Tourists): این نوع از جهانگردی براساس زندگی طبقهٔ متوسط بنا شده است. سفر این گروه کاملاً برنامه ریزی شده صورت می‌گیرد و در آن، رو در رو شدن با فرهنگ واقعی میزبان هیچ جایی ندارد. یک «جهانگرد انبوه» تنها اجازه دارد خارجیهایی را که می خواهد، بدون تحمل کمترین سختی ببیند. این گونه جهانگردان، مناسبترین و بالقوه ترین هدف برای ساختن تصاویر قالبی از ملتها و حتی در برخی موارد، خود منبع ساختن این تصاویر هستند. دغدغهٔ اصلی آنان وجود افراد آموزش دیده و آشنا به زبان برای برطرف نمودن نیازهایشان است.

۱-۶- جهانگردان گذری (Charter Tourists): وجه تمایز اصلی این گروه از دیگر انواع جهانگردان، تماس بسیار ناچیز آنان با فرهنگ جامعهٔ میزبان است. تأکید اصلی در این نوع ازجهانگردی برهتلها وامکاناتی است که ویژهٔ این افراد در نظر گرفته شده است. این گروه، تمایل دارند تا اعتبار حاصل از بازدید مکانهای مختلف را با امنیت یک محیط آشنا جمع نمایند. کمترین زمان سفر نیز به این دسته اختصاص دارد. ((Van Harssel, pp.۱۳۰-۱

۲- میزبان:

در آن سوی فراگرد ارتباطی جهانگردی، «میزبان» قرار دارد. «میزبان» فرد یا نهادی است که جهانگرد در مقصد خود با او سروکار دارد. در این مورد، تقسیم بندی را می توان براساس نوع و میزان درگیری میزبان با جهانگردان انجام داد.

نخستین نهاد درگیر با مسألهٔ جهانگردی «دولتها» هستند. دخالت دولت در جهانگردی از چند راه صورت می پذیرد. نخستین و مهمترین آن، دخالت از راه سیاستگذاری است. در بیشتر موارد، دولتها با بررسی وضع کلی کشور از جنبه های مختلف زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به تنظیم و اعمال سیاستهایی محدود کننده، جهت دهنده یا تشویقی می پردازند. همچنین، انجام تشریفات اداری ورود و خروج جهانگردان خارجی و مسائل امنیتی آنان از قبیل صدور روادید ونظارت گمرکی بر عهدهٔ دولت است. در سومین مرحله، وظیفهٔ دولتها نگهداری از جاذبه های جهانگردی کشور یا ایجاد و توسعهٔ آن است و سرانجام، دولتها در برخی موارد در به عهده گرفتن خدمات جهانگردی و ایجاد تأسیسات لازم برای آن، با بخش خصوصی به رقابت می پردازند.

شرکتها، سازمانها و مراکز خدماتی وابسته به جهانگردی، دومین گروه میزبانان را تشکیل می دهند. متصدیان امور تأسیسات کرایهٔ خودرو، تأسیسات اقامتی مانند هتلها ومتلها، آژانسهای مسافرتی، خدمات مالی مربوط به جهانگردی مانند کارتهای اعتباری و چکهای مسافرتی، فروشگاههای ویژهٔ جهانگردان مانند فروشگاههای صنایع دستی، خدمات آموزشی و همچنین انتشارات این حوزه، در این دسته جای می گیرند. کارگران غیرمحلی وحتی خارجی را نیز که برای کار به منطقهٔ دارای جاذبهٔ جهانگردی مهاجرت می کنند، باید از جملهٔ این گروه به حساب آورد. این گروه در کنار دولتها وظیفهٔ تأسیس ونگهداری جاذبه ها را نیز به عهده می گیرند. وابستگی اقتصادی و درگیری بیشتر با امر جهانگردی و جهانگردان تا حدی که این مسأله برای آنان فعالیت اساسی در زندگی محسوب می شود، این گروه را از طبقات بعدی جدا می کند.

همین گروه هستند که در ایجاد پدیده ای به نام «جهانگردی انبوه»- که در بررسی انواع جهانگردان، از آن سخن رفت- بیشترین سهم را دارند. اینان با تعریف انگیزه ها و طراحی جهان به شکلی مصنوعی و لوکس، مانع رویارویی جهانگرد با فرهنگ واقعی میزبان می شوند. از این گونه عوامل در مدلهای ارتباطی با نام «دروازه‌بان» (Gate - keeper) یاد می شود. این مفهوم برای نخستین بار به وسیلهٔ «کورت لوین» در سال ۱۹۴۷ و سپس در سال ۱۹۵۰ به وسیلهٔ«وایت» در مدلی به نام دروازه بانی خبر و برای بررسی عملکرد دبیر سرویس یک روزنامهٔ محلی آمریکایی در گزینش و انتشار خبرهای رسیده به کاربرده شد. این مدل اگر چه به عنوان اساس تحقیقات بعدی در زمینهٔ فراگرد انتخاب از سوی بنگاههای خبری مورد استفاده قرارگرفت، ولی بعدها نقد و تکمیل شد. پس از«وایت»،«براس وستلی» و «مالکم مک لین» از این مفهوم در تهیهٔ مدل خود استفاده کردند (محسنیان‌راد، صص۷-۴۲۵)سومین دسته، افراد و کسبه ای هستند که اگرچه در بازار جهانگردی دارای سهمی هستند، اما امرار معاش آنان وابسته به این صنعت نیست. به هر حال این عده نیز بطور مستقیم و شخصی با جهانگردان سروکار دارند و از آنجا که برای جهانگردان ،نگاهی عمیقتر و واقعیتر به جامعهٔ میزبان فراهم می کنند، در فراگرد ارتباطات میان فرهنگی مورد بحث ما نقش مهمی بازی می کنند. سوغاتی که جهانگردان از فرهنگ مردم یک کشور به سرزمین خود می برند، عمدتاً محصول تجربه‌های میان فرهنگی است که با این گروه انجام داده اند.

سرانجام در دستهٔ پایانی، عامهٔ مردم قرار می گیرند که واقعیترین محملهای فرهنگ مردم کشور میزبان به شمار می روند و در عین حال، کمترین فرصت را برای ارتباط با جهانگردان معمولی در اختیار دارند. ارتباط با این گروه، نصیب جهانگردانی می شود که در طبقه های نخستین جهانگردان به آنها اشاره شد. این ارتباط، ارزشمندترین نوع ارتباطی است که در جهانگردی می تواند به وقوع بپیوندد و مبنای سیاستگذاریهای قرار گیرد.

۳- انگیزه ها:

گرچه در این نوشتار تلاش شده تا جهانگردی به عنوان یک ارتباط میان فرهنگی معرفی شود، اما این لزوماً به این معنی نیست که جهانگردان تنها با انگیزهٔ شناخت دیگر فرهنگها به سفر اقدام می کنند، بلکه منظور این است که این فعالیت که با انگیزه های مختلفی صورت می گیرد، در ذات خود یک ارتباط میان فرهنگی است و مطالعه وسیاستگذاری در مورد آن باید براساس این ویژگی انجام شود. به هر حال در هر ارتباطی انگیزه ها و اهداف مختلفی قابل تعریف است.

در یک تقسیم ابتدایی می توان میان انگیزه ها و اهداف جهانگردان و دلایل و مصلحتهایی که براساس آن یک کشور به توسعهٔ جذب جهانگرد می پردازد، یعنی اهداف میزبانان تفاوت قائل شد. معمولاً جذب جهانگرد به دو هدف اصلی می تواند صورت گیرد: نخست، هدف کسب درآمد و ایجاد رونق اقتصادی است که پیش از این نیز گفته شد که وجه غالب سیاستهای جذب جهانگرد را در بیشتر کشورهای جهانگردپذیر تشکیل می دهد. اما اگر به جهانگردی نگاهی فرهنگی داشته باشیم، اهداف فرهنگی درمرکز توجه سیاستهای جهانگردی قرار می گیرد. این اهداف می تواند بالا بردن توان ارتباطی میان فرهنگی مردم کشور، ایجاد وحدت در سطوح گوناگون، معرفی فرهنگ داخلی و یا اشاعهٔ آن در سطح جهان باشد.

در مورد انگیزه های جهانگردان برای سفر به مناطق دیگر، مختلفی ذکر شده است. «مک اینتاش» و «گلدنر» این انگیزه ها را در سه دستهٔ کلی جای داده اند:

۱- انگیزه های جسمانی: این مجموعه شامل تمامی سفرهایی می‌شود که با انگیزهٔ کاستن از تنشهای زندگی روزمره از راه فعالیتهای جسمانی صورت می گیرد. انگیزه هایی از قبیل فعالیتهای ورزشی، تفریحات ساحلی، سرگرمیها و مسائل مربوط به بهداشت و سلامتی در این گروه قرار دارد.

۲- انگیزه های میان فردی: شامل ارتباط با انسانهای دیگر، ملاقات با دوستان و اقوام، فرار از خانواده و همسایگان و یافتن دوستان تازه.

۳- انگیزه های مقام و اعتبار: در این دسته، مسافرت برای تجارت، بستن پیمان، مطالعه و تحصیل و بطور کلی هر آنچه که بر تمایز انسان از دیگران، مورد توجه و احترام قرار گرفتن و دانش وی بیفراید، قرار دارد. ((Van Harssel, p. ۱۲۷

۴- جاذبه ها:

در هر سرزمین و هر فرهنگی جلوه ها و عناصر منحصر به فردی به چشم می خورد که برای مردم سرزمینها و فرهنگهای دیگر تازگی دارد و همین عناصر منحصر به فرد است که بهانه ای می شود برای تحقق فعالیت جهانگردی. این عناصر که آنها را به نام «جاذبه های جهانگردی» می شناسیم در دو دسته کلی جاذبه های طبیعی و جاذبه های فرهنگی قرار می گیرند.

«جاذبه های طبیعی» مواهب الهی هستند که در هر سرزمینی بیش و کم به ودیعه گذاشته شده اند. اگر چه بشر نیز در این مواهب خداوندی تغییراتی ایجاد کرده، اما اصل وجود آنها به انسان بستگی نداشته است. این جاذبه‌ها خود قابل تقسیم به سه دسته اند:

۱- جاذبه های برانگیزاننده حس کنجکاوی و اکتشاف مانند جنگلهای انبوه، رودخانه های خروشان و کوههای سر به فلک کشیده؛

۲- جاذبه های ویژهٔ تفریح و لذت جویی مانند سواحل دریاها و پهنه های دشتها؛

۳- و جاذبه های مؤثر در درمان و کسب سلامتی مانند چشمه های آب گرم.

از آنجا که جاذبه های فرهنگی، آنهایی هستند که دست بشر در آفرینش آن به کار بوده است، به دلیل تنوع میان فرهنگهای انسانی، از گوناگونی بیشتری نیز برخوردارند. این جاذبه ها قابل تقسیم به گروههای زیرند:

۱-جاذبه های تاریخی و تمدنی، مانند آثار باستانی وموزه ها؛

۲- جاذبه های دینی، مانند مساجد، مکانهای مقدس، حرم امامان وامامزاده ها که از نگاه دیگری در ردیف جاذبه های تاریخی نیز جای می گیرند؛

۳-جاذبه های اجتماعی، مانند فرهنگ عمومی مردم و ویژگیهای حکومتها؛

۴-جاذبه های مردم شناختی و فولکلوریک، مانند مراسم وسنتهای فرهنگی اقوام مختلف؛

۵- جاذبه های فن آورانه، مانند ساختمانهای بلند و نوآوریهای به نمایش درآمده در نمایشگاههای مختلف؛

۶-جاذبه های آموزشی و پژوهشی، مانند دانشگاهها و کتابخانه های بزرگ؛

۷- جاذبه های ورزشی، مانند ورزشگاهها و مسابقات ورزشی از قبیل بازیهای المپیک.

براساس جاذبه های گوناگونی که تلاش شد تصویر دقیقی از آن ارائه گردد، جهانگردی را نیز به دسته های دهگانه ای تقسیم نموده اند. این گروهها از این قرار است:

۱- جهانگردی طبیعی: ویژهٔ کسانی است که از زندگی در طبیعت وحشی ودیدن مناظر زیبا لذت می برند.

۲- جهانگردی فرهنگی: افرادی را جذب می کند که علاقهٔ اصلی آنان به تاریخ و فولکلور مردم کشور مقصد است.

۳- جهانگردی اجتماعی: افرادی را به سفر تشویق می کند که برای آنها تماس و ارتباط با مردم، مهمترین جنبهٔ جهانگردی است. این تماس و ارتباط می تواند میان افراد گروه اتفاق افتد و یا علاقهٔ اصلی به تماس بامردم بومی مقصد باشد. همچنین دیدارهای خانوادگی نیز در این مقوله می گنجد.

۴- جهانگردی فعال: جهانگردانی را جذب می کند که در پی انجام فعالیتی از پیش تعیین شده باشند. این فعالیت می تواند آموختن زبان یا کشف جغرافیای سرزمین مشخصی باشد.

۵- جهانگردی تفریحی: ویژهٔ جهانگردانی است که سبب اصلی سفر آنان، در لذت حاصل از شرکت در فعالیتهایی نظیر چادر زدن در مناطق مختلف و بازیهای سازمان داده شده نهفته است. این نوع از جهانگردی، شخص را تشویق به فعالیت در زمان استفاده از تعطیلات می کند.

۶- جهانگردی ورزشی: جهانگردان علاقه مند به مشارکت در ورزش را جذب می کند. ورزشها و مسابقات دوچرخه سواری، تنیس و اسکی از جملهٔ این جاذبه‌ها هستند.

۷- جهانگردی دینی: ویژهٔ کسانی است که برای مقصد، ارزش دینی و معنوی قائلند. سفر حج از مثالهای بارز این نوع جهانگردی است.

۸- جهانگردی تخصصی: کاملاً منحصر به فرد است. گروه کوچکی با هم برای هدفی که فقط ویژهٔ آنان است، سفر می کنند. سفرهای اکتشافی و آموزشی دانش آموزان مدارس از نمونه های این نوع جهانگردی است.

۹- جهانگردی قومی: ویژهٔ جهانگردانی است که به وطن نیاکان خویش برای شناخت بهتر گذشتهٔ خود به سفر می روند.

۱۰- جهانگردی حفظ سلامت: کسانی را جذب می کند که برای تغییر شرایط جسمی خود سفر می کنند. ارودهای کاهش وزن و چشمه های آب گرم در این دسته جای می گیرند. ((Van Harssel, p. ۱۲۹

۵- تأثیر:

یکی از مهمترین عناصری که در تصمیم گیری و سیاستگذاری بخش جهانگردی نقشی مهم و مستقیم به عهده دارد، تأثیرات مختلف آن بویژه

تأثیرات فرهنگی است. جهانگردی می تواند تأثیرات مختلف مثبت و منفی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و زیست محیطی را به دنبال داشته باشد که با توجه به موضوع نوشتار در اینجا تنها به بررسی تأثیرات فرهنگی جهانگردی می پردازیم.

گاهی اوقات دولتها -همانطور که اشاره شد- به دلیل سود سرشاری که جهانگردی نصیب کشور می کند، سیاست بی‌تفاوتی را در مسائل اخلاقی و فرهنگی جهانگردی اتخاذ می کنند. این عمل، سبب پیدایش گروههای فشار ضد جهانگردی می شود که با توجه به تأثیر مخرب این شکل از جهانگردی بر کودکان و زنان و همچنین تضاد این فعالیت با ارزشهای جامعه، از اساس، بنیان چنین حرکتهایی را در معرض مخاطره قرار می دهد. بنابراین، شایسته است، در این قسمت، عوامل تعیین کنندهٔ میزان تعامل جهانگردان و جامعهٔ میزبان و در نهایت، شدت و جهت تأثیرات بالقوه مثبت و منفی جهانگردی مورد دقت بیشتری قرار گیرد تا بتوان در سیاستگذاریها این عوامل را نیز بطور جدی در نظر گرفت.

در بررسی تأثیرات بالقوهٔ جهانگردی عواملی چند را می توان در شکل دادن به نوع روابط میان میزبان و جهانگرد مؤثر دانست که شدت و ضعف این عوامل در هر یک از دو سوی این فرایند ارتباطی می تواند تعیین کنندهٔ میزان تأثیر و تأثر حاصل از آن باشد. در یک نگاه کلی می توان پی برد که برخی از این عوامل را باید در جهانگردان و کیفیت شکل گیری و استمرار پدیدهٔ جهانگردی جستجو کرد و برخی دیگر را در جامعهٔ میزبان و روابط حاکم برآن.در دستهٔ نخست این عوامل جای می گیرند:

۱- تعداد و تراکم جهانگردان، که هر چه این رقم بزرگتر باشد باید منتظر تأثیرات بیشتری از سوی جهانگردان برجامعهٔ میزبان بود.

۲- نوع انگیزه و میزان تمایل جهانگردان به تماس با جامعهٔ میزبان و برقراری ارتباط که سبب حالات مختلف تبادل فرهنگی می شود.

۳- مدت زمان اقامت جهانگرد در میان افراد جامعهٔ میزبان که طولانی شدن آن می تواند حجم بیشتری از ارتباط و تبادل فرهنگی را به دنبال داشته باشد.

۴- ویژگیهای فرهنگی و اعتقادات دینی و ملی جهانگردان که شدت و ضعف آن یکی از عوامل تعیین کننده در شدت و جهت تأثیرات بالقوهٔ جهانگردی است.

عوامل زیر نیز به وضعیت جامعهٔ میزبان باز می گردند:

۱- سیاستهای دولت و دیگر تصمیم گیرندگان در حوزهٔ جهانگردی در مورد نقش و جایگاه فرهنگ در توسعهٔ آن؛ این گروه می توانند به فرهنگ به عنوان عاملی برای کسب هویت و تمایز فرهنگی در سیاستهای توسعهٔ جهانگردی بنگرند و یا بسادگی فرهنگ را تنها کالایی برای فروش بدانند. این مسأله می تواند در حوزه های گوناگون فرهنگ از جمله صنایع دستی، پوشاک، خوراک، معماری، هنر، زبان، سنتها و حتی دین رخ دهد.

۲- میزان مالکیت افراد بومی جامعهٔ میزبان نسبت به تأسیسات و خدمات حوزهٔ جهانگردی؛ در برخی موارد، هجوم کارگران مهاجر و شرکتهای غیرمحلی و حتی خارجی و رقابت میان آنان بر سر در اختیار گرفتن صنعت جهانگردی منطقه، افراد بومی را در اقلیت و در حاشیه قرار داده و میزان ارتباط آنان را باجهانگردان به حداقل می رساند.

۳- همگنی جامعه از لحاظ فرهنگی و میزان پایبندی به اعتقادات و مراسم دینی و مذهبی که جامعه را از خودباختگی در برابر هجوم مفاسد فرهنگی ورود جهانگردان به منطقه محافظت می نماید و یا برعکس، آنان را از قرار گرفتن در برابر مزایای دیگر فرهنگها و اقتباس و درونی نمودن آن محروم می نماید.

۴- وضعیت جامعه از لحاظ قرار داشتن در مراحل گوناگون توسعهٔ جهانگردی که پیش از این هم مورد اشاره قرار گرفت. همان‌گونه که دیدیم ،جامعه در ابتدای کار،آمادگی و تمایل بیشتری برای ارتباط با جهانگردان از خود نشان می دهد و این ویژگی با شدت گرفتن ورود جهانگردان به منطقه، اندک اندک رنگ می بازد و حتی می تواند تا سرحد دشمنی و نفرت پیش رود.

۵- میزان آمادگی جامعه برای پذیرش تحول و دگرگونی؛ اگر چه موضوع نوشتار حاضر به پیامدهای فرهنگی توسعهٔ جهانگردی اختصاص دارد، اما نباید از نظر دور داشت که نمی توان تمامی تحولات به وجود آمده را در مناطق جهانگردپذیر نتیجهٔ توسعه جهانگردی در آن مناطق شمرد،بلکه نظر تنها به عنوان عاملی برای تسریع و تشدید دگرگونی مورد انتظار به شمار می رود، دگرگونیی که به نوبهٔ خود می تواند میزان تراکم جهانگردان را به دنبال داشته باشد و در نهایت، نسبت میان جمعیت بومی منطقه و تعداد جهانگردان را در هر مرحله از توسعهٔ جهانگردی رقم زند.

۶- تصویری که از جاذبه های جهانگردی با استفاده از فنون بازاریابی و تبلیغات ارائه می شود و میزان در دسترس قرار داشتن منطقه و سهولت رفت و آمد به آن که عاملی تعیین کننده در میزان ورود جهانگردان به شمار می رود. این تصویر، همچنین می تواند در تعیین نوع جهانگردانی که به منطقه وارد می شوند، مؤثر باشد.

اینک و در یک نگاه کلی تر می‌توان همین دو دسته عوامل را نیز در ارتباط با یکدیگر قرار داده و سرانجام به چهار وضعیت و موقعیت کلی در مقایسهٔ

جهانگردان و جامعهٔ میزبان و رابطهٔ این دو گروه با یکدیگر رسید. این چهار موقعیت عبارت است از:

۱- موقعیت فرهنگی: نزدیکی و دوری ویژگیهایی مانند قومیت، رفتار، دین و دیگر جلوه های فرهنگی هر کدام از دوطرف با یکدیگر و میزان پایبندی آنان به این جلوه های تمایز و هویت، می تواند عاملی مؤثر در تعیین جهت و شدت تأثیرات حاصل از گسترش و توسعهٔ جهانگردی باشد.

۲- موقعیت ارتباطی: زبان، نمادها، ارتباطات غیرکلامی و مهمتر از همه، میزان تمایل به ارتباط و کیفیت و شدت حضور در فراگرد ارتباط در این دسته جای می گیرند. میزان توافق دو گروه «جهانگرد» و «جامعه میزبان» در این ویژگیها، یکی دیگر از عوامل تعیین کنندهٔ شدت و جهت تأثیرات جهانگردی است.

۳- موقعیت اقتصادی: توانایی اقتصادی دو طرف نسبت به یکدیگر و میزان حضور مستقیم و پرنشاط آنان در فعالیتهای اقتصادی حوزهٔ جهانگردی، سومین موقعیت کلی جهانگردان و جامعهٔ میزبان را نسبت به یکدیگر تشکیل می دهد که در تعیین شدت و جهت تأثیرات و پیامدهای جهانگردی نقشی اساسی ایفاء می نماید.

۴- موقعیت جمعیتی و جغرافیایی: تراکم ونسبت جمعیت دو گروه که خود می تواند تابعی از برخی عوامل جغرافیایی مانند ابعاد منطقه و سهولت رفت و آمد به آن باشد، عاملی مهم در جهت و شدت بخشیدن به میزان ارتباط میان جهانگردان و جامعهٔ میزبان و سرانجام به بار آوردن پیامدهای مهم فرهنگی است.

همان گونه که دیدیم، تا اینجا سخن از تماس و تعامل بود، نه تأثیرات یکسویهٔ جهانگرد بر جامعهٔ میزبان. برای درک بیشتر فرایند تأثیر و تأثر ناشی از جهانگردی و یافتن پاسخ این پرسش که آیا این جهت همواره یکسویه یا همیشه دو سویه است، و بر فرض دو سویه بودن، کدام طرف سهم بیشتری را به خود اختصاص می دهد، ناچاریم کمی از «فرآیند فرهنگ پذیری» سخن گوییم.

«فرهنگ پذیری» (Acculturation) را به عنوان فرایندی تعریف نموده اند که طی آن عناصر فرهنگ دیگری از راه تماس فرهنگی توسط یک فرهنگ پذیرفته می شود. در تعیین ماهیت این فرایند، عواملی دخالت دارند، از جمله:

۱- تفاوتهای فرهنگی (Cultural Difference): فرهنگها به میزانی که در تماس با یکدیگرند، از نظر ارزشها، ایدئولوژی و فن آوری از هم متمایز می شوند.

۲- شدت و سطح تماس (Degree & level of contact): یکی از مسائل مهم در بررسی میزان تأثیر فرهنگها بر هم، تعیین این مسأله است که ارتباط میان نخبگان یا بطور گسترده میان دو جامعه درچه سطحی صورت می گیرد.

۳- موقعیتهای فرادست و فرودست (Superordination & Subordination): دو فرهنگ می توانند در مواردی نسبت به هم از برتری هایی برخوردار باشند. این برتریهای فرهنگی تأثیر مستقیمی برمیزان و جهت فرهنگ پذیری دارد.

بسته به میزان مداخلهٔ این عوامل، فرایندهای متنوعی می تواند دراین صحنه رخ دهد که ذیلاً به آنها اشاره می کنیم:

۱- فرایند جایگزینی (substitutive): در این فرایند، رگه های جدید فرهنگی یا مجموعه‌ای از رگه ها، جانشین رگه های پیشین می شوند. نمونهٔ این اتفاق، جانشین شدن مدرسه به جای مکتبخانه است.

۲- فرایند افزایش (Additive): در این فرایند، عناصری جدید ضمن حفظ عناصر پیشین وارد فرهنگ می گردند. مثال این فرایند، به وجود آمدن دانشگاه در کنار حوزه های علمیه است.

۳- فرایند تلفیق(Syncretic): در این حالت، رگه های جدید و پیشین در هم ذوب شده و تشکیل نظام یا خرده نظام جدیدی را می دهند. این حالت در مورد خوراک و پوشاک بسیار اتفاق می افتد.

۴- فرایند تخریب (Deculturative): در این فرایند، بر اثر تماس، بخشی از فرهنگ از بین می رود بدون این که عنصر جدیدی جانشین آن شود.

۵- فرایند نوآوری (originative): براثر تماسها در این فرایند ساختارهای جدیدی وارد فرهنگ می شوند که در آن فرهنگ، ریشه ندارند.

۶- فرایند طرد (Rejective): در این حالت تغییرات آن قدر سریع صورت می گیرد که تعداد زیادی از گروه مخاطب، آن را نمی پذیرند و برای جلوگیری از بروز تغییر، کوششهای فراوانی انجام می دهند.

با توجه به این عوامل و فرایندها اکنون می توانیم بگوییم که همیشه فرهنگ پذیری و دگرگونیهای فرهنگی ناشی از جهانگردی لزوماً یکسویه نیست، بلکه این مسأله بسته به شدت و سطح تماس و موقعیت فرادست یا فرودستی است که هر طرف در آن به سر می برد. اگر دو سوی ارتباط از نظر این عوامل در وضعیتی مشابه باشند، طبیعی است که جریان فرهنگی سالم و دو سویه ای میان آنان برقرار می شود. اما هرگاه یکی از دو طرف با در نظر گرفتن عوامل یاد شده، برتر از دیگری باشد، ناگزیر جریان ارتباط از سوی او به سمت طرف دیگر شدت بیشتری می یابد و

ممکن است، هر کدام از فرایندهای فوق را به دنبال داشته باشد.

در پایان، توضیح این نکته نیز ضروری می نماید که هر کدام از فرایندهای اشاره شده، مادام که دگرگونی های ساختاری عمیقی را به وجود نیاورده و به دنبال آن، جامعه را به یک شوک فرهنگی ناخواسته نکشانده اند، لزوماً مضر نیستند، بلکه دگرگونی و کسب عناصر جدید در گذر زمان از شرایط حیات فرهنگها دانسته شده است. در این مورد، نقش سیاستگذاران و برنامه ریزان در شناخت این فرایندها در هر جامعه و تمییز فرایندهای مناسب از فرایندهای خطر آفرین برای فرهنگ جامعه و هویت آن، بسیار حساس به نظر می رسد.۶- بستر:

از آنجا که هیچ ارتباطی در خلأ اتفاق نمی افتد و برای شکل گیری و توسعه، بستر مناسبی لازم است، مطالعهٔ بستر یا بسترهای جهانگردی نیز ضروری می نماید. با مطالعهٔ وضعیت جهانگردی در دنیای امروز می توان به این نتیجه رسید که بطور کلی دو بستر یا جریان عمده برجهانگردی حاکم است. بستر نخست که از ابتدای این نوشتار در صدد توضیح آن بوده ایم، «ارتباطات میان فرهنگی» است. جهانگردی در این بستر، حرکتی است سالم و در ذات خود ارتباطی میان فرهنگی در جهت تفاهم بیشتر میان فرهنگها، که البته منافع اقتصادی و سیاسی بی شماری را نیز در بردارد. جهانگردان دارای این دیدگاه، بیشتر با انگیزهٔ نفوذ در جامعهٔ واقعی میزبان و آشنا شدن با ویژگیهای فرهنگی آنان به جهانگردی مبادرت می ورزند و میزبانان نیز در پی آشنا شدن با دیگر فرهنگها و از این راه ، وقوف بر جنبه های مورد غفلت واقع شدهٔ فرهنگ خود و برقراری یک جریان سالم تبادل فرهنگی و اشاعهٔ جنبه های مثبت فرهنگ خود در سطح جهان هستند. طبیعی است که در این بستر، جاذبه های فرهنگی، از جمله جاذبه های تاریخی، اجتماعی، مذهبی و آموزشی در مرکز توجه قرار گیرند.

اما بستر دوم که به نظر می رسد، جریان جهانگردی امروز به آن تمایل بیشتری داشته باشد- همان گونه که پیش از این گذشت- پدیده ای است به نام «امپریالیزم فرهنگی» که در ذات خود پدیده ای است اقتصادی و مربوط به دوران جهانی شدن اقتصاد. جهانگردان در این دیدگاه بیشتر در پی تفریح و لذت جویی و بطور خلاصه استفاده از اوقات فراغت هستند که خود نیز پدیده ای است مربوط به دوران یاد شده، در مقابل، میزبانان نیز بیشتر با هدف ایجاد رونق اقتصادی و کسب درآمد بیشتر، پذیرای این گونه جهانگردانند. در این بستر، جاذبه های طبیعی بویژه جاذبه های مربوط به تفریح و لذت جویی در کانون توجه قرار دارند. از این‌رو،برخلاف بستر پیشین که در آن انواع گوناگون تأثیرات مثبت ومنفی دو سویه میان جهانگردان و جامعهٔ میزبان قابل تصور بود، در این بستر باید بیشتر منتظر تأثیرات منفی جهانگردان بر جامعهٔ میزبان باشیم که ادبیات این حوزه نیز- همان گونه که آورده شد- این نکته را تأیید می کند.

در اینجا با پایان یافتن بررسی عناصر شکل دهندهٔ جهانگردی، زمان آن رسیده که همانند هر فراگرد ارتباطی دیگر، در مدلی، چگونگی چینش این عناصر مختلف و به هم پیوسته را در کنار هم نشان دهیم تا از این راه بتوانیم به تحلیل دقیقتری از این فراگرد میان فرهنگی ارتباطی دست یابیم. شکل صفحهٔ بعد جریان کلی جهانگردی را با توجه به مطالب گفته شده تا کنون نشان می دهد.

همان‌گونه که در شکل می بینیم، چهارچوب کلی جهانگردی تحت نفوذ و سیطرهٔ دو جریان کلی ارتباطات میان فرهنگی و امپریالیزم فرهنگی قرار دارد. مثلث سمت چپ مجموعهٔ جهانگردانی را نشان می دهد که براساس میزان تماس و ارتباط با جامعهٔ میزبان، به هفت دسته تقسیم شده اند. مساحت هر قطعه از مثلث براساس تعاریف یاد شده می تواند بیانگر نسبت تقریبی جهانگردان آن دسته در کل جهانگردی دنیا باشد. مثلث دیگری که در سمت راست قرار دارد، طبقات مختلف جامعهٔ میزبان را نشان می دهد.

در این مثلث نیز مساحت قطعات مختلف، بیانگر نسبت تقریبی طبقات مختلف میزبانان است. جاذبه هایی در جامعهٔ میزبان و انگیزه هایی از سوی جهانگردان سبب حرکت جهانگردان به درون آن جامعه می شود. جهت و میزان نفوذ جهانگردان در طبقات مختلف جامعهٔ میزبان و همچنین، میزان تمایل جامعه به برقراری ارتباط با بیگانه ها نمایش داده شده است.

اکنون به نظر می رسد، لازم باشد برای نمایش چگونگی استفاده از این مدل و براساس آن چه که تاکنون گفته شد، مواردی از تحلیل و سیاستگذاری جهانگردی را در کشور اسلامیمان ایران به وسیلهٔ آن توضیح دهیم.

در ابتدا به نظر می رسد پیش از هر چیز باید در مورد جهت کلی و به تعبیر این مقاله بستر جهانگردی در توسعهٔ این صنعت در کشورمان تصمیم گیری کنیم. شرکت در مسابقهٔ امپریالیزم فرهنگی لوازمی را در بردارد که به نظر می رسد، سیاستگذاران ایران اسلامی از ابتدای ورود به صحنهٔ جهانی، آن را نامشروع دانسته و همواره در صدد بوده اند تا در زمینه های مختلف طرحی نو در اندازند. این نوع نگرش به مسائل جهانی تازگی نداشته و در حرکتهای مختلف برخی کشورهای غیرمتعهد، کم و بیش جلوه گر بوده است. آن چه در این زمینه اهمیت دارد، کارایی طرحها در عین سازگاری با ارزشها و ویژگیهای بومی هر ملت است. رساترین نمونهٔ این نوآوری در سطح جهانی، طرح «نظریه حکومتی ولایت فقیه» توسط امام خمینی قدس سره الشریف است.

با این توضیحات و با افزودن این واقعیت که انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون همواره در پی‌اشاعهٔ فرهنگ اسلامی در جهان بوده است، بستر ارتباطات میان فرهنگی، بسترمناسبی برای سیاستهای جهانگردی در ایران به نظر می رسد. این مسأله به این معنی نیست که سیاستگذاران جمهوری اسلامی تنها باید انواعی از جهانگردی را ترویج دهند که با انگیزه های میان فرهنگی صورت پذیرد، بلکه به این معنی می تواند باشد که ایشان باید در سیاستگذاریهایشان، مرکز توجه خود را در برآورد سود و زیان ناشی از توسعهٔ جهانگردی در عین لحاظ کلیهٔ جوانب برآثار فرهنگی آن قرار دهند.

نکته ای که از این تصمیم ناشی می شود، این است که با پذیرش این دیدگاه، تشویق هموطنان به ایرانگردی، به همان اندازه مهم و ضروری می شود که تلاش برای جذب جهانگرد از کشورهای خارجی. حتی شاید افزایش سفرهای ایرانیان در داخل کشور و افزایش توان ارتباط میان فرهنگی آنان با هموطنان خویش علاوه بر تقویت زیرساختها و مدیریت جهانگردی کمک بسزایی باشد در تصحیح نگرش مردم به پدیدهٔ جهانگردی و جهانگردان خارجی که با نگاهی اجمالی به تاریخ همواره، پیامآور چپاول وغرب زدگی در این کشور بوده اند. افزون براین، پس از در نظر گرفتن مصالح اقتصادی و سیاسی، تشویق مردم کشور بویژه نخبگان به جهانگردی در کشورهای خارجی نیز مشمول همین استنتاج می شود.

پیشنهاد دیگری که با توجه به مطالب مطرح شده برای سیاستهای جذب جهانگرد در کشور ما می توان داد، تصمیم گیری در مورد نوع جهانگردی است که او را تشویق به بازدید از ایران می کنیم. همان گونه که گذشت، جهانگردان با انگیزه های مختلفی مناطق مورد علاقهٔ خویش را انتخاب می کنند. هر منطقه ای هم با توجه به برخورداری از جاذبه های ویژه ای می تواند تنها پذیرای گروهی خاص باشد. با در کنار هم قرار دادن این دو اصل می توانیم چنین نتیجه بگیریم که پیش از هر چیز در کشور باید تصمیم گرفته شود که با توجه به جاذبه های محدودی که وجود دارد و هر جاذبه هم می تواند بهانهٔ جذب گروهی خاص از جهانگردان باشد، چه نوع جهانگردانی را می خواهیم بپذیریم. به عنوان مثال، آیا با توجه به سواحل زیبای شمال کشور می توانیم جهانگردی طبیعی و تفریحی را با در نظر گرفتن مسائل فقهی و فرهنگی برویم؟ در این گونه موارد،هر تصمیمی که گرفته شود، پیامدهای خاص خود را به دنبال خواهد داشت. اگر مصلحت کشور را در ترویج جهانگردی تفریحی بدانیم باید به حل و تبیین مسائل مختلف فقهی و فرهنگی آن همت گماریم و یا چنانچه قصد حرکت به سوی جهانگردی فرهنگی را داشته باشیم، لازم است در توسعهٔ زیر ساختها و مدیریت این گونه جهانگردی بکوشیم.

سومین نکته ای که به عنوان نتیجه گیری می توان ذکر نمود، این است که با توجه به عوامل مؤثر در جهت و شدت فرایند فرهنگ پذیری و همچنین، موقعیتهای چهارگانه ای که در میزان تأثیرات متقابل جهانگردان و جامعهٔ میزبان بویژه دو موقعیت ارتباطی و فرهنگی برشمردیم، پسندیده است که برای جذب و همچنین فرستادن جهانگرد از کشورهایی آغاز کنیم که در این دو عامل نزدیکی بیشتری با آنان احساس می کنیم. فی المثل، کشورهایی که در زبان وتاریخ با ما مشترکند یا کشورهایی که نام اسلام را برخود پسندیده اند، بهترین نمونه های این نزدیکانند. این حرکت می تواند آغازی باشد در راه زدودن زنگارهای کشور - ملتها و احیای دوبارهٔ تفکر اسلامی مبتنی بر مفهوم امت درصحنهٔ جهانی.

در پایان باید گفت، با توجه به احساس نیازی که در زمینهٔ توسعهٔ جهانگردی درکشور به وجود آمده است، راهی بس کوتاه تا غلبه برمشکلات مختلف کمبود پژوهش در این زمینه و بویژه پژوهشهای فقهی و فرهنگی و همچنین، مشکلات مربوط به سیاستگذاری، مدیریت و توسعهٔ زیر ساختها در پیش داریم، راهی به کوتاهی یک همت.

منابع:

۱- محسنیان راد، مهدی، ارتباط شناسی، تهران: انتشارات سروش، (۱۳۶۹)

۲- Mowlana, Hamid، (۱۹۹۷), Global Information and world communication, London, sage.

۳- Ryan, Chris, Recreational Tourism, London, Routledge.(۱۹۹۳)

۴- Van Harssel,

http://vista.ir/?view=article&id=216448

vista.ir
Online Classified Service

پیچ وخم های پردست انداز سفر

از بار سنگین کار و تلاش روزانه خسته شده اید و به دنبال چند روز تعطیلی در تقویم هستید تا شاید با وصل کردن آن با چند روز مرخصی استحقاقی، مدتی را به همراه اهل و عیال و صد البته با فراغ بال دل را به طبیعت لایزال الهی در گوشه ای از کشور پهناورمان بسپارید.

با حسابی سرانگشتی دخل و خرج این سفر سیاحتی را محاسبه می کنید، زمان و مکان و نحوه اقامت، همه را به دقت بررسی می کنید تا اینکه لحظه موعود فرا می رسد و بار سفر را می بندید و دل را به جاده ها واتوبان هایی می سپارید که لحظه لحظه آن را توسط دوربین های مخفی وآشکار پلیس راهنمایی و رانندگی تحت کنترل و مراقبت دارند و از این بابت با امنیت خاطر به رانندگی خود ادامه می دهید.

اما زمانی که به شهر و دیار و منطقه موردنظر می رسید تازه با مشکلاتی روبرو می شوید که نه در محاسبات شما جایگاهی داشته و نه حتی احتمال بروز چنین معضلی را می دادید، حجم ترافیک سنگین جاده های منتهی به شهرهای تفریحی و توریستی، کمبود و نبود مکان استراحت و اقامت خانواده ها با قیمت مناسب، کمبود سرویس بهداشتی، ضعف در اطلاع رسانی به مسافران و گردشگران، گرانی لجام گسیخته و سرسام آور کالاها و ارزاق عمومی در شهرهای توریستی و... ا ز جمله مشکلاتی است که در سال های اخیر دامنگیر مسافرت و گردشگری مردم کشورمان شده است.

در این سلسله گزارش ها به آسیب شناسی مشکلات پیش روی سیر و سفر در کشورمان و تدابیر مسئولان مربوطه خواهیم پرداخت. همراه ما باشید.

- مردم از مشکلات سفر می گویند

ایران به عنوان یکی از کشورهای توریستی و سیاحتی محسوب می شود که براساس آمارهای موجود یک میلیون منطقه گردشگری را در خود جای داده و از جاذبه های تاریخی، باستانی و طبیعی خاصی برخوردار است.

از طبیعت بکر و زیبای گیلان و مازندران تا زیبایی های کیش و قشم و از تاریخ کهن نهفته در دل شهرهای اصفهان و شیراز و تبریز و کرمانشاه تا آستان قدس رضوی و دیگر اماکن مذهبی، همه و همه نشان ازوجود جاذبه های زیبا و ارزشمندی در ایران زمین دارد که بدون شک بار مسئولیت مدیران اجرایی مربوطه را در معرفی و رسیدگی مضاعف به این مناطق دو چندان می کند، از طرفی هم همین مناطق می توانند بهترین منبع درآمدی در عرصه صنعت گردشگری کشورمان باشند.

اما سیر و سفر در ایران امروز با مشکلات خاصی همراه است که شنیدن آنها از زبان مردم، می تواند مسئولان را در رسیدن به رونق گردشگری و رفع موانع موجود یاری کند.

به اتفاق عکاس روزنامه آقای سید حسین هاشمی به پارک شهر تهران می رویم تا دیدگاه های مردم را درباره مشکلات سفر جویا شویم.

جوانی حدوداً ۳۰ ساله بر روی یکی از صندلی های پارک نشسته و بسیار خسته به نظر می آید، با او سر صحبت را باز می کنم، می گوید از شهرستان میانه - از توابع تبریز- جهت انجام کاری به تهران آمده، وی درباره مشکلات سفر می گوید:«مهمترین مشکلی که وجود دارد ارایه بلیط به مسافران است به نحوی که یا خدمات دهی کامپیوتری بلیط ساماندهی های اتوبوس ها در ترمینال ها خراب است و یا اصلاً بلیطی برای فروش ندارند و همه را پیش فروش کرده اند، این در حالی است که مسئولان باید به فکر توسعه حمل و نقل های بین شهری باشند، اگر به سامانه های اتوبوس در ترمینال ها مراجعه کنید، با توجه به اینکه هنوز تابستان فرا نرسیده اما بسیاری از آنها بلیط به برخی ازشهرها را پیش فروش کرده و هیچگونه تدبیری برای سایر مسافرانی که موفق به تهیه بلیط نشده اند نیندیشیده اند.»

- تعطیلات ناگهانی

در گوشه ای از پارک شهر تهران جمعی از جوانان مشغول بازی تنیس روی میز هستند، با یکی از همین افراد به صحبت می پردازم، هوشنگ.م دراین باره می گوید: «هر مسافرتی نیازمند برنامه ریزی و مشورت لازم با اعضای خانواده است، اما یکی از مشکلاتی که درسال های اخیر دامنگیر خانواده های ایرانی در قضیه سفر شده است تعطیلات ناگهانی است، چون اگر دقت کرده باشید بین دو روز تعطیلی معمولا یک روز تعطیل نیست، حال مردم نمی دانند آیا آن روز را دولت تعطیل اعلام می کند یا نه، اما ناگهان یک روز قبل این مسئله برای مردم روشن می شود و اصولا فرصت هرگونه برنامه ریزی از خانواده ها سلب می شود، به نظر من دولت باید در این زمینه حداقل یک هفته قبل تعطیل بودن یا نبودن روزهای بین تعطیلی را به مردم ابلاغ نماید تا همه تکلیف خود را بدانند، تعطیلات اخیر در خردادماه تجربه خوبی بود تا مسئولان از قبل همه چیز را برای مردم روشن کنند.»

وی به مشکلات دیگری در سفر به شهرهای سیاحتی و زیارتی اشاره می کند و می گوید: «درسال های اخیر بسیاری از خانواده ها در چادرهای مسافرتی به استراحت می پردازند و معمولا در اغلب پارک ها و حتی کنار پیاده روها به زدن چادر و اقامت موقت می پردازند که این مسئله از یک سو خانواده ها را با کمبود سرویس های بهداشتی مناسب و آب آشامیدنی مواجه می کند و از طرف دیگر امنیت خانواده ها در نیمه های شب و با بروز باد و باران خصوصاً در شهرهای شمالی با خطری جدی روبرو می سازد، دراین باره اگر مسئولان و شهرداری ها در شهرهای توریستی و پرجاذبه به دایر نمودن مکان هایی برای اسکان موقت مسافران با قیمت های نازل اقدام کنند قطعا می تواند خدمتی گران بها و ارزشمند به مسافران باشد.»

- تعدد اتومبیل ها و ظرفیت کم جاده ها

بسیاری از روانشناسان براین باورند که مسافرت های تفریحی، گردشی و سیاحتی یکی از بهترین راهکارهای استراحت فکری و روحی و روانی برای رسیدن به شادابی است، اما واقعیت امر این است که در دنیای پیچیده، پر سرو صدا و کاملا ماشینی امروزی از یک طرف مسافرت امری لازم و ضروری به نظر می رسد و از طرف دیگر مشکلات عدیده مالی و شرایط پیچیده زندگی راه را بر سیرو سفرهای خانوادگی مسدود کرده است.

«مجید عباسی» دانشجوی رشته عمران واحد دانشگاه آزاد اسلامی ساوه به بخش عمده مشکلات پیش روی مسافرت های بین شهری اشاره می کند و می گوید: «یکی از همین مشکلات پایین بودن ظرفیت جاده ها در برابر سیل اتومبیل های مختلف است یعنی میزان تولید و واردات خودرو در کشورمان بیشتر از ظرفیت جاده هاست، از طرفی هم جاده های ما هنوز با استانداردهای تعریف شده جهانی فرسنگ ها فاصله دارند، دراین باره لازم است مسئولان ذیصلاح اقدامات شایسته ای انجام دهند.»

وی می گوید: «به عنوان مثال در تعطیلات اخیر که شاهد حدود ۵ روز تعطیلی بودیم تمام جاده های منتهی به شهرهای سیاحتی و زیارتی با ترافیک سنگین روبرو بود.»

علی حداد، دانشجوی نقشه کشی صنعتی از دانشگاه آزاد قزوین هم به ترافیک سنگین در جاده های شمال در تعطیلات اواسط خردادماه اشاره می کند و می گوید: «ساعت پنج و نیم صبح از تهران به سمت شمال حرکت کردیم که ساعت نه و نیم صبح تازه به عوارضی کرج رسیدیم و خلاصه تا لاهیجان چیزی در حدود ۱۹ ساعت در راه بودیم، این مسئله به خوبی نشان می دهد که دیگرجاده های ما ظرفیت پذیرش این همه ماشین را ندارد و باید تدابیر ویژه ای برای تردد خودروها در شهرهای سیاحتی خصوصا شمال کشور اندیشیده شود.»

وی استاندارد نبودن جاده های کشورمان را از دیگر مشکلات موجود بر سر راه مسافران و گردشگران عنوان می کند و می گوید: «به جرأت می توان گفت که بخشی از تصادفات جاده ای در ایران بر می گردد به استاندارد نبودن جاده ها، یعنی جاده های فعلی کشورمان اغلب در سالیان گذشته ساخته شده و بعضا قدمتی در حدود ۳۰سال دارند و مسلما جاده هایی که در ۳۰سال پیش ساخته شده مختص تعداد ماشین های همان زمان است و با توسعه تولیدات خودروهای داخلی باید شاهد توسعه جاده های پرتردد و محورهای مهم کشور می بودیم اما متأسفانه هنوز شاهد ترمیم و توسعه بسیاری از جاده های مهم و پررفت و آمد کشورمان نیستیم.»

- ضعف در اطلاع رسانی

یکی از موارد مهمی که بسیاری از مردم در گفتگو با سرویس گزارش روز کیهان بدان اشاره کردند ضعف اطلاع رسانی درباره نقاط جذاب و دیدنی شهرها و معرفی مناطق پرجاذبه کشورمان می باشد.

خانم صوفی آبادی، کارمند آموزش و پرورش تهران به این مهم اشاره می کند و می گوید: «بسیاری از مناطق جذاب و دیدنی کشورمان هنوز به درستی به مردم معرفی نشده و همچنان ناشناخته باقی مانده اند، در اغلب شهرها نیز در بدو ورود گردشگران هیچگونه اطلاع رسانی خاصی برای معرفی اماکن دیدنی یا تاریخی و مهم آنجا دیده نمی شود، از همین رو بسیاری از مناطق جذاب و دیدنی کشورمان به دلیل ضعف در اطلاع

رسانی ناشناخته و حتی گمنام باقی مانده است، این در حالی است که اگر سیستم اطلاع رسانی به موقع و تعریف شده ای توسط رسانه ها و یا در ابتدای ورود گردشگران به شهرها و مناطق مختلف صورت بگیرد قطعا مردم را به آن سمت و سو هدایت می کند.»

وی سوای ضعف در اطلاع رسانی، به غیر بهداشتی بودن بسیاری از مراکز رفاهی و عمومی در شهرهای توریستی کشورمان اشاره می کند و می گوید: «بسیاری از مهمانپذیرها و مسافرخانه ها وضعیت بهداشتی مناسبی ندارند، پارک ها و اماکن تاریخی و باستانی هم معمولا از سرویس بهداشتی خوبی برخوردار نیستند، قیمت مسافرخانه ها و حتی کالاهای عمومی در این شهرها چند برابر گران تر است و متأسفانه هیچ سیستم نظارتی و کنترلی دقیقی هم ناظر بر عملکرد آنها نیست و باید گفت که در شهرهای پرجاذبه ای مثل شهرهای شمالی هیچگونه نظارتی بر قیمت کالا و اجناس دیده نمی شود و واقعا در این شهرها گرانی بیداد می کند.»

● هزار منطقه گردشگری به زودی اعلام می شود

همچنان که در ابتدای گزارش اشاره کردیم براساس آمارهای موجود در کشورمان بیش از یک میلیون منطقه گردشگری وجود دارد که متأسفانه اطلاع رسانی دقیق و درستی در این زمینه صورت نگرفته و بیشتر نقاط دیدنی و پرجاذبه از دید گردشگران دور مانده است.

محمدشریف ملک زاده، معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشورمان در این باره می گوید: «توسعه کیفی گردشگری از برنامه های امسال سازمان گردشگری است، به گونه ای که تا پایان خردادماه سال جاری و آغاز فصل تابستان هزار مسیر گردشگری برای توسعه سفرهای ارزان قیمت معرفی خواهد شد.»

وی با اشاره به اینکه در همین راستا ستاد دائمی تسهیلات سفر تشکیل شده است، می گوید: «تعامل بین دستگاه های اجرایی مرتبط با سفر از اهداف اصلی دائمی کردن ستاد تسهیلات سفر است.»

معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در پاسخ به این سؤال که ستاد دایمی تسهیلات سفر در کدام استان ها تشکیل می شود، می گوید: «ستاد دائمی تسهیلات سفر در ۳۰ استان کشور راه اندازی خواهد شد.»

ملک زاده درباره میزان موفقیت کار ستاد مذکور در استان های کشور می گوید: «موفقیت کار این ستاد در نوروز امسال در تمام استان ها به ویژه در استان مازندران مشاهده شده است، چرا که مازندران امسال با جذب حدود شش میلیون مسافر نوروزی دومین استان کشور در پذیرش مسافر و گردشگر بوده است.»

وی با اعلام این خبر که مدیریت برنامه ریزی و آموزش سرمایه گذاری در بخش گردشگری در کشورمان افزایش خواهد یافت، می گوید: «استمرار فعالیت ستاد دایمی تسهیلات سفر از رویکردهای جدید و جدی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است.» اما در کنار اظهارات آقای محمدشریف ملک زاده، باید اذعان داشت که رونق بخش گردشگری کشورمان بدون شک بر اقتصاد، کاهش آمار بیکاری و جذب سرمایه های داخلی و خارجی تأثیر مثبت خواهد گذاشت. به عنوان مثال گفته می شود که سرمایه گذاری حدود هزار میلیارد تومان در بخش گردشگری استان مازندران به ایجاد ۲۱ هزار اشتغال ناشی از این سرمایه گذاری منجر می شود و در عین حال مسافران و گردشگران نیز از امکانات رفاهی خاصی برخوردار خواهند شد.

سیر و سیاحت و گردشگری نقش بسیار سازنده ای در اقتصاد کشورهای جهان دارد و بخش عمده ای از درآمدهای کشورهای اروپایی و غربی از این راه تأمین می شود. اما در دنیای امروزه یکی از مهمترین کانال های جذب گردشگر داخلی و خارجی اطلاع رسانی به موقع و همه جانبه به مردم است، از همین رو کشورمان، ایران اسلامی که مهد فرهنگ و تمدن و دین و مذهب در مشرق زمین بوده در طول سالیان متمادی از عدم اطلاع رسانی اماکن مهم طبیعی و تاریخی خود در رنج بوده و با توجه به اینکه سازمان عریض و طویلی همچون میراث فرهنگی و گردشگری به عنوان متولی اصلی این مهم شناخته شده و خدمات و فعالیت هایی که این سازمان در راستای جذب گردشگر انجام داده، اما باید اذعان داشت که هنوز تا ایده آل های سفر و گردشگری فرسنگ ها فاصله داریم.

برابر آمارهای موجود در سازمان گردشگری جهانی، ایران در عرصه منابع گردشگری طبیعی رتبه پنجم و در عرصه تاریخی و باستانی درجایگاه هشتم جهان قرار دارد اما باید اذعان داشت که به دلیل عدم اطلاع رسانی لازم و تبلیغات کافی جاذبه های گردشگری کشورمان نه تنها برای جهانیان بلکه برای بسیاری از مردم کشورمان مهجور و ناشناخته مانده است.

در این میان گرچه اقدامات صورت گرفته از سوی مسئولان مربوطه قابل تقدیر و ستایش است اما باید اذعان داشت که آثار تاریخی و منابع طبیعی کشورمان نباید در غبار فراموشی و بی توجهی قرار بگیرد.

● بی توجهی به جذب گردشگران خارجی

در برنامه ریزی دولت های گذشته تا الان نقش توریسم و جذب اعتبارات از خارج از کشور همواره بسیار کمرنگ بوده است.

مرتضی سیف زاده، رئیس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی در این باره می گوید: «تا اعتقاد واقعی ما به چشم انداز ۲۰ ساله قطعیت پیدا نکند و عزم جدی برای آن نداشته و در رابطه با صنعت و فرهنگ استراتژی نداشته باشیم به چشم انداز مورد انتظار نخواهیم رسید، پس ابتدا باید استراتژی توسعه پایدار را ایجاد کنیم تا به میزان گردشگر دلخواه برسیم.»

سیف زاده می گوید: «بسیاری از گردشگرانی که به ایران می آیند فرهنگ شناس، جغرافی دان و تاریخ دان هستند نه گردشگر و این نشان می دهد که به صورت سنتی و درهر زمانی در کشورمان توریسم خارجی داریم اما باید گفت با این واقعیت انکارناپذیر روبرو هستیم که تا درآمد نفت را داریم توجه به رشد بخش خصوصی و توریسم نخواهیم داشت، این در حالی است که باید توریسم را در کشور گسترش دهیم و این راه تنها با همکاری بخش دولتی و خصوصی امکان پذیر است.»

محمد حسین برزین، معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به سؤالاتم پاسخ های کامل تری می دهد و ضمن اشاره به نقش صنعت گردشگری براقتصاد کشورهای جهان می گوید: «امروزه کشورهای جهان در راستای توسعه صنعت گردشگری یک مسابقه اعلام نشده ای را آغاز کرده اند، به شیوه ای که می توان گفت در حال حاضر پس از انرژی و خودروسازی، صنعت گردشگری نقش بسیار ممتازی را در اقتصاد کشورها ایفا می کند، از طرفی هم باید توجه داشت که گردشگری صنعتی بدون دود و آلودگی است و در عین حال با ورود هر گردشگر خارجی به کشورمان بین ۴ تا ۱۰ شغل ایجاد خواهد شد، یعنی گردشگری در عین حالی که صنعت محسوب می شود به اشتغال زایی و رفاه اجتماعی نیز منجر خواهد شد و بهره های فرهنگی نیز برای جامعه ایجاد می کند.»

● طبیعت سازی برای جذب گردشگر

معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به نکته مهمی درباره کشورهای غربی که فاقد منابع طبیعی و جاذبه های گردشگری هستند اشاره می کند و می گوید: «امروز بسیاری از کشورهای جهان خصوصاً در غرب چون فاقد هرگونه صنایع دستی و جاذبه های گردشگری هستند، برای جلب توجه گردشگران جهان به ساخت و آماده سازی مکان هایی می پردازند و به صورت مصنوعی طبیعتی را مجسم می کنند و با آب و تاب تمام به آن زرق و برق خاصی می دهند تا گردشگران جهانی را به سمت خود سوق دهند اما کشور ما به صورت طبیعی دارای نعمت های خدادادی فراوانی در عرصه طبیعی، تاریخی، معنوی، فرهنگی، آکوتوریسم (طبیعت گردی) و سایر شیوه های عرف در گردشگری است و طبق گفته مقامات گردشگری جهانی درعرصه طبیعی رتبه پنجم جهان را دارا هستیم ولی متأسفانه به دلیل ضعف در اطلاع رسانی لازم و تبلیغات کافی این جاذبه ها در جهان و حتی در کشور خودمان مهجور مانده است، در کنار این مسائل تبلیغات سوء و ناجوانمردانه دشمن هم که عمدتاً اهداف سیاسی را دنبال می کند علیه کشورمان و تیره و تار نشان دادن اوضاع داخلی و ترسیم چهره ای ناامن از ایران نیز تا حدودی بر مهجوریت صنعت گردشگری در ایران افزوده است.»

آنچه که در سال های اخیر محسوس بوده این است که در دولت نهم و در دور جدید مدیریت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری اهتمام و جدیت خاصی در این حوزه دیده می شود و اقدامات مثبتی در راستای جذب گردشگر انجام شده است.

با فرارسیدن فصل تابستان و رونق گرفتن بخش گردشگری داخلی و خارجی در کشورمان به نظر می رسد که مسئولان مربوطه باید تدابیر ویژه ای برای این ایام دیده باشند تا هم از یک طرف مسیر و سفر خاطره انگیزی برای خانواده ها رقم بخورد و هم اینکه موجبات جذب گردشگر خارجی به خوبی مهیا شود.

اما یکی از اقدامات شایسته ای که در سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در سال های اخیر صورت گرفته تشکیل ستادی تحت عنوان «ستاد تبلیغات و نمایشگاه ها» می باشد و وظیفه این ستاد هم معرفی و جذب گردشگر داخلی و خارجی است، به نحوی که گفته می شود اقداماتی که در این ستاد صورت گرفته در ۵۰ سال اخیر کم نظیر بوده است. از جمله فعالیت های مثبت ستاد مذکور شرکت در ۶۰ نمایشگاه بین المللی خارجی به میزبانی سازمان گردشگری جهانی(WTO)، توزیع اقلام فراوان تبلیغاتی در معرفی جاذبه های گردشگری ایران، که این مهم شامل فیلم، سی دی، تیزر تبلیغاتی و... است که قریب چهارمیلیون و سیصدهزار قلم کالای تبلیغاتی در ۶۳۸ نوع به ۱۷ زبان دنیا در کشورهای مختلف جهان توزیع و منتشر شده است.

همچنین ۶۶ هزار و ۴۰۰ ثانیه تیزرهای تبلیغاتی توسط ستاد مذکور ساخته و از طریق شبکه های ماهواره ای مشهور جهانی از جمله الجزیره، یورونیوز، ۱ MBC و ۲ و اکشن و... برای مردم در سراسر جهان پخش شده و در ابعاد داخلی نیز اقدامات خوبی برای معرفی و شناخت بیش از پیش هموطنان از آثار تاریخی و جاذبه های طبیعی کشورمان صورت گرفته است.

● سیر و سفر و فصل تابستان

سیر و سفر از زمان آغاز زندگی بشر تاکنون مطرح بوده. اما این موضوع در دوران معاصر از منزلت خاصی برخوردار شده است، تا جایی که بسیاری از کشورهای جهان برای ساماندهی مسافرت های خانواده های خود ارگان ها، سازمان ها یا وزارتخانه هایی را به این موضوع اختصاص داده اند.

از منظر دین نیز مسافرت از موقعیت ویژه و ممتازی برخوردار است، چرا که بخشی از آیات و روایات موجود مربوط به سفر و آداب مسافرت است. قرآن کریم به پیامبر اعظم(ص) می گوید که به مردم توصیه کن تا در زمین به سیر و سیاحت و مسافرت بپردازند چون یکی از خواص مسافرت پندآموزی و عبرت گیری است. احکام سفر نیز در فقه اسلامی کاملا مورد توجه واقع شده است.

در اخلاق اسلامی موضوع سفر به خوبی مطرح شده و بخشی به نام اخلاق سفر توسط علمای اسلامی عنوان شده است.

در عرفان اسلامی نیز این موضوع مطرح گردیده و اساساً مراتب سیر و سلوک در سفر نهفته است و افراد عارف و سالک برای رسیدن به کمال و حقیقت باید سفر معنوی را آغاز نمایند.

سوای موارد مذکور سیر و سفر و گردشگری در تبادل فرهنگ ها نیز نقش بسیار مؤثری دارد و اصولا یکی از بهترین راه ها برای شناخت دیگر فرهنگ ها مسافرت و گردش در طبیعت و تاریخ مادی و معنوی است، این درحالی است که مسئله گردشگری در اقتصاد کشورها نیز بسیار مفید و مؤثر است.

● آمارگیری از گردشگران ملی

علیرضا زاهدیان، معاون طرح های آماری مرکز آمار ایران از اجرای طرح آمارگیری از گردشگران ملی کشورمان برای تهیه حساب های اقماری گردشگری از تیرماه امسال خبر می دهد و می گوید: «با اجرای این طرح می توان تصویری از عرضه و تقاضای گردشگری در قالب مبادلات اقتصادی، فعالیت های وابسته به گردشگری و همچنین ظرفیت گردشگری ارائه کرد.»

معاون طرح های آماری مرکز آمار ایران می گوید: «نتایج این طرح مناسب ترین داده های آماری را برای بررسی های اقتصادی و تصمیم گیری مدیران و برنامه ریزان گردشگری دربرخواهد داشت».

وی به روش خوداظهاری در این طرح اشاره می کند و می گوید: «در روش خوداظهاری، نتیجه طرح از دقت بالایی برخوردار خواهد بود چرا که خانوارها در آمارگیری، اطلاعات و ارقام پرسشنامه را به طور مستقیم جواب خواهند داد و این مسئله از بار خطا می کاهد. با وجود اینکه امسال مرکز آمار مشغول اجرای ۴۰ طرح دیگر و سرشماری عشایر است اما با توجه به اهمیت بالای طرح آمارگیری از گردشگران، مرکز آمار ایران این طرح را در صدر امور قرار داده و امید است با موفقیت انجام شود.»

در این طرح اقلام و اطلاعات مهمی شامل مشخصات اعضای خانوار، مشخصات فرد و هزینه های مرتبط با هر سفر، شب اقامت و... از خانوارها پرسش می شود.

دوره اول اجرای این طرح از تاریخ دهم تا نوزدهم تیرماه سال جاری در مناطق شهری و روستایی کشور اجرا خواهد شد.

● بنزین سفر منتفی شد

یکی از افرادی که در هیئت دولت نهم با تمام وجود حامی مسافرت مردم خصوصاً اقشار کم درآمد جامعه بود جناب اسفندیار رحیم مشایی ریاست سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است، چرا که در یک سال اخیر و با اعلام سهمیه بندی بنزین، پس از اعلام سهمیه ها در هر دوره ای و برای تشویق خانواده های ایرانی سهمیه ای تحت عنوان سهمیه بنزین سفر را تدارک می دید و آن را رسماً اعلام و بسیاری از خانواده ها را از این بابت خوشحال می کرد. اما در دوره اخیر سهمیه بندی بنزین گویا ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی از کرده خود پشیمان شده و چند روز پیش بسیار جدی و بدون هیچگونه تعارفی این قضیه را منتفی اعلام نمود و جالب تر اینکه قیمت ۴۰۰ تومانی بنزین آزاد را هم بسیار ارزان خوانده و گفته است (قریب به مضمون): «گر به شوق کعبه خواهی زد قدم، سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور!»

برخی از صاحب نظران طنزپرداز معتقدند که تنها فعالیت مثبت رحیم مشایی در خدمت به مردم همین سهمیه صدلیتر بنزین سفر بود که آن هم به سلامتی منتفی شد!

● مسیرهای گردشگری ۳۰ استان تدوین شد

هزار مسیر گردشگری به زودی و تا پایان خردادماه اعلام می شود. خبر تکمیلی آن نیز چنین است که طرح مسیرهای گردشگری و دیدار از جاذبه های هر استان مشخص و تدوین شده است. این طرح که به نام هزار مسیر از آن یاد می شود ۳۰ استان کشور را شامل می شود و جاذبه های گردشگری هر استان با ذکر مسافت در این طرح معرفی شده است. طرح فوق که با همکاری دفتر گردشگری داخلی انجام شده است در معرفی

مکان های جدید و مسیرهای متنوع برای تمام فصول سال برای گردشگران نقش بسزایی را ایفا می کند. این مسیرها به تفکیک استان ها و جاذبه های هر استان و مسافت آن در سایت تسهیلات سفر کشور به آدرس (WWW Stsiir) درج شده است.

این اقدام از سوی مسئولان مربوطه گامی روبه جلو و اقدامی ارزشمند در خدمت به مسافران و گردشگران داخلی و خارجی است، چرا که یکی از مهمترین موضوعات خانواده های ایرانی برای سیر و سیاحت در سایر نقاط کشورمان، کسب اطلاعات لازم و نحوه حرکت به سمت شهرها و بازدید از مناطق جذاب و دیدنی است و با این اقدام می توان گفت که بخشی از مشکلات مسافران و دغدغه آنها برای یافتن راه ها و مسیرهای سفر برطرف خواهد شد.

فصلی که مسافرت های بی شماری را برای خانواده های ایرانی رقم می زند. در این فصل هر خانواده ای اعم از کارمند، کارگر یا شغل آزاد به هر نحو ممکن به دنبال فرصتی مناسب می گردد تا شاید چند روز از این فصل دل انگیز را با خیالی آسوده به تفریح و سیر و سیاحت بپردازد. برخی ها مکان های خارج از محل سکونت خویش را برمی گزینند و راهی شمال، جنوب، شرق یا غرب ایران می شوند و برخی دیگر هم حداقل به پارک یا امامزاده و یا مکان تفریحی نزدیک محل سکونت خود پناه می برند و به اتفاق خانواده دقایقی را فارغ از کار و تلاش روزانه سپری می کنند.

با این حال سفرهای تابستانی مشکلات فراوانی را به همراه دارد که عمده ترین آن ناآشنایی بسیاری از مردم با مکان های تفریحی و تاریخی کشورمان است، از طرفی هم در جذب گردشگر خارجی به نقطه مطلوبی دست پیدا نکرده ایم و اصولا در معرفی مکان های مهم سیاحتی و باستانی به مردمان داخل و خارج کشور چندان موفق نبوده ایم این درحالی است که ایران زمین یکی از کشورهای چهار فصل جهان است و حدود یک میلیون منطقه گردشگری را در دل خود نهفته دارد.

در یکی از تیزرهای تبلیغاتی که از شبکه های ماهواره ای یورونیوز و الجزایر درباره گردشگری در ایران پخش می شود این جمله گفته می شود که: «ما شما را به ایران دعوت می کنیم و مطمئن باشید که همه زیبائی های جهان را یکجا در ایران خواهید دید.»

اما در این میان سؤالاتی در اذهان عمومی مطرح است از اینکه چرا تبلیغات موثری در معرفی مکان های پرجاذبه تفریحی و سیاحتی کشورمان وجود ندارد و به چه دلیل تاکنون در جذب گردشگران داخلی و خارجی موفق نبوده ایم و چرا بیشتر مردم کشورمان فقط با جاذبه های گردشگری شمال، اصفهان و یا شیراز آشنا هستند و از زیبایی های جذاب و دیدنی کویر یزد، شهر سوخته زابل و... غافل اند.

برای یافتن سؤالات فوق به دیدار محمد حسین برزین، رییس ستاد تبلیغات و نمایشگاه های بین المللی و معاونت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری رفتم. پاسخ های این مقام مسئول به سؤالات مطروحه سرویس گزارش روز کیهان قابل تأمل است.

- موانع پیش روی گردشگری در ایران

«یکی از بزرگترین موانعی که پیش روی ما برای معرفی بهتر و بیشتر مواریث فرهنگی از قبیل مادی و معنوی و جاذبه های طبیعی و تاریخی کشورمان وجود دارد کمبود بودجه ای است که باید به این موضوع اختصاص دهیم، چرا که امروزه هر کاری بدون تبلیغ موفق نخواهد بود، صادقانه عرض می کنم ما و سایر همکارانمان با عشق و اخلاص و با کمترین بودجه های لازم به کار و تلاش شبانه روزی در معرفی آثار تاریخی و طبیعی ایران به داخل و خارج مشغول اند، به عنوان مثال نزدیک به پنج میلیون قلم تبلیغاتی را در ۶۳۸ نوع و در ۱۷ زبان در نمایشگاه های داخلی و خارجی توزیع کرده و حدود ۶۶ هزار و ۴۰۰ ثانیه تیزر تبلیغاتی را از طریق شبکه های ماهواره ای مشهور در جهان برای مردم دنیا پخش کرده ایم و در ۶۰ نمایشگاه بین المللی و جهانی و چندین نمایشگاه داخلی در معرفی منابع گردشگری ایران شرکتی فعالانه داشته ایم، که همه این مسایل در این ستاد که حدود ۲ سال و نیم از عمر افتتاح آن می گذرد انجام شده است.»

این سخنان رییس ستاد تبلیغات و نمایشگاه های سازمان میراث فرهنگی است.

از آقای برزین می پرسم در صورت امکان مبلغ هزینه هایی که در این دو سال و نیمی که از آغاز به کار ستاد تبلیغات و نمایشگاه های سازمان میراث فرهنگی می گذرد را ذکر نماید، می گوید: «در این مدت دو سال و نیم و با حجم کارهایی که در داخل و خارج از کشور انجام داده ایم هزینه ها و بودجه ما کمتر از ده میلیارد بوده است، این در حالی است که کشوری مثل دوبی در ظرف ۲ ماه این هزینه را دارد، حال توجه کنید که ما باید با کشوری مثل دوبی رقابت کنیم، بر همین اساس با صراحت عرض می کنم که بزرگترین مانع ما در معرض جاذبه های تفرحی و تاریخی کشورمان همین کمبود بودجه است.»

برزین به موانع دیگر پیشروی گردشگری در ایران اشاره می کند و می گوید: «جذب گردشگر و شیوه تبلیغ ۲ بخش عمده دارد سخت افزاری و نرم افزاری، بخش سخت افزاری آن مربوط به مجهز بود ن امکانات پذیرایی از گردشگری داخلی و خارجی از قبیل هتل، مسافرخانه، سرویس های بهداشتی، در دسترس بودن کالاهای مورد نیاز گردشگران، وجود امکانات خدماتی و پزشکی و...یعنی باید مکان های توریستی را مجهز به این

موارد که بخش سخت افزاری است نماییم، در بخش نرم افزاری هم به فرهنگ توریست پذیری ما برمی گردد از اینکه در شهرها و مناطقی که از جاذبه های گردشگری برخوردارند فرهنگ عمومی جامعه ما به حد اعلایی برسد و گردشگر با خیال راحت به تفریح و سیاحت بپردازد، چون اگر دقت کرده باشید متاسفانه خواهید دید که در برخی موارد در شهرهای توریستی قیمت اجناس بیشتر از قیمت واقعی به گردشگران فروخته می شود، به هر حال اگر این دو بخش ما به حد ایده آل کامل برسد و از طرفی هم بودجه کافی برای انجام تبلیغات و دایر نمودن نمایشگاه هایی از جاذبه های گردشگری ایران در داخل و خارج مهیا شود آن وقت است که می توانیم شاهد پیشرفت های مضاعفی در این عرصه باشیم.»

برزین در پاسخ به این سؤال که سند چشم انداز ۲۰ ساله در بخش گردشگری چگونه محقق خواهد شد، می گوید: «در سند چشم انداز ۲۰ ساله پیش بینی شده که تا سال ۱۴۰۴ باید بتوانیم یک و نیم درصد گردشگران جهان یعنی حدود ۲۰ میلیون نفر را جذب کنیم، حال اینطور که همکاران ما در سازمان میراث فرهنگی با عشق و نشاط و امید به فتح قله های روبرو کار می کنند قطعاً به آن نقطه مطلوب مورد اشاره در سند چشم انداز خواهیم رسید.»

● استقبال از نمایشگاه های گردشگری ایران در خارج

رئیس ستاد تبلیغات و نمایشگاه های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری از نحوه استقبال و حضور چشمگیر کشورمان در نمایشگاه های سازمان گردشگری جهانی (WTO) چنین می گوید: «در مدتی که این ستاد دایرگردیده فعالیت های تبلیغاتی سازمان میراث فرهنگی منسجم تر از قبل شده و حضور ما در نمایشگاه های بین المللی شکل جدی تری به خود گرفته، به نحوی که در نمایشگاه های سازمان گردشگری جهانی پرچم جمهوری اسلامی به خوبی برافراشته است و هم وطنان ایرانی مقیم خارج هم استقبال وسیع و گسترده ای از نمایشگاه ها به عمل می آورند، به عنوان مثال در غرفه کشورهای دیگر حتی یک نفر بازدیدکننده هم حضور ندارد اما در غرفه ایران مردم برای گرفتن پوسترهایی از مناطق گردشگری و زیارتی و سیاحتی کشورمان صف های طولانی تشکیل می دهند و ساعت ها در صف می ایستند تا شاید حداقل بتوانند پوستر یا عکسی از مناطقی در ایران دریافت نمایند.»

برزین به بسته های سفر و اهداف برگزاری نمایشگاه های بین المللی توسط WTO اشاره می کند و می گوید: «هدف سازمان گردشگری جهانی از برگزاری نمایشگاه های بین المللی، اقتصادی است و در این نمایشگاه ها کشورهای جهان بسته های سفر ارایه می دهند و به جذب گردشگر خارجی می پردازند.»

وی در تعریف بسته سفر می گوید: «بسته سفر یعنی برنامه ای که یک تور سیاحتی به مشتری خود ارایه می کند از اینکه در یک تور به چه مکان هایی و در چه مدت زمانی گردشگر را به بازدید می برد و چه امکانات رفاهی و خدماتی را در اختیار او قرار می دهد و هزینه این تور را هم به او می گوید، که این یک بسته سفر است، ما در این نمایشگاه ها علاوه بر ارایه بسته های سفر از سوی تورهای مسافرتی، به معرفی چهره واقعی کشورمان می پردازیم، چرا که دشمنان نظام در تبلیغاتی مسموم و غیرواقعی کشورمان را ناامن معرفی کرده اند اما زمانی که مردم به غرفه ایران می آیند و مثلاً با گروه های موسیقی سنتی، قهوه خانه سنتی و برخورد غرفه داران روبرو می شوند و تصاویر جذاب از مناطق گردشگری ایران را ملاحظه می کنند کاملا ذهنیت آنان تغییر می کند و حتی بسیاری از آنها متعجب می شوند از اینکه ایران واقعا اینچنین است.»

● سوم تا ششم تیر نمایشگاه فرهنگی ایران در پاریس

رئیس ستاد تبلیغات و نمایشگاه های سازمان میراث فرهنگی از دایر شدن نمایشگاهی فرهنگی در محل یونسکو در پاریس به مناسبت شصتمین سال الحاق ایران به یونسکو از سوم تا ششم تیرماه جاری خبر می دهد و می گوید: «در این نمایشگاه به معرفی فرهنگ، تمدن و پیشینه های مادی و معنوی ایران اسلامی خواهیم پرداخت.»

● جابجایی ۷۲ میلیون مسافر تابستانی

شهرام آدم نژاد، مدیرکل دفتر حمل کالا و مسافر سازمان راهداری و حمل ونقل جاده ای کشور از ظرفیت جابجایی ۹۰ میلیون مسافر با ناوگان عمومی جاده ای کشور خبر می دهد و می گوید: «تمهیدات لازم برای ارایه خدمات مناسب به مسافران از جمله فعالیت کشیک های شبانه روزی در پایانه های مسافربری، هماهنگی با نهادها و تشکل های مرتبط و نظارت مستمر مبدا تا مقصد بر فعالیت ناوگان در حال اجرا است، در تابستان امسال نیز برآورد می شود حدود ۷۲ میلیون مسافر از طریق ناوگان عمومی جاده ای جابجا شوند.»

برابر آمارهای موجود سال گذشته در مجموع ۴۶۴ میلیون مسافر و ۵۵۴ میلیون تن کالا با ناوگان بار و مسافرکشور جابجا شدند که سهم تابستان پارسال ۶۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر بوده است.

هم اکنون نیز ۴۲۰ هزار راننده با ناوگان باری و مسافری کشور فعال هستند و طرح های بیمه و بیمه تکمیلی، توسعه سلامت شغلی و آموزش

رانندگان از دو سال قبل آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

مدیرکل دفتر حمل کالا و مسافر همچنین نوسازی هشت هزار و ۳۸ دستگاه سواری کرایه، دو هزار و ۲۳۵ دستگاه مینی بوس و میدل باس، ۹۷۶ دستگاه اتوبوس و چهار هزار و ۱۶۱ دستگاه کامیون را از اقدام های سال ۸۶ در بخش نوسازی ناوگان عمومی اعلام می کند و می گوید: «امسال نیز شش هزار و ۷۵۰ دستگاه سواری کرایه، ۴ هزار مینی بوس و میدل باس، یکهزار دستگاه اتوبوس و ۲۵ هزار دستگاه کامیون در برنامه نوسازی قرار دارد.»

● قیمت اتوبوس های غیرویژه برای تابستان تغییر نمی کند

براساس اعلام سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای، از سال ۱۳۸۳ تاکنون نرخ بلیط اتوبوس های غیرویژه تغییر نکرده است و در تابستان امسال نیز این احتمال وجود دارد که تغییری در قیمت بلیط این اتوبوس ها صورت نگیرد.

آدم نژاد، مدیرکل دفتر کالا و مسافر سازمان راهداری و حمل ونقل جاده ای در پاسخ به این سؤال که چگونه می گویید قیمت اتوبوس ها از سال ۸۳ تاکنون تغییر نکرده، در حالی که این قیمت ها رشدی بیش از ۵۰ درصد را شاهد بوده است، می گوید: «اگر گفته می شود قیمت بلیط اتوبوس افزایش یافته مربوط به اتوبوس های ویژه است که نرخ آن به صورت توافقی تعیین می شود.»

جالب است بدانید که کم کم بساط اتوبوس های غیرویژه در پایانه های مسافربری برچیده شده و تماما مجهز به اتوبوس های ویژه هستند، از طرفی هم اتوبوس های غیرویژه به دلیل فرسودگی و از کارافتادگی توان طی مسیرهای طولانی را ندارند، به عنوان مثال مسیر اصفهان به تهران یا کرمانشاه به تهران را با دو برابر مدت زمانی اتوبوس های ویژه طی می کنند، تازه آن هم اگر در بین راه دچار نقص فنی نشوند! اما درخصوص توافقی بودن قیمت اتوبوس های ویژه که این مقام مسئول عنوان کرده باید گفت که این توافقی به چه معنایی است؟ یعنی مسافر و راننده بر سر قیمت به توافق می رسند یا نه براساس تعرفه اعلام شده باید قیمت بلیط ها مشخص گردد.

سوای موارد مذکور واقعیتی که در پایانه های اتوبوس با آن مواجه هستیم این است در روزهای پایانی هفته و خصوصا در ایام تعطیلات که پایانه های اتوبوس رانی با سیل عظیم جمعیتی از مسافران به سایر نقاط کشور روبرو هستند بلیط اتوبوس ها با چند برابر قیمت به مسافران فروخته می شود و متأسفانه هیچگونه دستگاه نظارتی نیز بر بی سامانی وضع موجود نظارت ندارد، اگر در روزهای پنج شنبه یا ایام منتهی به تعطیلات سری به ترمینال جنوب یا غرب تهران بزنید با خیل عظیم مسافرانی روبرو خواهید شد که برای تهیه بلیط و مراجعت به شهرستان خود درمانده اند و دلالان از خدا بی خبر هم در این میان به دنبال منفعت خود هستند و بلیط ها را با ۲ الی ۳ برابر قیمت به مسافران می فروشند.

● راهنمایی و رانندگی منسجم تر از همیشه

در روزهای فصل تابستان راهنمایی و رانندگی فعالیتی مضاعف خواهد داشت، چرا که کنترل شبانه روزی جاده ها و اتوبان ها را به طور دقیق مورد بررسی قرار می دهند. گرچه در این باره موفق به انجام مصاحبه با مسئولان مربوطه نشدیم اما طبق آمارهای ارایه شده توسط فرمانده پلیس راه استان تهران، در پنج روز تعطیلات اواسط خردادماه، ۳۶۲ پرونده راننده متخلف در استان تهران به مراجع قضایی ارجاع شده، یک هزار و ۲۹۰ خودرو و موتوسیکلت متخلف نیز توقیف و به پارکینگ انتقال داده شده اند.

یکی از موارد تخلفی که مکررا توسط پلیس راه هشدار داده می شود و بسیاری از رانندگان بابت آن جریمه شده اند استفاده از تلفن همراه در هنگام رانندگی است

.پلیس راهنمایی و رانندگی عمده تخلفات رانندگان را سرعت و سبقت غیرمجاز، حرکت های مارپیچ و استفاده از تلفن همراه اعلام کرده است.

منبع : روزنامه کیهان

http://vista.ir/?view=article&id=321110

vista.ir
Online Classified Service

تابستان ایرانی

• گنبد سلطانیه

گنبد سلطانیه، بزرگترین گنبد آجری جهانی، با داشتن بیش از ۵۴ متر ارتفاع شگفتی معماری دوره ایلخانی است. این بنای تاریخی که در ۳۰ کیلومتری شهر زنجان جای گرفته بیش از ۷۰۰ سال قدمت دارد. این گنبد هشت‌ضلعی از لحاظ تزئینات آجرکاری، کاشی‌کاری و معماری جزء منحصربه‌فردترین آثار دوره اسلامی محسوب می‌شود. گنبد سلطانیه هفتمین اثر باستانی ایران است که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. داخل این گنبد پوشیده از کتیبه‌های مختلفی است که با رنگ روی گچ ترسیم شده. بعد از سال ۱۳۵۰ در چند سالی متوالی قسمت‌هائی از کچ روی دیوار توسط کارشناسان ایتالیائی از جای خود برداشته شد و پس از برداشتن گچ، روی دیوار توسط کارشناسان ایتالیائی از جای خود برداشته شد و پس از برداشتن گچ، تزئینات آجری زیبائی زیر گچ کشف شدند. بنای گنبد سلطانیه در سال ۷۰۲ هجری قمری براساس طرح آرامگاه غازان‌خان که آن نیز از بنای آرامگاه سلطان سنجر در مرو الهام گرفته شده، به دستور سلطان محمد خدابنده ساخته شد با این تفاوت که پلان آرامگاه سلطان سنجر مربع و پلان گنبد سلطانیه هشت‌ضلعی است. معماری این گنبد را شخصی به‌نام سید علی شاه انجام داده است.

• گهر

گهر یکی از زیباترین دریاچه‌های ایران است که با حدود یک و نیم کیلومتر طول و ۷۰۰ متر عرض و ۲۸ متر عمق در ۳۳ کیلومتری جنوب شرقی دورود با ارتفاع دو هزار و ۳۶۰ متر از سطح دریا در میان منطقه حفاظت شده "اشترانکوه" واقع شده است. طبیعت این منطقه به‌خصوص در بهار و تابستان بسیار زیبا است.

دریاچه گهر زیستگاه مناسبی برای آبزیان و دیگر حیوانات وحشی است که ساحل آن به‌جز قسمت مدخل دریاچه که ساحلی ماسه‌ای دارد و به‌تدریج عمیق می‌شود در کلیه نقاط دارای ساحلی صخره‌ای است که برای شنا اصلاً مناسب نیست. در قسمت پائین دریاچه، جنگلی انبوه وجود دارد که متأسفانه به‌دلیل عدم رعایت کوهنوردان و برخی گردشگران در شرف نابودی است. در قسمت بالای دریاچه نیز که دارای ساحلی ماسه‌ای است جنگلی انبوه وجود دارد که این جنگل هم در معرض خطر است. از قسمت بالا، جوی آبی به دریاچه می‌ریزد که ادامه آن به دریاچه‌ای دیگر منتهی می‌شود. با حدود ۴۰ دقیقه پیاده‌روی می‌شود به این دریاچه (گهر دوم یا گهر پائین) رسید که یکی از زیباترین آکواریوم‌های طبیعی است. عمق آن کم است و ماهیان کف دریاچه را با کمی دقت می‌شود به‌خوبی دید. تا چند سال پیش‌کوه‌های اطراف دریچه چراگاه دام عشایر بوده است.

با توجه به گستردگی منطقه و دیدنی‌های بی‌شمار آن برنامه سفر باید دست کم سه روزه باشد.

• کلاردشت و ولشت

کلاردشت شهر ییلاقی و خنک غرب استان مازندران است. به خاطر ارتفاع زیاد از سطح دریا هوای شرجی ندارد و به همین خاطر برای سفر در تابستان مناسب است. رود بارک یکی از مناطق زیبای کلاردشت است که به خاطر جازی بودن رود در آن سرسبزتر از سایر مناطق شهر و بهترین انتخاب برای پیاده‌روی سبک است. کارگاه‌های فرش‌بافی کلاردشت فرصتی مناسب برای شناخت صنایع دستی این شهر است. یکی از زیباترین دریاچه‌های کوچک مازندران در ۳۵ کیلومتری جنوب‌غربی چالوس در کلاردشت قرار دارد. دریاچه ولشت با عمق تقریبی ۱۷ تا ۲۸ متر یک هزار متر از سطح دریای خزر مرتفع‌تر است. این منطقه آب‌وهوای مدیترانه‌ای دارد و پوشیده از بوته‌زار و محل رشد درختان بلوط پاکوتاه است. جاده دسترسی

به این دریاچه ۱۴ کیلومتر طول دارد و از کیفیت چندانی برخوردار نیست.

● عباس‌آباد

عباس‌آباد بزرگترین بخش شهرستان تنکابن است. این شهر از شمال به دریای خزر، از جنوب به شهرستان کلاردشت، از غرب به شهر نشتارود و از شرق به شهر سلمانشهر (متل قوی سابق) متصل است. جاده‌ای که کلاردشت را به عباس‌آباد وصل می‌کند یکی از زیباترین جاده‌ای شمال است. این جاده جنگلی و بیشتر اوقات پوشیده از مه است. مناظر سرسبز، سواحل زیبای دریای خزر و دامنه‌های پرگیاه کوه در عباس‌آباد باعث شهرت و زیبائی آن شده است. شهر عباس‌آباد رستوران زیاد دارد اما برای یافتن ساحل آزاد در آن باید تلاش کرد چون سراسر احل را ویلاهای شخصی و مجتمع‌های رفاهی دربرگرفته‌اند. مشهدی‌سرا، سید محله، کاظم کلا، پلنگ کلا، لنگاه ماشال‌آباد، هر دو آبرود، امرجکلا، شجاع محله، شهید محله و پسنده روستاهای خوش آب‌وهوای عباس‌آبادند. این شهر پر است از باغ‌های کیوی، پرتقال و نارنگی. پرورش گل و گیاه نیز در این شهر رونق بسیاری دارد.

● نمک‌آبرود

شهرک جدید نمک‌آبرود که در دوازده کیلومتری غرب چالوس واقع شد، ۶۵۰ هکتار وسعت دارد. حد شمالی این اراضی را در دریای خزر و حد جنوبی آن را ارتفاعات مدوبن (از ارتفاعات سلسله جبال البرز) تشکیل داده است. شمال نمک‌آبرود را پارک‌های جنگلی بنفشه و شمشاد پوشانده‌اند. در حاشیه جنوب‌شرقی شهرک نمک‌آبرود، با ۹۷۰ متر ارتفاع مرتفع‌ترین تله‌کابین کشور قرار دارد. این تله‌کابین مسافران را در مدت ۱۲ دقیقه به قله کوهستان مدوبن می‌رساند. سبزی جنگل و آبی دریا از این تله‌کابین به‌خوبی مشخص است. دریاچه مصنوعی با پدالو، زمین تنیس، پیست دوچرخه‌سواری خانم‌ها و آقایان، زمین اسکیت، پاور هنگ گلایدر و اسکای واکز، شهربازی کودکان، پرواز با هواپیمای دو نفره، مراکز خرید، رستوران‌ها، غرفه‌های لباس و صنایع‌دستی، مرکز تفریحی، ساحل دریا و سایر امکانات تفریحی و رفاهی نمک‌آبرود هستند. برای سفر به کلاردشت، دیدن دریاچه ولشت، پیاده‌روی در جنگل‌های عباس‌آباد و دیدن دریای خزر برنامه‌ریزی سفری دو روزه در تیر ماه یا مردادماه مناسب است. اگر برنامه سفر طولانی‌تر باشد می‌شود سری هم به شهر توریستی نمک آبرود زد. همراه داشتن لباس گرم را برای گذران شب‌های سرد کلاردشت نباید از یاد برد.

منبع : مجله موفقیت

http://vista.ir/?view=article&id=235792

vista.ir
Online Classified Service

تابستان شمال و شهرهای بی مسافر

کشاورزی و اکوتوریسم مهم‌ترین منابع فعالیت و درآمد شمالی‌ها به حساب می‌آید . مردم شمال کشور پس از فعالیت کشاورزی و دامداری روزی‌شان را از طریق میهمان داری وپذیرایی از مسافران داخلی و بعضا خارجی می‌گذرانند. در روزها و ماه‌های مشرف بر فصل و هفته‌های تعطیلات به خرید اقلام و امکانات پذیرایی مبادرت می‌نمایند تا در مواجهه با مسافران فراوان فصلی به مضیقه نیفتند.

قریب به همه هتل‌ها، متل‌ها و رستوران‌های استان‌های شمالی کشور که از درآمدصنعت گردشگری گذران می کنند،

با اخذ وام و تسهیلات بانکی به مرمت و تجهیز واحدهای پذیرایی مبادرت می‌نمایندو حتی بسیاری از مردم برای مخارج زندگی و انجام وظایف پدری (عروسی و دامادی فرزندان و یا تامین هزینه درمان خود و اعضای خانواده‌شان) به قرض و قسط رو می‌آورند تا بتوانند در فصول پر درآمد و تعطیلات جبران بدهی‌ها و مخارج سال‌شان را بنمایند.

تابستان امسال برای ده‌ها هزار شاغلین در صنعت گردشگری سال بدی است با سهمیه بندی بنزین و کاهش شدید مسافرت و میهمانان در شهرهای شمالی کشور معلوم نیست که سرنوشت جماعت بینوای شاغل در این صنعت چه می‌شود. خیابان‌های بین شهری تابستان امسال آدم را به یاد سال‌های ۵۱ و ۵۲ می‌اندازد . آن روزها که بچه بودیم و اوقات فراغت را در تابستان به شمارش ماشین‌ها می‌گذراندیم .

بعضی روزها موفق می‌شدیم ۲۵ ماشین سواری را بشماریم و خوشحال بودیم هر چند دقیقه یك ماشین از جاده عبور می‌کرد و ما قبل از آن که ماشین‌ها را ببینیم صدایش را می‌شنیدیم و سر نوع خودرو با هم شرط می‌بستیم. سوت و کور جاده‌های شمالی کشور یادآور روزهای ساکت و آرام سال‌های اولیه دهه ۵۰ است. چه کسی خانواده‌های نیازمند و سررسید اقساط بانك جمع کثیری از شاغلین و فعالان در صنعت گردشگری را حمایت خواهد کرد.

در دولت‌های قبلی و سال اول دولت نهم مقررگردید برای افزایش مسافرت داخلی و رفت و آمد ایرانیان به اقصی نقاط کشور یارانه و کمك هزینه مسافرت پرداخت شود و ایرانیان غمگین و ساکت و ساکن را به تحرك و سفر وادار نمایند حال که قرار شد مصرف بنزین کنترل شود و بنزین بهینه مصرف شود، آیا بهتر نبود برای مسافرت خودرواران فکری می‌کردند و علاوه بر سهمیه روزانه، مقداری بنزین برای سفر و گردش فصل تابستان در نظر گرفته می‌شد تا برنامه‌های خانواده‌هایی که برای تابستان به فرزندان‌شان قول مسافرت را داده بودند بهم نمی‌خورد و فکری هم برای مهمانداراني که یك سال امکانات‌شان را برای پذیرایی تابستانه از مسافران چاق کرده بودند، می‌شد.

عدم استقبال گردشگران در ایام تعطیلات از شمال کشور باعث نگرانی فعالان بخش گردشگری شد. منصوری مسؤول دفتر هتل آزادی خزر (هایت) طی گفت‌وگویی با خبرنگار ما، اظهار داشت: در مقایسه با سال گذشته، امسال از مسافران کم‌تری، پذیرایی کرده‌ایم. وی عامل رشد تورم را از جمله موارد مهم دخیل در این مشکل عنوان کرد و افزود: مردم همچون سال‌های قبل توان تحمل هزینه‌های مسافرت را ندارند. وی در ادامه گفت: سهمیه‌بندی نابهنگام بنزین به رشد تورم منجر شده است و اگر ترفندهای مدیریت این هتل نبود شاید پذیرای همین تعداد مسافر هم نبودیم. هتل آزادی خزر توانسته با پایین آوردن بخش عمده‌ای از نرخ‌های خود تا حدودی بر جذب مسافر تاثیر بگذارد اما با این حال آمار قابل مقایسه با سال‌های قبل نیست.

درستی، مدیر هتل صدف نوشهر نیز در گفت‌وگو با ساحل سبز عدم وجود امکانات رفاهی لازم جهت جذب گردشگر را عامل دیگر استقبال کم مسافران از منطقه عنوان کرد و اظهار داشت: رشد تورم، عدم ارایه تسهیلات در خصوص فراهم آوردن امکانات لازم از سوی دولت برای گردشگران، مصادف شدن سهمیه‌بندی بنزین با تعطیلات و سایر موارد، موجب شد رفت و آمد مردم به منطقه بسیار کم شود. وی در خصوص فرایند سهمیه‌بندی بنزین و ارتباط آن با جذب گردشگر به منطقه گفت: شاید از نظر ذی‌نفع بودن دولت، سهمیه‌بندی بنزین تصمیم خوبی بوده اما برای مردم مشکلاتی را فراهم آورده است که شاید تاثیر مثبتی برای مناطق توریستی نداشته باشد.

محمد خزایی مدیر سفره‌خانه‌های سنتی وارش یك و دو چالوس نیز طی گفت‌وگویی ضمن اظهار تاسف از عدم استقبال گردشگران در تعطیلات امسال از منطقه گفت: پیش از تعطیلات انتظار استقبال گرم گردشگران از منطقه را داشتیم اما متاسفانه عواملی همچون رشد تورم، جاده‌های نامناسب و عدم امکانات رفاهی لازم مشکلاتی را فراهم آورده است که دیگر رغبتی برای گردشگران جهت عزیمت به منطقه باقی نگذاشت. وی در انتقاد از تصمیم دولت در خصوص سهمیه‌بندی بنزین گفت: شاید اگر سهمیه‌بندی بنزین در فصل دیگری غیر از فصل تعطیلات انجام می‌پذیرفت نتیجه بهتری داشت. این مساله به رشد تورم و در نتیجه پایین آمدن قدرت اقتصادی خانواده‌ها انجامید.

منبع : سایر منابع

http://vista.ir/?view=article&id=269277

vista.ir
Online Classified Service

تاجیکستان

●ویژگیهای جغرافیایی:

موقعیت جغرافیایی: کشور تاجیکستان در قسمت جنوبی آسیای مرکزی و در شرق چین قرار گرفته است.

مساحت: ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع

مساحت خشکی‌ها: ۱۴۲۷۰۰ کیلومتر مربع.

مساحت آبها: ۴۰۰ کیلومتر مربع.

طول و عرض جغرافیایی: ۳۹ درجه عرض شمالی و ۷۱ درجه طول شرقی

طول مرزها: مرزهای خشکی ۳۶۵۱ کیلومتر. این کشور مرز دریایی ندارد.

●کشورهای همسایه و طول مرزها:

افغانستان در جنوب با ۱۲۰۶ کیلومتر، چین در شرق با ۴۱۴ کیلومتر، قرقیزستان در شمال و شرق با ۸۷۰ کیلومتر و ازبکستان در شمال و غرب با ۱۱۶۱ کیلومتر.

ارتفاع از سطح دریا: بالاترین نقطه ۷۴۹۵ متر از سطح دریا در قله سامانیان، پایین‌ترین نقطه ۳۰۰ متر در سیر دریا،

▪چهره طبیعی: ۹۳ درصد کوهستانی، رشته کوههای پامیر در شرق، وادی فرغانه در شمال و شرق، وادی کافرنهان و وخش در جنوب غربی.

سطح زمینهای قابل استفاده: حدود ۶ درصد.

▪آب و هوا: قاره‌ای، تابستان گرم، زمستان ملایم، در مناطق پامیر نیمه خشك تا قطبی.

▪منابع طبیعی: آب (نزدیك به ۵۰ درصد آبهای منطقه آسیای مرکزی)، کمی نفت و گاز، ذغال قهوه‌ای، روی، طلا، تنگستن، اورانیوم، جیوه، سرب، سرمه و سنگهای ساختمانی.

●ویژگیهای انسانی

▪جمعیت: ۵۰۶، ۱۶۳، ۶ (تا جولای ۲۰۰۵)

ترکیب سنی جمعیت: ۵/۳۸ درصد تا ۱۴ سال، ۷/۵۶ درصد بین ۱۴ تا ۶۴ سال، ۸/۶ درصد بالای ۶۵ سال.

●نرخ رشد جمعیت: ۱۵/۲ درصد، نرخ تولد ۵۸/۳۲ در هزار، نرخ مرگ و میر ۳۹/۸ در هزار، نرخ مهاجرت ۶۷/۲ درصد در هزار (رشد منفی) براساس آمار سال ۲۰۰۵، (صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد در مهر ۱۳۸۴ آمار مرگ و میر کودکان را ۱۱۸ نفر از ۱۰۰۰ کودك و ۱۰۰ نفر از ۱۰۰ هزار زن اعلام کرد ولی مقامات تاجیکی معتقدند، نظر به اینکه بیش از ۵۰% زایمان‌ها به ویژه در شهرهای کوچك و روستاها در منازل انجام می‌شود، دسترسی به آمار دقیق تلفات مادران و کودکان مشکل است ولی آمار واقعی بیش از رقم اعلام شده از سوی صندوق فوق می‌باشد.)

▪درصد باسوادی: ۴/۹۹ درصد جمعیت بالای ۱۵ سال

●ساختار سیاسی:

▪نام رسمی: جمهوری تاجیکستان

▪نوع حکومت: جمهوری

▪پایتخت: شهر دوشنبه

●تقسیمات کشوری:

- ولایت ختلان در جنوب به مرکزیت قرقان‌تپه، شهرهای مهم کولاب، دنغره

- ولایت سغد در شمال به مرکزیت خجند، شهرهای مهم کانی‌بادام، پنجکنت، اوراتپه

- ولایت خودمختار بدخشان کوهی در شرق به مرکزیت خاروق

- دوشنبه و نواحی تابعه مرکز

●تاریخچه سیاسی:

- سال ۱۹۲۴، تصرف دوشنبه و تاجیکستان از سوی ارتش سرخ شوروی و تشکیل جمهوری خودمختار تاجیکستان در قالب جمهوری ازبکستان.

- سال ۱۹۲۹، تاسیس جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان در قالب اتحاد جماهیر شوروی

●تاریخ استقلال: ۹ سپتامبر ۱۹۹۱ اعلام استقلال از اتحاد جماهیر شوروی (۱۸ شهریور ماه ۱۳۷۰)

▪روز ملی: ۹ سپتامبر، روز استقلال

●قوه مجریه

▪رییس دولت: رییس‌جمهور به عنوان رییس دولت در راس قوه مجریه قرار دارد و از طریق انتخاب عمومی، مستقیماً با رای مردم به مدت ۷ سال انتخاب می‌شود.

▪رییس‌جمهور: آقای امامعلی رحمانف از ۶ نوامبر سال ۱۹۹۴ تا هم اکنون و انتخابات بعدی ۶ نوامبر سال ۲۰۰۶ برگزار خواهد شد.

آقای رحمانف در ۱۹ نوامبر ۱۹۹۲ به سمت ریاست شورایعالی جمهوری تاجیکستان (رییس کشور) انتخاب و در انتخابات ۱۹۹۴ به ریاست جمهوری رسید. نامبرده در نوامبر سال ۱۹۹۹ در انتخابات ریاست جمهوری برای یك دوره دیگر به این سمت انتخاب شد.

●نخست وزیر: عاقل عاقل‌اف، انتخاب توسط رییس‌جمهور، نخست وزیر دارای ۶ معاون و ۱۸ وزیر کابینه و ۱۰ رییس کمیته می‌باشد.

معاونین نخست‌وزیر و وزراء را رییس‌جمهور انتخاب و از سوی مجلس عالی تایید می‌شوند.

●قوه مقننه:

مجلس عالی مرکب از دو مجلس ملی (عالی) و مجلس نمایندگان

۱) مجلس نمایندگان:

در تاریخ ۲۰ فوریه ۲۰۰۰ میلادی انتخابات مجلس نمایندگان برگزار شد. دارای ۶۳ نماینده است و انتخابات به صورت مستقیم انجام می‌شود و دوره نمایندگی ۵ سال است.

۲) مجلس ملی:

دارای ۳۳ نماینده است که به صورت غیرمستقیم انتخاب می‌شوند. ۲۵ نفر توسط شوراهای محلی شهرها و ولایت‌ها و ۸ نفر توسط رییس‌جمهور منصوب می‌شوند.

●قوه قضاییه:

- قوه قضاییه، حقوق و آزادی اشخاص، سازمان‌ها و موسسات را محترم شمرده و مجری برقراری عدالت می‌باشد.

- قوه قضاییه از دادگاه قانون اساسی، دادگاه عالی اقتصادی، دادگاه ایالت بدخشان، دادگاه ایالت شهر دوشنبه و دادگاه سایر شهرها و نواحی تشکیل شده است.

- نظارت بر اجرای دقیق قانون در سراسر کشور بر عهده دادستان کل است، دادستان‌های شهر و نواحی زیر نظر دادستان کل عمل می‌کنند، دادستان کل در نزد مجلس ملی و رییس‌جمهور مسوول است. دادستان کل تاجیکستان به مدت ۵ سال انتخاب می‌شود.

●احزاب مهم سیاسی تاجیکستان:

تاجیکستان دارای ۶ حزب رسمی است که در وزارت عدلیه ثبت شده‌اند. اسامی احزاب شش‌گانه فوق‌الذکر عبارتند از:

۱. خلقی دموکراتیك به رهبری امامعلی رحمانف رییس‌جمهور- حزب حاکم

۲. کمونیست به رهبری شادی شبدالوف

۳. نهضت اسلامی تاجیکستان به رهبری سید عبدالله نوری

۴. دموکراتیك تاجیکستان به رهبری میرحسین نذریف

۵. سوسیالیست به رهبری میرحسین نذریف

۶. سوسیال دموکراتیك به رهبری رحمت‌الله زائراف

۷. حزب کشاورزی به رهبری امیر قراقل‌اف

۸. حزب اصلاحات اقتصادی به رهبری عالم‌جان بابایف

●اوضاع اقتصادی

تاجیکستان در میان ۱۵ جمهوری سابق شوروی کمترین درآمد سرانه را دارد. پنبه مهمترین محصول تاجیکستان است. منابع معدنی متنوع، ولی از نظر کمیت محدود شامل: نقره، طلا، اورانیوم و تنگستن می‌باشد. از نظر صنایع می‌توان به کارخانه آلومینیوم، تاسیسات نیروگاه آبی و کارخانه‌های کوچك که اغلب در زمینه صنایع سبك و فرآورده‌های غذایی فعالیت دارند، اشاره نمود. اقتصاد تاجیکستان به شدت طی ۶ سال جنگ داخلی (۱۹۹۷- ۱۹۹۲) و از دست دادن یارانه‌های مسکو و بازارهای تولیدات خود ضعیف شده است. ۸۵ درصد مردم تاجیکستان زیر خط فقر به سر می‌برند. این کشور بسیاری نیازهای اساسی خود را از طریق کمکهای بشردوستانه بین‌المللی تامین می‌کند.

تولید ناخالص داخلی (GDP): طبق پیش‌بینی وزارت اقتصاد و تجارت تاجیکستان، پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی برای سال ۲۰۰۵، ۷ میلیارد و ۲۵۰ میلیون سامانی می‌باشد. در سال ۲۰۰۴ میزان ۶ میلیارد و ۱۵۷ میلیون سامانی (با نرخ هر دلار ۳ سامانی حدود ۲ میلیارد و ۵۲ میلیون دلار) بوده است.

نرخ سرانه تولید ناخالص داخلی: در سال ۲۰۰۴ مبلغ ۳۰۹ دلار و در سال ۲۰۰۳ حدود ۲۳۶ دلار بوده است.

●نرخ تورم: ۷/۱۳ (۲۰۰۳)، در سال جاری (۲۰۰۵) ۶% پیش‌بینی شده است.

●سهم بخش‌های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی:

بخش کشاورزی ۸/۱۹%

بخش صنعت ۱/۱۸%

بخش خدمات ۲/۶۲% (۲۰۰۴)

نرخ بیکاری: ۴ درصد (۲۰۰۳)

●جمعیت زیر خط فقر:

کارشناسان سازمان ملل در تاجیکستان می‌گویند سطح فقر در این کشور نسبت به سال ۲۰۰۲، ۲۲% کاهش یافته و در حال حاضر ۶۴% را تشکیل می‌دهد. به گفته آنها هم اکنون حدود ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از جمعیت تاجیکستان در فقر به سر می‌برند. یادآوری می‌شود، کارشناسان سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ سطح فقر در این کشور را ۸۶% برآورد کرده بودند.

تجارت خارجی: حجم مبادلات تجارت خارجی در سال ۲۰۰۴ معادل ۲ میلیارد و ۲۹۰ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار بود که نسبت به سال گذشته ۳۶ درصد افزایش داشته است. صادرات تاجیکستان طی این مدت ۹۱۴ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار و واردات این کشور ۱ میلیارد و ۳۷۵ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار بوده که در نتیجه تراز تجاری منفی و میزان آن ۴۶۰ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار می‌باشد. در مقایسه با سال ۲۰۰۳ صادرات تاجیکستان ۸/۱۴ درصد و واردات ۱/۵۶ درصد افزایش داشته است.

پول ملی: تاجیکستان از زمان استقلال تا سال ۱۹۹۵ در حوزه پولی روبل روسی قرار داشت و روبل روسیه در این کشور جاری بود. دولت تاجیکستان در سال ۱۹۹۵ ابتدا روبل تاجیکی و در سال ۲۰۰۰ پول ملی به نام سامانی را منتشر نمود. در حال حاضر (آذر ۸۴) هر دلار آمریکا معادل ۳۲/۳ سامانی می‌باشد. ضمناً سامانی به واحد کوچکتر به نام درم تقسیم شده است که هر سامانی ۱۰۰ درم می‌باشد.

●بودجه: بودجه پیش‌بینی شده دولت برای سال ۲۰۰۵ در بخش درآمد بودجه حدود ۲۹۹ میلیون دلار (۱ میلیارد و ۲۵۶ میلیون سامانی) می‌باشد که در مقایسه با بودجه سال ۲۰۰۴، ۱/۳۷% بیشتر است. هزینه بودجه سال ۲۰۰۵ نیز حدود ۴۱۰ میلیون دلار (۱ میلیارد و ۲۹۱ میلیون سامانی) پیش‌بینی شده که حدود ۱۱ میلیون دلار کسری بودجه را نشان می‌دهد. بودجه دولت برای سال ۲۰۰۴ در بخش درآمد ۳۰۶ میلیون دلار و در بخش هزینه ۳۱۴ میلیون دلار و کسر بودجه معادل ۸ میلیون دلار بوده است. بودجه پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۰۶، درآمد بودجه ۱ میلیارد ۴۸۴ میلیون سامانی برآورد شده که بیش از ۱۳ میلیون دلار کسری بودجه دارند که قصد دارند از محل کمك‌ها و وامهای خارجی تامین نمایند.

●بدهی‌های خارجی: طبق اعلام وزیر مالیه تاجیکستان، این کشور در جولای ۲۰۰۵ حدود ۹۰۵ میلیون دلار بدهی خارجی دارد که این رقم معادل ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور و حدود ۳ برابر درآمد بودجه می‌باشد. طبق جدول بازپرداخت‌ها/. این کشور باید هرساله ۲۵ درصد از بودجه سالانه را به پرداخت بدهی خارجی خود اختصاص دهد.▪طلبکاران عمده: روسیه، ازبکستان، بانك جهانی صندوق بین‌المللی پول.

▪کمك و اعتبار: در اجلاس گروه مشورتی (می ۲۰۰۳) در تاجیکستان، کشورهای کمك کننده تعهد نمودند ۹۰۰ میلیون دلار ظرف مدت سه سال به این کشور کمك نمایند. از مبلغ فوق ۲۰۰ میلیون دلار کمك بشردوستانه، ۴۰۰ میلیون دلار کمك توسعه‌ای (بلاعوض) و ۳۰۰ میلیون دلار در قالب

اعطای اعتبار امتیازی (concessional) می‌باشد. در سال ۲۰۰۳ تاجیکستان از ۴۰ کشور به ارزش ۱/۱۹۱ میلیون دلار کمك بشر دوستانه دریافت کرده است. ۶/۵۰ درصد از این کمك‌ها توسط آمریکا ارایه شده است.

●نیروی کار: ۳ میلیون و ۱۸۷ هزار نفر (آمار ۲۰۰۰). گفته می‌شود بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر از اتباع تاجیکی در کشورهای مشترك‌المنافع به ویژه روسیه و قزاقستان به انجام کارهای ساده مشغولند.

●صادرات عمده: آلومینیوم، برق، میوه، روغن گیاهی، منسوجات

دو محصول عمده این کشور پنبه و آلومینیوم می‌باشد. در سال ۲۰۰۳، ۳۳۴ هزار تن و در سال ۲۰۰۴ میلادی ۵۵۳ هزار تن پنبه در کشور تولید شد در حالی که پیش‌بینی کرده بودند در سال ۲۰۰۳ تولید این محصول به ۳۶۵ هزار تن برسد. در سال ۲۰۰۵ پیش‌بینی شده است که ۶۱۰ هزار تن پنبه برداشت شود ولی در ۲۱ مهر ۸۴ (۱۳ اکتبر) و در دیدار امامعلی رحمانف و مقامات وزارت کشاورزی با وی آمار محصولات فوق در لین سال را ۳۱۲ هزار و پانصد تن اعلام شد که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۲۳% کاهش تولید داشتند که اعتراض رییس‌جمهور را در پی داشت.

صادرات نخ پنبه در سال ۲۰۰۳ میلادی ۱۴۹ هزار و ۲۶۲ تن به ارزش ۱۹۲ میلیون و ۷۴۱ هزار دلار بوده است.

در حال حاضر کارخانجات صنایع نساجی تاجیکستان ظرفیت کارکرد ۷۳۰۰۰ تن نخ پنبه را داراست که در مقایسه با سال‌های گذشته رشد داشته و براساس اظهارات وزیر اقتصاد و بازرگانی تاجیکستان تا سال ۲۰۰۷ کارخانجات نساجی تاجیکستان ۵۰% نخ پنبه تولیدی را به پارچه تبدیل خواهند کرد.

همچنین طی سال ۲۰۰۳ میلادی ۳۱۶ هزار و ۶۷۶ تن آلومینیوم را به ارزش ۴۲۹ میلیون و ۵۵۵ هزار دلار صادر شده است.

●واردات عمده: برق، اکسید آلومینیوم، محصولات نفتی، اکسید آلومینیوم، ماشین آلات صنعتی، دارو، مواد غذایی

قابل ذکر است که این کشور در فصل بهار و تابستان مازاد تولید برق دارد که آن را به کشورهای همسایه به ویژه ازبکستان صادر می‌کند و در مقابل در فصل پاییز و زمستان که از تولید برق نیروگاه‌های برقی- آبی این کشور به علت کاهش میزان آب، کاسته می‌گردد برق وارد می‌نماید.

▪شرکای صادراتی: از مجموع صادرات تاجیکستان، سهم طرفهای صادراتی این کشور به شرح زیر است: هلند ۴/۲۵ درصد، ترکیه ۴/۲۴ درصد، لاتویا ۹/۹ درصد، سوئیس ۷/۹ درصد، ازبکستان ۵/۸ درصد، روسیه ۶/۶ درصد، ایران ۶/۴ درصد و ... (۲۰۰۳).

▪شرکای وارداتی: عمده واردات تاجیکستان از کشورهای زیر است که سهم هریك نیز نشان داده شده است: روسیه ۲/۲۰ درصد، ازبکستان ۱/۱۵ درصد، قزاقستان ۹/۱۰ درصد، آذربایجان ۷ درصد، اکراین ۷ درصد، رومانی ۴/۴ درصد، ترکیه ۳/۳ درصد، چین و برزیل هر یك ۳ درصد، ایران ۷/۲ درصد، و ... (۲۰۰۳).

آمار فوق گویای این است که اکثر واردات تاجیکستان از کشورهای مشترك‌المنافع انجام گرفته و به بیان ارقام ۶۵ درصد واردات تاجیکستان از این کشورهاست. در حالی که بخش عمده صادرات تاجیکستان به کشورهای غیر مشترك‌المنافع بوده است.

●صنایع: آلومینیوم، سرب، روی، مواد شیمیایی، کود شیمیایی، سیمان، روغن گیاهی، ماشین برش فلزات، یخچال و فریزر.

●نرخ رشد صنعت: ۲/۸ درصد (۲۰۰۲)

●محصولات کشاورزی: پنبه حبوبات، میوه، انگور، روغن گیاهی، منسوجات

●میزان تولید برق: ۱۶ میلیارد کیلو وات ساعت

▪تولید برق از نظر منبع: سوخت فسیلی ۲ درصد؛ آبی- برق ۹۸ درصد و هسته‌ای صفر درصد.

▪واردات برق: ۳۵۹/۴ میلیارد کیلو وات ساعت

▪صادرات برق: ۹۷۴/۳ میلیارد کیلو وات ساعت

●مخابرات: به طور کلی سیستم مخابراتی قدیمی می‌باشد و به خوبی نگهداری نمی‌شود. اکثر شهرها به شبکه ملی متصل نیستند.

▪تعداد شماره تلفن ثابت: ۳۶۳۰۰۰ (آمار سال ۱۹۹۷)

▪تعداد شماره تلفن همراه: ۲۵۰۰ (آمار سال ۱۹۹۷)

●حمل و نقل:

▪طول خطوط آهن: ۴۸۲ کیلومتر

▪طول شبکه راهها: ۲۹۹۰۰ کیلومتر مشتمل بر ۲۱۴۰۰ کیلومتر راه آسفالته و شوسه و ۸۵۰۰ کیلومتر راههای صعب‌العبور کوهستانی که به هنگام ریزش باران و برف امکان استفاده از آنها با مشکلات خاصی مواجه می‌گردد.

▪فرودگاهها: این جمهوری ۵۳ فرودگاه دارد که ۲ فرودگاه دارای باند مناسب برای فرود هواپیمای مسافری می‌باشد.

●خط لوله گاز: ۴۰۰ کیلومتر

●اوضاع فرهنگی:

▪ترکیب قومی: ترکیب اقوام در کشور تاجیکستان عبارت از ۴/۶۸ درصد تاجیك، ۸/۲۴ ازبك و بقته روس‌ها، تاتارها، ترکمن‌ها، قرقیزها و سایر اقوام را تشکیل می‌دهند.

▪زبان: زبان رسمی دولتی تاجیکستان زبان فارسی تاجیکی می‌باشد و زبان روسی نیز در مدارس این کشور تدریس و به عنوان زبان دوم در این کشور محسوب می‌شود.

▪خط: خط رسمی تاجیکستان در حال حاضر سریلیك می‌باشد. زبان سریلیك بر اساس مصوبه پارلمان جمهوری تاجیکستان در مورخ ۲۲ ژوئن سال ۱۹۸۹ به عنوان زبان دولتی اعلام گردید.

▪دین: اکثر مردم تاجیکستان (بیش از ۹۰ درصد) را مسلمان تشکیل می‌دهند که از این میزان ۵ درصد را شیعیان اسماعیلی و ۳ درصد را شیعیان اثنی عشری می‌باشند و بقیه پیروان ادیان مسیحی (کاتولیك و پروتستان) و درصد ناچیزی نیز کلیمی و سایر ادیان می‌باشند.

آداب و رسوم فرهنگی: رسوم و سنتهای ایرانی در جای جای زندگی مردم خود را می‌نمایاند. عید نوروز و اعیاد مذهبی مانند عید فطر و عید قربان در این جمهوری مانند سایر جمهوریهای آسیای ●مرکزی گرامی داشته می‌شود.

گرایشات فرهنگی و اجتماعی نسل جوان: پس از استقلال جمهوریهای شوروی سابق، توجه به مسایل فرهنگی و بازگشت به اصل خویش در اکثر جمهوریها به خصوص جمهوریهای مسلمان‌نشین مورد توجه قرار گرفته به طوری که توجه به خط نیاکان سرعت چشمگیری به خود گرفت و طبقات روشنفکر تکلم به این زبان را یك ارزش تلقی می‌نمایند. همچنین عید سعید فطر و قربان در صدر اعیاد قرار گرفت و آداب و سنن نیاکان از جمله احیای جشن‌های مهرگان، سده و نوروز مورد توجه عمیق مردم قرار گرفت.

●رسانه‌های گروهی: براساس اطلاعا آماری تا ۲ سال پیش ۴۸۵ نشریه در جمهوری تاجیکستان به چاپ می‌رسیده است. این نشریات مربوط به مراکز ولایات و نواحی و بخش‌های مختلف می‌باشد. در حال حاضر در شهر دوشنبه به عنوان مرکز جمهوری تاجیکستان به غیر از روزنامه‌های تخصصی که مربوط به مراکز مختلف حرفه‌ای و وزارتخانه‌های تخصصی می‌باشد ۱۹ روزنامه به چاپ می‌رسد.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227929

vista.ir
Online Classified Service

تارسوس

منطقه تارسوس واقع در ایچل ترکیه از جمله مناطق مشهور ترکیه بواسطه وجود مناظر بدیع و طبیعی و همچنین تجارت و هنر و تاریخ آن است . به علت حکومت تفکرا ت مختلفی بر این شهر در ایام قدیم این سرزمین به یک مرکز علمی و تاریخی تبدیل شده است تا آنجا که این منطقه باستانی شاهد حضور انبوه جهانگردان از سراسر جهان می باشد . افراد مشهوری همچون عزیز پاول اولین حواری حضرت عیسی (ع) ,حضرت دانیال و بلال حبشی موذن حضرت محمد (ص) , مامون عباسی فرزند هارون الرشید و

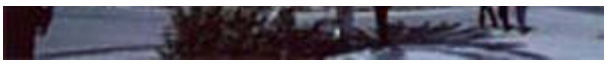

ارسطو فیلسوف مشهور عصر آنتیک , لقمان حکیم پدر پزشکان , کلئوپاترا ملکه مصر و آنتونیوس فرمانده رومیان در این شهر می زیسته اند. تاریخچه شهر بنای این شهر به دوره قبل از تاریخ یعنی دوره نئولیتیک بر می گردد . دوره نئولیتیک قبل از عصر مفرغ و کالکولیتیک می باشد. این شهر از سال ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد به ترتیب تحت حکومت هیت هیتها , آسورها , پرسها , مقدونیه ایها , رومیها , بیزانسها و سلجوقیان در آمده است .

● آب و هوا

در تابستانها آب و هوایش گرم و در زمستانها معتدل و بارانی می باشد .

● ارتباط

مکانهای تفریحی موزه ها خوردنیها خریدنیها حتما دیدن کنید آدرسها و تلفنهای ضروری ارتباط ارتباط زمینی با این شهر از غرب از طریق مرسین – آنتالیا , از شرق بوسیله جاده آدانا – قاضی آنتپ و آنکارا امکانپذیر است . از این منطقه امکان سفرهای اتوبوسی به اقصی نقاط کشور ترکیه برقرار است . تلفن ترمینال ۶۲۴۶۹۳۲ (۳۲۴ - ۹۰+) ارتباط هوایی : ارتباط هوایی با این شهر از طریق فرودگاه آدانا شاکیر پاشا واقع در فاصله ۴۲ کیلومتری شرق این شهر امکان پذیر است .

▪ ارتباط دریایی :

ارتباط دریایی با این شهر از طریق قایقهای فریبوت بندر مرسین که به مقصد بندر قاضی ماقوسا رفت و آمد می کنند برقرار است .

▪ ارتباط ریلی :

سفرهای ریلی از طریق شهر ینیجه واقع در شرق این شهر به داخل و خارج کشور ترکیه امکان پذیر است .ایستگاه قطار ینیجه در فاصله ۴۰ کیلومتری بخش مرکزی مرسین و ۱۳ کیلومتر تارسوس قرار دارد .

ـ شماره تلفن مدیریت ترمینال مرسین : ۲۳۱۱۲۶۷ (۳۲۴ - ۹۰+)

ـ ریاست ایستگاه ینجه : ۴۵۳۶۹۱۴ (۳۲۴ - ۹۰+)

● مکانهای تفریحی

▪ دروازه کلئوپاترا :

این دروازه در غرب تارسوس در مسیر جاده مرسین تنها اثر به جای مانده از این شهر قدیمی و تاریخی می باشد .گفته می شود که ۴۱سال پیش از میلاد کلئوپاترا ملکه معروف مصر به منظور زیارت با ژنرال آنتونیوس رومی بعد از یک سفر دریایی به این مکان رسیده و ژنرال رومی برای ایشان مراسم باشکوهی در گوزلو کوله هویوک برپا کرده و بعد از این مراسم ملکه از این دروازه دریایی وارد شهر شده است . سالها بعد در مکان این دروازه تخریب شده صورها ی سه دروازه ای باغ , دنیز و آدانا در دوران امپراطوری روم و ارکن بیزانس ساخته شد که گرداگرد شهر را احاطه کرده است .

▪ کتیبه افتخار (کتیبه آزادی) :

این کتیبه که هم اکنون بر روی دیوار ینی حمام قرار دارد در سال ۱۹۸۲ در قسمت شمالی دروازه کلئوپاترا نصب شده بود .تاریخ این کتیبه به دوره حکومت سوروس الکساندر امپراطور روم (۲۲۲-۲۳۵ بعد از میلاد) بر می گردد و در زمان رومیها پایه یک هیکل بوده است. جاده روم : جاده روم در فاصله ۱۵ کیلومتری تارسوس در قسمت بالایی روستای ساغلیک لی واقع شده است .عرض این جاده بین ۲.۹۴تا ۳ متر می باشد . طول قسمت تخریب نشده این جاده ابریشم حدود ۳ کیلومتر می باشد .

▪ هیپودرم :

شهر تارسوس که در زمان رومیها پیشرفت بسیاری داشته است دراین دوره همچنین یک مرکز ورزشی محسوب می شده است . هیپودرم این شهر در کنار کالج آمریکایی واقع شده و روزگارانی شاهد مسابقات ورزشی مختلف بوده است و از این لحاظ به یک جایگاه تاریخی با ارزش رسیده است .

▪ تپه باستانی قوزلو کوله :

این تپه باستانی در قسمت جنوب شرقی شهر در سمت مسجد جامع واقع شده است طول این تپه ۳۰۰متر و ارتفاعش ۲۲ متر می باشد , سطح این تپه مشهور درختکاری شده است . بر اساس حفاری و کاوشهای انجام شده در این مکان ۳۳ طبقه فرهنگی مختلف از زمان ارکن نئولیتیکتا دوره های اسلامی به ثبت رسیده است. در این مکان کیلیکای محلی , مزوپوتامیا , سرامیک میکن , دیوارهای آجری ,خانه ها و کوچه

های متعلق به عصر مفرغ , بقایای معبدی وبا ویژگیهای معبد هاتوشاش , ستونهای سنگی و مهرهای با خط میخی و خط تصویری متعلق به عصر برنز , مجموعه ساختمانهای دوره ارکن و مجسمه سرامیکی قبرسی مربوط به دوره ارکن , لوح ها و مهرهایی از جنس سفالی و سرامیک ها متنوع متعلق به عصر آسور یافت شده است ,همچنین در این مکان بقایا و خرابه های کارگاهی مربوط به عصر بیزانس (قرن چهارم قبل از میلاد) که در آن مردمان آن زمان به ساخت اشیات برنزی می پرداختند پیدا شده است .

▪ میدان جمهوریت و جاده آنتیک

در فاصله ۱۵۰متری جنوب غربی چاه عزیز پائول مرکز شهر قرار گرفته است . گفته می شود که جاده آنتیک در قرن اول قبل از میلاد بوسیله رومیها ساخته شده است . علیرغم همه ساییدگی ها و تخریبات زمین این جاده همچنان ویژگیها و تصویرهای عصر آنتیک را در خود حفظ کرده است . آثارهای بجای مانده از چرخها حکایت از آن دارد که یکی از استفاده های مهم این راه در ارتباطات درون شهری بوده است . .در قسمت شمال شرقی این جاده یک پودیوم (جایگاه) سه پله ای جای گرفته است . در اثر کاوشهای انجام گرفته یک اتاق مستطیلی شکل متعلق به خانه موزاییک آولو کشف شد درست در وسط حیاط این خانه تاریخی بقایای یک حوض قرار دارد , سطح داخلی این حوض با سنگهای مرمری رنگی پوشانده شده است. بقیه قسمت های این نیز این حیاط با موزاییک پوشانده شده است .

▪ دنوک تاش (معبد روم) :

این معبد که در قسمت شرقی محله تکه قرار گرفته قدیمترین معبدی است که هنوز از آن دوران قدیم برجای مانده است . علیرغم اینکه مشخص نیست این معبد برای کدامیک از خدایان ساخته شده اما بر اساس گفته ها لونق لویس پنجم یکی از جهانگردان قرون وسطا , قبر پادشاه آسور یعنی سارا داناپال در این مکان قرار دارد .

▪ پل باج :

این پل سنگی در قسمت ورودی شهر تارسوس در مسیر جاده آنکارا- آدانا واقع است در دوران حکومت بیزانسها در قرن ششم قبل از میلاد به فرمان جاستین برروی رودخانه بردان تارس (سیدنوس) به منظور عبور از روی رودخانه موقع طغیان آن ساخته شد . این پل با شکوه سه دهنه به منظور عبور وسایل نقلیه سنگین مورد تعمیر و بازسازی مجدد قرار گرفت .

▪ چاه عزیز پائول :

چاه عزیز پائول در محله قزل مراد , حدود ۳۰۰ متری شمال میدان جمهوریت در حیاط خانه ای که بنا به گفته ها روزگارانی متعلق به عزیز پائول بوده قرار گرفته است .این چاه از لحاظ تاریخی ارزش ویژه ای داشته و اطراف آن تحت حافظت میراث فرهنگی درآمده است . این قسمت های چاه مورد کاوشهای دقیق و جدی باستانشناسان قرار گرفته است .در نتیجه این تحقیقات باستانشناسی طبقه های فرهنگی مختلفی متعلق به دوره عثمانیها , بیزانس و رومیها ثبت شده است . این چاه هر ساله پذیرای عده زیادی از توریستهای داخلی و خارجی می با شد عقیده بر این است که آب این چاه قدرت شفابخشی دارد . عزیز پائول اولین شاگرد حضرت عیسی (ع)و همچنین اولین نظریه پرداز مسیحی می باشد . زادگاه عزیز پائول بارسوس می باشد و به همین دلیل ایشان توجه خاصی به این شهر داشته است .

▪ آبشار و قبر رومیها :

قبرهایی متعلق به رومیهای باستان در دل آبشار جای گرفته است .محل این قبرها ی قدیمی به علت تغییر بستر رودخانه تارسوس به زیر آب رفته و با گذشت زمان به آبشاری با ارتفاع ۳.۵متری تبدیل شده است . در زمانی که آب رودخانه کم میشود این قبرهای باستانی باشکوه را می توان مشاهده کرد و همین امر باعث شده که ساکنان تارسوس در ماههای گرم سال به این محل هجوم بیاورند . در این مکان در ماههای بهاری موقعی که آب آبشار زیاد می شود و حوض طبیعی بزرگتر می گردد منظره بدیع و دل انگیزی پدیدار می شود , نزدیکی آبشار به سرچشمه های آن باعث شده است که آب این آبشار همیشه سرد و خنک باشد و این از ویژگیهای خاص این آبشار محسوب می شود . قهوه خانه ها و رستورانهای موجود در کنار این آبشار آماده ارائه انواع خدمات به میهمانان داخلی و خارجی می باشد.

▪ غار اصحاب کهف:

این غار در ۱۲ کیلومتری شمال تارسوس در نزدیکی روستای اولاش واقع است این غار که در قرآن کریم سوره ای با همین نام وجود دارد نزد مسلمانان و مسیحیان مقدس می باشد . مکسلینه , میسلینا, مرنوش ,سازنوش , دبرنوش , کفشتتایوش به همراه سگ وفادار خود به منظور درامان ماندن از شکنجه و اذیت بت پرستی در عصر بت پرستی به این غار پناه می آورند و به مدت ۳۰۰ سال در این غار می خوابند و بعد از بیدار شدن از خواب همه چیز را متحول می بینند بعد از بیدار شدن از خواب یکی از آنها به منظور تهیه آذوقه غذایی به شهر می رود و توسط ماموران

شهر دستگیر می شود . وقتی که مامورین به همراه ایشان به غار بر می گردد می بینند که در دهانه غار پرنده ای لانه کرده است به همین علت به این غار , غار هفت خفتگان هم می گویند . بعدها در قسمت بالایی غار مسجدی به دستور سلطان عبدالعزیز ساخته شد که بعد از این هم مناره سه کنگره ای به این مجموعه افزوده شد .

▪ قلعه و بغاز گولک :

بغاز گولک در ۶۲ کیلومتری تارسوس واقع می باشد . این تنگه در زمان قدیم دروازه کلیکیا بوده است . در سال ۱۸۳۳ ابراهیم پاشا به آناتولی حمله کرد , ایشان به منظور عبور واحدهای توپخانه دستور بسط این بغاز را داد . به منظور رسیدن به قلعه گولک طی مسیر ۳-۴ کیلومتری از مسیر جنگل لازم است .

▪ مسجد جامع :

این مسجد در قسمت جنوبی شهر , در سال ۱۵۷۹ به دستور ابراهیم بیگ فرزند پیری پاشا فرماندار وقت رمضان اوغلو ساخته شد . در جهت شرقی مسجد آرامگاه حضرت لقمان و شیت همچنین قبر مامون عباسی قرار دارد .

▪ مسجد اسکی (مسجد کلیسا) :

این بنای تاریخی در فاصله ۱۰۰ متری مسجد مقام شریف در کنار جاده آدانا قرار دارد . این بنا در سال ۱۴۱۵ به دستور رمضان اوغلو احمد بیگ به مسجد تبدیل شد .

▪ مسجدمقام شریف : در قسمت شمال غربی مدرسه واقع شده است , گفته می شود که آرامگاه حضرت دانیال (ع) در این مکان قرار دارد , از ویژگیهای منحصر به فرد این مسجد که در سال ۱۸۵۷ بنا شده است در داشتن تنها یکی از آرامگاه پیامبران الهی می باشد.

▪ کلیسای عزیز پائول :

این کلیسا در قسمت جنوبی شهر در سمت مسجد جامع ب نام عزیز پائول در قرن یازدهم و یا دوازدهم بنا شده است .این مکان از سال ۱۹۹۳ تحت حفاظت در آمده و علیرغم آنکه قرار بود به موزه معبد تبدیل شود همچنان کارهای تعمیر و بازسازی آن ادامه دارد . در گوشه شمال شرقی کلیسا برج ناقوس قرار دارد . در قسمت مرکزی سقف کلیسا تصویر حضرت عیسی (ع) یوهانس , ماتیوس ,مارکوس لوکاس نقش بسته است .در سالهای ۱۹۹۲و ۹۳ سمپوزیوم و آیین عزیز پائول از سوی واتیکان در محل همین کلیسا برگزار شد. مسیحیان برای انجام اعمال حج از این موزه زیارت میکنند.

▪ مسجد بلال حبشی :

این مسجد در محله بیازچارشی در کنار قسمت جنوبی جاده شهر می باشد . بنا بر اعتقادات , این مسجد همان محلی است که بلال حبشی مؤذن حضرت محمد (ص) , در اینجا اذان گفته و مسلمانان نماز برپا کرده اند .

▪ مدرسه قباد پاشا :

این مدرسه تنها یک مرکز تجاری و کشاورزی نبوده بلکه در عین حال به عنوان یکی از مهمترین مرکز آموزشی و فرهنگی تلقی می شده است . این اثر تنها موسسه آموزشی به جای مانده از دوران قدیم است که توسط بیگ رمضان اوغلو قباد پاشا در سال۱۵۵۰ ساخته شده است .این بنا به شیوه معماری سلجوقیان و بوسیله سنگهای برشی و قالبی ساخته شده است . این ساختمان در سالهای ۱۹۶۹-۱۹۷۰ بازسازی شده و از سال ۱۹۷۱از سوی وزارت فرهنگ به موزه تبدیل گشت . اثرهای متعلق به این موزه به علت تعمیرات بنای آن به بخش موزه مرکز فرهنگی سال هفتاد و پنجم منتقل شد . خان , حمامها و بازارها

▪ حمام روم :

متاسفانه بخش اعظم این حمام متعلق به دوران امپراطوری رومیها تخریب شده است.

▪ حمام شاه مران (اسکی) :

این حمام قدیمی در کنار کاروانسرای وقف ,برروی مکانی تاریخی مربوط به عصر رومیان باستان توسط ساکنین رمضان اوغلو ساخته شده است .این حمام از نظر طرح و اندازه ویژگیهای یک حمام ترکی را در خود جای داده است . این حمام چهار ایوانه از دو بخش اتاق حمام و آب گرم تشکیل شده است . گفته ها حکایت از آن دارد که شاه مران در این حمام به قتل رسیده است و به همین علت به این حمام قدیمی حمام شاه مران می گویند .

▪ ینی حمام :

این حمام متعلق به دوره رمضان اوغلوها در قسمت شمال شرقی مسجد جامع شهر واقع شده است . در سال ۱۷۸۵ مورد تعمیر اساسی قرار گرفت . این بنا خصوصیات یک حمام کلاسیک ترکی را دارد و از سه بخش آب گرم , بخش آب ولرم و بخش اتاق حمام تشکیل شده است .

● بازار

▪ راسته بازار چهل قاشق (بیاز چارشی) :

این اثر تاریخی که با مسجد جامع این شهر در یک دوره مشترک ساخته شده در مغرب این مسجد می باشد . این راسته بازار که در محل تلاقی راههای شهر تارسوس قرار گرفته از دیرباز شاهد تجارت پررونقی بوده است . بیاز چارشی به شکل مستطیل بوده و فضای داخلی آن فوق العاده وسیع می باشد , سقف راهروهای این بازار گنبدی شکل بوده و در دو سوی آن مغازه ها صف کشیده اند . خانه های تاریخی تارسوس به محض اینکه پای خود را در سرزمین تارسوس بگذاریم با اثرهای تاریخی غنی و متنوعی مواجه می شویم در نگاه به یادگاریهای تاریخی این سرزمین فرق معماری خانه های سنتی با ارزش آن آف دنیز را با دیگر مناطق درمی یابیم . خانه های تارسوس دو طبقه ای بوده و از چوب و آجر خام ساخته شده است .این بناها به وسیله آهن آلات دستاز بشر تزئین شده اند و درهای سنگی آن صلابت خاصی به این خانه بخشیده است.

● ارتباط

▪ ارتباط زمینی : ارتباط زمینی با این شهر از غرب از طریق مرسین- آنتالیا , از شرق بوسیله مسیر جاده آدانا – قاضی آنتپ و جاده آنکارا امکان پذیراست . از این منطقه امکان سفر با اتوبوس به اقصی نقاط کشور ترکیه برقرار است علاوه براین در هر ساعت سفرهای زمینی با اتوبوس به شهرهای مرسین و آدانا همواره برقرار است .

ـ تلفن ترمینال : ۶۲۴۶۹۳۲ (۳۲۴ ـ ۹۰ +)

▪ ارتباط هوایی : ارتباط هوایی با این شهر از طریق فرودگاه آدانا شاکیرپاشا واقع در ۴۲ کیلومتری شرق این شهر فراهم است . ارتباط دریایی : ارتباط دریایی با این شهر از طریق قایقهای فریبوت که از بندر مرسین (۲۷کیلومتری تارسوس) به مقصد بندر قاضی ماقوسا رفت و آمد می کنند برقرار است .

▪ ارتباط ریلی: سفرهای ریلی از طریق شهر ینیجه واقع در شرق این شهر به داخل و خارج کشور ترکیه امکان پذیر است .ایستگاه قطار ینیجه در فاصله ۴۰ کیلومتری بخش مرکزی مرسین و ۱۳ کیلومتر تارسوس قرار دارد .

ـ شماره تلفن مدیریت ترمینال مرسین : ۲۳۱۱۲۶۷ (۳۲۴ - ۹۰+)

ـ ریاست ایستگاه ینجه : ۴۵۳۶۹۱۴ (۳۲۴ - ۹۰+)

● موزه ها

▪ موزه تارسوس :

اثرهای تاریخی مدرسه تاریخی قباد پاشا در سال ۲۰۰۰ به بخش موزه مرکز فرهنگ سال هفتاد و پنجم منتقل شد .اثرهای سنگی مربوط به دوره نئولیتیک (دوره پایانی عصر سنگ) , روم , بیزانس و عثمانیها همچنین سکه های ,ظروف سفالی و اشیای فلزی مربوط به دوره بیزانس و روم باستان در این موزه در معرض تماشای تاریخ دوستان قرار داده شده است .

ـ شماره تلفن موزه : ۶۱۳۱۰۴۳- ۶۱۳۱۸۶۵ (۳۲۴ - ۹۰ +)

● خوردنیها

از خوردنیها و غذای مخصوص تارسوس می توان به قوش قوزو , ال قیمه سی , گیاخاک , تلاتور , دلمه ایا,سوپ یوزوک , اولمچ , انواع شیرینجات , باقلوای تارسوس , جزریه , باندرما و راحت الحقوم اشاره کرد.

● سوغاتی ها

در این منطقه خریدوفروش بسیار پررونق می باشد و همچنین خرید سوغاتی مختلف برای جهانگردان امکان پذیراست , از آثار دستی این منطقه می توان هنر سوزن دوزی آن را نام برد , کشاورزان این خطه به کارها و هنرهای دستی علاقه وافری از خود نشان می دهند . وسایل عرضه شده در بازارهای این سرزمین از قبیل حوله و خورجین ,دستمال و انواع جوالها که پس از تابیده شدن پشم توسط ماشین ریسندگی دستی به کمک دستگاههایی به نام چوفالیک ساخته می شوند مهارت و چیره دستی مردمان این سرزمین را منعکس می کند . اهالی روستای آک گدیک به کار سبد بافی که دوستاران و طرفداران فوق العاده زیادی دارد مشغول می باشند . انواع شیرینیجات مخصوص با بسته بندی های عالی در بازارهای این شهر موجود می باشد .

● حتماً زیارت کنید !

از دروازه کلئوپاتر ا , جاده آتیک متعلق به دوره رومیان , غار اصحاب کهف , مسجد جامع و مسجد مقام شریف , مسجد بلال حبشی ,مدرسه قباد پاشا و ینی حمام موزه تارسوس حتما دیدن کنید و از کلوپ های اسب سواری که در آغوش طبیعت بکر و عالی است استفاده کنید و در کنار آبشارهای دل انگیز و بدیع این سرزمین انواع غذاهای خوشمزه محلی را مزه کنید .

● آدرسها و تلفنهای ضروری

▪ فرمانداری : ۶۱۳۱۶۱۶ - ۶۱۳۹۸۲۷ (۳۲۴ - ۹۰ +)

▪ شهر داری : ۶۲۴۱۲۵ - ۶۱۳۳۶۸۸ (۳۲۴ - ۹۰ +)

▪ بیمارستان : ۶۱۳۸۱۸۴ (۳۲۴ - ۹۰ +)

▪ ژاندارمری : ۶۱۳۸۸۸۹ - ۶۱۳۲۶۷ (۳۲۴ - ۹۰ +)

▪ اداره جهانگردی استان : ۲۳۷۹۷۴۵ - ۲۳۸۳۲۷۰ - ۲۳۷۲۶۶۷ (۳۲۴ - ۹۰ +)

منبع : سایت سفارت ترکیه

http://vista.ir/?view=article&id=340044

vista.ir
Online Classified Service

تاریخ مصر

مصر یکی از قدیمی‌ترین کشورهای جهان و تمدن آن که در حاشیه رود نیل شکل گرفته در زمره کهن‌ترین تمدن‌ها محسوب می‌شود که از حدود ۴ هزار سال قبل از میلاد موجود است. مصر باستان سرزمین فراعنه بود و آثار تاریخی مهمی چون اهرام سه‌گانه و معابد بزرگ را از آن دوران به یادگار دارد. در اسطوره‌های سامی محل ظهور پیامبرانی مانند یوسف و موسی را در همان دوران و در سرزمین مصر آورده‌اند.

دولت قدیم مصر در سال ۵۲۴ ق. م به دست ایرانیان سقوط کرد. این کشور در روزگار هخامنشی و همچنین در دوران ساسانی (در عهد خسرو پرویز و به مدت ده سال) بخشی از شاهنشاهی ایران بود. نیای آنچه امروزه کانال سوئز نام دارد برای نخستین بار از سوی ایرانیان در مصر کنده و راه‌اندازی شد.

در سال ۳۳۲ ق.م اسکندر این سرزمین را تصرف نمود و تا سال بعد دودمان بطلمیوسیان که از جانشینان اسکندر بودند، بر آن حکمفرما بودند. در سال ۶۴۱ میلادی (۱۹ هجری قمری) در زمان خلیفه دوم، عمر، مسلمانان این کشور را فتح کردند. پس از فتح این سرزمین توسط عرب‌ها، بخش بزرگی از فرهنگ و تمدن این سرزمین به یغما رفت و عرب‌ها زبان خودشان را به این مملکت تحمیل کردند. مصر همواره از سرزمین‌های مهم برای حکومت اسلامی بوده و تا سال ۱۵۱۷ میلادی که دولت عثمانی بر مصر تسلط یافت در دست خلفای اموی و عباسی و فاطمی بود. در سال ۱۷۹۸ ناپلئون به آن لشکر کشید و در سال ۱۸۰۵ میلادی محمدعلی پاشا از طرف دولت عثمانی حاکم آنجا شده و سلسله جدید مصر را تشکیل داد.

برای مدت‌ها مصر تحت‌الحمایه انگلستان بود ولی پس از جنگ جهانی اول بر اثر فشار مردم، استقلال مصر را اعلام کرد. در جنگ جهانی دوم طی

سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳ با اینکه مصر بیطرفی خود را اعلام کرده بود اما سرزمین‌های غربی آن در حاشیه دریای مدیترانه از صحنه نبردهای سنگین بین ارتش آلمان و ارتش بریتانیا بود و با انکه آلمانی‌ها فاصله چندانی با کانال سوئز نداشتند، اما در منطقه‌ای به نام العلمین شکست خوردند و همین شکست نقطه آغاز شکست‌های دیگر آنها شد.

مصر در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل متحد در آمد. در سال ۱۹۵۶ جمال عبدالناصر به ریاست جمهوری فرانسه به مصر حمله کردند، اما با پشتیبانی شوروی پیشین و بی طرفی امریکا، بدون نتیجه خاتمه یافت. در طی سال‌های بعد دو جنگ دیگر نیز بین مصر و دیگر کشورهای عربی با اسرائیل رخ داد. (۱۹۶۷ و ۱۹۷۳)

http://iransafar.blogfa.com/۸۶۰۹.aspx

منبع : مطالب ارسال شده

http://vista.ir/?view=article&id=95594

vista.ir
Online Classified Service

تاریخچه پرلاشز

نام این قبرستان برگرفته از نام (Pere Francois de la Chaise(۱۶۲۴- ۱۷۰۹ است. اودر آن زمان یکی از صاحب نفوذان در دادگاه فرانسه، و شخصی بود که از لویی شانزدهم اقرار می گرفت. این قبرستان توسط ناپلئون بنا پارت در سال ۱۸۰۴ بنا شد، در آن زمان از سال ۱۷۸۶ ساخت قبرستان در داخل شهر پاریس ممنوع شده بود.

در زمان گشایش این قبرستان، به دلیل دور بودن آن از شهر، تعداد اندکی مراسم خاکسپاری در آن برگزار می‌شد. به همین دلیل صاحب منصبان به فکر ایجاد یک روش نمایشی برای استفاده مناسب تر از این فضا افتادند.

آنها برای شروع، بقایای اجساد نویسندگانی چون La Fontaine و مولیررا طی مراسمی درسال ۱۸۰۴ به آنجا منتقل کردند. در ادامه در سال ۱۸۱۷ اجساد Pierre Abelard و Helois نیز به این قبرستان آورده شد.

برگزاری چنین مراسمی برای محبوب شدن این گورستان موثر واقع شد و باعث شد تعداد زیادی از مردم برای اینکه پس از مرگ در کنار افراد مشهور دفن شوند، اشتیاق فراوان از خود نشان دهند. آمار نشان داده که تنها در طول چند سال، تعداد قبرهای پرلاشز از کمتر از صد عدد به بیش از۳۳۰۰۰ رسید. امروز بیش از ۳۰۰ هزار نفر در آنجا ذفن شده اند.

دیوار معروف Communard که سمبل آزادیخواهی و آرمان طلبی مردم فرانسه است، نیز در این مکان واقع شده. همان دیواری که در ۲۸ ماه مه سال ۱۸۷۱ تعداد ۱۴۷ نفر از رهبران احزاب مختلف پاریس پس از شکست، در پای آن به گلوله بسته شدند.

از میان افراد مشهور که در پرلاشز دفن شده اند نام دو نویسنده نامور ایرانی : صادق هدایت، غلامحسین ساعدی و نیز فرهاد مهراد (خواننده ترانه هایی چون جمعه و کنجشگک اشی مشی و ...) نیز به چشم می‌خورد.

منبع : سایت فریا

http://vista.ir/?view=article&id=9721

تالاب انزلی با زیبایی‌های بسیار

تالاب انزلی یکی از زیباترین مناظر آبی گیلان سبز است. این تالاب محل تخم‌ریزی آبزیان و پناهگاه و مأمن پرندگان بومی و مهاجر است. در داخل تالاب، جزایر زیبایی وجود دارد و دو شهر زیبای انزلی وآبکناردر ساحل آن قرار دارند.

تالاب انزلی با وسعت ۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلومترمربع حکم تصفیه‌خانه را برای آب رودخانه‌هایی دارد که به دریای خزر می‌ریزد. این تالاب با بیش از ۱۰۰ گونه پرنده، ۵۰ گونه ماهی، صدها گونه موجودات گیاهی، جانوری و میکروسکوپی اکوسیستم کم نظیری دارد. تالاب انزلی که از سال ۱۳۵۴ جزو تالاب‌های بین‌المللی تحت حفاظت قرار گرفت، مهم‌ترین منبع تکثیر و تولید ماهیان خاویاری و استخوانی دریای خزر است.

۲۷ رودخانه مهم گیلان به این تالاب سرازیر می‌شوند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به رودخانه بهمبر، ماسوله رودخانه، قلعه رودخانه پسیخان، پیربازار و شیجان رود اشاره کرد. همچنین رودخانه‌هایی نیز از تالاب خارج می‌شوند، که عبارتند از: تازه بکند، نهنگ روگا، راسته خاله و پیر بازار روگا، سوسر روگاه.

- انزلی، یکی از جذاب‌ترین نقاط گردشگری ایران

شهرستان بندرانزلی که در ناحیه‌ای کاملاً جلگه‌ای به صورت طولی در ساحل دریای خزر واقع شده، دارای آب و هوای معتدل مرطوب است و میزان بارندگی آن بسیار بالاست؛ طوری که سالانه به طور متوسط ۱۸۹۲ میلی‌متر بارندگی در این شهر گزارش می‌شود. میزان رطوبت نسبی در این منطقه در سال بین ۷۱ تا ۹۷ درصد در نوسان است.

سواحل ماسه‌ای انزلی از روزگاران گذشته همواره در مقاطع مختلف سال پذیرای انبوه مسافران بوده است. آنچه سواحل انزلی را از سواحل دیگر دریای مازندران متمایز می‌سازد، عمومی بودن سواحل آن است که در دسترس همگان قرار دارد. قایقرانی، ماهیگیری و شکار پرندگان روی تالاب انزلی، قایقرانی در دریا و گردش در پارک و بلوار ساحلی و دیدار از بازار محلی مجموعه‌ای از خدماتی است که برای گردشگران تدارک دیده شده است. انزلی هتل‌های مناسب و تأسیسات اقامتی و پذیرایی و در کنار آن تعدادی تأسیسات گردشگری از قبیل اردوگاه جهانگردی، دهکده ساحلی و شهرک‌های توریستی دارد.

علاوه بر آن بسیاری از خانوارهای ساکن شهر، اتاق‌های اضافی خود را به مسافران اجاره می‌دهند. این پانسیون‌های خانگی زیر پوشش اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قرار دارند و با نظارت آنان فعالیت می‌کنند. دیدنی‌های شهر انزلی مثل تأسیسات اسکله، گمرک شهر، شیلات، بلوارهای ساحلی، تالاب انزلی، کاخ و باغ میان پشته، بازار، میدان شهر و آثار تاریخی و باستانی دیگر موجب می‌شوند که گردشگران از اوقات فراغت خود به بهترین نحو بهره بگیرند.

از دیدنی‌های دیگر انزلی، محوطه فانوس دریایی یا برج ساعت است. در ساحل انزلی و در دل دریا، فانوسی دریایی مشاهده می‌شود که در سال های ۱۲۳۰تا ۱۲۳۴ هجری قمری در زمان حکومت ناصرالدین شاه توسط خسروخان گرجی حاکم وقت ساخته شد. این فانوس دریایی با روغن چراغ روشن می‌شد و برای راهنمایی دریانوردان به کار می‌رفت.

در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی، شهرداری بندر انزلی این فانوس را تعمیر کرد و یک ساعت چهار سوی جدید بر بالای منار قرار داد که در حال حاضر نیز کار می‌کند. بنای شهرداری انزلی نیز یک بنای تاریخی زیبا و ضمناً از نظر تاریخی قابل توجه است، زیرا شهرداری بندر انزلی نخستین شهرداری ایران است. این بنا در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی ساخته شد.

● گیاهان تالاب

در گذشته‌های نه چندان دور، اراضی پیرامون تالاب انزلی تحت تأثیر آن به صورت‌های مرطوب و اشباع از آب و همچنین برکه‌های متعدد، پذیرای انواع خاصی از درختان آب دوست نظیر بید و توسکا بوده است که گذشته از چشم‌انداز بسیار زیبا، به دلیل آن که این درخت همچون پمپ آب، آب‌های اضافی زمین را در خود کشید و سپس تبخیر می‌کرد باعث خشک شدن زمین‌های غرقابی می‌شد.

بدین ترتیب محیطهای پذیرایی حشرات را (برکه‌ها و آب‌های سرگردان) از بین می‌برد. چوب این درختان نیز در انواع مختلف کاربردهای فراوان محلی داشته است.

● پرندگان تالاب

دریای خزر یکی از مهم‌ترین مناطق زیستگاهی پرندگان آبزی مهاجر است. این دریا در مرکز توزیع جغرافیایی جمعیت غازها و اردک‌ها (مرغابی‌ها)ی غرب سیبری، خزر و نیل واقع شده است و هر ساله در این مسیر پرواز بیش از ۱۰ تا ۱۲ میلیون انواع اردک و غاز، قو و سایر پرندگان به مهاجرت می‌پردازند. بسیاری از این پرندگان یک تا سه ماه از زندگی خود را در حواشی دریای خزر سپری می‌کنند. تالاب انزلی و آبگیرهای حاشیه آن از مهم‌ترین مناطقی است که می‌تواند بهترین شرایط را برای گذران زمستان پرندگان مهاجر فراهم کند. تنوع پوشش گیاهی تالاب سبب جلب و جذب پرندگان مهاجر به تالاب انزلی شده است.

● پستانداران تالاب

درباره پستانداران تالاب انزلی مطالب بیشتری را می‌توان نوشت که در این میان انواعی از پستانداران که در ارتباط مستقیم با تالاب هستند از سایر پستانداران جدا می‌شوند. وجود حداقل ۱۷ گونه خفاش در تالاب یکی از این مطالب است که نقش عمده‌ای در کنترل حشرات تالاب دارند.

● آبزیان تالاب

تالاب انزلی یک مخزن آب لب شور با عمق کم به شمار می‌رود. وجود محیط آبی زنده‌ای مانند تالاب انزلی در کنار دریای خزر و ارتباط وسیع آن با دریا، محیط مطلوبی را برای تخم‌گذاری انواع ماهیان فراهم ساخته است. وجود ۲۰ گونه ماهی در تالاب انزلی تأیید شده که ۱۱ گونه آن بومی، ۸ گونه مهاجر و یک گونه نیمه مهاجر است. ماهی سفید و سوف که از ماهیان مهاجر هستند، برای تخم‌ریزی و زاد و ولد به تالاب می‌آیند و پس از تخم‌ریزی دوباره به دریا بازمی گردند. کپورماهیان و اردک ماهی از ماهیان بومی تالاب هستند که به طور دائم در تالاب زیست می‌کنند. به نظر می‌رسد تغییرات درجه حرارت دریا و شرایط محیطی تالاب به گونه‌ای است که این زیستگاه را به مساعدترین محل برای تخم‌گذاری ماهیان و پرورش طبیعی بچه ماهی‌ها تبدیل کرده است. از سوی دیگر تالاب انزلی با داشتن آب شیرین و انواع گیاهان و حیوانات آبزی از نظر تغذیه زیستگاه مناسبی برای ماهیان به شمار می‌رود. جریان و آرامش نسبی آب در تالاب امکان آمیزش اسپرم ماهی نر با تخم ماهی ماده را در شرایط مطلوب فراهم می‌سازد و ریشه و ساقه گیاهان آبزی محل چسبندگی خوبی برای لاروها به شمار می‌رود. به همین لحاظ هر ساله گله‌هایی از انواع ماهیان برای تخم‌ریزی و تولید مثل به تالاب روی می‌آورند. این ماهیان منشأ عظیم صیدی هستند که توسط صیادان به انواع مختلف در تالاب انزلی صورت می‌گیرد.

رفت وآمد قایق‌های موتوری، آلوده شدن آب به روغن سنگین و مواد شیمیایی سمی، صید بی‌رویه در زمان تخم‌ریزی، آلودگی‌های ناشی از مصرف سموم گیاهی و کود شیمیایی در مزارع اطراف تالاب

رفت و آمد ماهی‌ها را برای تخم‌ریزی به تالاب کاهش داده است و امکان تولیدمثل به مراتب دشوار و محدود شده است. مهم‌ترین ماهیان تالاب انزلی عبارت‌اند از: اسبله، سوف، اردک ماهی (شوک)، کولمه، ماهی سفید، ماش ماهی، کپور، کپور نقره‌ای، کپور علفخوار (آمور)، سیاه کولی، شاکولی و سیم.

چالش‌هایی که تالاب انزلی با آن مواجه است:

۱) هرسال بیش از ۳۲ میلیون مترمکعب فاضلاب خانگی شهرستان‌های رشت، انزلی، صومعه‌سرا، فومن و ماسال که حوضه آبخیز تالاب انزلی هستند، وارد تالاب می‌شود.

۲) از طریق مزارع کشاورزی در سال حدود دو میلیون لیتر سموم وارد محیط تالاب انزلی می‌شود. تالاب انزلی همچنین محل تخم‌ریزی بسیاری از ماهیان بومی و مهاجر است که ورود این مواد سمی ذخایر موجود در این زیستگاه را به شدت تهدید می‌کند.

۳) رسوبات حوضه آبخیز تالاب انزلی به طور فزاینده‌ای درحال افزایش است و به علت ضعف عملیات آبخیزداری و تخریب بیش از اندازه حوضه آن سالانه ۵۸۵ هزار تن خاک به صورت رسوب به این تالاب سرازیر می‌شود. هم اکنون یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تن گل و لای ناشی از رسوبات حاصل از ۴۰ سال شست وشوی ۴۰۰۰ کیلومتر مربع خاک حوزه‌های آبریز یازده رودخانه منتهی به تالاب در تالاب انزلی وجود دارد. تا چند دهه قبل عمق تالاب انزلی هشت تا ۱۱ متر بود اما درحال حاضر، ته‌نشین شدن رسوبات عمق آن را به سه متر رسانده است. هم اکنون سرعت انباشته شدن رسوبات در کف تالاب ۱۰ برابر بیشتر از چهاردهه قبل است.

۴) آلودگی‌های صوتی، انتشار ترکیبات خطرناک سرب، اکسید گوگرد، کربن و نیتروژن ناشی از عبور و مرور وسایل نقلیه از جمله عوامل تخریب اکوسیستم تالاب است.

۵) متأسفانه بارندگی‌های پی در پی و کاهش اکسیژن در تالاب به واسطه متصاعد شدن گاز اکسیدسولفید SH_2 درسطح تالاب موجب تلف شدن هزاران ماهی در تالاب شده است و با هربار بارندگی و کم شدن اکسیژن بر مرگ و میر ماهیان افزوده می‌شود.

۶) آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی در کنار رودهای منتهی به تالاب. بخشی از فاضلاب صنعتی کارخانه‌های حوزه و تمامی فاضلاب‌های شهری و روستایی بدون تصفیه به رودخانه تخلیه و باعث آلودگی شدید این رودخانه می‌شود که مرگ و میر وسیع آبزیان رودخانه و تالاب انزلی را در مقاطع بحرانی باعث می‌شود.

۷) صید و شکار بی‌رویه برای تأمین نیازمندی‌های غذایی و گذران اقتصادی که منجر به کاهش جمعیت گونه‌های وابسته به تالاب می‌شود.

۸) رشد و توسعه شهرها و شهرک‌های صنعتی بدون مکان‌یابی صحیح، از عوامل تهدیدکننده تالاب انزلی و از منابع مهم آلودگی آب تالاب است.

۹) در اینجا لازم است به رشد گیاهی به نام «آزولا» در تالاب انزلی اشاره کرد. آزولا گیاهی است که در مناطق تالابی رشد می‌کند اما این گیاه گونه بومی تالاب انزلی نبوده است. به لحاظ این که این گیاه ازت زیادی تولید می‌کند تا برای تهیه کودهای ازته از گیاه استفاده شود و همچنین به عنوان غذای ماهیان پرورشی علفخوار به نام فیتوفاگ داده می‌شود. در ابتدا کشت و تکثیر این گیاه به طور آزمایشی در دریاچه‌های مصنوعی پرورش ماهی در استان گیلان انجام شد. ولی بذر این گیاه به وسیله پرندگان به تالاب انزلی برده شد و در این تالاب زمینه رشد برای گیاه فراهم بود. این گیاه به صورت گیاهی مهاجم رشد خواهد کرد و اگر با رشد آن مبارزه‌ای فراگیر انجام نشود ظرف چند سال آینده تمامی سطح تالاب را خواهد پوشاند. این گیاه با ضخامتی در حدود ۱۰ سانتی‌متر سطح تالاب را می‌پوشاند و مانع رسیدن نور خورشید به زیر آب می‌شود. در نتیجه فعل و انفعالات شیمیایی توسط فیتوپلانکتون‌ها در عمق آب انجام نمی‌شود و همچنین با مستور شدن سطح تالاب اکسیژن کافی به آبزیان نمی‌رسد.

● اقدام‌های مثبت

۱) فعالیت‌هایی در سال‌های اخیر از سوی محیطزیست در خصوص جلوگیری از ریزش آلودگی کشتارگاه‌ها و انواع صنایع به داخل تالاب انزلی انجام گرفته است.

۲) وجود کارخانه کمپوست زباله برای ادامه حیات تالاب انزلی ضروری است.

۳) با توجه به ارزش بین‌المللی تالاب هم اکنون یکی از گروه‌های تحقیقاتی کشور ژاپن با نام جایکا (آژانس همکاری‌های بین‌المللی کشور ژاپن) مشغول پژوهش برای احیای این تالاب زیبا است.

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=370962

vista.ir
Online Classified Service

تالاب شادگان؛ پشت دیوار فراموشی

۱۵۰ میلیون تومان اعتبار برای ساخت اسکله تفریحی – گردشگری در تالاب بین‌المللی شادگان تنها بودجه‌ای است که از سال ۱۳۸۴ برای این حوزه زیست‌محیطی، طبیعت‌گردی کشور هزینه شده است.

در حالی که اقتصاددانان بر پایه علوم نوین و بینش زیست‌محیطی ارزش افزوده هر هکتار تالاب را ۲۰هزار دلار تعیین کرده‌اند. این در حالی است که ارزش افزوده هر هکتار جنگل بر این اساس ۱۵۰دلار و ارزش افزوده هر هکتار زمین کشاورزی ۱۲۰ دلار تضمین شده است.

با این حال ۵۳۷ هزار و ۷۰۰ هکتار تالاب شادگان در جنوب استان خوزستان و در جوار خلیج همیشه فارس همچنان میزبانی برای خلق‌رؤیا برای مهمانانی است که آسمان آبی را می‌جویند و سبزی زمین را آرزو دارند.

درست ۸۵ کیلومتر که از اهواز به سمت جنوب حرکت کنید قبل از آنکه به سمت آبادان به راهتان ادامه دهید می‌توانید شمیم برخاسته از آب و نیزارهای آن را بچشید! هنوز می‌توان رد ۵۰۰ نوع از ۸هزار و ۷۰۰ گونه پرنده‌ای که در دنیا شناخته شده است را در تالاب شادگان گرفت. هنوز می‌توان افق را تا دور دست چنان تعقیب کرد که جز آبی آب و سبزی نیزارهای درون آن هیچ‌چیزی دیدت را آزار ندهد.

شادگان با تحمل سه جنگ طاقت‌فرسا و بی‌نظمی‌های ناشی از توسعه در حالی که از فاضلاب‌های صنعتی و غیرصنعتی جریحه‌دار شده است اما هنوز میزبانی برای تفریح و روح‌بخشی به مهمانانش است. هنوز چند کیلومتر به شادگان مانده می‌توان در « صراخیه » سعه‌صدر طبیعت را تجربه کرد.

شاید تا پیش از آنکه شادگان و تالابش به‌عنوان منطقه نمونه گردشگری شناخته شوند، بیشتر آن منطقه را با خارک (همان خرمایی که هنوز نرسیده و زرد است) و نخلستان‌هایی درون آب می‌شناختند. شرجی‌های شادگان این فرصت را از خوزستانی‌ها و سایر مردمان ایران زمین می‌گرفت که در تابستان پا به این سرزمین بگذارند.

پس از جنگ تحمیلی نیز همه مردم برای تجدید خاطره به خرمشهر و آبادان می‌رفتند و برایشان این سؤال مطرح بود که در فاصله ۴۰ کیلومتری جاده آبادان – اهواز یعنی همان حد فاصل سه راهی دارخوین- اهواز- آبادان چرا این همه آب تا نزدیکی جاده را فراگرفته است.

با وجوداین‌که در سال ۱۳۵۴ تالاب شادگان توانست در زمره ۱۸ تالاب بین‌المللی جهان قرار گیرد و عنوان ششم را به‌خود اختصاص دهد اما به درستی درایران کسی آن را نشناخت. حتی تعیین حدود ۲۹۶ هزار هکتار آن به‌عنوان منطقه حفاظت‌شده مانع از آن نشد تا در زمان جنگ پذیرای مردمانی شود که خانه و زندگی خود را در پی حمله عراقی‌ها و شروع جنگ‌تحمیلی از دست داده بودند.

پس از جنگ نیز بازسازی و تمرکز روی مزارع نیشکر در اطراف کارون صدمات جبران‌ناپذیری به این منطقه بی‌نظیر وارد کرد و سپس دو جنگ در منطقه در عراق بر این بحران‌ها و آلودگی‌های ناشی از آن افزود تا اینکه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری در حالی که به توسعه گردشگری می‌اندیشید این منطقه را هم به‌عنوان منطقه نمونه گردشگری معرفی کرد اما به جز نصب دو تابلو و صدور چند مجوز برای محلی‌ها در راستای سوارکردن گردشگرانی که علاقه‌مند به دیدن تالاب هستند هنوز اتفاقی در خور شأن این فرصت بی‌نظیر زیست‌محیطی – طبیعت‌گردی رخ نداده است.

- صراخیه، خوش‌آمدگوی تالاب شادگان

وقتی از اهواز به سمت آبادان برانید به سه راهی دارخوین – آبادان که رسیدید کافی‌است به اندازه ۲ یا ۳ کیلومتر در جاده شادگان وارد شوید، آن وقت می‌توانید وسعت وصف‌ناپذیر آب و نیزار را در دو طرف جاده ببینید. هنوز چشمتان به‌دنبال این وسعت می‌گردد که لوله‌ای زمخت و بزرگ به رنگ

خاکستری، سمت راست جاده افق دیدتان را می‌بندد و محکم بر دیدتان می‌کوبد.

لوله عملا دید سمت چپ را گرفته و با خود فکر می‌کنید اگر این منطقه، منطقه نمونه گردشگری انتخاب شده یک گردشگر با چنین آزاری در دید چگونه باید رغبت کند و پا به این منطقه بگذارد؟!

با این حال زیبایی طبیعت سوی دیگر جاده و نسیم خنکی که از روی آب و از میان نیزارهای درون آن می‌وزد شما را وا می‌دارد به مسیر ادامه دهید ولی به سمت چپ جاده نگاه نکنید در حالی که بخش قابل توجهی از تالاب سمت چپ قرار گرفته است. چند کیلومتری که به مسیر ادامه دهید می‌توانید بلم‌هایی را ببینید که مردان محلی در آنها ایستاده‌اند و تور ماهیگیری‌شان را کنترل می‌کنند. شاید آن لحظه باور نکنید که در این منطقه ماهی‌های لذیذی قابل صید است.

در تالاب شادگان حدود ۵ هزار نفر به صید ماهی مشغولند و از این راه به گذران زندگی می‌پردازند. تالاب شادگان صید سالانه حدود ۱۰ تن ماهی به ویژه ماهی «بنی» را برای صیادان امکانپذیر کرده است.

این تالاب با وسعتی برابر با ۴۰۰هزار هکتار و متشکل از عرصه‌های آب شیرین، شور و لب شور است که شهرستان شادگان، روستاها و نخیلات آن را چون نگینی در بر گرفته است. حالا اینجا در صراخیه می‌توانید این وصف را به چشم خود ببینید.

قبل از روستا کنار همان لوله بزرگی که هنوز روی اعصابتان راه می‌رود زنانی روستایی زیر حصیرهایی که از جمله صنایع‌دستی بومی منطقه است نشسته‌اند و ماهی‌هایی را می‌فروشند که صیادان منطقه از تالاب گرفته‌اند.

جلوتر تابلوی « ایستگاه گردشگری» نوید رسیدن به روستای صراخیه را می‌دهد. مقابل مدرسه صراخیه محوطه‌ای آسفالته وجود دارد که می‌توان ماشین را آنجا پارک کرد و با پرداخت ۶هزار تومان سوار قایق موتوردار شد که شما را تا دل تالاب و آنجا که جز سکوت و آوای تالاب چیزی نیست، می‌برد.

چشمانتان همان ابتدا متوجه چیزهایی درون آب تالاب می‌شود که نشان از بی‌توجهی گردشگران و محلی‌ها به محیطزیست و زباله‌ها دارد. چند متری که وارد تالاب شوید متوجه بلم‌های دیگر می‌شوید. اینجا روستاییان جلوی خانه‌های خود بلم‌هایی دارند که یک یا نهایتا دو نفر درآن می‌توانند سوار شوند. اینجا گویا برای رفت‌وآمد چاره دیگری نیست، از خانه خاله به خانه عمه باید بلم‌سواری کرد!

دالانی از آب که دیواره‌هایش از نی‌های تالاب است مسیر را مشخص کرده است. بلم‌ران می‌گوید رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری را هم سال گذشته به این منطقه و همین مسیر آورده است.پس از مدتی که او بلم را می‌راند دیگر هیچ نشانی از روستا و زندگی آدم‌ها نمی‌بینی. آن وقت رنگ زیبای پرندگان بومی تالاب را می‌توان ببینی که با نزدیک شدن بلم پر پرواز می‌جنبانند و دور می‌شوند.

بیش از ۱۵۰گونه پرندگان شاخص و حمایت شده نظیر «اردک مرمری»، «تنجه»، «گیلانشاه خالدار»، «فلامینگو»، «اردک سرسفید»، «لیکوتالابی» و...، و نیز ماهیان مهم تالاب با توجه به زیستگاه آبی آنها شامل «شیربت»، «بنی»، «کپور»، «بیاح»، «شانک» و یک گونه مهم از خزندگان به نام لاک پشت فراتی (لاک نرم) را می‌توان در این تالاب یافت.

حسین پسری از روستاییانی که در کلاس پنج درس می‌خواند و همراه عمویش از تالاب برای گردشگران می‌گوید. از کنار آن دالانی که در آن بلم به پیش می‌رود ته نی را از آب بیرون می‌کشد و آن را با تردستی خاصی باز می‌کند و مغزش را برای خوردن تعارف می‌کند. نیزارهای درون مرداب هم برای روستاییان مواد غذایی محسوب می‌شود و هم برای دام‌هایشان.

گیاهان شاخص این تالاب چون«گبن»، «بردی»، «نی» و علف شور است. شاید به همین دلیل است که می‌گویند: تالاب شادگان از تالاب‌های نادر و مهم کشور است که با وجود فصلی بودن بخش آب شیرین آن، آب شور آن به دلیل متصل بودن به خورها و دریا دائمی و پرآب است بنابراین اکوسیستم و گیاهان و جانوران و به‌طور کلی تنوع زیستی در ۲ محیط را می‌توان در آن مشاهده کرد.

مهم‌ترین منبع آب این منطقه رودخانه جراحی تا ۹۰ درصد و سپس طغیان‌های کارون و بارش سالانه است.

- چند تابلو و ۱۵۰ میلیون تومان

از سه‌راهی دارخوین تا روستای صراخیه دو تابلو با عنوان «ایستگاه گردشگری» و« منطقه نمونه گردشگری» تنها نشانه‌های حضور سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری است.

جالب اینجاست که رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان خوزستان و همین‌طور شهرستان شادگان از مدت‌ها قبل نوید راه‌اندازی یک اسکله گردشگری، پارکینگ و... را داده بودند و اینکه برای راه‌اندازی آن ۱۵۰ میلیون‌تومان اعتبار اختصاص داده شده است.

جلوی مدرسه که خبری از پارکینگ نبود. از ۵۰ بلم و قایقی هم که جمال زوری‌زاده رئیس اداره میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری شادگان

نویدش را داده بود که به گردشگران خدمات می‌دهند خبری نبود. تنها چند بلمرو قایق‌ران بودند که جز یکی- دو نفر که در ازای هر ۶هزار تومان دریافتی با پرداخت ۵۰۰ تومان به میراث‌فرهنگی مجوز فعالیت گرفته بودند خبری از خدمات دیگر نبود. دریغ از یک سطل زباله و سایبان یا محلی که بتوان در آن پس از گشت وگذار یا پیش از بازدید از تالاب دمی نشست.

صادق محمدی رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خوزستان پیش از نوروز گفته بود:« جهت توقف در کنار روستای صراخیه و امکان بازدید از تالاب، پارکینگ و اسکله چوبی احداث شده که ۱۵۰ میلیون تومان هزینه برده است. اجرای این اسکله شامل لجن‌برداری، خاکریزی، غرق‌آب کردن، آسفالت، تیرآهن، نبشی، جدول کاری و بتن‌ریزی زیر اسکله در مساحتی معادل ۶ متر در ۶ متر بوده است.»

این کار به گفته جمال زوری‌زاده رئیس اداره میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری از سال ۱۳۸۴ جریان گرفته است؛ یعنی دو سال برای یک اسکله. زوری‌زاده تاکید کرده به کسانی‌که برای گردشگری قایق تهیه کنند ۱۵ میلیون‌تومان تسهیلات اعطا شده است که تا کنون یک سرمایه‌گذار دو قایق و دیگری سه قایق خریداری کرده است.

اما محلی‌ها تاکید می‌کردند که تنها صدور مجوز برای گردش مسافران با قایق به وسیله سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری انجام گرفته است.در منطقه هیچ کمپ یا امکان دیگری برای استقرار و راحتی گردشگران وجود نداشت. تنها در مدت نوروز یک چادر و یگان پلیس در صراخیه برای تامین امنیت برقرار بود.

- اوضاع همچنان وخیم است

تالاب شادگان یکی از ۱۸ تالاب بین‌المللی ثبت شده در یونسکو است که آب آن از رودخانه جراحی یا مارون بزرگ تامین می‌شود و سرزمینی است مثل دلتا که نقش رابط بین رودخانه جراحی و خلیج‌فارس را ایفا می‌کند.

«رویا جهانگیری» کارشناس محیط زیست خوزستان دراین‌باره به ایرنا گفته است:«حفظ سطح آب برای کشاورزان اطراف، تولید چوب، ذخیره آب و کاهش بلایای طبیعی به ویژه سیلاب و همچنین محلی جهت از بین رفتن مواد زاید و تصفیه آب، چشم‌انداز طبیعی و اکوتوریسم از مهمترین ویژگی‌های تالاب است.»

اما در سال‌های اخیر ورود فاضلاب، ریختن مواد زاید نفتی منطقه گیسی آبادان، ساخت نیروگاه گازی آبادان در حریم تالاب و ورود پساب‌های نیشکر در کنار تولید زباله مردمی که در این محدوده زندگی می‌کنند حیات این تالاب را در معرض خطر قرار داده است.

وضع تالاب شادگان تا آنجا پیش رفته است که نام این منطقه در زمره تالاب‌های در معرض خطر موضوع کمیته زیست‌محیطی مونترال قرار گرفته است.

محلی ها از شورشدن آب تالاب بر اثر کم‌آبی و مهاجرت خود و بسیاری از گونه‌های محیط زیست در آن خبر می‌دهند.

اگر امروز به این منطقه نمونه گردشگری و منطقه حفاظت شده محیط زیستی توجه نکنیم در کوتاه‌مدت اصل ماهیت زیبا و منحصر به فرد آن از دست می‌رود و دیگر نمی‌توانیم هیچ استفاده‌ای از این منطقه که می‌گویند ارزش افزوده هر هکتار آن ۲۰هزار دلار است داشته باشیم.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=307929

vista.ir
Online Classified Service

تالابهای گلستان، حلقه فراموش شده صنعت گردشگری

تالابهای بین المللی استان گلستان به عنوان گنجینه هایی از طبیعت که نقش زیادی در جذب گردشگر دارند از کمترین امکانات گردشگری و تفریحی

بهره مندند و در حلقه صنعت نوین گردشگری به فراموشی سپرده شده اند. تالابها شاهکار خلقت، گنجینه طبیعت و زیستگاه بسیاری از گونه های جانوری و گیاهان آبزی به شمار می آیند که نقش بسیار زیادی در جذب گردشگر دارند.

این در حالیست که این مهمترین جاذبه های گردشگری استان گلستان که از قابلیت بسیاری برای جذب گردشگر داخلی و خارجی برخوردارند از ابتدایی ترین امکانات گردشگری بهره ای نبرده اند.

در این میان، تالابهای آلاگل، آلماگل، آجی گل و گمیشان از مجموعه تالاب های بین المللی کشور در دشت ترکمن صحرا و در نزدیک مرز ایران و ترکمنستان از مناطق مهم دیدنی استان است که سالانه طبیعت گردان و گردشگران زیادی را به خود جذب میی کند.

این تالابها زیستگاه مناسبی برای پرندگان آبزی و کنار آبزی مهاجر به شمار می روند و به دلیل این جاذبه های طبیعی در ایام مختلف پذیرای خیل بی شماری از مسافران و گردشگران است.

برای رسیدن به این تالابهای با ارزش، باید مسیر ۸۰ کیلومتری شهر گنبدکاووس تا بخش مرزی داشلی برون در شمال این شهرستان را طی کرد که در این مسیر می توان طبیعت بسیار زیبای شقایقها و گندمزارها در فصل رویش و زندگی شتران در طبیعت کویری منطقه را مشاهده کرد.

این سه تالاب بین المللی که در شمال گنبدکاووس قرار گرفته است با سه هزار و ۲۷ هکتار وسعت، محل زمستان گذرانی پرندگان آبزی و کنارآبزی که از شمال سیبری به این تالابها مهاجرت می کنند و نیز زیستگاه برخی پرندگان بومی به شمار می رود.

● حیات زیست محیطی اغلب تالابها با خطر مواجه است

جمعی از مسئولان و کارشناسان محیط زیست و گردشگری بر این باورند، اطلاع رسانی نامناسب، تامین نشدن امکانات اولیه، ورود پسابها و فاضلابها، تخریب محیط زیست و نبود برنامه جامع موجب شده تا فرصتهای سرمایه گذاری در این تالابها به فراموشی سپرده شود و حیات زیست محیطی آنها نیز با چالش های عدیده ای روبرو شود.

یکی از دوستداران محیط زیست در این زمینه به خبرنگار مهر گفت: در تالابهای گلستان، امکانات رفاهی برای گردشگران و جود ندارد، این درحالی است که این گنجینه های ارزشمند دارای اهمیت بین المللی هستند.

جعفر رسولی افزود: این تالابها در منطقه ترکمن نشین گلستان واقع شده که این منطقه دارای فرهنگ و جاذبه های خاصی هستند.

وی اظهار داشت: برای معرفی این جاذبه های گردشگری و طبیعی باید تبلیغات و اطلاع رسانی مناسبی صورت گیرد و حداقل امکانات نیز باید تامین شود.

به گفته رسولی، تالابها به عنوان زیستگاه آبی برای پرندگان مهاجر آبزی، کنار آبزی و انواع ماهیان بوده و همچنین به سبب دارا بودن پوشش گیاهی و جانوری متنوع و متعدد، یکی از مراکز مهم تفریحی و گردشگری محسوب می شوند.

این دوستدار محیط زیست بیان داشت: ورود انواع آلاینده ها به این تالابها چرخه حیات زیست محیطی آنها را با بحران و چالش روبرو کرده است.

یک عضو انجمن دوست داران طبیعت در بندر ترکمن نیز گفت: راه دسترسی به این تالابها که هزاران ارزش اقتصادی نیز دارند بسیار آسان است زیرا تقریبا در فواصل نزدیک به هم واقع شده و محل زمستان گذرانی بسیاری از گونه های پرندگان هستند که مناظر بسیار زیبایی را به وجود می آورند.

حسین اتابای افزود: برای تامین امکانات اولیه و ساماندهی مجموعه گردشگری در تالابها، ساخت سرویس های بهداشتی و کمپهای ارزان قیمت به اعتبار و برنامه ریزی نیاز است.

وی بیان داشت: فراهم کردن ساده ترین امکانات رفاهی همانند قایقهای تفریحی، بهداشتی و تبلیغات در این تالابها می تواند گردشگران بی شماری را به این منطقه هدایت کند.

وی یادآورشد: متاسفانه هیچ گونه سیاستگذاری و برنامه ریزی صحیحی در زمینه تالاب و اکوتوریسم در استان گلستان صورت نگرفته است و امکانات موجود در آنها صفر است.

● امکانات گردشگری موجود در تالابهای گلستان صفر است

به گفته اتابای، تالاب گمیشان، پایگاه پاییزی و زمستانی برخی از پرندگان درحال انقراض و نادرجهان است و انواع ماهیان، سخت پوستان، نرم

تنان، دوزیستان، خزندگان و پرندگان در آن زیست می کنند و به حمایت و سرمایه گذاری بیشتری نیاز دارد.

وی تاکید کرد: هنوز نتوانسته ایم از این تالابها و جاذبه به عنوان یک نقطه گردشگری مناسب استفاده کنیم، به گونه ای که اکثر مسافران ایرانی و حتی برخی از مردم استان نمی دانند که استان دارای تالابهایی با مناظر بسیار جالب و دیدنی دارد.

معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان در این زمینه گفت: این استان به عنوان گنجینه اکوتوریسم در ایران مطرح و معروف است و وجود جاذبه های فراوان نظیر تالابها در استان موجب شده تا روند استقبال از آن گسترش یابد.

حمید منوچهری در گفتگو با خبرنگار مهر در گرگان افزود: وجود مناطق بکر طبیعی و جاذبه های دیدینی، می تواند فرصتهای سرمایه گذاری در استان را گسترش دهد و زمینه توسعه این صنعت نو و پایدار را فراهم کند.

وی اظهار داشت: اولین عامل درتوسعه طبیعت گردی، مطالعه مناطق است، از این رو در جریان سفر اول هیئت دولت به این استان، مناطق مستعد برای صنعت طبیعت گردی در منطقه شناسایی شد.

وی خاطرنشان کرد: بیشتر مناطق و جاذبه های طبیعی موجود در گلستان قابلیت طبیعت گردی دارد و سرمایه گذاری در این بخش الزامی است.

به گفته منوچهری، تالابها از مناطق مهم در جذب گردشگر بوده که باید سرمایه گذاری کای روی آن انجام شود.

معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی گلستان بیان داشت: گردشگری در این استان با طبیعت گردی آغاز می شود و پیوند ناگسستنی دارد.

وی یادآورشد: برخی مناطق طبیعت گردی و گردشگری در حوزه سازمانها و دستگاههای دیگر قرار دارد که همکاری همه جانبه این دستگاهها ضروری است.

مدیرعامل شرکت مهندسین مشاور ساپ گفت: صنعت گردشگری در ایران جاذبه های بالایی دارد و وجود دریای خزر از جمله این جاذبه ها است که باید بر روی آن سرمایه گذاری بیشتری شود.

حمید رحیمی پور افزود: گردشگری نباید باری بر روی دوش دولتها بگذارد و برای توسعه و رونق آن نیاز به برنامه ریزی و سرمایه گذاری است.

وی اظهار داشت: تالابهای زیبا و یی نظیر آلاگل و آلماگل در استان ووجود دارد که جزو تالابهای بین المللی و حفاظت شده هستند و پس از بررسیهای انجام شده برای ضلع غربی تالاب آلاگل کاربری تفریحی تعریف شد.

- تخلیه فاضلاب در تالاب گمیشان بحران زیست محیطی ایجاد کرده است

فرماندار بندرترکمن با اشاره به بالا بودن سطح آبهای زیرزمینی منطقه گفت: تخلیه فاضلاب در تالاب بین المللی گمیشان بحران زیست محیطی نیز به وجود آورده است.

حاجی گلدی افزود: بالا بودن تراز آبهای زیرزمینی مشکلاتی را در زمینه دفع آبهای سطحی و فاضلاب شهری ایجاد کرده است.

وی اظهار داشت: این پدیده از مشکلات دیرینه اهالی منطقه بوده که موجب سختی و رنج فراوان برای اهالی منطقه شده است.

وی خواستار پیگیری نماینده مجلس برای پیگیری و اجرایی شدن طرح فاضلاب شهری گمیشان شده است.

به گفته گلدی گر، شهر گمیشان از لحاظ ارتفاعی مسطح و از لحاظ بافت خاک و دارای خاک بانفوذپذیری کم بوده و این مساله موجب تشکیل ماندآب و ایجاد مناظرزشت در سطح شهر شده است.

فرماندار بندرترکمن بیان داشت: همچنین تخلیه فاضلاب در تالاب بین المللی گمیشان سرمایه گذاریهای انجام شده در بخش گردشگری منطقه را تهدید می کند.

وی یادآورشد: به رغم اینکه طرح فاضلاب شهر گمیشان در سفر دوره اول هیئت دولت مصوب و در کمیسیون ماده ۳۲ استان تائید شد، متاسفانه پس از گذشت دو سال هنوز این طرح اجرایی نشده است.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=357631

vista.ir
Online Classified Service

تالابی در آغوش نخلستان

تا چشم کار می کند نیزارهای سرسبز و نخلستان های سر به فلک کشیده را می بینیم که با طراوت به رویمان آغوش باز می کنند. این آغوش گرم زمانی لذتبخش تر است که لبخند کودکی روستایی با همان سادگی و صمیمیت همیشگی، خستگی سفر را از تنمان بزداید و دستمان را برای داشتن خاطرات فراموش ناشدنی بفشارد.

عزم خود را جزم کرده ایم که تالاب شادگان را از نزدیک ببینیم. خیالمان راحت و دلمان آسوده است که سفری خوب در پیش داریم، چرا که میهمان نوازی مردمان جنوب، شهره عام و خاص است.

● جزیره ای میان ۲ رنگ آبی و سبز

تالاب بین المللی شهرستان شادگان یکی از مناظر طبیعی و زیبای جنوب استان خوزستان است. این تالاب که بزرگ ترین تالاب کشور است در ۵۲ کیلومتری آبادان و ۱۰۵ کیلومتری اهواز قرار دارد. وسعت اش ۵۳۷ هزار هکتار و مساحتش از شمال به شادگان و خور، از جنوب به رودخانه بهمن شیر، از باختر به جاده دارخوین و آبادان و از خاور به آب های خورموسی محدود می شود.

سطح تالاب با گیاهان آب دوستی چون لویی، چولان و گیاهان غوطه ور، پوشیده شده و محل مناسبی برای پذیرش پرندگان آبزی به وجود می آورد. انواع ماهیان آب شیرین و شور مانند حمری، شانک، ماهی پرورشی و پرندگانی چون فلامینگو، حواصیل، لک لک، غاز وحشی و اردک در این تالاب زندگی می کنند. تنها زیستگاه و محل زاد و ولد اردک گرگری در جهان این تالاب اسرارآمیز است و پرندگانی چون گیلالشاه خالدار و آمراس آفریقایی نیز از نمونه های بسیار کمیاب این منطقه به شمار می آیند.

بسترمان قایقی است سبک بر دل آب. افق نگاهمان به هر سو که بود در تشخیص ۲ رنگ آبی و سبز عاجز می ماند. فقط در پس زمینه ذهنمان قایقرانی را می بینیم که با پاروی خود چنان دل آب را می شکافد و حرکت می کند که آب در دل ما نلرزد؛ چهره آفتاب سوخته اش با لبخندی که دندان های سفیدش را هویدا می کرد، آرامش ما را دوچندان می کرد. خداخدا می کردیم که تا ابد در همان آرامش بمانیم.

تالاب شادگان علاوه بر دارابودن ارزش بین المللی، طبق مصوبه شورای عالی حفاظت از محیط زیست با نام پناهگاه بین المللی حیات وحش شادگان به سازمان محیط زیست واگذار شد. این حیات وحش وابسته به تالاب نیز دارای ارزش های اقتصادی و اجتماعی است.

پوشش گیاهی درون تالاب چراگاه و منبع مهم تأمین علوفه و غذا برای دام های روستاییان حاشیه تالاب تلقی می شود.

در میان تالاب های کشور، تالاب شادگان از نظر شکل رویشی متنوع ترین تالاب به شمار می رود. سطح تالاب با گیاهان آب دوستی چون لویی و چولان که نوعی چگن هستند و نی که به عنوان مصالح ساختمانی مورد استفاده واقع می شود و گیاهان غوطه ور پوشیده، محل بسیار مناسبی برای پذیرش هزاران پرنده آبزی مهاجری است که از شمال اروپا و سیبری در پاییز به منطقه روی می آورند.

● تالابی در آغوش نخلستان و نی زار

با این که تالاب شادگان بالقوه از موقعیت گردشگری بسیاری برخوردار است اما سطح زندگی مردمی که در روستاهای محصور این تالاب زندگی می کنند بسیار پایین و زیر خط فقر است. مواد اولیه خانه های آنان از خود تالاب تهیه می شود و اقتصاد مردمان بر صید ماهی و طیور می چرخد. در حوزه اکولوژیک تالاب ۱۱۷ روستا و ۳ نقطه شهری یافت می شود که رفت و آمد میان این روستاها از طریق قایق صورت می گیرد، یعنی چیزی شبیه شهر «ونیز» ایتالیا که هرساله هزاران هزار گردشگر را به خود جلب می کند.

تالاب شادگان از لحاظ رتبه های ثبت شده در یونسکو در برهه های مختلف متفاوت بوده است. زمانی رتبه پنجم بین المللی، بعد از آن رتبه هجدهم و هم اکنون رتبه بیست و دوم را داراست. این سیر صعودی شماره رتبه که در واقع سیر نزولی کیفی و کمی است به دلیل دخل و تصرف های مصنوعی و بی رویه و ورود آلاینده ها، از جمله پساب های کشاورزی توأم با انواع سموم دفع آفات نباتی بویژه ناشی از طرح کشت و صنعت نیشکر، نشت لوله های نفت که از منطقه تالاب عبور می کند و تخلیه زباله های شهری در حاشیه تالاب و غیره است.

● تالاب شادگان در خطر نابودی

جمال زوری زاده، مدیر منطقه گردشگری تالاب شادگان در این باره می گوید: فاضلاب ها منجر به از میان رفتن نی زارها و آبزیان تالاب شادگان می شود و حیات این منطقه را به خطر می اندازد. وی می افزاید: این تالاب دارای ۳ نوع آب شور، لب شور و شیرین است که متأسفانه پساب ناشی از تولید نیشکر که دارای سموم دفع نباتات است منجر به شوری آب می شود؛ چرا که این مواد از مجرای آب شیرین وارد تالاب می شود و به شوری آب تالاب، از میان رفتن آبزیان و محدود شدن تعداد گردشگران منجر می شود.

این مقام مسئول در ادامه صحبت های خود، خاطرنشان می کند: البته هم اکنون با تلاش نماینده مردم شهرستان شادگان، کانالی به عرض ۱۰۰ متر و در طول توسعه نیشکر تا دریا در دست ساخت است که ۵۰ درصد از کارهای آن به پایان رسیده است.

زوری زاده با اشاره به این که تالاب شادگان دارای جاذبه های وسیع برای جذب گردشگران است، اظهار می دارد: توسعه زیرساخت ها یکی از اهداف بلندمدت سازمان محسوب می شود. در این راستا ۱۵۰ میلیون تومان در سال ۱۳۸۴ برای این کار درنظر گرفته شد که در روستای «رگبه» به ساخت جاده، پارکینگ، ایجاد فضای سبز و ساخت یک اسکله کوچک اختصاص داده شد. همچنین در سال ۱۳۸۵ نیز ۱۵۰ میلیون تومان بودجه برای این تالاب تعریف شد که آن هم به ایجاد زیرساخت روستای «صراخیه» منجر شد.

وی ادامه می هد: این روستا در وسط تالاب و منتهی الیه جاده کمربندی واقع شده است. ایجاد فضای سبز و اسکله جزو مهم ترین طرح های روستای صراخیه محسوب می شود.

سازمان محیط زیست به دلیل از میان رفتن حیات وحش تالاب، با توسعه مؤلفه های مربوط به جذب گردشگران مخالف است؛درصورتی که با هماهنگی سازمان و محیط زیست این منطقه می تواند به صورت یکی از مناطق زیبای طبیعی درآید و محافظت شود همچنین رفت و آمد گردشگران منجر به رفاه مردمان این تالاب باشد.

در مذاکراتی که از طرف رئیس سازمان خوزستان، استانداری، فرمانداری و نماینده مردم شادگان با سازمان محیط زیست صورت گرفته است، طرح مطالعات توسعه گردشگری این تالاب در دست بررسی است. همچنین با مذاکراتی که با فرماندهی یگان حفاظت انجام شد، قرار است ۱۵ نیرو برای حفاظت از این تالاب بکر و سرسبز به ما معرفی شود.

این مقام مسئول می افزاید: خوشبختانه مردمان بومی از ورود گردشگران بسیار خرسند بودند؛ زیرا

هم با آداب و معاشرت دیگر مناطق آشنا می شدند و هم می توانستند با قایق های خود، کسب درآمد کنند.

وی دریافت موافقتنامه اصولی و کلی محیط زیست را جزو مهم ترین برنامه ها برای توسعه گردشگری می داند و می گوید: درصورت دریافت این موافقتنامه می توان دیگر اقدامات لازم نظیر ایجاد سرویس بهداشتی، ایجاد مراکز اقامتی و... را برای پذیرایی میهمانان داخلی و خارجی نیز فراهم کرد.

● برکه ای ناشناخته و منحصر به فرد

تمام آنچه در این سرزمین رؤیایی بود برایمان جذابیت داشت. پیرزنان و پیرمردان روستایی با این که کمرهایشان خموده شده اما هنوز به زور بازو نان می خورند و پابه پای هم پیش می روند. شاید مانند روزهای اول آشنایی، هیجان باهم بودن ندارند اما می دانند که یکی بدون دیگری انگیزه حرکت ندارد.

تالاب زیبا بود و سحرانگیز اما وقتمان کم بود و باید برمی گشتیم. در راه برگشت نظاره گر گله ای از گاوها بودیم که عرض این تالاب را برای رسیدن به علوفه و خوراک طی می کردند. در برخی از مناطق که عمق تالاب زیاد بود، این حیوانات عظیم الجثه در آب فرو می رفتند و فقط سر آنها از آب بیرون بود. دیدن این صحنه فقط با زدن شاتر دوربین حفظ می شود و ماندنی. زیبایی تالاب شادگان را باید لمس و از نزدیک آن را حس کرد. می توان چندین روز متوالی وقت گذاشت و از طبیعت بکر و دست نخورده و پرندگان وحشی زیبای آن لذت برد و هزاران عنصر ناشناخته دیگر را در آن کشف کرد.

http://vista.ir/?view=article&id=305010

vista.ir
Online Classified Service

تأملی تازه در مفهوم چند واژه

چندسالی است که با <رونق> حرفی و <گسترش> زبانی و تبلیغاتی صنعت مسافرت در کشور عزیز ما ایران، مسوولان محترم امور و دست‌اندرکاران سیاست، اقتصاد و فرهنگ از مسافرت و جابه‌جایی مردم، گاه به نام <صنعت جهانگردی> زمانی به‌عنوان <صنعت توریسم> و به‌ویژه در دو- سه سال اخیر پس از ایجاد <سازمان میراث فرهنگی و گردشگری> به نام صنعت <گردشگری> یاد می‌کنند و در مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها و نوشته‌ها و بخشنامه‌ها در به‌کار بردن واژه <گردشگری> کوشش دارند. در صورتی که بسیاری از واژه‌های کهن و مردم فهم فارسی مورد بی‌مهری قرار گرفته و به ورطه فراموشی سپرده شده‌اند، به ساختن واژه‌هایی پرداخته می‌شود که نه از نظر آوا و آهنگ و نه از جنبه معنا و مفهوم مقبولیت و پذیرش مردمی نداشته و در زبان و گفت‌وگوی روزانه و نوشته‌های نویسندگان و ادبای آزاد نیز جایی ندارند!

واقعیت این است که زبان وسیله ارتباط هر موجود زنده‌ای با جهان پیرامون اوست و هر جنبنده‌ای با استفاده از کوتاه‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین واژه‌ها و نواها، مقصود و خواست و نیاز خویش را به شنونده خود می‌فهماند. در زبان که وسیله ابزار اندیشه‌ها، خواست یا تفهیم و تفاهم میان افراد است واژه‌هایی مورد پذیرش مردم قرار می‌گیرد که:

- بتوان آنها را با سلاست و روانی به کار برد
- در عین کوتاهی از بار معنایی ژرف و فراوان برخوردار باشد
- آهنگ و آوایی خوش داشته باشد
- از کمترین حرف تشکیل شده باشد
- کارها و موضوعاتی که با این واژه‌ها بیان شود، مسائل روز جامعه و دغدغه نسل‌ها در ازای تاریخ باشد

هم‌اکنون برآنم با بهره‌مندی از آرای واژه‌شناسان و فرهنگنامه‌ها، معانی لغوی و متعارف واژه‌های سفر، مسافرت، مسافر، جهانگردی و جهانگرد، گردشگری و گردشگر، توریسم و توریست را ارائه نمایم.

● مفاهیم سفر، مسافر

۱) سفر از ماده <سفر> است. مفهوم نخستین و اصلی آن <کشف> و آشکار شدن است. پرده برداشتن به منظور آشکار کردن نیتی پنهان را نیز سفر گویند. اگر موضوع، یا شیء و یا فردی در پس پرده قرار گرفته باشد و یا رویت آن برای دیگران ممکن نباشد اما پرده‌برداری و رفع حجاب از روی آن شیء را با ماده سفر نمایان می‌سازند.

۲) سفر به معنی بقیه سپیدی روز پس از فرو شدن آفتاب و سپیدی صبح است.

۳)سفر به معنی صلح دادن میان دو قوم و میانجیگری کردن است.

۴) سفر به معنی بیرون شدن از شهر خود و به محلی دیگر رفتن و قطع مسافت نمودن است.

۵) سفر به معنی راهی که بپیمایند و از محلی به محل دور دیگری رفتن نیز آمده است. (ع.صفی‌پور، ۱۳۷۷، هـ .ق .ج ۲. ص ۵۶۲)

شاید دلیل اینکه سفر به معنی سپیدی آمده است این باشد که سپیدی به معنی روشنی و آگاهی است و طی سفر است که بسیاری از ناشناخته‌های ذهن آدمی (تاریکی‌ها، نادانسته‌ها)درباره نواحی و سرزمین‌ها، طبیعت، مردم و... شناخته می‌شود. (روشنی‌ها و دانسته‌ها) وانگهی، سفر نیکی و بدی درون آدمی را آشکار می‌کند. (محلاتی، ص ۱۳۸۰ ص ۲)

مسافرت باعث سلامت اندیشه می‌شود و به تندرستی کمک می‌کند و مایه پیدایی و بروز شخصیت مسافر می‌شود. (لانکوار، ۱۳۸۱، ص ۶۸

به راستی در حضر که واژه مخالف <سفر>است و به معنای ایستایی در میهن و سکون در محل زندگی است، آدمی به سبب نبود امکان دیدن مردم، سرزمین‌ها، اشیا، شهرها و روستاها و خلاصه، جهان هستی بیرون از جایگاه کار و زندگی همیشگی خود، نمی‌تواند به کشف و در نتیجه به درک واقعیت‌های موجود نائل آید و کمال پیدا کند و ذهنش روشن شود چه بسا بینشی محدود و بسته و ضمیری تیره و تار دارد.

سفیر (فرستاده شده) از مشتقات سفر است و به مسافر، سفیر هم می‌گویند و آن شخصی است که از سوی قبیله و قوم و یا کشوری به کشور و به میان ملت دیگری می‌رود و یا فرستاده می‌شود، تا میان آن دو قوم و یا ملت ایجاد پیوند و دوستی بنماید، به حل و فصل مسائل یاری رساند و بالاخره، به گسترش صلح و صفا میان مردم دو سرزمین همت گمارد.

سفر به معنی <توجه دل به سوی حق تعالی است.>(م. معین ۱۳۷۵ ص ۱۸۸۸ ج۲)

- مفاهیم جهانگردی و جهانگرد

جهانگردی واژه‌ای است فارسی و به معنای گردیدن به دور جهان است و جهانگرد به مفهوم جهان گردنده و آنکه در اقطار عالم بسیار سفر کند آمده است. (ع.ا.دهخدا. ۱۳۲۵- ص ۱۱ ج۱۹)

واژه‌های جهانگردی و جهانگرد در واقع فارسی شده سیاحت و سیاح است و جهانگرد کسی است که زیاد سفر می‌کند.

در زبان فارسی و در میان مردم تفاوتی میان جهانگردی، جهانگرد و مسافرت، مسافر وجود دارد، در واقع امر، کمیت دفعات جابه‌جایی و حرکت مردم و مدت زمان آن موجب اختلاف میان مفهوم جهانگرد و مسافر است.

مردم فارسی‌زبان به کسی جهانگرد می‌گویند که بسیار سفر می‌کند. با اینکه کاربرد این واژه از سال‌های پیش در ایران (شاید ۱۳۱۴) متداول شده است لیکن هنوز میان مردم و در گفت‌وگوی روزمره چندان رایج نیست. آنچه رواج بسیار دارد، کاربری واژه‌های سفر، مسافرت و مسافر است که انصافا علاوه بر اینکه در برگیرنده همه گونه‌های جابه‌جایی‌ها: دور، نزدیک، کوتاه و بلندمدت است، مفاهیم ژرف و گسترده‌ای را نیز در بر دارد که پیش از این به آن اشاره شد.

- گردشگری و گردشگر

واژه‌های مزبور که شاید ترجمه واژه عربی <سیر> و یا واژه فرانسوی <پروماند> باشد، به‌رغم تلاش مسوولان امور فرهنگی در انتشار آن در میان مردم، تاکنون نه در گفت‌وگوهای روزانه و نه در نوشته‌های نویسندگان و یا سروده‌های شاعران و... به هیچ‌وجهی جا و مکانی نداشته و به کار نمی‌رود.

گردش کردن و یا رفتن در زبان فارسی و میان فارسی‌زبانان مفاهیم محدود زمانی و مکانی خود را دارد: قدم زدن، بیرون رفتن از خانه و یا محل کار برای مدتی اندک، به بوستان و خیابان رفتن و خلاصه، گردیدن در پیرامون محیط همیشگی زندگی و کار برای زمانی کوتاه، مثلا چند ساعت است و نه به معانی مسافرت کردن. در فرهنگ معین، گردش به معنای زیر است: گردیدن، حرکت دورانی، دور زدن حرکت، تحول، صرف و ... گردش کردن به معنای گشت رفتن، تفریح کردن و...(معین. محمد ۱۳۷۵، چاپ نهم، ص۳۲۴۰. ج۳)

- توریسم و توریست

از نظر تولد و پیدایش واژه، تقریبا همه بر این گفته‌اند که <توریسم> مدتی طولانی پیش از واژه <توریست> پیدا شد. واژه فرانسوی <توریسم> استنتاج و رونویسی واژه انگلیسی توریست است که معمولا از واژه‌ای بسیار فرانسوی برآمده است.(بوایه، م ۱۹۷۴. پ۷)

هر چند در انگلیس سده هجدهم فقط واژه تور (چرخش، چرخیدن، گردش، گشتن)به کار می‌رفت.

تور و یا گراندتور (گردش بزرگ) به مفهوم مسافرت‌هایی بود که جوانان ثروتمند انگلیسی در زمان تحصیلاتشان انجام می‌دادند با اینکه این جوانان کمتر به پژوهش و کاوش و بیشتر به سرگرمی و تفریح می‌پرداختند، اما این مسافرت به‌عنوان مکمل ضروری برای آموزش و پرورش آنان تلقی می‌شد.

تور به اشراف‌زادگان و ثروتمندان اختصاص داشت. در پایان سده هجدهم نوشته‌های تخصصی در مورد <تور بزرگ> نگارش یافت. این نوشته‌ها به جوان مسافر آنچه را که باید به هنگام بازگشت از سفر به عنوان گزارش به پدرش ارائه دهد، نشان می‌داد. (همان، پ ۵)

توریسم به معنای مسافرت کردن برای خشنودی و لذت بردن و همچنین کار و شغلی آمده است که کار تدوین گشت‌ها و مسافرت‌ها برای جهانگردان را برعهده دارد. (لغتنامه آمریکن هریتیج ۲۰۰۰. پ ۱۸۲۶

از پایان سده نوزدهم واژه‌های <توریسم> و <توریست> در بیشتر زبان‌های اروپایی با اندک تفاوتی در لفظ و تلفظ کاربرد پیدا کرده است.

توریسم که واژه‌ای فرانسوی است از ریشه <تور> گرفته شده است. تور در زبان فرانسه به معنای زیر آمده است: حرکت دورانی (چرخش)، پیمودن، طی کردن راه، گردش کردن. به نظر پیرلاروس، توریسم مسافرت کردن به منظور تفنن و لذت بردن است و توریست کسی است که برای خشنودی خود و لذت بردن مسافرت می‌کند.

توریسم به معنای مسافرت و طی مسافرت نمودن و به جایی دور از محل دائم زندگی رفتن و برای خشنودی و لذت بردن آمده است. مجموعه فعالیت‌های مربوط به جابه‌جایی جهانگردان را نیز توریسم می‌گویند. (روبر، ۱۹۹۳. پ ۲۲۷۷)

واژه توریسم که نزدیک به یک سده معنایی مترادف با خستگی‌زدایی داشت مورد بررسی و پژوهش جامعه‌شناسی و علمی قرار گرفت. تا همین اواخر فرهنگ‌نویسان به معنی کردن این واژه به‌عنوان <اقدام به مسافرت برای خشنودی و لذت> بسنده می‌کردند، لیکن امروز این واژه قلمروی معنایی گسترده‌تر و پیچیده‌تر و جاه‌طلبانه‌تری دارد. (هولو.آ، ۱۹۷۴پ، ص ۲۰)

لیتره (۱۹۶۸) به معنای متعارف این واژه اکتفا می‌کرد: جهانگرد به مسافری گفته می‌شود که برای کنجکاوی و از روی بیکاری به کشورهای بیگانه‌ای که مورد دیدن هم‌میهنانش قرار گرفته است می‌رود.(پیشین)

چنین پیدا است که واژه توریسم در گذشته، بنا به چگونگی اندیشه زمان، بیشتر بار معنایی لذت بردن و تفنن داشته است، چنان که رائول بلانشارد می‌گوید: توریسم یعنی مسافرت به منظور بهره‌برداری از مناظر زیبای کشور یا ناحیه‌ای که مورد بازدید قرار می‌گیرد.

لیکن با گذشت زمان و تحولاتی که در زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه اروپای سده بیستم روی داد، در مفهوم واژه‌های توریسم و توریست دگرگونی به‌وجود آمد و تعریف‌نگاران و فرهنگ‌نویسان، نیز به کسی توریست می‌گفتند که برای تجدید نیرو، رفع خستگی و خودسازی از راه آشنایی با اقوام و ملل گوناگون و شناخت پدیده‌های هستی به مسافرت می‌رود. (محلاتی.۱۳۸۰. ص۳)

- مفاهیم فنی

لزوم ارزیابی دقیق درآمدها و هزینه‌های جهانگردی در یک کشور ضرورت تعریف روشن از جهانگردی و جهانگرد را نشان می‌دهد.

در سال ۱۹۳۷ هیات کارشناسان آمار جامعه ملل در جهت تعریف <جهانگرد> گام برداشت. به نظر این هیات به همه افرادی که به منظور تفنن و لذت بردن به مدت ۲۴ ساعت و بیشتر و کمتر از یک سال محل اقامت دائم خود را ترک می‌کنند، جهانگرد می‌گویند. اما هیات مزبور افرادی را که به منظور اشتغال به کار یا حرفه‌ای به کشور دیگری وارد می‌شوند، مسافران عبوری و دانشجویان مقیم یک کشور را جهانگرد نمی‌شناخت.

اتحاد بین‌المللی سازمان‌های رسمی مسافرتی تعریف فوق را پذیرفت ولی پس از برگزاری نشست‌های دوبلین در سال ۱۹۵۰ و لندن در سال ۱۹۵۷ سفارش کرد که دانشجویان نیز در شمار جهانگردان قرار گیرند و میان مسافران عبوری و جهانگردان تفاوت قائل شوند. این سفارش در نشست سازمان ملل متحد در مورد جهانگردی و مسافرت‌های بین‌المللی که در سال ۱۹۶۲ در رم تشکیل شد نیز پذیرفته شد. این تعریف تازه که همه دولت‌ها آن را پذیرفتند به ایجاد ضابطه‌ای برای آمارگیری جهانگردی و بنابراین بررسی وضع بازارهای جهانگردی کمک بزرگی کرد. (محلاتی. ۱۳۸۰ ص۴)

به هنگام برگزاری همایش اوتاوا در سال ۱۹۹۱ از سوی سازمان جهانی در زمینه تعریف واژگان، اصطلاحات و طبقه‌بندی آنها تصمیم‌هایی گرفته شد و سفارش‌هایی کردند. روی هم رفته همه تعریف‌ها دربرگیرنده دو نوع بازدیدکننده یعنی مسافر جهانگرد و تفرجگر است که در دو موضوع جهانگردی و تفرجگری می‌گنجند.

جهانگردان یا مسافران عبارتند از بازدیدکنندگان موقتی که دست‌کم مدت بیست‌وچهار ساعت و دست بالا، تا یک سال در کشور و یا سرزمینی غیر از محل سکونت دائمی خود به سر برند. آنان را برحسب دلایل مسافرت می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱) سرگرمی و تفریح و آسودگی (تفنن، لذت‌بردن، گذراندن تعطیلات، تندرستی، سلامتی، پژوهش و تحصیل، انجام نیایش و آیین‌های مذهبی، ورزش، ماجراجویی)

۲) بازرگانی، دیدار خانوادگی، دوستان و آشنایان، ماموریت، شرکت در گردهمایی‌ها و...

تفرجگران یا گردشگران که عبارتند از بازدیدکنندگان موقتی که مدت اقامتشان در سرزمین یا کشور مورد بازدید از ۲۴ ساعت بیشتر نیست (گردش‌کنندگان با کشتی‌های تفریحی، نیز در این گروه جای می‌گیرند.)

هم‌اکنون بر پایه تعریف سازمان جهانی جهانگردی، جهانگرد کسی است که به سرزمین یا کشوری بیرون از جایگاه همیشگی زندگی و کار خود سفر می‌کند و دست‌کم یک شب و به هرحال، کمتر از یک سال در آنجا می‌ماند و دلیل عمده سفرش اشتغال به کاری برای دریافت دستمزد نیست بنابراین جهانگردی ویژگی‌های زیر را دارد؛

- فعالیتی بسیار پیچیده و چندجانبه است که روابط بی‌شماری را در میان شاخه‌ها و رشته‌های گوناگون فعالیت‌های انسانی ایجاد می‌کند.
- پدیده جهانگردی و پیامدهای آن از حرکت مردم برخاسته است، پس در واقع حرکت و جابه‌جایی مبنای جهانگردی است.
- از آنجا که ترک بوم و کاشانه و رفتن به جای دیگر منشاء جهانگردی است، این نوع فعالیت اصولا با فعالیت‌های محل کار و اقامت همیشگی جهانگرد تفاوت دارد.
- توقف فرد در مقصد موقتی است و پس از مدتی به جایگاه همیشگی زندگی خود برمی‌گردد.
- مسافر قصدی برای اشتغال به کار در مقصد مسافرت ندارد.

این ویژگی‌ها را می‌توان در تعریف دو استاد سوئیسی، کورت کرات و ویلیام هونزیکر از جهانگردی ملاحظه کرد: <جهانگردی عبارت است از مجموع فعالیت‌ها، پدیده‌ها و روابطی که از مسافرت و اقامت مردم در جایگاهی غیر از جایگاه همیشگی زندگی و کار به‌وجود می‌آید و این امر تا زمانی صادق است که اقامت موقت باشد و دربرگیرنده اشتغال موقت نیز نشود.>(مدلیک. اس و بوکارت.ا. ۱۹۷۴ پ ۴۰)

منبع : روزنامه اعتماد ملی

http://vista.ir/?view=article&id=293342

vista.ir
Online Classified Service

تپه و قلعه جوقین

تپه جوقین از جمله آثار باستانی دوران ساسانی در شهریار است که چون نگینی بر بستری از گل و گیاه آرمیده؛ قلعه ای کهنسال و افسانه ای که در عین اینکه یکی از کهن ترین آثار باستانی منطقه به شمار میآید یکی از ناشناخته ترین آنان نیز است. قلعه ای عظیم که با همه عوامل ویرانگر مقابله کرده و با عظمت و شکوه دیرینش استوار مانده است. تپه و قلعه جوقین در۱۰ کیلومتری جنوب غرب شهریار در شهر وحیدیه واقع شده است. قدمت و استقرار مردم در آن با توجه به مسکوکات و سایر اشیای مکشوفه دست کم به دوره یزدگرد سوم ساسانی می رسد. تپه جوقین یکی از مهمترین و بزرگترین بناهای خشتی منطقه است که برج و باروهای آن و مصالح و خشت های استفاده شده در آن آثار معماری پیش از اسلام را نشان می دهد. سفالینه های کشف شده در تپه جوقین نیز نظر به اینکه هیچکدام از آنها دارای لعاب نمی باشد حائز اهمیت دیرین شناسانه است. نام جوقین، بنا به برخی گفته ها گویا برگرفته از نام بهرام چوبین سردار و قهرمان ملی ایران درعهد خسرو پرویز ساسانی است که بعدها در دوره یزدگرد سوم رونق گرفته و مورد استفاده بوده است. تپه جوقین و قلعه دیگری که در مرکز روستای قدیمی جوقین واقع است (به دلیل ساخت و سازهای بعدی در بستر شهر مدفون گشته) را نیز به همین دلیل به بهرام چوبین نسبت می دهند . افسانه های بسیاری در مورد این اثر باستانی، گنجهای موجود در آن و ... توسط مردم محلی نقل می شود که جمع آوری و توجه به آنها جدا از مسائل باستان شناسانه، از نظر

اسطوره شناسی و مردم شناسی حائز اهمیت است.

● قلعه ایرج

این قلعه نزدیک روستای جعفر آباد در شمال شرقی ورامین واقع شده است . ارتفاع متوسط دیوار قلعه ۱۲ متر است و در اطراف قلعه به فاصله ۱۰۰ متر سنگر هایی قرار دارد. این قلعه به شکل مستطیل و مصالح آن از خشت و گل است و در نوع خود یکی از بزرگ ترین قلعه های ایران به شمار می رود.

● قلعه تبرک

قلعه تبرک امین آباد از بناهای قرون نخست اسلامی است که داخل بارو و حصار ری قرار داشت و از دورا ن خلفای عباسی بر جا مانده بود که این قلعه تخریب شد و امروزه به دلیل وجود برج نقاره خانه بر فراز آن به کوه نقار خانه معروف است.

● قلعه گبری

این قلعه از قلاع محافظ هسته اولیه ری است که در جنوب شرقی ری قدیم و میدان معلم ری امروز واقع است. از آثار معماری این قلعه، تنها یک چهار دیوار به مساحت دو هکتار با دیوارهای مرتفع از ۱۰ تا ۱۳ متر، همراه چهار برج دیده بانی باقی مانده است. قدمت این قلعه به دوره اشکانیان، حدود ۲۲۵۰ سال پیش می رسد.

● دختر قلعه تنگ گسیل

گسیل یکی از آبادی های دهستان شاد است که در سه کیلومتری شرق جاده اصلی کرج - چالوس واقع شده است. در این قسمت از جاده یعنی ۵۲ کیلومتری شمال کرج، تنگه ای وجود دارد که به تنگه گسیل معروف است. چندین سال است که به دلیل صعب العبور بودن این تنگه، جاده اصلی از میان تونلی که در کنار تنگه ایجاد شده می گذرد. بالای این تونل و در نوک قله کوه، آثاری از یک قلعه به چشم می خورد که به قلعه دختر معروف است. این قلعه به شدت رو به ویرانی است و فقط بخش های بسیار محدودی از دیوار های آن به صورت جدا از هم باقی مانده است. بقایای آجرها و سنگ های شکسته و ملات ساروج حاصل از حفاری های غیر مجاز در مساحتی حدود ۱۰۰۰ متر پراکنده است. حفاران قسمت های زیادی از کف، پای دیوارها و پی بنا را تخریب کرده اند. در این قسمت، پایه دیوارها و کف بعضی از اتاق ها نمایان است ونشان می دهد که شالوده بنا در دل صخره ایجاد شده و در زیر خاک ایمن تر به حیات خود ادامه می دهد. مصالح به کار رفته در این بنا، سنگ و ساروج است ولی وجود آجر های پراکنده در اطراف، نشان می دهد در بنای قلعه از آجر نیز استفاده شده است. سفالهای موجود در این محوطه از نوع سفال های قرمز و نخودی بدون لعاب دوران اسلامی است. دو قطعه سفال لعاب دار بسیار ریز به دست آمده از این قلعه، به سفال های سلجوقی و ایلخانی بسیار شباهت دارد.

● قلعه دهشاد

قلعه دهشاد در روستایی به همین نام، در ده کیلومتری شرق شهریار و در محدوده شهر باغستان واقع است. این قلعه با قدمت بیش از ۲۰۰ ساله خود یکی از قلعه های متعدد شهرستان شهریار است که از اغلب آنان چیز زیادی باقی نمانده است و به علت کم توجهی مسئولین مربوط بخش اعظم قلعه ها (همچون قلعه فرامرز، قلعه چهل دختر در حصار ساتی و...) تخریب شده است. دیوار گرداگرد قلعه دهشاد تقریبا سالم مانده و قلعه هنوز مسکونی می باشد. قلعه به سبک معماری اوایل دوره قاجار ساخته شده است و ابعاد آن صد متر در صد متر؛ به شکل مربع می باشد و در چهار گوشه آن برج دیدبانی قرار داشته است. این قلعه در صورت باز سازی می تواند به یکی از جاذبه های مهم گردشگری شهریار تبدیل شود.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=119943

vista.ir
Online Classified Service

تپه های سیالک در اصفهان

در حدود ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح , اجتماعی با یک تمدن جالب توجه در این منطقه مستقر شد که ابزارهای آنها سنگ و استخوان بود . این امکان وجود دارد که ساکنان قبلی این ناحیه به فاتحانشان تسلیم شده بودند. در این مکان لوحهایی رسی ازایلامیان پیدا شده است زیرا این اقوام بر اثر پیوندهایی که با تمدن شوش پیدا کرده بودند , در حدود ۵۵۰۰ سال پیش , نوشتن را آموختند. در نتیجه , این لوحهای رسی یافت شده با قدیمیترین دستخطهای ایلامیان نشانه هایی از این دوران به شمار میروند. شواهدی که در قبرستانی بین دو تپه کوچک به دست آمده است مربوط به مهاجران جسور تپه سیالک می باشد که شباهت زیادی به کشفیات در تپه گیان نهاوند و خوردین در ساوج بولاک دارند.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94322

vista.ir
Online Classified Service

تخت سلیمان

چشمه بزرگ و آهک ساز تخت سلیمان که مردمان محلی گاه آن را دریاچه تخت سلیمان می‌نامند، میان دو روستای نصرت‌آباد و همپا قرار گرفته و بزرگترین و پرآب‌ترین چشمه آهک ساز منطقه است.

آب آن که کاملاً سرد و زیاد است، از دو کانال شمالی و جنوبی خارج می‌شود. مقدار گازهای co۲ و sh۲ چشمه چندان زیاد نیست، ولی املاح بی‌کربنات آن بیش از حد اشباع است. دهانه آن همانند دریاچه‌ای زیبا و به شکل بیضی است؛ قطر بزرگ این بیضی ۱۲۰ متر و قطر کوچک آن ۸۰ متر برآورد می‌شود؛ همچنین عمق آن به حدود ۶۰ متر می‌رسد. احتمالاً دهانه این چشمه در آغاز پیدایش بسیار کوچکتر (شاید کمتر از یک متر) بوده است و سپس بر اثر انحلال دوباره فرآورده‌های تراورتن، بر اثر آمیزش با آب محتوی اسید کربنیک، دور دهانه خورده شده و قطر آن رفته رفته افزایش یافته است. به سبب آب‌دهی زیاد در گذشته و نیز مقدار زیاد املاح بی‌کربنات کلسیم آب، این چشمه مانند چشمه‌های دیگر، فرصت پدید آوردن مخروط نیافته و سکویی تخت و صاف از نهشته‌های تراورتن ساخته که حدود ۱۰ متر بالاتر از دشت پهلویی جای گرفته است. گستره این سکو مستطیلی به درازای ۴۰۰ متر و با ۳۰۰ متر پهناست.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=93886

vista.ir
Online Classified Service

تسهیلات نوروزی از وعده تا عمل؛ ببینیم و تعریف کنیم!

مسافران و گردشگران نوروزی امسال نگران اقامت خود نباشند، این شعاری است که همه ساله در آستانه سال جدید و تعطیلات نوروزی از سوی ستاد تسهیلات نوروزی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گفته می‌شود، اعضای این ستاد که شامل بیش از ۳۰ ارگان و سازمان می‌شوند همواره وعده می‌دهند تمام توان و امکانات خود را برای اسکان مسافران و گردشگران به کار خواهند گرفت تا برای اقامت آنها در ایام نوروز در استان‌های مختلف مشکلی به وجود نیاید، تا پس از تعطیلات نظر مسافران چه باشد.

از سوی دیگر، هر سال با آغاز سال جدید و شروع تعطیلات نوروزی اکثر مردم به فکر سفر و گردشگری می‌افتند و به این فکر می‌کنند که آیا مانند سال‌های قبل باز هم مشکلاتی در خصوص اقامت، امکانات رفاهی، بازدید از مراکز تاریخی، تفریحی، فرهنگی و... برایشان به وجود می‌آید یا خیر.ملک‌زاده معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گفت: در ستاد تسهیلات نوروزی، معاونت‌ها و کمیته‌های مختلف تخصصی امسال وظیفه دارند تا قبل از اینکه سفرهای نوروزی آغاز شود بر اساس معیارها و ضوابط تعیین شده کلیه بازرسی‌ها و ارزیابی‌ها را از زیرمجموعه‌های خود در مراکز اقامتی و پذیرایی، ارزیابی جاده‌ها و مسیرهای تردد مسافران، ایجاد پایگاه‌های اطلاع رسانی، تبلیغات و... در کلیه استان‌های کشور انجام دهند و همه موانع و مشکلات را به ستاد تسهیلات نوروزی ارایه دهند.

وی بودجه ستاد تسهیلات نوروزی را در مقایسه با برنامه‌های پیش‌بینی این ستاد ناچیز و اندك (۵ و ۶ میلیون تومان) خواند و گفت: با وجود کمبود بودجه از همه دستگاه‌های دولتی و خصوصی می‌خواهیم تا با ایجاد تعامل و هماهنگی، مشکلات سفرهای نوروزی را حل کنند. معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی تاکید کرد: کلیه هتل‌ها و مراکز اقامتی موظف هستند تا نهایت همکاری را با مسافران و مراجعین خود داشته باشند و در صورت عدم وجود ظرفیت برای پذیرش آنها با اطلاع به ستاد تسهیلات نوروزی هر استان، ستاد مربوطه امکان مکان‌یابی برای اسکان مسافران را فراهم کند.

حسن وظیفه‌دوست، رییس ستاد تسهیلات نوروزی کشور نیز می‌گوید: در معاونت‌های مختلف ستاد تسهیلات نوروزی، هماهنگی‌های بین استانی و بین بخش میانی ۲۹ تا ۳۰ دستگاه دولتی و اجرایی دخیل در امور گردشگران اجرا می‌شود.

وی افزود: ایجاد پایگاه‌های مختلف اطلاع‌رسانی در فرودگاه‌ها، پایانه‌ها، ترمینال‌های راه‌آهن و در کلیه مبادی ورودی و خروجی استان‌ها، ایجاد سایت اطلاع‌رسانی گردشگران، با امکانات ویژه تبلیغاتی در خصوص معرفی جاذبه‌های تاریخی و گردشگری به همراه نقشه هر استان ایجاد فضاهای اقامتی موقت و کمپینگ‌ها، ارایه امکانات و خدمات بهداشتی، درمانی، امداد خودرویی و جاده‌یی به گردشگران و... از جمله برنامه‌های این ستاد است.

وظیفه دوست خاطرنشان کرد: لغو تعطیلات کلیه موزه‌ها، کاخ‌موزه‌ها و سایت‌های تاریخی، افزایش سطح کمی و کیفی رستوران‌های بین‌راهی و ارایه تخفیف پنج درصدی به مسافران نوروزی، تشکیل کمیته‌های مختلف بازرسی و ارزیابی عملکرد برای بازرسی کلیه واحدهای اقامتی پذیرایی،

رستوران‌های بین‌راهی، افزایش مراکز اورژانس جهت ارایه خدمات بهداشتی و فوریت‌های پزشکی به مسافران از ۲۵۰ مرکز به ۵۰۰ مرکز از دیگر برنامه‌های پیش‌بینی شده در ستاد تسهیلات نوروزی است.معاون اسکان و پذیرایی ستاد تسهیلات نوروزی نیز تصریح کرد: هماهنگی با کلیه استان‌ها برای تشکیل کمیته اسکان و پذیرایی به منظور آماده‌سازی و تجهیز کلیه واحدهای اقامتی و پذیرایی، پیش‌بینی کمپ‌های اقامتی موقت، هماهنگی با وزارت بازرگانی برای تدارك و پیش‌بینی اقلام مورد نیاز مسافران، تعیین کشیك‌های مختلف در کلیه صنوف خدماتی، از جمله برنامه‌های معاونت اسکان و پذیرایی است.

باقری تاکید کرد: در مجموع فضاهای اقامتی ۶۲۵ واحد، هتل با ۲۸ هزار ۷۸۰ اتاق و حدود ۶۰ هزار تخت به اضافه ۱۵۰۰ واحد مهمانپذیر و ۲۳۰ واحد هتل آپارتمان در تعطیلات نوروزی ظرفیت اقامتی کشور را تشکیل می‌دهند.به گفته وی، حدود یك میلیون کلاس درس و ۳۰۰ هزار فضای اقامتی در قالب کمپ و چادر برای اسکان مسافران و فرهنگیان در نظر گرفته شده است.

● تهران بزرگ برای نوروز آماده می‌شود

کمیته اطلاع‌رسانی و تبلیغات ستاد نوروزی استان تهران از اجرای برنامه‌های متنوع ستاد نوروزی استان تهران در ایام نوروز خبر داد. بر اساس این برنامه طراحی و چاپ برنامه‌های تبلیغاتی در تیراژ ۲۰۰۰۰ نسخه شامل کارت پستال از آثار تاریخی فرهنگی تهران، بروشور جاذبه‌های میراث فرهنگی، معنوی، طبیعی و گردشگری استان تهران به همراه نقشه راهنما، بروشور راهنمای سفرهای نوروزی و... است. طریقت، رییس ستاد تسهیلات نوروزی استان تهران افزود: طراحی و نصب بیلبورد تبلیغاتی در مبادی ورودی استان، نصب چادرهای اطلاع‌رسانی با همکاری هلال‌احمر، نصب اعلان جهت واحدهای پذیرایی میان راهی دارای مجوز از سازمان و طراحی سفره‌های هفت‌سین در میادین تهران با در نظر گرفتن تقارن اربعین و لحظه حلول سال و ترکیب نمادین از محرم و نوروز از دیگر برنامه‌های این ستاد است.

● برنامه‌های نوروزی پایتخت فرهنگی جهان اسلام

جانشین ستاد نوروزی استان اصفهان نیز گفت: برنامه‌های ستاد نوروزی اصفهان با نگاه «اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام» انجام می‌شود.

احمد ادیب افزود: ۷۰ نفر به عنوان راهنما در بناهای تاریخی اصفهان مستقر می‌شوند که آموزش‌های لازم را در این خصوص دیده‌اند. در نوروز امسال تلاش شده ساعت‌های بازدید از اماکن تاریخی ۱۲ ساعت افزایش یابد.وی خاطرنشان کرد: نمایشگاه هنرمندان مطرح هنرهای سنتی در حوزه هنرهای تزیینی، نمایشگاه عکس از چندین عکاس معروف در کاخ هشت بهشت و همچنین نمایشگاه آثار تاریخی در موزه چهلستون و... از جمله برپایی این نمایشگاه‌ها است.

ادیب افزود: امسال نیز همانند سال قبل وظیفه نظارت بر هتل‌ها، میهمانپذیرها و مراکز پذیرایی بین راهی بر عهده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قرارداده شده است.

● ۴۲ هتل و هتل آپارتمان و ۱۵۳ میهمان‌پذیر در فارس آماده پذیرایی

معاون گردشگری فارس نیز گفت: امسال ۴۲ هتل و هتل آپارتمان، ۱۵۳ میهمانپذیر با ظرفیت بیش از ۱۲ هزار تخت به همراه ۸۰ کلاس درس برای اسکان مسافران در نظر گرفته شده است. علیرضا دژبر افزود: در طول تعطیلات نوروزی طرح نظرسنجی و جمع‌آوری آمار و اطلاعات گردشگری ورودی به استان برای پنجمین سال متوالی در دستور کار قرار دارد. وی همچنین از برپایی ایستگاه‌های صلواتی در فارس خبر داد و گفت: این ایستگاه‌ها به همت اداره کل اوقاف و امور خیر به جهت ارایه چای و نوشیدنی به مسافران نوروزی برپا می‌شود.● آمادگی خراسان رضوی

ستاد تسهیلات سفرهای نوروزی به منظور رفاه حال زایران و گردشگران نوروزی استان خراسان رضوی و نظارت بر نحوه خدمات‌رسانی به تاسیسات گردشگری فعال می‌شود.

رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خراسان رضوی افزود: ستاد تسهیلات این استان از ۸ معاونت نظارت، اسکان و پذیرایی، اطلاع‌رسانی و راهنمایی گردشگران، هماهنگی امور شهرستان‌ها، حراست امنیتی و انتظامی، تشریفات، اداری و پشتیبانی و امور موزه‌ها و محوطه‌های تاریخی تشکیل شده است که از ۲۵ اسفند بمدت ۲۰ روز فعال خواهند بود.مکرمی فرد از انتشار و توزیع ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار نسخه بروشور نقشه و کتابچه راهنمای زایر خبر داد و افزود: طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته در طول این ایام کلیه مراکز فرهنگی و موزه‌های استان باز است و برنامه‌های متنوع فرهنگی و هنری در محل آرامگاه فردوسی و نادری اجرا می‌شود.وی همچنین خاطرنشان کرد: اکیپ‌های بازرسی با همکاری اداره اماکن نیروی انتظامی، بهداشت و بازرگانی تشکیل و در محورهای تعیین شده فعالیت خواهند داشت.

● ستاد تسهیلات نوروزی استان گلستان

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری گلستان نیز از چاپ و توزیع اقلام تبلیغات مختلف میان مسافران نوروزی این استان خبر داد و افزود: Pageهای

تبلیغاتی استان همراه بروشورها، پوسترها و کارت‌پستال‌ها، معرفی جاذبه‌های تاریخی و طبیعی استان و همچنین برگه‌های اطلاعات ضروری جهت راهنمایی مسافران نوروزی چاپ و توزیع می‌شود.ربیعی همچنین از راه‌اندازی دو پایگاه دایمی اطلاع‌رسانی در استان گلستان خبر داد و گفت: پایگاه اطلاع‌رسانی تنگ راه خوش ییلاق در مبادی ورودی به استان از این دو مسیر در سال ۸۵ احداث و بهره‌برداری می‌شود.

● استان گیلان

معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان نیز گفت: طرح نظارت بر واحدهای اقامتی و پذیرایی از اول اسفندماه آغاز و تا پایان تعطیلات نوروزی در استان اجرا می‌شود. بیژن ذهاب افزود: طرح نظارتی واحدهای اقامتی و پذیرایی، واحدهای بین راهی و رستوران‌ها توسط کارشناسان و بازرسان گردشگری به صورت روزانه اجرایی می‌شود. وی همچنین از چاپ و توزیع بروشورهای اطلاعاتی تک‌برگی خبر داد و گفت: کلیه تلفن‌ها و اطلاعات امدادهای خودرو، جاده‌یی، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها به صورت تک‌برگی چاپ و در اختیار گردشگران ورودی به استان قرار می‌گیرد.

● تدارکات ستاد نوروزی برای دیدار از زنجان

ستاد تسهیلات نوروزی زنجان نیز برنامه‌های متنوعی از جمله توزیع حلیم نذری، مسابقه عکس و اجرای ورزش‌های هوایی را برای گردشگران نوروزی ترتیب داده است.این ستاد همچنین در مورد استقبال از میهمان نوروزی به صورت نمادین از اهدای سوغات استان، نصب بنر و پلاکارد در مبادی ورودی، تهیه و توزیع ۱۵ هزار نسخه اقلام تبلیغاتی، استقرار پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در مبادی ورودی شهرها و ترمینال‌های مسافری و راه‌آهن، نظارت مستمر بر همه تاسیسات داخلی و خارجی شهرها اعم از هتل‌ها، رستوران‌های بین راهی، میهمانپذیرها و مراکز تاریخی و توریستی استان خبر داد.

● تدوین برنامه‌های نوروزی چابهار

برنامه‌های نوروزی چابهار نیز توسط شرکت رفاه اجتماعی و توسعه گردشگری این منطقه توریستی تدوین شد.اسماعیل شفیع‌پور افزود: برنامه‌ها در قالب دو بخش توسعه گردشگری و برنامه‌های تفریحی و ورزشی تدارك دیده شده تا در مجموع گردشگران با قابلیت‌های گردشگری منطقه آشنا شوند.

وی برگزاری تورهای نیم‌روزه طبیعت گردی و اکوتوریسم، برگزاری تور دریایی و تاسیس کمپ تفریحی و اقامتی را از برنامه‌های بخش گردشگری چابهار برشمرد. شفیع‌پور جنگ هنر، مسابقه چابهارشناسی، مراسم تحویل سال نو، مسابقه شترسواری، مسابقه ارابه‌رانی و مسابقه بادبادکها را از دیگر مواردی دانست که به مسافران ارایه می‌شود.

● آمادگی کیش برای استقبال از مسافران نوروزی

ستاد تسهیلات نوروزی کیش نیز اعلام کرد: ارایه برنامه‌های اجرایی اعضای ستاد جهت برنامه‌ریزی و هماهنگی در زمینه چگونگی ارایه خدمات مناسب به مسافران، برنامه پرواز هواپیماها، تردد کشتی‌ها، حمل و نقل شهری، اطلاع‌رسانی، حفاظت و پاکیزگی، نظارت بر صنوف، استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود بهداشت و درمان از جمله برنامه‌هایی است که برای ایام نوروز در نظر گرفته شده است.بازرسی روزانه از اماکن عمومی، هتل‌ها، مراکز پذیرایی و فروشگاه‌های مواد غذایی و بهداشتی و تدارك و آماده‌سازی هتل‌ها و مراکز اقامتی نیز از جمله اقداماتی است که منطقه آزاد کیش برای ایام نوروز توجه دارد.

● در ایام نوروز ۵ میلیون نفر به خوزستان سفر می‌کنند

رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان خوزستان نیز گفت: امسال برنامه‌های ستاد تسهیلات نوروزی وسازمان میراث فرهنگی بطور سازمان‌یافته‌تر و مدون‌تری در رابطه با استقبال از میهمانان نوروزی انجام خواهد گرفت.صادق محمدی برپایی نمایشگاه‌ها با موضوع میراث فرهنگی و صنایع دستی را از دیگر برنامه‌ها برشمرد و گفت: بروشور مناطق و جاذبه‌های گردشگری استان برای مسافران نوروزی و نیز اقلام تبلیغاتی در این خصوص تهیه شده‌اند.وی افزود: این سازمان همچنین اقدام به ساخت و نصب سرویس‌های بهداشتی در مسیرهای پرتردد جاده‌یی به تعداد ۱۰ مجموعه سرویس بهداشتی هرکدام با دو وضوخانه و دو حمام کرده است. محمدی با بیان اینکه سایت‌های تاریخی نیز آماده بازدید شده‌اند، اظهار کرد: امسال پیش‌بینی می‌شود تعداد میهمانان نوروزی به بیش از پنج میلیون نفر افزایش پیدا کند.

● کنترل نامحسوس هتل‌ها

دبیر جامعه هتلداران ایران نیز گفت: در ایام نوروز به دلیل افزایش گردشگران و استفاده بیشتر از مکان‌های اقامتی، کیفیت خدمات و تسهیلات هتل‌ها به صورت نامحسوس و توسط ناظران در لباس مسافر، کنترل می‌شود. ایرانپور در مورد نرخ خدمات هتل‌ها در ایام نوروز افزود: با توجه به اینکه نرخ مکان‌های اقامتی مقطعی تعیین نمی‌شود، بنابراین در طول این ایام این مراکز بویژه در استان‌های شمالی کشور حق افزایش نرخ را

ندارند. به گفته وی هتل‌های شهر تهران ۳۵ تا ۴۰ درصد در طول ایام نوروز تخفیف خواهند داشت.

به هرحال نوروز از راه می‌رسد و هرکسی براساس توانایی‌های مالی که البته مهمترین بخش ماجرا است، تصمیم می‌گیرد تا برای گذران تعطیلات خانواده برنامه‌ریزی کند، باید دید این برنامه‌ریزی با تسهیلات و گفته‌های مسئولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری چقدر اجرایی می‌شود. امسال نیز مانند سال‌های گذشته از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ستادی با عنوان ستاد تسهیلات نوروزی تشکیل شده تا بر چگونگی کیفیت و همچنین ارایه خدمات در مراکز اقامتی، پذیرایی، بین راهی و... نظارت دقیقی انجام شود و در صورت بروز مشکل به شکایات مسافران و گردشگران در اسرع وقت و روزانه رسیدگی شود. ببینیم و تعریف کنیم!

سعید قاضی زاده

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=219687

vista.ir
Online Classified Service

تضادهای میان دو اجتماع

هجرت یا مهاجرت تغییر مکان به منظور دستیابی به امکانات بهتر و بیشتر است. دکتر مصطفی اقلیما با تعریف این واژه می‌گوید: در آن زمان پیامبر با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی ماندن در مکه را به ضرر دین اسلام و یاران خود دانستند از این رو به صورت دسته‌جمعی از مکه به مدینه مهاجرت کردند البته بعد از رفع موانع ایشان و یارانشان دوباره به مامن و مکان اولیه و اصلی خود بازگشتند.

وی می‌افزاید: اما در حال حاضر مهاجرت از یک مکان به مکان دیگر به علل و عوامل متعددی صورت می‌گیرد که مهمترین آنها شرایط اجتماعی، اقتصادی، نوع آب و هوا و نبود آب برای کشاورزی است.

مهاجرت و تغییر مکان یک امر طبیعی به شمار می‌آید و هیچ کس نمی‌تواند از وقوع چنین پدیده‌یی جلوگیری کند. آنها تلاش می‌کنند با کوچ کردن از مکانی به مکان دیگر شرایط زندگی را برای خود و خانواده‌شان بهتر کرده و به امکانات بیشتری دست یابند. متاسفانه در بیشتر موارد عکس این موضوع پیش می‌آید. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران روستاییان ۷۰ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند و شهرنشینان فقط ۳۰ درصد جمعیت بودند اما اکنون این آمارها معکوس شده است زیرا روستاییان بعد از انقلاب در مواجهه با اصلاحات ارضی، کمبود آب آشامیدنی، افزایش زاد و ولد و نبود زمین زراعی کافی، توانایی و امکانات لازم برای کشاورزی و تامین معاش نداشته و از این رو بهترین راه را در مهاجرت به شهرها پیدا کرده‌اند.اقلیما در ادامه بیان می‌کند: حال با توجه به سیل عظیم مهاجران از روستا به شهر، عدم هماهنگی مهاجران با فرهنگ و آداب و رسوم شهرها و آماده نبودن برای پذیرش این تغییرات فرهنگی، ۸۰ درصد مهاجران روستایی دچار چالش اجتماعی می‌شوند.

آنها در اولین برخورد با شهروندان متوجه می‌شوند که از ارزش، احترام و اعتبار لازم برخوردار نیستند بنابراین با نوعی سرخوردگی روبرو می‌شوند که عواقب ناخوشایندی به همراه دارد. از مهمترین این چالش‌ها می‌توان به آشفتگی و به هم‌ریختگی خانواده، روسپی‌گری، بزهکاری و اعتیاد اشاره کرد.

البته این موارد فقط مختا آنهایی که از روستاها به شهرها می‌آیند نیست بلکه کسانی هم که از کشور خارج شدند تا شاید با دسترسی به تکنولوژی و فناوری زمینه‌های مناسبی را برای رشد و پیشرفت خودشان فراهم کنند، نیز دچار این مشکلات می‌شوند.

اقلیما با اشاره به ارزش و اعتبار مهاجران در محل سکونت خودشان بیان می‌کند: «وقتی این افراد به شهرنشینی روی می‌آورند فشارهای زندگی چنان زیاد می‌شود که علاوه بر خودشان به اشخاص دیگر نیز آسیب می‌رسانند.به همین دلیل است که مهاجران خارجی را ابتدا در کمپ نگهداری

می‌کنند تا پس از آشنایی با آداب و فرهنگ کشور موردنظر باعث بروز مشکل برای خود و دیگران نشوند.

در حقیقت تمام امکانات برای آموزش مهاجران برای از بین بردن تضادهای میان دو اجتماع است.

دکتر امان‌الله قرایی مقدم نیز در تعریف هجرت می‌گوید: واژه هجرت بیشتر جنبه دینی دارد معمولا به دلیل مشکلات دینی گروهی از سرزمینی به سرزمین دیگر تغییر مکان می‌دهند که که نمونه بارز آن هجرت پیامبر از مکه به مدینه است.اما در جوامع پیشرفته امروزی هجرت، مهاجرت معنا می‌شود و این مهاجرت از نظر اجتماعی به مهاجرت عام و خاص تقسیم می‌شود.

مهاجرت در شکل عام به تغییر مکان از شهری به شهری دیگر اطلاق می‌شود که به دلیل نبود کار و بالا بودن زادوولد صورت می‌گیرد اما مهاجرت نوع خاص ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر است که در کشورهای جهان سوم به کرات دیده می‌شود.

وی می‌افزاید: در کشورهای جهان سوم، مهاجران به امید دست یافتن به موقعیت و امکانات بهتر، شکوفایی و بروز خلاقیت‌ها و توانایی‌های بالقوه و دستیابی به تحصیلات بهتر به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند.

البته باید بدانید مهاجرت در جوامع شرق و غرب تفاوت‌های زیادی دارد. بدین صورت که ساکنین مشرق زمین به دلیل خصوصیات فرهنگی، اعتقادات و باورهای خاصی که دارند علاقه زیادی به ترک وطن ندارند.

وی درباره آسیب‌های اجتماعی نیز می‌گوید: آسیب‌های اجتماعی مهاجرت دارای دو بعد متفاوت است. در بیشتر موارد مهاجران به دلیل داشتن هوش، خلاقیت و توانایی‌های بهتر، باعث پیشرفت و ترقی در مکان مورد مهاجرت می‌شوند اما نباید از جرم و جنایت‌های مهاجران به دلیل فشارهای اجتماعی و عدم تطابق ساختار فرهنگی با محیط غافل بود.

مهناز رضوی

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=217299

vista.ir
Online Classified Service

تعطیلات امسال کجا می‌روید؟

اکثر کارشناسان گردشگری بر این موضوع تاکید می‌کنند که سفر در ایران فاقد برنامه‌ریزی است و تصمیم‌گیری درباره آن، لحظه‌ای است.از سوی دیگر باید توجه کنیم که تصمیم‌گیری عامه مردم درباره سفر بستگی تام به میزان موجودی و نقدینگی‌شان دارد. به عبارت دیگر آنهایی که با خودروی خود سفر می‌کنند، کمتر اهل هتل رفتن هستند.

با این حساب باید حق بدهیم که بسیاری از مردم هر موقع پول داشتند تصمیم به سفر بگیرند که این موضوع با حساب و کتاب‌های اقتصادی کشور ما همخوانی دارد. اما بیایید خوش‌بینانه به موضوع سفر در سال ۱۳۸۸ بنگریم و فرض کنیم که امسال براساس طالع‌بینی‌ها سال گاو است و سال گاو هم سال پربرکتی پیش‌بینی شده است.

فرض کنیم شما می‌توانید از همین حالا حساب کنید که چه وقت کارانه‌ها را می‌پردازند و چه وقت اضافه‌کاری‌ها را. پس بد نیست نگاهی به

تعطیلی‌های سال ۱۳۸۸ بیندازیم و ببینیم از ۴۹ هفته باقی‌مانده تا پایان سال، چه روزهایی را می‌توانیم به سفر اختصاص دهیم.

بدون احتساب جمعه‌ها، ۱۴ روز از ۳۶۵ روز سال ۱۳۸۸ که باقی‌مانده تعطیل است. از این تعطیلی‌ها ۴ تعطیلی به تعطیلی آخر هفته چسبیده و فرصتی ۲روزه را فراهم آورده است. بقیه تعطیلی‌ها مربوط به روزهای بین هفته است. همانطور که می‌دانید برخی از این تعطیلی‌ها به مناسبت عیدهای ماست و برخی دیگر به مناسبت سوگواری‌ها.

برای آنکه بدانیم درباره چه روزهایی سخن می‌گوییم بهتر است که یک‌بار آنها را باهم مرور کنیم.

تعطیلات مناسبتی در نیمه دوم سال بدون احتساب نوروز بیشتر است. تعطیلات پیش‌روی ما از ۱۴ خرداد آغاز می‌شود و عملا اردیبهشت را فقط با ۴ جمعه پشت سر خواهیم گذاشت.

۱۴ خرداد پنجشنبه‌است و وفات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است.

پس از آن در تیرماه ۲تعطیلی مناسبتی داریم؛ دوشنبه ۱۵ تیر و دوشنبه ۲۹ تیر.

پس از آن دوباره مرداد بدون تعطیلی است و حتی میلاد حضرت قائم(ع) مصادف با روز جمعه ۱۶ مرداد شده است. از ۳۱ مردادماه زمان رکود سفرهاست زیرا ماه مبارک رمضان آغاز می‌شود. ۲۹شهریورماه یکشنبه‌است و عیدسعید فطر خواهد بود.

نیمه دوم سال با ۹ تعطیلی مناسبتی پیش روی ماست. مهرماه با شروع فصل مدارس و دانشگاه‌ها و رکود دوباره سفرها فقط یک تعطیلی مناسبتی در چهارشنبه ۲۲ مهر دارد. آبان بدون تعطیلی سپری خواهد شد و سپس در آذرماه ۲تعطیلی مناسبتی پیش روی ما قرار خواهد گرفت. شنبه ۷آذر و یکشنبه ۱۵ آذر ۲تعطیلی این ماه هستند.

دی‌ماه تقریبا مصادف با محرم است. شنبه و یکشنبه ۵ و ۶دی‌ماه تعطیل است. سپس تا پنجشنبه ۲۲ بهمن‌ماه تعطیلی نداریم که آن هم به ۲تعطیلی مناسبتی در برگ‌های تقویم چسبیده است. شنبه ۲۴ بهمن ۲۸ صفر و رحلت پیامبر خاتم و شهادت امام حسن مجتبی(ع) است. دوشنبه ۲۶ بهمن‌ماه هم شهادت امام رضا(ع) است. سپس پنجشنبه ۱۳ اسفند به مناسبت میلاد رسول اکرم(ص) تعطیل است.

این تعطیلی‌ها هریک می‌تواند مبنای سفری برای من و شما باشد؛ سفرهای مذهبی. سفرهای تفریحی و سفرهایی از هر جنسی که در فرهنگ ما متداول است. بنابراین بد نیست از همین حالا ذهنیتی داشته باشیم که اگر قرار است مثلا سوگواری تاسوعا و عاشورای حسینی را در دیار و محل تولدمان اجرا کنیم از همین حالا به فکر تهیه بلیت قطار و هواپیما و... باشیم. یا اگر قرار است به زیارت امام رضا(ع) برویم و می‌خواهیم این کار مصادف با میلاد یا وفاتش باشد آن را در تقویم ردیابی کنیم.

- سفرهای مذهبی

اعتقادات مذهبی ما ایرانیان که در نوع خود مثال‌زدنی است در زمینه سفر هم تاثیرگذار است. این موضوع سبب رقم خوردن بسیاری از سفرهای زیارتی در کشور است که مهم‌ترین آنها سفر زیارتی به مشهد و قم است.

با توجه به کثرت این اعتقادات باید توجه داشته باشیم که در روزهای مناسبتی، اماکن مذهبی ما با تجمع و افزایش تردد مواجه می‌شود و این به معنای کاهش یافتن فضای اقامتی مناسب و تهیه بلیت مناسب است. بنابراین اگر تمایل دارید همزمان با میلاد امام رضا(ع) در حرم آن حضرت در مشهد باشید باید توجه کنید که این مناسبت ۱۳۸۸/۸/۸ است.

اگر می‌خواهید زیارت خود را همزمان با وفات آن حضرت تنظیم کنید از همین حالا برای ۲۶ بهمن‌ماه برنامه‌ریزی کنید.

با وجود آنکه ما اماکن مقدس و مذهبی مختلفی داریم و سرزمین ایران سرزمینی برای همه ادیان بوده ولی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری هنوز نتوانسته از این پتانسیل قوی و ریشه‌دار در مردم برای رونق سفرها و توسعه امکانات گردشگری و خدمات مرتبط بهره‌برداری کند. متولی سفرها در کشورمان نتوانسته شیعیان جهان را به ایران جذب کند و تورهای زیارت معصومین را برای آنها تدارک ببیند. حالا که چنین است بهتر است خودمان برای مناسبت‌های مذهبی‌مان برنامه‌ریزی سفری کنیم. مثلا برای سوگواری سالار شهیدان بسیاری از مردم علاقه‌مندند که روش‌های سوگواری دیگر هموطنانشان را ببینند و در آن شرکت کنند. مثلا در روستای کمجان و ابیانه از توابع نطنز مراسم نخل‌گردانی قابل توجه است. روش سینه‌زنی در جنوبی‌ها نظر بسیاری را جلب کرده و دوست دارند نوع نوحه‌خوانی آنها را بشنوند.

بسیاری از مردم هم ترجیح می‌دهند با وجود سکونت در شهری غیر از شهر زادگاه خود در زمان تاسوعا و عاشورای حسینی به شهر خود بروند که همه این اعتقادات مبناهایی برای سفرند و نیازمند برنامه‌ریزی هستند.

- دست‌اندرکاران گردشگری همکاری کنند

مشکل بسیاری از مردم این است که برای رزرو بلیت قطار و هواپیما از اینک برای آخر سال یا نیمه دوم سال امکانی ندارند. به عبارت دیگر

سایت‌های رزرو بلیت قطار و هواپیما معمولا دیر باز می‌شوند و همین سبب شده که مردم نتوانند از قبل برای چنین سفرهایی برنامه‌ریزی کنند. در حالی که در کشورهای پیشرفته به‌ویژه کشورهای اروپایی رزرو برای تمام روزهای سال ممکن است و شرکت‌های هواپیمایی برای کسانی که ۶ ماه جلوتر بلیت تهیه می‌کنند تخفیف ۳۰تا۵۰ درصدی در نظر می‌گیرند. در مورد هتل هم باید چنین باشد. در واقع کسی که ۶ ماه جلوتر اتاقی را رزرو می‌کند باید از تخفیفات و امکانات بیشتری نسبت به کسی که یک شب جلوتر تصمیم به اقامت در هتلی می‌گیرد بهره‌مند شود.

این کار نیازمند حضور سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری به‌عنوان یک سامان‌دهنده بالادستی است که متأسفانه تاکنون چنین اتفاقی رقم نخورده است و این سازمان به درستی نتوانسته نقش یک سیاستگذار را در بحث سفر و گردشگری ایفا کند.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=366261

vista.ir
Online Classified Service

تعطیلات پرخطر

هر ساله در سرتاسر دنیا با شروع تعطیلات تابستانی آمار مرگ و میر و جراحت های شدید در بین کودکان بالا می رود. دوچرخه سواری، آب تنی و شنا، اسکیت، حتی تاب و سرسره بازی در شمار فعالیت های تابستانی بسیار پرطرفدار هستند. گاهی این بازی ها خطراتی را به دنبال دارد. با پیشگیری و رعایت نکات ایمنی، تا حد زیادی می توان این حوادث را کاهش داد.

• دوچرخه سواری

پژوهش ها نشان می دهد که توانایی تجزیه و تحلیل اطلاعات و اتخاذ تصمیمات سریع و درست، به تدریج بین ۱۰ تا ۱۴ سالگی و پس از آن رشد می یابد. حتی اگر بسیاری از کودکان زمانی که پنج یا شش ساله هستند از هماهنگ سازی لازم برای دوچرخه سواری برخوردار باشند، توانایی آنها برای تشخیص به موقع خطرات عبور و مرور خیابانی هنوز کامل نشده است.

هر تابستان صدها کودک دوچرخه سوار در برخورد با وسایل نقلیه به شدت مجروح و ده ها تن قربانی می شوند که از این میان ۸۰ درصد مرگ ومیرها و تقریباً ۳۰ درصد جراحت های شدید، نتیجه آسیب دیدگی های جمجمه ای است.تنها با استفاده از کلاه ایمنی دوچرخه می توان خطر ضربات مغزی و جمجمه ای را ۷۰ تا ۸۵ درصد کاهش داد. اگر فرزندتان قصد دوچرخه سواری دارد، نکات زیر را رعایت کنید:

▪ مطمئن شوید فرزندتان حتماً هنگام دوچرخه سواری کلاه ایمنی بر سر می گذارد و مخصوصاً آن را درست می پوشد. کلاه ایمنی باید مستقیم روی سر قرار گیرد، بدون اینکه روی سر بازی کند و به چپ و راست خم شود و بند کلاه حتماً باید بسته باشد.

▪ وقتی فرزندتان کمتر از ۱۲ سال دارد اجازه ندهید در خیابان دوچرخه سواری کند مگر وقتی که او را همراهی کنید. در سن ۱۲ سالگی هم باید ابتدا نحوه دوچرخه سواری در خیابان را به فرزندتان هنگامی که قوانین عبور و مرور در خیابان را به او یاد می دهید، روی اهمیت این نکته پافشاری کنید که ابتدا ببینید آیا وسایل نقلیه در مدخل های ورودی کوچه و خیابان هستند یا نه. کودکانی که در پیاده روها دوچرخه سواری می کنند اغلب توسط وسایل نقلیه ای که وارد کوچه یا خیابان می شوند مجروح می شوند. بسیار مهم است به کودکان تاکید کنید هرگز با دوچرخه در کوچه و خیابان ماجراجویی نکنند و خود را به خطر نیندازند.

فرزند شما باید به دفعات و ساعت های زیاد به همراه شما تمرین کند تا بتواند به تنهایی در خیابان دوچرخه سواری کند. کودکان در این سن اغلب

به خودشان خیلی اطمینان دارند و برای به دست آوردن استقلال، سماجت می کنند. هرگز تسلیم آنها نشوید و اگر از توانایی ها و شایستگی های آنها مطمئن نیستید، اجازه ندهید به تنهایی در خیابان دوچرخه سواری کنند.

● اسکیت

علاوه بر رعایت موارد بالا، اجازه ندهید فرزندتان کفش های اسکیت را به پا کند مگر آنکه مطمئن شوید قبل از آن کلاه ایمنی، زانوبند، محافظ آرنج و مچ بند را به طور کامل پوشیده است.

▪ به فرزندتان یاد بدهید در تقاطع کوچه و خیابان ها کاملاً متوقف و به دو طرف نگاه کند تا مطمئن شود راه آزاد است سپس از خیابان عبور کند.

● شنا و آب تنی

هر ساله ده ها کودک در آب غرق یا به دلیل عوارض شبه خفگی، در بیمارستان ها بستری می شوند که ممکن است موجب بروز ضایعات مغزی دائمی شود. کودکان زیر پنج سال در مقایسه با کودکان بزرگتر، دو برابر بیشتر در معرض خطر غرق شدن هستند زیرا آب برایشان جذابیت دارد اما خطرات آن را نمی شناسند. بیشتر موارد غرق شدن در کودکان خردسال، زمانی رخ می دهد که آنها در نزدیکی آب «بازی» می کنند و نه هنگام «شنا». یک سوم موارد غرق شدگی و شبه غرق شدگی در استخرها روی می دهد.

▪ اگر استخر دارید، مطمئن شوید که حصاری (با حداقل ۲/۱ متر فاصله و مجهز به یک در مقاوم در برابر ورود کودکان) از چهار طرف استخر خانوادگی را محافظت می کند. دیوار اقامتگاه شما نباید یکی از چهار گوشه این حصار باشد.

▪ وقتی کسی شنا نمی کند نردبانی را که به استخر وارد می شود، بردارید.

▪ همیشه در کنار کودک زیر پنج سال خود بمانید وقتی او در آب یا حیاطی که آب دارد بازی می کند برای حفاظت بیشتر به او جلیقه نجات بپوشانید.

▪ یک کودک می تواند در ۲۰ سانتیمتر آب غرق شود. در نتیجه هرگز فرزند کوچکتان را هنگامی که لباس شنا به تن دارد تنها نگذارید زیرا ممکن است سر بخورد و غرق شود. به لاستیک ها و کمربندهای بادی که به کمر یا بازوی بچه ها بسته می شوند اعتماد نکنید آنها جلوی غرق شدن کودک را نمی گیرند.

▪ مراقب بچه های بزرگتر و نوجوان باشید، حتی اگر خوب شنا می کنند. آب به کسی رحم نمی کند، بچه ها گاهی خیلی سریع خود را در محاصره آب می بینند و تنها در عرض چند دقیقه ممکن است غرق شوند.

▪ هنگام شنای فرزندانتان یک تلفن بی سیم یا موبایل کنار استخر بگذارید تا هرگز برای پاسخ دادن به تلفن آنها را ترک نکنید. فراموش نکنید که چند ثانیه غفلت کافی است تا فاجعه ای رخ دهد.

▪ اگر به دریا می روید هرگز کودکتان را بدون مراقب نزدیک آب رها نکنید، به خصوص اگر شنا کردن نمی داند. زیاد به غریق نجات ها اعتماد نکنید زیرا باید از افراد زیادی مراقبت کنند، لاستیک ها و جلیقه های بادی نیز قابل اعتماد نیستند.

اگر جریان آب قوی است یا موج ها تند هستند مراقبت را دوبرابر کنید. شن و ماسه ساحل نیز ممکن است به انواع میکروب ها آلوده باشد. اجازه ندهید فرزندتان بدون لباس در ماسه ها بازی کند دختران کوچک ممکن است دچار عفونت های واژینال شوند بنابراین روی ماسه ها حوله ای پهن کنید. (ترجیحاً زیر چتر آفتابی)

● پیاده روی در کوچه و خیابان

هر تابستان ده ها کودک عابر پس از برخورد با وسایل نقلیه تسلیم مرگ یا در اثر جراحات شدید در بیمارستان ها بستری می شوند. سرعت وسایل نقلیه هنگام حرکت تاثیر زیادی بر شدت جراحات دارد.

مثلاً یک عابر پیاده در برخورد با وسیله نقلیه ای با سرعت ۳۰ کیلومتر در ساعت، ۱۰ درصد در معرض خطر کشته شدن قرار می گیرد، اما اگر وسیله نقلیه با سرعت ۵۰ کیلومتر در ساعت حرکت کند، احتمال خطر به ۸۰ درصد افزایش می یابد. والدین هرگز نباید اجازه دهند فرزندشان از خیابان های شلوغ که سرعت حرکت وسایل نقلیه بالاست به تنهایی عبور کند.

اگر فرزندتان کمتر از ۹ سال دارد مطمئن شوید همراه فردی بزرگ تر به خیابان می رود. کودکان زیر ۹ سال هنوز نمی توانند در خیابان درست تصمیم گیری کنند. آنها خیلی زود و به آسانی حواس شان پرت می شود و نمی توانند به طور عینی و ملموس خطر را تشخیص دهند. مواردی مانند سرعت مجاز، فاصله وسیله نقلیه، صدای بوق و... برای آنها غیر قابل تشخیص است. اگر راننده ای بوق بزند ممکن است کودک- که نمی تواند صداها را آن طور که باید تفسیر کند- موقعیت خود را اشتباه جهت یابی می کند.

▪ آموزش اصول ایمنی در خیابان را از زمانی که کودکتان هنوز خیلی کوچک است شروع کنید. در مورد اهمیت توقف کامل در تقاطع خیابان ها و کوچه ها تاکید کنید و به آنها یاد دهید همواره ببینند آیا از مدخل کوچه و خیابان وسیله ای وارد می شود یا نه. به فرزندتان یاد بدهید وقتی می خواهد از جلوی ماشینی که ایستاده عبور کند، مستقیم به چشمان راننده نگاه کند تا مطمئن شود راننده متوجه حضور او در خیابان شده است.

وقتی بچه ها کوچک هستند، والدین باید همراه آنها به خیابان بروند و به آنها یاد بدهند چگونه می تواند در ایمنی کامل از خیابان عبور کرد. تا زمانی که برای والدین اثبات نشده که فرزندشان می تواند به تنهایی از خیابان عبور کند نباید اجازه این کار را به او بدهند.

● زمین های بازی

هر ساله در فصل تابستان صدها کودک در پی سقوط از وسایل بازی در پارک ها و زمین های بازی شدیداً مجروح می شوند.

▪ مطمئن شوید که وسایل بازی بر روی سطح نرمی (ماسه، شن ریز، صفحه های پلاستیکی و...) کار گذاشته شده است. از بازی در زمین هایی که سطح آنها سخت و سیمانی است دوری کنید.

▪ اگر کودک شما کمتر از پنج سال دارد، اجازه ندهید روی وسایلی که ارتفاع شان بیشتر از ۵/۱ متر است بازی کنند. وزن کودکان خردسال نسبت به قدشان بسیار سنگین تر است و هنوز نمی توانند تعادل خود را حفظ کنند، بنابراین بیشتر از دیگران در معرض خطر سقوط هستند.

▪ مراقب وسایلی که ممکن است در کودک ایجاد خفگی کند باشید، مانند طناب، بند کلاه ایمنی، بندهای لباس (ممکن است در وسیله بازی گیر کنند و باعث خفگی کودک شوند).

▪ همیشه یک چشمتان به فرزندتان باشد، به ویژه در سنین پیش دبستانی و مراقب باشید از وسیله بازی صحیح استفاده کنند.

▪ بررسی کنید سطح وسایل بازی (تاب، سرسره و...) زیاد داغ نباشد.

● نیش حشرات

بچه ها معمولاً از نیش حشرات در امان نیستند. خوشبختانه در اغلب موارد آسیب دیدگی ملایم است اما گاهی خطرات جدی به دنبال دارد.

▪ وقتی به مناطق مملو از حشرات می روید لباس های آستین بلند و شلوار بلند به فرزند خود بپوشانید.

▪ بهتر است جنس لباس ها دارای بافت محکم یا پارچه ای ضخیم باشد تا از پوست بهتر محافظت کند، از آنجا که پشه ها جذب رنگ های تیره می شوند، رنگ های کمرنگ را انتخاب کنید.

▪ اگر از پمادهای دفع حشرات استفاده می کنید محصولی را انتخاب کنید که دارای غلظت کمتری باشد و در عوض دفعات استفاده را افزایش دهید زیرا پوست بچه ها بسیار لطیف است. هرگز این مواد را روی صورت و دست ها نمالید زیرا ممکن است وارد دهان یا چشم های کودک شود.

▪ هرگز این پماد ها را برای بچه های زیر دو سال استفاده نکنید.

ـ برای تسکین درد ناشی از نیش حشرات؛

ـ- کمپرس آب سرد کنید.

ـ- از دارویی استفاده کنید که به شکل لوسیون باشد.

در موارد زنبورزدگی (زنبور معمولی، زنبور عسل، زنبور سرخ)، نیش را با موچین یا سوزنی که روی شعله داغ شده بیرون بکشید، سپس ضد عفونی کنید. با این همه، بعضی کودکان نسبت به سم این حشرات حساسیت دارند و دچار آلرژی می شوند، بنابراین جای نیش ها می تواند خطرناک حتی مرگبار باشد. اگر در کودکتان واکنش های غیر طبیعی می بینید (قرمزی روبه ازدیاد و گسترده، باد کردن صورت و مشکلات تنفسی) در مراجعه به پزشک و مراکز درمانی تردید نکنید.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=262528

vista.ir
Online Classified Service

تقابل دو فرهنگ در مهاجرت و پی‌آمدهای آ ن

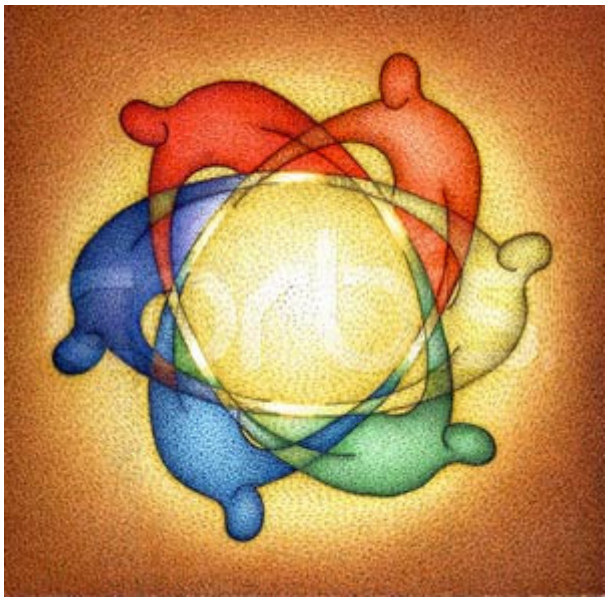

اگر نقل مکان از کشوری به کشور دیگر را مهاجرت بنامیم و کشورهای جهان را در دو گروه عمده مدرن و سنتی قرار دهیم چهار نوع مهاجرت خواهیم داشت.

- مهاجرت از کشورهای سنتی به یکدیگر؛
- مهاجرت از کشورهای مدرن به یکدیگر؛
- مهاجرت از کشورهای مدرن به سنتی و بالاخره
- مهاجرت از کشورهای سنتی به مدرن.

با توجه به اینکه تنش از تفاوت بر می خیزد، می توان دریافت که مهاجرت از دو کشور سنتی به یکدیگر، مانند مهاجرت از افغانستان و پاکستان و ایران و سوریه به یکدیگر چندان مشکل ساز نیست، چرا که شرایط حاکم بر دو جامعه از بسیاری لحاظ شبیه بوده و در نتیجه فرهنگ این جوامع مشابهند. بهمین ترتیب مهاجرت از کشورهای مدرن مانند کانادا، استرالیا، امریکا و ... به یکدیگر بحرانی در پی نخواهد داشت، چرا که شرایط حاکم بر این جوامع تقریبا یکسان و در نتیجه فرهنگ آنها بهم شبیه است.

مهاجرت از کشورهای مدرن به سنتی نیز معمول نیست و اگر مسافرتی هم صورت گیرد کوتاه مدت بوده و به منظور گردش و یا ماموریتهای علمی و سیاسی است. آنچه که می ماند مهاجرت از کشورهای سنتی به مدرن است که در سطح میلیونی صورت می گیرد. در این نوع مهاجرت است که سنت در تقابل با مدرنیته قرار می گیرد و این تقابل که از تفاوتهای عمده فرهنگی بین دو جامعه بر می خیزد، بیشترین تنشها را در پی دارد.

این تقابل را در حال حاضر نه تنها در کشورهای مدرن، آنجا که رودخانه سنت (مهاجران) به دریای مدرنیسم (غرب)می‌ریزد می توان دید بلکه در کشورهای سنتی نیز آنجا که رودخانه مدرنیته -نه بشکل مهاجرت متعارف- از طریق تلویزیون، ماهواره و اینترنت به دریای سنت یعنی جامعه وارد می‌شود به نوع دیگری می توان به مشاهده نشست. آنچه که در این نوشتار مورد بررسی اجمالی قرار خواهد گرفت نتایج این تقابل در کشورهای مدرن است.

- نتایج تقابل دو فرهنگ سنتی و مدرن در کشورهای مدرن

با توجه به اینکه خصوصیات انسانها جدای از ارث و تربیت خانوادگی حاصل شرایط حاکم بر جامعه ایست که در آن زندگی می‌کنند، اولین قدم برای بر رسی این تقابل این است که ببینیم در هر یک از این دو جامعه چه شرایطی حاکم است و این شرایط باعث بروز چه ویژگی های اخلاقی و رفتاری در شهروندان این دو جامعه می‌شود.

الف) جوامع دموکراتیک که به پیشرفته، قانونمند، مدرن، انسان سالار، و آزاد نیز شهرت دارند. شاخصه اصلی این جوامع داشتن امنیت نسبی اقتصادی، سیاسی و هم چنین وجود عدالت اجتماعی است. در این جوامع انسانها معمولا صرف نظر از سن، جنس، مقام و موقعیت اجتماعی، باور مذهبی، رنگ، نژاد و ملیت در پناه قانون هستند و بنابراین هراسی از یکدیگر در دل ندارند.

زیستن طولانی مدت در چنین شرایطی موجب پدید آمدن خصوصیاتی در مردمان آین جوامع می گردد که به برخی از آنها در زیر اشاره می‌شود. به ارتباط زنجیره ای بین این خصوصیات توجه نمایید.

تعدادی از ویژگی های مردمان پرورش یافته در جوامع مدرن

- با صراحت حرف می زنند و از بیان عقیده شان هراسی ندارند.
- حرف و نظرشان را بطور مستقیم و بدون اینکه به حاشیه بروند بیان می دارند.
- معمولا به یکدیگر اعتماد می کنند، مبالغه نمی نمایند و قسم نمی خورند.
- به گفته ها و رفتارهای یکدیگر مشکوک نبوده و هر حرکت و حرفی را به خود نمی گیرند.
- به تعریف و تمجید کردن و شنیدن، و استفاده از القاب و عناوین عادت ندارند.

- معمولا با انتقاد راحت تر برخورد می کنند، اشتباه و خطای خود را می پذیرند و معذرت خواهی برایشان آسان است
- احترام را بیشتر در درستی، صداقت و تلاشهای اجتماعی و انسانی یکدیگر می دانند و نه مقام و مدرک و موقعیت اجتماعی و میزان ثروت.
- معمولا به سرعت و با دیدن یک مورد در باره افراد قضاوت نکرده و در قضاوتشان از مطلق گرائی پرهیز می کنند، بدین معنی که افراد را در دو گروه خوب و بد، خادم و خائن و ... قرار نمی دهند.
- کمتر احساساتشان را در قضاوتشان دخالت می دهند و معمولاً از حق دفاع می کنند و نه از قوم و خویش، خودی، آشنا و یا قدرتمند تر از خود.
- اگر صفتی را در کسی نپسندیدند بر سایر خصوصیات خوب دیگر او خط بطلان نمی کشند.
- حساب شخص خطا کار را از حساب اقوام و بستگان او جدا نگاه میدارند.
- عادت به کنجکاوی و پرس و جو از زندگی خصوصی یکدیگر ندارند و اینکار را تجاوز به حریم شخصی تلقی می کنند.
- در انجام کارها کمتر به یکدیگر فشار می آورند، اجازه انتخاب به هم می دهند و از تحمیل عقیده و سلیقه و نظر خود به یکدیگر پرهیز می کنند.
- معمولا منطقی، متعادل و میانه روند و در بیان حوادث و احساسات خویش راه افراط نمی پیمایند و از کاه کوه نمی سازند.
- به زنان و به کودکان نگاهی انسانی دارند و به عقیده و سلیقه آنان احترام می گذارند و حتی با حیوانات نیز انسانی رفتار می کنند.
- بیشتر بر مبنای خواست باطنی خودشان به یکدیگر محبت می کنند و بهمین دلیل منت بر سر هم نمی گذارند و کمتر توقع جبران دارند.
- اگر درخواستی از آنها شود که قادر به انجام آن نبوده و یا تمایلی به انجام آن نداشته باشند، با صراحت به آن جواب منفی می دهند. و بهمین ترتیب اگر پیشنهاد کمکی به آنها شود و یا دعوتی از آنها به عمل آید در صورت داشتن نیاز یا تمایل آنرا براحتی می پذیرند و بعبارت دیگر تعارف نمی کنند.
- در هنگام تلفن کردن معمولا خود را معرفی می کنند.
- بدون اطلاع قبلی به دیدار کسی نمی روند.
- وقت شناسند و در کارهایشان انظباط دارند.
- از اعمال یا گفتارها (جوک) و کنایاتی که نژاد، رنگ، جنسیت، قیافه، ملیت، مذهب کسی را به مضحکه بگیرد می پرهیزند.

لازم به ذکر است که تمامی افراد پرورش یافته در جوامع فوق الذکر بگونه یکسانی دارای کلیه ویژگیهای فوق نمی‌باشند. خصوصیات فردی (ارثی) و تربیت خانوادگی افراد بر روی برخی از این ویژگی ها و رفتارها که منع قانونی ندارند تاثیر می گذارند.

ب) جوامع غیر پیشرفته که به نام های غیر دموکراتیک، نابرابر، سنتی، مردسالار، پدر سالار، در حال توسعه، توسعه نیافته و یا عقب مانده نیز نامیده می‌شوند. از مشخصات این جوامع نبود امنیت اقتصادی و سیاسی و عدالت اجتماعی است. در این کشورها انسان ها از نظر جنس، سن و موقعیت اجتماعی و میزان ثروت در برابر قانون و در چشم یکدیگر یکسان دیده نمی‌شوند. زیستن دراز مدت در چنین شرایطی باعث ایجاد ویژگی های اخلاقی خاصی می گردد که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود . این خصوصیات نیز در همه یکسان مشاهده نمی‌شود، خصوصیات فردی یا ارثی و هم چنین خانواده و نوع تربیت آن (خصوصیات طبقاتی) می‌تواند در تعدیل یا تشدید ویژگی های یاد شده موثر باشد. اما بدلیل اینکه همه ما بخش قابل ملاحظه ای از زندگی خود را- از سنین کودکستان و دبستان به بعد- در جامعه می‌گذرانیم، نمی‌توانیم بکلی از اثرات شرایط حاکم بر جامعه خویش مبرا باشیم. به بیان دیگر ایرانی بودن مستلزم داشتن تعداد کم یا زیاد و یا تمامی خصوصیات زیر است. این خصوصیات همه از اثرات اولیه یا ثانویه ترس و نابرابری و فقر در طول تاریخ ماست. با کمی توجه می توان ارتباط زنجیره ای بین این ویژگی ها را دریافت، بدین معنی که یک خصوصیت به خصوصیت دیگری منجر می گردد و الی آخر.

- برخی از ویژگی های مردمان پرورش یافته در جوامع سنتی

- کمتر صراحت در گفتار دارند، غیر مستقیم صحبت کرده و یا در لفافه حرف می زنند.
- کمتر به یکدیگر اعتماد داشته و معمولا برای اثبات صداقت خویش مبالغه کرده و از قسم کمک می گیرند.
- تعریف و تمجید کردن از یکدیگر و استفاده از القاب و عناوین در بین آنها رایج است.
- معمولا انتقاد را تحمل نمی کنند.
- اشتباه خود سخت پذیرفته و عذر خواهی برایشان معمولا مشکل است.
- به حرفها و حرکات یکدیگر حساس بوده آنها را به خود می گیرند.
- احترام را بیشتر در گرو ثروت، ظاهر، مقام و موقعیت اجتماعی می دانند.

- معمولا نسبت به زندگی خصوصی یکدیگر کنجکاوند.
- بیشتر از دوست، فامیل، آشنا و قدرتمند دفاع می کنند تا حق.
- در بیشتر کارها حتی خوردن چیزها به یکدیگر فشار می آورند و معمولا تمایل به تحمیل عقیده و نظر خود به دیگران دارند.
- احساساتی، عاطفی و اهل افراط و تفریطند، در بیان احساسات و نقل حوادث اکثرا مبالغه می کنند.
- تواضع و تفاخر در بین آنها رایج است.
- تمایل بسیار به قضاوت در مورد یکدیگر از خود نشان می دهند و به قضاوت مردم بسیار اهمیت می دهند
- معمولا افراد را یا خوب می ببینند یا بد ، یا خادم یا خائن ، یا دوست و یا دشمن.
- گاهی به خاطر اینکه یک صفت را در کسی نمی پسندند بقیه صفات خوب او را نادیده می گیرند.
- اگر مورد ظلم یا خیانت کسی قرار گرفتند نه تنها با آن شخص که معمولا با بستگان او نیز قطع ارتباط می کنند.
- برای زنان و کودکان احترامی معادل مردان قایل نبوده، همسر و فرزندانشان را مایملک خویش می دانند و از آنها انتظار متابعت بی چون و چرا دارند.
- آزار حیوانات را امری عادی تلقی می کنند و اهمیت چندانی به تمیز نگاهداشتن معابر عمومی نمی دهند.
- دادن جواب منفی به درخواست دیگران برایشان دشوار بوده و پیشنهاد کمک را به آسانی نمی پذیرند.
- بیشتر به خاطر انتظاراتی که دیگران از آنها دارند و کمتر به خاطر میل باطنی خویش خدمتی را انجام می دهند، معمولا منت می گذارند و توقع جبران محبت دارند.
- عادت به معرفی خویش در هنگام تلفن کردن نداشته و معمولا سرزده و بدون اطلاع بدیدار یکدیگر می روند
- از انجام اعمال و بیان کنایات و جوک هائی که ملیت، مذهب، قیافه یا لهجه کسی و یا جنسیتش را به تمسخر بگیرد چندان ابائی ندارند.

با یک نگاه به خصوصیات و آداب و عادات افراد در دو جامعه فوق و تفاوت بین آنها می‌توان دریافت که مهاجران با چه دشواریهائی ممکنست مواجه شوند. بعضی از ویژگی های ما که به نظر خودمان بسیار طبیعی، دلپذیر و حتی محترمانه است، بر مبنای معیارهای حاکم بر جوامع مدرن ناخوشایند بوده و حتی گاه مجازات قانونی در پی دارد. در اینجا به ذکر مختصری از آین رفتارها می پردازیم:

برخی از اعمال که ناخوشایند جامعه میزبان بوده و مجازات قانونی در پی دارد:

- دروغ گفتن
- بی احترامی به افراد به خاطر سن، جنس، رنگ، نژاد، نقص عضو و لهجه و در یک کلمه متفاوت بودنشان با ما
- رشوه دادن یا پیشنهاد دادن آن برای انجام کارها
- ظلم کردن به انسانها و آزار رساندن به حیوانات.
- کثیف کردن محیط زیست و .....

برخی از اعمال که خوشایند جامعه میزبان نیست اما مجازات قانونی در پی ندارد:

- اصرار زیاد در خوردن چیزی یا انجام کاری (مهمان نوازی، احترام و تعارف)
- سوال کردن از وضعیت مادی، بیماری و یا خانوادگی افراد.(دلسوزی و مهربانی)
- رفتن به دیدار آنها بدون قرار قبلی
- معرفی نکردن خود در هنگام تلفن کردن
- تعریف و تمجید زیاده از حد از خود یا از طرف مقابل
- نپذیرفتن اشتباه و سعی در توجیه آن
- غیر مستقیم صحبت کردن و به اصل مطلب نپرداختن
- قضاوت کردن در مورد افراد، برچسب زدن به آنان و عمومیت دادن

اما موضوع تقابل دو فرهنگ به همین جا ختم نمی‌شود. این تقابل به بحرانهای جدی‌تری در زندگی مهاجر منجر می گردد از آنجمله بوجود آمدن یا شدت گرفتن اختلافات زناشوئی، شدت گرفتن اختلافات بین والدین و فرزندان، سست شدن پیوندهای عاطفی بین افراد خانواده و .. بحرانهایی که ناشی از بزرگترین، ارزشمندترین و زیباترین دستاور غربیان یعنی برسمیت شناخته شدن حقوق انسانها صرف نظر از جنس، سن، نژاد، ملیت و

مذهب و وابستگی های قومی و قبیله ایست.

الف) برسمیت شناخته شدن حقوق انسانی زنان در غرب و تاثیر آن در بوجود آمدن یا شدت گرفتن اختلافات زناشوئی در بین مهاجران:

اختلافات زناشوئی و طلاق تاریخچه‌ای به قدمت تاریخچه ازدواج دارد. این پدیده در تمامی جوامع چه مدرن و چه سنتی به وفور دیده می‌شود. هر چند اساسی‌ترین ریشه‌های این اختلافات به تفاوتهائی بر می‌گردد که بطور طبیعی بین مرد و زن وجود دارد، اما بروز این مشکل و شدت گرفتن آن در بین مهاجرانی که از کشورهای سنتی به غرب می‌آیند را می‌توان به بارزترین تفاوتی مربوط دانست که بین این دو جامعه وجود دارد؛ و آن برابری نسبی بین زن و مرد در جوامع مدرن و عدم وجود این برابری در جوامع سنتی است (بهمین خاطر است که جوامع سنتی به جوامع مرد سالار یا پدر سالار نیز شهرت دارند). آگاهی یافتن زنان مهاجر از حقوقی که در جامعه خویش به ناحق از آنان سلب گردیده، اما در کشورهای پیشرفته به آسانی به آنان تفویض می‌شود، و عدم پذیرش این حقوق توسط مردان عامل بزرگی در شروع، تداوم و تشدید اختلافات بین زنان و شوهران است.

در توضیح بیشتر این مسئله باید گفت که ازدواج بطور کلی به معامله‌ای شبیه است. این معامله در هر جامعه ضوابط، معیارها و قوانین خاص خود را دارد. در جوامع سنتی و مردسالار، وظیفهٔ مرد در این معامله تأمین زن به لحاظ اقتصادی و اجتماعی و وظیفه زن علاوه بر تمکین جنسی، شست‌وشو، پخت و پز، رفت و روب، بچه‌داری و ... است. با توجه به این که در این جوامع قانونی از حقوق زنان دفاع نمی‌کند، و زن بعنوان موجودی ضعیف و صغیر تحت سرپرستی شوهر قرار دارد، اگر همسر وظایف محوله را به درستی انجام ندهد و از مسئولیتهای پدر بودن شانه خالی کند، و یا به آزار زن بپردازد، زن براحتی نخواهد توانست از او جدا شود. باین دلیل که اولا اکثریتی از زنان منبع در آمدی ندارند و بهمین خاطر پس از طلاق بایستی به خانه پدر یا برادر یا مرد محرم دیگری نقل مکان کنند و باری بر دوش آنان شوند، ثانیا سرپرستی کودکان معمولا به شوهران واگذار می‌شود و ثالثا زنان مطلقه از احترام اجتماعی برابر با زنان شوهر دار برخوردار نمی‌باشند. طبیعی است که در چنین شرایطی زنان تحمل هر سختی را به جدائی ترجیح می دهند.

حال این خانواده به کشوری وارد می شوند که در آن به زن به چشم انسانی تقریبا برابر یا برابر با مرد نگاه می شود. به کشوری که قانون با پشتوانه تعلیم و تربیت، محیط نسبتا امنی بوجود آورده که در آن زنان دیگر برای حضور خویش در اجتماع احتیاجی به سایه بالاسر یا محافظ (قیم) ندارند، به جامعه ای که پس از طلاق دولت به لحاظ مادی از زنان حمایت می نماید و کودکان را نیز به جز در شرایط بسیار نادر به آنان می سپارد، و بالاخره به کشوری که زنان مطلقه احترام اجتماعی خود را نیز کماکان حفظ می‌نمایند. چنین شرایطی باعث می شود که زنان مهاجر احساس امنیت پیدا نموده و این احساس به تدریج به عدم تمکین به همسرانشان منجر شود.

از طرفی همانقدر که دست یافتن زنان به حقوق پایمال شده خود خوشایند است، پذیرش و واگذار کردن این حقوق برای مردان سخت و ناخوشایند است، به خصوص که داشتن این امتیازات غیر عادلانه، در طی زمان بخش مهمی از ذهنیت و باور آنان را تشکیل داده است. باین ترتیب عدم تمکین زنان به جدال و درگیری لفظی و گاه فیزیکی و در بسیاری از مواقع جدایی بین زوجین می انجامد که زیانبارترین نتیجه آن از بین رفتن آشیانه فرزندانی است که اکثریتی از والدین به خاطر آینده آنها به مهاجرت دست زده‌اند.

علاوه بر آن شاید توجه به این نکته نیز خالی از فایده نباشد که زندگی کردن در فضای آزادی برای کسانی اعم از زن و یا مرد که عمری در بند زیسته‌اند، ظرفیتی می‌خواهد که همه آن را ندارند. ناگهان در سنین میانه‌سالی به غرب آمدن و آگاهی یافتن از این واقعیت که: "ما هم انسان بودیم و نمی‌دانستیم، چه ظلم‌ها بر ما رفت که اگر در این‌جا زاده شده بودیم بر ما نمی رفت، و چه سوءاستفاده‌ها از مظلومیت ما شد، که اگر در اینجا متولد شده بودیم نمی شد؛ چه پیشرفت‌ها که می‌توانستیم بکنیم و نکردیم و چه زجرها که می‌توانستیم نکشیم و کشیدیم". ناگهان احساس باز پس گرفتن تمامی زندگی از دست رفته که تا دیروز در جامعه ی خود، معقول و حتی گاهی حسرت بر انگیز بود و امروز با معیارهای حاکم بر یک جامعه ی آزاد، تباه شده به نظر می‌رسد بیدار می‌شود، که اولین واکنش گاه نادرست در برابر آن چیزی جز فرار از قفسی به نام زندگی خانوادگی که یا خود برای خود و یا دیگران برای آن‌ها ساخته‌اند نیست.

ب) برسمیت شناخته شدن حقوق انسانی کودکان و نوجوانان در غرب و تاثیر آن در شدت گرفتن اختلافات بین والدین و فرزندان

اختلاف سنی بین دو نسل یعنی والدین و فرزندان معمولا کمی کمتر یا بیشتر از بیست تا بیست و پنجسال است. این اختلاف بطور کلی چه در کشورهای مدرن و چه در کشورهای سنتی باعث بروز تنشهائی بین والدین و فرزندان می گردد و در زمانی حادث می شود که فرزندان سنین بلوغ را طی می کنند. توضیح این که یک مادر یا پدر پنجاه ساله با فرزند سی ساله خود مشکل چندانی ندارند و بهمین ترتیب والدین بیست و پنج ساله با فرزند دو ساله یا پنجساله خود. در سنین بلوغ هورمونهای جنسی در خون شروع به ترشح می‌کنند و کودک به تدریج می رود تا به انسان

بالغی تبدیل گردد. تغییرات هورمونی منجر به تغییرات فیزیکی و رفتاری و احساسی در نوجوان می‌گردد. این یک مرحله بینابینی است که گذار از آن حتی در بهترین شرایط به اندازه کافی سخت است. متاسفانه گاه دیده می‌شود که پدران و مادران (به خصوص در کشورهای سنتی) این تغییر رفتارها را به بی ادبی و گستاخی تعبیر نموده و در مقابل فرزندانشان به واکنش‌های غیر اصولی دست می‌زنند، بدون توجه به این واقعیت که آنان نخواهند توانست با داد و فریاد، خشونت، توهین و تحقیر میزان ترشحات هورمونها را در بدن فرزندانشان پائین آورده یا بالا ببرند. این گونه برخوردها نه تنها آثار منفی و مادام العمر در روحیه جوانان باقی می‌گذارد، بلکه آرامش و آسایش را از بقیه افراد خانواده بخصوص فرزندان کوچکتر سلب می‌کند.حال تصور کنید که خانواده‌ای که دارای فرزندانی در سنین نوجوانی یا کوچکتر می‌باشند از یک کشور سنتی پدر سالار به یک کشور مدرن انسان سالار وارد می‌شوند . در چنین شرایطی فاصله بین دو نسل دیگر بیست یا سی سال نیست، بلکه به این فاصله چند صد سال اضافه می‌گردد. چند صد سالی که غرب به لحاظ تاریخی و به تبع آن اجتماعی تحولاتی را پشت سر نهاده است. یکی از آثار این تحولات همانا از بین رفتن تبعیض سنی و بعبارت دیگر برسمیت شناختن حقوق کودکان بعنوان انسانهائی کامل می‌باشد. طبیعتا این فاصله زیاد، تنشهای زیادتری را به دنبال خواهد آورد. فرزندان نسل دوم مهاجر به‌تدریج فرهنگ حاکم بر جامعه مدرن را از طرق مختلفی هم چون رسانه‌های گروهی، فیلمها، داستانها، در دبستان و دبیرستان و محیط خارج از خانه جذب می‌کنند. آنها یاد می‌گیرند که نه کسی به دلیل کم‌سنی مستوجب احترام کم‌تری است و نه کسی به‌خاطر داشتن سن زیادتر شایسته احترام بیش‌تر. آن‌ها می‌آموزند که هیچکس حق ندارد به دلیل کوچک تر بودن به آنها زور گفته یا عقیده و نظری را به آنان تحمیل نماید. یاد می‌گیرند که نه ابراز عقیده بی‌احترامی است و نه فرمان‌برداری بی‌چون و چرا احترام است. آشنائی با این حقوق باعث می‌شود که رفتار آنها تا اندازه زیادی نسبت به آنچه که ما در جامعه و فرهنگ سنتی خویش از آنان انتظار داریم تغییر نماید. این تغییر بصورت ابراز عقیده و سلیقه خود و عدم اطاعت از والدین خود را نشان می دهد. طبیعتاً این نوع برخورد برای والدین که در جامعه‌ای بزرگ شده‌اند که در آن بزرگی گفته‌اند و کوچکی، زنی گفته‌اند و مردی، نوکری گفته‌اند و آقایی و هیچ‌کس قرار نیست از محدوده‌ای که برایش مقرر شده پای خویش را بیرون بگذارد بی احترامی تلقی می‌شود. همین تفاوت در معنا و تفسیری که از احترام در این دو فرهنگ وجود دارد باعث تنش و درگیری و گاه حتی برخورد فیزیکی بین والدین و فرزندان گشته و گاه به دخالت پلیس می‌انجامد.

در چنین وضعیتی ترک کردن خانواده می‌تواند یکی از واکنشهائی باشد که جوانان در برابر اینگونه برخوردها از خود نشان دهند. به خصوص که در این کشورها نوجوانان از سن شانزده سالگی تحت حمایت مادی دولت قرار می گیرند، و کار کردن نیز در این سنین بسیار رایج است. این جدائی زود رس از خانواده می‌تواند فرزندان را در معرض خطراتی چون آمیخته شدن با دوستان ناباب (که آنها نیز به دلایل مشابه یا متفاوتی از تربیت والدین خویش محروم مانده‌اند)، اعتیاد و فساد و.. قرار دهد بخصوص که آنان تجربه زندگی در جامعه آزاد را ندارند.

از طرف دیگر این امر احساس نوعی واماندگی، آزردگی و ورشکستگی فرهنگی در والدین بوجود می آورد، چرا که فرهنگ جامعه میزبان در این تقابل برنده شده و دست آنها را از همه جا کوتاه کرده است.

فشار آوردن والدین به فرزندان در حفظ خصوصیات فرهنگی و آداب و رسوم، که گاه با تهدید و توهین و خشونت صورت می‌گیرد، باعث می‌شود که آنان حتی اگر خانه را نیز ترک نکنند رفتاری دوگانه پیش گیرند؛ بدین معنی که در محیط خانه طبق توقعات والدین و با معیارهای سنتی عمل نموده و در محیط خارج از خانه به نوع دیگری عمل کنند، یعنی تبدیل به موجوداتی دو رو شوند و این خود می‌تواند خطرات زیادی را برای آنها در جامعه آزاد غرب بوجود آورد.

طبیعی است که هر چه والدین از مسایلی چون تغییرات جسمی و روحی فرزندانشان در سنین بلوغ، از سختی عبور از این دوران، از تفاوت فرهنگی جامعه خود و میزبان با اطلاع‌تر و اگاه‌تر باشند تنش های مهاجرت برای آنان و فرزندانشان کمتر خواهد بود

ج) برسیمت شناخته شدن آزادی روابط بین دو جنس در غرب و تاثیر آن در بروز اختلافات خانوادگی در مهاجرت

برای اکثریتی از مهاجران که دارای فرزندانی نوجوان هستند، آزادی رابطه بین دو جنس در جامعه غرب می‌تواند منشاء بروز و یا شدت گرفتن اختلاف بین والدین و فرزندان گردد. این پدیده هر چند در مورد دختران و پسران هر دو مسئله ساز است، اما سختگیری و حساسیت در مورد دختران به دلیل باورهای مذهبی و سنتی بیشتر است. این تنش نیز بدلیل همان تفاوت چند صد ساله ایست که بین ما و غربی ها به لحاظ تاریخی و اجتماعی وجود دارد و همانگونه که در بخش دوم به آن اشاره گردید به نحو بارزی بین دو نسل در مهاجرت خود را به نمایش می گذارد. شدت و دامنه این برخوردها در بین خانواده ها نیز همانگونه که دیدیم بسته به میزان دانش و درک والدین از مسایل زیست شناختی، اجتماعی، روانشناختی، تاریخی و فرهنگی فرق می‌کند.

ما و غربی‌ها به دو دنیای کاملا متفاوت متعلق می‌باشیم. وقتی ما به غرب پا می‌گذاریم در حقیقت مانند جزئی جدا شده از یک مجموعه (شرق)

هستیم با باورها و ارزشها و معیارهای ذهنی خویش، که به مجموعه دیگری از ارزشها و باورها(غرب) وارد می‌شویم. برای درک و بخصوص قبول این باورها و ارزشها باید از مراحل تاریخی و اجتماعی عبور کرد که غرب آنرا پشت سر گذارده است و این مسیری نیست که بتوان در مدت کوتاهی از آن گذشت. همین امر خود سر آغاز و ریشه بسیاری از تنش‌ها و بحرانهای فردی و جمعی ما در مهاجرت است. بسیاری از دستاوردهای غرب مانند آزادی بیان و عقیده، آزادی زنان، شناخته شدن حقوق کودکان و جوانان و آزادی روابط بین دو جنس در مهاجرت به ما تحمیل می شود، حتی اگر عقل و منطقمان آنها را قبول کند، عواطف و احساساتمان آنها را رد می‌کند. برای بسیاری از ما کنار گذاشتن حتی بخشی از آداب و عادات فرهنگی مان تهدیدی به کل هویت ملی و مذهبی ما تلقی می‌شود و به این خاطر است که به نوجوانانمان در حفظ و حراست این هویت اصرار ورزیده و فشار وارد می‌آوریم.

برخوردهای تند و عجولانه والدین در تحمیل فرهنگ قومی خویش به فرزندان می تواند باعث بروز واکنشهای متفاوتی از جانب فرزندان گردد که به تعدادی از آنها در زیر اشاره می شود:

- یا نوجوان مجبور می شود از ترس و یا بخاطر علاقه خویش به والدین، از موازین فرهنگی خویش پیروی نموده و بهای آن که رنج متفاوت بودن با سایرین است را بپردازد. چرا که متفاوت بودن معمولا باعث مورد تمسخر قرار گرفتن از طرف جمع همسالان می‌گردد.
- یا دست به فریبکاری و پنهان کاری می زند، یعنی در خارج از خانه موازین حاکم بر فرهنگ غرب را رعایت می نماید، بعبارتی همرنگ با جماعت می شود و در داخل به خواست والدین رفتار می کند.
- و یا اینکه خانواده را ترک می گوید.

با توجه به اینکه خانواده اولین مکانی است که سنگ بنای تربیتی کودکان و نوجوانان در آنجا گذارده می‌شود، کلیه این واکنشها در دراز مدت می تواند اثرات سوئی بر زندگی نوجوان بگذارد. فراموش نباید کرد که مشکلات سنین نوجوانی و بلوغ در خانواده هائی که روابط دوستانه و صمیمانه بین والدین با یکدیگر و با فرزندان بر قرار است، بسیار کمتر از خانواده هائی است که عواملی چون خجالت یا ترس، ترسی که متاسفانه مخمل زیبای احترام بر آن کشیده شده، مانع ارتباط دوستانه نه تنها بین زنان و شوهران با یکدیگر، بلکه بین آنان و فرزندانشان نیز می‌گردد. باید دانست که هر قدر بیشتر با موعظه، سرزنش و یا تهدید با جوانانمان روبرو شویم، آنها را سریعتر وادار به تسلیم به معیارهای فرهنگ محیطی که در آن زیست می‌کنند – و در اینجا نظر به جنبه های منفی آن است- قرار می دهیم.

این مشکل برای نوجوانانی که هنوز به بلوغ فکری نرسیده‌اند، حتی در خود کشورهای غربی نیز بسیار مسئله ساز است. بد نیست بدانیم که نیاز وافر انسان به عشق و توجه ریشه بسیاری از این نوع تنش هاست. کمبود عشق و محبت در خانواده می‌تواند به فرار فرزندان (به خصوص دختران و حتی زنان)، فحشا، خودکشی و بیماریهای روانی و نهایتا متلاشی شدن خانواده منجر گردد. گفته می شود یکی از دلایلی که دختران در سنین نوجوانی به طرف جنس مخالف خود کشیده می‌شوند، صرف نظر از تمایلات غریزی، نیاز وافری است که آنها به مورد توجه و علاقه بودن دارند. بعضی از روانشناسان غربی معتقدند که والدین و بخصوص پدران میتوانند با نشان دادن توجه و علاقه مستقیم خویش به دختران نوجوانشان نقش بسیار مهمی را در این رابطه بازی کنند و مانع کشیده شدن آنان به طرف جنس مخالف خود، حداقل تا زمانیکه به بلوغ فکری کامل نرسیده‌اند بشوند.

د) عدم ارتباط "احترام" با "مدرک و عنوان" در غرب و تاثیر آن در کم شدن علاقه جوانان به تحصیلات دانشگاهی

یکی دیگر از مسایلی که مهاجران با آن در غرب روبرو هستند کم شدن تمایل جوانانشان به تحصیلات دانشگاهی است. این مسئله باین دلیل حادث می شود که در غرب امنیت اقتصادی و مهمتر از آن احترام اجتماعی، چندان در گرو داشتن تحصیلات آکادمیک و به خصوص عناوین مهندسی و دکترا نیست. در جوامع مدرن نه کسی به خاطر داشتن عنوان و مشاغل بالا، مورد توجه و عنایت بیش از حد مردم قرار می‌گیرد و نه کسی به خاطر داشتن مشاغل ساده‌تر از هر نوع آن، مورد بی مهری و تحقیر واقع می شود. به عبارت ساده‌تر همه افراد در پناه قانون بوده و از یک امنیت نسبی اقتصادی و احترام و شان اجتماعی تقریبا برابر برخوردارند. فرزندان مهاجران که با سرعت، معیارهای حاکم بر جامعهٔ میزبان را جذب و با روال و آهنگ آن حرکت می‌کنند، متوجه می‌شوند که بدون گذر از هفت‌خوان دانشگاه نیز می‌توان راحت زیست و از زندگی لذت برد و مورد احترام جامعه میزبان بود. بنابراین اگر تمایلی به ادامهٔ تحصیل نداشته باشند، دلیلی برای اتلاف حداقل چهار سال از وقت خود برای خواندن مطالبی که علاقه‌ای به آن‌ها ندارند را نمی‌بینند. این مسأله برای والدینی که در جامعه ای زیسته اند که احترام و آبرو در گرو داشتن مدرک و بخصوص عناوین است، سخت ناگوار می‌آید. کنجکاوی پی در پی اقوام و بستگان این خانواده ها در ایران و سایر دوستان و آشنایان ایرانی در کشور میزبان، در مورد تحصیلات فرزندان، والدین را در تنگنای بیشتری قرار می‌دهد و این خود باعث فشار بیشتر از طرف والدین به فرزندان در رفتن به دانشگاه و ادامه

تحصیل به‌خصوص در رشته‌هایی که دکترا و مهندسی می‌دهند می‌گردد. نتیجهٔ نهایی این تفاوت فرهنگی ایجاد تنش، رخت بربستن خرسندی و آرامش از خانواده و سایر اثرات منفی و جنبی ناشی از آن برای همگی آن‌ها است.

متاسفانه والدین برای تشویق و ترغیب فرزندانشان به ادامه تحصیلات دانشگاهی در غرب از همان دلایلی که در وطن سود می جستند استفاده می کنند، دلایلی چون کسب آبرو و احترام اجتماعی. دلایلی که در کشورهای غربی چندان کار ساز نیست. شاید ذکر این نکته در اینجا خالی از فایده نباشد که اصولا این چنین انگیزه هایی برای وارد شدن به دانشگاه در کشورهای در حال توسعه، خود یکی از دلایل عقب ماندگی این کشورهاست. زیرا هنگامی که فرار از تحقیر، فخر فروختن به دیگران و بر انگیختن حسرت در آنان و کسب احترام کاذب انگیزه تحصیلات عالی شد، نتیجه آن بوجود آمدن مدرک دارانی بیسواد و متخصصینی بی علاقه خواهد گردید که نخواهند توانست آنچنانکه باید در روند بهبود جامعه ای که در آن زندگی می کنند گام بردارند. متاسفانه اکثریتی از ما مردم جوامع عقب مانده از این نکته غافلیم که استعداد و علاقه دو عامل مهم برای تحصیلات آکادمیک در تمامی رشته ها علمی، ادبی و هنری است و این عوامل در همگان به یک نسبت وجود ندارد. تشویق فرزندان به ادامه تحصیلات فقط در موردی می تواند توجیه منطقی داشته باشد که آنان دارای هوش و استعداد بوده، اما بدلایلی چون تنبلی یا بی حوصلگی و ... از ادامه تحصیل خودداری کنند. در چنین حالتی نیز منطقی‌ترین راه مجاب کردن یک جوان به ادامه تحصیلات، متوجه کردن او به این نکته انسانی است که اگر او بتواند مثلا یک جراح یا فیزیکدان یا خلبان شود، یا استعدادهای هنری خود را پرورش دهد، اما به مشاغلی چون فروشندگی، شستشوی اتومبیل، تهیه ساندویچ و یا هر کار دیگری که نیاز به نبوغ و هوش و استعداد زیادی ندارد، مشغول گردد، جای فردی را غصب کرده است که استعداد و توانائی جراح، خلبان و یا فیزیکدان یا هنرمند شدن را نداشته است.

ه) فردگرایی و تنوع راههای زندگی در غرب و تاثیر آن در سست شدن پیوندهای عاطفی خانواده:

معاشرت و رفت و آمدهای خانوادگی یکی از رایج ترین و ارزانترین سرگرمی های مردمان در تمامی کشور های فقیر منجمله کشور ما بوده و می باشد. تداوم فقر باعث شده است که این سرگرمی بصورت عادت در بین ما در آید، بطوری که حتی در بین اقشاری که به لحاظ مادی با اجداد خویش تفاوت بسیار کرده اند، هنوز رفت و آمد و مهمانی دادن و مهمانی رفتن یکی از رایج ترین سرگرمی هاست، با این تفاوت که به حشو و زواید و تکلفات و تشریفات آن افزوده گشته است. یکی از شرایط داشتن چنین سرگرمی وجود خانواده و فامیل بزرگ است که آن نیز منوط به آنست که ازدواج در جوانی صورت گیرد و فرزندانی متعدد در خانواده متولد گردند.

در حالیکه در کشورهای مدرن شرایط دیگری حاکم است، بهبود وضع اقتصادی، توزیع عادلانه‌تر ثروت، وجود امنیت نسبی و حمایت قانون از فرد باعث شده که دنباله روی از سنتها و آداب جای خود را به انتخاب فردی دهد. در این جوامع زندگی تنها در درس خواندن، کارگرفتن، ازدواج کردن و بچه دار شدن خلاصه نمی شود. یکی از بزرگترین دستاوردهای دموکراسی "خود بودن، یعنی برای خود و نه برای رضایت و خواست دیگران زندگی کردن" است. فرزندان مهاجران فرهنگ حاکم بر جامعهٔ میزبان را به دلیل متنوع تر بودن راههای زندگی بر فرهنگ سنتی خویش ترجیح می دهند. حاصل این رجحان عدم تمایل به ازدواج، احتمال ازدواج با غیر هموطن و عدم تمایل به داشتن فرزند و یا فرزندان متعدد است. باین ترتیب گسترش معمول خانواده در مهاجرت از دست می رود.

والدین در این رابطه نیز سعی زیادی می کنند که فرزندانشان را وادار به اطاعت از فرهنگ سنتی و آداب و رسوم خویش نمایند. اما وجود امکان ورود جوانان به بازار کار و حمایتی که دولت از آنان می کند را می توان از دلایل عدم موفقیت والدین در این امر دانست. استقلال مالی منجر به استقلال فردی، شخصیتی و فکری می‌گردد که اولین نشانه آن عدم اطاعت از والدین است. به بیان دیگر والدین نمی‌توانند از طریق تهدید به قطع و یا کاهش کمکهای مالی، فرزندان خود را به پیروی از سنت‌ها و آداب و عادات خویش قرار دهند. چرا که اگر چنین کنند فرزندان می‌توانند خانه را ترک گفته و به‌طور مستقل زندگی خود را هر چند با دشواری ادامه دهند.

از طرفی از آنجا که کانون خانواده تنها مایهٔ امید و دلخوشی بسیاری از مهاجران نسل اول در این کشورها است، والدین در بسیاری از اوقات مجبور می شوند در جهت حفظ آن، استقلال رای و شخصیت فرزندان خود را به‌رسمیت بشناسند و به‌گونه‌ای بلاعوض آن‌ها را از حمایت‌های عاطفی و خدماتی و مالی خود بهره‌مند سازند. این وضعیت هر اندازه که برای والدین دل آزار و غیرمنصفانه می نماید، برای فرزندان گوارا و خوشایند است، چرا که آنان از دو نعمت بزرگ برخوردارند، یکی آزادی و استقلال غربی و دیگر داشتن والدین شرقی که از هیچ نوع محبتی برای آنان دریغ نمی دارند. غرق شدن فرزندان در جامعه و فرهنگ میزبان، فراموش کردن آداب و رسوم همراه با ضعیف شدن زبان مادری، خود منجر به احساس تنهایی در والدین و به‌دنبال آن افسردگی در آنان می گردد به بخصوص برای مهاجرینی که بطور عادتی بیشترین سرگرمی زمان میانسالی شان را معاشرتهای فامیلی و ارتباطات تنگاتنگ با فرزندان و نوه هایشان تشکیل می‌داده است. نداشتن کار و برنامه هایی که والدین

بتوانند با آن اوقات فراغت خویش را پر کنند به این احساس در غربت بیشتر دامن می‌زند. عباراتی چون «در خارج بچه‌ها دیگر مال آدم نیستند» یا «در خارج آدم بچه‌هایش را از دست میدهد» در رابطه با همین مسأله گفته می‌شود.

و) بحران هویت

خلقیات، عادات و آداب و رسوم که هویت انسان را تشکیل می‌دهد با گذشت زمان ریشه‌های عمیق‌تری می‌یابد. این عادات و آداب که ریشه در زندگی جمعی و روابط خانوادگی و قومی ما دارد، در مهاجرت دچار بحران می‌شود. توضیح اینکه پس از مهاجرت جا و مکان و زندگی مانوس و مالوفی که مهاجر به آن خو کرده است بهم می‌ریزد. علاوه بر آن شان اجتماعی، هویت ملی و شغلی و گاهی هویت سیاسی و حزبی او از دست می‌رود. در چنین شرایطی اگر مهاجر از اعتماد به نفس و هویت فردی استواری برخوردار نباشد، احساس نوعی پوچی، بی ارزشی، تنهائی، بیگانگی و نهایتا خود گم کردگی می‌کند. به بیان دیگر وقتی انسان در وطن خود مقیم است ده ها و گاه صدها نفر او را می‌شناسند، اگر معلم است شاگردانی دارد، اگر کارمند است، همکاران و ارباب رجوعانی، اگر شغل آزاد دارد، مشتریانی و اگر هیچ شغلی نیز نداشته باشد همسایگان، صاحبان مغازه‌ها و سوپر مارکتهای محله او را می‌شناسند. اینها در فرد احساس متمایز بودن از دیگران و "کسی بودن" را بوجود می‌آورد و این به نوعی همان هویت او را تشکیل می دهد. مضافاً اینکه اقوام و بستگان، دوستان و آشنایان، و شهر و دیاری که گذشتهء زندگی او را در خود تنیده است به این هویت و کیستی استحکام بیشتری می‌بخشد. هر یک از این اقلام در مهاجرت به نوعی فرو پاشیده می‌شود و شخصی که تا دیروز در دیار خود کسی بوده است یا خیال می کرده است که کسی است، پس از مهاجرت تبدیل به "هیچکس" می گردد و این امر مهاجر را با بحرانی سخت و دردناک روبرو می‌سازد. بدیهی است کسانی که هویتشان بسته به قابلیتها و خلاقیت های درونی خویش است-دانشمندان، هنرمندان- کمتر دچار چنین بحرانهایی می گردند چرا که پس از مدت کوتاهی می توانند همان قابلیتها را در محیط جدید نیز متجلی ساخته و برای خویش هویتی کسب نمایند.

ز) احساس بی وطنی

انسان بطور طبیعی از تغییر می‌هراسد و در تکرار زندگی روزانه و عادتی خود احساس نوعی امنیت می‌کند. دشواری یادگیری زبان و کسب مهارتهای تازه و ترس از عدم موفقیت باعث می‌شود مهاجر به خصوص در سنین بالا، بیش از پیش به آداب و عاداتش پناه ببرد و از حشر و نشر با جامعه میزبان -بدلیل نداشتن وجوه فرهنگی مشترک- بگریزد. بدین ترتیب است که او در میان هموطنان خویش دوستانی می‌یابد و فقط با همانان نشست و برخاست می کند. فقط به رادیوهای فارسی زبان گوش می‌کند، روزنامه‌های فارسی را می‌خواند و تلویزیونهای فارسی زبان را تماشا می‌کند. به معنای دیگر در ایران کوچکی که برای خود ساخته است با همان آداب و رسومی که در زمان مهاجرت با خود آورده است، روزگار می گذراند. نتیجتاً پس از گذشت سالها نه از جریان امور کشوری که در آن زندگی می‌کند، کوچکترین خبری دارد و نه با تغییراتی اجتماعی- فرهنگی که در وطن خودش روی داده همگام است. چنین کسی وقتی به وطن بر می‌گردد، مشاهده می‌کند که تحولات و تغییرات بیشماری-مثبت یا منفی- صورت گرفته و کشورش دیگر آن سرزمینی نیست که او آنجا را ترک گفته بود. بعبارت دیگر نه تنها در کشور محل اقامت خویش که در وطن خویش نیز غریب است.

- نقش سازنده مهاجرت

هر چند این نوشتار در رابطه با پی آمدهای ناگوار مهاجرت بود، اما بد نیست اشاره ای نیز، هر چند مختصر به نقش سازنده مهاجرت داشته باشیم.

مهاجرت اصولا تاریخ ساز است. بسیاری از تمدنهای بشری چه قدیم (ایران و مصر) و یا جدید (امریکا، کانادا و استرالیا) بوسیله مهاجران به این سرزمینها شکل گرفته اند.

در مهاجرت است که امکان دوباره‌ای برای رشد و تکامل فراهم می شود. در مهاجرت است که اقتدار کاذبی که ما به خاطر مال و منال یا مدرک و عنوان و یا هر چیز دیگری داشتیم از بین می رود و ضعف‌های درونی ما امکان بروز می‌یابد. در مهاجرت است که برای انسان این موقعیت فراهم می شود که از تمامی عاداتی که نا آگاهانه به آنها خو گرفته و به آنها وابسته شده است جدا شود، و اینها خود شانس و فرصت دومی است برای مهاجر که اختیار زندگی خویش را آگاهانه بدست گیرد.

در حقیقت می‌توان گفت در مهاجرت به کشورهای آزاد، انسان به دنیائی وارد می‌شود که امکان رشد و پیشرفت در آن کم نیست، امنیت اقتصادی و اجتماعی مهیاست و چندان مانعی بر سر راه ترقی و تعالی آدمی وجود ندارد. باید و نبایدهای زندگی قومی و قبیلگی که آزادیهای فردی و بدنبال آن امکان خلاقیت و رشد و شکوفایی را از فرد سلب کرده بود، از میان می رود و اگر مهاجر زندگی و کار خود را محدود به دایره هموطنان ننماید،

می‌تواند از این فرصتها و امکانات بهره گرفته و استعدادهای خفته خود را به منصه ظهور برساند. درخشش ایرانیان مقیم کشورهای پیشرفته در زمینه های مختلف علمی، ادبی، فرهنگی و هنری را می توان به وجود استعداد و قابلیت در آنان و مهمتر از آن به استفاده صحیح این عزیزان از این امکانات منتسب دانست. این امر خود نشانگر اینست که هیچ ملتی به لحاظ هوش و استعداد از ملت دیگر بالاتر یا پایین تر نیست، بلکه این شرایط محیطی است که زمینه ساز بروز خلاقیت ها و استعداهاست. به عبارت ساده تر همانطور که یک بذر خوب برای تبدیل شدن به یک گیاه شاداب و پر بار احتیاج به خاک مناسب، آب و نور و حرارت کافی دارد، انسانها نیز برای رشد و شکوفائی زمینه مساعد می خواهند و این معنا را بخوبی در شعر فروغ می توان یافت که: هیچ صیادی از جوی حقیری که به گودالی می ریزد مرواریدی صید نخواهد کرد.

منبع : جامعه‌شناسی ایران

http://vista.ir/?view=article&id=334828

vista.ir
Online Classified Service

تو می‌روی به سلامت!

- اتوبوس‌سواری

اگر در صفحه تورهای مسافرتی برای عید دنبال یک تور با قیمت مناسب هستید، باید دنبال تورهای زمینی که با اتوبوس شما را به گردش در ایران یا خارج از کشور می‌برند، باشید. شاید هم قصد دارید خودتان برای سفر نوروزی بلیت اتوبوس تهیه کنید و با این وسیله بزرگ حمل و نقل عمومی راهی سفرهای نوروزی شوید. برای اینکه سفر با اتوبوس برایتان لذت‌بخش و خاطره‌انگیز باشد و از سلامت و ایمنی کافی برخوردار باشید، باید قوانین سفر با اتوبوس را بدانید.

- حقوق اتوبوسی

۱) حقوقتان را بدانید:

این حق شماست که بدانید در یک سفر نوروزی، اتوبوس چه مسیری را برای رسیدن به مقصد طی و از چه جاده‌ها و شهرهایی گذر می‌کند. معمولا شرکت‌های حمل و نقل، هنگام صدور بلیت، مسیر سفر را به شما اطلاع می‌دهند. نرخ خدمات حمل و نقل مسافر با اتوبوس هر سال را وزارت راه و ترابری از سوی سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور صادر می‌کند.

شرکت‌های مسافربری باید در صورت درخواست شما بدون دریافت وجه اضافی، بلیت صادره را تمدید کنند. برای کودکان زیر ۵ سال که صندلی جداگانه‌ای به آنها اختصاص نمی‌یابد، خدمات حمل و نقل رایگان است. شرکت‌های مسافربری ملزم هستند در همان ساعتی که در بلیت شما درج شده وسیله نقلیه مناسبی برای سفر شما آماده کنند، ولی در صورت تاخیر بیش از یک ساعت در حرکت وسیله نقلیه عمومی، شرکت ملزم به تامین وسیله نقلیه جایگزین و یا استرداد کل مبلغ بلیت در صورت درخواست مسافر است.

اگر شما تا یک ساعت قبل از آغاز سفر نوروزی از سفر منصرف شوید شرکت‌های مسافربری با کسر ۱۰ درصد کل مبلغ بلیت، پول بلیت را به شما باز می‌گردانند. فراموش نکنید اگر اتوبوس شما در طول سفر دچار نقص فنی شد و از ادامه سفر بازماند، شرکت حمل و نقل موظف است بدون ایجاد هزینه اضافی و در اسرع وقت، وسیله مناسب را برای انتقال مسافران فراهم کند.

۲) سلامت در اتوبوس:

رانندگان اتوبوس‌ها را شرکت‌های حمل و نقل از میان افرادی که صلاحیت اخلاقی و حرفه‌ای دارند و آزمون‌های لازم را گذرانده‌اند، برمی‌گزینند. کارکنان اتوبوس در طول سفر نوروزی موظفند اصول اخلاقی و شئونات اسلامی را رعایت کنند. همچنین در زمان و مکان مناسب برای بجا آوردن نماز توقف کنند. فراموش نکنید رعایت اصول بهداشتی اتوبوس تحت نظارت مسوولان شرکت مسافربری است و شما می‌توانید اگر شکایتی در این زمینه داشته باشید این شکایت را با این مسوولان در میان بگذارید.

پذیرایی از مسافران در داخل اتوبوس و ارائه آب آشامیدنی باید با استفاده از ظروف یک‌بارمصرف استاندارد باشد.

۳) ایمنی در اتوبوس:

اگر طول سفر نوروزی شما بیش از هشت ساعت است باید حتما یک راننده کمکی در اتوبوس شما حضور داشته باشد تا در هنگام خستگی و خواب‌آلودگی راننده اول جایش را با او عوض کند. هیچ راننده‌ای حق ندارد با سرعت غیرمجاز براند. فراموش نکنید سرنشینان اتوبوس برای حوادث احتمالی نزد شرکت بیمه دانا بیمه شده‌اند و اگر خدای‌نکرده حادثه‌ای در طول سفر رخ دهد شرکت بیمه‌گر در حد تعهدات خسارات وارده به مسافران را جبران می‌کند.

۴) چند کیلو بار مجاز است:

شما در طول مسافرت با اتوبوس می‌توانید ۲۰ کیلوگرم بار را به ازای هر نفر همراه ببرید و اصلا لازم نیست بابت آن هزینه اضافی به شرکت اتوبوسرانی بپردازید. وقتی شما بار و وسایل‌تان را تحویل می‌دهید مسوولیت نگهداری آن برعهده شرکت مسافربری است. مسافران باید در قبال تحویل بارشان به شرکت مسافربری، برچسب شماره‌دار مربوط به بار خود را دریافت کنند.

۵) برای بدخواب‌ها: اگر شما در طول سفر با اتوبوس خواب‌تان نمی‌برد و چندین ساعت کلافه می‌شوید می‌توانید قبل از سفر یک عدد قرص خواب‌آور ضعیف با تجویز پزشک‌تان مصرف کنید.

۶) هدفون برای شما:

اگر سر و صدای مسافران، گریه کودکان و حتی رفت و آمد ماشین‌ها در جاده شما را ناراحت می‌کند می‌توانید یک هدفون همراه ببرید و در طول سفر با اتوبوس به‌خصوص در طول شب گوش‌هایتان را با آن بپوشانید.

۷) شرکت مسافربری را با دقت انتخاب کنید:

ممکن است شما بلیت گران‌تری بخرید ولی در عوض سفر نوروزی‌تان را در اتوبوسی سپری می‌کنید که ایمن‌تر است. خدمات بیشتری به شما ارائه می‌شود و صندلی‌های بهتری دارد بنابراین شرکت‌های مسافربری برتر را انتخاب کنید.

۸) در رستوران‌های بین‌راهی غذا نخورید:

باید گفت در رستوران بین‌راهی استانداردی وجود ندارد. سطح بهداشت این واحدها در حد ابتدایی است. اگر مجبورید در این مکان‌ها غذا بخورید دست‌کم آنهایی را برگزینید که معتبرتر هستند. اگر چه معمولا رانندگان اتوبوس در رستوران‌های خاص توقف می‌کنند و استفاده از رستوران بهتر، مقدور نیست ولی برای ارزیابی سطح بهداشت این رستوران‌ها به وضعیت دستشویی‌ها، لباس کارگران، نظافت میزها، حضور حشرات و تمیزی وسایل غذا مثل چاقو و چنگال و لیوان دقت کنید.

- پرواز نوروزی

عید از راه رسیده است و فصل مسافرت هم به دنبال آن به خانه‌های بیشتر ما ایرانی‌ها پا گذاشته است. ممکن است تصمیم گرفته باشید عید را به یکی از شهرهای زیارتی یا توریستی کشورمان بروید یا از میان آگهی‌های روزنامه‌ها یکی از کشورهای دیدنی دنیا را برای مسافرت انتخاب کرده باشید. اگر برای مسافرت هواپیما را انتخاب کرده باشید بدون شک راحت‌تر و در زمان کمتر به مقصد خواهید رسید. ولی پیش از پرواز بهتر است با ایمنی پروازهای هوایی در هواپیما آشنا شوید تا این سفر هوایی بیشتر به شما و خانواده‌تان خوش بگذرد.

۱) پروازهای یکسره را انتخاب کنید:

گاهی شما مجبورید برای پرواز به نقطه‌ای دور، پروازهای خود را عوض کنید. جالب است بدانید بیشتر حوادث هوایی در هنگام بلند شدن هواپیما از زمین یا هنگام نشستن آن روی زمین رخ می‌دهند بنابراین در صورتی که پروازهای یکسره را انتخاب کنید، ایمنی بیشتری خواهید داشت.

۲) یک هواپیمای بزرگ:

سعی کنید هواپیماهایی را برای پرواز انتخاب کنید که بزرگ باشند و حداقل بیش از ۳۰ مسافر صندلی داشته باشند. در حوادث هوایی شانس زنده ماندن مسافران در هواپیماهای بزرگ بیشتر است.

۳) به توصیه‌های پیش از پرواز گوش دهید:

شاید به نظر شما صحبت‌های مهماندار و حرکات تکراری او پیش از پرواز، خسته‌کننده باشد ولی به آن توجه کنید چون ممکن در خروج اضطراری در هواپیماهای گوناگون متفاوت باشد. کارت ایمنی پرواز را هم دقیقا مطالعه کنید.

۴) تا هنگامی که روی صندلی نشسته‌اید، کمربندهای پرواز را بسته نگه دارید:

تلاش کنید هنگامی که روی صندلی هواپیما نشسته‌اید و پرواز ادامه دارد کمربندهای پرواز را بسته نگه دارید. در این صورت اگر هواپیما در یک تور بولانس (جریان هوا) اتفاقی افتاد و دچار تکان‌های شدید شد شما پرتاب نخواهید شد و ایمنی بیشتری خواهید داشت.

۵) مواد خطرناک را از چمدان‌تان خارج کنید:

یک لیست طولانی از موادی وجود دارد که خطرناکند و شما نباید آن را در کیف دستی یا چمدان خودتان قرار دهید. بنزین و سایر مواد قابل اشتعال، اسید، الکل، مواد خورانده و گازهای سمی را هرگز همراه خود وارد هواپیما نکنید.

۶) مراقب نوشیدنی‌های داغ باشید:

شاید میل داشته باشید در طول پرواز چای یا قهوه داغ نوش‌جان کنید ولی ممکن است این نوشیدنی‌ها به دلیل حرکت هواپیما روی لباس یا تن شما بریزند. بنابراین اجازه دهید مهمانداران این کار را برایتان انجام دهند آنها در این زمینه آموزش دیده‌اند و می‌توانند نوشیدنی‌ها را در راهروهای هواپیما حمل کنند و به دست شما برسانند.

۷) چمدان‌های چرخ‌دار را انتخاب کنید:

این روزها چمدان‌هایی در رنگ‌های زیبا به بازار آمده‌اند که شما می‌توانید به راحتی آنها را روی چرخ‌هایشان روی زمین بکشید و به راحتی آنها را حمل کنید. اگر لازم باشد چمدان‌های سنگین را بلند کنید (حمل کنید) فشار زیادی بر اسکلت و ستون فقرات خودتان وارد می‌کنید که می‌تواند باعث دردهای عضلانی-اسکلتی پس از مسافرت هوایی شود. معمولا حمل چمدان‌های سنگین‌تر از ۱۸ کیلوگرم دشوار است و می‌تواند فشار زیادی بر بدنتان وارد کند.

۸) اسم و آدرستان را روی چمدان‌ها بنویسید:

برای اینکه خیالتان از بابت گم‌شدن چمدان‌ها راحت باشد، یک برگه کاغذ کوچک بردارید و اسم، نشانی و تلفن خود را روی آن یادداشت کنید. این برگه را روی چمدانتان نصب کنید. برای اطمینان بیشتر، یک عدد از این نوشته‌ها را نیز درون چمدانتان قرار دهید.

۹) چمدانی مخصوص خودتان:

بیشتر چمدان‌ها شکل‌ها و رنگ‌های مشابهی دارند. همین مورد موجب می‌شود شما نتوانید به‌راحتی چمدانتان را از میان چمدان‌های دیگر پیدا کنید و یا شاید مسافری دیگر، چمدان شما را اشتباهی بردارد. بنابراین در هنگام خرید چمدان تلاش کنید نوعی را انتخاب کنید که رنگ و شکل متمایزی داشته باشد.

۱۰) مدارکتان را در چمدان نگذارید:

مدارک و وسایلی که گران و یا بااهمیت هستند را درون چمدان نگذارید. پول نقد، لب‌تاپ و مدارک را در کیف دستی‌تان جای دهید و با خود درون هواپیما ببرید. در صورتی که این وسایل مهم را در چمدان‌تان قرار دهید و به هر دلیلی چمدانتان گم شود، دچار مشکلات جدی خواهید شد.

۱۱) ایمنی در توربولانس هوا:

توربولانس هوا در حین پرواز معمولا غیرقابل پیش‌بینی است و ممکن است هواپیما را دچار تکان‌های ناگهانی کند. بنابراین برای اینکه خودتان و یا فرزندتان پرتاب نشده و دچار آسیب‌های فیزیکی نشوید، باید نکات ایمنی را رعایت کنید. کمربند ایمنی‌تان را همواره بسته نگه‌دارید، فقط در کشور آمریکا سالانه ۳۸ مسافر در اثر نبستن کمربند ایمنی پرواز و افتادن هواپیما در توربولانس دچار صدمه فیزیکی می‌شوند.

۱۲) لباس‌های نخی بپوشید:

تلاش کنید هنگامی که قصد یک مسافرت هوایی دارید، لباس‌های نخی به تن کنید. این لباس‌ها علاوه بر اینکه شما را خنک نگه می‌دارند، در صورتی که هواپیما دچار آتش‌سوزی شد، از شما حفاظت بیشتری می‌کنند، در حالی که لباس‌های نایلونی، پلی‌استر، هنگامی که در برابر حرارت قرار گیرند، ذوب می‌شوند.

۱۳) بیماری خود را اطلاع دهید:

اگر شما و یا فرزندتان مبتلا به یک بیماری هستید، مثل صرع، بیماری قلبی و... که ممکن است طی پرواز دچار حملاتی شوید، حتما پیش از پرواز،

مهمانداران را از وضعیت سلامت خودتان آگاه کنید تا آنها آمادگی لازم را برای کمک به شما در شرایط اضطراری داشته باشند.

۱۴) مراقب کودک شیطانتان باشید:

فراموش نکنید این خود شما هستید که مسوولیت مراقبت و نظارت بر فرزندتان را برعهده دارید، نه خدمه هواپیما. بنابراین تلاش کنید او را سرگرم نگه دارید و کنترل کنید. در پروازهای هوایی طولانی جست‌وخیز کودک روی صندلی و یا راهروهای هواپیما می‌تواند موجب ریختن نوشیدنی‌های داغ روی مسافران شود و یا حتی موجب آسیب خود کودک شود. بنابراین برای ایمنی فرزندتان و سایرین او را کنترل کنید. راه دیگر آن است که اجازه ندهید در صندلی مجاور راهرو بنشیند.

۱۵) اسباب‌بازی‌های ایمن:

اگر کودک شما تمایل دارد اسباب‌بازی‌هایش را همراه بیاورد، اجازه ندهید اسباب‌بازی‌های تیز، سنگین و یا حتی قابل‌شکستن را با خود به درون کابین هواپیما بیاورد. اسباب‌بازی‌های الکترونیکی هم می‌توانند با کارکرد سیستم‌های الکترونیکی هواپیما تداخل کنند و خطرآفرین شوند. حتی اگر هم اسباب‌بازی همراه خودتان نبرید، در طول پرواز می‌توانید از مهمانداران خواهش کنید یک اسباب‌بازی برای سرگرم‌کردن کودکتان در اختیارتان بگذارند.

۱۶) ترس از پرواز:

شما هم از پرواز می‌ترسید؟ خواندن خبرهای سقوط هواپیما در روزنامه‌ها شما را حسابی وحشت‌زده می‌کند و در هنگام پرواز هر لحظه می‌ترسید که هواپیمای شما هم سقوط کند؟ ترس از پرواز یک پدیده پیچیده روانی است که با شنیدن خبرهای ناخوشایند در این زمینه بیشتر تحریک می‌شود. توربولانس یا جریان‌های شدید هوا که گاه هواپیما در آن گرفتار می‌شود می‌تواند موجب بروز تکان‌های شدید در هواپیما شود که ترس و اضطراب شما را از پرواز دامن می‌زند. فراموش نکنید این جریان‌های هوا معمولا نمی‌توانند مشکلی در پرواز هواپیما ایجاد کنند و پس از لحظاتی برطرف می‌شوند. در هنگام پرواز آرامش خودتان را حفظ کنید و به جای فکر کردن به صحنه‌های بد به آرامش و مدیتیشن فکر کنید. سرگرم کردن خودتان به مطالعه نیز می‌تواند حواس شما را از ترس منحرف کند. اگر هیچ یک از این روش‌ها کارساز نیست با مشورت پزشک یک عدد قرص آرام‌بخش پیش از پرواز میل کنید.

- قطار قطار سلامتی

این روزها از بسیاری از شهرهای مهم دنیا و ایران ریل‌های قطار می‌گذرند و حتی قطارهای ویژه‌ای مثل قطارهای تندرو و به بسیاری از شهرها سفر می‌کنند. برای سفرهای نوروزی هم قطار گزینه خوبی است و برتری‌هایی بر هواپیما، اتومبیل و حتی اتوبوس دارد. اگر هنوز بلیت‌هایتان را نگرفته‌اید توصیه‌های ما را درباره سفر نوروزی با قطار بخوانید حتما درباره مسافرت با قطار نظرهای جدیدی پیدا خواهید کرد:

▪ یک قطار و این همه فایده:

سفر نوروزی با قطار بسیار ایمن و راحت است چون خطرات رانندگی در جاده را ندارد. شما مجبور نیستید چندین ساعت روی یک صندلی در یک فضای کوچک بنشینید. در طول سفر می‌توانید راه بروید و حتی استراحت کنید و از مناظر بهاری بیرون پنجره قطار لذت ببرید. سفر با قطار تاخیرهای طولانی سفر با هواپیما را ندارد.

شما می‌توانید با سایر اعضای خانواده‌تان در قطار صحبت کنید، کتاب بخوانید و حتی چرت بزنید. شما در قطار می‌توانید با خیال آسوده به رستوران بروید و یک شام یا نهار حسابی میل کنید. حتما شما هم قبول دارید خریدن بلیت قطار برای خانواده‌تان در یک سفر نوروزی خیلی باصرفه‌تر از خریدن بلیت هواپیما است. اگر شما هم از پرواز می‌ترسید یا مشکلات پزشکی دارید که پرواز برایتان منع شده است،امسال عید با قطار به سفر بروید. سفر نوروزی با قطار برای خانواده‌هایی که بچه کوچک دارند هم مناسب‌تر از ماشین و هواپیما است چون راحت‌تر می‌توان کودکان را در قطار کنترل کرد.

۱) یک قطار را انتخاب کنید:

شاید شما بخواهید از شمالی‌ترین نقطه ایران به جنوبی‌ترین نقطه آن سفر کنید تا سال تحویل را در جنوب ایران باشید در این صورت شاید لازم باشد قطارتان را عوض کنید نیمی از راه را با قطار تندرو و نیم دیگر را با قطار معمولی طی کنید. توصیه ما این است که تا حد امکان تلاش کنید تمام طول سفر را با یک قطار سفر کنید چون در این صورت هم استرس و نگرانی شما کمتر می‌شود و لازم نیست مدتی در ایستگاه واسط منتظر قطار بعدی بمانید. امکان جا گذاشتن و گم شدن ساک‌ها و وسایلتان هم کمتر می‌شود.

۲) کودکان زیر دو سال:

معمولا برای کودکان زیر دو سال بسیاری از شرکت‌های حمل و نقل ریلی، بلیت نمی‌گیرند ولی به هر حال هنگام تهیه بلیت نوروزی می‌توانید این مطلب را از فروشنده بلیت سوال کنید. از طرف دیگر اگر کودک زیر دو سال دارید حتما صندلی اتومبیل مخصوص کودک را همراه ببرید که اگر صندلی به کودک شما داده شد بتوانید این صندلی مخصوص کودک را روی صندلی قطار نصب کنید و کودک شما چندین ساعت در بغل شما نباشد و کلافه‌تان کند.

۳) راحت بخوابید:

اگر سفر شما تا مقصد بیش از شش ساعت طول می‌کشد خیلی لذتبخش‌تر خواهد بود که به جای سفر با اتومبیل سفر با قطار را انتخاب کنید چون شما می‌توانید در قطار بخوابید و حتی بچه‌ها در تخت‌های دوطبقه یا سه‌طبقه قطار بخوابند و لذت ببرند، شما هم قبول دارید خوابیدن در ماشین در حال حرکت چقدر دشوار است. این‌طور نیست؟

۴) بار و بنه‌تان را کم کنید:

سعی کنید برای هر نفر از اعضای خانواده یک ساک کوچک بردارید. در این صورت هم در کوپه جای کمتری برای بار و بنه گرفته می‌شود و هم حمل و نقل این وسایل برای شما آسان‌تر است. هر چه ساک‌هایتان کمتر باشد احتمال اینکه آنها را در قطار جا بگذارید کم می‌شود.

۵) چه ببریم در قطار:

برای بازی و سرگرمی کودکان در کوپه قطار چند تا اسباب‌بازی کوچک را از قلم نیندازید. میان‌وعده‌های سبکی که کودکان دوست دارند هم انتخاب خوبی برای سرگرم‌کردنشان است. اگر نوزادتان در سفر با قطار همراه‌تان است حتما همه وسایل مورد نیاز او مثل غذای نوزاد، پوشک و... را همراه ببرید.

۶) در قطار چه بکنید:

یک ساعت قبل از ساعت حرکت قطار در ایستگاه حاضر باشید تا با خیال آسوده قطار و ورودی آن را پیدا کنید و وسایل‌تان را سر فرصت در قطار قرار دهید. قبل از سفر با قطار به کودکان گوشزد کنید که باید در طول سفر چگونه به حقوق دیگر اعضای خانواده و مسافران احترام بگذارند.

۷) ایمنی در سفر با قطار:

فراموش نکنید به کودکان اجازه ندهید به چرخ‌های قطار نزدیک شوند چون قطار هر لحظه ممکن است اندکی حرکت بکند. به کودکان اجازه ندهید از روی ریل عبور کنند و روی آن بازی کنند. هیچ‌وقت از جلوی لکوموتیو قطار عبور نکنید. به کودکان آموزش دهید با سیستم‌های حفاظتی و اورژانسی قطار مثل ترمز خطر بازی نکنند. هنگام راه رفتن در قطار حتما دقت کنید و دستگیره‌ها را بگیرید به خصوص توجه به این نکته برای کودکان و سالمندان لازم است، قطار هر لحظه می‌تواند ناگهانی بایستد و یا حرکت کند یا بپیچد. اگر کودکان شما در تخت‌های بالایی کوپه خوابیده‌اند حتما ایمنی آنها را کنترل کنید و میله‌ها و نوارهای ایمنی تخت را که مانع سقوطشان می‌شوند، کنترل کنید.

۸) پزشک در کنار شما:

بیشتر قطارها این روزها یک پزشک نیز دارند. بنابراین اگر در طول سفر دچار مشکل و یا بیماری شدید می‌توانید در قطار به وسیله پزشک معاینه شوید. خانم‌های باردار، کسانی که بیماری قلبی و عروقی دارند و حتی افراد دیابتیک می‌توانند از خدمات مراقبتی پزشکی قطار استفاده کنند تا سالم به مقصد برسند.

۹) در ایستگاه‌های قطار:

سفر با قطار این خوبی را دارد که شما برخلاف هواپیما محدودیت وزن بار ندارید و مجبور نیستید برای بار اضافی هزینه پرداخت کنید. از طرف دیگر چون بیشتر ایستگاه‌های قطار در مرکز شهر قرار دارند، در پرداخت هزینه‌های رفت و آمد صرفه‌جویی می‌شود.

۱۰) در یک چشم بر هم زدن به مقصد برسید:

شما می‌توانید یک روز عصر در مبدأ سوار قطارهای شبانه شوید و در نهایت راحتی بخوابید و صبح در مقصد بیدار شده و با شادابی تعطیلات سال نو را آغاز کنید.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=304069

vista.ir
Online Classified Service

تو می‌روی به سلامت

با شروع ماه‌های گرم سال، تفریح، مسافرت و گردش نیز آغاز می‌شود.اگر در این ایام به نکات بهداشتی توجه نشود به طور حتم خانواده‌ها نمی‌توانند روزهای به یادماندنی داشته باشند چرا که بسیاری از بیماری‌ها در این فصل شیوع بیشتری می‌یابد و در صورت عدم توجه افراد به بهداشت فردی و اجتماعی، احتمال ابتلا به این بیماری‌ها افزایش خواهد یافت با توجه به گرمای هوا، افزایش احتمالی آلودگی مواد غذایی و افزایش ناسازگاری‌هایی که سیستم بدن مسافران با محیطهای ناآشنا به طور طبیعی پیدا می‌کند، احتمال ابتلا به برخی از بیماری‌ها بالا می‌رود که این امراض به بیماری‌های مسافرت معروف است. عفونت‌های روده‌ای از شایع‌ترین بیماری‌های فصل تابستان است و کودکان و سالمندان از آسیب‌پذیرترین افرادی هستند که بیماری‌های عفونی روده‌ای آنان را تهدید می‌کند پس رعایت نکات بهداشتی به علت کمی امکانات هنگام مسافرت از اهمیت خاصی برخوردار است.آب چشمه‌ها همیشه سالم نیست، هنگام مسافرت و گردش از آب سالم و مطمئن استفاده کنید.

هنگام گردش در پارك‌ها به تابلوی هشداردهنده و مشخص‌کننده آب آشامیدنی و آب فضای سبز توجه کرده و از مصرف آب فضای سبز برای آشامیدن جدا خودداری کنید.

از آب رودخانه‌ها برای شستن دست و صورت و ظروف استفاده نکنید زیرا مشخص نیست از مبدا رودخانه تا محلی که فرد قراردارد آب دچار چه آلودگی‌هایی شده است و بسیاری از عفونت‌ها از طریق ظروف یا دست‌های آلوده شده وارد بدن می‌شود.

هنگام مسافرت حتما آب مصرفی را از منزل تهیه نمایید یا آب مورد استفاده را بجوشانید در غیر این‌صورت از آب بطری شده استفاده کنید.

یخ مصرفی خود را از منزل تهیه نمایید، به هیچ عنوان از یخ‌های قالبی که در کنار خیابان یا بعضی از مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی اقدام به فروش آن می‌کنند استفاده نکنید. بهتر است در صورت امکان از کارخانجات معتبر اقدام به خرید یخ کنید.از خوردن سبزیجات خام قبل از شست‌وشوی کامل و ضد عفونی کردن آنها پرهیز کنید.

خوراکی‌ها و مواد غذایی خام و پخته که توسط دست‌فروشان دوره‌گرد عرضه می‌شود بهداشتی نبوده و مصرف آنها جایز نیست.

از قرار دادن مواد غذایی شسته نشده در کنار مواد غذایی تمیز در داخل یخچال خودداری کنید.مواد غذایی خام و پخته را در یخچال کنار هم نگذارید.

مواد غذایی فاسد شدنی و غذاهای پخته محیط بسیار مناسبی برای رشد و تکثیر میکروب‌ها در هوای آزاد هستند بنابراین از نگهداری مواد غذایی پخته در خارج از یخچال پرهیز کنید.

از مصرف غذاهای پخته و مواد غذایی فاسدشدنی که مدت زیادی در خارج از یخچال باقی مانده خودداری نمایید زیرا احتمال بروز مسمومیت پس از مصرف بسیار بالا می‌باشد.

در حین سفر یا تفرج اگر غذای پخته همراه می‌برید موقع مصرف غذا آنها را گرم کنید.

مواد خوراکی را در ظروف سربسته و دور از دسترس حشرات و جوندگان نگهدارید.

بستنی‌هایی که در مکان‌های نامطمئن و یا در بسته‌بندی غیراستاندارد و نامعلوم تولید شده‌اند اغلب آلوده‌اند و باید از مصرف آنها پرهیز کرد.
آبمیوه‌ها و نوشیدنی‌هایی که در آبمیوه‌فروشی‌ها تهیه می‌شوند اغلب آلوده‌اند. از مصرف آنها پرهیز کنید و از نوشیدنی‌های بسته‌بندی شده دارای مشخصات بهداشتی استفاده نمایید.از خرید مواد غذایی بسته‌بندی بدون پروانه ساخت، تاریخ تولید و انقضا و مصرف آنها جدا خودداری کنید.
از جمله مشکلات عمده سفر وجود رستوران‌ها و مکان‌های توزیع مواد غذایی غیربهداشتی در مسیر جاده‌هاست، از مراجعه به چنین مکان‌هایی پرهیز کنید.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=268417

vista.ir
Online Classified Service

تور فرامنطقه‌ای

در سال ۲۰۰۵ میلادی، ۸۹ درصد گردشگرانی که به فرانسه سفر کردند از کشورهای اروپایی بودند.
از این میان ۱۹.۷ درصد انگلیسی، ۱۷.۴ درصد آلمانی، ۱۵.۲ درصد هلندی، ۱۱.۸ درصد بلژیکی و لوکزامبورگی و ۹.۵ درصد ایتالیایی گزارش شده‌اند. با کمی دقت متوجه می‌شویم که حدود ۷۰ درصد گردشگرانی که به فرانسه سفر کردند از کشورهای همسایه بودند.
موضوع این است که با توجه به آمارها، بیشتر گردشگرانی که به یک مقصد سفر می‌کنند، از مکان‌های مجاور و همسایه مقصد هستند. این مطلب برای بیشتر مقاصد گردشگری صدق می‌کند.
با توجه به این مقدمه، در این نوشتار قصد داریم حوزه فرهنگی ایران را به همراه شاخصه‌های آن تعریف و آن را به‌عنوان یک مقصد و یک بسته مناسب گردشگری به مخاطبان عرضه کنیم.
ما از سرزمینی سخن می‌گوییم که محدوده‌ای فراتر از مرزهای سیاسی فعلی ایران را در بر می‌گیرد. این سرزمین شامل فلات ایران است، خراسان بزرگ را در خود جای داده، بخش وسیعی از جاده ابریشم از آن می‌گذرد، چهار راه اتصال تمدن‌های شرق و غرب محسوب می‌شود، مردمش تاریخ مشابهی را پشت سرگذاشته‌اند، دین مشترکی دارند، مراسم نوروز را اجرا می‌کنند و خیلی‌هایشان یا به زبان فارسی سخن می‌گویند یا با این زبان ریشه مشترکی دارند. دانشمندان، متفکران، فیلسوفان، ادبا و عرفای بزرگی در آن ظهور کرده‌اند و در نتیجه، فرهنگ مشترکی در جای جای آن برقرار است.
هرودوت از این سرزمین می‌نویسد و گزنفون دشت‌ها و کوه‌هایش را می‌پیماید و اسکندر از دوردست به طمعش می‌آید و شی‌هوانگ‌تی از چین و چاندرا گوپتا مایوریا از هند در تمنای کشف رمز موفقیت زمامدارانش بر می‌آیند و هر که قصد جهانگشایی دارد، کمی از شهد شیرینش می‌چشد. چراکه سخن از سرزمین افسون و افسانه است. سخن از قصر پادشاه و گنبد طلا و گوهر شب چراغ و لباس زربفت و قالی جادویی و شاهزاده عاشق و بهشت رؤیایی و نوای موسیقی و سرمستی وصال و غول بیابان و پری مسلمان و غمزه نرگس و ساعت سعد و سوگلی باغ است.
تمایل مقاومت ناپذیر کشف این سرزمین سحرانگیز، بسیاری از کسان از هر جای جهان را واداشت تا خود را به آب و آتش بزنند و ایران افسانه‌ای را

دریابند.

آن‌ها در کسوت بازرگان و نظامی و جهانگرد و دانشمند و جغرافی‌دان آمدند و دانستند و ارتباط برقرار کردند و با مباهات فراوان به ملکه الیزابت گفتند کدام یک از سلاطین پیش از علیاحضرت توانسته است با امپراطور ایران ارتباط برقرار سازد.

اما هنگامی که تپه‌های باستانی اسرار خود را فاش کردند، این سرزمین دیگر لباس سحر و افسون را به در آورد و همه دنیا را با هنر و تمدن دیرین دیگری آشنا کرد. در این سرزمین جدید زندگی دیگر صورت تخیل نداشت و حالت جدی و واقعی به خود گرفت.

عجیب است که این دیار با آن که از عهد قدیم تا کنون پابرجاست و زندگی و تمدن در آن یکسره در جریان است، تا به این حد حتی تا به امروز برای جهانیان ناآشناست.

بد نیست نظری به تعدادی از پایتخت‌های ایران در طول تاریخ بیندازیم: هگمتانه، پاسارگاد، شوش، بابل، تیسفون، صددروازه(دامغان)، ری، نسا، مرو، فیروزآباد، بیشاپور، جندی شاپور، تخت سلیمان، دمشق، بغداد، زرنگ، غزنه، جرجان، سمرقند، بخارا، خوارزم، اورگنج، هرات، مشهد، مراغه، تبریز، اردبیل، قزوین، اصفهان، شیراز و تهران.

با توجه به موقعیت جغرافیایی این شهرها و گستردگی سرزمینی که در بر می‌گیرند (غزنه شرقی‌ترین، تیسفون غربی‌ترین، اورگنج شمالی‌ترین، شیراز جنوبی‌ترین پایتخت‌ها) و همچنین با اثری که یک شهر به هنگامی که پایتخت است بر سایر شهرهای اطراف می‌گذارد، متوجه می‌شویم که با چه قلمروی وسیع فرهنگی روبه‌رو هستیم.

از طرف دیگر وجود امپراطورهای یکپارچه هخامنشی و ساسانی و صفوی از یک سو و وقوع رویدادهای سیاسی حمله اسکندر و اعراب و مغولان از سوی دیگر در قلمرو اشاره شده مفاهیمی را به وجود آورد که عمیقا در اسطوره، دین، باور، سبک زندگی، خط، زبان، هنر و معماری مردمان این سرزمین پهناور نفوذ کرد.

ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان، بحرین، عراق، سوریه، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان و ایران کشورهایی هستند که ما از آن‌ها سخن می‌گوییم. هر کدام از آن‌ها هر چند که مرز سیاسی خاص خود را دارند و امروزه راه مستقلی را در پیش گرفته‌اند، اما هنوز هم گوشه‌ای نسبتا وسیع از فرهنگ، هنر، آداب و اعتقاد مشترکی را در خود جای داده‌اند. کافی است به اشعار مولانا یا شاهنامه فردوسی رجوع کنید تا شهرهای همین منطقه‌ای که مدنظر قرار داده‌ایم را در اندیشه این دو اندیشمند بیابید.

از طرفی، مقاصد گردشگری به مناطق و نواحی و حوزه‌های متفاوت تقسیم بندی می‌شوند. به‌نظر می‌رسد، این سرزمین (حوزه فرهنگی ایران) را نیز می‌توان به‌عنوان یک حوزه گردشگری تعریف کرد و از آثار مثبت آن بهره برد.

همان‌طور که گردشگری بعد از جنگ جهانی دوم باعث از بین رفتن کدورت‌ها در میان اروپاییان شد و دیگر در کتاب‌های درسی آن‌ها خبری از تجاوزات آلمان‌ها دیده نمی‌شود و آن خاطره‌ها آهسته آهسته در حال محو شدن است، می‌توانیم امیدوار باشیم که مشکلات اندک برخی از کشورهای منطقه مورد بحث ما نیز با رونق گردشگری و همکاری‌های فرهنگی از این قبیل، حل و فصل شود. گردشگری در این منطقه قادر است مناسبات سیاسی و اقتصادی را بهبود بخشد و سوءظن‌ها را به حسن‌ظن تبدیل کند.

تور اپراتورها می‌توانند علاوه بر فروش بسته‌های مربوط به کشور خودشان، به معرفی منطقه بپردازند و برایش تور طراحی کنند و مشتریان بیشتری را به این وسیله جلب کنند.

شاید کمی دور از ذهن به‌نظر برسد اما بد نیست که سیاستمداران به لغو روادید در میان این کشورها بیندیشند و راهکارهای آن را مورد بررسی قرار دهند. یکی از روش‌های مناسب برای حفظ تمدن و فرهنگ شرقی در مقابل فرهنگ غربی و با وجود جهانی‌شدن، اصالت را حفظ کردن، همین راه تفاهم منطقه‌ای است.

وقتی به انواع تورهایی که با هماهنگی در میان کشورهای منطقه می‌توان برگزار کرد فکر می‌کنیم، بسیار وسوسه‌انگیز است: برگزاری تور از بلخ تا قونیه، حرکت در مسیر جاده ابریشم با آن نوستالژی باشکوهش، گام زدن در سرزمین اقوام کهن، آشنایی با بناها و مردم خراسان بزرگ که مهد امپراطوری‌های وسیع و خاستگاه پرورش بزرگانی همچون خوارزمی، بیرونی، فارابی، بلعمی، دقیقی، فردوسی، بوزجانی، ابن سینا، ناصرخسرو، رودکی، عنصری، فرخی، منوچهری، بلخی، بایزید، بوسعید، خرقانی، عطار و... بسیار شگفت انگیز است.

در این سرزمین می‌توان کویر را درنوردید، کوه‌ها را فتح کرد، بر سر مزار عرفا و شعرا گل گذاشت، مسیرهای جهانگشایی جهانگیران را پیمود، فستیوال‌ها و جشن‌های بی‌شماری را تماشا کرد، سیر تحول هنر و معماری را درک کرد، با عشایر همراه شد و...

حتی می‌توان به‌عنوان پیشنهاد به این موضوع اندیشید که می‌توان یک موزه با مضامین مشترک از کشورهای منطقه در هر کشوری ایجاد کرد و

نام یکسانی برایشان انتخاب و گونه‌ای از موزه‌های زنجیره‌ای را ایجاد کرد. می‌توان گونه‌های بسیاری از فرهنگ منطقه را به‌عنوان میراث ناملموس مشترک در یونسکو به ثبت رساند.

بی‌گمان اجرای طرح‌هایی که ذکر شد به سادگی امکان ندارد اما این موضوع باعث نمی‌شود که از بیان دیدگاه‌ها و ایده‌های جدید دور بمانیم و منتظر باشیم تا دیگران برای ما تصمیم بگیرند.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=296648

vista.ir
Online Classified Service

توریست خوشگذران ،حامل زباله های فرهنگی

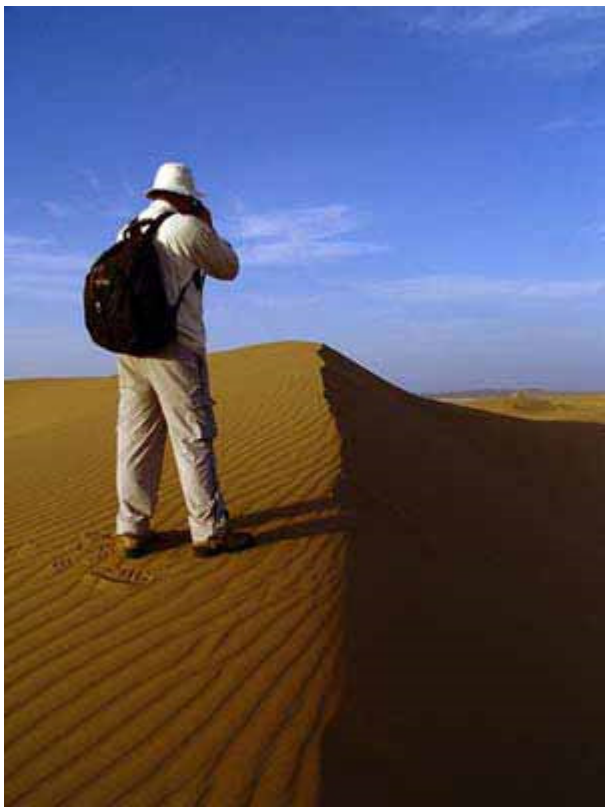

باید ابتدا روشن کنیم که آیا زندگی انسانی را موقتی می دانیم یا ابدی. در درجه بعد باید مشخص کنیم که انسان را چه جور موجودی میشناسیم و چه برنامه و قانونی برای انسان داریم و منشا این برنامه را کجا میدانیم. خیر و سعادت انسان در چیست؟ دین چیست؟ عقل چه جایگاهی دارد؟ و سوالاتی از این قبیل.

البته در اینجا مجالی برای این بحثها نیست و امیدوارم اگر با محتوای این نوشته مخالف هستید متوجه باشید که اختلاف ما بر سر پوشش و آزادی توریست نیست بلکه اختلاف دیدگاه ما به موضوعات اساسی تری بر میگردد.

در مورد توریسم ۲ سوال بسیار مهم وجود دارد:

۱- اصولا و به طور عام توریست برای چه می آید؟

۲- به طور خاص دلیل آمدن و یا نیامدن توریست به کشور ما چیست؟ (کشوری که از لحاظ طبیعی و باستانی دارای رتبه ای یک رقمی در جهان است)

اینکه توریست برای چه می آید سوالی است دو وجهی. یعنی هم باید ببینیم که انگیزه شخصی توریست از سفر چیست و هم باید بدانیم ما به عنوان کشور ایران از توریست چه میخواهیم. جواب به این سوال که شخص توریست به دنبال چیست کار ساده ای نیست ولی به طور کلی میتوان توافق کرد که توریست به دنبال کسب تجربیات جدید است توریست میخواهد حواس پنجگانه اش احساسات تازه ای را از دنیا تجربه کنند. میخواهد مناظر جدیدی ببیند صداهای جدیدی بشنود بوهای تازه ای را به مشام برساند و مزه های دیگری را بچشد.

در مورد سوال بعدی (اینکه ما از توریست چه میخواهیم) به نظر میرسد نگاه ما به توریست فقط یک نگاه اقتصادی صرف است. توریست میخواهیم چون با خود پول می آورد. در واقع ما عاشق توریست نیستیم بلکه عاشق بند کیف او هستیم. از این دید گاه اقتصادی صرف نتیجه می گیریم که ما باید مواظب باشیم تا به هیچ وجه ایرانیان توریست نشوند چون پولهایشان را با خود به کشور های دیگر میبرند و از میزان نقدینگی

داخلی می کاهند. در نتیجه کشور هایی سود برده اند که توریست پذیر باشند نه توریست فرست. درست مانند دو مغازه دار که همواره با هم در حال رقابت هستند تا مشتری بیچاره را شکار کنند و جیبش را خالی کنند این دو مغازه دار از اجناس خود تعریف می کنند و بر ضد مغازه بغلی تبلیغات منفی می کنند و این دقیقا همان بلایی است که بر سر ما آمده. کشور های ثروتمند و قدرتمند و صاحب رسانه که زر و زور و تزویر را در اختیار خود دارند بر ضد ما تبلیغ می کنند تا مردم جهان پولهایشان را به ایران نیاورند و همچنین مردم جهان نباید با فرهنگ اسلامی و انقلابی و خدا محورانه حاکم در ایران آشنا شوند. مردم جهان نباید جنایات امریکا و اسرائیل را در تلویزیون ایران مشاهده کنند. مردم جهان نباید حرف هایی بر ضد مستکبران و زور گویان بشنوند و مردم جهان نباید با اسلام آشنا شوند. اصولا توریست ها علاقمند به مشاهده تفاوتهای فرهنگی هستند و دنبال مسائل جدید هستند. ما نباید برای خوشامد آنها دست از آرمانهای خود بر داریم وبرایشان مشروب و استخر مختلط فراهم کنیم و بگوییم عیبی ندارد توریست باید راحت باشد!!! این دقیقا مثل این است که بگوییم توریست ایتالیایی به این دلیل نمی اید که اینجا اسپاگتی پیدا نمیشود!!! اتفاقا توریست می آید تا کوفته و کله پاچه بخورد می آید تا شاهد یک کشور آرمانگرا و خدا پرست باشد. حجاب زنان ایرانی برای توریست بسیار جذاب است. او میتواند یک هفته برهنه نبودن را در ایران تجربه کند او میتواند یک هفته مست نشدن را تجربه کند و به طور خلاصه یک هفته ایرانی زندگی کند.

توریستی که به دنبال خوشگذرانی و شهوترانی و میخوارگی است لزومی ندارد اینهمه رنج سفر و خطرات را تحمل کند و اینقدر هزینه کند تا به ایران بیاید که شاهد زنان با حجاب باشد و در هتل آب معدنی بخورد!!!!!!

توریست محترمی که به این دلیل می آید می تواند در کشور خود از این مواهب الهی!!! بیشتر بهره مند شود. اصولا آدم خوشگذران چرا باید رنج و خطر سفر را تحمل کند؟ بسیاری از گردشگران خارجی برای کویر نوردی به ایران می آیند پس چرا باید اینطور بیندیشیم که توریستها همه به دنبال عیاشی هستند؟ در ضمن توریستهایی که برای عیاشی و خوشگذرانی سفر میکنند به هیچ وجه عامل تبادل فرهنگی نیستند آنها با خود فرهنگ علم و کار و پیشرفت نمی آورند بلکه آنها حامل زباله های فرهنگی خود هستند. آنها مانند کسی هستند که غذایشان را جای دیگری خورده اند و آروغش را برای ما میزنند.

در واقع نیامدن چنین توریستی هم به نفع خود اوست و هم به نفع ما. به نفع اوست چون متحمل رنج و خطر و هزینه و اتلاف وقت نمیشود و هم به نفع ماست که همواره سعی میکنیم علیرغم تبلیغات وجذابیت های دنیاپرستی و لذت گرایی و شهوترانی الگویی از انسانیت را ارائه کنیم و انسان را متوجه عالم والا نماییم. من با این موضوع به هیچ وجه موافق نیستم که توریست نمی آید چون آزادی ندارد. توریست میتواند به ایران بیاید و با نوع جدیدی از آزادی آشنا شود که همان آزادی معنوی است. آزادی معنوی بالاترین درجه آزادی است. در این نوع آزادی انسان نه تنها آزاد است بلکه آزاده است یعنی حتی از دست شهوات و هوای نفس خود نیز رها شده و همانطور که حقوق دیگران را رعایت میکند به حقوق انسانی خود نیز احترام میگذارد و با گناهان و رذایل اخلاقی حقوق خود را پایمال نمیکند.

توریست محترمی که سالیان سال در چنگال نظام سرمایه داری و اومانیستی زیست کرده است می تواند ببیند که انسانهایی هستند که اسیر شهوت خود نیستند و حقوق انسانی هم را رعایت میکنند. آنها در ایران شاهد آزادی های جدیدی خواهند بود مثلا آزادی بصری.

این آزادی به این معناست که انسانها مجبور نیستند تصاویر شهوت آلود را در جامعه مشاهده کنند و چشم و گوش و زبان و پوستشان از قید انجام کارهای حیوانی معاف اند.

حال از این بحث های ایدئولوژیک و آرمانگرایانه که بگذریم به دنیای واقعیات قدم خواهیم گذاشت. به راستی چه طور میتوان هم آرمانگرا بود و هم واقعگرا؟ به نظر میرسد که اینجا نیازمند سیاستهای درستی هستیم برای موازنه بین واقعیت و آرمان. واقعیت این است که ما هم به دلیل مسائل اقتصادی و هم تبادلات فرهنگی و هم صدور مفاهیم اسلامی و انقلابی خود نیاز به توریسم داریم. البته نگاه به توریسم نباید یک بعدی باشد و فقط انتظار داشته باشیم که توریست بیاید بلکه توریسم یک جریان دو طرفه است جریانی مبادلاتی بین ما و جهان. و عنصر مهم در باره توریسم همین تبادل فرهنگی است و نه آنطور که نظام سرمایه داری تعریف کرده است یک کاسبی اقتصادی. اصولا سرمایه داری مایل است به همه مفاهیم یک پسوند صنعت بچسباند و دائم دم از صنعت توریسم بزند.

پس مساله توریسم باید تبدیل به یک جریان سیال فرهنگی شود اما چرا وقتی صحبت از سفر توریستی می شود همه ما به یاد آنتالیا و جزیره پاتایا یا موناکوی فرانسه می افتیم؟ این مایه خجالت یک مسلمان اندیشمند است. پاتایا و آنتالیا به خاطر برهنگی و فحشا برجسته است. ما باید موقعیتی را ایجاد کنیم که در وهله اول با کشورهایی که با ما در یک حوزه فرهنگی قرار دارند این جریان سیال را برقرار کنیم. به نظر من کلیدی ترین مساله مساله زبان است که به طور خاص ۳ کشور ایران و تاجیکستان و افغانستان ۳ کشور همزبان هستند که توریست فارسی زبان می

تواند به راحتی و با هزینه اندک به آنجا سفر کند. همچنین کشورهایی مثل هند و پاکستان هم می توانند در این جریان وارد شوند. این کشورها در زمینه مبادلات دانشجو و در زمینه مسائل رسانه ای می توانند بسیار همپوشانی داشته باشند و یک حوزه فرهنگی متحد را تشکیل دهند در درجه دوم کشورهای عرب زبان می توانند وارد این جرگه شوند و زبان عربی به عنوان زبان اسلام میتواند باعث ایجاد این پیوند شود و در وهله آخر وسعت یازده هزار کیلومتری جهان اسلام از اندونزی تا مراکش و از چچن تا تانزانیا میتوانند این حوزه را تکمیل کنند. جالب اینجاست که ایران میتواند مرکز و قلب این حوزه فرهنگی متحد باشد. درهای ایران به روی همه توریست هایی که ایرانیان را وحشی و تروریست نمی دانند باز است. درهای ایران به روی همه توریستهایی که به فرهنگ خاص ایران مانند پوشش ایرانی و غذاهای ایرانی و معماری ایرانی علاقمندند باز است. سر کردن یک روسری کار سختی نیست.

منبع : هفته نامه فصل نو

http://vista.ir/?view=article&id=234123

vista.ir
Online Classified Service

توریسم از نگاه سعدی

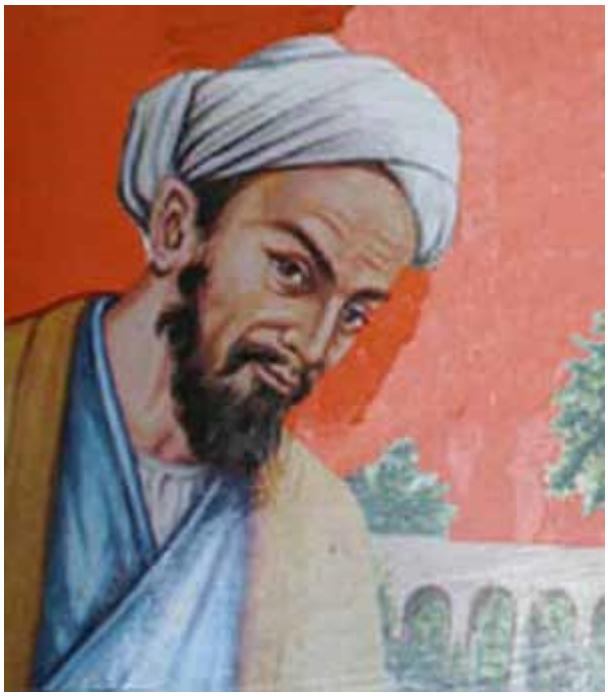

شیخ اجل سعدی شیرازی(قرن هفتم هجری) اندیشمندی دقیق مردم‌شناس و جامعه‌شناس برجسته‌ای بوده است که حاصل اندیشه‌های او در دو یادگار ارزشمند ، بوستان و گلستان چراغ راه همگان گردیده. نگاه ژرف، ظرافت طبع، و قریحهٔ بدیع این بزرگ مرد موجب گردیده است که آثارش چون نگین در میان دیگر جواهرات ادب این ملك بدرخشد. این اندیشمند با چنان دقتی پدیده‌های اجتماعی دوران خود را به تصویر کشیده که با گذشت بیش از هفت قرن با خواندن اشعار و حکایات او در فضای قرن هفتم هجری قرار خواهی گرفت و از سوی دیگر بیانات او چنان موجز و اثربخش است که گویی در عهد ما می‌زیسته و درد زمان ما را با پوست و استخوان درك كرده است. او در جایگاه یك جامعه‌شناس برجسته پدیده‌های اجتماعی دوران خود را تحلیل کرده و راه‌حل نیز ارائه داده است.

شعری از این بزرگ را که در آن با دقت موضوع گردشگری مورد توجه و آسیب‌شناسی قرار گرفته است نقل شده و در حد فهم خود برخی از ابیات شاخص را مورد دقت بیشتر قرار می‌دهم. روشن است که در عهد سعدی نقش توریست را بازرگانان ایفاد می‌کرده‌اند و بازرگانان و تجار گردشگران جامعه بوده‌اند. لذا حضرت سعدی می‌فرماید:

شهنشه که بازارگان را بخست

در خیر بر شهر و لشگر ببست

کی آنجا دگر هوشمندان روند

چو آوازهٔ رسم بد بشنوند

نکو بایدت نام و نیکی قبول

نکـودار بـازارگـان و رســول

بـزرگان مسـافـر بجان پرورند کـه نـام نکـویی به عالـم بـرنـد

تبـه گـردد آن مملکـت عنقریب کـزو خـاطـر آزرده آیـد غریب

غریب آشنا باش و سیّاح دوست کـه سیـاح جلاّب نـام نکـوست

نکـودار جفـت و مسـافـر عزیز وز آسیبشان بـرحـذر باش نیز

جناب سعدی در بیت نخست مسئولیت عواقب آزردگی تاجر و گردشگر را متوجه مسئولین جامعه می‌داند و اعلام می‌کند اگر شاه يك مملکت بازرگانی را بیازارد، در خیرو برکت را بر شهر و لشگر خود بسته است و اشاره‌ای دقیق به نقش اقتصادی گردشگر می‌نماید.

در بیت دوم اشاره دارد به لزوم امنیت و آرامش برای توسعه توریسم و اذعان می‌کند که اگر از کشوری آوازهٔ رسم بدو عدم رعایت اصول به گوش برسد هیچ هوشمندی به آنجا سفر نمی‌کند.

وی می‌فرماید : اگر خواستار نام نیکو هستی باید بازرگان و فرستاده و سفیر يك کشور را نیك بداری و شرط اینکه نام کشور تو در جهان بلندآوازه شود نیکویی به مسافر است.

سعدی در بیتی دیگر هشدار می‌دهد که اگر غریبه‌ای از کشور تو با خاطری آزرده برگردد. کشورت به زودی تباه و نابود می‌گردد.

و به زیبایی ادامه می‌دهد: جهانگردان را دوست داشته باشید که ایشان سفیران و خبرنگاران هستند که نام نیکوی شما را در جهان پخش خواهند کرد.

در خاتمه می‌گوید: میهمان و مسافر را گرامی بدار و البته نسبت به آسیبهای احتمالی آن نیز هوشیار باش.

این اشعار شیخ اجل چنان دقیق وعمیق است که نیاز به هیچ توضیح اضافی ندارد. تنها پرسشی که لازم به نظر می‌رسد این است که با وجود چنین پشتوانه‌ای نظری در علوم اجتماعی، اندیشمندان این رشته تا کی در نسخه‌های دیگران به دنبال درمان هستند؟ آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم.

منبع : هفته نامه فصل نو

http://vista.ir/?view=article&id=234121

vista.ir
Online Classified Service

توریسم امتحانی

حدود ۴۰۰ دانشجوی ایرانی برای سال تحصیلی ۰۶/۲۰۰۵ وارد ایتالیا شدند تا پس از امتحان معمار، پزشك یا داروساز شوند.

نزدیك به چهارصد دانشجوی ایرانی برای سال تحصیلی ۰۶/۲۰۰۵ وارد ایتالیا شدند.

«ایتالیا» یکی از کشورهایی است که هر ساله برای پذیرش دانشجوهای خارجی در رشته‌های مختلف تحصیلی ظرفیت مشخصی در نظر می‌گیرد.

بسیاری از علاقه‌مندان به ادامه تحصیل در ایتالیا با شنیدن نام این کشور احساس می‌کنند حتما باید معمار شوند یا پزشکی و داروسازی بخوانند. به همین دلیل در رشته‌هایی که متقاضی زیادی دارند و همچنین رشته‌هایی

که تحصیل در آنها نیازمند شناخت و اطلاعات کافی است، امتحان ورودی برگزار می‌شود.

برای تحصیل در سایر رشته‌ها تنها یك امتحان زبان برای تعیین سطح زبان متقاضیان خارجی کافی است.

هر دانشگاهی تاریخ مشخصی را برای امتحان تعیین کرده و بسته به ظرفیت و نیاز خود از بین شرکت‌کنندگان، افرادی را که بیشترین امتیاز را به دست آورده باشند، انتخاب می‌کنند.

یکی از رشته‌هایی که اجازه تحصیل در آن حتی برای خود ایتالیایی‌ها بعد از امتحان ورودی صادر می‌شود، رشته «ارتباطات میان فرهنگی و رسانه‌های جمعی» یا "Cammunication; Inter cultural and Multimedia" است که در ایتالیا آن را «چیم» - CIM- می‌نامند.

امتحان ورودی این رشته برای دانشگاه Pavia، که از دانشگاه‌های معتبر ایتالیا است و مدرك آن توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران هم تایید می‌شود، در روز چهارشنبه هفتم سپتامبر- شانزدهم شهریور برگزار شد.

بیش از دویست نفر در این آزمون شرکت کرده بودند که از میان آنها صد و پنجاه نفر از ماه اکتبر- مهر ماه- به کلاس خواهند رفت.

من به عنوان تنها شرکت‌کننده خارجی همراه با سایر شرکت‌کنندگان در محل امتحان حاضر شدم.

حدود دو ساعت طول کشید تا نام تك‌تك متقاضیان خوانده شد. خانمی جلوی درب ورودی سالن ایستاده بود. نام شرکت‌کننده‌ها را یکی یکی صدا می‌زد، برگه‌ای را که نام و شماره او در آن درج شده بود به دستش می‌داد. از او می‌خواست موبایلش را خاموش کند، ژاکت، چتر، کیف و مداد یا خودکارش را در سمت چپ سالن بگذارد، سپس به سمت راست برود، شناسنامه و رسید بانکی خود را تحویل دهد و با خودکار بیك سیاهی که به او می‌دهند جلوی اسمش را امضا کند. بعد او را به صندلی خودش راهنمایی می‌کرد.

این مراحل به ترتیب برای تمام حاضران تکرار شد و در کمال تعجب من، هیچ کس به انتظار طولانی و سر پا ایستادن اعتراض نکرد.

بعد از اینکه همه در جای خود قرار گرفتند، پاکت سئوال‌ها توزیع شد. داخل پاکت هفتاد سئوال بود، یك برگه پاسخ و یك پاکت زرد رنگ کوچك که باید برگه مشخصات خود را که هنگام ورود گرفته بودیم در آن می‌گذاشتیم.

مسئول دانشکده به همه خوشامد گفت و اعلام کرد که سئوالات از اطلاعات عمومی هستند و از هیچ منبع مشخصی استفاده نشده است. بنابراین از اینکه نمی‌توانید به همه سئوالات پاسخ بدهید ناراحت نباشید و آرامش خود را حفظ کنید. چون کناردستی شما هم وضعیت مشابه شما را دارد.

البته وضعیت من و کنار دستیم متفاوت بود. چون من معنی بعضی از کلمه‌ها را نمی‌دانستم و یا سئوالاتی مثل «نام پرفروش‌ترین رمان امسال ایتالیا» را.

بعضی سئوال‌ها برایم هیجان‌انگیز بودند. هیچ وقت فکر نمی‌کردم که سئوال امتحان کنکور می‌تواند این باشد که آهنگ «نیمه تاریك ماه» اثر کدام گروه راك است. یا موضوع یك سئوال ادبیات تیم فوتبال یوونتوس باشد.

بعد از اتمام ۹۰ دقیقه زمان، ابتدا خودکارها و سپس برگه سئوال‌ها جمع شدند. مسئول دانشکده بار دیگر برای همه آرزوی موفقیت کرد و اعلام آمادگی کرد تا اگر کسی سئوالی دارد، به آن پاسخ دهد.

برای خروج، همه به ترتیب ورود از جای خود بلند شدند. برگه پاسخ و پاکت زرد رنگ خود را تحویل دادند، کارت شناسایی خود را تحویل گرفتند، وسایل‌شان را برداشتند و به دوستان‌شان اشاره کردند که بیرون از دانشگاه منتظرشان خواهند بود.

باز هم در کمال تعجب من نه کسی به انتظار زیاد اعتراض کرد، نه زودتر از موقع از جای خود تکان خورد. البته ایتالیایی‌ها بدون صدا و از راه دور هم می‌توانند با دوستان‌شان حرف بزنند و بفهمند بقیه امتحان را چطور داده‌اند. کافی است به دست‌های هم نگاه کنند!

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=257964

vista.ir
Online Classified Service

توریسم به سبک ایرانی

هدف این نوشتار بالا بردن سطح آگاهی عمومی نسبت به پیامدهای ناشی از برخی تصمیم های گرفته شده در یک فضای احساسی توسط سیاستگذاران کلان، در بعضی از استان ها و مناطق کشورمان، طی ۲۲ سال گذشته تاکنون است. همچنین تشویق دولتمردان کشورمان نسبت به در پیش گیری رویکردهای مبتنی بر خردورزی و پرهیز از رواج انگاره های مهر پیوند و مدل های تصمیم گیری خلق الساعه در سامانه های مدیریتی کشور، هدف تکمیلی این مقاله است.

امروزه مساله بیکاری به یکی از پرچالش ترین مسائل کشور تبدیل شده به گونه یی که سیاستگذاران کلان برای مقابله با بحران های احتمالی ناشی از این چالش استراتژیک، اقدام به ایجاد واحدهای کارآفرینی در بیشتر وزارتخانه های کشور کرده اند، استانداری ها نیز خواه به صورت علمی و کارشناسی شده و خواه غیرکارشناسی شده در برخورد با چالش یادشده، اقدام به تصویب مصوبه یا گشایش طرح هایی می کنند که اگرچه ممکن است مساله بیکاری را در کوتاه مدت حل کنند اما ممکن است برخی از آنها در درازمدت، پیامدها و خسارت های زیست محیطی جبران ناپذیری در پی داشته باشد. چالش بیکاری در زمان حال از یک سو به نادیده انگاری مدیران و سیاستگذاران کلان کشور در حوزه کنترل جمعیت در دهه ۱۳۶۰ برمی گردد (که طی این مدت میانگین نرخ رشد جمعیت سالانه ۳/۹ درصد بوده) و از دیگر سو به ناکارآمدی سامانه های آموزشی و پژوهشی وزارتخانه های آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری کشور ارتباط دارد. به سخنی دیگر، ناتوانی این دو نهاد پایه یی و علمی کشور در تربیت نیروهای کارآفرین، خلاق و ماهر، جامعه مدیریت کشور را غافلگیرکرده است. در این مقاله ضمن بررسی اوضاع بیکاری در ایران با رویکردی انتقادی به پارادوکس (تناقض) توسعه گردشگری و ارتباط معنی دار آن با مقوله اشتغال و بیکاری در کلاردشت، مازندران و ایران پرداخته می شود.

۱) آمار بیکاری در ایران

نشریه اقتصادی میس رشد بالای جمعیت، پایین بودن رشد اقتصادی، عدم توجه به طرح های کارآفرین، عملکرد نامطلوب نظام آموزشی در تربیت نیروهای ماهر، طرح ناموفق خصوصی سازی، وجود قوانین دست و پاگیر برای فعالیت های اقتصادی و ضعف ساختاری بازار کار را هفت عامل اساسی نرخ بالای بیکاری در ایران توصیف کرده است. این مجله می افزاید؛ در مورد عملکرد دستگاه های اقتصادی ایران در زمینه بیکاری، به تعداد آن دستگاه ها آمار و ارقام درباره نرخ بیکاری ارائه می شود. به عنوان مثال آمارهای ارائه شده در سال ۱۳۸۴ توسط معاون رئیس جمهور، وزیر اقتصاد و وزیر کار ایران در مورد بیکاری، کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده است؛ ارقامی که از ۱/۴ تا ۱۱/۸ درصد را دربر داشته است در حالی که این نشریه نرخ بیکاری در ایران را طی سال های۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶، بین ۲۰ تا ۲۵ درصد تخمین زده است.

۲) مقایسه اشتغال در ایران با کشورهای توسعه یافته

مطالعات در خصوص وضعیت آینده اشتغال در جهان نشان می دهد؛ بیشترین حجم اشتغال نیروی انسانی دنیا در سال ۲۰۴۵ میلادی، در بخش خدمات (مانند گردشگری) فعال خواهد بود. به طور دقیق تر طی ۳۶ساله آینده، ۳ درصد از حجم اشتغال دنیا در بخش کشاورزی، ۴ درصد در بخش صنعت و ۹۳ درصد در بخش خدمات فعال خواهد بود. در شرایط کنونی نیز کمترین میزان اشتغال در کشورهای توسعه یافته یی چون امریکا، آلمان و سوئیس با میانگین ۴ درصد اشتغال در بخش کشاورزی و بیشترین میزان اشتغال در آنها با میانگین ۷۵ درصد اشتغال در بخش خدمات جریان دارد. مابقی جریان اشتغال در بخش صنعت متمرکز است در حالی که این نسبت برای کشور ما ۲۶درصد در بخش کشاورزی، ۵/۳۱ درصد در بخش صنعت و۵/۴۲ درصد در بخش خدمات است.

۳) فضای اشتغال در کشور ما

اقدامات دولت نهم (در جریان برخی از سفرهای استانی) در زمینه حل بحران بیکاری، ممکن است ضمن گسترش بیکاری پنهان در بدنه کارشناسی دولت، بر اساس نظریه «اثرات جانبی» در دانش علوم سیستم ها منجر به پیدایش پویایی های نوینی شود که از قبل قابل پیش بینی نیست.

به عنوان مثال و به تازگی حل معضل بیکاری در برخی از مناطق حساس کشور به لحاظ مسائل زیست محیطی مانند استان مازندران تبدیل به دستاویزی برای بعضی شده تا به اسم توسعه صنعتی یا با ایده انتقال صنایع بزرگ مانند پالایشگاه و صنایع خودروسازی به آن منطقه، یا با ایجاد صنایع تولید شن و ماسه، آب معدنی و ماسک در منطقه گردشگری کلاردشت به خواسته های شخصی (و نه ملی) خویش برسند. این در حالی است که مزیت نسبی استان مازندران در شرق آن منطقه، کشاورزی و در غرب آن، گردشگری طبیعی(اکوتوریسم) است. به نظر می رسد تصمیم های ما در شرایط کنونی نباید به گونه یی اتخاذ شود که آیندگان مان پاسخگوی خطای احتمالی پیشینیان خود باشند.

۴) گردشگری و اشتغال در مازندران

بر اساس نظریه های علمی، ورود هر ۱۰ گردشگر به یک منطقه گردشگرپذیر، قابلیت ایجاد یک شغل را داراست.

بنابراین اگر مسوولان کشور و مازندران برای حل چالش های ناشی از اشتغال و معضل های بیکاری استان دغدغه دارند(که قطعاً چنین است) پس چرا با وجودی که سالانه حدود ۱۰میلیون گردشگر داخلی(بومی) وارد مازندران(به ویژه غرب استان) می شوند از آن به عنوان یک فرصت استثنایی برای ایجاد اشتغال استفاده نمی شود؟ قطعاً متولیان توسعه در کشور و مازندران اطلاع دارند که این حجم قابل توجه از گردشگر، قابلیت ایجاد یک میلیون شغل در مازندران را دارد در حالی که کل جمعیت بیکار مازندران در سال ۱۳۸۵، حدود ۸۵ هزار نفر بوده است.

برخلاف اینکه در سند چشم انداز ملی تاکید شده کشورمان در سال ۱۴۰۴، دست کم ۲۰ میلیون گردشگر جذب خواهد کرد و در سند چشم انداز توسعه مازندران نیز بر گسترش زیرساخت های گردشگری طبیعی در آن منطقه تاکید شده اما واقعیت های موجود از اجرا نشدن مفاد سند چشم انداز ملی و استانی در مازندران حکایت می کند چرا که در حالی که بر دروازه ورودی بسیاری از شهرهای غرب مازندران تابلوی «به شهر توریستی.... خوش آمدید» نصب شده، اما در بیشتر آنها زیرساخت های گردشگری مانند هتل، رستوران، پلاژ، تله کابین، قطارشهری، فرودگاه، پارک، جاده، بزرگراه، زیرساخت های اقامتی- تفریحی، زیرساخت های فناوری و فضاهای فرهنگی ایجاد نشده است.

یقیناً متولیان توسعه پایدار مازندران در تلاشند مفاد سند چشم انداز توسعه استان، تنها در حد واژه های دهن پرکن محدود نماند چراکه نظریه های علمی براین باور استوارند که چشم انداز بدون عمل خیالپردازی است و عمل بدون چشم انداز، وقت گذرانی.

۵) مقایسه گردشگری مازندران با جهان

دولتمردان کشورهای پیشتاز دنیا در حوزه گردشگری مانند فرانسه، اسپانیا و امریکا که به ترتیب سالانه حدود ۷۵ ، ۵۲ و ۴۰ میلیون نفر گردشگر جذب می کنند و از این طریق به ترتیب سالانه حدود ۳۶ ، ۴۱ و ۶۵ میلیارد دلار درآمد کسب می کنند، برای احداث خانه دوم (ویلا) در کشورشان، آنقدر مالیات های سنگین وضع می کنند تا کسی حتی فکر خانه دوم(ویلا) داشتن به ذهنش خطور نکند. اما در شهرداری ها و اداره های ثبت شهرستان های استان مازندران سالیانه چندصد و بلکه چندهزار قواره جواز و سند بابت ساخت خانه دوم(ویلا) برای افراد بومی و غیربومی صادر می شود که غالباً مرتبط با شبکه های رانتی است. برخی از مسوولان محلی این مناطق نیز به جای اینکه از روش های علمی و کارشناسی شده از گردشگران وارد شده به آن مناطق درآمد کسب کنند، با لحنی افتخارآمیز، صدور مجوز برای ساخت ویلا یا احداث دیوار(به دور زمین های فروخته شده توسط مردم یا اراضی ملی واگذار شده توسط دولت ها به افراد یا دستگاه های ویژه) را درآمدزایی تلقی می کنند.

در حالی که مطالعات تطبیقی نگارنده نشان می دهد درآمدزایی گردشگری در مناطقی چون داووس سوئیس، انسی فرانسه، چالمرز سوئد، آنتالیای ترکیه، دوبی امارات، کوالالامپور مالزی، کالیفرنیا امریکا و تورنتو کانادا متکی به ظرفیت های زیرساختی در زمینه گردشگری است اما در شهرها و شهرستان های مازندران، غالباً درآمدها ناشی از تغییر کاربری زمین است.

یکی از کارشناسان مسائل کلاردشت با مقایسه گردشگری این منطقه با مناطقی از آلپ اروپا با لحنی کنایه آمیز می گوید؛ «در آن مناطق (آلپ) وقتی برف می بارد همه ساکنان محلی خوشحالند، چرا خوشحالند؟ چون قرار است از طریق برف، پول پارو کنند. اما متاسفانه در کلاردشت (به دلیل فراهم نبودن زیرساخت های گردشگری زمستانه) هنگام بارش برف، بیشتر بومیان آن منطقه غمگینند، چرا غمگینند؟ برای اینکه باید برف پارو کنند،»

۶) پارادوکس توسعه گردشگری در کلاردشت

بین سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۷، تنها در منطقه کلاردشت از استان مازندران، حدود ۶۵۰۰ دستگاه ویلا (خانه دوم) ساخته شده است. طرح جامع

کلاردشت که اکنون مشخص نیست سرانجام آن به کجا ختم شده، در نظر دارد در سال ۱۴۰۰ شمسی، تعداد ۱۲۵۰۰ ویلا (خانه دوم) در آن منطقه ایجاد کند و جمعیت غیربومی آن را به ۵۰ هزار نفر و کل جمعیت آن را به ۱۰۰ هزار نفر افزایش دهد و مشخص نیست این برنامه های غیرعلمی و این تصویرهای بی پایه در راستای کدام بند از مفاد سند چشم انداز ملی یا سند چشم انداز توسعه استان مازندران یا برنامه های توسعه یی کشور طراحی و تدوین شده است. این در حالی است که زیرساخت های توسعه محلی در آن منطقه مانند پهنای باند خیابان ها و جاده ها، آب آشامیدنی، مراکز اقامتی و سیاحتی و دیگر زیرساخت ها پاسخگوی جمعیت بومی آن منطقه در شرایط فعلی (۳۸ هزار نفر) نیست.

پرسشی که از متولیان توسعه کشور و مازندران قابل طرح است این است که کلاردشت در سند چشم انداز توسعه استان مازندران، به عنوان یک منطقه توریستی دیده شده یا اعیان نشینی؟ اگر قرار است کلاردشت و مناطقی در غرب مازندران از طریق اعیان نشینی، توریستی شوند پس فرمانیه، تجریش و نیاوران برترین مناطق توریستی آسیای جنوب غربی اند. گردشگری در مازندران با کدام یک از استانداردهای جهانی، همخوانی دارد؟ در حالی که کشورهای با اقتصاد دانایی محور برای احداث خانه دوم (ویلا) در کشورشان، آنقدر مالیات های سنگین وضع می کنند تا کسی حتی فکر خانه دوم (ویلا) داشتن هم به ذهنش خطور نکند اما دولت های مختلف طی ۲۲ سال گذشته تاکنون در کشور ما، بخش قابل توجهی از اراضی ملی و جنگل های کلاردشت، غرب مازندران و البرز مرکزی را با تشویق و با هدف ایجاد ویلا و شهرک سازی یا انبوه سازی توسط کارمندان شان و ثروتمندان، به آنها واگذار کرده اند.

یکی از مسوولان ارشد استان مازندران در زمستان ۱۳۸۵ (قطعاً با نیت خیرخواهانه و) با هدف فراهم سازی زمینه های اشتغال در منطقه توریستی کلاردشت، یک واحد صنعتی «تولید ماسک» را گشایش کرده است که ابداً با ماموریت های گردشگری آن منطقه همخوانی ندارد، این در حالی است که هتلً معروف به «هتل تله کابین» مشرف به شهر کلاردشت که پیشینه احداث آن به حدود ۴۰ سال پیش بازمی گردد و قابلیت ایجاد حداقل ۷۰۰ فرصت شغلی را داراست، همچنان نیمه ساخته و مخروبه باقی مانده است.

پرسش قابل طرح در این باره آن است که چرا متولیان توسعه در کشورمان به جای دیدگاه های علمی جدید و آینده نگرانه، دیدگاه ایستای نفتی را دنبال می کنند؟ مگر نه اینکه در سند چشم انداز ملی و استانی بر «دانش بنیان یا دانایی محور» شدن اقتصاد ایران و مازندران طی ۲۰ساله آینده تاکید شده است؟ اقتصاد ایران چگونه قرار است «دانش بنیان» شود در حالی که...؟

منطقه کلاردشت سالانه پذیرای حدود یک میلیون گردشگر داخلی بوده و از لحاظ پذیرش جهانگرد (گردشگر خارجی) نیز در سطح استان مازندران، رتبه نخست را داراست.

بنابراین بر مبنای نظریه های علمی، این حجم از گردشگر قادر است برای دست کم ۱۰۰ هزار نفر شغل ایجاد کند. این در حالی است که بر اساس آمار سال ۱۳۸۵، کل جمعیت بخش کلاردشت حدود ۴۰ هزار نفر گزارش شده است. مگر حجم «جمعیت بیکار» در بخش کلاردشت چقدر است که برای حل این معضل اقتصادی- اجتماعی الزاماً باید به رویه هایی غیرعلمی و غیرکارشناسی روی آورد؟ برخی دیگر از شبکه های وابسته به رانت نیز به بهانه ایجاد اشتغال و توسعه گردشگری، آمایش سرزمین مناطق استثنایی و بسیار حساس به لحاظ مسائل زیست محیطی چون دریاچه ولشت و سیاه بیشه را به هم زده اند.

۸) جمع بندی؛ سخنی با دولتمردان

اگرچه این مقاله دو موضوع مجزا یعنی پارادوکس توسعه گردشگری و چالش های بیکاری را در کشورمان مورد واکاوی قرار داده اما نگارنده کوشیده است ارتباط معنی دار بین آنها را به مخاطبان منتقل کند.

با توجه به اینکه بحران بیکاری موجود در جامعه امروز کشورمان ارتباط مستقیم با افزایش بی رویه جمعیت در دهه ۱۳۶۰ دارد، اما یکی از دولتمردان کشورمان در سال های ۸۵ و ۸۶ و طی چند مرحله اعلام کرده است؛ کشور ما ظرفیت پذیرش جمعیت ۲۰۰ میلیون نفری را هم دارد. این در حالی است که مطالعات نگارنده نشان می دهد ظرفیت مدیریتی کشور در شرایط فعلی، توان تحمل تنها ۴۰ میلیون نفر جمعیت را داراست.

نتایج حاصل از این نوشتار حاکی از آن است که برخلاف اینکه نسل جوان و جویای کار به همراه جامعه مدیریت کشورمان با بحران بیکاری دست و پنجه نرم می کنند اما دولتمردان، مدیران و سیاستگذاران کلان کشورمان درصددند این بحران اقتصادی- اجتماعی را در برخی از استان ها به شیوه های سنتی و غالباً غیرعلمی مرتفع سازند. با توجه به اینکه در سند چشم انداز ملی ۲۰ ساله تاکید شده کشورمان در سال ۱۴۰۴، دست کم ۲۰ میلیون گردشگر جذب خواهد کرد و با توجه به اینکه این حجم قابل توجه گردشگر قابلیت ایجاد دو میلیون شغل را دارد، بنابراین کافی است دولتمردان و سیاستگذاران کلان روی این بخش پردرآمد و باارزش از اقتصاد کشورمان سرمایه گذاری کنند- صدالبته با نظارت دقیق و علمی مجلس شورای اسلامی.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=360125

vista.ir
Online Classified Service

توریسم درمانی در دنیا شتاب گرفته است و ما ...

گردشگری درمانی و بهداشتی امروزه از رو به رشدترین بخش‌های صنعت گردشگری جهان است که باعث شده سازمان‌های دست‌اندرکار و کشورهای علاقمند به توسعه‌ی گردشگری توجه خود را به این بخش از صنعت توریسم جلب و برای آن برنامه‌ریزی کنند.

زندگی صنعتی در بیشتر کشورهای دنیا الزاماتی را با خود همراه دارد و نیازهایی را نیز برای مردم جوامع مختلف ایجاد کرده است.

امروزه تمایل مردم برای تناسب اندام، استفاده از منابع طبیعی و ویتامین‌ها، کاهش درد، تسلط بر استرس و افزایش سلامت روح و روان و جسم بسیار چشمگیر است.

به همین دلیل است که در نقاط مختلف جهان روش‌های درمانی طبیعی مانند استفاده از چشمه‌های آب‌گرم بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد و تمامی اقشار مردم اعم از کم درآمدها و پردرآمدها به سمت این نوع از گردشگری تمایل دارند.

چشمه‌های آب‌گرم محل‌هایی مناسب برای ایجاد اقامتگاه‌های توریستی است که با ایجاد مراکز تفریحی و ارائه سرویس‌ها و امکانات در این نقاط می‌توان آنها را به مقاصد گردشگری درجه اول برای گردشگران تبدیل کرد، زیرا همزمان هم، لحظه‌هایی مفرح و پرهیجان خواهند داشت و هم به سلامت و آرامش دست می‌یابند.

علاوه بر این جاذبه‌های طبیعی و روش‌های درمانی توریسم درمانی به دلایل اقتصادی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا که صادرات خدمات پزشکی یك اصل شناخته شده برای تقویت ساختار بهداشت و درمان کشورها است.

دولت جمهوری اسلامی ایران براساس برنامه‌ریزی‌های خود باید تا پایان برنامه‌ی چهارم توسعه، ۳۰ درصد از نیازهای درمانی و بهداشتی کشور را از طریق صدور کالا، خدمات پزشکی و توریسم درمانی فراهم کند.

علاوه بر نیاز به صدور کالا و خدمات پزشکی درآمد توریسم درمانی نیز می‌تواند برای کشورها خصوصا کشورهای آسیایی که به حرکت در روند توسعه می‌اندیشند وسوسه‌انگیز باشد.

این درآمد باعث شده است که برخی کشورهای آسیایی چون سنگاپور، تایلند و هند به طور چشمگیری در حال تبلیغ سرویس‌های درمانی خود در میان بیماران جهان باشند.

درباره‌ی گردش مالی حاصل از توریسم درمانی آماردقیقی وجود ندارد، اما براساس آمار بهداشت جهانی، سالانه حدود ۵۰ میلیارد دلار، صرف درمان بیماران منطقه، در کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌شود که جذب درصدی از این مبلغ می‌تواند تاثیر چشمگیری در اقتصاد گردشگری کشورهای آسیایی داشته باشد.

● ساختار برنامه‌ریزی برای توریسم درمانی

توریسم درمانی را می‌توان به عنوان امری بین دستگاهی دانست که به علت داشتن متولیان متعدد نیاز به هماهنگی بیشتر دارد.

سازمان میراث فرهنگی ،صنایع دستی و گردشگری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت امور خارجه و وزارت رفاه از جمله دستگاههایی هستند که با توجه به حوزه‌ی اختیارات خود هر کدام به نوعی در این موضوع تصمیم‌گیرنده محسوب می‌شوند.

شورای سیاستگذاری گردشگری سلامت در سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری با ریاست معاون گردشگری سازمان مشغول به فعالیت است.

این کمیته با حضور نمایندگان تام‌الاختیار سازمان رفاه تامین اجتماعی، وزارت بهداشت، معاونت گردشگری، مدیرکل دفتر طرح‌های توسعه و سرمایه‌گذاری، دبیر ستاد گردشگری سلامت (توریسم درمانی)، سرپرست دفتر بازاریابی و تبلیغات، عضو و نماینده‌ی رئیس و مدیرکل تجهیز منابع و بودجه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تشکیل شده است.

سیاستگذاری کلان نظام توریسم درمانی با همکاری تمامی نهادهای ذی‌ربط، تنظیم قوانین مورد نیاز با توجه به مصوبات بین‌المللی که در این زمینه وجود دارد، کسب درآمدهای ارزی برای کشور از طریق ارائه خدمات پزشکی به گردشگران، به وجود آوردن همکاری‌های بین بخشی و درون‌بخشی در خصوص توسعه‌ی توریسم درمانی، ساماندهی بیماران داخلی که برای درمان به خارج از کشور سفر می‌کنند و طراحی و برنامه‌ریزی استراتژیك منطبق با چشم‌انداز افق ۲۰ ساله‌ی کشور در این بخش، از اهداف شورای سیاستگذاری گردشگری سلامت است.

وزارت بهداشت نیز در زیرمجموعه معاونت درمانی خود، مدیریت توریسم درمانی تشکیل داده است که در حال حاضر مشغول برنامه‌ریزی و هماهنگی در معاونت درمانی این وزارتخانه و دیگر دستگاههای مسئول است.

● اقدامات وزارت بهداشت

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای توسعه‌ی توریسم درمانی برنامه‌هایی در نظر دارد که هنوز در مرحله‌ی تصویب در ساختار داخلی وزارتخانه و رایزنی با دستگاه‌های دیگر است.

تهیه‌ی طرح جامع توریسم درمانی کشور یکی از این برنامه‌هاست که هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است.

بخشی از مقررات این طرح در معاونت سلامت وزارت بهداشت قابل تصویب است، و بخشی دیگر که مستلزم تکالیف قانونی است باید به تصویب هیأت دولت برسد. پاره‌ای از آنها نیز مستلزم تفاهم دستگاه‌های دست‌اندرکار در این امر است.

تلاش برای جذب بیمار، فراهم شدن مقدمات ورود بیمار به ایران، نظارت بر مراکز درمانی و جمع‌آوری آمار بیماران از جمله جزئیات این طرح وزارت بهداشت است.

در صورت نهایی شدن طرح، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی که بیماران خارجی را درمان می‌کنند موظف می‌شوند که مشخصات بیمار را به وزارت بهداشت اعلام کنند.

براساس این طرح بیمارستان‌ها و موسسات درمانی فعال در این امر، باید در زمره‌ی بیمارستان‌های درجه یك باشند و مجموعه‌ای از سرویس‌های مناسب درمانی را نیز ارائه دهند.

پس از اجرای این طرح، مجموعه‌ای از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی که دارای شرایط پذیرش بیمار خارجی باشند، به بیماران خارجی معرفی می‌شوند.

یکی دیگر از برنامه‌های در دست اقدام در وزارت بهداشت، صدور ویزای درمانی بوده است که در صورت موافقت وزارت امورخارجه با صدور آن، امتیازاتی برای افراد دریافت‌کننده این ویزا در نظر گرفته می‌شود.

صدور سریعتر ویزا، و طی تشریفات قانونی فرودگاه در زمان کمتر ازجمله امتیازات این ویزاست.

● اقدامات سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری

تهیه‌ی طرح جامع گردشگری سلامت از جمله اقدامات انجام شده در مجموعه‌ی ستاد گردشگری سلامت سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری است.

این طرح با هدف سیاستگذاری‌های کلان در زمینه‌ی توریسم درمانی، استفاده از پتانسیل‌های بالقوه نظام بهداشت و درمان، ایجاد امکانات قوی بازاریابی بین‌المللی به‌منظور توسعه و تجهیز توریسم درمانی و... تهیه و تدوین شده است.

حضور در نمایشگاه‌های خارج از کشور به‌خصوص در کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس از دیگر اقدامات سازمان بوده است.

ستاد گردشگری سلامت طرح جامع "ایمنی پزشکی توریسم" که براساس قطعنامه نهمین اجلاس سازمان جهانی توریسم تدوین شده است را نیز در دستور کار خود دارد.

از دیگر برنامه‌های این ستاد، ایجاد زمینه‌های لازم برای بیمه‌ی گردشگران ورودی و خروجی از طریق انعقاد تفاهم‌نامه با شرکت‌های بیمه سینا و کارآفرین است که به امضای طرفین رسیده و برای اجرا آماده است.

انجام مطالعات درباره‌ی مراکز آب درمانی و تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری برای ساخت این مراکز، از دیگر برنامه‌های سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری است، مشخصات آب‌های درمانی نیز در حال جمع آوری است که قرار است در قالب کتابی تدوین شود.

● رقبا

از جمله رقبای ایران در امر توریسم درمانی در منطقه می‌توان به کشورهای هند، سنگاپور، دبی و اردن اشاره کرد که برای جذب بیماران کشورهای آسیایی مشغول برنامه‌ریزی هستند.

سنگاپور یکی از مقاصدی است که بسیاری از بیماران برای انجام جراحی‌های مهم به آن می‌اندیشند و هر سال حدود یك میلیون و ۵۰۰ هزار نفر با اهداف درمانی به این کشور سفر می‌کنند.

جراحی‌های مهمی مانند قلب باز، روبوتیك و سلول‌های بنیادی در این کشور به‌طور روزمره در حال انجام است، اما جالب اینجاست که سنگاپور در حال حاضر باید با تایلند، هند و مالزی به رقابت بپردازد، زیرا این کشورها با ارائه خدمات مشابه با قیمت‌های کمتر تهدیدی برای سنگاپور محسوب می‌شوند.

به طور مثال جراحی قلب در سنگاپور هزینه‌ای بیش از ۱۶ هزار دلار دارد که همین عمل را در هند می‌توان با نصف این قیمت انجام داد و پیش‌بینی می‌شود در آینده‌ای نزدیك دبی نیز تبدیل به تهدید بزرگی برای این کشور باشد.

هند در حال حاضر یکی از کشورهای پیشتاز گردشگری درمانی است و احتمال می‌رود که تولیدکنندگان بخش خدمات درمانی این کشور و مقامات دولتی در دومین نمایشگاه گردشگری درمانی که در لندن برگزار می‌شود، هندوستان را به عنوان مقصد گردشگری و خدمات درمانی جهان معرفی کنند.

بر اساس اعلام مسئولان خدمات درمانی هند، تعداد بیماران خارجی این کشور نسبت به سال گذشته حدود ۷ تا ۹ درصد رشد داشته است. براساس این گزارش‌ها با رشد ۳۰ درصد سالانه در گردشگری درمانی حدود ۲/۲ بیلیون دلار درآمد حاصل می‌شود.

● جاذبه‌ها و امتیازات ایران برای توریسم درمانی

یکی از جاذبه‌ها و امتیازات ایران برای توریسم درمانی در حوزه‌ی آب درمانی است، به طوری که در حال حاضر بیش از ۱۰۰۰ چشمه آب‌معدنی شناسایی شده است.

قیمت ارزان خدمات پزشکی به نسبت دیگر کشورهای منطقه از جمله دیگر مزایای ایران برای فعالیت در حوزه‌ی توریسم درمانی محسوب شده است.

● وضعیت فعلی توریسم درمانی

به دلیل نبود نظام جامع و هماهنگ توریسم درمانی کشور، و باتوجه به اینکه این بیمارستان‌ها درحال‌حاضر موظف نیستند تعداد بیماران خود را به وزارت بهداشت گزارش کنند، آمار دقیقی از بیماران خارجی که در ایران درمان می‌شوند، وجود ندارد.

آمار دقیقی از کسانی که به قصد معالجه یا استفاده از مراکزی مانند مراکز آب درمانی به ایران سفر می‌کنند نیز وجود ندارد، اما به گفته‌ی مسئولان، معمولا سالانه ۲۰ هزار گردشگر از اتباع حاشیه‌ی خلیج فارس و عراق، به قصد درمان به شهرهای مختلف ایران سفر می‌کنند.

درمان بیماری‌هایی نظیر ناباروری، جراحی پلاستیك و زیبایی و همچنین کاشت دندان و جراحی لثه، مهمترین جاذبه‌های درمانی ایران برای خارجی‌ها است و اکثر مراجعه‌کنندگان به مراکز درمانی ایران از کشورهای منطقه هستند.

در حال حاضر بیمارستان‌های میلاد تهران، بنت‌الهدی مشهد، رضوی مشهد و نمازی شیراز در امر توریسم درمانی فعال هستند.

● زیرساخت‌ها و امکانات لازم

وجود چند سازمان تصمیم‌گیر درباره‌ی توریسم درمانی، ضرورت ایجاد یك ساختار و نظام جامع برای توریسم درمانی را ضروری می‌کند.

هر یك از دستگاه‌های دست‌اندرکار در این موضوع دیدگاه‌ها و مطالباتی دارند، که نبود یك نظام جامع برخی از این دیدگاه‌ها را دچار تعارض می‌کند.

از دیدگاه مسئولان وزارت بهداشت تغییر در برخی قوانین و تصویب قوانین مورد نیاز نیز از دیگر اولویت‌های مورد نیاز برای رشد این بخش از توریسم

کشور است.

وجود قوانین موردنیاز برای دریافت خسارت پزشکی از جمله این قوانین است. در کشور ما قوانینی برای دریافت خسارت پزشکی وجود دارد که باتوجه به حقوقی و قضایی بودن این موضوع برای توریسمی که می‌خواهد مدت زمان مشخصی را در ایران سپری کند، طی کردن این سیکل، زمان‌بر و دشوار است و نیاز به وضع قوانین خاص دارد.

یکی دیگر از تسهیلات موردنیاز برای افرادی که برای درمان به کشور سفر می‌کنند، داشتن ویزای درمان است تا بتوانند بدون طی تشریفات وارد کشور شوند. از سوی دیگر وضع قوانین مشخص، نظارت دستگاه‌های مسئول بر امر توریسم درمانی کشور و پاسخگویی دستگاه‌های رسمی در قبال این موضوع را تسهیل می‌کند.

با وجود این قوانین مشخص، بیمارستان‌ها موظف به ارائه آمار بیماران خارجی خود می‌شوند و وجود این آمار برنامه‌ریزی را برای دستگاه‌های مسئول امکان‌پذیر می‌کند.

ایجاد تسهیلاتی که بیماران بتوانند دوران نقاهت پس از بیماری خود را به گردش در ایران بپردازند نیز از جمله مواردی است که نیاز به هماهنگی دستگاههای مسئول و ساخت مکان‌ها و مجتمع‌های خاص دارد.

علاوه بر نیازهای مورد اشاره، مراکز آب درمانی و چشمه‌های آب گرم طبیعی کشور نیز جهت جذب توریست نیاز به سرمایه‌گذاری‌های ویژه‌ای دارند. زیرا این چشمه‌ها با وضعیت فعلی نمی‌توانند موفقیت چندانی در جذب گردشگران داشته باشند.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=249137

vista.ir
Online Classified Service

توریسم سقط جنین و گسترش فزاینده نگرانی های اخلاقی پیرامون آن

در چند دهه اخیر و با گسترش آزادی‌های قانونی در حوزه سقط جنین به مادران در هر یک از مراحل عمر نوزاد، بسیاری از زنان و دختران کشورها و ایالت‌هایی که هنوز در محل اقامتشان، فاقد این آزادی‌ها هستند، برای سقط روانه کشورهای دیگر می‌شوند. نویسنده این مقاله با اشاره به اینکه این‌گونه توریسم از دیرباز وجود داشته، معتقد است که با وجود انبوهی از زنان فقیر و اقلیتی که نمی‌توانند از این سفرهای خارجی بهره ببرند، چالش‌های اخلاقی فراروی توریسم سقط جنین، همچنان باقی خواهد ماند. مخالفان سقط جنین نگرانی شدید خود را از گسترش «توریسم سقط جنین» اعلام می کنند.

با توجه به انتشار اخباری در مورد اعتصاب فعالان بخش سقط جنین در اسپانیا، به دلیل حمله عده‌ای از مردم به این کلینیک‌ها، شهروندان آمریکایی، در ماه‌های اخیر اصطلاحی نوظهور به نام «توریسم سقط جنین» را در رسانه‌های کشورشان می‌شنوند.

در پایگاه اینترنتی www.Lifesitenews.com که مدیران آن رویکردی مخالف سقط جنین دارند، از اسپانیا به عنوان «ملکه سقط جنین اروپا» یاد شده است که مردم سراسر قاره اروپا می‌توانند به سادگی و در مراحل مختلف عمر جنین، به این کشور سفر کنند و از خدمات کلینیک‌های مربوطه

استفاده کنند.

در نوامبر سال ۲۰۰۷ میلادی نیز این پایگاه خبر از امکان سقط قانونی جنین‌هایی با حداکثر هجده هفته عمر داده بود، چرا که با توجه به اصلاحات قانونی به عمل آمده از سوی پارلمان سوئد، زنان سوئدی و گردشگران خارجی می‌توانند همانند بسیاری دیگر از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در کلینیک‌های درمانی این کشور به سقط جنین‌های خود بپردازند. به دنبال طرح این موضوع در پارلمان، تعدادی از نمایندگان دموکرات مسیحی هشدار داده بودند که تصویب این قانون می‌تواند به گسترش توریسم سقط جنین بیانجامد.

البته با نگاهی به تاریخ معاصر می‌توان دریافت که این‌گونه توریسم از دیرباز وجود داشته است. چرا که به ویژه در ایالات متحده و بسیاری دیگر از دولت‌ها، تا چند دهه قبل، مقررات بسیار سخت‌گیرانه‌ای در این مورد وضع شده است.

سوزان کوهن از اعضای «انستیتوی تحقیقاتی گوتماشر» در مقاله‌ای که در ماه می۲۰۰۳ میلادی نگاشته، چنین می‌نویسد: «مسئولان نیویورک، سقط جنین را در سال ۱۹۷۰ میلادی قانونی کرده بودند و نیازی به ارائه مدارک سکونت در این ایالت نیز وجود نداشت. بدین ترتیب خیلی زود، سفر به نیویورک به عنوان گزینه‌ای مناسب جهت سقط جنین زنان ثروتمند و متمکن آمریکایی مطرح شد، چرا که در گذشته، این زنان باید برای انجام یک سقط ایمن و قانونی به شهر لندن مسافرت می‌کردند.

البته به عنوان زنی که در این شهر بزرگ شده، به خوبی به خاطر دارم که بسیاری از دوستان حامله‌ام تا پیش از آن سال، روانه مکزیک، سوئد، ژاپن و یا پورتوریکو می‌شدند. اما در مقابل، زنان طبقه‌های فقیر جامعه به ویژه زنان فقیر و کم سن و سال، باید به نتایج مخاطره‌آمیز سقط‌های غیر قانونی و نا ایمن در محله‌های بدنام تن می‌دادند و البته نرخ مرگ و میر این زنان نیز بسیار بالا بود. هر چند زنان طبقات متوسط گزینه‌های بیشتری در دسترس داشتند.»

توریسم سقط جنین در ایرلند نیز مطرح است. بنا به اعلام مدیران مؤسسه غیر دولتی زنان ایرلند، در هر هفته بیش از دویست زن و دختر ایرلندی برای سقط جنین‌های خود راهی انگلستان می شوند، چرا که در ایرلند و ایرلند شمالی، چنین کاری قانونی نیست. بررسی‌های یک مؤسسه مطالعاتی نیز نشان می‌دهد که در بیست سال اخیر، یک میلیون زن و دختر ایرلندی برای سقط ایمن و قانونی به کلینیک‌های انگلستان به ویژه در شهر لندن مسافرت کرده اند.

امروزه در سراسر دنیا، هزاران انجمن غیر دولتی در جهت مبارزه با همه انواع قانونی سقط جنین‌های ناخواسته، فعال هستند. (به جز مواردی که جان مادر به خطر می‌افتد و یا جنین با بیماری‌های خاصی رو به روست). چرا که در اکثر کشورهای غربی، بسیاری از موانع قانونی برداشته شده است. تعدادی از شرکت‌های بیمه نیز در تبلیغات خود از تأمین مالی هزینه‌های سقط جنین نام می‌برند.

اما در اروپای شرقی، هنوز هم مقررات سختگیرانه‌ای با حمایت کلیسای کاتولیک وجود دارد. مثلاً دولت لهستان، سختگیرانه‌ترین قوانین ممکن را در این زمینه وضع کرده است و زنان لهستانی مجبور به سفر به سایر کشورها می‌شوند. هر چند به دلیل فقر اقتصادی حاکم بر این مناطق، چنین امکانی برای اکثر زنان میسر نیست.

در مجموع، من معتقدم که با شکل‌گیری جریان توریسم سقط جنین، همانند بسیاری دیگر از حوزه‌های اجتماعی، بازندگان اصلی، زنان فقیر و رنگین پوست و اقلیت و مهاجر خواهند بود.

http://vista.ir/?view=article&id=352382

vista.ir
Online Classified Service

توریسم صنعت نوین قرن بیست و یکم

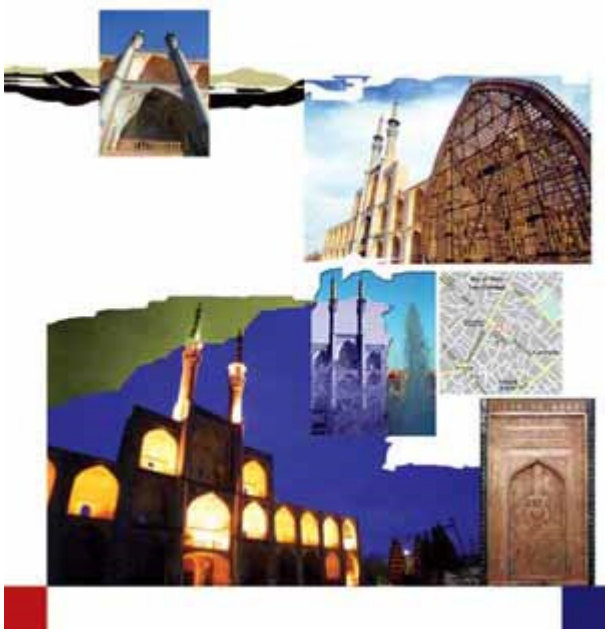

امروزه تماشای آثار برجای مانده از فرهنگ کهن ، بناهای تاریخی و باستانی ، موزه های اشیاء قدیمی و جلوه های زندگی قرون گذشته حتی برای پیروان جنبش های رمانتیك (مکتب رمانتیسم) که شعرای انگلیسی ویلیام بلیك و لردبایرون بیش از دیگران الهام بخش آن بودند تا مردم را به نظاره کردن شهرهای ساخته شده به سبك گوئیك ، رشته کوه های زیبا ، رودخانه های خروشان و مناظر دیدنی بکشاند ، چندان جذاب و جالب بنظر نمیرسد. ورزشهای تفریحی مثل ماهیگیری و قایق رانی یا ورزشهای زمستانی که انگلیسیان در روستای زیبای رزمات سوییس ابداع کننده آن بودند به تنهایی آمار گردشگر زیادی را به خود جلب نمی کنند . امروزه مردم در هر کجای این کره خاکی به راحتی فشردن چند دکمه کامپیوتر یا ماهواره خود دنیای زیبا و روح نواز مناظر دور دست را در سینماهای خانگی خود به نظاره می نشینند . اما با تمام این تفاصیل بزرگترین صنعت جهان ، صنعت توریسم یا گردشگری است .

کشورهای اروپایی ابعاد گسترده این صنعت را از نظر تولید اشتغال و ایجاد درآمد درك کرده اند و از چند دهه پیش به شدت به توسعه این صنعت پرداخته اند . تبلیغات تلوزیونی گردشگری موضوعی است که تمام کشورهای توسعه یافته این صنعت از آن بهره برده و می برند ، تبلیغاتی گسترده که علاوه بر پخش آگهی و تیزر ، دامنه آن به فیلم های سینمایی ، فیلم های مستند ،سریالهای تلوزیونی و فراتر از آن کانالهای مخصوص تلوزیونی کشیده شده است . تهیه کنندگان و کارگردانان این برنامه ها ضمن شناسایی مکانهای گوناگون اعم از طبیعی ، تفریحی ، فرهنگی ، اقتصادی و ... اطلاعات کامل و جامع ای از قیمت ها ، کالاها و محصولات هنری و .. به مخاطبان خود ارائه داده و تشویق به بازدید از این محل ها و حضور در جشوارهای خرید می نمایند ، چرا که یکی از انگیزه های قوی توریست ارضاء انگیزه خرید است .

برگزاری نمایشگاه های بزرگ در ابعادی فوق تصور ابزار دیگری است که کارگردانان زبردست در یك نمایش زنده و مبهوت کننده از نور ، صدا ، دکور های مجلل و به واقع عینی در راستای اهداف توریستی خود استفاده میبرنند . کشورهای توسعه یافته برای بالا بردن اطلاعات وآمار گردشگران خود با برگزاری سمینارهاو جمع آوری اطلاعات از طریق نظر خواهی و پرسشگری از گردشگران به بهترین چارچوبهای ارائه خدمات در زمینه گردشگری رسیده و بدنبال حضوری موفق تر در حوزه تخصصی صنعت گردشگری از جمله مسائل اکوتوریسم ، توریسم طبیعت گردی و یا تورهای ماجراجویانه هستند.

کشور های پیشرفته در این صنعت با برداشتن گامهای فراتر از زمان بدنبال ایجاد مناسبتهای تاریخی هستند تا با برگزاری فستیوالهای چند منظوره که بیشتر شبیه پدیده جلوه گر است با ارتقا صنعت توریسم خود یا تاریخی کردن اماکن و مناسبت ها ، موقعیت های اقتصادی بهتری برای خود خلق نمایند.کشورهای فرانسه با بیش از ۸۰ میلیون نفر توریست خارجی ، اسپانیا ۶۰ میلیون نفر، آمریکا ۵۵ میلیون نفر ، چین ۵۲ میلیون نفر، ایتالیا۴۶ میلیون نفر وباگذشت تجربه چند با نگاه ی تازه ، بدنبال بازارهای جدید توریست و توریسم نوین هستند، آنها به خوبی می دانند که هر توریست به منزله ورود حداقل ۱۰۰۰ دلار به چرخه اقتصاد و اشتغال است برای مثال کشور ترکیه با حفظ میراث فرهنگی و محیط زیست و با اتکا بر روزنه های تاریخی و مکان های توریستی صنعت و اقتصاد خود را به پیش میبرد . یکی از این جلوه ها آیین بزرگداشت ۱۰ روزه مولانا و شب عروس در شهر قونیه است که شاهد حضور ۵ هزار نفر در هر برنامه سماع می باشد . واقعیت این است که بسیاری از کشورها مثل ترك ها برای توریست های ایرانی سرمایه گذاری کرده اند و به جای سرگرمی با آمار خیالی و اخبار غیر واقعی برای اذهان عمومی به واقع کار کرده اند در ترکیه با یك مقبره بیش از ۲۰۰ هزار نفر میتوانند بشکل مستقیم ارتزاق کنند در حالی که آمار کل گردشگران خارجی و یا آمار شاغلین مستقیم این صنعت در کشور به این رقم نمی رسد و ما هنوز بدنبال توسعه هتل داری و گسترش شبکه ها و موسسات توریستی هستیم. البته تبلیغات سوء برعلیه ایران و شناسایی ایران به عنوان کشوری نا امن یکی از دلایل کاهش فاحش آمار توریست خارجی به ایران است .

در دهه ۱۹۹۰ روند رشد صنعت توریست با شتابی بی سابقه نسبت به قبل سیر صعودی داشته و بر اهمیت آن در سراسر جهان بطور روز افزون افزوده شد تا جای که با سرمایه گذاری های مستقیم بیش از ۳۰۰ میلیارد دلاری سالانه ، ۸ درصد کل سرمایه گذاری های جهان و ۷ درصد نیروی کار جهان را بطور مستقیم به خود مشغول کرده است . دلیل چنین رشد چشم گیری افزایش درآمدها و اوقات فراغت ، توسعه و پیشرفت در صنعت

حمل و نقل جهانی و بالا رفتن سطح عمومی آگاهی ها و دانش مردم نسبت به سایر نقاط جهان بود که این خود مرهون پیشرفت های قابل ملاحضه در زمینه فن آوری ارتباطات و تاثیر شگرف تبلیغات و رسانه ها است . توریست های فضایی عصر نوینی در این صنعت است که معدود کشورها می توانندر این وادی اجازه فکر کردن به آن را داشته باشند چراکه تکنولوژی برتروتوان اقتصادی فوق العاده ای را می طلبد.

●توریست در ایران

ایران سرزمینی با گستره جغرافیایی وسیع ، تنوع آب و هوایی و شرایط اکوزیستی متفاوت ، تنوع قومی و فرهنگ غنی ، کشوری با ۳۰ استان در اشکال شهری و روستایی و جاذبه های تاریخی و فرهنگی بسیار همچون قاره پهناوری است که در قالب یك کشور جای داده شده است . متاسفانه علی رغم استعدادها و توانایی های زیاد، هنوزبرای مردم خود ایران ناشناخته مانده است . توریست یا گردشگری در ایران پدیده ای فصلی با قطبهای محدود و تقریبا درون زا است ودر قسمت توریست خارجی بیشتر بعنوان بازاری برای کشورهای همسایه محسوب میشود تا جلب توریست برای بازارهای داخلی . چرخه داخلی این صنعت تحت تاثیر عوامل بسیاری هنوز نتوانسته نگاه اقتصادی و درآمد زای را به بازارهای بین المللی و تبادلات عظیم و تاثیرات سازنده آن داشته باشد .

حفظ محیط زیست و میراث های فرهنگی و ارزش نهادن و احترام به ارزشهای انقلاب اسلامی از معیار های است که توریستها برای ورود به کشورمان باید رعایت نمایند ، واقعیت این است که کاهش فاحش توریست خارجی ناشی از این عوامل نیست بلکه تبلیغات سوء علیه ایران طی دو دهه گذشته از طرفی و عملکرد ضعیف ما در جهت تبلیغات و جلب سرمایه گذاریها ی داخلی و خارجی در راستای زیرساختهای صنعت پر رونق توریسم از دلایل آن میباشد. ما اگر بخواهیم راه طولانی سایر کشورها را در کوتاه ترین مدت بپیمائیم بهتر است از مشارکت و همکاری آنها استفاده کنیم بدون مشارکت و سرمایه گذاری سایر بخشها توان رقابتی از بین خواهد رفت ، سرمایه گذاری بخش خصوصی در صنعت توریسم و گردشگری و توجه دولت به زیر بناهای این صنعت باعث رونق و شکوفایی آن در کشور خواهد شد .

●پیشنهاد

اقدامات به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می شود که اقدامات داخلی اصل و پایه کارهای خارجی بوده و بنوعی تضمین کننده موفقیت آن میباشد(اقدامات انجام شده در قسمت داخلی ، زیر ساختهای تجارت و بازرگانی بین الملل است.)

▪داخلی :

۱-جمع آوری اطلاعات کامل و جامعی از تمام اماکن تاریخی ، مذهبی ، فرهنگی ، اقتصادی ، طبیعی و ... در قالب فیلم ،عکس ، تاریخچه و... توسطسازمانهای مربوطه (محیط زیست ، میراث فرهنگی و گردشگری ، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ...) در قالب فیلم ،کتابهای راهنما ، بروشورو مجلات عکس و تبلیغاتی .

۲-ارائه خدمات لازم به سرمایه گذاران بخش خصوصی و دولتی در این صنعت و امور زیربنای مربوط به آن.

۳-برگزاری تورهای گردشگری با موضوعاتی مثل تورهای طبیعت گردی ، مذهبی ، و ....

۴-تبلیغات گسترده و همه جانبه .

▪خارجی :

بهترین و موثرترین شیوه برای جلب توریست که به منزله تبلیغات حضوری و فروش محصولات و صنایع داخلی است برگزاری نمایشگاههای بزرگ در کشورهای توریست پذیر آنهم در مقاطع زمانی تراکم توریستی با بکارگیری جلوهای تاثیرگذار هنرهای نور و تصاویر معماری و طراحی برگرفته از آثار هنری ، تاریخی و جلوه های زیبای با مجریان آشنا به زبان بین الملل و بومی در قالب مردمان هر منطقه باپوشش لباسهای محلی و...

امیدواریم با سیاست گذاریها و اقدامات موثر نه تنها به پیشرفت در این صنعت برسیم بلکه از بازار عظیم مبادلات بین الملل سهمی را به اقتصاد کشورمان اختصاص دهیم . انشاءالله

منبع : هفته نامه فصل نو

http://vista.ir/?view=article&id=234118

vista.ir
Online Classified Service

توریسم عشایری

از دیر باز زندگی بشری ،شیوه ها و روش های مختلفی داشته است .از دوره غار نشینی تا نظام یکجا نشینی و به تعقیب آن زندگی روستایی و شهری ،بشر به دنبال ایجاد ،سبك های مختلف زندگی ،جهت بهتر زیستن بوده است .البته تفسیر بهتر زیستن و زندگی شاد ازدیگاه افراد مختلف متفاوت خواهد بود .بدین سبب واقعاً شاید در دنیای پیچیده و ماشینیزه امروز نتوانیم پاسخ درستی به این سوال دهیم .در هر صورت تفاوت در نوع زندگی افراد (که خود علل و عوامل گوناگونی داشته است) سبب شکل گیری چند سبك عمده از زندگی می گردد (اشاره به شیوه های مختلف زندگی ،شهر نشینی ،روستا نشینی و کوچ نشینی) و به هر تقدیر لزوم زندگی پر شتاب سبب گردیده است ،که افراد بعضاً، بصورت ناخود آگاه ، به زندگی نه چندان دلچسب و راحت شهر نشینی روی آورند .امری که در دهه های اخیر با رشد شتابان آن روبرو بوده ایم .در هر حال ما در این مبحث کوتاه به دنبال بررسی سبك های مختلف زندگی نبوده و شاید تنها فرصتی باشد جهت نگاهی مختصربه شیوه زندگی قدیمی ولی نه چندان آشنای کوچ نشینی .امروزه به دلایلی که بدان اشاره شد اشکال زندگی بشری تغییر کرده و از حالت سنتی به مدرن تبدیل گشته است و به همین سبب، شاید به ندرت بتوان در همه نقاط جهان اشکال زندگی ابتدایی بشری را که همان هم آغوشی با طبیعت جاندار است را به آسانی یافت و از نزدیك با آن مانوس گردید.

ولیکن شاید یکی دیگر از مواهب خدادادی کشور ما برخورداری از این جنبه از حیات بشری ،یعنی زندگی به سبك کوچ نشینی باشد ،پدیده بکری که در نوع خود بی نظیر بوده و شاید بجز در چند کشور معدود (و غالباً هم جوار) نتوانیم نمونه های دیگری از آن بیابیم .در هر حال وجود گروه های مختلف عشایری پراکنده در سراسر کشور پهناورمان ،عاملی است که می تواند به عنوان ،عنصر جاذب جهانگردان محسوب گردد .چراکه هنگامیکه پدیده ای از ویژگی منحصر به فردی(Speciality ,Unique) برخوردار باشد ،قابلیت اینکه بتواند جاذبه جهانگردی محسوب شود را داراست .به همین سبب حضور عشایر مختلف در کشور با گستره وسیع و تنوع فرهنگ ها نه به عنوان یك تهدید، بلکه به عنوان عاملی موثر در جلب و جذب جهانگردان محسوب گردد .مهمترین ویژگی که عشایر دارا هستند ،همان توانایی هم رنگ شدن با شرایط محیطی و پیرامونی خود است .

چراکه در همه نقاط کشور با تنوع اقلیمی گوناگون ،ما شاهد حضور ایلات و عشایر هستیم .

در خصوص جاذبه های مختلف عشایری ،مقالات و پژوهش های مختلفی صورت گرفته است ،ولیکن معمولاً نکته ای که همواره در این گونه تحقیقات فراموش شده آن است که چگونه می توانیم با یك برنامه ریزی صحیح و واقع نگر ،از این جاذبه های بالقوه استفاده شایانی به عمل آوریم .اساساً جذب و جلب گردشگر ،بصورت اصولی نیازمند آشنایی با مباحث پایه ای این صنعت ،که شامل زیر ساخت و روساخت بوده (که در سلسله مقالات قبلی به آن اشاره گردیده) می باشد .بنابر این و با فرض آشنایی با مفاهیم اساسی این صنعت و بعد از مطالعات مقدماتی محلی ،می بایست ،طرح های اجرایی منطبق بر شرایط محیطی مورد مطالعه ،تهیه و جهت اجرا به دستگاه های ذی ربط ابلاغ گردد .

چراکه عموماً در خصوص عوامل و جاذبه های جهانگردی کشور به وفور در مجامع و سمینارهای گوناگون و در غالب نشریات ،جراید و پژوهش های مختلف ،مطالبی ارائه گردیده است و لیکن اغلب راه کار اجرایی ارائه نشده است .

بدین سبب نخست می بایست ضمن شناخت ظرفیت های بالقوه در نقاط مختلف و در جوامع عشایری کشور برای هر کدام از آنها برنامه ای منطبق و مناسب ارائه و اجرا نمود . در این راه توجه به دانش مردم شناسی ،جامعه شناسی ایلات و عشایر،برنامه ریزی و رفاه اجتماعی و مدیریت جهانگردی ،از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است .

چراکه هر کدام از این علوم از زاویه ای به مبحث جهانگردی ایلات و عشایر توجه دارند ،دانش مردم شناسی به بررسی آداب و رسوم ،اعتقادات و

باورها و در مجموع فرهنگ مردم (و خصوصاً در اینجا به ایلات و عشایر) توجه دارد .جامعه شناسی ایلات و عشایر به بررسی انواع مختلف ،ایلات و عشایر و نظام تعاملی میان آنها می پردازد .و رشته برنامه ریزی و رفاه اجتماعی نیز با جهت گیری برنامه ریزی به ایجاد سیستم رفاهی برای خانواده های عشایری ،اقدام می نماید و در وهله آخر دانش مدیریت جهانگردی با ایجاد یك نظام تعادلی میان برآیند نتایج استخراجی همه این علوم ،به یك نتیجه گیری کلی و یك برنامه ریزی جامع جهت جلب و جذب گردشگر خواهد رسید .

جمع بندی آنکه: در کشور ما به لحاظ شرایط خاص تاریخی ،جغرافیایی و اقلیمی تنوع قومی ویژه ای به چشم می خورد ،که هر کدام از این اقوام دارای شیوه های مختلف زندگی (عموماً ۳ در قالب دسته اصلی زندگی ،شهری ،روستایی و عشایری) می باشند .شیوه عشایری به عنوان نمادی از زندگی سنتی بشری و همگونی و هماهنگی با طبیعت ،با ویژگی های مردم شناختی منحصر به فرد خود می تواند به عنوان عامل اصلی جذب و جلب گردشگر محسوب گردد .ولیکن تا تحقق این امر نه ، در حد یك شعار آرمانگرایانه ،بلکه به عنوان یك راهکار عملی و اجرایی ،راه بس طولانی وجود دارد .که این امر جز با شناخت دقیق ظرفیت های اجتماعی ،فرهنگی ،اقتصادی و سیاسی هر ایلی و به دنبال آن برنامه ریزی صحیح و مناسب و هم جهت با این ظرفیت ها امکانپذیر نخواهد بود .به عبارتی ما باید ،ضمن احترام به ارزش های قومی و عشیره ای اقوام مختلف ،می بایست زیر ساخت های لازم جهت جذب و جلب گرشگر را فراهم سازیم و ضمن تبلیغات متنوع در عرصه های ملی و بین المللی این عامل بالقوه را به ایرانیان و جهانیان معرفی نماییم .واقع نگری همراه با برنامه ریزی دور اندیش و عمل گرای پیش رو می تواند زمینه را جهت استفاده از این پتانسیل عظیم ولی نهفته را فراهم سازد .باشد تا شهری ،روستایی و کوچ نشین ایرانی در کنار یکدیگر و با کمك هم به سمت اعتلای میهن عزیزمان گام برداریم .

ایمان علمدار

منبع : هفته نامه فصل نو

http://vista.ir/?view=article&id=215196

vista.ir
Online Classified Service

توریسم ورزش (Sport Tourism)

شاید هنوز در ذهن مان واژه توریست همان معنای قبلی اش را داشته باشد ؛گردشگران اروپایی یا آمریکایی بویژه با کوله پشتی و لباسی که بیشتر برای کوهنوردی مناسب است.روشن نیست چگونه این واژه چنین تعریفی پیدا کرد و چه کسی و یا کدام مرجع این معنای نادرست را جا انداخت ؟ اما حال دیگر می دانیم که توریست یعنی گردشگرو گردشگر می تواند ایرانگرد باشد یا جهانگرد ،می تواند ایرانی باشد یا غیر ایرانی .برای تعریف صورت مسئله صنعت گردشگری ایران ،نخستین کار شناخت صنعت توریسم است و این دیگر تعریف ایرانی و خارجی ندارد ،گردشگر همه جای دنیا تعریف مشخصی دارد .پذیرفتن تعریف مشترك دو حسن دارد ؛ یکی اینکه در گفتگو ها دچار چند گانگی مفهوم نمی شویم و دوم آنکه در تحولات و تعاریف جدید ،مشارکت خواهیم داشت .در مارس ۱۹۹۳ کمیسیون آمار ملل متحد ،تعریف ارائه شده از واژه جهانگردی توسط «سازمان جهانی

جهانگردیW.T.O » را پذیرفت .بر اساس ای تعریف جهانگردی عبارتس از مجموعه فعالیت های افرادی که به مکان هایی خارج از محل زندگی و کار خود و به قصد تفریح ،استراحت و انجام امور دیگر مسافرت می کنند و بیش از یکسال متوالی در آن مکانها نمی مانند .

در سال ۱۹۹۹ سازمان جهانی جهانگردی و دولت کانادا در کنفرانس بین المللی «درباره مسافرت و آمارهای جهانگردی» را در اتاوا برگزار کردند که در زمینه تعریف واژگان ،اصطلاحات و طبقه بندی های آنها تصمیماتی گرفته شد .(...توریسم کارهایی است که فرد در مسافرت و در مکانی خارج از محیط عادی خود انجام می دهد ،این مسافرت بیش از یك سال طول نمی کشد و هدف آن تفریح ،تجارت یا فعالیت های دیگر است .

جهانگرد یا گردشگر (دیدار کننده یك شبه Tourist) مقصود کسی است که دست کم یك شب در یك اقامتگاه عمومی یا خصوصی در مسیر مورد بازدید به سر برد .

بر این اساس در تقسیم بندی جهانگردی می توان به گروه های زیر اشاره نمود :

۱- توریسم فرهنگی Cultural tourism

۲- توریسم طبیعی Natural tourism

۳- توریسم تجاری Business Tourism

۴- توریسم مذهبی Religious Tourism

امروزه یکی از انواع جهانگردی که بسیار مورد علاقه و استفاده مردم دنیا واقع شده ساتن توریسم ورزشی است .برگزاری انواع مسابقات جهانی ،ملی ،منطقه ای انگیزه ای قوی برای حضور و شرکت مردم در محل برگزاری مسابقات است .جام جهانی فوتبال که هر ساله در یکی از کشور ها برگذار می گردد خود نمونه گویای این رخداد ورزشی است .به نحوی که همه کشور های میزبان از چندین سال قبل اقدام به برنامه ریزی های جامع و کلان ،جهت ساخت تاسیسات زیربنایی و روبنایی در کشور خود می نمایند .نظیر این رخداد به نحو بسیار گسترده تر در المپیك تجلی می یابد .المپیك نه تنها به عنوان یك اجتماع ورزشی و انجام مسابقات در رشته های مختلف مطرح است بلکه به عنوان یك واقعه عظیم و کم نظیری در سطح جهان محسوب می گردد .امری که هر پنج سال یکبار اتفاق افتاده و تحولات عظیمی در همه ابعاد ،سیاسی ،اقتصادی ،اجتماعی ،فرهنگی و ورزشی میان کشور ها ایجاد می نماید .علاوه بر این مسابقات بین المللی که در دوره خاص و محدوده زمانی مشخص انجام می گیرد امروزه تلاش مسئولین و برنامه ریزان ورزشی به علت تخصصی کردن رشته ها و بومی سازی آنها می باشد .به نحویکه برخی کشور ها با توجه به استعداد ها و پتانسیل های موجود در کشور خود اقدام به ایجاد مراکز ورزشی با محوریت یك یا چند رشته ورزشی خاص می نمایند ،مثل کشور کره که اقدام به برگزاری مسابقات ویژه در ورزش های رزمی خصوصاً تکواندو می نماید و از این راه هر ساله در آمد سرشاری را نصیب کشور خود می کند .چراکه این عواید تنها معطوف به برگزاری مشابقات نبوده و عرصه های آموزش فنون و تربیت مربی و نهایتا تربیت ورزشکار را در بر می گیرد .و یا کشور هایی که به لحاظ شرایط اقلیمی مناسب ،ورزش های زمستانی نظیر ،اسکی ،هاکی و نظایر آنها هستند ،با ایجاد تاسیات زیر بنایی جهت راه اندازی فعالیت های جهانگردی ورزشی توانسته اند قسمت عمده ای از درآمد سرانه ملی خود را از این طریق تامین نمایند .شاید بهترین نمونه در این مورد کشورهای کوهستانی اروپای مرکزی ،نظیر سویس و اتریش باشند .

به این ترتیب هر کشوری با توجه به موقعیت جغرافیایی و بالتبع آن شرایط آب و هوایی خاص خود می تواند محل تولید وارائه یك یا چند نوع خدمات ورزشی و به دنبال آن خدمات مسافرتی و جهانگردی باشد .

امروزه پیون میان جهانگردی و ورزش نوع جدیدی از جهانگردی را ایجاد نموده که جنبه های مختلف و متنوعی را در بر می گیرد .گستره وسیعی که از فعالیت های هیجانی نظیر Adventure Tourism شروع شده و تا فعالیت های تمدد اعصاب Recreation Tourism را در بر می گیرد .چرا که به همان میزانی که سلیقه ها و تمایلات متفاوتی برای افراد متصور است به همان مقدار دامنه فعالیت های جهانگردی ورزشی نیز گسترده است .بدین لحاظ تجمیع سه شاخه از فعالیت های انسانی یعنی جهانگردی ورزش و سلامت تشکیل دهنده ساختار جدید و جامعی برای پر کردن اوقات فراغت و تفریح همراه با نشاط روحی و جسمی انسانها گردیده است .افراد به سبب ماهیت اخلاقی و ویژگی های شخصیتی ،همینطور توانایی های بدنی ،تمایل به استفاده و بهره گیری از رشته ای مختلف ورزشی دراند ،بر این اساس ممکن است گروهی به ورزش های آبی ،دسته ای به به ورزش های زمستانی و بخشی به ورزش های هوایی و صد ها نوع رشته ورزشی دیگر علاقه داشته باشند .نکته مهم در اینجا شناخت سلایق افراد و دسته بندی رشته های مختلف ورزشی است .یعنی نخست می بایست میزان تمایلات افراد برای رشته های مختلف سنجیده شود و سپس متناسب با این درخواستها برنامه ریزی گردد .البته توجه به امکانات و زیرساخت های موجود در هر کشوری از نکات مهم و کلیدی است که هرگز نباید مورد غفلت واقع شود .

در کشور ما نمنیز در کنار هزاران نوع جاذبه جهانگردی و تاریخی که وجود دارند ،از لحاظ پتانسیل های لازم جهت راه اندازی فعالیت های مختلف ورزشی نیز در سطح بسیار مطلوبی قرار داریم .به نحوی که متاثر از ظرایط متنوع اقلیمی ،توانایی راه اندازی و ایجاد سایت های بسیار عظیم و مجهز ورزشی در کشور در نقاط مختلف وجود دارد .اما متاسفانه توجه چندانی به این امر نگردیده و تنها در برخی رشته های ورزشی خاص نظیر فوتبال و کشتی و آن هم تا حدودی فعالیت های صورت گرفته است .مدیریت قوی و برنامه ریزی جامع به همراه لزوم اعتقاد به شکل گیری فعالیت های ورزشی همگانی ،می تواند راهگشای ما در این زمینه باشد .به دیگر سخن نخست باید برای مسولین توجه به این امر که ورزش نه به عنوان يك فعالیت تفریحی بلکه عامل سلامتی و بهداشت فردی و اجتماعی ای جامعه می باشد روشن گردد و سپس با اختصاص بودجه مناسب تاسیسات و امکانات زیربنایی متناسب با شرایط جغرافیایی و اقلیمی هر منطقه ایجاد گردد .در کنار این امر فرهنگ سازی و ایجاد زمینه جهت آشنایی افراد با فعالیت های ورزشی و لزوم استفاده همه از این امکانات مکمل مهمی در توسعه ورزشی کشور است . در بخش دیگر و در راستای فعالیت های ورزشی (که با تمام فواید آن آشنا هستیم) خدمات جهانگردی و مسافرتی مطرح می شود ،چراکه برقراری مسابقات ورزشی در سطح ملی و بین المللی نیازمند ورود بخش های جهانگردی کشور است .در اینجاست که پیوند میان دو بخش ورزش و جهانگردی کاملاً نمود می یابد .نهایت آنکه ،ما برای آنکه بخواهیم فعالیت های مختلف جهانگردی ورزشی را در کشور پیاده نماییم ،نخست نیازمند ایجاد بخش سخت افزاری قضیه (یعنی ساخت مراکز اقامتی و پذیرایی ،فرودگاه ،راه ارتباطی و هزاران عامل دیگر مسافرتی هستیم و سپس در بعد ورزش نیازمند احداث مراکز ورزشی جامع و مجهز بصورت تخصصی می باشیم .در کنار این دو عامل توجه به امر تبلیغات رسانه ای و آگاهی بخشی داخلی و خارجی نکته بسیار مهم و ضروری است .چراکه در صورت عدم اطلاع رسانی به موقع و بروز هیچ کدام از برنامه های پیش بینی شده به مرحله اجرا در نخواهد آمد .به امید توجه و اهتمام همه مسئولین و مردم به لزوم ورزش همگانی در سطح جامعه و بالتبع آن جهانگردی ورزشی در کشور که به انتفاع ملی همه ایرانیان خواهد انجامید .

ایمان علمدار

منبع : هفته نامه فصل نو

http://vista.ir/?view=article&id=215171

vista.ir
Online Classified Service

توریسم ورزشی

شاید هنوز در ذهن مان واژه توریست همان معنای قبلی اش را داشته باشد; گردشگران اروپایی یا آمریکایی بویژه با کوله پشتی و لباسی که بیشتر برای کوهنوردی مناسب است.روشن نیست چگونه این واژه چنین تعریفی پیدا کرد و چه کسی و یا کدام مرجع این معنای نادرست را جا انداخت ؟ اما حال دیگر می‌دانیم که توریست یعنی گردشگرو گردشگر می‌تواند ایرانگرد باشد یا جهانگرد، می‌تواند ایرانی باشد یا غیر ایرانی .برای تعریف صورت مسئله صنعت گردشگری ایران، نخستین کار شناخت صنعت توریسم است و این دیگر تعریف ایرانی و خارجی ندارد، گردشگر همه جای دنیا تعریف مشخصی دارد.

پذیرفتن تعریف مشترك دو حسن دارد

▪ یکی اینکه در گفتگوها دچار چند گانگی مفهوم نمی‌شویم

▪ دوم آنکه در تحولات و تعاریف جدید، مشارکت خواهیم داشت .

در مارس ۱۹۹۳ کمیسیون آمار ملل متحد، تعریف ارائه شده از واژه جهانگردی توسط «سازمان جهانی جهانگردیW.T.O » را پذیرفت .بر اساس این تعریف جهانگردی عبارت است از مجموعه فعالیت‌های افرادی که به مکان‌هایی خارج از محل زندگی و کار خود و به قصد تفریح، استراحت و انجام امور دیگر مسافرت می‌کنند و بیش از یکسال متوالی در آن مکانها نمی‌مانند .در سال ۱۹۹۹ سازمان جهانی جهانگردی و دولت کانادا در کنفرانس بین المللی «درباره مسافرت و آمارهای جهانگردی» را در اتاوا برگزار کردند که در زمینه تعریف واژگان، اصطلاحات و طبقه بندی‌های آنها تصمیماتی گرفته شد .توریسم کارهایی است که فرد در مسافرت و در مکانی خارج از محیط عادی خود انجام می‌دهد، این مسافرت بیش از یك سال طول نمی‌کشد و هدف آن تفریح، تجارت یا فعالیت‌های دیگر است .جهانگرد یا گردشگر (دیدار کننده یك شبه(Tourist مقصود کسی است که دست کم یك شب در یك اقامتگاه عمومی‌یا خصوصی در مسیر مورد بازدید به سر برد .امروزه یکی از انواع جهانگردی که بسیار مورد علاقه و استفاده مردم دنیا واقع شده توریسم ورزشی است .برگزاری انواع مسابقات جهانی، ملی، منطقه ای انگیزه‌ای قوی برای حضور و شرکت مردم در محل برگزاری مسابقات است .جام جهانی فوتبال که هر دوره در یکی از کشورها برگزار می‌گردد خود نمونه گویای این رخداد است .به نحوی که همه کشورهای میزبان از چندین سال قبل اقدام به برنامه ریزی‌های جامع و کلان، جهت ساخت تاسیسات زیربنایی و روبنایی در کشور خود می‌نمایند .

برخی کشورها با توجه به استعدادها و پتانسیل‌های موجود در کشور خود اقدام به ایجاد مراکز ورزشی با محوریت یك یا چند رشته ورزشی خاص می‌نمایند، مثل کشور کره که اقدام به برگزاری مسابقات ویژه در ورزش‌های رزمی‌خصوصا تکواندو می‌نماید و از این راه هر ساله در آمد سرشاری را نصیب کشور خود می‌کند .چراکه این عواید تنها معطوف به برگزاری مشابقات نبوده و عرصه‌های آموزش فنون و تربیت مربی و نهایتا تربیت ورزشکار را در بر می‌گیرد .و یا کشورهایی که به لحاظ شرایط اقلیمی مناسب، ورزش‌های زمستانی نظیر، اسکی، هاکی و نظایر آنها هستند، با ایجاد تاسیسات زیر بنایی جهت راه‌اندازی فعالیت‌های جهانگردی ورزشی توانسته‌اند قسمت عمده‌ای از درآمد سرانه ملی خود را از این طریق تامین نمایند .شاید بهترین نمونه در این مورد کشورهای کوهستانی اروپای مرکزی، نظیر سویس و اتریش باشند .به این ترتیب هر کشوری با توجه به موقعیت جغرافیایی و بالتبع آن شرایط آب و هوایی خاص خود می‌تواند محل تولید وارائه یك یا چند نوع خدمات ورزشی و به دنبال آن خدمات مسافرتی و جهانگردی باشد .امروزه پیوند میان جهانگردی و ورزش نوع جدیدی از جهانگردی را ایجاد نموده که جنبه‌های مختلف و متنوعی را در بر می‌گیرد .گستره وسیعی که از فعالیت‌های هیجانی نظیرAdventure Tourism شروع شده و تا فعالیت‌های تمدد اعصابRecreation Tourism را در بر می‌گیرد .

چرا که به همان میزانی که سلیقه‌ها و تمایلات متفاوتی برای افراد متصور است به همان مقدار دامنه فعالیت‌های جهانگردی ورزشی نیز گسترده است .بدین لحاظ تجمیع سه شاخه از فعالیت‌های انسانی یعنی جهانگردی ورزش و سلامت تشکیل دهنده ساختار جدید و جامعی برای پر کردن اوقات فراغت و تفریح همراه با نشاط روحی و جسمی انسان‌ها گردیده است .افراد به سبب ماهیت اخلاقی و ویژگی‌های شخصیتی، همینطور توانایی‌های بدنی، تمایل به استفاده و بهره گیری از رشته ای مختلف ورزشی دارند، بر این اساس ممکن است گروهی به ورزش‌های آبی، دسته ای به ورزش‌های زمستانی و بخشی به ورزش‌های هوایی و صدها نوع رشته ورزشی دیگر علاقه داشته باشند .نکته مهم در اینجا شناخت سلایق افراد و دسته بندی رشته‌های مختلف ورزشی است .یعنی نخست می‌بایست میزان تمایلات افراد برای رشته‌های مختلف سنجیده شود و سپس متناسب با این درخواست‌ها برنامه ریزی گردد .البته توجه به امکانات و زیرساخت‌های موجود در هر کشوری از نکات مهم و کلیدی است که هرگز نباید مورد غفلت واقع شود .در کشور ما نیز در کنار هزاران نوع جاذبه جهانگردی و تاریخی که وجود دارند، از لحاظ پتانسیل‌های لازم جهت راه‌اندازی فعالیت‌های مختلف ورزشی نیز در سطح بسیار مطلوبی قرار داریم .به نحوی که متاثر از شرایط متنوع اقلیمی، توانایی راه‌اندازی و ایجاد سایت‌های بسیار عظیم و مجهز ورزشی در کشور در نقاط مختلف وجود دارد .اما متاسفانه توجه چندانی به این امر نگردیده و تنها در برخی رشته‌های ورزشی خاص نظیر فوتبال و کشتی و آن هم تا حدودی فعالیت‌های صورت گرفته است .

مدیریت قوی و برنامه ریزی جامع به همراه لزوم اعتقاد به شکل گیری فعالیت‌های ورزشی همگانی، می‌تواند راهگشای ما در این زمینه باشد .به دیگر سخن نخست باید برای مسولین توجه به این امر که ورزش نه به عنوان یك فعالیت تفریحی بلکه عامل سلامتی و بهداشت فردی و اجتماعی‌جامعه می‌باشد روشن گردد و سپس با اختصاص بودجه مناسب تاسیسات و امکانات زیربنایی متناسب با شرایط جغرافیایی و اقلیمی هر منطقه ایجاد گردد .در کنار این امر فرهنگ سازی و ایجاد زمینه جهت آشنایی افراد با فعالیت‌های ورزشی و لزوم استفاده همه از این امکانات

مکمل مهمی در توسعه ورزشی کشور است . در بخش دیگر و در راستای فعالیت‌های ورزشی (که با تمام فواید آن آشنا هستیم) خدمات جهانگردی و مسافرتی مطرح می‌شود، چراکه برقراری مسابقات ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی نیازمند ورود بخش‌های جهانگردی کشور است .در اینجاست که پیوند میان دو بخش ورزش و جهانگردی کاملا نمود می‌یابد .

منبع : روزنامه حیات نو

http://vista.ir/?view=article&id=249700

vista.ir
Online Classified Service

توصیه ساده و مفید برای همراهی با کودکان در سفر

مسافرت با ماشین می تواند برای بچه ها خاطره ای شاد و مفرح شود ویا برعکس باعث خستگی و کسالت آنها شده و بیقراریشان سفر را برای شما هم تلخ سازد. در این مطلب تلاش کرده‌ایم نکاتی مفید را برای مسافرت طولانی مدت به همراه بچه‌ها در ماشین ذکر کنیم. این نکات کمك می‌کنند هم به بچه‌ها و هم به خود شما بیشتر خوش بگذرد!

● قبل از حرکت

سعی کنید برای بچه‌ها لباسی تهیه کنید که آزاد و راحت باشد. شلوارك‌های کتانی و تی‌شرت برای روزهای گرم و شلوار بلند برای روزهای خنك‌تر مناسبند. از پوشاندن لباس‌های جین به کودکان در سفرهای درازمدت بپرهیزید چون برای آنها خشك و سفت بوده و آنها را محدود می‌کند. پارچه‌های شمعی و پلاستیکی و لباس‌های آستردار عایق، سبب تعریق بیش از حد کودك در هوای گرم می شوند.

پاهای بچه ها را با دمپایی یا کفشی که به سادگی و بدون کمك می توانند از پایشان در آورند، بپوشانید. درست است که بچه‌ها جثه کوچکتری نسبت به یك بزرگسال دارند، اما دقت داشته باشید که آنها تحرك کمتری داشته و کمتر از بزرگسالان صبوری می‌کنند. بنابراین برای نشستن یك کودك همان فضایی را در نظر بگیرید که برای یك بزرگسال در نظر می گیرید. بعضی از کودکان به یك شیئی خاص به ویژه بالش‌شان وابستگی دارند و دوری از این وسایل می تواند روحیه آنها را کمتر کرده باعث بهانه گیری آنها شود. به این علاقه توجه کنید و آنها را به همراه ببرید.

● گرماها و نورهای آزاردهنده

به این نکته دقت کنید که هوا در ماشین به سمت عقب حرکت می‌کند و به همین دلیل باز بودن پنجره‌های جلویی ماشین برای کودکان شما ناراحت‌کننده است چون نفس کشیدن را برای آنها مشکل می کند. در صورتی که تمایل به عوض شدن هوا دارید، کمی لای پنجره‌های عقبی ماشین را باز بگذارید. همیشه از سایبان‌های کوچك قابل نصب به شیشه استفاده کنید.حتی وقتی که دمای داخل ماشین با کولر به میزان دلخواه خنك شده است، باز هم نور شدید آفتاب برای چشم‌های کودکان نامناسب است.همیشه به یاد داشته باشید که برای دست و پای کوچك آنها لازم است که هر از چند گاهی تکانی به آنها بدهند. نشستن طولانی‌مدت، هم برای روحیه بچه‌ها خسته‌کننده است و هم جسمشان. سعی کنید صبور باشید و گاه گاه برای اینکه آنها چند دقیقه بدوند و جست و خیز کنند، در مکانی امن توقف کنید.

● خوراکی های کودکانه

سعی کنید توقف‌هایتان را همزمان با برنامه ای که کودکتان به آن عادت کرده تنظیم کنید. اگر هر روز عادت دارد ساعت ۱۰ چیزی بخورد، سر این

ساعت برای چند دقیقه توقف کرده و میوه یا خوراکی دیگری به عنوان میان وعده به او بدهید. برای کودك خوراکی هایی تهیه کنید که چسبناك نبوده و در هنگام گاز زدن توسط او خرد نمی شوند. به این ترتیب لباس‌های آنها و روکش صندلی‌های ماشین تمیز تر می ماند. در ضمن کودکان را تشویق کنید که تنها در زمان‌های توقف چیزی بخورند. اگر کودکی دارید که با شیشه شیر می‌خورد، به جای برداشتن یك شیشه بزرگ برای او، چند شیشه کوچکتر را به همراه بیاورید. شیشه‌هایی که با دست‌های کوچکتری قابل برداشتن و نگه داشتن باشند، حتی برای بچه‌های بزرگتر هم بهتر و استفاده آنها راحت‌تر و احتمال افتادن و ریختن آنها کمتر است.

• اسباب بازی های سفری

برای کودك تعدادی اسباب بازی به همراه بیاورید. البته این اسباب بازی‌ها باید چیزی باشند که توجه و حواس کودك را به خودشان معطوف کنند. مثلا اسباب بازی‌هایی که می توان با خم کردن و شکل دادن به آنها چیزهای جدید ساخت، مدت‌ها کودك را سرگرم می‌کنند. از آوردن اسباب بازی های حجیم و غیرقابل انعطاف که خستگی کودك را از محدود بودن در فضای ماشین تشدید می‌کنند، بپرهیزید و اطراف آنها را با اسباب‌بازی پر نکنید.

بعضی از والدین به ویژه پدرها عادت دارند هنگام رد شدن ماشین از مناظر و اتومبیل‌های اطراف،همه چیز را برای کودك توضیح دهند. بهتر است کودك خود مناظر اطراف را دیده و درك کند تا شما با این کار کودك را بمباران اطلاعاتی کنید!اگر او به اندازه کافی بزرگ شده باشد خودش در مورد چیزهای مورد کنجکاویش سوال می‌کند. بهتر است از موسیقی در ماشین استفاده ببرید. وقتی بچه‌ها از طی یك مسافت طولانی خسته شدند و شما امکان کنار زدن ماشین را برای رفع خستگی آنها ندارید، از یك موسیقی مورد علاقه آنها استفاده کنید. این کار آنها را برای مدتی سرحال می‌آورد.صدای موسیقی را طوری تنظیم کنید که امکان صحبت کردن را از شما نگیرد. از موسیقی‌های ملایم و آرامش بخش استفاده کنید.

• سرگرمی های ساده

مسافرت طولانی مدت در محیط محدودی مانند ماشین،بچه‌ها را خسته و بی‌حوصله می‌کند. برای حل این مشکل می‌توانید از بازی‌های داخل ماشین استفاده کنید. این بازی‌ها حواس راننده را پرت نمی‌کنند و در عین حال برای بچه‌ها به صورت خاطرات جالبی در می‌آیند.

یکی از این بازی‌ها این است که توجه کودك را به یك یا چند موضوع خارج از ماشین جلب کنید و مثلا از او بخواهید تا آن جا که می‌تواند ماشین‌هایی را که از کنار شما عبور می‌کنند، نام ببرد به شرط آنکه حواسش باشد نام‌ها تکراری نشوند. یك بازی دیگر که برای مسافرت‌های کوتاه مناسب است بازی پیش بینی است. مثلا اینکه در عرض نیم ساعت چند ماشین قرمز خواهیم دید؟ البته در این بازی هر کس به یك امتیاز جداگانه دست پیدا می کند و نباید برای بچه‌ها برد و باخت تعریف کنید چون در غیر این صورت بچه ها بر سر اینکه کدامشان اول ماشین قرمز را دیدند سرو صدا و دعوا به راه می اندازند! می توانید برای پیشگیری از این اتفاقات رنگ های متفاوتی را برای هر فرزندتان انتخاب کنید.

شب‌ها که نور بیرون برای دیدن مناظر اطراف کافی نیست می توانید از بازی‌های شمارش مثل هوپ یا بازی با اسم‌ها و یا پیش‌بینی تعداد چراغ‌های رنگی استفاده کنید.

یکی دیگر از بازی‌های شبانه، بازی <مادربزرگ تو انباریش چی داره> است. در این بازی نفر اول یك شیئی را که با الف شروع می شود نام می‌برد: <مادربزرگ تو انباریش آلوچه داره> نفر دوم با حرف ب:<مادر بزرگ تو انباریش آلوچه و بادبزن داره> و به همین ترتیب تا آخرین حرف. نکته مهم این است که باید همه چیزهایی را که قبلا گفته شده نام ببرید. این بازی حتی برای بزرگتر ها هم تمرین ذهنی محسوب می شود! اگر بچه ها حروف الفبا را بلد نیستند، حرف اول کلمه‌ای را که نوبت آنهاست به آنها بگویید.

بعد می‌توانید بازی را از آخر به اول ادامه دهید و بگویید:<من از انبار مادر بزرگ یاس هایش را برداشتم.> نفر بعد می‌گوید: <من از انبار مادربزرگ یاس ها و هندوانه هایش را برداشتم.> و الی آخر.

برای بچه‌های بزرگ‌تر بازی بیست سوالی، ریاضی، یا هجی کردن سریع کلمات هم سرگرم کننده خواهد بود. خلاق باشید، آواز بخوانید، صدای حیوانات را تقلید کنید. سعی کنید فرصت بودن با هم در یك فضای نزدیك را برای خود و کودکتان به خاطره تبدیل کنید،نه شرایط بدی که کودك انتظار پایان آن را بکشد.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=240368

vista.ir
Online Classified Service

توصیه های بهداشتی برای مسافران تابستانی

با شروع فصل تابستان و تعطیل شدن مدارس فرصتی مناسب برای مسافرت خانواده ها فراهم می شود. اگر به هر دلیلی تصمیم به مسافرت گرفته اید و یا در نظر دارید برای مدتی از محل دائمی تان دور شوید، در این صورت شرایط جدیدی را تجربه خواهید کرد که بر وضعیت جسمی تان تاثیر می گذارد.

▪ برای آن که در طول سفر، این شرایط بر سلامتی و شادابی تان تاثیر منفی نگذارد بهتر است به نکات زیر توجه کنید:

قبل از شروع سفر، برنامه مسافرتتان را تنظیم کنید. در این برنامه مدت زمان مسافرت مسیر دقیق و توقف گاه های بین راه را مشخص کنید. همچنین بهتر است از وضعیت هوای مقصد و مسیر سفر اطلاع کافی داشته باشید و مراکز امدادرسانی را در طول مسیر شناسایی کنید. بیش از ترك منزل یك بار دیگر وسایل مورد نیاز در طول سفر را بازبینی کنید. برای اطمینان از این که همه وسایل مورد نیاز را برداشته اید قبلاً صورتی از آن ها را تهیه کنید و از بردن وسایل اضافی و غیرضروری خودداری کنید.

با یاد و نام خدا سفرتان را شروع کنید اگر با وسایل نقلیه عمومی مسافرت می کنید برای سوار شدن، به موقع خود را به محل تعیین شده برسانید تا حوادث احتمالی باعث جا ماندنتان نشود اگر با وسیله نقلیه شخصی مسافرت می کنید، آن را از لحاظ فنی کاملاً معاینه کنید و نقایص آن را برطرف سازید. لوازم یدکی و ایمنی ضروری و لوازم پرمصرف نظیر شمع، پلاتین، تسمه پروانه و لاستیك یدکی را به همراه ببرید و از مسافرت با خودروی معیوب به طور جدی بپرهیزید. از کافی بودن سوخت خودرویتان تا رسیدن به اولین جایگاه سوخت گیری مطمئن شوید و از حمل سوخت اضافی در صندوق عقب خودرو، به طور جدی بپرهیزید.

بکوشید مسیری را انتخاب کنید که آشنایی کافی با شرایط آن را داشته باشید در غیر این صورت شرایط مسیر را از افراد آگاه و مطلع جویا شوید. برای پیش گیری از سوانح رانندگی، در زمانی که مضطرب، ناراحت و خسته اید، رانندگی نکنید. اگر خواب آلوده هستید، خودروی خود را در محل مناسبی نگه دارید و استراحت کنید. در هنگام بروز حادثه، آرامش خود را حفظ کنید، چون اگر با عجله و شتاب تصمیم بگیرید مشکلات را بیش تر خواهید کرد. در توقف های اضطراری نیز موارد ایمنی لازم را رعایت کنید. دقت کنید افرادی که دارای شرایط خاصی هستند باید در طول سفرشان از دستورهای ویژه ای پیروی کنند. مثلاً سفرهای هوایی برای زنان باردار در اواخر بارداری ممنوع است.

در هر صورت، اگر شرایط جسمی و روحی خاصی دارید یا به بیماری خاصی مبتلا هستید. حتماً درباره نحوه مسافرتتان با پزشك خود مشورت کنید. همیشه توجه داشته باشید که کودکان نسبت به تغییر شرایط محیط حساس تر هستند. بنابراین نسبت به کودکان در طول سفر، توجه بیشتری داشته باشید.آب و غذای کافی به همراه داشته باشید و تا حد ممکن در طول مسافرت غذا را برای مصرف یك وعده غذایی تهیه کنید. در هر صورت باقی مانده غذا را در ظرف سربسته، در مکان سرد نگه داری کنید.

همچنین قبل از مصرف غذای باقی مانده آن را به مدت کافی حرارت دهید. اگر مجبور به صرف غذا در اغذیه فروشی ها و رستوران های بین راه هستید، از تهیه بهداشتی غذاها مطمئن شوید در غیر این صورت از مصرف غذا در اماکن غیربهداشتی خودداری ورزید، همچنین از غذاهای بسته

بندی شده استفاده کنید همین طور کنسروها را قبل از مصرف حتماً بجوشانید. در طی مسافرت از مصرف شیر و فرآورده های لبنی غیر پاستوریزه از جمله خامه، کره، پنیر و کشك غیرپاستوریزه خودداری کنید.اگر در مسافرت مجبور به استفاده از شیرخام غیر پاستوریزه شدید، حتماً آن را جوشانده و ۱۰ دقیقه در حال جوش به هم بزنید. حتماً از آب آشامیدنی سالم استفاده کنید. در صورتی که از سالم بودن آب مصرفی خود اطمینان ندارید باید آن را جوشانده و سپس مصرف کنید. اسهال ۲۰ تا ۵۰ درصد مسافران را مبتلا می کند.

برای پیشگیری از اسهال در مسافرت از غذاخوری غیربهداشتی استفاده نکنید و در تهیه و مصرف غذا و میوه نکات بهداشتی را به دقت رعایت کنید. در صورت ابتلا به اسهال در مسافرت بکوشید مایعات بیشتری مصرف کنید و اگر به اسهال خونی و یا اسهال همراه با تب بالا دچار شدید حتماً به پزشك مراجعه کنید، همچنین در صورت ابتلا به اسهال در مسافرت از مصرف خودسرانه داروها خودداری کنید چون عوارض آن ها زیاد است و اثری در کاهش دوره اسهال ندارند.غذاهای خام و نیم پز ممکن است آلوده به عوامل عفونی باشد بنابراین در مسافرت از مصرف آن ها پرهیز کنید علاوه بر این از مصرف مواد غذایی، به ویژه نوشیدنی های دست فروشان در مسافرت بپرهیزید. از هر ۱۰ نفر، ۹ نفر در طول زندگی خود دچار بیماری مسافرت می شوند.

این بیماری که در کودکان شایع تر است، موجب تهوع، استفراغ و سردرد در افراد حساس می شود. اگر به حرکت حساس هستید و به بیماری مسافرت دچار می شوید سعی کنید در طول نشستن در وسایل نقلیه کاملاً به صندلی تکیه دهید و صندلی را به حالت نیمه خوابیده قرار دهید. بهتر است در قسمتی از وسیله نقلیه قرار بگیرید که کمترین تکان را دارد و از درون خودرو به مناظر نگاه نکنید و یا اگر در قایق یا کشتی هستید به موج ها ننگرید و فقط به افق چشم بدوزید. از بوهای تحریك کننده مانند سیگار دوری کنید.

همچنین سعی کنید از شب قبل از مسافرت کم تر غذا و نوشیدنی بخورید و در طول راه نیز شکم خود را سبك نگاه دارید. فقط هنگامی از دارو استفاده کنید که سایر توصیه ها برای شما مفید نباشد. راننده خودرو نباید از این داروها استفاده کند؛ چون موجب کاهش هوشیاری وی و افزایش احتمال تصادف می شود.سعی کنید در مسافرت یك کیف مخصوص وسایل و اقلام بهداشتی به همراه داشته باشید. در این کیف کارت یا دفترچه بیمه خدمات درمانی خود و هم سفرانتان و آخرین نسخه های پزشکی تان را بگذارید.

همچنین بیماران قلبی هنگام مسافرت آخرین نوار قلب و نسخه خود را همراه داشته باشند اگر داروهایی را به طور مرتب مصرف می کنید، به مقدار کافی آن ها را به همراه ببرید. اگر مبتلا به آسم، حساسیت، تشنج صرعی، بیماری های قلبی، بیماری های قندی یا بیماری های خاص دیگری هستید هنگام مسافرت برچسب هشداردهنده روی پیراهن، گردن بند یا مچ بند داشته باشید.

در مسافرت مقداری داروهای اولیه مانند مسکن های ساده، پماد سوختگی، قرص مسافرت، محلول های ضدعفونی و وسایل زخم بندی در کیف بهداشتی خود همراه ببرید. هنگام مسافرت در کیف بهداشتی خود نام ونشانی نزدیك ترین اقوام و آشنایان خود را بگذارید.

منبع : روزنامه جوان

http://vista.ir/?view=article&id=265945

vista.ir
Online Classified Service

توصیه های سفر به هند

پیش از رویای سفر به هند و گرفتن عکس یادگاری در جلوی یکی از عجایب هفت گانه جهان - تاج محل- می باید با شرایط سفر به آن کشور آشنا شوید. برای قدم زدن در این رویای شیرین نیاز به اخذ ویزا از سفارت هند در ایران دارید. برای اخذ این ویزا در ابتدا به یک بلیت رفت و برگشت هواپیما نیاز

دارید. سپس با مراجعه به سفارت هند- در ایران - و ارائه مدارک مورد نیاز می توانید اقدام به اخذ ویزا بکنید. فراموش نکنید که اخذ ویزا به معنی داشتن سفر خوب نیست. قبل از حرکت اطلاعات خود در مورد کشور مقصد را افزایش دهید.

● فرودگاه

- در هواپیما یک فرم توزیع می شود که مربوط به گمرک فرودگاه است. در این فرم مشخصات خود را اعلام کنید. این فرم در فرودگاه مقصد نیز موجود است.

- در فرودگاه پس از کنترل پاسپورت، بار خود را تحویل بگیرید و مراقب باشید چیزی را از قلم نیندازید. آنگاه به مرحله گمرک می رسید. سعی کنید از کانال سبز گمرک عبور کنید در غیر این صورت می باید از کانل قرمز رد شوید، معمولاً باری که یک دانشجو به همراه دارد مشمول عوارض گمرکی نمی شود لذا از پرداخت هر وجهی به ماموران گمرک خودداری کنید. چنانچه بار شما زیاد است از قبل یک اسکناس ۱۰ دلاری آماده کنید و در صورت اصرار به ماموران گمرک بدهید. هیچ وقت همه پول خود را به این افراد نشان ندهید.

- پس از عبور از گمرک در یک راهرو قرار می گیرید. در سمت راست شما تعدادی باجه قرار دارد. در این قسمت ابتدا مقداری دلار (۲۰۰ یا ۳۰۰ دلار) را به روپیه تبدیل کنید. سپس از یک باجه دیگر می توانید یک اتومبیل با راننده به مقصد مورد نظر کرایه کنید. چنانچه مقداری از بار خود را روی باربند می گذارید به راننده تذکر دهید که روی آن پلاستیک بکشد.

● حمل و نقل

- شبکه راه آهن داخل شهری در هند محدود است و اتوبوس ها هم به علت جمعیت زیاد و وسعت شهر چندان قابل دسترسی نیستند. افرادی که تازه به هند می رسند پس از اتوبوس وسیله اصلی برای جابه جایی در داخل شهر سه چرخه هایی است به نام« آتو ریکشا» که ظرفیت آنها حداکثر سه نفر است و همواره حالت دربستی دارد. کرایه سه چرخه ها براساس میزان مسافت طی شده، که توسط تاکسیمتر بر حسب روپیه (با شروع ۱۰ روپیه در ابتدا) نشان داده می شود، تعیین می شود. به غیر از دو وسیله عمومی فوق تعداد قابل توجهی آژانس های تاکسی شهری و برون شهری وجود دارد که این گونه وسیله ها نیز دارای یک هزینه اولیه ثابت بوده و مازاد آن بر حسب مسافت طی شده (بسته به نوع وسیله نقلیه و دارا بودن یا نبودن کولر) محاسبه می شود. راه حل دیگر خرید موتور یا کرایه موتور است. پارک موتورهایی به نام کاینتیک را می شود با هفته یی ۳۰۰ روپیه کرایه کرد که از ریکشا به صرفه تر است.

● خرید موتور

- برای رفت آمد راحت ترین و اقتصادی ترین وسیله موتورسیکلت است. نگران نشوید در هند موتور یک وسیله عمومی است و به درستی و با احتیاط از آن استفاده می شود. حتی اساتید دانشگاه نیز از این وسیله برای رفت و آمد استفاده می کنند. به هر حال امکان خرید اتومبیل هم هست و قیمت آن نسبت به ایران ارزان تر است ولی هزینه بنزین بسیار بالاست. برای خرید موتور یک استراتژی اصلی و جود دارد و آن کم مصرف بودن است.

- از خرید موتورهایی مانند کاینتیک و وسپا خودداری کنید چون بسیار پرمصرف هستند. موتورهای چهار زمانه بهترین انتخاب هستند. برای خانم ها هم موتورهایی مانند اسکوتی و سفایر و هوندا اکتیوا مناسب هستند.

به دانشجویان توصیه می کنیم از ابتدا یک موتور صفر کیلومتر بخرند که در طول چند سال استفاده هزینه نگهداری چندانی را متقبل نشوند، قیمت یک موتور صفر کیلومتر بین ۲۵ تا ۶۰ هزار روپیه است.

● رستوران ها

- چنانچه تاکنون به هند سفر نکرده باشید از متفاوت بودن رستوران های هند متعجب می شوید. چون بر اساس تعالیم هندو اکثر رستوران ها تنها غذاهای گیاهی عرضه می کنند که اصطلاحاً Veg نامیده می شوند. برخی رستوران ها هم غذاهای گوشتی عرضه می کنند که اصطلاحاً Non-Veg خوانده می شوند. اتفاقاً در بنگلور و بمبئی بسیاری از رستوران های غیرگیاهی صاحبانی ایرانی مسلمان یا زرتشتی دارند. غذاهای چینی هم در هند بسیار پرطرفدارند و معمولاً با ذائقه ایرانی نیز سازگار هستند. در بنگلور همچنین رستوران های معروفی مانند مک دونالد و پیتزا

هات و KFC شعبه دارند.

- نکته دیگر طعم غذاهای هندی است که بسیار تند و با ادویه فراوان طبخ می شوند. به نظر می رسد که غذا مخلوطی از مقدار زیادی فلفل و ادویه با مقدار کمی مواد دیگر است. البته پس از مدتی به این طعم تند عادت می کنید و متوجه می شوید غذاهای هندی بسیار لذیذ هستند و کم کم حالتی پیدا می کنید که غذایی که کم ادویه باشد به شما نمی چسبد. از میان غذاهای گیاهی هند غذایی به نام «ماسالودوسا» که از آرد برنج و سیب زمینی و مخلفات تهیه می شود برای مبتدیان مناسب تر است.

- از میان غذا های گوشتی از میل کردن چیکن بریانی و چیکن تنوری غافل نشوید. البته در هر رستورانی که می روید به هنگام سفارش غذا تذکر دهید که غذای بدون فلفل برایتان بیاورد در این صورت می توانید یک غذای تند اما معتدل را میل کنید.

- یک یادآوری در مورد چای ضروری به نظر می رسد؛ چای در هند همیشه همراه با شیر و ادویه هایی مانند زنجبیل، هل و فلفل سیاه تهیه می شود و بسیار مطبوع است اما اگر نپسندیدید می توانید قهوه را جایگزین کنید.

- همچنین رستوران های ایرانی با بهترین غذاها در هند موجود است و برای دانشجویان ایرانی نیز تخفیف ویژه یی قائل می شوند.

▪ توصیه؛ ریسک خرید غذا از اغذیه فروشی های کنار خیابان را قبول نکنید.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=291473

vista.ir
Online Classified Service

توصیه های مفید برای سفری خوش

۱) برای به حداقل رساندن بداخلاقی و بگومگو در مسافرت های خانوادگی آن هم به وسیله اتومبیل، بهترین روش این است که در اتومبیل تعدادی اسباب بازی پارچه ای، کتاب های مصور و مدادرنگی داشته باشید. نوار موسیقی کودکان یا نوار قصه مورد علاقه فرزندتان نیز وسیله مناسبی برای سرگرم شدن است.

۲) زمانی که قصد دارید به همراه بچه ها به مسافرت بروید، حتماً یک لیست از لوازم ضروری و واجب را از قبل تهیه کنید از وسایل نصب چادر گرفته تا بی اهمیت ترین اشیا که احتمال فراموش شدن شان می رود همه را روی کاغذ یادداشت کنید. البته می توانید این برگ یادداشت را برای سفرهای بعدی هم نگاه دارید.

۳) هرگز فریب وسوسه بسته بندی کردن وسایل در چمدان برای بچه ها را نخورید. اجازه دهید هنگام مسافرت، آنها آنچه را که نیاز دارند خود جمع آوری کنند. به بچه ها بیاموزید حساب روزهایی را که می خواهند دور از خانه به سر ببرند داشته باشند و یک لیست از لوازم مورد نیازشان را نیز تهیه کرده و بر مبنای آن اقدام به جمع آوری لوازم سفر کنند. تمیز و کثیف را از یکدیگر مجزا کنید. در ضمن وسایل شخصی از جمله ملحفه، مسواک و لباس زیر را فراموش نکنید.

۴) برای پرهیز از حمل چمدان های سنگین و متعدد در مسافرت هایی که با بچه ها همراه هستید، می توانید تعدادی از کیف های دستی و کوچک را در یک کیف و یا ساک بزرگ پلاستیکی قرار دهید. برای مثال بهترین راه این است که کلیه وسایل مربوط به بچه ها را در یک چمدان و وسایل شخصی خود را در یک چمدان دیگر قرار دهید. بدین ترتیب هم در هنگام سفر و هم زمانی که به مقصد می رسید در جابه جایی وسایل و لباس های خود و بچه ها دچار دردسر و سردرگمی نخواهید شد.

۵) آیا شما در اتومبیل خود جعبه کمک های اولیه دارید؟ اگر تا به حال به این فکر نبوده اید از همین امروز برای خرید چنین جعبه ای یا وسایل محتوی آن اقدام کنید. اگر هم خواستید می توانید خودتان آن را تهیه کنید. وسایلی از قبیل باند استریل در چندین اندازه، نوارچسب برای باند زخم، الکل سفید صنعتی، ماده ضدعفونی کننده، چسب زخم، قرص های مسکن و تب بر، قیچی کوچک برای بریدن نوار، یک پنس و مقداری پنبه از داروخانه خریداری کرده و درون جعبه مخصوصی بگذارید.

۶) همیشه در جعبه کمک های اولیه یک موچین کوچک نگهدارید، این وسیله برای خارج کردن نیش زنبور، تیغ یا خار گل بسیار مفید است. فراموش نکنید عده ای از بچه ها به نیش زنبور یا حتی خار بعضی از گل های حساسیت دارند.

۷) زمانی که با اتومبیل شخصی به مسافرت می روید مجبور خواهید بود برای صرف ناهار یا حتی صبحانه در یک رستوران میان راه توقف کوتاهی داشته باشید ولی شاید این توقف کوتاه زیاد به نفع شما نباشد. اگر قصد دارید مسافرت کم خرج و بی دردسری داشته باشید در منزل غذای ساده ای تهیه کنید تا اگر در جاده به جنگل یا محیط دنج و سرسبزی رسیدید، در میان طبیعت توقف کوتاهی داشته باشید و با خیال راحت غذای خود را نوش جان کنید.

۸) بچه ها از رفتن به پیک نیک و مسافرت های جمعی و خانوادگی لذت فراوانی می برند. اول آنکه تمامی افراد خانواده دور هم جمع هستند، دوم آنکه مدتی به دور از محیط یکنواخت منزل به سر می برند و بالاخره با محیط های جدیدی آشنا می شوند.

شما هم در چنین مواقعی سعی کنید هرگز به خاطر مسائل بی ارزش اوقات دیگر افراد خانواده را تلخ نکنید و بگذارید در مسافرت به همه خوش بگذرد. توجه داشته باشید بچه ها از محیط های یکسان زود دلگیر و خسته می شوند، محیط بسته اتومبیل و عدم تحرک با خصوصیات آنها سازگاری ندارد.

۹) هنگامی که به مسافرت های طولانی می روید، همیشه تعدادی کارت شناسایی در داشبورد اتومبیل بگذارید که روی آن مشخصات کامل شما و فرزندانتان به طور دقیق نوشته شده باشد. علاوه بر آن آدرس منزل و اقوام نزدیک و تلفن آنها، گروه خونی، نام داروهایی که به آن حساسیت دارید و... را یادداشت کنید.

اگرچه یادآوری پیشامدهای ناگوار اصلاً خوشایند نیست ولی واقعیت این است که حادثه و تصادف هرگز از قبل آدمی را خبر نمی کند. وجود چنین اطلاعاتی می تواند در وقت و زمان کمک رسانی صرفه جویی کند.

۱۰) امسال برای اینکه تعطیلات سالیانه خوبی داشته باشید از همین الان یک برنامه دقیق و صحیح برای مسافرت و گردش و تفریح خود و خانواده تان طرح ریزی کنید و سعی کنید در تمام این مدت به خود بقبولانید که تعطیلات خوبی خواهید داشت و باید به شما و خانواده تان بسیار خوش بگذرد. نقش تلقین را در اجرای امور دست کم نگیرید.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=264664

vista.ir
Online Classified Service

توصیه هایی برای سفر زمینی در تعطیلات

برای موفقیت آمیز بودن مسافرت با کودکان برنامه ریزی بیشتری نیاز است اما در عوض نتیجه ای بسیار عالی دربر خواهد داشت. سفر و دیدن مکانهای تاریخی میتواند برای کودکان بسیار جذاب باشد، آنها از نزدیک با آب و هوا، دیدنیهای طبیعی و بناهای تاریخی آشنا خواهند شد و تاریخ و جغرافیا

برایشان از حالت درس خارج شده و به واقعتی ملموس تبدیل خواهند شد.

اما برای اینکه از موفقیت سفر به خصوص سفر با وسیله شخصی، مطمئن شوید، نکته هایی وجود دارد که توسط بهترین کارشناسان گردشگری جمع آوری شده است و در اینجا به مهمترین آنها اشاره خواهیم کرد:

- بار سفر هوشمندانه

۱) لباسهایی را با خود بردارید که در مواقع مختلف قابل استفاده باشد. نیاز به مراقبت خاص (مانند خشکشویی یا اتو) نداشته و راحت باشد. پارچه های تیره و نقش دار دیرتر کثیف "به نظر" میرسند اما رنگهای روشن کوچکترین لکه را نشان میدهند.

۲) البسه ای انتخاب کنید که راحت شسته و سریع خشک شوند. لباسهای گرم از جنس کرک پلی استر بهتر از پلوورهای کلفت هستند زیرا بسیار سبکتر بوده، جای کمی اشغال میکنند و زود خشک میشوند.

۳) نزدیکترین امکان برای شستن لباسها را در نظر بگیرید. اگر تا سه روز فرصت و امکان شستن البسه را نخواهید داشت، برای هر نفر به اندازه ۳ روز لباس زیر و رو بردارید و یک دست لباس برای مواقع ضروری هم به آن اضافه کنید.

۴) تغییر شدید هوا در فصل بهار را فراموش نکنید و حتی اگر عازم منطقه ای گرمسیر هستید، یک لباس گرم، بارانی یا چتر همراه داشته باشید.

۵) لباسها را به ترتیبی که لازم خواهید داشت در چمدان بچینید تا مجبور نشوید قبل از خواب تمام چمدان را خالی کنید و لباس خوابتان را بیرون بکشید.

۶) یک جعبه دارو و کمکهای اولیه سفری در داخل خودرو و دم دست قرار دهید که شامل چسب زخم بندی، ژل ضد عفونی کننده، قرص ضد تهوع و مسکن باشد. از دستمال مرطوب و ضد عفونی کننده نیز غافل نشوید.

- برای کودکان

۱) لباسهای کودکان خردسال را یک جا و در یک ساک بگذارید تا از تعداد چمدانها کاسته شود.

۲) از آنجایی که قطعات البسه کودکان کوچک است، یک دست لباس کامل شامل لباس زیر، بلوز، شلوار و جوراب را در یک کیسه قرار دهید، هنگام تعویض لباس هم البسه کثیف را در همان کیسه قرار داده در ساک بگذارید. میتوانید برای هر یک از بچه ها کیسه ای با رنگ متفاوت بردارید.

۳) لباس کودک زود کثیف میشود و اگر تمام قطعات لباسی که انتخاب میکنید با هم هماهنگی داشته باشند میتوانید در صورت کثیف شدن شلوار یا بلوز، تنها همان قطعه لباس را عوض کنید و مجبور به تغییر لباس کامل او نشوید.

۴) پوشک، دستمال مرطوب و ژل ضدعفونی را در جایی مناسب قرار دهید تا در مواقع لزوم دم دست باشد. حتما یک کیسه برای پوشکهای خیس و پتوی کوچکی برای زیر کودک همراه بردارید.

۵) فرزندان بزرگتر خود را در انتخاب لبلس شریک کنید تا هم بعد اعتراض نکنند و هم چمدان بستن را یاد بگیرند. در تعداد و نوع البسه ای که بر میدارند نظارت داشته باشید.

- آماده کردن خودرو

۱) داخل خودرو و همچنین صندوق عقب آنرا کاملا تمیز کرده و هر وسیله اضافی را از آن خارج کنید و از سالم بودن چراغ صندوق عقب مطمئن شوید.

۲) در صورت امکان شب قبل از سفر، بارها را در خودرو بگذارید، این کار بسیار بیشتر از آنچه فکر میکنید وقت گیر است. به این ترتیب میتوانید صبح اول وقت حرکت کنید.

۳) همه بارها را جمع کنید و بنابر اولویت استفاده آنها را داخل صندوق عقب قرار دهید. فراموش نکنید، هر باری که دیرتر در صندوق گذاشته شود، دم دست تر خواهد بود.

- مواردی که باید دم دست باشند

۱) یک ساک کوچک شامل نوشیدنی و خوراکی های سبک زیر صندلی جلو قرار دهید تا بدون نیاز به توقف به آن دسترسی داشته باشید. یک کیسه برای زباله ها هم همراه بردارید.

۲) همراه داشتن لوازم پیک نیک شامل بشقاب و لیوان کاغذی، کارد و چنگال پلاستیکی، ساندویچ سرد، نوشیدنی، میوه و یک پتو برای نشستن،

علاوه بر کاستن از مخارج بالای رستوران و سالم بودن، به سرعت سفرتان هم اضافه میکند.

۳) دستمال مرطوب و خشک را فراموش نکنید.

۴) برای راحت بودن کودکان حتما پتوی مورد علاقه وو اسباب بازی محبوشان را داخل خودرو بگذارید تا هم سرگرم شده و هم بتواند چرتی بزند.

۵) چراغ قوه را دم دست بگذارید.

- پرسش "کی میرسیم؟" را به حداقل برسانید.

۱) مقداری اسباب بازی و بازیهای مختلف همراه داشته باشید، اما از آوردن بازیهای با قطعات ریز و موادی که موجب کثیفی میشوند(مانند خمیر) خودداری کنید. اگر به هر کودک یک جعبه کفش بدهید تا وسایل مورد علاقه اش را بردارد، مشکلی نخواهید داشت.

۲) بازیهای گروهی میتوانند گذر زمان را برای همه مطبوعتر کنند. بازی با کلمات و اعداد، بازیهایی با مهره های آهن ربایی مانند منچ و تخته نرد و حتی تعریف کردن لطیفه، خاطره و چیستان میتواند بسیار سرگرم کننده باشد.

۳) برای کودکان نوار موسیقی و قصه بیاورید. اگر بتوانید یک ضبط صوت کوچک با گوشی برایشان بیاورید بسیار بهتر است.

۴) هر از گاهی توقف کنید، هر چند زمان سفر طولانی تر میشود، اما سفر با شادی و بدون مشکل انجام میشود. بگذارید کودکان کمی بدوند، بازی کنند و یک خوراکی بخورند. سپس راه را ادامه دهید و مطمئن باشید تا مدتی نخواهند پرسید "کی میرسیم؟"

منبع : سایت فریا

http://vista.ir/?view=article&id=252677

vista.ir
Online Classified Service

توصیه‌های سفر را جدی بگیرید

گاه ندانستن ساده‌ترین موارد در سفر موجب می‌شود تا اوقات فراغت خوبی را سپری نکنیم، بنابراین پیش از هرگونه تصمیم‌گیری درباره‌ء تعطیلات تابستانی و انجام سفر توصیه‌های زیر را بخوانید:

▪ قبل از انجام سفر نسبت به شرایط مقصد، از هر نظر، اعم از زیست‌محیطی و مقررات منطقه اطلاعات کافی کسب کنید. این اطلاعات در سفرهای داخلی و خارجی شامل شرایط آب و هوایی، مقررات گمرکی، نیروهای خدماتی، انتظامی، بهداشتی و سایر امکانات است.

▪ می‌توانید برای انتخاب مقصد بهتر و شرایط مسافرت از اطلاعات دفاتر خدمات مسافرتی معتبر که دارای مجوز رسمی از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری هستند بهره‌مند شوید.

▪ اگر با وسایل نقلیه عمومی مانند قطار، هواپیما، اتوبوس یا کشتی مسافرت می‌کنید پیش از سفر، بلیت رفت و برگشت تهیه کنید و از تایید رزروتان مطمئن شوید.برای سفر با اتومبیل شخصی، پیش از سفر از نظر فنی و ایمنی آن را تحت معاینه دقیق قرار دهید.

▪ هنگام ثبت‌نام برای سفر با تور (تورهای داخلی و خارجی) مفاد قرارداد با دفتر خدمات مسافرتی مورد نظر را به دقت مطالعه و در صورت مشاهده‌ء هرگونه ابهام از کارمند مربوطه توضیح بخواهید.

▪ طبق دستورالعمل صادره از سوی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نرخ سفرهای داخلی و خارجی بر اساس نوع خدمات و

توافق صورت گرفته بین مسافر و آژانس اعمال می‌شود. بنابراین با در نظر گرفتن تمامی جوانب، خدمات مورد نیاز سفر خود را انتخاب کنید. از اقامت در منازل شخصی افراد بیگانه که به طور معمول از نظر بهداشتی و سایر موارد ایمنی وضعیت مطلوبی ندارند، خودداری کنید. برای رزرو محل اقامت خود، اعم از هتل، متل و ... از طریق دفاتر معتبر و مراکز مسوول اقدام و از مراجعه به واسطه‌ها خودداری کنید، همچنین تایید رزرو انجام شده را از مرکز مربوطه طلب کنید.

▪ با توجه به این‌که بیش‌تر هتل‌های معتبر دارای سایت اینترنتی هستند می‌توانید با مراجعه به سایت‌های مربوطه اطلاعات کافی از امکانات و خدمات هتل یا مرکز اقامتی مورد نظر کسب کنید.

▪ در سفرهای داخلی و خارجی هنگام ترك محل اقامت، مدارك شناسایی و کارت هتل را همراه داشته باشید.

▪ مشخصات خود را علاوه بر روی چمدان، در محل مناسبی در داخل چمدان نیز بچسبانید.

▪ در صورت مواجهه با هرگونه مشکل در سفرهای خارجی به سفارت جمهوری اسلامی ایران در آن کشور مراجعه کنید. (آدرس و تلفن نمایندگی‌های کشور را به همراه داشته باشید.)

▪ از نگهداری و کمك در حمل چمدان و اثاثیه افراد ناشناس خودداری کنید.هنگام سفر به کشورهای حاشیهء خلیج‌فارس، فهرست داروهای ممنوع را از طریق دفاتر خدمات مسافرتی دریافت و در صورت اجبار برای به همراه داشتن داروی ممنوع، نسخهء پزشك مربوطه را با خود ببرید. در پرداخت هزینه‌های مربوطه در طول سفر از کارت‌های اعتباری استفاده و از حمل پول نقد خودداری کنید، نقدینگی همراه‌تان به اندازهء مورد نیاز و حداقل ممکن باشد.

▪ در سفرهای خارجی، برای اخذ ویزا از سپردن گذرنامه یا هرگونه مدارکی به افراد واسطه خودداری کنید. شما می‌توانید به طور مستقیم به سفارت مورد نظر مراجعه کنید یا از طریق دفاتر خدمات مسافرتی معتبر اقدام به اخذ ویزا کنید.

▪ به اشخاص بدون یونیفورم و کارت شناسایی در فرودگاه‌ها و ترمینال‌ها و سایر اماکن که در ظاهر به قصد کمك یا کنترل مدرك و در باطن به قصد دیگری به شما نزدیك می‌شوند اعتماد نکنید و از ارایهء وسایل و مدارك همراه خود به خصوص «گذرنامه» پرهیز کنید.

▪ پیش از حرکت، بار دیگر ساعت حضور در فرودگاه، راه‌آهن و ترمینال را چك کنید.در جابه‌جایی لوازم خود از فرودگاه، راه‌آهن و پایانه‌ها به هتل از وسایل حمل و نقل عمومی و رسمی استفاده کنید. جهت خرید یا تبدیل ارز به افراد دوره‌گرد و ناشناس مراجعه نکنید. مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین مکان برای خرید یا تبدیل ارز، بانك‌ها و صرافی‌ها هستند.

▪ در اماکن شلوغ مانند بازارها، زیارتگاه‌ها، پارك‌ها و خیابان‌های پر ازدحام از وسایل شخصی همراه خود مراقبت ویژه کنید.

▪ در ایام خاص (تعطیلات و مناسبت‌ها) هتل‌ها و شرکت‌های هواپیمایی در مورد ارایهء خدمات یا استرداد وجوه پرداخت شده از قوانین ویژه‌ای پیروی می‌کنند، بنابراین هنگام تهیهء بلیت و رزرو جا، توضیحات کامل را از مسوول مربوطه طلب کنید.

▪ در صورت نیاز به اطلاعات بیش‌تر در خصوص حقوق مسافر در تهران با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران با شماره تلفن ۲۲۵۷۶۵۷۰۰۷ و یا انجمن دفاتر سفر و گردشگری تهران با شماره ۲۲۶۴۴۰۱۳ تماس بگیرید. در سایر شهرها می‌توانید به دفتر سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مراجعه کنید.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=268947

vista.ir
Online Classified Service

تویسرکان؛ مدفن حضرت حَبَقوق(ع) پیامبری از نسل حضرت موسی(ع(

حبقوق نبی(ع) از انبیاء دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل و از نسل حضرت موسی(ع) است که آرامگاه او در شهرستان تویسرکان، از توابع استان همدان واقع است.

حبقوق در زبان عبری به معنای <درآغوش گرفته شده> است. نقل شده است که حبقوق(ع) هنگامی که طفلی بیش نبوده از دنیا رفت و سپس با دعای مادرش، خداوند به وی عمر دوباره بخشید.

بدین‌سان که: مادرش طفل را در بغل کشید و در بستر خوابانید و به نماز ایستاد و پیش از آنکه نمازش تمام شود، کودک زنده شد، که بر همین اساس نام او را حبقوق گذاشتند.

حضرت حبقوق(ع) حدود ۶۵۰ تا ۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح(ع) در اواخر سلطنت <یوشیاهو> و در عصر دانیال نبی(ع) و الیاس (نبی) می‌زیست و دانیال نبی(ع) را ملاقات کرد.

حضرت حبقوق نبی(ع) مدیر و نگهبان معبد سلیمان در بیت‌المقدس بود که در ۶۰۷ سال قبل از میلاد، همزمان با سلطنت <یهویاهیم> و بعد از شعیاء نبی(ع) به پیامبری مبعوث شد.

کتاب حضرت حبقوق(ع) به نام <سفر سی و پنجم از اسفار عتیق> در ادبیات عبرانی به نگارش درآمده است. در بحارالانوار جلد ۱۰ صفحه ۳۰۳ آمده است: امام رضا(ع) به هنگام بحث با <را‡س جالوت> از علمای دین یهود در حضور مأمون، از حبقوق(ع) نام بردند.

هنگامی که بیت‌المقدس توسط بخت‌النصر، پادشاه کلده (بابل) به تصرف درآمده بود، ضمن تخریب معبد سلیمان توسط کلدانیان (۸۵۶ قبل از میلاد) حبقوق(ع) به همراه عده زیادی از یهودیان ازجمله دانیال نبی(ع) به اسارت سپاهیان بخت‌النصر درآمدند و به بابل انتقال داده شدند، تا اینکه در سال ۵۳۸ قبل از میلاد که کورش هخامنشی بابل را فتح کرد، در فرمانی، دستور آزادی تمامی اسرا و زندانیان بنی‌اسرائیل را صادر و آنها را به مهاجرت به بیت‌المقدس تشویق کرد. لیکن حضرت حبقوق(ع) پس از آزادی به اتفاق عده‌ای از پیروان خود، به ایران مهاجرت کرد و در تویسرکان آن روزگار سکونت گزیدو پس از رحلت نیز در همین مکان به خاک سپرده شد.

هم‌اکنون تندیس حبقوق(ع) از سنگ مرمر و همچنین تصاویری از وی در مجموعه موزه واتیکان ایتالیا موجود است.

آرامگاه حبقوق نبی(ع) از بناهای تاریخی ایران مربوط به دوره سلجوقیان است.این بنای تاریخی مانند یک برج مدور با سقفی مخروطی دارای بدنه هشت ضلعی است. ارتفاع این برج تا زیر گنبد ۷ متر و با احتساب گنبد به ۱۲ متر می‌رسد.

زیر سطوح ۸گانه دیواره خارجی برج، طاقنماهایی ساخته شده که در قسمت فوقانی به صورت ساده و زیبایی کاشیکاری شده است. مقبره و ضریح آن دقیقاً در وسط صحن داخلی برج قرار دارد و مشخصات حضرت حبقوق(ع) به عبری و فارسی بر آن نوشته شده است.

نمای بیرونی آرامگاه از ۱۶ ترکه ستون مانند تشکیل شده که با سطح قوسی و نیم‌دایره به طرز جالبی متصل به هم ساخته شده است. این قبیل ابنیه از جهت فنی و معماری بسیار دقیق و حسابگرانه ساخته شده‌اند زیرا به علت مستطیل‌شکل بودن، دیواره‌های جانبی آن در مقابل توفان و زلزله بسیار مقاوم است و سقف مخروطی‌شکل بنا نیز آن را در مقابل برف و باران به خوبی محافظت می‌کند. به همین جهت بنای آجری مقبره حبقوق نبی(ع) بیش از ۹۰۰ سال قدمت دارد. و همچنان سالم و پا برجا مانده است این بنا در سال ۵۳ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

همچنین در کاوشی که از سوی کارشناسان سازمان میراث فرهنگی استان همدان در سال ۶۹ به عمل آمد، با بخشهایی از حصار یک قلعه وسیع برخورد شد که در بخش داخلی ضلع ورودی حصار، آثار و بقایای چند اتاقک به دست آمد که از درون اتاقکها، تعدادی اشیای نقش‌دار و ساده کشف شد. هیأت باستان‌شناسی در جریان این کاوشها همچنین به تعدادی از قبور برخورد کرد که مردگان در آنها به صورت طاقباز و شرقی غربی دفن شده‌اند.

- مسجد و چنار باغوار

از دیگر جاذبه‌های گردشگری شهرستان تویسرکان درخت چنار ۲ هزار ساله در کنار مسجد باغوار است. بلندی این درخت از سطح زمین حدود ۳۰ متر و محیط آن ۱۵ متر مربع است که از فاصله ۴ متری به دو شاخه قطور تقسیم می‌شود. متأسفانه به علت ساخت و ساز در کنار این درخت،

شاخه‌های آن خشک شده و سال گذشته به کوشش اداره میراث فرهنگی و هیأت امنای مسجد باغوار هرس شده است.

این درخت در حیاط مسجد و در محله‌ای به نام باغوار قرار دارد. وجه تسمیه باغوار این است که در گذشته‌های دور این مکان باغ بوده و اینک این درخت کهنسال از آن باغ به یادگار مانده است. بنای مسجد باغوار نیز نزدیک به ۲۰۰ سال قدمت دارد و از حیث سبک، مانند مساجد دوران صفویه است که با ستون‌های سنگی، طاق‌های ضربی و سقف‌های گنبدی، در کنار بازار سرپوشیده ساخته شده است.

این مسجد دارای قناتی اختصاصی بوده که از زمان ساسانیان تا ۴۰ سال پیش جاری بوده است. و در حوضی کنار مسجد، آب آشامیدنی شمال شهرستان تویسرکان را تأمین می‌کرد، که درحال حاضر چشمه آن مسدود و غیرقابل استفاده است.

- میر رضی‌الدین آرتیمانی

سیدرضی‌الدین آرتیمانی از سرایندگان و عرفای مشهور عصر شاه‌عباس صفوی بوده است که در نیمه دوم قرن دهم هجری، در قریه آرتیمان از توابع تویسرکان چشم به جهان گشود، نام او سید محمد و تخلصش <رضی> است.

وی برای کسب علوم دینی به همدان و اصفهان سفر کرد و به علت لیاقت و توانایی که در زمینه شعر از خود نشان داد به دامادی شاه‌عباس و منشیگری در دربار شاه‌عباس ارتقا پیدا کرد. میررضی سرانجام راه بازگشت به وطن را در پیش گرفت و ایام کهولت را در قریه آرتیمان به سر برد. او در سال ۱۳۰۷ هجری قمری چشم از جهان فرو بست و در محل خانقاهش در <تپه همینه> خاک سپرده شد.

از مهمترین آثار او، ۱۲۰۰ بیت شعر است که <ساقی‌نامه> و <سوگندنامه> او بی‌نظیر است.

آرامگاه <رضی> در شمال شرق شهر تویسرکان، انتهای خیابان شهدا قرار دارد. این بنا در سال ۷۶ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

بخشی از ساقی‌نامه او با این مطلع آغاز می‌شود:

الهی به مستانِ میخانه‌ات

به عقل آفرینان دیوانه‌ات

به دُردی کش لُجّه کبریا

که آمد به شأنش فرود، انّما

به دُرّی که عرشست او را صدف

به ساقی کوثر، به شاه نجف

به نور دل صبح خیزان عشق

ز شادی به اندوه گریزان عشق

به رندان سرمست آگاه دل

که هرگز نرفتند جز راه دل

خدایا به جان خراباتیان

از این تهمت هستیم وارهان

به خمخانه وحدتم راه ده

دل زنده و جان آگاه ده

- کوه خان گُرمز

کوه‌خان گرمز با ارتفاع نزدیک به ۲۸۸۸ متر از سطح دریا پس از کوه الوند و قله لشکر ملایر، سومین قله مرتفع استان همدان به شمار می‌آید. ارتفاعات این کوه زیستگاه گونه‌های متعددی از پرندگان و جانورانی همچون: قوچ، میش، کل، بز و کبک است.در این کوه باشکوه حدود ۵ غار طبیعی وجود دارد. از این کوه چشمه‌های متعددی جاری است که آبشخور حیات وحش بوده و به رودخانه <قلقل رود> می‌ریزد.

کوه خان گرمز دارای قله‌ای مخروطی‌شکل است، چون از سمت شمال و شرق دامنه کوه پرشیب و صخره‌های بستر دارد، صعود به آن ممکن نیست و تنها از سمت غرب و جنوب، دسترسی به این کوه انجام‌پذیر است.

واژه <گرمز> در زبان ترکی به معنای ندیدن است، اگرچه این کوه درحال حاضر تحت حفاظت محیط زیست است، اما سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به سهم خود می‌کوشند تا پس از استانداردسازی جاده‌های مواصلاتی، این منطقه را به عنوان منطقه گردشگری

معرفی کند.

- کاروانسرای شاه‌عباسی

کاروانسرای شاه‌عباسی در ۲۰ کیلومتری مسیر تویسرکان، اسدآباد کنگاور و کرمانشاه قرار دارد و در مجاورت شهر فعلی فرسفج ساخته شده است. این کاروانسرا عمدتاً به خاطر امنیت تجارت و استراحتگاه مسافران و کاروان‌هایی که به قصد تجارت، زیارت و سیاحت به غرب کشور و عتبات عالیات عراق سفر می‌کردند در فاصله سالهای ۱۰۶۶ تا ۱۰۳۸ به سبک معماری صفویه ساخته شده است. این بنا حدود ۴ هزار مترمربع مساحت دارد و به کوشش اداره میراث فرهنگی در سال ۷۰ احیا و مرمت شده و در سال ۷۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

- قلعه اشتران

قلعه اشتران، قلعه‌ای نظامی بودکه در مجاورت روستای اشتران ۱۸ کیلومتری شهرتویسرکان قرار دارد.

این قلعه مشرف به قلعه‌خان گرمز و در مسیر جاده قدیمی همدان تویسرکان (از طریق گنجنامه) بنا شد که با وجود گذشت زمان، هنوز هم تا حدودی پابرجاست.

- مدرسه شیخ علی خان زنگنه

حوزه شیخ علیخان زنگنه به دستور شاه سلیمان صفوی در ۱۰۹۰ هجری قمری در تویسرکان ساخته شد و به مدرسه شاه‌عباسی نیز شهرت دارد، اگرچه این تاریخ به شاه‌سلیمان صفوی برمی‌گردد.

این مدرسه دارای حیاط مستطیل‌شکل و پلانی چهار ایوانی و یک طبقه است که در گرداگرد آن ۳۶ حجره متصل به هم ساخته شده و در گذشته و حال محل تحصیل طلاب علوم دینی بوده و در مرکز شهر تویسرکان و کنار بازار سرپوشیده ساخته شده است.

این اثر تاریخی، فرهنگی در سال ۶۵، مورد بمباران هوایی رژیم متجاوز بعث عراق‌قرار گرفت و تخریب شد ولی با تلاش سازمان میراث فرهنگی از سال ۶۸ تاکنون مرمت و احیا شدو در سال ۷۶ به ثبت آثار ملی رسید.

- بازار قدیمی و مسجدجامع

بازار قدیمی تویسرکان از دوران صفویه به جا مانده است این بازار در حاشیه میدان امام خمینی(ره) قرار دارد و قدمت آن به پیش از ۳۵۰ سال قبل برمی‌گردد که در سال ۷۵ در فهرست آثار تاریخی کشور به ثبت رسید.

مسجد جامع شهرستان نیز در ضلع غربی بازار سرپوشیده و در حاشیه خیابان شهید باهنر واقع است که بیش از یکصد مترمربع وسعت دارد. بنای اصلی این مسجد همزمان با مدرسه شیخ علیخان در عصر صفویه ساخته شد و در سال ۱۲۷۱ هجری از سوی مرحوم میرزا همایون امامی، امام جمعه وقت تویسرکان تجدید بنا شد و آرامگاه وی، نیز در مقابل در غربی مسجد قرار دارد.

- پل تاریخی فرسفج

پل فرسفج در مجاورت شهر فرسفج و در نزدیکی کاروانسرای شاه‌عباسی و در کیلومتر ۲۰ جاده تویسرکان به کنگاور روی رودخانه <قلقل رود> بنا شده است.

این پل در زمان شاه‌عباس صفوی ساخته شد و حدود ۴۰۰ سال قدمت دارد که در سال ۷۶ در فهرست آثار تاریخی کشور قرار گرفت.

- حمام و مسجد سرابی

مجموعه تاریخی، فرهنگی سرابی در کنار حمام و امامزاده سلطان ابراهیم(ع) در محله‌ای به نام سرابی ساخته شده است.

مسجد جامع سرابی با ستون‌های آجری و طاق‌های ضربی و سقف‌های گنبدی با پلانی مربع شکل در کنار حمامی قدیمی به طرز جالب توجهی در کنار هم ساخته شده‌اند. بانی و طراح این آثار، استاد سلیمان مصطفایی جد خاندان مصطفایی اهل و ساکن تویسرکان بوده که از دوران قاجاریه به جا مانده است.

این بنای تاریخی دارای قناتی اختصاصی بوده که از هزاران سال پیش جاری بوده و از حوضی کنار این مجموعه، آب آشامیدنی اهالی سرابی تأمین و مازاد آن در حمام مورد استفاده قرار می‌گرفته است و بر اثر گذشت زمان و حوادث طبیعی درحدود سی سال پیش این چشمه مسدود شده و آب لوله‌کشی جای قنات جوشان را گرفته است اما درحال حاضر آب این قنات از سوی شهرداری در ارتفاعات سرابی پمپاژ و از آن برای آبیاری کردن فضای سبز شهر استفاده می‌شود.

- قلعه (محله شاهزادگان)

در حدود ۱۵۰ سال پیش، گروهی از نوادگان عباس‌میرزا (نایب‌السلطنه ناکام فتحعلیشاه قاجار) در محله‌ای به نام قلعه (محله شاهزادگان) در

شهر تویسرکان زندگی می‌کردند. قلعه، محوطه‌ای تقریباً مستطیل‌شکل بود که طول آن از ۴۰۰ متر و عرض آن از ۳۰۰ متر تجاوز نمی‌کرد. اطراف این محوطه با دیوارهای قطور و بلند و تعدادی برج محصور شده بود. بانی این قلعه، شیخ علی میرزا، معروف به شیخ الملوک فرزند فتحعلیشاه بود.

این قلعه، یک در ورودی بزرگی داشت که هنگام غروب آن را می‌بستند و صبح‌ها اول وقت آن را باز می‌کردند، ولی به تدریج براثر مرور زمان که دیوارها رو به خرابی گذاشت، در بزرگ قلعه را نیز برداشتند، به طوری که از حدود نیم قرن پیش این مکان از حالت قلعه خارج شده و به صورت محله‌ای با چند کوچه باریک درآمد، که مانند سایر محله‌ها، مردم برای رفت و آمد از آن استفاده می‌کردند.همچنین آثاری از دیوارها و برج‌های قلعه تا حدود ۴۰ سال پیش نیز باقی بود ولی با ساخت خیابان‌های جدید در اطراف آن، فعلاً هیچ‌گونه اثری از آن باقی نیست. داخل قلعه نیز خانه‌های متعددی با محوطه‌های مشجر و ابنیه مجلل وجود داشته که بیشتر آنها به مرور زمان خراب شده‌اند و اکنون معدودی از آنها باقی مانده است.

- خانه مسعودی

یکی از خانه‌های باقی مانده از محله شاهزادگان، خانه مسعودی است. تاریخ ایجاد این اثر ارزشمند بر کتیبه‌ای که در کنار ورودی شاه‌نشین طبقه همکف نصب شده، سال ۱۲۹۰ هجری قمری را نشان می‌دهد که مبین قدمتی بیش از ۱۳۰ سال است. خانه مسعودی با مساحت ۱۳۳۲ مترمربع در ۲ طبقه ساخته شده است. در هر طبقه یک اتاق اصلی وجود دارد و در طرفین آن چند اتاق فرعی قرار گرفته که در انتهای هر کدام از این اتاقها یک اتاقک انباری و پستو ساخته شده است.

مهمترین قسمت این اثر تاریخی، اتاق شاه‌نشین طبقه همکف است. تمامی سقف و دیواره‌های این اتاق پوشیده از گچبری‌ها، آیینه‌کاریها و نقاشی‌هایی با روش رنگ و روغن شامل: نقوش گیاهی و انسان است.

همچنین تصاویری از پادشاهان ایران باستان (برگرفته از شاهنامه فردوسی) تا دوره قاجاریه که با شیوه گراور ایجاد شده‌اند، در حاشیه فوقانی دیوارهای این اتاق و در میان نقوش گچبری شده به صورت قاب‌هایی کوچک قرار گرفته‌اند.یکی از این تصاویر، طرحی است از شاهزاده‌ای قاجاری که کاغذی در دست دارد که بر روی آن نوشته شده است: <نامه خسروان> و در بالای تصویر، جمله گردآورنده این داستان، جلال‌پور فتحعلیشاه قاجار به خط نستعلیق نوشته شده است.

از دیگر مشخصات این اثر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سقف تمامی اتاقها به جز اتاق شاه‌نشین طبقه همکف لمه‌کوبی شده است، پنجره‌های ارسی این بنا در گذشته‌ای نه چندان دور توسط مالکان بنا تعویض و پنجره‌های ساده به جای آنها کار گذاشته شده است، آجرکاریهای سردر ورودی شاه‌نشین طبقه‌های همکف و اول از دیگر عوامل تزیینی این بنا محسوب می‌شود، دیواره‌های حیاط با طاقنماهای متعدد مزین شده است.

این بنا نمونه بارزی است از دوره‌ای که فرهنگ و معماری ایران تحت تاثیر فرنگ رفتگان قرار گرفته است و نفوذ فرهنگ و معماری غرب در معماری ایران در سطحی‌ترین لایه آن یعنی تزیینات معماری جلوه‌گر می‌شود.

این اثر در سال ۷۷ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده و هم‌اکنون اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان تویسرکان در آن مستقر شده است.

- صنایع دستی و سوغات

تولید انواع صنایع دستی چوبی مانند: خراطی، ظریف‌کاری و منبت‌کاری از دیرباز در منطقه شهری تویسرکان رواج داشته و اخیراً شمار زیادی از اهالی روستاهای توابع شهرستان نیز به این صنعت روی آورده‌اند.این شهرستان با دارا بودن بیش از ۳۶۸۰ هکتار سطح زیرکشت درختان مثمر و بارده و ۷۱۰هکتار نهال گردو، بالاترین سطح زیرکشت در استان همدان و یکی از قطب‌های تولید گردو در کشور محسوب می‌شود، عسل، نقل، کشمش، شیره انگور و... نیز از دیگر سوغات شهرستان تویسرکان به شمار می‌رود.

این گزارش با همکاری احسان گودرزی مسئول روابط عمومی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان تویسرکان تهیه شده است.

منبع : نوآوران فناوری اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=305608

vista.ir
Online Classified Service

جاده چالوس؛ راه سفر زیبا تر از مقصد

حدود ۷۵ سال پیش جاده‌ای در ایران کشیده شد که بعدها مهندسان اروپایی حکم به ناامن‌بودن آن دادند اما این جاده آن‌قدر جاذبه داشت که طی ۷۰ سال نه تنها مسافران خود را از دست نداد بلکه با وجود خطرات فراوان از جمله ریزش کوه، زلزله و رانش زمین، خطر بهمن و روزبه‌روز بر تعداد طرفدارانش افزوده می‌شود تا جایی که در تعطیلاتی مثل نوروز، مردم ترافیك ۱۵۰ کیلومتری این جاده را به جان می‌خرند تا با عبور از میان طبیعت زیبای آن، لذت ببرند.

برای بسیاری از ما، محور کرج ـ چالوس وسیله‌ای برای رسیدن به شهرهایی مثل نمك‌آبرود، سلمانشهر (متل‌قو)، محمودآباد، کلاردشت و... است که ساخت‌وسازهای بی‌رویه و شلوغی بیش از حد چیزی از طبیعت زیبای این شهرها باقی نگذاشته و حتی با راه‌رفتن در سواحل آنها، بیش از آنکه حس در کنار دریا بودن به انسان دست بدهد، احساسی مانند پیاده‌روی در خیابان‌های شلوغ تهران را به آدم القا می‌کند. غافل از اینکه خود جاده چالوس به‌تنهایی می‌تواند مقصد یك مسافرت ۳ روزه باشد و برای تمام این مدت هم می‌توان برنامه‌ریزی کرد زیرا در این مسیر علاوه بر جنگل و رودخانه و بنای تاریخی و دیگر جاذبه‌ها، امکانات گردشگری درخوری همچون هتل، رستوران، پمپ بنزین و... وجود دارد. برای شرح تمام جاذبه‌های این جاده توریستی شاید ساعت‌ها وقت لازم باشد، لیکن برای همفکری در برنامه‌ریزی سفر به این جاده به اختصار به تعدادی از جاذبه‌ها و امکانات آن اشاره می‌کنیم.

اولین جاذبه‌ای که بعد از ورود به جاده چالوس نظر همگان را به خود جلب می‌کند و تقریبا تا انتهای جاده همراه مسافران است، رودخانه چالوس است. رودخانه چالوس از رشته‌کوه‌های البرز مرکزی سرچشمه می‌گیرد و در بلندی‌های کندوان به دو شاخه تقسیم می‌شود. یك شاخه به‌سوی دریای خزر و شاخه دیگر به‌سوی سد امیرکبیر روانه می‌شود.

پس از طی حدود ۶ کیلومتر به خروجی روستای «کندور» می‌رسیم. برای رسیدن به داخل روستا از لب جاده باید نزدیك به ۷ کیلومتر جاده خاکی را طی کرد. در این روستا یك امامزاده به نام امامزاده «چهل دختر» وجود دارد که به عقیده بومیان حاجت دختران دم‌بخت را خیلی زود روا می‌کند. بعد از این روستا نوبت به «سرودار» می‌رسد. نام این روستا برگرفته از درخت کهنسالی است که ۶۰ سال قبل در اثر باد و توفان شکسته و از بین رفته اما تنه کوتاه درخت کماکان باقی است. برخی قدیمی‌ترها معتقدند این درخت حاصل تکان‌دادن سفره حضرت علی(ع) هنگام عبور از این محل بوده است (که سندیت ندارد)پس از گذراندن دو روستا به نام‌های «پورگان» و «وینه» به «آدران» می‌رسیم که مامن بسیاری از علاقه‌مندان طبیعت است. آدران در کیلومتر ۱۵ جاده چالوس قرار دارد و ساکنان آن را بیشتر تهرانی‌هایی تشکیل می‌دهند که تعطیلات خود را در این منطقه می‌گذرانند، همچنین آبشار معروف پیچ‌آدران از جمله آبشارهای فصلی است که در تابستان و بهار آب دارد. ۷ کیلومتر جلوتر به روستای «خور» می‌رسیم. در داخل این روستا یك مسجد جامع و یك آسیاب مربوط به دوره قاجاریه وجود دارد و با ۳ ساعت پیاده‌روی از این روستا نیز می‌توان به آبشار زیبای خور رسید.

بعد از پشت‌سر گذاشتن خور، به یکی از تفریحی‌ترین و پرمسافرترین نقاط جاده چالوس می‌رسیم. سد امیرکبیر (کرج) در کیلومتر ۲۳ جاده چالوس قرار دارد و وسعت دریاچه آن ۴هزار هکتار است. در این دریاچه فعالیت‌های ورزشی، تفریحی مانند قایقرانی، ماهیگیری، اسکی روی آب و پرواز با کایت انجام می‌شود.در ادامه مسیر و در کیلومتر ۳۶ به ری‌زمین می‌رسیم. در این منطقه غارهای «سیراچال» و «ری‌زمین» قرار دارد که قدمت آنها به دوره دوم زمین‌شناسی بازمی‌گردد.

بعد از دیدن این غارها اگر ۱۳ کیلومتر به سمت چالوس برویم، به خروجی شهرستانك می‌رسیم. منطقه کوهستانی شهرستانك جایی است که

ناصرالدین شاه قاجار خوشگذران‌ترین شاه ایران از طبیعت بکر آن غافل نماند و قصر تابستانی خود را در آن ساخته است. پس اگر ناصرالدین شاه این منطقه را برای تفریح انتخاب کرده، مطمئن باشید جای باصفایی است. از خروجی جاده تا مرکز روستا حدود ۱۳ کیلومتر راه آسفالته است و از روستا برای رسیدن به کاخ ناصری که هم‌اکنون در حال مرمت است، باید حدود یك ساعت و نیم پیاده‌روی کرد.

راه دیگری نیز برای رسیدن به این منطقه وجود دارد، اگر اهل کوهنوردی باشید، می‌توانید صبح از ایستگاه ۷ توچال راه بیفتید (البته با نقشه، راهنما، تجهیزات و...) و پس از یك روز کوهپیمایی به شهرستانك برسید.

پس از شهرستانك در کیلومترهای ۵۱ و ۵۲ «کسیل» و «میدانك» قرار دارند. در کسیل قلعه «تنگ کسیل» مربوط به قرن ۶ هجری و در میدانك یك برج سنگی وجود دارد که در بین بومیان منطقه بر اساس روایات شاهنامه به برج «تهمینه» معروف است.یك کیلومتر که پیش برویم، به گرماب می‌رسیم، منطقه کوچکی که نزدیك به ۲۰ روز در سال هجوم گردشگران برای دیدن باغ لاله‌اش ترافیك سنگینی را در جاده چالوس ایجاد می‌کند.

اگر نیاز به استراحت دارید و عقربه بنزین ماشین‌تان هم پایین آمده، نگران نباشید، در کیلومتر ۶۰ به اولین پمپ‌بنزین و اولین هتل جاده چالوس می‌رسید. گچسر شاید به لحاظ امکانات رفاهی مجهزترین بخش این محور باشد، علاوه بر اینها یك چشمه و یك غار، زیبایی‌های گچسر را دوچندان ساخته است.«چشمه وله» گچسر در ۲ کیلومتری جنوب غربی گچسر واقع شده و آب آن در درمان بیماری‌های جلدی، مجاری تنفسی و روماتیسم موثر است و غار یخ مراد نیز در ۴ کیلومتری غرب گچسر در منطقه آزاد برقرار دارد. این غار از عجیب‌ترین غارهای جهان است زیرا زمستان‌ها گرم و تابستان‌ها سرد است.۵ کیلومتر بعد از گچسر، بزرگ‌ترین پیست اسکی ایران واقع است. در پیست دیزین از اواخر پاییز تا اواسط بهار، اسکی روی برف و در تابستان‌ها نیز اسکی روی چمن دایر است. دومین هتل جاده چالوس در منطقه دیزین قرار دارد.

در کیلومتر ۷۹ جاده چالوس به بلندترین تونل جاده چالوس یعنی تونل کندوان می‌رسیم. در ورودی ۵ تونل کندوان علاوه بر صرف آش دوغ و آش رشته هیزمی می‌توانید از آش‌فروشان آدرس کاروانسرای کندوان را بگیرید. این کاروانسرا در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده و کمتر از یك کیلومتر با ورودی تونل فاصله دارد. اولین استراحتگاه بعد از تونل کندوان، دوراهی یوش است. از این دوراهی شما با طی ۵۴ کیلومتر می‌توانید به روستای «یوش»، زادگاه و خانه «نیما یوشیج» پدر شعر نو فارسی برسید. از دوراهی یوش با طی ۲۵ کیلومتر به سیاه‌بیشه می‌رسید، روستایی کوچك که لبنیات و عسل مرغوبی دارد.

رسیدن به این روستا به‌خاطر تردد ماشین‌های سنگین راهسازی که مشغول ساخت سد و نیروگاه سیاه‌بیشه هستند، بسیار سخت شده است و اندك بومیان باقی‌مانده در این منطقه نیز به فکر ترك روستا افتاده‌اند.با ورود به مرزن‌آباد، کاملاً بوی شمال را می‌توان حس کرد زیرا ۲۵ کیلومتر بیشتر تا دریا فاصله ندارید. دومین پمپ‌بنزین جاده چالوس در این شهر کوچك واقع شده است.

درصدی از مسافران شمال در این قسمت با جاده چالوس خداحافظی می‌کنند و به‌سمت کلاردشت و دریاچه ولشت می‌روند. از مرزن‌آباد تا کلاردشت ۲۴ کیلومتر راه است. در مسیر مرزن‌آباد تا چالوس نیز می‌توانید ا ز روستای کندلوس و کاخ چایخوران متعلق به دوره پهلوی اول دیدن کنید.

آخرین استراحتگاه قبل از چالوس، پارك جنگلی فین در ۵ کیلومتری چالوس است. این پارك با امکانات رفاهی نسبی برای اقامت‌های کوتاه‌مدت مناسب است. در انتها نیز بد نیست بدانید در جاده چالوس به‌طور متوسط در هر ۷ کیلومتر یك رستوران و در هر ۱۵ کیلومتر یك مسجد وجود دارد.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=268312

vista.ir
Online Classified Service

جاده های خالی از سفر!

تابستان که از راه می رسد، به یاد روزهای سفر و مسافرت می افتیم و این گونه است که بهانه ها هم شروع می شود. بهانه هایی از دو جنس متفاوت.روزهای گرم تابستان علاوه بر اینکه به لحاظ گرمی هوا و شرشر عرق ریختن، طاقت فرسا و تا حدودی غیر قابل تحمل می شود، برای قشری از مردم، اسباب دردسر و دعواهای خانگی است.

چون وقتی اسم تابستان می آید، بهانه های کودکانه و بعضا همسر!! برای رفتن به سفر و تفریح و مسافرت شروع می شود و این آغاز ماجرایی است که مرد خانه را مجبور می کند روزهای گرم تابستان را در کنار سختی ها و دشواری های زندگی، رها کرده و فقط به این موضوع فکر کند که چگونه می تواند با این بهانه ها کنار بیاید.

متاسفانه شرایط اقتصادی حاکم بر طبقه حقوق بگیر و کم درآمد جامعه به گونه ای است که این قبیل خانواده ها مجبور می شوند برای برقراری توازن بین درآمد و هزینه ها، از برخی نیازهای ثانویه (که البته می توان آنها را در لیست نیازهای اولیه نیز قرار داد) چشم پوشی کنند تا شاید بتوانند امورات روزمره زندگی را بگذرانند.

لذا، وقتی برنامه های زندگی را مرور می کنند، به ناچار مقوله هایی مثل خرید کتاب، لوازم بازی و سرگرمی بچه ها و در نهایت، رفتن به گردش و سفر را از لیست اولیه حذف کنند و بنا را بر این بگذارند که شاید روزی از راه برسد تا آنها هم سفری به اماکن زیارتی و تفریحی داشته باشند!! با تغییرات مدیریتی در راس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، شاهد طرحها و برنامه هایی هستیم که مختص دوره جدید مدیریت در این سازمان است که طرح سفرهای ارزان قیمت، از جمله این برنامه ها به حساب می آید که با هدف تشویق مردم به انجام سفر به خصوص برای اقشار کم درآمد و ضعیف جامعه تهیه شده است.رحیم شمایی، البته معتقد است که "وقتی سفر افزایش پیدا کند، قیمتها نیز کاهش پیدا خواهد کرد".اما بعد از گذشت دو سال از ارائه چنین برنامه و طرحی، هیچ حرکت جدی در زمینه ارزان شدن سفر به خصوص برای اقشار کم درآمد و حقوق بگیر جامعه شاهد نیستم که از آن بتوان به عنوان یک برنامه موفق نام برد.

آنچه را در سالهای اخیر شاهد آن هستیم، ارائه آمارهایی از سوی مسئولان این حوزه است که متکی به عبور خودرویی مردم از شهرهای مختلف است!!در واقع; بر اساس همین رویه است که مسئولان حوزه گردشگری، آمار سفرهای نوروزی (سال ۸۷) را بیش از ۷۱ میلیون سفر اعلام کردند و مدام بر این نکته تاکید داشتند که افزایش سفر، نشان از بهبود وضعیت معیشتی مردم دارد. در صورتی که وقتی یک نفر برای رفتن به تبریز، مجبور است از شهرهای کرج، قزوین، زنجان و... بگذرد، نمی توان چنین تلقی کرد که او چند سفر انجام داده است. قرار بود برای ایجاد سفرهای ارزان قیمت، با همکاری ارگانهای دولتی "بن سفر" میان کارمندان توزیع شود که همان زمان (سال ۸۵) از سوی مدیران سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اعلام شد آئین نامه سفرهای ارزان قیمت نیز تدوین و به هیات دولت ارسال شده و به زودی اجرایی می شود.

البته ناگفته نماند که طرح ارائه بن سفر به صورت مقطعی در برخی ارگانهای دولتی اجرا شد اما نتوانست رضایت مردم را برای انجام سفر جلب کند. چرا که اولا، افراد مجبورند از مراکز اقامتی استفاده کنند که سازمان معرفی می کند و ثانیا، سایر خدمات بن سفر به گونه ای نیست که هزینه ها را کمتر کند. لذا می بینیم که این طرح تا حدودی شکست خورده و خود مسئولان مربوطه نیز با وسواس و حساسیت خاصی از این طرح صحبت می کنند.

● کشته شدن ۸ هزار مسافر تابستانی

از سوی دیگر رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی از کشته شدن بیش از ۸هزار تن در تصادفات تابستان پارسال خبر داد. سردار محمد رویانیان در گفت وگو با ایسنا با اشاره به آغاز سفرهای تابستانی در کشور گفت: توصیه اکید ما این است که رانندگان از عجله و شتاب خودداری کنند;هنگام خوابآلودگی رانندگی نکنند و ضمن بستن کمربند ایمنی از صحبت با تلفن همراه در حین رانندگی جدا خودداری کنند. وی با اشاره به این که بیش از۸هزار تن در تصادفات تابستان پارسال در کشور زخمی شدند، افزود: بر اساس تدابیر اتخاذ شده، ماموران پلیس راهور قاطع تر از تعطیلات نوروز امسال با رانندگان متخلف برخورد می کنند و به هیچ وجه از برخورد با برهم زنندگان نظم عمومی در راه ها کوتاه نمی آیند; چرا که این افراد ضمن بروز خطر برای خود و سرنشینان خودروشان، برای سایر رانندگان هم خطرناکند. رئیس پلیس راهور ناجا با تاکید بر این که در

راستای تشدید برخورد با متخلفان رانندگی، ابطال گواهینامه های رانندگان دارای تخلفات حادثه ساز در تابستان ادامه خواهد داشت، افزود: همچنین دارندگان گواهینامه های یکساله در طول یک سال اول رانندگی خود، اجازه تردد در جاده ها را ندارند و ماموران پلیس راه در صورت مشاهده، گواهینامه آنها را ابطال می کنند.

سردار رویانیان تاکید کرد: متاسفانه هر ۲ روز در کشور به میزان سقوط یک هواپیمای ۱۵۰ نفره تلفات تصادفات رانندگی داریم که امیدواریم با کمک مردم بتوانیم روند کاهش کشته های تصادفات را در تابستان امسال هم شاهد باشیم.بر اساس گزارش معاونت گردشگری و ستاد تسهیلات سفرهای کشور، جمع کل مسافر ورودی به استانهای کشور در نوروز ۸۷، ۷۱ میلیون و ۳۶۲ هزار و ۷۴۲ نفر بوده است، در حالی که این تعداد در سال ۸۶، ۵۵ میلیون و ۵۰۶ هزار و ۲۴۵ نفر بوده است که این امر نشانه افزایش ۲۹ درصدی تعداد مسافران نوروزی است...اگر بخواهیم به این آمار و ارقام بسنده کنیم، دیگر جای هیچ نگرانی برای بهانه سفر نیست. البته اگر بخواهیم باور کنیم، چراکه باور آن کمی سخت و تا حدودی غیر قابل قبول است. چگونه است که بیش از ۷۱ میلیون سفر در نوروز ۸۷ صورت گرفته اما وقتی با مردم مواجه می شویم، می بینیم جز قشر محدودی از طبقه ای که به قول معروف دستشان به دهنشان می رسد و مشکلی برای سفر ندارند، مابقی مردم جرات اینکه حتی دو سه روزی از خانه خارج شوند را ندارند. در حال حاضر، اگر یک خانواده چهار نفره بخواهد سه روز نه بیشتر در مشهد اقامت گزیند و وسیله سفر آنها، اتوبوس یا قطار باشد، حداقل نیازمند ۳۰۰ هزار تومان پول است. مگر درآمد ماهانه یک کارمند یا کارگر بخش دولتی و خصوصی چقدر است که بتواند چنین پولی را هزینه کند و اگر بخواهد هزینه کند، قطعا مجبور است از سایر هزینه ها بزند که شامل کرایه خانه، اقساط بانکی و... است که آن هم شدنی نیست.حالا فرض کنید بخواهیم با هواپیما سفر کنیم و این سفر به سایر شهرهای تفریحی کشور ادامه یابد. آن وقت قطعا با هزینه های کمرشکن مواجه خواهیم شد که امکان تامین آنها از عهده قریب به اتفاق مردم کشور خارج است. بنابراین، پدر خانواده هر روز را با بهانه ای، جواب بهانه های کودکانه و بعضا همسر خود را می دهد تا فردا که از راه برسد و بالاخره در انتظار پایان روزهای گرم تابستان، لحظه شماری می کند.

منبع : روزنامه ابتکار

http://vista.ir/?view=article&id=322842

vista.ir
Online Classified Service

جاذبه های شمال استرالیا

بیشترین کشش و جاذبه‌ی استرالیا در طبیعت زیبای آن است، که دارای چشم‌انداز های متنوعی از مناطق بسیار گرم تا جنگلهای متراکم استوایی و سواحل سرد و خنک است. شهرهای ساحلی استرالیا دارای حال و هوای اروپایی است، و شاید دلیل آن علاقه و کشش مردم به هنر، ورزش و بازی در زمین‌های باز ... باشد. سفر از ایالتی به ایالت دیگر و یا از شهری به شهر دیگر، تماشای اپرایی در سیدنی و روز بعد دیدن "کورکودیل دان دی" لازمه دانشی دقیق از جغرافیای استرالیاست. گستردگی و گوناگونی جمعیت این کشور صفت زیبایی آن را صد چندان می کند. کنار خط ساحلی، در عمق جنگل‌های خیس، نفس عمیقی بکشید و آن گاه آرام آرام خود را در کناره‌ی سواحلی بی‌کران خواهید یافت.

نام کامل کشور استرالیا Common wealth of Australia است و پایتخت آن "کانبرا" نام دارد. این کشور با مساحت ۷.۸۶ کیلومتر مربع ، ۱۹.۵ میلیون نفر جمعیت دارد که از این تعداد ۹۲ درصد سفید پوست (هند و اروپایی)، ۷ درصد آسیایی و ۱ درصد بومی میباشند. زبان رایج آن انگلیسی

است. به لحاظ مذهبی مردم به چهار دسته‌ی عمده تقسیم میشوند که بیشترین درصد (۷۵%) را مسیحیت تشکیل میدهد. ۱% مسلمان، ۱% بودایی، ۰.۵% یهودی میباشند.

از نظر اقتصادی میتوان گفت که کشوری مستقل و قویی است؛ رشد سالیانه ۴ درصد و تورم اقتصادی ۲ درصد دارد. صنایع عمدهی استرالیا عبارت است از: کانیها، نفت، زغال سنگ، طلا، پشم، غله، گوشت و نیز صنعت جهانگردی و توریست. ژاپن ، امریکا، کره جنوبی، چین، نیوزیلند... از مهم‌ترین شرکای تجاری استرالیا میباشند.

●تاریخچه ی استرالیا

ساکنین اولیه استرالیا یا همان بومیان طولانی‌ترین فرهنگ را در جهان دارا میباشند که به آخرین دوران عصر یخبندان، بر میگردد. از زمانی که بشر برای اولین بار از اندونزی- از راه دریا به استرالیا سفر کرد هفتاد هزار سال می گذرد. باستان شناسان، اولین مسافران را به دلیل ترکیب سنگین استخوانی "روبوست" Robust نامیدند. در قرن ۱۶ میلادی اروپاییها ورود خود را به این کشور آغاز کردند. که از آن جمله میتوان به دریانوردان پرتقالی و به دنبال آن کاشفان هلندی و نیز "ویلیام وامپر" انگلیسی، اشاره کرد. در سال ۱۷۷۰ میلادی، کاپیتان "جمیز کوک" در طول سواحل شرقی شروع به حرکت کرد و در "بوتانیبی" توقف کرد. وی استرالیا را New South Walles نامید و آن را تحت سلطهی انگلیس خواند. در سال ۱۷۷۹، "ژوزف بنک" طبیعت شناسی که در سفر"کوک" همراهش بود، پیشنهاد کرد که انگلستان میتواند مشکل شلوغی زندانهایش را با انتقال زندانیان به این قاره، حل کند. در سال ۱۷۸۷ اولین ناوگان به فرماندهی "کاپیتان آرتور فیلیپ" در بندر خلیج بوتانی لنگر انداخت وی اولین فرمانروای این مستعمره شد. این ناوگان شامل ۱۱ کشتی، ۷۵۰ نفر زن و مرد مجرم، چهار انجمن دریانوردی و نیز ذخیرهی غذایی دو سال بود. "فیلیپ" در ۲۶ ژانویهی سال ۱۷۸۷ وارد خلیج بوتانی شد اما خیلی زود به خلیج کوچک سیدنی که آب و هوا و زمین‌های زراعی بهتری داشت، نقل مکان کرد. اکتشافات و توسعه کشور، یکی پس از دیگری با توجه بر یکی از این سه عامل رخ میداد: پیدا کردن مکانی جدید برای زندانیان (مانند محل مجازات بربرها در پورت‌آرتور، جزیرهی نورفولک)؛ تصرف سرزمین‌ها قبل از آن که دیگری آن را کشف کند؛ و بالاخره در سال‌های بعد به دلیل جستجوی طلا.

تعداد زیادی از مهاجران در چند دهه بعد جذب استرالیا شدند، اما در حقیقت عمده‌ترین دلیل این مهاجرت‌ها کشف طلا در سال ۱۸۵۰ بود که چهرهی مستعمره را به کلی تغییر داد. هجوم عظیم مهاجران و نیز اکتشافات انبوه، باعث ترقی اقتصاد این کشور شد که تغییرات بسیاری در ساختار اجتماعی آن به وجود آورد.

با ورود ساکنین جدیدی که در آن سرزمین‌ها شروع به معدن‌کاری و کشاورزی کردند، بومیان از زمین‌های اجدادیشان رانده شدند. به علاوه بعد از وقوع انقلاب صنعتی، انگلستان نیاز شدیدی به مصالح و مواد خام پیدا کرد و منابع معدنی و کشاورزی استرالیا به راحتی پاسخگوی این نیاز بود.

استرالیا بعد از وقوع فدراسیون جداسازی مستعمرات، در ۱ ژانویه ۱۹۰۱ به دولت مستقلی تبدیل شد. اگرچه که آثار بسیاری از قوانین و فرهنگ انگلیسی‌ها هم چنان به جا ماند.

بعد از جنگ جهانی اول، استرالیا دچار رکود اقتصادی شدیدی شد و ضربه محکمی بر اقتصاد آن وارد شد؛ قیمت پشم و گندم- دو تکیه گاه اصلی اقتصادش- به شدت نزول کرد. در سال ۱۹۳۱ از هر سه نفر نان‌آور تقریباً یک نفر بیکار شد و تنگدستی همه جا منتشر شد. خرید اموال دزدی به عملی طبیعی مبدل گشت. چنین شرایطی سال ها بعد- ۱۹۸۰- بار دیگر آشکار شد به طوری که هزاران نفر درصدد جستجوی کار به حومهی شهرها کوچ کردند. از سال ۱۹۳۳ اقتصاد استرالیا رو به بهبود رفت که در نتیجه منجر به افزایش قیمت پشم و رونق چشمگیر صنعت ساخت و تولید، شد. با شروع جنگ جهانی دوم، سربازان استرالیایی در کنار انگلیسیها در اروپا به مقابله با دشمن پرداختند. گارد امنیت ملی استرالیا فعالیت خود را آغاز کرد. سنگاپور شکست خورد، شهرهای شمالی استرالیا: «داروین ، بروم و... » بمباران شد و ژاپنیها به قسمتهای جنوبی پیش رفتند. در چنین شرایط مخوفی، سربازان استرالیایی با ژاپنیها در خلیج « میلن» مواجه شدند و آنها را شکست دادند. در شرق بندر مورسبی، کشمکش سختی رخ داد، استرالیاییها سعی کردند ژاپنی ها را از اقیانوس آرام بیرون کنند اما سرانجام امریکا با حمایت خود از استرالیا، ژاپنیها را در نبرد « کورال سی» شکست داد. و این همان واقعه‌ای بود که منجر به گرایش استرالیا به امریکا و در نهایت فاصله گرفتن از انگلیس، شد.

بعد از جنگ جهانی دوم تعداد زیادی از اروپا به استرالیا مهاجرت کردند. البته تعداد کثیری از آنها انگلیسی نبودند. مهاجران کمک زیادی به احیای دوبارهی فرهنگ این کشور کردند و نیز تصویر عظیمی از آن را در صحنهی بین المللی انعکاس دادند. شرایطی که بعد از جنگ جهانی دوم در استرالیا حاکم شد به شدت موجب ترقی آن شد به نحوی که مواد خام آن، بار دیگر با استقبال گسترده‌ای روبرو شد.

●دیدنیهای خطه شمالی

در سرتاسر کرهی زمین، کمتر جایی را میتوان پیدا کرد که با طبیعت دست نخوردهی استرالیا برابری کند. با اندکی روحیهی ماجراجویی، بیشترین

لذت را از این سرزمین‌ها خواهید برد. استرالیا دارای جذاب‌ترین و با شکوه‌ترین مناطقی است که به طور طبیعی وجود دارند. طبیعتی که در آن میتوانید بزرگترین «منولیت» دنیا را ببینید، اولورو (صخرهی آیرس)، قدیمی‌ترین رودخانه: «فینک» و نیز یکی از عظیم‌ترین آتشفشان‌هایش: «هنبوری.» تخته سنگ‌های عظیم، حیوانات کمیاب، چشمه‌های آب گرم زیبا، دره‌های زیبا و چشم نواز.... و بالاخره همه آنچه که عجیب و زیبا و دیدنی است.

●چشمه های آلیس:

چشمه های آلیس، منطقهی پهناوری است که از میان دامنه های «مک دونل» قابل رؤیت است و دارای راه‌های آبی و طبیعی تماشایی بسیار زیادی میباشد. اگر کمی دورتر بروید، شاهد فرهنگ و هنر بومیان در حکاکی صخره‌ها- در زمان‌های بسیار دور خواهید بود. در داخل شهر گورستانی است که تنی چند از هنرمندان مشهوری چون «آلبرت نامانجیرا» آرامیده اند؛ آرامگاه «کارلد لستر» هم در همان جا واقع شده است.

«اولورو» از جمله شناخته شده‌ترین سرزمین‌های استرالیاست که نزدیک «آلیس» در امتداد "اُلگاس» و «رسیرت یولارا» در پارک ملی «اولورو» واقع شده است. منولیت عظیم اولورو که «صخرهی آلیس» نام دارد با ارتفاع ۳۴۸ متر بالای سطح « مواگا»، یکی از بزرگترین و زیباترین جاذبه‌های طبیعی استرالیا است.

«اُلگاس»، ۳۶ قله با سرهای گرد است که ۳۶ کیلومتر مربع از مناطق نزدیک را پوشانده است. هالهی مرموزی دورتادور اُلگاس را فرا گرفته و به راحتی قابل رؤیت میباشد. توریست‌هایی که حس ماجراجویی دارند، میتوانند از اُلگاس به عنوان شروع سفر خود آغار کنند. و بعد به تماشای «دره پالم»، صخره‌های دیدنی دامنه‌های مک دونل و تنگهی کینکز» بروند. پرواز بر فراز دامنه‌های مک دونل، خاطرات به یادماندنی و شیرینی را در ذهن شما به یادگار خواهد گذاشت.

●داروین- Darwin

داروین یکی دیگر از بهترین و زیباترین مکان های تفریحی خطه شمالی استرالیا می باشد. مناطق طبیعی داروین جذابیت آن را صد چندان می کند به نحوی که فرد از بودن در چنین طبیعتی، به لذت توصیف ناپذیری دست میيابد. در شرق داروین « آرن هام لند» و «پارک ملی کَکدو» و در جنوب «چشمه های آلیس» واقع شده‌اند.

۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع از پارک ملی «ککدو» پوشیده از جنگل و بیشه‌زارهای سرسبز است، پرتگاه «آرن هام لند» هم در همان نواحی واقع شده است. ککدو، زیباترین و دیدنی‌ترین پارک ملی استرالیا است. حکاکی بومیان روی صخره‌ها در امتداد آبشارها و هم چنین وجود حیات وحشی وسیع، آن را به مکانی خارق العاده و چشم‌نواز تبدیل کرده است.

خانهی اجدادی مردم و نمونه‌هایی از نقاشی صخره‌ها که به ۲۵ هزار سال قبل بر میگردد، در ۱۲۰ گالری مشهور نزدیک آرن هام لند، برای توریست‌ها به نمایش گذاشته شده است. آب‌نمای خلیج داروین، هنگام غروب آفتاب، در امتداد بندر زیبای داروین، بسیار جالب و دیدنی میباشند. اگر علاقه به ماهیگیری دارید، از کشتیها و قایق‌های آن استفاده کنید و روز خوبی را در کنار دوستان سپری کنید. بر فراز ارتفاعات داروین شاهد تماشای زیباترین انواع پرنده‌های دریایی در گسترهی ساحلی «ماراکای» باشید. باغ‌های «بوتانیکال» بیش از ۴۰۰ نوع از گیاهان نواحی گرمسیری را به نمایش گذاشته است. کلکسیون‌های زیبای بومیان، هنرهای دستی «نیوگینین» و نیز آثار هنرمندان بزرگ و مشهور استرالیایی در موزهی علوم و هنر، برای بازدید عموم به نمایش گذاشته شده است. معبد چینیها از دیگر مکان‌های برجسته و دیدنی داروین می باشد.

●کاترین Katherine

این ناحیه از استرالیا به نام«never, never» یا هرگز، هرگز» مشهور است؛ زیرا مردم محلی عقیده دارند اگر فردی برای اولین بار به « کاترین» سفر کند هرگز و هرگز آن جا را ترک نخواهد کرد. پارک ملی «نیت میلوک» Nitmiluk به دلیل وجود جنگل‌های خیس و زیبایی که در گذرگاه‌های تنگ کوه‌ها رویده‌اند، یکی از بهترین پارکهای آن نواحی میباشد. درهی کاترین، کلیسای تونل مانندی دارد که به تنگه‌ی «باترفلای» منتهی می‌شود. باغ‌های معلق مملو از چشمه‌هایی که از لابه لای صخره‌ها جاری شده‌اند و بر اطراف سایه افکنده‌اند، با وجود سرخس‌های انبوه و زیبا و غارهای باریکی که پرستوهای کوچک با لانه‌های گلی سقف آنها را آراسته‌اند، بیشتر شبیه یک رویا است.

«ماتارانکاMatarankا » از دیگر مکان‌های جذاب شمال استرالیا است. برکهی آب گرمی در آنجاست که دور تا دور آن پوشیده از درختهای نخل و سنگ‌های زیبا میباشد. هم چنین غارهای «کوتا کوتا Cutta Cutta » به طول ۷۰۰ متر در جنوب کاترین قرار دارند.

در راه حتماً سری به رودخانهی «ویکتوریا» بزنید و لذت ماهی‌گیری را بار دیگر تجربه کنید.

●نهر تنانت Tennat Creek

نیمهی راه بین کاترین و چشمه‌های آلیس، «فلات بارکلیBarkly » و نهر «تنانتTennant »، بیانگر نواحی دور دست شمالی میباشد. تعداد اندکی از مردم مهربان استرالیا در خانه‌های رنگارنگ خود در این مناطق زندگی می کنند. جنوب نهر «تنانت»، نزدیك «واوچاپ Wauchop» یکی از بارزترین و مرموزترین صخره‌ها به نام «مرمرهای شیطانی The Devil's Marbles» وجود دارد که در امتداد درهی کم عمقی بر روی یکدیگر قرارگرفته اند. درست در گوشهی غربی نهر «تنانت» خواهران مرمرهای شیطانی که «سنگریزهای شیطانی The Devil's Pebbles» نام دارند، واقع شده‌اند.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227131

vista.ir
Online Classified Service

جاذبه های طبیعی استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان با مساحت ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع (سیستان :۱۵۱۹۷ و بلوچستان : ۱۷۲۳۰۵ کیلومتر مربع) در جنوب شرقی ایران بین عرض های ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۷ دقیقه شمالی و طول های ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۱ دقیقه شرقی قرار دارد. این استان با اختصاص بیش از ۱۱% وسعت کل کشور، پهناورترین استان ایران بوده که از شمال با استان خراسان، از غرب با کرمان و هرمزگان، از جنوب با دریای عمان (۳۲۰ کیلومتر مرز آبی) ازشرق با کشورهای افغانستان و پاکستان (۱۱۰۰ کیلومتر مرز خشکی) همجوار است و بر طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵) بالغ بر ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر یعنی حدود ۴/۳ % جمعیت کشور را در خود اسکان داده است. با متوسط بارندگی سالانه حدود ۱۱۰ میلیمتر یا بعبارتی کمتر از ۵۰ % میانگین بارندگی کشور (۲۴۵ میلیمتر) که خود کمتر از ۳۰% متوسط بارندگی جهان (بالغ بر ۸۰۰ میلیمتر) است جزء استان های خشک ایران محسوب می شود. اراضی کشاورزی حدود ۴۰۰ هزار هکتار یعنی تقریبا ۲% از مساحت استان را تشکیل می دهند که از این مقدار در شرایط نرمال ۳۳۰ هزار هکتار در سال کشت می شود. این استان به دلیل همجواری با دریای عمان از یک طرف و کویر لوت از طرف دیگر از لحاظ پوشش گیاهی دارای دو نوع فلور بلوچی و ایران ـ تورانی است ؛ بنابراین از ترکیب پوشش گیاهی متنوع و به تبع آن فونی غنی برخوردار است. به منظور استفادة بهینه از پتانسیل های منطقه، شناخت آن ها لازم و ضروری بوده و این مهم بدون بررسی و پژوهش میسر نخواهد بود؛ لذا در ادامه، سیمای طبیعی و ارزش های زیست محیطی استان به اختصار معرفی می گردد. امید که این مجموعه بتواند سرآغازی برای تدوین برنامه های مؤثر و اساسی جهت رفع محرومیت از منطقه باشد.

- سیمای طبیعی استان

▪ مراتع

حدود ۸/۱۱ میلیون هکتار از کل مساحت استان یعنی ۶۳ % را مراتع به خود اختصاص داده که شامل بیش از ۱۲۰۰ گونه گیاهی می باشد که از این مقدار حدود ۷۰ گونه دارویی شناسایی شده است. مراتع حاشیه تفتان، بزمان ، هامون جزموریان و هامون سیستان مرغوب ترین مراتع استان را تشکیل می دهند(۹) .

▪ جنگل ها

جنگل ها حدود یک میلیون هکتار از کل مساحت استان یعنی ۳۵/۵ % را شامل می شوند که بیش از ۶۰ % آن ها جزء جنگل های تنک و نیمه متراکم هستند. این جنگل ها در دو رویشگاه خلیج ـ عمانی شامل شهرستان های چابهار، ایرانشهر و نیکشهر و رویشگاه ایران ـ تورانی، که از نظر مساحت سطح بیشتری را به خود اختصاص داده است ، پراکنده شده اند. از دیگر استعدادها و نعمت های خدادادی جنگل های مانگروست که به مساحت ۳۰۰ هکتار در خلیج گواتر در شرق چابهار و مرز پاکستان قرار گرفته است. الف ▪ بیابان ها

سطحی معادل ۴/۶ میلیون هکتار از مساحت استان یعنی حدود ۳۲ درصد را اراضی بیابانی و شنزارها تشکیل می دهند که یک میلیون هکتار آن شنزارهای فعال هستند. نتایج مطالعات شناسایی کانونهای بحران فرسایش بادی نشان می دهد که در کشور مجموعا ۱۸۳ کانون شناسایی شده اند؛ از این تعداد ۲۷ کانون یعنی حدود ۱۴ % آن متعلف به استان سیستان و بلوچستان بوده که مهمترین تهدید استان در همه ابعاد اقصادی، اجتماعی ، بهداشتی ، کشاورزی وغیره محسوب می شود و زمانی که با دیگر پدیده های طبیعی همچون خشکسالی همراه شود میزان و شدت خسارت بطور تصاعدی افزایش می یابد (۵۰).

▪ مناطق چهار گانه

از کل مساحت استان ۳/۷ % یعنی ۱۳۴۴۳۱۷ هکتار تحت حفاظت سازمان محیط زیست قرار دارد، شامل : مناطق حفاظت شده معادل ۷۵۸۱۸۹ هکتار (۴/۵۶ % کل مناطق) ، مناطق حفاظت شده جنگلی معادل ۱۲۶۳۶۵ هکتار (۴/۹ % مناطق) ، مناطق شکار ممنوع با ۴۵۹۷۵۳ هکتار (۲/۳۴ % مناطق) و آثار طبیعی ملی با ۱۰ هکتار که از مساحت مناطق محسوب می شود (سازمان حفاظت محیط زیست ، ۱۳۸۳).

▪ گونه های جانوری مختص استان

ـ تمساح پوزه کوتاه ایرانی (گاندو)Crocodylus palustris palustris

ـ خرس سیاه Ursus thibetanus gedrosianus

ـ سنجاب بلوچی Funambulus pennantii

ـ لاک پشتان دریایی

ـ نمونه ای از درختان کهنسال

ـ درخت سرو زرین دهپابید با قدمت ۱۲۰۰سال ، در ۶۵ کیلومتری خاش در حاشیه دهپابید در مسیر جاده زاهدان به خاش

ـ درخت سرو زرین سنگان ، در ۴۵ کیلومتری خاش داخل روستان سنگان، از روستاهای زیبای حاشیه تفتان و در صحن مسجد روستا

ـ انجیر معابد: در فاصله ۱۱کیلومتری مسیر جاده چابهار ـ ایرانشهر و ۲۰ کیلومتری جاده ساحلی پریس ـ گواتر در منطقة کچو شهرستان چابهار.

▪ منابع آب

این استان دارای پنج حوضه آبریز اصلی شامل هامون هیرمند، هامون ماشکیل، هامون جازموریان، کویر لوت و دریای عمان است. پتانسیل آبهای سطحی و زیرزمینی استان ۲/۶ میلیارد متر مکعب و میزان استحاصال آب در استان ۹/۳ میلیارد متر مکعب می باشد. منابع آبی استان در قالب تالاب، رودخانه، چشمه ، قنات و ... می باشند که مهمترین آنها به قرار زیر است:

▪ تالاب ها

تالاب ها که در شمال ، مرکز و جنوب استان گسترده شده اند علاوه بر ذخیره میلیارد ها متر مکعب از آبهای سیلابی در زمان بارندگی های ناگهانی بخصوص فصل زمستان و بهار، سالانه میزبان هزاران پرنده مهاجر از کشورهای دور و نزدیک هستند ه برای زمستان گذرانی به آبهای استان مراجعه می کنند و جلوه ای خاص به آنها می بخشند. هامون هیرمند، هامون صابری ، تالاب لولکدان، تالاب هامون جازموریان، تالاب هامون ماشکیل و ... تعدادی از تالاب های استان هستند.

▪ رود خانه ها

ـ رود هیرمند که شاهرگ حیاتی تالاب بین المللی هامون است ؛

ـ رودخانه بمپور از رودخانه های دائمی و نسبتا پر آب بلوچستان که در نهایت به تالاب هامون جازموریان می ریزد؛

ـ رودخانه دائمی کاجو؛

ـ رودخانه دائمی سرباز از سرشاخه های اصلی رودخانه باهو کلات ؛

ـ رودخانه باهوکلات که از بهم پیوستن رودخانه های کاجو، سرباز و باهو شکل می گیرد و مأمن گاندو تمساح تالابی و منحصر به فرد ایرانی است؛

ـ رودخانه کارواندر که با دارا بودن آبشار، چشم اندازی بی نظیر دارد.

▪ چشمه ها

به لحاظ تنوع اقلیمی، چشمه های متعدد آب معدنی گرم و سرد در سراسر استان سیستان و بلوچستان پراکنده شده اند از جمله : چشمه آب معدنی مکسان و اسپیدز بزمان، زیارت گوربند زاهدان، چشمه آب معدنی پای کوه سرخ ایل و ...

▪ ژئوتوریسم

از مهمترین آثار ژئوتوریسمی موجود در استان گل فشان ها و غارها می باشند:

الف) گل فشان ها

اثر طبیعی ملی گل فشان پیر گل : با وسعت ۷ هکتار در داخل کوه های سیاه بندان شرق بزمان و جنوب غربی خاش در فاصله ۷۸ کیلومتری گوهر کوه و ۱۱۳ کیلومتری نوک آباد شهرستان خاش واقع گردیده است.

ـ گل فشان تنگ : این چشمه گل فشان در دشت کهیر با آب و هوای گرم و مرطوب در فاصله ۸۵ کیلومتری چابهار واقع گردیده است.

ب) غارها

ـ مهمترین غارهای جذاب و دیدنی استان عبارتند از :

ـ غار لادیز در ۱۰ کیلومتری شهر میرجاوه؛

ـ غار پوسه در حاشیه روستای پوسه ،

ـ ۶۵ کیلومتری خاش و ۱۲۰ کیلومتری زاهدان ؛

ـ غار کرمانچی در دره آهو و به فاصله یک کیلومتری روستای کرمانچی ایرانشهر

ـ غار چاهک در ۴۰ کیلومتری شمال شرقی خاش .

▪ کوه ها

یکی از مهمترین ارتفاعات استان سیستان و بلوچستان اثر طبیعی ملی تفتان است. این قله آتشفشانی نیمه فعال با وسعت ۲۱۸ هکتار در جنوب زاهدان و ۳۵ کیلومتری شمال شرقی شهرستان خاش واقع گردیده است . با ارتفاع ۴۰۵۰ متر به بام شرق ایران معروف است و در حال حاضر بطور دائم از دهانه آن بخار آب ، گازهای شیمیایی گوگرد دار و ... متصاعد می گردد (تصویر۱-۸).

کوههای مریخی (بدلند) (تصویر۱-۹) از جاذبه های سواحل نیلگون دریای عمان (تصویر۱-۱۰) هستند که در فاصله ۲۵ کیلومتری چابهار در مسیر جاده پریس ـ چابهار واقع گردیده و بدلیل شکل خاصی که دارند به کوههای مریخی معروف شده اند. تعدادی از کوه های دیگر استان کوه خواجه ، کوه آتشفشانی بزمان (خضر ، زند) ، پلنگ کوه، کوه بیرک ، ملک سیاه کوه و کوه های بم پشت هستند.

● سیستان و تالاب هامون

سیستان با مساحت ۱۵۱۹۷ کیلومتر مربع ، که ۵/۸ % از سطح استان سیستان و بلوچستان را در بر می گیرد جمعیتی در حدود ۴۰۰ هزار نفر و قدمتی بالغ بر ۵۰۰۰ سال دارد. وجود شهر سوخته در ۵۵ کیلومتری جنوب آن معروف به بهشت باستان شناسان؛ کوه خواجه با قدمتی حدود ۲۲۰۰ سال در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهرستان زابل ؛ دهانه غلامان تنها شهر غیر پایتختی هخامنشیان با قدمت ۲۰۰۰ ساله در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان زابل و صدها اثر تاریخی و باستانی دیگر نشان از سیستانی آباد و اثر گذار بر فعالیت های اقتصادی و اجتماعی منطقه و کشورهای همسایه دارد . یقینا این مهم از همجواری انسان با آب و رودخانه حاصل شده است. رودخانه هیرمند فعلی از دیرباز شاهرگ حیاتی منطقه بوده و همراه تالاب هامون موجب رونق زندگی انسان در این سرزمین کهن و مقدس شده است. زیبایی سرزمین و طبیعت زنده و شاداب سیستان آن چنان در رفتارهای اجتماعی و سیاسی مردم منطقه مؤثر بوده است که فردوسی حکیم را بوجد آورده و رستم دستان را در شاهنامه خود بعنوان نمادی از این پتانسیل ها خلق می نماید. اما متأسفانه امروزه به دلایل مختلف سیاسی ، اقتصادی و علمی، تالاب بین المللی هامون در فهرست تالاب های آسیب دیده کنوانسیون رامسر ثبت شده است . لذا برای عبور از این بحران و حفظ و احیاء ارزش های زیست محیطی و اکولوژیکی آن ، نیاز به همت عمومی و بسیج ملی است تا با اتخاذ دیپلماسی قوی همراه با بکارگیری یافته های علمی بتوان اولا حقابه آب منطقه از افغانستان را تامین نمود و ثانیا از بهره برداری های افراطی و بیش از حد در داخل جلوگیری کرد تا پس از تثبیت پوشش گیاهی آن همچون سال های دهه ۵۰ و ۶۰ شاهد زیبایی و طراوت تالاب هامون و ایفاء نقش اکولوژیکی آن باشیم.

منبع : وبگاه کویرهای ایران

http://vista.ir/?view=article&id=352149

vista.ir
Online Classified Service

جاذبه های طبیعی استان مرکزی

• پل باقرآباد

بنای این پل مربوط به دوره معاصر است و در زمان اشغال ایران توسط روس‌ها ساخته شده و محل استقرار آن در جاده قدیمی اصفهان - اراک و جنب جاده آسفالته فعلی محلات است. از بنای اصلی پل در جریان سیلی که در منطقه جاری شده ، تا حدودی تخریب گردیده و مجددا بازسازی شده است.از این پل تا۲۰ سال پیش بهره‌برداری می‌شده و در حال حاضر با احداث جاده آسفالته جدید ازرونق افتاده است. مصالح به کار رفته در بنای پل عمدتا از سنگ می باشد. در مجاورت پل باقر آباد، پل جدیددیگری نیز احداث شده که در نوع خود جالب توجه است و پیرامون آن در حواشی قمرود در روزهای تعطیل مورد استفاده تفرجگاهی وگذران اوقات فراغت مردم قرار می‌گیرد.

• پل دودهک

در نزدیکی کاروانسرای "دودهک" ، پلی قرار د ارد که بر روی چهار دهانه ناهمگون بنا شده است. عرض این پل حدود ۳ متر می باشد و در دو طرف آن دیوارهایی به ارتفاع یک متر ساخته شده است. پایه های این پل از سنگ و سقف دیواره های آن از آجرهایی با ابعاد۲۰*۲۰ سانتیمتر ساخته شده است. این پل برای عبور و مرور کاروان ها احداث شده بود، لیکن بعدها کامیون‌ها و تریلرهاییبا وزن حدود۳۰تن به راحتی از روی آن رفت و آمد می‌کردند. این پل در سال ۱۳۶۵ آسیب جدی دید و به علت ریزش چند دهنه آن، عبور و مرور از روی آن امکان‌پذیر نیست.

• پل تاریخی سرخده

بنای این پل در جنوب ساوه در کیلومتر ۱۳ جاده "یلآباد" به "قز قلعه" در ضلع جنوب غربی روستای سرخده واقع شده است. مصالح به کار رفته در این پل تماما از آجر با ملات ساروج است. ساختمان پل از ۸ چشمه با طاق رومی تشکیل شده و ارتفاع آن ازکف تا سطح رودخانه "قره چای" حدود ۸ متر است. طول پل حدود۷۰ متر و عرض آن حدود۵ متر می باشد.

• چشمه حکیم

چشمه حکیم، در حدود یک کیلومتری جنوب شرقی چشمه شفا واقع شده است. منشاء این چشمه در دو نقطه همجوار یکدیگر است و اطراف آن ها با سنگ چینی به دو حوض محصور تبدیل شده است. از یکی از حوض‌ها زنان و از حوض دیگر مردان استفاده می‌کنند. به طور کلی منشاء آب‌های معدنی سلیمانی و حکیم در ردیف آب‌های معدنی سولفاته کلسیک خیلی گرم است و منشاء عمیق زیر زمینی دارند. چشمه های معدنی آب گرم ناحیه محلات از نظر ترکیبات شیمیایی به چشمه های معدنی مولفاته کلسیک"بان یردوبیگور" فرانسه شبیه هستند.

• چشمه آب معدنی گراو

چشمه آب معدنی گراو در ۵ کیلومتری غرب تفرش قرار دارد. آب این چشمه از نوع آب‌های بی‌کربناته کلسیک وکلرور سدیک است. از آب این چشمه برای درمان بیماری های مختلف از جمله بیماری دستگاه گوارش ، کاهش قند خون و دفع اسید اوریک استفاده می شود. استحمام در آب این چشمه باعث انبساط عروق می شود و شبیه آب معدنی "روایا" در فرانسه است.

● چشمه اسکان

این چشمه در ۵ کیلومتری شمال روستای فر، جنب روستای اسکان از توابع شهرستان سربند واقع شده است. دسترسی به آن از روستای فر با ۵ کیلومتر راه خاکی میسراست و هر سال مورد مراجعه و استفاده گروه های زیادی قرار می‌گیرد.

● چشمه سلیمانی

این چشمه در شمال شرقی چشمه شفا و درحدود یک کیلومتری آن بر دامنه کوهی قرارگرفته است. در این محل یک قهوه‌خانه و ساختمانی وجود دارد که شامل دوحمام است. آب چشمه که در حدود ۵ لیتر در ثانیه است در جویی باریک و طبیعی جریان می یابد و به سوی حمام هدایت می شود. آب چشمه پس از استفاده و خروج از حمام ها به طرف "مزرعه تخت" سرازیر می شود.

● چشمه شفا

این چشمه آب گرم در بالای تپه مجاور سرچشمه محلات در محلی نزدیک تخته سنگ های سخت از دهانه چاهی خارج می شود و به حمام های اطراف آن هدایت می گردد. در گذشته ازاین دهانه مقدار کمی آب خارج می‌شد و منشاء اصلی چشمه در حدود۱۰۰متری غرب آن بود، ولی در اثر زلزله ،منشاء اصلی چشمه تقریبا خشک شده وقسمت عمده آب ازسرچشمه فعلی آن جاری است. دهانه سرچشمه با دری آهنی پوشانیده شده و در یک چهار دیواری محفوظ گردیده است. مقدار آب این چشمه در حدود ۱ ۲ لیتر در ثانیه است.

● روستای نیمور

بقایای آتشکده ساسانی آتش‌کوه، بقایای یک پاپه بزرگ سنگی از بنایی بزرگ به نام "میل میلویه" و حصار قلعه جمشیدی را نشان می‌دهد که روستای نیمور از کانون‌های تمدن باستانی ایران است. در این ناحیه سدی باستانی نیز از دوره ساسانی بر روی رودخانه انار بار (قمرود) و کانال آب بسیار قدیمی بر جای مانده است.

● روستای خورهه

روستای خورهه به خاطر وجود معبدی از دوره سلوکیان که ستون های آن هنوز هم پا برجاست شهرت ملی دارد. این ستون‌ها و بقایای معبد، جزء قدیمی ترین آثار تاریخی سرزمین ایران و تنها اثر باقی مانده از دوره سلوکیان می باشند.

● روستای ساروق

این روستا بیش از ۸۵۰ سال قدمت دارد و از چهار محله به نام های قلعه بالا، ساروق ،گرگان علیا و گرگان سفلی تشکیل شده است. امامزاده هفتاد ودو تن مربوط به سال ۵۸۷ هجری قمری در محله مرکزی و قدیمی آن واقع شده است. همچنین روستای ساروق به لحاظ صنایع دستی به ویژه از نظر قالیبافی معروفیت جهانی دارد.

● روستای دودهک

در این روستا دو اثرتاریخی جالب توجه به نام های پل شاه عباسی و کاروانسرای شاه عباسی بر جای مانده است.

● ناحیه سربند

ناحیه ییلاقی سربند به دلیل شرایط اقلیمی، یکی از پرآب ترین نواحی استان محسوب می‌شود. فاصله نزدیک این ناحیه با شهرستان اراک و استقرار واحدهای صنعتی بزرگ پتروشیمی و پالایشگاه همراه با پروژه های متعدد توسعه شهری اهمیت این ناحیه و استفاده معقول و بدون تخریب از جاذبه‌های طبیعی آن را به مسئله‌ای مبرم تبدیل کرده است. تراکم چشمه‌های پرآب و دائمی، پوشش گیاهی بسیار خوب و گستردگی باغ ها، شکارگاه ها و قلل مرتفع و بالاخره امکانات ورزش‌های زمستانی ازجمله جاذبه های ارزشمند این منطقه است.

● سرآب عباس آباد

این سرآب در۲ کیلومتری شرق شازند واقع شده است. فضای سرسبز و درختان اطراف آن منظره بسیار دیدنی این سرآب را زیباترکرده است. سرسبزی محل و آبی که از زیرکوهسار روان می باشد، تفرجگاهی را به وجود آورده که هر ساله هزاران نفر را به سوی خود جلب می‌کند.

● تالاب عمارت

این تالاب علاوه بر زیبایی چشمگیر، از جهات مختلف نیز نقش حیاتی در منطقه ایفا می‌کند و یکی از منابع ارزشمند سیاحتی استان به شمار

میآید. این تالاب ضمن تثبیت آب رودخانه "شرا" و آبیاری اراضی کشاورزی، از جنبه های زیست محیطی و تفرجگاهی نیز واجد اهمیت است. تالاب عمارت یکی از زیستگاه های مهم پرندگانی از قبیل اردک، غاز و حواصیل است که در حیات اکوسیستم جانوری وگیاهی منطقه، نقش مهمی به‌عهده دارد. پیرامون این تالاب با فضای کوهستانی و آب وهوای مناسب همواره مورد توجه گردشگران بوده است.

- زیارتگاه غار سی جن

غار سی جن در روستای واران جاسب واقع شده است. مردم محلی عقیده دارند که در این غار سی جوان غیب شده اند. مسجدی نیز در آن نزدیکی قرار دارد که به مسجد کمیل معروف است.

- رودخانه قمرود

شاخه اصلی این رودخانه ازارتفاعات شیب شرقی در جنوب گلپایگان و غرب خوانسار (کوههای مورستان، میشه و قره داغ) سرچشمه می گیرد و پس از تلاقی با رودخانه خرقاب و خمین با نام لعل بار از جنوب محلات و غرب دلیجان به سوی قم سرازیرمی شود و در ناحیه پل دلاک به قره چای می پیوندد و به مسیله می ریزد. منطقه‌ای که این رودخانه در آن واقع شده است به اندازه منطقه" سربند" و" شرا "سرسبز نیست، اما این رودخانه نیزدر مسیر خود به ویژه در نزدیکی محلات امکانات تفرجگاهی قابل توجهی پدید آورده است. همجواری این رودخانه با جاذبه‌های طبیعی شهر زیبای محلات، پارک گلخانه‌های آن ازیک طرف، آب گرم معدنی محلات از طرف دیگر و همچنین آثارتاریخی سراق، تیمور و خورهه یک کانون سیاحتی مناسب به وجود آورده است. احداث سد مخزن ۱۵خرداد در عباس آباد دلیجان نیز امکانات مناسب را برای توسعه تفرجگاهی به ویژه در زمینه های اسکی روی آب، ماهیگیری و سایر ورزش‌های آبی فراهم آورده است. پیرامون دریاچه این سد شرایط مناسبی برای ایجاد کمپ های تفرجگاهی دارد.

- دریاچه سد ۱۵ خرداد

سد۱۵خرداد در۵ کیلومتری شهر دلیجان در یک منطقه اقلیمی خشک احداث گردیده و از یک منبع آب طبیعی به یک جاذبه جهانگردی تبدیل شده است. این سد علاوه بر تامین آب آشامیدنی قم و دلیجان، آب موردنیاز کشاورزان منطقه را نیز تامین می‌کند. از ویژگی‌های این سد، نزدیکی آن به چشمه آب گرم محلات است. ازچشمه آب گرم محلات نیز چشم انداز زیبای سد پدیدار است.

- دریاچه سد خاکی هندودر

این سد خاکی در ۳۰ کیلومتری جنوب شهر شازند و در ۲ کیلومتری شمال "هندودر"، مجاور روستای قاییدان از توابع سربند واقع شده است. ظرفیت سد دو میلیون وپانصد متر مکعب آب است. در حال حاضر یکی از تفرجگاه های شهرستان شازند و استان مرکزی محسوب می شود و سرسبزی اطراف آن منظره زیبایی به وجود آورده است.

- تپه علیشار

این تپه در وسط روستای علیشار در بخش رازقان ساوه قرار گرفته است و قدمت زیادی دارد و از جانب سازمان میراث فرهنگی به عنوان مکان باستانی، شناسایی و ثبت گریده است.

- تپه باستانی آوه

تپه باستانی آوه که درکنار روستای آوه در ۱۰ کیلومتری ساوه قرار دارد از مکان‌هایی است که تاکنون سفالینه‌های بسیاری از آن به دست آمده که عمدتا به دوره‌های پیش از اسلام و همچنین بعد از اسلام تعلق دارند.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=351823

vista.ir
Online Classified Service

جاذبه های طبیعی قله الوند

کوهستان الوند مهمترین ارتفاعات استان‌همدان را دربرمی‌گیرد. رودخانه قوری چای و قره چای از دامنه‌های شمالی و رودخانه‌های یوخاری چای و حرم آباد از دامنه‌های جنوب غربی این کوهستان سرچشمه می‌گیرند. مناسب‌ترین راه برای رسیدن به قله الوند مسیر گنجنامه همدان در عباس آباد است. در دامنه‌های کوه‌های الوند (کلاغ لان، چال قبله و چل نابالغان) امکاناتی از قبیل پناهگاه و مهمانسرا فراهم شده است.

• پیست اسکی

این پیست با ۴ کیلومتر طول و ۲۵ درصد شیب در تاریک دره کوه الوند واقع شده که‌در آن تا‡سیسات و تجهیزات پناهگاهی، مهمانسرا، مدرسه اسکی، برق اضطراری و دستگاه بالابر برای انجام ورزش اسکی احداث شده است.

• غار هیزج

این غار در قریه هیزج واقع شده است و در زبان محلی‌به آن زاغه دره‌سی گفته می‌شود. پس از عبور از دهانه غار، تالاری به طول۱۲ متر وجود دارد و پس از آن تالار، محوطه وسیعی قرار دارد که یک راه فرعی در گوشه آن و تخته سنگ‌های عظیم ریزشی در قسمت دیگر آن دیده می‌شود. غار به شکل دهلیزی ساده و بدنه‌ای صاف تا عمق ۱۵۰متری ادامه دارد. در این فاصله محوطه دیگری به وجود آمده است که دهانه آنها نیز همانند پیش بندی آویخته است. پس از طی مسافتی پهنای غار قدری کمتر و سقف آن کوتاهتر می‌شود. در این قسمت تپه کوچکی از خاک رسوبی وجود دارد. درگوشه تالار، دهانه کوتاهی است که به دهلیز وسیع و همواری راه دارد.در کنار چپ دهلیز یک حفره۵ متری است. این غار سر راه اراک-همدان قرار دارد و طول آن ۵۲۰ متر است. آنچه بیشتر از همه در این غار جالب توجه است، آویزهای آهکی عجیبی است که مانند قندیلی کامل از بدنه غار آویزان شده است.

• تفرجگاه عباسآباد

این تفرجگاه در دامنه کوه الوند قرار دارد. آبشار معروف عباس آباد، کتیبه‌های گنجنامه هخامنشی و دره زیبای عباس آباد که باغ وحش کوچکی نیز در آن ایجاد شده، در همین تفرجگاه واقع شده است.در پایین‌دست همین تفرجگاه، مجتمع تفریحی عباس آباد بر روی تپه‌ای مشرف به همدان احداث شده و درپـــــایین دست آن نیز شهر بازی بـــــزرگ همدان ایجاد شده است.

• غار بگلیجه

این غار در نزدیکی روستای سرخ آباد همدان واقع شده و همانند چاهی است که برای ورود به آن باید از وسایل فنی استفاده کرد. غار بگلیجه استا لاگمیت‌های زیبایی دارد و طول آن در حدود ۵۰ متر است.

• تپه مصلی

این تپه در شرق شهر همدان قرار دارد. ابعاد این تپه۶۰۰* ۴۰۰ متر است و با میدان امام‌خمینی فاصله چندانی ندارد. این تپه در گذشته مکانانجام فرایض مذهبی بود و معبد دیانای همدان در این محل قرار داشت.به نظر می‌رسد که این تپه با توجه به نزدیکی آن به تپه معروفهگمتانه، ارتباط نزدیکی با کاخ‌های هگمتانه داشته است که به علتاستقرار معبد بر فراز آن، جنبه مذهبی خاصی پیدا کرده بود.

• تپه پیسا

این تپه در فاصله۲۵ /کیلومتری شمال تپه هگمتانه قرار دارد و به وسیله رودخانه‌ای به دو بخش تقسیم شده است. ارتفاع تپه نسبت به دشت مجاور در حدود ۱۰ متر است . قدمت تاریخی این تپه به دوره هخامنشی می‌رسد. با توجهبه حفاری های انجام شده در تپه هگمتانه که به پیدایی آثار خشتی دوره هخامنشیان منجر گردید و با توجه به مساحت تپه پیسا وسفال‌های به دستآمده از آن، این مکان احتمالاً باید محل استقرار مادها و بناهای معروفآن دوره بوده باشد.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=112298

vista.ir
Online Classified Service

جاذبه های گردشگری «قلعه شاهدژ»

● موقعیت قرارگیری

قلعه شاهدژ نهبندان در ارتفاع یک هزار و ۴۱۰ متری از سطح دریای آزاد، در فضای وسیع قله کوهی منفرد که از اطراف به دشت های باز و وسیع اشراف دارد، قرار گرفته است.

یکی از ویژگی های این اثر موقعیت استراتژیک وسوق الجیشی آن است به گونه ای که در نقطه ای قرار گرفته که در چهارراهی مسیرهای کاروان و تاریخی از سه مسیر سیستان، بلوچستان، کرمان و قهستان واقع شده است.

در فاصله حدود ۵ کیلومتری غرب قلعه شهر تاریخی نهبندان و حدود یک کیلومتری شمال آن روستای خوانشرف یا خوشاره قرار گرفته است.

این قلعه که در اواخر دوران قدرت اسماعیلیان از اوایل قرن هفتم هجری قمری در اختیار آنان قرار داشته را می توان حد نهایی و آخرین دژ این فرقه در جنوب قهستان دانست.

● ویژگی های معماری

قلعه تاریخی شاهدژ مجتمعی بزرگ از عناصر و اجزای معماری مختلف با کارکردهای گوناگون است که در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.

وجود بعضی عناصر مانند گذرها و کوچه ها، آب انبارها و ارگ در کنار اتاقک های متعدد و متنوع نشان دهنده این است که در حقیقت این محل کارکردی شبیه پادگان بزرگ نظامی داشته است.

اولین عنصر معماری که هنگام ورود به قلعه به چشم می آید، باروی آن است که به همراه برج ها کارکرد دفاعی داشته و دور تا دور قلعه وجود داشته اند.

بیشتر مصالح مورد استفاده در ساخت بارو قطعات سنگی است.

کیفیت بارو و میزان استحکام و دقتی که در ساخت آن می شده در قسمت های مختلف قلعه متفاوت است به گونه ای که در نقاطی که دسترسی و امکان نفوذ به قلعه آسان تر بوده، باروها مستحکم تر ساخته شده اند تا دیوارهای دفاعی مناسبی در مقابل تهاجم باشند اما در قسمت هایی که به دلیل شرایط طبیعی کوه امکان نفوذ از آن قسمت ها وجود نداشته زیاد به بارو توجهی نشده است.در کنار باروها، عنصر مهم دیگر دفاعی برج ها می باشند.

برج ها عموما متصل به بارو و به صورت نیم دایره اند که بسته به محل قرارگیری، ابعاد و اندازه آن ها متفاوت است و دارای دو عملکرد عمده هستند.تعداد برج هایی که قابل تشخیص بوده و آثاری از آن ها باقی مانده ۲۵ مورد است که تمام آن ها در قسمت غرب، جنوب غربی و شمال قلعه قرار گرفته اند.

در جبهه غرب قلعه، یعنی قسمتی که مشرف به شهر نهبندان است و در انتهای مسیر دسترسی از پای کوه به قلعه، ورودی قرار دارد، از این

عنصر معماری نیز مانند بیشتر بخش ها تنها دیوارهایی به ارتفاع حدود یک تا یک و نیم متر باقی مانده است.

اما نقشه این قسمت و موقعیت قرارگیری آن نشان دهنده عملکرد آن به عنوان ورودی است. مهم ترین دلایل در تایید ورودی بودن این فضا عبارتند از :

۱)قرار گرفتن در انتهای مسیر دسترسی از پای کوه به قلعه.

۲)وجود دو طاقنما یا فرورفتگی در دو طرف راهرو.

۳)وجود فضایی با ساختاری شبیه چهارطاقی که از چهار طرف آن راهروهایی به قسمت های مختلف قلعه امتداد دارد.

۴) قرار داشتن دو اتاقک در دو طرف ورودی.

● ۹ آب انبار در نقاط مختلف قلعه پراکنده اند.

نحوه پراکنش آب انبارها به گونه ای است که با توجه به وسعت زیاد قلعه (۵۳۲۷۲ متر مربع) و فاصله زیاد میان نقاط مختلف آن از یک سو و اختلاف ارتفاع زیاد میان نقاط مختلف قلعه از سوی دیگر و دشواری رفت و آمد میان نقاط مختلف قلعه دسترسی به آب به آسانی امکان پذیر باشد.

در میان عناصر و اجزای معماری قلعه یکی از سازه هایی که نسبت به سایر عناصر از سلامت بیشتری برخوردار است و با توجه به مصالح و استحکام زیاد، به نظر می رسد مورد توجه خاص بوده است دو تالار موازی به طول ۱/۱۴ و عرض ۵/۲ متر است و پوشش قوس پنج او هفت تند این فضاها، تنها پوشش های باقی مانده در کل قلعه هستند.

این قسمت دارای دو طبقه بوده و به نظر می رسد طبقه فوقانی فضایی وسیع بوده و فاقد آن تقسیم بندی فضاها در طبقه زیرین خود است.

به توجه به این که از این طبقه آثاری از ستون، طاق، قوس یا پای قوس و یا جرزهای نگهدارنده پوشش سقف به دست نیامده است و با توجه به وسعت زیاد فضا اجرای سقف بدون استفاده از این عناصر امری بسیار مشکل بوده است.

وجود گذرها و کوچه های متعدد که بخش های مختلف قلعه را به هم مربوط می سازند، از عناصر شاخص قلعه اند.

با توجه به ساختار طبیعی زمین و وجود شیب های تند و مسیرهای صخره ای که دشواری رفت و آمد را باعث می شده، در بسیاری از نقاط، گذرهایی ایجاد شده که رفت و آمد را تسهیل کند.

نحوه ساخت این گذرها به طور کلی به دو گونه است.

بعضی از کوچه ها در جریان ساخت فضاهای مختلف قلعه به وجود می آمده اند به گونه ای که حریم دو طرف کوچه ها را دیوارهای انتهایی فضاها تشکیل می داده اند.

اما بعضی از گذرها به خصوص در بخش های شیبدار با چیدن دیوارهای سنگی و سپس پر کردن فضای میان این دیوارها با زمین شیبدار سطح همواری ایجاد می شده است.

● شکل گیری تاریخی و قدمت بنا

یکی از مشکل ترین بخش ها در بررسی و مطالعه این اثر، تاریخ گذاری آن است.

کمبود مدارک و شواهد اعم از ویژگی های معماری، آثار و شواهد منقول و نیز منابع تاریخی باعث شده، اظهار نظر در مورد پیشینه تاریخی اثر با احتمال خطای زیادی همراه باشد.

از مهم ترین منابع و مدارک در تاریخ نگاری، آثار، مدارک و منابع مکتوب و تاریخی است.

در طبقات ناصری اثر عثمان ابن محمد (منهاج سراج) آمده است که در زمان حمله مغول اسماعیلیان قهستان قلعه شاهنشاهی را در ناحیه نه (نهبندان) از برادر زاده بهرام شاه، حاکم سیستان خریداری کردند و از نفوذ ملوک سیستان در همسایگی خود کاستند.

بهرام شاه برای بازپس گیری قلعه رسولی نزد اسماعیلیان فرستاد و اسماعیلیان را تهدید به لشکرکشی کرد.

به همین دلیل چهار نفر از فدائیان اسماعیلی در روز جمعه ای در سال ۶۱۸ وی را با کارد از پا در آوردند.هر چند در این منبع به نام شاهدژ یا شاهدزد که نام کنونی این قلعه است، اشاره ای نشده اما با توجه به این که خانیکف روسی که در سال ۹-۱۸۵۸ به این قلعه آمده، آن را قلعه شاه نامیده، احتمال فراوان دارد که منظور از قلعه شاهنشاهی همین قلعه شاهدژ امروزی می باشد.

«آلفونس گابریل (۱۹۳۵-م) در کتاب عبور از صحاری ایران قلعه شاهدژ را این گونه توصیف می کنند.

قلعه شاهدزد با بنای سنگی و برج های دفاعی و چند صد خانه کوچک باید زمانی مجهز و با عظمت بوده باشد.

اما بیشتر از آب انبار بزرگ در آن جا نیافتیم، بخش هایی را از آن ها را با خشت پخته بنا کرده بودند و دیوارهایش روکش شده بود.

برای ورود به آن ها پله هایی ساخته بودند. زاغه هایی در شاهدزد دیده می شد که به عمق زمین می رفت و ما مورد استفاده آن ها را نیافتیم. صعود به قله شاهدزد دشوار و فقط از جبهه غربی امکان پذیر بود.

آبادی نیز در همان بالا قرار داشت.»

قلعه شاهدژ به ابعاد ۲۵۰۳۷۰ متر طول و عرض و حدود ۵۳ هزار و ۲۷۲ متر مربع مساحت، عنوان بزرگ ترین و وسیع ترین قلعه کوهستانی شرق ایران و یکی از بزرگ ترین قلعه های کوهستانی ایران، یکی از منابع بالقوه اقتصادی در منطقه به شمار می رود.

اهمیت تاریخی و معماری اثر، موقعیت مناسب اثر و نزدیکی آن به مرکز شهری، دسترسی آسان و قرار گرفتن در مسیر اصلی ترانزیتی شرق کشور از مزیت های این اثر تاریخی است.

با در نظر گرفتن ویژگی های ذکر شده این اثر تاریخی می تواند به عنوان یک جاذبه گردشگری در سطح ملی مطرح شود. مهم ترین مزایای این اثر به عنوان یک جاذبه شاخص گردشگری:

۱) وسعت زیاد و گسترش فراوان آثار تاریخی.

۲) دارا بودن عناصر و اجزای گوناگون مانند بارو، برج ها، آب انبارها، ارک، کوچه ها و گذرها خانه ها و فضاهای مسکونی با ویژگی حیاط مرکزی

۳) استفاده زیاد و انبوه از مصالح سنگی که باعث به وجود آمدن شکلی همگون و هماهنگ با محیط پیرامون شده است.

۴) تنوع محیطی و قرارگیری فضاهای معماری در شیب های تند و کند طبیعی کوه.

۵)چشم انداز گسترده و زیبا به مناظر پیرامون.

۶) قرارگیری در کنار مسیر اصلی ترانزیتی شرق کشور.

۷) سهولت در دسترسی.

۸) استفاده از سنگ به عنوان مصالح قالب که آن نیز در بخش های زیادی به صورت خشکه چین و بدون استفاده از ملات به کار گرفته شده است.

منبع : روزنامه خراسان

http://vista.ir/?view=article&id=347351

vista.ir
Online Classified Service

جاذبه های گردشگری استان مازندران

از هر جاده ای که به مازندران سفر کنید در آغاز ورود به این استان سرسبزی و شادابی و حرکت روان آب‌های زلال چشمه سارها و آبشارها همراه با نقاط کوهستانی کم نظیر و تماشایی به چشم اندازی شما می پردازند.

مازندران از نظر جغرافیایی دارای دو قسمت کوهستانی و جلگه ای است. مرکز استان مازندران شهر ساری می باشد. و از شهرهای مهم این استان آمل، بابل، ساری، نوشهر، کلاردشت، بهشهر، قائم شهر، نور، چالوس، تنکابن و سوادکوه می باشد.

صنایع دستی استان شامل قالیبافی ابریشم بافی ـ نمد بافی ـ گلیم ـ جاجیم بافی ـ چادر شب بافی و حصیربافی و سفال سازی است.

انواع مرکبات، انواع مربا، انواع ترشی، انواع صیفی جات، برنج، انواع کلوچه، انواع کمپوت ماهی و خاویار از جمله سوغات مشهور استان مازندران است.

- جاده چالوس

در جاده چالوس و نوشهر تأسیسات سیاحتی نمک آبرود، پارک زیبا و ذخیره گاه شمشاد در سی سنگان که گلهای معطرش در نسخترین روزهای نوروزی مشام انسان را با عطر خوش و دلنشین خود معطر می کند.

- کاخ رامسر

در رامسر کاخ تاریخی رامسر و آبگرم رامسر و در کلاردشت دریاچه رویایی ولشت ـ در جاده نور چشمه آب سرد گشیل و پارک جنگلی نور و ...

- دریاچه ولشت

عباس آباد و بالاخره پناهگاه حیات وحش دشت ناز که مامن آهوی زرد ایرن است و تالاب دیدنی میانکاله همراه با طبیعت بسیار زیبایش همه و همه می تواند روزهای خوش نوروز شما را شیرین و فرحبخش سازد و ساحل زیبای خزر با آرامش کم نظیر که توفانهای گاه به گاهش آنرا رویایی و تماشایی تر می کند همه روزها را برایتان نوروز خواهد ساخت.

در محور فیروز کوه بعد از سرازیر شدن از گردنه کدوک خط راه آهن که بشکلی مارپیچ و زیبا در سه مسیر در دامنه‌های شمالی رشته کوههای البرز کشیده شده که به سه خط طلا موسوم است همراه با پل زیبا و تاریخی ورسک، جنگل‌های انبوه سوادکوه در جاده ای که در کنار رودخانه تالار کشیده در مقابل شما قرار دارد.

اگر از محور لاریجان ـ آمل و مسیر آب اسک ـ پارک جنگلی هراز و سد لار که دریاچه‌ای زیبا در پشت خود ایجاد کرده حرکت کنید شما را به وجد و شادمانی در می آورد.

شهرستان گرگان مرکز استان گلستان میباشد. از نظر طبیعی این شهرستان از دو منطقه کوهپایه‌ایی و جلگه‌ای تشکیل شده که کوهپایه در قسمت جنوبی دشت گرگان است و مهمترین قلل آن شاهکوه و شاهوار میباشد و قسمت جلگه ای در شمال و دنباله دشت گرگان است و مهمترین رودهای این منطقه که به دریای خزر می‌ریزند رودهای گرگان قره سو کفشگیری و زیارت هستند.

آب و هوای این ناحیه معتدل خزری یا مدیترانه ای است که بطور معمول از غرب مازندران بارش کمتری دارد. از نظر اقتصادی با وجود شرایط مناسب کشاورزی دامپروری و صنایع وابسته به کشاورزی مثل کارخانه جات روغن کشی و پنبه پاک کنی چهره این شهر در سال های اخیر دگرگون شده است.

قابل ذکر است که این شهرستان یکی از قدیمی‌ترین کارخانه جات بافت پارچه های ابریشمی و حریر را داشته که پارچه های آن بسیار معروف بوده است.

- پارک ملی گلستان

این پارک در ۱۵۰ کیلومتری شرق گرگان قرار دارد و دارای ۹۱۸۹۵ هکتار مساحت است. با داشتن اقلیم های متفاوت و مناطق زیستی متنوع جنگلی ، استپی و چشم اندازها ومناظر متبوع طبیعی با جاذبه های توریستی گوناگون که مورد بازدید علاقمندان بسیار زیادی از نقاط مختلف کشور و خارجیان قرار می گیرد. اهمیت ان از نظر محققین و دانش پژوهان به لحاظ دست نخوردگی جوامع زیستی گیاهی و جانوری و اکوسیستم های طبیعی به عنوان میراث های طبیعی و تنوع ژنتیکی بسیار زیاد است.

این پارک برای علاقمندان به طبیعت از نظر تفرج متمرکز و گسترده نیز قابلیت داشته و جلب نظر می نماید.

- پارک جنگلی ناهار خوران

این پارک از قدیمی ترین تفرجگاه های استان گلستان بوده و در ۴ کیلومتری جنوب شهر گرگان واقع شده است .

دارای فضاهای جنگلی در طرفین جاده برای تفرج متمرکز است با داشتن آب و هوای مناسب دامنه پر شیب جنگلی که ورد استفاده تفرج کنندگان داخلی و خارجی قرار می گیرد. این پارک درای مهمانسرای عمومی بویژه مهمانسراها و کمپهای اقامتی زیبا می باشد.

- پارک جنگلی قرق

این پارک در ۲۳ کیلومتری شرق گرگان در کنار جاده اصلی ترانزیت واقع شده و مساحت آن۶۵۰هکتار و بخش اعظم آن در محیط جلگه ای قرار گرفته است. دارای امکانات تفرجی بویژه محل نگهداری گوزنهای بومی جنگلهای شمال ایران است.

منبع : ایران هتل آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=352357

جاذبه های گردشگری بیابان ها و کویر های ایران

کشورهایی که در نیمکره شمالی زمین در عرض جغرافیایی ۱۵تا ۴۵ درجه واقع شده‌اند، در نوار خشک یا بیابانی کره زمین قرار دارند (مانند: ایران، عربستان، صحرای آفریقا، امارات متحده عربی و غیره) زیرا در این عرض جغرافیایی «هوای پرفشار مجاور حاره‌ای» حاکم است. این هوای پرفشار با دو اثر و ویژگی خود به هر منطقه‌ای که بوزد، مانع بارندگی می‌شود: پراکنده کردن هوا و ندادن امکان صعود به آن. به‌طور کلی اینطور می‌توان گفت، آن هوایی ایجاد بارندگی می‌کند که ناپایدار باشد یعنی امکان صعود را داشته باشد، سرد بشود تا ذرات ابر بتوانند سرانجام به صورت ریزش‌های جوی (باران، برف و تگرگ) به سطح زمین بریزند. هوای پرفشار چنین امکانی را نمی‌دهد. کشور عزیزمان (ایران) که تقریباً در عرض جغرافیایی ۲۵تا ۴۰درجه شمالی قرار دارد، درست در داخل یا بهتر بگوییم در مغز و هسته این عرض جغرافیایی بوده و لذا تحت تأثیر شدید هوای پرفشار مجاور حاره‌ای واقع شده است و لذا می‌بایست سراسر آن دارای آب و هوای خشک و بیابانی و فقیر از لحاظ بارندگی می‌شد، مانند: امارات متحده عربی و دیگر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، عربستان، صحرای آفریقا و غیره. اما خوشبختانه، در طول دوره زمین ساختی یا تکامل کره زمین در محدوده کشور ما، دو پدیده اتفاق افتاده یا عوارض طبیعی به وجود آمده که در بسیاری از مناطق آن، اثر بسیار نامطلوب هوای پرفشار مجاور حاره‌ای و نیز بادهای آلیزه که آن هم در همین عرض‌های جغرافیایی باعث خشکی آب و هوا می‌شود، از بین رفته و ایران دارای انواع یا تیپهای مختلف آب و هوا و از این لحاظ یک کشور تقریباً استثنایی در جهان شده است. یکی از این دو پدیده خشک شدن دریاها ولی باقی ماندن دو دریا در شمال و جنوب کشور است (دریای خزر در شمال، خلیج فارس و دریای عمان در جنوب) و دیگری، چین خورده و کوهستانی شدن قسمت اعظم آن است.

● منابع طبیعی تجدید شوند (کویرها یا نمکزارها و ماسه‌های بادی)

در مناطق دشتی بویژه نواحی خشک و بیابانی، منابع طبیعی تجدید شوند یا معادن تجدیدپذیر بسیاری در مساحت و قطعات کوچک و بزرگ وجود دارند، مانند انواع نمک‌های انواع کویرها (نمکزارها) یا ماسه‌های بادی به صورت رشته تپه‌های طولی شکل به هم پیوسته که طول آنها تا ۲۰۰کیلومتر و ارتفاع آنها «ماسه بادی انباشته شده» تا ۴۷۵متر هم می‌رسد، مانند ماسه‌ها یا رشته‌تپه‌های ماسه‌ای واقع در شرق لوت که به ریگ یلان معروف است و همینطور دیگر رشته‌تپه‌های ماسه‌ای به هم پیوسته کشور مانند ریگ جن (در جنوب دشت کویر)، ریگ شتران(بین طبس و یزد) ریگ دهلی (سرراه بم به سمسور در بلوچستان) ریگ اسپکه در بلوچستان، ریگ کاشان (آران و بیدگل) و دیگر رشته‌تپه‌های ماسه‌ای طولی (ریگها). اما در مناطق مختلف خشک و بیابانی دیگر انواع تپه‌های ماسه‌ای به اشکال مختلف (هلالی شکل، شمشیری شکل و غیره) وجود دارند که هم از اشکال زیبا برخوردارند و هم تمام نشدنی (منابع طبیعی تجدید شونده)اند زیرا جایگزین می‌شوند، یا از بین نمی‌روند. تپه‌های ماسه‌های بادی، هم زیبا هستند و هم موارد استعمال گوناگون دارند. تاکنون حدود ۲۰مورد استفاده از ماسه بادی کشف شده است. بنابراین، ماسه‌های بادی هم از منابع مهم اقتصادی (منابع طبیعی تجدید شونده) و هم از عوامل مهم و اشکال زیبای جاذبه توریستی هستند، ضمن آن که تپه‌های ماسه‌ای محل اسکی بیابانی نیز هستند.

در نواحی خشک کشور، انواع مختلف کویرها (نمکزارها) وجود دارند که تمام نشدنی (تجدیدپذیر) هستند (برخلاف معادن نمک‌کوه (گنبدهای نمکی) که تمام شدنی (ثروت‌های طبیعی) هستند. کویرها یا نمکزارها از انواع مختلف املاح و به اشکال گوناگون و قطعات مختلف در مناطق مختلف کشور ما وجود دارند، که آنها را براساس شکل ظاهری (اشکال قشرهای نمکی و نوع نمک) نامگذاری کرده‌ایم، مانند: کویرهای قشری که دارای املاح کلرورسدیم هستند، کویرهای چریه که دارای املاح کلرور کلسیوم و کویرهای متورم یا پف کرده، که دارای املاح سولفات سدیوم هستند و شوره‌زارها که دارای املاح نیترات پتاسیوم‌اند.

کویرها(نمکزارها) مانند ماسه‌زارها، ضمن آن که به دلیل داشتن مناظر گوناگون و زیبا از جاذبه‌های مهم توریستی به شمار می‌روند با داشتن انواع مختلف املاح، از مهمترین منابع اقتصادی (منابع طبیعی تجدیدپذیر) نواحی خشک کشور هستند زیرا هر یک از انواع املاح کویرها، موارد استعمال گوناگون دارند، به عنوان مثال سولفات سدیوم برای تهیه مواد شوینده، شیشه‌سازی، کاغذسازی و چندین مورد دیگر استفاده می‌شود. با احیاء کردن سولفات سدیوم به سولفید سدیوم به روش خیلی ساده، از این ماده بسیار باارزش، برای استخراج فلز از سنگ (سنگ آهن، سنگ مس و غیره) استفاده می‌شود. از کلرور سدیوم برای مصارف خوراکی انسان و حیوان (نمک طعام) و نیز استخراج نفت و همچنین تولید محصولات پتروشیمی استفاده می‌شود. کلرور کلسیوم، جاذب‌الرطوبه است که دهها موارد استعمال دارد و خلاصه از نیترات پتاسیوم هم به عنوان یک کود ازته طبیعی استفاده می‌شود و هم برای تهیه باروت و دیگر مواد احتراقی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بنابراین، کویرها (نمکزارها) برخلاف گذشته که اگر در هر منطقه وجود داشت، نشان از شوم و بدبخت بودن آن منطقه بود، امروزه نشانه خوش‌شانسی و مایه توسعه و ترقی هر کشور و منطقه به شمار می‌روند، زیرا در گذشته که فعالیت‌ها بیشتر براساس کشاورزی و دامداری استوار بود، کویرها به دلیل متراکم بودن نمک در آنها و غیرقابل کشت و زراعت بودن، نه تنها فایده‌ای نداشتند و مورد استفاده قرار نمی‌گرفتند، بلکه با بالا آمدن سطح آب زیرزمینی در این عرصه‌ها، موجب بالا آمدن زه آب شور و کویری شدن زمین‌های اطراف خود نیز می‌شدند. روی همین اصل، تمدن‌های کشاورزی مفلوک روستاهای کوچک و فقیری که در این سرزمین‌های با آب و خاک شور به وجود آمده بودند، به تدریج با پیشروی آب شور و شورتر و سرانجام کویری شدن اراضی زیر کشت ساکنان این مناطق، روستاها را ترک کرده به دیگر مناطق کشور مهاجرت کردند و به این ترتیب، تمدن‌های کشاورزی نیز نابود شدند. اما امروزه از برکت پیشرفت علم و تکنولوژی، می‌توان از انواع املاح، انواع کویرها بهره‌برداری کرد و چنانچه با یک برنامه‌ریزی صحیح از آنها استفاده شود، تأثیر به سزایی دراقتصاد منطقه وکل کشور هم از لحاظ اشتغال زایی و هم بالا رفتن سطح زندگی مردم خواهد داشت و شهرهای صنعتی، زنجیروار به دور کویرها ایجاد خواهند شد وتمدن صنعتی پیشرفته به جای تمدن مفلوک کشاورزی درگذشته به وجود خواهد آمد.

- کویرها و بیابان‌های ایران (به عنوان عوارض طبیعی نامساعد) از جاذبه‌های مهم توریستی

... کویرها و بیابانها فواید دیگری هم دارند که شاید بتوان گفت مهمتر و اقدام دراین زمینه، اقتصادی‌تر و اولی‌تر است، برای این که هزینه کمتری را هم دربرخواهد داشت و آن استفاده از کویرها (نمکزارها) و بیابان‌ها به عنوان جاذبه‌های مهم توریستی کشور است. درست است که کشور ما با داشتن دریاهای گوناگون و زیبا در شمال و جنوب کشور و جنگل‌های متنوع درمناطق مختلف، دره‌های سرسبز و ارتفاعات پوشیده از گیاه و رودهای خروشان و چشمه سارهای پر آب و آب معدنی‌های متنوع فراوان و عرصه‌های پوشیده از گل‌های الوان و نیز حاوی انواع حیات وحش از لحاظ طبیعی یکی از مناطقی درجهان است که دارای انواع جاذبه‌های توریستی است، اما کویرها و بیابان‌های ایران دارای ویژگی خاصی هستند. حتی مواردی از آنها، منحصر به فرد بوده و دردیگر کشورهای جهان نمونه آنها مشاهده نمی‌شود. لذا، ضمن آن که برای هر فرد ایرانی جالب هستند، برای توریست‌های خارجی به ویژه آنان که با کویر و بیابان و علوم مربوط به آن سروکار دارند (کویرشناسان و بیابان شناسان) بسیار جالب و ارزشمندند، هرچند به ظاهر از عوارض طبیعی نامساعد برای کشاورزی و دیگر بهره‌برداری‌های مستقیم از آن به حساب می‌آیند.

- خلاصه‌ای از جاذبه‌ها و زیبائیهای کویر و بیابان:

▪ کویرها (نمکزارها)

هرکشوری که دارای نمکزار است، برای آن اسمی دارد. به عنوان مثال در زبان عربی به نمکزار«سبخ»)Sabakh(می‌گویند که جمع آن می‌شود «سبخاء» و به بیابان هم «صحرا» می‌گویند. ما درایران به نمکزار «کویر» می‌گوییم.

تعریف کویر: کویر به زمینی گفته می‌شود که آنچنان تحت تأثیر نمک است(نمک در سطح یا نزدیک سطح آن متمرکز شده) که قابل رویش برای گیاهان (حتی پسته، خرما، جو و غیره که به شوری و قلیایی مقاوم هستند) نیست. اما امکان دارد که میزان املاح آن به حدی باشد که گیاهان غیرزراعی ولی مقاوم به شوری و قلیایی (مانند گز،خارشتر، اشنیان، نی و غیره) بتوانند درآن بروییند. دراین صورت، کویرهای گیاهدار یا مراتع کویری

خوانده می‌شوند که درواقع منابع طبیعی، تکثیر شونده مناطق خشک هستند (همان گونه که جنگل‌ها، منابع طبیعی تکثیر شونده مناطق مرطوبند). اما اگر مقداری املاح محلول خاک از یک حدی تجاوز کند(از سه درصد و یا هدایت الکتریکی مخصوص آن از ۴۳ میلی موس بر سانتیمتر) دیگر هیچ گیاهی قادر به روییدن درآن نیست (حتی گیاهی به نام «شور» Salzola که مقاومترین گیاه به شوری است) دراین شرایط،کویرها یا نمکزارهای فاقد گیاه ولی دارای قشر نمکی (کویرهای واقعی) به وجود می‌آیند که باید از املاح آنها استفاده کرد و این رو، نگارنده معتقد است. کویرها (نمکزارهای فاقد گیاه) منابع طبیعی تجدید شونده یا قابل تجدید مناطق خشک هستند (درحالی که کویرهای دارای گیاه، منابع طبیعی تکثیر شونده مناطق خشک‌اند.

در اینجا از جاذبه‌ها و زیبایی‌های کویرها، چه کویرهای گیاهدار و چه کویرهای فاقد گیاه، به عنوان یکی از بهترین جاذبه‌های توریستی کشور ما ونیز در جهان صحبت می‌کنیم.

الف) درباره کویرهای گیاهدار

در مناطق مختلف کشور (نیمه خشک، خشک، نیمه‌بیابان و بیابان) چندین قطعه کویر (نمکزار) داریم که تعداد آنها به حدود ۴۵-۵۰ قطعه می‌رسد، مانند: کویر آذربایجان‌شرقی (معروف به کویر کبودان)، کویر اراک (معروف به کویر میقان) کویرهای منطقه قم و چندین قطعه کویر در مناطق خشک مانند کویر بجستان و کویر خواف و کویر جاجرم خراسان. اما بزرگترین کویر (نمکزار) ایران، کویر مرکزی یا دشت کویر ایران است. همچنین در نواحی نیمه‌بیابانی مانند یزد، پنج قطعه کویر (نمکزار) داریم مانند کویر ابرقو، کویر مروست، کویر سیاهکوه و غیره و حتی در بیابان لوت نیز، کویر یا نمکزار وجود دارند که به کلی فاقد گیاه هستند.

کویرهای گیاهدار، یا اطراف کویر مرکز ایران ضمن آن‌که مراتع کویری یا منابع طبیعی تکثیرشونده هر منطقه و کشور به حساب می‌آیند، دارای جاذبه توریستی جالب توجهی نیز هستند زیرا در آنها انواع مختلف گیاهان می‌رویند که بخصوص در فصل بهار بعضی از آنها دارای گل‌های بسیار زیبا هستند، مانند انواع گزها که دارای انواع گل‌های بنفش رنگاند که توأم با رنگهای متنوع اندام انواع گیاهان، منظره بسیار جالب و دیدنی دارند. کویرهای گیاهدار تقریباً مانند جنگل‌ها که در فصل پاییز خیلی زیبا هستند در فصل بهار زیبا و دیدنی‌اند. لذا، در این فصل باید از جاذبه‌هایی برای جلب توریست و ترتیب دادن تورها استفاده کرد. استفاده از این عرصه‌ها به عنوان چراگاه، یعنی وجود و پخش بودن حیوانات بویژه شتر در آنها، منظره بسیار زیبایی به این کویرها می‌بخشد، بخصوص عصرها.

ب) کویرهای فاقد گیاه

هرقدر منطقه از لحاظ آب و هوا خشک‌تر و گرمتر باشد، تعداد گیاهان آن کمتر است. به عبارت دیگر، از مناطق نیمه‌خشک (به عنوان مثال آذربایجان و اراک) به مناطق خشک و بیابانی (مانند بیابان لوت) از گیاهان کویر کاسته شده و بر سطح کویرهای فاقد گیاه اضافه می‌شود. به‌طوریکه در بیابان لوت، هر قطعه که کویری است، فاقد گیاه است در دشت کویر یا کویر مرکزی، اطراف آن‌که به دلیل نفوذ آب زیرزمینی به آن منطقه و نیز جاری شدن آب‌های سطحی به آنجا، تا حدودی رطوبت خاک بیشتر است، کویرها، گیاه دارند اما قسمت مرکزی آن به کلی فاقد گیاه ولی دارای انواع مختلف کویرها با قشرهای نمکی متنوع بوده که همچون گل‌های یک قالی زیبا و متنوع هستند. انواع نمک‌ها با بلورها و اشکال مختلف، زیبایی خاصی به هر قسمت از سطح کویرهای فاقد گیاه می‌بخشند. بهترین موقع برای دیدن این کویرها و ترتیب دادن برنامه گردشگری برای آنها، اواخر تابستان و فصل پاییز قبل از آغاز بارندگی است زیرا در طول دوره خشک و گرم تابستان املاح در سطح زمین تجمع کرده و بلورهای مختلف نمک با اشکال مختلف و زیبا، جلوه‌ای بسیار زیبا می‌بخشند.

خلاصه هر کویر (نمکزار) ایران در مناطق مختلف دارای ویژگی‌های خاص آن شرایط اقلیمی و خاکی آن منطقه است. به عنوان مثال کویر حوض سلطان، خصوصیتی دارد که دیگر کویرها ندارد (باتلاقی شدید است) کویر ساغند یزد با کویر ابرقو و مروست، تفاوت دارد. کویر اراک (میقان) با کویر آذربایجان‌شرقی (با آن‌که هر دو در مناطق نیمه‌خشک واقع شده‌اند) ولی به کلی با هم متفاوتند و همه زیبا هستند.

- بیابان‌ها

بیابان که عرب‌ها به آن «صحرا» می‌گویند به سرزمین وسیعی گفته می‌شود که از لحاظ بارندگی بسیار فقیر است و امکان دارد که در طول یک سال یا سال‌ها در آن بارندگی صورت نگیرد. و بارش چندین سال آن، ظرف چند روز یا چند ساعت ببارد. (بیابان‌های واقعی، مانند بیابان لوت ایران، صحرای آفریقا، و بیابان آتاکاما در آمریکای جنوبی که ۲۹سال در آن بارندگی صورت نگرفته است: از سال ۱۸۳۲ تا ۱۸۵۳)، یک چنین سرزمینی از لحاظ آب و پوشش گیاهی بسیار فقیر و یا مساحت‌های وسیعی از آن به کلی فاقد گیاه است، مانند بیابان لوت ایران. در این سرزمین (بیابان لوت) سال‌ها باران نمی‌بارد و آب جاری شیرین ندارد و آب آن محدود می‌شود فقط به پنج چشمه کوچک که آب تمامی آنها، کم و شور است. همچنین

یک رود دایمی دارد که نیز آب آن شور است و در آخر، براثر تبخیر شدید به معدن نمک تبدیل می‌شود. لذا، این بیابان (به جز یک منطقه کوچک در لوت جنوبی معروف به شاهرخ‌آباد) به کلی برای کشاورزی مناسب نیست.

اما چون سال‌ها در آن بارندگی صورت نمی‌گیرد و بارش چندین سال آن، ظرف چند روز یا چند ساعت می‌بارد، این شرایط سبب شده‌اند که عوارضی بر اثر باد و عوارضی براثر آب به‌وجود آیند که از جاذبه‌های مهم و بسیار زیبا به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر، اشکال و عوارض طبیعی بیابانی که برای دیگر بهره‌برداری‌ها نامناسب هستند، مهمترین جاذبه‌های توریستی بیابان لوت به حساب می‌آیند، که برخی از آنها منحصر به فرد بوده، و در هیچ بیابان دیگر دنیا، دیده نمی‌شوند. ضمن آن‌که بررسی‌های اینجانب و همکاران و نیز برخی از دانشمندان خارجی نشان داده که پست‌ترین نقطه داخلی ایران، در بیابان لوت واقع شده و گرمترین نقطه کره زمین هم در همین‌جاست، به عبارت دیگر، اگر قطب شمال و قطب جنوب سردترین نقطه در سطح کره زمین هستند، بیابان لوت گرمترین نقطه کره زمین است که به قول دانشمند اتریشی (استراتیل زاور Stratil sauer) بیابان لوت می‌تواند «قطب حرارتی کره زمین باشد!» بنابراین، یکی از مهمترین جاذبه‌های توریستی بیابان لوت، همین پست‌ترین نقطه بیابان لوت یعنی گرمترین نقطه کره زمین است که دیدن آن برای هر کسی، می‌تواند بسیار جالب باشد. همانطور که قبلا ذکر شد به علاوه سال‌ها بدون بارندگی بودن یعنی خشکی و فقر پوشش گیاهی و تاخت و تاز بادها از یک طرف (اثر فرسایشی باد) و سال‌ها بدون بارندگی بودن و ریزش بارندگی چندین سال آن، ظرف چند روز و یا چند ساعت (اثر فرسایشی آب) و دیگر اثرات آب و باد، عوارضی را در بیابان لوت به‌وجود آورده‌اند که بسیار زیبا هستند.

در ادامه، عوارض و اشکال بیابانی جالبی را که براثر باد بوجود آمده‌اند و نیز بر اثر آب، نام می‌بریم، که دیدن آنها، با عکس و تصویر آنها برای هر بیننده‌ای جالب است.

• عوارض و اشکال زیبای بیابانی به وجود آمده بر اثر باد

۱) رشته تپه یا بهتر بگوییم رشته کوههای ماسه ای که ارتفاع آن تا ۴۷۵ متر و طول آن ۲۰۰ کیلومتر و عرض آن ۶۰ کیلومتر است. این توده عظیم ماسه‌ای طولی‌شکل، در شرق بیابان لوت واقع شده و به «ریگ یلان» یا ریگ شرقی لوت معروف است (در مناطق مرکزی و شرقی ایران به این گونه رشته تپه‌های ماسه‌ای عظیم «ریگ» می‌گویند. عرب‌ها به آن عرق Erg می‌گویند که جمع آن می‌شود عارق. این ریگ علاوه بر داشتن منظره زیبا برای ورزش اسکی، ماسه‌ای بسیار مساعد است.

۲) تپه‌های ماسه‌ای پراکنده به اشکال مختلف (هلالی شکل، که برخان نامیده می‌شود شمشیری شکل، که سیف گفته می‌شود) این تپه‌های ماسه‌ای در دشت لوت واقع شده‌اند.

یاردانگها: یاردانگها تپه‌هایی هستند که بر اثر رُفته شدن خاک اطراف آنها، بر اثر باد به وجود آمده‌اند (به عنوان مثال به شکل یک صندوق بزرگ، یا یک تپه کوچک که در سطح زمین باقی مانده باشد).

- نبکاها: یعنی تپه‌های ماسه بادی که روی آنها گیاه وجود دارد. این عوارض بیابانی را نگارنده «گلدان بیابان» نام نهاده، زیرا در سطح دشت صاف، تپه هایی که روی آنها گیاه سبز شده، به صورت پراکنده دیده می‌شود.

بزرگترین نبکاهای جهان، هم از لحاظ محیط (بیش از ۴۰ متر) در حاشیه غربی بیابان لوت (سر راه شهداد به پشونیه) واقع شده و هم از لحاظ ارتفاع (تا ۱۰متر) که آن هم در داخل لوت ولی در قسمت غربی آن، نزدیک کریم‌آباد از توابع شهداد قرار دارد. هر دو نوع نبکاها، بسیار جالب زیبا و دیدنی هستند که در دیگر مناطق جهان دیده نمی‌شوند.

- دشت‌های پوشیده از پوشش‌های متفاوت (ریگی، قلوه‌سنگی، سنگی، ماسه‌ای) که آنها را پوشش بیابانی)Desert Pavement(می‌نامند و همچون گل‌های متفاوت قالی در سطح دشت لوت، زیبایی خاصی به آن بخشیده‌اند. این عرصه‌های فاقد گیاه، بر اثر باد به وجود آمده‌اند، زیرا باد ذرات ریز (ماسه و گرد و غبار) را با خود برده و این مواد (ریگ، قلوه‌سنگ و سنگ) باقی مانده که پوششی گوناگون، الوان و زیبا، در سطح دشت فاقد گیاه لوت ایجاد کرده‌اند.

• عوارض و اشکال بیابانی به وجود آمده بر اثر آب (و باد)

چون در بیابان لوت، سال‌ها باران نمی‌بارد ولی بارش چندین سال آن، ظرف چند روز یا چند سال می‌بارد، اثر فرسایشی آب خیلی شدید است که اشکال و عوارض گوناگون و زیبایی را به وجود آورده است. به عنوان مثال:

- کلوت‌ها: کلوت‌ها بر اثر فرسایش آب و صیقل دادن آن به وسیله باد به وجود آمده و به صورت رشته دالان های موازی تا ارتفاع بیش از ۲۰۰ متر منطقه‌ای به طول ۱۴۰ و عرض ۸۰ کیلومتر را در غرب بیابان لوت (حدود ۸۰ کیلومتری شرق شهداد) پوشانیده و به کلی فاقد گیاه و حیات است.

این عارضه بیابانی، فقط منحصر به بیابان لوت ایران است و در هیچ بیابان دیگری دیده نمی‌شود. پست ترین نقطه داخلی ایران (۵۶ متر ارتفاع از سطح دریا) و گرمترین نقطه کره زمین هم در داخل همین کلوت‌ها (یک چاله آبی-بادی) واقع شده است.

- شهرهای لوت: جغرافیدانان، بیابان‌ها را براساس عوارض و شکل ظاهری آنها نامگذاری کرده‌اند، به عنوان مثال: اگر مسطح بود، «بیابان دشتی» اگر کوهستانی بود، «بیابان کوهستانی»، اگر دارای نبکای زیاد بود، «بیابان های نبکائی» و اگر پوشیده از ریگ بود، بیابان ریگی، سنگی، قلوه‌سنگی و غیره می‌نامند. براثر فرسایش شدید آب و صیقل دادن باد، زمین در بعضی قسمت‌ها به شدت فرسایش یافته و در طول قرن‌ها فرسایش آبی و (نیز بادی) شدید به صورت بقایا یا آثار خرابه‌های شهرها درآمده است که در منطقه، به شهر لوت یا شهرهای لوت معروف است و جغرافیدانان، آنها را بیابان‌های شهری یا شهرهای بیابانی می‌نامند. این آثار و عوارض بیابان‌ها که بر اثر آب (و نیز باد) به وجود آمده، بسیار زیبا و همانند آثار و بقایای شهرهای کهن ایران، جالب و دیدنی هستند.

- کوچه‌ها: بر اثر بارندگی اتفاقی و جاری شدن سیل‌ها، زمین به شدت فرسایش یافته و سیل‌های عمیق ایجاد کرده که در محل به آنها کوچه می‌گویند، که عمق برخی از آنها از ۳۰متر هم تجاوز می‌کند. متاسفانه در دهه‌های اخیر از این مسیل‌های گود یا کوچه‌ها، قاچاقچیان مواد مخدر از آنها به عنوان بهترین مسیر و پناهگاه برای انتقال مواد مخدر و غیره استفاده می‌کنند.

- دریاچه شورگز هامون: در بیابان لوت در انتهای (جنوبی‌ترین قسمت) کلوت‌ها و ریگ یلان، یعنی بین این دو عارضه زیبای بیابانی، یک دریاچه ایجاد شده که به دریاچه شورگز هامون معروف است. هرچند سال یک‌بار که بر اثر بارندگی سیلاب جاری می‌شود. این دریاچه برای یک مدت کوتاه آب دارد، که بر اثر بالابودن میزان تبخیر هوا، این دریاچه پس از یک مدت کوتاه، دوباره خشک و بی‌آب می‌شود.

- معادن نمک: یک رود دایمی که از شمال بیابان لوت (منطقه بیرجند و غیره) سرچشمه می‌گیرد و در طول راه، شاخه‌های شور و شیرین زیادی به آن می‌ریزد و سرانجام وارد بیابان لوت می‌شود (به صورت یک رود دایمی وارد بیابان لوت می‌شود). اما چون هوا گرم و خشک است، در طول راه از آب آن کاسته می‌شود ولی بر غلظت املاح آن، افزوده می‌شود تا این که نرسیده به کلوت‌ها، خشک شده به صورت معدن نمک (کلرور سدیم) در می‌آید که به «گودسر نمک» یا نمکزار شهداد معروف است. چون دیگر املاح آب در طول راه رسوب می‌کنند، کلرور سدیوم خالص که در آب کاملا محلول است به آنجا می‌رسد و روی همین اصل، معدن نمک کلرور سدیم به وجود می‌آید که از کرمان و دیگر نقاط با کامیون و وانت برای کندن نمک و حمل آن به دیگر نقاط، به آنجا می‌روند و از نمک حاصل از آب رود خشک شده، به عنوان معدن یا مخزن تجدید شونده، نمک استفاده می‌کنند. قسمت‌های مختلف آن، دارای مناظر بسیار زیبا است، بخصوص که با عوارض ساحل این دریاچه یا معدن نمک، منظره‌ای بسیار جالب و دیدنی به وجود آمده است.

● کویرها، نمکزارهای بسیار زیبا و دیدنی (کویرها یا نمکزارهای لوت)

لوت، همانطور که شرح دادیم یک بیابان است، اما در آن«کویر» یعنی نمکزار هم وجود دارد که باید آن را «کویر لوت» نامید. در محل‌هایی که آب شور جمع می‌شود یا زمین تحت تاثیر آب زیرزمینی شور قرار دارد، انواع مختلف کویرها (نمکزارها) که به اشکال مختلف ظاهر شده‌اند و جلب توجه می‌کنند. نگارنده بر اساس شکل ظاهری آنها، این کویرها را نامگذاری کرده است: کویرهای با جوشش تخم‌مرغی شکل: یعنی کویرهایی که نمک در سطح آن به صورت تخم‌مرغ درآمده (به اندازه تخم‌شترمرغ) که تقریبا در دنیا بی‌نظیر است.

▪ «کویرهای چشمه‌ای»: که تمام آن منطقه به صورت چشمه‌سارها دیده می‌شود، در حالی که اصلا آبی وجود ندارد. «کویرهای سم گوسفندی»: سطح این عرصه‌ها به شکل زمین خیسی می‌ماند که گله‌ای از گوسفندان از آن عبور کرده و جای پا، یا سم گوسفندان در سطح آن باقی مانده باشد. «کویرهای قندیلی»: بر اثر شدت گرما و تبحیر زیاد، به عبارت دیگر هوا در آن قسمت‌ها آنقدر گرم و خشک است که در مواقعی که کویر خیس و آبدار است، نمک را بر اثر تبخیر به سمت بالا کشیده که به صورت قندیل به هوا کشیده شده‌اند (معمولا در مناطق سردسیر زمستان‌ها که بر اثر بارندگی هوا می‌بارد شب‌ها آبی که در حال نزول از بالای بام منازل و ساختمان‌ها در حال ریزش است به صورت «قندیل یخ» در می‌آید. در بیابان لوت، جهت، عکس آن است: بر اثر تبخیر شدید، محلول نمک و آب به هوا کشیده می‌شود که به صورت قندیل نمکی یا سیخ‌های نمکی بسیار زیبا در سطح زمین جلوه‌گر می‌شوند. هر قدر هوای منطقه گرمتر و خشک‌تر باشد، قندیل‌ها بلندتر هستند. این انواع کویرها در بیابان لوت، بسیار بسیار زیبا و دیدنی هستند که به این صورت قابل وصف نیستند.

منبع : وبگاه کویرهای ایران

http://vista.ir/?view=article&id=357567

vista.ir
Online Classified Service

جاذبه‌های توریستی کردستان

● کردستان گذرگاه تاریخ

دیدار از سرزمین کردستان بر بینندگان دری می‌گشاید از هر آنچه جویای آن است، جنبه‌های تاریخی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، صنایع دستی متنوع، تنوع زیستی جانوری و گیاهی، طبیعت سرشار از پدیده‌های دیدنی چون کوه، جنگل، دریاچه، رودخانه، چشمه‌های آب معدنی و نیز معماری مسکونی نشات گرفته از طبیعت جای‌جای آن، هرکدام فصلی است از حیات دیر سال این دیار نامآوران.

استان کردستان با وسعتی قریب به ۲۸۲۳۵ کیلومتر مربع در محدوده غرب ایران واقع شده و از شمال به استان آذربایجان غربی و زنجان، از شرق به استان همدان، از جنوب به استان کرمانشاه و از غرب به کشور عراق محدود است. سنندج مرکز استان است و از شهرهای مهم آن می‌توان به سقز، بانه، مریوان، دیواندره، کامیاران، قروه، بیجار و... اشاره کرد.

● تپه و قلعه زیویه

بر فراز تپه باستانی در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی سقز در شمال روستای زیویه و دارای اهمیت جهانی است به نظر باستان‌شناسان این قلعه و آثار به دست آمده از آن به حدود ۲۷۰۰ سال قبل از میلاد تعلق دارد.

● غار کرفتو دیواندره

غار کرفتو در ۷۷ کیلومتری شمال شرقی دیواندره، درمیانه راهی که جاده دیواندره سقز را به تکاب می‌پیوندد، یکی از شگفت‌انگیزترین غارهای کشور محسوب می‌شود.

● کتیبه تنگی ور کامیاران

در ۴۵ کیلومتری شمال غربی کامیاران بین روستای تنگی‌ور و یوزیدر بر روی صخره‌یی در دره‌یی تنگ، کتیبه‌یی به خط میخی و زبان آشوری حجاری شده است.

● قلعه قم چقای بیجار

دژ باستانی قم چقای در ۴۵ کیلومتری شمال بیجار واقع است که شامل دیوارها، راه‌پله‌ها، آب‌انبارها و اتاق‌ها از زمان مادها تا اواخر دوره ساسانی وجود دارد.

● پل صلوات آباد بیجار

این پل در ۱۵ کیلومتری جاده آسفالته بیجار تکاب واقع است تاریخ دقیق ساخت پل مشخص نیست. اما از شواهد پیداست که پل با عناصر ویژه دوره صفویه، بخصوص سنگ‌های حجاری شده و الگوهای معماری این دوران ساخته شده است.

● قرآن نگل مریوان

در مسجد قدیمی روستای نگل در ۶۵ کیلومتری جاده سنندج مریوان قرآنی مزین به نقوش گیاهی به خط کوفی وجود دارد بنابر باور مردم یکی از چهار قرآنی است که در زمان خلیفه سوم نگارش یافته و به اکناف عالم فرستاده شده است. این قرآن در قطع رحلی و با جلد چرمی بر روی

کاغذی شبیه به پوست آهو نوشته شده است بنابه نظر کارشناسان با توجه به شیوه نگارش و اعراب گذاری باید متعلق به قرن‌های چهارم یا پنجم هجری باشد.

●مسجد جامع سنندج (دارالاحسان)

این بنا که در خیابان امام خمینی شهر سنندج قرار دارد به همت امان‌الله خان اردلان در سال ۱۲۲۷ هجری بنا شده و دارای فضای وسیع و متعدد است.

● مسجد و آرامگاه هاجره خاتون(س) سنندج

در محله قدیمی سر تپوله سنندج مجموعه به هم پیوسته‌یی از بناهای مذهبی شامل زیارتگاه، مسجد، مدرسه علوم دینی و آرامگاه مشایخ قرار دارد که منتسب به هاجر خاتون خواهر امام رضا(ع) است.

● عمارت آصف سنندج

زمان ساخت بنای اصلی این عمارت به دوره صفوی باز می‌گردد، ولی در دوره قاجار و پهلوی بخش‌هایی به آن افزوده شده است.

● بازار سنندج

بازار سنندج که قبلا به شكل يك مستطيل بزرگ بوده و در مرکز شهر قرار دارد، این بازار به قرن ۱۱ هجری و دوره صفوی می‌رسد و با الهام از بازار میدان نقش جهان اصفهان ساخته شده است.

موزه سنندج (عمارت ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام)

این بنا در اواخر حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار به همت ملا لطف‌الله شیخ‌الاسلام از علمای اهل سنت احداث گردید، اکنون محل اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان است.

● عمارت خسروآباد سنندج

بنای اصلی عمارت خسروآباد (قصر خسرویه) به دوره زندیه و زمان خسروخان اول (حکمران کردستان) برمی‌گردد.

● عمارت مشیر دیوان سنندج

این عمارت که در خیابان شهدای سنندج واقع است مجموعه‌یی از فضاهای متعدد با شیوه و اسلوب معماری ایرانی بویژه پلان يك ایوانی است که به همت میرزا یوسف مشیر دیوان، فرزند یکی از رجال سیاسی به نام میرزا رضای وزیر کردستانی در دوره قاجاریه ساخته شده است.

● عمارت امجدالاشراف سنندج

از بناهای مشهور دوره قاجار است، با حیاط سنگ فرش، حوض، حمام و تالار حسینیه که از جالب‌ترین بخش‌های بنا است و تزیینات آن به دست استادکاران اصفهانی طراحی و اجرا شده است.

این بنا که در خیابان صلاح‌الدین ایوبی سنندج واقع شده، به حسینیه امجد نیز مشهور است و قدیمی‌ترین حسینیه سنندج محسوب می‌شود.

● پل قشلاق سنندج

در فاصله ۳ کیلومتری شرق سنندج بر روی رودخانه قشلاق پلی با ۶ دهانه آجری احداث شده که با پل‌های عصر صفوی شباهت تام دارد.

● پارك جنگلی آبیدر

در میدان حجاب پارك آبیدر سنندج بر روی سطح دیوارها صحنه‌هایی از شکار و رزم انسان با حیوانات و جانوران افسانه‌یی و تصویر خدایان اسطوره‌یی نقش شده است.

● حمام تاریخی قصلان قروه

در روستای قصلان در ۶ کیلومتری شمال قروه حمام بسیار زیبایی از دوره قاجاریه به جا مانده است، این حمام دارای فضاهای سربینه، بینه، خزینه و... است که تا چند سال قبل هم مورد استفاده بوده است.

● دریاچه زریوار مریوان

در ۲ کیلومتری غرب مریوان، یکی از زیباترین مناظر طبیعی کردستان، دریاچه زریوار (زریبار) قرار دارد، آب شیرین این دریاچه از جوشش چشمه‌هایی در کف آن وجود دارد تامین می‌شود. این دریاچه را که در ارتفاع ۱۲۸۵ متری از سطح دریا قرار دارد، جنگل‌های انبوه احاطه کرده‌اند، طول آن ۵/۴ کیلومتر و عرض آن حدود ۲ کیلومتر و عمق آن بین ۲ تا ۵ متر است، میهمانسرای جهانگردی مریوان روی تپه‌یی کوچك مشرف بر چشم‌اندازهای زیبای دریاچه احداث شده است.

● چشمه آب معدنی باباگرگر قروه

این چشمه در ۱۸ کیلومتری شمال قروه قرار دارد و دارای استخری عمیق با محیطی حدود ۲۰۰ متر است. در این محل آهك سازهای فراوانی وجود دارد که برجستگی‌های زیبایی را به مرور ایجاد کرده که برخی از آنها غول‌آسا و شگفت‌انگیز است. این چشمه با رنگ زرد مایل به نارنجی و گاز کربنیك فراوان، طعم خاصی دارد و دارای خواص درمانی بسیار است، مجموعه امامزاده باباگرگر و بقعه سید جمال‌الدین و چشمه‌های آهکی و پیرامون آن بر اعتبار گردشگران این مکان افزوده است.

● چشمه آب معدنی گواز کامیاران

این چشمه در ۵۰ کیلومتری شمال غربی کامیاران و در دامنه کوه روستای گواز قرار دارد، آب آن گرم است و طعم گوگرد دارد.

دنیا رضایی

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=220139

vista.ir
Online Classified Service

جاذبه‌های گردشگری روستای رمین در چابهار

رمین یکی از روستاهای بزرگ چابهار واقع در دهستان "کمبل سلیمان" بخش مرکزی این شهرستان جنوبی استان سیستان و بلوچستان است. این روستا در هفت کیلومتری بندر چابهار از نزدیکترین روستاهای صیادی به این شهر است و از سمت شرق از طریق جاده ساحلی بنادر صیادی بریس، پسابندر و خلیج گواتر را به شهر منتهی می‌سازد. روستای رمین از شمال به کوههای روستای تیس کوپال، از غرب به چابهار و از جنوب به دریای عمان محدود می‌شود. روستای رمین در کنار دریای نیلگون عمان دارای محله‌های عثمان‌آباد، گلبهار، رمین مرکزی، داردپ و گلشن‌آباد است. خور قدیم، نوار ساحلی "کلات رود" که از یك طرف به دریا و از طرف دیگر با صخره‌های بسیار و ماسه‌های طلایی به تالاب لیپار منتهی می‌شود، از جاذبه‌های طبیعی این روستا به شمار می‌آیند.

کوههای مینیاتوری یا "مریخی" اطراف روستا با مناظر بسیار زیبا در یك طرف جاده و طرف دیگر آن دریا و تراشها و برشهای ناشی از فرسایش و واریزه‌های آن و رنگ سفید این کوهها چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. تماشای مناظر کوههای بزرگ و کوچك بسیار با شکل خارق‌العاده و حرارت هوا و غبار شرجی حاصل از آن، انسان را به یاد مناظر خیالی و رویایی از کرات آسمانی می‌اندازد و برای لحظاتی احساس می‌کند در مریخ به سر می‌برد. درخت کهنسال "مکر زنان " که محلیها آن را با نام "کرگ" می‌خوانند با قدمت بیش از ۵۰۰سال در مرکز روستا و در ضلع جنوبی آن در مجاورت گورستان، یکی دیگر از جاذبه‌های گردشگری این روستا محسوب می‌شود. پیشتر روزهای پنجشنبه و جمعه افرادی از چابهار و حومه در زیر این درخت گوسفند و بز قربانی می‌کردند و در اطراف آن برای شفای بیماران و رفع مشکلات روزمره خود به نیایش می‌پرداختند. نوار ساحلی کلات رود یکی از نقاط دیدنی در شهرستان چابهار است که با وسعت ۱۰هکتار در نوار ساحلی دریای عمان در دامنه تپه‌های ماسه‌ای با چشم اندازهای زیبا پذیرای مسافران و گردشگران این منطقه است. تالاب لیپار یکی از بزرگترین تالابها در سطح استان سیستان و بلوچستان در چهار

کیلومتری روستای رمین قرار دارد و به شکل یك سد طبیعی آبهای سرگردان اطراف را در خود جمع کرده است. این تالاب محل رویش انواع درختچه‌های حرا، گز و چش است که مناظر بسیار چشم‌نوازی را خلق کرده‌اند.

در این تالاب انواع پرنده‌گان نظیر چنگر، فلامینگو، کشیم، حواصیل سفید و خاکستری، طاووسکن، باقرقره، تیهو و خوتکا زندگی می‌کنند که اکوتوریسم خاصی را برای منطقه بوجود آورده لذا بسیاری از علاقه‌مندان به طبیعت در فصل مهاجرت پرندگان از این تالاب بازدید می‌کنند.

با توجه به منظره‌های بسیار زیبای تالاب و قرار داشتن در کنار جاده ساحلی چابهار به خلیج گواتر این منطقه شاهد حضور گردشگران در این مکان است. اسکله صیادی این روستا و منظره حرکت و پهلوگیری انواع لنجهای صیادی و تخلیه تن ماهیان صید شده نیز از جاذبه‌های تماشایی این روستا است که گردشگران ترجیح می‌دهند این مناظر را از نزدیك ببینند. این روستا در کنار اسکله رمین با اختصاص مقام نخست تا سوم صید تن ماهیان به عنوان یکی از پایگاههای اصلی صید تن ماهی در سطح شهرستان چابهار مطرح است. بیشتر روستاییان در این روستا صیاد هستند لذا دریا در اشتغال و توسعه این منطقه نقش به سزایی دارد. در کنار این روستا چندین کارخانه کنسرو ماهی و عمل‌آوری فرآورده‌های آبزیان فعال است و محصولات تولیدی آنها به دلیل فاصله کم بین صید ماهی و کارخانه از کفیت بسیار بالایی برخوردار است. زنان در این روستای ساحلی به هنرهای صنایع دستی نظیرسوزن دوزی، مکرمه بافی، گل‌سازی و توربافی که از اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد خانواده برخوردار است مشغولند.

منبع : روزنامه تفاهم

http://vista.ir/?view=article&id=258378

vista.ir
Online Classified Service

جاکارتا ، شهر ترافیک

جاکارتا، یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جنوب شرقی آسیا و مرکز کشور مسلمان اندونزی است. این شهر که ۵۰۰ سال قدمت دارد در قرن چهاردهم میلادی بندری کوچک در کنار رود سیلی‌وونگ (Ciliwung) بود. ابتدا سلسله پادشاهی هندوی سوندا آنجا را پایتخت خود قرار داد و تا سال ۱۵۲۷ میلادی این شهر سوندا کلاپا نام داشت، اما از آن سال تا ۱۶۱۹ جاپاکارتا نام گرفت. در سال ۱۶۱۹ نامش به باتاویا تغییر یافت و در سال ۱۹۴۲ به جاکارتا تغییرنام داد.

شهر جاکارتا ۶۶۱ کیلومترمربع مساحت و ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که البته جمعیت آن با حومه به بیش از ۱۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد. جاکارتا در سال‌های گذشته با هجوم مهاجران از دیگر جاهای اندونزی روبه‌رو شد که همچنان سیل مهاجر به این شهر سرازیر است. جاکارتا با چند شهرک اطرافش بیش از ۲۳ میلیون نفر سکنه دارد.

جاکارتا آب و هوایی استوایی دارد و رطوبت هوایش بالاست، اما وزش بادهای دریایی در خیلی از روزها، هوای شهر را معتدل می‌کند.

- راهبندان و ترافیک سنگین

شهر جاکارتا بزرگراه‌ها و خیابان‌های عریض زیادی دارد. با این همه، همواره گرفتار معضل ترافیک سنگین بویژه در منطقه مرکزی شهر است. اگر به جاکارتا رفتید و ساعت‌ها در راهبندان خیابان‌ها ماندید، عصبانی نشوید. راهبندان و ترافیک سنگین از صحنه‌های عادی در جاکارتا است.

خیلی از رانندگان شهر، به مقررات راهنمایی و رانندگی توجه نمی‌کنند و سبب آشفتگی وضع رفت و آمد در خیابان‌ها می‌شوند.

در خیابان‌های جاکارتا انواع وسایل نقلیه را می‌بینید که شمار زیادی از آنها دودزایند و هوای شهر را تیره و آلوده می‌کنند. گاهی وقت‌ها دریایی از موتورسیکلت‌های دوزمانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ سی‌سی را می‌بینید که سر و صدا و آلودگی زیادی ایجاد می‌کنند. در جاکارتا شمار اتوریکشاها نیز زیاد است. اتوریکشا در جاکارتا، باجه‌آی نامیده می‌شود.

از اوایل دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۱ «باجه‌آی» از وسایل رایج حمل‌و نقل در شهر بود. در سال ۱۹۶۶ بیش از ۱۶۰ هزار دستگاه ریکشا در جاکارتا تردد می‌کردند، اما در سال ۱۹۷۱، راندن ریکشا در جاده‌ها و خیابان‌های اصلی ممنوع شد. هدف دولت حذف این وسیله از حمل‌ونقل شهری بود. به این ترتیب تا سال ۱۹۹۱ تقریبا شهر بدون ریکشا شد. اما بحران سال ۱۹۹۸ سبب بازگشت ریکشاها به خیابان‌ها شد. چون وسیله‌ای ارزان‌قیمت برای رفت و آمد شهروندان بود.

امروز هم در برخی از خیابان‌ها و محله‌های فقیرنشین ریکشا و اتوریکشاها به کار خود ادامه می‌دهند. در حال حاضر بخش در خور توجهی از مسافران شهری را اتوبوس‌ها جابه‌جا می‌کنند. از آنجا که جاکارتا پرجمعیت است و شمار خودروها و موتورسیکلت‌ها در آن خیلی زیاد است، برای تردد سریعا اتوبوس‌ها، خطوط ویژه احداث کرده‌اند.

برای تسهیل امور حمل‌ونقل شهر نیز شهرداری جاکارتا اقدام به احداث یک بزرگراه کمربندی کرده که کارهای ساخت آن ادامه دارد.

از آنجا که هر روز میلیون‌ها نفر از حومه جاکارتا به این شهر می‌آیند و بازمی‌گردند چند خط راه‌آهن به اطراف شهر کشیده شده که مسافران در چند ایستگاه در نقاط مختلف شهر از قطار استفاده می‌کنند. به علاوه مسوولان شهر به دنبال احداث دو خط متروی سراسری شمال به جنوب و شرق به غرب شدند. همچنین دو خط منوریل در دست ساخت است. از سال ۲۰۰۷ نیز یک خط آبی در رود سیلی‌وونگ با قایق‌های مسافری آغاز به کار کرد.

شهر بزرگ جاکارتا در جزیره جاوه قرار گرفته است. از آنجا که اندونزی در منطقه استوایی واقع شده و جنگل‌های انبوه استوایی و بارانی دارد، در اطراف جاکارتا نیز فضای سبز انبوه فراوان است. بارش فراوان باران و جنگل‌های پردرخت، سبب شده تا در اطراف جاکارتا پارک‌های ملی متعددی احداث شود. برخی از این پارک‌ها دارای انواع کمیابی از جانوران وحشی‌اند.

پارک سفری جاکارتا از جاذبه‌های طبیعی این شهر است. در این پارک بیش از ۳۰۰ نوع حیوان وحشی و انواع پرندگان کمیاب نگهداری می‌شوند وقتی سوار به خودرو در پارک به گردش یا سفر مشغولید، ببرهای سوماترا و آلبینو، آهوها و گوزن‌های جاوه، میمون‌های سوماترا و خرس‌های چینی را می‌بینید.

پرندگانی را هم در پرواز می‌بینید که پیش از این شاید حتی عکس آنها را هم ندیده باشید. در این پارک سفری، ۲ آتش‌فشان دوقلو هم دیده می‌شود. بوستان تامان مینی در جنوب شرقی جاکارتا، از بوستان‌های زیبای شهر است. این بوستان که مساحتی حدود ۱۳۰ هکتار دارد، در سال ۱۹۷۵ گشایش یافت.

در این بوستان ساختمان‌هایی احداث کرده‌اند که در آنها صنایع دستی و لباس‌های سنتی اندونزی به نمایش گذاشته شده است. باغ بوگور هم از جاذبه‌های شهر است. این باغ در دوره استعمار ساخته شد و زیبایی شگفت‌انگیزی ارد. جالب است بدانید این باغ تاریخی بیش از ۱۵ هزار نوع درخت و گیاه دارد که ازجمله ۴۰۰ نوع نخل و ۳ هزار نوع ارکید در آن دیده می‌شود. کسانی که به جاکارتا سفر می‌کنند و به گل علاقه دارند به تماشای باغ کوهستانی سیبوداس (Cibodas) هم می‌روند.

این باغ در مکانی به وسعت حدود ۱۰۰ هکتار در سال ۱۸۶۲ برای تحقیق و مطالعه انواع گل‌ها احداث شد. باغ ارکید جاکارتا نیز تماشایی است. این باغ با هدف تجاری و برای پرورش گل‌های کمیاب ارکید احداث شده. این باغ مجموعه‌ای کم‌نظیر از گل‌های ارکید دارد و محصول آن به کشورهای مختلف صادر می‌شود.

- سرزمین فانتزی و دنیای آبی

شهر جاکارتا یک باغ‌وحش بزرگ دارد که در منطقه پاسارمینگو در جنوب شهر واقع شده و وسعت آن ۱۴۰ هکتار است. باغ‌وحش جاکارتا در سال ۱۸۶۴ احداث و در سال ۱۹۶۶ به مکان کنونی‌اش منتقل شد.

شهر جاکارتا، چندین پارک سرگرمی دارد که نه‌تنها کودکان بلکه بزرگسالان و حتی گردشگران خارجی را جذب می‌کنند. هر روز هزاران نفر از این پارک‌ها استفاده می‌کنند.

یکی از آنها «سرزمین فانتزی» نام دارد. هر بچه‌ای در این پارک سراسر روز را سرگرم است. پارک آبی آنکول (Ancol) از دیگر جاذبه‌های تفریحی جاکارتاست.

دنیای دریایی یکی دیگر از پارک‌های سرگرمی مشهور در جاکارتاست. این پارک، نوع اندونزیایی دیسنی‌لند است که در آن همه گونه وسیله سرگرمی و تفریح و بازی مهیاست.

چرخ‌های پرنده، قطار وحشت، چرخ و فلک، نمایش‌های سنتی با میمون و ده‌ها برنامه تفریحی دیگر در این پارک، سبب شده تا هر روز هزاران مراجعه‌کننده داشته باشد. اجرای موسیقی زنده از دیگر برنامه‌های جالب پارک به شمار می‌آید.

در دنیای آبی، آکواریوم‌های عظیمی هم به چشم می‌خورد. در اینجا می‌توانید بیش از ۴ هزار ماهی عجیب و کمیاب از ۳۰۰ نوع مختلف را ببینید که بیشترشان ماهی‌های اقیانوسی‌اند. پارک‌های سرگرمی جاکارتا فیلم‌های آموزشی نیز به زبان‌های انگلیسی و باهاسا نمایش می‌دهند. برخی از این پارک‌ها دریاچه‌های مصنوعی برای قایقرانی تفریحی دارند.

در جاکارتا نیز مانند دیگر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه آسیا مدارس فنی و حرفه‌ای زیادی فعالیت می‌کنند و شمار آنها به سرعت رو به گسترش است. در اندونزی به ورزش اهمیت زیادی داده می‌شود و دولت سعی می‌کند مردم این کشور بیشتر به ورزش جذب شوند. از دوره حکومت سوکارنو شهر جارکارتا میزبان برخی رویدادهای ورزشی مهم بین‌المللی بوده که اولین آنها بازی‌های آسیایی سال ۱۹۶۲ است. این شهر در سال ۲۰۰۷ نیز میزبانی مسابقات فوتبال جام ملت‌های آسیا را برعهده داشت چند بار نیز محل برگزاری بازی‌های جنوب شرقی آسیا بوده.

جاکارتا اماکن ورزشی بزرگ و مجهزی دارد که امکان میزبانی مسابقات مهم بین‌المللی را به این شهر داده است. ورزشگاه بونگ کارنو (Bung Karno) با گنجایش یکصد هزار تماشاگر، از ورزشگاه‌های بزرگ آسیاست.

شهر یک سالن اختصاصی بسکتبال برای مسابقات بزرگ دارد که کلاپا گادینگ (Kelapa Gading) نام آن است و گنجایش ۷۰۰۰ تماشاگر دارد. مجموعه ورزشی سنایان با چندین ورزشگاه و سالن ورزشی از اماکن شهر است که ورزشکاران رشته‌های ورزشی متعددی مسابقات خود را در آنها برگزار می‌کنند.

مجموعه ورزشی سنایان در سال ۱۹۵۹ ساخته شد تا برای بازی‌های آسیایی ۱۹۶۲ مورد استفاده قرار گیرد. این مجموعه در سال ۲۰۱۱ نیز میزبان یک رویداد بزرگ ورزشی خواهد بود. قرار است بازی‌های ورزشی کشورهای جنوب شرقی آسیا در آنجا برگزار شود.

- قایق‌های موزی

در جاکارتا ورزش‌های آبی، پدیده‌ای روبه رشد است. در این شهر حدود ۲۰۰ مرکز غواصی و شنا و صدها مغازه فروش تجهیزات و وسایل ورزش‌های آبی فعالیت می‌کنند. علاقه مردم به ورزش‌های آبی روزافزون است. قایق سواری طرفداران زیادی دارد. در جاکارتا شما قایق‌های موزی زیادی را می‌بینید که محبوبیت زیادی بین مردم، بویژه نوجوانان و جوانان پیدا کرده است. قایق موزی به شکل یک موز درست می شود و بیشتر وقت‌ها به آن رنگ زرد می‌زنند. چند نفر روی این قایق که موزی بزرگ و چند متری است سوار می‌شوند. به دو طرف این موز تیوب استوانه‌ای درازی متصل می‌شود تا تعادل آن در آب حفظ شود. این قایق موزی را یک قایق موتوری با یک طناب قوی و محکم به جلو می‌کشد و هر چه سرعت قایق موتوری بیشتر باشد، هیجان‌سوار شدن به قایق موجی بیشتر می‌شود. بهترین مکان در جاکارتا برای سوار شدن به قایق موزی و تفریح و ورزش جایی به نام پولائو سریبو (Pulau Seribu) به معنای هزار جزیره است که در شمال جاکارتا قرار دارد.

بچه‌هایی که شنا را کاملا آموخته‌اند اجازه استفاده از قایق موزی را دارند. این نوع قایق سواری خطر خیلی کمتری دارد و چندنفر همزمان پشت سر هم روی قایق می‌نشینند و قایق سواری می‌کنند.

بعضی وقت‌ها والدین برای اطمینان خاطر، فرزند یا فرزندانشان را در قایق سواری همراهی می‌کنند. در جاکارتا تفریح با جت اسکی و موج‌سواری هم طرفدارانی دارد و امکان پرداختن به انواع قایقرانی مهیا است. اما قایق موزی در بین مردم عادی و بچه‌ها، جذابیت دیگری دارد.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=363954

vista.ir
Online Classified Service

جایی که ستاره‌ها فرود می‌آیند

آمده‌ایم به نشانی ستاره‌ها، آنجا که ستاره‌ای فرود آمد و هزاران ستاره سر برآوردند. از آن روز به بعد اینجا دره ستاره‌ها شد. حالا که آمدی آرام کنارشان بنشین و به افسانه‌های آبی گوش بسپار. ورود به دنیایی از رنگ‌ها، سفید و آبی و سبز یعنی نمک و آب و جنگل، گذرگاه تاریخ و فرهنگ. حتما تا حالا حدس زده‌اید به کجا آمده‌ایم؛ جایی که به بهشت مرجان‌ها شهره است؛ جزیره زیبای قشم.

شهر قشم در دوران هخامنشیان به عنوان یکی از شاهراه‌های دریایی، تجاری و نظامی محسوب می‌شد. گرچه در قرون اولیه هجری زلزله‌های متعددی قشم را ویران کرد، اما در عصر صفویه روستاهای آباد و پرجمعیت آن بالغ بر صد آبادی بود.

این جزیره همیشه شاهد یورش بیگانگان و مقاومت دلاوران آن خطه بوده است. هنوز مردم، دلاوری امام قلی‌خان را روایت می‌کنند که چگونه با ۵ هزار نفر سپاهی توانست پرتغالی‌ها را در سال ۱۰۳۱ هجری از قشم بیرون براند. گرچه متحد قاجار یعنی انگلیس جای پرتغال را گرفت، اما... بگذریم.

زمانی که از قشم سخن می‌گوییم در ذهنمان ناخودآگاه قلعه پرتغالی‌ها تداعی می‌شود. قلعه‌ای که در جزیره قرار دارد اما نوستالژی‌های مشترک تمام مردم ایران زمین است. به سفر برویم تا احادیث این ماجراها را سوته دلان آن دیار برایمان به روایت بنشینند.

● قلعه‌ای با نشان بیگانگان

سواحلی آرام و پوشیده از شن‌های سفید در غروب به انتظار است تا نوازشگر حضور شما در آبی بیکران خود باشد، دیاری در جنوب که می‌توان ردی از شرق و غرب را در آن یافت. کمی به گذشته بازگردیم؛ یعنی اواخر قرن ۱۵، زمانی که واسکو دوگاما، دریانورد پرتغالی اقدام به کشف دماغه امید کرد و سپس آلبوکرک سردار پرتغالی در سال ۱۵۰۶ میلادی با تصرف جزایر تنگه هرمز بر تمام خلیج فارس و جزایر آن تسلط یافت. این تصرف تا زمان شاه عباس صفوی ادامه یافت. چیرگی پرتغالی‌ها بر این آبراه مهم دریایی ۱۱۰ سال طول کشید. و در تمام این دوره مردان و زنان داستان آزادی را برای فرزندان خویش هر شب باز گفتند. اما در این مدت بیگانگان به ساختن دژها و استحکاماتی پرداختند از جمله دژهای هرمز، قشم و لارک.

قلعه قشم با مساحتی بیش از ۲ هزار متر از سنگ‌های آهکی و گچی با ملات ساروج محلی ساخته شده است. چهار برج در چهار گوشه و بازوهایی بلند دارد که توپ و منجنیق روی پهنای آن مستقر می‌شد. امروز دیگر از آن منجنیق‌ها خبری نیست آنها هم مثل غارتگران به تاریخ پیوسته‌اند.

این مکان کاربردهای دیگری چون یک انبار بزرگ یا جای نگهداری مهمات و سلاح داشته که در مواقع اضطراری به دیگر دژها یاری رسانده است. سرانجام در سال ۱۶۲۳ میلادی یکی از سرداران صفوی این قلعه و دیگر پایگاه‌ها را در دهانه خلیج فارس تصرف کرد.

● مسجدی به رنگ مادر بزرگ

اهالی می‌گویند در میان ساختمان‌های قدیمی قشم، ساختمانی به استواری مسجد جامع وجود ندارد. این نشان از باور و ایمانشان به دستان پر توان خویش است. نشانی از هنر و معماری که هویت و تاریخ‌شان را این چنین به یادگار گذاشته‌اند. مسجد جامع در مرکز شهر و نزدیک به قلعه مخروب پرتغالی‌ها واقع شده است. ضخامت دیوارهای این مکان که بزرگ‌ترین عبادتگاه شهر محسوب می‌شود، به یک متر می‌رسد و تمام ساختمان با سنگ و دوغاب گچ ساخته شده است.

دیوارهای آن شبیه به دیوار کاهگلی خانه مادربزرگ است که وقتی باران می‌آمد بوی شعر در تمام کوچه‌ها می‌پیچید. بانی و موسس اینجا مادر بزرگی بوده از طایفه بنی معین به نام صوغیه. دیدار مسجد بسیاری از خاطره‌ها را درذهنمان زنده کرد.

درها و دریچه‌هایی که در آن به صورت بسیار هنرمندانه‌ای به کار برده شده است به ۲۰ لنگه می‌رسد. چوب‌های سقف مسجد عموما از چوب

ساج، چندل، گردو و چوب نخل است. ۶۶ ستون هم در داخل و خارج مسجد به این بنای بزرگ و زیبا استحکام بخشیده است.

هر گوشه این شهر دلفینی جاذبه‌ای است برای ماندن. اما بی‌قراری وجودمان را فرا گرفته و ناگزیر به جایی دیگر رهسپار می‌شویم.

• در محضر شیخ روستا

شیخ رخ آرام گرفته است؛ آرامشی ابدی. اما روح شیخ شما را فرا می‌خواند تا به دیدارش بروید چون که او هم یادگاری دارد کهن. به روستای گوشه خوش آمدید. مسجد شیخ رخ که خود بانی آن بوده در سال‌های اولیه هجری قمری ساخته شده است. قدمت حیاط مسجد به قرن‌ها پیش باز می‌گردد. یک بار زلزله آمد اما نتوانست بنیاد آن را برکند.

در اواخر قرن سوم یاران شیخ دوباره مسجد وی را بازسازی کردند. این مسجد به عنوان یکی از قدیمی‌ترین بناها محسوب می‌شود و در کنار آن آرامگاه شیخ با گنبد ویژه هشت گوش قرار دارد. سنگ قبرهایی بسیار کهن در گورستان وجود دارد که نیازمند مطالعات دقیق است. تا زمان دارید به ذهن رویایی‌تان تجسم بخشید. شما به جایی آمده‌اید که ۱۵۰۰ کیلومتر مساحت دارد اما بیش از این عدد جاذبه در خود نهفته دارد.

تاریخ و طبیعت به هم گره خورده‌اند و شباهنگام هر دو برای دریا قصه می‌گویند. داستان دره ستاره‌ها را...

• دره ستاره‌ها

به روستای برکه می‌رویم. وقتی نشان دره ستاره‌ها را از مردم می‌گیریم، آنها پیش از دادن نشانی از باورشان درباره این دره می‌گویند که چگونه از گذشته‌ای دور ستاره‌ای از آسمان در این نقطه فرود آمد و موجب شکل یافتن این دره شد. همین موضوع دستمایه‌ای شده برای فولکلورهای زیبا و دلنشین.

این دره در غرب روستا قرار دارد. تندیس‌ها و بریدگی‌های شگفت‌انگیز طبیعی حاصل فرسایشی است که به مرور زمان شکل گرفته‌اند. حالا که همیشه آرزو داشتی ستاره‌ای بچینی به کنار تو آمده‌اند تنها کافی است دستتان را به سوی آنها دراز کنید. دستانتان مثل دلتان پر نور خواهد شد.

▪ شورتر از نمک

غارهای نمکی قشم یکی از زیباترین جلوه‌های طبیعت این مکان است. تاکنون بیش از ۶ هزار متر از این غارها شناسایی شده‌اند و به عنوان بلندترین غار نمکی جهان مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. پیش از این که پا به درون غار بگذاریم، از کارشناس می‌پرسیم اصلا غار نمکی چیست و چگونه شکل می‌گیرد. وی که خود بارها به این مکان آمده، به صورت شگفت‌انگیزی به دیواره‌ها خیره شده است. وی می‌گوید: هربار که غار را می‌بینم، انگار اولین دیدار من با اوست.

سواحلی آرام و پوشیده از شن‌های سفید در غروب به‌انتظار است تا نوازشگر حضور شما در آبی بیکران خود باشد، دیاری در جنوب که می‌توان ردی از شرق‌وغرب را در آن یافت

ابوسلمان توضیح می‌دهد: در گذشته نمک‌ها به صورت یک لایه بوده است که به مرور زمان برآمده شده و تحت‌تاثیر خاصیت شناوری که دارد با توجه به وزن حجمی آنها که از وزن سنگ‌های اطراف کمتر است، آنها را کنار می‌زند و به سمت بالا حرکت می‌کند. این نمک‌ها در مسیر خود یک سری از سنگ‌های قدیمی را چند کیلومتر از زیرزمین به سطح زمین می‌آورد که می‌تواند اطلاعات بسیار مفیدی را از گذشته زمین‌شناسی به زمین شناسان ارائه کند.

گنبدهای موجود در جزایر قشم و هرمز علاوه بر این که از جمله پدیده‌های منحصر به فرد در علم زمین شناسی محسوب می‌شود، یکی از ثروت‌های ملی کشور است و به تمام نسل‌ها تعلق دارد.

•روزنه‌ای به عهد کهن

تعجب نکنید از این که گفته شود غارهای خربس در هزاره‌های گذشته از زیر آب سر برآورده‌اند. این غارها از درون با مجموعه دهلیزها، تالارها و اتاق‌های متعدد به ابعاد ۵/۵ در ۴ متر و چشمه‌ها و روزنه‌های گوناگونی که رو به شمال و جنوب قرار دارد موید حضور مردمانی از عهد کهن در این جزیره هستند.

مورخان بر این باورند که ساختار اسرارآمیز این غارها و قرار گرفتن آنها بر بلندی این حدس را به وجود می‌آورد که این مکان در روزگار مادها نیایشگاه مهر و محلی برای ستودن الهه میترا بوده است.

غارهای خربس چهار دهانه غار از درون به هم پیوسته هستند که بر پیشانی کوهی مشرف به ساحل جنوبی جزیره واقع شده است.

کمی به دیواره‌های غار که نگاه می‌کنیم، توضیح راهنما شک ما را تبدیل به یقین می‌کند. او می‌گوید: پیداست که دست آدمیان به مرور زمان و به منظور کاربردهای گوناگون شکل و سیمای این غارها و دیواره‌های آن را دگرگون ساخته و مناسب با نیازهای خود درآورده است.

• آب و نمک

در این غار می‌توان نمایی تازه از شاهکار طبیعت در هر دوره را تماشا کنید. سقف غار به وسیله قندیل‌های فراوان پوشیده شده ا ست که با گذشت زمان در اثر نفوذ آب تغییر شکل می‌دهد.

از میان غارهای نمکی زیبا و عجیب، آب زیرزمین دائمی نیز جریان دارد و در دامنه کوه به صورت چشمه نمکی در آمده است که منظره‌ای بسیار زیبا و دیدنی ایجاد می‌کند. این غار که به عنوان گنبد نمکی نمکدان شناخته می‌شود، تنها گنبد نمکی در جزیره قشم محسوب می‌شود.

از غار با دنیای پر از رویاهای سفید بیرون می‌آییم و به سوی رنگ دیگری از این جزیره روان می‌شویم.

• جنگل دریایی حرا

هر جای این جزیره اعجازی است از شاهکار طبیعت. ایمان خواهید آورد که سازنده این همه زیبایی خود چه زیباست. این جنگل حاصل میلیون‌ها سال تلاش و سازگاری اعجاب‌انگیز جوامع جنگلی مانگرو حرا با آب شور دریا و سواحل جزر و مدی است. در این جنگل‌ها دو گونه حرا و چندل وجود دارد که حیات بسیاری از گونه‌های آبزی و حیات وحش وابستگی مستقیم و غیرمستقیم به حرا دارد. چرخه حیات و اکو سیستم در همه جا مشهود است.

اکوسیستم حرا به سبب استفاده انسان و سوخت و تغذیه دام بسیار حائز اهمیت است. آب در طول شبانه‌روز دو بار عقب‌نشینی می‌کند و دو بار پیشروی. این عمل مداوم شرایط زیستی ویژه‌ای به این جنگل دریایی می‌بخشد.

ریشه‌های اصلی حرا کوتاه و کم‌عمق‌اند و از آنها ریشه‌های فرعی و باریک وعمودی و اسفنجی به سمت بالا منشعب شده و به طور متوسط تا ۳۰ سانتی‌متر از سطح زمین بالاتر می‌رود.

این ریشه‌های هوایی بتدریج دور درخت را پوشش می‌دهند و تبدیل به یک شبکه می‌شوند. به این ترتیب امکان زیست در چنین محیط باتلاقی را فراهم می‌آورند. این ریشه‌ها از شوری اطراف می‌کاهند تا امکان تغذیه گیاه از آب بسیار شور دریا میسر شود.

جنگل‌های دریایی حرا در شبانه‌روز دو بار در آب دریا آب تنی می‌کنند. هنگام مد ماهیان زیادی به طرف جنگل حرکت خود را آغاز خواهند کرد و صیادان محلی نیز بخوبی این را می‌دانند.

تنها به شنیدن بسنده نفرمایید. مقداری صبر کنید، چون دو بار پسروی آب دریا به شما امکان دیدن مرجان‌های دریایی را می‌دهد. آنها با نغمه دریا رشد می‌کنند و خود مثال بی‌بدیل ترنم موزون ثانیه‌ها هستند. این ترنم تا ابد شنیده خواهد شد.

ساحل قشم بهشت مرجان‌های دریایی است و همین ویژگی به تنهایی مهمانان زیادی را به قشم و ساحل آن دعوت کرده است.

▪ ماهی، ماهی، ماهی

نیازی به توصیه و سفارش نیست که بگوییم ماهی بخورید. حتما میل می‌کنید. نمی‌کنید؟ وقتی دور تا دور جایی را آب فراگرفته، طبیعی است که ماهی خوراک اصلی مردمان جزیره باشد. غذاهای محلی آنها نیز بیشتر با ماهی پخت می‌شود مثل حواری ماهی که ترکیبی از سبزی ماهی، ماهی و برنج است. حواری میگو هم موجود است، تنها به جای ماهی از میگو استفاده می‌شود. حتما جای دوستانتان را خالی کنید.

▪ بر بلندای جزیره

کوه‌های قشم با شکل‌های زیبا، تندیس‌های حیرت‌انگیزی هستند. گویی دستان هنرمند طبیعت صورتی آشنا به آنها بخشیده است. از هر سو که بنگری، جلوه‌ای تکرار ناشدنی خواهید دید که نقش آن برای همیشه در یاد و خاطرتان خواهد ماند.

این نوشتار تنها یک تصویر انتزاعی است که حتی به لحظه‌ای دیدار نمی‌ارزد. هزاران قوم از این دیار گذشتند. انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، بلژیکی‌ها، آلمانی‌ها، اسپانیایی‌ها و هلندی‌ها و ... همه و همه تخریب کردند و ساختند و امروز همه آن ویرانی‌ها وقلعه‌ها راوی خاموش داستانی هستند که به قدمت آب‌های خلیج‌فارس حیات دارند. هنوز مردانی هستند که به پای این نام و نشان جانفشانی کنند مردانی مثل امام قلی‌خان... .

• خرید در منطقه آزاد

مگر می‌شود کسی به قشم بیاید و خرید نکند؟ البته هر چند منطقه آزاد است، اما نمی‌توانید هر قدر دلتان خواست خرید کنید. اول برگ سبز را خریداری بفرمایید بعد راهی بازار شوید. در قشم چندین مرکز خرید مختلف وجود دارد. با ویترین‌های رنگارنگ. البته همه ویترین‌ها از نظر آقایان یکرنگ هستند پس اصرار نکنید که آنها با شما همراهی کنند، اما اگر طالب خرید عمده هستید می‌توانید به درگهان بروید. وسایل برقی نیز در بازار فردوسی به وفور یاد می‌شود، اما در خرید وسایل بهداشتی و... کمی دقت فرمایید چون اصل و تقلبی را نمی‌شود از هم باز شناخت. راستی چانه زدن را فراموش نکنید، حتما نتیجه می‌دهد.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=369021

جزایری که در ایران وجود دارند!!

● جزیره کیش

این جزیره بیضی شکل با مساحت ۷ / ۸۹ کیلومتر مربع و با طول ۶ / ۱۵ و عرض ۷ کیلومتر ، در جنوب غربی بندرعباس و در میان آب های نیلگون خلیج فارس واقع شده است. فاصله دریایی این جزیره تا بندرلنگه پنجاه مایل دریایی است. جزیره کیش از نظر محیط زیست طبیعی، یکی از بکرترین مناطق خلیج فارس است. استعدادهای طبیعی و موقعیت جغرافیایی ویژه آن زمینه بهره‌برداری جهانگردی و تجاری از آن را در حد قابل توجهی فراهم ساخته است.

سواحل کم نظیر این جزیره مرجانی، نه تنها در فصول گوناگون سال، بلکه در طول یک روز، در ساعات مختلف جلوه‌های بدیع و گونه‌گون و بسیار زیبایی از طبیعت را به تماشا می‌گذارند. سواحل کیش در شرق و شمال شرقی و جنوب از زیباترین سواحل جهان است. در سواحل جنوب غربی آن زیباترین منظره غروب خورشید را میتوان دید. از جمله نقاط دیدنی جزیره کیش آکواریوم بزرگ آن است که در گوشه شرقی جزیره، با معماری زیبا قرار دارد و گونه‌های مختلف ماهیان و آبزیان اطراف جزیره در آن به تماشا گذارده شده است.

قریب هفتاد نوع ماهیهای تزئینی در این آکواریوم وجود دارد که از نظر شکل و رنگ پولک ها و زیبایی ظاهری، کم نظیر و برخی از آنها نیز بسیار کمیاب هستند. علاوه بر این، مرکز پرورش و کشت مروارید کیش یکی از جذاب ترین دیدنی های جزیره است. اسکله تفریحی جزیره کیش با امکانات مفید و مختصر در بخش جنوبی جزیره از دیگر جاذبه های کیش است. در این اسکله سرگرمی هایی از قبیل گردش در روی آب با قایق کف شیشه‌ای که از بالای آن می‌توان عبور گروهی ماهی ها و زیبایی های دنیای زیر آب را مشاهده کرد، هم چنین امکانات ورزش اسکی روی آب برای علاقه مندان فراهم شده است. تفریح غواصی نیز از جمله تفریحات به یادماندنی است که در آب های گرم خلیج فارس همراه راهنمایان مجرب امکان‌پذیر است.

در کنار اسکله تفریحی، پیست دوچرخه سواری نیز در پیرامون جزیره احداث شده است. در این مجموعه (اسکله تفریحی) امکان بازدید از هتل بزرگ کیش و ساختمان ساحلی کازینوی سابق وجود دارد. هم چنین در اطراف یکی از کهنسال ترین درختان جزیره، مجموعه‌ای تفریحی و دیدنی ایجاد شده که به مجموعه درخت سبز معروف است و از جمله مراکز زیبا و جذاب جزیره کیش می‌باشد و مسافران بسیاری را به خود جذب می‌کند. جزیره کیش همچنین معماری خاصی را به نمایش گذاشته است که برای هر تازه واردی جالب و در خور تحسین است. معماری کیش دو شکل متمایز دارد: یکی معماری سنتی و دیگری معماری مدرن. معماری سنتی جالب توجه است و مصالح آن غالباً از سنگ های مرجانی موجود در جزیره تشکیل شده است.

معماری جدید و مدرن جزیره نیز تقلیدی از معماری بومی و سنتی آن است که نمونه آن در «صفین» دیده می‌شود. تنها تفاوتی که میان خانه‌های

جدید و قدیم وجود دارد، پراکندگی نسبی و تنوع ارتفاع آنها است. علاوه بر آن، معابر عمومی جدید نیز به نسبت وسیع تر از معابر بخش قدیمی هستند. وسیله رفت و آمد به کیش، کشتی و هواپیما است که از طریق پرواز از تهران یا شیراز یا بندر عباس صورت می‌گیرد. از جمله امکانات موجود در این جزیره می‌توان به هتل سه طبقه، هتل کیش، کلبه‌های ویلایی، چهارکاخ از مجموعه کاخ‌ها، یک رستوران ساحلی همراه با یک سلسله ویلاهای خصوصی و توریستی مدرن و غیره اشاره کرد. افزون بر این، جزیره کیش دارای امکاناتی از قبیل قایق‌رانی، شهربازی، بازارها، مراکز عمده خرید و فروش نیز می‌باشد. جزیره کیش همچنین اولین بندر آزاد تجاری ایران است که امروزه به طور روزانه هزاران نفر جهت خرید و دیدار از زیبایی های طبیعی این جزیره به سمت کیش عزیمت می کنند .

- جزیره لاوان

این جزیره از شمال شرقی به بندر مقام، از شرق به جزیره شتور و از جنوب به حوزه های نفتی رسالت، رشادت و سلمان محدود می‌شود. وسعت این جزیره ۷۶ کیلومتر مربع است و پس از قشم و کیش بزرگ ترین جزیره ایران در آب های خلیج فارس است. فاصله این جزیره تا بندر لنگه ۹۱ و تا بندرعباس حدود ۱۹۸ مایل دریایی است. جزیره لاوان دور ترین جزیره نسبت به مرکز استان هرمزگان است. آب و هوای آن گرم و مرطوب و دمای آن در تابستان به حدود پنجاه درجه سانتی گراد میرسد و رطوبت هوای آن نیز بسیار زیاد است. ذخایر نفتی آب های نزدیک جزیره لاوان بسیار قابل توجه است.

در حال حاضر صنایع جزیره منحصر به تأسیسات نفتی است که با نام «مجتمع پالایشی لاوان» فعالیت دارد.

یکی ازشگفتی‌های این جزیره وجود کندو های عسل در کنار تأسیسات نفتی و مخازن آنها است که عسل آنها به رنگ سبز تیره است و بوی نفت می‌دهد، اما طعم آن مشابه عسل‌های معمولی است. اهالی جزیره در فصل معینی از سال به صید مروارید می‌پردازند و تنها کالای صادراتی جزیره، مروارید آن است. این جزیره یک بندرگاه مناسب برای صدور فرآورده های نفتی و یک اسکله فلزی جهت حمل و نقل دریایی دارد.

- جزیره هندورابی

جزیره هندورابی با ۸ / ۲۲ کیلومتر مربع مساحت، در فاصله ۳۲۵ کیلومتری بندر عباس و ۱۳۳ کیلومتری بندرلنگه و در حد فاصل بین دو جزیره کیش و لاوان قرار گرفته است. این جزیره سرزمینی هموار و تقریباً بدون عارضه طبیعی است. بلندترین نقطه آن بیست و نه متر و بزرگ‌ترین قطر آن هفت و نیم کیلومتر است. این جزیره از یک رشته ارتفاعات کوتاه پوشیده است و کرانه‌های آن با شیب ملایمی به دریا منتهی می‌شوند. مجاورت با دریا، اغلب موجب بالا رفتن میزان باران و رطوبت می‌شود. با این حال در تمام کرانه‌های خلیج فارس، همجواری با دریا، تأثیر چندانی بر میزان بارش این نواحی ندارد. فعالیت اقتصادی اکثر اهالی در جزیره هندورابی، صید و غواصی است.

فعالیت های صنعتی یا بهره برداری از معادن و منابع زیرزمینی و حتی صنایع دستی در هندورابی وجود ندارد. محیط زیست جزیره به دلیل بسته بودن آن محدود است و موجوداتی از قبیل انواع پرندگان کوچک، پرندگان مهاجری نظیر باز و شاهین و انواع کمی از خزندگان و موش صحرایی در آنجا یافت می‌شود. منابع تأمین آب جزیره بسیار محدود و کم است و آب مصرفی آن از طریق چاه یا آب انبار تأمین می‌شود. این جزیره از نظر سیاحت و ایرانگردی از زیر مجموعه‌های کیش است که با توجه به امکانات و استعداد طبیعی جزیره از نظر آب، خاک، هوا و شرایط خاص تجاری جزیره کیش و هم‌چنین برخورداری از زیبایی‌های طبیعی، قادر است بخشی از نیازهای سیاحتی و گردشگری ایرانگردان را تأمین کند.

- جزیره شتور

جزیره شتور در فاصله حدود یک و نیم کیلومتری جنوب شرقی جزیره لاوان قرار دارد. طول جزیره ۷ / ۱ کیلومتر و عرض آن ۸۰۰ متر است. جزیره شتور غیر مسکونی است و هیچ‌گونه فعالیتی در آن دیده نمی‌شود. این جزیره از با ارزش ترین و مهم ترین پناهگاه های حیات وحش (پرندگان، لاک‌پشت های دریایی، ماهی ها و دلفین ها) در خلیج فارس است و جزء مناطق حفاظت شده کشور می‌باشد.

- جزیره ابوموسی

جنوبی ترین جزیره ایرانی آبهای خلیج فارس، جزیره ابوموسی است. این جزیره در ۲۲۲ کیلومتری بندرعباس و هم چنین در ۷۵ کیلومتری بندر لنگه واقع شده است. جزیره ابوموسی یکی از چهارده جزیره استان هرمزگان است که بیشترین فاصله از سواحل ایرانی خلیج فارس را دارد و طول و عرض آن درحدود ۵ / ۴ کیلومتر است. شهر ابوموسی مرکز جزیره ابوموسی می‌باشد. ارتفاع آن از سطح دریا ۴۶ متر و مساحت آن دو و دو دهم کیلومتر مربع است.

جزیره ابوموسی نزدیک ترین پهنه خشکی از خاک ایران به خط استوا است که آب و هوای مرطوب و گرمتری دارد. این جزیره فاقد آب و اراضی مناسب کشاورزی است؛ ولی کشت و زرع محدودی در آن صورت می‌گیرد و بیشتر مردم بومی محل به صید ماهی اشتغال دارند.

این جزیره یکی از مراکز صدور نفت خام کشور است که با ظرفیتی قابل توجه فعالیت می‌کند. وسعت شهرستان ابوموسی ۸ / ۶۸ کیلومتر مربع است که مشتمل بر جزایر ابوموسی (با ۱۲ کیلومتر مربع)، جزیره تنب بزرگ (با ۳/۱۰ کیلومتر مربع) تنب کوچک (با ۵/۱ کیلومتر مربع)، سیری (با ۳/۱۷ دهم) کیلومتر مربع، فرور بزرگ (با ۲/۲۶کیلومتر مربع) و فرور کوچک (با ۵/۱ کیلومتر مربع) می‌باشد.

- جزیره تـنب بزرگ

این جزیره در فاصله چهارده مایل دریایی از جنوب غربی جزیره قشم، در فاصله نود و هفت مایل دریایی از بندرعباس و در فاصله بیست و هفت مایل دریایی از شمال شرقی ابوموسی واقع شده است. طول و عرض آن سه و هفتاد و پنج دهم در سه و نه دهم کیلومتر و مساحت آن ده و سه دهم کیلومتر مربع می‌باشد. مرتفع ترین نقطه جزیره تنب پنجاه و سه متر از سطح دریا ارتفاع دارد در قسمت‌های جنوب غربی این جزیره و در نزدیکی سواحل آن، خانه های مسکونی از راه چندین خیابان و جاده به هم پیوسته‌اند. این جزیره دارای موج شکن و لنگرگاه است. مردم بومی این جزیره از صید ماهی و مروارید امرار معاش می‌کنند. در این جزیره معدن خاک سرخ نیز وجود دارد.

- جزیره تـنب کوچک

این جزیره مثلث شکل در شش مایلی غرب جزیره تنب بزرگ قرار دارد. فاصله آن تا مرکز استان، از طریق دریا، حدود صدو پنج مایل دریایی می‌باشد. بزرگ‌ترین قطر جزیره یک و نه دهم کیلومتر و مساحت آن حدود دو کیلومتر مربع است. این جزیره غیرمسکونی است و مرتفع ترین نقطه آن از سطح دریا، بیست و یک متر ارتفاع دارد.

- جزیره سیری

این جزیره در قلب آب‌های خلیج فارس قرار دارد. فاصله آن تا مرکز شهرستان ابوموسی که در قسمت شرقی جزیره سیری واقع شده، درحدود بیست و هفت کیلومتر است همچنین فاصله دریایی آن تا مرکز استان، در حدود ۱۵۲ مایل دریایی است. وسعت جزیره سیری ۳/۱۷ کیلومتر مربع می‌باشد. این جزیره فاقد پستی و بلندی بوده و نسبتاً مسطح است. مرتفع ترین نقطه آن بیست و چهار متر از سطح دریا ارتفاع دارد و بزرگ ترین ابعاد طولی و عرضی جزیره شش و یک و چهار و شش دهم کیلومتر است.

در قسمت های شمالی و نزدیک سواحل جزیره، مناطق مسکونی همراه با سایر تأسیسات جای گرفته‌اند. اهالی بومی جزیره از طریق ماهیگیری و صید میگو و کشاورزی محدود، زندگی و امرار معاش می‌کنند و همچنین عده‌ای ازمردم جزیره در تأسیسات نفتی کار می‌کنند. در این جزیره تعداد قابل توجهی نخل خرما بطور پراکنده وجود دارد که محصول آن فقط مصرف محلی دارد. این منطقه پوشش گیاهی فقیری دارد. در این جزیره معدن خاک سرخ نیز موجود است.

- جزیره فرور بزرگ

یکی دیگر از جزایر قلمرو استان هرمزگان، جزیره فرور بزرگ است که در فاصله سی و شش مایلی شهر ابوموسی و در فاصله حدود صد و چهل و یک مایلی از بندرعباس قرار دارد. بزرگ ترین ابعاد طولی و عرضی جزیره هفت و نیم و چهار و نیم کیلومتر می‌باشد. فاصله آن تا نزدیک ترین نقطه سواحل ایران در حدود بیست کیلومتر و مساحت آن بیست و شش و دو دهم کیلومتر مربع و ارتفاع بلندترین نقطه آن از سطح دریا صد و چهل و پنج متر است. سطح جزیره از تپه ماهورهای کوچک تشکیل شده است. این جزیره بر روی یکی از کمربندهای زلزله خیز جهان قرار دارد. رنگ آب در نزدیکی جزیره سیاه است.

جزیره شیب‌های تند و پرتگاه‌هایی دارد که گاهی ارتفاع آنها از ده متر بیشتر است. بقایای ساختمان‌های مخروبه و اراضی کشاورزی بایر و چاه های آب نشانه مسکونی بودن جزیره در زمان‌های گذشته است؛

ولی در حال حاضر، جزیره غیرمسکونی است و تنها تعدادی مأمور دولتی در آن حضور دارند. در آب‌های این جزیره ماهی فراوان وجود دارد و به همین خاطر صیادان در اطراف آن فعالیت زیادی دارند. از کانسارهای مهمی که در این جزیره وجود دارد، معدن آهن است است که از یک لایه رسوبی تشکیل شده و ذخیره آن حدود پانصدهزار تن برآورد شده است. در این جزیره یک چراغ دریایی نیز وجود دارد.

جزیره فرور بزرگ یکی از کانون‌های زیست حیات وحش است و تعداد بی‌شماری از پرندگان از قبیل: عقاب ماهیگیر، طوطی، چک‌چک، قمری خانگی، چکاوک کاکلی، پرستو، بلبل خرما، چاخ لق، هدهد، دم جنبانک زرد، دو سرخ معمولی، چک‌چک سرسیاه، زنبور خور معمولی، یاکریم و ... همچنین پستاندارانی از قبیل جیر و جانورانی همچون یک نوع خارپشت، مارمولک، مار جعفری و عقرب در آن زندگی می‌کنند.

- جزیره فرور کوچک

این جزیره در قسمت شمال غربی جزیره ابوموسی واقع شده است و حدود سی و شش مایل دریایی تا شهر ابوموسی و صد و چهل و نه مایل

دریایی تا بندرعباس فاصله دارد. مساحت این جزیره یک و نیم کیلومتر مربع و بلندی مرتفع ترین نقطه آن از سطح دریا سی و شش متر است. بزرگ ترین ابعاد طولی و عرضی جزیره، یک و چهار دهم و یک و یک دهم کیلومتر می‌باشد. جزیره فرور کوچک و سواحل آن، به علت موقعیت اقلیمی و استقرار در مسیر مهاجرت پرندگان دریایی، زیستگاه گونه‌های متنوع پرندگان مهاجر و بومی است. این جزیره غیر مسکونی می‌باشد.

منبع : ایران هتل آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=352352

vista.ir
Online Classified Service

جزیره سنتورینی

Golden princess cruses یك گردش روزانه باشكوه از جزیره كرت به جزیره یونانی به نام سنتورینی را به شما عرضه می‌كند.

●جزیره سنتورینی Santorini

جزیره‌ای كه از آتشفشان به وجود آمده و به لحاظ زیبایی و قدمت تاریخی بی‌نظیر است.سنتورینی جزیره‌ای جادویی متفاوت و غیر قابل مقایسه با دیگر جزایر محسوب می‌شود. این جزیره در دریای اژه واقع شده است.

این جزیره‌ی برخاسته از آتشفشان، شهرتش در تاریخ زمین به عنوان یكی از فاجعه‌انگیزترین زمین لرزه‌ها زبانزد خاص و عام است. مسافران این گردش، هیجان دیدار Akrotiri سردار مشهور دریای اژه و روستاهای سنتی Pyrgos و La را با هم تجربه می‌كنند.

●امكانات داخلی كشتی و سرویسها

The MTS Golden prince یك كشتی مسافری لوكس است كه در سال ۱۹۷۳ ساخته شده است و در سال ۲۰۰۳ به یك كشتی تفریحی روزانه تبدیل شد. این كشتی ارایه دهنده‌ی فضاهای سرگرمی وسیعی از قبیل پیانو، سالن اصلی برای ۴۵۰ نفر، سالن غذاخوری برای ۴۰۰ نفر، استخر شنا، سالن تئاتر و سینما، فروشگاه سوغات، عكاسی، زمین بازی برای بچه‌ها و عرشه‌ای به وسعت ۱۴۰۰ پای مربع، تمامی این فضاها به سیستم تهویه هوای تمام اتوماتیك مجهز می‌باشد. پیشنهاد می‌شود سفر با این كشتی را از دست ندهید!

یك جو آرامش‌بخش با یك غذای باشكوه یونانی و بین‌المللی همراه سرویسی صمیمانه در فضایی شناور بسیار لذت بخش خواهد بود.

●هتل تیوكسینیا Theoxenia Hotel

جزیره سنتورینی، یونان

Superior

هتل تیوكسینیا، سومین هتل قدیمی جزیره در شهر فایرا مركز سنتورینی واقع شده است. این هتل در سال ۱۹۷۳ ساخته و در سال ۲۰۰۱ به طرز زیبایی بازسازی شد. كلیسای شهر در كنار این هتل قرار دارد. هتل تیوكسینیا شهرتش را به خوش‌آمدگویی گرم و سرویس‌دهی عالی بنا نهاده است. قرار گرفتن هتل در میان صخره‌ها از امتیازات آن است. این هتل تمامی هر آنچه كه در هتلهای شهری است همراه یك احساس لطیف امروزی به میهمانان ارایه می‌دهد. در انتخاب رنگها، پارچه‌ها، تابلوها و مبلمان ساخته شده از بلوط تعادل عالی و هماهنگی جالبی در هر نقطه منعكس می‌شود.

اتاقهای هتل هرکدام آرامش و لذت را به شخص هدیه می‌کند. این هتل باشکوه ایده‌آل مکانی مناسب برای تعطیلات و یا سفرهای کنفرانسی شما می‌باشد.

هر اتاق مجهز شده است به امکاناتی از قبیل یك تلفن مستقیم و یك LAN Line برای Lap top و اتصالات اینترنتی، بالکن با چشم‌اندازی زیبا، سشوار، تلویزیون با اتصال به ماهواره، رادیو، مینی‌بار، گاو صندوق و کامپیوتر در صورت نیاز.

فاصله‌ی این هتل تا فرودگاه ۷ کیلومتر و تا بندر ۶ کیلومتر است.

امکانات هتل شامل نگهداری بچه‌ها، پارکینگ، دفتر اجاره اتومبیل، کارتهای اعتباری AXD, DC, MC, JCB, VI، تبدیل پول، دکتر کشیك، خشکشویی، مستخدم، دفتر تور که این خدمات از ساعت ۷:۳۰ صبح یا ۱۱:۳۰ شب ادامه دارد.

مسافر می‌تواند برای فرار از درگیریهای روحی از حمام آبگرم مفرح با منظره‌ی زیبای آتشفشانی که در سقف این هتل قرار گرفته استفاده کند ضمن اینکه غروب حیرت‌آور آن ممکن است همان چیزی باشد که مسافر قبل از یك شام رمانتیك در جستجوی آن می‌باشد.

●Hotel Montebello Splendidn

Florence- ITALY

هتل مونته‌بلو اسپلندید

فلورانس- ایتالیا

مترجم: خوشه کسرائی

هتل مونته‌بلو اسپلندید در مرکز تاریخی فلورانس در میان خانه‌های سنتی ایتالیایی واقع شده است. این ویلای قرن نوزدهمی که در ۶۰۰ متری پونته وکیو (پل قدیمی) و رودخانه آرنو قرار گرفته است، به تازگی پس از مرمت و بازسازی به هتل زیبای ۵ ستاره‌ای تبدیل شده و دارای تمام امکانات رفاهی و فضایی گرم و صمیمی می‌باشد. آثار تاریخی و دیدنی فلورانس از جمله سانتا ماریونولا (کلیسای اصلی شهر)، مجسمه‌ی داوود اثر میکل‌آنژ، موزه‌ی اوفیتزی، میدان سنیوریا و قصر دوك همگی در فاصله‌ای کمتر از یك کیلومتری هتل و در آنسوی رودخانه آرنو واقع شده‌اند. هتل مونته‌بلو اسپلندید مجموعاً دارای ۶۱ اتاق و سوییت‌های مجلل و زیبا می‌باشد که همگی با رنگهای ملایم و دلنشین و دکوراسیون ایتالیایی تزیین شده‌اند و مزین به لوازم و وسایل آنتیك و قیمتی می‌باشند. امکانات دسترسی به اینترنت از طریق LCD. TV در کلیه‌ی اتاق‌ها موجود می‌باشد. از مشخصات ویژه‌ی اتاق‌ها می‌توان به بالکن‌های مشرف به بناهای تاریخی و حمام‌هایی از سنگ مرمر ایتالیایی و دارای ماساژ آبی اشاره کرد.

در رستوران هتل علاوه بر منوی مدیترانه‌ای، غذاهای کم کالری مخصوص افراد رژیمی نیز سرو می‌شود. در کافی شاپ تابستانی ایل پورتیکو Il Portico در فضایی دلنشین و زیبا با انواع نوشیدنی‌های سرد و گرم از میهمانان پذیرایی می‌شود.

ضمناً امکان استفاده از پارکینگ مجهز زیرزمینی هتل برای میهمانانی که با اتومبیل سفر می‌کنند نیز موجود می‌باشد.

سایر امکانات هتل شامل: سالن کنفرانس، امکانات نگهداری از حیوان خانگی، امکانات برای معلولین، وسایل بازی کودکان، آشپزخانه متصل به اتاق، استخر شنا، سونا و جکوزی، چشمه‌ی آب معدنی و سالن بدنسازی می‌باشند.

▪نرخ و تعرفه‌ی اتاق‌ها و سوییت‌ها در فصل‌های مختلف توریستی

low Season

یك تخته ۱۷۰ یورو

دو تخته (دابل وتویین) ۲۳۰ یورو

سوییت کوچك ۳۵۰ یورو

سوییت ۵۵۰ یورو

Medium Season

یك تخته ۱۸۰ یورو

دو تخته (دابل وتویین) ۲۳۸ یورو

سوییت کوچك ۳۸۱ یورو

سوییت ۵۵۸ یورو

High Season

یك تخته ۱۹۳ یورو

دو تخته (دابل وتویین) ۲۶۰ یورو

سوییت کوچك ۳۸۹ یورو

سوییت ۵۷۸ یورو

Bauer Hotel

Venice- ITALY

●هتل بائر

ونیز- ایتالیا

هتل مجلل و باشکوه بائر در شهر رویایی ونیز ایتالیا و در فاصله‌ی کمی از میدان و کلیسای سن مارکو (San Marco) قرار گرفته است. این هتل که نمونه بی‌نظیری از معماری ایتالیایی سالهای ۱۹۴۰ می‌باشد، در قلب ونیز و در نزدیکی موزه معروف و مراکز خرید اطراف میدان سن مارکو واقع شده است و چشم‌انداز زیبایی به کلیسای باروك و کانال کمپوس مویزه (Campo San Moise) دارد.

تمامی ۱۱۵ اتاق این هتل به طور فوق‌العاده زیبا و با حفظ حالت قدیمی و اصالت معماری ونیزی مرمت و بازسازی شده است. دکوراسیون همه‌ی اتاق‌ها و سوییت‌ها بسیار لوکس و مجلل و با استفاده از مبلمان و وسایل آنتیك و قیمتی انجام شده است و در عین حال ترکیب هنرمندانه‌ای از سبك کلاسیك و هنر مدرن می‌باشد.

بالکن‌های برخی از اتاق‌ها به کانال‌های آبی مشرف می‌باشند که در ونیز حکم خیابان و شبکه‌های ارتباطی شهری را دارند. منظره‌ی زیبا و رومانتیك تردد «گندلا»های ونیزی (Gondola) که قایق‌های سنتی ونیز هستند، از این بالکن‌ها به خوبی قابل رویت می‌باشد.

به تازگی، در مجاورت هتل بائر هتل آپارتمان «بائر کازانوا» Bauer Casa Nova که دارای ۹ سوییت آپارتمان لوکس و ۱۰ اتاق مجلل می‌باشد احداث شده است.

رستوران معروف هتل (دپیسیس) "De Pisis" با چشم‌اندازی به کانال آبی اصلی شهر ونیز در فضای دلنشین و رومانتیك داخل هتل و همچنین تراس زیبای تابستانی با انواع غذاهای سنتی ونیزی و ایتالیایی، مدیترانه‌ای و کنتینانتال پذیرای میهمانان گرامی می‌باشد. همچنین در کافی شاپ هتل با همان چشم‌انداز زیبا و رویایی و اسکای لاین ونیز (Sky line) تابستانها در فضای باز و همراه با موزیك زنده و زمستانها در فضای داخل هتل با موسیقی دلنواز پیانو با انواع نوشیدنی‌های سرد و گرم از میهمانان پذیرایی می‌شود.

سایر امکانات موجود در این هتل ۵ ستاره شامل سالن‌های کنفرانس، و برگزاری جشن‌ها و جلسات برای صدو بیست نفر، بوتیك، آرایشگاه و مناسبت‌های ویژه در سراسر سال و ترانسفر فرودگاهی می‌باشد.

هتل بائر مجموعاً ۹۷ اتاق و ۱۸ سوییت مجلل و زیبا دارد و فاصله‌اش از فرودگاه مارکوپولو ۳۰ دقیقه و از ایستگاه راه‌آهن ۱۵ دقیقه می‌باشد. امکانات تفریحی و گردشی دیگری که در هتل در اختیار میهمانان قرار می‌دهد شامل سالن بدنسازی، چشمه‌های آب گرم. سونا و جکوزی، گلف، تنیس، قایقرانی، سولاریوم، سوارکاری و ورزشهای آبی می‌باشد. از آنجا که نرخ اتاق‌ها و سوییت‌های هتل در مقاطع مختلف سال متفاوت می‌باشد.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227925

vista.ir
Online Classified Service

جزیره قشم

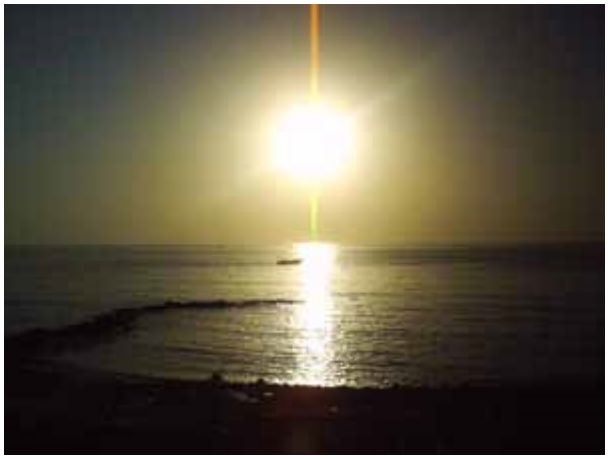

وقتی وارد جزیره قشم می شوی دو حس متفاوت به تو دست می دهد اول مات و مبهوت می مانی از عجایب و ویژگیهای طبیعی منحصر به فرد آن و دیگر غبطه می خوری که چرا تاکنون آن را کشف نکرده ای.

وقتی وارد جزیره قشم می شوی دو حس متفاوت به تو دست می دهد اول مات و مبهوت می مانی از عجایب و ویژگیهای طبیعی منحصر به فرد آن و دیگر غبطه می خوری که چرا تاکنون آن را کشف نکرده ای. تصور این که در منطقه اکوتوریستی به نام جنگل حرا اما بالا آمدن آب دریا، درختان در آب فرو می روند و از دیده ها پنهان می شوند. اما با پایین آمدن آب دریا دشت وسیعی از درختان جنگل حرا در برابر دیدگان آشکار می شود و تو را به وجد می آورند.

عجایب هفتگانه قشم بسیاری را از سراسر جهان به عنوان گردشگر به خود جذب می کند. جنگل حرا، جزایر مرجانی، کوه گنبدی نمك، دره ستاره ها، بریدگی به شکل صلیب(+)، ساحل لاك پشتهای عظیم جثه و بام قشم تحسین هر بیننده ای را به دنبال دارد.

قشم حتی اگر هیچ جاذبه دیگری نمی داشت، فقط سواحل بکر و آبهای زلال آن کفایت می کرد تا همچنان پایگاه توریسم باشد.

جزیره قشم با مساحت ۱۵۰۰ کیلومتر مربع از ۲۲ کشور دنیا بزرگتر است و به لحاظ استراتژیك در دهانه تنگه هرمز -در کنار جزایر هنگام، هرمز و لارك- قرار دارد. نزدیکترین فاصله آن با سرزمین مادر –ایران- ۸/۱ کیلومتر در حد فاصل بندر لافت و روستای پهل (بندر خمیبر) و دورترین فاصله آن ۲۲ کیلومتر از بندرعباس است.

آب و هوای جزیره قشم نسبتا گرم و مرطوب است و در آن به ندرت باران می بارد. در چهار ماه از سال- تابستان- گرم و نیمه استوایی همراه با وزش باد، شرجی و در ۹ ماه دیگر -مخصوصا زمستان- بهاری و مطبوع با رطوبت نسبی ۷۴ درصد است. میانگین دمای روزانه در سال ۲۷ درجه و حداکثر ۳۲ درجه گزارش شده است.

پوشش گیاهی قشم را گیاهانی از قبیل درختان کنار (سدر)، کرت، کهور، سمر، گز، سلم، کرما، هیوی و آرو تشکیل می دهد. افزون بر این از جنگلهای زیبا و منحصر به فرد حرا (مانکرو) نیز باید به عنوان یکی از جاذبه های توریستی این جزیره نام برد. درخت حرا که گونه ای رو به انقراض از نباتات جهان است، جنگلی زیبا و دیدنی به وسعت ۲۰۰ کیلومتر مربع را در آب ساحلی شمال غربی جزیره قشم تشکیل می دهد و در عین حال یکی از غنی ترین زیستگاههای پرندگان مختلف و گونه های با ارزش و گاه کمیاب جهان است و در حال حاضر یك منطقه حفاظت شده بین المللی است. علاوه بر گیاهان نام برده شده، گیاهان دارویی مثل سرمه، پنیرك، ترشك، پارهنگ، المیوس، تخم شربتی، شکرشك، آویشن، کانس، خرك و زیره سیاه را می توان نام برد.

موقعیت جغرافیایی جزیره قشم و وجود زیستگاههای متنوع نظیر محیط تالابی جنگلهای حرا، پهنه های گلی، سواحل شنی، خورهای پرپیچ وخم، برکه های فصلی و مناطق آبی کم عمق، تپه ماهورهای متنوع، مناطق بیابانی، مزارع و باغهای کشاورزی و چمنزارهای فصلی سبب شده این جزیره از تنوع و تراکم گونه های مختلف پرنده غنی باشد.

در جزیره قشم ۱۹ گونه پرنده بومی و ۷۶ گونه مهاجر کنارآبزی و خشکزی دیده می شود و سه گونه گیلانشاه خالدار، خروس کولی دشتی و پلیکان خاکستری که از پرندگان ثبت شده در کتاب قرمز IUCN است، به عنوان مهاجر زمستانی جزیره شناسایی شده اند. انواع لاك پشتهای دریایی از دیگر جانوران سواحل قشم هستند. در جزیره قشم عقاب، روباه و جبیر نیز زندگی می کنند.

- دیدنیهای جزیره قشم

▪ غارهای خربس: که به فاصله ۱۰ کیلومتر از شهر قشم قرار دارد و از غارهای دریایی است که بر اثر گرداب و تخلیه ماسه ها از حفره سنگها پدید آمده است. عمر غار بسیار زیاد است. اما در دوره های پیش از اسلام با افزودن بر وسعت غار بر بخشهای تالار و دهلیزهای انشعابی به احتمال زیاد از آن برای پناهگاه کودکان، زنان و سالخوردگان به هنگام یورش دشمن استفاده می شده است.

▪ بام قشم: دشتی هموار در ارتفاعات به وسعت تقریبی ۲۰ کیلومتر مربع بین دو روستای سلخ (درسواحل جنوبی) و طبل (در سواحل شمالی) واقع و بخش وسیعی از آن نیز پوشیده از درختان تنومند است و همواره نسیمی خنك از جانب دریا به این دشت می وزد. دره مجاور بام قشم نیز با

صدها ستون و اشکال پدید آمده از عوامل فرسایش حیرت انگیز می نماید.

▪ چاهکوه: چاهکو دره ای با احجام و تندیسهای بی نظیر و پوشیده از صدها حفره و کاسه و طاقچه بر تنه عمودی آن با جویهای سنگی و چاههای آب از یورش باد، بارش بارانهای تند و تابش آفتاب داغ پدید آمده است. این دره در ۱۰۰ کیلومتری شهر قشم و در مجاورت روستای چاهوی غربی قرار دارد.

▪ دره ستاره ها: یکی از خارق العاده ترین نقاط این جزیره است که با تندیسها و بریدگیهای عجیب و شگفت آور خود هر بیننده ای را متحیر می سازد.

▪ قلعه های تاریخی: در مجموعه بندر لافت، قلعه نادری با ویژگی قلعه های ایرانی، در جوار چاههای تلا (طلا) از دژهای مستحکم دفاعی جزیره قشم بوده است. از دیگر قلعه های تاریخی جزیره قشم قلعه پرتغالیها -در کناره ساحل دریایی شهر قشم- است.

▪ شاه شهید: از باغ متبرکه که به تصمیم سازمان منطقه آزاد قشم بازسازی شده و صحن و فضای آن گسترش یافته است. زیارتگاه شاه شهید در جوار غارهای خربس قرار دارد. مردم بومی جزیره درباره شاه شهید داستانهای دل انگیزی نقل می کنند.

▪ درخت انجیر معابد: از رستنی های شگفت انگیز مناطق حاره، مخصوصا جزایر خلیج فارس درخت همیشه سبز لور -معروف به انجیر معابد- است که تاجی بسیار بزرگ با ریشه های هوایی متعدد دارد و میوه رسیده نارنجی رنگ آن مطبوع و خوراکی است. یکی از زیباترین آنها در روستای "تم سنتی" منطقه توربان هست.

▪ چاههای تلا (طلا): در بندر تاریخی لافت و در جوار قلعه نادری حلقه های چاه آب فراوانی به چشم می خورد که مردم سخت کوش این منطقه با زحمت زیاد در دل سنگهای شیستی کفه انتهای مجوطه حفر کرده اند. می گویند تعداد این چاهها به تعداد ایام سال کبیسه،۳۶۶ حلقه بوده و در هر روز از سال دهانه یکی از آنها را باز و از آن استفاده می کرده اند.

▪ مسجدها: در قشم از سال اول هجری قمری مسجدهایی مانده است که قدیمی ترین آن مسجد شیخ برخ در روستاهای کوشه است که یك بار بر اثر زلزله ویران شد. اما در اواخر قرن سوم آن را بازسازی کرده اند. در جوار این مسجد، زیارت شیخ برخ، گنبد ویژه هشت گوش قرار دارد. سنگ گورهای بسیار کهن از سده اول هجری در گورستان مجاور شیخ برخ به چشم می خورد. از دیگر مسجدهای قشم می توان مسجد قباد، مسجد رمچاه و مسجد لافت را نام برد.

▪ کوه های قشم: بی شك در دروان قبل از تاریخ، آنچه امروزه جزیره قشم خوانده می شود در زیر آبهای خلیج فارس قرار داشته است. اما بر اثر تحولات در منطقه چین خورده در رشته کوه زاگرس و بخشهای برآمده زیر دریا به صورت جزیره درآمده اند. از این جهت قشم کوههای کم ارتفاع فراوان دارد. سطح این کوههای مرجانی، اسفنجی و دو کفه اینها پوشانده اندکه خود موجب حفاظت خاکهای نرم شیست و مارن زیر سطح مرجانی شده است. با وجود این بادها، بارانها و توفانهای باران زا که تقریبا موازی با زوایه کمی از زمین می وزند باعث فرسایش تنه کوهها و فروریختن پوششهای مرجانی شده اند. در اثر این فعل و انفعالهای طبیعی، نمادها و تندیس های زیبایی در سراسر جزیره پدید آمده اند که جزیره قشم و جزایر اطراف آن را از دیگر جزایر خلیج فارس ممتاز و به راستی استثنایی ساخته اند.

▪ کوه نمك: بخشی از کوههای جزیره قشم به دلیل انباشتگی آب دریا در گسلهای عمیق و ضمن رسوب نمك، تبدیل به کوهها و غارهای نمکی شده اند. کوه نمك در جنوب غرب جزیره با دیگر معادن نمك و غارهای نمکی جزیره از یك جنس هستند. بلورهای نمك و جریان آب نمك آلود منظره دلپذیری به غارهای نمکی جزیره قشم بخشیده اند.

▪ معادن: ذخایر معدنی غنی و گوناگونی در جزیره قشم هست که عمده ترین آنها عبارتند از: گاز و نفت و شن و ماسه و نمك آبی و سرب و گوگرد و نمك. منابع گاز و نفت عمدتا در سلخ و گورزین واقع شده اند.

منبع : ماهنامه سفر

http://vista.ir/?view=article&id=244910

vista.ir
Online Classified Service

جزیره های شگفت‌انگیز در میان دریای شن‌های روان

آب و هوای بیابانی و نیمه‌بیابانی، بخش وسیعی از فلات مرکزی و کناره‌های جنوب ایران را پوشش می دهد. این نواحی بیابانی و صحراها حدود یک چهارم مساحت کشور را شامل می‌شود.

وسعت بیابانهای ایران بالغ بر ۳۴ میلیون هکتار است که ۱۲ میلیون هکتار آن را شنزار و ماسه‌زار تشکیل می‌دهند. ۵ میلیون هکتار از این ماسه‌زارها فعال و روان هستند. وسعت ماسه‌زارها و نواحی کویری کشور ما بیش از وسعت کشورهایی مانند قطر، بحرین و کویت است.

اما این پهنه وسیع سرشار از شگفتیهایی است که گاه بسیار ناشناخته مانده‌اند. شاید به خاطر طبیعت کویر که تنها طبیعت گران اهل دل را به خود می‌خواند و یا دشواری سفر به این نواحی علت اصلی این امر باشد. از نظر دور ماندن جزیره‌هایی شگفت در میان دریای شنهای روان.

● دریاچه نمک

در حدفاصل استانهای اصفهان، سمنان و قم، فرشی سفید و بلورین بر زمین گسترانیده شده است.

وسعت و عظمت دریاچه نمک و طرح‌های هندسی بلورهای نمک؛ بیننده را به حیرت فرو می‌برد.

این دریاچه حاصل چندین هزار سال ورود آب شور رودها و سیلابهایی است که نمک خاک شور منطقه را در خود حل کرده و پس از تبخیر در این دریاچه برجا گذاشته است.

در میان دریاچه کوهی به چشم می‌خورد. این کوه که به کوه سرگردان معروف است، کوهی آتشفشان است که از سطح دریا ۸۰۸ متر ارتفاع دارد. این کوه دارای خاکی سرخ رنگ و سطح مملو از سنگ‌ها و گدازه‌های آتشفشانی است.

● کاروانسرای مرنجاب

در حاشیه جنوبی دریاچه، کاروانسرای مرنجاب قرار دارد. این بنای آجری در مسیر یکی از شاخه‌های معروف جاده ابریشم قرار گرفته است. سردر زیبای آن مشرف به قناتی پرآب و زیبا است.

در ایران معمولاً مسافت بین کاروانسراها حدود ۶ فرسنگ (۳۶ کیلومتر) بود تا مسافران پس از طی مسافتی در یک روز، شب را در کاروانسرای بعدی پناه گیرند. کاروانسرای مرنجاب در عصر طلایی ایجاد کاروانسراهای ایران، یعنی دوره صفوی بنا شد.

این کاروانسرا به شکل قلعه‌ای مربع شکل ساخته و ۶ برج در دیوارهای آن تعبیه شده است. ابعاد حیاط۰۲۳۰x متر است و چندین اتاق و شاه‌نشین در دور آن قرار دارد.

قنات نزدیک این بنا، استخری به ابعاد۱۰ x۴ را پر می‌کند. وجود چنین قنات پرآبی به همراه استخر و درختان اطراف آن در میان کویر نعمتی بزرگ محسوب می‌شود. محوطه اطراف استخر توسط آجرهای مربع شکل به طرز زیبایی فرش شده و برای سپری کردن شب، بهترین محل است.

● سیاه کوه

در شمال کاروانسرای مرنجاب سیاه کوه دیده می‌شود این کوه سیاه رنگ به ارتفاع ۱۸۶۰ متر دارای طبیعتی منحصربه‌فرد است و به دلیل دور از دسترس بودن از دست یغماگر بشر، هنوز طبیعتی بکر دارد. اطراف کوه باتلاقهایی است که تاکنون بارها مسافران بی‌تجربه را به کام خود کشیده و هرگز اثری از آنها یافت نشده است.

به همین دلیل فقط با راهنمای محلی مجرب می‌توان از این کوه دیدن کرد. از آنجا که این کوه در پارک ملی کویر قرار دارد، داشتن مجوز از اداره منابع طبیعی برای بازدید از محل الزامی است.

- جندق

جندق شهری است کوچک و قدیمی که تا تهران ۶۵۰ کیلومتر فاصله دارد. این شهر که در ۳۵۰ کیلومتری شمال شرق اصفهان قرار دارد از شمال به کویر بزرگ، از غرب به کویر ریگ جن و رشته‌کوههای جندق، از جنوب به بیابانهای اطراف خور و از شرق به حاشیه جنوبی دشت کویر محدود می‌شود.

این شهر در ۲۶۰ کیلومتری جنوب دامغان واقع است. سراسر این ۲۶۰ کیلومتر هم صرف‌نظر از چند روستای کوچک ابتدای مسیر، بیابان و دور از دستکاری و خرابکاری بشر در طبیعت است.

طبق آخرین سرشماری، جمعیت جندق حدود ۴ هزار نفر است که بیشتر آنها دامدار و کشاورزند.از مهمترین محصولات آن می‌توان به زعفران، سیر، گندم و جو اشاره کرد، البته نانهای محلی شهر جندق را نیز نباید از یاد برد.زبان مردم جندق فارسی است ولی مردم بعضی از روستاها مثل گرمه، اریب، ایراج و فرخی لهجه ویژه‌ای دارند و در زبانشان واژگان پهلوی بسیار است.

جندق در زمانهای گذشته در مسیر شاهراه ارتباطی کاروان گذر جندق به بیدستان قرار داشت و کاروانهایی که از سمت جنوب ایران قصد عزیمت به ری و شمال کشور را داشتند، پیش از گذر از دریای کویر، در جندق اتراق می‌کردند.

درحال حاضر جندق محور ارتباطی اصفهان، نائین، انارک، جندق، دامغان، مشهد است و مسافرانی که از اصفهان و شهرهای جنوبی ایران قصد عزیمت به مشهد را دارند، از این محور استفاده می‌کنند.

تاریخ این شهر به دوران ساسانی برمی‌گردد. زمانی که انوشیروان ساسانی این مکان را به عنوان تبعیدگاه برگزید، در آن قلعه و بارویی ساخت که در سالیان دراز دور قلعه را خانه‌هایی محصور کرده بود و حالا جندق، شهری در دل کویر است.

مردم این شهر اندک زراعتی دارند و در خانه‌های ساده‌شان دار قالی برپاست. طاقها و رواق‌های کوتاهی در کوچه‌ها دیده می‌شود.

چون در قدیم راهزنها به شهر حمله می‌کردند، در خانه‌ها را کوتاه می‌ساختند و طاقهای کوتاهی را در کوچه‌ها بنا می‌کردند تا اسبهای راهزن‌ها وارد خانه‌هایشان نشوند.

چاههایی که به قنات وصل می‌شوند در همه خانه‌های قلعه وجود دارند. اما این چاهها شکل عجیبی دارند. برای اینکه راهزن‌ها نتوانند وارد حیاط خانه‌ها شوند، این چاهها به شکل مارپیچ ساخته شده‌اند و اکنون این سؤال مطرح است که چه کسی این چاهها را حفر کرده است؟

اینجا شهر شاعریست به نام یغمای جندقی. خانه قدیمی این شاعر عهد قاجار در قلعه جندق واقع است.

شهر جندق چیزی کمتر از ابیانه ندارد اما از اقبال ابیانه نصیب نبرده است. همه جای این شهر به‌خصوص قلعه، بافتی قدیمی، حتی ۱۵۰۰ ساله دارد.

- مصر

و اما روستای مصر، روستایی محصور در میان موج‌های بلند اما آرام شن‌های روان. این روستا در ۴۰ کیلومتری شرق جندق و ۵۰ کیلومتری شمال خور از توابع استان اصفهان قرار دارد.

شن‌های روان این منطقه که محلی‌ها با ترکیب زیبای فارسی <ماسه‌بادی رمل> از آن نام می‌برند. همه چیز این دریاست که برخلاف دریای مرسوم کمتر موجودی زنده یا مرده در آن یافت می‌شود، این ماسه بادی‌ها تا دیوار به دیوار چینه‌های روستا و زمین‌های کشاورزی آن پیش آمده‌اند.

اما مردمان این روستا، با توسل به کاریز (قنات)، جزیره‌ای ساخته‌اند، بستر نعمت: خرما، انار، صیفی و... شاید هم همین نخلهای استوارند که این سرسبزی‌ها را میان این همه بی‌آبی به ارمغان آورده‌اند.

این روستا واحه‌ای است در ۴۰ کیلومتری شرق جندق که حضور جهانگردان خارجی در آن، یکی از شیرین‌ترین خاطرات ۴۰ خانوار ساکن در آن است و جندق نیز شهر کویری کوچکی است که درست در میانه راه دامغان و نایین و اصفهان قرار دارد.

مصر دهکده‌ای است جدا افتاده از جاده اصلی که بیشتر به آوردگاهی می‌ماند که در آن درختان کهن و راست‌قامت نخل به همراه سازه‌های خشتی و بادگیرهای آفتاب‌خورده‌اش، مدتهاست مشغول زورآزمایی با تپه‌های لغزان شن هستند.

نام این روستا خود داستانی دارد. بنیانگذار این روستا فردی بود به نام یوسف، که به کار شبانی مشغول بود. از عمر این روستا شاید ۱۰۰ سال بیشتر نمی‌گذرد.

نام پیشین آن به نام بنیانگذار روستا، <مزرعه یوسف> بود و بعدها به چاه دراز تغییرنام داد. زیرا آب مصر از چاهی عمیق در حدود ۲۵ کیلومتری

روستا تأمین می‌شود.

چون چاه عمیق است اهالی منطقه، این روستا را به نام <چاه دراز> می‌شناختند تا آنکه یوسف با توجه به نام خودش، از داستان حضرت یوسف(ع) در قرآن الهام گرفت و آن را مصر نام نهاد که تاکنون به همین نام خوانده می‌شود.

یوسف، چاه را برای دستیابی به منبع آب کافی برای گوسفندانش کند و به کمک خوانین منطقه، آب چاه را با حفر قنات تا مصر هدایت کرد.

روستای مصر با ۲ روستای بسیار کوچک دیگر به نام‌های امیرآباد و فرحزاد در یک خط شمالی - جنوبی به طول حدود ۶ کیلومتر واقع هستند. تعداد خانوارهای ساکن در فرحزاد کمتر از انگشتان یک دست است و امیرآباد نیز فقط محلی است برای کشاورزی اهالی مصر. آنجاست که آدمی به سختکوشی مردمان کویر پی می‌برد. در امیرآباد بوی باغ ایرانی حس می‌شود. هوایی مطبوع و دلپذیر، خرمن‌های گندم و جو و در بهار بوی گل سنجد است که توجه آدمی را جلب می‌کند.

ورودی روستا دو اتاق کوچک مقابل هم قرار گرفته‌اند که داخل یکی ژنراتور بزرگی است که برق مصر و روستای همجوار آن یعنی فرحزاد را تأمین می‌کند. دیگری تنها مغازه روستا است که تنها خط تلفن ثابت برای اهالی روستا و مسافران در آن قرار دارد. ارتباط با تلفن همراه در این روستا میسر نیست.

شمار اهالی روستا را ۱۷۰ نفر تخمین می‌زنند. البته در گذشته این رقم بیشتر بود، اما سیل بزرگی که چند سال پیش رخ داد و نیمی از مصر را ویران کرد، موجب مهاجرت بسیاری از اهالی آن شد.

- تخت عروس

در اصطلاح جغرافیایی تخت‌های مناطق کویری، به نقاطی اطلاق می‌شود که نسبت به زمین‌های اطراف ارتفاع بیشتری دارند و بلندترین نقطه آنها مانند یک تخت صاف و هموار است.

وجود بادهای شدید در مناطق کویری و فرسایش بادی باعث شده که قله این تپه‌ها بر اثر مرور زمان صاف و هموار شود. همچنین باد، خاک نرم را با خود حمل کرده و قلوه‌سنگها و سنگریزه‌ها را به جا گذاشته است. در زمانهای گذشته از تختها به عنوان عوارض طبیعی راهنما استفاده می‌شد. وجود علامتهای نشان‌دهنده مسیر بر بالای تخت عروس، بیانگر این مطلب است. تختها به علت وسعت و ارتفاع قابل‌توجه در مناطق کویری عوارض طبیعی مناسبی برای جهت‌یابی و تعیین مسیر بوده‌اند.

تخت عروس در استان اصفهان و در جنوب کویر بزرگ مرکزی ایران واقع است. علت نامگذاری این منطقه به تخت عروس وجود مناظر زیبا بر بالای این تخت است. مردمان حاشیه کویر به مناطق زیبا لقب عروس می‌دادند.

نامهایی چون روستای عروسان در شرق مصر و تخت عروس از جمله این نامگذاری‌ها است.

در بالای این تخت و در منظره جنوبی، تپه‌های شن روان، چال سلکنون و روستای مصر قابل مشاهده هستند. در منظره شمالی نیز تپه‌های وسیع شن‌های روان، تخت شور و در شمال غربی، کوههای دامغان، قله دماوند در صورت صاف بودن هوا نیز باتلاقهای کویر مرکزی قابل مشاهده هستند.

پوشش گیاهی بسیار ضعیف تخت عروس اغلب گیاهان شورپسند مانند تاق، ترخ، اسفند و نسی است.

وجود سنگریزه‌های فراوان در بالای تخت، نشانگر وجود بادهای شدید است. باد غالب در این منطقه جهتی غربی - شرقی دارد که از شکل تپه‌های شنی قابل تشخیص است.

- تخت عباسی

این تخت نیز که در استان اصفهان و جنوب کویر بزرگ مرکزی ایران واقع است، در بالای تخت عباسی در منظره غربی و جنوبی تپه‌های شن روان، چال سلکنون و روستای مصر و فرحزاد به چشم می‌خورد. در منظره شمالی و در منظره شرقی آن نیز دریاچه نمک سلکنون قابل رویت هستند.

تخت عباسی بدون پوشش گیاهی است و بر روی آن فقط انبوه سنگریزه‌ها، دیده می‌شود.

- چال سلکنون

چال سلکنون در شمال روستای مصر قرار دارد. چال‌ها به مناطقی گفته می‌شود که نسبت به اطراف دارای ارتفاع کمتری هستند و حالت فرورفتگی در زمین دارند.

چال سلکنون فرورفتگی زیبایی است که توسط تپه‌های شنی محصور شده و درون آن باتلاقی کوچک وجود دارد که منظره زیبایی پدید آورده است.

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=360255

vista.ir
Online Classified Service

جستاری بر طرح ساماندهی اتباع خارجی غیرقانونی

سال ها اشغال، جنگ و از بین رفتن زیربناهای سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی همسایه شرقی مان ما را برآن داشت تا با توجه به آموزه های اسلامی و به منظور جلوگیری از پدیدارشدن فاجعه ای انسانی پذیرای افاغنه باشیم.

بی گمان در سه دهه مهمان نوازی از برادران و خواهران افغان با صرف سالیانه میلیاردها ریال اعتبار که از طریق یارانه های متعددی در اختیار آوارگان قرار گرفته برگ های زرینی از کارنامه میزبانی جمهوری اسلامی ایران ورق خورده است.ظهور و بروز طالبانیسم موج دیگری از آوارگی را در پی داشت، به طوری که در پاره ای سنوات جمعیتی بالغ بر ۳ میلیون نفر در سرزمین اسلامی مان امان یافته اند.

و اینک که با استقرار دولت اسلامی افغانستان و گسیل کمک های بین المللی به کشور افغانستان روند بازسازی شتاب گرفته است، بازگشت داوطلبانه و حمایت شده آوارگان افغانی محور اساسی برنامه سه جانبه دولتین جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد قرار گرفته است.

بی شک آوارگان ثبت نام شده و دارای مدارک شناسایی (برگ تردد خروجی مدت دار و کارت هویت ویژه اتباع خارجی) مشمول برنامه مذکور بوده و کاملاً خودانگیخته و به دور از هرگونه اقدام ایجابی به کشور متبوع خویش باز می گردند.

بنابراین واضح است طرح ساماندهی اتباع خارجی غیرقانونی نه تنها مدخلیتی با آوارگان ثبت نام شده ندارد، بلکه چنانچه در پی بدان اشاره خواهد رفت از صدر تا ذیل با رعایت دقیق کنوانسیون های بین المللی و به طور عام تر حقوق بین الملل طراحی و نظام مند شده است.یک میلیون افغانی غیرقانونی (فاقد مدارک شناسایی و اقامتی معتبر) که با ورود و اقامت غیرمجاز هزاران فرصت شغلی را از جوانان این مرز و بوم سلب کرده اند هدف طرح ساماندهی اتباع خارجی غیرقانونی خواهند بود.

بر این پایه سعی بر آن دارم تا با اشاره ای هرچند مختصر به مفاهیم پایه ای همچون مهاجرت، مهاجرت اجباری، مهاجرت متعارف و غیرمتعارف و قاچاق انسان، طرح ساماندهی اتباع خارجی غیرقانونی را از مناظر مختلفی چون الزامات قانونی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نگریسته و در آخر در حد بضاعت ناچیزم به ارائه راهکار بپردازم.

- مهاجر

از دیدگاه انسانی، هر فردی که کشور خود را به قصد اقامت در کشور دیگر ترک کند مهاجر نامیده می شود. در کشور جدید فرد مورد نظر مهاجر به حساب آمده یا از آنجا که هر دولتی چارچوب قانونی خاص خود را در امر مهاجرت دارد، برخی اسامی مشابه دیگر که طبق قانون ملی آن کشور در نظر گرفته شده است، به او اطلاق خواهد شد.

- مهاجرت بین المللی

به جابه جایی افرادی اطلاق می شود که کشور مبداء یا کشور محل اقامت خود را به قصد استقرار دائمی یا موقت در کشوری دیگر ترک کنند. توضیح اینکه اصطلاح مهاجرت به عنوان یک فرآیند جابه جایی وسیع مردم شامل جابه جایی پناهندگان، آوارگان، بی خانمان ها و قاچاق انسان و نیز نیروی کار مهاجر و مهاجرین اقتصادی می شود.

در مهاجرت اجباری جمع کثیری از مردم به هنگام درگیری ها و منازعات خانه خود را ترک می کنند، آنها گریخته یا به دلیل ترس از اذیت و آزار یا حوادثی که زندگی یا سلامت آنان را تهدید می کند مجبور به ترک خانه یا محل اقامت خود می شوند. دلایل متعددی چون اذیت و آزار، نقض حقوق بشر، ظلم، درگیری و نزاع، هجوم نظامی و فجایع طبیعی یا ساخته دست بشر از عوامل محرک جابه جایی های اجباری هستند.

- مهاجرت غیرمتعارف

این اصطلاح در کل به نوعی جابه جایی اطلاق می شود که خارج از قواعد و هنجارهای تعیین شده در کشورهای فرستنده، گذرگاه و دریافت کننده مهاجر صورت می گیرد. مهاجرت غیرمتعارف غالباً به صورت قاچاق تحقق می یابد. واضح است که قاچاق انسان استثمار، سوءاستفاده و نقض حقوق انسانی افراد را به دنبال خواهد داشت.

پروتکل پالرمو به صراحت بیان می دارد که قاچاق انسان (انتخاب، دزدیده، فروخته و غیره) مهاجر و با عبور از مرزهای بین المللی انجام می پذیرد.طبق پروتکل قاچاق انسان به مفهوم انتخاب، حمل، انتقال، تحویل دادن و تحویل گرفتن افراد با استفاده از تهدید، آدم ربایی، زور، کلاهبرداری، اغفال یا آزار و اذیت یا با پرداخت وجه نقد یا سایر منافع غیرقانونی جهت جلب رضایت شخصی که بر فرد موردنظر کنترل دارد به منظور به کارگیری آنان در هر یک از موقعیت های استثمار است. قاچاق مهاجر به مفهوم تدارک ورود یا اقامت غیرقانونی فرد در کشوری است که جزء اتباع یا سکنه دائم آن نباشد، به منظور کسب مستقیم یا غیرمستقیم منافع مالی یا دیگر منافع.

- الزامات قانونی

چنانچه در تعریف مهاجرت بیان شد قانون ورود و اقامت اتباع خارجی ناظر بر چگونگی ورود، خروج و اقامت اتباع خارجی در کشور بوده و مجازات پیش بینی شده جهت برخورد با عبوردهندگان و نیز متردداان و اقامت کنندگان غیرمجاز مبنای برخورد با اتباع خارجی غیرقانونی است.

- الزامات فرهنگی و اجتماعی

حضور یک میلیون اتباع افغانی غیرقانونی موجد پدیده هایی همچون حاشیه نشینی و تغییر بافت فرهنگی در بعضی مناطق، تغییر فرهنگ کار، گسترش مدارس خودگردان افغانی و اخلال در نظام آموزش رسمی کشور، افت ضریب امنیت اجتماعی از طریق جرایم سازمان یافته، جعل، قاچاق انسان و دیگر جرایم منتسب به اتباع افغانی است.

برابر بررسی های انجام شده تعداد افاغنه ای که به دلیل جرایمی همچون قتل و خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر در زندان های کشور در حال تحمل کیفر هستند قابل ملاحظه است.شایسته توجه است که افاغنه غیرقانونی با میانگین سنی ۲۵-۲۰ سال و اقامت زیر ۵ سال در کشور اکثراً مجرد بوده و مشکلات گسترش فحشا را نیز به دنبال خویش خواهند آورد.

- الزامات اقتصادی

اشغال هزاران فرصت شغلی توسط افاغنه غیرقانونی، آن هم در شرایطی که جوانان عزیزمان با مشکل یافتن شغل دست به گریبان هستند توجیه پذیر نیست. استفاده از کارگران افغانی توسط کارفرمایان متخلف ایرانی با هدف پرداخت دستمزد کمتر از طریق فرار مالیاتی و نپرداختن سهم بیمه مربوطه، از جمله آفاتی است که باید هرچه سریع تر سامان یابد. بر این اساس طرح برخورد با اشتغال غیرقانونی اتباع خارجی از جمله اهداف مستتر در طرح ساماندهی اتباع خارجی غیرقانونی است.

- الزامات سیاسی

حضور نظامی امریکا در افغانستان با هدف مبارزه با تروریسم نه تنها به ایجاد شرایط مناسب منجر نشده است بلکه عملاً مدیریت مناسبی بر کمک های بین المللی گسیل شده به افغانستان صورت نمی گیرد، به نحوی که به رغم استقرار دولت اسلامی افغانستان تمایلی برای بازگشت به افغانستان وجود ندارد.

- ملاحظات انسانی

بنا به آیه صریح قرآن (نساء/۷۵) که می فرماید؛ کسانی هستند که فرشتگان جانشان را می ستانند در حالی که بر خویش ستم کرده بودند، از آنان پرسیده می شود که در چه کاری بودید؟ پاسخ دهند که ما در روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان بودیم. پس گویند آیا زمین خدا پهناور نبود که شما از آن مکان هجرت کنید؟ مکان اینها جهنم است و سرانجامشان بد.مهاجرت نه تنها پسندیده بلکه مشروط به شرایطی متناسب امری واجب

است.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران با فراهم آوردن امکانات اقامت و اشتغال قانونی اتباع کشور افغانستان نسبت به تحقق حقوق بین الملل اسلامی کوشا بوده و با عدم دستگیری و اخراج زنان و کودکان و الحاق داوطلبانه خانوار به مطرودین بر این مهم پافشاری کرده است.توصیه اکید به نیروهای عمل کننده بر حفظ کرامات انسانی و به کارگیری بازرسین ویژه جهت نظارت و اطمینان بر صحت عملکرد دستگاه اجرایی از دیگر نکات قابل اشاره است. توجه به موقعیت کشور افغانستان و تنظیم نظام سهمیه بندی در دستگیری ها و تدریجی بودن اخراج بی شک از سعه صدر و درایت مسوولان حکایت دارد و بسیار ارزشمند است.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=262234

vista.ir
Online Classified Service

جوامع عشایری و مشکلات و برنامه های آن ها

جامعه عشایری در بخشی طولانی از تاریخ گذشتهء منتهی به قرن اخیر، دارای جایگاه سیاسی و نظامی ویژه و برتر بود. اما به دنبال تحولات گسترده جهانی در همه زمینه‌ها در نیم قرن اخیر جایگاه پیشین خود را از دست داده و از اهمیت و نقش آفرینی‌هایش در عرصه‌های مختلف کاسته شده است. این پدیده از عوامل متعددی برخوردار است که اگر بخواهیم علاوه بر عوامل فوق، از عللی نام ببریم که بیشتر به ابعاد اجتماعی آن مرتبط باشد، باید عوامل زیست‌بوم و مسائل و مشکلات امنیتی برای تمامی سرزمین ایران را که تجارب گذشته آن هنوز در حافظه جمعی جامعه موجود بود، برشماریم.

بر اساس سرشماری ۱۳۷۷ جمعیت عشایری کل کشور حدود ۱۳۰۴۰۸۹ نفر شامل۶۷۴۲۳۸ نفر مرد و ۶۲۹۸۵۱ نفر زن بوده است. این جمعیت در ۱۹۸۶۲۹ خانوار با بعد متوسط ۶/۵۷ نفر در هر خانوار تشکل یافته است.

- پاره‌ای از مشکلات ساختاری در جوامع عشایری

عشایر کوچنده در ظرف نیم قرن گذشته، نه تنها در درون خود حرکتی تکاملی نداشته‌اند، بلکه در کوران حرکت و گسترش جوامع یکجانشین، نظم و نسق عرصه‌های زیستی گذشته را هم از دست داده‌اند. آن هایی که به کوچ ادامه می‌دهند، از حیث بهرمندی از خدمات بهداشتی و اجتماعی محروم شده و برخی دیگر به ناچار حاشیه‌نشینی روستاها و شهرها را برگزیده‌اند (اگر بتوان بر آن نام گزینش گذاشت). آن ها که در گذشته از استقلال در زمینه‌های مختلف بهره می‌بردند، اکنون به سبب تحولات پدید آمده در ساختار سلسله مراتب ایلی شان از هم پاشیده اند و در نتیجه برخی از خدماتی که کارکرد این نظام بود، از دست رفته است که نابسامانی ها و آشفتگی های اجتماعی زیادی به بار آورده است. از این روی ضروری است تا دولت با برنامه‌ریزی هایی مناسب امکان بهره‌مندی از خدمات مختلف اجتماعی را برای عشایر فراهم آورد.

• رویکردهای موجود درباره جوامع عشایری

با یک بررسی اجمالی می توان دریافت که دو رویکرد در خصوص تأمین اهداف فوق و برای سازگاری عشایر ایران با توجه به معیارهای مهم خدمات اجتماعی، همچون بهداشت، سوادآموزی و... نسبت به شرایط کنونی جهانی وجود دارد. رویکرد نخست بر احیاء و تقویت کوچندگی و حفظ مناسبات سنتی عشایری و ارائه خدمات حین کوچ و مخالفت جدی با اسکان نظر دارد. در حالی که رویکرد دوم بر ضرورت خدمات اجتماعی با توجه به واقعیات عینی، از رویکرد تقویت کوچ و پذیرش اسکان داوطلبانه تأکید دارد.

با توجه به آن که کوچندگان و آرای آن هاست که باید تصمیم‌گیری در مورد وضعیت واقعی آتی آنان را تحقق بخشد، به نظر می‌رسد رویکرد دوم به این امر توجه کرده است. مهمتر از آن، آمار سرشماری ۱۳۷۷ نیز نشان می‌دهد که حدود ۷۸/۴ درصد عشایر کوچنده تمایل به اسکان داشته‌اند. ۵۸/۲ درصد در شهرک های عشایری، ۳۹ درصد در آبادی های موجود و۲/۵ درصد شهرها را برای اسکان برگزیده‌اند. این سرشماری بر انتخابی که عشایر و به خصوص جوانان آن ها بر نحوه زندگی خود دارند، صحه می‌گذارد، در عین حالی که امکان آن را نیز فراهم می‌آورد که اقلیتی که به زندگی کوچ نشینی نیز تمایل دارند، به همان نحوه زندگی ادامه داده ومی بایست که از خدمات دولتی طی کوچ استفاده کنند.

توجه به این نکته ضروری است که هر گونه برنامه‌ریزی برای اسکان یا تقویت کوچ عشایر می‌بایست با درک شرایط زیست بومی آنان باشد و برنامه ریزی و سیاستگذاری که در شهرها پشت میز خود نشسته است، بدون در نظر گرفتن شرایط زیست بومی جوامع عشایری نمی‌تواند نسخه‌ای معجزه آسا برای برطرف ساختن مشکلات زندگی و رهایی عملی آن بنویسد، مگر این که شرایط جامعه آن ها را در ارتباط تنگاتنگی که با محیط طبیعی و زیست بوم شان دارد، بشناسد. در خصوص ترک یا تداوم زندگی شان، این عشایر هستند که باید حق انتخاب داشته و تصمیم بگیرند و هر طرح و برنامه پیشنهادی نیز تنها با در نظر گرفتن آن حق انتخاب درست و عملی خواهد بود. از این روی موضوع زیست‌بوم از اهمیت ویژه‌ای در این زمینه برخوردار است و شناخت و در نظر گرفتن زیست‌بوم جوامع، در جامعه عشایری از سایر جوامع کلیدی‌تر و اساسی‌تر است که برنامه ریزی های منطقه ای و آمایش سرزمین در کشورمان را طلب می کند.

منبع : آرش رضائی

http://vista.ir/?view=article&id=325798

vista.ir
Online Classified Service

جهان و معضل پناهندگان

پناهجو کیست؟ شرایط زندگی پناهجویان چگونه است؟ آیا شمار پناهجویان در جهان افزایش یافته؟ و اگر چنین است، این افزایش چه دلایلی دارند.

طبق کنوانسیونِ پناهندگان سازمان ملل متحد، که در سال ۱۹۵۱ تصویب شد و دولت ایران نیز یکی از امضا کنندگان آن است، پناهنده کسی است که به خاطر نژاد، دین، ملیت، عضویت در یک گروه سیاسی یا اجتماعی و یا ترس از تعقیب و بازداشت در خارج از کشور خود به سر می‌برد و به دلیل این ترس، نه می‌تواند از حمایت کشور خود برخوردار شود، و نه خود مایل به قبول این حمایت است. به غیر از کنوانسیون ۱۹۵۱ به مرور مجموعه‌ی مقررات منطقه‌ای و بین المللی دیگری نیز در جهان تصویب شده‌اند که دامنه‌ی تعریف پناهنده را گسترش می‌دهند، مانند کنوانسیون ِ مربوط به

مشکلات خاص پناهندگی در آفریقا در سال ۱۹۶۹ و اعلامیه ۱۹۸۴ پناهندگان در آمریکای لاتین. طبق این دو سند، پناهندگان بنا به دلایل بیشتری مورد حمایت قرار می‌گیرند.

به طور مثال افرادی که به دلیل تسلط نیروهای خارجی و یا خشونت و درگیری‌های عمومیِ کشورشان مجبور به فرار شده اند، پناهنده محسوب می‌شوند. در همه‌ی این اسناد اما، افرادی که به دلایل اقتصادی و یا زیست محیطی مجبور به ترک محل زندگی خود می‌شوند، منظور نشده‌اند. همچنین افرادی که در کشور خود مجبور به کوچ از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر گشته‌اند، پناهنده به حساب نمی‌آیند و به همین دلیل نیز از کمک‌های جهانی برخوردار نمی‌شوند. این در حالی ست که بر مبنای گزارش کمیساریای پناهندگی سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۶ میلادی، شمار پناهجویان در سراسر جهان به شدت افزایش یافته است.

همه ساله هزاران نفر در جریان فرار از محل زندگی شان و یافتن شرایطی بهتر جان خود را از دست می‌دهند. این پناهندگان در سراسر جهان پراکنده‌اند: آفریقائی‌های گرسنه، که از راه دریا، در قایق‌هایی پوسیده با به‌خطر انداختنِ جان خود، سرانجام به سواحل مالتا و یا ایتالیا می‌رسند؛ عراقی‌ها، افغانی‌ها و شهروندان چچن که در اردوگاه‌های پناهندگانِ یونان ویلان‌اند؛ انبوه پناهندگان سودانی، در چادرهای اردوگاه‌هایِ چاد؛ پناهندگان برمه‌ای در تایلند، تصویرها و خبرهای‌شان همه روزه در میان اخبار جهان دیده می‌شوند.

- اروپا و مهاجران

اگر امید بیشتر این پناهندگان رسیدن به خاک کشورهای صنعتی و از همه مهم تر کشورهای اتحادیه اروپاست، پارلمان اتحادیه در ماه ژوئن سال جاری، رئوس کلی برنامه‌ی بازگرداندنِ پناهجویان را به کشورهای خود تصویب کرد. در روزهای آغازین ماه ژوئیه نیز وزرای کشورِ اتحادیه اروپا در شهر کان فرانسه گرد هم آمدند، تا قوانین پناهندگی و مهاجرت را همگون سازند. در این همایش طرح مشترک فرانسه، اسپانیا و آلمان برای هماهنگی عملی به بحث گذارده شد و نتایج آن که همانا سختگیری بیشتر در ورود پناهجویان به اتحادیه اروپاست مطرح شدند و قرار بر آن شد تا نتایج مذاکرات در کنفرانس سران اتحادیه اروپا در اکتبر سال ۲۰۰۸ میلادی به تصویب برسند.

کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد نگران شرایط پناهندگانی ست که خود را به اتحادیه اروپا رسانده‌اند و با سخت تر شدن شرایط، مجبور به بازگشت به کشورهای شان خواهند شد. کشورهای اتحادیه اروپا علاقه‌ای به پذیرش پناهجویان ندارند. نیکلا سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه، و رئیس ادواری شورای اتحادیه اروپا در همایش وزرای کشور اتحادیه اروپا، در مخالفت با پذیرش پناهجو به این اتحادیه گفت: «فرانسه یا اتحادیه اروپا نمی‌تواند همه‌ی مشکلات جهان را برطرف سازد. با ورود بی‌رویه پناهندگان، جامعه‌ی مدنیِ فرانسه و اتحادیه اروپا از هم خواهد پاشید.

من معتقدم، در شرایطی که در میان کشورهای اتحادیه اروپا، مرزی وجود ندارد و شهروندان این اتحادیه به راحتی از کشوری به کشور دیگر می‌روند، باید همه‌ی کشورهای عضو به طور متحد مسئول مرزهای خارجی اتحادیه باشند و از ورود افراد غیرقانونی به این اتحادیه جلوگیری کنند. همچنین پارلمان اروپا باید بپذیرد، افرادی که بدون مدارک معتبر، به اتحادیه اروپا وارد می‌شوند ، باید به کشورهای شان بازگردانده شوند.»

- بزرگ‌ترین مشکل دوران معاصر

آنتونیوگوترس، کمیسرِ عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، معضلِ پناهندگان را بزرگ ترین مشکل دوران معاصر می‌داند و بر این نظر است که آنها بی پناه ترین مردمان این عصراند: «من شک ندارم که پناهجویانِ جهان از افزایش قیمت ارزاق عمومی از بقیه شهروندان کشورها بیشتر لطمه می‌بینند. اما همین افزایش قیمت‌ها و فشار فقر، خود سبب برخورد و درگیری‌های نظامی می‌شود و بر شمار پناهجویان می‌افزاید.»

آخرین گزارش کمیساریای پناهندگی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که در سراسر جهان ، شمار افرادی که به هر دلیلی از محل زندگی‌شان رانده می‌شوند و به منطقه‌ای دیگر پناه می‌برند ۴۲ میلیون نفرند. این در حالی ست که تنها ۱۶میلیون نفر از این افراد امکان خروج از کشور خود را می‌یابند تا در کشوری دیگر تقاضای پناهندگی کنند. حکایت زندگی عبداقیوم، در افغانستان حکایتی عام است و قابل فهم در این کشور جنگ زده. «من اهل بادقیس در شمال افغانستان هستم. اونجا افراد پرنفوذی هستند که میگن ما حق زندگی در اون منطقه رو نداریم. ما اونجا زمین داشتیم. زمین‌هامون رو گذاشتیم و فرار کردیم. حالا اینجا در اردوگاه ژرای در قندهار زندگی می‌کنیم. وضع‌مون خوب نیست، کار هم که نداریم، اما نمی‌تونیم برگردیم.»

عبدالقیوم در اردوگاه پناهندگان ژرای که در ۲۵ کیلومتری غرب قندهار واقع است، از امنیت بیشتری برخوردار است تا در شمال افغانستان. او پشتون است، قومی که که بیشتر در جنوب افغانستان پراکنده است و طالبان نیز به همین قوم تعلق دارد. این قوم در شمال افغانستان سابقه‌ی درگیری‌های وسیعی با اقوام تاجیک و ازبک دارد. شش سال و نیم پس از سرنگونی طالبان، اقوام شمالی افغانستان، هنوز پشتون‌ها را مسئول جنایات دوران طالبان می‌دانند و آنها را اذیت و آزار می‌کنند و از منطقه‌ی خود می‌رانند. عمادالله نیز یکی دیگر از پشتون‌هایی ست که از شمال

افغانستان مجبور به مهاجرت به جنوب این کشور شده است. می‌گوید: «من اهل ولایت جوزجان هستم. قبل از درگیری‌ها فرار کردم. خب، اونا نمی‌خوان که ما اونجا زندگی کنیم. همه چیزم اونجاست. اما حالا اینجا، تو این قرارگاه زندگی می‌کنیم. بعضی وقتا کاری گیرم میاد، اما بیشتر وقتا بیکارم. ما نمی‌تونیم برگردیم.»

در مجموع حدود ۱۵۰ هزار افغانی پناهجو در خاک این کشور وجود دارد. حدود ۳۵ هزار نفر آنها پشتون هستند که از شمال کشور رانده شده‌اند و در اردوگاه‌هایی در نزدیکی استان‌های قندهار و هلمند مستقرند، استان‌هایی که ناآرامی شان از استان‌های دیگر این کشور بیشتر است، کشت خشخاش در آنجا پررونق و طالبان پرقدرت است. مسئولان کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد ، که در کابل مستقرند، به خاطر شرایط بدِ امنیتی در این مناطق، جرات ورود به این اردوگاه‌ها و رساندن کمک به پناهجویان را ندارند.

دولت مرکزی افغانستان و وزارت امور پناهندگان این کشور اما خواستار برچیده شدن این اردوگاه‌ها و بازگشت پناهجویان به سرزمین‌های خود هستند، و به همین جهت کمک به خانواده پناهجویان را در این اردوگاه‌ها مخالف سیاست تعیین شده‌ی دولتی می‌دانند. تا پایان ماه آوریل امسال تنها ۱۵ خانوار از جمعیت ۳۸ هزار نفره این اردوگاه، حاضر به بازگشت به مناطق شمال شده‌اند و بقیه از ترس جان خود، همان شرایط خطرناک اردوگاه را پذیرفته و مانده‌اند. نیاز محمد سرحدی، یکی از مسئولان منطقه و اردوگاه پناهندگان در مورد این شرایط می‌گوید: «من تایید می‌کنم که افرادی که اینجا زندگی می‌کنند، واقعا مشکلات فراوانی دارند. کسانی که می‌خواهند کمک کنند، باید به این افراد، در همین شرایط کمک کنند. مردمی که از شمال به اینجا اومدند، همه‌ی زندگی شون رو از دست داده‌اند. جنگ سالارهای شمال همه‌ی دار و ندار اونها رو مصادره کرده‌اند.»

- بحران پناهجویان عراقی

برای کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد، بحران پناهجویان عراقی بعد از وقایع سال ۱۹۴۸، در خاورمیانه بی نظیر است. در این کشور حدود سه میلیون پناهجو به دلایل قومی و دینی - مذهبی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند. یک میلیون و دویست هزار نفر از این افراد موفق شده‌اند خود را به سوریه برسانند. ۷۵۰ هزار نفر به اردن گریخته و اکنون ۱۳ درصد جمعیت این کشور کوچک را به خود اختصاص داده‌اند. مسیحیان نیز از اقلیت‌های مذهبی‌ای هستند که در عراق به شدت زیر فشار افراط گرایان مسلمان شیعه و سنی قرار دارند.

شمار مسیحیان در حال حاضر به نیم میلیون نفر تخمین زده می‌شود. برمبنای گزارش سازمان ملل متحد، امنیت این اقلیت دینی در عراق در خطر است. در میان ۷۰ هزار پناهجویی که از مناطق مختلف عراق به شمال این کشور، در مناطق نسبتا آرام ترِ کردنشین پناهنده شده اند، بسیاری شهروندان مسیحی این کشور نیز هستند.

شمول زایا، یک معلم مسیحی در میان این پناهجویان است: «من با خانواده‌ام در نزدیکی موصل زندگی می‌کردیم. سال ۲۰۰۶ بود که به خاطر افزایش بمب‌گذاری‌ها مجبور به فرار شدیم. حالا خانواده من با ۱۶۰ خانواده‌ی دیگر مسیحی در این اردوگاه، در روستای کردنشینِ باخلوجا زندگی می‌کنیم. اینجا دست کم صلح و امنیت داریم که خیلی خوبه اما کاری ندارم.»

http://vista.ir/?view=article&id=345446

vista.ir
Online Classified Service

جهانی‌سازی و مهاجرت

پدیده مهاجرت قدمتی به طول تاریخ بشر دارد، حتی آبا و اجداد ما «ایرانیان» و نیز آبا و اجداد بسیاری از ملل- بنابر ادعاهای باستان شناسان اقوام مهاجر هستند، در مورد ایرانیان آبا و اجداد ما آریاهایی هستند که از جانب سیبری به سمت فلات قاره ایران کوچیده‌اند. (-۱) آنچه در این امر حائز اهمیت

می‌باشد مسئله هدفمندی مهاجرت است. در واقع مهاجر تا هنگامی که هدفی نداشته باشد دست به امر مهاجرت نمی‌زند. در این مقاله به جنبه‌های گوناگون از مهاجرت پرداخته‌ام تا شاید این پدیده قدیمی را در عصر حاضر و در دوران جهانی‌سازی بهتر و بیشتر بشناسیم.در این مقال به کلیاتی از مهاجرت پرداخته‌ام. سپس به دلایل مهاجرت پرداخته و قوانین خاص برخی از کشورهای مهاجرپذیر دنیا را در مقولاتی مانند ویزای ورود و همچنین در خصوص تابعیت و شهروندی یا اقامت دائم مورد بررسی قرار می‌دهم و در انتها به تاثیر جهانی سازی بر روند مهاجرت افراد می‌پردازم. امیدوارم که مقبول افتد.

- مهاجرت:

مهاجرت یکی از پدیده‌های مهم زندگی هر فردی است که از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی و تحلیل می‌باشد. لکن از آنجایی که در این مقاله سعی شده است پدیده مهاجرت در عصر جهانی شدن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، حتی‌الامکان سعی کرده‌ام در این مقاله مهاجرت را در عصر حاضر مورد بررسی قرار دهم. در عصر حاضر و در قرن بیست و یکم ما با دو پدیده معظم جهانی روبرو هستیم. پدیده نخست را می‌توانیم به بحث فروپاشی بلوک شرق و کمونیسم بین‌المللی مرتبط دانیم، بر ارباب بصیرت آشکار است که در زمان جهان دو قطبی، بلوک شرق از مرزهای خود نهایت پاسداری را می‌نمود و به عبارت صحیح‌تر پرده آهنین را به وجود آورده بود، اصطلاحی که به درستی، چرچیل، نخست وزیر بریتانیا ابداع کرده بود. و بدین ترتیب مهاجرت و یا خارج شدن از این کشورها حتی به قصد مسافرت در نهایت پیچیدگی و مشکل‌های بی‌شمار صورت می‌گرفت. مسئولین کشورها سوسیالیستی در توجیه عمل خود بدین گونه استدلال می‌کردند که نهایت تکامل جامعه در کشورهای سوسیالیستی در حال رخ دادن است و این کشورها هستند که در مرحله تکامل‌یافته سیستم اجتماعی خود به مرحله کمونیسم (ثانویه) می‌رسند و انسان تراز نوین کمونیستی را به بار می‌آورند. (۲) در این سیستم اجتماعی سرمایه‌داری مرحله ماقبل سوسیالیسم است و به زعم مسئولین این کشورها هیچ آدم عاقلی از مرحله سوسیالیسم به مرحله ماقبل رجعت نمی‌کند. از جانب دیگر مسئولین کشورهای بلوک شرق در مواظبت از مرزها هدف دیگری نیز داشتند و آن عدم ورود افراد دیگر کشورها تحت لوای جاسوس بود. بدین صورت مشخص می‌شود که مهاجرت به داخل یا خارج تقریبا نصفی از کشورهای جهان بسیار مشکل و طاقت فرسا می‌نمود. با فروپاشی کمونیسم بین‌الملل در دهه ۹۰ میلادی این مرزها استحکام خود را از دست دادند.

مسئله معظم دیگری که درباره پدیده مهاجرت قابل تامل می‌باشد و اثر مهمی بر پدیده فوق گذاشته است. مشکل افزایش بی‌رویه جمعیت جهان می‌باشد. در دهه ۷۰ میلادی جمعیت جهان ۴/۵ میلیارد نفر بود لکن در سال ۲۰۰۸ میلادی جمعیت جهان به ۶ میلیارد و ۶۶۶ میلیون و ۶۶۶ نفر رسید. (۳) با کمال تاسف باید اذعان داشت که این افزایش جمعیت در کشورهایی صورت پذیرفته است که از توسعه کمتری در جهان برخوردارند. به عبارت بهتر افزایش بی‌رویه جمعیت در کشورهای توسعه یافته صورت نپذیرفته است و این افزایش جمعیت در کشورهایی صورت گرفته که خود با مشکلات بی‌شماری برای تغذیه و بهداشت و آموزش و به طور کلی نیازهای اساسی جامعه خود دست به گریبان هستند. پر واضح است که وقتی در کشوری افراد با مشکلات اولیه زندگی دست به گریبان باشند برای مهاجرت به کشورهای برخوردار نهایت تلاش خود را می‌کنند و پیرو این مسئله کشورهای توسعه یافته و صنعتی نیز نهایت تلاش را می‌کنند تا از ورود افراد بدون مهارت به این کشورها جلوگیری نمایند.

- پناهندگی:

یکی از بحث‌هایی که درباره پدیده مهاجرت مطرح می‌شود مقوله پناهندگی افراد است. امروزه اکثر کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی «به همراه استرالیا- نیوزلند و ژاپن» دیگر پناهنده اقتصادی نمی‌شناسند. کشورهای فوق که به کشورهای شمال موسوم گشته‌اند به علت دو دلیل اصلی که در سطور گذشته بدان اشاره داشته‌ام با پناهندگان برخورد مناسبی نمی‌کنند. اما مسئله‌ای که مورد بحث ما می‌باشد مقوله پناهندگی در قرن بیست و یکم است. واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عامل دیگری را به عوامل موثر در عدم سهولت مهاجرت اتباع کشورها به یکدیگر باعث گردید. برای روشن شدن این مبحث می‌توان به آمار و ارقام استناد کرد. بنا به خبر، خبرگزاری رویتر در سال ۲۰۰۱ وضعیت و آمار پناهجویان به

اروپا در سال ۲۰۰۱ به صورت زیر می‌باشد.

▪ اتریش: دستگیری ۴۸۶۵۹ مهاجر غیرقانونی- درخواست پناهندگی از سوی ۲۴۵۱۳ مهاجر

▪ بلژیک: وجود حدود ۹۰ هزار مهاجر غیرقانونی- دستگیری ۴۵۰۰ مهاجر غیرقانونی در بندر زیبروژ

▪ دانمارک: درخواست پناهندگی از سوی ۱۲۵۱۲ مهاجر عراقی و افغانی: از این تعداد فقط با درخواست ۶۲۰۰ نفر موافقت شد.

▪ فنلاند: تلاش سیصد تا چهارصد مهاجر روسی برای ورود به کشور، درخواست پناهندگی از سوی ۱۶۵۱ مهاجر ایرانی، عراقی و جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی و یوگسلاوی

▪ فرانسه: وجود ۴۰۰ هزار مهاجر غیر قانونی - دریافت ۴۷ هزار درخواست پناهندگی

▪ آلمان: وجود نیم تا یک و نیم میلیون مهاجر غیر قانونی- ورود سالانه ۱۰۰ هزار پناهجوی غیر قانونی به این کشور

▪ یونان: حضور بیش از یک میلیون مهاجر غیرقانونی از کشورهای آلبانی، عراق و رومانی

▪ ایرلند: حضور ۱۰ هزار مهاجر غیرقانونی از کشورهای نیجریه و رومانی

▪ ایتالیا: حضور ۳۰۰ هزار مهاجر غیرقانونی - دریافت بیش از ۱۰ هزار درخواست پناهندگی

▪ هلند: حضور ۴۶ تا ۱۱۱ هزار مهاجر غیرقانونی- دریافت ۳۲۵۷۹ درخواست پناهندگی

▪ پرتغال: اشتغال به کار حدود ۶۰ هزار کارگر فاقد مدرک قانونی از کشورهای الجزایر و آنگولا

▪ اسپانیا: دستگیری ۱۶۰۰ مهاجر غیرقانونی در آب‌های نزدیک به سواحل کشور ظرف تنها سه ماه- اخراج ۴۴۸۴۱ پناهجوی غیرقانونی از کشور

▪ سوئد: درخواست پناهندگی از سوی ۲۳۵۰۰ نفر از مهاجران غیرقانونی کشورهای عراق و یوگسلاوی

▪ بریتانیا: حضور یک میلیون مهاجر غیرقانونی (۴)

اکثر این افراد از ۲ کشور ترکیه و مراکش وارد اروپا می‌شوند. نه تنها اتباع دو کشور مزبور خود جزء مهاجرین هستند بلکه به علت سهولت قواعد ویزا در روادید، کشورهای مذکور به عنوان ترانزیت عمل می‌کنند و به علت موقعیت جغرافیایی خود تبعه خارجی زیادی را در خود جای می‌دهند لکن به علت عدم توان اقتصادی ترکیه و مراکش، این اتباع توانایی سکنی گزیدن طولانی مدت را ندارند و به ناچار به سمت اروپا می‌روند. درباره کمک مالی به این ۲ کشور یا تنبیه و مجازات ۲ کشور فوق اتحادیه اروپا جلسات بی‌شماری را برگزار کرده است لکن به جمع‌بندی بین اعضا این اتحادیه درباره مکانیسم‌های مقابله با این پدیده و نحوه برخورد با دو کشور مذکور نرسیده‌اند.

اما مسئله‌ای که در این مورد قابل بررسی است همانطور که ذکر شد پدیده ۱۱ سپتامبر و دخیل شدن عبارت تروریسم به پدیده مهاجرت است پس از سال ۲۰۰۱ پناهندگی بسیار مشکل‌تر شده است و کشورهای شمال قواعد سخت‌تری وضع کرده‌اند به عنوان مثال: سخنگوی دفتر امور پناهندگان ملل متحد)۱۰)UNHCR شهریور ۱۳۸۳ با اعلام اینکه آمار پناهندگانی که تلاش می‌کنند به کشورهای توسعه یافته و صنعتی اروپای غربی، آمریکا و ... بروند در نیمه دوم سال ۲۰۰۴ کاهش بسیار قابل ملاحظه‌ای یافته است، تصریح کرد: دلیل این وضعیت اجرای برنامه‌های بسیار سخت و قانون‌مدارانه کشورهای مقصد برای مقابله با پذیرش پناهندگان است. (۵)

برای اثبات این مدعا و خط بطلان کشیدن به این بحث که بعد از دهه ۹۰ میلادی افراد و به طور کلی با سهولت بیشتر مهاجرت می‌کنند می‌توان به آمار و ارقام زیر استناد کرد. ذکر این نکته ضروری می‌نماید که بنا به اعتقاد نگارنده و برخی از صاحب‌نظران عرصه روابط بین‌الملل واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پایانی بر نگاره خویش‌بینی به آینده جهان است، از این تاریخ به بعد است که ما شاهد تحولات سینوسی (موجی) در عرصه تحولات اجتماعی می‌باشیم بدین صورت که گاهی مفاهیمی مثل مهاجرت، حقوق بشر، تجارت آزاد و ... به صورت مضیق نگریسته می‌شود و گاهی این مفاهیم حالت موسع به خود می‌گیرند لکن این مفاهیم یک سیر خطی را طی نخواهند کرد. در سطور آینده با پیش کشیدن بحث مهاجرت انتخابی (گزینشی) (Selective immigration)بیشتر به این مورد پرداخته می‌شود.

در سال ۲۰۰۴ فرانسه درصدر پناه جویان بوده است. در سال فوق تنها ۸۶ هزار و هشت نفر موفق به دریافت فرم پناهندگی ۳۰ کشور صنعتی شده‌اند که این نسبت به سال ۲۰۰۳ با ۱۸ درصد کاهش مواجه بوده است. کمیسیون پناهندگان در سازمان ملل در روز جهانی پناهندگان ۳۱ تیر ماه ۸۳ (۲۰ ژوئن ۲۰۰۴) با اعلام شعار «مکانی که خانه نامیده می‌شود.» گفته بود: آمار ماهانه پناهندگان براساس بررسی‌های انجام گرفته به پایین‌ترین حد خود رسیده است و وضعیت پذیرش پناهندگان امسال با سال ۱۹۸۷ برابری می‌کند، در آخرین شماره مجله پناهجویان به طور مبسوط در این باره چنین نگاشته است.همان طور که گفته شد فرانسه در سال ۲۰۰۴ در صدر است. این کشور حدود ۱۴ هزار و ۵۰ نفر پناهنده را پذیرفته است. که این آمار نسبت به سال گذشته (۲۰۰۳) کاهش ۱۱ درصدی را نشان می‌دهد. آمریکا دومین کشور در این جدول است که با

کاهش ۱ درصدی نسبت به سال گذشته در سال ۲۰۰۴ حدود نه هزار و ۶۶۰ نفر پناهنده گرفت. انگلیس در این رده‌بندی، سومین کشور پناهجویان است که در سال‌جاری نه‌هزار و ۲۱۰ پناهنده را پذیرفت اما این رقم نسبت به سال گذشته ۱۳ درصد کاهش نشان می‌دهد. این در حالی است که پناهندگان در این کشور نیز با مشکلات بسیاری مواجه هستند و حتی سال‌ها باید در کمپ‌ها بلاتکلیف با شرایط سخت دست و پنجه نرم کنند. دولت انگلستان نیز در حال تصویب قانونی است که براساس آن یک شاخه کیفری برای افرادی که بدون پاسپورت و یا مدارک به این کشور وارد می‌شوند، آماده کند. تا در صورت نیاز با این گروه برخورد شود، ضمن آنکه این کشور در تلاش است تا آمار پناهجویان را مانند سال ۱۹۹۷ کاهش دهد. براساس گزارش مرزهای ورودی انگلیسی هر ساله یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر با دریافت روادید وارد این کشور می‌شوند. اما هیچ مقام یا دستگاهی خروج این افراد را از کشور بررسی نمی‌کند.

پس از انگلیس، آلمان چهارمین کشور پناهجویان است که برای بسیاری از پناهندگان یادآوری دوران استقرار درهایم (کمپ‌ها) مسئله‌ای بسیار رعب‌آور است. شرایط پناهجویان در مراکز استقرار بسیار سخت و در مواقعی طاقت فرسا است. آلمان نیز در سال‌جاری هشت هزار و ۵۲۰ پناهنده را پذیرفت که این رقم کاهش ۱۶ درصدی را نشان می‌دهد.استرالیا پنجمین کشور این فهرست است.پناهجویان در این کشور نیز با شرایط بسیار بدی در کمپ‌ها مواجهند و هر ماهه خبری از تجاوز، قتل و دزدی در این کمپ‌ها به چاپ می‌رسد. استرالیا نیز شش‌هزار و ۶۲۰ نفر پناهجو را پذیرفت و این آمار نسبت به سال گذشته ۱۱ درصد کاهش نشان می‌دهد. سوئد یکی از کشورهایی بود که به سبب ارائه بهترین شرایط و مناسب‌ترین کمپ‌ها درصدر گزینه پناهجویان قرار داشت. اما این کشور نیز شرایط را محدود کرده است و با کاهش پذیرش ۲۱ درصدی در سال‌جاری از ۲۳ هزار نفر افراد کمپ تنها به ۱۰ درصد اجازه خروج از کمپ را داد. براساس بررسی‌های صورت گرفته از مهمترین گروه‌های پناهنده پس از ایران، چین، سومالی، چچنی‌ها، هندی‌ها و ترکیه‌ای‌ها هستند.(۶)

این آمار برای سال بعد نیز تکرار گشته است، «شمار متقاضیان پناهندگی در سراسر جهان طی شش ماه اول سال ۲۰۰۵ میلادی در مقایسه با مدت مشابه سال قبل حدود ۱۸ درصد کاهش یافت. کمیساریای امور پناهندگان ملل متحد افزود: در شش ماه اول سال ۲۰۰۵ میلادی ۱۵۶ هزار و ۲۰۰ تن تقاضای پناهندگی خود را به ۳۶ کشور صنعتی جهان ارائه دادند. براساس این گزارش، شمار متقاضیان پناهندگی از اروپا نیز در شش ماه اول سال ۲۰۰۵ میلادی نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۱۷ درصد کاهش داشته است. فرانسه با ۲۷ هزار و ۴۰۰ مورد تقاضا با بیشترین درخواست پناهندگی روبرو بود. این کشور در عین حال نسبت به سال گذشته میلادی با کاهش تعداد متقاضیان پناهندگی مواجه شده است. زیرا در شش ماه اول سال ۲۰۰۴ میلادی حدود ۳۰ هزار تن از فرانسه تقاضای پناهندگی کردند. کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان همچنین گزارش از آمریکا با ۲۵ هزار و ۴۰۰ تن، انگلیس با ۱۵ هزار و ۵۰۰ تن، آلمان با ۱۳ هزار و ۳۰۰ تن، اتریش با ۹ هزار و ۲۰۰ تن، کانادا با هشت هزار و ۷۰۰ تن و سوئد با هشت هزار تن در رده‌های بعدی از لحاظ آمار متقاضیان پناهندگی در میان کشورهای صنعتی جهان قرار داشته‌اند. بیشترین متقاضیان پناهندگی مردم صربستان، مونته‌نگرو با ۱۰ هزار و ۸۰۰ تن بودند و چین و روسیه هر کدام با ۹ هزار و ۴۰۰ تن- ترکیه با شش هزار و یک صد تن- عراق با پنج هزار و ۷۰۰ تن و هائیتی با پنج هزار و ۳۰۰ تن در رده‌های بعدی قرار دارند. (۷)

- مهاجرت متخصصان:

یکی از عوامل موثر در جهانی‌سازی حرکت نیروی کار است که علاوه بر سه شق دیگر مولفه‌های جهانی سازی (همانند: جریان آزاد کالا، سرمایه و تکنولوژی اطلاعات) نقشی بی‌بدیل در جهانی‌سازی بازی می‌کند. عامل مهمی که در بحث مهاجرت متخصصان مطرح می‌شود، بازارهای جدیدی است که برای جذب مغزها یا همان (brain drainفرار مغزها) در دنیای جدید به وجود آمده‌اند. بحث فرار مغزها بحثی بسیار قابل تامل است که خود به طور اساسی باید مورد کنکاش قرار گیرد. براساس تحقیقات متعدد انجام شده در کشورهای پیشرفته، هزینه لازم برای اینکه یک نفر واجد تحصیلات و تجربه کافی حرفه‌ای شده و وارد بازار کار شود، نزدیک به یک میلیون دلار است. این هزینه از هنگام تولد تا مرحله ورود به بازار کار تحصیلات و تجربه مفید را شامل می‌شود و البته به کشورهای پیشرفته مربوط می‌گردد. بنابراین یک نتیجه‌گیری ساده ما را به این واقعیت تلخ هدایتگر می‌شود که این‌گونه کشورها با در اختیار گرفتن تحصیلکردگان کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به آسانی میلیون میلیون دلار بر سرمایه و ثروت‌شان می‌افزایند. واقعیت این است که اصل «نیروی انسانی به عنوان سرمایه» مدت‌هاست در کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته درگیر و دار مشکلات روزمره به فراموشی سپرده شده است و البته بیشترین بهره از این راه عاید کشورهای ثروتمند می‌شود. از جمله کشورهای جدیدی که وارد این عرصه گشته‌اند «سنگاپور» است که برنامه‌ای تحت عنوان Man Power ۲۱ «نیروی انسانی برای قرن ۲۱» ابداع نموده‌اند و مغزهای سایر کشورها را می‌ربایند. پر واضح است که کشورهای مهاجرپذیر کلاسیک مثل کانادا، استرالیا، آمریکا، نیوزیلند و حتی انگلستان نیز به راه خود ادامه می‌دهند.

اما واقعا چرا متخصصان مهاجرت می‌کنند. مهاجرت متخصصان زوایای گوناگونی دارد. برخی از این زوایا عبارتند از: «عوامل اجتماعی و روحی، توسعه نیافتگی اقتصادی، میزان بالای رشد جمعیت، بحران‌های متعدد مقطعی، بیکاری، ناامنی، تبعیض‌های اجتماعی، نوسانات روزمره سیاسی، شکاف اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی»برخی نیز برای نسل بعد خود و یا به عبارت صحیح‌تر برای آینده فرزندان خود مهاجرت می‌کنندبه عنوان مثال می‌توان حتی به طبقه متوسط که همانا کارمندان هستند اشاره داشت. کارمندان نیز از سطح زندگی خود در کشورهای جنوب راضی نیستند. به عنوان مثال می‌توان به آمار زیر اشاره داشت:

«تحقیقات یک مرکز کاوش وتحقیقاتی نشان می‌دهد که حقوق و امتیازات کارمندان بلژیکی نسبت به همکارانشان در اتحادیه اروپا و سایر کشورهای جهان بالاتر است. به گزارش یک پایگاه اینترنتی، حقوق سالیانه هر کارمند در بلژیک برابر ۵۳ هزار و ۵۷۷ یورو است.

این رقم در مقایسه با کشورهای اروپای شرقی بیش از ۱۰ برابر است. حقوق کارمندان بلژیکی نسبت به همردیفان خود در ژاپن ۸ هزار یورو و در مقایسه با کارمندان آمریکایی ۲۰ هزار یورو بیشتر اعلام شده و اساس این تحقیقات، کشورهای سوئد، آلمان، لوکزامبورگ و انگلستان در رده‌های دوم، سوم و چهارم قرار دارند، اما در کل تفاوت چندان زیادی بین حقوق‌ها در کشورهای نامبرده وجود ندارد. هر کارمند بلژیکی به طور میانگین سالانه ۱۲ هزار و ۶۶۷ یورو به هزینه‌های بیمه‌ای و بازنشستگی اختصاص می‌دهد، در حالی که همین هزینه در ژاپن ۵ هزار و ۱۸۳ یورو و در ایالات متحده ۲ هزار و ۱۹۶ یورو است.» شاید بتوان عامل اقتصادی را از مهمترین عوامل مهاجرت دانست به هر حال راهکارهایی نیز برای حل مشکل فرار مغزها و سرمایه‌ها وجود دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: «اصلاحات ساختاری در دو عرصه اقتصادی و بوروکراتیک کشورهای جنوب پرهیز از مطرح کردن مسائل و مطالبات شعاری و جناحی، اصلاح ساختار گزینش در جهت ایجاد فرصت‌های برابر برای استعدادهای داخل کشورهای جنوب، تغییر نگرش نسبت به مهاجران، صدور عقلانی، هدایت شده و با برنامه متخصصان، بانگاه کردن به شرایط مسافرت و یا مهاجرت از کشورهای جنوب به سمت کشورهای شمال به درستی مشخص می‌شود که حتی شرایط مسافرت بسیار بسیار مشکل می‌باشد که شروط کامل و مراحل ویزا برای اتباع کشورهای جنوب بسیار شبیه به هم است و در این مسیر کشورهای شمال سایر کشورها را به دسته‌بندی‌های گوناگونی تقسیم کرده‌اند. به عنوان مثال سفارتخانه‌های کشورهای شمال در تهران از اتباع ایرانی برای هر نوع مسافرت اعم از توریستی یا اقامت موقت یا دائم خواهان مدارک بی‌شماری هستند. حتی برای تجار یا صاحبان مهارت یا دانشجویان که شرح آن در دو ماهنامه «مسافران» آمده است که برای مطالعه بیشتر، خوانندگان محترم این مقاله می‌توانند به این دو ماهنامه و یا سایت‌های مرتبط با امور روادید مراجعه نمایند.

ما از سمت دیگر نیز مهاجرت را دارا هستیم و آن مهاجرت اتباع کشورهای شمال به سمت جنوب است لکن این گونه مهاجرت‌ها بیشتر موقت هستند و به صورت پیمانکاری می‌باشند و قابل قیاس با مهاجرت اتباع جنوب به شمال نمی‌باشند.

در بحث مهاجرت ما با پدیده‌ای دیگر دست به گریبان هستیم و آن پدیده کسب تابعیت کشور میزبان است (و یا کسب اقامت دائم) افراد مهاجر حتی‌المقدور سعی می‌کنند تا به اقامت خود حالت قانونی دهند تا از مواهب کشور میزبان برخوردار گردند لکن قانون مدنی کشورهای میزبان در این گونه بسیار متفاوت‌اند. به طور مثال در سایت اینترنتی ایرانیان بلژیک از سخت‌تر شدن کسب تابعیت بلژیکی سخن به میان آمده و یا در کتاب سبز سوئیس وزارت خارجه به همین مورد اشاره گشته است. به طور کلی روند کسب تابعیت در کشورهای گوناگون بسیار متفاوت است و به قانون مدنی هر کشور بستگی دارد به طور مثال کشورهای اتریش- آلمان- لوکزامبورگ- نروژ- فنلاند- سوئد ودانمارک تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرند و برای کسب تابعیت کشور خود الغای تابعیت قبلی متقاضی را خواستارند لکن کشورهای دیگر OECD مثل فرانسه، انگلستان، آمریکا، کانادا، استرالیا تابعیت مضاعف را می‌پذیرند. ایتالیا- هلند و سوئیس و نیز بلژیک به تازگی تابعیت مضاعف را پذیرفته لکن مراحل اخذ تابعیت را پیچیده کرده‌اند.

به هر حال آنچه مشخص است مهاجرت و کسب تابعیت از طریق راه‌های غیر قانونی مثل جعل سند و یا راه‌های غیر اخلاقی مثل ازدواج‌های صوری تحت عنوان ازدواج سفید تقریبا غیر ممکن گشته است. و کشورهای مهاجر پذیر اکنون بیشتر تلفیقی از ۲ قانون «اصل خاک» و «اصل خون» را مبنای اعطای تابعیت می‌دانند و به صورت غیرقابل انکاری یکسری پیش شرطهایی را برای اعطای تابعیت ملاک قرار می‌دهند که در هر حال بتوانند بهترین افراد و یا حداقل افرادی که بار اضافی برای جامعه خود نیستند، گزینش نموده و به آنها تابعیت اعطا نمایند.

- دورنمای مهاجرت:

دورنمای مهاجرت بسیار روشن و در عین حال بسیار تیره است. به عبارت بهتر در عصر جهانی شدن دیگر ضمانت‌های اجتماعی حتی برای اتباع کشورهای شمال در حال رنگ باختن است چه برسد برای اتباع جنوب. نئولیبرالیسم بر جهان حاکم گشته است که خویشاوندی نزدیکی با اندیشه نئورئالیسم پیدا کرده است. در هر حال می‌توان گفت که اصول تکامل داروینی متاسفانه در دنیای نابرابر کنونی دارد آرام آرام خود را نشان می‌دهد.

دورنمای مهاجرت تیره است از آن جهت که دیگر اتباع فاقد مهارت و فاقد سرمایه توان مهاجرت به کشورهای برخوردار را از دست می‌دهند و «روشن» است از آن جهت که، اتباع شمال و یا صاحبان دانش و سرمایه کشورهای جنوب به راحتی قادر به جابه‌جایی هستند. به عبارت صحیح‌تر افرادی قوی‌تر قادر هستند خود را شهروند جهانی کنند و هر جا که زندگی بهتری داشته باشند زندگی کنند. اثرات این روند در کشورهای جنوب بسیار سهمگین‌تر است، درست است که در کشورهای شمال نیز جابه‌جایی صورت می‌گیرد و به عنوان مثال از اروپای غربی به آمریکای شمالی نیز ما شاهد مهاجرت هستیم لکن اروپای غربی درصدد چاره‌جویی برآمده است و با افزایش بودجه‌های تحقیقاتی درصدد نگهداری دانشمندان خود است و یا با دادن امکانات تحصیلی، مثل بورس رایگان تحصیلی، صاحبان دانش را از سایر نقاط کره زمین به سمت خود جذب می‌کند، اما این وضع برای کشورهای جنوب وحشتناک است و زیست شناسان اجتماعی معتقدند در واقع مهاجرت صاحبان دانش از کشورهای جنوب باعث فرار ژن‌ها می‌شود و کشورهای جنوب از لحاظ سطح فکری نیز تا ابد به عقب افتادگی دچار می‌شوند.

- نتیجه‌گیری:

آنچه از این مقاله برمی‌آید آن است که مهاجرت براساس یک شاخص صورت می‌پذیرد و لکن پدیده جهانی سازی بر مهاجرت موثر بوده است. این پدیده باعث گردیده است که مهاجرت در بین اتباع شمال به سهولت صورت بگیرد و ماشاهد لغو روادید بین کشورهای شمال و یا نیاز نداشتن به اجازه کار در بین اتباع اتحادیه اروپا هستیم، اتباع این اتحادیه حتی می‌توانند تمام سرمایه خود را به راحتی به کشور دیگر این اتحادیه انتقال دهند. البته صاحب‌نظران رادیکال و چپ‌اندیش نوین معتقدند این روند تاثیری منفی برای کشورهای اروپای شرقی دارد زیرا فقط جای هژمون‌ها عوض گشته، زمانی قبله به سمت «مسکو» بود و حالا دانشمندان و صاحبان حرف و سرمایه اروپای شرقی به سمت اروپای غربی و منجمله انگلستان یا آلمان و فرانسه و ... مهاجرت می‌کنند. به هر حال این مورد جای بررسی جداگانه‌ای دارد. لکن اتباع جنوب که فاقد مهارت کافی یا سرمایه هستند به سختی توان مهاجرت پیدا می‌کنند. زیرا کشورهای پیشرفته صنعتی منجمله اروپای غربی سعی می‌کنند که پس از فروپاشی پرده آهنین، کارگران ساده و نیروهای خدماتی خود را از بین اتباع کشورهای اروپای شرقی که فرهنگی در هر حال اروپایی دارند جذب نمایند. برای اتباع جنوب مهاجرت به صورت گزینشی است. اما مهاجرت در عصر جهانی سازی انگاره‌های اخلاقی ما را به شدت مورد چالش قرار می‌دهد. منشور حقوق بشر می‌گوید: «هر کس می‌تواند در هر جایی که می‌خواهد زندگی کند.» آیا این امر در افق آینده قابل دسترس خواهد بود؟ واقعا جوامع مدعی حقوق بشر چه راهکاری برای کسانی که لب‌ها و چشم‌های خود را در کمپ‌ها می‌دوزند یا خود را می‌سوزانند ارائه می‌دهند؟

منبع : روزنامه رسالت

http://vista.ir/?view=article&id=363633

vista.ir
Online Classified Service

چادرخوابی الگویی جدید در اقامتهای سفر

- نگاه اول:

توجه به مقوله سفر و جوانب آن از دیرباز نه تنها در فرهنگ و ادبیات ایران زمین جایگاهی ویژه داشته است، بلکه با ورود دین اسلام نیز در مسائل مختلفی نظیر آداب، اهداف، احکام و... دارای مصادیق بارز و قابل توجهی در رابطه با سفر و موضوعات پیرامون آن می‌باشیم.

در نگاهی به سیر تاریخی ایجاد کاروانسراها به عنوان بزرگترین نوع ساختمان‌های اسلامی شاهد هستیم که انگیزه معنوی خدمت به

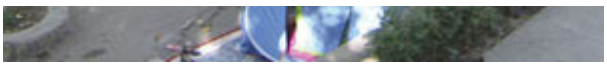

مسافرین با نگاه ایجاد اقامتگاه‌های وقفی و ارزان‌قیمت چه در شهرها و چه بین شهرها آنچنان رشد و تسری می‌یابد که بعدها به عنوان یکی از وظایف حاکمین سرزمین‌های اسلامی به شمار می‌رود و تنها در زمان شاه عباس صفوی ۹۹۹ کاروانسرا در نقاط مختلف ایران ساخته می‌شود که باقی‌مانده‌های آن امروزه تحت عنوان کاروانسرای شاه عباسی در برخی نقاط به چشم می‌خورد.

ساخت و ایجاد کاروانسرا در مسیرهای پر تردد و کاروان‌ها تماماً بر اساس ایجاد و تأمین امنیت، رفاه و آسایش جهت مسافران و چهارپایان با ملحقاتی نظیر محراب، آب انبار، اصطبل، چاه و قنات، حیاطهای بزرگ، انبار و سکوهای نشیمن جهت مسافرین و سایر فضاهای باز و سرپوشیده و به منظور رفع برخی احتیاجات در نظر گرفته می‌شده است و حتی در برخی موارد شخصی نیز در هر کاروانسرا جهت رتق و فتق امورات مربوطه چه با دستمزد واقف و یا سازنده بنا و چه از طریق درآمد حاصل از وقف دام و آب و زمین جهت کارونسرا تعیین می‌گردیده است.

- نگاه دوم:

در سالیان اخیر به خصوص در یک دهه گذشته، صنعت گردشگری کشور در بحث اقامت گزینی توسط مسافران و گردشگران شاهد توجه و روی آوری بسیاری در استفاده از چادرهای مسافرتی هم به لحاظ صرفة اقتصادی و پایین آوردن هزینه‌های سفر و هم به لحاظ سهولت استفاده در ابزار و مکان می‌باشیم به طوری که استفادة از انواع گوناگون این نوع چادرها در مقاصد مختلف مورد استقبال بسیاری از علاقمندان و مشتاقان سفر قرار گرفته است و هم‌اکنون می‌بایست به عنوان یکی از گزینه‌های اقامت و اسکان مسافر در برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌ها توسط سرمایه‌گذاران، دست‌اندر کاران و متولیان امر گردشگری مورد لحاظ قرار گیرد.

که با توجه به روند رو به افزایش تقاضای سفر در میان اقشار مختلف جامعه با سلایق گوناگون و نیز رویکرد دولت محترم نسبت به مسأله همگانی شدن سفر به ویژه با تأکید بر توسعه سفرهای ارزان‌قیمت این موضوع در خور تأمل و درنگ می‌باشد. و قطع به یقین تعریف فضاهای اقامتی مناسب بر اساس این نیازها و سلایق از جمله اردوگاه‌ها اقامتی و کمپ‌های اسکان موقت ارزان‌قیمت در کلان‌شهرها و مقاصد گردشگری ضرورتی آشکار به نظر می‌رسد.

شهر مشهد به عنوان دومین کلان‌شهر مذهبی جهان اسلام و همچنین قطب گردشگری فرهنگی و زیارتی کشور با پذیرایی سالیانه نزدیک به بیش از بیست میلیون زائر و گردشگر که می‌توان گفت در واقع هر ۴ سال جمیعتی برابر کل جمعیت ایران به مشهد سفر می‌کنند نقش به سزایی در توسعه و ترویج گردشگری فرهنگی به عنوان مطلوب‌ترین نوع گردشگری را دارا می‌باشد.

در این میان شهرداری مشهد همه ساله توان مضاعفی را در جهت ساماندهی این خیل عظیم از مشتاقان زیارت و سیاحت به کار می‌بندد لیکن محدودیت منابع و امکانات یک چیز است و ایده‌آل و مطلوب در خدمت‌رسانی چیز دیگر.

در همین ایام نوروز گذشته (نوروز ۸۷) علیرغم اینکه نیمی از ظرفیت اقامتی کل کشور در مشهد می‌باشد لیکن ظرفیت پذیرش و اسکان مسافر در تمامی اماکن اقامتی و حتی منازل استیجاری زائرپذیر تکمیل گردیده و درصد تقاضای بسیاری نیز بدون پاسخ ماندند که این امر موجب حضور پررنگ انواع چادرهای مسافرتی در سطح شهر گردید، به طوری که حتی برخی افراد در خودروهای شخصی و برخی نیز بر روی زمین شب را به صبح رساندند.

برنامه‌ریزی در جهت ایجاد کمپ‌های اقامتی چه در شهرها و چه در بین شهرها نه تنها در راستای همگانی نمودن سفرها کمک شایانی خواهد نمود بلکه از طریق ساماندهی سفرهای ارزان قیمت و بلکه عاملی در جهت جلوگیری از بروز برخی پیامدهای منفی می‌باشد که برخی آثار مثبت آن نظیر جلوگیری از آلودگی‌ها و خسارت‌های زیست محیطی که هر از چند گاهی بی احتیاطی برخی نیز موجب بروز آتش‌سوزیهایی در جنگل‌ها می‌گردد، کاهش تصادفات جاده‌ای در مسیرهای طولانی، رعایت بهتر بهداشت،کاهش هزینه‌های ناشی از گشت و امداد پلیس، اورژانس و ... ؛ مدیریت و برنامه ریزی بهتر در خصوص بهره‌مندی از جاذبه‌های گردشگری، اماکن اقامتی، قوانین شهری و... از طریق اطلاع‌رسانی در قبل از ورود به شهرها و مقاصد گردشگری از جمله آثاری است که می‌توان از احداث کمپ‌های بین‌راهی شاهد بود.حال چنانچه پیامدهای منفی عدم توجه به تامین فضای مناسب جهت اسکان مسافرین که بسیار ملموس‌تر و عینیت بارزتری ارد مورد توجه قرار گیرد صرف نظر از هزینه‌های مالی و اقتصادی آن یکسری آثار فرهنگی و اجتماعی نامطلوب به دنبال دارد.

حفظ و توسعه بهداشت افراد و رسیدگی به مشکلات ..... شهری، کنترل بیماریهای مسری، تهیه منابع مالی جهت اداره شهر، آلودگی هوا، تدارکات اقامت و اسکان، تسهیلات حمل و نقل عمومی و درون شهری، مدیریت انرژی و منابع آب، آرامش روانی شهروندان و مسافرین، فعالیت مجرمین حرفه‌ای، تامین مایحتاج ضروری، حفظ و نگهداری فضای سبز، امنیت و بسیاری موضوعات دیگر از جمله نگرانی‌هایی است که در

شهرهای با گردشگری و مسافر انبوه مواجه می‌باشند.

بحث دیگری که در این رابطه مطرح می‌گردد اطلاع رسانی در کنار موضوعات گردشگری راجع به شکستن پیک سفر و یا حداقل کاهش و تقسیم آن در سایه مواقع از سال می‌باشد یعنی اینکه یک مسافر به مشهد در ایام نوروز که جهت ۳ روز برنامه‌ریزی کرده یک روز خود را به دنبال جا و مکان بگردد تازه آخرش روی زمین بخوابد و روز دوم نیز مجبور به پرداخت هزینه‌ای بالا جهت مکانی گردد که در غیر از فصل مسافرت یعنی اگر مسافر و زائرما بداند که مثلاً پاییز خدمات بهتری دریافت می‌دارد هم به لحاظ معنوی در زیارت به عنوان عمده‌ترین عامل سفر و هم در اقامت و سایر هزینه‌ها و خدمات کیفیت مطلوب‌تری را خواهد بود.

شواهد امر نشان از روند رو به رشد مسافر در سال‌های آتی در میان خانوارهای استان‌ها است.

و استفاده از انواع چادرهای مسافرتی به لحاظ سهولت در استفاده، صرفه اقتصادی آن در پایین آوردن هزینه‌های اقامت به عنوان یکی از عوامل اساسی هزینه سفر، جذابیت و تنوع، راهکاری جایگزین در مواقع عدم دسترسی به مکان‌های اقامتی مورد اقبال و توجه بسیاری از علاقمندان و مشتاقان سفر می‌باشد.

نکته دیگری که در خصوص کمپ‌های اقامتی حائز اهمیت می‌باشد مدت زمان فعالیت آن در طول سال می‌باشد. در اغلب کمپ‌های اقامتی کشورهای اروپایی و سایر مناطق ۹ ماه از سال را دارای فعالیت بوده و به عنوان مراکز مجاز اقامت و دارای خدمات مخصوصی به خود معرفی می‌گردند.

در کشور ما نیز می‌توان با همکاری سازمان‌ها و ادارات و شهرداری‌ها ضمن توسعه اینگونه اماکن و ارائه خدمات مناسب و همچنین مشارکت آگاهانه مسافران و شهروندان و تشکل‌های غیردولتی نتایج تأثیرگذار آن را در صنعت سفر و گردشگری شاهد بود.

http://vista.ir/?view=article&id=368922

vista.ir
Online Classified Service

چادرها جور هتل‌ها را می‌کشند

نویسنده‌ای، به گمانم رابرت لوئیس استیونسون، گفته است «امیدوارانه سفرکردن از رسیدن به مقصد بهتر است».

البته می‌دانیم که او بسیار پیش از عصر تبدیل شدن سفر به «صنعت» سیاحت و گردشگری، پیدایی بزرگراه‌های عریض، هتل‌های ۵ ستاره، ویلاهای لوکس و دائر شدن صدها مهمانسرا و محل آسایش و اقامت مسافران که این روزها در نقاط پر جاذبه توریستی کشور فراهم شده، می‌زیسته است.

اما در این روزگار هم تنها با امید و یا به قول او امیدوارانه سفر کردن شاید بهتر از رسیدن باشد چون احتمال دارد به محض رسیدن به مقصد امید مسافر به یأس و نومیدی بدل گردد.

این تجربه‌ای است که بسیاری در ماه‌های تابستان در شمال ایران دارند. در نوروز امسال هم میلیون‌ها مسافر به یمن مساعدت هوا و گشاده‌دستی مسوولان جیره‌بندی بنزین که برای مسافران نوروزی سهمیه ویژه‌ای در نظر

گرفته بودند تجربه‌ای مشابه داشتند.

آنها عمدتاً و مطابق معمول بدون پیش‌بینی جا و مکان اقامت و تنها به اتکای همان «امید» چونان سیلی خروشان به سوی شهرهای زیارتی و سیاحتی کشور روان شدند.صرف نظر از اینکه جریان این سیل خروشان در موارد متعددی سفر در جاده‌های کشور را به تجربه‌ای تلخ و ناگوار بدل کرد، کسانی هم که پس از جان به در بردن از آن سیل و رهایی از راه‌بندان‌های طولانی و طاقت فرسا در جاده‌های اشباع شده از وسائل نقلیه، وقتی خسته و کوفته و با اعصاب در هم شکسته به مقصد رسیدند، از یافتن محل اقامت مناسب که هیچ، حتی از دست و پا کردن سرپناهی برای بیتوته‌کردن خانواده‌شان نیز ناتوان ماندند و «امید»شان به یأس و حرمان بدل شد.

به عنوان نمونه، به قرار گزارش مقامات سیاحت و گردشگری استان فارس، نوروز امسال از آن میلیون‌ها مسافر نوروزی ۴ میلیون آن فقط نصیب این استان شده بود که بعد از پر شدن ظرفیت اماکن عمومی، خانه‌های مردم، در مدارس و برخی ساختمان‌های خالی دولتی اسکان داده شدند.اما در این گزارش نیامده بود که مشکلات و مسائل اسکان این چهار میلیون جمعیت در آن شهر چه مقدار اشک از چشمان آن مقامات و مسوولان جاری ساخته بوده است.

این در حالی است که در سال‌های اخیر به بازار آمدن یک نوع چادر کوچک سفری که می‌تواند یک خانواده ۴ نفری را ولو «ساردین‌وار» در خود جای دهد، مشکل بسیاری از گردشگران را از بابت گرانی هتل و ویلا و یا کمبود محل اقامت حل کرده و از بار مسوولیت مسوولان مربوطه هم به وجه چشمگیری کاسته است اما از آن سو این چادرها، بنا بر مثل معروف عامیانه، آنهایی را هم که از «بی‌چادری» خانه می‌ماندند راهی سفرهای بی‌طرح و برنامه کرده است.

در نتیجه، این روزها، به‌ویژه در روزهای آخر هفته و ایام تعطیل، پارک‌ها، میدان‌ها، معابر و پیاده‌روی شهرهای توریستی چنان به اشغال این چادرها در می‌آید که حتی یک سانتی متر فاصله میانشان نمی‌ماند که کسی ازآن عبور کند و دیدن آنها مناظر ناگوار سال‌های جنگ و پناه‌بردن مردم به جنگل‌های اطراف شهرها را به یاد می‌آورد.

البته چنان که از ردیف «پیاده‌رو خواب»های نوروزی که زیر آسمان پر ستاره را بر هتل‌های کم ستاره ترجیح داده بودند، بر می‌آمد، امسال بی‌چادرها هم از قافله عقب نمانده و بی‌واهمه از باد و باران نابهنگام شبانه، به ویژه در شهرهای شمالی، اهل بیت را در پهنای پیاده‌روها دراز به دراز خوابانده بودند.

سبب آن است که سنت سفر و «گردشگری» در ایران پدیده‌ای جدید است. خیلی جدید. در واقع از پیدایی آن ۳۰، ۴۰ سالی بیش نمی‌گذرد. تا پیش از آن سفر عمدتاً به قصد زیارت یا انجام کار و ندرتاً به منظور سیر و سیاحت، یا به تعبیر امروز به هدف «گذران اوقات فراغت» صورت می‌گرفت. شاخص‌ترین نمونه سفر و سیاحت در تاریخ ما سیاحتنامه ناصر خسرو است که طی سفر او از بلخ تا مکه و مصر نوشته شده است. سنت سفر، به ترتیبی که در سال‌های اخیر در ایران رونق گرفته با ظهور پدیده‌ای به نام «پیکان» وارد زندگی مردم شد که در اواسط دهه ٤٠ خورشیدی پا به عرصه وجود نهاد و طولی نکشید که این وسیله نقلیه نسبتاً ارزانقیمت به یکی از «اعضای» اصلی خانواده‌های ایرانی بدل گشت و آنها را با قدرت تحرک نو یافته‌شان راهی گشت‌وگذار و دیدار از مناطق دور و نزدیک کشور کرد.

طبعاً برای پذیرش و اسکان این مهمانان جدید و ناخوانده در شهرها و مناطق پر جاذبه کشور هیچ گونه مقدماتی فراهم نشده بود.

بعد از ظهور این پدیده بود که ضرورت ایجاد تأسیساتی به منظور تسهیل سفر و حرکت مردم در سطح کشور احساس گردید و با احداث جاده‌های مناسب و ایجاد مراکز کوچک غذاخوری و اقامت در راه‌ها و مهمانسراهای وسیع و ارزانقیمت در شهرهای بزرگ کشور، در قالب تشکیلاتی به نام «سازمان جلب سیاحان» تا حدی به این ضرورت پاسخ داده شد.این تأسیسات که بعد از انقلاب مدتی کاربردهای دیگری پیدا کرده بودند- جز رستوران‌های بین راهی- بار دیگر در حال احیا شدن هستند و کم و بیش اولین هجوم امواج جمعیت مسافران را تحمل می‌کنند.

اما با افزایش جمعیت کشور و اشتیاق مردم به سیر و سفر و روند رو به تزاید تولید پژو و پراید و بازار سیری‌ناپذیر آن، به نظر نمی‌رسد تا سال‌های قابل پیش‌بینی بزرگراه‌های ما از این بزرگ‌تر شوند و شهرهای توریستی ما توان تحمل این سیل خروشان و این جمعیت سرگردان را داشته باشند.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=318297

vista.ir
Online Classified Service

چاله میدان کجاست ؟

اهمیت و آبادانی و رونق تهران از زمان دوران صفوی آغاز گردید. چون نیای بزرگ صفویان بنام سید حمزه در شهر ری مدفون بوده و ...

هم به جهت وجود باغهای وسیع و آب گوارا و چنارهای بلند و زیبا، شاهان صفوی هر چند یک بار بدانجا روی می‌آوردند و بدین ترتیب تهران مورد توجه پادشاهان صفوی بویژه شاه تهماسب یکم واقع گردید و وی دستور ساختمان بارویی به دور شهر را داد که دارای چهار دروازه و ۱۱۴ برج به تعداد سوره‌های قرآن بود و برای بنای حصار شهر از دو منطقه داخل شهر خاکبرداری انجام شد که بعدها این دو منطقه به چاله حصار و چاله میدان معروف شدند. حدود تقریبی نخستین حصار شهر تهران از جنوب به خیابان مولوی و حاج ابوالفتح، از سوی شرق به خیابان ری، از غرب به خیابان شاهپور (وحدت اسلامی) و از شمال به امیرکبیر و سپه (امام خمینی) محدود می‌شد و محوطه ارگ تهران در میانه شمالی شهر قرار داشت و خندقی نیز به دور حصار کشیده شده بود و محله‌های عمده درون حصار شامل بازار، عودلاجان، سنگلج، ارگ، چاله‌میدان و چاله‌حصار می‌شده است. محدوده درون حصار حدود ۴ کیلومتر مربع بوده و درازی باروی دور آن در کتابهای معتبر حدود ۶ هزار گام نگاشته شده است و فضای بیرون از حصار شامل باغها و کشتزارهای پهناوری بوده که امروزه همگی به محدوده‌های شهری تهران مبدل گردیده اند. پس از استقرار خاندان صفوی در قزوین و سپس در اصفهان، تهران از رشد و گسترش بازمانده و بی توجهی شاه عباس اول به تهران نیز خود به این مسئله افزود زیرا که وی در سال ۹۹۸ که رهسپار جنگ با عبدالمومن خان ازبک شد در تهران به سختی بیمار گردید و ناگزیر از سرکوبی به موقع ازبکان بازماند و در نتیجه ازبکها مشهد را گرفتند بدان جهت خاطره تلخی از تهران به دل گرفت و نسبت به پیشرفت و رشد آن بی توجه ماند.

در روزگار واپسین پادشاهان صفوی برخی اوقات تهران مقر موقتی دربار گردید و حتی شاه سلیمان در آنجا کاخی بنا نهاد و در زمان سلطان حسین صفوی که همزمان با حمله افاغنه در تهران بسر می‌برده برابر یورش افغانها به سختی ایستادگی نموده و تلفات سنگینی را به نیروهای اشرف افغان وارد ساخت اما سرانجام تهران سقوط نمود و افغانها نیز به جهت گرفتن انتقام شهر را ویران کردند و بعدها پس از راندن افغانها، شاه تهماسب دوم به تهران بازگشت و در زمان نادرشاه افشار تهران ازنو نام و نشانی یافت و وی فرمان داد که انجمنی از همه دین شناسان شیعه و سنی در آنجا تشکیل شود و آنان اختلافات دیرینه خویش را کنار گذارند و موجبات یکپارچگی اسلام را فراهم آورند.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=96031

vista.ir
Online Classified Service

چشمـــه میـــشی

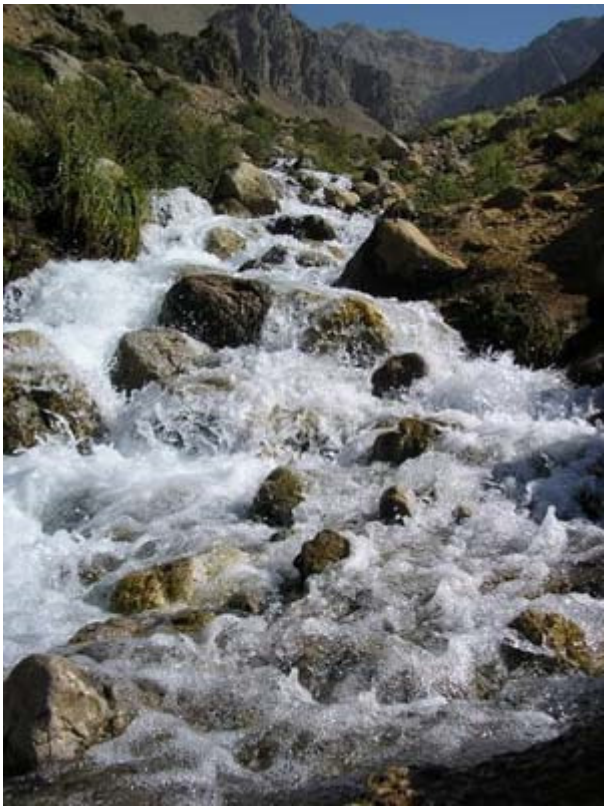

ایـــن چـــشـــمـــه در ۵ کـــیـــلـــومـــتـــری شـــمـــال شـــرقـــی سی سخت قرار دارد و از مـوقـعـیـت مـنـاسـبـی بـرای ایـجـاد تفرجگاه برخورد ار است. آب این چـشـمـه کـه از کـوه دنـا سـرچـشـمـه می‌گیرد، نمای طبیعی زیبایی را به وجود آورده، آب و سرسبزی درختان پیرامون این چشمه فضای مناسبی برای گذران اوقات فراغت فراهم آورده است .

● رودخانه آب شور

طـول ایـن رودخـانـه ۴۵ کـیـلـومتر و ارتفاع سرچشمه آن از سطح دریا ۲۰۵۰ متر است. این رودخانه از دامنه کوه های دل مهتر و تنگ یا سیلوم در۴۰کـیـلـومـتـری شـمـال شرقی دهدشت سرچشمهمی گیرد و از طریق دره لاش به سوی شمال غربی روان می شود. پـــس ازطـــی حـــدود ۱۵ کیلومتر، کوه سیلوم را دور زده و از طـــریـــق دره جـنـوبـی کوه" باسوری" و دره شمالی کوه پنبه به سوی روستای " کان مسی" روان مـی گـردد. در این روستا این رودخانه با یک ریـــزابـــه کـــوچـــک شـــمـــالـــی مـخـلـوط مـی شـود و بـه نام رودخـــانـــه سـوررو بـه جـنـوب سرازیر می شود و ضمن عبور از منطقه لاش روستای "دلی یک " را سیراب می سازد و از دره شرقی کوه سیل سیلک به سوی جنوب شرقی روان مـی شـود و بـالاخـره در غرب روسـتـای انـدرون بـه رودخـانـه مـارون می پیوندد.

● رودخانه قلات

طول این رودخانه ۴۵ کیلومتر و ارتفاع سر چشمه آن از سطح دریا ۱۹۵۰متر است. این رودخانه از دامنه کـوههای سفید کوه و تـنـبـلان در۵۷ کـیـلـومـتـری جـنـوب شـرقـی رامـهـرمـز سرچشمه می گیرد و از طریق تنگ سندان به سوی جنوب غربی سرازیر می شود ودر ۲ کیلومتری جنوب شرقی روستای قلعه مامبی تغییر مسیر می دهد و به سوی جنوب شرقی جاری می شود و ضمن عبور از کنار روستاهای شاه ولی، چهگاه و پای تاوه با ریزابه های متعددی که از شمال و غرب سرچشمه گرفته اند ، مخلوطمی گردد سپس در روستای جان خانی در ۳۲ کیلومتری شمال غربی دهدشت به رود مارون می پیوندد.

● رود بشار

ایـن رودخـانـه از جـنـوب شـرقـی بـویـراحـمـد عـلیا(از کوههای اردکان و ممسنی در استان فارس) سرچشمه می گیرد و به سوی شمال شرقی بویراحمد سفلی پیش می رود. سرچشمه های اصلی این رود ، نهرهای گنجگون تیزآب و تنگ سرخ است. این رودخانه که بیشتر در شرق و شمال شرقی استان جریان دارد. در مسیر خود از شهر یا سوج عبور می کند و به سمت "دورا هان "پیش می رود. پس از عبور از شمال شرقی منطقه و پس از ورود به رودخانه خرسان، در پوزه شمالی دنااز مناطق شمال بویر احمد سفلی و طیبی گذشته، با نام بارز به رودکارون می پیوندد وبه سوی خلیج فارس سرازیر می شود.

● رودخانه تغار

طول این رودخانه ۴۰ کیلومتر وار تفاع آن از سطح دریا ۲۰۰۰ متر است. این رودخانه از دامنه شمالی کوه چست خوار در۳۷ کیلومتری شرق دهدشت سرچشمه می گیرد وبه نام آب " اسبکی " روبه شمال غربی جریان می یابد و پس از مخلوط شدن با دو ریزابه جنوب شرقی ازکنار روستاهای " عزیزی بالا " ، " خلیفه " و " دلیاسیر " می گذرد و با ورود به دره جنوبی کوه سیاه به رود تغار تغییر نام می دهد و پس از عبور از

جنوب روستای "دلی پیر محمود " از شرق " القچین بالا " گذشته و به سوی روستاهای شیراز و اسکندری روان می گردد. در روستای شیراز با یک ریزابه بزرگ شرقی درهم می آمیزد و در ۲ ۵ / کیلومتری شمال غربی روستای گرداب با یک ریزابه بزرگ که از شرق دهدشت عبور می کند، مخلوط شده و در یک کیلومتری جنوب روستای مزبور به رودخانه خیر آباد می پیوندد.

● رودخانه گردآوه

طول رودخانه گرد آوه ۳۰ کیلومتر و ارتفاع سرچشمه آن از سطح دریا ۲۵۰۰ متر است. این رودخانه از چشمه سارهای دامنه شمالی کوه‌های سفید و مورندون در ۴۸کیلومتری شمال غربی یاسوج سرچشمه می گیرد و به نام رود چنار به سوی جنوب شرقی روان می شود و در سر راه ، روستا های سرچنار، میان چنار و دم چنار بالا وپایین را سیراب می‌کند. این رودخانه در دامنه جنوبی کوه دو گوش با یک ریزابه کوچک جنوبی مخلوط می شود و به نام رود گرد آوه در روستای " دروهان " به رود معروف بشار می ریزد.

● رودخانه دره آجم

طول رودخانه دره آجم۵۰کیلومتر و ارتفاع سرچشمه آن از سطح دریا ۲۳۰۰ متر است. این رودخانه از دامنه کوه های جاشیرکش و دل مهتر در ۱۲۰ کیلومتری شمال غربی یاسوج سرچشمه می گیرد و ضمن عبور از دره مابین کوه های پشه دون ، جاشیرکش و دور زد، روستاهای " سرآسیاب میدان " و " رو ریش " را سیر اب می‌کند و در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی لردگان به رود خر سان می ریزد.

● رودخانه خرسان

رودخانه خرسان بزرگ ترین ریزابه رود کارون است و از کوه های "تنگ سرخ " و"کنه دوده سه " در ۴۳ کیلومتری جنوب شرقی یاسوج و ۱۵ کیلومتری شمال غربیاردکان فارس ، سرچشمه می گیرد و به نام رودخانه بشار به سوی شمال غربی جریان می‌یابد. این رودخانه ضمن عبور از دره غربی کوه تنگ سرخ ، روستاهای برد زرد تنگ مشکان و تنگ خشک را سیر اب می سا زد. در یک کیلومتری غرب روستای تنگ سرخ با رود تنگ سرخ یا محمود بیگی درهم می آمیزد و به دره میان کوه های توپ عبدالله (درشرق) وپازنان (در غرب) وارد می شود. در مدخل دره مزبور روستای ده تولی را سیراب می کند و پس از آمیختن با یک ریزابه شرقی با آب دره دلی صفدر، سپس با رود وزگ مخلوط شده و از طریق دره شرقی کوه " خر کلون " به سوی روستای " کلگه " جاری می شود. پس از عبور از روستای سر تنگ در ۳کیلومتری روستای ده شیخ با آب دره " آبزا " در هم می آمیزد و بعد از عبور از روستا های ده کهنه و سر سور به روستای " دوراه "می رسد، در شرق این روستا با رودخانه گرداب که از تنگ آبدوهی می گذرد، مخلوط می شود و به نام رودخانه گرم وگاه به نام رود خرسان به ناحیه لردگان در چهار محال و بختیاری وارد می شود. طول رودخانه خرسان ۲۳۰ کیلومتر و ارتفا ع سرچشمه آن از سطح دریا ۲۹۰۰ متر است. سراسر این رودخانه یکی از مناسب ترین مسیرها برای انجام ورزش های آبی است.

● رودخانه خیرآباد

طول این رودخانه ۱۰۰ کیلومتر و ارتفاع سرچشمه آن از سطح دریا ۲۰۰۰ متر است . این رودخانه از دامنه کوههای " هامی " و" آبگرم کوه " در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی دوگنبدان سرچشمه می گیرد و به نام رودخانه روباشتی به سوی شمال غربی روان می شود. در۲۸ کیلومتری شمال شرقی دوگنبدان با ریزابه بزرگی که از شمال غربی روان می شود مخلوط شده و به نام رودخانه شاه بهرام در یک کیلومتری جنوب روستای گرداب با رودخانه تغار درهم می آمیزد و در سمت جنوب غربی به نام رودخانه خیرآباد با رودهای آب دیل و بی منجگان مخلوط شده و رو به جنوب سرازیر می شود. این رودخانه در ۲۷ کیلومتری جنوب شرقی بهبهان با رودخانه شمس عرب نیز درهم می آمیزد و در شمال غربی روستای حیدرکرار به رود زهره می پیوندد .

● رودخانه یاسوج

این رودخانه از ارتفاعات دنا سرچشمه می گیرد و از تنکه آبشار(واقع در شمال یاسوج) وارد یاسوج می شود. مقداری از آب این رودخانه به مصرف شرب این شهر می رسد و بقیه آن، ضمن آبیاری اراضی پیرامون یاسوج به رودخانه بشار می پیوندد.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=349057

vista.ir
Online Classified Service

چشم‌اندازهای تاریخی و طبیعی روستای اسجیل

اسجیل یکی از روستاهای زیبا و ییلاقی حاشیه شمالی کوههای بینالود است که در حدود ۴۰ کیلومتری شمال غربی مشهد واقع شده است. به خاطر موقعیت قرارگیری این روستای کوهپایه‌ای که در دره‌ای زیبا و سرسبز قرار گرفته دارای آب و هوایی مفرّح می‌باشد. شاید به جرأت بتوان ادعا نمود کمتر جای خراسان دارای این گونه آب و هوای نشاط‌آور است. از طرفی سابقه سکونت در آن به هزاره اول قبل از میلاد بر می‌گردد. با این وجود متاسفانه این منطقه از دید مسوولین گردشگری به دور مانده و در مورد پتانسیل‌های موجود در آن از جمله چشم‌اندازهای تاریخی و طبیعی برنامه‌ریزی صورت نگرفته است. با توجه به نزدیکی این روستای زیبا به شهر مشهد لزوم هدایت گردشگران به آن انکارناپذیر است. و جا دارد مسوولین با یك برنامه‌ریزی دقیق از این پتانسیل بالقوه که در نزدیکی مشهد واقع شده استفاده نموده و جهت هدایت گردشگران و زائرین به آن تلاش نمایند. در این مختصر نگارنده سعی داشته نگاهی گذرا به پیشینه تاریخی اسجیل داشته باشد. هرچند که این نوشتار دارای منابع محدودی می‌باشد و بیشتر نظرات و مطالعات میدانی است. ولی نگارنده امیدوار است این مقاله بابی باشد جهت توجه هرچه بیشتر مسوولین و محققینی که در این زمینه قلم‌فرسایی می‌نمایند.

●اوضاع طبیعی

الف) موقعیت جغرافیایی: روستای اسجیل در حدود ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهرستان مشهد واقع شده است. این روستا با عرض جغرافیایی ۲۷ دقیقه و ۳۶ درجه و طول جغرافیایی ۰۹ دقیقه و ۵۹ درجه با ارتفاع حدود ۱۵۰۰ متر از سطح دریا واقع شده است.۱ در گذشته اسجیل یکی از قراء بلوك گلمکان و بخش طرقبه مشهد بود. در سال ۱۳۶۸ بعد از تبدیل شدن بخش چناران مشهد به شهرستان این روستا جزء بخش گلبهار شهرستان چناران قرار گرفت. در کتاب گیتاشناسی ایران جلد سوم نوشته مهندس عباس جعفری در مورد اسجیل این طور نوشته شده است: «اسجیل دهستانی از بخش گلبهار شهرستان چناران و استان خراسان دارای طول و عرض جغرافیایی ۱۷۱ درجه و ۳۰ دقیقه، فاصله آن تا چناران ۲۲ کیلومتر و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۵۰۰ متر می‌باشد. این روستا دارای سه نوع آب و هوای معتدل، خشك و کوهستانی است. این روستا در دامنه شمالی کوهستانی بینالود قرار گرفته و دارای رودخانه می‌باشد.۲

ب) وجه تسمیه:

در مورد وجه تسمیه اسجیل اظهار نظرهای فراوانی شده بعضی به آن واژه اِسگِل برخی اِسگیل و عده‌ای اسجیل گفته‌اند. در حال حاضر به زبان محاوره‌ای اهالی روستا آن را اِسگِل و از لحاظ نوشتاری به آن اسجیل می‌گویند. بعضی از عوام معتقدند کلمه اسجیل در حقیقت (اِسگِل) بوده و به معنی مکانی است که از خشت و گل نبا شده عقیده دارند، قبل از حمله اعراب به ایران (قبل از اسلام) این روستا وجود داشته، و بعد از تصرف این منطقه به وسیله مسلمانان از آنجا که حرف (گ) یك حرف از الفبای پارسی باستان است و در حروف الفبای عربی وجود ندارد، تغییر اعراب داده و به حرف (ج) تلفظ شده و کلمه اِسگِل تبدیل به اِسجِل و بعدها با اضافه شدن حرف (ی) به اسجیل تبدیل شده است.

اسجیل به لحاظ لغوی یعنی جای محکم و بلند و با توجه به موقعیت قرارگیری این روستای کوهستانی، احتمالاً در دوره اسلامی این کلمه به آن اطلاق شده باشد.

هرچند که اظهار نظرهای فوق‌الذکر فاقد توجیه علمی بوده ولی با توجه به بررسی‌های باستان‌شناسی و مطالعه سنگ قبرهای آن باید اذعان نمود کلمه اسجیل از دوره تیموری یعنی قرن هشتم هجری به این منطقه اطلاق شده است. ظاهراً وجه تسمیه این روستا در دوره قاجاریه اسوح بوده است. چنانکه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه صاحب مطلع‌الشمس در این خصوص می‌نویسد: از جمله قرای دیگر بلوك جورمکن می‌توان به

قریه کاهون (کاهو)، قریه نوزاد، قریه سرآویچ، قریه اسناندر و قریه اسوح اشاره نمود.۳

همانطور که اشاره شد در دوره قاجاریه روستای اسجیل جزء قریه گلمکان و به اسوح مشهور بوده است. در جایی دیگر اعتمادالسلطنه در خصوص بلوك طرقبه- شاندیز و گلمکان می‌نویسد: «... یکی دیگر بلوك شاندیز است در دامنه واقع و محدود است از سمتی به کرهته نیشابور و از طرفی به قصبه کاهو و از طرف دیگر وصل به جاغرق می‌باشد. رودخانه نیز در این بلوك جاری است و این ناحیه بهترین ییلاقات مشهد می‌باشد. قصبه کاهو محلی معتبر و در میانه گلمکان و شاندیز واقع است و قصبه اسجیل که نیز در همین حوالی است و قصبه دولت‌آباد در این قسمت واقع و جزو هیچ یك از بلوکات نیست. بعد مسافت شاندیز از مشهد شش الی هفت فرسنگ است، یکی دیگر بلوك گلمکان است از طرفی به اسجیل و دولت‌آباد از سمتی به خاك چناران از سمت دیگر به خاك نیشابور متصل است. مسافت این بلوك از شهر هفت هشت فرسنگ می‌شود. آب این بلوك از رودخانه‌ای است که از چشمه سبز می‌آید و از وسط قصبه گلریز می‌گذرد. قنات متعدد هم دارد. تقریباً چهارده قلعه و قصبه دارد. و طایفه در این بلوك ساکن یکی از آنها را تاجیك گویند که همه آنها فارسی زبان و در قصبه گلریز سکنی دارند. طایفه دیگر ایلات کرد همزه کانلو (حمزه کانلو) که در سایر قلعه‌جات و مزارع گلمکان جای گرفته‌اند.»۴

ج: تاریخچه تمدنی: روستای اسجیل از لحاظ سابقه تمدنی یکی از قدیمی‌ترین روستاهای منطقه گلمکان و توس محسوب می‌شود. براساس بررسی‌ها و شواهد باستان‌شناسی قدمت سکونت در آن به قبل از اسلام برمی‌گردد و وجود تپه‌های زیاد تاریخی از جمله تپه نخودك*، تپه پیش‌گنبد*، تپه باغ میر*، قلعه کهنه* و برج قلعه* در این روستا حکایت از قدمت دیرین آن دارد. به نظر می‌رسد این روستا در طول زمان بر اثر عوامل مختلف طبیعی مانند سیل و زلزله چندین بار جا به جا شده است و احتمالاً سکونت اولیه در آن از تپه نخودك آغاز شده و به تدریج تغییر مکان داده و در تپه پیش‌گنبد (دوره تاریخی ساسانی) مستقر شده‌اند بعد از پایان استقرار در تپه پیش‌گنبد سکونت جدید در قلعه کهنه آغاز شده که به نظر می‌رسد سکونت در قلعه کهنه در اوایل دوره اسلامی بوده است. در اواسط دوره اسلامی اقوام ساکن در این منطقه به اطراف قلعه کهنه پراکنده شده‌اند. در قرن هفتم هجری (دوره تیموری) سکونت در اطراف زمین‌های شیخ بهشتی ادامه داشته است و این سکونت در قرن هشتم- دهم و یازدهم (دوره صفوی) هجری و حتی دوره نادر شاه افشار ادامه داشته است. در دوره قاجاریه به علت عدم وجود امنیت ناشی از حکومت قاجار- برج قلعه ساخته شد. و اقوام ساکن در اطراف شیخ بهشتی به برج قلعه مهاجرت نمودند برج قلعه یك قلعه استراتژیك دارای حصاری بلند با برج‌هایی برای نگهبانی از اقوام ساکن در آن بوده این برج در بلندترین نقطه روستا قرار دارد جایی که از سه طرف به دشمن مسلط و ورود به آن از یك طرف میسر بوده است. این قلعه در واقع یك دژ نظامی مسکونی بوده است. از اواسط دوره قاجاریه به تدریج با آمدن امنیت در کشور اهالی ساکن در برج قلعه از آن خارج و در پای آن در کناره رودخانه بناهایی را ساختند. روستای فعلی دقیقاً در حاشیه رودخانه قرار گرفته و یکی از زیباترین روستاهای حاشیه شمالی کوههای بینالود از لحاظ موقعیت قرارگیری و بافت معماری می‌باشد.

●مشاهیر اسجیل

منطقه اسجیل از اوایل قرن هشتم هجری (دوره تیموریان و یا اندکی پیش از آن) مرکز حضور و آموزش و ارشاد بسیاری از عرفا بوده است و به همین اعتبار و به دلیل تداوم این کیفیت همیشه مورد توجه اهل عرفان و تصوف و سیر و سلوك و کشف و شهود عرفانی بوده است.

اگرچه شهر توس از همان قرون اولیه اسلامی (قرون ۴ و ۵ هجری) با وجود مشاهیری چون ابوعبیدا... استروغبذی و سپس شیخ ابوالقاسم طوسی و ... از مراکز عمده حضور و زندگی درخشان بسیاری از عرفا بوده است ولی ظاهراً پس از حمله مغول به شهر تابران توس و سپس تیموریان و در نتیجه صدمات جبران ناپذیر اقتصادی و اجتماعی وارده دره‌های شمالی کوههای بینالود به ویژه اسجیل و گلمکان به دلیل ییلاقی و خوش آب و هوا بودن ملجأ و مأمن و در واقع مکان بسیار مناسبی برای حضور علما و عرفای توس بوده است.

شیخ محمدخالد اسجیلی: او بی‌تردید از اجله عرفای توس در قرن هشتم هجری بوده است. شأن و مرتبت معنوی وی از ابراز ارادت مولانا رضی‌الدین علی مایانی و واقعه ختم قرآن بر سر مزارش در جریان شیوع «وبای عظیم» توس در نیمه دوم قرن هشتم کاملاً آشکار است. در این بخش جهت روشن شدن شخصیت روحانی این عالم بزرگ عین نوشته کتاب نفحات‌الانس نوشته عبدالرحمن جامی آورده می‌شود: چنانکه جامی از قول شیخ حافظ ابردهی می‌نویسد: «وقتی در این ولایت (منظور توس) وبایی عظیم افتاد، چنانکه اکثر خلق از حیات خود مایوس گشتند. روزی مولانا رضی‌الدین علی مایانی از ده مایان به ابرده تشریف آورد و در بیرون ده نزول فرمود و مرا طلبید و گفت: امر چنین است که همراه من بیایی و در سر قبر شیخ محمدخالد رحمه ا... تعالی در قریه اسجیل قرآن ختم کنی، شاید که خدای تعالی این بلا را دفع کند. امتثال نمودم! اما به واسطه آن که در آن فرصت خواجه عبدالرحمان گهواره گر* (قدس‌سره) که از محبوبان و مجذوبان حضرت حق بود. (جل ذکره) در قریه اسجیل بر سر سنگی که بر در تربت شیخ محمدخالد است می‌نشست و سخنان بلندی می‌گفت و خدمت مولانا رضی‌الدین علی در غایت تشرّع بود. من متفکر شدم

که: مبادا که امری واقع شود که مردم بلیت وبا را باز طلبند: چون به نزدیك اسجیل رسیدم. شخصی بیرون آمد. وی را از احوال خواجه پرسیدم. گفت حالی بر سنگ نشسته بود. ناگاه گفت که قوچی می‌آید که من حریف کله وی نیستم. از آن جا برخاست و در آن نزدیکی خراسی* بود به آنجا درآمد و در مغاکی پنهان شد. چون به ده رسیدیم و در سر زیارت فرو آمدیم و مردم ده جمع شدند. خبر رسید که امیر علی بیك که حاکم ولایت (منظور توس) به زیارت خواجه می‌آید. مردم ده به مولانا گفتند که: خواجه به سبب شما به این خراس درآمده است. اگر علی بیك بیاید و خواجه را نبیند جای آن دارد که بر ما غضب کند. خدمت مولانا متوجه خراس شد، چون به خراس درآمد فرمود که مهمان را چنین دارند؟ چون خواجه آواز مولانا را شنید از آن مغاکی بیرون آمد و یکدیگر را کنار گرفتند و خواجه چیزی در گوش مولانا گفت. مولانا در گریه شد. مدتی همچنان ایستاده بودند. شخصی مرا گفت که: امیر علی بیك بر در ایستاده و انتظار می‌کشد. من مولانا را تنبیه کردم. مولانا فرمود که: امیر علی بیك منتظر شماست. خواجه بیرون رفت امیر علی بیك خواجه را دریافت. خواجه گفت: مغولك برو که مهمان عزیز دارم. علی بیك روان شد و خواجه از عقب وی نعره می‌زد که: هی مغولك بدو! وی می‌دوید تا از نظر خواجه غایب شد.

بعد از آن خواجه و مولانا به زیارت (مرقد شیخ محمدخالد) درآمدند. و من از بیم آن که مبادا خواجه سخنی بلند بگوید با مولانا گفتم که: من قرآن به یك شبانه روز ختم می‌توانم کرد. مولانا فرمود که امر به سه شبانه‌روز است. من ختم قرآن آغاز کردم. در اثنای تلاوت خواجه آغاز سخنان بلند کرد. مولانا بانگ بر وی زد. دیگر تا آخر صحبت. خواجه از آن سخنان هیچ نگفت. چون ختم تمام شد و از دعا فارغ شدند. یکدیگر را وداع کردند. حق سبحانه و تعالی آن بلیّت را به محض رأفت و رحمت خود دفع کرد.۷

احتمالاً شیخ محمدخالد اسجیلی در مکتب سمنانیه اجازه ارشاد داشته است. سر سلسله مکتب سمنانیه شیخ علاءالدوله سمنانی (احمدبن محود البیابانکی فوت ۷۳۶ ه) بوده است. که در سمنان سیر و سلوك و کشف و شهود داشته است. و بعدها مریدانی چون شیخ وجیه‌الدین عبداله ...غرجستانی در نیشابور و شیخ خلیفه (مولانا شمس‌الدین خلیفه) (مقتول ۷۳۶ ه) در سبزوار از او اجاره ارشاد داشتند.

یکی از خرقه‌های مهم متصوفه فرقه فردوسیه هندوستان است از آنجا که بعضی متعقدند خواجه کمال‌الدین ابن محمدبن علی بهشتی جرمکنی (گلمکانی) احتمالاً جزو همین گروه باشد. با این حال شیخ محمدخالد اسجیلی که در محل معروف است به شیخ بهشتی نیز می‌تواند وجهی باشد در باب این گروه که بایستی در آن تأمل و احتیاط نمود.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=231139

vista.ir
Online Classified Service

چشم‌اندازهای طبیعی مشهور چین

منابع طبیعی چین فراوان است. علاوه بر کوه‌ها و رودهای معروف از جمله مناظر زیبا و مکانهای دیدنی: ۹

دهکده کوهستانی – جان جا جه - خوان لون که در آثار طبیعی جهانی ثبت شده، (بخش مربوط به آثار جهانی در سایت این رادیو در گفتاری به نام "آثار طبیعی وجهانی چین " معرفی می‌شود)، مناظر زیبا و افسانه‌ای طبیعی کماکان زیاد است مثلا کوه‌ها و رودهای "گوی لین" در جنوب غرب- کوه "چان بای شان " در شمال شرق – کوه سی گو نیانشان در گوی جو – مناظر جنگلی منطقه گرمسیری "سی شوان بانان" در استان یون نان - مناظر جزیره نارگیلی در جزیره "های نان" و غیره چشم اندازهای دیدنی است. کوه‌ها و رودهای گوی لین شهر گوی لین در ناحیه خود مختار " جوان گوانگ شی "واقع در جنوب غرب چین قرار دارد و آب و هوای آن معتدل و باطراوت است. زمستان چندان سرد و تابستان زیاد گرم نیست. چهار فصل آن سبز با ۱۹درجه حرارت متوسط در سال است. شهر گوی لین دارای محیط طبیعی نسبتا خوب زیست محیطی است .تحقیقات زمین شناسی نشان می‌دهد که حدود بیش از ۳۰۰ میلیون سال قبل ،گوی لین قبلا دریای بیکران بود. به علت جنبش پوسته زمین، پرتگاه سنگ آهک رسوبی به زمین تبدیل شده و سپس در اثر هوا و مرور زمان فرسوده و ساییده شده وبالاخره به صورت جنگلی به شکل‌های افسانه‌ای درآمده است و غارهای سنگی طویل و زیبا و رودهای زیر زمینی افسانه‌ای در آن دیده می‌شود. این عوارض زمینی مخصوص و رود "لی جیان" با مناظر گوناگون و مناظر باغستانی به سبک خاص جلوه گر شده به گونه ای که به " کوه های سبز - آب زیبا – غارها و زیبایی عجیب سنگ ها" "کوهها و رودهای گوی لین " از همه چیزدر زیر آسمان زیباتر است. شهر گوی لین دارای قدمت ۲۱۱۰ سال و فرهنگ و تاریخ دیرینه و درخشان است در این شهر ۱۰۹ واحد محافظت اثار باستانی در درجه کشوری- ناحیه خود مختار وشهر وجود دارد. اشعار شاعران و صاحب نظران سلسله‌های گذشته در ستایش مناظر زیبای گوی لین و مجسمه‌های بودایی در همه غارها و کوه‌ها دیده می‌شود که در میان آنها " جنگلی از ستون سنگی گوی خای " " کتیبه‌های روی سنگ سی شان " از همه معروف‌تر است. مناظر زیبای شهر گوی لین عبارتند از قله بی لیان – پارک چی سین – چشمه آب گرم لون شن – سنگ لو دی – کوه خرطوم فیل . هم اکنون درشهر گوی لین جمعا۲۸ هتل و ۱۸ موسسه گردشگری بین المللی وجود دارد و بیش از یکهزار مترجم زبانهای خارجی کار می‌کنند. در سالهای اخیر تاسیسات زیر بنایی گردشگری گوی لین بیش از پیش تکامل یافته و بیش از ۴۰ خط هوایی مستقیم با شهرهای داخلی و خارجی در آن وجود دارد.

کوه چان بای شان:

کوه چان بای شان در استان جی لین واقع در شمال شرقی چین و کوه هم مرز دو کشور چین و کره شمالی و نیز سرچشمه سه رود "تون من جیان " و "یالون جیان" و " سون خوا جیان " است. دریای جنگلی بیکران، حیوانات گرانمایه و نادر در جنگل‌ها باعث شده است که در سال ۱۹۸۰ این ناحیه به عنوان ناحیه حفاظت محیطی بین المللی سازمان ملل ثبت شود. این کوه اکنون از نواحی مهم دیدنی چین است. کوه چان بای شان نخستین کوه شمال شرقی چین نامیده می شود. در تاریخ مردم شمال شرقی همواره در اینجا زندگی و کار کرده اند و نیز منشا ملت "من" بوده است. از این رو در سلسله چینگ ،شمال شرقی"زمین مقدس" شمرده می شد. کوه چان بای شان به مکان گردشگری، منشا ملت "من "،کوه مقدس ملت کره شهرت دارد. این کوه به علت سنگ سفید خارای اسفنجی مانند در قله یخی نامگذاری شده است. طبق تاریخ مکتوب ، این یک کوه آتش فشان خاموش است که از قرن ۱۶ میلادی سه بار فوران کرده است. چشم انداز عوارض مخصوص کوه چان بای شان عجیب و غریب و زیباست. مناظر زیبای این کوه عبارتند از استخر تیان چی – جنگل یوه خوا – جنگل زیر زمینی – درخت سرو زیبا – دره بزرگ – باغ کوهستانی – قله – چشمه گرم – دهانه حی فون – جنگل سنگی اسفنج مانند. کوه چان بای شان محل تولید کالاها پوست سمور و شاخ پوشیده از موی ریز گوزن نر است و در این کوه منابع موجودات نادر بسیار غنی است . گیاهان آن درخت‌های زیبای سرو –انگورکوهستانی – قارچ وحشی - درخت جن دا لا – حیواناتی چون ببر شمال شرقی – لک لک دارای تارک سرخ است . برای گردشگری در کوه چان بای شان تسهیلات رفت و امد برقرار است . شما با هواپیما از بیجینگ – شانگهای و شن یان به شهر یان جی می‌رسید و با اتوبوس به این کوه می‌روید. در کنار این کوه و بالای ان هتلهایی احداث شده است و اجاره بهای یک شب آن در حدود ۲۲۰ یوان است. قیمت عمومی در پذیرشگاه عام معمولا در حدود ۱۰ -۴۰ یوان است. شهرها و قصبات دلربای چین شهرهای چین دارای تاریخ دیرینه است بخصوص بعضی شهرهای کوچک که بیش از یکصد سال قدمت دارد ، دارای دلربایی خاصی است مانند شهر "لی جیان "در استان یون نان که در فهرست اثار باستانی فرهنگی جهانی ثبت شده است.تاریخ و فرهنگ شهرهای

کوچک توجه مسافران را به خود جلب می‌کند. مانند شهرک جو جوان – شهر قدیمی فون خوان – یان شو – شهر وو جن – نان سین و دای لی در خط دید گردشگران داخلی و خارجی است.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=9204

vista.ir
Online Classified Service

چشمه آب معدنی آب گرّو

در لایه های زیرین منطقه تفرش، سفره هایی از آب معدنی وجود دارد که به صورت خودجوش از جای جای این منطقه به سطح زمین جریان پیدا کرده اند.

اصلی ترین چشمه آب معدنی تفرش به «آب گرّاب» یا «آب گرو» معروف است که در ۵ کیلومتری غرب شهر و در محلی به نام «تخته شور» قرار دارد. مجموعه ای از دهها چشمه کوچک دیگر تا شعاع چند صد متر «آب گرو» وجود دارد که به آنها «آب قلّک» می گویند.

● آب گرو

این چشمه آب معدنی در ۵ کیلومتری شهرستان تفرش و بین روستاهای کبوران و تراران از زمین خارج می شود. این ناحیه از رسوبات آبرفتی پوشیده شده است و در برخی نقاط زمینهای دوره کرتاسه وائوسن تا میوسن نیز دیده می شود. آب همراه با گازکربنیک فراوان از زمین خارج می شود. این آب از دسته آب های بیکربناته کلسیک و کلروره سدیک بوده و از لحاظ میکروبی دارای آلودگی است و قبل از مصرف باید استخراج صحیح انجام شود.

نوشیدن این نوع آبها باعث ازدیاد ترشحات دستگاه گوارشی شده و به هضم غذا و تخلیه معده کمک می کند. همچنین باعث بهبود متابولیسم پروتیدها شده ، قند خون را پایین می آورد و باعث دفع اسید اوریک می شود. استحمام در این آبها، اثر تسکینی داشته و باعث انبساط عروق و ازدیاد ادرار می شود.

این آب شبیه آب معدنی رویات فرانسه می باشد.

● چاه دیوانه

چاه آب فشانی در داخل شهر (واقع در پارک حکیم نظامی) وجود دارد که هر چند وقت بکبار فوران می کند. عمق این چاه حدود ۲۰۰ متر می باشد و به قصد آب شرب شهر حفر شده بود. در اوایل حفر چاه، فوران آب ۵۰ دقیقه و زمان استراحت ۱۰ دقیقه بود. اما اکنون پس از گذشت ۲۰ سال فاصله زمانی فوران آب به یکبار در روز تقلیل یافته است. این آب فشان به «چاه دیوانه» معروف است. این آب های معدنی خوردنی نیستند و فرمول شیمیایی آنها بیکربانته کلسیک و کلروه سدیک $Ca(Hco_3)_2NaCl$ می باشد و در هنگام جوشش با گاز CO_2 همراه هستند. در جهان فقط یک آب معدنی دیگر با این مشخصات وجود دارد، آن هم چشمه رویا (Royat) در فرانسه می باشد.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=96045

چطور کودکان را در سفر سرگرم کنیم؟

آیا در فکر آن هستید که امسال تابستان به همراه فرزندانتان با اتومبیل به مکان دوری سفر کنید، اما از طولانی بودن مسیر هراس دارید؟

در اینجا، بنا به نظرسنجی‌ای که از والدین و کودکان در این زمینه به عمل آمده است،بهترین کارهایی که در طول راه می‌توانید برای سرگرم‌کردن بچه‌ها انجام دهید فهرست شده است.از میان تمام فعالیت‌ها و سرگرمی‌ها، موسیقی موردپسند اکثر افراد است.

کودکان در هر رده سنی که باشند، موسیقی همواره لحظات زیبا و شادی‌آفرینی را در داخل اتومبیل برای آنان فراهم می‌سازد. گوش دادن به نوار کاست، آوازخوانی، نواختن آلات موسیقی کوچک چون سازدهنی و دست زدن! تا چشم بر هم بگذارید می‌بینید که حدود ۵۰ کیلومتر مسافت را گذرانده‌اید!

هنگامی‌که شما با فرزندانتان عازم سفر می‌شوید در هنگام حرکت می‌توانید نه تنها رانندگی کنید بلکه همراه آنان سرود دسته‌جمعی بخوانید.«هیچ‌چیزی نمی‌تواند به اندازه آوازهای گروهی حواس کودکان را پرت کند.» کتا بهایی که همراه نوارهای کاست هستند نیز به اندازه سرود دسته‌جمعی مورد توجه و پسند کودکان در هر رده سنی بوده و در اکثر کتابخانه‌های عمومی قابل دسترسی هستند.

تمام والدینی که در مورد سرگرم کردن کودکان در اتومبیل مورد پرسش قرار گرفته‌اند، به استفاده از مناظر اطراف به هنگام سفر تمایل نشان داده‌اند. تابلوهای علائم و اعلانات، پلاک اتومبیل‌ها، اتومبیل‌هایی که در اطراف در حال حرکت هستند،مزرعه‌ها، خانه‌ها و دهکده‌ها همگی بهانه‌ای هستند تا از طریق آنها، بازی‌های گوناگونی را با مشاهده و دیدن انجام داد. مثلا جست‌وجوی رنگ‌هایی که در مناظر اطراف وجود دارند، رنگ‌زرد، قرمز، آب، حروف الفبا، اعداد، یک توپ، یک گوسفند، آقایی که کلاه به سر دارد و... . این‌گونه مثال‌ها نامحدود بوده و بنا به سن کودکان تنظیم می‌شود.

قبل از حرکت، اجازه دهید فرزندان اسباب‌بازی‌ها یا بازی‌های دلخواه خود را انتخاب کرده و همراه بیاورند.اسباب‌بازی‌های انتخاب شده باید کوچک و جمع‌وجور بوده و از اجزا و تکه‌های متعدد و ریز تشکیل نشده باشند چرا که احتمال افتادن و گم شدن آنها وجود دارد.

اسباب‌بازی‌ها را کنار یکدیگر و داخل یک ساک گذاشته و مسئولیت نگهداری از آن را به کودک بسپارید.تخته صاف و کوچکی همراه داشته باشید تا کودک بتواند روی سطحی سفت، بازی،نقاشی یا رنگ‌آمیزی کند. در ضمن کاغذ، مداد و ماژیک را نیز فراموش نکنید. به اندازه کافی از هر کدام به همراه بیاورید. می‌توانید به کمک یک بازی ویدئویی کوچک که قابل حمل باشد، ساعت‌ها کودکانی را که کمی بزرگتر هستند سرگرم کنید و خوشبختانه می‌توان صدای آن را کم کرد.

- کتاب‌های داستان

گرچه کتاب خواندن در داخل اتومبیل، گاه دشوارتر از مواقع دیگر است، اما با این حال روشی عالی برای سرگرم کردن کودکان به شمار می‌آید. می‌توانید به کودکان بزرگتر، کتاب‌هایی را که حاوی شخصیت‌های مهم کارتونی هستند پیشنهاد کنید و در مورد بچه‌های خیلی کوچک، کتاب‌های بزرگ مصور و کارتونی موجب شادی آنان خواهد شد.

● کیف‌های شادی

همیشه قبل از آنکه تعطیلات از راه برسد، برخی از پدرها به مغازهایی که اجناسش ۱۰۰۰ تومانی هستند، رفته و ساک جادویی خود را از اسباب‌بازی‌های کوچک پر می‌کند تا در زمان سفر با اتومبیل، هنگامی‌که بچه‌ها شروع به بی‌قراری کرده و حوصله آنها سر می‌رود، اسباب‌بازی‌ها را یکی‌یکی از ساک بیرون آورده و بین بچه‌ها تقسیم کند. نشان دادن اشیای جدید به بچه،روش خوبی برای تحریک کردن حس کنجکاویش بوده و او را به مدت نیم یا حتی یک ساعت سرگرم می‌کند.

همچنین می‌توانیم یک خوراکی مختصر و ساده داخل کیسه اسرارآمیز خود بگنجانیم. یک میان وعده مختصر و مغذی نه فقط گرسنگی کودکان را برطرف می‌کند بلکه می‌تواند به موقع کسالت و یکنواختی ناشی از سفر را از بین ببرد.

خوراکی‌های سالمی که مورد علاقه فرزندتان است و آشغال کمی تولید می‌کند را انتخاب کنید؛ میوه‌های تازه، پنیر، سبزیجات، کشمش، گردو، میوه‌های خشک شده، شیرینی‌های ساده و غلات. در مورد نوشیدنی‌ها، بطری‌های نوشیدنی را همراه با نی انتخاب کرده و از شب قبل آنها را داخل فریزر بگذارید تا منجمد شوند و برای روز سفر چندین ساعت خنک بمانند. اگر مواد داخل ساندویچ‌هایی که همراه می‌آورید فاسد شدنی باشند، برای آنکه دیرتر فاسد شوند، ساندویچ‌ها را با نان یخزده تهیه کنید.

● من دستشویی دارم..

توقفگاه‌های عمومی میان راه خصوصا پارک‌ها و بوستان‌ها و مناطق جنگلی را مدنظر داشته باشید. اکثر این پارک‌ها گذشته از توالت، مجهز به زمین‌های بازی هستند. به هنگام توقف در این مکان‌ها، می‌توانید از فرصت استفاده کرده و کمی کرختی و کوفتگی ناشی از سفر را به در کنید و کودکان نیز فرصت خواهند یافت تا انرژی سرشار خود را تخلیه کنند.

یک توپ و یک طناب بازی همراه آورده و بازی‌های مختلفی انجام دهید؛ در هر حال، مهم آن است که قبل از ادامه دادن سفر، با جنبش و جست‌وخیز کوفتگی و خستگی ناشی از ساعت‌ها رانندگی را کاملا از بدن دور کرده و اکسیژن کافی به بدنتان برسانید. زمانی‌که مجددا به حرکت خود ادامه می‌دهید، در صورت امکان جای خود را در داخل اتومبیل عوض کنید. اگرچه عوض کردن جا، سفر را خوشایندتر و راحت‌تر می‌کند، اما هرگز نباید نکات ایمنی سفر را نادیده گرفت.

خردسالان باید همیشه روی صندلی‌های مخصوصی بنشینند که بنا به قدوقواره آنان تنظیم می‌شود و کودکان کمتر از ۱۲ سال همیشه باید روی صندلی عقب اتومبیل بنشینند، خصوصا اگر اتومبیل مجهز به کیسه‌های هوا باشد.پدر ی می‌گوید:«دوست دارم خودم را با بچه‌ها سرگرم کنم. اما در کنار آن مایلم لحظاتی را در آرامش به گفت‌وگو با بزرگترها یا حتی غرق شدن در رویاها و افکارم سپری کنم.»

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=317121

vista.ir
Online Classified Service

چگونه خطرات مسافرت‌های نوروزی را به حداقل برسانیم؟

بار دیگر ماه زیبای فروردین از دیاری نه چندان دور، ترانه‌های سبز زندگی را در گوش اسفندماه زمزمه می‌کند. زمین فریاد رُستن دارد تا بار دیگر خون شکوفایی و سرسبزی در شریان درختان و گیاهان جریان یابد.

فصل زمستان در انتهای گذار خود، میزبان مسافرانی از شهرهای گوناگون است که پس از طی مسافت‌های طولانی، به مقصد خواهند رسید تا

تعطیلات نوروزی خود را در آن محل سپری کنند. خانواده‌هایی که با هزاران امید و آرزو در طول سال برای تعطیلات نوروزی و گردش و تفریح سالم برنامه‌ریزی کرده‌اند، اکنون باید با آسایش و ایمنی کامل در سفرهای جاده‌ای، ریلی و هوایی به تمام برنامه‌های نوروزی خود جامه عمل بپوشانند. اما مسافرت میلیون‌ها مسافر در سراسر کشور و زمینه‌سازی برای آسایش و اطمینان در سفر، به امکانات و تسهیلات ویژه‌ای نیازمند است. بسترسازی برای فراهم‌آوردن ایمنی، آسایش و آرامش مسافران در طول سفر تحقق نخواهد یافت مگر آنکه تمام ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی با همکاری و هماهنگی و با تشکیل ستادهای سفرهای نوروزی، امکانات ویژه‌ای به مسافران ارائه دهند. ایجاد امنیت و آرامش مسافران نیازمند همکاری دستگاه‌های مختلف است. مسافران نیز باید با رعایت قوانین و مقررات، برای سلامت هرچه بیشتر مسافرت‌های نوروزی تلاش کنند. دفاتر خدمات مسافرتی نیز می‌توانند با ارائه تسهیلات و اطلاع‌رسانی، گردشگران نوروزی را به خوبی راهنمایی کنند.

● طرح راهنمای مسافران نوروزی

به منظور تسریع در ارائه خدمات بهتر به مسافران نوروزی، تفاهم‌نامه‌ای میان سازمان میراث فرهنگی و هلال احمر به امضا رسیده است تا ضمن ارائه تسهیلات نوروز ۸۶ برای مسافران با بهترین خاطرات سپری شود.

تشکیل کمیته مشترك آموزش برای طراحی، ایجاد و برپایی دوره‌های آموزش گردشگری نیز بسیار مهم است و در راهنمایی مسافران تاثیر مثبت خواهد داشت. اطمینان و ایمنی در سفر، کمك به تامین آسایش و آرامش مسافران، ترویج فرهنگ نوع دوستی و مهرورزی از اهداف اصلی اجرای طرح راهنمای مسافران نوروزی است.

سازمان میراث فرهنگی، ستاد تسهیلات سفرهای کشور و شهرداران شهرها در سراسر کشور باید با همکاری یکدیگر تسهیلات لازم را به منظور انجام سفرهای خاطره‌انگیز برای مسافران فراهم کنند.

● نکات ایمنی در سفرهای نوروزی

▪ باید توجه داشت که در سفرهای جاده‌ای، بستن کمربند ایمنی درصد قابل توجهی از تلفات منجر به فوت را در تصادفات کاهش می‌دهد و به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین وسایل ایمنی حافظ و جان سرنشینان خودرو محسوب می‌شود. بستن کمربند ایمنی علاوه بر تامین سلامت راننده موجب تسلط بیشتر در رانندگی می‌شود.

▪ رانندگان باید با رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، با مسوولان راه و ترابری و پلیس راه همکاری کنند تا برنامه‌ها و طرح‌های پیش‌بینی شده برای سفرهای نوروزی به‌طور کامل و به خوبی انجام پذیرد.

▪ سعی کنید همیشه پیش از سفر خودروی خود را از هر نظر کنترل کنید تا دچار نقص فنی نباشد. باد لاستیك‌ها، روغن موتور، روغن ترمز، آب رادیاتور و شیشه شور و ... همه را مدنظر قرار دهید.

▪ همیشه پیش از مسافرت خوب بخوابید تا در هنگام رانندگی دچار خستگی و خواب‌آلودگی نشوید.

▪ در هنگام نوروز به دلیل نوسانات آب و هوا و غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط جوی، سعی کنید در هنگام روز رانندگی کنید چرا که رانندگی در شب می‌تواند با خطای دید و حوادث بیشتری همراه باشد.

▪ به علایم رانندگی و تابلوهای هشدار دهنده در جاده، به ویژه در جاده‌های کوهستانی توجه کنید.

▪ شیشه‌های خودرو، برف‌پاك‌کن‌ها و چراغ‌های جلو و عقب را کنترل کنید تا از سلامت کامل برخوردار باشند.

▪ اگر در هنگام رانندگی با مه‌گرفتگی روبه‌رو شدید، از نور پایین استفاده کنید و در صورتی که نمی‌توانید بیشتر از صدمتر مقابل خود را ببینید، چراغ‌های مه‌شکن را روشن کنید و از سلامت وسایل هشداردهنده مانند چراغ‌های چشمك‌زن، بوق و چراغ راهنمای خودرو اطمینان حاصل کنید.

▪ در هنگام بارش برف و باران، با سرعت مجاز و دقت بیشتری رانندگی کنید.

▪ اگر سطح جاده یخ زده است، از گردش و انحراف ناگهانی بپرهیزید و ضمن استفاده از زنجیر چرخ و لاستیك‌های یخ‌شکن، نکات ایمنی را فراموش نکنید.

▪ لباس اضافی و تجهیزات لازم و کافی سفر را به همراه داشته باشید.

▪ اگر با اتوبوس، قطار و یا هواپیما سفر می‌کنید، تاریخ و ساعت حرکت را چند بار کنترل کنید و حداقل یك ساعت پیش از حرکت در محل حاضر باشید.

▪ از حمل بار اضافی خودداری کنید.

▪ در طول سفر به حقوق دیگران احترام بگذارید.

▪ نظافت و بهداشت را به طور کامل رعایت کنید.

▪ به هیچ عنوان در حضور افراد دیگر و در محیط بسته، دخانیات استعمال نکنید.

▪ در هنگام حادثه و یا خطر احتمالی خونسردی خود را حفظ کرده و به کمك نیازمندان بشتابید.

● تغذیه در سفرهای نوروزی

▪ در سفرهای جاده‌ای سعی کنید کمتر از غذاهای رستوران‌های بین راهی استفاده کنید.

▪ غذای مورد نیاز در طول سفر را پیش از حرکت آماده و مهیا سازید. این غذا باید ضمن تامین انرژی و پروتئین لازم برای بدن، از چربی و کالری زیادی برخوردار نباشد.

▪ میوه و سبزی‌های تازه را به عنوان یکی از مواد اصلی در برنامه غذایی سفر خود قرار دهید.

▪ همیشه مقداری آب آشامیدنی به همراه داشته باشید.

▪ از تنقلات کمتر استفاده کنید، چرا که مصرف بی‌رویه تنقلات به ویژه در کودکان عاملی برای چاقی آنان است.

▪ اگر از محصولات کنسروی استفاده می‌کنید، به تاریخ مصرف آن و سلامت قوطی کنسرو توجه کنید.

▪ رعایت نکات بهداشتی در تغذیه‌ای سالم بسیار مهم است.

▪ سعی کنید پیش از مصرف غذا در طول سفر، دست‌های خود را با آب و صابون شست‌وشو دهید.

▪ تغذیه صحیح و مناسب در طول سفر با تاثیر بر اعصاب و روان، سبب رشد فکری می‌شود و مسافرتی شاد و با طراوت را در پی خواهد داشت..

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=250590

vista.ir
Online Classified Service

چند و چون مهاجرت

سفر از مکانی به مکان دیگر و اقامت گزیدن در نقطه ای که موطن اصلی نیست، مهاجرت نامیده می شود. مهاجرت مخصوص انسان ها نیست و شامل برخی از حیوانات نیز می شود؛ ولی اینجا مقصود از هجرت، انتخاب محلی دیگر برای زیست از سوی انسان ها است. مهاجرت انسان ها امری نوظهور نیست و شاید به درستی نتوان تاریخ اولین مهاجرت انسان ها را فهمید. مثلاً می دانیم آریایی ها از شمال دریای خزر به ایران هجرت کرده اند. شاید پیش از آن نیز مهاجرت های دیگری داشته اند. مهاجرت از دیرباز تاکنون به سه علت عمده رخ داده است.

الف- شرایط بهتر زندگی: این شرایط می تواند زمین مساعد برای کشاورزی

و دامپروری باشد یا محلی پرآب و یا حتی منطقه ای معتدل و خوش آب و هوا. مثلاً همان مردم آریایی، شاید از سرمای شمال به فلات ایران گریخته باشند. در دنیای امروز که معمولاً حداقلی از امکانات زندگی در بیشتر نقاط وجود دارد، تعریف شرایط بهتر اندکی تغییر یافته است. اکنون انسان ها به دنبال آرامش و پیشرفت بیشتر هستند. مثلاً می توان مهاجرت نخبگان از یك کشور جهان سومی به کشورهای توسعه یافته را در این دسته جای داد.

ب- امنیت: در بسیاری از موارد انسان ها از ترس شرایط ناامنی که برایشان ایجاد شده است، به منطقه ای امن مهاجرت می کنند. این ناامنی می تواند بر اثر هجوم حیوانات درنده باشد بیشتر در گذشته- و یا به خاطر جنگ. به عنوان مثال جمعیت کثیری از مردم افغانستان مرد و زن به خاطر هجوم ارتش شوروی و سپس جنگ داخلی، موطن اصلی خود را ترك گفتند و به کشورهای دیگر مهاجرت کردند.

ج- آزادی: چه در دوران گذشته و چه اکنون، انسان هایی که با قدرت حاکمه رابطه خوبی نداشته و از سوی حکومت مورد آزار و اذیت قرار می گیرند، به سرزمین های دیگری کوچ می کنند. شاید آشناترین مثال این مهاجرت، سفر پیامبر اسلام از مکه به مدینه باشد. طلب آزادی های سیاسی، اجتماعی و مذهبی همواره سبب مهاجرت انسان هایی شده است که در اقلیت بوده اند.

در مهاجرت همواره دو نقطه وجود دارد؛ مبداء و مقصد. در یك دسته بندی دیگر مهاجرت را می توان به نوع مثبت و منفی تقسیم کرد که این دو نوع هر کدام برای مبداء و مقصد رخ می دهد. به طور خلاصه می توان حالات ایجاد شده را بدین گونه شرح داد.

۱ - مهاجرت منفی برای مبداء: مهاجرت نخبگان که در این سال ها بسیار از آن یاد می شود، قطعاً برای کشور مبداء زیان آور و منفی است. صاحبان سرمایه، صنعتگران، دانشمندان و همگی جزو نخبگان یك کشور محسوب می شوند که تربیت هر کدام هزینه گزافی برای یك ملت داشته و دارد. طبیعی است مهاجرت این افراد از کشور و ثمردهی آنها برای یك کشور دیگر هیچ گاه مطلوب نیست.

۲ - مهاجرت مثبت برای مبداء: برای روشن شدن این دسته می توان کشور لبنان را مثال زد. می دانیم که حدود دو سوم جمعیت لبنان در خارج از این کشور زندگی می کنند با این وجود دولت لبنان همواره شهروندانش را به مهاجرت به کشورهای پیشرفته ترغیب می کند. سیاست دولت این کشور، آموزش شهروندانش در زمینه های مختلف در دیگر کشورهاست. بدین ترتیب پس از چند سال کشور بدون آنکه هزینه زیادی صرف پرورش شهروندان خود کرده باشد، تعداد زیادی انسان کار آمد در اختیار دارد. فرستادن جوانان به کشورهای توسعه یافته برای تحصیل علم و دانش و کسب تجربه یکی از موارد مثبت مهاجرت برای کشور مبداء است، البته به شرط آنکه هدایت شده باشد. دسته دیگر مهاجرت مثبت برای کشور مبداء در سال نیروی مازاد کار به کشورهای دیگر است. کشوری مانند ایران که اکنون به دلایل مختلف با افزایش جمعیت جوان و جویای کار روبه رو شده است، می تواند بخشی از نیروی کار مازاد خود را به دیگر کشورها بفرستد. با این کار هم از میزان بیکاری کاسته می شود و هم کارگران ایرانی شاغل در دیگر کشورها پس از مدتی سرمایه اندوخته را وارد کشور می کنند. این نوع از مهاجرت نیز به شرط برنامه دار بودن سودمند است.

۳ - مهاجرت منفی برای مقصد: گویاترین مثال برای این دسته، مهاجرت افاغنه به ایران است. در طول سال هایی که افغانستان درگیر جنگ بود، بیش از یك میلیون افغانی وارد ایران شدند که چون اغلب از اقشار کم سواد و کم درآمد آن کشور بودند، برای ایران ارمغانی جز بیماری، بیکاری، مشکلات امنیتی، قاچاق مواد مخدر و... به همراه نداشتند. در این حالت کشور میزبان از هر جهت متضرر می شود. البته پیشگیری از این گونه مهاجرت ها اغلب به دلایل انسان دوستانه امکان پذیر نیست، ولی در هر صورت این دسته از مهاجرت، مطلوب هیچ کشوری نیست.

۴ - مهاجرت مثبت برای مقصد: کشورهایی که در مهاجرت نخبگان نقش مقصد را بازی می کنند، همواره طالب مهاجرت هستند. این کشورها بدون آنکه هزینه ای بابت تربیت نیروی انسانی ماهر پرداخته باشند، از توان علمی و فنی و اقتصادی آنها استفاده می کنند. این کشورها معمولاً در زمانی کوتاه رشد اقتصادی و علمی چشمگیری دارند. کشوری مانند آمریکا که از تاریخ کوتاهی برخوردار است به علت همین مهاجرت ها اکنون به یك کشور توسعه یافته تبدیل شده است.

میثم قاسمی

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=220841

vista.ir
Online Classified Service

چهار باغ در استان اصفهان

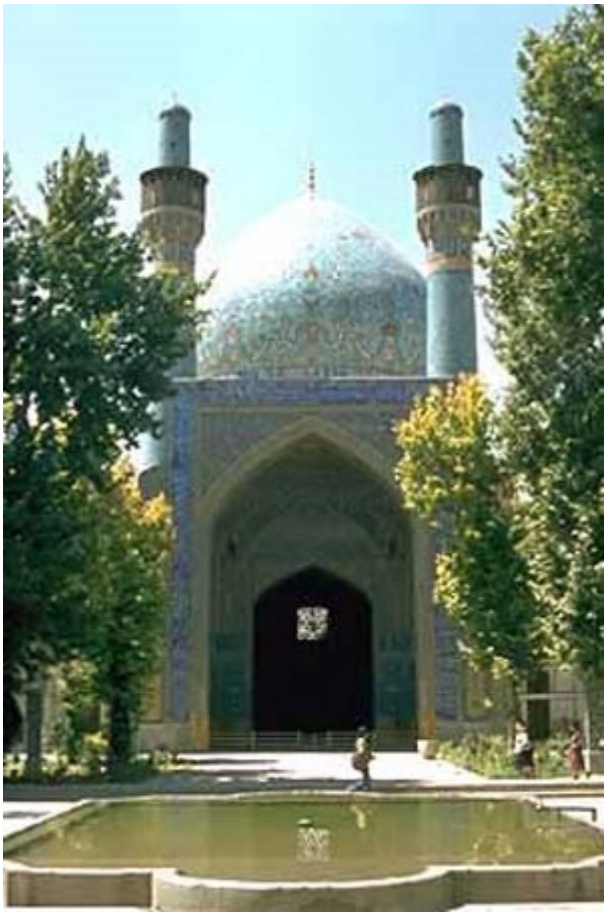

یک محقق امریکایی بنام آرتور افام پوپ , که اثر ماندگاراو در شش جلد به عنوان یک بررسی از هنر ایرانی درنظر گرفته می شود و مطالعه آن برای همه دانشجویان این مبحث ضروری است , به شرح این مدرسه در کتابش (احتمالا آخرین ساختمان عظیم ایران) پرداخته است. این بنا , در بین سالهای ۱۷۰۶ و۱۷۱۴ و در دوران سلطنت شاه سلطان حسین (آخرین پادشاه صفویه) ساخته شده است. اینگونه گفته می شود که مادر شاه هزینه ساخت این ساختمان و کاروانسرای مجاور بآن را پرداخته است , این کاروانسرا برای مدرسه عظمت خاصی را بهمراه داشت . این بنا در سالهای ۶۵-۱۹۶۲ تبدیل به جالبترین و مجللترین هتل در خاورمیانه گشت. گنبد آجری شکل بزرگ آن بر بالای جایگاه مقدس درانتهای شمالی ساختمان با کاشی کاریهای سبک اسلامی به رنگ زرد , سیاه و سفید پوشیده شده است که در زمینه براق فیروزه ای اش جلوه خاصی دارد و دراطراف قسمت استوانه ای شکل آن نواری از سنگ ارمنی لاجوردی وجود دارد که با کتیبه های خطاطی ای به رنگ سفید تزیین گردیده است. درخشندگی رنگهای گنبد و مناره با آجر کاریهای خاکی رنگش چندین برابر می شود. لرد کرزون , سیاستمدار و جهانگرد که کتاب وی بنام ایران و مسئله ایرانی در سال ۱۹۸۲ به چاپ رسید منبع اطلاعات منحصر به فردی می باشد , وی از مدرسه به عنوان یکی از مجللترین خرابه هایی یاد می کند که تا بحال درایران دیده است. اگرچه این بنا را بطور ماهرانه ای بازسازی نموده اند اما همچنان از آن به عنوان مسجد و نه مدرسه علوم دینی استفاده می گردد.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91957

vista.ir
Online Classified Service

چهل ستون در اصفهان

چهل ستون در اصفهان این بنا که موزه ای واقعی از نقاشی و سرامیک می باشد یک عمارت کلاه فرنگی بود که برای تفریح و سرگرمی شاه و مهمانانش استفاده می شد. این بنا در یک باغ زیبای سلطنتی قرار دارد و از اولین ساختمانهایی است که توسط شاه عباس دوم احداث گردیده است . یک کتیبه یا دست نوشته بیان می کند که تزیینات و نقاشیهای آبرنگ روی گچ این بنا در حدود سال ۱۶۴۷ میلادی به پایان رسیده است و تنها ۲ نقاشی آبرنگ مشهور آن مربوط به دوره پادشاهی سلسله زندیان است. این عمارت بوسیله ایوان بسیار مجلل و زیبایی به باغ راه دارد ایوانی که دارای ستونهای چوبی زیبا وظریف می باشد . این ایوان زیبا دارای ستونهایی است که سقف آنرا که از چوبهای روشن ساخته شده است نگه می دارند سقفی که منبت کاریهای بی نظیری در روی آن به چشم می خورد. تمام دیوارهای این بنا با آینه های بزرگ و قطعات شیشه های رنگی و نقاشیهای زیبا تزیین شده است . استخر بزرگی که در جلوی چهل ستون قرار دارد ۱۱۰ متر طول و ۱۶ متر عرض آن است و ۴ شیر سنگی در ۴ ضلع آن قرار دارند که آب از درون دهانشان به بیرون می ریزد.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91952

vista.ir
Online Classified Service

چین. پکن. شهر ممنوعه

شهر ممنوعه یکی از بزرگترین عمارتهای معماری جهان محسوب می شود و در آن شش قصر بزرگ چند سالن مراسم و تعداد بسیاری مجسمه وجود دارد .برای بازدید از این مجموعه حداقل نصف روز لازم است و هر روز بین ساعت ۸:۳۰ تا ۱۶:۳۰ می توانید برای بازدید مراجعه کنید. موزه گنجینه سلطنتی هم در یکی از عمارت ها وقع است که ساعت ۱۵:۰۰ تعطیل می شود.

شهر ممنوعه سال۱۹۸۷ میلادی در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است و در مرکز شهر بیجینگ واقع بوده و کاخ امپراتوری دو سلسله "مینگ " و "چینگ " چین است . ۲۴ امپراتور در این ناحیه اقامت و زمانداری کرده اند.

این شهر در سال ۱۴۰۶ ساخته شد و ساخت آن ۱۴ سال طول کشید و بارها مورد تعمیر و تجدید ساخت قرار گرفت. اما ساختار اصلی آن حفظ شده است. مساحت شهر ممنوعه ۷۲۰ هزار متر مربع و دارای بیش از ۹۰۰۰ اتاق با مساحت کل معماری در حدود۱۵۰ هزار متر مربع است و در جهان بزرگترین و کاملترین مجموعه معماری چوبی باستانی محسوب می شود.

دور شهر ممنوعه را دیواری بلند و ضخیم به طول سه کیلومتر در بر گرفته و در بیرون آن کانالی با عرض ۵۲ متر در اطراف شهر به چشم می خورد.

در واقع شهر دارای استحکامات سخت و محکم در داخل است. در جنوب آن دو میدان بزرگ وجود دارد و در درون آن حیاطها و قصر های بلندی ساخته گردیده است. قصر " تای خه " یکی از سه قصر بزرگ است .

این قصر, قصر بر پایی فعالیتهای مهم از جمله نشست امپراتور بر تخت ، مراسم روز تولد امپراتوران ، جشن ها و مراسم لشگرکشی است. این قصر بر روی سکوی سنگی مرمری سفید به بلندای دو متر ساخته شده و بلندای قصر بیش از ۳۵ متر و عرض آن ۶۳ متر است وپرعظمت ترین و بزرگترین قصر چوبی چین به شمار می آید قصر "تای خه " قصر طلایی نامیده می شود .

منبع : جهانگردی

http://vista.ir/?view=article&id=74903

vista.ir
Online Classified Service

حاج آقا شجاع

در بازار قلعه تبرک روی دیوار جنوبی آن تزییناتی از خط و نقش روی کاشی به چشم میخورد که تحسین آدمی را بر می انگیزد. نمایی به شباهت سقاخانه دردشت است. لوحه های دور آن دارای اشعاری به خط نستعلیق به قرار زیر است.

کشتی شکست خــورده طوفان کربلا یا ابا عبدالله
در خاک و خون تپیده به میدان کربلا یا ابوالفضل العباس
از آب هم مضایقه کردنـد کوفیـــان یا ابا عبدالله
خوش داشتند حرمت مهمــان کربلا یا ابا عبدالله
زان تشنگان هنوز به عیــوق می رسد یا ابوالفضل العباس
فریاد العطــش ز بیابـــان کربلا یا ابا عبدالله
بودند دیو و دد همه سیراب و می مکد یا ابوالفضل العباس
خاتم ز قحط آب سلیمـــان کربلا یا ابا عبدالله
گر چشم روزگار بر او فاش می گریست یا ابا عبدالله
خون می گذشت از سر ایوان کربلا یا ابوالفضل العباس
آه از دمی که لشکر اعدا نکــرده شرم یا ابا عبدالله
کردند رو به خیمـــه سلطان کربلا

جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) بر بالای کاشیکاری در میان لوحه ها قرار گرفته و در زمینه آن عدد ۱۳۲۴ نوشته شده که احتمالاً تاریخ قمری ساختمان سقاخانه است. زیر جمله بسم الله، ستونی از نقوش گل و بته که از گلدانی در پایین به بیرون سربرآورده پیداست و دوسوی ستون را در بالا و دو پنجره بسته است که راه به درون دارند و در زیرشان دو چشم‌انداز فرنگی زیبایی را روی کاشی نقاشی کرده اند و دو شیر آب از میان نقاشی سمت چپ بیرون زده اند و کاسه و لیوانی را با زنجیر به شیرها بسته‌اند. رنگ حاکم در پهنه دیوار، رنگ آبی و سبز است. بر پیشانی سقاخانه روی تابلو نئون به رنگ سبز نوشته: یا ابوالفضل العباس.

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105940

حاج علی

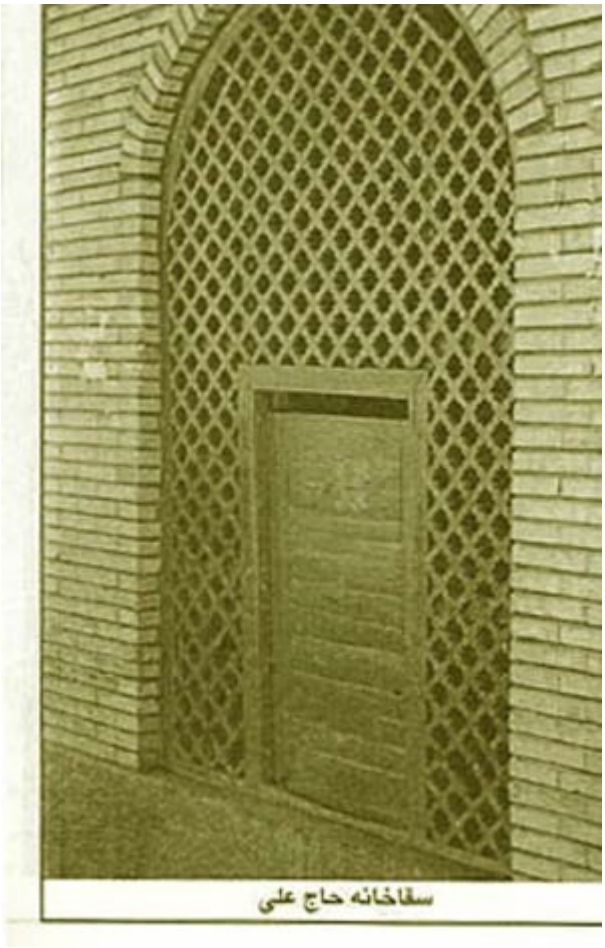
سقاخانه حاج علی

سقاخانه مزبور در بازار غاز، واقع در ضلع شمال شرقی سبزه میدان است. مسجدی کوچک با سقاخانه ای کوچک در کنارش که اکنون دیگر کاربردی ندارد و در سالیان پیش در و دیوار آن را سنگ کاری و بازسازی نموده اند. حفاظ چوبی اش دارای شبکه‌های چهار گوش جعفری هنر گره چینی به رنگ آبی فیروزه‌ای است و در ارسی ساده ای دارد. درونش پر از گرد و خاک است و بر دیوارش دو قاب عکس نصب شده یکی شمایل حضرت محمد(ص) در قابی شکسته و گردآلود و دیگری قابی دارای تصویر پنجه دستی با چشم و ابرویی در کف و شعار (یا حافظ) در زیر آن است. اطراف پنجه را دو نام (الله) و (محمّد) با آیاتی از قرآن فرا گرفته که هر دو نمونه ای از هنر گرافیک سنتی در کار پوسترسازی کشور ماست

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=106311

حافظ شیرازی

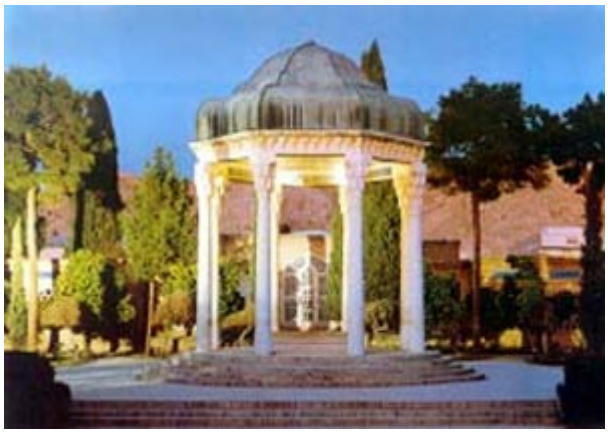

حافظ شیرازی حافظ در سال ۱۳۲۶ میلادی در شیراز مت ولد شد. اینطور که روایت می شود وی همه قرآن را از حفظ داشته است و بخاطر همین لقب حافظ یعنی حفظ کننده را به وی داده اند. او و فردوسی به عنوان معروف ترین و مشهور ترین شاعران ایران شناخته شده اند. دیوان او شامل ۶۹۳ شعر می باشد که ۵۷۳ تای آن غزل است. بسیاری افراد این اثر فروتنانه وی را بزرگترین شاهکار فارسی می دانند. مقبره او در شیراز بازدید کننده های بسیاری دارد که که وی را می ستایند و حتی می توان آنرا به عنوان یک مکان مذهبی محسوب داشت. حافظ بیشتر عمرش را در شیراز سپری کرد ودر باغ مصلا در کنار رود رکن آباد به خاک سپرده شد مکانی که در اغلب شعرهایش از آن تجلیل می کند.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91946

vista.ir
Online Classified Service

حج و سلامت

توصیه‌هایی برای آمادگی بیشتر برای یک سفر معنوی.

آرزوی هر مسلمانی، رفتن به این سفر پررمزوراز و معنوی است؛ سفری که با همه سفرهای دیگر ما فرق اساسی دارد.

اول از همه، از دنیای روزمره و معمول‌مان، با همه گرفتاری‌ها، دغدغه‌ها و حساب و کتاب‌هایش جدا می‌شویم و چیزی نزدیک به یک ماه را در فضایی دیگر، دنیایی دیگر و تجربه‌هایی دیگر می‌گذرانیم.

برنامه‌های ویژه و حتی می‌توان گفت غیرمتعارفی که برای این روزهای حجاج در نظر گرفته شده، آنها را بالکل از دنیای مالوف و آشنای‌شان می‌کَنَد و شاید همین است ریشه تغییری که باید در آدم‌ها، بعد از رفتن به این سفر، اتفاق بیفتد.با این حال، حتی در ایام بسیار متفاوت این سفر متفاوت هم، نمی‌توانید از زیر بار امانت و مسئولیتی به نام سلامت، که به عهده شما گذاشته شده، شانه خالی کنید. مراقبت از سلامت برای هر کس، پیش‌شرط استفاده از آن فضای معنوی حج هم هست؛ در نظر بگیرید بیمار دیابتی را که به خاطر معنویت این سفر، توجهی به مراقبت‌های معمولش نداشته و قند خونش سر به آسمان گذاشته و نهایتا به حالت کما رفته.

در این حالت چطور می‌تواند آن مناسک و اعمالی را انجام دهد که گفته‌اند می‌تواند روح انسان را صیقل دهد و متعالی کند؟همین مراقبت‌ها، که

مسئولیت هر انسانی است، باعث می‌شود دوباره برگردیم به مسائل پیش‌پاافتاده و کاملا زمینی.

مسائلی که شاید خیلی ساده به نظر برسد و بعضی‌ها هم ممکن است از توجه به آن، در این ایام به‌خصوص شرم داشته باشند، اما می‌تواند روی سلامت حجاج تاثیر مستقیم بگذارد و نهایتا روی سلامت سفر معنوی آنان نیز موثر باشد. پس شرمتان نیاید از این که عازم سفر معنوی حج هستید و باید به مسائل حقیری مثل دمپایی و ناخن گرفتن و بالا رفتن از پله‌های برقی توجه نشان دهید. به یاد بیاورید که اسلام سلامت جسم و روح را از هم جدا نمی‌داند.

بعضی وسایل، از ملزومات عمومی همه سفرها هستند که ما با آنها کاری نداریم. بعضی چیزها، مثل لباس خاص احرام و سجاده و چادر را هم خودتان می‌دانید و حواستان هست که باید بردارید.

اما بعضی چیزها هست که ممکن است از قلم‌تان بیفتد و همین سلامت یا حداقل آسایش‌تان را در این سفر معنوی، منقص کند. مثلا پیش‌بند نایلونی، تیغ اصلاح و ناخن‌گیر. هیچ به فکر این وسایل غیرمعمول بودید؟ اینها وسایلی است که برای یک «تقصیر» بهداشتی به آن نیاز دارید؛ عملی که برای بیرون آمدن از احرام باید انجام داد و حتما با آداب آن آشنا شده‌اید. تیغ آلوده، چون احتمال خونی شدن آن هست، می‌تواند برخی عفونت‌ها را منتقل کند، مانند ویروس هپاتیت C و ایدز.

یادتان باشد که بعد از اصلاح، تیغتان را در پیاده‌رو یا جوی‌ها نیندازید، چون برای دیگران خطرناک است.چراغ‌قوه هم یکی از آن چیزهایی است که می‌تواند در روزهایی که در چادرهای منا و عرفات هستید، به کارتان بیاید، چون آنجا باید یک زندگی نسبتا صحرایی را تجربه کنید، تا شاید یک کم به اصل خودتان برگردید. در این حالت ممکن است بخواهید دعا یا قرآن بخوانید که چراغ‌قوه به دردتان خواهد خورد.

● دل را بسپار به خدا

حج برای برخی افراد تنش و استرس زیادی دارد. همین که فرد از خانواده و محیط آشنای همیشگی‌اش جدا شده، خودش یک عامل استرس است. عادات روزمره فرد مثل عادات غذایی هم در این مدت تغییر می‌کند که این باز نوعی تنش به وجود می‌آورد. یک مقدار هم وسواس درست انجام دادن اعمال هم هست که به نگرانی های فرد اضافه می‌کند.

گاهی دیده شده که برخی از افراد حتی آن قدر دچار استرس می‌شوند که تیک‌های عصبی پیدا می‌کنند یا خواب‌شان، از هفته‌ها قبل از اعزام، دچار مشکل و اختلال می‌شود. راه حل این طور استرس‌ها و نگرانی‌ها هم چیزی نیست جز توکل، یاد خدا و اعتماد.

اگر در مسائل شرعی و احکام نگرانی دارید، به روحانی کاروان‌تان مراجعه کنید و درباره نگرانی‌های‌تان با او صحبت کنید و سؤال‌های‌تان را بپرسید. به پاسخ‌های ایشان هم اعتماد کنید تا از بار نگرانی‌تان، کم شود، آن هم در سفری که باید برای شما آرامش به ارمغان بیاورد.

● دمپایی‌های آسمانی

یکی از مهم‌ترین اجزای جدانشدنی اعمال و مناسک حج، پیاده‌روی‌های آن است. شما باید سعی کنید، طواف کنید، که جزء اعمال واجب است، همچنین باید از کوه بالا بروید، داخل حرم نبوی کلی راه بروید تا زیارت کنید، فاصله چادرها تا محل رمی جمرات را هم پیاده بروید، که اینها هم جزء مستحبات و حواشی اعمال است.

▪ طواف؛ فشار نیاوردن به اطرافیان، که جزء لاینفک صف‌های ایرانی است را، در هنگام طواف کردن هم از یاد نبرید. اگر چیزی از دست‌تان افتاد، لطفا برای برداشتنش هیچ به خودتان زحمت ندهید، چون ممکن است سر خودتان هم بلایی بیاید.

▪ سعی؛ در اینجا باید هروله کنید. یعنی چیزی بین راه رفتن و دویدن. پس بی‌خود هل نزنید. احتیاط باعث می‌شود پایتان در این راهروهای سنگ‌فرش‌شده، که هیچ شباهتی به بیابانی که هاجر گز می‌کرد، ندارد، پیچ نخورد. مشکلی که گاهی تا نزدیک به ۲۰۰ نفر از حاجیان ایرانی را گرفتار خود کرده است.

▪ پیاده تا جمرات؛ درست است که گفته‌اند اینجا وادی مقدس است و «فاخلع نعلیک»، اما برای این مرحله که چیزی حدود ۷-۶ کیلومتر است و باید پیاده بروید، حواستان باشد که دمپایی مناسبی همراه‌تان باشد. کف صاف نداشته باشد که لیز بخورید و راه رفتن با آن هم راحت باشد. در ضمن طوری نباشد که در آن عرق کنید.

● کوهی سر در آسمان

مکه شهر کوه‌ها و صخره‌هاست. به همین خاطر جا به جای آن را می‌بینی که بین دو تا کوچه، پله برقی گذاشته‌اند. به حاجیان مسن یا آنها که عادت به استفاده از این پله‌ها ندارند،توصیه می‌کنیم موقع استفاده حواس‌شان را خوب جمع کنند، چون هر سال، تعدادی از حاجیان، موقع استفاده از این پله‌ها دچار سانحه شدند.

اگر این توفیق نصیب‌تان شد که به زیارت اولین تجلی وحی، یعنی غار حرا، بروید، هول نشوید و دست و پای‌تان را گم نکنید. بالا رفتن از این کوه، کار هر کسی نیست، پای علی می‌خواهد و دل محمد. احتمال سقوط از کوه، به هر حال وجود دارد، همان طور که در سال‌های گذشته، هم برای زائران ایرانی و هم برای زائران کشورهای دیگر این اتفاق افتاده است.

کفش مناسب بپوشید که سر نخورید و مراقب باشید که پای‌تان را کجا می‌گذارید. مراقب ریزش سنگ و سنگ‌ریزه هم از زیر پایتان باشید، چون احتمالا روی سر و کله زائر پایین‌دست‌تان خواهد خورد.

• سفره‌های آسمانی

چه کسی گفته که اینجا فقط باید به فکر خوراک معنوی بود و دیگر اهمیت ندارد چه خوردی و چه نخوردی؟ در این سفر، به خصوص کسانی که بیماری خاصی دارند، باید مراقب غذا خوردن‌شان باشند.کاروان‌های ایرانی، آشپزخانه‌های مرکزی و خاص خود را دارند و طبق گفته مسئولان بهداشتی حج، همه ساله از متخصصان تغذیه دعوت می‌شود تا برنامه غذایی سالمی برای حاجیان ارائه کنند.

همچنین آشپزخانه‌ها موظفند برای افرادی که بیماری خاصی دارند، طبق دستور پزشک و کارشناس تغذیه، غذای رژیمی خاص تهیه کنند. مثل دیابتی‌ها، کسانی که چربی یا فشارخون بالا یا مشکل کلیوی دارند. اگر شما هم از این دسته هستید، هم از این امکانات استفاده کنید و هم خودتان مراقب این که چی بخورید و چی نخورید باشید. چون بیشتر از این که کسی به فکر برنامه‌ریزی برای تغذیه شما باشد، این خود شما هستید که باید رعایت پرهیزهای غذایی‌تان را بکنید.

• داروهای زمینی، شفای آسمانی

شاید یکی از حاجت‌های شما در این سفر، به دست آوردن سلامت باشد، به خصوص وقتی که با یک بیماری مزمن دست و پنجه نرم می‌کنید. با این حال، وسایلی را که باید از طریق آنها این حاجت شما برآورده شود، از یاد نبرید. پزشک کاروان قبل از اعزام، شما را معاینه می‌کند، آزمایش‌های لازم را انجام می‌دهد و نتایج آنها را بررسی می‌کند. اگر وضعیت ثابتی نداشته باشید، اجازه اعزام را به شما نخواهد داد.

بهتر است به حکم پزشک تسلیم باشید، چون در این صورت هم در امانت سلامت خودتان خیانت کرده‌اید و هم اسباب دردسر و ناراحتی بقیه را در این سفر فراهم کرده‌اید. مطمئن باشید که پزشکان سختگیری بیش از حد نمی‌کنند، چون شنیده شده که حتی بیماران نیازمند به دیالیز را هم با خودشان می‌برند و امکانات دیالیزشان را در عربستان دارند. اما اگر با وجود بیماری، به شما اجازه اعزام داده شد، یادتان نرود که داروهایتان را، برای مدت یک ماه همراه خودتان داشته باشید، آنها را در کیف یا ساک دم دستی‌تان بگذارید و مصرف به موقع آن را فراموش نکنید.

اگر دیابت دارید و انسولین مصرف می‌کنید، باید بدانید که تزریق انسولین در موقع احرام مشکلی از نظر شرعی ایجاد نمی‌کند.

توجه داشته باشید که همراه داشتن برخی داروها، از نظر دولت و پلیس عربستان جرم محسوب می‌شود، جرمی معادل حمل مواد مخدر، که در آن کشور مجازات سنگینی هم دارد و بهتر است از خیر همراه داشتن آن بگذرید؛ داروهایی مثل استامینوفن کدئین، شربت‌های سینه مانند اکسپکتورانت کدئین و همچنین داروهای آرام‌بخش و خواب‌آور مانند دیازپام، فنوباربیتال و غیره هم در همین رده محسوب می‌شوند.

بنابراین حتما قبل از پر کردن کیسه دارویی‌تان، با مسئولان کاروان‌ها درباره آن مشورت کنید. مدارک، آزمایش‌ها، نوارقلب و چیزهایی مثل اینها را، حتما با خودتان همراه داشته باشید، خدا را چه دیدید، شاید مشکلی برایتان پیش آمد و این مدارک از صرف شدن هزینه و وقت اضافی جلوگیری کند.

بیمارانی که مشکل قلبی دارند، احتمالا از آنها نوار قلب و تست ورزش گرفته شده و وضعیت به اندازه کافی خوبی داشته‌اند، اما بهتر است در حین انجام اعمال، قرص‌های با اثر فوری‌شان مانند نیتروگلیسیرین زیرزبانی، همراه خود ببرند و اگر در حین اعمال سنگین‌تر، مانند سعی یا طواف، یا پیاده‌روی‌های طولانی، دچار درد قفسه سینه شدند، حتما فوری از آن استفاده کنند و پزشک کاروان را از مشکل‌شان مطلع کنند.

البته به گفته مسئولان بهداشتی و پزشکی حج، رویکرد پزشکان کاروان‌ها، بیشتر سلامت‌محور و پیشگیرانه است و خود آنها، قبل از این که شما مشکلی پیدا کنید، به شما سر می‌زنند و از احوال‌تان جویا می‌شوند.

• آبی بهداشتی از بهشت

یکی از مسائلی که هم به خاطر آب و هوای عربستان پیش می‌آید و هم به خاطر اعمال و مناسک خاص حج که با فعالیت زیاد توام است، از دست رفتن آب بدن و تشنگی است. اولا غیر از شراب الهی، که در این ایام مهمان‌تان خواهند کرد، به فکر رفع تشنگی بدن‌تان هم باشید.

برای این کار به هیچ‌وجه نوشابه‌های گازدار را انتخاب نکنید؛ چون معده شما را ناراحت می‌کند و ممکن است مشکلات دیگری هم برایتان ایجاد کند. چای هم، باوجود همه فایده‌هایش، متاسفانه ادرارآور است و به همان نسبت که مایع وارد بدن‌تان می‌کند، باعث دفع آن هم می‌شود.

از آب غیر بسته‌بندی‌شده هم استفاده نکنید. البته مسئولان بهداشتی عربستان اطمینان داده‌اند که آب شهرهای مکه و مدینه کاملا سالم‌سازی شده و مطمئن است، با این حال به این توصیه احتیاطی توجه کنید و این یک ماه را از آب بطری‌ها بنوشید. اگر سن‌تان کمی بالاتر است یا بیشتر تشنه می‌شوید، همراه داشتن یک بطری کوچک، در همه وقت و همه جا، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

نوشیدن آب، هم خستگی شما را می‌گیرد و هم از احتمال بروز مشکلی به نام یبوست جلوگیری می‌کند. مشکلی که به خاطر خوردن بعضی میوه‌ها، مانند موزهای کمی کال، یا خوردن بیش از حد خوراکی‌های پروتئینی و همچنین تعریق بالا، ممکن است به وجود آید.

البته در منا و عرفات، مشکل صف‌های طولانی سرویس‌های بهداشتی هم وجود دارد، بنابراین یادتان باشد آنجا که هستید، کمی مصرف مایعات‌تان را محدود کنید. در زمان وقوف در چادرهای این منطقه ممکن است به شما یخ‌هایی هم بدهند، یادتان باشد که این یخها بهداشتی نیستند و نباید برای خوردن استفاده شود، فقط خنک‌تان خواهند کرد. البته این هم خوب است، چون از عرق کردن شما و اتلاف مایعات بدن، جلوگیری می‌کند.

- بیماری حجاج

یک دسته از بیماری‌ها هست که متاسفانه، به عنوان سوغات اکثر حجاج از سفر حج شناخته شده و آن هم عفونت‌های اغلب ویروسی دستگاه تنفس است، از سرماخوردگی و عفونت‌های شبه‌آنفلوانزایی گرفته تا سینوزیت، مننژیت، فارنژیت و حتی ذات‌الریه، یعنی عفونت ریه.

تلاش‌های کارشناسان بهداشتی، برای پیشگیری از این سوغات دوست‌نداشتنی، تا به حال ناکام مانده است. البته برخی از این بیماری‌ها، مانند مننژیت مننگوکوکی، واکسن دارد و حتما جزء برنامه شما قرار گرفته.

واکسن آنفلوانزا را هم شاید زده باشید که البته ممکن است نتواند جلوی برخی گونه‌های ویروسی عامل آن را بگیرد که از سراسر دنیا مهمان عربستان هستند. تراکم بالای جمعیت در این ایام و تنوع گونه‌های بیماری‌زا، دو عامل مهمی هستند که کار کنترل این بیماری‌ها را با مشکل مواجه می‌کنند، طوری که در سال‌های پیش، حتی تا ۷۰ درصد از حجاج کشورمان دچار انواع و اقسام مختلف این بیماری‌ها شدند که البته انجام دادن اعمال حج را هم برای آنها سخت می‌کند.

توصیه ما برای آنها که به این مشکل‌ها دچار شده‌اند، این است که به توصیه‌های پزشکان کاروانها در این باره توجه کنند، اگر امکانش را دارند، یک یا دو روز استراحت کنند، چون روند بیماری را کوتاه‌تر می‌کند و اگر لازم است دارویی مصرف کنند، حتما این کار را بکنند.

در مورد واکسن، یک نکته دیگر هم هست و آن این که برخی بیماران، باید نوع دیگری از واکسن، یعنی واکسن پنوموواکس را هم بزنند. این واکسن، برای بیماران مبتلا به برونشیت مزمن، برونشکتازی، سینوزیت‌های شدید مزمن و بیمارانی که طحال‌شان برداشته شده، الزامی است.

- حادثه خبر نمی‌کند

حوادث زیادی در سال‌های اخیر در عربستان و در ایام پرازدحام حج اتفاق افتاده، که بعضی از آنها را همه به یاد داریم، مثلا چند سال پیش، در رمی جمرات، ۲۴۴ نفر زیر دست و پا ماندند و جان خودشان را در راه مبارزه با شیطان از دست دادند. البته با ساخت و سازهایی که در محدوده منازل شیطان انجام شده، و ۲ طبقه شدن آن، احتمال این ازدحام بیش از حد، تا حدود زیادی از بین رفته، اما بیشتر از همه خودتان باید مراقب زیر دست و پا نماندن خودتان باشید.

سنگ‌هایی را که برای پرتاب به سمت شیطان رجیم انتخاب می‌کنید هم برای سلامت حاجیان دیگر مهم است؛ مثلا فرض کنید این سنگ احتمال دارد نه به شیطان رانده شده، که به سر حاجی دیگری بخورد! احتمالش هست، طوری که گاهی گزارش شده تا ۳۷۵ سنگ، اشتباهی، فقط به سر حاجیان ایرانی خورده! بنابراین سنگ کوچک بردارید که نشانه زدن باشد و نه نزدن!

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=287167

vista.ir
Online Classified Service

خانواده، مهاجرت و جدایی

موقعیت مهاجر را در چند متن گوناگون می‌توان بررسی کرد؛ متن خانواده یکی از آن متن‌هاست. گونه رفتار زن و مرد را در درون خانواده، مجموعه‌ای از حقوق قضایی و هنجارهای اخلاقی ترسیم می‌کند. این هر دو در جوامع گوناگون زیر نفوذ قطعی فرهنگ غالب آن جامعه‌اند. در جوامع دارای تمدن کهن و سنن تاریخی، اخلاق به عنوان عاملی بازدارنده و یا تشویق‌کننده درونی برای این رفتار و یا آن رفتار دستور عمل دارد. معمولاً حقوق قضایی و تنبیهات ناشی از آن شکل بیرونی و اجرایی همان اخلاق درونی است. این مناسبت میان اخلاق و حقوق، زمانی دچار آشفتگی می‌شود و بحران‌زا که دولت حاکم دست به ایدئولوژیک کردن رفتار، هم اجتماعی و هم فردی، افراد می‌زند.

درجه مقاومت و برخورد نسبت به این جریان هم بستگی به ریشه‌های تاریخی و فرهنگی جامعه مورد نظر دارد و هم به نزدیکی و دوری متن فرهنگی جامعه نسبت به ایدئولوژی حاکمان. در جوامع نوبنیاد، آمریکای شمالی برای نمونه، جایی که فرهنگ تازه واردین از بستر تاریخی ـ جغرافیایی خودش جدا شده است، هنجارهای اجتماعی را نه الزاماً اخلاق که قانون تبیین می‌کند. ورود بی‌وقفه مهاجرین دیگر سرزمین‌های از چهارگوشه دنیا بر اهمیت روزافزون این قوانین هنجارزا و هنجارشده می‌افزاید. برای نمونه می‌دانیم که در قوانین جزایی کانادا کمک نکردن به کسی که در خطر است جرم است. در فرهنگی کهن به سان فرهنگ ایرانی این کمک نکردن پیش از آن که جرم باشد از دید اخلاقی محکوم است. این قانونی‌سازی هنجارهای اجتماعی و اخلاقی بستر مناسبی را فراهم می‌آورد که حاکمان دوره‌های گوناگون جوامع نوبنیاد بتوانند این یا آن گرایش اجتماعی و یا سیاسی را در پروسه قانونی‌سازی به نامِ کل جامعه بر کرسی بنشانند. برای نمونه، پروانه ازدواج میان هم‌جنس‌خواهان نه برآیند فرهنگی همه اقوام و مردم کبک که قانونی‌شدن گرایشی اجتماعی ـ سیاسی در درون دستگاه دولتی است و به حیث این قانونی شدنش احترام همه شهروندان را به آن الزامی می‌کند.

این قوانین به عنوان هنجارهای اجتماعی تعریف شده متنی را پدید می‌آورند که قرار است مهاجرین تازه‌وارد بر مبنای آن خود را بازتعریف کنند. تعریف دوباره از موقعیت زن و مرد، در درون و برون از خانواده، و سامان دادن رفتارهای فردی و اجتماعی برمبنای این تعاریف نه کار ساده‌ای است، نه همیشه شدنی است و نه هرگز بدون بحران‌های جدی انجام‌پذیر است. در واقع زمینه عینی بحران پیشاپیش فراهم آمده است و در این جا نیز بسان مسئله سن، که در شماره پیش آوردم، گروهی از مهاجرین نامشان، حتی پیش از ورودشان، روی سیاهه اعضاء خانواده‌های ازهم گسیخته نوشته شده است. یکی ازدلایل آن هم این است که خانواده ومفهوم آن درقوانین وکرداراجتماعی کبکی‌ها همانی نیست که ما آموخته‌ایم.

در استان ما، کبک ، یکی از مؤلفه‌های ایدئولوژیک که در بافت متن روابط زن و مرد حضوری پرتوان دارد، گرایش فمینیستی است. برآمد و رشد فمینیسم در جهان غرب مدرن را از دیدگاه‌های گوناگون می‌توان نگریست و درک کرد. آن را می‌توان واکنشی به روابط دیرینه مردسالاری و دفاع از حقوق زنان دانست؛ می‌توان آن را ناشی از اراده و برنامه سرمایه‌داران حاکمی دانست که با کشاندن زنان به بازار کار موفق شده‌اند به ذخیره جدیدی از نیروی کارارزان دست یابند و با کمک آن هم دستمزدها را پایین نگه‌دارند ـ همه می‌دانیم که برای کارهای مشابه هنوز که هنوز است در بسیاری از کشورهای صنعتی زنان حقوق کمتری دریافت می‌کنند ـ و هم مصرف کالاها را، در تمام جلوه‌های زنانه آن، بالا ببرند. فمینیسم می‌تواند ادامه طبیعی فردگرایی جوامع مدرنی هم باشد که فراسوی فرد و منافع وی موتور متحرک دیگری را، حداقل در تبلیغاتشان، نمی‌شناسانند و هرگونه نهادی را که فراسوی فرد باشد، از جمله نهاد خانواده را، به نهادی قدیمی و دست‌وپاگیر تعبیر می‌کنند. مستقل از این که فمینیست باشیم یا نه و مستقل از این که این گرایش ایدئولوژیک را به معنی فراخوانی برای برابری زن و مرد بدانیم و یا از رشد آن برتر نشاندن زن را در

جامعه مراد کنیم، تأثیرگذاری عینی این گرایش به عنوان یکی از پارامترهای اجتماعی کبک امروزه در خور توجهند. به برخی از آنان از زبانِ آمار اشاره خواهم کرد ولی بد نیست که پیش از آن به برخی جلوه‌های فرهنگی این جریان در کبک نظری بیافکنیم.

فمینیسم امروزه در جامعه ما به نظر می‌رسد که جریانی ایدئولوژیک است چرا که تولید و بازتولید فرهنگی آن را مستقیم و غیرمستقیم دولت و تبلیغات دولتی بر دوش می‌کشد. زنان کبکی امروز از درون جامعه‌ای طالبانی برون نیامده‌اند که فمینیسم موجود را واکنش به آن شرایط بدانیم. کافی است که در گزارشات و برنامه‌های رسانه‌ای (تلویزیون، رادیو و...) دقت کنیم تا ببینیم که چگونه هر بار که از خشونت‌های خانوادگی گفته می‌شود، انگشت اشاره‌شان مردها را نشانه می‌رود و زنان را قربانی کامل این خشونت‌های جسمی و روانی به نمایش می‌گذارد. کافی است که شمار انجمن‌ها و سازمان‌های دفاع از حقوق زنان را با شمار سازمان‌هایی که از حقوق مردان در کبک دفاع می‌کنند مقایسه کنیم تا سمت و سوی جریانی را که به نام زنان از ایشان تصویر قربانی می‌سازد را بهتر دریابیم.

در اندک پژوهش‌هایی که نه با ایدئولوژی فمینیستی که جهت بازنمودن واقعیات صورت پذیرفته است، و نشان داده شده است که خشونت خانوادگی جنسیت ندارد، صورت مسئله البته رنگ دیگری دارد. در پژوهشی که توسط خانم دنی لاروش در سال ۲۰۰۵ در مؤسسه آمار کبک انجام شده است می‌خوانیم که در خشونتهای خانوادگی غیرفیزیکی، زنان و مردان تقریبا با شمار یکسانی در معرض این معضل اجتماعی بوده‌اند و این که در مجموع کل خشونت‌های خانوادگی (۱۰۲۲۰۰ مورد) در کنار ۶۲۷۰۰ زن (حدود ۶۰ درصد)، ۴۰ درصد (۳۹۵۰۰ مورد) از مردان نیز قربانی خشونت‌های گوناگون بوده‌اند. از این ۴۰ درصد کمتر شنیده‌اید و خواهید شنید. تصویر یک زن قربانی در جامعه فمینیستی امروزه کبک پذیرفتنی‌تر است و همه‌گیرتر تا تصویر یک مرد قربانی خشونت خانوادگی.

البته و صد البته که فمینیست حرفه‌ای در کنار چهره انقلابی و مترقی‌ای که از خودش به نمایش می‌گذارد بی‌بهره از گشاده‌دستی‌های دولتیان نیز نمی‌ماند. گروه پژوهشی اپره‌روپتو (Après- rupture) نشان داده است که تنها ۳ انجمن فمینیستی Acceiul Pour Elle, Vigie و Residence Elle در سال ۲۰۰۵ مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰ دلار از دولت برای فعالیتهایشان دریافت کرده‌اند.

اگر فمینیسم امروزه را ایدئولوژیک می‌یابم، بخشی از آن مربوط به همین یکسونگری ایشان به مسئله خشونت‌های خانوادگی است و بی‌ارزش نشان دادن مردان در جامعه. امری که در سریال‌ها و تبلیغات تجاری تلویزیونی نیز می‌توان دید. صحنه‌هایی که در آن مردان آدمهایی ضعیف، بی‌دست‌وپا و نه چندان هوشمندی‌اند که برای اندک کاری نیاز مبرم به زن یا زنانی دارند که در کنارشان باشند و کنترلشان کنند. گفتگوی بیش‌تر درباره فمینیسم کبکی مجال بیشتری می‌خواهد که آن را به آینده موکول می‌کنم. برآمد عینی گرایش فمینیستی در داده‌های اجتماعی، که متن جامعه میزبان را برای خانواده مهاجر تشکیل می‌دهد، به خوبی د دی ه می‌شود. به برخی از آنان در آماری که در پی می‌آید اشاره می‌کنم

▪ تحصیلات

- بنا به آمار سال ۲۰۰۱، از کل کبکی‌هایی که میان ۶۴ ـ ۲۰ سال دیپلم تحصیلات متوسطه را نداشته‌اند، ۳/۴۸ درصد از زنان و ۷/۵۱ درصد را مردان تشکیل می‌داده‌اند. در سال ۲۰۰۰ بیش از ۹۰ درصد دختران موفق به پایان بردن تحصیلات متوسطه شده‌اند، این آمار برای پسران کمتر از ۸۰ درصد بوده است.

ـ در تمامی سطوح تحصیلی در سال ۲۰۰۱ شمار زنانی که موفق به اتمام تحصیلات خود شده‌اند ۲۲۲۲۵ نفر بیش از مردان بوده‌اند.

ـ در سال تحصیلی ۲۰۰۴ ـ ۲۰۰۳، ۵/۱۸ درصد دختران کبکی مقطع تحصیلات متوسطه ترک تحصیل کرده‌اند، درصد پسران همین مقطع که ترک تحصیل کرده‌اند به ۸/۳۱ درصد می‌رسد.

▪ کار

از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴، مردان کبکی سنین ۱۵ تا ۶۴ سال ۱/۵ درصد بیش از زنان بیکار بوده‌اند. در سنین میان ۱۵ تا ۲۴ سال شانس زنان جوان کبکی برای پیدا کردن کار بیش از ۴/۱۶ درصد مردان جوان همسن خود بوده است. با بالا رفتن سن زنان جویای کار، تفاوت میان زنان و مردان کم‌رنگ‌تر می‌شود. برای نمونه در سنین میان ۴۵ تا ۵۴ سال این تفاوت تنها به ۵/۱ درصد می‌رسد. اضافه کنم که اشتغال مردان در کل بازار کار از سال ۱۹۷۶ تا سال ۲۰۰۱ از ۶/۶۴ درصد به ۶/۵۴ درصد رسیده است. در همین مقطع زمانی سهم زنان از بازار کار از ۴/۳۵ درصد به ۴/۴۵ درصد رشد داشته است.

▪ خودکشی

در دهه‌های اخیر خودکشی رشد بسیاری در کبک داشته است. درصد خودکشی کبکی‌ها از ۸/۱۴ نفر در هر ۰۰۰/۱۰۰ نفر در سال‌های ۷۸ ـ ۱۹۷۶ به ۱/۱۹ نفر در سال‌های ۲۰۰۱ ـ ۱۹۹۹ رسیده است. در این دوران این خودکشی‌ها رشدی مثبت نزد مردان داشته است و از ۲۲ نفر در هر

۰۰۰/۱۰۰ نفر به ۷/۳۰ نفر رسیده است. نزد زنان خودکشی رشدی منفی را نشان می‌دهد. اگر در سال‌های ۷۸ ـ ۱۹۷۶ از هر ۰۰۰/۱۰۰ نفر ۹/۷ زن دست به خودکشی می‌زده‌اند، در سال‌های ۲۰۰۱ ـ ۱۹۹۹ این شمار به ۸/۷ نفر رسیده است. ناگفته نگذارم که در همین دوره (۲۰۰۱ ـ ۱۹۷۶) شمار خودکشی مردان در کل کانادا ۷/۶ نفر در هر ۰۰۰/۱۰۰ نفر کاهش یافته است.

▪ فرزندان تک سرپرست

در سال ۲۰۰۱ از کل ۵۹۵/۳۳۵ کودکی که در خانه تنها یک سرپرست (زن یا مرد) داشته‌اند، ۷/۷۹ درصدشان را زنان سرپرستی کرده‌اند و ۳/۲۰ درصدشان را مردان. بخشی اززمینه وجود فرزندان تک سرپرست، شماربالای ۵۷درصد ی تولدهای خارج ازازدواج است . اگرچنین کشی به اراده فمینیستها این اندازه آسان نمی بود، شمار فرزندان تک سرپرست به بیش از این می رسید . تنها در سال ۲۰۰۳، ۴۰ درصد بارداریها در کبک به جنین کشی منجرشده است. در کل کانادا در همین سال، شمار جنین کشی ۲۹/۵ درصد کل بارداریها بوده است.

هنوز می‌توان به این لیست افزود و هر کدام از این موارد را گسترش داد و بهتر دید. در تمامی این داده‌ها آن چه به روشنی پیداست، تصویر بحران‌زده مرد در جامعه کبکی معاصر است. به دشواری می‌توان تصور کرد که مهاجران در این متن بحران‌زده پای بگذارند و نصیبی از آن برای خود و خانواده‌شان نبرند. ناگفته پیداست که منادیان ریز و درشت فمینیسم جامعه مهاجر ما هم که مجال یافته‌اند در فضای مساعد این‌ور آب، بدون آنکه کراواتی از ایشان تا بخورد یا گردی بر دامنشان بنشیند، چهره‌های انقلابی، به ویژه گونه مثلا چپش، را به خود بگیرند و صحنه‌گردان این جلسه و آن گردهایی شوند، هیزم بیارهای دست دوم همان تنورهای داغ جدایی‌ها و فروپاشی‌هایند. نسخه پیچی یکسان فمینیستی برای تمامی زنانی که از چهار گوشه دنیا و با فرهنگ‌های متفاوت به این سرزمین می‌آیند، تجویز دارویی واحد برای همه بیماری‌هاست و آن جایی را هم که سلامتی در کار باشد می‌آلاید.

آشنایی فرهنگی با جامعه جدید زمان می‌خواهد. فرهنگ باید در دل و جان بروید و رشد کند و با دیگر فرهنگ‌ها به بده بستان برسد. روشنفکرانی که اضافه بر سن بازنشستگی اجتماعی شان، به گفته دوستی، به سن بازنشستگی روشن‌فکریشان هم رسیده‌اند، بایستی دانسته باشند که نشان دادن و هیاهو کردن برای فجایع غیر انسانی که بر زنان در برخی از جوامع می‌رود به تنهایی توجیه‌گر فمینیسمی نیست که به زنان، وفقط به زنان، می‌گوید که اگر همسرتان از خاطرات تلخ گذشته مشترکتان نام برد جرم تعرض اخلاقی مرتکب شده است. در فرهنگ ما ایرانیان، با اهمیتی که به کیان خانواده می‌دهیم، جدایی و فروپاشی خانواده پیش از آنکه معضلی حقوقی باشد معضلی اخلاقی است.

منبع : پایگاه خبری تحلیلی فرارو

http://vista.ir/?view=article&id=351583

vista.ir
Online Classified Service

خانه حاج کاظم رسولیان

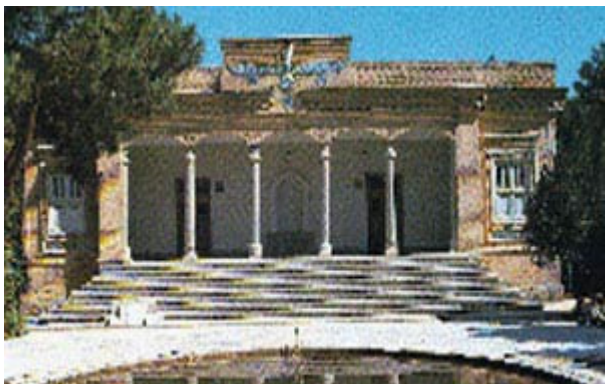

این خانه که بیش از یک قرن ازعمر آن می‌گذرد، درمحله سهل بن علی یزد واقع شده و شامل دو بخش متمایز به صورت بیرونی و اندرونی است. حیاط بیرونی ، محل پذیرایی از میهمانان و برگزاری مراسم وروضه خوانی حضرت امام حسین (ع) بوده است. اتاق بزرگ ارسی با شیشه های رنگین، حوضخانه، تالار، زیرزمین و بادگیر، فضاهای اصلی قسمت بیرونی را تشکیلمی دهند. حیاط اندرونی که بخش کاملا خصوصی خانه است شامل اتاق‌های سه دری، پنج دری، ارسی، تالار، کلاه فرنگی وبادگیر است که

پیرامون حیاطی بزرگ و مشجر با حوضی وسیع در میان آن قرارگرفته اند. در قسمت تحتانی اتاق‌ها تالار، کلاه فرنگی، زیرزمین‌ها وجوی آب قراردارند که هر کدام، برای نگهداری لوازم زندگی، موادغذایی و استراحت در فصل تابستان مورد استفاده بوده است. خانه رسولیان دارای حمام سنتی است که حدفاصل حیاط بیرونی و اندرونی قرار دارد. این خانه که یکی از خانه های ارزشمند یزدی است در سال ۱۳۶۸ به صورت وقف در اختیار دانشگاه یزد قرار گرفت و پس از مرمت ، به عنوان هسته اولیه دانشکده معماری و شهرسازی ، حیات نوین خود را آغاز کرد.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=108723

vista.ir
Online Classified Service

خانه‌ای دور از خانه

قافله آرام آرام، خسته از راه طولانی و طاقت‌فرسا به کاروانسرا نزدیک می‌شود. بنایی خشتی و گلی دوطبقه با چندین اتاق در طبقه بالا و پایین، در چهار ضلع حیاطی مستطیل شکل. خبری از تابلوها و چراغ‌های رنگارنگ نیست. هیچ ستاره‌ای هم دیده نمی‌شود. مسافران وارد می‌شوند و اسب و قاطر و شتر خود را به مالدار می‌سپارند تا آنها را به اصطبل ببرد.

لابی کاروانسرا، سکویی است که کنار در ورودی دالانی که به طبقه بالا راه دارد تعبیه شده است. مسافران تنگ غروب روی آن می‌نشینند و از خاطرات خود قصه می‌گویند.

اگرچه ما از زمان حال برای توصیف کاروانسرا استفاده کرده‌ایم، ولی این اوضاع مربوط به چندین دهه پیش است.

امروز ما بار سفر می‌بندیم. این که مقصد کجاست چندان اهمیتی ندارد. می‌خواهیم بدانیم وقتی خسته از راهی که این بار نه با اسب و شتر، بلکه با کجاوه‌های آهنی پیموده‌ایم قرار است بار سفر چند روزه خود را در کدام منزل به زمین بگذاریم؟

تابستان و تعطیلی ۳ ماهه مدارس فرصت خوبی است برای مسافرت. بد نیست حداقل برای چند روز دست خانواده را بگیرید و در روند یکنواخت زندگی،تنوعی ایجاد کنید؛ اما اگر از آن دسته گردشگران ماجراجو و هر چه پیش آید خوش آیدی نباشید، بهتر است پیش از سفر برای محل اقامت خود برنامه‌ریزی کنید.

آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای گریز از آفتاب گرم و روزهای بارانی و شب را به صبح رساندن در سفر، استفاده از چادر است که اتفاقا این روزها رواج پیدا کرده و طرفداران زیادی دارد. در شهرهای زیارتی و گردشگری تعداد زیادی از این چادرها را می‌بینید که بدون هیچ نظمی در گوشه و کنار نصب شده‌اند. نصب چادر در گوشه و کنار شهرها و پارک‌ها علاوه بر این که از نظر ظاهری، چهره ناخوشایندی ایجاد کرده و عابران را دچار زحمت می‌کند، از نظر امنیتی نیز چندان قابل اطمینان نیست. برای این منظور بهتر است از مکان‌هایی که به وسیله شهرداری‌ها یا سازمان میراث فرهنگی و گردشگری هر شهر ایجاد شده، استفاده کنید. با این کار، هم به سرویس‌های بهداشتی، آب آشامیدنی، دفع زباله و دیگر خدمات دسترسی بهتر و آسان‌تری دارید و هم می‌توانید نسبت به امنیت خود و وسایلتان اطمینان بیشتری داشته باشید.

در بعضی شهرها با نصب چادر یا کانکس، کمپ‌هایی برای اقامت مسافران ایجاد شده است. در این صورت به حمل چادر نیازی نخواهید داشت.
گزینه دیگر استفاده از هتل، مهمان‌پذیر، هتل‌آپارتمان و دیگر اماکن اقامتی است.
اگر ترجیح می‌دهید سقفی بالای سرتان باشد و در ضمن نمی‌خواهید هزینه زیادی را بپردازید، مهمان‌پذیرها و هتل‌آپارتمان‌ها را به شما پیشنهاد می‌کنیم.
اکبر فرهیخته ، مدیر کل امور مراکز گردشگری در تعریف این دو واحد اقامتی می‌گوید: «مهمانپذیرها همان مسافرخانه‌های سابق هستند که هدف آنها عرضه خدمات با قیمت کمتر است. هتل‌آپارتمان‌ها نیز واحدهای خودکفایی هستند که آشپزخانه، اتاق خواب و پذیرایی را با هم دارند. مهمانپذیرها با توجه به امکانات فیزیکی و خدماتی که ارائه می‌کنند به سه درجه یک، دو و سه تقسیم می‌شوند. هتل‌آپارتمان‌ها نیز حداکثر دارای سه ستاره‌اند.» اما به گفته مدیرکل دفتر امور مراکز و خدمات گردشگری و استانداردسازی، یک هتل‌آپارتمان سه ستاره با هتل چهار یا پنج ستاره برابری می‌کند. در هتل‌آپارتمان‌ها از این نظر که می‌توانید غذای مورد نیاز را خودتان تهیه کنید، به مقدار زیادی از هزینه‌های مسافرت شما کاسته خواهد شد. علاوه بر مهمانسراها، پانسیون‌هایی نیز وجود دارند که اتاق را به همراه یک وعده غذایی به مهمان اجاره می‌دهند که این وعده غذایی می‌تواند صبحانه باشد. اگر قصد اقامت در این اماکن را دارید توصیه می‌کنیم حتما با خود ملحفه‌های تمیز همراه داشته باشید تا بتوانید از خواب خود لذت ببرید.

- ستاره‌ها چه می‌گویند؟

۳۲ نوع مرکز برای اقامت گردشگران در دنیا وجود دارد که مشهورترین آنها هتل است. هتل اقامتگاهی است که اتاق را به عنوان کالای اصلی و دیگر خدمات را که حدودا ۸۰ نوع است در صورت موجود بودن، در قبال دریافت وجه به صورت موقت به مهمان عرضه می‌کند. فرهیخته در تعریف خود ادامه می‌دهد: هتل، خانه‌ای است دور از خانه. یعنی ابعاد امنیتی، خدمتی، آسایشی و همه مواردی که فرد در خانه خود احساس می‌کند باید در یک هتل موجود باشد. از نظر مدیریتی نیز به دلیل چندگانه بودن و تنوع مدیریتی، هتل را شهری درون یک شهر می‌نامند.
اگر تصمیم گرفتید در هتل اقامت کنید باید بدانید رابطه مستقیمی بین ستاره‌های هتل و حساب بانکی شما وجود دارد. چگونه؟ ادامه مطلب را بخوانید:
هتل‌ها حداقل یک ستاره دارند و هر ستاره به ۴ درجه مختلف تاپ، ای، بی و سی تقسیم می‌شود. ستاره هتل در درجه اول براساس فیزیک و متراژ زمین، تعداد اتاق‌ها، امکانات موجود مانند سالن، لابی، استخر و... و بعد براساس خدماتی که ارائه می‌کند، تعیین می‌شود. در هتل‌ها اتاق‌های مختلفی وجود دارد: تک‌نفره، دونفره با تخت جدا، دونفره با تخت دونفره، انواع سوئیت‌ها مثل سوئیت سلطنتی، ویژه، بزرگ، کوچک و... .
اگر در هتل یک ستاره ساکن شدید انتظار خدمات چندانی نداشته باشید. احتمالا باید شام و ناهار و حتی صبحانه خود را در جای دیگری میل بفرمایید. انتظار سرویس بهداشتی و حمام اختصاصی را هم نداشته باشید. بهتر است از خرید مواد غذایی فاسدشدنی خودداری کنید، چون در اینجا احیانا به یخچال نیز دسترسی نخواهید داشت. به هر حال در آسمان بخت این هتل، بیش از یک ستاره موجود نیست.
هرچه ستاره‌های هتل بیشتر و درجه تقسیم‌بندی آن بالاتر باشد امکانات بهتری را در اختیار مسافران قرار خواهد داد. چنانچه یکی از بستگان سالمند یا احیانا ناتوان خود را به همراه دارید بهتر است از هتل‌های ۳ ستاره به بالا استفاده کنید. این هتل‌ها ملزم به داشتن آسانسور هستند، بنابراین در بالارفتن از پله‌ها مشکل نخواهید داشت.
هتل‌های ۵ ستاره علاوه بر مجهز بودن به امکاناتی مانند یخچال، تلفن، تلویزیون، ماهواره، استخر، سونا، جکوزی، آژانس، فروشگاه، آرایشگاه، واکسی، خشکشویی و غیره ملزمند خدمات مورد نیاز شما را در هر ساعتی از شبانه‌روز و در اتاق ارائه کنند.

- نهضت از نوع هتلی

وارد هتل می‌شوید و پس از طی مراحل لازم، اتاق را تحویل می‌گیرید، ساک و وسایل را به کناری می‌گذارید و روی تخت دراز می‌کشید. می‌خواهید قبل از هر چیز کمی استراحت کنید؛ اما پرده‌های اتاق مانع نور زننده خورشید نیست، بوی بد سرویس‌های بهداشتی فضای اتاق را پر کرده است، صدای موتور یخچال به حدی بلند است که بر مغز شما مانند پتک می‌کوبد، فشار آب روشویی بیش از اندازه کم است و... . به توضیحات فرهیخته توجه کنید: هتل‌ها باید خواب راحت و آسایش و آرامش به مهمان بفروشند. کسی که به هتل می‌رود می‌خواهد خواب راحت و آسایش و رفاه بخرد و به خاطر اینها پول می‌پردازد، پس باید در اتاق احساس آرامش، رفاه و بهداشت کند. باید ملحفه، امکانات، نور، بو، رنگ و... مناسب باشد. توجه داشته باشید که این موارد حداقل‌هایی هستند که یک هتل ملزم به رعایت آنهاست. بنابراین تعداد کم ستاره‌ها نمی‌تواند توجیهی برای ارائه ناقص و نامناسب خدمات باشد.

حال دنباله ماجرا را بخوانید: وارد سالن غذاخوری که می‌شوید قبل از هر چیز آمیزه‌ای از بوهای مختلف به شما می‌گوید که سالن تهویه مناسبی ندارد. پس از آن با صحنه‌های عجیب و غریب دیگری مواجه می‌شوید. یک نفر دستمالی را که به نظر می‌رسد مدت‌ها پیش سفید بوده است به دست گرفته و قاشق و چنگال‌ها را تمیز می‌کند، در گوشه دیوار لاشه یک سوسک فریاد کودک شما را به آسمان بلند می‌کند، پس از مدت‌ها انتظار سرانجام یک نفر با بی‌حوصلگی بنا به رسم سال‌ها پیش، از شما سفارش می‌گیرد و هر چند دقیقه یکبار باید برای درخواست کسری‌های روی میز به اطراف سر بچرخانید تا شاید یک نفر متوجه شما شود و اگر میلش کشید توجهی کند.

برای تعیین درجه و تعیین کیفیت و کمیت خدمات در هتل، موضوعی با عنوان استانداردسازی مطرح می‌شود. مدیرکل دفتر امور مراکز و خدمات گردشگری و استانداردسازی در این زمینه می‌گوید: استانداردسازی یعنی شما قانون، معیار و محکی دارید که بر اساس آن خدمات را قابل مدیریت، ارزیابی و قیمت‌گذاری می‌کنید. ضمن این که استاندارد صرفا کمیت نیست، بلکه نوعی نگرش و اخلاق است. نظمی مبتنی بر علوم، فنون و تجارب بشری که بیشتر به صورت قواعد و مقررات و نظام برای ایجاد هماهنگی و ایجاد وحدت رویه به کار گرفته می‌شود.

استانداردها در ۴ محور و ۹ بخش امور فنی، ساختمان و تاسیسات، امور ایمنی و بهداشت، امور خدمات و تجهیزات و امور نیروی انسانی و آموزش ارائه می‌شود. به این ترتیب رعایت نکات ایمنی در ساخت هتل، مجهز بودن به تجهیزات ایمنی، ارائه خدمات بهتر و استفاده از نیروهای کارآزموده و با تحصیلات و آموزش‌های مرتبط از مواردی است که برای کسب درجات بالاتر مورد رقابت هتلداران قرار می‌گیرد. امروز در هتل‌ها نهضتی به نام نهضت تجهیز و تعمیر و آماده شدن برای استانداردسازی و آموزش ایجاد شده است. با توجه به این که تولید و عرضه خدمات در هتل‌ها همزمان انجام می‌گیرد و مشتری ناظر بر نوع برخوردها و نحوه پذیرایی است، کارکنان این بخش‌ها باید آگاهی و مهارت را در کنار یکدیگر داشته باشند. میزبان باید بداند پذیرایی از مهمان را از کجا شروع کند، با سنین مختلف چگونه برخورد کند، سفارشات را چگونه دریافت و انجام دهد و... .

به این ترتیب، کارکنان هتل‌ها و اماکن اقامتی به عنوان میزبان موظفند در چارچوب‌های مشخص‌شده به بهترین وجه خدمات مورد نیاز را ارائه کنند. مرجعی که این استانداردها را تعیین می‌کند سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است و بخش نظارت معاونت گردشگری سازمان در هر شهر به شکایات و مشکلات مربوط به اماکن اقامتی، مراکز و دفاتر خدمات مسافرتی، غذاخوری‌های بین راه و... رسیدگی می‌کند.

● هتل‌بزرگ یعنی ...

اگر بر پیشانی هتل خواندید هتل بزرگ... چندان دلخوش نکنید. مدیر کل امور مراکز گردشگری در تعریف هتل بزرگ می‌گوید: هتل بزرگ در ایران تعریف نشده است.

در دنیا ممکن است بگویند هتلی بزرگ است که تعداد بخصوصی، برای مثال ۱۲ هزار به بالا اتاق داشته باشد؛ اما در ایران به دلیل این که معیاری برای هتل بزرگ وجود ندارد این واژه به صورت سلیقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مثلا اگر بزرگ‌ترین هتل ما ۷۰۰ اتاق داشته باشد هتل بزرگ باید بیشتر از این تعداد اتاق داشته باشد. هتل بین‌المللی نیز هتلی است که یا مسافران خارجی در آن رفت و آمد داشته باشند یا با هتل‌های دیگر در دیگر نقاط دنیا ارتباط داشته یا زنجیره‌ای از هتل‌های دیگر در کشورهای مختلف باشد.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=321465

vista.ir
Online Classified Service

خرابه‌های" آدم پکن" جوکودیان در کوه لون کوی دهکده جو کودیان از ناحیه فان شان در ۴۸ کیلومتری جنوب غربی شهر بیجینگ قرار دارد. این ناحیه محل اتصال ناحیه کوهستانی و دشت در جنوب شرقی دشت وسیع شمال چین و شمال غربی ناحیه کوهستانی است. ناحیه کوهستانی در اطراف جو کودیان دارای سنگ اهک است. به دلیل جاری بودن اب در این منطقه، در طول تاریخ غارهای بزرگ و کوچک طبیعی در این ناحیه شکل گرفته است. بر بالای کوه یک غار طبیعی دیده می‌شود که طول ان از شرق تا غرب ۱۴۰ متر است و"غار ممیون آدم نما " نامیده می شود. سال۱۹۲۹ در این غار برای نخستین بار "نخستین محل جوکودیان" یا انسان قدیمی کشف شد . ناحیه خرابه‌های جوکودیان، خرابه‌های مهم دوره پارینه سنگی در شمال چین است که در این میان نخستین محل جوکودیان – خرابه های "آدم پکن " معروف ترین است.

این خرابه‌ها را سال ۱۹۲۱ "آتشن" دانشمند سوئدی برای اولین بار کشف کرد. سپس دانشمندان در این محل به حفاری پرداختند. سال ۱۹۲۷ بوداشن دانشمند کانادایی رسما به حفاری در جوکودیان مبادرت ورزید و سه دندانی را که در جوکودیان کشف کرده بود، رسما " گونه پکن میمون آدم نمای چین " خواند . سال ۱۹۲۹ " پی وین جون " باستان شناس چینی در جریان حفاری ، نخستین کاسه سر " آدم پکن" را کشف کرد و کشف وی جهان را به تکان درآورد. خرابه‌های جوکودیان پس از حفاری بیش از ۸۰ سال ، همچنان برای تحقیق و بررسی مورد استفاده است. در نخستین محل۴۰ متر حفاری شده است. اما هنوز نیمی از باقی غارحفاری نشده است . در مقایسه با سایر خرابه‌ها، شمار سنگواره‌ها و سنگواره‌های پستانداران که در این ناحیه از خاک بیرون آمده، بسیار فراوان است. در نخستین محل جوکودیان آثار تاریخی برجای مانده استفاده از آتش کشف شد و مشخص گردید که تاریخ استفاده بشر از آتش چند صد هزار سال پیش از تاریخی است که گمان می‌شد. در خرابه‌ها پنج قشر خاکستری و استخوانهای سوخته شده پیدا شده است که ضخامت ان به شش متر می‌رسد. این آثار تاریخی بر جای مانده نشان می‌دهد انسان پکن نه تنها با آتش آشنا بوده بلکه راه‌های حفظ اتش را می‌دانسته است. در این خرابه‌ها همچنین هزاران وسایل سنگی از خاک بیرون امده و مواد خام ان از اطراف خرابه‌های یاد شده بوده است. این وسایل سنگی متنوع و گوناگون و ساده در چند مرحله ساخته شده است . کشفیات ثابت می‌کند میمون پکن آدم نما تقریبا با زمان حال ۷۰۰ هزار تا ۲۰۰ هزار سال فاصله دارد و در ناحیه جوکودیان اقامت داشته است و از طریق شکار زندگی می کرده است . دوران اولیه با زمان حال ۳۰۰ هزار تا ۲۰۰ هزار سال فاصله دارد دوران دوم با زمان حال ۴۰۰ هزار تا۳۰۰ هزار سال و دوران سوم با زمان حال ۳۰۰ هزار تا ۲۰۰ هزار سال فاصله دارد.انسان پکن متعلق به بشر اولیه و تبدیل آن از میمون به انسان عاقل است. این کشف به لحاظ زیست شناسی، تاریخ شناسی و تحقیق توسعه بشر دارای ارزش بسیار است. انسان پکن و سایر کشفات و تحقیقات فرهنگی، منازعات پیرامون میمون و یا انسان حقیقی از دوران کشف انسان جاوه ای در قرن ۱۹ میلادی رادرمحفل علمی حل کرده است. واقعیات نشان می‌دهد در طول تاریخ و در یک مرحله خاص انسان واقعی تحولات اجتماعی و فرهنگی زیادی را شاهد بوده است. آنان نسل‌های بعدی "میمون جنوبی" هستند و نیزنیاکان "انسان عاقل " هستند. "انسان حقیقی " در مرحله میانه از رد بندی میمون تا تکامل آدم شکل گرفته است. شکل" انسان حقیقی " کماکان با استاندارد انسان پکن جوکودیان یکسان است. خرابه‌های جوکودیان همچنان غنی‌ترین و سیتماتیک‌ترین و پرارزش‌ترین مدرک بشر قدیمی همزمان با خلقت جهان است. طبق استاندارد انتخاب میراث فرهنگ جهانی، خرابه‌های ادم پکن جووکودیان دسامبر سال ۱۹۸۷ در فهرست میراث جهانی ثبت شد. ارزش کمیته میراث جهانی :کار تحقیق و بررسی علمی خرابه‌های "ادم پکن " جوکودیان کماکان در جریان است . از این میان می‌توان آثار تاریخی برجای مانده بشر جدید از ۱۸ هزار سال قبل از میلاد تا ۱۱ هزار سال قبل از میلاد را کاوش کرد و تکامل تدریجی بشر را تشریح نمود.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8665

vista.ir
Online Classified Service

خشونت خانوادگی

مهاجرت گسترده ایرانیان در سال های اخیر به خارج از کشور شرایط تازه ای را در ساختار خانواده مهاجر ایجاد کرده است که در همه جوانب زندگی خانوادگی، از جمله بر نحوه و میزان بروز رفتارهای ناهنجار در میان زن و مرد و فرزندان آنها تاثیر گذاشته است. برای مثال این شرایط هرچند در موارد زیادی از شدت و دامنه خشونت عاطفی و جسمانی در خانواده کاسته است اما هنوز به شکل معضل جدی وجود دارد و نوع تازه ای از فشار روحی را در خانواده به وجود آورده است. یك نمونه گسترده تر از این نوع خشونت وابستگی اقامت یك طرف به دیگری است: برخی مردان ایرانی از وضعیت اقامتی خود برای وارد کردن فشار روحی بر زن استفاده می کنند. مهاجرت خانواده های ایرانی را می توان صرف نظر از دلیل مهاجرت آنها به چند گروه تقسیم کرد که از جمله سه گروه شاخص تر از این قرار هستند: مرد همراه با همسر و فرزندان خود مهاجرت کرده است؛ در این حالت چون خانواده وارد دنیایی ناشناخته شده است و تلاش دارد امکانات زیستی تازه ای را برای خود در ماه های اولیه مهاجرت فراهم کند، زن و مرد با یکدیگر درگیری جدی پیدا نمی کنند؛ در ماه های اول مهاجرت خشونت در خانواده کمتر است مگر به شکل آزارهای جنسی که آن هم احتمالاً مسئله ای سابقه دار بوده است. طی اولین سال ها که همان سال های انتظار برای گرفتن اجازه اقامت و کار است درگیری های درون خانه افزایش می یابد و فشارهای عصبی و تنهایی به شکل رفتارهای خشونت بار خود را نشان می دهد. متهم کردن یکدیگر به عنوان مسبب شرایط تازه، خشمی را پدید می آورد که یا به شکل رفتار های خشن خود را نشان می دهد و یا به افسردگی و ناراحتی های روحی دیگر می انجامد. البته حضور دائم زن و مرد در خانه و در شرایط زیستی نامطلوب نیز بر شدت مشکلات می افزاید. در همین سال هاست که زنان درمی یابند که می توانند به پشتوانه قانون و عرف جامعه از خود در زمان بروز خشونت از سوی مرد اقدام کنند، اما معمولاً تا آنجا پیش می روند که با ارزش های آنها تناقض نداشته باشد. در موارد زیادی زنانی که مورد آزار جسمی قرار می گیرند حاضر نیستند که مسئولان را مطلع کنند و این موضوع را نه تنها برای خانواده بلکه برای خود نیز یك ننگ تلقی می کنند. برخی مردان هم با آگاهی از این موضوع با اطمینان خاطر بیشتری دست به خشونت می زنند. حتی اگر اقدام علیه مرد با نظام ارزشی زن تناقضی هم نداشته باشد و اعتمادبه نفس او در محیط تازه نیز افزایش یافته باشد، آمادگی روحی و روانی او برای مقابله با رفتار خشونت آمیز مرد عامل تعیین کننده مهمی است. خشونت هایی که به شکل های مختلف جسمی و روحی طی سالیان متمادی بر زن روا شده است، شرایط روحی را برای او به وجود آورده است که معمولاً قادر به تصمیم گیری و اقدام جدی نیست. گروه دوم زنانی هستند که به دلیل مشکلات خانوادگی به تنهایی و یا با فرزندانشان به مهاجرت تن داده اند. آنها معمولاً برای اینکه بتوانند از کشور خارج شوند و اجازه شوهر را هم داشته باشند، علت اصلی مهاجرت را پنهان نگاه می دارند. همسران این گروه از زنان هم معمولاً به طمع دستیابی به امکانات اقامتی در کشوری دیگر با خروج آنها موافقت می کنند. استفاده از بچه ها به عنوان عامل فشار از سوی مرد، زن را دچار عذاب وجدان می کند و سردرگمی تازه ای را برای او به بار می آورد: ترس، اضطراب و افسردگی از عوارض رفتارهای خشونت آمیز در ایران است که تا مدت ها زنان را در محیط تازه عذاب می دهد. به این ترتیب اعمال خشونت و فشار در خانواده از راه دور هم امکان پذیر است. گروه دیگر زنان مهاجر ایرانی که مورد خشونت خانوادگی قرار می گیرند تازه عروسانی هستند که به همسرشان در خارج از کشور ملحق می شوند. این زنان یا همسرانشان را هرگز ندیده اند و یا در دیداری کوتاه و بدون شناختی درست تصمیم به ازدواج گرفته اند. در بسیاری از اینگونه ازدواج ها، تصویری که این مردان از زندگی خود در خارج از کشور ترسیم می کنند با واقعیت تطبیق ندارد. پس اولین تجربه این گروه از زنان در مهاجرت نه تنها رودررویی با شرایط جدید کشور میزبان است بلکه رودررویی با مردی است که با انتظارات آنها کاملاً تفاوت دارد. در این شرایط، این گروه از مردان معمولاً به عنوان تنها منبع اطلاعاتی زن، او را محدود می کنند و اجازه نمی دهند که دنیای جدید و امکاناتش را بشناسد. این در حالی است که مرد گاه به طور دائمی زن را تهدید می کند که می تواند او را از داشتن

مزیت اقامت سلب کرده و به ایران بازگرداند. تحقیر زنان در این دوره در بی پناهی کامل آنها صورت می گیرد. اطلاعات آنها از محیط تازه بر اساس منافع مرد مخدوش شده است؛ حمایت خانواده که می توانست به زن کمك کند، وجود ندارد و گاه حتی تماس آنها با خانواده شان هم تحت کنترل مرد صورت می گیرد؛ زنان برای خروج از خانه با محدودیت روبه رو می شوند، یادگیری زبان قدغن می شود و به لحاظ مالی تحت فشار گذاشته می شوند. به این ترتیب هر گونه حرکت مستقل آنها محدود و یا ناممکن می شود. دستیابی زنان در این شرایط به خانه های امن زنان و یا حمایت های قانونی نیز به دلیل عدم اطلاع و ترس آنها صورت نمی گیرد. فشارهای وارده بر این گروه از زنان و سرخوردگی و یأس از رسیدن به رویاهایی که در سر داشته اند، آنها را در وضعیت روحی قرار می دهد که مراجعه به مشاور و دریافت درمان های روانی را ضروری می کند. اما از آنجا که این کار هم می باید تحت نظر شوهر صورت بگیرد پس یا ناممکن می شود و یا نتیجه لازم را نمی دهد. گروه دیگر مهاجران، مردانی هستند که برای اقامت به تنهایی و بدون همسرانشان به خارج از کشور آمده اند. در این موارد معمولاً تا ملحق شدن زن و فرزندان به مرد زمان زیادی طول می کشد و سال های دراز دوری برقراری ارتباط میان آنها را دشوار می کند.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=223862

vista.ir
Online Classified Service

خلاقیت برای سفرهای ارزان قیمت نوروزی

آیا شما هم از آن دسته آدم‌های بداخلاقی هستید که خود را از تفریحات و تعطیلات و مسافرت محروم می‌کنند؟ آیا شما هم به جهان بدبین هستید و فکر می‌کنید دنیا به کام پولدارهاست؟ آیا روزهای تعطیل خود را با ابروهای گره کرده روبروی تلویزیون می‌گذرانید؟ آیا هر شنبه که به سر کار می‌روید خسته‌تر از شنبه قبل هستید و تعطیلات عید هم خستگی شما را از تن به در نمی‌کند؟

هر انسانی می‌تواند روزهای آخر هفته یا تعطیلات خود را به شادی بگذراند، اگر به راستی چنین تصمیمی بگیرد و پیشاپیش برای آن برنامه‌ریزی کند. بسیاری از کارمندان جهان از روزهای تعطیلات خود استفاده نمی‌کنند. حتی در کشور مرفهی نظیر کانادا هم ۲۴ درصد کارمندان خود را از مسافرت در تعطیلات محروم می‌کنند. آنها معتقدند زمان و پول کافی برای این قبیل کارها ندارند. اما باید بدانید که عدم تعادل میان کار و تفریحات زیان‌های جبران‌ناپذیری به شما و زندگی‌تان خواهد زد. کار زیاد و استراحت کم، ممکن است هم از نظر روحی و هم جسمی به شما آسیب برساند. بعضی وقت‌ها لازم است به خودتان استراحت بدهید و بگذارید روح‌تان زندگی جدیدی را تجربه کند. هر انسانی نیاز دارد از فشارهای کاری خود فاصله بگیرد و نیرویی تازه کند. یك تعطیلات خوب شما را از محیط کار دور می‌کند و از استرس‌های بیهوده شما می‌کاهد. یك هفته استراحت مطلق، شما را برای یك سال کار کردن آماده می‌کند.

هیچ وقت به مسافرت نگویید باشد برای سال بعد. همین امسال نگاه خود را به تعطیلات اصلاح کنید. شاید باید از منظر دیگری به آن بنگرید. بار دیگر از خود بپرسید مسافرت چیست؟ آیا سفر در نگاه شما استراحت در هتل‌های پنج ستاره و گشت زدن در پاساژهای کیش است؟ آیا فکر می‌کنید تعطیلات یعنی حمام آفتاب گرفتن در ساحل، نوشیدن آب پرتقال و سوار شدن بر کشتی شیشه‌یی؟ اگر تصور شما از مسافرت این است شاید تا ده سال دیگر هم مسافرت خود را به تعویق بیندازید. اما می‌شود بدون اینکه ورشکست شویم خانواده خود را به مسافرتی مسرت‌بخش

ببریم.

ما همیشه برای خانواده و بچه‌های خود بهترین را می‌خواهیم، برای همین حاضر نمی‌شویم آنها را به مسافرت‌های ساده و ارزان قیمت ببریم. اما مسافرت‌های چند میلیونی همیشه چاره کار نیستند.

برای اینکه از عهده مخارج یك مسافرت برآیید، لازم نیست یك سال پس انداز کنید. کافی است توقع خود را کمی پایین بیاورید و کمی خلاقیت به خرج دهید. مسافرت با پول قرضی یا وام کارمندی تنها به استرس‌های شما می‌افزاید. هنر این است که با پولی که در دست دارید، به سفر بروید. برنامه‌ریزی یك تعطیلات ارزان قیمت کار سختی نیست. شاید توصیه‌های زیر به شما کمك کند.

یکی از شیوه‌های صرفه‌جویی در سفر این است که همه چیز را از قبل برنامه‌ریزی کنید. در غیر این صورت حساب بانکی‌تان ظرف چند روز خالی می‌شود و شما در عجب خواهید ماند که این همه پول کجا رفت. اگر اتاقی در هتل رزرو نکرده باشید، ممکن است مجبور شوید هزینه سنگینی برای اجاره یك ویلای بزرگ متقبل شوید. اگر محل غذا خوردن خود را در ذهن نداشته باشید، شاید مجبور شوید به اصرار بچه‌ها در یك رستوران مجلل اما نزدیك غذا بخورید. مهم نیست در سفر پولی خرج نکنید، مهم این است که همه چیز را با برنامه‌ریزی پیش ببرید.

برای شروع، نقشه‌یی را روی میز باز کنید و ببینید دوست دارید به کجاها بروید. همه اعضای خانواده باید در این جلسه هیجان‌انگیز شرکت داشته باشند. به حرف آنها گوش کنید و مشکلات اقتصادی را با آنها در میان بگذارید. در مرحله اول ببینید چقدر پول دارید و چقدر می‌توانید برای این سفر هزینه کنید: ۲۰۰ هزار تومان؟ پولی که دارید را میان هزینه‌ها تقسیم کنید. به بیان دیگر ببینید چقدر می‌توانید برای رفت و آمد کنار بگذارید، چقدر برای اقامت، چقدر برای غذا، کارهای تفریحی و چیزهایی نظیر آن. دویست هزار تومان شما باید بطور منطقی میان این هزینه‌ها تقسیم شده باشد. بد نیست پولی نیز برای مواقع اضطراری کنار بگذارید تا اگر یکی از همسفران شما بیمار شد، برنامه سفرتان به هم نریزد.

اینکه چقدر برای هر یك از مخارج بالا کنار بگذارید، یك سلیقه است و از فرمول خاصی پیروی نمی‌کند. اگر اهل غذا هستید، باید هزینه رفت و آمد و هتل خود را پایین بیاورید. اگر با اتوبوس به سفر بروید می‌توانید اتاق بهتری اجاره کنید. سعی کنید از خرج‌های بیهوده بکاهید. لازم نیست برای کسی سوغاتی بخرید.

سوال مهم این است که چند روز به سفر خواهید رفت. وقتی این سوال مطرح می‌شود بسیاری می‌گویند هر چقدر خوش بگذرد! اما این پاسخ بیشتر به درد کسانی می‌خورد که کارت اعتباری خود را به همراه دارند و نگران خالی شدن حساب بانکی‌شان نیستند. اگر می‌خواهید ارزان سفر کنید، باید ساعت دقیق رفتن و آمدن خود را در ذهن داشته باشید.ارزان‌ترین سفر رفتن به نواحی اطراف شهر است. مناطق روستایی زیبا و ارزان هستند و خستگی شما را بر طرف می‌کنند. اگر بخاطر هزینه سنگین بلیط هواپیما و قطار از مسافرت خودداری می‌کنید، روستاها و شهرهای کوچك نزدیك محل اقامت‌تان را دست کم نگیرید. هوای آزاد و سکوت این مناطق معجزه می‌کنند و شما را سر حال می‌آورند. شاید بد نباشد اگر چند روزی کنار رودخانه‌یی چادر بزنید و با طبیعت یکی شوید.

حتما نباید با هواپیما سفر کنید. سفر با اتوبوس و قطار هم لذت‌های خودش را دارد. رانندگی با ماشین در سفرهای کوتاه بسیار دلچسب و شیرین است. اگر ماشین ندارید شاید بتوانید به اجاره کردن یك ماشین فکر کنید. مسافرت با ماشین این مزیت را دارد که می توانید هر جا خواستید توقف کنید. یك یخچال کوچك در صندوق عقب بگذارید تا مجبور نباشید مدام روبروی مغازه‌ها توقف کنید. تجربه نشان داده وقتی برای خرید یك بطری آب روبروی یك مغازه پارك می‌کنید مجبورید با دستی پر از لواشك و چیپس و آدامس و کلاه بادگیر به ماشین برگردید.

توصیه اکید من به شما این است که از توریست‌ها دوری کنید. آنها پا به هر کجا می‌گذارند قیمت‌ها را چند برابر می‌کنند. دیدنی‌های طبیعی زیبایی خاص خود را دارند و خوشبختانه هیچ کس به خاطر نگاه کردن به یك کوه یا پا گذاشتن در رودخانه از شما پول نمی‌گیرد. اگر به دل طبیعت رفته‌اید می‌توانید خود را با ماهیگیری سرگرم کنید. امروز بسیاری از پارك‌های جنگلی برای پیك‌نیك طراحی شده‌اند و می‌توان در امنیت کامل در آنها چادر زد. خرید یك چادر ممکن است هزینه ابتدایی زیادی را به شما تحمیل کند، اما بعد پس‌انداز خوبی برای شما خواهد شد. چادر زدن خنده‌دار و مفرح است. ممکن است پشه‌ها شما را بزنند یا مگس‌ها تا صبح زیر گوشتان آواز بخوانند، اما خاطره این زندگی بدوی و متفاوت تا سال‌ها با شما خواهد ماند. حقیقت این است که آدم‌هایی که مسافرت را داخل چادر می‌گذرانند نه تنها به ساکنان هتل‌ها حسودی‌شان نمی‌شود، بلکه دلشان به حال آنها نیز می‌سوزد.

راه دیگر برای کاهش هزینه‌های سفر این است که در اطراف شهرهای توریستی اطراق کنید و بعد یك ساعته خود را به دیدنی‌های آن شهر برسانید. با اهالی شهرهای مختلف حرف بزنید و جاهای دیدنی را از آنها بپرسید. مسلما آنها کمی غلو می‌کنند، اما چندان هم بیراه نمی‌گویند. مسافرت به شهرهای کوچك ارزان و بی‌دردسر است.

بچه‌ها خود به خود مخارج سفر را بالا می‌برند. آنها همیشه گرسنه هستند و مدام حوصله‌شان سر رفته است. اگر بچه‌ها را با خود به سفر می‌برید باید کمی بیشتر خرج کنید. بچه‌ها نمی‌توانند با یك لیوان آب پرتقال کنار ساحل لم بدهند و از موج‌ها و صدای مرغ‌های دریایی لذت ببرند. باید توپی باشد که بدوند یا بادبادکی که با آن سرگرم شوند. یك مسافرت خسته‌کننده و بی‌حادثه می‌تواند بچه‌ها را از شما متنفر کند. کاری کنید که بچه‌ها سال دیگر هم با شما به سفر بیایند. خاطرات سفر با خانواده عمیق‌ترین خاطرات هر کودکی هستند. خاطره این مسافرت‌ها در سال‌های بعد به کمك فرزند شما خواهد آمد و باعث خواهد شد او هیچ گاه محیط خانواده را ترك نکند. برای سرگرم کردن بچه‌ها لازم نیست همیشه پول خرج کنید. با بچه‌ها در ساحل فوتبال بازی کنید و آنها را به موزه‌های طبیعی یا باغوحش ببرید. عکس گرفتن را فراموش نکنید. به بچه‌ها بگویید که چقدر می‌توانند خرید کنند تا به انتخاب خود چیز بخرند.

بعضی‌ها از آشپزی کردن در مسافرت متنفرند. اما اگر فکر می‌کنید ممکن است آشپزی از هزینه‌های شما بکاهد، شاید بد نباشد یك اتاق با وسایل آشپزی اجاره کنید. صرفه‌جویی در هزینه غذا در اقتصاد سفر نقش مهمی بازی می‌کند. برای اینکه جلوی هر رستوران مجبور نباشید ۱۰ هزار تومان پول بدهید بهتر است چند ساندویچ در یك کیف بگذارید و با خود ببرید. خوردن میوه را فراموش نکنید. میوه‌ها به شما نشاط می‌دهند و شما را در برابر بیماری‌ها و مسمومیت‌های معمول سفر بیمه می‌کنند.

اقامت در هتل هم ممکن است ابتدا کمی ولخرجی به نظر بیاید، اما این اقامتگاه‌ها هم مزایای خاص خود را دارند. اگر هتل شما استخر داشته باشد می‌توانید بعدازظهرها با بچه‌ها به آنجا بروید و کمی استراحت کنید. این کار ارزان‌تر از گشت زدن در پارك‌ها و خرید کردن است.

مسافرت‌های یك روزه هم بد نیستند. با دویست هزار تومان شاید بد نباشد یك روزه با هواپیما به شهری توریستی بروید، در هتلی چند ستاره بمانید و روز بعد برگردید. اگر این هیجان‌های کوتاه را دوست دارید، چند نکته را در ذهن داشته باشید. سعی نکنید همه مسافرت را در چند ساعت خلاصه کنید. استراحت و آسودگی شما مهمتر از هر چیز دیگر است. مجبور نیستید همه جاهای دیدنی یك شهر را ببینید. دیدن یکی دو بنای تاریخی بس است. بقیه وقت‌تان را به استراحت بگذرانید.

بسیاری از مردم جهان سفرهای خود را از طریق اینترنت برنامه‌ریزی می‌کنند. جهان اینترنت برای پیدا کردن مکان‌های دیدنی و مقایسه قیمت‌ها فوق العاده است. اما از آنجا که اطلاعات توریستی کشور ما هنوز در اینترنت گنجانده نشده و شما هم قصد سفر به خارج از کشور را ندارید، از این موهبت تکنولوژیك باید چشم‌پوشی کنیم. توصیه ما به شما این است که خودتان دست به کار شوید و با سوال و جواب، اطلاعات جمع کنید.

هر سال به مسافرت بروید، به هر قیمتی که شده. هر وقت خسته بودید روی تخت استراحت کنید و خود را به رویاهایتان بسپارید. برخلاف آنها که می‌گویند مسافرت جای خوابیدن نیست، من فکر می‌کنم مسافرت بهترین وقت برای خوابیدن است. می‌توانید فیلم‌هایی را که دوست دارید ببینید، اجاره کنید و آنها را در اتاق هتل ببینید. مسافرت گشت زدن در اماکن توریستی نیست. مسافرت هنر خوش گذراندن است. اگر اهل موسیقی هستید سری به کنسرت‌ها بزنید و از موزه دیگر شهرها دیدن کنید. اگر هنر به مذاق شما جور در نمی‌آید، تفریح دیگری را انتخاب کنید. کت و شلوار خود را با خود به سفر نبرید. لباس راحتی در سفر بیشتر به کار شما می‌آیند، ضمن آنکه بخاطر سوختن لباس رسمی‌تان هم آه از نهادتان بلند نمی‌شود. مهم این است که در این روزها از محیط کاری خود فاصله بگیرید. این کار بسیار سخت است. آیا می‌دانید بسیاری از مردم اروپا در تعطیلات هم ایمیل‌های کاری خود را کنترل می‌کنند. چنین مسافرتی یك اتلاف وقت و هزینه واقعی است. ما به این قبیل آدم‌ها توصیه می‌کنیم ایام عید در اداره بمانند تا کمی بیشتر پس‌انداز کنند.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=219888

vista.ir
Online Classified Service

خوانسار، شهری زیبا در حصار کوه ها

خوانسار در ناحیه ای نه چندان دور از کویر مرکزی ایران در فاصله ای حدود ۱۵۰ کیلومتری شمال غرب شهر اصفهان واقع شده است. شهری زیبا مصفا و یکی از زیباترین شهرهای مناطق مرکزی کشور.

خوانسار به راستی شهری است در حصار کوه ها، باغ شهری آرمیده در دامنه های زاگرس و شکل گرفته در مسیر رودی که سرچشمه اناربار (رود قم) است. به طور کلی شهر خوانسار همیشه دیدنی بوده است و زمان و مکان مانع از تماشای از این شهر نیست. می توان به این شهر سفر کرد و از شبها و روزهای آن لذت برد.

دمای هوای خوانسار درتابستان نهایتا به ۳۷ درجه میرسد و در زمستان سرمای دلنشین همراه با انبوه ریزش برف است. این شهر در پاییز رنگ زرد به خود میگیرد و پوشش کوچه ها و باغها را برگهای زرد درختان میگیرد، اما در بهار که یک بهار کاملا واقعی را در خود دارد در فروردین ماه زمین زنده می‌شود و بوی عطر سبزی و شکوفه انسان را مست می‌کند شکوفه‌ها در سرچشمه خوانسار از زیبایی بیداد می‌کند. نعمت باران نیز در بهار برای خوانسار وجود دارد.

گلستانکوه در مسیر خوانسار به اصفهان در ۱۵ کیلومتری شهر خوانسار یکی از زیباترین کوههای اصفهان با ارتفاع ۳۶۳۱ متر است. این منطقه طبیعی حدود ده کیلومتر مربع وسعت دارد و در فصل بهار مملو از گلهای طبیعی به ویژه لاله سرخگون است که به رنگ سرخ مایل به بنفش بوده و از روز چهلم تا شستم بعد از عید شکفته می شوند و در موقع وزش باد سیر و روشن می شوند.

گل پیاز موسیر از جمله گلهای گلستانکوه است و مانند دیگر گلهای این منطقه خود رو می باشد و گون درختچه ای کوتاه است که معمولا ارتفاع آن به یک متر نمی رسد، اما مقداری از سطح زمین فاصله گرفته و گسترده می شود. در گذشته از گون محصولاتی بدست می آمد. اخیرا به علتهای گوناگون از قبیل اثرات مواد شیمیایی و عدم رسیدگی و بی توجه بودن به این گیاه طبیعی دوران اضمحلال را طی می کند.سرچشمه از مکان و فضایی شاداب و حیات بخش برخوردار است و هر بیننده ای را مجذوب خود می کند . محلی طبیعی بوده که در ضلع جنوب شرقی شهر واقع است و به مرور تحولات شهری و تجملات مصنوعی رنگ تصنعی به خود گرفته و به پارکهای امروزی تشابه پیدا کرده است.

- سایه تخریب بر دشت زیبای گلستانکوه

با ذوب برفها در دامنه کوههای سرد خوانسار، هزاران لاله سرخ واژگون از بطن خاک سیاه گلستانکوه می رویند و به سان نوزادان طبیعت در دامن دایه باد سرود زندگی آغاز می کنند.

رویش هزاران لاله واژگون در اوان هر بهار در دشت زیبای «گلستانکوه» جلوه بی نظیر و کمیاب طبیعت گوناگون حیات وحش در ایران را نمایان می کند. «گلستانکوه» در وسعتی افزون بر یک هزار هکتار در منطقه سردسیر غرب استان اصفهان قرارگرفته و رویشگاه گل منحصر به فرد و کمیاب «لاله های واژگون» و انواع دیگری از گیاهان مرتعی خودرو است.

لاله واژگون برخلاف سایر گونه های لاله و سایر گلها از ساقه به سوی زمین برگشته است و بدین سبب نامش را واژگون نهاده اند و برخی نیز به سبب آنکه درمیان گلبرگهایش همواره قطره آبی جاری است، بدان «گل اشک» نیز می گویند.

از مجموع ۱۲ گونه گل تزیینی لاله، «لاله واژگون»، گل بومی سرزمین ایران است که در قرن شانزدهم میلادی به اروپا برده شد و در اقلیم مناسب قاره سبز پرورش یافت.

در کنارگلستانکوه اقلیم کوهستانی و برف گیر روبه شمال کوهساران زاگرس و در برخی از استانهای سردسیر کشور همانند چهارمحال و بختیاری و لرستان نقاط انگشت شمار از رویشگاههای طبیعی لاله های واژگون در ایران است. در کنار رویش لاله های واژگون گلهای بنفش رنگ، موسیر، گزانگبین، باربچه و انواع دیگری از گیاهان مرتعی در هر بهار زینت بخش گلستانکوه است. مناظر زیبا و پوشش گیاهی منحصر به فرد این منطقه همه ساله هزاران نفر از مشتاقان طبیعت را به سوی خود می کشاند. وجود چشمه های پرآب، این دشت زیبا را به نقطه ای بی نظیر در استان اصفهان بدل کرده است. ولی این طبیعت بی نظیر در گام رو به جلوی تخریب ونابودی هرروز عقب تر می رود و دوستداران طبیعت در هر سال نشانه های کمتری از این طبیعت بکر را نسبت به سالهای قبل از آن می یابند. بوته کنی بی رویه، بهره برداری افزون بر ظرفیت و نیز تغییرات

طبیعی ناشی از عوامل مخرب، عرصه طبیعی گلستانکوه خوانسار را کوچکتر کرده است. این منطقه به سبب رویش گونه های منحصر به فرد از گیاهان مرتعی و نیز لاله های واژگون در دومین ماه از بهار هرسال، غنیمتی از طبیعت در استان اصفهان است که به تدریج ازکف می رود. هر دوستدار طبیعتی می داند که گلهای وحشی تنها در اقلیم خود می رویند و آنان که هرساله به قصد تفرج به سوی گلستانکوه هجوم می برند و پنهان از دیدگان محیط بانان عرصه های منابع طبیعی، لاله ها را از ساقه جدا می کنند درواقع مرگ طبیعت را رقم می زنند. بوته کنی و چیدن لاله های واژگون آن هم در فصل تکثیر ورویش، عامل مرگ گلهاست و دیری نخواهد پایید که درگلستانکوه دیگر گلی نخواهد روئید و این دشت زیبا بر نام بی مسمای خود خواهد گریست.

گزارش برنامه گروه ستاک

تاریخ اجرا : جمعه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۵

نفرات : خانمها : صالحی – حضرتی – رشیدی – رستمی آقایان : یوسفی – طاهرخانی – حاجی ئی – شادفر

سرپرست : شادفر

شاید در استان اصفهان بدلیل کویری بودن منطقه انتظار دیدن شهرهای کوهستانی و همچنین روستاهای پر آب کمی دور از انتظار باشد اما در هر گوشه ای از این استان روستاها و شهرهای بسیار زیبایی وجود دارند که خود به تنهایی میتوانند قطب گردشگری استان باشند و از بار گردشگری شهر اصفهان بکاهند . خصوصا اگر این گردشگران بیشتر به طبیعت و اکوتوریسم علاقمند باشند .

از این دست میتوان روستاها و شهرهای زیبای بسیاری از جمله ابیانه ، نیاسر ، قمصر ، خوانسار ، نطنز و ... را نام برد که در دامان کوهستانهای استان پا گرفته اند و هنوز بسیاری از آنها بافت سنتی خود را حفظ کرده اند اما متاسفانه بیشتر آنها با دست اندازی ساختمانهای اصطلاحاً با معماری اروپایی دوره احتضار را طی میکنند و ...

همانگونه که در مطالب بالا به قلم دیگر دوستداران طبیعت آمده است خوانسار به دور از تملق شهری است بسیار زیبا هنوز با کوچه باغهای زیبایش و هوایی کوهستانی و خنک که واقعا می تواند در هر فصلی پذیرای خیل گردشگران و طبیعت دوستان باشد .

بهار دل انگیزش با عطر گلهای بهاری و شاخه های نورسته درختانش ، تابستان با هوای خنک صبحگاهی و شامگاهش و میوه هایش ، پاییز با تابلوی چند رنگش و زمستان نیز با ترکیب سپیدی برف و کوههایش .

به غیر از گلستانکوه و خوانسار میتوان در برنامه ای یک یا دو روزه از دیگر زیباییهای مسیر تهران به خوانسار نیز دیدن نمود . شهر زیبای گلپایگان با ارگ گوگد و همچنین برجهای کبوتر (کبوترخانه) تیدجان و قودجان . که دو روستای آخری با بزرگ شدن شهر خوانسار به شهر خوانسار پیوسته اند ، این در حالی است که تا چند سال پیش این دو روستا حدود ۴ کیلومتر با خوانسار فاصله داشتند .

البته این مناطق جاهایی بود که در برنامه گروه ستاک به تماشایشان نشستیم مطمئنا روستاهای دیگر مسیر و مناطق دیگری نیز برای دیدن و لذت بردن در این منطقه وجود دارد .

و باز هم استخوان لای زخم همیشگی که هزاران بار گفته ایم و گفته ایم و ....

به نظر این قلم خودخواه تر از ما ایرانیان در عالم گیتی نمی توان یافت ؟ اگر در روستای دره بید نگهبان وجود نداشت و اطلاعیه کاملی در مورد نچیدن گلها و از ریشه در نیاوردن آنها بین مردمی که برای ساعتی دلخوشی خود به آنجا آمده بودند نبود ، حجت بر مردمی که به قصد تماشای دشت زیبای لاله های واژگون آمده بودند تمام نمی شد و بهانه ای برای این مردم وجود داشت ؟

اما با وجود همه این تدابیر این گردشگران!!! به راحتی گلها را برای چند دقیقه ای دلخوشی فرزندان و یا حتی دلخوشی خود میچیدند و برخی نیز به یادگار پیاز گلها را با خود می بردند .

آیا حتما باید چوبی بر بالای سر ما ایرانیان وجود داشته باشد تا مطلبی را قبول کنیم ، و با زبان و فرهنگ و تبلیغات نمی توان این کار را انجام داد ؟ ظاهرا که مزاج ما با مورد اول بیشتر کنار می آییم !!

روستای دره بید یکی از دیگر از روستاهای استان اصفهان است که در ۱۵ کیلومتری شهر داران قرار دارد و طی چند سال اخیر مورد تاخت و تاز طبیعت گردان قرار گرفته است و برای به تاراج بردن گلهای لاله واژگون جاده ای خاکی و کوهستانی بطول حدودا ۷ کیلومتر از روستا کشیده شده است تا مردم به راحتی بتوانند دشت لاله واژگون را به غارت ببرند .

برای دیدن دشت گلهای لاله واژگون با دوستان گروه ستاک ، پنجشنبه به ساعت ۲۲:۳۰ از پل سیدخندان به سمت آزادی حرکت میکنیم و پس از همراه شدن تمامی دوستان که جمعا ۸ نفر هستیم ساعت ۲۳ از تهران به سمت خوانسار به راه می افتیم.

برای رسیدن به خوانسار ، دو مسیر را میتوان انتخاب نمود جاده تهران - ساوه - سلفچگان - دلیجان – جاده فرعی موته – گلپایگان – خوانسار و یا اتوبان تهران - قم – سلفچگان – خمین – گلپایگان – خوانسار ، البته هر دو جاده از نظر فاصله تا تهران تقریبا یکسان هستند و تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند .

برای رفتن به خوانسار مسیر اول را انتخاب میکنیم و برای برگشت مسیر دوم را . در تاریکی شب با یک دستگاه مینی بوس ایویکو از جاده ساوه به سمت خوانسار می رویم . حدود ساعت ۳:۳۰ صبح به شهر دلیجان میرسیم ، با توجه به خستگی راننده تصمیم می گیریم مدتی در خوانسار توقف کنیم تا راننده کمی استراحت کند ، پس از توقفی حدودا یک ساعته راس ساعت ۴:۳۰ به سمت خوانسار حرکت میکنیم . ساعت ۶:۳۰ صبح به خوانسار می رسیم .

با توقفی کوتاه در خوانسار به سمت گلستانکوه حرکت میکنیم بعد از ۱۵ کیلومتر تابلویی فلزی نشاندهنده دشت لاله های واژگون دامنه های گلستان کوه است که عکس لاله واژگون را بر روی آن ترسیم کرده اند . از آنجا که این بار هم اطلاعات منطقه را از دوست عزیزمان جناب "آقای صافی" در شهر نجف آباد گرفته ایم ، می دانیم که این دشت به علت شناخته شدن برای عموم بسیار شلوغ خواهد بود لذا برای دیدن لاله های واژگون به سمت روستای دره بید میرویم . این روستا در ۱۵ کیلومتری شهر داران واقع شده است . از فرعی جاده دره بید که در سمت راست جاده واقع شده است به سمت روستا می رویم . برای معرفی روستای دره بید نیز از تابلویی شبیه به تابلوی دشت گلستانکوه استفاده شده است . تابلویی که اگر چیدن گلها به همین منوال ادامه یابد تا چند سال دیگر کاملا بی مسمی و بی معنی خواهد شد !!

تا خود روستا جاده ای آسفالته وجود دارد که با ۲ کیلومتر مسیر به روستای دره بید خواهید رسید اما برای دیدن گلهای دشت باید حدودا ۷ کیلومتر جاده خاکی کوهستانی را نیز بپیمائید تا به انتهای دره ای برسید که گلها در دامنه کوهها با نوازش باد در حال رقصیدن هستند .

در انتهای جاده چند دستگاه سرویس بهداشتی ساخته شده و چندین نگهبان نیز از خود بومیان روستا مستقر شده اند که برگه هایی در مورد گلهای دشت بین بازدیدکنندگان توزیع میکنند و از بازدیدکنندگان درخواست می کنند که اکیدا از چیدن گلها خودداری کنند . و مطمئنا گردشگران نیز کاملا این امر را مراعات می کنند !!! و گواهی این مراعات لاشه های گلهای پژمرده و پرپر شده ای است که در تمامی سطح منطقه به راحتی می توان دید ، البته گلهای دیگری که دور از چشم دیگران در اتوموبیلها پنهان شده اند را به حساب نمی آوریم؟

لازم به ذکر است برای گذر از کنار نگهبانهای دشت و دیدن گلها ، برای هر اتوموبیل باید ۱۰۰۰ تومان به همین نگهبانها بپردازید .

ساعت ۸ در کنار مقر نگهبانها توقف میکنیم و پس از صرف صبحانه تا ساعت ۱۰ صبح به گردش در دشت می پردازیم و از کوههای کم ارتفاع اطراف برای دیدن بهتر زیباییهای دشت ارتفاع می گیریم . به غیر از گلهای لاله واژگون گونه های دیگر گلهای وحشی را می توان دید که در گوشه و کنار دشت پراکنده اند . و گونهایی که به مانند چتر در دشت گسترده اند .

پس از ۲ ساعت گردش در میان گلهای دشت و دیدن این همه زیبایی ، و گرفتن چند عکس یادگاری ، ساعت ۱۰:۱۵ به سمت خوانسار باز می گردیم .

سرچشمه خوانسار بسیار معروف است لذا برای دیدن سرچشمه به سمت مرکز شهر می رویم اما با دیدن شلوغی بیش از حد سرچشمه ، از خیر دیدن و توقف در کنار سرچشمه می گذریم .

برای دیدن کبوترخانه های تیدجان و قودجان طبق نقشه از خوانسار خارج می شویم ، اما غافل از اینکه اکنون این دو روستا به شهر خوانسار پیوسته اند . از ۱۰ کیلومتری شهر خوانسار دوباره به سمت تیدجان و قودجان باز میگردیم . در هر دو روستا میتوانید کبوتر خانه ها را ببینید ما روستای زیبای قودجان را انتخاب میکنیم . کمی پایین تر از جاده اصلی چند کبوترخانه که هنوز سالم مانده اند قرار دارند . شاید بپرسید کبوترخانه چیست ؟

کبوترخانه برجی خشتی و مستطیل شکل است به ابعاد ۶*۱۰*۶ که برای نگهداری کبوتر و پرورش آنها استفاده میشده تا از فضولات آنها برای کوددهی زمینهای کشاورزی استفاده گردد .

پس از دیدن کبوترخانه ها و گشت زدن در زمینهای کشاورزی اطراف به سمت گلپایگان حرکت میکنیم . گلپایگان نیز شهری است در دامان کوهستان که از دوردست سرسبزی باغات و زمینهای کشاورزی ، محدوده شهر را از بیابانهای اطراف متمایز کرده است . در گلپایگان فقط قصد دیدن ارگ گوگد را داریم ، لذا مستقیما به سمت ارگ می رویم . ارگ گوگود ارگی است که حدودا سیصد سال سابقه تاریخی دارد و هم اکنون به دست مالکی شخصی اداره میشود که این شخصی بودن را به راحتی میتوان از تفکرات اقتصادی صاحب آن متوجه شد . حجره های داخل ارگ به اتاق خواب تبدیل شده اند و برای هر شب اجاره این اتاقها باید هزینه ای برابر با هتلهای ۳ ستاره بپردازید . در کنار این اتاقها یک رستوران سنتی

زیبا ساخته شده و کمی آنطرف تر نیز یک قهوه خانه و کافی شاپ زیبا برای استراحت و راحتی مسافرین در نظر گرفته شده است . و از همه اینها مهمتر تمیز و پاکیزه نگاهداشتن محوطه ارگ است که باعث کشش و جذب مسافرین و گردشگران میشود . مطمئنا اگر دیگر آثار باستانی این مرز و بوم نیز به همین روش نگهداری میشد حال روز آنها به مراتب بهتر از وضعیت فعلی آنها بود .

پس از گردشی ۴۵ دقیقه ای در ارگ به قصد ناهار به سمت رستوران ارگ می رویم اما با توجه به وارد شدن یک اتوبوس توریستی که قبلا رستوران را رزرو کرده است عذر ما را می خواهند و ما نیز دست از پا درازتر ارگ را ترک می کنیم تا برای صرف ناهار در کنار یکی از باغات اطراف جاده توقف کنیم . برای برگشت جاده خمین و محلات را انتخاب می کنیم . در کنار یکی از باغهای اطراف جاده گلپایگان به خمین توقفی نیم ساعته برای ناهار داریم و بعد از آن به طور مستقیم به سمت تهران حرکت میکنیم . چند باری نم نم باران جاده را خیس میکند اما بارندگی شدت نمی گیرد .

بدون بروز اتفاق خاصی حدود ساعت ۷ شب به ورودی تهران (میدان جهاد) می رسیم و به سمت پل سیدخندان حرکت میکنیم . در بین راه چند تن از دوستان خداحافظی میکنند ، و ما نیز با دوستان دیگر که به سمت میدان آزادی میروند در پل سید خندان خداحافظی می کنیم و از آنها جدا می شویم .

و اینچنین این سفر نیز با خاطراتی شیرین در کنار دوستان ستاک به پایان میرسد .

http://vista.ir/?view=article&id=276795

vista.ir
Online Classified Service

خوراک و وعده های غذایی در کویر

غذا از نظر اهمیت در رده ای پایینتر از آب و ترس قرار دارد . نوع خوراکی که در کویر همراه دارید باید به گونه ای باشد که در اثر گرمی هوا به سرعت فاسد نشود و خواص خود را از دست ندهد . در عین حال باید از نظر غذایی مقوی و انرژی زا باشد . از بردن خوراکی هایی که آب زیادی برای هضم مصرف می کنند خودداری کنید . انواع کنسروها غذاهای مناسبی برای مناطق کویری هستند . در صورتی که قصد بردن گوشت به مناطق کویری دارید , آن را کاملا خورد و ورقه ورقه کنید و لایه ای از نمک بر روی گوشت بپاشید . حل شدن نمک در آب گوشت باعث می شود که آب آن مدت زمان طولانی تری برای تبخیر لازم داشته باشد و از فساد سریع آن جلوگیری می کند . از همراه بردن غذا هایی که حاوی سس های خوراکی و سبزیجات هستند خودداری کنید . این نوع غذا ها در مدت زمان بسیار کوتاهی فاسد می شوند .

از مصرف مشروبات الکلی , نوشابه های گازدار و نوشیدنیهای شیرین خودداری کنید . در کویر هر نوشیدنی و یا خوراکی که باعث مصرف بیش از اندازه آب شود توصیه نمی شود . سعی کنید به جای مصرف آب از چایی استفاده کنید .

در هنگام صبح صبحانه کاملی صرف کنید , حتی المقدر در هنگام ظهر از صرف نهار خودداری کنید و غذای بسیار سبکی صرف کنید تا بدن شما به آب کمتری نیاز داشته باشد .

در شرایط بحرانی هر فرد قادر است به مدت ۱۰ روز یا بیشتر بدون مصرف غذا به زندگی ادامه دهد , هر چند مانند تشنگی , گرسنگی می تواند اثرات مستقیمی بر قدرت تصمیم گیری سریع , ترس , درد و سردی بدن داشته باشد . هرچند که اثرات روانی گرسنگی بسیار بیشتر از اثرات آن بر

فیزیک بدن فرد می باشد . همان گونه که در روشهای یافتن آب به آن اشاره شد اولین گام قرار دادن خود در یک شرایط ایده ال برای یافتن غذا می باشد . یافتن غذا در شرایط حاد از اهمیت بسیار کمی برخوردار است . پیشنهاد می شود انرژی و زمان خود را صرف فعالیتهای مهمتری چون یافتن آب و یا یافتن مسیر کنید . تقریبا هر جانوری که راه می رود , می خزد , پرواز می کند و یا شنا می کند ارزش غذایی دارد . قطعا میزان گرسنگی شما منوی غذای شما را تعیین خواهد کرد .

قرار دادن دام برای پرندگان یا جانوران کوچک مانند خرگوش یا بزمجه که به وفور در مناطق کویری یافت می شوند روش مناسبی برای تهیه غذا می باشد . همچنین استفاده از گیاهان کویری نیز می توند کارساز باشد . بعضی از گیاهان سمی هستند . در صورتی که قادر به تشخیص سمی بودن یا نبودن آنها نیستید از خوردن گیاهان خودداری کنید و سخن آخر اینکه استفاده از غذاهای حاوی قند در مدت زمان کوتاه (۴ روز) ضرورتی ندارد .

- گیاهان مناطق کویری

▪ درخت تاق

این درخت با آب و هوای خشک و زمینهای نسبتا" شور نواحی کویری بسیار سازگار بوده و در خاکهای سبک و شنی و همچنین بر روی تپه های شنی بخوبی رشد و نمو می کند.

بهمین دلیل از اهمیت بسزایی در رابطه با کویر و تثبیت شنهای روان در مناطق کویری کشور برخوردار است به علاوه چوب آن از نظر سوخت و تهیه ذغال مورد توجه بوده و همچنین در صنعت نئوپان هم مورد استفاده قرار می گیرد.

در خت تاغ بدلیل حفظ رطوبت خاک موجبات رشد و نمو سایر گیاهان طبیعی را فراهم می آورد بطوری که منطقه تاغ کاری شده پس از مدتی به صورت مرتع مشجری در می آید که می تواند مورد استفاده دامها قرار گیرد.

▪ Cyperus conglomerates کلبیت

گونه ای از «جگن» که در گویش محلی بیابان نشینان بنام «کلبیت» شهرت دارد، گیاهی است بوته ای پایا که در تمام عرصه های شنی نوار ریگ بلند آران و بیدگل (تپه های ماسه ای ، بستر کوچه ریگها ، چاله ریگها و حتی روی شنزارهای روان) استقرار دارند.

کلبیت از جمله گیاهان شن دوست بسیار سازگار به خاکهای شنی و فقیر از مواد غذایی می باشد. این گیاه بصورت پوشش غالب ، ایجاد تیپ گیاهی یکنواختی و همگنی را در شنزارها بوجود می آورد. از طرفی ، در جوامع گیاهی اسکنبیل ، دم گاوی ، خارسوف ، نترونسی، بصورت گونه غالب یا همراه ، مشاهده می شود. به علت انعطاف اکولوژیکی بسیار وسیع این گونه گیاهی ، انتشار جغرافیایی آن در ایران بسیار وسیع می باشد. بطوری که از شنزارهای جنوب کشور ، مرکزی و تا شمال کشور نیز گسترش نموده است. این گیاه دارای برگهائی باریک ، کشیده و معمولا" از میان برگها ، یک ساقه گل دهنده ، به طول ۳۰تا ۶۰سانتیمتر خارج می شود. بذرهای گیاه پس از رسیدن براحتی از پوشش محافظ گل آذین جدا و توسط باد پراکنده می شود.

اغلب در سالهایی که متوسط بارندگی سالیانه (زمستان و بهار) مناسب باشد ، رویشگاههای کلبیت ، با ایجاد ساقه های گل دهنده و رشد رویشی بسیار مناسب ، بستر را به شنزارها می بخشد. کلبیت دارای سیستم ریشه ای بسیار فعال ، بصورت ریزومهای جانبی (افقی و عمودی)فراوان ، معمولا" ایجاد توده های وسیع بصورت کلنی، در عرصه های شنی می نماید. بر روی ریزومهای افقی ، جستهای عمودی ، بصورت جوانه های فعال رویشی که تولید اندامهای هوایی می کند ، ظاهر می شود.

▪ Zygophyllum eurypterum قیچ

قیچ درختچه ای است همراه با انشعبات چوبی فراوان که در عرصه های بیابانی بصورت پراکنده در جوامع گیاهی درمنه دشتی مشاهده می شود. ارتفاع متوسط این درختچه تا ۵/۲ متر می رسد

قیچ در نقاط مختلف ایران ، قفقاز ، افغانستان و پاکستان انتشار دارد.

رویشگاههای اصلی قیچ در ایران ، جنوب شرقی شاهرود ، خراسان ، زنجان ، دامنه های مشرف به کوهستان سفید آب و دشت کویر، ارتفاعات انارک و چوپانان می باشد. قیچ معمولا" در خطوط همباران ۱۰۰تا ۱۵۰میلیمتر بصورت طبیعی ایجاد رویشگاههای مشجر می نماید.

دامنه ارتفاعی رویشگاه قیچ در دامنه های کوهستانی سفید آب بین ۱۰۰۰تا ۲۰۰۰متر از سطح دریا است. قیچ گیاهی است بومی مناطق خشک و نیمه خشک در خاکهای شور ، قلیا و شور و قلیایی که عمدتا" دارای آهک فراوان است ، بخوبی رویش دارد. گلهای زرد این درختچه پیش رس بوده و معمولا" در اواسط اسفندماه ظاهر می شوند.

بدنبال آن میوه های بالدار حاوی سه عدد بذر، در اوایل اردیبهشت ماه بوجود می آیند. وجود باله های نسبتا" بزرگ میوه ، جابجایی بذر را توسط باد آسان کرده است. این گیاه بوسیله بذر و قلمه قابل تکثیر است.

▪ Ephedra strobilacea ریش بز

ریش بز که با نامهای «کلیشر» و «علی جونی» توسط بیابان نشینان گویش می شود از درختچه های همیشه سبز(ساقه سبزها) محسوب می شود که در مناطق بیابانی و استپی خشک ، ایجاد اجتماعات طبیعی وسیعی را می نمایند.

ارتفاع این درختچه تا ۱/۵متر می رسد. برگهای آن خیلی کوچک و فلسی بوده و در واقع بخش اعظم فرآیند فتوسنتز گیاه به ساقه های آن سپرده شده است. گل های ریش بز، زرد رنگ ، معطر و معمولا" در اردیبهشت ماه ظاهر می شوند، میوه ها به صورت پوشش قرمز گوشتی و آبدار میوه محصور شده در اواخر مردادماه قابل جمع آوری است. این د رختچه در اقلیم خشک و نیمه خشک ایران ، در بیابانهای استان سیستان و بلوچستان ، دشت کویر، حوضه بیابانهای مسیله، قم ،سمنان ، خراسان و دامنه های جنوبی البرز انتشار دارند. ریش بز در خطوط همباران ۱۰۰میلیمتر به بالا بصورت طبیعی رویشگاههایی را بوجود می آورد. دامنه ارتفاعی رویشگاه آن معمولا" از ۸۰۰تا ۱۸۰۰متر از سطح دریا متغیر است. ریش بز اغلب در بیابانها روی سازند نئوژن که دارای تشکیلات مارنی گچی می باشد ، می روید. سیستم رسیشه ای آن بسیار فعال بوده و انشعابات وسیعی را به پیرامون می فرستد و در انتهای ریشه های سطحی (استولون) که در خاکهای شنی گسترده شده اند، اشنعابات هوایی بصورت جستهای فراوان ظاهر می گردند.

▪ Stipagrostis plumosaنسی

نسی گیاهی بوته ای پایا و بیابانها و شنزارها به فراوانی یافت می شود. انتشار جغرافیایی آن از جنوب ایران تا صحرای قره قوم ادامه دارد.

نسی از خانواده گندمیان (Gramineae) ، بوته ای مرتعی و خوشخوراک که بعنوان گیاهی سازگار، در نقاط استیپی بیابانها و شنزارها ، اجتماعات گیاهی یکدست و وسیعی را بوجود می آورد.

در بسیاری از عرصه های بیابانی که چرای شدید انجام می گیرد. فرصت ظهور و ازدیاد این بوته مرتعی سلب می شود. در صورتی که مدتی این مراتع قرق شوند، بخوبی گستره های رویشگاهی این گونه با ارزش آشکار خواهند شد. دامنه انشتار نسی در ایران شامل تمام بیابانهای لوت تا شمال دشت کویر ، بیابانهای مسیله و در شنزارهای نوار ریگ بلند ، بعنوان گونه شاخص حضور دارند. نسی در خطوط همباران ۱۰۰میلیمتر به بالا در اقلیم خشک و نیمه خشک رشد طبیعی دراد. اغلب در تمام خاکها اعم از خاکهای سبک شنی ، لومی ، گچ دار و حتی خاکهای آهکی با نفوذ پذیری زیاد ، گسترش دارد. این گیاه اغلب به همراه درمنه دشتی، نتر ، قیچ و ریش بز جوامع گیاهی گسترده ای را تشکیل می دهند. علت مقاومت آن نسبت به شرایط اقلیم خشک ، بواسطه وجود غلافی از شن دانه اطراف ریشه های افشان گیاه می باشد که بوته را در درجه حرارتهای بالا (مخصولا" در فصل تابستان) و در باربر کم آبی محافظت می کند. اگرچه نسی یکی از نادر گونه های مرتعی سازگار به عرصه های بیابانی محسوب می شود ولیکن تاکنون توسط دستگاههای اجرایی کشور ، فعالیتی در جهت تکثیر و احیا آن در مراتع قشلاقی صورت نپذیرفته است.

▪ Salsa crassa علف شور الوان

علف شور گیاهی است بوته ای یک ساله ، ساقه و برگهای آبدار و گوشتی ، دارای انشعابات و شاخه های گسترده بر روی اراضی شور و بحالت کپه ای دیده می شود. آنچه که باعث رنگین شدن منظر بوته به رنگهای ارغوانی ، قرمز ، نارنجی ، زرد و صورتی می شود ، مربوط به تغییر رنگ باله های میوه می باشد.

این تغییر رنگ اغلب در ماههای پاییز (آذر تا آبان ماه) مشهود است . بذور علف شور توسط باله های غشایی محصور شده و به این دلیل بذر را سبک و براحتی توسط باد قابل جابجایی است. زمان جمع آوری بذر علف شور طی ماه آبان می باشد. رویشگاههای طبیعی علف شور در اکثر نقاط شوره زار ایران مانند تپه های نمکی مردآباد کرج ، اراضی شور قزوین ، اراک ، قم ، سمنان ، یزد ، گیلانغرب ، قصر شیرین و بیابانهای حوضه مسیله می باشد. این گیاه تنها توسط بذر تکثیر می یابد و بهترین روش ازدیاد علف شور ، در طبیعت ، بذر پاشی و بذرکاری پس از ریزشهای جوی بویژه برف و باران ، در در عرصه های شور و قلیا بعنوان گیاه زیراشکوب گیاهان درختی و درختچه ای بیابانها.

علف شور معمولا" ایجاد تیپهای یکدست و یکنواختی را در تاغزارها می کند . ولیکن توام با سایر گونه های شور پسند مانند خولی ، اشنان و آنابازیس نیز بعنوان گونه های همراه نیز دیده شده است.

علف شور دارای گونه های متعددی است که در محیطهای شور و قلیایی بعنوان گیاهی سازگار و مقاوم زندگی می کند. این گیاه متعلق به

خانواده اسفناجیان (Chenopodiaceae) بوده ، گیاهی است یکساله، علفی و ارتفاع آن بین ٤٠تا٨٠ سانتیمتر و قطر تاج پوشش آن بین ٤٠تا ١٠٠سانتیمتر متغییر است. برگهای علف شور کوتاه ، آبدار و گوشتی ، گلهایی سبز متمایل به زرد و میوه هایی رنگین که در فصل پاییز قابل مشاهده است. این گیاه معمولا" در بین تاغزارها به همراه سایر گونه های شن دوست مانند کریفون ، خولی و نسی ایجاد تیپهای گسترده ای را می نماید. خاکهای رویشگاه علف شور از آهکی – گچی تا شور و قلیایی ، متنوع است. این گیاه معمولا" در خطوط همباران ٨٠میلیمتر به بالا می شود. دامنه ارتفاع رویشگاهی آن بین ٤٠٠تا ١٢٠٠متر از سطح دریا متغیر است. علف شور در نواحی مختلف بیابانهای حوضه مسیله ، دشت کویر ، حاشیه دقهای بیابانی مانند بیابان سیاه رگه و چهار طاغی گسترش دارد. زیبایی گیاه بیشتر بواسطه تغییراتی است که در باله های میوه رخ داده ، اغلب نوسانات رنگ در فصل پاییز ایجاد رنگهای قرمز، نارنجی و سیاه می کند . به کوتاه سخن ، مجموعه های گیاهی علف شور ، طیفی از رنگهای متنوع را در سطح بیابانها و نمکزارها ، به تماشا می گذارند.▪ ریواس Rheum ribes

ریواس از گیاهان بوته ای دارویی و صخره دوست بشمار می آید که در نقاط کوهستانی اقالیم خشک و نیمه خشک رویش دارند.

این گیاه پایا ، معمولا" در نواحی شیب دار کوهستانها ، لابلای تخته سنگها به خوبی سازگاری پیدا نموده است. برگهای ریواس معملا" حالت طوقه ای پهن ، بر روی زمین گسترده شده و دارای دم برگ کوتاه (٥تا ١٠سانتیمتر) و پهنک بسیار خشن و عریضی (در برخی موارد قطر پهنک بیش از ٨٠سانتیمتر می رسد) می باشد. در سالهایی که متوسط بارندگی سالیانه مطلوب (حداقل ١٣٠میلیمتر) باشد ، ریواس ایجاد ساقه های گل دهنده به ارتفاع ٥٠تا ٨٠سا نتیمتر می نماید. در انتهای ساقه گل دهنده ، گل آذین زرد متمایل به کرم در اوایل فصل بهار (اردیبهشت ماه) بخوبی نمایان است. میوه های بالدار و قرمز رنگ گیاه در اواخر اردیبهشت ماه و اوایل خرداد ماه رسیده و قابل جمع آوری است.

ریواس متعلق به خانواده علف هفت بند (Polygonaceae) بوده و بعنوان گیاه خوراکی و دارویی از قدیم الایام در طب سنتی مورد استفاده قرار می گرفته است. ساقه های گل دهنده گیاه همزمان با شکفته شدن گلها ، زمانی که ترد و تازه هستند، به مصارف خوراکی می رسد و بعنوان سبزی خوراکی ترش مزه به همراه سایر ترشیجات مورد استفاده قرار می گیرد. گلهای ریواس دارای دانه های گرد نسبتا" زیادی بوده که زنبورهای عسل برای تغذیه نوزاد داخل کند و بهره برداری می کندن. از طرفی گلهای ریواس را بمنظور رنگ کردن مو به همراه سایر گیاهان رنگ دهنده به مصارف مختلف آرایشی می رسد . میوه ها و بذرهای ریواس نیز بعنوان ملین قوی و ضد کرم در طب سنتی استفاده می کنند.

▪ اشنان Seidlitzia rosmarinus

اشنان درختچه ای شورپسند، مقاوم به خشکی که در اغلب در نواحی شور و قلیایی بیابانها ، ایجاد اجتماعات یک دست و وسیعی را می نماید. اشنان در بیابانها و شوره زارهای دشت کویر و لوت ، بیابانهای مسیله ، دامغان ، سبزوار، خراسان ، کرمان ، یزد و اغلب نواحی شور و قلیایی کشور بعنوان گونه ای بومی و سازگار رویش دارد.

این درختچه متعلق به خانواده اسفناجیان (Chenpodiaceae)بوده و دارای برگهایی آبدار ، گوشتی و استوانه ای شکل که محتوی املاح فراوان می باشد. ارتفاع متوسط گیاه تا دو متر و قطر تاج پوشش آن تا یک و نیم متر نیز می رسد. زمان گل دهی آن ، اوایل شهریور ماه و بذور آن نیز در آبان ماه بطور کامل می رسند. بنابراین بهترین زمان جمع آوری بذر ، آبان تا آذر می باشد. اشنان خاکهای شور و قلیایی را بخوبی تحمل می کند و در خاکهای نیمه عمیق تا عمیق ، همراه با میزان شوری متفاوت و حتی در تشکیلات مارنی(بیابان خطب شکن) نیز می تواند رشد و نمود کند.

قدرت جذب فوق العاده زیاد املاح قلیایی مانند ترکیبات کربنات سدیم و پتاسیم را دارا است به همین دلیل از خاکستر حاصل از سوزاندن شاخ و برگ گیاه ، ماده ای قلیایی «کلیاب» بدست می آورند که در مراکز صنعتی و سنتی مانند صابون سازی ، سفالگری ، شستشوی نخهای ابریشم و شیشه گری استفاده می کنند. اشنان اجتماعات گیاهی وسیعی در عرصه های مختلف بیابانها و شوره زارها مانند بیابانهای ارغوانی ، چاق آباد ، چاه عروس ، چاه شور و اطراف مرنجاب را بوجود می آورند. طی چند ساله اخیر دستگاههای اجرایی در امر بیابانزدایی به توسعه و گسترش رویشگاههای اشنان واقع در مراتع قشقلاقی پرداخته است. اشنان نه تنها بعنوان یکی از گونه های مرتعی ، بلکه از لحاظ حفاظت خاک نیز حائز اهمیت می باشد . تکثیر این درختچه توسط بذر و در اغلب مواقع بذر پاشی از ریزشهای جوی با موفقیت همراه بوده است.

▪ درمنه دشتی Artemisia sieberi

درمنه دشتی به گویش بیابان نشینان «ترخ» شهرت دارد. این گیاه بوته ای بسیار معطر ، عنصر اصلی و غالب اجتماعات گیاهی در استپهای خشک و نیمه خشک کشور محسوب می شود. ارتفاع این بوته بین ٣٠ تا ٥٠ سانتیمتر ، دارای انشعابات متعدد و متراکم که شکل کپه ای را به بوته می بخشد.

درمنه دشتی از خانواده کاشنی(Compositae) بوده و تمام اندامهای هوایی گیاه اعم از ساقه ، برگها ، گل ، میوه و بذر دارای عطری بسیار تند و

نافذ می باشد. این گیاه در خطوط همباران ۱۰۰ میلیمتر به بالا به راحتی استقرار می یابد. اغلب در خاکهای لومی، شنی و لومی رسی ایجاد رویشگاهای وسیعی را می نماید. در عرصه های استپی بیابان به همراه سایر گونه های بیابانی و کم توقع مانند نسی، نتر و علف شور، اجتماعات گیاهی متنوعی را بوجود می آورد. این گیاه اگر چه در فصل بهار و تابستان بواسطه بوی عطر بسیار تند آن ، مورد استفاده چرای گوسفندان قرار نمی گیرد، ولیکن در فصل پاییز و زمستان ، زمانی که گیاه غرق در بذر می باشد.

توسط گوسفندان مورد چرا قرار می گیرد. درمنه دشتی از جمله بوته های بسیار سازگار به شرایط سخت بیابان محسوب می شود که علاوه بر مصارف علوفه ای (در مراتع قشلاقی) ، بوته ای بسیار مقاوم در مقابل فرسایش های بادی و نقش ارزنده ای را در حفاظت خاک این قاط بر عهده دارد. در طی دهه اخیر، اهمیت اکولوژیکی این گونه با ارزش در عرصه های بیابانی تا حدودی مشخص شده و دستگاه اجرایی کشور (منابع طبیعی) مراتع قشقلاقی را توسط این گیاه بذرکاری می کنند. تنها روش تکثیر گیاه توسط بذر می باشد.

▪ اسکنبیل Calligonum comosum

اسکنبیل درختچه ای است سازگار به شرایط بیابان ، در شنزارها بعنوان گونه ای شاخص و مقاوم به خشکی و کم آبی زندگی می کند. این درختچه از جایگاه ویژه ای در شرایط متفاوت اقلیم خشک و نیمه خشک بویژه تپه های ماسه ای و شنهای روان برخوردار است. دامنه انتشار آن بسیار گسترده بوده بطوری که در اغلب شنزارهای مرکزی ایران مانند بیابانهای شنی کرمان ، خوروبیابانک ، نائین، دشت کویر، ریگستان جن ، دامغان ، سیستان و بلوچستان ، کرج و آذربایجان حضور دارند.

اسکنبیل متعلق به خانواده علف هفت بند (Polygonaceae)دارای تنه ای منشعب ، یا غیر منشعب، سفید رنگ، ساقه ایستا و افراشته، برگها اغلب حالت آویز بخود می گیرند. دوره رشد رویشی آن از اسفندماه آغاز و ظهور برگهای باریک و کشیده تا اواسط فروردین ادامه پیدا می کند. گلهای ریز و سفید رنگ آن از اواخر فروردین ماه آغاز و تا اواخر اردیبهشت ماه منظره بسیار بدیعی را به چهره شنزارها می بخشد. میوه ها بتدریج در خردادماه ظاهر می شوند میوه های مژک دار به رنگهای کرم ، سفید، صورتی، قرمز رنگ، تمام پیکر گیاه را فرامی گیرند. ارتفاع اسکنبیل معمولا" بین یک تا سه متر متغیر است.

سیستم ریشه ای درختچه اسکنبیل در شنزارهای مناطق خشک، تنها وسیله جاذب رطوبت بوده و یگانه ابزاری است که گیاه برای جستجوی رطوبت و ترفیع نیاز آبی خودش، به آنها مجهز شده، افزون بر این بواسطه کمبود میزان رطوبت در شنزار و کند بودن جریان آب در خاک ، گیاه مجبور است بطور مداوم انشعابات ریشه ای را جهت درسیابی به رطوبت کافی، به هر سو گسیل دارد. بنابراین فعالیت رشد سیستم ریشه ای در این درختچه ها بسیار فعال بوده و حجم وسیعی از ریشه ها، اندامهایی را در مقابل شرایط محیط سخت محافظت می کند. این فعالیت را حتی در نهالهای کوچک گیاهان شندوست می توان مشاهده کرد.

در برخی بررسیهای انجام گرفته پیرامون تناسب اندامهای زیرزمینی(ریشه ها) به اندامهای هوائی ، نسبت به ده به یک را نیز نشان داده است. به کوتاه سخن، این حجم ریشه ، یگانه وسیله موثر برای زندگی گیاه در خاکهائی است که رطوبت در طبقات عمیق تر وجود دارد. سیستم ریشه ای علاوه بر نقش فیزیولوژیک برای گیاه (ترفیع نیاز آبی) ابزاری نیز می باشد که گیاه را در مقابل بادهای سهمگین و طوفانهای شنی حفاظت کند . به همین دلیل در برخی نقاط شاید بخش وسیعی از خاک اطراف ریشه های اسکنبیل توسط باد، برداشته شده باشد. با این حال گیاه همچنان به رشد طبیعی خود ادامه دهد.اسکنبیل در عرصه های تپه های شنی و ماسه های روان براحتی مستقر شده و درختچه ای است شن دوست که سیستم ریشه های آن با خاکهای سبک سازگاری پیدا نموده است. این درختچه اغلب در بیابانهای ارمنستان ، تاجیکستان ، صحرای قره قوم ایجاد رویشگاههای وسیعی را می نماید. اسکنبیل تغییرات و نوسانات شدید حراتی و رطوبتی را براحتی تحمل می کند و برای کاهش میزان تعرق از سطح برگها ، سطح برگهای خود را به حداقل رسانده است. شکل برگها باریک ، کشیده و دراز می باشند تا در مقابل کمبود رطوبت (مخصوصا" در فصل تابستان) و حشکسالی ها ، بتواند حداقل اتلاف آب را از برگها داشته باشند.

اسکنبیل در طبیعت معمولا" بهمراه سایر گونه های شن دوست مانند نسی ، خارسوف ، سوف بی خار، دم گاوی ، آفتاب پرست و کلبیت دیده می شود. اسکنبیل از جمله درختچه هایی است که در دستگاههای اجرایی کشور (منابع طبیعی) برای احیا عرصه های شنی و شنزارها ، پس از ایجاد بادشکن و یا مالچ پاشی شنهای روان ، در قالب عملیات بیولوژیک از آن استفاده می کنند. روش تکثیر اسکنبیل علاوه بر بذر توسط قلمه نیز ازدیاد صورت می گیرد.

اسکنبیلها همانند دم گاوی انعطاف اکولوژیک بسیار زیادی در مقابل شرایط سخت محخیط بیابان از خود نشان می دهند. این درختچه ها نوسانات شدید درجه حرارت را در فصول مختلف سال براحتی تحمل نموده ، علاوه بر این با وجود سیستم ریشه ای بسیار گسترده و فعال ، حتی در

گرمترین ماه سال نیز از حداقل رطوبت موجود در خاک بخوبی استفاده کرده و در واقع حداکثر صرفه جویی را در مقابل اتلاف آب از طریق تعرق ، از خود نشان می دهد . این درختچه ها دارای انشعابات فرعی گسترده بر روی شنزارها بوده و فرم گیاه به اشکال متفاوتی (کروی ، ایستاده و یا خمیده) در تپه های ماسه ای مشاهده می شود. میوه های اسکنبیل معمولا" کروی و توپی شکل بوده و در اواخر بهار تشکیل می گردد.

انبوه میوه های مژک دار اسکنبیل در روی ساقه ها به رنگهای قرمز، صورتی و زرشکی ، مناظر بدیعی را در روی ماسه های روان به نمایش می گذاراند. میوه دارای تارهای نازک ابریشمی زیاد در اطراف بوده و به شکل توپ کوچک می ماند که براحتی توسط باد جابجا می شود . اسکنبیلها در اقالیم خشک و نیمه خشک منحصرا" در خاکهای ماسه ای و تپه های شنی استقرار دارند.

▪ Astragalus Squarrous نتر

«نتر» یا «سوس» نامی است که بیابان نشینان به این گونه«گون» نهاده اند. درختچه ای است شن دوست ، بسیار مقاوم به خشکی و سازگار به عرصه های شنی – گچی . این درختچه متعلق به خانواده پروانه آسا(Papilionaceae) ، ارتفاع آن بین ۷۰ تا ۵/۱ متر و قطر تاج پوشش آن بین ۶۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر بالغ می گردد.

برگهای شانه ای گیاه پوشیده از کرکهای ریز سفید رنگ بوده به همین دلیل ریخت ظاهری گیاه سبز نقره ای جلوه می کند. این گیاه کم برگ بوده و به همین دلیل بخشی از مکانیسم فتوسنتز گیاه ، توسط ساقه های سبز و جوان آن انجام می گیرد. نتر بومی نواحی ایران ، پاکستان ، افغانستان و ترکمنستان می باشد. در عرصه های شنزارهای چوپانان ، خوارتوران ، سیستان و بلوچستان و بیابانهای مسیله(تپه های شنی مظفرآباد، چاه قرقره و نوار ریگ بلند) گسترش دارند. خاک رویشگاه نتر اغلب شنی ، سبک و گچی می باشد.دامنه ارتفاعی رویشگاه نتر بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ متر از سطح دریا است.

این نواحی در خطوط همباران ۸۰ تا ۱۰۰ میلیمتر قرار دارند. این درختچه اغلب همراه سایر گیاهان شن دوست مانند کلبیت ، اسکنبیل، نسی و خار سوف ایجاد اجتماعات پراکنده ای را در شنزارها می نماید. گلهای گیاه معمولا" در اواسط قروردین ماه ظاهر می شوند و میوه های حاوی ۲تا ۳ عدد بذر در خردادماه قابل مشاهده هستند. این درختچه شن دوست ، گیاهی مرتعی و بسیار خوشخوراک در مراتع قشقلاقی محسوب می شود. در اوایل بهار سر شاخه های جوان و گلدار گیاه مورد علاقه گوسفندان می باشد. نتر بوسیله بذر تکثیر می شود.

▪ Ficus carica L.subsp rupestrise انجیر خوراکی صخره ای

انجیر وحشی که در واقع زیرگونه ای از انجیر خوراکی می باشد، درختچه ای است صخره دوست و کند و رشد که اغلب در نقاط سنگلاخی و شیب دار نواحی کوهستانی نیمه خشک رویش دارد. این گیاه درختچه ای است دارای سیستم ریشه ای فوق العاده فعال و سازگار به نوسانات شدید رطوبتی می باشد. انشعابات ریشه های انجیر وحشی در شکاف سنگها ، جایی که تنها در محدوده یقه و منطقه ریشه این گیاه ، مقدار ناچیزی خاک وجود دارد ، نفوذ می کند.

در برخی موارد فعالیت شدید سیستم ریشه ای گیاهان در منافذ سنگها ، منجر به شکستن و خرد کردن سنگها نیز می شود. ولیکن در کوههای ارتفاعات سیاه کوه، کوههای یخ آب و کوشکوه نیز به طور پراکنده در منافذ تخته سنگها دیده می شود. وجود این قبیل گونه های درختچه ای بسیار مقاوم و سازگار ، استعداد و پتانسیل منطقه را در ایجاد پوشش استپ – جنگل بالا می برد و چنانچه خواص اکولوپیک چنین عناصری شناخته شود ، قطعا" در احیاء نواحی سنگلاخی و تراسهای در حال فرسایش کمک بسیار موثری برای مدیریت دستگاههای اجرایی در امر منابع طبیعی خواهد بود. میوه های این گیاه ، شیرین و دارای ارزش غذایی می باشد به همین دلیل اغلب به صورت میوه های خشک در آجیل و تنقلات مورد استفاده قرار می گیرد.

▪ اسفناج وحشی - آنزیپلکس

اسفناج وحشی از جمله گیاهان بوته ای چند ساله می باشد که کشت آن در شرایط آب و هوایی خاص کشور ما نتیجه بسیار مطلوب و خوبی دارد.

گیاهی خوشخوراک، و مناسب برای تغذیه دامها می باشد.

در مقابل خشکی و کم آبی و گرمای زیاد مقاوم بوده و در محیطهای شور بخوبی رشد می کند ، به علاوه از شوری خاک می کاهد و در نتیجه باعث ایجاد محیطی مساعد برای رشد و تجدید حیات گیاهان دیگر می گردد.

روی هم رفته این گیاه با بازده علوفه ای خوبی که دارد برای احیاء و اصلاح مراتع مناسب می باشد.

▪ Smirnovia iranica دم گاوی

دم گاوی معمولا" در عرصه های تپه های ماسه بادی بیابانهای چوپانان ، نوار ریگ بلند ، شنزارهای خوار توران و ریگستان جن انتشار دارد. گلهای این درختچه معمولا" در اواخر اردیبهشت ماه بتدریج تبدیل به میوه های بسیار زیبایی می شوند. میوه ها بصورت نیامهای پفکی شکل ، نسبتا" بزرگ که در داخل آن تعداد ۲ تا ۵ عدد بذر جای دارد. میوه بواسطه وجود کیسه هوادار ، سبک بوده و در اوایل مردادماه توسط باد جابجا شده و به اطراف پراکنده می شوند.

این گیاه معمولا" در خطوط همباران ۸۰ تا۱۳۰ میلیمتر بطور طبیعی رویش دارد. دامنه ارتفاعی رویشگاه آن بین ۸۰۰تا ۱۲۰۰متر از سطح دریا است. دم گاوی دارای دو نوع سیستم ریشه ای می باشد. ریشه های عمودی گیاه که معمولا" در سالهای اوایل رویش فعالیت دارند، بیشتر بواسطه دسترسی به رطوبت زیرین و استقرار اولیه گیاه در شنزار می باشد.

این نوع سیستم ریشه ای معمولا" زیاد فعال نبوده بلکه ریشه های افقی و سطحی گیاه که معمولا" از سال دوم به بعد فعالیت می کند، برای دستیابی به رطوبت سطحی با انتشار وسیع و گسترده تا شعاع ۳۵متر نیز گسترش می یابد . سیستم ریشه ای در رویشگاه طبیعی دم گاوی معمولا" بر روی ریشه های سطحی و افقی گیاه ، به فواصل ۱ تا ۵/۱ متر از پایه مادری ، جستهای جدیدی را تولید می کند که پس از چند سال ، توده ای از درختچه که در زیر به هم متصل هستند، بوجود می آیند بنابراین تکثیر دم گاوی علاوه بر انشعابات جستهای ریشه ای ، توسط بذر نیز تکثیر می شوند.

▪ گیاه باریجه Ferala gum mosa

نام گیاهی ست پایا و منوکاریپیک ، بومی نواحی کوهستانی مرطوب و نیمه خشک ایران و چند کشور حوضه دریای مدیترانه .

عمده رویشگاههای گیاه در استانهای خراسان ، اصفهان ، تهران ، مازندران ، مرکزی و زنجان می باشد . شیرابه ای که در اثر خراشهای طبیعی یا مصنوعی از ریشه ، ، ساقه ، برگ و میوه گیاه تراوش می شود اصطلاحا" گالبانوم" گویند. صمغ حاصل از گیاه ، جز فرآورده های فرعی مرتع بوده و بعنوان یکی از مهمرتین گیاهان دارویی – صنعتی صادراتی کشور محسوب می شود.

بدلیل کیفیت و مرغوبیت بسیار بالای باریجه ایران نسبت به سایر ممالک حوضه مدیترانه ، سالیانه بیش از دهها تن صمغ ، به شکل خام از کشور صادر و فرآورده های حاصل از آن با چندین برابر قیمت به کشور سرازیر می شود یکی از رویشگاههای با اهمیت باریجه ، حوضه های آبخیز جنوب و غرب کاشان که براساس آمار سال ۱۳۷۱ ، بیش از یک ششم باریجه صادراتی کشور(حدود یازده تن) را بخود اختصاص داده است.

از جمله مصارف صمغ باریجه ، کاربرد آن در صنایع عطر و ادکلن سازی، نقاشی ، نساجی و داروسازی است مهمترین ترکیب شیمیای آن ، شامل ترکیبات کومارینی ، استرولی و گلیکوزیدی می باشد.

بدلیل بهره برداری هر ساله از این گیاه در رویشگاههای مختلف کشور و بمنظور یافتن مناسبترین شیوه بهره برداری و برآورد میزان توانایی آن در تولید محصول ، بررسیهای مطالعاتی در زمینه شیوه های مختلف بهره برداری در چهار مرتع باریجه خیز کاشان (اسحاق آباد ، ویدوجا ، نشل و مرق) انجام گیرد.

نتایج حاصله نشان داد که ما بین چهار روش بهره برداری مرسم (برش عرضی ، برش طولی، نربری و رویش ایژی) ، برش طولی ، مناسبترین شیوه در امر بهره برداری شناخته شد. در این عملیات حداکثر تا چهار برش ، بسته به قطر و سنگ گیاه ، آسیب غیر قابل جبرانی را وارد نیاورده و قدرت بازیابی و ترمیم زخم وارد شده ، امکان پذیر است.

منبع : سایت کویرهای ایران

http://vista.ir/?view=article&id=249412

vista.ir
Online Classified Service

خوردن غذاهای سالم و متنوع، از مواردی است که لذت سفر را چند برابر می‌کند. اما از آنجایی که همین غذای لذت بخش در صورت آلوده بودن می‌تواند خطرات زیادی را برای سلامت مسافران به همراه آورد و تبدیل به یکی از خطرات سفر شود، ذکر نکاتی برای تشخیص کیفیت مناسب غذاها ضروری است تا شاید به این وسیله در گذراندن تعطیلاتی سالم و خوش، به شما کمک شده باشد. برای دوری از مشکلات احتمالی ناشی از خوردن غذاهای گوناگون بهتر است نکات زیر را رعایت کنید:

۱) از خریداری مواد غذایی در کنار جاده پرهیز کنید، زیرا این مواد، معمولا مدت زمان زیادی را در خارج از یخچال مانده‌اند، اغلب فله‌ای بوده و از کیفیت آنها اطلاع کافی در دست نیست. در همین راستا بد نیست بدانید که مواد حاوی پروتئین، فساد پذیری بالایی دارند، بنابراین گوشت، مرغ، ماهی و تخم‌مرغ را فقط از مراکز مجاز که زیر نظر سازمان دامپزشکی کشور هستند، تهیه کنید.

۲) در طول سفر، نوع غذایی که می‌خورید هم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه رطوبت زیاد، رشد و تکثیر میکروب‌ها را بیشتر می‌کند، باید سعی کنید از غذاهای نیمه خشک با رطوبت کم استفاده کنید، در این میان، غذاهای کاملا داغ و تازه، میوه‌های تازه پوست کنده، انواع کنسروها، بستنی‌های پاستوریزه، غذاهای خشک و نان تازه جزو غذاهای سالم تلقی می‌شوند. اما سالادها به ویژه سالادهایی که در آنها کاهو به کار رفته است و غذاهای دریایی در غذاخوری‌های بین راهی مناسب نیستند.

۳) بهترین میوه‌هایی که برای مسافرت می‌توان همراه داشت، میوه‌هایی مانند موز، سیب و پرتقال هستند که برای مصرف باید پوست آنها کنده شود.

۴) از خوردن میان وعده‌های بین راهی مثل لواشک‌های محلی، فلافل، سمبوسه و پیراشکی به دلیل نبود نظارت بهداشتی خودداری کنید.

۵) با توجه به مدت تعطیلات و احتمالاً تعجیل در ساعت حرکت، ممکن است در تهیه غذا کوتاهی شود، اما هر چقدر هم عجله داشتید، سعی کنید غذا را به شکل کامل بپزید، زیرا اگر غذا، به ویژه گوشت‌ها به طور کامل پخته نشوند، آلودگی و فساد در آنها افزایش می‌یابد. در مورد کباب‌ها هم این تفکر عامه اشتباه است که می‌گویند چون گوشت روی شعله مستقیم قرار گرفته، بنابراین قسمت درونی آن پخته است، چرا که بارها دیده شده که قسمت رویی (سطح) کباب به حالت سوخته درآمده، اما درون آن همچنان نپخته مانده است. همچنین از خوردن تخم مرغ نیم پز (عسلی) نیز به طور جدی بپرهیزید.

۶) زمانی که در بیرون از منزل کباب می‌پزید، از ظروف تمیز برای کباب‌های پخته استفاده کنید و هیچ وقت از ظروفی که در آنها گوشت خام قرار داشته و هنوز شسته نشده است، برای قرار دادن کباب‌های پخته استفاده نکنید.

۷) در سفر به مناطق محلی و روستاها، از خوردن شیر تازه دوشیده شده از دام، یا بستنی و پنیر محلی و کلا محصولات لبنی تازه خودداری کنید و فکر نکنید که چون غذاهای روستایی، طبیعی اند، پس سالم هم هستند، زیرا ممکن است شما را در معرض خطر ابتلا به بیماری‌هایی نظیر تب مالت قرار دهند.

۸) هنگام استفاده از غذاهای محلی یا برای یافتن رستوران‌های معتبر در شهرستان‌ها، ازافراد بومی راهنمایی بخواهید، زیرا استفاده ازغذاهای محلی، نیاز به شناخت کیفیت آن دارد. به عنوان مثال، اگر به استان‌های شمالی کشور سفر می‌کنید، هنگام خوردن ماهی و... از افراد بومی راهنمایی بخواهید.

۹) چنانچه به مناطق کوهستانی مسافرت می‌کنید، از خوردن قارچ به طور جدی خودداری کنید.

۱۰) در طول سفر آب را فقط از منابع مطمئن تهیه کرده یا از آب‌های معدنی استفاده کنید و اگر در کنار جوی آبی توقف کرده‌اید تا غذا را در آن جا میل کنید، به هیچ وجه به فکر استفاده از آب جوی نیفتید. مصرف آب رودخانه ها، چشمه‌ها و دریاچه‌ها به هیچ وجه توصیه نمی‌شود. در مواردی هم که به سلامت آب مشکوک هستید یا می‌خواهید برای کودکان غذا تهیه کنید، جوشاندن آب به مدت ۵ دقیقه یا استفاده از قرص‌های

هالوژن(ماده ضد عفونی کننده آب) طبق دستورالعمل آن، به سالم سازی آب کمک می‌کند.

۱۱) یخ را از مراکز مطمئن تهیه کرده و از مصرف یخ‌هایی که در شرایط غیر بهداشتی و روی زمین نگهداری یا خرد می‌شوند، خودداری کنید.

۱۲) در سفر ممکن است برای بازدید چرخ‌های ماشین به آنها دست بزنید یا اگر از وسایل نقلیه عمومی مانند اتوبوس یا قطار استفاده می‌کنید به صندلی‌ها، پنجره و... دست بزنید، فراموش نکنید که قبل از خوردن غذا، دست‌های خود را بشویید. به طور کلی پس از استفاده از سرویس‌های بهداشتی، برداشتن گوشت‌خام، سیگار کشیدن، دست زدن به حیوانات و دست زدن به زباله یا چمن حتما دست‌های خود را بشویید.

۱۳) رستوران‌های غیراستاندارد زیادی وجود دارد که متأسفانه سطح بهداشت در آنها ابتدایی است. چنانچه مجبور به خوردن غذا در رستوران‌های بین راهی شدید، در صورت امکان از رستوران‌های معتبر استفاده کنید. برای ارزیابی سطح بهداشت در این گونه واحدها باید به وضعیت دستشویی‌ها، لباس کارگران ،نظافت میزها، حضور مگس و سایر حشرات، وسایل صرف غذا مانند چنگال، قاشق، لیوان، پارچ آب و غیره توجه کنید. همچنین در این واحدها برای تشخیص سالم بودن غذا، باید از حواس خود استفاده کنید، مانند استفاده از حس بینایی برای تشخیص رنگ و کیفیت غذا، حس بویایی برای بوی غذا و حس چشایی برای طعم غذا!

۱۴) تا حد امکان از خوردن انواع خورش، کباب کوبیده، سالاد الویه و همبرگر خودداری کنید، زیرا خورش از جمله غذاهایی است که می‌توان آن را چندین بار گرم کرد و ماندگی آن به سختی قابل تشخیص است. از مصرف کباب کوبیده و همبرگر به دلیل عدم اطلاع از کیفیت گوشت و ماندگی چند روزه گوشت چرخ شده و به کار بردن موادی مانند خرده نان، ادویه جات و ... در تهیه آنها، باید خودداری کنید. از مصرف سالاد الویه به دلیل خام بودن مواد اولیه موجود در سس مایونز مانند تخم مرغ و...، همچنین عدم نظارت بر چگونگی تهیه الویه (زیرا به صورت دستی تهیه می‌شود) در رستوران‌های غیر معتبر بین راهی به طور جدی خودداری کنید.

۱۵) مهم ترین نکته برای پیشگیری از مسمومیت غذایی، پختن غذا و خوردن آن در همان روز است. طی سفر برای حمل مواد غذایی فاسد شدنی از یخ دان مناسب استفاده کنید.

هرگز غذاهای پخته شده را بیش از دو ساعت در دمای محیط رها نکنید و اگر هوای اتاق گرم است، بیش از یک ساعت نگه ندارید. برای دوباره گرم کردن غذاهای باقیمانده، آنها را تا ۷۴ درجه سانتیگراد گرما دهید و همچنین غذاهایی را که بیش از سه روز، حتی در یخچال باقی مانده‌اند را مصرف نکنید.

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=332169

vista.ir
Online Classified Service

دبی، توصیه‌های اقامت

قبل از هرگونه تصمیمی، بررسی لازم در خصوص نوع کار و فعالیت را انجام دهید و در نظر داشته باشید که تنها افرادی در دبی موفقند که در هر زمینه و شغلی قصد انجام فعالیت دارند، تخصصی لازم و کافی و نیز سرمایه مناسب و ایده‌های نو داشته باشند. حتی اگر برای گذران دوران بازنشستگی قصد اقامت دارید بررسی همه جانبه انجام دهید و واقع‌بینانه تصمیم بگیرید در هر حال از بررسی‌های سطحی بگذرید و واقعاً عمقی وارد شوید. اگر پنجاه درصد مصمم به کار و اقامت شده‌اید، ویزای دوماهه بگیرید

و در خصوص این موارد دقت نظر به عمل آورید:

بافت انسانی محیط را به لحاظ زندگی و سازگاری با اخلاق و روحیات خود، همسر و فرزندان ارزیابی کنید.

- هزینه‌های کار و زندگی اعم از اجاره دفتر و منزل، خوراك و پوشاك، آب و برق، تلفن، خرید ماشین، بنزین، مدرسه یا دانشگاه را به دقت برآورد کنید و با پیش‌بینی میزان بازدهی شرکت تطابق دهید. (لازم به ذکر است هزینه اجاره معمولاً در چهار مرحله و هر سه ماه یکبار به صورت پیش‌پرداخت اخذ می‌شود، برای اطلاعات بیشتر به بخش مسکن مراجعه کنید). ضمناً این نکته را به خاطر داشته باشید که با حسابهای ریالی ما هزینه‌ها بسیار بالاست ولی اگر شغل و کسب و کرا مناسبی داشته باشید درآمد شما نیز قابل توجه خواهد بود.

- رقبای خود را در نوع فعالیتی که می‌خواهید انجام دهید در نظر بگیرید. تحت عنوان مشاوره یا مشتری وارد شوید و اطلاعات بیشتری کسب کنید.

- برای انجام امور اقامت اگر مستقیم از طریق کفیلی آشنا اقدام کنید از نظر هزینه مناسب‌تر و با اطمینان بیشتری انجام می‌شود وگرنه در انتخاب شرکتی که در نظر دارید مراحل قانونی و اقامت و مجوز کار شما را انجام دهد دقت نظر کافی به عمل آورید. کل هزینه و زمان طی مراحل اداری را به صورت کتبی از او بخواهید و سپس حق‌الزحمه خود را نیز جداگانه حساب کند. برای هر پرداختی رسید بگیرید.

- راجع به کفیلی که به شما معرفی می‌کنند، تحقیقاتی انجام دهید: میزان سواد کفیل، موقعیت اجتماعی و وضعیت مالی او می‌تواند اعتبار بیشتری برای آینده شما داشته باشد. باز هم تاکید می‌کنیم در انتخاب کفیل دقت نظر خاصی داشته باشید.

- در نظر داشته باشید که گرفتن لایسنس فقط با اجاره محل تجاری مقدور می‌باشد.

- هر ایرانی فقط به عنوان شریك لایسنس می‌تواند اقامت گرفته و فعالیت خود را شروع کند و به غیر از شریك نمی‌تواند در دبی فعالیت نماید، بسیاری از افراد بدون تحقیق و با ویزای دوماهه (که ویزای زیارت است و نه اقامت) برای کار به دبی مراجعه می‌کنند و پس از متحمل شدن هزینه، بدون نتیجه قبل از موعد مجبور به بازگشت می‌شوند.

- در خرید آپارتمان نیز تحقیق لازم را به عمل آورید. از جمله مکان پروژه، مبلغ شارژ ماهیانه، وضعیت اقامت فرزندان و وضعیت مالکیت قطعی.

- در آخر پس از گرفتن تصمیم قطعی تمام پلهای پشت سر خود را خراب نکنید.

- از عکس گرفتن از زنان عرب بدون اجازه ایشان جداً پرهیز کنید.

- برای خرید پارچه و لباس اگر فرصت کافی دارید حتماً محله‌های فهیدی و الکرامه را به دقت بگردید.

●اخذ ویزای اقامت

ویزای چهارده روزه‌ی گروهی معمولاً توسط آژانس‌هایی که مجوز لازم را دارند اخذ می‌گردد. ویزای دو یا سه ماهه نیازمند به یك کفیل یا خارجی مقیم دبی دارد که با شرایطی می‌توانند نسبت به اخذ ویزا اقدام کنند. اقامت در دبی به دو صورت امکان‌پذیر است یکی از طریق خرید ویلا و آپارتماهای مشخص که پس از آماده‌سازی و تحویل، جهت فعالیت تجاری که معمولاً توسط دفاتر رسمی اقدامات قانونی در این خصوص صورت می‌پذیرد.

●تاسیس شرکت

هر کسب و کاری نیاز به اخذ مجوز دارد، جواز کار، رخصه یا لایسنس نامیده می شود. تاسیس شرکتها بسته به زمینه فعالیت هزینه جداگانه ای دارد. شرکتهای جنرال تریدینگ شرکتهایی هستند که معمولا فعالیتهای گسترده ای داشته و در امر صادرات و واردات فعالیت می نمایند. هزینه تاسیس این شرکتها در مجموع با حق الزحمه آژانسها بین ۶۵ تا ۸۰ هزار درهم و با سرمایه ۳۰۰۰۰۰ درهم می باشد. و در مجموع هفت نفر می توانند شرکت لایسنس شده و اقامت بگیرند.

نوع دیگذ شرکتها ال.ال. سی هستند که در مورد خاص و تعریف شده فعالیت می نمایند، هزینه تاسیس این شرکتها با توجه به نوع فعالیت در مجموع بین ۲۵ تتا ۴۵ هزار درهم و با سرمایه ۳۰۰۰۰۰، ۵۰۰۰۰۰ و ۶۰۰۰۰۰ درهم می باشد نکه به ترتیب دو، سه و چهار نفر می توانند به عنوان شریک لایسنس اقامت بگیرند. لازم به ذکر است سرمایه های فوق معمولا توسط آژانس مربوطه به حساب بانکی گذاشته می شود و بعد از چند روز قابل برداشت است.

پس از طی مراحل تاسیس شرکت، ویزای دوماهه تحت عنوان ویزای اقامت صادر و بعد از آزمایش خون و طی مراحلی اقامت در پاسپورت ثبت می شود. کلیه اقامتها سه ساله است و هر سه سال پس از پرداخت هزینه های مربوطه و آزمایش خون مجددا تمدید می شود. لایسنس نیز سال به سال با پرداخت هزینه هایی باید تمدید شود.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=228651

vista.ir
Online Classified Service

در بازار بزرگ رشت

اطلاعات موجود درباره پیدایش نخستین مکان های زیستی که دارای اقتصادکشاورزی، دامداری و نیز مکان هایی که علاوه بر آن دارای اقتصادی مبتنی بر تولید صنایع دستی و کارگاهی بوده اند هنوز راه به جایی نبرده است که بتوان نظری صریح در مورد پیدایش نخستین بازارها در ایران بیان نمود.

احتمالاً بحث مازاد تولید کشاورزی که به عنوان نخستین هسته تولد شهرها و روابط آن محسوب می شود را نیز می توان در راستای تشکیل بازارهای ایران در عهد باستان دخیل دانست. بازار به معنی خرید و فروش و عرضه کالاست. واژه بازار بسیار کهن است و در برخی از زبان های کهن ایرانی وجود داشته است. هر یك از انواع بازار متناسب با نوع و کارکرد آن در مکان یا مکان های معینی از شهر شکل می گیرد و در این راستا می توان گفت هرگونه از حجره ها، راسته ها، کاروانسراها و نوع معماری هر یك از آنها جاذبه ای توریستی برای یك گردشگر محسوب می شود. علاوه بر عناصر کالبدی بازار که توجه به فرم و فضای معماری آنها را می طلبد، محصولات گوناگونی که از روستا به بازار بزرگ شهر رشت وارد شده خود جاذبه ای دیگر برای گردشگران به حساب می آید.

خرید از بازار رشت اگرچه با مشکلات عبوری روبه روست اما در نوع خود از دیدنی های استان گیلان به شمار می رود. گردشگر وقتی به بازار رشت وارد می شود به دنبال خرید سوغات و یا کالای موردنظر در میان تنوعی از رنگ های زیبای محصولات کشاورزی، انواع ماهی و... ساعت ها به جست وجو می پردازد و در کنار آن از کاروانسراهای قدیمی رشت و طاقی های بزرگ و کوچك آن دیدن می کند. آنچه که در این بین از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است لزوم توجه به میراث فرهنگی بازار بزرگ رشت است. بازاری که از دیرباز محل داد و ستد کالاها میان ایرانیان و اروپاییان بوده است، بی تردید نقش بازار در رونق گردشگران استان گیلان بسیار پراهمیت است و نمی توان به سادگی از آن گذشت . توجه به انواع محصولاتی که در آن فروش می رود و همچنین نگرش به استفاده صحیح از بناهای تاریخی داخل بازار که همان کاروانسراهای قدیمی و طاقی های مختلف است. پس اگر بتوانیم با تهیه نقشه هر محدوده از بازار رشت کاربری های توریستی و فرهنگی آن را مشخص نماییم با یك تیر دو نشان زده ایم. اول اینکه فروشندگان کالاهای خود را به فروش می رسانند و هم اینکه توانستیم علاوه بر فروش محصولات محلی، میراث فرهنگی بازار را به گردشگران معرفی کنیم. نقشه سراها و طاقی های بازار می تواند در نوع خود یك ایده نوین برای دستیابی به یك هدف بزرگ باشد، هدفی که شاید گردشگری گیلان را با تحولی عظیم در عرصه اقتصاد منطقه روبه رو سازد. با توجه به آنچه تاکنون گفته شده فرهنگ جاذبه اصلی گردشگری است، بدون در نظر گرفتن فرهنگ که تفاوت ها را ایجاد می کند تمام نقاط دنیا شبیه هم به نظر می رسند در پایان سفر اگر در ما احساسی جدید یا متفاوت ایجاد و فایده ای حاصل نشود، چه انگیزه ای برای هر یك از ما وجود خواهد داشت که از جایی دیدن کنیم که آن را آزادانه انتخاب کرده ایم؟

اگر تفاوتی در مقصدها وجود نداشته باشد، یك سفر را به ندرت می توان سفری مطلوب تر از دیگری تلقی کرد، آنگاه صنعت گردشگری در چه وضعیتی خواهد بود؟ بنابراین تمام نقاط دنیا بدون داشتن میراث فرهنگی مختلف اندك چیزی برای ارائه خواهند داشت که مسافران را به منظور گردشگری جذب کند. اساساً، آنچه که یك گردشگر از یك جاذبه انتظار دارد، ویژگی متفاوت بودن آن است، متفاوت از آنچه که زندگی روزانه او را تشکیل می دهد. تنوع رنگ ها در بازار بزرگ شهر رشت و سبك چیدن محصولات برای عرضه به خریداران و همچنین ساختار کالبدی کهن بازار همگی دنیای تضاد را در ذهن گردشگر متجلی می سازد و گردشگر را با این باور آشنا می کند که نیازش را در این مکان احساس کند.

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=238946

vista.ir
Online Classified Service

در دل جنگل های دهکده آل تپه

در ۹ کیلومتری بهشهر در میان جنگل های دهکده آل تپه، آثار و عمارات و راه هایی به چشم می خورد که مربوط به بقایای باغ تاریخی عباس آباد بهشهر در دوره شاه عباس کبیر است. دسترسی به این بنا با جاده باریک آسفالته یی صورت می گیرد که در چهار کیلومتری خارج بهشهر به جاده اصلی ساری- گرگان متصل می شود و پس از عبور از دل جنگل و دهکده آل تپه سرانجام وارد این مجموعه می شود.

آثار به جا مانده از این مجموعه متشکل از محوطه سازی ها، صفه سازی ها، باغ ها، حمام، برج و باروها و جاده های سنگفرشی است که اعضای این مجموعه را به هم متصل می کند. این کاخ در زمان آبادی از مشهور ترین باغ های صفوی بود که ابنیه مختلف آن با توجه به موقعیت استثنایی آن که از یک طرف به دریا و از طرف دیگر به جنگل دید دارد، آن را به یک مجموعه بی نظیر بدل ساخته است. متاسفانه وضعیت خاص محیطی این مجموعه به علاوه بی توجهی که پس از دوران صفوی نسبت به آن صورت گرفته باعث تخریب بسیار این مجموعه شده است و رویش درختان در دل بناهای آن و ریزش برگ ها آن را در زیر خروارها خاک مدفون ساخته است. در سال های اخیر هم حفاری های غیر مجاز باعث تخریب مضاعف آن شده است.

با کاوش های صورت گرفته مشخص شد که بناهای این مجموعه عبارتند از؛

۱) سد و برج کنترل جریان آب

۲) بنای داخل دریاچه مصنوعی که احتمالاً پایه یی برای کاخ روی آن بوده است.

۳) برج های دیده بانی دو گانه به فاصله ۱۷۵ متر در شرق دریاچه

۴) محوطه سازی شمالی

۵) صفه و محوطه سازی جنوبی

۶) حمام مجموعه در جهت غرب صفه سازی شمالی

- دریاچه و سد

شاه عباس دریاچه یی در وسط دره یی عمیق با بستن سدی محکم ایجاد کرد که آب های زمستانی را از اطراف و با کمک کانال هایی جمع آوری کرده و در تابستان مقدار زیادی اراضی برنجکاری را مشروب می سازد.

در برج کنترل آب دریچه هایی در ارتفاع های گوناگون تعبیه شده که با کشیدن آنها آب برای دهکده های اطراف فرستاده می شود. می توان گفت که در حال حاضر با توجهی که در کیفیت ساخت آن شده و نیز با مرمت های صورت گرفته و شاید توجه اهالی سالم ترین بنای کل مجموعه همین سد و برج باشد.

- بنای میان آب

این بنا که با مصالح آجر و ساروج در میانه آب واقع شده در اصل پایه یی برای کاخی بوده که اکنون اثری از آن موجود نیست.

شاهد این مدعا صفحه ۱۵۷ کتاب عباسنامه است که در مورد این مجموعه است؛ « شاه عباس دوم پس از گردش و شکار به اشرف رفت و در عباس آباد هم توقف کرد. گمشتگن در دور و اطراف دریاچه دایره وار با بهترین وجهی چوب بندی و نرده کردند و آن حدود را نیز به بهترین وجهی زینت دادند و بر کنار دریاچه یی که از آب زلال سرشار بود، چراغ هایی چیده و از فروغ و روشنایی آن بر صفای آب افزودند. شاه به جزیره (ساختمان وسط استخر) رفت و در تالار نیای خود به بزم و شادمانی نشست...» این کاخ با پل چوبی معلقی به صفه سازی شمالی متصل می شده است.

- محوطه شمالی

این محوطه ها روی تپه یی با ارتفاع ۳۰ متر از کف استخر و به شکل پلکانی ایجاد شده است که در بالاترین نقطه سکوی مرکزی را تشکیل می دهد. این سکوها به احتمال قوی و با توجه به جای ستون های سنگی موجود، زیر سازی کاخی با سازه چوبی بوده که اکنون از میان رفته است.

نحوه شکل گیری این محوطه ها و جوی های آب در داخل آنها باغ سازی ایرانی را جلوه گر می سازد.

این جوی ها با حرکتی که روی محوطه ها دارند و تشکیل آبشار ها و حوض های گوناگون مناظری بدیع و چشم نواز را تشکیل می دهند. آبرسانی به صفه مرکزی که آب بقیه محوطه ها را تامین می کند از طریق لوله های سفالین که اصطلاحاً تنبوشه نامیده می شوند، از چشمه های اطراف که آب آنها بر این سکو سوار بوده است صورت می گرفته، و پس از آن آب از حوض مرکزی در سراسر باغ به حرکت در می آمده است.

- محوطه جنوبی

هنوز بخش های زیادی از محوطه جنوبی در زیر خاک مدفون است اما با پیدا شدن حوض های آب و کف سازی آن می توان حدس زد که این بخش شبیه محوطه شمالی بوده است. اما آنچه مشخص است آنکه این بخش هرگز اهمیت بخش شمالی را نداشته و موقعیت آن نیز آن را به فضایی دست دوم تبدیل کرده بوده است.

- حمام

آب سکوی مرکزی در پایین ترین ارتفاع به حمام مجموعه در غرب کاخ شمالی می رسیده است. حمام این مجموعه کوچک اما دارای خصوصیات سنتی حمام های گذشته است. انتقال آب در آن از طریق تنبوشه ها و از داخل دیوارهای ضخیم خشتی آن صورت می گرفته است.

همچنین مسیر خروج دود از تون آن کاملاً در زیر کف حمام پیچیده بود تا گرمای دود کاملاً جذب فضا شود و بیهوده هدر نرود. از داخل این حمام کاشی هایی با نقش های متداول آن دوران و با رنگ های لاجوردی، فیروزه یی و زرد یافت شده است. ناگفته نماند که بهترین فصل برای بازدید از این منطقه بهار و پاییز است.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=311600

vista.ir
Online Classified Service

در هنگام سفر اجازه دهید کودکتان چمدان مخصوص به خود داشته باشند

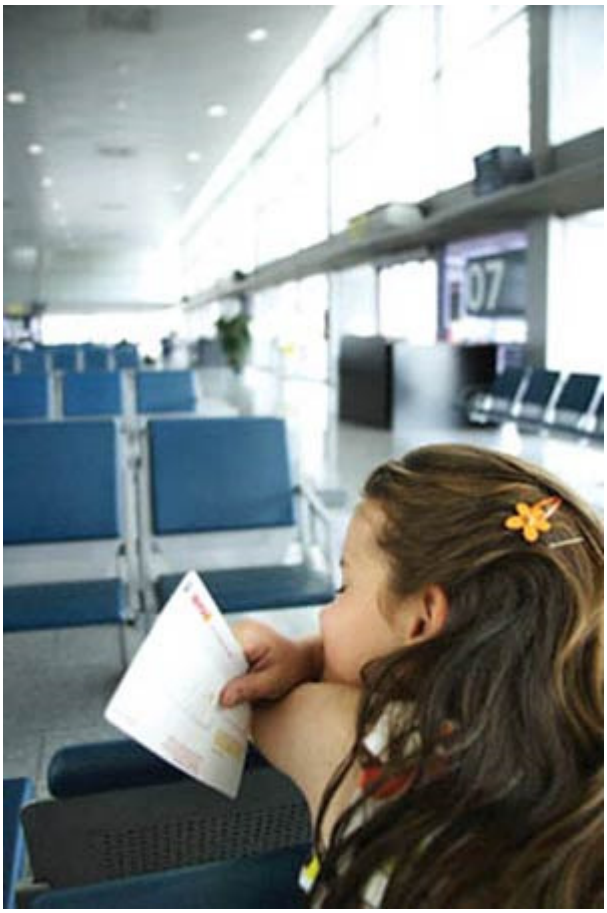

به این نکات توجه کنید تا سفر برای کودک‌تان مفرح‌تر و سرگرم‌کننده‌تر و برای نوزادتان خیلی راحت‌تر شود

۱۲ نکته درباره مسافرت هوایی با کودکان

با شروع فصل تابستان، اغلب خانواده‌ها به برنامه‌ریزی برای مسافرت‌های تابستانی می‌پردازند. تفاوتی نمی‌کند که سفر شما با ماشین از میان کوه‌ها و جنگل و صحرا باشد یا با هواپیما به یک نقطه خوش آب و هوا، به‌هرحال با همراه داشتن مسافر کوچولو ممکن است سفر شما به‌هیچ وجه شبیه مسافرت‌های معمول نباشد. امروزه بسیاری از والدین به علت گرمای هوا، کوتاه بودن مرخصی، سهمیه‌بندی بنزین و علل دیگر، مسافرت با هواپیما را به ماشین ترجیح می‌دهند اما مسافرت با هواپیما، به‌خصوص اگر بچه کوچکی داشته باشید نیز دردسرهای مخصوص به خود را دارد. اگر قصد سفر هوایی با کوچولوی خود را دارید، به این نکات توجه کنید تا سفر برای کودک‌تان مفرح‌تر و سرگرم‌کننده‌تر و برای بچه‌های خیلی کوچک‌ترتان راحت‌تر شود.

۱) اگر کودک شما شیرخوار زیر یک‌سال است، برای گذراندن زمانی که منتظر سوارشدن به هواپیما هستید، توپ یا اسباب‌بازی دیگری را که مورد علاقه او باشد به همراه خود ببرید و در سالن انتظار فرودگاه با او بازی کنید. هواپیمای اسباب‌بازی یا ماشین اسباب‌بازی و مانند آن را نیز می‌توانید همراه ببرید تا در هنگام انتظار پرواز، کودک با آن بازی کند.

۲)بهتر است در ردیف صندلی‌های مجاور در خروج اضطراری ننشینید. صندلی‌های مجاور دیواره حایل درون هواپیما برای شما بهتر است.

۳)غذایی که در هواپیما سرو می‌شود، ممکن است برای کودک زیر یک‌سال مناسب نباشد، و شما هم احتمالا خواهان کودکی گرسنه در طول پرواز طولانی نیستید. بنابراین شیر یا غذای کمکی مانند سوپ، ماست و... را در شیشه یا ظروف تمیزی بریزید و در آن را ببندید که حمل آن راحت باشد و آن را در سفر به همراه داشته باشید.

۴) حتما با خود می‌گویید: «چه‌قدر مسافرت با شیرخوار زیر یک‌سال سخت است. خوب است مسافرت‌هایمان را تا زمانی که کودک کمی بزرگ‌تر شود، به تعویق بیندازیم.» باید به عرض‌تان برسانم که مسافرت با یک نوزاد (شیرخوار) اغلب راحت‌تر از مسافرت با کودکانی است که راه می‌روند. چون کودک محدودیت را نمی‌فهمد و دلش می‌خواهد دایما حرکت کرده و به این طرف و آن طرف برود. اینجا هنر شما است که بتوانید او را تا پایان سفر سرگرم کنید.

۵) اگر کنار پنجره هواپیما نشسته‌اید، آسمان و ابرها، دریا، کوه‌ها، صحراها و چیزهای دیگری را که به طور معمول نمی‌توانند از این زاویه ببینند، به او نشان دهید.

۶) می‌توانید کتاب نیز همراه خود ببرید و در سالن انتظار یا در هواپیما کودک را با آن سرگرم کنید، کتابی درباره هواپیما و پرواز می‌تواند در این موقع خیلی مفید و جذاب و به درد بخور باشد. به کودک اجازه دهید چمدان سفر مخصوص خود داشته باشد. کوله پشتی حاوی اسباب‌بازی‌ها، بطری آب و مقداری تنقلات به کودک‌تان کمک خواهد کرد که احساس بزرگی کند و در هواپیما رفتار بهتری داشته باشد.

۷) هیچ چیز بهتر از کارت بازی خانوادگی به گذر زمان کمک نمی‌کند. انواع کارت‌های بازی که مناسب سن همه باشد می‌تواند مفید باشد، یا کارت‌هایی مخصوص بچه‌های کوچک‌تر، فِلَش کارت‌ها نیز مناسب هستند چون سرگرمی‌را با آموزش همراه می‌کنند.

۸) پیش از سفر یک زیردستی مخصوص برای نقاشی از لوازم‌التحریر فروشی بخرید، به این ترتیب بچه‌ها می‌توانند بخشی از طول سفر را با

نقاشی کردن بگذرانند. این کار زمانی برای سکون و آرامش نیز در اختیار شما می‌گذارد. غذاهایی را که کودک می‌تواند آنها را در دست بگیرد و بخورد (بیسکویت، کیک و...)همراه داشته باشید چون کودک گرسنه تحریک‌پذیر می‌شود.

۹) در مسافرت با هواپیما، نوزادان و کودکان کم سن، هنگام بلند شدن و نشستن هواپیما در گوش خود احساس ناراحتی و درد می‌کنند. این درد ناشی از تغییرات فشار غیر طبیعی در فضای پشت پرده گوش (گوش میانی) است. حتی در کابین هواپیمایی که فشار هوای آن تنظیم شده است هم یک کاهش در هوای کابین در صعودهای هواپیما وجود دارد. با فرود هواپیما فشار هوا افزایش می‌یابد بنابراین احتمالا کودکان ناراحتی بیشتری را در گوش میانی خود تجربه می‌کنند. وقتی که هواپیما فرود می‌آید فشار هوا که در کابین افزایش یافته، باید با فشار هوا در گوش میانی برابر شود. اگر این برابری ایجاد نشود فشار هوای اضافی داخل کابین روی پرده گوش فشار آورده و سبب درد می‌شود، شیپور استاش عضوی است که برابر کردن این دو فشار برعهده آن است. اما در کودکان به دلیل کوچک بودن شیپور استاش عملکرد آن درست انجام نمی‌شود و درد به‌وجود می‌آید. برای پیشگیری از ایجاد این درد شیوه‌های متعدد برای کمک به تهویه گوش میانی وجود دارد که موجب می‌شود فشار هوا در گوش‌ها برابر شود. هوای هواپیما خشک است و باعث خشکی مخاط بینی می‌شود و باز شدن شیپور استاش را مشکل‌تر می‌سازد. یک لیوان نوشابه بدون کافیین(آب بهترین است) به ازای هر ساعت پرواز به غلبه بر این خشکی کمک می‌کند. استفاده از اسپری‌های ضدالتهاب بینی پیش از پرواز و قبل از فرود به باز شدن مجاری بینی کودک کمک می‌کند.

۱۰) از استفاده از داروهایی که حاوی آنتی هیستامین هستند، پرهیز کنید، آنتی‌هیستامین‌ها با غلیظ کردن ترشحات و خواب آلودگی کودک مشکل را تشدید می‌کنند. فقط استثنائاً مواقعی که کودک دارای حساسیت (آلرژی) است، از آنتی‌هیستامین‌ها استفاده می‌شود.

۱۱) بالاخره کودک شما باید در موقع اوج گرفتن و همچنین فرود بیدار باشد. کودکان بزرگتر می‌توانند با جویدن آدامس و یا مکیدن آب نبات بر مشکل خود غلبه کنند. برای نوزادان یک بطری آب همین کار را انجام می‌دهد ولی باید کودک نشسته باشد و دراز کشیده نباشد. در ضمن بهتر است بدانید که پستانک در این موقع کافی نیست چون کودک هم باید چیزی بمکد و هم ببلعد.

۱۲) اگر فرزندتان به تازگی دچار عفونت گوش شده است، ممکن است حین پرواز احساس ناراحتی زیادی کند. بنابراین بهتر است پیش از پرواز با پزشک‌تان مشورت کنید. پزشک ممکن است قطره‌های مسکن گوش برای او تجویز کند. کودکانی که دارای لوله تهویه گوش هستند نباید نگران برابری فشار هوا باشند چون لوله‌های تهویه خودبه‌خود این‌کار را انجام می‌دهند.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=328413

vista.ir
Online Classified Service

درب امام

در محله درب امام سه باب سقاخانه دیده می شود که در زیر، هریک جداگانه بررسی می شود:

۱) سقاخانه دالان درب امام

در دالان ضلع شرقی محوطه درب امام سقاخانه بزرگی با سردری از پنج و هفت کند هندسی به رنگ سبز وجود دارد که حفاظ و درهای چوبی آن دارای شبکه های ستاره ای هشت پره گره جعفری است. داخلش را یک حلقه چاه آب با چرخ آبکشی و تکیه گاه آبکش و سنگابش تشکیل داده و نیز

پنجره ای خانه زنبوری رو به محوطه دارد. بخشی از گره چین پنجره ارسی میانی که خراب شده به تازگی بازسازی شده است. این سقاخانه با اینکه دارای آب لوله کشی شهری شده، ولی سرلوله های آب را بسته اند.

۲) سقاخانه صحن شمالی درب امام

در نبش چپ کوچه شمالی صحن آرامگاه، سقاخانه پهن و نسبتاً کوتاهی است که با قابی آجرچین از بالا و طرفین محدود گشته و سردرش دارای نقش پی در پی خورشید روی کاشی است. حفاظ و در چوبی اش دارای ده بخش چهارگوش است و هر بخش از شبکه های ستاره ای گرهٔ آلت جعفری پدید آمده و در چند سال پیش بازسازی شده اند. این سقاخانه دارای آب لوله کشی شهری است و زیر شیر آب، سنگاب کوچکی برای آب خروجی، روی زمین دیده می شود. روی سنگاب مشرف بر زمین، کتیبه ای به خط نستعلیق برجسته به سنگ پارسی به شرح زیر نوشته شده و برخی واژه ها ناقص و از میان رفته اند که همان گونه در اینجا آورده می شوند:

یک بارگاه گشت این سنگ وقف شاه مظلومان حسین:

آنکه باشد قاتلش در هر دو عالم رو سیـــاه

از دل سنگ آه بر می خیزد از قتل حسین

...ت ز آب او عمر ابد زان رو که هست آب

حیوان پیش او بی قـدرتر از خاک راه

۳) سقاخانه مجاور درب امام

در انتهای کوچه ای که صحن شمالی آرامگاه را به کوچه مجاور آن مربوط می نماید بر دیوار رو به روی کوچه، سقاخانه ای کوچک است که دارای سردر کاشیکاری با نقش ستاره چهارپر آبی رنگ است و حفاظی از آهن به رنگ آبی دارد. کتیبه سنگاب آن به خط نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی بدین شرح است: (وقف حضرت امام حسین علیه السلام نمودند. این سنگ آب را ورثه مرحوم حاجی حیدر به این مشروط که در امامزاه زین العابدین در جنب خانه کمترینان باشد به تاریخ غره شهر ربیع الاول سنه ۱۱۱۷).

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=106293

vista.ir
Online Classified Service

دردشت

در بازار دردشت سقاخانه جالب توجهی است که تزیینات کاشیکاری بیرون آن مانع از نفوذ نگاه به درون آن می شود. در طرفین، دو در دارد که به داخل باز می شود. نوار کاشیکاری دور سر در مزین به اشعاری درباره حضرت ابوالفضل (ع) است که در لوحه‌هایی به خط نستعلیق چنین آمده:

بود چو در شیعیان ولای ابوالفضل یا ابا عبدالله

بپا گشت این بنا برای ابوالفضل الحسین علیه السلام

بانی آن را به سر ز همت عالی است یا ماه بنی هاشم

روز جزا سایه لوای ابوالفضل یا ابوالفضل

کشورهستی بود به زیر نگینش یاباب الحوائج

سقاخانه دردشت

پادشهی که شد گدای ابوالفضل یا حضرت عباس
کوثر و تسلیم و سلسبیل به فردوس یا کریم
هست سبیل از کف عطای ابوالفضل یا حضرت عباس
بعد شه کربلا به تخت شفاعت یا باب الحوائج
نیست سزاوار کس سوای ابوالفضل یا ابوالفضل
تشنه فرو شد به شط و تشنه برآمد یا ماه بنی هاشم
عقل فرو ماند از حیای ابوالفضل الحسین علیه السلام
خدمت درگاه اوست بر سرجنت یا ابا عبدالله

تا که بخشد به او خدای ابوالفضل

در پایین دو سوی کاشیها چنین نوشته شده است: به لعنت خدا گرفتار شود کسی که به کاشیها خیانت کند. در پیشانی سقاخانه در میان لوحه بزرگتری نیز این شعار به خط نسخ نوشته شده: (یا ابا عبدالله الحسین الشهید). زمینه اطراف این لوح را کاشی هفت رنگ با گلهای اسلیمی قشنگی فرا گرفته و دو ستون میانی که گویا بازسازی شده، از کاشی معرق با پیچ اسلیمی است. در زمینه میانی، تصویری از حضرت عباس (ع) سوار بر اسب دیده می شود که دارد مشک آب را از زنی آبی پوش می گیرد و این بیت شعر به خط نسعلیق در پایین زمینه خوانده می شود.

به دریا پا نهاد و خشک لب بیرون شد از دریا مروت بین جوانمردی نگرغیرت تماشا کن

دو سنگپایه در طرفین پایین سقاخانه دارای نقش پیچکی برجسته است. آب لوله‌کشی شهری از داخل سقاخانه به بیرون کشیده شده است.

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105939

vista.ir
Online Classified Service

دروازه باغ ملی در تهران

این دروازه با شکوه آجری را که با کاشی های هفت رنگ تزیین گردیده است در سال ۱۹۲۲ به دستور رضا خان ساخته اند , رضاخان در این زمان وزیرجنگ بود. این بنا یک ساختمان قدیمی دوران قاجاراست که چند صد متر به سمت شمال امتداد دارد و از فضای بین آن برای سالهای طولانی به عنوان زمین رژه ارتش بزرگ (میدان مشق)استفاده می کرده اند . در سمت راست دروازه جایگاههای افسران پلیس قرار دارد که آنرا در زمان سلطنت رضا شاه به شیوه هخامنشی جدید ساخته اند, در سمت چپ موزه ای قرار دارد که احداث آن در سال ۱۹۶۷به پایان رسید و نیز وزارت امور خارجه هم در این محل قرار دارد. جدا از کتیبه های متعددی که بر روی دروازه قرار دارند , کاشی کاریهایی نیز دردو طرف دروازه وجود دارند که بر روی آنها توضیحاتی راجب به وسایل جنگی از قبیل توپ و تفنگها و سربازان نوشته شده است. کتیبه اصلی بر بالای طاق واقع شده است ودربالای آن اتاقی قرار دارد که

موسیقی نظامی را در آنجا می نواختند. کتیبه دیگر بیان می کند که دروازه ساخته شده از آهن آن در زرادخانه تهران درست شده است.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94341

vista.ir
Online Classified Service

Grand Canyon - دره بزرگ

دره ای رنگارنگ و شیب دار در شمال ایالت آریزونای (Arizona) آمریکا است، که رودخانه کلورادو (Colorado) از میان آن می گذرد و نام آن نیز در لیست عجایب هفتگانه وجود دارد.

در وسعت عظیمی از این منطقه، پارک ملی Grand Canyon – یکی از اولین پارکهای ایالت متحده – واقع شده است. تئودور روزولت (Theodore Roosevelt) بیست و پنجمین رییس جمهور ایالات متحده، یکی از بزرگترین طرفداران این منطقه بود که به دفعات برای شکار شیرهای کوهی و نیز لذت بردن از منظره از آنجا بازدید می کرد.

Canyon که توسط رود کلورادو طی میلیونها سال ایجاد شد، به طول ۲۷۷ مایل (۴۴۶ کیلومتر)، عمقی بیش از یک مایل (۱,۶۰۰ متر)و پهنای ۰.۲۵ تا ۱۸ مایل (۰.۵ تا ۲۹ کیلومتر) می باشد.

اولین بازرسی ثبت شده از Grand Canyon توسط یک اسپانیایی در سال ۱۵۴۰، که گارسیا لوپز (García López de Cárdenas) نام داشت انجام شد. اولین سفر علمی به Canyon به راهنمایی یک ارشد آمریکایی جان وسلی پاول (John Wesley Powell) در سال ۱۸۷۰ صورت گرفت. هرچند پیشتر، آمریکایی های بومی در میان دیوارهای Canyon ساخت و ساز هایی برای سکونت انجام داده بودند، پاول در نوشتارهای خود که بعد از این سفر چاپ کرده، به سنگهای رسوبی بسیاری در Canyon اشاره می کند.

- جغرافیا

Grand Canyon با عمق زیاد - در بعضی جاها بیش از یک مایل - و طولی در حدود ۲۷۷ مایل شکافته شده در فلات کلورادو، لایه های زمینی Proterozoic و Paleozoic را نمایان می سازد. این لایه ها بتدریج با شیب ملایمی از Lee's Ferry و در ادامه تا Hance Rapid آشکار می شود. انتهای Canyon محل برخورد رودخانه با Grand Wash Fault (نزدیک دریاچه Lake) می باشد.

ناهمواری فلات کلورادو تا حدی ست که باعث شده دیواره شمالی Grand Canyon حدود ۳۰۰ متر بالاتر از دیواره جنوبی آن باشد. علت طغیانهای رودخانه که بیشتر به سمت دیواره جنوبی است نیز شاهدشی بر این مدعاست. تقریبا تمام آبهای فلات در پشت دیواره شمالی (که نیز باران و برف بیشتری را جمع می کند) به سمت Grand Canyon جریان می یابد، درحالیکه در پشت دیواره جنوبی، به سمت بیرون از دره پیش می رود. نتیجه، فرسایش بیشتر و عریض شدن سریعتر دره و انشعابات رود کلورادو می باشد.

دما در دیواره شمالی به علت ارتفاع بیشتر (۲۴۳۸ متر بالاتر از سطح دریا) عموما کمتر از دما در دیواره جنوبی است. بارش سنگین برف طی ماههای زمستان امری عادی می باشد. منظره از سمت دیواره شمالی اثر بهتری از وسعت دره نسبت به آنچه که از دیواره جنوبی پیداست، در ذهن برجای می گذارد.

- زمین شناسی

هیچ نظریه معتبری درباره تشکیل Grand Canyon وجود ندارد. طبق گفته های Wayne Ranney تاکنون زمین شناسان در تعیین دقیق قدمت و مراحل ایجاد آن ناتوان بوده اند.

عمق زیاد Grand Canyon، خصوصا ارتفاع لایه های زمینی در آن (که بیشترش در زیر سطح دریا شکل گرفته) را می توان به ۳۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ متر ازبالا رفتگی فلات کلورادو که تقریبا ۶۵ میلیون سال پیش آغاز شد، نسبت داد. حوزه رودخانه کلورادو (که Grand Canyon بخشی از آن است)در ۴۰ میلیون سال گذشته ایجاد شد و خود Grand Canyon احتمالا کمتر از ۵ یا ۶ سال پیش قدمت دارد.

شرایط مرطوب آب و هوایی در عصر یخبندان بر میزان آب کلورادو افزود و باعث شد تا این رود اجدادی کانال خود را سریعتر و عمیقتر ایجاد کند. یک میلیون سال پیش فعالیتهای آتشفشانی (اغلب در قسمت غربی دره) خاکستر و مواد مذاب را در وسعتی که مدتها بعد باعث انسداد مسیر رودخانه شد، ته نشین کرد. این سنگهای آتشفشانی جوانترین ها در Canyon می باشند.

منبع : سایت فریا

http://vista.ir/?view=article&id=238786

vista.ir
Online Classified Service

دریاچه بایکال

دریاچه بایکال (به روسی: Озеро Байка (اُزرُ بایکال)) دریاچه‌ای است در جنوب سیبری در کشور روسیه، میان استان ایرکوتسک و استان بوریات. این دریاچه از سایت‌های میراث جهانی اعلام شده است.

بایکال قدیمیترین و عمیقترین دریاچه آب شیرین جهان در روسیه قرار دارد از آنجاییکه این دریاچه خیلی قدیمی و دور افتاده است، دارای حیواناتی است که فقط در این دریاچه یافت می‌شود این حیوانات شامل تعداد زیادی از بی مهرگان، چندین گونه از ماهیها و خوک آبی دریاچه بایکال می باشند خوک آبی بایکال تنها خوک آبی جهان است و دائماً در آب شیرین زندگی می‌کند دانشمندان بر این عقیده هستند که خوکهای آبی این دریاچه در زمانهای قدیم از اقیانوس شمالی (قطب شمال) آمده و بعد از سفر به سمت بالای رودخانه، به این دریاچه رسیده اند.

دریاچه بایکال از همه دریاچه‌های عالم بیشتر آب دارد. تقریباً ۵/۱ تمام آب شیرین روی کره زمین در این دریاچه قرار دارد . این دریاچه ۳۱۵۰۰ کیلومتر مربع پهناوری دارد.

منبع : مطالب ارسال شده

http://vista.ir/?view=article&id=10613

vista.ir
Online Classified Service

دریاچه گهر، نگین اشترانکوه

دریاچه گهر از زیباترین دریاچه های کوهستانی ایران است که در ۱۲۱ کیلومتری شرق استان لرستان به مرکزیت خرم آباد و در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر دورود واقع شده، این دریاچه همچون نگینی در مرکز منطقه حفاظت شده اشترانکوه با مختصات جغرافیایی ۴۹ درجه و ۱۶ دقیقه تا ۹ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۱۸ دقیقه عرض شمالی در ارتفاع ۲۳۵. متری از سطح دریای آزاد قرار گرفته و شامل دو بخش به نامهای گهر بزرگ (کله گهر)و گهر کوچک(کره گهر)می باشد. وسعت گهر بزرگ حدود ۱.. هکتار و عمق دریاچه بین ۴ تا ۲۸ متر و عرض آن بین ۴.. تا ۸.. متر و طول آن ۱۵.. متر می باشد میزان بارش سالیانه در منطقه حدود ۹۳۱ میلی متر است که بیشتر بصورت بارش برف می باشد . در سال های پربرف سطح دریاچه یخ بسته و مناظر بدیع و دل انگیزی را برای علاقه مندان به طبیعت و گردشگران بوجود می آورد.

▪ موقعیت :

دریاچه گهر محصور شده در بین رشته کوههای اشترانکوه که از سمت شمال به قله ازنادر،کول،شاکول،دره دائی،قله سن بران از شمال غرب به کوه گزرسون و پریز کوه بزرگ از شمال شرق به پریز کوه کوچک از جنوب به ارتفاعات اسینه و در جنوب غربی به کوه گولک و از شرق به قله همایلون و مالره محدود میشود . بسیاری از کوهنوردان در تمامی فصول سال به قلل مرتفع این کوه ها از جمله قله های متنوع اشترانکوه صعود می کنند و از طبیعت شکوهند این منطقه لذت می برند.

▪ پوشش گیاهی:

پوشش گیاهی مرتعی و گونه های متنوع درختان جنگلی شامل: بلوط، بید، بادام، پسته وحشی و اطراف دریاچه را به صورت یک پارک طبیعی در آورده است. جنگل های منطقه اشترانکوه با گونه غالب بلوط ایرانی و گونه های دیگر کیکم، بادام کوهی ، پسته وحشی، ارغوان، گلابی وحشی، چنار ، نارون، بلوط مازو و دار گردو انجیر ، زبان گنجشک ، سیب، زالزالک، ارژن ، کنار، کهور، انار، گز و مو وحشی می باشند .

▪ مراتع مرغوب وسیع شامل:

گونه های گیاهی خانواده غلات، بقولات و چتریان، لاله های واژگون، گل شقایق ، زنبق، لاله وحشی، تاج خروس و اختر می باشند و محصولاتی که از این مراتع بدست می آیند عبارتند از : موسیر، گزانگبین، کتیرا،نی،جلبک، آویشن ،علف گاوزبان

▪ حیات وحش

منطقه حفاظت شده اشترانکوه با حیات وحش متنوع شامل حیواناتی از قبیل : بز،قوچ،آهو،کل،پلنگ،گرگ ،گراز،خرس قهوه ای ،کفتار،روباه،شغال،خرگوش و انواع پرندگان مانند: عقاب،کبک،شاهین،تیهو و دیگر پرندگان بومی یک پارک وحش طبیعی به وسعت منطقه فراهم آورده است. مارماهی،لاک پشت، قورباغه، ماهی قزل آلا، ماهی رنگین کمان و ماهی خال قرمز از دیگر جانورانی هستند که به لحاظ شرایط مساعد محیطی در این دریاچه زیست می نمایند .

▪ جاذبه های دریاچه

واقع شدن دریاچه در ارتفاع ۲۳۵. متری از سطح دریا،محصور بودن آن در میان کوهساران اشترانکوه، رویش متنوع گل ها و گیاهان دارویی مانند گل های لاله واژگون، شقایق ،اختر،زنبق وحشی ،لاله وحشی و در فصول مختلف سال به ویژه فصل بهار و تابستان چشمان هر بیننده ای را به خود خیره می نماید. کوهنوردی، ماهیگیری باقلاب،شنا، قایقرانی،امکان اسکی روی آب ، دیدن حیات وحش، راهپیمایی در کنار رودخانه های آن، از جمله جذابیت هایی است که خاطرات خوشی را برای هر بازدید کننده به یادگار خواهد گذاشت.

▪ راههای دسترسی به دریاچه

عمومی ترین راه دسترسی به دریاچه گهر از مسیر شهر دورود به طرف روستای درب آستانه (امام زاده پیروالی)و سپس چشمه خیه(خرم)است.از شهر دورود تا چشمه خیه حدود ۱۷ کیلومتر جاده آسفالته و از چشمه خیه تا دریاچه گهر به مسافت ۱۸ کیلومتر مالرو می باشد.با استفاده از چهارپایان که توسط افراد بومی جهت حمل بار و سواری کرایه داده می شود ، می توان به دریاچه رسید ، علاوه براین مسیر، از طریق شهرستان الیگودرز به سمت جاده شول آباد ، کناره رودخانه مورزرین و گردنه تاپله را می توان با وسیله نقلیه طی کرد و از آنجا تا دریاچه را که مسافت آن حدود ۱۲ کیلومتر می باشد راهپیمایی نمود . مسیر دیگری که مسیر کوهنوردان با تجربه می باشد از طریق روستای تیان مابین شهر دورود و ازنا و صعود به قلعه ۴۱۵. متری اشترانکوه (سن بران)و سپس فرود به سمت مسیر شن اسکی آبشار و دریاچه گهر می باشد.

منبع : روزنامه تفاهم

http://vista.ir/?view=article&id=264880

vista.ir
Online Classified Service

دست اندازهای سفر در جاده زندگی

کم کم به اواسط خردادماه و پایان فصل بهار نزدیک شده ایم، هوا رو به گرمی می رود و ایام تابستان و تعطیلات آن فرا می رسد. تا هفته دیگر امتحانات خردادماه بچه ها نیز پایان می یابد و خانواده های ایرانی درصدد طرح برنامه ای برای سفرهای تابستانی هستند.

مادر خانواده دوست دارد همین که امتحان بچه ها تمام شد به سفر برود، فرزندان نیز با مادرشان هم عقیده اند اما پدر از زاویه دیگری به تعطیلات تابستانی می نگرد. پدر به دنبال پیدا کردن چند روز تعطیلی در تقویم است تا شاید بتواند آن را به چند روز مرخصی وصل کند و چهار، پنج روزی را به

اتفاق اهل و عیال به شمال، جنوب، شرق یا غرب کشور برود و در عین سیاحت در پهنای گسترده ایران اسلامی، روح و روان خود را به طبیعت زیبای کشورمان بسپارد و یا اینکه به دیدن اقوام در شهرستان ها و روستاها برود و با دیدن قوم و خویشان خود چند روزی را جدا از استرس های کاری و اداری سپری کند.

شاعر می گوید:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی

صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی

شال و کلاه سفر نیاز به اتوکشی همیشگی چین و چروک مشغله ها ندارد. بلکه سفر از اولویت نیازهای زندگانی است. سفر، تنفس عمیق در فضای تنوع و جاذبه های مکان است. جدای از طراوت بخشی به روحیه و تأمل و گسترش اندیشه، مسافرت، رسم شکیبایی در توانایی، رفع تشنگی دانایی و اکسیر تجربه آموزی را به انسان تفهیم می کند.

ایران، خانه بزرگ هر ایرانی است. پس، توجه به دارندگی های بس فراوانش در عرصه گردشگری به عنوان غروری ملی با مفاهیم معنوی سیر و سفر را برمی تاباند. از یک چار دیواری ساکن صدها کیلومتر می کوبیم و در یک چاردیواری دیگر اطراق می کنیم. لیکن نپنداریم سفر تنها به باغستان، جنگلستان و سبزه زار رفتن ختم می شود که این می تواند تکه ای از پازل مسافرت باشد. حال که تصمیم گرفته ایم در فصل تابستان ولو برای چند روز به اتفاق اعضای خانواده به مسافرت برویم و از تکرارهای روزمره در کاشانه مسکونی شهر و دیارمان خارج شویم، ضرورت می نماید شیوه دیگر زیستن و دیگر اندیشیدن - از جهت نگرش و سازگاری با کم و کسری ها- در یک محیط تازه و غیربومی را پیشه خود کنیم. اصلاً هم به طور قاطع نباید در این انتظار باشیم که همه چیز می باید مثل زندگی در خانه مان باشد چراکه استمرار زندگی در هر موقعیت، شرایط خود را طلب می کند. قدرشناسی و اغتنام فرصت در هر مورد حیاتی نشان بلوغ شعور است. سفر، بخشی از کتاب دیداری و شنیداری باورها، نمای فرهنگی، نمود خلاقیت های اندیش ورزی، رسوم زندگی، علایق و دلبستگی های ماست.

- انگیزه های سفر

«انگیزه و هدف مسافرت از جنبه متعارف و مرسوم آن، گردش، صله رحم، تجدید دید و بازدید، انسجام روابط عاطفی مابین افراد فامیل، بعضاً تجارت و آگاهی های موقعیت اجتماعی- فرهنگی مردمان در هر شهر و منطقه است.»

«بایرام پیشه کلخوران» به اتفاق اعضای خانواده خود در سالن بزرگ یک پایانه مسافری روی صندلی نشسته و منتظر اعلام خبر حرکت اتوبوس به مقصدش از بلندگوی پایانه است. او با این پیش گفت، می افزاید: «سفر فرصتی مناسب برای سر زدن به اقوام در شهر دیگر است تا از خوشی امور و احیاناً ناخوشی شان باخبر شد و اگر غمی و مشکلی باشد اطلاع یافت.» می پرسم: به نظر شما مسافرت فواید معنوی نیز دارد؟ می گوید: «بله! پیامبر اکرم«ص» فرموده است مسافرت طول عمر انسان را زیاد می کند. از دیدگاه بینش اسلام، انسان وقتی در محیطی دایم زندگی و کار کند، سخت احساس کسالت و دلتنگی می کند. با رفتن به جایی دور از محل مسکونی خود و دیدنی های دیگر؛ دامنه طبیعت، روستا، شهر و دیدار و گشتی و تأملی، روحیه اش عوض شده و شاد می شود. در سفر، تجربه انسان نیز زیاد می شود. فکرش وسعت پیدا می کند. وی ادامه می دهد: «اگر انسان اهل مسافرت نباشد و همیشه در محدوده دیار سکونت خود ساکن بماند در واقع خویشتن را از فواید سیر و سفر محروم کرده است. درحالی که انسان در مسافرت ها پخته و باتجربه می شود.»

مهندس مکانیک یک شرکت دولتی عازم سفر برای انجام کاری اداری است. او کلاً انگیزه و هدف مسافرت های متعارف و متداول به اتفاق اعضای خانواده را چند صباحی دور بودن از مشکلات رایج در ساخت و ساز زندگی و کارهای روزمره می خواند.

«سعید سالم» از زاویه ای دیگر نیز فلسفه سیر و سفر را چنین می نگرد: «مسافرت جدای از تجدید دیدار با اقوام و آشنایی و دیدن آثار باستانی و تأمل بقایای تمدن دوران دیرینه تاریخی، شناخت عینی شیوه آداب، معاشرت و فرهنگ مردمان دیگر است. این گردش و سیر و سیاحت لازم و ضروری است چراکه این دانش اندوزی ها به نوعی ایجاد تعقل و حس روانی روی روش نگریستن به اطراف و حتی زندگی و دانستنی های انسان نسبت به گذشته است که بخشی از محاسن و فواید معنوی سیر و سیاحت محسوب می شود.»

- سیر و سفر و رعایت حقوق دیگران

ساک بزرگ مسافرتی اش را که با کمک راننده در صندوق اتوبوس می گذارد، سرش را بلند می کند، گرمای آفتاب نیمروز و هرم داغ آسفالت محوطه پایانه پوست چهره اش را گداخته است. «عسگرخواه» پیش از آن که پشت سر فرد همراهش پای بر رکاب اتوبوس بگذارد در پاسخ سؤالم که چه تعریفی از اهداف سفر دارد؟، با این اشاره که مسافرتش برای انجام و شرکت در یک مراسم خانوادگی است، می افزاید: «مسافرت نوعی

تفریح در مقاطعی از زندگی است.» بیشتر توضیح می دهد: «مداوم یک جا بودن و تکرار امور متداول در طول ماه و سال، روی روحیه و فکر انسان تأثیر نامطلوب می گذارد. بنابراین، تفریح و مسافرت یک امر خوب و نیاز هر شخص است که در صورت اجابت آن، فشارهای متداول زندگی را کم می کند.»

نظر این جوان که شغل آزاد دارد را درباره آداب سفر می پرسم. - «رعایت اخلاقی و رفتاری و ایجاد شرایط آرامش بخش برای همسفران و همراهان یک ضرورت اجتماعی است. توجه به این نکات انسانی باعث عدم ایجاد مشکل و ناراحتی برای دیگران می شود. در هرحال باید حقوق بشری- همگانی- را رعایت کرد تا سفر به تمام معنا دلپذیر شود.»

- تجارب سفر

سیر و سفر را به عبارتی می توان مجموعه ای از معارف دیداری، شنیداری و تجربی طول زندگی انسان ها دانست که تجربه بالاتر از علم قلمداد شده است واین مزیت را دارد که در سیاحت، انسان به عین وقایع، یادمان ها و فرهنگ و آداب زندگانی از گذشته تاریخ زیست بشر تاکنون را شاهد می شود. این شیوه دانش و دانایی نسبت به مطالعات مکتوب و بدون واسطه، تاثیر ژرف در ذهن و روان انسان می گذارد اگرچه خواندن سفرنامه ها، تجارب و تحقیقات ادبا، دانشمندان و مفاخر فکور همچون ناصر خسرو، شیخ سعدی، ابن بطوطه و امثالهم توجه ما را فراتر از زمان و مکان و دلمشغولی های- دنیوی- می برند، رسم و چگونگی حیات و ممات گذشتگان و اکنون و آینده را نیز توصیه می کنند و می آموزند، در واقع سیر و سیاحت در مواریث فرهنگی و سیر و سلوک در وسعت جغرافیایی انسانی قدما به ما می آموزد که آن دوران ها چه دشواری های زیاد و گوناگون، همراه داشته و امکانات و وسایل زندگی تا چه حد محدود و ابتدایی بوده است که خود مثنوی دیگر و استفاده از وسایط نقلیه امروزه و عزیمت موتوریزه سریع السیر و سهل زمان کنونی دفتری دیگر است. با این احوال و مقایسه ها ولی آنچه جایش معمولا خالی است، غفلت برخی ها از دانش اندوزی و کسب تجارب از رهگذر دیدار رویاروی با پدیده های شگفت زای طبیعت، آثار باستانی و غیره نزد بعضی از افراد، سفر، مفاهیمی دیگر دارد. در این باره اشاراتی خواهیم خواند اما قبل از آن، نظر یک کارشناس راهنمای تورهای مسافرتی- تفریحی را می خوانیم:

- بهره های سفر

«م- اردستانی» که می گوید به طور آزاد به عنوان «لیدر» تور فعالیت می کند، اظهار می دارد: «درباره انگیزه و هدف از مسافرت، کلا معتقدم هرجا به جایی برای انسان می تواند روحیه ساز باشد. مثلا یک سفر حدود چهل کیلومتری تهران- کرج حتی بدون توقف و بعد بازگشت به تهران در روحیه شخص اثر خوش و مطلوب می گذارد. (می خندد) به شرطی که کورس و لایی رفتن حین رانندگی نداشته باشد. بنا به تجارب شخصی ام، مردم در مسافرت می خواهند طی سفرشان خوش بگذرانند و این بدان معناست که همه چیز آماده باشد و زمان در اختیارشان باشد اما بعضا نمی خواهند خود را در اختیار زمان و فرصت ها بگذارند. برخی به مجرد رسیدن به مقصد به فکر استراحت و خورد و خوراک هستند که امری به حق و لازم است. جمعی اما با یک دو جای دیدنی مثل ابنیه تاریخی و مناظر طبیعی و یا موزه ای هنری، ترجیح می دهند به مکان و دیدنی های دیگر بروند و یا اینکه به اتفاق خانواده به بازار خرید کالا بروند.»

از این کارشناس می پرسم: اصولا سفر چه فواید دیگری غیر از آن که اشاره کردید در روان انسان دارد؟ می گوید: «اصولا مسافرت، انسان را از شیوه های متعارف در زندگی عادی و تکراری خود طی مدت سفر، دور می کند و روش و آداب تازه ای را به انسان نشان می دهد. همین تجربه در بعد وسیع ترش یعنی آشنایی با فرهنگ دیگران و سرنوشت های تاریخی در قالب موزه ها، مشاهده ابنیه باستانی، نوع روابط اجتماعی، موقعیت اکوتوریستی و اقلیمی و نوع تفریحات و دلمشغولی های جماعت و یا ملت دیگر، همه این ها برای مسافران منبع تجربه و دانش افزونی و آگاهی می شوند.» از این کارشناس گردشگری می پرسم که شما چه توصیه ای برای مسافرانی که به طور مستقل و به صورت خانوادگی به گردشگری و سفر می روند، دارید؟ در پاسخ می گوید: «از فرصت و زمان سفرشان نهایت بهره را ببرند. شاد باشند و هرگز احساس خستگی نکنند.»

اردستانی در ادامه سخنان خود به انگیزه های معنوی سفر اشاره می کند و می گوید: «برخی از مردم در محل اطراق، بیش از هر چیز دیگر، استراحت، غذاخوری و بعد خواب و سری هم به بازار خرید و سوغاتی مدنظر دارند و در فرصت های بین این فعالیت ها، در جمع خانوادگی و یا دوستان کلاف دلخوری ها، کم و کاستی مسایل اقتصادی و اوضاع جنبی زندگی شان، باز می شود و یا توقعات مسکوت و یا فسیل شده را به نقد و تحلیل می کشند. آنچه که در سایه می ماند، چرایی و انگیزه معنوی سفرشان است که از قلم و دفتر سفرنامه، می افتد. این غفلت و یا کم لطفی از ارزش های معنوی گردشگری و تفریح و سیاحت در حالی است که سرزمین مان حدود یک میلیون مکان و فضای اکوتوریستی (گردشگری) بارز و ممتاز دارد. همچنین در بعد فرهنگی از کشورهای شاخص در بحث گردشگری جهانی هستیم، محرومیت از دیدن و شناخت

یکی از هزاران جاذبه های پرارزش گردشگری در کشورمان واقعا جای دریغ دارد لیکن از سوی دیگر، توریست های حرفه ای خارجی و یا دیگر مسافران عادی که برای آشنایی از موقعیت های گوناگون سرزمین مان به ایران سفر می کنند و همین طور پژوهشگران و اقلیم شناسان با صرف هزینه های کلان و سختی و دوری هزاران کیلومتر از کشور خود، تلاش می کنند هرچه بیشتر از فرصت شان برای شناخت آثار تاریخی و فرهنگی گردشگری ایران اسلامی در دوربین ها و اذهان خود ثبت و ضبط کنند و با دست پر به دیارشان برگردند.»

● ایجاد تسهیلات گردشگری ارزان

«احد ربیعی» کارمند یک تشکیلات فرهنگی، انگیزه سفر را یک تکلیف خانوادگی می داند. او توضیح می دهد: «اصولا دو طیف جامعه به مسافرت می روند. یک گروه، کم درآمد و حقوق بگیر است که در طول سال وسعش نمی رسد که هر چند وقت یکبار اهل و عیال خود را به سفر ببرد لیکن در تعطیلات تابستانی و به اصرار اعضای خانواده چند روزی به مسافرت می روند و با اندک بودجه و احیانا مقداری پس انداز مالی، حاجت خانواده شان را برآورده می کنند. طیف دیگر ثروتمندانی هستند که قادرند هر از گاه با خودرو شخصی و برخی با هواپیما به سفر از پیش برنامه ریزی شده و رزرو هتل، سفر کنند. این عده برخلاف آنان که کم بضاعت هستند، از غذای آماده و تفریح و سیاحت به نحو دلخواه بهره می برند. وی درباره افراد کم درآمد در ادامه همین بحث می افزاید: «به نظر من باید دولت و سیستم گردشگری کشور برای چنین طیف از جامعه و افرادی که جزء اقشار کم درآمد محسوب می شوند تسهیلات و امکاناتی را تدارک ببینند تا این خانواده ها هم بتوانند حداقل سالی یکبار تنوع و تحولی را در نوع زندگی شان اعمال کنند و طعم خوش سفر را بچشند، گرچه نباید در این میان خدمات و زحمات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را ازنظر دور داشت.»

از او می پرسم که دولت چه امکاناتی می تواند در اختیار گردشگران و مسافران قرار دهد، در پاسخ می گوید: «مثلا در شهرهای مختلف کشورمان که سیاحتی و تفریحی هستند می تواند مکان هایی را احداث و برای اسکان موقت مسافران تجهیز نماید و یا در کنار سواحل شمال یا جنوب کشور پلاژهایی را تدارک ببیند و با نرخ های ارزان در اختیار مسافران قرار دهد.»

حرف دیگر این شهروند پیرامون فرهنگ اقتصادی و تفریحی است که مردم به طور کل باید در سفرهای خود افراط نکنند و هر کس براساس وسع خود به گردش و تفریح بپردازد، یعنی اگر گردشگران برابر توان مالی خود به سیر و سیاحت بپردازند و از هر نوع چشم و هم چشمی به دور باشند بدون شک می توانند سفری راحت و آسوده و بی دغدغه و خاطره انگیز داشته باشند.»

● چشمها را باید شست...

بله!، نه تنها چشمان را باید شست که دلنشینی سفرهای تعطیلات تابستانی هنر بیداردلی نیز طلب می کند. مسافرت در تمام زمان نیاز به حس کنجکاوی و تمرکز اندیشه پویا دارد. سفر قداست باورها،حریت ارزش ها، تزکیه نفس و اخلاقیات انسانی است. نکته پراهمیت دیگر آن که مسافرت اصلا مغایرت ذاتی با هر نوع بدرفتاری، شتاب و خشونت طلبی دارد چه رسد به آن که هنوز چند کیلومتر نرفته و در نیمه راه به بن بست های گوناگون رسید، که از میان خرد و کلان آن ها، گاه حسرت سفر و تفریح برای کس و یا کسانی به صحنه ای دل آزار، خشونت آمیز، لجاجت و در مقاطعی غیرقابل جبران مبدل شود. هر یک از این موارد به سهم خود، نوعی جنگ با انگیزه و هدف سفر است. اما آنچه در این میانه می پژمرد، ساقه احساس و هیجانات سفری خوش باورانه است که لطافت و تصاویر رنگین - خیال سفری که به سرانجام نرسد، از بین می رود و تبدیل می شود به تاسف که گاه غیرقابل جبران است. سفری که می تواند حداقل سبب تخلیه فشارهای محیطی- زندگی و تسکین اعصاب و روان آدمی باشد، یعنی می توان گفت که سفر و تفریح تعطیلات تابستانی یک فرصت و موهبتی است تا آدمی بتواند در دل طبیعت و در هوای آزاد استنشاق کند و به سیاحت بپردازد.

فرهنگ باوری و نظارت بر چرخه رانندگی دو اهرم پایه ای برنامه ریزی ها و تدابیر در جهت تأمین امنیت رانندگی و حفظ سلامت انسان ها در طول مسافرت در جاده هاست چرا که رعایت نکات ایمنی در جاده ها توسط رانندگان می تواند به کاهش چشمگیر تصادفات بینجامد. از باید و نبایدهای بدیهی درپروسه ایجاد امنیت فراتر در رانندگی نیز می شود برای صیقل دادن لازمه اهداف بهره جست اما چیزی که باید مدنظر باشد تجارب و دیدگاه های جانبی اقشار مردم است که چند مورد این دیدگاه ها را در گزارش پیش رو می خوانید.

از هوای گاه نه چندان بهاری که دمای تابستان هم در کوچه پس کوچه های زندگی خیز برداشته است و پراکنده می شود، گرمازده شده است و برای فرار از این هوای گرم و طاقت فرسا به داخل یک قنادی می رود و بستنی چند رنگ و طعم می خرد و زیر سایه ردیف درختان چنار روی یک نیمکت کنار جوی آب روان، می نشیند. پس از صرف نیمی از بستنی حس می کند سروصدا و بوق شتاب ماشین ها آزارش می دهد. با این حال نیمه بستنی را در ظرف زباله می اندازد و با اعصاب خراب به راه خود ادامه می دهد.

● جاده های کهنه نقاط حادثه خیز

چرخه مسافرت ها و محورهای ترافیکی در طول سال و سالیان گذشته به ویژه عبور و مرور در مقاطع زمانی تعطیلات رسمی، روی جاده های اغلب قدیمی، کم ظرفیت و غیراستاندارد می گردد. این وضعیت در حالی است که برابر آمارهای موجود حدود سه هزار نقطه حادثه خیز و یکصدهزار نقطه تاریک تردد خودرویی و پیچ های تند و نشیب فرازهای ثابت فراوان در پراکندگی های جاده ای وجود دارد و شناسایی شده اند. همچنین بنابر اعلام فرمانده پلیس ناجا، محورهای سمنان- شاهرود- سبزوار، همدان، جیرفت- بندرعباس، آزادراه امیرکبیر اصفهان، ۳۵ کیلومتری کاشان از سمت اصفهان و ۱۵کیلومتری قم جاده های مرگ در کشور هستند.

از داده های آماری و تشریحی تصادفات سالیانه در جاده ها در می گذرم و بسنده می کنم به آن که بیشترین میزان خسارات انسانی ناشی از بروز حوادث رانندگی در سال۸۷ نسبت به سال۸۶ به ترتیب در استان های تهران، فارس و خراسان رضوی بوده است. در مقابل، استان های لرستان، یزد و بوشهر بیشترین کاهش تصادفات منتهی به فوت را داشته اند.

نبود فرهنگ درست در رانندگی، استاندارد نبودن در حد مطلوب جاده ها و نبود استاندارد ایمنی خودروها سه عامل رویداد تصادفات هستند.

این نظر «سعید سالم» مهندس یک شرکت دولتی است. با توجه به سه فاکتور مذکور، ضعیف بودن سیستم ترمز خودرو نیز دلیلی دیگر در بروز حوادث رانندگی است. وی در این باره می گوید: «یکی از آشنایان که خودروی صفر کیلومتر داشت. در جاده ای حین رانندگی ترمز خودرواش عمل نمی کند با خودروی دیگر تصادف می کند، و این نشان می دهد که هنوز در این باره در حد مطلوبی بی قرار نداریم.»

اما بخوانیم شمه ای از تجارب یک راننده ترانزیت کار بازنشسته را: «اسدی» که ظاهرش نمی نماید چند دهه کار روی کامیون کانتینری در جاده های ترانزیتی او را یک راننده زبده، باتجربه و با درایت ساخته است و چین های عمیق روی پیشانی اش ردپای تجربه هایش را برمی تاباند. او فکر سلیم، تمرکز حواس، رانندگی هوشمندانه، رعایت تمام نکات مقررات راهنمایی و رانندگی و گذشت را شرط امنیت عمومی و سلامت راننده می خواند. او باور دارد با رعایت و مدنظر داشتن موارد یادشده، سخت ترین، پرترافیک ترین و ناهموارترین گذرگاه ها برای راننده مجرب، هموار و ایمن است. وی در این باره می گوید: «بسیاری از همکارانم و خود من سال ها در خطوط بین مرزی رانندگی می کردیم. به ندرت اتفاق می افتاد مشکلی از نوع سرپیچی از مقررات صورت بگیرد. علت تصادفات درون کشوری عمدتاً از بی اعتنایی به قوانین، سرعت بیش از حد مجاز که بیشتر غیرقابل کنترل مطمئنه است و توجه نکردن به توصیه های پلیس راه است.»

یک شهروند عازم سفر، بی تجربگی و قانون گریزی در رانندگی را عامل بروز حوادث در جاده ها و خیابان ها می خواند.

به گفته «بایرام پیشه کلخوران» راننده با فرهنگ و مجرب قطعا و همواره مقررات قانونی را هنگام رانندگی مراعات می کند امانسانی که تجربه چندان در رانندگی نداشته باشد و در جاده های ناشناخته و پرتردد با سرعت زیاد هم حرکت می کند در واقع می شود گفت سفیر خطر است. وی در ادامه می گوید: «بد رانندگی کردن برخی به اعتبار پرسابقه بودن در رانندگی است. این قبیل راننده های به اصطلاح حرفه ای که تحمل یک لحظه کم کردن سرعت وحشتناک خود را ندارند نیز عامل تصادفات می شوند و چه بسا راننده یا سرنشینان خودرو قربانی بی ملاحظگی ها و تخلفات چنان رانندگانی شده اند.» وی توصیه می کند: «شخص قانون گریز که باعث گرفتاری خود و خسارات برای دیگران می شود باید به روش قانونی کردار و رفتارش در رانندگی اصلاح شود.»

● آن که جاده را مثل کف دست می شناخت...

«اکبر پهلوانی» مردی سالمند هر چند وقت یکبار برای دیدار خانواده فرزندش با سواری کرایه ای خطوط بومهن، رودهن سفر می کند. در یکی از سفرها راننده سواری در طول جاده با چنان سرعت هراسناک رانندگی می کند که سرنشینان نگران وقوع تصادف می شوند. دائما بابوق و چراغ زدن، رانندگان جلویی را تار و مار می کند تا راه برایش باز کنند. این مسافر بیش از چند مسافر دیگر می ترسد تا حدی که وسط راه می خواهد پیاده شود. راننده بالحن پرغروری جواب می دهد: «نگران نباش! سی ساله تو خطم هیچ مشکلی نداشتم. مث کف دستم جاده رو می شناسم!» این شخص پس از مدتی بار دیگر که می خواهد به همان مقصد سفر کند، در ایستگاه از رانندگان می پرسد نوبت کدام راننده است. یک نفر ماشینی را نشان می دهد اما باز می پرسد راننده اش کیست؟. راننده دیگری خودش را معرفی می کند. او با خیال راحت سوار می شود ظرفیت تکمیل می شود و راننده حرکت می کند، در راه برای راننده علت پرسش های خود و نشانی های آن راننده را شرح می دهد از اینکه با رانندگی غیراستاندارد وحشت زده اش کرده بود. راننده سرتکان می دهد و می گوید او در بی احتیاطی در رانندگی معروف بود. چندی پیش در جاده تصادف کرد و کشته شد!»

از یک راننده اتوبوس مسافربری بین شهری نظرش را درباره وضعیت جاده ها و ترافیک در تعطیلات پرتردد جویا می شوم، آصفی می گوید: «در مملکت ما با آن همه تعطیلات چهار-پنج روزه که زیاد است رانندگی کار هر کس نیست. تعطیلات تابستانی که طولانی ترین فصل مسافرتی به

لحاظ تعطیل شدن مدارس و دانشگاه هاست جاده ها وضع فوق العاده ترافیکی دارند. سواری های شخصی از چپ و راست شهرها می ریزند توی جاده ها... (یک نفر که لیست مسافران را در دست دارد می آید دستی به بازوی او می زند و سر خود را به طرف دیگر می گرداند. ظاهراً زمان حرکت فرا رسیده است.) راننده در ادامه می گوید رانندگان سواری های شخصی- بعضاً- در وقوع حوادث مقصر هستند. سئوال می کنم: برای ایمنی جاده ها چکار باید کرد؟. در پاسخ می گوید: «رانندگان- سواری- باید آموزش ببینند. بدانند در جاده از کدام مسیر (لاین) حرکت کنند. من راننده اتوبوس در اتوبان و جاده از سمت راست حرکت می کنم چون سواری ها مسیر وسط و چپ را می گیرند، این ندانم کاری آن ها باعث ایجاد اختلال در رعایت حق تقدم، حرکت و سرعت مجاز می شود... (آن مسئول لیست مسافران دوباره می آید. این بار دست راننده را می گیرد می برد.) نگاه می کنم همه مسافران روی صندلی اتوبوس نشسته اند. راننده پشت فرمان می نشیند. با تبسم، دستش را تکان می دهد، خداحافظ!

فرهنگ گرایی برآمده از رشد و باروری تعقل نشانه سلامت روان نیز می باشد. تحکیم و توزیع آن در هر ضلع و جانب زندگانی موجب تامین آسایش، ایمنی و رسم هم باوری به یک شعور زیبنده و بالنده انسانی نیز منجر می شود. استمرار رعایت چنان فرهنگ امنیت بار در شیوه رانندگی، در نهایت، بلوغ فکری آدم را در قدرشناسی از سالم زیستن خود و معرفت حفظ سلامت دیگر آدم ها را می نماید. کارشناسان مسئول ترافیک و رانندگی حدود هفتاد درصد عاملیت بروز حوادث رانندگی را در خطاهای انسانی می خوانند. این گفته را به عبارت دیگر شاید می توان چنین تعبیر کرد که رانندگی های جاده ای و شهری برخی تا حد هفتاد درصد هنگام رانندگی به سوی خطر آفرینی حرکت می کنند و تنها سی درصد مردم در مصونیت- بگوییم مطلق- هستند. با هم نظر و دیدگاه های یک پژوهشگر اجتماعی را می خوانیم:

«رانندگانی که حتی در محیط شهری- مسکونی رعایت حق عبور شهروند را به مدت چند ثانیه عبور مجاز از خطوط سفید محل عرض خیابان را نمی کنند چندان دور از انتظار نیست که در بزرگراه به ویژه در جاده ها مقررات و قوانین راهنمایی و رانندگی را مراعات کنند. نتیجه آن می شود که بنا به آمار و اطلاع رسانی ها در جاده های کشور در هر ۲۵ دقیقه یک نفر در اثر تصادف جاده ای در ایران جان خود را از دست می دهد.»

«عبادی» پژوهشگر اجتماعی، با این دیدگاه تاسف خود را نیز از آن که سرزمین مان مهد تمدن وفرهنگ و ادیبان است و لیکن در پاره ای قراردادهای اجتماعی توجه به پشتوانه غنی معارف ملی نزد برخی کم ارزش تلقی می شود، پنهان نمی کند.

بنابر اظهارات وی، شتاب مادی گرایی و دستیابی های سهل به وسایل و امکانات ماشینی باعث می شود بعضی از مردم ارزش های زندگانی را در دارندگی های مادی می انگارند و برای جان انسان احترامی قایل نیستند. نمونه بارز همین آمارهای موثق هر ساله مربوط به تصادفات رانندگی کشور است. این پژوهشگر اجتماعی در ادامه همین بحث می گوید: «تعجب بیشتر آنجاست که تصادفات در جاده ها در شرایطی است که هزاران نیروی بازدارنده تخلفات رانندگی در بیست و چهار ساعت هر شبانه روز سعی در کنترل و نظارت و اعمال جریمه های مختلف دارند.

حالا شما فکر کنید اگر نیروهای پلیس نبوده و یا موانع بازدارنده در این زمینه کم باشند اوضاع رانندگی چه در شهر و چه در جاده ها چگونه خواهد بود؟!»

- فرهنگ باوری از مدارس شروع شود

از این دانش آموخته امور اجتماعی می پرسم؛ شما چه پیشنهادی در ارتباط با راهکارهای بازدارندگی و یا حداقل کاهش خشونت های رانندگی و تصادفات دارید؟

در پاسخ می گوید: «کلا در مورد سلامت جامع اجتماعی معتقدم نه تنها در زمینه رانندگی بلکه در تمام رفتارها و خلقیات انسانی- اجتماعی کودکان و مشخصا از مقطع تحصیل ابتدایی باید با فرهنگ باوری تربیت شوند و این موضوع جزو دروس شان باشد. معتقدم آموزه های فرهنگ سالاری و تربیت جامع متاثر از علوم انسانی در هر رشته تحصیلی، شغلی حرفه ای و خلاصه کاربردی باید ملاک تاییدیه مسئولیت های اجتماعی شوند...» به او می گویم حالا که برخی در بزرگسالی مرتکب حوادث زیانبار می شوند و حتی به قول شما چند لحظه حق عابران در عبور از خیابان را درنگ نمی کنند چی؟ می گوید: «به تناسب با اعمال آموزش های فرهنگی و سپس به تناسب چگونگی تعرض به حقوق دیگران، محرومیت های موثر و مدت دار اجتماعی در موردشان اعمال شود به صورت کاری که امسال در تعطیلات نوروزی در خصوص متخلفان در رانندگی اعمال شد: سوراخ کردن گواهینامه و محروم کردن مدت دار از رانندگی از جمله تدابیر طرح امنیت بود که اعلام شد. باید تفهیم کرد امنیت اجتماعی- فردی در هر جا مثل آب و نان لازمه بقای زندگی است.»

ناوگان حمل و نقل مسافری جاده ای با ۵۵هزار اتوبوس، مینی بوس و سواری، ۳۷ درصد از مجموع مسافران جاده ای را جابه جا می کند اما سهمش در وقوع- احتمالی- تصادفات وسایط نقلیه متخلف زیر ۵درصد است که به گفته مدیرکل مسافری سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای، این میزان درصد بایستی به صفر برسد. این ادعا لزوما باید از یک خاستگاه منسجم و دقیق برآمده باشد که یکی از شاخه هایش ارج دادن به انجام

موضوع نظارت و کنترل بر تسلسل مسئولیت های پذیرای ایمن مداری باشد. با توجه به این اظهارنظر ترجیح می دهم از میان صحبت و نظرات وی، نخست بخش چند وجهی نظارت و کنترل را مورد پرداخت و پردازش بر مبنای گفت وگوی مان قرار دهم و سپس وضعیت عملیات شرکت های مسافربری، شروع به کار و آموزش رانندگان، معاینه فنی و شرایط سرویس دهی اتوبوس ها خدمات جاده ای- بهداشتی، نظریابی مسافران مبنی بر عملکرد در طول سفر، ایمنی و نحوه ارایه و رسیدگی احیانا شکایت همسفران راجویا شوم.

● چند وجهی نظارت و کنترل

«مهندس داریوش باقرجوان» پیش از آن که به طور مشخص از پیاپی انواع نظارت ها در چرخش کار و وظایف سازمان و شرکت های حمل و نقل جاده ای بگوید، اظهار می دارد کلا سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای در بخش نظارتی خود در تمامی فرایندهای جابه جایی از لحظه ای که متقاضی سفر بلیت دریافت می کند تا لحظه پیاده شدن مسافر از ناوگان در مقصد، ناظر است لیکن تمامی مسئولیت های در جهت اجرای قوانین، مقررات حمل و نقل و حقوق مسافری برعهده شرکت های حمل و نقل مسافربری می باشد.

● شرایط اشتغال راننده

وی به عنوان بخش نظارت بر فعالیت رانندگان زیرمجموعه ناوگان- که با کلمات عزیز و تلاشگر عرصه جاده ها از آنان یاد می کند- نخست مراحل اشتغال به خدمت آن ها را بر می شمرد که شامل انجام کنترل و نظارت بدو ورود به بخش تقاضای اشتغال با کارت هوشمند رانندگی عمومی جاده ای، معاینات پزشکی و سلامت- در صورت مثبت بودن- منجر به تخصیص کارت سلامت و سپس فراگیری آموزش های قبل از شروع خدمت است. پس از پایان این شرایط، راننده حین سفر با توجه به کنترل های مداوم پلیس در طول مسیر و همچنین کنترل های انجام گرفته توسط شرکت های حمل و نقل، نیز سازمان امور مربوطه را رصد و نظارت می کند.

● ناوگان جاده ای زیر ۵درصد تصادف

ادامه گفته های «مهندس باقرجوان» معطوف به آن می شود که بخش حمل ونقل عمومی جاده ای با وجود قریب به ۳۷ درصد جابه جایی مجموع مسافران جاده ای، تنها کمتر از ۵درصد از وسایط نقلیه متخلف در تصادفات را دارد. بنابراین اگرچه آن درصد هم بایستی به صفر تقلیل داده شود ولی- همین وضعیت- دلیلی محکم بر جابه جایی ایمن وکم خطر از طریق ناوگان عمومی جاده است.

● نظارت قبل از حرکت

نحوه نظارت شرکت های حمل و نقل بر کار رانندگان و ناوگان پیش از حرکت براساس فرایند تعریف شده توسط سازمان بدین قرار است که متصدیان شرکت های موصوف علاوه بر کنترل مدارک رانندگی و سلامت راننده شامل کارت های هوشمند و صحت سلامت و اقدام به کنترل معاینه فنی خودرو صادره توسط راهنمایی و رانندگی ناجا و علاوه آن، با توجه به قطعنامه های سازمان مبنی بر به کارگیری مدیران فنی، سپس شرایط اقدام به تست فنی خودرو شامل تمامی قسمت های مرتبط با ایمنی تردد و خدمات داخل وسیله نقلیه می شود. در صورتی که اتوبوس یا وسیله نقلیه عمومی دارای شرایط تردد درجاده ها باشد، با ارایه برگه معاینه فنی قبل از حرکت، اجازه صدور وضعیت خودروی موردنظر داده می شود. بدیهی است مسئولیت کلیه موارد یاد شده به عهده شرکت حمل و نقل بوده است. در صورت عدم رعایت، سازمان از ابزارهای مدیریتی درجهت اعمال قانونی مطابق با نوع تخلف انجام شده اقدام می کنند...»تابستان پشت دروازه های شهرمان ایستاده است، بسیاری از خانواده ها تدارک مسافرت خود را می بینند. می خواهند به گرما جاخالی بدهند و بزنند به دامن بیکرانگی طبیعت و خنکای جنگل و دشت روح افزا و جان پرور. تابستان فصل گرما و شیوع بیماری ها هم است. کافی است یک لیوان آب، یک ساندویچ، بستنی، یک وعده غذا و خوراکی حتی در اماکن به اصطلاح باکلاس و با قیمت بالا اما غیربهداشتی در تابستان خورده باشیدو... به همین دلیل است که وزارت بهداشت، پیشاپیش هشدار جدی داده است که در تابستان، مواظب خورد و خوراک مان باشیم. ازطرفی هم مسئولان این وزارتخانه کنترل و نظارت بهداشتی را در سراسر کشور تشدید کرده اند.

نیش گرمای تابستانی در آخرین ماه بهار کلافه اش کرده است. اهل خانواده چندروزی است که به مرد خانواده می گویند کولر را روبه راه کند. او سرانجام همت می کند روی بام خانه دریچه کولر را باز می کند. دستی به پوشال می کشد، توده خاک احاطه اش کرده، شیلنگ را می گیرد پوشال را می شوید. از راه پله می گوید کلید کولر را بزنند! موتور حرکت نمی کند. برمی گردد: خاموش کنید. نگاه می کند تسمه پروانه پاره شده است، بدنه کولر را سرجایش می گذارد. می رود توی انباری، بادبزن رومیزی عهد بوق را گردگیری می کند. کلیدش را می زند! بچه ها بروبر پدر را نگاه می کنند. همسرش می خندد: زحمت کشیدی! با این حال فکر فرار از گرمای طاقت فرسایی که هر روز بیشتر از روز قبل می شود زمینه برنامه ریزی برای یک مسافرت چندروزه را در فکر اعضای این خانواده زنده می کند. یکی از بچه ها سفر به شمال کشور و پناه بردن به دریا و جنگل

را پیشنهاد می کند، دیگری زیارت مشهد مقدس را می پسندد و...

با پایان یافتن آخرین ماه از فصل بهار خانواده های ایرانی درصدد برنامه ریزی برای مسافرتی چندروزه هستند تا بتوانند با گریز از ایام کاری و شلوغی شهرها به استراحت و تفریح بپردازند.

برای اطلاع از موقعیت ناوگان مسافری جاده ای با مهندس داریوش باقرجوان، مدیرکل مسافرت سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای گفتگویی انجام داده ایم، این مقام مسئول از نحوه جابجایی مسافران و نظارت ارگان ذیصلاح بر پایانه های مسافربری با سرویس گزارش روز کیهان سخن گفته است.

- جابجایی مسافران در ناوگان های حمل و نقل

«مهندس داریوش باقرجوان» مدیرکل مسافری سازمان راهداری و حمل ونقل جاده ای در ادامه تبیین بخشی از موقعیت ناوگان مسافری جاده ای ازجمله نظارت و کنترل، وظایف شرکت های حمل و نقل، نوسازی، توسعه و خروج اتوبوس های فرسوده از چرخه فعالیت، کمیسیون های رسیدگی به تخلفات و خدمات را مطرح می کند با این مطلع که مهمترین وظایف سازمان فوق ایجاد شبکه های حمل و نقل جاده ای- عمومی ازطریق شرکت های حمل و نقل و- همانطور که در شماره پیش گزارش تشریح شد- نظارت بر چگونگی جابه جایی مسافران توسط شرکت های مذکور است.

به گفته وی، مجموع جابه جایی های مسافران ازطریق ناوگان حمل و نقل در دو بخش درون استانی و بیرون استانی انجام می شود. در بخش درون استانی عمده این جابه جایی ها توسط ناوگان عمومی مینی بوس و بخش بیرون استانی به وسیله ناوگان اتوبوسی صورت می گیرد. در این حال توسعه ناوگان ویژه و خروج ناوگان فرسوده از رده فعالیت محقق شده است. این تحولات باعث شده که در حال حاضر از نظر سطح خدمات و کیفیت جابه جایی وضعیت مطلوبی به ویژه در بخش جابه جایی های برون استانی داشته باشیم، اگرچه فرسوده بودن ناوگان مینی بوس درون استانی عمده مشکل درخصوص ارایه خدمات می باشد، در این ارتباط باتوجه به پیگیری های سازمان، امیدواریم درصورت تخصیص منابع- مالی- مناسب طی یک برنامه چهارساله بخش مینی بوس را نیز به حد شأن و زیبندگی مردم برسانیم. از سوی دیگر طی چند سال اخیر، ناوگان سواری کرایه پلاک عمومی نیز توسعه یافته است، از مختصات این تحول، دسترسی و جابه جایی سریع تر مسافران به این بخش از ناوگان محقق شده است.»

- تسهیلات سفر

همزمان با توسعه و تحولات همه جانبه در موقعیت های کشورمان ازجمله بسط راه ها و فزونی جمعیت طبعاً می باید ناوگان حمل و نقل مسافربری جاده ای از جهات مختلف نیز متحول شود. درحال حاضر ۱۷هزار دستگاه مینی بوس، ۱۴هزار اتوبوس و ۲۴هزار سواری کرایه در قالب مجموعه ناوگان مسافری جاده ای فعالیت خدماتی دارند. در این ارتباط ۱۱۵ هزارنفر راننده و کمک راننده و ۳۵هزار نفر مدیرعامل و عوامل دیگر شرکت های حمل و نقل مسافری تحت پوشش ۲۴۵۰ شرکت و مؤسسه حمل و نقل در جابه جایی مسافران جاده مشغول ارایه خدمات هستند. به گفته «مدیرکل مسافری سازمان راهداری و حمل ونقل جاده ای سرمایه گذاری در بخش حمل و نقل حاکی از آن است که ناوگان حمل و نقل مسافربری جاده ای با برخورداری از استاندارد های روز دنیا و تجهیزات آسایشی و ایمنی بالا در حال خدمت رسانی به مردم است.»

- شتاب از جامعه سنتی به مدرن

با «علی روزبهانی» در یکی از پارک های شرق تهران، گفت وگوی کوتاهی می کنم. او پس از اخذ لیسانس در رشته جامعه شناسی، چندسالی در یک شرکت مشغول به کار است. حالا تصمیم دارد درسش را ادامه دهد.

موضوع گزارش را با وی درمیان می گذارم. کتابی که در حال خواندنش بود را می بندد. اندکی مکث می کند. بعد می گوید:مسئله رانندگی و سفر و... هریک مقوله ای جداگانه است. می توانم پاسخی کلی بدهم و آن این که جامعه ما عموماً هنوز جزو جوامع سنتی می باشد. ازطرف دیگر می دانیم گذر از جامعه سنتی با یک سری ادبیات خاص خود به جامعه غیرسنتی که می رود لباس توسعه و پیشرفت بپوشد، در اوایل ممکن است دچار دوزیستی و یا دوقطبی جامعه شود. به زبان ساده یعنی یک پا در فرهنگ خود دارد و چه بسا آن را رها نمی کند و پای دیگر به طرف مدرنیته دارد. نتیجه: آنچه که ازطریق ابزارهای نوین به دست می آورد را با ملاک های غریبانه به کار می گیرد. مثل رانندگی که مشهود عام است و حوادث را برخی از همان افراد که اشاره شد، به بار می آورند.»

وی در ادامه می گوید: «به زبان دیگر و کلی تر می توان اشاره کرد که جامعه با شتاب بدون تأمل خواسته یا ناخواسته به سمت جامعه مدرن رفته است بدون آن که مدیریت بر وفق شرایط مدرنیزه باشد و بی آن که فرد به عنوان عضوی از جامعه، آداب صحیح بهره مندی از اتومبیل را آموخته

باشد. ماحصل این موضوع آمارهای تکان دهنده حوادث رانندگی است. ما پیش از آن که به فرآورده های ابزارهای جدید ارتباط عمومی مثل موبایل دست پیدا کنیم و یا توانمندی اقتصادی مان به مرحله ای برسد که خیلی سریع می توانیم اتومبیل داشته باشیم، صاحب آن می شویم حال کاری نداریم که پول و هزینه آن برای افرادی که کم نیستند، از زدن مطالعه و غذای کافی و مفید و تفریحات سالم و حتی ترک تحصیل، تأمین می شود. شما ببینید با همین تلفن همراه و یا کامپیوتر و اینترنت انواع بداخلاقی ها ابداع می شود. کلا نظرم این است که شتاب سریع تحولات در لایه های اقتصادی و در مقابل، دور شدن از فرهنگ اصیل سنتی خود و نه درجازدگی و خرافه گری و نه ذوق زدگی از دنیای مدرن همگی وصله ناجوری برای سلامت زندگی ما محسوب می شوند که معتقدم این شیوه درخور ما نیست.»

فرایند جابه جایی مسافران با توجه به آن که تولید خدمات باید از همان لحظه ورودشان: تهیه بلیت و...، به مصرف برسد، دارای ویژگی های خاصی است این شرایط درحالی است که ذاتا تمام فعالیت های انجام یافته در بخش حمل و نقل جاده ای مسافری توسط بخش خصوصی و سرمایه گذاری نیز کلا از طریق همین شرکت ها انجام می پذیرد.

- خدمات رسانی، ویترین مدیریتی

خدمات رسانی جمعی- اجتماعی، ویترین مدیریت فعالیت های یک تشکیلات محسوب می شود. چگونگی سرویس دهی، پاسخگویی و نظم و نظافت در چرخه امور خدمات نقش و تأثیر خاصی در فرایند فعالیت ها دارند؛ رضایت بخشی مخاطبان و یا احتمالا نارضایتمندی قطعا روی موقعیت های حتی اقتصادی مولدهای ذیربط اثرگذار خواهد بود. درخصوص ارایه خدمات جاده ای به مسافران، بنابه اظهار «مهندس باقر جوان» تشکل کمیته های استانی بر خدمات و تمامی خدمات در توقفگاه های جاده ای به صورت دوره ای ناظر بر امور مربوطه هستند و با بازدید و ارزیابی موظف اند که استانداردهای خدمات در بخش سرویس های بهداشتی، غذاخوری و به ویژه محل نمازخانه ها در طول جاده های کشور رعایت شود.

- نظرسنجی مسافران و سامانه انتقاد و پیشنهاد

اتوبوس در مبدا پیش از آن که حرکت کند توسط ناوگان حمل و نقل فرم های نظرسنجی بین مسافران توزیع می شود. این اقدام، نوعی زدن پل ارتباطی بین مسافران و سازمان راهداری حمل و نقل جاده ای است و هدف برآورد دیدگاه مسافران است تا بر آن اساس در جهت بهبود تأمین رضایت آن اقدام شود. در مقصد مسافران فرم های پر شده را به صندوق های کارسازی شده توسط سازمان می اندازند و یا به پرسنل مستقر در ترمینال (پایانه) تحویل می دهند. فرم ها سپس جمع آوری و خوانش می شوند، و بدین شیوه نقطه نظرات هر مسافر آشکار می شود و در صورت ارایه پیشنهاد در جهت بهبود وضعیت مناسب تر، مورد نظر قرار می گیرد. جدای از این روش، سامانه پیام کوتاه، به شماره ۳۰۰۰۱۴۳ آماده دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات مسافران است.

نحوه ارسال نقطه نظرات مسافران به این ترتیب است: مسافر، پیش شماره تلفن شهر مقصد را می گیرد و سپس نظر خود را از طریق شماره مذکور بیان می کنند. «باقر جوان» می گوید: «این مکالمات در اسرع وقت علاوه بر پیگیری های لازم حتی با متقاضیان نیز در صورت لزوم تماس گرفته می شود.»

- کمیسیون های رسیدگی به تخلفات

پس از جمع آوری مجموعه ارایه شکایات و تخلفات مورد اشاره مسافران در جهت بهینه سازی وضعیت خدماتی در جریان جابه جایی مسافران، موارد مزبور در کمیسیون های ماده ۵ و ۱۲- مقررات مصوبه- شرکت های حمل و نقل، بررسی می شود.

- در صورت لزوم-، فراخور میزان تخلف، محکومیت هایی نیز برای شرکت یا شرکت های ذیربط اعمال می شود. اما «مدیرکل مسافری سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای» می گوید: «درحال حاضر مجموعه جابه جایی مسافر در دو بخش جاده ای از وضعیت مطلوبی برخوردار است و اکثریت شرکت های حمل و نقل تمام سرمایه و توان خود را در جهت رضایتمندی مسافران محترم به کار گرفته اند.»

- تشدید نظارت های بهداشتی در زمین ،دریا و هوا

همزمان با شروع فصل تابستان و آغاز فصل مسافرت ها طرح تشدید کنترل و نظارت های بهداشتی بر اماکن مختلف عرضه مواد غذایی؛ پایانه های مسافربری، بوفه و ایستگاه قطارها، کترینگ هواپیمایی، فرودگاه ها، سرویس های بهداشتی، رستوران های بین راهی و حتی بنادر و سایر مکان های تفریحی و توریستی در سراسر کشور از سوی وزارت بهداشت، درمان- و آموزش پزشکی اجرا می شود.

بدین ترتیب به عبارت دیگر می شود گفت سلامتی مردم از زمین و دریا و هوا تحت مراقبت های ویژه فصل تابستان قرار می گیرد.

براساس اعلام روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاون سلامت این وزارتخانه با ارسال نامه ای به دانشگاه های علوم پزشکی سراسر کشور خواسته است که با توجه به فرا رسیدن فصل گرما و به منظور پیشگیری از شیوع بیماری های روده ای، طرح تشدید کنترل

و نظارت بهداشتی بر مراکز تهیه، توزیع و عرضه مواد غذایی و اماکن عمومی را در دستور کار واحدهای بهداشت محیط خود قرار دهند.

بنابر اطلاع دریافت شده، تشدید بازرسی و کنترل بهداشتی کلیه مراکز تهیه، توزیع و عرضه مواد غذایی با اولویت مراکز طبخ و عرضه مواد غذایی از قبیل رستوران ها، اغذیه فروشی ها، پیتزا، بستنی، آب میوه و اماکن پذیرایی بین راهی و تشدید بازرسی و کنترل بهداشتی سرویس های بهداشتی- داخل شهری، پارک ها، اماکن تفریحی و تفریحگاه ها و اماکن زیارتی از نظر آب مصرفی، دفع پساب، نظافت مستمر محل و استفاده از سیستم لوله کشی مایع دستشویی، تشدید بازرسی و کنترل بهداشتی در ترمینال های مسافربری، ایستگاه های قطار، کترینگ های هواپیمایی، فرودگاه ها و بنادر و همچنین وسایط حمل و نقل عمومی به ویژه بوفه قطارها و موارد مشابه درخصوص جلوگیری از عرضه نامناسب مواد غذایی و تشدید بازرسی و کنترل بهداشتی امکان عمومی از نظر سرویس های بهداشتی و وضعیت بهداشت- محیطی اماکن از قبیل هتل ها، متل ها، اماکن متبرکه و اقامتی، مسافری، مسافرپذیرها، مدارس، کمپ ها و استخرهای شنا از جمله مفاد طرح تشدید کنترل و نظارت بهداشتی بر مراکز تهیه، توزیع عرضه مواد غذایی و اماکن عمومی است.

منبع : روزنامه کیهان

http://vista.ir/?view=article&id=369312

vista.ir
Online Classified Service

دلارهای گمشده در ایران

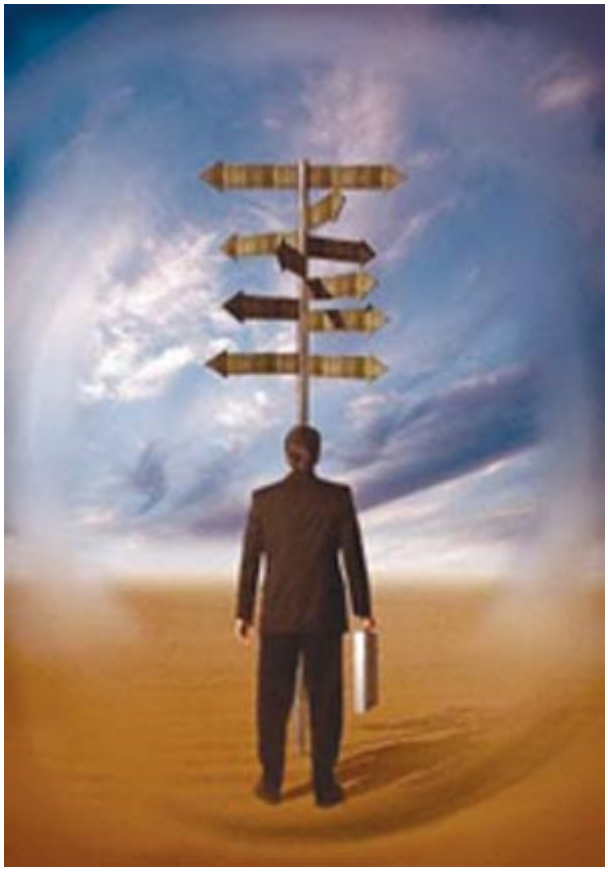

چند وقتی است که در میان اتاق‌های متعدد سازمان گردشگری، بخش کوچکی به جمعی جوان اختصاص یافته تا آنها نیز با تشکیل «کمیته گردشگری علمی» ترسیم‌گر راهی نو به سوی افزایش جذب گردشگر باشند.

از آنجایی که اغلب کمیته‌های این سازمان معمولا در پیشبرد اهداف‌شان دچار مشکل و از طرفی هدف اولیه‌شان گاه به فراموشی سپرده و گاه دستخوش تغییر شده است، گروه جوان عزم خود را جزم کرده تا دچار سرنوشت کمیته‌های مشابه نشوند. از این رو با تعیین هدف پایه‌ای مشخص و برنامه‌های متعدد در راستای آن تلاش می‌کنند تا جاذبه‌های طبیعی ایران را اینبار از دیدی متفاوت بازگو کنند. از نظر این کمیته اگرچه تبلیغات در جهت جذابیت ابنیه‌های تاریخی ایران صحیح و صرفه اقتصادی در پی دارد اما معرفی حیات وحش و زیستگاه‌های متعدد طبیعی نیز همان مبحثی است که بسیاری از گردشگران سرتاسر دنیا تشنه دیدن آن هستند.

- بهشت ما اینجاست

حمیدرضا ریحانیان یکی از کارشناسان کمیته فوق معتقد است که ایران با داشتن ۸ هزار گونه گیاهی، ۱۶۷ گونه پستاندار و ۵۱۷ گونه پرنده پردیس طبیعت‌شناسان جهان است. حال چنانچه در میان همه آنچه وجود دارد،

داشته‌های بکر ایران را بیابیم باقی ماجرا برایمان سهل‌تر خواهد شد.

از نمونه داشته‌های بکر این سرزمین فضایی مناسب به منظور زمستان‌گذرانی پرندگان است. میانکاله در شمال کشور یکی از آن مناطق است که در ماه ژانویه پذیرای هزاران فلامینگو است. آنچه در مقابل این اتفاق همه ساله رخ می‌دهد تنها دعوت کارشناسان هلندی از سوی سازمان محیط زیست است تا سرشماری دقیقی را انجام دهند. حال چنانچه در کشورهای دیگر که دارای شرایط مشابه هستند از کوچك‌ترین اتفاق برای جذب گردشگر استفاده می‌کنند، آنها به چنین پدیده‌هایی «اتفاق تك‌زمانی» می‌گویند و با جمع‌آوری ده‌ها امکانات، محققان، کارشناسان بسیاری را به سوی سرزمین‌شان جذب می‌کنند.

در این میان تنها قشر علمی جامعه مشتاق نخواهد بود بلکه توریست‌های عام نیز حاضرند حداقل به دلیل زیبایی موجود روانه منطقه شوند.با این اوصاف وقتی سطح آب در میانکاله به سرخی می‌زند و فلامینگوها در جنب و جوشند، بسیاری از بروز چنین اتفاقی ناآگاهانه و تا به خودشان بیایند زمان حضور آنها در آب‌های ایران به پایان و وقت مهاجرت فرا رسیده است.

ریحانیان در این زمینه می‌گوید:

«...مکانی مانند میانکاله بهشت پرندگان ایران است و چنین فضاهایی در ایران فراوانند حال چنانچه مناطق چهارگانه طبیعی یعنی مناطق حفاظت شده، پارك ملی، آثار طبیعی و پناهگاه‌های حیات‌وحش را جست‌وجو کنیم به نمونه‌های بارزی می‌رسیم که با کوچك‌ترین تبلیغات هزاران گردشگر از نوع علمی و یا تفریحی را به سوی ایران خواهد کشاند.»

از این رو با گذری کوتاه در منابع طبیعی‌مان و از میان نمونه‌های بکر جانوری می‌توان به یوزپلنگ آسیایی رو به انقراض اشاره کرد که در ۵ زیستگاه ایران، ۷۲ قلاده آن باقی مانده است و این در حالی است که لااقل اکولوژیست‌ها و محققان متعددی سرشان برای تماشای ابهت و قابلیت‌های منحصر به فرد این جانور درد می‌کند!

از میان نمونه‌های متعدد دیگر می‌توان به گوزن بین‌النهرین یا گوزن زرد ایرانی و همین‌طور گوزن طوسی با نام «ملار» اشاره کرد. ریحانیان زیستگاه ملار را پارك ملی گلستان و آن را به عنوان یکی از گاوسانان بزرگ معرفی می‌کند. او می‌گوید: «یکی از جاذبه‌های گردشگری تك‌زمانی پارك گلستان از ۱۵ شهریور تا ۱۵ مهر اتفاق می‌افتد. این فاصله زمان مستی «ملار» است. «ملار» نر در این زمان به دنبال رقیب برای خود می‌گردد و این در حالی است که یکی از محیط‌بانان این پارك قادر است با نواختن آوایی ملار نر را به سوی خود جذب کند.»در واقع این محیط‌بان در شمال کشورمان با استفاده از شاخ حیوان، صدای ملار نر را در فضا پخش می‌کند و او که به دنبال رقیب می‌گردد ظرف ۵ دقیقه از میان شاخ و برگ‌ها قد علم و با نمایش ابهتش همه چشم‌ها را مجذوب خود می‌کند.

نمونه‌های اینچنینی فراوانند و به‌راحتی نمی‌توان از آنها گذشت؛ به عنوان مثال نمی‌توان به خرس قهوه‌ای در پارك ملی سیستان و بلوچستان، لاك‌پشت‌های سر از تخم درآورده کیش و قشم، کروکودیل‌های عظیم‌الجثه رودخانه سرباز و یا تنها گونه پستاندار دریای خزر یعنی فوك دریایی اشاره‌ای نکرد.

فتحی، مسوول گردشگری کمیته علمی درباره جذابیت گونه‌های فوق معتقد است: «بسیاری از ما درباره جاذبه‌های جانوری و گیاهی کشورمان اطلاع دقیقی نداریم و گاهی از شنیدن برخی از نام‌ها شگفت‌زده می‌شویم. به عنوان مثال وقتی می‌شنویم که فوك‌های دریایی در ساحل دریای خزر زندگی می‌کنند باورمان نمی‌شود چرا که به غیر از زباله حاصل از تفریح مردم چیز دیگری در این ساحل ندیده‌ایم!»

به دنبال گفته‌های وی، «هرمز اسدی»، مدیر پروژه بین‌المللی دریای خزر نیز معتقد است که می‌تواند هر توریستی را با تعهد برای تماشای فوك‌های دریای خزر ببرد تا زیستگاه آنها را در حوالی آستارا به نمایش بگذارد.اینك با وجود همه داشته‌ها اگر دیر بجنبیم خیلی زود مابقی دارایی‌های طبیعی‌مان، به نام دیگران ثبت خواهد شد چنانچه قزل‌آلای رنگین‌کمانی یا خال قرمز را در گذشته نه‌چندان دور انگلیسی‌ها کشف کردند و یا گل سوسن چلچراغ را که خاص ایران است دانشمندی آلمانی به نام خود زد. پس ما به واسطه دانسته آنها پی‌بردیم که زمان گلدهی سوسن چلچراغ دو هفته از سال است و یا قزل‌آلای خال قرمز پارك لار در دامنه کوه دماوند زندگی می‌کند و ...در نهایت با همه آنچه دانستیم حالا تنها مسابقه ماهیگیری لار را برگزار و از طرفی فراموش می‌کنیم که سوسن خاص ایران کی به روستای داماش ـ حوالی قزوین ـ می‌آید و کی می‌رود.

- روزهای خوش در راهند

با توجه به شرح جاذبه‌های گفته شده، حال که کمیته ملی گردشگری تشکیل شده و قرار است همه آنچه تاکنون مخفی مانده را به منصه ظهور برساند، اینك باید به فکر فراهم آوردن امکانات بود. به همین منظور باید همه جاذبه‌های تك زمانی و مراکز دیدنی را کنار بگذاریم و به این بیندیشیم

که استقرار و کمپینگ گردشگران در مراکز گفته شده چگونه خواهد بود.

ریحانیان در این رابطه معتقد است: «از آنجایی که در بحث گردشگری علمی مساله آزادی کمرنگ می‌شود می‌توان بیشتر به نتیجه کار امیدوار بود چرا که افرادی که آزادی اجتماعی را دلیل انتخاب تورهایشان می‌دانند، می‌توانند به کشورهای بسیاری سفر کنند اما در این شاخه به نیت دیگری گشت و گذار صورت می‌گیرد.»

با این وجود کمیته مستقر در سازمان گردشگری معتقد است: بعد از تهیه امکانات اولیه و امیدوار بودن به نتیجه آن باید تبلیغات را آن هم به شیوه‌های مدرن پی گرفت تا از قافله داشته‌های طبیعی سایر کشورها عقب نماییم. در میان روش‌های گوناگون تبلیغات بودجه جمع جوان فوق به ساخت فیلم ویدئویی و تیزر نمی‌رسد اما آنها قصد دارند تا با برگزاری «تور کنگره» استادهای دانشگاه به علاوه افراد سرمایه‌گذار داخلی و خارجی را به سوی مناطق مشخص و بکر طبیعی‌مان جلب کنند. از این‌رو قبل از هر چیز با همکاری سازمان میراث فرهنگی کلیه اماکن مربوطه مشخص و قابلیت‌های وابسته به هریك از آنها در نظر گرفته می‌شد.

کمیته گردشگری علمی با همه امکانات اندك، هدف‌های بزرگی را به دوش می‌کشد و قرار است تا پایان سال جاری برنامه‌های مختلفی را نیز پیش ببرد از جمله اینکه انجمن‌هایی را با همین نام در سایر شهرهای ایران و حتی کشورهای همسایه برقرار کنند. در این طرح قرار است مسوول هر انجمن در هر شهر امور مربوط به گردشگری کشوری را نیز برعهده گیرد. به عنوان مثال استان هرمزگان به دلیل نزدیکی با دوبی امور گردشگری امارات را به دوش خواهد گرفت و سبب معرفی، تبلیغ و پیشبرد برنامه‌های آتی خواهد شد.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=265530

vista.ir
Online Classified Service

دلایل مهاجرت سیل آسای مسلمانان

تاریخچه مهاجرت مسلمانان از خاورمیانه به ایالات متحده امریکا به یکصد سال می رسد. در دهه ۱۸۰۰م. مسیحیان لبنانی و سایر اقلیت های دینی از سلطه امپراتوری عثمانی به امریکا پناه بردند. در سال ۱۹۷۰ کمتر از ۲۰۰هزارنفر مهاجر خاورمیانه‌ای در امریکا زندگی می کردند که با ۶۵۰ درصد افزایش این رقم به ۱۵۰ میلیون در سال ۲۰۰۰ رسید. این افزایش از ۱۹۹۰ تاکنون ۸۰ درصد رشد داشته است (۱، ص۳).

در سال ۱۹۷۰ حدود ۱۵ درصد ازمهاجران خاورمیانه به امریکا مسلمان بودند (۲۹۰ هزارنفر) و سایر افراد ،عمدتا مسیحی‌های لبنانی یا اقلیت‌های دیگر بودند. در سال ۲۰۰۰ حدود ۷۳ درصد (۱,۱۰۰میلیون نفر) ازمهاجران خاورمیانه به امریکا مسلمان بودند! حتی پس از ۱۱سپتامبر نیز از میزان علاقمندی برای ورود به امریکا کاسته نشد. بطوریکه ۱,۵ میلیون نفرفرم تقاضای کارت سبز از خاورمیانه واصل شده است. در حالیکه کل سهم کارت سبز امریکا برای کل دنیا ۵۰ هزار نسخه می باشد!مهاجران خاورمیانه یکی از تحصیل‌کرده‌ترین گروه‌های مهاجران در امریکا هستند. در سال ۲۰۰۰ حدود

۴۹ درصد مهاجران خاورمیانه حداقل دارای مدرک لیسانس بوده‌اند که در مقایسه با نرخ ۲۸ درصدی لیسانسیه‌ها دربین بومیان امریکا ،نسبت قابل توجهی است.این ارقام در جای خود بیانگر میزان کمی و کیفی خسارت‌های انسانی، مالی، فرهنگی و توسعه‌ای است که ارمغان خروج متخصصان است. از سوی دیگر۵۵ درصد مهاجران خاورمیانه‌ای در امریکا شهرنشین بوده‌اند که در مقایسه با نسبت ۳۸ درصدی امریکایی‌های بومی،گویای تضاد بیشتر طبقات نوین و متوسط شهری با اسلام گرایی افراطی می باشد.از بین کشورهای با بیشترین آمار مهاجرت از خاورمیانه به امریکا، ۵ کشور عربی زبان نیستند:

۱) ایران

۲) پاکستان

۳) اسراییل

۴) بنگلادش

۵) ترکیه

با وجودیکه ۴۰ درصد مهاجران خاورمیانه را اعراب تشکیل می دهند ولی هیچ کشور عربی زبانی، به اندازه ایران، پاکستان و اسراییل به ایالات متحده مهاجر نمی فرستند! (۱، ص۷). با وجود میلیون‌ها مسلمان در امریکای شمالی و اروپای غربی، دیگر دسته بندی دوگانه اسلام و غرب کمتر به چشم می خورد. امروزه تعداد مسلمانان مقیم امریکا حدود ۳ میلیون نفر است" دو سوم تا سه چهارم مهاجران در امریکا و یک درصد کل جمعیت امریکا". بزرگترین حجم مهاجران از سه منطقه اصلی وارد امریکا میشوند:

- آسیای جنوبی
- ایران و کشورهای عربی زبان
- آسیای جنوبی شامل بنگلا دش،هند و پاکستان

ایران با ۳۰۰ هزار نفر(که البته رقم غیر رسمی نزدیک به چهار برابر بزرگتر است) و ممالک عربی با ۶۰۰ هزار نفر. مسلمانان شیعه حدود ده درصد کل مسلمانان مهاجر را تشکیل می دهند .عمده دلایل مهاجرت سیل آسای مسلمانان در دو دهه اخیر به خارج از خاورمیانه و بویژه امریکا عبارتند از:

۱) تبعید و فرار ناشی از سلطه حکومت های دیکتاتوری، ظلم ، فقر، خشونت و جنگ که سالهای متمادی است علیرغم شعارهای معنوی گریبانگیر ممالک اسلامی بوده و هست

۲) شکاف‌های قومی و قبیله‌ای در ممالک اسلامی مثل نبرد نیروهای صدام حسین علیه کردها در ۱۹۹۱،۱۹۸۹ و ۱۹۹۶.

۳) اسلام‌گرایی افراطی با تسلط فرقه احمدی‌ها در پاکستان، انقلاب اسلامی ایران، ظهور طالبانی‌ها در افغانستان، و تشعشعات اسلامی امثال بن لادن!

۴) اسلام ستیزی برخی دول علیه مسلمانان الجزایر، مصر، لبنان و هند.

۵) شکاف‌های مذهبی همچون نزاع مسلمانان و هندوها در کشمیر و هند، و تندروهای فلسطینی و لبنانی با صهیونیست‌ها در اسراییل.

۶) جنگ‌های شهری مثل سودان، پاکستان در ۱۹۷۱، لبنان در ۱۹۷۵ و۹۰، سومالی در ۱۹۹۰ .

۷) جنگ‌های برون مرزی مانند حملات اسراییل به مسلمانان، شوروی سابق به افغانستان، عراق به ایران، عراق به کویت و تهاجم امریکا به افغانستان و عراق.

۸) فقدان آزادی اندیشه، بیان و انتشار آن و سرکوب آزادی‌های اجتماعی، قومی، مذهبی و سیاسی بویژه اجبار حجاب برای زنان و نسل وابسته به طبقه متوسط شهری.

۹) وجود فرصت مناسب تحصیلی در دانشگاه‌های امریکابویژه برای زنان بطوریکه در دهه ۹۰دانشگاه‌های امریکا بیش از نیم میلیون نفر دانشجوی مهاجر پذیرفته‌اند.

۱۰) جاه طلبی اسلامی و فعالیت مسلمانان برای تغییر شرایط سیاسی کشور خود در فضای آزاد و ارتباطات بهتر امریکا. در سالهای اخیر قریب یک سوم مسلمانان مهاجر در امریکا به دلایل فرهنگی و اخلاقی، مذهبی‌تر شده‌اند! (۲، ص۱۳).

۱۱) مسلمانان مهاجر در سالهای اخیر از تحصیلات بالاتری برخوردار شده‌اند. در ۱۹۹۹ حدود ۵۲ درصد مسلمانان مهاجر درامریکا دارای یک مدرک تحصیلی بوده‌اند. در سال ۱۹۸۰ بیش از ۵۴ درصد ایرانیان مهاجر در سنین ۲۵ـ۶۴ ساله از طریق دانشگاه رفته و ۶۳ درصد دارای مدرک لیسانس بوده‌اند (۳، ص۱۳۹).

بنظر میرسد با توجه با ا ین شواهد می توان نقل قول آن نویسنده عرب زبان را به شهادت گرفت که می‌گفت «در ممالک اسلامی انسان مرده است و فقط خدا زنده است!».

منبع : جامعه‌شناسی ایران

http://vista.ir/?view=article&id=291945

vista.ir
Online Classified Service

دماوند، نماد طبیعت ایران

دماوند، برجسته‌ترین پدیده‌ی طبیعی ایران، نماد این سرزمین، خاستگاه اسطوره‌ها و داستان‌های دلکش ایرانی، و کوهی است با تاریخ سرشار از صعودهای دیرین.

از نظر طبیعی، دماوند زیست بوم بی‌نظیری است در ایران که به دلیل اختلاف ارتفاع چشم‌گیر و دارا بودن دره‌ها و دامنه‌های پرشمار، گونه‌های گیاهی و جانوری متنوعی را در خود جا داده است. این کوه و محدوده‌ی آن، شاید آخرین پناهگاه بسیاری از گونه‌ها باشدکه با از میان رفتن طبیعت دشت‌ها و آسیب دیدن بسیاری از کوه‌های پست‌تر، فقط در آنجا باقی مانده‌اند. در دماوند، پدیده‌های طبیعی چندی وجود دارد که هر یک در نوع خود کم نظیر، و دارای ارزش ذاتی و تفرجی بسیار است: در این کوه، چند یخچال طبیعی دایمی که پدیده‌ی بسیار کم‌نظیری در ایران است، به چشم می‌خورد؛ در میان آنها «یخار» با دیواره و برج‌های یخ بلور، وحشی‌ترین و مرتفع‌ترین دره‌ی یخچالی ایران است. پدیده‌ی دیگر، حفره‌های متعددی است که گاز و بخار با فشار زیاد از آنها بیرون می‌زند، و اینها در کنار توده‌های گوگرد، دماوند را به صورت یک آتش‌فشان کمی فعال درآورده‌اند. چشمه‌های آب گرم و آب معدنی در کوه‌پایه‌های دماوند، وجود دهانه‌ای بزرگ با حوضچه‌ی یخی در میان آن، شکل مخروطی پرشیب و خوش تراش که در بسیاری مواقع، ابرهایی به شکل‌های شگفت‌انگیز در نوک آن به چشم می‌خورد، از دیگر ویژگی‌های این تک کوه سرافراز است.

در اطراف دماوند، محیطهای کوهستانی چندی وجود دارد که هر یک دارای ویژگی‌های منحصر به فرد هستند: دشت لار (پارک ملی)، دشت پرگل و گیاه نمارستاق، دره‌ی پرپیچ و خم سه سنگ با آبی بلورین و آبگیرهای خیال‌انگیز در دره‌های فرعی، گردنه‌ی بسیار عظیم سرداغ، ستیغ هفت سران با پرتگاه‌های پرهیبت، رودخانه‌ی پر آب هراز، ستیغ طولانی دو برار و .... این محیطها، زیستگاه جانورانی مانند خرس، گراز، گرگ، روباه، پلنگ، کل و بز، قوچ و میش، عقاب طلایی، کبک، انواع مار، ماهی قزل‌آلا، و بسیاری گونه‌های کمیاب دیگر است.

ظاهر چشم نواز دماوند با کلاهک و رگه‌های برفی پرکشش، تجسم واقعی آن چیزی است که از واژه‌ی «کوه» به نظر می‌آید. به دلیل شکل خیال‌انگیزو به دلیل آن که چکاد دماوند بلندترین نقطه‌ی ایران و مشرف بر تمامی این سرزمین است، ارزش نمادین آن در ردیف پرچم کشور است، با این تفاوت که میراثی میلیون‌ها ساله است و در صورت تخریب چهره‌ی طبیعی آن، نمی‌توان آن را بازسازی کرد.

از نظر نفوذ در اسطوره‌ها و داستان‌های ایرانی، دماوند مقام نخست را در ادبیات فارسی دارد و ماجرای تعدادی از شاهکارهای اسطوره‌ای جهان در ارتباط با این کوه شکل گرفته است. از نظر جایگاه در کوه‌نوردی، شاید در میان کوه‌های بلند جهان، دماوند بیشترین پیشینه‌ی تاریخی را داشته باشد، و قطعاً می‌توان گفت که جایگاهی برجسته در میان کوه‌هایی که از دیرباز مورد توجه جغرافی‌دانان، جهان‌گردان، ماجراجویان و کوه‌نوردان بوده است، دارد (۱).

چرای مفرط؛ هیچ تناسبی میان ظرفیت تولید مراتع و تعداد بی‌شمار دام‌ها وجود ندارد. حتی در محدوده‌ی «پارک ملی» لار، هنوز سازمان حفاظت محیط زیست نتوانسته از ورود دام‌ها جلوگیری کند که یک علت آن، وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری و اعمال نفوذ در این گونه قضایا است. به جز اثر فرسایشی روی خاک، یک تاثیر مخرب دیگر حضور گله‌های بزرگ در منطقه، این است که سگ‌های پرشمار گله، در تمام شبانه‌روز از نزدیک شدن جانوران وحشی به چشمه‌ها و دیگر آبشخورها جلوگیری می‌کنند و در این مورد پیوسته رقابتی نابرابر در جریان است. نتیجه‌ی این امر (در کنار تاثیر حضور شکارچیان) رانده شدن جانوران به بلندترین نقطه‌های کوهستان (مکان‌های نامناسب برای زیست) است. دیده شده که بزهای کوهی روی یخچال خطرناک سیوله، و گرازها روی یال‌های بی‌آب ارتفاع ۴۰۰۰ متر سرگردان‌اند.

امروزه، دماوند – همچون بسیاری از دیگر محیطهای کوهستانی کشور – با چند عامل تهدید می‌شود:

چرای بیش از حد، با از میان بردن پوشش گیاهی، موجب فرسایش خاک می‌شود. با توجه به این که عمق مفید خاک در دماوند بسیار ناچیز است و لایه‌های زیرین آن به طور عمده از خاکستر و سنگ‌های آتش‌نشانی تشکیل شده، آسیب‌پذیری آن بسیار زیاد است. در ۱۵-۱۰ سال گذشته بارها دیده شده که بارش باران یا ذوب برف‌ها در بهار موجب روان شدن سیل یا «بهمن»های پردامنه از گل و لای شده و موجب گل آلود شدن رودخانه‌ها و حتی سد شدن مسیر رود هراز شده است. فرسایش خاک اثر تشدیدکننده‌ای بر رانش و لغزش زمین در منطقه‌ی پرزمین لرزه‌ی دماوند دارد. این چند عامل سبب می‌شوند که:

۱) ارزش مرتعی دامنه‌های دماوند به سرعت و تا حد جبران‌ناپذیر کاهش یابد.

۲) زادآوری طبیعی ماهیان در رودخانه‌ها مختل، و حوضچه‌های پرورش ماهی دچار آسیب‌های پی در پی شود.

۳) جاده‌های منطقه بر اثر زمین لغزه و ریزش سنگ و خاک، تخریب و بدل به راه‌های پرخطر شود.

ساخت و ساز، معدن کاوی؛ جاده‌های غیرضروری و بسیار بدساخت که موجب رانش دامنه‌ها، قطعه قطعه شدن زیستگاه‌ها، بد منظر شدن محیط طبیعی، و ساده‌سازی دسترسی به مراتع و شکارگاه‌ها می‌شود، بی‌هیچ ضابطه‌ای در یکی دو دهه‌ی گذشته، گسترش یافته‌اند. نمونه‌ی بارز آن، جاده‌ای است که از دامنه‌های جنوبی دماوند تا چال چال، چاک اسکندر و گردنه‌ی سرداغ (ارتفاع نزدیک به ۴۰۰۰ متر) و از آنجا به سوی شمال کوه می‌رود. این جاده که بدون هماهنگی با سازمان حفاظت محیط زیست و حتی وزارت راه ساخته شده، غیرضروری و مضر به حال منطقه است، و آرامش با شکوه گردنه‌ی سرداغ را خدشه‌دار کرده است.

خانه‌سازی بی‌ضابطه و تصرف منابع طبیعی برای استفاده‌ی غیرقانونی و شخصی به میزان بس گسترده در روستاهای منطقه در جریان است که متاسفانه در چند سال اخیر شدتی باور نکردنی یافته است.

معدن کاوی در دماوند، از دیگر عوامل مخرب منطقه است؛ برداشت ماده‌ی کم ارزشی مانند پوکه از معدن‌های روباز قرقه و ملار، هیچ تناسبی با این محیط پرارزش و کم‌نظیر ندارد، و چهره‌ی دماوند را لکه‌دار کرده است.

آلودگی؛ در بیشتر روستاهای اطراف دماوند و در سیاه چادرهای دامداران، زباله‌های خانگی در کوه و دره رها می‌شوند. این پسماندها به علت وجود انبوه مواد تجزیه نشدنی که مصرف آنها در سال‌های اخیر شدت یافته، چشم‌انداز منطقه را خراب کرده و موجب آسیب دیدن حیات طبیعی شده است. چند نقطه از جاده‌ی پلور به رینه، به زباله‌زارهایی بدل شده که گویا محل تخلیه‌ی زباله‌های چندین روستا و شهرک منطقه و حتی مناطقی از شمال است. جالب توجه این که این جاده، مهم‌ترین و پر رفت و آمدترین راه دسترسی به کوه دماوند است که هر ساله پذیرای انبوه طبیعت دوستان و کوه‌نوردان ایرانی و خارجی است.

تمامی مناطق اطراف دماوند، دارای آثار و محوطه‌های تاریخی است. ژاک دومرگان، باستان‌شناس معروف فرانسوی که در ایران بسیار کار کرده، در سال ۱۳۱۰ پیشنهاد ثبت شهر دماوند را در فهرست آثار ملی داد که مورد قبول دولت وقت قرار گرفت و شهر به شماره‌ی ۵۶ در این فهرست به

ثبت رسید (۲). گو آن که متاسفانه آثار تاریخی و طبیعی این شهر و مناطق اطراف کوه دماوند – به ویژه در دو دهه‌ی اخیر- سخت مورد تجاوز و تخریب و سودجویی‌های غیرقانونی قرار گرفته، اما هنوز می‌توان در جای جای این ناحیه، مسجدها، بقعه‌ها، برج‌ها، قلعه‌ها، حمام‌ها، کاروانسراها، پل‌ها، و حتی راه‌هایی را دید که ارزش کم مانندی دارند. در مورد راه‌های تاریخی، یک مورد جالب توجه قابل ذکر است: در سمت غرب روخانه‌ی لار، نزدیک آبشار باشکوه و بهشتی «اسپی او» (به معنای آب سفید) یک منزلگاه (کاروانسرای کوچک) سنگی وجود دارد که تا حد زیادی سالم مانده است و با کمی تعمیر و استحکام‌سازی می‌تواند احیا شود. با حرکت از این نقطه به سوی گردنه‌ی کبود و قله‌ی چپکرو، در بسیاری نقاط آثار مشخص جاده‌ای قدیمی به وضوح به چشم می‌خورد. ترکیب هم‌ساز آثار تاریخی و زیبایی‌های طبیعی، پیاده‌روی در این منطقه را به تجربه‌ای به یادماندنی بدل می‌سازد.

در نقاط معدودی از جهان می‌توان آثار تاریخی صدساله و حیات وحش را در کنار هم دید. با جلوگیری از تجاوز به میراث‌های طبیعی و فرهنگی، و با ترمیم آنها می‌توان محدوده‌ی دماوند را به یک جاذبه جهانی بدل ساخت که برای کشور اعتبار فراهم آورد، و پشتوانه‌ی اقتصاد ما هم باشد. ارزش‌های این محدوده به اندازه‌ای است که شاید بتوان آن را به کمک یونسکو در فهرست «میراث جهانی» ثبت کرد. در این راه، گرچه دولت باید با اجرای قانون و بستن راه تخطی از آن، و اختصاص بودجه کمک کند، اما لازم است عموم مردم، و سازمان‌های مردمی (غیردولتی) هم با اصلاح نگاه خود، و جایگزین ساختن آینده‌نگری به جای سودجویی‌های کوتاه مدت، رفتاری شایسته‌ی توجه جهانی در پیش گیرند.

در سال ۱۳۸۱ (به مناسبت سال جهانی کوه‌ها ۲۰۰۲) در بیست و یکمین جلسه شورای عالی محیط زیست، قله‌ی دماوند (و قله‌های سبلان، علم کوه، تفتان) به عنوان «اثر طبیعی ملی» ثبت شد. محدوده‌ی تعیین شده برای دماوند از حدود ۴۵۰۰ متر به بالا است که منطقه‌ی کوچکی را دربرمی‌گیرد؛ درواقع از نظر حیات وحش، از این ارتفاع به بالا تقریباً چیزی وجود ندارد. بهتر است این محدوده گسترش یابد و منطقه‌ی دماوند به عنوان «پارک ملی» به ثبت رسد.

▪ پیشنهاد:

۱) راه خاکی و بی‌فایده‌ی رینه به گوسفند سرای جنوبی، و راه چال چال – گردنه‌ی غربی به طور کلی به روی خودروها بسته شود و در مورد ترمیم رانش‌هایی که به دلیل ساختن این راه‌ها پدیده آمده، فکری شود. برای گردش‌گری ممکن است از اسب و درشکه استفاده شود که خود موجب ایجاد کار و درآمد در منطقه خواهد بود و با محیط زیست سازگاری بیشتری دارد. کار دام دارانی هم که با استفاده از این راه‌ها، دام‌های خود را به دامنه‌های بلند منطقه می‌رسانند برای مراتع پر زیان است. هزینه‌ی نگهداری جاده‌های یاد شده، زیان‌های فرسایش خاک و دیگر آسیب‌های ناشی از آنها به طبیعت، قطعاً از سودی که حاصل پرورش دام به روش چند هزار سال پیش است، بیشتر است. در صورتی که حفظ و تقویت جاذبه‌های طبیعی دماوند، می‌تواند در روند «توسعه‌ی پایدار» به کسب درآمد پیوسته برای اهالی (و از جمله دامداران منطقه) کمک کند.

۲) برای آن که رفت و آمد زیاد کوه‌نوردان موجب فرسایش شدید نشود، می‌توان دست کم در مسیر پرتردد جنوبی، راه پاکوب کنونی را با سنگ‌چین کردن کناره‌ها، به مسیری ثابت و کاملاً مشخص بدل کرد، و از همه‌ی کوه‌نوردان خواست تا فقط در امتداد مسیر حرکت کنند. فدراسیون کوه‌نوردی می‌تواند با یاری گرفتن از کوه‌نوردان و صرف بخشی از هزینه‌ی ساخت یک پناهگاه، چنین کاری را به انجام رساند.

۳) از هرگونه ساخت و ساز جدید در محدوده‌ی ارتفاعی ۲۰۰۰ متر به بالا جلوگیری شود. به تازگی خبر رسیده که سازمان میراث فرهنگی و گردش‌گری با مشارکت ژاپنی‌ها، قصد ساخت خط بالابر (تله کابین) و هتل در دماوند را دارد (۳). ایجاد خط بالابر، قطعاً با راه‌سازی گسترده و تخریبِ باز هم بیشتر دامنه‌ها به انجام خواهد رسید، و پس از ساخت موجب وارد شدن جمعیت فراتر از ظرفیت منطقه و تولید زباله و فاضلاب بیش از حد خواهد شد. «نماد طبیعت ایران» نباید بیش از این چهره‌ی طبیعی خود را از دست بدهد؛ سازمان میراث فرهنگی و گردش‌گری می‌توان به جای کشاندن دامنه‌ی ساخت و ساز به عرصه‌های طبیعی باقی‌مانده و بلندی‌های دماوند، بر حفظ و احیای بافت تاریخی روستاهای منطقه و معرفی جاذبه‌های طبیعی آن همت گمارد. کمک به ساخت هتل و مهمان سراهای استاندارد در محدوده‌ی روستاها (و نه با استفاده از زمین‌هایی که منابع طبیعی هستند)، سامان‌دهی آب گرم‌های منطقه و کمک به اهالی برای بهداشتی و تشکیل تر کردن حمام‌ها و تاسیس مرکزهای آب درمانی، مرمت و احیای حمام‌های تاریخی (مانند حمام «شاه عباسی» روستای آبگرم)، و کمک در پاک‌سازی گذرگاه های روستاها که آکنده از زباله است، از دیگر کارهایی است که سازمان میراث فرهنگی و گردش‌گری می‌تواند انجام دهد و تاثیری به مراتب بیشتر و بهتر در جلب گردش‌گران و افزایش درآمد اهالی منطقه خواهد داشت.

۴) یک روز از سال برای معرفی ارزش‌های کوه دماوند و منطقه‌های دور و بر آن، به عنوان روز ملی دماوند نام‌گذاری شود. پیشنهاد ما روز سیزدهم تیرماه است که مصادف با جشن تیرگان و مطابق اسطوره‌های کهن ایرانی، روز پرتاب تیر آرش، پهلوان ایرانی، برای تعیین مرزهای ایران زمین

است.

همان گونه که ناصر پازوکی در کتاب آثار تاریخی دماوند گفته، «قله‌ی دماوند می‌تواند نماد ملیت و وفاق ایرانیان باشد.»

منبع : کلوب

http://vista.ir/?view=article&id=318147

vista.ir
Online Classified Service

دوان؛ نمادی از تمدن ایران باستان

دوان از کهن ترین دهکده های ایران بوده که در جنوب غرب استان فارس واقع و به وسیله رشته کوه های البرز احاطه شده است. همچنین ادعا شده که محلی به نام دوان در حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به وجود آمده است و مدارکی دال بر این که تاریخ آن عهد به هخامنشیان باز می گردد، وجود دارد و در آنجا آتشکده ای هم هست. در طول تاریخ این سرزمین، مردم ابتدا پیرو آیین زردشت بودند و در قرن هفتم میلادی، دوانی ها نیز مسلمان شدند.

با این که دوان در استان فارس و در حدود ۱۵کیلومتری شمال شرق شهرستان کازرون واقع شده و بخشی از آن به شمار می آید و از یک سو به دانشگاه می خورد و از سوی دیگر به تنگه چوگان؛اما بسیاری از اهالی استان از تاریخچه دقیق و مشخصات آن آگاهی چندانی ندارند و حتی منابعی هم در این باره در کتابخانه ها به ندرت دیده می شود و در نقشه های موجود نیز روستایی با این نام نیامده است. به همین خاطر، هر کس که می خواهد درباره این مکان بیشتر بداند، باید به اداره میراث فرهنگی شهرستان کازرون رفته و با همکاری آنان از این روستا دیدن کرده و آنچه مورد نظرش هست، بیابد.

این منطقه دارای ۱۳ طایفه بوده که همگی سال ها با صلح و صفا در کنار هم زندگی می کردند و در عین حال، هر یک دارای زمین کشاورزی بوده و اختلافی میان آنان وجود نداشت. این طوایف همچنین دارای گورستان ویژه خود بوده و این به خاطر تمایل هر طایفه برای در یک جا به خاک سپرده شدن با سایر اعضای خانواده بوده است.

دوان یا به گویش محلی دوون، از زمان اردوان شاه وجود داشته که البته تا زمان جمشید جم اهالی آن متفرق بودند و پس از آن، به درخواست جمشید دور هم جمع می شوند و با هم زندگی می کنند تا اگر خدای ناخواسته دچار مشکلی شدند، با هم همکاری کنند. برای همین، ابتدا بخشی به نام دشتک دوان وجود داشت که مردم در آن زندگی می کردند و کم کم به محل دیگری منتقل شدند. در حال حاضر، مکانی به نام مرآفتاب بازار وجود دارد که بازار بین المللی بوده و در قدیم، از بوشهر تا اسپانیا رفت و آمد از این منطقه صورت می گرفت. در زمان پیش از پادشاهی شاپور حدود ۷۰۰ آب انبار داشت که تا امروز نیز وجود دارد و از این رو بعدها که پست روی کار می آید، مأموران پست بوشهر تا اصفهان کلاً دوانی ها بودند.

اقتصاد دوان همواره بر پایه کشاورزی و الگوهای متداول تولید اقتصادی سیستم فئودالی بوده است و این سیستم برای نخستین بار در ایران در آغاز قرن بیستم منسوخ شد و در نتیجه دوانی ها کشاورزان مستقلی شدند و تولیدات عمده آنها بعضاً انجیر، انگور و حبوبات بوده است. از سویی قرار گرفتن دوان در یک منطقه سردسیر و گرمسیر سبب ایجاد یکسری دگرگونی ها و ویژگی هایی شده که بر شکل زندگی دوانی ها تأثیر

گذاشته است و از طرف دیگر، تنوع خاک ها سبب شده که کشاورزی روستا از تنوع خوبی هم برخوردار باشد. روستای دوان دارای باغ های انجیر بوده که در نوع خود بی نظیر است و باغ های انگور که شیره انگور آنها به کشورهای اطراف از جمله بحرین و کویت فرستاده می شد.

در دوان این طور رسم بوده که زنان و دختران از زمین های زراعتی سهمی نبرند؛چون به سبب ازدواج کردن آنان با اقوام دیگر، زمین به آن قوم می رسید که این به سود طایفه دختر نبود. اگر چه این مسأله نه دستور شرع است و نه دستور قانون؛اما همواره یک عرف محلی بوده است.

- موقعیت جغرافیایی و آب و هوای دوان

قریه دوان از غرب به شرق از سوی سرزمین هایی مانند نودان، طاره داعون و در میان تنگه چوگان محصور و در کناره غربی آن از شمال تا جنوب از سوی این سرزمین ها احاطه شده است:از جنوب تنگه چوگان، حاجی آباد، سلطان آباد، امیر آباد و شهرستان کازرون. در کناره جنوبی آن از شرق به غرب محصور شده و به وسیله سرزمین هایی از شهرستان کازرون تا دیانک و از شمال به جنوب با مناطقی همچون پاپون، موردک و دیانک محصور است.

رشته کوه های زاگرس از شمال غربی ایران به جنوب شرقی کشیده شده و دنباله آن در فارس تشکیل کوه های دنباله داری را داده است. دوان در میان کوه های شمالی جلگه کازرون که از چند رشته تشکیل شده قرار دارد و منطقه دوان دارای وضع خاص جغرافیایی و تنوع آب و هوایی است. به طوری که در دشت دوان، زمستان دمای هوا به صفر درجه نیز می رسد و تابستان این نقطه گرم و خشک است. می توان گفت که بهترین منطقه از نظر آب و هوا روستای دوان است. برای نمونه، در یک سو دارای ده ها چشمه آبی است که در قدیم از آنها استفاده می شد و از یک سو هم به تنگه چوگان می رسد.

در تقسیم بندی آب و هوایی، دوان را می توان از سرزمین های نواحی گرم و خشک به حساب آورد و در طول زمستان دمای هوا ممکن است به زیر صفر برسد و در طول تابستان، دمای هوا تا ۴۵درجه هم بالا می رود. به سبب هوای خشک دوان، میزان رطوبت هوا در این محدوده طی ۴ دوره از ۲۰ تا ۲۵درصد متغیر است و به همین خاطر، بارندگی سالانه بسیار کمی دارد. اگر چه بارندگی های شدید زمستان ۸۶ بر بسیاری از بخش های استان فارس تأثیر گذاشته و هوای آن را بسیار خنک کرده است اما اگر هفته سوم بهمن ماه سری به دوان می زدید، به تن داشتن لباس گرم اندکی آزار دهنده بود. پوشش گیاهی منطقه دوان غنی و نسبت به سایر مناطق نزدیک زاگرس متنوع تر است که این پوشش گیاهی سبب ایجاد شغل های متنوع در میان مردم شده است.

دوانی ها بر این باورند که اگر باد ابرها را به سمت غرب هدایت کند، آن ابرها بارانی خواهند شد و در طول سال، چهار نوع باد گوناگون به دوان می وزد که دوانی ها به هر یک نامی داده اند:

۱) راشنه که در طول زمستان از کوه های شمال شرقی می وزد و دوانی ها بر این باورند که اگر این باد بوزد، نشانه آن است که زمستانی پربارش در راه است.

۲) پوک که در آغاز زمستان از سمت شمال وزیدن می گیرد، درختان را شکسته و به میوه هایشان آسیب می رساند.

۳) پاییز که در فصل پاییز می وزد و به همین سبب برگ همه درختان می ریزد.

۴) گل که در فصل بهار می وزد.

- حیات وحش دوان

حیوانات بسیاری در دوان زندگی می کنند که آن را به یک پارک طبیعی تبدیل کرده اند و از جمله پرندگانی از خانواده های شاهین، قرقاول، جغد، بال لاکی، دارکوب، توکا و حشراتی همچون سوسک جنیان، زنبور خور معمولی و حشره ای که در گویش دوانی باتک گفته می شود. در اینجا بیشتر موجوداتی که در دوان زیست می کنند، به ترتیب زیر طبقه بندی شده اند:

- گروه اول شامل پلنگ، کفتار، خرس سفید، خرس قهوه ای، یوزپلنگ، گرگ و گراز
- گروه دوم شامل خارپشت و جوجه تیغی
- گروه سوم شامل روباه، گورکن، سمور و خرگوش
- گروه چهارم شامل گربه اهلی و موش خرما
- گروه پنجم شامل نوع دیگری از موش خرما، موش سیاه و موش خانگی
- گروه ششم شامل رتیل، عقرب های زرد و سیاه
- گروه هفتم شامل آهو، بز کوهی، میش و قوچ

● تاریخچه و قدمت دوان

در گذشته دسترسی به روستای دوان به سبب نبود راه های ارتباطی به سختی صورت می گرفت. هرچند از طریق ساخت یک جاده قدیمی در بخش شمالی شهر کازرون، ارتباط با روستا میسربود؛اما به خاطر خراب بودن جاده، فعالیت های مربوط به روستا به کندی انجام می شد. درباره قدمت دوان، گفته شده که در حوالی روستای دوان قلعه ای به نام سربوم وجود دارد و می گویند قیصر روم، شاپور را داخل آن در پوست گاو زندانی و اسیر می کند تا وی را بیشتر زجر دهد. تا این که دختری از خانواده شاه، هنگام شنیدن ناله شاپور به سراغش آمده و از او قول می گیرد که در صورت آزادی، وی را بانوی عالم کند. بدین وسیله شاپور نجات یافته و شب هنگام با خورجین و سایر لوازم به دوان می آیند. این داستان افسانه مانند می تواند گواهی باشد بر این که قدمت قریه ای به نام دوان، به زمان شاپور می رسد. این قلعه تنها قلعه ای بوده که هرگز به طور کامل به تصرف دشمن درنیامده است و به آن قلعه دختر می گویند و شاپور اندکی پس از رهایی لشکر جمع کرده و قیصر روم را اسیر می کند.

بخش شمالی شهر کازرون سلسله جبال و کوه هایی قرار دارد که در دامنه آنها یک قوم قدیمی زندگی می کرده و یکسری روستاها و اماکن تاریخی از خود به یادگار گذاشته اند این منطقه به عنوان یک خاستگاه مهم برای اندیشمندان و عالمان دینی به شمار می آید.

متأسفانه در طول سال های گذشته سیاست سازمان میراث فرهنگی در گزینشی عمل کردن و حفظ تک بناهای تاریخی به ضرر روستاها و بافت های تاریخی شهرها که بیان کننده هویت فرهنگی منطقه بوده اند، شده است که نتیجه ان را در تخریب بافت های ارزشمندی شبیه به روستای دوان شاهدیم.

در حال حاضر وضع این روستا و به تبع آن بافت های فرهنگی-تاریخی شهرها به گونه ای شده که بسیاری از فرهنگ دوستان این مرز و بوم تنها سکوت را پیشه خود ساخته اند.

با همه این احوال در حفظ، حراست و مرمت همان تک بناها نیز موفق نبوده ایم و تنها بنای قابل توجه و مهم روستا بقعه شیخ عالی است که مدفن علما و بزرگان دوان است. علمایی که هر کدام در حوزه های گوناگون صاحب تألیفات متعددی هستند.

شاخص ترین عالم مدفون در بقعه شیخ عالی علامه دوانی(مفسر بزرگ قرآن)در قرن دهم هجری است؛بنای این آرامگاه در حال حاضر به شکل نامناسبی حفظ می شود و هرچند سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان فارس طی سال های گذشته مرمت هایی را روی آن انجام داده است اما به هیچ وجه پاسخگوی ارزش های این بنای ارزشمند نیست. یکی از بزرگ ترین فیلسوفان قرن پانزدهم که در سیاست نیز دستی داشته است، شیخ جلال الدین محمد دوانی متولد دوان و آرامگاهش هم نیز در همین قریه است.

از جمله روستاها و اقوامی که در دامنه کوه های شمالی شهر تاریخی کازرون قرار دارند عبارتند از دوان، دوسیران، سمغان، نودان که در میان آنها روستای دوان و دوسیران از موقعیت تاریخی و جغرافیایی ویژه ای برخوردارند. پیش از رسیدن به این روستای تاریخی، دشت وسیع و بکری قرار دارد که به اصطلاح عام به درک دوان مشهور بوده و در این درک که بیشتر سنگلاخی است، آب انبارهای زیادی قرار دارد که به گفته اهالی قدیمی دوان تعداد آنها ۹۹۹حلقه است. بیشتر این آب انبارها سرباز و به خاطر کمبود آب ایجاد شده اند و بنای آنها به شکل های مختلف، دایره ای، مستطیلی و مربع شکل هستند.

بسیاری از ساختمان های قدیمی روستا به سبب مهاجرت افراد جوان به خارج از روستا تخریب شده و دوباره بازسازی نشده اند. کسانی که تعلق خاطری به این روستا دارند برگشته و ساختمان های رفیعی ساخته اند که با معماری خاص روستای دوان تعارض کامل دارد و بیشتر آنها از مصالح آجر و سیمان و سنگ های نما استفاده کرده اند و به همین خاطر، در نگاه اولیه به این روستا دیگر آن قدمت و زیبایی گذشته را نمی توان دید.

● آداب و رسوم

مردم دوان نیز مانند سایر مناطق کشورمان دارای آداب و رسوم مختلفی بودند که این آداب و رسوم نیز در طول سال ها تحت تأثیر فرهنگ سایر مناطق قرار گرفته است و اصالت خود را از دست داده است. یکی از مواردی که این موضوع را ثابت می کند رواج زبان فارسی به جای زبان خاص دوانی بین مردم است. متأسفانه با وجود ارزش های خاص این زبان که سرشار از واژگان و اصطلاحات پهلوی است، تنها نسل پیر این روستا قادر به صحبت کردن به این گویش است. گویش دوانی ریشه در زبان ایرانیان دارد که متعلق به خانواده زبان های هندو ایرانی بوده و خود بخشی از خانواده زبان های هندو اروپایی است که این گویش هنوز هم یکی از گویش های اصیل و باستانی ایران است.

در روستای دوان آداب و رسوم خاصی به مناسبت های گوناگون در دوران های گذشته و حال وجود داشته است. آداب و رسوم مردم دوان نسبت به سایر مردم تفاوت دارد و در گذشته در میان مردم دوان رسمی وجود داشته که می گفتند باید فرزندان زیادی در یک خانواده وجود داشته باشد. به طوری که هر کس اگر فرزندی نداشته باشد، آن خانواده فقیر و بی چیز خواهد بود.

آداب ریختن ترس بچه در میان مردم دوان نیز رواج دارد و این رسم به این طریق بوده که اگر پسری کوچک از یک خانواده گریه می کرد و در شب بهانه می گرفت زن یا مردی پارچه ای بر روی سر خود می انداخت و صدایی درمی آورد که بچه بترسد و چیزی نگوید. آداب و رسومی هم برای باران خواستن در میان مردم این منطقه وجود داشته است و این رسم زمانی که در دوان با کمبود آب رو به رو بودند افراد محل به صورت دسته جمعی در کوچه ها به راه می افتادند و اشعاری را به گویش محلی می خواندند.

- وضع فعلی روستای دوان

روستای دوان به خاطر قرار گرفتن در یک شیب تند تقریباً پلکانی است به طوری که در بسیاری از بخش های روستا حیاط یک خانه همطراز با پشت بام خانه پایینی است اگرچه روستای دوان از یک همگنی فرهنگی برخوردار است؛اما به لحاظ فیزیکی از ۲ محل مجزا (محل بالا و پایین) تشکیل شده که یک کوچه طویل با شیب تند از شرق به غرب مرز بین ۲ محل را مشخص می کند. مرکزیت فرهنگی روستا پیش از اسلام آتشکده ای بوده که امروز معروف به بقعه شیخ عالی است. این مرکزیت فرهنگی در ساخت فیزیکی روستا تأثیر داشته است. پس از اسلام بقعه شاه سلیمان مرکزیت روستا را تشکیل داده و پس از تبدیل شدن آتشکده به آرامگاه علمای دوان از قرن پنجم هجری به بعد روستا دارای ۲مرکزیت فرهنگی شده است. معماری روستای دوان به سبب وجود عناصری همچون سنگ، چوب، گچ، آهک که به فراوانی در محیط روستا و اطراف آن یافت می شود، نوع خاصی از معماری دوره اسلامی ایران و شهرستان کازرون را به معرض نمایش می گذارد. به خاطر کوهستانی بودن منطقه سنگ از عمده ترین مواد اولیه معماری دوان است که بی اندازه می توان در اختیار داشت. چوب بلوط برای سقف بام های گلی، گچ که به صورت ملات به کار رفته است، ماده اولیه آن از تپه های اطراف کازرون که معدن بسیار وسیعی است تهیه می شود، آهک آخرین مصالح به کار رفته در معماری خانه ها است. بقعه شیخ عالی از جمله بقایای چهارتاقی دوره ساسانی است که برفراز آن گنبدی قرار دارد که در دوره اسلامی به آن اضافه و در ضلع شمالی آن مداری دیده می شود. در داخل روستا بافت قدیمی خانه ها و شیب تند کوچه ها سبب شده است که امکانات خدماتی-رفاهی به کندی انجام شود. این روستا درست در میان حلقه ای از کوهستان قرار گرفته و از لحاظ گردشگری و طبیعت گردی موقعیت مناسبی را برای گردشگران ایجاد کرده است. وجود بناهای تاریخی در درون روستا مانند بقعه علامه دوانی و غار علامه دوانی در ضلع شمالی روستا و در داخل کوهستان و وجود قلعه های تاریخی بر روی کوه های اطراف از دیگر نقاط دیدنی این روستای تاریخی است. وجود قبرستان های متعدد حضور طوایف گوناگون در گوشه و کنار این روستا را نشان می دهد و این موضوع خود سبب تنوع فرهنگی در منطقه دوان شده است. جمعیت روستای دوان با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی بویژه در میان افراد جوان در حال تغییر و تحول است.

امروز جوانان دوانی دیگر در زادگاهشان ساکن نیستند و همه به سایر شهرها و کشورها مهاجرت کرده اند؛برخی از آنان پیش از جنگ جهانی اول به سرزمین هایی همچون بندر بوشهر و بحرین مهاجرت کردند و در فاصله میان ۲ جنگ جهانی مهاجرت خود را به شهر صنعتی آبادان ادامه دادند. پس از جنگ دوم جهانی، آنها شروع به مهاجرت به دیگر شهرهای ایران، کویت و سایر نقاط جهان کردند. دوانی ها هرگز پس از مهاجرت زادگاه خویش را از یاد نبردند و همواره دوان را در نظر داشته و به آن کمک می کنند و در عین حال نیز همواره مهاجرت نیز ادامه دارد.

مردم دوان مایلند تا آنجا که برایشان مقدور باشد در رشد و توسعه آن مشارکت کنند و بنابراین دوان را می توان یکی از توسعه یافته ترین روستاهای ایران دانست که دست کم دارای ۲ جاده، سه مدرسه، مراکز بهداشتی، مغازه های گوناگون، شبکه ابرسانی، تسهیلات برقی، پست و مرکز تلفن است. هر سال در روزهای گرم تابستان، دوانی ها از سرتاسر دنیا به دیدار دوان می آیند و با کسانی که هنوز در این قریه اقامت دارند، دیدار می کنند.

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=309114

vista.ir
Online Classified Service

دور دنیا در ۱۳ روز

در پایان تعطیلات نوروزی، دبیر ستاد تسهیلات سفرهای نوروزی کشور رشد ۲۹ درصدی مسافرت‌های نوروزی نسبت به سال گذشته خبر داد و اعلام کرد که در این مدت ۷۱ میلیون و ۳۶۲ هزار و ۷۴۲ سفر به انجام رسیده است.

جمشید حمزه‌زاده با اشاره به رشد گردشگری در نوروز و توزیع مناسب سفر در استان‌های مختلف گفت: امسال ستاد تسهیلات سفرهای نوروزی نسبت به سال‌های گذشته، چند وجه تمایز مثبت داشت که در عملکرد ستادهای نوروزی استانی تأثیرات بسزایی داشتند.

وی ریاست استانداران بر ستادهای تسهیلات نوروزی را یکی از عوامل عملکرد مثبت و همکاری متقابل دستگاه‌های دولتی در خدمت‌رسانی به گردشگران نوروزی اعلام کرد و ادامه داد: ریاست استانداران موجب همکاری مناسب دستگاه‌های مختلف از جمله هلال احمر، وزارت راه و ترابری، نیروی انتظامی، سازمان‌های بازرگانی و... شد.

حمزه‌زاده به رشد سفر در استان‌های محروم اشاره کرد و افزود: مناسب بودن آب‌وهوا، اطلاع‌رسانی دقیق و عملکرد مناسب ستادهای استانی موجب شد تا در نوروز ۱۳۸۷ شاهد رشد گردشگری در استان‌های کم گردشگر باشیم.

به گفته او، بیشترین رشد گردشگر نوروزی در استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، کردستان، لرستان، آذربایجان شرقی، کهگیلویه و بویراحمد و قم برآورد شده است. همچنین از نظر آمار ورود گردشگران، استان‌های خراسان رضوی، مازندران و فارس به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند که در این آمار نیز نسبت به سال گذشته جابه‌جایی‌هایی دیده می‌شوند.

هرچند که تاکنون مبنای آمارهای ارائه شده و خصوصا شیوه آمارگیری و در نتیجه ضریب خطای آنها از سوی آمار دهندگان مشخص نشده است و شواهدی مبنی بر خطاهای قابل توجه در آمارگیری به چشم می‌آید. (برای مثال به گزارش مورخ ۱۹ فروردین«تهران امروز» درباره آمار مسافران نوروزی استان مازندران مراجعه کنید.) اما افزایش تعداد سفرهای نوروزی که برای چندمین سال متوالی صورت می‌پذیرد، امری مفروض است؛ هرچند که بر سر میزان آن اختلاف‌هایی وجود داشته باشد.

در این حال، مدیران سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور درصد قابل توجهی از افزایش مسافر را به برنامه‌ریزی‌های خود نسبت می‌دهند و تلویحا نقش سایر عوامل و نقش‌آفرینی سایر نهادها را فرع موضوع معرفی می‌کنند.

در همین راستا، علاوه بر سخنان مورد اشاره دبیر ستاد تسهیلات نوروزی، اسفندیار رحیم‌مشایی، رئیس سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری کشور نیز در ۱۴ فروردین ماه جاری به روزنامه «ایران» گفت: «وقتی مردم مشاهده می‌کنند که دولت برای مقوله سفر شأنی قائل است و سهمیه‌ای جدا در نظر می‌گیرد برای مردم نیز اهمیت سفر بیشتر می‌شود.»

او افزود: «در سه نوروز گذشته با توجه به سیاست‌های دولت نهم در حمایت از گردشگری شاهد هستیم که هر سال نسبت به سال گذشته به طور محسوس افزایش یافته است.»

اگرچه سیاست‌های سازمان میراث فرهنگی را می‌توان در افزایش تعداد سفرهای نوروزی دخیل دانست، اما غلظت تأثیرگذاری این سیاست‌ها امری است که باید با تأمل بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. در این گفتار بررسی در این باره را به عهده کارشناسان و خبرگان صنعت گردشگری وا می‌نهیم و به برخی دلایل افزایش سفرهای نوروزی که در تحلیل‌های موجود کمتر بدان‌ها اشاره می‌شود، اشاره می‌کنیم:

۱) در سال‌های اخیر (دست کم از ۱۰ سال پیش به این سو) وضعیت اقتصادی بخش‌هایی از مردم بهبود یافته و امکانات رفاهی بیشتری در اختیار آنان قرار گرفته است . این موضوع که با شاخص‌های ارائه شده توسط مراجع اقتصادی و اجتماعی ملی و بین‌المللی تأیید می‌شود، موجب شده تا شهروندان از سطح تأمین نیازهای اولیه شامل خوراک، پوشاک و مسکن گذر کنند و در پی برآوردن نیازهای ثانویه خود از جمله سفر و گردشگری باشند.

بدیهی است که گشایش اقتصادی در کار مردم تحت تاثیر پارامترهای گوناگون داخلی و بین‌المللی قرار دارد و مربوط به برنامه‌ریزی‌های کلیت نظام

مدیریت کشور از جمله دولت‌های پیشین است و نمی‌توان آن را لزوما به برنامه‌های یک سازمان در مدتی نسبتا کوتاه ربط داد. به ویژه آنکه افزایش سفرهای نوروزی موضوعی است که دست کم از سه سال پیش از روی کارآمدن دولت فعلی آغاز شده و اکنون به نقاط اوج خود رسیده است.

۲) در سال‌های اخیر به سبب همین گشایش‌های اقتصادی و افزایش نسبی رفاه و نیز برخی تسهیلات در نظر گرفته شده از سوی خودروسازان کشور، بخش زیادی از خانواده‌ها – حتی خانواده‌های طبقه پایین – موفق به خرید خودروی شخصی شده‌اند.

در ایران همواره و خصوصا در روزهای پیک سفر (تعطیلات نوروز) محدودیت و مشکلات دسترسی به وسیله رفت و آمد اعم از هواپیما، قطار و شبکه اتوبوسرانی یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده سفر بوده است؛ چنانکه شب خوابیدن‌های مردم در ایستگاه‌های راه آهن از هفته‌ها پیش از نوروز از یاد نرفته است. اما برخورداری از خودروی شخصی این محدودیت اساسی را تا حد زیادی برطرف ساخته است.

از این گذشته، خودروی شخصی هزینه‌های سفر را به شدت کاهش می‌دهد، هم از این حیث که خانواده‌ها را از پرداخت بهای بلیت هواپیما و قطار معاف می‌سازد و هم به این علت هزینه‌های دیگری را به شکل غیر مستقیم، از دوش مسافران برمی‌دارد.

کسانی که در نوروز به سفر رفته‌اند، مشاهده کرده‌اند که نه فقط در مناطقی چون گیلان و مازندران بلکه حتی در شهرهای بزرگ مثل مشهد، شیراز و اصفهان، مسافران در پارک‌ها یا حاشیه خیابان‌ها اقدام به چادر زدن کرده‌اند.

این گونه مسافران معمولا بخش عمده‌ای از غذای مصرفی در طول سفر را نیز خود طبخ می‌کنند تا در هزینه‌های مسافرت صرفه‌جویی به عمل آید (گو این که هتل‌های ما نیز ظرفیت این تعداد مسافر را ندارند) در این حالت، تنها خودروی شخصی است که امکان حمل چادر، مواد غذایی، وسایل پخت و پز، پتو و دیگر ملزومات کمپینگ را فراهم می‌سازد و اگر بخش زیادی از مردم فاقد خودروی شخصی باشند، به سبب ظرفیت ناکافی شبکه حمل و نقل عمومی و نیز هزینه‌های هنگفت اقامت و پذیرایی از انجام سفر صرف نظر خواهند کرد. آیا تجهیز عده زیادی از مردم به خودروی شخصی با اسبابی چون رقابت خودروسازان و تسهیلات اعطایی شبکه‌های مالی و در نتیجه افزایش سفر را نیز باید به حساب سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گذارد؟

۳) در دهه گذشته رسانه‌های گروهی اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها و صدا و سیما (به عنوان فراگیرترین رسانه) تبلیغات وسیعی را برای معرفی جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، زیارتی و طبیعی نقاط مختلف کشور به ویژه نقاط ناشناخته و دور افتاده صورت داده‌اند که اکنون نتیجه این تبلیغات مستمر و فراگیر نمودهای عینی خود را ظاهر ساخته است. طبیعی است که این تبلیغات نقش انکارناپذیری در تشویق مردم به بیشتر سفر کردن داشته‌اند. البته سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور نیز با این روند تبلیغی همراهی و همکاری درخور توجهی داشته است و در مواقع بسیاری مشوق و محرک آن بوده است، اما این به سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان یادشده طی یک دوره ۱۰ ساله مربوط می‌شود و ضرورتا منحصر به مدیریت فعلی سازمان نیست.

۴) شبکه حمل و نقل جاده‌ای در دو دهه گذشته پیوسته در حال گسترش و بهبود کیفی بوده است. برای مثال، وزارت راه ابتدا مسیر دلیجان به اصفهان را دو خطه کرد (خط رفت و برگشت) و سپس در امتداد اتوبان تهران – قم، اتوبان قم – کاشان – اصفهان را مورد بهره‌برداری قرار داد. این اقدام که بنا بر ملاحظات استراتژیک اقتصادی انجام شد، از یک سو کاشان را به عنوان یک مقصد عمده گردشگری مطرح ساخته و از سوی دیگر مسافرت به اصفهان از سمت شمال کشور را تسهیل کرده است. نمونه‌های اینگونه جاده‌کشی‌ها بسیار است و بدیهی است که موجب آمادگی بیشتر و بهتر برای جابه‌جایی مسافران خصوصا در روزهای پیک نوروز شده است.

بدیهی است که در این باره نیز سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تنها از میوه درختی ارتزاق کرده که دیگران آن را به بار نشانده‌اند.

در مجموع، آنچه موجب خرسندی است، افزایش سفرهای نوروزی مردم است که هم کام آنان را در این ایام فرخنده شیرین می‌سازد و هم چرخه اقتصادی بزرگ و راهگشایی را به بار می‌آورد. اینکه چه علل و عواملی موجب این افزایش شده‌اند در مرتبه بعدی اهمیت قرار دارد، تعیین دقیق سهم هریک از علل و عوامل نیز برای تحسین یا تخطئه نهادهای ذی‌ربط صورت نمی‌گیرد، بلکه نشان می‌دهد که گلوگاه رونق گردشگری در دست چه علل و عواملی است و از کدام منظر می‌توان به افق پیش رو و پیشرفت‌های آینده نگریست.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=306444

vista.ir
Online Classified Service

ده سال تا نقطه صفر

براساس نتایج مطالعات طرح سند مهاجرت معکوس، بیش از ۷۰ درصد مهاجرت ها به استان تهران ناشی از مشکلات اقتصادی است. این ساده ترین و در عین حال بهترین نتیجه حاصل از بررسی ها در این زمینه است.

نگاهی به حاشیه های پایتخت- که غالباً مهاجران و اقشار کم درآمد جامعه در آن ساکن هستند- نشان می دهد، مشکلات اقتصادی، بیکاری و فقدان درآمد و مسکن مهمترین شاخص های مؤثر د مهاجرت به استان تهران است.براساس نتایج این طرح، استان های آذربایجان شرقی، همدان، اردبیل و زنجان به ترتیب بیشترین مهاجرین را به استان تهران دارند.

مشکلات زیرساختی استان های مهاجرفرست

مهاجرت معکوس حاصل دو اتفاق است، تجمع و تمرکز امکانات در پایتخت و مشکلات زیرساختی در استان های مهاجرفرست. از این رو دولت باید در استان های محروم تسهیلات بیشتری همچون افزایش سهم این استان ها در محل تولید ناخالص داخلی، افزایش سهم بودجه های عمرانی، اعمال سیاست های تشویقی و ارائه معافیت های مالیاتی برای استقرار صنایع و بخش های اشتغال زا در این استان ها اختصاص دهد.

این بایدها و نبایدها در حالی برای استانهای مختلف مطرح می شود که سهم استان تهران از تولید ناخالص ملی ۲۷ درصد و اعتبار استان از محل بودجه عمرانی دولت ۶۰ درصد اعلام می شود. به همین خاطر اعمال سیاست های تشویقی از سوی دولت در استان های مهاجرفرست می تواند زمینه حضور بیشتر سرمایه گذاران در این استانها را بیشتر فراهم آورد.

در حال حاضر نرخ بهره منابع مالی در سراسر کشور یکسان است، در صورتی که این نرخ در مناطق محروم و استان های مهاجرفرست در بخش های مسکن، صنایع و کشاورزی نسبت به تهران باید کمتر باشد.جمعیت استان تهران در سال های اخیر رشد ۳ درصدی را داشته که ۲/۱ درصد رشد جمعیت در تهران ناشی از مسائل طبیعی و مابقی آن ناشی از مهاجرت به استان است، در حالی که نرخ رشد جمعیت در برخی از شهرستان های غربی استان تهران حدود ۸ درصد است.

بد نیست بدانید که از میان این ارقام یك میلیون تبعه خارجی در میان مهاجران استان و اشغال ۴۰۰هزار فرصت شغلی توسط آنها صورت گرفته است که از این تعداد تنها ۳۰۰ هزار نفر مجوز حضور دارند و ۷۰۰ هزار نفر تبعه خارجی بدون هرگونه مجوزی از خدمات، یارانه های دولتی و سایر تسهیلات متعلق به استان تهران استفاده می کنند.

●حرکت به سوی نقطه صفر

نرخ رشد حاشیه نشینی در شهریار که به طور نرمال باید ۵/۱ باشد، اما ۸/۷ درصد است نشان می دهد، اجرای مهاجرت معکوس در تهران نیازمند شتاب بیشتری است.

هر چند مسئولان سند مهاجرت معکوس معتقدند اختصاص ۷/۳ میلیارد تومان بودجه برای ساماندهی حاشیه نشینی تنها برای آغاز مقدمات کار است با این وجود ساماندهی حاشیه نشینی در استان تهران و معکوس کردن روند مهاجرت به آن به ۵، ۶ سال زمان نیاز دارد.

آمارهای مربوط به میزان مهاجرت به استان تهران در حالی اعلام می شود که بسیاری از این ارقام به دلیل تبعات این موضوع بیان نمی شود.

دکتر محمد کمالی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی در ایران معتقد است: تهران باید دارای جمعیت مناسبی باشد که در صورت افزایش روند روبه رشد مهاجرت این اتفاق نخواهد افتاد، به همین دلیل تدوین سند مهاجرت معکوس باید خیلی سریع تر اتفاق می افتاد.

مهاجرت معکوس پدیده ای است که در مورد هر اتفاقی رخ خواهد داد، مثلا در مورد فرار مغزها، دکتر کمالی در این مورد به مثال جالبی اشاره می کند و می گوید: به دنبال جنگی که در لبنان اتفاق افتاد، پدیده مهاجرت معکوس در میان ساکنین اسرائیلی اتفاق چشمگیری داشت، به همین

دلیل بیشتر جنگ های اسرائیل مقطعی و کوتاه مدت است چون جمعیت آن بلافاصله ساکنین اسرائیلی مسیر خود را به سمت محل هایی که در ابتدا در آن ساکن بودند، تغییر می دهند.

مهاجرت معکوس در تهران نیازمند تمرکززدایی است. این بهترین راهکاری است که دکتر کمالی برای رخدادن پدیده مهاجرت معکوس به آن اشاره می کند و می گوید: در طراحی تهران تمرکز سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یك جا پیش بینی شده است که باید این فشار از پایتخت برداشته و به شهرهای نزدیك منتقل شود و در نهایت روستاها و شهرهای کوچك از نیازهایی که این سبدها جزء محاسن یك زندگی محسوب می شود، فراهم گردد.

تمرکززدایی در کنار از بین بردن دلایل مهاجرت در استان های مهاجر فرست از راهکارهای مناسب برای رویدادن مهاجرت معکوس است. دکتر کمالی در این زمینه به کشور ترکیه اشاره می کند و می گوید: در بیشتر کشورهای دنیا، تعبیری با عنوان دو پایتخت اتفاق می افتد. مثلاً در ترکیه، آنکارا به عنوان بنیان سیاسی و استانبول جایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی به حساب می آید.

به گفته دکتر کمالی این اتفاق باید اتفاقی جامع باشد، نه اینکه هر سازمان و ارگانی برای خود عمل کند، در واقع وزارتخانه ها و سازمان های درگیر نمی توانند و نباید جزیره ای عمل کنند.

●۷۰۰هزار مهاجر غیرقانونی

مردم برای تصاحب یك فرصت شغلی به شهر تهران هجوم می آورند. این مهمترین دلیل مهاجرت است، به طوری که تهران بار ۷۰۰هزار نفر مهاجر غیرقانونی خارجی را که فرصت های عظیم شغلی را به خود اختصاص داده اند و سبب افزایش درصد بیکاری می شوند، تحمل کرده و بر اساس برنامه ریزی های صورت گرفته، باید تهران در حداقل برنامه ۵?ساله ای عاری از اتباع بیگانه غیرمجاز باشد.

حضور ۷۰۰هزار مهاجر غیرقانونی در مرکز سیاسی هیچ کشوری پذیرفته شده نیست. جمعیت مهاجرت غیرقانونی در برخی شهرهای استان تهران با جمعیت مردم محلی برابری می کند.

از سوی دیگر ارزش افزوده زمین در استان تهران پدیده زمین خواری را شکل داده است. از همین رو جلوگیری از ساخت وسازهای غیرمجاز، ضروری است.

باید با تمرکززدایی از شهر تهران امکانات موجود پایتخت را با توجه به آمایش سرزمین به گونه ای گسترش دهیم که مردم در شهرستان های خود خدمات بگیرند و نیازی به مراجعه آنها به تهران نباشد.

بررسی های انجام شده نشان داد که بسیاری از کارتن خواب ها دارای هیچ آسیب اجتماعی نبوده و بخشی از این افراد برای درمان و پیگیری مسائل خود به تهران آمده بودند، اما توان تامین هزینه خواب خود را نداشتند که این امر باید حل شود.

پس از توزیع امکانات بر اساس آمایش سرزمین در راستای افزایش ضریب امنیت در استان تهران باید توجه به مسائل اجتماعی و تجهیز پلیس به امکانات روز دنیا مد نظر قرار گرفته شود.

●بیکاری، در کنار افزایش حاشیه نشینی

افزایش پدیده ای به نام حاشیه نشینی حاصل اتفاقی است به نام مهاجرت، به همین دلیل باید در کنار تمرکززدایی و ایجاد فرصت برای استا ن های مهاجر فرست به سراغ راه سومی هم رفت و آن کنترل حاشیه نشینی است.

اصل ساماندهی حاشیه نشینی عدم فراهم کردن محلی برای مهاجرت دوباره به استان تهران است. براساس معیار جمعیت، جمعیت حاشیه نشینی و نوع رسیدگی به آنان، طی جلسه ای در استانداری تهران، بودجه ۷/۳ میلیارد تومانی ساماندهی حاشیه نشینی بین فرمانداریها در طول سال تقسیم شد.کنترل ساخت و ساز غیرمجاز عامل مهم برای جلوگیری از حاشیه نشینی در استان تهران است. در غرب استان تهران یعنی شهرستان های اسلامشهر، شهریار، رباط کریم و کرج مشکلات عدیده ای در بحث حاشیه نشینی وجود دارد، ولی در شرق استان کمترین مشکل را داریم.

همچنین پیشنهاد پرداخت وام اشتغال برای خروج حاشیه نشینان استان تهران داده شده است که جزء سند ملی مهاجرت معکوس محسوب می شود. تمام این موارد به موضوعی به نام زمان گره خورده است. حداقل زمان مورد نیاز برای اجرای سند مهاجرت معکوس و به صفر رساندن مهاجرت ۱۰ سال عنوان شده است.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=236303

دهدشت(بلاد شاپور)

بـر اسـاس نوشته‌های تاریخی، این ناحیه در گذشته بلاد شاپور نام داشت که توسط شاپور اول ساسانی فرزند اردشیر اول بنا نهاده شده است. به استناد فارسنامه ناصری، این شهر باستانی زمانی یک شهر بزرگ بوده است، حدود ۲۰۰۰ خانه، مسجد، حمام کاروانسرا در آن وجود داشته که فی الحال بسیاری از آثار مخروبه آن ها بر جا مانده است. این شهر در اواخر دوره صفویه به دلیل عدم اطمینان به راه های بازرگانی آن، صدماتی دید و در زمان هرج و مرج دوره زندیه غارت و ویران گردید. آثار این شهر باستانی ، معماری مخصوص و جالب توجهی دارد.

آثار بسیار زیبایی از قبیل آب انبار، بازار، امامزاده ها، ارگ حکومتی و برج و باروها که توجه محققین و اهل فن را جلب می‌کند. مصالح بسیار دقیق و محاسبه شده از نوع گچ ساروج، آهک و لاشه در آن به کار برده شده و تنها در سقف گنبدی حمام آن ، آجر به کار رفته است.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=122544

دهکده گردشگری کویر، گردشگران را به کویر گردی فرا می خواند

یکی از جاذبه های طبیعی گردشگری ایران کویرهای گسترده و زیبای آن است. امروزه کویر گردی از جمله زمینه های بسیار پر جاذبه برای طبیعت گردان جهان به شمار می آید و سرزمین ایران که پهنه ی وسیعی از آن را کویرهای«لوت» و «نمک» در برگرفته اند ،موقعیتی کم نظیر را از این حیث دارند.

دیدار از کویرهای ایران برای گردشگران هم از بعد آشنایی با طبیعت پر رمز و

راز و تماشای شب های پر ستاره آن ، هم از زاویه ی برخورد با زندگی مردمان صبوری که شرایط سخت و طاقت فرسای طبیعت کویر را به بهترین اشکال ممکن در عرصه های زندگی (همچون فعالیت های اقتصادی و شهرسازی و معماری اقلیم و خشک) تعدیل کرده اند، فرصتی مغتنم محسوب می شود و این دیدار ، جلوه هایی به یاد ماندنی از طبیعت و فرهنگ مردم سختکوش و خلاق کویر را همراه دارد.

دریاچه نمک (دریاچه ی مسیله) واقع در دل کویر پهناور نمک، به مثابه نگینی است که تماشای آن برای هر طبیعت گردی دلپذیر و خاطره انگیز خواهد بود. غنای گردشگری دریاچه نمک به ویژه از آن رو که دو نمونه از زیباترین شهرهای تاریخی حاشیه کویر، یعنی «کاشان» و «آران و بید گل» نیز در نزدیکی و مسیر دسترسی به همین دریاچه قرار دارند، کامل می شود.

دریاچه نمک در موقعیت ممتازی واقع شده که هر گردشگری با سفر به این منطقه می تواند یک تور پر بار و تمام عیار کویر گردی را برگزار کند.

اما در این میان ،جزیره سرگردان، به دلیل قرار گیری در دل دریاچه نمک ، موقعیتی دلپذیر و استثنایی را برای اقامت گردشگران و علاقمندان به طبیعت کویر فراهم ساخته است و می تواند به یک قطب گردشگری که مزایای طبیعت گردی و توریسم فرهنگی (دیدار از بافت ها و اماکن تاریخی کاشان) را دارا است ،تبدیل شود.

● سازمان مناطق گردشگری و دهکده کویر

«سازمان مناطق گردشگری» طرح ایجاد دهکده گردشگری کویردر جزیره سرگردان را در برنامه کار خود قرار داده و مقدمات لازم برای تامین ملزومات و امکانات را به انجام رسانیده است.

با ایجاد دهکده گردشگری در جزیره سرگردان، مجموعه امکانات مورد نیاز گردشگران داخلی و خارجی که از منطقه کاشان و نواحی کویری پیرامون آن بازدید دارند، مهیا خواهد شد و این دهکده، به منزله یک مجموعه اقامتی برخوردار از کلیه فضاها و تجهیزات اقامتی، پذیرایی، تفریحی و رفاهی فرصتی مناسب برای جذب گردشگران را که به دنبال یک کانون مستقل، امن و مجهز گردشگری در قلب ناحیه کویری ایران هستند، فراهم خواهد ساخت.

● اهداف تاسیس دهکده گردشگری کویر

هدف کلی طرح ایجاد دهکده گردشگری کویر، استفاده از پتانسیل های موجود در سطح منطقه کاشان به منظور تحرک در بخش صنعت گردشگری در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی این منطقه مستعد گردشگری در استان اصفهان است که در قالب اهداف مشخص ذیل انعکاس می یابد:

▪ افزایش شمار گردشگران استان اصفهان،

▪ افزایش در آمد و رفاه عمومی از محل توسعه گردشگری،

▪ افزایش فرصت های شغلی و کاهش نرخ بیکاری ،

▪ بالفعل کردن ظرفیت های بالقوه گردشگری منطقه،

▪ جذب مشارکت بیشتر بخش خصوصی در توسعه گردشگری،

▪ تسریع عمران و آبادانی استان ،در نتیجه جذب سرمایه گذاری،

▪ ارتقای سطح خدمات عمومی به گردشگران در منطقه،

▪ توسعه فرهنگی بومیان، از طریق گسترش ارتباطات حاصل از مراودت گردشگری.

در این زمینه، هدف عملیاتی پروژه را می توان ایجاد فضا و محیطی امن، مطلوب و مطمئن برای گردشگران در محدوده ای از اراضی مساعد برای این منظور محسوب کرد. تحقق این هدف، ریشه در ضروریات صنعت گردشگری کشور، طی دو دهه ی گذشته دارد.

وضعیت توسعه گردشگری در این دو دهه نشان داده است که به هر دلیل، امکان فراهم سازی کل فضاهای شهری استان ها برای پذیرش گردشگر و ایجاد شرایط محیطی برای امنیت و آسایش متناسب با گردشگران دستکم در دهه آینده ممکن نیست و به این دلیل، متمرکز ساختن گردشگران در یک منطقه که در آن تسهیلات و شرایط محیطی مناسب تری فراهم شده باشد، راهکاری واقع بینانه به نظر می رسد.

در دیگر نقاط دنیا نیز محدوده‌هایی تحت عنوان مناطق آزاد یا مناطق ویژه گردشگری با همین هدف ایجاد شده اندکه در آنها امکانات و تسهیلاتی فراتر از دیگر نقاط کشور فراهم شده است. طبیعتا در فصول مختلف سال، شبکه ای از این دهکده ها در ارتباط با یکدیگر با ارائه استانداردهای بین المللی و همگون خواهند توانست رضایت شهروندان و گردشگران را در تامین شرایط لازم، برای اقامتی آسوده تامین کنند.

منبع : هفته نامه دهکده

http://vista.ir/?view=article&id=352347

vista.ir
Online Classified Service

دیدار از نخجوان

●جاذبه‌های دیدنی و تفریحی

فرق مهم ما با مردم کشورهای توسعه یافته در این است که اکثر آنها می‌آیند تا فرهنگ یك کشور را ببینند و وقت خود را صرف دیدن، آموختن و کسب تجربه‌های جدید می‌کنند، ولی آیا تمامی گردشگران ما همین تفکر را دارند؟ متاسفانه من و همراهم تنها افرادی در تور فوق بودیم که مایل بودیم از جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی نخجوان دیدار کنیم، حتی بازدید از موزه رایگان حیدر علی‌اف که در برنامه بود حذف گردید، راهنمای تور هم که مدیر آژانس نیز بود، فکر می‌کرد همه مسافران فقط برای تفریح به این شهر می‌آیند. و اطلاعات بسیار محدودی از محیط داشت، ولی از جمله جاهایی که در عصر روز اول از آن بازدید شد، مقبره مومنه خاتون بود که داخل آن به علت تعمیرات بسته بود فضاهای بیرونی آن هم نرده کشی شده بود، این مقبره در وسط پارکی قرار گرفته است و مقبره فوق دارای برجی ۸ ضلعی ساخته شده از آجر و کاشی است. در اطراف آن چندین مجسمه و تکه سنگ‌های قدیمی دیده می‌شود.

در کنار فروشگاه آلیش و ریش نیز رودخانه‌ای قرار دارد که در روی پل روی رودخانه بوفه‌ای با ارایه موزیك زنده، میزبان مهمانان خود جهت صرف نوشیدنی و بستنی است، در روی رودخانه فوق نیز امکان قایق‌رانی دالی (با هزینه ۱ ممد) وجود دارد.

موزه حیدر علی‌اف با ساختمانی بزرگ و مجلل محل نگهداری آثار زندگی رییس جمهور سابق آذربایجان است، این موزه فاقد ورودیه است و در جلوی آن هم آب نما و فضای سبزی جهت استراحت وجود دارد.

غار اصحاب کهف یکی از مهم‌ترین دیدنی‌های نخجوان به شمار می‌آید که در ۱۸ کیلومتری آن شهر قرار گرفته است، این غار در انتهای یك جاده‌ی باریك که از جاده‌ی اصلی جدا می‌شود قرار دارد، در سر جاده‌ی فرعی یك یادمان بزرگ سیمانی به رنگ سفید که بر پایه‌های صورتی استوار است، دارد که بر روی آن به روسی نوشته غار اصحاب کهف، در پایین غار چندین خانواده آذربایجانی که برای زیارت آمده بودند مشغول استراحت و درست کردن کباب بودند و با خوش رویی از ما استقبال کردند. برای رسیدن به انتهای غار باید از پله‌های بسیاری، بعضاً صعب‌العبور گذر می‌کردیم، در میانه راه یك نمازخانه و چند قبر متبرك قرار داشت، در یك مکان حفره‌ای قرار داشت که مردم معتقد بودند با انداختن سنگ به داخل آن، آرزویشان اجابت می‌شود. در کف آن هم مقداری شمع روشن بود. در مسیر منتهی به غار چیدمان از سنگ دیده می‌شد که برای درخواست اجابت آرزو بود. وقتی از پله‌های مسیر، بعد بازدید از غار پایین می‌آمدم، تعدادی خانم مسن اهل نخجوان به من زیارت قبول می‌گفتند، به نظر می‌رسد که اهالی بومی اعتقاد زیادی به متبرك بودن این مکان (با وجود چندین غار اصحاب کهف در جهان نظیر سوریه، اردن ...) دارند. هزینه رفت و برگشت به غار اصحاب کهف با تاکسی از نخجوان ۳ شیروان است، با اتومبیل‌های فیات قدیمی که حداکثر گنجایش چهار نفر را دارد.

دیدار از منطقه‌ای ییلاقی و بسیار زیبا که در آگهی‌های آژانس مسافرتی بسیار تبلیغ آن شده بود، نیز در برنامه بازدید قرار داشت ولی در نخجوان معلوم شد نه آقای راننده و نه راهنمای ما (که خود مدیر عامل آژانس نیز بود) تمایلی به انجام این بازدید را نداشتند. و بالاخره پس از پافشاری تعداد معدودی از مسافران، به همراه فردی بومی از هتل، عازم دیدن این محل که از نخجوان فاصله داشت، شدیم. این قسمت به علت نزدیك بودن به ارمنستان تحت نظارت سربازان ارتش قرار داشت، در حقیقت به نوعی یك منطقه جنگی به شمار می‌آمد، در یك شهرك کوچك نرسیده به

آن محل توقف کردیم تا با نیروی انتظامی (ارتش) هماهنگ شود، بالاخره پس از یکی دو سه ساعت معطلی بالاخره معلوم شد این نمایش ترتیب داده شده، توسط راهنما و راننده فقط برای سرگرم کردن ما بوده است و در نهایت بدون بازدید مجبور به برگشت به نخجوان شدیم و یك نیم روز را از دست دادیم. از مراکزی که شخصاً از آن‌ها بازدید کردم و در برنامه تور نبود، می‌توان به دانشگاه نخجوان اشاره کرد که درست در پشت هتل تجارت قرار داشت. از مقبره حسین جاوید، شاعر معاصر نخجوان، موزه بهزاد گنجعلی نقاش که در نزدیکی مقبره حسین جاوید قرار داشت و ورودیه آن ۵ ممد بود و بالاخره موزه‌ی تاریخ ملی نخجوان که ورودیه آن یك شیروان برای خارجی‌ها و ۱ ممد برای افراد بومی بود، بازدید از این مکان در یك عصر، نیز با توجه به محدودیت زمان انجام شد. مهمترین موزه موجود در نخجوان همان موزه‌ی تاریخ ملی است تمامی کارکنان این موزه‌ی دو طبقه، خانم بودند. شاید بگویم فضای فیزیکی آن، از موزه‌ی ایران باستان (بخش قبل از اسلام) ما بزرگتر بود. این موزه در حوالی کنسول‌گری ایران قرار داشت و در آن لوازم انسان‌های اولیه، اسکلت، انواع کوزه و خمره، سنگ قبر، وسایل مردم شناسی، زندگی مصور حیدر علی‌اف رییس جمهوری سابق آذربایجان (حتی نمرات دوران تحصیل وی نیز در تابلویی نصب شده بود) وسایل شخم زنی، قالی، قالیچه، سکه، اسکناس، وسایل کار و زندگی، تابلوی نقاشی و ... به نمایش گذارده شده بود، ساعات بازدید از این موزه ۱۷- ۳۰/۹ بود. ولی در روزهای ۷ و ۲۷ هر ماه تعطیل می‌باشد. در این موزه راهنمای آن با زبان آذری توضیحاتی را بیان کرد که تقریباً مقداری از آن را فهمیدم. نکته‌ی قابل توجه، آمارگیری از بازدیدکنندگان در رابطه با اسم، تاریخ، نام کشور آنان بود، چیزی که در موزه‌های خودمان هنوز انجام نمی‌شود.

●خرید و بازارها

مهمترین جاذبه‌ای که همه‌ی ما ایرانیان را در هنگام سفر به سوی خود می‌کشاند، خرید است و بس که حتی به خاطر خرید و لو کالایی بی‌ارزش، حاضریم از برنامه‌های بازدید خود که خاطراتی فراموش نشدنی و غیر قابل تکرار به شمار می‌آیند، بگذریم، در حقیقت در نخجوان من هیچ نوع کالای با ارزش و قابل ذکری برای خرید مشاهده نکردم، بازارهای نخجوان مملو از کالاهای ساخت ترکیه و ایران و بعضاً روسی است. گرچه دیدار از این بازارها فقط برای یك بار، خالی از لطف نیست.

بازار ۵۷: بازاری روباز است که غرفه‌های آن در مساحتی کوچك و بزرگ در کنار هم (مشابه بازار بزرگ تهران) در کنار هم قرار گرفته‌اند به طوری که فاصله عبور بین دو غرفه روبروی هم ۵/۱- ۱ متر است، چندین مسیر موازی و منقطع در این بازار وجود دارد که در طرفین آن غرفه‌ها قرار دارند، این بازار روزانه به جز یکشنبه‌ها از ساعت ۹ الی ۱۴ باز است و در آن، انواع و اقسام کالاها به فروش می‌رسد. نظیر لوازم خانگی منزل، لوازم برقی، انواع پوشاك، کیف و کفش، شیرینی‌جات و شکلات و تنقلات، مواد غذایی، خرده ریز، طلا و جواهر که در دکه‌های بسیار ساده و ابتدایی با طرح‌های قدیمی (مشابه با زمان قجری) و با عیار پایین به فروش می‌رسد. در فضای بیرونی و در مجاورت آن بازار سرپوشیده میوه، سبزی و صیفی‌جات قرار دارد. روبروی بازار ۵۷، چندین مغازه که بیشتر عرضه کننده‌ی انواع نوشیدنی هستند، نیز فعالیت دارند. چانه و تخفیف در این بازار رواج فراوان دارد.

مرکز تجارت، ساختمانی است عریض و طویل با نمایی صورتی رنگ که در بالای آن هتل تجارت قرار گرفته است، این مرکز به صورت یك پاساژ در دو طبقه قرار دارد، در حقیقت این مکان بازار مدرن و نسبتاً گران نخجوان به شمار می‌آید که در مغازه‌های آن انواع پوشاك، کیف و کفش، لوازم منزل و لوازم برقی، مبل، پرده، تنقلات و مواد غذایی عرضه می‌شود، سلمانی و کافی‌شاپ، غرفه تلفن راه دور، صرافی و ... از دیگر غرفه‌های آن محسوب می‌شود.

▪آلیش و ریش

فروشگاهی است بزرگ در یك طبقه و تقریباً مشابه با فروشگاه‌های رفاه و یا شهروند کشور خودمان می‌باشد، که با سرمایه‌گذاری شرکتی از ترکیه و با عرضه کالاهای ساخت آن کشور ایجاد شده است. در این فروشگاه نسبتاً خالی مواد غذایی بسته‌بندی شده، لوازم بهداشتی، مواد غذایی باز، میوه و سبزی و صیفی‌جات و مقدار کمی پوشاك و کفش عرضه می‌شود، قیمت‌ها در این فروشگاه ثابت و سطح قیمت‌ها معمولی (مشابه با بازار تهران) است، ساعت کار از ۹ صبح تا ۵/۱۱ شب ادامه دارد. فروشگاه‌های دیگری به طور پراکنده در سطح شهر قرار دارد و سطح آنان، منطبق با توسعه نیافتگی شهر نخجوان است. بساط دست فروشی نیز در برخی از خیابان‌ها دیده می‌شود.

●آب و هوا

در تابستان آب و هوای نخجوان خشك و ملایم است، گرچه آفتاب آن قدری سوزان به نظر می‌آید که عموماً خانم‌ها از چتر استفاده می‌کنند، ساعت آن نیم ساعت از ایران جلوتر است. هوای آن به طور کلی مشابه با استان‌های آذری زبان ما است.

صبح روز آخر زمان برگشت ما بود، در گمرك چندان مشکلاتی برای مسافران ایجاد نمی‌شد، ولی اگر فردی مقداری خرید کرده بود ولو بسیار کم

توسط گمرك نخجوان مبالغی از ایشان دریافت می‌شد که این باعث جر و بحث مسافران ایرانی با مامورین شده بود. ساعت ۱۲ ظهر از جلفا خارج شدیم، اتوبوس در محلی به نام «کافی‌شاپ وحید» جهت صرف غذا نگاه داشت که محلی بسیار جالب توجه بود، که در آن انواع ساندویچ و غذای Fast Food ایرانی و ترکیه و بستنی سرو می‌شد، طراحی و سرویس‌دهی آن قابل توجه بود، و بالاخره پاسی از نیمه شب گذشته بود که به تهران رسیدیم.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227132

vista.ir
Online Classified Service

دیدنی های مسکو (روسیه)

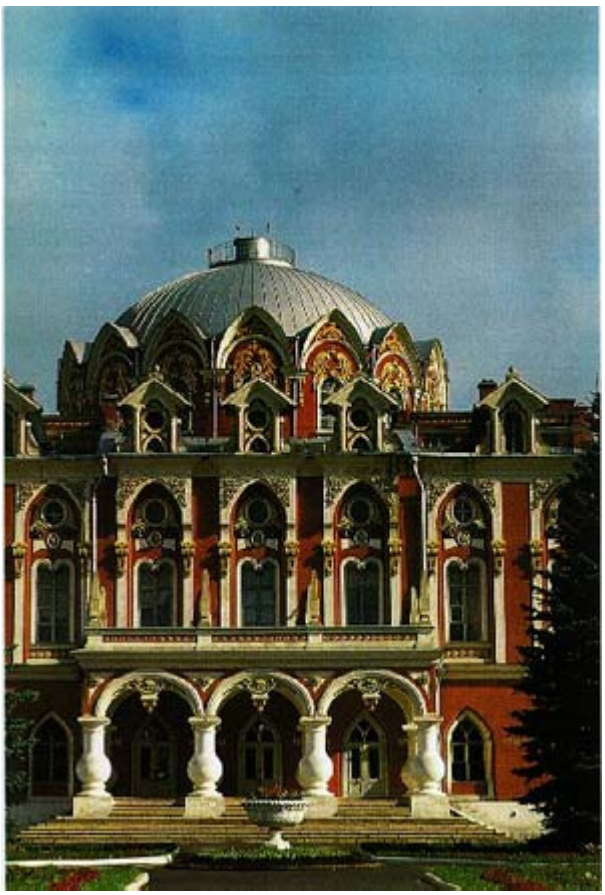

● کاخ کرملین :

کاخ کرملین مرکز تصمیم گیری سیاسی در روسیه در مسکو واقع شده است و آنرا باید نمادی از معماری روسیه دانست.این کاخ در کرانه شمالی رود مسکو واقع شده است و شامل تعدادی کاخ و کلیسا است. درحیاط اصلی کاخ بزرگترین ناقوس جهان به چشم می خورد .بزرگترین کلیسای مسکو , کلیسای جامع اوسپنسکی است که در سالهای ۱۴۷۵ تا ۱۴۸۵ ساخته شده است.ساخت کرملین در تارخ ۱۹ ژوئیه سال ۱۴۸۵ پایان یافت . کاخ کرملین جدید بر روی عمارت قدیم که از سنگ سفید بوده ساخته شده است. بخشهائی از دیوارهای قدیمی را با دیوارهای آجری بلند و ضخیم , حفظ کرده اند .

● میدان سرخ :

میدان سرخ با برجهای رنگارنگش و مناره های دل انگیزش که یکی از مهمترین جاذبه های توریستی مسکو است , در مجاورت کرملین قرار دارد .شاید مهمترین دلیل آنکه این میدان به میدان سرخ مشهور شده , آجرهای قرمز رنگی باشد که کف آن را فرش کرده است . علاوه برآن , آرامگاه لنین در این میدان قرار دارد. از آنجا که محدوده میدان سرخ را از کرملین نمی توان جدا کرد, پلیس از ورود مردم به قسمت های شمالی میدان سرخ جلوگیری می کند.

● پارک دیدنی ودنخا :

این پارک زیبا و بزرگ , در شمال شرقی مسکو و در نزدیکی مترویی به همین نام قرار دارد. معماری ودنخا که مجموعه ساختمانها و مجسمه ها و سالن ها را در بر می گیرد بسیارزیباست. دریاچه مصنوعی , میدان ویژه نمایش و مسابقه حیوانات اهلی , چند شهربازی و گلخانه و غیره ... از دیدنی های دیگر این مجموعه است .

● جاذبه های دیگر مسکو عبارتند از:

- موزه جنگ
- کلکسیون موزه
- باغ گیاهان داروئی
- موزه زمین شناسی
- گالری ترتیاکف
- موزه هنرهای معاصر پوشکین
- موزه کا . گ . ب
- آسمان خراش های استالین

منبع : جهانگردی

http://vista.ir/?view=article&id=74909

vista.ir
Online Classified Service

دیوار چین

دیوار چین که یکی از هفت اعجاز جهان شمرده می‌شود، در جهان به لحاظ زمان ساخت طولانی‌ترین و بزرگترین مهندسی تدافعی نظامی در قدیم است. این دیوار در نقشه جغرافیایی چین ۷۰۰۰ کیلومتر امتداد یافته است. این اثر سال ۱۹۸۷ در "فهرست میراث جهانی " ثبت شد. تاریخ ساخت دیوار چین به قرن ۹ قبل از میلاد باز می‌گردد. حکومت وقت چین برای جلوگیری از حملات ملیت‌های شمالی، برجهای آتش برای خبر رسانی و یا قلعه‌های مرزی برای حصول اطلاعات دشمن را در ارتباط با دیوار و بر روی آن ایجاد کرد. در دوره حکمرانی سلسله‌های بهار وپاییز و کشورهای جنگجو ،میان دوک‌ها جنگ بر پا شد و کشورها با استفاده از کوه‌های مرزی به ساخت دیوار پرداختند تا سال ۲۲۱ قبل از میلاد ،امپراتور چین شی خوان پس از به وحدت رساندن چین، دیوارهای دوک‌ها را به هم متصل کرد که به صورت دیوار بزرگ در مرزهای شمالی بر روی کوه‌ها در آمد . او می‌خواست با این کار از حملات دشمن به مراتع شمالی جلوگیری کند. در این زمان طول دیوار چین به ۵۰۰۰ کیلومتر می‌رسید. در سلسله خان پس از سلسله چین طول دیوار به ۱۰ هزار کیلومتر رسید. در تاریخ دو هزار و اندی ساله چین، حکمرانان دوران مختلف به ساخت دیوار چین پرداختند . تا اینکه طول دیوار به ۵۰ هزار کیلومتر رسید. این میزان معادل گردش به دور کره زمین است. دیواری که اکنون مردم مشاهده می‌کنند، دیوار متعلق به سلسله مینگ (سال ۱۳۶۸ – سال ۱۶۴۴) است از غرب به دروازه "جایو گوان" در استان گان سو چین و از شر ق به ساحل رود یالو جیان در استان لیائو نینگ در شمال شرقی چین منتهی می‌شود و درمیان آن ۹ استان- شهر و ناحیه خود مختار به طول ۷۳۰۰ کیلومتر وجود

دارد و مردم انرا دیوار طولانی می‌نامند. دیوار چین به عنوان پروژه تدافعی بر روی کوه‌ها ساخته می‌شد از بیابان‌ها مراتع و لجنزارها عبور می‌کرد. کارگران طبق عوارض زمینی ،ساختار متفاوتی برای ایجاد دیوار در نظر گرفتند که درایت و عقل نیاکان چین را نشان می‌دهد. دیوار بر مسیر کوه‌های پر فراز و نشیب امتداد یافته است . در بیرون دیوار پرتگاه های بلند دیده می‌شود. در واقع کوه و دیوار به یکدیگر پیوند خورده‌اند. لذا دشمن به هیچوجه قادر به نفوذ به این دیوار نبود . دیوار چین معمولا با آجرهای بزرگ و سنگ مستطیل ساخته شده و در وسط ان خاک و خرده سنگ ریخته شده و ارتفاع ان ۱۰ متر است در پهنای دیوار برای عبور چهار اسب کافی است و در یک ردیف عرض آن ۴ -۵ متر است تا در زمان انتقال غلات و سلاحها مشکلی ایجاد نشود . طرف درونی دیوار، نرده سنگی و در وجود دارد که به آسانی حرکت می کند . در فاصله معینی سکوی دیواری ویا برج آتش برای خبررسانی ساخته شده است . سکوی دیواری برای ذخیره سلاحها و غلات و استراحت سربازان است و در جنگ مخفیگاه بوده است. هنگامی که دشمن دست به حمله می‌زد برج‌های آتش روشن می‌کردند و سراسر کشور از حمله آگاه می‌شدند . اکنون مقاومت دیوار چین به عنوان یک مانع نظامی از بین رفته است. اما زیبایی معماری مخصوص آن دیدنی است . زیبایی دیوار چین پرابهت، و باعظمت است. از دور دیواری بلند و پر پیچ و خم بر روی کوه‌ها همانند اژدهایی در حال حرکت به چشم می‌خورد و صحنه‌ای شکوهمند ایجاد شده است. از نزدیک، دروازه‌های پر ابهت، دیوارها، سکوهای دیواری، برج‌های دیده بانی، برج‌های آتش هماهنگ با عوارض زمینی آکنده از دلربایی هنری است. دیوار چین دارای اهمیت تاریخی و فرهنگی و ارزش دیدنی است. چینی‌ها می‌گویند: " کسی که به دیوار چین صعود نکرده باشد، قهرمان نیست ".

گردشگران چینی و خارجی از پیمودن دیوار احساس افتخار می‌کنند. حتی سران بسیاری کشورهای خارجی نیز فرصت دیدار از این اثر بزرگ را از دست نمی‌دهند. برخی از بخش‌های دیوار چین بخوبی حفظ شده است از جمله دیوار "بادلینگ" در نزدیکی بیجنیگ دیوار " سی ما تای"، دیوار "موتیان یو"، دروازه شان حای گوان در انتهای شرقی دیوار چین است که نخستین دروازه چین نامیده می‌شود و دروازه "جایوگوان" در انتهای غرب در گان سو ،این بخش‌ها همچنین از مکان‌های بسیار مشهور و دیدنی دیوار است و گردشگران زیادی در تمام سال از آنها بازدید می‌کنند. دیوار چین تجسم درایت و رنج و زحمت میلیونها چینی در دوره باستان چین است. این اثر پس ازهزاران سال از بین نرفته و دارای دلربایی فناناپذیر و سمبل روحیه ملیت چین است. سال ۱۹۸۷ میلادی دیوار چین به عنوان "سمبل ملیت چین در فهرست میراث جهانی ثبت شد.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8668

vista.ir
Online Classified Service

دیوار چین

همانطور که می دانید یکی از شاهکارهای معماری بشر، دیوار چین است. دیوار چین در سال ۱۹۸۷ توسط سازمان یونسکو، جزو یکی از آثار باستانی دنیا قرار گرفت. این دیوار مانند یک اژدهای عظیم، به طول ۶۷۰۰ کیلومتر از میان صحراها، چمنزارها، کوه ها و فلات ها، از غرب تا شرق کشور چین عبور کرده است. این دیواردر حدود ۲۷۰۰ سال پیش ساخته شده است که در حال حاضر قسمت هایی از آن در حال تخریب است یا به کلی ناپدید شده است. دیوار چین تنها ساخته بشر است که اگر از جو زمین خارج شویم، میتوانیم آنرا ببینیم. با این حال، این دیوارهنوز هم یکی از جاذبه های گردشگری در دنیا به شمار می رود که دارای معماری با شکوه و عظیمی

است و از لحاظ تاریخی ارزش بسیاری دارد و با عظمتی که دارد هزاران چشم را به خود خیره نگه می دارد.

● پیشینه این دیوار :

این دیوار عظیم الجثه در اصل در ایالات "یان"، "زائو" و "کین" در فصول مختلف سال در برابر هجوم لشگر های متخاصم، همانند یک دیواره دفاعی و یک اثر نفوذ ناپذیر، برای جلوگیری از یورش قبیله های وحشی به شهرها ساخته شده است.

این دیوار که در طول حکومت پادشاهان مختلف بارها تعمیر و بازسازی شده و گسترش یافته است، در حقیقت هنگامی که برای اولین بار بنا شد، به عنوان دژی مستحکم و مستقل به شمار میرفت و پس از آن در هنگام امپراطوری "کین" به دیوار عظیمی مبدل شد. امپراطور "کین شیهوانگ" پس از متحد شدن ایالات چین، تلاش کرد تا با مرتبط ساختن قسمت های این دیوار در قسمت های شمالی به یکدیگر، حملات لشگریان "هان" دا دور سازد. از آن پس، این دیوار بزرگ به عنوان بنای یادبود ملت چین در طول تلریخ، بر شمرده می شده است. دیدار و گشت و گذار از این دیوار ، همانند سفری به گذشته های تاریخ است. زیرا در هر قدمی که بر میدارید، با یکیاز شاهکارها و عجایب معماری روبرو می شوید.

● معماری و ساختمان دیوار:

نحوه ساخته شدن این دیوار بسیار جالب است. در ساختن این دیوار، از مصالح و نیروهای انسانی بیشماری از جمله سربازان، زندانیان و مردم بومی استفاده شده است. دیوار چین سمبل و نشانه بارزی از خرد، پشتکار و سر سختی مردم چین است.

اما یکی از نکات جالب توجه که در ساخت این دیوار وجود دارد، استفاده از آرد برنج در ساختار آجرهای آن است. به این شکل که معماران و طراحان دیوار چین برای آنکه به آجرهای دیوار استحکام بیشتری ببخشند، به ترکیبات سازنده آن، آرد برنج نیز افزودند تا دوام و قدرت دیوار را افزایش دهند.

در قسمت های مختلف دیوار تفاوت نژادها و قوم های مختلف به نحو بسیار چشمگیر و باور نکردنی، قابل مشاهده است. قسمت اعظم این دیوار که امروزه شاهد آن هستیم، در زمان امپراطوری "مینگ" ساخته شد. که از گذرگاه shanhaiguan در شرق چین شروع شده و تا گذرگاه jiayuguan در غرب ادامه دارد که در این میان از استان های Shaanxi ، Ningxia ، Inner Mongolia ، Shanxi ، Tianjin ، Beijing ، Hebei ، Liaoning و Gansu عبور می کند

● نگهداری و محافظت از دیوار:

آکادمی دیوار بزرگ چین، برای محفظت از این اثر باستانی تاسیس شده است. پس از بررسی و تحقیقی که بر روی این دیوار در استان های مختلف انجام شد، در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ میلادی، مسئولین این آکادمی اعلام کردند که بلایای طبیعی از یکسو و تخریب و ویرانی به دست افراد از سویی دیگر باعث شده است که تنها ۳۰ درصد از این دیوار از شرایط خوب و قابل قبولی برخوردار باشد. این تحقیق به مدت ۴۵ روز، بر روی ۱۰۱ قسمت مختلف دیوار انجام شد

● سابقه فرهنگی دیوار :

این دیوار نمادی قابل توجه از فرهنگ مردم چین به شمار میرود. در این دیوار ترکیبی از سمبل های مردمی و اسطوره های چین به چشم میخورد. اما زیباترین و درعین حال غم انگیز ترین افسانه ای که دراینباره نقل شده است، درباره فروریختن قسمتی از دیوار به خاطر "منگ چیانگنو" است. وی پس از کشته شدن شوهرش در حین ساخت این دیوار، در غم او بسیار گریست و پس از آن سرگذشت تلخ و غم انگیزی پیدا کرد. این داستان در کتاب ها و ترانه های عامیانه و اپراهای قدیمی نقل شده است و در میان مردم چین، بسیار مشهور است

● مسافرت در طول دیوار:

اگر تمایل دارید که از این دیوار بازدید نمایید، بهترین منطقه برای شروع، "سیماتای" است که در ۱۱۰ کیلومتری شمال شرقی بیجینگ (پکن) قرار گرفته است. زیرا این منطقه از دیوار، هنوز هم فرم اصلی و واقعی خود راحفظ کرده، و به علت کمبود وسایل نقلیه عمومی در این ناحیه، از طرف توریست های دیگرهنوز مورد توجه قرار نگرفته است.

منبع : مطالب ارسال شده

http://vista.ir/?view=article&id=95598

راز آن لبخند مهربان

روزهای پایانی سال، خستگی یك سال كار بی وقفه، كابوس سیزده روز بیكاری و تحمل مراسم تكراری و فرساینده سلام، سلام روبوسی _ روبوسی، خیلی ها را برای یافتن راه فرار به دفاتر آژانس های مسافرتی كشاند و خسته های سال البته حكایت شلوغی شهرهای شمالی و جزیره های توریستی را می دانند پس عجیب نیست كه هوای خروج از مرزها به سرشان بزند. این زمان است كه برق نگاه مسؤول آژانس را می بینی و خوشحالی كه دلیلش را نمی دانی. اگر خیلی حساس باشی، می توانی این خوشرویی را بگذاری به حساب مهربانی مسؤول آژانس در آغاز سال نو. حالا وقت آن رسیده تا با روحیه خوب به صحبت های مسؤول محترم كه با انگیزه ای خاص پكیج های مختلف را شرح می دهد گوش كنی و درنهایت از بین تمام پیشنهادهای زیبا و دل انگیز كارمندان آژانس پیشنهاد سفر زمینی به كشور همسایه غربی را از همه مطلوب تر می یابی. زیرا وقتی تاریخ رفت و برگشت را می پرسی می بینی این سفر به طور كامل تعطیلات سیزده روزه را پر می كند و در ضمن دردسر پیدا كردن پروازهایی كه مسؤول آژانس مقابل هر یك از آنها این جمله را تكرار می كند: «البته پرواز كاملاً پر است و اگر لازم باشد باید برای شما جای ویژه پیدا كنیم!» كه خوب می دانی به این معنی است كه باید پول ویژه بپردازی و از همه مهمتر این كه با یك حساب سرانگشتی متوجه می شوی این پیشنهاد نه تنها از سفرهای داخلی، بلكه از ماندن در خانه و مهمان داری هم كم خرج تر است. تماشای كاتالوگ هتل پنج ستاره ای كه ظاهراً قرار است محل اقامت شما باشد دیگر جای تردید باقی نمی گذارد و باقی ماجرا...

اما این پایان ماجرا نیست، یعنی در واقع ماجرای اصلی از روز اول سفر آغاز می شود. جایی كه طبق اعلان مدیر تور صبح زود چمدان به دست رهسپار محل حركت شده ای و بعد از آشنا شدن با خانم جوانی كه خود را لیدر این سفر معرفی می كند می فهمی اتوبوس چند دقیقه ای تأخیر دارد. مسأله ای نیست. فعلاً سفر مهمتر است و نباید در شروع راه به مسائلی ناراحت كننده فكر كرد. حتی اگر این مسأله جوانی بیش از اندازه خانم لیدر باشد و با خود فكر كنی این دختر جوان و بی تجربه چطور می تواند مسؤول ۴۰ نفر آن هم در كشوری غریب باشد؟! اما سعی می كنی خودت را تسلا دهی: مهم نیست حتماً توانایی اش را داشته اما دردسر از همین جا آغاز می شود. دختر خانم لیدر با لبخندی دوباره نزدیك می شود و بعد از كلی عذرخواهی می گوید قیمت ها گران شده و راننده دیگر حاضر نیست با مبلغ توافقی قبلی حركت كند. به همین خاطر باید مبلغ .... اضافه پرداخت كنید و اینجاست كه حكمت ارزانی روز اول برایت مشخص می شود. پس از پرداخت آن مبلغ و البته معطلی چند ساعته بالاخره اتوبوس می آید و با خوشحالی از آغاز یك سفر حركت می كنی. خروج از تهران لحظه ای است كه خانم لیدر نقش كلیدی و حیاتی خود را ایفا می كند و ضمن معرفی خودش از تك تك همسفران می خواهد خودشان را معرفی كنند. (چون ما از امروز همگی اعضای یك خانواده ایم و قرار است سیزده روز شاد را با هم سپری كنیم.)

بعدها می فهمی این تنها جمله صادقانه ای بوده كه خانم لیدر بر زبان آورده. چرا كه هنوز به طور كامل از تهران خارج نشده ای كه می بینی همه

همسفران با یکدیگر دوست شده اند و هنوز سه _ چهار ساعتی از مسیر نگذشته که می توانی جمع شدنهای ۵-۶ نفره مسافران را ببینی که سر صحبت را باز کرده و مشغول تعارف آجیل و تنقلات و گپ و گفت هستند. جوان ترها انتهای اتوبوس را به محفلی صمیمانه تبدیل کرده اند و براساس طبیعتشان سرگرم صحبت و خنده اند.

با تاریك شدن هوا و البته توقف و صرف شام، چشمها آرام، آرام گرم می شود و اینجاست که خواب ها و بیدارها حساب خود را از هم جدا می کنند. آنها که دوست دارند می خوابند و آنها که بیدارند ترجیح می دهند دور هم جمع شوند. فضای خالی وسط اتوبوس جای خوبی است برای این گردهمایی ها تا هم فاصله ها کمتر شود و هم صداها آرامتر.

اما هرچه از یك طرف جمع مسافران صمیمی تر و مصاحبتها گرمتر می شود از طرفی بد قولی های خانم لیدر و راننده تور هم بیشتر و بیشتر می شود و از همین آرام آرام اعتراض های زیر لبی و پچ پچ ها آغاز می شود. وقتی چند ساعتی در خاك ترکیه راه پیمایی کردی تازه می فهمی حدس ات درست بوده و جوانی خانم لیدر و بی تجربگی اش دردسر ساز. چون ظاهراً نه راه را بلد است و نه زبان که حد اقل از کسی سؤال کند. وقتی به مقصد رسیدی و خانم لیدر هتل را معرفی می کردند آن اعتراض های خاموش ناگهان سرباز می کند.

«خانم این هتل ۵ ستاره ای است که قول داده بودی؟ اینکه دو ستاره هم نیست» حالا حکمت خنده روز اول مدیر آژانس مشخص می شود. می فهمی تمام آن حرفها، وعده و وعیدی دروغین بوده برای مجاب کردن تو. حالا است که زشتی دعوا و درگیری هموطنان است در جمع بیگانگان، آنها که با رد شدن از کنار این جمع متشنج سری از روی تأسف تکان می دهند را درك می کنی و وقتی از ماشین پیاده می شوی متوجه می شوی این فقط مشکل تور تو نیست. بلکه بیش از ده تور و مسافران اش با وضعیتی مشابه در خیابان معطل اند. آنها که قبلاً رسیده اند و راضی شده اند در هتل مذکور اقامت کنند مدام تذکر می دهند زیر بار این هتل نروید اقامت در اینجا توهین به شخصیت ایرانی است. چرا برای اروپایی ها بهترین هتل ها را می گیرند و برای ما این هتل های پر از کثافت و سوسك!

خانم لیدر تقصیر را به گردن نماینده ترك می اندازد و معتقد است او هتل را اشتباه معرفی کرده اما وقتی با مسؤول رزرو هتل برای ایرانی ها صحبت می کنی می بینی برخلاف تورهای هم وطن ات این بیگانه ها کاملاً صادقانه رفتار کرده اند و در عکسی که هنوز در دست دارد و به عنوان مدرك نشان می دهد نام هتل و درجه آن به طور کامل مشخص شده.

نگاهی به اطراف برای درك وخامت اوضاع کافیست.بسیاری از مسافران سایر تورها کارشان با لیدرهای خود بالا گرفته است؛ حتی یکی دو تن از لیدرها را می بینی که با بینی های شکسته رهسپار بیمارستان شده اند و خدا را شکر می کنی که لیدر خودتان خانم است و حرمت خانم بودن اش مانع از مشاجرات آنچنانی و کتك کاری با مسافران معترض شده.

اما تو حالا این جوان های عصبانی را خوب می شناسی، می دانی که اینها همان هایی هستند که تا چند لحظه پیش از مولانا و شمس تبریز می گفتند و در طول ۴۸ ساعت راه حتی یك بار هم باعث دلخوری و ناراحتی کسی نشده اند. پس عصبانیتشان را درك می کنی. با خود فکر می کنی چه کسی بر کار این آژانسهای مسافرتی که نهایت سوء استفاده را از بی اطلاعی مردم می برند، نظارت می کند. چه کسی به آبرو و تشخص ایرانی که به خاطر این کلاهبرداری ها در کشورهای بیگانه زیر سؤال می رود، فکر می کند؟ و چه کسی مسؤول این همه ناهماهنگی است؟ آیا اینها که اکنون چند ساعتی است چمدان به دست در خیابان ایستاده اند، هموطنان ما نیستند که با تکیه به وعده و وعیدهای آژانسهای رسمی مسافرتی که در نهایت وقاحت حتی وعده های دروغین خود را به طور رسمی ثبت و امضا کرده اند، رهسپار کشور غریب شده اند؟

بالاخره پس از چند ساعت سرگردانی وقتی راضی شدی در همان هتل و یا هتلهای مشابه اقامت کنی، آنقدر خسته ای که فقط به دنبال جای خواب می گردی و وقتی چشم باز کنی، اولین روز اقامت ات کاملاً پایان یافته. یادت می افتد مدیر آژانس در قراردادت چند گشت توریستی ثبت کرده است، پس به سراغ خانم لیدر می روی و او هم با افتخار می گوید بله. تورهای داخل شهری داریم. امشب ساعت ۱۰ همه در لابی هتل باشید تا این تورها را معرفی کنم، اما وقتی اولین تور که شامل بازدید از یك جزیره است، معرفی می شود، دوباره موج اعتراض و سر و صدا بالا می گیرد، چرا که گشتی که قرار بوده رایگان باشد، اکنون ۵۰ دلار هزینه بر می دارد و خانم لیدر هم با قیافه ای حق به جانب می گوید: هزینه حمل و نقل تا دم کشتی رایگان است، اما تهیه هزینه ها بر عهده مسافران! یکی از مسافران که سابقه سفر به این کشور را داشته، پیشنهاد می دهد خودمان و بدون تور به جزیره برویم تا ببینید که اینجا چقدر کلاهبرداری می شود. فردا وقتی خودت به جزیره می روی و هزینه ۵۰ دلاری به ۱۰ دلار کاهش می یابد، می بینی با این ده دلار ناهار هم خورده ای و دوچرخه هم اجاره کرده ای، یك بار دیگر نیشخند مدیر آژانس در روز ثبت نام را به خاطر می آوری و معنای آن را بیشتر درك می کنی. دیگر مطمئنی و می دانی که نیازی به خانم لیدر نیست و دیگر برایت اهمیتی ندارد که او بی تجربه است یا مجرب.

تصمیم می گیری دل به جذابیتهای سفر بدهی و حالا که دستت به جایی بند نیست، دست کم کاستی ها را هم فراموش کنی و همه چیز را به تهران موکول کنی. می دانی که در بازگشت حتماً اعتراض خواهی کرد، هرچند هنوز نمی دانی به چه مرجعی و با خودت فکر می کنی آیا مسافران قبل تر از ما چنین کاری نکرده اند؟!! یا شاید هم به نتیجه ای نرسیده اند که امروز ما هم تجربه آنها را تکرار می کنیم!!!

در هر حال چشم به هم می زنی و می بینی شب آخر است. همسفرهایت از جمع کردن چمدانها می گویند و از جمع شدن به دور هم در شب آخر سفر. ناگهان به یاد می آوری که چقدر زود گذشت. به یاد صحبتهای یکی از همسفران ات در لحظه درگیریهای روز اول می افتی که می گفت هر سال این مشکلات را می بینیم و هر سال می گوییم بار آخر است و سال بعد باز چمدان می بندیم.

ندا کاظمی

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=220798

vista.ir
Online Classified Service

راز سرزمین من

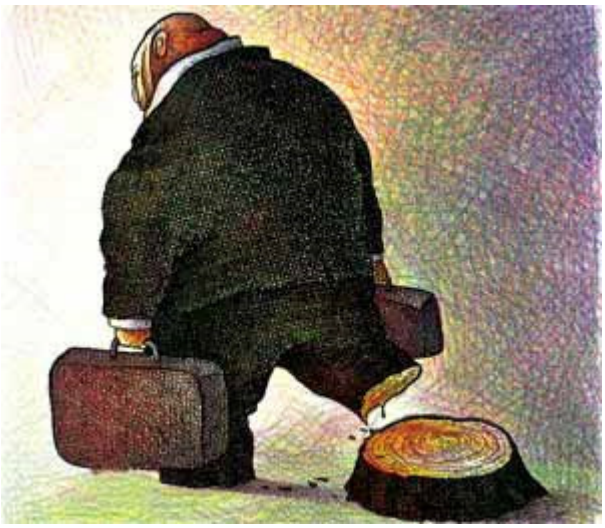

داستان مهاجرت ایرانیان به خارج از ایران، داستانی قدیمی است. نخستین گروه ایرانیان مهاجر آنگونه که تاریخ آن را ثبت کرده است، ایرانیانی بودند که پس از هجوم اعراب به ایران به هند رفتند.

امروز پس از هزار و چهارصد سال، آنان هنوز خود را ایرانی می دانند، اسامی ایرانی دارند و هرچند با جان و دل به وطن دومشان هند وفادارند ولی ریشه های کهن خود را از یاد نبرده اند. پس از اسلام نیز ایرانیان مسلمان حتی تا چین بار سفر بستند و تجار مسلمان ایرانی بودند که تمام جزایر و مناطق اقیانوس هند تا دریای چین را با جوهره ناب اسلام آشنا کردند. نخستین دریانوردان پرتغالی که عازم هند بودند، در سر راه خود در شرق آفریقا با ایرانیان مهاجری روبرو شدند که در زنگبار اقامت داشتند و آنان که بازماندگان شاهزادگانی از فارس بودند در تانزانیای کنونی تمدنی را پایه ریزی کرده بودند که در شرق آفریقا بی همتا بود. حزب شیرازی نخستین حزبی بود که استقلال تانزانیا را پایه ریزی کرد و در زمان نیرره این حزب با ائتلاف با چند حزب دیگر حزب حاکم پس از استقلال تانزانیا شد.

در این سرزمین چه رازی نهفته است که فرزندانش حتی اگر آن را ندیده باشند دل در گروی آن دارند؟

پاسخ این پرسش را هنگامی می توان یافت که از آن دور بود. راز سربه مهری که گشودن آن فقط در دل است.

در جهانی که مرزها خاصیت پیشین خود را از دست داده اند و فقط به خطوطی در نقشه تبدیل شده است، حتی نسل سوم و چهارم ایرانیان خارج از کشور نیز هنوز دل در گروی ایران دارند و در آرزوی بازگشت به میهن هستند. فراهم آوردن امکان بازگشت آنان اما معمایی پیچیده است که همه سعی در گشودن راز آن دارند ولی به نظر می رسد هنوز این معما لاینحل باقی مانده است. ایران به همه فرزندان خود تعلق دارد و به نظر می رسد که در سالهای اخیر گشایشی در این مورد حاصل شده است. آنان که جلای وطن کرده اند نیز به سهم خود باید گامهایی را بردارند. مهاجرت ایرانیان ممکن است که آنان را از خاك خود دور کرده باشد ولی آنان که هنوز دل در گروی این خاك دارند باید در شادی و غم کسانی که سالها در آن

ساکن بوده اند نیز شریك باشند.

سهم آنان همانند سهم همه ایرانیان است و اگر ایرانی در میهن ،تحصیلکرده ای در میان کویر و یا در دشتهای پربرف و کوه های سربه فلك کشیده درد دل هموطن خود را درد خود می داند، دلیلی ندارد آنانی که بازمی گردند نیز چنین راهی را انتخاب نکنند. اگر دل برای وطن می تپد، پس باید پذیرفت که همه جای ایران سرای من است و فقط آرامش و اطمینان در شهرهای بزرگ ایران مدنظر نیست.

هنگامی که ایرانی خارج از کشور به این باور برسد، آغوش میهن به روی آنان گشوده است و سایه غم دوری از میهن نیز از زندگی آنان برخواهد تافت.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=225151

vista.ir
Online Classified Service

راهنمای تور کیست؟

راهنما همراه گروه سفر می کند و رابط میان مسافران و شرکت برگزار کننده تور است . راهنما مسافران رابه هنگام دشواریهای شخصی کمك می کند و بر انجام درست برنامه و کارها نظارت دارد و حساب و کتاب هزینه را از آغاز تا پایان نگاه می دارد. در این قسمت سعی دارم یك سری از تجربیات آموزشی و عملی خودم را در زمینه سرپرستی تور و مدیریت آن طی سفرهایم برای شما نقل کنم .

به علت همسانی و تداخل وظایف ، جداسازی و مرزبندی دقیق میان اصطلاحات همراه ، راهنمای تور و حتا سرپرست دشوار است . راهنمایان حرفه ای تور گذران زندگی خود یا بیشترین بخش از آن را از راه همراهی مسافرین انجام می دهند . بیشتر انها در کشورهای جهانگرد پذیر زندگی می کنند و در پی سال های سال کار ، با منطقه ای که در آن کار می کنند به خوبی آشنا شده اند . با اینکه کار موقعیتی بسیار خوب برای سفر و آشنایی با مردمان تازه فراهم می آورد اما آنچنان دلفریب نیست ، مشکلاتی همچون امکان همسفر بودن با مسافران ناسازگار و درد سر آفرین در تورها ، پیش آمدن دشواریهای پیش بینی نشده و باز دارنده در کارهای روزمره و برنامه تور و پیامدهای ناشی از این شیوه زندگی که بر روی روابط و زندگی شخصی هم تاثیر می گذارد از جذابیت این کار می کاهد . درصد چشمگیری از راهنمایان تمام وقت مجرد هستند .

حرفه ای ها معمولا با یك برگزار کننده تور مشخص کار می کنند آنان معمولا به چندین زبان سخن می گویند و با آداب و رسوم و فرهنگ مناطق شخصی خود آشنا هستند . دوره های آموزشی که برای این کار می گذارند بیشتر به صورت کار با حقوق کم برای کار آموزی نزد کار آزمودگان و کهنه کاران است

- وظایف سرپرست تور:

یك تور لیدر هر اندازه توان انجام کارهای بیشتری را داشته باشد ارجمند تر خواهد بود . تور لیدر باید همواره آمادگی رویارویی با موارد اضطراری را همانند کارهای روزمره خود داشته باشد . وظایف او مانند سرکرده پیشاهنگان ، فرمانده سربازان یا مدیر اداره است . بسته به نوانمندی و کار

آزمودگی ، یك سرپرست گروه می تواند بخشی و یا همه وظایف راهنمای محلی را خود عهده دار شود . اگر او با محل آشنا باشد می تواند برای توضیح دادن دیدنی ها با راهنمای محلی همکاری کند . داد و ستد، نقطه نظرها ، داستان ها ، لطیفه ها و ترانه ها آمیزه ای خوشایند را پدید می آورد . پیش از عهده دار شدن سرپرستی تور راهنما باید برای تبلیغ تور و مسافر گیری تلاش کند.

- مهارت ها ، ویژگی ها و استعدادها

بر خلاف آنچه که قانون اساسی ما تضمین کرده همه مردم برابر و یکسان آفریده نشده اند برخی تیز هوش تر از دیگرانند ، گروهی از تندرستی بیشتری بهره مندند و کسانی نیز از موهبت داشتن پیشینه و پس زمینه های کاری گوناگون برخوردارند آنچه که شما از یك راهنما انتظار دارید آمیزه ای هر چه بیشتر از توانمندی ها و برجستگی ها و کمترین ضعف ها وناتوانی ها است . برخی از این ویژگی ها آموختنی و اکتسابی است در حالی که پاره ای از آنها ذاتی هستند .

۱. توانایی جذب مسافران :

راهنمای حرفه ای یا همراه تور شاید چندان کاری با گرفتن مسافر برای تور ندارد . راهنمایان گاهگاهی هم می توانند مسافران را به دنبال خود بکشانند . یك شرکت تور یا یك دفتر مسافرتی بر روی نام و اعتبارات چنین کسی حساب باز می کند این اعتبار و نام آوری می تواند برآمده از پیشینه دیگر او و یا به طور مشخص در نتیجه برداشتهای مسافران از مهارت های مدیریتی و یا شخصیتی آنان باشد که بر سر زبان ها افتاده است، اخلاق خوب ، خوش وبش با مسافران ، ایجاد روحیه در آنان و کارهای دیگر می تواند در جذب مسافر موثر باشد .

۲. شناخت منطقه :

بدیهی است هر کس برای نخستین بار جایی را ببیند ، با آن آشنایی ندارد اما برای کسیکه از پیش به آنجا رهسپار شده باشد این یك برتری بی چون و چراست . یك راهنما با داشتن شناخت از منطقه می تواند با تسلط بیشتری سخن بگوید ، در باره جاذبه ها ، امکانات محل ، شمار روزهای سفر بهتر اظهار نظر کند و مشکلات احتمالی را از پیش در یابد . با داشتن این شناخت راهنما می تواند زمان های بهتری را برای گشتگاه ها برگزیند تا گروه گرفتار شلوغی نشوند و یا آنان را به رستوران های خوب و سر شناس ببرد.

۳. دانستن زبان محل :

داشتن یك چنین توانایی (به ویژه برای تورهای خروجی) از نیازهای حرفه ای ماست . اما بیشتر راهنمایان گهگاهی نیازی به دادن توضیحات ندارند و به این دلیل در جاهای دیدنی سرانجام به اینجا می رسند که کار را کاملا به دست راهنمای محلی بسپارند با این همه اگر دانش کاربردی زبان بخشی از ابزار کار حتا برای آماتورها است . نه تنها دانستن زبانهایی همچون انگلیسی ، فرانسه ، آلمانی و ایتالیایی می تواند سودمند باشد بلکه در موقعیتهای ویژه دانستن زبان اشاره ای نیز کارایی خواهد داشت .

۴. تحصیلات و هوشمندی :

این دو ویژگی توامان با یکدیگرند اما همیشه چنین نیست برخی از دانش آموختگان می توانند الگو و نمونه ی هوشمندی باشند و بسیاری از مردمان هوشمند شاید آموزشهای رسمی بالاتر از دبیرستان را ندیده باشند پس شما کسی را به عنوان راهنما می خواهید که تیز هوش باشد و در زمانی کوتاه بتواند دانستنی ها را فرا گرفته و به یاد بسپارد و سخنور خوبی باشد . خوش رفتاری را فراگرفته باشد . راهنمای تور هرگز نباید روشنفکری باشد که بخواهد به مسافران فخر بفروشد و فضل فروشی کند و آنها را به ستوه آورد . بهترین همراهان تور کسانی هستند که تنها کمی باهوش تر از کسانی باشند که در خدمت آنها هستند .

۵. کارآزمودگی و سن :

باز هم این دوعامل در هم تنیده و توامان با یکدیگرند اما گاهی همیشه چنین نیست ، برخی از بزرگسالان گوئی از تجربه ها درس نگرفته اند و برخی از جوانترها گوئی پخته و بالغ آفریده شده اند . همه چیز به سن و سال بستگی ندارد اما چندین تار موی خاکستری می تواند به جلب توجه واحترام کمك کند . با این همه بهتر است جوان کار آمد داشته باشید تا کهنه کاری که کارایی ندارد . با اینکه داشتن تجربه مستقیم از سفر بسیار سودمند است اما تجربه های مدیریتی در دیگر زمینه ها نیز می تواند در این زمینه کار ساز باشد برای این کار باید دارای پس زمینه جهانگردی بود تا بتوان تجربه ها را به کار گرفت یك مدیر مالی موفق که عادت دارد به زیر دستانش امر ونهی کند ممکن است بتواند یك تراز نامه خوب مالی ارائه دهد اما نمی تواند راهنمای تور توانمندی باشد .

۶. مهارت در کمك های نخستین :

چنانکه خواهیم دید راهنمای تور در پذیرفتن مسولیتهای پزشکی باید بسیار هوشیار باشد . مهارت هایی چون دادن تنفس مصنوعی ، نجات غریق

، کمك های نخستین پیشرفته کمك بسیار با ارزشی در رهبری تور است.داشتن توانایی در این زمینه ها برای جهانگردان مایه آسایش بسیار خواهد بود.

۷. پرداختن به جزئیات :

مهارتهای سازمانی اغلب دست کم گرفته می شوند ، به ویژه در زمینه رهبری تور که بیشتر بر فرهیختگی تاکید می شود . با این همه کسی را نیاز دارید که به آینده بیاندیشد پیش تر را بنگرد و برای آینده تصمیم بگیرد کسی که تمهیدات لازم برای اجرای تور را از پیش فراهم سازد و هر روزآن را باز بینی کند ، کسی که بتواند ثبتی روشن ، کامل و دقیق برای همه رویدادهای سفر فراهم آورد . کسانی که بخواهند از این کارها شانه خالی کنند در نهایت باعث شکست و بدنامی برای برگزارکنندگان تور و مدیران دفاتر مسافرتی خواهند بود . سرپرست خوب تور همواره هشیار است ، همواره حساب کتاب می کند و همواره یادداشت بر میدارد .

۸. ویژگیهای شخصی :

هنگامی که شما سیاهه ای از ویژگیهای بایسته برای هر پیشه ای را فراهم می کنید بی تردید یك مدل نمونه و بی کم و کاست برای خود می سازید . هیچ انسانی نمی تواند با این نمونه آرمانی کاملا منطبق شود . از دیدگاه فیزیکی همه ما با هم اختلاف بسیاری داریم . این زنجیره ویژگی های شغلی خصوصیاتی است که هر کسی می خواهد آن را در یك کارمند از جمله راهنمایان بیابد . آنچه که از این پس می آید بیشتر ویژگی های است که برای گزینش و ارزیابی راهنمایان یا برگزار کنندگان تور به آن پرداخته می شود .

۹. نیرومندی و مصمم بودن :

جدا از دیگر ویژگیها، یك راهنمای تور باید توانایی رهبری را داشته باشد یعنی بتواند بر مردم مدیریت کند و بتواند تصمیم بگیرد این کار به درد کسانی که دارای شخصیتی دودل ، بی ثبات ، ترسو و کمرو هستند نمی خورد .

۱۰. دید مثبت :

راهنما باید آدمی خوشبین باشد یا دست کم اینگونه خود را نشان دهد . این خوشبینی باید مسری باشد . راهنمای منفی باف مایه دردسر و گرفتاری هست ، با این همه راهنمای تور نباید دچار خوش بینی بیش از اندازه باشد . برای آنکه او بتواند این خوش بینی را توجیه کند و این اطمینان و دلگرمی خود را به مسافران انتقال دهد به پختگی بسیار نیاز دارد .

۱۱. زیرکی و خوش سر زبانی :

یك همراه تور باید سیاستمدار باشد هم با مسافران گروه و هم با کارکنان ، هتل ها ، رستوران ها ، شرکت های حمل ونقل و رانندگان روشی سیاستمدارانه داشته باشد . وی نباید به شایعات توجه کند ، به اعتماد طرف های خود باید ارج بگذارد و به حساسیت های آنها توجه کند . کار راهنمایی تور می تواند پردردسر و توانفرسا باشد ، اما راهنما نباید با مسائل پیش پا افتاده خود را درگیر کند و با هر مشکلی تا آنجا که بتواند هر چه بیشتر با قاطعیت و خوش رفتاری برخورد کند.

۱۲. صداقت و وفاداری :

فضیلتی که هر راهنمای تور باید داشته باشد صداقت و پای بندی به اصول هم در برابر مسافرانی که آنها را همراهی می کند و هم سازمانی که برای آن کار می کند و صورت حسابها را می پردازد است . در این کار همه چیز باید آشکار باشد و هیچگونه پنهان کاری و حساب سازی نباید وجود داشته باشد . راهنما نباید دست به کارهایی بزند که به سازمان و کارفرمای او ضربه و لطمه وارد شود . چنین کاری هم ناجوانمردانه و هم نابخردانه است و پیامدهای آن سرانجام هم به خود او بر می گردد . در زمان های حساس و بحرانی باید برخورد وی با مسافران و کارفرما یکسان باشد و از هیچ یك از آنان در برابر دیگری جانبداری نکند . همه گزارش ها و صورت هزینه ها باید با دقت و صداقت نوشته شوند .

۱۳. اعتماد به نفس و قاطعیت :

این اصطلاح به یکی از معماهای جامعه امروزین ما تبدیل شده است.هزاران تن از مردم برای دستیابی به این توانایی ها هزینه های گزافی را می پردازند.یك راهنما بهتر است دارای اعتماد به نفس و غرور بوده وکمی هم منیت داشته باشد.هنگامی که کارمند هتل موکدا اعلام می کند که اتاق یك تخته نداریم.راهنما باید سازش نا پذیر بوده و نباید کوتاه بیاید،در پاسخ وی باید بگوید بگو رئیست بیاید این به معنای داد زدن ،نا سزا گفتن یا رفتار خشن نیست. این کار نمایش نیروهای درونی ، سرسختی و سازش نا پذیری است . این به معنای این است که راهنما بر روی حقوق مسافرانش پافشاری می کند .۱۴. رفتار آرام :

حتی در هنگام نگرانی نیز باید لبخند اطمینان بخش بر لب داشت . بهترین راهنمایان هیچگاه حتی در درون خود نباید ترسان باشند . آنها باید در

بهرانها خونسرد بوده و در برابر موارد اظطراری به زودی واکنش بایسته نشان دهند هنگامی که در تهدید مخاطرات بزرگ هستند باید توان آن را داشته باشند که به درستی و روشنی بیاندیشند و در این گونه رویدادها باید بدون ترس با سینه سپر کرده به میان معرکه بروند و با مشکلات روبرو شوند این کار به گروه آرامش خوهد داد . تجربه و گذشت زمان به تکامل این رفتار کمك می کند . اما برخی کسان این توانائی ها را به گونه ای ذاتی و فطری دارا هستند .

۱۵. شخصیت گرم و پرشور :

ویژگیهای پیش گفته به هنگام کاربرد کم و بیش ارتشی مابانه به نظر می رسند . در هر راهنمای تور باید کمی هم رفتار افسر فرمانده وجود داشته باشد . با این تفاوت که مسافران ، یك گروه آزاد و خوشگذران هستند و نه یك دسته سرباز . راهنمای تور هنگامی که رهبری خود را اعمال می کند باید گشاده رو باشد ونشان دهد که آماده لبخند زدن است و رفتاری پرشور و دوستانه داشته باشد . گروه انتظار دارند که همراه آنها سرزنده و دارای لحنی گیرا و خوش مشربی ذاتی باشد او نباید با جهانگردان ، کارکنان هتل و رستوران ها رفتاری سرد ، رسمی و دستوری داشته باشد . از این رو نام او بر سر زبانها خواهد افتاد و می تواند پیشنهادهای دیگری نیز برای سفر به دست آورد .

۱۶. آراستگی و پیراستگی :

مسافران تور می توانند با سر و وضعی نا مرتب یا آشفته دیده شوند اما سرپرست گروه همواره باید دارای ظاهری آراسته باشد . این آراستگی و شادابی بر اعتبار و اقتدار او می افزاید و سرمشقی برای دیگران خواهد بود . یك همراه گروه شلخته برای خودش ، شرکت کارفرما و ارزش و موفقیت تور اثر بد و ناخوشایندی خواهد داشت .

۱۷. تندرستی کامل :

این بدین معنا نیست که سرپرست تور از آغاز روز ورزشهای سنگین بکند یادلبسته پرورش اندام باشد . اماباید تندرست باشد و از ناتوانی بدنی در رنج نباشد از بنیه خوب برخوردار باشد راهنما باید نخستین کسی باشد که برمی خیزد وبه راه می افتاد و همواره پیشاپیش گروه رهسپار باشد . همچنین او همیشه باید نخستین کسی باشد که به بستر می رود . حتی هنگامی که احساس بیماری می کند باید به گونه ای رفتار کند که گویای سرزندگی و توانمندی باشد و به هنگام بیماری ها نباید بگذارد که بیماری براو چیره شود . اگرچه بیمار است باید خواست و اراده پیگیری کارها راداشته باشد . راهنماها همچون مادران هیچگاه نباید واقعا بیمار شوند .

۱۸. حساسیت :

گذشته از برنامه ریزی برای مسیرها و ردیابی یا موارد اضطراری ، راهنما همواره باید حالات مسافران را زیر نظر داشته باشد و واکنشهای شخصیتی آنها را پیش بینی کند و تفکر آنها را بخواند و به شکایات انها توجه کند . خستگی آنها را ارزیابی کند و اسباب آسایش و آرامش مسافران تنها و نگران را فراهم کند . او باید به همه چیزها مانند آرایش تازه موی سر ، یك تن پوش ویژه ، سوغاتی های خریداری شده که برای مسافران بسیار ارزشمند هستند ، توجه نشان دهد راهنما باید کمی هم روانشناس باشد و نسبت به مسافران و حالتهای آنان بسیار هوشیار باشد . با این همه نباید دارای شخصیتی حساس و زود رنج باشد . مشکلات گاه به گاهی نباید بر روی او تاثیر بگذارد او باید بی اعتنا به ناملایمات و موانع به راه خود ادامه دهد .

۱۹. انعطاف پذیری و نرمش :

برخی از مردم هنگامی که روال عادی کارها در خطر به هم خوردن قرار می گیرد دستپاچه و سراسیمه می شوند این کار بیشتر برای برنامه ریزان خشك ونرمش ناپذیر روی می دهد که خواهان آنند که همه چیز مرتب و بی کم و کاست باشد . اصل قدیمی مورفی دقیقا برای تور هم مصداق دارد (اگر قرار است چیزی خراب بشود خراب خواهد شد). برنامه ریزی احتمال پدید آمدن دردسرهای بزرگ را کاهش می دهد اما پاره ای تغییرات گریز ناپذیر هستند . در سفر چیزهایی همچون خرابی وسایل حمل و نقل ، آشفتگی وسایل ارتباطات و پیام رسانی ، مسافران ناسازگار و درد سر آفرین یا بیماری ها ، بلایای طبیعی ، تاخیر وسایل ترابری و مانند آن وجود دارد . پس راهنمای تور باید به سرعت و با حضور ذهن چاره سازی کند باید توان آن را داشته باشد که آنگاه شرایط وادار می کند برنامه را تغییر دهد .

۲۰. فداکاری :

چونان دیگر اصول رهبری یك همراه تور باید همواره آماده باشد تا به خاطر رفاه گروه از آسایش خود چشم پوشی کند ، برای نمونه این کار می تواند چشم پوشی از برخی برنامه های شخصی باشد . یك لیدر باید پس از همه بخورد ، بنوشد و بیاساید . این کار از هنگام برخاستن هواپیما و آغاز تور تا برداشته شدن آخرین چمدنها از روی نوار گردنده فرودگاه باید انجام شود .

۲۱. آینده نگری :

همچنانکه نرمش پذیری فضیلتی بایسته است یك همراه تور کاردان باید همه چیزهای نادرست و دشواری ساز را از پیش دریابد و بکوشد از روی دادن آنها پیشگیری نماید . این به معنای گفتگوهای گسترده با راننده اتوبوس و کارکنان کشتی ، گفتگوهای تلفنی پیش از آغاز تور ، بررسی امکانات پیش از به دست گرفتن رهبری گروه باشد . هیچ چیزی نباید درست انگاشته شود ، همه موارد باید بازبینی و باز هم بازبینی شوند .

۲۲. توانمندی برای پدید آوردن دوستی های پایدار:

یك راهنمای تور کارآزموده این توانایی رادارد که مسافران را به هم نزدیك کند . باید به دنبال کسانی که تنها هستند باشد و آنها را به هم بپیوندد و از آنها گروه بسازد ، گروهی از افراد پراکنده که خود را همچون همسرانی که در پی آسایش یکدیگرند و می خواهند کمترین برخورد و درگیری را باهم داشته باشند . در پایان یك تور خوب ، بیشتر مسافران گروه دوست ندارند از هم جدا شوند و پس از آن نیز با هم بسیار در تماس خواهند بود . بیشتر آنها در تورهای بعدی باهم سفر خواهند کرد .

منبع : سایت خصوصی میراث ـ صنایع دستی و گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=236886

vista.ir
Online Classified Service

راهنمای سلامتی در مسافرت‌ها

برای اینکه بتوانید از سفر خود لذت برده و مسافرتی سالم و راحت داشته باشید بهتر است قبل از رفتن به مسافرت در صورت داشتن هر گونه سابقه بیماری و علائمی از قبیل سرفه بیش از دو هفته، اسهال و استفراغ، تب و لرز و.... به نزدیک ترین مرکز بهداشتی مراجعه یا در نقاط مرزی به ماموران بهداشتی مستقر در پست های قرنطینه اطلاع دهید.

به منظور پیشگیری از بیماری کشنده هاری در طول سفر از نزدیک شدن به حیوانات اهلی و وحشی خودداری کنید و در صورت گزش توسط هر حیوان به نزدیکترین مرکز بهداشتی درمانی مراجعه کنید.

▪ با خبرشدن از بیماری های مهم شایع در منطقه قبل از سفر

قبل از مسافرت به خارج از کشور جهت آشنایی با بیماری های شایع مقصد، باید آموزش های لازم به منظور پیشگیری را از واحدهای قرنطینه یا مرکز بهداشت شهرستان دریافت کنید.

در مسافرت های بین المللی و خارج از کشور،با تکمیل سابقه واکسیناسیون خود و اطرافیان آسوده خاطر سفر کنیم.

یکی از مهمترین راه های پیشگیری از بیماری های مهم از قبیل دیفتری، کزاز، سیاه سرفه، فلج اطفال، سرخک، سرخجه، اوریون، هپاتیت و سل تکمیل به موقع واکسیناسیون کودکان است. در مسافرت های طولانی مدت، قبل از سفر، از تکمیل بودن سابقه واکسیناسیون خود و همراهان اطمینان حاصل کنید و در طول سفر کارت واکسیناسیون را نیز همراه داشته باشید.

● بهداشت آب در سفر

برای اینکه در طول سفر از ابتلا به بیماری های عفونی در امان باشید رعایت موارد زیر لازم است:

- استفاده از آب آشامیدنی سالم تصفیه شده یا آب بسته بندی شده مطمئن
- عدم استفاده از یخ یا نوشیدنی که احتمال می دهیم از آب آلوده تهیه شده باشد
- پرهیز از شنا کردن و استحمام در آب های آلوده
- خودداری از اجابت مزاج در کنار آب های جاری

● بهداشت مواد غذایی در طول مسافرت

به منظور جلوگیری از بروز بیماری های منتقله توسط مواد غذایی علاوه بر توجه به تاریخ انقضای مواد غذایی موارد زیر رعایت شود:

- از خوردن غذا در مکان های نامطمئن و غیربهداشتی خودداری کنید.
- از مواد فاسدشدنی که در یخچال نگهداری نمی شوند نباید استفاده کرد.
- از خوردن غذای تهیه شده از آبزیان (ماهی. صدف و...) آلوده پرهیز کنید.
- میوه و سبزی خام را قبل از مصرف کاملاً شسته و گندزدایی کنید.
- از مصرف لبنیات غیر پاستوریزه خصوصاً شیر، خامه و پنیر تازه محلی خودداری کنید.
- در صورت داشتن اسهال حاد آبکی به نزدیکترین مرکز بهداشتی درمانی و پزشکی کاروان مراجعه کنید.

● عدم استفاده مشترک وسایل تیز و برنده

از مهمترین راه های انتقال بیمار های ایدز و هپاتیت استفاده از سرنگ و سر سوزن آلوده است.

به منظور اطمینان از تزریق سالم و مطمئن در طول سفر، جهت استفاده در تزریقات ضروری به مقدار کافی سرنگ و سر سوزن استریل یک بار مصرف به همراه داشته باشید.

جهت حفظ سلامتی خود و جامعه از استفاده مشترک از هرگونه از وسایل برنده و آسیب رسان پوست بدن مانند سرنگ، تیغ اصلاح، سوزن خالکوبی و... خودداری کنید.

از انداختن سرنگ و تیغ استفاده شده در اماکن و معابر عمومی و دسترس کودکان خودداری کنید.

● وسایل بهداشتی مورد نیاز در سفر

تمام لوازم بهداشتی شخصی که احتمال می دهید در طول سفر مورد نیازتان باشد مانند لوازم استحمام، آرایش، اصلاح، مسواک و... را به همراه داشته باشد و برای حفظ سلامتی خود و دیگران (هرگز) از وسایل شخصی دیگران استفاده نکرده و به هیچ وجه اجازه ندهید کسی از وسایل شخصی شما استفاده کند.

● رعایت موارد ضروری در سفر برای افراد با سابقه بیماری های روانی و صرع

۱) نسخه پزشک و داروهای مصرفی خود را به اندازه کافی به همراه داشته باشید.

۲) مصرف داروها باید منظم و مرتب طبق دستور پزشک باشد.

۳) در طول مسافرت به استراحت و تغذیه خود توجه داشته باشید.

۴) چنانچه مبتلا به صرع هستید و دوست دارید در طول مسافرت شنا کنید باید در قسمت های کم عمق و در حضور نجات غریق یا مربی این کار را انجام دهید.

● توصیه های بهداشتی برای بیمارهای قلبی

۱) نسخه دارویی و داروهای مورد نیاز خود را به تعداد کافی به همراه داشته باشید.

۲) از تجویز داروی خود به دیگران یا دریافت دارو از دیگران خودداری کنید.

۳) داروهای غیرمجاز و ناشناخته را خریداری و مصرف نکنید.

۴) در طول مسافرت رژیم غذایی توصیه شده از طرف پزشک معالج خود را همچنان ادامه دهید.

۵) در صورت مشاهده علائم بیماری، سریعاً به پزشک کاروان اطلاع داده و در غیر این صورت به نزدیک ترین مرکز درمانی مراجعه کنید.

● آنچه در مسافرت به مناطق مالاریاخیز باید بدانیم

قبل از رفتن به مسافرت، چنانچه از مالاریاخیز بودن یا نبودن مقصد بی اطلاع هستید به مرکز بهداشتی درمانی محل خود و یا در مرزها به پست

های قرنطینه مراجعه کنید.

▪ اقدامات لازم جهت پیشگیری از مالاریا در طول سفر

۱) از اماکنی که دارای در ها و پنجره های توری هستند جهت استراحت و خواب استفاده کنید.

۲) در صورت امکان به منظور جلوگیری از خونخواری پشه، شب ها موقع خواب از پشه بند استفاده کنید.

۳) با استفاده از حشره کش ها و دور کننده ها در محل خواب از خونخواری پشه جلوگیری کنید.

۴) در صورت داشتن تب و لرز به نزدیک ترین مرکز بهداشتی درمانی مراجعه کنید.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=249847

vista.ir
Online Classified Service

رستوران بین راهی؛ خطر در کمین است!

با نزدیک شدن به فصل گردشگری نوروز، باردیگر هم‌میهنان بار سفر می‌بندند تا به لطف تعطیلات چند روزه نوروز، سری به گردشگاه‌های کشورشان بزنند و خستگی یکساله را از تن به در کنند. کمتر ایرانی است که تعطیلات نوروز را در خانه خود بگذراند و آمار سازمان گردشگری از سفرهای سال گذشته هم تائیدی است بر این ادعا. با وجود مشکلات اقتصادی و افزایش هزینه‌های سفر، نوروز گذشته، بیش از هفتاد و یک میلیون ایرانی بار سفر بستند. این تعداد که بیش از نود درصد ایرانیان را شامل می‌شود، دلیل خوبی است تا موضوع مهم سلامت تغذیه در سفر مورد توجه مسئولان گردشگری کشور قرار گیرد.

● سفر به سلامت

تاکید بر سلامت، بحث تازه‌ای است که برای آسایش بیشتر مسافران نوروز ۸۸ مطرح شده است. در همین راستا معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با بیان اینکه بر اساس طرح بسیج سلامت نوروزی، بازدیدها از مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی از اول اسفند ماه تشدید شده، درعین حال با تاکید بر لزوم رعایت موارد بهداشتی از سوی مسافران نوروزی گفت: از ۱۵ اسفندماه مسافرانی که از دروازه شهرها خارج می‌شوند پمپلت آداب مسافرت دریافت می‌کنند.

عدم رعایت بهداشت در رستوران‌های بین راه یکی از مشکلات گردشگران ایرانی است که در تعطیلات طولانی مدت نوروز، به دلیل افزایش متقاضیان این مکان‌ها مشکلات بسیاری را برای مسافران بین راه فراهم می‌کند. اما به گفته دکتر رمضانخانی مسافران سال جدید، نگرانی از مشکلات بهداشتی رستوران‌ها نخواهند داشت. او به ایسنا در این مورد گفته است: «بر اساس طرح بسیج سلامت نوروزی از اول اسفند ماه بازدیدها از مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی به ویژه رستوران‌های بین راهی تشدید شده و تا ۱۵ و یا ۲۰ فروردین ادامه دارد. افرادی که طبخ غذا در رستوران‌ها را برعهده دارند باید دارای کارت بهداشتی باشند. همچنین محیط، پخت و توزیع غذا باید بر اساس ضوابط بهداشتی باشد. با توجه به ازدیاد مسافران نوروزی و به منظور جلوگیری از بروز بیماری‌های ناشی از غذا، تنقلات بیرون از رستوران‌ها نیز با شدت بیشتری توسط ماموران بهداشت محیط دانشگاه‌ها کنترل می‌شوند».

به گفته معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی قرار است بازرسان علاوه بر نظارت و بازرسی بهداشتی از کلیه مراکز تهیه، توزیع، عرضه و فروش مواد غذایی با اولویت مراکز حساس در ایام مذکور از جمله اماکن بین‌راهی، رستوران‌ها، چلوکبابی‌ها، اغذیه‌فروشی‌ها، انبارها، فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ای، عمده فروشی‌ها، میادین و فروشگاه‌های میوه و تره‌بار، آجیل، خشکبار، قنادی‌ها و نانوایی‌ها بر رعایت موازین بهداشتی و حفظ ایمنی مواد غذایی در وسایط حمل و نقل مواد غذایی به ویژه وسایط حامل شیر و فرآورده‌های آن کنترل و نظارت کنند.

بنا بر این ادعاها قرار است گلایه مسافران از سرویس‌های بهداشتی بین راهی پایان گیرد. چرا که مجریان این طرح قصد دارند قبل از آغاز مسافرت‌های نوروزی، از دستشویی و توالت‌ها در خارج و داخل رستوران‌ها بازدید کنند و قرار است ماموران بهداشت محیط دانشگاه‌ها تذکرات لازم برای بهسازی آنها را ارائه دهند. اما تنها مشکل مسافران نوروزی، رعایت نشدن بهداشت در رستوران‌ها و متل‌ها نیست بلکه گاهی اطلاعات ناکافی هم مشکل ساز می‌شود. در این مورد دکتر رمضانخانی اعلام کرده است که براساس طرح بسیج نوروزی از ۱۵ اسفند ماه به بعد مسافرانی که از دروازه شهرها خارج می‌شوند، از سوی ماموران شهرداری یا ماموران بهداشت محیط دانشگاه‌ها، پمپلت آداب مسافرت و چگونگی تغذیه در مسافرت دریافت می‌کنند.

● بازرسان مشغول کارند

طرح بسیج سلامت نوروزی در قالب ۱۲۵ اکیپ بازرسی در صبح‌ها و ۱۵ اکیپ بازرسی در بعدازظهرها و روزهای تعطیل اقدام به برقراری کشیک جهت بازرسی‌های ویژه از کلیه اماکن عمومی و مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی در سطح شهرها و اماکن بین راهی نموده است. این طرح که برای اولین دوره به جدیت مورد تعقیب قرار گرفته قرار است تضمینی باشد بر سلامت مسافران نوروزی. بر اساس گزارش‌ها دانشگاه‌های علوم پزشکی موظف به تشکیل کمیته‌های استانی و شهرستانی و انجام هماهنگی‌های درون‌بخشی و همچنین طرح موضوع در شورای سلامت و امنیت غذایی استان و شهرستان‌های تابعه و هماهنگی برون بخشی با سازمان‌های ذی‌ربط جهت اجرای بهتر این طرح شدند.

● ۱۵ نکته برای حفظ سلامت در سفر

خوردن غذاهای سالم و متنوع، از مواردی است که لذت سفر را چند برابر می‌کند و گاهی اساسا دلیل سفرهای کوتاه خارج شهری است. اگر به این موارد، لزوم غذا خوردن در بین راه برای سفرهای طولانی یا وسوسه چشیدن طعم‌های غذاهای تازه در مناطق محلی را هم اضافه کنیم، درمی‌یابیم که غذا و غذا خوردن، جزو لاینفک سفر است، اما از آنجایی که همین غذای لذت‌بخش، در صورت آلوده بودن می‌تواند خطرات زیادی را برای سلامت مسافران به همراه آورد و تبدیل به یکی از خطرات سفر شود، ذکر نکاتی برای تشخیص کیفیت مناسب غذاها ضروری است تا شاید به این وسیله در گذراندن تعطیلاتی سالم و خوش، به شما کمک شده باشد. افزایش اشتها در طول سفر سبب می‌شود تا اشتیاق مسافران برای خوردن مواد غذایی بیشتر شود. برای دوری از مشکلات احتمالی ناشی از خوردن غذاهای گوناگون بهتر است نکات زیر را رعایت کنید:

۱) درست است که برای غذا خوردن در سفر باید مواد اولیه سالم و تازه را تهیه کرده و شخصا طبخ کنید، اما در همین مورد هم باید توجه داشته باشید که از خریداری مواد غذایی در کنار جاده پرهیز کنید، چراکه این مواد غذایی معمولا مدت زمان زیادی را در خارج از یخچال مانده‌اند، اغلب فله‌ای بوده و از کیفیت آنها اطلاع کافی ندارید. در همین راستا بد نیست بدانید که مواد حاوی پروتئین، فسادپذیری بالایی دارند، بنابراین گوشت، مرغ، ماهی و تخم مرغ را فقط از مراکز مجاز که زیر نظر سازمان دامپزشکی کشور هستند تهیه کنید.

۲) در طول سفر، نوع غذایی که می‌خورید هم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه رطوبت زیاد، رشد و تکثیر میکروب‌ها را بیشتر می‌کند، باید سعی کنید از غذاهای نیمه خشک با رطوبت کم استفاده کنید، در این میان، غذاهای کاملا داغ و تازه، میوه‌های تازه پوست کنده، انواع کنسروها، بستنی‌های پاستوریزه، غذاهای خشک و نان تازه جزو غذاهای سالم تلقی می‌شوند. اما سالادها به‌ویژه سالادهایی که در آنها کاهو به کار رفته است و غذاهای دریایی در غذاخوری های بین راهی مناسب نیستند.

۳) بهترین میوه‌هایی که برای مسافرت می‌توان همراه داشت، میوه‌هایی مانند موز، سیب و پرتقال هستند که برای مصرف باید پوست آنها کنده شود.

۴) از خوردن میان وعده‌های بین‌راهی مثل لواشک‌های محلی، فلافل، سمبوسه و پیراشکی به دلیل عدم نظارت بهداشتی خودداری کنید.

۵) با توجه به مدت تعطیلات و احتمالا تعجیل در ساعت حرکت، ممکن است در تهیه غذا کوتاهی شود، اما هرچقدر هم عجله داشتید، سعی کنید غذا را به شکل کامل بپزید، زیرا اگر غذا، به ویژه گوشت‌ها به طور کامل پخته نشوند، آلودگی و فساد در آنها افزایش می‌یابد. در مورد کباب‌ها هم این تفکر عامه اشتباه است که می‌گویند چون گوشت روی شعله مستقیم قرار گرفته، بنابراین قسمت درونی آن پخته است، چراکه بارها دیده شده قسمت رویی (سطح) کباب به حالت سوخته درآمده، اما درون آن همچنان نپخته مانده است. همچنین از خوردن تخم‌مرغ نیم‌پز (عسلی) نیز

به طور جدی بپرهیزید.

۶) زمانی که در بیرون از منزل کباب می‌پزید، از ظروف تمیز برای کباب‌های پخته استفاده کنید و هیچوقت از ظروفی که در آنها گوشت خام قرار داشته و هنوز شسته نشده است، برای قرار دادن کباب‌های پخته

استفاده نکنید.

۷) در سفر به مناطق محلی و روستاها از خوردن شیر تازه دوشیده‌شده از دام، یا بستنی و پنیر محلی و کلا محصولات لبنی تازه خودداری کنید و فکر نکنید چون غذاهای روستایی طبیعی‌اند، پس سالم هم هستند، زیرا ممکن است شما را در معرض خطر ابتلا به بیماری‌هایی نظیر تب مالت قرار دهد.

۸) هنگام استفاده از غذاهای محلی یا برای یافتن رستوران‌های معتبر در شهرستان‌ها، از افراد بومی راهنمایی بخواهید، زیرا استفاده ازغذاهای محلی نیاز به شناخت کیفیت آن دارد. به عنوان مثال اگر به استان‌های شمالی کشور سفر می‌کنید، هنگام خوردن ماهی و... از افراد بومی راهنمایی بخواهید.

۹) چنانچه به مناطق کوهستانی مسافرت می‌کنید، از خوردن قارچ به طور جدی خودداری کنید.

۱۰) در طول سفر آب را فقط از منابع مطمئن تهیه کرده یا از آب‌های معدنی استفاده کنید و اگر در کنار جوی آبی توقف کرده‌اید تا غذا را در آن جا میل کنید، به هیچ‌وجه به فکر استفاده از آب جوی نیفتید. مصرف آب رودخانه‌ها، چشمه‌ها و دریاچه‌ها به هیچ وجه توصیه نمی‌شود. در مواردی هم که به سلامت آب مشکوک هستید یا می‌خواهید برای کودکان غذا تهیه کنید، جوشاندن آب به مدت ۵ دقیقه یا استفاده از قرص‌های هالوژن (ماده ضدعفونی‌کننده آب) طبق دستورالعمل آن، به سالم‌سازی آب کمک می‌کند.

۱۱) یخ را از مراکز مطمئن تهیه کرده و از مصرف یخ‌هایی که در شرایط غیربهداشتی و روی زمین نگهداری یا خرد می‌شوند، خودداری کنید.

۱۲) در سفر ممکن است برای بازدید چرخ‌های ماشین به آنها دست بزنید یا اگر از وسایل نقلیه عمومی مانند اتوبوس یا قطار استفاده می‌کنید به صندلی‌ها، پنجره و... دست بزنید، اما فراموش نکنید قبل از خوردن غذا، دست‌های خود را بشوئید. به‌طور کلی پس از استفاده از سرویس‌های بهداشتی، برداشتن گوشت خام، سیگار کشیدن، دست زدن به حیوانات و دست زدن به زباله یا چمن حتما دست‌های خود را بشوئید.

۱۳) باید به کسانی که در رستوران‌های بین راهی غذا می‌خورند، یادآوری کنیم رستوران‌های غیراستاندارد زیادی وجود دارد که متاسفانه سطح بهداشت در آنها ابتدایی است. چنانچه مجبور به خوردن غذا در رستوران‌های بین راهی شدید، در صورت امکان از رستوران‌های معتبر و مورد اطمینان استفاده کنید. برای ارزیابی سطح بهداشت در این‌گونه واحدها باید به وضعیت دستشویی‌ها، لباس کارگران، نظافت میزها، حضور مگس و سایر حشرات، وسایل صرف غذا مانند چنگال، قاشق، لیوان، پارچ آب و... توجه کنید. همچنین در این واحدها برای تشخیص سالم بودن غذا باید از حواس خود استفاده کنید، مانند استفاده از حس بینایی برای تشخیص رنگ و کیفیت غذا، حس بویایی برای بوی غذا و حس چشایی برای طعم غذا.

۱۴) تا حد امکان از خوردن انواع خورش، کباب کوبیده، سالاد الویه و همبرگر خودداری کنید، زیرا خورش از جمله غذاهایی هستند که می‌توان آن را چندین‌بار گرم کرد و ماندگی آن به سختی قابل تشخیص است. از مصرف کباب کوبیده و همبرگر به دلیل عدم اطلاع از کیفیت گوشت و ماندگی چندروزه گوشت چرخ‌شده و به‌کار بردن موادی مانند خرده نان، ادویه‌جات و... در تهیه آنها، باید خودداری کنید. از مصرف سالاد الویه به دلیل خام بودن مواد اولیه موجود در سس مایونز مانند تخم‌مرغ و... ، همچنین عدم نظارت بر چگونگی تهیه الویه (زیرا به صورت دستی تهیه می‌شود) در رستوران‌های غیرمعتبر بین راهی به طور جدی خودداری کنید.

۱۵) مهم‌ترین نکته برای پیشگیری از مسمومیت غذایی، پختن غذا و خوردن آن در همان روز است. طی سفر برای حمل مواد غذایی فاسد شدنی، از یخدان مناسب استفاده کنید. هرگز غذاهای پخته‌شده را بیش از دو ساعت در دمای محیط رها نکنید و اگر هوای اتاق گرم است، بیش از یک ساعت نگه ندارید. برای دوباره گرم کردن غذاها باقیمانده آنها را تا ۷۴درجه سانتیگراد گرما دهید و همچنین غذاهایی را که بیش از سه روز، حتی در یخچال، باقی مانده‌اند را مصرف نکنید.

منبع : روزنامه فرهنگ آشتی

http://vista.ir/?view=article&id=363246

vista.ir
Online Classified Service

رقص با شکارچیان کله انسان

هرسال چند میلیون ایرانی به سفر خارج از کشور می‌روند: اروپا، آمریکا، شرق آسیا، سوریه، ترکیه، دوبی و پارسال و پیرارسال نیز چنین بوده و ده‌ها سال است که چنین است.

چه کسی می‌تواند بگوید تاکنون چند ایرانی به قصد گردشگری به آن سوی مرزها رفته‌اند؟ ده میلیون؟ بیست میلیون؟ صد میلیون؟ عددش را فقط خدا می‌داند، اما از میان این همه، فقط همت دو نفر آنقدر زیاد بود که دور دنیا را در پنج قاره بچرخند. هر خطری را به جان بخرند و با هرجور جماعتی حشر و نشر کنند.

این دو با نود دلار سفر دور دنیا را آغاز کردند، اما خاطره‌ها و تجربه‌هایی را به سوغات آوردند که ارزششان از قیاس پوند و ریال و دلار خارج است.

آنچه دست‌های تهی این دو را در سفری ده ساله پر ساخت، عشق به آموختن بود و امید به رفتن و بالیدن. از همین رو آنها نه به نام که به صفت امیدوار خوانده شده‌اند: برادران امیدوار.از این دو جوان که حالا از پس سال‌ها سفر، سپیدی گرم و سرد چشیدن روزگار را بر سر و صورت دارند، یکی در شیلی اقامت گزیده و دیگری در گوشه‌ای از این شهر پر ازدحام، در دفتر کارش نشسته تا راهنمای مشتاقان سفر کردن و خطر کردن باشد.«عیسی امیدوار» که متولد سال ۱۳۱۳ خورشیدی است، همراه با برادرش از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۳ سفر به دور دنیا را آغاز کرد و چند سال پیش با ایجاد موزه برادران امیدوار در مجموعه تاریخی- فرهنگی سعدآباد این امکان را فراهم آورد تا دیگران نیز با داستان و دستاورد سفرش آشنا شوند. سفری که مرور کوتاه خاطرات آن بسی شنیدنی است.

ـ شما در سال ۱۳۳۳ که سفر دور دنیا را آغاز کردید بیست ساله بودید، در این سن جوان‌ها در پی تفریحات معمول و حداکثر ورزش کردن هستند اما چه شد که شما به فکر سفر آن هم به پنج قاره دنیا افتادید؟

آغاز سفر ما جرقه نبود. من از ۷، ۸ سالگی خیلی به بیابان و مناطق دور علاقه داشتم و دلیل این علاقه خانواده‌ام بود. مادرم در آن زمان خیلی سفر می‌کرد و من هرچه که به گذشته‌ها فکر می‌کنم می‌بینیم واقعا در خانواده تنها کسی که مشوق ما برای سفر بوده مادرم بوده است. ۱۰ ساله که بودم یك دوربین جعبه‌ای آگفا داشتم و خیلی علاقه‌مند به عکاسی بودم در همان زمان یك دوچرخه هندی هم به قیمت ۱۶ ریال خریدم. من با این دوچرخه ابتدا اطراف خانه و بعد به جاهای دور و دورتر رفتم. در ۱۵ سالگی به باشگاه نیرو راستی که از بهترین باشگاه‌های ورزشی در تهران بود راه پیدا کردم. با کمك برخی دوستانم آنجا یك سازمان کوهنوردی ایجاد کردیم و بعد از مدتی مربی صخره‌نورد شدم و به اتفاق دوستانم به قلل مختلف ایران صعود کردیم و غارهای زیادی را کشف کردیم و در این رهگذر من درصدد آشنایی با قبایل و اقوام کشور خودمان بودم. می‌رفتم در بین آنها و چند هفته‌ای با آنها زندگی می‌کردم، عکس می‌گرفتم و مطلب می‌نوشتم که مطالبم در مجلات آن زمان مثل اطلاعات هفتگی چاپ می‌شد. در همین زمان برادرم هم به من پیوسته بود، یك برنامه سفر برای خودمان تنظیم کردیم. این برنامه‌ریزی سه سال به طول انجامید و ما در طول این سه سال کارهای زیادی انجام دادیم. ابتدا برای اینکه مقاومت و استقامت خود را تجربه و امتحان کنیم یك سفر درون‌مرزی و یك سفر برون‌مرزی رفتیم. من خودم در سال ۱۳۳۰ با دوچرخه و با تجهیزات زیاد تا ترکیه رفتم. در ترکیه از آنکارا به استانبول رفتم و بعد از جنوب ترکیه به

سوریه و شهرهای حلب و دمشق و سپس به عراق رفتم و از مرز خسروی به ایران بازگشتم. این سفر چهار ماه و نیم طول کشید. همزمان برادرم با دوچرخه دور ایران را زد. سفر او نیز دو ماه و نیم به طول انجامید. به هر حال این یك تجربه استقامت بود، هم برون‌مرزی و هم درون‌مرزی. ما در این ۳ سال برنامه‌ریزی وسیعی داشتیم و سرانجام در سال ۱۳۳۳ برای سفر در جهان حرکت کردیم و این خلاصه‌ای بود از شروع کار ما.

ـ ءدر سفر دور دنیا در پی ماجراجویی بودید یا دلیل دیگری برای سفر داشتید؟

هدف از سفر ما، یك رشته مطالعات در مورد انسان‌های بدوی نقاط مختلف جهان بود. برای این کار در بین ابورجینمی‌های استرالیا بودیم، ماه‌ها با اسکیموها در قطب شمال زندگی کردیم. در آمازون مدت‌ها با سه قبیله خطرناك بودیم و به خیلی دیگر از نقاط آفریقا و قطب جنوب رفتیم و تحقیق کردیم و هدف مطالعه در مورد انسان بود. مطالعه در مورد چگونگی پیدایی انسان هم یکی دیگر از کارهایمان بود. قبیله‌شناسی و انسان‌شناسی نیز از دیگر برنامه‌هایمان بود. در ضمن وقتی در بین بومیان آمازون بودیم، به‌دنبال این مساله بودیم که چطور و به چه وسیله انسان به قاره آمریکا راه پیدا کرده است، چراکه آثار و اشیای به‌جامانده از گذشته نشان می‌دهد ۲۵ تا ۳۰ هزار سال قبل هیچ انسانی در قاره آمریکا نبوده است. بنابراین اینکه انسان از کجا و به چه طریق به این قاره راه پیدا کرده است، یکی دیگر از اهداف سفر بود.

ـ کنار موزه شما در سعدآباد، یك ماشین ژیان قدیمی به چشم می‌خورد که با آن به دور دنیا رفته‌اید و از برخی عکس‌های موجود در موزه هم برمی‌آید که یك مدت با موتوسیکلت سفر می‌کرده‌اید؟ آیا چنین ابزارهایی برای سفرهای طولانی مناسب بودند یا امکانات دیگری هم داشتید؟

در سال ۱۳۳۳ بعد از ۳ سال مطالعه با دو موتوسیکلت سفر خودمان را آغاز کردیم. در آن زمان، دنیا با کمبودهای زیادی روبه‌رو بود، مثلا دوربین‌های ما خیلی عقب‌افتاده بودند. یك دوربین فانوسی داشتیم که از آن برای گرفتن عکس‌های سیاه و سفید استفاده می‌کردیم. یك دوربین فیلمبرداری کوکی نیز داشتیم. در آن موقع هنوز فیلم رنگی به بازار نیامده بود. وقتی ما به استرالیا رسیدیم، فیلم رنگی برای اسلاید بود ولی هنوز فیلم رنگی برای کارهای سینمایی نبود.

ـ چرا موتوسیکلت را برای مسافرت انتخاب کردید؟

برای اینکه در این سفر بتوانیم به کوره‌راه‌ها دست پیدا کنیم. انتخاب موتوسیکلت برای یك کار قهرمانی نبود اما خودبه‌خود یك کار قهرمانی شد ولی هدف ما این نبود. هدف این بود که به دورافتاده‌ترین نقاط جهان دست پیدا کنیم و اتومبیل این امکان را به آدم نمی‌دهد. ما خیلی جاها، موتورهایمان را در قایق و یا کشتی‌های کوچك گذاشتیم و سفر کردیم زیرا نزدیك به یکسال از عمر سفری ما روی آب گذشت. ما فقط ۸ ماه در منطقه آمازون بودیم و تنها راه ارتباطی، رودخانه‌ها بودند و حمل اتومبیل در این نقاط غیرممکن است.

شما از خطرکردن هراس نداشتید یا اینکه خطرکردن برایتان یك نوع هیجان و لذت داشت؟

به‌نظر من هرکس بخواهد کار خارق‌العاده‌ای انجام دهد، باید ریسك کند چون اگر انسان ریسك نکند، به عشق واقعی خود نمی‌رسد. البته ریسك‌کردن باید با پیش‌اندیشی همراه شود، نه اینکه مثلا از یك ارتفاع بپری و بگویی ریسك کردم. ریسك‌کردن برای کارهای قابل ارزش که با پیش‌اندیشی و مطالعه باشد، بسیار عالیست. به‌نظر من ریسك‌کردن ریشه‌های پایداری حیات انسان را تقویت می‌کند. اگر شما ریسك نکنید، به‌خطر هم برنمی‌خورید اما در عوض هیچ چیز هم به‌دست نمی‌آورید. در این‌گونه کارها باید کمی ریسك کرد و نتیجه‌اش به‌عنوان نمونه کار ما می‌شود که خوشبختانه مورد توجه واقع شده است.

کمی از موقعیت‌های خطرناکی که در طول سفرهایتان با آنها برخورد کرده‌اید، تعریف کنید.

ما ۷ سال اول سفر را روی دو چرخ موتوسیکلت سفر می‌کردیم و با انسان‌های بدوی دنیا تماس داشتیم. در قسمت دوم نیز با ماشین رفتیم به عربستان. وقتی به عربستان رسیدیم، قصد داشتیم از صحرای ربع‌الخالی عبور کنیم. در حاشیه صحرای ربع‌الخالی که بودیم، توفان شن شدیدی گرفت و مثل جنوب ایران که وقتی توفان شن می‌گیرد، تپه‌های شنی جابه‌جا می‌شوند و خانه‌ها را در شن غرق می‌کنند، در صحرای ربع‌الخالی هم همین اتفاق افتاد. در این صحرا یك کوره‌راه وجود داشت که اتومبیل از آن عبور می‌کرد. آن راه کاملاً از بین رفت و ماشین ما هم تقریبا زیر شن دفن شده بود و بنزین هم نداشتیم. تقریبا ۷، ۸ روز آنجا گم شدیم و دیگر امیدی به زندگی نداشتیم. بعد از این مدت که توفان شن خوابید و جو آرام شد، کاروان‌های شتر از دور پیدا شدند. البته در فاصله ۲۰ تا ۳۰ کیلومتری. بالاخره خودمان را به آنها رساندیم. آنها به ما آب و غذا دادند و ماشین ما را هم از شن بیرون کشیدند. سپس ماشین را توسط شتر به یك واحه بردند و برای ما بنزین تهیه کردند ولی به‌طور حتم اگر دو، سه روز گذشته بود، ما حتماً تلف می‌شدیم.

ـ آمازون، یکی از مهم‌ترین قسمت‌های سفر شماست، در آنجا با چه خطراتی دست و پنجه نرم کردید؟

ما در آمازون بین بدوی‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین قبایل زندگی کردیم. آمازون یك منطقه‌ای در آمریکای جنوبی است که تقریبا ۵ برابر کشور ما مساحت

دارد و کل این مساحت، جنگل بسیار انبوه و پیچیده‌ای است و تنها راه ارتباطی، رودخانه‌ها هستند. ما در آمازون بین تتویان ویگوها بودیم که خیلی خطرناك نبودند اما می خواستیم بین جیباروها برویم که بسیار خطرناك بودند و به شکارچیان کله انسان شهرت داشتند. اینها وقتی با قبایل دیگر می‌جنگیدند، بعد از کشتن مردها سر آنها را می‌بریدند و به قبیله می‌آوردند و با یك فرمول خاص کله‌ها را کوچك و خشك می‌کردند. این در واقع هنر آنهاست. ما راه زیادی را طی کردیم تا به جیباروها برسیم و چند ماه بین آنها بودیم و داستان‌های زیادی داشتیم که اگر بگویم یك کتاب می‌شود اما به عنوان مثال قبل از ما ۳۵ نفر میسیون مذهبی کاتولیك بین جیباروها رفته بودند و همه سر خود را از دست داده بودند.

ـ با این وصف چطور با قبایل بدوی ارتباط برقرار می‌کردید و می‌توانستید به میان آنها بروید و اصلا چطور بین آنها جان سالم به‌در بردید؟

ما یکباره به آمازون نرفتیم، ما یکباره به مغرب زمین هم نرفتیم. ما از مشرق زمین شروع کردیم و طی سال‌ها تجربه‌اندوزی آموختیم چطور با مردم بومی کنار بیاییم این‌طور نبود که ما یکراست برویم داخل قبایل بدوی، ما روزهای روز در رودخانه‌ها سفر می‌کردیم و دو نفر هم باربر داشتیم که راهنما و بلد راه بودند.

هدایای زیادی همراه داشتیم که مهم‌ترینش عبارت بود از نمك، نمك برای بومی‌های آمازون خیلی ارزشمند بود، چرا که در آنجا نمك وجود نداشت و حتی ما نمك به آنها می‌دادیم آنها خیلی خوشحال شده و ما را به عنوان دوست قبول می‌کردند. هدیه دیگر پارچه‌های رنگی بود. آنها لخت بودند و مشکل ما این بود که اینها را بپوشانیم تا وقتی عکس و فیلم می‌گیریم کاملا لخت نباشند. چون عکس‌های اینچنینی را خیلی جاها قادر نبودیم نشان دهیم. ولی آنها پارچه‌ها را گرفتند، زیر خود می‌انداختند و روی آن می‌خوابیدند و یا به درخت‌ها آویزان می‌کردند. زیرا برای آنها نپوشیدن لباس آن‌قدر عادی بود که برای ما پوشیدن لباس، هدایای دیگر ما عبارت بود از آینه، کبریت، فندك، شانه، قیچی و ... بالاخره وقتی نزدیك آنها می‌رسیدیم مقداری از هدایا را می‌فرستادیم. البته این فرستادن هدایا هم برای خودش مساله‌ای بود، چون گاهی بومیان هم از رفتن بین جیباروها هراس داشتند و به قول معروف «چه کسی حاضر می‌شه زنگوله رو گردن گربه بندازه» به هر حال با هزار دردسر هدایا رو می‌فرستادیم. بعد رئیس قبیله آمد و ما را دید و قبول کرد که مدتی بین آنها زندگی کنیم. جیباروها نوشابه‌های الکلی می‌خوردند. یك شب که آنها اختیار از کف داده بودند یکی از باربرها گفت که آنها اختیار از کف داده‌می‌خواهند به جان ما سوءقصد کنند. ما هم پنهانی بارها و موتور خود را در قایق گذاشتیم و همین که در حال رفتن بودیم در ساحل رودخانه به ما حمله کردند ما هم دو تا تیر هوایی زدیم و توانستیم فرار کنیم اما اگر چند ساعت دیرتر خبردار شده بودیم، شاید الان کله کوچك شده برادران امیدوار نیز در موزه‌های دنیا در معرض نمایش بود.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=264544

vista.ir
Online Classified Service

رودخانه و باغ وبافت کهن در دامنه بینالود

در پهنه گسترده ایران زمین هنوز مناطق بسیاری هست که زیبایی ها و جاذبه های آن برای بسیاری شناخته شده نیست و تنها تعداد محدودی از جلوه های طبیعی آن برخوردار می شوند.

خراسان رضوی اگرچه یکی از پرجاذبه ترین جلوه های مذهبی و گردشگری را در درون خود دارد، اما به سبب موقعیت جغرافیایی توانسته چهره های گوناگونی از زیبایی های طبیعی را نیز در اقلیم پهناور خود داشته باشد؛ جاذبه های زیبایی که از چشم بسیاری از گردشگران دور مانده است.

سلسله کوه های بینالود منطقه ای ویژه و سرشار از دیدنی های طبیعی را در حداقل فاصله از مشهد پدید آورده است، با دره های سرسبز و آب و هوایی مطلوب. روستای تاریخی کنگ در دامنه کوه های بینالود و در قسمت جنوبی این رشته کوه، یکی از مناطق زیبایی است که به دلیل بافت قدیمی خود دارای ارزش های تاریخی و فرهنگی بسیاری است.

رودخانه همیشه پرآب کنگ، درختان سر به فلك کشیده با انواع میوه و آبگیرهای زیبای این منطقه با تابستان های معتدل، گردشگران بسیاری را به سوی خود می خواند.

نام کنگ برگرفته از سرگذشت های به یادگار مانده در این سامان است.

«کنگ» در لغت دو معنا دارد: یکی به معنای پرنده ای قوی پنجه که در مناطق کوهستانی زندگی می کند ودر دگر معنا به دژ مستحکم تعبیر شده است. کنگ نامی است که با افسانه های کهن در آمیخته و تسخیر ناپذیری و سخت کوشی مردمان این منطقه که آن را همچون پرنده ای آزاد از بند هرآنچه تجدد نام گرفته دور نگاه داشته است.

روستای کنگ در ۲۸ کیلومتری غرب مشهد و در ۹ ـ۳۶ عرض جغرافیای و۳ ـ ۵۹ طول جغرافیایی واقع شده است.

این روستا جزئی از بخش طرقبه و از توابع شهر مشهد است و در جوار رودخانه کنگ ساخته شده است.

برای رسیدن به روستای کنگ باید راه آسفالته طرقبه نغندر را پشت سر گذاشت.

بعد از گذشتن از طرقبه و نغندر، نسیم خنکی پهنای صورت را نوازش می دهد و پدیدار شدن درختان سر به فلك کشیده در دامنه کوه و قرار گرفتن خانه های زیبای روستایی که پشت بام هر یك حیاط دیگر خانه به شمار می آید، چشم انداز بدیعی را به وجود آورده است که بسیاری از طبیعت دوستان را به سوی خود می خواند.

شیوه استقرار خانه ها با توجه به اقلیم، جهت باد و جهت تابش خورشید در راستای شمال شرقی جنوب غربی است که صرفه جویی در مصرف انرژی را در پی دارد. این روستا در ارتفاع ۱۸۰۰متری از سطح دریا قرار گرفته و شیب عمومی آن جنوب غربی و شمال شرقی است و میانگین آن حدود ۷ درصد است. کنگ به دلیل وجود کوه های مرتفع، استقرار در کنار رودخانه و عدم وزش بادهای خشك از آب و هوای معتدل و بسیار مطبوعی برخوردار است.

جمعیت روستای کنگ در سرشماری سال ۱۳۸۰ حدود ۸ هزار نفر بوده است که از این تعداد تنها ۱۴۶۸ نفر در روستا باقی مانده و دیگران به شهرهای اطراف مهاجرت کرده اند. کار و پیشه مردم روستا باغداری، دامداری و فرش بافی است. در کنار این پیشه ها، مشاغلی همچون نجاری و تراشکاری نیز رواج دارد.

به دلیل عدم وجود زمین مسطح و مناسب برای کشاورزی و وجود زمین های شیب دار، اکثراً باغداری و مشاغل وابسته به آن جزو فعالیت های زراعی روستا محسوب می شود.

روستای کنگ شامل ۸ محله شفیعان، محله بابا، ابولون، میان ده (سادات)، زیرده(میران)، هشیمون، سرکمر و قلعه نو است.

در هر محله تعدادی ریش سفید و یك نفر به عنوان رئیس ریش سفیدان به نام کدخدا وجود دارد که حل مشکلات اهالی را بر عهده دارد.

این روستا شامل ۵ طایفه هشیمون، شفیعون، ابیلون، سیرون و سید است. گفته می شود نخستین گروه مهاجران که به روستای کنگ آمده و هسته اولیه آن را تشکیل داده اند طایفه میرون ها از «میرده» سیستان بودند که امروزه زابل گفته می شود.

از مکان های مهم مذهبی این روستا مزار شیخ عبدا...است، او از عرفای این دیار است که در سال ۱۲۶۶ هـ . ق متولد شد و به تحصیل علم و دانش در مشهد، قم و عتبات عالیات پرداخت و در کنگ چشم از دنیا فرو بست.

یکی از رسوم و عقاید ساکنان کنگ روشن کردن شمع در زیر درختی کنار چشمه است که به روایت اهالی، محل دفن امامزاده ای است و حاجت مردم را برآورده می کند و مردم نذر و نیاز خود را پای این درخت انجام می دهند.

بافت تاریخی، زیبا و اصلی کنگ باعث شده است که به منظور حفظ ارزش های تاریخی و فرهنگی موجود در این روستا اقداماتی برای مستند سازی آن توسط پایگاه میراث فرهنگی توس انجام گیرد تا جلوه های سنتی این روستای زیبا همچنان حفظ شود و مأمنی باشد برای دوستداران طبیعت و سنت ها.

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=269472

vista.ir
Online Classified Service

روزی که وارونه می شود...

بدون شك، هواپیما وسیله‌ای بسیار آسان و بی‌نظیر برای سفر به مقاصد دور دست است و گاهی همین موضوع باعث می‌شود که اصلا احساس نکنیم چه مسافت زیادی بین مبدا و مقصد سفر ما وجود دارد. اما حتما تا به‌حال شنیده‌اید یا خودتان تجربه کرده‌اید که بعد از یك مسافرت هوائی چند ساعته، بدن چه عکس‌العمل‌های غریبی از خود نشان می‌دهد و چه طور سیستم خواب و بیداری و خوراك انسان از نظم خارج می‌شود.

البته اگر سابقه مسافرت زیاد به جاهای مختلف و دور دست را داشته و از آن دسته افرادی هم باشید که خستگی و بی‌خوابی و ... را بعد از سفرهایتان تجربه کرده‌اید، شاید دقت کرده باشید که بدنتان در سفرهای هوائی، به مناطقی که معمولا بیش از ۳ ساعت با مبدا سفرتان اختلاف ساعت دارند (فاصله‌شان بیش از ۳ نصف‌النهار است) واکنش شدیدی نشان می‌دهد و گاهی تعجب می‌کنید که چه طور بعد از یك مسافرت هوائی، فقط چند ساعته ، این قدر خسته شده‌اید که گاها تا چند روز دچار حالات بی‌خوابی، خستگی مفرط، کاهش اشتها و گاهی سوءتغذیه و ... شده‌اید. به این حالات درنگ جتی (JET- LaG) گفته می‌شود و معمولا یك تا چند روز طول می‌کشد و باعث می‌شود که به‌جای لذت از روزهای اول سفر، تجربه تلخی نصیب آنان شود.

اما در سفرهائی که مبدا و مقصد سفر در یك نصف‌النهار یا نصف‌النهارهای نزدیك هم قرار دارند یا به عبارت دیگر از نظر ساعت رسمی کشور تفاوت زیادی ندارند، قاعدتا فقط یك خستگی معمولی سفر قابل تجربه است. واقعیت این است که بدن ما یك ساعت بیولوژیك دارد، یعنی بدن خود را به یك زندگی تکرار شونده‌ی هر روزه و ۲۴ ساعته وفق داده است، به طوری که مثلا روزهای با فعالیت عادی، صبح به بدن فرمان بیدار شدن می‌دهد و یا مثلا ظهر احساس گرسنه بودن را در انسان ایجاد می‌کند و یا حتی تغییر دمای بدن در طول شبانه‌روز را هم کنترل می‌کند.

فاکتورهای زیادی این ساعت درونی ما را تنظیم می‌کنند که از جمله مهم‌ترین آنها روشنائی روز است.

- پس چرا وقت خوابم نمی‌رسد؟

فرض کنید شما از ایران در ساعت ۹ صبح به کشوری در غرب ایران مثلا انگلستان سفر می‌کنید که حدود ۳ تا ۴ ساعت، ساعت رسمی‌شان از ایران عقب‌تر است؛ بعد از ۶ تا ۷ ساعت سفر، شما به آنجا می‌رسید، اما آنجا تازه ساعت ۱۲ یا ۱ ظهر است، با این حساب روز شما ۳ تا ۴ ساعت اضافه شده و چون ساعت بیولوژیك بدن ما بر اساس ۲۴ ساعت شبانه‌روز تنظیم شده و عادت کرده، حال که به صورت حاد چنین تغییری انجام شده، ممکن است تا عادت کردن به وضع موجود، کمی از حالت تنظیم خارج شود و به صورت علائمی مثل به هم ریختن وضعیت خواب، خواب‌آلودگی روزانه، خستگی مفرط، سردرد، درد عضلانی، کاهش اشتها، سوءتغذیه، اختلال در فعالیت‌های ذهنی مثل قضاوت، تصمیم‌گیری، تمرکز و حافظه، تحریك‌پذیری یا بی‌تفاوتی خود را نشان دهد. مسلم است که در سفرهائی با مقاصدی که اختلاف ساعت بیشتری با مبدا وجود دارد، این مسئله مشهودتر است.

البته همه افراد هم الزاما دچار این علائم نمی‌شوند. ممکن است برخی اصلا این تجربه‌ها را نکنند، ولی بعضی افراد هم با اینکه اصلا انتظار ندارند و قبل از سفر هم در حالت سلامت کامل بدنی و ذهنی هستند، از این واکنش بدن تعجب کنند.

در مورد افرادی که به طور عادی ساعات دقیقی مثلا برای بیدار شدن و خوابیدن و غذا خوردن و... دارند، شاید این مشکلات با احتمال بیشتر پیش

آید. مسئله جالب دیگر اینکه وقتی از مبدا سفر به سمت غرب، سفر هوائی کنیم، مشکلات کمتری حس می‌کنیم تا وقتی که به شرق سفر کنیم، چون در این حالت در واقع روز ما طولانی‌تر می‌شود و بدن این وضعیت را راحت‌تر و زودتر تحمل می‌کند تا به کم شدن طول روز.

به هر حال اقداماتی را می‌توانیم قبل، در حین پرواز و موقع رسیدن به مقصد انجام دهیم تا علائم درنگ جتی با شدت کمتر بروز کند و بدن زودتر بتواند با وضعیت جدید کنار بیاید و مسلما لذت سفر هم بیشتر شود.

● اقدامات کمك کننده قبل از پرواز

▪ بهتر است در صورت امکان، سفرتان را طوری تنظیم کنید که صبح یا ظهر به مقصد وارد شوید، در این حالت علائم درنگ جتی با احتمال و شدت کمتر بروز خواهد کرد.

▪ از حدود ۲ تا ۳ روز قبل از سفر، تغییراتی در ساعت خوابتان در شب بدهید، به طوری که اگر می‌خواهید به سمت غرب سفر کنید، بهتر است حتی‌الامکان چند ساعت دیرتر به رختخواب بروید و بخوابید و اگر می‌خواهید به شرق سفر کنید شب‌ها چند ساعت زودتر بخوابید تا کم‌کم بدنتان را آماده تغییر کنید.

▪ قبل از سفر خوب بخوابید و فکر نکنید که اگر خسته وارد هواپیما شوید و طی مدت پرواز در هواپیما بخوابید، موقع رسیدن به مقصد کمتر دچار بدخوابی و خستگی می‌شوید.

● اقدامات حین پرواز

اما مواردی هم در طی مدت پرواز هست که با رعایت کردن آن می‌توانید علائم این بیماری را به حداقل برسانید. از جمله:

▪ با آرامش کامل سفرتان را شروع کنید.

▪ لباس‌های سبك و راحت در طول پرواز به تن کنید.

▪ ساعت‌تان را هر چه زودتر با ساعت محلی مبدا سفرتان تنظیم کنید.

▪ حتی‌الامکان از نوشیدن الکل و نوشیدنی‌های کافئین‌دار در طول سفر بپرهیزید.

▪ در طول پرواز به تناوب آب کافی بنوشید.

▪ در طول پرواز غذا به میزان کم و به تناوب بخورید و سعی کنید حتی‌الامکان غذاهای سبك مثل میوه و سبزیجات میل کنید.

▪ هر وقت احساس خواب‌آلودگی کردید، چرتی بزنید.

▪ برای استراحت و چرت زدن در طول پرواز ماسك چشمی بزنید.

▪ با استفاده از یك بالش سر و گردنتان را در وضعیت راحت قرار دهید.

▪ حتی‌الامکان دقایقی در هواپیما قدم بزنید.

پس از رسیدن به مقصد، بسته به فرد، از یك تا چند روز طول می‌کشد تا ساعت درونی بدن به وضعیت جدید عادت کند.

● اقدامات کمك کننده بعد از رسیدن به مقصد

▪ همان‌طور که قبلا گفته شد به دلیل تغییراتی که ممکن است در تمرکز، عکس‌العمل‌های ذهنی، فیزیکی و ... به صورت موقت پدید آید، حتی‌الامکان در یکی دو روز اول رانندگی نکنید.

▪ حتی‌الامکان قرار کاری مهمی در ۱ تا ۲ روز اول نگذارید. در چند روز بعد هم اگر قرار می‌گذارید در صورتی که به سمت غرب سفر کرده‌اید، معمولا با توجه به ساعت بیولوژی بدن که نسبت به قبل تنظیم شده، در صبح انرژی بیشتری دارید، پس قرارهای مهم را صبح بگذارید و اگر به سمت شرق سفر کرده‌اید عصر انرژی بیشتری دارید.

▪ پس از رسیدن به مقصد، حتی اگر خسته هم هستید، سعی کنید حتی‌الامکان نخوابید و اگر روز است به بیرون از مکان اقامت بروید و خود را در معرض نور آفتاب قرار دهید و اگر هم خواستید استراحت کنید، بیش از ۲ ساعت نخوابید.

▪ نور آفتاب کمك می‌کند که بدن سریع‌تر به شرایط جدید عادت کند بنابراین تا می‌توانید نورآفتاب بگیرید!

▪ از خوردن الکل و نوشیدنی‌های کافئین‌دار قبل از خواب شبانه بپرهیزید. اما نوشیدن نوشیدنی‌های کافئین‌دار در طول روز به مقدار متوسط مناسب است.

▪ در صورت تمایل از تکنیك‌های آرام بخش استفاده کنید.

▪ سعی کنید ساعات به رختخواب رفتنتان را مثل قبل تنظیم کنید.

▪ کاملا در تاریکی بخوابید.

▪ در موارد بسیار شدید بدخوابی و خستگی ناشی از آن، استفاده از قرص‌های خواب‌آور و آرامبخش کمك کننده است که ترجیحا با مشورت پزشك مصرف شود.

▪ در کشورهای دیگر قرص‌هائی حاوی ماده ملاتونین که یکی از مواد موثر در تنظیم ساعت بیولوژیك بدن است، وجود دارد که گاهی در مورد بدخوابی به دنبال درنگ جتی مصرف می‌شود، اما با توجه به رعایت نکات لازم در مصرف آن در افراد متفاوت، مشورت با پزشك قبل از مصرف آن توصیه می‌شود.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=242171

vista.ir
Online Classified Service

روستا و جاذبه های اکوتوریستی آن

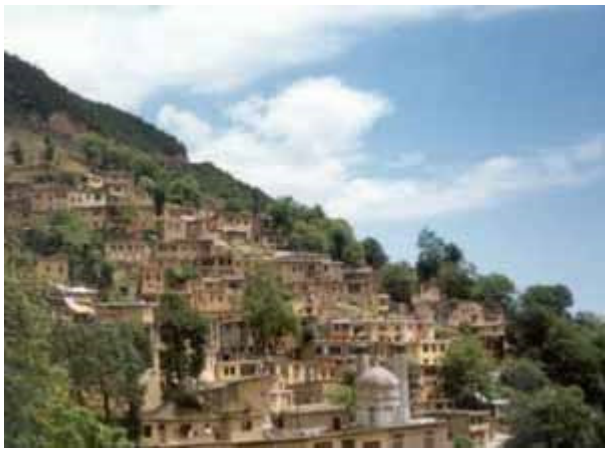

شنیدن نام "روستا" همچون هر واژه ای دیگر مفاهیمی را به ذهن متبادر می سازد . از جمله این مفاهیم محیطی است با ویژگی های زیر : سطح نازل سواد و آگاهی های عمومی مردم ؛ درآمد کمتر (لااقل نسبت به مردم شهرنشین) ؛ فقر گسترده ؛ محیط بهداشتی نامناسب ؛ برخورداری از تسهیلات و امکانات رفاهی ناچیز ؛ بعد وسیع خانوار ؛ وجود مردمی با سطح بالائی از مقاومت در مقابل نوآوری ها و تغییرات مفید به حال جامعه ؛ مشارکت اندك مردم در آنچه که به نفع شان است و ... . به موارد برشمرده در بالا می توان موارد بسیار دیگری را نیز افزود . آنچه که به عنوان خصیصه مشترك نکات فوق و به طور کلی مواردی از این دست می توان متذکر شد آن است که غالب این موارد حکایت از وجود انبوهی از مشکلات در محیط روستا می نماید که می بایست نسبت به رفع و یا حداقل تخفیف آنها اهتمام لازم را مبذول داشت . با همین نیت در طول چند دهه اخیر فعالیت هائی در روستاهای کشور به مورد اجرا گذاشته شده است . فصل مشترك اکثر این فعالیت ها عبارت است از تصمیم گیری از سوی مردمی با پیشینه شهری برای روستانشینان و به عبارتی به هیچ انگاشتن اندوخته ها و بضاعت روستائیان در فرآیندی که قرار است تحول و بهبودی را در زندگی ایشان ایجاد نماید . در حالیکه روستاها خود دارای بضاعت مناسبی برای ایجاد تغییر هستند . از جمله مهم ترین نقاط قوت مناطق روستائی در کشور باید از وجود جاذبه های اکوتوریستی نام برد که این مهم با سرعت فزآینده ای در سطح جهان در حال رشد می باشد و غفلت از آن را باید جفائی نه فقط در حق روستائیان که کل آحاد این مرز بوم تلقی نمود . هدف این نوشتار آن است که با بهره گیری مختصر از ادبیات موجود در زمینه اکوتوریسم به صورتی عینی قابلیت های جذب جهانگرد به مناطق روستائی کشور که می تواند متضمن منافعی چه برای روستائیان و چه برای کل کشور از جهات گوناگون باشد ، بیان نماید . نکته درخور توجه در این خصوص آنکه نوع نگاه مقاله به توریست منحصراً ورود اتباع کشورهای بیگانه به کشور نیست و بلکه به همان اندازه و پیش از آن بازدید و عزیمت مردم کشور خودمان از مناطق روستائی ایران مورد تأکید و توجه می باشد .

●تعریف اکوتوریسم و اهمیت آن

ایران علاوه بر پیشینه فرهنگی و تاریخی غنی به جهت قابلیت های طبیعی و اقلیمی نیز در عداد مهم ترین و پرجاذبه ترین کشورهای دنیا قرار دارد . به طوریکه ، به زعم بسیاری از صاحب نظران ایران از لحاظ جاذبه های اکوتوریستی در میان ۵ کشور برتر جهان قرار گرفته و از این نظر فقط ایالات متحده آمریکا با ایران قابل مقایسه است (روزنامه ایران ، مورخ ۲۷/۱۰/۸۳) . حال که صحبت از اکوتوریسم به میان آمد ، بی مناسبت نخواهد بود که تعریفی از آن به عمل آید . انجمن بین المللی اکوتوریسم۱ ، آن را " مسافرت مسؤلانه به مناطق طبیعی با هدف حفظ محیط زیست و ارتقای تندرستی مردم محلی " تعریف می کند . همان گونه که ملاحظه می گردد ، مسافرت به مناطق طبیعی در تعریف بالا مورد تأکید است . از آنجائی که این گونه مناطق را باید غالباً در محدوده عرفی روستاها قلمداد نمود ، می توان عزیمت به مناطق روستائی را به عنوان تعبیر اکوتوریسم پذیرفت . در این میان نکته در خور توجه آن است که این گونه از توریسم از رشد فزاینده ای در سال های اخیر برخوردار بوده و در سال های آتی نیز این روند ادامه خواهد یافت . به طوریکه ، علی رغم رشد چهار درصدی سالانه توریسم در کلیه رشته ها ، این رقم در مورد اکوتوریسم بین ۱۰ تا ۳۰ درصد در نوسان بوده است . همچنین ، بر اساس برآوردهای سازمان جهانی گردشگری۲ بخش بزرگی از درآمد هزار میلیاردی دلاری جهانگردی در جهان در سال ۲۰۰۱ میلادی به اکوتوریسم تعلق داشته است . به طوریکه ، در کشور کاستاریکا ۶۶ درصد از ۸۰۰ هزار گردشگری که در سال ۱۹۹۶ به این کشور سفر کردند ، در وهله نخست حضور در چشم اندازهای طبیعی همچون ساحل زیبای آن که دارای آب های شفاف ، زمین ماسه ای و درختان حاره ای بلند است را به عنوان دلایل سفر خود ذکر کردند (کرمی ، بدون تاریخ) .به عنوان شاهدی دیگر بر این ادعا می توان به پرداخت ۱۰۰ دلار آمریکا برای یك سفر یك روزه به کشور بلیز در آمریکای لاتین جهت مشاهده درخت مقدس در این کشور اشاره نمود . و یا درآمد بالغ بر ۱۴ هزار دلاری یك فیل در هر سال که در طول زندگی آن به بیش از ۹۰ هزار دلار می رسد را مورد توجه قرار داد (همایون،۱۳۷۸) . امروزه اهمیت اکوتوریسم تا به آن حد افزایش یافته است که در کشور آفریقای جنوبی مهم ترین بخش تحقیقاتی برترین دانشگاه این کشور موظف شده است به این پرسش پاسخ دهد که آیا کشاورزی و دامداری باارزش تر است یا اکوتوریسم و البته نتایج این پژوهش نیز در خور تأمل است : " اکوتوریسم در هر هکتار از هر نوع کشاورزی سودمندتر است . اشتغال زائی اکوتوریسم سه تا پانزده برابر بیش تر از کشاورزی است " . (روزنامه ایران ، مورخ ۲۷/۱۰/۸۳) . به این ترتیب ، محل تردید باقی نمی ماند که چنانچه بر ایجاد اشتغال و به دنبال آن کسب درآمد از طریق توسعه جهانگردی در کشور تأکید می شود ، می بایست نگاه به مناطق روستائی به عنوان یك اولویت اساسی در این خصوص مورد توجه واقع شود .

صاحب نظران بر این باور هستند که اکوتوریسم دارای هشت شاخه اصلی و بالغ بر ۸۰۰ شاخه فرعی است . در میان این هشت شاخه اصلی باید از شاخه "مردم شناسی" نام برد که از جمله شاخه های فرعی آن "توریسم کوچ" ، توریسم آداب و رسوم" و "روستاگردی" قابل ذکر هستند (نشریه بازاریابی ، بدون تاریخ) . گستره و پراکندگی وسیع طوایف و عشایر در کشور ، پیشینه تاریخی طولانی و غنی کشور و نیز کثرت قابل ملاحظه روستاهای کشور حکایت از پتانسیل قابل توجه کشور در هر یك از شاخه های فرعی شاخه مردم شناسی می نماید .

در اینجا بدون آنکه بخواهیم بیش از این در مورد ادبیات و اهمیت و ارزش اکوتوریسم صحبت نمائیم ، قصد داریم که قابلیت ها و جاذبه های موجود در روستاهای کشور را جهت جذب جهانگرد اعم از داخلی و خارجی مورد شناسائی و توجه قرار دهیم . مهم ترین این موارد عبارتند از :

۱ ـ درختان دیر زیست

عشق و علاقه مفرط ایرانیان به کاشت نهال که چه در آئین زرتشت و هم در دین اسلام ارج نهاده شده ، سبب گردیده است که کاشت و نگهداری از درخت همواره به عنوان ارزش تلقی شود و به همین دلیل شاهد وجود درختانی با عمر چند ده ساله که بعضاً به چند صد سال نیز بالغ می شود که از آنها با نام "درختان دیرزیست" یاد می شود در گوشه و کنار کشور هستیم . قداست مترتب بر کاشت و نگهداری از درخت موجب استمرار حیات این درختان ، علی رغم مصائب ایجاد شده برای آنها در طول قرن های متمادی بوده است . به طوریکه کمتر درخت دیرزیستی را می توان یافت که دچار عارضه "آتش گرفتگی" نشده باشد . همچنین سنت پسندیده "وقف" که در مورد شماری از این درختان دیده می شود ، اهتمام بیشتر اهالی به نگهداری این درختان را در پی داشته است . گیاه شناسان بر این باور هستند که این درختان از مهم ترین ذخایر ژنتیکی یك کشور هستند . ضمن آنکه می توان درختان دیرزیست را به عنوان آئینه تمام نمای فرهنگ دینی، اجتماعی و طبیعی ایرانیان دانست . اگرچه شماری از این درختان اینك در محدوده شهرها واقع شده اند که از آن جمله است "سرو ابرقو" ، ولی این عده در مقایسه با درختان دیرزیست پراکنده در مناطق روستائی بسیار قلیل و ناچیز هستند . به عنوان مثال فقط در روستای کهك از توابع شهرستان قم دو درخت دیرزیست چنار۳ و سرو٤ با عمر ۷۰۰ ـ ۶۰۰ سال وجود دارد . و یا در روستاهای قاضی بالا ، جوزه و موجان از توابع بخش دستجرد همین شهرستان به ترتیب درختان نارون٥ ۱۵۰ ساله ، بید٦ ۲۰۰ ساله و پنج نهال توت۷ (به صورت وقف) ۳۰۰ ساله وجود دارد . همچنین ، در روستای آمره از توابع بخش خلجستان (دستجرد) شهرستان قم درخت چنار با سن تقریبی ۱۰۰۰ سال وجود دارد که گفته می شود زوار کربلا در سایه آن استراحت می کردند . (علی احمد کروری

و دیگران ، ۱۳۸۰) . حضور در مناطقی که این درختان وجود دارند ، می تواند در کنار مزایای متعدد ، انس و الفت بیشتر میان مردم و به ویژه کودکان ، نوجوانان و جوانان با درختان را در پی داشته باشد و از این طریق فرهنگ ارج نهادن به گیاهان را در میان بازدید کنندگان ترویج نمود . ضمن آنکه ، از این رهگذر می توان در مورد درختان وقف شده به بهترین شکل ممکن این سنت اجتماعی ارزشمند را در میان نسل جوان جامعه ترویج نمود .

۲ ـ گونه های گیاهی منحصر به فرد و کمیاب

در مناطق مختلف کشور ، بعضاً گونه های گیاهی مشاهده می شود که به صورت انحصاری در همان منطقه یافت می شوند . پراکنده بودن این گیاهان نیز می تواند از جاذبه های اکوتوریستی مناطق روستائی و عرصه های منابع طبیعی واقع در محدوده این مناطق تلقی شود . به عنوان نمونه ای از این گونه گیاهان می توان از درختان چندل۸ و حرا۹ نام برد که گیاه اخیر به افتخار ابوعلی سینا دانشمند شهیر ایرانی به نام وی نامگذاری گردیده و هر دو گیاه از درختان واقع در جنگل های مانگرو۱۰ و یا کشندی۱۱ ایران هستند که اولی با پراکندگی بسیار کمتر فقط در محدوده اراضی چند روستا و دومی با پراکندگی بسیار بیشتر در سواحل جزیره قشم و چند شهرستان دیگر از جمله شهرستان جاسك در جنوب کشور مشاهده می شود (جزیره ای،۱۳۸۴) . هر یك از این دو گیاه اخیر بنا به علتی می تواند جاذبه بازدید داشته باشد . مثلاً درختان چندل به دلیل کند رشد بودن به طوریکه رشد سالیانه قطری آنها فقط یك میلیمتر است و با یك عمر یك صد ساله فقط به اندازه ده سانتی متر قطر دارند . ضمن آنکه از پراکندگی بسیار محدود آنها نیز نمی توان بی تفاوت گذشت . از این موارد که دارای جذابیت های جلب جهانگرد می باشند ، می توان به کرات مشاهده نمود و نام برد . به عنوان یك نمونه دیگر باید از سوسن چلچراغ۱۲ نام برد که بنا به گفته ای به صورت بومی به غیر از منطقه لنکران در جمهوری آذربایجان در ایران و آن هم در روستای داماش از توابع عمارلو در رودبار استان گیلان یاقت می شود (فتحی ، بدون تاریخ) .

۳ – بازدید از فعالیت های کشاورزی

تصور عامه مردم از کشاورزی و فعالیت های آن انجام اموری دشوار و فاقد هر گونه جذابیت است . اگر چه استنباط فوق می تواند در مواردی صحیح باشد ، اما به هیچ عنوان قابل تسری و تعمیم به کلیه فعالیت های مترتب بر کشاورزی نیست و در این زمینه می توان از مواردی نام برد که حداقل برای اقشار شهرنشین می تواند دیدنی باشد . نمونه ای از این موارد ، گلاب گیری از گل های محمدی۱۳ در شهرستان کاشان است که همه ساله در اردیبهشت ماه جمعیت زیادی را به صرف مشاهده فرآیند گلاب گیری به سوی این شهرستان و به ویژه روستاهای آن می کشاند . از این دست فعالیت ها در کشاورزی بومی و سنتی ایران به فراوانی می توان مشاهده نمود . به عنوان نمونه استحصال کتیرا از برخی گونه های گون۱٤ و یا استحصال سقز از درختان بنه۱۵ در سراسر جنگل های زاگرس و یا گرده افشانی خرما در استان های خرما خیز کشور قابل ذکر هستند . موارد فوق می تواند دارای این بار ارزشی نیز باشد که نوع نگاه آحاد جامعه و به ویژه نسل جوان این مرز و بوم را به فعالیت هائی که ریشه در تاریخ و فرهنگ کشور دارد اصلاح نماید ، به طوریکه ارج و قرب لازم را برای این فعالیت ها قائل بوده و دیگر با تحقیر و تخطئه به آنها نگاه ننمایند . ضمن آنکه گستردگی وسیع و چشم گیر این دو گیاه در کشور که به عنوان نمونه مورد اشاره قرار گرفتند ، به طوریکه کشور ایران یکی از مهم ترین خاستگاه های گون در دنیا و درختان بنه نیز از شایع ترین درختان در جنگل های زاگرس در غرب کشور می باشند ، ضرورت آشنائی مردم با ارزش و اهمیت اقتصادی ، اکولوژیکی و اجتماعی آنها با بیشتر می نماید . بی شك این مهم می تواند به جلوگیری از انهدام گونه های گیاهی مورد نظر نیز کمك شایانی نماید و تضمینی باشد بر استمرار بهره برداری از این گیاهان . از دیگر موارد در این زمینه می توان به استحصال رنگ از گیاه روناس۱٦ اشاره کرد که هنوز هم در برخی مناطق استان یزد مرسوم و متداول بوده و می تواند جاذبه خوبی برای حضور مردم داشته باشد . در تاریخ کشاورزی ایران به مواردی برمی خوریم که بر اثر بی مبالاتی دیگر هیچ گونه اثری از آنها باقی نمانده است و فقط در کتاب ها می توان سراغی آز آنها گرفت . نمونه ای این موارد گیاه نیل۱۷ است که تا کمتر از چهار دهه قبل از رونق زیادی در روستاهای شهرستان دزفول برخوردار بود و اینك هیچ اثری از آن باقی نمانده است . بدون تردید حضور مردم در فعالیت هائی این چنینی ، اگرچه فقط در مقام بازدید کننده باشد ، می تواند ضمانت بیشتری بر ادامه آن فعالیت را در پی داشته باشد .

۴ ـ مناظر و چشم اندازهای طبیعی

به نظر می آید در این مورد نیاز به هیچ گونه توضیح اضافی و یا ذکر مثال نباشد . گوشه و کنار این مرز و بوم مملو است از جاذبه های طبیعی که اکثر قریب به اتفاق آنها نیز در محدوده روستاها و یا مناطق روستائی واقع شده اند . به عنوان فقط کلان قضیه می توان از وجود ۵۰ دریاچه در داخل کشور که از میان آنها ۱۸ دریاچه در شمار پهناب های کنوانسیون بین المللی رامسر قرار دارند ، وجود بزرگترین دریاچه جهان در شمال کشور و دریاچه ارومیه به عنوان یکی از ۵۹ ذخایر زیستی کره زمین ، خط ساحلی ۱۲۰۰ کیلومتری با خلیج فارس و دریای عمان ، قرار داشتن ۳۰ قله درکشور که از بلندترین قله های اروپا و آمریکا مرتفع تر هستند ، دو رشته کوه مرتفع البرز و زاگرس در شمال و غرب کشور ، بیابان های وسیع که

در اغلب آنها مؤلفه های بیابانی همچون وزش باد ، ماسه های روان و بیشینه گرمای هوا در بالاترین حد ثبت شده مناطق بیابانی جهان نام برد (نشریه بازاریابی ، بدون تاریخ) . به صورت جزئی تر می توان به طیف گسترده چشمه ها ، آبشارها ، خورها ، یخچال ها ، آبگیرها ، استخرها، آتشفشان ها و ... در مجدوده هر یك از موارد کلان برشمرده در فوق اشاره نمود .

۵ ـ امامزاده ها و سایر اماکن مذهبی و متبرکه

رگه های مذهبی قوی در نزد ملت ایران رشد و گسترش در خور توجه اماکن م&

منبع : مجله گسترش صنعت

http://vista.ir/?view=article&id=224280

vista.ir
Online Classified Service

روستاهای دیولو و کای پینگ

کای پینگ و دیولو روستاهایی هستند با خصوصیت خانه‌های چند طبقه تدافعی. این روستا در کای‌پینگ نشان دهنده ترکیب پیچیده و پر زرق وبرقی ازمعماری وتزئینی چینی همراه با معماری و تزئینی غربی است. این ساختمان‌ها سه فرم را در بردارند. قلعه‌های اشتراکی که به وسیله خانواده‌های متعددی ساخته می‌شد و به عنوان پناهگاه‌های موقتی مورد استفاده قرار می‌گرفت، قلعه‌های مسکونی که به طور شخصی به وسیله خانواده‌های ثروتمند ساخته می‌شد و به عنوان اقامتگاه‌های مستحکم و با دوام مورد استفاده قرار می‌گرفت و قلعه دیده‌بانی که با سنگ، چینه، خشت و یا ساروج ساخته می‌شد. این ساختمان‌ها ترکیب پیچیده و دلگرم کننده ای از نوع معماری چینی وغربی را نمایان می‌کند. دیولو و روستاهای اطراف آن به خاطر ترکیب پیچیده وعالی بین معماری چینی و غربی ونیزگلکاری کم نظیرساختمان‌های قلعه‌های قدیمی محلی و کمال و ثباتشان که در نتیجه ساختمان‌های محکم است و به دلیل واگذاری نَسبی و به خاطر رابطه هارمونیک با مناظر و زمین‌های کشاورزی‌شان، یک ارزش جهانی برجسته را نمایان می کند. دیولو درطی یک دوره فیزیکی چشمگیر یک تغییر و تبادل مهم در ارزش های انسانی ایجاد کرده است و همچنین در بعد دیگر، با ترکیب سبک کشاورزی که از شمال آمریکا توسط چینی هایی که از آنجا بازگشته اند ودر آمیختن با شیوه کشاورزی روستایی‌های قدیمی و محلی توانسته در میان این ناحیه ، فرهنگی خاص وجهانی را بسازد . از زمان هینگ، در مقابله با سرقت های محلی ساختن قلعه‌های تدافعی یک رسم و سنت محلی در منطقه کای پینگ بوده است . دیولوهای برجسته، آخرین ترقی را در این سنت نمایان می‌کنند، چرا که قلعه آنها در مقابل سرقت‌هایی که از ثروت‌های عظیم آنها (که از بازگشت چینی‌ها پدید آمده بود صورت می گرفت) به خوبی مقاوم بود. قلعه‌های اصلی با تزئینات خاص ودر میان زرق و برق فراوان ،نشان دهنده ثروت است. اینها نوعی از ساختمان هایی هستند که نقش در خور توجهی را که به وسیله مردم کای‌پینگ امیگر در زمینه توسعه روستاهای مختلف در جنوب آسیا، استرالیا و شمال آمریکا در طی قرون ۱۸ و ۱۹ ایفا می‌شد را منعکس‌می کنند وزنجیره‌ها و حلقه‌های اتصال مشتمل بین جامعه کای پینگ وجوامع چینی در این قسمت از جهان نیز با توجه به همین موضوع استنباط می‌شود. تمامیت ودست نخوردگی این خواص برجسته، بسیار مشهود و آشکار است تا جایی که تمام اجزایی که ارزش‌های فوق بیان می‌کنندهنوز دراین مکان وجود دارند و به خوبی درقلعه‌ها و روستاهای محدوده‌شان و خانه‌ها و مزرعه‌های کوچک این

روستاها، نمایانند. دیولوی برجسته و خانه‌های روستاهای اطراف آن و زمین‌های زراعی ،همگی قابل توجه هستند. از سال ۲۰۰۱ همه دیولوها به عنوان مقبره‌های ملی ، تحت قانون حفاظت آثارفرهنگی مقدس ، محافظت می‌شوند و یک برنامه مدیریتی‌برای حفاظت آنها به وسیله دانشگاه پکن و نظر دولت مردمی شهر کای‌پینگ طرح ریزی شده است. این طرح از سال ۲۰۰۵ درحال اجراست.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=105512

vista.ir
Online Classified Service

روشهای یافتن آب در کویر

آب کافی مهمترین همراه شما در کویر است حتی در شرایطی که تشنگی خیلی شدید نیست می تواند باعث کند شدن فعالیت مغزی شما گردد , بنا بر این اولین قدم در شرایط بحرانی برنامه ریزی برای تهیه آب می باشد حتی در شرایطی که شما مطمین هستید نیاز مبرمی به آب ندارید . اگر آب در دسترس دارید در نوشیدن آب صرفه جویی نکنید زیرا نرسیدن آب کافی به بدن می تواند باعث گیجی , کند شدن ذهن و غلظت خون گردد همچنین کم آبی بدن می تواند باعث افزایش ترس و سرد شدن بدن گردد پس در شرایط بحران هرچند که آب کافی در اختیار نداشته باشید در مصرف آب صرفه جویی نکنید .

یک انسان معمولی می تواند برای مدت معینی بدون آب به زندگی ادامه دهد . مهمترین عامل از پای در امادن انسان آب نیست بلکه روحیه فرد و عوامل روانی می باشد . مدت زمان زنده ماندن بستگی مستقیم به دمای محیط و میزان تعرق دارد از این روی در شرایط بحران هرگز در زمان تابش خورشید حرکت نکنید و به استراحت بپردازید , زمانی که تابش خورشید به حد اقل میرسد بهترین زمان برای فعالیت است . برای مثال در مناطق کویری ایران در تابستان و در دمای ۴۹ درجه و بدون مصرف آب حد اکثر زمانی که یک فرد زنده می ماند چیزی در حدود ۲ الی ۳ ساعت می باشد . در صورتیکه همین فرد در زمان تابش در زیر سایه استراحت کند و در شب به ادامه مسیر بپردازد در حدود ۵/۲ روز می تواند بدون مصرف آب به زندگی ادامه دهد . نکته حایز احمیت دیگر این است که برای هر روز زنده ماندن در دمای ۴۹ درجه (با احتساب استراحت در روز و حرکت در شب) به مقدار ۲ لیتر آب نیاز است .

- در شرایط بحران نکات زیر را در هنگام مصرف آب رعایت کنید :

▪ در هنگامی که تشنه هستید آب بنوشید , آب را قورت ندهید بلکه آن را در دهان مزه مزه کنید و به آرامی بنوشید , از فعالیتهای غیر ضروری پرهیز کنید و پناهگاهی برای در امان ماندن از تابش خورشید بیابید, در صورتی که هیچ سایه ای نیافتید بدن خود را در شنها دفن کنید و تکه پارچاه ای بر روی سر خود بکشید تا از تابش مستقیم در امان بمانید , هرگز در گرما لباسهای خود را در نیاورید این کار باعث شدت تعرق شما خواهد شد هرچند که احساس گرمای کمتری کنید, حتی صورت خود را نیز بپوشانید, در هنگامی که آب محدود در اختیار دارید مصرف غذا و نمک را کاهش دهید و در هنگامی که هیچ آبی در اختیار ندارید به هیچ عنوان غذا نخورید . بدن شما قادر است تا ۱۰ روز بدون مصرف غذا در شرایط سخت به زندگی ادامه دهد .

▪ برای خنک کردن آبی که همراه دارید پارچه ای نمناک بدور ظرف حاوی آب بپیچید به گونه ای که کاملا آن را بپوشاند , رطوبت پارچه در هنگام

تبخیر حرارت آب درون ظرف را می گیرد و دمای آب را کاهش می دهد . این روشی بوده است که گذشتگان برای خنک نگاه داشتن آب از آن استفاده می کرده اند . پس از خشک شدن پارچه مجددا آن را مرطوب کنید . برای مرطوب نگهداشتن پارچه می توانید از آب شور باتلاقها استفاده کنید .

● روشهای تهیه آب :

▪ یکی از راحتترین راههای تهیه آب تعقیب رد پای جانوران است , مطمین باشید اگر در منطقه ای که شما هستید رد پای جانوران هست قطعا آب هم هست , شترها و اکثر جانوران در هنگام غروب آفتاب به سمت آب می روند.

▪ روش دیگر تهیه آب این است که گودالی به ارتفاع ۴۰ سانتی متر در زمین حفر کنید (این روش در شنهای روان چندان کار ساز نیست) در ته گودال لیوان و یا کاسه ای قرار دهید سپس روی گدال را با ۱ تکه پلاستیک کاملا بپوشانید و دور تا دور گدال را با سنگ ریزه بپوشانید سپس یک سنگ بسیار کوچک در وسط پلاستیک قرار دهید به گونه ای که سنگ ریزه دقیقا از دید بالا در وسط لیوان قرار داشته باشد . از این طریق در اثر تابش و گرما , خاک رطوبت خود را از دست می دهد و بخار آب حاصل در برخورد با پلاستیک به شکل قطرات ریز درون لیوان می چکد . در این روش می توانید در هر ۶ ساعت نصف لیوان آب تهیه کنید .

▪ روش دیگر تهیه آب استفاده از گیاهان کویری است . این گیاهان معمولا ریشه و ساقه پر آبی دارند .

▪ در فاصله تپه های شنی و بوته زارها نیز می توانید آب بیابید .

▪ در دراپاچه های نمک معمولا در ۵۰ سانتی متری به آب نمک می رسید . می توانید با جوشاندن وسپس سرد کردن بخار آب به آب دست یابید.

▪ در صورتی که هیچ روشی کار ساز نبود و تشنگی به شدت بر شما غالب گشته بود تکه ای از ریگ بیابان را در زیر زبان خود قرار دهید این روش باعث می شود بزاق های دهان شما ترشح شوند و از میزان تشنگی شما کاسته شود .

▪ در کویر همیشه مقداری شکر همراه داشته باشید . اضافه کردن شکر به آبهای تلخ کویر مزه آب را عوض می کند و شرب آن را راحتتر مینماید .

▪ فراموش نکنید آبی را که در کویر بدست می آورید هرگز بدون جوشاندن و یا قرصهای تصفیه آب مصرف نکنید همچنین برای یافتن آب خود را خیلی خسته نکنید زیرا به آب بدن و توان خود نیاز دارید . قبل از عزیمت به مناطق کویری نقشه های دقیق منطقه را تهیه کنید . قبل از عزیمت از کسانی که به منطقه آشنایی دارند موقعیت چشمه ها و قنوات را جویا شوید و بر روی نقشه علامت گذاری کنید . دوستان و نزدیکان خود را از سفر خود آگاه کنید .

منبع : روزنامه جوان

http://vista.ir/?view=article&id=249408

vista.ir
Online Classified Service

رویای ایرانی پشت دروازه اروپا

● برای بسیاری از ایرانیان، ترکیه ایستگاه اول مهاجرت است

آمار دقیقی در دست نیست، با وجود این، شواهد حاکی از مراجعه پرشمار ایرانیان به دفاتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه است. پناهندگان ایرانی، ترکیه را کشور مناسبی جهت رسیدگی به مشکلاتشان نمی دانند، اما سهولت دسترسی به این کشور حتی از طریق غیر قانونی باعث شده است بیشترین تعداد پناهندگان ایرانی در این کشور گرد هم آیند

.

هرسال مسافران بسیاری به دلایل و انگیزه های مختلف از ایران به ترکیه می روند. گذشته از آنانی که به قصد تفریح عازم این کشور توریستی می شوند، چند سالی است شمار مهاجران ایرانی به ترکیه نیز افزایش یافته است. پناهجویان، دانشجویان و تجار ایرانی از جمله گروه هایی هستند که در این کشور اقامت دارند؛ هرچند به طور معمول، شمار بسیار کمی از ایرانیان این کشور را به عنوان محل دائمی سکونت انتخاب می کنند.

در سالهای اخیر تعداد کسانی که به قصد پناهندگی وارد کشور ترکیه شده اند افزایش چشمگیری داشته است. این افراد درخواست پناهندگی خود را به دفتر امور پناهندگان سازمان ملل تقدیم می کنند و قصد اقامت دائم در ترکیه را ندارند، ولیکن ناگزیرند در مدت زمان بررسی درخواستشان دراین کشور بمانند .

همچنین بر اساس قوانین موجود آنها باید مدارک و اوراق مسافرتی خود را تسلیم مقامات دولت ترکیه کنند .

نیلوفر که به همراه دو دختر خردسالش به ترکیه آمده است می گوید: "همسرم، من و کودکانم را ممنوع الخروج کرده بود. با پولی که من داشتم توانستم خودم را به زحمت تا اینجا برسانم." وی که منتظر است به درخواست پناهندگی اش رسیدگی شود، خود را قربانی خشونت خانوادگی می داند و قصد بازگشت به ایران را ندارد.

دفاتر سازمان ملل در شهر های وان و آنکارا درخواستهای پناهندگی را بررسی می کنند و بر اساس مقررات ژنو تصمیم می گیرد تا شخص متقاضی را به عنوان پناهنده بپذیرند یا نه.

به علت حجم زیاد کار و تعداد کم پرسنل، رسیدگی به چنین پرونده هایی معمولا به درازا می کشد و همین امر سبب بروز نارضایتی های عمیقی میان پناهجویان شده است.

- تغییر مذهب

از سویی دیگر برخی، ادعاهای "غیر منطقی و عجیب" عده ای از پناهجویان را دلیل دیگری برای طولانی شدن روند بررسی پرونده هایشان می دانند. آنها همچنین عقیده دارند مطرح کردن چنین ادعاهایی موجب بی اعتمادی مسئولان رسیدگی کننده نسبت به دیگر پناهجویان می شود.

علی (که یک نام مستعار است) ادعا می کند که پیامبر است. او کتابی از نوشته هایش را در دست دارد و آن را راهنمایی برای نجات بشر می داند.

علی می گوید: "این آیات به من وحی می شود و سالها در ایران به صورت مخفیانه مشغول جمع آوری این کتاب بوده ام."

تعداد بسیاری از پناهندگان ایرانی را اقلیت های مذهبی تشکیل می دهند که به دلیل آنچه "محرومیت از حقوق اجتماعی" می خوانند از ایران خارج شده اند.

شمار دیگری از این افراد کسانی هستند که بنا بر دلایل سیاسی و وابستگی حزبی به احزابی که از نظر دولت ایران "غیر قانونی" محسوب می شوند، به این کشور می روند . در این میان گروه هایی نیز به چشم می خورند که به علت مشکلات مختلف اجتماعی از جمله تبعیض های جنسیتی نسبت به زنان و همجنسگرایان و به دلیل آنچه نبود "آزادی های مدنی در ایران" می خوانند، به ترکیه آمده اند.

پناهجویان در ترکیه حق کار کردن ندارند، کودکانشان از خدمات درمانی بی بهره اند و در عین حال مجبورند مبالغی را با عناوین مختلف از جمله "حق خاک" جهت اقامت در این کشور بپردازند.

- سرزمین نامادری

تعیین محل اقامت پناهجویان در طول این مدت به عهده دولت ترکیه است و این موضوع نیز به نوبه خود موجب اعتراض پناهجویان می شود چرا که پس از تعیین محل اقامت، پناهجو اجازه خروج از آن مکان را به جز موارد استثنائی ندارد.

مریم و همسرش که یک سال است به ترکیه آمده اند مجبور به اقامت در یک شهر کوچک مرزی در مناطق کردنشین ترکیه شده اند . آنها می گویند از اولین امکانات اولیه برای زندگی کردن بی بهره اند . آب آشامیدنی به سختی بدست می آید ، زمستان ها مواد سوختی نایاب می شود و قطع برق جزیی از زندگی اشان شده است با وجود این، دولت ترکیه با درخواستشان برای تغییر محل سکونت موافقت نمی کند.

عدم اطلاع دقیق از قوانین پناهندگی باعث سردرگمی بسیاری از پناهجویان شده است.

سرنوشت نامعلوم ، عدم اطلاع رسانی نهاد های رسیدگی کننده و ده ها مشکل دیگر باعث شده است پناهجویان ایرانی در وضعیت اسفناکی قرار گیرند.

آنها منتظر جواب هستند، روزهای متوالی به دفاتر سازمان ملل مراجعه می کنند و معمولا با پاسخ کلی "پرونده شما در حال بررسی است" مواجه می شوند.

● اینجا نمان

شمار کمی از این پناهجویان توسط سازمان ملل به عنوان پناهنده پذیرفته می شوند.

ارائه برگه قبولی از سوی کمیساریای پناهندگان الزاما به معنی پذیرفته شدن توسط کشور ثالث نیست و پس از قبولی، روند جدیدی آغاز می شود که طی آن مشخص خواهد شد چه کشوری فرد مورد نظر را به عنوان پناهنده می پذیرد.

این مراحل ممکن است چندین ماه و حتی چندین سال طول بکشد و همه اینها در شرایطی است که درخواست پناهجو قبل از آن رد نشده باشد.

کاوه همه این مراحل را پشت سر گذاشته است، او می گوید که به زودی عازم کانادا می شود. کاوه فکر می کند دوران سختی ها گذشته است و حالا خود را آماده آغاز یک زندگی جدید می کند.

دفاتر کمیساریای پناهندگان معمولا یک روز در هفته را به ثبت درخواست های جدید اختصاص می دهند. ایرانی ها از راه می رسند و در حالی که هنوز خستگی سفر در چهره هایشان نمایان است، در خواست پناهندگی می کنند.

این در حالی است که پناهجویان قدیمی با دلسردی از تازه واردها می خواهند که در ترکیه نمانند.

اولین پیامشان به یک تازه وارد این است: "اگه مدارکت را تحویل ندادی، اینجا نمان."

آنها معمولا یونان را توصیه می کنند در حالی که هیچکدام واقعا نمی دانند آیا در یونان وضعیت بهتر است؟

▪ هجدهم دسامبر را سازمان ملل، روز جهانی مهاجران نامیده است.

منبع : زیگزاگ

http://vista.ir/?view=article&id=249692

vista.ir
Online Classified Service

زلاند نو

نیوزیلند (New Zealand) یا زلاند نو، کشوری است که زیبایی آن نتیجه زمین لرزه های متعدد است! کوهستانهای پر برف و یخ، رودخانه های خروشان، دریاچه های عمیق و شفاف، چشمه‌های آب گرم و گلهای جوشان از جمله مشخصه های بارز این کشور هستند.

در آنجا میتوان جنگلهای متعدد بومی، سواحل طولانی و متروک و طیف وسیعی از جانوران مختلف و کمیاب چون کیوی (kiwi نوعی مرغ سنگین و فاقد قدرت پرواز) که تنها در سواحل این کشور زندگی

میکند نیز پیدا کرد.

هرنوع فعالیت پرتکاپوی هوای آزاد، از جمله پیاده رویهای طولانی، اسکی، کلک رانی (کلک قایق مسطح ساخته شده از الوار) و یکی از محبوبترین کارهای اهالی و جهانگردان، پرش از ارتفاع با طناب کشی که به آن bungy jumping میگویند، در انتظار ماجراجویان است.

در این کشور شما میتوانید با دلفینها شنا کنید، با بره های تازه راه افتاده به جست و خیز بپردازید، به تماشای نهنگها رفته و یا به صید قزل آلاهای فربه در رودخانه ها و نهرهای طبیعی بپردازید.

● زمان مناسب برای سفر

آب و هوای نیوزیلند هرگز آنقدر بد نیست که دلیلی برای نرفتن باشد. در تمام طول سال کارهایی برای انجام دادن و مناظری برای دیدن وجود دارد. ماههای گرمتر (نوامبر تا آوریل، معادل آبان تا فروردین) به خصوص در زمان تعطیلات مدارس، شلوغترین زمان هستند.

طبیعتا شهرهایی که پاتوق اسکی بازها هستند در ماههای زمستان شلوغترند. بهترین زمان برای سفری دور از جنجال و با خیالی آسوده، قبل یا بعد از زمان اوج تعطیلات کریسمس و تعطیلات مدارس است.

▪ تاریخ نیوزیلند، قبل از قرن بیستم

کشف نیوزیلند در حدود سالهای ۸۰۰ میلادی، به یک افسر ناوبر پولینزیایی (Polynesian مجموعه جزایری در اقیانوس آرام) به نام کوپه (Kupe) نسبت داده میشود. بنابر حکایات موجود، همسر کوپه هینه - ته (Hine-te-aparangi)، این کشور تازه کشف شده را ائوتیاروا (Aotearoa)، سرزمین ابر بلند سپید، نامگذاری کرد. مسکن گزینی مردم در نیوزیلند به طور مستمر از سال ۱۲۰۰ میلادی آغاز شد که در پی اولین افراد، روند مداوم مهاجرت مردم از موطن کوپه که هاوایکی (Hawaiki) نام داشت آغاز شد که از مسیر ثبت شده توسط کوپه به این سرزمین رسیدند.

فرهنگ این مردم در اصل پولینزیایی است که در طی قرنها در اثر تماس محدود با کشورهی زادگاه هر گروه از مهاجران، رشد یافته است. سیستم اجتماعی این کشور سیستم طبقاتی بوده و مقام و مرتبه اجتماعی از طریق رابطه خونی منتقل میشده است.

در سال ۱۶۴۲، کاشفی هلندی به نام ابل تاسمن (Abel Tasman)، مشغول گشت و گذار مختصری در ساحل غربی نیوزیلند بود، هنگامی که او قصد داشت در ساحل پیاده شود، تعدادی از کارکنان کشتی کشته و خورده شدند و به این ترتیب او دیگر کوچکترین علاقه ای برای ماندن در این ناحیه نداشت.

در سال ۱۷۶۹، کاپیتان جیمز هوک (James Cook) دورتا دور دو جزیره اصلی را با کشتی خود به نام (Endeavour) گشت. رویارویی اولیه با اهالی مائوری (Maori) خشونت آمیز بود اما کوک که تحت تاثیر شجاعت و روحیه خاص مائوریها قرار گرفته و امکانات بالقوه این سرزمین تازه یافته شده را تشخیص داده بود، قبل از حرکت به سوی استرالیا، این سرزمین را برای سلطنت بریتانیا تصرف کرد.

هنگامی که بریتانیایی ها مستعمره سازی در سرزمینهای قطبی را آغاز کردند، نیوزیلند در ابتدا به عنوان یکی از انشعابات موسسه اقتصادی استرالیا (Australian Enterprise) در زمینه صید نهنگ و خوک دریایی به شمار می آمد.

در حقیقیت، از سال ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۱ این کشور در قلمرو قدرت نیو ساوث ولز (New South Wales منطقه ای در جنوب شرقی استرالیا) بوده است. در هر صورت، افزایش زیستگاههای اروپایی نشین به زودی مشکل ساز شد و نیاز فوری به یک سیاست مناسب برای حل و فصل اختلافات ارضی میان پاکه ها (Pakeha لغتی نیوزیلندی به معنای اروپاییان) و مائوریها احساس میشد.

در سال ۱۸۴۰، معاهده وایتنگی (Waitangi) به امضا رسید که بر طبق آن مائوریها فرمانداری کشور خود را به بریتانیا تسلیم کردند تا در مقابل از حمایت آنها و تضمین حفظ زمینهایشان از طرف بریتانیا بهره مند شوند.

اما رابطه میان مائوریها و پاکه ها، هرچند در برخی نواحی هماهنگ بود، اما در بخشهایی نیز خصمانه به نظر میرسید. دلایل این مشکلات متنوع و پیچیده بود، اما مهمترین ویژگی این دشمنیها، اختلاف بر سر زمین به شمار میرفت.

نبرد نورتلند (Northland War) که در طی سالهای ۱۸۴۴-۴۶ ادامه یافت، با جنگهای دیگری در استحکامات دیگر مائوریها، از جمله تاراناکی (Taranaki در سالهای ۱۸۶۰-۶۱ و ۱۸۶۵-۶۹) ، وایکاتو (Waikato ۱۸۶۳-۶۴) و ساحل شرقی (East Coast ۱۸۶۸-۷۲) ادامه یافت.

بالاخره جنگ به پایان رسید و هر چند نتیجه قطعی هیچ یک از آنها مشخص نبود، اما پاکه ها ادعای پیروزی داشتند.

• تاریخ معاصر

در اواخر قرن نوزدهم، همه چیز به طور موقت در آرامش قرار گرفت. کشف طلا در منطقه موجب شکوفایی و رونق بیشتر شد. از طرفی پرورش گوسفند در مقیاس گسترده نیز به معنای تبدیل شدن نیوزیلند به کشوری با بهره وری بالا و خودکفا بود. تغییرات اجتماعی فراگیر- حق رای برای زنان، تامین اجتماعی، حمایت از اتحادیه های صنفی و معرفی خدمات کودک یاری - اعتبار نیوزیلند را به عنوان کشوری علاقمند به اصلاحات تساوی گرانه، محکمتر کرد.

نیوزیلند در سال ۱۹۰۷ به مقام مملکت عضو جامعه ممالک مشترک المنافع بریتانیا رسید و در سال ۱۹۳۱ اعلام استقلال نمود. البته این استقلال تا سال ۱۹۴۷ به طور رسمی اعلام نشد. وضعیت اقتصادی تا زمان رکود اقتصادی جهانی در دهه ۸۰ و افزایش بیکاری، همچنان پر رونق بود. در حال حاضر اقتصاد نیوزیلند در وضعیتی تثبیت شده به سر میبرد که تا حد زیادی مدیون صادرات بوده است.

در میانه دهه ۸۰، نیوزیلند به خاطر موضعگیری ضد تسلیحات اتمی و مخالفت با آزمایشات اتمی فرانسه در اقیانوس آرام، مورد تشویق واقع شد، هرچند که این موضع گیری میتوانست به معنای رویارویی با آمریکا باشد.

• وضعیت فعلی

جمعیت مائوری در حال حاضر به طور فزاینده ای از جمعیت اروپایی نیوزیلند بیشتر شده است و یک تجدید حیات در فرهنگ مائوری موجب تاثیری اساسی و پایدار در جامعه نیوزیلند شده است. یکی از جنبه های بسیار دلگرم کننده این جنبش، پیدایش حرکتهای مشترک برای رسیدن به یکپارچگی فرهنگی میان مائوریها و پاکه ها است.

▪ خلاصه ای از رویدادهای سالیانه

تعدادی از رویدادهای فرهنگی قابل توجه نیوزیلند از این قرارند، برنامه تابستان که شامل مجموعه ای از جشنواره ها در اطراف شهر است. یک ماه تمام به جشنهایی برای تبادلات فرهنگی بومی و بین المللی اختصاص دارد، مسابقه پشم چینی قیچی طلایی، نمایشگاه کشاورزی، سوارکاری و سرگرمیهای بومی در کانتربوری (Canterbury Show).

• مشخصات نیوزیلند به طور اجمالی

▪ پایتخت : ولینگتن

▪ وسعت: ۲۶۸،۶۸۰ کیلومتر مربع

▪ جمعیت : ۴،۰۰۰،۰۰۰

▪ زبان رسمی :ا نگلیسی و مائوری

▪ مذهب : بیشتر مسیحی (۷۵%)

▪ پول رایج : دلار نیوزیلند معادل ۰.۶۳۶۴ دلار آمریکا

منبع : سایت فریا

http://vista.ir/?view=article&id=226528

vista.ir
Online Classified Service

زندگی پشت هیچستان

مهاجرت، جدا از نابسامانی‌ها و مشکلات فراوانش، زمانی به عنوان یک آسیب جدی مطرح می‌شود که بدانیم مهاجرت وسیله‌ای برای آزار مهاجران، به دست کارفرمایان است.

کار طاقت‌فرسا، سوء استفاده‌های مختلف اعم از جنسی، فیزیکی، روحی-روانی و... عدم دسترسی به یک وعده غذای کامل، بیماری و در اختیار نداشتن بودجه و امکانات لازم برای درمان، زندگی در نامناسب‌ترین شرایط ممکن ، ساعت کاری نامحدود و طاقت فرسا و... همگی گوشه‌ای از تبعات نامطلوب مهاجرت است.

در مقابل اما، دولت‌ها، چه دولت مقصد چه مبدا، هیچ حرکتی برای بهبود وضعیت مهاجران انجام نمی‌دهند. به عبارتی دولت کشوری که فرد از آن جلای وطن کرده، به همان میزان نسبت به سرنوشت مهاجرانش بی‌اعتناست که کشور مقصد.

«نیشاواریا» مشاور ارشد مرکز تحقیقات حقوق زنان و دیده‌بانان حقوق بشر می‌گوید: «گذشته از توجه به توان کاری مهاجران که اغلب نادیده گرفته می‌شود، کشورهای مهاجرپذیر هیچ اقدامی برای بهبود شرایط نامناسب مهاجران به ویژه درباره خشونت‌های اعمال شده علیه آنها انجام نمی‌دهند.»

وی در ادامه می‌افزاید:«در بین مهاجران، زنان و کودکان شاخص‌ترین گروه‌های هدف برای هرگونه آسیب و خشونتی هستند.»

در گزارش ۹۳ صفحه‌ای دیده‌بانان حقوق بشر(hrw)با عنوان «جاروکشان در رنج» آمده است:«کشورهایی چون السالوادور،گواتمالا، اندونزی، مالزی، مراکش، فیلیپین، عربستان سعودی،سنگاپور، سریلانکا، توگو،امارات متحده عربی و ایالات متحده، بالاترین آمار مهاجران را به خود اختصاص داده‌اند،که از سال ۲۰۰۱ میلادی به این طرف بالاترین آمار تجاوز و خشونت علیه زنان و کودکان نیز به همین کشورها اختصاص دارد.

در این گزارش یکی از اصلی‌ترین دلایل خشونت علیه کودکان و زنان، کار ویژه آنها عنوان شده است. اغلب آنها برخلاف مردها ،در منازل، اداره‌ها، هتل‌ها و به طور کلی مکان‌هایی کار می‌کنند که تمرکزی بر کار این مراکز به صورت شاخص وجود ندارد. عدم نظارت بر نحوه کار این مراکز، یکی از دلایل خشونت و تجاوز علیه زنان و کودکان اعلام شده است. از سوی دیگر آمارهای سازمان بین‌المللی کار(ILO) نشان می‌دهد بیشتر آمار کودکان کار متعلق به دختران زیر ۱۶سال است؛ دخترانی که اغلب آنها از میان مهاجران هستند.

گزارش‌های ILO همچنین نشان می‌دهد در اندونزی نزدیک به ۷۰۰هزار کودک غیربومی در حال حاضر در مراکز مختلف این کشور بیگاری می‌کنند. تعداد این کودکان در السالوادور رقمی بیش از ۲۰۰هزار نفر است، که دختران جوان بین ۱۴ تا۱۹سال، رده سنی غالب آن را تشکیل می‌دهند.

- زنان و مهاجرت

آمار دیده بانان حقوق بشر (hrw) نشان می‌دهد از ۳ دهه پیش، شاخص‌ترین آمار مهاجرت متعلق به زنان مهاجر است، به طوری که چیزی حدود ۲۰۰میلیون زن و دختر جوان طی ۳ دهه اخیر دست به مهاجرت زده‌اند؛ این آمار تا قبل از این تاریخ، کمتر از نیمی از این مقدار بوده است. آمار بخش مهاجرت و توسعه دیده‌بانان حقوق بشرهم نشان می‌دهد به همان نسبت که آمار مهاجرت در منطقه آسیا و آسیای پاسفیک درباره زنان و دختران جوان بالا گزارش شده است؛ به همان نسبت هم آمار خشونت و جنایت علیه آنها بالاست.

جامعه‌شناسان، این شکل مهاجرت را «مهاجرت فمینیستی» نامگذاری کرده و معتقدند مهاجرت زنان از ۳دهه پیش به این طرف، نشان دهنده تغییر الگوی سرپرستی خانواده است. به عبارتی اکنون زنان سهم بیشتری در سرپرستی خانواده دارند.

شاخص‌ترین شکل مهاجرت فمینیستی یا زنانه را می‌توان در کشـــورهایی چون فیلیپین، اندونزی و سریلانکا دید، به طوری که طی یک دهه گذشته، بین ۳۰تا۷۵درصد از زنان این کشورها به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. هرچند اغلب آنها به کشورهای اروپایی به ویژه اروپای شرقی مهاجرت کرده‌اند، اما تعدادی از آنها نیز دست به مهاجرت «درون منطقه‌ای» زده‌اند و کشورهای همسایه یا اندکی آن سوتر را برای زندگی جدیدشان برگزیده‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت منطقه آسیای میانه و به طور کلی آسیا، به ترتیب شاخص‌ترین آمار مهاجرت به ویژه مهاجرت

زنانه را به خود اختصاص داده‌اند.

● وحشت مهاجران

بررسی‌های مسئولان WHO بیانگر شاخص‌هایی به عنوان ادامه خشونت علیه مهاجران به ویژه کودکان و نوجوانان است.

▪ از شاخص‌ترین این دلایل می‌توان به این نکات اشاره کرد:

- بی‌توجهی به حق مهاجران به عنوان یک شهروند جدید.

- نادیده گرفتن نیازهای انسانی آنها.

- استفاده از آنها به عنوان ابزاری برای رسیدن به برنامه‌های خود، بدون قائل شدن حقی برای آنها.

- پایین بودن مزد کارگران مهاجر.

- ترس مهاجران از دادخواهی در مراجع قانونی؛ اغلب آنها غیر قانونی وارد کشور هدف شده‌اند.

- پشتیبانی نکردن مراجع قانونی کشور زادگاه مهاجران از آنها در کشور بیگانه.

- نیاز مبرم مهاجران به همه چیز.

- بی‌اعتنایی مراجع مسئول به نیازهای مهاجران؛ حتی نیازهای ابتدایی اما ضروری آنها مانند خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و درمان و... و تلاش مهاجران برای برآوردن این نیازها به هر شکل ممکن.

و در نهایت این‌که مهاجرت تلاشی برای دستیابی به نیازهای برآورده نشده مهاجران در زادگاه‌شان بوده و همین نیاز، آنها را به پذیرش هر امری مطیع می‌کند. تردیدی نیست که مهاجران یا به آنچه حق آنهاست، نمی‌رسند یا به آنچه می‌پندارند حق‌شان است، می‌رسند،اما برای رسیدن به آن بهای سنگینی می‌پردازند.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=284851

vista.ir
Online Classified Service

زیوه؛ زیورآذربایجان

طبیعت آن نیز، اینچنین است و مردم این ناحیه راه و رسم زندگی را از «مام زندگی» آموخته‌اند و لبخندی که در ته چهره‌شان جاوید مانده موید این نکته است که خوب آموخته‌اند.طبیعت بی‌نظیر آذربایجان، مردمی بی‌بدیل تربیت می‌کند.یکی از شهرهای آذربایجان، شهر مرزی زیوه نام دارد.واقع شده در دامنه‌های کوه‌های سرد و مرتفع، همجوار با مرز ترکیه.البته ساکنان زیوه ترک‌زبان نیستند.مردمانی سخت کوشند از تبار کرد و بیش از هرچیز، خوشرو و مهماندوست.مقصد ما زیوه است و در میدان بازار باش ارومیه به نظاره تردد مردم ایستاده‌ایم.در این بخش از شهر، پوشش محلی کردی کماکان بیش از سایر نقاط شهر به چشم می‌آید.ارومیه یا اورمیه، شهری است با تاریخ شگفت و میراث طبیعی بی‌همتا.انگار به یکباره، خزانه‌یی از ثروت و نعمات براین سرزمین در گشاده و مردمان را غرق باران رحمت ایزدی کرده است.

از خیابان زیبای دانشکده گذر می‌کنیم.خیابانی با انبوه درختان. گرچه بسیاری از باغ‌های این ناحیه در این چند سال اخیر به برج و بارو تبدیل می‌شود ولی هنوز می‌توان چشم را زینت داد به باغ ویلاهای قصر مانند که درختان سبز پهن برگ را در خود جای داده‌اند.برگ‌ها با نسیمی لطیف که هماره در این شهر می‌وزد به رقصی بی‌بدیل می‌پردازند.خیالم از پنجره اتومبیل می‌لغزد روی دیوار، نگاهم با سایه‌برگ‌ها، زیباترین رقا رویاها را نمایش می‌دهد.در جشن و سرور طبیعت، هرلحظه زیبایی موزون و ویژه‌یی به پا می‌کند.گویی همه آفرینش به وجدآمده است.

داربست‌های تاك از خیابان پیدا است و چه سایه‌بان‌های زیبایی. در کلانشهرهای با برج‌های بلند، پارکینگ به محلی اطلاق می‌شود که جز خودرو

هیچ چیز دیگری در آن امکان حضور ندارد! بوی بنزین و روغن فضا را آکنده است.ولی در پارکینگ‌های زیوه انسان توقف زیبایی دارد.هنگامی که ستیغ آفتاب نیمروزی، بالاترین حرارت عشق و شورش را نثار زمین می‌کند، می‌توان در این خنکا و سایه‌بان طبیعی نشست و اندیشید و از درخت اندیشه‌هایی که در طبیعت می رویند، همیشه محصول برتری دست چین می‌شود.

ورود به سبزینه‌ها

پس از گذر از خیابان زیبای دانشکده به طبیعت تازه‌تری وارد می‌شویم که دست انسان، جز برای ایجاد چند رستوران جهت رفع نیاز گردشگران به آن تعدی نداشته است. این جا منطقه «بند» نام دارد.در سویی از جاده، صخره‌های بزرگ مانند سلسله جبالی با شکوه خودنمایی می‌کند و در سویی دیگر، رود زیبای «شهر چای» میان انبوهی درختان کوهستانی پهن برگ ون، چنار، سیب، بید و سپیدار جاری است و صدایش آدمی را به ماوراءالطبیعه می‌برد.حتی آنان که مناطق زیبای قاره سبز را دیده‌اند، به این حقیقت معترفند زیبایی و سبزی بند همراه با فرهنگ خوب مردمانش در پاسداری و حفظ طبیعت مثال زدنی است. روی خوش و تبسم همیشگی ایشان، ما را شیفته دمی نشستن و گپ‌زدن و چای خوردن می‌کند.از «بند» می‌پرسیم، از جاده.از زیوه از زیبایی‌های بی‌نظیر طبیعت آذربایجان و پاسخ می‌دهند و عطش ما را برای دیدن زیوه دو چندان می‌کنند.موسیقی محلی کردی، از پخش‌خودروهای این مسیر، خاطره اسب و تفنگ و تاختن در کوه را تداعی می‌کند.موسیقی با اعجازش، روح را پیش از جسم به زیوه می‌کشاند.جاده، شیب کوهستان را با خم و پیچی تماشایی بالامی‌برد.هرچه پیش‌تر می‌رویم از زندگی زمخت شهری دورتر می‌شویم و سبکبال و رها به جست‌وجوی خود و واکاوی خویش می‌پردازیم.نیازی به تلقین و پروازدادن مرغ خیال نیست که این‌جا خود، سرزمینی خیال‌انگیز است.گویی در رویا گام برمی‌داری و ترس بیداری نیز به دل نداری.

مرغزارهای بی‌بدیل

سبز،سبز، ...تا نگاهی می‌کنی سبز است.پس از گذر از کنار صخره‌های سترگ،دشتی سبز، فرا رویمان تجلی می‌شود.دشتی چون دشت آرزوها. گویی بهشتی است نازل شده برزمین.سخت است رهایی از تردید خواب و بیداری از تعلیق که فضای زیوه برآدمی تحمیل می‌کند.وقتی در این دشت فراخ گام گذاشته باشی زمان از کف ربوده می‌شود.نسیمی دلکش، گونه‌ها را خنك و تازه می‌کند.طراوتی شگرف برضمیر می‌پاشد و گیسوان دشت را شانه می‌کند و زلفان این دشت ساقه‌های بلند و سبز گندم است که در دستان مشاطه‌گر باد موج برمی‌دارند و سربه‌شانه‌هم می‌سایند و جان عاشق هر طبیعت مردی را به تمامی در تسخیر اغوای خویش می‌گیرند.به سه راهی راژان که می‌رسی، دخت طبیعت به گونه‌یی دیگر دلربایی می‌کندأ روبرو کوه‌های بلند و سترگ.سوی راست به جاده‌یی کوهستانی و پیست اسکی خوشاکر منتهی می‌شود.سوی چپ به دشتی سبز و فراخ در حاشیه جاده، هوش ربای آدمی پس از راژان، روستاهای زیبای دیگری کنار جاده خودنمایی می‌کنند و می‌توان زندگی بکر و پرشور مردمانی را دید که در صداقت و صفا، کنار هم به شادی می‌زیند.با کارکردن در مزارع و باغات شادند با دامداری در مراتع سرخوشند و اینان مردمانی نیکو خصال و سپاسگزارند که استحقاق خود را در گردآوری نعمت‌های ایزدی به اؤبات رسانده‌اند.لبخند، میهمان همیشگی چهره‌شان است.

اسب، مزرعه، باد...و رؤیا. زیبایی از حدفزون است که نمی‌توان جز با دیدن و غرق شدن در لذت، آن را توصیف کرد.اسب، این حیوان نجیب، هنوز از ابزارهای زندگی مرد کرد زیوه است.اسب در اینجا تزیین و تجمل نیست بلکه عضوی از مزرعه است و احترام و مراقبت خاص، حیوان را به اطاعت وامی‌دارد.جبر شلاق و تازیانه مفهوم ندارد.کنار جاده، کندوها رج کشیده‌اند کنار هم برگستره دشت.عسل واقعی برگرفته از طبیعت زیوه هنگامی با شیر تازه دوشیده‌شده بیامیزد،مرد کرد را چنان قوت می‌بخشد که کوه را یك نفس بتازد.دختران و زنان کرد، با لباس‌های محلی، هم پای مردان در تلاش بی‌وقفه، نمادی از کار به عنوان جوهر آدمی را به نمایش می‌گذارند.زیوه شهری کوچك با مردمانی بزرگ سال‌ها است میهمانانی را به عنوان سکنه خود پذیرفته‌است.بیش از ده هزار نفر از مردم مظلوم کردستان عراق به این شهر پناهنده شده و درآن سکنی گزیده‌اند و اهالی زیوه ایشان را براستی خواهر و برادر خود می‌دانند و مانند اعضای یك خانواده با محبت و مهربانی در کنار هم به کار و تلاش، مشغولند و وصلت، رابطه‌شان را مستحکم‌تر ساخته‌است.

به رغم زندگی عشیره‌یی، قبیله و نژاد اهمیتی ندارد.ملاك انسانیت و صداقت است!آنچه بین همه ساکنان مشترك است تابعیت از طبیعت می‌نامند که جلوه‌یی بدیع از فرهنگ والای مردمانی خوب سیرت را به نمایش می‌گذارد.ما به زیوه آمده‌ایم تا در طبیعت بکر و نابش که خوشبختانه هنوز مورد تهاجم انسان‌های ویرانگر قرارنگرفته، خود را بیابیم.هر ؤانیه بودن در این سرزمین، سال‌ها طراوت و شادابی به ارمغان می‌آورد:«طبیعت، روح سبز وشادی در آدمی می‌دمد.»

روستاهای اطراف زیوه آن قدر دست نخورده و بکرند که مردم، هنوز از آب چشمه‌هایی که نهر می‌شود و از میانه روستا می‌گذرد، استفاده

می‌کنند.کسب و کار اغلب مردان دامداری و کشاورزی و دختران و زنان قالیبافی و کمك در گله داری و پشم چینی و برداشت عسل است.

زندگی تابستانی زیوه

در زیوه،فصل‌ها گم شده‌اند.زمان به فراموشی سپرده شده که در گرما گرم تابستان،هنگامی که خورشید، گرما برچهره زمین می‌پاشد و در شهرهایی چون تهران تازیانه‌وار شعله‌هایش را برشانه و گرده آدمی فرومی‌کوبد، زیوه گونه‌یی دیگر است.آنقدر باد و ابر در آسمان مانند پنبه چرخ می‌خورد که سایه‌سارهایی باشد برای دوری از گرمای روز.شب‌های خنك زیوه اجازه نمی‌دهند، با پوشش تابستانی، بدون لرزه شب را به صبح برسانند.

روستاهای حلج، شکل‌آباد،نویی، خوراسب، براسب و ... همه در دامنه کوهستان، بناشده و در طبیعت زندگی طبیعی را به جریان انداخته‌اند.

اسب‌ها در دشت‌ها و دامها در مراتع چنان شگفت و زیبایند که ناخودآگاه، انگشت حیرت به دهان گرفته‌ام.خداوندگار عالم از هیچ نعمتی به مردم این دیار فروگذار نکرده و شاید بخاطر خوبی ایشان است که چنین بهره‌مندند و سعادتمند.وقتی در پای کوه و تپه‌یی چشمه‌یی جوشیده و نهری روان شده،کنار آن روستایی بناکرده‌اند و خانواده‌هایی با عشق و امید، پایه‌های زندگی را محکم چسبیده‌اند.در دامنه‌های سبز و گشاده بر مردمان نیك و گشاده روی زیوه میهمان شدیم.نان تازه تنور پخت روستا، کره و خامه تازه و عسل طبیعی کندوی حاضر در دشت، صبحانه‌یی شد به یاد ماندنی.در فصل تابستان، دامنه کوهستان، پر از ریواس و کنگر است و دختران کرد زمزمه‌کنان و آوازخوان، آواهای حماسی و زیبای کردی سرمی‌دهند و از زمین خدایشان کنگر می‌چینند.زندگی عشیره مانندشان هر غریبه‌یی را در این فصل، برای آشنایی به سوی چادرها می‌کشاند.ظرفی شیر همراه با نان تازه پخت زنان، مایه نشستن و گپ زدن با مردها می‌شود.مردها بر اسب در کوهستان می‌تازند، دخترها ریواس می‌چینند و زنان در اجاق‌های فصلی نان می‌پزند و در آب چشمه، رخت فرزندان و مردانشان را می‌شویند.غروب زیبای دشت در افق دور اعلام گردهمایی خانواده است.پیش از آنکه خورشید رنگ‌های نارنجی و سرخش را از دشت برگیرد و از پس کوه‌های دالامپرداغ ترکیه خود را پایین بکشد، جوانان از مراتع، دخترها از دامنه و مردها از ارتفاعات بازگشته‌اند.صدای ولوله و شادی میان چادرهای ایلاتی، دشت را آکنده از روح زندگی کرده.خوب که می‌اندیشیأ روح زندگی جاری است.

راه رفتن به زیوه

از میدان «بازار باش» ارومیه و ترمینال بین شهری، خودروهایی یکسره به زیوه می‌روند و مسیر یادشده در گزارش را طی می‌کنند.روستاهای اطراف زیوه،چون نعل اسبی زیوه را احاطه کرده‌اند و این‌ها دستمایه زیبایی غیرقابل وصف زیوه‌اند که نگاه مسافران را به میهمانی و زندگی ناب فرامی‌خواند.

مهرداد قوام

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=204248

vista.ir
Online Classified Service

ساباطها

یکی از ویژگی‌های بارز محله‌های قدیمی یزد و اکثر شهرهای کویری ایران، کوچه‌ها و گذرهای سرپوشیده است که به آنها "ساباط" گفته می‌شود. هدف از طراحی و اجرای ساباطها این بوده است که انسان را ازگرما و از تابش تند خورشید و بادهای گرم موسمی در امان نگاه دارد. نحوه استقرار

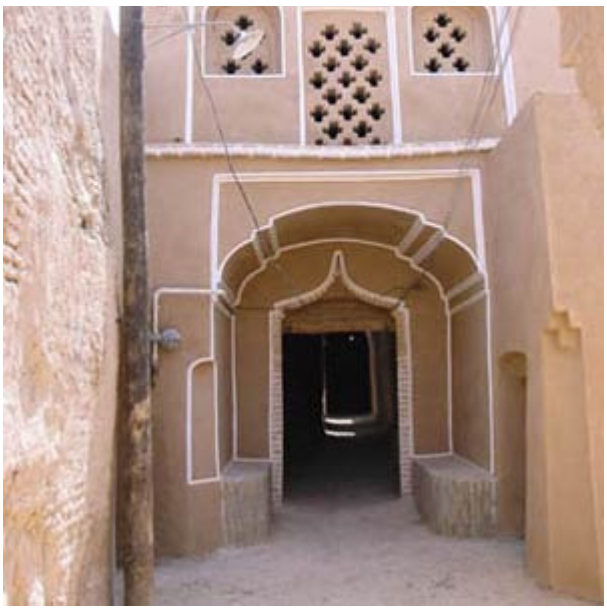

ساباط ها به گونه ای است که آدمی، در مسیر خود، در یک توالی مناسب درفضای سایه‌دار قرار می گیرد. در خیلی از ساباطها، ورودی چند خانه یکی است. این یگانگی از نظر افزایش حس همسایگی و همبستگی محله ای حائز اهمیت است.

ساباط وسیله ای حفاظتی در تقابل با وزش بادهای موسمی نیز هست. معمولا پشت بام ساباطها مورد استفاده واحدهای همجوار قرار می‌گیرد که برخی از آنها به صورت اتاقی مشرف به کوچه جلوه‌گر می شود. نمونه ای از این دست، در شرق مسجد جامع یزد قرار دارد.در برخی از کوچه‌های بن بست که ساباطدارند، به منظور افزایش امنیت ساکنان کوچه موثر بوده در قسمت ورودی، دری محکم موسوم به دربند کار گذاشته می‌شده‌است. مثل دربند آقایی‌ها، کوچه دکتر علایی و لرد باجوردی.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=108718

vista.ir
Online Classified Service

ساخت کانال سوئز در ۱۸ سال

ایده اتصال دریای مدیترانه به دریای سرخ به زمانهای قدیم و تمدن‌های کهن باز می گردد. همچنانکه قبل از کانال سوئز کنونی، مصریان باستان با راه انداز راه های قایق رو، ارتباط میان دریای سرخ به رود نیل را مهیا کرده بودند. یکی از اولین تلاشهای موثر برای ساخت یک کانال ارتباطی در زمان یکی از فرعون های مصر بنام Necho که در قرن ششم قبل از میلاد می‌زیسته صورت گرفته است که هنگام تاخت و تاز پارسیان به مصر، داریوش اول دستور کامل کردن این کانال را صادر کرد.

حدود سال ۱۸۰۰ پس از میلاد به دستور ناپلئون مسئله اتصال دریای مدیترانه به دریای سرخ به منظور کوتاه تر کردن مسیر ارتباطی با هند دوباره بررسی شد. در آن زمان محاسبات یکی از مهندسان فرانسوی نشان داد که اختلاف ارتفاع آب میان دو دریا در حدود ۱۰ متر می باشد و راه اندازی یک کانال معمولی می تواند باعث ویران شدن بسیاری از سرزمین های اطراف شود. اما بعدها مشخص شد که محاسبات قبلی درست نبوده و کنسول فرانسه در قاهره که به مهارت در حفاری کانال شهرت داشت تضمین داد که می توان کانال بزرگی برای برقراری ارتباط میان این دو دریا درست کرد.

در سال ۱۸۵۹ کارگران مصری شروع به کار کردند پس از گذشت ۱۸ سال کار ساخت کانال به پایان رسید. به دنبال آن در سال ۱۸۶۹ کانال، بصورت

رسمی توسط امیر اسماعیل (Khedive Ismail) افتتاح شد. از روسای سراسر جهان (فرانسه، انگلستان، روسیه و ...) برای افتتاح کانال دعوت شد این مراسم مقارن بود با پروژه دوباره سازی شهر قاهره.

این آبراه بزرگ ساخته شد و قاهره را به شهر جدیدی بنام اسماعیلیه متصل کرد. در آن شهر یک سالن اجرای اپرا (Opera House) هم ساخته شد و ژوزف وردی آهنگساز بزرگ معاصر اپرای معروف آیدا (Aida) را برای مراسم بهره برداری از آن تصنیف کرد.

۱۹۵۶ سال بحران در کانال سوئز بود. در جولای آن سال جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر در میدان شهر اسکندریه اعلام کرد که این کانال بین المللی می باشد. قرار بر این شد تا درآمد حاصل از عبور و مرور کشتی ها از این کانال صرف ساختن یکی از سدهای بزرگ و نیمه کاره در مصر شود که برای آن قبلا" مصر وام های زیادی دریافت کرده بود. دو ماه پس از گذشت این ماجرا نیروهای اسرائیل، انگلیس و فرانسه بر علیه مصر دست به اقدام نظامی زند که خیلی زود بر اثر فشار های بین المللی مجبور به عقب نیشینی شدند و جمال عبدالناصر پیروز این میدان شد.

این کانال در سال ۱۹۶۷ به مدت شش روز به دلیل حمله اسرائل به قسمتی از خاک مصر بسته شد و به دنبال آن تا سال ۱۹۷۳ که جنگ اعراب و اسرائیل آغاز شد بارها ترمیم گشت. پس از دوسال که به علت جنگ کانال بسته بود مجددا" در سال ۱۹۷۵ بازگشایی شد.

امروزه کانال سوئز علاو بر آنکه بطور متوسط گذرگاه بیش از ۵۰ کشتی در روز می باشد، اقامتگاه بسیار مفرحی برای توریست ها نیز می باشد.

منبع : سایت فریا

http://vista.ir/?view=article&id=10198

vista.ir
Online Classified Service

سبز کوه و سبز شاخه ها

●سیاهکل

سیاهکل شهر کوهستانی جلگه ای گیلان فرصتی برای تجربه آب و هوایی ملایم در تابستان است. این شهرستان از شمال به شهرستان لاهیجان، از غرب به شهرستان رشت، از جنوب به شهرستان رودبار و از شرق به شهرستان املش و لنگرود محدود است. ناحیه کوهستانی سیاهکل، بخشی از دامنه های شمالی رشته کوه البرز است و مهمترین ارتفاعات آن در فك و شاه نشین است. ناحیه جلگه ای بخش مهمی از جلگه پهناور گیلان به شمار می رود. بارش فراوان در نواحی کوهستانی رودخانه های متعددی مانند شیم رود، خرارود و چاکرود در این منطقه ایجاد کرده است. سیاهکل از دو کلمه سی (به معنی پای کوه) و کل (به معنی جایگاه) تشکیل شده است. اقتصاد این شهرستان متکی بر کشاورزی و دامداری است. علاوه بر این مردم به باغداری، زنبورداری، پرورش کرم ابریشم و ماهی نیز مشغولند.

●دیلمان

دیلمان یکی از شهرهای سیاهکل است با دیدنی های بسیار. ۲۰۰ اثر فرهنگی، تاریخی و طبیعی در این منطقه در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. از جمله این آثار ارزشمند می توان به پناهگاه صخره ای تیر شلمان، مراتع تاریخی ارده سامان، شاجان و لشگستان و غار تاریخی دعاکوه یا نیازخانه و بقعه گروکول، محوطه ها و تپه های باستانی فیروزکوه، یسین، نقار کول، مشکی چال و خسرو خانی اشاره کرد. کاروانسرای تی تی که در روستای بالارود و در ۱۰ کیلومتری جاده سیاهکل به دیلمان واقع شده یکی از مشهورترین آثار دیلمان متعلق به دوره کیائیان (هم عصر سلسله صفوی) است. دیوارهای این کاروانسرا از کف تا زیر طاق از جنس قلوه و ملات ساروج است و سقف آن را گنبدهای زیبای آجری

پوشانده اند.

قلعه و برج گرماور نیز یکی دیگر از زیباترین نقاط تاریخی این شهر است. این قلعه بر فراز کوه بلند و در کنار روستای گرماور و در فاصله ۳ کیلومتری دهکده تاریخی مربو واقع شده است. در حال حاضر از بنای اصلی قلعه فقط برج دیده بانی بر جا مانده و در بخش غربی برج نشانه هایی از ساختمان با آثار خشت قرمزرنگ مشاهده می شود. قدمت این قلعه را به دوران پیش از اسلام نسبت می دهند.

حمام دیلمان که در بافت شهر واقع شده است، به حمام میربلوك نیز شهرت دارد. بنای حمام به دستور میرزاعلی میربلوك از زیر لایه های خاك بیرون آورده شده و مورد تعمیر و بهره برداری قرار گرفته است. به همین مناسبت به حمام میر بلوك شهرت یافته و به احتمال قوی جزء بناهای دوره ایلخانی است که در دوره های مختلف ضمن اضافه کردن الحاقات، مورد بازسازی واقع شده است.

این منطقه از نظر چشم اندازهای طبیعی نیز شهرت زیاد دارد. طبیعت سرسبز و زیبا و خانه های بومی لته پوش (تخته سر) دیلمان مشهورند. کوه درفك، منطقه سرسبز دیلمان و اسپیلی، آبشار لونك، چشمه آب معدنی لاریخانی، آبشار بابا ولی، غار اسپهبدان و منطقه آغوزی جاذبه های طبیعی سیاهکل هستند. جاذبه های تاریخی این شهرستان مناطق باستانی قلعه کوتی، کوه پس و حسنی محله، قلعه کوتول شاه، قلعه دیده بانی روستای گرماور، حمام تاریخی دیلمان، غار لو علی (زاگام) و پناهگاه سنگی گیلارکش و سلمان هستند و زیارتگاه های سیاهکل عبارتند از: امامزاده تورار، بقعه آقا سیداسماعیل، بقعه آقا سیدابراهیم، بقعه آقامحمد صالح، بقعه آقاسلطان حسین، بقعه آقا سید احمد و بقعه آقا سید حسین.

برای سفر به دیلمان و سیاهکل بهترین زمان تیر و مرداد است. سفری دوروزه برای دیدن طبیعت سبز و زیبای این منطقه مناسب است.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229033

vista.ir
Online Classified Service

سبزی بی کران کوه و جنگل

● کلاردشت و ولشت

کلاردشت شهر ییلاقی و خنك غرب استان مازندران است. به خاطر ارتفاع زیاد از سطح دریا شرجی ندارد و به همین خاطر برای سفر در تابستان مناسب است. رودبارك یکی از مناطق زیبای کلاردشت است که به خاطر جاری بودن رود در آن سرسبزتر از سایر مناطق شهر است و بهترین انتخاب برای پیاده روی سبك است. کارگاه های فرش بافی کلاردشت فرصتی مناسب برای شناخت صنایع دستی این شهر است. یکی از زیباترین دریاچه های کوچك مازندران در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی چالوس در کلاردشت قرار دارد. دریاچه ولشت با عمق تقریبی ۱۷ تا ۲۸ متر یك هزار متر از سطح دریای خزر مرتفع تر است. این منطقه آب و هوای مدیترانه ای دارد و پوشیده از بوته زار و محل رشد درختان بلوط پاکوتاه است. جاده دسترسی به این دریاچه ۱۴ کیلومتر طول دارد و از کیفیت چندانی برخوردار

نیست.

●عباس آباد

عباس آباد بزرگترین بخش شهرستان تنکابن است. این شهر از شمال به دریای خزر، از جنوب به شهرستان کلاردشت، از غرب به شهر نشتارود و از شرق به شهر سلمانشهر(متل قوی سابق) متصل است. جاده ای که کلاردشت را به عباس آباد وصل می کند یکی از زیباترین جاده های شمال است. این جاده جنگلی است و بیشتر اوقات پوشیده از مه است. مناظر سرسبز، سواحل زیبای دریای خزر و دامنه های پرگیاه کوه در عباس آباد باعث شهرت و زیبایی آن شده است. شهر عباس آباد رستوران زیاد دارد اما برای یافتن ساحل آزاد در آن باید تلاش کرد چون سراسر ساحل را ویلاهای شخصی و مجتمع های رفاهی دربرگرفته اند. مشهدی سرا، سیدمحله، کاظم کلا، پلنگ کلا، لنگا، ماشال آباد، هردوآبرود، امرجکلا، شجاع محله، شهیدمحله و پسنده روستاهای خوش آب و هوای عباس آبادند. این شهر پر است از باغ های کیوی، پرتقال و نارنگی. پرورش گل و گیاه نیز در این شهر رونق بسیاری دارد.

● نمك آبرود

شهرك جدید نمك آبرود که در دوازده کیلومتری غرب چالوس واقع شده ۶۵۰ هکتار وسعت دارد. حد شمالی این اراضی را دریای خزر و حد جنوبی آن را ارتفاعات مدوبن (از ارتفاعات سلسله جبال البرز) تشکیل داده است. شمال نمك آبرود را پارك های جنگلی بنفشه و شمشاد پوشانده اند. در حاشیه جنوب شرقی شهرك نمك آبرود، با ۹۷۰ متر ارتفاع مرتفع ترین تله کابین کشور قرار دارد. این تله کابین مسافران را در مدت ۱۲ دقیقه به قله کوهستان مدوبن می رساند. سبزی جنگل و آبی دریا از این تله کابین به خوبی مشخص است. دریاچه مصنوعی با پدالو، زمین تنیس، پیست دوچرخه سواری خانم ها و آقایان، زمین اسکیت، پاور هنگ گلایدر و اسکای واکر، شهر بازی کودکان، پرواز با هواپیمای دونفره، مراکز خرید، رستوران ها، غرفه های بوتیك لباس و صنایع دستی و مرکز تفریحی ساحل دریا سایر امکانات تفریحی و رفاهی نمك آبرود هستند. برای سفر به کلاردشت، دیدن دریاچه ولشت، پیاده روی در جنگل های عباس آباد و دیدن دریای خزر برنامه ریزی سفری دوروزه در تیرماه یا مردادماه مناسب است. اگر برنامه سفر طولانی تر باشد می شود سری هم به شهر توریستی نمك آبرود زد. همراه داشتن لباس گرم را برای گذران شب های سرد کلاردشت نباید از یاد برد.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229035

vista.ir
Online Classified Service

ستون تثلیث مقدس چیست؟

ستون تثلیث مقدس در اولموک، واقع در جمهوری چک، مجموعه‌ای باشکوه از مجسمه‌های باروک است که در قرن هجدهم میلادی و برای شکرگزاری به درگاه خداوند به خاطر پایان طاعون ساخته شد. این بنای یادبود که ۳۵ متر ارتفاع دارد و پوشیده از مجسمه‌های مذهبی نفیس است، از سال ۲۰۰۰ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.

ساخت ستون‌های طاعون در میادین شهرهای اروپایی پدیده‌ای مختص دوره باروک (قرن هفدهم و هجدهم میلادی) است. این ستون‌ها که در نمادپردازی مجسمه‌هاشان اغلب به مضامین کتاب مکاشفات انجیل متکی

هستند، از ستونی که در سال ۱۶۱۴ در میدان سانتا ماریای رم ساخته شد، الهام گرفته شده‌اند. کار ساخت ستون تثلیث مقدس اولموک نیز پس از پایان دوره دو ساله شیوع طاعون در ناحیه موراویا، از سال ۱۷۱۶ آغاز شد.

ستون تثلیث مقدس نتیجه کار چندین هنرمند و صنعتگر موراویایی است، هر چند کار روی این ستون برای اغلب این هنرمندان چندان خوش‌یمن نبود. ونزل رندر، معمار برجسته موراویایی، نخستین کسی بود که حین کار روی بنای این ستون درگذشت. رندر نخستین کسی بود که ایده ساخت ستون تثلیث مقدس را مطرح کرد و آن را به تصویب شورای شهر اولموک رساند. رندر پس از طراحی، تأمین بودجه و ساخت طبقه اول ستون، درگذشت.

فرانک تونک، یوهان ونزل روکیکی و آگوستین شولتز دیگر هنرمندانی بودند که پس از مرگ رندر روی بنای یادبود تثلیث مقدس کار کردند، اما هیچ کدام آن قدر زنده نماندند که شاهد تکمیل ستون باشند. فیلیپ ساتلر نخستین کسی بود که ایده ساخت مجسمه‌های فلزی باشکوه در اطراف ستون را مطرح کرد. پس از مرگ ساتلر، آندراس زانر کارش را پی گرفت و او نیز پیش از مرگش، طی ۷ سال ۱۸ مجسمه و ۹ نقش‌برجسته در اطراف ستون ساخت. سیمون فورستنر که مجسمه‌های مسی و زراندود «تثلیث مقدس» و «عروج مریم باکره» را ساخت، از بقیه خوش‌شانس‌تر بود و تا زمان تکمیل ستون در سال ۱۷۵۴ زنده ماند. هر چند سلامتی او نیز هنگام کار با ترکیبات جیوه در مرحله آب طلا دادن بشدت به خطر افتاد.

پس از تکمیل ستون تثلیث مقدس در سال ۱۷۵۴، این بنا بی‌درنگ به مایه شهرت و افتخار شهر اولموک تبدیل شد، به ویژه آن که تمام هنرمندان و صنعتگرانی که در ساخت آن شرکت داشتند، جملگی شهروندان اولموک بودند. مراسم تقدیس و پرده‌برداری از این ستون نیز طی مراسم باشکوهی با حضور ماریا ترزا و همسرش، فرانسیس اول انجام شد.

چهار سال بعد هنگامی که شهر اولموک به محاصره قوای پروس درآمد و ستون تثلیث مقدس در خطر نابودی به وسیله آتش توپ‌های ارتش پروس قرار گرفت، مردم شهر دسته‌جمعی نزد فرمانده قوای پروس رفتند و از او خواستند تا از شلیک به سوی این بنای مقدس خودداری کند. ژنرال کیت نیز درخواست مردم شهر را اجابت کرد و به این ترتیب امروز تنها آسیب کوچکی که به پایه ستون در جریان محاصره شهر وارد آمد، یادگاری از این رویداد تاریخی است.

نماد تثلیث مقدس (پدر، پسر و روح‌القدس) بر فراز ستون شهر اولموک قرار دارد و در زیر آن عروج مریم باکره به تصویر کشیده شده است. این مجسمه‌ها به همراه مجسمه جبرئیل و چندین مجسمه کوچک‌تر ریش‌سفیدان، از مس زراندود ساخته شده است. ۱۸ مجسمه از قدیسین و ۱۴ نقش‌برجسته با آرایش طوماری یز در اطراف ستون به چشم می‌خورند که همگی از جنس سنگ هستند و در سه طبقه آرایش یافته‌اند. بالاترین طبقه در اختیار قدیسینی است که به نوعی با حیات زمینی عیسی مسیح در ارتباط بوده‌اند: سنت آن و سنت یوآخیم (مادر و پدر مریم مقدس)، سنت ژوزف و یحیی تعمیددهنده از جمله این قدیسین هستند. سنت لاورنس و سنت جروم که نمازخانه اولموک وقف آن‌ها شده‌اند، از دیگر قدیسینی هستند که مجسمه‌شان در طبقه اول به چشم می‌خورد. سه نقش‌برجسته این طبقه نیز نمادی از فضایل امید، عشق و ایمان هستند. طبقه دوم به قدیسین اهل موراویا، سنت سیریل و سنت متودیوس تعلق دارد که برای تبلیغ مسیحیت در سال ۸۶۳میلادی به موراویا آمدند. سنت باسیل (که یکی از کلیساهای مهم اولموک وقف او شده است)، سنت جان سارکاندر (که در آغاز جنگ‌های سی ساله در زندان اولموک تا پای مرگ شکنجه شد) از دیگر قدیسینی هستند که مجسمه‌هاشان در این طبقه به چشم می‌خورد.

در طبقه پایین نیز مجسمه‌هایی از سنت موریس، سنت ونسیلسا و دیگر قدیسان حامی ناحیه بوهم به چشم می‌خورد. همچنین نقش‌برجسته‌هایی از دوازده حواری مسیح نیز در این طبقه جای گرفته است.

ستون تثلیث مقدس همچنین درون خود نمازخانه کوچکی را جای داده است که بر دیوارهای آن نقش‌برجسته‌هایی از هابیل و قابیل که محصول مزرعه و گله خود را برای قربانی به محراب آورده‌اند، حضرت ابراهیم در حال قربانی کردن حضرت اسماعیل و گوسفند و نیز تصلیب مسیح به چشم می‌خورد.

ستون تثلیث مقدس در طول تاریخ خود چندین بار مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به عملیات مرمت در سال ۱۹۲۶، ۱۹۴۸ (پس از پایان جنگ جهانی دوم) و سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ اشاره کرد. این ستون آخرین بار در جریان آماده‌سازی پرونده‌اش برای ثبت

در فهرست میراث جهانی مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار گرفت و بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ میلادی تحت نظر لادیسلاو ورکمان، مورد بازسازی و مرمت اساسی قرار گرفت.

منبع : P۳۰WORLD

http://vista.ir/?view=article&id=105104

vista.ir
Online Classified Service

سر در مجلسی

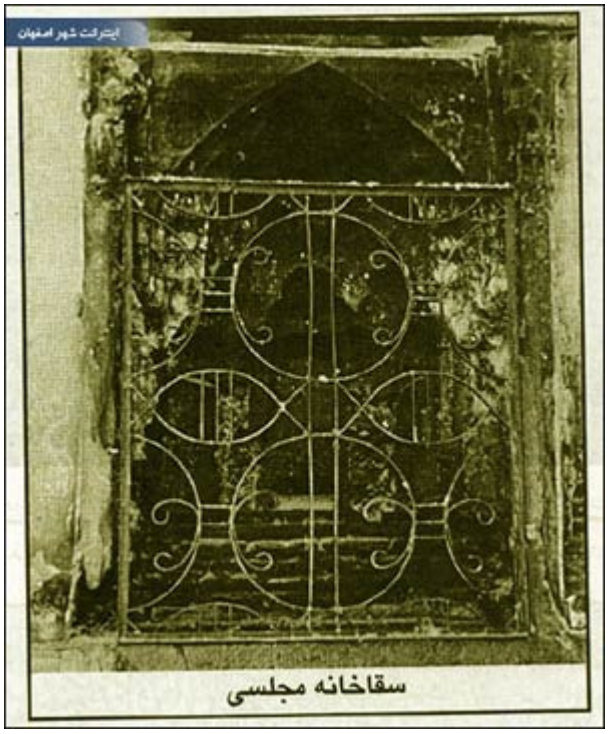

این سقاخانه که در میان عوام به سقاخانه مجلسی شهرت دارد در دالان مسجدجامع، کنار سر در آرامگاه مجلسی جا گرفته و کوچک است با سقفی مقرنس کاری و بسیار دودزده، پنجره‌ای آهنین با نقشی امروز درون آن را از برونش جدا میسازد. دودزدگی و بقایای شمع ها در دیواره و کف سنگاب آن نشانگر اعتبار دینی و تقدس آن است که بعلت همجواری با آرامگاه نامبرده و آمد و شد زائرین اعتباری ویژه و برتر را در میان دیگر سقاخانه‌ها دارا است. این سقاخانه نمونه بارزی از دوگانگی نام و فرهنگ مذهبی سقاخانه برای عوام است که با گذشت زمان نکات اعتقادیشان درباره آن بیشتر شده و از گونه نخستین خود (محل خوردن آب) جدا گشته و همچون توتمی مورد ستایش قرار می گیرد. به همین خاطر در شبهای جمعه طالبین بیشتری دارد و آنها را چنین اعتقاد است که اگر سنگ یا ریگی کوچک به دیواره چسبناکش که دود و چربی ناشی از شمع ها بر آن نشسته بچسبد، حاجتشان برآورده خواهد شد. بر سنگابی که در کف دارد به خط نستعلیق این عبارات حجاری شده است (قربه الی الله وقف نمود این برنج را آقا ذوالفقار ولد آقا نصیر هرکس از این مکان تغییر دهد به لعنت خدا گرفتار شود تحریراً جمادی الثانی سنه ۱۰۹۳)

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105929

vista.ir
Online Classified Service

سراب‌ها و آبگرم‌های استان مرکزی

طبیعت بکر، چشمه سارهای آب معدنی و آبگرم و سرابهای خروشان در حاشیه کوه و دشت با چشم‌اندازهای منحصر به فرد در تابلوی رنگارنگ از جاذبه‌هایی است که در جای جای استان مرکزی و در همه فصول به ویژه نوروز و بهار، گردشگران را به خود می‌خواند.

وجود تعداد قابل توجه چشمه‌ها و سرابهای پرآب در مناطق مختلف استان از دیرباز، منشاء آبادی، شهرها و مناطق تفرجگاهی شده که استفاده ازاین نعمتهای خداداد ضروری است.

مجموعه «چشمه آب معدنی آبگرم محلات» واقع در ارتفاعات شمال شرقی محلات در کوه‌خورزن، از جمله جاذبه‌های طبیعی استان مرکزی است که‌جنبه درمانی نیزدارد.

آب این چشمه‌ها ازاعماق زمین و از روی لایه مذابی همراه باگازهای گوگردی با حرارت۵۰ درجه سانتیگراد بر سطح زمین جاری می‌شود و خواص طبی و درمانی آن شهرت کشوری و جهانی دارد.

آبگرم محلات بر سر راه کاروانسرای دودهک و مجموعه تاریخی خورهه که قدمت آن به پیش از اسلام می‌رسد قرار گرفته و از گذشته‌های دور به اعتبار کتب و اسناد تاریخی به عنوان قطبی درمانی مطرح بوده است.

در اطراف این چشمه تاسیسات اقامتی وحمامهای درمانی متعددی برای گردشگران تعبیه شده و از سرچشمه اصلی در داخل محوطه میهمانسرای جهانگری در زیر صخره سنگی بزرگی آب این جشمه به شبکه حمامهای زیردستی هدایت می‌شود.

آب این چشمه دارای ترکیبات سولفاته کلسیک و ازته است و برای درمان امراض نقرس،کبد، کلیوی، صفراوی و گوارش کاربرد دارد.

به استناد مدارک تاریخی، در گذشته از آب این چشمه برای درمان کچلی و امراض پوستی نیز استفاده می‌شد.

این سایت تفریحی ـ درمانی از دو بخش آبگرم علیا که در اختیار شرکت سرمایه گذاری ایرانگردی و جهانگردی است و آبگرم سفلی که به صورت حمامها و اماکن اقامتی مردم روستا است تشکیل شده که جاده دسترسی آن در کیلومتر ۱۵ جاده محلات به دودهک است.

»سرچشمه محلات» از منابع آبی زیبا و مصفای استان مرکزی در شمال این شهر است که در دامنه رشته کوه هفتاد قله در حاشیه درختانی تنومند روان است.

در کتابهای تاریخی گذشته آمده است که عامل وجودی شهر محلات این چشمه پر آب بوده که به عنوان منبع تغذیه آب کشاورزی و شرب مردم کاربرد داشته است.

در حاشیه این سرچشمه مکانی خوش اب و هوا با آبنما، پارک تفریحی و مناظر دلنشین طبیعی‌ایجاد شده که دربیشتر مواقع سال پذیرای جمع کثیری‌از گردشگران است.

قبل از ورود آسیابهای جدید، مردم محلات در مناطق اطراف از طریق‌آسیابهای آبی که بر روی رود این سرچشمه ساخته بودند،گندم و جو و ذرت خود را آرد می‌کردند که هنوز یک آسیاب آبی با گذشت سالیان دراز با سیاق سنتی فعال است و پیرمردی محلاتی به نام عموعلی، رزق خود را از آن تامین می‌کند.

در مجموعه تفرجگاهی سرچشمه محلات امکاناتی از قبیل استراحتگاه، اقامتگاه موقت، رستوران، کافی شاپ، سفره خانه سنتی، شهربازی، مرکز تولید گل و گیاه، مرکز نمایشگاهی، سکوهای نصب چادر و سرویسهای بهداشتی وجود دارد.

»چشمه دوخواهران» درشمال شرقی شهر آستانه در دامنه کوه دوخواهران ازرشته کوه‌راسوند و در ارتفاع دوهزار و ۳۶۰ متری واقع شده‌که ازآن آبی سرد و گوارا بیرون می‌جهد.

در این چشمه دو تونل غارمانند وجود دارد که طبق اعتقادات مردم منطقه دو خواهر از نوادگان امام علی(ع) جهت در امان ماندن از شر دشمنان به آن پناهنده شدند و از خدا تقاضای غیب شدن کردند.

این چشمه برای اهالی منطقه مقدس است و مردم با حضور در مکان خروجی آب به نذر و دعا می‌پردازند.

در مسیر خروج آب چشمه در پایین دست تا روستای دوخواهران درختان کهنسال چنار، صنوبر، بید و گردو وجود دارد که در رقص باد و موسیقی آب، روح آدمی را زنده می‌کند.

تونل طبیعی اول این چشمه دارای دو مترارتفاع و هشت متر عمق دارد و تونل دوم آن نیز دو متر ارتفاع و ده متر عمق دارد و در مسیر خروج این آب، چشم‌اندازهای منحصر به فرد در دشت آستانه ایجاد کرده که هرساله در فصل‌های بهار و تابستان پذیرای عده بسیاری گردشگر است.

گردشگران برای عزیمت به این منطقه خوش آب و هوا باید از جاده شازند به آستانه سفر کنند و در کیلومتر ششم جاده شازند به نورآباد، از طریق جاده‌ای خاکی به روستای دوخواهران بروند.

»چشمه عمارت» در جنوب شرقی دشت شازند و در دامنه کوه برآفتاب و رازن واقع شده که با آبدهی حدود ۸۰۰ لیتر در ثانیه، سرچشمه اصلی رودخانه قره چای به شمار می‌آید.

آب این چشمه مزارع و باغ‌های روستاهای عمارت، بازنه، هفته، قلعه پسیجان‌حصار و قلعه دیزیجان را آبیاری می‌کند.

دهانه چشمه حوضچه طبیعی به شکل تالاب ایجاد شده که منازل مسکونی روستا در حاشیه آن واقع شده است.

سرچشمه‌عمارت دارای چند دهنه خروجی آب زیرصخره است که بر روی یکی از این دهانه‌ها، مسجد باب‌الحوائج عمارت ساخته شده است که جلوه زیبایی ایجاد کرده است.

برای دسترسی به این تفرجگاه بکر باید از جاده شازند به قدمگاه عزیمت کرد.

»چشمه عباس آباد» شازند در دامنه شمالی رشته کوه راسوند و در ضلع شرقی این شهر واقع شده است.

این چشمه درحاشیه روستای عباس آباد و اکبرآباد جریان دارد و حجم خروجی آب آن بین ۲۵۰ تا ۳۰۰لیتر در ثانیه است.

در مسیر آبراهه این چشمه چشم‌اندازهای زیادی وجود دارد و برای سفر به این منطقه باید از ضلع شرقی شهر شازند به سمت عباس آباد رفت.

»چشمه بلاغ حک» از چشمه‌های اسطوره‌ای ایران است که در شمال غرب شهر شازند در کنار کوه بلاغ واقع شده است.

متوسط این چشمه ۳۰۰ لیتر در ثانیه است و مزارع و کشاورزی روستاهای حک بالا و حک پایین و تحت محل از این محل انجام می‌شود.

بیشترین آبدهی این چشمه در فصل بهار و کمترین آن در اواخر شهریور است.

چشم انداز کوه بلاغ و دهانه چشمه هر گردشگری را به شگفتی می‌آورد و گویی صخره‌ای را برش داده و از دل آن آب گوارا به بیرون می‌تراود.

در داستانهای ایرانی به نقل از ساکنان محلی آمده است که کیخسرو قبل از اینکه به غار معروف کیخسرو پناهنده شود در چشمه بلاغ، سر و تن خود را شستشو داده و با جسمی پاک به غار رفته است.

برای عزیمت به این چشمه در مسیر جاده اراک به بروجرد، دوراهی واقع است که از روستای تحت محل به سمت چشمه بلاغ ادامه می‌یابد.

»چشمه اسکان» دردامنه کوه لجوردر شمال غرب شهر شازند و درنزدیکی روستای اسکان بامتوسط آبدهی ۲۰۰ لیتر در ثانیه واقع شده است که مورد استفاده کشاورزی است.

مجموعه چشمه اسکان، پنجه علی و رودخانه شراء در مجاورت همدیگر منطقه بسیار سرسبز و مستعد تفریحی را در کنار شهر جدید مهاجران خلق کرده که در ایام فراغت مکانی مناسب برای گردشگران است.

جاده دسترسی این چشمه در کیلومتر ۱۹ شمال غربی شازند بین کوه لجور و رودخانه شراء است.

»سراب رضاآباد» در دامنه ارتفاعات ویل آب منطقه ییلاقی رضاآباد خمین از اماکن دیدنی و سرسبز استان مرکزی است.

سراسر صخره و ارتفاعات بالای این چشمه پوشیده از گونه‌های گیاهی و گلهای وحشی است که در فصل بهار تابلویی زیبا از آفرینش را به نمایش می‌گذارد.

درمسیر جریان آب این چشمه انواع خزه و جلبک می‌روید که جلوه‌ای خاص ایجاد می‌کند.

علاوه بر چشمه‌ها و سرابهای مذکور، تعداد زیادی سراب و چشمه مصفای دیگر چون چشمه شفا، سلیمانی و حکیم در منطقه محلات، گراو در تفرش، چشمه و سراب عتبرته، قاقان و پنجه علی در شازند، چشمه گوشه در خمین و ۲۵ چشمه در منطقه حفاظت شده هفتادقله پراکنده است که گذران ساعاتی در کنار آنها می‌تواند خاطرات خوشی را برای گردشگران بیافریند.

منبع : نوآوران فناوری اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=303127

سردر عالی قاپو قزوین

بین هفت در ورودی به ارگ سلطنتی صفویان، تنها در اصلی جنوبی که به خیابان و میدان شاه باز می شده و عالی قاپو نام داشته به یادگار مانده است. این بنا نخست در دوره شاه طهماسب ساخته شده و در زمان شاه عباس اول به صورت کنونی تغییر شکل یافته است. بر پیشانی این سردر رفیع که ۱۷ متر ارتفاع دارد؛ کتیبه ای با کاشی معرق به خط ثلث از علی رضا عباسی جلوه گر است که بر فراز آن پنجره مشبک بزرگی از کاشی قرار گرفته است.

بیش از دو گوشوار بلند در طرفین سردر که بر بالای طاق نمایی واقع شده بنا را به ساختمان های هم جوار پیوند می داده است.سر در عالی قاپو شهر قزوین در دوره سلطنت < شاه طهماسب > ساخته ودرزمان سلطنت < شاه عباس اول > به صورت کنونی تغییر شکل یافت. این سردر ، ورودی اصلی به دولت خانه دوران صفویه بود. بنای سر در شامل ایوان رفیع ورودی با قوس تیزه دار و سه ریف طاق نما در طرفین آن است. گوشواره هایی با ستون نماهای آجری در دو طبقه، نمای سردر را تکمیل می کنند. هشتی متصل به ایوان ورودی به شکل هشت ضلعی است و در طرفین محور ورودی آن اتاق های نگهبانی قرار دارد.در این هشتی پلکان هایی دیده می شود که به طبقه بالا - جایگاه نقاره زنان - راه می یابند. کتیبه و شباک کاشی، تنها تزیینات باقی مانده در ایوان ورودی است. این کتیبه به خط ثلث و به قلم < علیرضا عباسی > نقاش و خطاط معروف صفویه است.

منبع : روزنامه سیاست‌روز

http://vista.ir/?view=article&id=106046

سرزمین انجیر معابد و جنگل حرا

قشم بزرگترین جزیره خلیج فارس است و جالب اینجاست که اگر انسان بدون هیچ پیش‌فرضی به آنجا سفر کند، ابتدا از اینکه تابحال به آنجا سفر نکرده است دلگیر می‌شود و سپس از ویژگی‌های طبیعت بکر آنجا، متعجب

می‌شود.

تصور اینکه جنگل حرا در زمان بالا آمدن دریا از دیده‌ها پنهان می‌شود، خود به تنهایی سحورکننده است. و البته اگر قشم هیچ جاذبه دیگری نمی‌داشت، فقط سواحل بکر و آب‌های زلال آن کفایت می‌کرد تا همچنان پایگاه گردشگری باشد.

عجایب هفتگانه قشم بسیاری را از سراسر جهان به عنوان گردشگر به خود جذب می‌کند. جنگل حرا، جزایر مرجانی، کوه گنبدی نمک، دره ستاره‌ها، بریدگی به شکل صلیب، ساحل لاک‌پشتهای عظیم‌الجثه و بام قشم تحسین هر بیننده‌ای را به دنبال دارد.

جزیره قشم با مساحت ۱۵۰۰ کیلومتر مربع از ۲۲کشور دنیا بزرگتر است و به لحاظ استراتژیک در دهانه تنگه هرمز ـ در کنار جزایر هنگام، هرمز و لارک ـ قرار دارد. نزدیکترین فاصله آن با سرزمین مادر ۸/۱کیلومتر در حد فاصل بندر لافت و روستای پهل و دورترین فاصله آن ۲۲ کیلومتر از بندرعباس است.

آب و هوای جزیره قشم نسبتا گرم و مرطوب است و در آن به ندرت باران می‌بارد. در چهار ماه از سال، تابستان، گرم و نیمه استوایی همراه با وزش باد، شرجی و در ۹ ماه دیگر، مخصوصاً زمستان، بهاری و مطبوع با رطوبت نسبی ۷۴ درصد است. میانگین دمای روزانه در سال ۲۷ درجه و حداکثر ۳۲ درجه گزارش شده است.

پوشش گیاهی قشم را گیاهانی از قبیل درختان کُنار، کرت، کهور، سمر، گز، سلم، کرما، هیوی و آرو تشکیل می‌دهد. افزون بر این از جنگلهای زیبا و منحصر به فرد حرا (مانکرو) نیز باید به عنوان یکی از جاذبه‌های توریستی این جزیره نام برد. درخت حرا که گونه‌ای رو به انقراض از نباتات جهان است، جنگلی زیبا و دیدنی به وسعت ۲۰۰ کیلومتر مربع را در آب ساحلی شمال‌غربی جزیره قشم تشکیل می‌دهد و در عین حال یکی از غنی‌ترین زیستگاههای پرندگان مختلف و گونه‌های با ارزش و گاه کمیاب جهان است و در حال حاضر یک منطقه حفاظت شده بین‌المللی است. علاوه بر گیاهان نام برده شده، گیاهان دارویی مثل سرمه، پنیرک، ترشک، پارهنگ، المیوس، تخم شربتی، شکرشک، آویشن، کانس، خرک و زیره سیاه را می‌توان نام برد.

موقعیت جغرافیایی جزیره قشم و وجود زیستگاههای متنوع نظیر محیط تالابی جنگلهای حرا، پهنه‌های گلی، سواحل شنی، خورهای پرپیچ و خم، برکه‌های فصلی و مناطق آبی کم عمق، تپه ماهورهای متنوع، مناطق بیابانی، مزارع و باغهای کشاورزی و چمنزارهای فصلی سبب شده این جزیره از تنوع و تراکم گونه‌های مختلف پرنده غنی باشد.

در جزیره قشم ۱۹گونه پرنده بومی و ۷۶گونه مهاجر کنارآبزی و خشکزی دیده می‌شود و سه‌گونه گیلانشاه خالدار، خروس کولی دشتی و پلیکان خاکستری که از پرندگان ثبت شده در کتاب قرمز IUCN است، به عنوان مهاجر زمستانی جزیره شناسایی شده‌اند. انواع لاک‌پشتهای دریایی از دیگر جانوران سواحل قشم هستند. در جزیره قشم عقاب، روباه و جبیر نیز زندگی می‌کنند.

غارهای خربس ـ که به فاصله ۱۰ کیلومتر از شهر قشم قرار دارد و از غارهای دریایی است که بر اثر گرداب و تخلیه ماسه‌ها از حفره سنگها پدید آمده است. عمر غار بسیار زیاد است. اما در دوره‌های پیش از اسلام با افزودن بر وسعت غار بر بخشهای تالار و دهلیزهای انشعابی به احتمال زیاد از آن برای پناهگاه کودکان، زنان و سالخوردگان به هنگام یورش دشمن استفاده می‌شده است.

بام قشم ـ دشتی هموار در ارتفاعات به وسعت تقریبی ۲۰ کیلومتر مربع بین دو روستای سلخ و طبل واقع شده و بخش وسیعی از آن نیز پوشیده از درختان تنومند است و همواره نسیمی خنک از جانب دریا به این دشت می‌وزد. دره مجاور بام قشم نیز با صدها ستون و اشکال پدید آمده از عوامل فرسایش حیرت انگیز می‌نماید.

چاهکوه، دره‌ای با تندیسهای بی نظیر و پوشیده از صدها حفره و کاسه و طاقچه بر تنه عمودی آن با جویهای سنگی و چاههای آب از یورش باد، بارش بارانهای تند و تابش آفتاب داغ پدید آمده است. این دره در ۱۰۰کیلومتری شهر قشم و در مجاورت روستای چاهوی غربی قرار دارد.

دره ستاره‌ها ـ یکی از خارق‌العاده‌ترین نقاط این جزیره است که با تندیسها و بریدگیهای عجیب و شگفت‌آور خود هر بیننده‌ای را متحیر می‌سازد.

▪ قلعه‌های تاریخی

در مجموعه بندر لافت، قلعه نادری با ویژگی قلعه‌های ایرانی، در جوار چاههای تلا (طلا) از دژهای مستحکم دفاعی جزیره قشم بوده است. از

دیگر قلعه‌های تاریخی جزیره قشم قلعه پرتغالیها ـ در کناره ساحل دریایی شهر قشم ـ است.

▪ شاه شهید

از بقاع متبرکه که به تصمیم سازمان منطقه آزاد قشم بازسازی شده و صحن و فضای آن گسترش یافته است. زیارتگاه شاه شهید در جوار غارهای خربس قرار دارد. مردم بومی جزیره درباره شاه شهید داستانهای دل‌انگیزی نقل می‌کنند.

▪ درخت انجیر معابد

از رستنی‌های شگفت‌انگیز مناطق حاره، مخصوصا جزایر خلیج فارس درخت همیشه سبز لور ـ معروف به انجیر معابد ـ است که تاجی بسیار بزرگ با ریشه‌های هوایی متعدد دارد و میوه رسیده نارنجی رنگ آن مطبوع و خوراکی است. یکی از زیباترین آنها در روستای «تم سنتی» منطقه توربان هست.

چاههای تلا (طلا) ـ در بندر تاریخی لافت و در جوار قلعه نادری حلقه‌های چاه آب فراوانی به چشم می‌خورد که مردم سخت کوش این منطقه با زحمت زیاد در دل سنگهای شیستی کفه انتهای محوطه حفر کرده‌اند. می‌گویند تعداد این چاهها به تعداد ایام سال کبیسه، ۳۶۶ حلقه بوده و در هر روز از سال دهانه یکی از آنها را باز و از آن استفاده می‌کرده‌اند.

▪ مسجدها

در قشم از سال سده هجری قمری مسجدهایی مانده است که قدیمی‌ترین آن مسجد شیخ‌برخ در روستاهای کوشه است که یک بار بر اثر زلزله ویران شد. اما در اواخر قرن سوم آن را بازسازی کرده‌اند. در جوار این مسجد، زیارت شیخ برخ، گنبد ویژه هشت گوش قرار دارد. سنگ گورهای بسیار کهن از سده اول هجری در گورستان مجاور شیخ برخ به چشم می‌خورد. از دیگر مسجدهای قشم می‌توان مسجد قباد، مسجد رمچاه و مسجد لافت را نام برد.

▪ کوه‌های قشم

بی شک در دروان قبل از تاریخ، آنچه امروزه جزیره قشم خوانده می‌شود در زیر آبهای خلیج‌فارس قرار داشته است. اما بر اثر تحولات در منطقه چین خورده در رشته کوه زاگرس و بخشهای برآمده زیر دریا به صورت جزیره درآمده‌اند. از این جهت قشم کوههای کم ارتفاع فراوان دارد. سطح این کوههای مرجانی، اسفنجی و دو کفه‌ای‌ها پوشانده‌اند که خود موجب حفاظت خاکهای نرم شیست و مارن زیر سطح مرجانی شده است. با وجود این بادها، بارانها و توفانهای باران‌زا که تقریبا موازی با زوایه کمی از زمین می‌وزند باعث فرسایش تنه کوهها و فروریختن پوششهای مرجانی شده‌اند. در اثر این فعل و انفعالهای طبیعی، نمادها و تندیس‌های زیبایی در سراسر جزیره پدید آمده‌اند که جزیره قشم و جزایر اطراف آن را از دیگر جزایر خلیج فارس ممتاز و به راستی استثنایی ساخته‌اند.

▪ کوه نمک

بخشی از کوههای جزیره قشم به دلیل انباشتگی آب دریا در گسلهای عمیق و ضمن رسوب نمک، تبدیل به کوهها و غارهای نمکی شده‌اند. کوه نمک در جنوب غرب جزیره با دیگر معادن نمک و غارهای نمکی جزیره از یک جنس هستند. بلورهای نمک و جریان آب نمک‌آلود منظره دلپذیری به غارهای نمکی جزیره قشم بخشیده‌اند.

▪ معادن

ذخایر معدنی غنی و گوناگونی در جزیره قشم هست که عمده‌ترین آنها عبارتند از: گاز و نفت و شن و ماسه و نمک آبی و سرب و گوگرد و نمک. منابع گاز و نفت عمدتاً در سلخ و گورزین واقع شده‌اند.

منبع : نوآوران فناوری اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=301758

vista.ir
Online Classified Service

سفر سلامت

از آغازین لحظه حرکت هر انسانی در وادی حیات، سلامتی جسم و جان، قدرت بدنی، وسعت اندیشه، شور، نشاط و ... به منظور دست‌یابی به تکامل و نیل به کمال وقتی میسر خواهد شد که فرد به طور مداوم و در تمام دوران زندگی از یک تغذیه متعادل، متناسب، متنوع و پاکیزه برخوردار شده باشد؛ به خصوص در ایام سفر که غذای روح نیز فراهم می‌شود، توجه به سلامتی جسم و تأمین نیاز میلیاردها سلول بدن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است

● آب سالم؛ نیاز حیاتی

بعد از اکسیژن برای ادامه زندگی، آب از جمله اساسی‌ترین و اجتناب ناپذیرترین ملزومات زندگی تلقی می‌شود؛ ولی متاسفانه دسترسی به آب سالم و گوارا و دور از آلودگی، در مسیر حرکت و حتی در محل اقامت، همواره امکان پذیر نیست.

آب ناسالم ممکن است بیماری‌های ویروسی مثل هپاتیت A و E، فلج‌اطفال، اسهال‌های ناشی از روتاویروس‌ها یا ویروس‌های روده‌ای (به‌خصوص در نوزادان و کودکان امکان انتقال بیماری‌های مختلف از طریق آب آلوده بسیار بالا است)، یا بیماری‌های باکتریایی مثل تب تیفوئید، اسهال خونی، اسهال ناشی از اکولی و حتی وبا و یا تک یاخته‌هایی مثل آمیب، ژیاردیا و انگل‌هایی مثل کرم قلابدار، کیست هیداتیک، کرم کدو را به مصرف‌کنندگان بی‌احتیاط و ناآگاه منتقل سازد.

علاوه بر آلودگی‌های فوق الذکر، اغلب آب‌های قابل دسترس در مسیر حرکت، ممکن است حاوی مواد سمی‌و شیمیایی ناشی از زباله‌های صنعتی و کشاورزی باشند. موادی مانند سیانیدها، انواع فلزات سنگین از جمله سرب، کادمیوم، جیوه، عوامل نیتروژنی، مواد بی‌رنگ کننده سولفیدها، آمونیاک، زیست‌کش‌های آلی و ده‌هـــا مورد دیـگر نیز برای مصرف کنندگان بسیار زیانبار و بیماری زا هستند.

برای جلوگیری از هر گونه بیماری، همراه بردن آب سالم و گوارا برای نوشیدن یا برای شست و شو در مسیر سفر توصیه می‌شود. قرار دادن آب سالم در بطری‌های آب معدنی و یا خرید آب‌های معدنی و فریز کردن آن، این امکان را فراهم می‌سازد که در تمام طول سفر با ذوب تدریجی یخ، آب آشامیدنی خنک، سالم و دلچسب در اختیار افراد خانواده به خصوص بچه‌ها فراهم شود یا با استفاده از فلاسک می‌توانند آب جوشیده لازم را برای تهیه چای در طول سفر به همراه داشته و از چای تمیز و پاکیزه برای رفع خستگی و تمدد اعصاب استفاده کنند.

در ضمن در طول اقامت در محل مورد نظرتان اگر نسبت به پاکیزگی کامل آب مصرفی شک دارید بهتر است آب مورد احتیاج‌تان را جوشانده و بعد از خنک شدن مصرف کنید یا از قرص‌های پرکلرین برای ضدعفونی آب شرب خود استفاده کنید. در صورت مشکوک بودن آب به آلودگی‌های شیمیایی، حتماً از مصرف آب خودداری کرده و آب معدنی بخرید.

● غذاخوری‌های بین راه

ـ اگر ناچارید در رستوران‌های بین راه غذا بخورید، توجه کنید که آب مورد مصرف آنها از چه منبعی است. اگر از آب چاه یا آب چشمه برای پخت و پز و شست وشو استفاده می‌شود، احتمال آلودگی آن بسیار بالا است، لذا از خوردن سالادهای تهیه شده از کاهو و کلم و خیار و گوجه فرنگی با سس مایونز یا سس‌های خامه‌ای جدا خودداری کنید.

ـ نوشیدن آب یخ قرار داد شده در پارچ‌های پلاستیکی یا فلزی ممکن است بیماری زا باشد، به خصوص برای کودکان خردسال به هیچ وجه توصیه نمی‌شود. حتی نوشابه‌های در بسته‌ای که در حوضچه‌ها نگهداری می‌شوند، ممکن است به صورت ثانویه، آلودگی پیدا کرده باشند.

ـ از خوردن غذاهای حاوی سس و خورش‌های گوشت، مرغ و خوراک ماهی خودداری کنید؛ به خصوص اگر ادویه فراوان به این قبیل خوراکی‌ها افزوده شده باشد تا بدین ترتیب تغییر رنگ، طعم و فساد آنها معلوم نشود؛ زیرا در چنین محیطهایی امکان آلودگی و کهنگی مواد خام اولیه بسیار بالا است و علاوه بر رعایت شدن بهداشت فردی و محیطی، امکان نگهداری مواد پخته شده در محیطهای نامناسب (با برودت یا حرارت ناکافی) وجود دارد که به طور تصاعدی با مجذور زمان، گستردگی آلودگی‌های اولیه را به شدت افزایش می‌دهد.

ـ از خوردن کباب کوبیده، همبرگر و به طور کلی فرآورده‌های حاوی گوشت چرخ کرده که ناخالصی فراوان دارند، بپرهیزید؛ چرا که بسیار فسادپذیر بوده و امکان کهنگی و آلودگی آنها بسیار بالا است. علاوه بر آن به دلیل نرسیدن حرارت لازم در زمان پخت به قسمت‌های داخلی چنین غذاهایی،

آلودگی‌های اولیه و ثانویه از بین نمی‌روند و به راحتی با مصرف چنین موادی انواع کیست‌ها، تخم انگل‌ها، میکروارگانیسم‌ها و سموم آنها وارد بدن مصرف کنندگان منتقل می‌شود.

ـ به تمیز بودن کارد، چنگال، بشقاب و به طور کلی ظروف سرو غذا و به خصوص لیوان‌ها توجه کنید. اگر آثار چربی یا باقیمانده مواد غذایی در آنها مشاهده گردید، احتمال آلودگی آنها بسیار زیاد است. لذا قبل از استفاده، آنها را با آب جوش و شوینده‌های مناسب بشویید.

ـ برای اطمینان از تمیزی و پاک بودن لیوان‌ها، علاوه بر مسائلی که در قبل گفته شد، اگر آنها را در مقابل روشنایی قرار دهید، به احتمال زیاد جای انگشتان و لب‌هایی که قبل از شما به آن خورده، ملاحظه خواهید کرد و یا لکه‌های فراوان دیگری که مشاهده می‌شود، دلیل دیگری بر رعایت نکردن بهداشت در این محل است.

در مورد لیوان‌های یک بار مصرف نیز زیاد مطمئن نباشید که شما اولین نفر استفاده کننده از آنها هستید! توصیه می‌شود که بعد از استفاده لیوان یک بار مصرف، حتماً آن را مچاله یا پاره کنید. در ضمن اغلب لیوان‌های یک بار مصرف، به علت ترکیبات خاصی که دارند، برای مواد غذایی و نوشیدنی‌های داغ مناسب نیستند.

ـ استفاده از صابون‌های قرار داده شده در دست شویی‌های مراکز عمومی نه تنها عامل رفع آلودگی نیست، بلکه خود وسیله انتقال انواع قارچها، ویروس‌ها و میکروب‌ها هستند و بهتر است در چنین محیطهایی از صابون مایع تمیز و مطمئن استفاه شود. به همراه بردن صابون‌های کاغذی یا معمولی بسیار مفید خواهد بود.

ـ به علت تراکم کار و ازدحام مسافران در چنین محل‌هایی و نبود دسترسی کافی به آب گرم، پاکیزه و شوینده‌های مناسب، امکان تمیز بودن وسایل به کار برده شده برای پخت، نگهداری و سرو کردن بسیار بعید و دور از ذهن است و اگر به تمیزی ظاهری پیشخوان اکتفا می‌کنید، بهتر است چند لحظه به دستمالی که با آن محل فرآوری و سرو غذاهای مختلف مرتباً تمیز می‌شود، توجه کنید که چگونه خونآبه‌ها و ترشحات مواد اولیه یا فرآوری شده، جذب این کهنه پارچه‌ها شده و به تمام قسمت‌ها انتقال داده می‌شود.

در ضمن دست‌ها و زیر ناخن‌های فرد ارائه کننده غذاها نیز از منابع آلودگی‌های گسترده به حساب می‌آید.

● چه باید کرد؟

قبول داشته باشید که هیچ ماده خوراکی سالم‌تر، گواراتر و مناسب‌تر از مواد تهیه شده در منزل توسط کدبانوی هر خانواده‌ای نیست، چرا که توسط فرد مطمئن و از مواد اولیه تازه و تمیز تهیه و فراهم می‌شود. لذا همراه بردن غذاهای مناسب خانگی برای بین راه، از ابتلای شما و فرزندان‌تان به مسمومیت‌های غذایی خفیف و شدید جلوگیری خواهد کرد.

از جمله بهترین مواد خوراکی و وسایل برای طول سفر شامل مواد ذیل است:

ساندویچ‌های خانگی تهیه شده از نان، پنیر، گوجه فرنگی و خیار، یا نان، کره، تخم مرغ آب پز و سفت شده، خیار شور و گوجه فرنگی، کوکوی سیب‌زمینی، کتلت‌های خانگی و شامی‌های تهیه شده در منزل،به همراه داشتن مقداری عسل یا مربا، مقداری گردو و چند عدد لیوان و بشقاب یک بار مصرف، سبزی‌جات، میوه‌های شسته و ضدعفونی شده و تنقلاتی همچون نخودچی، کشمش، انجیر، بادام، گردو، پسته، خرما و فلاسک آب جوش برای تهیه چای شما را کاملاً راضی خواهد کرد. به‌خصوص اگر خردسالی دارید که به نوشیدن شیر عادت دارد و خود شما نیز میل دارید از شیر گرم و گوارا استفاده کنید، یک جعبه شیر خشک به همراه فلاسک آب جوشیده این مشکل را به راحتی برطرف می‌سازد.

توصیه‌های قابل توجه در شهر محل اقامت

ـ از نوشیدن شیرهای محلی و غیرقابل اطمینان، پنیر محلی و پاستوریزه نشده، بستنی‌های سنتی، سرشیر و خامه‌های باز خود داری کنید.

ـ بسیاری از بیماری‌ها و مسمومیت‌های غذایی از همین طریق اتفاق می‌افتند، چون میکروب‌هایی که به طور طبیعی در بدن افراد وجود دارد، در محیطهای مختلف، متفاوت است. لذا عامل سردرگمی سیستم ایمنی بدن و عکس‌العمل کُند آن برای دفاع و مبارزه با عوامل بیماری‌زا می‌شود.

ـ با رعایت بهداشت به تدریج بدن خودتان را آماده دفاع کرده و بی‌محابا و به مقدار زیاد مواد غذایی نامطمئن را مصرف نکنید، به خصوص سالادها و مواد غذایی سس‌دار و پُر ادویه که تغییر طعم غذاها را می‌پوشاند، کمتر مصرف کنید.

ـ در ضمن سبزیجات و میوه‌های محلی را که به صورت خام مصرف می‌شوند، با قید احتیاط به برنامه غذایی روزانه خود اضافه کنید و بهتر است از سالادهای تهیه شده از انواع سبزیجات پخته با آب لیموی تازه و روغن زیتون استفاده کنید.

ـ مجدداً یادآوری می‌شود از مصرف غذا در محل‌های پرازدحام و شلوغ خودداری کنید، چرا که در چنین شرایط پُر استرسی امکانات لازم حتی برای هتل‌های غذاخوری‌های درجه یک نیز برای رعایت کلیه شرایط بهداشتی مهیا نیست.

ـ اگر در منزل دوست و فامیل اقامت ندارید، بهتر است به جای استفاده از غذاهای مراکز عمومی، از غذاها و مواد مناسب که امکان تهیه آنها به آسانی فراهم باشد، نیاز خود و خانواده را برطرف کنید.

ـ بالاخره در نظر داشته باشید، ایام تعطیلات و دستیابی به هوای پاک و تمیز فرصت مناسبی است که شما دور از استرس‌های شغلی و کاری، تمدد اعصاب کرده و ریه‌های خودتان را مملو از هوای تمیز و پُر اکسیژن کنید و با افزایش فعالیت و تحرک بدنی، چربی‌های ذخیره شده را آب کرده و سستی انباشته شده در بدنتان را با نخوردن مواد غذایی سنگین و پرچرب از خود دور کنید.

ـ بیماری یا مسمومیت شدید غذایی خودتان یا یکی از اعضای خانواده، علاوه بر دلهره و نگرانی، رنج، عذاب و به هدر رفتن ایام تعطیلات، هزینه‌های گزافی را نیز بر اقتصاد خانواده تحمیل می‌کند و شیرینی دیدار عزیزان سفر را به کامرتان تلخ خواهد کرد. لذا احتیاط و پیشگیری، شرط عقل است.

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=331136

vista.ir
Online Classified Service

سفر بد نیست اگر این نکات را رعایت کنید

سفرهای نوروزی نوعی سفر گردشگری است با این تفاوت که شهرنشینان ایرانی برای تغییر ذائقه به جای اتراق کردن در خانه، دست به ایرانگردی می زنند. پیش از این آداب اجتماعی اجازه نمی داد که گردشگران یا میهمانان نوروزی به جز هتل، مهمانسرا یا اقامتگاه های رسمی و غیررسمی در جای دیگری سکنی گزینند، اما با همگانی شدن سفرهای نوروزی و تابستانی، قبح این نوع رفتارهای اجتماعی نیز در بین شهرنشینان ایرانی فرو ریخت.

امروزه هر خانواده ایرانی با تهیه یک چادر گروهی به هر نقطه از ایران که اراده کند، سفر می کند. اغلب مسافران نوروزی تلاش مضاعفی برای تهیه اقامتگاه به خرج نمی دهند، هرجا که امکان برپاکردن چادر سفری است، اتراق می کنند.

وسایل و تجهیزات سفر به مناطق مختلف به چند بخش تقسیم می شوند. بخش اول وسایلی هستند که جدا از مدت زمان سفر، منطقه مورد بازدید و ... همواره باید همراه هر مسافر یا گردشگری باشند. دسته دوم وسایلی هستند که در سفرهای طولانی (۲ روز به بالا) و حرفه ای مورد استفاده قرار می گیرند. در اینجا به بخشی از این تجهیزات ایرانگردی یا گردشگری اشاره می شود.

کوله پشتی، کیسه خواب، چادر، آب، غذای مناسب، نقشه منطقه، قطب نما یا جی پی اس، انبردست چندکاره، سوزن و نخ، ناخن گیر، سوت، کفش مناسب پیاده روی، جعبه کمک های اولیه، الکل جامد، مواد ضدعفونی کننده، چاقو، چراغ قوه، باتری، کبریت، فوم برای زیر کیسه خواب ها و فندک از آن دسته وسایلی است که همیشه باید در هر سفری همراه گردشگران حرفه ای یا مسافران کثیرالسفر باشد.

وسایلی که در سفرهای حرفه ای به کار می آید عبارتند از؛ دوربین های دوچشمی و شکاری، کیت مارگزیدگی، کیسه بقا، چادر ضدآب و باد، وسایل پخت گازی (کمپی)، گاز مایع به میزان ۲ برابر مصرف، چراق قوه های بزرگ شارژی - باتری، تبر، بیل، کلنگ و چاقوی کمپی، بی سیم و موبایل ماهواره ای، وسایل دفاع شخصی، صندلی های جمع شو، دستگاه تصفیه آب، چسب لاستیک و فلز، کلمن، شمع دبیرسوز، کبریت ضدآب و باد و...

از میان این وسایل کیسه خواب، چادر، غذا و آب از مهمترین وسایلی است که در سفرهای گردشگری بایستی به آن توجه کرد.

درهرحال کسی که می خواهد در کوهستان و یا کویر شبی را سپری کند کیسه خواب یکی از لوازم ضروری است. کیسه خواب ها بر حسب مواد مصرف شده، قابلیت نگهداری دما و یا به عبارتی قابلیت مقاومت در برابر سرما تقسیم بندی می شوند.

ناگفته نماند که کیسه خواب وسیله ای است که در سفرهای تورهای گردشگری و طبیعت گردی نیز به آن احتیاج است و به نوعی جزو وسایل شخصی به حساب می آید.چادرها نیز انواع مختلفی دارد و بسته به مناطقی که سفر می کنید انواع آن فرق می کند.

ولی معمولا توصیه می شود چادری تهیه کنید که ضدآب بوده و به راحتی باز و بسته شود.

برای چادرزدن تا آنجا که امکان دارد سعی کنید یک جای امن و قابل دسترس انتخاب کنید. در عمق دره ها، در مسیر سیلاب ها و نزدیکی رودها، در شیب های تند، نزدیکی آتش، در معرض وزش شدید باد و جایی که حیوانات و حشرات خطرناک وجود دارند، چادر نزنید. اگر گروهی سفر می روید و چند چادر دارید حتما چادرها را نزدیک به هم و به صورت دایره و یا نیم داره برپا کنید.

پیش از برپاکردن چادر سطح زیر آن را تا جایی که می توانید صاف کنید. اگر احتمال بارندگی وجود دارد دور چادر را شیار باریکی بکنید. با این روش آب را به راهی که می خواهید هدایت کرده اید. کف چادر حتما زیرانداز بیندازید تا سرمای زمین را تا حدودی بگیرد و از آسیب رسیدن به چادرتان جلوگیری کند. شب ها بعد از هر ورود و خروج از چادر برای جلوگیری از ورود حشرات زیپ توری آن را ببندید.

غذا و آب در سفر مهمتر از همه چیز است. سعی کنید دوبرابر میزان مصرف معمولی در سفرهای گردشگری و به دور از آبادی، آب به همراه ببرید. در شرایط بحرانی هر فرد قادر است به مدت ۱۰ روز یا بیشتر بدون مصرف غذا به زندگی ادامه دهد، هرچند گرسنگی نیز مانند تشنگی می تواند اثرات مستقیمی بر قدرت تصمیم گیری سریع، ترس، درد و سردی بدن داشته باشد.

در شرایط عادی نیز سعی کنید همیشه غذاهای سبکی چون انواع کنسروهای خوراکی را با خود به همراه ببرید و درصورت امکان قبل از سفر آنها را تا ۲۰ دقیقه بجوشانید.

با این حال توصیه می شود در هنگام سفر موارد زیر را رعایت کنید تا به مدیر خانواده در گردشگری فشار وارد نشود.

۱) نشستن روی صندلی های خودرو در سفرهای طولانی (بیش از ۱۲ ساعت) برای همه اعضای خانواده خطرناک است چون باعث لخته شدن خون در پاها می شود به همین دلیل باید در طول مسیر بارها توقف کنید و از همه اعضای خانواده بخواهید تا خارج از خودرو نرمش کنند.

۲) فراموش نکنید سفرهای طولانی با خودرو به راننده استرس وارد می کند و قلب وی را تحت فشار قرار می دهد.

۳) قبل از آغاز سفر از فرزندان خود بخواهید در یک کیسه و یا کیف کوچک تمام وسایل موردنیازشان را جمع آوری کنند.

۴) در سفرهای طولانی وسایل سرگرمی و خوراکی برای فرزندان خود همراه داشته باشید.

۵) به بچه ها کاغذ، خودکار و مداد رنگی (رنگ های شاد) بدهید تا اینکه در طول سفر خاطرات خود را بنویسند و یا نقاشی بکشند.

۶) اگر چیز مهمی را در خانه فراموش کرده اید آرامش خود را حفظ کنید و عصبانی نشوید چون می توانید آن را در مقصد تهیه کنید.

۷) پس از رسیدن به مقصد از فرزندانتان سوال کنید که چه کاری می خواهند انجام بدهند. یک روز کارهای مطابق میل آنها را انجام بدهید و روز بعد کاری را که مطابق میل شما و همسرتان است.

۸) به فرزندانتان بگویید که اگر بچه های خوبی در سفر باشند به آنها جایزه نقدی و غیرنقدی خواهید داد.

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=252203

vista.ir
Online Classified Service

سفر به پیچ و خم شادی ها

نوروز در راه است و از یکی دو روز دیگر سفرهای عیدانه آغاز می شود. مردم در تکاپوی انجام آخرین مراحل خانه تکانی، خرید یا انجام امور اداری هستند. سر حسابدارها شلوغ است چرا که حساب های آخر سال را باید ببندند. کار تا ۱۲ شب هم کفاف نمی دهد خلاصه اینکه همه در جنب و جوش هستند. نشانه جامعه پویا و زنده هم حرکت است و برخلاف بدخواهان خارجی و کج اندیشان داخلی، ایران و ایرانی نه تنها افسرده نیست بلکه همیشه نشان داده که قبراق و پای کار است مثل حماسه دیروز که صف های رای دهندگان فشرده تر از قبل شد. خانم خانه صبح زود بعد از نماز و آماده کردن صبحانه، فرش سالن آپارتمان کوچکشان را به کمک آقای خا نه و پسر و دخترشان شسته و در حیاط مشترک ساختمان پهن کرده و حالا چهار نفری آمده بودند برای رای دادن هر چند حسرت رای دادن به دل محمدجواد ۱۶ ساله و ریحانه ۱۱ ساله ماند.

● عید و سفر

این طور که از آمار بلیت های فروخته شده و پایانه ها، راه آهن و فرودگاه ها پیداست سفرهای نوروزی از فردا رسما آغاز می شود. آنهایی هم که عزم سفر با خودروی شخصی کرده اند از غروب ۲۸ اسفند به سوی مقاصد خود حرکت می کنند. سفر یکی از جذاب ترین و خاطره انگیزترین برنامه های نوروزی خانواده ها است. طبیعت جان گرفته، کوهساران شسته شده از برف و باران، آسمان ابری آفتابی، سرودباران بهاری، جاده های خیس که چند کیلومتر قبل و بعد، اثری از بارندگی نیست، شکوفه درختان، غنچه های نیمه باز، عطر مست کننده گلها، خنده و بازی کودکان، شادی بزرگترها و نفس کشیدن بی سرب کلانشهرنشین ها چیزهایی است که در سفر بیشتر حس می شود و بر حواس پنجگانه اثر مثبت می گذارد.

بعضی مسائل اما سفر را پررنج و زحمت و گاه خطرساز می کند. اینکه همه می خواهند از روز اول تا آخر تعطیلات از شهر خارج و داخل شوند راهبندان های سرگیجه آور به وجود می آورد و از شادی سفر می کاهد. مردم درباره مدیریت و برنامه ریزی برای سفرهای نوروزی ایده های خوبی دارند اگر چه در وادی عمل، با مشکلاتی مواجه می شوند به ویژه آنهایی که باید از وسایل نقلیه عمومی برای سفر استفاده کنند.

● تقسیم ایام سفر

یک راننده اتوبوس بین شهری که معتقد است رانندگان وسایل نقلیه سنگین، بهترین کارشناسان حمل و نقل هستند اما مدرک دانشگاهی ندارند درباره تقسیم بندی مسافران بین خودشان می گوید: «اما تعطیلی کارمند ها کمتر از مشاغل آزاد و معلمان است. بنابراین بهتر است کسانی که در طول ۱۴ روز تعطیلی می توانند به سفر بروند هفته دوم تعطیلات را به مسافرت خود اختصاص دهند یا اینکه روزهای دوم فروردین به بعد سفر را آغاز کنند و بازگشت خود را قبل از ۱۲ فروردین قرار دهند.»

میرزایی نژاد می افزاید: «معمولا از ۲-۳ روز مانده به پایان سال تا دوم فروردین در مسیرهای رفت، انبوه مسافران بی بلیت به ترمینال می آیند اما امکان سفر نمی یابند درحالی که از روز دوم به بعد روال مسافرت ها در مسیر رفت به حالت تقریبا عادی درمی آید.»

سخن او را «احمد رضا پور» راننده مسیر شمال که حالا به مقصد مشهد مسافر می برد تکمیل می کند: «کارمندها مجبورند حداکثر تا چهارم-پنجم فروردین به شهرهایشان برگردند تا بر سر کار حاضر شوند. اما مشاغل آزاد و فرهنگیان می توانند تا ۱۳ فروردین در سفر باشند . بنابراین در مسیر برگشت هم بهتر است کسانی که محدودیتی برای استفاده از تعطیلات ندارند بین ۴ تا قبل از ۱۲ فروردین را برای بازگشت درنظر بگیرند. این طوری مسافران تقسیم می شوند و همه می توانند آسوده تر سفر کنند.»

یک افسر راهنمایی و رانندگی هم می گوید: «مردم باید سفر را بین خود تقسیم کنند در جاده ها با یکدیگر همکاری داشته باشند و همانقدر که

مراقب خودرو و جان خود هستند مواظب دیگران هم باشند هرچه باشد آنها هم مثل ما انسانند.»

● آنها که با خودروی خود سفر می کنند

عده ای هستند که با خودروهای خود سفر می کنند. آنها علاوه بر اینکه باید زمان سفر خود را طوری مدیریت کنند که پشت راهبندان ها نمانند نکات دیگری را نیز باید توجه کنند.

الف) تجهیزات فنی از قبیل جعبه ابزار، لاستیک و تیوپ زاپاس، چراغ قوه، زنجیر چرخ، چراغ مه شکن، چادر سفری، پتو و کمی آذوقه خشک همراه داشته باشند و قبل از سفر به لحاظ فنی اتومبیل خود را معاینه و مرتبا باد چرخ ها را کنترل کنند.

ب) با سرعت مطمئنه حرکت کنند، از حرکات زیگزاگ و مارپیچ بپرهیزند، در محل های مناسب خودرو را پارک کنند و در حاشیه خاکی جاده چادر سفری را برافراشته نکنند و خلاصه اینکه کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نمایند.

ج) در جنگل ها آتش روشن نکنند و در جاهای خشک هم پس از جمع کردن بساط غذا، آتش را کاملا خاموش کنند.

د) از ریختن زباله در طول مسیر خودداری کنند تا محیط زیست آلوده نشود.

هـ) نقشه راههای مسیر خود را در اختیار داشته باشند.

● سفر به پهنای ایران

سهمیه بندی بنزین شاید کمی بر مسئله سفر اثر بگذارد اما مطمئنا با تمهیداتی که اندیشیده شده، امکان مسافرت های طولانی هم فراهم است. مردم اما مکان های مشخصی از کشور را برای سفر در نظر دارند در حالی که ما کشوری داریم با یک میلیون و ۶۴۸ هزار و ۱۹۵ کیلومترمربع و اقلیم های متفاوت که هر گوشه اش دیدنی های بسیار دارد.

«مصطفی حجتی» اهل بروجرد است او هم مثل همشهری هایش نام «پاریس کوچولو» را برای شهر خود استعمال می کند و می گوید: «تهرانی ها برای تفریح فقط شمال را می شناسند در حالی که بروجرد بسیار سرسبز است و در بهار خیلی دیدنی می شود. فاصله بروجرد تا تهران حدود ۴۰۰کیلومتر است اما فاصله زمانی آن به دلیل خصوصیات مسیر به اندازه مسیر تهران- شمال است.»

او که بسیاری از مناطق ایران را دیده می افزاید: «چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان، کرمانشاه، همدان، کرمان، سواحل خلیج فارس، یزد و خوزستان زیبایی های بسیار دارد. هرگوشه ایران، زیبایی خاص خودش را داراست اما مردم فقط نام تهران، اصفهان، شیراز، کیش و شمال را به عنوان شهرهای تفریحی شنیده اند. او در این میان مشهد را استثنا می کند و می گوید: «تنها جایی که اگر هر سال بروی باز هم اشتیاق رفتن داری مشهد امام رضا علیه السلام است. من امسال هم عازم مشهد هستم البته چون شغل آزاد دارم روز سوم چهارم عید حرکت می کنم.»

● سفرهای جوان پسند

بعضی ها می گویند سفر بدون مشخص کردن مقصد خاص زیبایی های خاص خود را دارد. مثل علی محمودنژاد که سال گذشته همراه با همسرش سفر خود را از تهران به چالوس آغاز کرده و با پیمودن شمال و شمال غرب تا کرمانشاه را در نوار غربی کشور پشت سرگذاشته و چون تعطیلات به پایان رسیده به تهران بازگشته است. او می گوید: «از تهران که بیرون رفتیم هدف اولمان شمال بود اما بعد از آن تصمیم گرفتیم شمال نمانیم بنابراین تصمیم گرفتیم تا جایی که تعطیلات اجازه می دهد کشور را بگردیم. به کرمانشاه که رسیدیم ۱۲ فروردین بود. بنابراین سیزدهم برگشتیم و سیزده به در را در راه بودیم. خیلی خوش گذشت.»

او که در دبیرستان تدریس می کند می گوید: «امسال برای سال تحویل خانه هستیم و ۳-۲ روزی به بزرگترها سرمی زنیم بعد می رویم مشهد و در بازگشت، از شمال برمی گردیم ولی شاید هم مسیرمان تغییر کرد.» او به همه کسانی که مثل خودشان سفر می کنند توصیه می کند که نقشه مسیرها را داشته باشند و بااحتیاط برانند.

● ذخیره انرژی برای یکسال

عید مخصوص خانه تکانی تن و دل است. مردم ایران هم توانایی بسیاری در شادی آفرینی دارند چون پویا و پرتحرک بار می آیند. بنابراین می شود از این فرصت برای شاد کردن کل جامعه استفاده کرد. شادی نوروز امسال با طعم شیرین حضور در انتخابات و جشن میلاد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و هفته وحدت مقارن شده و شور و سرور در این ایام به اوج خود می رسد بنابراین نباید با به وجود آمدن حوادث رانندگی یا بی احتیاطی در دریا، جنگل و کوهستان آن را به کام خود و دیگران تلخ کنیم بلکه همه باید در شادی همدیگر بکوشیم.

سالی که با ولادت برترین مخلوق خداوند آغاز شود قطعا نیکوست و نیکویی های آن بیشتر از سالهای قبل خواهد بود پس باید از فرصت های

چنین سال پربرکتی استفاده کرد؛ از همان روز اول.

با مدیریت سفر و برنامه ریزی برای تعطیلات و تقسیم روزهای تعطیل برای انجام امور مختلف می توان استفاده بهینه را از فرصت عید برد و برای یکسال انرژی بدست آورد.

منبع : روزنامه کیهان

http://vista.ir/?view=article&id=303674

vista.ir
Online Classified Service

سفر به جنگل های ارس

آیا تا به حال با اتومبیل به ارتفاعات ۳۰۰۰ متری سفر کرده اید به نظرم چنین ماجراجویی هایی را فقط در برنامه های تلویزیونی دیده باشید.

اگر لذت و هیجان سفر به کوهستان ۳۰۰۰ متری با اتومبیل و عبور از رودخانه های پرآب را نچشیده اید سفر به ارتفاعات هزار مسجد استان خراسان رضوی را به شما پیشنهاد می کنم. برای رسیدن به جنگل های خودروی ارس ساعت ۵ صبح از مشهد به سمت کلات حرکت و از میان باغهای گردو عبور کردیم. صبحانه را در یکی از باغها خوردیم و نزدیك ظهر به منطقه جنگلی در ارتفاع ۳۰۰۰ متری رسیدیم. ارس نوعی درخت از گونه برگ سوزنی و همیشه سبز مثل کاج است که دارای میوه های ریز آبی رنگ است. چوب آنها بسیار مقاوم و سازگار با آب و هوای نیمه مرطوب و خاك اسیدی است. بعد از طی تقریبا ۷ ساعت مسیر آسفالت و سپس خاکی و سنگلاخ به ایستگاه تحقیقاتی و مهمانسرای منابع طبیعی رسیدیم؛ جایی با هوای بی نظیر و مناظر زیبا. در طول مسیر آن قدر گله های گاو و گوسفند و بز دیدیم که اصلا احساس نمی کردیم روی کوه هستیم. بوی عطر گیاهان کوهستانی نه تنها پروانه های منطقه را مست کرده بود بلکه نشاط خاصی به ما بخشیده بود تا کوفتگی بدن ناشی از تکانهای شدید ماشین را فراموش کرده و به جای استراحت برای کشف زیبایی های کشف نشده پیاده به راه افتادیم. ناهار و شام را با غذاهای محلی از جمله یخنی خوردیم.

یخنی غذای محلی است که با گوشت تازه گوسفند و پیاز فراوان در روغن روی آتش هیزم پخته می شود. در ضمن طی مسیر حداقل تا نیمه های راه ارتفاعات خانه هایی از سنگ رودخانه ای دیده می شد.

در کنار خانه محصولات سبزی صیفی و درختی به چشم می خورد اما خبری از ساکنان نبود. کمی بعد متوجه شدیم که همه ساکنان صبح زود برای چرای دامها به ارتفاعات رفته اند. به عنوان یك شهرنشین برایمان جای تعجب داشت که این مردم چگونه بدون امکانات رفاهی امروزی در اینجا با این شرایط آب و هوایی سخت زندگی می کنند. با این اوضاع و احوال شبکه برق تهران تا آخرین منزل کوهستانی کشیده شده بود و به قول خودشان هم سرموقع قبض برق هم دریافت می کنند. عصر همان روز بعد از عبور از آب رودخانه به طور پیاده و سوار بر الاغ میهمان چادر عشایر ارتفاعات شدیم. حتی در آخرین نقطه کوهستان هم آثار حیات و زندگی انسان به چشم می خورد. عشایر بسیار ساده صمیمی و دوست داشتنی با هر ظرف کوچك که در بساط داشتند با چای از ما پذیرایی کردند و بعد از آن با نان و ماست ساخته دست خودشان ما را سیر کردند. در طول سفر حیوانات وحشی کوهستان مانند کبك و شاهین هم فراوان به چشم می خوردند. البته شنیدیم که گراز و پلنگ هم وجود دارند و دیده

شده بود که یك پلنگ کره اسبی را بلعیده است. از پوشش گیاهی ارتفاعات هزارمسجد می توان به غیر از ارس از گونه های مختلف پلاخور، زرشك، نسترن، دغدغك، قره قات و شیرفت نام برد.

آنجا همچنین زیستگاه منحصر به فرد قره قات محسوب می شود. در ادامه سفر به قصد سیاحت کلات نادری که جدیدا به شهرهای استان اضافه شده و پایتخت نادرشاه افشار بوده است از دره ها و شالیزارهای خارق العاده مسیر گذر کردیم. تصور کنید منطقه کلات که به غیر از خاك چیز دیگری به چشم نمی خورد شالیزارهای برنج مانند سراب ما را متحیر کرده بود. بوی عطر برنج تمام شهر را فراگرفته بود و بعد از چشیدن و دیدن متوجه شدیم که یکی از بلندقدترین برنج های ایران است و ما هم برای اولین بار بود که دیدیم در یك منطقه نیمه خشك برنجی با این کیفیت عالی به بار می نشیند. در بدو ورود به شهر کلات با دیدن رشته کوه هایی که به شکل بارو و حصار دور تا دور شهر را محصور کرده بود می توانستیم بعد از گذشت قرنها هنوز قدرت نادرشاه افشار را حس کنیم. بعد از سیاحت قسمتهای مختلف شهر و آثار تاریخی آنجا از قصر تاریخی خورشید که به فرم ۶ ضلعی و به شکل خورشید بود دیدن کردیم.

در مسیر بازگشت به مشهد از پسته های روغنی و بسیار ریز و جالب جنگل های خواجه دیدن کرده و سفر را با زیارت حرم مطهر امام رضا(ع) به پایان رساندیم. طبیعت آن منطقه و تاریخ کلات نادری و شالیزارهای برنج کلات از دیدنی های زیبای ایران است که جای لطفش در اذهان سفرنکرده ها خالی است.

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=239487

vista.ir
Online Classified Service

سفر به سرزمین قلاع اسماعیلی

پیچاپیچ، بسیار راه های نرفته، تو در تو، ناشناس، با خردک های دورریختنی و دیوارهای خراب و سقف های فرو ریخته، دریاهای خشکیده و دالان های پنهان و راه پله هایی که به هم راه ندارند و به پرتگاه ها می رسند و بالکن ها و اشکوبه ها و طاق ها و رواق ها و کنگره ها. معماری در حجم، پیر حاجات: « من درون خودم راه می روم. می گردم...»

ساعت شش صبح بیدار می شویم و زود وسایلمان را که زیاد هم هست جمع می کنیم و در اتاق کارگاهی آقای «خ.» را پشت سرمان آرام می بندیم. در همان میدان جلوی باغ گلشن نشانی میراث فرهنگی را می پرسیم تا جاهای دیدنی را ببینیم و پلیس محترم نشانی «میراث فرهنگی» را می دهد از جمله ارگ طبس. دور و بر امامزاده طبس تنها جایی است که این ساعت صبح مغازه ای پیدا می شود و صبحانه ای می خریم. از دیوارهای ارگ پا داخل می گذاریم و خرابه های ارگی که از دوران ساسانی تا بسیار بعدها مورد استفاده بوده است را می گردیم. حوض ها و طاقی های آجرچین و دیوارها که پر از یادگاری کنده های مردم ایران زمین اند. در میان حوضی، سنگی مرمرین که پیداست فواره ای قرار داشت. دو، سه زیرزمینی هم هست که به داخل می رویم و پویان از همین بالا نزدیکی ها

آب انباری می بیند و پی آن می رویم. در کوچه ها می گردیم و پرسان می یابیمش؛ آب انباری عمیق درست کنار دیوار ارگ. پایین می رویم، سرکی می کشیم و به نظرم می آید آن قدر چیزی برای دیدن نداشت حالا که می دانم این اطراف قلعه اسماعیلی هم هست.

اداره میراث فرهنگی را که می یابیم، دو جوان دوست داشتنی راهنمایی مان می کنند به هر چه می دانند اطراف طبس. با عکس ها و کتاب ها و نقشه ها و نشانی ها ،طاق شاه عباسی نزدیک خرو، سد کریت که صدها سال قدمت دارد و قلعه اسماعیلی نزدیک خروان و هر چه می پرسیم و می گویند آخر سر به دیدن قلعه های اسماعیلیه بیشتر راه می برد پرسش هامان. حالا که شاید به خود طبس بازنگردیم امروز، برویم باغ گلشن را ببینیم.

باغ گلشن همانجاست که در کارگاه سردرش شب خوابیده ایم. آقای «خ.» را می بینیم خوش و بشی می کنیم و عکسی به یادگار می گیریم و به باغ می رویم. باز همان حسی هست در باغ گلشن هم که در شیراز هست شاید به خاطر سروها شاید به خاطر باغ ارم شاید به خاطر آن چه در شعر حافظ و در هر چه ایران زمین راستین است می ماند. از میان سروهای بیش از ۵۰۰ ساله گویا و عناب و زیتون و اکالیپتوس و توت و نارنج و هزار درخت دیگر و از کنار آب نما ها قدم می زنیم، عقاب های در قفس نگاه داشته را می بینیم و لادن از پرواز بلند عقاب می گوید و از قفس به این کوچکی و سه پلیکان می یابیم. از دور به لادن می گویم آرام تر نزدیک شان شود که عکس که می خواهم بگیرم نپرند. لادن دست هم که روشان می کشد کوچک ترین واکنشی نشان نمی دهند. فرو رفته اند در خود کز کرده و آن قدر خلوتشان را بر هم می زنیم تا صدایشان بلند شود و تکانی بخورند و راه می افتیم.

به راه خرو می رویم؛ آنجا که طاق دیدنی شاه عباسی را در عکسی دیده ایم و شنیده ایم آب گرمی دارد. در ورودی ده سروی قدیم می بینیم و از کسی راه می پرسیم و می گوید نمی توانید بروید که راه گل است و برف، همان ابتدا تکلیفمان روشن می شود که ماشین رو که نیست پیاده هم اگر بخواهیم برویم لادن کفش مناسب ندارد. تعلل زیادی می کنیم و سرانجام بی خیال رفتن می شویم اما بر کوهی که سرو قدیم پای آن بود دژی دیده بودیم که دیدن آن را از دست نمی نهیم. به نظر می رسد این نیز اسماعیلی باشد، از جنس مصالح و نوع حفره ها و راه ها و دیدنی آن که بر دیواره ها دو قدم به دو قدم آتشدانی هست که کاربردش را نمی دانم و ندیده ام پیش از این. قلعه را پایین می آییم و با سرو قدیم کنارش و بر شاخه هاش هم عکسی به یادگار می گیریم. به شاخه های سرو دخیل بسته بودند. دیده اید - پویان می گوید - هرجا که درختی (به ویژه سروی) عمرش دراز شده باشد مقدس می شود؟

به جذاب ترین قسمت سفرم نزدیک می شوم. دیدن قلعه های اسماعیلیه آن چنان شکوهی برایم دارد که همه دیدنی های هر سفری را می تواند درنوردد. دیدن داو بستن مردی که بیهودگی جهان و هر چه در آن هست را می بیند و با این همه داوی بزرگ می بندد و به راستی که کاری بس بزرگ می کند و اینجا سرزمین قهستان است؛ سرزمین بسیار قلاع اسماعیلی که گرچه تاراج و زلزله را پشت سر گذاشته اند اما امروزه با سرعتی ناباور ویران می شوند... جاده خروان بسته است. این را پس از طی مسیری بسیار، خانواده ای که به گردش آمده اند و راه را رفته اند و نتوانسته اند و بازگشته اند می گویند. به سیخ جگری مهمانمان می کنند، نوش جان می کنیم و با دستاورد دانشی افزوده باز می گردیم.

راه ها را که عوض می کنند نقشه ها را عوض نمی کنند. این را مدتی که در شرکت های راه گذراندم نمی دانستم. حالا که دو سه باری ۱۰۰ کیلومتر از طبس به شمال آمده ایم و بازگشته ایم و اثری از دو راهی۴۰ کیلومتری طبس ندیده ایم فهمیده ام. آخر سر راهی خاکی به جوخواه می یابیم و نکته آن که از هر که نشان می پرسیم کر است و لال. در خرو هم (گفتم؟) نشان آب گرم را که پرسیدیم دیدیم کور است پیرمرد. جاده های این جا خصلت جالبی دارند. آب را زیرگذرانه نمی گذرانند ازشان یا که پلی یا که هیچ، اینجا گاهی حتی به فاصله های هر ۱۲ متر یک بار کف جاده را پایین می برند تا آب رد شود، خط جاده را از بغل چیزی ببینید شبیه این: از صبح نام پیرحاجات در گوشم مانده یا از شب پیشش یا پیش تر؟

پیرحاجات بر تپه ای واقع شده در دهی به همین نام و بنا شده دوره های مختلف است، من را اما به این فکر انداخته که صدها کیلومتر راه دورشدن را می ارزیده یا نه که نگاهم به چیزی می افتد؛ قلعه ای، دسته جمعی به توافق می رسیم که سری بزنیم و خوابم تعبیر می شود.همیشه در دلم بود مثلاً با دیدن ارباب حلقه ها و مانند آن که تمدنی بسان ما قدیم اگر قلعه هاش را حفظ کرده بود و رازگونگی پیچاپیچشان چه ها که داشتیم و همیشه حسرت که هیچ نمانده از آن شاید همه، اینجا اما گنجی هست و در آن پیچاپیچ راه ها را می یابیم و یک گیگابایت که فیلم می گیرم هنوز یک بیستم آن همه نیست. هنوز دور و بر آن مردمی زندگی می کنند و قلعه، آغلی شده و جالب آن که هیچ جا، هیچ جا، هیچ جا چنین چیزی ثبت نشده و با سرعتی عجیب رو به ویرانی است. کافی است بر گلی که نمی دانی پا بگذاری" بار ها دنبال هم می گردیم و داد که می کشیم حتی کوچک صدایی از هم نمی شنویم. این اتاق امروزه شاید آغلی باشد اما زمانی در تاقچه ها شاید گلی گذاشته بودند.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=316322

vista.ir
Online Classified Service

سفر به طرود

بالاخره ما رفتیم کویر، رفتیم روستای طرود در ۱۲۰ کیلومتری شاهرود. چهارشنبه ۱۶ آذر من به همراه علی، هومن و حمید با قطار ساعت ۷:۳۰ صبح به سمت شاهرود حرکت کردیم. لازمه اشاره کنم سفرهایی که رفت و برگشتش در شب انجام بشه بهتره برای اینکه شما زمان زیادی برای خود برنامه خواهید داشت. اما رفت و برگشت ما در روز انجام شد و لذا کلی از زمان ما صرف رفت و آمد شد. ما تو این سفر چیزهای زیادی یاد گرفتیم که من به بعضی از آنها اشاره می‌کنم.

اولین چیزی که یاد گرفتیم این بود که فهمیدیم عادت در مسافرت چقدر میتونه بد باشه. وقتی شما عادت کرده باشید که لذت بردن از طبیعت را در گذراندن وقتتان در یک جای سرسبز، کنار چشمه‌گوارا، با وزش یک نسیم خنک و ...، ببینید پس معلوم میشه که اگر شما سفری برید که از این گونه حال و هوا کمتر داشته باشه شما زیاد حال نمی‌کنید و شاید اون سفر رو به تنها به عنوان یک تجربه‌اندوزی و حتی به عنوان آخرین سفرتان قلمداد خواهید کرد، مگر اینکه شما گرفتار این عادت نشده باشید.

خلاصه ما ساعت ۱ بود که وارد شاهرود شدیم. قطار ما از نوع اتوبوسی درجه ۲ بود. واسه همین تلوزیون نداشت که بتونه با پخش فیلم ما رو سرگرم کنه. ما هم نشستیم و با هم دیگه در مورد موضوعات مختلف صحبت کردیم. علی از تجربیات سفرش به مالزی، تایلند و سنگاپور گفت و حمید هم از تجربیات سه سال زندگی‌اش در دبی. بعد از پیاده شدن از قطار یه تاکسی گرفتیم و رفتیم اول جاده طرود. از آنجا به سمت روستای طرود ظهر(بعد از اذان) و عصر(ساعت ۴) اتوبوس حرکت می‌کند. همچنین ۲ عدد مینی‌بوس ساعت ۳ بعد از ظهر به سمت روستای سطوه حرکت میکنه که در بین راه از طرود رد میشه. ما چون دیر رسیدیم واسه همین اتوبوس‌رو از دست داده بودیم واسه همین منتظر شدیم تا ساعت ۳ با مینی‌بوس‌های سطوه حرکت کنیم. سفر با روستایی‌ها تو مینی‌بوس خیلی لذت بخش بود.

همونطور که قبلا گفتم اونجا منطقه توریست‌پذیر نیست واسه همین افراد غریبه زیاد به اونجا سفر نمی‌کنند. مردم آن روستاها خیلی مهمان‌دوست و بی‌غل و غش بودن. با واژه توریست بیگانه بودن. واسه همین به راحتی و با کمال میل دوست داشتن اگه کمکی از دستشون بر میاد واسه ما (که سفر به روستای اونا رو به عنوان هدف انتخاب کردیم) انجام بدن و کلی از این بابت خوشحال میشدن. تو مینی‌بوس من با حاج‌علی آشنا شدم که مرد نازنینی بود. خیلی دوست داشت که من ازش سئوال کنم اون هم با آب و تاب برام توضیح بده من هم بدم نمی‌اومد که سئوال پیچش کنم.

من خودم عاشق هم‌نشینی و هم صحبت شدن با افراد عامی و سطح‌پایین جامعه هستم. آدم کلی چیزا میتونه یاد بگیره. حاج علی در مورد تپه شیطان، شکار گورخر، شترداری و ... گفت. تو مینی‌بوس همه باهم دوست بودن. واژه راننده و مسافر زیاد معنی نداشت. همه بهم کمک میکردن که کسی جا نمونه، وسایلش رو تو مینی‌بوس قرار بده، خانم‌ها در اولویت بودن و حریمشون محترم بود. با ما هم که غریبه بودیم تفاوتی غائل نمی‌شدن و خیلی راحت و خودمونی برخورد میکردن. وقتی آدم سفر با مینی‌بوس آنجارو رو با تهران مقایسه میکنه میبینه چقدر تفاوت فاحش

داره و این یکی عذابه و اون‌یکی لذت‌بخش. خلاصه بعد از ۲ ساعت ما به طرود رسیدیم. دیگه هوا تاریک شده بود. به همراه حاج‌علی رفتیم انتهای روستا در سمت جنوب که از اونجا به سمت ملهه(محل زندگی ساربان‌ها) و دریاچه نمک جاده خاکی وجود داشت.

حاج علی به ما گفت کنار خونه اون چادر بزنیم و هر چی لازم داشته باشیم، از پتو و آب و غذا و ...، بهش بگیم تا بهمون برسونه. ما هم گفتیم چشم. بعد از رفتن حاج علی خودمون تصمیم گرفتیم که زیر نور مهتاب یه مقدار از مسیر رو طی کنیم و خارج از روستا چادر بزنیم. من قبل از سفر نقشه ۱/۲۵۰،۰۰۰ منطقه رو تهیه کرده بودم و البته قطب‌نما هم داشتیم. در قطار هم با هم در مورد نقشه و مسیر صحبت کرده بودیم و هدفمون سفر به منطقه حفاظت‌شده توران طرود بود. طبق نقشه منطقه حفاظت‌شده توران در جنوب‌شرقی طرود و در فاصله ۲۰-۳۰ کیلومتری قرار داشت. این رو هم بگم ما از هرکس در مورد توران پرسیدیم کسی نه اسمش رو شنیده بود و نه از منطقه حفاظت‌شدن در نزدیکی روستا خبر داشت و این واسه ما شده بود معما. و کم کم خودمون هم شک کرده بویم که نکنه نقشه اشتباه باشه.

همه توران رو با خارطوران که در ۲۵۰ کیلومتری اونجا بود اشتباه میگرفتن. خلاصه قرار شد خودمون طبق نقشه به موقعیت توران حرکت کنیم ببینیم چه خبره. ما تو همون جاده خاکی مسیر ملهه پیش می‌رفتیم. تو راه چند تا سگ خواستند به سمت ما بیان که زود ترسیدن و در رفتند. و واقعاً سگ‌های گله آنجا خیلی بی‌بخار و ترسو بودن. شاید به این علت که اون منطقه گرگ خیلی کم داشت و بیشتر پر از شغاله. یه کم که جلوتر رفتیم تو تاریکی شب به چیز جالبی برخورد کردیم، نخلستان! چقدر جالبه یه نخلستان با نخل‌های بزرگ کنار جاده و بدن دیوار. زیر نور ماه فضای خیلی دلپذیری بود رفتیم اونجا و وسط نخل‌ها چادر زدیم. بعد شام خوردیم و خوابیدیم. خیلی هم خسته بودیم. موقع چادر زدن دیدیم صدای یکی دو تا موتور میاد و یه تراکتور. بعد مشاهده کردیم که دو تا ساربان(سوار بر موتور!) یه گله شتر رو میبرن سمت ده. منظره جالبی بود. ترکیب مدرنیته با سنت. هوا خیلی خوب بود. اما گمان میکردیم چون در حاشیه کویر هستیم شب خیلی سرد میشه اما این چنین نشد و بعضی از بچه‌ها از گرما پختند و نتونستن بخوابن.

فقط نیمه شب باد نسبتاً شدیدی شروع به وزیدن کرد و تا صبح ادامه داشت. اما چون ما وسط نخل‌ها بودیم زیاد اذیت نشدیم. صبح که بیدار شدیم تازه تونستیم موقعیت خودمون رو ارزیابی کنیم ببینیم کجا هستیم. موقع صبحانه هم من رفتم بالای یکی از نخل‌ها و رطب چیدم! ولی دستم یه کم زخمی شد. بعد از صبحانه زود چادر رو جمع کردیم و راه بیفتیم. سمت شرق روستا نخلستان زیاد بود. و آدم احساس میکرد اینجا خوزستانه. ما طبق نقشه به سمت توران حرکت کردیم. چون GPS نداشتیم خیلی با نقشه و قطب‌نما وسواس به خرج میدادیم تا گم نشیم. اما بهداً فهمیدیم استرس الکی داشتیم که بعداً میگم منظورم چیه. حدود ۱ ساعت بعد رسیدیم به یه ساربان موتورسوار که مواظب شترهاش بود رفتیم نزدیکش و ازش به عنوان آخرین نفر در مورد منطقه حفاظت‌شده توران پرسیدیم. که اونم نشنیده بود. بعد گفتیم شاید اینها ندونن منطقه حفاظت‌شده یعنی چه. واسه همین این‌بار پرسیدیم آیا این طرف‌ها جایی هست که به شما اجازه ندهند شترهاتون رو اونجا واسه چریدن ببرید؟ گفت آره!!! و ما کلی خوشحال شدیم.

یه کوهی رو با ما نشون داد و گفت این سمت و آن سمت کوه در مواقعی از سال(بویژه بهار) به خاطر وجود آهو(البته اگه نسلش مونده باشه) و گورخر اجازه نمیدن بریم اونجا. ما همینطور که افق دور دست رو در همان سمت نگاه کردیم چیز خاصی ندیدیم. در مورد علتش که از ساربان پرسیدیم گفت که رستنی‌ها معمولا در فصل بهار در می‌آیند و الان چیزی نمانده است. تصمیم گرفتیم به سمت همان کوه و همان سمت توران بریم تا خودمان ببینیم چه خبر است. از ساربان تشکر کرده و راه افتادیم. ساربان به ما گفت که تا کوه ۲ فرسنگ(۱۲ کیلومتر) راه است. ما چند ساعتی که به سمت کوه حرکت کردیم دیدیم فاصله ما مثل اینکه زیاد تکونی نخورده! و این دومین نکته مهمی بود که در مورد کویر یاد گرفتیم، اشیاء خیلی دورتر از آن چیزی هستند که به نظر می‌رسند. با دوربین هم که نگاه کردیم دیدیم پوشش گیاهی خاصی هم دیده نمی‌شه و این نشون می‌داد که منطقه حفاظت شده توران طرود متاسفانه دیگر از بین رفته و باید از روی نقشه‌ها هم پاک بشه!

علت اصلی از بین رفتن حیوانات هم ورود موتور به منطقه بوده است. شاید برایتان عجیب باشد اما عین واقعیت هست. قبلا اهالی منطقه توانایی دنبال کردن و گرفتن آهو و گورخرهای آنجا را نداشتند، اما پس از اینکه تقریباً همه اهالی ده مجهز! به موتور شدند توانستند این حیوانات را دنبال کرده و براحتی بر سرعت آنها فائق آیند. زمانی در گذشته این حیوانات تا نزدیکی‌های شاهرود دیده می‌شدند(حدود ۳۰ سال پیش) اما حالا حتی در فاصله ده‌ها کیلومتر از دورتر از طرود نیز مشاهده نمی‌شوند. خلاصه ما دیدیم بی‌فایده است که تا پای کوه بریم، تازه مشخص نبود چند ساعت طول خواهد کشید و چون روز هم کوتاه بود(ساعت ۴ غروب می‌شد) تصمیم گرفتیم تا هوا تاریک نشده به ده برگردیم. در طول راه به شن‌زار، نمک‌زار و ویژگی‌های اقلیمی مختلف کویر برخورد کردیم. چیزی که ندیدیم شن روان بود. چون در آن منطقه شن‌روان وجود نداشت.

این رو هم اضافه کنم که چون منطقه مسطح بود و تا دوردست‌ها زمین یک‌دست و صاف بود لذا هرچقدر که جلو می‌رفتیم روستا کاملاً دیده

می‌شد و لذا دیگر هیچ نگرانی از گم شدن نداشتیم(حتی اگر ده‌ها کیلوتر هم دور می‌شدیم باز روستا قابل مشاهده می‌شد). و آنجا بود که از وسواس خودمان در مورد چک کردن نقشه و قطب‌نما خنده‌مان گرفت. چون اگه می‌خواستی هم گم نمی‌شدی! خلاصه برگشتیم ده و همان نخلستان اول. ساعت ۳:۳۰ دقیقه بعد از ظهر بود. آتشی روشن کردیم و ناهار خوردیم. تصمیم گرفتیم ادامه برنامه را با سفر به روستای معلمان ادامه داده و از طریق دامغان به تهران برگردیم. میدونستیم که مینی‌بوس‌های سطوه(که در نزدیکی معلمان است) ساعت ۵ از میدان اصلی طرود عبور می‌کنند.

پس زود رفتیم میدان و منتظر شدیم. مینی‌بوس آمد و با اینکه جا نداشت اما به گرمی از ما استقبال کرده و جایی برای ما داخل مینی‌بوس دست‌وپا کردند. خلاصه حدود ۱ ساعت بعد رسیدیم سطوه. اونجا آخر خط بود و تا معلمان هم ۱۵ کیلوتر فاصله داشت. ما از راننده مینی‌بوس خواستیم در ازاء مبلغی ما را تا معلمان ببرد و او هم با کمال میل قبول کرد. روستای معلمان خیلی کوچک بود اما موقعیت استراتژیکی داشت زیرا در وسط جاده‌ای واقع شده که دشت کویر را قطع می‌کنه و به روستای جندق می‌رسه(فاصله معلمان تا جندق ۱۲۰ کیلومتر است). روستای معلمان دارای جایگاه بنزین، پاسگاه و زائرسرا بود. ما به محض رسیدن به آنجا رفتیم زائرسرا. ساختمانی با یک سالن بزرگ برای مسافرین توراهی. یه نگهبان هم داشت به اسم آقا حجت. با یه بوفه که جوانی آن را اداره می‌کرد. کلا اونجا پاتوق راننده کامیون‌ها و تریلی‌ها بود که معمولاً در آنجا برای استراحت، صرف غذا و تعمیر ماشینشون توقف می‌کنند.

کافه خیلی باحال بود و ما خیلی حال می‌کردیم اونجا. خیلی شبیه به کافه‌های بین‌راهی در فیلم‌های وسترن و در جاده‌های متروک و مسیرهای کم‌تردد بود. با اینکه به سمت دامغان تنها همون شب اتوبوس وجود داشت (چون جمعه به سمت دامغان دیگر اتوبوسی رد نمی‌شه) ولی با این حال تصمیم گرفتیم شب اونجا بمونیم و جمعه ببینیم چه می‌شه(به قولی گفتیم هرچه پیش‌آید خوش آید)، شاید راننده تریلی‌ها و کامیون‌ها ما رو با خود بردند!. البته من نظرم این بود که از سمت جندق به تهران برگردیم اما وقتی فاصله و شرایط رو بررسی کردیم دیدیم نمی‌تونیم تا جمعه‌شب به تهران برسیم.

شب‌رو با دعوت نگهبان زائرسرا تصمیم گرفتیم در اتاق نگهبانی سپری کنیم. پیرمرد باحالی بود. به جز ما دو مهمان یزدی دیگه هم داشت. کلی با هم گپ زدیم و گفتیم و خندیدیم. اتاقش گرم بود و راحت گرفتیم خوابیدیم. صبح که بیدار شدیم صبحانه خوردیم و دوباره رفتیم محل پاتوق(کافه) به امید اینکه کسی ما رو تا دامغان ببره. دو تا راننده کامیون تازه اونجا اومده بودن و مشغول صرف صبحانه بودند. حضور ما هم برای آنها جالب و بامزه بود. و متوجه شدیم نه تنها بدشون نمیاد که ما با آنها هم سفر بشیم بلکه کلی هم خوشحال می‌شوند. چند دقیقه بعد ۲ تا راننده تریلی هم اومد. بعد دیدیم نه مثل اینکه سر بردن ما به دامغان دعوا میشه آخرش! خلاصه ما تصمیم گرفتیم دو تا دو تا با همان ۲ راننده کامیون به دامغان بریم.

اون دوتا راننده تریلی هم از ما دلخور شدند! ولی نمی‌دونید چقدر سفر با ماشین شاسی بلند جالب و لذت‌بخشه و کلی ما حال کردیم تا دامغان. تجربه منحصر به فردی بود. جاده هم خلوت بود و دو طرف جاده تا چشم کار می‌کرد دشت کویر خودنمایی می‌کرد. وقتی رسیدیم دامغان ظهر شده بود. در میدان امام حسین دامغان ایستادیم و ۱ ساعت بعد با یه ولوو به سمت تهران حرکت کردیم. عصر هم رسیدیم تهران خراب‌شده با اون هوای افتضاحش. با اینکه بیشتر برنامه ما صرف رفت و آمد شد اما تجربه ارزشمندی بود. قرار گذاشتیم یه بار دیگه هم این برنامه‌رو تکرار کنیم اما این دفعه به مقصد منطقه حفاظت‌شده خارطوران(اگه اونم از بین نرفته باشه) و روستای جندق.

منبع : وبگاه کویرهای ایران

http://vista.ir/?view=article&id=352225

vista.ir
Online Classified Service

سفر خوب

برخی معتقدند گاه می توان به درون سفر کرد و غبار خستگی را از تن زدود، اما بسیاری بر این عقیده اند که با کمی زحمت و بار سفر بستن، می توان ذهن خسته را به وجد آورد. به ویژه آن که سفر خانوادگی باشد، در این صورت سفر گاه پر ماجرا نیز خواهد بود و شاید پیشامدهایی که مسافران را به زحمت می اندازد!

تابستان رسیده است و بیشتر ما به سفر می رویم، گاهی به ولایت مان و شاید هم دورتر. مسافرت به علت استراحت کم، خستگی راه، تغییر شرایط آب و هوایی و تهیه آب و مواد غذایی از منابع گوناگون در شهرها و روستاهای مختلف مسیر سفر، کاهش مقاومت بدن را به همراه دارد و از طرفی مسافر بیش از سایر مواقع در معرض بیماری ها قرار می گیرد و عوامل خطر آفرین بیش از همیشه خود را نشان می دهند، بنابراین رعایت ضوابط و نکات ایمنی و بهداشتی ضرورت بیشتری می یابد و با حساسیت مضاعف باید مورد توجه قرار گیرد.

عمده مسایلی را که در سفر باید بدان توجه نمود می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

▪ آب آشامیدنی

آب را از منابع مطمئن تهیه نمایید. با توجه به کیفیت پایین آب های زیرزمینی در مناطق کویری پیشنهاد می شود آب آشامیدنی خود را حتماً از ایستگاه های برداشت آب تامین کنید. در ییلاق های اطراف شهر نیز بهترین منبع تهیه آب آشامیدنی، شبکه های لوله کشی روستایی است که تحت کنترل و نظارت خانه های بهداشت بوده و آب بهداشتی مورد نیاز ساکنین محل را تامین می کند.

به کودکان خود بیاموزید که آب برخی از شیرها آب پارك ها و معابر عمومی، ممکن است غیر آشامیدنی باشد.

▪ مواد غذایی

مواد مورد نیاز خود را از فروشگاه های معتبر تهیه و پیش از خرید مواد غذایی بسته بندی شده، از درج شماره پروانه ساخت و سپری نشدن تاریخ انقضای مصرف آن اطمینان حاصل کنید. از خرید مواد غذایی مخصوصاً ساندویچ، بستنی، فالوده و آبمیوه از فروشندگان دوره گرد جدا بپرهیزید.

از خرید کنسرو و کمپوت متورم، زنگ زده یا ضربه خورده و پنیر تازه محلی خودداری نمایید. کنسرو را قبل از بازکردن درب آن به مدت ۲۰ دقیقه در آب جوش قرار دهید. توجه داشته باشید آلودگی کنسرو به سم کشنده و مرگ آور بوتولیسم هیچ گونه علامتی (مانند بادکردگی قوطی) ندارد و فقط با حرارت می توان آن را خنثی نمود.

از مصرف باقیمانده مواد غذایی پاستوریزه که پس از باز شدن درب ظرف در خارج از یخچال نگهداری شده خودداری نمایید.

در سفر از غذاهای ساده و حتی الامکان مواد غذایی مطمئن که خودتان تهیه کرده اید استفاده کنید.

آجیل و خشکبار مورد نیاز را حتی الامکان به صورت بسته بندی تهیه کنید. از خرید خشکبار و آجیل که آثار آفت زدگی، رطوبت و کهنگی در آن ها دیده می شود پرهیز کنید. حتی الامکان از مصرف سالاد و سبزیجات در رستوران ها خودداری کنید.

▪ سالم سازی سبزیجات

پاك کردن سبزیجات قبل از مصرف در پیشگیری از ابتلا به بیماری های عفونی و انگلی روده ای موثر است. سالم سازی سبزیجات در چهار مرحله پاکسازی، انگل زدایی، گندزدایی و شست و شو انجام می شود. میوه جاتی را که خریداری می کنید، با آب تمیز و بهداشتی، یکی یکی و به دقت بشویید. ریختن میوه ها در داخل لگن دستشویی اماکن می تواند بر آلودگی سطح آن بیفزاید.

در صورت نیاز به گوشت تازه حتماً آن را از فروشگاه های معتبر و گوشت دارای مهر نظارت دامپزشکی تهیه نمایید. مرغ و ماهی را فقط از فروشگاه های مواد پروتئینی تهیه کنید و ظروف و وسایل پخت و پز را در داخل کیسه های نایلون تمیز نگهداری کنید تا در مدت سفر آلوده نشوند.

برای شستن ظروف و البسه حتماً از آب سالم استفاده کنید. شست و شوی در آب جوی و رودخانه خطر آلودگی بیشتر را به دنبال دارد.

هنگام مسافرت با اتوبوس حتماً از لیوان شخصی استفاده نمایید یا از راننده لیوان یکبار مصرف نو بخواهید. راننده موظف به تامین درخواست شما است.

ظروف یکبار مصرف را که در اماکنی مانند رستوران، آبمیوه فروشی یا اتوبوس در اختیار شما گذاشته می شود پس از استفاده خرد کرده در سطل زباله بیندازید تا امکان استفاده مجدد از آن ها میسر نشود.

از ریختن زباله در اماکن و معابر عمومی جدا خودداری کنید. زباله های خود را در طول سفر در کیسه های نایلون نگهداری و در اولین سطل زباله شهری بریزید.

در حمل و نگهداری وسایل آتشزا و گازسوز مانند کپسول پیك نیك دقت کنید. همواره در مسافرت، صابون به همراه داشته باشید و پس از توالت رفتن، دست های خود را با آب و صابون بشویید و قبل از تشرف به اماکن زیارتی، پاها را شسته و از جوراب نخی تمیز استفاده کنید.

▪ سیگار کشیدن

کشیدن سیگار در مراکز زیارتی، اماکن عمومی و وسایل نقلیه همگانی، تجاوز به حقوق عمومی جامعه به شمار می رود و از نظر قانونی نیز ممنوع است. از این عمل غیراخلاقی جداً خودداری کنید. جهت پیشگیری از بیماری های پوستی، هنگام اقامت در هتل حتی الامکان از ملافه و وسایل شخصی استفاده نمایید.

▪ مطالعه

مطالعه کردن در داخل خودرو در حال حرکت سبب خستگی چشم می شود.

منبع : روزنامه جوان

http://vista.ir/?view=article&id=246565

vista.ir
Online Classified Service

سفر در این فصل ارزان و لذت‌بخش است

اگر از سفر به جاهای تکراری مثل شمال و اصفهان و شیراز خسته شده‌اید، بهتر است چمدان‌هایتان را ببندید و به یکی از مناطق دیدنی زیر سفر کنید. از آنجایی که محدودیت جا در صفحه داریم سعی شد به گوشه‌ای از دیدنی‌های برخی شهرها اشاره بشود. بقیه‌اش را خودتان باید بروید و ببینید. سفر در این فصل هم ارزان است و هم لذت‌بخش. هتل‌ها چون در دوران رکود به سر می‌برند هم تخفیف می‌دهند و هم سرویس‌دهی بهتری نسبت به سایر ایام سال دارند. امتحان کنید.

● ایلام

ایلام؛ سرزمین جنگل و مرتع و عشایر است. هر جا که بروید زیباست. در شمال شهر ایلام به تنگهء ارغوان و از آنجا به ارتفاعات جنگلی زیبایی می‌رسید که ییلاق عشایر است و با ماشین از مرکز شهر بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه فاصله دارد. همچنین در آن سوی کوه‌هایی که ایلام پشت به آن‌ها داده، از طریق یک تونل به شیروان و چرداول می‌رسید که جنگل‌های بلوطش مثال‌زدنی است و رمه‌های گوسفند و بز و میش در مراتعش آدمی را به وجد می‌آورد. در غرب شهر ایلام نیز منطقهء ایوان واقع شده که کوه‌های پوشیده از جنگلش از جمله کوه قراقیلان (نماد استان ایلام) اعجاب‌انگیز می‌نماید.

حال اگر از ایلام به سمت جنوب برانید به دره‌شهر می‌رسید که تاریخ و طبیعت را یکجا با هم دارد. این‌جا در دامن کبیرکوه، آن هم در بهار پوشیده از گل و چمن است و قلعه‌های تاریخی دو هزار ساله‌اش به علاوه یک شهر تاریخی باقی مانده از سده‌های نخستین اسلامی چشم هر بیننده‌ای

را خیره می‌کند. اگر کمی از دره شهر فاصله بگیرید، در مرز ایلام و لرستان و روی رود سیمره - وحشی‌ترین رود ایران- پل هزار ساله‌ء گاومیشان را می‌بینید و از شگفتی درمی‌مانید. زیبایی‌های جنگل‌ها و رودها و مراتع بدره، ملکشاهی و صالح‌آباد را به ذهن جست‌وجوگر شما می‌سپاریم.

- بوشهر

اولین جاذبه‌ء استان بوشهر نوار ساحلی طولانی آن است که رو به خلیج‌فارس چهره می‌گشاید. خصوصا در بندر بوشهر که از بندرهای قدیمی و بزرگ ایران است. به همین سبب بوشهر یک بافت تاریخی بسیار غنی و جذاب دارد که با آثاری مانند بازار، تل ارامنه، مدرسه‌ء سعادت کلیسای ارامنه‌ء گریگوری، کلیسای مسیح مقدس، ساختمان، مسجد جامع، استانداری سابق، آب انبار قوام و انبوهی از خانه‌های تاریخی و گذرهای پیچ در پیچ تشخص می‌یابد.

در جنوب بوشهر و در منطقه‌ء دلوار، خانه‌ء قدیمی رییسعلی دلواری که جانانه با انگلیسی‌ها جنگید، جالب توجه است و در سیراف با همان بندر طاهری که در ۲۴۰ کیلومتری جنوب بوشهر قرار گرفته و یک زمان بزرگ‌ترین بندر تجاری ایران بوده است، می‌توان آثار تاریخی سترگی از دوره‌ء باستان تا سده‌های میانه‌ء اسلامی را سراغ گرفت; آثاری شامل حمام، کاروانسرا، قبرهای سنگی، مسجدی از قرن هفتم هجری و قلعه‌هایی از قرون دوم و سوم هجری.

- چهارمحال و بختیاری

وقتی تنها رود فلات مرکزی ایران یعنی زاینده‌رود و بزرگ‌ترین رود کشور یعنی کارون، هر دو از چهارمحال و بختیاری سرچشمه می‌گیرند، معلوم است که این استان چقدر زیباست. مرکز استان شهرکرد را بام ایران می‌خوانند و اینجا و آنجایش پارک‌ها و باغ‌های بی‌شماری به چشم می‌آید، بنابراین خود شهر بی‌نهایت دیدنی است اما در سایر نواحی اول از همه تونل کوهرنگ را توصیه می‌کنیم که بخشی از آب کارون را به زاینده‌رود منتقل می‌کند و یکی از زیباترین تفرجگاه‌های ایران به شمار می‌رود.

پل زمان‌خال در نزدیکی سامان (جنوب شهرکرد) و به روی زاینده‌رود نیز با درختان و بیشه‌های اطرافش خاطره‌ء خوشی در ذهن شما بر جای می‌گذارد. سایر نواحی استان از بافت و اردل گرفته تا لردگان و فلارد پوشیده از جنگل هستند و همه جا تفرجگاه به حساب می‌آید. جلوه‌های زندگی ناب عشایری در سرتاسر استان را که دیگر نگویید و نپرسید. در یک کلام چهار محالو بختیاری یعنی کوه، رود، چشمه، جنگل، مرتع و ایل بزرگ و پرافتخار بختیاری.

- زنجان

از هفت اثر تاریخی- فرهنگی ایران که در فهرست آثار جهانی به ثبت رسیده، یکی در زنجان است و همین کافی است که زنجان مستحق گردش و گردش‌پذیری باشد. از گنبد سلطانیه آخرین اثر جهانی ایران آغاز می‌کنیم. بزرگ‌ترین گنبد و ساختمان آجری جهان و سومین گنبد پس از گنبدهای ایاصوفیه و سانتاماریا. این بنا را شاهان مغولی ایران (معروف به ایلخانان) ۷۰۰ سال پیش بنا نهادند و معماران و هنرمندان ایرانی برای خلق و تزیینش سنگ تمام گذاردند. باور می‌کنید سلطانیه ۵۰ هزار متر مربع تزیینات آجری، گچ‌بری و روزی که گنبد ساخته شد، سلطانیه پایتخت ایران بود اما حالا شهر کوچکی است در حدود ۴۰ کیلومتری جنوب شرق زنجان. در زنجان بازار شهر با چاقوهای معروفش حال و هوای همه‌ء بازارهای تاریخی ایران را دارد و مسجد جامع و رخت‌شوخانه از سایر آثار تاریخی پربیننده‌ترند.

حالا از جایی بگوییم که مطمئنیم کم‌تر درباره‌اش شنیده‌اید و آن جایی نیست مگر غار «کتله خور» در منطقه‌ء خدابنده (جنوب استان.) درست مثل غار علی‌صدر همدان است: آب زلال، قندیل‌های زیبا، دالان‌های بزرگ و ... عده‌ای هم می‌گویند اصلا یک سر دیگر غار علی‌صدر همین جاست. الله اعلم!

- خوزستان

تمام جاذبه‌های خوزستان از کارون سرچشمه می‌گیرد; کارون است که زیباترین جلگه‌ء خوب ایران را شکل داده و موجب شده تمدن‌های زیادی در خوزستان پا بگیرند یا استقرار یابند. پس سخن از دیدنی‌های خوزستان را از خط سیر کارون آغاز می‌کنیم. در شمال استان‌سدهای مسجد سلیمان و کارون ۳ دریاچه‌های بزرگ و زیبایی را فراهم آورده‌اند که خصوصا در فصل بهار فضایی رویایی دارند و صد البته که دیدن تاسیسات سد عظیم کارون ۳ هر ایرانی را به آینده‌ء کشور خود امیدوار می‌کند.

همچنین در مسجد سلیمان می‌توانید نخستین چاه نفت ایران را ببینید و آثار تاریخی سه مسجد از دوران ایران باستان را در دزفول. بافت تاریخی شهر (هر چند که از جنگ آسیب فراوان دیده) و آسیاب‌های رعنابر روی کارون در جای خود دیدنی‌هستند و در شوشتر آنچه بیش از همه شهرت دارد، آبشارهای شهر است. در این‌جا بقایای تاسیسات باستانی چون آسیاب‌ها،کانال‌ها و سدبندها شما را به شگفتی وا می‌دارند. مسجد جامع

شوشتر از مساجد سده‌های اول اسلامی را فراموش نکنید. اما شوشتر قدیمی‌تر و جالب‌تر از شوش است (شوشتر یعنی شوش نو) که یکی از آثار جهانی ایران، یعنی زیگورات چغازنبیل را در خود جای داده است. معبدی با سه هزار سال قدمت و از دوره تمدن عیلام در این شهر آرامگاه دانیال نبی که گنبد مخروطی‌اش شهره خاص و عام است، اشاره دیگری است به قدمت منطقه و بالاخره می‌رسیم به بقایای کاخ‌های هخامنشیان در شوش; چه آن که این شهر کهن پایتخت زمستانی هخامنشیان بود. قلعه‌ای نیز در همان حوالی باقی مانده از باستان‌شناسان فرانسوی که در آغاز سدهء بیستم در شوش کاوش می‌کردند. در این قلعه که معروف به قلعهء دمورگان یا قلعهء شوسی است، یک موزه نیز ایجاد شده است. در شهر اهواز تمام حاشیهء کارون، به ویژه کنار پل‌هایش زیباست و بوستان جزیره در بستر رود نیز یک تفرجگاه واقعی به حساب می‌آید. حالا به جنوب استان می‌رویم، به ساحل اروند که هم دلگشاست و هم آمیخته به خون بهترین و پاک‌ترین ایرانیان. در آبادان و خرمشهر زیبایی جنوب و یادگارهای جنگ را با هم ببینید. مجالی نیست تا از بهبهان و ماهشهر و دشت آزادگان و شادگان و... نیز سخن گوییم. فقط این را بگویم که اگر فکر کرده‌اید حتی یک صدم دیدنی‌های خوزستان را معرفی کرده‌ایم، سخت در اشتباهید!

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=283516

vista.ir
Online Classified Service

سفر سبز بهاری دور از خطوط سیاه

هر سال همین‌طور است، تعطیلات نوروزی که به آخر می‌رسد صدها و هزاران پرونده شکایت از سوی مسافران نوروزی به مراکز پلیس و دادسراها می‌رسد.

به جز شاکیانی که خانه‌هایشان در تعطیلات جاروکشی شده است، بیشتر مراجعه‌کنندگان مسافران بخت برگشته‌ای هستند که تبهکاران روزهای خوش مسافرت را برایشان تلخ‌تر از زهر کرده‌اند.

آنها همه چیز را می‌اندازند گردن سارقان و از همه کس از پلیس گرفته تا دستگاه قضائی شاکی هستند که اگر دقیق‌تر اوضاع را کنترل می‌کردند این اتفاق برای آنها نمی‌افتاد اما آنها غالبا یک موضوع را نادیده می‌گیرند و آن اینکه اگر آنها خودشان مواظب بودند و نکات ایمنی سفر را رعایت می‌کردند شاید هرگز چنین سرقتی رخ نمی‌داد.

این پرونده‌ای است برای مهم‌ترین شگردهای سرقت شکارچیان مسافران و بزرگ‌ترین خطراتی که در مسیر آنها قرار دارد.

- سارقان مسموم کننده، خط اول سرقت‌ها

اگر تا همین یک قرن قبل، حرامیان شب و سارقان گردنه گیر، جاده‌ها را بر مسافران ناامن می‌کردند و جان و مال و ناموس آنها را به یغما می‌بردند حالا دیگر با عوض شدن دوره و زمانه، سرقت‌های نوع جدیدی مد روز سارقان شده است، سرقت‌هایی که مطبوعات آنها را سرقت‌های آبمیوه‌ای یا سرقت‌های مسموم لقب داده‌اند.

چند سالی است که با آغاز فصل مسافرت، هر روز ده‌ها مسافر بخت برگشته در سراسر کشور به مراکز پلیس یا دادسراها مراجعه می‌کنند تا از بلایی که یک ناشناس بر سرشان آورده شکایت کنند، سارقی چرب زبان که با تعارف یک خوراکی مسموم آنها را بیهوش کرده و بعد زحمت بردن تمام اسباب و اثاثیه آنها را به تنهایی به گردن گرفته است.

● آنها همه جا هستند

سارقان آبمیوه‌ای همه جا هستند، هر جایی که مسافران و حتی زوار به آنجا رفت‌وآمد دارند، شکارگاه خوبی برای آنهاست.

آنها حتی احترام مراکز زیارتی را نیز نگه نمی‌دارند و در جوار این مراکز مقدس نیز دست به سرقت می‌زنند، طعمه‌های آنها هم معمولا افراد میانسالی هستند که به سادگی بعد از تعارف هر خوراکی و نوشیدنی‌ای بعد از کلی تشکر آن را گرفته و به سرعت مصرف می‌کنند و وقتی که بعد از چند ساعت یا حتی چند روز به هوش می‌آیند تازه متوجه می‌شوند که چه کلاه گشادی سرشان رفته است و با خوردن یک خوراکی که به مواد بیهوش‌کننده آغشته شده است چه نگرانی وحشتناکی برای خانواده‌اشان به‌وجود آورده‌اند.

● ۱۰فرمان برای حال گیری از سارقان آبمیوه ای

۱) درباره مقدار پولی که همراه دارید اصلا با همسفران و بغل دستی‌هایتان در اتوبوس یا قطار و یا حتی در هتل و مسافرخانه صحبت نکنید، وقتی هم که طرف مقابل دائم بحث را می‌کشاند به این موضوعات حتما حتما به او شک کنید.

۲) نقد کردن پول از کارت‌های اعتباری بانک‌ها اگر چه ممکن است مخصوصا در این روزهای عیدی به اندازه عبور از هفت خوان رستم سخت و دشوار باشد اما لااقل خوبی‌اش این است که اگر گیر سارقان مسمومکننده افتادید، خیالتان جمع است بلایی سر پول‌هایتان نمی‌آید البته اگر خودتان سوتی نداده باشید و شماره رمز کارت را در کنار کارتتان قرار نداده باشید.

۳) به حرف‌های نفر بغل دستی اتان که دائما از میلیون و میلیارد صحبت می‌کند و خودش را یک تاجر موفق و سرشناس معرفی می‌کند اعتماد نکنید شاید او همان سارق آبمیوه‌ای مسافران اتوبوس باشد، پس زیادی به او نزدیک نشوید و مخصوصا اگر خوراکی‌تر و تمیز یا آبمیوه‌ای سرد و تگری تعارفتان کرد بی‌خیال شوید.

۴) با زن و شوهر ناشناسی که در قطار هم کوپه‌ای شما هستند، زیاد گرم نگیرید، از کجا می‌دانید که آنها همان سارقان آبمیوه‌ای نباشند، لطفا همان یک لقمه‌ای را که موقع شام با اصرار به شما می‌دهند و می‌گویند « نمک ندارد» را نخورید، ناراحت شدن یک ناشناس زیاد اهمیتی ندارد و به مسموم شدن و دردسرهایش نمی‌ارزد.

۵) متأسفانه سارقان آبمیوه‌ای حتی احترام اماکن متبرکه و زیارتگاه‌ها را هم نگه نمی‌دارند و خیلی از آنها با گفتن اینکه نذری است، خوراکی‌های مسموم را به شما تعارف می‌کنند، شکلات نذری، بستنی نذری و حتی آش و شربت نذری حتی در شلوغ‌ترین مکان‌ها هم می‌تواند طعمه‌ای باشد برای به تور انداختن شما...

سال گذشته در یکی از مشهورترین پرونده‌های مسمومیت‌های مسافران، زن جوانی ۵۷ زن میانسال و سالمند را در زیارتگاه‌ها و مراکز متبرکه با آبمیوه‌های مسموم بیهوش کرد و اموال آنها را به سرقت برد، متأسفانه ۲ نفر از طعمه‌های این زن در جریان این سرقت‌ها جان باختند.

در پرونده دیگری که دادستانی قم آن را در اختیار مطبوعات قرار داد و از مالباختگان خواست برای شکایت مراجعه کنند، زن میانسالی در زیارتگاه جمکران با تعارف بستنی‌های مسموم، طلا و جواهرات زائران را سرقت کرد.

۶) سرعت عمل سارقان آبمیوه‌ای خیلی خیلی بالاست و شاید سریع‌تر از سرعت نور، آنها در چند لحظه می‌توانند آبمیوه یا هر خوراکی‌ای را که به‌عنوان طعمه به کار می‌برند به مواد بیهوش‌کننده آغشته کنند، بنابراین حتی وقتی که آنها جلوی چشم شما خوراکی را از مغازه می‌خرند و به شما تعارف می‌کنند خیالتان زیاد هم تخت نباشد که خودتان شاهد خرید بوده‌اید تنها یک لحظه برای مسموم کردن کافی است.

۷) بسته بندی بودن خوراکی دلیلی بر اینکه ماده خوراکی به مواد بیهوش‌کننده آغشته نشده است نیست، سارقان آبمیوه‌ای کارشان را خیلی خوب بلدند و می‌توانند با سرنگ‌های خیلی ریز ماده مسموم را وارد خوراکی کنند.

۸) ماده مسموم یا همان ابزار کار سارقان هر ماده‌ای می‌تواند باشد، از آبمیوه و نوشابه تگری گرفته تا چای لب سوز لب دوز، بستنی، دوغ، یک لقمه غذا و....

۹) از آنجایی که سارقان آبمیوه‌ای با رو شدن شگردشان برای بیهوش کردن طعمه‌هایشان از روش‌های مختلف دیگری مانند مسموم کردن به‌وسیله بوییدن استفاده می‌کنند، ازبوییدن هر گونه ماده‌ای که افراد ناشناس در داخل تاکسی و... از شما می‌خواهند آن را ببویید خودداری کنید.

۱۰) خلاصه کلام اینکه اگر برای یک لحظه تعارف را کنار بگذارید و شکمتان را هم نگه دارید، بدجوری حال سارقان آبمیوه‌ای را گرفته اید.

● دردسری به نام طلا

طلا و جواهرات در سفرهای نوروزی از آن همراهان دردسرسازی است که هر ساله شکایت‌های بسیار زیادی را رقم می‌زند. البته هیچ‌کس هم علت اینکه چرا خیلی از ما ایرانی‌ها حتی موقع سفر هم این قدر طلا و جواهرات با خودمان همراه می‌بریم را نتوانسته است کشف کند.

متأسفانه نگاهی به بیشتر پرونده‌های سرقت خونین در فصل سفر، نشان می‌دهد که برق وسوسه‌کننده طلا وجواهرات همراه مسافران باعث شده است تا نقشه سرقت مرگبار در ذهن سارقان جرقه زده شود.

خطر وقتی بزرگ‌تر می‌شود که طلا وجواهرات به کودکان آویخته شود و در این شرایط است که سارقان تلاش می‌کنند که با ربودن کودک طلاهای او را سرقت کنند، متأسفانه در بسیاری از پرونده‌های کودک ربایی با انگیزه سرقت طلا، کودک بیگناه مورد آزار و اذیت قرار گرفته یا آنکه به قتل رسیده است.

● مامورنماها در کمین مسافران

مامورنماها از دشمنان اصلی مسافران هستند، آنها با اطمینان از اینکه بیشتر مسافران، پول‌های قلمبه‌ای همراه دارند، آنها را شناسایی کرده و با ترفندهای مختلف شروع به بازرسی بدنی و بازرسی خودروی آنها می‌کنند و در یک فرصت مناسب اموال و طلاهای آنها را به سرقت می‌برند.

حواستان باشد بدون دیدن حکم ماموریت و کارت شناسایی به هرکسی که لباس پلیس داشت اجازه بازرسی خودرو و بازرسی بدنی ندهید، البته ممکن است آنها بتوانند حکم ماموریت را هم جعل کنند، در این شرایط بهترین کار این است که بدون درگیر شدن با آنها چهره‌اشان را به خوبی به خاطر بسپارید و بلافاصله موضوع را به پلیس اطلاع بدهید.

● گوشه امن دنیا

مسافرخانه‌های بدون مجوز و خانه‌های شخصی اجاره‌ای از خطرهای دیگری است که مسافران نوروزی را تهدید می‌کند.

خیلی از ما بعد از دیدن قیمت هتل‌ها و مسافرخانه‌های رسمی شهری که به آنجا مسافرت کرده‌ایم، با خودمان فکر می‌کنیم باید به جیبمان نگاه کنیم و بنابراین بی‌خیال آنها می‌شویم و می‌رویم سراغ خانه‌های شخصی و مسافرخانه‌های بدون مجوزی که قیمت خیلی خیلی کمتری دارند.

البته اینکه آدم قرار باشد تنها به جیبش نگاه کند عاقلانه‌ترین کار همین کاری است که انجام داده‌ایم اما وقت‌هایی هست که هر خرجی ارزشش را دارد، وقت‌هایی که پای آبرو و ناموس در میان است.

همین تابستان گذشته، شکایت‌های متعددی در اختیار دادسراهای کشور قرار گرفت که در آنها مسافران بعد از ورود به مسافرخانه‌ها وخانه‌های بدون مجوز مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند، متأسفانه در تعدادی از این پرونده‌ها، مهاجمان شیطان صفت از این ماجرای شیطانی فیلم هم گرفته بودند و با آنها قصد تهدید و اخاذی داشتند.

در یکی از این پرونده‌های سیاه که در اختیار قاضی جراحی - بازپرس دادسرای صادقیه تهران قرار گرفت زن جوانی که به همراه همسرش به یکی از مناطق خوش آب و هوای اطراف تهران مسافرت کرده بود وقتی برای چند لحظه در اتاقش در مسافرخانه‌ای بدون مجوز تنها ماند مورد حمله دو کارگر مسافرخانه قرار گرفت و تعطیلات سیاهی برای او رقم خورد.

اگر چه با دستور ویژه بازپرس جراحی، کارگران شیطان صفت در دو عملیات جداگانه به سرعت دستگیر شدند اما این ماجرا روزهای تلخی را برای زن جوان رقم زد.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=304334

vista.ir
Online Classified Service

سفر نوروزی با سلامت

پایان فصل سرما برای ما ایرانیها آغاز سفر است. هم بهار بوی نو شدن و تازگی و معنای آغاز دوباره سفر می دهد و هم تعطیلات عید

نوروز به عنوان طولانی ترین تعطیلات سالیانه که همه اعضای خانواده در کنار یکدیگر قرار دارند بهترین زمان برای مسافرتهای خانوادگی و دسته جمعی است.

نکته های بسیار مهمی که رعایت آن در ایام سفر اهمیت زیادی دارد، بهداشت غذا و مواد غذایی است که در سفر تهیه می شود.

کشور ما از مواهب طبیعی کم نظیری برخوردار بوده و جاذبه های گردشگری فراوانی دارد ولی متأسفانه به دلیل بی توجهی، در امکانات پذیرایی و به کار گرفتن موازین بهداشتی فقیر است.

بسیاری از کارشناسان بهداشت در این روزها به مردم توصیه می کنند تا در حمل، نگهداری و آماده کردن مواد غذایی در زمان تعطیلات دقت و توجه بیشتری کنند. سالمندان، کودکان و افرادی که به علت ابتلا به بعضی بیماریها، سیستم ایمنی ضعیفی دارند و زنان باردار، بیشتر از هر کس دیگر مستعد ابتلا به بیماریهای منتقله از راه مواد غذایی هستند.

از این رو بهتر است در سفرهای برون شهری، خانواده ها، غذای موردنیازشان را از قبل تهیه کنند و یا آن را از اماکن معتبر تهیه کنند.

- بازرسی رستورانهای بین راهی

مهندس سیدرضا غلامی، رئیس اداره بهداشت مواد غذایی و بهسازی اماکن عمومی وزارت بهداشت در مورد ایمنی مواد غذایی در ایام نوروز می گوید: ما طرحی داریم که از اول تا ۱۵ اسفندماه به تمامی دانشگاههای علوم پزشکی ابلاغ شد و براساس این طرح بازرسان بهداشت محیط مستقر در مراکز بهداشت شهرستانها در سراسر کشور نسبت به تشدید برنامه های روتینی که دارند فرا خوانده شده اند. آنان موظف شده اند در ساعتهای غیراداری و روزهای تعطیل به بازرسی اماکن با اولویت ایمنی مواد غذایی و بهداشت فردی بپردازند.

او می افزاید: با توجه به اینکه در ایام عید مسافرتهای زیادی در اقصی نقاط کشور انجام می شود، از این رو سلامت و ایمنی غذای رستورانهای بین راهی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و ضابطان بهداشت موظف شده اند که هر ۱۵ روز یک بار از رستورانهای بین جاده ای بازدید به عمل آورند.

او یادآور می شود: ما در چهار مقوله معیارهایی داریم که در مورد بهداشت محل می باشد که شامل نظافت عمومی، بهسازی محل، کاشیکاری، تمیز بودن و مرتب کردن است و معیار دیگر بهداشت فردی است که داشتن کارت معاینه پزشکی، پوشیدن روپوش منظم و مرتب بودن از آن جمله می باشد.

نظافت تجهیزات مورد استفاده در پخت و پز و ایمنی مواد غذایی هم از معیارهای دیگر و آخرین معیار نگهداری مواد غذایی سالم است که مواد غذایی باید در یخچالها نگهداری شود.

او توصیه می کند: همشهریان خودشان باید مسایل پزشکی و ایمنی غذا را رعایت کنند. شستن دستها را فراموش نکنند، اگر چه به ظاهر خیلی ساده است ولی در ارتقای سلامت و کنترل بیماریهایی که می توانند از محیط بگیرند بسیار مؤثر است.

مسافران گرامی از مراکز مواد غذایی استفاده کنند که حداقل ضوابط بهداشتی را داشته و دارای کارت معاینه پزشکی باشند.

از نگهداری مواد غذایی که زود فاسد می شوند خودداری کنند و سعی کنند مواد غذایی را با خودشان حمل نکنند و در صورتی که مجبور به حمل هستند. مواد غذایی را در یخدان و در کنار یخ قرار دهند.

- رعایت اصول بهداشتی

دکتر علی حشمتی، متخصص تغذیه می گوید: برهم خوردن عادتهای غذایی هنگام مسافرتها در نقاط مختلف کشور می تواند سلامت افراد را به خطر بیندازد.

به همین دلیل در صورتی که تمایل به تهیه غذا دارید، توجه کنید مواد اولیه ای که تهیه می کنید از کیفیت مناسبی برخوردار باشند. خصوصاً مواد حاوی پروتئین که فساد پذیری بالایی دارند، گوشتی که خریداری می کنید باید کاملاً تازه باشد و هیچ گونه بوی ماندگی ندهد. شیر یا تخم مرغ مورد استفاده تازه و در صورت امکان استاندارد و بهداشتی باشد، از خریداری مواد غذایی در کنار جاده ها پرهیز کنید زیرا از کیفیت آنها اطلاع کافی ندارید.

وی همچنین توصیه می کند؛ مسافران از خریداری غذاها یا میان وعده های بین راهی مانند حبوبات پخته، لوبیا و باقلا، لواشکها، فلافل، سمبوسه

و پیراشکی ها خودداری کنند.

وی همچنین می گوید: نوع غذا در طول سفر بسیار مهم است. با توجه به اینکه رطوبت زیاد، رشد و تکثیر میکروبها را بیشتر می کند، سعی کنید از غذاهای نیمه خشک با رطوبت کم مانند عدس پلو، لوبیا پلو و ماکارونی استفاده کنید ضمن اینکه باید توجه داشت غذای مورد مصرف باید کاملاً پخته شود. ممکن است با توجه به مدت تعطیلات و احتمالاً تعجیل در ساعت حرکت در تهیه غذا کوتاهی شود و غذا به ویژه گوشتها به طور کامل پخته نشده باشد که همین موضوع سبب آلودگی و فساد آن می شود.

وی در ادامه می گوید: از غذاهای نیمه پخته و خام به طور جدی خودداری کنید. در حین سفر ممکن است در یک منطقه روستایی توقف کنید و شما را به خوردن شیر تازه دوشیده از دام یا بستنی و پنیر محلی دعوت کنند که در این گونه موارد باید از خوردن خودداری کنید

همچنین از خوردن تخم مرغ نیم پز (عسلی) نیز به طور جدی بپرهیزید.

حشمتی می افزاید: غذا را در طول سفر در دمای بالاتر از ۶۰ درجه سانتی گراد یا پایین تر از ۱۰ درجه سانتی گراد نگهداری کنید. غذاهای سرد را سرد و غذاهای گرم را گرم نگهداری کنید.

در هر صورت اگر قصد دارید غذای خود را بیشتر از دو ساعت نگهداری کنید، این کار را انجام دهید: در هنگام توقف، قبل از صرف غذا، آن را به طور کامل حرارت دهید، زیرا در زمان نگهداری غذا در سفر میکروبها در مواد غذایی رشد می کنند. بنابراین باید هنگام استفاده از غذا آن را تا دمای ۷۰ درجه سانتی گراد حرارت داد تا به طور کامل داغ شود. بنابراین از خوردن غذاهایی که به طور سطحی گرم یا تفت داده شده خودداری کنید، ضمن اینکه هنگام استفاده از غذاهای محلی، از افراد بومی راهنمایی بخواهید.

وی در ادامه توصیه های خود می گوید: اگر در کنار جوی آبی توقف کرده اید تا غذا را در آن جا میل کنید، در این حالت ممکن است به فکر استفاده از آن آب بیفتید، ولی از ماهیت آن اطلاع کامل نداشته باشید. بنابراین بهتر است آب را قبل از مصرف بجوشانید، به ویژه اگر بخواهید برای کودکان غذا تهیه کنید. ۱۰ دقیقه قبل از صرف غذا دستها را خوب بشویید و تا حد امکان از خوردن انواع خورشها، کباب کوبیده، سالاد الویه و همبرگر خودداری کنید. از انواع غذاهایی که می توان آن را چندین بار گرم کرد خودداری کنید. از مصرف کباب کوبیده و همبرگر به دلیل اطلاع نداشتن از کیفیت گوشت به کار برده شده و به کار بردن مواد اولیه مختلف از جمله خرده نان، ادویه و... از مصرف سالاد الویه به دلیل مانده بودن مواد اولیه موجود در سس مایونز مانند تخم مرغ و... و همچنین نبود نظارت بر چگونگی تهیه الویه در رستورانهای غیرمعتبر بین راهی به طور جدی خودداری نمایید.

او در مورد انتقال بیماریها در سفر می گوید: خیلی ها پس از مسافرت دچار بیماریهای مختلفی می شوند بدون آنکه دلیل آن را بدانند. متأسفانه بعضی از افراد که بیمار هستند از شهرها و روستاها می روند و از رستورانهای بین راهی بین مبدأ و مقصد استفاده می کنند و این در حالی است که افراد سالم هم از این اماکن استفاده می کنند و...

بیماریهای گوارشی، تنفسی و عفونتها از این طریق به افراد دیگر منتقل می شود.

بیماری سل می تواند از طریق عطسه و سرفه بیماران به افراد سالم منتقل شود. افرادی که دارای مشکلات دستگاه گوارشی هستند با استفاده از توالتهای عمومی و از طریق مدفوع این نوع بیماریها را انتقال می دهند. تعداد زیادی از این بیماران دستهای خود را با آب و صابون نمی شویند و همین دستها را به دستگیره در سرویسهای بهداشتی، ظروف غذاخوری و... می زنند. بنابراین مسافران سالم هم به راحتی دچار این بیماریها می شوند.

این متخصص تغذیه در مورد مسمومیتهای غذایی هم می گوید: مسمومیتهای غذایی در سفرهای نوروزی عوامل تهدید کننده ای هستند که باید مورد توجه جدی قرار گیرند. مسمومیتهای غذایی معمولاً با بی حالی، خستگی و اسهال همراه بوده و در این حالت تب وجود ندارد.

مسمومیت در افرادی که از انواع فرآورده ها همانند تخم مرغهای آلوده، انواع سوسیس و کالباس استفاده کرده اند بعد از ۱۲ تا ۲۴ ساعت علایم خود را نشان می دهد. این مسمومیتها علاوه بر علایم گفته شده با تب نیز همراه است.

به طور کلی مسمومیتها برحسب عوامل ایجادکننده و سن افراد متفاوت است، اما در مورد کودکان می تواند خطر مرگ را به دنبال داشته باشد. میکروبهای بیماری زا داخل قوطیهای کنسرو هم می توانند علاوه بر ایجاد مسمومیت دستگاه تنفسی افراد را دچار خطر سازند و ۱۳ ساعت پس از مصرف، بی حالی، حالت تهوع و سرگیجه به سراغ افراد می آید و با گذشت زمان حرف زدن و بلع غذای مصرف کنندگان با مشکل رو به رو می شود.

منبع : روزنامه قدس

http://vista.ir/?view=article&id=304089

vista.ir
Online Classified Service

سفر و شادی ،نیاز بنیادین مردم ایران

گردشگری زیرشاخه‌های زیادی را در هویت زندگی و کنش اجتماعی پدیدار می‌سازد و سفر کردن و مسافرت تنها یکی از موضوعات و زیرشاخه‌های مهم در صنعت گردشگری محسوب می‌شود که در این سال‌ها آنچنان که شایسته آن است بدان توجه عالمانه‌یی نشده است. بی‌گمان سفر کردن در سطوح گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روانی تاثیر زیادی بر هویت فردی و جمعی آدمی می‌گذارد و سازمان‌ها، رفتارها و مناسبات جدیدی در جامعه می‌آفریند. شاید در وهله نخست سفر یک پدیده اقتصادی قلمداد شود که زیرساخت‌های مختص خود شامل میزان درآمد مسافر، اهداف اقتصادی گردشگر و ابزارهای اقتصادی و در مجموع گردشگری اقتصادی را در بر می‌گیرد. اما صرف نظر از وجوه اقتصادی سفر در صنعت گردشگری، مسافرت گردشگران یکی از مهمترین عوامل پالایش و آرامش افراد در زندگی فردی و جمعی است.

طبیعی است که در جوامع جدید مسافرت به عنوان یکی از ویژگی‌های ضروری در سازمان زندگی نقش مهمی را ایفا می‌کند. از این رو تداوم کار در صنایع گوناگون اقتصادی و اجتماعی کنش متعارف آدمی در سازمان کاری ایجاد می‌کند و این فرایند پس از مدتی، دلزدگی و خستگی قابل توجهی بر جسم و جان شاغلان به وجود می‌آورد. تردیدی نیست آدمی برای تجدید نشاط و شادابی، سفر کردن را به عنوان یکی از مهمترین مکانیسم‌های جبرانی برمی‌گزیند. در این مرحله مسافرت یک کنش آگاهانه برای کسب شادی بیشتر و دستیابی به آرامش است. در سفر، آدمی سرشتی آگاهانه به دست می‌آورد و بدین منظور باید فرصت‌های سفر را به عنوان یک پدیده پرنشاط عینی و بلکه به منزله یک موضوع عینی و ذهنی و تاثیرگذار در مرحله روان آدمی مورد نظر پذیرفت. بطور مثال در سفر سنتی و آیین‌های سیزده‌بدر که در آخرین روز سنت نوروزی انجام می‌شود، مردم در دامان طبیعت از یک سو به گردشگری صحرا و کوهستان می‌پردازند و از سوی دیگر در کنش جمعی آگاهانه زشتی‌ها و نحوست را از خود می‌زدایند.

سفر در ذات خود نفی افسردگی و تنبلی و یکی از مولفه‌های اصلی شادزیستن فردی و جمعی است. نگاهی اجمالی به تاریخ و فرهنگ مردم ایران نشانگر آن است که متن اجتماعی و هسته فرهنگی ایرانیان رویکرد مسلطی به دنیاگریزی، افسردگی و سوگواری پیدا کرده است . در فرهنگ مردمی که غم‌مداری را یکی از هویت‌های جمعی خود قلمداد کرده‌اند، نشاط، شادی و سفر کردن را در مناسبات خود نهادینه کردن ضروری است. از این رو پیش‌نیاز فرهنگ سفر در سبد خانوار ایرانیان به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی آنان پیوند خورده است و برای گسترش و نهادینه کردن سفر در فرهنگ نوین جمعی تمامی دستگاه‌های تبلیغی، فرهنگی و اقتصای باید همکاری همه‌جانبه‌یی را در دستور کار قرار دهند.

● شادی، نیاز بنیادین مردم ایران

شادی و آزادی هم سرشت هستند و غم‌زدگی و برده‌منشی و سربراهی و عقل و تقدیرباوری از یک مقوله‌اند و بسادگی به یکدیگر تبدیل پذیرند. جوان ناشاد، جوانی که از عشق سرشار نشده، عشق را گناه دانسته، از ته دل نخندیده، با دوستان خود به پایکوبی نپرداخته، در طبیعت

نچرخیده، خود را نیاراسته، جوانی خود را به نمایش ننهاده، در آینه با دلدادگی به خود ننگریسته، جهان و زندگی را دوست نخواهد داشت. به جنس مخالف با کینه‌یی جنون‌آمیز خواهد نگریست و در صف آزادی و سازندگی و نوجویی قرار نخواهد گرفت. او سازنده جامعه‌یی خواهد بود که عقده‌های کینه و حسد جانمایانه آن را چرکین خواهد ساخت. تنها آنکه استعداد خندیدن دارد، می‌تواند سعادت جامعه را بخواهد. آنکه از درون می‌خندد،نمی‌تواند تحمل ظلمی را داشته باشد که جامعه را سوگوار می‌سازد.

مردم یک جامعه حق دارند که شاد باشند و این شادی در صلح، عدالت، همبستگی و فقرزدایی و فرهیختگی به دست می‌آید. جامعه مدرن جامعه‌یی است شاد و رکن مهم سازندگی و نوسازی زیباسازی است. اما در حال حاضر ما چگونه می‌توانیم با این روحیه غمزده جامعه، خود را مدرن سازیم؟ بی‌گمان شادزیستن در پرتو مهاجرت یکی از مکانیسم‌های زندگی جامعه کنونی ایران است که کمتر بدان توجه شده است. اصلاح اخلاقی جامعه در گرو شادی آن است. پس باید مدیریت و مسئولیت جامعه را به کسانی بسپاریم که خودشان می‌توانند بخندند و دیگران را بخندانند، اگر چنین شود بسیاری از فسادها از بین خواهند رفت و کشوری سالم خواهیم داشت.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=217036

vista.ir
Online Classified Service

سفر و وحدت هویت فردی و جمعی

رفته‌رفته گردشگری در کشور ما هم همسان دیگر کشورها، فقط مشغولیت کسانی نیست که به قول معروف دستشان به دهنشان می‌رسد.

این روزها هر کسی یا هر خانواده‌ای با توجه به امکانات مالی و رفاهی که دارد، به مسافرت می‌رود، تا جایی که به نظر می‌رسد سفر کردن تا حدودی جایگزین دید و بازدیدها شده است.

این سخن که امروزه سفر کردن به عنوان نوعی از سبک زندگی و فرهنگ قلمداد می‌شود نه تنها دور از ذهن نیست بلکه فراتر از این، یک حق هم محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد قرار است سفر امکان و فرصت زندگی بهتر و زیباتری را برای شهروندان دنیا به ارمغان بیاورد. حال متوجه می‌شویم که به همین دلایل است که انواع مختلف سفر کردن شکل گرفته و هر کسی به شیوه‌ای که می‌پسندد یا امکانش را دارد به سفر می‌رود، از طرف دیگر آژانس‌های مسافرتی هم درصدد هستند تا فراخور هرگونه سلیقه‌ای، گونه‌ای از سفر را ترتیب دهند.

با این مقدمه به سراغ این سوال اساسی می‌رویم، حال که سفر کردن و مسافرت رفتن رونق بیشتری یافته است، روش‌های گردشگر بودن چیست و چه رابطه‌ای میان اوقات فراغت و این نوع از سبک زندگی در دنیای معاصر برقرار است.

برای جواب دادن به این سوالات باید بدانیم همچنان که تعداد بیشتری از مردم در زمان‌های متفاوت و به مکان‌های مختلف سفر می‌کنند، گردشگری به سمت تخصصی شدن پیش رفته است. امروز دیگر جاذبه گردشگری تعریف مشخصی دارد، امکانات اقامتی و تسهیلات جاده‌ای و خدمات مهمان‌نوازی جزو دغدغه‌های دست‌اندرکاران و فعالان گردشگری شده و آنها در این اندیشه هستند که گردشگر با مزاحمتی روبه‌رو نشود و از اوقات خود لذت ببرد. از طرف دیگر، گردشگر برای فرار موقتی از زندگی روزمره به سفر می‌رود تا به مناظر خیالی ذهن خود صورت واقعیت ببخشد و فعالیت‌هایی را تجربه کند که فراتر از زندگی شهری هستند و او را ارضا یا به عبارتی اغنا می‌کنند.

گردشگر در سفر گاهی سفر را روایت می‌کند و بر محیط اطراف اثر می‌گذارد و گاهی این سفر است که گردشگر را در خود حل می‌کند و بر او تاثیر می‌گذارد. گویی با هر سفر، گردشگر از لحاظ روحی و فکری رشد می‌یابد و بر غنای ناخودآگاهش افزوده می‌گردد. این موضوع با مضمون «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی» بسیار جور در می‌آید. در اینجا دو گونه از سفر کردن را بررسی می‌کنیم؛

۱) بسیاری از گردشگران به شهر دیگری سفر می‌کنند و همواره در این اندیشه هستند که از راحتی و آسایشی بیش از خانه خود برخوردار شوند. این نوع سفر کردن را در خانواده‌های ایرانی که به خارج از کشور سفر می‌کنند، بسیار مشاهده می‌کنیم.کسانی که در پی این نوع از گردشگری هستند، خود را خسته از زندگی روزمره می‌دانند و به دنبال مکانی هستند که در آن آرامش را تجربه کنند ولی درعین حال فضای خانه را هم برای خود تداعی می‌کنند. آنها در کشور دیگر هم، به دنبال رستوران و موسیقی ایرانی هستند و حتی فرهنگ و آب و هوای متناسب با فرهنگ و آب و هوای کشورمان را انتظار دارند. در این نوع از گردشگری، کمتر به اصالت فرهنگی جامعه میزبان توجه می‌شود و گاهی اوقات حتی اگر گردشگر چیز اصیلی را تجربه کند آن را نخواهد شناخت.

۲) برخی دیگر از گردشگران سفرهای ماجراجویانه‌تری را ترجیح می‌دهند، سفرهایی که گاهی به کمی مهارت و همچنین روحیه دست و پنجه نرم کردن با مسائل پیش‌بینی نشده احتیاج دارند. این گردشگران گاهی همان‌هایی هستند که به تنهایی یا در گروه‌های کوچک چند نفری تنها با یک کوله‌پشتی سفر می‌کنند و در سفر بیش از دیگر گردشگران متکی به خود هستند.

این نوع سفرکردن در ایران بیشتر باب طبع جوانانی است که اهل طبیعت‌گردی هستند یا کم کردن هزینه‌های سفر برایشان اهمیت دارد. این گردشگران تمایل دارند که با فرهنگ و تاریخ و سبک زندگی مردمان دیار دیگر آشنا شوند و از همان غذاهایی بخورند که باب طبع جامعه محلی است و به همان موسیقی گوش فرا دهند که مردمان سرزمین میزبان آن را به وجود آورده‌اند. آنان می‌خواهند با بومیان همراه شوند و در زندگی آنان سهیم شوند.

بد نیست بدانیم که گاهی در میان گروه اول کسانی هستند که شناخت از جامعه میزبان را طلب می‌کنند و برایش اهمیت قائل هستند، اما نهایتا چیزی که عایدشان می‌شود، فقط شبیه‌سازی‌ای از فرهنگ محلی است.

یکی از دلایل این است که آژانس‌های مسافرتی سعی دارند همه چیزهایی که باب میل گردشگران نیست را حذف کنند و اگر هم آنان چنین نکنند، گردشگر خود به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی نمی‌خواهد مشکلی پیش رو داشته باشد و به شیوه‌ای غیر معمول به دنبال آسایشی خیالی است.

سفر به شیوه گروه دوم یا حداقل با آن بینش، باعث می‌شود که «هویت فردی با هویت جمعی در هم بیامیزند و عقاید و عواطفی که شخص در در خلوت خود داراست در یک گروه عیان و بیان شود.» در این نوع از گردشگری است که فرد به تعالی و غنا می‌رسد و خود را بهتر کشف می‌کند.در آن نوع دیگر زمان‌هایی پیش می‌آید که می‌بینیم گردشگر فاقد ابتکار است، علاقه‌ای به ماجراجویی ندارد، از قوه تخیلش هیچ بهره‌ای نمی‌برد و مسوول تور هر چه را به خوردش بدهد، او به مصرف می‌رساند.

بنابراین سفر کردن برای افراد مختلف، معنی و همچنین رهاورد متفاوت دارد. این معنی در هنگامی که حکایت‌های سفر خود را بازگو می‌کنیم، خود را به خوبی نمایان می‌سازند. آیا از ارزانی یا گرانی کالا در مقصد گردشگری سخن می‌گوییم یا از آیین‌های مردمانی که در آن سرزمین می‌زیند.

به هر حال به تعداد انواع گردشگری، انواع گردشگر وجود دارد، اما همچنان که رونق گردشگری در کشور ما یک نیاز محسوب می‌شود، چگونه سفر کردن ما هم مساله‌ای درخور تامل است. نوروز امسال، ایرانیان بسیاری چه در داخل ایران و چه به خارج از کشور سفر کردند. امیدواریم نه تنها آمار دقیقی از این مسافران وجود داشته باشد، بلکه اثر این سفرها در زندگی روزمره و همچنین تغییر فرهنگ مورد بررسی قرار گیرند تا به عنوان یک بازتاب برای بهتر شدن سفر که خود برای بهتر شدن زندگی است، مورد مصرف قرار گیرند.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=313499

vista.ir
Online Classified Service

سفر، مهارت‌هایی لازم دارد که دانستن آنها لذتبخش‌ترش می‌کند

خیلی از ما به سفر فکر می‌کنیم و این مقوله در برنامه زندگی‌مان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اما گاهی نشناختن مهارت‌های مربوط به سفر، باعث می‌شود از این تفریح سالم و سفارش‌شده در دین و آیین ما، خاطرات بدی برایمان بماند و رغبت و شوق ما را به مسافرت‌های بعدی کم کند.در این نوشته، به مانند مطالب دیگری که هفته‌های گذشته در این صفحه خوانده‌اید، سعی می‌کنیم شما را با بخشی از این مهارت‌ها آشنا کنیم تا از مسافرت خود لذت بیشتری ببرید.

● رویاهایی نه چندان دور و دراز

ممکن است شما رویاهای دور و درازی برای گذراندن‌هرچه بهتر تعطیلات داشته باشید، مثلاً دلتان بخواهد به یکی از کشورهای زیبای دنیا مثل چین یا مصر، سفر کنید و یا تعطیلات را در جزایر قناری بگذرانید، ولی شرایط اقتصادی خانواده شما اجازه چنین مسافرت‌هایی را به شما ندهد. قرار نیست که زانوی غم بغل بگیرید و وقت‌های خوشی را به کام خود و خانواده‌تان، تلخ کنید. قبل از رسیدن تعطیلات با اعضای خانواده مشورت کنید و ببینید هر یک چه پیشنهادی برای لذت بردن از تعطیلات دارند. سپس شرایط مالی و اقتصادی خانواده و امکانات در دسترس خود مثل داشتن اتومبیل شخصی و ... را در نظر بگیرید و بر اساس این شرایط یک برنامه مناسب برای لذت بردن از تعطیلات بریزید. مسافرت به یکی از شهرهای دیدنی کشور خودمان و یا حتی مناطق خوش آب‌وهوای اطراف شهر هم تعطیلات شاد و خاطره‌انگیزی برایتان خلق خواهد کرد، به شرط این‌که بدانید فقط خود شما خالق لحظه‌هایتان هستید.

● هر سال فقط یک تعطیلات عید دارید

شما نیاز به استراحت دارید تا بتوانید انرژی فعالیت را در هفته آینده یا روزهای پس از تعطیلات ذخیره کنید، پس در سفر، دور کار و فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای خود یک خط بزرگ بکشید! ممکن است با کار کردن در این چند روز، مقداری بیشتر پول در بانک ذخیره کنید، ولی فرصت خوش‌گذراندن را از خود و همسفرانتان سلب کرده‌اید.

● مسافرت با یک کوچولو

شما ممکن است به تازگی صاحب فرزند شده باشید و کوچولوی دو، سه ساله شما اولین باری باشد که بخواهد با شما به مسافرت بیاید. شاید هم خواهر و یا برادر کوچکتری داشته باشید که باید هنگام مسافرت و درون اتومبیل با او همسفر شوید. به او اجازه دهید تا اسباب‌بازی‌های کوچک و دلخواهش را همراه بیاورد. در طول مسیر می‌توانید با او درباره مناظر بیرون از اتومبیل صحبت کنید و درباره حیوانات، گیاهان و طبیعت اطراف برایش توضیح دهید. حتی می‌توانید موسیقی‌های مورد علاقه او و شاد که سایر اعضا خانواده نیز آن را دوست دارند، در اتومبیل گوش کنید و در مسیر همراه کودک، شعر این موسیقی‌ها را زمزمه کنید. این کار به ایجاد فضایی شاد و خودمانی در طول سفر کمک می‌کند و خاطره سفر را برای کودکتان همیشه ماندگار می‌سازد.

● یاد بگیرید «نه» بگویید

اختلاف سلیقه‌ها درباره مسیر مسافرت، محل اقامت، فعالیت‌ها و گردش‌هایی که باید در سفر انجام داد طبیعی است؛ برای این‌که به همه خوش بگذرد و کسی از کسی دلخور نشود تا می‌توانید با نظر جمع کنار بیایید و تک‌روی نکنید. گاهی پدرها و مادرها تمایل دارند به یک مکان دیدنی بروند و جوان‌ترها می‌خواهند، ساعاتی از تعطیلات را به گونه‌ای دیگر بگذرانند. اصلاً اشکالی ندارد. شما می‌توانید دو دسته شوید و هر گروه آن چند ساعت را به تفریح مورد علاقه خود بپردازید، مثلاً شاید بزرگترها دوست داشته باشند در منزل بمانند و در حالی که یک عصرانه میل کنند و با هم گپ بزنند. در این شرایط جوان‌ترها می‌توانند همراه با یکدیگر به دیدن مناطق دیدنی شهر بروند و یا سوغاتی بخرند. ولی به خاطر داشته باشید

شما مجبور نیستید فعالیتی را که اصلاً میلی به آن ندارید، انجام دهید. می‌توانید خیلی محترمانه «نه» بگویید؛ به جای این‌که چندین ساعت را در رنج و عذاب و ناراحتی و دلخوری سپری کنید، این حق شماست که از سفر همان‌طور که می‌خواهید لذت ببرید.

● امنیت در هتل

یکی از مواردی که می‌توانید همه چیز را در سفر خراب کند، این است که پول یا وسایلتان را به سرقت ببرند! در مناطق توریستی افرادی در کمین هستند تا از فرصت استفاده کرده و به سرقت اموال مسافران بپردازند. در اتاق هتل و یا ویلایی را که اجاره کرده‌اید به روی افرادی که نمی‌شناسید، باز نکنید.اگر این افراد خود را مستخدم هتل معرفی کردند، با پذیرش هتل تماس بگیرید و ببینید که گفته آن‌ها صحت دارد و برای چه هدفی قصد دارند وارد اتاق شوند. هنگامی که قصد دارید محل سکونتتان را ترک کنید درب‌ها و پنجره‌های اتاقتان را قفل کنید و درب کمدی را که اشیاء قیمتی، مدارک و پول‌هایتان در آن است را به دقت کنترل کنید. کلید اتاق هتل خود را بر روی میز رستوران و یا محلی که به راحتی می‌تواند دزدیده شود نگذارید. اشیای قیمتی خود را به صندوق امانات هتل تحویل دهید و رسید دریافت کنید. اگر با اتومبیل خودتان سفر می‌کنید این اشیا قیمتی را در اتومبیلتان نگه ندارید، مخصوصاً جلوی دید دیگران.

● فرصتی برای آشنایی

اگر با هواپیما قطار یا اتوبوس مسافرت می‌کنید می‌توانید سر صحبت را با مسافر کنار خود باز کنید. صحبت کردن با یک همسفر خوب می‌توانید مسیر را برایتان کوتاهتر کند و به شما ایده‌های خوبی بدهد. البته این بستگی به جاذبه‌های شما و همسفرتان دارد و این‌که آیا شما می‌توانید با هم رابطه خوبی برقرار کنید یا نه. اگر او را آرام جذابی نیافتید، خســـتگی را بهانه کنید و لحظاتی را به خواب بگذرانید؛ خیالتان راحت که به احتمال زیاد او را دیگر هیچ‌گاه در عمرتان ملاقات نخواهید کرد! ولی گاهی جذاب‌ترین و موفق‌ترین دوســتی‌ها در همین سر صحبت بازکردن‌های طول مســـیر آغــاز می‌شوند.

● راضی کردن همه ممکن نیست

بیهـــــوده تلاش نکنید در طول تعطیلات و مسافرت، همه را از خود راضی نگه دارید. این هدفی است که هیچ‌گاه به دست نمی‌آید، بنابراین فشار و استرس بر خود وارد نکنید و شادابی را از خودتان سلب نکنید. به جای آن تلاش کنید با همسفران خود به گفت‌وگو بنشینید و با دلیل و استدلال با هم کنار بیایید. این بهترین کاری است که شما برای شاد بودن همه اعضا خانواده یا جمع دوستان می‌توانید انجام دهید.

● خودتان را فراموش نکنید

خیلی‌ها عادت دارند در تمام اوقات تعطیلات با دیگران باشند و به رفت‌وآمد و مهمانی و خوش‌گذرانی بپردازند ولی فراموش نکنید شما به خودتان نیز نیاز دارید. بنابراین ساعاتی از سفر را به خودتان اختصاص دهید. برنامه روزهای آینده‌تان را در یک دفترچه یادداشت کنید، نیایش کنید، تمرینات ریلکسیشن را انجام دهید و به فعالیت‌های مورد علاقه خودتان بپردازید.

● تنهایی به مسافرت نروید

معمولاً هنگامی که تنهایی در تعطیلات به مسافرت می‌روید، چندان خوش نمی‌گذرد. اگر دور و بر خود چندین خانواده را سراغ دارید که با شما هماهنگی دارند، بد نیست که از آن‌ها برای یک مسافرت دسته‌جمعی دعوت کنید. در این مسافرت‌ها هر یک از اعضای خانواده می‌تواند هم سن و سال خود پیدا کند که اوقات مسافرت را با آن‌ها به خوشی و شادی بگذراند. به علاوه شما می‌توانید در مخارج سفر و یا پرداخت هزینه محل اقامت با هم شریک شوید و در هزینه‌های سفر خود صرفه‌جویی کنید.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=258962

vista.ir
Online Classified Service

سفر؛ ضرورتی برای زندگی

آژانس‌های مسافرتی که در زمینه تورهای ورودی و خروجی فعالیت می‌کنند، پایانه‌های اصلی گردشگری کشور را شکل می‌دهند.

در واقع نقش این دفاتر فراهم نمودن موقعیت و فضایی مناسب و در دسترس برای خرید سفر توسط افراد است. برای شنیدن نقطه نظرات و چالش‌های موجود در این عرصه به سراغ دکتر حسن انصاری نائب رئیس انجمن صنفی دفاتر مسافرتی رفتیم.وی عضو کمیسیون فنی نظارت بر دفاتر مسافرتی تهران است. در این مصاحبه موارد زیادی مورد بحث قرار گرفت که خلاصه‌ای از آن پیش روست.

▪ علل اصلی سهم ناچیز کشور ما از درآمدهای ناشی از گردشگری خارجی چیست؟

علل پائین بودن سطح درآمدهای ارزی کشور از گردشگری ورودی، با توجه به برخورداری ایران از جاذبه‌های متنوع و کم نظیر در این عرصه را می‌توان حول دو محور داخلی و خارجی بررسی کرد. در عوامل داخلی می‌توان به اجرایی نشدن برنامه‌های فراگیر کوتاه مدت و بلند مدت برای توسعه متوازن گردشگری ورودی و تبیین کننده راه بردهای کلی صنعت گردشگری، کافی نبودن امکانات زیر ساختی و روساختی مانند هتل و مراکز تفریحی، جاده‌ها، خدمات پذیرایی بین راهی و مراکز اطلاع رسانی برای گردشگران، کمبود منابع اطلاع‌رسانی مانند کتاب، بروشور و لوح فشرده، همچنین نبود نیروهای متخصص و کارآزموده و تبلیغات اندک برای معرفی جاذبه‌های کشورمان در سطح بین‌المللی اشاره کرد.

همچنین وجود برخی از قوانین و مقررات دست و پا گیر برای جذب گردشگران خارجی، نبودن ارزیابی و سنجش خدمات ارائه شده به گردشگران و کمبود برنامه‌های آموزش عمومی برای معرفی ابعاد مثبت گردشگری ورودی در سطح جامعه از دیگر عوامل داخلی این امر است که می‌توان تمامی این موارد را به راحتی و با هماهنگی میان قسمت‌های مختلف مسئول از میان برد.

در خصوص عوامل خارجی نیز می‌توان به مواردی مانند تبلیغات مسموم و بزرگنمایی برخی از مسائل که موجب ایجاد تأثیر منفی از کشورمان می‌شود و بی‌ثباتی در منطقه در نتیجه جنگ و ناامنی در عراق و افغانستان به عنوان همسایه ایران اشاره کرد.

▪ گردشگری داخلی را می‌توان بنیانی برای رسیدن به سطح مطلوب گردشگری خارجی در کشور دانست. برای تقویت این بنیان چه راهکارهایی را می‌توان مورد استفاده قرار داد؟

گردشگری داخلی باید فرهنگ سازی شود و اولین گام با حضور فعال رسانه‌ها آغاز می‌شود. در گام‌های دیگر اعمال سیاست‌هایی از سوی سازمان گردشگری برای ارزان سازی و آسان سازی سفر و قرار دادن آن در سبد نیازهای خانواده بطور همزمان می‌بایست مورد توجه قرار گیرد و با تعریف سفر به عنوان یک ضرورت باور جامعه را در این زمینه تقویت کرد.

تا کنون ما شاهد اجرای طرحهای مختلفی از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نظیر طرح سفرهای ارزان قیمت، طرح همه زمانی، همه مکانی و همگانی کردن سفر، طرح سفر کارت برای تشویق کارکنان دولت به سفر و نیز برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌های ملی و تخصصی هستیم که می‌توانند در صورت اجرای دقیق تأثیر قابل توجهی در این عرصه داشته باشند.

پس همگانی کردن سفر و فراگیر شدن آن مستلزم عزم ملی و حمایت‌های ویژه سازمانهای مسئول در تعامل بادست‌اندرکاران بخش خصوصی و دولتی است.

در کنار اقدامات مذکور به انتظارات و نیازهای گردشگران نیز باید توجه شود. ایجاد مجتمع‌های بین‌راهی مطابق با استانداردهای مورد قبول در اکثر نقاط کشور، ایجاد و یا افزایش مراکز اقامتی مناسب در شهرهایی که کمبود آن محسوس است، افزایش امکانات و خدمات در مناطق باستانی و سایت‌های گردشگری، ایجاد و افزایش مراکز اطلاع‌رسانی گردشگری در مبادی ورودی شهرها و مناطق مختلف هر شهر و تجهیز آن به اقلام

تبلیغاتی مناسب، افزایش آموزش‌های عمومی و تخصصی به کارکنان بخش‌های مختلف گردشگری، توجه ویژه به فن‌آوری اطلاعات در گردشگری و توسعه آن، تهیه و معرفی برنامه‌های متنوع سفر(سفرنامه) متناسب با بودجه و علاقه افراد در چرخه‌های مختلف زندگی نیز از جمله راهکارهای موجود است.

▪ با توجه به مشکلاتی که در تورهای ورودی مطرح شد و نیز موضوعاتی که در ارتباط با سفرهای داخلی وجود دارد آژانسهای مسافرتی با چه مشکلاتی روبه رو هستند؟

کافی نبودن حمایتهای معنوی از آژانسها از جمله نبود تبلیغات گسترده بین‌المللی و داخلی، در راستای توسعه گردشگری ورودی و داخلی، کافی نبودن حمایتهای مالی به شکل اعطای وامهای کم بهره، نبود وحدت رویه در برخی از مقررات، وجود مشکلات دریافت ویزا برای برخی از تورهای ورودی و خروجی، عدم حمایتهای مالیاتی علیرغم وجود مصوبات قانونی، کمبود نیروهای کارآزموده و متخصص، عدم وجود بیمه‌های جلوگیری کننده از زیانهای کلان دفاتر در زمانهای لغو تورهای ورودی و خروجی و بطور کلی آشنایی اندک جامعه در مورد فرهنگ سفر با تور در سطح جامعه از جمله مشکلات آژانس‌هاست.

شما با دقت به مشکلات آژانس‌ها اشاره کردید ولی برخی از آژانسهای مسافرتی توجهی به خواسته گردشگران ندارند. به نظر شما مشتری‌مداری در آژانس‌ها چه جایگاهی دارد؟

به نظر من مشتری‌مداری اصلی‌ترین موضوع در عرصه جهانگردی است که تعیین‌کننده مبلغ، زمان و کیفیت است و در واقع هدایت‌گر بازار سفر است. پس چنانچه در آژانس مسافرتی افراد کارآزموده و حرفه‌ای شاغل باشند شعار "حق همیشه با مشتری است" را مورد توجه قرارداده و به آن معتقد خواهند بود.

توجه به خواسته و نیاز گردشگران و معرفی صحیح برنامه سفر و امکانات تور به مخاطبان از وظایف آژانسهای مسافرتی است و در این رابطه آژانس‌ها باید برای ارائه خدمات از نیروهای مجرب و کارآزموده استفاده کنند.

▪ به خدمات آژانس‌های مسافرتی اشاره شد. به نظر شما مدیران یا مجریان تورها به طور علمی باید به چه عواملی در برنامه‌ریزی تورها توجه کنند که موجبات رضایت مسافران در طول سفر فراهم شود؟

پاسخ به این سؤال بحث طولانی‌تری را می‌طلبد. ولی اگر بخواهیم در یک جمله به این سؤال پاسخ دهیم اینگونه می‌توان بیان کرد که مجریان تورها علاوه بر پایبندی به تعهدات ارائه شده می‌بایست حتی خدماتی فراتر از آنچه به مسافر تعهد شده ارائه نمایند.

پس در برنامه‌ریزی علمی تور توجه به جزئیات هر سفر، بررسی و کنترل کیفیت خدمات در حمل و نقل‌ها (زمینی- هوایی- دریایی) و مراکز اقامتی و توجه به فاکتورهای گوناگون تاثیرگذار در سفرنامه‌ها، با توجه به شرایط خاص هر تور و توجه به فواصل و زمان بازدید از اماکن و تنظیم برنامه پذیرائی‌های لازم و نیز مطالعه گزارش‌های سفرهای قبلی از مهمترین موارد لازم در برنامه‌ریزی است.

▪ تعامل آژانسها با سازمان گردشگری چگونه است؟

سازمان به عنوان متولی گردشگری، در تعیین خط مشی و سیاستهای کلی گردشگری، فراهم آوردن امکانات آموزشی در جهت تربیت منابع انسانی مورد نیاز و همچنین حمایت و نظارت بر کار دست اندرکاران گردشگری و در جهت دست‌یابی به اهداف کلی نقش اصلی را دارد.

همچنین سازمان گردشگری به عنوان سازمان بازاریابی مقصدDMO در کشور مسئولیت مهم معرفی جاذبه‌های گردشگری ایران و ارائه سیمای مثبت از کشورمان به عنوان یک مقصد گردشگری را به عهده دارد.

با محقق شدن این مسائل صنعت گردشگری در مسیری هموار حرکت خواهد کرد و تمامی طرفهای ذینفع از رشد آن بهره خواهند برد. سازمان از طریق معاونتهای گوناگون در تمامی محورهای فوق فعالیت دارد اما در مورد بعضی از محورها شاید بتوان پررنگ‌تر کار کرد.

▪ دفاتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از کشورها در بهترین مکانها استقرار دارند. به نظر شما این دفاتر در عرصه گردشگری و معرفی جاذبه‌های کشورمان تا چه حد می‌تواند موثر باشند؟

در واقع دفاتر هر شرکت هواپیمایی برای مقاصد و مأموریتهای ذاتی تعیین شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر آن در اکثر شرکتهای هواپیمایی و دفاتر آنها مرسوم است که برای توسعه فروش، اقلام تبلیغاتی اعم از پوستر و بروشور جاذبه‌های توریستی مسیرهای پروازی خود را تهیه و به مسافرین و گردشگرانی که برای تهیه بلیط پروازهای خود مراجعه می‌نمایند ارائه و یا در مکانهای مختلف در معرض نمایش قرار می‌دهند.

این موضوع طی چند سال گذشته همیشه مطرح بوده است که چگونه می‌توان از امکانات بالقوه دولتی و خصوصاً هما در سایر کشورها برای معرفی جاذبه‌های ایران و در نتیجه افزایش تعداد گردشگران علاقه‌مند به دیدار از میهن استفاده کرد که ظاهراً در سال گذشته در این رابطه

توافق‌نامه‌ای فی‌مابین، بین مدیرعامل هما و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برای همکاری در زمینه مذکور در دفاتر هما تنظیم گردید که امیدواریم از این فرصت به نحو شایسته‌ای برای معرفی جاذبه‌های غنی کشورمان و گردشگران خارجی استفاده شود.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=268731

vista.ir
Online Classified Service

سفرت بخیر، اما ...

از آنجایی که نیروی انسانی از عوامل عمده رشد و توسعه هر کشور بوده و اصلی‌ترین سرمایه هر کشور نیروی انسانی آن کشور و به خصوص نیروی انسانی تحصیل‌کرده است، لذا با گذشت زمان، توجه کشورها به تربیت نیروی انسانی کارآمد، فزونی یافته و به موازات این موضوع، حساسیت کشورها بر مهاجرت نیروی انسانی نیز افزایش یافته است. هرچند در بحث مهاجرت، هجرت هر فردی از کشوری که وطن وی محسوب می‌شود و اقامت در کشوری دیگر قابل توجه است، ولیکن مهاجرت نخبگان و افراد تحصیل‌کرده از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است.

در حال حاضر، آمار دقیقی از افرادی که سالیانه از کشور خارج و برای اشتغال و زندگی به سایر کشورها مهاجرت می‌کنند، در دسترس نیست اما براساس اخبار و اطلاعات منتشره از صندوق بین‌المللی پول و سایر مراجع معتبر بین‌المللی، میزان مهاجرت افراد تحصیلکرده از کشورهایی مانند هندوستان، چین و ایران به نسبت سایر کشورها قابل توجه است. همچنین براساس اعلام مراجع ذی‌ربط در کشورمان از قبیل وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بیشتر افرادی که در کنکور سراسری دارای رتبه دو رقمی (رتبه زیر ۱۰۰) هستند، از یکی از دانشگاه‌های معتبر دنیا (به خصوص کانادا و آمریکا) نامه‌ای مبنی بر امکان ادامه تحصیل در آن دانشگاه‌ها برای مقاطع بالاتر با ارایه امکانات مناسب پس از اتمام دوره تحصیلات دانشگاهی در ایران دریافت می‌دارند و بیشتر دانش‌آموزانی که در المپیادهای متعدد علمی صاحب رتبه می‌شوند، برای ادامه تحصیل به خارج از کشور دعوت می‌شوند. همچنین تعداد فارغ‌التحصیلانی که پس از اتمام تحصیلات خود در کشور، مدارک خود را برای ترجمه به منظور خروج از کشور دریافت می‌دارند، قابل توجه است. بلاشک هوش و استعداد برتر جوانان ایرانی از عوامل عمده تلاش سایر کشورها برای جذب این استعدادها و نیروی انسانی که با صرف میلیاردها ریال حاصل شده است، می‌باشد اما به طور مسلم، این تنها عامل مهاجرت افراد از کشور نیست و باید به سایر عواملی از قبیل عوامل علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... نیز توجه کرد.

تحقیقات نشان می‌دهد که در میان عوامل متعدد موثر در مهاجرت و یا مهاجرت نکردن نیروی انسانی یک کشور، فراهم بودن زمینه و امکانات

علمی و تحقیقات نقش و اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل دارد، چراکه فرد متخصص در جستجوی ارایه آنچه در توان دارد، است و کشوری نتواند زمینه لازم را برای کار علمی و تحقیقاتی این قشر فراهم آورد، به طور مسلم به نحوی خواسته یا ناخواسته زمینه را برای خروج این افراد فراهم کرده است و بالعکس کشوری که امکانات و شرایط مناسب برای استفاده از تخصص این افراد را فراهم آورده باشد، به راحتی سبب جذب متخصصان و محققان می‌شود.

بنابراین توجه به این نکته حایز اهمیت است که سرمایه‌گذاری در امر تحقیقات و فراهم آوردن بستر لازم برای استفاده هر چه بیشتر از نیروهای علمی و تحصیل‌کرده، نه تنها باعث حفظ نیروی انسانی هر کشور و رشد علمی و اقتصادی آن می‌شود، بلکه سبب افزایش تمایل متخصصان سایر کشورها به مهاجرت به آن کشور نیز می‌شود. البته باید توجه داشت که تنها سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش و تحقیقات نمی‌تواند مانع خروج و مهاجرت نیروی انسانی متخصص شود، چراکه کشورهایی وجود دارند که باوجود سرمایه‌گذاری کلان در بخش آموزش و تحقیقات باز هم نتوانستند بر معضل خروج نخبگان فایق آیند.

سایر عواملی که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌اند از

الف) به کارگیری صحیح و استفاده مناسب و بجا از نیروی تحصیلکرده و متخصص

ب) رعایت تعادل و تناسب در تربیت نیروی انسانی براساس نیاز کشور

ج) فراهم آوردن امکانات علمی و تحقیقاتی مناسب برای استادان، محققان و دانشجویان

د) داشتن استقلال و آزادی عمل برای محققان و دانشمندان به نحوی که محقق در زیر سلطه قوانین اداری گرفتار نشود و یا با نتایج حاصل از تحقیقات علمی وی برخورد غیرعلمی و غیرکارشناسی صورت نگیرد.

ه) رعایت شأن علم و افراد متخصص و صاحب‌نظر، چراکه هر مساله‌ای که موجب شود متخصص و محقق شاغل در محیطهای علمی احساس کند مورد بی‌توجهی و کم‌لطفی مسوولان است، خواه از لحاظ مادی و خواه از لحاظ معنوی، موجبات یاس و ناامیدی این قشر را فراهم آورد و زمینه را برای خروج این افراد از کشور فراهم می‌سازد. این موضوع، به خصوص در کشورهای در حال توسعه که با مشکلات فرهنگی و اقتصادی بیشتری مواجه و متخصصان و دانشمندان با مشکلات معیشتی جدی‌تری مواجه هستند، بیشتر خودنمایی می‌کند.

و) توجه به سطح علمی دانشگاه‌ها و رعایت توازن و رشد کمی و کیفی دانشگاه‌ها، چراکه بی‌توجهی به کیفیت مسایل آموزشی و پژوهشی در دانشگاه به واسطه پرداختن به کمیت موجبات نارضایتی استادان و دانشجویان را فراهم آورده و تداوم آن موجب تیره شدن چشم‌انداز آینده برای بسیاری از نخبگان و در نتیجه تمایل آنان برای خروج از کشور می‌شود.

علاوه بر عوامل علمی که ذکر شد عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز از دیگر عوامل موثر در مهاجرت است. عوامل فرهنگی و اجتماعی علاوه بر تاثیر در مهاجرت نخبگان و اقشار تحصیل‌کرده در مهاجرت عامه جامعه نیز تاثیر به سزایی دارد. شرایط فرهنگی و اجتماعی یک کشور از حیث وجود نظم و امنیت اجتماعی، محفوظ بودن جایگاه دانشمندان و افراد تحصیلکرده و روشنفکر، فقدان برخوردهای اجتماعی ناهنجار، نبود فساد، تبعیض، تمایزات قومی و نژادی، احترام به نظرات و دیدگاه‌ها، احترام به باورها و اعتقادات، خدمات و رفاه اجتماعی، وجود امکانات آموزشی مناسب و تامین بودن آتیه فرزندان و... از جمله عوامل موثر در تصمیم‌گیری افراد به ماندن در یک کشور و یا ترک آن کشور است. از طرف دیگر، وجود جاذبه‌های متعدد در سایر کشورها از قبیل تامین اجتماعی، پیشرفت شغلی، استقلال در کار، تطابق فرهنگی، رعایت قوانین اجتماعی، حفظ حرمت و جایگاه انسان‌ها و... از جمله عوامل جذب افراد به سایر کشورها است. عوامل عاطفی، وابستگی‌های اجتماعی و خانوادگی و پیوندهای دوستی، احساسات میهن‌پرستی و کشور دوستی، نگرش‌های فرهنگی، دیدگاه‌های مذهبی نیز از عوامل موثر در مهاجرت نیروی انسانی است.

عامل مهم دیگری که علاوه بر عوامل علمی و فرهنگی ـ اجتماعی در مهاجرت افراد موثر است، عامل اقتصادی است. این عامل از چند دیدگاه قابل توجه است:

- نقش اقتصاد در تحقیقات:

بلاشک کشورهایی که از توان اقتصادی بالاتری برخوردارند اعتبارات بیشتری را نیز به امر تحقیقات اختصاص می‌دهند و همین امر موجب پیشرفت سریع‌تر علمی شده و در نتیجه محققان و دانشمندان تمایل بیشتری به سکونت و اشتغال در چنین کشوری نشان خواهند داد. نقش اقتصاد در بهبود شرایط زندگی و سلامت جامعه: به طور مسلم، کشورهایی که از وضعیت کلان اقتصادی بهتری برخوردارند، از لحاظ شرایط زندگی وضعیت بهتری را دارند بنابراین از جاذبه بالاتری نیز برخوردار هستند. تحقیقات نشان می‌دهد که امید به زندگی با تولید سرانه ناخالص ملی ارتباط مستقیم دارد، هرچند که شیوه مصرف و به کارگیری نشان می‌دهد بالاترین امید به زندگی در کشورهایی وجود دارد که لزوما ثروتمندترین کشورها

نیستند اما اینها کشورهایی هستند که کمترین میزان نابرابری را در توزیع درآمدها دارند.

▪ نقش اقتصاد در زندگی فردی:

میزان درآمد، فواصل درآمدی، هزینه‌های زندگی از قبیل هزینه مسکن، خوراک، پوشاک و... از عواملی است که بر سطح زندگی افراد تاثیر گذاشته و بر تصمیم افراد اعم از تحصیل‌کرده و غیر تحصیل‌کرده در ماندن در یک کشور و یا ترک آن کشور موثر است. عوامل سیاسی نیز از دیگر عواملی است که در مهاجرت افراد به خصوص قشر تحصیل‌کرده و روشنفکر از یک کشور نقش به سزایی دارد. به طور مثال، در کشور آرژانتین پس از کودتای سال ۱۹۶۶ فقط از دانشگاه بوینس آیرس صدها نفر از استادان به خارج از کشور عزیمت کردند و یا در ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی روند عزیمت دانشمندان و محققان به خارج از کشور سیر صعودی به خود می‌گیرد و یا در کشور عراق پس از حمله آمریکا به این کشور و تغییرات پیش آمده دانشگاه‌ها با کمبود جذب نیروی انسانی مواجه می‌شوند. البته از آنجایی که موارد فوق‌الذکر استثنا تلقی می‌شود و اغلب دانشمندان بیشتر از آنکه معطوف به مسایل سیاسی باشند سرگرم امور علمی خود هستند بنابراین می‌توان گفت که عامل سیاسی به معنای خاص کلمه و به خودی خود نمی‌تواند عامل جدی مهاجرت محسوب گردد اما به طور قطع، آنچه در این امر موثر است شیوه برخورد مسوولان سیاسی و شیوه مدیریت است که در امر استفاده صحیح از نیروی انسانی و استعدادها سهم اساسی دارد.

البته به این نکته باید توجه کرد که در کشورهای در حال توسعه ضعف ثبات سیاسی و تغییر سریع قوانین و دستورالعمل‌ها و تاثیر این تغییرات بر جامعه به خصوص برای افرادی که با برنامه‌های علمی و دقیق آینده را می‌نگرند، در مهاجرت افراد امری غیرقابل انکار می‌باشد. در این میان، فقدان استقلال عمل، امنیت شغلی و فکری و برخوردهای ناشایست با اهل علم توسط مسوولان سیاسی هر کشور تاثیر مستقیم و قابل توجهی در مهاجرت اقشار تحصیلکرده برجای می‌گذارد.

به هر حال هر چند عواملی که ذکر شد تنها عوامل موثر در مهاجرت افراد نیستند، ولیکن در اینجا مجال پرداختن بیش از این به این عوامل نیست. آنچه مهم است این است که از دست دادن نیروی انسانی کارآمد یک ضایعه ملی برای هر کشوری محسوب می‌شود و به طور مسلم نمی‌توان با اقدامات سطحی و روبنایی با این معضل مقابله کرد و لازمه برخورد با این موضوع اتخاذ راهکارهای همه جانبه و ملی و تبیین سیاست‌های کلان و کشوری است، لیکن اجمالا می‌توان به محورهای ذیل به عنوان راهکارهای مقابله با از دست دادن نیروی انسانی اشاره کرد:

از آنجایی که مهاجرت (Immigration) به طور عام معادل از دست دادن نیروی انسانی کارآمد و تحصیل‌کرده تلقی نمی‌شود و بسیاری از مهاجران دارای تحصیلات دانشگاهی نیستند و مهاجرت این دسته از افراد از لحاظ علمی، اقتصادی و سیاسی چندان با اهمیت تلقی نمی‌شود، بنابراین باید بیشتر به مهاجرت نخبگان یا به اصطلاح فرار مغزها (Brain Drain) توجه کرد و این به معنای خروج نیروی انسانی متخصص و نخبه یک کشور است. به طور کلی فرار مغزها زمانی اطلاق می‌شود که فرد ارتباط خود را با کشور به طور کامل قطع کرده و کشور مبدأ به هیچ‌عنوان نتواند از دانش و علم فرد استفاده کند. از آنجایی که مهاجرت نخبگان واقعیتی موجود است بنابراین بهتر است به جای برخورد نامناسب با متخصصانی که به هر دلیل در خارج از کشور خود به سر می‌برند، ارتباط منطقی در جهت استفاده از علم و دانش ایشان برقرار شود و با تشکیل شبکه‌های منسجم علمی تا سر حد امکان از توان علمی این دسته از افراد برای پیشرفت و آبادانی کشور بهره جست که این امر پدیده (Brain circulation) را رقم خواهد زد. از طرف دیگر، باید به این نکته نیز توجه کرد که همیشه از دست دادن نیروی انسانی با خروج افراد از کشور صورت نمی‌گیرد و در بسیاری از موارد نیروی متخصصی که در خارج از کشور است، با ایجاد ارتباط علمی با کشور خود و انتقال دانش و فناوری جدید مایه پیشرفت کشور خود را فراهم می‌آورد و بالعکس بعضی از نیروهای متخصصی که در داخل کشور هستند بیش از آنکه برای کشورش مفید باشند، در جهت خدمت به کشورهای سرمایه‌داری چه از طریق انتقال تکنولوژی و خرید دستگاه‌های غیرضروری برای کشور و چه از طریق انجام تحقیقاتی که هیچ فایده‌ای برای کشور نداشته و نتیجه‌اش عاید کشورهای پیشرفته شده و تنها سبب هدر رفتن مواد، سرمایه و امکانات کشور می‌شود، نیز به نوعی هدر رفتن مغزها و سرمایه‌ها تلقی می‌شود. بنابراین باید به پدیده انتقال تکنولوژی که اغلب از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد نیز با دقت نظر بیشتری نگریست و بر دانشمندان است تا تلاش کنند به جای اینکه جهان سوم در خدمت علم و صنعت کشورهای پیشرفته باشد، در خدمت کشورهای در حال توسعه باشد. توجه دانشمندان کشورهای در حال توسعه به این نکته که آیا هر علم و تکنیکی که در کشورهای پیشرفته وجود دارد، بدون چون و چرا برای کشورهای در حال توسعه نیز مفید است موجب خواهد شد تا این قشر بیش از آنکه مقهور پیشرفت‌های سایر کشورها شوند، به فکر پیشرفت واقعی کشور خود با به کارگیری علم و توان علمی خود باشند و از طرف دیگر، مسوولان هر کشور نیز با استفاده از توان علمی متخصصان و دانشمندان کشور که در خارج از کشور به سر می‌برند، موجبات ترقی و پیشرفت کشور را فراهم آورند.

علاوه بر مسایل فوق، توجه به این نکات نیز در کاهش مهاجرت نیروی انسانی تاثیر تعیین کننده‌ای خواهد داشت: ترویج روحیه احترامگذاری به علم و عالمان و احترام به آرا و اندیشه‌های صاحب‌نظران و متخصصان، تقویت روحیه وطن دوستی و تقویت فرهنگ ملی، بهبود و ارتقای سطح کیفی دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی، ایجاد ثبات و آرامش در جامعه و اجرای دقیق قوانین و مقررات، توجه به تحقیقاتی که موجب پیشرفت و آبادانی کشور است و پرهیز از تحقیقات لوکس که نمی‌تواند مشکلی از کشور را برطرف کند، تقویت ارتباط با مراکز علمی و تحقیقاتی دنیا و همچنین تقویت ارتباط با متخصصان مقیم خارج از کشور و در نهایت، مشخص کردن چشم‌انداز و راهبرد پیشرفت علمی کشور و یا به اصطلاح تبیین نقشه جامع علمی کشور از جمله عواملی هستند که ضایعات ناشی از مهاجرت نیروی انسانی هر کشوری را به حداقل خواهند رساند.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319255

vista.ir
Online Classified Service

سفردر زمستان هم رونق دارد

این روزها سفر کردن به نقاط مختلف کشور به دلیل سرمای هوا کاهش یافته است، اما سرمای هوا هنوز نتوانسته عاشقان اصلی سفر را مایوس کند و مناطق زیبا و دیدنی کشور در زمستان نیز پذیرای مهمانان ویژه خود است.

ایران به دلیل گستردگی و تنوع بوم شناختی وبلندی های متنوع، دارای شرایط آب و هوایی بسیار متفاوت است که این شرایط سبب شده تا مسافرت در این کشور در چهارفصل سال رونق داشته باشد.تمامی جاده های کشور آخر هفته ها شاهد تردد خانواده هایی است که برای دیدن جاذبه های طبیعی، تاریخی و فرهنگی بار سفر را بسته اند و فرهنگ سفر در ایرانیان فرهنگ جا افتاده ای است.

این روزها سفر کردن به نقاط مختلف کشور به دلیل سرمای هوا کاهش یافته است، اما سرمای هوا هنوز عاشقان اصلی سفر را مایوس نکرده و مناطق زیبا و دیدنی کشور در زمستان نیز پذیرای مهمانان ویژه خود است.در زمستان که معمولا از ماه دوم پاییز آغاز شده و تا عید نوروز طول می کشد (در فواصل ماههای دسامبر تا فوریه) اکثر مناطق کشور بشدت سرد است در حالی که در تابستان (جون تا آگوست) گرمای هوا به چهل درجه بالای سانتیگراد می رسد.

میانگین سالانه دما در ایران از شمال غربی به شمال شرقی تغییر می کند و از منهای ده درجه سانتیگراد در آذربایجان تا به ۲۵ - ۳۰ درجه سانتیگراد در جنوب و جنوب شرقی می رسد. نواحی ساحلی جنوب و شمال ایران در مقایسه با مناطق مرکزی و کوهستانی الگوی هواشناختی بسیار متنوعی دارد.شهرهای شیراز، اصفهان، تهران، مشهد و تبریز که مهمترین مراکز جلب جهانگردند آب و هوای بسیار متنوعی دارند. شیراز با چهار

ماه هوای گرم در صدر این فهرست قرار می گیرد و تبریز با یك ماه هوای گرم در ردیف آخر قرار دارد.

● جنوب ایران ، مقصد گردشگران زمستانه

میانگین سالانه دمای بندرعباس در اوایل زمستان ۱۸/۵ سانتیگراد است و میزان بارش سالانه مناطق مختلف کشور نیز در این فصل بسیار متفاوت است.ایران دارای آب و هوای متناوبی است که در برخی مناطق کشور گرمای تابستان و سرمای زمستان مشابه است، به همین دلیل آب و هوای ایران در هر منطقه باید به صورت جداگانه مورد توجه قرار گیرد.

جزیره کیش از جمله مناطق دیدنی ایران زمین است که زمستان ها از استقبال بیشتری برخوردار بوده و با آب و هوای بهاری خود جمع کثیری از گردشگران زمستانه را به سوی خود جلب می کند در آذر ماه و دی ماه سه نوع منطقه آب و هوایی در ایران وجود دارد، سواحل دریای خزر دارای آب و هوای معتدل سرد، مناطق مرکزی دارای آب و هوای سرد زمستانی و مناطق کناری دارای آب و هوای متوسط و ملایم است، ولی در مناطق جنوبی هوا بسیار گرم است و در تابستان تحمل آب و هوای مناطق مرکزی بسیار مشکل تر است.

غریب، معاون گردشگری سازمان منطقه آزاد کیش گفت: « سفرهای زمستانه و پاییزه به کیش در چند سال اخیر رونق یافته است و مردم برای حس کردن هوای بهاری و لذت بردن از آب و هوای خلیج فارس به این جزیره زیبا و دیدنی سفر می کنند.»وی افزود: « برای بیشتر شدن تعداد مسافران کیش جاذبه های گردشگری این جزیره در حال ساماندهی است.»جهانگردهایی که در فصل زمستان به سواحل جنوبی ایران می روند با آب و هوایی بسیار مطبوع روبه رو می شوند، در حالی که در همان زمان مردم استانهای فارس و اصفهان آب و هوایی بارانی یا برفی دارند.در فصل تابستان آب و هوای همه مناطق کشور تا حد قابل تحملی گرم می شود اما بهترین زمان برای بازدید از مناطق مختلف ایران دو فصل بهار و پاییز و بویژه ایام نوروز است.شمال کشور در پاییز و زمستان از زیبایی خارق العاده ای برخوردار بوده و گردشگران خاص خود را دارد.

● سفرهای زمستانی به شمال ایران

رشته کوه های البرز زمستان ها میزبان کوهنوردان است و سواحل دریاچه بزرگ خزر نیز پاییز و زمستان از صنعت گردشگری بی بهره نیست.در اواخر هفته ها و تعطیلات رسمی جاده های منتهی به شمال کشور همیشه پر از مسافرانی است که با خودروهای شخصی و یاوسایل نقلیه عمومی راهی شهرهای ساحلی شمال ایران هستند.گویا نزدیك بودن پایتخت به شهرهای شمالی سبب شده است که این مناطق کشور هیچگاه بدون مسافر نبوده و از سهمی از صنعت گردشگری را به خود اختصاص دهند،به این دلیل سواحل و جنگل های شمال همیشه حتی زمستانها پر از مسافر است و به همین دلیل آلودگی و به هم ریختگی در سواحل و جنگل های شمال ارمغان همیشگی گردشگران به این مناطق از کشور است.

● کویر، بهترین مقصد زمستانه گردشگران

اما کویر، مهمترین مقصد گردشگری پاییزه و زمستانه کشورمان است که متاسفانه به دلایلی چون ناشناخته بودن جذابیت های کویر و چگونگی سفر به این نقاط پست، تا به حال نتوانسته است آنطور که باید در توسعه صنعت گردشگری جایگاه خاصی را به خود اختصاص دهد.امسال برخی از دفاتر خدمات مسافرتی برای شناساندن این جاذبه طبیعی به مردم اقدام به برگزاری تورهایی برای دیدن کویرهای ایران ترتیب دادند. کویرهای ایران یکی از مهمترین قابلیت های اکوتوریستی است که چون شرایط خاصی را برای سفر می طلبد مردم به تنهایی نمی توانند برای این مسافرت ها اقدام کنند و همراه شدن با تورهای کویرنوردی بهترین راه مسافرت به کویرهای ایران است.

منبع : روزنامه ابرار

http://vista.ir/?view=article&id=242869

vista.ir
Online Classified Service

فکر سفر مدت‌ها بود که وسوسه ام می کرد. صدایی در گوشم می خواند: حالا که سفری به ۳۰ سال قبل نمی توانی بکنی، بیا و به ۲۰ سال قبل سفر کن؛ به تاشکند.

تدارکات سفر با هجوم احساسات برایم همراه بود. بعد از بیست سال در شرایطی دیگر به تاشکند باز می‌گشتم. شش سال در این شهر زندگی کرده بودم. امروز هم من شرایط دیگری داشتم و هم تاشکند به جامعه‌ای دیگر تعلق یافته بود: ازبکستان مستقل!

اولین نشانه همانا بوی آشنای تاشکند بود که با پیاده شدن از هواپیما در برم گرفت. با بستن چشم هایم، سینه را از هوای شبانگاه بهاری نیمه کویری پر کردم. هرآنچه تغییر کرده باشد، این هوا همان بود که می شناختم. در جای آشنایی فرود آمده بودم.

در مسیر فرودگاه تا شهر دیگر نشانی از تاشکند قدیم نبود. خیابان‌های پر از ماشین و پلاکات های تبلیغاتی بر سر هر چهار راه، نشان از شهری دیگر داشت. به نظرم تاشکند، شهری غریبه بود.

اتومبیل‌های ساخت کره جای ماشین‌های کهنه روسی را گرفته‌اند

● خانه آشنا

به محله قدیمی، به خانه محل سکونتم رفتم. مسیر راه از سر خیابان اصلی تا محل مسکونی را که نسبتاً طولانی بود پیاده طی کردم، هرچند امروز اتوبوسی در این مسیر به‌کار افتاده بود.

می‌خواستم با بستن چشم‌هایم راه را آنطور تصورکنم که بارها و بارها از آن گذشته بودم. ساختمان‌های مسکونی بسیاری در مسیر ساخته شده بود. آن‌زمان این محل نوساز بود. نهال‌های آن زمان به درختان بلندی بدل شده بودند. ساختمان سلمانی و خیاطی آشنای بین راه همان‌طور باقی مانده بود ولی متروکه و خالی. درخت‌ها مانع می‌شدند تا چهره گذشته به راحتی در نظرم نمایانگر شود.

بنای محل زندگی‌ام ولی همان‌طوری بود که آن زمان ترکش کرده بودم. با این تفاوت که ۲۰ سال کهنه‌تر و فرسوده‌تر شده بود. رونمای ساختمان‌ها در اروپا بعد از مدتی تعمیر می‌شود. از این‌رو، شهر با ساختمان‌های کهنه به آن معنی مواجه نیست. ولی در این محل نشانی از نو شدن نبود.

به محله دیگری که ایرانیان در آنجا زندگی می‌کردند سر زدم. همه چیز مثل قدیم بود، ولی ۲۰ سال کهنه‌تر. بعد از ظهر بود و زنان محل با لباس‌های محلی ازبکی روی نیمکتی در محوطه جلوی آپارتمان‌ها نشسته بودند. با دیدن من که چهره غریبه‌ای در محل بود، پرسیدند دنبال که هستم و با دانستن این‌که ایرانی‌ام و ۲۰ سال پیش در تاشکند زندگی می‌کردم، در کمال تعجب من، نام بچه‌های آن‌زمان را بردند و حال‌شان را پرسیدند.

آن‌ها بزرگسالان را به‌یاد نداشتند ولی نام پسرکی را که ۲۰ سال پیش شیطنت‌اش همسایه‌ها را بی‌نصیب نگذاشته بود، از یاد نبرده بودند. ماندگاری خاطره این بچه‌ها یک‌بار دیگر نشانه ماندگاری نیروی زنده زندگی بود.

امروز امیر تیمور، سمبل سرفرازی و وحدت ازبکستان بزرگ است

● امیرتیمور

بیست سال پیش ازبکستان، جزیی از کشور شوراها به حساب می‌آمد. هر حرکتش از حکومت مرکزی سرچشمه می‌گرفت. مجسمه لنین در بزرگ‌ترین و مرکزی‌ترین میدان شهر به‌عنوان سمبل ایده‌های انقلاب اکتبر به چشم می‌خورد. مجسمه مارکس انگلس در مراکز دیدنی شهر، سمبل ایده‌های سوسیالیستی بود، موزه انقلاب و سمبل‌های انقلابی کشور شوراها دستاورهای سوسیالیزم را در این نقطه جهان نشان می‌داد. ولی گویا قرار بود بعد از فروپاشیدن کشور شوراها و تغییر سیستم اقتصادی، همان غالب‌ها به شکل دیگری حفظ شود.

به‌جای لنین، امروز امیر تیمور، سمبل سرفرازی و وحدت ازبکستان بزرگ است. در موزه امیر تیمور فتوحات او در سراسر آسیا و غنایم جنگی‌اش به نمایش گذاشته شده. کشتارهای او از صفحات تاریخ ازبکستان پاک شده است تا تیمور بتواند سمبل سرفرازی این مرز و بوم گردد. بدا به حال ملتی که هر چند دهه یک‌بار تاریخ را برایش دوباره‌نویسی کنند.

دوستی به طعنه می‌گفت: کشوری که سمبلش یک خونخوار باشد، تکلیفش معلوم است. دیگری پاسخ داد به‌هرحال شکل‌دهی ازبکستان واحد،

نیازمند تاریخ و چهره‌های وحدت‌دهنده است و امیر تیمور بهترین و تنها شخصیتی است که می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. و من فکر می‌کردم آیا نمی‌شد شخصیت‌های فرهنگی مثل علیشیر نوایی چنین نقشی را به‌عهده گیرند. این جمله زیر مجسمه او نوشته شده بود: در دو کار عجله نکن، اول قضاوت، دوم سیاست.

لک‌لک‌ها نشانه اهمیتی هستند که حکومت به حفظ امنیت می‌دهد

- لک‌لک نشانه امنیت

مجسمه تیمور همه جا به چشم می‌خورد. جای مجسمه مارکس را کره بزرگی گرفته که ازبکستان در مرکز آن برجسته شده است. سمبل‌های انقلاب اکتبر، جای خود را به لک‌لک‌هایی داده‌اند که روی یک پا ایستاده‌اند. این لک‌لک‌ها نشانه اهمیتی هستند که حکومت به حفظ امنیت می‌دهد. با این فلسفه که لک‌لک ها وقتی روی یک پا می‌ایستند که از امنیت خود مطمئن باشند.

در واقع شاید بتوان ازبکستان را با کشورهای غربی مقایسه کرد. در دوران سوسیالیسم هم ازبکستان نسبتاً امن بود ولی در آن‌زمان، ما مجبور بودیم، در مرکز شهر چهارچشمی مواظب کیف‌مان باشیم. امروز در آن حد از دزدی و جیب‌بری خبری نبود. تا نیمه‌های شب می‌توان با خیال راحت حداقل در مناطق مرکزی شهر بدون ترس بیرون ماند.

- سرباز وطن

آنچه تغییر نکرده صف مادرانی است که از جلو نام سربازان کشته شده جنگ می‌گذرند تا بر سر قبر سرباز گمنام گلی که نشانه عشق پایان نیافته آنان به فرزندانشان است، بگذارند.

هر رژیمی، هر سیستمی سر کار آید، سرباز با هر ایده و مسلکی که به جنگ رود، در هر جنگی کشته شود، برای مادرش همان فرزند عزیز و برای مردم آن کشور سرباز وطن باقی خواهد ماند.

- ترافیک

اتومبیل‌های ساخت کره جای ماشین‌های کهنه روسی را گرفته‌اند که در میان آن‌ها گاهی بنزهای شیک آخرین مدل خودنمایی می‌کنند. تعداد ماشین‌هایی که در خیابان دیده می‌شدند، غیرقابل مقایسه با آن‌چیزی بود که من از گذشته در خاطر داشتم. خیابان‌های عریض مرکز شهر که آن زمان‌ها همیشه خلوت بود، حالا اسیر ترافیک بودند با انبوهی از اتومبیل‌های کره‌ای. اتوبوس‌های ساخت اروپا جای اتوبوس‌های کهنه دودی آن‌زمان را گرفته بودند ولی همچنان تعداد مسافران بیش از ظرفیت وسایل نقلیه بود.

سوار تراموا شدم. مثل قدیم بود. پر از مسافر و بوی عرق. هیچ فرقی با آن‌زمان نداشت. تنها دیگر مردم بلیت‌های کاغذیشان را از عقب دست به دست برای سوراخ کردن جلو نمی‌فرستادند و صدای آشنای آن‌زمان: لطفا بلیط را سوراخ کنید، نمی‌آمد. بلیط فروشی در تمام طول مسیر از این سر اتوبوس به آن سر می‌رفت و کرایه را می‌گرفت. به هر حال، در میان خیل بیکاران، این یک شغل است.

- رضایت و عدم رضایت

آن‌زمان که من در تاشکند بودم، از هر گوشه‌ای صدای نارضایتی را می‌شد شنید. مسوول همه نابسامانی‌ها، سوسیالیسم و از نظر ازبک‌ها، روس‌ها بودند. ولی این‌بار در این سفر من کسی را ندیدم که ناراضی نباشد و از روزگار خوش گذشته سخن نگوید. روزگاری که همه مردم بیمه بودند، همه می‌توانستند درس بخوانند و به دانشگاه بروند و از همه مهمتر هیچ کس بیکار نبود. کسی از مشکلات آن‌روزها سخن نمی‌گفت و یا همه فراموش کرده بودند در روزهایی که در پرتو پروسترویکا، مردم جرات اظهار نظر پیدا کرده بودند، راجع به سوسیالیسم و روس‌ها چه می‌گفتند.

آخرین روزهایی که من تاشکند را ترک کردم، رواج اقتصاد بازار شروع شده بود. در همان اولین گام، هزاران خرده فروش در هر گوشه شهر سر برآورده و جای فروشگاه‌های خالی دولتی را گرفته بودند. اتوبوس‌هایی که از فرط شلوغی آدم بعضی وقت‌ها نفسش می‌گرفت، جای خود را به مسابقه اتوبوس‌های نیمه خالی برای شکار مسافر داده بود. همه امیدوار بودند.

فضای نیمه باز سیاسی، امیدها را افزایش می‌داد. ولی لیبرالیسم اقتصادی در این ۲۰ سال برای ازبک‌ها ارمغانی نداشت. کارخانه‌های از نظر تکنیک عقب مانده‌ی آن‌زمان بسته شدند بدون آن‌که کارخانه‌های کافی جایگزین آنان شود. و تازه این در حالی اتفاق افتاد که پس از مدتی حکومت مجبور شد برای حمایت از صنایع کشور بار دیگر به محدودیت و کنترل تجارت خارجی روی آورد.

دو کارخانه بزرگ تاشکند، هواپیماسازی و تراکتورسازی، تا حد تعطیل پیش رفت و ده‌ها کارخانه کوچکتر مثل تلویزیون‌سازی و... به‌طور کامل بسته شد. دیگر کسی مجبور نبود تلویزیون‌های مزخرف ساخت تاشکند را بخرد. کارگران بیکار به صف دستفروشان کالاهای غربی مانند شکلات و نوشابه پیوستند و سر چهارراه، ماشین‌های شخصی به‌دنبال شکار مسافر صف کشیده بودند.

- یادبود مزار سرباز گمنام

دوستی را دیدم که در همان روزنامه‌ای که من در آن کار می‌کردم تایپیست بود. او در یکی از به اصطلاح حلبی‌آبادهای دور از شهر زندگی می‌کرد. بخش عمده حقوق او صرف رفت و آمدش از خانه به شهر می‌شد و گذران زندگی او از درامد کار در چند خانه، قبل و یا بعد از کار در روزنامه بود. تازه او جزو خوش اقبال‌هایی بود که در این سال‌ها بیکار نشده‌اند. او می‌گفت آن‌زمان با حقوقم در روزنامه زندگیم می‌گذشت ولی حالا با این‌که علاوه بر کار در روزنامه، جای دیگری هم کار می‌کنم، گذران زندگی‌ام سخت‌تر از آن زمان است.

زمانی‌که من از تاشکند رفتم دوران پرسترویکا بود. با باز شدن فضای سیاسی، اولین اجتماعات و اعتراضات در حال شکل‌گیری بودند. اولین سازمان‌های سیاسی که به سرعت فعال شدند، جریان‌های مذهبی و سازمان‌های خواهان حقوق ملی (تاتارها، تاجیک‌ها) بودند.

هنوز احزاب سیاسی مدافع برنامه‌های اجتماعی شکل نگرفته بود. در همان دوره من شاهد یکی دو تظاهرات تاتارها بودم. این‌بار هیچ اثری از آن روزها و آن اجتماعات ندیدم. راجع به سازمان‌های مذهبی نمی‌توانم اظهار نظر کنم ولی به هنگام خروج از ازبکستان شاهد فعالیت تاتارها و به‌خصوص تاجیک‌ها بودم. حالا ولی این تشکل‌ها و اعتراضات همگی سرکوب شده و هیچ اثری از آنان نمانده است. ازبکستان به یک کشور یک‌پارچه که هیچ صدایی بجز صدای رسمی حکومتی در آن به چشم نمی‌خورد بدل شده.

دولت شوراها جایش را به دولت ازبکستان داده واسم تنها حرب موجود، یعنی حزب کمونیست سابق را حرب دموکراتیک مردم ازبکستان گذاشته‌اند. حتی رئیس دولت نیز، همان رهبر حزب کمونیست سابق باقی مانده است.

در میان کشورهای منطقه، قرقیزستان تنها کشوری بود که به فضای نسبتاً باز سیاسی روی آورد و احزاب و تشکل‌های اپوزیسیون امکان فعالیت یافتند. نتیجه آن سقوط حکومت در نتیجه یک انقلاب مخملی در دو سال پیش بود. انقلابی که با حمایت غرب پیروز شد و تنها یک گروه‌بندی طرفدار نزدیکی به غرب را جایگزین یک گروه‌بندی طرفدار نزدیکی به روسیه کرد، بدون آنکه در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشور تحولی پدید آورد.

در تاجیکستان هم که در حد ازبکستان به سیاست مشت آهنین روی نیاورده بود، افراطیون مذهبی موفق شدند کشور را به جنگ داخلی سوق دهند. این نمونه‌ها به‌عنوان دلیلی برای آن‌که فضای باز سیاسی در این منطقه نمی‌تواند کارآیی داشته باشد، مطرح می‌شود. به‌خصوص آن‌که در زمینه حفظ امنیت، حکومت موفق بوده. با برخی روشنفکران کشور صحبت داشتم. می‌گفتند در آن‌زمان ما دیدی از دموکراسی و آزادی نداشتیم، امروز هم نمی‌دانیم برای چی خوب است.

در بازار، رستوران، کنار خیابان، همه‌جا حضور زنان را می‌شد دید

- ازبک، تاجیک، روس در کنارهم

در گذشته مردم به خاطر وضع زندگی‌اشان با سیستم مشکل داشتند. امروز هم خواهان بهبود وضع زندگی‌اشان هستند و در همین رابطه با سیستم مشکل دارند. خواست آزادی سیاسی در سطح جامعه مطرح نیست. تصویری از آن چه می‌تواند بهتر باشد وجود ندارد.

در گذشته مرکز شهر پر بود از خانم‌های زیبا و شیک‌پوش روس. غیر روس‌ها در این مناطق اقلیت بودند. اکثریت قشر ممتاز جامعه را روس‌ها تشکیل می‌دادند. همان روز اول هنگام قدم زدن در مرکز شهر متوجه شدم که بافت شهر تغییر کرده است.

خیابان‌ها پر بود از دختران و زنان کارمند ازبک با اندام‌های لاغر و با لباس‌های نسبتا شیک. تک و توک افراد روس‌تباربه چشم می‌خوردند. در این بیست سال اکثریت روس‌ها ازبکستان را ترک کرده‌اند. یکی از دوستان قدیمی روسمان را دیدم. می‌گفت روسها فقط به‌دلایل اقتصادی این کشور را ترک کردند.

از کریم‌اوف نقل می‌کنند که او گفته بود ما با از دست دادن یهودی‌ها، بهترین دانشمندانمان را از دست دادیم، نباید کاری کنیم که با از دست دادن روس‌ها بهترین متخصص‌هایمان را نیز از دست بدهیم.

دوستم می‌گفت تمام روس‌هایی که امکان زندگی و کار در روسیه را داشتند، این کشور را ترک کردند و آن‌ها که مانده‌اند کسانی هستند که چنین امکانی نداشته‌اند و به‌همین دلیل روس‌های باقی‌مانده نه قشر ممتاز بلکه قشر پایین‌تر جامعه‌اند و عمدتا در محله چلنزار، یکی از محلات فقیرنشین تاشکند زندگی می‌کنند.

او می‌گفت: فشار فرهنگی به روس‌ها اعمال نشد. ما مدارس خود را داریم و در همه زمینه‌های فرهنگی آزادی‌های قبل پابرجا مانده. مساله ملی برای روس‌ها در ازبکستان در حد همان مشکلاتی است که در اروپا نیز برای اقلیت‌ها وجود دارد و نه بیش از آن.

روند ترک ازبکستان هنوز ادامه دارد. سیاست دولت روسیه جلب روس‌هایی است که در خارج از روسیه زندگی می‌کنند. رشد جمعیت روس‌ها در کشور روسیه منفی است در حالی‌که در مورد اقلیت‌ها، مثلا مسلمانان ساکن در این کشور رشد جمعیت مثبت و بالاست و این برای حکومت

کنونی روسیه مطبوع نیست. لذا می‌کوشد این کمبود را با جذب مجدد روس‌های مهاجرت کرده جبران کند.

در گذشته خرده گرفته می‌شد که ساکنان ازبکستان همه ازبک نیستند. روس‌ها ۳۰ درصد بودند، ازبک‌ها ۴۰ درصد، تاجیک‌ها ۳۰ درصد همراه تاتارها و کره‌ای‌ها و ... که درکنار هم زندگی می‌کردند. امروز وزن ازبک‌ها افزایش یافته. خیلی از غیر ازبک‌ها مهاجرت کرده‌اند.

ازبکستان از کشورهایی است که این بافت چندگونه به‌عنوان یک منبع خطر آنرا تهدید می‌کند. دوستی می‌گفت، در شناسنامه‌ام نوشته که ازبک هستم، در خانه تاجیکی صحبت می‌کنم، سر کار به روسی حرف می‌زنم. شما بگویید چه هستم.

در سفری که به سمرقند و بخارا داشتم با این مشکل بیشتر مواجه شدم. هر چند طی چند دهه اخیر درصد ازبک‌ها در شهر سمرقند افزایش یافته ولی کماکان تاجیک‌ها در اکثریت‌اند. ولی بخارا تقریبا یک شهر یک‌دست تاجیک است.

من نمی‌دانم که دلایل لنین و استالین برای این تقسیم‌بندی و قرار دادن بخارا و سمرقند در ازبکستان چه بوده ولی هر سیاستی که تعقیب شده باشد، مشکلاتی برای هر دو کشور تاجیکستان و ازبکستان به‌یادگار گذاشته که می‌تواند در یک شرایط بحرانی فاجعه بار باشد

ساختمان‌های بزرگ و نو با اتومبیلی آخرین مدل و اروپایی جلوی آن

- خانه‌های اعیانی

در مسیر طولانی اتوبوس از مرکز شهر به محل زندگی‌ام در تراکتوری می‌روم. تمام مسیر مثل گذشته است ولی با ساختمان‌های ۲۰ سال کهنه شده. به‌جای یکی از حلبی آبادهای سابق، همه چیز طور دیگری است.

دوستم می‌گفت در هیچ‌یک از مناطق اطراف، به اندازه ازبکستان راه و ساختمان ساخته نشده. از کریم‌اوف نقل می‌کرد که گفته است، فقر از یاد می‌رود ولی ساختمان‌ها باقی می‌مانند.

- زنان و جوانان

حضور زنان در بازار کار محسوس بود. در ادارات، در کالخوز، بازار، رستوران، در کنار خیابان، همه‌جا حضور زنان را می‌شد دید. کار زنان از طرف مردان عادی و پذیرفته شده بود. به نظرم می‌آمد که در روستاها در این عرصه فرهنگی نزدیک به شمالی‌های کشور خودمان حاکم باشد. قوانین دوران سوسیالیسم در رابطه با زنان، علیرغم فشار نیروهای مذهبی، پابرجا ماند و به نظر می‌آید که در سطح جامعه نیز نقش زنان در اقتصاد امری حل شده و پذیرفته شده است.

محیطهای جمع شدن جوانان کافه‌های اینترنتی و بازی‌های کامپیوتری است. ارتباط با اینترنت در خانه‌ها با مودم و کشش کم شبکه تقریبا ناممکن است و از این‌رو جوانان به کافه‌هایی که در سرتا سر شهر پراکنده است می‌روند.

جوانان می‌کوشند جین و لباس‌های غربی بپوشند و موهای‌شان را ژل می‌زنند. خیلی‌ها تلفن دستی در دست دارند. نمی‌دانم با توجه به قیمت بالای تلفن دستی، این همه جوان هزینه آنرا از کجا تامین می‌کنند. آیا همه آن‌ها به اقشار بالای جامعه تعلق دارند؟

در رصد خانه اولوغ بیک صحنه جالبی از اعتقادات مذهبی دیدم

- از رصد خانه تا زیارتگاه

پس از فروپاشی سوسیالیسم قدرت مذهب بهتر عیان شد. تا آن‌جا که من برخورد داشتم و شنیدم، بیش از آن‌که از نفوذ مذهبی‌های بنیادگرا به گونه برخی کشورهای عربی سخن گفته شود باید از قدرت سنت سخن گفت. گفته می‌شد که قدرت‌گیری بنیادگرایان به گونه‌ای که در تاجیکستان رخ داد و این کشور را به‌جنگ داخلی کشاند بعید است در ازبکستان اتفاق بیافتد.

در ازبکستان مدارا میان افکار مختلف نیرومندتر است. البته امروز قدرت و تسلط حکومت زمینه شکل‌گیری چنین جریانهایی را نمی‌دهد و قضاوت در مورد درستی و نادرستی این برداشت‌ها را تنها می‌توان در شرایط بحرانی یا فضای باز سیاسی محک زد

صحنه جالبی از اعتقادات مذهبی دیدم. به رصد خانه اولوغ بیک در سمرقند رفته بودیم. اولوغ بیک از نوادگان تیمور بوده و به عنوان سلطانی سلیم النفس شهره است. از وی مدارس و مراکز علمی متعددی برجا مانده. وی در یک توطئه درباری، با تحریک متعصبین مذهبی بدست پسرش خفه می‌شود.

یک راهنمای تاجیک برای ما از کارهای وی سخن می‌گفت و از دقت محاسباتی که او آن زمان با آن وسایل ابتدایی از گردش زمین و طول مدت روز و شب بعمل آورده بود توضیح می‌داد.

در حین گفتگو یک گروه از زنان سالمند روستایی وارد محوطه شدند. راهنمای مزبور از ما معذرت و چند لحظه فرصت خواست و پیش زنان سالمند رفت. در کمال تعجب دیدم که برای آنان شروع کرد به روضه‌خوانی و سپس از اولوغ بیک برای همه آنان شفا خواست و همه با او همراهی کردند و

هرکدامشان یک اسکناس به او دادند

با خود فکر کردم، اولوغ بیک در زمان خودش به‌دلیل این‌که برخی کار های علمی و اصلاحات او را مخالف مذهب می‌دانستند کشته شده و امروز از مدرسه او به‌عنوان امامزاده و زیارتگاه استفاده می‌شود

در بخارا به دیدن مسجد و مدرسه بزرگ دینی ـ تاریخی این شهر رفته بودیم. بر سر در مسجد از قول امام بنیانگزار این مدرسه نوشته شده بود که «بزرگداشت بزرگان، نه زیارت مقبره آنان، بلکه درک و عمل کردن به سخنان آنان است.»

چند قدم دورتر یک تکه چوب بود که مردم پول می‌دادند و از زیر آن رد می‌شدند. پرسیدیم این چوب چیست؟ گفتند این قسمتی از درختی است که همان امام گوینده سخنان بالا با دست خود کاشته است و رد شدن از زیر آن حاجت را برآورده می‌کند.

دیدار همکاران سابقم از بهترین بخش‌های سفرم بود

- همکاران سابق

در تاشکند در یک روزنامه تاجیکی زبان ازبکستان کار می‌کردم. دیدار همکاران سابقم یکی از بهترین بخش‌های سفرم بود. همه چیز مثل گذشته بود ولی ۲۰ سال کهنه‌تر. در آن زمان روزنامه در تیراژ برنامه‌ریزی شده چاپ می‌شد و رایگان در اختیار خیلی از ارگانها و موسسات قرار می‌گرفت. تلاش برای بالابردن تیراژ بی‌معنا بود. اصلا معلوم نبود تیراژ واقعی نشریه چقدر است. امروز هیچکس روزنامه را نمی‌خرید. دوستی می‌گفت، هیچ روزنامه‌ای خواننده ندارد.

رییس سابقم را که یکی از شناخته‌شده‌ترین استادان تاریخ و زبان تاجیکی است دیدم. خیلی پیر شده بود ولی مثل قدیم دوست داشتنی بود. پرسید آن‌روز را که برای استخدام به روزنامه مراجعه کردی، بیاد می‌آوری. گفتم چطور ممکنست فراموش کنم.

آن‌روز کسی که مسئول صحبت با من شده بود از من پرسید، آیا سابقه کار مطبوعاتی داری. من گفتم نه. گفت آیا می‌توانی به تاجیکی بنویسی. گفتم نه. پرسید. آیا زبان روسی را کامل می‌دانی و می‌توانی از روسی به تاجیکی ترجمه کنی. گفتم نه. خودم هم خجالت کشیدم که چرا برای کار به این جا مراجعه کردم. تنها انگیزه‌ام این بود که شغلی خارج از روابط حزبی داشته باشم. می‌خواستم خداحافظی کنم که پیرمردی که ساکت نشسته بود و فقط به مصاحبه ما گوش می‌داد، گفت من به این خانم احتیاج دارم.

کسی که با من مصاحبه می‌کرد با تعجب او را نگاه کرد و گفت وقتی استاد به شما نیاز دارد، دیگر مساله حل است. او می‌گفت همه نگرانند که روزنامه به‌دلیل تیراژ پایینش بسته شود ولی من مطمئنم روزنامه بسته نخواهد شد. این روزنامه تنها نشریه تاجیکی زبان است و حکومت به آن احتیاج دارد. از من پرسید چرا زودتر به تاشکند سفر نکردی. من جوابی نداشتم. خودم هم نمی‌دانم که چرا این‌قدر دیر به‌فکر سفر افتادم.

راجع به دوست مشترکمان محی‌الدین عالم‌پور صحبت کردیم. من با عالم‌پور در سفری که به دوشنبه به‌خاطر تهیه گزارشی از برنامه صدسالگی لاهوتی داشتم، آشنا شدم. سفری که به‌دلیل لطف سیاوش کسرایی، من در عمل نه فقط یک روزنامه‌نگار بلکه عضو هیات ایرانی شدم.

عالم‌پور مرا هم با هیات ایرانی برای شام به خانه‌اش دعوت کرد و من همان ابتدای ورود از عکسهایی که تمام دیوار اطاق مهمانخانه او را پوشانده بود و علاقه او به فرهنگ ایران حیرت کردم. عالم پور چند سال قبل توسط بنیادگرایان ترور شد.

البته در کنار چنین نمونه‌هایی از سنت‌گرایی، آن چه مرا به شگفتی واداشت، انعطافی بود که در مردم دیدم. کم نبودند خانم‌هایی شیک با لباس اروپایی که در کنار زنانی با روسری و لباس سنتی ازبکی راه می‌رفتند بدون آن‌که در نگاه آنان به یکدیگر تحقیر و نفی دیده شود.

در این زمینه فکر می‌کردم که آنان خیلی از مردم کشور ما منعطف‌ترند. نه تنها در ایران امروز بلکه در دوره رژیم گذشته هم در برخی محلات زنان بی‌حجاب دارای دشواری بودند و در برخی محلات به زنان چادر به سر با دیده تحقیر نگاه می‌کردند

در بخارا اکثر مردم تاجیک‌اند. وقتی می‌فهمیدند ما ایرانی هستیم، با احترام و احساس نزدیکی با ما برخورد می‌کردند. این‌همه محبت و احساس نزدیکی، بر من خیلی تاثیر مثبت باقی گذاشت و احساس نزدیکی متقابل مرا برانگیخت.

آن‌چه اصلا نسبت به گذشته تغییر نکرده بود همان پلو ازبکی بود. همان طور خوشمزه که در خاطر داشتم.

منبع : ایراس

http://vista.ir/?view=article&id=343286

vista.ir
Online Classified Service

سفرهای ارزان قیمت !!

یکی از پروژه‌هایی که با وعده‌های شیرین و امیدوارکننده مدتها پیش مطرح و به زودی به دست فراموشی سپرده شد و بنا به اظهار خسرو ایرانپور دبیر جامعه هتلداری ۱۹ ماه تحت بررسی و کار کارشناسی متخصصین و صاحب نظران قرار داشته طرح ایجاد امکانات سفر با توجه به اقتصاد خانواده برای همگان خاصه خانواده‌های کم درآمد تحت عنوان «سفرهای ارزان قیمت» است.

با طرح این برنامه طی ماههای اولیه به طور چشمگیری ابعاد مفید و سازنده آن را عنوان کرده و گفته شد که مسافرت در سلامت روح و جسم انسان‌ها مفید و موثر است.

مسافرت نیروی کار را تقویت، بازده کار را افزایش می‌دهد. مسافرت روابط اعضای خانواده را گرم می‌سازد و بی‌مهری‌ها و خشونت و بدخلقی و اختلافات فی‌مابین آنها را کاهش می‌دهد.

مسافرت افق‌های جدیدی بروی انسان‌ها می‌گشاید و ... در حالی که ابعاد مسافرت مورد بررسی و اظهار نظر کارشناسانه مسوولان و کارشناسان سازمان گردشگری و بخش خصوصی قرار می‌گرفت و نوید داده می‌شد که به زودی امکان مسافرت و برخورداری از مزایای فراوان آن برای همه‌ی اقشار، خاصه اقشار کم درآمد فراهم می‌گردد:

از سوی مسوولان برای ایجاد زمینه مسافرتهای ارزان قیمت راهکارهایی مطرح می‌شد که شامل مسافرت به صورت تقسیطی، تخفیف هتل و محل اقامت و نیز وسایط حمل و نقل بین شهری بود.

جمعی از هتلداران به منظور همکاری با این طرح، آمادگی خود را برای تخفیف در ایام غیر پیك و نیز کم و بیش در ایام پیك مسافرتی اعلام داشتند.

تهیه و در اختیار گذاشتن بن سفر و لزوم کمك‌های ویژه رفاهی سازمان‌های دولتی در زمینه سفر خانواده کارمندان نیز از دیگر راهکارهایی بود که با آب و تاب فراوان مورد بحث و تاکید قرار می‌گرفت و آن قدر دامنه خبری و تبلیغاتی این برنامه‌ریزی‌ها وسعت یافت که نه تنها شادی و شادمانی کارمندان و طبقات کم درآمد و خوش خیال را در پی داشت بعضی از مراکز اقامتی و هتل‌ها نیز که آمادگی خود را برای همکاری با طرح سفرهای ارزان قیمت اعلام کرده بودند به توسعه و فراهم ساختن امکانات لازم برای پذیرایی هرچه بیشتر میهمانان پرداختند.

همزمان با همین ایام شهرت یافت که با اقدامات انجام شده گردشگری و سیر و سیاحت در داخل کشور رونق فراوانی یافته است و بعد، مدت زمانی طولانی از برگزاری یك همایش پر سر و صدا و طرح سفرهای ارزان قیمت گذشت و پس از سکوتهای مقطعی، گاه آگهی‌هایی تحت عنوان تورهای ارزان قیمت اما با قیمت معمولی انتشار می‌یافت که از آن جمله چند هفته پیش از سوی معاونت امور گردشگری و ستاد تسهیلات سفرهای کشور برنامه و فهرست تورهای ایرانگردی همگانی ارزان قیمت اعلام گردید. اگرچه هزینه این تورها به نظر آنها که از فرصت‌های مطالعاتی در کشورهای مختلف و شرکت در نمایشگاههای خارجی و فوق‌العاده ماموریت دلاری استفاده می‌کنند بسیار ارزان است ولی با در نظر گرفتن قیمت اقامت در هتل‌های ۴ و ۵ ستاره برای کارمند شاغل یا بازنشسته‌ای که با ۲۰ یا ۲۵ سال خدمت و دارا بودن دیپلم و فوق دیپلم ماهیانه حقوقی حدود ۲۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند حتی اگر با تخفیف سی چهل درصدی که عرف ایام غیر پیك است نامگذاری ارزان قیمت حکم شوخی بی‌مزه‌ای را دارد.

برای نمونه در این اعلام هزینه سفر ۴ روزه به مشهد مقدس که هم جنبه زیارت و هم سیاحت را دارد هوایی ۹۲ هزار تومان و زمینی ۶۲ هزار تومان است یعنی یك کارمند با ۴ سر عایله برای یك سفر ۴ روزه ارزان قیمت باید ۳۶۸ هزار تومان بپردازد که معادل حدود دو ماه حقوق ماهیانه

است.

یا همین کارمند برای یك سفر زمینی ۴ روزه زیارتی به اتفاق اعضای خانواده‌اش باید مبلغ ۲۴۸ هزار تومان که بیشتر از حقوق یك ماه اوست باید بپردازد و تازه براساس برنامه‌ریزی انجام شده خدمات تور شامل صبحانه و ترانسفر و پذیرایی و اقامت در هتل ۴ ستاره است و هزینه نهار و شام را نیز شامل نمی‌گردد و برگزاری آن هم در ایام غیر پیك مسافرتی و زمان زیارتی است.

● مشارکت

پس از یك وقفه کوتاه بار دیگر اظهار نظرهای جالبی از سوی تنی چند از صاحب نظران و دست‌اندرکار گردشگری درباره سفرهای ارزان قیمت مطرح گردید و روی سایت گردشگری و پاره‌ای از مطبوعات نقش بست که قابل تامل است از آن جمله به گزارش ایسنا، مدیرعامل شرکت ایرانگردی و جهانگردی از مشارکت این شرکت در طرح ارزان سازی سفرهای داخلی خبر داده و در نخستین کارگاه آموزشی تشریح سفرهای ارزان قیمت با بیان این که شرکت سرمایه‌گذاری ایرانگردی و جهانگردی دو پتانسیل عمده خود را در اختیار مجریان این طرح قرار خواهد داد گفته است: شرکت ایرانگردی و جهانگردی با ۶۰ تا ۷۰ واحد اقامتی امیدوار است نقش موثری در این طرح داشته و به بسترسازی این جریان کمك کند.

وی پتانسیل دوم شرکت ایرانگردی و جهانگردی را برای ارایه به متقاضیان طرح سفرهای ارزان قیمت بن سفر اعلام کرده و افزود: این شرکت از سال ۸۳ تاکنون از طریق ارایه بن سفر به متقاضیان فعالیت خود را آغاز کرده است.

به گفته شاکری مدیر عامل شرکت ایرانگردی و جهانگردی در اجرای بن سفر ۳۰ تا ۴۰ واحد اقامتی دیگر نیز دخیل شده‌اند که از آن جمله می‌توان به گروه هتلهای هما، پارس، بنیاد و چند هتل خصوصی دیگر اشاره کرد و افزود: براساس تفاهم‌نامه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در اجرای طرح ارزان‌سازی سفر در بحث اقامت ۴ درصد و پذیرایی ۱۰ درصد به متقاضیان تخفیف داده خواهد شد و در خصوص بن سفر آمادگی داریم تا این تجربه را به عنوان یك خدمت ویژه در طرح سفرهای ارزان قیمت در سطح ملی اجرایی کنیم.

● کار کارشناسی!

خسرو ایرانپور دبیر جامعه هتلداری ایران هم در نخستین کارگاه آموزشی طرح ارزان‌سازی سفر با اعلام این که جا انداختن موضوع سفر در سبد خانوارهای ایرانی از اهداف اصلی طرح سفرهای ارزان قیمت است گفت: این طرح با ۱۹ ماه کار کارشناسی و استفاده از کلیه نظرات و ایده‌های متخصصان و فعالان بخش خصوصی گرفته است.

به گزارش ایسنا وی تاکید کرده است برای پیشرفت گردشگری و موفقیت در طرح ارزان‌سازی پیوستگی حلقه‌های گردشگری و خارج ساختن حلقه‌های ضعیف از جمله اقداماتی است که همواره باید مورد نظر قرار گیرد.

ایرانپور در اجرای طرح ارزان‌سازی سفر، جمع‌آوری انگیزه‌های مختلف و ارایه خدمات و سرویس‌های با کیفیت و ارزان به متقاضیان و در نهایت جلب رضایت‌مندی و افزایش تقاضا گردشگری می‌شود که این افزایش و انبوهی تقاضا، ارزان‌سازی، نزول قیمت‌ها و علاقه‌مندی فعالان صنعت گردشگری برای ارایه سرویس را به دنبال دارد و در پایان تاکید کرده حال که شرایط برای توسعه ایرانگردی فراهم شده باید تلاش کنیم تا با همکاری هرچه بیشتر از پتانسیل‌ها استفاده کرده آنها را به فعل تبدیل کنیم.

به طوری که ملاحظه می‌کنید در اظهارات دبیر جامعه هتلداران نیز نکات مبهم فراوان است مثلاً در آن قسمت که گفته است در طرح ارزان‌سازی سفر پیوستگی حلقه‌های گردشگری و خارج ساختن حلقه‌های ضعیف از اقداماتی است که باید همواره مورد نظر قرار بگیرد هیچ گونه توضیحی نمی‌دهد و معلوم نیست نتیجه ۱۹ ماه کار کارشناسی و استفاده از کلیه نظرات و ایده‌های کارشناسان در طرح سفرهای ارزان قیمت، هدف اصلی ارزان‌سازی سفر است یا جا انداختن موضوع سفر در سبد خانوارهای ایرانی؟

آیا مطرح شدن درصدی تخفیف هتل‌های ۵ ستاره و ۴ ستاره در ایام غیر پیك مسافرتی که قبلاً هم کم و بیش سابقه داشته می‌توان ارزان‌سازی نامید؟ و می‌تواند سفر را در سبد خانوارهای ایرانی خاصه آنها که درآمدی محدود دارد جا بیاندازد؟

به علاوه افزایش و انبوهی تقاضا برای سفر موجب افزایش قیمت‌های نیازهای سفر مثل و مراکز اقامتی و وسایل حمل و نقل بین شهری و غیره می‌گردد یا نزول قیمت‌ها را در پی دارد؟

و اگر براساس گفته ایشان افزایش تقاضا نزول قیمت را در پی دارد چگونه است در ایام پیك مسافرتی، اگر چشم بسته قبول کنیم که با پیگیری و نظارت جامعه هتلداران و اتحادیه‌های ذیصلاح قیمت مراکز اقامتی ثابت می‌ماند و افزایش قیمت در پی ندارد و نزول قیمتی هم به وجود نمی‌آورد و فرق است بین افزایش زمینه سیب‌زمینی و پیاز که می‌تواند کاهش قیمت را در پی داشته باشد با افزایش گردشگر و مسافر و متقاضیان اقامت در هتل و دیگر مراکز اقامتی!

● اطلاع‌رسانی مناسب!

رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری چهارمحال و بختیاری عقیده دارد ایام نوروز بهترین فرصت برای اشاعه طرح سفرهای ارزان قیمت در میان اقشار مختلف است.

اسفندیار حیدرپور با ابراز تاسف از این که اطلاع‌رسانی مناسبی در خصوص اجرای سفرهای ارزان قیمت صورت نگرفته و همین امر موجب عدم استقبال مردم از سفرهای ارزان قیمت شده و می‌افزاید اجرای این طرح در سطح کلان کشور نشان دهنده توجه ویژه مسوولان به توسعه گردشگری است. حیدرپور اجرای طرح سفرهای ارزان قیمت را برای بسیاری از آژانسهای مسافرتی، هتلداران و صاحبان تاسیسات گردشگری که بسیاری از ایام سال مکان‌های اقامتی و تاسیسات خود را خالی از گردشگری می‌بینند امیدوار کننده توصیف کرد.

● جنبه شعاری

اظهارات عطار رییس شورای هماهنگی هتلداران ایران هم شنیدنی و خواندنی است زیرا با صراحت و صداقت و بدون هیچ گونه پرده پوشی به ایسنا گفته است مشهد تاکنون هیچ تور گردشگری در خصوص طرح سفرهای ارزان قیمت نداشته و به عقیده من این برنامه‌ها بیشتر جنبه‌ی شعاری پیدا کرده تا عملی.

بنابر اظهار نظر جعفر عطار سفر با وضعیت اقتصادی خانواده‌ها ارتباط مستقیم دارد و آخرین گزینه خانواده است و می‌افزاید:

هنگامی که هزینه‌های خانواده تامین شود اگر چیزی در سبد اقتصاد خانواده باقی ماند برای مسافرت اختصاص می‌یابد و من امیدوارم وضع اقتصاد مملکت بهتر شود و افزود:

هتلداران مشهد با اجرای طرح موافق هستند زیرا در ایام غیر پیك درصد اشغال در این استان بسیار پایین است و اجرای آن باعث خواهد شد اشغال هتل‌ها ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش یابد.

● مقایسه ..

در حالی که گفته می‌شود ۱۹ ماه درباره ارزان‌سازی سفر با توجه به اقتصاد خانواده خاصه خانواده‌های کم درآمد تحت عنوان «سفرهای ارزان قیمت» انجام گرفته یك کارشناس گردشگری اظهار نظر کرد که «نبود گفت و گوی سازنده میان ذی‌نفع‌های ارزان‌سازی سفر مانع اساسی توفیق این طرح شده است.»

اسرافیل شفیع‌زاده عضو انجمن متخصصان گردشگری ایران گفت در حالی که طرح سفرهای ارزان قیمت مطلوب و قابل دفاع است ولی به نظر می‌رسد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نه تنها برای ارزان‌سازی ساز و کاری در اختیار ندارد بلکه این طرح به طور مشخص با توجه به شرایط حاکم در حوزه‌ی اقتصاد و سیاست‌های هتل‌های کشور اتخاذ می‌شود.

وی افزود: خلف وعده از سوی موسسه‌های گردشگری همچون هتل‌ها و آژانس‌ها در مورد ارایه تخفیف، اجرای تورهای ارزان قیمت را با دشواری مواجه می‌کند.

شفیع‌زاده که عضو انجمن تخصصی تورگردانان نیز هست تصریح کرد: اگر طرح سفرهای ارزان مطلوب پیگیری شود قیمت تمام شده هم کاهش می‌یابد ولی این مسأله بدون گفت و گوهای فنی امکان‌پذیر نیست. و وقتی چنین گفتگویی برقرار نیست تحقق وعده اتحادیه هتلداران استان تهران که از تخفیف صحبت می‌شود با توجه به شرایط موجود در بعضی از روزهای سال موجب تردید است.

شفیع‌زاده همچنین با اشاره به بالا بودن سفر در ایران گفت: اگر قیمت‌های هتل در ایران با نرخ جهانی مقایسه شود بالا بودن قیمت اقامت در کشورمان کاملاً مشخص می‌گردد.

وی افزود: سهام بعضی از هتلهای فعال در بخش گردشگری متعلق به دولت است که این با اصل ۴۴ قانون اساسی مغایرت دارد بنابراین در مسیر آزاد ساختن هتل‌سازی در کشور حرکت نمی‌کنیم. و بالاخره شفیع‌زاده گفت اتحادیه‌های هتل در کشور سیاست‌های خاص خود را بدون توجه به مناسبات و قیمت‌های جهانی دارند که یکی از دلایل اصلی سفر نکردن است.

● حرف آخر

حال با این اظهارات ضد و نقیض مسوولان دولتی و بخش خصوصی و کارشناسان و متخصصین مرتبط با گردشگری، خاصه اظهار نظر بی‌پرده شفیع‌زاده با فرا رسیدن ایام نوروز طبقه کم درآمد و کارمندان و صاحبان مشاغل کم درآمد با خانواده‌شان فرصت خواهند یافت از تورهای ارزان قیمت استفاده کنند؟

جوابش با شما..

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=256083

سفرهای تابستانی آغاز می‌شود

- بابا! خسته شدم، پس کی می‌ریم سفر؟

- دخترم! وقت ندارم، سرم شلوغ است.

- آخه حوصله‌ام سر رفته.

پدر تلویزیون را روشن می‌کند. تلویزیون برنامه‌ای درباره جاذبه‌های گردشگری ایران پخش می‌کند و کارشناس برنامه به آثار مثبت سفر اشاره می‌کند: «ایران به قدری زیبا و فوق‌العاده است که هر جای آن به طور قطع ارزش یک بار سفر رفتن را دارد. مردم و خانواده‌ها در تعطیلات تابستانی که بهترین فرصت برای سفری به یادماندنی است، باید از کار و شلوغی دست بکشند و آرامش و راحتی را در سفر احساس کنند.»

تعطیلات تابستان برای خیلی از خانواده‌ها فصل سفر و گردشگری است. کارشناسان معتقدند که سفر کردن به نقاط زیبا، زندگی را از یکنواختی خارج کرده و فرصتی را برای بازیابی توان روحی و جسمی‌در اختیار انسان می‌گذارد.

● آرامش، ارمغان سفر

سفر اکنون به یکی از مهم‌ترین برنامه‌های زندگی جهانی بدل شده است. در بسیاری از کشورها گردش و تفریح هدفمند جزیی جدایی‌ناپذیر از زندگی خانواده‌ها است و بدون آن احساس کمبود می‌شود. میلیون‌ها انسان در دنیا به هوس لذت بردن از روزهای بی‌دغدغه و چشیدن طعم فراغت از کار و زندگی روزمره، سفر می‌کنند. در کنار درآمد نسبتا چشم‌گیری که در این فرآیند میان طبقات گوناگون در کشور جابه‌جا می‌شود، آثار شگرفی بر زندگی انسان‌ها نمایان می‌شود که احساس آرامش و تسکین روحی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پدیده جهانی به شمار می‌آید. امیرحسین اربابان، کارشناس گردشگری در این باره می‌گوید: «مردم باید به جاهای زیبای پیرامون خود سفر کنند و از این فضای دور از خانه و کار لذت ببرند. خانواده‌ها باید اهل سفر باشند، بار و بنه سفر ببندند و هر جا که دلشان می‌خواهد، بروند و به اعضای خود آرامش هدیه کنند. سفر مهم‌ترین رکن برای ایجاد هم‌بستگی میان اعضای خانواده و تقویت روح مشترک و نزدیکی میان آنان است.» وی می‌افزاید: «سفر، آرامش و سلامت را به فضای خانواده می‌آورد و کسالت‌ها را برطرف می‌کند. قرار دادن سفر در برنامه زندگی، به احیای ذهنی پدر و مادر کمک و آینده و سلامت کودکان را تضمین می‌کند. سفر، نیاز یک خانواده سالم است.» به گفته وی، زندگی شلوغ و سریع کنونی، فرصتی برای تفکر و تسکین نیاز دارد که گردشگری سالم این مجال را فراهم می‌کند.

● مشکلات سفر را مدیریت کنید

متاسفانه مشکلاتی وجود دارد که همواره علاقه‌مندان به سفر را آزار داده است. کمبود و گرانی بلیت وسایل نقلیه، به ویژه قطار و هواپیما و هتل‌ها و مراکز اقامتی مهم‌ترین موانعی هستند که خانواده‌ها را آزار می‌دهند. هر سال با شروع تعطیلات تابستانی و فراغت خانواده‌ها برای سفر، بلیت‌های قطار کمیاب می‌شود و برخی آژانس‌های مسافرتی با چارتر کردن هواپیماها، تهیه بلیت هواپیما را تنها برای برخی افراد با درآمدهای بالا ممکن می‌سازند. با این وجود، در سال‌های گذشته امکاناتی فراهم شده تا خانواده‌های کم‌درآمد هم بتوانند سفر کنند. طرح ارزان‌سازی سفر که

یکی دو سالی است از سوی سازمان گردشگری در قالب تورهای گروهی به اجرا درآمده، فرصتی را فراهم آورده تا علاقه‌مندان به این حوزه بتوانند خانواده‌های خود را به دیدن نقاط دیدنی کشور ببرند. همچنین انتشار بن سفر توسط برخی سایت‌های و مراکز گردشگری کشور به افراد کمک می‌کند با صرفه‌جویی در هزینه‌ها به این مناطق سفر کنند. برای مثال، سال گذشته منطقه آزاد قشم با انتشار این بن‌ها توانست سفر به این جزیره زیبا را برای بسیاری از اقشار کم درآمد میسر کند. البته با وجود گرانی هزینه‌های سفر در ایران بهترین راه، سفرهای گروهی و آسان گرفتن شرایط سفر است. امیرحسین اربابان، رییس هیات مدیره جامعه راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی در این‌باره می‌گوید: «برگزاری سفرهای گروهی به ویژه طبیعت‌گردی در کنار آثار روحی و ذهنی بسیار مفید می‌تواند هزینه‌ها را بسیار پایین آورد. گروهی سفر کردن در قالب تورهای ارزان قیمت امکانات مناسبی همچون اتوبوس و راهنما در اختیار گردشگران می‌گذارد. چنین تجربه‌ای با هزینه‌ای اندک، آنها را از نظر روانی برای زندگی سالم آماده‌تر خواهد کرد.»

- سفر هم سایت دارد

بر اساس آمار کنونی ستاد تسهیلات سفر، بیش از ۲۰۰ آژانس خدمات مسافرتی و گردشگری، تورهای ارزان‌قیمت سفر برگزار می‌کنند که با رفتن به سایت www.stsi.ir می‌توان از جزییات برنامه کاری آنان آگاه شد. همچنین استانداردهای سفر سالم در کشور نسبت به گذشته بهبود یافته و خانواده‌ها با آرامش می‌توانند به گردشگری در ایران بپردازند. ارایه امکانات بهداشتی و تسهیلاتی همچون پزشک قطار و مراکز خدمات بین راهی در جاده‌های کشور، بخشی از موارد یاد شده‌اند.

زندگی شما و خانواده‌تان به تنوع نیاز دارد که با سفری سالم به مراکز دیدنی و طبیعت می‌توانید آن را پدید آورید. ایران هم آن‌قدر زیبا و فوق‌العاده است که هر جای آن به طور قطع ارزش یک بار سفر رفتن را دارد.

برنامه‌ریزی برای سفر به نوع سفر بستگی دارد. در تور و سفرهای گروهی به‌طور معمول مکان اقامت و مسیر بازدیدها مشخص است و آنچه برای هر فرد اهمیت دارد، حس همکاری گروهی و هم‌بستگی است. در این گونه سفرها همراه داشتن وسایل شخصی لازم است. وضعیت برنامه‌ریزی در سفرهای فردی و خانوادگی متفاوت است. هرگاه خواستید تنها یا با خانواده سفر کنید، گزینش شیوه اقامت بسیار مهم است. اگر قصد اقامت در هتل و مراکز اقامتی را دارید حتما پیش از حرکت، اتاق یا سوییت خود را رزرو کنید تا مجبور نشوید با قیمت‌های بالا به هر مرکزی بروید. برای اقامت در این مراکز حتما از امکانات آنها آگاه شوید. با مراجعه به سایت‌های سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، به ویژه ستاد تسهیلات سفر می‌توانید با ویژگی‌ها و امکانات این مراکز آشنا شوید. در مناطق ساحلی و ییلاقی تا جایی که می‌توانید، از مراجعه به مراکز بی نام و نشانی که اتاق و ویلا اجاره می‌دهند، بپرهیزید زیرا هیچ تضمینی برای ارایه امکانات استاندارد در این مراکز وجود ندارد. اگر مشکل کمبود جا پیدا کردید، اداره‌های گردشگری نمایندگی‌هایی دارند که کمک‌تان خواهند کرد. اما اگر خواستید طبیعت‌گرد باشید و دور از فضای شهری به دل طبیعت بزنید حتما از ویژگی‌های منطقه آگاه شوید. مراجعه به‌اینترنت، کتاب‌ها و نقشه‌ها می‌تواند کمک خوبی برایتان باشد.

طبیعت گردی در مناطق ناآشنا بدون راهنما و آگاهی لازم می‌تواند خطرناک باشد. حتما نقشه همراه‌تان ببرید. توجه به طبیعت در این گونه سفرها ضروری است. بر اساس استاندارد جهانی طبیعت‌گردی، هرگاه به طبیعت سفر کردید، نه چیزی اضافه ببرید و نه چیزی در پایان سفر بردارید. طبیعت‌گردی هنگامی‌لذت بخش است و به انسان آرامش و امنیت ذهنی را هدیه می‌دهد که با احترام به قانون طبیعت همراه باشد. همچنین وسایل کمک‌های اولیه را از یاد نبرید. در یک سفر استاندارد و حرفه‌ای، گردشگر می‌داند کجا و چگونه می‌رود، از چه امکانات و حقوقی برخوردار است و چه اهدافی برای خود اندیشیده است.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=336414

vista.ir
Online Classified Service

سفری با اقامت در هتل پر ستاره

رسم چندین هزارساله چادر زدن در طبیعت امروز شکل دیگری به خود گرفته. از آنجا که اقامت پرخرج ترین بخش سفر است بسیاری از اهالی گردش به چادر پناه می برند. این شیوه مختص طبیعت گردها نیست. مسافران شهرهای تاریخی هم برای دوری از هتل ها با قیمت های سرسام آورشان شب ها در مکان های مشخصی که شهرداری مشخص کرده چادر می زنند. داشتن چادر و نحوه استفاده از آن اولین رکن سفر ارزان است اما تنها دلیل استفاده از چادر این نیست. لذت شب مانی در هتل پر ستاره که سقفش آسمان باشد چیز دیگری است.

● انواع چادرهای مسافرتی

چادرهای مسافرتی به دو دسته فنری و عصایی تیرك خور تقسیم می شوند و اندازه های متنوع دارند. برپا کردن چادرهای فنری آسان تر است و با یك پیچش چادر از هم باز می شود و فقط میخ کردن آن به زمین می ماند. اما چادرهای عصایی را باید با سرهم کردن تیرك ها که مثل عصای نابینایان تا شده، وصل کردن آن به گیره های روی چادر و خم کردن تیرك ها به شکل یك گنبد برپا و سپس با میخ روی زمین محکم کرد. برخلاف چادرهای فنری، معمولا یك نفره نمی توان چادرهای عصایی را برپا کرد. فنری ها از لحاظ قیمت و عصایی ها از لحاظ دوام باصرفه ترند. ارزان ترین چادر فنری ۲۰ هزار تومان و ارزان ترین چادر عصایی ۵۵ هزار تومان قیمت دارد. قیمت این چادرها بسته به جنس و اندازه و وزن به ۱۲۰ هزار تومان هم می رسد. از چادرهای عصایی که سقف آنها گنبدی است در هر آب و هوایی می شود استفاده کرد اما چادرهای فنری با آب باران خیس می شوند. همچنین چادرهای عصایی وقتی که جمع می شوند حجم کمتری دارند. چادرها که اکثرا مثل بیشتر کالاها چینی اند قابل شست و شو هستند و بهتر است با دست شسته شوند. طبیعت گردهای حرفه ای چادرهای عصایی را به خانواده ها توصیه می کنند.

● نحوه برپا کردن چادر

در اکثر شهرهای بزرگ تاریخی مثل اصفهان چادر زدن در میدان ها و بلوارها ممنوع شده و مکان های مخصوصی با امکانات اولیه مثل سرویس بهداشتی از سوی شهرداری به این کار اختصاص داده شده است. این محدودیت مختص به شهرها نمی شود. در طبیعت هم نمی شود هر جایی کمپ کرد. در عمق دره ها، در مسیر سیلاب ها و نزدیکی رودها، در شیب های تند، نزدیکی آتش، در معرض وزش شدید باد و جایی که حیوانات و حشرات خطرناك وجود دارند نباید چادر زد. اگر تعداد چادرها بیش از یکی است بهتر است که نزدیك هم برپا شوند و اگر بیش از چهارتاست در صورتی که زمین مسطح باشد و شرایط محیطی اجازه دهد بهتر است کمپ به شکل دایره باشد تا هم نمای زیباتری داشته باشد و هم حفاظت از کمپ آسان تر شود. در این روش می توانید آتش را با حفظ احتیاط در مرکز دایره روشن کنید.

پیش از برپا کردن چادر سطح زیر آن را باید صاف کرد. همچنین زیرانداز پلاستیکی زیر چادر نباید فراموش شود. اگر احتمال باران می رود دور چادر را شیار باریکی بکنید. با این روش آب را به راهی که می خواهید هدایت کرده اید. زیپ در چادر همیشه باید بسته باشد تا حشره یا جانور نتواند وارد آن شود و هنگام خواب هیچ چیز حتی کفش نباید خارج از چادر باشد چون ممکن است جانوران را به سمت چادر بکشد. همچنین برای روشن کردن فضای داخل چادر فقط از چراغ قوه استفاده کنید و از روشن کردن هر نوع وسیله ای که آتش به همراه دارد بپرهیزید. سیگار کشیدن داخل چادر را هم فراموش کنید. الیاف چادر به شدت قابل احتراق اند.

● کیسه خواب خوب، ضامن تجدید قوا

خوب خوابیدن مهمترین فاکتور تجدید قوا در طبیعت است. اگرچه گاهی آسمان پر ستاره و هوای تمیز و وسوسه نشستن کنار آتش خواب شب را از سر می پراند. برای خوابیدن در چادر بهتر است از کیسه خواب استفاده شود که هم گرم تر است و هم حجم کمتری دارد. کیسه خواب ها از پر یا الیاف ساخته می شوند و از ۱۵ هزار تا ۲۰۰ هزار تومان قیمت دارند. کیسه خواب های پر اگرچه برای محیط های سرد و مرطوب استفاده می شوند اما در اثر رطوبت پر آنها خیس می شود و کارایی خود را به مرور زمان از دست می دهد. بهتر است سرمایی ها به خصوص وقتی به محیط

های سرد مثلا کویر می روند پتوی سفری هم همراه خود داشته باشند. در طول شب پا بیشتر از هر عضو دیگری از بدن سرد می شود. بنابراین بهتر است با دو جفت جوراب به خواب بروید.

● آتش، ناجی کمپ در طبیعت

در داخل کمپینگ های شهری با امکاناتی که دارند ممکن است برپایی آتش ممنوع باشد اما در طبیعت آتش یك اصل است که می تواند شما را از سرما، تاریکی و گرسنگی نجات دهد. آتش باید جایی برپا شود که گیاهان منطقه را تهدید نکند. برای برپا کردن آتش باید قدم به قدم پیش رفت. لایه زیرین آتش باید پوشالی باشد که شما با چاقو از هیزمی که در اختیار دارید تهیه کرده اید. هنگامی که یك لایه آتش گرفت لایه های بعدی را به آن اضافه کنید. آتش باید آماده سوختن شود. لایه های بعدی به ترتیب برش های نازك از چوب، چوب های نازك، چوب های بزرگ تر و کنده است. برای کمك به آتش گرفتن بهتر است از پنبه آغشته به الکل، الکل جامد یا مواد آتش زای کم خطر استفاده کنید. آتش نباید کمپ شما را تهدید کند. با سنگ چین برای آتش خود محدوده درست کنید. هنگامی که قصد ترك محل را دارید آتش را کاملا خاموش کنید و مطمئن شوید که هیچ حرارت تهدید کننده ای در محل باقی نگذاشته اید.

● ساخت دزدگیر برای کمپ

در طبیعت بکر هر چیزی ممکن است به کمپ شما نزدیك شود. برای اینکه از نزدیك شدن افراد یا حیوانات به کمپ خود مطلع شوید می توانید یك دزدگیر ساده بسازید: در دو لبه یك گیره لباس دو پونز فروکنید. به طوری که طرف پهن پونزها در صورت بسته شدن گیره روی هم بیاید. سپس دو سیم را به نوك پونزها وصل کنید. این وسیله مثل کلید عمل می کند. وقتی دو لبه به هم می چسبد برق در دستگاه به جریان می افتد. می توان این دستگاه را به یك لامپ یا بوق ماشین وصل کرد. از طرفی یك سیم بلند این سیم می تواند به بلندی دور کمپ شما باشد که نوك آن مقوایی وصل کرده اید دزدگیر شما را کامل می کند. مقوا را بین دو لبه گیره قرار دهید. اگر کسی از حصار سیمی دور کمپ شما عبور کند مقوا از گیره جدا می شود، پونزها با هم برخورد می کنند و دزدگیر شما عمل می کند. سیم بلند را می توانید دور کمپ خود بکشید تا از ورود هر چیزی به کمپ مطلع شوید.

● ضداستقرار، حذف رد پای انسان در طبیعت

مهمترین اصل در طبیعت گردی ترك محل به گونه ای است که پس از ترك اثری از حضور انسان در آن دیده نشود. بنابراین هر کسی که به طبیعت سفر می کند موظف است همه تغییراتی را که برای استقرار به وجود آورده در ضد استقرار به حالت اولیه خود بازگرداند. اگر فقط یك ته سیگار در محیط باقی بماند تا ۷۰۰ سال دیگر رد پای انسان در طبیعت باقی مانده است. برای حذف رد پای خود زباله های خود را با خود از محیط خارج کنید و زباله های قابل برگشت مثل خرده نان و میوه را برای اینکه از آلودگی بصری جلوگیری شود در گوشه ای که قابل دیدن نباشد رها کنید. حتی سنگ هایی که برای صاف کردن محیط جا به جا کرده اید دوباره به سر جای خود برگردانید. طبیعت را همان طور ترك کنید که دوست داشتید در لحظه ورود ببینید.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=233986

vista.ir
Online Classified Service

سفری به اعماق زمین

کم‌کم داشتیم از شدت گرما و خستگی هلاک می‌شدیم که کم شدن سرعت ماشین این نوید را به ما داد که بالاخره به مقصد رسیده‌ایم.

من که صبرم تمام شده بود، به سرعت از ماشین پیاده شدم و به دور و اطراف نگاه کردم. جمعیت زیادی آنجا بود و صدای موسیقی محلی به گوش می‌رسید. هوا آن‌قدر گرم بود که اولین کارمان خریدن یک نوشیدنی خنک بود؛ اما چند دقیقه‌ای نگذشت که نوشیدن یک لیوان چای داغ را به آن ترجیح دادیم!

به طرف محل خرید بلیت که رفتیم، متوجه شدیم که مدتی باید صبر کرد تا گروه قبلی از غار بیرون بیایند و بعد ما داخل شویم. همین‌طور که به دنبال سایه‌ای می‌گشتیم، یکی از مسئولان سوراخی را در دل کوه نشانمان داد و گفت که می‌توانیم برای استراحت آنجا برویم. به دنبال بقیه راه افتادیم و هنوز پایمان را درون غار نگذاشته بودیم که هوای خنک و دلپذیر به پیشوازمان آمد. انگار که چند کولر گازی روشن کرده باشند! فضایی بزرگ با نور ملایم و پر از میز و صندلی.

اینجا همان جایی بود که اگر زیاد می‌نشستی حتماً یک نوشیدنی داغ سفارش می‌دادی! با خودم گفتم وقتی سالن انتظار غار به این زیبایی است، پس خود غار باید خیلی دیدنی باشد. بالاخره وارد غار شدیم. ابتدای راه همه آن‌قدر متعجب بودند که از شدت همهمه صدا به صدا نمی‌رسید. اما طولی نکشید که فریاد راهنمای غار مردم را به سکوت و شنیدن درباره غار دعوت کرد.

آقای راهنما صحبتش را این‌گونه آغاز کرد: «غار کتله خور در ۵ کیلومتری شهر گرماب، در استان زنجان قرار دارد. «کتل» به معنای تپه یا کوه کوچک است و «خور» به معنای خورشید. می‌گویند مقابل این غار تپه‌ای وجود داشت که خورشید هنگام طلوع از پشت آن دیده می‌شد، به همین دلیل اسم غار را کتله‌خور گذاشته‌اند. غار کتله‌خور طبق نقشه‌های زمین‌شناسی و نظریه‌های علمی، در دوران سوم زمین‌شناسی به وجود آمده و در نتیجه سن آن را حدود سی‌میلیون سال تخمین می‌زنند. این غار، غاری است آهکی که در برخی جاها گل رس و خاک‌های حاوی اکسید آهن هم دیده می‌شود.»

هرچه پیشتر می‌رفتیم، بیشتر تعجب می‌کردیم. واقعاً که جای زیبایی بود و وجود تابلوها و چراغ‌های درون غار به دیدن این زیبایی‌ها کمک می‌کرد.

مشغول گرفتن عکس بودیم که باز فریاد آقای راهنما به گوش رسید. این بار خطابش با ما بود که می‌گفت: « صبر کنید همه با هم برویم!»

در این فکر بودم که ای کاش راه‌پیمایی مان در غار به این‌زودی‌ها تمام نشود که صدای راهنما را شنیدم که می‌گفت: «غار کتله‌خور یکی از طولانی‌ترین غارهای ایران است. حدود ۱۳ کیلومتر آن بررسی شده، اما طول دقیق آن هنوز مشخص نیست. شایعه‌ای می‌گوید که این غار در نهایت به غار علیصدر در همدان می‌رسد! ».

با این جمله دوباره سر و صدا شروع شد، اما این بار راهنمای دیگری بدون توجه به آن ادامه داد: «برخلاف غار علیصدر که غاری است کاملاً آبی، غار کتله‌خور زنجان تقریباً خشک است. البته در طبقه‌های زیرین غار آب و چشمه‌هایی وجود دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های کم‌نظیر این غار، هفت طبقه بودن آن است. البته رفتن به طبقه‌های زیرین کار راحتی نیست و به تجهیزات و امکانات زیادی نیاز دارد. در حال حاضر این غار به سه بخش فرهنگی، تفریحی و ورزشی تقسیم شده است. از بخش ورزشی آن تنها غارنوردان و صخره‌نوردان استفاده می‌کنند. بخش تفریحی غار برای بازدید عموم مورد استفاده قرار می‌گیرد و حدود ۵/۲ کیلومتر مسیر رفت و برگشت است. بخش فرهنگی غار هم دالانی است برای برگزاری مراسم مختلف. این دالان طبیعی است، اما راه خروج آن را آدم ها کنده‌اند. از جاذبه‌های دیگر غار تقسیم‌بندی بخش‌های مختلف آن با نام‌هایی است براساس شباهت مواد آهکی و قندیل‌ها.»

هنوز جمله راهنما تمام نشده بود که صدای دوستم را شنیدم: «بیا اینجا، این شیر را نگاه کن!» با عجله به طرفش رفتم و یک مجسمه آهکی را دیدم که خیلی شبیه یک شیر بود. بالای آن هم روی تابلویی نوشته شده بود: «میدان شیر خوابیده!»

در ادامه راه از روی یک پل رد شدیم و مجسمه‌های زیبای دیگری را دیدیم. مثلاً در یک جا قندیل‌هایی از سقف شبیه دو جادوگر آویزان شده بودند و یا مجسمه‌های دیگری شبیه پای فیل، عروس و داماد، مرد مومیایی و... بودند که آدم در طبیعی بودنشان شک می‌کرد. خلاصه این که حدود یک

ساعتی را در غار بودیم و از زیبایی‌های کم‌نظیر آن لذت بردیم.

موقع بیرون آمدن از غار یاد کتاب «سفر به اعماق زمین» اثر «ژول‌ورن» افتادم و این که در دوران بچگی چقدر دلم می‌خواست به داخل زمین سفر کنم!

آیدا ابوترابی

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=116305

vista.ir
Online Classified Service

سفری به باغ شازده ماهان

در گستره فلات ایران زمین اگر نیک بنگریم شهرهای بسیاری خواهیم یافت که هریک نگهدارنده بخشی از تاریخ و هویت پارسی هستند که در این میان استان کرمان از جایگاه ویژه یی برخوردار است. سرزمینی در دل ایران، قنات های شگرف، خفته در دل زمین دشت های کم شیب و ملایم، خشک و تفتیده. مردمانی سختکوش، مدام در پی آب که تنها به اکسیر آن زمین هاشان سبز توانند کرد، در پس ذهن شان تمنای بهشت. اقلیم شان تفتان، معماری شان زیبا و نغز و به غایت شاعرانه در روی زمین.

یکی از جاذبه های دیدنی این سرزمین باغ شازده است که در شهر ماهان قرار دارد. ماهان در ۳۵ کیلومتری جنوب شرق کرمان و در پای کوه های جوپار و یلوار که یکی از مناطق بسیار خوش آب و هوای آن استان است واقع شده، شهری است کوچک با مردمانی خوش مشرب و مهمان نواز که با حساسیت و مهربانی هرچه تمام تر از میراث این سرزمین کهن که دست روزگار نزد آنها به امانت گذاشته مراقبت می کنند. اگر معماری ایرانی عصاره و تبلور اندیشه ایرانی در مواجهه با فضای زیست انسانی است و اگر شهرهای تاریخی ما همواره رنگ خاک و طعم آب جاری در سرزمین مان را با خود دارند، دور از ذهن نیست اگر تصور کنیم باغ هایمان نیز گذشته از اندیشه های شکل گیری شان، دورنمایی از آرمان های انسان ایرانی اند؛ چه آن گاه که با حفظ تقدیس، آب را چنان در باغ می گرداندند تا باغ شان نیز نماد فکر و اندیشه و عناصر هستی بخش شان شود و چه زمانی که بیش از همیشه باغ را تمثیلی از بهشت برین می دانستند و تمنای جاودانگی را در باغ تجربه می کردند. هنر باغسازی و ایجاد فضای سبز از قبل از هخامنشیان و بعد از آن در تخت جمشید به اعلاترین درجه خود رسیده است.این هنر یکی از کهن ترین هنرهای ایرانیان است که دارای سنت های ارزشمند و قدرتی معنوی است.

شکل باغ در ایران از دیرباز تاکنون با چگونگی طبیعت و میزان آب تناسبی کامل داشته است. بنابراین باغ ها را از دیرباز به شیوه های گوناگون می ساخته اند. باغ شازده که در چهار کیلومتری شهر ماهان و بر دامنه کوه تیگران تکیه دارد در دوره قاجاریه به دستورعبدالحمید میرزا ناصرالدوله حاکم کرمان طی ۱۱ سال حکمرانی وی (±۲۱ر ه.ق تا ±۱۰۳ ه.ق) که هنوز چراغ خاندان قجر را سویی بود ساخته شد و با مرگ وی نیز بنای آن نیمه تمام رها شد. گفته می شود وقتی خبر مرگ ناگهانی حاکم را به ماهان می برند، بنایی که مشغول تکمیل سردر ساختمان بود تغار گچی را که در دست داشته محکم به دیوار کوبیده و کار را رها کرده است. به همین علت جاهای خالی کاشی ها را بر سردر ورودی می توان دید. فرمانفرما برای

ساختن این باغ از اطراف و اکناف کرمان کارگر گرفت و بسیاری از متمکنین در ساختن آن اجباراً کمک کردند و حتی بیجه ها و نهال های درخت ها را نیز از هر گوشه یی آوردند. تاریخ بنای باغ ۱۲۷۶ خورشیدی است. این باغ از نمونه باغ تخت های ایرانی است و در زمینی مستطیلی شکل به مساحت پنج و نیم هکتار بنا شده و دارای سردر ورودی بسیار زیبایی است که نشان از شکوه گذشته این بنا دارد.

ای قصر دل افروز که منزلگه انسی

یارب نکند گردش ایام خرابت

طرح اصلی باغ مانند باغ های سنتی ایران دارای دو عمارت با یک رشته آب نما و حوض های به هم پیوسته در محور مرکزی است. بناهای باغ عبارتند از کوشک اصلی یعنی سکونتگاه دائمی یا فصل مالک که در انتهای فوقانی باغ قرار دارد. سردر خانه در مدخل باغ به صورت بنایی خطی جبهه ورودی باغ را اشغال کرده و در دو طبقه بنا شده. طبقه فوقانی دارای اتاق هایی است که برای زندگی و پذیرایی پیش بینی شده اند. سایر بناهای خدماتی باغ از حصار اصلی استفاده کرده و به صورت دیواری مرکب بناهای مختلف خدماتی را در نقاط مناسب در خود جا داده است. این باغ علاوه بر سردر، شامل عمارت شاه نشین و حمام نیز است. در حال حاضر قسمت شاه نشین، به یک رستوران تبدیل شده است.در این باغ درختان میوه متنوعی به چشم می خورند و در جلوی عمارت هم حوض ها و فواره ها آب نمای زیبایی را تشکیل داده اند. منبع آب باغ رودخانه کوچک تیگران است. باغ شازده ماهان جزء باغ هایی است که با داشتن نورپردازی بسیار زیبا در شب، همانند خورشید در دل شب کویر می درخشد. باشد که همگان موفق به دیدن این جلوه گاه هنر پارسیان شوند.

ایمان نیکزاد

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=130119

vista.ir
Online Classified Service

سفری در محدوده تهران

گهگاه سفر برای دوری از هیاهو و شلوغی و رخدادهای روزمره صورت می‌گیرد و مسافر این سفرها از شنیدن حرف‌های هر روزه فراری است. می‌دانم، اما باور کنید این‌بار اتفاقا خود سفر با مقوله‌ای که همه جا صحبت آن است، یعنی بنزین و سهمیه‌بندی آن گره خورده است و متاسفانه راه فراری از این روزمرگی خسته کننده نیست. بنابر این باید بگویم که درمسافرت این هفته تا حد امکان مسیری کوتاه خواهیم رفت وسوخت کمی خواهیم سوزاند.

غار گل زرد، دریاچه و دشت لار کم‌تر از ۷۰ کیلومتر با تهران فاصله دارد. غار گل زرد،غاری رودخانه‌ای است که در دامنه جنوب شرقی قله سه هزار و ۷۰۶ متری گل زرد (از مجموعه قلل ناظر دماوند) جای گرفته. این غار آهکی است و از نمونه‌های فعال این گروه محسوب می‌شود و در حال زایش انواع «سازندهای آهکی» است و آب‌های_ زیر زمینی همواره در آن جریان دارند. البته در نظر داشته باشید که شکل گرفتن هر يك سانتی‌متر استلاکتیت یا استلاگمیت (قندیل‌ها و مخروطهای غار) ۱۰۰ سال طول خواهد کشید و زاینده بودن آن در بازهء زمانی زیاد قابل تعریف است. بنابر

این به یاد داشته باشید که کنده‌کاری و تخریب این قندیل‌های آهکی یعنی نابودی کامل آن‌ها. چراکه یك قندیل ۳۰ سانتی‌متری با حساب و کتابی ساده و ضرب این اندازه درعدد و رقم زمین شناسان درباره زمان تشکیل آن‌ها، سه هزار سال طول خواهد کشید.

گل زرد از معدود غارهای آهکی حاشیه کوه دماوند است که سر باز کرده و زیبایی خاص خودش را دارد; غارهای کشف شده این ناحیه یا مصنوعی و ساختهء بشراند یا زیبایی‌های آهکی آن چندان نیست که قابل توجه باشد. از دیگر غارهای این منطقه می‌توان به «مجموعه غارهای کافر کولی»، «غار اسك» و «غار انسان» اشاره کرد.

غار گل زرد در منطقه پلور و در مراتع شمالی روستای منظریه قرار دارد. جاده خاکی منتهی به گل زرد، ۶۵ کیلومتر بعد از تهران در جاده هراز و اندکی پیش از خروجی سد لار منشعب شده و چهار کیلومتر طول دارد. جاده‌ای که تنها با اتومبیل شاسی بلند و دو دیفرانسیل قابل عبور است و در غیر این صورت پیاده رفتن آن به صواب نزدیك‌تر است. این جادهء فرعی درست بعد از بهمن‌گیرهای معروف پایین گردنهء امامزاده هاشم و پیش از راهدارخانه منظریه از سمت چپ جادهء اصلی منشعب شده و انتهای آن به یك کلبه کوهستانی می‌رسد. از کنار کلبه، با نیم‌ساعت پیاده‌روی می توان به دهانه غار رسید. دهانهء غار کمی تنگ و ترش است. برای ورود به غار باید سینه‌خیز وارد شد و ۱۰متری هم چهار دست و پا حرکت کرد. غار مسیری مشخص و دالانی دارد که نیازی به نخ کشی یا نشانه‌گذاری در آن نیست. هرچند که در طول مسیر شکاف‌ها و آب‌روهای کوچکی وجود دارد که باید مراقب آن‌ها بود از ورود به آن‌ها اجتناب کرد.فضای غار بسیار زیباست و با وجود حوضچه‌های کوچك و بزرگ (که بعضا تا چهار متر عمق دارند) و جویبارهای زیر زمینی و سازندهای آهکی بسیار متنوع; فضایی دلفریب و رویایی ایجاد کرده است. در نظر داشته باشید که رویت این زیبایی‌ها مستلزم دیدار گروهی از غار است که همهء نفرات چراغ قوه‌های پرنور همراه خود دارند. برای این غار نوردی نسبتا ساده و رفت و برگشت تا انتهای غار نزدیك به سه ساعت زمان صرف خواهد شد. زمان مناسب دیدار از غار گل زرد هم خرداد تا شهریور ماه هر سال است و پیش و پس از این زمان دهانهء غار معمولا به دلیل آب گرفتگی بسته است.

اما غار زیبای گل زرد در دشت زیباتر لار با شقایق‌های مشهورش و نزدیکی دریاچه لار واقع است که با کمی خوش شانسی می‌توان همهء این زیبایی‌ها را در یك برنامه دید. منطقه گل زرد از اواخر اردیبهشت ماه پوشیده از گل‌های ریز زرد رنگ وحشی می‌شود اما شقایق‌های دشت لار تقریبا از اواخر خرداد ماه سر از خاك بیرون می‌آورند. بنابراین تقریبا بهترین زمان سفر به منطقه خرداد است. اندکی پس از فرعی گل زرد در جاده هراز (حدود پنج کیلومتر) به پلور می‌رسیم و سه راهی لار که یکی از راه‌های اصلی ورود به منطقهء لار است. پس از پایان راه آسفالت، محیطبانی دلیچای واقع است که مسوولیت حفاظت از منطقهء حفاظت شده لار را که تازگی‌ها به پارك ملی تبدیل شده، دارد. محیطبان‌ها کار حفاظت از رودخانه‌ها، حیات وحش و به ویژه جلوگیری از صید غیر مجاز ماهی قزل‌آلای خال قرمز را که از نادرترین گونه‌های آبخیز جهان است برعهده دارند. از دیگر شاخصه‌های لار که محیطبان‌ها مسوول حفاظت از آن هستند شقایق‌های لار است که اواخر بهار و اوایل تابستان چونان فرش قرمزی سراسر منطقه را می‌پوشاند و این خود بهترین بهانه برای سفر به این منطقه است.

فراموش نکنید که شقایق تنها چند دقیقه پس از چیدن کاملا پژمرده می‌شود و به هیچ وجه چیدن آن به کارتان نمی‌آید. اگر هم گمان می‌کنید که من از طرف سازمان محیطزیست مامور به گفتن چنین چیزی شدم یا این‌که ممکن است پس از دیدن انبوه شقایق‌ها از نزدیك، حرفم را فراموش کنید; خواهش می‌کنم پیش از چیدن یك بغل شقایق، یکی را بچینید و اندکی صبر کنید تا خود شاهد پژمرده شدنش باشید و دست از ادامه کار بشویید. بنابر این شاید دیگر لازم نباشد که بدانید چیدن شقایق و خروج آن از منطقه باعث جلوگیری از تکثیر آن برای سال‌های آتی می‌شود و علاوه بر این چیدن این گل جرم است و در صورت مشاهده محیطبان، او می‌تواند شما را به دادگاه معرفی کند. از تخریب و آسیب‌رسانی و باقی گذاشتن زباله‌ها که بگذریم، پارك ملی لار که ۲۷ هزار و ۷۷۸ هکتار مساحت دارد، محیط خوبی برای ماهیگیری، شنا، پیاده‌روی و دیدار از قله دماوند است. شب‌های سرد و روزهایی با آفتاب تند دارد. در آنجا می‌توان گون، خرگوشك، آویشن، پونه، کاکوتی، گل گاو زبان و باریجه را که مصارف دارویی و صنعتی دارند، پیدا کرد.

همچنین این دشت زیستگاه جانورانی چون خرس، گراز، گرگ، روباه، پلنگ، کل و بز، قوچ و میش، عقاب طلایی، کبك و انواع مار از جمله افعی البرزی است; گونه‌هایی که در سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته‌اند. برای به حداقل رساندن خطر مارگزیدگی هم باید «گتر» به پا داشت و دور و بر بوته‌ها و سنگ‌ها کم‌تر کنجکاوی کرد.به یاد داشته باشید که ماهیگیری در دریاچه مستلزم رعایت فصل مجاز، دریافت مجوز صید ورزشی که به گمانم محدود به گرفتن حداکثر پنج ماهی با قلاب است و همچنین دیگر قوانینی است که توسط ادارهء کل محیط زیست استان تهران اعلام می‌شود. اساسا پیش از عزیمت به این ناحیه با یك راهنما یا اداره محیط زیست تهران مشورت کنید. با توجه به این‌که پارك‌های ملی محدودیت‌های خاص خود را دارند.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=270486

vista.ir
Online Classified Service

سلامت عمره گزاران و حجی به یاد ماندنی

عمره گزاران بار دیگر خود را مهیای این سفر الهی می کنند. بی گمان برای بهره مند شدن بیشتر از این سفر معنوی، حفظ سلامت امری ضروری است.از آن جا که درصد بالایی از حجاج را سالمندان تشکیل می دهند و ممکن است این افراد به بیماری هایی نظیر دیابت، آسم، فشار خون، چربی خون بالا و ... مبتلا باشند و عوامل محیطی مانند گرمازدگی و ... نیز ممکن است باعث ایجاد مشکلاتی در طول سفر شود، بر این اساس توجه ویژه به اصول بهداشتی و مراقبت های مربوط به حفظ سلامت ضرورت پیدا می کند. دکتر احمد آل یاسین پزشک کاروان های حج و زیارت به تفصیل توصیه ها و راهکارهایی را برای مقابله با بیماری ها و مشکلات در سفر حج ارائه می دهد.

● بیماران دیابتی

به این دسته از بیماران توصیه می شود از مصرف خوراکی های مضر مانند نوشابه و مواد قندی پرهیز کنند و مصرف غذاهای چرب را به حداقل برسانند.

این گروه از زائران فقط در صورت مشاهده علایم کاهش قند خون مثل ضعف شدید، تعریق و لرزش می توانند از مواد قندی مثل شربت قند استفاده کنند. افراد دیابتی برای جلوگیری از ضربه و جراحت باید از رفتن به محیط های شلوغ بپرهیزند و در صورت بروز زخم، سریع به پزشک مراجعه کنند.

استعمال نکردن دخانیات، مصرف منظم داروهای ضددیابت طبق دستور پزشک و استفاده از کفش مناسب و راحت از دیگر نکاتی است که مبتلایان به دیابت در سفر حج باید رعایت کنند. ضمن این که زائران مبتلا به دیابت باید از مسئولان پذیرایی کاروان ها بخواهند تا غذای رژیمی در اختیارشان قرار دهند.

● بیماران قلبی

این گروه از زائران باید از انجام فعالیت های سنگین، پیاده روی طولانی، رفتن به اماکن شلوغ و پر ازدحام، مصرف غذاهای پرنمک و چرب به شدت پرهیز کنند و داروهای خود را منظم و به موقع مصرف کنند.

زائرانی که به این بیماری مبتلا هستند بهتر است انرژی خود را برای انجام اعمال واجب ذخیره کنند. در صورت پیشرفته بودن بیماری های قلبی استفاده از ویلچر برای انجام مناسک حج ضروری است.

● فشار خون بالا

مبتلایان به فشار خون بالا با پرهیز از مصرف غذاهای چرب و شور، خودداری از هیجان، کنترل هفتگی فشار خون توسط پزشک و مصرف منظم داروهای ضدفشار خون می توانند تا حدی بیماری خود را کنترل کنند. این افراد باید بدانند که رعایت نکردن توصیه های لازم، ممکن است به بروز عوارض خطرناکی نظیر سکته قلبی و مغزی منجر شود.

- عرق سوز یا میلیاریاروبرا

زائران ممکن است بر اثر تعریق فراوان و استفاده از لباس های نامناسب و پلاستیکی دچار عرق سوز شدن بدن در نواحی زیربغل و کشاله ران شوند که برای جلوگیری از این مشکل رفت و آمد نکردن در ساعات اوج گرما، پوشیدن لباس های نخی با رنگ روشن، استحمام مکرر و ... توصیه می شود.

- مبتلایان به آسم

استفاده از ماسک، مصرف منظم داروهای تجویز شده، پرهیز از انجام فعالیت های سنگین و پیاده روی زیاد از نکاتی است که بیماران مبتلا به آسم باید به آن توجه زیادی داشته باشند.

در صورت تشدید آسم و علایمی مانند سرفه، خس خس سینه، تنگی نفس و بروز سرماخوردگی زائران باید سریع به پزشک مراجعه کنند و از مصرف نوشیدنی ها و غذاهایی که محرک آسم است، بپرهیزند.

- بیماری شایع ایام حج

باتوجه به ازدحام جمعیت و حضور میلیون ها نفر در مکه و مدینه خطر انتقال بیماری های عفونی نظیر عفونت های تنفسی و روده ای، مننژیت و ... وجود دارد و کوچک ترین سهل انگاری و رعایت نکردن توصیه ها و نکات بهداشتی زائران را با خطرات جدی روبه رو می کند.

سرماخوردگی شایع ترین بیماری حجاج و عمده ترین علت مراجعه زائران به پزشک است و گاهی عوارض آن طولانی است و تا زمان بازگشت به وطن خود ادامه می یابد. سرماخوردگی با رعایت برخی از موارد مانند دوری از قرار گرفتن در معرض باد مستقیم کولر، استفاده از وسایل شخصی، نوشیدن آب فراوان و ... قابل پیش گیری است.

با بروز سرماخوردگی می توان با استراحت کافی، آشامیدن نوشیدنی های گرم، چای کم رنگ، خودداری از نوشیدن آب یخ و نوشابه های سرد و غذاهای سنگین و چرب و سرخ شده به بهبود وضعیت خود کمک کرد.

- یبوست

نظم برنامه اجابت مزاج که بهترین زمان آن صبح ها پس از خوردن صبحانه است، ممکن است در طول سفر تغییر پیدا کند. مصرف میوه، سبزی و مرکبات و پرهیز از مصرف موز نارس، چای پررنگ و نوشابه های گازدار و همچنین نوشیدن ۸ تا ۱۰ لیوان آب و نوشیدنی های دیگر در روز برای پیش گیری از یبوست مناسب است.

در سبد میوه روزانه زائران موز وجود دارد و این میوه حاوی مقادیر زیادی پتاسیم است و بسیار مغذی است ولی مصرف آن برای مبتلایان به یبوست به هیچ عنوان توصیه نمی شود اگر به همراه یبوست، علایمی مثل تب یا درد شدید شکمی مشاهده شد باید به طور حتم به پزشک کاروان مراجعه شود.

- گرمازدگی

گرمای شدید عربستان به خصوص در زمان انجام مراسم حج که با تراکم جمعیت همراه است بیشتر زائران را به گرمازدگی شدید دچار می کند که اگر سریع درمان نشوند، این مسئله عواقب خطرناکی را در پی خواهد داشت.

ضعف، خستگی مفرط، سردرد، سرگیجه و ... از علایم گرمازدگی خفیف تا متوسط است که درمان آن شامل استراحت، انتقال بیمار به محیط خنک، مایع درمانی خوراکی مانند استفاده از محلول ORS و یا یک قاشق چای خوری نمک به اضافه ۸ قاشق چای خوری شکر در آب و هم چنین خنک کردن بدن با گذاشتن حوله مرطوب روی پیشانی و عضلات است.

علایم گرمازدگی شدید شامل تب شدید، گرفتگی عضلانی، تشنج، کما، غش و ... است و درمان آن علاوه بر انجام اقدامات مذکور، قرار دادن فرد گرمازده در وان آب سرد، استفاده از کیسه های یخ روی کشاله ران، زیر بغل، زانو، مچ دست و پا ضروری است و اگر بیمار به شوک دچار شده باشد، درمان سریع ویژه شوک باید توسط پزشک انجام پذیرد.

همراه داشتن یک قمقمه آب سرد، پرهیز از تردد و رفت و آمد در هوای گرم و زیر آفتاب داغ از ساعت ۱۰ صبح تا ۵ بعدازظهر، استفاده از چتر، کم کردن لباس ها به محض احساس بی حالی و افزایش حرارت بدن، خنک کردن بدن با آب، استفاده از باد بزن و نوشیدن آب خنک در این مواقع از خطرات گرمازدگی می کاهد.

- پوکی استخوان یا آرتروز

بسیاری از افراد دچار علایم آرتروز به خصوص در ناحیه زانو هستند که با پرهیز از تردد زیاد و طولانی مدت در خیابان و بازارها و استفاده از داروهای

مسکن طبق دستور پزشک و ... می توانند تا حدی از شدت دردهای خود در این سفر بکاهند.در صورت شدید بودن درد، زائران می توانند از ویلچر استفاده کنند و در این صورت از ورود به محیط های شلوغ و پر ازدحام که احتمال ضربه وجود دارد باید پرهیز کنند و برای انجام مناسک حج باید از دیگران کمک بگیرند. هم چنین مبتلایان به پوکی استخوان هنگام استحمام باید از کفش های مناسب استفاده کنند و مراقب باشند دچار لغزیدگی نشوند تا استخوان آن ها آسیب نبیند.

منبع : روزنامه خراسان

http://vista.ir/?view=article&id=364423

سلامت و ایمنی در تابستان

فصل تابستان به طور معمول، زمان فعالیتهای خارج از منزل است، پیک نیک در طبیعت و پارکها، شنا و سفر به شهرهای ساحلی. در حالی که تمام این فعالیتها، جزئی از لطف تابستان هستند، اما نباید نکات مهم مربوط به سلامت و ایمنی را از نظر دور داشت.

● بهداشت مواد غذایی

همه ساله بیماریهای مربوط به مواد غذایی گریبانگیر افراد میشود. در حالی که با رعایت روشهای صحیح در جابجایی و رعایت نکات بهداشتی در تهیه و نگهداری مواد غذایی، میتوان این مشکل را به حداقل رسانید.

گوشت قرمز، ماهی و مرغ خام و حتی سبزیجات نپخته حاوی مقدار فراوانی باکتری هستند که در صورت به کار نبردن روشهای مناسب در نگهداری، میتوانند غذاهای دیگر را آلوده نمایند.

نکات اصلی در این زمینه قرارند:

▪ دمای یخچال باید از تنظیم زمستانی خارج شود. در نواحی گرم درجه یخچال بایدکمتر از ۵ درجه سانتیگراد بوده و مواد غذایی خنک باید زیر این دما نگهداری شوند.

▪ برای بریدن و خرد کردن مواد غذایی خام و پخته از کارد و تخته برش جداگانه استفاده شود.

▪ شستن دستها هنگام تهیه و آماده کردن غذا بسیار ضروری است.

● غذا خوردن در سفر

خوب غذا خوردن در طی سفر طولانی با اتوموبیل نه تنها سفر را لذتبخش تر میکند، بلکه ایمنی آن را نیز افزایش میدهد. مصرف غذای صحیح به افزایش هوشیاری در زمان رانندگی و از بین بردن خستگی راه کمک فراوانی کرده و راننده و مسافران را سرحال نگه میدارد.

در راه سفر بهترین کار برای خوردن غذا یا یک میان وعده، این است که هر دو ساعت یکبار خودرو را در محل مناسب و امنی نگهدارید تا خانواده بتوانند کمی حرکت کرده و خستگی راه را برطرف کنند.

توصیه های مفید برای غذا از این قرارند:

▪ خوراکیهای میان وعده را از مواد کم چربی و کم نمک انتخاب کنید که نیازی به خنک نگهداشتن نداشته باشند. میوه تازه، کیک چای ساده،

بیسکوییت، پاپ کورن بدون کره و میوه خشک از جمله انتخابهای مناسب هستند.

▪ یخدان سفری را با مواد غذایی سالم مانند ساندویچهای خانگی، پنیر، ماست و سبزیجات تازه پر کنید.

▪ برای اجتناب خشکی بدن در طی سفر آب زیاد بنوشید.

● پرهیز از رژیمهای شدید

شاید در تعطیلات نوروزی کمی زیاده روی کرده باشید و چند کیلویی به وزنتان اضافه شده باشد. مراقب باشید که برای رسیدن به وزن دلخواه تابستانی، در دام رژیمهای شدید نیافتید.

به خاطر داشته باشید که وزن به تدریج افزایش میابد و باید در طی زمان طولانی کاسته شود. یک برنامه کاهش وزن مناسب، شامل خوردن غذاهایی متعادل و پرداختن به ورزش است.

جایگزین کردن غذاهای پرچربی و شیرین با میوه و سبزیجات، همراه با ۳۰ دقیقه ورزش ملایم در اکثر روزهای هفته، بهترین روش کنترل وزن است.

● آفتاب و سلامتی

اگر در برنامه تابستانیتان فعالیتهای فضای باز گنجانده اید، مراقب اشعه ماورای بنفش باشید. والدین باید فرزندان خود را از خطرات بالقوه آفتاب با خبر نمایند زیرا کودکان در ۱۵ سال ابتدای زندگی خود، با توجه به فعالیتهای فراوان خارج از خانه خود، به اندازه نیمی از کل مقدار اشعه ماورا بنفش تمام عمر خود را دریافت میکنند. والدین باید فرزندان خود را تشویق کنند که:

▪ لباسهایی تهیه شده از پارچه هایی ریزبافت بپوشند که گردن، بازوها و پاهایشان را بپوشاند.

▪ از کرم ضد آفتاب درجه ۳۰ و ضد آب استفاده کنند.

▪ کلاه لبه داری که بر صورت، گردن و گوشهایشان سایه بیاندازد بر سر بگذارند.

● ایمنی در آب و ساحل

همه ساله، تعدای از کودکان کمتر از پانزده سال به خصوص در سنین ۰ تا ۵ سال قربانی آب میشوند. غرق شدن در آب، تنها در دریا رخ نمیدهد، بلکه استخرها، حوضها، دریاچه ها و رودخانه ها نیز میتوانند از جمله مکانهای بسیار خطرآفرین باشند.

این نکته بسیار مهم و عملی را از یاد نبرید: هنگامی که در نزدیکی هر یک از موارد فوق هستید، باید در تمام مدت مراقب کودکان باشید.

اگر در منزل استخر یا حوض عمیقی دارید (عمیق از نظر کودک)، آن را با حفاظی مطمئن محصور کنید.

هرگز در هنگام شب به شنا در استخر فاقد روشنایی، دریا و آبهای باز نپردازید.

● بهداشت استخر

خطرات مختلف در خود استخر هم وجود دارند. بهداشت و نظافت استخر نباید از نظر دور نگهداشته شود. صاحبان استخر و شناگران همه در حفظ بهداشت استخر سهیم هستند و باید به یاد داشته باشند که آب، یکی از انتقال دهندگان بیماریهای واگیردار است.

به همین دلیل افرادی که دچار بیماریهایی مانند اسهال، تبخال و سایر بیماریهای عفونی و ویروسی هستند نباید تا یک هفته پس از بهبودی به استخر وارد شوند. صاحبان استخر باید مواد شیمیایی داخل استخر-کلر و مواد دیگر- را نیز به طور مرتب کنترل و تنظیم کنند، فیلترهای دستگاه تصفیه را تمیز نگهداشته و در زمان مناسب تعویض نمایند.

● نیش و گزیدگی

سفرهای تابستانی به شهرهای مختلف، گشت گذار در جنگلها، کویر یا کنار دریا و حتی نشستن در پارک و باغچه میتواند شما را در معرض گزیدگی حشرات و گاهی جانوران مختلف قرار دهد. مار، عنکبوت، کنه، مگسهای گزنده و پشه از بدترین این گزندگان هستند.

پشه عامل انتقال بسیاری از بیماریهاست. در فصل تابستان از برکه ها، نواحی باتلاقی و هر آب راکد دیگری بپرهیزید زیرا اینها محل تجمع و تولید مثل پشه ها هستند. در صورتی که به هر دلیلی در مکانی پر پشه حضور داشتید، تا حد ممکن بدن خود را بپوشانید و از ژلهای ضد پشه استفاده کنید.

کنه و ساس نه تنها در بیشه و باغ پنهان میشوند، بلکه علاقه فراوانی به پارچه دارند و در میان رختخوابها پنهان میشوند. هنگام اقامت در هتلها بهتر است از ملحفه و روبالش شخصی خود استفاده کنید.

مارها و عنکبوتهای گزنده نیز در جنگلها فراوانند و هنگام گزیده شدن توسط این جانوران باید سریع عمل نموده و شخص را پس از انجام کمکهای اولیه به درمانگاه منتقل نمود.

کمکهای اولیه هنگام گزیدگی حیوانات سمی از این قرارند :

▪ عضو گزیده شده در دو طرف قسمت گزیدگی باید محکم بسته شود تا جریان خون مسموم کند شود.

▪ عضو مذکور باید بی حرکت نگهداشته شود.

▪ شخص نباید راه رفته یا بدود و باید توسط همراهان یا اتوموبیل به درمانگاه منتقل شود.

▪ بانداژ عضو گزیده شده نباید تا رسیدن پزشک باز شود.

منبع : سایت فریا

http://vista.ir/?view=article&id=261159

vista.ir
Online Classified Service

سلامت و عبادت

هر سفری تجارب و مسائل خاص خود را دارد ولی اگر این سفر، سفر به خانه معبود باشد، شیرینی دوچندانی دارد. هر مسلمانی در آرزوی رفتن به این سفر معنوی، زیارت کعبه و انجام مناسک حج است و شاید سال‌ها برای این منظور صبر کند، اما گاهی بدن یاری نمی‌کند و ابتلا به بیماری، حلاوت سفر را کم می‌کند.

هیات پزشکی حج ایران هر ساله با تلاشی چشمگیر می‌کوشد سلامت حجاج را تامین کند و خدمات درمانی و پزشکی درمانگاه‌های ایران در اسرع وقت به زائران ارائه می‌شود. هر ساله ۲۰۰ تا ۳۰۰ متخصص ایرانی در درمانگاه‌های ایران در مکه مکرمه مشغول به فعالیت‌اند.

در ایام تشریق نیز ۱۵ آمبولانس کار انتقال زائران بیمار به مشاعیر را انجام می‌دهند. هیات پزشکی دارای تخت سی‌سی‌یو و آی‌سی‌یو است، اما جراحی‌ها به‌خاطر ممانعت دولت عربستان باید در بیمارستان‌های سعودی انجام شود.

پرونده کامل پزشکی برای تمام کسانی که به حج مشرف می‌شوند تشکیل می‌شود و هیچ زائری بدون تشکیل این پرونده وارد عربستان نمی‌شود و برای اعزام، سلامت فرد مهم‌ترین عامل است.

با همه اینها سوال این است که آیا این اقدامات برای تامین سلامت حجاج کافی است؟

امام راحل در یک تعبیر زیبا نماز را با یک کارخانه انسان‌سازی تشبیه می‌کنند، ولی آیا حج هم می‌تواند یک کارخانه انسان‌سازی باشد. به نظر می‌رسد در ابعاد معنوی، معرفت و شناخت انسان نسبت به خود و امت اسلامی و شناخت عظمت خداوند مهم‌ترین هدیه حج است. حج دانشگاه انسان‌سازی و مدرسه تقرّب به خداست.

انسان دارای یک بعد آسمانی و یک بعد زمینی است. در هر دو جنبه روحی و جسمی، انسان را می‌توان به یک کتاب الهی تشبیه کرد که خداوند تنها یک نسخه از آن را چاپ کرده و دلیل این مدعا آن است که انسان‌ها با یکدیگر متفاوتند و به محرک‌های محیطی، گوناگون واکنش نشان می‌دهند.

در کارخانه انسان‌سازی حجی که به صورت مطلوب انجام شود، انسان طبیعی تبدیل به انسان الهی می‌شود و بعد آسمانی او بر بعد زمینی‌اش برتری می‌یابد ولی این برتری جنبه آسمانی نیز لازمه‌اش حفظ نعمت سلامتی است. انسانی که بدنش بیمار است، نمی‌تواند اعمالش را در حج

بخوبی انجام دهد و شاید اصلا مستطیع هم نباشد.

پس تلاش برای برتری دادن نیازهای روحی به معنی در خطر انداختن بدن به عنوان مکان بروز و ظهور تمایلات حیوانی و غرایز جسمانی انسان‌ها نیست. مسلمین مجاز به آسیب رساندن به بدن خود جهت انجام اعمال عبادی مثل روزه و حج نیستند و هرجا احتمال ضرر وجود داشته باشد، لازم است برای انجام آن عبادت، نایب بگیرند.

- سلامت فرد

سلامت برخلاف ظاهر روشن آن یک تعریف مورد پذیرش همگان ندارد. سلامت یعنی وضعیتی که در آن فرد مورد نظر از علائم و نشانه‌های بیماری‌های مختلف عاری است. یک پیش فرض ناگفته برای یک انسان عاری از علائم و نشانه‌های مرضی، آن است که او وضعیت خود را با دیگران در گروه سنی، جنسی و اجتماعی مشابه مقایسه کند و در نتیجه از جهت فرهنگی، دینی یا اجتماعی، دلیلی برای شکایت از وضعیت خود نمی‌بیند.

به عبارت دیگر، علی‌رغم آن که ممکن است دیگران یا حتی یک پزشک متخصص، تشخیص دهد، جسم او نیازمند اقدامات درمانی است، او دلیلی برای شکایت از عملکرد اعضا، جوارح و سیستم گوارش، تنفس یا عصبی، اسکلتی، عضلانی یا گردش خون در بدن خود نبیند.

به عبارت دیگر سلامت امری انتزاعی است و احساس آن به شرایط محیطی و بیرونی زندگی یک انسان نیز بستگی دارد. علاوه بر آنچه در بالا گفته شد، سلامت احساسی است که فرد در تمام لحظات زندگی باید داشته باشد.

بنابراین سلامت انسان علاوهبر این که از جهت عملکرد اعضا و جوارح مختلف قابل بررسی است، شامل وضعیت احساسی در طول عمر نیز می‌شود.

- سلامت اجتماع

اما جنبه و جهت سومی نیز برای سلامت مطرح است که در سطح اجتماعی ارزیابی می‌شود. اگر بر فرض محال بتوان فردی را مشاهده کرد که در تمام لحظات زندگی از عملکرد تمام اعضا و جوارح و دستگاه‌های بدنش احساس رضایت داشته به معنای آن نیست که اطرافیان او (شامل والدین، برادران و خواهران، همسر و فرزندان، دوستان، آشنایان و همکاران او) نیز همگی به طور مداوم از چنین شرایط مطلوب و ایده‌آلی برخوردار باشند.

بنا بر آنچه گفته شد، تعریف حاجی سالم و کاروان سالم عبارت است از این که تمام افراد کاروان طی ایام حج از عملکرد تمام جوارح خود راضی بوده و نیازی به پیشگیری یا درمان چه از سوی خودشان و چه توسط پزشک یا دیگران نداشته باشد.

- شاخصی برای سنجش

شاخص‌ها ابزارهای اندازه‌گیری سلامت در سطح اجتماعی هستند. در کاروان حج نیز کاربرد این ابزارها هم در سنجش وضع موجود سلامت اعضا و هم در سنجش میزان تاثیر مداخلات سلامت صورت گرفته از سوی مسوولان حج است. آنچه اهمیت دارد، آن است که مداخلات، بر وضعیت سلامت کاروان تاثیر مثبت داشته باشد نه منفی و در نهایت، شاخص‌های سلامت، بدتر شدن وضعیت سلامت کاروان را در انتهای مراسم حج نسبت به ابتدای سفر مشخص می‌کند شاخص‌های سلامت مشهور و رایج عمدتا به میزان شیوع و بروز ناتوانی‌ها، علائم و نشانه‌های مرضی و مرگ و میر معطوف است.

«کیفیت زندگی» و «رضایت از کیفیت زندگی» نیز دارای شاخص‌های خاص خود است، ولی در شرایط اجتماعی و حاکمیتی موجود کشور ایران، تنها بعضی شاخص‌های معطوف به کمیت قابل محاسبه و اتکا هستند. مشهورترین شاخص‌های کمیتی شامل: امید به زندگی در بدو تولد، نرخ رشد جمعیت و میزان باروری و موالید، میزان مرگ نوزادان و شیرخواران و میزان مرگ مادران در زمان زایمان و قبل و بعد از آن است.

این شاخص‌های مشهور و رایج کمتر در سنجش سلامت کاروان‌های حج کاربرد دارند و شاخص‌های بهتری مانند میزان بروز یا بهبود بیماری‌های قلبی و عروقی، قند و دیابت، آسم و بیماری‌های تنفسی، اعتیاد به دخانیات، مواد روانگردان و سایر سوء مصرف مواد و داروها، مسمومیت‌ها و عفونت‌های میکروبی و ویروسی ایجادکننده حالت سرماخوردگی و زکام، گرمازدگی‌ها و نهایتا سوختگی‌ها، جراحت‌ها، شکستگی‌ها و کبودی‌های ناشی از حوادث و تصادفات در سفر حج مطرح می‌شوند، اما برای سلامت کاروان‌ها، شاخص‌های غیرمستقیم نیز می‌توانند مطرح شوند که برخلاف شاخص‌های قبلی که شاخص‌های خروجی بودند به آنها شاخص‌های عملکردی یا فرآیند می‌گویند.

برای مثال، آمار مقایسه‌ای رجوع به پزشک کاروان یا میزان ارجاع به بیمارستان‌های ایرانی و سعودی، میزان مصرف دارو و تجهیزات پزشکی، میزان ساعت اشتغال پزشکان برای رسیدگی به امور پیشگیری بهداشتی یا درمان اعضای کاروان از این دسته است.

یک نوع دیگر از شاخص‌های غیرمستقیم نیز شاخص‌های ورودی است که به کیفیت و کمیت منابعی که در ارائه خدمات بهداشتی (پیشگیری) و درمانی در حج استفاده شده معطوف است و منظور از به‌کارگیری آن منابع، حفظ و ارتقای سطح سلامت زوار است.

منابع قابل استفاده در این حوزه فقط محدود به کمیت کادر انسانی پزشکی کاروان یا کادر بیمارستان‌های ایرانی یا سعودی محدود نمی‌شود و شامل سایر منابع از نوع دارو و سایر تجهیزات مصرفی پزشکی، تجهیزات سرمایه‌ای مانند ساختمان‌ها و آمبولانس‌های هیات پزشکی و بخصوص دانش بهداشتی و پزشکی زائران، دانش خدمه و دانش کادر پزشکی خدمت‌دهنده به زوار است.

علاوه بر شاخص‌هایی در حوزه کمیت و وسعت منابع، شاخص‌هایی نیز برای اندازه‌گیری کیفیت منابع انسانی و تجهیزات و عمق اطلاعات علمی پزشکی مطرح است. برای مثال می‌توان گفت توانایی و خروجی خدمت یک پزشک عالم و با تجربه (که سفرهای حج متعدد داشته) با خروجی خدمت یک پزشک کم‌تجربه متفاوت خواهد بود، هرچند در ظاهر هر دو کاروان دارای یک پزشک به ازای تعداد مساوی افراد کاروان باشد. پس به صورت خلاصه، شاخص‌های اندازه‌گیری سلامت و خدمات سلامت هم در حوزه کیفیت و کمیت و هم در حوزه ورودی، عملکرد و خروجی مطرح و قابل استفاده برای مدیران و سیاستگذاران حج است.

- مسوول کیست

در نگاه نخست ممکن است تنها پزشک کاروان مسوول مشکلات بهداشتی و درمانی زوار به نظر آید. تحقیقات و تجارب کشورهایی که در آنها برنامه‌ریزی بر پایه اصول علمی است، نشان می‌دهد برخلاف تصور عوام، اگر بخش سلامت که شامل وزارت بهداشت و مراکز تابعه آن است به تنهایی با مخاطرات سلامت و بیماری‌ها مبارزه کند و در این مسیر از حداکثر کارایی و اثربخشی هم برخوردار باشد، فقط قادر به حل بخش اندکی از مشکلات خواهد بود.

در نظر بسیاری از علمای شاخه سیاستگذاری و مدیریت مبارزه با بیماری‌ها، مسوولیت عمده در پیشگیری و درمان درصد بالایی از بیماری‌های عصر حاضر به عهده سایر بخش‌ها شامل آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه‌های مکتوب و صداوسیما (از راه فرهنگ‌سازی مناسب)، شهرداری‌ها (با ایجاد فرهنگسراها و پارک‌های ورزشی و تفریحی)، سازمان تربیت بدنی (با ایجاد تسهیلات ورزشی)، وزارت راه و ترابری (با بهسازی راه‌های دریایی، هوایی، ریلی و خودرویی حادثه‌خیز)، وزارت صنایع و نفت (با پیشگیری از آلودگی هوا و آب با ضایعات صنایع)، سازمان حفاظت از محیط زیست (با تنبیه تخطی و تشویق متابعت از قوانین زیست محیطی) و وزارت بازرگانی و جهاد کشاورزی (با تولید، تهیه، توزیع مواد مغذی، آرایشی و پوششی سالم) است. در مدیریت و حاکمیت حج در سطوح کاروان، ستاد و بعثه نیز بخش‌ها و نهادهایی با عملکرد مشابه با مسوولیت وزارتخانه‌های مذکور در بالا وجود دارند، ولی در دامنه بسیار محدودتر و جزئی‌تر از وزیر و وزارتخانه فعالیت می‌کنند.

همچنین از نگاه صاحب‌نظران حوزه مدیریت و سیاستگذاری خدمات بهداشتی درمانی، پیشگیری نهادها و دستگاه‌هایی که به آنها اشاره شد، در سه سطح اولیه، ثانویه و ثالثیه مطرح است. پیشگیری سطح اول وقتی مطرح می‌شود که فرآیند بیماری اصلا شروع نشده است و برای مثال در مورد بیماری سرماخوردگی که در حج شایع است، پیشگیری اولیه یعنی آن که تمامی هم‌کاروانی‌ها (شامل روحانی کاروان، آشپز، خدمه و زوار آگاه‌تر)، به کمک پزشک آمده تا واکسیناسیون انجام و آموزش لازم برای مقابله با انتقال ویروس آنفلوآنزا ارائه شود.

پیشگیری سطح دوم وقتی کارایی دارد که عامل بیماری (مانند ویروس آنفلوآنزا یا دیگر عوامل عفونت‌زا) وارد بدن یک فرد شده، ولی در او هنوز علایم و نشانه‌های بیماری بروز نکرده یا اگر ظاهر شده، بیمار هنوز در دوره‌ای است که احتمال برگشت به وضعیت سلامت قبل از ورود عامل بیماری وجود دارد.

مداخلات پیشگیرانه از این دست شامل غربالگری برای تشخیص بیماران ناقل، قرنطینه کردن آنها یا دادن داروهای آنتی‌بیوتیک برای ریشه‌کنی کامل بیماری‌های عفونی است. در نهایت پیشگیری‌های سطح سوم مطرح می‌شوند که شامل خدمات توانبخشی و تجویز داروهای ضددرد، پرتودرمانی و سایر خدمات نگهدارنده برای بیماران است.

- مطالعات مختلف نشان داده‌اند که:

- بسیاری از بیماری‌ها بدون هیچ گونه اقدام کادر پزشکی در نهایت به بهبود کامل مبتلایان منجر خواهند شد.

- درصد کمی از بیماری‌ها نیاز به اقدامات پیشگیرانه اولیه و ثانویه به وسیله ارگان‌هایی در بیرون بخش سلامت، وزارت بهداشت و پزشک کاروان و هیات پزشکی حج دارند.

- درصد کمتری نیاز به مداخلاتی دارند که در حوزه توانایی‌های علمی و سایر امکانات در اختیار پزشکان عمومی، خانواده و کاروان است.

- درصد ناچیزی از بیماری‌ها نیز نیاز به اقدامات تخصصی و فوق‌تخصصی به وسیله پزشکان جراح و سایر متخصصان غیرجراح دارند.

● داروی مورد نیاز

هر چند در تیم پزشکی حجاج دارو وجود دارد، اما به بیماران مزمن توصیه می‌شود داروهای مورد نیاز خود را همراه داشته باشند. چون امکان دارد همه اقلام دارویی در عربستان موجود نباشد و تهیه دارو از داروخانه‌های این کشور نیز هزینه بالایی نیاز دارد، این داروها باید به همان ترتیب توصیه و نسخه شده مصرف شود و دارویی بدون نظر پزشک معالج کم و زیاد نشود، چون این اقدام زایران همواره مشکلاتی ایجاد می‌کند.

البته در این خصوص لازم است زوار حتما با پزشک کاروان خود مشورت کنند؛ زیرا همراه داشتن برخی داروها، از نظر دولت عربستان جرم محسوب می‌شود، داروهایی مثل استامینوفن کدئین، شربت‌های سینه مانند اکسپکتورانت کدئین و همچنین داروهای آرام‌بخش و خواب‌آور مانند دیازپام، فنوباربیتال و... از جمله این داروها هستند.جرمی که برای حمل این داروها در نظر گرفته می‌شود، معادل حمل مواد مخدر است که در کشور عربستان مجازات سنگینی دارد.

● حقیقت را بگویید

این تفکر که با طرح بیماری از سفر زائر به حج تمتع جلوگیری می‌شود، تفکر درستی نیست، اما متاسفانه در ذهن برخی زائران خانه خدا نقش بسته است. بیماران پرخطر مانند دیابتی‌ها، کلیوی و فشار خونی‌ها که قرار است به این سفر معنوی بروند، باید شناسایی شوند تا پزشک امکان برنامه‌ریزی غذایی و دارویی داشته باشد و این سفر با کمترین مشکلات انجام شود.

این امر مستلزم آن است که زایران تمام مسائل مربوط به بیماری‌های گذشته و کنونی و وضعیت جسمی خود را شفاف با پزشک همراه کاروان مطرح کنند. چون پزشک کاروان باید اطلاعات کاملی از وضعیت زائر داشته باشد تا بتواند برنامه‌ریزی کند.

متاسفانه در گذشته زائرانی بودند که بیماری‌های کلیوی، قلبی و دیابتی داشتند و وضعیت خود را به پزشک اطلاع نداده بودند بنابراین تیم پزشکی‌مجبورشده تا این افراد را در بیمارستان بستری کند و یا برخی از آنان را قبل از انجام اعمال به کشور بازگرداند. در حقیقت آن زائران نیز تنها به این دلیل ساده که وضعیت خود را گزارش نداده بودند تا مطابق وضعیت جسمی‌اشان برنامه‌ریزی شود، از مناسک حج بازماندند.

● چه بیمارانی نمی‌روند

پرسش همیشگی این است که معمولا از اعزام مبتلایان کدام بیماری‌ها به عربستان جلوگیری می‌شود. هیات پزشکی حج ممکن است از اعزام زائرانی که سرطان‌های پیشرفته دارند یا بیمارانی با سابقه سکته مغزی که دیگر استطاعت جسمی ندارند، جلوگیری کند، البته در نگاه واقع‌گرایانه، این زائران تکلیفی ندارند و حج بر آنها واجب نیست، این موارد کم هستند و معمولا با مراقبت‌های پزشکی مشکل رفع می‌شود.

گاهی نیز از اعزام برخی بیماران قلبی که قادر به تشرف نیستند، جلوگیری می‌شود، چون امکان سکته برای آنان وجود دارد. مواردی نیز از بیماران قلبی برای عمل و آنژیوگرافی معرفی می‌شوند. این دسته ممکن است در آن سال اعزام نشوند، ولی سال بعد در سلامت می‌توانند این اعمال را انجام می‌دهند.

اعزام مادران باردار به حج نیز مشکلات بسیاری دارد. سال‌های گذشته، آمار سقط جنین در میان مادران باردار با توجه به شرایط عربستان در موسم حج بالا بوده و حتی گاهی به مرگ مادر منجر می‌شد؛ اما در حال حاضر، با نظارت‌های لازم، از اعزام این افراد جلوگیری می‌شود.

● برای سلامت خودمان

برخلاف تصور عوام، مسوول اصلی حفظ سلامت زائر در ایام حج، خود اوست و اوست که باید با کمک همه مدیریت‌ها در بعثه، ستاد و کاروان مراقب سلامتش باشد. سالمندان و بیماران قلبی و عروقی و مبتلایان به دیابت، آسم، چاقی و پوکی استخوان باید خودشان با تغذیه مناسب و پرهیز از خوردن بیش از حد قند و نوشابه‌های قنددار، چربی و نمک و عدم مصرف سیگار به تندرستی خود توجه کنند و بهتر است از قرار گرفتن طولانی در معرض آفتاب نیز بپرهیزند و قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت کنند.

زائران با حضور در جلسات و گوش فرادادن به تجربیات و توصیه‌های بهداشتی، دستورالعمل‌ها را مدنظر قرار دهند؛ چراکه بروز هر نوع بیماری، در این سفر موجب زحمت همسفران می‌شود.

حج نه‌تنها فرصتی است برای ساختن روح، بلکه دوره یک ماهه مغتنمی است برای ایجاد سبک سالم زندگی در آنهایی که به شیوه اشتباه زندگی خود (ازجمله عادت به مصرف غذاهای نامناسب و مصرف دخانیات) خو کرده‌اند.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=354500

vista.ir
Online Classified Service

سنگینی بار حضور پناهندگان در ایران

۲۱ شب و روز تمام طول کشید تا به همراه همسر و ۱۸۰مهاجر دیگر به مرز ایران رسیدند. با رسیدن به مرز بود که برای هزارمین بار احساس کرد، مرگ او نزدیک است، اما به وضوح به یاد دارد که یک نیروی مرزبان ایران به آنها نزدیک شد و به آنها خوشامد گفت واین گرمترین استقبال چهره‌ی ناشاد زندگی بود که به او و دخترکش لبخند می‌زد.

روزهای سختی را پشت سر گذاشته بودند و با امید به فردا با یک اتوبوس ابتدا به مشهد و سپس راهی تهران شدند.

" نادیا" تازه داشت خودش را پیدا می‌کرد که قلب دخترکش بعد از شوکهای وارده از بمبارانهای دهشت بار درافغانستان، از کار افتاد و چیزی نگذشت که مردش نیز براثر حادثه‌ای درحین کار، فلج و خانه‌نشین شد.

نادیا فرصت تعلل نداشت و نمی‌توانست انتخاب کند که چه کاری خوب است و چه کاری بد. دیگر طاقت دیدن چشمهای اشکبار کودکانش را نداشت...! او در یک کارگاه آجرپزی مشغول بکار شد و بعد از آن، کار در کارگاه یخ را نیز به آن اضافه کرد و برای ساعتهای شبانه نیز در یک مزرعه در حاشیه شهر، دوشیدن ۶۰راس گاو را برتلاشش افزود تا بتواند با دستهای زمخت و تنهایش چارچوب زندگیش را نگه دارد.

او همه این مشکلات را تحمل می‌کرد تا کودکانش بتوانند در کشوری آزاد بدور از دغدغه‌ی جنگ و خشونت و تبعیض، درس بخوانند و به دانشگاه بروند.

اما او هنوز هم پاسخ این سوالش را نیافته است که ایران اسلامی که پناهگاه وی و فرزندانش درسخت‌ترین شرایط بوده تا چه حد دست فرزندانش را برای ادامه تحصیل بازخواهد گذاشت.

جمهوری اسلامی ایران بعد از گذران یک دوره سخت و طاقت فرسای جنگ تحمیلی، به علت همسایگی و همجواری با کشور بلاخیز افغانستان در شرق و عراق در غرب کشور، همواره در سالهای گذشته درگیر مشکلات و معضلات پناهجویان از طریق این کشورها بوده‌است.

از آغاز جنگ ۱۹۷۹شوروی به افغانستان و تدوام این جنگ و درگیری که باعث آواره شدن زنان و کودکان زیادی شد و پس ازنزاعهای قومی در افغانستان تا زمانی که چشم جهان به اعمال وحشیانه وغیرانسانی طالبانی دوخته شد، نقض شدید حقوق بشر در افغانستان و حتی تخریب آن چه که از فرهنگ و تاریخ مردم این سرزمین باقی مانده بود و ایجاد خونریزی و خشونت باعث گردید تا سیل عظیمی از پناهجویان افغانی به کشورهای همجوار به خصوص ایران و پاکستان هجوم آورند.

جامعه شناسان براین اعتقادند که این مهاجرتها پیامدهای منفی گوناگونی ببار می‌آورد که می‌توان این پیامدهای ناگوار را به دو بخش تقسیم کرد.

نخست عوارض ناگواری که گریبانگیر پناهجو خواهد شد که "صدمات فیزیکی ، عدم برخورداری از بهداشت، شیوع بیماریهای واگیردار، از بین رفتن نظم منطقی و بهداشت فردی، ایجاد صدمات روحی و روانی، فقر، بیکاری، ازبین رفتن اعتماد بنفس، فساد و تباهی، احساس پوچی، آرزوی بی‌بدیل بازگشت به وطن و از دست رفتن تمام پشتوانه‌های اقتصادی" را دربرمی‌گیرد.

بخش دیگرپیامدهای مهاجرت نیز متوجه کشور میزبان است که جامعه شناسان آن را مورد توجه قرارداده‌اند.

دربخش نخست جامعه شناسان براین باورند که زنان و کودکان در مقابل صدمات سخت، بیش از گروه خاص دیگری آسیب پذیرند.

"آنان عمدتا به علت جنگ و پیامدهای آن، همسران و یا کودکان خود را از دست داده و مدام در خطر ابتلای به افسردگی و عدم امنیت جانی و مالی قرار می گیرند."

به گفته جامعه شناسان زنان وکودکان کشور جنگ زده به کشورهایی پناه می‌برند که با فرهنگ و سنتهای حاکم برروح و ذهنشان تضادهای

تاریخی وفرهنگی دارند و درمعرض سواستفاده‌های جنسی هستند و گاه به کارهای سخت و طاقت فرسا و دوراز شان انسانی رو می‌آورند تا فقط به نیازهای اولیه خود همچون غذا و سوخت و سرپناه کودکانشان پاسخ دهند.

"زنان مهاجر به ندرت می‌توانند به تحصیل خود ادامه دهند و یا در معرض آموزشهای رایگان قرار گیرند.آنان عمدتا جایگاه شایسته‌ایی ندارند و به علت ابتلاء به افسردگی‌های حاد، عوارض روانی پناهندگی تا سالهای سال حتی پس از بازگشت به آغوش وطن، با حس عمیق ناامنی، احساس تنهایی و بی‌پناهی و حتی گاهی بی‌هویتی و پوچی نماد پیدا می‌کند.

کودکان نیز در چنین محیطی دچار چندگانگی شخصیت خواهند بود و گاه در انتخاب باورها و یا هنجارهای بومی از یک طرف و فرهنگ و رسوم کشور میزبان از سوی دیگر درمی‌مانند که آیا به آنچه که از تعلقات سرزمین مادری و مام وطن در ذهنشان باقی مانده است تن دردهند و یا خود را به هنجارهای سرزمین میزبان بسپارند."

به گفته کارشناسان اکثر قریب به اتفاق زنان و کودکان مهاجردر ارودگاهها مستقر می‌شوند. آنان عمدتا دچار سوء تغذیه هستند و به آسانی نمی‌توانند با سرزمینی که آنان را نمی‌پذیرد انس و الفت گرفته و یا احساس تعلق خاطر عاطفی کنند.

به گفته کارشناسان ایران به دو علت، محل تمرکز پناهجویان افغانی و عراقی بوده است.

نخست به این دلیل که دقیقا بااین دو کشور بلاخیز مرزهای طولانی دارد و دوم اینکه به علت احساسات مذهبی و تعلق خاطر ایرانیان به میهمان نوازی و روحیه آشتی جویانه‌شان، با روی باز و گشاده پذیرای مهاجران جنگ‌زده و مصیبت کشیده‌ی کشورهای همسایه بوده است.

درطول ۲۵جنگ و خونریزی درافغانستان، ایران بالاترین آمار جذب پناهجو را به خود اختصاص داده است.

هم‌اکنون نیز بیش از یک میلیون و ۵۰۰هزار افغان به شکل غیر قانونی در ایران باقی مانده‌اند، اما نباید این نکته را نیز از نظر دور نگاه داشت که این سرزمین اسلامی با منابع محدود و درگیری با سالها تحریم اقتصادی ، وجود معضل اشتغال و بیکاری و واکنش منفی افکار عمومی نسبت به پناهندگان که آنان را از عوامل موثر بیکاری در کشور می‌دانند، درگیر است.

مردم ایران عموما معتقدند که مهاجران افغانی باید هر چه سریعتر به کشورشان بازگردند.

"فاطمه لامعی" جامعه‌شناس، گفت : باید نسبت به شناسائی و درک شرایط زنان افغانی مهاجر در ایران و وضعیت نابسامانی که درگیر آن هستند به‌مردم آگاهی دهیم.

وی افزود: این مهم بر عهده رسانه‌های جمعی و NGOهاست تا در خصوص پدیده پناهجو خصوصا توجه به وضعیت زنان و کودکان پناهجو به مردم آموزش های لازم را ارائه دهند.

پروفسور"باربارا‌هرو بوند"استاد شرق شناسی در کشور مصر براین باور است که اگر چه افکار عمومی جهان نسبت به وضعیت زنان پناهنده برانگیخته شده است، اما کمکهای جوامع بین‌المللی برای بهبود وضعیت زنان پناهجو بسیار ناعادلانه است.

به گفته وی ،ایران یکی‌از کشورهای پیشتاز در خدمت دهی و جلب پناهجویان است، اما در سالهای اخیر فقط ۱۸میلیون دلار کمک مالی از سازمانهای بین المللی دریافت کرده است.

این در حالی است که کشورهایی با شرایط غیر مشابه که کمتر از ایران پذیرای مهاجران بوده‌اند مبلغی به مراتب چندین برابر بیشتر از این رقم دریافت کرده‌اند.

این پروفسور،علت این بی‌مهریها را بازیهای سیاسی عنوان کرد و افزود: سیاست نقش موثری در تصمیم‌گیری سازمانهای مدافع حقوق بشر ایفاءمی‌کند.

وی تصریح کرد: در ایران به علت تاکید دین مبین اسلام نسبت به جایگاه زنان، مردم با توسل به این دین از زنان افغانی حفاظت و حضانت می‌کنند و این توجه بسیار عمیق تر از قوانین نوشته شده خود را نشان داده است اما این مسئله جامعه بین‌الملل را نسبت به وضعیت نابسامان زنان افغانی در ایران و سایر کشورهای جهان مبرا نمی‌کند. وی یادآورشد: نمی‌توان تحمیل فشار از سوی پناهندگان به جامعه ایران را نادیده گرفت اما صرفنظر از این فشارها وجود آوارگان یک اثرات مثبت و قابل قبولی نیز داشته است.

وی مهارتهای شغلی پناهجویان را بخشی از عناصر مثبت وجود پناهندگان در کشور میزبان عنوان کرد و گفت: چه بسا همین آوارگان در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور میزبان موثر باشند.

اما ارتکاب بیش از ۳۰درصد جرایم در کشور توسط پناهجویان افغانی روی دیگر سکه است که مراجع قضایی از آن خبر می‌دهند. نتایج مطالعات نشان داده است که علیرغم اینکه بیش از سه سال و نیم از سقوط دولت طالبان می‌گذرد و تغییرات گسترده‌ایی در قانون و چهارچوب موسسات

دولتی این کشور خصوصا در ارتباط با مسائل حوزه زنان اتفاق افتاده است اما کماکان افزایش روزافزون خشونت جنسی در افغانستان و وضعیت بسیار بدی که زنان افغانی هنوز هم درگیر آن هستند تمایل بازگشت پناهجویان زن به این کشور را کاهش داده است.

بیش از ۹۰درصد زنان افغانی خانه دار هستند و تنها ۴درصد از آنان در سازمانهای دولتی و یا غیر دولتی اشتغال دارند و کمیساریای عالی پناهندگان درتلاش است تا با فراهم کردن فرصتهای آموزشی و شغلی برای زنان شرایط بازگشت داوطلبانه آنان را مهیا کند. درهمین حال، حوادث متعدد برای زنان و کودکان افغانی گزارشگر ویژه حقوق بشر را برآن داشته است که از جوامع بین‌المللی درخواست کند حقوق بشر و زنان را قربانی استقرار ثبات در افغانستان نکنند.

خانم "یاکین ارترک" ، گفت : ثبات واقعی زمانی در کشور افغانستان ایجاد می‌شود که ساختار اجتماعی در افغانستان از نو بازسازی شود. وی افزود: زنان در افغانستان هنوز هم یکی از محرومترین اقشار اجتماعی محسوب می‌شوند و هیچ راهی جز تحمل خشونت ندارند.

بحران پناهندگی در جهان امروز به یک پدیده عادی تبدیل شده است و امروزه مهمترین اخبار و تصاویر تلویزیونی را تشکیل می‌دهد. کنوانسیون پناهندگان در سال ۱۹۵۱به امضا ۱۴۰کشور جهان رسیده است و مهمترین سند حقوقی بین‌المللی در رابطه با پناهندگان جهان است.

کشور ایران نیز از جمله امضاءکنندگان این کنوانسیون و همچنین عضو کمیته اجرایی کمیساریا است که متشکل از ۶۱دولت عضو است و این کمیته برنامه‌های کمسیاریا را تصویب و به تعیین سیاستهای حمایتی کمک می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران میزبانی بزرگترین جمعیت پناهنده جهان را به عهده دارد و ایران در پذیرش و کمک به آنها سخاوتمندی بسیاری از خود نشان داده است و کمیساریای عالی پناهندگان که از سال ۱۹۸۳حضور دائمی در کشور ایران داشته است، اولین سازمانی است که سنگینی بار حضور پناهندگان در ایران را تایید کرده است.

منبع : خبرگزاری جمهوری اسلامی ـ ایرنا

http://vista.ir/?view=article&id=215556

vista.ir
Online Classified Service

سوار بر لوکهای مست تا قلعه رامرود

آنها ۵ نفرند، ۵ شتر نر بالغ. خاور اویکو حامل شترها که می‌آید. حیوانات کف اتاق بار خاور زانو زده و از بالای آن مدام سرک می‌کشند. آرام و صبورانه کویر را می‌نگرند. حالا دیگر باورمان می‌شود که نزدیک قلعه رامرود هستیم .

شترسواری در کویر و تماشای بیکرانگی افق، جایی که زمین و آسمان به هم دوخته می‌شوند، از فاصله ۳ متری زمین و با سرعت ۱۵ کیلومتر در ساعت، لذت هیجان‌انگیزی است که شاید تا پایان عمر تنها یک بار در کویرهای ایران نصیب شود.

از تهران به زاهدان آمدیم تا سوار بر شتر در کویر به تماشای سحر و جادوی مرموز ساکت کویر بنشینیم. پس از دو ساعت تاخیر در پرواز ساعت ۱۴ روز چهاردهم بهمن ماه جاری، تهران سرد و ابری را به مقصد مرکز پهناورترین استان ایران، سیستان و بلوچستان ترک کردیم.

ساعت هفت و نیم صبح از زاهدان در جهت شمال، جاده زابل را پیش گرفتیم. جاده کم‌عرض تازه آسفالت و خط‌کشی شده را بیش از صد کیلومتر از زیر چرخ خودروها در می‌کنیم تا در پارکینگی روبه‌روی قلعه رامرود توقف کنیم. فاصله زاهدان تا زابل ۲۱۵ کیلومتر است و از قلعه رامرود تا شهر پر

آب زابل ۹۵ کیلومتر راه پیش‌روست.

برای شترسواری تنها از شترهای نر استفاده می‌کنند. بلوچ‌های همراهمان شترها را بیرون می‌آورند. آنها در صحرا با شتر زیسته‌اند. ویژگی‌های این حیوان شکیبا را می‌شناسند. از این‌رو با او مهربانند.

«هراتی صادق» مدیرعامل زاهدان تور درباره شتر و کینه مشهورش می‌گوید: «شتر در سه اتفاق زندگیش عصبانی می‌شود و کینه به دل می‌گیرد. عصبانیت او خیلی وحشتناک است.» کریم وقتی شترها را از اتاق خاور بیرون می‌کشند، می‌گوید: «در میرجاوه شتری عصبانی شد و سر یک نفر را گاز گرفت و طرف جابجا مرد.» هراتی دنبال حرفش را می‌گیرد: « این حیوان سه بار کینه به دل می‌گیرد و یک بار این کینه غیرقابل بخشش خواهد بود. شتر دوست ندارد هنگام زایمان که از درد نعره می‌کشد، کسی تماشایش کند. شتر ناراحت می‌شود اگر کسی مزاحم شیر خوردن فرزندش شود. شتر کسی را که جفت‌گیریش را به تماشا بایستد، نخواهد بخشید. اگر ۲۰ سال بعد هم آن شخص را ببیند، او را نمی‌بخشد و به او ضربه می‌زند.این حیوان گاهی گاز می‌گیرد و گاهی لگد می‌زند. شتر بیش از ۳۰ سال عمر می‌کند و شاید در تمام عمرش هیچ کینه‌ای به دل نگیرد.»

شترها را با مراسم خاصی از جا بلند می‌کنند. از هر سوراخ منخرینش حلقه‌ای رد کرده‌اند و به نخ بسته‌اند. افسار شتر همین دو نخ به هم گره خورده است و فرمان ساربان. وقتی شتر با کف غلیظ دور دهانش از خاکریز می‌گذرد و گام بر بیابان می‌گذارد، با شنیدن «بنشین» ساربان زانو بر زمین می‌زند. شتربان با کشیدن حرف «شین» از کلمه «چش» فرمان نشستن صادر می‌کند. پایدارترین موجود کویر و بیابان‌های خشک ابتدا پشت پینه بسته آرنج‌هایش را زمین می‌گذارد. بعد زانوانش و آخر سینه پینه بسته‌اش. ۵ جای بدن این ۵ شتر پینه‌بسته است. لوک‌هایی که وقت مستی‌شان رسیده است. از دهانشان کف شیری رنگی بیرون می‌ریزد و خرناسه می‌کشند.

شترهای نر سواری را در این فصل از ماده‌ها جدا نگاه می‌دارند. اگر ماده ببیند، مست‌تر می‌شود و سر به بیابان می‌گذارد. کسی نباید اطرافش بچرخد. برای همین با آنها مهربان رفتار می‌کنند، چون در فصل جوانی و شعفشان مجبورند به ما سواری بدهند. شترها کمی راه می‌روند تا پاهایشان گرم شود. پتوها را از کیسه درمی‌آورند که روی لوک‌های مست بیندازند. شترها در زمستان عاشق می‌شوند. مستی می‌کنند و دوران بارداری ماده‌ها ۱۰ ماه طول می‌کشد. بچه‌هاشان از یک سالگی بالغ و مستقل می‌شوند.در زمستان شترهای گله‌ای به شکل پراکنده در بیابان به چشم نمی‌آیند. ولی تابستان فصل چریدن و چرخیدن حیوان‌های صبور کویرهای شرق ایران است. هر شتر شناسنامه‌ای دارد. نام و نژاد و سنش در برگه کاغذ همراه با تایید سلامت حیوان از دامپزشکی استان مشخص است. همراه جهاز سوار کردن بر کوهان، زیورآلات لوک‌ها را می‌آورند. سوزن‌دوزی دست زنان بلوچ است. پارچه‌های رنگی براق و دکمه‌های سفید را با سوزن به هم می‌دوزند. شترها با زیورآلات زیباتر می‌شوند. نژادشان بلوچ است و به گفته «علی محمد» بلند قدتر از شترهای عرب. او شتربان دیگر گروه است.

سوار لوک‌های مست می‌شویم. شتر قد راست می‌کند و گردنش را به سوی آسمان می‌برد. خرناسه‌ای سر می‌دهد و کف از دهانش لبریز می‌شود. فاصله تا قلعه رامرود که روزگاری کنار رودخانه رامرود با آب جاری بنا شده، کمتر از ۵ کیلومتر است. ۵ شتر به سوی قلعه محصور بین شن‌های روان حرکت می‌کنند. بالا و پایین ندارد. هموار و ناهموار برای شتر راه به حساب می‌آید. آرام به راهش ادامه می‌دهد. صبور و ساکت چشم به افق بیکران کویر می‌دوزد و راه می‌رود. مفهوم راه رفتن برای شترهای کویر چیزی غیر از تصور معمول است.

به گفته هراتی این حیوانات ۸ هزار کیلومتر راه چین تا رم را با بار ۳۰۰ کیلویی می‌پیمودند. از چین ابریشم می‌آوردند و راه ابریشم را بنیان گذاشتند.

به قلعه رامرود می‌رسیم. قلعه‌ای خشتی و فرو ریخته در دل کویر. عمر و قدمت این قلعه به دوره ایلخانی می‌رسد. از آن روز تا پیش از ویرانی و فرسودگی ،کاروان‌های زیادی کنار رود رامرود در قلعه اطراق می‌کرده و بار بر زمین می‌گذاشته و دوباره به راه خود ادامه می‌داد.

سنگریزه‌های زیادی همراه گوش ماهی‌های کوچک در حاشیه و داخل قلعه به چشم می‌آید. سنگ‌های ساب‌خورده و رنگ به رنگ جابجا روی خاک ورقه و طبله شده، کویر در گودخانه چشم می‌نشیند. پشت قلعه رامرود قلعه دیگری است و ما برای دیدن و عکاسی از آن راه می‌افتیم. آسمان کویر ابری است. ابرهای سفید و خاکستری درهم می‌روند و مانع تابش خورشید می‌شود. برای عکاسی از کویر خشک و مرموز منطقه «تاسوکی» نور مناسب مهیا نیست. عکاس گروه از خدا طلب بخشش نور می‌کند که دعایش اجابت نمی‌شود. ۵ کیلومتر در جهت شرق، مرز افغانستان است. قلعه‌ها به فاصله‌های ۴۰۰-۵۰۰ متری بین شن‌های روان به حالت نیمه ویرانه ایستاده‌اند. بادهای منطقه سیستان از دیرباز شهره بوده که با سرعت ۱۰۰ کیلومتری خانه و زندگی مردم را بر باد می‌داده است.

شتربانان لوک‌های مست را رها کرده‌اند تا آزادانه بچرند. آنها یا کنار بوته‌ای زانو زده‌اند پا در جایشان ایستاده‌اند و ساکت و صبور چشم به افق

دوخته‌اند.

کار عکاسی تمام می‌شود و دوباره لوک‌های مست با غبغب‌های باد کرده با فرمان «چش» شتربان کنار پایش زانو می‌زنند. گروه بر جهاز می‌نشیند و صف کاروان به راه می‌افتد. شتری که نام ابریشم دارد و با حلقه چرمی زنگوله به زانوانش بسته‌اند، پیشاپیش سوی جاده می‌رود.

جهاز را از کوهان شتر برمی‌دارند و دوباره لخت و عور به اتاق بار خاور منتقل می‌کنند به دشواری کنار هم می‌نشانند و آرام خرناسه می‌کشند.

عضلات داخلی ران شترسواران کش آمده و آموخته‌ایم که برای تجربه بعدی باید ابتدا نرمش کنیم، بعد سوار شویم. لوک‌های مست به زاهدان برمی‌گردند و ما راه زابل را ادامه می‌دهیم و کویر خشک و خاک تفتیده را تک و تنها می‌گذاریم و می‌رویم. کویری که روزگاری رودخانه‌ای رام داشته، قلعه‌هایی خشتی در کنارش و اطراقگاه کاروان‌هایی پر از شترهای زنگوله به پا. نیمه زمستان است ولی کویر گرم سیستان هوای بهاره دارد و تنها، ناظر گذشت آدمها و بادها و روز و شب‌های رفته است.

منبع : وبگاه کویرهای ایران

http://vista.ir/?view=article&id=352192

vista.ir
Online Classified Service

سوهانک؛ بام دیگری برای تهران

منطقه سوهانک در شمال شرقی تهران، منطقه ای است با بافت تقریباً قدیمی که شاید کمتر کسی از پاتوق نشینهای تهرانی آن را بشناسند.

اگر هوس دیدن منظره کاملی از تهران را داشته باشید، اولین جایی که به ذهن همه می رسد "بام تهران" در ولنجک است و شاید کسی به یاد سوهانک و منظره زیبا و متفاوتی که به نمایش می گذارد نیفتد.

- باغچه جهانبخش
  - تعداد تخت: ۳۵
  - گنجایش هر تخت: ۵ نفر
  - پیشنهاد: چای و قلیان (و لذت تماشای منظره!)
  - نشانی: چهارراه مینی سیتی، به سمت جاده لشگرک، دور برگردان دوم به سمت سوهانک، از میدان اول به سمت راست، آخر خیابان

برای افرادی هم که اهل چای و قلیان هستند، فرحزاد، دربند و سفره خانه هایی که در سطح شهر پراکنده شده اند یاد آور خاطراتی دلنشین، همراه با مزه چای دلخواه و قلیانهایی با طعمهای سیب، نعناع و پرتقال هستند.

ولی اگر حوصله کشف جاهای تازه را دارید و از تکرار پاتوقهای آشنا خسته شده اید، سوهانک می تواند تجربه خوبی باشد.

انتخاب یک مکان مناسب برای ثبت لحظه های شیرین و گذران وقت همراه با دوستان یا خانواده، بسته به سلیقه افراد است.

"باغچه جهانبخش"، پاتوقی دنج برای افراد "اهل دل" در بالای سوهانک است.

راه باریک و آسفالت نشده ای را باید پیمود تا به آنجا رسید .سر در ورودی اش نوشته شده "باغچه جهانبخش". کمی جلوتر ، عقابی روی درختچه ای خشک درون قفس نشسته است . هوای سرد، توانی برای او باقی نگذاشته است.

در بدو ورود اولین چیزی که نظرتان را جلب می کند ، تخت هایی است با پشتی های قرمز رنگ و پیچکهای پلاستیکی که از همه جا آویزان اند .

دو مدل تخت برای انتخاب وجود دارد: یکی داخلتر که با محفظه شیشه دودی جدا شده و معمولاً پاتوقی برای جوانترهاست و قسمت جلویی که اگر مه نباشد، تمام تهران را از آنجا، در یک نگاه می توان دید.

پسر جوانی با تکه کاغذی دوان دوان می آید؛ "غذا میل دارین یا فقط چای و قلیون؟" اولین سئوالی است که از شما پرسیده می شود.

برای خیلی از مشتری ها، پاسخ "چای و قلیون" است. طعمش را هم باب سلیقه شما می نویسد.

بعد از چند دقیقه (که به دلیل خیره شدن به منظره روبرویتان اصلاً متوجه گذشت آن نشده اید) یک سینی گل دار با چند فنجان و قوری چای جلویتان نمایان می شود. علاوه بر قند، نبات و شکلات هم در سینی هست.

قلیانی با طعم دلخواه ، زغالهای افروخته و سر قلیان های چند رنگ پلاستیکی، برای هر نفر یک عدد در ظرفی می آورد و قلیان کنار تخت گذاشته می شود.

در اندک زمانی همه جا پر از دود می شود. دودها با انواع بو ها بالای سر تخت ها در هوا معلقند.

غذاهای جهانبخش همه سنتی اند: کباب، جوجه کباب، باقالی پلو و... پیشنهاد پسرک برای ناهار، چلو کباب مخصوص است. غذا را در مجمعه ای می آورد: سفره ی یکبار مصرف، دیس برنج همراه با کره، دیس کباب و سبزی و پیاز، ماست موسیر و پارچ دوغ.

"نوش جان"؛ پسرک شما را به خوردن یک غذای خوشمزه نوید می دهد.

باغچه جهانبخش ممکن است مثل خیلی از سفره خانه های امروزی شیک و مدرن نباشد اما گرمی و صفای درونش و چشم انداز زیبایش برای همه لذت بخش است .

منبع : زیگزاگ

http://vista.ir/?view=article&id=249710

vista.ir
Online Classified Service

سهم ایرانیان مهاجر در دگرگونی جمعیتی آمریکا

هفته گذشته سازمان آمار آمریکا اعلام کرد که این کشور تا سه دهه دیگر دستخوش تغییرات جمعیتی و دموگرافیک خواهد شد. بر اساس این آمار، در سال ۲۰۴۲ جمعیت آمریکایی های اروپایی تبار «اکثریت» را از دست خواهد داد و مهاجران لاتین تبار و آسیایی ها این عنوان را از آن خود خواهند کرد.

دکتر خلیل انداچه، جامعه شناس و استاد دانشگاه در کالیفرنیا، در گفت وگو با رادیو فردا توضیحاتی درباره این تغییرات به ویژه سهم ایرانیان در این دگرگونی جمعیتی ارائه کرده است.

▪ ایرانیان مقیم آمریکا چه تعداد از جمعیت آمریکا را تشکیل می دهند؟

ـ همانطور که می دانید ما آمار دقیقی نداریم. در آمریکا هر ده سال یکبار سرشماری انجام می گیرد و متا&#۶۴۶۰۸;سفانه در آخرین سرشماری هم که در سال دوهزار صورت گرفت،آمار دقیقی از تعداد ایرانیان در ایالتهای آمریکا ارائه نشد. تخمینی که می زنند این است که ممکن است به طور

کلی بین یک و نیم میلیون تا دو میلیون ایرانی در آمریکا داشته باشیم.

▪ سهم این جمعیت میلیونی در تغییر دموگرافیک آمریکا چه میزان می تواند باشد؟

ـ مسئله ای که در مورد ایرانیان می توانیم بگوئیم، مسئله تحصیل است . شما می دانید که الان متوسط تحصیل ایرانیان و به عبارتی تحصیلات کلاسیک آنها در آمریکا با رقم چهارده سال، از همه گروه های مختلف ساکنان آمریکا بالاتر است.

همچنین می دانید خود همین میزان تحصیلات، ترکیب تحصیلات آمریکا را دگرگون کرده است. حتی از نظر درآمد، ایرانیان با درآمدی ماهیانه حدود پنج تا شش هزار دلار (به طور متوسط) حتی از درآمد آمریکایی ها هم بالاتر است.

گفته می شود در ایالت کالیفرنیا که بیشترین جمعیت را دارد، بین ششصد تا هفتصد هزار تن ایرانی ساکن است .

پرسشی که مطرح کردید در مورد کل جمعیت آمریکا، باید بگویم که افزایش جمعیت ایرانی ها در آمریکا صفر است و این هم به خاطر همان تحصیلاتی است که دارند.

به خاطر این که ایرانیان، روی فرزندان خود بیشتر سرمایه گذاری می کنند و ین امر کلا" با میزان سرمایه گذاری سایر مردمان ساکن آمریکا تفاوت دارد .

ایرانیان در بارهٔ فرزندانشان و آیندهٔ آنها بیشتر کار می کنند و این هزینه برمی دارد. خود این توجه، با تحصیلات پدران و مادران ایرانی که میراث آموزش شان از ایران است،یعنی توشه تحصیلاتشان را باخود از ایران آورده اند، رابطه مستقیم دارد. به سخن دیگر، بین تحصیلات و داشتن تعداد فرزندان رابطهٔ مستقیم هست.

شما به نکته جالبی اشاره کردید. یکی از روزنامه های آمریکا هم نوشته بود که توجه جمعیت سفیدپوست آمریکا، به طور سنتی از لحاظ سیاسی، همیشه به مسائلی همچون بیمه، بهداشت عمومی و بازنشستگی معطوف بوده، ولی با این دگرگونیهای دموگرافیک، ممکن است که این توجه ها تغییر کند، چون بیشتر مهاجران و اقلیت های قومی در آمریکا به تحصیلات و آموزش فرزندان خود توجه دارند.

▪ حالا صرفنظر از این موضوع، آیا ایرانی ها گرایش های سیاسی و یا خواست های سیاسی و اجتماعی دیگری هم، علاوه بر آموزش و تحصیلات فرزندان خود، دارند؟

ـ پرسش قابل تعمق و قابل تکیه ای است. ایرانی ها در آمریکا، متاسفانه یک سرخوردگی از مسائل سیاسی و حتی مسائل اجتماعی دارند.

ما حتی تا حال، مثلا" نتوانسته ایم به سناتورهای ایالتی که در آن زندگی می کنیم، خود را بشناسانیم و این هم ناشی از عدم وحدتی است که بین ایرانیان وجود دارد و شما خودتان می دانید که در مسائل سیاسی همیشه وحدت گروه ها بسیار مهم است.

در جامعه ایرانی، متاسفانه، این مسئله در سطح خیلی پائینی قرار دارد. ایرانیان بطور انفرادی، مردمان بسیار موفقی هستند، ولی وقتی می خواهند دسته جمعی و بطور گروهی کاری را انجام دهند، همیشه به کوچهٔ تجزیه و جدائی می رسند.

گوئی که این عیب در ما ارثی است! اگر شما به درون ایران پیش از انقلاب هم نگاه کنید، انواع گروه های متفاوت سیاسی را می بینید. این ها همه ناشی ازآن تک روی است که ما ایرانی ها داریم. در آمریکا هم ایرانی ها به طور انفرادی در کار خود موفق هستند، ولی متا&#۶۴۶۰۸;سفانه در کار گروهی و جمعی توفیقی ندارند. نمی دانم ریشه ها را باید در کجا جستجو کرد؟

▪ این مسئله در مورد ایرانی هائی که در آمریکا متولد شده اند چگونه است؟ آیا آنها هم این تک روی را به ارث برده اند؟

ـ فرزندان ایرانیانی که در آمریکا متولد شده اند، در واقع آمریکائی می شوند و اگر می توانند مقداری فارسی صحبت کنند، ولی توان نوشتن و درک مطالب فارسی را ندارند و زبانی که غالب است، زبان انگلیسی است که رفتار اینها را کنترل می کند و زمانی که زبان غالب شود، بالطبع فرهنگ بومی را جذب می کند.

بنا بر این نمی توانیم نسلی را که اینجا متولد و بزرگ شده از سایر آمریکایی ها جدا کنیم. نگاه کنید به تمام آمریکایی های ایرانی تبار، شماهرگز نمی توانید آنها را از کل آمریکائی ها جدا کنید، چون زبان، کلید فرهنگ است.

وقتی زبانی غالب شد، مانند یک کلید، فرهنگ را باز می کند. ما ایرانیانی که از ایران به این سرزمین کوچ کرده ایم، پس از سی سال زندگی در آمریکا، هنوز به جوک آمریکائیها نمی خندیم! و اغلب می گوئیم که این جوک چقدر بی مزه است؟! طبیعی هم هست، چون در آن فرهنگ بزرگ نشده ایم و لطیفه ها بار فرهنگی دارند.

▪ یک سئوال آخر و آن این که، آیا می دانید در حال حاضر روند مهاجرت ایرانی ها، نسبت به دوران پیش از انقلاب، تسریع شده یا اینکه کندتر شده است؟

ـ در کل خیلی کمتر شده. برای این که هزینه تحصیل در آمریکا بسیار افزایش پیدا کرده و خودتان می دانید که شهریه ها در آمریکا خیلی بالاست. هرسال هم مقداری به این شهریه ها اضافه می شود، بنا بر این، کسانی که از ایران یا سایر کشورهای ناتوان خاورمیانه بخواهند به آمریکا بیآیند، نمی توانند با این شهریه ها زندگی کنند. مهاجرت ایرانیان به آمریکا خیلی کم شده است.

منبع : جامعه‌شناسی ایران

http://vista.ir/?view=article&id=341367

vista.ir
Online Classified Service

سهم ناچیز ایران از توریسم ورزشی

ورزشی، یکی از حوزه‌های پراهمیت صنعت گردشگری در دنیاست که به مانند بسیاری از بخش‌های این حوزه در ایران مقوله‌ای نوپاست و هنوز بسیاری از افراد از جایگاه این حوزه در صنعت گردشگری بی‌اطلاعند.

براساس اطلاعات موجود درآمد کشورهای پیشرفته جهان از محل توریسم ورزشی سالانه چیزی بیش از ۲۰ میلیارد دلار است اما ایران با وجود جاذبه‌های بی‌نظیر گردشگری و طبیعی و داشتن آثارتاریخی چندین‌هزار ساله، تاکنون بهره چندانی از این حوزه نبرده است.

تلاش کشورها برای تصاحب میزبانی این مسابقات البته بی‌اجر نمی‌ماند و منافع بی‌شماری را در حوزه‌های مختلف نصیب آنان می‌کند به‌گونه‌ای که پس از جام‌جهانی ۲۰۰۶ آلمان، گفته می‌شود حدود ۱۱ میلیارد دلار، درآمد از این میزبانی نصیب ژرمن‌ها شده و در کنار ۱۱ شغلی که در این بخش فعال بوده، ۴ شغل جدید نیز ایجاد شده است.

این مثال به‌تنهایی نشانگر این است که نباید از تاثیر برگزاری مسابقات این‌چنینی در رونق و پیشرفت این حوزه در صنعت گردشگری به‌راحتی گذشت.

در کنار تاثیرات گردشگری ورزشی برصنعت گردشگری نکته دیگری که در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تاثیر ورزش و گردشگری بر اقتصاد کشورهاست. برگزاری تورنمنت‌های ورزشی در سطح بالای بین‌المللی آوردن تحولات عظیم اقتصادی، ورزشی، فرهنگی و اجتماعی برای کشور میزبان به ارمغان می‌آورد و این موضوع به حدی برای دولتمردان کشورهای توسعه یافته و مترقی دارای اهمیت است که برای به‌دست‌آوردن میزبانی رقابت‌های بین‌المللی نظیر المپیک، جام‌جهانی و... به انواع راه‌ها و روش‌ها متوسل می‌شوند.

با برگزاری مسابقات مختلف در دنیا علاقه‌مندانی برای شرکت در این مسابقات به کشور میزبان سفر می‌کنند که این خود موفقیتی اقتصادی برای

آن کشور شمرده می‌شود البته مزایای دیگری نیز وجود دارد و اینکه در این رویداد گردشگران با فرهنگ و قابلیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری کشور میزبان آشنا شده و این موضوع باعث تبادل فرهنگی میان کشورهای مختلف می‌شود.

● موانع توسعه توریسم ورزشی در ایران

توسعه توریسم ورزشی علاوه برموانع موجود در دیگر بخش‌های توسعه گردشگری موانع مخصوص به خود نیز دارد، از مهم‌ترین مشکلات این حوزه نداشتن برنامه استراتژیک برای توریسم ورزشی کشور با توجه به قابلیت‌های کشور است.

یکی دیگر از مشکلات توسعه توریسم ورزشی، عدم توانایی در برگزاری تورنمنت‌های بزرگ ورزشی نظیر المپیک، جام‌جهانی و بازی‌های آسیایی است.

● ورزش‌های بومی و توریسم ورزشی

تاکید بر ورزش‌های بومی می‌تواند یکی از مزیت‌های ایران برای توسعه توریسم ورزشی خود محسوب شود چنانچه امروزه تلاش مسوولان و برنامه‌ریزان ورزشی دنیا نیز بر تخصصی‌ترکردن رشته‌ها و بومی‌سازی آنهاست. ایران نیز به‌دلیل داشتن ورزش‌های مختلف بومی و سابقه متمادی در این ورزش‌ها می‌تواند با معرفی این ورزش‌ها برای ورود به المپیک زمینه توسعه توریسم ورزشی خود را فراهم آورد. همان‌طور که بسیاری از مسابقاتی که در المپیک به‌عنوان رشته ورزشی مطرح می‌شود، بازی‌های بومی و محلی کشورهای مختلف است.در این راستا برخی از کشورها نیز با توجه به پتانسیل‌های ورزشی موجود در کشورشان اقدام به ایجاد مراکز ورزشی خاص برای گسترش رشته‌های بومی کرده‌اند و از این طریق درآمد سرشاری را نصیب کشور خود می‌کنند.

● راهکارهایی برای جذب توریست ورزشی

ایران در کنار جاذبه‌های گردشگری و تاریخی، پتانسیل‌های لازم برای راه‌اندازی مکان‌های مختلف و ایجاد سایت‌های مجهز ورزشی را در سطح مناسبی داراست که باید با ایجاد و فراهم‌آوردن زیرساخت‌ها در نواحی مختلف کشور، مجتمع‌های گردشگری ورزشی و اردوهای مناسب ساخته شود.

یکی دیگر از راهکارهای پیشرفت ایران در این حوزه تبلیغات و معرفی ایران به ورزشکاران کشورهای خارجی از طریق ورزشکاران ایرانی است که برای حضور در مسابقات بین‌المللی به کشورهای دیگر سفر می‌کنند.

در این میان از نقش آژانس‌های مسافرتی نیز نباید غافل شد چراکه آژانس‌های مسافرتی می‌توانند با برگزاری تورهای گردشگری ورزشی، گردشگران بسیاری را به کشور جذب و به رونق این حوزه کمک کنند، در حال حاضر از دو هزار آژانس فعال در کشور تنها حدود ۲۲ آژانس مسافرتی در این حوزه فعالیت می‌کنند.

● کشورهای فعال در توریسم ورزشی

کشورهای اسپانیا، استرالیا، آمریکا و فرانسه، ازجمله کشورهای موفق در حوزه گردشگری ورزشی هستند، در آسیا نیز کشورهایی مانند امارات و ترکیه حضور در این عرصه را تجربه کرده و البته در همین زمان کوتاه نیز درآمدهای خوبی هم داشته‌اند.

چنانچه در ترکیه سرمایه‌گذاری‌های خوبی در زمینه ایجاد اردوهای ورزشی انجام شده و ترکیه مقصد خوبی برای ایجاد اردوهای تیم‌های ورزشی محسوب می‌شود.

در ایران نیز می‌توان با استفاده از پتانسیل‌های موجود شرایط و فضای مناسب را برای این موضوع فراهم کرد همان‌طور که بسیاری از تیم‌های ورزشی مانند تیم‌های فوتبال، اردوهای خودشان را در فصول مختلف در کشورهای مختلف برگزار می‌کنند، ایران نیز به‌دلیل داشتن آب و هوای متنوع می‌تواند این امکان را در اختیار بسیاری از تیم‌های آسیایی و اروپایی قرار دهد تا آنها بتوانند اردوهایشان را در ایران برگزار کنند البته این موضوع زمانی در ایران تحقق می‌یابد که زیرساخت‌های لازم در این زمینه در کشور مهیا شود.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=284728

vista.ir
Online Classified Service

سیتـــی لاج ؛ عجیـــــب تـــــــرین هتـــــل دنیـــــــــا

در برلین آلمان، هتلی وجود دارد که بدون شک یکی از عجیب وغریب ترین مکان‌های عمومی در جهان است. تمام اتاق‌ها و اشیاء داخل این محل که پروپلر آیلند سیتی لاج نام دارد، توسط هنرمند آلمانی لارس استروشن خلق شده است. در واقع بهتر است این محل را به جای هتل، با عنوان "مکانی برای زندگی در درون یک اثر هنری" بنامیم. در اینجا ۳۰ اتاق با محیطی کاملا منحصر به فرد و شخصی وجود دارد. این اتاق‌ها از این جهت منحصر به فرد می‌باشند که به معنای واقعی کلمه، مبلمان و اشیاء درون آنهادست ساز و اختصاصا برای این فضا ساخته شده و هیچ یک در سراسر جهان نمونه مشابهی ندارند. به این ترتیب می‌توان سیتی لاج را موزه ای با امکانات کافی برای اقامت یا سازه هنری قابل سکونت دانست. اتاق‌ها بدون درنظر گرفتن استانداردهای تعریف شده طراحی شده اند که بعضی ساده تر و تعدادیبه شدت افراطی هستند. شما با توجه به سلیقه و میزان حس ماجراجویی خود می‌توانید با حضور در این اتاق‌ها، دیدگاهی تازه نسبت به واقعیت و رویا پیدا کرده و اگر بتوانید انتخاب صحیحی داشته باشید، اقامتی فراموش نشدنی در این هتل تجربه خواهید کرد.یک نکته دیگر در زمینه اقامت در این اثر هنری این است که این فضا از مواد و مصالحی متفاوت با هتل ها و بناهای عادی ساخته شده است. برای مثال دیوارها و قفسه های پلکسی گلس آن و همچنین رنگ‌های تیره و غلیظ دیوارها هنگام جای دادن وسایل و چمدان‌ها به راحتی خط می افتد. به همین جهت شما نباید این نکته را فراموش کرده و بایدبا احتیاطی بیشتر از حد معمول در این تابلوهایسه بعدی حرکت کنید.

▪ خوابیدن‌درقفس:

دوقفس بزرگ در مرکز اتاقی وسیع قرار دارد.رنگ غالب بر اتاق ، نارنجی و قرمز بوده و قفس‌ها بر تیرهای چوبی مستحکمی به ارتفاع ۵/۱ متر قرار گرفته و با زنجیرهای متعددی در جای خود محکم شده اند. این قفس‌ها، تخت‌های این اتاق هستند که هر یک برای یک نفر در نظر گرفته شده است. حمام و دستشویی بزرگ و مجلل که شامل یک وان طلایی در مرکز، دوش در گوشه و سرویس بهداشتی می‌باشد بر پایه ای بلندتر از سطح حمام است.

▪ تابوت:

تخت‌های این اتاق بسیار ساده، دو تابوت هستند که می‌توان حتی با در بسته در آنها چرتی زد. این اتاق مناسب آن دسته از افراد علاقمند به داستان‌های خون آشامان و همچنین کسانی است که برای رسیدن به آن سرنوشت محتوم، عجله دارند و می‌خواهند خوابیدن در تابوت را زودتر از زمان موعود تجربه کنند. اگر کسی پس از مدتی خوابیدن در تابوت دچار وحشت شود می‌تواند به پایین خزیده و در جای خوابی که زیر این سطح قرار دارد بخوابد.

▪ اتاق واژگون:

این تنها اتاق چهار تخته هتل است. تمام اسباب و اثاثیه اتاق بر روی سقف قرار دارد و شما می‌توانید در جعبه های راحتی که بر کف اتاق تعبیه شده نشسته یا بخوابید. حتی منظره پشت پنجره هم واژگون است. اقامت در این اتاق که دارای خاص ترین مبلمان است، یکی از سورئال ترین تجربیات ممکن خواهد بود.

▪ اتاق آینه:

بدون شک این اتاق یکی ازبخش‌های بسیار شاخص این هتل است. اتاق آینه به شکل الماس و کاملا پوشیده از آینه است، به طوری‌که تصور می‌کنید درون یک کالئیدوسکوپ (استوانه ای مجهز به عدسی و ۳ آینه ۴۵ درجه که با وجود دانه های ریز رنگین درونش، تصاویری زیبا و منحصر به

فرد ایجاد می‌کند) زندگی می‌کنید.

▪ سلول‌زندان:

یک سلول زندان دوستانه یک نفره، با سوراخی در دیوار. سرویس بهداشتی این اتاق درست مانند هر سلول زندانی، در داخل اتاق قرار دارد. اما تفاوت در این است که شما واقعا ماندن در این اتاق راحت را دوست دارید و آزادی در بالکن وسیع و سایبان زیبایش در انتظار شماست.

ـ چند نکته:

با توجه به اینکه هتل سیتی لاج از جمله هتل‌های عادی و بسیار پر رفت و آمد نیست، در آنجا میز پذیرش قراردادی و معمول هتل‌های دیگر که شبانه روز باز باشد، وجود ندارد. در عوض این هتل دفتری دارد که از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر باز است. در نتیجه رزرو اتاق و اطلاع زمان دقیق رسیدن به هتل بسیار اهمیت دارد. پاسپورت، کارت شناسایی یا بلیت هواپیمای مسافرین به عنوان تضمینی برای بازگرداندن کلید اتاق در دفتر پذیرش باقی می‌ماند.سیتی لاج دارای اتاق‌هایی است که با وجود راحتی و زیبایی بسیار، به دلیل کمبود جا یا ویژگی‌های خاص اتاق (مانند سلول زندان) فاقد حمام هستند. به همین دلیل حمام‌هایی بسیار مجهز و راحت در مجاورت این اتاق‌های قرار داده شده تا مسافران بتوانند به راحتی از امکانات حمامی مشابه با سایر اتاق‌ها بهره مند شوند. برای رفت و آمد ساده در بین اتاق و حمام، پالتو حوله ای در اختیار مسافران قرار می‌گیرد.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=131703

vista.ir
Online Classified Service

شب، ستاره، سکوت ،کویر...

انتظاری بی‌پایان، چشمان تشنه و خیره مانده به ابرهای رهگذر، این راز زیبایی و صبر کویر است. می‌گویند کوه با نخستین سنگ و انسان با نخستین درد زاده شد؛ اما کویر، این دشت آرام و پرهیاهو دوباره از نو معنی می‌کند فلسفه هستی را. دغدغه بودن دوباره جان می‌گیرد.

بادها پر شتاب بر کالبد نرم دشت می‌وزند، آن گاه آرام چشم فرو می‌بندی که مبادا چشمانت غرق این همه شکوه شوند.

این جاده است که تو را بی‌اراده با خود می‌برد. جاده همچون شلاقی بر پهنای دشت فرود آمده است. هر کس به تمنایی از آن عبور می‌کند. یکی پی مراد خویش است تا آن نظربند سبز را بر دستانش گره زند و دیگری طالب شفاست. اما چند فرسخ مانده به آن مراد، سرزمینی است پر ماجرا. جایی که آزادگان برخاستند، سر به‌دار دادند؛ اما تن به خفت ندادند. شما به حاشیه کویر مرکزی ایران پا گذاشته‌اید. سبزوار.

اگر از تهران به سمت سبزوار حرکت کرده‌اید، درست ۵ کیلومتر مانده به شهر، مناره‌ای سر به فلک کشیده خواهید دید. نقشی از نیاکانمان که به میراث گذاشته‌اند. مناره خسروگرد. از این مناره در سیاحت‌نامه‌ها و کتاب‌های جغرافیای تاریخی به طور مرتب یاد شده است.

مناره خسروگرد در شمار زیباترین مناره‌های تاریخی آغاز قرن ششم هجری قمری معرفی شده است.

ارتفاع آن چیزی حدود ۳۸ متر است. در بدنه آجری آن دو کتیبه کوفی و تزیینات لوزی شکل قرار دارد. گویا خشت خشت این بنا با تو سر سخن

دارند، سخنی از ناملایمات روزگار و تند باد حوادث.

به گفته کارشناسان، این مناره از بقایای مسجد جامع خسروجرد بوده است که تیمور آن را خراب کرده و در موقع شورش افغان‌ها آسیب زیادی دیده است، اما نادرشاه افشار به تعمیر آن همت گماشت.

این مناره برای جهت‌یابی، کرایه احشام و راهنمایی مسافران و دیدبانی و نیز طبق احتمال برای اذان گفتن استفاده می‌شده است.

حالا به سبزوار می‌رسیم؛ شهری که تا به حال فقط وصفش را در تاریخ شنیده بودیم. ورودی شهر نه تنها زیبا نیست، بلکه تا حدودی چهره این شهر تاریخی را مخدوش کرده است. همین بی توجهی به زیباسازی موجب شده است سیل مسافران و زوار حضرت رضا از کنار شهر عبور کنند و تنها با دیدن تابلوی آن، نام بزرگ مردانی همچون سربداران و ملاهادی سبزواری را به یاد آورند.

- هفت پیکر با شکوه

در ورودی شهر سبزوار اولین میدانی که پدیدار می‌شود، میدان سربداران است که با ۷ پیکره به نشانه هفت مبارزی که که حافظ رسم مردانگی و ایثار بودند، به زائران و مسافران شهر خوش‌آمد می‌گویند.

این مجسمه‌ها شامل هفت پیکر بلند قامتی است که دایره وار دور این میدان ایستاده‌اند تا یادآور ظلم ستیزی این قوم از گذشته‌های دور باشند.

حسین ماستیانی تنها مجسمه‌ساز این شهر ساخت این مجسمه‌ها را به عهده داشته است.

ماستیانی خوشنویس، طراح و نقاش نیز هست که بر خلاف دیگر هنرمندان، دیارش را ترک نکرد.

سبزوار مجسمه‌های دیگری هم دارد. مجسمه حاج ملاهادی سبزواری در باغ ملی و مجسمه مادر در میدان مادر.

شهر در یک عصر بهاری کاملا آرام است. نسیم نه چندان ملایمی غبار کویر را به ارمغان می‌آورد. شهر مفاهیم بزرگی در خود نهان دارد، مفهومی به بزرگی ملا هادی سبزواری...

- سفری درونی در محضر استاد

اندکی تامل کنید، بیشتر فکر کنید. یک سفر ذهنی عمیق! دشوار است؛ اما شیرین و این زندگی بزرگ مرد این شهر یعنی حاج ملاهادی سبزواری فیلسوف و عارف نامی بود. به آرامگاه او آمدیم. درست در ضلع جنوبی میدان کارگر سبزوار. آرامگاه، حیاطی نسبتا بزرگ و دلنشین دارد که هنوز رنگ و بوی مردمان قدیم و اصیل را در خود دارد. دلنشین و خوشایند.

بنای این آرامگاه در سال ۱۲۸۹ - ۱۲۱۲هجری قمری بنا شده است. بنا به روایتی این مکان ملک شخصی آن مرحوم بوده است. در همان آغاز ساخت قرار بوده است که مدرسه‌ای در جوار آن ساخته شود، اما در نهایت به ساخت چند حجره اکتفا شد.

بنای مقبره که به اسرار شهرت دارد، دارای پلانی مستطیل شکل است که شکل درونی آن ۴ صفحه دارد و برگوشه‌ها، حجره‌ها یا اتاق‌های مربع شکلی تعبیه شده است. در نمای بیرونی ایوان‌ها و ایوانچه‌های متعددی تعبیه شده که به اتاق‌های مجاور یا درون آرامگاه ارتباط دارند. این بنا به دلیل مرمت‌های صورت گرفته تازه به نظر می‌رسد. گویا در بازسازی دقت چندانی برای حفظ هویت تاریخی آن صورت نگرفته است. کاشی‌کاری‌های رنگارنگ زیبا بر زمینه لاجوردی و گنبدی فیروزه‌ای رنگ، به بنا جلوه و شکوه خاصی بخشیده و آن را در شمار بناهای زیبا و با شکوه سبزوار قرار داده است.

- سجده بر آستانه معبود

صبوری، مهربانی و باور عمیق نشان مردمان سبزوار است. آنها به اماکن مذهبی سخت علاقه‌مندند و وجود اماکن مذهبی شاهدی بر این مدعاست. این موضوع به نوعی بخشی از هویت شهر نیز محسوب می‌شود. مسجد آدینه یا پامنار که در انتهای خیابان بیهق واقع شده است، کهن‌ترین مسجد سبزوار محسوب می‌شود. ساخت این مسجد به سال ۳۱۷ هجری قمری باز می‌گردد، اما در طول تاریخ خود شاهد اتفاقاتی همچون زلزله و تغییراتی در معماری بوده است.

ورودی مسجد از انتهای ایوان بلندی به درونی راه می‌یابد. این ورودی مستقیما به شبستان مسجد منتهی می‌شود. صحن مسجد که وسعت کمی دارد، در سمت جنوب واقع شده است. در زیر کف صحن پادیا و چهار ایوانی است که مربوط به دوره قاجاریه است. درگوشه شمال غربی مسجد، مناره‌ای به ارتفاع بیش از ۲۰ متر قرار دارد که به احتمال زیاد همان مناره کهن مسجد آدینه سبزوار است و مسجد نام خود را از آن گرفته است. این مناره آجری و دارای تزیینات و کتیبه آجری است. پلان مسجد قابل مقایسه با مساجد اولیه فهرج یزد و تاریخانه دامغان است. اما دخل و تصرفاتی که در آن صورت گرفته، باعث شده که بنا ظاهری نوساز داشته باشد. در یکی دو دهه پیش نیز تزییناتی با کاشی‌های منقوش، مسجد را آراسته است. کاش اندکی بیشتر در مرمت و نگهداری این بناها دقت می‌شد.

● هتل‌های قدیم

سفر یعنی هیجان. هیجان زمانی اوج می‌گیرد که به یک هتل بسیار قدیمی بروید. هتلی متعلق به گذشته‌های خیلی خیلی قدیم! به ذهنتان که رجوع کنید، حتما به یاد فیلم‌های تاریخی می‌افتید، درست فکر کردید کاروانسرا. جایی که مسافران خسته لنگر می‌انداختند و شب‌ها دور هم برای یکدیگر نقل دیار و فرهنگ خویش می‌کردند. در ضلع غربی میدان زند سبزوار یکی از این کاروانسراها قرار دارد. کاروانسرای فرامرز خان، لابد سازنده بنا بوده. فرامرزخان سبزواری این کاروانسرای چهار ایوانی رابرای استفاده زوار حضرت رضا (ع) در کنار شاهراه خراسان ساخته است.

ورودی این رباط از بخش جنوبی و از طریق یک هشتی به ایوان جنوبی منتهی می‌شود. صحن رباط روباز بوده و علاوه بر ۴ ایوان اصلی غرفه‌هایی نیز مشرف بر صحن ساخته شده است. در انتهای غرفه‌ها حجره‌های تعبیه شده که در پشت اتاق‌های شمالی، شرقی و غربی سالن‌هایی درازی قرار دارد که مسافران اسب‌ها و شترهای خود را در آن نگهداری می‌کردند.

اما حالا دیگر نه از آن مسافران خبری است و نه صدای زنگوله شتران و شیهه اسب‌ها به گوش می‌رسد. در حال حاضر، این مکان به عنوان موزه مردم‌شناسی سبزوار مورد استفاده قرار گرفته است.

راستی جایگاه اسب‌ها نیز که در کنار کاروانسرای فرامرزخان است، در حال ویران شدن است. هر جوری شده وارد آن شدیم و چندین سانت غبار و سیمان کف آن را پوشانده بود. متولی ندارد، بنابراین بازاریان و کسبه محل هم از آن به عنوان انبار مصالح ساختمانی استفاده می‌کنند.

حالا اگر دوست دارید باز هم کاروانسرا ببینید، باید از شهر خارج شوید و ۳۰ کیلومتر مسافت را طی کنید. مطمئن باشید پشیمان نخواهید شد؛ چون شما در مسیر جاده تاریخی ابریشم قرار گرفته‌اید. کاروانسرای تاریخی ریوند از جمله کاروانسراهای بین راهی شهرستان سبزوار است که در دوران حکومت صفویه در حاشیه جاده ابریشم سابق ساخته شده است.

این کاروانسرا یکی از منحصر به فرد ترین کاروانسراهای سبزوار است که دارای هشتی، حیاط مرکزی، حجره ها، اصطبل و شاه نشین است و آب انباری نیز در روبه‌روی کاروانسرا برای استفاده مسافران ایجاد شده است. کاروانسرای ریوند را می‌توان اوج هنر و معماری ایرانی و مجموعه‌ای بی‌بدیل از آجرکاری‌های زیبا دانست. کارشناسان معتقدند با توجه به قرار گرفتن کاروانسرا در ضلع جنوبی محور تهران به مشهد، این اثر تاریخی قابلیت تبدیل به یک مجموعه رفاهی و گردشگری را داراست.

حالا که از شهر بیرون آمده‌اید، سری هم به کاروانسرای زعفرانیه واقع در روستای زعفرانیه کیلومتر ۲۴ جاده سبزوار، نیشابور بزنید. اینجا از جمله معدود کاروانسراهای برجای مانده از دوره سلجوقی است که در دوره‌های صفویه و قاجاریه بازسازی شده است.

صبوری، مهربانی و باور عمیق نشان مردمان سبزوار است آنها به اماکن مذهبی سخت علاقه‌مندند و وجود اماکن مذهبی شاهدی بر این مدعاستسردر بسیار رفیع، آجرکاری بسیار زیبا، ۴ برج در چهارگوشه بنا و ۳ نیم برج در حد وسط برج‌ها، تزئینات مقرنس‌های گچبری این بنا را منحصر به فرد کرده است. کاروانسرای زعفرانیه سبزوار، ازجمله کاروانسراهای دشت با حیاط مرکزی است که به سبک ۴ ایوانی احداث شده و دارای شاه‌نشین، ایوان حجرات، ایوانچه، اصطبل هشتی و تمام عناصر کالبدی یک کاروانسراست. آب‌انبار این کاروانسرا رو به روی ورودی، در فاصله کمی از آن قرار گرفته است. کاروانسراهای دیگری نیز وجود دارد اگر طالب و مشتاق هستید بروید و لذت ببرید.

● نشانی از پیر حاجات

تنها برای این که باورتان شود، سبزواری‌ها چقدر وفادار و با مرام بوده‌اند، سری به آرامگاه ملاحسین واعظ کاشفی بزنید. نشانی آن هم خیابان نظام‌الملک (شهدا) است، اما اگر کسی به شما بگوید اصل آرامگاه وی در هرات است، چه فکر می‌کنید. مطمئن باشید سر کار نیستید این بنا تنها یک نماد است به یاد آن استاد بزرگ که ملقب به پیر حاجات بود. بنای مذکور در سال ۱۳۵۶ به سفارش انجمن آثار ملی بنا شده است. آرامگاه حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار را نیز فراموش نکنید.

● آذربرزین مهرساسانیان هنوزپا برجاست

در فصل ۱۷ بند هش بند ۸ این گونه می‌خوانیم که: « آذربرزین مهر تا زمان گشتاسب در گردش بوده، پناه جهانیان می‌بود. تا زرتشت انوشه روان دین آورد. گشتاسب دین پذیرفت.»

شما به آتشکده آذربزرین آمده‌اید، در ارتفاعات شمالی روستای مهر و ریوند، ۳۰ کیلومتری سبزوار. حالا شاهد یکی از زیباترین ۴ طاقی‌های دوران ساسانی هستید.

این آتشکده در ۳۰ کیلومتری شمال غربی سبزوار و بر ارتفاعات قرار گرفته است که از لحاظ موقعیت جغرافیایی در یکی از صعب‌العبورترین مناطق واقع شده است. از لحاظ فرم و تکنیک چیدن سنگ‌ها به طاق نعلی‌شکل بناهای هم عصر خود همچون دروازه‌های شمال و جنوبی تخت سلیمان

شبیه است. درست همین جا پیوند ناگسستنی این فرهنگ کهن بوم را در سراسر ملک ایران زمین شاهد خواهید بود. فرهنگی که نشان از نیک‌پنداری تمام ایرانیان دارد.

• ابوالحسن بیهقی تاریخ‌نگاری نام آشنا

حتی اگر کسی تاریخ بیهقی را نخوانده باشد، اما کمترکسی پیدا می‌شود که با این نام آشنا نباشد. او نیز از اهالی همین دیار است. همین جا هم مانده است. آرامگاه او همچو نامش بلندمرتبه است بیهقی بر فراز تپه‌ای، باز هم حوادث روزگار و مردمانش را رصد می‌کند. در مرکز بخش ششتمد، در جنوب شرق سبزوار به فاصله ۳۶ کیلومتر، زادگاه و مدفن ابن فندق (ابوالحسن زید بیهقی) مورخ، ادیب و فقیه مشهور قرار دارد و در محوطه باغ این آرامگاه، یک کتابخانه به یاد آن دانشمند شهی، احداث شده است.

• باغ اسکویی

گوشه و اطراف شهر محصور از آثار تاریخی است که در زمان کوتاه نمی‌توان به همه جا سرک کشید. البته شما هم نمی‌توانید بسادگی از این همه شکوه چشمپوشی کنید. پس تنها ۴ کیلومتر به سمت غرب شهر حرکت کنید تا به باغ اسکویی برسید. این باغ در روستای ابارش قرار دارد. چیزی حدود ۱۰ هکتار است و یک عمارت در میان باغ بنا شده است. عمارت مزبور در دو طبقه ایجاد شده و مشتمل بر طبقه زیرزمین مشتمل بر هشتی، حوضخانه، آب‌انبار، مطبخ و بادگیرخانه است و طبقه اول از فضاهایی مانند تالار ستون‌دار شرقی و شمالی، تالار پذیرایی، حجره‌های نشیمن و... تشکیل شده است. ازجمله عناصر تزیینی این بنا می‌توان به آجرکاری‌های نمای بنا، گچبری، طاق حوضخانه و نقاشی روی گچبری‌های حوضخانه اشاره کرد. قدمت این باغ و عمارت میان آن به دوره قاجار باز می‌گردد، مالک باغ نیز خاندان اسکویی بودند.

• زمانی یخدان بودند

تعدادی یخدان مخروطی شکل قدیمی در اطراف شهر بویژه در محله آب قصبه، گلشن، جنوب نقابشک و جنوب ۳۰ هزار متری وجود دارد که در گذشته‌ها آب باران زمستان به آنجا هدایت می‌شد و به صورت یخ برای تابستان ذخیره می‌شد، اما امروز این یخدان‌ها که می‌تواند یکی از جاذبه‌های شهر سبزوار باشد، به محل انباشته شدن زباله و رفت و آمد معتادان تبدیل شده است.

• سبزوار به وسعت تاریخ

ما خیلی جاها نرفتیم، آن را هم توصیف نکردیم. تاریخ سبزوار با ادب و فرهنگ و دلاوری گره خورده است. از نظر جغرافیایی نیز همین را بدانید که بافت اقلیمی شهرستان، دشت و بیابان است از نظر آب و هوایی نیمه‌بیابانی و بیابانی است. در حاشیه کویر مرکزی ایران قرار گرفته و به لحاظ جغرافیایی تاریخی، به عنوان جانشین ولایت بیهق قدیم، قلمداد می‌شود.

• شب و ستاره و کویر...

از خوردن کمه جوش غافل نشوید

یکی از غذاهای محلی و لذیذ این شهر کمه جوش است که طرفداران بسیاری دارد.

حالا اگر دوست دارید مزه این غذا را بچشید دست به کار شوید و مواد لازم آن را یادداشت کنید.

کمه چیزی شبیه به کشک و ماست چکیده است که تنها در این شهر باید آن را جستجو کنید و روش فرآوری آن متفاوت از ماست چکیده است.

اگر موفق به تهیه کمه که اصلی‌ترین ماده تشکیل‌دهنده این غذاست شدید، دیگر مشکلی نیست، با گوجه‌فرنگی، تره خرد شده، نعنا خرد شده، گردو خرد شده، زردچوبه، فلفل، روغن و نمک به میزان لازم می‌توانید آن را آماده کنید.

▪ طرز تهیه:

ابتدا پیازها را ریز خرد و در کره و روغن طلایی می‌کنیم. سپس تره خرد شده و نعناع را اضافه کرده می‌گذاریم تا آبش کشیده شود. آن گاه زردچوبه، نعناع خشک و گردو را ریخته تفت می‌دهیم و گوجه‌فرنگی را هم به آن اضافه می‌کنیم که خوب سرخ و پخته شود.

حالا کمه را که از قبل در مخلوط کن با مقداری آب مخلوط کرده‌ایم تا به حالت دوغ درآید، به مواد اضافه می‌کنیم و در حال هم زدن می‌گذاریم تا به مرحله جوش نزدیک شود، اما نجوشد. در آخر نمک و فلفل قرمز اضافه می‌کنیم و همراه نیمرو یا بادمجان سرخ شده و البته سبزی خوردن، پیاز و نان خشک مخصوص این شهر غذا را سرو می‌کنیم.

در قدیم، این غذا با قرمه تهیه می‌شد. قرمه گوشت سرخ شده‌ای بود که در میان روغن نگهداری می‌شد. می‌توان در صورت تمایل از قرمه یا گوشتچرخ کرده نیز برای این غذا استفاده کرد. از هر چه بگذریم، خوردن صفای دیگری دارد.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=370054

شگفتی های جزیره زیبای قشم

جزیره پهناور قشم با مساحتی نزدیک به ۱۵۰۰ کیلومتر مربع نه تنها بزرگترین جزیره ایران بلکه از بسیاری از کشورهای مستقل جهان نیز بزرگتر است . این جزیره همچون یک دولفین زیبا و بزرگ در تنگه استراتژیک هرمز واقع شده است و فاصله آبی شهر قشم از بندر عباس ۲۲ کیلومتر و نزدیکترین فاصله آبی جزیره قشم با سرزمین ما در ۷۸ کیلومتر د ر حد فاصل بندر لافت و روستای پهل از توابع بندر خمیر است.

● جمعیت

جزیره قسم افزون بر ۸۵ هزار سکنه بومی دارد که مردمانی متدین ، میهمان نواز ، زحمتکش و پایبند به آداب و رسوم سنتی زیبای خود هستند. لباس سنتی زنان و مردان ، موسیقی بومی، صنایع دستی و گویش محلی از جلوه های فرهنگی ویژه این جزیره مرزی است. گزینش نامهایی چون دیرستان رمکان، درگهان، سوزا، رمچاه، دولاب ، کانی و ... برای شهرها و روستاها همه یادآور علاقه و توجه عمیق مردم این بخش از کشورمان به فرهنگ و تمدن دیرپای ایران زمین است. مردم جزیره قشم همه مسلمانند.

● آداب و رسوم

آداب و رسوم سنتی و اعتقادی مردم قشم برخاسته از تاریخی پر فراز و نشیب و سراسر حادثه، مبارزه و پایداری آنها است. جلوه هایی از اصالت قشمی ها را می توان در آیین های زیبای عروسی ، عبادت و عزاداری، موسیقی بومی، معماری ویژه با بهره گیری از بادگیرها، صنایع دستی ، پوشاک زنان و مردان و بسیاری از رفتارهای سنتی این مردم مشاهده کرد.

● دیدنی‌های جزیره قشم

جنگل دریایی حرا. گونه حرا درختچه ای است در اندازه های متفاوت ۳ تا ۶ متر با شاخ و برگ سبز روشن .

حرا درختی است آب شورزی که به هنگام مدد دریا تا گلوگاه در آب فرو می رود و به کمک خاصیت تصفیه ای که در پوست آن است بخش شیرین آب دریا را جذب و نمک آن را دفع می کند. در تنگه خوران بین جزیره قشم و بخشی از سواحل استان هرمزگان جنگل دریایی حرا در گسترده ای معادل ۹ هزار هکتار پدید آمده که از تنوع زیستی بالایی برخوردار است و زیستگاهی امن برای انواع پرندگان مناطق گرمسیری و مهاجر به شمار می رود.

کوههای قشم : در جزیره قشم کوههای کم ارتفاع فراوان است . سطح این کوهها را لایه های مرجانی ، اسفنجی و دو کفه ای پوشانده که خود موجب حفاظت خاکهای نرم و شنیست و مارن زیر سطح مرجانی شده است. وجود بادها ، بارانها و توفانهای بارانزا که تقریباً موازی و با زواویه کمی از زمین می وزند موجب فرسایش تنه کوهها و فروریختن پوشش های مرجانی می شوند. بر اثر این فعل و انفعالهای طبیعی ، نمادها و تندیس های دیدنی و زیبایی در سراسر جزیره پدید آمده که از این نظر نیز جزیره قشم و جزایر اطراف آن از دیگر جزایر خلیج فارس ممتاز و به راستی استثنایی است.

درخت انجیر معابد: از رستنی های شگفت انگیز مناطق حاره بویژه جزایر خلیج فارس درخت همیشه سبز « لور» (معروف به انجیر معابد) است که تاجی بسیار بزرگ با ریشه های هوایی متعدد دارد و میوه رسیده نارنجی رنگ آن مطبوع و خوراکی است.

یکی از زیباترین ایت درختان در روستای تم سنیتی منطقه توریان قرار دارد و در نزدیکی آن بقعه ای دیدنی با طرح معماری کهن با نام زیارت پیر واقع است.

غار نمک: بخشی از کوههای جزیره قشم به دلیل انباشتگی و رسوب نمک موجود در آب دریا در گسل های عمیق تبدیل به کوهها و غارهای نمکی شده اند. کوه نمکدان در جنوب غربی جزیره با دیگر معادن و غارهای نمکی جزیره از یک جنس هستند. قندیلها و بلورهای نمک در داخل غارهای بزرگ و جریان آب نمک آلوده در بیرون غار منظره دلپذیری به غارها و کوههای نمکی جزیره قشم بخشیده اند.

غارهای خربس: به فاصله ۱۱ کیلومتر از شهر قشم (در جاده مجاور ساحل جنوبی) غارهای خربس بر سینه کوهی مشرف به دریا و دشتی میانکاسه قرار گرفته است خربس از غارهای دریایی است که بر اثر گرداب و تخلیه ماسه ها از حفره سنگها به وجود آمده است. عمر غار بسیار طولانی است اما در دوره های پیش از اسلام با افزودن به وسعت غار و بشخهای تالار و دهلیزهای انشعابی به احتمال زیاد از آن برای پناهنگاه کودکان ، زنان و سالخوردگان به هنگام یورش دشمن استفاده می شده است.

- مجموعه تاریخی فرهنگی

لافت: در بندر تاریخی لافت و در کنار قلعه نادری حلقه های چاه آب فراوانی به چشم می خورد که مردم این منطقه با زحمت زیاد در دل سنگهای شیستی کفه انتهای محوطه حفر کرده اند. تل مشرف بر این چاهها با سطح سنگی مرجانی آب باران به گودال محل چاهها هدایت می کند و چون کفه چاهها به لایه های گچی ختم شده است آب برای مدتی طولانی نسبتاً سالم و خنک در آن باقی می ماند می گویند تعداد این چاهها به تعداد ایام سال کبیسه ۳۶۶ حلقه بوده و مردم در هر روز از سال دهانه یکی از آنها را باز و از آن استفاده می کردند. گذشته از چاههای آن یک آب انبار سنتی بزرگ، مسجدهای زیبا، خانه های قدیمی ، درخت نیاز(معروف به خواجه کریم) و بازمانده قلعه نادری همچنین بافت قدیمی لافت با انبوه بادگیرها و کارگاههای لنج سازی از جمله جاذبه های لافت است.

آبگیرها: از سدهای دیدنی و تاریخی قشم یکی سد پی پشت است . تاسیسات تقسیم آب این سد حداقل از دوره ساسانی است و دیگر آبگیر دیدنی جزیره قشم سد «گوران » است.

کارشناسان میراث فرهنگی تاکید دارند که پی اولیه سد از دروه هخامنشی و قسمت بالا و تاج آن از دوره ساسانی است. از جمله آبگیرها و سدهای مهم قشم می توان سدهای « خالصی»، «سیماب» ، «توریان» و « سلماب» را نام برد.

قلعه پرتغالی ها: در سال ۱۵۰۷ میلادی آلبوکرک دریاسالار پرتغالی جزایر دهگانه خلیج فارس را تصرف کرده و از این طریق بر راه بازرگانی دریایی بین هند و اروپا تسلط یافت، چیرگی پرتغالیها بر این آبراه مهم دریایی ۱۱۰ سال طول کشید. در این مدت آنها به شاختن دژها و استحکاماتی پرداختند که از آن جمله دژهای « هرمز» ، «قشم» و «لارک» است.

قلعه قشم با مساحتی بیش از ۲ هزار متر مربع از سنگهای آهکی و گچی با ملاط ساروج محلی ساخته شده و طی یک قرن بار استحکام بخشی یافته است. چهار برج در چهار گوشه و بازوهایی بلند دارد که توپ و منجنیق ها بر روی پهنای آن مستقر می شده اند قلعه قشم کاربردی چون یک انبار بزرگ یا جای نگهداری مهمات و سلاح داشته که در مواقع اضطراری به دیگر دژها کمک می رسانده است.

سرانجام در سال ۱۶۲۳ میلادی این قلعه و دیگر پایگاهها در دهانه خلیج فارس را یکی از سرداران صفوی متصرف شد و ایرانیان تا امروز بر این پرارزش ترین آبراهه دنیا چیره هستند.

مساجد: در قشم از سالهای اولیه هجری قمری مسجدهایی موجود است که قدیمی ترین آن مسجد « شیخ رخ» در روستای گوشه است که یک بار بر اثر زلزله ویران شده اما در اواخر قرن سوم آن را بازسازی کرده اند. در کنار مسجد «شیخ رخ» زیارت «شیخ رخ» با گنبد ویژه هشت گوش قرار دارد. سنگ گورهای بسیار کهن در گورستان کنار « شیخ رخ» وجود دارد. از دیگر مسجدهای قشم می توان مسجد « هلر» ، در « رمچاه » و « لافت » را نام برد.

شاه شهید: بقعه شاه شهیداز بقاع متبرکه است که بازسازی شده و کوچه آن گسترش یافته است . مردم جزیره درباره شاه شهید داستانهای دل انگیز می گویند.

دره ستاره ها: در غرب روستای برکه خلف دره ستاره ها با تندیس ها و بریدگی های شگفت انگیز طبیعی که بر اثر عوامل فرسایش به مرور زمان به وجود آمده توجه هر بیننده ای را به خود جلب می کند. مردم این منطقه بر این باورند که در گذشته های دور ستاره ای از آسمان در این نقطه

فرود آمده و موجب شکل یافتن این دره شده است.

قبرستان انگلیسی ها: این قبرستان باقی مانده محل زندگی شماری از انگلیسی ها در زمان فتحعلی شاه است از این مکان که در ۳۵ کیلومتری شهر قشم در بندر با سعید قرار دارد و تنها قبر شماری از ماموران دولت انگلیس ، دکل دیدبانی و قلعه کوچک ساحلی باقی مانده است.

- دره اعجاب انگیز چاهکوه

چاهکوه دره ای با احجام و تندیس های بی نظیر و پوشیده از صدها حفره و کاسه و طاقچه بر بدنه عمومی آن با جوی های سنگی و چاههای آب که از یورش باد، بارش بارانهای تند و تابش آفتاب داغ پدید آمده است.

این دره در ۱۰۰ کیلومتری شهر قشم و در کنار روستای چاهوی شرقی قرار دارد.

منبع : بنیاد اندیشه اسلامي

http://vista.ir/?view=article&id=301767

vista.ir
Online Classified Service

شمس تبریزی و خوی

پارسال همان طور که پیش‌بینی میشد تلاش ترکیه و رقابت این کشور با ایران برای تصاحب مولانا، به جاهای باریک رسید. با این که ایران از ابتدا وارد این دعوای بی‌دلیل نشد و نشان داد که علاقه‌ای به بحث بدیهی ملیت مولانا ندارد، ترکیه دست بردار نبود و هر روز بیش از پیش، پیشروی می‌کرد.

تا اینکه برگزاری کنگره بزرگداشت مولانا و شمس تبریزی در خوی و تبریز در آبانماه ۸۶، به شدت مقامات فرهنگی ترکیه را برانگیخت و مقامات این کشور هرچه در توان داشتند به کار گرفتند و با تنگ‌نظری فرهنگی اعجاب‌آوری، به تکاپو افتادند تا نکند تلاش‌های وسیع بین‌المللی‌شان تنها با همین یک کنگره از دست برود.

برج شمس تبریزی بر اساس باور ایرانیان، محل دفن عارف نامی ایران، شمس تبریزی است، اما مقامات فرهنگی ترکیه که ظاهرا تنها به تصاحب مولانا رضایت نمی‌دهند، کار را گسترش داده و مدعی شده‌اند مقبره شمس نیز در قونیه است؛ شهری از استان ارض‌روم که مولانا از دوران نوجوانی تا مرگ در آن زندگی می‌کرد و اکنون نیز آرامگاهش ـ متأسفانه ـ همانجاست.

برگزاری کنگره خوی، آنچنان برای ترکیه جدی شده بود که استاندار ارض روم به خوی آمد و تمام تلاش خود را به کار بست تا مقامات فرهنگی این شهرستان را مجاب کند که مقبره شمس را به وی نشان دهند. اما مقامات فرهنگی خوی، محترمانه این بازدید را به فرصت دیگری موکول کردند.

ظاهرا استاندار ارض‌روم خود را تحصیل‌کرده رشته تاریخ و علاقه‌مند به مسائل فرهنگی معرفی کرده و اصرار داشته است که مقبره شمس در قونیه است و اسناد و مدارک تاریخی نیز این ادعا را ثابت می‌کند.

از سوی دیگر، استانداران استان‌های آغری و ایغدیر ترکیه نیز به خوی آمده و در یک دیدار دوستانه با مسئولان شهرستان خوی، درخواست کردند که مقبره شمس را نشان دهند. اما این بار نیز مثل مورد قبل، محترمانه به ترکیه بازگشتند.

همزمان، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران که محوطه و مقبره شمس را بازسازی می کرد و کار توسعه و مرمت محوطه مربوط به حریم مناره شمس را تا ۱۰ آبان یعنی پایان کنگره بزرگداشت مولانا و شمس، به پایان رساند.

ضمن آن که مسئولان میراث فرهنگی که کار برگزاری کنگره را برعهده داشتند، عکس‌هایی را از قبل و بعد بازسازی تهیه کرده و در طول کنگره در معرض دید عموم گذاشتند.

درواقع هیچ کدام از ۲ کشور ایران و ترکیه درباره مولانا ادعایی که دیگری نپذیرد مطرح نکرده‌اند؛ تولد مولانا در ایران و مرگش در قونیه رخ داده است. اما ماجرای شمس، شکل دیگری دارد و بدون شک، در آینده نه چندان دور، این موضوع نیز به‌طور جدی‌تری در دستور کار مسئولان فرهنگی ترکیه قرار خواهد گرفت.

هرچند که به اعتقاد همه کارشناسان، تمام تلاش مولانا با اهداف اقتصادی صورت می‌گیرد و در ادامه فعالیت‌های گسترده این کشور برای افزایش درآمدهای فراوانش در عرصه گردشگری است، نه اقدامات فرهنگی.

بهروز نصیری، نویسنده خوی در گذر زمان، در این باره می‌گوید: حساسیت مقامات ترکیه نسبت به این موضوع نه به خاطر مسائل فرهنگی، بلکه بیشتر به خاطر جنبه‌های اقتصادی موضوع است.

آن‌ها بیم دارند با مطرح شدن خوی به‌عنوان مقبره شمس، گردشگران و بازدیدکنندگان خود را از دست بدهند.

نصیری درباره این حساسیت اضافه می‌کند: علاوه بر مقامات رسمی، محافل فرهنگی و مردمی ترکیه نیز بحث مقبره شمس را پیگیری می‌کنند و ۲۰ تا ۳۰ سایت به زبان‌های مختلف در کشور ترکیه بر این موضوع متمرکز شده و برگزاری کنگره شمس را زیر سؤال می‌برند و حتی برخی از این سایت‌ها اسناد و مدارکی مربوط به وجود مقبره شمس در قونیه نیز انتشار داده‌اند.

به گفته نصیری، برج شمس تبریزی از مکان‌های گردشگری شهرستان خوی است که بر اساس سوابق به جا مانده تاریخی و نقل قول تعدادی از مورخان و تأیید دانشمندان ایرانی، مدفن شمس تبریز در این ناحیه قرار دارد.(منبع: همشهری آن لاین)

دکتر امین ریاحی نویسنده کتاب تاریخ خوی، دکتر موحد (مولوی شناس) در سخنرانی ها و مقالاتشان وجود مقبره شمس تبریزی در خوی را به اثبات رسانده‌اند.

تاثیرات برپایی کنگره را امسال در عید نوروز شاهد بودیم، طوری که: معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری آذربایجان غربی از افزایش ۲۰ درصدی گردشگران و بازدیدکنندگان نوروزی از جاذبه‌های استان نسبت به سال گذشته خبر داد. متذکر در گفتگو با ایسنا، مجموعه‌ی تاریخی تخت سلیمان در تکاب، مقبره‌ی شمس تبریزی در خوی، را از جمله جاذبه‌های استان دانست که بیشترین تعداد بازدید گردشگران را به خود اختصاص دادند.

با توجه به برگزاری کنگره و جشنواره‌ی بین‌المللی شمس تبریزی در محل مقبره‌ی شمس در خوی، در ایام نوروز بیش از ۳۰ هزار گردشگر داخلی و خارجی به دیدن مقبره‌ی شمس تبریزی آمدند که این امر، در طول تاریخ گردشگری استان آذربایجان غربی بی‌سابقه بوده است. در جریان این بازدیدها هم با امضای طوماری، خواستار توجه هرچه بیشتر به این مهم شدند.

رییس شورای اسلامی شهر خوی به ایسنا گفت: طوماری ۱۷ متری به امضای بازدیدکنندگان مقبره‌ی شمس تبریزی به دفتر رییس جمهور فرستاده شد. در این طومار امضاکنندگان از رییس جمهور درخواست کرده‌اند، درباره‌ی بازسازی و محوطه‌سازی مقبره‌ی یکی از بزرگ‌ترین عارفان جهان توجه ویژه‌ای مبذول کند.

مهندس شریف با بیان این‌که حدود ۲۰ هزار نفر این طومار را امضا کرده‌اند، ادامه داد: شورای اسلامی شهر خوی نیز برحسب وظیفه‌ی قانونی و به‌عنوان نهادی مردمی، نامه‌ای رسمی را ضمیمه‌ی طومار کرده و آن‌را به دفتر رییس جمهور فرستاده است.

با تمامی این اوصاف، اهمیت موضوع صیانت و معرفی مزار و شخصیت این عارف بزرگ باید برای مسئولین محلی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. نقش این مسئولین غیرقابل انکار است. همکاری تمام ارگانهای شهرستان خوی و پیگیری موضوع بهسازی مزار شمس توسط این مسئولین نباید فراموش شود. باید بتوانیم مزاری در خور مقام شمس برای وی ایجاد کنیم که مطمئنیم تبعات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی زیادی برای منطقه و کشورمان بدنبال خواهد داشت.

شاید مهمترین تاثیر این حرکت در اوضاع گردشگری و اقتصادی منطقه باشد. همانطور که عید امسال شاهد بودیم. خوی بدلیل قرار داشتن در نوار

مرزی و کوتاهترین راه ارتباطی با ترکیه و کشورهای اروپایی و با وجود ۲۰۰ اثر ارزشمند تاریخی و طبیعی و گردشگری و همچنین جاذبه های منحصر بفرد، توانایی بالقوه ای در جذب گردشگران خارجی و علاقمندان به مکتب شمس و مولانا دارد. وظیفه مردم و مسئولین است که فرهنگ گردشگری را در منطقه توسعه داده و سخت افزارهای مورد نیاز این صنعت را در شهر ایجاد و در اختیار علاقمندان قرار دهند.

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بعنوان متولی این صنعت باید عزم خود را جزم کند و با همکاری و هماهنگی با سایر ارگانهای مرتبط، وزارت کشور و شهرداری قدمهای مثبت و موثری در این راه بردارد.

مردم نیز اراده جمعی خود را در قالب تشکیل NGO ها و انجمنهای تخصصی در همکاری و خواست توسعه این شهر تقویت کنند. بایست فرهنگ گردشگری در بین مردم و مسئولین افزایش یابد و فرهنگ برخورد با توریسم آموزش داده شود. پیگیری پروژه حرم تا حرم و تاسیس بنیاد شمس در اولویت پروژه های شهری قرار گیرد. ایجاد مراکز تفریحی و فرهنگی در کنار این پروژه اولین گام مثبت برای توسعه فرهنگی و گردشگری خواهد بود. افزایش تعداد هتلها و ایجاد کتابخانه های تخصصی می تواند گام مفید دیگری باشد.

چاپ بروشورها و معرفی آثار دیدنی، تاریخی و نقاط گردشگری خوی در نشریات محلی و منطقه ای توسط کارشناسان خبره سازمان میراث فرهنگی و گردشگری لازم و ضروری است.

مطبوعات محلی نقش مهمی در توسعه فرهنگ دارند. نباید نقش مطبوعات را نادیده گرفت. مطبوعات باید به عنوان رکن چهارم دموکراسی، چشم باز مردم و پیگیر تمام خواسته ها باشند و آنها را منعکس کنند.

خواهر خواندگی خوی و قونیه پیشنهاد دیگری است که میتوان روی آن کار کرد. خوی میتواند قونیه ای دیگر و یا حتی فراتر از آن باشد.

http://vista.ir/?view=article&id=308167

vista.ir
Online Classified Service

شهر باستانی "پین یایو "استان شان سی

سال ۱۹۹۷ شهر باستانی "پین یایو " استان شان سی در شمال چین در" فهرست میراث جهانی " ثبت شد. در ارزیابی کمیته میراث جهانی آمده است : شهر باستانی پین یایو یک شهر باستانی است که در داخل چین کاملترین شهر حفظ شده است و درتوسعه تاریخ چین برای مردم طومار نقاشی کامل و غیر عادی در زمینه فرهنگی اجتماعی و اقتصادی و مذهبی نمایان گردیده است.

این شهر در حدود قرن ۹ میلادی ساختمان شده و شکل آن تقریبا مربع شکل است و مساحت آن تنها ۲۵/۲ کیلومتر مربع است. معماریها و

ساختار اصلی این شهر در ۶۰۰ سال قبل انجام گرفت و دیوار شهر- خیابان‌ها – مسکن – مغازه‌ها و معابد اساسا حفظ شده و مجسمه تفکر فرهنگی سنتی ملیت‌هان چین در چند هزار سال و موزه تاریخی هنر معماری سلسله‌های مینگ و چینگ از سال۱۳۶۸ تا سال ۱۹۱۱ است. دیوار شهر پین یایو ۲۸۰۰ سال قبل ساخته شده و تنها دیوار خاکی است که سال ۱۳۷۰ میلادی دیوار به ساختار سنگی مرمت شده و دایما تحکیم گردید تا اینکه دیوار سیمای قبلی خود را حفظ کرد. طول دیوار شهر ۶ هزار متر و بلندای آن ۱۲ متر است. دیوار لاک پشت نشان می‌دهد و دارای شش دروازه است. در جنوب و شمال دو دروازه و شرق و غرب دو دروازه دیده می‌شود و استخر شهر همانند سر لاک پشت است و دوچاه درخارج از دروازه‌ها به دو چشم لاک پشت شباهت دارد و دروازه شمالی دم لاک پشت است. اینجا پایین‌ترین نقطه شهر است که آبهای الوده درون شهر از این محل جاری است. در فرهنگ سنتی چین ،لاک پشت سمبل عمر طولانی است و شکل دیوار شهر نشان دهنده آن است که پیشنیان چین امیدوار بودند به یاری نیروی معجزه آمیز این شهر راهمانند سنگی محکم تا ابد نهگدارند. معماریهای مسکونی مردم این شهر "سی حه یوان " است . "حیاطی با خانه های اطراف". همه با اجرهای سیاه و کاشی‌های خاکستری رنگ ساخته شده و حکاکی چوبی و آجری ظریف در آن دیده می‌شود . اکنون ۴ هزار مسکن به این شکل در چین یافت می‌شود که در دوران مینگ و چینگ ساخته شده است و در این میان ۴۰۰ مسکن به طور کامل نگهداری شده است و کاملترین مجموعه مسکن ملت "هان" در قدیم است. در درون شهر شش مجموعه معماریهای معابد ومغازه‌های دو طرف خیابان متعلق به گذشته‌هاست و آجرهای زرد و سبز رنگ و خانه‌ها سمبل درجه‌بندی است. در این شهر آثار باستانی زیادی مانند قصر " وان فوگ در معبد "جن گو" در شمال شرقی دیده می شود که در چین به لحاظ معماری چوبی در مقام سوم قرار دارد و یک هزار سال قدمت دارد.در داخل قصر مجسمه‌های رنگی قرن ۱۰ میلادی وجود دارد که نمونه‌ای برای تحقیق مجسمه‌های رنگی دوران قدیم چین است . در معبد "شان لین " که قرن ششم میلادی ساخته شد در ۱۰ قصر بیش از دو هزار مجسمه گلی از قرن ۱۳ تا قرن ۱۷ دیده می‌شود " گنجینه هنری مجسمه‌های رنگی باستانی چین نامیده می‌شود. به علاوه در داخل و خارج از این شهر یک هزار ستون سنگی حکاکی شده قدیمی دیده می‌شود.

شهر باستانی پین یایو در تاریخ معاصر چین جایگاه ویژه‌ای دارد. سال ۱۸۲۴ در این شهر نخستین" ژن شن چیان" یعنی بنگاه تعویض و حواله پول در این کشور دایر شد. با الگوی حواله پول نظام سنتی پرداخت نقدی تغییر کرد. سپس کار این بنگاه در چین ژاپن سنگاپور و روسیه گسترش یافت "نخستین بنگاه زیر آسمان " نامیده می‌شود و شمار این نوع بنگاهها در دوران شکوفایی به ۲۲ رسید. نیمی از شمار کل بنگاههای چین را شامل می‌شود و به مرکز بانکداری چین تبدیل شده است. خیابان " سی دا جه " کنونی " خیابان بانکداری " یکصد سال قبل است. پین یایو باستانی درخشان بوده و امروز کماکان سرشار از دلربایی است . یک دیوار قدیمی این شهر دوران جدید را به دو جهان با سبکهای متفاوت جدا کرده، در درون دیوار شکلهای معماری ششصد سال قبل موجود است و خارج از ان شهر جدید نامیده می‌شود.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8710

vista.ir
Online Classified Service

شهر باستانی لی جیان

شهر باستانی لی جیان در شهرستان خود مختار ملیت ناسی لی جیان در استان یونن در جنوب غرب چین قرار دارد و درپایان قرن ۱۳ میلادی یعنی در اواخر عمر سلسله سون و اوایل سلسله یوان ساخته شده است. این شهر در فلات یون گوی واقع است. از سطح دریا ۲۴۰۰

متر ارتفاع دارد و مساحت شهر ۸/۳ کیلومتر مربع است از قدیم بازار و شهرک آن شهرت زیادی داشته است. جمعیت کنونی۲۵ هزار نفر با ۶۲۰۰ خانوار است که در این میان اکثر جمعیت را ملیت ناشی شامل می‌شود و ۳۰ در صد شهروندان به تهیه ظروف مسی و نقره‌ای، پشمی و چرمی نساجی و مشروب سازی مشغولند. خیابانهای این شهر کنار کوه و ساحل رود ساخته شده و مسیر سنگفرش شده قرمز رنگ آن دیدنی است. خیابان "سی فان " نماینده خیابان قدیمی این شهر است. بر روی سیستم ابیاری رود "یو حه " ۳۵۴ پل ساخته شده یعنی اینکه در هر یک کیلومتر مربع ۹۳ پل وجود دارد و اشکال پل‌ها گوناگون است .از جمله پل سوتیو- پل سنگی – پل وان چیان – پل نان مون – پل ماان در سلسله‌های مینگ و چینگ در قرنهای ۱۴-۱۹ ساخته شده است وپل سنگی یک صد متری در خیابان سی فان که همه آنها دارای ویژگی‌های خاصی است.

"موفو یوان " در درون شهر قدیمی دفتر قدیمی توسی لی جیان واقع است و درسال ۱۲۷۱ -۱۳۶۸ ساخته شد.سال ۱۹۹۸مرمت شده و به موزه شهر مبدل گردیده است. در این حیاط جمعا ۱۶۲ اتاق وجود دارد و۱۱ تخته چوبی افقی که روی آن مطالبی نگاشته شده از سوی امپراتوران اعطا گردیده است. بنای وفولو در معبد فوگو در درون شهر با ارتفاع ۲۰ متر در سال ۱۶۰۱ میلادی ساخته شده ونقوش سقفی آن بسیار ظریف است و این بنا دارای سبک هنری معماری‌های خان – تبت – ناشی بوده و اثری نادر و نمونه معماری باستانی در چین است. مجموعه مسکونی بای شاجی در۸ کیلومتری شمال شهر لی جیان قرار دارد و مرکز سیاسی اقتصادی و فرهنگی ناحیه لی جیان در سلسله‌های سون و یوان در قرنهای ۱۰ -۱۴ میلادی محسوب می‌شود.در میان آن میدانی دیده می‌شود که از سمت شمال سرچشمه‌ای به آن جاری می‌شود. مجموعه مسکن سو حه در ۴ کیلومتری شمال غربی شهر لی جیان قرار دارد و بازاری در اطراف این شهر قرار دارد و رود چین لون از میان مجموعه مسکونی عبور می‌کند و پل سنگی چین لون بزرگترین پل در این منطقه است.

تاریخ شهر باستانی دیرینه و ساختار مسکونی شهر منظم است . در واقع دارای سیمای کوهستانی و سیمای رود است مسکن تبلور ملیتهای خان بای ای و تبت و سبک مخصوص ملیت ناشی است .این آثار برای تحقیق در باره تاریخ معماری و فرهنگ چین مهم بوده و میراث با ارزش فرهنگی و بشری است. شهر باستانی لی جیان شهری است دارای ارزش جامع و تاریخ و فرهنگ که تاریخ و فرهنگ و رسوم ملی را نمایان می‌کند.

در این شهر اقامتگاه‌های سنتی اقلیتهای ملی دیده می‌شود که برای تحقیق وبررسی تاریخ معماری‌های بشر و تاریخ توسعه ملیتهای بشر گرانبهاست و میراث گرانمایه فرهنگی بوده که در فهرست میراث جهانی نیز به ثبت رسیده است. دسامبر سال ۱۹۹۷ طبق استاندارد انتخاب میراث فرهنگی در فهرست میراث جهانی ثبت شد. ارزیابی کمیته میراث جهانی در باره این شهر این چنین است : شهر لی جیان جایگاه اقتصادی و راهبردی باعوارض زمینی پر پیچ وخم بوده و سیمای زیبای کامل وساده است.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8666

vista.ir
Online Classified Service

شهر ممنوعه

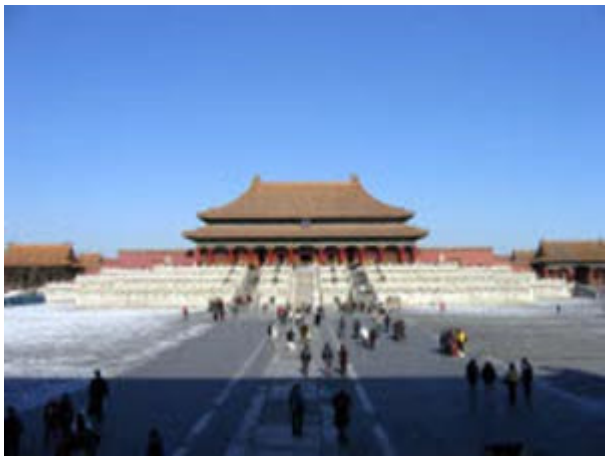

شهر ممنوعه از اواسط سلسله مینگ تا پایان سلسله کینگ کاخ سلطنتی چین بوده و در میان پکن واقع شده و هم اکنون کاخ موزه است. در حدود ۵ قرن، شهر ممنوعه خانه امپراطور و خانواده اش و همچنین مرکز تشریفاتی و سیاسی دولت چین بوده است.

احداث شهر از سال ۱۴۰۶ تا ۱۴۲۰ به طول انجامید و مجموعه شامل ۹۸۰ ساختمان با ۸۷۰۷ اتاق است که مساحتی به وسعت ۷۲۰.۰۰۰ مترمکعب را در برمیگیرد. مجموعه کاخها نمادی از معماری کاخی سنتی چین است و بر توسعه فرهنگی و معماری شرق آسیا تاثیر گذاشته است. شهر ممنوعه در سال ۱۹۸۷ بخشی از میراث جهانی اعلام شد و از سوی یونسکو به عنوان بزرگترین مجموعه حفاظت شده معماری چوبی باستان جهان انتخاب شده است.

در طول نزدیک به ۱۵ سال ساخت این شهر بیش از یک میلیون کارگر شرکت داشته اند. در ساخت آن از چوبهای گران قیمت درخت فوبی ژنان . قطعات بزرگ سنگ مرمر و آجرهایی موسوم به آجر طلایی استفاده شده است.

در مجموع این شهر خانه ۲۴ امپراطور بود و آخرین امپراطور ساکن آن یعنی پویی مقادیر زیادی از جواهرات قصر برای خرج زندگی مجلل خود فروخت و البته قطعات بسیار دیگری توسط خواجگان قصر به سرقت رفته بود. همانطور که گفته شد این شهر هم اکنون به کاخ موزه ای حفاظت شده تبدیل شده است.

شهر ممنوعه بزرگترین مجموعه کاخ باقیمانده در جهان است. طوری ساخته شده بود که مرکز شهر محصور به دیوار پکن باشد که در داخل مجموعه دیوارکشیده بزرگتری به نام شهر امپراطوری قرار داشت.

شهر با دیواری به ارتفاع ۷.۹ متر محصور شده که هم نقش دفاعی و نقش محافظت فیزیکی معماری داخلی را برعهده داشته است. بطور سنتی ، شهر مهمنوعه به دو بخش بارگاه داخلی و بارگاه خارجی تقسیم می شود. بخش خارجی قسمتهای جنوبی را در برمی گیرد و برای مقاصد تشریفاتی استفاده می شده. بخش داخلی قسمتهای شمالی را شامل شده و محل اقامت امپراطور و خانواده اش بوده که برای کارهای روزانه دربار استفاده می شده.

طراحی شهر ممنوعه از نمای کلی تا ریزترین جزییاتش طوری انجام شده که بازتابی از مقاصد فلسفی و مذهبی و نمادی از عظمت و قدرت امپراطور باشد. مانند رنگ زرد: رنگ امپراطور است که تقریبا در تمامی سقف ها از آن استفاده شده است.

سرسراهای اصلی بارگاه های داخلی و خارجی سه هجای کیان تشکیل شده که نمایش دهنده بهشت است. در دربار داخلی نیز از شش هجای کان تشکیل شده که نمایش دهنده زمین است. در شیب شیروانی ها از مردی استفاده شده در حال راندن یک ققنوس است و توسط یک اژدهای سلطنتی همراه می شود. در فرهنگ چین ، اژدها نماینده قدرت امپراتوری است و امپراتور "پسر آسمانی " اژدهای حقیقی" نامیده می شود.

معماری مجموعه شهر ممنوعه تبلور نگرش و درایت مردم چین است. مجموعه از نیارش بناها گرفته تا آمود هر یک از اتاقها و دیوارها ، سرشار از اندیشه های عجیب و غریب است. مثلا سکوی سفید رنگ قصر تای حه، این قصر را پر جلال تر کرده و در ضمن از نفود رطوبت به قصر جلوگیری می کند . برای زهکشی این سکو که در سه اشکوب است ،از بیش از یک هزار مجسمه سر اژدها استفاده شده و هنگام بارش باران آب زهکشی شده از دهان اژدها ها فوران می کند و از آنجا که ابنیه مجموعه شهر ممنوعه چوبی است، این امر ظاهرا در پیشگیری از آتش سوزی موثر بوده است.

در میان حیاط این شهر جمعا ۳۰۸ ظرف مسی بزرگ برای ذخیره آب دیده می شود که در طول تمام سال برای پیشگیری از آتش سوزی بکار می رفته . درزمستان زیر این ظرف ها آتش روشن می کردند تا آبهای داخل آن یخ نبندد. اشیا و کشفیات گرانمایه ای درشهر ممنوعه شده و شمار آن جمعا به یک میلیون می رسد و یک ششم شمار کل کشفیات چین را شامل می شود.

en.wikipedia.org

منبع : سایت فریا

http://vista.ir/?view=article&id=121634

شهر ممنوعه بیجینگ

در مرکز بجینگ پایتخت چین مجموعه معماریهای باستانی درخشان و سحرآمیزی به نام شهر ممنوعه چشمنوازی می‌کند. اثری که د رجهان نیز صاحب شهرت است. شهر ممنوعه درمعماریهای خاندان باستانی چین یک مروارید است و در جهان پردامنه‌ترین و کامل‌ترین مجموعه معماریهای چوبی باستانی است. سال ۱۹۸۷ شهر ممنوعه بیجینگ در " فهرست میراث جهانی "ثبت شد. شهر ممنوعه در سال ۱۴۰۶ میلادی با دستور " جو دی " دومین امپراتور سلسله مینگ ظرف ۱۴ سال ساخته شد. تا سال ۱۹۱۱ میلادی نابودی سلسله چینگ ظرف ۵۰۰ سال جمعا۲۴ امپراتور در این شهر ممنوعه اقامت و امور کشور را سر و سامان می‌دادند به لحاظ دامنه وسیع ، زیبایی سبک ،درخشش معماری ، جلال و شکوه تزیینات در جهان اثری

نادر است. مساحت شهر ممنوعه بیجینگ ۷۲۰ هزار متر مربع ، طول آن از جنوب تا شمال یک هزار متر و عرض آن از شرق تا غر ب ۸۰۰ متر است. در اطراف دیوار ۱۰ متری و در خارج از شهر رود حفاظتی به عرض ۵۰ متر دیده می‌شود. شهر ممنوعه به طور جدی طبق نظام تشریفاتی سلسله‌های فئودالی و استاندارد سیاسی و روحیه اصول اخلاقی ساخته شده است. طرح کلی، دامنه ،شیوه معماری، رنگ و تزیینات همه نمایانگر امتیازات خاندان و درجه بندی است. سه قصر این ممنوعه یعنی قصر تای حه،قصر جون حه و قصر بایو حه که توجه گردشگران را بیشتر جلب می‌کند، محل اعمال قدرت امپراتوری امپرتوران و بر پایی مراسم پرشکوه است. قصر تای حه ،مرکز تمامی شهر ممنوعه و تخت سلطنت طلایی رنگ امپراتور در این قصر دیده می‌شود. این قصر نیز مجلل‌ترین معماری در شهر ممنوعه محسوب می‌شود. در شمال میدان به مساحت۳۰ هزار متر مربع، این قصر در سکوی مرمری سفید رنگ به بلندای ۸ متر ساخته شده است. ارتفاع آن۴۰ متر است که به لحاظ ارتفاع، بلندترین معماری شهر ممنوعه است. در فرهنگ چین، اژدها نماینده قدرت امپراتوری است و امپراتور "پسر آسمانی " اژدهای حقیقی" نامیده می‌شود. در درون قصر تای حه در بالا و پایین حدود ۱۳ هزار شکل اژدها تزیین شده است. قصرها و اتاقها در این شهر ممنوعه بسیار زیاد است. می‌گویند جمعا ۵/۹۹۹۹ اتاق در آن وجود دارد. به اعتقاد پیشنیان ، اقامتگاه امپراتوران آسمانی دارای ۱۰ هزار اتاق است و امپراتورانی که پسر امپراتور آسمانی دانسته می‌شدند باید خویشتندار بوده و نمی‌توانستند از شمار اتاقهای امپراتور آسمانی تجاوز کنند از این رو شمار اتاق‌های شهر ممنوعه نیم اتاق‌ها یعنی کمتر ازشمار اتاقهای کاخ آسمانی است.مجموعه معماریهای شهر ممنوعه تمرکز تبلور درایت مردم چین است. از ساختار مجموعه معماریها تا تزیینات هر اتاق و هر دیوار سرشار از اندیشه‌های عجیب و غریب است مثلا سکوی سفید رنگ قصر تای حه، این قصر را پر جلال‌تر کرده و در ضمن قصر ضد رطوبت است . در تاسیسات زهکشی در این سکو از مجسمه سازی سر حیوان (نوعی از اژدها) استفاده شده است به گونه‌ای که در سه طبقه این سکو جمعا بیش از یک هزار مجسمه سر این نوع حیوان ساخته شده است وهنگام زهکشی در بارش باران همانند فوران اب از دهان اژدها می‌باشد. شهر ممنوعه مجموعه معماریهای چوبی است و در پیشگیری از آتش سوزی موثر بوده است. در شهر ممنوعه چهار ردیف اتاق وجود دارد از بیرون اتاق به نظر می‌رسد اما در درون ان تماما سنگ است این دیوار برای پیشگیری از آتش سوزی است. در میان حیاط این شهر جمعا ۳۰۸ ظرف مسی بزرگ برای ذخیره آب دیده می‌شود که سالانه برای پیشگیری از آتش سوزی بکار می‌رود و درزمستان افراد مخصوصی زیر این ظرفها اتش را روشن می‌کردند تا ابهای داخل آن یخ نبندد. طبق یاد داشت تاریخی ،در سلسله مینگ ۱۰۰ هزار صنعتگر و یک میلیون خدمتکار در ساخت بزرگترین و کامل‌ترین مجموعه معماریهای موجود باستانی شرکت کردند مصالح ساختمانی از مناطق سراسرکشور حتی استان یونن در فاصله چند هزار کیلومتری جمع آوری شده است . اشیا و کشفیات گرانمایه درشهر ممنوعه حفظ شده و شمار آن جمعا به

یک میلیون می‌رسد و یک ششم شمار کل کشفیات چین را شامل می‌شود. در دهه ۸۰ قرن گذشته دولت چین بیش از یکصد انبار زیر زمینی ساخته که اکثر گنجینه‌های شهر ممنوعه در این کاخ زیر زمینی نگهداری شده است. مجموعه معماریهای شهر ممنوعه سمبل فرهنگ درخشان چین است. به عقیده معماران چینی و خارجی :طراحی و معماری شهر ممنوعه اثار برجسته و بی‌همتاست و نشان دهنده فرهنگ و سنت دیرینه این کشور و دستآوردهای برجسته صنعتگران در زمینه معماری در ۵۰۰ سال پیش است. ۵۸۰ سال از ساخت این شهر ممنوعه سپری گشته است. اکثر معماریها کهن است. در سالهای اخیر شمار گردشگران شهر ممنوعه چند برابر افزایش یافته است . شمار انان در سال گذشته از ۱۰ میلیون نفر فراتر رفت . به منظورحفاظت بهتر شهر، دولت چین از سال گذشته شروع به تعمیر همه جانبه این شهر کرد و تعمیر آن ۲۰ سال ادامه خواهد داشت.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8712

vista.ir
Online Classified Service

شهرک‌های جذاب چین

شهرک جو جوان در استان جیانگ سو در شرق چین با شهر سو جو شهر باستانی تنها۳۸ کیلومتر فاصله دارد. آقای " وو گوان جون " نقاش مشهور چین با نگارش مقاله‌ای گفت" کوه خوان شان، زیبایی کوه‌ها و رودهای چین را به خود اختصاص داده و شهرک جو جوان زیبایی شهرکهای آبی چین را نمایان می‌کند. "چهار دریاچه و بیش از۳۰ رود و جویبار در اطراف شهرک جو جوان مشاهده می‌شود و مساکن و حیاطهای قدیمی در ساحل رودها ساخته شده است که منظره ساده و آرام و روشن و پاک را جلوه می‌دهد. بیش از ۶۰ در صد مساکن شهرک کماکان از آن معماریهای سلسله‌های مینگ و چینگ است. در این شهر که مساحت ان تنها صفر ممیز چهار کیلومتر مربع است ،حدود یک صد حیاط بزرگ مسکونی و ۶۰ طاق آجری دالان مانند دیده می‌شود و در ضمن در شهرک جو جوان ۱۴ پل باستانی حفظ شده است. محیط این شهرک آرام و برای کتابخوانی محل خوبی است. سنت خوب برای کتاب خواندن حفظ شده و در تاریخ بیش از ۲۰ نفر دانشمند و مقام عالی رتبه در این شهرک اقامت داشته‌اند از جمله جان هان – ادیب سلسله زین غربی، لیو یو سی و لو گوی مون شاعران سلسله تانگ. معبد " چیان فو " – سالن شن ، پل فو آن، بنای دلربا مناظر زیبای این شهرک است. به علت اینکه شهرک جو جوان در میان شهرهای سو جو و شانگهای قرار دارد، از تسهیلات رفت و آمد برخوردار است . از شانگهای و سوجو می‌توان مستقیما به این شهرک رسید. در این شهر هتل‌های چند ستاره زیاد نیست اما شرایط بهداشتی بسیار خوب است.

شهرک باستانی فون خوان شهرک فون خوان در ایالت خود مختار ملیتهای تو و میائو در غرب استان

خونان واقع در مرکز چین قرار دارد. این شهرک که از سوی " لویی اری " نویسنده نیوزیلندی " یکی از زیباترین شهرکهای چین نامیده می‌شود در دوران امپراتور کان سی سلسله چینگ بنا شد و " مروارید غرب خونان" شناخته می‌شود و تنها یک خیابان سبزرنگ دارد. این شهرک به دو شهرک جدید و کهن تقسیم می شود شهرک کهن کنار کوه و اب رود زلال و کم عمق که از شهر عبور می کند قرار دارد . دیوار سنگی سرخ در کنار رود ساخته شده است . برج روی دروازه در دوران سلسله چینگ احداث شده و پل چوبی باریک بر روی رود وسیع زیر دروازه شمالی دیده می‌شود این یگانه راهگذر در گذشته بوده است . شهرک فون خوان زادگاه "شن تسون وین " نویسنده مشهور معاصر چین است از این رو شهرت دارد. خانه پدری نویسنده در پس کوچه‌های شهرک کهن قرار دارد . همانند حیاطهای قدیمی بیجینگ که مجموعه ای از خانه اطراف آن را فرا گرفته است. تمامی خانه پدری ترکیبات چوبی اجری با کاشیکاری سیاه و دیوار سفید و پنجره‌های نقاشی شده را در خود دارد .۸ ناحیه خوش منظره از جمله معبد کوهستانی – صدای زنگوله در صبح زود، ماهیگیری در لون تان ، زیبایی کوه و قله و منظره شبانگاه از دیگر دیدنی‌هاست. شما می‌توانید با هواپیما به شهر جی شو استان خونان سفر کنید و سپس با اتوبوس وارد این شهرک شوید. در غرب استان خو نان در مرکز چین ، ایالت خود مختار ملیتهای تو و میایو در میان کوه‌ها قرار دارد. شهر "فون حوان " مرکز شهرستان است و دیوار باستان ۴۰۰ ساله این شهر را در احاطه دارد . " فون حوان " به معنای پرنده زیبا ست به دلیل اینکه در جنوب باختری شهرستان کوهی همانند پرنده در حال پرواز دیده می‌شود این شهر فون حوان نام گرفته است. بیش از ۳۰۰ هزار تن از ملیتهای میایو و تو در این ناحیه زندگی می‌کنند. شهر فون حوان غرب شهرستان را در اشغال دارد و خیابانهای کوچک – دیوار باستانی و زنگوله باستانی و اسکله و معابد قدیمی در آن دیده می‌شود . نویسنده مشهور "شن تسو وین " در این شهر متولد شده و خانه پدری این نویسنده حیاط " سی حه یوان " را اطاقهای شرقی وغربی و اتاق راست و سالن شامل می‌شود ساختار آن چوبی و آجری است. در کنارخانه پدری نویسنده رود "تو جیان " با اب زلال مشاهده می‌شود و در دو طرف آن خانه‌هایی ساخته شده و در برخی از بخش‌ها نیز خانه‌ها روی آب قرار دارد . این معروف‌ترین منظره شهر محسوب می‌شود. اینگونه معماری‌ها متعلق به ملیت‌های میایو و تو با ویژگی ملیتی آنهاست . قسمتی از این معماری‌ها در کناره ساحلی قرار دارد و قسمت دیگر بر روی ستون‌های چوبی در میان آب است. همه آنها با کاشی‌های مشکی ساخته شده و پشت این خانه‌ها کوه‌های سبز دیده می‌شود به اضافه آسمان آبی و ابرهای سفید شهروندان همانند یک البوم نقاشی تصاویر زیبایی را شکل داده‌اند. بر روی رود "تو جیان" پلی دیده می‌شود که "پل حون چیان " نام دارد و دارای ۶۰۰ سال قدمت است و بر روی این پل بناهایی برای پرهیز از بارش باران و جلوگیری از وزش باد ساخته شده است که در این بناها مناظر زیبا ی ساحلی و امتداد بناها چشم نوازی می‌کند. در خیابانی کوچک بازاری پر رونق دیده می‌شود که تزیینات ملیتهای میایو و تو و محصولات کشاورزی و پارچه ها ی رنگ ریزی و گلدوزی قشنگ در آن به معرض فروش گذارده شده است . در این شهر باستانی همچنین دیوار چین در جنوب این کشور – دیوار پرابهت و عظمت در۸ کیلومتری بیرون شهر فون حوان قرار دارد. این دیوار در ۴۰۰ سال قبل برای جداسازی مرزبانان از

سرزمین داخلی ساخته شد و یکی از معماریهای قدیمی در تاریخ چین است طول دیوار ۱۹۰ کیلومتر است مصالح ساختمانی دیوار تخته سنگ‌های مشکی و کیفیت ان عالی است بلندای دیوار بیش از ۳ متراست که بر روی ان دیدبانگاه – برج های آتش و سربازخانه‌ها ساخته شده است . این دیوار برای تاریخدانان فرهنگ اقلیتهای ملی دارای اهمیت زیادی است ونیز یکی از مناظر زیبای این شهر باستانی می‌باشد.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=9206

vista.ir
Online Classified Service

شهری که با یاری اجنه ساخته شد

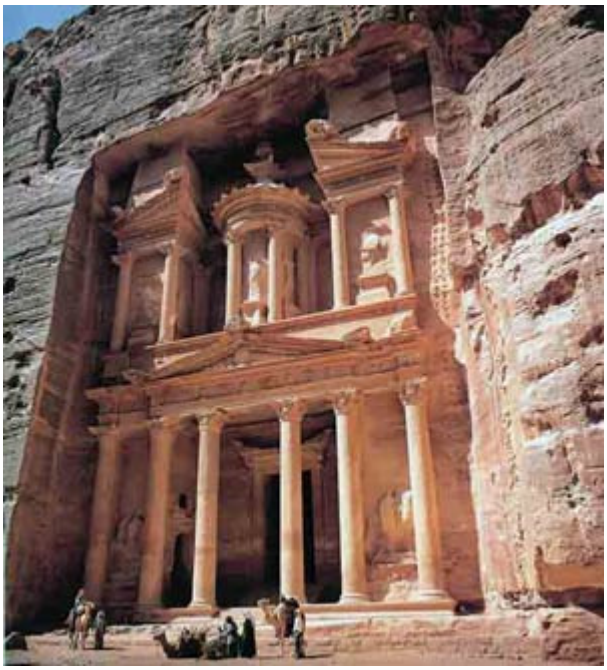

شاید برای بسیاری باور کردنی نباشد که هر سال هزاران توریست از کشور کوچکی مانند اردن دیدار کنند، کشوری که حدود ۵۰ سال پیش با رهایی از تحت حمایت انگلیس به نام پادشاهی اردن هاشمی رسمیت یافت.آب و هوای معتدل، چشم اندازهای طبیعی، آثار تاریخی ارزشمند و سواحل زیبای عقبه، در کنار دریای سرخ، و بحرالمیت، شن های سرخ و روان صحرا و صخره های سر به فلک کشیده از زمان های قدیم جهانگردان را به این کشور جذب می کرد. معروف ترین اثر باستانی اردن را که پترا نام دارد، در سال ۱۸۱۲ میلادی، یک جهانگرد سویسی به نام جان {ژان؟} لودویک در ۲۲۶ کیلومتری جنوب شهر عمان،پایتخت امرئذ اردن، کشف کرد. پس از آن پترا رونق گرفت و در دوره معاصر جهانگردان بی شماری در هتل های مجهزی که از سوی وزارت توریسم احداث شده اقامت کرده اند. بخش خصوصی نیز با کوشش فراوان به ارایه خدمات گردشگری پرداخت.مشهور است بیش از دو هزار سال پیش، هنگام احداث شهر پترا، اجنه به انسان های ساکن آن منطقه کمک کردند. شهر پترا دره ها و گذرگاه هایی به عمق ۲۰۰ متر و طول یک کیلومتر به نام "ضیق"، یا تنگه، دارد. دانشمندان دره های عمیق را باقی مانده زمین لرزه های دوران پیش از تاریخ دانسته اند. در دو طرف تنگه پترا کتیبه های باستانی حکاکی شده و صدها ساختمان و آرامگاه و تالار های تدفین، معابد و پرستشگاه ها و تخته سنگ های کنده کاری شده وجود دارد. هنگام طلوع و غروب آفتاب، سنگ های قرمز پترا با تغییر رنگ مناظر زیبایی را پدید می آورند.در اتفاعات، جبل هارون، آرامگاه هارون برادر حضرت موسی، قرار دارد. آمفی تئاتری با ضریحی به سبک رومی و با گنجایش سه هزار نفر در بخش دیگر شهر واقع است. جهانگردانی که به اردن سفر می کنند پس از دیدار از پترا و آثار باستانی جرش، قلعه های عجلون و ام قیس، آمفی تئاتر رومی فیلادلفیا، غار اصحاب کهف و بحر المیت با اقامت در هتل ها و رستوران های مجهز در سواحل زیبای عقبه به تفریح و استراحت می پردازند.

منبع : ماهنامه سفر

http://vista.ir/?view=article&id=212481

vista.ir
Online Classified Service

شهری که دیگر نمی شناسیمش

ماسوله، روستا نیست بلکه یکی از شهرهای کوچک استان گیلان است که هرچند ۸۰ سال از استقرار شهرداری در آن می گذرد، همچنان به عنوان یکی از روستاهای خاص ایران و منطقه نمونه گردشگری معرفی می شود. واقعیت این است که از این شهر تاریخی که مقصد سفرهای تابستانی بسیاری از ایرانیان است فقط پوسته ظاهری از شهری تاریخی و پلکانی باقی مانده و مابقی این شهر کوچک و توریستی در میان ساخت و ساز های غیراصولی دست و پا می زند.

بررسی تصویری جدید از شهر ماسوله با تصویری از ۱۰ سال پیش آن به خوبی جاهای خالی شده شهر را به نمایش می گذارد؛ جای خالی خانه هایی قدیمی که فروریخته اند.

آنچه سالانه این تعداد گردشگر را به این کوچه شهر کوهستانی می کشاند، نمای روستا و هویت اجتماعی آن است. ساختمان های کاهگلی با گره های چوبی که زینت پنجره ها هستند و حیاط هایی که پشت بام خانه دیگری است و مراودات اجتماعی و المان هایی که همچنان روی برخی خانه های پانصد ساله این شهر باقی مانده است. اما آیا همین ویژگی ها به تنهایی این قابلیت را خواهند داشت تا همچنان ماسوله را که بسیاری از مردم آن را به عنوان یک روستا می شناسند، در صدر فهرست روستاهای شگفت انگیز ایران و به عنوان یکی از کانون های گردشگری قرار دهد؟

داشتن حداقل اطلاعاتی از شهر ماسوله شاید به شناخت این منطقه خاص کمک کند تا بدانیم بر چه اساسی این مجموعه عجیب با وجود همه تخریب هایی که در آن اتفاق افتاده، همچنان مورد توجه است.

حدود ۸۰۰ سال پیش مردمانی از نقاط مختلف ایران از قبیل خراسان، کردستان و آذربایجان به منطقه کنونی ماسوله کوچ کردند. هنوز دلیل این مهاجرت مشخص نیست. از نکات قابل تامل در این روستا، سردر ورودی خانه هاست که همچون سردر خانه های مناطق کویری طاقی شکل و از ارتفاع کمی برخوردار است؛ به نحوی که اشخاص ناچارند برای عبور از سردر خود را خم کنند. از دیگر نشانه های تاریخی در این شهر وجود آیینه در روی دیوارها است؛ نشانه یی از آیین مهرپرستی که مورد بی توجهی قرار گرفته است.

بازار دو طبقه این شهر یکی از جذابیت های آن است که در چند سال اخیر به شدت آسیب دیده و در بسیاری از نقاط به راحتی می توان آسیب های وارده را مشاهده کرد. طبق اسناد موجود تا پیش از این ۶۰۰ خانوار در این روستا زندگی می کردند اما در حال حاضر کمتر از ۳۵۰ خانوار در این منطقه ساکن هستند. نبود دبیرستان در این شهر کوچک پلکانی منجر شده تا بسیاری از خانوارها به دلیل ادامه تحصیل فرزندان شان به شهر فومن یا شهر های اطراف کوچ کنند.

دخل و تصرف در بافت شهر، هجوم مصالح غیربومی، ناهمگونی در نمای شهر و ورود غریبه ها با عنوان ویلادارها باعث شده علاوه بر دگرگونی در معماری و فیزیک شهر، بافت اجتماعی و روابط اجتماعی نیز دچار تغییر شود. به طوری که به استناد آمار گزارش پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری جمعیت ثابت شهر تاریخی ماسوله از ۳۵۰۰ نفر در سال ۱۳۲۵ به ۸۱۱ نفر در سال ۱۳۸۲ رسیده است.

وابستگی اقتصادی این شهر به تجارت از قدیم الایام از عوامل رشد و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی بوده است. برقراری ارتباط بین گیلان، خلخال و زنجان از دوران قدیم و تبادل کالا بین این شهرها، ساکنان این شهر کوچک پنهان شده در دل کوهستان را با آداب و رسوم ارتباط با غریبه ها آشنا کرده است. وجود همین مسافران و بازرگانان فرهنگ خاصی را در میان اهالی به وجود آورده است که شاید همین فرهنگ خاص کمک کرده تا ساکنان امروز ماسوله به خوبی بدانند با وجود از رونق افتادن اقتصاد و بسته شدن کارگاه های آهنگری و چموش دوزی (کفش های چرمی) و حتی با وجود مهاجرت اهالی و خالی از سکنه شدن شهر، چگونه با جبر و زور اجناس ارزان و نه چندان با کیفیت چین، اقتصاد بازار دو طبقه و قدیمی خود را حفظ کنند.

با وجود این پشتوانه اطلاعاتی و تجربه ارتباط با مسافران، امروز ماسوله شهر زنده، پویا و امنی برای توسعه گردشگری در منطقه نیست. ادامه حیات شهر از روال طبیعی خود خارج شده و دستورهای مدیران پایگاه میراث فرهنگی، گاه به صورت تصنعی، اداره فرهنگی شهر را هدایت می کند. بمباران مسافر در میانه بازار از سوی اجناس چینی، ایستادن در صف برای خرید کلوچه فومن، وقت گذرانی در مغازه های فروش حلوای کنجدی، ایستادن در صف برای خالی شدن میزهای غذا در رستوران ها و خوردن خوراک های محلی، مجال دیدن جاذبه های تاریخی و طبیعی و معماری ماسوله را از مسافران باز ستانده است.

بسیاری از مسافران با وجود اینکه برای چندمین بار ماسوله را مقصد گردشگری خود کرده اند اما از وجود چشمه های طبیعی در بافت شهر و بازدید مناطق شمالی، شرقی و غربی شهر جا مانده اند.

با این همه به همت قلاب بافی های کهن زنان ماسوله و به همت دیگ هایی که هنوز حلوای کنجدی می پزند، تنورهایی که کلوچه فومن را داغ تر از شهر فومن به دست گردشگران می رساند، گلپرهایی که در پلاستیک های کوچک فروخته می شود و فروش زنگوله های آهنی کوچک که گردشگران را به خود مشغول کرده، چنین شهری با چنین تاریخی و چنین پشتوانه یی برای تولد دوباره اقتصاد در میان خود و آشنایی تاریخی اهالی برای برخورد با مسافران، اسیر اقتصاد چین است و کارگاه های تاریخی آهنگری آن همچنان تعطیل و هیچ کس نمی داند چرا روی برخی

دیوارهای خانه ها، آیینه یی در مقابل خورشید می درخشد.

ماسوله اینک با همه ناتوانی هایش در پذیرش محدود گردشگر، که می تواند یکی از امتیازات خاص آن باشد، با وجود نیاز به پارکینگ (به نقل قول از شهردارش)، نیاز به سرویس بهداشتی و مهم تر از آن نیاز به اطلاع رسانی به مسافران و مجاب کردن آنها برای گرفتن راهنما در بازدید واقعی از شهر، می تواند در خیزش یک تولد دوباره، رونق گذشته خود را به دست آورد.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=347274

vista.ir
Online Classified Service

شهری میان تنگه بسفر

استانبول شهری است که بر روی تپه‌ای سرسبز و خرم واقع شده و یکی از مهم‌ترین شهرهای تاریخی، فرهنگی و اقتصادی ترکیه به شمار می‌رود که بخش مهم آن در قسمت قاره اروپا واقع است. این شهر یکی از پرجاذبه‌ترین شهرهای توریستی ترکیه می‌باشد. جمهوری ترکیه حدود ۷۵ میلیون نفر جمعیت داشته و اکثر آنان شهرنشین هستند. دین اسلام به عنوان دین رسمی این کشور تعیین شده و حدود ۹۸ درصد مردمان آن مسلمان است. از جمعیت این کشور تنها دو درصد را مسیحیان، کلیمیان و پیروان دیگر ادیان تشکیل می‌دهند. زبان رسمی مردم این کشور ترکی است. با توجه به این‌که آنکارا، مرکز این کشور به حساب می‌آید، اما استانبول، مهم‌ترین شهر این کشور است.

استانبول شهری است که در تمام فصول سال گردشگر دارد و حدود ۲۱ میلیون گردشگر در طی سال از ترکیه به ویژه استانبول دیدن می‌کنند. سواحل مدیترانه و دریای سیاه به این شهر زیبایی خاصی داده است، تا جایی که تنگه بسفر ضمن جدا کردن دریای سیاه و مدیترانه، شهر استانبول را هم به دو قسمت تقسیم کرده است.

- ترك‌های خانواده دوست

در استانبول و دیگر شهرهای ترکیه خانواده واحد اصلی و اساسی اجتماع است. ترك‌ها بسیار خانواده دوست هستند و مردان تمایل دارند ساعت‌ها با دوستان مردشان در قهوه‌خانه‌ها یا کافه‌ها که میزها را در پیاده‌رو می‌گذارند چای استکان کمر باریك میل کنند و یا قلیان بکشند. البته روزهای تعطیل را به همراه خانواده خود به تئاتر و سینما می‌روند. عادی‌ترین تفریح ترك‌ها، قدم زدن در پارك‌ها، خیابان‌ها و خوردن ذرت پخته است. در خیابان‌های اصلی و میادین شهر، دکه‌های سیار ذرت‌پخته، بلوط بوداده و پشمك به وفور دیده می‌شود.ترك‌ها علاقه زیادی به خوردن شیرینی‌جات دارند و به‌طور کلی به تغذیه خود اهمیت زیادی می‌دهند و بهترین مواد غذایی را برای خانواده خود تهیه می‌کنند.عصرها در خیابان‌ها اکثر مردم در حال میل کردن شیرینی، باقلوا و یا ذرت پخته شده هستند.

- استکان‌های چای

خانواده‌های ترك به مهمانی دادن نیز اهمیت می‌دهند و اولین پذیرایی خود را با چای استکان کمر باریك آغاز می‌کنند.امروزه به دلیل سایه فرهنگ

غرب بر روی نظام فرهنگی ترکیه، سنت‌های گذشته تا حدودی رنگ باخته است اما به هر صورت مردمان ترکیه به ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت زیادی می‌دهند.قوانین خانواده در ترکیه بر اساس رسوم خانوادگی تنظیم شده است.

مرد رییس خانواده است و باید از خانواده نگهداری کند و زن نیز خانه‌داری و بچه‌داری می‌کند البته بسیاری از زنان به مشاغل دولتی نیز مشغول هستند.طبق قانون زنان پس از ازدواج از نام‌خانوادگی شوهر استفاده می‌کنند و شوهر نماینده خانواده محسوب می‌شود و اختیار تام دارد.در ترکیه زن حق دارد درآمد خود را در اختیار داشته باشد و خرج کند. در سال‌های اخیر ترکیه پیشرفت خوبی در صنعت، صنایع نساجی و محصولات غذایی از جمله تولید شکلات داشته است.

منبع : مجله خانواده سبز

http://vista.ir/?view=article&id=243005

vista.ir
Online Classified Service

شهمیرزاد بهشت کویر سمنان

شهمیرزاد در منطقه ای کوهستانی، در ۲۵ کیلومتری شمال سمنان و در دامنه کوه های البرز شمالی واقع شده و دارای طول و عرض جغرافیایی ۵۲ درجه و ۲۱ دقیقه شرقی و ۳۵ درجه و ۴۶ دقیقه شمالی است و ارتفاع آن از سطح دریا ۲۰۵۰ متر می باشد.

بلندترین قله شهمیرزاد با ارتفاع ۳۹۶۵ متر نیزوا نام دارد که در منطقه دهستان چاشم قرار گرفته است. میانگین دما سالیانه ۸/۳ درجه سانتیگراد می باشد که بین ۱۶ درجه زیر صفر سردترین و ۳۴ درجه بالا ی صفر گرمترین ماه سال متغیر است. شهمیرزاد در مجموع بهار و تابستانی معتدل دارد و سرمای آن از اواخر آبان آغاز و تا پایان فروردین ادامه می یابد.

در توصیف ویژگی های آب و هوایی شهمیرزاد باید گفت اختلا ف ارتفاع سمنان و شهمیرزاد از سطح دریا حدود هزار متر است که این امر از عجایب طبیعت استان سمنان است که در فاصله ۲۵ کیلومتری تا این اندازه اختلا ف دما وجود دارد لذا بی جهت نیست که شهمیرزاد را بهشت کویر نامیده اند.

از نظر زمین شناسی، منطقه شهمیرزاد مربوط به دوران سوم و دارای سنگ های رسوبی و آهکی است و معادن کلسیت، گالن (سولفور سرب)، سولفات باریت، کمی کربنات سرب، دولومیت و کوارتزیت، سنگ گرانیت و سیلیس (شیشه) در آن یافت می شود.

شهمیرزاد دارای چندین قله و تپه، سه قلعه تاریخی شیرقلعه، قلعه شیخی و دژ وهل، ۱۶ چشمه، ۱۵ نهر و حدود همین تعداد قنات، بیش از ۱۰ استخر و... است.

محصولا ت زراعی آن شامل گندم، جو، یونجه، شبدر، سیب زمینی، چغندر، حبوبات، سبزیجات و صیفی است اما محصولا ت باغی و سردرختی آن از اهمیت و اعتبار بیشتری برخوردار است.

مهمترین محصولا ت باغی و سردرختی شهمیرزاد گردو و آلوست ضمن این که سیب، گلا بی، آلبالو، به، بادام، آلوچه، گوجه سبز، قطره طلا و

برغانی، غوره انگور، سنجد، زردآلو، بیدمشک نیز از محصولا ت دیگر این سرزمین است. گردو مهمترین محصول منحصر به فردی است که جنبه صادراتی دارد و مهمترین منبع درآمد شهیمرزاد به شمار می رود. درختان گردو در این شهر که در گذشته به میخ طلا شهرت داشتند همانند درخت نخل دارای شناسنامه و سند مالکیت جداگانه ای هستند و مهریه بسیاری از زنان نیز بوده است.

شهمیرزاد از مناطق مختلفی تشکیل شده است از جمله مناطق چاربیدان، اسیوسر، پل تک، شیخی، مازرون کوچه، شیخ چشمه سر، کاهش، ارشک، بیدان، مرغک، مصلا ، مرو، گنون لا ودار، پل پی، محرم دشت، چهارکوچه، دروازه، حمام دشت، چشمه سر، اسال سریا استخر چمن، بن بون یا چاشمیج محله، اسالی، کلا ته و ملک طیبی، پشته، ویون در، وره دار، لهر، لزر، بلبل دره، لوچال، گل باغ، کشت و صنعت، همچنین ده صوفیان، پرور، کلیم، کاورد، فینسک، تلا جیم، ملا ده، شلی، هیکو، رودبارک، فولا دمحله، چاشم و خطیرکوه از روستاهای اطراف آن است.

جمیعت ثابت شهمیرزاد حدود هشت هزار نفر است که در تابستان به جهت هجوم مسافران و گردشگران به بیش از ۴۰ هزار نفر افزایش می یابد و در کل شهمیرزاد منطقه ای مهاجرپذیر محسوب می گردد.

شغل مردم شهمیرزاد باغداری، کشاورزی و رنبورداری، دامداری، خدمات تجاری و دولتی است.

راه های ارتباطی این شهر عبارتند از راه ۲۵ کیلومتری شهمیرزاد به سمنان (مرکز استان)، راه ۶ کیلومتری شهمیرزاد به مهدیشهر(مرکز بخش)، راه ۱۷۰ کیلومتری به ساری و ۵۵ کیلومتری به دوآب در استان مازندران که نزدیکترین راه شهمیرزاد به استان مازندران به شمار می رود. یکی از شاخصه های شهمیرزاد کشت و صنعت این شهر و بزرگترین باغ گردوی جهان است.

شرکت کشت و صنعت شهمیرزاد در سال ۱۳۶۷ به همت جمعی از اهالی این شهر تاسیس شد و به عنوان شرکت سهامی خاص به ثبت رسید. این باغ بزرگ گردو که دارای ۷۰۰ هکتار وسعت است اکنون بیش از ۷ هزار نفر سهامدار دارد.

شهمیرزاد که از دوره قاجار به این نام موسوم گردید در گذشته جز حکومت طبرستان بود که از اواخر عهد هخامنشی در منطقه آمل تا شمال سمنان حکومت می کردند. بنا به روایت تاریخ طبرستان ابن اسفندیار و تاریخ قومس عبدالرفیع حقیقت و نزهه القلوب حمدالله مستوفی و مازندران و استرآباد رابینو و معجم البلدان یاقوت حموی و کتاب علویان و طبرستان دکتر ابوالفتح حکیمیان، نام قدیم شهمیرزاد، شهمار، سهار، شهار و شامار ذکر گردیده است و استناد آنها به مرکزی بود که آبادترین شهر حکومت طبرستان به شمار می رفت و آن شهر حکومت آباد شهمار نامیده می شد که دارای مسجد جامع منحصر به فردی بود و هم اینک نیز دایر می باشد.

همچنین اسپهبدان که در دژ معروف فریم (دودانگه ساری) سکونت داشتند، شهمیرزاد را شهمار فریم می نامیدند. برخی نیز با استناد به سفرنامه ابن بطوطه گفته اند که شهمیرزاد چهارکوه نامیده می شد و بعضی نیز از قول مرحوم دکتر صفا نقل کرده اند که شهمیرزاد در گذشته کهر نام داشت.

بنابر این روایات چنین استنباط می شود که شهمیرزاد دارای قدمت سه هزار ساله است که حتی قبل از مهاجرت آریایی ها به ایران منطقه ای آباد بوده و وجود چشمه سارهایی به نام ارشک و اشکش که از نام های دوران اشکانی است، قدمت شهمیرزاد و آبادی آن از دوران اشکانیان وحتی قبل از آن تایید می شود.

در لغت نامه دهخدا، شهمیرزاد برگرفته از شمرزاد به معنی سرزمین دارای حوضچه و آبگیر فراوان ذکر شده و نیز برخی آن را متناسب با شمیران یعنی منطقه سردسیر می دانند. سمنانی ها شهمیرزاد را شومرزه، سنگسری ها آن را شامرزا و خود شهمیرزادی ها آن را شامرزا می نامند.

از ویژگی های فرهنگی شهمیرزاد باید اذعان کرد که مردم این منطقه از نظر فرهنگی به جهت ارتباط زیاد با مردم مازندران در طول قرون مختلف، اشتراکات فراوانی دارند و مردمی فعال، خونگرم، مهمان نواز، سخاوتمند، با استعداد و باوقار هستند و به محدودیت قانع نمی شوند و به همین جهت برای پیشرفت به شهرهای مازندران و تهران حتی به خارج از کشور عزیمت کرده اند و در زمینه های علمی پیشرفت های شایانی داشته اند به طوری که در مقایسه به جمعیت بیشترین فارغ التحصیل را در کشور دارند.

چنانچه امکانات کافی در اختیار شهمیرزادی ها قرار گیرد و مراکز علمی و فرهنگی در این منطقه خوشآب و هوا دایر گردد، نه تنها شهمیرزادی ها استعداد شایان خود را نشان خواهند داد و ترقی خواهند کرد بلکه مردم سایر استان ها نیز می توانند از امکانات این مرکز بهره مند شوند.

آبادی اولیه شهمیرزاد در منطقه حدود محرم دشت و دروازه می باشد که پیش کشف (پیش کفش) نامیده می شود و گاه نیز آن را پیش نسا می نامند مناطق دیگر شهمیرزاد نظیر رودبار که در واقع از مسیر رودخانه آغاز می شود بعدا به آبادی شهمیرزاد افزوده شد. هرچند که امروزه منطقه رودبار از حدود میدان به حساب میآید بیشتر مردم شهمیرزاد مهاجر می باشند که به دلیل خوشآب وهوایی و موقعیت ممتازش مورد توجه مهاجران قرار گرفت.

مبدا اولیه مهاجران مناطقی نظیر: خراسان، دامغان، گرمسار، چهارمحال بختیاری، سرخه، گیلا ن، رودبار و الموت، مازندران، مناطقی از عراق و سوریه و غیره بوده است که پس از استقرار هر طایفه مهاجر در یکی از بلوک چهارگانه اصلی مالم معلم بنیانگذار شهمیرزاد می باشد و بقیه بلوک و طوایف بعد از آن تشکیل شده است.

نام برخی از طوایف فرعی شهمیرزاد نیز عبارت است از:

ملکون، علا ییون، کیانیون، ور (زمانی ها)، هفت لنگ بختیاری، دادین، طبسی و از همه مهم تر طایفه آخوند باباجان می باشند که به قولی از زمان اقامت امام رضا (ع) در خراسان وارد شهمیرزاد شده است و مرحوم آخوند باباجان در آبادی شهمیرزاد نقش به سزایی داشته است و مرحوم شیخ علی اکبر کبیر نیز در آبادی منطقه رودبار بسیار فعال بوده است و ساختن پل توک (شترپل) بر روی رودخانه به همت مرحوم حاج حبیب اله بوده است.

- قلعه های شهمیرزاد

۱) شیر قلعه مربوط به حکومت طبرستان می باشد که در دوره اشکانی در مناطقی از ایران حکومت داشتند و این قلعه را جهت حفاظت راه انشعابی از بزرگراه ابریشم، احداث کرده بودند و در قرن پنجم و ششم، اسماعیلی مذهبان که مرکز آنان قلعه الموت قزوین بود، از این قلعه استفاده نموده اند و به روایتی تونلی زیرزمینی از قلعه به چشمه قلعه ساخته بودند تا از آب چشمه استفاده نمایند و از گزند دشمنان در امان بمانند.

۲) قلعه شیخی که فقط سنگ چین های بسیار محدودی از آن باقی مانده است و به قول پرفسور کلایس به وسیله طرفداران حسن صباح ساخته شد و در قرن ده و یازده حاکمان کومس (کومش) در زمان صفویه از این قلعه برای جلوگیری از هجوم ترکمانان، استفاده کردند.

۳) دژوهل قلعه ای سنگی است که مربوط به دوران قبل از اسلا م است و اکنون آثاری جزیی از آن باقی مانده است.

منبع : روزنامه مردم سالاری

http://vista.ir/?view=article&id=338201

vista.ir
Online Classified Service

شیراز - سرای مشیر

سرای مشیر یا سرای گلشن از آثار دوره قاجاریه در شیراز است که در انتهای جنوبی بازار وکیل در گوشه شرقی آن قرار گرفته است.این سرا که دارای طرح و نقشه ای دایره ای (هشت گوش) است، توسط میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک احداث شده است.

سر در ورودی سرای مشیر، دارای دو طبقه کاشی کاری شده است ودر زیر آن کتیبه ای کاشی کاری شده با زمینه لاجوردی و خط نستعلیق عبارت سرای گلشن بنای مرحمت پناه حاجی میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک شیرازی را نشان می دهد.

حجره های طبقه یا اشکوب اول، تودرتو می باشد و به وسیله راهرویی به حیاط متصل می شوند. این حجره ها دارای درهای چوبی منبت و مشبکی هستند که از چوب ساج ساخته شده اند.

در وسط حیاط حوض بزرگ هشت ضلعی ای قرار دارد که لبه و پاشویه آن از سنگ های مختلف یکپارچه ساخته شده است و در آن سه فواره وجود دارد. در چهار طرف این حوض، باغچه هایی وجود دارد .

کف پوش سرای مشیر، قطعات کوچک سنگ است. در ضلع شرقی و غربی حیاط، مغازه ها و راهروهایی وجود دارد که در مغازه ها همگی ارسی های چوبی است که با شیشه های رنگی تزیین شده است.معماری این بنا، برگرفته از معماری کاروانسراهای صفوی است.

در زمان پهلوی به دستور فرح دیبا، کاشی های ریخته و درک های فرسوده و شکسته این بنا مرمت شد. این بنا با رنگ زرد و طرح های گلدانی معرف سبک اختلاط است که در زمان قاجاریه رایج شده بود. سازمان میراث فرهنگی، این بنا را در سال ۱۳۴۷ ه.ش . با شماره ۴۲۴ به ثبت تاریخی رسانید.

منبع: اینترنت

نازنین ملازاده

منبع : مطالب ارسال شده

http://vista.ir/?view=article&id=99915

طبیعت‌گردی در انتهای آفریقا

نام «دماغه امیدنیک» همواره با یادآوری ماجراجویی‌های دریانوردان در قرون گذشته همراه بوده است.

این دماغه برای دریانوردان خسته و بیمار که از مناطق و قاره‌های دور، به این منطقه زیبا می‌رسیدند، پیام‌آور آرامش و سلامتی بوده است. دیدن این منطقه و جاذبه‌های آن بیشتر از این‌رو قابل تامل است که بدانیم آفریقایی‌ها برای اداره و مدیریت پارک‌های ملی و در مجموع اکوتوریسم چه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. متأسفانه در کشور ما و در فاصله سال‌های اخیر، سخن از طبیعت‌گردی و اکوتوریسم، بسیارگفته شده و سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری نیز در این زمینه، حرف‌های بسیاری زده است.

اما موضوع، دقیقا به این نقطه باز می‌گردد که هربار این سازمان، منطقه‌ای طبیعی و قابل توجه را به‌عنوان منطقه نمونه گردشگری تعیین و برای توسعه و رونق گردشگری معرفی کرد اوضاع طبیعت در آن به هم ریخت و محیط‌زیست در آنجا به شدت در معرض خطر قرار گرفت. با این اوصاف آخر آفریقا را باید با این نگاه خواند که بر خلاف تصور ما درباره کشورهای آفریقایی آنها چقدر قدرشناس طبیعت و موقعیت جغرافیایی خود هستند و قواعد اکوتوریسم را به اجرا می‌گذارند.

● دماغه امید نیک، انتهای آفریقا

نام قاره آفریقا، با نام مناطق طبیعی و پارک‌های ملی مهم و همچنین نام برخی حیوانات نام آشنا مانند زرافه، زبرا (گورخر آفریقایی) و شیرآفریقایی عجین شده و از نظر اکوتوریسم (طبیعت‌گردی) حائز اهمیت فراوانی است. در جنوبی‌ترین قسمت قاره آفریقا، کشور زیبای آفریقای جنوبی واقع شده و یکی از مناطق ارزشمند در آفریقای جنوبی، «دماغه امیدنیک» است.

در بررسی نقشه جغرافیا، قاره آفریقا در انتهای جنوبی خود منطقه کم عرضی را تشکیل می‌دهد که به شکل یک شبه‌جزیره از شهر کیپ تاون آغاز شده و تا دماغه امید نیک در انتهای خود، امتداد دارد و پارک ملی تیبل مانتین نیز در همین محدوده قرار دارد.

با این وصف، به تعبیری، دماغه امیدنیک را که درجنوبی‌ترین قسمت کشور آفریقای جنوبی قرار گرفته می‌توان آخر قاره آفریقا قلمداد کرد. دماغه امیدنیک و پارک ملی تیبل مانتین، جاذبه‌های طبیعی بی‌شماری را در خود جای داده و همواره طبیعت‌گردان بسیاری را از اقصی‌نقاط جهان به‌خود جذب می‌کنند. هر نقطه از این منطقه، یک چشم‌انداز زیبا، برای گرفتن یک عکس ماندگار به شمار می‌رود.

● چشم‌اندازهای ماندگار در محل تلاقی ۲ اقیانوس

این دماغه محل تلاقی اقیانوس هند (از سمت شرق) و اقیانوس اطلس (از سمت غرب) است و یکی از نادرترین ویژگی‌های این منطقه، مشاهده همزمان منظره ۲ اقیانوس از دماغه امیدنیک است. هنگام ایستادن بر بلندی مشرف بر این دماغه و تماشای ۲ اقیانوس، می‌توان محل اتصال این اقیانوس‌ها را به شکل یک خط فرضی، که به واسطه پیشروی دماغه امیدنیک در آب به وجود آمده، مشاهده کرد.

فانوس دریایی معروف دماغه امیدنیک نیز از دیدنی‌های جالب به شمار می‌رود. این فانوس در نقطه انتهایی شبه جزیره قرار دارد و چشم‌اندازهای زیبایی از ۲اقیانوس و خلیج فالزبی را در شمال‌شرقی به نمایش می‌گذارد.

در پایین دست فانوس دریایی، آنجا که اقیانوس اطلس و اقیانوس هند به یکدیگر پهلو می‌زنند، دوربین‌ها بی‌وقفه به کار می‌افتند و اگر دوربین دیجیتال ابداع نشده بود، شاید هزینه عکس و فیلم از این منطقه می‌توانست از اقلام اصلی هزینه سفر ما محسوب شود.

چشم‌اندازهای بسیار زیبای جنگل در مناطق شمالی دماغه امید نیک (در پارک ملی تیبل مانتین) و همچنین کوهستان و مراتع غنی با درختچه‌های کوتاه، همراه با آبی بیکران اقیانوس، تلفیقی از رنگ‌های‌تند و حیات‌بخش طبیعت را در این مناطق به معرض نمایش می‌گذارند.

حیات وحش این منطقه نیز به جهت طبیعت بکر و پوشش گیاهی مناسب آن از تنوع زیادی برخوردار است. بابون‌ها (از گروه میمون‌ها) به وفور در سطح منطقه حتی در مسیر جاده‌ها و سواحل اقیانوس مشاهده می‌شوند. این جانوران معمولاً با گردشگران نیز رابطه بدی ندارند و حتی از خودروی گردشگرانی که برای گرفتن عکس پیاده می‌شوند نیز برای نشستن و ژست گرفتن استفاده می‌کنند.

ضمناً این منطقه زیستگاه حیات وحش جانوری منحصر به فرد از جمله زبرا (گورخر آفریقایی) و آنتالوپ‌است. پارک ملی تیبل مانتین که گستره وسیعی را شامل می‌شود، چشم‌اندازهای زیاد دیگری را در شمال دماغه امید نیک شامل می‌شود که از آن میان، می‌توان به حضور وال‌ها در سواحل شرقی این پارک در ماه سپتامبر (در خلیج فالزبی در حاشیه اقیانوس هند) و همچنین زیستگاه طبیعی پنگوئن‌ها اشاره کرد که بسیار جالب توجه است.

● زیستگاه پنگوئن در آفریقا

با توجه به شهرت «پنگوئن امپراتور» که بزرگترین نوع از انواع پنگوئن‌ها به شمار می‌رود و در قطب‌جنوب زندگی می‌کند، شاید بسیاری از ما پنگوئن‌ها را مختص قطب جنوب بدانیم و از اینکه گونه‌ای از پنگوئن‌ها در سواحل صخره‌ای کشور آفریقای جنوبی (در سواحل اقیانوس هند) زندگی می‌کنند، بی‌خبر باشیم.

پنگوئن‌های پارک ملی تیبل مانتین یکی از ۴ گونه پنگوئن شناخته شده در جهان است که به «پنگوئن آفریقایی» مشهور است. زیستگاه این پنگوئن‌ها در نزدیکی شهر «سیمونز تاون» در صخره‌های برآمده در نزدیکی سواحل اقیانوس هند مشاهده می‌شود. اندازه این‌گونه از پنگوئن‌ها بسیار کوچکتر از سایر گونه‌ها بوده و قد آنها حداکثر ۳۰تا ۴۰سانتی‌متر است.

وجود یک مرکز بازدیدکنندگان شامل فروشگاه و سالن نمایش‌فیلم، تریل‌های چوبی (مسیرهای پیاده روی) و طراحی زیبای فضای طبیعی در ساحل اقیانوس هند، از جاذبه‌های این منطقه است که در کنار سایت بازدید از پنگوئن‌ها برای توریست‌ها فراهم شده است.

● بازدید از جزیره فک‌های دریایی

سطح جزیره فک‌های دریایی تقریباً به‌طور کامل توسط فک‌های در حال استراحت، پوشیده شده بود و با مشاهده فک‌ها در سواحل جزیره و هنگام شنا و جست و خیز در اطراف کشتی، دریافتیم که این جانوران برخلاف اینکه در خشکی، سرعت کمی دارند، در محیط آب، بسیار شناگران فعال و

قابلی هستند.

جزیره فکها در نزدیکی سواحل غربی پارک ملی تیبل مانتین و در شمال غربی دماغه امید نیک قرار گرفته است. دسترسی به این جزیره از طریق خلیج «هوت بی» درساحل اقیانوس اطلس، میسر می‌شود. در این خلیج، هنگام حرکت به سمت این جزیره و همچنین در بازگشت از آن، علاوه بر امکان خرید از بازار صنایع‌دستی، حضور افرادی که با ساز و آواز به استقبال و بدرقه توریست‌ها می‌پردازند نیز بسیار دیدنی است.

● مشارکت سازمان‌های دولتی در اداره پارک‌های ملی

نحوه مدیریت و تامین مالی هزینه‌های پارک ملی تیبل مانتین بسیار جالب توجه است. در مدیریت این پارک که تحت‌نظر اداره پارک‌های ملی آفریقای جنوبی مدیریت می‌شود، علاوه بر جلب مشارکت مردمی، از مشارکت ادارات و سازمان‌های دولتی مرتبط نیز به خوبی بهره گرفته شده است. مشارکت مالی سازمان‌های شهری، مانند شهرداری کیپ تاون در برنامه‌های اجرایی پارک تیبل‌مانتین در این ارتباط، قابل ذکر است.

به عبارت دیگر، درصورت عملکرد بهینه این پارک ملی منافع بیشتری در سطح منطقه حاصل می‌شود که منجر به توسعه منطقه و شهرهای پیرامون آن می‌شود. بنابراین، برخی سازمان‌ها که از رهگذر جلب گردشگر منافعی کسب می‌کنند، از حامیان مالی مهم برای اداره و انجام اقدامات اجرایی در پارک ملی به شمار می‌روند.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=367301

vista.ir
Online Classified Service

طبیعتگردی زندگی به توان بی نهایت

● زندگی به توان بی نهایت!

علاقه به صنعت گردشگری و شاخه‌های مختلف آن فزونی گرفته است. در این میان رونق و موفقیت سفرهای طبیعت گردی به آگاهی و ارتقاء دانش عمومی جامعه و اقشار مختلف مردم نیاز دارد. حضور در طبیعت، قوانین و قواعد خاص خود ر ا دارد و در صورت بی توجهی به این اصول، تاثیرات منفی جبران ناپذیر به طبیعت تحمیل می‌شود. از سال ۱۳۸۱ آموزش‌های تخصصی برای آماده سازی علاقمندان به راهنمایی تورهای طبیعت‌گردی در حال اجرا است اما این شاخه از گردشگری آنقدر گسترده است که این نوع آموزشها به تنهایی نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند. بنابراین برپایی نشست‌هایی تخصصی نیاز است تا مقامات دولتی، دانشجویان و کارگزاران گشت‌های تخصصی از دیدگاه‌های محققان و کارشناسان زمینه‌های متنوع اکوتوریسم بهره‌مند شوند تا بتوان به یک اجماع برای توسعه اکوتوریسم در کشور دست یافت.

اقوام ایران هر کدام دارای فرهنگ موسیقیایی مرتبط با محیط جغرافیایی و طبیعت خود هستند. انسان خالق موسیقی است و موسیقی شکلی از تفکر انسان است. موسیقی ریشه در طبیعت دارد و ریتم و صوت که دو مفهوم مهم در موسیقی هستند در طبیعت وجود دارد. حتی صدای آبشار نیز دارای ریتم و صوت استو.

موسسه آموزشی تحقیقاتی آوای طبیعت پایدار که به طور تخصصی در زمینه آموزش و تحقیقات اکوتوریسم فعال است با مشارکت دفتر برنامه‌ریزی آموزشی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و کمیته ملی اکوتوریسم و سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و

گردشگری استان تهران همایشی را در نیمه مردادماه سال جاری در هتل المپیک تهران برگزار کرد که در نوع خود قابل توجه بود. در این نشست کارشناسی موضوعات متنوع اکوتوریسم و طبیعت گردی تبیین شد.

مهندس قوام الدین بزرگیان مدیرکل سازمان حفاظت از محیط زیست استان تهران در رابطه با اکوتوریسم در مناطق حفاظت شده این استان، به اصل پنجاهم قانون اساسی اشاره کرد و گفت: هدف از تحت حفاظت قرار دادن مناطق حفاظت شده حمایت از انرژی های طبیعی و جلوگیری از تخریب آنها است.

بزرگیان در ادامه گفت: مدیریت طبیعت گردی؛ دولتها را تحت فشار قرار می دهد تا طرح‌های مخرب را در این گونه مناطق اجرا نکنند. همچنین اصلاح زیر ساخت‌ها در کشورهای در حال توسعه از نتایج طبیعت گردی محسوب می‌شود. طبیعت گردی باید متناسب با حفاظت از محیط زیست و عدم آسیب‌رسانی به طبیعت و حفظ تعادل اکو سیستم همراه باشد.

وی مناطق چهارگانه تحت مدیریت حفاظت سازمان محیط زیست را پارکهای ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاههای حیات وحش و مناطق حفاظت شده عنوان کرد و همچنین عملکرد سازمان حفاظت محیط زیست در رابطه با سفرهای طبیعت گردی را در اختیار داشتن بکرترین و مناسب‌ترین فضاهای گردشگری طبیعی در کشور، اعمال نظارت بر عملکرد سایت‌های طبیعت گردی و اعطای مجوز به گروههای طبیعت گرد دانست.

وی در تشریح سایتهای طبیعت گردی استان تهران افزود: مناطق حفاظت شده استان تهران شامل جاجرود، ورجین، البرز مرکزی، کویر و پارکهای ملی لار، سرخه حصار و خجیر هستند. در حال حاضر ۱۶۰ منطقه به عنوان مناطق تحت حفاظت سازمان محیط زیست (پارک ملی، منطقه حفاظت این سازمان قرار می گیرد، هدف از این تقسیم بندی ها حمایت از ارزشهای طبیعی و بهره‌برداری صحیح از آنهاست.

خانم افسانه احسانی مدیر آموزشی موسسه آوای طبیعت پایدار و مدرس اکوتوریسم درباره آموزشهای طبیعت گردی گفت: دانش آموختگان قرار نیست کارشناس طبیعت و یا متخصص این حوزه شوند ولی در نهایت با اطلاعات جامع و کلی که از این دروس کسب می‌کنند به حافظان طبیعت تبدیل می‌شوند و این چیزی جز فرهنگ سازی در جامعه نیست. آنچه که کارشناسان حوزه محیط زیست به ویژه مسئولین این حوزه باید به آن توجه کنند آموزش‌های کاربردی و عملی است که متاسفانه در دانشگاه‌های ما چندان جدی گرفته نمیشود.

خانم احسانی به لزوم حمایت از جوامع بومی که از اهداف اکوتوریسم محسوب می‌شود، اشاره کرد و افزود: روستای شیب دراز (واقع در جزیره قشم) در قالب یکی از پروژه‌های سازمان ملل متحد در جهت کاربردی‌کردن صنایع دستی (گلابتون دوزی جزیره قشم) در حال اجراست.

دکتر هادی سلیمان پور – عضو کمیته ملی طبیعت گردی در رابطه با چارچوب های فعالیت های گردشگری طبیعی در مناطق تحت حفاظت سخن گفت: تنوع زیستی تا سال ۲۰۰۳ در سه لایه ژن، گونه و اکوتوریسم بود اما از سال ۲۰۰۳ به بعد منظر هم جزو لایه های تنوع زیستی قرار گرفته است، بنابراین حفظ زیبایی و نگهداری محیط امروزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

وی به کنفرانس بین المللی CBD اشاره کردند که در سال ۱۹۹۹ گروهی از کارشناسان محیط طبیعی و اکوتوریسم موظف به تنظیم چارچوبی برای اکوسیستم های شکننده شدند و افزود: اکوسیستمهای شکننده اکوسیستم هایی هستند که هرگونه دخالت از سوی انسان باعث بر هم خوردن هماهنگی در وضعیت طبیعی آنها می‌شود. اخیرا کنوانسیون تنوع زیستی به این نتیجه رسیده است که مبنای کار براساس فعالیت داوطلبانه باشد که البته این به تنهایی کفایت نمی‌کند. خوشبختانه در کشور ما پیش نویس لایحه یا طرح قرارداد درباره توریسم طبیعت از طرف UNESCO ، UNDP ،سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و سازمان محیط زیست و برخی سازمان های دیگر مورد تاکید قرار گرفت.

وی از پیش نویس میثاق طبیعت گردی سخن گفت که نتیجه آن به وجود آمدن چارچوب حقوقی فعالیت های گردشگری طبیعی خواهد بود. وی درباره ظرفیتهای گردشگری در ایران گفت: ما به ظرفیت سازی نیاز نداریم، ظرفیت سازی مختص کشورهایی مانند آفریقا است که ظرفیت ندارند، در ایران ما باید ظرفیت های موجود را توسعه بدهیم.

آقای مازیار نیازمند در مقاله خود به عنوان اکوتوریسم، مفاهیم و الزامات توسعه خاطر نشان کرد: از اواخر قرن بیستم گردشگری به یکی از مهمترین منابع اقتصادی کشورها تبدیل شده است. صنعت گردشگری یکی از منابع درآمد مهم در هر ۴ کشور از ۵ کشور جهان است. با رشد گردشگری آمار تقاضا برای طبیعتگردی به ویژه اکوتوریسم و شاخه‌های مرتبط افزایش یافته است.

سال ۲۰۰۲ از سوی سازمان ملل به عنوان سال بین المللی اکوتوریسم نامیده شد اختصاص این سال به نام اکوتوریسم گویای اهمیت جهانی موضوع اکوتوریسم است. سال ۲۰۰۳ گردشگری عاملی برای فقرزدایی در نظر گرفته شد. رشد گردشگری سالیانه ۴% است و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۰ آمار توریسم بین المللی به ۶/۱ میلیارد نفر برسد.

وی هر برنامه اکوتوریستی را دارای ابعادی به این شرح بر شمرد:

۱) وابسته به طبیعت باشد.

۲) آموزش و ارائه ارزشهای سایت مهمترین بعد آن باشد.

۳) جوامع محلی و میزبان در آن مشارکت داشته باشند.

اکوتوریسم دامنه وسیعی از فعالیت های درون طبیعت را شامل بازدید از مناطق تحت حفاظت سازمان محیط زیست، دیدار از غارهای طبیعی، کوه نوردی، کویر نوردی، و ... پرنده‌گردی، بازدید از پوشش گیاهی و مناطق جنگلی، گردشگری عشایری، روستایی، زئوتوریسم، تورهای نجوم و ... در بر می‌گیرد.

ویژگی‌های فعالیت‌های اکوتوریستی شامل مشارکت در حفظ تنوع زیستی، کمک به رفاه اجتماعی جوامع بومی، کسب تجربه های آم وزشی، کمترین میزان مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر، تاکید بر فعالیت بومی و ایجاد فرصت‌های شغلی به ویژه برای جوامع بومی است. فعالیت‌هایی مانند اسکی، شکار و ... جزو اکوتوریسم به شمار نمی‌رود این گونه فعالیت‌ها در شاخه گردشگری بر پایه طبیعت قرار دارند ولی می بایست در حفظ پایداری طبیعت کوشا باشند.

فریبرز رستمی در مقاله خود با عنوان موسیقی و طبیعت به اقوام ایران اشاره کرد که هر کدام دارای فرهنگ موسیقیایی مرتط با محیط جغرافیایی و طبیعت خود هستند. انسان خالق موسیقی است و موسیقی شکلی از تفکر انسان است. موسیقی ریشه در طبیعت دارد و ریتم و صوت که دو مفهوم مهم در موسیقی هستند در طبیعت وجود دارد. صدای آبشار دارای ریتم و صوت است.

وی افزود : انسان در مواجهه با طبیعت، موسیقی می خواهد تا بدین وسیله بتواند از خود و زندگی اش به شیوه طبیعی در برابر حیواناتی که زندگی او را می‌تواند به خطر بیندازد حفاظت کند. برای نمونه در مناطقی که گرازها به مزارع آسیب می رسانند، مردم بومی ابزارهایی با عناصر طبیعی برای ایجاد صوت و ریتم درست کرده‌اند. تا گرازها را فراری دهند و مزارع‌شان از دست آنها در امان بمانند.

موسیقی‌هایی از طبیعت برای خود طبیعت وجود دارد،مانند سپاسگزاری از طبیعت (جشن‌های خرمن)، ستایش طبیعت و در شگفتی‌های طبیعت (بهاریه‌ها به بهانه نوروز).

گاه از موسیقی برای تشبیه معشوق به عناصر زیبایی طبیعت استفاده می شود و گاه موسیقی برای خبررسانی، مراسم عزاداری و ... بکار می‌رود.

منبع : وبگاه کویرهای ایران

http://vista.ir/?view=article&id=357593

vista.ir
Online Classified Service

طوقچی

این سقاخانه در سمت جنوب شرقی کوی صاحب ابن عباد در محله طوقچی قرار دارد و در ذهن عوام دارای اعتبار است بدین سان که حاجاتشان را برآورده می کند. یکی از کسبه محل که کلیددار و متصدی صندوق نذور سقاخانه است می گفت: سالیانی پیش که کمبود آب در اصفهان به چشم می خورد، مردم برای این سقاخانه صف می بستند و این از معجزات سقاخانه بود تا اینکه صاحبخانه دیوار به دیوار سقاخانه برای پیشگیری از نم آب به خانه اش امر به خرابی سقاخانه دارد و زمانی

نمونه‌ای از نقاشی دیواری سقاخانه طوقچی

گذشت که صاحبخانه درگذشت و پس از دو هفته زنش جان سپرد؛ این نفرین سقاخانه بوده است. بعد هم که ما خواستیم تعمیر و لوله کشی کنیم بچه هایش نگذاشتند. بخشی از این سقاخانه انبار خرت و پرتهای همین کلیددار است.

این سقاخانه دو سقف دارد. یکی دوپوش و دیگری اصلی و آجری. چاه آبی دارد با موتوری آبکش و بی مصرف. دیوارهای دورش را با موضوعهای مذهبی عامیانه نقاشی کرده اند و از رنگهای معمولی کار شده و بخشهایی از آنها ریخته است. داستان نقاشیها از ماجرای عاشورا در کربلا گرفته شده، نقاشی دیوار جنوبی، محاصره حضرت ابوالفضل و جنگ او با دشمن را نشان می دهد. دیوار شرقی یا رو به رو حرکت امام حسین (ع) به سوی دشمن است و اینکه سربازان دشمن به او تیراندازی می کنند. دیوار شمالی دارای نقاشی چهره علی اکبر و حضرت ابوالفضل (ع) است که هر دو سوار بر اسب از پی هم روانند و حضرت ابوالفضل (ع) مشک آب را به کودکـــان می دهد.

نکته قابل توجه این است که نقاش، کوشیده اصلی ترین رویداد کربلا، یعنی آب رساندن حضرت ابوالفضل(ع) به اهل بیت، در پیوند با مکان سقاخانه را در سه نما (فرم) بسیار ساده بیان کند و همچنین شخصیت اصلی این رویداد (امام حسین) را در نمای میانی جا داده و نام کسان را در کنارشان نوشته تا شناخته شوند. در گوشه سمت چپ دیوار شمالی چنین نوشته شده: تعمیر ۱۳۴۰ شمسی. روی در و دیوار، تعدادی از نشانه های اعتقادی به همراه تصویری قاب شده از امام حسین (ع) کوبیده شده است.

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105930

vista.ir
Online Classified Service

عالی قاپو در اصفهان

عالی قاپو در اصفهان نام عالی قاپو یا دروازه پرش کوه به این جهت به آن داده شد که د&#۶۵۲۴۰;&#۶۵۲۶۷;&#۶۵۲۴۰;&#۶۵۱۵۶; در محل ورود به کاخهای صفویه قرار دارد . این کاخها در فضایی بین میدان چهارباغ و بولوار نقش جهان بنا شده اند. این بنا که یکی دیگر از عمارتهای باشکوه صفویان می باشد در اوایل قرن ۱۷ توسط شاه عباس بزرگ ساخته شد. این بنا بمنظور پذیرایی از مهمانان خاص و سفرای خارجی که برای دیدن شهریار بزرگ می آمدند ساخته شده بود. در این مکان و در زمان شاه عباس برای اولین بار نوروز سال ۱۰۰۶ هجری شمسی جشن گرفته شد. این بنای مستطیل شکل که ۴۸ متر ارتفاع داشته و ۶ طبقه میباشد دارای تراس عریضی است که در جلوی این بنا قرار گرفته و شامل ستونهای چوبی می باشد. دیوارهای عالی قاپو دارای نقاشیهای بسیار زنده ای است که توسط رضا عباسی کشیده شده است . شاه عباس دوم بسیار علا قه مند به تزیین وکمال عالی قاپو بود و بیشترین سهم او در سالن با شکوه بود که به دستور وی ۱۸ ستون این سالن آینه کاری شد و سقف آن با نقاشیهای بی نظیری پوشیده گشت.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94343

vista.ir
Online Classified Service

عبور از دروازه تاریخ

حالا که راهی می‌شوی، گوش بسپار تا نواهای خفته را در دل این مردمان هزار ساله بشنوی. سختی سنگ‌ها حکایت از مردمانی دارد که از مسیر هزاره‌ها عبور کرده‌اند و اینک آرام و صبور آن نوای کهن را سر می‌دهند. راهی سرزمین خورشید شدن آدابی دارد، آن هم تامل است و این تو را آرام می‌کند. اورامان سرزمین خورشید است. اینجا «سرزمین اهورایی» و «جایگاه اهورامزدا» است. «هور» در اوستا به معنی خورشید آمده و «هورامان» جایگاه خورشید نیز معنی می‌دهد.

روز، جلوه رنگین و بزرگی خداوند است. اما شب معنای دیگر دارد. شب در زیر نور ماه، رحمت خدا روی آدمی جاری خواهد شد و چنان مبهوت می‌شوی که سرما را فراموش خواهی کرد. چهره‌های مردم از نیک‌اندیشی می‌درخشد. گاهی فکر می‌کنی وارد بهشت شده‌ای. منظره‌ای زیبا که تو را با خود به رنگین‌ترین لحظه‌ها می‌برد و تو باید خود را در آغوش جاده رها کنی. هنوز از خانه‌ها بوی پختن نان بلند می‌شود. شما به کنار مردمانی خواهید آمد که بکر می‌زیند و عشیره‌ای. کوچ هنوز به سبک سنتی در میان این مردم معنای خود را حفظ کرده؛ از پای کوه به دامنه و ارتفاعات بلندتر و بعکس.

این دیار باستانی دارای آداب، موسیقی، زبان و آثار کهن منحصر به فردی است که در هر زمان و مکان جلوه‌ای خاص از آن هویدا می‌شود.

- عبور از دروازه

این خانه دروازه‌ای دارد به نام دروازه اورامان. این ابتدای لذت و شگفت‌زدگی هر مسافری است. کوه‌های سنگی بلند و استوار و جاده‌ای که به صورت مارپیچ از دامنه این تنگه عبور می‌کند هر مسافری را ناخودآگاه وادار می‌کند که بر آستانه این دروازه توقف کند و عکس و فیلم بگیرد. نمی‌دانم شاید هم می‌خواهند رخصت ورود بگیرند. در تمام طول دروازه نگاه‌های کوچک ما از دامنه کوه‌ها به ارتفاعات سنگی خیره مانده بود. می‌گویند این دروازه در دوره‌های پیشین محل دفاع مردم بومی در برابر هجوم بیگانگان بوده است. هیچ کس در اینجا متوجه گذر زمان نمی‌شود چنان که ناخودآگاه خود را بر جاده‌های مرتفع خواهید یافت. آنگاه معلق می‌مانی بین آسمان و زمین. گویی باید دو بار از این مسیر عبور کرد؛ اول به تماشای آسمان بنشینی و دیگربار دره‌های رنگین را نظاره کنی. براستی که وجود رنگ‌ها اینجا تجلی واقعی خود را پیدا می‌کنند.

از دره و دروازه که عبور کردی پس از حدود ۳۰ کیلومتر، کم‌کم روستای اورامان تخت نمایان می‌شود.

- صفر صفر

اگر شما دوست داشته باشید پیش از آن که وارد اورامان شوید، می‌توانید سر ماشین خود را کج کنید و از گردنه «ته‌ته» بالا بروید. باورتان نمی‌شود شما شاهد نیمی از کردستان عراق مثل شهر حلبچه، سیدصادق، خورمال و نیمی از کردستان ایران؛ مریوان، سروآباد، پاوه و... خواهید بود، ما در آسمان ایستاده‌ایم روی قله تخت با ارتفاع ۲۸۵۰ متر بالاتر از گردنه ته‌ته. اینجا خطوط مرزی رنگ خواهند باخت. اگر می‌خواهید به راهتان ادامه دهید به شهر پاوه خواهید رسید. باید پیش از فرارسیدن شب از این نقطه پایین آمد، چرا که شبانگاه از بهار و نسیمای خنک خبری نیست. تنها سرما تو را نوازش خواهد کرد.

- پایتخت اورامانات

تعجب نکنید، اورامان تخت روزگاری پایتخت منطقه محسوب می‌شد. این را مردمان این دیار می‌گویند. تاریخ نیز گواه این مدعاست که این روستا در روزگاران پیشین مرکزیت خاصی برای کل منطقه داشته است. از آنجا که روستای اورامان تخت در زمان‌های قدیم مرکز فرمانروایی سلاطین محلی بوده است، این روستا را تخت یعنی پایتخت و مرکز سلطنت نامیده‌اند. امروز هم همین مرکزیت را به لحاظ فرهنگی و معنوی خود حفظ کرده است.

اینجا یکی از روستاهای شگفت‌انگیز ایران است که به صورت پلکانی ساخته شده است. برخی از خانه‌ها مربوط به ۳۰۰ سال پیش هستند که دست نخورده و سالم باقی مانده‌اند.

برای دوستی با مردمان این دیار تنها تبسمی کافی است تا راز دل مسافری را باز خوانند. آنان که سنگ روی سنگ نهاده‌اند و خانه‌های خود را بدون استفاده از هیچ ملاطی بنا کرده‌اند. چشم‌هایشان چنان بی‌آز است که نیازی به توجیه و استدلال ندارد. جاده روستا در میان کوه قرار دارد و بخشی از روستا در پایین و بخشی بر بالای آن قرار گرفته است. از معماری اینجا گفتیم، خانه‌های سنگی بدون استفاده از ملاط با پنجره‌های آبی. آبی به رنگ آسمان. براستی جای شگفت دارد که اهالی در یک قانون نانوشته بیش از ۸۰ درصد پنجره‌های خود را رنگ آبی زده‌اند. تنها رنگ دیگری که در اینجا به کار برده شده سبز است. بدرستی که جلوه واقعی رنگ‌ها نمایان است. آبی به رنگ آسمان و سبز همرنگ طبیعت. بام هر خانه حیاط همسایه است.

- عروسی هزار ساله

اول یک داستان هیجان‌انگیز بشنوید: «در زمان‌های بسیار دور در بخارا پادشاهی زندگی می‌کرد که دختری داشت به نام «شاه بهار خاتون.» این دختر کر و لال بود و حکما نتوانسته بودند بیماری او را علاج کنند. از سوی دیگر در منطقه اورامانات کردستان مردی به نام پیر شالیار زندگی می‌کرد که صاحب کرامات و معجزه بود و شهرتش عالمگیر شده بود. چون خبر پیر شالیار به بخارا می‌رسد، شاه دخترش را همراه با برادرش و عده‌ای دیگر به منطقه اورامان کردستان می‌فرستد. آنها وقتی به نزدیکی روستایی که پیر در آن زندگی می‌کرد می‌رسند، دختر پادشاه احساس می‌کند که گوشش شنوایی خود را به دست آورده و صداها را می‌شنود. از آنجا که پادشاه اعلام کرده بود هر کس بیماری دخترش را علاج کند می‌تواند او را به همسری برگزیند، پیر شالیار قبول می‌کند، اما چون از مال دنیا چیزی نداشت، اهالی با کمک هم برای او جشن عروسی برگزار می‌کنند و هر کدام از طوایف، بخشی از هزینه‌ها و کارهای این مراسم را به‌عهده می‌گیرند. پیر شالیار قبل از مرگش وصیت می‌کند تا آخر دنیا مراسم سالگرد عروسی‌اش را همه ساله برگزار کنند.

این مراسم تا به امروز ماندگار مانده است. هر ساله ۴۰ روز مانده به بهار، آنگاه که چله بزرگ تمام شد، در آغاز چله کوچک یعنی میان ۳۵ و ۴۵ زمستان که زمین اولین و دومین نفس خود را می‌کشد؛ مردم جشن می‌گیرند؛ همان عروسی پیر شالیار. به گفته اهالی هر سال به تعداد شرکت‌کنندگان در این مراسم افزوده می‌شود. «شال» یا همان کمربند مقامی بوده که بزرگان زرتشتی به بستن آن نایل آمده‌اند. این شال را که امروز در اورامان به ۳ گره دور کمر می‌بندند، با معنی «گفتار نیک»، «پندار نیک» و «کردار نیک» است. نواختن دف و سماع اهالی و نذر و نیاز از ویژگی‌های این مراسم کهن و زیباست.

- چهل روز در چله‌خانه

به مزار پیر شالیار که آمدید بدون شک راهی چله‌خانه وی خواهید شد. فاصله این بنا تا مزار پیر شالیار حدود ۲۰۰ متر است. اتاقی تمام‌سنگی در حدود ۱۴ متر مشرف به دره‌ای عمیق. این چله‌خانه دارای ورودی کوچکی است که بیش از یک نفر نمی‌تواند از آن عبور کند. اتاق دارای سقفی کوتاه است. سقف آن یک صخره بزرگ است که با سنگ‌های دیگر به مثابه ستون‌ها، قرن‌هاست ماندگار و پابرجا مانده است. می‌گویند پیر شالیار ۴۰ روز در این مکان به راز و نیاز با خدا پرداخته است. اینجا تنها یک اتاق نیست؛ یک دنیاست با حکایت‌ها و سرگذشت‌های فراوان. تاریخ ایران ماست.

در اطراف مزار و چله‌خانه پیر شالیار گورستان دهکده است. جالب آن‌که اهالی با کفش پا در این مکان نمی‌گذارند و از دمپایی‌های تمیز که در ورودی گورستان قرار داده شده، استفاده می‌کنند. این مکان بسیار دل‌انگیز است. اگر شما در فصل بهار به اینجا بیایید، می‌توانید شاهد آبشاری باشید که از پایین دره و کوه مقابل جاری است. توصیه می‌کنیم که به فکر پایین رفتن از دره نباشید چون کوه دارای شیب بسیار تند با صخره‌های بزرگ است.

- در مسیر سیروان

درست یک پیچ بعد از مزار پیر شالیار، رودخانه خروشانی را خواهید یافت که مردمان این دیار از آن افسانه‌ها و داستان‌های زیادی را نقل می‌کنند.

این رودخانه یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های ایران محسوب می‌شود که در فصل بهار دارای آب فراوانی است. یکی از اهالی نقل می‌کند که در گذشته افراد بسیاری در آن غرق شده‌اند و حتی هنگام سیل و طغیان ویرانی فراوانی را به بار آورده است. اما گذشته از این مسائل، رودخانه دارای ارزش فراوانی نزد مردم است. بسیاری هنوز نام فرزندان پسر خود را سیروان می‌گذارند. این رودخانه در ادبیات و فولکلور مردم نقش و جایگاه خاصی دارد. رودخانه خروشان سیروان هر بیننده‌ای را مجذوب زیبایی و بزرگی خود می‌کند.

- به قلعه بروید

درنگ نکنید حالا که از ترافیک و زندگی شهری فاصله گرفته‌اید، گام‌هایتان را محکم بردارید و از کوه پیاده بالا بروید. درست پشت روستا، اینجا قلعه اورامان است. شما به تاریخ سفر کرده‌اید. بقایای یک قلعه سنگی زیبا همه را مبهوت خواهد کرد. نسل پیشین ما با ساختن این بنا خود را از هجوم ناپاکان مصون داشته‌اند. در جوار قلعه یک آب‌انبار مشاهده می‌شود که به صورت اصولی و کاربردی ساخته شده است. حالا واقعاً صدای طبیعت را خواهید شنید. گل‌ها را خواهید دید؛ گل محمدی، گل رز، بنفشه، به رزه‌لنگ، ریحان، شقایق، لاله، شصت‌پر و چنور. کمی دقت کنید شاید، شاید علاوه بر نغمه کبک و سایر پرندگان، صدای دیگری هم شنیدید؛ بز کوهی، روباه، گرگ، خرس، پلنگ و... وحشت نکنید چون آنها امروزه از دست انسان گریزانند.

- مسجدی از سنگ و چوب

چشمه‌های زیاد، باغ‌های پردرخت، کوچ‌نشینان و صدای زنگ گله‌ها شما را از زندگی شهرنشینی دور خواهد کرد. حالا برای لحظاتی زندگی مردم روستا را تجربه کنید. به بالای روستا که دارای شیب تندی است و فاصله زیادی تا جاده دارد، بروید و یکی از شاهکارهای معماری را ببینید. این نقش استادان تجربی این دیار است که اهالی فن را به تامل و تحسین واداشته است. مسجدی زیبا از سنگ و با شیشه‌های رنگی که با هزینه خود مردم روستا ساخته شده است. مسجد چهار مناره سنگی دارد که در بالای درهای ورودی مسجد، نام الله و پیامبر اسلام(ص) با چوب نوشته شده است.

اینجا یکی از روستاهای شگفت‌انگیز ایران است که به صورت پلکانی ساخته شده است. برخی از خانه‌ها مربوط به ۳۰۰ سال پیش هستنددر ورودی مسجد وضوخانه قرار داشت، قبل از آن می‌بایست کفش‌ها را درآورد و به محل وضوخانه وارد شد. محل وضو پلکانی بود که می‌شد روی چوب‌هایی نشست و وضو گرفت. در مرکز سالن یک محوطه لوزی‌شکل بود که حوض کوچکی در آن قرار داشت. مسجد ۳ طبقه داشت که طبقه سوم مخصوص تعلیم و کلاس درس بود. تمام در و پنجره مسجد از چوب گردو ساخته شده که همگی اهدایی مردم روستا است. سازنده این درها که فردی میانسال است، نقل می‌کند زمانی که تصمیم بر بازسازی مسجد گرفته شد، برخی گفتند در و پنجره آن آلومینیومی باشد، اما من پیشنهاد کردم از چوب گردو آنها را به بهترین و زیباترین وجه خواهم ساخت. مخالفت‌ها هنوز برجا بود، اما من از مردم روستا درخواست چوب گردو کردم و برای این مسجد بزرگ در مدت زمان کوتاهی آنقدر چوب اهدا شد که فراتر از نیاز بود.

- نغمه‌های ۷ هزار ساله

اما مردمان این دیار حکایت دیگری دارند. پیران این حکایت را شب‌های سرد در پای کرسی و روزگاران گرم بر خنکای حیاط خانه برای فرزندان خود نقل می‌کنند. «هوره» رازی است که نانوشته از سینه نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. کلمه هوره و نامگذاری آن قدمتی ۷ هزار ساله دارد و به دوران پیامبری حضرت زرتشت می‌رسد. در «گات‌های یسنا» که بخش مهمی از اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان است، به صورت منظوم نگاشته شده و لذا در آن زمان، مردم برای خواندن آن و نیایش اهورامزدا آوازی را سر داده که آن را هوره نامیده‌اند، هوره ندای حق‌طلبی را آواز کرده است. هوره آواز ممتدی است که خواننده، شعرها و ابیات بی‌شماری را در ذهن داشته و از آنها هنگام آواز به صورت پی‌درپی استفاده می‌کند. حال شما دو راه دارید تا به این نوای دل‌انگیز گوش سپارید: اول این‌که از یکی از خواننده‌ها درخواست کنید آن را برای شما بخواند و راه ساده‌تر آن که یک آلبوم از آن خریداری کنید.

- این هم مضمون یکی از هوره‌ها

«چنین با صدای محزون و اندوهبار گریه مکن، هنوز سهم تو گل بر شاخسار درختان باقی مانده است.

هر کجا گلی هست پرچینی از خار به همراه دارد، ولی بلبل همواره به انتظار گل است.

اگر خارها پرچین گل نباشند، بلبلان بسادگی به مقصود خود می‌رسند.»

- شبی با مهتاب

سنگ‌های سخت، رودخانه وحشی سیروان، مسیر کوهستانی... همه و همه نگاهبان فرهنگ مردمانی هستند که آرام و صبور زیستن در کنار این

طبیعت وحشی را آموخته‌اند. آنان بکرترین نغمه‌ها را در دل خود نهان دارند که آن را تنها برای محرم اسرار می‌سرایند. اورامان با آن دیرینه و پیشینه خود بر صفحه روزگار هنوز نیک می‌درخشد.

حالا دیگر چراغ خانه‌ها خاموش شده بود و همه اهالی روستا پس از صرف شام به خواب عمیقی فرو رفته بودند. باغ‌های پلکانی زیر نور مهتاب، کوه‌ها و... انگار دیگر هیچ‌کس صاحب هیچ چیز نیست. اینک تو مسافری هستی با احساسی سرشار از خوشبختی که می‌توانی بر مرکب هر آرمان‌شهری سوار شوی. نگاهت را به آسمان خیره کن، یک شب مهتابی و این همان لحظه گمشده ما در عصر آدم و آهن است.

● وسیله سفر

حالا که تصمیم به رفتن گرفتید و تمایل ندارید با وسیله شخصی بروید، اتوبوس‌های مریوان هر روزه در پایانه غرب منتظر شماست. ظاهرا چاره دیگری ندارید، چون از هواپیما و قطار خبری نیست، اما اگر فرصت بیشتری دارید، می‌توانید ابتدا با هواپیما به سنندج بروید و سپس از آنجا عازم مریوان شوید. یادتان نرود ۱۵ کیلومتر مانده به مریوان یعنی سه‌راه حزب‌الله پیاده شوید و از آنجا با ماشین‌های دیگر مسیر ۷۵ کیلومتری تا اورامان تخت را طی کنید. قیمت بلیت هواپیما به سنندج حدود ۳۰ هزار تومان، از سنندج به مریوان با سواری ۸ هزار تومان و از سه‌راه حزب‌الله تا اورامان توافقی است! ساده‌ترین راه، اتوبوس مریوان با ۱۰ هزار تومان است. سفر خوش.

● آرام بخوابید

به اورامان که رسیدید، خیالتان آسوده که شب بدون سرپناه نخواهید ماند. پیشترها مسافران در مسجد می‌ماندند یا مهمان اهالی بودند. اما حالا شما می‌توانید در یک هتل سنگی و زیبا اقامت کنید. این هتل بتازگی و با استفاده از معماری محلی ساخته شده است. در و پنجره هتل از چوب و بنای آن از سنگ است. هتل دارای رستوران با غذاهای رسمی و محلی است. تا می‌توانید از خودتان پذیرایی کنید. این هتل دارای چشم‌انداز بسیار زیبا و مشرف به دره است.

● کلانه بخورید

با آمدن فصل بهار، تنوع غذاهای محلی در اورامان افزایش می‌یابد، این هم تنها به دلیل روییدن گیاهان بهاری است. یکی از این غذاها کلانه است که با نوعی خاص از گیاهان کوهی یا پیاز با خمیر نان درست و سپس با روغن محلی چرب می‌شود. اگر شما چربی دوست ندارید می‌توانید از آش دوغ محلی میل کنید. علاوه بر اینها، غذاهای دیگری همچون کوکوی کنگر، آش گیلاخه و... پخت می‌شود. فراموش نکنید که این نوع غذاها دارای خواص دارویی فراوانی هستند. به قول اهالی این غذاها حکیم هستند!

● صنایع دستی بخرید

دست خالی بازنگردید. کلاش یا همان گیوه محلی، گلیم، سجاده، (موج، جاجیم)، شال و پارچه‌های پشمی، نمدمالی، زیورآلات محلی، حصیر و سبد از جمله صنایع دستی هستند که شما می‌توانید با خود ببرید. مردم اورامان علاوه بر مواد خوراکی به نوعی در تهیه وسایل زندگی خودکفا محسوب می‌شوند. اگر دلتان خواست، علاوه بر این صنایع می‌توانید عسل طبیعی و گردو نیز خریداری کنید آن هم به قیمت عادلانه.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=366976

vista.ir
Online Classified Service

عبور ازکویر بیکران

طبیعت‌گردان می‌گویند تا نیمه‌خرداد می‌توان جاذبه‌های کویری ایران را دریافت و به سراغش رفت.آنچه پیش رو دارید تجربه‌ای ۹ روزه برای پیمودن

مسیری ۵هزار و ۳۵۰کیلومتری است که ۴۵۰ لیتر بنزین نیاز دارد.

مبدأ، مقصدی بود که باید به آن می‌رسیدیم، پس مسیری را انتخاب کردیم و هر مقصد دیگری را مبدأ قرار دادیم و رفتیم و رفتیم تا به سرانجام - سرآغازی که انتخاب کرده بودیم، رسیدیم. و اینگونه بود که از شهرها گذشتیم و نانشان را خوردیم. از بناها دیدار کردیم و حسرتشان را خوردیم. بر دیوارها دست کشیدیم و مهرشان را در دل نگاه داشتیم. از مردم عکس گرفتیم و به‌آنها لبخند زدیم. به مهمانی هم‌وطنان رفتیم و نمک‌گیر شدیم. بر بلندی‌ها ایستادیم و در دشت‌ها نشستیم. جاده‌های امن را پیمودیم و به هر باغ، کاخ، قبر، رود، مسجد، مدرسه، خانه، قنات، کویر، کوه، درخت و سنگ که رسیدیم، سلامی گفتیم. ما سفر کردیم و این سرگذشت سفر ماست. کیلومترهایی که در سفرنامه با آن موقعیت‌ها را آورده‌ایم همگی از مقصد که تهران بوده محاسبه شده است.

▪ روز اول: وقتی که هنوز تهران کاملا از خواب بیدار نشده بود، از خواب بیدار شدم تا سفر ۹ روزه‌ای را به همراه ۳همسفر دیگر، به شهرهای حاشیه کویر ایران آغاز کنیم.

قصدمان این بود که در یک سفر فشرده، از شهرها و مکان‌های تاریخی نیمه شرقی ایران دیدار کنیم. پس عجله داشتیم تا قبل از این‌که گرفتار هیولای ترافیک تهران شویم، به خروجی سمنان برسیم.

ساعت ۶:۴۵، هوا گرگ و میش بود و ما به یک موسیقی گوش می‌کردیم که گونه‌ای از دعای صبحگاهی را برایمان تداعی می‌کرد. باران هم به کمک این فضا آمد و آغازی روحانی را برای سفرمان رقم زد. حس بهار القا می‌شد.

ساعت ۷:۳۰ در نزدیکی «ایوانکی»، جایی که به قهوه‌خانه‌های بین راهی و سرویس بهداشتی هم نزدیک است، ایستادیم تا مزه اولین وعده غذایی این سفر را تجربه کنیم. بیرون هوا سرد و بارانی بود، پس در داخل اتومبیل، نان تازه‌ای را که در تهران خریده بودیم به همراه پنیر و گردو و چای خوردیم. صبحانه‌تر و تمیزی بود و این آغاز غذا خوردن ما در اتومبیل بود که تا پایان سفر ادامه داشت.

ساعت ۸:۴۰ به «آرادان» رسیدیم؛ شهر زادگاه محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری فعلی کشورمان. بدون توقف می‌گذریم اما بد نیست بدانید که یکی از زائرسراهای مسیر تهران - مشهد در همین مکان واقع است.

ساعت ۹:۴۰ در سمنان بودیم، قصد توقف نداشتیم، این شهر را قبلا دیده بودیم، بنابراین از کمربندی به سمت دامغان راندیم. به یاد یکی از استادان گردشگری افتادم که از کمربندی‌های شهرها شکایت دارد. عقیده‌اش این است که کمربندی‌ها باعث می‌شوند مسافران با فضای شهرهای در مسیر مقصدشان، هیچ‌گونه آشنایی پیدا نکنند.

ساعت ۱۱ به دامغان رسیدیم و یک‌راست به سراغ بنای «چهل‌دختران» رفتیم تا از آن عکس بگیریم.

به سمت مسجد تاریخانه رفتیم و به این ترتیب از یکی از مساجد قدیمی ایران (اولین در این سفرمان)، دیدار کردیم. بعد به طرف محوطه تپه حصار راندیم و دیدیم که چگونه ریل راه‌آهن از میان این محوطه تاریخی گذر کرده و چگونه این تپه باستانی در گوشه‌ای تنها، به حال خود رها شده است؛ موضوعی که بارها و بارها در این سفر آن را حس کردیم.

برج پیر علمدار را از بیرون دیدیم، چرا که مثل همیشه در آن بسته بود. موقع نماز ظهر بود که به مسجد دامغان رفتیم و موفق شدیم از فضای زیرزمین این مسجد دیدار کنیم. در این زیرزمین، تعداد زیادی از فرش‌های اهدایی مردم دیده می‌شد که در گوشه‌ای تلنبار شده بودند و در آن فضای نمور، به سوی فرسودگی سوق داده می‌شدند؛ فرش‌های دستبافتی که با زحمت بافته، با خون دل خریداری و با امید هدیه شده بودند. این نمونه‌ای بود از قدر ناشناسی هنر و احساس، در شهری که عکاسی از برج چهل‌دختران در آن حرام است و البته عکاسی از مسجد جامعش اشکالی ندارد.

خادم مسجد از خاصیت انعکاس صوت و سیستم سرمایشی و گرمایشی زیرزمین مسجد جامع برایمان توضیح داد. در نزدیکی مسجد جامع، تکیه‌ای برای روزهای محرم برپاشده بود و موضوع جالب توجه، پیچیدن پارچه سیاه به دور درختان در نزدیکی این تکیه بود. درختان سیاه‌پوش دامغان، به یادمان آورد که سفر ما همزمان با دهه اول ماه محرم است.

ساعت ۱۳ دامغان را به قصد بسطام ترک کردیم تا مقبره این عارف بزرگ دیار خراسان را زیارت کنیم. ساعت ۱۳:۴۰ بود که به محوطه تاریخی و عرفانی بایزید رسیدیم. از کاشی‌های زیبای بناها و محراب مسجد و برج کاشانه دیدار کردیم و عکس گرفتیم.

ساعت ۱۴:۵۰ بود که از بسطام دوباره راهی شدیم و به سمت سبزوار راندیم. ساعت ۱۵:۳۰ به تابلویی رسیدیم که روی آن نوشته شده بود:

«بقعه متبرکه ارمیای نبی... فاصله ۸ کیلومتر.»

همگی تصمیم گرفتیم که از این مقبره دیدن کنیم. نام این محل «ارمیان» بود.

وقتی به روستای ارمیان رسیدیم، سؤال کردیم و متوجه شدیم که مردم روستا تا دقایقی دیگر، کنار چنار بزرگ جمع می‌شوند. در واقع، در انتهای روستا چندین چنار بزرگ در نزدیکی قبرستان و در کنار مقبره ارمیای نبی بود که اهالی روستا برای زیارت مقبره پیامبر و اموات خود به آن سمت می‌رفتند.

از یکی از اهالی در رابطه با مقبره پیامبر سؤال کردم و او جواب داد که این مقبره را به ارمیای نبی و بعضی دیگر به زکریای نبی نسبت می‌دهند. ادامه داد که این اطراف ۵آبادی وجود دارد که به آبادی‌های سرحد معروفند: ارمیان، قدس، جودانه، سعد آباد و کلات اسد.

وقتی که او از روستاهای اطراف سخن می‌گفت من ناخودآگاه به یاد «کلیدر» افتادم؛ به یاد این رمان بلند محمد دولت‌آبادی که هنوز در خاطر ما رنگ و بویی آشنا دارد. فکر کردم چرا کسی از کلیدر و بازماندگان گل‌محمد و مارال و... فیلم مستندی تهیه نمی‌کند.

ارمیان را ترک کردیم و حدود ساعت ۱۸ بود که از محلی به نام «صد خرو» گذشتیم.

از این جاده که به سمت مشهد برانیم متوجه می‌شویم که بسیاری از مکان‌ها و روستاها پسوند یا پیشوند «کلات» دارند. به‌نظرم «کلات» باید معنی روستا بدهد و این باید همان واژه‌ای باشد که در مازندران «کلا» و در گیلان «کله» و «کلایه» شده است و در آخر نام روستاها می‌آید.

ما در مسیرمان و در حدود ۲۰کیلومتری سبزوار، از «ریوند» هم رد شدیم؛ نامی که یادآور آتشکده «آذر برزین مهر»، یکی از ۳آتشکده بزرگ ساسانیان است.

وقتی که ساعت ۱۸:۲۰ به سبزوار رسیدیم، متوجه شدیم که تا اینجا ۷۲۰ کیلومتر راه‌آمده‌ایم. از آنجا که شب را می‌بایستی در نیشابور می‌بودیم، بدون دیدار از سبزوار گذشتیم و ساعت ۱۹:۳۰ به نیشابور رسیدیم.

▪ روز دوم:بعدش رفتیم به سمت محوطه باستانی «شادیاخ» در همان نزدیکی. شادیاخ یادآور ابرشهر نیشابور بود. راهنمای موزه حمام، سیاهچال، کارگاه شیشه‌گری، کارگاه آب انگورکشی، کارگاه آهنگری اسکلت‌های آدم‌هایی که در اثر زلزله جان سپرده بودند، سفال‌ها، اشیای فلزی و ابزارهای جنگی را به ما نشان داد.

از آن‌جا برای دیدار از دهکده چوبی نیشابور رفتیم. دهکده چوبی نیشابور در جاده خیام و در حدود ۱۰ کیلومتری شهر قرار گرفته است. در این دهکده کوچک همه چیز چوبی است: مسجد، خانه‌ها، کتابخانه، سطل‌های زباله، سرویس بهداشتی و...

هنگامی‌که در این دهکده قدم زدم و به جوی آب کوچکی که در لابه‌لای درختان می‌خزید، نگاه کردم و اسب‌ها را دیدم که به چرا مشغولند، خیلی از دلمشغولی‌هایم فراموش شد. در این دهکده آنچه خوب درک می‌شد، بوی زندگی بود. در دهکده چوبی، فروشگاه صنایع‌دستی، رستوران، نانوایی و آلاچیق‌های متعددی وجود دارند که می‌توانند گردشگران را برای چند ساعت در این فضا سرگرم کنند.

باغ قدمگاه، همان جایی که معتقدند امام رضا از آنجا عبور کرده، در نزدیکی نیشابور و در مسیر مشهد است. ساعت ۹:۳۰صبح به آنجا رسیدیم و از کاروانسرای قدمگاه، چشمه حضرت، چنارها و زیارتگاه دیدار کردیم و عکس گرفتیم.

بالاخره به مشهد رسیدیم؛ ساعت ۱۲ و بعد از طی ۱۰۰۰کیلومتر. اما قصدی برای ماندن یا دیدار از مشهد نداشتیم، بنابراین بلافاصله به سمت چناران و رادکان راندیم تا از برج معروف رادکان دیدار کنیم. حالا ساعت ۱۳:۱۵ بود و ما ۱۱۰۰ کیلومتر راه آمده بودیم.

برج رادکان را دیدیم که از سده‌های دور، تنها در میان دشتی برافراشته بود. این دشت را کوه‌های کم ارتفاعی در دوردست احاطه کرده بودند. توانستیم مامور حفاظت از بنا را راضی کنیم که در محوطه را بگشاید و این میراث ملی را به ما نشان بدهد.

▪ روز سوم: ساعت ۶ به سمت «شورلق» حرکت کردیم و متوجه شدیم که تا اینجا ۱۴۷۰ کیلومتر را پیموده‌ایم.

از دوراهی مذکور تا کاروانسرای «رباط شرف» تنها ۶ کیلومتر راه در مسیر فرعی در پیش داشتیم.

من تنها رباط شرف را از نوشته بسیار زیبای ایرج افشار می‌شناختم و قبلا متنی را برای این کاروانسرا براساس گفته‌های او و منابعی که در این زمینه وجود داشت، نوشته بودم که این‌چنین است:

«هجوم تاتار و بلای تیمور و مصیبت ازبک و تکان زلزله و کوبندگی باد و باران در برّ بیابان باشد که باشد، کاروانسرای رباط شرف هنوز استوار است. این کاروانسرا یکی از بناهای کلیدی معماری اسلامی به شمار می‌رود و در معماری ایران نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. رعایت دقیق و همه جانبه تناسبات و اصول معماری ایرانی در طراحی و ساخت و به‌کارگیری طرح‌های آجرچینی متنوع و بدیع در نمای ایوان‌ها و طاق‌ها و طاقچه‌ها و گنبدها عناصری هستند که این کاروانسرای شاهی را یک عمارت قصرگونه شبیه می‌کنند.

نقشه ساختمانی رباط شرف با دیگر کاروانسراها تفاوت دارد. همچنین وجود کتیبه‌های گچی و طرح‌های آجرچینی در بقیه کاروانسراها مرسوم نبود اما در کاروانسرای رباط شرف، تقریباً تمام آجرچینی‌هایی که در نمای دیوارها، گنبدها و طاق‌های آن ایجاد شده طرح‌دار هستند.

از طرفی گچبری‌های رباط شرف از جالب‌ترین نمونه‌های این هنر در سده ششم هجری است تا جایی که کتیبه‌های حاشیه محراب‌های ۲نمازخانه کاروانسرا، با بهترین کتیبه‌های محراب‌های مساجد ایران از لحاظ زیبایی و طرح برابری می‌کنند.

در اوایل عصر اسلامی، پاسگاه‌های مستحکم مرزی به‌نام «رباط» ایجاد شده بود که ساکنانش درصورت لزوم در برابر کافران به دفاع می‌پرداختند. نفرات آنها معمولاً از افراد داوطلبی بودند که دفاع از آنجا را فریضه‌ای دینی تلقی می‌کردند و در عین حال به محافظت از کاروان‌هایی می‌پرداختند که در حوزه استحفاظی آنان در رفت‌وآمد بودند.

بعداً رباط به استحکاماتی گفته شد که وسعت کافی برای جادادن سکنه محلی را هم داشت.

نام دیگر این کاروانسرا، آبگینه یا رباط آبگینه بود که در سال ۵۰۸هـ.ق. توسط شرف‌الدین ملقب به وجیه‌الملک، وزیرسلطان سنجر سلجوقی بنا شد. این کاروانسرا در مسیر باستانی مرو - نیشابور، یکی از مسیرهای اصلی جاده ابریشم قرار داشته است.»

ساعت ۱۱:۱۰ و بعد از ۱۵۳۵ کیلومتر طی مسیر به سرخس رسیدیم. با توجه به این‌که سرخس مرز میان ایران و ترکمنستان است، حدس می‌زدم که ترکمن‌های بسیاری را ببینم ولی عجیب بود که مردم اینجا ترکمن نبودند.

من خوشحال بودم، چرا که قبلا از خرمشهر و گواتر و ماکو، یعنی ۳گوشه مرزهای ایران دیدار کرده بودم و سرخس چهارمین گوشه این چهارگوش عزیز بود. پس من اکنون چهارگوش ایران را دیده بودم.

فکر می‌کردیم که سرخس بازار مرزی دارد که نداشت. اهمیت سرخس به‌دلیل منطقه ویژه اقتصادی آن است ولی برای ما با همه شوقی که برای دیدن سرخس داشتیم، موضوع جالب‌توجهی وجود نداشت، جز مقبره «لقمان بابا»؛ بنایی که در گوشه‌ای از شهر هنوز زیبا و برپا بود. کسی نبود که از او بپرسیم این بنا چیست و متعلق به کیست و... اما بعدتر خودمان فهمیدیم که این آرامگاه منسوب به بابالقمان سرخسی، عارف مشهور سده ۴قمری است.

وی با بسیاری از مشایخ صوفیه همچون ابوسعید ابوالخیر و ابوالفضل سرخسی معاصر و معاشر بوده است. ابوسعید او را بسیار ارج می‌نهاد و بزرگ می‌داشت. ظاهراً در دوره سلجوقی به سبب اعتقاد مردم به وی، برای مدفن او بنایی پایه‌ریزی شد که باید آن را نخستین شالوده مقبره کنونی دانست. به‌عنوان قدیمی‌ترین سند موجود درباره این مقبره، باید از کتیبه‌ای یاد کرد که در متن آن به تاریخ ۷۵۷ اشاره شده است.

عبدالله قاجار در ۱۳۱۱ هجری قمری عکسی از این آرامگاه گرفته، و ابوالخیر قاجار در ذیل آن آگاهی‌هایی درباره ویژگی‌های بنا نوشته است. برپایه گزارش او، بنا در نیم فرسنگی سرخس، در کنار کشف‌رود و هریرود قرار دارد. در صحن بقعه و زیر گنبد جای ۲ قبر دیده می‌شود: یکی پا برجا اما بدون نام و نشان و دیگری منهدم شده است.

آرامگاه در کمال استادی ساخته شده و به هنگام آبادانی، ابنیه متعددی در اطراف آن ساخته بوده‌اند. تصویر یاد شده نشان می‌دهد که هنوز کتیبه‌های متعددی که استادانه گچ‌بری شده، بر پیشانی و اطراف در ورودی آرامگاه وجود داشته است و هم‌اکنون نیز بخش‌هایی از آنها برجاست. سوره جمعه، آیاتی از سوره آل‌عمران و جز آن، از کتیبه‌هایی است که بر جای‌جای درون طاق درگاه نقش بسته بوده است. این آرامگاه درگذشته به نام «الغبابانا‌صری» شهرت داشته است.

این بنا، در مقایسه با آرامگاه سلطان سنجر سلجوقی در مرو، دارای شباهت‌های کلی است و نیز از نظر تزیینات داخلی با گنبد هارونیه در توس (اوایل قرن ۸ ق) همخوانی بسیار دارد. در این بناها نقش پیش‌طاق‌ها اهمیت تازه‌ای پیدا کرده که میراث معماری دوره سلجوقی است.

راه که افتادیم رود مرزی هریرود هم با ما حرکت کرد و ما آن‌طرف هریرود، سرزمین ترکمنستان را تشخیص می‌دادیم. ناخودآگاه به یاد رود مرزی ارس و مرز میان ایران و آذربایجان افتادم. جالب این بود که در نزدیکی هریرود هم ما سرخس داریم و هم کشور ترکمنستان و در نزدیکی رود ارس هم ما جلفا داریم و هم کشور آذربایجان.

بعد از مدتی به سد «دوستی» (مشترک میان ایران و ترکمنستان) رسیدیم. قبل از ایجاد این سد و از سده‌ها قبل، پلی روی هریرود وجود داشته به نام پل «خاتون» که در نزدیکی جاده دیده می‌شود و مردم روی آن رفت‌وآمد می‌کردند و اکنون دیگر استفاده‌ای ندارد و به جایش سد زده‌اند و نامش را گذاشته‌اند سد دوستی. به‌نظرم رسید وقتی پل ارتباطی را بی‌استفاده می‌گذاریم و سد می‌سازیم، نام این پل باید هم سد دوستی باشد، چرا که سدی (مانعی) است برای دوستی. نکته جالب دیگر این که، روی رود ارس هم پل معروف «خدا آفرین» وجود داشت و معبر ارتباطی بود میان مردمان و امروز سد جانشین آن شده است.

ما ۱۶۱۵ کیلومتر را پیموده بودیم که به پل خاتون رسیدیم و سد دوستی را هم دیدیم. یکی از مناظر فوق‌العاده‌ای که در این سفر دیدیم، دریاچه پشت سد بود. آسمان آبی و صاف بود و تکه‌های سفید ابر با سفیدی برف اطراف دریاچه، هارمونی شگفتی را ایجاد کرده بودند. این سفید- آبی گروه چهارنفره ما را به وجد آورد و از این‌جا تا تربت جام سکوت کرده بودیم، به زیبایی مناظر خیره شده بودیم و به آن می‌اندیشیدیم.

بعد از طی ۱۷۵۰ کیلومتر به تربت جام رسیدیم و یک راست رفتیم به زیارت مقبره شیخ احمد جام.

شیخ الاسلام ابونصر احمد بن ابوالحسن بن احمد بن محمد نامقی جامی، معروف به احمد ژنده پیل یا احمد جام، از بزرگان مشایخ عرفان ایرانی در نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری است. وی در سال ۴۴۱ هجری در قریه نامق یا نامه ولادت یافت. پدرانش برزگر بودند.

او به هنگام جوانی در نوشخواری و میگساری افراط می‌کرد. سرانجام در بیست و دو سالگی توبه کرد و وارد حلقه تصوف شد. دوازده سال در کوه نامق و شش سال در کوه بیزد در خاک جام به خلوت نشست و سپس بنای ارشاد را گذاشت. نخست در سرخس و استاد و زورآباد بود و در ضمن سفرهایی به هرات و نیشابور و بوزجان و مرو و باخرز و بسطام کرد و به حج رفت. سرانجام به روستای معدآباد در سرزمین جام رفت و در همانجا به سال ۵۳۶ هجری در ۹۵سالگی زندگی را بدرود گفت و در بیرون دروازه معدآباد به خاک سپرده شد.

مزار وی هم‌اکنون در همان ناحیه که امروز تربت خوانده می‌شود برپاست، و زیارتگاه است و به همین جهت این محل را تربت جام می‌خوانند. ساختمان آرامگاه وی را ملک غیاث الدین محمد کرت در سال ۷۱۹ هجری ساخته است.

قبل از ترک تربت جام، از مسجد خواجه عزیرالله، نوه شیخ احمد جام نیز بازدید کردیم و آنجا را به قصد تربت حیدریه ترک کردیم. در مسیر در روستایی به نام «جعفرآباد» توقف کردیم و غذای نذری گرفتیم. پس از طی مسافت ۱۹۱۰ کیلومتر خودمان را در شهر تربت حیدریه یافتیم.

▪ روز چهارم:ما صبح روز چهارم، قبل از ترک شهر، از مجموعه آرامگاه قطب‌الدین حیدر (خانقاه، مقبره، مسجد و کاروانسرا) دیدار کردیم.

پیشینه تاریخی تربت حیدریه به دوران قبل از اسلام و دوره اشکانیان بازمی‌گردد. اما در دوران پس از اسلام، نام این منطقه در قرون ششم و هفتم یعنی پس از دفن

قطب الدین حیدر شنیده می‌شود و از نظر ساختار شهری به دوره صفوی برمی‌گردد. با این حال، رونق و آبادانی شهر مربوط به حدود دویست سال پیش یعنی دوره حاکمیت اسحاق‌خان قرایی، از خوانین و رجال سیاسی عصر قاجاریه است. اسحاق‌خان به مرمت و آبادانی شهر پرداخته و آنچنان تحولی در شهر به وجود آورد که مدت‌ها این شهر به تربت اسحاق‌خان معروف بوده است.

باید دوباره به تربت حیدریه برمی‌گشتیم تا به راه اصلی‌مان ادامه دهیم.این بار که به تربت حیدریه رسیدیم، به سمت خواف راندیم. در مسیر تابلویی را دیدم که بر رویش نوشته بود:

پارتگاه و آبگرم «پیر یاهو». نامش برایم جالب بود، ولی بدون این‌که بایستیم، ادامه مسیر دادیم. جالب این‌که در ۳۵ کیلومتری نرسیده به خواف (در نزدیکی روستای سلمان) باز هم یک مکان زیارتی در کنار آبگرم دیده می‌شد.

پس از طی ۲۱۵۰ کیلومتر به خواف رسیدیم. از خواف باید رد می‌شدیم تا در ۵ کیلومتر جلوتر به «خرگرد» برسیم و از مدرسه زیبای آن با معماری منحصر به فرد و دوست‌داشتنی‌اش، دیدار کنیم. مدرسه غیاثیه خرگرد در کنار جاده قرار دارد و به سادگی رویت می‌شود.

۴ ایوانی است و ۲ گلدسته دارد و به‌عنوان مسجد- مدرسه مورد استفاده قرار می‌گرفته.

در واقع از بهترین دانشگاه‌هایی بوده که بر سر راه هرات قرار داشته. این مدرسه در ۶۰ سال پس از شروع دوران صفویه به‌دلیل تعصب شیعه از رونق می‌افتد.

در کتیبه آن متعلق به ۸۴۸ هـ .ق. آمده که بانی این بنا، خواجه غیاث‌الدین پیراحمد خوافی وزیر شاهرخ میرزا (دوره تیموری) و معمار آن استاد قوام‌الدین شیرازی بوده که حین کار فوت می‌کند و برادرش غیاث‌الدین (معمار مسجد گوهرشاد) کار را کامل می‌کند. تزیینات این بنا، انقلابی در این زمینه محسوب می‌شوند.

از خرگرد به طرف «نشتیفان» ادامه مسیر دادیم و پس از ۲۰کیلومتر، به مکان آسبادها رسیدیم. بافت معماری نشتیفان در همان لحظه اول جلب توجه می‌کند و هنگامی‌که نگاه مسافر به سوی آسبادها می‌افتد، روی برگرداندن تقریبا غیرممکن می‌شود تا زمانی‌که همه را درک کرده باشد.

آسبادها برای خودشان دنیایی دارند. مشابه آن در هلند هم هست. آسبادهای نشتیفان دو طبقه هستند. بخش فوقانی، آس‌خانه نام دارد و طبقه همکف جای انباشت گندم و آرد و ابزار است.

آسبادهای نشتیفان، برای بهره‌برداری بیشتر در کنار هم، به یک اندازه و روی بلندترین نقطه بنا شده‌اند. طبق گفته ابن‌خلدون، آسبادها قبل از اسلام هم وجود داشته‌اند و ذکر شده است که مراسم خاصی هنگام آوردن سنگ آسیا از کوه انجام می‌شده. بد نیست بدانیم که «آس» به

معنای دانه ریز سنگ و یا دو سنگ گرد و مسطح است که بر هم نهاده شده‌اند. با واژه آس، لغات دستاس، آسیاب و خراس هم ساخته شده‌اند.

در پشت آسبادها، قبرستان قدیمی بسیار جالبی دیده می‌شود که دیدار از آن، به اندازه دیدار از آسبادها، هیجان‌آور است.

سنگ قبرهایی با طرح‌های متنوع، که روی برخی از آنها نقش کف‌دست حک شده است. در این قبرستان قبری وجود دارد که حدود ۵ متر است و در حدود ۲۰۰ متری آسبادها قبر دیگری دیده می‌شود که بیش از ۱۰متر طول دارد.

احساس می‌کنم که مطالعه روی نقش‌ها و چگونگی سنگ‌قبرهای این قبرستان، دید تازه‌ای از مردم‌شناسی منطقه را به پژوهشگران بدهد.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=365633

vista.ir
Online Classified Service

عجایب هفت گانه کلاسیک

۱) اهرام مصر

هرم خوفو بزرگ ترین هرم در بین اهرام مصر است، این بنا که قدیمی ترین و بزرگ ترین بنا در بین عجایب هفت گانه و تنها بنایی است که در میان عجایب هفت گانه در حال حاضر وجود دارد. هرم خوفو ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شد. این هرم بلندترین بنای ساخت دست بشر از ۴۴۰۰ سال پیش تا سال ۱۸۸۹ یعنی، زمانی که برج ایفل با ارتفاع ۳۰۰ متر ساخته شده بود. محدوده هرم خوفو به اندازه ۶ قطعه زمین شهری عظیم است. بیشتر سنگ های به کار رفته در این بنا به بزرگی سنگ های عظیمی هستند که به وسیله کامیون حمل می شوند.

سطح خارجی زمختی که ما امروزه از این هرم می بینیم مقبره فرعونی به نام خوفو است که در آن زمان پوشیده شده از سنگ های آهک صیقلی و زیبایی بوده است. فرمانروایان بعدی این سنگ های با ارزش را متعاقبا برای ساختن بنا های خودشان می دزدیدند. این عمل باعث شد که از ارتفاع هرم ۵ درصد کم شود و به ارتفاع فعلی اش که ۱۳۸ متر است برسد. هرم خوفو دارای سه اتاق دفن اجساد است؛ اتاق اول محل دفن شاه، اتاق دوم محل دفن ملکه و اتاق سوم برای رد گم کردن دزدان هرم.

۲) مجسمه زئوس

مجسمه زئوس خدای یونان در المپیا یکی از عظیم ترین مجسمه های جهان است. این اثر در ۴۵۰ سال قبل از میلاد توسط مجسمه ساز معروفی به نام فیدیاس ساخته شد. این هنرمند همان کسی بود که مجسمه خدای آتنا را هم برای معبد پارتنون در آتن ساخت. ارتفاع مجسمه زئوس حدود ۱۲ متر بود. بدن این مجسمه را از عاج فیل و ردا و موها و ریشش را از طلا ساخته بودند. تخت آن از چوب درخت سرو بود که به وسیله جواهرات گرانبهایی آراسته شده بود. این اثر ارتفاع اش چنان بود که با سقف معبد زئوس برخورد می کرد. فیدیاس با این کار می خواست اقتدار و نیرومندی زئوس را نشان دهد.

مجسمه زئوس در معبد زئوس که طول آن به ۶۴ متر می رسید قرار داشت. ۷۲ ستون خارجی این معبد که به سبک معماری قدیم یونان بودند این معبد را از معماری خیره کننده ای برخوردار کرده بودند. سنگفرش آن نیز با مجسمه های بی نظیری تزئین شده بود. مجسمه زئوس در حدود ۸۵۰ سال در این معبد قرار داشت تا هنگامی که بعضی از یونانی ها آن را به استانبول منتقل کردند. البته این زیاد طول نکشید چرا که محل جدید نیز در

آتش سوخت و این مجسمه برای همیشه از بین رفت.

۳) معبد آرتمیس

معبد آرتمیس در افوسوس ترکیه یکی از زیباترین بنا های ایام گذشته بود. این بنا با داشتن۱۰۰ ستون مرمری زیبا که ارتفاع هرکدام از آنها به ۱۵ متر می رسید یکی از عجایب هفت گانه به حساب می آید. این معبد فضایی را در برمی گرفت که تقریبا چندین برابر وسعت آکروپلیس درآتن بود. می توان گفت که معبد آرتمیس صعود و سقوط های بسیاری را در طی قرن ها پشت سر گذاشت.

این بنا در ۶۰۰ سال قبل از میلاد ساخته و در ۵۵۰ سال پس از میلاد در آتش سوخت. بعد از آن مجددا به صورت بسیار زیباتر و عظیمتری بازسازی شد. این بنا برای دومین بار دچار حریق شد، البته این بار به طور عمدی توسط فردی به نام هروستراتوس که برای به یاد ماندن نامش به این کار دست زد، ولی این معبد دوباره با اندازه ای بزرگ تر و بسیار بهتر از قبل ساخته شد. درون این معبد با مجسمه های بی نظیری تزئین شده بود. این معبد پابرجا بود تا زمانی که بر اثر هجوم بربرها در ۲۶۲ پس از میلاد برای همیشه از صفحه تاریخ محو شد و هرگز دوباره ساخته نشد. آنچه که از این معبد باقی ماند هم توسط زلزله ها کاملا از بین رفت.

۴) مجسمه عظیم الجثه رودس در یونان

ارتفاع مجسمه عظیم الجثه رودس با پایه اش به اندازه یک ساختمان ۱۵ طبقه امروزی است. این مجسمه یک شاهکار برجسته معماری است که روی جزیره رودس در حدود ۲۸۰ قبل از میلاد ساخته شده است. هیچ کس به درستی نمی داند که این مجسمه شبیه چه بوده یا در کجا قرار داشته است. نظریه بسیار مورد توجه آن است که مجسمه رودس در روی ورودی لنگرگاهی بنا شده بوده و پا های مجسمه در دو طرف قرار داشته است به طوری که کشتی ها از بین پا های آن عبور می کرده اند.

البته این فرضیه بسیار محتمل به نظر می رسد. این بنا مشکلات غیرقابل حل در ۳ قرن پیش از میلاد را مطرح می کند. تجارت در این بندر در زمان احداث این مجسمه دچار رکود شده و از رونق اقتصادی افتاده بود. این مجسمه یکی از عجایب هفت گانه به شمار می رود که برای مدت کوتاهی تقریبا ۵۳ سال پا برجا بود.

۵) باغ های معلق بابل در عراق

باغ های معلق بابل یکی از بحث برانگیزترین عجایب هفت گانه است، چرا که هنوز برخی از باستان شناسان در وجود داشتن آنها شک دارند. بعد از به دست آمدن اسناد اصلی و خرابه های برجا مانده از آن زمان وجود داشتن آنها ثابت شد، البته در مقیاسی کمتر از آنچه تصور می شود. در این میان سوالی مطرح است که این باغ های معلق چرا ساخته شدند؟

در پاسخ این سوال می توان گفت که موثق ترین سند حاکی از آن است که شاه نبوچاد نزار دوم که دارای شهرت مذهبی است این بنای عجیب را برای خوشحال کردن همسرش در ۶ قرن قبل از میلاد ساخت چراکه همسرش از دیدن چشم انداز صحرا مانند بابیلون دچار دلتنگی شده بود. به همین خاطر به دستور شاه تپه مصنوعی سبز و خرمی ساخته شد که دارای درختان و گل ها و گیاهان زیبایی بود.

۶) فانوس الکساندریا

فانوس الکساندریا یکی از بزرگ ترین شاهکار های روزگار باستان است. ارتفاع این بنا حداقل به اندازه یک ساختمان ۴۰ طبقه امروزی و به مدت ۱۶ قرن پابرجا بود. برخلاف ۶ عجایب دیگر، فانوس الکساندریا استفاده های عملی بسیاری داشت. این بنا به کشتی های دریانوردی کمک می کرد که اسکله ها را به راحتی پیدا کنند و با ایمنی کامل داخل آن شوند. چراکه تنگه های خطرناک دقیقا در خارج از بندرها قرار داشتند. ارتش نیز از این فانوس برای پیدا کردن کشتی های دشمنان استفاده می کرد. این بنا ظاهرا ساختار جامدی داشت اما با وجود این بر اثر توفان های دریایی زمستان و زلزله های بسیار از بین رفته است. فانوس الکساندریا دو نوع برج دیده بانی داشت که در نوک آن قرار داشتند.

فانوس الکساندریا سه عنصر ساختمانی داشت، پایه مستطیل شکل، قطعه میانی هشت وجهی و قسمت بالای آن که استوانه ای شکل است و برج های دیده بانی در آنجا قرار دارند. تقریبا ارتفاع این سه قسمت فانوس الکساندریا به ۱۱۰ تا ۱۸۰ متر می رسید. به جز اهرام مصر فانوس الکساندریا بلندترین ساختمان جهان بود البته تا زمانی که برج ایفل در ۱۸۸۹ ساخته شد.

۷) مقبره هالیکارناسوس در ترکیه

مقبره هالیکارناسوس در۴ قرن قبل از میلاد نه تنها بسیار پرابهت و پر عظمت بود، بلکه به صورت زیبایی با ستون ها و مجسمه ها تزئین شده بود. سقف این مقبره با مجسمه هایی از اسب ها تزئین شده بود اسب هایی که ارابه شاه ماسولوس و همسرش ملکه آرتمیسیا را می کشیدند. ارتفاع این مقبره مرمری به اندازه یک ساختمان ۱۴ طبقه بود. از نقطه نظر استراتژیکی دامنه کوه درست مشرف به هالیکارناسوس و خلیج آن بود.

ملکه آرتمیسیا فرمان ساخت این مقبره را در هالیکارناسوس برای همسرش در ۳۵۳ سال قبل از میلاد صادر کرد.

ملکه این بنا را برای قدردانی از همسرش ساخت و به این منظور بهترین هنرمندان و مجسمه سازان آن زمان را گرد آورد. شاه ماسولوس تنها یک حکمران ایالتی معمولی در بین امپراتوری های عظیم ایرانی در ۲۳۰۰ سال پیش بود. ملکه آرتمیسیا دو سال پس از همسرش در گذشت. او در کنار شاه در مقبره هالیکارناسوس دفن شد. این بنا در حدود ۱۷ قرن پابرجا بود و در ۱۴۰۰ سال بعد از میلاد بر اثر زلزله فرو ریخت.

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=252779

vista.ir
Online Classified Service

عجایب هفت گانه معاصر

در حال حاضر فقط یکی از عجایب هفت گانه جهان باقی مانده است و این فرصت در اختیار علاقه مندان به تاریخ گذاشته شده که بتوانند فهرستی از عجایب هفت گانه موجود جهان تهیه کنند.

فهرستی از ۲۱ شگفتی جهان تهیه شد و از آن میان بنای «استون هنج» به عنوان مهمترین شگفتی جهان انتخاب شده است.سنگ هایی با قدمت ۵ هزار ساله در دشت سالزبوری انگلستان رها شده اند. این سنگ های برهنه با آثار باستانی شاخصی نظیر بنای آکروپولیس در آتن در رقابت هستند. رقبای دیگری نیز وجود دارند که همگی آنان به نوبه خود از اهمیت ویژه ای برخوردارند. آثاری نظیر مجسمه آزادی در نیویورک و اهرام مصر.

پیش از این فهرستی از ۲۰۰ شگفتی جهان تهیه شده بود ولی کارشناسان بعدها موفق شدند تعداد عجایب موجود در این فهرست را کاهش دهند و تعداد ۲۱ شگفتی را به عنوان اصلی ترین شگفتی های جهان برگزینند. پروفسور فدریکو مایور، مدیر سابق یونسکو، جزو افرادی است که در برنامه ریزی و سازماندهی این نظرسنجی ها نقش داشته است.

یک بنیاد سوئیسی به نام «۷ شگفتی نوین» در روی این نظرسنجی ها دخالت داشته است. تخصص اصلی این بنیاد غیرانتفاعی در مرمت آثار باستانی است، ولی همین بنیاد قصد دارد نتیجه نظرسنجی های خود را در تاریخ ۷ ژولای ۲۰۰۷ و در شهر لیسبون پایتخت پرتغال به طور رسمی اعلام کند. تاکنون حدود ۲۰ میلیون رای به دست آمده از مردم جهان در این نهاد بین المللی به ثبت رسیده است. بسیاری از هندی ها به تاج محل رای داده اند، چینی ها به دیوار بزرگ چین و مردم پرو نیز به ماچوپیچو یا همان قلعه نظامی اینکاها رای داده اند.

در دوران گذشته گفته می شد که عجایب هفت گانه جهان عبارتند از؛ باغ های معلق بابل، مجسمه زئوس در المپیا، معبد آرتمیس در افوسوس و... آنچه که از این عجایب هفت گانه باقی مانده فقط اهرام مصر است و بقیه آنها به کلی از میان رفته اند. همین امر سبب شده مردم انگلیس در تلاش باشند که تنها بنای باستانی خود را به عنوان یکی از مهمترین آثار به جا مانده از دوران کهن معرفی کنند.

بنای سنگی استون هنج اگرچه جذابیت چندانی برای جهانگردان ندارد ولی قدمت آن به بیش از ۵ هزار سال پیش باز می گردد و برای انگلیسی هایی که برای لاف زدن از تمدن کهنه خود چیزی به جز شکسپیر ندارند، معرفی استون هنج به عنوان یکی از عجایب هفت گانه جهان می تواند افتخار بزرگی محسوب شود. افرادی که قصد دارند در این نظرسنجی ها شرکت کنند، می توانند به سایت www.newVwonders.com مراجعه کرده و نظر خود را ابراز دارند. فهرست ۲۱ شگفتی جهان که هنوز مورد توجه رای دهندگان قرار دارد عبارت است از؛

۱)بنای آکروپولیس در یونان

۲) الحمرا در شهر گرانادا از کشور اسپانیا

۳) معبد انگور وات در کامبوج

۴) منطقه چیچن ایتزا آزتک در یوکاتان از کشور مکزیک

۵) مجسمه مسیح مصلوب در ریودوژانیرو از کشور برزیل

۶) عمارت کلوزیوم یا میدان مبارزه گلادیاتورها در رم

۷) مجسمه های جزیره ایستر در کشور شیلی

۸) برج ایفل در پاریس

۹) دیوار بلند چین

۱۰) کلیسای حاج صوفی در استانبول

۱۱) معبد کیومیزو در توکیو از کشور ژاپن

۱۲) کاخ کرملین یا بنای سن باسیل در مسکو از کشور روسیه

۱۳) ماچوپیچو در پرو

۱۴) قصر نوشوان اشتاین در آلمان

۱۵) شهر باستانی پترا در اردن

۱۶) اهرام مصر

۱۷) مجسمه آزادی در نیویورک

۱۸) بنای استون هنج در انگلستان

۱۹) تالار اپرای سیدنی در استرالیا

۲۰) عمارت تاج محل در هند

۲۱) شهر تیمبوکتو در کشور مالی

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=252775

vista.ir
Online Classified Service

عجایب هفتگانه

● عجایب هفتگانه

۱) اهرام ثلاثه مصر

سه هرم به شکل جالب با بنای عظیم در محلی به نام جیزه نزدیک قاهره قرار دارندواین اهرام در قرن ۲۸ قبل از میلاد توسط سه فرعون به نامهای کئوس – می کرینوس و کفرن ساخته شده اند بلندترین هرم هرمی است به نام خئوپس که ارتفاع اولیه آن ۱۴۷ متر بوده است ولی اکنون پس از

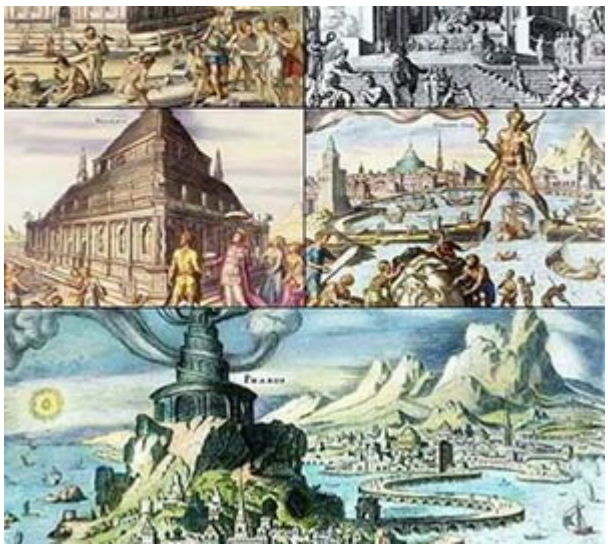

گذشت حدود ۴۸ قرن بر اثر فرسایش ۱۰ متر از ارتفاع آن کاسته شده است. ضلع مورب این هرم ۲۲۷ متر بوده و این اثر عجیب زمینی را به مساحت ۵۰۰۰۰ متر مربع اشغال نموده است.

به نوشته هرودت ۴۰۰۰۰۰ کارگر و برده به مدت ۲۰ سال برای ساختن این بنا به کار گرفته شده اند. حجم اولیه این بنای عجیب دو میلیون و هفتصد هزار متر مکعب و وزنی معادل ۸ میلیارد کیلو بوده است. سنگ های به کار رفته در این هرم (و اهرام دیگر) را از نقاط کوهستانی بسیار دور (احتمالا از شرق رود نیل) به این محل کرده و در ساختن این بنا به کار برده اند.

قرار دادن این سنگها با ابزار اولیه و تراز کردن هرم ها به این دقیقی چگونه امکان داشته است؟ (در حال حاضر باستان شناسان به تشعشعات خاصی شبیه رادیواکتیو که از برخی از سنگهای درون این هرم ساطع میشود برخورده اند). راهروی ورودی هرم که یکراست بطرف شمال میرود اگر خط فرضی از آن امتداد یابد با چند درجه اختلاف به نقطه قطب شمال منتهی میشود (این اختلاف درجه به علت پیدایش انحراف در محور حرکت وضعی زمین نسبت به مدار حرکت انتقالی میباشد). اهرام مصر در حال حاضر توسط دقیقترین و پیشرفته ترین وسایل باستان شناسی مورد تحقیق قرار گرفته اند. این هرم ها مقبره فراعنه مصر میباشد که به صورت مومیائی شده در این مقابر قرار داده شده اند.

۲) باغ های معلق بابل

تمدن بابل بر کسی پوشیده نیست شیوه های معماری و آثار بدست آمده چنین عظمتی را در این سرزمین به اثبات رسانده است. برج بابل از عالی ترین نشانه های معماری بشری است که دارای هفت برج بزرگ با دیواره هائی از کاشی های منقش و درخشنده بوده است و هر برج ۲۰۰ متر ارتفاع داشته است. در نزدیکی برج بابل قصر با شکوهی توسط بخت النصر پادشاه بابل ساخته شده بود با دیوارهای آجری زرد رنگ و کف سنگفرش با مجسمه هائی تراشیده شده از سنگ به شکل شیر.

با فاصله ای از همین قصر و در واقع بیرون از شهر باغ های معلق بابل قرار داشتند که این باغ ها از عجایب عالم و از شاهکار های معماری محسوب میشوند . این باغها که به روایتی ۵ تراس منطبق بودند به دستور نینوس پادشاه دیگر بابل برای همسرش سمیرامیس در کنار رود فرات بنا گردیدند.

برای ایجاد قدرت در پایه های این بنا ها از ستونهای سنگی مربع به ضلع ۵ متر استفاده کرده بودند. طبقات به وسیله مواد خاصی عایق بندی شده بودند تا از نفوذ آب باران به طبقات زیرین جلوگیری شود. برای آبیاری هر یک از طبقات (باغ ها) آب فرات را مستقیما به آنها تا بالاترین قسمت هدایت میکردند. (با توجه به اینکه در دو طرف این بناها کوه هائی مرتفع قرار نداشتند تا از خاصیت آرتزین استفاده شود این امر یکی از عجایب این بنا را نشان میدهد) این باغ ها (تراس های آن) مشرف بر رود فرات وشهر بابل بود و چشم انداز زیبائی داشت و عبور و مرور قافله ها و کاروان های تجاری شرق و غرب از آن مشاهده میگردید. این بنا در حدود ۶۰۰ ق.م ساخته شد ولی اکنون آثاری از ساختمانهای آن مشاهده نمیشود. فقط از آجرهای باقیمانده آن سدی طویل بر روی رود فرات بسته شده است.

۳) برج (چراغ یا فانوس) دریائی اسکندریه

این برج در جزیره ای به نام فار در نزدیکی بندر اسکندریه در مصر در دریای مدیترانه فعلی بنا گردیده بود تا با آتشی که دائم در انتهای آن روشن بود راهنمای کشتی ها باشد این بنا در ۲۴۷ الی ۳۰۴ قبل از میلاد به دستور بطلمیوس دوم جانشین اسکندر بوسیله معماری به نام سوستررات ساخته شد. این برج بر روی پایه ای چهار گوش که ۶۹ متر ارتفاع داشته بنا گردیده بود که خود پایه چهار گوش نیز بر روی بنای هشت ضلعی ۳۸ متری قرار داشت – برج ۹ متری دیگری نیز بر روی این برج بنا شده بود که فانوس (آتش افروزان) دریائی بر انتهای آن پرتو افکن بود. این برج در سال ۱۳۷۵ میلادی در اثر زلزله به کلی ویران گردید و اثری از آن به جای نماند. (یونانیها که در واقع بیان کننده عجایب هفتگانه جهان میباشند ارتفاع این برج را ۲۷۲ متر ذکر کرده اند ولی به نظر میرسد که اغراق آمیز باشد).

۴) مجسمه رودس

جزیره رودس در دریای اژه مدیترانه در جنوب غربی کشور ترکیه واقع شده و متعلق به کشور یونان میباشد. مردم این جزیره در زمانهای قدیم عموما

ملوان بودند و در مجسمه سازی مهارت زیادی داشتند. به نوشته مورخان در این جزیره بیش صد مجسمه غول پیکر ساخته شده بود و عظیمترین آنها مجسمه ای برنزی بود به نام رودس که نام واقعی آن هلیوس یا رب النوع خورشید بوده است. ارتفاع این مجسمه حدود ۴۰۰ متر بود که به سال ۲۸۰ قبل از میلاد ساخته شد ولی ۵۶ سال بعد به علت زلزله ای شدید ویران شد (۲۲۴ ق.م)

۵) مجسمه زئوس

در اساطیر یونان زئوس خدای قدرتمندی بود که با مختصر اخمی کوه را متزلزل میکرد. بنابراین مجسمه این الهه قدرت را در المپیای یونان به سال ۴۳۲ ق.م مجسمه ساز معروفی به نام فیدیاس تراشیده. عکس این مجسمه که از سکه های قدیمی بدست آمده نشان میدهد که زئوس با حالتی اخم آلود بر تخت نشسته است – تختی از عاج و آبنوس با طلا و جواهرات گرانبها . مجسمه زئوس از طلا و عاج تراشیده شده بود و تنه آن از چوب آبنوس بوده است. تاجی از طلای خالص به شکل خار بر روی سر و مجسمه ای از الهه پیروزی را در دست راست و عصای سلطنت را در دست چپ داشته است. ارتفاع این مجسمه گرانبها ۱۵ متر بوده و به علت جنگ هائی که بین رومی ها و یونانیها در گرفته است از بین رفت یا در واقع غارت شد.

۶) معبد دیان (دیانا)

در قرون ۶ الی ۵ قبل از میلاد معبد بسیار با شکوهی برای الهه ی شکار و ماده در یونان ساخته شد که جزو عجایب هفتگانه جهان شناخته میشود. این معبد در فضایی بطول ۱۲۷ متر و عرض ۷۳ متر و دارای ۱۲۷ ستون بود که به سبک معماری یونانی در دو ردیف بالا رفته بود . محل بنای این معبد جائی بود که خطر تخریب آن را بوسیله ی زلزله کاهش میداد. بدین معنی که در زمینی باتلاقی و نرم مقدار زیادی زغال و چوب و کیسه های پوستی ریخته شد و سپس بر روی آن این بنا از مرمر ساخته شد. ساختمان این معبد به سال ۴۰۰ ق. م پایان یافت ولی در ۳۴۶ ق .م بر اثر آتش سوزی مهیبی از بین رفت و نابود شد. بدین معنی که ابتدا حریق از دیواره های چوبی جدا کننده سالن های این بنا به سنگ مرمر سرایت کرد و سنگ مرمر که ترکیبی از کربنات کلسیم است بر اثر حرارت تبدیل به اکسید کلسیم (آهک) گردید و از بین رفت . آتش سوزی این بنا عمدی بوده و به دست شخصی به نام ارستورات به آتش کشیده شد. معهذا این بنا مجددا تجدید بنا گردید ولی مجددا نیز به سال ۳۶۲ شخصی به نام هردسیراتس از سرکردگان قوم " گت" ها آن را خراب نمود و بالاخره نرون سفاک معروف رومی و دار و دسته وی مصالح و تزئینات این معبد را غارت کردند بطوری که امروزه آثاری از این بنا به جای نمانده است

۷) مقبره موزول

این مقبره که بنا به دستور آرتمیس زن موزول پادشاه کاریس (در جنوب آسیای صغیر) به عنوان آرامگاه موزول ساخته شد بعنوان یکی از آثار وعجایب هفتگانه ثبت گردیده است. این بنا در شهر هالیسکارنا ی کاریس (آسیای صغیر) بنا گردید. (کلمه mausoleum که در انگلیسی مقبره عالی معنی می دهد از همین بنا نام گرفته است) محیط این بنای چهار گوش ۱۴۰ متر و سقف آن هرمی شکل بود که در راس آن کالسکه پیروزی با چهار اسب حامل شاه و ملکه بود. ارتفاع این بنا بین ۴۰ تا ۵۰ متر بود. تالاری به عنوان زیرزمین در این بنا قرار داشت که تابوت موزول در آن قرار داده شده بود . این بنا بوسیله سواران سن ژان تخریب گردید تا از سنگ های آن برای ساختن استحکامات و برج و بارو استفاده کنند- سنگ های مرمر آن را نیز سوزانده و از آن آهک ساختند. امروزه از آن اثر با عظمت فقط قطعاتی در موزه لندن دیده میشود.

منبع : سازمان آموزش و پرورش استان خراسان

http://vista.ir/?view=article&id=292390

vista.ir
Online Classified Service

بسیاری از مردم، آثاری چون دیوار چین، تاج‌محل و تخت جمشید را به عنوان عجایب هفتگانه‌جهان می‌شناسند، اما این آثار که بسیار زیبا وکم‌نظیر هستند، در فهرست عجایب هفتگانه جهان‌قرار ندارند. فهرستی که در روزگار باستان تعیین‌شده و پس از آن نیز توسط باستان‌شناسان وهنرشناسان تایید شده است و جز عجایب‌هفت‌گانه هستند، به این شرح می‌باشد:

۱) اهرام مصر، در مصر

۲) باغ‌های معلق بابل، در عراق

۳) مجسمه زئوس، در المپیا

۴) معبد آرتمیس، در افسوس

۵) مقبره ماسولوس، در هالیکارناسوس

۶) مجسمه عظیم رودس، در یونان

۷) برج دریایی اسکندریه، به در جزیره فاروس

اکنون به تاریخ ساخت و چگونگی این بناها وهمچین دلیل عجیب بودنشان می‌پردازیم.

- هرم خوفو:

«هرم خوفو» بزرگ‌ترین هرم در بین اهرام مصر است. این بنا که قدیم‌ترین و بزرگ‌ترین بنا در بین‌عجایب هفتگانه می‌باشد، تنها بنایی است که درحال حاضر وجود دارد.

«هرم خوفو» در ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد ساخته‌شده است. این هرم بلندترین بنای ساخته دست‌بشر تا سال ۱۸۸۹ می‌باشد; از این رو این هرم‌جزو عجایب هفتگانه قرار گرفته است. بیشترسنگ‌های تشکیل دهنده این بنا، سنگ‌های‌عظیمی است که امروز تنها با تریلرهای بسیاربزرگ قابل حمل است. ارتفاع فعلی این هرم۱۳۸ متر است.

- رودس یونانی:

مجسمه عظیم الجثه رودس در یونان یکی دیگر ازعجایب زیبایی جهان بشمار می‌رود. ارتفاع این‌مجسمه، یك شاهکار برجسته معماری بود که‌برروی جزیره رودس در حدود ۲۸۰ سال قبل‌از میلاد ساخته شده بود.

هیچ‌کس نمی‌داند این مجسمه شبیه چه کسی بوده‌یا در کجا قرار داشته است. به گفته کارشناسان‌فرهنگی، احتمالا این مجسمه در نزدیکی دروردی لنگرگاهی بنا شده بوده و پاهای مجسمه‌در دو طرف قرار داشته است; به‌طوری که‌کشتی‌ها از میان پاهای آن عبور می‌کرده‌اند.باستان‌شناسان این مجسمه را جزو عجایب هفتگانه‌جهان قرار داده‌اند.

- آرتمیس ترك:

معبد آرتمیس در «افوسوس» ترکیه می‌باشد. این‌بنا با داشتن ۱۰۰ ستون مرمری زیبا که ارتفاع هرکدام از آنها به ۱۵ متر می‌رسید، یکی از عجایب‌هفتگانه به حساب می‌آید. این معبد، فضایی رااحاطه می‌کرد که تقریبا چند برابر وسعت‌آکروپلیس در آتن بود. در این معبد، حوادث‌زیادی اتفاق افتاده است. این بنا در ۶۰۰ سال‌پیش از میلاد ساخته و در ۵۵۰ سال پس از میلاددر آتش سوخت; سپس مجددا به صورت زیباتر وعظیم‌تر باز سازی شد. این بنا بار دیگر برای دومین‌بار دچار حریق شد.

- زئوس یونانی:

مجسمه زئوس در المپیای یونان است و یکی ازعظیم‌ترین مجسمه‌های جهان به شمار می‌رود.این اثر در۴۵۰ سال قبل از میلاد توسطمجسمه‌ساز معروفی به نام «فیدیاس» ساخته شد.ارتفاع مجسمه «زئوس» در حدود ۱۲ متر است.«فیدیاس» با ساخت این مجسمه بلند می‌خواست‌اقتدار و نیرومندی زئوس را نشان دهد. مجسمه‌زئوس در معبد زئوس، ۶۴ متر طول و ۷۲ ستون‌به سبك معماری قدیم یونانی دارد. مجسمه زئوس‌در حدود ۸۵۰ سال در این معبد قرار داشت. تاهنگامی که یونانی ها آن را به استانبول منتقل‌کردند. البته بعد از مدتی به آتش کشیده شد و ازبین رفت. عظمت و زیبایی این مجسمه سبب شدکه در فهرست عجایب هفتگانه قرار گیرد.

- باغ‌های بابل

باغ‌های معلق بابل در عراق یکی از بحث‌برانگیزترین عجایب هفتگانه و بی‌نظیرترین‌معماری‌های جهان به شمار می‌رود. البته عده‌ای‌از

باستان‌شناسان هنوز در وجود داشتن آن شك‌دارند. بعد از بدست آمدن اسناد اصلی وخرابه‌های برجا مانده از آن زمان، وجود داشتن‌آن ثابت شد. در این میان سوالی مطرح است که‌این باغ‌های معلق چرا ساخته شدند؟ درپاسخ به‌این سوال باید افزود که شاه «نبوکد» این بنای‌عجیب را برای خوشحال کردن همسرش در ۶قرن قبل از میلاد ساخت. عده‌ای از تاریخ نگاران‌می‌گویند: ملکه آشوری این باغ را برای تفریح وسرگرمی خود ساخته است.

● ملکه هالیکارناسوس:

ارتفاع این مقبره مرمری به اندازه یك ساختمان۱۴ طبقه بود. ملکه «آرتمیسیا» فرمان ساخت این‌مقبره را در هالیکار ناسوس برای همسرش در۳۵۳ سال قبل از میلاد صادر کرد. ملکه این بنا رابرای قدردانی از همسرش ساخت و به این منظوربهترین هنرمندان و مجسمه سازان آن زمان راگرد آورد. ملکه آرتمیسیا دو سال پس از همسرش‌درگذشت. جالب است که بدانید، شاه ماسولوس‌هم همسر آرتمیسیا بود و هم برادرش. این بنا درحدود ۱۷ قرن پا بر جا بود و در ۱۴۰۰ سال پس‌از میلاد، در اثر زلزله فرو ریخت. گفتنی است که‌شاه «ماسولوس» هم همسر آرتیمیسا بود و هم‌برادرش

● فانوس اسکندریه:

فانوس اسکندریه یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای‌روزگار باستان می‌باشد. ارتفاع آن بنا حداقل به‌اندازه یك ساختمان ۴۰ طبقه امروزی بود وبرای ۱۶ قرن پا برجا بود.

برخلاف ۶ عجایب دیگر، فانوس اسکندریه‌استفاده‌های عملی بسیار داشت. این بنا به‌کشتی‌های دریانوردی کمك می‌کرد که اسکله‌هارا به راحتی پیدا کنند و با ایمنی کامل داخل آن‌شوند. این اسکلت برای ۱۶۰۰ سال باقی ماند وارتفاع آن ۱۸۰ متر و بلندترین ساختمان دنیابود، اما با ساخت «برج ایفل» در سال ۱۸۸۹،«ایفل» بلندترین برج دنیا نام گرفت.

منبع : مجله خانواده سبز

http://vista.ir/?view=article&id=242350

vista.ir
Online Classified Service

عروس زاگرس

ایلام، تاریخی بس کهن دارد که به دوران مادها و اشکانیان بازمی گردد و در دوران ساسانی رونق بسیار گرفته است. استان ایلام با ۱۹ هزار کیلومترمربع وسعت و با جمعیتی معادل ۵۴۳ هزار نفر در غرب کشورمان واقع شده است.

این استان کم جمعیت ترین استان کشور است و شهرستان ایلام هم مرکز آن است که تا پیش از سال ۱۳۴۲ جزو استان کرمانشاه به شمار می آمد. مردم ایلام به گویش های کردی فیلی،کلهری، مهکی،لکی و لری صحبت می کنند که از گویش های کردی است. آب و هوای ایلام در مناطق شمالی سرد و کوهستانی و در نواحی جنوبی آن گرم و بیابانی است. کوهستان های سردسیر، جلگه های حاصلخیز، جاذبه های طبیعی و ییلاق و جنگلها، تنوع زیست محیطی جالبی را در منطقه ایجاد کرده، به همین دلیل به عروس زاگرس معروف شده است. این شهر صنایع دستی درخور توجهی

دارد که مهمترین آنها عبارتند از: گلیم نقش برجسته، قالیبافی، گلیم بافت، قالیچه گل ابریشم، خراطی، موج بافی و چیغ بافی.

● جاذبه های طبیعی

ایلام جاذبه های طبیعی بسیار و سرسبزی دارد. کبیرکوه که از انشعابات زاگرس به حساب می آید، منطقه وسیعی از این شهر را پوشش داده است. اهوران کوه و چمن گیر نیز از دیگر رشته کوههای این خطه است. در ایلام به علت بالا بودن میزان بارش برف و باران، جنگلهای پوشیده و سرسبزی وجود دارد که چشم اندازهای زیبایی را به نمایش می گذارد و سقز و کتیرادومحصول عمده این جنگل هاست.

● جاذبه های گردشگری

پارك جنگلی «چکامه» که فضای سرسبزی را در مساحت ۴ هزار هکتار در بر گرفته و از مناطق زیبای گردشگری ایلام است. دره هفت آب، دره مصفا و خوش آب و هوایی است و در۳۰ کیلومتری ایلام قرار گرفته و در آن انواع درختان گردو، سیب و دیگر میوه ها وجود دارد. در فاصله نزدیکی از این دره، جنگل زیبای مله پنجاو قرار دارد که از گردشگاه های مهم استان است. از دیگر تفرجگاه های مهم شهر، گردشگاه ششدار، تنگ دالاو و خوران ایوان، ماجی بختیارومیان تنگ است که همه ساله گردشگران زیادی رابه این شهرمی خواند.

● دریاچه های مشهور

ایلام دارای ۲ دریاچه به نامهای دریاچه دوقلوی سیاه گاو آبدانان و دریاچه سد ایلام (چم گردلان) است. این شهر همچنین دارای چشمه های فراوانی است که مهمترین آنها چشمه آبگرم چنگوله، چشمه آبگرم دهلران و نیز چشمه آبگرم کنچان چم است. تالاب های چکر، زمزم و سیاب در یوش از تالاب های ایلام است که درکناره های آن پوشش گیاهی سرسبزی وجود دارد که زیستگاه انواع پرندگان زیبا و حیوانات مختلف است. همچنین آبشارهای زیبایی در ایلام وجود دارند که هریك به نوبه خود از مراکز گردشگری آن به شمار می روند. آبشار آبگاف، آبشار گچان، آبشار سرطاف و آبشار چم آوا از معروف ترین این آبشارها هستند.

● آثار تاریخی

به علت پیشینه کهن، آثار تاریخی فراوانی در ایلام وجود دارد، به گونه ای که بیش از یك هزار بنا و اثر تاریخی در این شهر وجود دارد.هفت روستای ایلام به نامهای حیدرآباد، زنجیره علیا، پشت قلعه، تنگ فیر سرابلکان، کلم بدره و خوران ایوان به عنوان روستاهای هدف گردشگری معرفی شده اند.

ایلام دارای قلعه های فراوانی نیز است که مهمترین آنها در پی می آید.«قلعه هزارانی» که مربوط به دوره ساسانی است و ابتدای روستای هزارانی قرار دارد. مصالح آن سنگ و گچ است و روی یك تپه بنا شده است.«قلعه سام» که در شهرستان شیروان چردل قرار دارد و به دوره پارتها بازمی گردد و جنبه دفاعی و نظامی داشته و در ارتفاعات صخره ای بنا شده است. «قلعه سه کان» یکی ازبزرگترین قلعه های دوره ساسانی بوده و در ارتفاعات کبیرکوه قرار دارد و دسترسی به آن دشوار است.

«پشت قلعه آبدانان» در روستای پشت قلعه قرار دارد. «قلعه تاریخی چوار» در۲ کیلومتری ایلام قرار دارد و به اوایل دوران ساسانی مربوط است.«قلعه اسماعیل خان» که در ارتفاعات آب انبار و قلعه چکر بولی چوار که در روستای چکر در اطراف ایلام است و به دوره ساسانی مربوط می شود. «قلعه پوراشرف» که در روستای شیخ مکان قرار دارد.«قلعه سیکان» در روستای فرخ آباد واقع شده است. «دژ شیخ مکان» در تنگه شیخ مکان قرار دارد و به دوره ساسانی بازمی گردد.«قلعه زنیل» به دوره صفویه مربوط است و در روستای الیاس آباد قرار دارد و نیز قلعه های هزار در، تاجمیر و ارمو از دیگر قلعه های مهم در این منطقه هستند.

● آتشکده های ایلام

آتشکده موشکان در۲ کیلومتری شهر سرابله قرار دارد و به دوره ساسانی مربوط است.آتشکده سیاهگل ایوان در ۱۵ کیلومتری روستای سرتنگ قرار دارد و متعلق به دوره ساسانی است. آتشکده چهارطاقی در شهرستان دره شهر قرار دارد و به دوره ساسانی بازمی گردد.از دیگر آثار تاریخی و دیدنی ایلام که از مراکز مهم گردشگری این شهر هستند، کاخ فلاحتی است که در شهر ایلام قرار دارد.

این کاخ در درون باغی مصفا قرار دارد و با ستون ها و آجرهای بسیار زیبا ساخته شده است و به دوره قاجاریه تعلق دارد. مجموعه کاخ والی روی تپه چقامیرگ در شهر ایلام قرار دارد. وسعت آن ۲۵۰۰ مترمربع است که شامل اتاقها، تالارها و نیز کتیبه ای در آن است و به دوره قاجاربازمی گردد. سنگ نوشته آشوربنی پال بر دیواره کوهی در روستای گل گل در ۲۵ کیلومتری ایلام قرار دارد و متعلق به ۳۰۰۰ سال پیش است. تپه ورده کبود در ۲۰ کیلومتری ایلام قرار گرفته و در گذشته گورستان بوده است.

چون تعداد زیادی اجساد به همراه اشیای مفرغی و آهنی از آنجا کشف شده و متعلق به قرن هفتم است. کتیبه تخته خان که روی سنگی به

ابعاد ۲ متر در مکانی به نام تخت خان در ۳۰ کیلومتری ایلام قرار دارد. قلعه تیران در شهر ایلام و در ارتفاعات کوه قلافیران بنا شده که مشرف بر ناحیه جنگلی ششدار است و از جاذبه های گردشگری این شهر به شمار می رود. در اطراف شهر ایلام و در ارتفاعات غارهای متعددی وجود دارد که دیدن هرکدام به نوبه خود جالب است. غار مهران و غار ملك در روستای اکره بید زرین آباد، غار ایوان و غار خفاش در دهلران، غار زیندگان، غار تایه گه در روستای صالح آباد از جمله این غارها هستند.

منبع : روزنامه ابرار

http://vista.ir/?view=article&id=243675

vista.ir
Online Classified Service

عزیز الله

کتیبه سنگاب سقاخانه عزیزالله

این سقاخانه تا پایان نیمه اول قرن چهارده هجری در میان چهار سوی بازار رو به روی در بزرگ ورودی مسجد جامع وجود داشته که پس از ویرانی بازار سنگاب سقاخانه در گوشه‌ای از مسجد علی نگهداری شده و اکنون از خود سقاخانه اثری به جا نمانده است. کتیبه این سنگاب حاکی از آن است که در دوره شاه سلیمان صفوی سنگاب مزبور در این محل به وسیله شخصی به نام (عزیزالله) نصب شده است.

کتیبه سنگاب به خط نستعلیق برجسته از این قرار است:

نظام داد عزیز این بنای عالی را به عهد خسرو اقلیم دین سلیمان شاه (سقی الله ثراه و جعل الجنه مأویه) ز بهر خیر تراشید سنگ آب زلال که بر یزید توان کرد لعن خاطرخواه رقم زد از پی تاریخ خامه مسعود سبـــیل باد سقاخانه عزیـــز الله

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105928

vista.ir
Online Classified Service

عشایر؛حافظان میراث فرهنگی ایران زمین

عشایر آذربایجان غربی می‌گویند: عوامل مختلفی همچون شخم‌های

بی‌رویه مراتع، افزایش تعداد دام‌ها به ویژه دام روستایی، از بین رفتن مراتع، از هم پاشیدگی نظام ایلی، کمبود علوفه دامی و گرانی آن، وجود واسطه‌ها و جاذبه‌های شهری، نبود امکانات رفاهی در جامعه عشایری، کمبود داروهای دامی، خشکسالی‌های پیاپی و کمبود نیروی انسانی از جمله چوپان، موجبات از هم پاشیدگی زندگی عشایری را فراهم کرده است.

به نظر می‌رسد آشنایی عمیق و هماهنگی مدیران ساختار تشکیلاتی دستگاه‌های اجرایی مربوطه با فرهنگ و بافت جامعه عشایری و برنامه‌ریزی همه‌جانبه می‌تواند کلید حل مشکلات این قشر از جامعه شود.

آن‌ها پشم می‌چینند و شیر می‌دوشند و جاجیم می‌بافند، روغن می‌گیرند و ماست می‌زنند، شاهنامه می‌خوانند، تفنگچی دارند، میهمان‌نوازند و سنت‌ها را گرامی می‌دارند، موی بز می‌ریسند و در سیاه چادرهایشان می‌آسایند.

با رسیدن فصل کوچ، زنان، کودکان و مردان عشایر کوچ نشین با کوله باری از تجربیات کوچ سال‌های گذشته بدون دغدغه و نگرانی، سختی راه را تحمل می‌کنند تا به مقصد خود برسند.

● فرهنگ کوچ‌نشینی

کوچ نشینی تنها یک نوع زندگی و طریقی از زیستن نیست بلکه یک فرهنگ و یک تاریخ کهن با آداب و رسوم و سنن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که پشت این زندگی ساده و بی‌پیرایه نهفته است. پس همانطور که تاکنون از آثار بی‌جان و بدون تحرک به عنوان ارزش‌ها و افتخارات ملی و فرهنگی خودمان حفاظت و هزینه‌های زیادی را نیز در این راه صرف کرده‌ایم، باید با این پدیده زنده و پویا که نه تنها بخشی از تاریخ و فرهنگ ما را بازگو می‌کند بلکه جامعه‌ای تولیدکننده نیز به شمار می رود و در عین حال با مشکلات فراوانی روبروست با حساسیت بیشتری برخورد شود.

بهره‌وری از ویژگی‌ها و امتیازات فرهنگی، هنری و اجتماعی عشایر موضوع با اهمیتی است. عشایر همچنان ویژگی‌های قبیله‌ای و طایفه‌های خودشان را کم و بیش حفظ کرده‌اند و دارای آداب و رسوم و سنن خاص خودشان هستند. جلوه‌های هنر و صنایع‌دستی عشایر جلوه‌های زیبایی است که می‌تواند تقویت بشود .باید بتوانیم این جلوه‌ها را چه در زندگی اجتماعی، چه در آداب و رسوم و سنن عشایر و چه در هنر و ذوق و سلیقه عشایر خوب عرضه کنیم و عرضه آنها، یک بازگشت به هویت خودمان است و این هویت، روحیات، سلیقه، ظرافت‌ها و خلقیات آن قوم را نشان می‌دهد.

عشایر ویژگی‌ها و طرح‌ها و رنگ‌های خاص خودشان را در صنایع‌دستی دارند و این جاذبه‌های فوق‌العاده‌ای هم برای بهره گیری در ایران و هم در دیگر نقاط جهان به خوبی مورد توجه واقع نشده است.

به نظر می‌رسد، اگر برای عرضه این جاذبه‌ها، آداب و رسوم و سنن و فرهنگ زندگی عشایری امکانات مورد نیاز فراهم و تقویت شود می‌تواند جاذبه‌های فوق‌العاده‌ای داشته باشد . همچنین می‌تواند در آمدزا و پول ساز و در بهبود وضع زندگی عشایری و فرهنگ‌سازی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

● عشایر، حافظان میراث فرهنگی ایران زمین

عشایر حافظان و حاملان ارزش‌ها و میراث فرهنگی ایران زمین هستند و با توجه به تعداد ایلات و طوایف عشایری و پراکندگی آن در گستره وسیعی از فضای جغرافیایی کشور می‌توان مجموعه‌ای از بقایای سنن، عادات، آداب، آیین و مناسک و ارزش‌های ملی، دینی، اجتماعی و فرهنگی را در مناطق عشایری مشاهده کرد.

استان آذربایجان غربی جلوه‌های روستایی و عشایری ویژه‌ای دارد که در نوع خود واجد ارزش‌های ایرانگردی است. روستاهای مراکان، بند، سیه چشمه، خوشاکو، سهولان، عیسی کندی و... از طبیعت و حیات وحشی‌استثنایی برخوردارند و روستاهای چنقرالو، تمتنان، قره کلیسا، قطور، چالدران و... با آثار تاریخی دوران مختلف یادآور حوادث تاریخی و بیانگر جلوه‌های تاریخ گذشته منطقه هستند.

براساس آخرین آمار سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده، استان آذربایجان غربی دارای بیش از ۱۴ هزار و ۵۰۰ خانوار با جمعیتی بالغ بر ۱۲۰ هزار نفر است که نسبت جنسی عشایری استان به تعداد ۱۰۵ نفر مرد در برابر ۱۰۰ نفر زن است و میانگین اعضای هر خانوار عشایری ۷/۹

نفر است.

● چهارمین استان عشایرنشین

آذربایجان غربی به لحاظ جمعیت عشایری، چهارمین استان عشایرنشین کشور است که با ۱۲ ایل و ۲۱ طایفه و با جمعیت ۱۲۰ هزار نفر ۴درصد از جمعیت آذربایجان‌غربی را تشکیل می‌دهند.

بیش از ۲ میلیون واحد دامی عشایر آذربایجان‌غربی هم در فصل کوچ بهاره عشایر در مراتع ییلاقی استان مستقر می‌شوند.

عشایر آذربایجان غربی سالانه با تولید بیش از ۱۱ هزار تن گوشت، ۲۰ هزار تن شیر و ۲ هزار تن پشم ۲۵ درصد از نیازهای استان به لبنیات و فرآورده‌های دامی را تولید می‌کنند.

در استان آذربایجان‌غربی حدود ۲/۷ میلیون هکتار مرتع وجود دارد که یک میلیون و ۶۱۴هزار هکتار دام مراتع ییلاقی و قشلاقی استان را تشکیل می‌دهد و در شرایط فعلی قریب به ۲/۵ برابر ظرفیت مراتع دام مازاد عشایر در مراتع تعلیف می‌کنند و عشایر در مدت طولانی اقامت در قشلاق (حدود ۹ ماه از سال) دام‌های خود را تغذیه می‌کنند که بیشترین هزینه خانوار را تشکیل می‌دهد و این موضوع به فقر بیشتر خانوارهای عشایری منجر می‌شود.

با آغاز فصل تابستان عشایر آذربایجان غربی کوچ خود را با بیش از ۲ میلیون راس گوسفند و بز به مناطق بورالان، سهند، سلیم خان، نادو، ساری چیچک و دالامپر آغاز می‌کنند.

عشایر استان برای رسیدن به مراتع ییلاقی ۵ تا ۱۷۰ کیلومتر مسیررا طی می‌کنند و با استقرار در یک میلیون و ۲۰۰ هکتار از اراضی مرتعی ییلاقات استان، تا پایان شهریور به پرورش دام و تولیدات محصولات لبنی می‌پردازند.

● ایجاد اشتغال برای مردم

ولی خلیلی، مدیرکل امور عشایری آذربایجان غربی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به نقش محوری عشایر در تولیدات دامی و لبنی کشور گفت: عشایر ضمن ایجاد اشتغال برای خانواده خود، باعث ایجاد شغل‌های متعدد برای مردم روستاها و شهرها نیز می‌شوند.

خلیلی اظهار کرد: عشایر استان آذربایجان غربی، حدود ۲۵ درصد پروتئین مصرفی در استان از قبیل گوشت، شیر و لبنیات را تولید می‌کنند.

وی در ادامه به نقش عشایر استان در جذب توریست و پیشرفت صنعت گردشگری استان اشاره کرد و گفت: عشایر آذربایجان غربی به دلیل دارا بودن فرهنگ و آداب و سنن خاص و داشتن جذابیت‌های اکوتوریستی نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کنند.

خلیلی جاذبه‌های طبیعی و دیدنی مناطق عشایری استان را تشریح کرده و گفت: مناطق عشایری بورالان ماکو با وجود چشمه ثریا و دامنه‌های آرارات، وجود تالاب‌ها و مساکن سنگی، عشایر و سیاه چادر مستقر در آن منطقه، ییلاقات خانگل، نادو، مرغان، سیدعلی، مخور در شهرستان ماکو، مناطق زیبای قطور، بله‌سورو ییلاقات حاجی‌بیک در خوی، مناطق ییلاقی ساری چیچک، سرهلات، جاندار و زیارت در سلماس، مناطق قشلاقی و ییلاقی ترگور و مرگور و دامنه‌های کوه‌های بزسینا و دالانپر و آبشار سوله دگل در ارومیه و ییلاقات، بابادین، گلوان در شهرستان نقده از جمله جاذبه‌های دیدنی هستند.

همزمان با آغاز فصل گرما و تابستان، کوچ عشایر مناطق شمال آذربایجان غربی به ییلاق آغاز می‌شود.

شاید دیدن جمعی از عشایر کوچرو در مسیر کوچ، با انبوهی از دام، در حالی که زن و فرزند و بار و بنه خود را بر پشت اسب و شتر از قشلاق به ییلاق می‌برند برای تماشا و در قاب عکس، زیبا و چشم‌نواز جلوه کند، اما آنچه در این ییلاق و قشلاق سالیان دراز بر دل این قشر سختکوش نشسته است حکایتی دیگر دارد.

برنامه‌ریزی مبتنی بر اصول و واقعیت‌های ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این جامعه است که از جمله آنها می‌توان به اصلاح قوانین مربوط به مراتع، مشخص کردن حدود ایلراه‌های عشایری، بیمه دام‌ها، تشکیل خانه‌های بهداشت عشایری، تامین علوفه و جو مورد نیاز دام عشایر، خرید تضمینی دام و... ایجاد مدرسه در مقاطع راهنمایی و دبیرستان یا شبانه‌روزی، ایجاد شغل‌های جایگزین و خرید محصولات دامی اشاره کرد.

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=370770

vista.ir
Online Classified Service

عشق، کویر و ماشین دو دیفرانسیل

کویرگردی یا کویرنوردی مدت زیادی نیست که وارد ادبیات گردشگری ایران شده است. دلیل این تاخیر شاید عدم شناخت کویر باشد چرا که استنباط مردم عادی از طبیعتگردی یافتن آب و درخت و سایه است.

اما در این میان کسانی هم هستند که عاشق طبیعتند و انواع آن را تجربه می‌کنند. کویر و شب و سکوتش مورد توجه بسیاری است. جدا از افرادی که از خارج کشور به قصد دیدن کویر می‌آیند هموطنانی هم هستند که این طبیعت زیبا را کشف کرده‌اند و نه فقط به چشم یک گردشگاه، بلکه به عنوان یک علاقه به آن نگاه می‌کنند.

تعداد آژانس‌هایی که در ایران تورهای طبیعتگردی برگزار می‌کنند محدود است. ارگان‌های دولتی هم که مدت زیادی نیست گردشگری را به رسمیت شناخته‌اند و برای آن سرمایه گذاری کرده‌اند اما هنوز اقدامات قابل توجهی برای ساماندهی گردشگری در کویر انجام نداده‌اند. در این میان علاقه‌مندان کویرگردی هستند که با روش‌های جالب (مثل اورکات) همدیگر را پیدا کرده‌اند و گروه‌های کوچک آماتوری برای سفر به کویر تشکیل داده‌اند.

اعضای گروه کویر در اورکات از جمله این افرادند. صاحب این گروه قبلا «محسن ادیب» بوده است. او اولین سفرهایش را به کویر مرکزی ایران و تنها انجام داده است. به دلایل شخصی هر هفته به اصفهان می‌رفته و با دیدن دریاچه نمک تصمیم گرفته با ماشین شخصی‌اش پا به کندوهای نمک بگذارد. این شروع سفرهایی است که از دو سال پیش به صورت گروهی درآمده و هنوز هم ادامه دارد.

برنامه هر سفر کویری در گروه، یا از طریق ای میل یا تلفن (به افرادی که آشناترند) اعلام می‌شود. هر کس با ماشین شخصی خودش که حتما باید دو دیفرانسیل باشد با گروه همراه می‌شود. دو گالن بیست لیتری بنزین باید همراه هر ماشین باشد. آب و غذا به عهده خود افراد است. قبل از هر سفر تاکید می‌شود مسافران دو برابر نیاز آب به همراه داشته باشند. کیسه خواب و لوازم شخصی هم که همراه داشته باشند دیگر نیاز به چیزی نیست. هزینه‌ای هم نباید پرداخت.

سفرها معمولا دو روزه انجام می‌شود. با این حساب هر کس باید ۴ بطری آب یخ زده و یک وعده شام و ناهار همراهش باشد. تعداد افراد گروه در هر سفر معمولا ۲۰ نفر می‌شود، یعنی پنج ماشین.

این گروه به محیط زیست اهمیت می‌دهند. در کویر زباله نمی‌ریزند و اگر زباله‌ای ببینند با خود از کویر خارج می‌کنند. همچنین سعی می‌کنند به مار و بزمجه و عقرب آسیبی نرسد.

«ادیب» به گفته خودش در این چند سال تجربیات خوبی به دست آورده است. راهنمایی گروه را در کویر خودش به عهده می‌گیرد. اما مشکلاتی هم هست که برایشان به وجود می‌آید.

«تهیه نقشه‌های خوب و gps کمی مشکل است. هم هزینه‌ها بالاست و هم سازمان‌ها تخفیفی برای ما قایل نمی‌شوند. برای سفر به کویر هم gps و نقشه‌های دقیق منطقه ضروری‌اند.»

مشکل دیگر گم شدن در کویر و یا وجود احتمالی راهزن‌هاست. قبل از رفتن چند و چون سفر به یکی از دوستان گروه در نیروی انتظامی اطلاع داده می‌شود تا اگر تاخیری در بازگشت به وجود آمد نیروی کمکی اعزام شود. مشورت با نیروی انتظامی آنها را از خطرات احتمالی سفر به کویر لوت مطلع کرده است. سفر به کویر لوت ترجیحا بدون حضور خانم‌ها و با هماهنگی و همراهی پلیس باید انجام شود. به دلیل وضعیت خاص منطقه مثلا در سیستان و بلوچستان و مهمتر، رواج نداشتن این نوع گردشگری، به بیابان زدن بدون دلیل توجیحی ندارد. نباید بی گدار به بیابان زد. وگرنه یا باید با راهزن‌ها حریف شوند و یا با راهزن‌ها اشتباه گرفته می‌شوند.

گیر کردن در گل چسبنده کویر مشکل بزرگی است. برای جلوگیری از چنین پیش آمدی باید فصل خشک را برای سفر به کویر انتخاب کرد.
اما اساسی‌ترین مشکل بی آبی در کویر است. هر نفر باید دو برابر نیاز خود آب ببرد. اگر هم کسی درکویر گم شد باید روش‌های پیدا کردن آب را بداند. یکی دنبال شترها رفتن در غروب است و دیگری کندن گودال، پوشاندن سطح آن با پوشش نایلونی بدون سوراخ و قرار دادن ظرفی زیر آن. با این روش بخار آب تقطیر می‌شود و در عرض سه چهار ساعت نصف لیوان آب به دست می‌آید.
در کویر مرکزی این گروه سفرهای زیادی انجام داده و معمولا مسیر ورامین، قصر بهرام، کاروانسرای سفیداب و مرنجاب را طی کرده است. جاده سنگفرش گرمسار را هم گذرانده‌اند. جاده‌ای با دو متر سنگریزه در عمقش که به مرور زمان از بین رفته و سازمان میراث فرهنگ و گردشگری در صدد بازسازی آن است.
مسیر دیگری که «ادیب» از آن تعریف می‌کند جندق، مصر، عروسان، گرمه و محمد آباد کوره گز است. در روستای آشین در نزدیکی انارک این گروه طبیعتگرد با پیرمردی ۸۶ ساله آشنا شده که به تنهایی زندگی و کشاورزی می‌کرده است.
«امیر صادقی» یکی دیگر از افراد گروه است که به مطالعه و نوشتن علاقه زیادی دارد. او معتقد است یکی از مشکلاتی که باعث شده کویر ایران ناشناخته بماند این است که معمولا کسانی که به گردش می‌روند عادت به نوشتن ندارند. او می‌گوید بیشتر اطلاعاتی که از کویر ایران موجود است را خارجی‌ها نگاشته‌اند. او از کویر می‌نویسد و اطلاعات را در اختیار دوستداران قرار می‌دهد. «صدیقی» می‌گوید: «مقاله‌ای خواندم که در معرفی کویر نوشته شده بود. نکته جالب و تلخی در آن توجهم را جلب کرد. در مقاله به بوته‌های کویری اشاره شده بود که خوب می‌سوزند و آتش خوبی دارند. کسی که به کویر می‌رود اساسا باید فکر آسیب به کوچک‌ترین اعضای آن را هم از سرش بیرون کند.»

منبع : وبگاه کویرهای ایران

http://vista.ir/?view=article&id=357560

vista.ir
Online Classified Service

عمارت کلاه فرنگی

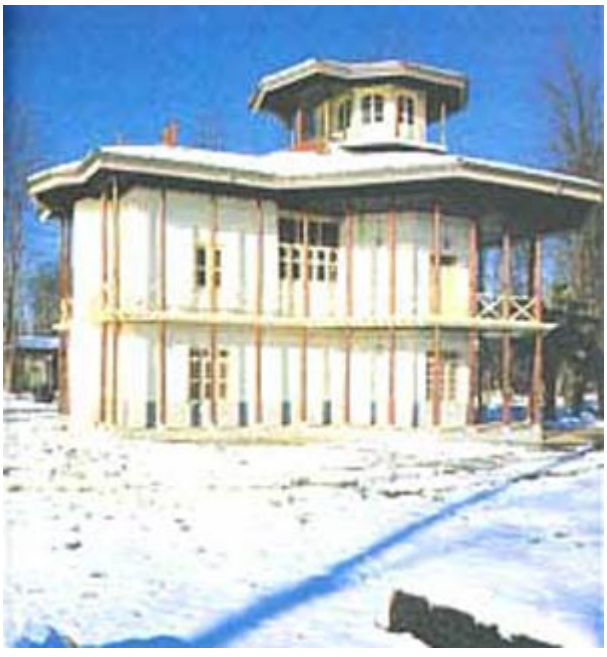

این عمارت که در میان پارک شهر رشت (باغ محتشم) جای گرفته ، از بناهای زیبای شهر رشت به شمار می آید. رودخانه ی گوهر رود با انحنای خاصی از جنوب ساختمان و باغ ، عبور کرده و زیبایی محیط اطراف بنا را دو چندان می سازد.
باغ محتشم و عمارت کلاه فرنگی در زمان « محمد صادق خان اکبر سردار محتشم » ملقب به سردار معتمد ساخته شد.
این بنا از بیرون ، سه طبقه به نظر می آید؛ در حالی که از داخل دارای چهار طبقه است. در اطراف ساختمان ، در طبقات اول و دوم هجده ستون چوبی کار گذارده شده که بام و بالکن طبقه دوم را بر روی خود استوار می دارند. طبقات اول و دوم ، هر یک دارای دو اتاق است. این اتاق ها هر یک به وسیله ی پنجره هایی ، نورگیری داخلی و تهویه ی مناسب هوا را در فصل گرم سال ممکن می سازند.
عمارت کلاه فرنگی یک بنای چند ضلعی است. همین مسئله ظاهر زیبایی

به ساختمان می بخشد و از یک نواختی نمای بیرون آن جلوگیری می کند. بلندترین اتاق این عمارت ، هشتگوش و از هر سو دارای پنجره هایی است که رو به باغ باز می شود.

مصالح به کار رفته در این بنا آجر، چوب و گچ است. از سفال های خمره ای قرمز رنگ نیز برای پوشش بام استفاده شده است. عمارت کلاه فرنگی مدت ها محل سکونت حاکمان و فرمانداران شهر رشت بود و بارها تعمیر و مرمت شد. در سال ۱۳۷۴ این عمارت به مدیریت میراث فرهنگی گیلان واگذار گردید و امروزه از آن به عنوان مرکز آموزش هنرهای سنتی استفاده می شود.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=93885

vista.ir
Online Classified Service

عوارض سفر هوایی(Jet Lag) و رژیم غذایی آن

Jet Lag یک اختلال موقتی و آنی است که در نتیجه مسافرت هوایی طولانی مدت و گرسنگی و بی خوابی رخ می دهد. نشانه های این اختلال عبارتند از: اضطراب، تشویش، نگرانی، یبوست، سردرد، حالت تهوع، از دست دادن آب ، اسهال، گیجی، عرق کردن ، زود رنجی و حتی گاهی از دست دادن حافظه.

● نقش ملاتونین در Jet Lag چیست؟

ملاتونین هورمونی است که نقش اساسی در مقابل Jet Lag دارد. بعد از غروب آفتاب، هوا رو به تاریکی می رود و باعث می شود که هیپوتالاموس، ملاتونین را آزاد کند. ملاتونین وقتی آزاد شد، به خواب می رویم.

هیپوتالاموس مانند یک زنگ بیدارباش در زمان گرسنگی، تشنگی و خواب عمل می کند. هیپوتالاموس اعمال دیگری را نیز انجام می دهد، از قبیل: تنظیم درجه حرارت بدن، فشار خون و مقدار ترشح هورمون ها و ورود قند به جریان خون.

برعکس، وقتی چشم ها نور آفتاب را می بینند، به هیپوتالاموس می گویند تا تولید ملاتونین را متوقف کند. اما هیپوتالاموس نمی تواند بلافاصله برنامه خود را تنظیم کند و به همین خاطر چند روز طول می کشد تا به محیط جدید عادت کند.

● آیا مقصد برای هیپوتالاموس مهم می باشد؟

بله. سفر هوایی شمال یا جنوب، کمترین مشکلات را پی دارد، چرا که ساعت از نظر زمانی تغییری نمی کند. اما این سفرها نیز ممکن است ناراحتی هایی را به دنبال داشته باشد، از قبیل: تغییرات آب و هوا ، آداب و رسوم و عادات غذایی.

سفر هوایی شرق، مشکلاتی را از نظر زمان پیش می آورد. وعده های غذایی، خواب، دفع مزاج و دیگر عادات روزانه ی شخص تغییر می کند.

سفر هوایی غرب، مشکلات کمتری نسبت به سفر هوایی شرق دارد. اما به هرحال به خاطر تغییر زمان، علائم Jet Lag را دارد.

● بهترین راه برای پیروز شدن بر سفر هوایی یا Jet Lag چیست؟

۱۱ راه کار برای کم کردن عوارض ناشی از Jet Lag وجود دارد که در زیر آمده است:

۱) قبل از روز پرواز

قبل از سوار شدن به هواپیما یا کشتی، بهتر است خونسرد و آرام باشید و مطمئن شوید که هرچه را لازم بود، برداشته اید. به هیچ عنوان خود را خسته نکنید. کمی ورزش کنید تا روحیه خود را تقویت کنید و بیماری را از خود دور کنید، چرا که اگر بیمار باشید، مشکلات زیادی در طول سفر خواهید داشت. از همه مهم تر، خوب بخورید و استراحت کافی داشته باشید. با این کارها، توان و وضعیت شما بر Jet Lag غلبه می یابد.

اگر شما تغذیه خوبی ندارید و یا از لحاظ بدنی، قوی نیستید، بهتر است ۱ تا ۲ هفته قبل از مسافرت، رژیم غذایی درستی داشته باشید و سعی کنید خود را قوی کنید.

۲) دارو همراه خود ببرید

اگر داروی خاصی مصرف می کنید که احتیاج به اندازه گیری دارد، مانند: داروی دیابت و یا دارو برای بیماری قلبی، حتماً قبل از سفر، پزشک خود را مطلع سازید تا برنامه مشخصی برای مصرف داروی شما تنظیم کند.

۳) برنامه خود را تغییر دهید

اگر شما می خواهید در محل مورد نظر، برای مدت طولانی بمانید، بهتر است چند روز مانده به عزیمت، ساعت بدن خود را با مقصد تنظیم کنید؛ برای مثال اگر می خواهید به مدت یک ماه از ایران به اروپا بروید، قبل از سفر، برنامه روزانه خود را مطابق با اروپا قرار دهید. این برنامه سبب می شود که شوک ناشی از مسافرت از شما دور شود و سفر خوبی داشته باشید. بهتر است قبل از آمدن به ایران نیز همین روش را انجام دهید.

۴) از نوشیدن قهوه و نوشابه های گازدار پرهیز کنید

از نوشیدن این مواد چه قبل از سفر و چه در طول سفر هوایی و چه در روز اول رسیدن به مقصد جداً بپرهیزید، چرا که این نوشیدنی ها باعث از دست دادن آب بدن می شوند و برنامه خواب را به هم می زنند و مهم تر از این ها، کافئین(قهوه و نوشابه سیاه) روی اعصاب اثر می گذارد و باعث تشویش و نگرانی می گردد.

۵) آب بنوشید

نوشیدن آب، مخصوصاً در حین پرواز، از کم آبی بدن جلوگیری می کند. توصیه شده که اگر به شما اجازه می دهند، بهتر است آب را به همراه خود داشته باشید.

۶) در طول پرواز حرکت کنید

این کار سخت نیست، حتی هنگامی که نشسته اید نیز می توانید پاهای خود را ورزش دهید. پاها را عقب و جلو کنید و یا پاشنه و پنجه کنید. بایستید و بنشینید. زانوهای خود را خم کنید. هر ۱ تا ۲ ساعت بلند شوید و راه بروید. قرص خواب آور نخورید و در طول پرواز بیشتر از یک ساعت نخوابید.

این روش دو فایده دارد: اول آنکه، خطر لخته شدن خون را کم می کند. تحقیقات نشان داده که نشستن زیاد، باعث کندی جریان خون در پاها می شود و ایجاد لخته خون را زیاد می کند. اگر لخته ایجاد شود، بیمار درد دارد و به سختی تنفس می کند. اگر لخته ی خون بزرگ باشد، بیمار می میرد.

دومین فایده حرکت در طول پرواز این است که فعال می باشید، حتی در یک جای کوچک! از سفتی و خشکی بدن جلوگیری می کنید و از همه مهم تر اینکه قدرت بدنی و روحی خود را بالا می برید.

۷) سفر خود را تقسیم کنید

سفری که ۸ یا ۱۰ و یا حتی ۱۲ ساعت طول می کشد را بهتر است تقسیم کنید؛ مثلا اگر شما در نقطه (الف) هستید و مقصد شما نقطه (ج) است، بهتر است در نقطه (ب) برای چند روز توقف کنید.

۸) لباس و کفش مناسب بپوشید

هیچ می دانید برای آنکه در طول سفر خسته نشوید، باید کفش و لباس تنگ و چسبان نپوشید. این را از یاد نبرید که مقصد شما اگر سرد است لباس گرم بپوشید و برعکس.

۹) محل سکونت را ببینید

وقتی شما به مقصد رسیدید، بهترین کار این است که اتاق خود را بررسی کنید و ببینید، تخت و دستشویی تمیز است و سیستم گرمایی و

سرمایی درست کار می کند. اگر هر گونه مشکلی که در اتاق وجود داشت، به مسئول مربوطه بگویید تا اتاق شما را تغییر دهد.

۱۰) برنامه های خود با محل مقصد تطبیق دهید

اگر شما این کار را بکنید، بدن شما راحت تر تغییرات حاصله را قبول می کند. بنابراین اگر شما به مقصد رسیدید و ساعت آنجا ۱۲ ظهر بود، ناهار بخورید. در طول روز بیرون بروید و از نور خورشید استفاده کنید. نور خورشید، خواب را از شما می گیرد و شما در شب خواب آرامی را خواهید داشت.

۱۱) از داروهای خواب آور به ندرت استفاده کنید

سعی کنید بدون استفاده از این قرص ها بخوابید، اما اگر نمی توانید خواب آرامی داشته باشید ۲ تا ۳ شب اول از این داروها استفاده کنید. اما اگر بیشتر از ۲ تا ۳ روز استفاده کنید، ممکن است بدن شما به این قرص ها عادت کند و بعدها خوابیدن بدون مصرف آنها مشکل شود.

نکته مهم این است که اگر می خواهید از این قرص ها استفاده کنید، حتما با پزشک خود مشورت کنید.

- رژیم غذایی برای جلوگیری از Jet Lag

▪ صبحانه و ناهار باید پر پروتئین باشند. این رژیم باعث می شود تا فعال شوید. در این رژیم می توان از تخم مرغ یا گوشت یا غذاهای آمده پر پروتئین یا حبوبات استفاده کرد.

▪ شام باید پر از کربوهیدرات باشد. این رژیم باعث می شود که خواب راحتی داشته باشید. غذاهای کربوهیدرات دار مانند: ماکارونی، سیب زمینی ، برنج، نان، سبزیجات نشاسته ای و دسرهای شیرین است.

▪ هیچ گونه نوشیدنی گازدار یا کافئین دار مصرف نکنید.

▪ بهتر است در روزهای بعد، غذاهای ساده و کم حجم مصرف نمایید. این غذاها شامل: میوه ها، سوپ ها، سالادهاست. بهتر است کالری و کربوهیدرات خود را زیاد نکنید.

این توصیه ها برای آن است که سفر خوبی داشته باشید و همیشه خاطره خوبی از مسافرت در ذهن شما باقی بماند

منبع : علوم ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند

http://vista.ir/?view=article&id=324912

vista.ir
Online Classified Service

غار جعیتای لبنان کجا و غار علیصدر کجا

طبیعت یگانه کتابی است که کلیه صفحاتش پرمعنی است (گوته)

در این کوتاه سخن سر آن نداریم که این دو غار را به مقایسه درکشیم که هر دو بشر را هدیه‌ای است زیبا و عبرت‌آموز از خلقت پروردگار و از دیدار هر کدام می‌توان لذت برد، تعجب کرد، لختی در خود فرو رفت، از نظم طبیعت و فلسفه هستی به قدر درک خود چیزی آموخت و در تسبیح خالق یکتا آرام زمزمه کرد، بلکه قصد داریم شرحی از مدیریت غار جعیتا برآوریم و آن را با مدیریت خودمان در غار علیصدر و دیگر جاها و بناها مقایسه کنیم تا در این راه مدیران ما صادقانه و منصفانه گوشه‌ای برگیرند و از ضایع‌شدن حقوق مردم بیش از این جلوگیری شود.

جمهوری لبنان پس از جنگ جهانی اول در پی شکست و فروپاشی امپراتوری عثمانی پدید آمد. لبنان ۴/۱۰ هزار کیلومتر مساحت دارد، یعنی حدود

۱۵۰ برابر از ایران کوچک‌تر است. این کشور در سواحل خاوری دریای مدیترانه واقع است و جمعیت پنج میلیونی آن از مسلمانان اعم از سنی و شیعه و مسیحی و کرد و چرکسی و غیره تشکیل شده است.

غار جعیتا در حومه بیروت، پایتخت لبنان قرار دارد و از دو بخش خشک و آبی با دو ورودی جداگانه تشکیل یافته است. این غار در دامنه کوهی پوشیده از درخت در نزدیکی مدیترانه واقع است.

با حدود نیم ساعت راندن در جاده‌ای فرعی و مسیری مارپیچ‌وار در دامنه کوه‌های مشرف به دریا به دره‌ای می‌رسیم که راهمان بن‌بست می‌شود، آنجا غار جعیتا است، با این مشخصات:

۱) در نقطه پایانی جاده تله‌کابینی بازدیدکنندگان را به مقابل ورودی غار خشک می‌رساند.

۲) ورودیه غار برای هر نفر ۱۲ دلار آمریکا است.

۳) در جایی که بازدیدکنندگان از تله‌کابین پیاده می‌شوند، ایستگاهی ساخته شده است که دارای دستشویی و توالت کافی و بسیار تمیز، فروشگاه‌های فروش اجناس تبلیغاتی و محل نظارت بلیت بازدیدکنندگان است. امتیاز دیگر این ایستگاه در این است که بازدیدکنندگان در مسیری که طراحی شده است، به راحتی به ورودی غار هدایت می‌شوند.

۴) در مدخل غار قفسه‌های فراوانی تعبیه شده است تا مردم دوربین عکاسی و فیلمبرداری خود را قبل از ورود به غار داخل آن امانت بگذارند.

۵) ورود دوربین عکاسی و فیلمبرداری به داخل غار ممنوع است. لمس‌کردن دیواره‌ها و قسمت‌های مختلف و سیگارکشیدن ممنوع است.

۶) از لحظه ورود به غار تا نقطه پایانی معبر کلیه مسیر از بتون دست‌ساز ساخته شده است. عرض مسیر حدود دو متر و در حاشیه نرده فلزی از پرت‌شدن مردم در پرتگاه و خروج مردم از راه به محوطه غار در جاهای هم‌سطح جلوگیری می‌کند.

۷) راه ساخته‌شده جدا از بدنه غار و مانند پل است و تنها با پایه و شفت‌هایی به بدنه غار متصل شده است.

۸) در طول مسیر به فواصل کوتاه، سطل زباله تعبیه شده است.

۹) در طول مسیر در محل‌های مناسب مامورین نظارت غار با لباس متحدالشکل مردم را هدایت می‌کنند.

۱۰) در نقطه‌ای از غار که مسیر وسیع‌تر شده است، تابلویی بزرگ و ویترینی شیشه‌ای که در داخل تکه‌ای برش خورده از استلاکمیت دارد، اطلاعاتی از غار و رسوبات تشکیل شده به مردم می‌دهد.

۱۱) ضخامت بتون مسیر حدود ۸ سانتی‌متر است و پله‌های راه حدود ۱۴ سانتی‌متر است، به طوری که صعود از آنها خسته‌کننده نیست. پله‌های محدب و مقعر هلالی با لبه فلزی از بتون ساخته شده است.

۱۲) اعماق پنهان پشت رسوبات در ارتفاع یا قعر غار با نورپردازی‌های زیبا آشکار شده و جلوه‌های باشکوهی را به نمایش گذاشته است.

۱۳) طول غار بلند است، اما در مسیر کوتاهی مردم مجاز به ورود هستند.

۱۴) در مسیر مردم تابلوهای متعددی آنان را از سیگارکشیدن و لمس غار برحذر می‌دارد.

۱۵) در خروج از غار صاحبان دوربین‌ها آنها را از قفسه‌ها برمی‌گیرند.

۱۶) مسیر برگشت مردم با لکوموتیوی که شبیه قطارهای شهربازی بچه‌ها است، انجام می‌شود.

۱۷) در محل پایانی لکوموتیو میدان کوچکی است که مجسمه بزرگی از مردی غارنشین در وسط آن تعبیه شده است.

۱۸) از این مسیر به قسمت دوم غار که آبی است، وارد می‌شویم.

۱۹) در غار آبی سه قایق برقی بدون آلودگی برای محیط، بازدیدکنندگان را حدود ۲۰۰ متر داخل غار گردش می‌دهند، در حالی که مسیر آب گویا ۱۲ کیلومتر است.

۲۰) آب غار در خروج از آن وارد کارخانه بسته‌بندی آب آشامیدنی می‌شود و برای فروش آماده می‌شود.

۲۱) هنگام خروج مردم از غار در فروشگاه محل مشخصات علمی غار و عکس‌های آنجا را به صورت کتاب، سی‌دی و غیره خریداری می‌کنند.

۲۲) پیش از رسیدن مردم به توقفگاه خودروها در طول راه در فضای سبزی که با مجسمه‌های سنگی تزئین شده است، استراحت می‌کنند و از قفس پرندگان رنگارنگ و زیبا دیدن می‌کنند.

حال که توصیفی از غار <جعیتا> و شرحی از مدیریت آنجا یافتیم. مروری بر وضعیت غار علیصدر می‌کنیم و مدیریت اجرایی آن را یادآور می‌شویم:

۱) سبب اهمیت موضوع خارج از ترتیب به قهوه‌خانه داخل غار علیصدر اشاره می‌کنیم که به‌طور وحشتناک برای غار مخرب است و به‌قدری این عمل غیرعلمی و غیرعقلانی است که ادامه حیات آن قطعا به وجهه ملی ما در مجامع علمی بین‌المللی لطمه خواهد زد. در این قهوه‌خانه پخت و

پز می‌شود که برای غار زیان‌آور است و زباله و فاضلاب و... هم در جای خود تخریب‌کننده خواهد بود.

۲) مسیر طولانی غار علیصدر جاده‌ای است بد و فاقد ایستگاه رفاهی.

۳) ایستگاه پایانی جاده در جوار غار برای چنین مکانی طراحی شده، بلکه بازار مکاره‌ای است که در هر گوشه‌ای از آن کلبه‌ای، اتاقکی و بنایی بی‌هیچ همگنی با یکدیگر ساخته شده است که هر کدام به فعالیت صنفی خاصی مشغول است و به وجهه این مکان طبیعی لطمه می‌زند.

۴) دستشویی و توالت‌ها تکاپوی خیل بازدیدکنندگان را نمی‌دهد، به طوری که مدت زیادی مردم را وامی‌دارد در فضا به آنجا در صف بایستند و از نظر بهداشت بسیار آلوده و کثیف است.

۵) مقابل ورودی غار سالن بسیار بزرگی ساخته شده که در تابستان‌ها با گنجایش جمعیت زیاد فاقد تهویه و خنک‌کننده مناسب است.

۶) مردم آزادند نه‌تنها عکس بگیرند و فیلم‌بردارند که با چاقو یا وسیله‌ای دیگر تکه‌ای از رسوبات را جدا کنند و با خود ببرند.

۷) مردم مجازند که مسیر بسیار طولانی را بپیمایند و در انتها با قایق راه طولانی‌تری را سپری کنند، طوری که زمان ورود و خروج هر نفر شاید حدود یک ساعت و نیم طول می‌کشد که حتما باید این مسیر کوتاه شود تا مدت توقف مردم داخل غار بسیار کم شود.

۸) غذاخوری‌های ایستگاه مجاور غار به لحاظ بهداشت و کیفیت غذا و قیمت نظارت مستمر و پیگیری را طلب می‌کند.

به‌طور قطع کاستی‌ها در این فهرست خلاصه نمی‌شود. بدین سبب مدیریت این هدیه خداوندی را وظیفه‌ای است تا مشاوره و همکاری کارشناسان خبره را به مشارکت طلبد تا از کاروان علم و تمدن جهانیان عقب نمانیم.

منبع : روزنامه اعتماد ملی

http://vista.ir/?view=article&id=276039

vista.ir
Online Classified Service

غار سنگی یون گان

غار سنگی یون گان در جنوب کوه " او جو" ۱۶ کیلومتری غرب شهر داتون استان شان سی در شمال چین قرار دارد. ساخت این غار در سال ۴۵۳ میلادی در رسلسله"وی " شمالی آغاز شد و بیشتر آن در سال۴۹۴ میلادی قبل از انتقال پایتخت وی شمالی به شهر لو یان ساخته شد. مجسمه سازی انتا سال ۵۲۰ – سال ۵۲۵ امتداد یافت. این غار در کوه ایجاد شده از شرق تا غرب یک کیلومتر است بسیار با عظمت و پر ابهت و پر مضمون است . اکنون ۴۵ غار موجود است و دارای ۲۵۲ جای مجسمه در داخل سنگ و ۵۱ هزار مجسمه سنگی است که بزرگرین ان ۱۷ متر و کوچک ترین ان تنها چند سانتی متر است درمیان غارها شکل های بودیسم ،انسان های قدرتمند و خدایان پرنده در مذهب بودا زنده و با نشاط است و

حکاکی بر روی ستون های برج دقیق و ظریف و تبلور هنر رئالیسم (سال ۲۲۱ –سال ۲۲۰ قبل از میلاد) سلسله های چین و حان می باشد تا زنگ رمانیسم (سال ۹۰۷ – سال ۵۸۱ میلادی) سلسله های تسی و تانگ در ان نمایان شود.

این غارها با مجموعه غارهای دون خوان گان سو و غار سنگی لون مون حه نان سه مجموعه غارهای سنگی بزرگ چین نامیده می شود و نیز یکی از گجینه های هنر حکاکی سنگی در جهان است . مجسمه سازی غار سنگی یون گان بسیار پرابهت و با عظمت است موضوعات ان غنی و پر رنگ است . هر عتر سنگی چین در قرن پنجم میلادی در مقام اول قرار داشته و گنجینه هنر حکاکی باستانی چین نامیده می‌شود . طبق زمان ساخت به سه دوره اولیه – دوره متوسط و دوره اخیر تقسیم می شود و سبک مجسمه سازی غارها در دوران مختلف دارای ویژگی های مخصوص به خود است .

غارهای متعلق به دوره اولیه پرابهت است و سبک ساده نواحی غربی را دارد. هنر غارهای دوره متواسط ظریف است به تزیینات زیبای شهرت دارد و به سبک هنر دوره سلسله وی شمالی یعنی پیچیده و با جلال و شکوه ساخته شده است غارهای دوره پایانی گرچهدامنه کوچکتری دارد ولی سیمای رلهای مجسمه سازان لاغر و زیبا را نمایان می کند که تناسب ندارد و سر چشمه هنر غارهای شمالی چین است. گذشته از این حکاکی های رقص ها واکروبات اپرتارهای شمالی چین باقی مانده در غارها نیز تجسم ایده بودایی وقت و انعکاس زندگی اجتماعی وی شمالی است. در غارهای سنگی یون گان به طور زنده تاریخ توسعه هنر بودایی هند و اسیای میانه در هنر یودایی چین ثبت گردیده و نمایانگر =روسه رسوم و ملی شدن تدریجی مجسمه سازی دین بودا در چین است. سبک های مجسمه سازی هنری بودایی در غارهای سنگی یون گان به طور بی سابقه نمایان شده و از این راه الوگوی یون گان به نقطه عطف توسعه هنر بودایی چین تبدیل شده است. مجسمه سازی در دوران سلسله وی شمالی در غارهای موگای دون خوان – غارهای سنگی لون من تا اندازه ای تحت تاثیرات غارهای سنگی یون گان قرار گرفته است. غارهای سنگی یون گان اغاز چینی شدن هنر غارهای سنگی است.

حکاکی شکل معماری قصر چین که در غارهای متوسط یون گان دیده می‌شود و مکان مقدس بودایی مجسمه در داخل دیوار چین که بر اساس حکاکی مذکور توسعه یافته در ساخت معابد سنگی مورد استفاده وسیع قرار گرفته است. پراکندگی و تزیینات اتاقهای سنگی در دوران اخیر یون گان سبک های معمار ی و تزیین چین را نمایان می کند و تعمیق چینی شدن هنر بودیی را مجسم کرده است. غار های سنگی یون گان دسامبر سال ۲۰۰۱ در فهرست میراث جهانی ثبت شد . بر اساس ارزیابی کمتیه میراث جهانی : غارهای سنگی یون گان واقع در شهرداتون استان شان سی هنر برجسته سنگی دین بودا را در قرن پنجم تا قرن ششم میلادی نمایندگی می کند. در این میان غار پنجم به لحاظ طراحی دارای وحدت است و اثری ب رجسته در دوران اولین شکوفایی هنر بودایی چین است.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8662

vista.ir
Online Classified Service

غار کتل خور یا کوه خورشید

غار کتل خور در استان زنجان و در ۱۵۵ کیلومتری جنوب آن و ۱۷۳ کیلومتری شمال همدان و ۷۰ کیلومتری شرق بیجار و پنج کیلومتری (روستا - شهر) گرماب قرار گرفته است.

در گویش فارسی «کتل»به معنی کوه کم ارتفاع و خور کوتاه شده خورشید است، پس «کتل خور» یعنی کوه خورشید و نام غار بر گرفته شده از نام این

کوه است که درون آن زایش یافته است. این نام با معنا با توجه به وجود چند گور نزدیک دهانه و یافت شدن تعدادی سفال شکسته در درون غار، چند احتمال را در مورد گذشته غار پیش می آورد. یکی آن که با توجه به یافت شدن جمجمه پلنگی درون یکی از گودال های غار و نبود هر گونه استخوان دیگری از پلنگ شاید غار مکان مورد احترامی بوده و همانند غار بابا جابر در آن مراسم آیینی انجام می شده است.

احتمال دیگر این است که درون غار ماده مومیایی که معالج شکستگی استخوان و امراض دیگر بوده و مالکیت آن در اختیار شاهان قرار داشته یافت می شده زیرا نام دیگر کوه که سقزلو (دارنده سقز) است موید وجود ماده ای قابل تغییر و انعطاف مانند موم است که مومیایی به آن شباهت دارد و نزدیک منطقه قرارگیری غار و کوه چنگ الماس یافت می شود. به هر حال غار از گذشته های دور شناخته شده بوده و نام پر معنا و پر رمز خورشید بر فزون ارزشی آن دلالت دارد.

این غار در سال ۱۳۳۰ توسط زنده یاد اسدالله جمالی (از پایه گذاران و پیشکسوتان ورزش کوهنوردی زنجان) مورد شناسایی قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۳۱ کوهنوردان باشگاه نیرو و راستی به راهنمایی ولی غار را مورد بازدید فنی قرار دادند. وجود دهلیز ۴۰۰ متری با سقف کوتاه ورودی غار که باید نشسته از آن عبور کرد همیشه مانعی سر راه ورود به غار بوده و همین مشکل ورود سبب سالم ماندن غارسنگ ها از تاراج بازدیدکنندگان بوده است. از سال ۱۳۶۵ به بعد غار توسط گروه های کوهنورد از همدان مورد بازدید مکرر قرار گرفت و در این بازدیدها از کله پلنگ و اسکلت دو گوسفند و بقیه جاذبه های غار عکسبرداری شد و از همه مهم تر نقشه درون توسط یکی از گروه های بازدیدکننده غار ترسیم شد سپس در سال های بعد تصمیم به گردشگرپذیر کردن غار گرفته شد و با گشاد کردن دهلیز چهار صد متری ورودی به ابعاد (۴ه۳) متر و اقدامات دیگر غار به شکل امروزی اش درآمد.

غار کتل خور از یک ورودی دهلیز مانند به درازای چهارصد متر و تعدادی دالان اصلی دنبال هم که در بعضی از بخش ها دالان ها وسعت یافته و به تالارهای وسیعی تبدیل می شوند، تشکیل شده است. این استخوان بندی ادامه یافته تا غار در مسیر اصلی به پایان می رسد. دالان و تالارهای دیگری از این مسیر جدا می شوند که همگی در حاشیه قرار داشته و راه به جای دیگری ندارند. غار شامل سه طبقه است که از راه دهلیزهای چاه مانند به یکدیگر ارتباط می یابند. طبقه دوم شامل دو بخش جدا از هم است که هر یک از راهی به طبقه اول وصل می شوند. بخش غربی طبقه دوم از طریق یک دهلیز به طبقه سوم متصل می شود. عمیق ترین بخش غار در انتهای طبقه سوم قرار داشته و فاصله عمودی آن تا دهانه ورودی ۵۰ متر است.کتل خور از پیچیده ترین غارهای ایران از دیدگاه زایش و غارسنگی بوده و از بیش تر غارهای ایران در خود نشانی دارد؛ آن جا که با چکیده غول پیکر شیری رنگ (الهه نگهبان) روبه رو می شویم نشان از چکیده آدمک در غار کرفتو می بینیم. جای دیگر که به بلورهای زایش یافته درون دخمه ها بر می خوریم نشان از چاه غار بگلیجه پدیدار است و در تالار ستون ها مانند این است که در غار کهک هستی و با مشاهده آبشار سنگ های رنگارنگ خود را داخل غار علی صدر تصور می کنی.

غار در منطقه ای آهکی به وسعت (۲۰۰۰ه۱۵۰۰) متر با گسل ها و ترک های متقاطع یکدیگر و در ارتفاع ۱۷۰۰ متر از سطح دریا پدیده آمده است دو عملکرد در زایش غار نقش داشته اند، یکی آب های فرورو و اسیدی حاصل از بارندگی و دیگر نفوذ آب چشمه ای ماگمایی از اعماق زمین به همراه گازها و بخارهای حاصل از فعالیت های گسل درونی که با نیروی محرکه خود آب های فرو رو منطقه را به بالا فرستاده است فعالیت این چشمه همراه افزایش و کاهش فراوان در طول زمان بوده است . چشمه پس از ایجاد استخوان بندی غار حرکتی بسیار آهسته اما سراسری در تمام پهنه غار آغاز می کند که نمود عینی آن موارد زیر است. قارچ ها و ستون تقریبا چهار گوش تالار عروسی و اسکلت بیضی شکل کیک سقفی که مواد رسی و غیرقابل انحلال و باقیمانده فعالیت های اولیه فضاسازی غار بوده اند در این زمان در اثر عبور بسیار آهسته آب محتوای بیکربنات کلسیم با غلظت اشباعی از اطراف آن ها و قانون جاذبه ملکولی مقداری از کربنات کلسیم در حین گذر به وسیله آ ن ها جذب شده و چتر زیبای قارچ ها پدید می آید و ستون دارای سر ستون می شود و اما پایه قارچ ها بدون پوشش می ماند زیرا در حرکت افقی در محیط های بسته، حرکت آب در سطح انجام می شود نه در عمق. فرآیند گردش آب حاوی بیکربنات کلسیم و تماس با دیوارهای غار سبب زایش لبه های قرنیز مانند و پوشش لایه شیری رنگ در دو سطح آن ها می شود. این عملکرد به شکل افقی و هم سطح در سراسر غار قابل مشاهده است. وجود سقف کاملا افقی و شیری رنگ در بخشی از غار که در تالار نیم طاق کریستال ها مشاهده می شود و وسعتی حدود ۳۰۰ مترمربع دارد، عملکرد ابتدایی فضاسازی غار در اثر حرکت آب و سپس ایجاد پوشش کربناته شیری رنگ را در بخش بالایی غار به نمایش می گذارد.

احتمالا بنا به علل درون زمینی نیروی محرکه آب چشمه ماگمایی تقلیل یافته و دریایی از آب با غلظت اشباعی از بیکربنات کلسیم و سایر املاح درون اسکلت ساخته شده غار حالت سکون نسبی یافته و حرکت دیگری که زایش کریستال ها در دخمه ها و برخی دهلیزها و کف بوده آغاز می شود. (به خاطر داشته باشیم برای زایش یک تکه کوچک الماس تحت شرایط لازم یک میلیون سال لازم است.) در حین انجام فرآیند بلورسازی ورود آب از طریق چشمه ماگمایی به درون غار به تدریج فروکش کرده و با خروج آب موجود در غار از مسیر چشمه غارساز و در نتیجه تخلیه آن از آب فرآیند غار سنگ سازی در فضاهایی که قبلا به علت وجود آب ممکن نبوده آغاز می شود و در پایان با کاهش آبدهی چشمه ماگمایی، آب موجود در غار از مسیر چشمه غارساز تهی شده و غار به شکل امروزی اش در می آید. ضمن آن که عملکرد آبهای فرورو در غار تا امروز ادامه داشته و چشمه ماگمایی نیز به کل از حرکت باز نایستاده است. ورودی چشمه ماگمایی احتمالا در اعماق غار است اما چشمه غارساز که همان سراب قرار گرفته در مسیر غار است و آب آن از طریق چشمه ماگمایی و آبهای فرورو بالاتر از سطح ایستابی آن تامین می شود فعال است.

سراسر غار مملو از ویژگی و پدیده های خاص است اما در بین آن ها کیک سقفی و قارچ ها منحصر به فرد است.

دیگر نیمکره هایی هستند در کف غار که همانند پاتیل نبات سازی هستند. داخل این پاتیل ها مملو از بلورهای زیبا بوده که اکنون تهی شده آن ها باقی مانده است با جست وجوی بیش تر درون دهلیزها می توان نظیر آن ها را یافت و از همه جالب تر گودال های آب است که پیش آمدگی لبه ها و رنگ های گوناگون لایه های آن ها تغییرات سطح ایستابی را در مقاطع مختلفی از زمان نشان می دهد.

▪ توصیه:

غار محلی بی نظیر و جهانی بوده و سرمایه ای ملی و ماناست که باید برای استفاده نسل های چند هزار سال آینده باقی بماند. هر نوع حفاری در محیط غار حداقل به شعاع ۱۰ کیلومتر و برای استحصال آب از درون زمین در منطقه باید ممنوع شود و هر نوع انتقال آب به ناحیه باید سطح ایستابی اش پایین تر از سطح ایستابی سراب پایین غار باشد تا از نفوذ آب به درون غار جلوگیری شود. غار یک مجموعه زنده و مرتبط به هم است که هر آسیبی به یکی از بخش های آن اثرش در تمام مجموعه منعکس خواهد شد.

منبع : روزنامه مردم سالاری

http://vista.ir/?view=article&id=315328

vista.ir
Online Classified Service

غاراین دنیای اسرارآمیز

درون زمین آلیس در سرزمین عجایب، محبوب نسل‌های بسیاری است؛ دختر کنجکاو و خیال‌پرداز قصه شگفت‌انگیز دنیای درون که اگر کمی زودتر از خواب بیدار می‌شد، شاید امروز یک غارنورد حرفه‌ای بود. سفر به سرزمین عجایب و رفتن به دنیای شگفت درون زمین، دالان‌ها و گذرگاه‌های پیچیده و گاه تنگ غارها، اشکال عجیب و غریب درون آن، قندیل‌های شیشه‌ای آویزان از سقف، آثار باستانی که حکایت از زندگی شاهان و الهه‌گان دارند، آب‌های شفاف و ساکن، این بهشت گمشده در زمین ماجراجویان زیادی را به سوی غارها می‌کشاند. غار یا غار....

برای آشنایی غار قبل از هر چیز باید غارها را شناخت و پس از آن می‌توان انتخاب کرد کدام نوع غار را بیشتر می‌پسندید یا چه نوع غارنوردی‌ای را

انتخاب می‌کنید. می‌خواهید یک غارنورد حرفه‌ای باشید یا ورزشکاری که قصد دارد به غارنوردی برود؟ در آن‌صورت باید آموزش‌های لازم را ببینید و با تجهیزات مناسب و لازم سفر خود را به دنیای درون آغاز کنید و باید بدانید که آلوده شدن، خیس شدن و عبور از میان آب و گاهی به خود لرزیدن به خاطر سرما از ویژگی این نوع غارنوردی است. اگر فکر می‌کنید بازدید از غار به این سختی‌هایش نمی‌ارزد و دیدن یک غار که دیگر این حرف‌ها را ندارد، می‌توانید به عنوان یک گردشگر غارنوردی را انتخاب کنید و به سراغ غارهای توریستی بروید. غار به طور کلی به حفره‌هایی گفته می‌شود که در دل صخره‌ها و زمین طی میلیون‌ها سال به وجود آمده‌اند و هیچ‌گونه ابعاد یا شکل مشخصی ندارند. غار یا راهروهای تنگی و باریکی است که باید خمیده از آنها عبور کرد، که به آن دهلیز می‌گویند و یا کمی بلندتر است و می‌شود ایستاده در آنها حرکت کرد که آن را دالان می‌نامند و یا تالار است و سقف‌های بسیار بلند دارد؛ چاه و دخمه نیز از دیگر انواع غار است.

این دنیاهای شگفت به دو دسته کلی غارهای طبیعی و مصنوعی تقسیم می‌شوند. غارهای طبیعی به دلیل ویژگی‌هایی که دارند بیشتر مورد غارنوردان حرفه‌ای است. لیلا اسفندیاری هفت سالی می‌شود که به طور جدی کوهنوردی و غارنوردی می‌کند و در این مدت غارهای تاریخی و طبیعی زیادی را دیده است و به قول خودش غارهای توریستی برایش چندان فایده‌ای ندارد و غارهای دستکند هم خیلی کوتاه هستند، لیلا غارهای طبیعی و فنی که دارای صعود و فرود است را ترجیح می‌دهد: «غارهای باستانی و تاریخی هم به اندازه کافی جذاب هستند ولی اگر قرار باشد یک روز برای غاری وقت بگذارم ترجیح می‌دهم غارهای بزرگ و طبیعی را بروم.» ۹۸ درصد غارهای طبیعی در جهان از نفوذ آب‌های اسیدی در لایه‌های آهکی شکل گرفته‌اند و بقیه بر اثر عوامل مختلفی چون آتشفشان، زلزله، فرسایش، چین‌خوردگی لایه‌های زمین و... به وجود آمده‌اند. تنها زندگان یا غارزیان این دنیای اسرارآمیز، قارچ‌ها و جلبک‌ها، باکتری‌ها، انگل‌ها، خفاش‌ها و برخی حشرات و بندپایان هستند که به تاریکی و هوای نم عادت دارند. در غار متولد می‌شوند و در غار می‌میرند و گاه از بقایای بدن یکدیگر یا باکتری‌های موجود تغذیه می‌کنند. از غارهای طبیعی ایران، غار قوری‌قلعه کرمانشاه، طولانی‌ترین غار آبی ایران است و غار علیصدر همدان از جمله غارهای آبی است که بسیاری گردشگران ایران با نام آن آشنا هستند و از آن بازدید کرده‌اند. غار یخ‌مراد در جاده چالوس از جمله غارهای یخی است و غار زیبای نمکی قشم با طول پنج هزار متر دومین غار نمکی در دنیاست. دسته دیگر غارها، غارهای مصنوعی یا «دستکند» نام دارند؛ این نوع از غارها به دست بشر و با ابزارهای ساده گذشته در دل صخره‌ها و کوه‌ها کنده شده‌اند و ارزش آنها به دلیل آثار باستانی به‌جامانده از انسان‌هایی است که بسیار پیش از ما در این غارها زیسته‌اند و به دلایل یا اهداف مختلفی چون جنگ، مذهب، استفاده از معادن و یا به دلایل نظامی، زندگی در درون زمین را انتخاب کرده‌اند. غار قلعه‌جوق در اراک از جمله غارهای دستکند است، غارهای طبیعی- تاریخی نیز از دیگر انواع غارهاست، غارهایی که طبیعت و گذشت زمان آنها را به وجود آورده ولی بعدها پناهگاه انسان‌ها شده‌اند؛ دسترسی به چشمه آب در داخل یا خارج از آن و وجود آب‌انبار از ویژگی این نوع غارهاست. غار چهار طبقه کرفتو در کردستان که معروف است زمان حمله مغول‌ها به ایران پناهگاه مردم بوده و کتیبه یونانی که در طبقه سوم آن پیدا شده است را به دوره هراکلیتوس نسبت داده‌اند و به همین دلیل نیز از این غار به عنوان معبد «هراکلس » (هرکول) نام برده شده است. و غار کلته‌خور زنجان معروف به «قصر یخی» به علت تنوع رنگ‌های آهکی آن و وجود ماموت‌های ماقبل تاریخ گردشگران زیادی را به خود جذب می‌کند.

- اولین نقشه، اولین غارنورد

نخستین نقشه غارنوردی و غارشناسی در ایران را «ژان ژاک دمرگان» تهیه کرد؛ کوهنورد و غارشناس فرانسوی که پیش از آن نیز نخستین صعود زمستانی قله دماوند را به نام خود ثبت کرده بود.

هشتم آذرماه ۱۳۲۵ اولین هیات کارشناسان ایران به سرپرستی چنگیز شیخ‌علی بنیانگذاری شد. البته تسهیلات و امکانات این گروه بسیار کمتر از سازمان کوهنوردی بود به طوری‌که همچنان با گذشت این سال‌ها، دیگر سازمانی با چنین بار علمی و بازدهی شکل نگرفت و در حال حاضر نیز غارنوردی زیر نظر فدراسیون کوهنوردی و به عنوان یکی از گرایش‌های کوهنوردی فعالیت می‌کند و غارشناسان ایران ترجیح می‌دهند به جای عضوشدن در این سازمان‌ها و گروه‌ها در تعداد محدود به تحقیق و پژوهش پیرامون غارها بپردازند. شیخ‌علی نزدیک به هزار غار در ایران را بازدید کرد و مورد شناسایی قرار داد و نتیجه آن ۱۶ جلد کتاب دستنویس در زمینه اطلس غارهای ایران و حاوی کروکی و نقشه این غارهاست که هیچگاه منتشر نشده است. در طی سال‌های بعد عموم غارها به وسیله گروه‌های کوهنوردی و گاه به صورت اتفاقی به وجود آنها پی برده می‌شد. با آشنایی بیشتر با غارها و کنجکاوی برای کشف این غارها بسیاری از همین کوهنوردان به سمت غارنوردی روی آوردند.

- تنها غاردوست نباشیم

«در ایران بیشتر غار دوست داریم تا غارنورد»این جمله را لیلای غارنورد می‌گوید و معتقد است افتخار بسیاری از غارنوردان ایران بیشتر به تعداد غارهایی است که رفته‌اند و نه به حاصل اقدامات خود در این غارها.

غارنوردی در برخی کشورها رشته‌ای جداگانه به حساب می‌آید ولی در ایران یکی از گرایش‌های کوهنوردی است. چند سالی می‌شود که فدراسیون کوهنوردی کلاس‌هایی را با عنوان کلاس غارنوردی دایر کرده است. و با توجه به آن، برای اینکه به عنوان یک غارنورد بتوانید به سراغ غارها بروید باید قبل از آن با اصول کوهنوردی و سنگ‌نوردی آشنا باشید. اگر به یکی از کلاس‌های غارنوردی در ایران تماس گرفته یا مراجعه کرده باشید حتما این جمله را شنیده‌اید: «برای گذراندن دوره غارنوردی باید اول یک دوره کوهنوردی و یک دوره سنگ‌نوردی را بگذرانید و بعد وارد کلاس‌های غارنوردی شوید.» خانمی که مسوول دفتر ثبت‌نام یکی از همین کلاس‌هاست، قیمت کلاس‌های دوره کوهنوردی و سنگ‌نوردی را هر کدام ۲۰ هزار تومان عنوان می‌کند و می‌گوید «باید حتما در این کلاس‌ها شرکت کنید». این درحالی است که در بسیاری کشورها غارنوردی به عنوان یک ورزش جداگانه محسوب می‌شود. لیلا که با گروه غارنوردان روسی و انگلیسی نیز ارتباط داشته است، می‌گوید: «یک گروه غارنوردی روسی به ایران آمده بودند ولی هیچ‌کدام از آنها سنگ‌نورد یا غارنورد نبودند و بسیار هم به کار خود وارد بودند. چیزی که من می‌دانم این است که غارنوردی ما با آنها بسیار متفاوت است.» به اعتقاد او کلاس‌های غارنوردی در ایران چندان اعتباری ندارند و مربیانی که در این زمینه آموزش می‌دهند در حد مربیان درجه ۲ غارنوردی هستند، ولی معتقد است نوجوانان و جوانان مستعد در این زمینه زیاد داریم. لیلا آموزش‌های کوهنوردی و سنگ‌نوردی را برنامه‌های دست و پاگیری می‌نامد که فدراسیون آنها را برگزار می‌کند و می‌گوید: «این خیلی خوب است که شما برای غارنوردی از نظر عضلانی مانند یک سنگ‌نورد آماده باشید یا به تکنیک کوهنوردی آشنا باشید ولی لزوما نباید این کارها را بلد باشید و این مانند آن است که به شما بگویند تا والیبال بلد نباشی نمی‌توانی بروی سراغ بازی بسکتبال.»

دایره‌المعارف ویکی‌پدیا در تعریف غارنوردی آن را به دو بخش غارنوردی آماتور و غارنوردی حرفه‌ای تقسیم کرده است و می‌نویسد: غارنوردان آماتور کسانی هستند که به این فن بیشتر از جنبه ورزشی نگاه می‌کنند. امروزه تعداد این غارنوردان از غارنوردان حرفه‌ای بیشتر است و اکثر غارهای جدید توسط این افراد کشف می‌شود. به طور کلی غارنوردی آماتور بیشتر در میان کوهنوردان رایج است. بسیاری از غارنوردان آماتور به خاطر علاقه خاصی که در طی سال‌ها غارنوردی به این فن پیدا می‌کنند تبدیل به غارنوردان حرفه‌ای می‌شوند و در بعضی از رشته‌های آن تجربه‌های زیادی کسب می‌کنند. غارنوردان حرفه‌ای کسانی هستند که برای اهداف خاصی به‌جز جنبه ورزشی آن پا به اعماق غارها می‌گذارند. این اهداف که جنبه علمی دارند به رشته‌های زمین‌شناسی، دیرین‌شناسی، باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، آب‌شناسی و زیست‌شناسی تقسیم می‌شود. با توجه به این تعریف باید گفت در ایران غارنوردی به صورت کاملا حرفه‌ای انجام نمی‌شود. غارنورد حرفه‌ای کسی است که با نقشه‌کشی آشنا و اطلاعات علمی و جغرافیایی داشته باشد، یک غارنورد حتی می‌تواند یک کاشف باشد و با بررسی مثلا لایه‌های آهکی یک منطقه به وجود غار پی ببرد. غار پرو در کرمانشاه از جمله غارهایی است که در نتیجه تحقیقات یک گروه انگلیسی در منطقه کوه‌های پرو کشف شد. نبود نقشه‌های علمی و دقیق از دیگر مشکلات غارنوردان در ایران است. عموم نقشه‌های غار در ایران کروکی‌های ساده و غیرعلمی غار است و غارنوردان ما هنوز موفق به کشیدن نقشه‌های سه‌بعدی غار نشده‌اند و به همان نقشه‌ها اکتفا می‌کنند، «همان کروکی‌ها را دستمان می‌گیریم و می‌رویم بالاخره یک چیزی می‌شود.»

- پیش به سوی غارنوردی حرفه‌ای

وسایل و تجهیزات غارنوردی یکی از ابزارهای مهم غارنوردان حرفه‌ای برای ورود به غار است، اگر پای صحبت غارنوردان قدیمی بنشینید و به خاطراتشان گوش دهید، متوجه می‌شوید که با کمترین وسایل و با تحمل خطر و ریسک زیاد چگونه با علاقه به دنبال کشف این سرزمین‌های اسرارآمیز وارد غارها می‌شدند. محسن باقری جزء اولین گروه کوهنوردی است که در سال ۱۳۳۹ وارد غار علیصدر می‌شوند: «برای آنکه بتوانیم از آب غار رد شویم از تیوپ‌های لاستیکی استفاده می‌کردیم. آنها را باد و دو تا دو تا به هم وصل می‌کردیم.» تجهیزات غارنوردان آن دوره محدود به همین تیوپ‌های لاستیکی، جلیقه‌های نجات و چراغ‌های زنبوری بود اما امروزه، وسایل و ابزار غارنوردی به یکی از بخش‌های مهم آن تبدیل شده است و به غارنوردان توصیه می‌شود بدون ابزار لازم به پیمایش غارها نروند و در خریداری وسایل به استاندارد بودن آن توجه کنند. کلاه‌کاسکت یکی از وسایل مهم غارنوردی است و در مقابل ریزش سنگ یا برخورد با دیواره غار از سر محافظت می‌کند. یک کلاه‌کاسکت استاندارد برای کوهنوردی باید سبک و نرم بوده و سوراخ‌هایی در بالای آن و همچنین محلی برای نصب چراغ پیشانی بر روی کلاه وجود داشته باشد.

لباس غارنوردی با توجه به شرایط و آب‌هوای غار متفاوت است و متناسب با نوع غار از لباس نخی یا نایلونی استفاده می‌شود. لباس‌های نخی در غارهای خشک استفاده می‌شوند و از جنس کتان هستند ولی دوام کمتری دارند و لباس‌های نایلونی برای حرکت در زیر آبشارها و ریزش‌های غار مناسب هستند. لباس غار باید مستحکم، ضخیم و در عین حال راحت باشد و از غارنورد در مقابل ریزش آب چاه‌ها محافظت کند. نوع زیپی لباس غارنوردی بر نوع دکمه‌ای آن ترجیح دارد و سر آستین و دم شلوار آن باید با کش بسته شود تا از ورود آلودگی و گل و خاک جلوگیری کند.

کفش غارنوردی نیز باید زیره‌ای محکم و مقاوم و خاصیت چسبندگی داشته باشد تا به راحتی بتوان در جاهای تیز و برنده حرکت کرد. در هنگام غارنوردی بهتر است دستکش‌های مخصوص را هم به دست کنید تا از خراشیدگی و آسیب دست خود جلوگیری کنید. سینه و صندلی مجموعه‌ای به هم پیوسته از تسمه نایلونی است که توسط قلاب در دو تکه بالاتنه و پایین‌تنه ساخته می‌شود و از غارنورد در مقابل صعود و فرود محافظت می‌کند؛ طناب و قرقره نیز از دیگر ابزارهای غارنوردی است. مهم‌ترین نکته نیز به همراه بردن چراغ‌های روشنایی است که به دو نوع برقی و استنلی تقسیم می‌شوند و نوع استنلی برای غارنورد مناسب‌تر است، زیرا می‌تواند به مدت چهار ساعت نور غار را به صورت پراکنده و پخش تامین کند و برای استفاده از آن نیازی به حمل مقدار زیادی باتری و پیل نیستید. تعداد ابزارهای غارنوردی بسیار بیش از اینهاست و برای شناخت آنها باید به کلاس‌ها یا جزوه‌های آموزشی غارنوردی مراجعه کنید. شناخت این تجهیزات یکی از راه‌های آموزش غارنوردی برای لیلا و دیگر غارنوردان بوده است: «به خاطر نبود آموزش مناسب، من و دوستانم هنگام خرید وسایل توضیحاتی که در کاتالوگ‌های این وسایل می‌آمد را می‌خواندیم تا با نحوه غارنوردی بیشتر آشنا شویم.»

● چگونه یک توریست غارنورد باشیم!

اما برای آنکه غارنورد باشید حتما لازم نیست یک حرفه‌ای یا یک غارشناس باشید بلکه به عنوان یک گردشگر هم می‌توانید در سفرهای شخصی یا خانوادگی خود سری به دیدنی‌های غار منطقه بزنید و از آن لذت ببرید. غارنوردی توریستی در بسیاری کشورها رایج است و یکی از جاذبه‌های گردشگری محسوب می‌شود و در ایران نیز گردش در غارها از زیر شاخه‌های رشته غارنوردی به حساب می‌آید و زیر نظر سازمان جهانگردی و گردشگری برای بازدید و نشان‌دادن طبیعت و زیبایی این مجموعه‌های شگفت گذاشته شده است. این نوع از غارنوردی در ایران رواج بیشتری دارد. غارهای توریستی علاوه بر ویژگی زیبایی، بازدید از آنها راحت و بدون خطر است و مهم‌ترین نکته در این غارها ایمنی گردشگران است که باید از سوی شرکت‌های خدماتی تامین شود. این غارها عموما به دلیل طبیعت بکر و شگفت‌انگیز خود و وجود آثار تاریخی مورد توجه گردشگران هستند و مسوولان و شرکت‌های خدماتی با حفظ و نگهداری از این طبیعت و طراحی و نورپردازی مناسب برای غارها می‌توانند گردشگران بیشتری را به تماشای درون زمین بکشانند. انتخاب غار نکته‌ای مهم برای توریست‌هاست؛ هیچ‌گاه نباید غارهای سخت و دشوار مانند غار پرو که فقط غارنوردان حرفه‌ای می‌توانند از آن استفاده کنند را برای سفر انتخاب کنید. در غارهای توریستی امکان دسترسی به غار باید راحت باشد و باید توجه داشت، در نزدیکی غار جاده مناسب با مسافت کم وجود داشته باشد. به عنوان یک گردشگر نیازی به حمل وسیله خاصی ندارید و عموم وسایل و امکانات مورد نیاز را شرکت‌های خدماتی غارها خود تامین می‌کنند. تنها نکته‌ای که باید به آن توجه کنید پاکیزه نگه‌داشتن محیط غار و آسیب نرساندن به غار است. اگر احساس می‌کنید ممکن است مدتی زیاد در غار باشید و احساس گرسنگی کنید از غذاها و خوراکی‌های سبک که دورریز کمتری دارند استفاده کنید و حتما زباله‌ها را در پاکتی قرار داده و از غار خارج کنید. نورهای اضافه مانند چراغ‌قوه با خود به غار حمل نکنید، زیرا نور چراغ‌های معمولی به غار آسیب زیادی می‌رساند و باعث ایجاد جلبک روی دیواره‌های آن می‌شود. تامین نور مناسب و کافی برای غار بر عهده مسوولان غار است. یادگاری هم روی غارها برجای نگذارید و فکر نکنید بود یا نبود شما در غار برای نفرات بعدی دارای اهمیت است و یا حتما برای نشان دادن سند و مدرک، شی‌ای را از درون غار خارج کنید. گرفتن عکس‌های یادگاری برای اینکار کافی است.

● ....در سرزمین عجایب

تابستان فصل مناسبی برای غارنوردی است. اگر دیگر از سفر به جنگل و کوه و دشت وکویر خسته شده‌اید و هنوز برای تعطیلات بعدی تصمیم نگرفته‌اید کجا بروید، شاید بهتر باشد سفر به درون زمین را انتخاب کنید؛ سفر به دالان‌های پرپیچ‌وخم، راهپیمایی، قایق سواری و بسیاری دیدنی‌های شگفت. می‌توانید این‌بار نام خود را... درسرزمین عجایب بگذارید.

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=319443

vista.ir
Online Classified Service

غارهای ایران

● غار علیصدر:

علیصدر همدان از معروف‌ترین غارهای آبی ایران و حتی جهان است؛ غار آبی‌ای که زمان شکل‌گیری آن را به دوره دوم زمین‌شناسی نسبت می‌دهند. محوطه وسیع قندیل بزرگ، جزایر سوم و چهارم، قایقرانی به‌خصوص برای خانواده‌هایی که فرزندانشان هم همراهشان هستند، غارنوردی و گذر از پیچ و خم گذرگاه‌های آبی و دالان‌ها از دیدنی‌های این غار است. هوای داخل غار چنان سبک است و حالت سکون مطلق دارد که اگر شمعی در آنجا روشن کنند، هیچ‌گونه حرکتی در شعله شمع دیده نمی‌شود.

● غار قوری‌قلعه:

غار قوری‌قلعه کرمانشاه دیگر غار آبی ایران است و چون هنوز نتوانسته‌اند در ادامه غار علیصدر پیشروی کنند این غار با سه هزار و ۱۴۰ متر طولانی‌ترین غار آبی کشور شناخته شده است و بزرگ‌ترین غار آسیاست. در ۱۰۰۰متری غار به تالار بلور می‌رسید که قشنگ‌ترین حوضچه جهان در داخل آن است و اگر اهل موسیقی هستید طبیعت قوری‌قلعه آن را در اختیار شما قرار داده است، با دست زدن به هر یک از قندیل‌های پرده‌ای‌شکل می‌توانید صدای هر یک از آلات موسیقی را بشنوید. قندیل‌های سفید و براق کریستال‌شکل آن از سقف آویزان است و آنقدر نازک و شفاف هستند که با یک دست زدن هشت متر آن می‌ریزد. معروف است که در ایام قدیم اطراف این آبادی را قلعه‌های مختلفی در بر گرفته که شکل یکی از این قلعه‌ها شبیه قوری بوده است و از قوری و قلعه، قوری‌قلعه به وجود آمده و اسم غار از نام همین آبادی است.

● غار کلته‌خور:

اگر اهل تاریخ و دیدن ماموت‌ها و آثار باستانی هستید، بهتر است به سراغ غارهای دستکند بروید. غار خشک کلته‌خور زنجان یکی از بهترین این غارهاست. به گفته یکی از راهنمایان این غار کلته واژه‌ای ترکی به معنی پستی و بلندی، و خور آسایش و ایمنی است. تنوع رنگ در آهک‌های آن از ویژگی‌های زیبای این غار سه طبقه است، این تنوع رنگ‌ها به دلیل وجود معادن آن است. «ممل» را هم در همین غار پیدا کرده‌اند. ممل ماموت باستانی متعلق به دوره ماقبل تاریخ و از نوع حیوانات پشمالو است.

● غار کرفتو :

در دیواندره کردستان از غارهای آهکی و طبیعی است که در دوره‌های مختلف جهت استفاده و سکونت انسان تغییر حالت داده. بر سردر طبقه سوم این غار چهار طبقه کتیبه‌ای یونانی وجود دارد و به همین دلیل از این غار به عنوان معبد «هراکلس» (هرکول) نام برده شده است. معروف است که این غار در زمان حمله مغول‌ها نیز پناهگاه مردم بوده است.

● غار یخ‌مراد:

اگر مسیرتان بیشتر سمت شمال است و جاده چالوس، غار یخ‌مراد، در روستای کهنه‌ده بعد از دوراهی گچسر هم جایی دیدنی است. البته برای رسیدن به غار نیاز به کمی پیاده‌روی است ولی طبیعت زیبا چنان مسحورتان می‌کند که خستگی چندانی حس نمی‌کنید. در فصل بهار، محوطه بیرون غار و منظره کوهستانی پوشیده از گیاهان معطر بسیار دیدنی است، برودت غار به اندازه‌ای است که تا ماه خرداد هم می‌توان قندیل‌های یخ را در آن دید.

● غار نمکی قشم:

جنوب و جنوبگردی، بوی داغی آفتاب، غذاهای تند و مهربانی چهره‌های آفتاب‌سوخته جنوبی نیز برای خود لطفی دارد. اگر دلتان هوس رفتن به طبیعت قشم را کرد حتما سراغ غار نمکی پنج هزار متری آن هم بروید. این غار دومین غار نمکی جهان محسوب می‌شود و تمامی استالاگتیت‌های (چکنده) آن از جنس نمک است.

● غار قلعه‌کرد:

اگر با غارنوردی حرفه‌ای آشنا هستید و می‌خواهید علاوه بر دیدن زیبایی‌های غار، مانند یک ماجراجو از گذرگاه‌های آن رد شوید و از صخره‌های آن عبور و در آب‌های آن شنا کنید غار قلعه‌کرد در قزوین از این نوع است، قلعه‌کرد جزء غارهای طبیعی و دستکن (هر دو) است و نقاشی‌های درون غار نشان از زندگی انسانی در آن دارد، با وجود اینکه این غار از نظر غارنوردی توریستی نیز دارای ارزش است اما بیشتر مورد توجه غارنوردان حرفه‌ای است. اما غار پرو در کرمانشاه از جمله غارهای سخت و صعب‌العبور دنیاست. به صورتی که در دهانه آن تخته‌سنگ‌های ریز و لغزنده وجود دارد و عمق آب آن به ۷۵۰ متر می‌رسد که عمیق‌ترین غار آسیا است.

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=319442

vista.ir
Online Classified Service

غارهای سنگی" لون مین"

غارهای سنگی لون مین در۵/۱۲ کیلومتری حومه جنوبی شهر لو یان استان خه نان در مرکز چین در پرتگاه‌های شرقی و غربی دره لون مین قرار دارد . به دلیل اینکه کوه‌های شرقی و غربی در حالت تعادلی قرار گرفته است رودی که از میان آنها عبور می کند همانند درگاه یک منزل به نظر می اید و از همین رو از دوران سلسله تانگ انرا لون مین یعنی در اژدها نام گذاشته اند. این محل مرکز مواصلات است . ابها و کوههای زیبا دارد و اب و هوای آن مطبوع است و منطقه دیدنی به حساب می اید که کیفیت سنگ های آن عالی و برای حکاکی مناسب است از این رو پیشینیان این محل را برای حکاکی انتخاب می کردند.

غار سنگی لون مین و غار موگای دون حوان گان سو و غارهای سنگی یون گان داتوی شان سی " سه گنجینه هنر سنگی چین " نامیده می شود. اغاز حکاکی این غارها در سال ۴۷۱ تا سال ۴۷۷ میلادی در دوران امپراتور سیایو وین تی سلسله ووی شمالی بود . پس از ۴۰۰ سال ساختمان آن خاتمه یافت و اکنون ۱۵۰۰ سال قدمت دارد. طول این غارها از جنوب به شمال حدود یک کیلومتر است .اکنون در میان آن۱۳۰۰ غار حفظ شده و شمار مکان های دارای مجسمه های مقدس در آن ۲۳۴۵ است و یادداشتها و حاکی سنگی آن به ۳۶۰۰ می رسد . ۵۰ برج بودا و۹۷۰۰ مجسمه بودا در آن دیده می شود که در این میان غار "بین یان " و معبد فون سیان و غار گو یان از همه دیدنی تر و جالب توجه تر است.

غار "بین یان " اثر (سال ۳۸۶ تا سال ۵۱۲ میلادی) دوران سلسله ووی شمالی است. این غار ظرف ۲۴ سال ساخته شده و به لحاظ زمان کنده کاری بیشترین وقت را گرفته است . در میان آن ۱۱ مجسمه بزرگ بودا دیده می شود . تصویر ساکیامونی تصویر عمده ارام و طبیعی به نظر می رسد و اثر برجسته هنر حکاکی بر روی سنگ است . مقابل این تصویر دو مجسمه شیر سنگی دیده می شود و درچپ و راست تصویر دو مجسمه شاگرد و دو بودیست مجسمه ساز به چشم می خورد . در این غار مجسمه های بودیست ها و شاگردان آنها به چشم می خورد که بسیار زیبا

بوده و گویی زنده است. معبد فون سیان بزرگترین غار سنگی لون مین است و سبک هنر حکاکی سنگی (سال ۶۱۸ تا سال ۹۰۴ میلادی) سلسله تانگ را نمایندگی می کند .طول و عرض ان ۳۰ متر است مجموعه مجسمه های این غار مجموعه کامل هنری است که در میان ان حکاکی تصویر " لو شه نا" اثر هنری بی همتاست .بلندای این تصویر ۱۷ متر است بسیار زیبا و گویی زنده است . دو چشم باهوش این تصویر را به زیر چشم دارد و دلربایی هنری آن عالی است. غار گو یان دارای موضوعات بسیار غنی کنده کاری نسبت به دیگر آثار است. غار دیگر دوران سلسله ووی شمالی نیز جالب توجه است. در این غار مجسمه‌های مقدس بودا دیده می‌شود یادداشت‌ها ازجمله اسمهای کنده کاران و تاریخ حکاکی آنها نیز نوشته شده است. این برای تحقیق سلسله ووی شمالی اسناد گرانمایه خوش نویسی و هنری حکاکی مهمی محسوب می‌شود. ۲۰ اثر خوش نویسی بون مین در تاریخ خوش نویسی چین تقریبا در این محل جمع است . در غارهای لون مین مدارک تاریخی در زمینه های مذهب نقاشی خوش نویسی موسیقی تزیینات لباس دارو و معماری و مواصلات چینی و خارجی نگهداری شده است و در واقع موزه بزرگ هنر سنگی است. ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۰ طبق استاندارد انتخاب میراث فرهنگی جهانی در فهرست میراث جهانی ثبت شد. ارزیابی کمیته میراث جهانی: غارهای سنگی ناحیه لون مین و مکان‌های دارای مجسمه های مقدس آن پردامنه‌ترین و ممتازترین هنر مجسمه سازی در دوران اخیر سلسله ووی شمالی تا سلسله تانگ (سال ۴۹۳ – سال ۹۰۷) را نمایان کرده است این اثارهنری با موضوعات دین بودا ،عالی ترین هنر سنگی چین را نمایندگی می‌کند.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8660

vista.ir
Online Classified Service

غارهای موگای دون حوان

غارهای "موگای دون حوان "درشمال غربی چین پردامنه‌ترین وپرشکوه‌ترین و کامل‌ترین گنجینه هنر بودایی جهان است. سال ۱۹۸۷ غارهای موگا در " فهرست میراث جهانی " ثبت شد. ارزیابی کمیته میراث جهانی بران است که غارهای موگا به عنوان مجسمه‌ها و نقاشی‌های دیواری در جهان شهرت دارد و هنر بودایی یکهزار ساله را نمایان کرده است. در حومه شهر دون حوان استان گان سو در شمال غربی چین کوه مین شان مشاهده می‌شود که در پرتگاه‌های شرقی این کوه در دو کیلومتری از جنوب تا شمال از بالا تا پایین پنج طبقه غار دیده می‌شود که بسیار پر ابهت است. این غارها را "موگای دون حوان" می‌نامند.

از سال۳۶۶ میلادی کار کنده کاری غارها آغاز شد و پس از بازسازی تعداد آنها افزایش یافته و تا قرن هفتم در سلسله تانگ شمار غارها به بیش از

یک هزار رسید . از اینرو غار هزار بودا نامیده می‌شود. مردم سلسله‌های مختلف ضمن کنده کاری غارها در درون آنها تصاویر بودا را ترسیم کرده و مجسمه‌های بودا را می‌ساختند. به دلیل اینکه این غارها در کنار " جاده ابریشم "قرار دارد، این غارها به عنوان پل ارتباط ادیان و فرهنگ و دانش شرق و غرب نیز تلقی می‌شود. هنرهای خارجی با هنرهای ملی چین در این غارها امیخته شده و سبک‌های هنری آن باعث شده است این گنجینه هنری بسیار زیبا به نظر برسد. به رغم تحولات تاریخی و تخریب‌های مصنوعی کماکان ۵۰۰ غار و ۵۰ هزار متر مربع نقاشی دیواری و بیش از دو هزار مجسمه حفظ شده است.مجسمه‌های موگا هزاران شکل دارد و تزیینات لباس و ویژگی‌های دوران مختلف را نمایان کرده است. نقاشی‌های دیواری موگا نیز بسیار پرعظمت است .اگر همه این نقاشی‌های دیواری به هم متصل شود به صورت دالان ۳۰ کیلومتری نقاشی در می‌آید. موضوعات این نقاشی‌های دیواری را دین بودا از جمله تصاویر بودایی ،بودایی ها ،نقاشیهای حاکی از حکایات دین بودا حکایات هند، آسیای میانه و چین و نقاشی‌های حاکی از تاریخ دین بودا با تلفیق اشخاص تاریخی شامل می‌شود. گذشته از اینها، نقاشی‌های دیواری دوران مختلف همچنین زندگی اجتماعی،لباسها و کلاه‌های ملیتها،مجسمه سازی معماری باستانی و موسیقی رقص اکروبات را نمایان کرده و واقعیات تاریخی تبادلات فرهنگی چینی و خارجی را یاد داشت کرده است. از این رو دانشمندان غربی این نقاشی‌های دیواری را " کتابخانه دیواری " می‌دانند. سال ۱۹۰۰یک اتاق مخفی نگهداری کتاب در این غارها کشف شد . مردم انرا " غارنگهداری کتاب " نامیده‌اند. در درون این غار به طول و عرض سه متر، کتابها ،پارچه‌های منسوجات ،نقاشی‌ها و تصاویر بودایی و کشفیات نادر حدود ۵۰ هزار مورد یافت می‌شود تاریخ این کشفیات از قرن چهارم تا قرن یازدهم میلادی بوده و موضوعات ان تاریخ، جغرافیا ،سیاست ملیت ؛ مسایل نظامی زبان و خط ، ادبیات و هنر مذهب پزشکی علوم و فنون و کلیه ابعاد مربوط و کتاب دایره المعارف باستانی چین است. پس از کشف غار کتابها، بسیاری از این آثار را خارجیان به سرقت بردند که ضایعه بزرگی محسوب می‌شود. اکنون در انگلیس فرانسه روسیه هند المان دانمارک سوئد کره جنوبی فنلاند و امریکا کشفیات دون حوان نگهداری می‌شود که معادل دو سوم شمار کل کشفیات غار یاد شده است. به دنبال کشف غار ،گروهی دانشمندان چین تحقیق و بررسی کتابهای دون حوان را شروع کردند. سال ۱۹۱۰ نخستین کتابهای تحقیق دون حوان در چین چاپ شد . از این به بعد رشته دون حوان شناسی ایجاد گردید. در چند دهه گذشته دانشمندان کشورهای جهان به هنر دون حوان علاقه فوق‌العاده‌ای پیدا کرده و به طور مستمر به تحقیق و بررسی آن پرداخته‌اند. دانشمندان چین در این زمینه دست آوردهای عظیمی حاصل کرده‌اند. موگای دون حوان گنجینه فرهنگ چین است و دولت چین همواره به حفاظت از آن بسیار اهمیت داده است به دلیل اینکه گردشگران مناطق سراسر جهان از این اثار دیدن می‌کنند، به منظور حفاظت از کشفیات، دولت چین درکوه "سان وی " در مقابل موگا مرکزنمایش هنر دون حوان را ایجاد کرد ه است. اخیرا دولت چین سرمایه دویست میلیون یوانی برای ایجاد "موگای دیجیتالی " اختصاص داد. این غار مشابه برای حفظ ثروت فرهنگ دون حوان و پرهیز از اسیب رسیدن به نقاشی‌های دیواری بسیار مفید است.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8669

vista.ir
Online Classified Service

فارس پایتخت فرهنگی کشور

استان فارس با ۱۲۳۹۴۶ کیلومتر مربع (۶/۷ درصد از پهنای کل کشور) و با جمعیتی حدود ۴ میلیون نفر از ۲۱ شهرستان- ۶ بخش- ۱۸۴ دهستان- ۵۴ شهر- ۲۹۸۹ روستا و نزدیك به ۳۰۰ اثر ارزشمند تاریخی، طبیعی و مذهبی به عنوان مرکز فرهنگی کشور شناخته می‌شود.

شیراز، مرکز استان فارس با ۱۰۵۳۱ کیلومتر مربع و با جمعیت بالغ بر ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر از مهمترین مراکز استانها و مناطق کشور از نظر جاذبه‌های میراث فرهنگی و گردشگری به جرات می‌توان گفت که از مهمترین مناطق پرجاذبه‌ی دنیا است. هرساله هزاران نفر از گردشگران داخلی و خارجی جهت بازدید از آثار به جا مانده از گذشتگان و بهره‌مندی از طبیعت و هوای پاك این خطه به شیراز و فارس سفر می‌کنند. نگاهی گذرا به آثار ارزشمند این استان خود گواه اهمیت این منطقه است. تخت جمشید- پاسارگاد- حافظیه- سعدیه- ارگ کریمخان- بازار وکیل- نقش رستم- مسجد جامع- نقش رجب- بند امیر- پل آجری سوریان- تپه کوشك زر- کاخ اختصاصی کوروش- مجموعه قصر یعقوب- امامزاده سید نورالدین- مسجد جامع عتیق- مقبره احمد نی‌ریزی- نقش بهرام- شهر بیشاپور- آرامگاه پیر مراد- آتشکده ساسانی- کاروانسرای محك- بازار قیصریه- باغ نشاط و ... صدها اثر تاریخی دیگر.

این استان علاوه بر آثار با ارزش تاریخی پر تعداد، از اماکن طبیعی و خوش آب و هوایی سود می‌برد که هرساله در فصول مختلف پذیرای انبوه مسافرانی است که به قصد رسیدن به آرامش در دل طبیعت بکر، به این خطه سفر می‌کنند.

منطقه‌ی شکار ممنوع توت سیاه در آباده- چشمه بالنگان در اقلید- منطقه‌ی عشایری بوانات مارگون در اسپیدان- پیست اسکی چله‌گاه- بهشت گمشده در مرودشت- دره‌ی پلنگان در نی‌ریز- رودخانه و آبشارهای نورآباد ممسنی- دریاچه پریشان در کازرون- تنگ مرغاب در استهبان- چشمه‌ی آبگرم در فیروزآباد- رونیز و قطب آباد در جهرم- چشمه‌ی حنیفان و تنکاب در فسا- دره‌ی لای‌زنکان در داراب- آب‌انبارهای زیبا و بزرگ و باغ‌های نخل در لار- و صدها منطقه زیبا و خوش آب و هوای دیگر...

در این شماره ما به صورت مختصر به مناطقی از استان فارس خواهیم پرداخت که در شماره‌های گذشته کمتر درباره آن نوشته‌ایم. خوانندگان همیشگی نشریه مسافران بهتر می‌دانند که استان فارس همیشه برای ما دارای اهمیت بوده است برای همین به تناوب به معرفی مناطق مختلف این استان پرداخته‌ایم.

●شاهچراغ

چه کسی می‌تواند به شیراز سفر کند ولی، زیارت شاهچراغ را از یاد ببرد؟ مهمترین زیارتگاه شهر شیراز بقعه‌ی میر سیدمحمد فرزند امام هفتم (ع) معروف به شاهچراغ است که نزدیك مسجد نو واقع می‌باشد. برای نخستین بار امیر مقرب‌الدین وزیر اتابك ابوبکر بر روی این آرامگاه بقعه و بارگاهی برپا ساخت. ازاین زمان یعنی اوایل قرن هفتم تا این زمان بقعه، بارگاه و گنبد و صحن شاهچراغ بارها مورد احیاء و مرمت قرار گرفت. یکی از مرمت‌های اساسی توسط نادرشاه انجام شد. وی در جنگ با افاغنه نذر کرد که در صورت پیروزی بر آنها و فتح شیراز در شاهچراغ تعمیراتی انجام دهد. نادر پس از پیروزی مقداری پول و نزدیك به ۳ کیلو زر ناب به بقعه هدیه کرد. در سال ۱۲۳۹ هجری قمری با بروز زلزله‌ای مهیب در شیراز به بقعه آسیب فراوانی رسید بدین لحاظ مجدداً مورد مرمت قرار گرفت. گنبد این بارگاه نیز نخستین بار در قرن هفتم هجری ساخته شد. در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی گنبد جدیدی با اسکلت فلزی و این بار نیز با طرحی متفاوت با طرح قبلی ساخته شد که این گنبد هنوز پابرجا است.

بنای فعلی بقعه، شامل ایوان اصلی در شرق، حرم وسیع و شاه‌نشین‌هایی از چهار جانب و مسجدی در قسمت غرب حرم می‌باشد. همچنین اتاق‌ها و مقبره‌های متعددی در جوار بقعه می‌باشد از جمله آثار دیدنی حرم شاهچراغ آیینه کاریهای درون حرم که نشان دهنده ذوق و هنر هنرمندان آیینه‌کار شیراز می‌باشد. هنرمندان با آیینه کاری، مقرنس‌هایی را به وجود آورده‌اند.

صحن شاهچراغ بسیار وسیع بوده و در هر دو ضلع شمالی و جنوبی آن حجره‌های زیادی ساخته شده است. در انتهای جنوب شرقی دهلیز، وسیعی قرار دارد که از آن طریق می‌توان به مسجد جامع عتیق رفت.

●جاذبه‌های طبیعی

▪پیست اسکی اسپیدان

یکی از دیدنی‌ترین مناطق استان فارس پیست اسکی اسپیدان است. اسپیدان در ۸۰ کیلومتری غرب شیراز واقع شده است. فاصله‌ی بین اسپیدان تا شهرستان یاسوج (مرکز استان کهکیلویه و بویراحمد) منطقه‌ی کوهستانی و جنگلی است. ارتفاع این ناحیه موجب می‌شود تا در زمستانها بارش برف در این منطقه زیاد باشد. در حدود ۲۵ سال است که در فاصله ۲۰ کیلومتری شهرستان سپیدان در مسیر جاده یاسوج پیست

اسکی کوچك اما زیبایی ساخته شده است. در زمستانها علاقمندان به ورزشهای زمستانی از مناطق مختلف کشور و همچنین از کشورهای همسایه به این منطقه آمده و از هوای خوب و مناظر زیبای آن استفاده می‌کنند.

▪بهشت گمشده

در ناحیه شمال غربی دشت کامفیروز در غرب شیراز، دره‌ای بسیار زیبا با ارتفاعی نزدیك به ۱۸۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد که یکی از دیدنی‌ترین تفریح‌گاه‌های طبیعی استان فارس به شمار می‌رود. پوشش گیاهی مناسب، تپه‌های جنگل گونه از جنس درختان بلوط و بادام کوهی، آب فراوانی که از مظهر چشمه‌ها از کوه در مسیر دره به طرف پایین سرازیر می‌شود و وجود گیاهان و درختان در مسیر این نهر موجب شده تا منطقه‌ی بهشت گمشده یا تنگ بستانك از زیبایی خاص برخوردار باشد. بهشت گمشده در تابستانها محلی مناسب برای تفریح علاقمندان به طبیعتی زیبا می‌باشد. تا آنجا که دوستداران طبیعت در قسمت‌های مختلف این دره چادرهایی برپا کرده و در این محل چند شب اقامت می‌کنند.

▪دریاچه‌ی مهارلو

دریاچه‌ی مهارلو به نوشته‌ی بعضی از منابع مهلو یا مهلویه در ۲۷ کیلومتری جنوب شرقی شیراز واقع شده است. از گذشته‌های دور آب این دریاچه بسیار شور بوده و در تابستانها با کم شدن آب دریاچه از آن نمك تهیه می‌کرده‌اند. هم اینك آب دریاچه مهارلو نسبت به گذشته بیشتر شده است. مهارلو مکان مناسبی برای زیست پرندگان وحشی محسوب می‌شود.

▪باغ ارم

یکی از زیباترین باغهای ایران که از قدمت زیادی برخوردار است باغ معروف ارم می‌باشد. به احتمال زیاد این باغ نیز مانند باغ تخت به همت اتابك قراچه در زمان سلجوقیان ساخته شده است. از دوره‌ی سلجوقیان تا اواخر دوره‌ی زندیه، این باغ در دست پادشاهان یا امرا بوده است.

ساختمان کنونی باغ ارم، در دوره پهلوی پس از تاسیس دانشگاه شیراز به این دانشگاه واگذار شد و هم اینك باغ ارم به عنوان مرکز گیاه‌شناسی فعالیت می‌کند.

ساختمان اصلی باغ ارم در سمت غرب باغ از سه طبقه تشکیل شده است. در طبقه‌ی سوم یك سالن بزرگ شبیه سالن طبقه دوم است که زیباترین قسمت بنای باغ ارم را تشکیل می‌دهد. نقاشی‌های سقف این تالار و دیگر تزئینات آن بسیار دیدنی و زیبا است. در نمای بیرونی ساختمان باغ ارم هشت لوح تخت یکپارچه از سنگ با بیش از دو متر ارتفاع قرار دارد که بر روی شش لوح آن کتیبه‌هایی با اشعار شاعران معروف (سعدی- حافظ و شوریده شیرازی) با خط زیبای نستعلیق به طور برجسته کنده شده است.

▪باغ عفیف آباد

باغ عفیف آباد یا باغ گلشن یکی از باغهای قدیمی شیراز است. مساحت این باغ در حدود ۱۲۷ هزار مترمربع است. تاریخ آبادانی و سرسبزی این باغ به دوره‌ی صفویه می‌رسد. در زمان قاجاریه، یکی از اعیان شیراز عمارت فعلی را در باغ احداث کرد و در آن موقع باغ گلشن به اوج زیبایی و آبادانی خود رسید. در ورودی اصلی باغ رو به سمت شمال است. در نمای سردر باغ چهار ستون گچی ساده دیده می‌شود که سر ستون‌های آن از سر ستون‌های تخت جمشید تقلید شده و در پیشانی سردر نقش دو شیر است که گویی را در بین پنجه خود نگه داشته‌اند.

از بناهای باغ، به حمام آن می‌توان اشاره کرد که جزء حمام‌های قدیمی شیراز محسوب می‌شود و در پشت بام دارای مناره و قبه است. این حمام در جانب غربی ساختمان ورودی و پشت دیوار قرار دارد.

تمامی درهای ساختمان باغ عفیف‌آباد منبت‌کاری شده و درك‌ها با شیشه‌های رنگی آراسته شده است. تزیینات داخلی باغ نیز بسیار دیدنی است.

در جلو باغ گلشن حوض بسیار وسیعی با لبه‌های سنگی ساخته شده است که در دو طرف آن درختان کهنسال وجود دارد. خیابان کشی‌های باغ عفیف‌آباد با استفاده از درختان انجام شده است. هم اینك ساختمان این باغ به عنوان موزه‌ی نظامی ایران مورد بازدید علاقمندان قرار می‌گیرد.

▪دریاچه پریشان

دریاچه پریشان که جزء مناطق حفاظت شده کشور به شمار می‌آید در قسمت جنوبی رشته کوههای زاگرس و در ۶۰ کیلومتری غرب شیراز و در ۱۲ کیلومتری کازرون قرار دارد. در بیشتر کتابهای جغرافیایی قدیم و همچنین سفرنامه‌های جهانگردانی که از ایران دیدن کرده‌اند از دریاچه پریشان و ارژن نام برده شده و این مناطق را زیستگاه شیر ایرانی دانسته‌اند، که هم اکنون نسل آن منقرض شده است.

این دریاچه که جزء یکی از دیدنی‌ترین و زیباترین دریاچه‌های کشور محسوب می‌شود دارای وسعتی در حدود ۴ هزار هکتار است که در سالهای کم باران این اندازه کمتر می‌شود. به دلیل وجود چشمه فامور که منبع اصلی تامین آب دریاچه است به این دریاچه فامور نیز می‌گویند. میانگین

عمق آب دریاچه ۶/۱ متر است که در بعضی سالها به ۲ متر هم می‌رسد. آب این دریاچه شیرین ولی برای آشامیدن چندان مناسب نیست. دریاچه پریشان زیستگاه انواع ماهی‌ها و پرندگان مختلف است که در فصول مهاجرت، پرندگان مهاجر نیز به آنها اضافه می‌شوند و ارزش‌های زیست محیطی دریاچه را دو چندان می‌کنند.

▪دروازه قرآن

از گذشته‌های دور، از میان تنگه‌ی ا.. اکبر راهی به سوی شیراز وجود داشته است. در دوره‌ی آل بویه در این قسمت بناهایی ساخته شده است و طاق مرتفعی را نیز در وسط تنگه احداث کرده‌اند. کریم‌خان زند این طاق را که در حال ویرانی بود مرمت کرد و در دو طرف آن برای محافظین اتاق‌هایی را بنا ساخت و همچنین بر بالای طاق نیز اتاق کوچکی ساخت و در آن یك قرآن خطی بزرگ قرار داد تا مسافرین با عبور از زیر قرآن، از حوادث مصون باشند. و از آن زمان این مکان به طاق قرآن معروف شد. این قرآن بزرگ هم اکنون در موزه پارس نگهداری می‌شود.

▪سرای مشیر

یکی از بناهای زیبای مربوط به دوره قاجاریه سرا یا کاروانسرای مشیر است. این بنا توسط میرزا ابوالحسن خان مشیرالملك یکی از بزرگان و افراد خیر شیراز ساخته شده است. در شیراز و فارس از مشیر، آثار دیگری نیز به جای مانده است. همچون حسینیه‌ی مشیر در شیراز، پل و کاروانسرای مشیر در جاده برازجان و سرای مشیر در نزدیکی درب جنوبی بازار وکیل. سردرب ورودی سرا با مقرنس و کاشیهای زیبایی تزیین شده است و در سقف دالان هشتی آن نیز مقداری کاشی معرق به کار رفته است. پس از عبور از دهلیز کاروانسرا وارد حیاط می‌شویم. در محوطه‌ی سرا در چهار ضلع حجره‌هایی در دو طبقه ساخته شده است که در قسمت جلو طاق‌های حجره‌ها کاشی‌های اسلیمی زیبایی به کار رفته که هم اینك بیشتر آنها ریخته است. اما کاشی‌های زیبای جلوی حجره‌های طبقه بالا هنوز سالم مانده است. در وسط حیاط حوض بزرگی قرار دارد که سنگ یکپارچه بزرگی در آن بکار رفته است. در ضلع شمالی سرای مشیر حوضخانه‌ی زیبایی وجود دارد که در وسط آن حوض سنگ هشت ضلعی کوچکی قرار دارد. سقف این حوضخانه با کاشی‌کاری زیبایی تزیین شده است.

▪چهل‌تنان

در شمال مقبره‌ی حافظ باغی است که به دلیل وجود ۴۰ قبر در آن به چهل‌تنان معروف شده است. این چهل نفر عارفان و عالمانی هستند که نام و نشان آنها مشخص نیست. اطراف این گورستان در زمان کریمخان زند دیواری کشیده شد. در شمال محوطه چند اتاق و یك حوض آب نیز وجود دارد. همچنین مقبره‌ی شاعر معروف شیراز شیخ ابواسحاق اطعمه، در این باغ قرار دارد شیخ اطعمه تمامی اشعار خود را با استفاده از نام میوه‌ها و خوراکی‌ها سروده است. و این اشعار بسیار زیبا است.

▪خانه زینت‌الملك

در شرق شیراز در انتهای خیابان کنونی لطفعلی‌خان زند و در حدفاصل کوچه باریکی با ساختمان زیبای نارنجستان قوام ساختمانی قرار دارد که به خانه زینت‌الملوك معروف است. این ساختمان در واقع، اندرونی عمارت دیوانی نارنجستان قوام به شمار می‌رفته است. در ضلع شمالی نارنجستان قوام در زیرزمین راهرویی وجود دارد که انتهای آن به حیاط خانه زینت‌الملوك باز می‌شده است و از این طریق به اندرونی راه می‌یافتند. این خانه یکی از آثار تاریخی و با ارزش اواخر دوره قاجاریه محسوب می‌شود. معماری این بنا به سبك معماری دوره‌ی قاجاریه می‌باشد. از قسمت‌های دیدنی خانه زینت‌الملوك زیرزمین آن می‌باشد. دور تا دور ساختمان خانه، در سه ضلع شمالی، جنوبی و شرقی زیرزمین راهرو مانند بزرگی ساخته شده است که در نوع خود بسیار زیبا و از لحاظ معماری حایز اهمیت می‌باشد. در چند سال اخیر این بنا مورد مرمت اساسی قرار گرفته است و از زیرزمین آن به عنوان مکانی برای نمایش آثار هنری استفاده می‌شود.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227100

vista.ir
Online Classified Service

فرار «دست»ها

مهاجرت پدیده تازه ای نیست و قدمتی طولانی دارد. جذب صاحبان فکر و سرمایه از کشوری با امکانات ضعیف تر به کشورهای غنی تر همیشه مورد توجه کشورهای مبدأ و مقصد بوده است. انگیزه های مهاجرت از آرزوها و نیازهای مردم کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد. ولی صاحبان فکر و سرمایه برای رسیدن به امکانات بیشتر، آرامش روحی و آسایش جسمی اقدام به مهاجرت می کنند.

امریکا، اتحادیه اروپا، کانادا و استرالیا به ترتیب مهاجرپذیرترین کشورهای دنیا محسوب می شوند. در حالی که بیشترین آمار مهاجرت از یک کشور متعلق به انگلستان بوده و پس از آن فیلیپین، هند و چین قرار دارند. بدیهی است انگیزه مهاجرت یک انگلیسی با یک فیلیپینی یا هندی متفاوت است ولی وجه مشترک همه آنها رسیدن به امکاناتی برتر از کشور مبدأ است.

در سال گذشته از میان کشورهای در حال توسعه، ایران با مهاجرت سیصد هزار نفر در رده پانزدهم قرار گرفت که از این تعداد ۱۷۰ هزار نفر تحصیلکرده دانشگاهی بودند لذا صندوق بین المللی پول در سال گذشته رتبه اول فرار مغزها را به کشورمان اختصاص داد. خروج این افراد از ایران معادل خروج سرمایه ای برابر با ۱۱ میلیارد دلار برآورد شده است.

«فرار مغزها» در میان انواع مهاجرت پدیده ای قابل توجه بوده و هنگامی که در محافل داخلی درباره آن بحث می شود بلافاصله اذهان و افکار عمومی در جست وجوی اساتید ممتاز دانشگاه ها، دانشجویان نخبه و برگزیدگان المپیادهای کشور برمی آیند.

درحالی که اینان همگی بخشی از جامعه بزرگی به نام «نخبگان» هستند که شامل طیف وسیعی از دارندگان سرمایه، مشاغل فنی، افراد باتجربه و کارآمد و نیروهای خلاق و مستعدی است که در بخش های مختلف تولیدی و خدماتی کشور مشغول به کار و تلاش هستند و در حرفه خود صاحب تجربه، سبک و ایده های نو شده اند.

آنان تجربیاتی را که طی سال ها با زحمت خویش، سرمایه فراوان و نیز آزمون و خطاهای مکرر بر روی هموطنان یا منابع کشور به دست آورده اند، پس از مهاجرت با کمترین خطا در اختیار میزبانان خود قرار می دهند. به این ترتیب علاوه بر فرار مغزها، با پدیده جدیدی به نام «فرار دست ها» آشنا می شویم که در جامعه رو به گسترش بوده و اشاره به نیروهای باتجربه، کارآمد و خلاق در رشته های مختلف دارد.

اگر تا دیروز پزشکان عالی رتبه، مهندسان برجسته و اساتید و دانشجویان برتر دانشگاه ها و المپیادها با عنوان فرار مغزها ترک دیار می کردند، امروز نیروهای باتجربه و کارآمدی مثل کادرهای درمانی بیمارستان ها، تکنسین های شاغل در کارخانجات و تولیدی های کوچک و بزرگ و خیل روزنامه نگاران، هنرمندان و افراد توانمند دیگر با تحمل هزینه های زیاد اقدام به مهاجرت می کنند و تجربیات گرانبهای خود را در اختیار کشورهای توسعه یافته قرار می دهند.

به گفته یک استاد دانشگاه خروج این افراد تنها خروج سرمایه و دانش نیست، بلکه خروج خصوصیات ارثی و ژن های هوشمندی است که در نهاد این افراد قرار دارد. به این ترتیب کشورهای مقصد دارای نسل های بعدی برجسته تر و کشورهایی با ژن های هوشمندتر می شوند و حاصل آن عدم تعادل جهانی نه تنها از نظر سرمایه بلکه از نظر زیربنای فکری و ژنتیکی می شود.

نیروهای انسانی یکی از اساسی ترین شاخص های توسعه یافتگی کشورها محسوب می شوند، لذا با مهاجرت آنان قدرت مدیریت و حاکمیت کاهش یافته و امور به نحو مطلوب اداره نمی شوند.

هرچند گفته می شود سرمایه ایرانیان در خارج از کشور حدود ۸۰۰ تا هزار میلیارد دلار است که برابر با پنجاه سال صدور نفت است ولی نیروهای انسانی متخصص و باتجربه، تنها سرمایه ای است که نمی توان قدر و قیمت آنها را همچون منابع طبیعی و فیزیکی با میزان پول سنجید، بنابراین زیان های ناشی از مهاجرت آنان شامل زیان های بالفعل و بالقوه است.

طنز تلخ قضیه اینجاست که این نیروهای باتجربه پس از کسب روادید مهاجرت، هنگامی که برای استعفا یا اجازه خروج به محل کار خود مراجعه می کنند، با استقبال و گشاده رویی جهت تسویه حساب روبه رو می شوند، چرا که مسوولان با از دست دادن یک نیروی باسابقه و باتجربه که خواهان شرایط و امکانات عادلانه است، رو به سوی نیروهای جوان و بی تجربه ای می آورند که خواهان حداقل حقوق و امکانات رفاهی بوده و با قراردادهای متزلزل به استخدام درمی آیند و فسخ این گونه قراردادها هم به راحتی و یک سویه امکان پذیر است.

در بررسی علل خروج «فرار دست ها» از ایران می توان به عواملی اشاره کرد از جمله عدم تامین امکانات زندگی در شأن و حقوق شهروندی و مقایسه خود با حقوق و شرایط افراد مشابه در کشورهای مقصد، تفاوت آشکار حقوق و درآمد بین افراد در یک مجموعه حقوقی مثل پزشکان با نیروهای درمانی بیمارستان ها، مهندسان با تکنسین ها و مدیران با کارمندان که در حد غیرقابل توجیهی در تمام نهادها و ارگان ها به چشم می خورند.

از دیگر علل می توان تبعیض و عدم برخورد اجتماعی مناسب با قشرهای مختلف جامعه، عدم آرامش در سیاست های جاری کشور در پهنه داخلی و خارجی و افراط و تفریط در بسیاری از شئون را نام برد که متقاضیان مهاجرت را در تصمیم خود مصمم می کند.انسان ها مایلند در محیطی زندگی کنند که تاثیرگذار باشند و خدمت شان دیده شود، در حالی که در جامعه ما ظاهراً چنین چیزی محقق نیست و کار و تلاش عده ای به نام و به کام عده ای دیگر تمام می شود.

با کاستی ها می توان زندگی کرد و برای جبران آن تلاش کرد ولی با بی صداقتی، ناامنی، تبعیض و بی اعتنایی به کار کیفی نمی توان کنار آمد.

در حال حاضر بزرگترین عامل بازگشت ایرانیان به کشور وابستگی های عاطفی است و خانواده محوری در ایران سبب شده است آن گروه از کسانی که خارج شده اند در اثر دلتنگی های خاص ایرانیان به کشور مراجعت کنند حال که شهروند ایرانی به دلیل مشغله های اقتصادی و درگیری بر امرار معاش، دیدار با دوستان و بستگان خود را در طول سال به حداقل رسانده است، این انگیزه عاطفی نیز اثربخشی خود را از دست داده لذا آخرین انگیزه بازگشت به کشور کمرنگ شده و قابل چشم پوشی است.

گفته می شود از هر ۱۰ دانشجوی ایرانی که در خارج از کشور به سر می برند تنها ۳ نفر پس از پایان تحصیلات به کشور بازمی گردند در حالی که این رقم برای هندی ها ۷ نفر و برای ژاپنی ها ۹ نفر است.

اخیراً کشورهای بزرگ صنعتی اعلام کرده اند که تا سال ۲۰۲۰ نیازمند هشتاد میلیون نیروی کار متخصص هستند و برنامه ای جهت جذب سالانه حدود پنج میلیون نفر را طراحی و تدوین کرده اند. در این سو هم کشورهای مبدأ همچون ایران قرار دارند که بخش وسیعی از جامعه علمی و تخصصی خود را تقدیم بیگانگان می کنند.

با خروج نخبگان از کشور تولید علمی، بنیه اقتصادی و فعالیت های تخصصی کشور ضعیف شده و کارایی سرمایه فیزیکی نیز رو به کاستی می رود. همچنین با این برون رفت، خلاقیت و نوآوری کاهش یافته و رقابت از بین می رود. با نگاهی به اطراف خود و میان دوستان و وابستگان که تجربیات گرانبهای خود را در سال های اخیر به دیگر کشورها منتقل کرده اند باید متوجه به صدا درآمدن زنگ خطر شده باشیم.

در پایان این سوال به ذهن می رسد که اگر فرصت مهاجرت به همه مردم حتی افراد بسیار معمولی داده شود آیا آنان نیز اقدام به مهاجرت نمی کنند؟

فراموش نکنیم کشورهای مقصد با ایجاد شرایط و ضوابط متعدد و گزینش های خاص که هر سال به مراتب دشوارتر از سال قبل می شود، نوعی محدودیت در مهاجرت اتباع کشورهای مبدأ ایجاد می کنند و کاهش آمار مهاجرت در کشورهای مبدأ غالباً به دلیل جاذبه های داخلی نبوده بلکه به دلیل سخت گیری های کشورهای مقصد و مهاجرپذیر است که در صورت تحصیل در این شرایط اوضاع به گونه ای بسیار وخیم تر برای کشورهای مبدأ از جمله کشور ما رقم می خورد.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=267463

vista.ir
Online Classified Service

فرار ژن ها مخاطره آمیزترین رویکرد فرار مغزها

کشور کهن ایران منشاء و منبع غنی ترین و قدیمی ترین تمدن های بشری بوده است. اما, متاسفانه و به دلایل گوناگون کشور ما نتوانسته به گونه مطلوبی خود را با تحولات دوران گذار از عصر کشاورزی به عصر صنعتی و از عصر صنعتی به عصر اطلاعات هماهنگ سازد و حاصل این دو گذار برای ما فقر اقتصادی و اطلاعاتی بوده است, علی رغم این موضوع و با توجه به مشکلات فراوان مردم کشور ما برای دست یابی به اطلاعات و سواد تکنولوژیک داشته و دارند, امروزه با دو معضل بزرگ به نام فرار مغزها و فرار ژن ها مواجه است. معضلی که در اثر سیطره بی حد و حصر کشورهای پیشرو و توسعه یافته در صنعت و فناوری بروز پیدا کرده است.

شاهد هستید که هر سال بسیاری از نخبگان علمی کشورمان توسط دانشگاهها و شرکت های آمریکایی و اروپایی جذب می شوند و این یعنی از دست رفتن سرمایه های مادی و معنوی فراوانی که آثار و تبعات آن در حال و آینده گریبان گیر ما خواهد شد.

اعتقاد بر این است که ادامه این روند منجر به تخلیه کشور از ژن های نخبه خواهد شد و نتایج آن در نسل های آینده بروز خواهد کرد روندی که با توسعه فناوری اطلاعات شدت بیشتری گرفته است و باعث تسلط هر چه بیشتر کشورهای توسعه یافته بر کشور در حال توسعه ما خواهد شد.

دولت ها به عنوان بزرگترین ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در کشورهای جهان سومی باید برنامه ها و راهکارهای مناسبی برای کنترل روند رو به رشد فرار مغزها و ژن ها به کشورهای توسعه یافته ارائه کنند.

بنا بر آمار اعلام شده از سوی بانک جهانی سالانه ۳۰۰ هزار نفر که بیشتر آنها نیز شامل افراد تحصیلکرده و کارگران ماهر می باشند از ایران به خارج مهاجرت می کنند و ایران از لحاظ فرار مغزها در رتبه پانزدهم جهان قرار دارد. شرایط سخت مهاجرت در کشورهای اروپایی و آمریکایی باعث شده است که آنها در یک اقدام خودآگاه فقط دو دسته از افراد را دستچین کنند و به آنها اجازه اقامت و زندگی در کشورشان را بدهند.

این افراد نیز کسانی هستند که کمترین ریسک اقتصادی و امنیتی را برای آنها به همراه داشته باشند. که شامل افراد تحصیلکرده و ثروتمند هستند.

در گزارش منتشر شده از سوی بانک جهانی با عنوان؛مهاجرت بین المللی و فرار مغزها؛ تعداد افرادی که در طی سالهای گذشته از ایران خارج شده اند بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر در سال عنوان شده است. بر اساس این گزارش جمهوری اسلامی ایران از نظر مهاجرت اتباع خود به خارج از کشور در جایگاه پانزدهم جهان قرار گرفته است. سه کشور انگلیس - فیلیپین و هند به ترتیب در رتبه های اول تا سوم جهان از نظر حجم مهاجرت اتباع خود به خارج قرار گرفته اند. تعداد مهاجر از این سه کشور به ترتیب ۴۴/۱ و ۱۲/۱ و ۰۳/۱ میلیون نفر در سال عنوان شده است. این گزارش حاکی است که ۵۸ ٪ از کل ایرانی های مهاجر که معادل ۱۷۰ هزار نفر در سال می شوند افراد تحصیلکرده ای هستند که برای ادامه تحصیلات و یا جست وجوی شرایط بهتر برای زندگی خود به خارج مهاجرت می کنند. ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا مراکز مهم جذب مهاجران ایرانی هستند. از کل مهاجران ایرانی ۴۵٪ آنها وارد ایالات متحده می شوند و بقیه به دیگر نقاط جهان مهاجرت می کنند. این گزارش حاکیست که تنها ۳۴٪ از ایرانیان تحصیلکرده ای که با مدرک لیسانس به خارج مهاجرت می کنند می توانند شغلی متناسب با تحصیلات و در شان خود پیدا کنند در حالیکه مهاجران هندی و هنگ کنگی و ایرلندی از جمله موفقترین مهاجران جهان هستند.

آمار ها نشان می دهند در سال ۱۳۸۲،تعداد ۰۰۰/۲۴۰ ایرانی دارای تحصیلات دانشگاهی در امریکا زندگی می کردندو ۱۸۲۶ عضو هیئت علمی تمام وقت ایرانی در امریکا و کانادا تدریس می کردند. در حالیکه طبق آمار تا سال ۱۳۷۵ جمع استادان و دانشیاران حاضر در ایران فقط ۲۲۰۰ نفر بود

و جمع استادیاران حاضر در ایران ۶۰۰۰ نفر بود. ۶۰۰۰ پزشک ایرانی و ۳۰۰۰ دانشجوی پزشکی ایرانی در امریکا زندگی می کردند.
در سال ۱۳۸۰ درآمد سالیانه کشور از محل صادرات نفت ۲/۱۶ میلیارد دلار اعلام شده بود در حالیکه ضرر ناشی از خروج مغز ها از کشور ۳۸ میلیارد دلار برآورد شده بود. در سال ۷۸ بطور قانونی ۵۴۷۵ فرد دارای درجه دکترا و فوق لیسانس از کشور مهاجرت کردند یعنی روزی ۱۵ نفر. بنا بر آمار اعلام شده در سال ۱۳۷۹ تعداد ۲۵۰.۰۰۰ نفر فارغ التحصیل دانشگاهی ایران را ترک کرده اند. بودجه سال ۱۳۸۲ کشور رقم ۹۶.۰۰۰ میلیارد تومان بود و از سال ۱۳۵۸ تا انتهای ۱۳۸۱ اعلام شد که ۵۰۰ میلیارد دلار نفت فروخته شده است.
در سال ۱۳۸۴ صندوق بین المللی پول اعلام کرد:
کره جنوبی - فیلیپین - چین تایپه و ایران اولین کشورهای دنیا از نظر فرار مغزها هستند. در ایران سالانه ۱۵۰.۰۰۰ تا ۱۸۰.۰۰۰ نفر با تحصیلات دانشگاهی از کشور خارج می شند که معادل خروج ۱۱ میلیارد دلار سرمایه از کشور است.
با توجه به آمار ذکر شده می توان پی به اهمیت بحران و شاید اتفاق خطرناک تاریخی بزرگی که در آینده نه چندان دور گریبان فرزندان و نسل های بعد ما را خواهد گرفت، برد.
خروج بی سر و صدای هزاران تحصیلکرده و نخبه ایرانی غیر از ضرر های جبران ناپذیر مادی زمینه ای را برای پدیده خطرناک فرار ژن ها فراهم می کند یعنی با خروج هر نخبه ایرانی از کشور اولین ضربه ای که به کشور می خورد از بعد اقتصادی خواهد بود چرا که تمام سرمایه گذاری های مادی در طول بیست و پنج سال و امکان استفاده از دانش وی در سال های بعدی از بین می رود، اما در آینده با ماندگار شدن نخبگان در اروپا و آمریکا و کانادا(که عاشقانه برای جوانان و متفکرین ما آغوش گشوده اند) و ادامه تحصیل و کار و با لمس شرایط خوب زندگی معمول در این کشور ها برای این قشر از افراد و ازدواج آنها یا نسل های بعدی آنها با زنان و مردان کشورهای مقصد ژن نبوغ خود را به راحتی به یک دو رگه منتقل می کنند و این ژن بعد از دو یا سه نسل به یک انسان تمام غربی منتقل می شود و به همین سادگی اتفاقی که من از آن به بمب ژنی یاد می کنم خواهد افتاد. بمبی که اکنون منفجر شده است اما صدای آن را نسل های بعدی خواهند شنید.
جوامع نخبه هر روزه به علم، فن، صنعت و تولید جدیدی دست می‌یابند و دیگر کشورهای دنیا به دلیل نیاز به آن علوم، فنون، صنایع و تولیدات جدید، ناگزیر باید هزینه لازم را پرداخت کرده و فرهنگ کشورهای نخبه را که با علوم، فنون و صنایع و تولیدات آنها همراه است نیز بالاجبار بپذیرند، زیرا فرهنگ جدید و نو نیز با تولید علم و فن جدید حاصل می‌شود؛ یعنی محصول فیزیکی و تولیدی حاصل از علم و تکنولوژی جدید به همراه خود، فرهنگ استفاده جدید را نیز متولد می‌کند.به عبارت دیگر کالهای تولیدی هر کشور بر اساس فرهنگ همان کشور تولید می‌شود. لذا هر کشوری با صدور کالاهای خود به دیگر کشورها، فرهنگ خویش را نیز صادر نموده و به مرور زمان فرهنگ دیگر کشورها را با فرهنگ خویش جایگزین می‌نماید و در نهایت کشورهای نخبه گریز به دلیل نیاز و وابستگی همیشگی، خدمتکار این کشورها می‌شوند.
افراد نخبه به علت توانایی بالا در تولید ایده، دانش، علم، فن، فناوری و صنعت جدید همیشه زمینه ساز حرکت و پویایی اقتصاد و خالق فرصت‌های شغلی جدید برای جامعه خود هستند. البته این موضوع در کشورهایی اتفاق می افتد که از اقتصاد سالم و ساختار هدفمندی برای مدیریت نیروی انسانی برخوردار باشد و توانایی حفظ و حتی جذب دوباره نیروهای از دست رفته را داشته باشد . به عقیده کارشناسان بهترین و مطمئن ترین نقطه برای سرمایه‌گذاری در خصوص اشتغال و رفع معضل بیکاری در بلند مدت، توجه ویژه به نخبگان، دانشمندان و اندیشمندان جامعه است تا با تولید علم، فن، تکنولوژی و صنعت جدید، فرصت‌های شغلی بر گرفته از علم و صنعت داخلی را برای کشور ایجاد کنند. ساده ترین راه حل برای رسیدن به چنین امکانی فراهم کردن محیطی مساعد برای فعالیت علمی، تحقیقاتی و پژوهشی و همچنین به کار گیری نخبگان در لایه های مشاوره ای و مدیریتی سطح بالای کشور است. رفع تبعیض ها و بی عدالتی ها در گزینش نیروها و حمایت مادی مناسب و تشویق و ترغیب نخبگان به انجام کارهای بزرگ و تاثیرگذار می تواند اقدامات موثر بعدی در جلوگیری از فرار ژن ها باشد.
متاسفانه روندی که در سال های اخیر در کشور با آن مواجه بوده ایم به علت عدم مدیریت صحیح در توزیع نیروی تحصیل کرده در بازار کار تقویتی بوده است و از سوی نهادهای دولتی و خصوصی بسیاری موقعیت های شغلی در کشورهایی مثل استرالیا و... تبلیغ می شوند.
پایین رفتن ارزش تحصیل در کشور به علت مشکلات اقتصادی عدیده از یک سو و همچنین گرایش عجیب دانشگاه های دولتی به جذب دانشجویان بر اساس شهریه های بالا موجب از بین رفتن جایگاه واقعی علم و تحصیل در کشور شده است این دو پدیده جالب نیز که حاصل ضعف های بیشمار ساختار سنتی آموزش در کشور می باشد باعث شده اند تا وضعیت کشور از نظر عدم پرورش مناسب استعداد ها و همچنین تسریع خروج منابع انسانی نخبه به حالت بحرانی برسد.
اصول آینده نگری و میهن اندیشی ایجاب می کند تا همه کسانی که دلشان برای ایران و آینده آن می سوزد در این مورد به تفکر بنشینند و تلاش

کنند تا این موج منفی به مثبت تبدیل شود و زمینه بازگشت سرمایه های علمی و در نهایت اقتصادی به وطن فراهم شود.

این موضوع در قالب بیانیه ای از سوی فعالان جامعه مدنی ایران در اجلاس منطقه ای جامعه اطلاعاتی آسیا و اقیانوسیه که در تهران برگزار گردید مورد اشاره قرار گرفت و حمایت و توجه اکثر کشور های آسیایی را درپی داشت.

http://vista.ir/?view=article&id=321130

vista.ir
Online Classified Service

فرار مغز ها و عوامل موثر بر آن

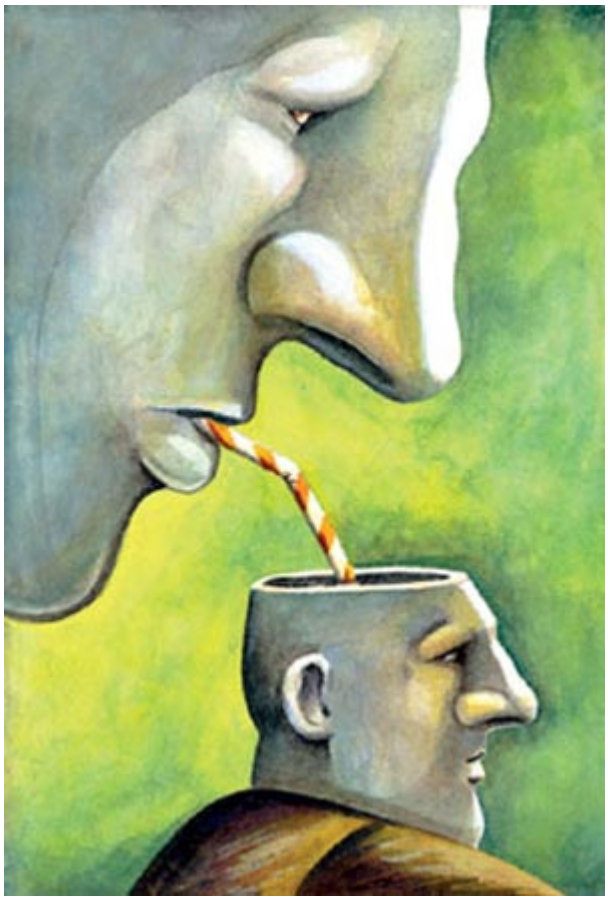

سرمایه انسانی ماهر یکی از مهمترین عوامل در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه است. مهاجرت افراد متخصص در واقع به معنای انتقال نیروی انسانی ماهر از کشورهای مبدا (عموماً کشورهای جهان سوم یعنی دقیقاً همان کشورهایی که نیاز مبرم به نیروی کارآزموده و متخصص دارند) به کشورهای پیشرفته است.

خروج این سرمایه انسانی زنگ خطری برای کشورهای جهان سوم به حساب می آید زیرا نه تنها اینگونه کشورها را با تنگنای نیروی انسانی ماهر روبه رو می سازد که جبران آن بسیار مشکل است بلکه وابستگی این کشورها را نیز به کشورهای صنعتی هر روز فزون تر می کند.

ایران در زمره کشورهایی است که با مساله فرار مغزها روبه رو بوده و مهاجرت متخصصان آن در سطح بالایی قرار دارد.

جدول شماره ۱ کشورهای مهاجرفرست را بر حسب بالاترین مهاجرت افراد تحصیلکرده در سال ۲۰۰۰ نشان می دهد. براساس جدول بالا ایران در سال ۲۰۰۰ با بیش از ۳۰۰ هزار مهاجر نیروی انسانی ماهر در رتبه پانزدهم قرار داشته است.

اگرچه ایران از نظر قدر مطلق تعداد مهاجران در سال ۲۰۰۰ در ردیف پانزدهم بوده است ولی در بین کشورهای فوق به لحاظ نسبت تعداد مهاجران تحصیلکرده به کل مهاجران ایران جزء ۴ کشور اول با بالاترین نرخ مهاجرت تحصیلکرده ها بوده است. (جدول ۲)

عوامل موثر بر مهاجرت نیروی انسانی ماهر در کشورهای مبدأ (عوامل دافعه) عبارتند از؛

۱) پایین بودن سطح توسعه و درآمد سرانه کشور

پژوهش های مختلف نشان می دهد ارتباط نیرومندی بین مهاجرت افراد تحصیلکرده و سطح توسعه و درآمد سرانه کشور وجود دارد، در واقع شکاف بین سطح زندگی و درآمد سرانه کشورهای ثروتمند و کمتر برخوردار یکی از عوامل مهاجرت افراد تحصیلکرده به کشورهای پیشرفته است. مهارت نهاده یی است که دستمزد آن را عرضه و تقاضای بین المللی تعیین می کند، در حالی که دستمزد افراد بی سواد، غیرماهر و غیرمتخصص را عرضه و تقاضای داخلی کشور تعیین می کند. در واقع افراد ماهر و متخصص به دلیل وجود تقاضا در کشورهای دیگر از قدرت انتخاب بالاتری

برخوردار بوده و در صورت پایین بودن سطح دستمزد در کشور مبدأ سهل تر و کم هزینه تر می توانند اقدام به مهاجرت کنند. فیزیکدان ها، متخصصان و تحلیلگران مالی، حسابداران، ریاضیدان ها، پزشکان متخصص، مهندسان به ویژه در رشته های نفت و گاز، پتروشیمی، صنایع، کامپیوتر و... دارای تقاضای نسبتاً زیادی در کشورهای پیشرفته بوده و از احتمال مهاجرت بیشتری برخوردارند.

۲) سایر عوامل اقتصادی

علاوه بر درآمد سرانه و تفاوت های درآمد انتظاری بین کشور مبدأ و مقصد سایر عوامل اقتصادی مانند نرخ بیکاری در کشور مبدأ و تفاوت آن با نرخ بیکاری کشور مقصد نیز در مهاجرت متخصصان موثر است و انتظار می رود با بالارفتن نرخ بیکاری تحصیلکرده ها در کشور مبدأ میزان مهاجرت افراد ماهر نیز افزایش یابد.

۳) نظام آموزش عالی

در اکثر کشورهای در حال توسعه تقاضا برای آموزش عالی بسیار بالاست. علت اصلی بالا بودن تقاضا در این کشورها از یک طرف مربوط به موقعیت و پرستیژ اجتماعی دارندگان مدرک تحصیلات عالی و از طرف دیگر به دلیل رایگان بودن بخش عمده نظام آموزشی عالی است که ریشه در دولتی بودن آن دارد. متاسفانه با وجود بالا بودن تقاضا برای ورود به دانشگاه نظام اقتصادی قابلیت جذب خیل عظیم فارغ التحصیلان را نداشته و نتیجه آن عرضه مازاد فارغ التحصیلان دانشگاهی است که نمی توانند در اقتصاد داخلی جذب شوند. با بالا رفتن نرخ بیکاری فارغ التحصیلان احتمال مهاجرت آنان نیز افزایش می یابد. علاوه بر این نظام آموزش عالی در اکثر کشورهای در حال توسعه از دو ویژگی دیگر نیز برخوردار است که روند مهاجرت را تسریع می کند؛

الف) از یک طرف نظام آموزش عالی افراد زیادی را در رشته هایی آموزش می دهد که ارتباط ضعیفی با نیازهای اقتصادی- اجتماعی کشور دارد.

ب) از طرف دیگر افراد زیادی در رشته ها و تخصص هایی با بالاترین کیفیت آموزش می بینند که با نیازهای حرفه یی کشورهای پیشرفته تناسب بیشتری دارد.

پژوهش های متعدد نشان می دهد مهاجران تحصیلکرده در هر دو دسته آموزشی وجود دارند، اگرچه عوامل تعیین کننده در مهاجرت آنها متفاوت است. افرادی که در رشته های علوم انسانی و تا حد کمتری علوم اجتماعی و دیگر رشته های کمتر کاربردی تحصیل کرده اند دست به مهاجرت می زنند، عمدتاً به دلیل اینکه بازار کار داخلی امکان به کارگیری آنها را ندارد به عکس افرادی که در تخصص های کاربردی و رشته های مهندسی، پزشکی و علوم تحصیل کرده اند مهاجرت می کنند و دلیل عمده مهاجرت آنها نه بیکاری که بیشتر شکاف درآمدی بین کشور مبدأ و مقصد است.

۴) شرایط کار

علاوه بر متغیرهای اقتصادی عوامل غیرپولی و غیرمادی نیز در مهاجرت افراد تحصیلکرده تاثیر بسزایی دارد. اگرچه این عوامل می تواند از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد ولی به هرحال می توان به طور کلی آنها را به موارد زیر طبقه بندی کرد؛

الف) انعطاف ناپذیر بودن ساختارهای نظام آموزشی و پژوهشی به دلیل نبود نظام انگیزشی موثر

ب) پایین بودن فرصت پیشرفت علمی به دلیل وجود دیوان سالاری سنتی و دست و پاگیر

ج) ضعیف بودن امکان ارتباط متخصصان داخلی با متخصصان خارج از کشور در جهت پیشرفت های علمی

د) پیچیده و زمانبر بودن نظام گزینش و استخدام

ه) کمبود امکانات پژوهشی و عدم ارتباط پژوهش ها با نیازهای ملموس جامعه

و) نبود یا ضعیف بودن نظام شایسته سالاری در استخدام، ارتقا و پیشرفت علمی و حرفه یی

۵) عوامل سیاسی و اجتماعی

عوامل سیاسی و اجتماعی فرهنگی نیز در مهاجرت نقش عمده یی دارند که اهمیت آن کمتر از عوامل اقتصادی نیست. در واقع متخصصان نسبت به عوامل سیاسی و اجتماعی حساس تر و آسیب پذیرتر بوده و به شدت عکس العمل نشان می دهند.

وجود تنوع عقاید سیاسی، تکثرگرایی و چندصدایی و پذیرش مشارکت افراد تحصیلکرده در اداره امور کشور موجب می شود فضای سیاسی هر کشوری از سلامت بیشتری برخوردار شده و مانع مهاجرت متخصصان شود.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=305755

vista.ir
Online Classified Service

فرار مغزها (brain drain)

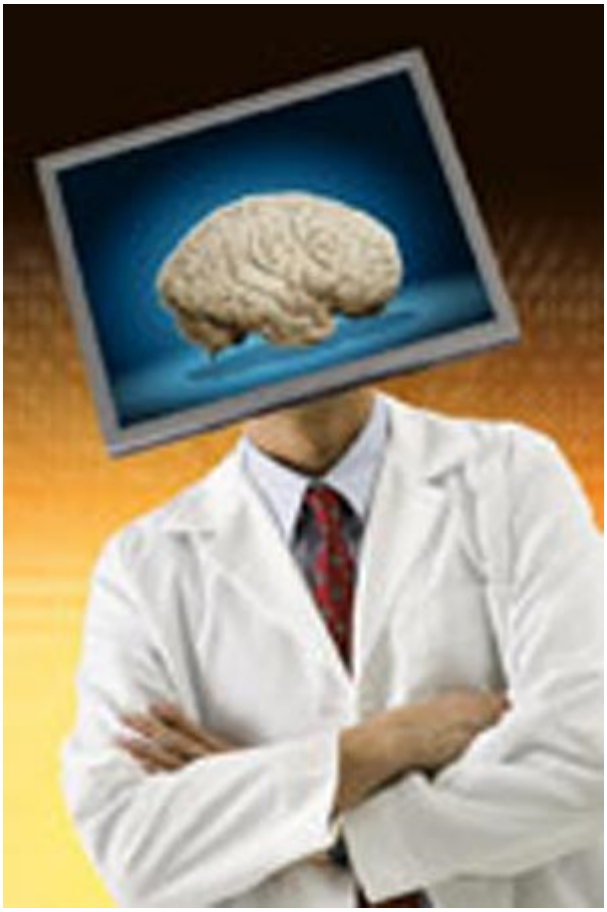

مقاله حاضر در پی آنست تا ضمن شناخت دقیق فرار مغزها, علل و عوامل موجد آن را مشخص ساخته و در نهایت بتواند پیشنهادات و راه حلهایی در این زمینه ارائه دهد. در اینجا به جهت وسعت و نامشخص بودن تعداد متخصصین مقیم خارج کشورهای جهان سوم ونبود اطلاعات آماری کافی در این زمینه از بعد عملی تحقیق صرفنظر شده و صرفاً روش اسنادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

فرار مغزها پدیده کهنی است که از دیرباز تاکنون به گونه های وسیع و چشمگیرگریبانگیر کشورهای جهان سوم شده است. این پدیده ای بسیار پیچیده است که مساله مهاجرت نخبگان ، فرار مغزها و شکار مغزها را شامل می شود و هر کدام از این موارد مکانیزمها و سازوکارهای خاصی دارند. فرار مغزها فرآیندی است که بر محمل یک رابطه نامتعادل بین کشور های صنعتی پیشرفته و کشورهای کمتر توسعه یافته جهان سوم شکل می گیرد و طی آن نیروی انسانی پرورده و نخبه از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای صنعتی ثروتمند توسعه یافته ترمهاجرت می کنند.

این واژه در بیشتر زبان های اروپایی به معنای به سوی خود کشیدن و جذب مغزهای پرورده است در حالی که معادل فارسی این اصطلاح، مفهوم فرار کردن و دفع را با خود دارد و برخی از نویسندگان مصری با عبارت دزدی مغزها از آن نام می برند. بنابراین با این که کوچ نیروی انسانی ورزیده و پرورده از جایی به جای دیگر واقعیت واحدی است تحلیل گران ساکن مناطق توسعه یافته و قدرتمند، این حرکت را جذب به درون مرزهای خود تلقی می کنند در حالی که صاحبنظران ساکن در کشورهای موسوم به جهان سوم و کمتر توسعه یافته، آن را نوعی دفع از اقامتگاه خود می دانند.

پیشینه بحث در مورد فرار مغزها درمنابع و مراجع بین المللی به دهه ۱۹۶۰برمی گردد که نخست به طور موردی مقاله هایی درنشریات علمی انتشاریافت. نخستین گردهمایی بین المللی در این باره در سال ۱۹۶۷ توسط مرکز پژوهشهای اروپائیان و کمیسیون مشورتی ایالات متحده درباره امور آموزشی و اجتماعی بین المللی در لوزان سوئیس برگزار شد. در این کنفرانس که دانشمندان و صاحب نظران ده کشور از سراسر جهان شرکت داشتند ،به موضوع فرار مغزهاتحت عنوان ‹‹ فرار ماده خاکستری›› بحث کردند که به صدور اعلامیه ای انجامید که شامل دیدگاههای کنفرانس در هشت ماده بود. ازآن پس فرار مغزها مورد توجه بیشتر سازمان ملل قرار گرفت و به صورت یک موضوع عمده مورد بررسی قرار گرفت.در سال ۱۹۶۸ کنفرانسی به سرپرستی یونسکو و موسسه کارآموزی و پژوهش سازمان ملل متحد ترتیب داده شدکه نمایندگان عضو سازمان ملل در آن شرکت داشتند.در این کنفرانس درباره راههای جلوگیری از فرار مغزها بحث شد.

در ایران نیز از دهه ۱۹۶۰ میلادی مطابق با دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی، مطالعه در باره این موضوع آغاز گردید.

امروزه نیروی انسانی، یکی از پیش زمینه های توسعه همه جانبه است و نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده به موتور محرکه جامعه قلمداد می شود. بنابراین از دست دادن این نیروها به مفهوم از دست دادن سرمایه های اصلی کشور است؛ یا به عبارتی دیگر، امروزه سرمایه انسانی ازمهمترین ابزارهای توسعه است و توسعه معطوف به حفظ سرمایه انسانی است. در قرن بیست و یکم تجارت مختص کالاهای اقتصادی نیست و مغزها را به عنوان یک کالای استراتژیک و قابل معامله در برمی گیرد.

در مطالعه پدیده مهاجرت مغزها در کشورهای جهان سوم ، سرمایه اصلی کشورهای در حال توسعه که نیروی انسانی متخصص است به بهایی ارزان در اختیار کشورهای توسعه یافته قرار می‌گیرد و هر ساله میلیاردها دلار از طریق مهاجرت مغزها از دست می‌رود. در محاسبات اقتصادی کشورهای صنعتی، جذب هر فرد تحصیل کرده با مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری از کشورهای جهان سوم یک میلیون دلار سود عاید آنها می‌کند، بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که کشورهای جهان سوم علی‌رغم دارا بودن ۸۰ درصد جمعیت جهان تنها ۲۰ درصد درآمد جهان و ۱۰ درصد توان علمی جهان را در اختیار دارند.

در جهان کنونی صنعت و تکنولوژی، زیربنای اقتصاد جدید می‌باشد و پایه‌گذاری جامعه پیشرفته، بدون تکنولوژی امکان‌پذیر نیست. کشاورزی، بهداشت، مسکن و بالاتر از همه، دفاع ملّی، به طور اساسی به تکنولوژی وابسته است و بدون عنایت کافی به آن، استقلال اقتصادی محال است. یکی از مهمترین ابعاد رسیدن به آن توانایی‌ها و مهارت‌های انسان می‌باشد که در واقع به عنوان عامل کلیدی مطرح است. در فرهنگ لغات بین‌المللی، نیروهای انسانی متخصص و ماهر، همان مغزهای متفکر یک کشور هستندکه در برگیرنده افراد دانشمند، مخترع، مبتکر، و سایر افرادی می‌باشد که از سطح دانش بالایی برخوردار هستند. این نیروها دارای نقش ویژه‌ای هستند لذا معمولا اهمیت و ارزش وجود افراد متخصص و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های یک کشور را با منابع زیرزمینی و کشاورزی آن مقایسه می‌کنند. می‌توان اذعان داشت که از جمله مشکلات بزرگی که در طی سال‌های پس از جنگ جهانی دوم گریبانگیر بخش عظیمی از کشورها به خصوص ممالک جهان سوم شده است و مانع بزرگی در راه پیشرفت و توسعه این کشورها بوجود آورده است، آن است که قدرت‌های صنعتی بعد از تسلط بر منابع طبیعی ملل دیگر، غارت سرمایه‌های انسانی آن‌ها را مدّ نظر قرار داده اند. پیشرفت‌های عظیم و چشمگیر علمی در جهان توسعه‌یافته و موفقیت‌هایی که آن‌ها در سایه وجود مغزهای متفکر کسب کرده‌اند از یک سو، و اشتیاق نسل جوان به کسب دانش، همراه با کمبود امکانات و وسائل لازم در وطن از سوی دیگر، این روند را شدت بخشیده است.

متأسفانه کشورهای در حال توسعه، در داخل مرزهای جغرافیایی خود از آن‌چنان توان علمی لازم برای پاسخ‌گویی به نیازها و تربیت کادر دانشمند که متناسب با پیشرفت علم و تکنولوژی روز باشد، برخوردار نیستند. از سوی دیگر، جوانان مشتاق فراگیری دانش، به این امید که پس از خاتمه تحصیل به کشور بازگشته و تخصص خود را وقف رشد و تعالی مردم خویش نمایند به کشورهای خارج هجرت می‌کنند اما کشورهای مقصد که سال‌ها در استفاده از نیروهای کارآمد تجربیاتی به دست آورده‌اند، برای جذب هر چه بیش‌تر این نیروها، شیوه‌های متنوعی را به کار می‌برند. آن‌ها تا حدی قابل توجه، موفق شده اندکه تقریبا بدون هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری، نیروهای متفکر را از ورای مرزهای خود، به سوی خویش جلب نمایند.

امروزه به این نکته توجه شده است که پیشرفت و افزایش پتانسیل علمی در کشور، همان قدر ارزشمند است که منابع معدنی و کشاورزی، لذا اگر این باور وجود دارد که توسعه اقتصادی علاوه بر، جنبه‌های کمّی و مادّی، دارای بعد کیفی نیز می‌باشد، بایستی جریان‌های خروج سرمایه‌های فکری و مغزها از داخل و تبدیل آن‌ها به جریانات انباشت سرمایه مولّد در درون را مورد توجه قرار داد. به این ترتیب می توان ادعا کرد که عامل نیروی انسانی متخصص و ماهر است که باعث پیشرفت سازمانها یا کشورها و بهره وری بهینه از امکانات و منابع کشورها می شود. زیرا مدیر و مدبر است و می تواند منابع دیگر از قبیل منابع معدنی و زیرزمینی، منابع مالی، سرمایه ای و پولی، تجهیزات و ماشین آلات و یا ابزار تولید و اطلاعاتی را به کار گیرد. سرمایه نیروی انسانی دانشگاهی و متخصص، تنها سرمایه ای است که نمی توان مانند منابع فیزیکی دیگر، مقدار دقیق پولی آن را محاسبه کرد. بنابراین، زیانهای ناشی از مهاجرت نخبگان شامل دو نوع زیانهای بالفعل و بالقوه است.

طبق یک برآورد، فقط سرمایه ایرانیان مقیم خارج در حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار است که این رقم حدوداً معادل سی سال صدور کالاهای نفتی و غیرنفتی ایران با قیمت بالا است. تحقیقات یک پژوهشگر ایرانی که در دانشگاه MIT آمریکا تدریس می‌کند، نشان می‌دهد که بیش از۴۵ درصد از ایرانیان مقیم کشور آمریکا دارای مدارک تخصصی یا فوق تخصصی هستند. یعنی از سه میلیون مهاجر نزدیک به ۱.۵ میلیون آن دارای مدرک تحصیلی ویژه اند.

نخبگانی که جذب فضای بین‌المللی شده اند در فرایند تولیدی آن فضاها شرکت خواهند جست و توانایی‌ها و دانش و مهارت‌های خود را در اختیار آن‌ها خواهند گذاشت و به تولیدات آنان کمک مؤثر خواهند کرد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ستاده‌های آن فضا را افزایش خواهد داد و تأثیر

مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای مقصد خواهند گذاشت. برعکس، در فضای ملی به علت کاهش جریان تولید، کمبود کالا مشهود بوده، به ناچار باید برای رفع نیاز به دیگر کشورها رجوع کرد و واردات کشور بدین‌سان افزایش یافته و بر تراز پرداخت‌ها تأثیر سوء خواهد گذاشت. بنابراین، گفته می‌شود که: «... فرار مغزها که خود از جهتی معلول عدم توسعه اقتصادی و فقدان وسائل تحقیق و مطالعه در یک جامعه است، از جهت دیگر موجب کندی پیشرفت امور اجتماعی در همان جامعه می‌شود و بدین عرتیب علت و معلول اثر متقابل در یکدیگر کرده و به اصطلاح دایره معیوبی به وجود می‌آورند که متوقف ساختن آن اشکالات بسیاری در بر دارد.

اثرات منفی تمرکز نیروی علم و تحقیق در نقاط معینی ازجهان، شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و توسعه نیافته را روز به روز عمیق‌تر می‌کند و موجب می‌شود که جریان توسعه اقتصادی در کشورهای عقب‌مانده همچنان در حال رکود باقی بماند زیرا تردیدی نیست که شرط داشتن اقتصادی سالم و مترقی، داشتن نیروی فکری باروری است که بتواند علوم جدید را در راه بهره‌برداری درست از منابع کشور به کاربرد. قدرت‌های غربی به ویژه امریکا، همراه با غارت منابع طبیعی و زیرزمینی کشورهای در حال توسعه، دست به غارت نیروی انسانی متخصص می‌زنند؛ و در این راه از شیوه‌های مختلف و روش‌های ریاکارانه و ترفندهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و تبلیغاتی بهره می‌گیرند که حاصل آن، از یک طرف، ترغیب و تشویق دانشجویان و اندیشمندان به اقامت در آن کشورها و از سوی دیگر، جذب و جلب متخصصین سرآمد جهان سوم است.

آمارهای ارائه شده نشان می دهد در سالهای گذشته از ۱۲۵ دانش آموز شرکت کننده در المپیادهای علمی که موفق به کسب رتبه و جایزه شده اند، ۹۰ نفر از آنها در دانشگاههای آمریکا به تحصیل مشغول شده اند. اما هزینه های اقتصادی ناشی از فرار مغزها برای کشور ما چقدر است؟ براساس برآورد صورت گرفته توسط سازمان ملل، هر کشور باید به طور متوسط بین ۱۵ تا ۲۰ هزار دلار هزینه کند تا یک فرد به یک متخصص تبدیل شود. براساس این برآورد جریان فرار مغزها موجب از میان رفتن ۸ تا ۱۱ میلیارد دلار از منابع کشور شده است. علت اصلی این موضوع بسیار واضح است و آن این است که در کشور ما کمترین کار برای امکان رشد نخبه ها انجام شده است. متاسفانه بهترین دانشجویان کشور را ترک می کنند و دیگر باز نمی‌گردند و در این دنیای پیچیده، کشوری مانند ایران برای اداره خود نیاز به این افراد دارد و متاسفانه باید گفت مهمترین مولفه برای پیشرفت را که نقش حیاتی برای کشور دارد به راحتی از دست می‌دهیم .

نخستین باری که اصطلاح فرار مغزها در دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد، هیچ کس انتظار نداشت که جهان شاهد چنین سیل خروشان مهاجرت نخبگان و مغزها از کشورهای در حال توسعه به سوی کشورهای غربی باشد اما ورق های بعدی تاریخ این را به باور همگان رسانید.تا امروز که دیگر نمی توان جلودار این معضل و فرار سرمایه های انسانی شد. از این رهگذر معضلات جبران ناپذیری در تمام ابعاد مختلف به یک کشور وارد می‌شود که آن را سالها به عقب می راند و جلوی رشد و بالندگی اش را می گیرد. مهاجرت برای کسب دانش برتر امری منفی نیست اما عدم بازگشت به وطن مسئله ای است که ذهن اغلب کارشناسان با آن درگیر است این عارضه که از منظر آسیب شناسان به نوعی استثمار شدگی کشورهای جهان سوم ، توسط کشورهای توسعه یافته محسوب می‌شود به عنوان مخربترین بحران اجتماعی شناخته و تعریف شده است در این کشورها صدمات جبران ناپذیری در بخش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تمام ابعاد مختلف جامعه وارد می‌شود که شاید جبران آن یکی از دشوارترین کارها برای این قبیل کشورها باشد. فرار مغزها به عنوان یک آسیب اجتماعی مختص کشورهای جهان سوم ، بیش از یکربع قرن است که جوانان ایرانی را به دام خود گرفتار کرده است با یک نگاه اجمالی به آمار و ارقام مربوط به پدیده فرار مغزها، پیامدهای بسیار ناگوار آن غیرقابل تصور می نماید از یکسو کشورهای صنعتی و به اصطلاح مقصد قرار دارند که عامل مهم در جذب نخبگان کشورها به شمار می روند و منبع مهمی برای جذب نخبگان، از سوی دیگر کشورهای مبدأ و جهان سوم قرار دارند که همه سرمایه و هستی خود را تقدیم بیگانگان می کنند.

با نگاهی به آمار و ارقام این معضل بیشتر آشکار می شود از میان کشورهایی که به دلیل در اختیارگذاشتن امکانات پژوهشی و رفاهی به صاحبان اندیشه بیشترین نخبگان ایرانی را به خود جذب کرده اند، آمریکا و کانادا به ترتیب رتبه اول و دوم را به خود اختصاص داده اند.

معضل فرار مغزها یک معضل بسیار نگران کننده است و دارای اثرات زیانبار و تاسف آوری است که دام گیر کشورهای جهان سوم شده است. کارشناسان سازمان جهانی بهداشت بر این باورند که فرار مغزها و نخبگان از کشور فقط خروج چند نفر از کشور نیست ، بلکه به معنای خروج ژن های باهوشی از مرزهای علمی این سرزمین است دکتر داریوش فرهود ، کارشناس سازمان جهانی بهداشت در بیماریهای ژنتیکی در گفتگو با مهر افزود: فرار مغزها و نخبگان از کشور فقط خروج چند نخبه از کشور نیست بلکه زمانی که نخبه و باهوشی برای همیشه از کشور می رود ژن های باهوشی را نیز از کشور خارج می کند مانند وقتی که شاخه گل متفاوت و نادر از ریشه را به فرد دیگری می فروشیم در واقع ژن آن گیاه کم نظیر را از دست داده ایم.

وی با بیان اینکه ایرانی ها جزء باهوش ترین مردم دنیا هستند، گفت: فرار مغزها از کشور باعث می شود که نسل این افراد در مکان دیگری ادامه

یابد و در این صورت ژن های باهوشی از کشور خارج می شود. وی تصریح کرد: زیان ناشی از خروج نخبگان از کشور چندین برابر زیان های اقتصادی است چون زیان های اقتصادی حتی در صورت سختی قابل جبران است اما با خروج نخبگان، ژن های باهوشی از کشور خارج می شوند بنابراین قابل جبران نیست.

عضو کمیته کشوری پیشگیری از بیماریهای ژنتیکی گفت: حداقل کاری که برای ورزشکارانی که قصد همکاری با کشورهای دیگر را دارند، انجام می شود این است که کشور آنان را در قبال دریافت هزینه به کشور دیگر واگذار می کند اما متاسفانه در مورد نخبگان وضعیت بدتری حاکم است چرا که کشور به راحتی و بدون هیچ هزینه ای نخبه های علمی خود را از دست می دهد و آنان را در اختیار کشورهای دیگر قرار می دهد.

تحقیقات یک پژوهشگر ایرانی که در دانشگاه MIT آمریکا تدریس می‌کرد ، نشان می‌دهد که بیش از۴۵ درصد از ایرانیان مقیم کشور آمریکا دارای مدارک تخصصی یا فوق تخصصی هستند. از میان سه میلیون مهاجر ایرانی به ترتیب ۱/۲میلیون نفر در آمریکا، ۲۰۰ هزار نفر در کانادا، ۱۸۰ هزار نفر در انگلیس، ۱۱۰ هزار نفر در آلمان، ۱۰۰ هزار نفر در فرانسه، ۹۰ هزار نفر در سوئد، ۷۰ هزار نفر در استرالیا و بقیه در دیگر کشورها ساکن شده اند.

تحقیقات دیگری که در سطح دانشگاه های معتبر ایران انجام شده نشان داده است که به طور متوسط از هر۱۸ نفری که از سوی دانشگاه برای کسب تخصص به کشورهای توسعه یافته اعزام شده اند، تنها۳ نفر به ایران بازگشته اند.

آمارها نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی ایران در یک مقایسه بین‌المللی، در منطقه آسیا و اقیانوسیه با ۱۶ درصد مهاجرت متخصصان دارای دومین رتبه به لحاظ میزان مهاجرت افراد دارای تحصیلات عالی بالای ۲۵ سال به آمریکا می‌باشد. هم‌چنین به لحاظ مهاجرت نیروی انسانی متخصص به مقصد کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) ایران با از دست دادن ۳۰ درصد از نیروی انسانی ماهر خود دارای رتبه دوم در منطقه آسیا و اقیانوسیه است.

مهاجرت نخبگان در بلند مدت قطعا زوال کشور را به همراه خواهد داشت در دنیای امروز ، رشد اقتصادی به توانایی فکری و علمی نیروی انسانی جوامع بستگی دارد. چرا که ارزش افزوده منبع نیروی انسانی با ارزش افزوده سایر منابع قابل مقایسه نیست. انسان در اثر قدرت خلّاقه و استفاده از طبیعت و منابع اطرافش، محصولات جدیدی را به وجود می‌آورد؛ ولی این منابع در اثر کاربرد تکنولوژی، در حال تحلیل رفتن است، لذا بشر باید همواره در فکر جایگزینی منابع طبیعت باشد.

فروش نفت ارزش افزوده زیادی ندارد، بلکه این نیروی تحصیلکرده ایران است که با داشتن ارزش افزوده بسیار، در حال خروج از کشور است. لذا لطمه ای که از این روند به توسعه ایران وارد می شود، قطعا غیر قابل جبران است. بنابر این بایستی بی اعتنایی به این سرمایه را کنار گذاشت و برای مواجه شدن با چالش‌های جهانی شدن در زمینه مهاجرت نیروی انسانی متخصص علل این مهاجرت ها مورد مطالعه قرار گرفته و راه‌کارهای جدی برای مقابله با آن در برنامه‌های ملی توسعه پیش‌بینی شود زیرا همان طور که می دانیم در دنیای امروز، جامعه ای پیشرفت پیدا خواهد کرد که نقاط ضعف و قوت خود را بشناسد و برای از بین بردن و یا تقویت آنها از هیچ گونه کوششی فروگذار نکند وبه این نکته توجه کند که پاک کردن صورت مسئله تنها راهی برای گریز از مشکلات است چرا که با وجود شواهد ی که حاکی از وجود مساله فرار مغزها در ایران است هنوز بعضی از مسولین کشورآن را انکار می کنند. (معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری در سومین همایش استعدادهای درخشان در دانشگاه صنعتی شریف گفت: اصطلاح فرار مغزها درباره ایران امروز صدق نمی‌کند و نیروهای انسانی متخصص در حال فرار از کشور نیستند.

صادق واعظ زاده تصریح کرد: فرار معنی ندارد و در این زمینه حتی کلمه مهاجرت را نیز باید به دقت به کاربرد، زیرا نخبگانی که برای ادامه فعالیت‌های تحقیقاتی خود در خارج به سر می‌برند، می‌توانند با کشور نیز ارتباط داشته و رفتن آنها به معنای قطع ارتباط با کشور نیست.)

عوامل متعددی در بسترسازی برای فرار مغزها موثر است،حداقل دو دسته عوامل اقتصادی و اجتماعی را می‌توان ریشه‌های اصلی فرار مغزها به شمار آورد. این عوامل در وضعیت جدیدی که جهانی شدن فراروی بازار کار بین‌المللی قرار داده است از طریق گسترش پیوندها و ارتباطات میان عرضه و تقاضای کار در عرصه جهانی شدن، باعث شده که متخصصان بتوانند با سهولت بیش‌تری وارد بازار کار جهانی شوند.

در میان عوامل اقتصادی مهم‌ترین عامل، تفاوت چشم‌گیر میزان دست‌مزد متخصصان در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته است، که بیان‌گر امکان دست‌یابی به سطح رفاه و شرایط اقتصادی به مراتب بهتری برای آنان، در صورت مهاجرت آنان به کشورهای توسعه، یافته است.

در میان عوامل اجتماعی از آن‌جایی که نخبگان هر جامعه جدا از رفاه اقتصادی به آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و نیز یک چشم‌انداز با ثبات برای خانواده و فرزندان خود اهمیت زیادی می‌دهند، باید گفت کم‌بود آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به گونه‌ای که در بستر این آزادی‌ها، نخبگان بتوانند استعدادهای ذهنی و روحی خود را شکوفا ساخته و به عبارت دیگر نیازهای روحی خود را به خوبی برطرف سازند، از دیگر

عوامل مهم مهاجرت گسترده نیروی انسانی متخصص بوده است.

در تقسیم‌بندی دبیرخانه شورای عالی انقلاب این علل و عوامل را به سه دسته تقسیم شده است.

۱) علل علمی و تحقیقاتی

الف) کمبود امکانات مناسب و تحقیقاتی در کشور

ب) فقدان نظام بهره‌گیری از توان علمی و تحقیقاتی متخصصان

ج) عدم مصرف بهینه بودجه‌های تحقیقاتی در عین ناکافی بودن

۲) علل اقتصادی و اجتماعی

الف) عدم تناسب و توجیه منطقی بین درآمدهای مشاغل در داخل کشور

ب) افزایش جاذبه‌های مادی در خارج از کشور و فاصله موجود با امکانات زندگی در کشورهای پیشرفته .

ج) عدم تناسب بین فارغ‌التحصیلان آموزش عالی با فرصت‌های شغلی

د) عدم انطباق تخصص و توان فارغ‌التحصیلان با نیازهای کشور

۳) علل فرهنگی و سیاسی

الف) احساس عدم ثبات اقتصادی نسبت به حال و آینده کشور

ب) کاهش انگیزه و تعهد برای خدمت به مردم به عنوان وظیفه دینی و ملی

ج) ایجاد تغییرات فرهنگی در روحیات متخصصان به دلیل طولانی شدن مدت اقامت در خارج

د) تبلیغات سوء رسانه‌های جمعی بیگانه در بدبین نگه داشتن ایرانیان مقیم خارج نسبت به نظام

هـ) ناهمگونی فرهنگی و سیاسی برخی از متخصصان با اعتقادات و ارزش‌های حاکم بر جامعه

در گزارشی که توسط اداره کل امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تهیه شده است فضای اجتماعی نامناسب ، عدم توجه به شان علم و عالم ، الگوسازی و الگوپذیری از خارج ، سطح علمی دانشگاه‌ها و فقدان ابزار و تجهیزات پیشرفته، نبودن امکانات کافی برای ادامه تحصیل در دوره‌های تکمیلی، نداشتن ارتباط بین برخی از رشته‌ها با صنعت کشور، نبودن استادان مجرب و کارآزموده، به خصوص در رشته‌های ملی و وجود معضلاتی چون کنکور و آزمون‌های ورودی به عنوان علل و عوامل فرار مغزها استخراج و مطرح شده است که همپوشی این فهرست با سایر گزارش‌ها، نشان دهنده‌ی اتفاق نظر کارشناسان در این زمینه است.

به نظربسیاری از صاحب‌نظران، شان و منزلت دانشمندان و استادان دانشگاه در دو دهه گذشته فارغ از دلایل آن کاهش محسوسی داشته است. در موقعیتی که فرد این کاهش منزلت را احساس کند، انگیزه‌ای قوی برای مهاجرت به محیط اجتماعی که موقعیت بهتری را فراهم می‌نماید پیدا می‌کند. شان و منزلت یک قشر اجتماعی را می‌توان با دو شاخص بررسی کرد:

۱) میزان مشارکت دادن آن قشر در نظام تصمیم‌گیری

۲) میزان بهره‌مندی از مواهب مادی و امکانات متناسب با موقعیت شغلی

در مجموع، با نگرش فوق این پدیده محصول چیزی است که از آن به ((احساس محرومیت نسبی)) تعبیر می‌کنند. محرومیت نسبی بیشتر معلول عوامل روان شناختی ناشی از ضعف برخورد سیاست گذاران با شخصیت و هویت افراد است. این مولفه ((امنیت انسانی)) را به خطر می‌اندازد و فرد به منظور اعاده‌ی این امنیت انسانی نسبت به مهاجرت و تغییر محیط اجتماعی اقدام می کند.

ارائه راه کارها و اقدامات اجرایی می تواند تا اندازه قابل توجهی به حل این مسئله کمک کند که نخبه از کشور خارج نشود و در صورت اتمام تحصیلات تکمیلی در خارج از کشور پس از آنکه توانست به رشد و پیشرفت دست یابد به وطن باز گردد و سرمایه خود را در راستای اعتلای کشور عرضه کند و این امر میسر نخواهد شد مگر با ایجاد ترتیبات مدیریتی لازم از طریق تشکیل ستاد ویژه در هیئت دولت که مشارکت همه مسوولین را می طلبد. جهت گیری نظام تبلیغاتی کشور به خصوص رسانه های جمعی به سوی تکریم اندیشمندان و تلاش به منظور ایجاد رابطه مثبت میان سواد و دارایی و سواد و منزلت اجتماعی در نظام اداری و مالی کشور، ایجاد ترتیبات و تسهیلات لازم برای ترجمه و انتشارآثار مفید نخبگان مقیم خارج از کشور به زبان فارسی همزمان با انتشار در خارج از کشور و انتشارنشریات تخصصی مشترک، همچنین پرهیز از ایجاد ذهنیت های منفی علیه دانشگاهیان و ایجاد شکاف های تصنعی عوامل مهمی برای حل این مسئله می باشند. نوسازی و تجهیز امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی و اطلاع رسانی دانشگاه ها متناسب با تخصص ها و کار آمدی و شان اعضای هینت علمی و پژوهشگران، هماهنگ با تحولات علمی ضرورتی است

که توجه به آن زمینه بازگشت بخش اعظم سرمایه انسانی کشور را فراهم می کند.

دکتر هژیر رحمانداد - برنده مدال طلای المپیاد جهانی شیمی سال ۱۹۹۶ مسکو که هم اکنون در دانشگاه ام آی تی به تحقیق و پژوهش مشغول است- در این خصوص می گوید: نخبگان علاقمندند در محیطی زندگی کنند که بتوانند تاثیرگذار باشند و بیشتر خدمت کنند که هیچیک از اینها در ایران محقق نمی شود. نخبگانی که اینجا (آمریکا) هستند، یک شبه باز نمی گردند این کار، نیازمند روندی است که طی آن، باید امکانات مادی و امکان تاثیرگذاری آنها بر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی کشور مهیا شود.

به گفته رحمانداد نخبگان چینی هم تا چند سال پیش برنمی گشتند، در حالی که اینک طرزفکرشان عوض شده است. چرا که کشورشان، جذابیت لازم را برای آنها ایجاد کرده است. باید آزادیهای سیاسی و اجتماعی از نخبگان دریغ نشود، تا آنها احساس نکنند جامعه شان استبداد زده است.

وی پیشنهاد می کند حاکمیت بجای تلاش برای بازگرداندن نخبگان ، بهره مندی از آنها را- درهرجای دنیا که هستند- در دستور کار قرار دهد.

محمد حافظی برنده ی مدال نقره المپیاد جهانی فیزیک ۱۹۹۸ایسلند، که در دانشگاه هاروارد مشغول تحقیق و پژوهش است، نیز معتقد است با مسدود کردن راه مهاجرت نخبگان، مشکلی حل نمی شود. همانطور که فرانسه نیزدریافت که باید راه مهاجرت دانشجویانش را باز کند و به همین سبب قانون منع مهاجرت دانشجویان قبل ازاتمام تحصیل را، حذف کرد. باز نگشتن نخبگان نباید سبب ترس شود. بلکه باید دانست که آنها برای بازگشت تنها اطمینان خاطر و امکانات می خواهند به گفته او نخبگان بعد از مهاجرت خیلی تلاش می کنند ارتباطشان را با داخل حفظ کنند، ولی گام چندانی ازسوی حاکمیت (در این مورد) برداشته نمی شود. در حالی که اگر دولت ارتباط با نخبگان را حفظ کند، آنها به بازگشت تمایل بیشتری خواهند داشت.

علی نیری نیز معتقد است هم مسائل سیاسی و هم غیر سیاسی در ماندن نخبگان در خارج از کشور دخیل است . نخبگان حاضر به زندگی در انزوا نیستند، چرا که انزوای مطلق ، مرگ دانشمندان است. دکترعلی نیری استاد فیزیک، دراین زمینه می گوید با اینکه سطح زندگی درهندوستان - درمقایسه با ایران - به مراتب پائین تر است ،اما نخبگان هندی به بازگشت به کشورشان اعتقاد دارند و درعمل نیز چنین می کنند. چرا که جامعه علمی هندوستان از انزوا خارج شده و مردم این کشور از آزادی های سیاسی و اجتماعی برخوردارند. وی به اقدامات دولت هاشمی رفسنجانی اشاره می کند و می گوید در آن دوره - برای سفر به ایران و تدریس در دوره های کوتاه مدت - فرصتی برای اساتید ایرانی خارج از کشور مهیا شد. این اقدام گام مهمی برای برقراری ارتباط با ایرانیان خارج از کشور بود. از سوی دیگر بسیار ی از ایرانیان در سیاست و اقتصاد آمریکا وارد شده و ایفای نقش می کنند. اگردولت بتواند ازاین نیروی بالقوه به نفع جامعه ایران استفاده کند، متوجه می شود که سرمایه اش را هدر نداده است.

نیری، بی تفاوتی حکومت به مساله مهاجرت نخبگان را بسیار زیانبار می داند و معتقد است این بی تفاوتی فاجعه ای مدیریتی در پی داشته است و اینک شایستگان ، در مدیریت کشور کمترین نقش را ایفا می کنند. بخش صنعت ما علاوه بر متخصصین، نیازمند مدیران کاردان است تا نخبگان بتوانند زیر دست آنها به شکوفایی صنعت کشور خدمت کنند و تا این مهم سامان نیابد ما همچنان عقب مانده خواهیم ماند . وی به تولید همزمان خودرو در دو کشور ایران و کره اشاره می کند و می گوید:" فرهنگ کار و مدیریت نخبه پرور کره ای ها، این کشور را نجات داد ولی ما در این صنعت - که یکی از مهمترین صنایع کشور است - نیز راه به جایی نبردیم." وی آنگاه به نبود ارتباط بخش صنعت با دانشگاه در ایران اشاره می کند و می گوید:" تا زمانی که صنعت خود را بی نیاز از دانشگاه احساس می کند، ما به توسعه دست نمی یابیم."

نیری می افزاید:" در دوره انقلاب فرهنگی ۳ سال دانشگاه های ایران تعطیل بود ولی هیچ آسیبی ازاین بابت متوجه صنعت نشد. چرا که صنعت ما به دانشگاه وابسته نیست." ولی در جامعه آمریکا اگر یک ماه دانشگاه تعطیل شود، صنعت نیزتعطیل خواهد شد. نیری معتقد است اقتصاد و تکنولوژی ایران در وضعیت بحرانی است و می گوید:" اگر نتوانیم تا سال ۲۰۲۰خودمان را حداقل در منطقه بالا بکشیم، آنوقت صادرات فاحشه تنها افتخار ما خواهد بود. وی راه گذر از بحران موجود را تقویت و توسعه علوم انسانی می داند و می گوید:" جامعه ایران نیازمند نظریه پردازان در حوزه مسائل علوم انسانی است، تا با ارتقاء فرهنگی جامعه ایران، مسیر توسعه را هموار کنند."

سالومه سیاوشی- دیگر فارغ التحصیل دانشگاه شریف ودانشجوی دوره دکترای مکانیک دانشگاه نورث ایسترن بوستون - نیز دراین خصوص باور دارد که کارآمد نبودن مدیریت ، اقتصاد متزلزل ، نبود آزادی های سیاسی و اجتماعی و عدم امکان بازگشت دانشجویان درطول زمان تحصیل، از جمله دلایل برنگشتن آنها به کشور است.

کاغذ بازی (بوروکراسی) اداری و مقاومت در برابر ایجاد تحول ، کمبود صداقت ، بی اعتنایی به کار کیفی و کمبود کارکنان کیفی از دیگر چا لشهای عنوان شده است.

با توجه به این ریشه‌های اصلی مهاجرت نخبگان، از جمله نخبگان ایرانی، دو سیاست اصلی را می‌توان در قالب برنامه‌های توسعهٔ کشور برای پیش‌گیری از مهاجرت گستردهٔ نیروی انسانی متخصص و استفاده از ایرانیان متخصص خارج از کشور اتخاذ کرد:

▪ سیاست بلندمدت

تجربیات بین‌المللی برای پیش‌گیری از فرار مغزها، نشان می‌دهد که ایجاد انگیزهٔ قوی برای ماندن متخصصان و نخبگان در کشورهای خود، مهم‌ترین سیاست بلندمدت و اساسی برای پیش‌گیری از مهاجرت گستردهٔ نیروی انسانی متخصص از کشورهای در حال توسعه است. این هدف تنها از طریق توسعهٔ همه‌جانبهٔ این کشورها در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحقق‌پذیر است. چرا که با توسعهٔ همه جانبه در واقع هم سطح دست‌مزدها در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته و به دست‌مزدهای کشورهای توسعه یافته نزدیک می‌شود و هم تفاوت دست‌مزدها دیگر انگیزه‌ای برای خروج متخصصان از کشور خود نخواهد بود. از سوی دیگر با توسعهٔ سیاسی و اجتماعی این کشورها زمینه برای بروز استعدادهای ذهنی نخبگان و برخورداری از شأن و احترام لازمه در جامعه فراهم می‌آید که خود انگیزه‌ای قوی برای ماندن آن‌ها در کشور خود به شمار می‌آید. بنابراین حل مسئلهٔ مهاجرت گستردهٔ نیروی انسانی متخصص در بلندمدت و به طور ریشه‌ای، به توسعهٔ همه جانبه و پایدار در کشورهای در حال توسعه وابسته است و کلیهٔ سیاست‌هایی که به توسعهٔ همه جانبهٔ این کشورها کمک می‌کنند در خدمت پیش‌گیری از فرار مغزها قرار می‌گیرند

▪ سیاست کوتاه‌مدت

از آنجا که دست‌یابی به توسعهٔ همه جانبه و پایدار اساساً یک هدف بلندمدت است، درخصوص مهاجرت نیروی انسانی متخصص از کشور راه‌کارهای کوتاه مدتی نیز متصور است. تجربهٔ بین‌المللی نشان می‌دهد که از جملهٔ مهم‌ترین این راه‌کارها اتخاذ سیاست‌هایی است به منظور استفادهٔ هرچه بیش‌تر از توان و ظرفیت متخصصان مقیم خارج بدون آن‌که نیاز به بازگردانیدن دائم آن‌ها به داخل کشور باشد.

چنان‌که اشاره شد، در برخی از کشورهای در حال توسعه که با پدیدهٔ مهاجرت گستردهٔ نیروی انسانی متخصص روبه‌رو بوده‌اند، شبکه‌هایی از متخصصان خارج از کشور تشکیل شده که در یک ارتباط نهادینه و مستمر با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فنی داخلی بوده و به تبادل دانش و فن‌آوری‌های جدید بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای درحال‌توسعه می‌پردازند. در قالب این شبکه‌ها انواع همکاری‌های پاره‌وقت بین متخصصان ایرانی مقیم خارج و دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فنی داخلی امکان ارائه می‌یابد. برای مثال برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت از طرف اساتید ایرانی خارج از کشور، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی، سمینارهای تخصصی و فنی و نیز ایجاد هماهنگی برای استفاده از دوره‌های آموزشی خارج از کشور برای محققان داخلی و اجرای پروژه‌های مشترک تحقیقاتی با همکاری متخصص ایرانی در خارج کشور و محققان داخلی، از جمله موارد مهم این گونه همکاریها می‌تواند باشد. اگرچه تاکنون تلاش‌هایی برای شکل‌دهی به چنین شبکه‌هایی به عمل آمده، ولی به نظر می‌رسد در مقایسه با تلاش‌های دیگر کشورها این اقدامات ناکافی بوده است.

در این اوضاع مناسب به نظر می‌رسد که در چارچوب سیاست‌های برنامه چهارم توسعه، راه‌کارهایی مشخص برای تشکیل و توسعهٔ شبکه‌هایی از متخصصان ایرانی خارج از کشور که در ارتباط نهادینه و مستمر با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فنی کشور باشند، در نظر گرفته شود.

منبع : بانک مقالات فارسی

http://vista.ir/?view=article&id=321249

vista.ir
Online Classified Service

فرار مغزها از امریکا

تحقیقات نشان می دهد که کارکنان خبره ای در امریکا به کشورهای خود بازمی گردند تا کیفیت زندگی بهتری داشته باشند.

همچنان که بحث در مورد ویزای اچ ۱ (ویزای مخصوص کار امریکا) در خصوص مهاجرت افراد کاآمد بالا می گیرد، ما یک واقعیت را فراموش می کنیم و آن این است که امریکا دیگر به تنهایی سرزمین فرصت ها نیست. اگر ما از مهاجران کارآمد و خبره را به نوآوری ها و رشد اقتصادی کمک می کنند، استقبال نکنیم، مسلما آنها گزینه های دیگری برای انتخاب خواهد داشت. مهاجران زیادی به کشور خودشان باز می گردند. آمار جدید نشان می دهد که آنها برای استفاده از کیفیت بهتر زندگی، کار و شغل بهتر و آسایش در کنار خانواده و دوستان بودن، به خانه های خود باز می گردند.

تحقیقات پیشینی که توسط گروه من انجام شده بود، نشان می داد که بحرانی به دلیل افزایش میزان مهاجرت در حال وقوع است. در پایان سال ۲۰۰۶، بیش از ۱ میلیون انسان کارآزموده و کاردان (مهندس، محقق، پزشک، دانشمند) به همراه خانواده هایشان در صف سهمیه سالانه ۱۲۰ هزار نفری ویزای امریکا قرار دارند. انتظار ویزا، برای برخی از این اشخاص بیش از ۱۰ سال است. اگر آنها شغل خود را در این دوره تغییر می دادند، شانس خود را برای ورود به امریکا به خطر می انداختند. ما پیش بینی می کنیم که کارکنان خبره خارجی به کشورهای خود مانند هند و چین باز خواهند گشت، چراکه اکنون اقتصاد آنها در وضعیت بهتری قرار دارد.

چرا این موضوع برای ما مهم است؟ چون، مهاجران نقش بسیار حساس و مهمی در وضعیت سالم اقتصادی در طولانی مدت بازی می کنند. با وجود آنکه مهاجران تنها ۱۲ درصد از جمعیت امریکا را به خود اختصاص داده اند، اما ۵۲ درصد از کارکنان سیلیکون ولی (نام دره ای در جنوب خاوری سانفرانسیسکو که شرکت های کامپیوتری در آنجا مستقر هستند)، خارجی هستند. مهاجرین ۲۴ درصد از نیروی کار مهندسی را با مدرک لیسانس تشکیل می دهند و این درحالی است که ۴۷ درصد از کارمندان بخش مهندسی و علوم با مدرک دکترا جزو مهاجرین هستند. مهاجرین در امریکا از بنیانگذاران شرکت هایی مانند، گوگل (Google)، اینتل(Intel)، ای بی (eBay) و یاهو (yahoo) هستند.

• آنها کیستند؟ جوان و تحصیلکرده

گروه ما تلاش های زیادی انجام داد تا بتواند آمار دقیقی از تعداد مهاجرانی که به هنند و چین بازگشته اند به دست بیاورد. هیچ منبع دولتی در امریکا چنین اماری در دست نداشت. اما بخش تامین نیروی انسانی در هند و چین به ما گفتند که چک چک بازگشت مهاجرین به کشور اکنون به سیل تبدیل شده است. تقاضاهای کاری که از امریکا به این کشورها ارسال می شود طی چند سال اخیر ۱۰ برابر شده است. برای اینکه علت و چرایی بازگشت مهاجرین از امریکا را درک کنیم همراه با چند گروه تحقیقاتی آغاز به کار کردیم. از طریق سایت لینکدن، توانستیم ۱.۲۰۳ نفر از هندی ها و چینی هایی را که یا در امریکا کار کرده بودند و یا فارغ التحصیل این کشور بودند را مورد بررسی قرار دادیم. این تحقیقات توسط موسسه کافمن انجام شد.

تحقیقات جدید ما با عنوان باخت امریکا برد جهان است، نشان داد که تعداد زیادی از کسانی که به کشور خود بازگشته اند، جوان بودند. میانگین سنی هندی هایی که به کشورشان بازگشتند، ۳۰ و چینی ها ۳۳ سال بود. آنها تحصیلات عالی دانشگاهی در رشته های مدیریت، تکنولوژی و یا علوم داشتند. ۵۱ درصد از چینی ها مدرک فوق لیسانس و ۱۲.۱ درصد از آنها دارای مدرک دکترا بودند. آنها گروهی بودند که مسلما می توانستند بر روی اقتصاد امریکا تاثیرگذار باشند.

نزذیک به ۳/۱ از چینی ها و ۵/۱ از هندی هایی که به کشورشان بازگشتند، با ویزای دانشجویی به امریکا آمده بودند. ۵/۱ چینی ها و تقریبا نیمی از هندی هایی که به کشورشان بازگشتند برای کار و با ویزاهایی مانند ویزای اچ ۱ به امریکا سفر کرده بودند و عمده ترین دلیل آنها برای سفر به امریکا وجود موقعیت های خود در زمینه های کاری و تحصیلی بود.

مهاجرین به این نتیجه رسیدند که زندگی در امریکا نقاط ضعفی نیز دارد. کسانی که به خانه های خود بازگشتند در امریکا با مشکلاتی مانند زبان، دلتنگی برای خانواده و دوستان، تفاوت فرهنگی و مراقبت از فرزندان و کهنسالان مواجه بودند. حدود ۳/۱ از هندی ها و ۵/۱ از چینی هایی که به خانه های خود بازگشتند اعلام کردند ویزا یکی از دلایل بسیار محکم برای بازگشت آنها به شمار می رفته است اما دیگران اعلام کرده اند به دنبال فرصت های بهتر و به دلیل دلتنگی برای خانواده و دوستان به کشورهایشان بازگشته اند. آمار این تحقیق نشان می دهد که این تنها مهاجرین تازه وارد نبودند که اقدام به بازگشت کرده اند، بلکه در واقع ۳۰ درصد از آنها یا شهروند امریکایی بودند و یا ویزا و اقامت دائمی داشتند.

۸۷ درصد از چینی ها و ۷۹ درصد از هندی ها اعلام کردند که دلیل بازگشت آنها به کشورهایشان افزایش تقاضای شغلی برای حرفه آنها در کشورشان بوده است. که ادعای آنها درست است. در میان هندی ها درخواست برای انتصاب شغل مدیریت در امریکا ۱۰ درصد افزایش پیدا کرده است و این درحالی است که این رقم در هند ۴۴ درصد است. و در چین ۳۶ درصد است.

خانواده و دوستان نقش بسیار مهمی در بازگشت مهاجرین به خانه هایشان بازی می کنند. ۸۸ درصد از هندی ها و ۷۷ درصد از چینی ها به این دلیل امریکا را ترک کرده اند. حدود ۸۰ درصد از هندی ها و ۶۷ درصد از چینی ها اعلام کردند که ارزش های خانوادگی در کشور خودشان بهتر است. مهاجرینی که به سواحل امریکا می رسند احساس تنهایی و غربت می کنند. آنها برای حفظ کودکان خود باید تلاش های مضاعفی بکنند و تا چندی پیش فرصت بازگشت به خانه را نداشتند، ولی امروز این فرصت به آنها داده شده است.

هرچند بازگشت به خانه نیز چندان بی عیب نیست. هندی ها از وجود ترافیک، نبود زیرساخت ها، بروکراسی فراوان و آلودگی شکایت می کنند، این درحالی است که چینی ها از آلودگی، تغییر فرهنگ در چین، حد پایین تحصیلات برای فرزندانشان، شاکی هستند. کسانی که به کشورهایشان بازگشته اند اعلام کرده اند که درآمد کمتری دارند اما از کیفیت بیشتری بهره مند شده اند.

ما به تمامی این کارکنان طی بحران اقتصادی نیاز نداریم. اما به آنها برای بازسازی نیازمندیم. در حال حاضر، آنها تحصیلات و دانش خود را در چمدانهایشان جا داده اند و درحال بازگشت به خانه های خود هستند. بنابراین سیاست های کنونی دیگر پاسخگو نیست. چراکه امریکا در آینده به نیروی کار نیاز خواهد داشت.

منبع : دیپلماسی ایرانی

http://vista.ir/?view=article&id=364859

vista.ir
Online Classified Service

فرار مغزها و آینده تیره و تار عراق

● فرار از ویرانه

روزهای فعلی و گذشته، عراق را تیره و تار کرده است ولی آینده این کشور را فرار مغزها نابود می‌کند. مهاجرت سرمایه‌های انسانی یا همان فرار مغزها مهاجرت افراد تحصیل‌کرده و فرهیخته کشوری به منطقه یا کشور دیگر تعریف می‌شود، دلایل فرار مغزها همیشه یکسان نیستند. به خطر افتادن زندگی امن و سالم، بهبود موقعیت‌های پیشرفت اقتصادی و آرزوی داشتن زندگی مرفه از آن جمله هستند. گاهی اوقات مناقشات منطقه‌ای و سیاسی موجب فرار ناگهانی دانش‌آموختگان کشور می‌شود. به طور کلی، مهم‌ترین جریان این نوع مهاجرت از سوی مناطق روستایی به شهری یا از کشورهای کمتر توسعه یافته به سوی کشورهای پیشرفته است. در این کشورها افراد تحصیل‌کرده و متخصصان همواره آماده مهاجرت از کشورهای در حال مناقشات سیاسی یا اقتصاد نابسامان هستند و این به آن وضعیتی منجر می‌شود که به عنوان مثال، کشور با دارابودن دانشکده‌های پزشکی از کمبود همیشگی پزشک رنج می‌برد.

● فرار مغزها از عراق

فرار مغزها پدیده‌ای نوظهور در کشور عراق نیست. بسیاری از عراقی‌ها را رژیم دیکتاتوری صدام‌حسین فراری داد. ولی علت این فرار چیزی متفاوت

از اوضاع کنونی بود. در زمان صدام قبضه فرصت‌های اقتصادی و محاصره دولتی تمام نهادهایی که فرصت‌های شغلی و ترقی در آنها نهفته بود، از سوی وابستگان رژیم و حزب بعث سبب سرخوردگی بسیاری از متخصصان و تمایل به خروج از عراق بود. ولی امروز خشونتی که سراسر عراق را فراگرفته و امید امکان بازسازی کشور را بر باد داده است، دلیل سرخوردگی و مهاجرت مغزها است. واشنگتن پست در گزارشی از قول یکی از مسوولان وزارت کشور عراق می‌گوید تعداد عراقی‌های متخصص یا غیرمتخصصی که به اردن سفر می‌کنند، از ماه جولای سال گذشته از ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر به چهار برابر یعنی حدود ۱۱۰۰ نفر در روز رسیده است.

دانش‌آموختگان، دانشمندان و پزشکان و استادان دانشگاه عراقی که به هر حال ماندن در کشور خود را ترجیح داده‌اند، به دلیل تعلق به گروه‌های مذهبی یا فرقه‌های قومی همیشه در معرض گروگان‌گیری هستند که به سرعت در عراق شیوع پیدا می‌کند. از طرف دیگر، وابستگان رژیم صدام و حزب بعث که حاشیه امنی در رژیم گذشته داشتند، امروز از طرف گروه‌های تندرو شیعی که در پی انتقام روزهای تیره و تار شیعیان در زمان صدام هستند، در خطرند و سنّی‌هایی که این تندروی‌ها را برنمی‌تابند، با حملات مداوم با شیعیان مقابله می‌کنند. یکی از دانشجویان دانشگاه بغداد می‌گوید: «بهترین استادان، دانشگاه کشور را ترک کرده‌اند و ما امکان آموزش پیشرفته را از دست داده‌ایم. بازنده اصلی، نسل جوان امروز عراق و آینده کشور ما است.» آینده در خطر است. آموزش پایه اصلی بازدهی و تولید اقتصادی برای نسل‌های آینده است.

هیچ کشوری نمی‌تواند بدون نوسازی مداوم نظام آموزشی و انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر تعهد خود را بر پایه‌ریزی نظام آموزشی پویا به انجام برساند و در کشورهای در حال توسعه اولین خسارت ناشی از فرار مغزها از دست رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده برای آموزش است.

طبق تحقیق دانشگاه ییل، کاهش بهره‌وری و تولید، کاهش سطح مهارت‌های تکنیکی، نداشتن توازن در مالیات‌گیری و دریافت مالیات کمتر در اقتصاد در بحران و اوضاع اجتماعی نابسامان که نتیجه کاهش افراد تحصیل کرده و ثروتمندان و سرمایه‌گذاران کشور است، کشورهای در حال توسعه را در فشار قرار داده است.

- اثرات مهاجرت

تاثیر فرار پزشکان در اولین قدم‌ها به صورت بالارفتن ناگهانی و بی‌سابقه مرگ و میر نوزادان در عراق نمایان شده است. شاید تاثیر منفی مهاجرت با بازگشت دستمزد این افراد به کشور برای خانواده‌های خود تا حدودی جبران شود. هرچند که این مساله بیشتر درباره کارگران ساده و افراد نیازمند که برای امرار معاش در کشورهای همسایه، خانواده‌های خود را ترک می‌کنند، صدق می‌کند. به هر حال، بازگشت این پول به کاهش فقر و شکوفایی‌اقتصادی کمک می‌کند ولی کمتر متخصصی را در کشورهای در حال توسعه با این وضعیت می‌توان سراغ گرفت. به علاوه، ترک مغزها از یک کشور به معنای پذیرش در کشور دیگر است. این هم در صورتی است که متخصص به کشورهای همسایه در وضعیت مشابه اقتصادی – اجتماعی کوچ کند، وگرنه بسیاری از دانش‌آموختگان کشورهای در حال توسعه که در وطن‌شان در چرخه کار تخصصی خود بودند، به دلیل تفاوت‌های فن‌آوری و رقابت نابرابر در بازار کار از این چرخه خارج شده و به مشاغل دیگر رو می‌آورند. درباره کشور عراق هم کشورهای مجاور مانند اردن از نیروهای متخصص عراق استفاده می‌کنند ولی برای کشورهای پذیرنده نیز تبعات منفی وجود داشته است؛ در اثر مهاجرت عراقی‌ها به اردن، بهای ملک به شدت افزایش یافته است. طبق آمار رسمی در حال حاضر ۸۰۰ هزار عراقی در اردن زندگی می‌کنند که بسیاری از آنان به تازگی به این کشور مهاجرت کرده‌اند.همین رقم افزاینده سبب ایجاد موانعی در مرزهای مشترک از سوی دولت اردن شده است. بر همین اساس، به جز اردن دیگر کشورهای همسایه از عراق نیز به شدت مرزهای‌شان را کنترل می‌کنند ولی حتی همین محدودیت‌ها هم نتوانسته جلوی موج مهاجرت افراد را بگیرد.

بسیاری از کشورها در کنار اعمال محدودیت‌های عمومی برای جذب مهاجر، اولویت‌هایی را برای پذیرش افراد تحصیل‌کرده اختصاص داده‌اند. مرکز راهبردی عمل منابع فن‌آوری و تجارت در سال ۲۰۰۰ به وسیله سناتور مک‌کین تاسیس شد. هدف این مرکز، نوعی غربالگری و اولویت‌دادن به متخصصان آمریکایی برای پیداکردن شغل نسبت به دانش‌آموختگان مهاجر بود. به جای ردشدن از کنار مشکلاتی که به فرار مغزها، به خصوص پزشکان از عراق منجر می‌شود باید در پی ایجاد مشوق‌هایی برای ماندن آنان بود، با توجه به موج خروج مهندسان، پزشکان و استادان دانشگاه‌های عراق، ایجاد شرایط مطلوب هر روز دشوارتر می‌شود. خروج بیشتر دانش‌آموختگان باز هم این چرخه معیوب را تشدید می‌کند و امکان بازسازی و ثبات کشور را به خطر می‌اندازد.

یک مقام وزارت بهداشت عراق می‌گوید: «این دیگر مهاجرت پزشکان نیست، یک فرار دسته‌جمعی است. اگر به این ترتیب پیش برود، کارمان تمام است.» جنگ روزی به پایان می‌رسد و کشور به وضع عادی باز می‌گردد ولی تا آن روز شاید کسانی که در خارج از کشور زندگی آرام و باثبات را تجربه کرده‌اند، نخواهند برگردند. بسیاری از افراد نمی‌خواهند در کشوری ویران و نابه‌سامان زندگی کنند و این باز هم احتمال بازسازی عراق را

کاهش می‌دهد.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319314

vista.ir
Online Classified Service

فرار مغزها و مهاجرت پزشکان

درباره فرار مغزها و مهاجرت نخبگان، به نظر می‌آید این توضیح لازم است که اولا بخش زیادی از آنچه می‌شنویم و یا می‌خوانیم، ساخته و پرداخته فضای رسانه‌ای و تبلیغاتی است. البته در ورای این فضا و هجمه تبلیغاتی، حقایقی نیز وجود دارد که نباید از آنها غفلت کنیم. مساله دیگری که در این زمینه لازم است مورد توجه قرار گیرد، دو بحث جداگانه فرار مغزها و مهاجرت نخبگان است که این دو به لحاظ ماهیت، به طور کامل با هم متفاوتند و نباید یکسان تلقی شوند.

اما درباره فرار مغزها آنچه گفته شده و گفته می‌شود، این است که نخبگان، سرمایه‌های تمام‌نشدنی هر جامعه و ملتند و امروز توانایی کشورها و ثروت ملت‌ها، نه در منابع طبیعی که وابسته به دارایی و منابع انسانی آنها است. از این جهت بحث نخبگان و اندیشمندان در چند دهه اخیر برای دولت‌ها و ملت‌ها از اهمیت و ارزش والایی برخوردار گشته است. بنابراین رقابت و تلاش همه‌جانبه‌ای برای جذب نخبگان از سوی دولت‌های گوناگون به عمل می‌آید تا بلکه بتوانند به این طریق بر ثروت خود بیفزایند. در بحث فرار مغزها، دولت‌های قدرتمند با ایجاد تسهیلات و پاسخ به پاره‌ای از نیازهای برآورده نشده نخبگان در موطن خود به شکار مغزها می‌پردازند. چنین اتفاقی به طور معمول در کشورهایی رخ می‌دهد که نخبگان از وضع موجود خود ناراضی هستند و برای اعتراض و ایجاد شرایط بهتر می‌خواهند وطن‌شان را ترک کنند. اینکه این افراد تا چه اندازه و تا چه حد به آرزوی خود می‌رسند، بحث دیگری است. آنچه نامطلوب تلقی شده و می‌شود، این است که این نخبگان با کشور و ملت خود قهر می‌کنند و آنها را به امید دنیایی بهتر برای خود و خانواده خود رها می‌سازند!

به نظر می‌رسد که ما برآورد دقیقی از چنین رخدادی در کشور خود نداریم، یعنی آماری از آنچه به این شکل و تحت این فرآیند و به این عنوان اتفاق می‌افتد، وجود ندارد. توجه داشته باشید که رفتن یا قهر کردن برخی از افراد با پدیده فرار مغزها متفاوت است. افراد معمولی که جامعه خود را ترک می‌کنند، نباید با کسانی که در گروه نخبگان و صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار می‌گیرند، یکسان قلمداد شوند، و الا گویی ما در این بحث اعتقاد پیدا می‌کنیم آنها که مانده‌اند، مغز ندارند و هر که مغز داشته است، فرار کرده است و هر که مانده است، مغز ندارد!! این یعنی به بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران و کسانی که کشور خود را برای خدمت با همه کاستی‌ها و مشکلات موجود انتخاب کرده‌اند، توهین و جسارت کردن. پس توجه کنیم که هر کس که رفت، مغز نیست و ما هم اطلاع دقیقی از این موضوع نداریم. اما در مورد فرار مغزهای واقعی می‌توان گفت، اول اینکه یک نخبه، با ملت و فرهنگ و هویت خود قطع رابطه می‌کند و دوم آنکه به جای اینکه بر ثروت و اندوخته ملت خود بیفزاید، بر ثروت و اندوخته دیگران می‌افزاید و سوم آنکه، جامعه خود را از خدمات خود محروم می‌کند. اما نوع دیگری از رفت و آمد نخبگان وجود دارد که ما از آن به عنوان

مهاجرت نخبگان یاد می‌کنیم. در مهاجرت، درواقع نخبگان و صاحب‌نظران نه با ملت، نه با هویت و نه با کشور خود قطع ارتباط می‌کنند و نه در فکر آن هستند که اگر موقعیت بهتری برای آنان فراهم شده، آن را به تنهایی و برای خود به استخدام درآورند، بلکه تلاش می‌کنند که از این فرصت هم خود بهره‌مند شوند و هم جامعه خود را بهره‌مند سازند. به عبارت دیگر، شرایطی برای تعدادی از نخبگان و محققان و پژوهشگران و صاحب‌نظران فراهم می‌آید که برای مدتی کشور خود را ترک و به کشور دیگری مهاجرت می‌کنند

به نظر من، این نوع مهاجرت و این نوع تعامل و به دست آوردن فرصت‌ها در جهت ارتقا و توسعه علمی ـ فنی و فردی و اجتماعی نه تنها مضر نیست، بلکه می‌تواند آثار و برکات مثبتی هم در پی داشته باشد. در چنین حالتی، فرد نخبه نه تنها خود رشد می‌کند، بلکه سبب رشد جامعه خود می‌شود، هم رشد علمی و هم رشد اقتصادی و پاره‌ای از کمبودها را که در کشور خود با آن مواجه است، از سر می‌گذراند و می‌تواند با امکانات بهتر و بیشتری در جهت ارتقای علم و ملت خود تلاش کند و دستاورهای آن را هم با مردم جهان و هم با مردم خود تقسیم کند. پس میان فرار مغزها و مهاجرت نخبگان تفاوت ماهوی وجود دارد که یکی مذموم و دیگری اگر نگوییم ممدوح، حداقل امر ناپسندیده‌ای نیست. گاه ما این دو موضوع را با هم اشتباه می‌کنیم و فضای رسانه‌ای هم به آن کمک می‌کند تا بذر ناامیدی و دلسردی در جامعه علمی به طور خاص و کل جامعه به طور عام پاشیده شود. وظیفه ما این است که ضمن شناخت درست این دو پدیده، در مقابل هر یک موضع درستی اتخاذ کنیم و آنها را در جای خود بشناسیم و برنامه متناسب با آنها پیش‌بینی کنیم، کما اینکه در سایر کشورها هم چنین می‌کنند.

علاوه بر نکات فوق و مطالبی که گفته شد، یک نکته بسیار اساسی و بنیادین در این موضوع وجود دارد. در دنیای امروز با توجه به تحولات علمی و اجتماعی و فناوری‌های موجود، چه بسا افراد در کشور خود مقیم باشند و فرار و مهاجرت هم نکنند، اما در خدمت بیگانگان باشند و چه بسا افراد در مرزهای جغرافیایی کشور خود نباشند و در گوشه‌ای از جهان سکنی گزیده باشند، اما علم و دانش آنها و توان آنها در خدمت وطن و مردم آنها باشد. امروز در بحث فرار مغزها، اثر مرزهای جغرافیایی تا حدودی کمرنگ و شاید در بعضی مواقع بی‌اثر شده باشد. زمانی نه در گذشته‌های خیلی دور، فرار مغزها، فرار از مرزهای جغرافیایی نیز بود. اما امروز لزوما مرزهای جغرافیایی چندان تعیین‌کننده نیستند. این هم بحثی است که محتاج تامل بیشتر و بحث بیشتر از سوی صاحب‌نظران است.به هرحال، به طور خلاصه اینکه ما باید تلاش کنیم شرایطی را فراهم کنیم که نخبگان واقعی جامعه با امید و نگاه مثبت به آینده، در کشور بمانند و خدمت کنند. بسترهای مهاجرت نخبگان را هم با همان تعریفی که شد تسهیل کنیم تا آنها هم بتوانند به نحو بهتری در خدمت جامعه باشند. جذب مغزها و نخبگان، محتاج نوعی نوآوری در روابط و مناسبات علمی ـ اداری و فرهنگی در جامعه است. انتظار می‌رود که دیوان‌سالاری موجود که گاه شکل علمی نیز به خود گرفته است، در این کشور فرو پاشد تا ما نیز بتوانیم بسان سایر کشورهای پیشرفته با پیروی از سنت‌های علمی، سرمایه‌های واقعی خود را حفظ و نگهداری کرده و افزایش دهیم.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319350

vista.ir
Online Classified Service

فرار نخبگان محصول قرار پخمگان!

پدیده مهاجرت نیروی انسانی از کشور که محصول بعداز انقلاب بوده و در قبل از آن کلیه جریانات خروج نیروی انسانی قابل بازگشت بوده ولذا از نظر مفهومی نمی‌توان آنرا مهاجرت نامید ، در عمق خود به عنوان یکی از مهمترین رخدادهای بعد از انقلاب دارای آثار و تبعات بالقوه مثبت و بالفعل منفی میباشد. برآوردهای اولیه نشان میدهد سالانه جمعیت کثیری اعم از

نیروی انسانی نیمه ماهر- ماهر و متخصص از کشور خارج میشوند. کوچ اجباری بسیاری از صاحبان دانش و ثروت در سالهای نخست انقلاب و تداوم این فرایند تا کنون جامعه بزرگی از ایرانیان در تبعید بوحود آورده که در فرایند توسعه ایران تاکنون غایب بوده اند.

در اینجا با مروری بر وضعیت ایرانیان مقیم در ایالات متحده امریکا اهمیت، نقش و تاثیر آنان را میتوان بیشتر دریافت:

۱) براساس سرشماری سال ۲۰۰۰ در امریکا حدود ۳۳۸۰۰۰ نفر ایرانی در امریکا وجود دارد. صرف نظر از عدم صحت و دقت آمار مذکور ناشی از دلایل عدیده ای از جمله خودداری ایرانیان از بیان ملیت خود (به دلیل تضاد دولت ایران با دولت امریکا و اشتهار دولت ایران به تروریزم)؛ از بین ایرانیان ساکن در امریکا ۵۷ درصد ایرانیان بالای ۲۵ سال دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند که این نسبت برای سایر جمعیت امریکایی ۲۴. ۴ درصد میباشد. از اینرو ایرانیان مقیم امریکا در میان سایر گروههای مهاجر ساکن در امریکا دارای بیشترین میزان تحصیلکرده است. ایرانیان امریکایی ۵ برابر بیش از متوسط امریکاییان دارای مدرک دکترا میباشد. از زاویه دیگر در بین ایرانیان دارنده مدرک فوق لیسانس و دکترای Ph.D نسبت مردان به زنان ۱.۸ و ۲. ۷ و همین نسبت در نرخ متوسط ملی امریکا به ترتیب (۱).۲.۳ میباشد.

۲) درآمد سرانه ایرانیان مقیم امریکا ۵۰ درصد بیشتر از متوسط ملی درآمد سرانه امریکاییان است. در مقایسه با ۱۲ درصد امریکاییان که دارای درآمد سرانه ۱۰۰۰۰۰ دلار و بیشتر در سال هستند ۲۶ درصد ایرانیان مقیم امریکا دارای همین درآمد هستند. از سوی دیگر ارزش و قیمت متوسط خانه ایرانیان ۲.۵ برابر بیشتر از متوسط همین فاکتور در سطح ملی است. نسبت ایرانیانی که در خانه هایی با بیش از یک میلیون دلار زندگی می‌کنند ۱۰ برابر بیشتر از متوسط همین شاخص در سطح ملی است. شواهد حاکی است ۲۰.۸ درصد ایرانیان مقیم امریکا در خانه هایی بابیش از ۵۰۰۰۰۰ دلار زندگی می‌کنند در حالیکه این نسبت برای امریکاییان فقط ۳ درصد میباشد.

۳) ایرانیان مقیم امریکا دارای بیشترین میزان حفظ هویت فرهنگی و درعین حال حذب در فرهنگ امریکاییان هستند. بطوریکه از یکسو در بین سایر گروههای مهاجر بیش از همه نسبت به حفظ زبان و سنن فارسی و ایرانی اهمیت داده و حتی نسل دوم آنان نیز این سنت را حفظ کرده‌اند. و از سوی دیگر بیشترین میزان انطباق با فرهنگ کشور میزبان را از خود نشان داده‌اند بطوریکه بیش از سایر مهاجران زبان انگلیسی را فراگرفته و تکلم می‌کنند. بیش از ۷۳ درصد آنان در خانه به دو زبان فارسی و انگلیسی صحبت میکنند. شواهد حاکی است ۴۲ درصد پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هنوز با فرزندان خود زندگی کرده و به نگهداری از نوه‌های خود می‌پردازند و هنوز ساختار گسترده خانواده در بین آنان رواج دارد.

۴) از سوی دیگر ایرانیان دارای بیشترین میزان کارآفرینی بوده و با ایجاد بنگاه‌های اقتصادی به تولید ظرفیتهای شغلی پرداخته و عمدتا به مشاغل خدماتی و مدیریتی آزاد و غیردولتی روی آورده‌اند. برآوردها نشان میدهد بیش از ۵۰۰۰ نفر بصورت قراردادی تمام و پاره وقت دارای مقام پروفسوری یا استادی در دانشگاه‌های امریکای شمالی هستند. درطول سالهای پس از انقلاب بیش از ۷۰۰۰ عنوان کتاب توسط ایرانیان در خارج از کشور منتشر شده است که با ارقام داخل کشور قابل مقایسه است.

باوجودیکه آمار فوق گویای این است که بخش بزرگی از ایرانیان مقیم امریکا از وابستگان به دربار و از سرمایه‌داران و ملاکهای قبل از انقلاب هستند ولیکن بنوبه خود بیانگر توان نسبی ایرانیان در دستیابی به توفیقات اجتماعی است که متاسفانه در جامعه ایران فرصت این پرورش را نیافته و به دیار دیگر شتافته‌اند. آمارها نشان میدهند سالانه قریب ۳ میلیارد دلار سرمایه توسط ایرانیان از کشور خارج و به ممالک دیگر بویژه دوبی برده می‌شود. امروزه بخش بزرگی از آثار منتج به حفظ کیان و هویت ایرانیان مرهون تلاش ایرانیان فرهیخته‌ای است که در طول سالهای گذشته به دلایل متعدد بیرون از کشور زندگی می‌کنند. اهتمام جدی دولت در رفع موانع گریزاننده و همچنین ایجاد شرایط جذب ایرانیان صاحب دانش و ثروت یا سرمایه‌های انسانی و مالی می‌تواند زمینه بهره‌گیری از این امکانات در بهبود اقتصاد و زیربناهای توسعه‌ای کشور را فراهم نماید. بی تردید این فرایند نشانه های تاریخی محکمی خواهد بود از اینکه متولیان حوزه سیاست و تصمیم‌گیران دولتی براثر غفلت و پخمکی؛ توانایی جذب این لشکر توسعه را نداشتند.

In Iran after revolution, elite flight as called immigration is a revolutionary phenomena because of there was not any traces about this problem in that period.in recent years iran has lost $ ۳ billion by escape of capitalholders.at now most of Iranians in whole of world have a good position from point of economic, social & scientific .Unfortunatly Islamic government could not to integrate of them to development process of country.

منبع : جامعه‌شناسی ایران

http://vista.ir/?view=article&id=291957

فراز و نشیب های کوچ

در حالی که با شروع فصل سرما، شاهد تغییرات ناگهانی هوا هستیم، نبود چرای دام و برودت هوا در مناطق ییلاقی (سردسیر)، باعث شده تا عشایر مولد، در تکاپوی علف مرتعی و بهره گیری از هوای گرم، به سوی نواحی قشلاقی (گرمسیر) مرارت های راه پرفراز و نشیب را بر خود و احشامشان هموار ساخته و روند «کوچ نشینی» به جانب نقاط مذکور (قشلاقی) کشور آغاز کنند. بدیهی می نماید که بر پایه پژوهش های میدانی نگارنده، پیشینه این فرآیند (کوچ) به روزگاران باستان بازمی گردد. شکل گیری پدیده کوچروی از آنجا آغاز شد که دامداران باستان متوجه شدند فاکتورهای مهمی چون شرایط آب و هوایی، کمی و زیادی پوشش نباتی مراتع و دغدغه مسائل امنیتی خواه ناخواه برای تداوم حیات و به تبع آن، صیانت از اقتصاد معیشتی آنان، یعنی دامهایشان، امری تاثیرگذار است و بدین سان عشایر، کو چ نشینی را به مثابه راهکاری هدفمند و پاسخگو برگزیدند.

آنچه که در این اثنا قابل تامل است، «پروژه اسکان» یا یکجانشینی اغلب پیشینیان این آب و خاک طی ادوار گذشته است که بنا به مقتضیات زمان، نظیر وقوع جنگ و تسخیر نقاط مقصد یا مبدا عشایر یا همان ییلاق و قشلاق، بوسیله اقوام مهاجم، نیز حدوث خشکسالی ها، بعدها صنعتی شدن و در این اواخر سرکوب، خلع سلاح و نهایتا «تخته قاپو» شدن، توسط سیاست های دولت های پیشین، خاصه پهلوی اول به وجود آمد که پرواضح است در این گیر و دار شماری توانستند در مقام دفاع از خود که همان متدهای سنتی کوچ نشینی بود برآیند و در بنیادگذاری، انسجام، نظم زمانی و مکانی براساس جغرافیای زمان و سرانجام وحدت جامعه عشایری امروزی که اینک شاهد کوچ نشینی آنها هستیم، دخیل باشند.

غرض نگارنده از پرداختن به موضوعی که ذکر آن پیش تر رفت این است که اغلب این مردم مولد، ساعی و سلحشور، مخالف پیاده کردن سیاست «اسکان عشایر» می باشند. موید این مطلب طرح هایی است که در چارچوب «مناطق اسکان» در پاره ای از استان های غرب کشور که دام خیز و در مجموع از پتانسیل های بالایی در حوزه عشایری، نیز عشایرپذیری برخوردارند می باشد. در طرح های مذکور که عمران صورت گرفته، به رویکرد نرم افزاری آنطور که باید و شاید توجهی مبذول نشده. چنانچه بر همین اساس تاسیسات عمرانی با ورود به دوره سرما، خالی از سکنه و دام شده به علاوه استرس و نارضایتی هایی را از جانب طبقه مزبور موجب شده است. از جمله دلایل «نه» گفتن بیشتر مردم عشایر، به برنامه خاص «یکجانشینی» که دولت محترم، اهداف خاصی همچون حفظ، اصلاح و احیا مراتع و جنگل ها، نیز عدم تخریب منابع طبیعی و سهیم شدن در توسعه محیط زیست پایدار جهانی، تعقیب می کند، بدین قرار است: اکنون که موسم کوچ پاییزه می باشد و طبیعت، خزان و فردا زمستان را تجربه می کند، پناه بردن عشایر به «قشلاق» یا مناطق گرمسیر عمده ترین فاکتوری است که اکثریت قریب به اتفاق عشایر با آن هم داستان اند.

چرا که آنان به مسائلی از قبیل تحلیل رفتن احشامشان بر اثر برودت هوا، در مناطقی که هم اکنون سرما حاکم است و در فصول گرم بدانجا می روند، نیز بی تابی، کاهش وزن و عدم اشتهای دام هایشان هنگام کوچ بهاره و شروع دوره گرما، در نواحی ای که در حال حاضر بطور موقت اسکان می یابند، یعنی مناطق گرمسیر (قشلاق)، توجه جدی دارند. به عنوان مثال در کرمانشاه در حالی که دمای شهرستان های عشایرپذیر همچون

«دالاهو» در زمستان به ۱۵ درجه زیر صفر می رسد، دمای قصر شیرین و خسروی در همان حال به ۱۷ درجه بالای صفر می رسد. همین طور در شروع بهار و طی کردن ایام تابستان که در حقیقت با کوچ بهاره آغاز می شود، عشایر به همراه دام هایشان از موج طاقت فرسای گرما که بسیار زیان بار است به نواحی سردسیر (ییلاق) هجوم می آورند که در این هنگام دمای قصرشیرین و خسروی به ترتیب به ۵۴ و ۵۶ درجه بالای صفر می رسد در حالی که دمای شهرستان توریستی «دالاهو» در این موقع به ۵ درجه بالای صفر می رسد.

بنابراین مهمترین واکنشی که غالب عشایر نسبت به اعمال سیاست «استقرار دائم عشایر» دارند در وهله نخست توجه به شرایط آب و هوایی در دو مقطع از سال یعنی کوچ پاییزه که به فصول خزان و زمستان می انجامد و دیگری کوچ بهاره که روند زیست عشایر و احشامشان را در بهار و تابستان در پی دارد. همچنین بدبینی، تردید و عدم ایمان به حمایت ویژه دولت، در همراهی با عشایر در فرآیند «اسکان عشایر» از قبیل نبود اعطای اعتبارات خاص بدون توجه به مقوله «بوروکراسی» و تا حد امکان «بلاعوض»، عدم بیمه دام و محصولات دامی، نیز تولیدات لبنی و تضمین خرید تولیدات مذکور.جدای از تشریح اجمالی «اسکان» آنچه که تحت عنوان مشکلات عشایر حین کوچ قابل مشاهده است از نظر نگارنده به این شرح می باشد:

۱) عدم استفاده از وسایط نقلیه برای نقل و انتقال احشام به علت هزینه زیاد که معمولا از توان خانوار عشایری خارج است. موجب شده که عشایر فواصل طولانی را در چندین شبانه روز با مشقات فراوان در طول مسیر طی کنند که مزید بر این مهم در طول مسیر لطمات زیادی به منابع طبیعی وارد می شود.

۲) بروز امراض مختلف از جمله «تب مالت» و شیوع آن در بین سایر دام ها و متعاقب ان خود افراد عشایر که گاهی اوقات موجب فلج شدن فعالیت های آنان می شود نیز تلفات زیاد دام در طی مسیر کوچ.

۳) نبود پشتیبانی ارگان های دولتی مرتبط همچون سازمان امور عشایری، از عشایر در جریان کوچ که از تبعات فراوانی برخوردار است. گفتنی است که مسیر گرمسیری عشایر استان های کردستان و همدان شهرهای غربی و جنوبی استان های کرمانشاه و ایلام می باشد که علاوه بر آب و هوای گرم در طول زمستان، از مراتع مرغوب و پرپشت بهره مندند. در خاتمه راهکارهایی که می توان جهت یاری رساندن به عشایرحین کوچ پیشنهاد کرد:

۱) حمایت ویژه دولتی (در حال حاضر) از عشایر با کارویژه هایی نظیر خدمات رسانی و... هنگام کوچ.

۲) ظهور سازمان های غیردولتی، فعال کردن بخش خصوصی و تقویت آنها در راستای امداد عشایر.

۳) در اختیار گذاشتن سرویس های ویژه همچون آمبولانس جهت برخی مسائل; زایمان زنان عشایر حین کوچ، بهره گیری از امداد هوایی نظیر هلیکوپتر، برای مواقع اضطراری از قبیل حوادث غیرمترقبه و طرق صعب العبور.

۴) تعاون نهادهای هلال احمر، شبکه بهداشت، جهاد کشاورزی و امور عشایری با عشایر سخت کوش.

منبع : روزنامه ابتکار

http://vista.ir/?view=article&id=284166

vista.ir
Online Classified Service

فراغت در طبیعت؛انرژی شفابخش

چهارنفر که دور هم جمع شوند و هوای سفر داشته باشند ابتدا می‌پرسند: کجا برویم؟ این سوال ساده نیاز به محاسبات پیچیده‌یی دارد. مثل : «چقدر پول داریم. کرایه مسیر انتخاب شده چه مقدار است. محلی که برای استراحت انتخاب کرده‌ایم کجاست و چه اندازه هزینه‌بر است» این

سوالات برای هر محل متفاوت است. حال آنکه خرج خوراك و تفریحات جانبی چقدر می‌شود به محل مسافرت ارتباطی ندارد. گاهی استفاده از تجربه سفر دیگران بهترین راه محاسبه خرج سفر است. با این حال همیشه مبلغ هنگفتی بابت هتل پرداخت می‌شود تا بتوان شبی را زیر سقف مصنوعی ساخته دست بشر همچون منزل گذراند. از سویی استفاده نکردن از چنین سقفی یعنی با آغوش باز انتظار ماجراجویی را کشیدن، شاید باران گیر شوید و تا نخستین پناهگاه فاصله زیادی داشته باشید.

استراحتگاه‌مان کجاست؟

آغاز سفر اندیشه است. چند روز مسافر خواهید بود. روزهایی که مسافر هستید به چه عواملی بستگی دارد. گام نخست مقدار وقتی است که تمام افراد گروه برای مسافرت کنار گذاشته‌اند، یك مسافرت دلپذیر. ولی مهمتر از این محل سکونت است. آیا برای گذران سفر به هتل می‌روید؟ کدام شهر را انتخاب می‌کنید؟ شهرهایی که مسافرخانه و هتل ارزان قیمت‌تری دارند؟

نخستین گام برداشته می‌شود. مقصد معلوم است ولی آه از نهاد برخی همسفران شنیده می‌شود. گاهی یکی از همسفران می‌گوید: «کاش جایی، سکنی گزینیم که طلوع خورشید را در بلندا ببینیم، شاید هم غروب». ولی این نیز بستگی دارد به مخارج استراحتگاه و آیا شهری که انتخاب کرده‌اید چنین محلی دارد؟ و پس از آن در چنین محلی مسافرخانه وجود دارد یا خیر؟

تازه اگر سفرتان در روزهای شلوغ سال باشد باید کمی هم به شانس اتکا کنید. شاید هیچ اتاقی گیرتان نیاید چنانچه تمام هتلداران بگویند «اتاق خالی نداریم». آن وقت میان گروه سکوت می‌ماند و فکر و چه کنیم. پس از طی مسیری طولانی تنها با بی احتیاطی در رزرو اتاق دستمان ماند در حنا.چنانچه پیش از این یاد شد تجربه سفرهای موفق دوستان همیشه به کار می‌آید. البته به یاد داشته باشید حادثه در سفر هر چند ناگوار تنها خاطرات سفرتان را به یادماندنی‌تر می‌کند.

اجاره اتاق گران‌تر از مخارج سفر

سفر که آغاز شد، در حقیقت نوعی دل به دریا سپردن است. هفته‌یی وقت را کنار هم گذاشته‌اید. هزینه سفر را در نظر گرفته‌اید و تصمیم دارید تنها چهار روز را در مسافرت بگذرانید. چرا که هزینه‌های سرسام‌آور هتل و مسافرخانه اجازه ماندن و بیشتر لذت بردن را از شما سلب کرده است. چنین زمانی باید گفت: «سفر خوش‌دوستان». البته اگر اهل مسافرت هستید و زمان زیادی دور از سفر دلتان تاب نمی‌آورد می‌توانید راه بهتری بیابید. راهی که شاید کمی مشکل باشد ولی بطور حتم مزایایش بر معایبش می‌چربد.قیمت ارزان‌ترین محل استراحت برای یك گروه چهارنفره شبی ده هزار تومان است. البته اگر به شهری دورافتاده سفر کنید که پذیرای مسافر چندانی نباشد. این هزینه که سقف پایین آن محاسبه شد مربوط به محلی است که از وسایل لازم و امکانات بهداشتی چندانی برخوردار نباشد. سکنی گزیدن در چنین محلی چندان هم رضایت‌بخش نخواهد بود. اما چاره کار چیست؟ برای رفتن به سفارت‌هایی کم‌هزینه و لذت‌بخش چه باید کرد. بخصوص شما که اهل سفرید و دلتان می‌خواهد لااقل چند ماهی یك بار دل به سفر بسپارید.

محلی ارزان، دایم، متنوع

یك بار هزینه کنید و بارها به مسافرت بروید. از تورهای طبیعت گردی نهایت استفاده را ببرید. چنانچه اطلاع دارید طبیعت گردی کم هزینه‌ترین نوع مسافرت است. جای اینکه هر بار هزینه هنگفتی را بابت اقامتگاه بپردازید و اقامتگاه‌تان نیز در محل مناسب و دلخواه‌تان نباشد، تنها یك بار هزینه کنید و بارها از آن لذت ببرید.استفاده از چادرهای مسافرتی، کوله پشتی مناسب به جای ساك مسافرت و کیسه خواب و زیرانداز می‌تواند براحتی یك اتاق راحت و مناسب لذت‌بخش باشد. البته نوع انتخاب این وسایل و هزینه آن بسته به نیاز شما به سفر کمی متفاوت است.ابتدا هدفتان از سفر را مشخص کنید. آیا همیشه با عجله مسیری را طی می‌کنید تا از مقصد لذت ببرید یا طی کردن مسیر را قسمتی از سفر می‌دانید و لذت بردن از سفر با نخستین گام آغاز می‌شود. آیا برای استفاده از امکانات طبیعی اطلاع کافی دارید یا پیش از آن باید کمی اطلاعات کسب کنید؟ شما چگونه سفری را می‌پسندید ؟نظرتان با کمی هیجان عاقلانه و روحیه‌بخش چطور است؟ ترجیح می‌دهید شب را زیر آسمانی پرستاره به صبح برسانید و از دقایق آن لذت ببرید یا روی تخت هتل بخوابید و تا صبح فراموش کنید که در سفرید؟ مطمئن باشید شما هرگونه سلیقه‌یی که داشته باشید با داشتن وسایل طبیعت‌گردی به حد کفایت راضی خواهید بود. تنها کافی است با لذت بردن در طبیعت آشنا باشید که بدون شك هر اهل سفری به اندازه کافی با این مورد آشناست و بی‌شك شبی را زیر سقف آسمان گذرانده است. مهمترین نکته در طبیعت گردی این است که هرگز مشکل اقامتگاه نخواهید داشت چرا که «ما خانه بدوشان غم سیلاب نداریم.»

یك بار هزینه کنید و بارها استفاده

ابتدا باید بدانیم چگونه چادری نیاز داریم. چادرها انواع گوناگون دارند و بنابر قابلیت‌هایشان قیمت آنها نیز متنوع است. ایده‌آل‌ترین نوع چادر، چادرهای دوپوش هستند که در مقابل سرما و گرما مقاومت دارند. نوع کره‌یی یك چادر چهار نفره دوپوش هفتاد هزارتومان است. البته این نوع چادر کمی حرفه‌یی است و به شما اطمینان می‌دهد که در مقابل حوادث طبیعی در امان خواهید بود. چادرهای گرانتر و ارزانتر نیز در بازار یافت می‌شود. کافی است سری به منیریه، گمرك و خیابان فردوسی بزنید تا جنس دلخواهتان را بیابید. چادرهای یك لایه که بیشتر در تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرند قیمتی به مراتب ارزان‌تر دارند. این چادرها با مبلغی حدود سی و پنج هزار تومان ایمنگاه مطمئنی در مقابل باران‌های ناگهانی تابستان هستند. ولی در مقابل سرما چندان مقاومتی ندارند. اگر می‌خواهید چادرتان در زمستان نیز همسفرتان باشد و به سفرهای زمستانی تمایل دارید به شما توصیه می‌کنیم که چادر دوپوش و مقاوم در برابر حرارت و سرما انتخاب کنید. البته چادری که انتخاب می‌کنید باید به گونه‌یی باشد که آسان برپا و آسان‌تر جمع شود. به خاطر داشته باشید که چگونگی نصب چادر نسبت به شیب زمین و جهت باد بخصوص در مواقع سرما امری ضروری به شمار می‌رود.

به همراه چادر، داشتن زیرانداز نیز بسیار مفید است. می‌توانید با خودتان پتو حمل کنید و داخل چادر را فرش کنید. ولی پتوها به اندازه کفایت نرم نیستند و اگر بطور اتفاقی مجبور شوید چادرتان را روی زمینی سنگلاخی برپا کنید با پتویی که کف آن انداخته‌اید شب آرامی را به صبح نمی‌رسانید. هرچند همراه داشتن پتو برای گرم شدن مفید است ولی اگر طالب خوابی آرام در دل طبیعت هستید می‌توانید زیراندازهای مخصوص این امر را تهیه کنید. زیراندازهایی سبك و البته انفرادی. از نظر قیمت نگران نباشید. این زیراندازها آنقدر کم هزینه هستند که خریدشان شما را نگران نکند. زیرانداز مخصوص طبیعت گردی از اسفنجی یك تکه به عرض قط۵۰ و طول ۱۸۰ تشکیل شده است.رویه این زیرانداز از برزنت و نایلکس است. سعی کنید در مورد ضد آب بودن رویه زیراندازتان اطمینان حاصل کنید. وجود چنین زیراندازی با قیمت چهارهزار تومان می‌تواند شب راحتی را برایتان به ارمغان بیاورد.

این زیراندازها هم در داخل چادر و هم زیر سقف آسمان برای بدن شما محل نرمی به شمار می‌رود و کمکتان می‌کند تا خوابی آسوده در طبیعت را تجربه کنید. وجود چادر و زیرانداز مورد اطمینان در بسیاری از سفرها آسودگی خاطر را برایتان به ارمغان می‌آورد. ضمن اینکه دیگر نگران به مقصد رسیدن نخواهید بود. مقصد سفر، خود سفر است نه آخرین محلی که به آن خواهید رسید. حالا که چادری مناسب فصل سفر و زیرانداز به همراه دارید در هر مکانی که بخواهید می‌توانید اطراق کنید، از زیبایی‌اش بهره‌مند شوید و سپس مسیرتان را ادامه دهید.

چگونه چادری انتخاب کنیمچادری که انتخاب می‌کنید باید مزایایی داشته باشد. همانطور که اشاره کردیم نخستین حسن یك چادر مناسب سفر ضد آب بودن آن است. هنگامی که برای خرید چادر اقدام می‌کنید به جنس آن، محل دوخت و کف آن توجه کنید. اطمینان حاصل کنید که پس از بستن در چادر هیچ حشره‌یی نمی‌تواند وارد آن شود. توجه داشته باشید یك چادر مناسب باید شما را در برابر حشرات مصون نگه دارد و در عین حال دارای دریچه توری (هواکش) مناسب باشد و هواکش آن بخوبی عمل کند.گام دوم در خرید چادر جنس لایه زیرین آن است . کف چادر شما باید به اندازه کافی استحکام داشته باشد تا در اثر چند بار استفاده به روی زمین ناصاف دچار آسیب نشود.

اگر اهل سفرهای سردسیری هستید یا سفر در زمستان را می‌پسندید باید چادری انتخاب کنید که دارای دو لایه و مقاوم دربرابر سرما باشد. البته چادر به تنهایی قادر نیست بدن شما را در هوای خیلی سرد محافظت کند و به این ترتیب کیسه خواب نیز به لیست وسایل شما اضافه خواهد شد. هزینه‌یی که صرف خرید چادر و کیسه خواب مناسب می‌کنید نسبت به حس ماجراجویی شما و مقدار سفرهایی که می‌روید متفاوت خواهد بود.هرچه تعداد افراد گروه بیشتر باشد مبلغی که هرکدام بابت سهمی از چادر هزینه می‌کنند کمتر می‌شود. یك چادر دو پوش مرغوب هشت نفره حدود یکصد هزار تومان است. همین جنس چادر ولی چهارنفره شصت و هفت هزار تومان قیمت‌گذاری شده است.مورد دیگری که هنگام خرید چادر باید به آن توجه داشته باشید، سرعت برپا کردن آن است. یکی از مهمترین مسائل برای زندگی در طبیعت در نظر گرفتن سخت‌ترین حالت طبیعی است. «همیشه آماده هوایی نامساعد و توفانی باشید حتی اگر آسمان آبی است.»چادرهای فنری که امروزه حتی در کنار جاده‌ها به قیمت سی و پنج هزار تومان به فروش می‌رسند، از نظر برپا کردن بسیار سریع‌اند ولی به دلیل شکل دایره‌یی و حجمی که اشغال می‌کنند مناسب گردشگری در طبیعت نیستند. چادر شما باید فضای اندکی اشغال کند و در عین حال وزن کمی هم داشته باشد تا اگر تصمیم به سفری پیاده داشتید مشکلی با چادرتان نداشته باشید.

کوله‌یی برای حمل بار

کوله‌یی که بتوانید وسایل لازم برای سفر را داخل آن بگذارید باید مطمئن و محکم باشد. این کوله باید لوازم شما را در مقابل هر اتفاقی در امان نگه دارد. بسته به تعداد روزی که در سفر هستید اندازه کوله را انتخاب کنید. معمولا برای سفرهای کوتاه یك روزه که نیاز به حمل چادر، کیسه

خواب و زیرانداز ندارید از کوله‌های سبك و کوچك استفاده می‌کنند. سفرهای دو الی سه روزه کوله‌یی می‌طلبد که گنجایش حمل وسایل شما را داشته باشد. هر کدام از اعضای سفر بسته به توانایی که دارند کوله‌شان را انتخاب می‌کنند. البته این حالت در سفرهای ساده طبیعت گردی حکم می‌کند. چنانچه سفر به محلی ناشناخته را با حسی ماجراجویانه دنبال می‌کنید هرکدام از اعضای گروه باید وسایل کامل برای زندگی یك فرد را حمل کنند.قیمت کوله‌ها بستگی به دو عامل حجم و جنس دارد. بهترین جنس کوله در بازار از کشور ایتالیا وارد می‌شود. البته برخی شرکت‌های ایرانی همچون کوهیار نیز کوله‌های محکم و قابل قبولی می‌سازند. یك کوله برای طبیعت گردی در کوچکترین اندازه خود که ده لیتری باشد با قیمت دوازده هزار تومان تا کوله‌یی هشتاد لیتری دارای چهارچوب فلزی به قیمت شصت هزار تومان متفاوت است. کوله‌یی که برای سفری آرام و بدون خطر انتخاب کنید و قصد راهپیمایی نداشته باشید می‌تواند در اندازه چهل لیتری و قیمت بیست و پنج هزارتومان باشد. البته پیشنهاد ما به شما این است که لوازمی را خریداری کنید که مجبور به خرید دوباره نشوید. تجربه نشان داده است که جذابیت‌های طبیعت لحظه لحظه شما را به سوی ناشناخته‌هایش جذب می‌کند. بنابراین اگر می‌خواهید طبیعت‌گردی را آغاز کنید، از ابتدای راه وسایل لازم را تهیه کنید.باران در طبیعت از زیبایی‌های بی‌کرانه است. چنانچه هر طبیعت‌گردی گذران ساعاتی زیر باران را آرزو دارد. ولی همین باران زیبا می‌تواند شما را با مشکلاتی درگیر کند. چرا که آب و رطوبت وسایل شما را خیس می‌کند و آغاز دردسر همین رطوبت است. به همین دلیل توصیه می‌کنیم هنگام خرید کوله برای آن یك پوشش پلاستیکی کاور نیز خریداری کنید. پوشش مناسب با حجم کوله حتی اگر کوله شما ضد آب است و به آن اعتماد دارید. در ضمن جدا از کاور رویی کوله همیشه وسایل داخل کوله را داخل پلاستیك‌هایی جداگانه بگذارید. این امر هم از مرطوب شدن وسایل جلوگیری می‌کند و هم از مخلوط شدن آنها با یکدیگر و سخت شدن شیء موردنظر در حجم وسایل کوله.

چیدمان کوله خود دارای اصولی است که دانستن‌اش برای طبیعت گردان تازه کار خالی از لطف نیست.

چه چیزهایی به همراه داشته باشیم

آغاز سفر اندیشیدن است و اندیشیدن امری است که سفر را لذت‌بخش می‌کند. زندگی در طبیعت بسیار لذت بخش است. در عین حال روزهایی که طبیعت کمی خشمگین است خطرات زیادی شما را تهدید می‌کند. به همین دلیل وسایل یك طبیعت گرد بهترین همراهان او هستند. سعی کنید در طبیعت از بهترین و گرانبهاترین وسایل‌استفاده کنید. هیچ وسیله‌یی گرانبهاتر از جان شما نیست. نخستین وسایلی که یك طبیعت گرد باید به همراه داشته باشد، کوله مناسب، چادر، کیسه خواب، کارد، کیت دارویی، آتش زنه، قطب‌نما و مقداری نخ پلاستیکی است. اگر در طبیعت ایمنی را به اندازه کافی رعایت کنید، هیچ سفری لذت‌بخش تر از گذراندن شبی زیر آسمان پرستاره نیست. دراز بکشید کنار آتش و خنکای نسیم تنتان را نوازش کند. اگر نزدیك صدای رودخانه هم باشید، انرژی شفابخش آب که از درون سنگ صدا بیرون می‌آورد شما را جوانتر از پیش خواهد کرد.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=204041

vista.ir
Online Classified Service

فصل داغ سفر

با شروع تعطیلات تابستانی دانش‌آموزان و گرم شدن هوا، مسافرت‌های تابستانی نیز آغاز می‌شود. شاید بهترین خاطرات ما از مسافرت‌های تابستانی باشد که با خانواده خود رفته‌ایم. این نوشتار به مسافران تابستانی با ارائه شیوه های سفر رفتن، روش‌های بیشتر لذت بردن از سفر

را تاکید می‌کند.

کجا بروید؟

معمولا در تابستان بهتر است به مناطق خنک و کوهستانی سفر کنید تا گرمای این فصل شما را آزار ندهد. به دلیل گرمی هوا و لذت شنا در دریا، سفر به شهرهای ساحلی نیز رونق می‌گیرد.

معمولا طبیعت در سفر حرف اول را می‌زند و این طبیعت هر منطقه است که ما را به سوی خود می‌کشد و با مطالعه و پرس و جو می‌توانیم برای هدفی که از سفر داریم بهترین مقصد را انتخاب کنیم. برای انتخاب مقصد سفر خود با توجه به فصلی که در آن هستیم تصمیم بگیرید و بکوشید هر منطقه‌ای را در زیباترین فصلش ببینید.

در این میان مسافرت‌های کم‌هزینه با مدت کمتر و مسافت کوتاه نیز می‌تواند بسیار لذتبخش باشد. در نزدیکی هر جایی که زندگی می‌کنید حتما منطقه‌ای وجود دارد که شما می‌توانید برای یک سفر کوتاه به آنجا بروید؛ مانند جنگل‌ها، چشمه‌های آب گرم، رودخانه‌ها، دل کوه‌ها و شهرها و روستاهای دیدنی نزدیک به محل سکونتتان. به هر حال به تناسب زمان، هزینه و هدفی که می‌خواهید برای سفر خود بگذارید با یک انتخاب درست می‌توانید بیشترین لذت را از سفرتان ببرید.

- مجهز بروید

هر کجا که می‌خواهید سفر کنید این وسایل و امکانات را به همراه داشته باشید:

۱) کمک‌های اولیه شامل پماد سوختگی، پماد مخصوص گزیدگی حشرات، ضدعفونی‌کننده و وسایل پانسمان

۲) وسایل محافظت در برابر آفتاب که شامل عینک آفتابی برای مراقبت از چشم، کرم ضدآفتاب و کلاه برای مراقبت از پوست و در صورت امکان سایبان برای زمانی که قرار است مدت طولانی در فضای باز و زیر آفتاب بمانید.

۳) آب آشامیدنی و خوراکی. توجه داشته باشید حتما وسیله‌ای که آب را خنک نگه می‌دارد به همراه داشته باشید تا همیشه آب آشامیدنی بهداشتی و خنک در اختیارتان باشد و در سفر از خوراکی‌هایی استفاده کنید که احتمال خراب شدنشان در گرما کم باشد و ماندگاری طولانی داشته باشد.

۴) تجهیزات ماشین اعم از لاستیک زاپاس، جعبه ابزار، علامت خطر، مدارک ماشین، وسایل ایمنی مثل کپسول آتش‌نشانی و قفل فرمان و طناب.

۵) لباس مناسب برای فصل تابستان، لباس‌هایی با رنگ روشن و نخی و خنک و حتی‌الامکان آستین بلند برای محافظت از آفتاب و حشرات. برای بچه‌ها نیز لباسی که در عین خنک بودن بدن آنها را بپوشاند تا در برابر زمین خوردن و گزیدگی حشرات در امان باشند.

۶) اگر قصد دارید شب را در چادر بگذرانید حتما رختخواب مناسب با خود به همراه داشته باشید و از نبود حشرات و حیوانات در چادر خود مطمئن شوید و چادرتان را در جایی مطمئن برپا کنید. از امنیت منطقه اطمینان حاصل کنید و ترجیحا در جاهای خلوت چادر نزنید و از مکان‌هایی که مخصوص این کار است، استفاده کنید تا از خطرات احتمالی جلوگیری کنید. اگر در دل طبیعت هستید، بالای تپه‌ها و قله‌ها محل ناامنی برای برپایی چادر هستند، چراکه در برابر بادهای شدید و رعد و برق آسیب‌پذیرند، بهترین مکان جایی نزدیک رودخانه (وجود آب برای شستشو و...) و کمی بالاتر از سطح رودخانه که خطر سیل و آب‌گرفتگی نداشته باشد و جایی که با منابع طبیعی مثل درختان احاطه شده باشد تا در مقابل بادهای شدید در امان باشید. در برپا کردن آتش نیز احتیاط کنید. ابتدا جهت باد را در نظر بگیرید و مکانی را انتخاب کنید که به وسایلتان نزدیک و برای محیط اطرافتان نیز خطرناک نباشد و حتما از منقل برای درست کردن آتش استفاده کنید یا حداقل دور آتشتان از سنگ‌چین استفاده کنید تا آتش به مناطق مجاور سرایت نکند.

۷) اگر بچه‌دار هستید به تناسب سن کودک خود وسایل مربوط به او را به همراه داشته باشید و اگر بچه شما شیرخوار است در نگهداری شیر دقت کنید، چراکه براحتی در گرما فاسد خواهد شد.

- احتیاط کنید

احتیاط در همه جا شرط عقل است، پس وقتی به سفر می‌روید فکر نکنید که باید به همه چیز استراحت بدهید و احتیاط را کنار بگذارید و فقط به راحتی خود فکر کنید، چراکه یک بی‌احتیاطی ممکن است کل سفر شما را از بین ببرد. زمینه‌هایی که باید در آن احتیاط کنید به این شرح است:

۱) تبهکاران و خلافکاران: در سفر مراقب اموال و پول خود باشید، چراکه افراد سوءاستفاده‌گر همیشه در کمین‌اند. اگر در شب سفر می‌کنید حتی‌الامکان در جاهای خلوت و گردنه‌ها توقف نکنید و برای کارهای ضروری به جاهای پرتردد و مطمئن بروید. اگر از ماشین پیاده می‌شوید از قفل

بودن درها مطمئن شوید. مراقب بچه‌ها باشید و نکات ایمنی را به آنها گوشزد کنید، مثل این که با غریبه‌ها حرف نزنند و از کسی خوراکی نگیرند. حواستان به وسایل و فرزندان خود باشد و آنها را به حال خود نگذارید. از هر جا که می‌خواهید بروید مطمئن شوید چیزی را جا نگذاشته‌اید.

۲) رانندگی و ایمنی وسیله نقلیه: برخلاف همه که در سفر فکر می‌کنند باید تندتر و باسرعت برانند، باید بدانید اگر می‌خواهید لذت ببرید، به چند دلیل آرام و مطمئن برانید.

اولا شما به سفر می‌روید تا از طبیعت لذت ببرید و نیمی از این طبیعت در راه سفر شما وجود دارد و اگر تند برانید نه شما و نه همراهانتان از این طبیعت لذت نخواهند برد. دلیل دوم، ایمنی جان شماست. شما مسوول جان همراهان خود در سفر هستید و اگر لحظه‌ای به این مساله بیندیشید متوجه می‌شوید با یک لحظه غفلت، جان چندین نفر را به خطر خواهید انداخت.

دلیل سوم، مسافران دیگری هستند که در راه ممکن است با بی‌احتیاطی و سرعت زیاد خود، جان آنها را به خطر بیندازید. ممکن است شما باعث تصادف ماشین‌های دیگر شوید. پس آرام برانید و به قوانین راهنمایی و رانندگی احترام بگذارید. راجع به ایمنی وسیله نقلیه خود نیز اطمینان حاصل کنید و پیش از سفر وسیله نقلیه خود را معاینه فنی ببرید تا از آماده بودن آن برای سفر مطمئن شوید.

۳) بهداشت یک امر واجب در سفر است. مراقب گرمازدگی باشید، زیاد زیر آفتاب و گرما نمانید، بخصوص پس از خوردن غذا. لباس مناسب بپوشید. زیاد آب بنوشید و هرگاه احساس گرمای زیاد کردید به نحوی خود را خنک کنید و به سایه بروید. یکی از راه‌های خنک کردن، خیس کردن یک دستمال نخی و گذاشتن آن روی صورت است.

حواستان به غذایی که می‌خورید باشد. به دلیل گرمای تابستان غذا زود خراب می‌شود و خوردن آن باعث مسمومیت غذایی می‌شود. اگر می‌خواهید بیرون از خانه غذا بخورید از جایی مطمئن غذا تهیه کنید و از سفارش دادن غذاهایی که در آن تخم‌مرغ است مثل سالاد الویه یا غذاهایی که امکان دارد آن را چندین بار گرم و سرد کرد مثل خورش جلوگیری کنید و از سالادهای فصل و... رستوران‌ها حتی‌الامکان استفاده نکنید، چراکه مطمئن نیستید سبزیجات آن (اعم از کاهو، کلم، خیار، گوجه و هویج) را بخوبی شسته‌اند یا نه و ترجیحا از ماست‌های بسته‌بندی شده همراه غذا استفاده کنید.

اگر می‌خواهید در خانه غذا بخورید از سلامت مواد مطمئن شوید و حتما به طور کامل و با دقت غذا بپزید، مثلا اگر می‌خواهید کباب درست کنید پس از اطمینان از سلامت گوشتی که تهیه کرده‌اید از پخته شدن کامل آن و به اصطلاح مغز پخت شدن آن اطمینان حاصل کنید. از خوردن تخم‌مرغ نیم‌پز (عسلی) بپرهیزید. سعی کنید به اندازه‌ای غذا بپزید که اضافه نیاید، اما اگر خواستید در وعده بعدی غذا را دوباره استفاده کنید حتما آن را در یخچال نگه دارید و برای گرم کردن آن را باید حد اقل تا دمای ۷۴ درجه سانتی‌گراد و به طور یکنواخت (طوری که همه جای غذا گرم شود) گرما دهید و از خوردن غذایی که تا ۳ روز حتی در یخچال مانده خودداری کنید.

وقتی به سفر می‌روید فکر نکنید که باید به همه چیز استراحت بدهید و احتیاط را کنار بگذارید و فقط به راحتی خود فکر کنید چراکه یک بی‌احتیاطی ممکن است کل سفر شما را از بین ببرداز خوردن غذاهای محلی که از سلامت آنها مطمئن نیستید، بپرهیزید و از نوشیدن شیر تازه دوشیده شده دام‌ها یا ماست محلی خودداری کنید، چراکه ممکن است میکروب‌هایی مثل تب مالت و... به همراه داشته باشند. اگر می‌خواهید غذاهای محلی منطقه‌ای را بخورید، از بومی‌ها نشانی یک رستوران تمیز و بهداشتی محلی را بپرسید، چراکه آنها به منطقه خود اشراف بیشتری دارند و برای این که مطمئن شوید، می‌توانید از چند نفر سوال کنید. یادتان باشد افراد هر منطقه به نوع خوراک و آب و هوای آن منطقه عادت کرده‌اند و ممکن است اگر شما نیز بخواهید از همان غذا استفاده کنید، دچار مشکل شوید. اگر با رستورانی متخلف و غیر بهداشتی روبه‌رو شدید حتما به ماموران بهداشت آن منطقه گزارش دهید تا به همسفران خود کمک کرده باشید.

هر چه در سفرهای تابستانی سبک‌تر غذا بخورید بیشتر سالم می‌مانید. از غذاهایی مثل نان و پنیر و خیار و گوجه یا آب و دوغ و خیار در سفر غافل نشوید، چراکه سالم‌ترین غذاها و لذتبخش‌ترین غذاها همین‌ها هستند، بخصوص در تابستان که هرچه غذای پرکالری‌تر و چرب‌تری بخورید، گرما بیشتر اذیتتان می‌کند و احتمال مسمومیت بیشتر می‌شود.

مراقب آب آشامیدنی خود باشید. از هر جایی آب ننوشید و آب سالم زیاد بنوشید، چون در گرما با نوشیدن، آب از دست رفته توسط تعریق را به بدنتان برمی‌گرداند و به سلامت شما کمک شایانی می‌کند. دقت کنید که برای سالم شدن آبی که به آن مشکوک هستید جوشاندن آب به مدت ۵ دقیقه و استفاده از قرص‌های هالوژن که مخصوص ضدعفونی کردن آب هستند می‌تواند به شما کمک کند، اما باز مطمئن‌ترین راه تهیه آب معدنی و بهداشتی است. اگر خواستید برای خنک شدن آب آشامیدنی خود از یخ استفاده کنید حتما یخ را از جاهای مطمئن و بهداشتی بخرید و بکوشید آب خنک تهیه کنید تا مجبور به تهیه یخ غیربهداشتی نشوید.

از سمی نبودن میوه‌ها و سبزیجات و قارچ‌های وحشی که پیدا می‌کنید مطمئن شوید و از آنها نخورید؛ چراکه بعضی از گیاهان سمی بسیار خطرناک و مهلک‌اند. از چیدن و نشسته خوردن میوه‌ها از درخت‌ها هم خودداری کنید، چراکه بیشتر باغ‌های میوه سمپاشی می‌شوند و این سم جز با شستن از بین نخواهد رفت و راه رفتن حشرات و خزنده‌هایی مثل حلزون و زالو و مگس هم روی میوه‌ها باعث ایجاد میکروب می‌شوند. بهترین میوه‌ها برای مصرف در مسافرت آنهایی هستند که پوستشان کنده می‌شود مثل موز و پرتقال و هندوانه که به رفع تشنگی نیز کمک می‌کند.

اگر جایی می‌روید که رودخانه یا دریا وجود دارد و می‌خواهید آب تنی کنید اول از همه به علامت‌های هشداردهنده دقت کنید. به هیچ وجه در سدها و رودخانه‌های خروشان شنا نکنید، چرا که ماهر ترین شناگرها نیز ممکن است غرق شوند. حتما در مکان‌هایی که برای شنا در نظر گرفته شده‌اند، آب‌تنی کنید و به هشدارهای نجات غریق دقت کنید. اگر فرزندانتان لب ساحل دریا یا رودخانه مشغول بازی هستند حتما به آنها هشدارهای لازم را بدهید و خودتان نیز مراقب آنها باشید.

مساله آخر، حیوانات‌اند. در هر منطقه‌ای که می‌روید از قبل اطلاعات زیست‌محیطی آن را به دست بیاورید. بعضی مناطق دارای حیوانات یا حشرات خاصی هستند که باید راه مقابله با آنها را بلد باشید تا خطری شما را تهدید نکند. چه بسا حیواناتی که به چشم شما بی‌آزارند، اما گزنده خطرناکی هستند یا چه بسیار حیوانات بی‌آزاری که شکل ترسناکی دارند. هرچه بیشتر راجع به محیط زیست محلی که می‌خواهید بروید اطلاعات بیشتری داشته باشید، در طبیعت ایمن‌تر سفر می‌کنید. اگر در جنگل‌ها یا کوه‌ها چادر می‌زنید مراقب حیوانات درنده و خزنده باشید.

۴-) خرید: در خرید کردن از مناطقی که نمی‌شناسید بسیار دقت کنید. اول از همه در خرید خوراکی به سمت خوراکی‌های استاندارد و تاریخ دار بروید. از خرید خوراکی‌هایی که به صورت باز به فروش می‌رسند یا مارک ناشناسی دارند، بپرهیزید. دوم، در خرید سوغاتی دقت کنید تا جنس‌های قلابی و بی‌کیفیت نخرید. از خرید وسایل برقی حتی با کمترین قیمت بخصوص از دستفروش‌ها خودداری کنید، چرا که در صورت خراب بودن امکان بازگشت و تعویض کم است و احتمال دارد متضرر شوید. برای خرید سوغاتی به سراغ جنس‌هایی بروید که مخصوص آن منطقه باشند. صنایع دستی منطقه و خوراکی‌های قابل نگهداری از بهترین سوغاتی‌ها هستند. یادتان باشد برای خرید کردن اول از قیمت مطمئن شوید و بعد خرید کنید.

در کل احتیاط همه جانبه در سفر می‌تواند به بهتر بودن اوقات شما در آن کمک کند و از اتفاقات بد احتمالی جلوگیری کند تا سفرتان را خاطراتی خوش فرا گیرد.

● فرهنگ مسافرت

اصولا در زندگی، هر فعالیت اجتماعی که ما انجام می‌دهیم دارای فرهنگ خاص خود است. سفر نیز فرهنگی دارد که با رعایت کردن آن می‌توانید هم خود را از سفرتان راضی کنید و هم میزبانتان را. بر این اساس ما فرهنگ سفر را احترام به چند چیز تعریف می‌کنیم که در ادامه می‌آید.

۱) احترام به منطقه: وقتی مسافری به شهر شما می‌آید مسلما دوست ندارید به محل زندگی شما آسیب بزند و از خود تنها خرابی به جا بگذارد. پس مراقب منطقه‌ای که به آن سفر کردید باشید. خانه‌ها و بناهای تاریخی به دست مسافران امانت است و در آینده دوباره شما و فرزندانتان می‌خواهید از آن دیدن کنید. به تجهیزاتی که در اختیار شماست مثل شیرآلات و دستشویی‌ها و مکان‌هایی که در پارک‌ها مثل آلاچیق‌ها برای شما در نظر گرفته شده آسیب نرسانید. تجهیزات بازی و ورزش و منقل‌های آتش برای درست کردن کباب و... امکاناتی است که شما باید در عین استفاده صحیح از آنها مراقبت کنید تا بتوانید در آینده دوباره از آن بهره کافی ببرید.

۲) احترام به قومیت‌ها و مردم محلی: هر منطقه‌ای در کشور ما دارای آداب و رسوم و فرهنگ خاص خود است. شما به عنوان شخصی که از خارج از این منطقه به آن سفر کرده‌اید، به عنوان غریبه شناخته می‌شوید و موظفید به فرهنگ آن منطقه احترام بگذارید. تمام مناطق کشور مردمانی مهماندوست و مهمان نواز دارد، اما اگر شما بخواهید فرهنگ آن منطقه را نادیده بگیرید و یا از آن بدتر به سخره بگیرید، ناخودآگاه مردم آن منطقه نیز در برابر شما حالتی دفاعی گرفته و از حضور شما در آن منطقه استقبال نمی‌کنند.

۳) احترام به طبیعت: بر هیچکس پوشیده نیست که طبیعت در برابر انسان بسیار آسیب‌پذیر و ضعیف است و اگر انسان این موجود دوپا مراقب طبیعت نباشد طولی نمی‌کشد که زمین را سراسر خشکی دربر می‌گیرد و نشانی از گیاهان و حیوانات گوناگون نمی‌ماند. شما باید از چند نوع آلودگی در طبیعت بپرهیزید. اول آلودگی محیطی که اعم از آشغال ریختن یا ایجاد آلودگی هواست. از درست بودن وسیله نقلیه خود مطمئن شوید تا هوا را آلوده نکنید. آشغال خود را در طبیعت نریزید.

گاهی مردم فکر می‌کنند آشغال میوه را به دلیل این‌که تجزیه پذیرند می‌توانند در طبیعت رها کنند، اما بر خلاف چنین اندیشه غلطی، این آشغال‌ها

تا تجزیه شدن موجب ایجاد ترشیدگی، انواع کپک‌ها، ایجاد بوی نامطبوع و جمع کردن حشرات موذی در طبیعت می‌شوند و چهره طبیعت را نیز زشت می‌کنند و آلودگی دیداری نیز درست می‌کنند. از ریختن آشغال در رودخانه‌ها و دریاها بپرهیزید و آشغال‌های خود را درون طبیعت نریزید تا از طبیعت لذت کافی ببرید و از آلودگی‌ها دور باشید. دومین آلودگی، آلودگی صوتی است. هر منطقه دارای محیط زیستی مخصوص به خود است. با ایجاد آلودگی صوتی، شما به این محیط زیست ضربه می‌زنید و باعث فراری دادن یا عصبانی شدن و ترسیدن حیوانات آن منطقه می‌شوید.

در ضمن اگر لحظه‌ای صدای ضبط ماشین‌تان را که درهایش را باز گذاشته‌اید و صدای آن را تا آخر زیاد کرده‌اید، قطع کنید و به صدای طبیعت گوش دهید متوجه می‌شوید خود را از چه موسیقی دلنشینی محروم کرده‌اید. پس وقتی به دل طبیعت می‌روید بگذارید طبیعت شما را احاطه کند نه شما طبیعت را. مساله سوم، احترام به حیوانات آن منطقه است. شما وظیفه دارید مراقب حیوانات باشید و به خودشان و محیط زندگیشان آسیبی وارد نکنید. از شکار کردن حیوانات جدا خودداری کنید و لانه‌های آنها را خراب نکنید و به فرزندانتان هم آموزش دهید که از حیوانات مواظبت کنند.

۴) احترام و کمک به مسافران دیگر: اگر مسافری به کمک شما احتیاج دارد به او کمک کنید تا خودتان نیز هنگام مشکل یاری شوید. اگر دسته جمعی به مسافرت می‌روید مراعات همسفرهای خود را بکنید تا به همه خوش بگذرد. در کارها تقسیم کار داشته باشید تا به یک یا چند نفر فشار نیاید و تنها به فکر خوش گذشتن و راحتی خودتان نباشید. اگر جایی مجبورید که منتظر نوبت خود شوید حقوق دیگران را رعایت کنید.

۵-) احترام به قانون: بعضی‌ها فکر می‌کنند چون به سفر می‌آیند تا استراحت کنند می‌توانند برای راحتی خود قوانین را هم زیر پا بگذارند. اولا ممکن است در مکانی که سفر می‌روید قوانینی باشد که شما ندانید، مثل قوانین زیست‌محیطی که اول از همه باید با آنها آشنا شوید و بعد آنها را رعایت کنید.

ثانیا تمام قوانینی را که در منطقه خود و در زندگی خود رعایت می‌کنید در سفر نیز رعایت کنید، بخصوص قوانین راهنمایی و رانندگی و قوانینی که برای ایمنی جان شماست. شنا کردن ممنوع یا اعلام خطرهای دیگر را جدی بگیرید.

بکوشید در سفر گذشت کردن را بیاموزید. گذشت در برابر طبیعت، گذشت در برابر همسفرانتان و گذشت در برابر بچه‌ها. وقتی از سفر برمی‌گردید باید با خودتان دستاوردهای روحی زیادی آورده باشید. سفر باید به شما آرامش دهد و جسمتان را نیز تاحدی ورزیده‌تر کند. به بچه‌های خود نیز آموزش‌های لازم را بدهید و آنها را با دانستنی‌های سفر آشنا کنید.

بکوشید وقتی به منطقه‌ای سفر می‌کنید از تمام جاذبه‌های آن استفاده کنید و نکات تاریخی و فرهنگی آن منطقه را بیاموزید و به اطلاعات خود و فرزندانتان بیفزایید. یادتان باشد برای این‌که در سفر پخته شوید باید بکوشید و صرفا با رفتن به سفر و بازگشتن ممکن است هیچ چیز به شما اضافه نشود. پس دقت کنید که از سفرتان بهره کافی ببرید.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=370159

vista.ir
Online Classified Service

فیروزه کوه های لرستان

●گهر

گهر یکی از زیباترین دریاچه های ایران است که با حدود یك و نیم کیلومتر طول و ۷۰۰ متر عرض و ۲۸ متر عمق در ۳۳ کیلومتری جنوب شرقی دورود با ارتفاع دو هزار و۳۶۰ متر از سطح دریا در میان منطقه حفاظت شده «اشترانکوه» واقع شده است. طبیعت

این منطقه به خصوص در بهار و تابستان بسیار زیبا است. گهر به احتمال زیاد در اثر وقوع یك زمین لرزه بزرگ به وجود آمده است. این دریاچه بر روی گسل اصلی امروزی زاگرس (بخش دورود) قرار دارد. بنابراین این دریاچه احتمالاً در اثر جنبش گسل دورود و رویداد یك زمین لغزش- سنگ ریزش تشکیل شده. دریاچه گهر زیستگاه مناسبی برای آبزیان و دیگر حیوانات وحشی است که ساحل آن به جز قسمت مدخل دریاچه که ساحلی ماسه ای دارد و به تدریج عمیق می شود در کلیه نقاط دارای ساحلی صخره ای است که برای شنا اصلاً مناسب نیست.

در قسمت پایین دریاچه، جنگلی انبوه وجود دارد که متاسفانه به دلیل عدم رعایت کوهنوردان و برخی گردشگران در شرف نابودی است. در قسمت بالای دریاچه نیز که دارای ساحلی ماسه ای است جنگلی انبوه وجود دارد که این جنگل هم در معرض خطر است.

از قسمت بالا، جوی آبی به دریاچه می ریزد که ادامه آن به دریاچه ای دیگر منتهی می شود. با حدود ۴۰ دقیقه پیاده روی می شود به این دریاچه (گهر دوم یا گهر پایین) رسید که یکی از زیباترین آکواریوم های طبیعی است. عمق آن کم است و ماهیان کف دریاچه را با کمی دقت می شود به خوبی دید. تا چند سال پیش کوه های اطراف دریاچه چراگاه دام عشایر بوده است. چرای بی رویه دام در کوه های اطراف باعث تخریب سرسبزی و سستی خاك شده و با بارش هر باران سیلی از گل و لای کوه به داخل دریاچه می ریزد. دریاچه دوم گهر به همین علت در شرف قربانی شدن است. هر دو دریاچه گهر دائمی و شیرین اند. احداث جاده الیگودرز گهر در سال ۸۱ یکی از عوامل دیگر تخریب این منطقه است.

اگرچه با تلاش مسئولان محیط زیست از ادامه کار جلوگیری شد و هم اکنون تردد ماشین در این جاده ممنوع است. منطقه حفاظت شده اشترانکوه علاوه بر دریاچه زیبای گهر، تونل برفی کمندان، پریزکوه، چشمه وقت ساعت و دره اسپر را نیز دربرمی گیرد. این منطقه ۹۸ هزار هکتار وسعت دارد و یکی از مهمترین منابع طبیعی ایران به شمار می آید. دسترسی به این دریاچه از طریق شهر دورود امکان پذیر است. از راه بربرود در الیگودرز نیز می توان به این دریاچه رفت. کوهنوردان معمولاً به قله اشترانکوه صعود می کنند و برای رسیدن به گهر از مسیر آبادی تیان حرکت می کنند. برای رفتن از مسیر تیان می توان از راه آهن تهران - خرمشهر استفاده کرد و در ایستگاه دربند از قطار پیاده شد. تیر و مرداد بهترین زمان سفر به این دریاچه است. با توجه به گستردگی منطقه و دیدنی های بی شمار آن برنامه سفر باید دست کم سه روزه باشد. برای طی کردن مسیر پیاده به سمت دریاچه باید کفش مناسب پیاده روی و برای جلوگیری از آفتاب سوختگی باید کرم ضدآفتاب به همراه داشت. اگر برنامه سفر طولانی تر باشد می شود سری هم به سایر دیدنی های لرستان زد.

● قلعه فلك الافلاك

قلعه فلك الافلاك مهمترین اثر باستانی لرستان، با پنج هزار و ۳۰۰ متر مربع مساحت بر فراز تپه ای در مرکز شهر خرم آباد، با چشم اندازی فوق العاده زیبا قرار گرفته است. حریم این تپه باستانی از شرق و جنوب غربی به رودخانه خرم آباد و از غرب به خیابان و محله دوازده برجی و از سمت شمال به خیابان فلك الافلاك محدود می شود. نام قدیم آن که به دوران ساسانیان برمی گردد، دژ شاپورخواست است. این قلعه دارای ۸ برج مدور و دیوارهای بلند و مستحکم است. وسعت محوطه باستانی که محل واقعی تحولات تاریخی بناست، حدود ۳۰۰*۴۰۰ متر مربع و ارتفاع تپه با احتساب دیوارهای بنا از سطح خیابان های مجاور حدود ۴۰ متر است. فضای داخلی بنای فعلی به چهار تالار نسبتاً بزرگ حول دو حیاط و تعدادی تالار و اتاق تقسیم شده است. ابعاد حیاط اول ۵/۳۱*۲۲ متر و ابعاد حیاط دوم ۲۹* ۲۱متر است. در ورودی بنا در سمت شمال و در بدنه برج شمال غربی تعبیه شده است.

دورتادور قلعه را پرتگاهی فرا گرفته که دارای پوشش گیاهی است و راه ورود به فلك الافلاك را دشوارتر می کند. نام این قلعه به مفهوم آسمان نهم و بالاترین فلك است که به طور مجازی دست نیافتنی بودن آن را می رساند.

این بنا علاوه بر ویژگی های معماری پرصلابت، گنجینه ای منحصر به فرد نیز دارد. این گنجینه دارای بخش های باستان شناسی و مردم شناسی است و ابزارهای سنگی عهد حجر، سفالینه های پیش از تاریخ، مهرهای متنوع سنگی، اشیای بی نظیر و مقدس مفرغی، ظروف و اشیای مربوط به دوران اسلامی و نمونه هایی از سنگ مزارهای منقوش لرستان را در دل خود جای داده است. در فضای داخلی این قلعه، به غیر از مجموعه موزه، کتابخانه تخصصی، آزمایشگاه تحقیقاتی مرمت آثار تاریخی و چایخانه نیز دایر شده و در حال بهره برداری است. از دیگر دیدنی های لرستان می توان به مناره آجری (جنوب خرم آباد)، سنگ نبشته (شرق خرم آباد)، پل شکسته (جنوب خرم آباد)، آبشار نوژیان (۵۱ کیلومتری جنوب شرقی خرم آباد) و غار دوشه (۴۵ کیلومتری جنوب غرب خرم آباد) اشاره کرد.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229031

قبرستان پرلاشز

قبرستان پرلاشز (Père Lachaise) بزرگترین قبرستان پاریس و یکی از مشهورترین قبرستان‌های دنیاست.

به عنوان پربیننده‌ترین قبرستان دنیا، سالیانه تعداد دو میلیون بیننده را از سراسر دنیا برسر گور افرادی که در طول ۲۰۰ سال گذشته در فرانسه زندگی کرده‌اند، کشانده است.

مساحت آن بیش از ۴۴ هکتار است ۵۳۰۰ درخت در آن وجود دارد، پرلاشز بزرگترین پارک پاریس است.

صدها هنرمند مشهور، دانشمند، نویسنده و سیاستمدار در این محل دفن شده‌اند. تعداد بسیاری ازبناهای یادبود قبرها توسط معماران مشهور جهان ساخته شده اند و همین امر باعث شده که این قبرستان به یک موزه در فضای باز تبدیل شود.

در این میان می‌توان از مشاهیر زیر نام برد :

- Sadegh Hedayat (۱۹۰۳-۱۹۵۱)
- (Georges Bizet (۱۸۳۸-۱۸۷۵
- (Sarah Bernhardt (۱۸۴۴-۱۹۲۳
- (Vincenzo Bellini (۱۸۰۱-۱۸۳۵
- (Maria Callas (۱۹۲۳-۱۹۷۷
- (Frédéric Chopin (۱۸۱۰-۱۸۴۹
- (Paul Eluard (۱۸۹۵-۱۹۵۲
- (Milosz Magin (۱۹۲۹-۱۹۹۹
- (Jim Morrison (۱۹۴۳-۱۹۷۱
- (Adelina Patti (۱۸۴۳-۱۹۱۹
- (Gioacchino Rossini (۱۷۹۲-۱۸۶۸
- (Édith Piaf (۱۹۱۵-۱۹۷۳

منبع : سایت فریا

http://vista.ir/?view=article&id=9720

قبل از شروع سفر برنامه مسافرت را تنظیم کنید

در این برنامه مدت زمان مسافرت و مسیر دقیق توقفگاه های بین راه را مشخص کنید. همچنین بهتر است از وضعیت هوای مقصد و مسیر سفر، اطلاع کافی داشته باشید و مراکز امدادرسانی را در طول مسیر شناسایی کنید. پیش از ترک منزل، یکبار دیگر وسایل مورد نیاز در طول سفر را بازبینی کنید. برای اطمینان از اینکه همه وسایل مورد نیاز را برداشته اید، قبلاً صورتی از آنها تهیه کنید و از بردن وسایل اضافی و غیرضروری خودداری کنید.با یاد و نام خدا سفرتان را شروع کنید. اگر با وسایل نقلیه عمومی مسافرت می کنید، برای سوارشدن به موقع خود را به محل تعیین شده برسانید تا حوادث احتمالی باعث جاماندن شما نشود. اگر با وسیله نقلیه شخصی مسافرت می کنید، آن را از لحاظ فنی کاملاً معاینه کنید و نقایص آن را برطرف سازید.

لوازم یدکی و ایمنی ضروری و لوازم پرمصرف نظیر شمع، پلاتین، تسمه پروانه و چرخ یدکی را به همراه ببرید و از مسافرت با خودرو معیوب جداً بپرهیزید. از کافی بودن سوخت خودرو خود تا رسیدن به اولین جایگاه سوخت گیری مطمئن شوید و از حمل سوخت اضافی در صندوق عقب خودرو، به طور جدی خودداری کنید. بکوشید مسیری را انتخاب کنید که آشنایی کافی با شرایط آن دارید در غیر این صورت شرایط مسیر را از افراد آگاه و مطلع جویا شوید. اگر از مسیرهای برف گیر عبور می کنید، وسایل لازم مانند زنجیر چرخ و لباس گرم و مناسب نیز به همراه ببرید. برای پیشگیری از سوانح رانندگی در زمانی که مضطرب، ناراحت و خسته اید، رانندگی نکنید. اگر خواب آلود هستید خودرو خود را در محل مناسبی نگه دارید و استراحت کنید. هنگام بروز حادثه، آرامش خود را حفظ کنید چون اگر با عجله و شتاب تصمیم بگیرید، مشکلات را بیشتر خواهید کرد. در توقف های اضطراری نیز موارد ایمنی لازم را رعایت کنید. باید توجه داشته باشید افرادی که دارای شرایط خاص هستند باید در طول سفرشان از دستورهای ویژه ای پیروی کنند مثلاً سفرهای هوایی برای زنان باردار در اواخر بارداری ممنوع است. در هر صورت اگر شرایط جسمی و روحی خاصی دارید یا به بیماری خاصی مبتلا هستید، حتماً درباره نحوه مسافرتتان با پزشک خود مشورت کنید. همیشه توجه داشته باشید کودکان نسبت به تغییر شرایط محیط حساس تر هستند. بنابراین نسبت به کودکان در طول سفر، توجه بیشتری داشته باشید.

توصیه های بهداشتی سفر آب و غذای کافی به همراه داشته باشید و تا حد ممکن در طول مسافرت غذا را برای مصرف یک وعده غذایی تهیه کنید. در صورت باقی ماندن غذا آن را در ظرف سربسته در مکان سرد نگهداری کنید. همچنین قبل از مصرف غذای باقی مانده آن را به مدت کافی حدود ۲۰ دقیقه حرارت دهید. غذاهای خانگی مطمئن ترین غذا در طول سفر هستند. اگر مجبور به صرف غذا در اغذیه فروشی ها و رستوران های بین راه هستید، از تهیه بهداشتی غذاها مطمئن شوید. در غیر این صورت از مصرف غذا در اماکن غیربهداشتی دوری کنید، همچنین از غذاهای بسته بندی شده استفاده کنید. دقت کنید، قبل از خرید موادغذایی بسته بندی شده حتماً به پروانه ساخت از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تاریخ تولید و انقضای محصول توجه کنید. همین طور کنسروها را قبل از مصرف حتماً بجوشانید. طی مسافرت از مصرف شیر و فرآورده های لبنی غیرپاستوریزه از جمله خامه، کره، پنیر و کشک غیرپاستوریزه خودداری کنید. اگر در مسافرت مجبور به استفاده از شیرخام غیرپاستوریزه شدید حتماً آن را جوشانده و۱۰ دقیقه در حال جوش به هم بزنید. حتماً از آب آشامیدنی سالم استفاده کنید. در صورتی که از سالم بودن آب مصرفی خود اطمینان ندارید، باید آن را جوشانده و سپس مصرف کنید. مواد غذایی تان را از دست فروش ها و مغازه های غیربهداشتی تهیه نکنید.

اسهال ۲۰ تا ۵۰ درصد مسافران را مبتلا می کند. برای پیشگیری از اسهال در مسافرت از غذاخوری های غیربهداشتی استفاده نکنید و در تهیه و مصرف غذا و میوه، نکات بهداشتی را به دقت رعایت کنید. مصرف میوه و سبزی باید پس از شست و شوی کامل، به حد کافی انگل زدایی و گندزدایی شود. در صورت ابتلا به اسهال در مسافرت، بکوشید مایعات بیشتری مصرف کنید و اگر به اسهال خونی یا اسهال همراه با تب بالا دچار

شدید، حتماً به پزشک مراجعه کنید. همچنین در صورت ابتلا به اسهال در مسافرت از مصرف خودسرانه داروها خودداری کنید چون عوارض آنها زیاد است و اثری در کاهش دوره اسهال ندارند. غذاهای خام و نیم پز ممکن است آلوده به عوامل عفونی باشند، بنابراین در مسافرت از مصرف آنها پرهیز کنید. علاوه بر این از مصرف موادغذایی به ویژه نوشیدنی های دست فروشان در مسافرت بپرهیزید. از هر۱۰ نفر ۹ نفر در طول زندگی خود دچار بیماری مسافرتی می شوند.

این بیماری که در کودکان شایع تر است موجب تهوع، استفراغ و سردرد در افراد حساس می شود. اگر به حرکت حساس هستید و به بیماری مسافرت دچار می شوید، سعی کنید در طول مسیر کاملاً به صندلی خودرو تکیه دهید و صندلی را به حال نیمه خوابیده قرار دهید. بهتر است در قسمتی از وسیله نقلیه قرار بگیرید که کمترین تکان را دارد مثلاً در میانه اتوبوس، صندلی جلوی خودرو و کنار بال هواپیما. اگر به بیماری مسافرت مبتلا هستید از درون خودرو به مناظر نگاه نکنید یا اگر در قایق یا کشتی هستید به موج ها ننگرید و فقط به افق چشم بدوزید. بهتر است از بوهای تحریک کننده مانند سیگار دوری کنید. همچنین سعی کنید از شب قبل از مسافرت، کمتر غذا و نوشیدنی بخورید و در طول راه نیز شکم خود را نسبتاً خالی نگه دارید. فقط زمانی از دارو استفاده کنید که سایر توصیه ها برای شما مفید نبوده باشد. این داروها را فقط با تجویز پزشک مصرف کنید، راننده خودرو نباید از این داروها استفاده کند چون موجب کاهش هوشیاری و افزایش احتمال تصادف می شود. سعی کنید در مسافرت یک کیف مخصوص وسایل و اقلام بهداشتی به همراه داشته باشید.

در این کیف کارت یا دفترچه بیمه خدمات درمانی خود و همسفران تان و آخرین نسخه های پزشکی تان را بگذارید. همچنین اگرعینک اضافی دارید آن را همراه خود ببرید. بیماران قلبی هنگام مسافرت آخرین نوار قلب و نسخه خود را همراه داشته باشند. اگر داروهایی را به طور مرتب مصرف می کنید به مقدار کافی آنها را به همراه ببرید. اگر مبتلا به آسم، حساسیت، تشنج صرعی، بیماری های قلبی، بیماری قند یا بیماری خاص دیگری هستید، هنگام مسافرت برچسب هشداردهنده روی پیراهن، گردن بند یا مچ بند داشته باشید. در مسافرت مقداری داروهای اولیه مانند مسکن های ساده، پماد سوختگی، قرص مسافرت، محلول های ضدعفونی و وسایل زخم بندی در کیف بهداشتی خود همراه ببرید. هنگام مسافرت در کیف بهداشتی خود نام و نشانی نزدیک ترین اقوام و آشنایان خود را بگذارید. هنگام مسافرت، کودکان را تنها نگذارید. بهتر است برگه ای شامل نام و نشانی کامل در جیب آنان قرار دهید.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=323700

vista.ir
Online Classified Service

قرآن و گردشگری

اهمیت و ضرورت گردشگری، اهداف گردشگری، گردش در طبیعت و ضرورت عبرت گیری در گردش و سیاحت از موضوعاتی است که قرآن درباره آنها نظر و دیدگاه خاص دارد و اصولاً به مساله گردشگری تشویق و ترغیب فراوان کرده است. مقاله حاضر واکاوی دیدگاه قرآن در این خصوص است که با هم آن را از نظر می گذرانیم.

- خصیصه تنوع طلبی در انسان

انسان موجودی تنوع طلب است. گرایش به دگرگونی، جزو خصلت های بشری است. اگر از نظر فلسفی بنگریم شاید بتوان رابطه ای میان حرکت

جوهری و تنوع طلبی انسان پیدا کرد. اگر انسان همواره از نقص به کمال در حرکت است و هر دم از باغ وجودش بری تازه می رسد، نمی توان آثار این حرکت جوهری و ذاتی را در رفتارها و هنجارهای بیرونی و در اعراضش نادیده گرفت.

به طور طبیعی هنگامی که انسان از سویی به خود و توانایی فعلیت یافته اش و از سوی دیگر به توانایی هاو استعدادهای نهفته و بالقوه اش می نگرد و رابطه ای میان امکانات، ظرفیت و داشته هایش برقرار می سازد، در می یابد که وضعیت موجود نه تنها رضایت بخش نیست، بلکه بسیار نومیدکننده است؛ از این رو همواره از وضعیت موجود ناخشنود بوده و خواهان دگرگونی و تغییر در وضعیت خود و نسبتش با هست های بیرونی است. به نظرش آن چه شایسته اوست بیش از آن چه دراختیار دارد می باشد و سزاوار است تا از هستی و هستی ها بهره فزون تری برد.

از سوی دیگر انسان موجودی استخدام گراست و می کوشد تا همه کس و همه چیز را به خدمت خود درآورد، از این رو می کوشد آن چه را ندارد، دارا شود.

تنوع طلبی را می توان از این زاویه نیز تحلیل و بررسی کرد. به این معنا که آن چه را دارا می باشد، هر چند به نظر می رسد در کمال است، ولی وقتی نسبت به امور و یا اشخاص و یا اشیایی که ندارد می سنجد، در پی به دست آوردن آن برمی آید و از آن چه دارد خسته می شود و می کوشد تا به آن چه ندارد دست یابد. از این رو می توان گفت تنوع طلبی در انسان به معنای چشیدن و یا به دست آوردن لذت امری است که اکنون دراختیار ندارد. شعار لکل جدید لذه؛ برای هر تازه ای، لذتی است، از آن رو سر می دهد که به تازه ای برسد که دراختیار ندارد. این گونه است که تلاشی جانکاه و دایمی را برای به دست آوردن تازه ها به جان می خرد و تنوع طلبی را توجیه و معقول و مقبول جلوه می دهد. البته به غیر از آن چه گفته شد و یا می شود، جهاتی دیگر را نیز می توان نام برد که می تواند به عنوان عامل و انگیزه برای تنوع طلبی انسان مطرح باشد.

در نوشتار حاضر به همین اندازه بسنده شده که عاملی در درون انسان وجود دارد که انسان را به سوی تنوع طلبی و تغییر سوق می دهد، عاملی که یا جزو ذات اوست و یا جزو طبیعت ثانوی انسان می باشد.

آنچه را که نمی توان انکار کرد، وجود خصلت تنوع طلبی در انسان است. هر چند که نتوانیم عامل و انگیزه و خاستگاه آن را به دقت ردگیری و شناسایی کنیم، ولی می توانیم تحقق و وقوع آن را در هر انسان سالم و طبیعی اثبات کنیم. همین اندازه برای مطلبی که می کوشیم آن را اثبات و مستدل نماییم کفایت می کند. به این معنا که خصلت تنوع طلبی و تغییر خواهی، امری طبیعی در هر انسان سالم و برخوردار از شخصیت و طبیعت سالم است.

- انسان، دوستدار طبیعت

انسان به طور طبیعی از گردشگری و جهانگردی لذت می برد و آن را می پسندد و خوش می دارد.

در گذشته انسان ها به طور طبیعی در طبیعت و زمین به گردش می پرداختند. زمین برای آنان به عنوان ارزش مالی معنا و مفهوم نداشت. همه زمین برای آنها به عنوان مسکن به شمار می آمد و به خاک به معنای امروزی آن وابستگی نداشتند. از این رو به سادگی از نقطه ای به نقطه ای دیگر کوچ می کردند. به خاطر شرایط آب و هوایی، ییلاق و قشلاق کردن، امری طبیعی به شمار می آمد و دست کم در دو فصل، از منطقه ای به منطقه ای دیگر کوچ می کردند و در مسیری بس طولانی به سیر و سیاحت می پرداختند و از مواهب طبیعی برخوردار می شدند.

زمانی رسید که انسان ناچار به ماندن شد و زمین به عنوان کالا ارزش مالی یافت و خرید و فروش شد. گرایش به ده نشینی و شهرنشینی برای کسب منافع عالی تر در او تقویت شد. به دنبال شهرنشینی و یک جانشینی، از گردش و سیر و سیاحت باز ماند. با این همه در نخستین فرصت ها به دشت و صحرا می رفت تا از تنوع، بهره مند گردد. شاید گردش روز سیزده جشن نوروزی، از زمانی آغاز شد که آدمی یک جا نشین شد و از طبیعت و گردش باز ماند. او برای رهایی از یکنواختی، مساله گردش و رفتن به دشت و صحرا را برگزید و از شهر و روستا به کوه و کمر پناه برد تا دست کم روزی را با طبیعت و در سیر و سیاحت به سر برد.

هر چه باشد مساله گردش گری امری است که انسان هنوز بنابه طبیعت ذاتی خویش آن را دوست می دارد و بدان سو متمایل است.

- اهمیت و جایگاه گردش گری در قرآن

قرآن از جهاتی چند به مساله گردش گری توجه می دهد. در نگرش آن گردش و سیاحت به عنوان امری پسندیده و یکی از نعمت های بزرگ به شمار می آید که انسان می بایست سپاس گزار آن باشد. قرآن در وصف قوم سبا زمانی که سخن از رفاه و آبادانی و شهرنشینی آنان به میان

می آورد و از نعمت های زیادی که به ایشان عنایت کرده، سخن می راند، به مساله ای به نام کوچ های ایشان و امکان سیر و سفر در مسیری زیبا و با امکانات اشاره می کند و مردم را به این نعمت متذکر می شود. در بخش دیگر از همین گزارش از وضعیت قوم سبا، بیان می دارد که آنان به جهت ناسپاسی از سیر و سیاحتی آسان همراه با امنیت و آرامش، محروم شدند و میان سفرها و سیاحت های ایشان فاصله ای بس طولانی افتاد و آن آسایش و آرامش و امنیت راه ها و سفرها از آنان سلب گردید. (سبا آیه ۱۵ تا ۲۱)

در این دسته ازآیات سخن از این مساله گفته شده که امنیت راه ها و سیر و سفرها تا چه اندازه، نعمت بزرگ به شمار می آید. اگر راه در امنیت نباشد و امکانات مناسبی برای سیر و سیاحت وجود نداشته باشد و میان زمان و مکان سفرها و سیرها فاصله طولانی ایجاد شود تا چه اندازه انسان در رنج و عذاب قرار می گیرد.

امنیت راه و کوتاهی سیر و سفر و فراوانی امکانات در مسیر، برای مسافران و گردش گران و تاجران و در یک کلمه برای همه انسان ها نعمتی است که نمی توان آن را نادیده گرفت و کوچک شمرد. بنابراین در نگرش قرآن مساله سیر و سیاحت، امری بسیار مهم شمرده شده و برای آن جایگاهی بس رفیع درنظر گرفته شده است. به گونه ای که قوم سبا را به داشتن این نعمت دعوت به سپاس گزاری می کند و در هنگامه خشم و غضب، آنان را به جهت کوتاهی و از دست دادن آن، سرزنش و نکوهش می کند. پس می توان به این نتیجه رسید که امر گردش گری و سیاحت آسان و همراه با آرامش و امکانات برای انسان تا چه اندازه مهم و اساسی است که خداوند گرفتن آن را عذابی سخت برای قومی ناسپاس برمی شمارد.

قرآن در سوره ایلاف نیز به قوم قریش یادآور می شود که چنین امکانات گردش گری و سیاحتی را برای ایشان دست کم در دو فصل بهار و زمستان فراهم کرده است تا در زمستان به سوی یمن گرمسیری سیر کنند و از منافع این سیر بهره مند گردند و در تابستان به سیر شامی بروند و از طراوت بهاری منطقه مدیترانه و شامات استفاده کنند و از تجارت و بازرگانی آن سود فراوان برگیرند.

این همه نشان گر این است که در نگرش قرآن گردشگری نه تنها امری طبیعی، بلکه نعمت بزرگی است که فقدان آن عذابی سخت و دردناک به شمار می رود.

هم چنین در ارزش و فضیلت مسافرت، از حضرت رسول اکرم- صلی الله علیه و آله- نقل شده است که فرمود: «سافروا تصیحوا و جاهدوا تغنموا» مسافرت کنید تا سالم باشید و در راه خدا جهاد کنید تا بهره مند و صاحب غنیمت گردید. (حدیث ۱۴۹۸۰ وسائل الشیعه)

- قرآن و اهداف گردشگری

قرآن برای گردشگری و سیر و سیاحت، اهداف و منافعی بیان کرده که یکی از آن ها برخورداری تجاری و بازرگانی از سیر و سیاحت و گردش سرمایه و اقتصاد پویا و زنده است.

در گزارش قرآن که درباره قریش و سبا آمده به این هدف مهم، اشاره شده است. وقتی انسان به سیر و سیاحت در منطقه و یا مناطقی می پردازد با خود کالا و اشیایی را منتقل می کند که در مناطق دیگر یافت نمی شود و یا نادر است. داد و ستد و مبادلات تجاری امری است که در گردش گری صورت می گیرد و انسان های مناطق مختلف از داشته های دیگر مناطق بهره مند می شوند و فرد گردش گر نیز از سود و منافع آن بهره می برد.

منفعت هدف دیگر گردشگری، انتقال فرهنگی و علم و تمدن است. هر کسی با گردش گری موجب می شود تبادلات فرهنگی خواسته و یا ناخواسته ای به انجام برد. در گردش گری است که انسان با اقوام و تنوع های فرهنگی و زبانی و تمدنی دیگران آشنا می شود و زبان و فرهنگ و تمدن و علوم خود را به دیگران منتقل می سازد و یا از آن ها بهره مند می گردد و به قوم و منطقه خود انتقال می دهد.

در قرآن به این مسأله توجه شده که زبان و درک آن از سوی اقوام دیگر، از آثار تمدنی پیشرفته و نشانه ای روشن از مدنیت انسان است. در آیاتی که درباره قوم یاجوج و مأجوج آمده این نکته در آن به روشنی تأکید شده که ذوالقرنین به جایی رسید که مردمانی در آن جا می زیستند که با تعبیر «لایکادون یفقهون قولا» توصیف شده اند. به این معنا که آنان مردمی بودند که سخنی را فهم نمی کردند. این آیه ۹۳ سوره کهف معلوم می کند که ارتباطات فرهنگی و شناخت زبان های زنده دنیا، زیربنای آغازین تمدن هاست که این قوم از آن بهره ای نداشته اند. بنابراین می توان گفت که گردشگری می تواند در ایجاد زمینه های تمدنی اقوام مختلف مؤثر و سازنده باشد. به این معنا که این گونه ارتباطات موجب می شود تا با زبان های اقوام دیگر آشنا شوند و از حالت بدوی و ابتدایی بیرون رفته و در جرگه متمدنان وارد شوند.

این گونه است که گردش گری به عاملی برای ارتقای فرهنگی و تمدنی و انتقال داده ها و تبادل امکانات و استعدادها و توانمندها تبدیل می شود.

- گردشگری و عبرت گیری از تمدنها

قرآن به مسأله مهم عبرت و پندگیری از تمدن ها توجه خاصی دارد. در نگاه آن یکی از آثار گردشگری، بازدید از داشته های تمدنی دیگران و آشنایی با آثار باستانی برای بهره مندی از جهات مختلف است. عبرت به معنای پند از چند جنبه قابل توجه است. مراد ازعبرت گیری، درس گرفتن از روش های نادرست پیشینیان است تا خود گرفتار سرنوشتی مشابه نشوند. درس گرفتن از این که چه عاملی باعث شد تمدنی به این عظمت فروپاشد و جز ویرانه هایی از آن باقی نماند؟ قرآن به مسأله ناسپاسی اقوام اشاره می کند و می پرسد چرا از وضعیت این اقوام ناسپاس درس عبرت نمی گیرید؟

جنبه دیگری که می توان از مسأله عبرت مورد توجه قرار داد آن است که گردشگر می بایست با توجه و دقت در این آثار، از آنها برای پیشرفت علوم و هنر تمدنی خود بهره گیرد. کسی که با دیده عبرت به این آثار باقی مانده می نگرد می تواند از روش هایی که دیگران در گذشته به کار برده و سازه هائی به این استحکام و استواری برپا کرده اند، استفاده کند و در ارتقای سازه تمدنی خود از آن بهره مند شود.

هر یک از این معانی می تواند درست باشد و دلیلی وجود ندارد که نتوان از آثار پیشینیان به این معنا استفاده کرد. قرآن به گردش گران سفارش می کند که با دقت تمام در آثار برجا مانده از پیشینیان مطالعه کرده و از جهات مختلف از آن عبرت و پند گیرند که یکی از آن ها پندگیری از مسأله سپاسگزاری است. (طه آیه ۱۲۸ و نیز روم آیه ۹ غافر آیه ۲۱ و ۸۲ حج آیات ۴۲ تا ۴۶ فرقان آیه ۴۰ و صافات آیات ۱۳۶ تا ۱۳۸ و نمل آیه ۶۹)

قرآن برای گردش گری و بازدید از آثار پیشینیان، فواید و بهره های دیگری نیز برشمرده است. از آن جمله به انسان یادآور می شود که با بازدید از این آثار می توان ازآ ن ها به عنوان راهی برای خداشناسی استفاده کرد. (آل عمران آیه ۹۶ تا ۹۸)

- ضرورت حفظ آثار فرهنگی

بزرگداشت پیشینیان و زحماتی که آنان در راه اهداف فرهنگی و تمدنی بشر کشیده اند از دیگر اهدافی است که قرآن برای گردش گری و دیدار از آثار باستانی بیان می کند. قرآن از وجود نشانه های گویایی چون مقام ابراهیم در مکه یاد می کند و از مردم می خواهد تا آن را مورد توجه و احترام قرار دهند و از آن دیدن کنند (آل عمران آیه ۹۷) بی گمان پیداست که هدف از ذکر آن، برای تجلیل و بزرگداشت حضرت ابراهیم (ع) به عنوان پیشرو و پیشتاز عرصه توحید و مخالفت با بت و بت پرستی است. هرگاه فردی از این مقام ها که به عنوان سازه ها و یا نمادهای ابراهیمی (ع) مطرح است دیدار می کند به یاد فداکاریهای آن حضرت(ع) می افتد و خود نیز در مسیر فرهنگی آن حضرت حرکت می کند و تلاش های خود را در آن راستا قرار می دهد. بنابراین حفظ آثار فرهنگی و تمدنی گذشتگان برای عبرت گیری و پاس داشت و گرامی داشت یاد و خاطره تلاش ها و جانفشانی های آنان یکی دیگر از علل بازدید از این مکان ها است.

این آیه و آیات همانند آن نکته دیگری را نیز به ما می آموزند و آن این که انسان ها می بایست قدر تلاش های دیگران را بدانند و از زحمات آنان به هر نحو ممکن سپاسگزاری کنند. ساخت سازه هایی برای حفظ این تلاش ها و یا حفظ سازه های آنان برای انتقال این فرهنگ، امری شایسته و ممدوح درنظر شرع است. از این رو حفظ خانه پیامبران و ائمه(ع) با همان وضعیت و یا ساخت سازه هایی برای حفظ تلاش های ایشان امری است که قرآن از آن به درستی یاد کرده و آن را شایسته و بایسته دانسته است.

حفظ این آثار برای گرامی داشت و یا عبرت آموزی، مختص به سازه های پیشینیان نیست. در قرآن آمده که برای عبرت و پند دیگران جسد فرعون را از آب بیرون انداختیم تا برای آیندگان حفظ شود و از آن عبرت گیرند که چگونه کسانی که با آن همه قدرت و توان در برابر خداوند ایستادگی کردند، خوار و ذلیل و نابود شدند و از آنان جز پوست و استخوانی نماند.(یونس آیه ۹۲)

حفظ بدن های افراد ستمگری چون فرعون برای عبرت گیری همگان است و گردش گران باید به سراغ این تن های بی جان مستکبران رفته و با دیدن آن ها و وضعیت خوارگونه ایشان، دریابند آن که باقی است وجه الله است و هر کس و چیز دیگری که باطل شد فانی و هلاک شدنی است.

در مقابل نیز می بایست تن های افراد شریف و بزرگواری که برای هدایت بشر اقدام کرده و تلاش های جانکاهی را نموده اند تا به هدف خود دست یابند، حفظ و با احترام نگهداری شود و در میان سازه های محترم چون بقاع نگهداری گردد و مردم در گردش های خود به آن اماکن رفته از آنان یاد کرده و راه ایشان را سرمشق و الگو قرار دهند، کسانی چون امامان مطهر(ع) و عالمان و دانشمندان بزرگی چون بوعلی سینا، شیخ طوسی و طبرسی و خواجه نصیرالدین طوسی که الگو و سرمشق همگان هستند.

- آثار گردش در طبیعت

اصولا گردش در طبیعت و دیدن جلوه هایی از هنرنمایی الهی، امری است که دل ها را زنده می کند و به انسان شادابی و نشاط می بخشد. در روایات است که دیدن گل و آب و آیات قرآن و سبزه، نور چشم را می افزاید. به این معنا که دیدن زیبایی های طبیعت در بدن آدمی تأثیر دارد چه رسد به جان آدمی که تأثیرات آن به مراتب قوی تر و محسوس تر است.

در قرآن آیات بسیاری است که آدمی را به تفکر در طبیعت بیرون از خود دعوت می کند. یاد کرد آب، باران، گل، باغ، بوستان، جانوران، میوه ها و مانند آن در قرآن آن اندازه زیاد است که بیان آنها موجب اطاله کلام می شود.

• ویژگی شهر سالم

در قرآن، برای شهر پاک و تمیز خصوصیاتی بیان شده که یکی از آن ها، دارا بودن باغ و بوستان و گلستان است. در نگرش قرآنی، شهر سالم، شهری است که از این مسائل بهره مند باشد. در گزارش قرآن درباره شهر قوم سبا می خوانیم که خداوند به آنان شهری بخشیده بود که در دو طرف راست و چپ آن، بوستان پر از درخت و گل و گیاه بود. این بوستان ها آن چنان زیبا و چشم نواز و دلربا بودند که از آن ها به جنتان یاد کرده است. خداوند در توصیف باغ، تعبیر زیبایی دارد و می فرماید: بلده طیبه و رب غفور (سبا آیه۵۱) شهری طیب و پاک و پروردگاری بخشنده و غفور. به این معنا که هم شهر، زیبا و خرم و برخوردار از طبیعت نیکو بود و هم مردمانی با گذشت و سالم و مهربان داشت و هم از مسئولان دلسوزی برخوردار بود که نمادی از دلسوزی الهی بود و جلوه ای از جمال الهی را باز می نمایاندند. در چنین سرزمین و شهری با چنین مردم و مسئولان و پروردگاری بود که رشد و آبادانی همه جا را فراگرفت و شهرها در کنار هم قد برافراشت و آبادانی فزونی گرفت و رزق و روزی فراوان شد و سفرهای تجاری و تفریحی گسترش یافت. ولی مردم قدر این نعمت را ندانسته و آن را به ناسپاسی و کفران نعمت نیست و نابود کردند. (سوره سبا آیات ۵۱ تا ۱۲)

آن چه در این جا منظور ما است آن که گردشگری در طبیعت در آیات قرآنی مورد توجه و عنایت خاص بوده است. هدف از گردش گری نیز هر چند در غایت آن خداشناسی و توحیدگرایی و سپاس نعمت است ولی اهداف دیگری نیز به عنوان اهداف ابتدایی و یا میانی مورد توجه و تأکید است که از آن جمله می توان به شادی و نشاط و تفریح اشاره کرد. این امر اختصاص به اقوام امروزی ندارد بلکه در قرآن گزارش شده که قوم ابراهیم در جشن ها و شادی های خود به دشت و دمن می رفتند و در آن جا افزون بر شادی و سرور به پرستش و سپاس خدایان می پرداختند.

در گزارش قرآن داستان شگفتی نیز از سلیمان و ملکه سبا بیان می شود که به نکته های جالب و بدیعی چون اهمیت هنر و دستاوردهای هنری و تمدنی اشاره دارد. در آن جا می خوانیم که حضرت سلیمان پیامبر(ع) ملکه سبا را برای نشان دادن قدرت خود به گردش در کاخ و بوستان خود برد و در آن جا ملکه با آبگینه هایی رو به رو شد که تاکنون مانند آن را ندیده بود؛ از این رو دامن خود را بالا زد تا از آب بگذرد درحالی که آبگینه و پلی شیشه ای بود که از زیر آن آب جریان داشت. (نمل آیه ۴۴)

منبع : روزنامه کیهان

http://vista.ir/?view=article&id=301774

vista.ir
Online Classified Service

قراری برای رفتن دلیلی برای ماندن

• بازار کار پزشکان خارجی در ایالات متحده

اقتصادانان می‌گویند تعداد مازاد بر نیاز پزشک در ایالات متحده که اغلب هم متخصص هستند، موجب ناکارآیی و بالا رفتن هزینه‌ها می‌شود و دیگر اینکه در حال حاضر حدود ۱۴۹ هزار پزشک خارجی در آمریکا زندگی می‌کنند که ۲۰ درصد پزشکان را شامل می‌شود و این تعداد مرتبا در حال افزایش است. اغلب این پزشکان با هدف آموزش وارد آمریکا می‌شوند ولی دیگر به کشور خود باز نمی‌گردند. دکتر انیل رییس مرکز مشاغل پزشکی دانشگاه کالیفرنیا

می‌گوید: «می‌خواهیم ورود پزشکان خارجی را محدود کنیم. این عده قسمت عمده پزشکان مازاد در کشور هستند. این ممکن است به سرعت به یک جریان نژادی تبدیل شود ولی حقیقت این است که ما فقط می‌خواهیم منطقی باشیم.»

در فرم‌های رسمی که پزشکان خارجی برای اخذ ویزا پر می‌کنند به طور قطعی قید می‌شود که کشور را پس از آموزش ترک می‌کنند ولی بیش از ۷۵ درصد یا به عبارتی ۹۰ درصد آنان پس از اتمام تحصیلات به دو دلیل عمده در آمریکا باقی می‌مانند: بسیاری از این پزشکان از کشورهای فقیر به آمریکا می‌آیند که سطح درآمد پزشک به واسطه فقر مردم بسیار پایین است(۱) و دیگر اینکه آموزش‌هایی که در ایالات متحده به آنان داده می‌شود، بیشتر بر مبنای فن‌آوری‌های پیشرفته‌ای است که در کشور خودشان کارایی ندارد و آنان که ابتدا برای آموزش‌های پزشکی پایه وارد کشور می‌شوند، بعدا به مدارج تخصصی می‌روند.

● آمار پزشکان مهاجر

تا پایان سال ۱۹۹۴، ۲۳۴۹۹ دانشجوی پزشکی خارجی در آمریکا مشغول تحصیل بوده‌اند که این تعداد در پنج سال گذشته به دو برابر رسیده است. ۴۲ درصد پزشکان مشغول تحصیل در رشته‌های تخصصی در نیویورک و ۵۲ درصد در نیوجرسی، خارجی هستند. این میزان در ایلینویز ۳۲ درصد و در میشیگان ۲۹ درصد است. این در حالی است که تنها ۸ درصد پزشکان آمریکایی برای تحصیلات تکمیلی به خارج از کشور سفر می‌کنند. دکتر انیل اضافه می‌کند: «بهترین دانشجویان خارجی به اینجا می‌آیند و آموزش‌هایی می‌بینند که به درد کشورشان نمی‌خورد. نتیجتا همین‌جا می‌مانند و به مازاد پزشکان ما اضافه می‌شوند.» ولی این روند با تمام دشواری با توجه به جبران برخی کمبودها در مناطق محروم با سرعت ادامه دارد. دانشجوی پزشکی که وارد دانشکده‌های گجرات یا دهلی‌نو می‌شود و گاه بیش از یک دهه درس می‌خواند، با حضور در مراکز پزشکی آمریکا نقش مهمی را در سلامت این کشور به عهده می‌گیرد. بسیاری از این پزشکان در مناطق محروم یا دور افتاده کار می‌کنند که داوطلب زیادی ندارد. ویزای موقت دانشجویی بسیاری از این خارجی‌ها با تعهد سه سال کار در مناطق حومه شهری می‌تواند تمدید شود، با توجه به اقدامات اداره مسکن و توسعه شهری صدور بسیاری از این ویزاهای سه ساله قطع شده است. دکتر شارپ رییس یک مرکز تشخیص پزشکی ایدز در نیویورک می‌گوید: «قطع ویزای سه ساله واقعا موهبتی است.» در هر حال اگر کنگره و اداره سلامت و خدمات انسانی آمریکا بر رویه فعلی در مورد پزشکان خارجی پیش بروند، ممنوعیت‌های زیادی برای ورود پزشک به این کشور اعمال خواهد شد.

● مشکلات پزشکان مهاجر

با وجود اینکه هنوز هیچ دستورالعمل رسمی مبنی بر ممنوعیت پذیرش پزشکان خارجی به عنوان رزیدنت وجود ندارد، قطع یارانه‌های آموزشی که برای این دانشجویان پرداخت می‌شد، موجب شده است بیمارستان‌ها کمتر به استخدام این افراد رغبت نشان دهند. برای مثال امسال یک بیمارستان در حومه دیترویت به فروش گذاشته شد و صاحبان جدید آن از همه متخصصان بیهوشی بیمارستان، شش خارجی و یک آمریکایی، خواستند که دوباره فرم‌های قرارداد را پر کنند. از میان این عده تنها دکتر آمریکایی استخدام شد. بیمارستان‌های مناطق روستایی و محروم سخت در فکر اندیشیدن اقداماتی هستند که در صورت محدودیت اقامت پزشکان خارجی به کار ببندند، از مهم‌ترین این اقدامات استخدام پرستاران متخصص و دستیاران پزشک است. به تازگی انجمن پزشکی آمریکا پیشنهاد داده است که ظرفیت سالانه آموزش بیمارستانی از ۱۴۵ درصد فارغ‌التحصیلان مدارس پزشکی آمریکا به ۱۱۰ درصد برسد. این کاهش درصد بیشتر به ضرر خارجیانی است که جاهای خالی مانده مدارس پزشکی آمریکا را پر می‌کنند. انجمن تقسیم دانشجویان پزشکی با پیشنهاد اولویت دادن به فارغ‌التحصیلان آمریکایی دانشکده‌های پزشکی پا را از این هم فراتر گذاشته است. این طرح در نهایت رد شد ولی نتیجه آن دامن زدن به بحث‌هایی بود که از یک طرف پزشکان خارجی اعتراض می‌کنند که به عنوان شهروندان درجه دو با آنها رفتار می‌شود و از طرف دیگر پزشکان آمریکایی نگران مشاغلی هستند که با حضور خارجی‌ها از دست‌شان می‌رود. پزشکان خارجی می‌گویند وضعیت استخدام آنها مبهم است. کارلوس رولدان که در اولین نوبت توانست با موفقیت امتحانات مربوط به پزشکان خارجی در دانشگاه کلمبیا را پشت‌سر بگذارد، تردیدی نداشت که برای رزیدنتی می‌تواند در یکی از بیمارستان‌های نیویورک مشغول به کار شود. او با ۹۰ بیمارستان مکاتبه کرد و ۴۵ فرم تقاضا دریافت کرد. پس از پر کردن این فرم‌ها تنها در دو بیمارستان به مصاحبه خوانده شد و عاقبت نتوانست هیچ شغلی پیدا کند. حتی پزشکان متخصص شهروند آمریکا نسبت به از دست دادن شغلشان نگران هستند. در حال حاضر بیمارستان‌ها سالانه حدود ۱۵۰هزار دلار برای آموزش هر پزشک دریافت می‌کنند. در صورت استخدام پزشکان خارجی بیمارستان‌های مناطق کم‌درآمد از دو سو سود می‌کنند: یکی پرداخت حقوق کمتر و دیگر برداشتن هزینه‌های پرداخت شده برای آموزش پزشک از طرف دولت. دکتر جردن

کوهن، رییس انجمن مدیکال کالج آمریکا می‌گوید: «این یارانه در واقع کمکی به برنامه‌های آموزشی در مناطق کم‌درآمد است که کمبود پزشک یکی از مشکلات اصلی است.» ولی در عمل دیدیم با نظامی روبه‌رو شدیم که نیازهای سازمانی در آن به درستی تعریف نشده است. همزمان با کنگره که سیاست کم کردن تعداد رزیدنت‌ها را در پیش گرفته است، اداره خدمات سلامت انسانی برنامه کاهش تعداد پزشکان مهاجر را دنبال می‌کند. همین تابستان رییس این مرکز طی پیشنهادی از همکارانش در اداره کشاورزی و مسکن و توسعه شهری (HUD) خواست با توجه به مازاد پزشک در آمریکا برای ویزای اقامت پزشکان خارجی هیچ اقدامی نکنند. HUD این درخواست را بررسی می‌کند. البته دست‌اندرکاران امر سلامت نگران هستند که این تندروی‌های ناگهانی، مناطق کم‌درآمد را که محل اصلی کار پزشکان خارجی است دچار کمبود پزشک کند. هفته گذشته مرکز پزشکی سن‌مایکل در نیویورک سه تقاضای ویزای پزشکان خارجی که می‌توانستند به صورت تمام وقت در خدمت بیمارستان‌های مدیکید باشند را رد کرد. دومینک کالگی یکی از مسوولان بیمارستان می‌گوید: «با این کار چه چیزی عایدمان شد؟ مجبور شدیم به دنبال پزشکان دیگر باشیم که علاوه بر اینکه تمایلی به کار در مناطق کم‌درآمد ندارند، کیفیت علمی لازم را هم دارا نیستند. تا آن موقع باید ساعت به ساعت به دنبال پزشک باشیم تا به هر حال ساعات بیمارستان پر شود.» مساله پزشکان خارجی موضوع مورد اختلاف نهادهای پزشکی است.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319364

vista.ir
Online Classified Service

قرن بیست و یکم قرن مهاجرت

بر اساس اعلام سازمان ملل متحد، ۲۰۰ میلیون انسان، امروز در یک سرزمین بیگانه زندگی و کار می کنند. از چند مهاجرت بزرگ تاریخی که بگذریم، قرن بیستم شاهد بزرگ ترین مهاجرت ها در طول تاریخ بوده است و هرگز در تاریخ بشریت، به اندازه امروز انسان ها در راه مهاجرت نبوده اند. میزان مهاجرت در جهان در سی سال گذشته دو برابر شده است. در این میان امریکا ۱۲ میلیون و اروپا ۳ تا ۵ میلیون مهاجر غیرقانونی دارند. امروزه از هر ۳۵ شهروند جهان، یکی مهاجر است. این روند ما را به این نتیجه می رساند که احتمالاً در آینده، کمتر انسانی در همانجایی خواهد زیست که به دنیا آمده است.

در گذشته های دور مهاجرت ها بیشتر به صورت گروهی و بیشتر با هدف دوری از وقایع ناگواری مانند بیماری، قحطی و جنگ صورت می گرفت. اما با گذشت زمان این الگوی سنتی مهاجرت برای بقا، دستخوش تغییرات عمده یی شد، به طوری که در جهان امروز مهاجرت ها ممکن است علل مذهبی، سیاسی یا اقتصادی داشته باشند. اما امروزه به علت تفاوت بسیار زیاد بین کشورهای مختلف جهان از نظر میزان دسترسی به رفاه عمومی، بیشتر مهاجرت ها با هدف پیشرفت و دستیابی به رفاه و امکانات بهتر زندگی صورت می گیرد.

پدیده مهاجرت هر روز شکل جوامع مختلف بشری را بیش از پیش دگرگون می سازد. این تغییرات، طیف وسیعی را از تغییرات جمعیتی تا تغییرات بنیادی سیاسی و فرهنگی شامل می شود. مهاجرت در بسیاری از کشورهای غربی باعث تغییر ترکیب سنی کشور و جوانی جمعیت شده و در موارد زیادی مشکل نیروی کار را در کشورهای مرکز سرمایه کاهش داده است و در مواردی نیز باعث ایجاد مساله بیکاری در کشورها شده است.

مهاجرت و حضور مهاجران در کشورهای مختلف مسائل فرهنگی را نیز دستخوش تحولات گسترده یی کرده است. تا جایی که در برخی کشورها

به علت حضور فرهنگ اقوام گوناگون، مفهوم هویت ملی با چالش های جدی مواجه شده است. این چالش ها در این کشورها دولت ها را بر آن داشته تا اقدامات گسترده یی در زمینه بازتولید هویت ملی خودشان کنند. نمونه کامل این موضوع، کشور انگلیس است که هم اکنون برای رهایی از بحران هویت ملی اقدامات فراوانی را انجام داده است. از بین آنها می توان به معرفی افرادی به عنوان نماد فرد انگلیسی نام برد. این تغییرات حتی در ذائقه مردم هم قابل مشاهده است. گفته می شود که در سال های قبل از نیمه اول قرن بیستم تنها دو رستوران غیرانگلیسی در شهر لندن وجود داشت اما اکنون آمارها نشان می دهد که هر انگلیسی در هفته به طور متوسط دو بار غذای خود را در یک رستوران چینی یا هندی صرف می کند.

نمونه های بسیار دیگری از این دست را می توان در کشورهای مختلف به خصوص کشورهای غربی مشاهده کرد. نمونه بارز این موضوع تغییرات شگرف در سبک های موسیقی و حضور بی شمار مهاجران کشورهای مختلف در زمینه های مختلف هنری، فرهنگی و ورزشی است.

اما این تمام ماجرای مهاجرت در جهان نیست. در بیشتر موارد مهاجرت همزاد اقلیت بودن است؛ مساله یی که زندگی مهاجران را با مشکلات زیادی از قبیل تبعیض، اخراج، فقر، محرومیت از برخی حقوق اجتماعی، تعصب و... مواجه می کند. با زنان فیلیپینی در هنگ کنگ مثل برده رفتار می شود، کشاورزان مراکشی در اسپانیا تحت غیرانسانی ترین شرایط جان می کنند و کارگران ساختمانی رومانیایی، در آلمان به صورت غیرقانونی و با دستمزدی که فقط برای نمردن کافی است به کار گمارده می شوند.

بسیاری از مهاجران در سراسر جهان به کارهای سخت و غیرانسانی با دستمزدهای کم اشتغال دارند، از طرف جامعه طرد می شوند و رفتارهای خشن و نژادپرستانه با آنها صورت می گیرد و تلاش های بسیاری می شود تا آنان را اخراج کنند. مهاجران و به خصوص مهاجران کشورهای جهان سوم در بسیاری از کشورها به رغم عدم منع های روشن قانونی همواره با سقف شیشه یی مواجه هستند که آنها را از رسیدن به مناصب بالا باز می دارد. امروزه شاهد آن هستیم که در برخی کشورهای غربی، نامزدهای انتخاباتی با شعار اخراج مهاجران و مقابله با آنها وارد کارزار انتخاباتی می شوند. به این مسائل باید وضعیت اسفبار مهاجران غیرقانونی و پناهندگان جنگی در سراسر جهان را هم اضافه کرد.

کشور ایران هم در سال های اخیر به علت اوضاع نامساعد بعضی کشورهای همسایه خود با پدیده مهاجرت رو به رو بوده است. این وضعیت تعداد زیادی از مهاجران افغانی، عراقی، پاکستانی و... را از مجراهای مختلف وارد ایران کرده است. در این بین افغان ها سهم عمده یی را در جمعیت مهاجران ایران دارند. آمارها نشان می دهد که چیزی حدود دو میلیون و پانصد هزار مهاجر افغان در ایران زندگی می کنند. با توجه به شرایط نامساعد سیاسی و اقتصادی کشور افغانستان و عدم برخورداری مهاجران افغانی در ایران از سرمایه کافی عملاً امکان بازگشت آنان به کشورشان وجود ندارد.

اما در طول سال های اخیر برخورد با مهاجران افغان تا حد زیادی غیرانسانی بوده است. کارگران افغانی در ایران سخت ترین مشاغل را با کمترین دستمزدها داشته اند و هرگز از امکان تامین اجتماعی برخوردار نبوده اند. بسیاری از آنان در اردوگاه های مهاجران در خارج از شهرها مستقر شده اند. فرزندان آنها نیز از حق تحصیل در مدارس ایران محروم و در خیابان های شهرهای بزرگ به مشاغل کاذب مشغول شده اند. از دومیلیون و پانصد هزار افغان حاضر در ایران، فقط حدود پانصد نفر اجازه کار دارند. این وضعیت امروز مهاجران افغان را تبدیل به یکی از فرودست ترین گروه های اقتصادی در ایران کرده است.

باید به خاطر داشته باشیم که پدیده مهاجرت تنها محدود به مهاجران افغان نیست. آمارها نشان می دهد که بیش از سه میلیون مهاجر ایرانی در کشورهای مختلف دنیا حضور دارند. این عدد به تعداد مهاجران افغانی در ایران نزدیک است. هم اکنون شاهد آن هستیم که برخوردهای خشن و غیرانسانی با ایرانیان خارج از کشور در سرتاسر جهان، خشم و اعتراض دولت و مردم ایران را به همراه دارد. پس انتظار می رود همان گونه که توقع رفتاری محترمانه و انسانی با ایرانیان در سراسر جهان را داریم، خود نیز با مهاجران افغان در ایران همین گونه رفتار کنیم.

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=293099

vista.ir
Online Classified Service

قره کلیسا (قره کلیسا، کلیسای طاطائوس یا تادئوس)

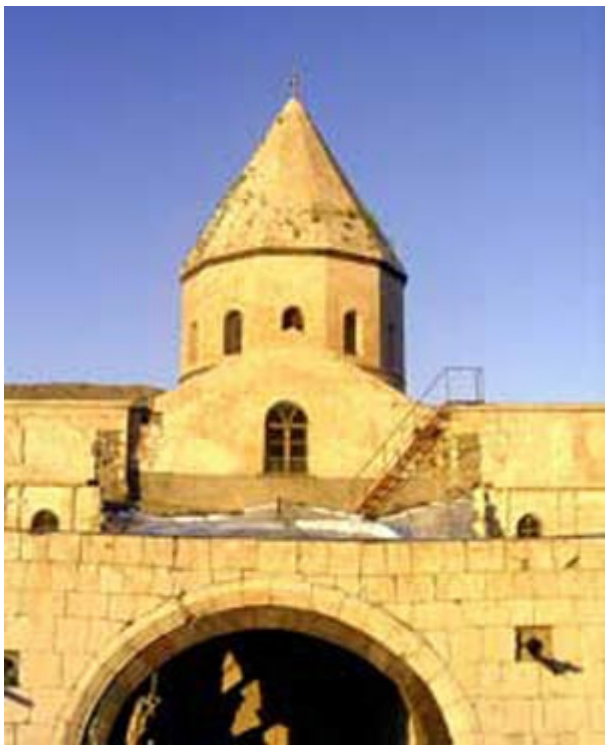

قره کلیسا از بناهای مذهبی متعلق به ارامنه بوده که در جنوب ماکو و ۲۰ کیلومتری شمال شرقی چالدران در کنار روستایی به همین نام واقع شده است. قره در زبان آذری به معنای "سیاه" است و وجه تسمیه این نام سیاه بودن قسمتی از کلیسا است. ظاهرا ساختمان اصلی کلیسا تماما از سنگ های سیاه ساخته شده که پس از بازسازی قسمتی از سنگ ها به وسیله سنگ های سفید جایگزین شده است. به احتمال زیاد این عمل به صورت عمدی انجام شده تا آیندگان از شکل و ظاهر اولیه کلیسا مطلع باشند.

این کلیسا در دوره های مختلفی، به دلایل مختلف ویران و مجددا بازسازی شده است. در سال ۱۲۳۰ میلادی (۶۱۶ هجری) هنگام حمله چنگیز، قسمت بزرگی از این کلیسا ویران شد، ولی هنگام اقامت هلاکوخان مغول در آذربایجان، خواجه نصیرالدین طوسی به مرمت آن همت گماشت. این کلیسا یک بار نیز در زلزله ای که در سال ۱۳۱۹ میلادی اتفاق افتاد، ویران شد و بنا بر روایت "آندرانیک هویان"، سندی درباره تعمیر آن به وسیله زکریای قدیس در سال ۱۳۲۹ در دست است. این کلیسا در سال ۱۶۹۱ میلادی با سنگهای سیاه، در سال ۱۸۱۰ به وسیله اسقف ماکو، بنام سیمون بزنونی با نصب سنگ های سفید و در زمان قاجار به وسیله عباس میرزا تعمیر شد. قره کلیسا دارای ویژگی خاص معماری ارمنی بوده و از نظر حجم و تکنیک یکی از با ارزش ترین آثار تاریخی کشور محسوب می شود. این بنا از اشتهار جهانی برخوردار بوده و بسیاری از ارامنه داخل و خارج کشور برای انجام مراسم مذهبی به این کلیسا می آیند.

تادئوس یا طاطائوس (طاطاوس) یکی از حواریون مسیح است که در سال چهل میلادی به ارمنستان آمد و به تبلیغ مسیحیت پرداخت. گروه زیادی به آیین مسیح روی آوردند که از آن جمله "ساناتروک" پادشاه ارمنستان و دخترش "ساندخت" بود. ولی سلطان کمی بعد پشیمان شد و به مخالفت با آیین جدید پرداخت و دستور داد تا تادئوس، ساندخت (دخترش) و گروهی دیگر که به مسیحیت گرویده بودند (حدود ۳۵۰۰ نفر) را به قتل برسانند.

در سال ۳۰۲ میلادی، زمان پادشاهی تیرداد از پادشاهان ارمنستان، مسیحیت در این کشور دین رسمی و همگانی شد. مسیحیان ارمنی که خاطره شهادت تادئوس و ساندخت را نسل به نسل حفظ کرده بودند در محل فرار آنان کلیساهایی بنا کردند که قره کلیسا یکی از آنهاست. بنا بر عقیده ارامنه کلیسای طاطائوس اولین کلیسایی است که به دستور مبشرین و حواریون مسیح در دنیا ساخته شده است و چون از نظر مذهبی، شهادت را بزرگترین سعادت برای بشر می دانند، هر سال در روزهای آخر تیرماه و هفته اول مرداد ماه که مصادف با قتل تادی مقدس و پیروان مسیحی او است در قره کلیسا مراسم خاصی بر پا میدارند.

به هر روی این کلیسا امروزه به مناسبت جشنی سالانه، تابستان ها میعادگاه ارمنیان ایران و حتی کشورهای همسایه است. در هفته اول مرداد ماه، ارمنیان از شهرهای تبریز، ارومیه، تهران، اصفهان، قزوین و... به صورت گروهی و خانوادگی به قره کلیسا می آیند. افزون بر ارمنیان، خانواده هایی از آشوریان و به ندرت خانواده های کاتولیک هم در این جشن شرکت می کنند.

یکی از آداب پسندیده در طول زیارت سه روزه، آیین های غسل تعمید کودکان و نوجوانان ارمنی در این کلیسا است. زیرا عده ای براین عقیده اند که تعمید کودکانشان در نخستین کلیسای حضرت مسیح و محل شهادت حواری آن حضرت، همراه با خیر و برکت است. گروهی نیز فرزندانشان را با نذر و نیت در آنجا غسل تعمید می دهند و به همین خاطر سن غسل تعمید گیرندگان گاه به ۱۵ و ۲۰ سال هم می رسد.

روزهای توقف خانواده ها در قره کلیسا متفاوت است. رسم این است که سه روز (از اول تا سوم مرداد) باید در آنجا بمانند ولی کسانی که از راه

دور می آیند، گاهی بیش از سه روز می مانند. خانواده هایی هم که از شهرهای نزدیک می آیند ممکن است فقط روز دوم آنجا باشند، سپس مراجعت کنند.

در اطراف کلیسا، به رغم فراوانی جمعیت در روزهای جشن، ساختمان و بنایی برای بیتوته زائران نیست. خانه های روستایی قره کلیسا (در سیصد متری کلیسا، که ۱۰ تا ۱۲ خانه است) متعلق به کشاورزان مسلمان روستاست و مورد استفاده مسافران قرار نمی گیرند.

از طرف خلیفه گری ارامنه، در روزهای جشن چادرهایی در اطراف کلیسا نصب شده که در اختیار مسافران قرار داده می شود. علاوه بر آن؛ گروه زیادی از مسافران با خود چادرهای مسافرتی حمل می کنند تا با مشکل اقامت رو به رو نشوند.

جشن قره کلیسا برای ارمنیان، مجموعه ای از انگیزه های اعتقادی، قومی، سنتی، خانوادگی، عاطفی، تفریحی و همچنین مسافرت و استفاده از آب و هوای ییلاقی و دیدار دوستان و آشنایان است.

تهیه غذا و پرداختن به خوردن و آشامیدن، سرگرمی عمومی خانواده ها را در این سه روز تشکیل می دهد. در بیشتر ساعت های روز و شب سفره و بساط غذا در چادرها یا آستانه چادرها گسترده است و این سفره ها مرکز گرد آمدن خانواده ها و آشنایان است. تجدید دیدار با دوستان و آشنایان نیز یکی از ویژگی های این جشن سه روزه است. چنان که برخی از ارامنه تنها در موقعی که به قره کلیسا می آیند یکدیگر را ملاقات می کنند. در این سه روز آیین "دعای کلیسا" در روزهای اول و دوم مرداد صبح و عصر برگزار می شود، ولی در روز سوم، تنها یک بار و با آیین ویژه عید به وسیله اسقف اعظم که از تهران می آید و اسقف تبریز اجرا می شود. شرکت در آیین های کلیسا در روزهای جشن اجباری نیست و دیده شده است که برخی افراد هیچ گاه در این مراسم شرکت نمی کنند.

در دو کیلومتری شمال غرب کلیسا، بر بلندایی، نمازخانه ای وجود دارد که طبق گفته ها محل شهادت ساندوخت، اولین شهیده مسیحی است که قدمت آن هم به کهنی قره کلیسا می باشد. این کلیسا در انتهای جاده ای قرار دارد که صرفا برای این کلیسا و یک روستای کوچک ساخته شده است.

منبع : سایت جامع گردشگری ایران

http://vista.ir/?view=article&id=308134

vista.ir
Online Classified Service

قشم ، جزیره ای با شگفتی های فراوان

قشم نام جزیره ای است در خلیج فارس در استان هرمزگان ایران. جزیره قشم بزرگ ترین جزیره غیرمستقل دنیا و بزرگ تر از ۲۲ کشور جهان است. شهر قشم در شرقی ترین نقطه جزیره واقع شده است و به رغم آنکه این شهر نسبت به کل جزیره مرکزیت هندسی ندارد، اما به علت موقعیت مهم استراتژیک آن از قدیم واجد اهمیت بوده و عمده ترین سکونتگاه جزیره است. همچنین این جزیره به لحاظ جذابیت های گردشگری بسیار قوی بوده و از مراکز دیدنی و تاریخی فراوانی تشکیل شده است که برخی از آنان را نام می بریم.

- جنگل دریایی حرا

اکوسیستم جنگلهای حرا، درختانی است که در آب دریا رشد می کنند و اکوسیستم پربازدهی را می سازند. در این جنگلها دو گونه حرا و چندل

وجود دارد. بسیاری از گونه های آبزی و حیات وحش وابستگی مستقیم و غیر مستقیم به حرا دارند و این جنگلها در پیرامون خود محیط مناسبی را برای رشد و پرورش ماهیان فراهم می کنند. اکوسیستم دریایی حرا به دلیل استفاده انسان و سوخت و تغذیه و دام، بسیار حائز اهمیت است. آب در طول شبانه روز ۲ بار عقب نشینی می کند و ۲ بار پیشروی، این عمل مداوم شرایط زیستی ویژه ای به این جنگل دریایی می بخشد. جوامع جنگلی مانگرو (حرا) در طول میلیونها سال موفق شده اند تا سازگاری اعجاب انگیزی با آب شور دریا و سواحل جزر و مدی پیدا کنند. اصولا این گیاهان قادر نیستند دمای کمتراز ۵ درجه سانتی گراد را تحمل کنند. ضمن اینکه شوری بین ۲۰ تا ۳۲ در هزار برای رشد آنها مناسب است. مانگرو یکی از مقاومترین گونه ها محسوب می شود که با حداقل نیازهای خاص گیاهان مانگرو، در سواحل و امتداد کوهها توسعه می یابد. یکی از ویژگی های درختچه حرا، ریشه آن است. ریشه های اصلی حرا کوتاه و کم عمق اند و از آنها ریشه های فرعی و باریک و عمودی اسفنجی به سمت بالا منشعب شده و بطور متوسط تا ۳۰ سانتی متر از سطح زمین بالاتر می روند. این ریشه های هوایی بتدریج دور درخت را پوشش می دهند و تبدیل به یک شبکه می شوند و به این ترتیب امکان زیستگاه در چنین محیط باتلاقی را فراهم می کنند. این ریشه ها از شوری اطراف نیز می کاهند تا امکان تغذیه گیاه از آب بسیار شور دریا میسر شود. جنگلهای دریایی حرا در شبانه روز دو بار در آب دریا آبتنی می کنند. هنگام مد ماهیان زیادی به طرف جنگل حرکت می کنند و صیادان محلی نیز به خوبی این را می دانند.

- غارهای نمکدان

گنبد نمکی نمکدان، تنها گنبد نمکی در جزیره قشم است که از میان دماغه جنوب، تا قدیس سلخ و دماغه شمال غربی تا قدیس باسعیدو بالا آمده است و در نقشه تقریبا دایره ای شکل و به قطر ۱۷* ۵/۶ کیلومتر است. بام گنبدی دارای توپوگرافی نامنظم است و دیواره آن بسیار پرشیب می باشد. در بخش جنوبی گنبد نمکی نمکدان، غارهای نمکی (Salt Caves) بسیار زیبا و شگفت انگیزی وجود دارد که ارتفاع تا ۲۰ متر نیز اندازه گیری شده است. سقف غار بوسیله قندیلهای فراوان پوشیده شده است که با گذشت زمان در اثر نفوذ آب تغییر شکل می دهند. از میان غارهای نمکی زیبا و عجیب، آب زیر زمینی دائمی نیز جریان دارد که در تمام طول سال جاری است و در دامنه کوه به صورت چشمه نمکی است که منظره بسیار زیبا و دیدنی را ایجاد می کند.

- غارهای خربس

بر پیشانی کوهی مشرف به ساحل جنوبی جزیره، ۴ دهانه غار، از درون به هم پیوسته، در ارتفاع ۲۰ تا ۳۰ متر به چشم می خورد که به غارهای خربس Xarbes شهرت دارند که گفته می شود از دوره مادها هستند. این غارها که از پدیده های کهن زمین شناختی به شمار می روند، همراه با دیگر پدیده ها و کوهها و خود جزیره قشم دنباله چین خوردگی های رشته کوههای زاگرس هستند که در هزاره های گذشته از زیر آب سربرآورده اند. این غارها از درون با مجموعه دهلیز ها، تالارها و اتاقهای متعدد به ابعاد ۵/۵*۴ متر و چشمه ها و روزنه های گوناگونی که رو به شمال و جنوب قرار دارند، مؤید حضور مردمانی از دورانهای کهن در این جزیره هستند. پیداست که دست آدمیان به مرور زمان و به منظور کاربردهای گوناگون، شکل و سیمای این غارها و دیواره های آنها را دگرگون ساخته و مناسب نیازهای خود درآورده است. ساختار راز آمیز این غارها و قرار گرفتن آن بر بلندی، این عقیده را دامن زده که اینجا در روزگار مادها نیایشگاه مهر و محلی برای ستودن الهه میترا بوده است.

- درخت انجیر معابد یا درخت لور

درخت همیشه سبز و نسبتا تناوری است که برگهای چرمی بیضی تاکروی شکل و رنگ سبز تیره دارد. برگهای جوان، طویل و به رنگ برنزی درخشان هستند و هنگامی که برگها بالغ می شوند، رگبرگها کمرنگ شده و برگها شکل متمایزی پیدا می کنند. این درخت توسط ریشه های هوایی گسترش پیدا می کند. میوه این درخت قرمز تا قهوه ای کروی با پهنای معادل ۲ سانتیمتر که به صورت دو تایی جوانه می زنند، است. این درخت به هنگام رشد به آب نیاز ندارد.

- تخمگذاری لاک پشتها

مردم ساکن جزایر از تخمگذاری لاک پشت ها در آغاز بهار و اواخر زمستان خبر می دهند.لاک پشت وقتی برای تخمگذاری به ساحل می رسد، ابتدا در شنهای ساحلی، در بالاترین حد مد، به کمک باله های عقبی چاله ای عمیق حفر می کند و سپس تعداد زیادی تخم (در حدود یکصد عدد) در آن می گذارد. پس از تخمگذاری، روی چاله را با کمک باله ها با شن کاملا می پوشاند. ظرف بیست دقیقه تا دو ساعت بیش از یکصد تخم در چاله می گذارند. لاکپشت ماده پس از این همه تلاش و تقلا، منطقه را برای همیشه ترک می کند. چند ساحلی را که بیشترین تخمگذاری لاکپشتها در آنها صورت می گیرد، عبارتند از: شیب دراز، شیب چوزی و شیب پویی. سواحل شیب دراز بهترین مکان تخمگذاری لاک پشت های عقابی است. وزن متوسط لاک پشت های دریایی عقابی ماده تخمگذار در ساحل شیب دراز ۴۰ کیلوگرم و ۴۰۰ گرم است. پنج گونه لاک پشت

دریایی که در آبهای عمان و خلیج فارس زندگی و زادآوری می کنند و بی تردید در آبهای کشور ما نیز حضور دارند، به قرار زیر است: ۱. لاک پشت دریایی سبز ۲. لاک پشت دریایی عقابی ۳. لاک پشت دریایی چرمی ۴. لاک پشت دریایی سرخ ۵. لاک پشت دریایی رایدلی طول متوسط لاک پشتی لاک پشت های عقابی بین ۷۰ تا ۸۰ و پهنای آن بین ۶۰ تا ۷۰ سانتی متر بوده، وزن متوسط آنها نیز در حدود ۴۹ کیلوگرم است. تعداد تخمهای گذاشته شده در اکثر چاله ها بیش از صد و حداکثر ۱۳۲ و حداقل ۴۷ عدد است. حجم تخمها نیز از ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر مکعب در نوسان است. وزن تخم لاک پشت عقابی ۷۹/۲۵ تا ۸۹/۳۰ گرم و قطر آن ۴۳ میلیمتر است.

● قلعه های تاریخی

در ساحل محله مسنی قشم، دربندر قدیمی و کهن لافت در کنار چاه های طلا و در جزیره هرمز و لارک آثاری از قلعه هایی به جا مانده از زمانهای دور است که امروزه این آثار از جمله میراثهای تاریخی خلیج فارس به شمار میروند و به عنوان بازمانده های معماری استعماری و نماد پایمردی مردمان جنوب، توجه جویندگان حقیقت و علاقه مندان به تاریخ دریای پارس را به خود جلب می کنند.

▪ قلعه قشم

قلعه قشم که از ۴۰۰ سال پیش باقی مانده، از جمله قلعه های پرتغالی است که با سنگ مرجان و ساروج برپا شده است. این قلعه دو بارو داشته که در هر یک از چهار گوشه باروها برجی برآمده بوده است. درون قلعه، اتاق ها و انبارها و برکه ها و چاه هایی ساخته بودند که هنوز آثاری از آنها باقی مانده است. شیوه معماری قلعه و طرح برج و باروبندی آن همانند قلعه سازی ایران در دوره ساسانی است. پرتغالیان از برجهای دیده بانی قلعه که دیدگاهی فراگیرنده داشت، رفت و آمد کشتی های جنگی و تجاری را در آبهای خلیج فارس زیر نظر می گرفته اند. گفتنی است همزمان با پادشاهی محمد شاه قاجار، کوترال (شیخ عبدالرحمان) ، حاکم قشم و خانواده و بستگان او در این قلعه زندگی می کردند. از دیگر آثار تاریخی جزیره قشم، قلعه لافت، قلعه هرمز،قبرستان انگلیسی ها، کلات کشتار، تم سینتی (مقبره مقدس) چهل دختران، آب بندهای پی پشت و گوران، مسجد جامع قشم (با قدمتی قبل از دوره صفویه) ، برکه آب بی بی صوغیه مجموعه کولغان، مقبره شاه شهید و گورستان مقابل آن، بقعه شیخ برخ، مقبرهشیخ زین العباد،مقبره سیدان، مقبره شیخ آندر آبی، برج های دیده بانی، چاه های طلا .

منبع : روزنامه ابرار

http://vista.ir/?view=article&id=316060

vista.ir
Online Classified Service

قشم، رنگین کمان خلیج فارس

قشم بزرگترین جزیره ایران از ۲۲ کشور جهان بزرگتر است. لنج، بزرگترین کاردستی دنیاست که در قشم ساخته می شود.

بزرگترین جزیره غیرمستقل جهان، با همراهی سه جزیره هرمز، هنگام و لارك از جمله جزایر جنوبی ایران اند که در استان هرمزگان با مرکزیت بندرعباس قرار دارند. و این ۴ جزیره می توانند بعنوان مکمل یکدیگر یك مقصد گردشگری جذاب برای گردشگران داخلی و خارجی محسوب شوند.

البته استان هرمزگان دارای ۱۴ جزیره کوچك و بزرگ است از جمله:جزایر تنب بزرگ، تنب کوچك، ابوموسی، کیش، فارور، لاوان، سیری که در جنوب استان هرمزگان پراکنده اند. که آنان نیز می توانند بعنوان مقصد گردشگری

مورد توجه قرار گیرند اما جزایر چهارگانه مورد بحث ما بدلیل نزدیکی به مرکز استان و نزدیکی به یکدیگر و داشتن نسبی زیر ساخت های گردشگری باید در اولویت قرار گیرند .

جزایر قشم، هرمز، هنگام و لارك با سواحل فوق العاده زیبا و چشم انداز زیبا را می توان گنج گردشگری ایران نامید این جزایر طبیعت بکر و حیرت انگیزی ، را در دل خود نهفته دارند.سفر به استان هرمزگان از هوا و زمین میسر است. اما سفر زمینی، مخصوصا با قطار لطفی دیگر دارد زیرا می توانید طبیعت بکر استان را از پنجره قطار بنگرید دره هایی عمیق و نخلستانهایی انبوه که مسیر قطار تهران بندر عباس از میان آنان می گذرد.

سفر زمینی با قطار به مقصد بندرعباس ۲۰ ساعت است. ولی علیرغم طولانی بودن مسیر، وجود مناظر زیبا در مسیر راه، رودهای خروشان و کوههای سر به فلك کشیده، چشمان مشتاق شما را نوازش می دهد و خستگی راه را از یاد شما می برد.

از نظر جغرافیایی استان هرمزگان و جزایر آن ادامه چین خوردگی های کوه های زاگرس هستند که در دوران سوم زمین شناسی پدید آمده اند و جزایر در واقع همان کوههای زاگرس هستند. البته جزیره ای مثل کیش وضعیتی متفاوت دارد چون در طول میلیونها سال از روی هم جمع شدن مرجانها تشکیل شده است بنا به یافته های باستان شناسی سالهای گذشته در اطراف بندرعباس احتمال نفوذ فرهنگی و سیاسی حکومت عیلامیان در این منطقه داده می شود ، و قشم نیز احتمال دارد جزئی از همان دولت بوده باشد. ولی این موضوع هنوز به اثبات نرسیده است.

طبق گزارشات تاریخی سردار اسکندر مقدونی سفری اکتشافی به خلیج فارس داشته است و آن منطقه را دارای جزایری آباد یافته بود و می توان به همان گزارشات استدلال کرد که تاریخ قشم به دوران پیش از میلاد مسیح بر می گردد و بهترین سند موجود وجود منطقه باستانی خربس می باشد .

تاریخ قشم در ارتباط تنگاتنگ با تاریخ بقیه منطقه هرمزگان است و پایگاه اصلی تمدن آن در میناب فعلی بود است که در زمان ساسانیان رونق زیادی داشته است و در تبادل کالا و تجارت با شرق و غرب بوده است و قسمتی از جاده ابریشم بوده است.مردم قشم مذهبی هستند و این خصوصیت را می توان در زیبایی مساجد در جزیره قشم دید.

برای ورود به مساجد باید پاها را شست. مسجد درگهان، مسجد قبا، مسجد جامع قشم و مسجد رم چاه از مساجد زیبای این جزیره هستند.جزیره قشم برخلاف کیش بازارهای زیبا و مدرن ندارد، فقر را در گوشه و کنار قشم در بین اهالی بومی می توان دید.

و از این جهت است که باید به گردشگری منطقه توجه ویژه نمود و با ایجاد اشتغال مشکلات را بر طرف نمود.تندیس امام قلی خان، سردار صفوی در میدانی در وسط شهر یادآور تاریخ گذشته و مبارزه با اجنبی است.در داخل شهر قشم قلعه پرتقالی ها را می بینیم برخلاف قلعه پرتقالی های جزیره هرمز،از قلعه پرتقالی ها در شهر قشم چیز زیادی باقی نمانده است.

فقط دیوارهای آن باقی مانده است هتل بین المللی قشم کاملا مناسب گردشگران خارجی است و در وردی هتل سنگ قبر یك مهاجم پرتقالی را با تاریخ ۱۵۹۰ میلادی به نمایش گذاشته اند .غارهای تاریخی خربس، در ۱۵ کیلومتری شهر قشم قرار دارند. و چندین غار تو در تو آهکی در ارتفاع ۳۰ متری، که گفته می شود زیارتگاه مهری(میترایی) بوده است.

زیارتگاه شاه شهید برفراز صخره و غارهای خربس قرار دارد ، به گفته برخی، یك معبد میترایی نظیر معبد هنزا در ابیانه است. درخت انجیر معابد قشم، درختی است که برای زردشتی ها نیز مقدس می باشد و همچنین برای مردم قشم مقدس است و کسی نباید به آن آسیب برساند و ریشه هایش در بیرون خاك قرار دارد .

جنگل حرا، در شمال جزیره قشم واقع است. جنگل حرا،جنگلی دریایی است. درخت های حرا به ارتفاع ۶ متر هستند که آب شور دریا را تصفیه و به آب شیرین تبدیل می کنند، زیستگاه پرندگان مهاجر هستند.و به افتخار حکیم ابوعلی سینا آن را «اوسیناماورینا» نامگذاری کرده اند.جالب توجه است که بدانیم، کشور امارات برای جلب پرندگان مهاجر، اخیرا اقدام به کشت درختان دریایی حرا کرده است.

از دیگر نقاط دیدنی قشم،اسکله رم چاه و باسعیدو هستند.دیدار از جزایر ناز نیز خالی از لطف نیست و می توان در سواحل آنها صدفهای الوان را مشاهده نمود.از مهمترین جدابیتهای این منطقه سواحل زیبا و صخره ای جزیره هنگام است و در بعضی از مناطق ماسه ها همانند اکلیل می درخشند.دره ستاره ها و دره چاه کوه پدیده ای شگفت از فرسایش سنگهای رسوبی زمین است.

دره ستاره ها که به گمان افراد بومی، در آن ستاره افتاده است و شب ها جن دارد، بسیار دیدنی است و مشابه این اشکال زمین شناسی یا ژئومرفولوژی را ما تنها در آمریکا می بینیم. که توریستهای بسیاری را می توانند به خود بکشند دره یا تنگه چاه کوه دره ای به عمق ۱۰۰ متر نمایش دیگری از فرسایش سنگهای رسوبی است.

گنبد و غارهای نمکی در جنوب جزیره قشم قرار دارندو در یك جاده خاکی ما را به آنجا می رساند که دسترسی به آن مشکل است، لایه های نمك

که مربوط به دوره های جدید زمین شناسی هستند در برخورد با گسل های پوسته زمین بالا آمده و گنبدهای نمکی را به وجود آورده اند.در داخل این گنبدهای نمکی، غارهای نمکی قرار دارد.غار نمکی شماره ۳ قشم با ۶هزار متر طول، بزرگترین غاز نمکی جهان شناخته شده است.درون این غار رودخانه ای مارپیچ به عمق یك متر با استلاکتیت و استلاگمیت هایی اعجاب آور انسان را به شگفتی وامی دارند.

از دیگر جاذبه های جزیره قشم ، دلفین ها و لاك پشت های پوزه عقابی آن هستند که زیستگاه آن ها در خلیج فارس است.امروزه دیدار از تخم گذاری لاك پشت های پوزه عقابی یکی از جاذبه های گردشگری جزیره به شمار می رود.

منبع : روزنامه ابرار

http://vista.ir/?view=article&id=267978

vista.ir
Online Classified Service

قصر مجازی و امپراتور مجازی

طرفداران فرهنگ‌های کهن و گشت‌وگذار، از این به بعد می‌توانند حتی کیلومترها دور از پکن هم به شهر ممنوعه این پایتخت سربزنند.

این بخش از پکن، بخش قدیمی و محل زندگی امپراتورهای چینی ،یعنی قصر آنها بوده است.بعد از تغییر حکومت و ساختار این کشور ورود به و خروج از این بخش ممنوع شد و حالا علم و فناوری، گشتن در قصر و اتاق‌های آن را برای همه آسان کرده‌است.

علاقه‌مندان به کمک تصویرهای سه بعدی می‌توانند حتی لباس امپراتور و افراد قصر را به تن کنند و این طرف و آن طرف بروند یا در لباس ندیمه و خدمتکار یا در مقام یک بیننده، امپراتور را هنگام صرف شام و دیگر فعالیت‌هایش ببینند.

برای جلوگیری از مزاحمت برای همدیگر ، بازدیدکنندگان نمی توانند بدوند یا پرواز کنند.

فرانک عطیف

منبع : همشهری آنلاین

http://vista.ir/?view=article&id=121602

vista.ir
Online Classified Service

قصرهای امپراتوری مینگ و کینگ

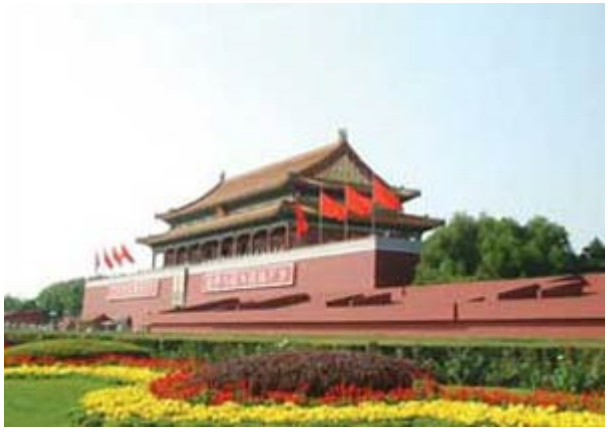

▪ نام کشور: چین

Imperial Palaces of the Ming and Qing Dynasties in Beijing and Shenyang

▪ شماره ثبت: N ۳۹ ۵۴ ۵۸.۸ E ۱۱۶ ۲۳ ۲۷.۲

▪ سال ثبت: ۱۹۸۷

▪ گسترش محوطه ثبتی: ۲۰۰۴

▪ معیارهای ثبت: ف (۱) (۲) (۳) (۴)

قصر امپراتوری سلسله کینگ در شنیانگ، از ۱۱۴ عمارت تشکیل شده که بین سال‌های ۱۶۲۵ تا ۱۷۸۳ ساخته شده‌اند. این قصر یک کتابخانهِ بسیار مهم را در دل خود جای داده‌است و شاهدی بر تأسیس آخرین سلسله امپراتوری چین در دورانی است که هنوز قدرت محدودی داشت و پایتخت خود را به پکن منتقل نکرده بود. این قصر در سال ۲۰۰۴ به قصرهای امپراتوری سلسله‌های کبنگ و مینگ که پیش از این در سال ۱۹۸۷ در فهرست میراث جهانی ثبت شده بود، الحاق شد. این شاهکارهای معماری سند تاریخی مهمی درباره سلسله کینگ و مینگ و نیز سنت‌های فرهنگی قبیله منچو و دیگر قبایل شمال چین محسوب می‌شوند.

ـ دلایل ثبت معیار اول: قصرهای امپراتوری شاهکارهایی در سنت معماری این قصرها در چین محسوب می‌شوند. معیار دوم: معماری پیچیده قصرهای امپراتوری، به ویژه در شنیانگ، نشانگر تعامل عمیق معماری سنتی و معماری قصرها در چین به ویژه در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی هستند.

ـ معیار سوم: قصرهای امپراتوری شاهد بی‌نظیری بر فرهنگ و تمدن کشور چین در زمان حکومت سلسله‌های مینگ و کینگ هستند. این قصرها به عنوان مخزنی برای معماری، مبلمان، آثار هنری عمل کرده‌اند و نیز شاهدی استثنایی بر سنت‌های زنده و آیین‌های شمنیسم است که قوم منچو تا قرن‌ها به آن‌ها عمل می‌کردند.

منبع : روزنامه سیاست‌روز

http://vista.ir/?view=article&id=105952

vista.ir
Online Classified Service

قلب این سرزمین در زیر خاک می‌تپد

ایران، یکی از کهن‌ترین سرزمین‌های جهان محسوب می‌شود. وجود هزاران آثار باستانی و تاریخی دلیل این ادعا است. اما چرا این کشور مانند سرزمین‌های دیگر برای جهانیان خصوصا گردشگران خارجی شناخته شده نیست؟

ایران با توجه به موقعیت‌های خاص و داشتن ویژگی‌های طبیعی، هنری، فرهنگی و تاریخی می‌تواند به رقابت با کشورهای مطرح توریستی جهان

بپردازد. این کشور توانایی این را دارد که با تقویت عوامل زیر بنایی و ارکان توسعه صنعت گردشگری به این مهم دست یابد و به یکی از مطرح ترین کشورها در صنعت گردشگری تبدیل شود و البته این در حالی است که حتی در ساختار قانونگذاری کشور هنوز تکلیف کشور در مورد جذب و گسترش صنعت گردشگری مشخص نیست. یکی از مهمترین مشکلات مناطق گردشگری، عدم سرمایه‌گذاری مناسب از طرف دولت و بخش خصوصی است همچنین کمرنگ بودن همکاری‌ها و حمایت‌های قانونگذاران در مجلس بر گسترش این مشکلات می‌افزاید.

در بسیاری از مناطق جذاب و دیدنی گردشگری نبود توجه جدی از سوی سیاستگذاران، این مناطق مستعد را به مکانی خاک گرفته و فراموش شده تبدیل ساخته است.

در هر کشوری دولت به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مختلف جامعه باشد. در خصوص گردشگری هم سرمایه‌گذاری‌ها نمی‌تواند تنها توسط دولت صورت گیرد و برای موفقیت و پیشرفت در این عرصه نیازمند همکاری بخش خصوصی است. رونق گردشگری تا حد زیادی در گرو کاهش تصدی‌گری و دخالت دولت است. چرا که متاسفانه وجود افراد غیرمتخصص در حوزه‌های مختلف گردشگری موجب زیانهای بسیاری به این صنعت شده است. فردی که تخصا و انگیزه کافی در حوزه گردشگری ندارد موجب اعمال برخی سیاست‌های نادرست هم می‌شود. واگذاری قسمتی از این حوزه به بخش خصوصی می‌تواند تا حدی راهگشای راه‌ها و فضاهایی باشد که تا امروز بسته مانده‌اند. بخش خصوصی لااقل برای از بین نرفتن سرمایه خود و سوددهی بیشتر سعی می‌کند از بهترین افراد متخصا و امکانات استفاده کند.

به هرحال به گمان برخی کارشناسان تعریف درست و کاملی از صنعت گردشگری در مجلس وجود ندارد و هنوز مشخص نیست که ما توریست می‌خواهیم یا نه؟ این سوالی است که باید در قانونگذاری‌هایی که در بخش گردشگری می‌شود، به آن پاسخ داده شود. اولین پایه‌های تغییر و تحول صنعت گردشگری از این نهاد آغاز می‌شود.

بنابراین لازم است که نمایندگان مجلس تلاش بیشتری نسبت به شناخت و بررسی ابعاد صنعت گردشگری انجام دهند تا با آگاهی کامل در این زمینه قانونگذاری صورت گیرد. حتی در خصوص تخصیص بودجه گردشگری، نمایندگان با هوشیاری و توجه، عمل کنند و البته قبل از همه اینها تکلیف خود را با داشتن یا نداشتن صنعت گردشگری معلوم سازند تا در صورت خواستن پیشرفت در گردشگری، بتوانند گامهای محکم واستواری در این عرصه بردارند یا در صورت عدم تمایل سعادت کشور خود را نادیده بگیرند و توسعه گردشگری را به فراموشی بسپارند. این طوری لااقل خط مشی کشور در این زمینه روشن می‌شود.

ایران از لحاظ جاذبه‌های تاریخی و گردشگری جزو ۱۰ کشور اول جهان محسوب می‌شود، اما امروزه دیگر آوار باستانی به تنهایی مترادف با جذب توریست نیست و نیازمند وجود عوامل دیگری هم است.

آمارها نشان می‌دهد که از ۳۶ میلیون توریست سالانه لهستان، ۱۰ میلیون توریست طبیعت هستند که ۴ میلیون آنها از طریق سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های گروهی جذب شده‌اند، بنابراین تبلیغات و اطلاع‌رسانی، همچنین تسهیل امور برای گردشگران می‌تواند، جهانگردان زیادی را به کشور دیدنی ایران جذب کند.

حمایت دولت، بخش خصوصی و مجلس از صنعت گردشگری می‌تواند، ایران را برای رسیدن به این موفقیت نزدیک کند. قلب این سرزمین کهن همچنان در زیر خروارها خاک می‌تپد، بی‌آنکه توقع و چشمداشتی به دست آنان که از او استفاده می کنند، داشته باشد. وجدان بیدار کجاست؟

الهه تقیه

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=216669

vista.ir
Online Classified Service

قلعه رودخان آرمیده در دل جنگل انبوه

این قلعه در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی فومن و در دل جنگل های انبوه مناطق کوهستانی جای دارد. این قلعه که به سکسار و قلعه حسامی نیز شهرت دارد، از بزرگترین و با عظمت ترین دژهای نظامی گیلان و حتی ایران به شمار میآید و مساحت آن بالغ بر ۵۰ هزار متر مربع است. این قلعه در ارتفاع ۶۰۰ متری و در بلندترین نقطه کوه قرار دارد. با توجه به خاک برداری محوطه داخلی و بررسی پی بنا احتمالا این دژ به عصر ساسانی تعلق دارد و در زمان حکومت سلاجقه تجدید بنا شده است. ازاین رو قلعه رودخان را از قلعه‌های اسماعیلیه به حساب میآورند. توجه به اینکه شهر فومن دورانی طولانی مرکز حکومت گیلان بیه پس از خاندان اسحاقوند بود، اهمیت این قلعه را بیشتر محسوس می دارد. رابینو درباره این قلعه نوشته است:سنگ نوشته ای که در آنجا وجود دارد نشان می‌دهد که این قلعه به نام حسامی برای اولین بار در سال ۹۱۸ هجری(۱۳-۱۵۱۲ میلادی) تا ۹۲۱ (۱۶-۱۵۱۵میلادی) به فرمان سلطان حسام الدین امیر دباج بن امیر علاء الدین اسحقی مرمت گردیده است و این سنگ نوشته از کمال الدین محمد گیلانی است و منظومه آن ازخان احمد شیروانی و نوشته آن اثر ابن حسین الخراسانی است. هدایت خان هنگامی که بر ضد کریمخان زند به شورش پرداخت شروع به تعمیر آنجا نمود و در آنجا اسلحه و مهمات قرارداد. این کتیبه چند سال پیش توسط یکی از کارشناسان میراث فرهنگی پیدا شد و امروز در گنجینه رشت نگهداری می شود. این قلعه از دو بخش تشکیل شده است:

۱) ارگ یا محل اسکان حاکم و خانواده : ارگ یا شاه قلعه در دو طبقه و از آجر ساخته شده و در قسمت غربی این بنا واقع است. قلعه کلا دارای دو ارگ و ۱۶ قراول خانه است . قراول خانه ها به صورت دو طبقه با نورگیرها و روزن های متعدد بر محیط اطراف مسلط است. ورودی قلعه در سمت شمال جای دارد و در دو طرف آن دو برج عظیم سنگی دیده می شود. در گذشته چشمه آبی در داخل قلعه جاری بود که وقت محاصره از آب آن استفاده می شد. این چشمه پس از زلزله سال ۱۳۶۹ گیلان خشک شد.

۲) قسمت نظامی یا قورخانه: در قسمت شرقی قلعه رودخان بناهایی مخروبه وجود دارد. در قسمت شمال و جنوب ، دیوارهای محصور کننده قلعه و برج های نگهبانی در فواصل مختلف به چشم می خورد. اتاق های هشت ضلعی که از آجر ساخته شده هنوز برفراز برج ها دیده می شود. دیوارهای قلعه حدود ۴۰ برج دیده بانی دارد. در این دیوارها منافذ و ترکش هایی برای ریختن مواد مذاب و تیراندازی نیز تعبیه شده بود. از وجوه جالب توجه در معماری قلعه رودخان، کاربرد طاق های جناقی و انواع مختلف آن و نیز طرح های آجر کاری و سنگ چینی است که نشان از دقت نظر سازندگان آن دارد. سازندگان قلعه از اصول پیشرفته علمی دفاع و حصاربندی کاملا آگاه بودند و به همین دلیل در طی قرون متمادی این قلعه در برابر تهاجم و یورش‌ها هرگزدر مقابل دشمن سر تسلیم فرود نیاورده و نشانی از تخریب انسانی و حریق در آن به چشم نمی خورد. امروزه قسمت عمده‌ای از بنا در زیر قشری از پیچک ها پنهان شده و قلعه در هاله ای رمز آلود در دل جنگل سرسبز غنوده است.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=104184

vista.ir
Online Classified Service

قلعه سبز و شهر پلکانی

●قلعه رودخان

قلعه رودخان، بزرگترین دژ حکومتی گیلان، از معدود قلعه های دوره سلجوقیان است که به رغم رطوبت بیش از حد جنگل های رودبار همچنان سرپاست. پیشتر هر کس می خواست گردشگری را در گیلان تمام کند سری به روستای پلکانی ماسوله می زد. اکنون «قلعه رودخان» هم شهرت گرفته و با ماسوله رقابت می کند. برای رسیدن به قلعه باید وارد روستای رودخان شد. از روستای رودخان مسیر قلعه به خوبی مشخص است. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مسیر این قلعه را بهسازی کرده و آن را به صورت پلکانی درآورده است. مسیر سنگفرش حدود ۵۰۰ پله دارد. بعد از بالا رفتن از این پله، بیش از ۳۰۰ پله سیمانی را هم برای رسیدن به قلعه باید طی کرد. ارتفاع پله ها گاه خیلی زیاد است و این باعث آزرده شدن زانو می شود. اطراف مسیر سنگفرش حصارهای سنگی با ارتفاع نیم متر کشیده اند. این مسئله امنیت مسیر را که گاه در اطرافش دره و رودخانه دیده می شود بیشتر می کند. طی کردن این مسیر ۲ ساعت طول می کشد. قدمت این قلعه که به خاطر رطوبت شمال کاملاً سبز شده حداقل به قرن پنجم و ششم هجری می رسد. عده ای نیز معتقدند بخش هایی از قلعه در دوره ساسانی ساخته شده و در دوره سلجوقی (قرن ۵ و ۶) تکمیل شده است. خود قلعه ۶/۲ هکتار مساحت و ۶۵ برج و بارو و دیواری به طول ۱۵۰۰ متر دارد. بنای قلعه با سنگ و آجر ساخته شده و در بخش های آسیب پذیر، سنگ با ملات ساروج به کار رفته است. در مسیر اتاق ها و برج ها و سقف های گنبدی شکل از آجر، گچ و ملات ساروج استفاده شده است. ابعاد آجرها ۲۳*۲۱ سانتی متر و قطر آنها ۴ تا ۵ سانتی متر است. ارتفاع دیوارها متفاوت و از ۳ تا ۱۰ متر متغیر است و در ارتفاع نفوذپذیر قلعه دیوارها و باروها قطر و ارتفاع بیشتری دارند. قلعه به سه قسمت تقسیم می شود.

قسمت شرقی قدیمی ترین بخش قلعه است که وزیرنشین بوده، بخش میانی مخصوص دیده بانی و بخش غربی مخصوص شاهنشین بوده است. در قسمت شرقی دو در معمولی و یك در فرار وجود دارد. در مرکز قسمت شرقی کارگاه آجرپزی و ذوب فلز وجود داشته است که برای ساخت قسمت های دیگر قلعه از آن استفاده می شده. در بازسازی های اخیر هم از همین آجرها که در بخشی از قلعه انبار شده بودند، استفاده شده. ظرافتی که در معماری قراول خانه های قسمت شرقی دیده می شود آنها را از بناهای مشابه متمایز می کند. همه قراول خانه ها شومینه و پیه سوز داشته اند تا نور و گرمای داخل تامین شود. چندین سرویس بهداشتی هم در این بخش دیده می شود. بخش میانی که متشکل از قراول خانه ها و در ورودی است مرکز دیده بانی قلعه به شمار می آمده. درون دیوارها سوراخ هایی موجود است که آجرهای اطراف آن چنان چیده شده که عمق جنگل را در تیررس قرار می دهند.

قلعه پنج شنبه ها حدود ۵۰۰ نفر و جمعه ها سه برابر این میزان بازدیدکننده دارد. ایام نوروز این میزان به ۳ تا ۴ هزار می رسد.

● ماسوله

شهرت ماسوله که در ۵۵ کیلومتری رشت و در ۳۲ کیلومتری جنوب غربی فومن قرار دارد نیز سبك معماری آن است. از پایین ماسوله شهری پلکانی و نعلی شکل به چشم می آید؛ شهری زرد در کوهستانی سبز. علت انتخاب رنگ زرد در معماری ماسوله مه شکن بودن آن است. به دلیل ارتفاع هزار متری ماسوله از سطح دریا این شهر اغلب پوشیده از مه است و فقط در روزهای گرم تابستان است که خبری از مه نیست.

موزه مردم شناسی، موزه حیات وحش و بازارچه چند طبقه شهر پنج هزارساله ماسوله از دیدنی های این شهر هستند. اکثر مردم تالشی زبان

ماسوله از راه توریسم کسب درآمد می کنند. ماسوله تابستان ها به خصوص روزهای تعطیل بسیار شلوغ می شود و پیدا کردن جای پارك ماشین در ورودی این شهر مشکل است. تیر و اوایل مرداد برای ترتیب دادن سفری دوروزه به این دو منطقه مناسب تر است. منجیل و سرو هزارساله هروزیل (واقع در روستای هرزویل منجیل) را هم می شود همزمان با این دو نقطه دید.

شهریورماه رودبار و ماسوله پرباران و خنك می شود و احتمال وقوع سیل در ماسوله افزایش می یابد. برای اقامت شبانه می توان از هتل ها و مهمانپذیرهای ماسوله، خانه های محلی ماسوله، هتل ها و مهمانپذیرهای رودبار و خانه های محلی روستای رودخان استفاده کرد یا با کسب مجوز از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گیلان در قلعه رودخان چادر زد.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229022

vista.ir
Online Classified Service

قلعه و سنگ و جنگل هزاررنگ

●قلعه بابك

قلعه بابك، مشهورترین قلعه آذربایجان در دل کوه های کلیبر و پس جنگل های رنگارنگ ارسباران پنهان شده است. این قلعه در ۶۰ کیلومتری شمال شهرستان اهر و در سه کیلومتری جنوب غربی کلیبر واقع است. پیشینه این قلعه به قبل از اسلام و دوره های ساسانی بازمی گردد. نوع معماری قلعه به سبك معماری مجموعه تاریخی سلیمان، مربوط به دوره ساسانی هاست و با اینکه به وسیله عوامل طبیعی و انسانی دستخوش تغییرات بسیاری شده است، اما هنوز هم با شکوه، زیبا و پرابهت است.

ساختمان درونی قلعه از یك تالار اصلی، چهار اتاق که هر یك به تالار راه جداگانه دارند و مدخل ورود به جایگاه و جایگاه سربازان تشکیل شده است. در زیرزمین قلعه نیز بقایایی از اصطبل موجود است. اطراف این قلعه را دره های عمیق ۴۰۰ تا ۶۰۰ متری فرا گرفته است و تنها از یك سوی قلعه راهی باریك برای گذر وجود دارد. راه قلعه دشوار است و برای طی کردن آن باید از گردنه ها گذر کرد. پس از حدود سه ساعت کوهپیمایی می توان به قلعه رسید. دره های اطراف قلعه پوشیده از درختان آلو، انجیر، آلوچه، سیب، فندق، زغال و گردو است.

این دره ها در تابستان محل زندگی ایلات شهسون است. قسمتی از این مسیر پله گذاری شده است. در آغاز پله ها هتل بزرگ بابك واقع شده و ماشین هایی که تا قسمتی از راه مسافران را حمل می کنند. برای طی کردن این قسمت می توان از ماشین های فور ویل درایو استفاده کرد اما باقی راه صعب العبور است و باید پیاده طی شود. برای طی کردن این مسیر باید کفش مناسب کوهنوردی، مواد قندی و آب به همراه داشت.

● ارسباران

ارسباران با ۱۳۰ هزار هکتار مساحت جزء زیباترین جنگل های کوهستانی ایران است که به دلیل وجود گونه های مختلف گیاهی هزاررنگ است. کل و بز، گراز، خرس قهوه ای، گرگ، سیاه قوش، روباه، پلنگ و خرگوش از جمله گونه هایی است که در آنجا زندگی می کنند.۱۰۳ گونه پرنده نیز

در این جنگل ها به سر می برند که مهمترین آنها سیاه خروس است. کبك، دراج، قرقاول، عقاب، انواع پرندگان شکاری و پرندگان مهاجر آبزی و خشکی زی از این جمله اند. ارسباران بین شهرستان های کلیبر، اهر و ورزقان واقع شده است.

- شهر کلیبر

کلیبر یکی از شهرهای زیبای آذربایجان است که در منطقه ارسباران قرار دارد. گرداگرد شهر پوشیده از کوه های بلند و جنگل های انبوه است. علاوه بر قلعه بابك که در سه کیلومتری شهر واقع شده، پارك قلعه درسی (دره قلعه بابك) و آبگرم های کلیبر که در بخش آبش احمد قرار دارند نیز دیدنی اند. پل های رودخانه ارس در شمال شهرستان کلیبر و امارت های آینالو و وینق در جنگل های ارسباران از دیگر دیدنی های کلیبرند.

کاروانسرای دوره صفوی که در کنار رودخانه کلیبر واقع شده است و برج های یادمان متعلق به دوره ایلخانی، امامزاده کلیبر، حمام و مسجد جامع کلیبر آثار تاریخی این شهرند.

- شهر اهر

اهر یکی دیگر از شهرهای منطقه ارسباران است. آب و هوای اهر مانند کلیبر معتدل است و طبیعتی شبیه این شهر دارد. علاوه بر طبیعت زیبا وجود آثار تاریخی اهمیت اهر را دوچندان کرده است. بازار سرپوشیده اهر که بنای آن دست نخورده باقی مانده مهمترین مرکز دادوستد اهر به شمار می آمده است. بقعه شیخ شهاب الدین اهری مشهورترین بقعه تاریخی اهر است. مجموعه شهر اهر را در گذشته سه محله کوی ساداتلو، کوی نخجوانلو و کوی باغبانلو تشکیل می داده است. حد فاصل این محلات پوشیده از باغ های انبوه بوده است.

اغلب خانه های اهر وسیع بوده و نوع مصالح به کار رفته در دیوارهای آنها خشت خام بوده است. همچنین در تزئین نمای بیرونی ساختمان های ثروتمندان و اربابان آجرهای رسی پخته به کار می رفته است. آثار این خانه های قدیمی هنوز هم در اهر به چشم می خورد. در سراسر تابستان می توان با برنامه ریزی سفری سه تا چهارروزه از این مناطق دیدن کرد. قاعدتاً شهریورماه این مناطق خنك ترند.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229041

vista.ir
Online Classified Service

قمصر پایتخت گل و گلاب ایران

آن هنگام که بر تن تفدیده گرم کویر قدم می‌گذاری و جدای از گرمای محبت مردمان مهربانش، حرارت آن دیار گرماسوز تنت می‌گردد هیچ تصور نمی کنی که در دل خود گوهری ناب پرورانیده باشد که با دیدنش انگشت حیرت به دندان بگیری و اعجاز دیگری از قدرت خالق را به نظاره بنشینی و با تمام وجود لمس کنی. در آن برهوت خاك و گرما شهری واقع گردیده است زیبا، دنج دلپذیر و هنوز بکر و دست نخورده در دل کوهستانهای چشم‌نواز که نامش از فضای بسته آن کوهستانها برکشیده است و تا بیکران مرزهای جغرافیایی، متن کتابهای تحقیقی و دنیای رویایی جهانگردان راه یافته است.

سخن از قمصر پایتخت گل و گلاب است عطر گلابی که گلهایش از سجاده نمازگزاران محاسن و عطر مردان و زنان تا بازارهای اروپا را فرا گرفته است.

بالاتر از همه اینها خانه خدا، حرمین شریفین و بقاء متبرکه ائمه اطهار هرساله با گلاب قمصر شستشو داده می‌شود.

قمصر همچون مرواریدی در صدف کویر پنهان است و برای کشف آن می‌بایست از دریای کویر گذشت که البته این راه پر مشقت در آرزوی دیدن این بهشت پنهان هموار می‌شود. شهری که با ویژگیهای طبیعی. فرهنگی و تاریخی منحصر به فردش زبانزد خاص و عام است به گونه‌ای که تفرجگاه دائمی کسانی می‌شود که یکبار آمدن به این شهر را تجربه کنند.

اینجا قمصر است، پایتخت گل و گلاب ایران. گل و گلاب اصالتی تاریخی که معنا یافته در دیوان نسل امروز و همتی غرورانگیز برای حفظ و پاسداشت آن. اینجا قمصر است شهری که کافی است هر رهگذری تنها یکبار قدم در آن بگذارد تا با جان و روح مدهوش شده و همراه با طبیعت چشم‌نواز آن هم نوا گردد.

گلاب ناب چنان با نام قمصر عجین گشته که تا همیشه تاریخ جاودان و ماندگار است. از قدیم‌الایام به یك رسم خوب و دل‌انگیز تا نامی از قمصر بر زبان جاری می‌شود بلافاصله آنچه در ذهن تداعی می‌شود گل است و قداست گلاب. قمصر شهرت، بالندگی و گذشته پر افتخار و لبریز از غرور خود را در حالی به دست آورده که مردمان دیارش با رشته، رشته تار و پود وجود خود بر دار زمان نقشی بدین زیبایی و به یادماندنی آفریده‌اند. براساس یك دیدگاه در عصر ملکشاه سلجوقی نماینده یکی از اتابکان روم شرقی از دامنه‌های کوه اسبی قمصر مقداری گل سرخ را با خود به شهر دمشق که آن روزها «داماسکوس» خوانده می‌شد می‌برد و در آنجا پرورش می‌دهد دلیل ادعا اطلاق نام داماسك رز یا رز ادماسنا در فرهنگ لاتین و در زبان کشورهای انگلیسی زبان به گل سرخ می‌باشد از دیگر اسناد موجود درباره گل و گلابگیری قمصر وجود سفرنامه شاردن سیاح فرانسوی است که در دوران صفویه نگاشته شده است وی به تفصیل در جلدهای سوم و چهارم در این خصوص مطلب نگاشته است. دیگر منبعی که در این باب به نکاتی اشاره دارد فرهنگ دهخدا است. حتی با مطالعه کتاب جامع قانون در طب از شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا که حدود هزار سال قبل نوشته شده است مکرراً بر استعمال گل خشك و گلاب جهت درمان امراض مختلف تاکید گردیده است. قمصر به موازات صنعت گلابگیری از چند صدسال قبل پایه‌های صنایع جانبی دیگر نظیر مسگری، شیشه‌سازی، و بسته‌بندی را در خود استوار دید که متاسفانه براثر عوامل ناآرام محیطی به مانند سیل و زلزله دستخوش تغییرات فراوانی گردیده است. قمصر توانسته روز به روز بر کمیت و کیفیت محصول گلاب خویش بیفزاید تا جایی که جایگاه خود را در عرصه بازار حفظ کرده و در این زمینه در خصوص تولید انواع عرقیات گیاهی و دارویی نیز رشد چشمگیری داشته است.

نکته اساسی و اصلی این مطلب توجه به نفوذ و گسترش این صنعت به روستاها و شهرهای پیرامون قمصر در دهه‌های اخیر است. به نحوی که طبق نظر اهالی روستاهای قمصر از سال ۱۳۱۰ گل محمدی آن هم برای کشت به این مناطق راه یافت و از سال ۱۳۳۶ برخی گلابگیران حرفه‌ای قمصر به علت قیمت نازل گل در این روستاها دستگاه‌های خود را در آنجا دایر نمودند اما بعد از چندی با مشخص شدن کیفیت پایین محصول گل در این مناطق روند مذکور متوقف گردید. اما در این روستاها و بخشها بر اثر این عمل گلابگیری سنتی به سبك قمصر فرا گرفته شد و رواج یافت و تاکنون نیز ادامه دارد.

علت این همه تاکید بر گلاب قمصر مرغوبیت فوق‌العاده گل تولیدی قمصر به سبب شرایط ویژه طبیعی آن است. چه در گذشته و چه امروز عالی‌ترین محصول گل و گلاب با عیار بسیار بالا که دقیقاً منطبق با استانداردهای جهانی است محصول آب و خاك این اقلیم و سامان قمصر است. در کنار این عامل اساسی روش سنتی گلابگیری قمصر را باید حاصل هنر، ذوق، سلیقه، پشتکار و ابتکار مردم فهیم آن دانست نکته مهم اسانس موجود در گل قمصر است که با هیچ منطقه‌ای دیگر قابل قیاس نیست به نحوی که براساس منابع موجود گل قمصر با داشتن اسانس ۳۵ میلی‌گرم در ۱۰۰ میلی‌لیتر رتبه‌ای فوق تصور نیست به شهرها و روستاهای اطراف خود دارد مام روزگار بر سینه ستبر قمصر این نشان لیاقت و پلاك افتخارآفرین را آویخته که: هرساله برای معطر نمودن مقدس‌ترین عالم کعبه مکرمه فقط از گلاب ناب قمصر استفاده می‌گردد.

کعبه را گفتم که این عطر دل‌انگیز از کجاست هاتفی گفتا که بی‌شك از گلاب قمصر است

آن زمان که خداوند سبحان به دست ابراهیم خلیل کعبه را بنا کرد، استعداد رویش عالی‌ترین نمونه گل محمدی را به قطعه‌ای سرسبز از سرزمین ایران، قمصر عطا فرمود چرا که اراده کرده بود تا از اشك عاشقانه این خطه خانه‌اش را عطرآگین سازد.

در ایام با طلوع پرفروغ ماه ذی‌الحجه ماه عاشقان و عارفان و همزمان با احرام حاجیان آنجا که آدمی جسم و جان خویش را از هرچه غیر اوست پاك و منزه می‌سازد و ترنم زیبای لبیك اللهم لبیك را به امید استجابت بر زبان جاری می‌سازد و زیباترین و مقدس‌ترین خانه جهان، کعبه آمال مسلمانان با گلاب ناب شهر قمصر شستشو داده می‌شود که این افتخار و موهبت دیر زمانی است که با زندگی مردمان این شهر گره خورده

است.

آری تو گویی که در موسم بهار طبیعت، گلهای سرخ محمدی احرام می‌بندد به شوق و عشق حرم یار و خود را قربانی می‌کنند تا اشك معطرشان را بر دامان متبرك او جاری سازند.

و امروز که در هنگامه بزرگترین همایش مسلمانان جهان وجودمان را غمی شیرین در برمی‌گیرد و تنها امید وصالش التیام‌مان می‌بخشد دلخوشیم و راضی که گلاب ناب قمصر سفیری است شایسته تا سلام، را به الف قامت یار رساند.

گشتن قمصر همگام با فعالیتهای عمرانی سعی نموده با برنامه‌ریزی مدرن و اصولی و با انتخاب راهکارهای مناسب و با حضور در عرصه‌های مختلف به معرفی این تابلو زیبا همت گمارد.

قمصر از لحاظ توریستی و گردشگری جایگاه بسیار ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است به طوری که این جمعیت اکنون نقش به سزایی را در حیات و اقتصاد این شهر ایفا می‌کند.

همزمان با شکوفایی گلهای سرخ محمدی شاهد حضور چشمگیر و غیر قابل انتظار میهمانان و گردشگران در این شهر زیبا هستیم که می‌آیند تا جان و جسم خود را به هوای فرح‌بخش و رویایی این شهر همراه با عطر ناب گلاب آرامش و آسایش دهد.

شهر قمصر با واسطه اندیشه‌های روشن مسوولین، فرهنگ والای مردم و در اختیار داشتن ابزار، امکانات در کنار فضاهای بکر و زیبا و آوازه گلاب منحصر به فردش جایگاه خود را در قلوب مردم پیدا نموده است که موید این ادعا اقبال و استقبال عمومی به ویژه گردشگران و توریستها از شهر قمصر است و هر سال نیز رشد چشمگیر و تصاعدی را داشته است. فقط کافی است در ایام اردیبهشت و خرداد ماه سری به این شهر بزنیم تا بخوانید حدیث مفصل از این مجمل.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=228600

vista.ir
Online Classified Service

قوانین ورود جهانگردان به ایران با خودروهای شخصی

صدور پروانه ورود موقت برای اتومبیل‌های مسافران ورودی به کشور صرفاً برای آن دسته از مسافران انجام خواهد شد که مقیم خارج از کشور بوده و شرط شش ماه اقامت متوالی در کشور مربوطه را هم داشته باشند.

در سایت گمرگ ایران آمده است؛ مسافران خارجی و جهانگردان یا ایرانیان مقیم خارج از کشور که دارای شرایط فوق هستند و با خودروی شخصی خود وارد کشور می‌شوند، هرگاه برای آن خودرو جواز عبور از کانون‌های جهانگردی کشورهای ملحق به (کارنه دوپاساژ) در دست داشته باشند و به گمرگ ورودی ارایه دهند می‌توانند متناسب با مهلت ویزا و حداکثر تا سه ماه با توجه به مدت اعتبار، جواز عبور بدون الزام به تسلیم اظهارنامه به گمرك از وسیله نقلیه خود در کشور استفاده کنند و در مدت مزبور چندین بار با وسیله خود از راه‌های مجاز وارد و خارج شوند.

ورود موقت خودروی سواری شخصی به همراه مسافر به صورت‌های زیر

امکانپذیر است: خارجیان و ایرانیان مقیم خارج از کشور می‌توانند با دریافت دفترچه تردد (کارنه دوپاساژ یاتریپ تیك) و تطبیق نام دارنده کارنه مندرج روی جلد دفترچه کارنه با وارد کننده خودرو و همچنین تطبیق مشخصات خودرو با مندرجات کارنه از کانون‌های اتومبیلرانی کشور مبدأ که برای ایران معتبر بوده- با ملحوظ کردن مندرجات پشت جلد دفترچه مبنی بر اعتبار آن برای ایران و همچنین عدم قید ایران در مهر بیضی شکل ضرب شده بر روی کارنه- و تاریخ اعتبار آن منقضی نشده باشد (تاریخ انقضای اعتبار روی جلد کارنه قید شده است)، نسبت به ورود موقت به کشور اقدام کنند.

مدت مجاز اقامت خودروهایی که به صورت موقت به کشور وارد می‌شوند سه ماه خواهد بود و پس از مدت فوق باید از کشور خارج شوند. تمدید مهلت‌های مذکور منوط به موافقت قبلی گمرك ایران خواهد بود. خودروهای شخصی که به صورت موقت و برای تردد بیش از ۱۰ روز وارد کشور می‌شوند، جهت اخذ پلاك موقت انتظامی پس از اخذ گواهی مربوط از گمرك مرز ورود باید اولین واحد شماره‌گذاری راهنمایی و رانندگی که در گواهی صادره از گمرك مرز ورود مشخص شده، مراجعه کنند.

کسانی که به دلایلی موفق به اخذ دفترچه کارنه دوپاساژ یاتریپ تیك نشده‌اند، می‌توانند در مرز ورودی با سپرده نقدی و یا ضمانت‌نامه بانکی یا تضمین بیمه‌نامه نسبت به اخذ پروانه ورود موقت با رعایت شرایط مقرر (در صورت ایرانی بودن اول اینکه مقیم خارج باشند و همچنین حداقل شش ماه اقامت متوالی در خارج از کشور را داشته باشند و در مورد خارجیان داشتن ویزای معتبر توریستی) اقدام کنند. این روش به دلیل طولانی بودن مراحل اداری توصیه نمی‌شود.

براساس آیین‌نامه اجرایی قانون توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی مصوب ۱۳۷۰، علاوه بر کالاهای قابل ورود توسط مسافران و اعمال معافیت‌های گمرکی، هر جهانگرد می‌تواند کالاهای مشروح زیر که جنبه تجاری نداشته باشد را به کشور وارد و به هنگام خروج از کشور خارج کند.

▪ فهرست مشخصات این وسایل که در برگه همراه جهانگرد در گمرك ثبت می‌شود:

الف) جواهرات شخصی، یك دستگاه دوربین عکاسی، یك دستگاه دوربین ویدئو یا فیلمبرداری غیر حرفه‌ای، یك دستگاه دوربین چشمی، یك دستگاه وسیله موسیقی قابل حمل، یك دستگاه رادیو پخش و ضبط قابل حمل، یك دستگاه کامپیوتر شخصی قابل حمل، جعبه وسایل کمك‌های اولیه، یك چادر اردویی با وسایل آن، وسایل ورزشی از قبیل وسایل ماهیگیری، قایق تفریحی کوچکتر از ۵/۵ متر، وسایل اسکی معمولی و آبی، راکت تنیس و وسایل مشابه،

ب) خروج اشیای عتیقه، مسکوکات قدیمی، آثار اصیل فرهنگی، کتب خطی، تابلوهای نقاشی عتیقه و مانند آنها مجاز نیست و ممنوع است.

ج- خروج یك کیلو خاویار ممهور به مهر و پلمپ شرکت شیلات و قبض خرید فروشگاه شیلات فرودگاه بلامانع است.

د) هر جهانگرد خارجی که از کشور خارج می‌شود می‌تواند براساس تسهیلات مقرر مسافری، علاوه بر لوازم شخصی متعارف، صنایع دستی یا محصولات مجاز کشور و کتاب و مطبوعات را با حفظ جنبه تجاری آن از کشور خارج کند.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=255190

vista.ir
Online Classified Service

کاخ آپادانا - پلکان شرقی

در میان همهٔ بناها و تأسیسات تخت جمشید، پلکان های آپادانا از اهمیت ویژه ای برخوردار است. دو پلکان عظیم مشابه که از دو طرف حیاط های شمالی و شرقی آپادانا، به صفه سنگی که این بنا روی آن ساخته شده بالا می آید.

پلکان شرقی آپادانا که یکی از مهم ترین بخش های تخت جمشید است، نشان می دهد که بنای آپادانا تسجیل حکومت و نمایش یک رویداد استثنایی و تکرار نشدنی است. صف بندی در حجاری ها هدفمند است: گارد سلطنتی، نجبا و کارمندان و یا در حقیقت نگهبانان، سازمان دهندگان و مجریان اوامر حکومتی را نشان می دهند. در مرکز پلکان، شاه و سازمان دربار، در پیش روی شاه نمایندگان خلقهای مختلف تشکیل دهندهٔ شاهنشاهی تراشیده شده اند.

این پلکان در سال ۱۹۳۲م. به وسیلهٔ هر تسفلد کشف شد که مشتمل بر ۸۱۱ نگارهٔ انسان و بیشماری نقش های دیگر می باشد به سبب خاکی که بر آن انباشته شده بود، خیلی سالم مانده و امروز به کمک نقوش آن می توان اطلاعات بسیار جالب توجهی از اوضاع سیاسی-اجتماعی و همچنین هنری ایران زمان هخامنشیان به دست آورد.

نگاره هایی که بدنهٔ بزرگ پلکان آپادانا را تزیین می کنند در شمار شاهکارهای هنر ایرانی قرار دارند. بدون تردید در هیچ جای دنیا هیأت های نمایندگی ۲۳ کشور در یکجا و به صورت پیکر کنده جاودانی نشده اند. نگاره ها بیان و اجرایی کاملا تازه داشته و بیان آگاهانهٔ یک برنامهٔ سیاسی بزرگ اند.

جالب توجه است که جناح های پلکان ها، با همه عظمت و نقش و نگاری که دارند، فقط چند سانتیمتر با یکدیگر اختلاف دارند. در پلکان شرقی طول سه قسمت جنوبی، مرکزی و شمالی پلکان به ترتیب ۲۴/۲۷، ۱۵۵/۲۷ و ۳۱/۲۷ متر و در پلکان شمالی طول قسمت غربی، مرکزی و شرقی به ترتیب ۲۲/۲۷، ۲۰/۲۷ و ۲۵/۲۷ متر است. (اشمیت، ۸۱)

جهت حرکت تصاویر بر بدنهٔ پلکان های شرقی و شمالی بر عکس یکدیگرند. ظاهرا نخست پلکان شرقی در نقشهٔ اصلی آپادانا پیش بینی نشده بوده و بعدها داریوش تصمیم گرفته که این پلکان پرنگاره و تشریفاتی را به آپادانا بیفزاید.

نگاره های پلکان های آپادانا را مربوط به جشن نوروز ایرانیان دانسته اند. در اینجا هیأت های نمایندگی ۲۳ کشور که برای دادن بهترین هدایای سرزمین های خود به تخت جمشید آمده اند و نگهبانان و بزرگان هخامنشی نقش بسته اند. هر هیأت را که نفراتش از سه تا ۹ نفر است یک افسر هخامنشی یا مادی، در حالی که دست چپ رئیس هیأت را دردست دارد، هدایت می کند و نفرات بعدی هدایا را حمل می کنند. (مصطفوی، ۲۷ – ۲۸) کوشش شده است تا همهٔ نمایندگان با لباس و سلاح محلی خود و همچنین با هدایایی که همراه آورده اند به تصویر کشیده شوند. به این ترتیب هنوز هم بیننده می تواند در زمانی کوتاه با خصوصیات ۲۳ سرزمین عصر هخامنشیان آشنا شود و همین ویژگی بر غنا و اعتبار آپادانا می افزاید. درخت سروی که هیأت های نمایندگی را از یکدیگر جدا کرده ضمن القاء نظم به کل مجلس حالتی آرام و بی دغدغه بخشیده است.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97290

vista.ir
Online Classified Service

کاخ بزرگ کرملین

مسکو و کرملین از پیشینه تاریخی غیر قابل تفکیکی برخوردارند، از قرن یازدهم که شهر کوچک مسکو در دهانه رودخانه نگلینایا (Neglinnaya) پدیدار شد تا به امروز دیوار کرملین جزوی از تاریخ مسکو به شمار می رود. عمارتی که از دیرباز مابین دیوارهای کرملین و بر تپه ای به نام برویتسکی

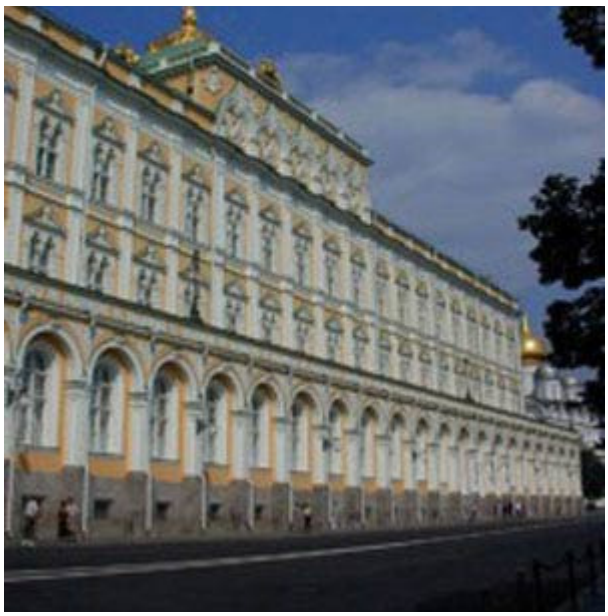

(Borovitsky) واقع شده بود، تا پیش از تخریبش درآتش سوزی بزرگ مسکو در سال ۱۸۱۲ محل استقرار تزارها و دوک ها بود.

در حدود سال ۱۸۳۸ بازسازی ساختمان قدیمی کرملین و احداث یک کاخ مدرن برای اقامت خانواده سلطنت آغاز شد و سرانجام Bolshoi Kremlyovski Dvorets که کاخ بزرگ کرملین ترجمه شده است، طی سالهای ۱۸۳۷ تا ۱۸۵۱ در مسکو بنا شد.

مقر تزارهای روس توسط تیمی از مهندسین معمار به سرپرستی کنستانتین تون (Konstantin Thon) با تاکید بر عظمت حکومت مستقل روسیه طراحی شده است. موزه آرموری (Kremlin Armoury)، یکی از قدیمی ترین موزه های روسیه و کلیسای "مسیح ناجی" (Christ the Savior) مرتفع ترین کلیسای ارتدوکس در جهان نیز به دست او بنا شده است.

در ساخت عمارت جدید بدعت گذاری های بارزی به چشم می خورد، نمای آجری ساختمان، مواد به کاررفته در ساختار بنا و استفاده از سیمان در گچبری ها ازجمله مواردی است که در طراحی ساختمان های مدرن حائز اهمیت می باشند.

کرملین با ۱۲۵ متر طول و ۴۷ متر ارتفاع، نه عدد از کلیساهای ساخته شده در قرن چهارده، شانزده و هفدهم را بر دارد و در مجموع مساحتی در حدود ۲۵ هزار مترمربع را به خود اختصاص داده است. شکل ظاهری آن مربع مستطیل بوده و یک حیاط درونی دارد، هر چند این عمارت سه طبقه به نظر می رسد اما در واقع دو طبقه بیشتر ندارد. در طبقه بالا دو مجموعه پنجره قرار دارد، قسمت غربی کاخ، حریم خصوصی خانواده سلطنتی به شمار می رفته است.

فضای داخلی این کاخ از ۷۰۰ اتاق، یک تالار اصلی پلکان دار و پنج تالار پذیرایی تشکیل شده است. سبک های مختلف معماری از رنسانس گرفته تا سبک رومی - روسی در تزئینات آن به کار رفته است. نام تالارهای پذیرایی این عمارت بر گرفته از اسامی امپراتوری های روس George, Vladimir, Alexander, Andrew و Catherine می باشند. امروزه تالار Georgievsky در پذیرایی های دیپلماتیک و رسمی مورد استفاده قرار می گیرد، قراردادهای بین المللی در تالار Vladimirsky به امضا می رسد. دو تالار Aleksandrovsky و Andreyevsky برای استفاده در جلسات و کنفرانس ها در اتحاد جماهیر شوروی سابق با هم ادغام شدند.

کرملین که به منزله قلب فعالیت های سیاسی روسیه به شمار می رود در اصل مرکز تاریخی و فرهنگی این کشور نیز می باشد. در قرون وسطی کرملین مکانی برای برگزاری جشن ها و مراسم تاج گذاری تزارهای روس بود و پس از آن به عنوان اقامتگاه خانواده سلطنتی در نظر گرفته شد.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=93878

vista.ir
Online Classified Service

کاخ پودالا

کاخ پودالا در کوه "حون " در شهر لهاسای مرکز ناحیه خود مختار تبت چین قرار دارد تمامی معماریها در کوه ساخته شده و دامنه آن پر ابهت و مجلل و "مروارید بام جهان"نامیده می شود و نماینده بر جسته هنر معماری تبت و یکی از معروفترین معماریهای باستانی چین است. این کاخ محل فعالیتهای سیاسی و مذهبی و مسکن لاماهای سلسله‌های تبت و بزرگترین معماری های بلند باستانی موجود در تبت است. بنابریادداشت‌های تاریخی ، این کاخ در قرن هفتم میلادی در دوران سلسله سون زان گان بو ساخته شده و در آن زمان کاخ حون شان نامیده گردیده که بسیار بزرگ بوده و در خارج آن سه دیوار در درون ان هزار قصر دیده شده و مرکز سیاسی سلسله توفن بوده است .قرن نهم میلادی سلسله توفن فروپاشید و تبت درگیرجنگ طولانی گردید و کاخ حون شان به تدریج منهدم شد . سال۱۶۴۵ میلادی کاخ پودالا از سوی دالایی پنجم دو باره تعمیر و مرمت شد پروژهای عمده ظرف ۵۰ سال ادامه داشت. سپس ساخت ان تا بیش از ۳۰۰ سال ادامه یافت. بیرون این کاخ ۱۳ طبقه با بلندای ۱۱۰ متر ساخته شده است ساختار کاخ ترکیبات سنگی و چوبی است و دیوار کاخ با سنگ خارا ساخته شده است ضخیم ترین قسمت آن به پنج متر می رسد و پایه دیوار در میان سنگ قرار داده شده است و در بیرون دیوار ضایعات آهنی ریخته شده تا کلیت و توانایی ضد لرزه معماری حفظ شود . در ضمن تزیینات بام طلایی است و ساختمان ضد رعد و برق می باشد . در چند صد سال اخیر این کاخ بارش باران و بمباران رعد و برق را تجربه کرده و کماکان پا بر جا مانده است. کاخ پودالا را کاخ سفید درشرق (محل اقامت دالا لامایان) ،کاخ سرخ در وسط (قصرهای بودایی و قصرهای روحی دالا لامایان سلسله‌ها) و اتاق‌های سفید راهبان در غرب شامل می‌شود . در مقابل کاخ سرخ، سکوی بودایی دیوار سپید دیده می شود که درروزهای دین بودا تصاویر بودایی آویخته می‌شود.

این معماریها با استفاده ازعوارض زمینی ساخته شده است که بسیار باعظمت وبا جلال و هماهنگ و کامل به نظرمی رسد . به لحاظ هنر زیباشناسی معماری سطح بسیار عالی محسوب می شود. کاخ سرخ بخش عمده معماریها و قصرهای روحی دالاهای سلسله ها و اتاقهای بودایی است. در میان ان قصر روحی روسان جازو دالیای پنجم از همه زیباتر است. بلندای برج روحی آن ۱۵ متر است و پایه آن چهار مربع و نام آن گرد است. سه بخش یعنی اساس برج ، وسط برج و بام برج دارد. جسد دالایی پنجم با ادویه و گل سرخ در وسط برج نگهداری می شود . برج با طلا روکش شده و ۳۷۲۴ کیلو طلا در آن به کار رفته است . ۱۵ هزار سنگ گرانبها از جمله الماس – یشم سرخ و سبز ،مرواریدخاتم کاری شده و بر روی پایه برج ،الات موسیقی که در مراسم مذهبی روحیانیان بودایی مورد استفاده قرار می گیرد و اسباب قربانی به ترتیب گذارده شده است. قصر غربی، قصر برج روحی دالایی پنجم است و بزرگترین قصر در کاخ سرخ است که با ۴۸ ستون چوبی به بلندای ۶ متر ساخته شده است. در ساختار معماری از معماریهای ملیت خان استفاده شد و حکاکی از جمله تصاویر بودایی ،حیوانات و غیره بر آن دیده می شود. تعمیر و مرمت کاخ پس از قرن ۱۷ توسط معماران ناحیه تبت آغاز گردید و هزاران هزار نقاشی دیواری – دالان ها و راهروها به آن افزوده شده است. این موضوعات فراوان نمایانگر اشخاص تاریخی و داستانهای تاریخی و بودایی و معماریها و عادات و رسوم و ورزش و تفریح و زندگی است. این هنرها در کاخ پودالا بسیار پر ارزش و گرانمایه است. گذشته از این، در این کاخ نقاشی های حکاکی‌های سنگی و چوبی ،مجسمه های گلی ، اشیای تاریخی ،فرش تبت ،سفالین و ظروف یشمی پس از قرن ۱۷ حفظ شده است. اینها نه تنها دارای ارزش هنری عالی بلکه نمایانگر رفت و آمد دوستانه و تاریخ دیرینه تبادلات فرهنگی ملیتهای تبت و "هان "ظرف یک هزار سال گذشته است. کاخ پودالا به عنوان"مروارید بام جهان" به لحاظ پروژه ساختمانی ،ذوب فلزات،نقاشی و حکاکی در جهان شهرت دارد. این اثر دست آورد بزرگ هنرهای معماری ملیتهای هان ، مغول و مون است.سال ۱۹۹۴ کاخ پودالا رسما به عنوان اثر فرهنگی در "فهرست آثار جهانی " توسط یونسکو به ثبت رسید.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8714

vista.ir
Online Classified Service

کاخ شمس العماره در تهران

شمس العماره یکی از اولین ساختمانهای بلند و مرتفع در تهران قدیم به شمار میرود. ناصر الدین شاه قاجار به دوستعلی خان نظام الدوله (معیرالممالک) دستور ساخت آن را داد. وی محلی را در قسمت شرق ارگ انتخاب کرده و ساخت این بنا را در ۱۸۶۷ میلادی به پایان رساند. این ساختمان بسیار عالی طراحی شده بود و تزیینات داخلی متنوعش مانند گچ کاریها , آینه کاریها , کاشی کاریها و دیوارکاریها آنرا مبدل به یکی از عالیترین بناهای تاریخی تهران کرده اند. معیر الممالک نه تنها این بنا را با سرمایه خودش ساخت بلکه برای آن فرشها و اثاثیه نیزخرید و یک ساختمان کامل و مبله را به ناصرالدین شاه قاجار هدیه کرد. این کاخ در قسمت شرقی کاخ گلستان واقع گردیده است و به دوره ناصرالدین شاه تعلق دارد. نظر ساخت عمارت شمس العماره در یکی از سفرهای خارج شاه , به وی الهام شد چراکه او در خارج ساختمانهای چند طبقه مرتفعی را دیده بود. این بنا را دوستعلی خان معیرالممالک در سال ۱۸۶۷- ۱۸۶۵ ساخت. ساختار این بنا بسیار محکم است و تناسب وتقارن آن به زیبایی شکل گرفته است . این بنا ازآجر ساخته شده است و دارای دیوارهای قطوری می باشد. در بعضی جاها قطر دیوارهای زیرزمین متجاوز از ۶۰۰ سانتیمتر می باشد و قطر دیوارهای طبقه همکف در حدود ۵۱۰ , ۱۵۰و ۱۲۰ سانتیمتر است. شمس العماره بلندترین ساختمان سلطنتی با سه طبقه و دو برج در بالای آن بوده است. این ساختمان به عنوان کاخ پذیرایی برای مهمانان رسمی استفاده می گردیده وهمچنین یک حرمسرای خصوصی نیز برای ناصرالدین شاه داشته است.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94342

vista.ir
Online Classified Service

کاخ گلستان در تهران

در دوران سلطنت شاه عباس اول صفوی , باغ بزرگی که چهارباغ نامیده می شد در کنار کاخ گلستان ساخته شده بود. پس ازآن کریم خان زند(۱۷۴۹-۱۷۷۹میلادی) دستور داد که یک قلعه نظامی , یک بارو وتعدادی برج در همین منطقه بسازند.

در دوران قاجاربتدریج برخی ازبناهای سلطنتی دربین قلعه نظامی برپا شدند , به عنوان مثال در سال ۱۸۱۳ میلادی که همزمان با پنجمین سال سلطنت ناصرالدین شاه بود, قسمت شرقی باغ سلطنتی امتداد پیدا کرده بود و

کاخهایی دراطراف آن ساخته شده بودند که کاخهای باغ گلستان نامیده می شدند و تعدادی از آنها درقسمت شمالی باغ گلستان احداث شدند, این بنا شامل تعدادی موزه نیز با نامهای تالار برلیان و تالار نارنجستان می شود. در سال ۱۸۷۳ناصرالدین شاه با توجه به آنچه که در نخستین سفرش به اروپا دیده بود , موزه ای بزرگ با دیوارهای آینه کاری وجواهرات گرانبها در باغ گلستان ایجاد کرد. مراسمهای تاج گذاری دو پادشاه آخرسلسله پهلوی در این کاخ انجام می شد و جشنها و مراسمهای و&#۶۵۲۶۷;&#۶۴۳۹۵;ه و با شکوه دیگر دربار نیز دراین مکان برپا می گشت.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91960

vista.ir
Online Classified Service

کاخ‌های امپراتوری متعلق به سلسله"مینگ " و " کینگ " در پکن

مقر بزرگترین قدرت برای بیش از پنج قرن (۱۹۱۱-۱۴۱۶) در شهر ممنوعه در پکن، با مناظر، بوستان‌ها و باغ‌ها و ساختمان‌های متعددش (با بیش از ۱۰۰۰۰ خانه که حاوی اسباب و آثار هنری است) خود گواهی بی بدیل بر تمدن چینی در طول سلسله‌های مینگ و کینگ است. کاخ امپراتوری سلسله کینگ در شن یانگ حاوی ۱۱۴ ساختمان است که بین سال‌های ۱۶۲۵ و ۱۷۸۳ ساخته شده است. این کاخ دارای کتابخانه مهمی است که گواهی بر بنیان سلسله گذشته ای که بر چین حکومت می‌کرد می‌باشد که قبل از این سلسله ، قدرت خود را به مرکز کشور گسترانیده و پایتخت را به شهر پکن برده بود. سپس این کاخ، برای کمک به کاخ امپراتوری در پکن بنا شد. این شاهکار معماری، یک سند تاریخی مهم را به تاریخ سلسله کینگ و قدمت فرهنگی مانچو و سایر قبیله‌های شمال چین پیشکش می‌کند.کاخ‌های امپراتوری کینگ شاهکارهایی را در توسعه معماری کاخ امپراتوری در چین عرضه می‌کند.پیچیدگی‌های معماری کاخ‌های امپراتوری به ویژه در شن یانگ، یک تبادل و تغییر مهم در تاثیرات معماری باستانی و معماری کاخ چینی‌ها را به ویژه در قرون هفدهم و هجدهم نشان می‌دهد. کاخ‌های امپراتوری یک سند و گواه استثنایی را برای تمدن چینی‌ها در زمان سلسله‌های مینگ و کینگ عرضه می‌کند که نشانه ای زیبا از باغ‌ها، معماری، اسباب و لوازم هنر است و به همان خوبی یک گواه استثنایی برای زندگی باستانی و رسوم جادوگری است که به وسیله مردم مانچو در طی قرن‌های متمادی انجام می‌شد.کاخ‌های امپراتوری یک نمونه برجسته از بزرگترین معماری مجلل دسته جمعی را در چین نمایان می‌کند. آنها به خوبی تاسیس و بنیان امپراتوری را از سلسله کینگ و قبل از آن مینگ و یان و به همان خوبی قدمت و سنن مانچو را به تصویر می‌کشند و گواهی بر سیر تکاملی این معماری در قرون ۱۷ و ۱۸ هستند.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=105514

vista.ir
Online Classified Service

کار،آن سوی آب‌های گرم خلیج فارس

فوریه ۲۰۰۴، یک فروند هواپیمای مسافربری متعلق به شرکت کیش ایر که از جزیره کیش راهی شارجه در امارات متحده عربی بود، سقوط کرد و تمام ۴۳ نفر سرنشین آن کشته شدند.

در این پرواز، مهاجران ایرانی برای تبدیل روادید موقت خود به روادید مقیم از کیش برمی‌گشتند. آنان پروانه کار خود را از ابوظبی گرفته بودند. این قبیل سفرها سال‌ها رایج بوده است، چرا که قوانین امارات متحده عربی کارگران را ملزم می‌کند برای تبدیل روادید، از کشور خارج شوند.

معمولا کارگران به کشوری دیگر در خلیج فارس مانند عمان، بحرین، قطر یا ایران می‌روند. اما با شتاب گرفتن رونق اقتصادی امارات متحده عربی، دولت درمورد اجرای این قبیل قوانین سختگیری نمی‌کند و تبدیل روادید و پرداخت هزینه آن را در داخل کشور انجام می‌دهد. این اقدام مطابق با راهبرد دبی برای جذب نیروی کار ماهر از کشورهایی مانند ایران است.

برخلاف مهاجرانی که از افغانستان و از مرز شرقی وارد ایران می‌شوند و از خشونت و فقر کمرشکن می‌گریزند، ایرانیانی که به جاهایی مانند دبی راه پیدا می‌کنند، جذب عناصری مانند امکان تحصیل، آزادی و رفاه می‌شوند. این گروه از مهاجران که با هدف ارتقا و تحرک موقعیت، سفر می‌کنند، بخش اعظم ایرانیانی را که در خارج از کشور زندگی می‌کنند تشکیل می‌دهند.

امارات متحده عربی و به خصوص دبی مقصد جذابی برای مهاجران ایرانی است، چرا که شمار زیادی از آنان در این کشور موفقیت‌های چشمگیری به دست می‌آورند.

در سال ۱۹۹۹، امارت دبی، مرکزی را برای تقویت تفاهم فرهنگی به منظور تسهیل تماس و یکپارچه‌سازی جمعیت خارجی خود افتتاح کرد. در دبی ایرانیان از آزادی اجتماعی و سیاسی برخوردارند، ضمن آنکه نسبتا نزدیک به میهن و خانواده خود هستند. هر ماه بین ۴۰ تا ۵۰ پرواز بین امارات متحده عربی و ایران صورت می‌گیرد. مدت پرواز از تهران به دبی حدود یک ساعت و نیم است.

دولت ایران کاری برای جلوگیری از مهاجرت نمی‌کند. باشگاه ایرانیان که بودجه آن را دولت ایران تأمین می‌کند، بزرگ‌ترین باشگاه در میان باشگاه‌های ملیت‌های خارجی در دبی است که برنامه‌های فرهنگی شبانه برگزار می‌کند و از جمله دارای زمین فوتبال و رستوران است. این باشگاه در منطقه ایرانی‌نشین دبی به نام دیره قرار دارد.

براساس برخی برآوردها، شمار جامعه ایرانیان مقیم دبی به حدود ۴۰۰ هزار نفر می‌رسد که ۲۵ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهد. برخی ایرانیان معتقدند آزادی موجود در دبی مطابق با فرهنگ ایرانی است. به همین علت، شماری از جوانان برای تحصیل در "دهکده دانش" به دبی می‌روند که از کیفیت بالایی برخوردار است.

اغلب جوامع ایرانیان در کشورهای مختلف از وضعیت مساعدی برخوردارند. در حقیقت، آنان تحصیل‌کرده‌تر از مردم کشورهای پذیرنده خود هستند. مثلا در آمریکا، ایرانیان بیش از آمریکایی‌ها یا ۶۷ ملیت دیگر که در یک بررسی جدید گنجانده شدند، مدرک کارشناسی ارشد دارند. به علاوه ۷ دانشگاه ایرانی در دبی وجود دارد و در دانشگاه‌های دیگر از جمله دانشگاه علوم و فناوری عجمان، دانشگاه پلی‌تکنیک دبی و دانشگاه آمریکایی دبی تعداد زیادی دانشجوی ایرانی مشغول تحصیل هستند.

شمار دانشجویانی که در امارات متحده عربی تحصیل می‌کنند، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ ،شش برابر شد و از ۱۷۰۰ نفر به ۹ هزار نفر رسید. با وجود این‌که بسیاری از این دانشجویان به کارآفرینان موفق و غالبا ثروتمند تبدیل می‌شوند، اغلب آنان با پولی که درمی‌آورند، به ایران برنمی‌گردند.

از آنجایی که این مهاجران عموما مرفه هستند، سریع‌تر به محیط جدید خو می‌گیرند و راحت‌تر شغل به دست می‌آورند، کمتر وارد شبکه‌های

ارتباطی در کشورهای خود می‌شوند یا به کشورشان پول می‌فرستند. براساس برخی برآوردها ارزش کل دارایی‌های متعلق به ایرانیان در دبی ۲۰۰ میلیارد دلار است.

● شرکت‌های ایرانی در دبی

با وجودی که سابقه ارتباطات تجاری بین ۲کشور به یکصد سال می‌رسد، این ارتباطات پس از جنگ عراق با ایران به طور چشمگیری شتاب گرفت. از آنجایی که بنادر مهم ایران توسط عراق منهدم شدند یا به شدت آسیب دیدند، کالاهای تجاری در دبی در کشتی‌های کوچک‌تر بارگیری می‌شد تا آنها بتوانند در روستاهای کوچک ایران در سواحل خلیج فارس لنگر بیندازند. هنگامی‌که بازارهای دبی کاملا به روی سرمایه‌گذاری‌های خارجی گشوده شد، ایرانیان جزو اولین کسانی بودند که وارد این بازار شدند.

جامعه ایرانیان مقیم دبی به خصوص در بازار املاک موفق بوده است که شیخ مکتوم راشد المکتوم در سال ۲۰۰۲ آنرا گشود. با رونق گرفتن این بازار که در زمره پردرآمدترین بازارهای املاک در دنیا قرار دارد، ایرانیان فعال در این بازار ثروتمند شده‌اند. امروز آنان بین ۱۰ تا ۳۰ درصد طرح‌های ساخت‌وساز را در دبی در اختیار دارند.

بر اساس برخی گزارش‌ها ایرانی‌ها پس از آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها، سومین پیش‌خریدکننده مهم ساختمان هستند. در حال حاضر، حدود ۴ هزار و ۶۰۰ شرکت ایرانی در دبی فعال هستند که بیش از ۴۵ درصد کل سرمایه ثابت را در این امیرنشین تأمین می‌کنند. میزان سرمایه‌گذاری ایرانیان تا پایان سال ۲۰۰۶ به حدود ۳۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

در سال ۲۰۰۵ حجم مبادلات تجاری بین ایران و امارات متحده عربی حدود ۷ میلیارد دلار بود و به این ترتیب ایران دومین واردکننده بزرگ کالا از امارات است.

● آینده فرارو

ایران در آینده با چالش‌های جمعیتی بزرگی روبه‌رو خواهد شد. در طول ۲ نسل آینده، تغییری در جامعه ایران رخ خواهد داد که سبب خواهد شد ۲۱ درصد جمعیت آن از نیروی کار خارج شوند و به جمع سالمندان مستمری بگیر بپیوندند. تا سال ۲۰۵۰ این گروه سنی حدود یک سوم جمعیت ایران را تشکیل خواهد داد. در این حال، پیش‌بینی می‌شود حضور ایرانیان در عرصه اقتصادی دبی همچنان افزایش خواهد یافت. حضور ایرانیان در این امیرنشین به میزان بی‌سابقه‌ای رسیده است.

در سال ۲۰۰۵، ایرانیان بیش از هر گروه خارجی دیگری در هتل‌های دبی اقامت کردند (۶۳۵ هزار شب). به علاوه، آن دسته از معاملات املاک که ایرانیان در آن ذی‌نفع هستند، ظرف یک سال ۱۰ درصد رشد کرد. با افزایش شمار و رفاه ایرانیان ساکن دبی و بیشتر شدن حضور آنان، مهاجرت ایرانیان باز هم بیشتر و آسان‌تر خواهد شد.

در این حال، دبی همچنان راهبردهای جذب، تولید و حفظ ثروت را ادامه خواهد داد که باعث شده است به یکی از موفق‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل شود. در حال حاضر، این امیرنشین بالاترین میزان درصد میلیونرها را به نسبت سرانه دارد که حدود ۲/۱ درصد است. در آینده نزدیک، ایرانیان همچنان موفق‌ترین گروهی خواهند بود که با خود سرمایه مادی و فکری به امارات متحده عربی می‌برند.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=278152

vista.ir
Online Classified Service

• کاروانسرای هندوها

این کاروانسرای دو طبقه به دست مرحوم حاج سید جواد امام جمعه کرمان حدودسال۱۱۵۰ ه . ش ساخته شد. وجه تسمیه آن از حضور و فعالیت هندی‌ها در زمان قاجاریه اخذ شده است. درضلع شمالی این کاروانسرا معبد هندوها با سبک معماری ویژه‌ای باقی مانده است. کاروانسرای مذکور از دوبخش تشکیل شده است.

• کاروانسرای لحاف دوزی‌ها

این کاروانسرا که در سمت بازار واقع شده به نام دیماری نیز خوانده می‌شود.۱۲ باب حجره دارد که در آنها لحاف‌دوزی می‌کنند. قدمت آن حدود ۱۰۰ سال است.

• کاروانسرای میرزاحسن

این کاروانسرای دو طبقه در سمت چپ بازار وکیل کرمان واقع شده است. ساخت بنای آن به‌فرمان محمد اسماعیل خان وکیل الملک والی کرمان شروع شد و در زمان مرتضی قلیخان در سال۱۲۸۷ ه . ق به اتمام رسید. تعداد پنجره‌ها در طبقه اول ۸۱ باب و در طبقه بالا ۳۹ باب است. سردر ورودی این بنا ازطرف بازار با کاشی‌کاری و گچبری تزئین شده است.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=109252

vista.ir
Online Classified Service

کاش

کاش که یکی از شهرهای مهم لیکیا بود با شهرهای باستانی و آثار تاریخی اطراف خود که متعلق به عصر آنتیک می باشد همراه با سفرهای فرهنگی بسیار لذت بخش ، غواصی های زیر آبی که هیجانات ناشی از زیباییهای دریای مدیترانه را به اوج می رساند ، تورهای پر ماجرای کانو در رودخانه ها، پیاده روی در طبیعت و کشف هارمونی اکولوژیکی ، گردش در غارهای عمیق و تاریک با تجهیزات فنی مدرن ، منظره آبهای جاری از کوههای سر به فلک کشیده ، چتر بازی ، جزایری که سنگهای گرانبهای مدیترانه را به یاد می آورد، تورهای قایق سواری ، غذاهای تهیه شده از محصولات دریایی ، تنوع غذاهای محلی که با سبزیجات صحرایی معطر تهیه میشوند ، میراث چندین ساله ، تنوع و زیبایی صنایع دستی ، غنای فرهنگی و تاریخی و طبیعی کاش و ارتباط با مراکز گردشگری آنتالیا و شهرهای مجاور و با امکانات متنوع توریستی یک شهر رویایی به شمار می آید.

• تاریخ :

نام این شهر که بر اساس آثار باستان شناسی بدست آمده هابسوس (Habesos) بود ، قدیمی ترین نام این شهر باستانی است . شهر آنتیک در تاریخ Antiphellos نامیده میشد. Antiphellos که در تقاطع جاده هایی که مناطق کاریا و لیکیا را به هم متصل می نمود قرار داشت ، در واقع یک بندر تجاری بود . در هنگام سفر پادشاه مقدونیه اسکندر کبیر به آناطولی ، تحت حاکمیت این پادشاهی در آمده است . منطقه پس از مرگ اسکندر در جوانی ، بین Seleukos ها و Ptolemaios ها دست به دست گردیده است. شهر آنتیک در دوره روم اهمیت یافته و در دوران بیزانس مرکز اسقف ها گردیده است. در این زمان در معرض هجوم اعراب قرار گرفته و سپس با ضمیمه شدن به سرزمین سلجوقیان نام Andifli را برای خود انتخاب نموده است . پس از سرنگونی دولت سلجوقی آناطولی ، خاندان &#۳۰۵;tekeogullar حکومت را در دست گرفت . دولت عثمانی این شهر را در زمان بایلدریم بایزید ضمیمه سرزمین خود نمود.

● آب و هوا :

آب و هوای کاش با ویژگیهای آب و هوایی مدیترانه ، دارای تابستانهای گرم و خشک و زمستانهایی معتدل است .

● راه ارتباطی :

▪ جاده زمینی :

از طریق فتحیه ، آنتالیا ، کمر ، کوملوجا ، فینیکه و دمره می توان به کاش رفت و آمد نمود. هنگامیکه از مسیر آنکارا به کاش سفر می کنید پس از گذشتن از شهر بوجاک از دوراهی کورکوتلی پیچیده و از طریق المالی - گومه سفر کنید. بدین طریق مسیر نسبت به مسیر ساحلی آنتالیا ۱۰۰ کیلومتر کوتاهتر میشود. ـ تلفن ترمینال : (۶ خط) ۳۳۱۱۲۵۰ (۰۰۹۰۲۴۲)

▪ مسیر هوایی :

کاش در فاصله ۱۹۲ کیلومتری فرودگاه آنتالیا و در ۱۶۰ کیلومتری فرودگاه دالامان قرار دارد. تلفن فرودگاه : ۷۹۲۵۲۹۱ - ۳۳۰۳۶۰۰ - ۳۳۰۳۰۳۰ (۰۰۹۰۲۴۲)

● اماکن دیدنی

▪ گومبه :

در ۶۰ کیلومتری کاش و بروی جاده المالی قرار دارد. جنگلهای کاج و سروی که در طول راه وجود دارد گویا در تلاش برای پنهان کردن روستاها می باشند. گومبه با آب های سرد و سیب های خوشمزه یک منطقه مشهور است . مراکز پذیرایی که به گردشگران خدمت می کنند با غذاهایی محلی که از سبزیجات معطر منطقه تهیه شده اند برای لذت بردن از طبیعت به کمک می آیند. مرتفع ترین کوه منطقه بنام آک داغ با ارتفاع ۳۰۲۴ متر در این ناحیه قرار دارد. یشیل گول و اوچارسو ، مکان ایده آلی برای فرار از گرمای تابستان و عاشقان پیاده روی است . این منطقه با بستنی که از برف کوههای مجاور تهیه می شود و نیز با شربت برفی خود مشهور است.

▪ کالکان (کالاماکی) :

در فاصله ۲۵ کیلومتری کاش قرار داشته و در ساحل یک گردشگاه واقع شده است .این منطقه با هتلها ، پانسیونها ، رستوران و مراکز خرید و فروش مناسب ، همه ساله نظر هزاران گردشگر را به خود جلب می نماید. بافت معماری و شهری کالکان تغییر زیادی نکرده است. بندر کشتی های تفریحی هر نوع نیاز لازمه را تامین و بر طرف می نماید. غاری بنام غار دریایی کبوتر که پناهگاه کبوتران بسیاری شده است در ۲ کیلومتری کاش قرار دارد و بوسیله قایق رفت و آمد میشود.

▪ ساکلی کنت :

در ۶۰ کیلومتری کاش قرار دارد . برای رسیدن به دره ساکلی کنت که طبیعتی فوق العاده دارد می باید از یک پل چوبی بطول ۱۰۰ متر عبور کرد . در این دره رستوران و مرکز پرورش ماهی قزل آلا وجود دارد . طول این ۱۸ کیلومتراست که ۶ کیلومتر آن برای پیاده روی بسیار مناسب است . این منطقه مکان ایده آلی برای فرار از گرمای تابستان ، شفا کردن در آبهای خنک و استراحت در زیر درختان تنومند چنار می باشد.

● شهرهای آنتیک :

▪ Antiphellos :

آنچه که از شهر های آنتیک تا به امروز مانده ، گور سنگهای موجود در شمال شهر و کتیبه های سنگی لیکیا می باشد.با شکوهترین این کتیبه ها

گور تاریخی لیکیا است که در بین مردم بنام گور پادشاه نامیده می شود و در جاده اوزون چارشی امروزه قرار دارد . (قرن چهارم پیش از میلاد) یکی ازآثار مهمی که در Antiphellos بدست آمده، تئاتر آنتیک کاش می باشد .

این بنا که ۴۰۰۰ نفر ظرفیت دارد در قرن دوم میلادی تعمیر گردیده است . این تئاتر که از ۲۶ پلکان تشکیل شده فاقد سن نمایش است . بزرگترین ویژگی این بنا آن است که این تئاتر تنها تئاتری در آناطولی است که جبهه ای بطرف دریا دارد. در سمت شمال شرق تئاتر یک گور اتاقی نوع Dor متعلق به قرن چهارم پیش از میلاد که بنام آکدام Akdam نامیده می شود نیز قرار دارد. این بنا از برش خوردن سنگهای طبیعی ساخته شده است . ارتفاع این بنا ۵/۳ متر بوده و در داخل آن فیگور ۲۴ دختر که دست در دست هم مشغول رقص می باشند مشاهده می گردد. یک پرستشگاه نیز بروی جاده بیمارستان که جبهه خارجی آن از سنگهای منظم بریده شده قرار دارد. طی حفاریهای انجام یافته مشخص گردید که سنگ زیربنای این ساختمان از دوره روم باقی مانده است.

▪ پاتارا (Patara) :

در فاصله ۴۱ کیلومتری کاش قرار دارد . شهر آنتیک در کرانه شرقی بندر واقع گردیده ودر یک اراضی وسیع ساخته شده بود .شهر و بندر در مدخل ورودی یک وادی بطول تقریبی ۳ کیلومتر قرار دارد. بندر پاتارا پس از آنکه با رسوبات رودخانه Xanthos پر شد به وضعیت امروزی درآمد. اولین بار هرودوت از این شهر نام برده است .طبق روایات ، پاتارا ، زادگاه اپولون و موسس شهر Superisi Lykia بوده است . تاریخ تاسیس این شهر فعلا" قرون ۴ و ۵ پیش از میلاد می دانند. شهر در دوره بیزانس نیز موقعیت مهمی بدست آورده است . زیر Saint Nichola که از آن بعنوان بابانوئل یاد میشود اهل پاتارا بوده است. Saint Paui برای عزیمت به روم از پاتارا سوار بر کشتی شده است . پاتارا در دوران اولیه مسیحیت مرکز کشیشان بود. در هنگام ورود به پاتارا و بروی جاده ، گورهای یادبود متعلق به دوره روم از نوع لیکیا دیده میشود. در مدخل ورودی همچنین آثار باقیمانده ظفر تقی ، کلیسای بندر که در زیر آب مانده و حمام حرمالوک (نخلستان) قرار دارد . در حدود ۱۰۰ متر جلو تر نیز در حفاریهای اخیر ، راهنمای جاده ای که فاصله بین شهرهای لیکیا را اندازه می گرفت پیدا شده است . این راهنما ، قدیمی ترین تابلو جاده های زمینی جهان است.

حمام Vespasinnus که در شهر آنتیک قرار دارد در بین سالهای ۷۹-۶۹ میلادی ساخته شده است. اگر جاده کنار حمام را ادامه دهیم به جاده اصلی پاتارا که با مرمر مفروش گردیده خواهیم رسید . در ادامه جاده به دیوارهای عریض قلعه بیزانس برخورد می نمائیم . در شرق این قلعه پرستشگاه Korint و در غرب آن نیز کلیسای بیزانس قرار دارد. تئاتر پاتارا در قرن دوم پیش از میلاد ساخته شده و ظرفیت تقریبی آن ۱۰۰۰۰ نفر بوده است . قسمتهایی از تئاتر که با شن پر شده بود تمیز گردیده و بنا بیرون آورده شده است . حفاریهای باستان شناسی در شهر آنتیک پاتارا همچنان ادامه دارد. پلاژ پاتارا بطول ۱۸ کیلومتر (که در عرض آن بین ۲۸۰ الی ۱۵۰۰ متر متفاوت است) طولانی ترین ساحل شنی پلاژ در ترکیه است . پلاژ پاتارا که از سوی وزارت محیط زیست بعنوان " منطقه حفاظت شده " اعلام گردیده محل تولید مثل لاک پشت های دریایی Caretta-Caretta می باشد . جهت تداوم محیط اکولوژیکی لاک پشتهای Caretta-Caretta ، تدابیر حفاظتی با حساسیت فراوانی اعمال میشود. در پاتارا که یک منطقه گردشگری شمرده میشود ، تعداد بسیاری تاسیسات پذیرایی و اسکان ، هتل ، متل ، پانسیون ، مراکز خرید و فروش و رستورانهایی که غذاهای سنتی لذیذی ارائه می کنند وجود دارد. در این منطقه همچنین تولید محصولات گلخانه ای توسعه یافته است .

▪ Xantos :

در ۴۵ کیلومتری کاش و در ناحیه K&#۳۰۵;nik قرار دارد. این شهر در کرانه شرقی رودخانه Xantos ساخته شده و پایتخت لیکیا بوده است .آثار سطحی بدست آمده از اکروپلیس شهر ، تاریخ ساخت این شهر را قرن هشتم پیش از میلاد ثبت کرده است. اولین تحقیقات در مورد شهر آنتیک در سال ۱۸۳۸ از سوی Charles fellows انجام گرفته ولی متاسفانه ، گورسنگها ، یادبود Nereidier ، یادبود Harpyier ، تخت Payave گور شیری به موزه British museum برده شده است. حصارهای شهر در دوره های روم و بیزانس تعمیر گردیده و قسمتهای مختلفی به آن اضافه شده است. در جنوب ، یک درب متعلق به قرن دوم پیش از میلاد قرار دارد. در پشت این درب کمرهای پیروزی امپراتور Vespasianus مشاهده می شود . در جنوب غربی نیز اکروپلیس لیکیا که محل اولیه تاسیس شهر است دیده میشود . خرابه های یک پرستشگاه که احتمالا" متعلق به Artemis بود و نیز اکروپلیس یک کلیسای متعلق به بیزانس نیز وجود دارد. در اکرو پلیس روم در سمت شمال نیز یک عبادتگاه پرشکوه جلب نظر می کند. تئاتر در قرن دوم ساخته شده و متعلق به دوران روم می باشد.

▪ Phellos :

در فاصله ۱۲ کیلومتری کاش و بروی دشت فلن Felen در تپه های مشرف به اطراف ساخته شده است . Phellos در قرن چهارم پیش از میلاد شهر بسیار مهمی بوده است . شهر Anti Phellos بندرگاه Phellos بود. بخشی از حصارهایی که اطراف شهر Phellos را در بر گرفته بودند هنوز هم

پابرجاست. گورهای موجود درشهر و نیز سایر گورهای متعلق به قرن چهارم پیش از میلاد و گورهای سنگی اتاقی ، اطراف شهر را گرفته اند.

▪ sinda;۳۰۴#& :

در فاصله ۱۳ کیلومتری کاش و در کنار روستای بلنلی بروی یک تپه ساخته شده است. sinda;۳۰۴#& یک شهر کوچک لیکیا بوده و اطراف آن را حصارها در بر گرفته است . در وسط اکروپل موجود در شهر دو گور سنگ نوع اتاقی با نوشته هایی به زبان لیکیا جلب توجه می نماید. همچنین تعداد بسیاری گور سنگی گورهای متعلق به دوره روم تا به امروز باقی مانده است.

▪ Bezirgan) P&#۳۰۵;rhs)

یک روستای صحرایی مهم است . خرابه های Pirha را می توان با یک پیاده روی ۲۰ دقیقه به خارج از روستا مشاهده نمود. شهر آنتیک در ارتفاع ۸۵۰ متری از سطح دریا ساخته شده است . در این منطقه گور سنگهای فراوانی وجود دارد که جهت همگی آنها بطرف دریا می باشد. گورها نیز به شکل پراکنده ای می توان مشاهده نمود . همچنین مجسمه و گور نیز بدست آمده است که در موزه آنتالیا نگهداری می شود.

▪ Nisa (نیسا) :

در ۶۰ کیلومتری کاش قرار داشته و یک روستای صحرایی مهم است . محل آثار باستانی در فاصله ۱۵ دقیقه ای روستا ست . نام دیکر این شهر Neiseus می باشد که بروی دیوار تئاتر نوشته شده است . در نیسا آثار باقیمانده از دوران روم و بیزانس قرار دارد. در جبهه جلویی بعضی گورها تصاویر زن و مرد و مضراب دیده میشود. شهر آنتیک دارای Agora و تئاتر می باشد. سکه های ضرب شده در دوره لیکیا در موزه آنتالیا نگهداری می شود.

● فعالیتهای ورزشی :

▪ غواصی :

در سالهای اخیر ، کاش یکی از مراکز مهم غواصی با اهداف گردشگری جهان شده است . باشگاههای غواصی که در بندر قرار دارد همه ساله برای نشان دادن قدیمی ترین مغروقهای مدیترانه ای به گردشگران داخلی و خارجی با یکدیگر رقابت میکنند. در کاش و اطراف آن غارهای دریایی بسیار جذابی وجود دارد. در بعضی از این غارها می توان شنا نمود. و در بعضی ها نیز با وسایل مجهز غواصی کرد.

این غارها عبارتند از : غار دریایی جزیره گل اوا ، غار دریایی جزیره آشیرلی ، غار دریایی گوورچین (کبوتر) و مشهورترین آنها غار ماوی (رنگ آبی) است . غار ماوی در ۱۹ کیلومتری کاش و در ۱۶ کیلومتری کالکان قرار دارد.

▪ چتر بازی دامنه ای :

آخرین تحقیقات بعمل آمده نشان داده است که کاش با توجه به ویژگیهای جغرافیایی و آب و هوایی یکی از مناسب ترین مکانهای ترکیه برای چتر بازی(از دانه های کوه) می باشد. پروازها با تجهیزات کامل و تحت نظر متخصصین انجام می گیرد.

▪ کانو : رودخانه اشن چای که در ۴۵ کیلومتری کاش قرار دارد برای کانو سواری بسیار مناسب است.

آژانس های سیاحتی فعال در منطقه تورهای کانو برگزار می کنند . تورها از ناحیه کینیک Kinik آغاز و پس از طی مسافتی در حدود ۱۵ کیلومتر در سواحل شنی پاتارا به پایان می رسد. بعلت جریان بسیار آرام رودخانه ، هیچ خطری وجود ندارد. مناظر اطراف رودخانه و پوشش گیاهی آن بسیار جالب است . در هنگام برگزاری تور ، فرصت هایی برای شنا کردن ، حمام گل و صرف غذا داده میشود. برای انجام ورزش کانو که در دریا انجام میگیرد ، بوسیله وسائط نقلیه از کاش به روستای اوچ آغیز رفته میشود. پس از سوار شدن به کانوها ، گردشگاههای بی همتا ، زیبایی های تاریخی ، شهر مغروق (غرق شده) و سینما را دیده و فرصتهایی برای شنا کردن و غذا خوردن داده میشود . مدت این تور ۴ ساعت است .

▪ پیاده روی در طبیعت :

کاش ، با توجه به نزدیکی شهرهای لیکیا به یکدیگر ، برای علاقمندانی که تمایل دارند با پیاده روی از این شهر ها بازدید کنند مسیر پیاده روی ایجاد نموده است. شبه جزیره ، لیمان قاضی ، تپه قدیمی ، Phelios ، کچی اورن ، کوه آساز و گومبه ، مسیرهای دیگری برای پیاده روی می باشد.

▪ توری آبی (رنگ) :

کاش ، یکی از ایستگاههای مهم و نقاط شروع تور آبی می باشد. قایق هایی که به بندر کشتی های تفریحی کاش پذیرش می شوند امکاناتی از قبیل آب ، برق ، بنزین ، دوش و رختشویخانه ارائه میگردد.

▪ ماهیگیری :

کاش دارای بهترین و تمیزترین آب دریای مدیترانه و بدور از هر گونه آسودگی است . به همین جهت صید ماهی و محصولات دریایی توسعه یافته است . انواع ماهی ها و بویژه کفال در این منطقه صید میشود . همچنین صید خرچنگ و ماهی مرکب نیز رواج داشته و بطور روزانه در رستورانها بفروش می رسد. در سالهای اخیر حوضچه های پرورش ماهی قزل آلا در شهرستانهای گومبه و ساکلی کنت تاسیس شده است.

• پلاژها :

مکان ملاقات دریای آبی و شن های طلایی ، نشانی پلاژهای بی نظیر کاش است . پلاژهای کوچوک چاکیل بیوک چاکیل و الچا گرمه و سیمان قاضی از پلاژهای مهم و محل ایده آلی برای علاقمندان به ورزش شنا میباشد. پلاژ بسیار جالب و حیرت آور کاپو تاش ، در فاصله ۱۹ کیلومتری کاش قرار دارد. برای ورود به این پلاژ باید از ۱۹۲ پله به پایین رفت . رنگ طلایی شفق ها و تلالو همه رنگهای آبی در زیر تابش آفتاب ، از ویژگیهایی است که جذابیت این پلاژ را افزایش می دهد.

• خوردنی ها :

غذاهای سنتی مدیترانه بسیار مشهور است. در منطقه محصولات کشاورزی تازه که در همه فصول بدست می آید ، بصورت روزانه عرضه میشود.انواع غذاهای گوشتی ، محصولات دریایی و سوپ ماهی آن مشهور است.زنبور داری و باغداری در منطقه توسعه یافته است . عسل کاراکووان و عسل کاج از محصولات خریدنی مناسب است . شیره ای بنام گچی بوینوزو (Keciboynuzu) (شاخ بز) که از گیاهی به همین نام تهیه می شود و بطور فراوانی در منطقه وجود دارد مخصوص منطقه است.

• خریدنی ها :

در کاش و اطراف آن گلیم و بافتنی های دستی تولید میشود . گلیم باراک که مخصوص منطقه است و نیز پارچه ای بنام K&#۳۰۵;lcar که از کرک بز بافته میشود مشهور است . شال و روسری نیز از محصولات کادوئی منطقه و سوغاتی خوبی برای دوستان و آشنایان است . همچنین صندوقهای جهیزیه از چوب گرده،صندلی های چوبی ، قاشق های چوبی و وردنه نیز از دیگر محصولات منطقه است . جمعه بازار کاش نیز بسیار مشهور است.

▪ بدون دیدن برنگرد

ـ بدون دیدن شهرهای باستانی نواحی اطراف

ـ بدون دیدن شهرهای غرق شده اوچ آغیز را با قایق سواری

ـ بدون چتر بازی و غواصی در زیر آب

ـ بدون خریدن گلیم باراک و صنایع دستی

ـ بدون خوردن عسل کاراکووان ، شیره Kec&#۳۰۵;boynuzu

ـ بدون رفتن به جمعه بازار برنگردید.

▪ تلفن های ضروری :

ـ فرمانداری : ۸۳۶۱۰۰۴ (۰۰۹۰۲۴۲)

ـ شهرداری : ۸۳۶۱۰۲۰ (۰۰۹۰۲۴۲)

ـ اطلاعات گردشگری : ۸۳۶۱۲۳۸ (۰۰۹۰۲۴۲)

ـ پلیس : ۸۳۶۲۵۹۶ (۰۰۹۰۲۴۲)

ـ ژاندارمری : ۸۳۶۱۰۰۷ (۰۰۹۰۲۴۲)

ـ بیمارستان : ۸۳۶۱۱۸۵ (۰۰۹۰۲۴۲)

ـ اداره بندر : ۸۳۶۲۴۵۵ (۰۰۹۰۲۴۲)

ـ گارد ساحلی : ۸۳۶۲۴۵۵ (۰۰۹۰۲۴۲)

منبع : سایت سفارت ترکیه

http://vista.ir/?view=article&id=340591

vista.ir
Online Classified Service

کاشان

بی شك آثار و دیدنی‌های این شهرستان و شهرهای تابعه همچون قمصر، نیاسر، برزك و... نیاز به زمان زیادی دارد.

●باغ فین

از اصفهان که به کاشان وارد می‌شویم اولین اثری که جلب توجه می‌کند باغ فین کاشان است. باغ فین، شاید یکی از مشهورترین و پربیننده‌ترین باغ‌ها و موزه‌ها در ایران باشد امیرکبیر چهل شبانه‌روز در آن اقامت داشت و پس از آن به شهادت رسید. این باغ در جنوب کاشان و در مجاورت چشمه سلیمانیه و به مساحت نزدیك به ۲۴ هزار متر مربع قرار دارد و شامل مجموعه‌های سردر و برج و بارو- شتر گلوی صفوی- شتر گلوی قاجاری- حمام کوچك- حمام سلطنتی- بنای خلوت کریم‌خانی- اتاق شاه‌نشین، موزه و... می‌باشد. از دیگر وقایع مهم سیاسی و تاریخی که در این باغ رخ داده است می‌توان به تاجگذاری شاه اسماعیل و شاه عباس دوم اشاره کرد.

نشانی: انتهای خیابان امیر کبیر.

●تپه‌های باستانی سیلك Sialk (هفت هزار سال قدمت)

این تپه‌ها در ۳ کیلومتری جنوب غربی کاشان قرار دارد که بنابر تحقیقات باستان‌شناسی یکی از نخستین مراکز تمدن و اسکان بشر ماقبل تاریخ شناخته شده است. سیلك در حال حاضر مشتمل بر یك تپه شمالی و یك تپه جنوبی است که به فاصله ۵۰۰ متر از یکدیگر قرار دارند و در جلوی آنها گورستانهایی از انسانهای ماقبل تاریخ وجود دارد. با توجه به بررسی‌های علمی پروفسور گریشمن در سال ۱۳۱۱ شمسی (۱۹۳۳) میلادی قدمت این تپه‌ها به هزاره پنجم تا اول قبل از میلادی می‌رسد و آثاری از اشیاء باقیمانده آن در موزه‌های لوور فرانسه، ملی ایران و باغ فین موجود می‌باشد. این مکان در تاریخ ۱۳۱۰ جزء آثار ملی به ثبت رسید.

نشانی: کیلومتر ۳ خیابان امیرکبیر- جنب شهرك امیرالمومنین (ع).

●خانه بروجردی

خانه بروجردی از مشهورترین خانه‌های تاریخی این شهر است. خانه‌ای فوق‌العاده زیبا که در سال ۱۲۷۵ هجری قمری توسط استاد علی مریم یکی از معماران معروف کاشان ساخته شد

خانه بروجردی از مشهورترین خانه‌های تاریخی این شهر است. خانه‌ای فوق‌العاده زیبا که در سال ۱۲۷۵ هجری قمری توسط استاد علی مریم یکی از معماران معروف کاشان ساخته شد اداره میراث فرهنگی و گردشگری کاشان نیز در همین خانه قرار گرفته است.

مساحت این بنا حدود ۳۰۰۰ مترمربع و شامل دو حیاط اندرونی و بیرونی است نقاشی‌های این بنا در شیوه‌های متنوع و با رنگ و روغن و آبرنگ و زیر نظر هنرمند نامدار، مرحوم میرزامحمد خان غفاری ملقب به کمال‌الملك طراحی و اجرا شده است. در بام تالار نیز نورگیرها و بادگیرهای بسیار جالب خودنمایی می‌کند که از نظر طرح و اجرا در زمره آثار بدیع معماری سنتی ایران است.

نشانی: خیابان علوی- جنب امامزاده سلطان امیراحمد.

●خانه طباطبایی

این خانه در جوار بقعه مبارکه امامزاده سلطان امیر احمد قرار دارد و به خاطر اینکه سنگ بنای این خانه را به شخصی به نام حاج سید جعفر طباطبایی بنا نهاده است به خانه طباطبایی مرسوم و مشهور گردیده است. این خانه در زمینی به مساحت ۴۷۳۰ متر مربع و در حدود سال ۱۲۵۰ ه.ق با مهارت و هنرمندی معمار معروف کاشانی استاد علی مریم احداث گردیده است. مبنای این خانه شامل ۵ درب ورودی و چهار حیاط بزرگ می‌باشد. قسمت اندرونی عمارت، ضلع شمالی بنا می‌باشد که شامل اتاق پنج دری ساده و سرداب بزرگ با مشخصات منحصر به فرد بادگیر، سقف ضربی، نوع مصالح به کار رفته و دو جداره بودن بدنه و دو حیاط می‌باشد. قسمت بیرونی شامل تالار بزرگ (اتاق شاه‌نشین) در مرکز با نورگیرها و پنجره‌های مشبك و دو جداره که عمودی باز و بسته می‌شود به همراه يك حیاط اصلی و يك حیاط که متعلق به خدمه بوده است. این خانه در تاریخ ۱۳۵۵ جزء آثار ملی به ثبت رسید.

نشانی: خیابان علوی- جنب امامزاده سلطان امیراحمد.

●خانه عباسیان

مجموعه‌ی عباسیان بنابر نظر کارشناسان معماری جزء برجسته‌ترین آثار معماری اسلامی و یکی از نامزدهای دریافت جایزه بهترین بناهای مسکونی اسلامی است

این مجموعه در سال ۱۲۴۵ هجری قمری در محله‌ی سلطان امیراحمد ساخته شده است. صاحب اولیه بنا شخصی به نام مرحوم حاج محمد ابراهیم تاجر بوده که ایشان یکی از تجار خوشنام کاشان بوده است. مجموعه‌ی عباسیان بنابر نظر کارشناسان معماری جزء برجسته‌ترین آثار معماری اسلامی و یکی از نامزدهای دریافت جایزه بهترین بناهای مسکونی اسلامی است. معمار این خانه مشخص نیست. این مجموعه به مساحت حدود ۵۰۰۰ متر مربع شامل ۵ حیاط است که معماری آن به صورت گودال باغچه و یکی از حیاطهای آن به صورت دو طبقه با حیاط مسقف ساخته شده است. خانه‌های عباسیان به لحاظ معماری، دارای طرحی بسیار قوی و غنی و از نظر تزیینات گچ‌بری و نقاشی و کاربری تزیینات معماری اسلامی نظیر: رسمی‌بندی، یزدی‌بندی، کاربندی، قطاربندی، مقرنس و مشبك در اوج زیبایی و ظرافت است. این خانه در تایخ ۱۳۷۷ جزء آثار ملی به ثبت رسید.

نشانی: خیابان علوی

●خانه عامریها

این خانه در محله‌ی سلطان امیراحمد واقع شده است و بزرگترین خانه‌ی تاریخ کاشان به شمار می‌رود. قدمت اولیه‌ی این خانه به زمان زندیه برمی‌گردد، که حیاطهای اصلی اندرونی و بیرونی در همان زمان ساخته شده است. سپس در زمان قاجاریه توسط حسام‌السلطنه حیاطهایی به این خانه اضافه شده است. این خانه شامل ۷ حیاط و حدوداً ۸۵ اتاق می‌باشد که ۵ حیاط آن مرمت شده و قابل بازدید می‌باشد. سیستم معماری آن به صورت گودال باغچه می‌باشد و در تمام حیاطهای این خانه سیستم حوضخانه و گردش جریان آب طراحی شده است که در تابستان استفاده می‌شده است. طراحی و معماری این خانه به دلیل داشتن مسیرهای زیرزمینی در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد. مساحت این خانه حدوداً ۷۰۰۰ متر مربع می‌باشد.

نشانی: خیابان علوی

●مجموعه‌ی تاریخی بازار

یکی از مهمترین آثار تاریخی و دیدنی کاشان مجموعه‌ی بازار است. قدمت این بازار را مربوط به دوران سلجوقی می‌دانند

یکی از مهمترین آثار تاریخی و دیدنی کاشان مجموعه‌ی بازار است. قدمت این بازار را مربوط به دوران سلجوقی می‌دانند اما دوران رواج بازار مربوط به زمان صفویه و به خصوص دوران شاه عباس اول است به همین علت اکثر سیاحان و جهانگردانی که در زمان صفویه و قاجاریه به ایران آمده و از کاشان هم بازدید کرده‌اند و عظمت و شکوه بازار کاشان را ستایش کرده‌اند. در مجموعه تاریخی بازار علاوه بر راسته بازارهای اصلی نظیر: مسگرها، زرگرها، کفاشها، بزازها و بازارچه‌های میانچال، ملك، ضرابخانه و رنگرزها، مساجد، بقاع، کاروانسراها، تیمچه‌ها، حمامها و آب‌انبارهای متعدد و مختلفی بالغ بر ۶۰ اثر تاریخی که هریك در دوره خاصی ساخته شده‌اند وجود دارد. ضمناً مراکز مختلف فرش فروشی، صنایع دستی و سوغات کاشان در این بازار به چشم می‌خورد این مجموعه به سال ۱۳۵۵ به ثبت آثار ملی رسید.

نشانی: میدان کمال‌الملك- ابتدای خیابان بابا افضل.

●مسجد جامع

این بنا مربوط به قرنهای اولیه‌ی اسلامی است که از دیگر بناهای تاریخی کاشان، دارای قدمت بیشتری است. این بنا دارای مناره آجری زیبایی است که دارای کتیبه آجری و به خط کوفی و دارای تاریخ ۴۶۶ ه.ق است که نشان دهنده اهمیت و اعتبار مسجد در دوره‌ی سلجوقیان می‌باشد. در لایه‌برداری‌های اخیر از گچ‌بری‌های محراب عصر سلجوقی، آثار و تزییناتی متعلق به دوره آل بویه کشف و شناسایی شده است. در شبستان تابستانی این بنا که در زیر شبستان زمستانی قرار دارد طرحهای بسیار زیبای کاشیکاری دیده می‌شود و در کف این شبستان آثاری از کوره‌های پخت ظروف چینی توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی کشف شده است. این بنا دارای گنبدی آجری است که پس از زلزله معروف سال ۱۱۹۲ ه. ق که مسجد آسیب فراوان دید به وسیله عبدالرزاق‌خان کاشی به صورت اساسی تعمیر شد و این موضوع در کتیبه‌ی خط ثلث در زیر گنبد مسجد به سال ۱۲۰۷ ه. ق مشخص شده است.

نشانی: خیابان بابا افضل

●ابیانه

این روستای کاهگلی ارغوانی در دامنه شمال غربی کوه کرکس و در حدود ۷۰ کیلومتری کاشان قرار دارد. این روستا ضمن آنکه یکی از خوش آب و هواترین روستاهای منطقه کاشان است، یکی از زیباترین روستاهای ایران و جزء کهن‌ترین آنها از حیث معماری سنتی می‌باشد که آثاری از دوره هخامنشیان تا قاجاریه در این منطقه دیده می‌شود. بافت فشرده روستا، کوچه‌های پیچ در پیچ، ساباتهای (راهروهای روپوشیده) زیبا و سایه روشنهای دلپذیر ناشی از آنها، مسجد جامع و پنجره‌های مشبك و زیبای آن (با تاریخ ساخت ۷۶۶ ه.ق)، آتشکده هاریاك و حفظ آداب و رسوم زندگانی به خصوص طرز لباس پوشیدن سنتی مردم روستا مورد توجه و همگی حکایت از تاریخی کهن و فرهنگی غنی و اصیل دارد. این اثر در سال ۱۳۵۴ جزء آثار ملی به ثبت رسید.

نشانی: کیلومتر ۷۰ جاده قدیم کاشان- نطنز

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227202

vista.ir
Online Classified Service

کاشان؛ شهر بامهای گنبدی

روزگار فرصتی داد و عمر مددی رساند تا روزهای فرخنده ی عید نوروز به همراه دیگر گردشگران و ایران گردان، گذری کنیم بر استان هایی از ایران، سرزمین آتش جاویدان و نظری افکنیم بر بخش هایی از آثار تاریخی و تمدنی میهن. در این مدت آنچه دیدم به چشم، شنیدم به گوش، درک کردم به ذهن خلاصه وار به قلم می آورم تا بماند، به دل می سپارم تا نمیرد و تقدیم می کنم به خوانندگان ارجمند و دوست داران تاریخ و میراث گرانبهای کشورمان.

هر آن چه از جاذبه های تاریخی و آثار فرهنگی در برخی از شهرهای پنج استان اصفهان، یزد، کرمان، هرمزگان و فارس مشاهده شد حاصل فکر، اراده و تلاش انسان ایرانی بوده در جهان قدیم، محصول هنر او بوده که از وجود، ذهن و دلش الهام گرفته است. به یقین، هرچه هست از ذهن و اراده و

دل انسان است. اساسا جهان، انسان صغیر است و دل انسان، جهان کبیر و عجیب.

چیست اندر خانه کاندر شهر نیست؟ - چیست اندر جوی کاندر نهر نیست؟

این جهان جویی است، دل چون نهر آب - این جهان خانه است، دل شهر عجاب (مولانا)

در راه سفر به استان یزد، در کاشان توقف کردیم و ابتدا سری زدیم به باغ فین و حمام فین کاشان در دامنه ی کوهستان. باغ و حمام فین محل قتلگاه میرزا تقی خان امیر کبیر از مصلحان بزرگ ایرانی بوده که از سال ۱۳۸۳ خورشیدی پس از تجهیز، برای بازدید عموم شروع به فعالیت کرده است.

باغ فین از بناهای دوره ی صفویه، زندیه و قاجاریه است و به علت داشتن درختان کهن و حوض و استخر و فواره های فراوان و برج و بارو و ساختمان حمام تاریخی آن، شهرت دارد و مورد توجه گردشگران ایرانی و غیر ایرانی است.

سپس به محله ی سلطان امیر احمد در خیابان علوی کاشان رفتیم و از حمام زیبا و قدیمی "سلطان امیر احمد" که مربوط به دوره ی صفوی است و نیز خانه ی عامری ها و بروجردی ها بازدید کردیم. حمام تاریخی سلطان امیر احمد یکی از زیباترین حمام های ایرانی از نظر معماری و تزیینات داخلی است. قدمت این بنا با وسعت تقریبی هزار متر مربع به دوره ی صفویه باز می گردد. بخش های مختلف این حمام دو قلو عبارتند از: پیشخوان و هشتی، راهروهای ارتباطی، سربینه، اتاق نشیمن... بام این حمام به عنوان یکی از جالبترین بام های گنبدی شکل بوده و شامل چاهخانه و مخزن آب حمام است.

خانه های تاریخی عامری ها مجموعه ای است مشتمل بر چند ساختمان و حیات مرکزی که در دوره ی زندیه و با معماری سنتی و متناسب با اقلیم کاشان احداث و در قرن سیزدهم هجری قمری به وسیله ی مرحوم سهام السلطنه ی عامری به عنوان محل سکونت فامیلی توسعه یافته است.

خانه های وسیع بروجردی ها نیز در قرن ۱۳ هجری به وسیله ی تاجران معروف کاشان از جمله "سید جعفر بروجردی" ساخته شده و از نظر معماری و تزیینات گچ بری و نقاشی دارای اهمیت فراوان است. نقاشی های این بناها توسط هنرمندان معروف آن زمان مانند "صنیع الملک غفاری کاشانی" و "کمال الملک" ترسیم شده است.

دیدن آثار تاریخی و فرهنگی ایران به تفکر در تاریخ، آگاهی از تاریخ، آشنایی با وضع زندگی اجداد و نیاکانمان و عبرت گرفتن از سرنوشت جوامع و حکومت های گذشته منجر می شود. یکی از عوامل سقوط جامعه، جهل به تاریخ و آثار تاریخی و عبرت نگرفتن از سکوت اجتماعات گذشته است. دوام و بقای جامعه و حکومت در گرو این است که از جهل و نادانی به ویژه نسبت به تاریخ رهایی یابد چه آنکه به تعبیر مولانا " آفتی نبود بتر از ناشناخت".

آگاهی و آشنایی ما با جهان گذشته ، با تاریخ و فرهنگ و عملکرد حکومت ها و اقوام پیشین ، به ما دید وسیعی می بخشد. ما اگر بخواهیم خود را از روی "خود" بخوانیم به علت انواع گرفتاری هایی که داریم و از آنجا که "خود" را بسیار دوست داریم در این امر چندان توفیقی نمی یابیم.

بنابر این بهتر است برای شناخت "خویش" به بیرون بنگریم و سیمای خود را در آینه ی دیگری نگاه کنیم و کدام آینه بهتر از آینه ی تاریخ؟ و کدام تاریخ و تمدن از تاریخ و تمدن سرزمین کهن سال ایران ، غنی تر و عبرت آموزتر است؟

ایرانیان و جهانیان اکنون از قدمت یا دیرینگی تاریخ ایران زمین آگاهند و کم و بیش با جلوه های زیبای طبیعی و غنای میراث فرهنگی و جاذبه های گردشگری آن آشنایند. آنان که ایران را "جهانی در یک مرز" نامیده اند، سخن به حقیقت و واقعیت گفته اند.

در ایام نوروز جمعیت زیادی از ایرانیان از کودک و نوجوان، دختران و پسران، مردان و زنان میانسال و هرکس که هنوز"پیری دست و پایش را نبسته است" و دوست دار این مرز و بوم است و باور به شناخت زوایای ناشناخته ی میراث فرهنگی ، تاریخی و طبیعی ایران زمین دارد، به استان های مختلف آن از جمله استان های مرکزی و جنوبی سفر می کنند.

ما نیز به دنبال این جمعیت گردشگر که خودروهایشان زنجیروار جاده ی کاشان در استان اصفهان به سمت استان کویری یزد را می پیمود از شهرهای اردستان و نایین گذر کردیم و وارد این استان در قسمت مرکزی فلات ایران شدیم.

استان یزد با آب و هوایی گرم و خشک با مساحت تقریبی ۱۳۲ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی حدود یک میلیون نفر به وسیله ی استان های اصفهان، کرمان ، فارس، خراسان (شمالی، رضوی، جنوبی) و سمنان احاطه شده است.

با گذر از مهریز، به شهر اردکان و سپس میبد رسیدیم ، از این شهرها بازدید و شبی دل انگیز را در هتل "بهجت" میبد سپری کردیم. ابرکوه، تفت، طبس، صدوق، بافق، خاتم و یزد از دیگر شهرهای استان یاد شده هستند.

بر اساس پژوهش های تاریخی ، تاریخ بنای شهرهای استان یزد از جمله مهریز به پیش از اسلام بر می گردد. چشمه و تپه ی باستانی "غربالبیز" که متعلق به دوره ی اشکانیان و احتمالا یک معبد بوده است و نیز "پیر نارکی" یکی از زیارتگاه های زرتشتیان که گفته می شود نازبانو، دختر یزدگرد سوم از شاهان ساسانی، در این جا غیب شده است ، در مهریز قرار دارد.

از نظر بافت اجتماعی آن چه همواره در استان یزد و نیز کرمان وجود داشته همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان و زرتشتیان بوده و هست. زرتشتیان ایران اهل توحیدند و به نظر نمی رسد ادیان چیزی بالاتر از "پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک" آورده باشند. از این رو "ابوالقاسم فردوسی" حکیم مسلمان در شاهنامه سروده است: "نگویی که آتش پرستان بدند (به فتح باء) - پرستنده ی پاک یزدان بدند" (به ضم باء)

مسجد جامع میبد که تاریخ ساخت بنای اولیه ی آن به صدر اسلام (قرن دوم هجری قمری) برمی گردد یکی از مکان های مورد بازدید ایرانگردان است و قدیمی ترین بخش بازمانده ی این اثر، ساختمان خشتی و گلی است که به نام مسجد حسنی شهرت دارد.

برج کبوترخانه نیز از دیگر آثار شهرستان میبد است، برجی دایره ای شکل و از درون دارای سه طبقه و مجهز به هزاران لانه برای پرندگان مهاجر است . چسبیده به میبد، اردکان واقع شده است که در آن مساجد و زیارتگاه های زرتشتیان قرار دارد ، همواره مهد علم و دانش بوده و به "یونان کوچک" مشهور شده است.

با عبور از کنار "دروازه قرآن" شهرستان یزد که به تقلید و سبک و سیاق "دروازه قرآن" شیراز ساخته اند مسیر خود را به سمت و سوی بافت قدیمی و تاریخی این شهرستان - اولین شهر خشتی جهان و دومین شهر باستانی و دیدنی ایران پس از شیراز - و دارای کم نظیرترین آثار تاریخی دنیا، تغییر می دهیم.

آن گونه که راهنمای مستقر در اداره ی میراث فرهنگی و گردشگری یزد در بافت قدیمی این شهر برای ایرانگردان داخلی و خارجی توضیح می داد استان یزد بیش از چهار هزار اثر تاریخی دارد که نزدیک به ۵۵۰ اثر آن به ثبت ملی رسیده است.

یزد مکان های دیدنی و جاذبه های جهانگردی فراوان دارد که از مهم ترین آنها می توان به بقعه ی دوازده امام، زندان اسکندر(مدرسه ضیاییه)، خانقاه شیخ احمد فهادان، مسجد جامع کبیر، خانه ی لاری ها، بازارچه مشیرالممالک، کاروانسرای مشیر، حمام تاریخی، مسجد چهل محراب، مجموعه ی تاریخی باغ دولت آباد، برج و باروی قدیمی شهر، مسجد و تکیه ی امیرچخماق، بازار خان، موزه ی سکه، موزه ی آب ، موزه ی علوم یزد، آب انبار، بادگیر، دخمه و آتشکده زرتشتیان اشاره کرد.

همراه ایرانگردان ابتدا از بقعه ی دوازده امام بازدید کرده و عکس و فیلم گرفتیم. مطابق نوشته های حک شده بر کتیبه های آن ، این بقعه گنبدی است مربوط به سال ۴۲۹ هجری (قرن پنجم) که قدیمی ترین بنای موجود در یزد در دوران اسلامی ایران است که به دلیل سبک بنا و نقش و نگار و کتیبه ی کوفی اش از ارزشی ویژه برخوردار است و مورد توجه متخصصان تاریخ معماری اسلامی است.

کتیبه ی رنگی موجود بر دیوار گچی جانب شرقی بقعه، نشان می دهد که گنبد به دستور دو برادر به نام ابویعقوب و ابو مسعود - که به روایتی از سرهنگان دستگاه حکومت علاء الدوله بوده اند - ساخته شده است.

در شهر یزد شهر بادگیرها و عروس کویر به بنایی وارد شدیم که مربوط به پیش از اسلام و دوران سقوط هخامنشیان بوسیله ی بیگانگان یعنی سربازان متجاوز اسکندر مقدونی بود و آن "زندان اسکندر" است.

اسکندر از اهالی مقدونیه که یونانیان آنان را "بربر" می نامیدند پس از تجاوز به ایران و ساقط کردن سلسله ی هخامنشی در این مکان و در عمق حدود ۴۰ متری زمین در کنار چاهی، زندان بزرگی را با دیوارهای بلند برای حبس کردن شاهزاده های هخامنشی ساخت تا به این وسیله جلو رسیدن آنان به فرمانروایی مجدد بر ایران را بگیرد.

مجسمه سفیدرنگ اسکندر با دو دست بریده! در ورودی زندان او در یزد قرار گرفته که مورد توجه گردشگران خارجی به ویژه اروپایی است. بریده باد دو دست هر متجاوز به ایران زمین !

حافظ شیراز در انتقاد از وحشی گری اسکندر و خشونت نیروهایش و در اشاره به زندان او در یزد گفته است که:

دلم از وحشت زندان سکندر بگرفت - رخت بر بندم و تا ملک سلیمان بروم

گفته اند که منظور حافظ از «ملک سلیمان» پاسارگاد ، در ۱۳۰ کیلومتری شمال شیراز بارگاه کورش کبیر بنیان گذار سلسله هخامنشی است که این سلسله را در ۵۵۰ قبل از میلاد مسیح (ع) در ایران بنا نهاد.

زندان اسکندر در یزد در دوره اسلامی به مدرسه تبدیل و اکنون به مدرسه ضیاییه مشهور شده است.تا پیش از ورود تازیان یا اعراب به ایران، مردم یزد مانند دیگر مناطق میهنمان به آیین زرتشت عقیده داشتند و مطابق آن، خدای یگانه را پرستش می کردند.

در دوره اسلامی بخصوص عصر زرین فرهنگ ایران یعنی سده های سوم تا ششم هجری در سطح مناطق مختلف کشورمان از جمله یزد مدارسی ساخته شد که مدرسه ی ضیاییه یکی از قدیمی ترین آن ها است.

زندان اسکندر را ضیاالدین حسین پسر شرف الدین علی یزدی در سده های ششم و هفتم هجری به مدرسه تبدیل و آن را تکمیل کرده است. گنبد زیبا و بلند این بنا از خشت خام بوده که در سال های گذشته تعمیر و نماسازی شده اما از خطوط کوفی داخل آن اثر چندانی باقی نمانده است.

شبستان مدرسه دارای محراب بوده و اطراف صحن آن، رواق ها و اتاق هایی و نیز در بالای آن بادگیری زیبا ساخته شده است که همچنان خودنمایی می کند. وسط صحن مدرسه همان چاهی قرار دارد که اسکندر در قعر و اطراف آن زندان برای شاهزادگان و فرماندهان هخامنشی ساخته بود.

مدرسه ضیاییه که نمایانگر گوشه ای از تاریخ و فرهنگ ایران است متعلق به قرن ششم و هفتم هجری بوده و در جوار مجموعه های تاریخی و بافت قدیمی یزد واقع شده است. ایرانیان عصر زرین فرهنگ ایران با تکیه بر خرد، زندان را به مدرسه و اقوام نافرهیخته متجاوز مانند مقدونی ها، ترک ها ، مغولان یا تاتارها و افغان را به اقوام فرهیخته تبدیل کرده اند.

پژوهشگران و تاریخ نویسان، تاریخ سکونت انسان در خطه یزد را هزاره سوم پیش از میلاد دانسته اند به طوری که در عهد پیشدادیان ، قبیله ها و طایفه های در حال کوچ از بلخ به پارس ، این خطه را «یزدان» نامیدند و از آن زمان به بعد ، یزد محل عبادت یزدان شد. مطابق تحقیق واژه شناسان، یزد به معنای پاک و یزدگرد به معنای داده خداوندی است. در دوره اسلامی ، شهر یزد را دارالعباده نامیدند.

از ابتدا خطه یزد جزو ایالت پارس بوده و بزرگ ترین ناحیه این ایالت به حساب می آمده است. این ناحیه همواره در دوره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان از راه های معتبر و امن، موسسه های راهداری، مراکز پستی و چاپاری برخوردار بوده است.

در دوره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان برای جلوگیری از هجوم بیگانگان ، دژها، راهدارخانه ها و چاپارخانه های متعدد در یزد احداث شد که افزون بر عملکرد نظامی و تجاری ، از آن ها به عنوان بارانداز کاروان ها نیز استفاده می شده است. در این دوره ها کشاورزی، دامداری، نساجی و صنایع دستی در یزد رواج داشته و بازارهایی مناسب برای داد و ستد و مبادله ی کالا نیز به وجود آمده بود.

یزد در زمان خلیفه سوم به دست پسرش سعید بن عثمان اشغال شد و دو قبیله از اعراب را در آن اسکان دادند و بر آن مسلط کردند. تا پایان دوره امویان ، اعراب انواع مالیات را از مردم شهر یزد می گرفتند و به مرکز خلافت می فرستادند. در زمان عباسیان ، «محمد زمجی» از طرف ابومسلم خراسانی عهده دار حکومت یزد شد و در روزگار و حاکمیت آل بویه تا زمان عضدالدوله دیلمی یزد تابع حکومت ایالت پارس بود.

از قرن دوم تا هفتم هجری همزمان با احیای حکومت های ایرانی (طاهریان، صفاریان، سامانیان، علویان، بوییان ، دیلمیان، اتابکان و خاندان مظفر) که آزادی ، امنیت و آرامشی نسبی در ایران زمین برقرار شد، در منطقه یزد رشد مناسب نیروهای تولیدی ، رونق تجارت، احداث و حفر قنات یا کاریز و نهر آبیاری و توسعه زمین های کشاورزی و باغ ها رواج یافت.

در این دوره، مسجدها (مانند مسجد جامع کبیر)، مدرسه ها (مانند مدرسه ضیاییه)، کتابخانه ها، محله های جدید، برج و بارو و یک حصار با چهار دروازه بر گرد یزد ساخته شد که هنوز پابرجا بوده و مورد توجه گردشگران و ایرانگردان است.

برخی از این طرح های توسعه ای و آبادانی به وسیله آل مظفر که یکی از خاندان های قدرتمند ناحیه یزد بودند، صورت گرفت. در زمان آن ها، بویژه شاه یحیی مراکز علمی و کانون های فرهنگی و هنری در یزد از جمله هنر معماری ، کاشیکاری و صنعت نساجی شکوفا شد. مسجد جامع یزد، خانقاه سید رکن الدین ، میدان وقت الساعه، رصد خانه و مدرسه ی مظفریه از جمله آثار دوران حکومت خاندان مظفر است که از آنها دیدن کردیم.

مسجد جامع یزد بنایی قدیمی و زیبا است با مناره های بلند، صحن وسیع، شبستان زمستانی که درخشندگی کاشی ها و زیبایی گنبد و گچ کاری هایش و نیز ایوان بزرگ، غرفه ها، تاقچه ها و رواق هایش، شکوه معماری ایرانی و باریک بینی و ژرف نگری طراحان آن را به چشم و ذهن هر بیننده ای می آورد.

روبروی مسجد، این یادگار زیبای هزار ساله ی یزد، میدان ساعت و در کنار آن خانقاه سید رکن الدین و همچنین کتابخانه ی وزیری ساخته شده که گنجینه یی گرانبها از قرآن ها و کتاب های خطی است.

یزد از روزگاران قدیم به ویژه در عصر زرین فرهنگ ایران از مراکز مهم تجارت ایران بوده و همواره گروهی از بازرگانان خارجی و نیز تاجران شهرهای دیگر ایران در این شهر زندگی و تجارت می کردند.

"ویلیام فرانکلین" بازرگان و سفرنامه نویس انگلیسی در کتابش با عنوان "مشاهدات سفر از بنگال به ایران" آگاهی های مهمی در باره ی تجارت و

مهارت های ایرانیان، صنایع دستی و نساجی و رونق اقتصادی شهرهای مرکزی و جنوبی میهنمان از جمله یزد و کرمان در قرن های گذشته ، ارایه داده است.

او در صفحه ی ۴۵ این کتاب در اشاره ای به برخی کالاها و فرآورده های شهرهای ایران می نویسد: " پارچه های پشمی و نخی را بیشتر از یزد و کرمان می آورند. از دیگر فراورده های این دو شهر، نمد و قالی است".

موقعیت تجاری یزد در گذشته، باعث شده که بازارچه های متعدد و کاروانسراهای فعال، در یزد ساخته شود. کاروانسراها در شهرهای ایران به ویژه یزد، افزون بر محل فرودآمدن بازرگانان، همچون کانون و مرکزی بوده است که اهل دانش، اطلاعات و کالاهای فرهنگی خود را معرفی و پراکنده می کردند.

همه ی خارجیان، تاجران و سفرنامه نویسانی که در دوران گذشته به ایران سفر کرده اند، این وجه از کاروانسراهای ایران را برجسته کرده و بر اهمیت فرهنگی - بازرگانی آن ها در ایجاد شکوفایی کشور تاکید ورزیده اند. به باور آنان "اوج شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران و سپس انحطاط آن، تابعی از آبادانی و خرابی راه ها و کاروانسراهای این کشور بوده است".

برای نمونه "نیکلا د اورتا ربلو" از بازرگانان و کارگزاران پرتغالی در هند که از مناطق مرکزی و جنوبی ایران دیدن کرده، در گزارشی، آگاهی های گرانبهایی در باره ی شهرهای این منطقه، بخصوص وضع اقتصادی و تجاری و کاروانسراهای آن به دست داده است . به نوشته ی او بازرگانانی که از کشورهای شرق و غرب عالم می آمدند می توانستند در این مکان ها اقامت و در عین حال در باره ی همه ی امور از جمله بازرگانی جهانی اطلاعاتی پیدا کنند.

"کاروانسرا به عنوان کانون مبادله ی کالا و ثروت و نظم و ترتیبی که بر آن حکومت می کرد همچون دنیای کوچکی بود که نظم عمومی ایران و سامان نهادهای آن را بازتاب می داد. امنیت بیگانگان، راه ها و مبادله ی آزاد کالا نشانه ی شکوفایی اقتصادی این کشور و رفاه ساکنان آن بود و در سایه ی همین شکوفایی و رفاه بود که ایران به یکی از کانون های مهم فرهنگ و تمدن جهانی تبدیل شد".

با پایان یافتن عصر زرین فرهنگ ایران به دلیل یورش ترکان غزنوی و سلجوقی و سپس مغولان و تاتارهای تیموری در قرن های هفتم ، هشتم و نهم، به تدریج نظم و پیشرفت ایران از دست رفت ، آبادانی و امنیت راه ها و آسایش کاروانسراها جای خود را به خرابی ها داد، اقتدار حکومت مرکزی ناپدید گشت و نوعی "ملوک طوایف" و سیطره ی منافع خصوصی جانشین منافع ملی شد.

با گسترش نابسامانی های سیاسی، ضعف قدرت مرکزی و از میان رفتن امنیت داخلی، بازرگانی و تجارت رکود پیدا کرد و کاروانسراها اعتبار خود را از دست دادند.

در استان یزد سه نوع کاروانسرا الف - کاروانسراهای تاجرنشین مانند کاروانسرای علی آقای شیرازی و کاروانسرای سادات ، ب - کاروانسراهای درون شهری مانند کاروان سرای مشیر و کاروانسرای امیرچخماق و ج - کاروانسراهای بین شهری مانند کاروانسرای خرگوشی در جاده ی یزد - اصفهان، کاروانسرای خرانق در جاده ی یزد - خراسان، کاروانسرای دهشیر در جاده ی یزد - شیراز و کاروانسرای زین الدین در جاده ی یزد - کرمان وجود داشته که هنوز بقایای آن موجود و مورد بازدید ایرانگردان است.

به جز کاروانسرا، مکان های مهم و دیدنی دیگر در یزد که به خاطر موقعیت طبیعی و کویری این استان بوجود آمده، حمام ها، آب انبارها و بادگیرها است. آب انبارها شامل چهار قسمت اصلی یعنی خزینه، گنبد ، پاشیر و بادگیر بوده است.

خزینه بخاطر تسلط آب قنات و پایین ماندن دمای آب، به شکل استوانه در دل زمین ایجاد شده است . گنبد به شکل نیمکره روی خزینه ساخته شده تا آب را از آلودگی های محیط اطراف حفظ کند و آن را خنک نگه دارد. پاشیر راهرویی پله کانی و نقب مانند برای برداشتن آب از خزینه بوده و بادگیر نیز وسیله یی برای هدایت جریان هوا به درون آب انبار و با هدف جلوگیری از فاسد شدن آب است.● خانقاه؛ نماد روحیه تسلیم نخبگان ایرانی

یکی از نشانه های آشکاری که شهر یزد را از دیگر شهرهای کشورمان متمایز می کند وجود بادگیرهای متنوع و بلند آن است. این بادگیرها را "دستگاه تنفسی یزد" نام نهاده اند و در واقع برج هایی هستند که با توجه به ساخت ویژه شا ن ، جریان طبیعی هوا را به درون بناهای مختلف (خانه های مسکونی، مسجدها، آب انبارها و بازارچه ها) هدایت می کنند و مصداق بارز استفاده از انرژی پاک طبیعت محسوب می شوند.

در کتاب های پژوهشی مانند "مسافران تاریخ" به این نکته مهم اشاره شده که در سده های هفتم و هشتم برخی هنرمندان و دانشمندان ایران برای در امان ماندن از حمله مغول و ستم تاتارها، شهر یزد را مرکز فعالیت های هنری و علمی خود قرار دادند.

همچنین بقعه ها، خانه ها و خانقاه های فراوان این شهر از جمله خانه لاری ها، خانقاه شاه نعمت الله ولی و خانقاه شیخ احمد فهادان که هنوز

پابرجا و محل بازدید ایرانگردان هستند نشان می دهد که این منطقه پناهگاه و محل صوفیان بوده است.

خانه لاری ها در بافت تاریخی یزد که به بازدیدش رفتیم از ابتدا خانقاه بوده و به عنوان خانقاه نعمت اللهی از آن استفاده می شده اما در سال ۱۲۸۶ هجری قمری حاجی محمد ابراهیم لاری مالک آن می شود و آن را بازسازی و تعمیر می کند.

قنات زیر این بنا و نیز درها، پنجره ها و اتاق های آینه کاری و نقاشی شده آن یکی از نمونه های زیبا و عالی خانه های قرن سیزدهم هجری در ایران است.

همچنین بنایی که در محله فهادان به نام شیخ احمد فهادان و برادرش محمد، معروف شده بقایای یک خانقاه است و این دو برادر که صوفی بودند به علت ظلم و ستم از وطن خود هجرت کردند و به این خانقاه در یزد پناه آوردند.

پناه آوردن به خانقاه و روی آوردن به صوفی گری، نشانه تسلیم در برابر ستم است و با یورش غلامان ترک دستگاه خلافت عباسی و سپس حمله ی مغولان، بیشتر نخبگان ایرانی و کارگزاران حکومتی تسلیم شدند. با این یورش ، ایران زمین بار دیگر سقوط کرد و دوره ی دیگری در تاریخ ایران آغاز شد.

در نوشته های تاریخی پس از یورش ترکان و مغولان، مطالبی به چشم می خورد که نشانگر "توجیه وضعیت موجود" و ناشی از بی خردی فرمانروایان و روحیه تسلیم نخبگان ایرانی است. این که خواجه نظام الملک توسی سبب چیرگی ترکان را "گناهکاری ایرانیان" می داند و عطا ملک جوینی ، چنگیز خان مغول را "عذاب خدا" بحساب می آورد، دلیل بر روحیه ی تسلیمی است که بر شاهان و نخبگان و کارگزاران حکومتی حاکم شده بود.

جوینی در تاریخ جهان گشای جوینی جلد نخست ص ۸۱ می نویسد که " چنگیز خان به مصلای عید رفت و به منبر برآمد، آغاز نهاد که ای قوم بدانید که شما گناه های بزرگ کرده اید و این گناه های بزرگ، بزرگان شما کرده اند. از من بپرسید که این به چه دلیل می گویم؟ سبب آنک من عذاب خدایم. اگر شما گناه های بزرگ نکردتی، خدای بزرگ چون من عذاب را بر سر شما نفرستادتی...".

عطا ملک جوینی درباره سستی ارکان حکومت در ایران و "رسوخ سفاهت در رگ و پی واپسین شاهان خوارزمشاهی" نکته های مهمی را آورده و توصیفی از اوضاع عمومی ایران همزمان با یورش مغولان به دست داده است.

جوینی درک کرده بود که بی خردی فرمانروایان ایران" جهانی را ویران و عالمی را پریشان و خلقی را بی خان و مان" می کند و چنین شد زیرا " بهر قطره ای از خون که آنان ریختند، جیحونی روان شد و قصاص هر تار مویی، صد هزاران، بر سر هر کویی، گویی گردان گشت و بدل (بجای) هر یک دینار، هزار قنطار پرداخته شد". (همان ص ۶۱)

به دلیل روحیه تسلیم نخبگان و بی خردی فرمانروایان ایران، مغولان "آمدند و کندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند" اما نرفتند بلکه ماندند و دوره دیگری در تاریخ این کشور را آغاز کردند که ویژگی مهم و اساسی آن، زوال فرهنگ عقلانی ایرانی و تعطیل اندیشه زاینده بود و زور و ظاهر شریعت و تفکر صوفیانه بر جامعه ما حکمفرما شد.

به بیان دیگر، با یورش مغولان و سقوط ایران زمین، یاسای چنگیزی جای خرد و اندیشه را گرفت و آن چه از اندیشه عصر زرین فرهنگ ایران و پایداری فرهنگی باقی مانده بود جای خود را به صوفیگری و خانقاه و حرف های صوفیانه داد و به تعبیر و کنایه دکتر رضا داوری اردکانی "صوفیان به متفکران قوم تبدیل شدند" که معنایی جز تعطیل اندیشه و بی اعتنایی به عقل نداشت.

این بی اعتنایی به عقل ، به باور صاحب نظران، در آغاز، "اهل تصوف بنیاد نهادند" اما شخصیت هایی مانند حافظ شیرازی در قرن هشتم و صدرالدین شیرازی در قرن یازدهم پیدا شدند که با تکیه بر "عرفان عاشقانه و عالمانه" با همه جلوه های منحط صوفیگری و زاویه نشینی و با شریعتمداری ظاهری و قشری به پیکار برخاستند.

در دیوان حافظ به پیامدهای مهم وضعیتی که با یورش مغولان و تبدیل شدن صوفیان به متفکران قوم در ایران به وجود آمد اشاره های بامعنایی آمده و از ظاهر و باطن آنان انتقاد شده است. حافظ که خود به یزد سفر کرده است فهمیده بود که با یورش مغولان ، دوره ای در تاریخ ایران آغاز شده است که او در غزل زیر آن را "زمانه ای عجیب" خوانده است:

ببین در آینه جام نقش بندی غیب / که کس به یاد ندارد چنین عجب زمنی

ز تندباد حوادث نمی توان دیدن / در این چمن که گلی بوده است یا سمنی

از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت / عجب که بوی گلی هست و رنگ یاسمنی

مزاج دهر تبه شد درین بلا حافظ / کجاست فکر حکیمی و رای برهمنی

حافظ ، زمان سیطره مغولان بر ایران را زمانه ای می داند که بلا آمده بود و "مزاج دهر تباه شده بود" و در جای دیگری ، آن زمانه را با عبارت "صعب روزی ، بوالعجب کاری ، پریشان عالمی" توصیف می کند و می گوید که در غیاب "فکر حکیمی و رای برهمنی" ، صوفیان یا به گفته ی او "نادرویشان خرقه پوش" به متفکران قوم تبدیل شده بودند.

حافظ با فرق گذاشتن میان درویشان و صوفیان از صوفیان با عبارت "صوفی دجال کیش ملحد شکل" بشدت انتقاد و اضافه می کند که هر چند آنان " به شعبده ، دستی برمی آورند" اما کارشان و ظاهر فریبی شان و سجاده آب کشیدنشان به یک ساغر نمی ارزد: "زهی سجاده تقوا به یک ساغر نمی ارزد".

او از صوفیان "ازرق لباس اما دل سیه" بیزار بود چرا که "به زیر دلق ملمع، کمندها دارند" و از این رو به "دردی کشان یکرنگ" پناه می برد.

صدرالدین شیرازی هم در رساله خود با عنوان " شکستن بت های جاهلی" به نقادی اهل ظاهر دیانت بویژه صوفیان و فقیهان نافرهیخته پرداخته است و آنان را "بی خبران از علم یقینی و مقاصد دینی...و فاقد مرتبه ای در ذوق عرفانی و حقایق ایمانی" معرفی کرده و آنان را "ابله" و "خالی از بصیرت" توصیف کرده است.

فغان ز ابلهی این خران بی دم و گوش / که جمله شیخ تراش آمدند و شیخ فروش

شوند هر دو سه روزی مرید نادانی / تهی ز دین خود و خالی از بصیرت و هوش

ملا صدرا "بسیاری از زاویه نشینان صومعه ها و گوشه گیران خانقاه ها" را که با زهد در پی شهرتند "مردمانی احمق و ناقص العقل" می داند که ادعای "اتحاد با خداوند و دعوی رفع حجاب میان خود و خدا" را دارند و حرف های ندانسته و نامفهومی می زنند که "جز تشویش قلب و وحشت عقل" از آنها ناشی نمی شود.

در هر حال، برخی از ایرانیان بویژه نخبگان در زمان های گذشته همواره هنگام شکست ایران و ناکامی فرمانروایانش در عرصه سیاست داخلی و خارجی یا هنگام هجوم بیگانگان مانند زمان یورش تازیان ، ترکان ، مغولان ، افغانان و پس از شکست ایران در جنگ های ایران و روس، به جای ایفای نقش فعال ، صحنه سیاست و کار را خالی کرده و به صوفی گری و زاویه نشینی روی می آوردند.

- روزگار پریشانی مرکز و جنوب ایران

تاریخ گواهی می دهد که در زمان یورش مغولان و حاکمیت آنان و سپس آق قویونلوها و تیموریان (تیمور لنگ و نوادگانش) که بار دیگر دوران سیاه و مصیبت بار ایران آغاز شد، یزد و نواحی آن نیز تحت تاثیر عملکرد منفی این اقوام نافرهیخته قرار گرفت.

در پایان قرن هفتم هجری و نیز قرن های هشتم و نهم، بر اثر سیاست های اقتصادی و مالیاتی ایلخانان مغول و همچنین حکومت تیموریان، کشاورزی منطقه ی یزد، صنایع دستی و رونق بازارها و کاروانسراهای این منطقه رو به رکود گذاشت.

به گواهی تاریخ ، یورش ترکان و مغولان، آسیب های جدی به زیرساخت اقتصاد کشاورزی ایران وارد کرد و صنعت و تجارت یزد و اصفهان و کرمان و سیستان و دیگر مناطق مهم کشاورزی کشورمان اهمیت خود را از دست داد.

مورخان ، دوران سیطره ی مغولان و تیموریان را دوره ی " اختلال و پریشانی ساکنان مرکز و جنوب ایران" نام نهاده اند به طوری که مردم شهرهای یزد، اصفهان ، کرمان و سیستان ستم ها و خسارت های فراوان تحمل کردند و از ظلم و کشتار و نابسامانی رنج زیاد بردند.

روایت شده که در سال ۷۹۵ هجری، تیموریان تمام افراد خاندان مظفر از خاندان های مهم و سرشناس و آبادگر یزد - که پیش تر به برخی اقدامات مثبت آنها اشاره شد - از کوچک و بزرگ به قتل رساندند، چهار ماه یزد را محاصره کردند تا برج و باروی شهر و مقاومت مردم آن را بشکنند و شکستند و اوضاع یزد را به هم ریختند.

گفته اند که نابسامانی و پریشانی و قحطی همه جای یزد را فرا گرفت به گونه یی که مردم از سر اجبار و اضطرار، هر نوع حیوانی را ذبح می کردند و می خوردند و نزدیک به سی هزار نفر بر اثر گرسنگی و نیز در جنگ و درگیری، از میان رفتند.

در سده ی دهم و در روزگار حکمرانی صفویان (مانند شاه اسماعیل و شاه عباس اول و دوم و شاه تهماسب) و تحت فرمانروایی آنان، خرابی های یزد ترمیم یافت و شماری از مسجدها، مدرسه ها، کاروانسراها، بازارها، حمام ها، یخچال ها ، آب انبارها و برج و باروی شهر تعمیر و بازسازی شدند. اما در سده ی دوم فرمانروایی صفویان (قرن یازدهم) و بخصوص زمان حکمرانی شاه سلیمان و سلطان حسین صفوی، مردم یزد و کرمان و اصفهان گرفتار فتنه و یورش افغانان شدند که سقوط شاهنشاهی صفویه و خرابی و ویرانی سرزمین ایران را به دنبال داشت.

به طور کلی،

۱) مسلط شدن سرداران نصرانی و مسیحی گرجی بر ایالت های سنی نشین هرات و قندهار ، ستم آنان و تبعیض حکمرانان صفوی بر افغانان که

در شمار شهروندان ایران زمین بودند،

۲) تعصب مذهبی شیعه و سنی و تشدید اختلاف میان این دو طایفه ی دینی در ایران،

۳) گسترش اندیشه ی قشری و مذهبی در حکومت و دربار صفویان و

۴) غفلت ، فساد و بی خردی کارگزاران صفوی و بی خبری آنان از اوضاع کشور و زمانه، چهار عامل و علت فتنه و یورش افغانان به شهرهای کرمان ، یزد و اصفهان و سقوط حکومت صفویان بوده است.

۱) شاه حسین صفوی بر ایالت های ایران مانند قندهار و هرات که مردمان اهل تسنن متعصبی داشت بدون مشورت و رضایت آنان، حکمرانان مسیحی گماشت. میرزا خلیل مرعشی در کتاب مجمع التواریخ صفحه ۵۱ نوشته است که سلطان حسین صفوی، گرگین خان مسیحی از بزرگان گرجستان (که جزو قلمرو ایران بود) را به فرمانروایی قندهار و هرات منصوب کرد و " چون فرقه ی گرجی همگی نصرانی بودند، حکومت آنان بر فرقه ی مسلمانان و افغان های اهل تسنن، ناگوار نمود".

به گفته ی مرعشی، سربازان و کارگزاران گرجی " دست درازی بر ناموس آن ها از اناث و ذکور (زن و مرد) می نمودند". افغان ها شکایت به دربار صفوی بردند اما ترتیب اثر داده نشد و بر اثر " بی توجهی به تظلمات مردم" و تنفر افغان ها از حکومت مرکزی، زمینه ی فتنه و یورش آنان فراهم شد.

۲) در کتاب رستم التواریخ صفحه ی ۱۱۵ با اشاره به تعصب مذهبی رایج در زمان فرمانروایی صفویان به ویژه سلطان حسین صفوی و پیش از یورش افغانان، آمده است که " در آن وقت ، شیعیان... از مطالعه مصنفات و مولفات علمای آن زمان، چنان می دانستند که خون سنیان و مالشان و زنشان و فرزندانشان حلال است، هم چنان که سنیان با حماقت و بی معرفت، تلف نمودن جان و مال و عرض شیعه را واجب می دانستند و این دو طایفه در گرداب گمراهی غرقه بودند".

۳) در سده ی دوم فرمانروایی صفویان به دلیل نفوذ شریعتمداران و تدوین اندیشه ی قشری شیعی و تبدیل آن به "مذهب رسمی" ، وفاق دیرین میان اقوام ایرانی از میان رفت و حکومتی که می بایست نماینده ی منافع و "مصالح ملی" باشد به تامین کننده ی منافع گروهی تبدیل شد.

این که نوشته اند "برخی اقلیت های مذهبی (مانند زرتشتیان کرمان و یزد و اصفهان) در آغاز یورش افغانان به این شهرها، با آنان همراهی یا دست کم همدلی کرده اند" بیانگر این واقعیت است که سیاست دینی شریعتمداران قشری و به تبع آن، دولتیان بی فکر، شکاف هایی در پیکره ی "وفاق ملی ایرانیان" ایجاد کرده بود.

نشانه های تکرار این سیاست در ایران ما بارها آشکار شده و تبعیض و برخورد غیرعقلانی با ساکنان شهرها و مناطق سنی نشین مانند سیستان و بلوچستان ، کردستان و گلستان گاه برخی واکنشهای آنان را برانگیخته است .

۴) قطب الدین نیریزی (اهل نیریز فارس) در کتاب علل برافتادن صفویان صفحه ی ۲۴۹ سست عنصری شاه ، فساد درباریان و بی لیاقتی و غفلت کارگزاران حکومتی را علت یورش افغانان و انحطاط و سقوط صفویان و "خرابی مملکت " می داند و می نویسد: " خرابی مملکت از ناحیه غلبه دشمنان نیست بلکه در مرحله نخست، نتیجه غفلت شاه و فساد مالی امیران است و اگر بر این گمان هستید که دشمنان به زودی به هلاکت خواهند رسید بدانید که علت نخستین هنوز پا برجا ست و همین طور بعد از این".

او بر این باور است که "زهر انحطاط ، فراورده ای درونی است و از کالبدی که در بنیان خود دستخوش تباهی شده باشد ، می تراود". نیریزی علت انحطاط ایران را "درون زا" می داند و معتقد است که " پادزهر نیز اگر از درون نزاییده باشد درد را درمان نخواهد کرد".

شاه صفوی و کارگزاران و شریعتمداران درباری اش که خود را "موسوی و مرتضوی نسب" می دانستند، در ابتدای یورش افغانان به جای ارایه ی فکر و تدبیر عقلانی و دفاع از کیان کشور و شهرهای شرقی ، جنوبی و مرکزی ایران مانند یزد، به دعا و خرافه و مذهب قشری خود پناه بردند. عملی ترین پیشنهادشان پختن آش با حضور "همه اهل ذکر" بود که بر دانه دانه ی نخودهای آن دعا خوانده شود تا "فتنه افاغنه" دفع گردد!.

نویسنده ی کتاب علل برافتادن صفویان به نقل از شاه حسین صفوی می نویسد: "راست است، فتنه افاغنه در کار است. ما هم خود تدارک دعایی کرده قدغن فرموده ایم در اندرون ها که رجال و نساء سادات موسوی نخود را لااله الا الله بخوانند، صباحا و مسائا، در کارند، انشاء الله آش معتبری فراهم کرده، به کل خلق خدا می خورانیم، از باطن اجداد موسویه دفع بلا خواهد شد". همان ، ص ۲۸۷.

یورش افغانان ریشه در تفکر صوفی گری و مذهب قشری شاه و علمای درباری اش و نیز غفلت ، فساد و بی خبری او و اطرافیانش از اصول کشورداری و سیاستگذاری و نیز تبعیض در حق اقلیت ها داشت.

باری ، با یورش محمود افغان که او را "محمود نامحمود غلزه ای" نامیده اند و سردسته ی " جویندگان انقلاب آن زمان" خوانده اند، حکومت

"مطلقه" ی صفویه سقوط کرد و دوره ای طولانی از آشوب و شورش و ناامنی در ایران آغاز شد که پیامدهای آن از جمله فقر، گریبان مردم شهرهای مختلف کشورمان از جمله یزد را گرفت.

- نماد عجیب ترین یورش در تاریخ ایران زمین

در آخرین بازدید از آثار گردشگری و بافت تاریخی شهر یزد، به دیدن برج و باروی بلند و قدیمی این شهر رفتیم که تجسم و یادآور مقاومت و پایداری فراموش نشدنی مردم آن در برابر شورشیان افغان به شمار می رود. در تاریخچه ی حمله ها و یورش های مکرر به ایران زمین، از حمله ی اسکندر مقدونی و اعراب تا یورش ترکان و مغولان و افغانان، یورش افغانان از همه پیچیده تر و عجیب تر است.

دلیل آن از نظر صاحب نظران این است که برخلاف اقوام بیگانه یی که ایران زمین را مورد تجاوز قرار دادند، افغانان از اقوام ایرانی بودند و سرزمین آنان بخشی از قلمرو شاهنشاهی بود. اما این قوم در دوره یی مرکز ایران را مورد هجوم قرار دادند که حکومت صفویان، خودکامه و مطلقه شده بود، زایندگی نیروهای درونی خود را از دست داده بود و کارگزاران و نخبگان آن به آفت های غفلت و بی خبری از وضع کشور و جهان پیرامون، فساد و خشونت، قشری گری و بی خردی، تبعیض و ستم و بی اعتنایی به مطالبات مردم ایران از جمله قوم افغان ، گرفتار شده بودند.

سید جواد طباطبایی از نویسندگان سیاسی معاصر در کتاب دیباچه یی بر نظریه ی انحطاط ایران صفحه ی ۳۱۴ می نویسد که با آغاز دوره ی صفوی... نظریه سلطنت مطلقه جانشین اندیشه سیاسی ایرانشهری (ایران باستان) شد و سلطنت به تنها "نهاد" کشور تبدیل شد که "علت موجده و مبقیه " هر "نهاد سیاسی" بود و اگر در دوره هایی شاهانی ظهور کردند که توجهی به مصالح عمومی داشتند، اما با مرگ آنان، دوره کوتاه توجه به تامین مصالح (و منافع ملی) نیز به پایان رسید.

به باور او ، " مانع شکست ارتش حکومت مرکزی در پیکار با شورشیان افغان مفقود و مقتضی فروپاشی شاهنشاهی صفوی موجود بود و به دنبال این فروپاشی، وضعیتی سخت اسفناک در کشور پدید آمد".

گزارش این وضعیت را تاریخ نویسان ایرانی و اروپایی در کتاب هایشان آورده اند. برای نمونه میرزا خلیل مرعشی در مجمع التواریخ صفحه ی ۵۷ نوشته است: " یاس تمام به حال خاص و عام راه یافت ، روز به روز، قوت ، ضعف و ضعف، قوت پذیرفت، آتش غلا و نایره بلا بالا گرفت به حدی که مردم برای اکل میته می مردند و بزرگان در اسواق و محلات، اطفال خردسال (را) دزدیده، ذبح کرده، می خوردند، دل ها برای گندم، چون سینه گندم چاک و طایر جان ها در غم دانه گرفتار دام (بود)... برای گرده نانی درون ها چون تنور به آتش حسرت می تافت و (اما) چشم مردم ، قرصی (نان) برای نهاری نمی یافت. از شورچشمی زمانه، ...شیرین دهنان به یاد شکر، لب خویش می مکیدند...".

در این گونه گزارش ها نکته های پر اهمیتی در باره قحطی، غارت و دست درازی های شورشیان افغانی بیان شده است. آمده است که محمود نامحمود افغان، اصفهان مرکز سلطنت صفویان را ماه ها محاصره و سپس تصرف کرد ، تا جایی که می توانست مردم آن را کشت، اموالشان را غارت کرد و از هیچ تعرضی نسبت به جان و مال ساکنان شهر فروگذار نکرد، در یازدهم محرم ۱۱۳۴ هجری، سلطان حسین صفوی مجبور شد به فرح آباد اصفهان برود و تاج شاهی را بر سر محمود افغان بگذارد.

محمود می دانست که اگر نتواند بخش های دیگری از ایران را به تصرف خود در آورد، در حصار اصفهان به محاصره خواهد افتاد. او در آغاز یورش به اصفهان، بر سر راه خود، از کنار یزد گذشته و به سبب پایداری مردم نتوانسته بود این شهر را به تصرف خود در آورد. محمود برای جبران شکست خود بار دیگر به یزد لشکر کشید. گفته اند که "اهالی یزد، از پیش ، از قصد محمود افغان آگاهی پیدا کرده بودند و بموقع ، روستاهای اطراف شهر را از سکنه خالی و برج و باروی آن را تقویت کردند، همه تدارکات و آذوقه موجود را از دسترس او خارج کرده و به درون شهر آوردند".

در بسیاری از شهرهای ایران، محمود افغان جاسوسانی گمارده بود، اما اهالی یزد آن جاسوسان را نیز بموقع اسیر و امکان خبرچینی را از میان برده بودند. او در زمستان سال ۱۱۳۷ هجری به دروازه شهر رسید و چون از نظر آذوقه و تدارکات، خود را در مضیقه دید، مجبور شد پیش از موقع، دستور حمله عمومی را صادر کند. شورشیان افغان که نمی دانستند جاسوسان آن گرفتار و امکان عملیات از آنان سلب شده است در برابر برج و باروی شهر یزد و مقاومت اهالی آن نتوانستند دوام بیاورند، و در نتیجه، مجبور به عقب نشینی شدند.

مردم یزد شورشیان افغانی را دنبال کردند و بسیاری از آنان را از دم تیغ گذراندند. در این شکست ، بسیاری از ساز و برگ افغانان به دست اهالی یزد افتاد و محمود از این شکست که انتظار آن را نداشت، سخت برآشفت و آن را نشانه "خشم خداوند" دانست و تصمیم گرفت "برای فرونشاندن غضب الهی دست به اعتکاف و عبادت بزند، به غاری رفت و مدت چهل روز روزه داری و شب زنده داری پیشه کرد، به اندک آب و نانی قناعت کرد و به ذکر دایم پرداخت. این اعتکاف اثرات نامطلوبی بر روحیه محمود گذاشت و کار او را به جنون کشاند".

مطابق گزارش مورخان ، در دوران افشاریان و زندیان، یزد از آسیب جنگ های داخلی در امان ماند، بازرگانی و تجارت آن از جمله تجارت ابریشم رونق

گرفت و در آن زمان به شهر "امانت داران" معروف شد زیرا اموال بازرگانان حفاظت می شد و درستی و امانتداری ساکنان آن ، سلامت و امنیت انواع کالاهای بازرگانی را تضمین می کرد.

اوضاع ایران و خطه ی یزد از زمان سلطنت قاجاریان به ویژه فتحعلی شاه و جنگ های ایران و روس دستخوش نابسامانی و عرصه ی رقابت و چپاول نوادگان و شاهزادگان قاجاریه شد. در پایان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، یزد جزو حوزه ی نفوذ تجاری انگلیسی ها در آمد و کمپانی هند شرقی در این ناحیه فعالیتی وسیع را آغاز کرد.

در پایان دوره قاجار و آغاز جنگ اول جهانی، ناحیه ی یزد مانند سایر نقاط ایران بار دیگر رو به ویرانی و نابسامانی رفت اما در دوره ی پهلوی اول و دوم تغییرات و پیشرفت هایی در یزد روی داد، خیابان ها ، بلوارها و میدان هایی در این شهر ساخته شد و بافت قدیمی و تاریخی آن نیز محفوظ ماند که همچنان مورد توجه و بازدید گردشگران و جهانگردان است.● بی توجهی تاریخی ایرانیان به گردشگری

در بهار، با جانی پاک، ذهنی آگاه و خیالی فعال، شهر قدیمی یزد و بافت تاریخی آن را به سوی گلی دیگر در کویر یعنی استان "کرمان" ترک کردیم، در صبحگاهی که خورشید روبرو، جهان و ایران و مسیر ما را به سمت شهرهای این استان مانند "انار" و رفسنجان روشن کرده بود. در این سرزمین آتش جاویدان، به هر جا رو کنیم به سوی آتش و خورشید و به سوی "او" رو کرده ایم " اینما تولوا فثم وجه الله".

دستگاه پخش خودرو، موسیقی دل انگیزی با صوت و صدای "فریدون" پخش می کند، باد تندی می وزد و گرد و خاک در کویر بلند شده است، باد و خاک را "او" می فرستد، بهار را او می آفریند، زندگی و جان ها را او می دهد و می گیرد. زندگی ، "سفر" است به سوی هدفی و مقصدی و مقصد ما، کرمان است.

ایرانیان ، اکنون علاقه بیشتری به سفر (در داخل و خارج) به ویژه در ایام نوروز از خود نشان می دهند، حال آن که در قرن های گذشته چنین نبود و ایرانیان روحیه سفر کردن و ایرانگردی و جهانگردی نداشتند. "ژان شاردن" جهانگرد و سفرنامه نویس فرانسوی که سال ها در ایران بسر برده است به درستی در باره این روحیه اسلاف ما می نویسد: "ایرانیان گردش و سفر را دوست نمی دارند، بر آن اند که گردش یکی از کارهای بسیار بیهوده ما (اروپاییان) است...سفر برای صرف کنجکاوی در نظر ایرانیان از گردش نیز غیرقابل فهم تر است. آنان لذتی را که ما از دیدن رفتارهای متفاوت با رفتارمان و شنیدن زبانی که به آن آشنایی نداریم، می بریم، درک نمی کنند".

شاردن در ادامه همین مطلب به بی توجهی ایرانیان قرن های گذشته به جهانگردی و سودمندی های آن و روحیه کنجکاوی اروپاییان برای کشف سرزمین های ناشناخته و فهم تاریخ و فرهنگ ملت های بیگانه، اشاره می کند و درسفرنامه اش می نویسد: " وزیران ایرانی (دوره صفویان) از من می پرسیدند چگونه ممکن است در میان ما کسانی باشند که رنج سفر دو سه هزار فرسنگی را با آن همه خطر تنها برای دیدن این که ایرانیان چگونه هستند و در ایران چه می کنند، بی هیچ هدف دیگری، بر خود هموار کنند. چنان که گفتم، این قوم بر آن اند که نمی توان به فضیلت دست یافت و یا از زندگی لذت برد، مگر در استراحت و در خانه ی خود، و اگر سفر برای به دست آوردن خیری نباشد، روا نیست".

داوری سفرنامه نویس فرانسوی در باره روحیه اسلاف ما ایرانیان و اهمیت ندادن به سفر و ایرانگردی و جهانگردی، نادرست نیست و این روحیه، دست کم دو علت یا عامل عینی و ذهنی دارد. نخست این که در بیشتر دوره های تاریخ ایران، نظام استبدادی و سلطنت خودکامه بر مردم این سرزمین حکمفرما بوده است.

همواره سلطان در راس هرم قدرت سیاسی و ساختار سیاسی ایران قرار داشته و حوزه یی بیرون از قلمرو قدرت خودکامه که بتوان آن را "حوزه عمومی" یا "جامعه مدنی" نامید ، نبوده و به وجود نیامده است. کشور و همه شوون آن ملک و مال خصوصی سلطان و همفکران و درباریانش به حساب می آمده و اکثریت مردم ، روحیه و دل خوش و آزادی و امنیت و ثروت برای سفر کردن و کنجکاوی و دیدن دنیای پیرامون خود را نداشته اند.

علت دوم بی توجهی ایرانیان قبل از ما به سفر، ناشی از وضعیت فکری ویژه یی بوده که با سیطره اندیشه صوفیانه در ایران - بخصوص پس از هر شکست سیاسی و نظامی - ایجاد شده بود و این اندیشه ، به گواهی صاحب نظران " انسان را از سفر بیرونی به سیر درونی و از آفاق به انفس سوق می دهد و موجب می شود تا فرهنگ ایرانی، سرشتی درون گرا پیدا کند".

در محافل صوفیانه، ترک کنجکاوی و سفر بیرونی از نخستین گام های ورود به حلقه تصوف به شمار می آید و اگر این گرایش، تنها به محافلی از صوفیان محدود شود پیامدهای چندان نامطلوبی نمی تواند داشته باشد اما از زمانی که تصوفی عامیانه و منحط، مورد توجه بیشتر ایرانیان و گروه های اجتماعی و سیاسی قرار گرفت ، انحطاط به جامعه ی ما رو آورد.

فایده سفر کردن و کنجکاوی در آثار و احوال گذشتگان و شناسایی گذشته، درک بهتر وضعیت فعلی است. نباید گفت گذشته به دیگران تعلق داشته و دنیای ما با ما شروع می شود. امام علی (ع) در نامه یی به حارث پسر عبدالله همدانی از فقیهان بزرگ و از اصحاب خود، به این امر

اشاره می کند و می نویسد: "... رفته دنیا را برای مانده آن ، آینه عبرت شمار، چه برخی از آن به برخی دیگر ماند (شبیه است) و پایانش خود را به آغاز آن برساند".(نهج البلاغه ، ترجمه مرحوم دکتر جعفر شهیدی ، نامه ۶۹.)

فایده سفر کردن این است که انسان می فهمد ایرانی امروز فرزند ایرانی دیروز است و این حقیقت ، دستیابی به قوانین کلی و تجربه های تاریخی ایرانیان و استفاده از آنها را برای نسل کنونی امکان پذیر می سازد. علی (ع) در این باره ، بیان ظریفی دارد: " مگر شما - که زنده اید - پسران یا پدران یا برادران و یا خویشان - آن رفتگان - نه اید؟ که پا بر جای پای آنان می گذارید، و بر کاری که کردند سوارید، و راهی را که رفتند می سپارید؟...".(نهج البلاغه، خطبه ۸۳)

□□□

هر چه جلوتر می رویم و به کرمان نزدیک تر می شویم وزش باد شدیدتر می شود. استان پهناور کرمان تحت تاثیر بادهای مختلف محلی و برون منطقه یی است. هر ساله وزش این بادها، آب و هوای آن را دستخوش تحولات و تغییرات قابل توجهی می کند. این بادها از نوع بادهای موسمی خشک هستند و در ماه های اسفند، فروردین و اردیبهشت می وزند.

جهت وزش باد از غرب و جنوب غربی به طرف شمال شرقی و مشرق است و باعث می شود سرعت خودرو سبک پراید زیتونی رنگ ما را که مسیر غرب به شرق می پیماید، تندتر کند! این باد که بر باغ های پسته کنار جاده نیز می وزد انبوهی از خاک و شن را به همراه دارد و موجب کاهش رطوبت هوا و پراکندن پاره های کوچک ابرها بر آسمان زیبا و آبی بالای سرمان شده است.

● کرمان؛ شهر اردشیر

نوشته اند که نام تاریخی کرمان، کارمانیا یا ژرمانیا و یکی از ایالت های تاریخی ایران است. امروزی ها می گویند که نام آن "کریمان" بوده که به مروز زمان به کرمان تغییر یافته است. بعضی از جغرافی دانان ، نام قدیم کرمان را "گواشیر" (بردشیر) خوانده اند و گفته اند که گواشیر همان "کوره ی اردشیر" یا شهر اردشیر بوده است که به تدریج به "گواشیر" تبدیل شده است .اکنون گواشیر نام یکی از هتل های شهر کرمان است.

استان کرمان در جنوب شرقی ایران واقع شده و از شمال با استان های خراسان و یزد، از جنوب با استان هرمزگان ، از شرق با سیستان و بلوچستان و از غرب با استان فارس همسایه است. ۱۸۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و پس از استان خراسان (رضوی ، شمالی و جنوبی) دومین استان پهناور ایران بوده که حدود ۱۱ درصد خاک کشورمان را در برگرفته است.

مطابق تازه ترین اطلاعات و تقسیمات کشوری، استان کرمان ۱۰ شهرستان مهم شامل بافت، بردسیر، بم، جیرفت، رفسنجان، زرند، سیرجان، شهر بابک، کرمان و کهنوج و بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت دارد.

قسمت های شمالی و شرقی آن را "کویر لوت" در برگفته و آب و هوا و آثار تاریخی و منابع زیرزمینی و معادن و صنایع دستی و محصولات کشاورزی و باغی این استان، متغیر و متنوع است.

به گواهی تاریخ، پیشینیه ی سکونت و استقرار انسان در دیار کرمان به هزاره ی چهارم قبل از میلاد می رسد و در گذر زمان، گنجینه های تاریخی - فرهنگی گرانبهایی در آن پدید آمده است. حاکمان مختلف بر آن حکم رانده اند، آثاری از خود بر جای گذاشته اند، رفته اند و به عبرت دیگران تبدیل شده اند اما توانایی، پایداری و کار و کوشش مردم این خطه از میهنمان، همچنان ادامه دارد.

در دوره ی هخامنشیان و اشکانیان، کرمان جزو ایالت فارس بود اما در دوره ی ساسانیان، فرمانروای کرمان، عنوان شاه داشته است چنان که بهرام چهارم (۳۸۸ میلادی) به "شاه کرمان" معروف بود و مستقل. یزدگرد سوم در سال ۲۹ هجری قمری و پس از حمله ی اعراب، به کرمان پناه برد و گفته شده که تا آن زمان هنوز ساکنان استان کرمان نسبت به وی وفادار مانده بودند.

کرمان در زمان خلیفه ی دوم "عمربن خطاب" به دست عرب ها افتاد و در زمان خلیفه ی سوم "عثمان بن عفان" و در سال ۳۱ هجری، مردم این استان به اتهام ندادن جزیه مورد هجوم سرداران عرب قرار گرفتند و تازیان ناآگاه و نافرهیخته ، بسیاری از آتشکده های زرتشتیان را که به آنها "مجوسیه" می گفتند، خراب کردند.

در دوره ی خلافت امویان و عباسیان اعتراض ها و مخالفت های گسترده با شیوه ی حکمرانی عرب ها در کرمان صورت گرفت که سرکوب شد اما در سده های سوم، چهارم و پنجم (عصر زرین و نوزایش دین و فرهنگ ایرانی) ، این استان زیر حاکمیت خاندان های ایرانی مانند صفاریان (یعقوب و عمرو لیث صفار)، سامانیان (مانند ابو علی پسر الیاس)، دیلمیان (مانند معزالدوله ی دیلمی) و آل بویه قرار گرفت.

در نیمه ی دوم قرن پنجم و در سده های ششم و هفتم ، کرمان به تصرف ترکان سلجوقی (آلب ارسلان)، غزنوی (ملک دینار غزنوی)، خوارزمشاهیان (علاء الدین و هندوخان خوارزمشاه) و مغولان (چنگیز خان مغول) درآمد و این سلسله های بیگانه بر آن حکم راندند.

در قرن هشتم و نهم و ابتدا در سال ۷۴۱ هجری امیر مبارزالدین محمد بنیانگذار سلسله ی آل مظفر، کرمان را تصرف کرد و بعد از انقراض این سلسله ، کرمان ضمیمه ی متصرفات امیر تیمور گورکانی شد. پس از تیموریان سلسله های قراقویونلو و آق قویونلو به ترتیب کرمان را تصرف کردند.

در آغاز قرن دهم هجری و با ظهور شاه اسماعیل موسس سلسله ی صفویه، کرمان بدون مقاومت و خونریزی به تصرف سرداران صفوی درآمد و از این تاریخ تا پایان کار صفویان و هجوم افغان ها در ابتدای قرن دوازدهم، امنیت و آسایش در کرمان برقرار بود.

گنجعلی خان یکی از معروف ترین حاکمان دوره ی صفویان است که در مدت ماموریت خود در کرمان به آبادانی و عمران آن مشغول شد و آثار فراوانی از جمله مسجد، مدرسه ، بازار و حمام از خود به یادگار گذاشت که اکنون مورد توجه گردشگران و ایرانگردان است.

ابن خلدون ناظر آگاه تاریخ جهان اسلام در کتاب "مقدمه" جلد نخست صفحه ی ۲۴۸ به درستی ، عمر متوسط سلسله های حکومتی و خودکامه در ایران و جهان اسلام را سه نسل دانسته است. این سلسله ها همواره "میان افراط خودکامگی و تفریط سست عنصری" در نوسان بوده اند و هرگز تعادلی میان آن دو، به وجود نیامد.

در ایران همواره سرسلسله ی حکمرانی و تنها شاه و سلطانی می توانست قدرت خود و طایفه ی خود را حفظ کند که هر مخالفتی را ازمیان برمی داشت و هر فرمانروایی که مخالفان را برنمی انداخت، خود بر می افتاد مگر آن که مخالفی نبود یا باقی نمانده بود. (برای آگاهی بیشتر بنگرید: جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، محمد تقی خان حکیم، نشر زرین، ۱۳۶۶ و جغرافیای تاریخی ایران باستان، محمد جواد مشکور، دنیای کتاب، ۱۳۷۱).

● کرمان؛ بازمانده دوران پرشکوه ساسانی

پسین گاهی، در حال و هوای نوروزی با هدف دیدن آثار تاریخی و باستانی کرمان، پا درون این شهر گذاشتیم و ابتدا به بازدید دو گنبد تاریخی آن یعنی گنبد "جبلیه" در شمال شرق و گنبد "مشتاقیه" در مرکز آن ، رفتیم.

گنبد جبلیه (که تصویر آن دیده می شود)، گنبد سنگی بزرگ و با عظمتی است بازمانده از دوران پرشکوه ساسانیان که به "گنبد گبری" نیز شهرت دارد. گبر به معنای زرتشتی و آتش پرست است و در قدیم به زرتشتیان ایران، که برای آتش و نور، اهمیت ، حرمت و قداست قایل بودند آتش پرست نیز می گفتند.

گنبد جبلیه، هشت ضلعی و زیبا است و ارتفاع بلند و طاق نماهای متعددی دارد. یکی از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی درون این گنبد نشسته و برای ایرانگردان و جهانگردان، توضیح می داد که مصالح بکاررفته در ساخت جبلیه، سنگ های صاف و یک دست، گچ و ساروج است.

سبک معماری آن نشانگر آن است که گنبد در اواخر عصر ساسانیان و با الهام از معماری ساسانی ساخته شده و ایرانیان باستان از آن به عنوان معبد یا آتشکده استفاده می کردند. این اثر ارزشمند تاریخی، در دوره ی اسلامی تعمیر و بازسازی شده و در نمای بیرونی گنبد، آجر بکار رفته است.

گنبد دوم گنبد مشتاقیه که به "سه گنبد" نیز شهرت دارد در فلکه ی مشتاقیه ی کرمان قرار دارد و در دوره ی قاجاریه ساخته شده است. سه گنبد بر روی سه مقبره به نام مشتاق علی ، شیخ اسماعیل و کوثر علی، بنا گردیده است.

مشتاقیه و گنبدهای آن در قرن سیزدهم هجری تعمیر و مرمت شده و از جمله آثار هنری آن، کاشی کاری و تزیینات داخل آن است. به درون گنبد رفتیم و روبروی مزار آن سه تن ، به ویژه مشتاق علی ، به روح و روان او درود فرستادیم.

نام اصلی مشتاق علی ، میرزا محمد تربتی خراسانی از درویشان و عارفان خراسان است که در اواخر قرن دوازدهم هجری به شوق و اشتیاق زیارت مقبره ی "شاه نعمت الله ولی" در ماهان کرمان به این استان سفر می کند و سپس در کنار مسجد جامع کرمان منزل می گیرد و به تعلیم و تعلم قرآن و موسیقی مشغول می شود.

او که درویشی روشن و روشن بین و اهل ادب و ادبیات بوده ، قرآن را با نوای سه تار می خوانده است و به شاگردانش، موسیقی می آموخته است. "ملا عبدالله " امام مسجد جامع کرمان که از فقیهان قشری، پرمدعا، شریعتمدار و ظاهر بین بوده است در رمضان سال ۱۲۰۶ هجری قمری حکم ارتداد مشتاق علی را به این اتهام که قرآن با نوای سه تار می خواند، صادر می کند و عوامل جاهل و مزدوران متعصبش، او را در حالت روزه داری به شهادت می رسانند.

در ایران دوره ی اسلامی همواره بوده اند افراد بی سواد و پر مدعایی که خود را "فقیه شهر" می خواندند و بر مال و جان و عرض و خون و عقیده ی مردم، حکم می راندند ، فقه را وسیله یی برای "دنیاداری" قرار دادند و اگر چه همه ی احکام شرع را می دانستند اما معتقد بودند که این احکام

"برای زید و عمرو" صادر شده و خودشان، معاف و مستثنا هستند.

این فقیهان شریعتمدار که "فقه اعضا" خوانده اند و از "فقه جان" چیزی نمی دانند در همه ی امور، در مورد خود "اصل اباحه" را جاری می سازند اما دگراندیشان از جمله درویشان و عارفانی مانند مشتاق علی را به جرم خروج از دینداری و پدید آوردن بدعت، به کشتن می دهند.

غنا و عمق معرفت و سواد مشتاق علی و اخلاص و فروتنی او را می توان از دو بیت زیر که خود در کرمان سروده است و اکنون بر تابلو ورودی مقبره اش دیده می شود، فهمید:

هر که شد خاک نشین برگ و بری پیدا کرد / دانه در خاک فرو رفت سری پیدا کرد

تا مجرد نشوی؛ راه به مقصد نبری / بیضه چون پوست فروهشت پری پیدا کرد

ظاهرا گنبد تاریخی سومی به نام "گنبد سبز" و از بناهای قرن هفتم هجری در دوره ی حاکمیت سلسله ی "قراختائیان" در شهر کرمان وجود داشته که در اثر زمین لرزه ی سال ۱۳۱۴ هجری ویران شده است.

روایت شده که در ابتدای قرن هفتم هجری و همزمان با یورش چنگیز خان مغول به خراسان، براق حاجب یکی از امیران خوارزمشاهی بر کرمان استیلا یافت و سلسله ی قراختائیان را بنیان گذاشت. سران این سلسله از سال ۶۱۹ تا ۷۰۳ هجری در کرمان حکومت کردند و در زمان حاکمیت آنان بود که "مارکوپولو" جهانگرد معروف ونیزی (ایتالیایی) از کرمان دیدن کرد.

● کرمان؛ شهر مساجد بزرگ

استان و شهر کرمان مانند دیگر استان ها و شهرهای میهنمان از بناها و آثار تاریخی ، قلعه ها و ارگ ها، یخدان ها و آب انبارها، حمام ها و بازارها، کاروانسراها و گنبدها، باغ ها و دروازه ها ، آرامگاه ها و آتشکده ها، مدرسه ها و مسجدها برخوردار است.

افزون بر بازدید از دو اثر تاریخی "گنبد جبلیه و مشتاقیه" به بازدید مسجد جامع کرمان نیز رفتیم. مسجدی که امام جماعت آن ملا عبدالله - همان گونه که گفته شد - حکم ارتداد و قتل "مشتاق علی" عارف روشن بین آغاز قرن سیزدهم هجری را صادر نمود و عواملش آن را اجرا کردند.

تاریخ ایران گواهی می دهد که هرگاه اندیشه ی قشری و فقه بدون خرد،عقلانیت و معرفت در ذهن ایرانیان و جامعه و حکومت ما رسوخ پیدا کرده و جانشین اخلاق و سیاست شده است به تدریج "فلج ذهنی" را برای ایران و ایرانی به دنبال داشته است.

در دوره ای که در غرب اندیشه ی "تصرف در عالم و آدم" به جوهر انسانی تبدیل شده بود رهبران فکری و مذهبی ایران (دوران صفویه تا قاجاریه) از هر گونه اندیشه ی تصرف فاصله گرفتند و "تصوف" و ظاهر فقه ، جزو اصول بنیادین اخلاق عمومی و سیاست ما شد و جامعه را به سراشیب انحطاط راند.

صفویان راه را برای قدرت گرفتن و مداخله ی اهل شریعت در سیاست، هموار کردند و اگر چه سقوط سلسله ی صفویان ناشی از ضعف های درونی و عملکرد بد و فساد و تباهی آنان بود اما قدرت گرفتن برخی از اهل شریعت نیز در این سقوط بی تاثیر نبود و پیامدهای ناگواری برای ایران زمین به همراه داشت.

از سقوط صفویان تا برآمدن قاجاران روز به روز بر میزان مداخله ی اهل شریعت در سیاست افزوده شد و در دوره هایی، اهل شریعت و فقاهت جانشین وزیران و "نهاد وزارت" در ایران شدند و نظریه ی رایج، نظریه "سلطنت خودکامه" بود.

به باور نویسندگان حوزه ی اندیشه ی سیاسی در ایران ، فرمانروایی صفویان با ترکیب تشیع - تصوف - سلطنت آغاز شد و با سیطره ی دریافت قشری از دیانت و سیاست به پایان رسید. همین وضع در دوره ی قاجار به شکل بدتر، تکرار شد و حکومت و جامعه ی ایران پس از شکست در جنگ های ایران و روس و تحمیل و امضای قراردادهای ننگین گلستان و ترکمنچای و از دست رفتن هزاران کیلومتر مربع از خاک میهن، به انحطاط کامل افتاد و به عمق دره ی عقب ماندگی و استبداد و قشری گرایی سقوط کرد.

مسجد جامع کرمان ۱۵۰ سال پیش از برآمدن صفویان ساخته شده و در زمان صفویان بازسازی و به مسجد "جامع مظفری" شهرت داشته است زیرا ابتدا به وسیله ی " امیر مبارزالدین محمد مظفر میبدی یزدی" از خاندان های مظفر حاکم بر یزد و کرمان احداث شده بود.

در زمان زندیان و حمله ی قاجاران به کرمان، سر در رو به مشرق آن به وسیله ی شلیک و اصابت توپ ها ی آقامحمد خان قاجار تخریب اما بعدا مرمت شد. طول صحن مسجد، حدود ۶۶ متر و عرض آن حدود ۴۸ متر است و یکی از قدیمی ترین بناهای ایرانی اواسط قرن هشتم هجری به شمار می رود.

این بنا، سردری رفیع و با عظمت در ضلع شرقی دارد که با کاشی کاری هایی زیبا تزیین شده و برج ساعت آن زینت بخش سردر بلند آن است. ساختمان مسجد مطابق اصول قرینه سازی، دو ایوان بزرگ تابستانی و زمستانی دارد و اکنون کرمانی های ساکن محله های اطراف مسجد جامع

در این ایوان ها نماز را در سه نوبت به جماعت می خوانند.

کرمان به جز مسجد جامع سه مسجد بزرگ و قدیمی دیگر به نام های مسجد ملک (زمان سلجوقیان)، مسجد گنجعلی خان (دوره ی صفویه) و مسجد چهل ستون (دوره ی قاجاریه) دارد و این مسجد به تقلید از مسجد وکیل شیراز ساخته شده و متشکل از ۴۰ ستون سنگی یکپارچه است.

"قلعه دختر" قلعه یی باستانی در شمال شرق شهر کرمان از آثار دوره ی ساسانیان از جمله مکان های مورد بازدید جهانگردان و ایرانگردان است و این قلعه که بر تپه یی ساخته شده است نقش برج و باروی محافظت کننده از مردم شهر در دوران های مختلف و هنگام یورش اقوام بیگانه را به عهده داشته است.

به جز مشاهده ی قلعه دختر، از باغ و عمارت و سردر ساختمان زیبای کتابخانه ی ملی کرمان و نیز یخدان مویدی یا درست تر"معیری" در این شهر بازدید کردیم. کتابخانه در روزهای نخست نوروز بسته است اما بر اساس تازه ترین آمار، استان کرمان نزدیک به ۳۰ مرکز فرهنگی و هنری و کتابخانه با ۳۰ هزار عضو دارد.

تعداد کتاب های موجود کتابخانه های این استان حدود ۳۴۰ هزار جلد گزارش شده است که بیشتر در مرکز استان قرار دارد. کتابخانه ی ملی کرمان هم از نظر تعداد و هم از نظر نوع کتاب، مهم ترین کتابخانه ی استان است و در مقایسه با سایر کتابخانه های موجود در شهرستان های دیگر، از اهمیت بالایی برخوردار است.

یخدان زیبای معیری، به شکل دایره و پوشش آن از خشت و ملاط رس ساخته شده و به صورت گنبدی بزرگ، نمایان است. در گذشته ، این یخدان خارج از شهر کرمان قرار داشت که اکنون بر اثر توسعه ی شهری درون شهر جای گرفته و اطراف آن فضای سبز ایجاد شده است. یخدان ها یا یخچال ها در شهرهای کویری و گرمسیری ایران مانند یزد و کرمان یکی از بهترین مکان ها برای ذخیره سازی یخ بوده است.

یخدان ها از چهار بخش مهم شامل یخدان، گنبد، دیوار اصلی و حوضچه یا استخر تشکیل شده است. در زمستان که آب به حد کافی وجود دارد آب به درون حوضچه یا استخر رها می شده و شب هنگام با توجه به سرمای هوا و پایین آمدن دما، یخ می زده است. دیواری بلند در طول استخر قرار داشته است که مانع تابش خورشید به یخ ها می شده و شرایطی را به وجود می آورده تا لایه های یخ در شب های پیاپی، اضافه شوند.

یخ ها را سپس کارگران می شکستند و از طریق درگاهی مخصوص، به درون یخدان که به صورت مخروطی بزرگ در زمین قرار دارد، منتقل می کردند. گنبد مدور و مرتفع ساخته شده از گل، یخ ها را طوری از تابش مستقیم خورشید حفاظت می کرده که در فصل گرما استفاده از یخ ها برای ساکنان کرمان امکان پذیر می شده است.● سنگ خارای ایران

تاریخ ، آثار قدیمی و میراث باستانی کشور ما ایران، سند هویت ملت ما است و از این رو مشاهده ی این آثار و میراث و خواندن تاریخ آن ، لازم و مفید است زیرا به تقویت "حس ملی ایرانیان" منجر می شود.

"آرتور دو گوبینو" سفرنامه نویس فرانسوی که سال ها در ایران بوده است در کتاب خود، نخستین ویژگی که برای ایرانیان برمی شمارد، علاقه ی آنان به هویت ملی و تاریخ و آثار باستانی است.

ایرانیان به گونه یی که گوبینو بیش از یک سده و نیم پیش (عصر ناصری ، دوره ی قاجار) آنان را دیده بود، قومی باستانی و علاقه مند به شناخت جایگاه خویش در تاریخ جهانی هستند. وی در کتابش "سه سال در آسیا" صفحه ی ۲۰۳می نویسد:" ایرانیان... قومی باستانی اند و چنان که خود می گویند، شاید، کهن ترین ملت جهان اند که حکومتی منظم داشته اند (حکومت هخامنشیان) و بر روی زمین همچون ملتی بزرگ عمل کرده اند. این حقیقت در ذهن هر خانواده ی ایرانی حضور دارد و تنها گروه های درس خوانده نیستند که این مطلب را می دانند و آن را بیان می کنند. حتی مردمان طبقات پایین نیز همین سخنان را تکرار می کنند و آن را موضوع گفت وگوهای خود قرار می دهند. این مطالب شالوده ی استوار حس برتری آنان و یکی از اندیشه های عمومی و بخش مهمی از میراث معنوی ایرانیان است".

گوبینو در باره ی حس ملی ایرانیان آشکارا می افزاید که : در زبان رسمی و تاریخی، جمعیت اقوام ایرانی را اعم از فارس، لر، کرد، بلوچ، ترکمن،آذری و ... " ملت ایرانی" می نامند چنان که ما گروه هایی از جماعات لاتینی، ژرمنی، گل و ... را ملت فرانسه می نامیم. (همان ص ۲۱۲).

این حس ملی که هویت ایرانی بر شالوده ی آن استوار شده است یکی از شگفتی های تاریخ ایران است و " وجود حس ملی و تداوم هویت ایرانی از جمشید تا شاه عباس"، گوبینو را در حیرت فرو می برد. اگرچه به سبب شکاف میان حکومت و مردم ، جز در دوره هایی کوتاه ، "دولت ملی" در ایران به وجود نیامده اما مفهوم وطن و "ایران" به عنوان واقعیتی ورای ملت و حکومت، از روزگاران کهن تا امروز، تداوم پیدا کرده است. گوبینو این "ایران" را که هسته ی مرکزی واقعیت تاریخی این سرزمین است، "سنگ خارایی" می داند که از باد و باران گزند نمی یابد.

" ایرانیان خود را در کشورشان و کشور را در خودشان دوست دارند. آنان با بی اعتنایی به آمد و شد حکومت های گوناگون نظر می کنند، بی آن که

علاقه ای به یکی از آن حکومت هایی که از بالای سر آن ها می گذرد، نشان دهند... به عبث، می توان بخشی از ایران را جدا یا سرزمین آن را تقسیم کرد اما ایران، ایران خواهد ماند و نخواهد مرد. ایران در نظر من ، چونان سنگ خارایی است که موج های دریا آن را به اعماق رانده اند، انقلابات جوی آن را به خشکی انداخته ، رودی آن را با خود برده و فرسوده کرده است ، تیزی های آن را گرفته و خراش های بسیاری بر آن وارد آورده، اما سنگ خارا که پیوسته همان است که بود، اینک، در وسط دره ای بایر، آرمیده است. زمانی که اوضاع بر وفق مراد باشد، آن سنگ خارا گردش از سر خواهد گرفت". (همان ص ۲۱۷).

به باور گوبینو و دیگر پژوهشگران تاریخ ایران، " سنگ خارای ایران" پایدارتر از آن است که نیروی حکومت ها بتواند آن را از میان بردارد و تا زمانی که حکومت ها نتوانند یا نخواهند خود را با تاریخ و هویت ایران و ایرانی سازگار کنند، و تا زمانی که حکومت ها می کوشند خود را به ملت ایران تحمیل کنند شکاف میان حکومت و مردم باقی خواهد ماند. این نکته یی است که بسیاری از حکومت کنندگان، آن را درک نکرده اند.

- زرتشتیان کرمان

ایران همواره سرزمین آیین های گوناگون بوده است و ایرانیان همواره قومی بوده اند که باورهای متنوع دینی را گرامی داشته اند، به آنها صبغه ی ملی داده اند و جزیی از هویت قومی خود تلقی کرده اند.

به باور مورخان و پژوهشگران، نخستین پیامبر ایرانی، زرتشت، در عین حال "اندیشمند خرد و فرزانگی کهن ایرانی و افق های باز" بوده است و کوروش بزرگ " فرمانروای همه ی قوم هایی بود که در ایران زمین زندگی می کردند".

به گواهی تاریخ، کوروش " در فرمانی که در ۵۳۸ پیش از میلاد در بابل صادر کرد، دین و آیین همه ی ساکنان سرزمین خود را به رسمیت شناخت" و اجازه داد تا هرکس هر طور که میل اوست به دستورهای آیین و دیانت خود عمل کند.

بر پایه ی تاریخ دوران باستان، ایرانیان در باورهای خود مردمانی آزاده و اهل مدارا بوده اند. مرآ. دانداماییف در کتاب "ایران در دوران نخستین پادشاهی هخامنشی" صفحه ی ۳۴۰ نوشته است که مدارای دینی دوره ی کوروش در زمان کمبوجیه و داریوش نیز دنبال شد تا اقوام مختلف بتوانند جزو امپراتوری ایران باقی بمانند.

در دوره ی هخامنشیان ، اشکانیان و بخصوص ساسانیان که مردم ایران بار دیگر "وحدت سرزمینی" خود را به دست آوردند، آیین زرتشت همچون شالوده ی استوار "وحدت ملی" به شمار می آمد. پشتوانه ی این سلسله ها به عنوان نظام های سیاسی اقوام مختلف، دیانت زرتشت بود که به "پیکار میان اهورامزدا و اهریمن" باور داشته و دارد.

دیانت و پیروان زرتشت هنوز در ایران و استان های آن به ویژه فارس ، یزد و کرمان وجود دارند و هم اکنون نزدیک به ۲ هزار زرتشتی در شهر کرمان زندگی می کنند. از یک مرکز فرهنگی و آتشکده ی زرتشتیان در این شهر دیدن و با برخی از هموطنان زرتشتی گفت وگو کردیم و چندین کتاب از کتابفروشی آنها، خریدیم.

یک جوان زرتشتی برای ما از آیین ها و مراسم این اقلیت مذهبی که از اعتقاداتشان سرچشمه می گیرد سخن گفت؛ آیین هایی مانند جشن سده، نوروز، جشن مهرگان و لباس سبز پوشیدن در مراسم عقد. جشن سده از آیین های زرتشتیان ایران و از جمله، ساکنان کرمان است و زمانی که زمستان به پایان می رسد و بهار آغاز می شود، برگزار می شود.

سده به معنای آتش سوزان و جاویدان و آتش شعله بلند، و نیز نام روز دهم بهمن است. در فرهنگ ایرانی آتش، کانون و آغاز حیات است، بقای آتش، نشانه ی دوام نسل و قوم و خانواده و ملت است.

زرتشتیان کرمان پنجاه روز پیش از جشن نوروز، جشن سده را برگزار می کنند و نیز همه ساله در آغاز سال نو به مدت سه روز در آرامگاه ها ، زیارتگاه ها و آتشکده های خود، مراسم نوروز را برپا می دارند.

در آثار زرتشتیان در مورد جشن مهرگان آمده است که مهر همان خورشید و نور و گرمی و مهربانی و محبت است و نیز روز چیرگی فریدون ایرانی بر ضحاک تازی است. در تقویم اوستا، جشن مهرگان برابر ۱۶ مهر است اما چون در تقویم رسمی و کشوری ۶ ماه از سال ۳۱ روز است ، از این رو جشن مهرگان ۶ روز جلوتر و روز دهم مهر در ایران برگزار می شود.

در این جشن، زرتشتیان کرمان خانه و کاشانه ی خود را پاک و پاکیزه می کنند، جامه ی نو می پوشند و "آویشن" که گیاهی خوشبو است به در خانه می آویزند و در آتشکده ها به عبادت و ستایش خداوند به همراه "موبدان سفید پوش" مشغول می شوند و سپس شادی می کنند.

جوان هموطن زرتشتی می گفت که در دین زرتشت، ناراحتی و غم و شیون و مویه بخصوص پس از مرگ یک همکیش و یک انسان، گناه است زیرا کمکی به ما و به روح و روان مرده و مردگان نمی کند، روان زندگان را می آزارد و نیز به لحاظ اعتقاد به زندگی پس از مرگ و اطمینان به رستاخیز،

گریه کردن بی نتیجه و کاری عبث است چرا که فرد هنگامی که می میرد از این دنیا به دنیای بهتر می رود.

ویژگی دیگر آیین زرتشت، پیروان آن و ایرانیان باستان، این بوده و هست که "دریافتی انحصاری از دیانت" نداشته و ندارند و اهل مدارای دینی بوده و هستند. صاحب نظران، این مدارای دینی را یکی از "عمده ترین عناصر تشکیل دهنده ی وجدان تاریخی ایرانیان" دانسته اند و گفته اند که " این عنصر از ورای فراز و نشیب دگرگونی های تاریخی ، یورش اقوام بیگانه و چیرگی دیانت ها و آیین های گوناگون"، تداوم یافته است.

در ایران ما ، زمانی که دیانت با سیاست آمیخته شد و دین به ابزاری برای قدرت، حاکمیت و برای تحقق و تامین هدف های سیاسی تبدیل گشت، دریافت انحصاری از دیانت نیز پدیدار و "مدارای دینی" کمرنگ شد؛ فرمانروایان نافرهیخته، ملایم ترین دین ها را به خشن ترین ابزارهای تسلط و چیرگی بر آدم ها تبدیل می کنند، در حالی که روحیه ی معتدل مردمان فرهیخته، خشونت را از دیانت جدا می کند.

"ژان شاردن" به عنوان پروتستانی فرانسوی و جهانگردی که در موضوع "پیوند سیاست و دیانت" کشورها به ویژه ایران تفکر و تامل کرده و از تجربه های تلخ آشوب های مذهبی در اروپا، درس های مهمی آموخته است در سفرنامه اش با اشاره به خوی مدارای ایرانیان می نویسد: "ستایش انگیزترین عادت ایرانیان ملاطفت آنان با بیگانگان، مهمان نوازی، پذیرایی و محافظت از دیگران و مدارا نسبت به دین هایی است که از نظر آنان باطل و فاسد به شمار می روند. اگر از شریعتمداران، صرف نظر کنید که مانند هر جای دیگری و شاید بیشتر از جاهای دیگر، به کسانی که باورهای آنان را قبول ندارند، سخت کینه می ورزند، در امر دیانت، ایرانیان را بسیار انسان و معتدل خواهید یافت تا جایی که اجازه می دهند که کسانی که دین آنان را ترک گفته اند، به آن بازگردند... ایرانیان بر این باورند که دعای همه ی آدمیان مقبول واقع می شود. آنان دعای خیر مومنان دیگر را می پذیرند و در ایام بیماری حتی آن را طلب می کنند. من این مطلب را ناشی از اخلاقیات ملایم این قوم می دانم که به طور طبیعی مخالف پرخاشجویی و خشونت است".

به جز شاردن، دیگر پژوهشگران و نویسندگان تاریخ اندیشه ی دینی و سیاسی ایران اذعان کرده اند که ایرانیان بر خلاف فرمانروایانشان، همواره "تلقی مداراجویانه ای از دیانت" داشته اند و از آن جا که "دیانت را بیشتر اخلاق می فهمیدند"، در دام افراط هایی که بسیاری از اقوام دیگر افتادند، نیفتادند.

به اعتقاد پژوهشگران، در طول تاریخ ایران دوره ی اسلامی - جز استثناهایی در عصر زرین فرهنگ ایران (قرن های سوم تا ششم) - همواره "بهترین فرمانروایان ایران، بدترین نمایندگان آن بوده اند و پیوسته فاصله ای میان فرمانروایان و واقعیت کشور وجود داشته است" زیرا فرمانروایان، هیچ گاه نخواستند که " تنوع زبانی، آیینی، دینی و فرهنگی مردم ایران را که از آن به مدارا تعبیر می شود" بپذیرند.

برای نمونه، فرمانروایی مانند سلطان حسین صفوی " بنا بر صواب دید ملایان و خوار و خفیف کردن زرتشتیان و ارمنیان به جهت نامسلمانی، فرمانی صادر کرد که ارمنیان باید چاک گریبان خود را ببندند، بر شانه هاشان گلیم کهنه اندازند و کلاه تکه پاره بر سر گذارند تا از مسلمانان متمایز شوند، سواره به بازار نروند، روزهای بارانی به بازار و دکان وارد نشوند تا مبادا خیسی لباسشان مسلمانان را نجس کند". (تاریخ جلفای اصفهان ص ۱۴۷).

نویسنده ی همین کتاب می افزاید: سلطان حسین صفوی فرمانی دیگر برای خوار و پست کردن ارمنیان داد که تابوت معدومان را ارمنیان حمل کنند و قدغن کرد که وجه دانه ی مرغان دربار را ایشان بپردازند و هم به فرمان او سر هر ماه، جارچی جار می زد که شاه در مورد ارمنیانی که مسلمان شوند، احسان و خواسته ی آنان را اجابت خواهد کرد. (همان ص ۱۴۸).

"هارتون درهومانیان" نویسنده ی تاریخ جلفای اصفهان در باره ی اسلام آوردن گروهی از زرتشتیان در همان صفحه می نویسد: بنا بر تکرار مداوم ملایان، شاه سلطان حسین تصمیم گرفت ارمنیان و پیروان دیگر ادیان را که در قلمرو او می زیستند، به دین اسلام در آورد. او میل باطنی خود در مورد زرتشتیان ایران را به آسانی تحقق بخشید. از پیروان این مذهب، دویست خانوار، در جنوب جلفا ساکن بودند و همگی از ترس و گروهی با وعده و وعید به مذهب شیعه درآمدند و از آن هنگام آن محله را "حسین آباد" خواندند.

با قدرت گرفتن شریعتمداران در نظام سلطنت صفویان به ویژه سده ی دوم فرمانروایی آنان، و زمانی که دین ابزار قدرت قرار گرفت، "مدارای دینی" که همچون سیمانی، پیوند دهنده ی همه ی اقوام ایرانی بود از بین رفت و از آن زمان تاکنون، این مساله گریبان جامعه ما را رها نکرده است.

- چهار چهره کرمانی در دوران قاجار

توفیق رفیق راه شد تا در سفر به کرمان به مزار و مقبره ی یکی از سفرنامه نویسان و روزنامه نگاران مهم دوره ی مشروطیت ایران به نام "مجدالاسلام کرمانی" برویم و به روح و روان او که سالها است پیکرش بر بالای تپه یی در شمال شرقی این شهر در دل خاک آرمیده است ادای احترام کنیم.

کرمان دست کم چهار روشنفکر و شخصیت تاثیرگذار و فراموش نشدنی در تاریخ سیاسی دوره ی قاجار به ویژه زمان نهضت مشروطیت ملت ایران دارد که نوشته ها و اقداماتشان در بروز و پیروزی این نهضت قابل توجه و اعتناست: مجدالاسلام کرمانی، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا رضای کرمانی و ناظم الاسلام کرمانی.

مجدالاسلام کرمانی یکی از مهم ترین روزنامه نگاران و مشروطه خواهان آگاه آن دوره است که تاملات تاریخی او در زمینه ی "خشونت در ایران" حاوی نکات تازه و جالب است. هسته ی سخن مجدالاسلام در کتاب ارزشمندش به نام "تاریخ انحطاط مجلس" صفحه ی ۸۲ این است که از آستین خشونت، جز خشونت سر برنمی کشد و خشونت هم در ابتدایی ترین شکلش محصول جهل است و ناآگاهی.

به باور بیشتر پژوهشگران تاریخ اندیشه ی سیاسی در ایران، تاریخ معاصر ما با توازن و تعادل همراه نبوده و دوره ی تاریخ جدید ایران از قاجار تا به امروز، در گذرگاه های خشونت و افراط و تفریط شکل گرفته و ساخته شده است.

مجدالاسلام که خود گرفتار خشونت شده است در توصیف خشونت در ایران می نویسد: مردم وحشی و بیرحمی در ایران ما پیدا می شوند که از صدمه خوردن نوع خودش تفریح می کند.(همان ، ص ۲۹۱).

او سال ها در محله ی تجریش در تنهایی به کار نوشتن و روزنامه نگاری پرداخت و به سبب انتقاداتش از نظام خودکامه و خشونت طلب قاجاریه، بازداشت و در زندان کلات خراسان همبند "میرزا حسن رشدیه" موسس مدارس جدید در ایران، شد اما با اراده ی مصمم توانست در دوره ی زندان "سفرنامه ی کلات" را بنویسد و نیز نگارش کتاب تاریخ انحطاط مجلس را به پایان ببرد.

مجدالاسلام در پایان همین کتاب می نویسد: تاریخ ۲۹ شعبان از سال ۱۳۲۶(قمری) در قریه تجریش با نهایت خوف و وحشت از مراقبت خفیه نویسان درباری { دربار محمد علی شاه قاجار، دوره ی استبداد صغیر} به اختتام این کتاب موفق شدم. (همان ، ص ۲۹۵).

به جز مجدالاسلام کرمانی و نیز ناظم الاسلام کرمانی که "تاریخ بیداری ایرانیان " را نوشته است، یکی دیگر از شخصیت های مشروطه خواه و روشنفکر عرف گرای کرمان، میرزا آقاخان کرمانی است که در واپسین دهه ی عصر ناصری، با تکیه بر دیدگاهی نو در "تاریخ نویسی"، گام مهمی در تدوین تاریخ ایران برداشت.

او با نگارش کتاب "آیینه ی سکندری" سنت تاریخ نویسی در ایران را وارد مرحله ی تازه ای کرد که تا آن زمان ناشناخته بود و این کتاب، به باور مورخان اندیشه ی سیاسی، افزون بر این که گزارشی از تاریخ ایران از آغاز تا دوره ی اسلامی به دست می دهد، تاملی در مباحث تاریخ نویسی در ایران نیز هست.

از دیدگاه میرزا آقاخان، تاریخ نویسی امروز، "نه تاریخ رایج و متداول در مشرق" است که وقت خوانندگان را به "استماع قصه و افسانه" تلف می کند و هدفی جز "ریشخند و خوشامدگویی و بیهوده سرایی" ندارد، بلکه "تاریخ حقیقی مشتمل بر وقایع جوهری است تا محرک ترقی و تربیت ملت باشد". (آیینه سکندری، ص ۸).

به اعتقاد او، این تاریخ، چونان "آیینه ای گیتی نما" است که " اسباب ظهور هر قدرت و شوکت و هر انقراض را در نظر آدمی می نمایاند" تا انسان را برای انجام کارهای بزرگ آماده کند و"جمعیت بشریه" را از افتادن در "مهالک موجوده" مانع شود. تاریخ به عنوان علم شناخت "اسباب ترقی و تنزل" هر ملتی و آگاهی هر قومی از سرگذشت نیاکان خود است و مهم ترین فایده ی آن عبارت است از شناختن گذشته برای اطلاع از "پیش آمد" حال و آینده.

میرزا آقاخان کرمانی می نویسد: "چنانچه هر کسی باید پدر راستین خود را بداند کیست و نسب اصلی او از کجاست، تاریخ قوم خود را نیز باید از روی معلومات جوهریه ...کشف و تحصیل کند تا از نتایج و تاثیراتی که لازم این فن شریف است، بتواند بهره کافی برگیرد و الا از تاریخ دروغین و اساطیر بی اصل که مطابق واقع و حقیقت نیست چه فایده و تاثیر آید". (همان، ص ۱۱ و ۱۲).

به نظر میرزا آقاخان، در ایران، تاریخ نویسی مانند دیگر شوون فرهنگ و تمدن ایرانی در سراشیب انحطاط افتاده و ایرانیان در جهل به تاریخ باستان و میراث تاریخی کشور خود به سر می برند. او در آیینه ی سکندری صفحه ی ۱۷ یادآور می شود که در حالی که در نزد اهل ادب و دانشمندان، دانستن "جای سم اسب یعرب بن قحطان" از فضایل و کمالات شمرده می شود، کسی از ایرانیان به عنوان مثال، نمی داند که " دخمه ی زردشت و فریدون و کیخسرو و کاووس" در کجا قرار داشته است و تحقیق در احوال هوشنگ و جاماسب و بزرگمهر، "نشان زندقه و الحاد و دلیل کفر است".

آقاخان در کتابش به روش تحلیلی و نیز تطبیقی به مهم ترین تحولات دوره های گوناگون تاریخی ایران و نیز به انحطاط ایران زمین و علل فلسفی آن اشاره می کند و به خوانندگانش "آگاهی ملی" می بخشد. از این رو بی جهت نیست که فریدون آدمیت در کتاب "اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی" صفحه ی ۲، به درستی، او را "بنیانگذار فلسفه ی تاریخ ایران و ویرانگر سنت های تاریخ نگاری، برجسته ترین مورخان ما در قرن پیش... و

یکتا مورخ متفکر زمان خویش" نامیده است.

از سوی دیگر، میرزاآقاخان کرمانی نخستین نویسنده یی است که یکصد سال پیش، از "حقوق بشر" سخن گفته و ملت ایران را به آگاه شدن از حقوق اجتماعی و سیاسی اش دعوت کرده است.

کنون ای مرا "ملت" هوشمند / چرایید در چاه غفلت نژند؟

برآیید و بینید کار شگفت / به آسان توانید گیتی گرفت

ولی تا شناسید از خیر و شر / بیایست خواندن "حقوق بشر"

که تا خود بدانید زآیین و راه / بد و نیک گیتی نباشد ز شاه

اگر آگهی تان رسد کم و بیش / ببینید هر چیز در دست خویش

همه نیک بختی و بیچارگی / به دست شما هست یکبارگی

او هدف از شعر و شاعری را تنویر افکار و تشویق مردم به "عبرت و غیرت و حب وطن و ملت" می داند و از شعرای ایران، فردوسی و شاهنامه (خردنامه اش) را می ستاید زیرا "حب ملیت و جنسیت {نژاد} و شهامت و شجاعت را در طبایع ملت ایران القاء می کند".(ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان ، ص۲۲۲-۸).

میرزا آقاخان کرمانی همچنین سال ها پیش از اعلان مشروطیت، در باره ی آزادی و "آزادی زنان" مطالبی گفته و نوشته است که بیشتر این نوشته ها در زمان مشروطیت و حتا سال ها پس از آن در ایران اجازه ی انتشار نیافت. از جمله نوشته است که " عالم انسانیت به سرحد کمال نخواهد رسید مگر این که زنان نیز در جمیع امور و حقوق با مردان، مشترک و برابر باشند".(اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی، ص ۲۵۹).

بدیهی است که این نوع اندیشه ها و نوشته ها در جامعه ی آن روز ایران و حتا امروز خریدار نداشته و ندارد و دلایل و داستان آن، درازدامن است و از بحث ما خارج. با این همه یکی از دلایل آن پایین بودن سطح آگاهی مردم و قشرهای مختلف جامعه ی استبداد زده است. دلیل دیگر آن به محتوای متون و نگرش و دیدگاه خاص متولیان مذهبی و رهبران سیاسی و سنتی ما برمی گردد که خود را در قوانین اساسی و مدنی و قضایی ایران آشکارا نشان داده است.

مشابه سخن میرزاآقاخان کرمانی، این سخن میرزا ملکم خان از دیگر روشنفکران و نویسندگان عصر ناصری و دوره ی مشروطیت است که در شماره ی هفتم روزنامه ی "قانون" آمده است: هیچ طرح ملی پیش نمی رود مگر به معاونت {کمک} زنها، زن های ایران باید ملائکه ی ترویج آدمیت باشند.

انتشار روزنامه ی قانون در سال ۱۲۶۸ خورشیدی حادثه ی بسیار مهمی بود که فکر "قانون خواهی" و بذر اندیشه ی مشروطیت را به زبانی ساده و موثر در اذهان و افکار نوجویان و مخالفان حکومت خودکامه ی قاجار بخصوص تجار، روحانیون و تحصیل کردگان وارد کرد.● ماجرای مدرسه نمدمالان میرزا آقاخان کرمانی به همراه دیگر روشنفکران مشروطه خواه مانند جلال الدین میرزا، ناظم الاسلام کرمانی، میرزا فتحعلی آخوندزاده، طالبوف تبریزی، زین العابدین مراغه یی، مجدالاسلام کرمانی، شیخ ابراهیم زنجانی، میرزا ملکم ناظم الدوله، سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ احمد روحی، یحیی دولت آبادی، میرزا علی خان امین الدوله، میرزا محمد علی خان مجدالملک، شیخ مهدی شریف کاشانی، احتشام السلطنه ، میرزا حسن رشدیه، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا حبیب اصفهانی، مشیرالدوله، مخبرالسلطنه ی هدایت و شماری از روحانیون نواندیش، در گفته ها و نوشته هایش از ماهیت نظام استبدادی و خودکامه در ایران پرده بر داشت و خواهان سقوط این نظام و عواملش شد.

کرمانی سلطنت قاجاریه را نقطه ی عطفی در انحطاط تاریخی ایران می دانست و در "نامه های تبعید" ص ۸۷ نوشته که "عزم جزم کرده است تا به جهت قلع و قمع ریشه این جانوران تعدی و این لاشخوران منفور و پاک شدن ایران از عفونت کثافت وجود نالایق ایشان دو رساله (کتاب) بنگارد" تا در رساله ی نخست "تکالیف ملت ایران" را روشن کند و آن گاه نیز کتابی "در تاریخ قاجاریه" بنویسد زیرا برای "برانداختن بنیان این درخت خبیث چنین کتابی لازم است".

پس از واقعه ی واگذاری امتیاز توتون و تنباکو به انگلیسی ها در زمان ناصرالدین شاه قاجار، میرزا آقاخان با مشارکت روشنفکران و جمعی از بازرگانان نامه یی به میرزای شیرازی از مراجع شیعه نوشت و مشوق او شد که صرفا به پیروزی ای که در لغو امتیاز تنباکو (واقعه ی رژی) نصیب او و ملت ایران شده قانع نشود و " امور را تا نقطه ی آخر اصلاح کند" یعنی به کار سلطنت ناصرالدین شاه خاتمه دهد. نوشت که از پیشوایان دینی می خواهد که " دستگاه ظلم و معاونت ظلم و اطاعت ظالم را تکفیر نمایند".(شورش بر امتیازنامه ی رژی، فریدون آدمیت، نشر پیام، ص ۱۴۰).

این روشنفکر عرف گرای مخالف استبداد و رژیم قاجار که یکی از برجسته ترین تدوین کنندگان تاریخ و اندیشه ی ملی گرایی ایرانی است برای

سقوط حکومت ظالم و مستبد قاجار به هر دری زد و به هر اندیشه یی پناه برد. در تبعید، به پیروی از میرزا ملکم، جمعیت "آدمیت" استانبول را به راه انداخت و خود از نیروهای فعال آن جمعیت بود.

او هم زمان تحت تاثیر اندیشه های سید جمال الدین اسدآبادی، مبلغ اندیشه ی "اتحاد اسلام" بود و در زندگی کوتاه خود از هیچ کوششی برای سقوط حکومت ناصرالدین شاه خودداری نکرد و سرانجام پس از ترور شاه - به دست همشهری دیگرش میرزا رضای کرمانی- به اتهام همدستی در قتل شاه، دولت عثمانی، او و یارانش خبیرالملک و شیخ احمد روحی را به ماموران مرزی ایران سپرد و در صفر ۱۳۱۴ قمری، عاملان حکومت مستبد قاجار، هر سه نفر را در یکی از باغ های تبریز، زیر درخت نسترنی سر بریدند.

هر چند سر میرزا آقاخان کرمانی و یارانش پیشتر از نظام خودکامه بر باد رفت اما او به نشانه های آغاز و پیروزی "جنبش مشروطیت" مردم ایران اشاره کرده بود و این اتفاق افتاد اما "خودکامگی" در ایران به بن بست نرسید، این "بساط کهنه" برچیده نشد و بار دیگر پس از مشروطیت، در جامه ای جدید جلوه گر گردید.

▪ مروری بر تاریخ کرمان

تاریخ نویسان تحلیلگر، نوشته اند که کرمان در سده ی دوم فرمانروایی صفویان بر اثر سوء سیاست و سیاست دینی تبعیض آمیز و خودکامگی حاکمان، نابسامان شد و به وسیله ی افغان ها سقوط کرد. زیرا در آن زمان، خودکامگی و سست عنصری مسوولان جای اصلاح طلبی و تدبیر را گرفت، بی لیاقتی، جانشین کاردانی شد و دیانت که در آغاز مایه ی نوعی انسجام بود به عامل انحطاط تبدیل گشت.

به گواهی تاریخ، در بخش های وسیعی از فرمانروایی صفویان، اهل سنت و جماعت و نیز گبریان و زرتشتیان زندگی می کردند و رفتار نابرابر و تبعیض دینی علیه آنان به تهدیدی برای نظام حکومتی تبدیل شد و زمینه های شورش و یورش افغان ها و سقوط ایران زمین از جمله کرمان را فراهم کرد.

سیاست تبعیض دینی حکمرانان صفوی - که خود را شیعه می دانستند - در قبال ساکنان اهل سنت شهرهای هرات و قندهار - و دیگر بخش های افغانستان که آن زمان بخشی از ایران بود- و نیز اعمال همین سیاست علیه زرتشتیان کرمان، موجب شد این دو طایفه ی مذهبی علیه حکومت مرکزی همدل و همسو شوند.

برخی جهانگردان و تاریخ نویسان خارجی مانند "تادئوش کروسینسکی" در گزارش خود از ایران دوره ی صفویه یکی از علل سقوط کرمان را ارتباط های پنهانی زرتشتیان با محمود افغان می داند و می نویسد: از آنجا که یوغ صفویان که اغلب زرتشتیان را مورد آزار و اذیت قرار می دادند، بر آنان گران می آمد، میرمحمود افغان به کوشش چندانی برای جلب حمایت آنان نیازی نداشت و به وسیله ی آنان توانست شهر را فتح کند. (تاملی در باره ی ایران، جواد طباطبایی، ج ۱، صفحه ی ۴۹۰).

باستانی پاریزی از نویسندگان معاصر کشورمان که خود از خطه ی کرمان است در کتاب "سیاست و اقتصاد عصر صفوی" در باره ی همکاری زرتشتیان یا گبران با محمود افغان و آن چه پیش از یورش افغانان از کارگزاران حکومتی بر آنان می رفته می نویسد: صفویان از زرتشتیان جزیه می گرفتند. افغانها به دنبال تسلط بر کرمان جزیه ی زرتشتیان را بخشودند. اصفهان، جزیه خواه بود و افغان جزیه بخش شد؛ ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا!

او در باره ی سیاست نامناسب شیخ علی خان حاکم وقت کرمان می نویسد: کرمان بر اثر سوء سیاست شیخ علی خان دچار چند دستگی شده بود: یکی دعوای کرد و فارس که صورت مذهبی شیعه و سنی یافته بود و یکی زرتشتی و مسلمان که بعدها ابعاد نظامی و سیاسی بزرگی پیدا کرد؛ صوفی و متشرع هم که از قدیم بود. (سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص ۴۷۴).

در اثر بی سیاستی و بی تدبیری حاکمان صفوی به ویژه شاه سلطان حسین صفوی، محمود افغان در سال۱۱۳۲ هجری قمری به قصد تصرف اصفهان پایتخت صفویان از طریق سیستان خود را به کرمان رساند اما در آنجا از لطفعلی خان والی فارس و برادرزاده اش، به سختی شکست خورد و به قندهار گریخت، او بار دیگر از راه سیستان به کرمان تاخت و پس از استیلا بر آن از طریق یزد راهی اصفهان شد.

پس از دفع شر محمود و اشرف افغان به وسیله ی "نادر افشار" و خلع شاه طهماسب صفوی از سلطنت، کرمان مانند سایر مناطق ایران به تصرف نادر موسس سلسله ی افشاریه درآمد. بر پایه ی توضیح تاریخ نویسان، کارنامه ی نادر با ترازنامه ی شاه سلطان حسین و شاه طهماسب صفوی و یورش افغانان، تفاوت چندانی نداشت. نادر سردار بزرگ ایران، ایرانیان را از چنگال گرگ اشرف افغان رها کرد و خود عاقبت به گرگ آنان تبدیل شد.

▪ سیاهترین دوره کرمانیان

بعد از کشته شدن نادر، کرمان دستخوش هرج و مرج بیشتر گردید و به وسیله ی افغان ها و بلوچ ها تاراج شد. کریم خان زند بنیانگذار سلسله ی

زندیه (۱۱۶۳ -۱۱۹۳ هجری قمری) بعد از سرکوب کردن مخالفان، بدون هیچ گونه مانعی کرمان را تصرف کرد. پس از سقوط زندیه به وسیله ی آغامحمدخان قاجار، روزهای تاریک کرمانیان آغاز شد.

او پس از استیلا بر کرمان، فرمان قتل عام ساکنان این شهر را صادر کرد و سپاهیان قاجار از هیچ جنایت و ددمنشی در حق اهالی آن، فروگذار نکردند. روایت شده است که به دستور آغامحمد خان (تصویر بالا) بیش از بیست هزار نفر، کور و از نعمت بینایی محروم شدند و از سرهای کشته شدگان، کله مناره ها برپا گردید.

کرمان در زمان حکمرانی قاجاران به لحاظ فرهنگی، سیاسی و بخصوص اقتصادی بدترین وضع را داشته است و حاج محمد علی محلاتی معروف به "حاج سیاح" که در دوره ی قاجار در سال ۱۲۹۵ خورشیدی از این شهر دیدن کرده می نویسد که کرمان به درجه ای از رکود اقتصادی و فقر تنزل پیدا کرده که سیستان که خود کانون فقر و تنگدستی بود، در مقایسه با آن آباد و پیشرفته بحساب می آمد. او در سفرنامه اش می نویسد که "اجمالا کار معاش چنان بر اهل کرمان تنگ است که اهل سیستان و قائن از ایشان بیشتر در رفاه بودند، به طوری که از کرمان به آنجاها پناه می برند". (سیاح، ص ۱۶۴).

حاج سیاح با ترسیم تصویر سیاهی از فقر مردم کرمان دوره ی قاجاریه می نویسد که آنان چنان در کار معیشت درمانده بودند که کودکان خردسال خود را به فرش بافی و شال بافی می فرستادند. این کودکان اجرتی معادل سه یا چهار شاهی دریافت می کردند و در صورتی که به استادی می رسیدند، مزد روزانه آنان از ۱۰شاهی تجاوز نمی کرد.

این کودکان چنان چه مرتکب خطایی می شدند، به گفته ی حاج سیاح " با سوزن، به دست ایشان زده، سوراخ می کنند یا گوششان را چنان فشار می دهند که نزدیک دریدن می گردد". در کرمان وضع این کودکان تنها با زنان قابل مقایسه بود که با دریافت کم ترین اجرتی به دوزندگی می پرداختند و اجرت آنان چنان اندک بود که " از صد خانه یکی قدرت نداشت شب چراغ روشن کند".

به گزارش سیاح، بسیاری از اهالی کرمان برخی روزها "بضاعت خرید نان نداشتند" و با شلغم و چغندر شکم خود را سیر می کردند. فقر تنها موهبتی بود که در کرمان به تساوی تقسیم شده بود، در حالی که حکومت به جز دریافت مالیات، دست به کاری نمی زد. حاجی می نویسد: انسان به میدان (عمومی شهر) می رود، می بیند هر یک پاره نمدی پوشیده که به تنش فرو رفته، پشته ای از هیزم در پشت از صحرا آورده، به جزئی وجه (پول) می فروشند و برای این پشته، که از ۱۰ شاهی بالاتر نمی فروشند، دو روز کار کرده، با وجه آن باید امرار معاش کنند و مالیات دیوان (حکومتی) را بدهند. (همان ص ۱۶۴).

▪ مدرسه نمدمالان

اما عمیق ترین آسیبی که در کرمان دوره ی قاجار از فقر ناشی می شده نوعی فحشا بوده که حاج سیاح آن را "مقاطعه دادن زنان بیوه" می نامد. زنان ، مانند کودکان، آسیب پذیرترین قشر جامعه ی ایرانی بودند و البته ، وهن و توهینی که بر آنان می رفت بیشتر از آن بود که عفت کلام حاج سیاح به او اجازه ی بحث در باره ی آن بدهد. حاجی می نویسد که "لابدم کار بدتر از همه را هم که فعلا از کارهای معمولی آن جاست، بنویسم" و می افزاید: " از شدت پریشانی، زنان و دختران را به مقاطعه می دهند ، یا به اسم صیغه و متعه یا فروش، هر چه بگویی سزاست". برخی از مراکز و مدرسه های کرمان، و نیز دیگر شهرهای کشور، محل واگذاری این زنان و دختران بود که حاجی از آن میان از "مدرسه نمدمالان" نام می برد و می نویسد که برخی از ساکنان آن مدرسه "کارشان صیغه دادن زن و دختر است که به خود زن ها یا کسان ایشان وجهی داده، زن ها را برای این کار اجاره می کنند و به مردم صیغه و مقاطعه داده ، وجه اجاره را داده، باقی دخل ایشان است".

حاج سیاح که خود از مدرسه ی نمدمالان دیدن کرده ، یادآور می شود که "این مدرسه حجره هایی داشت که کسان از پیر و جوان در ایوان هر حجره نشسته بودند و به هر کس که وارد می شد، قلیان می دادند و اظهار انس کرده، بعد می پرسیدند: زن می خواهی یا دختر جوان؟" او آنگاه به درستی می افزاید که " زن بیوه به مدارس آمدن و شبانه متعه شدن و پول گرفتن، اختصاص به کرمان ندارد". (همان ص ۱۶۵).

حاج سیاح به دلیل دیدار از شهرهای دیگر ایران به وجود این "آسیب اجتماعی" اشاره می کند، چنان که در باره ی یزد می نویسد: ناخوشی زن به مقاطعه و متعه دادن در کرمان، اندکی به یزد هم سرایت کرده و یک چشمه (ی) دخل هم برای صیغه دهندگان افزوده است. در کرمان این عمل، محققا از شدت اضطرار بود ولی در یزد علت آن را ندانستم. (همان ص ۱۷۹).

بی تردید، علت این گونه آسیب های اجتماعی و ناهنجاری های جامعه ، خودکامگی و بی لیاقتی حکومت ، فقر و بی خبری مردم و سوء استفاده کردن از باورهای مذهبی آنان بوده است. نظام خودکامه در ایران به جای ریشه یابی و درمان این گونه آسیب های اجتماعی دهان بازگوکنندگان آن را مانند حاج سیاح می بست.

حاج محمد علی محلاتی (حاج سیاح) از روشنفکران و روزنامه نگاران عصر قاجار به اتهام خواندن، آگاه شدن، نوشتن، آگاهی دادن، انتقاد از وضع موجود، افشا کردن نارسایی ها و تباهی ها و تبلیغ افکار روشنفکری و قانون خواهی، بازداشت و در زندان قزوین همبند میرزا رضای کرمانی شد که در شماره های بعد به شرح احوال و رفتارش اشاره خواهم کرد.

● آوازهای هولناک از بدنهای نیمه جان

در میان مورخان اندیشه ی سیاسی، این نکته، مورد تایید و اتفاق همه است که ایران زمان قاجاران غرق در جهالت و فساد و بی خبری و خشونت بود تا جایی که آغامحمدخان قاجار برای اداره ی کشور "راهی جز کشتن و بستن" نمی شناخت.

آن گاه که نوبت به جانشینان او یعنی فتحعلی شاه و سپس محمد شاه قاجار و صدراعظم های بی لیاقتی مانند میرزاآقاسی شعبده باز رسید، این حکمرانان "زیوری جز تن آسایی و خودآرایی" نداشتند و نمی شناختند.

شماره ی زن های فتحعلی شاه "از حد نصاب گذشت" و به تعبیر میرزا علی خان امین الدوله "تعدد بنین و بنات او آب و اعتبار دودمانش را برد". او در کتاب "خاطرات سیاسی" صفحه ی ۹ می نویسد که " عهد فتحعلی شاه، دوره ی گرمی بازار عیش مهنا و ریش محنا بود و میدان شعر و تملق ، فسحتی یافت".

در عهد فتحعلی شاه، روس ها دو قرارداد ننگین گلستان و ترکمنچای بر دولت قاجار تحمیل و هزاران کیلومتر مربع به ویژه قفقاز و بخش هایی از آسیای مرکزی را از سرزمینمان جدا کردند و در عهد محمد شاه، با توطئه ی انگلیسی ها و بی کفایتی حکمرانان ، هرات از دست رفت و وهن و توهینی دیگر بر ملت ایران وارد شد.

پس از محمد شاه، ناصرالدین شاه به مدت ۵۰ سال بر تخت سلطنت نشست و با سست عنصری یا خودکامگی خود و درباریانش ، تمام کوشش های اصلاح طلبانی مانند میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و میرزا تقی خان امیرکبیر برای اصلاح وضع اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی ایران را به هدر داد.

نیم سده ی سلطنت ناصرالدین شاه (تصویر بالا)، برغم کوشش هایی که برای انجام اصلاحات در کشورمان صورت گرفت، دوره ی طولانی شکست های پی درپی اصلاحات و گسترش روزافزون دخالت بیگانگان یعنی روس ها و انگلیسی ها در امور کشور بود.

به گفته ی امین الدوله، نقش شاه و صدراعظم هایش مانند آقاخان نوری و میرزا علی اصغرخان امین السلطان در به بن بست راندن کشور، در عقیم گذاشتن کوشش های اصلاح طلبانه، در شکست اصلاحات و حتی در فراهم آوردن زمینه های قتلش به وسیله ی میرزا رضا کرمانی شاگرد سید جمال الدین اسدآبادی، اساسی بود.

"تقدیر به دست قدرت خود ناصرالدین شاه ، اسباب قتل او را فراهم کرد و او را از تخت به تابوت کشاند. رضا کرمانی، جمال الدین افغانی و مایه (ی) ویرانی، همه، به اهتمام خود شاه ساخته شد. ذالک تقدیرالعزیزالعلیم" (خاطرات سیاسی، ص ۲۱۷).

با گذشت زمان، بحران سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران عصر قاجار عمق و ژرفای بیشتری پیدا کرد، مردم در خواب سنگینی فرورفته بودند، " نفس ایران تنگ و بدن مملکت، رنجور و عرق اضطراب بر آن جاری بود. از بدن های نیم جان آوازهای هولناک برمی خاست، بی آن که در اجساد، حرکتی دیده شود" (همان ص ۱۷۳) و ناصرالدین شاه پس از سومین سفرش به فرنگستان، به ویژه به دنبال رسوایی واگذاری امتیازهای گوناگون به بیگانگان (برای نمونه انحصار تنباکو و قرارداد رژی)، در واپسین سال های فرمانروایی اش، به " عیش شبانه روزی" خو گرفته بود.

ضعف های اخلاقی ناصرالدین شاه و وزیران و درباریانش و این که آنها نمی توانستند حتی در برابر زنان حرمسرا مقاومتی از خود نشان دهند، کشور را به کانون فساد و نابسامانی تبدیل کرد. امین الدوله می نویسد که " غفلت شاه ...که اوقات خود را به لذات جسمانی مشغول می ساخت، میدان وسیع و بی مانع، به حوادث و انقلابات می داد".(همان ص ۱۵۳).

در پی انتقادها و مخالفت های سیدجمال الدین اسدآبادی به وضع موجود، به دستور ناصرالدین شاه او را به وضع فجیعی به بصره ی عراق تبعید کردند و آن گاه که " کار یک درجه بالا گرفت" و آوازه ی واگذاری انحصار توتون و تنباکو به گوش مردم رسید برخی از واعظان نیز بر بالای منبرها "دهان به ذم و قدح دولت و دولتیان گشودند". نخست، سید "علی اکبر فال اسیری" بود که در "شیراز شیرازه ی دولت و سلطنت را گسیخت و آبروی حکومت را ریخت". مامورین حاکم شیراز او را گرفتند، " دست و دهانش بستند و به قاطری سوار کرده، به سمت بوشهر بردند" (همان ص ۱۵۱) و به بصره که سید جمال نیز آن جا بود، تبعید کردند.

به نوشته ی امین الدوله، سید برای بار دوم در زمان صدارت امین السلطان به تهران آمده و جمعیت زیادی، هوادار و طرفدارش شده بودند و به سخنانش گوش می دادند، چندان که ناصرالدین شاه از حضورش در ایران بیمناک شد و دستور داد سید را با رسوایی اخراج کنند.

پس از این دستور، حاکم قصبه ی شاه عبدالعظیم (شهر ری) سید را از بست صحن امام زاده بیرون کشید و برای این که صدای مردم بلند نشود، در مقام نفی سیادت او (سید بودن او) برآمد، اسلام او را "مشکوک" و خود او را "غیر مختون" خواند و برای اثبات ادعای خود دستور داد " در بازار، بند ازار او را بریدند و مکشوف العوره با سر و پای برهنه به یابو بستند" و در سرمای سخت زمستان او را به مرز عثمانی راندند.

نویسنده ی خاطرات سیاسی، عباراتی را در شرح کوشش های مرید سید جمال یعنی میرزا رضای کرمانی می آورد و می نویسد: " از اعوان و اصحاب سید هیچ کس به او یاری نکرد، مگر میرزا رضای کرمانی که سراسیمه به چپ و راست می دوید، قفا می خورد و ملامت می دید، فریاد می کشید که مردم این سید است و از اولاد پیغمبر شماست، از بزرگان علماست، غیرت کنید و نگذارید مظلوم کشته شود. فغان و اشک و تلاش و کوشش رضا فایده نداد. سید رفت و او به جا ماند. ماموران حکومت به منزل سید تاختن آوردند. از کتاب و کاغذ هر چه به دست آمد، بستند و سر به مهر خدمت وزیر اعظم فرستادند. امین السلطان رایت فتح برافراشت، شبانه به دوشان تپه رفت، کیف و دفتر سید را به همان مهر و نشان به حضور شاه برد که از آن میان خون جمعی ریخته و خاندان ها برانداخته شود. در آن صندوق جز لعنت نیافتند. تیر وزیر به سنگ آمد و شاه خشنود شد که از مردم معروف و نوکرهای دربار، کسی با جمال الدین همراه نبوده است"(همان ص ۱۵۰).مدتی از این ماجرا نگذشته بود که ناصرالدین شاه در آستانه ی پنجاهمین سال سلطنتش در صحن حضرت عبدالعظیم شهر ری به دست میرزا رضای کرمانی از اصحاب و پیروان سید جمال به قتل رسید و دوره ی طولانی فرمانروایی و استبدادش به سرآمد. تردیدی نیست که ناصرالدین شاه نخستین و آخرین فرمانروایی نبود که دربار خود را به "کانون تباهی ها" تبدیل کرد، این شیوه ی فرمانروایی از پیامدهای خودکامگی در ایران و بی خبری مردم ما بود.

بیشتر مردم ایران در دوره ی قاجار و پس از آن درکی از ساختار قدرت و منطق عملکرد آن پیدا نکرده بودند، سهمی از قدرت و نظارت بر آن نداشتند، نمی توانستند دریافتی روشن از مناسبات پیچیده ی قدرت داشته باشند، با حق و حقوق سیاسی و وظایف اجتماعی خود آگاه نبودند و این امر موجب شد حکمرانان به ظلم و فساد و استبداد و خودکامگی رو بیاورند.

میرزا رضای کرمانی در بازجویی هایش در تهران و قزوین و در بیان سبب قتل ناصرالدین شاه ، آشکارا گفت که " سال هاست که سیلاب ظلم بر عامه (ی) رعیت ایران جاری است...پادشاهی که پنجاه سال سلطنت کرده باشد و هنوز امور را به اشتباه به عرض او برسانند و تحقیق نفرماید و بعد از چندین سال سلطنت، ثمر آن درخت، امین السلطان و اراذل و اوباش بی پدر و مادرهایی باشند که بلای جان مردم شده اند، چنین درختی را باید قطع کرد که دیگر این نوع ثمر ندهد: ماهی از سر گنده گردد نی ز دم! اگر ظلمی می شد از بالا می شد". (انقلاب مشروطیت ایران، ادوارد براون، ص ۵۹).

میرزا رضا در برابر بازجویان حکومت، پایداری و تاکید کرد که سلطان باید کشته می شد و نظر آنان را به این واقعیت جلب کرد و گفت که " قدری پایتان را از خاک ایران بیرون بگذارید، در عراق عرب و بلاد قفقاز و عشق آباد و اوایل خاک روسیه، هزار هزار رعیت بیچاره (ی) ایران را می بینید که از وطن عزیز خود از دست تعدی و ظلم، فرار کرده، کثیف ترین کسب ها و شغل ها را از ناچاری پیش گرفته اند، هر چه حمال و کناس و الاغچی و مزدور در آن نقاط می بینید، همه ایرانی هستند"(همان).

با مرگ ناصرالدین شاه، دوره ای مهم و منحط در تاریخ ایران به پایان رسید و دوره ای جدید با "انقلاب مشروطیت" آغاز شد زیرا مشروطه خواهانی مانند میرزا رضای کرمانی مرید انقلابی سید جمال اسدآبادی به این نتیجه رسیده بودند که در جامعه و حکومتی که راه هر اصلاحی بسته باشد، راهی جز انقلاب باقی نخواهد ماند.● ترکمانچای میراث باستانی ایران

پس از سه روز اقامت پر بار در شهر کرمان و بازدید از برخی آثار تاریخی و فرهنگی، این شهر با کرامت را به سوی جنوب ، بندرعباس و خلیج فارس ترک کردیم. با خروج از کرمان پا به کویری گذاشتیم که یک سر آن ما بودیم و پیدا بود! و سر دیگرش ناپیدا و شاید به قیامت و جهان دیگر می رسید!

در مسیر، در روستای قدیمی "نگار" از روستاهای بااهمیت شهرستان "بردسیر" که در کتاب های تاریخی از آن نام برده شده است، توقف نمودیم. این روستا در مسیر جاده ی کرمان – بافت و در ۲۵ کیلومتری مرکز شهرستان قرار دارد. هم اکنون در قسمت قدیمی نگار، آثار حمام ویران شده و برج و مناره ی مسجدی پابرجاست که از ساروج و آجر ساخته شده و نوشته اند که قدمت آنها به دوران سلجوقیان برمی گردد.

با گذر از شهرهای بافت، ارزوییه، وکیل اباد، حاجی آباد و مشاهده ی کشتزارها، باغ های میوه ، نخلستان ها، معادن زغال سنگ ، کوچ عشایر، آثار باستانی و بناهای تاریخی، وارد استان هرمزگان شدیم و به بندرعباس رسیدیم.این استان نیز مانند استان های کرمان و یزد و فارس و خوزستان، برخوردار از آثار و میراث باستانی است که سند هویت ملت ایران به شمار می رود و هر ملتی با توجه به شناختی که از هویت ملی خویش دارد به میراث تاریخی خود ارج می نهد و از آن پاسداری می کند.

متاسفانه در سال های گذشته و در سده های پیش از آن، بی خبری مردم ، جهل حکومت و غرض ورزی و سوء استفاده ی برخی افراد و گروه های متنفد و سودجو، موجب شده بسیاری از آثار و بناهای تاریخی و اشیای قیمتی و عتیقه ایران از جمله در جیرفت کرمان و کیش و قشم در استان هرمزگان و شوش خوزستان مورد غارت و چپاول قرار گیرد.

این امر سابقه دارد. در عصر قاجاران و پهلوی پای سوداگران بیگانه به ایران باز شد و عامل دیگری بر جهل و بی توجهی خود ایرانیان افزون گشت تا در دوره ی ناصرالدین شاه قاجار و پس از آن ، بسیاری از اشیای تاریخی ایران به بهای ارزان به بیگانگان فروخته شود.

افزون بر این ، در تهران قراردادهایی برای کاوش های باستان شناسی بسته می شد که صاحب نظران، آن قراردادها را "ترکمانچای میراث باستانی ایران" نامیده اند و بر اساس این قراردادها، بیگانگان بسیاری از آثار و یافته ها و قطعه های باارزش را به موزه های کشور خود منتقل کردند.

محمد علی محلاتی روزنامه نگار و سفرنامه نویس عصر ناصری و دوره ی مشروطیت که به کشورهای اروپایی ، آسیایی و آمریکا و نیز به بیشتر جاهای ایران سفر کرده است در خاطراتش می نویسد:" کسانی که دول و ملل را گردش نکرده، اوضاع عالم را نمی دانند، حق دارند ندانند که ایران چه وضع طبیعی و تاریخی دارد، چه آثار ابهت در او موجود است و این خلیج فارس و اهواز و خوزستان دارای چه اهمیت فوق التصوری است. افسوس! افسوس!"(حاج سیاح، صفحه ی ۲۲۳).

شهر قدیمی "گمبرون" یا بندرعباس کنونی، نسبت به سال های گذشته شلوغ ترو البته گرم تر بود. غروب روز نخستی که به بندر رسیدیم به ساحل و سپس موزه ی مردم شناسی خلیج فارس رفتیم.

شهر"گمبرون" در حاشیه ی خلیج فارس که در زمان شاه عباس صفوی به بندر عباس تغییر نام داد همواره از دو جهت تجاری و بازرگانی و نیز نظامی و امنیتی برای ایران، وطن ما اهمیت حیاتی داشته است. به لحاظ تجاری، شاه عباس در زمان فرمانروایی اش که همزمان با قدرت و برتری هلند و پرتغال بود کوشش کرد تا هلندی ها را در وضعیتی قرار دهد که بازرگانی ابریشم را تنها از طریق خلیج فارس انجام دهند و کنسول های خود را از قلمرو عثمانی و حلب (در ترکیه و سوریه ی کنونی) فرا خوانند.

شاه عباس که قدرتمندترین و بالیاقت ترین فرمانروای صفوی بود قصد داشت با این انحصار بازرگانی، راه تجارت را بر ترکان عثمانی ببندد و آنان را از امتیازات و درآمدهای گمرکی – به سود ایران – محروم کند. از این رو سفیر خود "موسی بیگ " را به هلند فرستاد و از او خواست استدلال کند که بازرگانان در عثمانی، آن آزادی عملی را که در ایران و خلیج فارس از آن برخوردارهستند، ندارند.

همچنین موسی بیگ از هلندیان درخواست کرد تا شاه عباس بتواند ابریشم و دیگر کالاهای ایرانی را با پرداخت هزینه ی ترابری آن ها با کشتی های هلندی ارسال کند و آن کالاها در هلند به حساب شاه به فروش رسانده شود.

به لحاظ نظامی نیز شاه عباس از هلندیان خواست تا او را در راندن پرتغالی ها از خلیج فارس و فتح استحکامات آنان در مسقط یاری رسانند ، همچنان که انگلیسی ها او را در بازپس گرفتن جزیره ی هرمز یاری رسانده بودند. افزون بر این ، شاه عباس سفیر دیگرش "محمد رضا بیگ" هم به پاریس فرستاد تا با فرانسویان برای راندن عرب ها از خلیج فارس مذاکره کند.

حکومت و حاکمیت ایران در عصر شاه عباس در اوج قدرت بود اما با فرمانروایی شاهان بعدی به ویژه شاه سلطان حسین صفوی، آفتاب دولت صفویان بر لب بام رسید و او و فرمانروایان بی لیاقت پس از او، در مقامی نبودند که منافع اقتصادی و تجاری و نیز امنیت مرزهای زمینی و دریایی ایران را تامین کنند.دولت ایران در زمان پهلوی دوم به دلیل برخورداری از پشتیبانی آمریکا، بر خلیج فارس و دریای عمان برتری و سیطره داشت و برخی کشورهای عرب مدعی، مانند عراق ، امارات و عربستان سعودی قدرت عرض اندام نداشتند. این کشورها ، پس از انقلاب اسلامی که معادلات قدرت در منطقه ی خاورمیانه دگرگون شد به پشتگرمی واشنگتن ادعاهای تازه ای از جمله مالکیت بر جزایر سه گانه ی ایرانی (تنب بزرگ ،تنب کوچک و ابوموسی) را مطرح کردند.

عرب ها همچنین به تحریک قدرت های بزرگ مانند آمریکا و انگلیس ، از نام مجعول و غیرتاریخی "خلیج عربی" به جای "خلیج فارس" در گفته ها ، نوشته ها و رسانه هایشان استفاده می کنند که واکنش ایرانیان ، ملی گرایان و برخی صاحب نظران خارجی را برانگیخته است اما متاسفانه به نظر می رسد چندان که باید، کوشش و اقدام حقوقی و قانونی برای جلوگیری از سرقت نام خلیج فارس و نیز رد ادعاهای عربها در خصوص جزایر سه گانه ی ایرانی انجام نشده است.

- سفر به سرزمین خاطرات کودکی

بندر عباس در زمان حاضر به لحاظ بازرگانی و نظامی مهم ترین مکان با اهمیت کشورمان محسوب می شود و بخش عمده ای از صادرات و واردات

از این نقطه انجام می گیرد. همچنین بزرگ ترین پایگاه نظامی دریایی برای تامین امنیت ایران در خلیج فارس در بندرعباس قرار دارد که وظیفه ی مهمش ، حراست از جزایر ایرانی و نیز تنگه ی هرمز است .

زمانی که رجزخوانی ها در خصوص پرونده ی هسته ای کشورمان و تهدید غیرمستقیم واشنگتن و اسراییل به حمله ی نظامی به اوج رسیده بود برخی از فرماندهان نظامی ما از جمله رییس ستاد کل نیروهای مسلح تهدید کردند که در صورت وقوع حمله ، تنگه ی هرمز که محل انتقال انرژی (نفت و گاز) و کالا است و روزانه ۱۷ میلیون بشکه نفت از این آبراه خارج می شود، مسدود خواهد شد.

این اظهار نظر با واکنش آمریکا و فرمانده ی ناوگان پنجم دریایی این کشور مستقر در بحرین مواجه شد و او گفت که "به دولت ایران اجازه ی بستن تنگه ی هرمز را نخواهیم داد" . همچنین آمریکا ، انگلیس و بحرین پارسال رزمایش (تمرین نظامی) را نزدیک این تنگه در خلیج فارس برگزار کردند.

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم با انجام رزمایش ، موشک جدید شهاب ۳ با برد ۲ هزار کیلومتر که به اسراییل می رسد را آزمایش و چندین فروند آن را از یک بیابان به سوی هدفی اعلام نشده شلیک کرد.

□□□

وزش شدید باد، ناآرام بودن خلیج فارس و ترس از امواج به ما اجازه نداد در نوروز سفری به قشم داشته باشیم. از این رو پس از توقف یک روزه در بندرعباس از محله ی سنی نشین این شهر بازدید و سپس برای رسیدن به زادگاهمان در جنوب فارس از بنادر خمیر، مقام ، لنگه و پارسیان (گاوبندی) در کناره ی خلیج فارس عبور کردیم.

فایده ی بازدید از برخی شهرها، مناطق و بندرهای حاشیه ی خلیج فارس مانند بندر خمیر، بندر مقام ، لنگه و گاوبندی که بیشتر ساکنان آن اهل تسنن هستند و در مسیرم از بندرعباس تا زادگاهم در جنوب استان فارس، واقع شده اند، اطلاع از دو بیماری فقر و وبا بود که دامنگیر این مناطق محروم و دورافتاده شده است.

ضرب المثل معروفی است که "مارگزیده هم خواب می رود اما آدم فقیر و گرسنه نه!" و پدیده ی فقر و گرسنگی ساکنان مناطق دورافتاده ی ایران به طور مشخص حاصل و فرآورده ی ضعف مدیریت در اداره ی کشور است، محصول سیاست تبعیض برخی از مسوولان است، ناشی از شهروند درجه ی ۲ حساب کردن و بی اعتنایی به حاشیه نشینان و مرزنشینان است.

در این میان البته نقش خود مرزنشینان و بندرنشینان و تنبلی آنان و این که "فرهنگ کار" را در وجود خود میرانده اند و جسارت و شهامت گرفتن حق طبیعی و ملی و قانونی خویش را از دست داده اند، نباید نادیده گرفت و انکار کرد. پرسش این است که اینان چرا کم لطفی های زندگی و حکومت و طبیعت و عملکرد ضعیف مدیران بومی و غیربومی را بدون هیچ انتقاد و اعتراضی پذیرفته اند؟

پدیده ی دوم ، بیماری وبا است که گریبان ساکنان شهرهای بندری خلیج فارس از جمله بخش هایی از بندرعباس را گرفته و در خبرها و گزارش های تایید شده آمده است که حدود ۲۵ نفر آنان در اثر این بیماری خطرناک جان باخته اند. میکروب یا ویروس این بیماری واگیر که در اثر نوشیدن آب غیربهداشتی و خوردن سبزی و میوه ی آلوده به وجود می آید و در معده و روده ها تکثیر می شود و با نشانه های تب و تهوع و اسهال و استفراغ و سردرد شدید همراه است موجب کم شدن آب بدن انسان می گردد و او را پس از ضعیف شدن از پا در می آورد.

مرزنشینان محروم ما در برابر این دشمن (وبا) نیز همانند پدیده ی فقر، سیاست انتظار را در پیش گرفته اند یعنی منتظرند که مقامات مسوول محلی و ملی و منطقه ای، کمکشان کنند و به یاری شان بشتابند! از تمام رنج ها و مشقت هایی که بر ساکنان اهل سنت بندرنشین تحمیل شده و می شود، هیچکدام بدتر از "انتظار کشیدن" نیست! بی تردید، قصه ی هر هموطن که در حاشیه ی خلیج فارس زندگی می کند مملو از فقر و وبا و مرگ و زوال و اندوهی غیرقابل تصور بوده و هست.

پس از ۱۲ ساعت رانندگی و طی مسیر بندرعباس – مهر و لامرد (به کسر میم) و توقف و مشاهده و بازدید و حرکت، در نهایت در غروب هفتمین روز از تعطیلات نوروز به زیر آسمان زادگاهمان روستای قدیمی "میرملکی" از توابع بخش وراوی و شهرستان مهر در جنوب شرقی شیراز، رسیدیم و پس از ۶ ماه دوری، چهره مان به دیدار اعضای خانواده بویژه پدر و مادر، روشن شد!

خاطره های دوره ی کودکی زنده گشت و یادم آمد هر بامداد همزمان با نخستین نشانه های سپیده ی صبح، کوچه های زادگاه ما، میرملکی، گذرگاه گله های بز و گوسفند و گاو و کشاورزان و کارگرانی بود که برای کار روزانه به کوه و صحرا یا روستاهای اطراف می رفتند و هر غروب ، راه رفته را بازمی گشتند و این بار نشانه های خستگی بر تن انسان ها و چارپایان دیده می شد.

یادم آمد دوره ی کودکی و نوجوانی که دو همسایه ی شریف و دامدار داشتیم ، دو برادر به نام های حاج علی و حاج غلامحسین شریفی، که هر بامداد هر پنج روز یک بار، هنگامی که از نماز صبح در مسجد محله برمی گشتند از پشت دیوار کاه گلی حیاطمان به اسم صدایمان می کردند که

"حسن! امروز نوبت تو و برادرت است که همراه گوسفندان به کوه و صحرا بروید!" و من و برادرم ، کشتگران و کارگران و دامدارانی تماشا می کردیم که پشت سر یا پیشاپیش ما همگام با خیل چارپایان روان بودند.

یادم می آید روزی مرحوم حاج علی، برادر بزرگتر، که خود شاهد مرگ و لحظه های احتضار یا جان کندن او در وسط حیاط منزلش بودم، گفت: "... شماها چوپانی و فن چرانیدن چارپایان و آب دادن آنها در کنار شط واقع شده در ۲ کیلومتری جنوب روستا، بلد نیستید! شاید در آینده "درس و دانش و نیش قلمتان" کمکتان کند!".

به کلاس دوم راهنمایی که رسیدم به توصیه ی آن مرد شریف و همسایه ، به تشویق و کمک پدر و مادرم از "حق هجرت" استفاده کردم و به شهرستان لامرد و سپس به شیراز برای ادامه ی تحصیل و کسب دانش، منتقل شدم.

● زادگاه کم آب من

بخش های لامرد و مهر که پس از انقلاب و جنگ به شهرستان تبدیل شده اند در میان دو رشته کوه بلند قرار گرفته اند، دهها بخش و روستا و در مجموع نزدیک به صد هزار نفر جمعیت دارند، همه شان مسلمانند و اکثریت با شیعه ی امامیه است اما بیشتر ساکنان بخش "اسیر و گله دار" در منتها الیه غرب و بخش "اشکنان و اهل" در منتها الیه شرق این دو شهرستان، اهل تسنن بوده و آدم های باسواد و غیر متعصب و مانند شیعیان، افراد ملی و مذهبی هستند.

آب و هوای زادگاه کم آب ما و این دو شهرستان، گرم و خشک بوده و تنها دو فصل گرما (بهار و تابستان) و معتدل (پاییز و زمستان) دارد.گاهی در فصل تابستان دمای هوا به ۵۰ درجه می رسد. شعله های گاز فازهای مختلف پالایشگاه "پارسیان" در شهرستان مهر، حفر انواع چاه های نفت و گاز بر قله ی کوه هایی که دو شهرستان یاد شده را محاصره کرده اند و همچنین نیمه صنعتی شدن منطقه، باعث شده که دمای هوای آن جا افزایش یابد و طبیعت ، زمین های کشاورزی ، محیط زیست و ساکنان آن را تهدید و با انواع بیماری ها روبرو کند.

مردم خونگرم روستاها، بخش ها و شهرستان های گرمسیر مهر و لامرد و علامرودشت به لحاظ اشتغال، به ۴ دسته تقسیم می شوند: یک دسته دامدار و کشاورز (جو، گندم ، یونجه و خرما) و کارگر محلی اند، عده یی در کار تجارت و بخش خصوصی و خرید و فروش و داد و ستدند یا در شرکت های دولتی و غیردولتی کار می کنند، دسته ی سوم در بخش عمومی و اداری و آموزشی و فرهنگی اند و گروه چهارم هم هنوز به برخی کشورهای حوزه ی خلیج فارس مانند کویت قطر بحرین و امارات عربی متحده سفر می کنند و در آنجا مشغول کار و امرار معاش اند.

ساکنان مهمان نواز دو شهرستان مهر و لامرد برغم داشتن سهم بالا در انقلاب و حضور در صحنه های جنگ و سازندگی و برغم "غنی بودن" طبیعت محل سکونتشان و زندگی کردن بر روی زمینی که درونش سفره های وسیع نفت و گاز است، چندان که حق و شایسته ی آنان است از رفاه و پیشرفت و مزایای دولتی و خدمات عمومی بهره مند نبوده و نشده اند و منطقه شان از عمران و آبادانی برخوردار نیست.

آنها اکنون شاهدند که لوله های بزرگ نفت و گاز با قطر دو متر از وسط زمین های زراعی شان می گذرد و قرار است این دو ماده ی سوختی و حیاتی را به شبه قاره (هند و پاکستان) یا به مناطق مرکزی و شمال غربی ایران منتقل کند، حال آن که همه ی بخش ها و روستاهای منطقه ی ما از نعمت استفاده از گاز و همچنین دانشگاه دولتی و مدرسه ی راهنمایی و دبیرستان دخترانه و سالن سینما و پارک های وسیع و امروزی، محرومند. در این منطقه مسجد و حسینیه بیش از مدرسه و دانشگاه وجود دارد، تعزیه بیش از تئاتر رونق دارد و ارزش گریاندن و گریه کردن بیش از خندیدن و خنداندن است.

میزان باسوادی و تحصیلات دانشگاهی در میان مردم شهرستان های مهر و لامرد بالا است اما مردان و پسران نسبت به زنان و دختران باسوادترند و این نیز ستم دیگری است که طبیعت و فرهنگ سنتی و باورهای خرافی خانواده ها و جامعه و حکومت در حق زنان و دختران ایران زمین، به ناحق روا داشته است. جامعه اگر دختران و زنان بی سوادی داشته باشد هرگز "موفق" نمی شود و به آستانه ی توسعه و پیشرفت نخواهد رسید. متاسفانه برنامه های نهضت سوادآموزی در این منطقه ی گرمسیر به سرانجام نیک نرسیده است.

میرملکی و دیگر روستاها و بخش های شهرستان های مهر و لامرد، مانند دیگر مناطق میهن مان، بسیار قدیمی و تاریخی اند و این موضوع از وجود برخی آثار باستانی از جمله بقایای "خانه ی گبری ها" در یک کیلومتری شمال زادگاه ما در دامنه ی کوه ، اثبات می شود و مربوط است به زمان حضور و زندگی زرتشتیان و اجداد و نیاکان ما در ایران قبل از اسلام و دوره ی حاکمیت هخامنشیان، اشکانیان و سپس ساسانیان بر این سرزمین آتش جاویدان.

مطابق اسناد باستان شناسی فارس، خانه ی گبری در بالای روستای تاریخی میرملکی به احتمال زیاد "معبد زرتشتیان" بوده است که در آن ستایش خداوند می کردند و مناسک عبادی خویش را انجام می دادند. در خاطرم هست که دوران کودکی و نوجوانی به همراه دوستان حداقل

هفته ای یک بار از این خانه و معبد که در مسیر رسیدن به قله ی کوه مشرف بر زادگاهم قرار گرفته است، بازدید می کردیم. به خطا گفته هر که گفته است که " زمان ظالم، خاطره ها را می شوید و با خود می برد".

در زادگاهم و دیگر روستاها و بخش های شهرستان های مهر و لامرد در جنوب فارس، روزگاری، نخل داری و نخلستان، رونق و خریدار داشت. اما طی سال های گذشته به دلیل برنامه ها و سیاست های نامناسب دولت ها در عرصه ی کشاورزی، نخل داران، نخلستان ها را رها کرده اند و به شغل های دیگر – مانند خرید و فروش زمین، جابجاکردن کالا و مسافر، مغازه داری و توجه به بخش خدمات به جای تولید – روی آورده اند.

عدم کارایی دولت تنها وجهی از مشکل امروز اقتصاد ویران ایران است. مردم برخی از شهرستان های میهنمان خود عاملان خرابی این شهرها هستند. از این رو، افزون بر حمایت نکردن دولت از نخل داران، بالارفتن هزینه های زندگی، کم آبی و خشکسالی، شیوه ی سنتی تولید خرما و مهم تر از همه، نگاه متفاوت و منفی نسل جدید به تولید خرما، از دیگر عوامل از بین رفتن تدریجی نخلستان ها در زادگاه و شهرستان ما است.

برای نمونه، مرحوم پدربزرگ مادری ام، عاشق درخت خرما بود و در زمان حیاتش بیش از هزار اصله انواع این درخت برای خود و دیگران غرس کرد و پرورش داد اما پس از درگذشتش ، فرزند (دایی ام) و نوه هایش، نخلستان را فراموش کرده اند. نیز پدرم، با جدیت و انگیزه، صد درخت خرما خرید و صد نهال خرما را کاشت اما الآن، فرزندانش که ما باشیم، دسترنج و حاصل خدمت و زحمتش را و نخلستان را به امان خدا رها کرده ایم!

من خود در ایام کودکی و نوجوانی، از نزدیک شاهد رنج و کوشش پدرم در ایجاد و حفظ نخلستان کوچک و اکنون متروک که در نزدیک و دامنه ی کوهی در شمال شهرستان "مهر" واقع شده است، بوده ام. خاطرم هست که در ۶ سالگی، در تابستان ، روزی پدرم برای نخستین بار مرا با خودش به نخلستانمان برد و این برایم رویداد مهمی بود و حس می کردم که برای خودم مردی شده ام!

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=367481

vista.ir
Online Classified Service

کالبد شکافی مهاجرت پزشکان

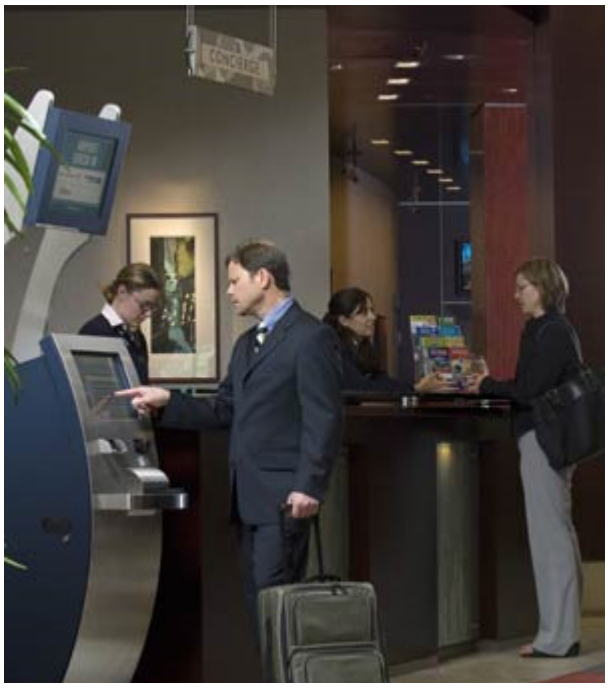

مهاجرت به معنی ماندن در کشورهای بیگانه و برنگشتن به زادگاه نیست به طور کلی از میزان و تعداد پزشکانی که به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند، آمار دقیقی در دست نیست اما با توجه به آمار کلی مهاجرت ایرانیان، می‌توان در مورد این مساله در جامعه پزشکی نیز تخمین نسبتا درستی را به دست آورد. طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ میلادی این پنج کشور در صدر مهاجرت ایرانیان بوده‌اند: آمریکا با ۱۱۲۵۹۷ نفر، کانادا با ۱۳۲۹ نفر، آلمان با ۲۴۱۳۱ نفر، سوئد با ۱۶۸۰۴ نفر و انگلستان با ۱۲۶۵۵ نفر. بعد از این کشورها، کشورهایی چون استرالیا، هلند، فرانسه و ارمنستان قرار دارند.

- به چه علت مهاجرت می‌کنند

درست است که پس از انقلاب در دوران‌هایی امر مهاجرت شدت بیشتری به خود گرفته است، اما موضوع مهاجرت همیشه وجود داشته است. آمارهای پیش از انقلاب نشان می‌دهد که در برخی سال‌ها تا ۴۵ هزار نفر

در سال هم به آمریکا مهاجرت داشته‌ایم. البته بیشتر این مهاجرت‌ها با هدف ادامه تحصیل صورت می‌گرفته‌اند و کمتر کسی از بین این مهاجران بوده است که در آن کشورها بماند و برنگردد. پس از انقلاب اسلامی، میزان مهاجرت کمتر شد اما عواملی موجب شد که در برهه‌هایی این آمار رو به فزونی برود:

▪ جنگ:

طبیعی است که همیشه عده‌ای از جنگ و اوضاع نامطمئن فرار می‌کنند. در دوران جنگ تحمیلی هم چنین اتفاقی در کشور ما رخ داد. به عنوان مثال برخی از کارگرانی که به علت تخریب تاسیسات و از دست دادن پالایشگاه‌ها بی‌کار شده بودند، برای کسب درآمد و امرار معاش به خارج از کشور رفتند. این گونه مهاجرت‌ها مقطعی بودند و موجب می‌شدند تا فرد در یک دوره‌ای از زندگی‌اش ضمن کسب مهارت‌های جدید بتواند پس از مدتی با اندوخته مناسب به کشور خود بازگردد.

▪ جمعیت جوان:

در سال‌های پس از انقلاب، جمعیت جوان ما به سنی رسیدند که نیاز به دانشگاه و شغل داشتند. بسیاری از کسانی که این نیازهای خود را بی‌پاسخ یافتند، برای پاسخ به آنها عزم مهاجرت کردند. اما اگر بخواهیم مهم‌ترین علت‌هایی که طی سالیان اخیر موجب مهاجرت عده‌ای زیادی از هموطنان‌مان شده است را نام ببریم باید به شرایط سنی جوان جامعه، شرایط اقتصادی و شرایط سیاسی جامعه اشاره کنیم.

● مهاجرت به معنی ماندگاری نیست

برخلاف تصور عمومی، مهاجرت به معنی ماندن در کشورهای بیگانه و برنگشتن به زادگاه نیست. درست است که بسیاری از دانشجویان ایرانی پس از فارغ‌التحصیلی در کشورهای غربی مشغول به کار می‌شوند اما این به معنی ماندگاری دایمی آنان نیست. به عنوان مثال در بریتانیا آمار ریزش دانشجویان (عدم برگشت آنان به ایران) بسیار کم است. این امر حتی در مورد کسانی که از بورس دولتی استفاده کرده‌اند و باقی مانده‌اند هم صدق می‌کند، چرا که دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیلی شرایط را مهیا می‌بینند و برای کسب تجربه و اندوختن مقداری سرمایه و پس‌انداز در آن کشورها شروع به کار می‌کنند اما این به معنی ماندگاری نیست و آنها بعد از مدتی برمی‌گردند.

● بیشترین ریزش در کجاست؟

موضوع فوق در مورد بیشتر کشورها صدق می‌کند. اما آمریکا و کانادا که به تازگی استرالیا هم به آنها اضافه شده است، از این قاعده مستثنی هستند؛ چرا که هزینه‌های زندگی، سطح رفاه اجتماعی و آب و هوای این کشورها مولفه‌هایی هستند که موجب می‌شوند مهاجران با رغبت بیشتری این کشورها را برای ادامه زندگی برگزینند. خوشبختانه در سال‌های اخیر آمار بازگشت ایرانیان مهاجر رو به افزایش است و ما شاهد آن هستیم که عده زیادی از ایرانیان مقیم خارج از کشور برای سرمایه‌گذاری در داخل کشورمان به ایران باز می‌گردند.

● کمبود ظرفیت‌های آموزشی

فرهنگ خانواده ایرانی، بر حمایت از فرزند خود استوار است. ایرانی دوست دارد که فرزندش به بالاترین درجه‌های علمی برسد و وقتی ما نتوانستیم این نیاز او را برآورده کنیم، به طور قطع او در جای دیگری به دنبال برآورده کردن نیازش می‌گردد. در سال‌های اخیر ظرفیت‌های زیادی را در حوزه آموزش عالی ایجاد کرده‌ایم. اما بیشتر این ظرفیت‌ها در رشته‌های مورد علاقه دانشجویان علاقه‌مند نیست. بنابراین دانشجویان به همراه خانواده‌هایشان برای ادامه تحصیل به خارج مهاجرت می‌کنند. حال در اینجا اگر والدین دانشجو، از توانایی لازم برای کسب درآمد در خارج از کشور برخوردار باشند، احتمال دارد که همان جا را برای ادامه زندگی انتخاب کنند و دیگر باز نگردند.

● راه‌هایی برای جلوگیری از مهاجرت پزشکان

۱) گسترش خصوصی‌سازی آموزش پزشکی:

مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی باید بخش خصوصی در همه حوزه‌ها قوت یابد. یکی از قسمت‌هایی که بخش خصوصی خیلی در آن توسعه پیدا نکرده است، حوزه آموزش پزشکی است. پس باید اجازه دهیم دانشگاه‌های بیشتری در این حوزه رشد کنند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای جامعه باشند. با فراهم کردن گزینه‌های بیشتر در برابر دانشجویان، می‌توانیم مهاجرت آنان را تا حدودی کاهش دهیم. در حوزه آموزش تخصصی پزشکان هم بخش خصوصی جایگاه خوبی ندارد. در حالی که یکی از راه‌هایی که می‌تواند از مهاجرت پزشکان به کشورهای دیگر جلوگیری کند، ریزش دستیاران توسط دانشگاه‌های بخش خصوصی است.

۲) تامین رفاه در شهرهای کوچک:

همه می‌دانیم که در شهرهای کوچک و روستا با کمبود کادر درمانی مواجه هستیم، اما آیا برای جذب پزشکان کاری کرده‌ایم؟ شرایط کنونی به این شکل است که پزشک تازه فارغ‌التحصیل در شهرهای بزرگ فرصت‌های شغلی بسیار کمی را پیش روی خود می‌بیند. از سوی دیگر در شهرستان‌های کوچک به آن سطح رفاه عمومی که مدنظرش است، دست نمی‌یابد بنابراین به گزینه مهاجرت می‌اندیشد. وقتی پزشک بچه‌های خود را به یک روستا ببرد که در آن دبیرستان خوبی وجود ندارد، آیا در آنجا می‌ماند؟ به نظر من برای حل این مشکل دولت باید با دید کلان به توسعه نگاه کند. پزشکی هم به طور قطع در دل این قضیه است. باید در شهرهای کوچک مراکز علمی- آموزشی، بیمارستان، مدرسه و امکانات رفاهی و ... در کنار هم گسترش یابند تا پزشکان با میل و رغبت بیشتری برای فعالیت به این مراکز بروند. این کاری است که حوزه خصوصی و چه بسا خود پزشکان می‌توانند آن را اجرایی کنند.

۳) فراهم کردن امکان رقابت:

در کشور ما به دلیل آنکه عده‌ای از پزشکان مشهور شده‌اند، کمتر امکان فعالیت برای سایر پزشکان مهیا است. فقدان ساز و کار مناسب برای اطلاع‌رسانی موجب شده تا مشهور شدن پزشکان بدون ضابطه علمی و درست باشد. در حالی که در خارج از کشور پزشکان را رتبه‌بندی می‌کنند و مولفه‌های زیادی چون مرگ و میر بیماران یک پزشک یا رضایت مشتریان وی در این رتبه‌بندی لحاظ می‌شوند. به این ترتیب اطلاع رسانی درست موجب می‌شود تا پزشکان موفق سریع‌تر به مردم معرفی شوند و آنها همواره در راه بهتر کردن خود باشند. بنابراین اگر ما هم با رتبه‌بندی و اطلاع‌رسانی دقیق بتوانیم عرصه را برای فعالیت پزشکان جوان باز کنیم، شاید آنان کمتر به فکر مهاجرت بیفتند.

۴) صدور پزشکان به سایر کشورها:

یکی از راه‌هایی که می‌توان از آن به عنوان یک گزینه مناسب استفاده کرد، اعزام پزشکان به سایر کشورهای منطقه است. این امر ضمن ایجاد فرصت شغلی برای پزشکان جوان، سبب می‌شود تا ما بتوانیم ارزش‌ها و فرهنگ خودمان را به سایر کشورها نیز صادر کنیم. با رایزنی‌های سیاسی می‌توانیم برای پزشکان توانمند خود در کشورهای منطقه جایگاه مناسبی پیدا کنیم چرا که شرایط منطقه به گونه‌ای است که اگر ما از این فرصت‌ها استفاده نکنیم، دیگران از آنها بهره خواهند برد. به جاست که با برنامه‌ریزی صحیح، از پزشکان خودمان در کشورهایی چون کویت، ارمنستان، پاکستان و ... استفاده کنیم. حتی می‌توانیم از بخش خصوصی در احداث مراکز درمانی خصوصی کمک بگیریم و با ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای کشور نیز ارزآوری کنیم. این موضوع می‌تواند نوعی نکته مثبت فرهنگی- سیاسی باشد و در تثبیت اوضاع سیاسی کشور و جذب حامیان بیشتر در منطقه کمک‌کننده باشد.

۵) پزشکان کمتر از سایر مشاغل جامعه مهاجرت می‌کنند:

به طور کلی سطح درآمد پزشکان بالاتر از سایر مشاغل جامعه است. این امر در مورد پزشکان متخصص و فوق‌تخصص بیشتر صدق می‌کند. بنابراین پزشکان به نسبت سایر حرفه‌ها کمتر به دنبال مهاجرت به بهانه کسب درآمد مادی می‌روند.

دلیل دیگری که موجب کاهش مهاجرت پزشکان می‌شود، مشکلاتی است که در راه پذیرش آنان وجود دارد. برای مثال در کشور انگلستان پزشکان مهاجر با سه مشکل عمده مواجه هستند: اول کسب مجوز اخلاقی، دوم تسلط بر زبان انگلیسی و سوم آنکه باید حتما از طریق یک پزشک مشغول به کار در انگلستان به آن نظام وارد شوند بنابراین، این دلایل و دلایل دیگر موجب می‌شوند تا پزشکان نسبت به سایر اقشار جامعه کمتر به خارج از کشور مهاجرت کنند. در مجموع به نظر می‌رسد دولت باید با تقویت جایگاه‌های شغلی در شهرهای کوچک و ایجاد امکانات رفاهی در آن مناطق، فرصت‌های شغلی جدید را پیش‌روی پزشکان قرار دهد. از سوی دیگر گسترش نقش بخش خصوصی در آموزش پزشکی می‌تواند سبب شود گزینه‌های جدیدی پیش روی داوطلبان قرار بگیرد و دولت باید تنها با نظارت بر امر آموزش و کنترل خروجی‌ها شرایط را برای فعالیت این بخش‌ها فراهم کند.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319330

vista.ir
Online Classified Service

کاهش هزینه‌های مسافرت

یکی از پارامترهایی که می تواند در کم هزینه شدن مسافرت ها و برنامه های توریستی و سیاحتی شما نقش عمده داشته باشد، هزینه حمل و نقل و وسیله مسافرت است. انتخاب وسیله نقلیه، می تواند تا چندین برابر هزینه شما را کاهش و یا افزایش دهد. شما به راحتی می توانید برای سفر هواپیما را انتخاب کنید و یا اتوبوس! و یا...

اگر تعداد نفرات همراه شما زیاد است، احتمالا بهترین گزینه کرایه یک مینی بوس و یا اتوبوس است که در طی مسافرت در اختیار شما باشد. در این صورت با تقسیم کرایه به افراد، هر نفر مبلغ کمی باید پراخت کند.

اگر تعداد شما کمتر از ۱۰ نفر می باشد؛ بهتر است کلا این روش را فراموش کنید، چون هزینه شما با کرایه ماشین بسیار بالا خواهد رفت. ایده آل ترین تعداد برای مسافرت های ایرانگردی ۴ یا ۸ نفر است. مسافت بین شهرها را می توانید با اتوبوس و سایر وسایل نقلیه عمومی طی کرده و هرجا لازم شده، بدون معطلی یک یا دو ماشین سواری کرایه می کنید. در هر حال گزینه مناسب سفر چهار نفره است. هم به لحاظ کاهش هزینه های ماشین، خورد و خوراک، محل اسکان و هم به لحاظ کم شدن سلیقه ها از ۸ به ۴ و کاهش اختلافات احتمالی به همین نسبت.

سایت آنوبانینی بعد از سفرهای مختلف طولانی و دشوار متعدد؛ ایده آل ترین روش مسافرت های ایرانگردی برای بازدید از آثار باستانی و مناطق سیاحتی و دیدنی استانهای کشور را به این صورت می تواند پیشنهاد دهد:

فرض کنید شما قصد مسافرت به استان کرمان را دارید. برای رفت و برگشت بدون شک باید از قطار استفاده کنید. هزینه آن کم بوده و تا حدی راحت است. بعد از رسیدن به کرمان در صورتی که قصد اقامت شبانه را ندارید؛ در بدو ورود با یک تاکسی صحبت کنید و از او بخواهید تمام نقاط دیدنی شهر را به شما نشان دهد و برای کرایه دادن به او هم به صورت ساعتی توافق کنید. کمتر شهری در ایران وجود دارد که بیش از ۳ ساعت دیدن آن زمان بخواهد. یعنی در گرانترین شهر شما با حدود ۷۵۰۰ تومان می توانید کل شهر را ببینید و اگر شما ۴ نفر باشید؛ هر نفر با کمتر از ۲۰۰۰ تومان توانسته همه جای شهر را ببینید. این روش علاوه بر مزیت اقتصادی دارای مزایای دیگری نیز هست. شما احتمالا دارای کوله های سنگینی هستید که با این روش نیازی به حمل آنها نخواهید داشت و می توانید کوله ها را در ماشین بگذارید. مزیت دیگر این است که تقریبا هیچ جای شهر از قلم نمی افتند، زیرا راننده خوشحالتر خواهد شد که شما بیشتر مهمان او باشید، به همین دلیل همه جای شهر و حتی جاهایی که قبلا در مورد آن چیزی نشنیده بودید را هم به شما نشان می دهد.

در کشورهای توسعه یافته روش مسافرتی وجود دارد که سالهاست بسیاری از مردم از آن استفاده می کنند. در کنار جاده با نشان دادن انگشت شصت؛ به راننده های عبوری می فهمانند که قصد طی طریق بدون پرداخت هزینه را دارند. این روش در ایران هنوز جا نیافتاده، اما به هر حال می توان امتحان کرد (البته بدون نشان دادن انگشت!) معمولا جواب می دهد و می توان امیدوار بود که تا حدی از هزینه ها کاهش پیدا می کند. کامیون ها و ماشین های سنگین برای این انتخاب مناسب هستند، هرچند که احتمال سوار کردن شما کم است، اما تقریبا می توانید مطمئن باشید که اگر شما را سوار کنند پولی از شما نمی خواهند.

مسافرت بدون برنامه ریزی غذایی درست، قطعا مسافرت موفق و لذت بخشی نخواهد بود. بدن انسان در همه حال نیاز به غذا دارد و در طول مسافرت به دلیل تحرک بالاتر این نیاز افزایش پیدا می کند. حال اگر این نیاز به درستی شناخته نشود و به درستی با آن برخورد نشود نتیجه ای جز خستگی و ضعف بعد از مسافرت و حتی مریضی در پی نخواهد داشت.

چه باید کرد؟ آیا تمام مواد خوراکی مورد نیاز یک سفر را باید به همراه ببریم؟ آیا می توانیم به غذاهای بین راه اعتماد کنیم؟

آنوبانینی بعد از سالها تجربه و آزمون و خطا چند راه حل ساده یافته است. بهتر است در مسافرت های بیش از دو روز؛ دو تا سه وعده غذای آماده مثلا کنسرو یا مائده به همراه داشته باشید. کنسروها را در صورت امکان قبل از مسافرت بجوشانید که اگر در طول مسافرت فرصت جوشاندن نداشتید، مشکلی پیش نیاید. این کنسروها به عنوان احتیاط پیشنهاد می شود، زیرا برخی مواقع در شرایطی قرار می گیرید که واقعا به آنها نیاز پیدا می کنید.

برای یک یا دو وعده اول مسافرت می توانید غذای خانگی با خود ببرید. کتلت، الوبه، کباب و... به راحتی قابل تهیه است و امکان فساد آنها در طی چند ساعت کم می باشد. علاوه بر این، جدیدا ظروف خاصی تحت عنوان ظروف آنتی باکتریال عرضه می شود که امکان رشد باکتری در آنها کمتر شده و با قیمت مناسب می توانید تهیه کنید. البته هنوز اظهار نظرهای قطعی در مورد عوارض جانبی این ظروف بر غذاها وجود ندارد.

در طول مسافرت بهتر است تا حد امکان از غذاهای محلی استفاده کنید. شمال و جنوب کشور، معدن ماهی است. با خیال راحت می توانید با قیمت مناسب ماهی تهیه کنید و با وسایل ساده کباب و یا سرخ کنید. در صورتی که وسایل پخت و پز شما مناسب است می توانید خوراکی های دیگر مانند مرغ که سریع قابل پختن هستند نیز تهیه کنید. دیزی سراها، کله پاچه ای ها، رستوران های سنتی را فراموش نکنید. قبل از مسافرت به هر شهر در مورد غذاهای محلی آنجا حتما بپرسید.

منبع : سایت جامع گردشگری ایران

http://vista.ir/?view=article&id=308111

vista.ir
Online Classified Service

کتیبه تنگ صئولک

● کتیبه تنگ صئولک

تنگ صئولک در بخش مرکزی شهرستان مسجد سلیمان واقع شده است. این کتیبه الهه ای را نشان می دهد که مغی او را تقدیس کرده و شیء سبحه مانندی را به دور آن قرار می دهد. ۱۹ نفر تماشاگر در دو صف در محضر آن مغ هستند: کلاه آن ها مخروطی وگیسوانشان انبوه است. در این تنگ صئولک نقاشی های دیگری نیز وجود دارد که از جمله آن ها یک نفر سوار مسلح است که تیر،کمان و نیزه دارد و با حیوانی خرس مانند می جنگد. در اینجا صورت زنی که در رختخواب خوابیده و گیسوان انبوه دارد و در دست راست او چیزی مانند سمبه است، به تصویر کشیده شده است. این اثر به عهد اشکانیان مربوط می باشد و در کوه سیاه (کوه شه) منطقه له بهری واقع شده است.

● کتیبه تنگ تک آب

تنگ تک آب تقریبا در فاصله ۲ کیلومتری شمال شرقی بهبهان و در ۱۰ کیلومتری محوطه ارجان باستانی قرار دارد. تنگ تک آب تنها گذرگاه و راهی است که پیش از هخامنشیان، ارجان را به سمیرم پیوند می داد. تنگ تک آب را "دربند پارس" نیز گفته اند. هنوز بر فراز و نشیب این تنگه بخشهایی از جاده سنگفرش شاهی هخامنشی را می‌توان دید. بسیاری از پژوهشگران بزرگ ایرانی و خارجی درمورد تنگ تک آب، مطالبی نوشته و به شرح و توصیف آن پرداخته اند.بر بلندای کوه خاویز، در بلند ترین جای گذرگاه،سه سنگ نبشته قاجاری که یکی به نظم است و دیگری به نثر، حاکی از بدی راه،نبودن امنیت آن، آسیب دزدان و... حجاری شده است. سومین کتیبه که قدیمی تر است ، به خط کوفی می باشد، در۷ رج و از آثارسده های نخستین اسلامی است. این سنگ نبشته تا سالهای گذشته بر جای بود، اما برای ساختن کانال های سد مارون، با انفجارآن را نابود کردند. چنانچه امروزه کوچکترین اثری از آن برجای نیست. برای حکاکی آن، سنگ کوه راکم و بیش صاف و تخت کرده بودند و در یک مستطیل ۱۲۶*۱۳۶ سانتیمتری، چنین نوشته بودند: الله، بسم الله الرحمن، اللهم صلی علی محمد و علی ولی عهده، الصراط، المستقیم الامین، یا الرحمن الراحمین.

● کتیبه هانی

درکناره شمال شرقی کوه هایی که جلگه مال امیر به آنها محدود می شود، (شهرستان ایذه) نقوش برجسته کتیبه هایی به خط عیلامی دیده می شود که اکثر آنها به نام پادشاههانی پسر تاهی هی موسوم می باشد. هانی حاکم محلی ایذه بود که در زمان عیلامیانبه نام آیامپیر یا آیاتم مشهور شده است.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=121391

vista.ir
Online Classified Service

کرمان؛ از کویر تا...

سفرهای خانوادگی در نوع خود خاطره‌انگیزترین‌هاست و ایران ما پرجاذبه‌ترین سرزمین برای گردشگری است اما جالب است که بگوئیم خیلی از ماها هنوز سرزمین مادری و آثار باستانیمان را نمی‌شناسیم. این ادعا نیست که می‌گویند ایران از جمله کشورهائی است که باارزش‌ترین جاذبه‌های گردشگری را برای عرضه به جهانیان دارد. مورخان، فرهنگ‌شناسان و جهانگردانی که در سده‌های پیشین از این سرزمین دیدن کرده‌اند همه معترفند که ایران آنگونه که حق آن بوده شناسانده نشده است. کمتر کسی در جهان پیدا می‌شود که ایران را سرزمین فرهنگ، تاریخ، تمدن کهن و تنوع آب و هوائی نداند. به همین بهانه سعی کرده‌ایم شمه‌ای از مکان‌های دیدنی برای گردشگری را به شما معرفی کنیم تا اگر قصد مسافرت را دارید حتماً نگاهی به گزارش ما هم بیندازید و اگر به‌دلیل مشکلات نمی‌توانید! خواندن این گزارش اطلاعات خوبی در مورد سرزمین ایران به شما می‌دهد.

استان کرمان

در بین جاذبه‌های جهانگردی ایران، استان کرمان را باید نام برد که در گذشته‌ای نه چندان دور یکی از ناشناخته‌ترین جاذبه‌های جهانگردی حتی در بین ایرانیان بود.آسمان پرستاره کرمان، کویر پررمز و راز پیرامون آن، دشت‌های پر از آهو، غزال و گورخر، میراث گرانبهای تاریخی از ادوار مختلف در شهرهای کرمان، سیرجان، بم، میمنه، ماهان، شهداد و امثال آن، این سرزمین را به تاریخی ایستا و جغرافیائی متنوع تبدیل کرده است.

دریاچه جازموریان

دریاچه جازموریان محل تخلیه کلیه سیلاب‌های اضافه و زهاب‌های دور رودخانه اصلی هلیل‌رود وبمپور و رودهای کوچک فصلی دیگر است این دریاچه را به‌علت فقدان تداوم در تغذیه و تبخیر فوق‌العاده نمی‌توان دریاچه دائم دانیست ارتفاع سطح در دریاچه از سطح دریا ۳۶ متر و عمل آن در مواقع پرآبی بین نیم تا یک متر است.

باتلاق بافت

باتلاق نمک سیرجان هم‌اکنون به‌صورت انبار عظیمی از نمک محلول درآمده که سرتاسر حوضه دشت سیرجان را به‌طور غیرمستقیم چه در حالتی که دریاچه نمک پرآب باشد و چه در حالت خشک و کویری انباشته از نمک را تحت‌تأثیر خود درآورده است سطح باتلاق را پوشش ضخیمی از نمک طعام پوشانده است.

باتلاق نمک به‌صورت نوار شمال‌غربی، غرب تا جنوب‌غربی دشت سیرجان را در برمی‌گیرد و دنباله آن به‌صورت منقطع و ضعیف تا دشت شهر بابک ادامه دارد.

گنبد جبلیه

در منتهی‌الیه شرقی شهر کرمان گنبد بزرگ و عجیبی است که از سنگ ساخته شده و دست تطاول روزگار در تخریب آن کوتاه آمده است. این گنبد هشت ضلعی تماماً از سنگ است و عرض پی آن نیز در پایه به ۳ متر می‌رسد. در هشت طرف آن هشت در به عرض ۲ متر قرار گرفته که اخیراً برای مستحکم ساختن بنا و جلوگیری از خرابی آن درگاه‌ها را با سنگ مسدود کرده‌اند و فقط یکی را بازگذاشته‌اند.

چشمه آب‌گرم ابارق

این چشمه در یک کیلومتری ابارق قرار دارد و از آن برای استحمام استفاده می‌شود. آب چشمه از سنگ‌های آتشفشانی خارج می‌شود و از نوع گسلی و گرم است. گسل سروستان در نزدیکی این چشمه قرار دارد.

چشمه آب‌گرم مسکون

این چشمه در حوالی بم قرار دارد. در ۲۸ کیلومتری بم (کرمان ـ بم) یک جاده فرعی منشعب می‌شود که پس از حدود ۴۰ کیلومتر به سنگ‌های آتشفشانی آندزیتی می‌رسیم که این چشمه از آنها خارج می‌شود و احتمالاً از نوع گسلی است.

چشمه آب‌گرم گیشکی

این چشمه در ۶۴ کیلومتری مسیر اصلی کرمان به بردسیر، راه فرعی منشعب از جاده اصلی به‌طرف "میهنه‌دره" در ضلع غربی رودخانه گیشکی از شکاف سنگ‌ها خارج می‌شود و عامل اصلی تشکیل آن به احتمال زیاد گسل است. چشمه گیشکی از نوع مختلط گرم است.

چشمه آب‌گرم لاله‌زار

این چشمه در جنوب شهرستان بردسیر و در شمال روستای قلعه عسکر در وسط رودخانه به‌صورت جوشان از زمین خارجی می‌شود و از نوع گسلی است. سنگ‌های اطراف آن از نوع آندزیت و آندزی باز است و با توجه به دمای ۵/۴۰ درجه سانتی‌گراد از نوع گرم است.

آتشفشان لوت

در غرب لوت دو مخروط آتشفشان جوان به چشم می‌خورد. سن آنها مربوط به دوران کواترنو است این آتشفشان‌ها از نوع آرام می‌باشد.

آتشفشان آج

کوه‌های آتشفشان آج به‌صورت دو مخروط در نزدیکی دهج در سمت چپ جاده انار به شهر بابک قرار دارند. سن آتشفشان‌های آج پتیوسن در نظر گرفته شده است ولی ممکن است به اوایل کواترنو نیز تعلق داشته باشند. این آتشفشان رژیم انفجار دارد و از دوره کواترنو غیرفعال بوده است.

آبشار راین

در حدود ۲۰ کیلومتری غرب راین، در فاصله ۱۰۰ کیلومتری از کرمان واقع است و آب و هوای مناسب و مناظر زیبا دارد در دامنه شرقی کوه هزار قرار گرفته است.

ییلاق‌های راین

راین یکی از ییلاق‌های دیدنی استان و در فاصله ۱۱۰ کیلومتری شهر کرمان واقع است. از نقاط خوش آب و هوای استان به‌مار می‌رود که در دامنه قله کوه هزار (بلندترین قله استان) قرار دارد. کوه هزار که در اکثر ماه‌های سال پوشیده از برف است آبشاری بسیار زیبا و دیدنی دارد.

ییلاق‌های شهر ماهان

شهر ماهان در ۳۵ کیلومتری جنوب‌شرقی شهر کرمان و در دامنه ارتفاعات واقع است و چشمه‌های متعددی دارد باغ شاهزاده در ۶ کیلومتری جنوب ماهان قرار دارد. این باغ بسیار زیبا و ساختمان تاریخی و زیبای آن در دوره قاجاریه بنا شده و یکی از پربیننده‌ترین جاذبه‌های استان محسوب می‌شود.

ییلاق‌های چوپار

شهر ییلاقی چوپار با مناظر بدیع و زیبا در فاصله ۳۰ کیلومتری جنوب کرمان واقع است و پارک بسیار زیبا و باغ‌های جالب و دیدنی دارد. زیارت امامزاده حسین باعث مسافرت تعداد زیادی زائر به این شهر گردیده است.

ییلاق‌های ده‌بکری

ده‌بکری ییلاق مهم استان است که در دامنه کوه شیر و جبال بارز واقع و از توابع شهرستان بم (تنها منطقه دارای آب و هوای معتدل است) کوه‌های ده‌بکری از درختان جنگلی پسته، بادام و بادام‌وحشی پوشیده شده‌اند. این منطقه تفرجگاه اهالی جیرفت، بم، کرمان، کهنوج و استان سیستان و بلوچستان است.

کویر لوت

کویر لوت شهرستان کرمان قسمتی از بیابان لوت است. بیابان لوت در جنوب‌شرقی ایران و حدود ۸۰،۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. شهرستان کرمان در قسمت شرق خود به کویر لوت منتهی می‌شود. یکی از مهمترین عوارضی که از مرکز لوت تا غرب آن کشیده شده "کلوت"هاست. این عوارض یکی از پدیده‌های زیبای طبیعی هستند که در نوع خود در دنیا نظیر ندارند و در هیچ‌یک از بیابان‌های دنیا نمی‌توان چنین مناظر زیبائی دید این عوارض بر اثر فرسایش آبی و بادی شدید به‌وجود آمده‌اند و در جهت شمال‌غربی ـ جنوب‌شرقی کشیده شده‌اند. شهرهای بیابانی لوت هم از جاذبه‌های دیدنی کویر لوت است. بر اثر فرسایش آبی و بادی شدید، زمین‌های قسمت‌هائی از لوت چنان شسته شده که به‌صورت پله‌پله درآمده و از دور شبیه شهری است با ساختمان‌های چندین طبقه که به این مناظر شهرهای بیابانی می‌گویند.

باغ شاهزاده

مربوط به اواخر دوره قاجاریه است. مجموعه‌ای دلپذیر از باغ‌سازی در شش کیلومتری ماهان که هر چند از باغ‌سازی و معماری اروپائی (فرانسوی) متأثر است حال وهوای محلی هم هنوز در آن موج می‌زند.

عمارت سر در باغ بنائی است دو طبقه که تقریباً به‌صورت منفرد ساخته شده است طبقه همکف آن از طبقه اول حجیم‌تر و پرتر است.

باغ سنگی بلورد سیرجان

این باغ از شاهکارهای تاریخ است. در نزدیکی دهستان بلورد واقع در روستای میاندوآب و در فاصله ۴۵ کیلومتری جنوب‌شرقی سیرجان و به‌دست فردی ناشنوا به‌نام "درویش‌خان گنگ" "اسفندیارپور" که به کشاورزی اشتغال داشته حدود ۳۰ سال پیش ساخته شده است. این باغ بسیار دیدنی و عجیب است!

غار ترنگ

این غار که در اصطلاح محلی به آن غار جبال بارز می‌گویند به فاصله ۵۰ کیلومتری از جنوب‌شرقی شهرستان بافت و در نزدیکی روستای ترنگ واقع شده است بعضی از قسمت‌های غار آبی و بعضی جاها خشک است طول غار تا جائی که شناسائی شده حدود ۵۰۰ متر است دهانه غار ۶ متر و داخل آن از یک متر تا ۱۵ متر است. برای رسیدن به غار باید پیاده‌روی کرد. در بعضی از قسمت‌های غار آب به‌صورت روان و در بعضی جاها به‌صورت راکد دیده می‌شود و در کلیه فصول درون آن معتدل است. درون غار پوشش گیاهی وجود ندارد اما در بیرون منطقه پوشیده از درختان چنار، بادام و پسته کوهی و گیاهان زیبای خرزهره به چشم می‌خورد.

بازارها

پیکره به هم تنیده بازار در مرکز بافت قدیم کرمان، با مظاهر زیبائی از ادوار گذشته به یادگار ماند و ویژگی‌های معماریش بینندگان را متحیر می‌کند. بازار بنائی است که در معماری آن انعکاس شرایط جغرافیای و مقتضیات اقلیمی ایران کاملاً رعایت شده است. بازارهای کرمان از مله بناهای یادبود کرمان است و معماری آن نوع تکامل یافته معماری ساسانی است.

سقف بازار کرمان از پشت‌بام شبیه نیم‌کره‌هائی است که به‌طرف بالا محدب می‌شوند و گنبدهای‌نوازی شکل و پشت‌سرهمی را ایجاد می‌کند.

بازارهای معروف کرمان: بازارهای شرق و غربی، بازار میدان ارگ، بازار ارگ، چهارسوق گنجعلی‌خان، بازار گنجعلی‌خان، بازار اختیاری، بازار سرداری، بازار وکیل، بازار قدمگاه، بازار عطاری، بازار مظفری و...

آبشاری واقع در قله علم شاه

آبشار دیدنی واقع در قله علم شاه در بلندترین نقطه سلسله جبال بارز است. ارتفاع این آبشار حداقل ۱۳۰ متر تخمین زده شده که در فصل تابستان پوشش سبز منطقه برای بازدیدکنندگان نیز جالب است.

بم

راستش از استان کرمان یاد کردن "بم" را نیز به یادمان می‌آورد. شاید اگر سال‌ها پیش این گزارش را می‌نوشتیم ارگ بم را هم نام می‌بردم، باید تأکید کنم اگر گذرتان به استان کرمان افتاد حتماً از بم و مردمراش دیدار کنید. یادتان نرود!

سوغات کرمان

زیره، پسته، عطریات و عرقیات، خرما، مرکبات، حنا، روشور، پته، قالی، و شیرینی‌های خاص کرمان هم یادتان نرود.

روزبه میرابراهیمی

http://vista.ir/?view=article&id=210431

کسی به فریادش نرسید

صبح زود، ایرانی و خارجی جماعت که تعدادشان چندان هم زیاد نیست، جمع شده‌اند در پیست اسکی دیزین.

مرد و زن‌های ایرانی چوب‌های اسکی شان را گذاشته‌اند روی باربند خودروهای شخصی و بی‌خیال سهمیه بندی بنزین تا اینجا آمده‌اند. شاید هم فکرش را کرده‌اند و مثلا بنزین لیتری ۱۰۰ تومان را ۴۰۰-۳۰۰ تومانی خریده‌اند و راه افتاده‌اند.

رگ‌های آبی زیر پوست سفیدمرد دیده می‌شوند؛ روس است انگار. دست‌هایش را توی هوا تکان می‌دهد. موهای طلایی‌اش به هم ریخته است از باد. تند حرف می‌زند. مردی که کنارش ایستاده ترجمه می‌کند:« تخفیف می‌خواهد.»

آن یکی چوب اسکی‌ها را توی دستش نگه می‌دارد. نگاهشان می‌کند. بعد خیره می‌شود به مرد روس و می‌گوید: امان از شما توریست نماها.

مترجم می‌خندد. چوب های اسکی دست به دست می‌شود. مرد روس راضی است انگار. چند زن و مرد دیگر چشم آبی می‌روند برای اجاره لوازم.

همان طور بلند حرف می‌زنند.

همان روز وقت ناهار، رستوران هتل دیزین غلغله است. سرو صدای مرد روس همه جا را پر کرده است. گارسن‌ها مات نگاهش می‌کنند. خبری از لیدر تور نیست. روس‌های دیگر هم شروع می‌کنند به حرف زدن و باز هم گفتن همان جمله‌هایی که گارسن‌ها از هیچ کدامش هیچ نمی‌فهمند.

راهنمای تور یک گروه ایرانی به فریادشان می‌رسد. رو به گارسن‌ها می‌گوید: نان، نان می‌خواهند. گارسن لبخند می‌زند. می‌دود دنبال نان. فضا کمی آرام‌تر می‌شود.

- پیست‌های تنها

مهمانان پیست اسکی دیزین، یا ایرانی‌اند یا کارداران سفارتخانه های مقیم؛ یعنی اینها گردشگر ورزشی نیستند. در عمل هیچ ارزی وارد ایران نمی‌کنند و سودآوری هم ندارند.

عباس جعفری مدیر تور طبیعت ادامه می‌دهد: در حالی که ما توانایی‌های بالقوه جذب گردشگر ورزشی را داریم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

طبق تعریف‌ها، هر کسی به هر جای دنیا که رفت، و مدتی ماند اسمش گردشگر نمی‌شود. این هم مثل همه ماجراهای دیگر دنیای مدرن آداب خاصی دارد. وقتی می‌روی تا آن سر دنیا یا مثلا همین کشور همسایه باید ۳ روزی بمانی و راهنما داشته باشی. سودآوری اقتصادی هم که رکن

اصلی است . اما اینکه کشور ما چقدر گردشگر و به شکل جزئی‌تر گردشگر ورزشی را هر سال پذیراست، ماجرای دیگری است.

همین که حرف می‌رسد به گردشگری ورزشی، اول از همه خیال مان می‌رود سراغ اسکی. با وجود اینکه کشور ما معروف است به آب و هوای خشک و کویری اما داخل همین مرزهای سرزمین گربه‌ای کوه‌هایی هست و قله‌هایی پر برف برای اسکی و تفریح.

همین آذرماه سال ۱۳۸۶، توی همین ۳۶۵ روزی که به خوب و بد گذراندیمش، ۹ پیست اسکی در سهند تبریز، توچال، دیزین، شمشک و در بند سر با حضور نماینده فنی فدراسیون جهانی اسکی به‌عنوان پیست‌های اسکی بین‌المللی معرفی شدند تا تعداد پیست‌های بین‌المللی ایران به ۱۳ برسد. اما این هم انگارگرهی از گره‌های کور ماجرای گردشگری باز نکرده است.

آمار دولت نهم در زمینه گردشگری البته به‌صورت کلی حدود ۷۰۰ هزار نفر است. در عین حال مرکز توسعه گردشگری آمارها را در حدود ۱۲هزار نفر اعلام می‌کند. حالا باید دید این میان سهم گردشگری ورزشی چقدر می‌شود.

البته کوروش مجتبوی دبیر کمیته گردشگری ورزشی سازمان میراث فرهنگی که مشاور توریسم ورزشی فدراسیون اسکی هم هست، درباره مشکلات ناشی ازنبود همین آمارها می‌گوید: این موضوع نه‌تنها در ورزش اسکی و گردشگری ورزشی، بلکه در تمام بخش‌های گردشگری وجود دارد.

● ربط ماجرا

امسال هم شبیه خیلی از سال‌های قبل و اتفاقات دیگر مسئولین اسکی اعلام کردند دلشان می‌خواهد که گردشگری ورزشی و خصوصا اسکی رشدکند، اما...

و این اما که انگار همیشه و در همه ماجراهای سرزمین ما هست؛ آذرماه، یعنی همان حدود بین‌المللی افتتاح شدن ۹ پیست جدید.

مجتبوی گفت: به‌دنبال آن بودیم تا شرایط برای فعال شدن گردشگری ورزشی در اسکی فراهم شود، اما این موضوع هنوز عملی نشده است. این موضوع همچنین در مذاکره با سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری هم مورد توجه قرار گرفت و قرار شد در پی آن تخفیف ویژه برای اسکان و پذیرایی از گردشگران خارجی و همچنین استخراج تقویم ورزشی بین‌المللی و مسابقاتی که براساس آن گردشگر جذب می‌شود، دنبال شود.

و دقیقا بعد این جمله‌ها آمارهای معروف سرزمین مان از راه رسیدند. مشاور توریسم ورزشی فدراسیون اسکی اعلام کرد که امکان برگزاری فعالیت‌های توریسم ورزشی وجود دارد اما به‌دلیل اینکه این پیست‌ها در اختیار بنیاد مستضعفان و جانبازان قرار دارد امکان فعالیت بسیار محدود شده است. و این در حالی است که خیلی از کارشناسان اعلام می‌کنند ؛تنها و تنها پیست توچال است که اداره آن با معاونت سیاحتی بنیاد است.

ما هیچ فعالیت مناسبی برای جذب گردشگر نداریم. نه امکانات مناسبی ایجاد می‌کنیم و نه تبلیغات خوبی داریم.

● آسمان یکرنگ ورزش

در حالی که اسکی به‌عنوان مهم‌ترین عامل گردشگری ورزشی در این شرایط به سر می‌برد، در بقیه بخش‌ها هم تقریبا اوضاع همین طور است . به اخبار که نگاه می‌کنیم آمارهای دقیقی دیده نمی‌شود و موانع هست و قصه ادامه دارد.

آبان ماه سال۸۶ قراربود سری مسابقات چوگان در اصفهان - نقش جهان- اجرا شود، اما این هم با تمام تبلیغاتی که برایش شد، منتفی گشت. ماجرا مثل همیشه بود. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تصمیم گرفت جشن نقش جهان را در اصفهان برگزار کند.

در کنار این تصمیمات، فدراسیون چوگان هم خواست ورزش ۳ هزار ساله ایران را به یادها بیاورد. آن وقت پاتریک هرمس رئیس فدراسیون جهانی چوگان، هم به ایران آمد و هیجان زده از اتفاقی که قرار بود کنار یکی از زیباترین آثار تاریخی جهان بیفتد، گفت: با توجه به تاریخ‌سازی ایران در این ورزش در طول سه هزار سال، ایران باید همواره رئیس فدراسیون جهانی چوگان باشد. او ادامه داد: مهم‌ترین دلیل حضورم در ایران برگزاری مسابقه در میدان نقش جهان است زیرا این کار فرصت بزرگی برای چوگان دنیا محسوب می‌شود.

با تمام این حرف‌ها و با وجود آمدن گروه‌های فرانسه و پاکستان به اصفهان، برگزاری جشن لغو شد و ماجرایی که می‌توانست با دنباله دار شدن چوگان بازان را به ایران بکشد ناتمام ماند.

از سوی دیگر ایرانی‌ها و مسئولین گردشگری طی سالی که گذشت مغرور از رودها و دریاچه‌های پرآب ایران زمین، بارها و بارها اعلام کردند ما توانایی گسترش اسکی روی آب و جذب توریست در این زمینه را داریم اما آن چه در عمل اتفاق افتاد را یکی از کارشناس‌های سازمان سرازیر شدن حتی ایرانی‌ها به سوی ترکیه عنوان می‌کند.قصه ما درباره سوارکاری و کوهنوردی هم همین قدر تلخ است. جعفری می‌گوید:۲ گروه مهمان، تنها تورهای کوهنوردی وارد شده به ایران در سال قبل بودند و این در حالی است که آمار خروجی ما به سوی آرارات از همیشه بیشتر

بوده است.

● ما و آینده

در همین شرایط و وقتی آمارهایمان آن قدر کوچک‌اند که اعلام شان نمی‌کنیم، قرار است طبق برنامه ۴ توسعه، تا پایان سال ۱۳۸۸ ورودی گردشگر را به ۵ میلیون نفر برسانیم و این یعنی تا انتهای ۲۰۲۴، سالی ۲۰ میلیون توریست. یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد که در این میان گردشگری ورزشی چه سهم و قد و قواره ای باید داشته باشد.

حد و اندازه‌ای که باید امیدوار باشیم با تغییر سیاست‌ها و ایجاد منظر بهتر جهانی، در کنار اختصاص بودجه شبیه امروز نباشد.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=308385

vista.ir
Online Classified Service

کفش، کوله پشتی، حرکت!

سفر با همه سختی‌ها و هزینه‌ها و خطراتش، لذت‌بخش و خاطره‌انگیز است و حتی سفرهای دوسه‌روزه هم از این قاعده مستثنا نیستند. این سفرها هم می‌توانند آرامش‌بخش و شادی‌آور باشند...

بی‌دلیل نیست که در روزهای آخر هفته، به‌خصوص اگر یکی دو روز تعطیل رسمی هم در تقویم به ما چشمک بزند و ما را وسوسه کند که وسایل یک سفر دو سه روزه را آماده کنیم، شهرهای شلوغی مثل تهران یک نفس راحت می‌کشند و شاهد هجوم ماشین‌های پر از مسافر به سمت شهرهای شمالی یا برخی شهرهای غربی و جنوبی کشورمان هستیم.اما خیلی‌ها هم هستند که به دلایلی نمی‌توانند به چنین سفرهایی بروند؛ از نداشتن ماشین شخصی گرفته تا نداشتن وقت آزاد یا حتی پول کافی. ما برای این گروه از هموطنان عزیزمان پیشنهاد خوبی داریم: سفر یک‌روزه.

در نخستین قدم، بهتر است علاقه‌مندی خود را کشف کنید که می‌خواهید به کدام یک از سفرهای یک روزه بروید؛ هر چند ما به شما پیشنهاد می‌کنیم به همه مکان‌هایی که می‌توانید در عرض یک روز سفر کنید، بروید. با مطالعه مکان‌هایی که می‌خواهید بروید خطرات احتمالی را نیز پیش بینی کنید. خطر ریزش سنگ یا برف از کوه، خطر حیوانات وحشی و یا حتی گم شدن.

● سفرهای یک‌روزه با رویکرد شناسایی تاریخ و فرهنگ ایران

لطفاً نگویید برای این کار فقط باید به شیراز و اصفهان سفر کرد و این کار هم که یک روزه میسر نیست. کافی است بخواهید تا بتوانید. یک راهنمای گردشگری یا چند کتاب درباره تاریخ شهر یا استان خود مطالعه کنید. آن وقت خواهید دانست که چه مناطق تاریخی و فرهنگی‌ای در فاصله دو سه ساعتی محل زندگی شما وجود دارد که از آنها بی‌خبر بوده‌اید. با کمی برنامه‌ریزی یا شرکت در تورهای یک روزه می‌توانید از ابتدای یک روز تعطیل تا پایان آن روز را به جای خوابیدن یا تماشای تلویزیون به سفر رفته باشید.

● راهپیمایی در جنگل، دامنه‌گردی و دوچرخه‌سواری

اگر در استان‌های مرکزی و جنوبی کشورمان زندگی می‌کنید، ممکن است جنگلی در اطراف شما نباشد ولی اگر در جایی هستید که جنگل‌های سرسبز و مناسبی وجود دارد، زمان را از دست ندهید. بدون شک در روزهای تعطیل این جنگل‌ها پر است از گردشگر و خانواده‌ها که به همراه

دوستان و آشنایان صبحانه و ناهار و عصرانه را در دامن سبز جنگل میل کرده و اگر هم اهل هیجان بیشتر باشید سوار بر دوچرخه‌های خود خاطرات کودکی را زنده می‌کنید.

• روستاگردی و دیدار از زندگی اقوام و عشایر

تنوع زبان، لباس، آداب و رسوم، غذا، مسکن و دیگر خصوصیات فرهنگی در روستاها، اقوام و عشایر ایرانی از دیدنی‌های این گونه سفرهاست. در کشور ما روستاهای تاریخی و شگفت‌انگیزی وجود دارد که سبک‌های معماری و مناظر طبیعی بسیار زیبایی دارند. روستاهای اورامان، اورامان تخت، پالنگان و هجیج با ساختار پلکانی، میمند با ساختار غارمانند و کندوان، نای بند کویر، ماخونیک، ماسوله و اشتبین از جمله این روستاها هستند.

• دیدار از پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده

برخی پارک‌های ملی ایران به عنوان ذخیره‌گاه زیستی از سوی سازمان ملل متحد مورد حمایت قرار گرفته‌اند. در این مناطق حدود ۸۰۰۰ هزار گونه گیاهی وجود دارد و ۵۰۰ نوع پرنده بومی و مهاجر مانند درنای سیبری، هوبره، شاهین، پلیکان و عقاب طلایی و ۱۶۰ گونه پستاندار مانند گورخر ایرانی، یوزپلنگ (چیتا)، غزال و خرس آسیایی زندگی می‌کنند که بعضی از آنها از گونه‌های نادر، باارزش و منحصر به فرد این سرزمین هستند. مناطق حفاظت شده گاندو (کروکودیل پوزه کوتاه ایرانی)، دریاچه پریشان، خلیج نای بند، گنو، دریاچه ارومیه، جهان‌نما، ارسباران، دنا و پارک‌های ملی لار، گلستان و کویر در فهرست سفرهای پارک ملی و حیات وحش قرار دارند. در صورت سفر به جنگل‌ها و مراتع از خوردن گیاهان و میوه‌هایی که شناختی درباره آنها ندارید خودداری کنید. به‌ویژه در مورد قارچ‌ها چون بی‌توجهی در این مورد ممکن است خیلی خطرناک باشد.

• کویرگردی

کویرها به خصوص کویر مرکزی و بیابان لوت از جذاب‌ترین دیدنی‌های طبیعت کشور هستند. تپه‌های ماسه‌ای، شن‌های روان، کریستال‌های نمک و از همه شگفت انگیزتر، کلوت‌ها، از زیباترین جلوه‌های طبیعی بیابان‌های ایران هستند. از سوی دیگر واحه‌های کهن، باغ‌های بهشت آسای ایرانی، قنات‌ها، قلعه‌ها، کاروانسراها و ده‌ها شهر و روستا با معماری خاص کویری از نشانه‌های زیبای همزیستی انسان و طبیعت به شمار می‌روند.

سفر لوت و کلوت‌ها، کویر مصر، مرنجاب، طبس و پارک ملی کویر از جمله سفرهای کویرگردی کلوت هستند. هنگام سفر به کویر آفتابگیر، کلاه لبه‌دار، عینک آفتابی و کرم ضدآفتاب را فراموش نکنید.

• کوه‌پیمایی و کوه‌نوردی

خوشبختانه کشور ما از نظر کوهستان غنی است و هر زمان که بخواهیم می‌توانیم برای کوهپیمایی و یا کوه نوردی به دامنه آنها برویم. بیش از ۹۰ قله بالاتر از ۴۰۰۰ متر همراه با یخچال‌های دایمی، آبشارها، چشمه‌ساران، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، رودخانه‌ها، غارها، جنگل‌ها و دامنه‌های سرسبز، غنای خاصی به اکوسیستم‌های کوهستانی این سرزمین بخشیده‌اند البته برای رفتن به کوه باید آموزش‌هایی دیده باشید و یا با افراد با تجربه به کوه بروید. بهتر است هنگام کوهنوردی یک چوبدستی همراه ببرید و برای بالا رفتن و پایین آمدن از شیب‌ها به شکل زیگزاگ حرکت کنید.

• توصیه آخر

در سفرهای یک روزه معمولا مقدار زیادی خوراکی به همراه می‌بریم و بعد از مصرف هم عده کمی زباله‌های آنها را با خود برمی‌گردانند و متاسفانه بقیه زباله‌ها را همانجا در طبیعت رها می‌کنند. به همین خاطر بهتر است تا حد ممکن از بردن ظروف یکبار مصرف خودداری و از ظروف شخصی استفاده کنیم و یا اینکه زحمت برگردان ظروف و انداختن در سطل زباله را هم جزو برنامه سفر قرار دهیم. در نزدیکی جنگل‌ها آتش روشن نکنیم و خلاصه اینکه آرامش و زیبایی طبیعت را برهم نزنیم.

▪ بیشتر بخوانید

دریاچه کوهستانی شورمست در ۱۵ کیلومتری سوادکوه یکی از جاهایی است که می‌توانید برای سفرهای یک‌روزه‌تان انتخابش کنید.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=365952

vista.ir
Online Classified Service

کلیسای جامع سنت باسیل مسکو

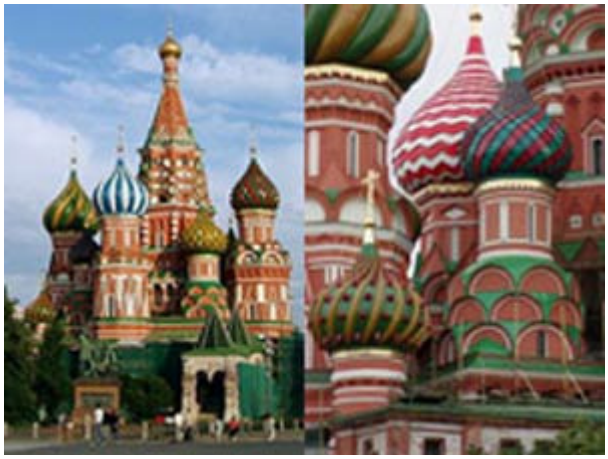

کلیسای جامع سنت باسیل کلیسای جامع سنت باسیل یکی از برجسته ترین و قابل توجه ترین بناهای تاریخی روسیه کهن است. از قرن شانزدهم تا به امروز زیبایی این کلیسا تحسین کلیه جهانگردان را برانگیخته و امروزه به عنوان نمادی از فرهنگ و تاریخ روسیه به شمار می رود.

این بنا در میدان سرخ – مهمترین میدان مسکو - واقع شده و سمبلی است نمایانگر موقعیت جغرافیایی بی نظیر روسیه مابین اروپا و آسیا. این کلیسا مابین سالهای ۱۵۵۵ تا ۱۵۶۱ ساخته شده و نام آن برگرفته از یکی از قدیسان ارتدکس و بسیار محبوب روسیه است. این کلیسا در حقیقت به دستور ایوان مخوف به عنوان بنایی به منظور بزرگداشت و یادبود تصرف شهر قازان ساخته شد.

سنت باسیل که در ضلع جنوب شرقی میدان سرخ قرار گرفته دارای نه برج است و طراحی آن در اصل مشابه کلیساهای آن دوران روسیه – کلیساهایی که شکل ظاهری شان به خیمه شباهت داشت– می باشد. هر برج که خود یک کلیسای کوچک است، دارای ترکیب و الگوی رنگی منحصر بفردی است که بی شک در زیبایی کل مجموعه تاثیر بسزایی بر جای گذاشته است.

گنبدهای این کلیسا اصطلاحا به "گنبدهای پیازی شکل یا onion domes " معروفند. اصطلاح پیازی شکل به نوعی گنبد اطلاق می شود که عمدتا در معماری کلیساهای روسی از آنها استفاده شده است. از ویژگی های این نوع گنبد یکی قطر آن است که از قطر یک طبل بزرگتر بوده و دیگری، بیشتر بودن ارتفاع هر گنبد نسبت به عرض آن. شکل ظاهری این نوع گنبدها کاملا شبیه پیاز است به طوری که از پایین به بالا به آرامی باریک شده و به یک نقطه نوک تیز می رسند.

طراحی داخلی این کلیسا مجموعه ای از برج های مجزاست که هر یک با تصاویر و شمایل های زیبا، دیوارهای منقوش به سبک قرون وسطا و آثار هنری متنوع پوشیده شده اند. در مقایسه با کلیساهای غربی که معمولا متشکل از سالن های وسیع بوده و همگی به یک شکل واحد هستند، کلیسای سنت باسیل به گونه ای متفاوت، فضایی کاملا صمیمی را داراست.

در محوطه جلوی کلیسا مجسمه برنزی یادبود منیین و پوژارسکی - از قهرمانان ملی روسیه در تهاجم لهستانی ها در پایان قرن شانزده و آغاز قرن هفده – قرار گرفته است. در حقیقت این مجسمه ابتدا در مرکز میدان سرخ ساخته شده بود، اما در سال ۱۹۳۶ دولت روسیه به منظور دستیابی به دید بهتر میدان، آن را به جلوی کلیسا منتقل نمود.

هدف اصلی ساخت کلیسای سنت باسیل، ساخت مجموعه ای از کلیساهای کوچک بوده که هر کدام را بتوان به یکی از قدیسان اهدا نمود، اما ساختار برجی که در مرکز مجموعه قرار گرفته باعث گردیده کل کلیساهای کوچک با هم یکی شده و بنای واحد کلیسای جامع را تشکیل دهند. در مورد سنت باسیل داستان نادرستی رایج است که پس از ساخت این بنا، ایوان مخوف، چشمان معمار و سازنده آن، Postnik Yakovlev را کور کرده تا پس از آن قادر به ساخت بنای زیباتری برای افراد دیگر نباشد.

کلیسای سنت باسیل را نباید با کرملین که در سمت راست آن، در میدان سرخ مسکو واقع شده، اشتباه کرد. سنت باسیل به هیچ وجه جزو کاخ کرملین نمی باشد، هر چند در بسیاری از کتب منتشر شده این بنا را نیز کرملین نامیده اند. گزارشات نادرست روزنامه نگاران و خبرنگاران غربی نیز در قوت بخشیدن به این تصور غلط، بی تاثیر نبوده است.

منبع : مجله اینترنتی فریا

http://vista.ir/?view=article&id=99200

vista.ir
Online Classified Service

کلیسای جامع کلن

این کلیسا در کلن، با ۱۵۷ متر بلندی، دومین کلیسای بلند در کشور آلمان و سومین در کل جهان محسوب می‌شود.این کلیسا بین سال‌های ۱۸۸۰تا ۱۸۸۸ میلادی بلندترین ساختمان جهان بود. این بنای زیبا و عظیم، محبوبترین ساختمان دیدنی در کشور آلمان به حساب می‌آید.در سال ۲۰۰۱میلادی،۵ میلیون و در سال ۲۰۰۴ میلادی، ۶ میلیون جهانگرد از این بنا دیدن کردند (تقریباً به اندازه بازدیدکنندگان برج ایفل در شهر پاریس.)این کلیسای جامع دوقلو، همچنین پس از کلیسای جامع "سویلا" و کلیسای جامع"میلان " سومین کلیسای بزرگ عصر گوتیک به حساب می‌آید. این بنا در سال ۱۹۹۶میلادی در رده میراث جهانی یونسکو قرار گرفت.

تاریخچه کوتاه: پس از بازگشت "روم شرقی" یعنی بیزانس به غرب و پیروزی و غلبه بر روم غربی، آنها مذهب جدید خود یعنی مسیحیت را که در خاورمیانه اختیار کرده بودند، مذهب رایج قلمروی پادشاهی خود اعلام نمودند. در سال ۳۱۱ پادشاه کنستانتین در آلمان که مستعمره مطلق روم بود، فرمانی مبنی بر رسمی شدن مذهب مسیحیت صادر نمود و فرمان داد تا تمامی عبادتگاه های ایرانی میترایی را که تا چندی پیش تنها مذهب بخش عمده اروپا محسوب می‌شد، ویران کرده و بر روی آنها عبادتگاه های مسیحی بنا کنند.

چنین فرمان‌هایی همزمان در سرتاسر قلمروی تحت فرمان روم صادر شد. در واقع می‌توان در زیرزمین یا در لابلای خاک‌های زیر بنای اکثر کلیساهای تاریخی اروپا، از جمله کلیسای جامع کلن، باقی مانده عبادتگاه‌های میترایی را یافت. یکی از مهمترین علل معروفیت کلیسا جامع کلن در دنیای مسیحیت، گذشته از ابعاد بسیار وسیع آن (زیربنای تقریبی ۷۹۱۴ متر مربع)، تابوت طلایی می‌باشد که در آن اسکلت سه "پادشاه مقدس" یا "مغ های مقدس مشرق زمین("مغ ها و موبدان اشکانی همان سه "پادشاهی" هستند که در ادبیات دینی مسیحیت از آنها به عنوان پیام آور میلاد مسیح یاد می شود) نگهداری می‌شود. اسکلت ها را اسقف اعظم "رایناالد فون داسل" در سال ۱۱۶۴ مسیحی از شهر میلان ایتالیا به کلن آورد. در سال ۱۲۲۵ به خاطر تعداد روز افزون زواری که برای زیارت "مغ های مقدس" به این عبادتگاه می‌آمدند تصمیم گرفته شد که کلیسای جدیدی ساخته شود. پایان کار کلیسای جدید تقریبا ۶۰۰ سال به درازا کشید و پس از چندین توقف اجباری به‌خاطر جنگ‌های متعدد و در گیری های محفلی داخل کلیسا و یا سیاسی- که حدود ۵ ۵ سال طول کشید- در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۸۸۰ جشن گرفته شد.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=131722

vista.ir
Online Classified Service

کلیسای جامع کیف، اکراین

کلیسای جامع کیف که کلیسای جامع صوفیا نامیده شده است متعلق به قرن ۱۱ میلادی بوده و در مرکز شهر کیف واقع است .

این کلیسا با معماری بیزانسی (روم شرقی) و تصاویر بی نظیرش یکی از بهترین ها در نوع خود می باشد و باستان شناسان آن را یک گنجینه باستانی می دانند زیرا در آن از هر دوره یعنی از قرن ۱۱ تا ۱۹ آثار هنری و نقاشیهای نفیسی به جای مانده است. در معماری داخل بنا از اجرائی مانند ستونها و طاق ها استفاده شده است.

این کلیسا شامل ۲۶۰ متر مکعب طرح های موزائیکی و ۳۰۰ متر مکعب طرح های نقاشی با تنوع رنگی بسیار زیاد یعنی ۱۷۷ نوع رنگ می باشد که در نوع خود بی همتا و منحصر به فرد هستند. اکثر تصاویر نقشهائی مرتبط با مضامین مقدسات مسیحیان می باشد اما در این میان یکی از تصاویر مربوط به قرن ۱۱متعلق به پادشاه محبوب روسیه بهمراه خانواده اش می باشد .این پادشاه که Yaroslaw Mudriy نام داشته به علت وضع قانون عادلانه و گسترش روابط کشورش با کشورهای اروپائی در نزد مردم آن زمان محبوبیت یافته است. تصاویر قرن ۱۷ تا ۱۹ همه تصاویر مذهبی و آئینی می باشد .

ناقوس کلیسای صوفیا نیز به علت داشتن تصاویرزیبا و باشکوه تاریخی دارای اهمیت است . تصاویر نقش شده بر ناقوس یاد آور جشنی بزرگ است که توسط پادشاه قسطنطنیه (Konstantin Porfirogenet) برای احترام و بزگداشت پرنسس روسی , دختر پادشاه Yaroslaw برگزارشده بوده است.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=96048

vista.ir
Online Classified Service

کلیسای وانک

- معروف به: سن سو و دوآمناپر کیچ
- موقعیت: چهارراه حکیم نظامی خیابان نظر شرقی
- سال تاسیس: ۱۰۶۵ هجری مطابق با ۱۶۵۴ میلادی
- از ویژگیهای ساختمان:
  - بزرگترین و زیباترین کلیسای جلفای اصفهان است

▪ از نظر طلاکاری سقف و سطح داخل گنبد و نقاشی های تاریخی از زیباترین کلیساهای جلفای اصفهان است

▪ داخل کلیسا و تمام دیوارهای اطراف و جوانب آن از تزئینات نقاشی رنگ و روغن و آب طلا به سبک ایرانی و تصاویری از زندگی حضرت مسیح (ع) متاثر از نقاشی ایتالیایی تزئین شده است

▪ برج ناقوس روبروی در اصلی کلیسا به سبک ایرانی است و در زمان شاه سلطان حسین ساخته شده است

● بزرگترین کلیسای جلفا :

این کلیسا به نامهای سن سور و آمنا پرکیچ نیز نامیده می شود بزرگترین کلیسای جلفا است. این کلیسای با شکوه در سال ۱۰۱۵ هجری قمری برابر ۱۶۰۵ میلادی در اراضی باغ زرشک احداث شد و پس از ۵۰ سال در سال ۱۰۶۵ هجری قمری برابر ۱۶۵۵ میلادی توسعه یافت و به صورت امروز در آمد. این کلیسا دارای گنبدی عظیم و دیوارهای رفیع و طاقهای بلند و زیباست که در حال حاضر محل اقامت خلیفه ارامنه ایران و هندوستان می باشد.

● ساختمان نماز خانه کلیسا:

نماز خانه اصلی کلیسا که به شکل متوازی الاضلاع است شامل دو قسمت چهارگوش است که قسمت اول شبستان بنا و قسمت دوم که زیر گنبد خانه است محل اجرای مراسم و سرودهای مذهبی است. ازاره های دیوارهای نماز خانه را کاشی های خشتی چند رنگ فرا گرفته است. در قسمتهای بالای ازاره تصاویربسیار زیبائی نقاشی شده اند که از کتب مقدس الهام گرفته شده و تمامی سطح فضای گنبد را تزئین کرده است. دور تا دور گنبد داستان خلقت آدم و حوا است که بوسیله نقاشان ارمنی ترسیم شده اند. بر محراب بسیار زیبای کلیسا نیز تصاویری از جمله تصویر حضرت مسیح (ع) نقاشی شده است. نمای خارجی گنبد کلیسا بدون تزئینات کاشیکاری است و با آجر ساده پوشانده شده است.

● ساختمان کلیسا:

در گوشه حیات کلیسا برج ناقوس زیبا و بزرگی ساخته شده که بر چهار ستون سنگی استوار است. در گوشه دیگری از این حیاط و روبروی برج ناقوس ستون بلندی از سنگ یادبود ۱/۵ میلیون نفر ارمنی ساخته شده که در سال ۱۹۱۵ میلادی قتل عام شده اند. در صحن حیاط کلیسا چند نفر از ارامنه مشهور از جمله چند اسقف اعظم و نمایندگان سیاسی کشورهای اروپایی که در اصفهان در گذشته اند به خاک سپرده شده اند.

● قسمتهای مختلف کلیسا:

کلیسای وانک دارای تأسیسات مختلفی مانند موزه و کتابخانه است. موزه کلیسا در سال ۱۳۲۲ هجری قمری برابر با ۱۹۰۵ میلادی ساخته شد. اشیائی که در سالن های آن به معرض تماشای بازدید کنندگان گذاشته شده اند شامل تابلوهای نقاشی کار نقاشان اروپائی است که به کلیسا اهداء کرده اند. تعدادی کتب خطی نفیس نیز در این موزه نگهداری می شوند.

از جمله مجموعه های نفیس این موزه فرامینی است که در طول تاریخ صفویه به بعد سلاطین و حکام ایران درباره ارامنه صادر کرده اند. این فرامین از نظر بررسی تاریخ ارامنه بسیار مهم و قابل ملاحظه بوده و در عداد منابع قابل اعتماد به شمار می روند.

از دیگر تأسیسات کلیسا چاپخانه است. این چاپخانه که به سعی و کوشش و ابتکار پیشوای ارامنه آن روزگار به نام خاچاطور کساراتسی GZARATSSY در جلفا تأسیس شده بود در سال ۱۶۳۶ میلادی به عنوان اولین چاپخانه شروع به کار کرد و نخستین کتابی که به وسیله آن به چاپ رسید زبور داوود بود که از این کتاب فقط یک نسخه در دنیا موجود است و آن نیز در شهر آکسفورد انگلستان نگهداری می شود. تصویر این کتاب در موزه کلیسا در معرض بازدید عموم است. کتابخانه کلیسای وانک نیز با ۰۰۰/۲۵ جلد کتاب به عنوان یکی از بهترین منابع مورد استفاده محققین و پژوهشگران ارمنی و سایر ادیان قرار میگیرد.

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105901

vista.ir
Online Classified Service

کلیسای یاکوب مقدس

قدیمترین کلیسا در جلفا کلیسای یعقوب مقدّس (هاکوپ) است که در گوشهٔ شمال غربی صحن فعلی کلیسای مریم ساخته شده، تاریخ ساختمان آن را سال ۱۰۵۶ ارمنی مشخص نموده‌اند (جهت تبدیل سال ارمنی به میلادی باید۵۵۱ سال به آن اضافه کرد. یعنی در واقع تاریخ ارمنی ۵۵۱ سال، کمتر از تاریخ میلادی است.)بعد از کلیسای «هاکوپ» قدیمی‌ترین کلیسای جلفا کلیسای «گیورک» است که در خیابان حکیم‌نظامی قرار دارد، داخل این کلیسا بسیار ساده است و فقط یک تابلو نقاشی نفیس در قسمت محراب آن نصب شده. اهمیت این کلیسا از آن جهت است که پانزده قطعه از سنگهای کلیسای قدیمی «اجمیازین» ارمنستان را ارمنیان با خود حمل کرده و بعضی از آنها را در این کلیسا نصب کرده‌اند، این کلیسا یکی از اماکن مقدّسه به شمار می‌رود.کلیسای مریم: ارمنیان جلفا کلیسای اولیه خود به نام هاکوپ را که بسیار کوچک بود وسعت داده و کلیسای بزرگتری به نام مریم در آنجا بنا کردند. داخل این کلیسا دارای تزئینات نقاشی و تابلوهای مذهبی است که روی دیوارهای گچی نقاشی شده و دارای کتیبهٔ تاریخی معروفی است. بانی آن را یک بازرگان ارمنی به نام «خواجه آودیک» معرفی کرده‌اند. او این کلیسا را با چراغها و قندیلهای زرّین و سیمین و تابلوهای نقاشی گرانبها و تزئینات دیگر، تماماً با هزینه شخصی ساخته است. خواجه آودیک از تجّار معروف ابریشم در زمان شاه عباس اول بوده است

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105903

vista.ir
Online Classified Service

کمپ کویری شهداد

کرمان با داشتن بخش عمده ای از دشت لوت مهد شگفتی های کویری است.

شهر افسانه ای کلوت ها، مرتفع ترین هرم های ماسه ای دنیا،۴۰ مخروط

آتشفشان کواترنر، پهنه های وسیع ماسه و ریگ با طیف رنگی قهوه ای روشن تا خاکستری و سیاه نظیر »گدار باروت« گدازه های بازالتی چاله همانند »گندم بریان« پهنه های شنی مواج، بزرگ ترین بنکاه های جهان (تپه های شنی پوشیده از گیاه) مرتفع ترین ربدوها (گلدان های نمکی بزرگ)، کویر پاشتری (سطح این زمین ها این طور به نظر میرسد که پس از بارندگی زیاد خیس شده و تعدادی شتر روی آن راه رفته اند) و هامادا (دشت هایی از ریگ) و رودشور شگفتی های بی نظیر دشت لوت هستند.

کمپ شهداد تنها کمپ کویری دشت لوت است که فاصله کمی با شهر افسانه ای کلوت ها دارد.

این کمپ با ۴۰ نفر ظرفیت برای پذیرایی رایگان از گردشگران لوت بازسازی شده است و دارای آلاچیق هایی سطح سیمانی و دیواره ها و سقف چوبی و به امکاناتی چون برق و سرویس بهداشتی مجهز می باشد.

به گفته »محمد جهان شاهی« مسئول روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کرمان، سرویس های بهداشتی و سیم کشی های کمپ بهسازی شده است و نگهبانان شبانه روزی از کمپ محافظت می کنند و با هماهنگی انجام شده با نیروی انتظامی شهداد، امنیت مسافران در کمپ برقرار می شود.

این کمپ حدود ۲۰ کیلومتر با کلوت ها فاصله دارد و با طی جاده آسفالته شهداد به نهبندان می توان از کمپ به کلوت ها رسید. زیبایی مثال زدنی شب های کویر یکی از دلایل علاقه گردشگران به شب مانی در کویر است.

منبع : روزنامه خراسان

http://vista.ir/?view=article&id=132955

vista.ir
Online Classified Service

کمپینگ تابستانی

هرم داغ‌ترین ماه سال که با پوستمان آشنا شد، به خوبی موعد سفرهای تابستانی را حس می‌کنیم

و برخلاف زمستان این محدودیت را نداریم که در این طی طریق، حتما در یک هتل، مهمانسرا و... مستقر شویم و می‌توانیم با برپا کردن چادر، میهمان طبیعت شویم.

« نورالدین هاشمی»، نخستین کسی است که در ایران تلاش کرده تا با استفاده از خودروهای ۲دیفرانسیل و ویژگی‌های آن طبیعت‌گردی را برای علاقه‌مندانش ساماندهی و فرهنگ‌سازی کند. این مرد ۳۷ ساله که نخستین شخصی است که دوره‌های اکو تورلیدری را گذرانده و به بسیاری از نقاط ایران با تورخودروهای دو دیفرانسیل (۴while drive) سفر کرده است، تاکید می‌کند: «میهمان خوبی برای طبیعت باشیم و اگر به نقطه‌ای از طبیعت زیبای کشورمان قدم می‌گذاریم کاری نکنیم که اگر دوباره به آن مکان رفتیم از زیبایی‌اش خبری نباشد.»

معمولا کمپینگ و چادر زدن در طبیعت را همراه با دانسته‌هایی می‌دانند که با عنوان « هنر زنده ماندن در طبیعت » شناخته می‌شود. هاشمی تاکید می‌کند: «در این روزگار بیش از هنر زنده ماندن در طبیعت نیازمند « هنر زنده ماندن طبیعت » هستیم تا کمتر موجب تخریب نعمت‌های

خدادادی برگشت‌ناپذیرمان شویم.» مطلب پیش رو کلیدهای اجرایی همان هنر زنده ماندن طبیعت و لذت بردن از آن است به ویژه در تابستان.

- حرکت به سمت جاهای خنک

می‌دانید فرصت تجربه سکوت، شنیدن صدای جریان آب یک جوی، نهر یا یک رودخانه این روزها غنیمتی است برای در امان ماندن از هجوم استرس ناشی از گرانی‌ها، وضعیت مسکن، اجاره‌خانه و... . اگر قصد یک مسافرتی را دارید که می‌خواهید در آن طبیعت‌گردی نقش محوری داشته باشد یا دست‌کم بخشی از آن با استقرار در طبیعت همراه شود، بهتر است استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل، لرستان و کردستان را انتخاب کنید. دریاچه زریوار در کردستان نیازمند علاقه‌مندان به طبیعت و محیطزیست است و تا آن را نبینید نمی‌توانید برایش دل بسوزانید.

رودخانه‌های لرستان موقعیت بی‌نظیری دارند و جنگل ارسباران و رود ارس فرصت‌هایی برای چند روز تفریح و تجربه هستند. نورالدین هاشمی که مبدع تور خودروهای ۲دیفرانسیل است می‌گوید:« استان‌های غربی با توجه به موقعیت آب و هوایی که دارند خنک‌ترند اما به هر مکانی که دوست‌دارید می‌توانید بروید فقط به این شرط که بدانید برای چه می‌خواهید بروید و در مقابل به آنجا چه ارمغانی خواهید برد.» این روزها معضل زباله، زندگی ما را تحت‌الشعاع قرار داده و مهم است اگر به طبیعت‌می رویم ارمغانی بهتر از زباله برایش ببریم!

- چادری برای کمپ تابستانی

مهم‌ترین تفاوتی که کمپینگ تابستانی با مدل زمستانی آن دارد در مکان‌یابی برای برپایی چادر است. برخلاف زمستان که مکان برپایی چادر باید در نقطه‌ای بادگیر نباشد، در تابستان باید در نقطه‌ای چادرمان را برپا کنیم که بادگیر باشد و در عین حال کمتر در معرض تابش نور خورشید قرار بگیرد. جنس چادر نیز برخلاف مدل زمستانی آن که باید ضخیم و بادگیر باشد، بهتر است مناسب این فصل باشد، باید از چادرهای دو پوششی استفاده کنیم که یک پوشش روی چادر با فاصله‌ای مناسب قرار بگیرد که هم برای پوشش اصلی ایجاد سایه کند و هم موجب فضایی برای رد و بدل شدن هوا شود که در نتیجه چادر خنک‌تر خواهد شد.

مهم‌ترین عامل دردسرساز برای طبیعت و زندگی ما، تولید زباله‌است. نورالدین هاشمی می‌گوید:«اگر اهل پایتخت هستید یک روز چهارشنبه بروید و جاده لشگرک به لواسان را خوب ببینید. دو روز صبر کنید و سپس روز شنبه به همان محل و همان جاده بروید. مطمئنا آن قدر زباله، بطری خالی آب، انواع زباله‌های به جا مانده از خوراکی‌هایی چون چیپس، پفک و... خواهید دید که منظورم برایتان روشن خواهد شد.»

زباله‌ها دو نوع هستند؛ برگشت پذیرها و غیرقابل برگشت. پس وظیفه ماست که هم برای حفظ منظر و هم برای جلوگیری از آلودگی محل آنچه زباله قابل‌بازیافت است را با حفر یک چاله دفن کنیم و آنچه قابل بازیافت نیست را هم بسته‌بندی کرده و با خود به محلی بیاوریم که سطل زباله در آنجا نصب شده است.

- مسمومیت

نکته بسیار حیاتی در مورد کمپ تابستانی اینکه مواد غذایی برخلاف زمستان زودتر فاسد می‌شوند.

بنابراین حتما مواد زودفاسدشونده را از مقصد تهیه کنید تا مبدا. به هنگام استقرار نیز مواد خوراکی را در محلی بگذارید که هم تابش نور خورشید را تجربه نکنند و هم گرمای کمتری به آنها برسد.

ضمن اینکه در تغذیه به‌خصوص به هنگام پیاده‌روی و کوهنوردی باید بیشتر از خوراکی‌های پر انرژی استفاده کنید.

- آتش‌سوزی

زمانی که ما آتشی را درست می‌کنیم ولی بعد اوضاع از کنترلمان خارج می‌شود خطر آتش‌سوزی محتمل است.

زمان دیگری که آتش برایمان دردسرساز می‌شود موقعی است که بدون توجه زباله‌هایمان را در طبیعت رها می‌کنیم.

مثلا ته شیشه‌ها و بطری‌ها معمولا قطورتر است و سبب می‌شود درصورت تابیدن نور خورشید به آن مثل یک عدسی عمل کند و بعد از مدت‌زمانی، در حالی که طبیعت در این فصل چهره خشکی دارد، به سادگی حریق به وجود آورد.

پس اگر کمپ می‌زنید حتما به فکر این قبیل اتفاقات باشید.

- آفتاب زدگی

آفتاب‌زدگی خیلی ساده اتفاق می‌افتد. هم تابستان و هم نوع تابش نور خورشید سبب آفتاب‌زدگی و گرمازدگی می‌شود. گاهی ممکن است اساسا بخواهید آفتاب‌گیری کنید. به هر حال حتما از کرم‌های ضد آفتاب بهره ببرید. آفتاب روی لوازم ما هم تاثیرگذار است.

به جز فاسد کردن مواد خوراکی اگر مراقب نباشیم نور آفتاب می‌تواند با تابیدن بر یک عینک آفتابی جامانده روی داشبورد خودرو یا حتی صندلی موجب آتش‌سوزی شود.

● جانوران

مارگزیدگی به‌عنوان یک اتفاق کمپ تابستانی محتمل است. پیش از اینکه مهم باشد شما محل گزش را بریده و خون زهرآلوده را بیرون بکشید لازم است بدانید مار گزنده ازچه نوعی بوده است. اما در مورد مارها باید بدانیم که سمی هستند یا نه و اگر سمی‌اند چه نوع مار سمی هستند، زیرا زهر برخی مارها روی سیستم عصبی اثر می‌گذارد و برخی بر سیستم انعقاد خون. این نکات از این منظر مرور می‌شود که شما برای این کمپ تابستانی، به جعبه کمک‌های اولیه خود یک کیت مارگزیدگی اضافه‌کنید.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=326491

vista.ir
Online Classified Service

کنیسه ها

قدیمیترین کنیسه ای که در اصفهان وجود دارد (کنیسه عمو شعیا) در محله جوباره است که از لحاظ هنری، هیچگونه تزئیناتی ندارد و فاقد جنبه های معماری جالب توجه است.

به نوشته دکتر هنرفر یهودیان اصفهان (در سال ۱۳۵۰ شمسی) ۲۰ کنیسه داشته اند که دو کنیسه در محله دردشت یک کنیسه در محله گلبهار، شانزده کنیسه در محله جوباره و یک کنیسه نیز در فلکه شاه عباس (فلسطین امروز).

یکی از محققین کلیمی تعداد کنیسه های اصفهان را ۱۲ عدد ذکر کرده اند. به گفته این پژوهشگر معماری این کنیسه ها کاملاً مشابه با کلیسای ارامنه است. با این تفاوت که کنیسه ها هیچگونه تزئینات داخلی ندارند. علت نیز این است که یهودیان تصاویر انسان را بر دیوار رسم نمی کنند. از نقطه نظر نوع شناسی، ساختمان های کنیسه ها، غربی - شرقی بوده و بیشتر آنها مربوط به دوران قاجار هستند. کنیسه ها از نظر تزئینات دارای کاربندی تصویر سازی هستند. این کنیسه ها فاقد سکوهائی هستند که مراسم مذهبی روی آنها انجام می شده است. در حال حاضر، کنیسه های یهودیان اصفهان عبارتند از:

کنیسه ملایعقوب - کنیسه ملانیسان- کنیسه ملاربیع- کنیسه بزرگ- کنیسه کوچک- کنیسه کلی- کنیسه گلبهار- کنیسه اتحاد- کنیسه دکتر داوود و ...

نزدیکترین کنیسه یهودیان به محله مسلمان نشین در کوچه ای به نام کوچه (پیریالاندوز) واقع شده است. این کنیسه که بنائی ساده است دارای گنبدی است که بالای گنبد نورگیری تعبیه شده است این ساختمان از خارج کاملاً ساده و بی پیرایه است.

ذکر این نکته مناسب است که در حال حاضر یهودیان اصفهان در محلات دیگر نیز ساکن هستند و از نظر زندگی با مسلمانان هیچگونه تفاوتی ندارند.

به تازگی هفت کنیسه در اصفهان در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105905

کوچ

من اینجا دلـــــم تنگ اســت

هرسازی که می‌بینم بدآهنگ است

اخوان ثالث

امروز در ایران کم‌تر فامیل و خانواده‌ای است که فردی از آن‌ها در آمریکا، کانادا، استرالیا یا اروپا نباشد.

رسانه‌ها پر از آگهی‌های راست و دروغ مربوط به مهاجرت، کاریابی و تحصیل در خارج هستند. این‌طور به نظر می‌رسد که سیل مهاجرت از کشورهای جهان سوم و چهارم به سوی کشورهای پیش‌رفته هر سال بیش‌تر می‌شود و این‌طور که این کشورها از نیروی متخصص، نیروی ارزان کار حتا ورزشکاران خالی می‌شود بالاخره روزی می‌رسد که علی می‌ماند و حوضش! چرا؟

جواب این است که چون مردم با استفاده از رسانه‌های گروهی خصوصا ماهواره و اینترنت از مزایای زندگی در کشورهای پیشرفته اطلاعات بیش‌تری به‌دست می‌آورند، لذا دوست دارند آن‌جا زندگی کنند.

«ویلی‌برانت» صدراعظم فقید آلمان غربی سابق، کشورهای پیشرفته‌ی جهان را شمال و کشورهای عقب مانده یا عقب نگه‌داشته شده را جنوب می‌نامید. بنابراین واضح است که هر چه زندگی در جنوب سخت‌تر می‌شود، سیل مهاجرت به شمال هم شدیدتر می‌گردد. می‌توانیم با اطمینان بگوییم که کشورهای امپریالیستی یا شمال با نقشه‌ی قبلی منابع مادی و انسان‌های کشورهای فقیر را غارت می‌کنند.

«کاسترو» در مقاله‌ای تحت عنوان «فرار مغزها» با آمار و ارقام نشان می‌دهد که شمال چطور نیروی انسانی زبده‌ی جنوب را غارت می‌کند، لذا کشورهای جنوب از دو جنبه ضرر می‌کنند: اول این‌که متخصصانی را که با هزاران هزینه و خون دل تربیت کرده‌اند از دست می‌دهند و دوم این‌که باید به بهای سنگینی جانشین آن‌ها را تهیه نمایند.

نکته‌ی مهم این‌جاست که مهاجرت فقط به متخصصان درجه‌ی اول محدود نمی‌شود. افرادی که می‌توانند آن‌جا سرمایه‌گذاری نموده و رونق اقتصادی ایجاد نمایند هم پذیرفته می‌شوند. بالاخره نیروی کار ارزان برای انجام کارهای پست، معروف به کار سیاه که شدیدا مورد سوء استفاده‌ی سرمایه‌داران قرار می‌گیرند نیز با هزار بدبختی خود را به شمال می‌رسانند. در این مورد می‌توانیم حداقل به مکزیکی‌هایی که با هزار بدبختی به‌طور قاچاقی به آمریکا می‌آیند و کار می‌کنند اشاره کنیم.

مهاجرت یا فرار مغزها گاهی جنبه‌ی سیاسی به خود می‌گیرد. «کاسترو» در این مورد می‌نویسد: دولت آمریکا برای جلوگیری از ورود قاچاقی مکزیکی‌ها به آمریکا دیواری محکم و طولانی که به ده‌ها سیستم‌های ردیابی مجهز است در مرز ایجاد نموده، اما از طرف دیگر کوبایی‌ها را با هزار حیله تشویق به مهاجرت یا فرار به آمریکا می‌نماید.

به‌طور کلی کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری برای ربایش مغزها ابتدا در باغ سبز را به مردم جهان سوم و چهارم نشان می‌دهند. بدین ترتیب که با استفاده از رسانه‌های گروهی و فن‌آوری پیشرفته، سلطه‌ی فرهنگی خود را اعمال می‌کند که زمینه‌ساز فرار مغزهاست.

طبق یک آمار نیمه رسمی تعداد زیادی دانشمند درجه اول ایرانی در سازمان فضایی آمریکا کار می‌کنند و تعداد زیادی پزشکان، مدیران و مهندسان

و متخصصان ایرانی هم در کانادا، استرالیا و اروپا زندگی می‌کنند.

جوان‌ها و بزرگ‌ترها برای گرفتن ویزا، اجازه‌ی اقامت، گرین‌کارت و تافل با هزینه‌های گزاف به دور دنیا سفر می‌کنند، جلوی کنسولگری‌ها و سفارت‌خانه‌ها دعا و گریه می‌کنند.

مهاجرت جنبه‌های قوی سیاسی هم دارد. مثلا قبلا مردم آلمان شرقی، حتا به بهای جان خود به آلمان غربی فرار می‌کردند تا به بهشت غرب برسند. مردم اتحاد شوروی و بلوک شرق سابق هم تحت تاثیر محدودیت‌های زندگی خود و تبلیغات رسانه‌های غربی، زندگی در کشورهای سرمایه‌داری برای آن‌ها به صورت آرزویی درآمده بود، اما بعد از فروپاشی بلوک شرق که به «آرمان شهر» خود رسیدند، به قول زنده یاد «اخوان ثالث» متوجه شدند که: آنچه بود آش دهن سوزی نبود!

بعد از فروپاشی بلوک شرق، بسیاری از دانشمندان، متخصصان، هنرمندان و ورزشکاران درجه‌ی اول حتا نیروی کار آن بلوک هم طعمه‌ی نظام بی‌رحم سرمایه‌داری جهانی شدند.

مهاجرت مالی و اقتصادی، از جنبه‌های مهم مهاجرت یا کوچ است بدین ترتیب که پول‌های بادآورده، معمولا توسط بورژوازی تجاری به خارج منتقل می‌شود و بعد از پول‌شویی به حساب‌های مخصوص منتقل می‌گردد که برای روز مبادا مورد استفاده قرار گیرند!!

توجیح مساله ساده است؛ نظام سرمایه‌داری جهانی با ایجاد ناامنی و جنگ در دنیا موجب رونق مجتمع‌های صنعتی- نظامی خود، لذا فروش اسلحه و غارت منابع مالی و انسانی جهان خصوصا جهان سوم و چهارم می‌شود.

زمانی که آمریکا نیروهای متخصص اروپا را غارت می‌کند، وای به حال جهان سوم و چهارم!.

منبع : فرهنگ توسعه

http://vista.ir/?view=article&id=306314

vista.ir
Online Classified Service

کوله‌بار زنانه‌ای که سنگین است

توی خانه‌اش که بروی می‌توانی چند تا کوزه قلم کاری شده کار اصفهان را توی بوفه ببینی، چند تا گلیم وگبه قد و نیم قد هم میخ شده‌اند به دیوار، حتی یک دست لباس زنان ایل قشقایی را هم می‌توانی توی کمد لباس‌هایش پیدا کنی که دامن چین‌دارش پر از گل‌های سرخ و زنبق لیمویی است، اما بالای کتابخانه او یک عکس کویر هم هست، البته لبخند روی صورت زن چندان توی آن همه آفتاب معلوم نیست، اما خودش می‌گوید، لبخند هم دارد و اینکه هیچ جای دنیا قشنگ‌تر از شب کویر نیست.

زن حالا یک خلخال و رو بنده هم دارد که تقریبا تمام زنان فامیل چند لحظه‌ای آن را روی صورت زده‌اند و خلخال را دست به دست چرخانده‌اند، می‌گوید آنها یادگار سفر خوزستان است.

چه شد؟ شما هم دلتان می‌خواهد بروید و توی کویر لوت چرخ بزنید، شما هم بدتان نمی‌آید یک روز صبح بنشینید کنار یک زن عشایر، کاسه را نگه دارید و زن برایتان شیر تازه بز بیاورد، این سرزمین آریایی برای همه ما است، زن و مرد ندارد، می‌توانیم امسال از شعار سازمان گردشگری جهانی

(unwTo) که قصد دارد نقش زنان را در صنعت گردشگری پررنگ‌تر و پرتوان‌تر کند استفاده کنیم، ما هم برویم و بشویم جزو آن آمار ۷۰ درصدی که خبر از حضور زنان در بخش گردشگری می‌دهد.

هرچند که ما هم خبرهای دست و پا شکسته‌ای از توانمند سازی زنان در عرصه گردشگری ایران شنیده‌ایم اما گویا حکایت چیز دیگری است وقتی مسوولان سازمان گردشگری حاضر به گفت‌وگو نشوند و یا زنان مسافر تنها را به هتل‌ها راه ندهند آن وقت می‌توان نشست و به این همه شعارهای خوب و امیدوارکننده کمی هم شک کرد، اما افسانه احسانی مدرس جهانگردی و مدیر آموزشی موسسه آوای طبیعت پایدار از آن دسته زنانی است که تا به حال چندین بار پشت درهای بسته هتل‌ها مانده است و این نوع برخورد را توهین به زن می‌داند، اما به عقیده او تمام مشکلات زنان در سفر به همین پشت در هتل ماندن خلاصه نمی‌شود، او معتقد است یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلات سفرزنان مربوط به دختران مجرد است که معمولا در فرهنگ ما با مخالفت‌های والدین همراه است و نکته جالب اینجاست که در بعضی پلیس راه‌ها از نشستن زنان در ردیف جلوی اتوبوس جلوگیری می‌شود.

احسانی از مشکلات زنان بچه‌دار حرف می‌زند و می‌گوید: در جامعه ما به زنانی که خانه‌دار هستند و یا آنها که فعالیت اجتماعی دارند و از سوی دیگر درگیر تر و خشک کردن بچه‌ها هستند، امکاناتی برای سفر داده نمی‌شود، البته وقتی زنان بچه‌دار ما حتی برای خرید از یک فروشگاه یا حضور در خیابان امکانات رفاهی ندارند، یا وقتی یک زن نمی‌تواند بدون دغدغه با کالسکه بچه‌اش از خانه بیرون بیاید، شاید توقع بی‌جایی داشته باشیم وقتی می‌گوییم باید برای رفع کسالت‌های زندگی روزمره به زنان امکانات سفر داده شود، در واقع زنان بچه‌دار آنقدر با مشکلات گوناگون در سفر مواجه می‌شوند که خیلی از آنها حاضرند قید مسافرت را بزنند و کنج خانه و رفت و روب را به هر کار دیگر ترجیح دهند.

● لزوم شناخت قوانین

عباس جعفری، کارشناس اکوتوریسم می‌گوید: بهترین کار برای زنان گردشگر و حتی مردها، این است که بروند و قوانین کشور را بشناسند.

وقتی ما به این قوانین اطلاع داشته باشیم آن وقت می‌توانیم، حدودش را تعیین کنیم، از حقوقمان و حتی از قانون دفاع کنیم، وقتی زنان قوانین را بشناسند آن وقت هرکسی نمی‌تواند بر اساس سلیقه شخصی با آنها برخورد کند و از حقوق اولیه محرومشان کند.

جعفری با اشاره به اینکه ما خوشبختانه بهترین قانون را داریم گفت: اما نمی‌دانم چرا عادت کرده‌ایم به اینکه تمام مشکلاتمان را از طریق غیرقانونی، باج دادن، یا پول چایی دادن حل کنیم. اما با تمام این حرف و حدیث‌ها جعفری معتقد است: «وضعیت زنان گردشگر در ایران رو به بهبودی است به ویژه بعد از طرح گردشگری کاج که توسط کانون ایرانگردی در چهار، پنج سال قبل برگزار شد توانست به اصلاح نگرش‌ها به سفر زنان بسیار کمک کند، از سوی دیگر فرهنگ و نوع نگرش جامعه ایرانی باعث می‌شود که مردم در مناطق مختلف از زنان گردشگر حمایت کنند آنقدر که در سفری که چند تا از زنان به ایل قشقایی رفته بودند، ما شاهد بودیم که اهالی ایل همیشه چند تا از بچه‌ها را همراه زنان گردشگر می‌فرستادند تا آنها با آسودگی خیال بیشتری به گوشه و کنار ایل و یا چادرهای دیگر سرک بکشند و تجربه نشان داده است که مردم ما به زنان مسافری که دچار مشکل شده‌اند بیشتر از مردان می‌رسند، بنابراین شرایط سفر برای زنان چندان هم سخت نیست.»

● لزوم هدایت زنان لیدر

احسانی با حمایت‌های غیرمنطقی از زنان گردشگر مخالف است و معتقد است باید زنانی که به روش‌های مختلف در این حرفه فعالیت می‌کنند شناسایی شوند و به روش درست و منطقی مورد حمایت قرار گیرند.

به عنوان مثال همه ما می‌دانیم زنانی در جامعه هستند که بدون اینکه دوره آموزشی گذرانده باشند تورهای زیارتی به مناطق مختلف از جمله جمکران، مشهد، سوریه و... می‌فرستند، در واقع می‌توان با برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه، از این افراد خواست که به روش صحیح‌تری فعالیت کنند نه اینکه جلوی فعالیت آنها را گرفت، به نظر احسانی این نوع از آموزش‌ها بهترین نوع حمایت از زنان فعال در زمینه گردشگری است.

از سوی دیگر می‌توان به زنانی که در مناطق مختلف به ویژه شهرهای توریست‌پذیر منزل خود را به اقامتگاه تبدیل می‌کنند آموزش‌های لازم برای جذب توریست و ارائه خدمات را داد، چرا که اغلب این اقامتگاه‌ها از استانداردهای لازم برخوردار نیستند، اما می‌توان با حمایت آنها و حتی دادن وام و تسهیلات بانکی و... به آنها کمک کرد تا بیش از پیش نقش خود را در زمینه گردشگری ایفا کنند و همچنین از این طریق امکانات رفاهی بیشتری برای مسافر مهیا کرد.

● حضور زنان در عرصه گردشگری

احسانی به حضور پررنگ و مشارکت زنان روستایی در پروژه‌های توریستی اشاره می‌کند و می‌گوید آنها توانایی‌های ویژه‌ای دارند.

وی با اشاره به تشکیل نهاد بومی گردشگری در روستای شیب دراز در جزیره قشم گفت: این پروژه با همکاری موسسه (آوای طبیعت پایدار) و

حمایت بخش کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی سازمان ملل متحد و مشارکت جامعه بومی و موسسه توسعه یاران مهر و به ویژه با تکیه بر توانایی‌های زنان روستایی در حال اجرا است و قصد داریم نهاد بومی گردشگری را با هدف پروژه آماده‌سازی خانه‌های بومی برای پذیرش گردشگران تشکیل دهیم. همچنین در این راستا تعدادی از زنان روستایی آموزش دیده‌اند تا به خانه‌های محلی که امکان پذیرایی و اقامت برای توریست‌ها را دارند سر بزنند و به اهالی روستا راهنمایی‌های لازم را برای ارائه هر چه بهتر خدمات به گردشگران دهند. از طرفی گروهی از زنان روستا در قالب پروژه‌ای مرتبط با گردشگری برای توسعه و احیای صنایع دستی بومی منطقه خود فعالیت می‌کنند.

همچنین اهالی روستا برای حفاظت از گونه‌ای لاک پشت دریایی به نام لاک‌پشت پوزه عقابی، یک سازمان محلی تشکیل داده‌اند و قصد دارند یک صندوق محلی برای حفاظت این گونه جانوری در خطر انقراض ایجاد کنند آنقدر که تعدادی از زنان روستا کارهای سوزن‌دوزی شده‌شان را، هم با هدف حفظ و احیای سوزن دوزی‌های بومی‌شان و هم برای حمایت از این‌گونه جانوری در طبق اخلاص گذاشته‌اند تا زیر نظر بخش کمک‌های کوچک تسهیلات محیط‌زیست جهانی سازمان ملل متحد با ارائه محصولات محلی خود به گردشگران به حمایت این گونه جانوری بپردازند. اما احسانی مهم‌ترین نتیجه این همکاری را پیشرفت زنان روستایی در فعالیت‌های اجتماعی و نیز ارتقای سطح روابط اجتماعی آنها دانست و گفت: مسلما با توجه بیشتر به دستاوردهایی از این دست می‌توان با تکیه بر توانایی‌های زنان در مناطق مختلف ایران و گردآوری نقطه نظرات آنها و همچنین به مشارکت گرفتن آنها از نتایج قابل توجه و پایدارتری در عرصه گردشگری بهره برد.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=315545

vista.ir
Online Classified Service

کوه <امی> اولین زیارتگاه بودائیان

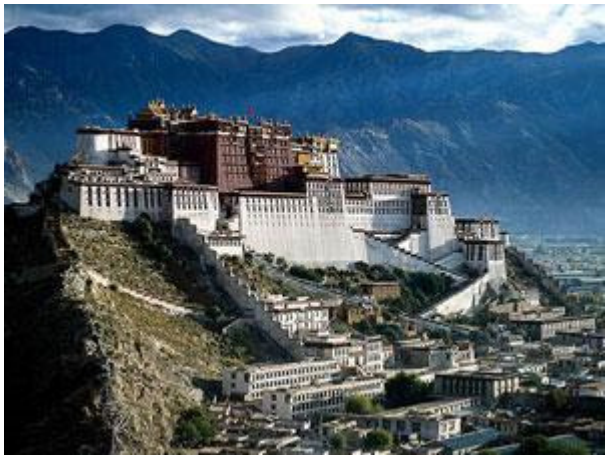

اولین معبد بودایی در چین، در ایالت سی‌چوان، در محیط زیبایی از قله کوه امی و درقرن یکم پس از میلاد مسیح ساخته شده است. افزوده شدن سایر معبدها، این مکان را به یکی از مقدس‌ترین مکان‌های بودایی تبدیل کرده است. در طول قرن‌ها، گنجینه‌های فرهنگی رشد کردند. برجسته ترین آنها غول بودای لِشان است که در دامنه کوه و در قرن هشتم، حکاکی شده است و در همریزگاه و نقطه تلاقی سه رودخانه، نمای آنبه چشم میآید. در ارتفاع ۷۱ متری آن یکی از بزرگترین بوداهای جهان است، همچنین کوه امی به خاطر تنوع استثنایی پوشش گیاهی خود نیز در خور توجه است که از جنگل‌های استوایی به جنگل‌های درختان کاج آلپی درجه بندی می‌شود. بعضی از درختان واقع در این منطقه بیش از ۱۰۰۰ سال عمر دارند.

کوه امی یکی از استثنائات محسوس و قابل ذکر فرهنگی است، چرا که آنجا جایی است که برای اولین بار آئین بودا در سرزمین چین برقرار شد و از آنجا به شکل گسترده‌ای در میان شرق پخش شد. این کوه یک منطقه زیبای طبیعی است که به وسیله عامل انسانی درست شده است و یک نسخه طبیعی به خاطر گونه‌های گیاهی بلند و متنوع وشمارزیادی از گونه‌های بومی می باشد، همچنین بر اهمیت ارتباط و پیوند بین محسوسات و نامحسوسات طبیعی و فرهنگی تاکید می‌کند.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=105513

vista.ir
Online Classified Service

کوه اومه شن و بودای سنگی له شن

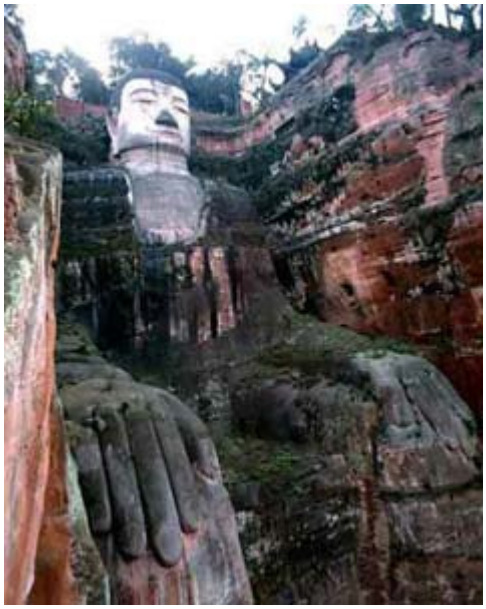

کوه " اومه شن " که " کوه دا گوان مین " نیز نامیده می شود در جنوب مرکزی استان "سی چوان "در جنوب غرب چین – ناحیه گذر حوضه سی چوان به دشت چین حای – تبت قرار دارد. قله "وان فودین" ۳۰۹۹ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. این کوه به زیبایی طبیعت و کوه سحر آمیز فرشته کشور بودا در چین و جهان شهرت دارد و تلفیق کامل چشم انداز زیبا و طبیعی با تاریخ و فرهنگ دیرینه است کوه در ناحیه ای با مناظر طبیعی مختلف قرار گرفته است وانواع موجودات و گیاهات در آن یافت می شود و با توجه به گرمسیر بوده منطقه پوشش جنگلی آن به ۸۷ در صد می رسد . در این کوه ۲۴۲ گیاه عالی جمعا ۳۲۰۰ نوع دیده می شود که یک دهم رقم عمومی گیاهان چین را شامل می شود و در میان آن یک صد نوع گیاه تنها در این کوه تولید و کشف شده است. به علاوه در این کوه بسیاری حیوانات نادر زیست می کنند در واقع ۲۳۰۰نوع گونه حیوان در منطقه مورد شناسایی قرار گرفته است. این ناحیه برای تحقیقات مربوط در رشته بیولوژی جهانی حائز اهمیت می باشد. کوه اومه شن یکی از " چهار کوه بزرگ دین بودای چین " است.تبلیغ دین بودا واحداث معابد و شکوفایی آن بر سحرآمیز بودن کوه افزوده است. فرهنگ مذهبی خاصه فرهنگ بودایی ، فرهنگ تاریخی کوه اومه شن را شامل می شود به گونه ای که تمامی معماریها ، مجسمه های تصویری ، آلات موسیقی در مراسم مذهبی ،تشریفات موسیقی ، نقاشی همه نمایانگر فرهنگ مذهبی است. معابد در این کوه زیاد است در میان آنها معبد " بایو گو سی " و معبد "وان نیان سی " جزو هشت معبد معروف این کوه محسوب می شود. بودای سنگی " لو شن " در قله "سی لیان " در سمت شرقی کوه قرار دارد. در قدیم "تصویر می له " و " بودای گان دین " نامیده می شد. این اثر در سال ۷۱۳ میلادی در اغاز سلسله تانگ شروع شد و ساخت ان ظرف ۹۰ سال انجام گرفت. این تصویر در کنار کوه و مقابل رود کنده کاری گردیده و بزرگترین تصویر سنگی کوهی جهان است . می گویند" کوه یک بودای سنگی است و بودا یک کوه است ".

بودای بزرگ بنام می له به سمت غرب ساخته شده است و ارتفاع آن ۷۱ متر است. حکاکی آن دقیق و خطوط حکاکی روان و نسبت اندام متوازن است پر ابهت و با عظمت به نظر می رسد و نمایانگر فرهنگ عالی سلسله تانگ است. در دو طرف جنوب و شمال این بودای سنگی ۹۰ محل مجسمه سنگی سلسله تانگ دیده می شود. جایگاه جغرافیایی کوه اومه شن و بودای سنگی له شن بسیار خاص است به گونه ای که چشم انداز طبیعی سحرآمیز و عوارض زمینی نمونه و محیط زیست آن بیانگر تلفیق ناحیه بیولوژی جهانی و ناحیه دارای منابع گیاهی و حیوانی و گونه های نادر است. طی ۲۰ سال اخیر میراث فرهنگی دین بودا وطبیعت و میراث فرهنگی کوه ارزش تاریخی زیباشناسی و تحقیقات علمی و و گردشگری یافته است.

کوه اومه شن و بودای سنگی له شان سال ۱۹۹۶ طبق استاندارد میراث فرهنگی و میراث طبیعی در فهرست میراث جهانی ثبت شد. ارزش کمیته میراث جهانی قرن یکم میلادی در قله این کوه زیبا ، نخستین معبد دین بودای چین پا به عرصه وجود گذاشت. به دنبال احداث معابد در

اطراف ؛ این ناحیه به یکی از مقدس ترین مکان ها برای بوداییان تبدیل شد . در قرن های گذشته آثار فرهنگی منطقه فزونی گرفته که بودای سنگی له شن معروف ترین انهاست . این مجسمه سنگی در قرن ۸م ایجاد شده و بلندای ان ۷۱ متر می باشد . در این کوه گونه های حیوانی و گیاهی زیادی که شهرت جهانی دارد یافت می‌شود.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8661

vista.ir
Online Classified Service

کوه خواجه‌سیستان، نگینی درخشان در تاریکی کویر

اگر پا به جای جای خاک پهناور ایران بگذاریم متوجه خواهیم شد که در این گستره آثار و بناهای سترگی وجود دارند که نه تنها هنوز شناخته نشده‌اند، بلکه با روند فعلی باید سال‌ها بگذرد تا این میراث گرانبها به عموم ایرانیان معرفی و آنان از داشته‌ها تاریخی خود آگاه شوند.

هر چند در این میان نمی‌توان برای هر نقطه از این خاک ارزشی قایل شد، اما باید توجه داشت که همه جای آن برای خود دارای ارزش خاصی هستند و در دل خود یادگارهای گرانبهایی را جا داده‌اند.

یکی از این مناطق که زمانی انبار غله ایران بود و بزرگ‌ترین حماسه تاریخی ایران یعنی دلاوری‌های خاندان رستم برای حفاظت از آیین ایرانی در آنجا شکل گرفته سرزمین سیستان و بلوچستان است که زمانی از آن به عنوان سرزمین نیمروز یاد می‌کردند.

فراوانی آثار باستانی و تاریخی سیستان به اندازه‌ای است که بسیاری از دانشمندان و کارشناسان ایرانی و خارجی از آن به عنوان <سرزمین آفتاب> یاد کرده و سیستان را بهشت باستانشناسان معرفی کرده‌اند.

اکنون سوال این است که آیا سیستان با سابقه‌ای درخشان در تاریخ و تمدن ایران توانسته تاکنون از توانمندی خود برای رونق اقتصادی و توسعه گردشگری استفاده کند یا اینکه تنها از این همه توانمندی و قابلیت تاریخی نگهداری شده است.

<کوه خواجه> و بسیاری از مجموعه‌های تاریخی آن از جمله کاخ و معبد کوه خواجه(قلعه رستم، قلعه کافران، قلعه سام)، قلعه کوک کهزاد، قلعه چهل‌دختر، قلعه سرسنگ، زیارتگاه خواجه غلتان، ساختمان پیرگندم بریان و خانه شیطان، ساختمان‌های آرامگاهی قدیمی و قبور دوران اسلامی از جمله آثار تاریخی و کهن سیستان است.

کوه خواجه با توجه به قدمت تاریخی آن جایگاه ویژه‌ای در میان آثار باستانی ایران دارد، اما اینکه این اثر تاریخی چقدر در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیستان نقش داشته و چقدر توانسته‌ایم از این بنای کهن برای معرفی ارزش‌های معنوی و فرهنگی خود به جهانیان

بهره‌گیری کنیم جای سوال دارد.

در دل دریاچه هامون کوه صخره‌ای و منفرد از جنس بازالت سیاهرنگ وجود دارد بطوری که هرتسفلد محقق و باستانشناس آلمانی آن را به میزی بزرگ که در دشت وسیعی نهاده شده، تشبیه کرده است.

این کوه در فاصله سی کیلومتری جنوب غربی شهر زابل واقع شده است. کوه خواجه در دوره میترایی و در دوره‌های زرتشتی به سبب وجود آتشکده، مرکزی عبادی بوده و در دوره‌های بعدی نیز همچنان احترام خود را حفظ کرده است.

این کوه نزد سه دین زرتشت، مسیحیت و اسلام مقدس است و به همین علت در میان ایرانیان باستان از جایگاه و ارزش والایی برخوردار بوده است. سازندگان دژکوه هرگز در صدد برداشت سنگ و استفاده از مصالح این کوه در ساخت و سازهای خود نبوده و بیشتر از خشت استفاده کرده‌اند. به عقیده بسیاری از کارشناسان کوه خواجه یک هنر یونانی، بودایی بوده که معماری بودایی آسیای مرکزی و شرق دور را در یکدیگر درآمیخته است.

شش لایه متوالی سکونت و استقرار از عصر هخامنشی تا دوره اسلامی در کوه خواجه نشانگر تمدن بسیار غنی این منطقه است. در وسط کوه خواجه قلعه‌ای مشتمل بر یک قصر و یک معبد که آن را بنای سلطنتی می‌دانند، در گرداگرد یک حیاط وسیع بنا شده است. در ضلع غربی و شرقی حیاط، ایوان‌های سقف‌دار وسیع و در ضلع شمالی حیاط دیگری واقع شده که مشتمل بر یک دهلیز و گالری وسیع با پلکانی که به صفحه فوقانی منتهی می‌شود و معبد در آن قرار دارد، متصل می‌شود. پشت پلکان شمالی، دالان درازی وجود دارد که نقاشی‌های دیواری زیادی در آن دیده می‌شود که شکوه خاصی به آن بخشیده است.

نقوش به دست آمده از کوه خواجه شامل تصاویر دو سوار که یکی <اروس> با بال و سوار بر اسب و دیگری که قرینه اولی است، بر پلنگی سوار است. همچنین علاوه بر این نگاره‌ها، تصویر افرادی در حالت‌های مختلف از جمله نواختن آلات موسیقی، رقص، بندبازی و ... وجود دارد. علاوه بر این موارد، در کوه خواجه نقوش برجسته گلی نیز به دست آمده که از آن جمله به نقش برجسته دو مرد که حلقه دایره‌ای شکل روبان داری را به‌طور مشترک به دست گرفته‌اند، اشاره کرد.

این مجموعه هرچند تداوم پاره‌ایی از عناصر معماری دوره هخامنشی به ویژه تخت‌جمشید را با خود به همراه دارد، اما شیوه‌های خاص به‌کار گرفته در آن منحصربه‌فرد است به‌طوری که معماران محلی هرگز نخواسته‌اند از یادمان‌های پیشینیان الگوبرداری کنند. کوه خواجه در دوره ساسانی کمتر مشابهی در دیگر نقاط کشور داشته و تنها آتشکده تخت سلیمان از برخی جهات با دوره ساسانی کوه خواجه به ویژه آتشکده آن قابل مقایسه است.

دیرینه‌شناسان همچنین حیاط مرکزی و فضاهای جنبی (قلعه سام) کوه خواجه را با کاخ فیروزآباد فارس که ابعاد مشابهی دارند و نیز کاخ قصرشیرین در اواخر دوره ساسانی همانند دانسته‌اند. به گزارش ایرنا، نبود فضای اقامتی و رفاهی در حاشیه کوه خواجه برای اسکان گردشگران این منطقه و فقدان مراکز پذیرایی و تجارتی و نبود امکانات اولیه بهداشتی در کنار این اثر تاریخی باعث مهجور ماندن و ناشناخته شدن کوه خواجه شده است. وجود تاریکی مطلق در محیط اطراف کوه خواجه در شب و نبود اطمینان از امنیت شبانه برای عبور و مرور در اطراف این اثر از جمله مهم‌ترین مشکلات پیش‌روی مشتاقان گردشگران است.

سه اثر تاریخی سیستان و بلوچستان شامل شهر سوخته، کوه‌خواجه و مجموعه تاریخی بمپور برای ثبت در فهرست آثار تاریخی به یونسکو پیشنهاد شده‌اند. آثار تاریخی سیستان و بلوچستان شامل ۹۲۰ تپه و محوطه تاریخی، ۶۵۰ بنا و تعدادی غار و درخت طبیعی است.

آنچه که مشخص است برای دستیابی به گسترش اشتغال و گردشگری در این منطقه محروم می‌بایست با استفاده از تمام وسایل موجود نسبت به افزایش امکانات رفاهی اقدام کرد تا این میراث بزرگ از گذشتگان ما که علاوه بر ارزش ملی در باورهای دینی مردم نیز دارای ارزش هستند، حفظ گردند، چرا که هویت‌سازی بر اساس این داشته‌ها می‌تواند ما را در آینده و در برابر زیاده‌خواهی‌های‌دیگران مطمئن سازد و حاشیه امنیتی برای ما به شمار آید.

منبع : روزنامه اعتماد ملی

http://vista.ir/?view=article&id=278170

vista.ir
Online Classified Service

کوه خورشید و گنبد آجری

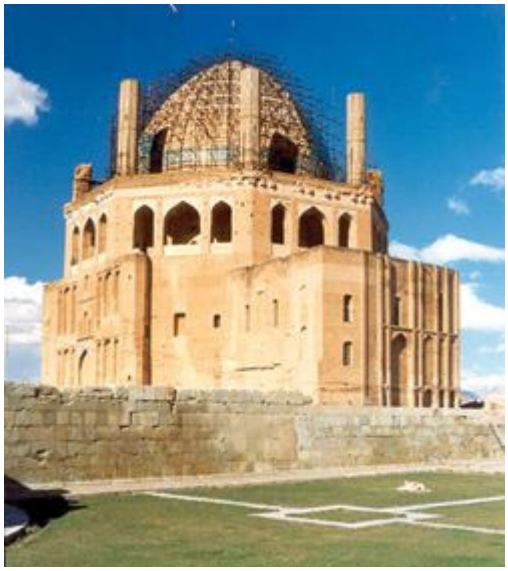

• گنبد سلطانیه

گنبد سلطانیه، بزرگ ترین گنبد آجری جهان، با داشتن بیش از ۵۴ متر ارتفاع شگفتی معماری دوره ایلخانی است. این بنای تاریخی که در ۳۰ کیلومتری شهر زنجان جای گرفته بیش از ۷۰۰ سال قدمت دارد. این گنبد هشت ضلعی از لحاظ تزئینات آجرکاری، کاشی کاری و معماری جزء منحصر به فردترین آثار دوره اسلامی محسوب می شود. گنبد سلطانیه هفتمین اثر باستانی ایران است که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. داخل این گنبد پوشیده از کتیبه های مختلفی است که با رنگ روی گچ ترسیم شده. بعد از سال ۱۳۵۰ در چند سال متوالی قسمت هایی از گچ روی دیوار توسط کارشناسان ایتالیایی از جای خود برداشته شد و پس از برداشتن گچ، تزئینات آجری زیبای زیر گچ کشف شدند. بنای گنبد سلطانیه در سال ۷۰۲ هجری قمری براساس طرح آرامگاه غازان خان که آن نیز از بنای آرامگاه سلطان سنجر در مرو الهام گرفته شده، به دستور سلطان محمد خدابنده ساخته شد با این تفاوت که پلان آرامگاه سلطان سنجر مربع و پلان گنبد سلطانیه هشت ضلعی است. اگر چه تا حد زیادی معماری آرامگاه سلطان سنجر در بنای سلطانیه تاثیر گذاشته بود ولی چیزهای ابتکاری در این بنا به حدی بود که آن را به یکی از شاهکارهای هنر و معماری ایران تبدیل کرد که بعدها نمونه و الگویی برای احداث تعداد زیادی از ابنیه این دوره شد. معماری این گنبد را شخصی به نام سیدعلی شاه انجام داده است.

• غار کتل خور

کتل خور (کوه خورشید)، طولانی ترین غار ایران، واقع در ۱۵۵ کیلومتری جنوب زنجان و پنج کیلومتری شهر کوچك گرماب است و از طریق دو جاده زنجان سلطانیه و زنجان بیجار قابل دسترسی است. این غار خشکی آبی ۱۲ کیلومتر طول دارد. در بعضی از مناطق غربی ایران به کوه های کم ارتفاع کتل می گویند. غار در یکی از این کوه ها قرار گرفته است و خورشید از پشت آن طلوع می کند. به همین دلیل به آن کتل خور می گویند. این غار قبل از سال ۱۳۰۰ کشف شده و در سال ۱۳۳۰ به ثبت رسیده است. شکل گیری غار کتل خور به ۱۲۰ میلیون سال پیش برمی گردد. این غار از لحاظ کیفیت بلورها و قندیل ها، زیبایی و تعدد طبقات اولین غار آهکی جهان شناخته شده است. چکنده، چکیده، ستون، آبشار سنگ و کریستال های درون غار کتل خور بین غارهای ایران منحصر به فرد است.

در حال حاضر این غار به سه بخش فرهنگی، تفریحی و ورزشی تقسیم شده است. بخش ورزشی آن که تنها مورد استفاده غارنوردان و صخره نوردان قرار می گیرد حدود ۴ کیلومتر است که البته هنوز انتهای آن کشف نشده است. بخش تفریحی غار که برای بازدید عموم مورد استفاده قرار می گیرد حدود ۲ کیلومتر مسیر مستقیم است.

بخش فرهنگی غار نیز در بخش جنوبی آن قرار دارد. قسمت اصلی آن دالانی است طبیعی که برای برگزاری مراسم مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. این دالان هیچگونه راه خروجی به بیرون نداشته و راه خروجی آن به صورت مصنوعی کنده شده اما خود دالان تماماً طبیعی بوده است. تاکنون سه طبقه از غار کتل خور کشف شده اما گمان می رود که غار هفت طبقه باشد. تیر و مرداد بهترین زمان برنامه ریزی سفری دوروزه برای دیدن این دو اثر است. رختشویخانه، مسجد سید، کاروانسرای سنگی و مجموعه بازار زنجان از دیگر آثار دیدنی زنجان اند. صنایع دستی این استان مانند چاقوسازی، چارق دوزی و ملیله کاری نیز بسیار مشهورند.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229029

vista.ir
Online Classified Service

کوه هوان شان

در چین ضرب المثلی است که می‌گوید: "پس از دیدن پنج کوه به کوه نگاه نمی‌کند و پس از دیدن کوه هوان شان ، به پنج کوه نگاهی نمی‌اندازد." این سخن بیانگر زیبایی و عظمت کوه هوان شان است در واقع ،پس از دیدن پنج کوه کوه تای شان در شرق، کوه حوان شان در غرب، کوه سون شان در مرکز ، کوه حین شان در جنوب و کوه هین شان در شمال ، تمامی کوه های جهان مورد تماشایی نخواهد بود . اما اگر قبل از همه انها کسی کوه هوان شان را ببیند دیگر لازم نیست از پنج کوه مذکور دیدن کند. کوه هوان شان در ناحیه خوش منظره هوان شان در جنوب مرکزی به مساحت ۱۲۰۰ کیلومتر مربع قرار دارد. کوه هوان شان دارای قله‌های بلند و دره‌های عمیق با تغییرات عمودی آب و هواست ابرها، مه‌ها و رطوبت با بارش باران زیاد از ویژگی‌های آن است. کوه هوان شان زیباییی مناظر کوه‌های معروف چین را در خود جمع کرده و در چهار رشته طبیعت عجیب و غریب است کاج‌ها و سروهای عجیب : درختان کاج و سرو عجیب‌ترین مناظر این کوه است. هزاران هزار درخت سرو دارای بیش از یک صد سال عمر در لابه لای سنگ های کوه روئیده و سر بلند ایستاده است. " درخت سرو خیر مقدم مهمانان" زیر قله یو نیو سمبل کوه هوان شان است. سنگ های عجیب درقلل کوهها همانند درختان دیده می شود. سنگها در پایین دره‌ها ، قله‌ها، کمر کوه و دره‌ها مشاهده می‌شود. دریای ابرها به دلیل آب و هوای عمودی کوه‌ها و دره‌ها را احاطه است به گونه‌ای که قلل کوه هاگاه گاهی ظاهر می‌شود و بسیار زیبا به نظر می‌رسد و سرچشمه گرم کوه هوان شان نیز بسیار عالی است.

شرایط محیط زیست طبیعی کوه هوان شان عجیب است. سیستم محیط زیست ثابت ومتوازن است. پوشش گیاهی به طور عمودی است. لجنزار و علفزارها در کوه های بلند دیده می‌شود . پوشش جنگلی ۵۶ درصد و پوشش گیاهی ۸۳ در صد است. چای مرغوب "هوان شان ما فون " " نوعی گیاه دارویی کوه هوان شان" در چین می باشد که شهرت جهانی دارد. درختان باستانی این کوه زیاد است. سرو و کاج این کوه شهرت زیادی دارد و حیوانات نادر دران بسیار دیده می شود. علاوه بر چشم انداز طبیعی این کوه همچنین دارای فرهنگ عمیق است به طور یکه در تاریخ شاعران نقاشان و هنرمندان زیادی این کوه را ستایش کرده و بسیاری آثار هنری برای ان آفریده اند . شاعران بزرگ سلسله های چین : لی بای ، جادایو ،فاداچن ، ش تایو و گوزی جن در وصف این کوه اشعار زیادی سروده اند . اکنون بیش از ۲۰ هزار اثر در این زمینه وجود دارد . در زمینه هنری گروه نقاشان کوه هوان شان که زیبایی و آرامش این کوه را نمایان می‌کند مروارید درخشان از فرهنگ کوه هوان شان محسوب می‌شود. استادان این گروه دایما ازکوه‌ها و آب‌های هوان شان تغذیه می شوند آنان قدرت آفرینش خود را غنی و نقاشی‌های زیبا ترسیم کرده‌اند. به علاوه می‌گویند نیاکان ملیت چین امپراتور "سیان یوان " در این کوه به ریاضت پرداخته و درنهایت به حسن خلق رسیده است در . در چند صد سال گذشته

داستانهای زیاد ی مربوط به موجودات فناناپذیر و دارای قابلیت‌های فوق العاده زبانزد بوده است مثلا گفته می شود که قله " سیان یوان "- قله "فو چو " کوه هوان شان در ایین دایویسم جایگاه مهمی دارد. با توجه به مناظر زیبای طبیعی و منشا فرهنگی عجیب، کوه هوان شان در سال۱۹۹۰ به عنوان میراث طبیعی و فرهنگی جهان ثبت شد. بر اساس ارزیابی کمیته میراث جهانی: کوه هوان شان در تاریخ ادبی و هنری چین مورد ستایش گسترده قرار گرفته و برای گردشگران شاعران نقاشان و عکاسانی که برای دیدن از این مکان دیدنی و مناظر زیبا می‌آیند دلربایی همیشگی دارد.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8667

vista.ir
Online Classified Service

کیش گنجینه ای ملی از نگاه صنعت گردشگری

فرهنگ و تمدن ایران زمین به قدیمی ترین ادوار زندگی بشر در سطح کره زمین می ر سد. فرهنگ و تمدن دیرپایی که ریشه های آن را می توان در جای جای این سرزمین پهناور جست وجو کرد. ذوق و خلاقیت هنری مردمان این دیار کهن که با اعتقادات و رسوم آنان در هم آمیخته، در آثار هنری آنان نمود پیدا کرده است.

سرزمین ما آثار ارزشمند بسیاری را در دل خاک خودی جای داده، آثاری که هر کدام به تنهایی می تواند برگ زرینی بر تمدن هر سرزمین باشد.

امروزه حراست از این میراث گذشتگان نیازمند عزمی ملی است تا با جلوگیری از تخریب این آثار ارزشمند، نیاکان خویش را و آثار ماندگارشان را بیشتر به جهانیان و حتی خود ایرانیان معرفی کنیم.

در میان هزاران اثر تاریخی کشورمان، آثار باستانی کیش از جمله آثاری است که در سال های اخیر با معرفی آن میلیون ها گردشگر داخلی و خارجی بازدیدکننده از آن، جایگاه ویژه ای پیدا کرده است.

صنعت گردشگری بی تردید یکی از مهم ترین صنایع در جهان محسوب می شود به طوری که براساس آمار سازمان جهانی توریسم درآمد حاصل از درآمد گردشگری بین المللی پس از صنعت نفت و خودرو بالاترین میزان و سهم ارزش صادرات جهان را به خود اختصاص داده است.

همچنین براساس آمار این سازمان منافع مستقیم به دست آمده از صنعت جهانگردی حدود ۶ درصد تولید ناخالص داخلی جهان و ۱ شغل از هر ۱۵ شغل متعلق به این صنعت است.

گرچه به نظر کارشناسان، رسیدن به این مقصود عزم ملی و مدیریت جامع را می طلبد تا با استفاده از ظرفیت های بالقوه و بالفعل، به آن جامه عمل پوشاند.

به دست آوردن درآمدی بیش از درآمد صنعت نفت از بخش توریسم منوط به ایجاد بسترسازی های مناسب برای جذب گردشگران است.

وجود اقامتگاه های مناسب، راه های خوب، پایانه های هوایی و دریایی مناسب، وسایل حمل و نقل و برخورد مناسب با گردشگران همگی از جمله بستر لازم برای گسترش صنعت گردشگری می باشند.

به عبارت دیگر وجود جاذبه های بالقوه گردشگری در یک کشور شرط لازم برای جذب گردشگران است، ولی کافی نیست.

اما دومین عامل جذب گردشگر خارجی بحث فراهم کردن امکانات رفاهی، اسکان و در کنار آن آموزش به ارایه کنندگان خدمات است.

شهر باستانی کیش، بازمانده شهر پیشین کیش در میانه کرانه شمالی جزیره قرار دارد. آثار شهر به گونه پشته های بزرگ از بناهای سنگی با

ملات ساروج و گچ دیده می شود. بناها از قلوه سنگ های شنی ساخته شده و روی بعضی از دیوارها پوشش گچی دیده می شود. این بنا با توجه به نوع معماری به اواخر دوره ساسانی باز می گردد. این شهر در جزیره کیش واقع است. جزیره کیش امروزه به صورت مدرن و زیبا مورد استفاده گردشگران قرار می گیرد، درگذشته به نام های کیان، کامتینا، قیس و ... نامیده می شده.

بازسازی و تجهیز فرودگاه بین المللی کیش به آخرین امکانات ناوبری، توسعه امکانات مخابراتی، ایجاد شبکه منظم راه های درون شهری و ارایه خدمات شهری مناسب از جمله اقدامات اساسی برای فراهم آوردن در زمینه های لازم در جهت جذب سرمایه گذار و به تبع آن جذب گردشگر می باشد.

توسعه امکانات و تسهیلات توریستی از جمله مجتمع های ورزشی و تفریحی، احداث مرکز همایش های بین المللی و برگزاری جشنواره ها و نمایشگاه های تجاری مختلف در سطح بین المللی، جذب بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در محور جهانگردی و ایجاد امکانات مناسب و جاذبه های جهانگردی ویژه از دیگر اقدامات برای توسعه گردشگری کیش است.

علاوه بر این جزیره کیش از امکانات تفریحی و جاذبه های جهانگردی مناسبی نیز برخوردار است.

- قلعه پرتغالی ها

قلعه پرتغالی ها در سال ۱۵۰۷ میلادی همزمان با ورود آنها به جزیره هرمز بنا شده است و در مدت ۱۱۵ سال کم کم گسترش یافته است. پایگاه نظامی پرتغالی ها، زمینی به طول ۲۶۰ متر و عرض ۱۷۶ متر را در برمی گیرد. در حیاط دروازه ورودی این دژ، آب انباری وجود دارد که به دلیل نمایش یک نمونه از هنر تاق مهندسی اواخر دوره گوتیگ از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

- معبد هندوها

این معبد که به نام بت گوری نیز نامیده می شود در بندرعباس قرار دارد و سبک معماری آن متاثر از معماری هندی است. این بنا از یک اتاق چهارگوش میانی که درون آن گنبد معبد قرار گرفته تشکیل شده است. ساختمان معبد بت گوری در سال ۱۳۱۰ در زمان حکومت محمدحسن خان سعدالملک احداث شده است.

- جنگل های حرا

جنگل های حرا از نادرترین پوشش گیاهی ایران و جهان است که با شرایط ویژه ای در آب دریا رشد می کند.

جنگل های حرا در استان هرمزگان به ویژه جزیره قشم قابل مشاهده است که در نواحی مختلف آن پراکنده است. برگ درختان حرا خوراکی است و دارای ارزش غذایی برابر یونجه و جو است.

مسجد و مناره ملک بن عباس

این مسجد در بخش باختری شهر بندرلنگه در نزدیکی دریا قرار دارد. این بنا در سال ۱۲۸۰ هجری قمری توسط حاج محمد ابن عباس ساخته شده است. مناره و شبستان مسجد ملک بن عباس از لحاظ دیرنیگی ساختمان با سایر بناهای تاریخی شهر یکسان نیست و سبک معماری از ویژگی های محلی برخوردار است.

مجموعه قنات کیش با قدمت ۲۰۰۰ سال، شهر باستانی حریره، مجتمع تفریحی پارک جنگل، مجموعه اسکله تفریحی، امکانات ورزش های دریایی و بازارهای مدرن از جمله جاذبه های گردشگری کیش است.

قابلیت های گردشگری کیش همچون سواحل و دریای زیبا، اقلیم مساعد در نیمه سرد سال و امکانات اقامتی مناسب آن باعث شده در برنامه سوم توسعه اقتصادی ـ اجتماعی کشور و در مصوبات شورای عالی مناطق آزاد، جهانگردی یکی از راهبردها و چشم اندازهای توسعه این منطقه باشد.

در حال حاضر جزیره کیش دارای ۶۰ هتل و مرکز اقامتی مدرن با حدود ۹ هزار تخت می باشد که سالانه پذیرای بیش از یک میلیون گردشگر داخلی و خارجی است.

منبع : روزنامه جوان

http://vista.ir/?view=article&id=298930

vista.ir
Online Classified Service

کیش ویلاهایی برای هزار نورچشمی

● روزهای خوش اقامت در کیش

علم در یادداشت‌های دو هفته بین یکم تا پانزدهم فروردین ۱۳۵۴ از لذتی که طی دو هفته اقامت در جزیره کیش برده است، سطوری نوشته است. کنستانتین پادشاه برکنار شده یونان و همسرش در این پانزده روز در کیش به سر می‌برد. در همین ایام منزل نخست وزیر (هویدا) هم در کیش ساخته و آماده شد و یك شب مهمانی افتتاح دارد. یك شب علم مهمانی داد. یك شب هم گارد شاهنشاهی، روزها به سوای یا پیاده‌روی بعد از شام می‌گذشت. گاهی قایق‌سواری می‌کردند. فرح همسر شاه چند مربی غواصی استخدام کرده بود که فنون غواصی در آب یا اسکی آبی یا جت اسکی را به او می‌آموختند. علم از دخترش "ناز" خواست که تصاویر زیادی از شاه در حال پیاده‌روی، اسب‌سواری، قایقرانی بردارد. طی چند روزی که آن‌ها در جزیر کیش بودند سری هم به جزیر ابوموسی زدند. سفیر شوروی هم سری به کیش زد.

«در ایامی که در کیش بودیم سفیر شوروی هم برای شرفیابی آمد و دو شب با خانم خود مهمان بود. خیلی تعجب داشت که چطور او را در بازدید از جزیره آن همه آزاد گذاشته‌ایم" (جلد ۵ خاطرات علم، ۱۳۵۴، ص ۲۴). در آن روزها، کیش، قرارگاه سیاسی دوم دربار شده بود. علم می‌نویسد پیام کسینجر وزیر خارجه آمریکا را کنار دریا به دست شاه داد و جوابی را که شاه داده پشت پاکت نوشته است. همینطور پیام ملك حسین که به وسیله فریدون موثقی سفیر ایران در اردن ارسال داشته بود، در کیش به دست شاه داده شد.

● نخستین خریداران

در آن روزها کار ساختن ویلاها به سرعت پیش می‌رفت، خریداران نخستین ویلاها که با پرداخت بیعانه ناچیزی نامشان در فهرست ساکنان بعدی جزیره ثبت می‌شد، بعضی ۱۰۰ هزار ریال، بعضی‌ها یك میلیون و یك صد هزار ریال، بعضی‌ها یك میلیون و بعضی دو میلیون و پانصد هزار ریال می‌پرداختند. کسانی که سعی می‌کردند دارای ویلایی در جزیره شوند چندان به آینده جزیره امید نداشتند و انگیزه اصلی آن ها نزدیك شدن و تقرب به حضور ملوکانه وشرف حضور داشتن در فاصله‌ای نزدیك به اقامتگاه شاه بود که از این نزدیکی اقامتگاهی، احتمال دیدار شاه و دریافت پست و مقام و امتیازات متصور بود. برای این که بدانیم ویلاها چگونه ساخته می‌شد و شیوه معماری آن چگونه با استفاده از صورتجلسه‌های تهیه شده به شرح وضعیت این ویلاها می‌پردازیم.

● جزیره‌ای برای فقط ۱۰۰۰۰ تن خاصان

ویلاها و اماکن مسکونی جزیره : ویلاهایی که در طول فعالیت طرح پیشین سازمان (سابق) عمران کیش در جزیره ساخته شد، در چندین گروه و با عملکرد وعناصر متشکله مختلف بود و به طور کلی شامل سه گروه ویلاهای عمومی، ویلاهای اختصاصی و کلبه‌ها و کابانا بوده است. ویلاهای عمومی با عناوین کدگذاری شده ویژه‌ای همچون ویلاهای تیپ A تیپ B تیپ T۱ تیپ T۲ و نیز T۳ تیپ A۱ و تیپ B۱ نامگذاری شده‌اند. بعضی از ویلاها، یك طبقه بعضی دوطبقه و بعضی سه‌طبقه‌اند. مشخصه‌های این ویلاها را که برای نخبگان به ترتیب مقام و موقعیت و درجه و میزان اهمیتشان در دستگاه در چندین درجه و مشخصه ساخته می‌شد، از این قرار بود.

● نگاهی به روند احداث ویلاها بر اساس صورت جلسه‌های هیات مدیره وقت سازمان

در آذرماه سال ۱۳۵۲ اعلام شده که کار ساختمان ۲۲ دستگاه ویلاهای یك طبقه به سرعت پیشرفت کرده و به زیر سقف رسیده است.

"مدیرعامل به عرض رساند کار ۴۴ دستگاه ویلاهای یك طبقه خیلی پیشرفت نموده و در حال حاضر کار ساختمانی به زیر سقف رسیده است."

"کار ویلاهای دوطبقه شروع شده و عملیات پی‌کنی برای بتن‌ریزی فوندانسیون در حال اتمام است.»

آقای بهبهانیان گفتند کارها بایستی سریع‌تر انجام گیرد و سازمان ترتیبی دهد که تعداد بنا و کارگر زیادتر شود تا پیشرفت کار بیشتر گردد. مدیرعامل به عرض رساند که به علت نداشتن جای کافی برای بنا و کارگر وهمچنین مشکل تغذیه آنان فعلاً میسر نیست که تعداد کارگر را بیشتر نمود در هر صورت مطمئناً کارها قبل از موعد قرار به پایان خواهد رسید.

● خواب در ویلا، مهمانی در هتل

در این وقت تیمسار خادمی با اجازه جناب آقای علم اظهار داشتند که ویلاها طوری ساخته شوند که مشکل صرف غذا و سرویس و غیره کاملاً حل گردد. مثلاً هر خانواده بتواند غذای سبك خود را در ویلای خود صرف نماید و برای مهمانی از هتل استفاده نماید و از نظر سرویس و باغبانی و نگهداری هم بهتر است که هزینه دو سال اول آن را روی بنای ویلاها بکشند تا دو سال صاحبان آن خیالشان راحت باشد و با احتساب مثلاً ۱۰ الی ۲۰ درصد هزینه ساختمانی در بنای ویلاها این نظر تامین می‌گردد.

● اول هتل، بعد ویلا

"آقای بهبهانیان اظهار داشتند قیمت ویلاها با توجه به کلیه هزینه‌ها اگر از متری ۰۰۰/۴۰ ریال کمتر باشد مناسب‌تر است و بهتر فروش خواهد رفت."

"مدیرعامل اظهار داشت با ترقی قیمت‌ها در تهران هم ساختمان لوکس با کلیه تجهیزات ومبلمان به مراتب گرانتر به فروش می‌رسد. در مورد فروش ویلاها هم عده زیادی مراجعه و تقاضای خرید نموده‌اند که در دفتر سازمان منعکس است."

"از آقای دکتر رام نسبت به پیشنهاد بهای ویلاهای سوال شده،اظهار داشتند من اصولاً با ویلاسازی مخالف بودم زیرا باید اول هتل‌ها پر شود و بعد بروند دنبال ویلا و این آپارتمان‌ها مثل هتل هستند زیرا به هم چسبیده است.

● هتل برای توریست‌ها

"جناب آقای علم فرمودند : اول باید ویلاها ساخته شود که مردم بروند در منزل خود، سپس بروند هتل و هتل بیشتر برای توریست‌ها ساخته می‌شود."

"آقای بهبهانیان اظهار داشتند این آپارتمانها که مبله می‌گردد بهتر از هتل می‌شود زیرا قشنگ‌تر و راحت‌تر است مردم راغبتر به هر حال نسبت به تعیین بهای ویلاها پیشنهاد نمایید تا پس از بررسی مشخص گردد."

"با مذاکرات مفصل مقرر گردید ویلاهای کنار دریا (کاملاً مشرف به دریا) از قرار متر مربعی ۳۸۰۰۰ ریال و ردیف دوم ۳۷۰۰۰ ریال و ردیف سوم ۳۶۵۰۰ ریال تعیین گردد."

● مشرف به دریا

"جناب آقای علم فرمودند به طور کلی یك آپارتمان با کلیه هزینه‌ها و پیشنهادها شما چند تمام می‌شود؟

"مدیرعامل به عرض رسانید بسته به مساحت خالص زیربنا در حدود ۴ الی ۸ میلیون ریال شامل هزینه ساختمانی با مبلمان و تاسیسات روشنایی و غیره حداکثر متر مربعی ۳۸۰۰۰ ریال می‌گردد که این مبلغ در جزیره کیش با موقعیت‌ها و امتیازات زیاد و بهترین فصل زمستانی که دارد بسیار مناسب و ارزان است که البته با اجازه هیأت محترم مدیره در پروژه بعدی ویلاسازی که کاملاً مشرف به دریا خواهد بود و با در نظر گرفتن ترقی هزینه ساختمانی گرانتر عرضه خواهد شد. مدیرعامل اضافه نمود که در مورد ویلاها به طور کلی در نظر است دستگاههایی که نزدیك‌تر ومشرف به دریاست متر مربعی ۳۸۰۰۰ ریال و دستگاههای بعدی ارزانتر فروخته شود. جناب آقای علم فرمودند همان‌طور که قبلاً گزارش دادید ویلاها از فروردین ۱۳۵۴ تا خرداد ۱۳۵۴ آماده می‌گردد، آیا آب و برق و سرویس آن هم حاضر خواهد بود که خریداران آن‌ها بتوانند در آن سکونت نمایند و در آسایش باشند.

"آقای بهبهانیان اصرار نمودند که این ویلاها تا نوروز آینده کاملاً آماده گردد که بتوان از آن استفاده نمود زیرا هم فروش به نفع سازمان است وهم از نظر تبلیغ زیرا چنانچه به تعویق بیفتد با بالا رفتن هزینه ساختمانی به ضرر سازمان نیز خواهد بود. مدیرعامل معروض داشت همان‌طور که قبلاً به استحضار رسیده کار ساختمانی ومبلمان ویلاها در نوروز امسال و بهار ۱۳۵۴ آماده خواهد شد ولی لازم است به عرض بدون نقص ویلاها با تمام تجهیزات مورد استفاده کامل ساکنین آن قرار خواهد گرفت.

کار ساختمانی و تجهیزات ویلاها همان‌طور که قبلاً به عرض رسید ۱۵۲ دستگاه آن قبل از پایان امسال آماده خواهد شد و سازمان تاکنون ۹۶ دستگاه آن را پیش‌فروش نموده است و برای بقیه نیز متقاضی می‌باشد و کار ساختمانی بقیه ویلاها تا ۳۰۰ دستگاه بزودی شروع خواهد شد و

سازمان اجازه می‌خواهد اولاً تبلیغی از طریق تلویزیون و رادیو و مطبوعات بنماید ثانیاً در حدود ۱۰۰۰ دستگاه قبلاً پیش فروش نماید که سالانه ۳۰۰ دستگاه آن را تحویل دهد و این امر کمك مالی به سازمان خواهد نمود. ضمناً برای متقاضیان نامه ارسال شده که علی‌الحساب برای هر دستگاه مبلغ یك میلیون ریال پرداخت نمایند.

در مورد تبلیغ فروش، آقای بهبهانیان اظهار داشتند بهتر است بگذارید ۱۵۲ دستگاه کاملاً مجهز آماده گردد که بتوان به مردم نشان داد، در آن حال تبلیغ موثر خواهد بود. ویلاهای یك طبقه دو طبقه نیز از نظر ساختمان تکمیل گردیده و بدلیل فوق‌الذکر مبله نگردیده ولی سعی خواهد شد که حداقل چهار دستگاه از ویلاهای یك طبقه موقتاً مبله گشته و در ایام عید مورد بهره‌برداری و استفاده مهمان‌ها قرار گیرد. در مورد بازار، پنجاه درصد از کار ساختمانی بازار نیز تمام شده است. خانه‌های روستایی ده سفین و بازار این دو روز به اتمام است و می‌توان در ایام عید در حدود ۱۰۰ خانوار از اهالی ده ماشه را به خانه‌های مذکور کوچ داد. دستگاههای تبدیل آب شور به شیرین به تدریج به جزیره حمل می‌گردد و در حال حاضر اولین دستگاه به جزیره کیش حمل گردیده و امید می‌رود که بتوان در ایام نوروز آن را افتتاح نمود.

● منازل بومی : علاوه بر ویلاهای یك دو و سه طبقه، هتل‌ها و شهرك پایگاه هوایی، تعدادی منازل بومی با معماری سنتی و تعدادی منازل بومی به سبك جدید ساخته شده به وسیله سازمان (سابق) عمران کیش در جزیره به چشم می‌خورد. کیش، ماشه، سفین و دیهو چهار مرکز عمده سکونت اهالی تا سال ۱۳۵۰ بوده است. پس از اجرای عملیات عمران کیش به وسیله سازمان (سابق) عمران کیش، شهر کیش ماشه از جمعیت تخلیه شد و اهالی آنجا به سفین انتقال داده شدند و شهری جدید به نام سفین جدید شکل گرفت.به دنبال آن، اهالی روستای سه حجم (سجم) به همراه روستای دیهو نیز بدان علت که آبادی‌هایشان در محدوده طرح عمران واقع شده بود، ناچار به تخلیه روستاهای خود شدند و به سفین جدید انتقال یافتند. این خانه‌ها مختصاتی سنتی داشته و ساده و بدون تزیینات بوده است.

۱۳۵ خانوار بومی در این منازل اسکان داده شده بودند و طراحان معماری کیش بر این نظر پا می‌فشردند که این منازل با توجه به موقعیت جغرافیای، شرایط زندگی و معتقدات مذهبی روستاییان، برای آنان کاملاً مطلوب است. یك بازار سنتی، مدرسه و مسجد در این شهرك ساخته شده بود. درباره معماری منازل، یکی از محققان می‌نویسد :

"معماری جدید که خود تقلید از معماری بومی و سنتی جزیره است و نمونه آن در شهر سفین به کار رفته، تفاوت چندانی با معماری سنتی ندارد برخلاف معماری سنتی جزیره که اتاقها در اطراف حیاط به اتاق‌ها اختصاص دارد و در مقابل آن نیز آشپزخانه و حمام و آبریزگاه ساخته شده است.

تعداد این خانه‌ها ۱۰۴ واحد و مساحت کل زیربنای آن‌ها بیش از ۱۲۰۰۰ متر مربع و ساختمان‌ها یك طبقه و در بعضی نواحی دو طبقه شامل خانه‌های یك و دو و سه و چهار اتاقی می‌باشد و اسکلت و سقف و نمای این خانه‌ها مانند سایر ساختمان‌ها کف آن‌ها بتون، درها چوبی و حمام و روشویی و آشپزخانه در پایین حیاط و خیلی مختصر و ساده ساخته شده است. ساختمان‌ها معمولاً فقط سه اتاق دارد و فاقد تاسیسات خنك‌کننده است.● بخش خدماتی

بخش خدماتی طرح توسعه (سابق) کیش شامل پست‌های برق، نیروگاه و خطوط انتقال نیرو، تاسیسات آب، فاضلاب، دستگاه‌های آب شیرین کن، مخابرات، رادیو و تلویزیون، بخشداری، ژاندارمری، گمرك، بندر و اسکله، تاسیسات شرکت نفت (دپوی مخازن و اسکله مخصوص)، سردخانه، رختشویخانه، نانوایی، شیرینی‌پزی، بهداری، درمانگاه، آتش‌نشانی و موسسات دیگر است. برای نمونه به چند باب از تاسیسات اشاره می‌کنیم : ساختمان تلویزیون یا مرکز استودیو در دوطبقه بنا شده، تمام دیوارهای آن با قطعات عایق صوتی پوشیده شده و دارای دستگاه تهویه است. سه دستگاه فرستنده کیلوواتی چهار کاناله تلویزیونی و یك دستگاه HF و یك خط تله پرینتر در این مرکز نصب شده است. گذشته از ساختمان تلویزیون، در ساختمان دیگری فرستنده اف . ام رادیو نصب شده است. بندرگاه کیش در کرانه شمالی جزیره به منظور بارگیری و تخلیه کشتی‌های حداکثر دوهزار تنی که آبخور آن‌ها از پنج متر مربع تجاوز نمی‌کند با حوضچه‌ای به مساحت ۱۶۰ هزار متر مربع به ابعاد ۴۰۰×۴۰۰ متر مربع ساخته شده است.

بندرگاه از طریق جاده‌ای آسفالته به عرض ۷ متر و به طول ۴۵۰ متر از محل انشعاب تا در ورودی به جاده اصلی ارتباطی موجود در جزیره مرتبط می‌شود و به بقیه ساختمان‌ها و مستحدثات موجود در جزیره راه می‌یابد. تاسیسات آب‌شیرین کن در غرب بندرگاه و نیروگاه وانبارها و سردخانه‌ها در نزدیکی آن قرار دارند.

بندرگاه دارای دو موج‌شکن به طول‌های ۳۳۷ و ۷۲۴ متر است. در این بندر تجهیزاتی برای تخلیه مواد سوختی (مایعات) و پهلوگیری کشتی‌های مسافربری در نظر گرفته شده است. تشکیلات آتش‌نشانی نیز پیش‌بینی شده بود. در این اسلکه دستگاه‌های سوخت‌رسانی، آب‌رسانی، تلفن سراسری ساختمان بندری، انبار و یك دستگاه پمپ خانه نیز پیش‌بینی شده بود.

▪ سردخانه : دو سردخانه ۳۰۰۰ و ۸۰۰ تنی با هشت سالن بزرگ در جزیره احداث شده بود که در سال‌های بعد مورد بهره‌برداری قرا رگرفته است.

نیروگاه : نیروگاهی بزرگ در جزیره نصب شده بود که پست‌های ترانسفورماتور آن در هتل بزرگ، منازل، کاخ زمستانی، بازار، منازل سه طبقه، کاخ شماره ۲، کلبه‌های هتل بزرگ، مهمانسرا، مرکز آب، نیروگاه، کمپ مرکوری، دهکده سفین، فرودگاه ساختمان‌های معروف به ششصد دستگاه و کمپ کیش مستقر شده بود.

در نظر بود ژنراتور عظیم بیست و پنج هزار کیلوواتی (که قرار بود نصب شود) و چند موتور دیگر، روشنایی جزیره را تامین کند.

▪ فاضلاب : لوله‌های فاضلاب کمتر به طول ده کیلومتر بین ایستگاه‌های مختلف پمپاژ کشیده می‌شد.

▪ نفت : یازده مخزن بزرگ، مواد نفتی را در خود جای می‌داد. بعضی از این مخازن به نگهداری بنزین هواپیما اختصاص داشت.

▪ بخش تجاری : بخش تجاری ومرکزی شهری در بخش میانی تأسیسات ایجاد شده در جزیره شکل گرفته و پاره‌ای اماکن شهری و خدماتی و فروشگاه‌های تجاری در آن مستقر شده بود. بازار و بانك در این منطقه، در کنار هم برای داد و ستد کالاها و مبادله ارز دایر شده بود.

خاکی بر سرتان کنید!

به رغم گزارش های درخشان، زمانی فرا می‌رسد که مدیرعامل، عجز خود را از پیش بردن یکی از طرح‌های ضروری اعلام می دارد و اعتراف می‌کند که پیمانکار در تخصص ناشی است، مهندس مشاور هم برای اولین بار چنین طرحی را در این قسمت دنیا طراحی کرده ومشکلات بسیاری را پیش‌بینی نکرده است و بدتر آن که صاحب کار هم اطلاعات فنی در این خصوص ندارد.

"مدیرعامل در مورد عدم پیشرفت کار بندرسازی به عرض رسانید که پیمانکار دراین کار تخصصی ناشی می‌باشد و مهندس مشاور هم برای اولین بار چنین طرحی را در این قسمت دنیا طراحی نموده و مشکلات بسیاری را پیش‌بینی ننموده است و صاحب کار هم متاسفانه چون اطلاعات فنی در این خصوص ندارد مثل سازمان عمران کیش نتوانسته است اظهارنظر بنماید.

شاهنشاه امر فرمودند "در هر صورت یك خاکی بر سرتان بکنید و این کار را هم هر چه زودتر بکنید.»

احداث نشود! درباره احداث تأسیسات شیلات در جزیره کیش، مدیرعامل کسب تکلیف کرد. جناب آقای علم فرمودند به شرف عرض رسید، امر فرمودند احداث نشود.

● شاه و فرح وخانواده سلطنتی در کیش

مرحوم منصور کرمی ملایری یکی دیگر از کارکنان قدیمی سازمان عمران کیش سابق در مصاحبه‌ای با نویسنده گفت : سازمان عمران کیش در تاریخ ۱۶/۱/۵۱ به دستور شاه و پس از پایان کارهای شرکت مرکوری، به مدیریت محمود منصف پیرامون عمران جزیره کیش تاسیس شد. هیات مدیره، محمود منصف مدیرعامل و عضو هیات مدیره، جعفر بهبهانیان عضو هیات مدیره، ارتشبد نعمت‌اله نصیری عضو هیات مدیره، هوشنگ رام عضو هیات مدیره. اینجانب منصور کلامی ملایر در آن دوران در شرکت مرکوری کار می‌کردم که پس از تأسیس سازمان عمران کیش در ۲۷/۷/۵۷ به آن سازمان منتقل شدم. شرکت مرکوری شرکتی خصوصی بود که شرکای آن عبارت بودند از محمود منصف، پرویز خوجوی، علی فرزانه، دکتر احمد فرزانه وهوشنگ چنگیزی. این شرکت تا سال ۱۳۴۷ فعالیت می‌کرد.

وقتی به سازمان عمران کیش منتقل شدم در آن سازمان کارهای دفتری به من ارجاع شد و چون از روز دوم فروردین هر سال خانواده شاه برای گذراندن ایام تعطیلات عید به جزیره کیش می‌آمدند، اینجانب همه ساله برای پذیرایی تهیه تدارکات سفر آنان به جزیره فرستاده شدم.

در آن دوران فقط کاخ شاه و کاخ علم به اضافه دو باب کلبه در جزیره احداث شده بود. مدت شش سال ما برنامه مزبور را داشتیم و از دربار می‌آمدند و در آنجا اقامت می‌گزیدند. جزیره در آن دوران فقط جنبه استراحتگاه بهاری خانواده سلطنت و مهمانان آنان را داشت که در بهار و زمستان به جزیره می‌آمدند و جزیره بسیار مورد توجه قرار گرفته بود. سپس شاه دستور داد که جزیره به صورت منطقه جهانگردی برای خارجیان درآید.

متعاقب صدور این دستور و تاسیس سازمان عمران کیش، نسبت به احداث هتل اقدام شد. پس از هتل، کاخ نخست‌وزیری ساخته شد که اکنون آکواریوم شده است. سپس کازینو ساخته شد و در جوار همین هتل و کازینو تعدادی ویلای یك طبقه ساخته شد که احداث این طرح‌ها همزمان با هم آغاز شد و به پایان رسید. ویلاها بیش‌تر برای متقاضیانی بود که آن‌ها را خریداری کرده بودند.

هر سال روز دوم فروردین، ابتدا فرح و فرزندان او و سپس شاه به جزیره می‌آمدند و تعطیلات نوروز را به شنا و اسب‌سواری و اسکی روی آب و قایقرانی و بازی گلف و تنیس می‌گذراندند و تا چهاردهم در جزیره می‌ماندند. هنگامی که کاخ ولیعهد ساخته شد، به دستور شاه قرار شد خانواده سلطنتی زمستان‌ها از رفتن به سوییس و اقامت در سن مورتیز (که خطراتی برای آن‌ها داشت) خودداری کنند و هر سال در زمستان، فرزندان شاه به جزیره می‌آمدند و پانزده روز در جزیره کیش اقامت اختیار می‌کردند و این دوره اقامت، سواری اقامت دوران نوروزی آنان بود.

ولیعهد و برادر و خواهران او در حدود پانزده روز، زمستان را در کیش می‌ماندند که این ایام مصادف با دی ماه یا بهمن ماه بود.
بنابراین خانواده سلطنتی فقط در زمستان و بهار از کیش استفاده می‌کردند و مخصوصاً زمانی که مهمانانی از خارج برای شاه می‌آمدند آن‌ها را هم برای مدت دو یا سه روز به جزیره می‌آوردند. اداره مرکزی سازمان عمران کیش در سه راه تخت طاووس محل کنونی سازمان اوقاف قرار داشت.
در آن دوران،مدیرعامل سازمان محمود منصف بود که خانم آمریکایی ایشان به نام ویرجینیا منصف هم در امور گرافیك سازمان کار می‌کرد.
رییس پلیس جزیره هم سرهنگ دیویس انگلیسی بود و عده‌ای از ایرانیان را از تهران و شیراز استخدام کرده بود که به عنوان مامور انتظامات وکنترل ترافیك خدمت می‌کردند. مناسبات منصف با بیگانگان بسیار گرم بود و او را به نام کوچك استانلی می‌خواندند! همسر او نیز یك زن قد بلند آمریکایی بود. علم،منصف را که خواهرزاده‌اش بود، بسیار دوست می‌داشت و منصف اغلب با پای بدون کفش در اتاق‌های سازمان راه می‌رفت و سر و وضع هیپی‌ها را داشت.
سازمان دارای قسمت کشتی‌سازی و امور بازرگانی بود که در کنار اداره اصلی فعالیت می‌کرد پس از مراسم افتتاح در پاییز سال ۱۳۵۶، برای اولین بار گروه مهمانان خارجی و بلند پایگان ایرانی که در هتل و ویلاهای کیش پذیرفته شدند در پانزدهم اسفند ماه پنجاه و شش بود که در آن زمان تعدادی از ویلاها آماده شده بود تا به خریداران آن تحویل گردد. تعدادی از ویلاهای دوطبقه و سه طبقه هنوز آماده نشده بودو نیمه آماده بود. اما وسایل و تزیینات آن‌ها آماده شده بود که پس از به پایان رسیدن و احداث در ویلاها نصب شود. هتل نیز برای پذیرایی مهیا شده بود.
منظره‌ای که در اداره هتل جلب توجه می‌کرد این بود که کارکنان هتل شایان در آن زمان همگی فرانسوی بودند. از کارکنان آشپزخانه، سرآشپز و گارسون (میزبان) تا پیشخدمت و اتاقدار و رفتگر همه فرانسوی بودند و گویا مسوولان وقت این توانایی و استعداد را در ایرانی‌ها ندیده بودند که ظرفشوی و خدمتکار و حتی جاروکش را از فرانسه آورده بودند.
سرپرست هتل آقای پال هم از کازینوداران هتل داران معروف فرانسه بود. شایع بود این‌ها آمده‌اند به طور رایگان سه ماه هتل کیش را بگردانند و طرز کار و میزان مشتری و امکان جذب جهانگرد را شناسایی و بررسی کنند و در صورت مطلوب بودن، هتل را از سامزان اجاره و خودشان هتل و کازینو را اداره کنند. بعد از هاردهم فروردین ۵۷ فرانسوی‌ها کلیه وسایل را جمع کردند و در روغن خواباندند. حتی اشیای آشپرخانه را در روغن گذاردند و بسته‌بندی کردند تا در اسفند ماه ۱۳۵۷ بازگردند و دوباره شروع به کار کنند.
در آن روزها دستور داده می‌شد کلیه کارکنان و کارگران ساختمانی تعطیل کنند که جزیره خلوت شود و کسی مزاحم مهمانان نباشد و اصل بر این بود که هیچ کسی از ایرانی‌ها را به جزیره راه نمی‌دادند، مگر افراد بسیار بلندپایه و شناخته شده را. در نوروز سال ۵۶ خانم‌های فرانسوی نیمه‌برهنه مینی ژوب‌پوش اداره هتل و کازینو را به عهده داشتنند و اداره میزهای انواع بازی‌های قمار با آنان بود.
میزهای قمار راه افتاد و پشت هر میز یك خانم ایستاد و مقدار ژتون و کارت جلویش قرار داشت. در آن روزها بازار فرش ویلاها گرم شده بود. به یاد دارم ولیعهد ابوظبی و پسر پادشاه عمان هر یك تقاضای خرید ویلا کرده بودند. تصور می‌رفت شیوخ خلیج فارس به علت این که پرواز از سواحل جنوبی خیلج فارس تا جزیره کیش فقط یك ربع ساعت به طول می‌انجامید مسافرت به کیش و حضور در جلسات کازینو را بپسندند و از سفر به اروپا و ترکیه خودداری کنند. البته عده‌ای می‌آمند و تفریح می کردند و بازمی‌گشتند.
آشپزها و گارسون وظرفشوی و مامور آسانسور و همه کارکنان هتل فرانسوی بودند. در میان مهمانان ایرانی به یاد می‌آورم وهاب‌زاده صاحب بی . ام. و همچنین آقای کشکولی و عده‌ای از رجال و تیمساران می‌آمدند و مدتی اقامت می‌کردند وبازمی‌گشتند. خاطره‌ای که به یاد می‌آورم میزان اختصاصی بودن جزیره کیش را نشان می‌دهد. روز سوم عید سال ۵۷ غلامرضا نیك‌پی شهردار وقت تهران با هواپیما به جزیره سفر کرد، اما اجازه پیاده شدن به وی ندادند و او را از فرودگاه بازگرداندند. گفتند چون جزیره جا ندارد و در هتل، اتاقی به نام شما رزرو نشده است و ویلا هم نخریده‌اید، بی‌خود به جزیره آمده‌اید و باید به تهران بازگردید. وی ناچار شد برگردد و هرچه خواهش کرد موفق نشد وارد جزیره شود.

منبع : روزنامه تفاهم

http://vista.ir/?view=article&id=257993

vista.ir
Online Classified Service

گپی با پزشکان مهاجر

● دکتر مرتضی مشکات دینی، رییس بخش سرطان زنان در Advocate TII

با توجه به آنکه من با دانشجویان آمریکا و ایران ارتباط دارم، می‌بینم که دانشجویان اینجا خیلی باهوش و از نظر علمی برجسته هستند. این امر موجب خوشبختی است. به نظرم می‌آید که دانشجویان ایرانی بسیار مطالعه کرده‌اند اما کمی از نظر جنبه‌های عملی پزشکی عقب هستند. به طور کلی دو نوع یاد گرفتن وجود دارد: یکی یادگیری فعال و دیگری یادگیری منفعلانه. یادگیری فعال یادگیری است که فقط به گوش دادن و مطالعه کردن بسنده نکنیم. دنبال یافتن پاسخ سوالات باشیم، پژوهش کنیم و اینگونه علم خود را افزایش دهیم. در آموزش پزشکی ایران بُعد یادگیری فعل فراموش شده است و شاید یکی از دلایلی که دانشجویان سعی می‌کنند برای رزیدنتی به کشورهای دیگر مهاجرت کنند، همین موضوع باشد. یعنی آنان فکر می‌کنند این حلقه گم شده را در آن سرزمین‌ها خواهند یافت. درمورد زندگی در دنیای غرب باید عرض کنم که دنیای غرب زرق و برق فراوانی دارد اما اینها تنها ظاهر قضیه است. وقتی شما وارد این کشورها می‌شوید، تا دو سال، فقط زرق و برق ظاهری زندگی در آنجا را می‌بینید. اما برای درک واقعیت‌های پنهان در پشت این ظاهر زیبا، حداقل باید ۲۰ سال در آنجا باشید تا چهره واقعی آن را لمس کنید. به نظر من چهره واقعی اجتماع ایران بسیار بهتر و زیباتر از جوامع غربی است. تبعیض نیز مساله‌ای است که در همه نقاط دنیا و در همه سطوح وجود دارد. بین دانشجویان و اساتید آمریکایی و سایر ملیت‌ها تبعیض‌های غیرقابل انکاری وجود دارد. من ایرانی باید سه برابر فرد هم‌عرض خودم کار کنم تا بتوانم به یک درجه و مقام برابر با یک آمریکایی دست یابم. به محققان جوانی که قصد مهاجرت دارند نیز باید عرض کنم که شما باید علمی تولید کنید که به درد مردم بخورد. مثال بارز این اشخاص آقای دکتر سیدجمال گوشه هستند که اکنون بازنشسته شده‌اند اما در سراسر جهان در حوزه خود شناخته شده‌اند و همیشه در ایران بوده‌اند. من توصیه می‌کنم که دنبال تولید علمی بروید که به دیگران کمک کند و غیر از این چیزی برایتان مهم نباشد؛ حال دیگران متوجه اهمیت کار شما بشوند یا نشوند. من متاسفانه می‌بینم که دانشجویان ایرانی بسیار دچار ناامیدی شده‌اند، در حالی که جامعه به شما ماموریت داده که به مردم کشور خود خدمت کنید و دردهای آنان را درمان کنید. نمی‌دانم چرا همه عجله دارید فورا بعد از پایان تحصیل به مقامات عالیه و ریاست بیمارستان و.... برسید؟ از اینکه پزشکی می‌خوانید، لذت برده و از موقعیتی که دارید، نهایت استفاده را ببرید. متاسفانه انتظارات دانشجویان از نظام سلامت بسیار بالا رفته است. توصیه آخرم به شما این است که در پزشکی دنبال پول درآوردن نباشید. اگر دنبال پول هستید، رشته پزشکی را انتخاب نکنید. زمانی بود که در آمریکا پزشکان درآمدهای خوبی داشتند اما اکنون در بهترین حالت شاید سالی ۱۰۰ هزار دلار درآمد داشته باشند. در حالی که مشاغل ساده‌تری چون لوله‌کشی درآمد بسیار بیشتری دارد. یک مثل معروف در آمریکا هست که می‌گوید: «روزی خانم خانه‌داری برای تعمیر لوله‌کشی خانه‌اش به یک لوله‌کش تلفن کرد. لوله‌کش پس از تعمیر و لوله‌کشی از او ۵۰۰ دلار به عنوان دستمزد درخواست کرد. خانم خانه‌دار به وی گفت من همسرم جراح مغز و اعصاب است و برای یک عمل جراحی که بیش از دو ساعت طول می‌کشد ۲۰۰ دلار بیشتر دستمزد نمی‌گیرد، آن‌وقت شما می‌خواهید برای ۲۰ دقیقه کار ۵۰۰ دلار دستمزد بگیرید؟ لوله‌کش پاسخ می‌دهد من هم زمانی که جراح مغز و اعصاب بودم، اوضاعم به همین‌گونه بود.»

● دکتر ع. الف، پزشک عمومی (آمریکا)

اگر شما واقعا پزشک هستید و در ایران تحصیل‌کرده و یا در این کشور کار کردید، این سوال پرسیدن ندارد. این «چرا» به طور کامل واضح است. برای مثال، خود شما به جای انجام کار تخصصی، در یک هفته‌نامه مشغول به کار هستید. اگر چه این نشریه هفته‌نامه‌ای پزشکی است اما کار کردن شما و همکاران پزشک در یک نشریه جالب نیست؟

● دکتر پوران ناجی نوروزی استادیار دانشگاه ویرجینیا (متخصص زنان و زایمان)

من وقتی با پزشکان و دانشجویان ایرانی مشغول تحصیل در ایران مواجه می‌شوم آنان را بسیار فعال می‌بینم. باید اذعان کنم که این دانشجویان در مقایسه با دانشجویان مشغول تحصیل در دانشگاه‌های آمریکا چیزی کم ندارند. دانشجویان ایرانی توانسته‌اند با استفاده از امکاناتی که تکنولوژی‌های جدید در اختیارشان قرار داده، بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی تا حدود زیادی خود را به روز نگه دارند. اما در مجموع پزشکان ایرانی که توانسته‌اند برای ادامه تحصیل به آمریکا بیایند، رزیدنت‌های موفقی بوده‌اند ولی شرایط کنونی حاکم بر اوضاع سیاسی جهان مشکلات زیادی را در زمینه اخذ ویزا و مهاجرت برای دانشجویان ایجاد کرده است. یک اشتباه دیگری که در اذهان دانشجویان نقش بسته است شرایط مالی و درآمدهای آن چنانی است که فکر می‌کنند در آن کشورها در انتظار آنها است. این یک تفکر اشتباه است. شاید ۳۰ سال پیش چنین بوده اما اکنون دیگر اوضاع مانند گذشته نیست و اگر کسی برای پول‌دار شدن حرفه پزشکی را انتخاب کرده است، راه اشتباهی را برگزیده و بهتر است همین الان راهش را تغییر دهد.

● دکتر الف. ع، پزشک عمومی (آمریکا)

اولین و اصلی‌ترین مشکلی که تقریبا همه پزشکان مهاجر به آن برخورد می‌کنند، میزان پولی است که همراه خود وارد این کشور می‌کنند و همچنین توقع بالایی است که از ورود به یک کشور پیشرفته دارند. بیشتر پزشکان توقع دارند هنگامی که وارد آمریکا می‌شوند، در یکی از بهترین رشته‌های دستیاری و در یک ایالت بسیار خوب مشغول تحصیل شوند و درآمد بسیار بالایی کسب کنند، در حالی که همین افراد در ایران از یک زندگی معمولی برخوردار بودند و یا یک شاگرد معمولی و رو به ضعیف در دانشگاه محسوب می‌شدند. بنابراین این توقع خیلی بالایی است که هرگز برای آنها میسر نخواهد شد. تمام پزشکانی که به این کشور وارد می‌شوند، یک خارجی و آن هم از ایران هستند بنابراین باید چند برابر یک فرد بومی آمریکایی کار کنند تا شاید بتوانند جایگاهی مانند افراد بومی پیدا کنند. رسیدن به چنین سطحی شاید سال‌ها وقت نیاز داشته باشد. مشکل عمده دیگری که پزشکان به طور عمده با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، آشنایی نداشتن با سیستم پزشکی این کشور است که حتی گاهی پس از ورود به این سیستم قادر به ادامه در آن نیستند. به نظر من، اگر کسی دارای موقعیت شغلی مناسبی در ایران است، به خصوص اگر سن بالایی دارد، مهاجرت به یک کشور خارجی برای وی بزرگ‌ترین اشتباه است. فردی که به آمریکا مهاجرت می‌کند باید آماده باشد که برای سال‌های سال مانند یک دانشجوی بسیار پرکار با یک سطح زندگی معمولی و حتی رو به پایین زندگی کند تا شاید از جانب افراد بومی این کشور پذیرفته شود.

● دکتر محمدرضا موحد شریعت‌پناهی، رییس بخش پیوند قلب و مراقبت‌های ویژه قلب دانشگاه آریزونا

مهاجرت که بد نمی‌شود. مهاجرت آن‌قدر پسندیده است که مبدأ تاریخ ما مسلمانان قرار گرفته است. آنچه بد است ماندن و راکد بودن است. مهاجرت با حفظ ریشه‌ها به کشور مادر است و به همین دلیل هویت حفظ می‌شود. در حقیقت گویی مرزهای کشور را دورتر برده‌ای. مشارکت در اطلاعات روز و پیشرفت برای هر دو گروه بسیار خوب است و البته باید گفت مهاجرت دشوار نیز هست.

● دکتر د.م، پزشک عمومی (آمریکا)

من حدود هشت ماه است که همراه همسرم به آمریکا سفر کرده‌ام. دلیل سفر ما هم مانند همه پزشکان دیگر وضعیت شغلی نامناسب در ایران بود. به هر حال من به دلیل اینکه امتحانات USMLE را نگذرانده‌ام، در حال حاضر به عنوان یک تکنسین در یک مرکز تحقیقاتی کار می‌کنم. کار سخت و بسیار طاقت‌فرسایی است اما به هر حال در حال حاضر ما قادریم زندگی خود را اداره کنیم. امیدی برای شرکت در امتحان USMLE ندارم به دلیل اینکه یکی از دوستانم که نفر اول بورد تخصصی داخلی در ایران بود، با دو نمره ۹۹ در مرحله یک و دو آزمون USMLE، هنوز نتوانسته اجازه ورود به سیستم پزشکی در رشته داخلی را بگیرد. از طرف دیگر، بعضی از دوستان دیگرم هم با وجود نمرات بسیار خوب به دلیل خارجی بودن، مجبور هستند در ایالات بد آب و هوا و نامناسب دوره دستیاری خود را بگذرانند؛ آن هم به شرطی که پیش از شروع دوره، دو سال به صورت رایگان در بیمارستان مربوطه کار کنند. به هر حال مهاجرت یک مصیبت بزرگ است اما برگشت دوباره به وطن مصیبتی بزرگتر است. پس راه دیگری نیست.

● دکتر م. الف، رزیدنت زنان و زایمان (انگلستان)

در مورد ترک ایران می‌توانم یک کتاب بنویسم اما سعی می‌کنم در یک پاراگراف آن را خلاصه کنم. سال ۲۰۰۳، بعد از فارغ‌التحصیلی تنها

می‌خواستم از ایران بروم یا به قول خودم فرار کنم تا راحت زندگی کنم؛ غافل از اینکه با مهاجرت مشکلاتم چند برابر می‌شود. اولین مشکل زبان بود که فقط یکسال طول کشید تا من توانستم امتحان IELTS را پشت سر بگذارم. من واقعا وقت ندارم که بیش از این برای شما بنویسم چون اینجا برای اینکه خود را به دیگران ثابت کنی باید به شدت کار کرد. فقط باید بگویم که مشکلات یک پزشک مهاجر بسیار زیاد است، اما راهی برای برگشت ندارد و بعد یک مدت به این سیستم عادت می‌کند.

● دکتر م. ح، دستیار پزشکی هسته‌ای (بلغارستان)

من سه سال پیش به علت اینکه در امتحان دستیاری نمره مورد نظر خود را کسب نکرده بودم، به بلغارستان مهاجرت کردم. در آن سال در امتحان تقلب شده بود اما به هر حال با تمام شکایت‌هایی که به عمل آمد نتیجه‌ای برای من به همراه نداشت. با توجه به اینکه پزشکان عمومی از درآمد کافی در ایران برخوردار نبودند و من مصمم بودم که حتما در رشته مورد علاقه‌ام ادامه تحصیل بدهم، ایران را ترک کردم. منa در آن زمان از رفاه خوبی در ایران برخوردار بودم اما امیدی نداشتم که با شرکت دوباره در امتحان دستیاری موفقیت قابل توجهی به دست آورم. تنها راهی که پیش پای من مانده بود، خروج از ایران بود. ورود به کشوری جدید بدون حضور افراد خانواده و با زبان عجیب و غریب بلغاری به شدت برای من سخت بود. اگر چه تنها برای یادگیری زبان وقت من حدود شش ماه تلف شد اما در حال حاضر از وضعیت خودم به عنوان رزیدنت در این کشور بسیار راضی هستم و مجبور هستم دوری از وطن را به دلیل علاقه‌ای که دارم تحمل کنم.

● دکتر ب. ک، دستیار بیماری‌های دستگاه گوارش (فرانسه)

من و پنج نفر از دوستانم چند سال پیش به علت وضعیت شغلی نامناسب تصمیم گرفتیم ایران را ترک کنیم. همه درد ما این بود که هیچ‌کدام از ما نمی‌خواستیم ایران را ترک کنیم و خود به خود به این سمت سوق داده شدیم. اولین چیزی که ما را مجبور به مهاجرت کرد، نداشتن درآمد مناسب و حرمت یک پزشک در جامعه بود. گاهی حتی درآ مد مطب من برای کرایه تاکسی کافی نبود. حالا پرداخت کرایه‌خانه و خرج زندگی بماند. آن زمان خدا را شکر می‌کردم که بچه ندارم. حرمت پزشکان هم که متاسفانه در جامعه ما حفظ نمی‌شد. یادم می‌آید یک بار که سوار تاکسی شدم راننده به من گفت: «بیچاره این دکترها خیلی بدبختند یکی از آنها را می‌شناسم که در همین خط مسافرکشی می‌کند.» من دو سال تمام سرباز بودم، با حقوقی ماهی ۲۵ هزار تومان! زمان رضاشاه هم با این حقوق نمی‌شد زندگی کرد. از طرف دیگر، سیستم بیمارستانی ما به شدت مشکل داشت و هرگز وجدان کاری را در من ارضا نمی‌کرد. بنابراین به دلیل بی‌حرمتی‌های موجود به جامعه پزشکی، عذاب وجدان از کار در سیستم فلج بیمارستانی، وضع بد اشتغال و امتحان دستیاری که به یک بازار سیاه تبدیل شده بود، ما وادار به مهاجرت شدیم. پس از مهاجرت، من با سیستم جدیدی آشنا شدم و به اصطلاح علم را در عمل یاد گرفتم. درآمد من در حال حاضر چندان بالا نیست ولی به قدری هست که بتوان یک زندگی معمولی را اداره کرد. از طرف دیگر، اینجا حرمت فرد به عنوان پزشک همیشه حفظ می‌شود و حتی همکارانی که موفقیت بسیار بالایی دارند، همکار پزشک خود را به علت ندانستن ضایع نمی‌کنند (کاری که در ایران به کرات از سوی همکاران پزشک انجام می‌شود). اینجا خیلی راحت به همکار و حتی بیمار می‌توان گفت: «من نمی‌دانم اما در این مورد حتما با سایر همکارانم مشورت می‌کنم.» این نوع کار کردن، حتی مورد تشویق هم قرار می گیرد. اما به هر حال من اینجا یک خارجی محسوب می‌شوم و هیچ‌وقت در جمع افراد بومی فرانسه قرار نمی‌گیرم. شروع کردن زندگی از صفر بسیار برای من دشوار بود و در حال حاضر هم ما در تنهایی در حال گذران زندگی هستیم و آرزو داشتیم که این زحمت را برای هموطنان خودمان می‌کشیدیم ولی به هر حال هیچ راه برگشتی نیست. البته اینها همه نظریات من است که در یک کشور اروپایی زندگی می‌کنم شاید وضعیت در آمریکا و کانادا متفاوت باشد.

● دکتر ن. ر، بورسیه فلوشیپ تحقیقات در میوکلینیک (آمریکا)

اگر درباره «مهاجرت» از من پرسیده شود، من در مورد خودم می‌توانم بگویم که مهاجرت نکرده‌ام! صرفا سفری است برای آموختن و سپس بازگشت به وطن و این مهاجرت هم صرفا به خاطر یک سری کمبودهایی است که در ایران داریم، با وجود آنکه می‌دانم حضور در ایران جنبه‌های مثبت بسیار زیادی دارد. می‌توان گفت که این سفر کاری، بیشتر برای من جنبه آموختن مسایلی را دارد که تا به حال به طور کامل نیاموخته‌ام. آموختن فرهنگ‌های دیگر، ارتباطات بیشتر و در کنار همه آنها پیشرفت بیشتر در رشته پزشکی. مشکلات به طور کلی به نظر من به دو دسته تقسیم بندی می‌شوند. اختلافات فرهنگی که گاهی اوقات از آن به عنوان فاصله زبانی (language barrier) یاد می‌شود. با این حال، این مساله بیشتر زاییده تفاوت در فرهنگ است و نه فقط به جهت تفاوت در زبان‌ها. دومین مساله مشکلی است که خاصه برای پزشکان وجود دارد. از آنجا که پزشکی در همه جای دنیا رشته‌ای بسیار رقابتی است، پزشکان فارغ‌التحصیل از کشورهایی به‌جز کشورهای پیشرفته در یک رقابت نابرابر قرار دارند. علاوه بر این، برخی اوقات مشکل دست‌یابی به ویزا برای ورود به بعضی از کشورها می‌تواند تا حدی مساله‌ساز باشد. در نتیجه در این نبرد

نابرابر به پزشکان درس‌آموخته در کشورهای در حال توسعه فشار زیادی وارد می‌شود.

رضایت امری نسبی است. بنده در حال حاضر تا حدی رضایت دارم و شاکر هستم از اینکه به اهدافی که تعیین کرده‌ام تا حدودی دست پیدا کرده‌ام، اما دوری از هموطنان و هم فرهنگان خودم هم جنبه مهمی از رضایت برای من می‌باشد که در حال حاضر برای من به شکل کامل موجود نیست.

مزیتی که خارج از کشور دارد آموختن سایر فرهنگ‌ها و زبان‌ها و یافتن دوستانی از اقصی‌نقاط جهان می‌باشد. مزیت دیگر را می‌توان تشکیلات منظم‌تر این کشورها دانست که باعث بهبود نحوه فعالیت کردن فرد می‌شود. از طرف دیگر، عیب آن دوری از خانواده و دوستان نزدیک می‌باشد. علاوه بر این و از همه مهم تر، دست و پنجه نرم کردن با مشکلاتی که هر فرد «خارجی» در کشوری به‌جز وطن خویش دارد.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319337

vista.ir
Online Classified Service

گدایان خارجی عامل شیوع بیماری سل مقاوم در ایران!

این مصاحبه با هدف بررسی موقعیت متکدیان خارجی در ایران تهیه شد اما وقتی با هماهنگی روابط عمومی وزارت کشور بنا شد با «تقی قائمی» مدیر کل امور اتباع بیگانه در کشور مصاحبه ای داشته باشیم، فرصت را غنیمت شمردیم و در خصوص وضعیت مهاجرین خارجی قانونی و غیرقانونی صحبت کردیم.

آنچه می خوانید حاصل این گفتگوی طولانی است:

▪ تب اخراج افغانی های مقیم ایران البته آنها که غیر قانونی اقامت داشتند زمانی بالای ۴۰ درجه بود خصوصاً با هیاهویی که مطبوعات هم به آن دامن می زدند، اما این موضوع مدتهاست در سکوت کامل رسانه ای به سر می برد، انگار متوقف شده است.

البته اصل موضوع و انگیزه این مصاحبه متکدیان غیر ایرانی است اما شما به عنوان اولین سؤال درباره آخرین اخبار از وضعیت افغانی های داخل کشور و رفتن و یا ماندنشان بگویید؟

ـ آخرین وضعیت در خصوص مهاجران افغانی این گونه است. در حال حاضر حدود یک میلیون نفر مهاجر ثبت نام شده در سایت داریم. تمام افراد مهاجر از طریق اینترنت وضعیت خود را اعلام می کنند. حدود ۲ میلیون نفر هم به شکل غیرقانونی در کشور حضور دارند و روزانه طبق آمار استانداریها و نیروی انتظامی به دست آمده است.

حدود ۱۷۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر مهاجر به شکل غیر مجاز از مرزهای شرقی کشور وارد ایران می شوند. ما بر روی آن یک میلیون نفر که قانونی اقامت دارند نظارت داریم. اینکه چه شغلی دارند و آخرین وضعیت سکونت آنها چگونه است به میزان تحصیلات و تعداد افراد خانواده آنها را می دانیم اما روی ۲ میلیون نفر که غیر قانونی هستند هیچگونه نظارتی وجود ندارد. البته در شرایط مختلف مسؤولان برای اخراج آنها تصمیمهای خاص می گیرند مثلاً در زمستان آقای رئیس جمهوری دستور دادند هیچ فردی از کشور اخراج نشود ولی به اعتقاد من، ما باید از حقوق داخلی خودمان دفاع کنیم. هر کشوری برای کسانی که قوانین آن کشور را نقض می کنند حقوق، قانون و مجازاتی دارد.

این افراد هم ورود غیر قانونی، هم اقامت و اشتغال به کار غیر قانونی دارند و هم برای ورود به کشور از باندهای قاچاق انسان استفاده می کنند که هر ۴ مورد آن جرم است.

اگر ما به این جرایم رسیدگی کنیم و قوانینی که در این زمینه داریم، احصا کنیم قطعاً برای ورود غیر قانونی بازدارنده خواهد بود.

یکی از علتهای اصلی که این افراد وارد کشور ما می شوند، موضوع معیشت است. مسأله امنیت نیز یکی دیگر از علتهای ورود غیر قانونی این افراد به کشور ماست. در هر صورت نیروی انتظامی می تواند برخورد قانونی انجام دهد اما به دلیل اینکه ما مشکلات آنها را می دانیم، سعی می کنیم خیلی برخورد قانونی نکنیم.

با این حال به نظر می رسد باید هزینه ورود غیرقانونی به کشور بالا برود. اکنون اگر یک فرد به شکل غیر قانونی وارد کشور ما شود وقتی دستگیر شد سوار اتوبوس سیر و سفرش می کنیم. یک پرس چلوکباب داخل راه به او می دهیم. دو تا فیلم سینمایی هم تا لب مرز می بیند. لب مرز پیاده اش می کنیم و می رود به آن سوی مرز و باز می گردد! زیرا هزینه ای پرداخت نکرده است، پس راحت بر می گردد. اما شما مقایسه کنید کشورهای دیگر را در آمریکا، اگر فردی غیر قانونی وارد آن کشور شود ۱۱ هزار دلار جریمه و شش ماه زندان دارد و تا ۱۱ هزار دلار را پرداخت نکند از زندان آزاد نمی شود. افغانستان که اکثر مردمش در ایران هستند شش ماه زندان و طرد از کشور دارد. قبل از عید هفت نفر ایرانی را افغانی ها به جرم ورود غیر قانونی دستگیر کرده اند و شش ماه در بدترین شرایط در زندان بوده اند و مشکلات روحی و روانی برای این افراد ایجاد شده است و بعد از شش ماه به سفارت تحویل دادند و گفتند این افراد را باز گردانید.

بعد از سقوط صدام مردم ایران تمایل زیادی برای رفتن به عتبات عالیات داشتند. عراقیها برخی افرادی را که غیر مجاز وارد شده بودند، دستگیر کرد و شش ماه در زندان نگه داشتند. از اواخر سال ۸۶ قانون این گونه شد، ورود غیر قانونی به عراق شش سال زندانی دارد.

این خودش باز دارنده است و نیازی به نیروی مرزی نیست هیچ ایرانی جرأت ندارد غیر قانونی وارد خاک عراق شود. اما کسی که غیر قانونی وارد ایران می شود هزینه ای پرداخت نمی کند ضمن اینکه هزینه های سنگین هم برای کشور ما دارد.

▪ در خصوص این هزینه ها قدری بیشتر توضیح دهید؟

ـ من بارها گفته ام که این هزینه این گونه است. ۳ میلیون نفر افغانی در ایران حضور دارند. از این میان ۲۲۰ هزار دانش آموز و ۱۵ هزار دانشجوی افغانی حضور دارند که مثل ایرانی ها درس می خوانند و تحصیل می کنند. آنها از یارانه آموزشی استفاده می کنند. یارانه حمل و نقل، بهداشت، آرد و ... اگر برای هر کدام ۲ دلار در روز حساب کنیم روزی شش میلیارد تومان می شود. خوب اگر این رقم فقط در بخش آموزش خودمان هزینه شود آن وقت معلم مجبور نیست بعد از ساعت اداری مسافرکشی کند. از سوی دیگر سازمانهای بین المللی که خیلی هم ادعا دارند اصلاً حاضر نیستند در این زمینه به ما کمک کنند. شاید بسیاری فکر کنند که سازمانهای بین المللی برای حضور افغانی ها به ما کمک می کنند اما من مستند خدمت شما می گویم در سال ۲۰۰۷ سازمان ملل برای یک میلیون افغانی مجاز و ثبت نام شده چقدر هزینه کرد. زیرا برای ۲ میلیون نفر غیر قانونی حتی یک ریال هم کمک نمی کند و می گوید غیر قانونی هستند و ربطی به ما ندارد.

اما برای کسانی که قانونی ثبت نام شده اند بودجه سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ برای این افراد ۱۲ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار بود، نظارت ما بر هزینه اینگونه بود و دیدیم که یک میلیون و ۳۰ هزار و ۳۰۰ دلار آن توسط سازمانهای مردم نهاد برای اتباع افغانی هزینه شد و به دولت ندادند و بیش از ۵۰ درصد این بودجه هزینه خود کارکنان سازمان ملل در ایران شده است. ساختمان، سفر، حق مأموریت، حقوق و ... و در نهایت وقتی حساب کردیم دیدیم برای هر فرد افغانی قانونی در کشور در سال یک دلار هزینه شد.

یکی از دلایلی که این افراد وارد کشور ما می شوند معیشت و درمان است ما حاضر هستیم در نقطه صفر مرزی از آنها پذیرایی کنیم. سازمانهای بین المللی هم کمک کنند اما متأسفانه زیر بار نرفتند.

▪ هر چند که اکنون کارکردن افغانی ها غیر قانونی است اما هنوز می بینیم که افغانی ها هنوز به کار اشتغال دارند. ما صحبت می کنیم که کار افغانی ها غیر قانونی است. آیا اهرم بازدارنده در این خصوص وجود دارد یا فقط حرف می زنیم که غیر قانونی است؟

ـ اتباع خارجی که اجازه کار دارند کسانی هستند که پروانه کار دارند، پروانه کار توسط وزارت کار صادر می شود. در مرحله جدید آمایش گفته ایم به کسانی اجازه اقامت می دهیم که پروانه کار هم داشته باشند. کسی که پروانه اقامت دارد باید اول پروانه کار داشته باشد. اکنون ۳۰۰ هزار نفر برای دریافت پروانه کار ثبت نام کرده اند اما مشکل ما روی حضور و کار قانونی ها نیست. غیر قانونی ها هستند که فرهنگ غلط کار را بر کشور ما تحمیل می کنند. وقتی دو کارخانه را با هم مقایسه کنید که یکی کارگر ایرانی دارد و دیگری کارگر خارجی، آن که کارگر ایرانی دارد باید حق بیمه و بازنشستگی و ... پرداخت کند اما آن که کارگر خارجی غیر قانونی دارد کاری ندارد که او بیمه هست، مهم نیست که کجا زندگی می کنند. حق

مسکن نمی دهد، ساعت کار معین ندارد، اضافه کار ندارد و ... اما با تمام این احوال اصلاً حاضر نیست محصولش را ارزانتر بفروشد و هر دو یک قیمت دارند و سودش پیداست که چقدر است. برخورد هم برای این است که از کارگر قانونی استفاده کند. چون غیر قانونی ها حق شکایت ندارند و فقط یک حقوق ثابت می گیرند.

▪ آیا آماری در خصوص متکدیان خارجی دارید؟

ـ متکدیان به شکل فصلی وارد می شوند. پاکستانی و بنگلادشی هستند و به شکل گردشی در شهرها می چرخند و به طور جدی با آنها برخورد می شود اما اینها ناقل بیماریهای خطرناک و عجیبی هم هستند برخی از آنها بیماری سل مقاوم را وارد کشور می کنند که داروهای فعلی پاسخگوی آنها نیست و باید واکسن جدید برای آنها تولید شود.

▪ در خبرها داشتیم که ازدواج اتباع بیگانه با ایرانی ها به ثبت می رسد و قانونی می شود کمی بیشتر توضیح دهید؟

ـ افراد افغانی که تا یک مهر ۸۵ ازدواج خود را ثبت کرده اند ازدواج رسمی دارند و قانونی است و بچه های آنها قانونی هستند و بعد از این تاریخ غیر قانونی است که ۲۶ هزار و ۸۹۵ مورد ازدواج اظهار شده و شرعی داریم که از این تعداد فقط ۴ هزار نفر برای ثبت ازدواج مراجعه کرده اند حاصل این ازدواجها فرزندان بی هویت است. فرزندان آنها به زودی دچار مشکل می شوند زیرا دولت ایران حاضر نیست به آنها تابعیت ایرانی بدهد و دولت افغانستان هم تابعیت افغانستان را نمی دهد بنابراین آنها به زودی دچار مشکلات فراوان می شوند زیرا هیچ هویتی ندارند و نمی توانند کار و تحصیل کنند.

▪ جناب قائمی! به نظر شما چرا همه کشورها قانون دارند ولی در کشور ما هیچ قانونی در این زمینه وجود ندارد و دروازه های کشور ما به روی همه باز است؟ اگر کسی از ایران بخواهد غیر قانونی وارد یک کشور اروپایی شود اگر فقط وارد ترکیه شود به شدت با او برخورد می شود باید با قاچاقچی انسان برود اگر بتواند خودش را به یونان برساند به شدت دچار مشکلات می شود اما هر کس بخواهد وارد ایران شود به راحتی وارد کشور ما می شود، علت چیست؟

ـ ما در مرزهای رسمی قوانین بسیار جدی داریم و افراد طبق ضوابط وارد کشور می شوند و تشریفات حقوقی طی می شود و اغلب ما به شکل مقابله به مثل برخورد می کنیم و نظارت امنیتی، به شکل جدی وجود دارد.

اما در مورد غیر رسمی ها وضع این گونه است شرایط خاص دولت ایران موضوع را متفاوت می کند. حقوق انسانی و دینی ما نسبت به انسانها باعث می شود قوانین اجرا نشود. قانون اجازه می دهد یک مهاجر غیر مجاز را بزنند. قانون سه سال زندان و جریمه و ... هم داریم اما ما با سیل عظیم مهاجر مواجه هستیم که نمی توانیم آنها را به زندان بیندازیم. شما دقت کنید در سایر کشورها کشتی های حامل مهاجران غیر قانونی غرق می شود، علت چیست؟ دولتها کاری می کنند که کسی دیگر از این کشتی ها استفاده نکند؟ اما ما به خودمان اجازه نمی دهیم که کسی که فقط برای برآوردن نیاز اولیه یک انسان که خوردن غذا هست وارد کشور ما می شود او را با تیر بزنیم.

روسیه در سال ۲۰۰۷، ۵۷ هزار مهاجر غیر قانونی را اخراج کرده، فرانسه ۲۳ الی ۲۴ هزار نفر اخراجی داشت. فرانسه معتقد است خودش باید پناهنده را انتخاب کند فردی را که به او نیاز دارد انتخاب کنند. اما آیا ما می توانیم یک بچه افغانی بیمار را در مرز از بین ببریم چون به درد کشور ما نمی خورد؟

اما اکنون در بسیاری از مشاغل افغانی ها حرف اول را می زنند، بناها، نجارها، منبت کارها و ... جزو این مشاغل است. ما به آنها امکان می دهیم که آنها به کشور خود باز گردند و آنجا مشغول شوند پس ما قانون هم داریم.

▪ سپاسگزارم.

منبع : روزنامه قدس

http://vista.ir/?view=article&id=314472

vista.ir
Online Classified Service

گذر از جاده ابریشم

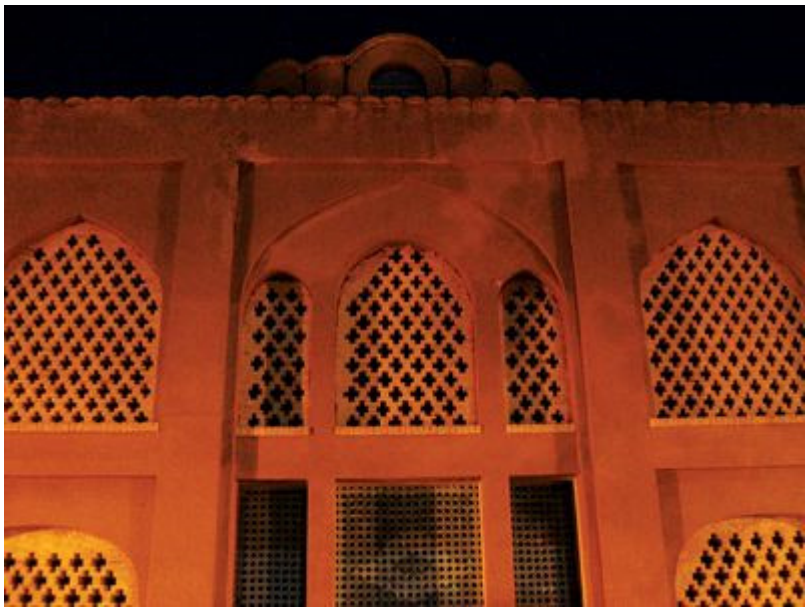

●گلپایگان و ارگ گوگد

ارگ گوگد بنایی است در روستای گوگد، نرسیده به گلپایگان با قدمت تقریبی ۳۰۰ سال. این ارگ که پیشتر کاروانسرایی در مسیر جاده ابریشم بوده حالا به هتل تبدیل شده است. این ارگ در زمان صلح به عنوان کاروانسرا استفاده می شده و محل استراحت تجار سرشناس و حاکمان و والی های سایر ایالات و استان های ایران بوده است.

عده ای معتقدند آغامحمدخان قاجار در لشکرکشی های خود در این محل استراحت می کرده است. قدمت ارگ گوگد به چهار قرن پیش می رسد. اما تنها سند مکتوبی که از این بنا موجود است متعلق به ۱۳۰ سال پیش است و نشان می دهد نصف بنا توسط شخصی به نام علیخان به عنوان مهریه به همسرش واگذار شده و از آن پس، ارگ علیخانی نامیده شده است. ارگ گوگد مربعی شکل است. ضخامت پایه دیوار برج ها دو متر و ۶۰ سانتی متر،ارتفاع دیوارهای آن بیش از ۱۱ متر و قطر هر برج حدود ۹ متر است.

روی دیوارهای مرتفع ارگ، سوراخ هایی وجود دارد که در آن زمان سیستم امنیتی هشداردهنده به شمار می رفته است. یعنی کبوترهایی را در این سوراخ ها جای می دادند و اگر شبی، مهاجمان به وسیله قلاب یا نردبان قصد ورود به ارگ را داشتند، این کبوترها با سروصدای زیاد همه را خبر می کردند. در واقع ارگ گوگد در زمان جنگ دژ نظامی به شمار می رفته است.

وجود طبقات پایین و بالا در ارگ گوگد از معماری منطبق بر نظام طبقاتی در اجتماع آن زمان حکایت دارد. مثلاً استر و استربانان در طبقه پایین و در کنار هم و بازرگانان و افراد شاخص در طبقات بالا ساکن می شدند. ارگ گوگد پناهگاه مردم گلپایگان نیز به شمار می آمده. هنگام هجوم دشمن مردم به داخل قلعه پناه می برده اند و حوض پشت بام قلعه را پر آب می کرده اند تا در صورت به آتش کشیده شدن قلعه بتوانند آتش را خاموش کنند. این حوض و لوله سفالی که آب را به بالای در ورودی قلعه می رسانده همچنان باقی است.

نشانه دیگری که از زمان سلاجقه در گلپایگان باقی مانده، مناری است با ارتفاع ۱۸ متر که نور آن شب ها راهنمای کاروانیان بوده و به همین علت به فانوس صحرا شهرت دارد. فانوس صحرا هم اکنون در بافت شهری گلپایگان قرار گرفته است. شهر گلپایگان مرکز بخش مرکزی شهرستان گلپایگان است. مسجد جامع این شهر متعلق به دوره سلجوقیان است. مسجد حاجی و هفده تن از محله های قدیمی و تاریخی این شهرند.

● خوانسار

خوانسار شهری است در غرب استان اصفهان و در منطقه کوهستانی واقع شده است. این شهرستان در دره ای واقع در حوزه آبخیز رودخانه قم و زاینده رود قرار دارد. آب و هوای خوانسار نوعی آب و هوای کوهستانی و نیمه صحرایی است که وجود چشمه ساران و رودخانه ها و باغ ها به کیفیت آن افزوده است.

مرتفع بودن آن هوایی معتدل به آن داده است. در تابستان ها بسیار مطبوع و دل پسند و ییلاقی است. گلستان کوه خوانسار یکی از معروف ترین تفرجگاه های اصفهان است. حدود هزار هکتار آن محل رویش گل های مختلف از جمله گل سرنگون اشك مریم است. این دشت که در نزدیکی قلعه بابامحمد واقع شده در اردیبهشت پر از لاله است.

صرف نظر از اراضی و باغات و اراضی سنگلاخی و فاقد پوشش حدود ۷۰ درصد سطح شهرستان را مراتع تشکیل می دهد. انواع گونه های درمنه دشتی، درمنه کوهی، انواع گون، جاز، قیاق و جو وحشی گونه های گیاهی این منطقه را تشکیل می دهند. خانه ابهری ها معروف ترین اثر باستانی خوانسار است. شهریورماه با برنامه ریزی سفری دوروزه می توان به دیدن این دو منطقه خوش آب و هوا رفت.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229042

vista.ir
Online Classified Service

گذری بر میدان نقش جهان اصفهان

به راستی که هنر نزد ایرانیان است و بس. به هر کجای این مرز و بوم که رویم به آثار و ابنیه های مختلف به جای مانده از ادوار گوناگون برمی خوریم که هریک سرگذشتی دارند و حال و هوایی. شرح وقایع گذشته بر هر یک از این ابنیه ها بی شک پندی است خطیر در گذر زمان. در این میان شهر اصفهان جایگاهی بس رفیع در ازمنه مختلف ایران داشته و خواهد داشت. چنانچه سفری به اصفهان این نصف جهان زیبا داشته باشیم بی شک از نخستین مکان هایی که به سراغ آن خواهیم رفت میدان نقش جهان یا میدان امام خمینی(ره) است. این میدان که در بخش شمالی شهر اصفهان ساخته شده دربردارنده مجموعه بزرگی از ساختمان های دوره صفوی است. طول این میدان از شمال به جنوب بالغ بر ۵۰۰ متر و عرض آن حدود ۱۶۵ متر است. میدان نقش جهان به جای میدان کوچکی که از دوره تیموری باقی مانده بود، احداث شده. علت نامگذاری این مکان این است که پیش از آنکه شهر اصفهان به پایتختی ایران صفوی برگزیده شود در این میدان باغی گسترده وجود داشته است به نام نقش جهان. پیش از احداث میدان به شکل فعلی، حداقل بخشی از باغ نقش جهان به نام میدان معروف بوده است. علی الظاهر این بنا به شکل فعلی در دوره سلطنت شاه عباس اول و به سال ۱۰۱۱ قمری ساخته شده و در پیرامون میدان، مشهورترین و عظیم ترین بناهای تاریخی اصفهان مانند مسجد امام خمینی(ره) (در ضلع جنوبی)، مسجد شیخ لطف الله (در ضلع شرقی)، عمارت عالی قاپو (در ضلع غربی) و سردر قیصریه (در ضلع شمالی) ساخته شده است. که هریک از این ابنیه خود داستانی دارند شگفت. با گذر از درهایی که به درون میدان باز می شوند، خواهیم دید که چهار بازار بزرگ اطراف میدان را احاطه کرده اند. این بازارها در روزگار صفویه هر یک به شغلی اختصاص داشت. معمار چیره دست اصفهانی علی اکبر اصفهانی ساخت مسجد امام خمینی(ره) و عالی قاپو را بر عهده داشته است.

غیر از ابنیه یی که اکنون موجودند، بنا های دیگری نیز در میدان نقش جهان وجود داشته که به تدریج کاربرد خود را از دست داده و از میان رفته اند. عمارت ساعت (که به کلی تخریب و بنای مسجد شیخ لطف الله به جای آن ساخته شد)، ۱۱۰ عراده توپ اسپانیایی (غنیمت فتح جزیره هرمز به وسیله امامقلی خان) و میله قپق به ارتفاع ۴۰ متر در مرکز میدان (که امروزه به کلی از بین رفته است) از آن جمله اند.

این میدان در سده یازدهم هجری قمری یکی از بزرگ ترین میدان های دنیا بوده و در دوره شاه عباس و جانشینان او بازی چوگان، رژه ارتش، چراغانی و نمایش های گوناگون در این محل انجام می گرفته است. دو دروازه سنگی چوگان از آن دوره هنوز در میدان باقی است که از انجام ورزش چوگان در آن دوره حکایت می کند. این میدان همچنین محل برگزاری جمعه بازارهای عظیم بوده است. جالب اینکه این میدان قسمت بندی شده و هر صنف در جای مخصوصی کالاهای خود را عرضه می کردند. یکی از اولین مراسم رسمی که در این میدان برگزار شده است، بازگشت پیروزمندانه امامقلی خان از فتح جزیره هرمز و اخراج استعمارگران پرتقالی بوده است. در حال حاضر دور تا دور میدان را بازار صنوف صنایع دستی اشغال کرده و به لحاظ توریستی بودن از رونق خوبی برخوردارند. با راه رفتن درون بازارها و شنیدن صدای چکش استادان قلمزن و دیدن آثار منبت

کاری شده و سایر آثار دستی اصفهان درمی یابیم که به راستی اصفهان جلوه گاه هنر ایرانیان است.

میدان نقش جهان شاهد بسیاری از خاطرات تاریخی ایران در چهار قرن اخیر بوده است. خاطرات زندگی شاه عباس کبیر و جانشینان او تا آخر عهد صفویه با این میدان بزرگ تاریخی به هم آمیخته است. در دوره قاجار، مانند سایر بناهای تاریخی اصفهان مورد بی مهری حکام محلی علی الخصوص ظل السلطان و صارم الدوله قرار گرفت و تا مرز تخریب نیز پیش رفت.

از سال ۱۳۶۸ به بعد به منظور حفظ و نگهداری این اثر ارزشمند، تردد خودروها در بخش جنوبی ممنوع شد و تردد در این بخش به صورت پیاده یا با درشکه صورت می پذیرد. احداث موزه بزرگ اسلامی در طبقه فوقانی میدان در حال انجام است و به زودی میدان بزرگ و باعظمت نقش جهان محلی برای نمایش و ارائه آثار اسلامی خواهد بود. آنچه درباره میدان نقش جهان می توان گفت اینکه این اثر نفیس و باشکوه که در دنیا از شهرتی چشمگیر و بی نظیر برخوردار است با مجموعه عناصر و عملکردهایی که در نقش های سیاسی، مذهبی، اقتصادی، توریستی و تفریحی داشته پیوسته در آسمان هنر و زیبایی ایران و جهان می درخشد. به طوری که با جرات می توان ادعا کرد این میدان همراه با فضاهای تکمیلی و عناصر مربوط به آن یعنی عمارت عالی قاپو، مسجد شیخ لطف الله، مسجد امام خمینی(ره)، سردر قیصریه و راسته بازارها، یکی از دیدنی ترین جاذبه های جهانگردی جهان است.

ایمان نیکزاد

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=131749

vista.ir
Online Classified Service

گردشگران آبعلی

ایران کشوری خوش آب و هواست با جاذبه‌های گردشگری فراوان. گردشگری و جذب توریسم یکی از منابع جذب سرمایه در مناطق گردشگری محسوب می‌شود و هر منطقه بنابر موقعیت خود مکانی را به اسکان گردشگری اختصاص می‌دهد. منطقه آبعلی از نقاط گردشگری و تفریحگاه‌های پایتخت‌نشینان محسوب می‌شود، شغل بیشتر مردم آبعلی رستوران‌داری است که این نشان‌دهنده قابلیت بالای پذیرش گردشگر این منطقه است. آبعلی محل تولد اسکی نوین و پایه و اساس ورزش اسکی در ایران است. این مکان ورزشی همه‌ساله مخصوصا از دی‌ماه تا اواخر اسفند میزبان دوستداران ورزش مفرح اسکی می‌باشد. همچنین می‌توان از خانه‌های قاجاری روستای مبارک‌آباد، آستان امامزاده حمزه(ع)، امامزاده صالح، امامزاده هاشم، چشمه‌های آب معدنی و کاروانسرای عباسی به عنوان مناطق دیدنی، تاریخی، طبیعی و گردشگری این منطقه نام برد. در این بین ۳۰ تا ۴۰ درصد از بناها و جاذبه‌های گردشگری آبعلی زیر نظر وزارت نفت، بنیاد مستضعفان و سپاه است.

● هتل آبعلی نخستین ساختمان بتنی ایران

یکی از این بناهای تاریخی در ۴۵ کیلومتری شرق تهران و بر فراز شهر آبعلی، دیده می‌شود که به «هتل آبعلی» معروف است. این هتل نخستین

ساختمان بتنی در ایران است و قدمت آن به سال ۱۳۱۲ می‌رسد و در سال ۱۳۱۶ آغاز به کار کرد. طراحی و معماری آن توسط یک روسی و دو آلمانی صورت گرفته است. هتل و محوطه آن اولین اقامتگاه با ویژگی مهندسی و باغ‌سازی در ایران است. طبق گفته شهردار آبعلی بعد از بسته شدن هتل «آبعلی» در سال ۶۵، هتل «شالوزنه» با مدیریت تربیت‌بدنی وجود داشت ولی در حال حاضر تنها سه مرکز اقامتی در شهر وجود دارد. با وجود اینکه روزانه ۷۵ تا ۱۰۰ هزار گردشگر در ایام تعطیل از جاده آبعلی می‌گذرند و با وجود بنایی با کاربری هتل، آبعلی هتل ندارد. این بنا هم‌اکنون در اختیار بنیاد علوی (وابسته به بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی) است و به همراه فضای اطراف و مجموعه پارک و... چند ساختمان دیگر، مجموعه «امام خمینی(ره)» را تشکیل می‌دهد.

هتل آبعلی سال ۸۲ در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته و با وجود آنکه از نخستین هتل‌های ساخته شده در ایران است، تاکنون مورد مرمت و بازسازی قرار نگرفته و از زمانی که بنیاد مستضعفان این مکان را تحویل گرفت اجازه ورود عموم مردم را به داخل آن نداده است. این نهاد هتل را از حالت عمومی خارج و کاربری جدیدی را برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و برپایی اردوهای دانش‌آموزی در مجموعه امام خمینی(ره) تعریف کرده است. اگر زیرساخت‌ها آماده و تعامل بین میراث و بنیاد علوی به وجود آید، قطعا بخش خصوصی حاضر به سرمایه‌گذاری روی این هتل خواهد بود. این منطقه نیازمند ایجاد امکانات و زیرساخت‌هاست. ایجاد شرایط و رایزنی با مدیران بخش‌های دولتی از دیگر مباحث مهم است و هدف آن است که این امکان فراهم شود تا گردشگران بتوانند از مناطق گردشگری تحت نظارت بخش‌های دولتی بازدید کنند. هم‌اکنون این بنا با قدمتی حدود ۷۵ سال، پیر و فرسوده نظاره‌گر آن است که آیا مدیران بنیاد علوی، مسوولان شهری و کارشناسان سازمان میراث فرهنگی می‌توانند به تعاملی پویا و پایدار رسیده و این بنا را از خطر نابودی و فرسایش نجات دهند یا همچنان گردشگران باید از دور شنوای صدای سکوت و تخریب این هتل باشند، سکوتی تلخ که حکایت از بی‌توجهی مسوولان به میراثی ملی دارد.

- دیگر بناهای آبعلی

آستان امامزاده حمزه(ع) با قدمت ۹۰۰ - ۸۰۰ ساله، در فاصله ۴۳ کیلومتری جاده تهران- آمل (هراز) و در شمال روستای مبارک‌آباد واقع گردیده است. پلان این بنا هشت ضلعی است که روی طاقنماهایی قرار دارد. بر بالای اضلاع هشتگانه و جایی که هشت به شانزده تبدیل می‌شود، یزدی‌بندهای زیبایی وجود دارد. با توجه به پلان و نوع مواد مورد استفاده در بنای امامزاده حمزه(ع) و مقایسه آن با انواع دیگر، قدمت بنای مذکور به قرون پنج و شش هجری قمری می‌رسد. اقدامات مرمتی جهت استحکام بنای امامزاده حمزه صورت گرفته است که شامل برداشت انبوه خاک اطراف بنا، ایجاد دیوار حائل در جبهه شمالی، شرقی و غربی برج، صفه‌سازی اطراف برج در شعاع دو متر، برداشت اندود قبلی خارج بنا، اندود نمودن بیرون و داخل بنا، آجرفرش نمودن فضای داخل و ساماندهی محوطه اطراف برج می‌شود. همچنین تنظیم روشنایی داخل و خارج بنا از دیگر اقدامات مرمتی است که در آینده نزدیک انجام خواهد گرفت.

امامزاده صالح، از دیگر امامزاده‌های آبعلی محسوب می‌شود که در سینه‌کش کوهی در سمت جنوب منطقه جدیدالاحداث هزار دشت قرار دارد. پلان این بنا هشت ضلعی است که در داخل بنا بر بالای هر ضلع طاقنمایی که بالای آن نیم‌دایره می‌باشد، وجود دارد ولی نمای بیرونی آن بر اثر مرمت غیراصولی که در دوره‌های قبل انجام شده مدور به‌نظر می‌رسد. با توجه به نوع معماری و پلان بنا، قدمت آن به دوران ایلخانی و تیموری می‌رسد. بنای امامزاده در دامنه شمالی تپه واقع گردیده است امامزاده در سال‌های گذشته در قسمت جنوبی بنا خاک تا ارتفاع تقریبا یک متر و نیم بنا را در خود فرو برده بود از این‌رو خاک‌های واقع در جبهه جنوبی بنا جداسازی شد که این امر سبب رانش بنا به سمت شمال شده است. زیرسازی و تقویت فونداسیون، بتن‌ریزی داخل بنا، گرفتن شکاف‌ها و درزهای موجود «دوخت و دوز»، ساماندهی محوطه، اندود پوسته داخلی و خارجی بنا پس از بازسازی گنبد، صفه‌سازی اطراف بنا، کف‌سازی داخل حرم با آجر ختایی، نشانه‌گذاری و حریم بنا و احداث جاده انحرافی به منظور دسترسی به بقعه از دیگر اقدامات مرمتی است که صورت گرفته است.

خانه‌های قاجاری روستای مبارک‌آباد در مرکز محله مبارک‌آباد آبعلی در داخل کوچه باریکی که تابلو ندارد و در فاصله ۶۰ متری شمال‌غرب امامزاده صالح قرار دارد. این دو خانه در مجاورت هم هستند و می‌توان از آنها به عنوان عناصر دیگر گردشگری آبعلی نام برد. همچنین است کاروانسرای عباسی که متعلق به دوره صفویه است که درون خاک مدفون شده و با انجام کاوش آثار آن دوره از دل خاک سر به در خواهد آورد.

- چشمه‌های معدنی شهر آبعلی

آبعلی دارای سه چشمه معدنی است، چشمه آب معدنی در شمال آبعلی در ۶۰ کیلومتری شمال‌شرقی تهران در کنار بستر رودخانه مبارک‌آباد از زمین می‌جوشد و از جاذبه‌های گردشگری این مکان محسوب می‌شود همچنین اولین چشمه آب معدنی است که در سال ۱۳۰۷ پس از آغاز مطالعه آب‌های معدنی و گرم در ایران شناسایی شد. عامل تشکیل آن گسله می‌باشد که نشان‌دهنده مظهر چشمه است. آب چشمه آبعلی از

گروه آب‌های بی‌کربنات کلسیک سرد با ph متمایل به اسید است. خواص درمانی این آب در دستگاه گوارش، کبد، لوزالمعده و روده است. همچنین آب این چشمه برای تنظیم کلسترول و اسید اوریک نیز موثر است. آب چشمه مزه مطبوعی دارد و بی‌بو و بیرنگ است. چشمه آب معدنی البرز-آبعلی در ۶۰ کیلومتری شمال‌شرق تهران در دهکده آبعلی و در کنار جاده تهران- آمل از زمین می‌جوشد. سومین چشمه آب آهن نام دارد که در حدود ۳۰۰-۲۰۰ متری چشمه آبعلی است و آب آن از چشمه کوچکی بیرون می‌ریزد و پس از چند متر وارد رودخانه می‌شود.

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=349690

vista.ir
Online Classified Service

گردشگری بدون ماشین

در چند سال اخیر پدیده جدیدی در جوامع مدرن شکل گرفته است با نام؛ «تعطیلات بدون اتومبیل»؛ طرحی بی سابقه که علاوه بر ایجاد تکنولوژی های جدید جابه جایی و حمل و نقل در توسعه گردشگری و حفاظت از محیط زیست هم نقش مهمی را ایفا می کند.برای مثال اتریش یکی از کشورهایی است که پروژه «تعطیلات بدون اتومبیل» را در دو مکان توریستی Bad Hofgastein و Wer Fenweng در استان سالزبورگ اجرا کرده است.

BadHofgestein با شش هزار نفر بومی هر سال هشت هزار جای خواب برای میهمانان حاضر می کند و به این ترتیب میزبان یک میلیون توریست (با اقامت یک شب) می شود. این منطقه یکی از ۱۰ مکان توریستی مهم در کشور اتریش است که در دو کیلومتری خط آهن اصلی Tauem واقع است.

یک خط اتوبوس اختصاصی، ایستگاه راه آهن را به مرکز شهر وصل می کند.Wer Fenweng با ۶۵۰ نفر سکنه، منطقه دیگری است که طرح «تعطیلات بدون اتومبیل» در آن اجرا می شود. این منطقه با ۱۸۰۰ جای خواب، سالانه میزبان ۱۹۰ هزار توریست با اقامت یک شبه است.این مکان خط آهن اختصاصی ندارد و یک سرویس تاکسی تلفنی ۱۴ کیلومتری اطراف را تا ایستگاه Bisho Fshoen پوشش می دهد. یک سرویس کرایه هم با وسایل نقلیه الکتریکی برای ساکنان و توریست هایی که بدون ماشین آمده اند در نظر گرفته شده است.

- شکل گیری پروژه

این طرح پنج ساله از سال ۱۹۹۸ شروع به کار کرد. مقدمه و تدارکات پیش بینی شده در این پروژه حدود هشت میلیون یورو هزینه دربرداشت.برآورد تعداد استقبال و بازدیدها از زمان آغاز به کار این طرح تاکنون، پیشرفت خوبی را نشان می دهد.

به ویژه مکان هایی که در طرح و تعطیلات بدون اتومبیل سهیم هستند، نسبت به دیگر مکان های توریستی، رشد بالاتر و گردشگران بیشتری

داشته اند.تعداد مسافران و بازدیدکنندگانی که با قطار به Wer Fenweng آمدند افزایش پیدا کرد و از ۱۶ درصد در سال ۱۹۹۸- ۱۹۹۷ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ افزایش پیدا کرد. در همین مدت تعداد گردشگرانی که با ماشین سفر می کردند از ۷۸ درصد به ۶۶ درصد رسید.

این تغییر روش ۲/۱ میلیون کیلومتر از مسیرهای طی شده با ماشین را کاهش داد یعنی کاهش تولید ۳۷۵ تن CO_2 در حالی که در سایر نواحی افزایش توریست های اتومبیل سوار ادامه پیدا کرد.اما اتریشی ها برای اجرای این طرح دست خالی به میدان نرفتند. آنها تعداد مسیرهای عابران پیاده، پیست های دوچرخه سواری و مکان های گردشی برای افراد پیاده را افزایش دادند.آنها وسایل نقلیه موتوری (ماشین های کرایه ای خصوصی و اشتراکی، مینی بوس هتل ها، وسایل نقلیه باری و...) را با وسایل نقلیه الکتریکی جایگزین کردند و در نهایت حدود پنجاه موتور الکتریکی، سی دوچرخه الکتریکی و پانزده اتومبیل الکتریکی را به کار گرفتند.

اقدامات جدیدی را هم در به کارگیری وسایل حمل و نقل عمومی، سرویس رفت و برگشت به ایستگاه راه آهن، اتوبوس شهری مدرن، اتوبوس ویژه ایستگاه های اسکی و تاکسی های شبانه به کار بستند.مرکز مدیریتی جابه جایی و نقل و انتقال را هم ایجاد کردند که هماهنگی و مدیریت ۲۵ شرکت حمل و نقل را به عهده گرفت.

ایجاد اولین شبکه اطلاع رسانی در مورد مسافرت ها در کشور اتریش و معرفی مجموع وسایل حمل و نقل آماده به کار در استان سالزبورگ و پیوندهای بین المللی با این منطقه یکی دیگر از کارهای زیربنایی بود که آنها انجام دادند.اتریشی ها چند اقدام تشویقی هم در نظر گرفتند و به «توریست های بی ماشین» محصولات «از پیش پرداخت شده» که در بروشورهای مسافران معرفی و قید شده است، ارائه دادند. بازدید رایگان از مکان ها، نمایشگاه های تخصصی گردشگری، تخفیف در مکان های تجاری و ایجاد سفرهای تبلیغی برای پرسنل آژانس های مسافرتی دیگر تشویق های گردشگران «بدون ماشین» بود.

- موفقیت پروژه

بررسی ها نشان می دهد که جایگزینی ۱۰۰ وسیله نقلیه موتوری با ماشین های الکتریکی به طرز قابل توجهی آلودگی هوا، آلودگی های صوتی و انتشار گاز CO_2 را کاهش داد. نتایج به دست آمده از این پروژه از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی در مورد کاهش آلودگی های هوایی، صوتی و زیست محیطی نشان می دهد که «گردشگری بدون ماشین» پدیده ای پایدار، جالب و دارای مزیت های فراوان است.

به علاوه موفقیت این پروژه باعث شده قیمت اتومبیل های الکتریکی در مقایسه با اتومبیل های موتوری به سطح قابل دسترسی برسد هرچند قبل از آن برای خرید ماشین های الکتریکی، یارانه پرداخت می شد.

- سفر در کوبا

رفت و آمد در کوبا مساله ای حیاتی است از این رو کوبایی ها پیاده می روند، اتو استاپ می کنند یا در ایستگاه های وسایل نقلیه عمومی صف می بندند.

▪ اتواستاپ (سواری مجانی)؛کوبایی ها به آن botellas می گویند که امکان رفت و آمد بسیار متداولی در کوبا است.

▪ اتوبوس بین شهری؛وسیله رفت و آمد بسیار مطمئن و کارآمدتر از اتواستاپ و در عین حال کم خرج تر از ماشین های کرایه ای. با این حال شبکه اتوبوسرانی بین شهری زیاد گسترده نیست، اتوبوس ها از دسترس همه شهرها دور هستند؛ در واقع فقط چند خط بین شهرهای بزرگ و مکان های توریستی وجود دارد. دو کمپانی بزرگ Astro و Viazul در بازار خطوط داخلی سهیم هستند.

▪ راه آهن؛ شبکه راه آهن هاوانا را به همه شهرهای مهم کشور وصل می کند. با اینکه سیستم راه آهن هر سال گسترش می یابد، قطارها کند و فرسوده هستند و هیچ وقت سر ساعت نمی رسند، به علاوه مملو از مسافر هستند. معمولاً مسافران در طول راه، هر کجا بخواهند سوار و پیاده می شوند و درهای ورود و خروج بسته نمی شوند.

▪ تاکسی؛ تاکسی در پایانه های اتوبوسرانی به وفور یافت می شود. تاکسی های شرکت های رسمی (ترانستور، هاواناتور، کوبا تاکسی که معمولاً زیاد گران نیستند) در مسیرهای طولانی با قیمت هایی کاملاً رقابتی به مسافران سرویس می دهند.

▪ اتومبیل های کرایه ای؛ ماشین کرایه ای بهترین پیشنهاد برای دیدن کشور کوبا است. بی شک گران است ولی اگر تعداد مسافر بیشتر باشد، پول کمتری پرداخت می کنید. کرایه این ماشین ها نیز بنابر نرخ مصوب است.

▪ هواپیما؛ با ارتباط منظم میان شهرهای اصلی کوبا، وسیله مناسبی برای صرفه جویی در وقت به علاوه نرخ عادلانه و معقول است.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=265753

vista.ir
Online Classified Service

گردشگری دانشجویی بعد از کما

همواره یکی از مهمترین ابزارهای تجربه اندوزی در زندگی ایرانیان سفر بوده است.

مصداق این جمله را باید در واکاوی فرهنگ گردش در ایران یافت و حتی به این موضوع دقیق شد که معماری خانه‌های ایرانی هم به گونه‌ای بوده که هر خانه یک فضای تفریحی، گردشی به شمار می‌رفته است. حیاطهایی پوشیده از درختان مختلف و استخر و حوض‌های زیبا، شاید یکی از کوچکترین نمونه‌های فضای گردشگری خانه‌های ایرانی بوده است.

این اهمیت به سفر و گردش در میان جوانان بیشتر به چشم می‌خورد، اما در روزگار کنونی شاید سفر و گردش برای بسیاری از جوانان بدل به یک رویای دست نیافتنی شده باشد. البته نباید فراموش کرد یکی از مهمترین گروه‌های جوانان که در این بی‌بهره بودن از تجربه سفر آسیب دیده، دانشجویانند.

دانشجویان در سال‌های نه چندان دور با استفاده از امکانات دانشگاه‌ها گاهی رنگ سفر را می‌دیدند که این سفرهای دانشجویی در۲ دهه گذشته مدام محدودتر شده است.

حالا اوضاع به گونه‌ای است که تقریبا تمام دانشگاه‌ها برای جابه‌جایی روتین دانشجویان هم با مشکل مواجهند و دست به دامن بخش خصوصی می‌شوند، چه رسد به اینکه دانشجویان، سفر با استفاده از امکانات دانشگاه را تجربه کنند.

این در حالی است که در بعضی رشته‌های دانشگاهی سفر به عنوان یک اصل انکارناپذیر تعریف شده است. رشته‌های معماری، شهرسازی و رشته‌های هنری از این دسته به شمار می‌آیند.

- از دانشکده به دهکده جهانی

مهمترین گروه‌های مسافرتی دنیا ۲ دسته‌اند؛ یکی جوانان که به واسطه جویای تجربه بودنشان به سفر می‌اندیشند و دیگری گروه سنی سالمندان که به دلیل اندوخته اقتصادی مناسب‌شان و داشتن فرصت بیشتر انگیزه‌های فراوانی برای سفر دارند. با این اوصاف نمی‌توان به راحتی از کنار آمار چهار و نیم میلیونی دانشجویان ایرانی گذشت.

البته گردشگری دانشجویی در ایران نسبت به سایر کشورها بسیار ابتدایی و ضعیف است.

در کشورهای پیشرفته ای که آمار دانشجویان‌شان ربع تعداد دانشجویان ایران نیست، انواع تشکل‌های دولتی وغیردولتی مسئولیت ارائه سرویس‌های گردشگری به دانشجویان را برعهده دارند.

در این میان کنفدراسیون بین‌المللی سفرهای دانشجویی که دفتر مرکزی آن در کشور هلند واقع شده سال‌هاست به دانشجویان کشورهای مختلف خدمات ارائه می‌دهد اما همین کنفدراسیون در ایران نمایندگی ندارد.

البته ضعف گردشگری دانشجویی در ایران تنها به همین ماجرا ختم نمی‌شود. IAS یکی از موسسات فعال بین‌المللی در حوزه گردشگری دانشجویی است که مبتکر طرح کارت‌های بین‌المللی سفر دانشجویان است.

کارت‌های IAS این امکان را به دارندگان خود می‌دهد تا در نقاط مختلف جهان (هر نقطه‌ای که با این موسسه مرتبط است) از خدمات مختلف گردشگری نظیر اقامتگاه‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌های مقصود با تخفیف‌های ویژه استفاده کنند؛خدماتی که باز هم دانشجویان ایرانی از آن چندان بهره‌ای نمی‌برند.

IAS حدود ۴۰میلیون عضو دارد. از سال ۱۳۸۳ دانشگاه تهران نمایندگی صدور کارت‌های بین‌المللی IAS را گرفت و در این مدت هنوز اعضای ایرانی این موسسه به ۵۰ هزار نفر هم نرسیده است.

این عدم استقبال دانشجویان ایرانی را باید از چند منظر بررسی کرد. موضوع اول ضعف ساختارهای حمایتی دولتی در این موارد است. نکته بعد به ضعیف بودن سازوکارهای خصوصی در حوزه گردشگری مربوط می‌شود و مورد دیگر هم که نباید از آن غافل شد مشکلات دانشجویان ایرانی برای خروج از کشور است.

• کارتی برای سفر

« مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران با توجه به اهمیت موضوع گردشگری دانشجویی و تجربه ضعیف بهره‌مندی از کارت‌های بین المللی IAS، کارت سفر دانشجویان ایران را از مهرماه امسال طراحی و عرضه کرده است.»

این حرف‌های مهندس مجتبی توسل مدیر اجرایی پروژه کارت سفر دانشجویان است که اینگونه ادامه می‌یابد:«برنامه‌ریزی برای اجرای این پروژه از حدود ۲ سال قبل آغاز شده و دفاتر این طرح در دانشگاه‌ها به مرور در حال راه‌اندازی است. تاکنون نیز دفاتر نام نویسی و دریافت کارت سفر دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، صنعتی شریف، امام خمینی قزوین، شهید بهشتی، امیرکبیر و دانشگاه آزاد واحدهای تهران، رودهن و اصفهان برپا شده است.

دانشجویان برای دسترسی به این کارت می‌توانند از طریق سایت www.tcis.ir ثبت نام کرده یا به دفاتر اداره پست مراجعه کنند.

استفاده از این کارت امکان مسافرت‌های خانوادگی برای دانشجویان را فراهم می‌کند. هر دانشجو –دارنده کارت- می‌تواند از مزایا و تخفیف‌های کارت سفر دانشجویان برای خود و ۴نفر دیگر از اعضای درجه یک خانواده‌اش استفاده کند.

▪ محتویات کارت جادویی

دارندگان کارت سفر دانشجویان از تخفیف ۳۰۰ مرکز اقامتی در ایران برخوردارند. استفاده از هتل‌های بنیاد مستضعفان(گروه هتل‌های پارسیان) و هتل‌های گروه هما با این کارت برای دانشجویان تخفیف‌های ویژه‌ای دارند. امکان اقامت رایگان در مشهد برای سالانه ۸تا۱۰هزار نفر دانشجو فراهم شده و خلاصه تسهیلات مالی متعددی به صورت وام‌های بلندمدت به دارندگان این کارت‌ها ارائه می‌شود.

دانشجویانی که کارت سفر دانشجویان را در جیب خود دارند همچنین می‌توانند از تورهای متفاوت و ارزان قیمتی که مرکز کار آفرینی دانشگاه تهران ترتیب می‌دهد بهره‌مند شوند. یک نکته بسیار با اهمیت در مورد دانشجویانی که این کارت را دریافت می‌کنند از زبان مدیر اجرایی طرحکارت سفر دانشجویان از این قرار است:«با مذاکرات چندین ماهه توانستیم مدیران سازمان گردشگری را مجاب کنیم تا برای دانشجویان عضو طرح کارت سفر دانشجویان، سفر کارت ملی صادر کنند. سفر کارت ملی قرار است میان کارمندان و اقشار کم درآمد توزیع شود که فعلا تنها دانشجویان دارنده کارت سفر دانشجویان از آن بهره‌مند می‌شوند.»

• ضرورت سفر دانشجویی

تجربه اندوزی از طریق سفر یک نیاز روشن و قطعی است که شاید برای دانشجویان ضرورتی بیش از دیگران داشته باشد. دانشجویان که سفرهای متعددی را تجربه کرده‌اند، در زندگی موفق‌تر خواهند بود و البته نباید فراموش کرد که گسترش هرچه بیشتر این سفرها نیازمند تکمیل امکانات و ارائه سرویس‌های جدید به این قشر است.

حالا باید امیدوار بود با ارائه خدماتی نظیر کارت سفر دانشجویان، گردشگری دانشجویی دوباره رونق بگیرد. هرچند این رونق اندک باشد.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=287165

vista.ir
Online Classified Service

گردشگری گوناگون

از سال ۱۹۹۲ تا به حال اداره گرد شگری ملی چین ، به منظور تبلیغ و معرفی بهتر منابع گردشگری چین برای جهانگردان ،گردشگری با موضوع حاکی ازعادات و رسوم و مناظر زیبای متفاوت را تشکیل داده و سلسله فعالیت های گردشگری ، خطوط چین گردی جالب ، گردشگری با ویژگی و سیاست مساعدت به فروش درمناطق فرامرزی را تنظیم کرده است. امسال این فعالیت برگیرنده موضوع"چین گردی میان مردم " است. چین قدمتی تمدن پنج هزار ساله دارد که مردم ان دارای حسن خلق و صفاتی چون پشتکاری و شجاعت و پاکی و مهربانی بوده روش زندگی و رژیم غذایی و عادات خاص خود را دارند. زندگی پر مضمون رنگارنگ مردم چین ، بخشی مهمی از فرهنگ این کشور بوده و به منبع چین گردی پر ارزش انسانی تبدیل شده است. زندگی مردم چین به لحاظ مسکن –رژیم غذایی – البسه و تفریح – بی پایی جشن – عادات و رسوم دارای ویژگی شرقی بوده و چهره معنوی و خوش اخلاقی ملیت چین را نمایان می کند. هدف از گردشگری مردمی، تعمیق آشنایی جهانگردان با جامعه و زندگی مردم چین است تا آنان از نزدیک شاهد شیوه زندگی مردم این کشور و فرهنگ جالب چیننیان باشند.

عناوین موضوع چین گردی اداره گردشگری ملی چین در سالهای اخیر سال۱۹۹۲: سال دیدار دوستانه سال۱۹۹۳:گردشگری در کوهها و رودهای چین سال ۱۹۹۴:گردشگری برای اثار تاریخی و مکانهای باستانی سال۱۹۹۵: گردشگری برای عادات و رسوم مردمی سال ۱۹۹۶: گردشگری برای استراحت و تفریح سال۱۹۹۷:سال چین گردی سال۱۹۹۹: گردشگری محیط زیست ۹۹ سال۲۰۰۰: گردشگری هزاره در چین سال۲۰۰۰ سال۲۰۰۱: گرد شگری سالم سازی و ورزش چین سال۲۰۰۱ سال۲۰۰۲:گردشگری هنرهای مردمی چین سال۲۰۰۳: گردشگری کشور هنر آشپزی چین سال۲۰۰۴: گردشگری در زندگی مردمی چین

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=9202

vista.ir
Online Classified Service

گردشگری و میراث فرهنگی، در حسرت مدیریت خلاق و آینده‌نگر

هر چند این سازمان در حمایت از بخش غیردولتی تسهیلات جالب توجهی را از جمله پرداخت ۵۰ درصد هزینه‌های تبلیغاتی و بازاریابی و اعطاء جایزه صادراتی به گردانندگان تورهای ورودی عنوان کرد، اما این تسهیلات اثرات نامحسوسی در جذب گردشگر به کشور داشته است و هنوز در پلکان آخر درآمدزائی ایستاده‌ایم. شرایط سفرهای داخلی برای هموطنان نیز چنگی به دل نمی‌زد. و به‌دلیل ساختار ناموزون توسعه گردشگری در کشور، سفر در سرزمین تاریخی ایران با معضلات متعدد و ساختاری برخوردار است. پیش‌تر حسین مرعشی در گفت‌وگو با ماهنامه سفر یادآور شده بود که ذهنیت و

نگرش تمامی مسئولان به اهمیت گردشگری و میراث فرهنگی یک ذهنیت اصلاح شده‌ای است و شرایط کار راحت‌تری فراهم آمده است. اما گردانندگان تورهای مسافرتی با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند به‌ویژه که سیاست‌های گردشگری و میراث فرهنگی دولت آینده نیز برایشان چندان خالی از ابهام نیست.

در برنامه چهارم رقمی در حدود ۳۰ هزار میلیاردتومان منابع برای تجهیز سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری و میراث فرهنگی در نظر گرفته شده است. از این مبلغ ۵ هزار میلیارد تومان سهم دولت و ۲۵ هزار میلیارد تومان آورده بخش غیردولتی خواهد بود. برای سال اول برنامه سرمایه‌گذاری، کل ۴ هزار میلیاردتومان ـ سهم دولت ۸۰۰ میلیارد تومان ـ در هیئت دولت به تصویب رسید. بنابراین گزارش دولت با آورده خود طرح‌های تملک دارائی‌های سرمایه‌ای را به مبلغ ۱۱۱ میلیارد تومان؛ اعتبارات هزینه‌های ملی ۴۴ میلیارد تومان و اعتبارات استانی را به مبلغ ۸۵ میلیارد تومان رفع و رجوع کرده است. استفاده از منابع خارجی به‌صورت فاینانس برای طرح‌های تملک دارائی سرمایه‌ای ملی ۵۵۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که در حال حاضر شورای نگهبان با بهره‌گیری از فاینانس مخالفت نشان داده است.

برای تجهیز منابع غیردولتی منابع؛ شاخص‌ترین فعالیت سازمان را در این مدت در جذب منابع غیردولتی، سرمایه‌گذاری بالغ بر ۴۶۰ میلیاردتومان بوده است. تاکنون تفاهمنامه‌ای با بانک‌های رفاه، تجارت، ملت، پارسیان و کشاورزی به مبلغ ۴۰۰ میلیارد تومان منعقد شده و سرمایه‌گذاران به بانک‌ها معرفی شده‌اند. این‌که سرمایه‌گذاران توانسته‌اند از این تسهیلات استفاده کنند یا خیر گزارشی عنوان نشده است.این سازمان نیم‌نگاهی نیز به حساب ذخیره ارزی داشته است. در اجراء ماده یک قانون برنامه و آئین‌نامه مصوب هیئت‌وزیران تاکنون طرح‌های بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاران در تأسیسات گردشگری از این محل به میزان ۲/۱ میلیارد دلار (بالغ بر ۰۸/۱ میلیارد تومان) به بانک‌ها معرفی شده‌اند.

با توجه به این موارد از ۳۲۰۰ میلیارد تومان سهم بخش غیردولتی برای سال ۱۳۸۴ در طول ۵ ماه اول سال بالغ بر ۲۳۰۰ میلیارد تومان آن (۷۲ درصد) محقق شده است و در کل از ۴ هزار میلیارد تومان منابع پیش‌بینی شده ۳ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان (۵/۷۷ درصد) محقق شده است.

از دیگر کارهای عملی و انجام شده در این ۱۴ ماه، اصلاح قوانین و طرح جامع تدوین نظام حقوقی ناظر به میراث فرهنگی، طبیعی و گردشگری کشور بود. مطالعات تطبیقی برای تعیین حدود و ثغور موضوع با توجه به مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی و پیشرفت‌های حقوقی سایر کشورهای جهان از سوی دفتر حقوقی آغاز شد.

با توجه به اینکه مصادیق "نفایس ملی" صرفاً در یکی از دو گروه میراث فرهنگی یا میراث طبیعی قابل احراز است و مدیریت میراث فرهنگی و طبیعی به موجب قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بر عهده این سازمان است، گزارشی به دولت ارسال شد و تعیین سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به‌عنوان مرجع قانونی تشخیص "نفایس ملی" به تصویب هیئت وزیران رسید.

موارد دیگر فعالیت‌های انتشار یافته از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری حاوی مجموعه ملاقات‌ها و تفاهمنامه‌های اولیه است که پی‌گیری نتایج آن به دولت آینده توصیه شده است. مشخص است که در این مدت کوتاه بستر سازی‌های اولیه ـ از نظر اصلاح قوانین و رویه‌ها ـ صورت گرفته است تا بهره‌گری از بودجه‌های گردشگری و سرمایه‌های خارجی در بستر روان و مناسبی قرار گیرد.

در خصوص نحوه مدیریت در موزه‌ها به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین معیارهای تمدن ایران تغییرات مشهودی ملاحظه می‌شود. نحوه مدیریت دولتی به مدیریت هیئت امنائی ضروری تشخیص داده شده است و برای فراهم کردن شرایط مشارکت سایر بخش‌های مسئول، مردم و مراجع علمی و فرهنگی در مدیریت موزه‌ها و محوطه‌های تاریخی فرهنگی، و کاهش تصدی‌گری دولت و توسعه متوازن بخش، آئین‌نامه اجرائی ماده مذکور که شرایط تعیین، نحوه فعالیت وظایف هیئت امنا و نحوه تعامل مدیریت محوطه و موزه با هیئت امنا را بیان کرده است، تدوین و به دولت تقدیم شد. این آئین‌نامه تصویب شده و در مواردی به مرحله اجراء درآمده است. اجراء مفاد آئین‌نامه و ایجاد سیستم مدیریت هیئت امنائی در محوطه‌های تاریخی و موزه‌های حائز شرایط از نظر توسعه بخش ضروری به‌نظر می‌رسد.

همین‌طور برای سرعت دادن به روند تصمیم‌گیری، اختیارات هیئت وزیران به اکثریت وزرای عضو شورای‌عالی میراث فرهنگی و گردشگری تفویض شد. شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری در اجراء اختیارات تفویض هیئت وزیران و با توجه به مفاد ماده ۸ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، آئین‌نامه اجرائی این ماده قانونی را تصویب و ابلاغ کرده که از سوی این سازمان به مورد اجراء گذاشته شده است.

به موجب این آئین‌نامه مناطق نمونه گردشگری در جواز جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و طبیعی به منظور ارائه خدمات به گردشگران از سوی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و با کسب مجوز و تحت نظارت سازمان تشکیل می‌شود.

تشکیل مناطق نمونه گردشگری، باعث کاهش مسافران خروجی از کشور، رونق گردشگری داخل و جذب گردشگران خارجی به‌ویژه از کشورهای

همسایه خواهد شد و به همین علت یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دوره پنج‌ساله آتی تلقی می‌شود.

صبا زواره‌ای

منبع : ماهنامه سفر

http://vista.ir/?view=article&id=215398

vista.ir
Online Classified Service

گرومه در جدال با صخره‌ها

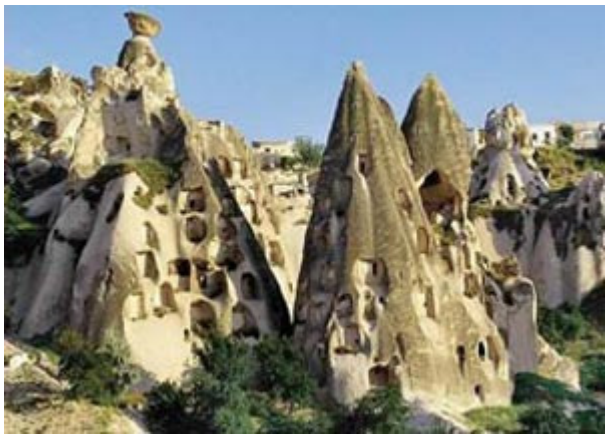

گرومه، یکی از جاهای بسیار زیبای منطقه «کاپادوکیا» واقع در کشور ترکیه است. هتل‌ها و پانسیون‌ها در روستا ناپدید و روستا در دودکش‌های جادویی، تپه‌ها و دره‌ها محو شده است. با افزایش صنعت گردشگری در شهر گرومه، این شهر در طول ۲۰ سال گذشته دستخوش تغییر و تحولات خاصی شده است. با این حال، این شهر کوچک هنوز انجمن‌های پیشرفته‌ای دارد که در زمینه‌های مختلفی تحقیق و مطالعه می‌کنند.

در این شهر می‌توان ترکیه قدیم و جدید را پهلو به پهلو به تماشا نشست و از خیابان‌های پیچ در پیچ آن گیج و مبهوت شد. می‌توان به یکی از خانه‌های قدیمی که در دل کوه حجاری شده و خانواده‌های محلی در آن زندگی می‌کنند ، رفت و فنجانی چای نوشید. در شهر گرومه، جو بسیار صمیمانه و راحتی حکمفرماست.

گرومه به خودی خود مناطقی دارد که می‌توان از نظر معماری به آنها توجه کرد. یکی از این مناطق موزه هوای آزاد مشهور گرومه است که دقیقا بالای جاده واقع شده و نمایانگر این موضوع است که گرومه نقطه عطفی برای شناختن منطقه زیبای کاپادوکیاست.

نام کاپادوکیا شاید از کاتپتوکا سرزمین اسب‌های زیبا در زبان هیتیت مشتق شده باشد. کاپادوکیا عمدتا منطقه کوهستانی و جلگه‌ای در شرق بخش مرکزی آناتولیا و محل تلاقی چندین بزرگراه قدیمی و فرهنگ‌های مختلف است. سرزمین جمعیت‌های پراکنده کاپادوکیا به وسیله سنگ‌های ماسه‌ای قرمز و نمک‌های ته‌نشین‌شده دوره سوم به وجود آمده است.

اینجا منطقه‌ای نسبتا کوچک با خاک حاصلخیز روی خاکسترهای آتشفشانی ولکانیک است که در جنوبی‌ترین بخش آن جمعیت بیشتری متمرکز و به عنوان قلب منطقه در نظر گرفته شده است. علاوه بر غلات، کاپادوکیا از نظر کشت سیب‌زمینی، انواع میوه و انگور بسیار غنی است.

مبدا اصلی این مکان به دوره سوم یعنی حدود ۵۰ میلیون سال پیش برمی‌گردد، زمانی که آتشفشان‌ها بر زمین حکومت و مواد مذاب آتشفشانی به مقادیر بسیار زیاد از کوه‌ها فوران می‌کردند پس از آن فرسایش اجباری در سرزمین کاپادوکیا اشکال مخروطی زیبا و بی‌نظیری را به وجود آورده است.

به مدت صدها سال انسان‌ها در مناطق هموار سکنی گزیدند ولی این مخروط‌های زیبا باعث پیدایش گونه‌ای خاص از مناطق مسکونی، صومعه‌سراها، کلیساها و شهرهای زیرزمینی شده است. تاریخ پیدایش کاپادوکیا به ماقبل تاریخ بازمی‌گردد. در این منطقه مکان‌های بسیار زیادی برای گشت و گذار می‌توان یافت که از جمله آنها می‌توان دودکش‌های ساحر، دره گرومه، پارک ملی، کلیساهای صخره‌ای و شهرهای زیر زمینی را نام برد.

در طول میلیون‌ها سال، کوه‌های آتشفشانی عظیم بخش مرکز آناتولیان فوران کردند و محتویات خود را در سراسر زمین بیرون ریختند و از همان جا، مهد تمدن زمین شکل گرفت. ۱۰ هزار سال پیش در کاتالویوک و در طول ساحل رودخانه کارامباسویو در مجاورت قونیه، در منطقه‌ای معتدل با خاک حاصلخیز، یکی از تمدن‌های اولیه با نقاشی‌هایی از انسان‌های اولیه کشف شد.

● دودکش‌های ساحر

اگرچه شهر گرومه در دنیا از نظر معماری صخره‌ای و ساختمان‌سازی تک نیست، ولی می‌توان گفت از نظر وسعت، معماری، رابطه جغرافیایی و تاریخی و انطباق آن، یکی از جذاب‌ترین مناطق دنیاست گرومه تعداد زیادی دودکش‌های ساحر دارد.

مخروطهای گدازه‌های آتشین در طول قرن‌های متمادی توخالی شده و خانه‌های مسکونی را که تا نوک قله آنها پیشرفت کرده به وجود آورده‌اند. به همین دلیل گرومه تنها مکانی در جهان است که آسمانخراش‌های مستقل از هم به صورت آزادانه در آن به وجود آمده‌اند و انسان را به هیجان می‌آورند.

● آرایش سه‌بعدی خانه‌های مسکونی در گرومه

نقطه جداکننده زندگی شخصی افراد و زندگی بیرون از خانه، از چارچوب در به سمت حیاط است. فضای محصور به خانواده، دیواری با ارتفاع چندین متر حیاط داخلی را که به اتاق‌های خصوصی خانواده منتهی می‌شود، دربر گرفته است. در نتیجه، رابطه بین داخل و خارج فقط از طریق در امکان‌پذیر است که در مواقع ضروری می‌توان آن را قفل کرد. در گرومه، چارچوب سنگی اطراف تزئین شده است.

از قسمت در به سمت درون نیز زندگی خصوصی خانواده شکل گرفته که افراد غریبه تنها در صورت اجازه می‌توانند وارد این حریم شوند. زن‌های گرومه‌ای اغلب در آستانه در نشسته و برای کارهای روزانه یا ملاقات همسایگان آماده می‌شوند. آنها روی سکوی خانه می‌نشینند و به تماشای رفت و آمد افراد یا نگهداری از کودکان در حال بازی می‌پردازند.

حیاط داخلی، بخش باز خانه است؛ ولی اینجا نیز به روی دیگران بسته می‌شود. زمانی که آب و هوا اجازه می‌دهد، بخش عمده‌ای از کارهای خانه مانند پخت و پز روی آتش، بریدن چوب یا شستن لباس‌ها در این مکان انجام می‌شود، این قسمت معمولا به سمت شمال ساخته می‌شود در نتیجه این مکان برای خشک کردن میوه‌ها و غلات بسیار مناسب است.

زمانی که زنان در خانه و در قسمت حیاط درونی هستند همه چیز آرام و راحت به نظر می‌رسد و حتی روسری‌های مخصوص زنان گرومه‌ای نیز از سرشان برداشته می‌شود. حیاط درونی، قسمت مرکزی خانه محسوب می‌شود و از آنجا می‌توان به طور مستقیم به اکثریت اتاق‌های خانه راه یافت.

یکی از ویژگی‌های روستای گرومه و روستاهای اطراف آن، دالان‌های نیمه‌باز است که نوعی منطقه رابط میان دنیای خارج و داخل خانه محسوب می‌شود. اگرچه قسمت جلویی آن باز است و در کارهای عادی روزانه نقش بسیاری دارد، ولی این فضای مسقف از اجزای داخلی حمایت می‌کند. اجاق گاز که در اعماق زمین کار گذاشته و با کانالی برای فراهم آوردن هوا مجهز شده، در این فضا تعبیه شده است.

برخلاف اتاق‌های نشیمن، در بیشتر جوامع غربی، منازل مسکونی روستاهای ترکیه و گرومه معمولا دارای یک اتاق است که در آنجا تعداد زیادی ابزار به عناوین مختلف یافت می‌شود؛ اتاقی که به نوعی اتاق چندکاره محسوب می‌شود. اتاق نشیمن معمولا به چند بخش مجزا تقسیم می‌شود و مکان کوچکی در قسمت ورودی به اتاق نشیمن وجود دارد که برای درآوردن کفش‌ها پیش از ورود به اتاق اختصاص یافته است.

مطابق با تفکرات ترکی، وارد شدن با کفش به اتاقی مانند این اتاق موضوعی نادرست است. به همین دلیل، قسمت اصلی اتاق نشیمن با فرش‌ها و گلیم‌های بسیار زیبا پوشیده شده است. معمولا در دیوار انتهایی این اتاق ۳ در ۵، دو پنجره تعبیه شده است که منظره‌ای بسیار زیبا از دنیای بیرون ایجاد می‌کند.

قسمتی از این بنا از اتاق‌های کوچک که با آرک‌ها احاطه شده است، به وجود می‌آید و معمولا دارای تعدادی تورفتگی، گنجه و قسمت‌هایی مخصوص خواب است. به عنوان یک قانون و قاعده ساخت و ساز، این اتاق‌ها قسمت‌های شستشوی کوچکی دارد که بیشتر در قسمت عقب و به وسیله توسط دری مخفی پوشیده شده است. از آنجا که این اتاق‌ها برای چندین مورد استفاده دارند، فضای خالی و باز مرکز آنها به منظور صرف وعده‌های غذایی تعبیه شده است تا براحتی ظرف‌های غذا به آنجا برده شود.

بیشتر اتاق‌های نشیمن کلاسیک در شهر گرومه، دارای اجاق گازهای مزین و زیبایی است. در قسمت بالای این اجاق‌ها، دودکش‌هایی تعبیه شده که هنگام سوختن زغال، دود آن از این دودکش‌ها بالا خواهد رفت.

در این منازل قسمت‌هایی نیز برای انبار تعبیه شده‌اند. این فضاها که غالبا در صخره‌ها بسیار عمیق فرو رفته‌اند به منظور اهداف مختلف بسته به

موقعیت و این که چه چیزی در آنها نگهداری می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

زیبایی این منطقه به حدی چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند که بازدید از آن خالی از لطف نیست.

هر فردی که به کشور ترکیه و منطقه کاپادوکیا سفر می‌کند، بازدید از موزه و کلیساها و هتل‌های شهر گرومه را در متن سفر خود قرار می‌دهد. آب و هوای بسیار مطلوب این ناحیه در هر فصل از سال نیز یکی دیگر از دلایل سفر به این منطقه است. گرومه جلوه‌ای از هماهنگی دست بشر و طبیعت اطراف آن است.

منبع : روزنامه جامجم

http://vista.ir/?view=article&id=315369

vista.ir
Online Classified Service

گزارشی درباره وضع مهاجران غیرقانونی

این در شرایطی است که براساس آخرین آمارهای اعلام‌شده، حدود یك میلیون مهاجر غیرقانونی اکنون در آلمان زندگی می‌کنند. در هفته‌های اخیر برخی گروههای طرفدار حقوق‌بشر از دولت آلمان خواستار تصویب قوانین جدیدی برای جذب قانونی آن دسته از مهاجران خارجی هستند که هم اینك به‌صورت غیرقانونی دراین کشور زندگی می‌کنند. به اعتقاد این گروه، در زمان تصویب قانون جدید مهاجرت که از ابتدای ژانویه سال ۲۰۰۵میلادی به‌اجرادرآمده، موضوع مهاجرین غیرقانونی در آن به‌صورت مشخص منظور نشده است. این درحالی است که برخی کارشناسان امور مهاجرت معتقدند در صورت تصویب لایحه تکمیلی قانون مهاجرت، می‌توان بسیاری از مشکلات ناشی از حضور مهاجران غیرقانونی را در آلمان برطرف کرد. از جمله این مشکلات می‌توان به عدم دسترسی مهاجران غیر قانونی به امکانات اولیه زندگی بویژه بهداشتی اشاره کرد. براساس قوانین آلمان، چنانچه هر یك از پزشکان و کادر درمانی مراکز پزشکی و حتی مراکز خیریه کلیسایی، بدون احراز هویت نسبت به ارایه خدمات درمانی به مهاجران غیرقانونی اقدام کنند، خود در معرض خطر پیگرد قضایی قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر، فرزندان این دسته از مهاجران در آلمان نیز به تبع نامشخص بودن وضعیت اقامتی والدین خود، از دسترسی به امکانات آموزشی این کشور محروم هستند و مدارس آلمانی در صورتی آنها را در نظام آموزشی خود جذب خواهند کرد که دستکم یکی از والدین از هویت حضور قانونی در آلمان برخوردار باشد. همچنین حضور غیرقانونی باعث شده است که بسیاری از این قبیل مهاجران زندگی مخفیانه‌ای در این کشور داشته باشند که همین امر باعث سو استفاده‌های متعدد از آنان بویژه توسط برخی کارفرمایان آلمانی شده است. مهاجرانی که در آلمان زندگی مخفیانه‌ای دارند، بیشتر از اتباع روسیه یا کشورهای منطقه بالکان، آسیا، آمریکای لاتین و آفریقای غربی هستند. آنان یا بعد از اتمام مهلت ویزای توریستی خود و یا پس از رد تقاضای پناهندگی‌شان، زندگی مخفیانه‌ای را در آلمان پیش گرفته‌اند. از سوی دیگر، برخی محافل رسمی و مدنی آلمان نیز در روزهای اخیر با مطرح‌کردن موضوع پناهندگان غیرقانونی در افکار عمومی آلمان، خواستار روشن شدن وضعیت آنان شده‌اند. ازجمله این اقدامات می‌توان به نامه ۳۷۰شخصیت برجسته آلمانی که اخیرا در کنفرانس سالیانه کلیسای کاتولیك آلمان در برلین منتشرشد، اشاره کرد. اما برخی از کارشناسان امور مهاجرت آلمان بر این عقیده هستند که نقش مهاجران در تقویت رشد

اقتصادی و توسعه این کشور باید برسمیت شناخته شود. به اعتقاد این عده، چنانچه روند قانونی کردن مهاجران غیرقانونی فعلی در آلمان انجام شود، دولت این کشور قادر خواهد بود ضمن دریافت مالیات، از آنان در مشاغلی استفاده کند که اتباع آلمانی حاضر به انجام آن نیستند. این درحالی است که برخی کارشناسان اقتصادی با اشاره به درصد بالای بیکاری در این کشور، با این نظریه مخالفت کرده‌اند. آنان همچنین معتقدند در صورت تصویب قانون جذب مهاجران غیرقانونی، سیل جدیدی از خارجیان برای استفاده از مزایای آن وارد آلمان خواهند شد. در این حال، براساس آخرین آمارهای منتشرشده توسط سازمان‌ملل، مهاجران بیش از دو تریلیون دلار معادل يك تریلیون ۶۷۰میلیارد یورو به اقتصاد کشورهای میزبان خود کمك می‌کنند. بنا به گزارش اخیر، کمیسیون ۱۹نفره تحقیقات جهانی برای مهاجرت بین‌المللی، علاوه بر تریلیون‌ها دلاری که مهاجران در کشورهای میزبان هزینه می‌کنند، سالانه ۱۵۰میلیارد دلار هم به موطن خود می‌فرستند. از سوی دیگر، همین آمارها نشان می‌دهد که مهاجران موجب رد و بدل شدن حدود ۳۰۰میلیارد دلار بطور غیررسمی بین کشورهای میزبان و موطن خود نیز هستند. در حال حاضر بعداز آمریکا و روسیه، آلمان سومین کشوری است که بیشترین تعداد مهاجران خارجی را با رقم ۷میلیون و ۳۰۰هزار نفر در خود جای داده که این تعداد معادل ۴/۲درصد از کل مهاجران دنیا در سال دو هزار میلادی بوده است. از سوی دیگر، از نظر مقدار پولی که مهاجران به کشور خود می‌فرستند، آلمان در بین کشورهای اروپایی، پس از بلژیك و سوییس و در جایگاه سوم قرار دارد. در سال ۲۰۰۱میلادی مهاجران مقیم آلمان ۸میلیارد دلار به کشور خود فرستادند. این درحالی است که در ۳۵سال اخیر تعداد مهاجران در دنیا از ۷۲میلیون به ۲۰۰میلیون نفر افزایش یافته که از این تعداد ۱۰میلیون نفر پناهنده بوده‌اند. همچنین از سال ۱۹۹۰تا ۲۰۰۰میلادی ، ۵۶درصد از رشد جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته مربوط به مهاجران خارجی بوده که این رقم همچنان در حال افزایش است. برپایه گزارش‌های منتشرشده، در حال حاضر سالانه بین ۲/۵تا ۴میلیون نفر بطور غیرقانونی به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند.

منبع : خبرگزاری جمهوری اسلامی ـ ایرنا

http://vista.ir/?view=article&id=210226

vista.ir
Online Classified Service

گشت و گذاری در لاله‌زار قدیم و جدید

قدم زدن در خیابان لاله‌زار بر اهمیت و ضرورت موزه شدن تئاتر نصر و پاسداری از تئاتر پارس تاکید می‌کند. لاله‌زاری که روزگاری نماد نوگرایی و هنر ایرانی بود، و به همین سبب به نام «شانزه‌لیزه تهران» لقب گرفته بود. اما امروز شانزه‌لیزه تهران تبدیل به بازار فروش اجناس الکتریکی شده است. امروز ابزار الکتریکی جایگزین هنر شده و دیگر از آن قابلیت‌های ارزشمند هنری خبری نیست. با این وجود حفظ و نگهداری دو تئاتر نصر و پارس به‌عنوان یک ضرورت فرهنگی از سوی متولیان دولتی لازم‌الاجراست.

روزگاری نه چندان دور در لاله‌زار تهران بسیاری از تئاترها، سینماها، کافه‌ها و رستوران‌ها، تجارتخانه‌ها، خیاطخانه‌ها، و فروشگاه‌های معروف ایران قرار داشتند .

- پیشینه

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۲۶ خورشیدی پس از بازگشت از سفر اول خود

به فرنگ، با این تصور که خیابانی مانند شانزه‌لیزه در دارالخلافه احداث بکند، دستور داد تا از میان باغ مصفای لاله‌زار خیابان بکشند، و زمین‌های اطراف خیابان نیز میان نزدیکان درگاه شاهنشاهی تقسیم شد.

جعفر شهری در کتاب تهران قدیم در این دوره می‌نویسد: عشقی و عارف هم بهترین کارهای خود را در سالن گراندهتل لاله‌زار به صحنه بردند که افراد شیک‌پوش شب‌ها به آن جا رو می‌آوردند.

زمانی در لاله‌زار ۱۵ سینما و چندین تئاتر و تماشاخانه فعالیت داشتند، اما امروز یک یا دو سینما آن هم به طرز نه چندان مطلوب به فعالیت خود ادامه می‌دهند؛ چون امروزه تمامی لاله‌زار را صنف فروشندگان لوازم برقی در اختیار گرفته‌اند.

علی حاتمی، فیلمساز و نمایشنامه‌نویس کشورمان خدمت شایان ذکری در این رابطه کرده است. او با توجه به پروژه تلویزیونی هزاردستان، سال‌ها وقت صرف کرد تا در شهرک سینمایی غزالی، لاله‌زار قدیم تهران را بازسازی کند، و بر اساس این محیط بازسازی شده تاکنون فیلم‌ها و سریال‌های زیادی در این فضا ساخته شده است.

از معروف‌ترین اماکن لاله‌زار می‌توان به گراندهتل، مولن‌روژ، کافه افق طلایی، کافه مصطفی پایان (در لاله‌زار نو)، کافه نور (در لاله‌زار شمالی)، کافه‌ری (در لاله‌زار شمالی)، کافه‌لاله‌زار (در لاله‌زار جنوبی)، سینما ونوس (سارا)، سینما رکس (لاله)، سینما خورشیدنو، سینما فردوسی، سینما البرز، سینما ایران، سینما مایاک، سینما مرجان، سینما منزویل، سینما کریستال، سینما تابان، سینما فاروس، سینما رودکی، سینما شهرزاد، سینما مترو(سحر)، سینما ملی (رویال پیشین و نادر کنونی در کوچه ملی)، و تئاتر پارس، تماشاخانه گومبر و روسیخان، تماشاخانه گیتی (صادقپور)، تماشاخانه فکری، تئاتر دهقان، تئاتر نصر، فروشگاه پیرایش نخستین فروشگاه بزرگ به سبک اروپایی در ایران، فروشگاه جنرال مد، مسجد هدایت، خانه اتابک، مجموعه مسکونی خانواده اتحادیه، انبار برازخان و آرشیو اصغر(عکاس) اشاره کرد.

مطمئناً بازآفرینی و بازسازی بافت قدیمی لاله‌زار غیرممکن است، اما حفظ و نگهداری بنای این بافت قدیمی کاری سهل و درآمدزا خواهد بود.

از این بافت می‌توان به عنوان یک مرکز مهم گردشگری با ارایه تسهیلات و فروش محصولات فرهنگی بهره‌برداری کرد. تئاتر نصر هم‌اکنون دوره ساخت و ساز خود را طی می‌کند تا در آینده نزدیک شاهد راه‌اندازی موزه تئاتر در آن باشیم. از سوی دیگر تئاتر پارس نیز می‌تواند به عنوان مرکزی برای ارائه آثار نمایشی روحوضی و کمدی‌های مردمی همچنان با حمایت مرکز هنرهای نمایشی اداره شود. هنرمندان زیادی هستند که در صورت بازسازی این تالار حاضر به ارایه آثار هنری ارزشمند در آن هستند. از سوی دیگر با ارایه آثار ارزشمند، مردم نیز سر شوق می‌آیند تا هر از گاهی سر به نمایش‌های این تالار بزنند. در آن فضای تجاری، بودن چند مرکز مهم فرهنگی خالی از لطف نیست. خود این مراکز بر تداوم و بقای ارزش‌های فرهنگی جامعه تاکید خواهند کرد. بنابراین حفظ و نگهداری تئاتر نصر و پارس، نه تنها هزینه‌بر نخواهد بود که با یک برنامه‌ریزی درست می‌توان از آن‌ها به عنوان مراکز فعال و درآمدزا همچنان بهره‌برداری فرهنگی کرد. تئاتر ایران با حفظ و بقای چنین مراکزی از اعتبار خاص و تاریخی برخوردار خواهد شد و با ریشه‌دار شدن بر هویت مستقل و مردمی خود در جامعه تاکید خواهد کرد.

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=110112

vista.ir
Online Classified Service

گشتی در شهر ممنوعه چین

شهر ممنوعه اکنون یکی از عجایب دنیا به حساب می آید، این شهر در زمان های گذشته درست در مرکز پکن قدیم قرار گرفته بود اما اکنون به شکل یک موزه درآمده است که هر ساله میلیون ها توریست را به چین می کشاند. شاید بتوان گفت که این شهر یکی از پیچیده ترین و بزرگ ترین قصرهای پادشاهی دنیاست که از ۹۹۹/۹ ساختمان تشکیل شده است و ۷۴ هکتار مساحت، ۹۶۰ متر طول و ۷۵۰ متر عرض دارد.

شهر مسنوکه محل زندگی ۲۴ امپراتور در زمان پادشاهی مینگ و کوئینگ بود. البته نام این شهر به «گوگونگ» که در زبان چینی به معنای قصر قدیمی است تغییر داده شده است. این قصر دارای دو نیمه شمالی و جنوبی است، نیمه شمالی آن همان فضای بیرونی قصر است که پادشاهان در آنجا مردم را جمع می کردند و مشغول به سخنرانی می شدند. نیمه جنوبی محوطه درونی قصر به حساب می آید که پادشاهان همراه خانواده خود در آنجا زندگی می کردند. قصر قدیمی حدود ۵۰۰ سال است که محل زندگی خانواده های اعیان و اشراف بوده است.

در گذشته تنها پادشاهان و خانواده های آنها جزو طبقه اعیان و اشراف جامعه به حساب می آمدند بنابراین تنها این افراد بودند که اجازه ورود به شهر ممنوعه را داشتند. اما اکنون در این شهر و قصر و موزه آن به روی همه توریست ها باز است و همه می توانند از موزه آن و جواهرات سلطنتی اش دیدن کنند. نقاشی های باشکوه و معماری زیبا و سالن های مجلل آن قطعا رضایت خاطر و تعجب شهرنشیان امروزی را به خود بر می انگیزد.

شهر ممنوعه تقریبا ۶۰۰ سال قدمت دارد. برنامه ریزی برای ساختن آن از سال ۱۴۰۷ تا ۱۴۲۰ آغاز شد. شواهد نشان می دهد که ۱۰۰ هزار کارگر برای ساختن آن تلاش کرده اند. به گفته باستان شناسان، چینی ها تمام خرد و دانش خود را برای ساختن این قصر به کار گرفته اند به عنوان مثال سنگ ها و الوارهای به کار رفته در بنای ساختمان های این قصر از فنگ شان در اطراف پکن، آورده شده بود و برای حفاظت از آن خندق هایی به پهنای ۴۹ متر دور تا دور ساختمان آن حفر شده بود تا از پادشاهان ساکن شهر حمایت کند.

(یکی دیگر از اقدامات عجیب برای ساختن این قصر نحوه حمل سنگ ها به ساختمان آن است. به علت سنگینی سنگ ها و غیرقابل جابه جا بودنش چینی ها در اطراف جاده هایی که به شهر ختم می شد چاه هایی حفر کرده بودند که در فصل زمستان با ریختن آب این چاه ها روی جاده و سر کردن سطح آن سنگ های سنگین را به سمت شهر روی جاده هل می دادند. یکی دیگر از اقدامات جالبی که چینی ها برای جلوگیری از حمله مهاجمان به این قصر انجام داده اند، ساختارهای عجیب و غریب و نردبان شکلی است که در دیوارهای آن به کار رفته است.

شکل دیوارهای آن طوری است که دل مهاجمان را می لرزاند و هیچکس جرات بالارفتن از آن را ندارد. رنگ زرد سمبل خانواده های اشرافی چین است بنابراین هنگام ورود به شهر، زرد بیش از هر رنگ دیگری به چشم می خورد حتی دیوارها و آجرهای به کار رفته در کف آن هم زردرنگ هستند.

می توان گفت تمام دکوراسیون قصر به رنگ زرد است، تنها رنگی که در تضاد با دیگر رنگ ها است رنگ مشکی است که در ساختن سقف کتابخانه آن به کار رفته است. چینی ها معتقد بودند که مشکی نشانگر آب و آتش است.

- شهر ممنوعه

دروازه مری دان واقع در جنوب این شهر دروازه اصلی آن به حساب می آید که شکلی شبیه ققنوس دارد. به همین علت نام دیگر آن را هم برج ققنوس گذاشته اند. پس از گذر از این دروازه وارد محوطه ای بسیار بزرگ می شویم که شش پل در آنجا قرار دارد و همگی آنها از روی آب های رودخانه طلایی رد شده اند. پنج ساختمان در دروازه ورودی قرار دارد که می گویند بیانگر انسانیت، وظیفه شناسی، خرد، اعتماد و سعادت است.

رودخانه طلایی هم در این ناحیه بسیار زیبا تزیین شده است. سنگ های به کار رفته در ته این رودخانه سفید رنگ است. ستون های مرمری شکل هم در کنار این رودخانه ساخته شده است. اگر روی یکی از پل های این رودخانه بایستید شاهد نمای بسیار زیبایی به نام تایهمن خواهید بود. تایهمن هم زیباترین دروازه این شهر است که شیر های مجسمه ای شکل از آن حفاظت می کنند.

اگر به دقت به معماری معابد بودایی و قصرهای چینی نگاه کنید تفاوت چندانی میان آنها نمی بینید. چون همگی تقریبا معماری مشابهی دارند به عنوان مثال همگی روی یک سکو ساخته شده اند و یا همه وزن این ساختمان ها را یک پایه بازویی شکل و ستون های چوبی تحمل می کند. از

نظر فضای داخلی هم شکل تمام ساختمان های چینی شبیه هم است. چوب ها و یا سنگ های به کار رفته در نمای داخلی آن رنگ شده اند و دیوارها و ستون ها هم اگر کنده کاری نشده اند، به رنگ قرمز درآمده اند.

معماری و رنگ های به کار رفته در شهر ممنوعه هم درست از همین قانون تبعیت می کند. متاسفانه نمونه های بسیار زیاد و جالبی از معماری چینی ها بر اثر شهر نشینی و یا غفلت و بی توجهی از بین رفته است.

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=248539

vista.ir
Online Classified Service

گل فشان قلب تپندهٔ «تُنک»

سیستان و بلوچستان را نگینی دیدم در خاك پهناور وطن. هرچند گوهرشناس دلسوخته ای ندیدم که آن را صیقل دهد و زیباییهایش را بنمایاند. روستای بندری «تُنك» در کرانه آبهای خروشان عمان یکی از صدها قطعه الماس این نگین ارزشمند است که به فراموشی رفته است و اگر نفسی می کشد از نفس گرم مردمانش است که کلام آرامشان، نگاه پرمهرشان و چهره سوخته شان آنگاه که به تبسم می نشیند، گرمی بخش پذیرای هر تازه واردی است و کجایند این تازه واردها که می بایست گروه گروه در قالب تورهای توریستی و گردشگری بیایند و ببینند این نگین درخشان را و تحسینش کنند که اگر غیر از این است که هست، چرا هست؟

برنامه ما دیدار از «تپه گِل فشان» در دشت تُنك بود. هنوز چابهار را ترك نکرده بودیم در کنار روستای «تیس» در جایگاه پمپ بنزین. اولین شوك ضد توریستی وارد شد. راه طولانی و جیره اندك بنزین. چابهار و بلوار ورودی اش را پشت سر نهادیم. وارد جاده ای باریك و کفی شدیم. در دو سوی جاده بوته زارها و گونه های سبز گیاهی در نسیم صبحگاهی برخاسته از سوی دریا آرامبخش نگاههای ملتهب و منتظر گروه اعزامی بودند. عکاس گروه همه این زیباییها را پی در پی در پشت صندوقچه عدسی دوربینش به غنیمت می گرفت. «عباس» را می گویم. او که با کرشمه های خاص هنری و تکنیکی اش کرشمه هر آنچه را می بینیم و کرشمه اش را نمی بینیم به تصویر می کشد تا ما را در دیدن این همه کرشمه های طبیعت سخاوتمندانه با خود سهیم کند.در نزدیکیهای شهرستان «کنارك» از جاده اصلی جداشدیم و در یك جاده فرعی به سوی مقصد راه گرفتیم. از جاده بیابانی گذر کردیم و از رودخانه. نه از روی پُلی که نداشت. که از کف رودخانه که آبی نیز نداشت. ریگهای کف رودخانه گویی با مردمان حاشیه نشینش در تمنای آب همصدا شده بودند. قلم رفت قصه بی آبی را بنویسد که در آن سوی جاده تابلوی «به دهستان همیشه سبز کُهر خوش آمدید» قصه دیگری برایمان خواند.آفتاب بالا آمده بود. هوا گرم بود. سایبان جلو خوان مغازه های دهستان پناه سایه نشینانش شده بودند. دهستان خلوت بود و سکوت عجیبی بر آن حاکم. آنجا را نیز پشت سر گذاشتیم و جاده آفتاب زده را با تك رهگذرانش در پیش گرفتیم. در مسیر کمتر آبادی و شاید چیزی را به نام آبادی ندیدیم. تك رهگذرانی با لباسهای بلوچی و اکثراً به رنگ سفید که چهره های آفتاب خورده شان در آن لباس سفید، نمای جالبی داشت. گاه کودکانی مشاهده می شدند که از روستاهای دور به سوی جاده می آمدند. با لباسهایی به رنگهای تند آبی، سبز، بنفش، قرمز و... گویی در دوردستها گلهایی را می مانند که در دشت بی آب رمیده اند.در کمرکش جاده که به سوی «جاسك» می رفت بار دیگر جاده را ترك کردیم و وارد مسیری شدیم که در دو سویش دشت «تنك» قرار داشت و در انتهایش روستای بندری «تنك». راننده گفت:

اینجا دشت تنك است. شنیدن این نام التهاب دیدن تپه گِل فشان را تشدید کرد. گروه اعزامی با چشمان خیره در پهنای دشت سراغ تپه گل فشان را داشت که او با انگشت تپه را در دوردست اشاره رفت. نگاهها در کف دشت خزید و خزید تا بلندای تپه را که انتظار داشت نظاره کند. در کنار جاده در فاصله چند صد متری خودرو را ترك کردیم و پیاده به سوی تپه به راه افتادیم. گدازه های گلین و سخت شده در زیر پاهایمان گویی امواج کف آلود دریای خروشانی هستند که به سوی ساحل می آیند. امواجی به سختی سنگ و به نرمی آب. در بالای تپه چند نفری سایه وار هویدا بود. برای بالارفتن راهی باید باشد. قدم برداشتن روی گدازه های گلین خیلی آسان نبود. به هر صورت خودمان را به پای تپه رساندیم. دیواره های تپه نیز گدازه های سنگی و لغزنده. سعی کردیم با دور زدن آن راهی را که به دنبالش بودیم بیابیم. بالاخره با گذر از راهی که در شکاف سنگها یافته بودیم خود را به بالای تپه رساندیم. سطح بالای تپه به حالت گودال وسیعی بود که در وسط آن چاله ای که نشان از گل فشانی داشت. در اطراف آن چند مرد بلوچ که آنها را از دوردست سایه وار دیده بودیم مشغول صحبت بودند. خوشحال شدیم که در آن جا تنها نیستیم و فرصتی است که با مردم محلی گفت وگویی داشته باشیم. گفت وگو درباره همه چیز و مهم تر درباره تپه گل فشان. می گفتند تپه گل فشان یا به زبان محلی «گلی آتش فشان» فعالیت شدیدتری داشته است. همان طور که آثار به جای مانده از امواج گدازه های روان تا شعاع چند کیلومتری نشان از آن فعالیت شدید دارد. هر چند هنوز در داخل چاله گل فشان گرما و حرکت اندکی را می توان مشاهده کرد. در رابطه با حضور گردشگران داخلی و خارجی سؤال کردیم متوجه شدیم از قرار معلوم رونقی ندارد. دلیل را جویا شدیم. هر سه مرد بلوچ سر خود را به اطراف چرخاندند و بیابان را نگاه کردند. جواب را گرفتیم و سؤال دیگری. «آیا بیابانی بودن منطقه دلیل محکمی است؟» که شاید بیابان هم بتواند دیدنی گردد. «رندی» می گفت اگر من تصمیم گیرنده بودم حتی با نصب پمپ در زیر چاله گل فشان آن را به جریان مستمر می انداختم و با ایجاد امکانات در محل و وسیله «آمد و شد» و از همه مهم تر معرفی منطقه، پای هر توریست وارد شده به کشور را به بالای تپه گل فشان می کشاندم که در رونق منطقه، ایجاد اشتغال و درآمدزایی افراد بومی محل تأثیر بسیار داشت. گفتم شاید. چرا که نه!از وضعیت خودشان پرسیدم. گفتند از اهالی بندر تنك هستند. روستای بندری تنك. عبدالوهاب یکی از آن سه تن می گفت: در روستای ما حدود یکصد و پنجاه خانوار زندگی می کنند. شغل اکثر آنها ماهیگیری است. وقتی با لنج به دریا می رویم دو هفته، سه هفته و شاید هم بیشتر روی آب هستیم. در طول این هفته در چند محل مستقر می شویم و تور می اندازیم. از درآمدشان می گفت که بستگی به وضع صید دارد. بعد از کسر هزینه ها که شامل خوراك، سوخت و... می شود یك ثلث درآمد به صاحب لنج می رسد و بقیه بین اعضای همراه که شاید ۲۰ نفر هم باشند تقسیم می شود. می گفت صید را به شیلات می فروشیم. شیلات در منطقه بندر تنك نماینده و سردخانه دارد و محصول را با کامیون از همین جاده به مراکز فروش می رساند. درباره وضعیت خانواده هایشان می گفت گروهی از زنان و دختران روستا در شیلات بندرعباس گاهی به طور موقت به صورت پیمانی برای یکی دو ماه کار می کنند. چند ماهی در خانه هستند تا دوباره جایگزین گروهی دیگر شوند. درمورد صادرات و واردات بندر تنك پرسیدیم. گفت که قبلاً اداره گمرك حضور داشت ولی بعداً آن را جمع کردند. چیزی به نام صادرات و واردات انجام نمی شود که قابل گفتن باشد. ادامه داد هرچه داریم از برکت دریا داریم.در دل به برکت و سخاوت دریا آفرین می گفتم و در این اندیشه که چرا از این برکت بهره نجسته ایم که باید روزی پاسخی بر قناعت دریادلان دریانشین داشته باشیم.

منبع : ماهنامه سفر

http://vista.ir/?view=article&id=212461

vista.ir
Online Classified Service

گنبد جبلیه

یکی از آثار تاریخی و دیدنی کرمان گنبد جبلیه است که در دامنه کوههای مسجد صاحب‌الزمان این شهر قرار دارد.

هرچند گفته می‌شود در ساخت این گنبد هشت ضلعی سنگی از شیر شتر به عنوان مصالح استفاده شده اما تاریخ ساخت بنا معلوم نیست و در نوشته‌های تاریخی نیز به هدف از ساخت آن اشاره‌ای نشده است.

از شواهد و قراین برمی‌آید که این بنا در دوره‌های قبل از اسلام بنیان گذاری و در دوره سلجوقی تکمیل شده باشد.

گنبد جبلیه را "گنبد گبری" هم نامیده‌اند که بر این مبنا می‌توان قدمت بنا را به قبل از اسلام نسبت داد.

آنچه از ظاهر این بنا مشخص است سقف گنبد را از آجر ساخته‌اند و داخل گنبد ظاهرا دارای تزیینات گچبری بوده که قسمت بالای آن ریخته و قسمت پایین بنا اگر تزییناتی هم داشته از بین رفته است.

مصالح بکار رفته در دیوارها سنگ لاشه با ملات گچ از بیرون و آهک از داخل است.

گنبد جبلیه در سال ۱۳۱۶هجری شمسی به ثبت آثار ملی رسید و در سال ۱۳۸۳ پس از مرمت به گنجینه جبلیه(کتیبه‌های تاریخی) تبدیل شد.

از کتیبه‌های موجود در این گنجینه می‌توان به کتیبه مسجد آبدر اشکان رابر بافت اشاره کرد.

این کتیبه یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌های موجود در این گنجینه است که مربوط به بنای یادبود یک مسجد در ارتفاعات شمال شهر رابر آبادی آبدر اشکان (اشکون) واقع در شهرستان بافت است.

این کتیبه بر روی قطعه سنگی طبیعی و به خط کوفی اجرا شده و مضمون آن به این شرح است: امر ببنا هذالمسجد یحیی بن عبدالله بن یوسف فی سنته خمسه عشرین و اربع مائه غفرالله له.

کوچکترین سنگ قبر کشف شده در استان کرمان نیز در این گنجینه نگهداری می‌شود.

این سنگ در سال ۱۳۷۷توسط احمد ایلاقی کشاورز دهستان قائم‌آباد کشف و تحویل سازمان میراث فرهنگی استان کرمان شد.

این سنگ با ابعاد ۲۶در ۲۲سانتیمتر و کتیبه آن شامل دو بخش است.

یکی نوار حاشیه‌ای و دیگری نوشتار وسط که در یک کادر قرار گرفته است.

حاشیه کتیبه که شروع آن از قسمت پایین گوشه سمت راست است شامل آیه ۱۸و بخشی از آیه ۱۹سوره مبارکه آل عمران است.

در پایان کتیبه در قسمت سمت چپ نام متوفی و سال وفات در یک کادر محرابی شکل قرار گرفته است بدین مضمون: هذا قبر العبد الضعیف المحتاج الی رحمت الله ابی جعفر احمد بن حمزه بن علی غفارالله ان توفی فی جمادی الاخر سنه الحدی و اربعین و خمسه مابه.

چنانکه از کتیبه سنگ بر می‌آید تاریخ وفات متوفی سال ۵۴۱هجری قمری است.

در میان سنگ قبرهای موجود در گنجینه جبلیه سنگ قبر میرزا آقاخان، پسر میرزا احمد علی خان وزیری نویسنده تاریخ کرمان نیز به چشم می‌خورد.

به گفته دکتر باستانی پاریزی مورخ معاصر کرمانی، وی در امر تالیف کتاب تاریخ کرمان با پدرش همکاری داشته است.

متن سنگ قبر وی به این مضمون است: وفات مرحوم مغفور آقای میرزا آقاخان خلف مرحوم میرزا احمدعلی خان وزیری طاب ثراه به تاریخ شهر شوال سنه ۱۳۱۷.

در بین وقف نامه‌های سنگی موجود در گنجینه جبلیه، کتیبه وقف آتشکده روستای قناتغستان نیز جالب توجه است.

این وقف نامه بعد از تخریب آتشکده، توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی استان کرمان به این سازمان منتقل شد و هم‌اکنون در این گنجینه نگهداری می‌شود.

این وقف نامه مربوط به سال ۱۲۸۲هجری قمری است.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97310

vista.ir
Online Classified Service

گورستان غول‌ها

کشف بیشترین فسیل دایناسور در جهان در پارك محلی دایناسورها در آلبرتای کانادا اتفاق افتاد.

به گفته رئیس مرکز گردشگری پارك آلبرتا کمتر از یك ماه پس از پخش فیلم «پارك ژوراسیك» در سال ۱۹۹۳ جهانگردان مسئولان پارك را غافلگیر کردند. خیلی ها آن موقع می‌خواستند از نزدیك ببینند که در حقیقت از غول‌های دوران باستان چه چیزی باقی مانده است. برای این منظور پارك آلبرتا که در فاصله دو ساعت و نیمی با اتومبیل در شرق کلان شهر کالگاری قرار دارد تا به امروز نمونه بی نظیری است چرا که به ندرت می‌توان در دنیا جایی را یافت که این همه فسیل دایناسور در آن کشف شده باشد.

بروك در بزرگراه ترانس کانادا مکانی است در فاصله ۴۸ کیلومتری این پارك که دارای تجهیزاتی برای گردشگران است و کسانی که با خودرو مجهز به امکانات نیامده باشند و یا در پارك محلی چادر نزنند شب را در آنجا سپری می‌کنند و از آنجایی که برای مسافران شهر کالگاری این پارك محل متروك و دورافتاده‌ای است و برای بازدیدی کامل هم لااقل دو روز وقت نیاز است اکثر بازدید کنندگان یکی از این امکانات را برمی‌گزینند. البته در عمل شناخت ابعاد پارك در زمانی کوتاه میسر نیست. مناظر هر دو سوی دریاچه «گوزن سرخ» یکنواختی مرغزار را درهم می‌شکند. دشت با عمقی دست کم ۸۰ متری به سمت دریاچه سرازیر می‌شود و سنگ‌های عجیب و غریب ساحل شش و نیم کیلومتری در اینجا نتیجه فرسایشی است که بیش از ۲۰۰۰ سال پیش اتفاق افتاده است. گفتنی است پس از آخرین عصر یخبندان آب های ذوب شده یخچال ها تعداد زیادی از استخوان‌های دایناسورهایی را با خود آوردند که از حداقل ۷۶ میلیون سال پیش زیر سطح کره زمین مدفون بودند.

از جمله امکانات این پارك این است که گردشگران می‌توانند در مرکز جدید جهانگردی سفر واقعی با رایانه به دوره‌های مختلف کره زمین را بیاموزند. آنها همچنین می‌توانند در تورها و راه پیمایی‌های بخش‌هایی شرکت کنند که برای همگان قابل دسترس نیست البته به علت گنجایش محدود بهتر است این تورها به موقع رزرو شود. از آنجایی که تعداد اسکلت‌های موجود در پارك زیاد نیست گردشگران راغب می‌توانند از موزه «تورل رویال» شهر دروم هلر بازدید کنند. در آنجا بازدیدکنندگان قبل از تماشای اسکلت های بزرگ و کپی استخوانی دایناسورهای غول پیکر عازم سفری واقعی با رایانه به دوره‌های مختلف زمین می‌شوند. شهر دروم هلر خود را برای پذیرایی از گردشگران آماده کرده است حتی از فروشگاه‌های شهر هم می‌توان فسیل دایناسور خریداری کرد. با وجودی که هتلی محلی سعی دارد نظر گردشگران را به خود جلب کند رستوران «فرد و بارنی» تلاش می‌کند طرفداران سریال پر بیننده «خانواده فویر اشتاین» را به خود علاقه مند کند. البته بزرگترین دایناسور جهان هم در این پارك قرار دارد یك کپی ساخته شده از پلاستیك و فولاد به طول ۴۶ متر و ارتفاع ۲۶ متر که چه بسا هیولاهای پارك محلی را بترساند اما آنها در فاصله مطمئن تری در موزه قرار گرفته اند.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=233326

vista.ir
Online Classified Service

لار دیوانه

● دشت لار

دشت لار بزرگ ترین دره ایران است که در ۷۰ کیلومتری شرق تهران در جاده هراز قرار گرفته. آب و هوای متغیر این دشت را به لار دیوانه و چشمه های متعدد آن را به سرزمین هزارچشمه مشهور کرده است.

پارك ملی لار که حدود ۲۸ هزار کیلومتر مساحت دارد مکانی مناسب برای راهپیمایی و دریاچه آن در صورت صدور اجازه توسط سازمان حفاظت محیط زیست موقعیتی خوب برای شنا و ماهیگیری است. ابرهای دور دماوند اگر اجازه دهند، لار بهترین مکان برای دیدن چهره زیبای بام ایران و عکاسی از آن است.

لار زیستگاه جانورانی چون خرس، گراز، گرگ، روباه، پلنگ، کل و بز، قوچ و میش، عقاب طلایی، کبك، انواع مار از جمله افعی البرزی و ماهی قزل آلا است گونه هایی که در سال های اخیر به شکل خطرناکی کاهش یافته اند. در این دشت می شود انواع گون، خرگوشك، آویشن، پونه، کاکوتی، گل گاو زبان و باریجه را که مصارف دارویی و صنعتی دارند پیدا کرد.

در بهار لار دامن شقایق به تن می کند. تابستان از شقایق ها خبری نیست اما دشت هنوز هم سبز و پوشیده از علف های کوتاه قد است و این سبزی تا شهریور هم باقی می ماند. رودخانه ای که از سد لار می آید و رودخانه های فصلی دیگر در تابستان هم در لار جریان دارند. به این ترتیب سراسر تابستان برای سفر به لار مناسب است. برنامه سفر می تواند یك یا دوروزه باشد اما برای شب مانی در لار به این دلیل که پارك ملی است باید از سازمان حفاظت محیط زیست مجوز گرفت. به دلیل وجود انواع مارها در لار باید برای پیاده روی در این دشت حتماً گتر به پا داشت. هنگام چادر زدن نیز باید نزدیك نبودن به بستر رود را مدنظر داشت.

آب و هوای لار بسیار متغیر است و ممکن است با یك بارش ناگهانی سطح آب بالا بیاید. با توجه به وسیع بودن دشت و بالا بودن احتمال گم کردن مسیر به همراه داشتن قطب نما می تواند اطمینان سفر را بیشتر کند.

برای رسیدن به لار باید طول جاده هراز را پیمود. در حاشیه جاده تپه هایی دیده می شود که گاه راس آنها صخره ای و قرمزرنگ است. این صخره ها گدازه های آتشفشانی دماوندند. همین حصار سرخ است که سرخ حصار را به این نام معروف کرده است. در بین کوه های اطراف جاده توف سبز البرز بیش از سنگ های دیگر به چشم می خورد. در این کوه ها فسیل هم یافت می شود. در قسمت هایی از جاده تابلو هایی برای نشان دادن فاصله تا دماوند زده شده اند که معمولاً عددهای آنها پاك شده است. شاید برای خرید مایحتاج سفر امامزاده هاشم با فروشگاه ها و رستوران های بین راهی اش آخرین فرصت باشد.

در این منطقه تپه ها را گیاهی به نام «بی خون» پوشانده است. گیاهی با برگ های ریز که در زمستان گل می دهد. گل هایش شبیه قاصدك اند.

گاهی تنها یك ارگانیسم تمام تپه را می پوشاند. یعنی فقط از یك ریشه، تپه ای پر از بی خون می شود. پوشش گیاهی این منطقه که لار را هم شامل می شود پیشتر جنگل های انبوه بوده اما امروز فقط اورس به چشم می خورد که از لابه لای صخره ها بیرون زده.

برای رسیدن به لار باید دوراهی پلور را به سمت چپ رفت. دشت لار از امکانات رفاهی برخوردار نیست اما در جنوب آن امامزاده ای به نام اسماعیل وجود دارد که می توان از امکانات محدود آن استفاده کرد.رعایت مسائلی چون خارج کردن زباله از پارك، وارد نشدن به محدوده پوشش گیاهی با ماشین، دقت در زمان برپایی آتش و نچیدن گیاهان نکاتی هستند که یك طبیعتگرد هرگز نباید فراموش کند.

سرتاسر تابستان برای سفر به لار مناسب است. دیدن این دشت می تواند یك روزه باشد اما کسانی که قصد شب مانی (با هماهنگی محیط بانان) در لار را دارند باید دقت کنند که در مناطق پست و کنار رود چادر نزنند. آب و هوای لار متغیر است و در تمام طول سال باید انتظار وقوع سیل را داشت.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229037

vista.ir
Online Classified Service

لاویج در آیینه تاریخ

● گذرگاه فرمانروایان (نظری به تاریخ لاویج)

لاویج آبادی تاریخی ناشناخته ای است که از تاریخی کهن حکایت ها در دل نهفته دارد. سرزمینی که از دورانی بسیار دور، آباد و مسکونی بوده، مانند قلعه طبیعی عظیمی به نظر می رسد. از این جهت همیشه مورد توجه فرمانروایان قرار گرفته و مامن و محل مناسبی برای آسایش حاکمان و والیان در جستجوی صلح و آرامش و یا گریخته از دشمن بود. لاویج مکان شایسته و ملجای ویژه ای برای سادات و علوی زادگانی بود که مورد تعقیب و آزار و کشتار خلفا و دیگران بودند. خرابه های آثار به جای مانده از حاکمان و مقبره های امام زادگان خود دلیل صادق و شاهد عادلی بر این دعوی است

این منطقه هر چند در حاشیه و بر کنار از وقایع مهم تاریخی و سیاسی، مرحله های حساس تاریخ و فرهنگ کشور مان بوده، اما در قلمرو تاریخی و جغرافیایی اش حوادث و روی دادهای محلی فراوانی را در خود پنهان کرده است و افسانه ها و داستانها و حکایت های آن در خور توجه جالب و شنیدنی است.

تاریخ این آبادی تلفیقی از اسطوره ها و واقعیات است از آن رو هنگامی وقایع و حوادث و حکایت ها به مرز اسطوره نزدیک می شوند، هم چون تمام روایت های اساطیری مبهم و راز گونه اند، البته این اسطوره ها با نمادهایی بسیار ضعیف از واقعیت در آثار و بقا و خرابه های قلعه ها و گورها همراه است و گاه اسطوره های آن، صورتی مقلوب و دگرگون شده از واقعیت ها است. مانند جابه جایی احتمالی شخصیت تاریخی حسن بن زید علوی با امام حسن (ع) و یا امام حسن عسگری (ع) گاهی واقعیت ها و حوادث تاریخی با مبالغه، جلوه ای اسطوره ای می یابند، نیز افسانه ها و داستانهای دیگر چون نقش برجسته مرداویج زیاری بر دیواره سنگی تنگه ی لاویج. با این حال حوادث و وقایعی وجود دارد که در تاریخ یادی از آن ها رفته، ولی چون در تاریخ ایران به تاریخ ولایت های کوچک، توجه نشده، هم چنان تاریخ این ولایات ناشناخته مانده است، شاید از هزاران واقعه و حادثه تاریخی آن هم در منابع محلی ذکری از آن ها رفته، ذکر همین وقایع مهم و اندک، خود به خوبی تصویر گویایی از حیات تاریخی این منطقه و

هر مکان دیگری به دست می دهد. به هر حال این منطقه در محدوده ی سرزمینی کوچک خویش، شاهد وقایع مهم تاریخی بوده است و فرمانروایان و حاکمان کوچک و بزرگ در لشکر کشی ها و فرار از مقابل لشکریان دشمن از لاویج به عنوان یک معبر مهم ارتباطی استفاده کرده اند.تنگه لاویج محل نبردهای مهم تاریخی و گریز گاهی برای سرداران و امیران و بزرگان و حاکمان و تخت گاهی برای حکمرانان محلی و نیز گذرگاهی برای فرمانروایان بزرگ بوده است.

قدمت تاریخ غیر مکتوب لاویج به دوران ساسانیان و حتی قبل از آن می رسد. بقایای خرابه های متعدد و گور ها و اشیاء و آثار مکشوف، حکایت از تاریخی با قدمتی طولانی دارد و تصویری کم رنگ از دوران حیات تاربخی و زیست مردمان در این منطقه به دست می دهد.

در منطقه لاویج گورهای گبری فراوانی وجود دارد. دو نقطه اصلی تمرکز این گورها یکی در تپه های مشرف به روستای کیاکلا واقع در جنوب این روستا در مکانی موسوم به سرخمن(sarxomand) و دیگری در گردنه ی بالاترین تپه های داخلی مشرف به آبادی لاویج، در بخش جنوبی آبادی حصلیمه یا هسلیمه گردن

(haslimah) معروف است. علاوه بر وجود گورهای گبری تصور می رود که احتمالاً آتشکده ای بر فراز این تپه وجود داشت. از جمله اشیائ کشف شده به نقل از گفته های مردمی سکه هایی است که قدمت آن به دوران ساسانیان می رسد و زینت آلات زرین و سیمین مشتمل بر گردنبندها و گوشواره ها و دستبند ها و قبضه هایی از شمشیر ها و غیره بوده است. از تاریخ این آبادی تا دوره اسلامی هیچ نشانه یا اثر مکتوبی در دست نیست و همچنین از وقایع و حوادث در ارتباط با فتوحات اعراب مسلمان در طبرستان تا نیمه ی دوم قرن سوم هجری ، یعنی پایگیری سلسله علویان طبرستان اطلاعات مفصل و دقیقی در منابع و تواریخ محلی وجود ندارد. به جز افسانه علویان طبرستان اطلاعات مفصل و دقیقی در منابع و تواریخ محلی وجود ندارد.

به جز افسانه آمدن امام حسن مجتبی یا عسگری(ع) به لاویج (ویا آمل و بابل) به گزارش منابعی ، مانند فتوح البلدان، تاریخ طبرستان و اولیا الله آملی در تاریخ رویان و میر ظهیر الدین مرعشی ، وجود فیل سنگی و تنیرو(tanniroo) وسنگی با اثر و جای پای انسانی در جنگلی نز دیک روستای کیاکلای لاویج معروف به

«امم لینگ مال» (emamling mal) جای پای امام یا به عبارتی بهتر (قدم گاه) ان حضرت، شهرت دارد، موارد یاد شده را از آثار حضور ان حضرت در آبادی لاوبج می دانند و غیر از افسانه های موجود، حادثه یا خبری دیگر از طریق منابع مکتوب و یا افسانه یی از اقوال شفاهی تا نیمه دوم قرن سوم هجری جز یک مورد استثنایی و احتمالی در دست نداریم و فقط بر اساس شواهد و قراینی احتمالاً رد و پای دو حادثه تاریخی را در این آبادی می توان پیدا کرد.

از این دو حادثه و واقعه تاریخی به طور صریح و دقیق ذکری در منابع نیامده است با حدس ها و احتمالات و توصیفاتی که در منابع درباره ی این حوادث آمده، می توان گفت محل وقوع این رویدادها آبادی لاویج بوده است. نخستین واقعه، لشکر کشی مصقله بن هبیره ی شیبانی در زمان معاویه بع رویان است ، با در نظر گرفتن این نکته که منابع اشاره ای به این لشکر کشی از طریق دشت رستمدار (نور) به کجور و رویان نکرده اند، فقط احتمال میرود که مصقله در مسیر خود از لاویج عبور کرده و از طریق کالج و پی اسپرس به کجور رفته باشد، به خصوص این که مصقله مدت دو سال با اصفهبد فرخان طبرستان مشغول جنگ بود و سرانجام در کجور کشته شد. روی داد دوم، ماجرای لشکر کشی سردار عرب به نام فراشه به طبرستان است.

احتمال وقوع این حادثه تاریخی، یعنی جنگ فراشه در تنگه ی لاویج با اطلاعات و نشانه هایی که منابع به دست می دهند و داستانی که در السنه و افواه جاری است و سینه به سینه نقل شده، بشتر از رویداد لشکر کشی مصقله بن هبیره ی شیبانی است، این لشکر کشی در زمان خلافت مهدی عباسی بین سالهای (۱۶۶-۱۶۳ه.ق)

صورت گرفت چون این خبر (کشته شدن اعراب و سالم فرغانی سردار خلیفه) به خلیفه رسید. فراشه نلم امیری را با ده هزار روانه گردانیدف فراشه به راه ارم به طبرستان امد و سپاهیان ده هزار نفری فراشه در موضع تنگه ی لاویج شکست خورد هف فراشه، به دستور اصفهبد و نداد هرمزد گردن زده شد.

این حادثه در سال هیجدهم سلطنت اصفهبد شهریار پادوسبان گاوباره حاکم رویان بود که از سال ۱۴۲ه.ق به حکومت رسیده بود.در این نبرد اصفهبد ونداد هرمز قارون وند با اسپهبد شروین سرخاب سواد کوهی (ملک الجبال) با مصمغان و لاش حاکم میان دورود ساری واستندار شهریار یکم بن خورزاد پادوسبان گاوباره با یکدیگر متحد شده بودند.

با توجه به ان چه در منابع آمده، آن چه که در افواه مردم لاویج وجود دارد میتوان گفت که محل این نبرد تاریخی تنگه ی لاویج بوده است.

می گویند مردم در این نبرد برای کمک و همراهی سپاهیان با دمیدن در بوق و نواختن بر طبل و فرو غلتاندن سنگ ها و بریدن درخت ها، که انعکاس صدای تبرها در هنگام بریدن درخت ها فضای هولناکی به وجود می آورد، سپاهیان عرب را دچار رعبی عظیم گردانیده و آنان«متحیر و سراسیمه شدند و گمان افتاد صاعقه ی قیامت است. »

شکست سختی را مردم و سپاهیان رستمدار (نور) به آنان وارد ساختند. از این زمان تا خروج داعی کبیر حسن بن زید علوی و تاسیس سلسله ی علوی طبرستان(۲۵۰ه.ق) اطلاعی درباره ی حوادث تاریخی آبادی در دست نیست.

به استناد برخی منابع، هنگامی که داعی کبیر، حسن بن زید از مقابل سلیمان بن عبدالله، حاکم طاهری در ساری گریخت به منطقه لاویج آمد. اولیاء الله آملی از این موضوع در تاریخ رویان یاد کرده است، او می نویسد: «داعی به لاویجه رود معسگر ساخت» .

ابن اسفندیار درباره ی نبر داعی کبیر حسن بن زید با لشکریان سلیمان بن عبدالله طاهری و متحدش اصفهبد مبک الجبال بن شریار باوندی (سوادکوهی) در منطقه لاویج رود چنین نوشته است:«حسن ین زید به لاویجه رود آمد و مشورت طلبید از یاران خویش، دیالم (دیلمیان) گفتند این جای نکوست ما را دستوری ده تا اول بر پیادگان اصفهبد قارن زنیم و ایشان برداریم که در این موضع چون پیاده شکسته شود. سوار هیچ به دست ندارد. حسن بن زید رخصتداد، بیمدند و پیاده را به یک بار آواره کرده و چیرگی یافته و سواران در میان بنه و بیشه و شکستگی اسیر مانده، جز آن نتوانستند کرد که سلاح می افشاندند و در بیشه ها گریخته، تا هر نعمت که با ایشان بود دیالم بر گرفتند. میرظهیرالدین مرعشی در این باره می نویسد:«بعداز چند روز داعی را از دیلمان و گیلان مدد رسید، داعی از چالوس سوار شد و به خواجک(خاچک و به نقلی نوشهر امروز) نزول کرد و سلیمان با اصفهبد(ملک الجبال قارن بن شهریار) به پای دشت(آهودشت امروز) آمد و داعی به لاویجه رود معسگر ساخت وسادات را با نفری چند بفرستاد تا به منقلای لشکر شبیخون بزدند و ایشان را منهزم ساختند و بسیاری را تاراج نمودند.

بنا بر اقوال شفاهی، مردم لاویج بر این باورند که مرداویج زیاری به این آبادی آمده است و نیز می گویند که لاویج از دورانهایی بسیار دور، یک امیر نشین محلی بوده استو خرابه های باقیمانده از یک قلعه در سمت چپ معبر ورودی به آبادی بر بالای دامنه ی کوهستان مشرف به روستایی به نام دیزانکلا(Dizankela) دلیل و شواهدی بر حکم رانی امیران محلی و امیر نشین بودن آن است و این قلعه به قلعه ی « نسالو » لاویج یا قلعه ی شاه نشین و پی نسا (Penesa) معروف است. شاید بتوان گفت قلعه ی مذکور محل سکونت و حکم رانی دست نشاندگان آل زیار در این منطقه بوده است. در سمت راست دیواره ی سنگی تنگه ی لاویج، سنگ واره های آهکی وجود دارد که مردم ان را نقش برجسته و نیم تنه ی مرداویج زیاری می دانند و هم چنین برخی معتقدند نام لاویج از تغییر در اسم مرداویج زیاری گرفته شده است.

با در نظر گرفتن این موضوع که آمل و رستمدار (نور) محل درگیری و نبرد بین مرداویج زیاری با سید ابو جعفر الداعی علوی، برادر زاده ی ناصر کبیر (داعی علویان طبرستان) و متفقش ماکان بن کاکی بوده و مرداویج زیاری پس از کشته شدن اسفار(شیرویه) به جای او به حکومت دیلمان(کوهستان های غرب گیلان) دست یافته و رودبار و طالقان و رستمدار را به تصرف در آورد. ممکن است بهئ منطقه لاویج هم آمده باشد. (حوادث سالهای ۳۲۰-۳۱۵هجری) با توجه به این که از لاویج راهی به بلده ی (نور) و از ان جا به تهران و شمیران وجود دارد.

لاویج همیشه جزیی از سرزمین رویان و یا دقیق تر رستمدار بوده است وبه نوعی در حوادث و روی دادهایی که در رستمدار به وقوع می پیوست، سهیم بود. چون در منطقه ی رویان و رستمدار پادوسبانان از سال ۲۲ تا ۱۰۰۶ هجری، حکم رانی داشتند و این منطقه در وقایع مهم و اختلاف ها و نبردهایی که بین این سلسله ی محلی با حکم رانان دیگر طبرستان، چون ملوک باوند(ماوک الجبال۹ و فرمانروایان بزرگی که قصد تصرف رستمدار را داشتند، چون علویان، زیاریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلاجقه، خوارزمشاهیان، مغولان، مرعشیان، تیموریان، و صفویان در می گرفت، همواره نقش داشت.

لاویج در طول تاریخف گذر گاه و گریز گاه فرمانروایان بزرگیف مانند امیر وجیه الدین مسعود سربداری بوده است. امیر مسعود سربداری بعد از فتح گرگان وارد مازندران شد و بعد از ان که متحمل شکستهایی در ساری و امل شد به طرف رستمدار حرکت کرد. پادشاه مازندران ملک فخر الدوله حسن بن کیخسرو آخرین امیر باوندی ملک الجبال (۷۵۰-۷۳۴ه.ق) و حاکم رستمدار ملک جلال الدوله اسکندر، لشکریان امیر مسعود را از دو جانب در محاصره گرفتند، تا این که امیر مسعود را لاویج را در پیش گرفت و در ان جا دچار شکست سختی گردید. میرظهیرالدین مرعشی می نویسد:« امیر مسعود با یاران کاری خود رو به طرف رستمدار نهادند چون جلال الدوله ملک فرمان داده بود، تا به یک فرسخی آمل که یاسمین کلاته بود رسیدند از پیش لشکر رستمدار، از عقب سپاهیان مازندران دست جلادت بگشادند، چون امیر مسعود دید کار از دست گذشته، به اولین مرحله رستمدار ، کیا جلال احمد و برادر زاده ها را به قتل آوردند و رو به هزیمت نهادند به راه لاویج متوجه گشتند. ملک مازندران در عقب و ملک رستمدار از پیش از یاسمین کلاته تا نهایت رودبار نور یک معرکه شده بود و کشته ها بر زمین افتاد، مجموع لشکر را به زخم تیر و تیغ و گرز در آن حدود به

کلی متفرق گردانیدند.»

امیر مسعود بعد از این شکست سخت در لاویج، از راه رودبار به یالورو و همراه چند تن از نزدیکان خود به قریه ی اوزدر نور (بلده ی امروز) رفت و در ان جا دستگیر و نزد جلال الدوله اسکندر حاکم رستمدار فرستاده شد. به دستور حاکم رستمدار بعد از دو روز امیر مسعود را کشتند.

فرمانروایی پادوسبانان هم چنان بر رویان و رستمدار (نور) ادامه داشت تا اینکه در سال ۵۷۶۰.ق میر قوم الدین مرعشی، حکومت مرعشیان را تاسیس کرد. در سال ۵۷۸۲.ق سید فخر الدین مرعشی فرزند میر قوام الدین با تصرف رستمدار و رویان و قلاع نور و کجور و پی اسپرس و سلیر قلاع پادوسبانان و شکست عضد الدوله قباد و کشته شدن او قریه ی واتاسان را در نزدیکی ناتل (پایتخت دشت رستمدار) بنا نهاد و مقر حکومت خود ساخت. اما به زودی امیر تیمور گورکانی(در یال ۵۷۸۶.ق) به مازندران و رستمدار لشکر کشید و سادات مرعشی نیز از تیمور شکست خوردند. سید فخر الدوله بیش از ۱۰ سال،(۷۹۲-۵۷۸۲.ق) نتوانست بر رستمدار حکومت کند با کشته شدن عضد الوله قباد در جنگ کجور با سید فخر الین مرعشی، عمویش سعد الوله طوس بن زیار بر رستمدار حکومت یافت، امیر تیمور در لشکر کشی دوم خود به مازندران در سال ۵۷۹۴.ق به کلی سادات مرعشی را سرکوب کرد و بر رستمدار(نور) نیز تسلط یافت.ملک پادوسبانانی به رستمدار ف ملک کیومرث بن بیستون بن گستهم بن زیار(۸۵۷-۵۸۰۷.ق) دو تن از سادات مرعشی را در لاویج پناه داد.

بعد از بازگشت مرعشیان از تبعید ماوراءالنهر که امیر تیمور در حقشان روا داشته بود، در زمان حکومت این سادات که به مرعشیان مازندران معروفند و در زمانی که سید علی بر ساری حکومت می کرد. (۸۰۲-۵۸۰۹.ق) سید غیاث الدین علیه برادر خود خروج کرد و بر برادر دیگر، سید مرتضی را به حکومت ساری رسانید، تا این که سید علی بار دیگر حکومت ساری را به دست آورد، در این وقت سید مرتضی به لپور نزد کیاییان بیستون به سواد کوه رفت و سید غیاث الدین به لاویج پناه برد. میر ظهیرالدین مرعشی می نویسد:« سید غیاث الدین بارفروش ده را (که حاکم آن جا بود) بگذاشت و به آمل آمد، سید علی آملی (حاکم آمل) او را عذر خواست، و چون از آنجا نامید گشت به رستمدار آمد و صورت حال را بر ملک معظم کیومرث{بن بیستون} معروض داشت، ملک او را به لاویج جای داد و آنجا ساکن شد.» بعد از مدتی سید غیاث الدین به مقر ایالت خود در بارفروش ده (بابل) بازگشت.

در نوبتی دیگر سید کمال الدین، حاکم آمل به وسیله ی سید محمد، حاکم ساری (۸۵۶-۵۸۳۷.ق) از حکومت آمل برکنار شد و سید محمد، فرزند خود سید عبدالکریم را به جای او نشاند، سید کمال الدین نزد ملک کیومرث رستمدار رفت، اما ملک کیومرث علی رغم این که با سید محمد صلح کرده بود، اجازه داد سید کمال در رستمدار بماند و او را به قریه ی لاویج فرستاد.

میرظهیرالدین می نویسد: « سید کمال الدین یک ماه از ایشان مهلت خواست در رستمدار یراق خود بکند و بیرون رود، مهات داده در قریه ی لاویج بازداشتند.» تا این که عمویش سید مرتضی در آمل به حکومت رسید و تا این زمان سید کمال الدین هم چنان در لاویج بود، تا به اجازه ی سید مرتضی به آمل بازگشت.

پس از مرگ ملک کیومرث بن بیستون سلسله ی پادوسبانان به دو بخش پادوسبانان شاخه ی نور و کجور تقسیو شد و بین فرزندان ملک کیومرث اختلاف افتاد و بعد از مدت ها نبر و اختلاف و جنگ و گریز سرانجام ملک اسکندر به فرمانروایی پادوسبانان شاخه ی کجور و ملک کاووس به فرمانروایی شاخه ی پادوسبانان شاخه ینور رسیدند، اما بین آنان همواره اختلاف و مخاصمه بود. حکومت ملک کاووس در نور و ملک اسکندر در کجور بین سالهای (۸۸۱-۸۸۰-۵۸۵۷.ق) برقرار بود.

سید ظهیرالدین مرعشی مولف کتاب گیلان و دیلمستان و کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، چندین بار مامور لشکرکشی به رستمدار برای حل اختلاف ملک اسکندر و ملک کاووس شد و نوبتی برای سرکوبی ملک کاووس که به برادر ش ملک اسکندر شوریده بود، فرمان داشت. میرظهیرالدین در ماموریت های خود چند بار از لاویج عبور کرد. او از طرف کارکیا، سلطان محمد حاکم گیلان برای این مهم انتخاب شده بود که با ملوک رستمدار طریق مودت و موافقت می پیمودند.

مرعشی می نویسد:« بنا لر صلاح دید مشارالیه (ملک جلال الدوله اسکندر) روز دوشنبه غره ذی الحجه را از هزار خال کوچ کرده، به اب اندان کوه نزول واقع شد و از ان جا به خور تاوه رودبار نقل افتاده و از آن جا به راهی که صعب تر از آن ندیده ام به ناحیه ی لاویج به قریه ی ولیکان فرود امدیم.» میرظهیرالدین برای نوبتی دیگر که ما بین ملک کاووس و ملک جلال الدوله اسکندر اختلاف و نبرد درگرفت و ملک کاووس قصد تصرف حصه و مِلک مَلِک اسکندر را داشت از جانب کارکیا سلطان محمد به درخواست جلال الدوله اسکندر با پانصد نفر، مامور سرکوبی ملک کاووس شد که در قاعه ی بلده ی نور بود. صلحی که نوبت قبل به وسیله ی میرظهیرالدین بین کاووس و اسکندر برقرار شده بود، کاووس از آن روی بر تافته بود. میرظهیرالدین در راه بازگشت از محاصره ی ناموفق قلعه ی بلده ی نور از راه لاویج گذشت. او مینویسد: « چون از میان برف بیرون آمدیم در آن راه

لای و گل، بسیار در پیش آمد که از ان صعب تر راه، عجب که در دارالمرز کسی دیده باشد و بسیاری چارپای حملی در آن محل بماندند وبه زحمت هر چه تمام تر از ان مهلکه لشکر را به قریه ی لاویج رسانیده آمد و آن شب ان جا به سر بردند و صباح از آن جا به نواحی ناتل رستاق نزول واقع شد.»

بعد از تاسیس سلسله س پادوسبانی شاخه ی نور به وسیله ملک کاووس (۵۸۵۷.ق) تا انقراض پادوسبانان در نور و کجور (۵۱۰۰۶.ق) لاویج نزدیکترین و بهترین و راحت ترین راه ارتباطی بین قلعه ی بلده ی نور و مرکز پادوسبانان آل کاووس با ناتل مرکز و پایتخت قشلاقی ودشت رستمدار بود و پادوسبانان آل کاووس نور (۱۰۰۶-۵۸۵۷.ق) از این معبر مهم ارتباطی برای رفت و آمد به قلعه ی نور و ناتل استفاده می کردند. با انقراض سلسله ی پادوسبانان در عهد صفویه به وسیله شاه عباس، رستمدار (نور) که لاویج جزیی از آن بود، تحت سلطه ی حکومت مرکزی (صفویه) در آمد و پس از آن اطلاع دقیقی از تاریخ لاویج در دست نیست.

منبع : بانک مقالات فارسی

http://vista.ir/?view=article&id=311858

vista.ir
Online Classified Service

لبیک با تندرستی

از نیمه‌های ماه ذی‌القعده که می‌گذرد کم‌کم کاروان‌های زائران خانه خدا راهی صحرای عربستان می‌شوند و نوای لبیک اللهم لبیک در گوش‌ها طنین می‌اندازد.

سفر حج، سفری است که روح انسان‌ها را صیقل می‌دهد و تعالی می‌بخشد. اما برای اینکه بتوان از لحظات و فرصت‌های معنوی این سفر استفاده کرد، باید جسمی سالم داشته باشیم. به خصوص در سفر حج تمتع که مدت آن طولانی‌تر و اعمال آن بیشتر، سخت‌تر و دقیق‌تر است. در این ایام عده بسیار زیادی از مسلمانان از سراسر دنیا عازم مکه و مدینه می‌شوند و همین جمعیت زیاد و متنوع، با آداب، روحیات، شرایط اجتماعی و تندرستی متفاوت باعث بروز برخی مشکلات می‌شود که گاه گریبانگیر زائران می‌شود و آنان را از انجام اعمال و لذت از معنویات این سفر که کمتر نصیب افراد می‌شود، باز می‌دارد. از جمله عوامل دیگری که ممکن است به سلامت جسم و روان برخی از زائران صدمه وارد کند، مدت طولانی سفر، حضور در سرزمین ناآشنا، دوری از خانواده برای مدت طولانی، انجام اعمال سخت و دقیق (به خصوص برای سالمندان)، گاه آلودگی هوا و محیط و البته شرایط آب و هوایی متفاوت با کشورمان است.

● خدمات سازمان حج و زیارت

سازمان حج و زیارت کشورمان برای این ایام تدابیر خاصی اندیشیده و با استقرار آمبولانس‌ها، بیمارستان‌ها، کلینیک‌های تخصصی و فوق‌تخصصی و حضور پزشکان (حتی پزشکان مسلط به زبان عربی برای بستری احتمالی بیماران در بیمارستان‌های عربستان)، در این مراکز به طور عام و در هر کاروان به طور خاص سعی در کاهش آسیب‌های سفر و رسیدگی به آسیب‌دیدگان دارد.

همه زائران در زمان ثبت‌نام (حدود ۶، ۵ ماه پیش از موسم حج)، توسط پزشک کاروان معاینه می‌شوند و برایشان پرونده پزشکی تشکیل می‌شود. این معاینات برای این انجام می‌شود که اول: افرادی که از نظر جسمی استطاعت و توانایی رفتن به سفر حج را ندارند، شناسایی

شوند و از سفر آنها ممانعت شود. دوم: اینکه افرادی که آسیب‌پذیر هستند مشخص شوند. آسیب‌پذیرها شامل سالمندان و افرادی می‌شود که بیماری خاص یا مزمنی مثل دیابت، مشکلات قلبی، فشار خون و ... دارند. به این ترتیب برای همه زائران پرونده پزشکی تشکیل می‌شود که به صورت آنلاین در اختیار معاونت پزشکی سازمان حج و زیارت قرار می‌گیرد. دکتر «امین‌رضا طباطبایی»، معاون مرکز پزشکی سازمان حج و زیارت، به زائران توصیه می‌کند در این معاینات، تمام مشکلات جسمی و روحی خود را صادقانه به پزشک کاروان بگویند و از این که سفر حج برایشان ممنوع شود، نترسند. چون اگر شخصی، بیماری خود را مخفی کند و در طول سفر بیماری‌اش عود کند، رسیدگی به او سخت می‌شود.

پیش از عزیمت به سرزمین حجاز، زائران برای مقابله با بیماری‌های مننژیت (در همه فصول) و آنفلوانزا (در فصل سرما) واکسینه می‌شوند.

● شایع ترین مشکلات

تجربیات دکتر طباطبایی به ما می‌گوید عمده‌ترین مشکلاتی که برای زائران در این ایام پیش می‌آید شامل:

▪ مشکلات تنفسی و ریوی (مثل آسم و برونشیت):

که در اثر وجود جمعیت زیاد، گاه هوا و محیط آلوده و هوای گرم و خفه پیش می‌آید.

▪ بیماری‌های ناشی از ویروس‌ها و میکروب‌هایی که در کشور ما شایع نیستند و بدن ایرانیان برای مقابله با آنها آماده نیست.

▪ بیماری‌های قلبی و عروقی:

که در اثر ازدحام جمعیت، هوای گرم، سختی اعمال و ... ممکن است افراد با سابقه مشکلات قلبی و عروقی را دچار کند. حتی عده‌ای برای اولین بار گرفتار آن شوند.

▪ بیماری‌های کلیوی:

که معمولا به خاطر مصرف کم آب و کاهش آب بدن و حجم ادرار برخی زائران را درگیر می‌کند. البته در مواردی هم مشکل بیماران دیالیزی عود می‌کند که با هماهنگی‌هایی که معاونت پزشکی سازمان حج و زیارت با بیمارستان‌های عربستان انجام داده است، این بیماران می‌توانند از خدمات دیالیز بیمارستان‌های عربستان استفاده کنند.

▪ مشکلات اسکلتی و عضلانی:

که معمولا در هنگام رمی جمرات و مناسکی که با حضور عده زیادی از افراد انجام می‌شود، پیش می‌آید. حتی مواقعی دیده شده که سنگ یا ریگ به چشم افراد خورده و به آنها آسیب رسانده است.

▪ اختلالات روانی:

ممکن است بعضی از زائران که مشکلات عصبی و روحی خاصی دارند، به خاطر دقت در اعمال، طولانی شدن مدت سفر، دوری از خانواده، سختی سفر و حتی مسائل فیزیولوژیک دچار اختلالات روانی شوند.

▪ اختلال حواس:

که برای بسیاری از افراد سالمند پیش می‌آید و آنها را با مشکل مواجه می‌کند.

▪ گرمازدگی: که البته در چند سال اخیر به دلیل تقارن ایام حج تمتع با فصل پاییز و زمستان، کمتر مشاهده شده است.

● بهداشت در حج

مهندس «نعمت‌الله سیف»، کارشناس ارشد مهندسی بهداشت و مسوول بهداشت دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی، عقیده دارد که زائران، پیش از عزیمت به عربستان باید نسبت به سفر و موارد بهداشتی (بهداشت روانی، جسمی، فردی و جمعی) کاملا آگاهی یابد و پزشکان و مدیران کاروان مسوولیت اطلاع‌رسانی به آنها را برعهده دارند. او می‌گوید: «وقتی زائری در جمع دیگر زائران به این سفر نسبتا طولانی می‌رود، باید یکسری مسائل را رعایت کند.

مثلا با توجه به این که اتاق‌های محل استقرار زائران، خصوصی نیستند و معمولا چند نفر در یک اتاق به سر می‌برند، رعایت بهداشت فردی و جمعی و یک سری نکات ریز (مثل پرهیز از استعمال دخانیات در اتاق، رعایت ساعت خواب و آرامش برای هم‌اتاقی‌ها و ...) باعث می‌شود همسفران اوقات خوب و بدون مشکلی را سپری کنند.

عده زیادی از زائران را افراد سالمند تشکیل می‌دهند، بهتر است دیگر افراد کاروان حواسشان به سالمندان باشد و تا آن جا که برایشان مقدور است به آنها در انجام اعمالشان کمک کنند.

این توصیه ها را در ایام حج رعایت کنید تا به حفظ سلامتی خود و هم کاروانیانتان کمک کنید.

▪ اگر مبتلا به بیماری خاص و مزمنی هستید، پیش از سفر حتما به پزشک متخصص‌تان مراجعه کنید و دستورات و داروهای مربوط به مدت یک ماه را که در سفر هستید از او بگیرید و داروهایتان را تأمین کنید.

▪ اگر مجبورید فقط از داروهای خارجی استفاده کنید، بهتر است داروهایتان را از ایران به طور کامل تهیه کنید، چون داروخانه‌های ایرانی مستقر در مکه و مدینه فقط داروهای ایرانی دارند و قیمت داروهای خارجی در داروخانه‌های عربستان بسیار بیشتر از ایران است.

▪ سعی کنید تا آن جا که ممکن است ساعت‌های خنک برای انجام مناسک یا خرید از هتل خارج شوید.

▪ بهتر است هر زائر همیشه یک قمقمه آب یا یک بطری آب معدنی همراه داشته باشند و در صورت بروز مشکلاتی مثل تکرر یا سوزش ادرار به پزشک کاروان مراجعه کنند.

▪ اگر ناچارید از غذاهای رژیمی استفاده کنید، این موضوع را پیش از سفر با پزشک کاروان در میان بگذارید و در طول سفر وسوسه نشوید که غذاهای غیررژیمی بخورید، چون مشکلاتی که ممکن است برایتان پیش بیاید می‌تواند شما را از یک سفر خوب و انجام اعمالتان محروم کند.

▪ به پزشک کاروان اعتماد کنید و برای یک سرماخوردگی کوچک راهی بیمارستان نشوید.

▪ اگر دارو مصرف می‌کنید، در طول سفر به هیچ‌وجه بدون مشورت با پزشک، دوز داروهایتان را تغییر ندهید و به امید شفا پیدا کردن داروهایتان را قطع نکنید.

▪ اگر از وسایل توانبخشی مثل عینک، سمعک، عصا، ویلچر یا عضو مصنوعی استفاده می‌کنید، قبل از سفر از سلامت آنها مطمئن شوید و ترجیحا یدکی آنها را همراه داشته باشید تا در صورت آسیب دیدن یا مفقود شدن آنها دچار مشکل نشوید.

▪ سعی کنید به اندازه بخوابید تا کمبود خواب و خستگی مفرط باعث ضعف و بیماری شما نشود.

▪ مصرف نوشابه زیاد، به خصوص برای افراد مسن مشکل‌زاست، پس سعی نکنید به زور هم که شده سهمیه نوشابه‌تان را همیشه مصرف کنید.

▪ غذایی که در اختیار شما قرار می‌گیرد، توسط کارشناسان تغذیه تصویب و تأیید شده، پس به برنامه غذایی کاروان احترام بگذارید و سعی نکنید از غذاهای بیرون استفاده کنید.

▪ در ایام تشریق که حاجیان (مردان) موهای خود را می‌تراشند، باید دقت شود که هر حاجی موهایش را در کیسه یا در تلق پلاستیکی بریزند تا در چادر پخش نشود. ضمنا به یاد داشته باشید که فقط از تیغ‌های یکبار مصرف و مخصوص خودتان استفاده کنید، در غیر اینصورت ممکن است باعث انتقال بیماری‌های عفونی شوید.

▪ فقط از آب‌های بهداشتی و بطری شده‌ای که کاروان در اختیارتان قرار می‌دهد برای نوشیدن استفاده کنید، چون منابع تأمین آب عربستان شامل آب‌های بهداشتی و آب‌های زیرزمینی و چاه می‌شود و اگر شما نادانسته از آب‌های غیربهداشتی چاه استفاده کنید، سلامت خود را به خطر می‌اندازید.

▪ سعی کنید هر شب راه‌های تنفسی خود را با سرم آب و نمک شستشو دهید و ضدعفونی کنید تا از بروز بیماری‌ها و عفونت‌های تنفسی پیشگیری شود.

* افرادی که مشکلات تنفسی و ریوی دارند، می‌توانند از ماسک‌های پرسی (و نه دوخته شده) که استفاده از آنها طبق فتوای مراجع اشکال شرعی ندارد، استفاده کنند. می‌توانید از پزشک کاروان بخواهید تا برایتان از این ماسک‌ها تهیه کند.

● توصیه‌هایی به مدیران کاروان

در طول ایام مبارک حج، بی‌اغراق می‌توان گفت مدیران کاروان بیشترین مسئولیت و سختی را پیش‌رو دارند. آنها مسوول حفظ سلامت، امنیت و رضایت تمام افراد کاروان هستند و به همین خاطر باید با کوله‌باری از تجربه، مدیریت، توانایی و صبر پا به سرزمین وحی بگذارند. در کنار مدیر کاروان، افرادی به عنوان خدمه، به او در اداره امور کاروان کمک می‌کنند؛ بدیهی است این افراد مثل مدیر کاروان، باید دوره‌های آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را که مخصوص ایام حج است، بگذرانند و کارت معاینه پزشکی را در طول سفر همراه داشته باشند. رعایت بهداشت و مسائل مربوط به حفظ سلامت، از سوی مدیر کاروان و خدمه، از موارد مهمی است که تأثیر بسیار خوبی در افراد کاروان و روحیه آنها می‌گذارد. یکی از مواردی که گاه باعث ایجاد مشکلاتی مثل مسمومیت دسته‌جمعی اعضای کاروان می‌شود، نگهداری نادرست از مواد غذایی و غذای مورد استفاده حجاج (به خصوص در منا و عرفات) است. دستگاه‌های هیتر ساعت‌ها قبل از وعده‌های شام و ناهار، غذای کاروان را برای آنها می‌فرستد و مدیر کاروان و خدمه باید بعد از رسیدن هیتر بلافاصله آن را به برق متصل کنند و مراقب باشند دمای هیتر کمتر از ۷۰ یا ۸۰ درجه نشود، چرا که اگر غذا سرد و دوباره گرم شود امکان ایجاد مسمومیت بسیار بالا می‌رود. از موارد مهم دیگر دفع زباله‌های کاروان (به خصوص در منا

و عرفات) است. هر کاروان باید زباله‌های تمام چادرها و اتاق‌ها را جمع و در جای مشخصی نگهدارد تا مسئولین جمع‌آوری زباله آنها را بردارند. اگر این زباله‌ها پخش باشند، ممکن است روزها در گوشه و کنار بمانند و موجب عفونت و آلودگی شوند.

منبع : روزنامه تهران امروز

http://vista.ir/?view=article&id=287098

vista.ir
Online Classified Service

مارکوپولوی جهانگرد

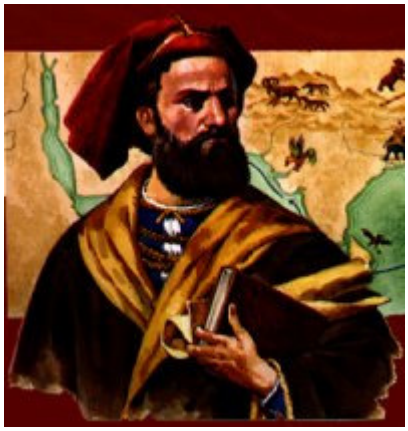

مارکوپولو در سال ۱۳۲۴ م. درگذشت یعنی یك سال قبل از اینکه ابن بطوطه در ۲۴ سالگی سفر دریایی و دور و دراز خود را از زادگاه بومی‌اش تنگیر Tangier آغاز کند. اگرچه آن دو هرگز یکدیگر را ملاقات نکردند، اما ابن بطوطه تقریباً و با اطمینان و یقین در سفرهای خود به اقیانوس هند با مردمانی دیدار و برخورد داشت که مارکوپولو و محیط پیرامون وی را دیده بودند زیرا مارکوپولو در سال ۱۲۹۲ م. از طریق دریای چین China Sea تنگه مالاکا Malaca Strait و اقیانوس هند، یك سفر دریایی به سوی زادگاه بومی خویش ونیز Venice را آغاز کرد. ماموریت او از طرف فرمانروای سلسله یوآن Yuan یعنی قوبیلای خان عبارت بود از حفاظت و تحویل یك عروس خانم برای ارغون سلطان ایلخانی مغول که بعداً فرمانروای قلب سرزمین‌های اسلامی گردید.

مارکوپولو شماره جزایر واقع در اقیانوس هند را ۱۲۷۰۰ ذکر کرده و خودش منبع این آمار را: «نقشه‌ها و نوشته‌های دریانوردان با تجربه‌ای که در این آبها رفت و آمد می‌کردند.» اعلام نموده است. او درباره کسانی که منکر این آمار هستند می‌افزاید که: «در سراسر دنیا هیچکس پیدا نمی‌شود که بتواند نظر درستی درباره همه جزایر اقیانوس هند ارایه دهد.» گزارشات او درباره بنادر عمده، محصولات و راههای تجاری اقیانوس هند- با وجود برخی تناقضات جغرافیایی قابل درك و بعضی آمارهای غیر قابل اعتماد در خصوص مسافت بین شهرها- به طور قابل توجهی صحیح و دقیق است. با وجود همه اینها مارکوپولو وقتی در نوشته‌های خود مکرراً این جمله را به کار می‌برد که: «همه چیز متفاوت و عجیب است» احساسی از حیرت و حرارت و هیجان نسبت به دنیا را به مخاطبانش انتقال می‌دهد. او به خاطر شرح انسانها- زبانها و جانوران مناطقی که دیده و در کتابش آورده همیشه زنده و جاوید است و اینها همه افسون کتاب او را نشان می‌دهد.

همچنین او شاید نخستین نویسنده اروپایی از دوران باستان می‌باشد که به بادهای موسمی اقیانوس هند توجه کرد، آنجا که می‌گوید: «من بایستی به شما بگویم یك سفر دریایی تکمیلی یك سال تمام زمان می‌برد به این ترتیب که بایستی در زمستان آن را آغاز و در تابستان بازگشت کرد. اما در این دریاها فقط دو نوع باد می‌وزد، یکی بادی که اشیاء روی آب را به سمت جلو شناور می‌سازد و دیگری بادی که در جهت مخالف وزیده و آنها را به عقب برمی‌گرداند که اولی در فصل زمستان و دیگری در فصل تابستان می‌وزد.»

سفر بزرگ او با دریانوردی از زایتون Zaitun (کوانژو Quanzhou) به سوی پادشاهی چامپا Champaدر جنوب ویتنام آغاز گردید و آنگونه که مارکوپولو برآورد می‌کند فاصله و مساحت بین این دو منطقه حدود ۲۴۰۰ کیلومتر (یا ۱۵۰۰ مایل) بوده است. چامپا منبع اصلی تامین صمغ خوشبو (aloeswood) بود که در زبان عربی «عود» Ud گفته می‌شود، چیزی که از آن زمان تاکنون در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی به خاطر بوی خوش و معطری که دارد همواره طرفداران و خواستاران زیادی داشته و دارد و نیز شهرت دیگر شهر چامپا به خاطر چوب آبنوس ebony بود که در ساخت مهره‌های شطرنج و قلمدان‌ها به کار می‌رفت.

اگرچه مارکوپولو هیچگاه از جاوه دیدار نکرد اما یادآور می‌شود که: «آن بزرگترین جزیره دنیاست ... جزیره‌ای بسیار ثروتمند و تولیدکننده عمده فلفل،

جوز هندی Nutmegs، روغن معطر Spikenard، خولنجان galingale، کبابه چینی Cubebs و قرنفل یا میخك Clove و همه انواع ادویه گرانبها ... در این سرزمین گله‌های بزرگ گوسفند و سوداگران زیادی وجود دارند که حجم عظیمی از کالاهای تجاری را خریداری، منافع و عایدی فراوانی برداشت کرده و با ثروت بسیار بازمی‌گشتند ... از همین جزیره است که عموم سوداگران زایتون و مانزی Manzi (در چین جنوبی) از آنجا سرچشمه گرفته و به داد و ستد بخش زیادی از ثروت خود پرداخته و اینجا منبع عمده و اصلی بیشترین ادویه‌ای است که به سوی بازارهای جهانی رهسپار می‌گردد.»

جاوه البته اینگونه نبود، اما تولیدکننده همه ادویه‌هایی بود که او ذکر می‌کند مانند میخك و جوز هندی که از مولوکاس Moluccas وارد می‌شد و فلفل که ممکن است از مالابار Malabar وارد شده باشد اما همه آنها در بازارهای جاوه یافت شده و در دسترس بودند.

مارکوپولو گفته که قوبیلای خان هرگز قادر به فتح جاوه نخواهد شد. در حقیقت قوبیلای خان یك سال پس از دیدار مارکوپولو از جاوه به آنجا حمله کرد و در ادامه تلاشهایی در جهت تصرف برمه، چامپا و آنام Annam انجام داد. این فرمانروای سلسله یوآن در جستجوی این بود که سیطره دریای خود را به همان خوبی سیطره خشکی بر این سرزمین ادامه دهد اما شکست‌های دریایی سخت آنان با انهدام ناوگان جنگی بزرگی که در سال ۱۲۷۴ م. به ژاپن فرستاده بودند، آغاز گردید. با این حال تلاشهای مصرانه و پر هزینه آنان برای سیطره دریایی نشان دهنده عزم راسخ آنان برای کنترل نه تنها راههای خشکی منتهی به چین بلکه به همان طریق راههای دریایی منتهی به آن منطقه بود. نوعی جاه‌طلبی که در سلسله یوآن از طرف سوداگران مسلمان تشویق می‌شد، یعنی از سوی کسانی که در انتظار حذف هرگونه رقابتهای تجاری غیر مسلمانان در ژاپن، جنوب و جنوب شرقی آسیا بودند.

مارکوپولو از جنوب ویتنام به طرف شبه جزیره مالایا دریانوردی کرد یعنی همان جایی که به گفته خودش: «به قدری طلا در آنجا فراوان است که هیچ کس تا نبیند نمی‌تواند آن را باور کند. فیل‌ها و حیوانات وحشی زیادی به وفور در آنجا دیده می‌شود.» همچنین در آنجا گیاهی به نام دار پرنیان (چوب سرخ) brazilwood کشت می‌شد که از آن رنگ سرخی تولید می‌شد که در صنایع نساجی کاربرد داشت و مارکوپولو در تلاشی ناموفق سعی کرد آن را در ونیز نشاء کند.

او سپس از طریق تنگه مالاکا دریانوردی کرد همانجا که وی برای اولین بار آن را به نام سوماترا یا به قول خودش «جاوه کوچکتر» نامگذاری کرد. او نوشت این منطقه به هشت پادشاهی تقسیم می‌شود که هریك دارای زبان خاص خود می‌باشد. یکی از این پادشاهی‌ها فرلك "Ferlec" نام دارد (احتمالاً منظور منطقه پریاك Periak در سوماترای شمالی است.) او می‌گوید که مذهب عادی مردمان آنجا هندو بوده اما از طریق تماس و ارتباط با سوداگران مسلمان به سوی دین اسلام گرایش یافته‌اند. او می‌افزاید که این درست است که فقط مردمان مناطق کوهپایه‌ای شهر آدمخوارند. روند رو به رشد اسلام‌گرایی منطقه عیناً به دست سوداگرانی از هند و شمال شرق قاره آسیا و ترجیحاً از عربستان Arabia آغاز شده بود و این نخستین بازگشت به سوی سلطان‌نشینی اسلامی در منطقه مجمع‌الجزایر اندونزی بود. مارکوپولو ۵ ماه را در سوماترا سپری کرد چرا که در انتظار وزش بادهای موسمی موافق بود تا بتواند مسیر خود را با سفری دریایی در جهت غرب به سمت سریلانکا Srilanka ادامه دهد.

او برآورد می‌کند که مساحت (محیط) سریلانکا حدود ۲۴۰۰ مایل باشد و می‌افزاید: «آنگونه که با نقشه‌های دریایی ملوانان قدیم نشان می‌دهد این رقم در گذشته بیشتر و حدود ۳۵۰۰ مایل بوده است.»

او توضیح می‌دهد که: «شدت وزش بادهای شمالی در این منطقه به قدری است که بخش بزرگی از این جزیره را به زیر آب برده است.» بهترین مدرك در جهت باور این قضیه وجود نقشه‌های دریایی است که توسط ملوانان اقیانوس هند استفاده می‌شده و هیچ یك از آنها باقی نمانده است.

بعدها- همانگونه که اکنون نیز چنین است- سریلانکا به خاطر سنگهای قیمتی به ویژه یاقوت سرخ ruby مشهور گردید. پادشاه دارای یاقوتی بود که به درازای کف دست و به ضخامت بازوی یك مرد بود که هیچ ترکی نداشته و به گفته مارکوپولو: «به سرخی آتش سوزان می‌درخشید.» در خصوص این یاقوت سلطنتی که همچنین در هفتمین سفر دریایی سندباد Sindbad بدان اشاره شده، مارکوپولو می‌گوید که قوبیلای خان سفیری را به دربار سریلانکا اعزام کرد تا آن را خریداری نماید، اما پادشاه سریلانکا حاضر نشد آن را از خود جدا کند.مارکوپولو از سریلانکا پای در خشکی نهاد تا در جهت شمال شرق به دیدار منطقه کروماندل Coromandel در سواحل هندوستان برود و گزارشات مفصل او از این منطقه مملو از اطلاعاتی در زمینه رسوم محلی، مذهب، لباس و نوع اغذیه مردمان این منطقه می‌باشد. او به توصیف صنعت صید مروارید در منطقه خلیج منار Gulf of Mannar، واردات اسبهای عربی از هرمز Hormuz، کایس Kais، ظفار Dhufar، شیهر Shihr و عدن Aden می‌پردازد. کوروماندل به طور میانگین در طول یك سال اقدام به خریداری ۲۰۰۰ اسب می‌کرد که بابت آن چیزی کمتر از ۲۵۰ گرم (یا ۸ اونس) طلا می‌پرداخت. از آنجا که این اسبان نمی‌توانستند مدتی طولانی در چنان وضعیت آب و هوایی زنده بمانند، دایماً تقاضا برای خرید اسب ادامه داشت.

مارکوپولو در کتابش مقدار زیادی در خصوص پیشرفتهای تجاری بنادری همچون کایال Kayal، کومورین Comorin، کویلون Quilon، تانا Thana، سومنات Somnath و کامبای Cambay- که همگی آنها را خود دیده است- صحبت کرده است. او بارها به محاسبه عرض جغرافیایی این مناطق با استفاده از مقدار ارتفاع ستاره قطبی Pole Star نسبت به افق پرداخته، یعنی همان روشی که توسط احمد بن مجید Ahmad ibn Majid به کار گرفته شده بود. این بنادر هم با چین و هم با بنادر مدیترانه Mediterranean مرتبط بودند. مارکوپولو می‌گوید: در این منطقه وفور نعمت محصولاتی همچون فلفل Peper، و نیز زنجبیل ginger، به علاوه دارچین Cinnamon و نیز دیگر جاذبه‌هایی همچون Turbit و نارگیل Coconut بسیار زیاد است. کرباس‌هایی Buckrams که در این منطقه تولید می‌شوند یکی از دلپذیرترین منسوجات دنیا هستند. وقتی بازرگانان از سایر نقاط دنیا به اینجا می‌آیند در بازگشت کشتی‌های خود را با برنز brass- که برای سنگین کردن ته کشتی‌ها به کار می‌رود- پارچه‌های زربافت و ابریشمین، صندل، طلا، نقره، گل میخك، روغن معطر و سایر محصولاتی که در این منطقه تهیه نمی‌شوند ... پر و انباشته می‌کردند... و همه این کالاها به بیشتر مناطق دنیا صادر می‌شدند. کالاهایی که به عدن حمل می‌گردید از آنجا راهی اسکندریه Alexandria می‌گردید.

مارکوپولو یادآوری می‌کند که در گجرات Gujarat به سمت شمال غرب یك ناحیه مستقل وجود دارند که مردمان انجا به زبان هند و آریایی تکلم می‌کنند و در واقع او یکی از معدود جهانگردان قرون وسطی است که به این اختلاف زبانی اشاره و توجه کرده است. او به محصولات نخی مشهور گجرات و نیز صادرات کالاهای چرمی به عربستان و دیگر کشورها اینگونه اشاره می‌کند: «کافی است گفته شود که تولیدات چرمی این قلمرو در زمره عالی‌ترین و استادانه‌ترین هنرهای هر نقطه از دنیا و ارزشمندترین آنهاست.» کشتی‌هایی که وارد کامبای می‌شوند، طلا، نقره و برنز با خود آورده و در بازگشت آنها را با کالاهای چرمی، منسوجات نخی و نیل (وسمه) indigo داد و ستد می‌کنند.

او پس از اقیانوس هند به سمت جزیره سوکوترا Socotra طی طریق کرد، یك مرزبانی خارجی نسطوری Nestorian بسیار دور از ساحل در عربستان جنوبی که دارای اسقفی بود که هنوز از طرف بغداد Baghdad منصوب می‌شد. سوکوترا در قرون میانه (وسطی) MiddleAges بیشتر به خاطر صادرات «خون اژدها»- نوعی صمغ قابض (منقبض کننده خون)- شهرت داشت که برای بهبود زخم‌ها به کار می‌رفت. این جزیره همچنین عنبر Ambergris، نمك ماهی و پارچه‌های نخی خوب صادر می‌کرد. کشتی‌هایی که عازم عدن بودند به این بندر می‌آمدند تا داد و ستد کرده و سوروسات و آذوقه سفر خود را تامین کنند.

مارکوپولو بلافاصله پس از توصیف سوکوترا، شایعه‌ای در مورد ماداگاسکار Madagascar ارایه می‌دهد بر این مبنا که در ماورای آنجا هیچکس به خاطر جریان قوی امواج آبهای جنوبی، کشتیرانی نمی‌کند. (این همان جریانی بود که جغرافیدانان عرب را نیز به این نتیجه‌گیری واداشت که کشتیرانی در ماورای ماداگاسکار هیچ بازگشتی در پی نخواهد داشت. مارکوپولو می‌گوید کشتی‌هایی که وارد آنجا می‌شوند کالاهای خود را با عاج ivory، عنبر و دیگر فرآورده‌های محلی مبادله می‌کنند. او می‌گوید ماداگاسکار همچنین جایگاه گریفون gryphon می‌باشد و به نظر او گریفون با مردمانی که واقعاً موفق به دیدن او شوند، صحبت می‌کند. اما این عقیده همچون عقیده اروپاییان در مورد گریفون نیست که آن را ترکیبی از پرنده و شیر- اما پرنده‌ای واقعی در اندازه غول‌پیکر- می‌دانستند.

مارکوپولو می‌گوید: «آنها (کسانی که گریفون‌ها را دیده‌اند) گزارش داده‌اند که گریفون‌ها آنچنان بزرگ و عظیم‌الجثه بوده‌اند که یکی از آنها می‌توانسته بر یك فیل یورش برده و آن را با خود در ارتفاع زیادی به آسمان بالا برد سپس آن را از آن ارتفاع رها می‌کرده و در نتیجه فیل به سطح زمین اصابت کرده و گوشتش به قطعات ریزی متلاشی می‌شد، آنگاه گریفون بر روی آن فرود آمده و به آسانی از آن تغذیه می‌کرد.» او سپس می‌افزاید که ساکنین جزیره به این پرنده روخ Rukh می‌گویند که نام یك دوست قدیمی مربوط به ماجرای سفرهای سندباد می‌باشد.

مارکوپولو پس از این سفر انحرافی به شرق آفریقا، راه عدن را در پیش گرفت که به گفته خودش: «بندری بود که همه کشتی‌ها از هند بدانجا می‌آیند.» او توضیح می‌دهد که چگونه کشتی‌های وارده محموله‌های خود را به وسیله قایق‌های کوچکتر به ساحل انتقال می‌دادند، و می‌گوید: «آنها هفت روز در امتداد رودخانه دریانوردی می‌کنند.» (احتمالاً منظور دریای سرخ می‌باشد.) و پس از آن کالاهای خود را بار شترها کرده و آنها را رهسپار یك سفر زمینی ۳۰ روزه به رودخانه نیل، پس از آن اسکندریه و مناطقه مدیترانه‌ای می‌کنند.

او نیز به تشریح سه بندر پیشرفته عربی دیگر یعنی شیهر، ظفار و کالهات Qalhat می‌پردازد که همگی صادر کننده اسبهای اصیل به هندوستان بودند، شیهر و ظفار غیر از اسب صادر کننده گیاه کندر Frankincence نیز بودند. او پس از خلیج (فارس) به سمت هرمز طی طریق کرد البته نه «هرمز جدید» که ابن بطوطه در جزیره جارون Jaran از آن دیدن کرده بود، بلکه قاره و مرکز اصلی جزیره. مارکو در اینجا به توصیف سیستم تهویه هوا یا بادگیرهای این منطقه می‌پردازد که با یك مسیر قیفی شکل هوای خنك را به داخل منازل وارد کرده و زندگی در آنجا را قابل تحمل‌تر می‌سازند.

برخی از مبلغین مذهبی و جهانگردان اروپایی سعی کردند تا در اوایل قرن ۱۴ م. با سوء استفاده از صلحنامه مغولی Pan of Mongolica به شرق

دور Far East سفر کنند. چند تن از آنان همچون اودوریك پوردنون Odoric of Pordenone، فرای جوردن کاتالان دو سوراك Fray Jordan Catalan de Severac و فرای پاسکوال دو وتیوریا Fray Pascual de Vitoria از سرزمین خود به سوی اقیانوس هند کشتیرانی کردند. آنها گزارشات مختصری از سفرهایشان نوشته‌اند که ضمیمه است، اما هیچ یك از آنها گزارشات و سفرنامه‌های مارکوپولو را تحت‌الشعاع خود قرار نمی‌دهد. نیکولودی کونتی Nico lo dei Conti بین سالهای ۱۴۱۴ و ۱۴۳۹ م. سفرهای زیادی را به اقیانوس هند انجام داد. دربدری و آوارگی او در این مناطق جالب توجه است: بغداد- هرمز- کالهات- کامپای- مالابار- مدرس- مالاپور Malapur- سوماترا- برمه- آوا Ava- پگو Pegu- جاوه- برنئو- چامپا- قیلون- کوچین Cochin- کالیکوت Calicut- دوباره کامبای- عدن- بربرا Berbera- جده- مکه- قاهره- ونیز. او ۹ ماه را در برابر برنئو سپری کرد و در این مدت چیزهایی درباره جزیره دورافتاده مولوکا Molucca از بازرگانان آنجا شنید یعنی همان جزایر ادویه‌ای که جغرافیدانان عرب اولیه آن مناطق را تحت عنوان «بلاد منبط العطار» می‌شناختند یعنی: سرزمینی که در آنجا ادویه می‌روید.» نیکولودی کونتی نخستین نویسنده‌ای است که به پرنده بهشت یا ادویه‌جاتی که فقط در گینه جدید و جزایر نزدیك آن می‌روید اشاره کرده و اینها همان چیزهایی بود که بیش از همه توسط چینی‌ها و ترکهای عثمانی به غنیمت گرفته و مصادره می‌شدند.

کاروان نیکودی کونتی در راه بازگشت به اروپا از کنار مدفن یك شوالیه مسیحی به نام پورتافور Pero Tafur عبور کرد. نیکولو می‌گوید: پورتافور که در سن ۱۸ سالگی زادگاه خویش را ترك کرده و به همین خاطر از حق ارث محروم گردید، یك سال را در دربار تیمور لنگ در سمرقند سپری کرد و سپس به سوی هند رهسپار گردید. نیکولو مدعی می‌شود که پورتافور در هند توسط شخصی به نام پرسترجان Prester John پذیرفته و مورد استقبال قرار گرفت. کسی که از نظر پورتافور «بسیار بخشنده و رئوف بود و مساعدتهای زیادی به من نمود و باعث ازدواج من (پروتافور) با زنی شد که اکنون سه بچه از آن زن دارم.» نیکولودی کونتی می‌گوید که پرستر جان یکی از لردهای بزرگ بود که ۲۵ پادشاه در خدمت وی بودند و همو بود که ۲ ماموریت اکتشافی ناموفق در جستجوی منابع رودخانه نیل اعزام کرد.

نیکولودی کونتی در راه بازگشت ماجرای سفرهای خویش را به منشی پاپ دیکته کرد و مسایل انسانی را به پوگیو برآکیولینی Poggio Bracciolini (پاپ) آموخت در خصوص انسانهایی که ما بیشتر کلیدهای دنیای امروز را مدیون و مرهون زحمات آنان هستیم. او شدت گزارشات خویش را با یك گزارش آموزنده و خبری از سفرهایش ملایم‌تر ساخت. بیشتر اطلاعات جغرافیایی او توسط فرامائوروی ونیزی Venctian Fra Mauro در نقشه جالب توجهش که در سال ۱۴۵۹ م. عرضه کرد، ثبت گردیده است، نقشه‌ای که اتفاقاً آفریقا را آشکارا به صورت یك شبه جزیره نشان می‌دهد. با این حال گفتگوی نیکولودی کونتی با پروتافور، نشانگر جنبه قرون وسطایی این مرد می‌باشد کسی که تسلطش بر پرستر جان و منابع رود نیل منجر به سهم بردن پرتغالی‌ها از این مسئله و برانگیختن آنان شد تا عهده‌دار مجازات‌ها و دزدیهای دریایی شوند. نیکولو تا زمانی که تیمور لنگ زنده بود، می‌توانست آزادانه به همه جا سفر کند اما وقتی که امپراتوری تیمور لنگ پس از مرگش در سال ۱۴۰۴ م. منقرض گردید، راههای زمینی خیلی امنیت نداشتند و نیکولو مجبور شد از طریق دریا به ایتالیا بازگردد. او تنها شخص ناسازگار و ناراضی پس از مرگ فاتح آسیای میانه نبود و تنها کسی نیز نبود که مجبور شد از طریق راههای دریایی به سرزمین خویش بازگردد.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=228638

vista.ir
Online Classified Service

ماسوله در استان گیلان

ماسوله در استان گیلان اگرچه مناطق جنوبی دریای خزر معمو&#۶۵۲۷۱; با کوهها و روستاهای دست نخورده و مناطق مسکونی پوشیده شده است

اما در این میان نمی توان از ماسوله نام نبرد . ماسوله که در ۵۶ کیلومتری جنوب غربی رشت و ۱۰۵۰ متری بالاتر از سطح دریا قرار دارد به عنوان زیباترین روستای اینجا به شمار می رود. به این روستا که در نزدیکی رشت قرار دارد میتوان از طریق فومن و از گذرگاه زیبایی که پوشیده از جنگل است رسید. این روستا از بالکنهایی ساخته شده است که بطور بیقاعده قرار گرفته اند و خانه های آن کرم رنگ بوده و با درختان همیشه سبزی احاطه شده اند. این روستا به صورت شیب دار بوده بطوریکه ارتباط با کوچه های اطراف غیر ممکن است . این روستا امکانات زیادی برای بازدید کنندگانش ندارد اما مدل مارپیچ آن که بینظیر است باعث شده همه را با وجود گرد و خاک و خشکی محل به سمت خود جذب کند و ارزش یک روز سفر از رشت را داشته باشد.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94317

vista.ir
Online Classified Service

ماکو

شهرستان ماکو که در شمالغربی آذربایجان جنوبی جای میگیرد ، از شمال و غرب به ترکیه ، از شرق با رودخانه های ساری سو و ارس و از جنوب با مرز شهرستان خوی محدود میشود . در مورد نام ماکو که تاریخی سه هزار ساله دارد ، اعتقادات مختلفی وجود دارد .بعضی از محققان معتقدند که نام اصلی این شهر ماکی بوده و بمعنای چراگاه گوسفندان بوده است . مورخی بنام یاقوت حماوی بر این باور است که نام ماکو در اصل ماگوش بوده و محل زندگی روحانیون زرتشتی بوده است .در گذشته ماکو همچنین با عناوینی همانند آرتاز ، شاوارشان و قلعه قابان یاد شده است . مینورسکی محقق بزرگ روسی نیز بر این اعتقاد است که نام ماکو از تلفیق کلمات ماد و کوه بوجود آمده است .خلق ترک ساکن این شهر بسیار قدیمی با دامداری ، کشاورزی و تجارت مرزی امرار معاش مینمایند .

ماکو با سه کشور ترکیه ، ارمنستان و آذربایجان مرز مشترک داشته و مردم آن میتوانند از بازارهای مرزی موجود در آن برای تجارت بهره ببرند . ماکو در دره تنگی که خود گذرگاهی بر سر جاده ابریشم بوده است ،جای میگیرد .این دره تنگ توسط رودخانه ای بنام زنگمار بدو بخش شمالی و جنوبی تقسیم میشود. بخش جنوبی که بر دامنه کوه سبد جای گرفته است ، آبادانی زیادی ندیده ولی بخش شمالی که زیر صخره عظیمی بنا شده همان ماکوی تاریخی است .

شهر از شمال و جنوب به کوهها محدود گشته و از شرق و غرب به دشتهای چایباسار و قلعه دره سی راه مییابد .در شمال شهردیواره صخره ای عظیمی بنام ساری قیه جای دارد که از شرق بغرب امتداد یافته و ۲ کیلومتر طول دارد .

جدا قیه نیز نام صخره ای کله قندی در شمال شهر است که خطر سقوط آن شهر را تهدید مینماید . قدیمیترین اسکان در ماکو و حوالی آن به تمدن

اورارتوئی مربوط است . دژ سنگی اورارتوئی ده سنگر که مابین ماکو و بازرگان واقع شده است ، نوشته های سنگی در پلدشت و بسطام ،همچنین یافته های باستانشناسی پیوترفسکی(باستانشناس روسی) همه و همه ثابت میکنند که اولین ساکنان ماکو و حوالی آن اورارتوها بوده اند . روسا شهر بزرگ اورارتوها نیز در روستای بسطام ماکو قرار میگیرد . در اطراف ماکو بالغ بر ۲۵۰ روستا و قصبه وجود دارد .

اگر این منطقه را از نظر اسکان طوایف ترک مورد بررسی قرار دهیم به این نتیجه میرسیم که : بعد از تیمور لنگ آذربایجان جنوبی توسط قره قویونلوها فتح گردید . قره یوسف ماکو را در سال ۷۵۸ هجری شمسی فتح کرد. بعدها آذربایجان جنوبی تمام و کمال توسط شاه اسماعیل صفوی تسخیرگشته و تحت اداره کرد دولت صفوی در آمد . شاه جنگ ایران برهبری شاه اسماعیل صفوی و عثمانیان که دارای سلاحهای گرم بودند برهبری سلطان سلیم در دشت چالدران که در اطراف ماکو قرار دارد ،تحقق یافت .

روایت است که قلعه شمال شهر سالها در دست راهزنی بنام قابان بوده که سرانجام توسط سپاهیان شاه عباس صفوی دستگیر و قلعه ویران شده است . شرح این ماوقعه را میتوان بر روی کتیبه ای که بر روی قلعه قابان حک شده بصورت شعر مشاهده کرد .در این منطقه آذربایجان جنوبی که دارای دشتهائی بسیار وسیع میباشد ،ارامنه نیز زندگی مینمودند. کنترل شهر ماکو در زمان حکمرانی سلسله زندیه و قاجاریه در دست طایفه بیات بوده است . این طایفه که به قره قویونلوها منسوب میباشند از شرق سرزمین آناطولی ریشه گرفته اند . بیاتها بهمراه قره قویونلو ها به آذربایجان جنوبی آمده بودند .

یکی از ویژگیهای تاریخی شهر ماکو در ارتباط با مذهب بهائی میباشد . علی محمد شیرازی مؤسس فرقه بهائی بفرمان میرزا آقاسی صدراعظم شاه قاجار مدت سه سال در قلعه ماکو زندانی شده و بسال ۱۸۵۰ در تبریز اعدام گشت .

در میان اماکن تاریخی شهر ماکو میتوان از گورستان ۲۸۰۰ ساله پیر احمد کندی در آواجیق ،تپه خلیل آباد در شوط ، بقایای تاریخی روستای دامباد ، دژ سنگی روستای سنگر ،کلیسای مریم ننه در غرب شهر و کلیسای زرزر در روستای بارون نام برد .

مهمترین اثر تاریخی شهر کاخ باغچه جوق است .این کاخ قدیمی که امروزه موزه میباشد در زمان قاجاریه و توسط تیمور پاشاخان ساخته شده و بعدها بفرمان پسرش مرتضی قلیخان توسط معماران روسی و محلی توسعه داده شد . بسیاری از وسایل فوق العاده زیبا و ارزشمند همانند مبلمان ،کاغذهای دیواری،ظروف چینی و گلدانهای زیبا از کشورهای خارجی وارد شده اند. خانواده اقبال السلطنه سردار ماکو والی منطقه در دوران قاجاریه تا سال ۱۹۷۴ میلادی در این کاخ زندگی مینمودند . این کاخ در دوران پهلوی از طرف وزارت فرهنگ و هنر خریداری شده و به موزه تبدیل گشت .

معماری شهر ماکو یکی از نمونه های هنری فوق العاده آذربایجان جنوبی بحساب میآید . جذابیت هنری بناهای شهر ماکو بوسیله بافت جغرافیائی و اندوخته هنری ترکهای ساکن شهر شکل گرفته و توسعه یافته بود . نظام فئودای سردار ماکو سرانجام توسط رضا خان برانداخته شده و منطقه از طرف پهلوی ها برای همیشه ترک و طرد گردید . رفتار مردد پهلویها در مورد این منطقه بعد ار انقلاب اسلامی ایران جای خود را به بیعلاقگی و بی تفاوتی داد. بی علاقگی و بی تفاوتی در قبال تارخ ، گذشتگان و گنجینه فرهنگیمان معماری شهر ماکو را نیز همانند سایر مناطق آذربایجان جنوبی محکوم به نابودی کرده است .امروزه بسیاری از ابنیه تاریخی شهر به بهانه های مختلفی ویران شده اند . بطوریکه در این مسکن قدیمی ترکهای آذربایجان امروزه از بناهای قدیمی بجز چند ویرانه چیزی بجای نمانده است .

منبع : پایگاه اطلاع رسانی آذربایجان جنوبی ما

http://vista.ir/?view=article&id=316429

vista.ir
Online Classified Service

مالزی از فقر تا ثروت

در میان ممالك آسیای جنوب غربی که مستعمره های سابق کشورهای پرتغال، اسپانیا، هلند و بعدها فرانسه و انگلستان بودند، مالزی و اندونزی دو کشوری هستند که به ترتیب ۶۰ و ۸۲ درصد جمعیت آن را مسلمان تشکیل می دهند. از میان این دو کشور مالزی با وجود این که درصد مسلمان آن کمتر از اندونزی است، خود را متعلق به جهان اسلام و دارای مذهب رسمی اسلام می داند. روسای این کشور با این که نمایندگی دوره تمام کشورهای اسلامی و همچنین جنبش کشورهای غیرمتعهدها را داشته اند مفتخر بوده و در گفت وگوهای بین المللی خود با سایر کشورهای دیگر به آن تاکید می کنند. از سوی دیگر، کشورهای اروپایی و غربی کشور مالزی را مدرن ترین و پیشرفته ترین کشور اسلامی می دانند، از این دو جهت برای مردم کشور ما و مسئولان محترم آن مهم است که شرایط کشور مالزی و عواملی که در پیشرفت این کشور در مدت زمان کمتر از ۲۵ سال تاثیرگذار بوده مورد مطالعه قرار دهیم و برای مملکت خود درنظر بگیریم.

• نفوذ سوماترا

کشور مالزی شبیه جزیره ای است که از شمال به تایلند و از همه طرف دیگر به دریا متصل است که در غرب با جزیره سوماترا و اندونزی فاصله کمی دارد و در جنوب هم با کشور کوچك سنگاپور همسایگی دارد، یك قسمت دیگر مالزی با فاصله دریایی ۶۰۰ کیلومتر در شمال جزیره برنئو (Borneo) قرار دارد که در ترکیب اجتماعی و قدرت دولت نقشی ندارد. وسعت هردو قسمت آن یك پنجم کشور و جمعیتی برابر ۲۴ میلیون دارد. به خصوص با ممالك همجوار و نزدیك تایلند، چین و هندوستان، اندونزی و دیگر کشورهای آسیایی داد و ستد می کند.

در زمانی که سواحل جنوب غربی این کشور در پنج قرن پیش هنوز به وسیله پرتغالی ها تصرف نشده بود اکثر مردم این کشور تحت نفوذ جزیره سوماترا و دادوستدها با کشورهای عربی به اسلام روی آوردند و حکمرانان محلی هم بالاجبار در نقاط مختلف این مملکت به دین اسلام گرایش پیدا کردند و نام سلطان را برای خود انتخاب پیدا کردند. سلطان ها به علت نبود پشتیبانی مردمی و دشواری های مختلف برای حفظ قدرت منطقه خود مجبور به انتخاب هم پیمان قوی بودند؛ هجوم پرتغالی ها از بندر گوآ (Goa) در هندوستان به طرف شرق و شبه جزیره مالزی فرصت خوبی برای سلطان ها جهت دریافت کمك نظامی از پرتغالی ها بود و پرتغالی ها هم با دادن توپ و چند کشتی به بعضی از حاکمان سواحل مالزی حکومت خود را با مهاجمان اروپایی تقسیم کرده و کم کم امکان تسلط اروپایی ها را بر تمام سواحل این شبه جزیره به وجود آوردند و مهاجمان اروپایی هم ابتدا با داشتن پایگاه کوچك قدرت خود را به مرور بسط داده و اختیارات سلطان ها را محدود ولی حاکمیت آنها را به عنوان سلطان بر مناطق کوچك تر بر مردم تحمیل می کردند. طی دو تا سه قرن پرتغالی ها با جنگ و شکست جای خود را اجباراً به هلندی ها و بالاخره به انگلیسی ها دادند. استعمارگران اروپایی برای استفاده از منابع طبیعی این شبه جزیره مجبور به جذب نیروی کار از کشورهای مجاور به خصوص چین و بعدها هندوستان به این شبه جزیره شدند. مردم چین بیشتر در سواحل شمال غربی جزیره سکونت یافتند به طوری که در اوایل قرن بیستم ۲۵ درصد مردم مالزی، چینی بودند. سلطان های حاکم بر مناطق مختلف مالزی به علت وابستگی استعمارگران اروپایی نتوانستند نفوذ خود را نه تنها در زمان حاکمیت اروپایی ها بلکه پس از استقلال مالزی در سال ۱۹۵۷ به عنوان سلطان در ۹ منطقه مختلف حفظ کنند. در اوایل جنگ جهانی دوم ژاپنی ها با تصرف کشورهای جنوب غربی آسیا از جمله سنگاپور و مالزی، انگلیسی ها را از این کشور بیرون کردند. مردم منطقه هند و چین (ویتنام، کامبوج و لائوس) توانستند خود را از زیر تسلط انگلیسی ها خارج کرده و راه استقلال را در پیش گیرند. مردم مالزی به علت اختلافات قومی به خصوص بین چینی ها و مسلمان ها از یك طرف، بین سلطان های حاکم بر مناطق مختلف از طرف دیگر و نفوذ حزب کمونیست دچار جنگ های داخلی شده و نتوانستند مانند سنگاپور و کشورهای هند و چین بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم استقلال خود را کسب کنند و با وجود منابع ثروت زیاد کشور به خصوص کائوچو که نیمی از مصرف جهانی را تامین می کرد و قلع که اولین صادر کننده در جهان بود دچار جنگ های داخلی شده و نتوانستند از این ثروت طبیعی خود بهره مند شوند. پس از کسب استقلال در ۱۹۵۷ و آمادگی مسلمان ها و اقلیت های قومی برای قبول سه اصل آزادی در انتخاب دین و پیروی از آن، انتخاب زبان مالزی به عنوان زبان رسمی و اسلام به عنوان دین رسمی کشور و مورد احترام ۴۰ درصد اقلیت غیر مسلمان کشور در انتخابات اکثریت آرا را به دست آورده و توانستند به جنگ های داخلی پایان دهند و نفوذ کمونیست ها را که از جنگل ها به شهرها حمله می کردند از بین ببرند.

• قوانین بدون امضا

در جریان این کشمکش های قومی مردم مالزی با قبول ملیت بعضی از افراد چینی و هندی که در چند دهه گذشته برای استخراج منابع قلع و همچنین تولید کائوچو جذب کار در مالزی شده بودند و با حزب کمونیست هم همکاری می کردند مخالفت می کردند، ولی برای کسب استقلال و بالاخره ایجاد صلح چاره نبود که توافق کنند و تقاضای ملیت مالزی اقلیت های مهاجر را بپذیرند به شرط آن که زبان مالزی را به عنوان زبان اصلی مملکت انتخاب کرده و با آن صحبت کنند. در این جریان برادر یکی از سلطان های منطقه هم به نام عبدالرحمان که رهبر حزب اتحاد ملی جدید (UMNO) شده بود نقش بسزایی در ایجاد وحدت داشت و برای این که ۱۱ استان مختلفه را در تشکیل کشور مالزی با پایتخت کوالالامپور با هم متحد کنند، سلطان ها هم اختلافات خود را با هم کنار گذاشتند و حاضر شدند که تابع نظر نمایندگان انتخابی برای پارلمان بشوند. در سال ۱۹۵۷ استقلال کشور مالزی به نام مردکا (Merdeka) از طرف بریتانیا مورد قبول قرار گرفت. سلطان ها که در ۹ منطقه حزب مالزی برای خود کاخ ها و زمین داشتند قرار گذاشتند که بین خود یك نفر را انتخاب کنند که تنها برای ۵ سال به عنوان پادشاه کشور مالزی در کاخ سلطنتی کوالالامپور حکومت کند و بعد از آن جای خود را به سلطان دیگری بدهد.ابتدا سلطان ها فشار می آوردند که قوانینی که از مجلس مالزی می گذرد هنگامی قابلیت اجرایی دارد که به امضای آنها برسد و از امضای بعضی از قوانینی که منافع آنها را محدود می کرد ابا داشتند. ولی بعدها روسای دولت قوانین را بدون امضای پادشاه خود اجرا می کردند و به مرور زمان اهمیت و قدرت پادشاه و سلطان های مناطق مالزی جنبه تشریفاتی پیدا کرد و این تحول به ایجاد وحدت و قدرت حاکمیت مردمی مالزی کمك زیادی کرد. مالزی همان طوری که در بالا ذکر شده به علت تولید بسیار بالای کائوچو و منابع قلع که حدود نیمی از مصرف جهان را تامین می کند و داشتن هوای مرطوب و باران زیاد و زمین های سبز و خرم برای تولیدات مختلف آن به خصوص برنج و روغن های گیاهی یك کشور حاصلخیز است.قابل توجه است که هوای مرطوب و بارانی و گرم آن در خیلی از مناطق تولید برنج و خیلی از محصولات کشاورزی را سه مرتبه در سال ممکن می کند.در دهه اول سال های استقلال به علت اختلافات فراوان قومی و عدم امکان استفاده از منابع ثروت بیش از۷۰ درصد مردم در زیر خط فقر زندگی می کردند. با پیگیری سیاست آشتی جویانه بین همه گروه ها چه مسلمان، چه چینی تبار و هندوتبار و رهبری مدبرانه آقای ماهاتی هیربن محمد با ایجاد امنیت و کسب وفاق ملی و جذب سرمایه های خارجی توانست در فاصله ۲۰ سال از یك مملکت فقیر به مملکت پیشرفته و ثروتمندی تبدیل شود و درآمد سالیانه ۱/۳ میلیارد دلار دهه اول بعد از استقلال خود را پس از این مدت به ۱۸۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ برساند که ۱۰۰ میلیارد دلار آن فقط به صادرات کشور مربوط می شود و ۸۰ درصد صادرات شامل مواد ساخته شده و آماده برای مصرف از نوع فرآورده های شیمی و پتروشیمی و دستگاه های اندازه گیری های صنعتی، علمی، الکترونی، مواد حاصله از چوب و کائوچو و روغن گیاهی و سایر مواد غذایی است. بعد از صادرات این مواد، درآمد مهم مالزی از صنعت توریسم است که در ده سال اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است. پس از درآمدهای صادراتی صنعت توریسم دومین درآمد مهم کشور را تشکیل می دهد.

• ۱۳ میلیون توریست

در سال ۲۰۰۳ ، ۱۳ میلیون نفر به نام توریست از کشورهای خارج به خصوص کشورهای اروپایی و کشورهای عربی خلیج فارس به مالزی سفر کردند و این تعداد سال به سال رشد حدود ۱۰ درصدی را نشان می دهد. درآمد متوسط هر نفر مالزیایی در سال گذشته از تمام کشورهای مجاور و نزدیك به مالزی مانند تایلند، فیلیپین و اندونزی بسیار بالاتر است. با وجود اینکه اختلاف طبقاتی چشمگیری هنوز بین مردم مالزی وجود دارد و چینی ها که بیشتر در ساحل غربی و شمال مالزی زندگی می کنند سهام بزرگ شرکت های صنعتی و تجارتی را در دست دارند و از نظر اقتصادی، صنعتی و علمی به علت امنیت موجود در مملکت و صلح بین همه قومیت ها کمك مهمی به پیشرفت مملکت در جذب سرمایه از کشورهای صنعتی و همکاری با آنها کرده و قادر به ساخت ماشین های صنعتی پیچیده هستند از وضع بهتری نسبت به دیگران برخوردارند و نقاط مسلمان نشین ساحل شرقی این شبه جزیره که مناطق کشاورزی و برنج کاری را تشکیل می دهد درآمد کمتری را دارند. در حالی که یك کارگر ساده در یکی از کارگاه های اطراف پایتخت حقوق ماهانه ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ رینگیت که برابر ۲۵۰ تا ۴۰۰ دلار در ماه است دارد. در مناطق شرقی این مملکت حقوق ها ماهیانه نصف یا دو سوم این مبلغ است، میزان درآمد هر شهروند مالزی به طور متوسط در سال گذشته ۳۴۰۰ دلار بوده که از تمام کشورهای همجوار و جنوب غرب آسیا جز ژاپن و کره جنوبی زیادتر است.

طول متوسط عمر در اثر بهبود شرایط اقتصادی در مردها به ۶۹ سال و در زن ها به ۷۴ سال رسیده است. شهر کوالالامپور دارای ساختمان های فراوان و آسمانخراش های پراکنده در تمام نقاط شهر و جاده های تندرو، پل های زیاد هوایی و خط مترو زیرزمینی و هوایی است. فرودگاه عظیم و زیبای پایتخت و اتوبان های شمال به جنوب آن کشور با داشتن مرز میانی پرگل و گیاه و جاده های فراوان بین شهری همه در ۱۵-۱۰ سال اخیر با سرعت چشم گیری ساخته شده اند. هتل های فراوان و بزرگ در همه شهرهای ساحلی و میانی با کیفیت بالا هم امکان جذب جهانگردان را به

خصوص از کشورهای اسلامی و عرب فراهم کرده است. در شهرها مساجد فراوان وجود دارند که صدای اذان کوتاه مدت و چند مرتبه در روز مسلمانان را به نماز دعوت می کند و جای بسیار تعجب است که گاه گاهی در فاصله کمی از مساجد به خصوص در نقاطی که جوامع اقلیت مذهبی بیشتر زندگی می کنند معابد چینی ها و هندی ها دیده می شوند و به نظر می رسد که مسلمانان و اقلیت ها هرکدام به حقوق همدیگر احترام گذاشته و از مشاجره و عداوت اجتناب می کنند. در کشور اسلامی مالزی دو نوع دادگاه وجود دارد.یکی دادگاه دولتی است که به دعاوی اقتصادی و حقوقی افراد جامعه رسیدگی می کند و دیگری دادگاه های مذهبی اسلامی که به جرایم ناشی از ازدواج و خانواده و شریعت اسلامی می پردازد. در حالی که مسلمانان کاملاً مطابق دستورات شرع اسلام زندگی می کنند گروه های غیر اسلامی جامعه با احترام به مذهب اسلامی رسمی مملکت با آزادی تمام در محیط خود از آداب و رسوم مذهبی و فرهنگی و سنتی و اجتماعی مخصوص خود تبعیت کرده ولی از ورود جوانان مسلمان به جشن های خود که مخالف شئون اسلامی است، خودداری می کنند. اقلیت ها و جمعیت چینی تبار کاملاً آزادی تاسیس مدارس که در آن فرزندان خود را به زبان های خود آموزش می دهند دارند. ولی همه دانش آموزان باید زبان رسمی مملکت را که مالزیایی بوده، یاد گرفته و بدین وسیله به حفظ وحدت مالزی کمك کنند. استقرار سیاست احترام متقابل اقلیت های بزرگ ۴۰ درصدی مالزی و اکثریت ۶۰ درصدی مسلمان مالزی به هم، روند بسیار مشکل و پیچیده را طی کرده که مدیون فعالیت مدبرانه رهبران مسلمان مالزی که خود را تابع شریعت اسلامی و حفظ حقوق همه ساکنان مالزی می دانند بوده است. واقعاً اگر به تاریخ این مملکت مستعمره با سابقه جنگ ها و نزاع های قومی قبل از استقلال و در ۲۰ سال پس از آن رجوع کرده و در نظر بگیریم که مردم این سرزمین ثروتمند در چه فقری در آن دوره به سر می بردند و حال در این ۲۵ سال اخیر به علت همزیستی صلح جویانه و احترام به حقوق همدیگر چه پیشرفت چشمگیری داشته و رفاه عمومی را برای طبقه محروم جامعه به دست آورده اند به اهمیت نیروی وحدت که این تحول را به وجود آورده است پی برده و سیاست رهبران اندونزی را باید یك سیاست موفق و الگو برای تمام ممالك اسلامی که در آن همکاری شاخه های قومی و مختلف مذهبی باعث ایجاد تحول و پیشرفت اقتصادی شده است بدانیم. آقای عبدالله احمد بدوی نخست وزیر کنونی اندونزی که سیاست نخست وزیر محبوب قبلی مالزی آقای ماهاتی هیربن محمد را تعقیب می کند، می گوید که «رهبران مذهبی ممالك اسلامی باید سیاست متوازن و مقبولی را پیش گرفته و باید با عقاید تندرو که از مذهب وسیله ای برای ایجاد دشمنی و خشونت در جامعه استفاده می کنند مقاومت کنند.»

پروفسور صادق مسرت

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=212579

vista.ir
Online Classified Service

مثلث شیطان

مطمئناً کسانی که سنشان بیشتر از ۲۰ سال است ، دیوید کاپرفیلد و شیرین کاری هایش را به خاطر دارند ؛ عبور از دیوار چین نصف شدن توسط راه برقی و .... اما از میان همه این شیرین کاری ها ، یکی از همه ترسناك تر به نظر می رسید : دیوید کاپرفیلد در برمودا .

قرار نیست امروز پرده از اسرار دیوید کاپرفیلد برداریم ، امروز قرار است با خوفناك ترین منطقه جغرافیایی جهان و اسرار آشنا شویم : مثل برمودا

• پیشینه

واژه مثلث برمودا از اولین بار در سال ۱۹۶۴ توسط وینسنت گادیس استفاده شد . او در مقاله ای با همین نام برای اولین بار از مفقود شدن تعداد زیادی هواپیما و کشتی در مثلث برمودا خبر داد . پیش از او جورج اکس سندز هم در سال ۱۹۵۲ به این اتفاقات عجیب اشاره کرده بود . در سال ۱۹۶۹ جان والاس اسپنسر کتابی با نام برزخ گمشده در مورد مثلث برمودا نوشت و کمی بعد از آن مثلث شیطان دیگر نام شناخته شده در جهان به شمار می رفت . اما راز آلودگی این منطقه جغرافیایی مربوط به قرن حاضر نیست . اولین بار افسانه برمودا در نوشته های کریستف کلمب کاشف نامی مطرح شده است . با مطالعه نوشته های روزانه او مشخص می شود که اولین مشکل او در کشف دنیای جدید در دریای سارگاسو پدید آمده است . در یادداشت های او آمده است که خدمه با دیدن پرندگان دریایی انتظار داشتند در فاصله کوتاهی به خشکی برسند ، اما حتی چند روز دل دریا را شکافتن هم آنها را به ساحل یا حتی جزیره کوچکی نرساند . او در همین یادداشت ها به تاریخ چند روز بعد فرود آمدن شهاب بزرگی را از آسمان به صورت توپی از نور که از بالا افتاده است ، ثبت می کند. کلمب در همین یادداشت ها می نویسد که چند روز بعد او و چند نفر از خدمه اش نورهای رقصانی را در افق مشاهده کرده اند .

این دست گزارش ها در مورد برمودا چه از سوی کلمب و بعدها دیگر دریانوردان ، همیشه این منطقه جغرافیایی را به منطقه ای و هم آلود تبدیل کرده است . از روزی که کلمب به عنوان اولین انسان از دنیای قدیم در این منطقه پا گذاشته است تاکنون ، اتفاقات ناگوار و مشکوکی در این منطقه پیش آمده به خصوص در یکصد سال گذشته که با عبور هواپیماها از این منطقه ، ترافیك آن سنگین تر هم شده است . در همین دوره تا به حال یکهزار نفر جان خود را در برمودا از دست داده اند ، اما در این جا مسئله مهمتر از مرگ انسان ها مطرح است ؛ این افراد چگونه کشته شده اند ؟ یا اگر کمی خرافاتی باشیم آیا اصلاً کشته شده اند یا نه ؟

• موقعیت جغرافیایی

مثلث برمودا شرق فلوریدای آمریکا در اقیانوس اطلس قرار دارد . مثلث واژه مناسبی برای این منطقه نیست ، چون در واقع این منطقه یك بیضی است . رأس آن نزدیك برمودا و قسمت انحنای آن از سمت پایین فلوریدا گسترش یافته و از پورتوریکو گذشته ، به طرف جنوب و شرق منحرف شده و از میان دریای سارگاسو عبور کرده و دوباره به طرف برمودا برگشته است . گفته می شود طول جغرافیایی کرانه غربی برمودا ۸۰ درجه است و روی خطی که شمال حقیقی و شمال مغناطیسی در آن روی هم منطبق هستند ، قرار دارد . در این نقطه هیچ انحرافی در عقربه قطب نما محاسبه نمی شود ، اما نظر دیگری در این مورد وجود دارد که می گوید کرانه غربی برمودا ۶ درجه با مرکز تلاقی شمال حقیقی و مغناطیسی اختلاف درجه دارد . به هر حال همان طور که مشاهده می شود ابهامات در مورد این مثلث شیطانی بسیار زیاد است . بارزترین ویژگی اقلیمی بر مودا گرما و باران بسیار زیاد است . بارش سالانه و طبیعی باران در این منطقه ۶۰ اینچ برآورده می شود . این میزان ، برآورد بارش سالانه آن است ، اما گفته می شود هر بار که یك توفان استوایی یا هاریکین به این منطقه می رسد ، ده ها اینچ باران فقط در عرض چند ساعت بر سطح منطقه باریده می شود. برمودا در بین جغرافی دانان به خاطر تغییرات ناگهانی آب و هوایی و پدید آمدن توفان ، بسیار مشهور است ، به گونه ای که در چندین مورد گزارش شده است که پدیده های اقلیمی فقط در عرض چند ثانیه شکل گرفته اند . بادهای بسیار سهمگین و بارش های سیل‌آسا هم همیشه از ویژگی های این پدیده های اقلیمی که معمولاً توفان هستند ، به شمار می روند .

در زیر دریا هم وضع به همین منوال است . توپوگرافی کف اقیانوس در این منطقه یکی از عجایب روزگار به شمار می رود . باور عموم بر این است که این منطقه از اقیانوس بسیار کم عمق است . این قضیه در مناطقی از مثلث برمودا که به فلوریدا نزدیك است ، صادق است ، اما فقط چند مایل دورتر از آن ، جایی که صفحه قاره ای اطلس شمالی شکسته می شود ، ناگهان عمق آب به ۱۲ هزار فوت می رسد . عمیق ترین منطقه مثلث برمودا با نام گودال پورتوریکو در ۱۰۰ مایلی شمال پورتوریکو قرار دارد که عمق آن ۳۰ هزار فوت تخمین زده می شود . این الگوی بسیار نامنظم توپوگرافی باعث شده است که تا به امروز هیچ نقشه دقیق و واضحی از این منطقه ارائه نشود . دانستنی های جغرافی دانان در مورد سطح کف اقیانوس در این منطقه بسیار محدود است و گفته می شود در کف آن انواع غارها و پستی و بلندی های کوچك و بزرگ وجود دارد ، البته محدودیت دانستنی های ما از کف اقیانوس ها تنها به این منطقه محدود نمی شود ، با این حال اخیراً دانشمندان با جریانی پر قدرت در زیر جریان های معمولی اقیانوسی در این منطقه برخورد کرده اند که دقیقاً بر خلاف جریان های معمولی حرکت می کند . این جریان پنهان تأثیرات زیادی بر آب های منطقه می گذارد . یکی از اسرار آمیزترین آنها ، به وجود آمدن احجام بزرگ و سفیدی است که فقط از طریق ماهواره ها دیده می شوند . شاید تطابق شمال حقیقی و شمال مغناطیسی در این منطقه باعث وجود آمدن این پدیده های غریب و تا حدی ترسناك می شود .

در مورد خاصیت مغناطیسی این منطقه هم باید گفت چندی پیش تحقیقی گسترده در این مورد از سوی ایالات متحده انجام گرفت . یکی از نتایج

جالب آن عدم وجود میدان های بزرگ و شدید مغناطیسی است ، چیزی که خلبانان هواپیما ها و خدمه کشتی ها همیشه آن را مطرح می کنند . البته دانشمندان معتقدند نباید این گفته را نادیده گرفت ، چون هنوز چیزهای بسیار زیادی در مورد میدان مغناطیسی مثلث برمودا وجود دارد که بر آنها پوشیده است .

در شرق مثلث برمودا ، همان طور که گفته شد دریای سارگاسو قرار دارد . این دریا ، یکی از عوامل اصلی مشهور شدن برمودا است . در این منطقه از اقیانوس اطلس چند جزیره کوچك و چند دسته جلبك شناور بزرگ قرار دارد . بین این جزایر و جلبك ها جریان آب گرمی در جهت عقربه های ساعت وجود دارد که تأثیر زیادی بر شرایط اقلیمی منطقه می گذارد و همیشه آن را آرام و مه آلود نگه می دارد . این دریا همان دریایی است که کلمب در آن گرفتار شده بود و به شوخی به ملوانان خود گفته بود که هرگز نخواهند توانست از آن خارج شود .

یکی دیگر از ویژگی های این دریای خوف انگیز ، قابلیت آن برای کشیدن اجسام خارجی به درون خود است ، به گونه ای که گفته می شود سارگاسو ، قلب آهنربایی اطلس است .

● افسانه ها

افسانه هایی که در مورد مثلث برمودا در میان مردم جهان وجود دارد ، بسیار عجیب و هولناك است . اولین موارد آنها همان طور که اشاره شد به یادداشت های روزانه کریستوف کلمب باز می گردد ، اما این یادداشت ها در برابر موارد بعدی ، بسیار معمولی تر و حتی گاهی منطق تر به نظر می رسند . عجیب ترین افسانه مثلث برمودا پرواز ۱۹ است که در دسامبر ۱۹۴۵ اتفاق افتاد . این هواپیما در ساعت ۲:۱۰ از پایگاهی در ایالت فلوریدا به هوا بلند شد . این پرواز پروازی آزمایشی برای آزمایش بمب های جدید ارتش امریکا بود ، یك ساعت پس از پرواز ، خلبان پرواز با رادیو اعلام کرد که هیچ کدام از سیستم های او کار نمی کنند . ایستگاه زمین از خلبان خواست به سمت شمال تغییر مسیر دهد . چند دقیقه بعد ارتباط این پرواز به همراه تمامی خدمه اش با زمین قطع شد و دیگر هیچ وقت اثری از لاشه هواپیما یا جسد خدمه اش یافت نشد . این اتفاق در ۵:۵۰ بعد از ظهر اتفاق افتاد . در ساعت ۶:۲۰ قایق نجات دامبو برای یافتن هواپیمای پرواز ۱۹ راهی منطقه شد ، اما هوای توفانی مانع کار آنان شد و پس از آن هرگز اثری از پرواز ۱۹ یافت نشد .

در مورد اکثر تراژدی های مثلث برمودا چند نکته مشترك وجود دارد . در بیشتر آنها ارتباط رادیویی کشتی ها و هواپیماها تا آخرین لحظه پایگاه زمینی برقرار بوده و همیشه پیام های غیر عادی مخابره می شده است که حاکی از عدم کنترل آنان روی دستگاه ها و ابزارها بوده یا چرخش عقربه های قطب نما به دور خود و تغییر رنگ آسمان اطراف به زردی و مه آلودی ، آن هم در روز صاف و آفتابی یا تغییراتی غیر عادی در آب ها که تا لحظاتی قبل آرام بوده اند بدون بیان هیچ دلیل روشنی از چگونگی آنها مخابره می شوند .

در مواردی هم گزارش شده که نقطه تاریك بزرگی در میان ستارگان در آسمان دیده شده که نوری متحرك از طرف زمین به آن قسمت وارد شده و سس هر دو ناپدید شده اند . در تمام مدت دیده شدن تاریکی ، دستگاه ها و ابزارهای قایق های ناظر از کار افتاده بودند که پس از رفع تاریکی آسمان ، دوباره شروع به کار کرده اند . در یك مورد هم پیامی عجیب از یك کشتی باری ژاپنی ، بدین مضمون دریافت شده است : خطری همانند یك خنجر هم اکنون به سرعت می آید . ما نمی توانیم فرار کنیم . جالب است بدانید پس از مخابره این پیام ، کشتی ناپدید شد و هرگز یافت نشد .

اما عجیب ترین داستان برمودا یك پرواز مسافری مربوط می شود . ارتباط راداری این هواپیمای مسافربری در حالی که برای فرود آماده بود ، ناگهان قطع شد و ۱۰ دقیقه هیچ ارتباطی چه راداری یا رادیویی با فرودگاه فلوریدا نداشت ، پس از ۱۰ دقیقه هواپیما دوباره د صفحه رادار ظاهر شد و بسیار عادی در باند فرود آمد ، اما خلبان و خدمه آن از آنچه افراد پایگاه می گفتند اظهار بی اطلاعی می کردند ، زیرا تا آنجا که به آنها مربوط بود هیچ اتفاق غیر عادی نیفتاده بود . جالب این که ساعت های تمام سرنشینان ۱۰ دقیقه از زمان واقعی عقب تر بود ، در حالی که هواپیما درست ۲۰ دقیقه قبل از این واقعه ، وقت اصلی را با فرودگاه کنترل کرده بود و در آن هیچ اختلاف زمانی بین فرودگاه و هواپیما وجود نداشت . آیا واقعاً هواپیما ۱۰ دقیقه از بعد زمان و مکان خارج شده بود ؟ آیا هواپیما برای ۱۰ دقیقه به بعد زمان و مکان دیگری منتقل شده بود ؟ این ها سؤالاتی است که به نظر می رسد هرگز پاسخ منطقی برای آنها پیدا نخواهد شد و همگی به حضور شیطانی مثلث برمودا در آن منطقه مربوط می شود .

● حقیقت برمودا

دلایل منطقی و غیر منطقی زیادی برای توجیه پدیده های غیر طبیعی مثلث برمودا ارائه شده است که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد .

● آب و هوای استوایی :

این منطقه از لحاظ اقلیمی ، یکی از بحرانی ترین مناطق اقیانوسی دنیا به شمار می رود . همان طور که گفته شد ممکن است در عرض چند

دقیقه ، توفانی عظیم در آن پدید بیاید ، توفانی که می تواند هر هواپیما یا شناوری را در چند لحظه نابود کند . جالب است بدانید که اکثر این توفان ها حتی توسط ماهواره ها هم شناسایی نمی شوند .

●دریانوردان آماتور :

طبق آمارها در این منطقه در جهان بیش از هر جای دیگر در خواست کمك می شود . اکثر این در خواست ها از سوی ملوانان آماتور و غیر حرفه ای است که با داشتن ذهنیت منفی از برمودا ، هر پدیده ای را در این منطقه پدیده ای ماورای زمینی می دانند .

● زلزله های زیرزمینی :

هر چند تا به حال هیچ پدیده زمینی در این منطقه رسماً ثبت و گزارش نشده است ، دانشمندان زلزله های زیادی را در کف اقیانوس در منطقه مثلث برمودا کشف کرده اند . این زلزله ها می توانند در مناطق کم عمق باعث پدیده های مخربی همچون سونامی شرق آسیا شوند .

● جریان آب خلیج :

این جریان اقیانوسی بسیار پر قدرت است و حتی گزارش شده که سرعت آن در برخی مناطق ، به پنج مایل بر ساعت هم می رسد . این جریان برای این که قایق ها را چند صد مایل به این طرف و آن طرف بکشاند ، کافی است خصوصاً اگر خدمه کشتی برای مقابله با این جریان آمادگی قبلی نداشته باشند این جریان در ترکیب با مغناطیس غیر معمولی منطقه می تواند باعث هر پدیده پیش بینی نشده ای باشد .

● تئوری حباب های گازی :

نظریه حباب های گازی نظریه ای عجیب اما منطقی به نظر می رسد که از سوی برخی دانشمندان مطرح می شود . این دسته از دانشمندان بروجرد میزان بسیار زیادی هیدرات گازی در این منطقه اعتقاد دارند که این گازها باعث ایجاد چگالی زیادی در آب می شود و همین امر می تواند باعث بروز پیامدهای ناگواری شود .

علاوه بر این نظریه های علمی ، نظریات غیر معقول و ماورایی زیادی هم در مورد اتفاقات برمودا ارائه شده است که بیشتر از سوی انسان های خرافاتی عنوان و پذیرفته می شوند .

برخی معتقدند موجوداتی فرا زمینی این منطقه را برای انتخاب نمونه های آزمایشگاهی خود که انسان ها باشند - انتخاب کرده اند و هر چند وقت یك بار یا چند نمونه را با خود به فضای ماورای زمین می برند . با این حال حتی همین انسان ها هیچ گزارشی از دیده شدن بشقاب پرنده ها منتشر نکرده اند .

برخی دیگر می گویند مثلث برمودا محلی است که شهر گمشده آتلانتیس در آن قرار دارد . البته این نظریه هم در حد همان موجودات فضایی است و نمی توان آن را باور پذیر دانست . در این مورد نظریات دیگری هم وجود دارد که همگی از نظر علمی غیر قابل توضیح هستند .

به هر حال تا روزی که علم انسان دانش محور ، اسرار این مثلث شیطانی را حل نکند ، ایده های غیر علمی ادامه خواهد داشت .

منبع : مرکز اطلاع رسانی خانواده شمیم

http://vista.ir/?view=article&id=242001

vista.ir
Online Classified Service

مجسمه زئوس

در یکصد و پنجاه کیلومتری غرب آتن در یونان، شهری تاریخی بنام المپیا (Olympia) قرار دارد، شهری که جایگاه اولیه بازیهای المپیک بوده و اصلا" نام این بازیها از آن گرفته شده است. در ارزش و مقام بازیهای

المپیک در ایام باستان همین بس که در مدت بازیها جنگها متوقف می شد و ورزشکاران از آسیا صغیر، سوریه، مصر و ... برای مسابقه و پرستش زئوس (Zeus) به شهر المپیا می آمدند.

تحقیقات تاریخی نشان میدهد که بازی های المپیک از سال ۷۷۶ قبل از میلاد آغاز شده است و بعدها در سال ۴۵۰ قبل از میلاد معبد زئوس توسط معماری بنام لیبون (Libon) ساخته شد. معبد زئوس بسیار ساده و با معماری معمولی یونان ساخته شد لذا لازم بود تا به نوعی عظمت و بزرگی زئوس در معبد ترسیم شود. راه حل چیزی نبود جز یک مجسمه با عظمت از زئوس، مجسمه سازی بنام فی دیاس (Pheidias) مسئول ساخت این مجسمه با شکوه شد.

فی دیاس تجربه ساخت مجسمه های بزرگ از طلا و عاج را داشت. کارگاه مجسمه سازی او هنوز در المپیا موجود است، او در آنجا قطعات مجسمه زئوس را ساخت و پس از پایان ساخت قطعات در معبد آنها را روی هم سوار کرد. برای سالها معبد زئوس محل جذب ورزشکاران و بازدیدکنندگان از سراسر دنیا بود. در قرن اول میلاد یکی از امپراتورهای روم بنام گالیگولا (Galigula) قصد آنرا داشت که این مجسمه زیبا را به رم ببرد. اما در میان راه چهارچوب هایی که برای حمل مجسمه ساخته بودند شکست و خساراتی هم به مجسمه وارد شد بعدها این معبد و مجسمه زئوس در قرن دوم میلادی توسط یونانیان مرمت و باز سازی شد. در سال ۳۹۱ پس از میلاد امپراتور یونان تئودسیوس اول (Theodosius I) بازی های المپیک را ممنوع کرد و درب های معبد زئوس را به روی همه بست. او بازی های المپیک را تمریناتی برای کفر و شرک می دانست. پس از آن باران، زلزله و ... آسیبهای جدی به معبد زئوس وارد کرد تا اینکه قبل از قرن پنجم میلادی یکی از ثروتمندان یونان مجسمه زئوس را از معبد به شهری بنام کنستانتینوپل (Constantinople) - که امروز جزو خاک ترکیه و حوالی استانبول است - برد.

مجسمه زئوس در این شهر تا سال ۴۶۲ سالم نگهداری شد تا اینکه در این سال در یک آتش سوزی بسیار بزرگ تخریب شد. در نوشته های به جا مانده از یونان باستان آمده است که "با وجود آنکه معبد زئوس بسیار بزرگ است و با اینکه مجسمه، زئوس را در حالت نشسته نمایش می دهد اما سر مجسمه تقریباً به سقف چسبیده است. ما نگران هستیم اگر چنانچه روزی زئوس بخواهد بایستد، سقف درهم خواهد شکست!"

ارتفاع مجسمه زئوس حدود ۱۳ متر بود و سطح مجسه به ابعاد ۶.۵ در ۱ متر جای داده می شد، یونانیان باستان مجسمه زئوس را در مراسم مختلف با زیورآلات خاصی آرایش می کردند. در ارتباط با عظمت و زیبایی این مجسه جهانگرد معروف یونانی پاسانیاس (Pausanias) می نویسد :

"روی سر این مجسمه تاجی از برگ زیتون قرار داشت و در دست راست او نشان پیروزی ... در دست چپ او عصای سلطنتی که مینا کاری شده بود و روی عصا یک عقاب از طلا نشسته بود. کفشهایش طلا بود و لباسهایش از پوست حیوانات و گل یاس و ... تخت پادشاهی او از طلا، چوب آبنوس و عاج فیل ساخته شده بود." لازم به ذکر است که مجسمه زئوس یکی از عجایب هفتگانه باستانی می باشد.

http://vista.ir/?view=article&id=203480

vista.ir
Online Classified Service

مجموعه بازار کرمان

این بازار بزرگ از میدان ارگ شروع و به میدان مشتاقیه ختم می‌شود. از غرب به شرق ، نام‌راسته‌های آن عبارتند از: راسته ارگ، راسته گنجعلی خان، راسته اختیاری، راسته سرداری، راسته وکیل، راسته عطاری، راسته قدمگاه و راسته عزیز. هر قسمت از بازار کرمان در زمان یکی از حکام و

فرمانروایان این دیارساخته شده است.

● راسته ارگ

این راسته از میدان ارگ شروع می‌شود و تا چهار سوق گنجعلی‌خان ادامه می‌یابد. این راسته به دوبخش فرعی به نام راسته نقارخانه و راسته سراجی تقسیم می‌شود. راسته سراجی در حد فاصل راسته نقارخانه وچهارسوق واقع شده و بخشی از آن هم بدون سقف است. راسته سراجی در گذشته از رونق فراوان برخوردار بودولی در سال‌های اخیر به دلیل جانشینی وسایل نقلیه موتوری به جای اسب و... از نقش راسته سراجی کاسته‌شده است.

● راسته حاج آقا عبدالله (عطارها)

این راسته در سمت چپ بازار واقع شده و حجره‌های آن نقش انبار و کارگاههای‌عطاری بازار را دارند و از دو بخش تشکیل شده که بخش جلویی آن دو طبقه است و بخش دوم آن هم خانه‌ای‌است که به آن الحاق شده است. این راسته بیش از ۱۵۰۰ سال قدمت دارد و مجموعا۲۷ حجره را درخود جای‌داده است.

● راسته قدمگاه (راجی کرمانی)

راسته قدمگاه ، بخشی از بازار کرمان است که عمود بر راسته مظفری است. مغازه‌های‌سمت راست آن جدیداً ساخته شده‌اند و بیشتر بوتیک هستند، در حالی که مغازه‌های سمت چپ آن قدیمی‌اند.تعداد کل مغازه‌های راسته قدمگاه۱۲۱ باب است.

● راسته کفاش‌ها

راسته کفاش‌ها از انتهای راسته کلاه مالی شروع و تا اول راسته حاج آقاعلی ادامه می‌یابد. این‌راسته سرپوشیده و بیش از ۹۵ درصد مغازه‌های آن کفاشی است و بیش از ۱۶۰ باب مغازه و حجره دارد.

● راسته عزیز

راسته عزیز در شمالی‌ترین مجموعه بازار قرار دارد و جمعا ۷۰ باب مغازه را در خود جای داده‌است. از عناصر قابل ذکر این بازار، خانقاه نعمت اللهی است. این بازار تا نزدیکی دروازه گبری ادامه دارد.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=109256

vista.ir
Online Classified Service

مجموعه گنجعلی خان

● مسجد گنجعلی‌خان

این بنا در گوشه شمال شرقی مجموعه گنجعلی‌خان کرمان واقع شده استو درواقع موزه کوچکی از هنرهای تزئینی اسلامی نظیر کاشی‌کاری، گچبری و خطاطی است که به سبک زیبایی‌آراسته شده‌اند. این مسجد در سال۱۰۰۷ ه . ق بنا شده و ۱۴ باب مغازه از مجموعه یاد شد ه ، موقوفه این مسجدشده‌اند.

● چهارسوق گنجعلی‌خان

در گذشته چهار سوق گنجعلی‌خان مهم‌ترین نقطه شهر محسوب می شده و نقش‌چهار راه اصلی شهر را ایفا می‌کرده است . نمای داخلی گنبد این چهار سوق‌با گچبری های جالب و نقاشی‌های زیبای عصر صفوی (۱۰۳۴ - ۱۰۰۵ ه . ق) همراه با چهره شهروندان مهم آن دوره تزئین شده است ونورگیرهایی که در اطراف گنبد تعبیه شده روشنایی لازم را تامین می‌کند.

● مدرسه گنجعلی خان

این بنا در میدان گنجعلی‌خان کرمان واقع شده و روزگاری مدرسه‌ای پررونق بود که‌بعدها به کاروانسرا تبدیل گردید. بر کاشی‌های کتیبه سردر آن تاریخ۱۰۰۷ ه . ق مطابق با ۱۵۹۸ میلادی نقش بسته ومعمار آن محمد سلطانی یزدی بوده است. حجره‌های متعدد آن در دو طبقه با شیوه معماری زیبایی طراحی‌شده‌اند. این بنای تاریخی در حال حاضر محل سازمان میراث فرهنگی کرمان و دفتر مطالعات فنی جهاددانشگاهی است. نمای داخلی و خارجی این مدرسه، کاشی کاری معرق دارد که از عصر صفوی به یادگار مانده‌است.

● راسته گنجعلی‌خان

این راسته در ضلع شمالی میدان گنجعلی‌خان واقع شده است و در سمت راست این راسته‌نیز حمام تاریخی و زیبای گنجعلی‌خان و مغازه‌ها قرار گرفته‌اند. در سمت چپ آن نیز ۱۶ طاق نما طراحی و اجراشده که منظری زیبا دارند. راسته گنجعلی‌خان یادگار دوران صفوی است.

● ضرابخانه گنجعلی‌خان

این ضرابخانـــــه در ضلع شمالی میدان گنجعلی خـــــان قرار دارد. نقشه آن هشت‌ضلعی است و از یک طاق، چهار ایوان و چهار غرفه در چهار زاویه تشکیل شده است. مصالح اصلی بنا آجر،گچ و تزئینات آن گچبری‌هایی با طرح‌های خشتی است. این بنا در حال حاضر محل موزه سکه است.

● حمام گنجعلی‌خان

بنای این حمام بـــــا کاشی کاری، نقاشی و گچبـــــری، مقـــرنس کاری و کاربندی‌های زیباتزئین شده است. سردر ورودی این حمام نیز با نقاشی‌های زیبای عصر صفوی تزئین شده است. معمار این‌مجموعه و حمام ، استاد محمد سلطان یزدی بوده است. این حمام دارای دو بخش رختکن و گرمخانه است . دقیق‌ترین موضوع قابل توجه در معماری گرمخانه پیروی وهم شکلی سنگ‌های کف گرمخانه با ساختمان‌سقف است. اگر سقف به شکل‌لوزی است، سنگ مقابل کف آن نیز لوزی است. رختکن حمام به۶ غرفه تقسیم می‌شود که هر غرفه آن مخصوص یک صنف جامعه یعنی سادات، روحانیون، خوانین، رعایا، اعیان و بازاری‌هابوده است و در حال حاضر درهر غرفه یک یا دو مجسمه از شمایل هر یک از طبقات یاد شده به نمایش گذاشته‌شده است. بخش گرمخانه شامل یک حوض آب سرد است با طاقی شبیه خیمه که هشت ستون حمام بر زیبایی‌آن می‌افزایند. سیستم کانال کشی آب و فـواره‌هـا چـنـان دقـیـق طـراحی و اجرا شده است که از عجایب معماری‌حمام‌ها محسوب می‌شود. یکی دیگر از عجایب حمام، ساعت یا زمان‌سنج سنگی آن است.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=109257

vista.ir
Online Classified Service

محدودیت در حمایت وسوسه های مهاجرت زمینه فعالیت نخبگان درعرصه های مختلف را مهیا کنیم

نمودار صعودی پیشرفت یک کشور با نیرو، توان و تلاش نخبگان به ثبت می رسد. نخبگان ایرانی دو دهه اخیر خوش درخشیده اند و پیشرفت در زمینه علوم مختلف از قبیل نانو، بیو، هوافضا و ... توسط دانشمندان جوان ایرانی آغاز فصل سبزی را نوید می دهد که ما را در آینده نه چندان دور از اتکا به ثروت حاصل از چاه های نفت رهایی بخشیده و با اطمینان خاطر به سمت افق روشن آینده رهسپار خواهد کرد.

مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از نخبگان برجسته کشور بر این مهم تاکید داشته و فرمودند: «روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانش بدست آوریم و در چاه های نفت را پلمب کنیم، آن روز روز خوبی برای ملت ایران خواهد بود.»

علی رغم این کارنامه درخشان که حتی بدبینان و بیگانگان هم به رغم تبلیغات منفی علیه ایران قادر به انکارش نیستند، برخی جریان های مشکوک سعی دارند تلاش های صورت گرفته را کم رنگ جلوه داده و بازتاب مثبت این قبیل تلاش ها را در دنیا خنثی کنند. بدیهی است آن چه که به این گام های پرتوان نخبگان ایرانی اعتبار دو چندان می بخشد، تعهد و آرمان خواهی آنهاست.

دشمنان نظام و انقلاب اسلامی ایران می کوشند در برابر اطلاع رسانی موفقیت های جوانان مسلمان ایرانی به عنوان افرادی که در دانش، انقلابی به وجود آورده مانع آفرینی کرده و از ثبت نامشان، هویتشان و تعهد ایرانی و اسلامی آنها در اذهان جهانیان جلوگیری کنند.

چند مدت پیش در یکی از سایت های خبری وابسته به بیگانگان طی مقاله ای آشکارا پیشرفت های علمی ایران تضعیف شده و عنوان شده بود رسانه های خبری جمهوری اسلامی سعی دارند به بزرگنمایی پیشرفت ها بپردازند!

حال آن که پیشرفت های علمی ایران بر روی نمودار صعودی آنچنان با سرعت به سمت قله پیش می رود که حقیقتاً انکار این قبیل دستاوردهای درخشان در نتیجه ای معکوس نقشه های شوم، بغض و غرض ورزی تحلیل گران وابسته به استکبار را برملا می سازد.

در چنین فضایی رهبر معظم انقلاب با رهنمودهای روشنگرانه خود می فرمایند: «نخبگان و فرهیختگان با سم مهلک سیاه نمایی و ناامیدسازی که تبلیغات دشمنان در جامعه می پراکند، مبارزه و راه روشن آینده را برای ملت ایران تبیین کنند.»

- تقویت زمینه ارتباط علمی نخبگان با جهان علم

با فراز و نشیب های تاریخ سیاسی ایران به ویژه طی قرن اخیر نمودار پیشرفت دانش نیز نوسانات چشمگیری داشته است. در سه یا چهار قرن گذشته نخبگان ایرانی در هر زمینه ای از دانش حرف اول را می زدند. تاریخ در این باره گواه است، اما توطئه ها و خود باختگی های سردمداران زر و زور و تزویر اندیشه های پرسشگر و کاوشگر ایرانی را محبوس کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پشت سرگذاشتن دوران دفاع مقدس تلنگری بر ذهنیت اندیشمندان ایرانی زده شد و به درجه ای از خودباوری رسیدند که الان زمان جبران عقب ماندگی ها فرا رسیده است.

اکنون اگرچه نمی توان نقص های موجود در برآوردن مطالبات قشر فرهیخته و نخبه را انکار کرد، اما جوانان اندیشمند ایرانی مظلومانه و با اعتماد به نفس ملی به پرورش نهال علم در کشور پرداخته اند و آن را به ثمر رسانده اند. درخشش نوجوانان و جوانان در عرصه های علمی بین المللی از شکوفایی این درخت خبر می دهد.

بازگو کردن خواسته ها و نیازهای این قشر دلیلی بر ضرورت بررسی و رفع چالش های پیش روی نخبگان است.

دکتر «ستاره» از خطه کردستان نویسنده بیشترین مقالات (آی.س.آی) در رشته فیزیک در کل کشور و دارنده مدال نقره یونسکو که در سال ۸۰ نفر اول جشنواره خوارزمی بوده و در سال ۸۳ نیز رتبه سوم پژوهش های بنیادی را کسب کرده است.

وی یک نخبه علمی را فردی جدا از جامعه نمی داند و می گوید:«نخبه، انسانی است که توانایی ذهنی اش از سطح متوسط جامعه بالاتر بوده،

تلاش بسیار زیادی در زمینه کاری خود داشته و البته درد او، درد جامعه است. تعهد او به جامعه و مردمش تلاش یک دانشمند را معنا می بخشد و حماسه می آفریند.»

این جوان نخبه در ادامه می گوید:«طبیعتاً برای این که نخبه بتواند به اهداف علمی خود برسد اولاً باید از دغدغه مشکلات اقتصادی و مالی دور باشد. نباید مشکلات مالی به حدی برسد که او را از کار اصلی اش دور کند.

نکته دیگری که حائز اهمیت است رفع موانعی چون نحوه و طول خدمت سربازی برای فرهیختگان جوان کشور است. چه بسیار نخبگانی که دوست دارند مثلاً در دوره کارشناسی ارشد و دکتری یک دوره مطالعاتی در خارج کشور داشته باشند، اما به دلیل نداشتن کارت پایان خدمت نمی توانند به خارج از کشور سفر کنند.»

از وی سوال می کنم: مهم ترین مانعی که در حال حاضر سد راه پژوهش و فعالیت علمی شماست، چیست؟ وی پاسخ می دهد:«گروهی از اساتید که عضو هیئت علمی هستند ویژگی رسمی بودن قطعی را دارند، لذا در فرصت های مطالعاتی خارج کشور اولویت با آنهاست، اما افرادی مثل بنده علی رغم این که بیش از ۱۰۰ مقاله علمی در سطح بین المللی ارائه داده ام، هنوز هم از نظر شغلی آزمایشی هستم و در فرصت های مطالعاتی خارج کشور کنار گذاشته می شوم! ارتباط با دنیای علمی خارج کشور برای نخبگان یکی از ضرورت هاست. اگر این ارتباط برقرار نشود، فرد به تدریج به تکرار می افتد، چون نمی تواند از توانمندی های خود به نحو احسن استفاده کند و با مباحث روز آشنایی داشته باشد.»

وی تاکید می کند:«از سوی دیگر اکثر دانشگاه های ما شبیه مدارس بزرگ هستند، ما باید با جهان علم مرتبط باشیم، آخرین دستاوردها را به صحن دانشگاه بیاوریم و دائماً فضای علمی دانشگاه ها را نو و به روز کنیم.»

این جوان نخبه علم فیزیک صراحتاً می گوید:«من چون فرد قانعی هستم، در دوران تحصیل کمتر مشکل مالی داشتم، البته دانشگاه هم خیلی به من کمک می کرد اما متاسفانه در برخی مواقع هم سنگ اندازی هایی شد. تعداد پژوهشگران رده بالای ایرانی در خارج کشور زیاد است، باید شرایط اجتماعی، فرهنگی و پژوهشی به گونه ای مهیا شود که یک تعامل دو جانبه ایجاد شده و لااقل بتوانیم از دانش این طیف بهره ببریم.»

● نخبه پروری و هزاران دلار سودآوری ارزی

مثل همیشه رهنمودهای روشنگرانه مقام معظم رهبری و تاکید ایشان بر لزوم هدفمند کردن و سرعت بخشیدن به حرکت علمی کشور در بخش های مختلف، این مسئله به یک ضرورت جدی تبدیل و مجددا روند رو به رشد بخش علمی کشور، شتاب خوبی به خود گرفت.

به این ترتیب کمر رو به خمیدگی نمودار پیشرفت های علمی قد راست کرده و به سمت قله مسیر خود را پیمود.

احمد رضا هدایتی کارشناس ارشد مدیریت و پژوهشگر با استناد به آمار سنوات قبل توضیح می دهد: «در سال ۷۸ به طور متوسط هر روز ۱۵ کارشناس ارشد و ۲ نفر دارای مدرک دکترا از کشور خارج شده اند.

بیش از ۱۲ درصد از مجموع ۴۲۰۰ نفر دانشجوی بورسیه ای که بین سال های ۶۴ تا ۷۲ برای ادامه تحصیل به خارج کشور اعزام شده اند، هنوز بازنگشته اند.

در مورد اعضای هیات علمی دانشگاه ها نیز وضعیت به گونه ای بوده که از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷ از مجموع ۲۸ دانشگاه و موسسه آموزش عالی، ۱۵۱ عضو هیئت علمی به عناوین مختلف شامل: ماموریت تحصیلی ۶۳ درصد، بهره گیری از فرصت های مطالعاتی ۸ درصد و مرخصی بدون حقوق ۲۹ درصد از کشور خارج شده اند. به این ترتیب تا سال ۸۳ از مجموع ۲۴۰ مدال آور المپیادهای علمی کشور ۱۲۰ تن آنها از کشور خارج شده اند.»

این پژوهشگر با اشاره به این که متقابلاً این روند برای کشورهای صنعتی ده میلیارد و پانصد میلیون دلار صرفه جویی فقط در هزینه های آموزشی داشته است، می گوید: «برای گذر از این وضعیت و دستیابی به موقعیت مطلوب و مورد نظر، تنها ایده پردازی و ارائه طرح ها و خلق ابتکارات جدید کفایت نمی کند و برای فراگیر کردن و منتفع ساختن کشور از مزایای دستاوردهای ناشی از تلاش دانشمندان و نخبگان کشورمان، باید به الزامات کار بیش از پیش بیندیشیم و تمام شرایط لازم را برای تحقق کامل و بدون نقص اهداف مورد نظر فراهم آوریم، شرایطی که کسب جایگاه برتر علمی در منطقه و جهان مستلزم تامین و عملی شدن آنها است.»

● استفاده بهینه از هوش نخبگان

یکی از مهمترین راه های استفاده از نخبگان بهره گیری از حضور آنها در تصمیم گیری های مهم دولت، استفاده از نخبگان در ارگان های مختلف و نیز حضور آنها در قالب هر سازمانی با توجه به نیازهای علمی و حوزه فعالیت های خاص هر سازمان است.

این مسئله تا به آن جا اهمیت دارد که رئیس جمهور کشورمان دکتر محمود احمدی نژاد صراحتاً می گوید: «ما باید برای تسهیل امور نخبگان، ساز و کارهای مناسبی بیندیشیم، زیرا ساز و کارهای فعلی، پیچ در پیچ و روی هم انباشته و باید آن را رسوب زدایی کنیم که برای این امر نیازمند

امیدهای قوی هستیم و باید ساز و کارهای موازی را برای تسهیل امور نخبگان طراحی کنیم؛ چرا که با ساز و کار ۶۰ سال قبل نمی توانیم به هدف برسیم، اما با همکاری یکدیگر می توانیم زودتر از ۱۴۰۴ به آن جایگاهی که در چشم انداز تدوین شده برسیم و برای دیگر کشورها الگو باشیم.»

احمدی نژاد با بیان این که دولت کمیسیون های مختلفی دارد و این کمیسیون ها در موضوعات تخصصی به شدت نیازمند یاری فکری نخبگان هستند، بر لزوم استفاده از نخبگان در تصمیم گیری های مهم دولت تاکید می کند.

موریس شیخی استاد دانشگاه در رشته علوم تربیتی با اشاره به این که سرمایه مادی و معنوی نخبگان فکرشان است و برای شکوفایی توانمندی های بالقوه آنها راهی جز ساماندهی و جذب آنها نیست، می گوید:«چه بسیار دانشجویان مخترع ایرانی داریم که نه تنها کمکی دریافت نکرده اند، بلکه حتی کسی از آنها دلجویی نکرده و لااقل خسته نباشید نگفته است. این قشر چون جوان و تلاشگر است نباید مورد بی اعتنایی اجتماعی قرار بگیرد.»

وی در ادامه گله مندانه می گوید: «ده ها مرکز و سازمان برای حمایت از نخبگان داخل کشور و به نام آنها تاسیس شده که متاسفانه هنوز هیچ یک از آنها به طور دقیق نتوانسته اند لااقل نخبگان رشته های مختلف را شناسایی کرده و جذب کنند.

در بنیادهای علمی خارج کشور آماری از تمام نخبگان کشورشان دارند و اکثر آنها را در قالب سازمان ها و گروه های مختلف جذب می کنند. وقتی از آنها پرسیده می شود: مگر همه این ها کارشان و اختراعاتشان به مرحله تولید می رسد؟ آنها پاسخ می دهند: حتی اگر یکی از آنها کارش به نتیجه برسد، ما در رسالت خود موفق بوده ایم. متاسفانه اکثر بنیادهای علمی در ایران فقط به تعریف کلی درباره کار ارائه شده اکتفا می کنند. باید ارگان ها و سازمان های مختلف برای جذب نخبگان به میدان بیایند.»

احمد رضا هدایتی از پژوهشگران کشور معتقد است اگر نخبگان را در سازمان های مختلف شناسایی و حمایت کنیم این توان را دارند که افراد هوشمند را نیز کشف و جذب کرده، از توانایی های آنها بالاترین بهره مندی را عاید سازمان خود نموده و جامعه را در مسیر خودکفایی و استقلال به جوشش و حرکت درآورند.

این در حالی است که اکثر سازمان ها از این فرصت استثنایی به درستی استفاده نمی کنند و با عملکرد نامناسب باعث به هدر رفتن فرصت ها و مانع شکوفایی استعدادهای درون سازمانی می شوند.

- واژه نخبه را کوچک نکنیم!

بسیاری از نخبگان نیز به نحوه شناسایی افراد نخبه معترض بوده و بر این باورند که باید در شناسایی این قشر قانونمند عمل کرد. نحوه شناسایی باید به گونه ای باشد که واژه نخبه مثل برخی واژه های دیگر لوث نشده و البته آنقدر هم دایره را کوچک نبندیم که استعدادهای واقعی فرصت شکوفایی پیدا نکنند.

یک استاد دانشگاه پزشکی می گوید:«چه بسیار افراد هستند که متاسفانه بدون داشتن فاکتورهای نخبه بودن صرفاً با استفاده از ارتباطات خود را در این قشر قرار می دهند تا احیاناً بتوانند از تسهیلات ویژه آن بهره مند شوند. چنانچه قانون مکتوبی برای مشخص شدن فاکتورهای گزینش وجود داشته باشد، جلوی بسیاری از تخلفات اینچنینی گرفته خواهد شد.»

در شهریورماه ۸۷، نشست هیات دولت با بیش از ۳۰۰ نفر از نخبگان کشور برگزار شد تا از یکسو به عنوان نمادی از تقدیر و تجلیل از این گروه مورد توجه قرار گیرد و از دیگر سو آهنگ حمایت از این گروه و تحقق بسیاری از نیازها و خواسته های آنان شتاب بیشتری یابد.

هم اکنون سؤالات متنوعی درباره چگونگی حمایت از نخبگان مطرح است. اما چگونگی شناسایی نخبگان، وضعیت تقسیم بندی و توزیع قانونمند بودجه در حوزه های مختلف با هدف پرورش و حمایت از نخبگان و چگونگی تبدیل پتانسیل علمی به نهضت جنبش اندیشه و علم در مسیر چشم انداز ایران ۱۴۰۴ از جمله سؤالاتی است که در مبحث چالش های پیش روی نخبگان ایران مطرح می شود. بدون تردید صاحب نظران و مسئولان موظفند به این گونه سؤالات پاسخی اقناعی و جامع ارائه دهند تا به تبع آن برنامه ریزی راهبردی و اصولی حول محور نخبه پروری و استفاده از استعدادهای درخشان و برتر در دستور کار ارگان ها و سازمان ها قرار گیرد.

موضوعاتی مانند اسکان، اقامت دائم در فلان کشور اروپایی یا آسیایی، پرداخت حقوق ماهانه دائم العمر، کرسی تدریس در فلان دانشگاه معتبر اروپایی و ده ها وعده خوش آب و رنگ دیگر همواره فراروی اندیشمندان و محققان قرار دارد و نخبگان جوان ایران نیز از این دایره فریب در امان نیستند.

با این حال جوانان صاحب دانش و متعهد ایرانی با کمترین توقعات مادی و معنوی و با اعتماد به نفس مثال زدنی کارهای درخشانی ارائه می دهند

و جهان علم را مسحور توانمندی ها و ذهن خلاق خود می سازند.

اواخر تابستان ۸۷ سه مصوبه از سوی هیئت دولت در جهت فراهم آوردن تسهیلات رفاهی برای قشر نخبگان کشور تصویب شد، نخستین مصوبه دستگاه های اجرایی را موظف کرده که حمایت همه جانبه بیشتری از نخبگان داشته باشند و ارتباط خود را با این قشر تقویت کنند.

در مصوبه ای دیگر سخن از حمایت از تجاری سازی علم به میان آمده است و در مصوبه سوم تامین مسکن نخبگان مدنظر و مورد تاکید قرار گرفته است، اما این که مصوبات چه زمانی اجرایی شوند و بخشی از مشکلات آنان مرتفع شود؟ هنوز هم در صف انتظار ایستاده ایم!

- بازنگری درالگوی انتخاب نخبگان

یک استاد خانم که عضو هیئت علمی دانشگاه است و تمایل چندانی به معرفی خود ندارد، در گفت وگو با سرویس گزارش روز کیهان از معیارهای شناسایی نخبگان انتقاد می کند و می گوید: «به جای این که معیارها را بر مبنای کیفیت کارهای ارائه شده قرار دهیم، بر کمیت ها تاکید می کنیم.

ولی سوال اساسی این جاست که آیا کیفیت تدریس و محتوای مقاله های ارائه شده ملاک برتری اساتید دانشگاهی است؟»

وی در ادامه می گوید: «متاسفانه معیارهای سنجش در سیستم آموزشی و دانشگاهی ما وارداتی است، در حالی که شرایط ایران با کشورهای خارجی فرق می کند. اگر معیار خارجی ها برای گزینش برترین ها در مسابقات و کنگره های علمی مختلف تعداد مقاله های ارائه شده است، مطمئن باشید می خواهند آماری از کارهای انجام شده در دانشگاه های ایران داشته باشند، ملاک انتخاب در داخل باید کیفیت کارهای ارائه شده باشد.»

- ضرورت ایجاد ارتباط بیشتر فرهیختگان با افکار عمومی

دکتر مالمیر عضو هیئت علمی دانشگاه ادبیات فارسی کردستان با اشاره به این موضوع که برخی از مردم خیال می کنند، یک فرد نخبه وقتی به درجات علمی بالا رسید مشکل مالی آنچنانی ندارد، می گوید:

«همیشه یک نخبه علمی در معرض مقایسه با سایر اقشار جامعه است. به ویژه اطرافیان و نزدیکانش در مقام قیاس برآمده و گاه نیش و کنایه هایی می زنند که اگر به دنبال کسب و تجارت می رفتی، وضعیت مالی آنچنانی داشتی، اما حالا...

این فشارها به ویژه در مقطعی که پروژه علمی دنبال می شود و هم مشکلات مالی وجود دارد، خردکننده اند. شاید یک جوان دانشجوی خوش فکر تاب نیاورد و تلاش خود را رها کند. یا سال های بعد سرخورده و پشیمان شود.»

این استاد حوزه فرهنگ و ادب فارسی در ادامه می گوید: «ما حتی برای نشر افکار خود دچار مشکل هستیم. گاه چندین جلد کتاب چاپ می کنیم، اما بعد باید با چوب حراج بر سر کتاب ها بایستیم! در پایان وقتی سال های پیری فرا می رسند می بینیم که حتی نتوانسته ایم اندیشه و دستاوردهای خود را در جامعه منتشر کنیم.»

وی با انتقاد از عملکرد رسانه ای چون صدا و سیما در مورد معرفی و چهره سازی از نخبگان عرصه های مختلف می گوید: «واقعا جای تعجب دارد که هرگاه در صداوسیما پیرامون مباحث مختلف صحبت می شود، هرکس با اندک دانشی خود را صاحب نظر می پندارد و نخبگان به هیچ وجه در چنین بحث ها و مناظره هایی فرا خوانده نمی شوند.»

حمایت از دانش افزایی چگونه است؟

«آیا نخبگان برای عملی ساختن ایده ها و طرح های مبتکرانه خود تا آخرین مرحله و در تمام موضوعات علمی از حمایت های مادی و معنوی لازم برخوردار خواهند بود.

مرجع مشخصی برای بررسی، ارزیابی و اظهارنظر علمی و تخصصی در مورد طرح ها، ایده ها، ابتکارات، اختراعات و خلاقیت ها در کشور وجود دارد، در صورت تایید طرح ها و ایده های نو، ساز و کار لازم برای ایجاد تعامل بین نخبگان و مراکز تولیدی برای عملیاتی و اجرایی شدن یا بهره برداری از حاصل کار آنها در کشور پیش بینی شده است، ابزار، منابع، امکانات و فرصت های لازم برای تحقق انتظارات و کاربردی شدن ایده هایشان در اختیار آنان قرار خواهد گرفت و به عبارت دیگر آیا چنین ساز و کاری در کشور ایجاد شده است، آیا معیارها و مکانیزم های ارزیابی عملکرد و شناسایی استعدادها به درستی طراحی و تعریف شده است، مدیران سازمان های ذیربط برای کارها، طرح ها و ایده های افراد، در حد شایسته ارزش قائل شده و آنها را مورد توجه قرار داده و امکان عملیاتی شدن آنها را فراهم آورده اند.

آیا نخبگان می توانند در مسیر پرپیچ و خم مراحل اداری، در کوتاه ترین زمان ممکن و قبل از آن که نابغه ای دیگر و در کشور دیگری طرح مشابهی ارائه دهد، طرح ها، ابتکارات و اختراعاتشان را به نام کشور خود ثبت و به مرحله تولید و بهره برداری برسانند، برای ثبت و اخذ رسمیت بین المللی

طرح ها، همچنان نیازمند تایید کشورهای خارجی باشیم و اصولا چرا نباید کشور ما به عنوان یکی از مراجع جهانی صدور تایید دستاوردهای علمی عمل کند، رسیدن به مرحله تولید و بهره برداری از خلاقیت ها، شامل همه موضوعات می شود یا قرار است در برخی از موضوعات فقط به افتخار کشف، اختراع، ابتکار و طراحی آن اکتفا کنیم و آیا سازمانی وجود دارد که با اولویت گذاری نیازها، تلاش ها را در مسیری هدفمند هدایت کند؟»

احمدرضا هدایتی فوق لیسانس علوم مدیریتی و پژوهشگر با طرح یک فهرست ازسئوالات نظیر سؤالاتی که در بالا آورده شد، صراحتا می گوید: «طرح این سؤالات و شاید ده ها سؤال دیگر در این زمینه، همگی حکایت از آن دارد که متاسفانه علی رغم تمام تلاش های صورت گرفته برای اعتلای علمی کشور و برخورداری از ظرفیت ها و استعدادهای فراوان موجود در جامعه، هنوز شرایط لازم برای استفاده بهینه و کامل از این فرصت بالقوه فراهم نشده است و نگرانی ها، کاستی ها و موانع فراوانی برای دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله کشور وجود دارد که چنانچه مورد غفلت قرار گیرد، اقدامات صرفا شکل صوری و تشریفاتی به خود گرفته و نتایج موردانتظار در این عرصه، به طور کامل محقق نخواهد شد.»

وی ادامه می دهد: «اگرچه اقدامات حمایتی در سال های اخیر در حد قابل ملاحظه ای توسعه یافته، اما متاسفانه هنوز وضعیت به گونه ای است که بسیاری از اقدامات در این زمینه، در حد انجام مراحل اولیه یعنی طرح موضوع، طراحی، تولید آزمایشگاهی و یا حداکثر ساخت نمونه متوقف و هرگز در داخل کشور به مرحله بهره برداری نمی رسد، در حالی که صاحبان این طرح ها و نتیجه تلاش آنها، بلافاصله از سوی شرکت های خارجی مورد استقبال و حمایت قرار گرفته و نتایج کارشان که سرمایه ملی کشور محسوب می شود، در نهایت عاید بیگانگان شده و بعضا حتی منجر به مهاجرت آنان به خارج از کشور می شود.»

● دایره نخبگان را محدود نکنیم

در پاسخ به سؤال ساده نخبه به چه کسی گفته می شود؟ ده ها نظر، پاسخ و طرح برای شناسایی و گزینش وجود دارد که متأسفانه هنوز پاسخ صریح و قانونمندی در این باره ارائه نشده است. در حال حاضر ۳۰۰۰ نفر عضو بنیاد ملی نخبگان کشور هستند که قرار است به ۱۰ هزار نفر افزایش پیدا کنند، برگزیدگان المپیادهای علمی معتبر داخلی و خارجی و جشنواره خوارزمی، رتبه های برتر کنکور، مخترعان و مکتشفان، نفرات اول دانشگاهی، برترین های مسابقات علوم قرآنی، شخصیت های برجسته علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، آفرینندگان آثار بدیع و ارزشمند هنری، برجستگان اعضای هیئت علمی و...

دکتر مهدی ایرانمنش عضو هیئت علمی دانشگاه کرمان در گروه مدیریت و رئیس انجمن مدیریت راهبردی ایران توضیح می دهد: «من معتقدم تعریف برای نخبگی اشتباه و با اصل عدالت نیز مغایر است. احساس تبعیض و حقارت زیادی برای سایر استعدادهای برتر ایجاد می کند. مثلاً آیا می توان گفت رتبه دهم کنکور نخبه است و تسهیلاتی هر چند ناچیز بگیرد، اما رتبه یازدهم نخبه نیست و امتیازی به وی تعلق نگیرد؟ راه حل این است که باید نخبگان درجه بندی شوند، چون بسیاری افراد نخبه هستند، ولی طبق ضوابط بنیاد ملی نخبگان، نخبه محسوب نمی شوند. می توان آنها را با درجه پایین تر نخبه درجه ۲، ۳ و ... تعیین کرد (مانند درجه بندی سازمان نظام مهندسی). اگر تعاریف را سخت کنیم، از آن سو خیلی از استعدادهای برتر را از دست خواهیم داد و آنها هم به خارج کشور گرایش پیدا می کنند. ضمناً درجه نخبگی فرد باید بر اساس ضوابطی هر چند سال یکبار ارتقا پیدا کند.»

این استاد دانشگاه به برخی تبعیضات موجود در سیستم نخبه پروری اشاره کرده و می گوید: «کارت شناسایی توسط بنیاد ملی نخبگان به عنوان نخبه به کسی نمی دهند، فقط به تعدادی خاص از نخبگان معرفی نامه داده می شود، لذا این قبیل افراد نمی توانند از تسهیلات ارگان ها، از قبیل امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی آنها بهره بگیرند. باید این قبیل کارها تسهیل و ساده شود.»

وی به مورد دیگری از تبعیضات اشاره کرده و می گوید: «مثلاً برگزیدگان جشنواره خوارزمی از سال ۸۲ در ردیف نخبگان قرار گرفته اند و برگزیدگان سنوات قبل آن نخبه محسوب نمی شوند. آیا چنین چیزی مغایر با عدالت نیست؟»

ایرانمنش برای رفع مشکلات کاری نخبگان توصیه می کند با توجه به ایده، طرح و پیشنهادی که نخبگان دارند، به سازمان های مختلف ارجاع داده شوند. ضمناً عنصر دیگر که بسیار حائزاهمیت به نظر می رسد، تشویق و ترغیب نخبگان است. در این زمینه نیز می توان از حضور و مشارکت افراد متمول و خیرخواه بهره برد. به این ترتیب برای جشنواره های معتبر داخلی هدایای ارزنده ای تدارک دید تا موجبات شوق و احساس ارزشمندی در این قشر فراهم آید.

● زمینه تولید انبوه اختراعات را شناسایی کنیم

اگر چه بنیاد حمایت از نخبگان فعالیت خود را آغاز کرده است اما باید حفظ و تقویت آنان مورد توجه کلیه مراکز قرار گیرد.

احمدرضا هدایتی پژوهشگر می گوید:«طراحی و ایجاد ساز وکار لازم و همچنین تعیین متدی مشخص برای بررسی، ارزیابی، در صورت لزوم آزمایش و در نهایت اظهارنظر علمی و تخصصی در مورد ویژگی ها و قابلیت های کیفی و کمی، کاربردی، امکان تولید انبوه، امکان اجرا و سایر پارامترهای مورد نظر در مورد موضوعات و طرح های مختلف از ضروریات است.»

وی در ادامه می گوید: «فرهنگ سازی و ایجاد شرایط لازم برای تقویت و توسعه ارتباط مراکز تولیدی و خدماتی، اعم از دولتی و غیردولتی با دانشگاهها و سایر مراکز علمی، تحقیقاتی و پژوهشی در جهت بومی سازی و ارتقا کمی و کیفی محصولات و خدمات آنها با استفاده از دستاوردهای علمی دانشمندان، نخبگان و ایده پردازان کشور نیز باید به عهده یک بنیاد شناخته شده و کاربردی ویژه نخبگان باشد. یک چنین بنیادی باید حلقه مفقوده ای را که مانع از پیوند دستاوردهای علمی با بخش تولید و کاربردی و عملیاتی شدن آنها در کشور شده پیدا کرده و برای رفع آن تلاش کند. «وی تاکید می کند که تبلیغ، ترغیب و جلب حمایت مراکز تولیدی و خدماتی برای ریسک پذیری و همکاری با نخبگان و دانشمندان کشور و استفاده از دستاوردهای آنان، در جهت نوآوری و فراهم نمودن امکان حضور فعالتر در عرصه رقابتهای جهانی و حتی داخلی نیز بسیار لازم است.»

بحث نخبه پروری و استفاده از نخبگان را نباید در عرصه علمی محدود کرد بلکه این مبحث سایر عرصه های فرهنگی، سیاسی و ورزشی را نیز در برمی گیرد. آن چه در این عرصه ها مشترک می نمایاند این است که کمترین خواسته نخبگان استفاده از امکانات بوده و این که تسهیلات با عدالت بین این جامعه فرهیخته تقسیم شود تا به یک عرصه بیش از سایر عرصه ها اولویت داده نشود.

جامعه پوینده و فعال اسلامی همان طور که به دانشمندان علوم مختلف نیاز دارد، نیازمند بهره مندی از نشاط فرهنگی، تندرستی و تفکر سالم سیاسی است. غفلت از هر شاخه به منزله ضربه خوردن در نتایج حاصله و کاهش نرخ پیشرفت های همه جانبه کشور است.

آمار و اخبار جمع آوری شده نشان می دهد بودجه های مختص نخبگان فرهنگی همچنان در کف هرم قرار گرفته اند، به گونه ای که حتی وزیر ارشاد نیز به وجود چنین نقصی انتقاد دارد. یا اگر از منظر دیگری نگاه کنیم، همواره سهم نخبگان ورزشی از تبلیغات و تشویق های رسانه ای بسیار عمده تر از دیگر عرصه ها بوده و به عبارتی غیرقابل قیاس نسبت به آنها است. در این باره مقام معظم رهبری هشدار می دهند: «من طرفدار ورزش قهرمانی و نخبه پروری در باب ورزش قهرمانی و علاقمند به قهرمانان ملی هستم، اما نباید توجه به نخبگان علمی در رسانه ملی کمتر از نخبگان ورزشی و همچنین چهره های هنری باشد.»

از میان عرصه های علم، فرهنگ، ورزش و سیاست وظیفه مهم خودباوری، تقویت زمینه های اعتماد به نفس در قلب ملت و عزم راسخ در برابر توطئه های بیگانگان، رسالت سنگین و ضرورتی اجتناب ناپذیر است که بر شانه نخبگان سیاسی گذارده شده است. توجه به این قشر از نخبگان نیز موفقیت جامعه اسلامی را تضمین می کند.

- غبار فراموشی بر مشکلات هنرمندان برتر کشور

هادی عارفی فوق لیسانس گرافیک و استاد نمونه کشور در سال ۸۷ با تأیید نظر برخی از صاحب نظران و برنامه ریزان مبنی بر این که معمولا کمترین بودجه در عرصه نخبه پروری به بخش فرهنگ و هنر تعلق دارد، می گوید: «اغلب فعالیت های هنری نیازمند پشتوانه مالی و حمایت هستند. هنرمندانی را می شناسم که طی سال های متمادی ده ها لوح تقدیر و تابلو گرفته اند، اما همچنان با مشکل نداشتن مسکن مناسب و اجاره نشینی روبه رو هستند اگر رفاه معیشتی نخبگان هنری نیز در کنار سایر نخبگان فراهم شود، مطمئناً بهتر فعالیت می کنند و بر مسائل هنری تمرکز بیشتری خواهند داشت .»

وی در ادامه می گوید: «در اردیبهشت ۸۷ از سوی دولت امتیازاتی وعده داده شد که متأسفانه هنوز محقق نشده اند. هر بار مسائل هنرمندان را مکتوب کرده ، اما غبار فراموشی و بی اعتنایی بر روی این نوشته ها فرو می نشیند.

از این استاد نمونه کشوری سؤال می کنم: آیا تا به حال برای به روز کردن اطلاعات خود، سفر خارج از کشور داشته اید؟ وی پس از مکث کوتاهی می گوید: «به همراه جمعی از دوستان و با هزینه شخصی سفری به مالزی و سنگاپور داشته ام، اما دانشگاه یا حتی بنیادهای مربوط به نخبگان چنین حرکت های تشویقی را ندارند. در سفر شخصی خود به دانشگاه هنر این کشورها سری زدیم و بسیاری از اطلاعات روز را حین بازدید دریافت کردیم.»

وی به چاپ کتابی ۲۰۰ صفحه ای از کارهای گرافیکی خود اشاره کرده و می گوید: «بارها در جلسات مشاوره ای دانشگاه برای جلب حمایت آنها از چاپ این کتاب شرکت کردم. همان طور که می دانید چاپ کارهای هنری به دلیل این که کیفیت بالای چاپ و استفاده از ورق گلاسه را می طلبد بسیار هزینه بردار است. متأسفانه دانشگاه پس از برآورد هزینه ها نپذیرفت. حمایت دانشگاه برای چاپ بیشتر از آثاری است که بدون تصویر و

مکتوب نوشته شده اند. انتشاراتی ها نیز هزینه ای بیش از ۳میلیون تومان را مطالبه کردند. الان یک مجموعه گرافیکی نیز از «بسم الله الرحمن الرحیم» تدارک دیده ام، اما نمی دانم برای چاپ و نشر این قبیل آثار اساساً به کجا مراجعه کرده و لااقل مشاوره درستی را دریافت کنم.»

عارفی در تکمیل صحبت هایش پیرامون چالش های پیش روی نخبگان می گوید: «در نشستی که به عنوان استاد نمونه کشور معرفی شدم، بحث بر سر این بود که آیا ما در ردیف نخبگان قرار می گیریم یا خیر؟ آقایان قول مساعد برای پیگیری این موضوع دادند و صراحتاً اعلام کردند که استادان نمونه کشور جزء این قشر به حساب خواهند آمد، ولی تا به امروز هیچ مدرکی اعم از کارت شناسایی و یا معرفی نامه ای در این باره دریافت نکرده ام.»

• یافتن حلقه های مفقوده در بهره برداری از دستاوردهای نخبگان

به نظر می رسد یکی از مهمترین راه های حل مشکلات پیش روی نخبگان در عرصه های مختلف شناسایی حلقه های مفقوده ارتباطی بین این قشر و کارگاه های تولیدی، کارخانجات، سازمان ها و... است. اگرچه ارائه امتیازات رفاهی به این قشر جزء ضروریات به نظر می رسد، اما آن چه که واقعاً رضایت خاطر آنها را تأمین می کند، کاربردی کردن دستاوردها و اندیشه هایشان برای جامعه است.

محمد کهندل استاد اقتصاد دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب در این باره می گوید: «الان عمده ترین نکته ای که در ارتباط با مسائل مربوط به نخبگان وجود دارد، نبود راهکارهای مناسب یا نبود توجه کافی به دستاوردهای علمی، تحقیقی و پژوهشی آنهاست. اگرچه نگاه دولتمردان به این مسئله بی تأثیر نیست، اما تمام مشکل هم به نگاه دولتمردان برنمی گردد. به عنوان مثال افراد زیادی را در جامعه سراغ داریم که واقعاً نخبه هستند و در علوم فنی و مهندسی اختراعات زیادی داشته اند، اما آنها هیچ گاه برای جلب حمایت مراکز صنعتی، تولیدی و سرمایه گذاران با عزم راسخ اقدام نکرده اند.»

وی ادامه می دهد: «از سوی دیگر هر موفقیت کوچکی مثلا در عرصه ورزش از دید جامعه یک افتخار ملی محسوب شده و غرورآفرین است، اما درباره اختراعات و دستاوردهای علمی، فرهنگی، هنری و سیاسی اغلب با سکوت رسانه ها مواجه شده که بی اعتنایی آنها آزاردهنده است.»

این استاد اقتصاد با اشاره به این که باید گروه ها و هسته های مشاوره ای شکل گیرند تا در شناسایی پل های ارتباطی بین صنعت و نخبگان، نیازهای کلان مدیریتی و اندیشه نخبگان، توسعه اسلامی و بومی کردن رشته های تحصیلی دانشگاهی و حضور نخبگان مؤثر واقع شدند، می گوید: «حلقه مفقوده در ابتدا تشکیل همین هسته های مشاوره ای است. در بین نخبگان افرادی وجود دارند که در رابطه با علوم انسانی اندیشه شایسته ای دارند، ولی عملا در مدیریت کلان و نیز نظام آموزشی کشور از پتانسیل های آنها استفاده نمی شود. در یک کلام می توان گفت انگیزه ها وجود دارند، ولی نهادهای انسجام دهنده شکل نگرفته اند تا بهره برداری جمعی از فعالیت نخبگان حاصل شود.»

کهندل بر این باور خود تأکید می کند: «اگر این حلقه های مفقوده را پیدا نکنیم، عملا نخبگان را در اختیار جوامع دیگر قرار داده ایم. منصفانه که بیندیشیم می بینیم در اغلب اوقات عدم بسترسازی و بی اعتنایی به مهاجرت آنها دامن می زند.»

• تشویق موسسات دولتی و غیردولتی به جذب نخبگان

واقعیت تلخ دیگر این است که افراد نخبه به دلیل نبود مرکز و ارگان مشخصی در پاسخگویی به مطالباتشان اغلب با تلاش بسیار به بدنه هیئت علمی دانشگاه ها متصل می شوند و پس از گرفتن کرسی تدریس و محروم شدن از فرصت های آزاد پژوهش و تحقیق کاربردی بالاخره به تسهیلات ویژه نخبگان دست پیدا کنند.

دکتر مهدی ایرانمنش استاد مدیریت توضیح می دهد:«فاصله و اختلاف بین اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و کسانی که عضو هیئت علمی نیستند، اما در کارهای پژوهشی، مطالعاتی و آموزشی کار می کنند، بسیار فاحش و خلاف عدالت است. به همین دلیل تعداد متقاضیان ورود به هیئت علمی را افزایش داده و بدنه اجرایی کشور که باید کار برنامه ریزی و ستادی انجام دهد، از این گونه افراد خالی بوده و بیش از پیش تخلیه می شود.»

ایرانمنش در ادامه به ارائه راه حل پرداخته و می گوید: «از مدیرانی که در مؤسسات خود از قشر نخبه استفاده می کنند، تشویق به عمل آورده و حتی به طور سالیانه براساس فرمول تعداد پیشنهادات، طرح ها و پروژه های افراد زیر مجموعه مدیر تعداد پرسنل (اعم از رسمی، پیمانی، مشاور و پیمانکار)

مدیران برتر را شناسایی و معرفی کنیم.»

احمدرضا هدایتی یکی از پژوهشگران نیز برای رفع چالش های پیش روی نخبگان راهکارهایی را مورد تأکید قرار می دهد: «ایجاد کارگاه ها و آزمایشگاه های فنی در قالب شهرک های فناوری یا مجتمع های علمی و همچنین الزام این گونه مراکز و نیز سایر مراکز علمی، پژوهشی و

دانشگاهی در بخش دولتی و حتی خصوصی، برای همکاری فنی و علمی با نخبگان و در صورت لزوم تأمین بودجه و ابزار و مواد اولیه برای اجرای طرح های پیشنهادی. برای این منظور می توان ضمن ایجاد جایگاه ویژه در ساختار تشکیلاتی مراکز مذکور، درصد مشخصی از امکانات و درآمد آنها را به همکاری با نخبگان اختصاص داد.»

این پژوهشگر همچنین از ارائه تضمین های لازم برای بهره برداری، تولید انبوه یا خریداری طرح های تایید شده توسط دولت و یا حداقل ضابطه مند کردن صدور فناوری های کسب شده به خارج از کشور و همچنین حمایت قوی در برخورد با کسانی که قانون منع کپی رایت را در این گونه موارد رعایت نمی کنند. ایجاد شعب بنیاد نخبگان در سراسر کشور به منظور انجام حمایت های اولیه از نخبگان و محققین و فراهم آوردن شرایط لازم برای ایجاد ارتباط آنان با مراجع زیربط و ذینفع و جلب حمایت و همکاری در جهت طی مراحل علمی و اداری سایر امور مشابه به عنوان پیشنهادات دیگر یاد می کند.

وی متذکر می شود: «با توجه به تشدید رقابت های جهانی و بخصوص منطقه ای در این عرصه، سرعت عمل در این زمینه بسیار ضروری بوده و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و در صورت اعمال مدیریت صحیح می توان در حد قابل توجهی، زیان های ناشی از کندی کار در گذشته را نیز جبران کرد.»

فعالیت نخبگان سیاسی نیاز ضروری جامعه

نخبه پروری سیاسی یکی از موضوعات مهم به ویژه در عرصه دانشگاه هاست که از مطالبات مستقیم مقام معظم رهبری نیز به شمار می آید . این مهم نیز برعهده تشکل های دانشجویی گذاشته شده است.

علی خطیبی پژوهشگر سیاسی و معاون ارتباطات نهاد رهبری در دانشگاه توضیح می دهد: «در جامعه ما علم و علم آموزی یک قداست و وجاهت خاص دارد. اگر درست بنگرید متوجه می شوید که بسیاری از خانواده ها دنبال این هستند که فرزندان خود را به دانشگاه بفرستند.

این امر گواه این است که گرایش خانواده های ایرانی به سمت علم آموزی است، پس جریان دانشجویی جریانی اثرگذار بر جامعه است. متقابلا این جریان باید درک درستی از جامعه و حوادث آن داشته باشد تا بتواند اثرگذاری مثبتی نشان دهد. به این ترتیب ضرورت دارد حوزه سیاسی به جای یک سری مسائل سیاست زده به سمت مباحث عمیق تر رفته تا نخبه پروری سیاسی صورت گیرد.»

چرا تشکل های دانشجویی در کنار سایر احزاب که اتفاقا قوی تر هم هستند، باید چنین رسالتی را بر دوش بکشند؟ یک سؤال اساسی است که خطیبی با تأمل پاسخ می دهد: «ریشه های دنیاطلبی و دنیاخواهی هنوز در بدنه تشکل های دانشجویی ریشه ندوانده اند. قوه تمیز و تحلیل جوان ایرانی فوق العاده است. این تشکل ها به فکر لابی کردن جریان های خارج دانشگاه نبوده و استقلال و هویت یابی خاصی دارند. به همین دلیل است که رهبر فرزانه انقلاب با هوشمندی تنها مرکز مؤثر پرورش نخبگان سیاسی را تشکل های دانشجویی تشخیص داده اند.»

این پژوهشگر در مورد این که چرا اساسا نخبه پروری سیاسی یک ضرورت است؟ توضیح می دهد: «مرحوم آل احمد تعبیری دارد که می گوید غربزدگی همانند سن زدگی است. از درون می خورد و تنها پوسته رویی باقی می ماند. حالا می توان جای واژه سیاست زدگی و غربزدگی را جابه جا کرد و به این نتیجه رسید که سیاست زدگی یک بیماری است. راه علاج آن هم این است که نهادهای علمی وارد میدان شوند و به صورت علمی و اصولی درمان کنند.»

وی در ادامه می گوید: «شتاب زدگی، جوزدگی، قومیت زدگی همه از اثرات سیاست زدگی هستند. فرد سیاست زده خطرها را در اندازه واقعی نمی بیند و در مصادیق غیرواقعی جستجو می کند.

اگر بخواهیم جریان دانشجویی به سر منزل مقصود برسد، باید وارد حیطه نخبه پروری سیاسی شویم و تنها گروه موثر در این امر تشکل های دانشجویی هستند.»

منبع : روزنامه کیهان

http://vista.ir/?view=article&id=347475

vista.ir
Online Classified Service

محله قدیم آلاشت

محله قدیمی آلاشت ، زادگاه رضاخان سرسلسله دودمان پهلوی در ۱۸ کیلو متری <زیر آب(>منطقه سواد کوه) قرار دارد. آلاشت، در منطقه ای کوهستانی و جنگلی واقع شده و خانه های آن، اغلب از خشت خام ساخته شده و بام آنها نیز با تخته پوشانیده شده است.کوچه های این محله باریک ، سنگی و شیب تندی دارند. آلاشتی ها هرمحله از دهشان را به نامی می شناسند . زادگاه پهلوی اول در محله <پهلوان خلیل> قرار دارد که ساختمان آن در اصل دو اشکوبه بوده است. اشکوب فوقانی آن دراثرزلزله فرو ریخته بود که در دوران پهلوی دوم به‌وسیله سازمان سابق میراث فرهنگی به همان سبک اولیه بازسازی شده است. این خانه که محل سکونت عباسعلی خان (پدر رضا خان) بود، به خاطر یک رویداد تاریخی ، در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید . این خانه پس از انجام تعمیرات و بازسازی توسط سازمان فوق، امروزه به عنوان کتابخانه عمومی شهر آلاشت مورد استفاده مردم و جوانان قرار می گیرد.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=130815

vista.ir
Online Classified Service

مدیریت اکوتوریسم

یکی از گامهای اساسی درجهت ارتقای توسعه هر کشوری استفاده بهینه از کلیه امکانات و منابع آن با مدیریت علمی و استفاده از پژوهشهای صاحبنظران است. اگرچه صادرات منابع نفتی و معدنی و چند قلم کالای محدود جوابگوی نیازهای گذشته و جاری ایران بوده است، ولی ضرورت توجه به بخشهای دیگر تولید درآمد و ارزآوری باتوجه به محدودیت منابع پیش گفته ضروری به نظر می رسد.

یکی از این بخشها صنعت اکوتوریسم است که باتوجه به وسعت کشـــور و تنوع گونه ها امکان پذیر و سودآور خواهدبود.

- پیش درآمد:

پس از انجام يك سفر علمی - تحقیقی دریافتم که ایران بسیار زیبا است و این سوال در ذهنم مطرح شد که چرا مدیران و مسئولان کشور از این امکانات بالقوه و اکوسیستم متنوع و گاه نادر در کل جهان برای جلب جهانگردان بهره برداری نمی کنند؟ امروز، پاسخ سوال خود را در ضعف مدیریت و بی توجهی به دانش و تجارب استادان و کارشناسان دلسوز می یابیم.

امروزه، مدیریت اکوتوریسم در ایران باتوجه به روند روبه رشد جمعیت و

کاهش منابع نفتی و اتکـــــای کشور به اقتصاد تك محوری وابسته به نفت، نه تنها یك نیاز كه یك الزام برای رشد و توسعه جامعه است.

در چند دهه اخیر برنامه ریزان، مدیران و مجریان امور در سطح جهان باتوجه به فقر منابع درآمدزا، بر روی اکوتوریسم سرمایه گذاریهای کلانی انجام داده اند که این پدیده نه تنها موجب حفاظت از اکوسیستم ها و محیط طبیعی سالم برای زیست بلکه به تولید درآمد و ارزآوری قابل توجهی منجر می گردد.

در کشور ما، متاسفانه به دلیل بی توجهی به قوانین و مقررات از گذشته های دور با معضلات زیست محیطی بسیاری که ناشی از پراکندگی مواد زائد و ضایعات، بهره برداریهای بی رویه و تخریب منابع طبیعی و عدم استفاده از فنـاوری سازگار با محیط و غیره مواجه گشته ایم.

- وضعیت اکوسیستم ایران

اکوسیستم ایران، بستر مناسبی برای سودآوری در بخش اکوتوریسم است. اگرچه بسیاری از گونه های نادر جانوری ایران یا به کلی منقرض گشته و یا در معرض انقراض هستند، لیکن هنوز هم گونه های متنوع جانوری و گیاهی در خور توجهی که در اقالیم گوناگون موجود است. در صورت مدیریت صحیح، می تواند جوابگوی گردشگران باشد. با وجود اینکه ایران بر کمربند خشك جهان قرار دارد، اما دارای تنوع اقلیمی و زیستگاههای گوناگون برای جلب سیاحان است. در سال ۲۰۰۰ میلادی یونسکو، ایران را در مقام هفتم ذخیره گـاههای زیست کره شناسایی کرد. اصلی ترین این زیستگاهها عبارتند از:

۱) زیستگاههای کوهستانی، دربرگیرنده، علفزارها و جانورانی چون گونه های پلنگ و پازن و ول برفی؛

۲) زیستگاههای جنگلی زاگرس با درختان بلوط و سنجابها؛

۳) زیستگاههای بیشه زارها و جنگلهای گـرمسیری خوزستان با گیاهان پده و گز و گونه های گوزن زرد ایرانی، رودك عسل خوار و جربیل؛

۴) زیستگاه بیابانی با گیاهان تاغ و کاروان کش و گونه روباه شنی و گربه شنی؛

۵) زیستگاه بلوچی با گیاهان آکاسیا و کهور و گونه خرس سیاه، سنجاب بلوچی و خدنگ؛

۶) زیستگاه استپی در بخش اعظم کشور با پوشش گیاهی درمنه و گون و پستاندارانی مانند آهو و یوز.

علاوه بر موارد پیش گفته دسترسی به سواحل دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان و مناطقی مانند جنگل حرا در جزیره قشم را باید درنظر داشت که می تواند از جذابیت زیادی برخوردار باشد.

درکشور همسایه، ترکیه تنها از یك ساحل آنتالیا، با جذب توریست، درآمد فوق العاده ای کسب می کند.

در سواحل تایلند، گردشگران با کروکـــودیلهای آن منطقه عکس یادگاری می گیرند و اقتصاد تایلند را بهبود می بخشند و با کمال تأسف درهمان زمان در ایران خبر مربوط به انقراض آخرین گونه تمساح ایرانی (گاندو) اعلام می شود. درحالی که بسیاری از گردشگران اروپایی و آمریکایی در قاره آفریقا به سیاحت می پردازند و علاقه مندان به حیات وحش با شعف از شیرها و ببرها فیلم برداری می کنند، ما بدون کمترین احساس مسئولیت از برخی دست اندرکاران با خبر می شویم که دیگر گونه شیر و ببر ایران منقرض شده اند و یوز و بسیاری از گونه های دیگر نیز در معرض خطر انقراض قرار دارند.

البته امکان وجود آنها هم در محـدوده مشکوك به زیست و یا محدوده ای که قبلاً در آنجا مشاهده شده است برمی گردد که درحال حاضر هم اطلاعی از بسیاری از آنها دردست نیست. بنابه اظهارنظر کارشناسان، جنگلهای شمال تا سه دهه دیگر از بین خواهند رفت. سوالات بسیار دیگری نیز در زمینه محیط زیست وجود دارد که کارشناسان هنوز پاسخی به آن نداده اند. شاید اندکی از آنها به شرح زیر باشد.

- منطقه حفاظت شده زیبای دنا در کهگیلویه و بویراحمد و دیگر پارکهای ملی

و منحصر به فرد همچون پارك ملی گلستان و جهان نمای مازندران را تا چه زمانی می توانیم حفاظت کنیم؟

- آیا می توانیم شاهد به بلوغ رسیدن و فرزندآوری توله های خرس قهوه ای در پناهگاه حیات وحش کیامکی باشیم؟
- آیا آیندگان ما نیز گور ایرانی را در منطقه حفاظت شده توران در استان سمنان خواهند دید؟
- تا چه زمانی بحری، عقاب طلایی و هما آسمان ما را با پرواز خود دیدنی تر خواهندکرد؟

اگرچنین ادامه یابد که تاکنون بوده، بی شك پاسخ سوالهای فوق اسف بار خواهدبود.

- نتیجه گیری

با وجود همه مسائل یأس آور در این زمینه، هنوز هم طبیعت ایران چنان سفره زیبایی در مقابل ما گسترانیده است که با مدیریت صحیح می توان

از آن حداکثر بهره وری را کرد و به جای تکیه بر صادرات نفت که تا چند صباح دیگر برای فرزندان این مرز و بوم نیز اثری از آن به یادگار نخواهیم گذاشت می توان به بخش صنعت توریسم و بالاخص اکوتوریسم پرداخت.

بدیهی است این مهم تنها به دوش سازمانهای جهانگردی و گردشگری و سازمان حفاظت از محیط زیست نخواهدبود که مدیریت سایر بخشها شامل صنایع، معادن، راه و ساختمان، آموزش و پرورش، بخشهای فرهنگی، رسانه ها و صداوسیما را در یك حركت جامع و عزم ملی می طلبد. در حقیقت مـدیریت اکوتوریسم، بسیار جامع تر و ضروری تر از پیش می نمایاند تا علاوه بر حفظ جنگلها و مراتعی که ازنظر گونه های گیاهی یکی از فلورهای غنی جهان با گیاهان آندومیك و ذخایر ژنتیکی بالا است، به شناسایی زیباییهای این خطه به جهانیان و تولید درآمد ملی و ارزآوری مناسب و ساماندهی اقتصادی کشور یاری بخشد.

منبع : ماهنامه تدبیر

http://vista.ir/?view=article&id=236389

vista.ir
Online Classified Service

مدیریت در توریسم

امروزه صنعت گردشگری در تمام گیتی جایگاهی ویژه کسب کرده است. بسیاری از کشورهای جهان این صنعت را رهیافتی برای اخذ درآمد قلمداد و با بمباران تبلیغاتی سعی در جذب مشتریان تازه یا لااقل حفظ مسافرین قدیمی دارند.

انتظار می‌رود این صنعت در سال اخیر سودی معادل ۵/۶ هزار میلیارد دلار به همراه داشته باشد و این رقم نسبت به سال گذشته حدوداً ۹۰۰ میلیارد صعود نشان می‌دهد که رشدی قابل توجه است.

بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته کشور منتنگرو در صدر فهرست کشورهای پر درآمد این صنعت قرار دارد و هند و چین نیز به ترتیب در ردیف‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند. ضمناً چهار کشور مرکزی و شرقی اروپا (رومانی، کرواسی، لیتوانی و آلبانی) در زمرهٔ ۱۰ کشور اول جهان قرار دارند. اسپانیا و بریتانیا نیز در پی بهبود وضعیت بیکاری، به ارتقاء کیفیت این صنعت پرداخته و پیشاپیش روی درآمدهای آن برنامه‌ریزی کرده است.

● اما در این میان، جایگاه ایران کجاست؟

چرا سهم ما از این تجارت چیزی در حد چند صدم درصد است؟ چطور گردشگران ایران به جهانگردی متمایل‌ترند تا ایرانگردی؟ پاسخ به چنین سئوالاتی، در این مجال نمی‌گنجد ولی می‌توان اصول ابتدائی و بنیادی صنعت توریسم را برشمرد و آنگاه به قضاوت نشست که کشور ایران تا چه میزانی پتانسیل اجرائی (نه بالقوه) را در این مهم، دارا است. ذیلاً به برخی از این اصول اشاره می‌کنیم:

▪ سطح اطمینان

میزان سطح اطمینان، نخستین مؤلفهٔ انتخاب یک کشور، از سوی گردشگر محسوب می‌گردد. بدیهی است هرقدر اعتماد توریست بیشتر جلب شود خود به خود تصمیم برای ورود، تسهیل شده و تعداد روزهای اقامت، حجم‌آوردهٔ مالی و کثرت سفرهای درون کشوری افزوده می‌شود.

سطح اطمینان خود متأثیر از پارامترهای گوناگونی است: میزان امنیت اجتماعی، مبارزه با جرم و جنایت، آزادی‌ها و حقوق شهروندی، چتر حمایتی

پلیس دیپلماتیک از خارجیان، گستردگی عمل سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها در کشور میزبان و ... همگی از ملاک‌های اطمینان یک گردشگر به حساب می‌آیند. (برای مثال اغتشاشات اخیر فرانسه که تاکنون نیز ادامه دارد سبب تنزل اعتبار چندین سالهٔ این کشور شده و آینده این حرفه را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است)

▪ تکریم ارزش‌ها

ارج نهادن به ارزش‌های ملی، بومی و اعتقادی از سوی دو طرف (گردشگر و میزبان) بسیار واجد اهمیت است. گرچه دست‌اندازی به ارزش‌ها در طول تاریخ وجود داشته اما حداقل در سه دههٔ اخیر اجماع برای احترام ارزشی از سوی تمام ملل آغاز گردیده است. از سوی دیگر اقتصاددانان بر این باورند که: سرمایه ترسو است. و تمام تنش‌هائی که در سطوح ملی، منطقه‌ای یا جهانی رخ می‌دهد سرمایه‌گذاری را مختل می‌کند.

در سال گذشته (میلادی) توهین روزنامه‌های دانمارکی به شخصیت منزه نبی‌اکرم (ص) در دستور کار قرار گرفت انتشار ۱۲ کاریکاتور در مطبوعات این کشور و چاپ مجدد آنها از سوی برخی مطبوعات اروپائی، منهای واکنش‌ها و کنش‌های مجدد اجتماعی (که از آن جمله کوشش‌ها می‌توان به تلاش برای افتراق مسلمانان اشاره کرد) سبب تحریم توریست‌های مسلمان و در نهایت فرار سرمایه شد.

▪ پایداری واحد پول

پایداری واحد پول سبب ثبات قیمت‌های ارائه شده و یا ایجاد حداقل تغییرات در نرخ‌ها می‌گردد. به طور مثال پایداری یورو در اقتصاد توریسم، جنبه‌های مثبت زیادی دارد. هرچند هزینه‌های بالای بهره‌مندی از تسهیلات گردشگری سبب کم اقبالی گردشگران با واحد پولی دلار (یا وابسته به دلار) می‌گردد. اما به هر حال بی‌تغییر بودن هزینه‌ها، تبلیغات گسترده و از همه مهمتر تلقی جهانی تمدن از این کشورها، انگیزه عمومی را جهت سفر، بالا می‌برد.

تبدیلات پولی (money change) نیز برای گردشگر بسیار مهم است. اگر تعویض پول به سهولت و با نظارت ارگان‌های درگیر و البته بدون محدودیت، صورت گیرد نوعی امنیت اقتصادی را تداعی می‌کند.

متأسفانه در ایران تهیه ارز و تعویض آن در بازارهای غیر رسمی صرافی انجام می‌شود که این وضعیت حکایت از سیستم پولی ناسالم و در سطح کلان‌تر اقتصادی معیوب را دارد.

▪ صداقت حرفه‌ای

یکی از راه‌های موفقیت در هر صنفی داشتن صداقت حرفه‌ای است. صداقت حرفه‌ای به این معنا است که هر شخص حقوقی صاحب خدمات، موظف به ارائهٔ خدمات، بر مبنای گفتار گذشتهٔ خود است و بر این اساس در توریسم نیز شرکت‌هائی توفیق می‌یابند که بر مبنای قراردادهائی واضح و رسا حقوق مشتریان را محقق کنند. سالهاست در بسیاری از کشورهای پذیرای توریست این مسئله حل شده است و در کل نارضایتی از عملکرد شرکت‌های وجود ندارد. اما در ایران موارد بیشماری از شکایت‌های داخلی و خارجی به ثبت رسیده که برخورد جدی‌ای را در پی نداشته است. عدم مشتری مداری و عطش برای جذب مشتری، بیماری کهنه‌ای است که صنعت توریسم کشور ـ اگر واقعاً بتوان نام آن را صنعت نهاد ـ را تهدید می‌کند. حتی اگر با تدوین برنامه‌ای مدون بتوان نظارت داخلی ایجاد کرد اما باز هم کنترل تورها در آن سوی مرزها، عملی به نظر نمی‌رسد.

▪ توریسم الکترونیک

یکی دیگر از ملاک‌های به روز شدن (up to date) توریسم، پایبندی به فرایند توریسم در شبکه (online) است. اینکه این پدیده از چه زمانی حیات یافته، اطلاع دقیقی در دست نیست اما به نظر می‌رسد از زمان ایجاد پایگاه‌های متمرکز داده‌ای (internet) این نوع انتخاب شیوه، نیز مورد توجه قرار گرفت. در تعریف این روش نو پدید می‌توان گفت: به کلیه کارکردهای مرتبط با یکدیگر، جهت انتخاب اجزاء سفر، از طریق شبکه‌های اینترنتی توریسم در شبکه می‌گویند. به بیان ساده‌تر تمامی مراحل انتخاب نظیر نوع پرواز، رزو هتل، تور، راهنما و ... که از طریق کامپیوتر شخصی با شرکت‌های خدمات ده صورت می‌گیرد را توریسم الکترونیک می‌نامند.

▪ عمده فروشی خدمات

تجارت امروز بر مبنای تجمع شرکت‌ها و موازی‌سازی فعالیت‌ها، ادامهٔ حیات می‌دهد. بسیاری از شرکت‌های کوچک، گزیری جز ادغام با یکدیگر و تأسیس شرکت‌های بزرگ را ندارند. در مورد جهانگردی نیز مدتی است عمده فروشانی پا به عرصهٔ وجود نهاده‌اند که تمام خدمات گردشگری (نظیر تور، هتل، بلیط هواپیما و ...) را به مدت طولانی اجاره کرده و به همین جهت بهای خدمات ارائه شده از سوی آنها، کاهش چشمگیری می‌یابد. به گمان برخی از متخصصین تنها ساز و کار مناسب برای جذب مشتریان بیشتر و همه گیر شدن توریسم، بسط و گسترش عمده فروشی در سراسر جهان است. در ایران نیز مدت زیادی از تأسیس یک شرکت عمده فروشی نمی‌گذرد و باید برآیند کار را نظاره‌گر بود.

▪ جاذبه‌های ملی

جاذبه‌های اقلیمی، سازه‌های قدیمی، صنایع دستی و میراث فرهنگی در ردیف آخر اهمیت قرار دارند! شاید این اظهار نظر کمی عجولانه و نابخردانه به نظر آید اما واقعیت این است که تا موارد قبلی تأمین نشود، افراد قلیلی رنج سفر را بر خود هموار می‌کنند. آمار و ارقام نشان می‌دهد، کشورهائی که به هیچ وجه صاحب پیشینه‌ای برازنده و مفتخر نبوده‌اند، حجم عظیمی از سرمایه‌های بین‌المللی را (حدوداً ۷۶ درصد) به چنگ آورده‌اند.

▪ کلام آخر

با توجه به آنچه گفته شد علت عدم توانائی کشورمان در کسب جایگاه واقعی خود، کاملاً آشکار می‌گردد. تبلیغات سوء بنگاه‌های خبر پراکنی خارج از کشور، نبود ثبات واحد پول (ریال)، کم رنگ بودن اخلاق حرفه‌ای، رویا بودن توریسم الکترونیک و ... از جمله این دلایل است به هر تقدیر، برای رسیدن به این نقطهٔ آرمانی، نیاز به نوعی سیاست جهشی است.

اگر امروز را از دست دهیم، فردا فقط ناظری بی‌تأثیر و ما فقط شاهد ظفر دیگران خواهیم بود.

منبع : ماهنامه طمطراق

http://vista.ir/?view=article&id=245147

vista.ir
Online Classified Service

مراقب بیماری‌های مسافرتی باشید

آغاز مسافرت های تابستانی، گرم شدن هوا و... دست به دست هم می دهد تا چنانچه بهداشت فردی و عمومی را جدی نگیریم، ابتلا به انواع بیماریهای ناشی از مصرف مواد غذایی فاسد شدنی را برای خود به ارمغان بیاوریم.

از جمله شایع ترین بیماریها در فصل تابستان، عفونت های روده ای است که کودکان و سالمندان از آسیب پذیرترین افرادی هستند که این بیماریها سلامت آنان را تهدید می کند.

بر اساس نظرات مشترک پزشکان و متخصصان بیماریهای عفونی، مهم ترین علت ابتلا به بیماریهای عفونی، خوردن مواد غذایی از چند روز قبل مانده، حرارت ندادن غذاهای سرد به میزان کافی، مصرف زرده تخم مرغ نیمه پز و همچنین خوردن بستنی های تهیه شده از شیرهای غیر پاستوریزه و نوشیدن آب های آلوده است.

به گفته یک متخصص بیماریهای عفونی؛ بیماریهای شایع در ماههای گرم سال اغلب در هنگام سفر و مسافرت ایجاد می شود. چون میزان رعایت نکات بهداشتی به علت کمی امکانات هنگام مسافرت، کاهش می یابد.

استفاده از آبهایی که در مسیر سفر افراد قرار دارد و عدم توجه به سالم بودن آنها، از جمله مواردی است که زمینه ابتلا به بیماریهای عفونی و انگلی به ویژه در کودکان را فراهم می آورد.

بیماریهای گوارشی و انگلی، زمینه ابتلای افراد به بیماریهای عفونی را فراهم می سازد که این مسئله در اغلب موارد با طولانی مدت شدن دوره درمان همراه می شود. همچنین بیمار در طول دوره درمان، دچار عوارض ناشی از مصرف داروها می شود که این وضعیت برای کودکان به مراتب آزاردهنده‌تر است.

برخی افراد در مکانهای تفریحی و گردشی از آب رود خانه برای شستن دست و صورت و یا ظروف استفاده می کنند، در صورتی که مشخص نیست از مبدا رودخانه تا محلی که فرد قرار دارد، چه آلودگی هایی وارد آب شده است. بنابراین بسیاری از عفونت ها از طریق ظروف و یا دست های آلوده وارد بدن می شود.

از سوی دیگر، استفاده از محصولات مزارع سبزی و صیفی جات، از دیگر مواردی است که زمینه ابتلای افراد به بیماریهای عفونی و گوارشی را فراهم می سازد. به گونه ای که اغلب سبزی ها به علت استفاده از سموم و تماس نزدیک با خاک آغشته به تخم های انگل است که در صورت عدم شستشوی دقیق آنها، در هنگام مصرف به راحتی وارد بدن می شود.

دکتر مینو محرز، فوق تخصص بیماریهای عفونی در این خصوص می گوید: اغلب مردم گمان می کنند که شستن سبزی با آب کافی است، در صورتی که عدم شستشوی دقیق آنها می تواند موجب بروز مسمومیت های غذایی ناشی از عفونت در مصرف کنندگان این سبزیجات شود.

به گفته وی، میزان مسمومیت غذایی در ماههای گرم سال که دل درد و دل پیچیده، اسهال و استفراغ از علائم آن است، افزایش می یابد که علت آن ناشی از رعایت نکردن بهداشت مواد غذایی به ویژه میوه ها و سبزیجات است.

مجید صفرپور، کارشناس بهداشت محیط نیز می گوید: اغلب مسمومیت های هنگام سفر و بین راهی شامل مسمومیت های غذایی است که موجب اسهال و استفراغ می شود.

وی، خارج ماندن بیش از حد معمول مواد غذایی در خارج از مکانهای قابل نگهداری همچون یخچال، توجه نکردن به تغییر مزه مواد غذایی و... را، از مهم ترین عوامل بروز مسمویت های غذایی بین راهی عنوان می کند و می افزاید: خرید مواد غذایی و خوراکی از دستفروشان بین راهی نیز، زمینه ابتلا به مسمومیت و بیماری را فراهم می سازد. زیر این قبیل فروشنده ها، اجناس خود را به صورت غیر بهداشتی نگهداری می کنند و هیچ تعهدی برای پاسخگویی به مشتری ندارند.

نوشیدن و خوردن خوراکی های خنک در فصل گرما، یکی دیگر از نکاتی است که برای دوری از بیماریهای گوارشی و عفونی در روزهای گرم سال، باید مد نظر قرار گیرد.

تهیه بستنی، ماست و دوغ از شیرهای غیر پاستوریزه و مصرف آنها، می تواند زمینه ابتلا به تب مالت و در نهایت درگیر شدن با انواع بیماریهای عفونی را فراهم کند. در اغلب موارد ابتلا به تب مالت، بیمار از وضعیت تهیه مواد غذایی و خوراکی مصرفی اطلاعی نداشته است.

منبع : مجله خانواده سبز

http://vista.ir/?view=article&id=263277

vista.ir
Online Classified Service

مرجان‌ها هم حق زندگی دارند

جزیره کیش در دورهای گوناگون تاریخی نقش راهبردی داشته است. چه در زمان هخامنشیان که مرکز عمده صید مروارید در مسیر خط تجاری بین‌النهرین و هندوستان بود و همچون پلی میان اروپا و خاوردور عمل می‌کرد و چه حالا که کمتر خانواده‌ای

پیدا می‌شود با شنیدن نام کیش، قند در دلش آب نشود و خاطرات خوشی را در ذهن مرور نکند.

سواحل نقره‌فام مرجانی، آفتاب فراوان، محیطی آرام برای کار و تفریح، شبکه بسیار خوب حمل و نقل و متفاوت از آنچه که این روزها در سرزمین اصلی می‌بینیم و زجر می‌کشیم، همواره این احساس را به مسافران کیش داده است که با سفر به جزیره به راستی از رفتارهای نابهنجار مرسوم دور می‌شوند و چند روزی در آرامش، اکسیژنی به ریه‌های خود فرو می‌دهند.

کیش زیباست و این روزها با شلوغی گردشگران و سرمایه‌گذاران متعددی روبرو است که خوش دارند در این جزیره مرجانی اتراق کنند.

کسانی که برای نخستین بار پا به این جزیره بگذارند با گشتی در اطراف، مشاهده شهر باستانی حریره و مطالعه اجمالی موقعیت جغرافیایی آن متوجه می‌شوند که این جزیره می‌توانسته در گذشته برای تاجران و بازرگانان منطقه‌ای، نقش انبار و صادرات مجدد کالاهای خاوردور را ایفا کند.

بندر شهر تاریخی حریره یک شهر یکپارچه و متمرکز با معماری خاص بود و از معماری دفاعی و درون‌گرای دیگر شهرهای تاریخی ایران در آن نشانی نیست به طوریکه مطالعات باستانشناسان، گویای آبادانی این شهر بوده است.

باستانشناسان در حفاریهای خود اتاقی را از خاک بیرون آوردند که "بارعام" یا به زبان امروزی اتاق روابط عمومی برای دیدار با شرکای تجاری بود.

دادو ستدهای تجاری حریره در دوره سلجوقیان و ایلخانی به اوج خود رسید. سعدی هم در کتاب گلستان از ملاقات با یکی از بازرگانان ساکن شهر قدیم کیش یاد کرده و در داستانش از رونق کیش گفته است.

نخستین بندرگاه مجهز را تورانشاه سلجوقی به کمک حکام محلی بنیاد نهاد تا کالاهای هندی و چینی در این جزیره انبار شوند.

تجار اروپایی، خاورمیانه و شمال اروپا در این جزیره معاملات خود را با طرف‌های چینی انجام می‌دادند تا دیگر نیازی نباشد در حسرت ابریشم و ادویه چینی رنج سفری طولانی را متحمل گردند. در مقاطعی در دوران اتابکان فارس این جزیره محل استقرار والی خلیج فارس نیز بود تا از کشتی‌ها و شناورهای وارده عوارض بگیرد.

در قرن ۱۵ میلادی کیش از آزمندی‌های پرتغالی‌ها بی‌نصیب نماند و "آلبوکرک" دریاسالار پرتغالی با ۷ کشتی این جزیره را به توپ بست و سپس تصرفش کرد. شاه عباس صفوی پس از پایان جنگ با دولت عثمانی این بخت را داشت تا کیش، هرمز و بحرین را از پرتغالی‌ها بازستاند.

در دوره قاجار درک موقعیت و ویژگی‌های کیش از دیدگاه حکام قاجار طبق معمول همچون سایر نقاط این سرزمین پنهان ماند و ناصرالدین‌شاه ترجیح داد آن را به صورت درازمدت به میرزاقوام‌الملک، ایل سالار فارس اجاره دهد و او نیز سرانجام با ۲۵ هزار تومان این جزیره را به محمدرضا خان سطوت الممالک فروخت. این وضعیت ادامه داشت تا نیمه دوم دوران پهلوی که به تدریج این جزیره راهبردی برای مقامات و دربار وقت جایگاهی ویژه یافت....

منبع : ماهنامه سفر

http://vista.ir/?view=article&id=277244

vista.ir
Online Classified Service

مرنجاب، اقامتگاه کویر مرکزی ایران

قلعه ها، کاروانسراها و دهها مکان دیدنی دیگر که در مناطق کویری ایران ساخته شده است از جمله کاروانسرای مرنجاب دلیل این مدعاست.

بی مهری به طبیعتهای بکر و زیبا، پدیده ای است خاص مردم این زمان . والا پدران ما، باخلق یادگارهایی در دل کویر، بی ریا وبدون آنکه خودنمایی کنند به طبیعت احترام گذاشتند و تفاوتی میان جنگلهای سرسبز و کویر ساکت و آرام قائل نشدند.

قلعه ها، کاروانسراها و دهها مکان دیدنی دیگر که در مناطق کویری ایران ساخته شده است از جمله کاروانسرای مرنجاب دلیل این مدعاست. پهن دشت ساکت و آرام کویر آن هنگام که ریگهای روانش با هر حرکت باد به نقاشی خیال می پردازند و هنگامی که صدای زنگ شتران، این صبوران صحرای کویر، سکوت صحرا را با موسیقی طبیعت همراه می کنند و تو را از دغدغه دنیای شلوغ می رهانند و آنگاه که به هر طرف نگاه می کنی جز سکوت و خلوت نمی بینی تفاوتی با جنگلهای سرسبز شمال (آنگاه مه صدای حرکت برگها و نسیم نوازشگر آن خود را به عالمی دیگر می برد) ندارد.

با وزش نسیم دلنواز کویری، نی زارهای اطراف < مرنجاب> اینگونه حکایت می کنند که :

روزگاری، شاه عباس صفوی، برای حفاظت از کاوانهای بزرگی که از مشرق زمین و از مسیر جاده ابریشم، عازم اروپا بودند، این عمارت را ساخت. ناگفته نماند که به رسم حکومت داری و تأمین امنیت و فراهم نمودن ابزار و امکانات لازم برای مقابله با هجوم دشمنان، شاه عباس را گمان این بود که از جانب کویر و به سبب سرزمین باتلاقی دریاچه نمک در امان است اما هجوم ناگهانی افغانها که از شرق و از جانب کویر که کاشان و اصفهان را شکستند، هشداری بود که موجب بالارفتن دیوارهای قلعه مرنجاب شد.

مرنجاب از جمله ۹۹۹ کاروانسرایی است که شاه عباس آن را با تجهیز به تأسیسات دفاعی و به سرعت تمام و به عنوان یک پایگاه نظامی در کویر بنا نهاد. بالای کاروانسرا به شکل سنگرهای دیده بانی برای حضور همیشگی ۵۰۰ پاسدار مسلح و به منظور تأمین امنیت عبور کالا از چین برای اروپا و بالعکس ایجاد شده است. قلعه و کاروانسرای < مرنجاب> در کتب تاریخی زمان صفویه از جمله کتاب(عالم آرای عباسی) اینگونه معرفی شده است که بعضی از شهرهای مرکزی ایران و حاشیه کویر از طریق جاده صعب العبور کویر و سیاه کوه مورد هجوم و حمله ازبکها و ترکمنها قرار گرفت حمله و شبیخون مهاجمین از شمال شرقی کشور و خراسان ، حتی اصفهان را که پایتخت شاه عباس صفوی بود تهدید کرد و این موضوع برای دولت مقتدر صفوی قابل تحمل نبود، لذا به دستور شاه عباس صفوی در منطقه مرنجاب و در حاشیه کویر که علاوه بر مجاورت دریاچه نمک در کنار جاده کاروان رو خراسان و ری نیز قرار دارد قلعه مستحکم مرنجاب ساخته شد تا ضمن آنکه محل اتراق کاروانها با شد، بعنوان یک دزنظامی امنیت سیاه کوه را برقرار کند.

این قلعه که در اوایل قرن یازدهم هجری قمری از آجر شاخته شده است، چهار برج دیده بانی در چهار گوشه خود دارد و در دور تا دور پشت بام این قلعه سوراخهایی تعبیه شده است که به آن < تیرکش> می گویند.

در کتاب عالم آرای عباسی میزان هزینه انجام شده برای ساخت سه کاروانسرای مرنجاب، عین الرشید و قصر بهرام گور و همچنین راه سنگفرش سیاه کوه در زمان شاه عباس صفوی حدود ۱۰هزار تومان بوده است.

در سال ۵۷ از سوی دانشگاه تهران اقداماتی برای تعمیرو تبدیل آن به یک مرکز گردشگری و نیز اقامتگاه پژوهشگران که از داخل و خارج به این منطقه مسافرت می کنند صورت پذیرفت اما متأسفانه نیمه تمام رها شد. آجرهای ریخته و وضعیت رو به تخریب آن همواره نگرانی همه را درپی داشت تا اینکه طی سالهای اخیر با توجه ویزه سازمان میراث فرهنگی به این بنای ارزشمند پس از آنکه این عمارت به شماره ۹۴۴ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید، با اقدامات انجام شده که توسط سازمان میراث فرهنگی کشور باهمکاری دفتر فنی استانداری اصفهان، فرمانداری، شورای اسلامی شهر و شهرداری آران و بیدگل انجام شده است، این بنا هم اکنون در دست مرمت و بازسازی می باشد و در طرح < پردیس> که به منظور حفظ ابنیه تاریخی و برای ایجاد مرکز اقامتی کویر برای رفاه گردشگران می باشد قرار گرفته است.

و اینک مرنجاب که از یک سوی به تماشای دریاچه سفیدپوش نمک و از دیگر سوی در کنار کویر آرام صبورانه و مقاوم آرمیده است با قدمتی ۴۰۰ ساله به همت و تلاش مسئولان و به عرق جبین و دستان هنرمند و پرمهر معماران بومی آران و بیدگل حیاتی دیگر به خود گرفته است که گشت و

گذار در طبیعت بکر و ناشناخته کویر مرکزی ایران با حضور در کنار برکه آب مرنجاب و تماشای ماهی های سرخ و نی زارهای سبز آن به یادماندنی است.

در این میان حق بر این است که گفته شود: حفظ و احیاء آثار تاریخی کشور که به عنوان هویت فرهنگی و ملی ماست وظیفه ای ملی است و تلاش همگان در این زمینه اجتناب ناپذیر است نه یک سازمان و نهاد دولتی.

در پایان میراث بانی امین آثار تاریخی کشور بویژه حاشیه کویر مرکزی ایران و استان اصفهان، جناب آقای مهندس سیف الله امینیان و همکاران محترمشان را ارج نهاده و همت والایشان و اندیشه سبزشان که دغدغه فردا و فرداها را دارند و باسوز و شوق زایدالوصفی میراث پیشینیان را پاس می دارند، را می ستایم. امید که ما نیز چنین باشیم.

منبع : روزنامه تفاهم

http://vista.ir/?view=article&id=266730

vista.ir
Online Classified Service

مرنجاب؛زیبایی های دل انگیز کویر

کویر مرنجاب با زیبایی های دل انگیز کویری در شمال شهرستان آران و بیدگل از توابع شهرستان کاشان در استان اصفهان قرار دارد.

این کویر از شمال به دریاچه نمک آران و بیدگل، از غرب به کویر مسیله و دریاچه های نمک حوض سلطان و حوض مره، از شرق به کویر بندریگ و پارک ملی کویر و از جنوب به شهرستان های آران و بیدگل و کاشان محدود می شود.ارتفاع متوسط کویر مرنجاب از سطح آب های آزاد در حدود ۸۵۰ متر است. قسمت عمده این کویر پوشیده از تپه های شنی و ریگزار است و از لحاظ پوشش گیاهی و جانوری، به دلیل وجود آب و غذای فراوان بسیار غنی است. از جمله حیوانات موجود می توان به گرگ، شغال، روباه شنی، گربه شنی، آفتاب پرست، انواع مارمولک، مار، عقرب، عقاب و... اشاره کرد. در سال های اخیر یک جفت پلنگ نیز در منطقه مرنجاب مشاهده شده است.

کویر مرنجاب در کنار دریاچه نمک آمیزه ای از طبیعت و تاریخ است. نزدیک بودن این منطقه به تهران، امنیت آن در مقایسه با سایر قسمت های کویری نظیر کویر لوت، چهارفصل بودن و اعتدال نسبی دمای آن، تنوع جاذبه های گردشگری، تنوع گونه های جانوری و پوشش گیاهی آن، به این منطقه حالت ویژه ای داده است.

مظهر قناعت با آبی قابل شرب و شیرین در نزدیکی کاروانسرا (نقل قول است که این چاه برکت و ردپایی از وجود مبارک حضرت امام رضا علیه السلام دارد) در مسیر مشهد وجود دارد و هر شخص برای نخستین بار از آب آن بنوشد حاجتش روا می شود.

از سوی دیگرکاروانسرای مرنجاب زیباترین نقطه گردشگری کویر دارای پتانسیل های ویژه ای است. قدمت این مکان به زمان هخامنشیان باز می گردد، اما ساخت اکثریت این کاروانسراها در زمان صفویه صورت گرفته است. از جمله کاروانسرای مرنجاب که در شمال شرقی شهرستان آران و بیدگل واقع شده است.

بنای این کاروانسرا یک بار قبل از انقلاب از سوی استاد حبیب مهندس بازسازی و مرمت شده و قرار بر آن بوده که مرکز کویرشناسی ایران قرار گیرد. پس از توقف در ۳ ماهه آخر سال ۱۳۷۹ تا اواخر سال ۱۳۸۵ از سوی برخی از اعضای شورای شهر و رئیس پیشین میراث طرح مرمت و

بازسازی، پیگیری و ادامه داده شده، که البته مرمت فعلی زیر نظر طرح پردیسان بوده است و بعد از آن نیز تاکنون وابسته به صندوق حفظ احیا که زیرنظر مجموعه میراث فرهنگی است، قرار گرفته است. نکته قابل توجه این که در قدیم هر ۶ فرسخ یک کاروانسرا در مسیرهای پررفت و آمد کاروان ها برای استراحت و اقامت کاروانیان و همچنین دام هایشان ساخته می شده است که کاروانسرای مرنجاب هم یکی از آنهاست. بعد از مخروبه شدن این مکان در زمان حمله ازبک ها و ترکمن ها و حکومت شمالی که از شمال کشور حمله می کردند، شاه عباس صفوی مرکز حکومت خود را اصفهان قرار داد. نکته قابل توجه این که منطقه مسیر جاده ابریشم و حرکت کاروان ها به مشهد بوده است.

در ابتدا شاه عباس چنین تصوری داشته که دشمنان با وجود دریاچه نمک نمی توانند از این منطقه عبور کنند و به پایتخت برسند، اما یک بار عثمانی ها این تصور محال را ممکن ساختند و از این منطقه عبور و حمله کردند که پس از ویران شدن این کاروانسراها، شاه عباس به حاکم وقت کاشان در سال ۱۰۱۲

ه. ق دستور ساخت کاروانسرایی با دو منظور را می دهد؛ فضایی برای استراحت کاروانیان، محلی برای استقرار نظامیان و به این ترتیب کاروانسرای مرنجاب در این منطقه ساخته می شود.

مسئول طرح مرمت کاروانسرای مرنجاب محسن حیدرزاده در این باره گفت: از سال ۱۳۸۵مسابقات رالی کویر هر ساله در این منطقه برگزار می شود، در سال ۱۳۸۴ هم رالی پاریس- پکن در این منطقه برگزار شد که به علت جاذبه گردشگری بالای آن بسیار مورد توجه شرکت کنندگان خارجی قرار گرفت. وی افزود: به طور میانگین روزانه کاروانسرا حدود ۱۲۰ گردشگر دارد که این تعداد در ایام تعطیل و عید بیشتر است. همچنین در رابطه با کاربری ها بیشتر و امکانات رفاهی بهتر برای رفاه حال گردشگران و بازدیدکنندگان گفت: قرار است سیستم برقی و مکانیکی، برای کاربری بیشتر فضای داخل کاروانسرا بویژه اتاق ها و فضای پشتی آن همچنین اقامت های دسته جمعی، اقامتگاهی در قصر بهرام در نزدیکی کاروانسرا هم به منظور بازسازی قصربهرام و هم احیای جاده ابریشم و کمپ هایی در خارج از کاروانسرا ساخته و به بهره برداری برسد. «حیدرزاده» همچنین افزود: این بنا در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. وی در خاتمه گفت: مرمت های باقی مانده منوط به طرح احیای آن و کاربری فضای داخلی است که بزودی قرار است این کاروانسرا به بخش خصوصی واگذار شود.

- چگونه به مرنجاب برویم

جاده آران و بیدگل به مرنجاب و دستکن یکی از راه های ارتباطی است که اصفهان را به شهرهای کاشان، یزد، مشهد و تهران متصل می ساخته است. در زمان صفویه مسیر اصفهان(پایتخت) و مشهد اهمیت خاصی داشته است.

مسیر مرنجاب، اصفهان را از طریق کاشان به جاده سنگفرش اصفهان- مشهد متصل می کرده است.

این مسیر از گرمسار به طرف پایین منحرف شده و تا سیاهکوه ادامه می یابد و به جاده دستکن متصل می شود. دستکن در ادامه مسیر مرنجاب، محل انشعاب جاده ای بوده که کاشان را به گرمسار و ورامین مرتبط می ساخته و شاخه ای به طرف اردستان و شاخه ای به جانب یزد ادامه می یافته است.

مجموعه این مسیرها به عنوان جاده های فرعی برای اتصال به جاده ابریشم در بخشی که دامغان را به ری متصل می کرد، عمل می کرده است.

دوستداران آسمان که از آلودگی نوری شهرها و گستردگی آن گریزان هستند به این کاروانسرا می آیند تا در بام این بنا و در زیر آسمانی صاف و تاریک شبی را به رصد بپردازند.سکوت کویر و شب تاریک، فرصت بسیار مناسبی برای برگزاری یک شب رصدی است.

مجموعه تمامی زیبایی های این جاده، قلعه مرنجاب و قنات آب شیرین حوالی قلعه موجب شده است که همه ساله بر تعداد مشتاقان دیدار این منطقه افزوده شود. همچنین به علت نزدیک بودن این کاروانسرا به شهرستان آران و بیدگل بازدیدکنندگان بسیاری در سال از آن دیدن می کنند.

کاروانسراهای مرنجاب،قصر بهرام، ده نمک، سرخه و چندین کاروانسرای دیگر در این مسیر است. کاروانسرای مرنجاب و قصر بهرام در راه سیاه کوه و جاده کویرنمک قرار دارد. نام کاروانسرا بر اساس نام منطقه که به کویر مرنجاب شهرت دارد گذاشته شده است. مرنجاب از شرق به دشت کویر و از جنوب شرقی به ۲ کوه یخاب و کوه لطیف منتهی می شود. کاروانسرای مرنجاب میزبان دوستداران تاریخ و طبیعت است که به آن جا می آیند تا در سکوتی وصف ناشدنی به گردش در کویر مرنجاب بپردازند و چند ساعتی را به دور از زندگی شهری سپری و به تاریخ سفر کنند. اما به جز آنها گروه دیگری نیز هستند که به این کاروانسرا سفر می کنند.

این بنا در طول چند سال گذشته از سوی اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان به طور کامل مرمت و بازسازی شده و دارای امکانات کامل آب و برق است که البته آب آن کمی شور است. برای رفتن به کاروانسرای مرنجاب باید از تهران به قم و سپس به کاشان بروید و از آن جا به سمت شمال شرق به سوی شمالی ترین شهر کویری استان اصفهان، آران و بیدگل حرکت کنید.

در شهر بیدگل امامزاده ای بزرگ به نام امامزاده هلال وجود دارد که در قسمت شرقی شهر واقع شده است. این بنا مهم ترین بنای تاریخی و مذهبی و به قولی نشان شهر است که مردمان شهرهای نزدیک را برای زیارت به آن جا می کشاند. از امامزاده هلال تا کاروانسرای مرنجاب جاده خاکی(شوسه) وجود دارد که به طور دقیق مشخص نیست و در طول راه چند دوراهی دارد. بنابراین مسافرانی که به قصد این کاروانسرا سفر می کنند از راهنمایان محلی کمک می جویند. از آران و بیدگل تا کاروانسرای مرنجاب حدود ۲ ساعت راه است. در این مسیر هیچ روستایی وجود ندارد و تنها چند مزرعه کوچک آن هم در ابتدای راه در منطقه چهار طاقی هست. در طول مسیر تنها یک چاه آب قرار دارد که در نزدیکی جاده خاکی کاروانسراست. از جاذبه های این مسیر شترهایی هستند که در دوردست ها به آرامی در حال حرکت هستند و گهگاه به نزدیکی جاده می آیند.

● دریاچه نمک

این دریاچه در پشت کاروانسرا در نواحی جنوبی به شکل مثلثی در حدود ۳۵ کیلومتر مربع و با ارتفاع حدود ۳۸ کیلومتر که کاروانسرای مرنجاب به طور مثلث قرار دارد، و کاروانسرای سفیدآب، عین الرشید و قصر بهرام در ضلع دیگر مثلث و سیاه کوه هم در ۳ کیلومتری قصر بهرام قرار گرفته است. در قدیم که این مسیر کاروانیان را به ری و خراسان می رسانده است. همچنین راه دیگر مثلث به شهرستان قم است. هر یک از ۳ ضلع مثلث به استان های اصفهان ـ قم و سمنان محصور است.

ارتفاع دریاچه نمک نسبت به سطح دریا حدود ۷۶۶ متر و ارتفاع کاروانسرا نسبت به سطح دریا ۸۱۲ متر است.

● علت تشکیل دریاچه نمک در منطقه مرنجاب

میلیون ها سال پیش دریایی به نام «تتیس» در این منطقه بوده که به مرور زمان خشک شده است که بعدها عمیق ترین قسمت آن با سرازیر شدن آب زمین های اطراف در این منطقه و به خاطر خاک آن که از خاصیت چسبندگی برخوردار است و همچنین با تلاقی دریاچه نمک شکل گرفته است.

همچنین چاه دستکن یکی از دیدنی های این منطقه است. سطح آب این چاه حدود ۲ متر است. باوجود این که چاه در فاصله بسیار نزدیک، بزرگترین نمکزار ایران قرار دارد و آب آن شیرین و گواراست.

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=306338

vista.ir
Online Classified Service

مساجد

● جمعه مسجد اردبیل

این مسجد باقی مانده یک بنای بزرگ از دوره سلجوقیان است که در محله پیر شمس‌الدین میان گورستانی قرار گرفته و از سه قسمت تشکیل شده است. اولین قسمت بنا پایه مناره ای است که در فاصله اندکی از مسجد به چشم می خورد .این مناره شیوه سلجوقی دارد و از دو قسمت پایه هشت ضلعی (هر ضلع ۱۰/۲متر)و بدنه استوانه ای به قطر پنج متر تشکیل شده است.در بدنه مناره دو سنگ نبشته باقی مانده که عبارت است از فرمان اوزون حسن آق قویونلو و کتیبه ای که تاریخ ۸۷۸ هجری را دارد و در اداره فرهنگ و هنر سابق حفاظت می شود . دومین قسمت اصلی این بنا

مسجد تیرپوش است به ابعاد ۸۰/۵۰* ۹/۱۲ متر که روی ۹ ستون چوبی قرارگرفته است و ستون ها هم بر پایه های سنگی غیر منتظم استوار شده اند .در ورودی چوبی تکه کوب شده میخ های آهنی برجسته دارد و بالای یک لنگه آن نوشته ای کنده کاری شده است. سومین قسمت بنا مسجد قدیم است که بنایی مرکب از چهار تاق وگنبد است .تمام بنا آجری و به مقدار خیلی کم در تزئینات آن کاشی به‌کار رفته است.بسیاری از نما تقریبا از بین رفته و تنها مقداری از آن باقی مانده است. در سالهای گذشته سازمان میراث فرهنگی کشور کاوش هایی در محل مسجد اردبیل به انجام رسانده که به نتیجه ای بسیار درخشان نیز رسیده است.حفاری انجام شده هیات باستان شناختی را با شبکه گسترده مسجدی عظیم و ویران شده روبرو ساخت که تاکنون کسی گمان وجودآن را نداشت و بیشتر نوشته ها و مطالعات تنها به مبنای سر پای مکعب مستطیلی شکل محدود می شد . در حالی که حجم موجود و سراپای ایوان و گنبدخانه، مجموعه ای بزرگ بود که با گذشت زمان، دست حوادث روزگار، اجزا وبخش های مختلفآن را به تل خاک بدل ساخت و عظمتی را در حجمی ناهماهنگ به اندازه های ۳۰*۲۰ متر محدود ساخت که آخرین کف متعلق به سده نهم هجری درحدود۱۰ متر ارتفاع دارد. از مسجد بزرگ سلجوقی نیز جز مناره آجری استوانه ای شکل چیزی برجانمانده است و مسجد عصر ایلخانی نیز با تغییراتی در پلان و فضاهای آن در دوره قره قویونلوها دستخوش تخریب و دگرگونی شد. سفال ها و آثارمکشوفه در جریان کاوش های هیأت باستان شناختی بیشتر به سده های پنج و شش هجری و مسجد سلجوقی تعلق دارد.بقایای کتیبه های فرو ریخته و شکسته سده های سوم و چهارم نیز در زیر دیوار سنگی سراسری که شبستان قرن نهم را محصور می کرد، به دست آمده است.

- مسجد اعظم اردبیل

مسجد اعظم اردبیل تا اندازه‌ای نوساز است با سبک نو و در ابعاد قابل توجه که از گنبد الله الله شیخ صفی تقلید شده ، ساخته شده است.منبر مسجد متناسب با شبستان بزرگ آن ازچوب بادوام و به صورت زیبا از تصاویرخاتم کاری ساخته شده است. مؤذنه مسجد در گوشه شمال غربی خارج شبستان واقع شده و ارتفاع آن از کف صحن مسجد ۱۱متر و قطرش ۷۸/۲ متر است.تزئینات آن از پایین به بالا ، آجر با کاشی فیروزه ای است که چهارخانه‌هایی درمتن آجرها به وجودآورده است. بالای آن مقرنس آجری و یک ردیف الله است که هفت بارتکرار شده و هفت پنجره کنگره دار دارد. مؤذنه مسجد در زمان قاجاریه و به سبک آن دوره ساخته شد ولی مسجد در سال های اخیر بازآفرینی شده است.

- مسجد میرزا علی اکبر مجتهد

مسجد مجهز و مجلل میرزا علی اکبر دارای دو در است. این مسجد بنایی‌دارد به ابعاد ۳۰*۲۴ متر و سقف آن روی ۳۰ ستون با قطر متوسط ۸۸ سانتی متر بنا شده است.سقف آن دارای گنبدهایی است که روی تاق میان ستون ها ساخته شده و مصالح ساختمانی آن آجر است. در پشت در دوم مسجد به کوچه شهید گاه مشرف می‌شود ، زنجیری وجود دارد که یک طرف آن پاره شده و روی لوله اتصالی آن " بسم الله الرحمن الرحیم- ادخلو الباب مسجداً- وقولواحطه نغفرلکم- خطایاکم و سنزید المحسنین- عمل مرتضی" نوشته شده است. زنجیر به سقف و طرفین در، آویخته است.حیاط خلوت مسجدمستطیل است و تاق‌نماهای آن آجری و ازاره آن از سنگ تراشیده شده است.در ضلع جنوبی حیاط خلوت پنجره مشبک گره چینی بالنسبه پرکاری باقی مانده است. گوشه جنوب شرقی حیاط خلوت باکف شکن دراز به شبستان مسجد مرتبط است که در آن اتاقی مستطیل شکل با تزئینات چوبی به نام اتاق یا حجله حضرت ابوالفضل العباس ساخته شده است. در ضلع شرقی مسجد حجره های طلاب علوم دینی در دو طبقه ساخته شده است . دروازه از سنگ و آجر است و پایه های آن نیز از سنگ ساخته شده است. وسط صحن کنار حوض بزرگ سنگی ، یک سنگاب شیاردار با قطر دهانه ۱۶/۱ و ارتفاع ۷۶/۰ متر و ۳۲ شیار عمودی از سنگ خارا قرار دارد. از دیگر جاذبه های این بنا، دو منبر است که یکی مشبک وچوبی و دیگری به صورت صندلی بازودار چرخدار است. بر حاشیه مسند منبر اول، کلام " نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین ۱۲۴۹" مشبک کاری شده است.در انتهای بالای پایه های منبر چرخدار نیز چهار لوحه نقاشی شده وجود دارد که بر آنها حضرت امیر علیه السلام :۱۲۹۳ نوشته شده است .

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=109960

vista.ir
Online Classified Service

مسجد جامع کبیر

درخشان ترین بنای شهر یزد مسجد جامع آن است. این بنای قدیمی و بسیار فاخر مجموعه‌ای است از درخشندگی کاشی‌ها، بلندی مناره‌ها، زیبایی گچکاری‌ها، گشادی صحن، آرامش فیروزه‌ای گنبد و بالاخره شبستان زمستانی که هر یک عنصر وعاملی از عظمت، زیبایی ، هنرمندی می باشند یادگار گرانقدر، ارجمند و هزار ساله یزد است. ایوان بزرگ، غرفه‌ها، گوشواره ها، بزوارها، رواق‌ها و طنبی های آن همه در حد کمال زیبایی است و معماری باشکوه پارتی را با همه جلال و احتشام و زیبایی و ریزه کاری به یاد می آورد. قوس‌های جناغی خوش اندام آن که تناسب چهار و سه دارد، در عین زیبایی و ظرافت و تغزل، باریک بینی و ژرف‌نگری معمار ایرانی را در طراحی، اجرا و استواری بنا نشان می‌دهد. تکیه بلند و سر در آسمان این مسجد با اینکه ساختی بسیار کشیده دارد، بر شانه ای نازک استوار ایستاده و فشار عمودی مناره‌های آسمانی را بر روی جرزهای باربر نغز و لطیف کرده است. روشنایی گنبد با وضع تاقچه های گچ اندود دربرابر روزنه‌های مشبک به نحوی شاعرانه و ملایم تامین شده است. در کنار این مسجد کتابخانه ای به نام کتابخانه وزیری احداث شده که گنجینه ای نفیس از قرآن ها و کتاب های خطی است . این مسجد تا پیش از انقلاب اسلامی محل برگزاری نماز جمعه بود، اما پس از پیروزی انقلاب، به لحاظ محدودیت فضا ، انجام مراسم نماز جمعه به مسجد مرحوم آخوند ملااسماعیل منتقل شده است .

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=108720

vista.ir
Online Classified Service

مسجد جامع شش ناو

مسجد جامع شش ناو" یکی از قدیمی‌ترین و مهمترین آثار تاریخی و معماری دوره سلجوقیان در شهرستان تفرش استان مرکزی است.

این مسجد در محله تاریخی "فم" تفرش واقع شده که نام آن از شش ناودانی گرفته شده که آب قنات شش ناو را که از داخل این ناودانها عبور می‌کرده به شش قسمت مساوی تقسیم نموده و به محله‌های تفرش

جاری می‌کرده است.

مجموعه مسجد از یک مناره آجری بسیار قدیمی به ارتفاع حدود ۲۰متر و قطر سه متر، گنبد بزرگی به ارتفاع حدود ۱۵متر و قطر ۱۶متر، دو شبستان، ایوان، صحن، قنات و چند حجره و حسینیه تشکیل شده‌است.

کاشیکاری و مقرنس کاری های سقف و دیواره ایوان مسجد یکی از شاهکارهای مهم معماری سلجوقی در استان مرکزی است.

برای ورود به صحن مسجد بایستی از داخل تکیه بزرگی گذشت که حدود ۳۰۰متر مربع مساحت دارد که در دو طبقه با سقف و ستونهای چوبی احداث شده است.

طبقه همکف برای استفاده آقایان و طبقه دوم که دور تا دور تکیه را در بر گرفته برای بانوان در مراسم عزاداری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در مسجد شش ناو، مرحوم محمد محدث از صحابه امام حسن عسگری در قرن ششم هجری دفن شده است.

قدمت مناره را قدیمی تر از بنای مسجد دانسته و آنرا متعلق به قرن پنجم هجری قمری یعنی اوایل عصر سلوقیان می‌دانند که در انتهای فوقانی مناره به خط کوفی "لااله الاالله" با آجر نوشته شده است.

درسال ۱۲۷۷هجری قمری ایوانی آجری با مقرنسهای گچی در جنب شبستان احداث شده که بانی آن محمد ابراهیم بن عباس است.

درهای ورودی به داخل شبستان ساخته شده که بانی آن محمد ابراهیم بن عباس می‌باشد، درهای ورودی به داخل شبستان در این ایوان تعبیه شده است.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97308

vista.ir
Online Classified Service

مسجد حکیم

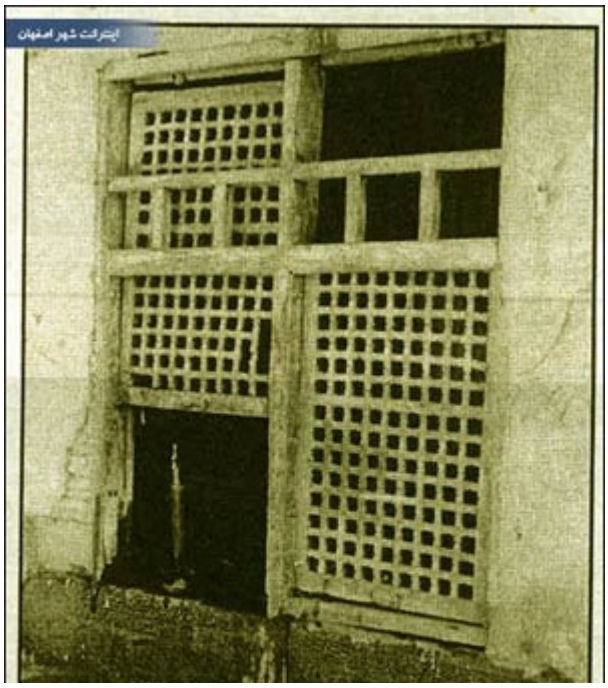

رو به روی در شرقی مسجد حکیم، سقاخانه ای با دو لنگه در ارسی مشبک چهارگوش جعفری وجود دارد و دارای آب لوله‌کشی شهری است. درونش دارای یک حلقه چاه آب در عقب و منبعی در میان است که آب از این منبع به دو سنگاب چهارگوش می‌ریخته است. بر هر دو سنگاب نوشته هایی دیده می شود. ولی نوشته های سنگاب سمت چپ ساییده شده و آنچه را که می توان خواند چنین است: بنوش آبی و لعنت حق بر یزید کن (وقف حضرت امام حسین). همچنین نقش متقارن دو شیر رو در رو در پایین دیده می شود. کتیبه سنگاب سمت راست به خط نستعلیق برجسته بر سنگ پارسی به این شرح است: (وقف حضرت عباس علی نمود حاجی محمد اسماعیل ولدان علاف ولد مرحوم مغفور آقا محمد مهدی علاف به تاریخ یوم جمعه ۲۶ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۴

سقاخانه مسجد حکیم

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=106292

مسجد شیخ لطف الله

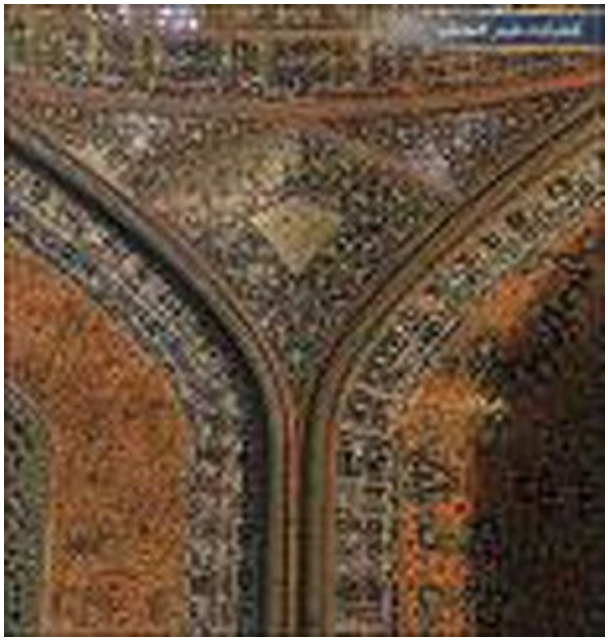

مسجد شیخ لطف الله درقسمت شرق میدان امام (نقش جهان) قرار گرفته است که به عنوان یک مکان کوچک مقدس درجلوی استخر ودرقسمت سایه دار این میدان در زمان شاه عباس بین سالهای ۱۶۰۲ و۱۶۱۹ میلادی ساخته شده است.

نام این مسجد بنام فردی گذاشته شد که یک دانش پژوه ومحقق اسلامی به شمار می رفت ودرآن زمان وی را بسیار ستایش می کردند. شاه درآن زمان این شیخ را که اهل لبنان بود , ابتدا به مشهد ونزدیک بارگاه امام رضا دعوت کرد وسپس وی را در پایتخت به عنوان مسئول مسجد شاه ومدرسه الهیات منصوب کرد. تزیینات ایوان ورودی این مسجد شامل موزاییک های زرد وآبی است که زیبایی آن از ایوان بزرگ مسجد امام پیشی می گیرد. این مسجد کوچک هیچ محوطه داخلی مرکزی ای ندارد و تنها دارای یک جایگاه نماز است که نزدیک راهرو می باشد. اما واقعیت ارزشمنداین مسجدزیبایی موزاییک های دیواری آن دراصفهان می باشد که تا نوک مسجد نیز رسیده اند. در کیفیت مواد آن هیچ نقصی وجود ندارد. توازن و هماهنگی رنگها بی نظیر است . دیوارهای آن با فرشهای بسیار مجللی تزیین شده اند که دارای طرحهای هندسی طلاکاری شده می باشند که بر روی زمینه سبز آبی قرار گرفته اند. درسنگ نوشته ای که بر روی محراب قرار گرفته نام معمار این مسجد ذکر شده است , مرد فقیر و متواضعی که به دنبال بخشش خداوند بود و استاد محمد رضا فرزند استاد حسین نام داشت , وی در۱۰۲۸ هجری شمسی می زیست . این مسجد دارای ویژگیهای عجیبی نیز می باشد چون جایگاه و گنبد لعاب نداده آن , فقدان بارگاه مرکزی و ایوانها و تالارمقدس خالی که از سقف تا زمین با موزاییکهایی با بهترین کیفیت پوشیده شده است. کاشی کاریهای سقف آن یکی ازپیچیده ترین نمونه ها دراصفهان می باشد و کیفیت آن بسیار مرغوب است. این بنا بطور بسیار ماهرانه و زیبا در سالهای ۱۹۵۴ و۱۹۵۶ بازسازی شد.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97307

مسجد ملا اسمعیل

این مسجد در جنوب میدان بازارخان قرار دارد که به دستور آخوند ملااسمعیل عقدایی ازعلما و فقهای قرن سیزدهم هجری ساخته شده است. ملا اسمعیل در سال۱۲۲۲ زوایای کریاس طنبی‌های دوطرف گنبد و شبستان را تمام کرد و پس از وفاتش میرزا سلیمان طباطبائی در اتمام آن مسجد اهتمام ورزید. پهنای دهنه ایوان مسجد ۷۵/۱۵ متر است و شبستان غربی آن ۳۲ ستون دارد که در زمان احداث مشهور شد. سنگ لوحه‌های متعددی با خط نستعلیق و نسخ در اطراف سر در وجود دارد. کتیبه دور گنبد به خط علی‌محمد کاوه خطاط معاصر به رنگ آبی بر زمینه سفید از گچ ، خطاطی شده است. در حال حاضر از این مسجد برای برگزاری نماز جمعه استفاده می‌شود.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=108719

مشکل گردشگری کجاست؟

با بهره‌گیری از اظهار نظر کارشناسان و دست‌اندرکاران صنعت گردشگری و نیز تنی چند از مسوولان می‌خواستیم «مشکل گردشگری کجاست» را پی بگیریم و گزارش مربوطه هم تهیه و آماده صفحه‌بندی شده بود اما:
نامه‌ی مشروحی در ۲۴ صفحه که حاوی مطالب تحقیقی و تحلیلی و خبری جالبی بود به دفتر مسافران واصل شد. نویسنده‌ی این نامه که شك نیست در زمره‌ی دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان صنعت گردشگری است در عین حال که در ابتدا ایراد گرفته که «مشکل» تنها «مشکل گردشگری» نیست. خود نیز در نهایت به بررسی مشکلات گردشگری پرداخته، و به عنوان شاهد،

بریده خبرهای چاپ شده مربوط را نیز ارسال داشته است.

• مگر تنها گردشگری است که مشکل دارد؟

شما بارها در این سلسله مقالات، گردشگری اینجا را با دیگر کشورها مقایسه کرده‌اید.

کشورهایی که در رده‌های بسیار پایین جاذبه‌های گردشگری هستند و از نظر تاریخ کهن و میراث فرهنگی، قابل مقایسه با ایران نیستند با وسعتی در حد و حدود نصف یك استان این کشور پهناور، درآمد سرشاری از قبل گردشگری و توریست دارند.

درآمدی که برای ما به صورت یك ایده‌آل دست نایافتنی است.

چرا مرتب آمار گردشگری اینجا را با دیگر کشورها مقایسه می‌کنید؟ این مقایسه کار درستی نیست.مقایسه‌ی آمارها وقتی پاسخگوست که در شرایط مساوی مورد بررسی قرار گیرد آنها خواسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند و موفق هم شده‌اند.

آیا ما هم واقعاً خواسته‌ایم؟ آیا ما هم از ابتدا برنامه‌ریزی مدونی داشته‌ایم؟ از ابتدا فقط حرفش را زده‌ایم، بودجه‌ها را به مصرف رسانده‌ایم به علاوه مگر تنها گردشگری مشکل دارد؟ آیا بقیه‌ی سازمان‌ها واقعاً مشکلی ندارند؟

مگر ما در راه و ترابری، در اقتصاد، در کشاورزی، در صنایع، در آب و برق و گاز و تلفن و ترافیك و... مشکل نداریم؟

واقعیت این است، مشکلات گردشگری جدا از دیگر مشکلات نیست، منتهی یك خرده بیشتر است و آن هم به علت تعدد مراجع ذیربط و تعدد سلیقه و اعمال این سلیقه‌هاست. باید این را هم به خاطر داشت همین اختلاف سلیقه‌ها و احتمال اعمال آن، با تمام مشکلات و دست و پاگیری‌هایش، این خاصیت را هم دارد که می‌تواند بهانه‌ای باشد برای عدم تحقق وعده‌ها و برنامه‌ها...

هرچند اکثر مسوولین، واقعاً سیاستمداران قدرتمندی هستند، خوب حرف می‌زنند، خوب برنامه‌سازی می‌کنند و وعده می‌دهند. زیاد هم از خلف وعده یا عدم اجرای برنامه‌هایشان نگران و ناراحت نیستند. چون به درستی می‌دانند کمتر دیده و شنیده شده است که در طول مسوولیت‌ها، یا در پایان حاکمیت بر تشکیلات اداری، از سوی ارگان یا مقام بالاتری پرسش شود که آن وعده‌های داده شده چرا انجام نگرفته و یا چقدر از برنامه‌ها و پروژه‌های ادعایی به مرحله‌ی اجرا درآمده است؟

عموماً آمدن مسوولین با طرح برنامه‌ها و پروژه‌هایی چشم پرکن و وعده و حرف، جابجایی‌های مدیران پایین‌تر آغاز می‌شود، خداحافظی و رفتن آنها هم با سکوت و آرامش ناشی از سعه صدر دیگران انجام می‌گیرد.

نه آمار و بیلان کاری، نه بیلان مالی و نه حسابرسی نتیجه‌ی حرف‌ها و وعده‌های داده شده، اگر علاقه‌مند باشید من می‌توانم دهها نمونه از دهها سازمان ارایه دهم، ولی چون شما با این تصور که می‌توانید با تداوم بحث «مشکل گردشگری کجاست» به روشن‌سازی بعضی مسوولین صفر کیلومتر کمك کرده باشید عرض می‌کنم:

چنانکه می‌دانید، اولین قدم برای جذب توریست و گردشگر خارجی و توسعه‌ی گردشگری در سال ۱۳۴۲ برداشته شده و سازمان جلب سیاحان به وجود آمد و ۵ سال بعد با آغاز به کار فرهنگ و هنر «جلب سیاحان» نیز زیرمجموعه‌ی آن قرار گرفت.

اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها در زمینه‌ی توسعه‌ی گردشگری و جذب توریست ادامه یافت.

از آن زمان تا به حال چهل و چند سال می‌گذرد و در این مدت تحولات زیادی در امر گردشگری در جهان اتفاق افتاده است.

آمار گردشگری و توریسم که در سال ۱۹۵۰ میلادی حدود ۲۰ میلیون نفر بود به ۷۶۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۴ رسید و درآمدی بیش از یك هزار و ۵۵۰ میلیارد ایجاد کرد و به موازات آن ۱۰۰ میلیون شغل به وجود آورد و موجبات تشکیل سازمان جهانی گردشگری شد و این سازمان موفق شد با ارزیابی توانایی‌ها و امکانات و پتانسیل‌های گردشگری کشورهای مختلف اطلاعات و آمارهای جامعی تهیه کند و به تفکیك میزان درآمد و اقبال گردشگران از قاره‌ها، کشورها و مناطق مختلف بپردازند و از این رهگذر ما دانستیم که از نظر جاذبه‌های گردشگری در ردیف کشورهای نخست دنیا قرار داریم، ولی سهم ما از درآمدهای گردشگری بسیار ناچیز و حدود یك دهم درصد می‌باشد و در ردیف هفتاد و پنجم قرار گرفته‌ایم.

با دسته‌بندی انگیزه‌های مختلف سفر گردشگران مشخص شد، که در دنیا ۱۳ نوع جهانگرد با انگیزه‌های متفاوت مثل آشنایی با فرهنگ و سنن و آداب و رسوم اقوام و ملل، آشنایی با تاریخ و تمدن‌های باستانی، بازدید از جاذبه‌های طبیعی «اکوتوریسم» و استفاده از امکانات ورزشی و تفریحی ... سفر می‌کنند.

کارشناسان گفتند و شنیدیم و قبول کردیم گردشگری مهمترین و بزرگترین و مفیدترین تحرك اجتماعی بشری است و می‌تواند منشأ عمیق‌ترین اثرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد.

صنعت توریسم با مقایسه دیگر صنایع، بیشترین درآمدزایی را به نسبت سرمایه‌گذاری و صرف هزینه، دارد.

براساس آمار تهیه شده دیگران، حجم پولی که از طریق جهانگردان دنیا طی یك سال جا به جا می‌شود حدود ۵/۲ برابر درآمد سالانه کشورهای نفت‌خیز اپك از محل فروش نفت است.

هر دلار سرمایه‌گذاری در صنعت توریسم طی مدت ۲۰ سال حدود ۴ هزار دلار عاید سرمایه‌گذار می‌سازد.

زمان به سرعت گذشت و اگرچه وقفه‌ای چند ساله، با آغاز انقلاب و پس از آن حمله‌ی صدام و نیروهای عراقی تحت امر استکبار به ایران، در عمران و آبادانی و سازندگی کشور و نیز مسئله گردشگری پیش آمد، ولی فرصت‌های برنامه‌ریزی در امر گردشگری، چه قبل و چه بعد از این ایام هم بیشتر به حرف گذشت.

در حالی که دیگران با کمترین امکانات و نازل‌ترین آثار فرهنگی و جاذبه‌های توریستی، با برنامه‌ریزی صحیح و زمان‌بندی شده پیش ساخت‌های کشورشان را آماده می‌ساختند ما به مطالعه و مشاوره درباره‌ی کشورهای موفق در امر گردشگری و دید و بازدید از شهرها و کشورهای بزرگ و کوچك مشغول بودیم.

دیگران با کمترین آثار فرهنگی و تاریخی و امکانات و جاذبه‌های توریستی بدون هیچ حرف و حدیثی برنامه‌ریزی و پس از آن عمل کردند و آنچنان پیش رفتند که رسیدن به آنها در قله‌ی آرزوهای ما قرار گرفت.

از مجموع مطالعات و بحث‌های فراوان در مورد این که ورود توریسم برای کشور چه فواید و مضراتی در پی دارد و در چه زمینه‌هایی در امر جذب توریسم باید بیشتر فعال باشیم به این نتیجه رسیدیم که توریسم مذهبی و فرهنگ‌گرا و علاقه‌مندان به آثار باستانی و تاریخ و آداب و سنن و اکوتوریسم می‌تواند از نظر اجتماعی کم خطرتر و ایده‌آل باشد زیرا:

توریست مذهبی و فرهنگی دور از آلودگی‌ها و بدآموزی‌هاست و علاقه‌مندان به طبیعت نیز که اکوتوریست خوانده می‌شوند، هم اثر تخریبی بسیار کمتری در محیط اجتماعی ایجاد می‌کنند و هم نیاز به زیر ساخت‌های کمتری دارند و این بخش در دنیا ۱۰ درصد کل جهانگردی و توریسم را در بر می‌گیرد و متعاقب آن، یکی از قدم‌های مفیدی که در جهت توسعه‌ی گردشگری مذهبی و اکوتوریسم برداشته شد برگزاری اجلاس وزرای جهانگردی کشورهای اسلامی در اصفهان بود.

این کنفرانس در نوع خود کم‌نظیر و طبعاً از اعتبار و هزینه‌ی بالایی هم برخوردار بود. در طول این اجلاس پس از پایان هر جلسه معزالدین رییس وقت سازمان ایرانگردی و گردشگری در یك کنفرانس خبری رئوس مطالب مورد بحث را در اختیار رسانه‌ها قرار می‌داد و در یکی از همین جلسات از افزایش قریب‌الوقوع گردشگران اسلامی و علاقه‌مندان به اکوتوریسم خبر داد، و گفت: کویر ایران یکی از مناطق کم نظیر، دیدنی و زیبای طبیعت است و چون در آینده‌ی نزدیك علاقه‌مندان بسیاری برای دیدن شب پر ستاره و صبح زیبا و پاك کویر در قالب تورها به این منطقه سفر می‌کنند، یا گردشگران خارجی با اتومبیل فاصله‌ی اصفهان به یزد و کرمان و در نهایت به جنوب خراسان و مشهد را از طریق جاده‌ای که از دل کویر می‌گذرد طی می‌کنند از هم اکنون برنامه‌ریزی می‌شود تا امکانات رفاهی و بهداشتی قابل قبولی در مسیر راه فراهم شود و از جمله این امکانات احداث تعدادی توالت فرنگی در طول مسیر جاده است و افزودن بودجه و اعتبارات لازم در این زمینه، تامین شده. کار ساختمان و احداث آنها طی هفته‌های آینده آغاز می‌شود.

پس از پایان همایش، اگرچه به مرور تا حدودی بر تعداد گردشگران مذهبی و زایران خارجی افزوده شد ولی ورود آنها در غالب گروه و بیشتر به وسیله هواپیما بود. نه توریست مسلمان و عرب از کویر دیدن کرد و نه یکی دو ماه یا یکی دو سال بعد، این برنامه نه چندان قامض انجام گرفت. وقتی هم که دوره‌ی حکومت ایشان بر سازمان گردشگری به سر آمد هیچ کس نپرسید این کار خیر را که در حضور جمعی مدیر و نماینده و سردبیر رسانه‌ها مطرح فرمودید در کجا انجام گرفت، چند تا ساخته شد و چه تعداد باقی مانده است.

چرا راه دور برویم بعد از ایشان، روسای بعدی سازمان درباره برنامه‌هایی که ارایه دادند به چه نتایجی رسیدند؟

مثلاً رییس سابق سازمان گردشگری، چقدر راجع به برنامه‌ریزی ورود ۲۰ میلیون گردشگر خارجی حرف زد و مصاحبه کرد.

وقتی قرار است طی مدت ۲۰ سال آمار گردشگرانی که به ایران می‌آیند به ۲۰ میلیون افزایش یابد. طبیعی است که باید این افزایش به مرور انجام گیرد و اثرات برنامه‌ریزی به تدریج نمایان شود.

آمارهای ارایه شده حکایت از آن داشت که آمار توریست افزایش یافته است این سوال مطرح شد که آمارگیری به چه صورت انجام شده؟ و اصولاً آمار ورودی مسافران از مرزهای زمینی و مبادی فرودگاهی می‌تواند به عنوان آمار توریست تلقی شود؟

این ابهام نه در زمان بودن ایشان در راس کار و نه بعد از رفتنشان روشن شد.

همچنان که وقتی ایشان رفتند، هیچگاه بیلانی هم از مخارج و هزینه‌های دوران خدمت خود ندادند. چون طبق سنت ممکن است در پاره‌ای مواقع، مسئله کمبود اعتبار مطرح شود ولی چنین رسمی در هیچ سازمانی معمول نیست که در زمینه‌ی مخارج و هزینه‌ها بحثی به میان آید.

ایشان به نوشته‌ی خود شما، رجلی شیرین سخن و به قول رییس جامعه‌ی هتلداران دارای روابط عمومی بسیار قوی بودند و هستند. طبعاً تشریح موفقیت‌های احتمالی و توجیه دلایل و علل ناکامی در اجرای بعضی وعده‌ها و برنامه‌ها برای ایشان کار زیاد سختی نبود. خاصه در سازمانی که به روایت دوست و دشمن بیش از انگشتان هر دو دست سازمان‌های دیگری در کار آن دخیل هستند و می‌توانند اثرگذار باشند.

ما درباره‌ی ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط با گردشگری و دخالت‌های به جا یا نابجا در برنامه‌ها حرف‌هایی می‌شنیدیم، اما چون از زبان اصناف مرتبط با این صنعت بود با وجود دلایل ارایه شده کمتر می‌توانستیم باور داشته باشیم تا این که دوسال پیش علی هاشمی معاون آن زمان سازمان گردشگری در يك همایش از عدم هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی لب به شکایت گشود و گفت: در امر گردشگری ۱۶ ارگان و سازمان در داخل کشور دخیل هستند.

ایشان نگفت، ولی مفهوم کلامش می‌توانست این باشد که هرکدام نیز ساز خود را می‌زنند.

با این حساب توجیه عدم موفقیت و یا کندی کار یا هزینه‌های بی‌جواب و بی‌اثر، کار بسیار ساده‌ای است.

شما خبرهای همین چند ماهه‌ی اخیر را مرور کنید تعداد قابل توجهی از آنها مربوط به کاوش‌های مختلف باستان‌شناسی و... است. از آن جمله می‌خوانیم:

▪ در ششمین فصل کاوش باستان‌شناسی در «تخت سلیمان» بخش دیگری از بافت مسکونی این مجموعه‌ی باستانی کشف شده است.

یوسف مرادی سرپرست کاوش‌های باستانی گفته است در يك بافت تاریخی که مربوط به اواخر دوره‌ی ایلخانی است، تعدادی کوره‌های صنعتی، کوره‌های حمام و منازل مسکونی کشف شد.

▪ پنجمین فصل کاوش‌های محوطه‌ی باستانی گوهرتپه‌ی مازندران در حالی آغاز شده است که باستان‌شناسان کشورهای انگلستان، قبرس، لهستان و دانشگاه‌های یونان و آلمان همراه هیات ایرانی در این کاوش‌ها شرکت دارند.

محوطه‌ی باستانی گوهرتپه در مسیر بهشهر- ساری واقع شده و براساس اظهارات علی ماه‌فروزی سرپرست هیات گوهرتپه یکی از چهار سایت بزرگ شهرنشینی ایران است. توپوگرافی‌ها نشان می‌دهد این منطقه، شهری در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد بوده که به تدریج وسعت یافته و به صورت یکی از بزرگترین شهرهای فلات مرکزی ایران و حاشیه‌ی دریای خزر درآمده است.

وی از وجود يك انسان‌شناس ایرانی دانشگاه ورشو در میان باستان‌شناسان فعال در کاوش‌های گوهرتپه خبر داده افزود: به غیر از مطالعه‌ی گوهرتپه، تپه حصار در شمال شرق فلات مرکزی، تورنگ تپه، شاهین‌تپه و پایین‌تپه واقع در استان گلستان و تپه‌هایی در دره‌های لومبار و تپه‌های جنوب و جنوب غرب ترکمنستان و عشق‌آباد مطالعاتی انجام می‌شود تا در مورد نحوه‌ی مهاجرت اقوام مختلف و انسان‌شناسی اطلاعات خود را تکمیل کنیم.

وی همچنین گفته است، پیکرهای مختلف انسان و حیوان کشف شده در گوهرتپه و یافته‌های باستان‌شناسی حکایت از آن دارد که حدود ۵ هزار سال پیش مردمان این منطقه به تمدنی رسیده‌اند که منجر به شهرنشینی شده است.

▪ با تلاش و کاوش‌های ۱۲ ساله، تختگاه غربی کاخ آپادانا با وسعت ۳۸۰ هزار متر سر از زیر خاك بیرون آورده است. امیر عابدین کاملی سرپرست کاوشگران، با تایید این موفقیت گفته است، در صورت همکاری مسوولان، دستاورد کاوش‌ها بازسازی خواهد شد. و افزود با یافتن حصار و راه‌پله‌های تختگاه غربی کاخ، مشخص شده که راه ورودی آن از ضلع غربی بوده است.در این محل اشیای ارزشمندی از عصر هخامنشی کشف شد که به فرانسه حمل شد و هم اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود.

به گفته کارشناسان محوطه باستانی شوش ابنیه و سازه‌های معماری با ارزشی از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی را در خود جای داده است.

▪ پرونده «شهر سوخته» با ۹ فصل کاوش که طی ۴۰ سال انجام گرفته برای ثبت جهانی آماده می‌شود. شهر سوخته که در حاشیه‌ی جاده زابل- زاهدان، در ۵۵ کیلومتری زابل واقع شده ۱۵۰ هکتار وسعت دارد.

شهر سوخته با پیشینه‌ی ۵ هزار ساله و موقعیت اقلیمی خاص، مرکز ارتباطات تمدن‌های بزرگ چین و هند، ماورالنهر، بین‌النهرین و نبض تجارت بین‌المللی زمان خود بوده، ولی پس از ۹۰۰ سال به طور ناگهانی در ۳ هزار و ۲۰۰ سال قبل از میلاد منهدم شده است.

خسروی با اشاره به شاخصه‌های لازم برای ثبت يك اثر در فهرست جهانی گفته است، شهر سوخته از جمله آثاری است که تمامی شاخص‌های

مورد نظر یونسکو را دارا می‌باشد و پرونده‌ای که برای ثبت جهانی آماده شده، شامل اطلاعاتی پیرامون موقعیت، تاریخچه، دوره‌های مهم گذشته و موقعیت فعلی آن، وضعیت مالکیت و ارتباط این شهر با باورها و اندیشه‌ها و فرهنگ بشری است.

▪ اینها نمونه‌هایی از تلاشی است که برای کشف دهها و صدها اثر ارزشمند باستانی و معرفی آنها به جهانیان انجام گرفته، و از دهها خبر کاوش و کشفیات و آثار چند هزار ساله به دست آمد، از دل خاك، که هر روز در مطبوعات و رسانه‌ها گزارش داده و می‌دهند می‌گذریم و تنها به ذکر خبری از بیستون که آخرین اثر ثبت شده ایران در فهرست جهانی است بسنده می‌کنیم.

این خبر که همین یکی دو هفته پیش در روزنامه‌ی قدس انتشار یافت، از این قرار است که خانم ملیحه مهدی‌آبادی مدیر پایگاه میراث فرهنگی بیستون از اختصاص مبلغ ۲۵ میلیون تومان برای ساماندهی این اثر جهانی خبر داده است:

به گفته خانم ملیحه مهدی‌آبادی قبل از ثبت جهانی بیستون، قرار بوده رقمی معادل ۶۰۰ میلیون تومان اختصاص یابد ولی بعد از ثبت فقط ۲۵ میلیون تومان در این زمینه اختصاص داده شده است.

مدیر پایگاه میراث فرهنگی همچنین توضیح داده که یك سری اعتبارات هم از سوی استان کرمانشاه در قالب طرح ساماندهی این محدوده اختصاص یافته که با توجه به اولویت‌بندی باید صرف مرمت پل خسرو شود.

وی مرمت پل خسرو را ضروری خوانده و گفته است یکی از دهانه‌های پل خسرو فرو ریخته و طبق نظر کارشناسان اگر امسال هم مانند سال گذشته بارندگی و سیل در منطقه باشد احتمال دارد بستر این دهانه نیز فرو ریزد. و توضیح داده است اعتباری که برای مرمت این پل برآورد شده حدود ۱۰۰ میلیون تومان است و این در حالی است که ما حتی اعتبارات شش ماهه دوم را نیز دریافت نکرده‌ایم.

به طوری که ملاحظه می‌کنید خبرها وقتی کنار هم قرار می‌گیرد معنادارتر می‌شود و در ذهن این سوال را مطرح می‌سازد که اگر لازم نباشد ما از اثری باستانی به درستی نگهداری و محافظت کنیم یا امکانات لازم را برای بازدید کنندگان و علاقه‌مندان، آن گونه که شایسته و ضرورت دارد فراهم بکنیم این چه حکمتی است که میلیون‌ها تومان خرج حفاری و کاوش و کشف می‌کنیم و چرا باید وقتی حفاری‌ها به نتیجه می‌رسد شرایطی فراهم شود که خدای نکرده به حال خود رها شود تا آنچه قرن‌های متمادی از گزند حوادث جوی مصون مانده به مرور زمان به وسیله باد و برف و باران و سیل و دیگر حوادث از بین برود یا فرصتی فراهم شود تا غارتگران آثار باستانی و گنجینه‌های فرهنگی با چشم باز و به حفاری و شکار میراث کهن بپردازند. و خبر دیگر به روایت خبرگزاری دانشجویان ایران از بیستون حاکی است که جشن ملی بیستون طی مراسمی در محوطه تاریخی بیستون برگزار گردیده است.

در این مراسم که رحیم مشایی معاون رییس‌جمهور و رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، رییس پژوهشگاه میراث فرهنگی، نماینده دایم ایران در یونسکو، مدیر دفتر یونسکو در ایران و جمعی از مسوولین استان حضور داشتند و در حالی که هزاران نفر علاقه‌مند این مجموعه‌ی بی‌نظیر و ارزشمند باستانی در اطراف آن گرد آمده بودند، مجید عفوری استاندار کرمانشاه، پیام رییس‌جمهوری را قرائت کرده است و در این پیام آمده، بیستون یکی از آثار بی‌بدیل کشور است و من اطمینان دارم که این مجموعه با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی، جایگاه جهانیان، آسایش و سعادت مردم محل نقش اساسی ایفا خواهد کرد.

معاون رییس‌جمهور و رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری هم درباره‌ی اهمیت این اثر جهانی و لزوم حفاظت از آن سخنانی ایراد کرده در ادامه مراسم نورپردازی آثار جهانی بیستون گشایش یافته است.

این خبر هم متاسفانه این سوال ذهنی را به وجود می‌آورد که آیا هزینه برای ساماندهی این اثر جهانی ضروری بوده، یا برگزاری جشن...

و شاید مصاحبه‌ی اخیر رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به گونه‌ای بتواند روشنگر بعضی از سوالات به جا یا نابجا یا ذهنیت‌ها باشد.

اسفندیار رحیم مشایی با تشریح معضلات و دشواری‌های پیش روی صیانت از آثار و مواریث فرهنگی کشور گفته است:

یکی از دلایل اصلی همه‌ی مشکلات در این حوزه، نهادینه شدن این تفکر غلط است، که حفظ میراث فرهنگی را تنها از یك دستگاه دولتی بخواهیم.

وی آمار ۱۶ هزار بنای ثبت شده تاریخی را با کل بناهای دارای ارزش میراثی کشور که بالغ بر یك میلیون و ۲۰۰ هزار بنا می‌باشد مقایسه کرده گفت:

اگر در دفاع از میراث فرهنگی کوتاه بیایم حقوقی که می‌گیرم بر من حرام است، و باید توجه داشت حتی اگر اعتبارات سازمان ۱۰۰ درصد افزایش یابد هم ذره‌ای از مشکل ما را رفع نخواهد کرد.

مشایی فشارهای وارد شده بر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را سنگین توصیف کرده و گفته است:

اگر بناهای تاریخی را ثبت نکنیم، نمی‌توانیم از مزایای آنها استفاده کنیم. و اگر قصد ثبت بناهای تاریخی به شکل کنونی و با اعتبارات فعلی را داشته باشیم حداقل ۲۰۰ سال زمان لازم داریم.

راهکار پیشنهادی وی برای برون رفت از چالش‌های موجود، مشارکت دادن همه‌ی نهادها و دستگاه‌های دولتی در امر حفظ میراث فرهنگی است.

وقتی قرار باشد با بودجه فعلی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برای ثبت بناهای تاریخی ۲۰۰ سال زمان لازم باشد با توجه به هزینه و مخارج جشن‌ها، نمایشگاه‌ها، همایش‌ها، سفرهای تحقیقاتی و پژوهشی معمول برای احداث راه و امکانات رفاهی علاقه‌مندانی که آثار تاریخی و باستانی دیدن می‌کنند و اقدامات حفاظتی جهت نگهداری و حفظ این آثار چند صد سال زمان لازم دارد؟

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=249141

vista.ir
Online Classified Service

مصر سرزمین رازها

سرزمین مصر ازمرداب دلتای شمالی آن گرفته تامرزهای بایر جنوبی،سرزمینی است که به قول یکی از باستان شناسان معاصر "امکان ندارد بیل خود را در خاک فرو کنیدو چیزی نیابید".

این کشور باچنین گنجینه عظیمی قرنها است افراد کنجکاو را به خود جلب کرده است.در بین این افراد، کسانی بوده اندکه به قصد کسب ثروت،به حفاری پرداخته ودیگرانی که خود را باستان شناس می نامیدند اما بر اساس معیارهای امروزی ،جز مشتی افراد مبتدی نبودند.بدترین اینان ،آن دسته افرادی بودند که به خاطر طمع خویش بیش از آنکه به حال باستان شناسی مفید باشند مضر واقع شدند.آنان برای تخلیه سریع یک گور یا معبد،قرائن با ارزشی را نابود کردندکه چه بسا در حل معما هایی که هنوز هم در مورد این اشیاء وجود دارد کمک می نمود.در بهترین حالت،محققان جز استادان برجسته،عاشقان تاریخ،و خادمین انسانیت نبودند.آنان درهایی را گشودند که میان زمان حال و مصر باستان قرار داشت و به نیابت از سوی همه فریفتگان روزگار باستان،از میان آیینه سحرآمیزی عبور کرده وقدم در سرزمین شگفت انگیز فراعنه گذاشتند.

با توجه به خشکی حاکم بر این سرزمین،نه فقط اشیاء داخل گورها پس از سالها تا حدود زیادی دست نخورده باقی مانده بودندبلکه همراه با آنها اشیاء زیادی یافت شد که اطلاعات زیادی را در مورد تمدن هزاران سال پیش آشکار ساخت.

مصر نه فقط یکی از اولین تمدنهای باستان است بلکه از طولانی ترین قدمت نیز برخوردار می باشد.علت این امر عمدتاً به موقعیت جغرافیایی مصر مربوط می شود.سرزمینی پرت که در میان دو صحرا واقع شده و آن را قادر می ساخت تا بدون تأثیر و نفوذ خارجی،در اطراف دره نیل به شکوفایی دست یابد.این سرزمین سبز وحاصلخیز که فقط از ۳ تا ۲۰ کیلو متر پهنا برخوردار بود،از آبشار نیل در آسوان آغاز شده و پس از پشت سر گذاشتن

۱۰۰۰ کیلو متر،در شمال به دلتای نیل خاتمه پیدا می کردکه در این نقطه رود نیل از طریق آبراههای متعدد به دریای مدیترانه می ریخت.طغیان هر ساله این رود،گلولای قهوه ای تیره رنگی را پیشکش زمینهای کشاورزان می کردکه سبب نظم و ترتیب زندگی گشت. نام باستانی سرزمین مصر "کمت" به معنای سرزمین سیاه و به نعمتی که آب ارزانی می دارد اشاره دارد.

نقطه پایانی تمدن مصر هنگامی است که " سزار اگوستوس " آن را در سال ۳۰ پش از امیلاد فتح کرد و یکی از استانهای امپراطوری روم شد. یادگارهای آن تمدن بزرگ بیرحمانه و به آهستگی در میان شنها از بین رفت. طولی نکشید که زبان مردمان آن نیز به فراموشی سپرد شد.

تا قرنها بعد،مصر باستان به صورت یک فرهنگ تقریباً خاموش باقی ماند. مسافرین یونای و رومی آن ایام تا قرن نوزدهم، مجذوب آثار تاریخی آن شدند که از دل توده های شنی سر برآورده بودند.اگر چه آنان قادر به خواندن سنگ نوشته های حکاکی شده مرموز و درک معنای آنها نبودند. لشکر کشی ارتش ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ بسیاری از گنجینه ها را مکشوف ساخت واین تمدن خفته دوباره بیدار شد.

نویسنده: اعظم اکبریان

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=93879

vista.ir
Online Classified Service

معبـد آنــاهیتا

بنای معروف به معبد آناهیتا در مرکز شهر کنگاور بر سر راه همدان به کرمانشاهواقع شده است. این بنا بر روی تپه طبیعی با حداکثر ارتفاع ۳۲ متر نسبت به سطحزمین های اطراف ساخته شده است. نقشه بنای کنگاور چهار ضلعی و به ابعاد۲۲۴*۲۰۹ متر می باشد که هر ضلع آن به شکل صفحه ای به قطر ۱۸ متر است. این صفحهها با لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده اند که نمای بیرونی آنها به وسیله سنگهای بزرگ تراشیده شده ای به صورت خشکه چین پوشش داده شده و گاهی برای اتصالبرخی از بلوک ها، از بست های آهنی و سربی استفاده کرده اند. در قسمت جنوبیبنا، پلکان دو طرفه ای به طول۱۵۴ متر وجود دارد که هر دوتا پنج پله در یکبلوک سنگی ایجاد شده است. در وضع موجود تعداد سنگ پله ها در پلکان شرقی ۲۶پله و در پلکان غربی ۲۱ پله می باشد ولی با توجه به ارتفاع دیوار که ۲۰/۸ متراز آن باقی مانده به طور یقین تعداد پله ها بیشتر از این بوده است. در بخششمال شرقی بنا نیز دو ردیف موازی سنگ های تراشیده به‌کار رفته که بر وجود ورودیبه عرض ۲ متر در این بخش از بنا دلالت دارد. در مرکز بنا، صفه ای با جهتشرقی، غربی ساخته شده که ۹۳ متر طول و ۳۰/۹ متر عرض و بین ۳ تا ۵ متر ارتفاع دارد. این صفه با لاشه سنگ های بزرگ که حداقل یکی از سطوح آن صاف بودهساخته شده است و نمای آن با ملات گچ پوشیده شده که جز در برخی از سطوح پایین دیوار نشانی از آن نمانده است.

بر روی صفحه چهارگانه این بنا به جز فاصلهبین دو رشته پلکان جنوبی، یک ردیف ستون قرار گرفته است. این ستون ها کوتاه وقطورند. بلندی هر ستون که شامل پایه، ساقه و سرستون می باشد، ۵۴/۳ متر و قطرهر یک از ساقه ستون ها که استوانه ای شکل می باشد ۱۴۴ سانتی متر است. درمورد کارکرد این بنا در میان محققین اختلاف نظرهایی وجود دارد. به‌طوری‌که عدهای از نویسندگان، این بنا را معبدی برای الهه آناهیتا

دانسته اند- آناهیتا ایزد بانوی آب های روان، زیبایی، فراوانی و برکت در دوران پیش از اسلام بوده است- ولی برخی دیگر از محققین به تبعیت از نوشته های مورخین ایرانی و عرب سدهسوم هجری به بعد، کارکرد این بنا را کاخی ناتمام برای خسروپرویز معرفی کردهاند. از نظر زمان ساخت نیز عده ای این بنا را به اواخر سده سوم و آغاز سده دومپیش از میلاد نسبت داده اند، عده دیگر آن را به سده یکم پیش از میلاد وبرخی آن را به سه دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی نسبت می دهند.

منبع : روزنامه آفتاب یزد

http://vista.ir/?view=article&id=128196

vista.ir
Online Classified Service

معبد آسمانی(چین)

معبد آسمانی بزرگ ترین و کامل ترین قربانگان باستانی در چین به حساب می آید. پادشاهان سلسله های مینگ و چینگ (از سال ۱۳۶۸تا سال ۱۹۱۱) هر سال در این معبد مراسم پرشکوهی برای آسمان و برکت محصولات فراوان بر پا کرده اند . شاه در چین فرزند آسمان نامیده می شده و با این هویت کشور را حکمفرمایی می کرده است . لذا برگزاری مراسم قربانی آسمان اختیار خاص شاه بوده است .

معبد آسمانی در جنوب شهر ممنوعه قرار دارد و مساحت آن ۴ برابر شهر ممنوعه است . جنوبی ترین دیوار معبد آسمانی چهار گوشه ؛ نشانه زمین و شمال ترین ضلع دیوار نیم دایره نشانه آسمان است . این طراحی از ایده باستانی چین درباره آسمان گرد و زمین چهار گوشه سر چشمه گرفته است .معبد آسمانی به معبد داخلی و خارجی تقسیم می شود و دو دیوار گرد دوردور آن را فرا گرفته است . ساختمانهای اصلی در یک خط از جنوب تا شما معبد داخلی آرایش یافته است که شامل یوان چیو ؛ "خوان چون یو" و سالن" چی نیان" می باشد ." یوان چیو" یک سکوی سنگی دارای سه طبقه است ؛ قطعات سنگهای پله ای و نرده ها همگی با عدد ۹در۹ نصب شده است . زایراعدد ۹ نماد آسمان ها می باشد سکوی" یوان چیو" محل اصلی برای نیایش آسمانی است .

"خوان چون یو" سالن بزرگ دوار با ترکیبات چوبی است و از دیدنی های شگفت آور این قسمت ؛ شنیدن انعکاس صدای از دیوار سنگی است . اگر دو نفر جداگانه در دو طرف دیوار شرقی و غربی بایستند و به طرف شمال چهره به دیوار صحبت کنند؛ امواج صدای آنان به وضوح و دایما به گوش طرف مقابل می رسد . گویی یکدیگر تلفنی گفتگو می کنند . سالن "چی نیان" با شکوه ترین ساختمان معبد آسمانی است و ارتفاع آن ۳۸متر و قطرآن ۳۲ممیز ۷۲متر است و بر پایه سنگی دوار قرار دارد . پادشاهان هر سال در این سالن مراسم برکت محصولات فراوان را برگزار می کردند.

سال ۱۹۹۸معبد آسمانی در فهرست میراث جهانی به ثبت رسید . کمیته میراث جهانی معبد آسمانی را این طور معرفی کرده است که معبد آسمانی بعنوان بزرگ ترین مجمع ساختمان های باستانی چین برای برگزاری مراسم قربانی با طراحی و ترکیب ؛ تزیینات ساختمانی بی نظیر و زیبا از شهرت جهانی برخوردار است ، معبد آسمانی نه تنها در تاریخ معماری چین دارای جایگاه مهمی است بلکه میراث گرانبهای هنری معماری جهان محسوب می شود .

منبع : جهانگردی

http://vista.ir/?view=article&id=74913

معبد ابو سیمبل

معبد ابو سیمبل معبدی است که توسط رامسس دوم بین سالهای ۱۲۷۹-۱۲۱۳ قبل از میلاد در حبشه قدیم ساخته شد

چهار مجسمه عظیم (به ارتفاع ۲۰ متر) از او در طرفین ورودی معبد وجود دارد. از زمان های قدیم ورودی معبد تاب برداشته و به سمت چپ متمایل شده، علت پدیدار شدن این حالت، به احتمال زیاد وقوع یک زلزله بوده است. این معبد رو به شرق است و Re-Horakhty یکی از خدایان خورشید درست در بالای فرورفتگی سردر ورودی قرار دارد.

یکی از خصوصیات جالب توجه این معبد، چگونگی تنظیم جهت قرارگرفتن آن است که باعث شده دو بار در سال، در ۲۲ فوریه و ۲۲ اکتبر، اشعه خورشید دقیقا به داخلی ترین مکان مقدس معبد بتابد و مجسمه های چهار خدای نشسته در آن مکان که عبارتند از Ramesses II ، Amun-Re ، Path و Re-Horakhty را کاملا درخشان و روشن کند.

برای رسیدن به منظور فوق، روش کاملا مشابهی در طراحی غارهای مصنوعی نیوگرانگ (Newgrange) استفاده شده است.

این معبد در صخره های سنگی بالای رودخانه نیل و در جایی نزدیک به دومین آبشار بزرگ این رود بنا شده است. در اوایل سالهای بعد از ۱۹۶۰ سد مرتفعی در آن مکان ساخته شد، یک شرکت بین المللی برای جابجا کردن این معبد و انتقال آن به محلی مرتفع تر سرمایه گذاری کرد و بررسی های لازم را از نقطه نظر فنی انجام داد.

از آنجاییکه به دلیل وجود سد فوق، امکان مدفون شدن معبد در زیر آب های رودخانه ناصر (Nasser) وجود داشت، این جابجایی باعث می شد که چنین خطری از بین برود.

بین سال های ۱۹۶۶- ۱۹۶۴ یونسکو (UNESCO) انجام پروژه جابجایی معبد را به عهده گرفت و دولت مصر معبد را در صخره ای ۲۰۰ فوت بالاتر از محل اصلی اش مجددا باز سازی کرد.

معبد Hathor در ابو سیمبل نیز توسط رامسس دوم (Ramesses II) به افتخار Hathor خدای عشق و موسیقی و همسرش Nefertari ملکه قابل پرستش، ساخته شد. نمای خروجی و سر در این معبد از شش مجسمه ایستاده عظیم (۱۰ متر) تشکیل شده که شبیه یک برج است.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97027

معبد کنفوسیوس اقامتگاه کنفوسیوس

معبد کنفوسیوس اقامتگاه کنفوسیوس و جنگل سنگی کنفوسیوس

کنفوسیوس یکی از بزرگترین فلسوفان جهان و بنیادگذار مکتب فکری کنفوسیوس چین است. معبد و اقامتگاه و آ رامگاهی که برای یاد بود کنفوسیوس ساخته شده "معبد کنفوسیوس – اقامتگاه کنفوسیوس و جنگل سنگی کنفوسیوس " نامیده می‌شود و نشان دهنده آن است که ظرف دو هزار سال اخیر امپراتوران چین کنفوسیوس و مکتب فکری وی را محترم شمرده‌اند و وی در تاریخ چین و فرهنگ شرقی جهان جایگاه برجسته‌ای دارد. معبد کنفوسیوس – اقامتگاه کنفوسیوس و جنگل سنگی کنفوسیوس در شهر " چی فو " استان شاندونگ در شرق چین – زادگاه کنفوسیوس قرار دارد. معبد کنفوسیوس که " نخستین معبد چین" نامیده می‌شود بزرگترین عبادتگاه یاد بود این فیلسوف است. سال ۴۷۸ قبل از میلاد یعنی دو سال پس از مرگ کنفوسیوس پادشاه کشور " لو " زادگاه کنفوسیوس را به عنوان معبد تجدید ساختمان کرد که در درون آن لباس و کلاه‌های کنفوسیوس و ظروف قربانی چیده شده و هر سال مراسم یادبود وی برگزار می‌شود. سپس فرهنگ مکتب وی به صورت فرهنگ رسمی چین در آمد و به دنبال آن امپراتوران سلسله‌ها معبد کنفوسیوس را پی در پی وسعت دادند به گونه‌ای که معبد کنفوسیوس به یک مجموعه معماری با دامنه پرشکوه مبدل شده است تا اوایل قرن ۱۸ امپراتور "یون جن " سلسله چینگ دستور مرمت این معبد را صادر کرد و معبد فعلی همان بنای مرمت شده است. طول معبد از جنوب به شمال یک هزار متر و مساحت آن ۱۰۰ هزار متر مربع دارای ۵۰۰ اتاق و مجموعه معماری باستانی با دامنه‌ای کوچک‌تر از شهر ممنوعه بیجینگ است و نمونه معماری معابد بزرگ باستانی چین می‌باشد. معبد کنفوسیوس دارای ۹ قشر معماری یعنی دارای ۹ حیاطی است که اتاقهای آن در اطراف قرار دارد و قصر " داچن " قصر سمت راست آن است. عدد ۹ بزرگترین اعداد طاق است و در جامعه فئودالی چین عدد ۹ مورد استفاده امپراتور بوده است. بخصوص در معماری علاوه بر امپراتوران ، دیگران نمی توانند از این عدد استفاده کنند در غیر این صورت به همین جرم کشته می‌شوند اما معبد کنفوسیوس مستثنی است. در مقابل قصر سمت راست این معبد،۵ دروازه دیده می‌شود طبق تشریفات فئودالی تنها معماریهای خاندان امپراتوراین گونه بوده است مثلا شهر ممنوعه بیجینگ دارای این نوع معماری است. معبد کنفوسیوس از این نوع تشریفات معماری امپراتور برخودار است.

قصر " داچن " که معماری محوری معبد کنفوسیوس است ، ۳۰ متر ارتفاع دارد عرض آن از شرق به غرب ۵۰ متر است . بام این قصر آجرهای زرد درخشان و بسیار مجلل و باشکوه دارد و می‌توان زیبایی آن را با قصر "تای حه " شهر ممنوعه بیجینگ مقایسه کرد و یکی از "سه قصر باستانی چین : نامیده می‌شود. در این قصر آنچه مورد جلب توجه مردم می باشد ۱۰ ستون سنگی در مقابل قصر است بلندای آن ۶ متر است که با سنگ حکاکی شده و ستونهای اژدها نما زیبایی خود را می‌نماید . حکاکی‌های با یکدیگر یکسان نیست و بسیار ظریف و گرانمایه است حتی ستون های اژدهانمای شهر ممنوعه بیجینگ با آنها قابل مقایسه نیست. در معبد بیش از دو هزار لوح سنگی متعلق به سلسله‌های چین قرار داده شده و بزرگترین جنگل سنگی در چین است. در این میان ۵۰ لوح سنگی از آن امپراتوران است که جایگاه عالی کنفوسیوس در جامعه فئودالی را نشان می‌دهد. اقامتگاه کنفوسیوس با معبد کنفوسیوس مجاورت دارد . نسل‌های کنفوسیوس در این مکان اقامت داشتند و پس از خاندان امپراتوران مینگ و چینگ (۱۳۶۸- ۱۹۱۱) بزرگترین اقامتگاه در چین است. این اقامتگاه در دوران سلسله‌های زین و سونگ (قرن ۱۲ تا قرن ۱۳ میلادی) ساخته شده ملک نمونه‌ای سکونت صاحب زمین در جامعه فئودالی است مساحت آن۵۰ هزار متر مربع و دارای ۵۰۰ اتاق است . این ملک به

لحاظ ساختاری دارای ویژگی بسیار است. در درون اقامتگاه پرونده‌های بایگانی تاریخی –لباس های سلسله‌ها و وسایل و اسباب کشفیات حایز ارزش تاریخی زیاد است.

جنگل‌های سنگی ارامگاه مخصوص کنفوسیوس و خانواده اش است و در جهان به لحاظ زمانی طویل‌ترین و دارای بزرگترین مساحت ارامگاه است. قدمت ان ۲۵۰۰ سال و مساحت آن دو کیلومتر مربع است و جمعا ۱۰۰ هزار ارامگاه نوه های کنفوسیوس را در برمی‌گیرد. در این مکان ۵ هزار لوح سنگی و لوح ارامگاه از سلسله خان (۲۰۶ قبل از میلاد – ۲۲۰ میلادی) مشاهده می‌شود. جنگل سنگی برای تحقیق توسعه سیاسی اقتصادی و فرهنگی سلسله های چین و تغییرات مراسم تشییع جنازه نقش بی بدیلی ایفا می‌کند . این سه محل در جهان شهرت دارد و میراث فرهنگی و میراث طبیعی با ارزش است . دراین ناحیه ۱۷ هزار درخت باستانی دیده می‌شود. سال ۱۹۹۴ این سه محل به عنوان میراث فرهنگی جهانی در کمیته میراث جهانی ثبت شد.

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=8700

vista.ir
Online Classified Service

معبدی بر فراز جمکران

سال‌ها قبل، آقای مجتهدی ۱۰ روز قبل از شروع ماه رمضان و تا پایان آن یعنی ۴۰ روز(یک اربعین) در اتاقکی محقر که روی کوهی در جنوب قم ساخته شده بود به عبادت و خلوت‌نشینی مشغول شد. در آن زمان این کوه مثل حالا راه دسترسی و پله نداشت، به جز یک اتاقک حدودا شش متری؛ محلی که امروزه معروف به قدمگاه حضرت خضر نبی است، تپه‌ای به نام کوه خضر نبی، که بر اساس اعتقاد برخی از علما، همان کوه سفیدی است که در زمان ظهور امام زمان، قرار است پرچم آن حضرت در آنجا به اهتزاز درآید. اینجا دیگر مثل ۸-۷ سال قبل دنج و خلوت نیست. زائران قدیمی جمکران این جاده را خوب به یاد دارند، قبل‌ترها هم تپه‌ای نرسیده به قم(بالای محله بنیاد و انتهای زنبیل‌آباد قم) بود که زیاد شبیه بقیه تپه‌ها نبود. قله آن مسطح بود(شبیه کوه سفید)، اما خبری از مسجد جدیدی که حالا روی آن ساخته شده، نبود. به جز تعداد معدودی که هر سه‌شنبه شب به جمکران می‌رفتند، کسی نمی‌دانست این تپه «کوه خضر» نام دارد. جوان‌ترهای قم هم که اهل ورزش بودند این تپه را برای کوه‌پیمایی و قرارهای خاص خودشان انتخاب می‌کردند. کوه خضر قبل از اینکه برایش جاده کشیده شود، پایگاه نظامی پای آن تاسیس شود و اطرافش پر شود از خانه‌های شخصی و سازمانی، محل دنجی بود در انتهای یک مسافت کویری وسیع که در جنوب قم و آب و هوای گرم آن واقعا غنیمت بود. آنها که قبلا از این تپه بالا رفته‌اند، خیلی خوب لذت هوای خنک آن را در صبح‌های روزهای گرم تابستان به یاد دارند. اگر کسی پیش‌ترها (۸-۷ سال قبل) سه‌شنبه هر هفته به زیارت مسجد مقدس جمکران می‌رفت و از این مسیر رد می‌شد و حالا بعد از این مدت دوباره به جمکران برود، واقعا شگفت‌زده خواهد شد. تغییرات اطراف مسجد جمکران همه به جای خود، اینها زیاد عجیب نیست. اما مسجدی که بالای آن تپه قشنگ (که از تمام زوایای داخل حیاط جمکران دیده می‌شد) ساخته شده، چیز دیگری است.

- بنای قدیم و بنای جدید

جاده ماشین‌رو از پای کوه و از بعد از پست نظامی درگاه ورودی تا اواسط تپه ادامه پیدا کرده است. در اواسط تپه، محیطی با مساحت حدود دو هزار و ۵۰۰ متر مربع به شکل نیمدایره با سطح آسفالت ایجاد شده و در گوشه‌ای از آن مقبره شهدای گمنام ساخته شده است. پشت این مقبره قرارگاهی ایجاد شده با چادرها و ماشین‌های نظامی، و نظامیان در حوالی آن دیده می‌شوند. از همینجا پله‌های راه خاکی زیگزاگ از مقابل کوه تا حدود دو سوم راه ایجاد شده. راه خاکی حدود ۴۰۰-۳۰۰ متر ادامه دارد تا پله‌ها شروع می‌شود پله‌هایی که بر اثر ریزش باران و شستشوی سطح رویی تپه به رنگ تپه(آجری روشن) در آمده است. برای بالا رفتن از تپه از مدخل ورودی نیمدایره‌ای تا خود مسجد حدود ۱۵تا ۲۰ دقیقه زمان لازم است. در ابتدای ورود فضایی به مساحت حدودا ۶۰ متر مربع مقابل زائران قرار دارد، سمت چپ دفتر مسجد و محل استقرار خادم مسجد است و کنار آن یک مغازه کوچک(سوپر خضر) قرار دارد که در آن آب معدنی و خوراکی‌های نظیر آن فروخته می‌شود. مقابل زائران، در اصلی ورودی مسجد(بنای جدید) قرار گرفته و از طرفین راست و چپ به پشت مسجد راه هست، جایی که بنای قدیم و وضوخانه و سرویس بهداشتی قرار گرفته. بالکنی برابر با بر مسجد با ستون‌های آجری و ارتفاع حدود ۵-۴ متری سرتاسر مقابل مسجد را مشرف به شهر قم گرفته و با نرده‌های سبز رنگ با ارتفاع حدود یک و نیم متر حفاظت می‌شود. در پشت بنای جدید هنوز عملیات ساخت مسجد به پایان نرسیده و سالنی در حال ساخت است که در اطراف آن مصالح ساختمانی ریخته شده. ضلع قرینه مسجد که پشت به شهر است به طور کامل نماسازی نشده است و از پایین تا بالای کوه سیمی کشیده شده که نقاله‌ای را حمل می‌کند و برای بالا آوردن مصالح از پایین ساخته شده و الان هم همانجا رها شده است.

- قدمگاه

مسجد یک در ورودی بیشتر ندارد، داخل مسجد که محیطی مستطیل شکل است با اضلاع حدودا ۸ در ۲۰ متری تا انتهای قدمگاه کشیده شده. فضای ویژه خواهران و برادران توسط یک پرده از هم جدا شده و یک کتابخانه کوچک با کتب مذهبی مقابل در ورودی قدمگاه قرار داده شده است. خود قدمگاه که به بنای قدیم مشهور است، به شکل دایره درست شده، دیوارهای سبز و زرد و آبی رنگ دارد و یک دیواره از جنس آلومینیوم آن را به دو نیمدایره(زنانه و مردانه) تقسیم کرده است. تمام مساحت قدمگاه بیش از ۹ متر مربع نیست. در گوشه‌ای از آن(قسمت مردانه) یک محراب به عمق حدود ۳۰سانتیمتر، پهنای ۵۰ سانتیمتر و درازای حدود ۱۲۰ سانتیمتر کنده شده. حاشیه محراب زردرنگ است و بالای آن چند نخل و ماه و ستاره گچبری شده است. بالای قدمگاه به شکل گنبد است و به شکل خاصی با ترکیب بته جقه و طرح‌هایی شبیه درختان کاج(که شباهت چندانی به گچبری‌های سایر مساجد ندارد) گچبری شده. روی بته‌جقه‌های دورتادور گنبد نام ائمه نوشته شده است و یک چراغ سبزرنگ همیشه در آن روشن است، نور این چراغ و انعکاسی که در دیوارهای سبزرنگ آن ایجاد می‌کند فضایی روحانی به آن داده. مجسمه یک مسجد با ارتفاع حدود یک و نیم متر از سطح زمین در دیوار با ابعاد حدودا ۳۰ در ۴۰ سانتیمتر ساخته شده است و کف قدمگاه از جنس سنگ است.

- قبل ترها خلوت‌تر بود

شب‌های چهارشنبه (سه‌شنبه شب، زمانی که برای زیارت مسجد جمکران سفارش شده) و پنج‌شنبه این مسجد بیش از همیشه زائر دارد، در سایر روزها در یک زمان بیش از ۲۰ نفر در مسجد حضور ندارند. اما در ایام نیمه شعبان این تعداد آنقدر زیاد می‌شود که تمام پله‌ها پر از زائرین این مسجد می‌شود. محمد ۲۳ ساله خادم روز این مسجد است که در استخدام اداره اوقاف است. او در مورد تاریخ ساخت مسجد می‌گوید: «فکر کنم شش سال است که اینجا ساخته شده، بعد از دفن شهدای گمنام در این محل مسجد رونق بیشتری پیدا کرده است.» او می‌گوید: «در نیمه شعبان و بعضی از مناسبت‌ها تعداد زائران مسجد به ۴-۳ هزار نفر هم می‌رسد.» سیدرضا، مرد میانسالی هم که صاحب فروشگاه مسجد است، می‌گوید:«۴-۳ سال است که اینجا مغازه دارم، این بنا ۷-۶ سالی است که ساخته شده.» او هم در مورد این مسجد چیزی بیشتر از آنچه در کتاب «مسجد خضر نبی اردوگاه یاوران حضرت مهدی(عج)» نوشته شده، نمی‌داند.

مهدی، ۳۷ ساله و اهل قم است، یک روز در میان یا هر روز به این کوه می‌آید، به گفته خودش این یک عادت قدیمی است که هنوز هم با وجود تغییرات کوه آن را حفظ کرده. لباس ورزشی به تن کرده و یک کتاب در دست دارد. او می‌گوید: برای ورزش به اینجا آمده‌ام، پیش از این هم می‌آمدم. او در مورد پیشینه این کوه می‌گوید: «قبلا که ساخت و سازها در اطراف کوه انجام نشده بود، اینجا خیلی خلوت‌تر بود. کوه دوبرادرون و یزدان جنبه زیارتی بیشتری نسبت به اینجا داشت، اما بعد از دفن شهدای گمنام در این محل و ساخت مسجد جدید، زائران زیادی به اینجا جذب شدند.» یک روحانی که در حال بالا آمدن از کوه در حال قرائت قرآن است و ۳۸ سال دارد، می‌گوید: «چهار سال است که برای زیارت به این کوه می‌آیم. اینجا قدمگاه حضرت خضر نبی است، این کوه خیلی مورد توجه آقاست، بعضی از مومنین هم در اینجا به حضور آقا تشرف پیدا کردند.»

- اتاقکی با در فلزی و یک پنجره

خوشبختانه این بنا مثل خیلی از بناهای تاریخی نیست، هنوز افراد زیادی در قم هستند که پیشینه آن را قبل از تغییرات فعلی به یاد دارند. علی ۲۹ ساله که متولد قم و قبلا ساکن این شهر هم بوده است در مورد این اتاقک می‌گوید: ۶-۵ سال قبل وقتی ۲۰-۱۹ ساله بودم برای تمرین ووشو و کوهپیمایی با دوستان‌مان به این کوه می‌آمدیم. او می‌گوید: «در آن زمان هیچ جاده‌ای برای دسترسی به اینجا- سطح بالایی تپه- وجود نداشت، تا پای کوه یک راه بود ولی آسفالت نشده بود، در اطراف کوه هم هیچ خانه‌ای وجود نداشت.» او که قبلا به طور منظم به این کوه می‌آمده است در مورد اتاقک مزبور می‌گوید: «یک اتاقک آجری حدودا شش‌متری بود، دیوارهای داخلی اتاق با گچ سفید شده بودند و اتاقک یک در فلزی کهنه داشت که به آن قفل نزده بودند، اتفاقا یک‌بار هم داخل اتاقک رفتیم و نیمرو برای صبحانه درست کردیم.» او در مورد خصوصیات داخل اتاقک می‌گوید: «اتاق یک پنجره داشت و کف اتاقک یک موکت کهنه پهن شده بود، در آن زمان نمی‌دانستیم اینجا محل عبادت حضرت خضر بوده است.» الان هم در مسیر بالا رفتن از کوه یک اتاقک سفیدرنگ هست، حدودا در میانه‌های پله‌های کوه اتاقکی هست با در فلزی که از داخل پشت در را با آجر گرفته‌اند و به آن قفل زده‌اند و تمام اتاقک را سفیدرنگ کرده‌اند. ابعاد این اتاقک خیلی شبیه چیزی است که علی از آن صحبت می‌کرد، اما کسی در مورد آن چیزی نمی‌دانست!

- کوه سفید

در روایات اسلامی بر قداست کوهی سفید که در اطراف قم و به نزدیکی دهی کهن که در جنب مسجدی است و جمکران نام دارد تاکید شده است. می‌گویند پرچم قائم آل محمد را هنگام ظهور در آن مکان بر می‌افرازند. از طرفی رونق آن(کوه سفید) از علائم نزدیکی ظهور حضرت مهدی است نه اینکه حضرت از آنجا ظهور کنند؛ در حدیثی از امام علی نقل شده که ساخت مسجدی را در کنار کوه خضر که پایگاهی برای یاران امام موعود(ع) است خبر می‌دهد. این حدیث که کلمه جمکران را نیز به همراه دارد در کتاب انوارالمشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۴ فصل ۱۰، نور سوم نقل شده است.

اما هنوز هم بین صاحب نظران در مورد تشخیص کوه سفید اختلاف نظر هست. بسیاری از علمای قم اعتقاد دارند منظور از کوه سفید، کوه خضر نیست. بلکه همان کوهی است که از تمام نقاط شهر قم دیده می‌شود. (موقع رفتن به قم از حدود ۱۰ کیلومتری قم به خوبی دیده می‌شود.) کوهی به رنگ سفید (و به همان نام یعنی «کوه سفید») که هنوز دسترسی به آن زیاد آسان نیست، سفیدی کوه مثل کوه‌های مناطق کوهستانی است، اما در واقع روی کوه برف ننشسته، رنگ اصلی کوه سفید است. اما رنگ کوه خضر نبی شبیه سایر تپه‌های مجاور و آجری رنگ است. در هر صورت برخی نقل می‌کنند روزی که حضرت مهدی ظهور کنند، پرچم او روی کوه سفیدی در قم به اهتزاز درخواهد آمد.

- چهل روز در کوه خضر

در شش‌کیلومتری مرکز شهر قم کوهی وجود دارد که از بالای آن می‌توان همه شهر را دید. بر اساس برخی نسخ، این کوه منسوب به حضرت‌خضر(ع) با قدمت سه هزار سال است. می‌گویند بر قله این کوه در سه هزار سال پیش(حدود هزار و ۵۰۰ سال قبل از هجرت) غاری بوده که خضر نبی در آن غار به عبادت و نیایش می‌پرداخت، غاری که امروز به مسجد کوچکی تبدیل شده است و سال‌ها پیش از این در حالی که هنوز قم آنقدر بزرگ نشده بود که خود را به دامنه این کوه برساند گفته می‌شود معبد عارفان بوده.

یکی از اصلی‌ترین و مشهورترین دلایلی که این کوه وجهه خود را از آن کسب کرده است نقل قولی است از آقای مجتهدی. بر اساس این نقل «وقتی که آقای مجتهدی در قم اقامت داشتند با کوه خضر بسیار مانوس بودند. در آن زمان هنوز مسجد همان حالت قدیمی خود را داشت(یعنی به صورت اتاقکی بوده) و معنویت عجیبی بر فضای آن حاکم بود و ایشان می‌فرمودند: مسیر عبور حضرت مهدی از زمینی که مسجد جمکران در آن واقع است هنوز روشن است. کوه خضر نیز از اماکن مورد علاقه ایشان بود و در آنجا خلوت می‌کردند و به دعا و توسل می‌پرداختند. آن سال تصمیم گرفته بودند که اربعینی (مدت زمانی برابر ۴۰ روز که برای اهل زهد و عرفان عدد مقدسی است) را در کوه خضر سپری کنند و ۱۰روز پیش از فرا رسیدن ماه رمضان (تا انتهای ماه رمضان) به کوه خضر رفتند و در اتاقی که در آنجا بود ساکن شدند و ارتباطشان را جز با معدودی از دوستان قطع کردند... » . برگرفته از توضیحاتی که متولیان کوه منتشر کردند

- خضرهای ایران

در ایران سه نقطه به نام «قدمگاه خضر» شهرت دارد، یکی کوه خضر نبی در قم(که در لغتنامه‌ها از آن نامی برده نشده است) و دوتای دیگر در مازندران وجود دارند. اولی برجی است در آمل نزدیک سبزه‌میدان که در قبرستانی معروف به مصلی واقع شده است. و دومی بنای کوچکی است بین شهر استرآباد و قلعه‌خندان. نامگذاری اماکن به نام «خضر» در ایران و کشورهای اسلامی بسیار شایع است. در شمال، جنوب، غرب و مرکز ایران اماکنی به نام خضر نامگذاری شدند. حسین‌آباد کوه خضر در مرکز کشور که دهی است از دهستان توابع ارسنجان بخش زرقان شهرستان

شیراز، دست خضر که دهی است از دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان شیراز، خضر دهی است از دهستان چهاربلوک بخش سیمینه رود شهرستان همدان و زیارتگاهی هم به نام خضر دارد. برگرفته از لغتنامه دهخدا

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=343168

vista.ir
Online Classified Service

معرفی باغ‌های تاریخی استان یزد

• باغ دولت‌آباد

باغ دولت‌آباد یزد توسط «محمد تقی خان زند» معاصر «شاهرخ میرزای افشار» و «کریم خان‌زند» در سال ۱۱۶۰ هـ ق ساخته شد. این باغ محل اقامت حاکم وقت (خان یزد) بود. باغ شامل فضاهایی مانند عمارت هشتی و بادگیر، عمارت بهشت آیین، عمارت تالار آیینه، عمارت سر در اصلی، عمارت سر در جنوبی و... است. . این باغ به وسیله قنات «دولت‌آباد» مشروب می‌شد و سنگ‌های مرمر سیاه در عمارت پایین و حوضخانه آن، از معادن مرمر «مراغه» و «تبریز» بود. عمارت میانی- واقع در ضلع شمال غربی- «بهشت آیین» خوانده می‌شود. ارتفاع بادگیر این باغ از سطح زمین ۳۳ متر است. فضای سبز این باغ شامل درختان کاج، سرو، گل سرخ محمدی، درختان میوه به خصوص انگور و انار است.

• باغ خان

این باغ در جاده یزد- تفت قرار دارد و مانند اکثر باغ‌های تاریخی، عمارت با شکوهی با آب‌انبار، ساباط، قهوه‌خانه و اصطبل در میان آن بنا شده است. بنای این باغ مربوط به قرن سیزدهم هـ ق و بانی آن «محمدخان والی» است. از ویژگی‌های این باغ، تالار بزرگ، سقف مرتفع و عرض بنای آن است که می‌گویند سازنده آن به نام «استاد کریم»، یک‌روزه این اتاق عجیب را پوشانده است. باغ‌خان در زمان حکومت «ضیغم‌الدوله قشقایی» صدمات بسیار دید.

• باغ نمیر (باغ صدری)

این باغ که به دستور «صدرالعلماء» از حکام دوران زندیه ساخته شد، در خیابان «ساحلی» شهرستان تفت قرار دارد. وسعت باغ ۱۰ هزار متر مربع است و در قسمت شمال غربی آن، ساختمانی دارای یک تالار بزرگ به ابعاد ۱۲×۱۰ متر دیده می‌شود. قسمت بالای تالار با طاق‌نماهای محرابی تزئین شده است. پشت تالار، فضایی وجود دارد که با فضای زیر بادگیر دو طبقه چهار طرفه آن مرتبط است و هوای مطبوعی را به وجود می‌آورد. در دو طرف تالار بعد از راهروهای پهنی که اتاق‌ها را به تالار مرتبط می‌کنند، دو اتاق سه دری قرار دارد و پشت هر سه دری، دو اتاق دیگر ساخته شده که به سه‌دری‌ها و فضای پشت تالار راه دارد. یک زیرزمین زیر تالار بار و کار آجر ساخته شده است. کف بنا تماما آجر فرش است. در جلو

ساختمان یک حوض سنگی به وسعت تقریبی ۵۰۰ متر مربع و در ضلع جنوب شرقی انتهای باغ، یک آسیاب آبی قرار دارد.

• باغ پهلوان‌پور

این باغ در محله «مزویرآباد» شهرستان مهریز قرار دارد. این باغ شامل فضاهای مختلف از قبیل برج حفاظتی، کوشک مرکزی، آشپزخانه، حمام خزینه‌ای و... است. ساخت برج حفاظتی و سایر بناهای موجود در ضلع جنوبی باغ به دستور «ملاعلی رضا» و همزمان با اواخر حکومت قاجاریه صورت گرفت. بخش‌های دیگر نظیر عمارت کوشک (شربتخانه)، آشپزخانه، حمام خزینه‌ای و غیره به دستور «علی پهلوان» ساخته شد و قدمت آن به دوران صد ساله معاصر می‌رسد. معماری موجود در باغ پهلوان‌پور را می‌توان به پنج بخش کلی تقسیم کرد:

۱) برج گلین حفاظتی، اصطبل و انبار علوفه وابسته به آن در ضلع جنوب شرقی.

۲) آثار معماری که در کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر به دست آمده، در ضلع جنوب شرقی.

۳) عمارت کوشک یا شربتخانه در وسط باغ.

۴) عمارت زمستانخانه در ضلع غربی باغ.

۵) عمارت سرایداری، طویله، انبار، کارگاه ریسندگی سنتی (شعربافی) و قالی‌بافی در ضلع جنوبی باغ.

قنات «حسن‌آباد» مهریز به طور مداوم در دو مسیر در این باغ جاری است.

• سنگ نگاره‌ها

▪ سنگ نگاره‌های کوه هبخته

این سنگ نگاره‌ها در کوه مزرعه «هبخته» از توابع نصرآباد «پیشکوه» قرار دارد. طبق نوشته «محمد تقی عسکری کامران»، گویا این سنگ نوشته‌ها قدیمی‌تر از سنگ‌نوشته‌های کوه ارنان است. نقوش هبخته در دامنه کوه و هم‌سطح زمین دیده می‌شود.

▪ سنگ نگاره‌های کوه سرخ ندوشن

این سنگ نگاره‌ها در نزدیکی چشمه خشکیده کوه سرخ که مردم ندوشن به آن «سرخان کوه» می‌گویند، قرار دارد. در این آثار تاریخی، نقاشی و نوشته تواما دیده می‌شود. نوشته‌ها به خط کوفی و فارسی است و نقش‌ها عبارتنداز: حیوان، گردونه مهر (چلیپا)، انسان با نیزه و اشکال نمادین.

▪ سنگ نگاره‌های کوه ارنان

کوه ارنان در نزدیکی روستایی به همین نام قرار دارد. این کوه قدیمی‌ترین سند تاریخی یزد را در سینه خود نگهداری می‌کند. بر تخته سنگ کوه ارنان، سنگ‌ها و نقاشی‌هایی مربوط به ۱۲هزار سال پیش کشف شده است. این تخته سنگ در نگاه اولیه، دو صحنه مجزای شکار را مجسم می‌کند؛ در سمت راست و قسمت بالای سنگ، تصویر بزرگی از یک حیوان درنده و انسانی روبه‌روی آن دیده می‌شود و صحنه دیگر تصویر مردی است که نیزه خود را در بدن حیوان فرو برده است. شیوه زندگی و تاریخ دیرینه مردم این سامان را می‌توان از این سنگ نبشته‌ها و نقوش آن مورد تحقیق قرار داد.

• باغ‌های تاریخی اصفهان

فهرست باغ‌هایی که از آغاز انتخاب اصفهان به پایتختی صفویه در سال ۱۰۰۰ هجری تا افول ستاره اقبال این سلسله در سال ۱۱۳۵ هجری به وجود آمده و هر یک از آنها ده‌ها جریب وسعت داشته به شرح زیر است: باغ بادامستان، باغ جزایرخانه، باغ فراشخانه، باغ خرگاه یا خیمه‌گاه، باغ نارنجستان و عمارتی که داشته است، باغ خیاط خانه، باغ خلیل خانه و توحید خانه، باغ کجاوه خانه جنب بازار رنگرزان، باغ تخت در ضلع غربی چهارباغ، باغ ماما سلطان، باغ کاج، باغ باباامیر، باغ مستمند، باغ توپخانه و باغ عسکر، باغ نسترن در ساحل رودخانه، باغ طاووس خانه، باغ پهلوان حسین که مادی نیاصرم از وسط آن می‌گذشته است، باغ سیف‌الدوله مشهور به باغ آلبالو، باغ عموطاهر، باغ زین خانه و فتح‌آباد، باغ گلدسته، باغ شیرخانه در ضلع شرقی چهارباغ، باغ صالح‌آباد و باغ نظر و باغ قراخان در ساحل شمالی زاینده رود، باغ بزرگ عباس آباد در ضلع غربی چهارباغ، باغ سلطانعلی خان، باغ فیل خانه، باغ چینی خانه در حوالی چهارباغ، باغ زرشک، باغ قورچی باشی علیا و سفلی، باغ ایشیک آقاسی باشی، باغ قرچقای خان، باغ توشمال باشی، باغ داروغه، باغ رضاقلی خان، باغ تفنگچی آقاسی، باغ چرخاب، باغ داروغه دفتر، باغ وقایع نویس، باغ دیوان بیگی، باغ قوشچیان و غلامان مطبخ، باغ اعتمادالدوله، باغ میرآخور، باغ مهردار، باغ جلودار، باغ هزارجریب و سیاحان خارجی عصر صفویه و از آن جمله توماس هربرت و ژان شاردن به تفصیل از آن سخن گفته‌اند و توماس هربرت این باغ را در سفرنامه خود «بهشت شاه‌عباس» نامیده است.

باغ کلاه شاه، باغ جون کمر، باغ سپهسالار، باغ محمود، باغ برج و باغ حاج صالح درضلع شرقی چهارباغ نو (مقصود چهارباغ خواجو است)، باغ جنت در شمال بستر زاینده رود، باغ نگارستان در حوالی چهارباغ، باغ چهلستون، باغ هشت بهشت یا باغ بلبل که کاخ سکونت شاه سلیمان

صفوی در این باغ قرار داشته است، باغ قوشخانه در محله قدیمی طوقچی که مرکز تربیت قوش‌های شکاری و محل استقبال شاهان صفوی از مهمان‌های خود بوده است، باغ کومه و باغ وحش در لنجان اصفهان که شکارگاه و محل نگهداری حیوانات وحشی بوده است و بالاخره باغ جشاران یا جوشاران (گشاران)، باغ فرنگ، باغ ارم، باغ صفی‌آباد، باغ قورچی‌ها و باغ انارستان و سقاخانه که در حال حاضر به استثنای باغ چهلستون و باغ هشت بهشت و چهار باغ اثر دیگری از باغ‌های مشهور آن زمان باقی نمانده است.

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=338726

vista.ir
Online Classified Service

معرفی کشور اندونزی

قرنهای متمادی است که مسافرین از اقصی نقاط دنیا به این مجمع الجزایر زیبا سفر کرده و همواره مجذوب مناظر و زیبایی های این منطقه حاره ای می شوند در این منطقه حدود ۱۷ هزار جزیره در گستره ای بین استرالیا و آسیا با فرهنگها ملل و سنن گوناگون قرار گرفته اند .

در قرن ۱۴ صخره های مرجانی در این منطقه باعث غرق شدن و در هم شکسته شدن کشتی‌های پرتغالی هایی شد که در جستجوی ادویه به اندونزی مسافرت کرده بودند . البته مدتها قبل از ورود ایشان افراد دیگری به نام " انسان جاوا " به این منطقه آماده و سکنا گزیده بودند . رشته کوههای شیب دار ، رودخانه های روان ، دریاچه هایی با دره های عمیق ، جنگل های سر سبز و هاره ای ، و نخلستان های وسیع با حاشیه ای از ساحل ماسه ای سپید ماوا و مسکن ۲۰۰ میلیون نفر با ۲۰۰ نژاد مختلف می باشد که در این کشور گرم سیلی به نام اندونزی زندگی می کنند . در جزیره بهشتی بالی آوای فره بخش دریا همواره با نوای رویایی ساز "گاملان " در هوای عطرا گین طنین می افکند . در سوماترا می توان در دریاچه های واقع در دهانه آتشفشان شنا کرده یا در جنگل های کالی مانتان با خانواده اورانگوتانها عکسی به یادگار گرفت . در جاوا می توانید یکی از شگفتی های جهان را کشف نمایید بنای تاریخی و زیبای بوروبودور متعلق به بودا . در جزیره همسایه به نام مادورا می توانید به تماشای مسابقه گاوهای قوی هیکل پرداخته یا در مغازه های آنتیك فروشی یا گالری های جاکارتا به گشت و گزار بپردازید . جهت اقامت ، شما می توانید یك هتل چهار ستاره با چشم اندازی به ساحل ماسه ای سپید یا یك کلبه (شله) دنج خانوادگی در دل باغهای گرم سیلی این منطقه را انتخاب نمایید . طراق گوناگونی برای مسافرت به جزایر گوناگون اندونزی وجود دارد . در هر منطقه می تواند چیزی نو با اندکی تفاوت به شما عرضه نماید . در حال حاضر بیش از سی خط هوایی بین المللی جهت مسافرت به اندونزی وجود دارد که خطوط هوایی گارودا نیز شامل آن می گردد . مسافرت بین شهرهای اصلی نیز بسیار سریع و راحت می باشد . شما می توانید از سنگاپور به مقصد جزایر (باتان و بینتان) یا از بالی به لامبورك قایق سریع و سیر بگیرید . قایقهای مسافرتی نیز برای مسافرت از جزایر

سوماترا و جاوا به بالی مناسب می باشند . برای مقصد جاوا می توانید از قطار استفاده نموده یا با کرایه اتومبیل از مناظر زیبای اطراف نیز لذت ببرید . یك روش قدیمی برای مسافرت در لوجیا کارتا نیز استفاده از Becak یك وسیله حمل و نقل سر پوشیده پدالی با سه چرخ می باشد .اندونزی که زمانی به عنوان "جزایر ادویه"معروف بود شگفت انگیز ترین مجموعه از اماکن و ملل گوناگون در جهان میباشد. بیش از ۲۰۰ نژاد مختلف با بیش ۳۰۰ گویش متفاوت در این کشور زندگی میکنند. جزایر اندونزی که مانند رشته ای از برلیان دور خط استوا گسترده شده اند مانند الوان نمایی از نژاد های گوناگون و در هم آمیخته است که البته در این گوناگونی دارای وحد ت و یگانگی میباشد. همانطور که خود مردم به زبان اندونزیایی میگویند "همه و یك اتحاد در تنوع" با زمینهای از اختلاط فر هنگها و مذاهب خارجی باور های منطقه ای و بومی آداب و سنن و حتی بناهای تاریخی اندونزی در طول زمان امیخته ای گشته اند از فر هنگ ملی و تاثیر فر هنگ و مذاهب هندو،بودا، اسلام و مسیحیت و لذا بهمین دلیل است که شما میتوانید در محلی شاهد ساختمانهای بلند شیشه ای و کرومی بوده و یا در شهرها بزرگراههای مدرن را مشاهده نمایید در حالیکه کمی دورتر از همان محل معبد قدیمی هندو متعلق به قرن هشتم در دل دره ای سر سبز پنهان میبا شد . در جاکارتا کلیسای جامع کاتولیك متعلق به قرن نوزدهم دقیقا در مقابل مسجد مدرن جامع استقلال قرار دارد. درباریهای یو جیا کارتا و سوراکارتا هر ساله تولد حضرت محمد را طی مراسم ویژه ی جشن میگیرند. از یك ماه قبل دهها هزار نفر از مردم در شهرهای مختلف برای برگزاری این کارناوال بزرگ و دیدنی در خیابانهای ازدهام می کنند . در روز موعود دسته ای از شاهزادگان ، پرنسسها ، افراد درباری و نگهبانان قصر ، موسیقیدانان و رقاصان در صفهای طویل دو قیف بزرگ برنج را که با سبزی تزیین گشته است به نام "گونانگان" در خیابانهای شهر گردانده و پس از دعا و شکر گزاری این غذا را در بین مردم که ایمان دارندخوردن آن باعث سلامتی و خوشبختی می گردد تقسیم مینمایند . در جزیره لامبوك در اوایل ماه فوریه کشیش محلی در ساحل مراقب رسیدن کرمهای دریایی می باشد و به مجرد رسیدن آنها به ساحل فستیوال " نیالی " آغاز می گردد .

در بالی همه روزه مراسمی در معبد دهکده برای برگزاری جشن عروسی سوهان کشیدن دندانها (یك رسم قدیمی در این جزیره) جشن تولد . و مراسم ویژه سوزاندن بدن مرده برگزار می گردد . در پونتیا نام واقع در خط استوا در غرب کالیمانتان مردم طلوع آفتاب و تابش مستقیم خورشید را بر فراز سرشان با برگزاری مسابقات قایقرانی (قایقای اژدها مانند) جشن می گیرند . در حالیکه در سومبا واقع در شرق نوساتنگارا ، مردم فستیوال ،" پاسولا " را با برگزاری مسابقات نیزه بازی بر پشت اسب جشن می گیرند در ماه مه بوداییان سراسر جهان در معبد بوروبودور گرد هم آمده و تولد و وفات رهبر بودا به نام گوتاما را گرامی می دارند.

علاقه مردم اندونزی در برگزاری جشنها شامل آیین ویژه روز ملی نیز میگردد . در اوت به مدت یك ماه در تمامی شهرها مسابقات ورزشی رژه و فستیوال و دیگر مسابقات گوناگون برگزار شده و تمامی ساختمانها با پارچه و پرچمهای قرمز و سفید این کشور مزین می گردند.

هر قوم و نژادی دارای فستیوال مخصوص به خود می باشد از فستیوال برداشت محصول گرفته تا مراسم دفن و خاکسپاری از مراسم قربانی کردن جهت پیشگیری از خشم دریا تا برگزاری سالگردهای ملی ، از آداب و رسوم سنتی دهکده ها تا مراسم ازدواج . . . و این نشان می دهد که مجموعه بزرگی از انواع فستیوالها و جشنهای گوناگون در اندونزی وجود دارد که تجربه آنها و دیدنشان جالب می باشد . تمامی این آیینها به نوعی جلوه گر شکرگزاری و تشکر از خداوند و بیانگر این عقیده و ایمان درونی انسان می باشد که تمامی نعمات زندگی فرستاده از آن قدرت الهی بوده که باید او را سپاس داشت و شکر نمود و لذا سعادت و خوشحالی و خوشبختی و آرامش فقط با برقرار بودن هارمونی بین انسان و طبیعت بدست می آید .

اندونزی به خاطر رقص و تئاتر منحصر به فرد خود نیز بسیار مشهور می باشد . در بالی تئاتر نقش اساسی را در فرهنگ این منطقه ایفا می نماید : نمایشها با لباسهای براق ، جواهرات زیبا و پر زرق و برق و گریم عجیب غالبا دارای سوژه اصلی سپاس و ستایش از خداوند میباشند . در حال حاضر بعضی از این تئاترها فقط در معابد به نمایش گذارده می شوند در حالیکه بقیه آنها را همه مردم میتوانند ببینند و لذت ببرند .

تئاتر سایه یا " وایانگ " در اصل توسط اندونزی به دنیا معرفی شده است در جزیره جاوا داستانهای حماسی با تم فلسفی از طریق نمایش خیمه شب بازی با عروسکهای چوبی یا نمایش سایه ها از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته اند . از رقصهای معروف درباری یوجیا و سولو معروفترین آن " بدویوکتاوانگ " می باشد که هر ساله برگزار می گردد . رقصهای جزیره بالی بسیار پر تحرك و شاد هستند در حالیکه رقصهای محلی ویژه جاوا بسیار آرام می باشند .

در دیگر جزایر سوماترا ، کالیمانتان ، ملوك و ایریان جاوا رقصهای گروهی دارای نقش اجتماعی ویژه ای می باشند از آنجا که خود شرایط آشنایی و ملاقات دختران و پسران جوان دهکده را با یکدیگر فراهم می نمایند . رقصهای سامان در منطقه اچه تاثیر گرفته از فرهنگ مسلمانان خود شاهکاری از هماهنگی اعضاء محسوب می گردد . هر کدام از این رقصها در نوع خود بی نظیر و عالی می باشند .

● خانه ها و بناهای سنتی

هنگام مسافرت در اندونزی نه تنها مناظر بلکه فرم و شکل خانه ها از محل به محل دیگر تغییر میکند . در سوماترای شمالی خانه ها با سقفهای کاهگلی با شیی سر بالا به طرف آسمان بر روی کنده های محکم چوب درست شده اند . در سوماترای غربی این خانه ها با داشتن نقشها و طرحهای رنگی و سقفهایی به شکل شاخ بوفالو قشنگ تر شده اند . در جزیره جاوا ، ایوانهای رو باز باعث گردش هوای خنك عصر گاهی می گردد . در جزیره بالی خانه ها در درون مجتمع و معابد مزین به کنده کاریهای گوناگون در اشکال مختلف ساخته می شوند . در سولاواسی ، مردم توراجان خانه هایشان را به شکل کشتی با سقفهای نوك تیز می سازند .

ساختمانها و بناهای تاریخی حکایت از سرگذشت پادشاهانی دارد که روزگاری بر این جزایر حکومت می کردند . معابد کوچك هندو در فلات دی انگ واقع در جاوای مرکزی از قدیمی ترین آثار تاریخی هندو که متعلق به قرن هفتم می باشند محسوب می گردند . در اطراف یوجیاکارتا و سوراکارتا که معروف به نام سولو می باشند نیز صدها معبد به چشم می خورند . زیبا ترین و چشمگیرترین این معابد معبد بودای " بوروبودور " است که بر روی تپه ای با چشم اندازی به سمت دره های سرسبز واقع شده است و دیگری معبد زیبای هندو به نام "پربانان " است که نشان دهنده و بیانگر تمدن غنی و پیشرفته زمان خود یعنی اوایل قرن دوم میلادی می باشند . در جاوای شرقی بقایای شهرك " ماجا پاهیت " و معبد " تروولان " نزدیك به شهر " موجوکرتو " و معابد زیبایی هندو در " سینگوساری " به چشم می خورند . در بالی نیز محله " گئوگاجا " حکایت از وجود تمدن هندو قدیم متعلق به زمان حکومت پادشاه " ایرلانگا " میکند . گسترش اسلام از قرن دوازدهم به بعد را در جاوای شمالی می توان در معماری سبك خاورمیانه مساجد در گستره ساحل و همچنین در جاوا در مساجد " دماك " و " کودوس " با سقفهای کاشی شده قرمز رنگ و مناره های آن مشاهده نمود . " مسجد اعظم " در باندا و " مسجد استقلال " در جاکارتا از زیباترین مساجد این کشور محسوب می گردند .

درهای کاخهای سلطان یوجیاکارتا " سونان " (حاکم) سولو و کاخهای مانکونگاران در سولو و هنچنین کاخهای " چیربون " بر روی ملاقات کنندگان که علاقمند به مشاهده سبك زندگی اریستوکراسی قدیم هستند گشوده می باشد .

● دوران استعمار و استقلال

زمانی که هلندیها وارد این جزایر شدند کلیسا ، ساختمانهای شهرداری و قصر و باروهای زیادی را به سبك معماری قرن هجدهم و نوزدهم ساختند که آثاری از آنها را می توان در شهرهای بزرگی مانند جاکارتا ، سمارانگ ، سورابایا ، یوجونگ پاندانگو شهرهای باندونگ ، مالانگ مشاهده نمود . شهر باندونگ برای آثار هنری معماری و دکوراسیون به کار رفته در هتلها و ساختمانهای خود معروف می باشد . " گدونك مردکا " که در زمان استعمار هلند به نام " کونکورد یا سوسیته " معروف بود محل برگزاری اولین کنفرانس آسیا – آفریقا در سال ۱۹۵۵ بود که سیاستمداران بزرگی مانند " چ ، ان لی " جمال عبدالناصر " نهرو " " ایندراگاندی " و " سوکارنو " را به دور هم گرد آورد و باعث پیدایش روحیه باندونگ و جنبش عدم تعهد در کشورهای جهان سوم گردید .

باروها و قصرهای قرن هجدهم هلندیها هنوز در اوجومگ پاندانگ واقع در سولاواسی و درامبون در جزایر ملوك و همچنین بنگکولو در واقع در سوماترا به چشم می خورند . با آغاز استقلال در ۱۷ اوت ۱۹۴۵ اندونزی جدید بناهای مدرن زیادی را ساخت که می توان آنها را در پارکها و میدانهای جاکارتا مشاهده نمود .

منبع : سایر منابع

http://vista.ir/?view=article&id=226714

vista.ir
Online Classified Service

بزرگترین ابوالهول جهان، کنار «هرم کبیر» در فلات دره ی جیزه قرار گرفته است. این پیکره که تقریباً در شش مایلی غرب قاهره واقع است، بزرگترین مجسمه ی یک تکه در جهان است که از بستر سنگی فلات تراشیده شده است. ابوالهول کبیر یک معماست.

با اینکه نظریه های زیادی در مورد خاستگاه و هدف ساخته شدن آن ذکر شده، اما هنوز هیچکس به طور قطع نمی داند که چه زمانی ساخته شده و نشان چیست.

ابوالهول، به سمت شرق رو به طلوع آفتاب و در نزدیکی مدار سی ام ساخته شده است. این مجسمه ظاهراً قدیمی ترین بنا در فلات جیزه است، چراکه در گودال بزرگی که ابوالهول در آن قرار گرفته آثار بسیار قدیمی ازفرسایش ناشی از آب، یافت شده است. ابوالهول دارای معبدی شبیه معابد خورشیدی است که بعدها شاهان سلسله ی پنجم ساختند. هیچ کتیبه ای نه داخل و نه بیرون ابوالهول برای مشخص کردن سازنده ی آن وجود ندارد.

نام ابوالهول یا Sphinx از واژه ی یونانی Sphingo به معنی خفه کردن ویا Sphingen به معنی سفت بستن مشتق شده که بر اساس عادت ابوالهول افسانه ای یونان به خفه کردن قربانیان خود شکل گرفته است. سایر ابوالهول های مصری وعربی هم در نتیجه شباهت فیزیکی به ابوالهول افسانه ای یونان به این نام خوانده شده اند، هرچند که ساخت ابوالهول کبیر به طور قطع به قبل از پیدایش این افسانه ی یونانی بر می گردد. با اینکه نمی دانیم مصریان باستان ابوالهول را از ابتدا چه می نامیدند، اما می دانیم که در۱۵۰۰ سال پیش از میلاد، آن را «هورـ اِم ـ آخت» (Hor-em-akht)، به معنی هوروس(۱) در افق، Bw-How به معنی مکان هوروس، و همچنین Ra-Horakhty به معنای رعد و افق(خورشید دو افق) می نامیدند....

۱) Horus خدای آسمان که دو چشمش ماه و خورشید بود و اغلب به صورت انسانی با سر شاهین به تصویر کشیده می شد.

منبع : ماهنامه سفر

http://vista.ir/?view=article&id=76484

vista.ir
Online Classified Service

مقبره پیر باکران در اصفهان

مقبره پیر باکران به همراه سرسرا و حیاطش به قرن هشتم هجری شمسی برمی گردد و آنرا در زمان پادشاهی مغول خان الجاتو احداث کرده اند. این ساختار پیچیده دو تاریخ را در بردارد که یکی ۷۰۳ و دیگری۷۱۲ هجری شمسی می باشد و دارای تزیینات گچی و کتیبه های کاشی کاری شده به خط ثلث وکوفی و مجموعه ای از کتیبه های گچی می باشد که به عضمت و جلال این بنای تاریخی افزوده است. این آرامگاه متعلق به مرد پرهیزگار و دینداری در قرن هشتم بنام محمد ایبان باکران می باشد . این بنا

شامل یک سرسرا , حیاط , ایوان و خود مقبره است. نام سازنده و تزیینگرداخلی این ساختمان با شکوه که در کتیبه ذکر شده است محمد نقاش می باشد و اثر وی در بین شاهکارهای هنرهای تزیینی ایران درجه بندی شده است.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94320

vista.ir
Online Classified Service

مقصدتان کجاست؟

بیشتر اوقات وقتی برنامه سفر را می‌چینیم می‌دانیم که کجا می‌خواهیم برویم. اما شاید هم جای خاصی مد نظرمان نباشد و آن وقت در صدد انتخاب یک مقصد بر می‌آئیم. اولین چیزی که باید به آن فکر کرد مقدار پولی است که می‌توانیم هزنیه بکنیم. بله باید حساب پول‌هایمان را داشته باشیم تا بدانیم چه‌قدر می‌توانیم خرج کنیم. از این‌جا به بعد دیگر کاری ندارد. شاید دلتان می‌خواهد به یک مکان خاص سفر کنید یا به مناطق گرمسیری و یا ساحل دریا و یا شاید هم می‌خواهید به جرگه اسکی‌بازها بپیوندید. جاهای خوش آب و رنگ و باب میل خانواده زیاد پیدا می‌شود. دنیا به اندازه کافی بزرگ است.

تنها آژانس‌های مسافرتی و یا کتابخانه‌ها نیستند که اطلاعات لازم در اختیارتان قرار می‌دهند، شما می‌توانید همان‌طور که در خانه‌تان نشسته‌اید اطلاعات فراوانی تهیه کنید. فقط باید کمی زحمت جستجو در وب‌سایت‌ها را به خود بدهید و هرچه‌قدر دلتان بخواهد در آن مقصد پیدا می‌شود. حالا دوباره برمی‌گردیم سر جای اولمان. همان‌طور که چشممان به مقصدهای مختلف می‌افتد و آرزوهای بلند خود را تحقق یافته می‌بینیم یادمان باشد که با انتخاب هرکدام از این‌ها یک‌سری هزینه‌ها را هم باید کنار بگذاریم. اجاره هتل‌ها، کرایه رفت و آمدها، اجاره ماشین‌ها، قیمت غذاها، نوشیدنی‌ها و همه پول خرج کردن‌ها را باید حساب کنیم. می‌توانید همه این اطلاعات را در مورد مقصد مورد نظرتان به‌دست بیاوردی. بیشتر از همه باید حساب هزینه‌هائی را داشته باشید که برای دیدن جذابیت‌ها و اجارهٔ امکانات آن‌جا لازم دارید. مقدار بودجه‌ای که دارید می‌توانید مقصد مورد نظرتان را انتخاب کنید. البته همواره خطراتی هست که مسافران را تهدید می‌کند به ویژه اگر به قدر کافی با محیط آشنائی نداشته باشند. در این‌جا نکاتی را به شما یادآور می‌شویم که می‌توانید با توجه به آنها سفر بی‌خطری را آغاز کنید:

ـ بیشتر در مورد سفر خود بدانید

این نکته بسیار مهم است که افرادی که قصد سفر به یک شهر یا کشوری را دارند باید با آداب مکان‌های توریستی و دیدنی و خلق‌وخوی آدم‌ها آنجا آشنا شوند.

ـ هرگز به تنهائی سفر نکنید

البته لحظاتی وجود دارد که آدم احساس می‌کند می‌خواهد تنها باشد، استراحت کند و از هراس و هیاهوی شهری فاصله بگیرد. اما به خاطر وجود خطرات قریب‌الوقوع بهتر است همواره همسفری برای خود انتخاب کنید.

ـ برنامه‌ریزی

برای سفر کردن داشتن برنامه‌ریزی قبلی بسیار مهم است. زیرا به افراد این امکان را می‌دهد تا برنامه‌های خود را به ترتیب اولویت پیاده کنند. علاوه‌بر این با برنامه‌ریزی قبلی می‌شود از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری کرد.

ـ همواره برای موارد اورژانسی آماده باشید

این مسئله الزاماً به این معنی نیست که افراد اساساً با بدبینی به برنامه‌ریزی در مورد سفر خود بپردازند. بلکه باید موارد اورژانسی احتمالی را در نظر گرفت و برای آنها آماده بود. همان‌طور که همه‌مان شنیده‌ایم پیشگیری بهتر از درمان است.

ـ نسبت به رزرو هتل اطلاعاتی داشته باشید

بهتر است هتلی را انتخاب کنید که به پیشرفته‌ترین تجهیزات امنیتی مجهز باشد. در این صورت اطمینان پیدا می‌کنید که زمانی که در اطاقتان تنها هستید در محلی امن به‌سر می‌برید.

ـ اقامت در سوئیت

سوئیت‌ها مکان‌های کرایه‌ای مناسبی برای سکونت هستند که اغلب در اطراف مراکز تفریحی و تاریخی قرار دارند. تجربه استفاده از چنین مکانی یک جور سرگرمی است.

قیمت‌ها را از طریق اینترنت می‌توانید هزینه هواپیما، هتل و کرایه اتومبیل‌ها را چک کنید و نیازهای سفر خود را برآورده نمائید. این کار به پس‌انداز شما کمک می‌کند. وقتی بیرون از خانه یا هتل می‌روید پول‌هایتان را در دسترس نگذارید.

پول‌هائی را که پس‌انداز کرده‌اید تا رویای سفر خود را به تحقق برسانید همین‌طور در دسترس نگذارید به‌خصوص وقتی کسی در خانه نیست. قبل از آغاز سفر هم تمام وسائل گرمازا و سرمازا را کنترل کنید. ترموستات وسائل گرمازا در زمستان باید کم و وسائل سرمازا در تابستان زیاد باشد تا اتاق‌ها نه خیلی سرد و نه خیلی گرم شوند. آبگرمکن و یخچال را در صورتی‌که مسافرت چند هفته‌ای یا چند ماه در پیش دارید خاموش کنید. از همسایه خود بخواهید تا در طول این مدت حواسش به خانه شما هم باشد و همه چیز را کنترل کند.

ـ یک کارت اعتباری تهیه کنید

اگر سفر شما در پایان سال است تقاضای یک کارت اعتباری بدهید که بتوانید از امتیازات مربوط به سفر آن استفاده کنید که بیشتر شامل هزینه‌های هوائی و هتل‌ها می‌شود. از این کارت برای خریدهای روزانه مثل خواربار، مواد داروئی و خریدهای جزئی هم می‌توانید استفاده کنید. باور داشته باشید یا نه این کار ۵ تا ۷ درصد به نفع شماست. از کارت خود برای خریدهای بزرگ مثل هزینه‌های هوائی، هزنیه‌های هتل و اجاره اتومبیل استفاده کنید. خرید اقلام بزرگ‌تر را هم با کارت اعتباری انجام دهید.

منبع : ماهنامه اقتصاد خانواده

http://vista.ir/?view=article&id=323463

vista.ir
Online Classified Service

مکانهای دیدنی آذرشهر

الف) چشمه چهارسو: این چشمه در محله ستوباد آذرشهر، در میدان کوچکی که محل تقاطع چهار کوی باریک است، قراردارد.
طاقی مثمن با هشت ستون چوبی بر روی چشمه سایه افکنده و ستونها سرستونی به شیوه صفوی دارند. ظاهراً طرح این طاق و سنگ چین چشمه مانند چشمه های جلوی مساجد بزرگ استانبول ترکیه است که در سال های اخیر از سوی اداره میراث فرهنگی جهت بهسازی تخریب و مدتها است به صورت نیمه تمام رها شده است.

ب) گورستان پیرحیران:

این گورستان به نام خواجه یوسف دهخوارقانی ملقب به پیرحیران یا باباحیران معروف شده است در وسط آن اطاق کوچکی وجود دارد که قبر خواجه یوسف در آن قرار دارد این مقبره در سال ۱۱۵۱ هجری قمری توسط حکم بیگ بن زکریا بیگ تعمیر شد. تاریخ وفات پیرحیران ظاهراً محرم سال ۶۷۰ هجری قمری بوده است. تنها آثار باقیمانده فعلاً قبر مذکور بوده و سنگ های حکاکی گورستان توسط افراد سودجو به محل های دیگر حمل و گورستان کلاً تخریب و به محل بازار هفتگی تبدیل شده است.

ج) مسجد چهارسو ستوباد:

در نزدیکی چشمه چهارسو واقع شده است دارای ۱۸ ستون چوبی با سرستون های چوبی است که تقلیدی از سرستون های دوره صفویه است بنای نخستین مسجد فروریخته و چندبار تعمیر و تجدید بنا یافته، سرانجام به صورت کنونی در آمده است.

د) مسجد رومیان

مسجد رومیان سقفی چوبی دارد و مدخل سر در آن فاقد طاق و کتیبه ای است فقط دو پایه سنگی خوشتراش مارپیچی به شیوه صفوی از بنای سابق آن بجا مانده که آنها را در دو طرف در ورودی مسجد کار گذاشته اند در زیر مسجد چشمه ای جریان دارد که در سال های اخیر مسجد تجدید بنا گردیده و به مدل امروزی ساخته شده است.

هـ) مسجد محراب:

در محله محراب واقع شده و به همین جهت به مسجد محراب معروف گردیده است طاق مرمرین درب ورودی آن از شاهکارهای هنر حجاری به شمار می رود، در پیشانی آن کتیبه ای با خط ثلث درشت عبارت در قال (الله سبحانه و تعالی و تقدس) و در متن کتیبه با خط جلی آیه شریفه ای در (سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین) و در گوشه پایین رقم (کتبه عبدالله) و در زیر حاشیه کتیبه با خط ثلث ریز و خفی عبارت (عمل اسناد ملک علی بن استاد حسن علی حجار چوپانی) به طور برجسته کنده شده است. متن کتیبه و حواشی آن و سایر قسمت های طاق مرمرین همه با ختایی و شاه عباس و اسلیمی گلدار و ماری و اژدر دهنی برجسته زینت یافته است، با اینکه سقف مسجد بارها فرو ریخته و تعمیر شده، ولی طاق مرمرین درب ورودی از حوادث مکرر به سلامت جسته است.

و) آثار بادامیار:

بادامیار یا قدمگاه، روستای در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی آذرشهر است گورستان تاریخی بادامیار بر روی پشته ای قرار دارد و سنگ نبشته ها و حجاری ها و مجسمه های متنوعی در آن به چشم می خورد، سنگ نبشته ها و الواح قبور به خط کوفی و ثلث نو است، خطوط کوفی اغلب شیوه ای نزدیک به تعلیق دارند و بهترین نمونه آنها نوشته های سنگ قبر خواجه علی و پیرچوپان است، اما سنگ نبشته های ثلث تقریباً همه یکنواخت و یک دست است و نشان می دهند که در روزگاری کنده شده اند که مذهب جعفری در آذربایجان رسمیت و عمومیت یافته و محبت خاندان نبوت در دلها جا گرفته و نام ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین، زینت بخش کتیبه های قبور بزرگان علم عرفان شده است.

ز) آثار تورامین:

روستای متروک تورامین در چهل کیلومتری تبریز، بین شهرهای ایلخچی و ممقان واقع شده است طاق سنگی سر در مسجد در کنار استخری در ساحل شمالی رودخانه تورامین افتاده است در قسمت بالای این طاق سنگی آیه شریفه (و ان المساجد لله فلاتدعو مع الله احداً) با خط ثلث

درشت و در پایین آن عبارت (امر به عمارت هذا المسجد المبارک الخواجه ملک بن عبدالله سندی ۹۲۰) و در دست چپ کتیبه در الفقر گیچی بیگ بن غیاث الدین با همان خط و شیوه و کمی ظریفتر بطور برجسته کنده شده است، نوع سنگ کبود و محکم است، از سنگ چین پایه‌های مسجد نیز در چند نقطه نمونه ای به جای مانده است و الان آثار فوق به صورت متروکه می باشد.

ح) اولیای قاضی جهان:

روستای قاضی جهان از توابع گوگان در چهار کیلومتری شمال غربی آذرشهر قرار گرفته است بقعه ای گنبدواری در جنب مدرسه فجر و رضوان فعلی قرار دارد. دیوارهای بقعه سنگی و گنبد آن آجری است، کف بقعه هفت پله پایین تر از سطح تپه است و در داخل آن گوری وجود دارد که روی آن با کاشی های سبز رنگ ساده شش ضلعی پوشانده شده است، نام صاحب آن معلوم نیست ولی مردم می گویند این اولیا به معنی پیر و عارف و پارسا است شب های جمعه مردم روستا در آن گرد آمده و شمع روشن می کنند و شایع است که هر شب جمعه از قبر اولیا نور سبز رنگی ساطع می شود.

ط) پیر جابر ممقان:

قبر پیر جابر در ممقان واقع است این قبر سنگ نبشته و کتیبه ای ندارد فقط سرلوح قبر بر رویه ای درونی دیوار غربی زاویه، و چهار قطعه سنگ کم عرض که مجموعاً قسمتی از کتیبه دیوارهای یک قبر قدیمی را تشکیل می دهند به کره بیرونی دیوارهای غربی و جنوبی زاویه نصب گردیده است دو قطعه از سنگ نبشته ها تاریخ ۱۱۳۵ هجری قمری دارد.

ی) تپه باستانی شیرامین:

تپه باستانی در روستای شیرامین قرار دارد که در هفده کیلومتری جنوب غربی آذرشهر واقع شده است چند قطعه سنگ نیمه صیقل شده که تصور می رود از وسایل دفاعی مردم قدیم این ناحیه بوده، در آنجا بدست آمده است.

ک) تپه پیر قطران:

سه تپه ساحل جنوبی رودخانه آذرشهر پشت سر هم قرار گرفته اند که به تپه های آتشکده یا تپه پیر قطران معروفند سطح بالای تپه از سنگ های آتش نشانی قیرگون درشت که در طول سده ها در مسیر رودخانه ها سائیده شده اند پوشیده شده است، در چند جای تپه حفاری به عمل آمده و قطعات بزرگ خمره های سفالی بدست آمده است، ظاهراً این تپه روزگاری معبد یا گورستانی بوده است و سنگها را مردم آن زمان در آنجا گرد آورده اند.

ل) تپه مصلی:

در انتهای خیابان امام آذرشهر در ساحل شمالی رودخانه دهخوارقان واقع است که مردم محل آن را (یوواداغی) یا (دوواداغی) و خواص (مصلی داغی) می نامند. بالای تپه پوشیده از الواح و سنگ نبشته های قبور است و درمیان آن نه تنها کتیبه های تاریخ، بلکه سنگ نبشته ها و قطعه سنگ های مفقود و منقش فراوانی نیز به چشم می خورد که اغلب به سده های ۷ و ۸ هجری قمری است در وسط این گورستان، مصلی یا نمازگاه بزرگی به طول و عرض متجاوز از یکصد متر تعبیه شده است که سطح آن حدود یک متر از کف گورستان بلندتر است، محراب آن سنگ و آجر بنا گردیده است سنگها مربوط به قبور دوران های پیشین است فقط طاق سنگی منقوش وسط محراب سنگ قبر مرمرین به طول عمودی به دیوار نصب شده که در روی آن چند بیت فارسی و دو آیه قرآن مجید و چند عبارت عربی به خط ثلث دل انگیز بطور برجسته کنده شده و چند ترنج و اسلیمی خوش طرح بر زیبایی آن افزوده است ظاهراً حجاری سنگ در سده‌های ۸ و ۹ هجری قمری صورت گرفته است.

م) قبرهای تاریخی و بزرگ روستای ینگجه از توابع آذرشهر دارای قطعه سنگ های بزرگی است که حجاری آنها اعجاب انگیز است، هنگام تبدیل این گورستان به دبستان، اغلب سنگهای حجاری شده و کتیبه ها و مجسمه های سنگی آن را خرد کرده در پای دیوار مدرسه بکار برده اند و فقط سه قطعه بزرگ با حجاری زیبا سالم مانده است که در حال حاضر در پای دیوار مدرسه افتاده است و دو سه نوشته هایی به خط کوفی تزئینی و ثلث دارند.

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=96043

vista.ir
Online Classified Service

منار جنبان

▪ موقعیت: خیابان آتشگاه

▪ سال تاسیس: قرن ۸ هجری

یک بقعه و دو مناره بر روی قبر عمو عبدالله از زهاد و صلحای قرن هشتم هجری بنا شده است.

• ویژگی خاص :

ایوان از نمونه بناهای سبک مغول ایران است اما مناره ها در اواخر دوره صفویه به ایوان افزوده شده و با حرکت دادن یکی از آنها هم مناره دیگر و هم تمام ساختمان به حرکت در می آید.

در سر راه اصفهان به نجف آباد قریه ای است که آن را کارلادان می گویند. امروز این روستا جزئی از شهر اصفهان به شمار می رود. در این قریه بنائی وجود دارد که مزار یکی از صلحا و زهّاد مشهور قرن هشتم هجری به نام عمو عبدالله کارلادانی است.

تاریخی که بر فراز سنگ عمو عبدالله نوشته شده و سال ۷۱۶ هجری را نشان می دهد مبین این نکته است که این عارف بزرگ در زمان سلطان (محمد خدابنده) ایلخان مسلمان می زیسته است ایوان منارجنبان یکی از آثار تک ایوانی دوران ایلخانی است اما برخی از محققین عقیده دارند که مناره ها بعداً به ایوان مزبور افزوده شده است.

نکته ای که باعث شهرت منارجنبان شده و هر مسافری را برای بازدید از آن ترغیب می کند این است که حرکت دادن یک مناره نه تنها مناره دیگر را به حرکت در می آورد بلکه تمامی ساختمان مرتعش می شود.

بسیاری از معماران و مهندسان درباره جنبش مناره ها به اظهار نظر فنی و مهندسی پرداخته اند اما برخی نیز می گویند هیچ دلیل منطقی برای تحرک مناره ها ارائه نشده است. جهانگردانی که به نقاط مختلف دنیا سفر کرده اند در مشاهدات خود مناره هائی را معرفی کرده اند که در نقاط دیگر جهان همین خصوصیت را داشته اند.

اما قدر مسلم اینکه منارجنبان اصفهان وجه تمایزی با سایر مناره های متحرک دارد و آن این است که گذشته از حرکت مناره ها سایر قسمت های بنا نیز حرکت می کند. ارتفاع ایوان مقبره عمو عبدالله از سطح زمین بقعه ۱۰ متر و ارتفاع هریک از دو مناره ۵/۷متر است.

در این ایوان مزار عمو عبدالله قرار دارد و راه صعود به بام و مناره ها نیز به وسیله درگاه کوچکی است که با پلکانی مارپیچ به بام مربوط می شود.

http://vista.ir/?view=article&id=107345

vista.ir
Online Classified Service

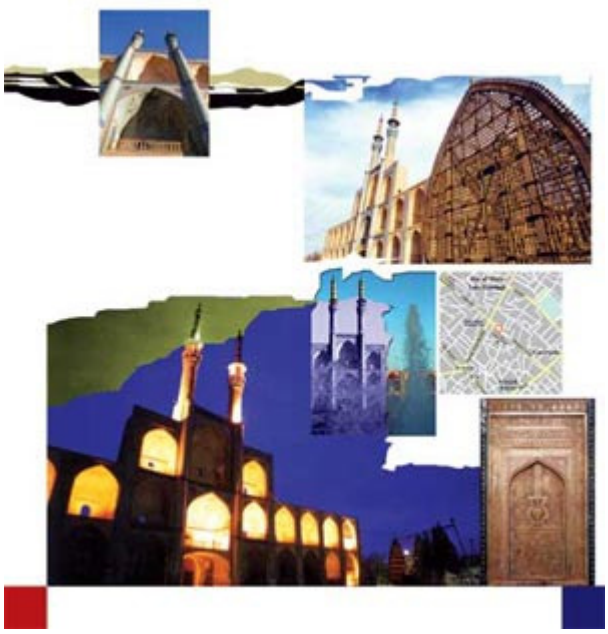

● آذربایجان شرقی

▪ مناطق تاریخی:

آلچاق مسجد- ایل گلی- برج ساعت- سنگ بسم‌اله- قلعه بابک- محراب مسجد جامع مرند- مسجد جامع تبریز (یاعلی)- مسجد حجت‌الاسلام- مسجد خاله اوغلی- مسجد خونی- مسجد سنگی ترک- مسجد سیدحمزه- مسجد شهیدی (قاریچی)- مسجد شیرلو- مسجد قدمگاه- مسجد کبود- مسجد مقبره- مسجد مهرآباد- مقبره مادر هلاکوخان

▪ مناطق گردشگری:

آبشار آسیاب خرابه- بندر شرفخانه- جزیره اشک- دامنه‌های سهند- روستای کندوان- کوه قلعه بابک- کوه‌های اطراف تبریز- معبد مریم

● آذربایجان غربی

مناطق تاریخی:

تخت سلیمان- عمارت باغچه جوق- قره کلیسا- کاخ باغچه جوق- کلیسای سنت استپانوس

مناطق گردشگری:

آبشار شالماش- اشنویه- دریاچه ارمیه- دریاچه تخت سلیمان- سه تخته سنگ- طبیعت زیبای ماکو- غار کرفتو- کاظم دشتی- کوه آرارات- کوه زیوه- مشت عثمان- منطقه زندان تکاب

اردبیل

مناطق تاریخی:

آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی- بقعه شیخ جبرئیل- گنبدالله‌الله- موزه چینی خانه

مناطق گردشگری:

آبشار منطقه سبلان- تالاب استیل- جنگل‌های ارسباران- جنگل‌های خلخال- چشمه‌های آب گرم سرعین- چشمه سردابه- دامنه‌های سبلان- دریاچه شورابیل- دریاچه قله سبلان- دریاچه نور- دشت مغان- کوه‌های اسالم

ایلام

مناطق تاریخی:

پل هخامنشی

مناطق گردشگری:

دره شهر- بهرام چوبین- زاگرس- طبیعت زیبای ایلام- طبیعت زیبای مهران

اصفهان

مناطق تاریخی:

امامزاده ابراهیم- بازار قیصریه اصفهان- باغ فین- پل خواجو- چهل ستون- خانه چرمی - خانه طباطبایی- سرای بخشی (بازار)- سرای مخلص (بازار)- سی و سه پل- عالی قاپو- کاروانسرای عباسی- کلیسای جلفا- کلیسای وانک- محراب الایتو- مدرسه چهارباغ- مدرسه علمیه آقا- مسجد امام- مسجد جامع- مسجد حاجت‌گاه- مسجد شیخ لطف‌الله- مسجد میرعماد- مسجد یارزاله- مقبره خواجه نظام‌الملک- مناره جنبان- میدان نقش جهان

مناطق گردشگری:

باتلاق گاوخونی- تپه‌های سیلک- دامنه کوه‌های کرکس- دریاچه کاشفی- زاینده‌رود- روستای ابیانه- نطنز- غار دلیان- کوهستان دنا- کویر مرناب- منطقه حفاظت شده اصفهان

● بوشهر

▪ مناطق تاریخی:

قبرسان قدیمی- گور دختر- مسجد شیخ سعدون

▪ مناطق گردشگری:

دودکش جن- سواحل بوشهر- سواحل خلیج فارس- طبیعت زیبای ناریان - غار چهل‌خانه- کوه سیاه- منطقه حفاظت شده دشتستان- کوهستان کنگان- نخلستان- خلیج فارس

● تهران

▪ مناطق تاریخی:

امامزاده سیداسماعیل- امرکبری و امرصغری- اهل‌بن‌علی- حسن- داوود- زید- سیدناصرالدین- سیدولی صالح- عبداله و عبیداله- قاسم- محمد گنه میر- یحیی- باغ فردوس- برج آزادی- برج شیلی- برج طغرل- برج علاالدوله- بقعه بی‌بی شهربانو- بقعه سیداسماعیل- کاخ گلستان- تپه میل- چشمه علی- حرم حضرت شاه‌عبدالعظیم- حرم حضرت امام خمینی (ره)- حسینیه ارشاد- خلوت کریم‌خانی- دروازه تهران- دیرگلچینی- ساختمان شمس‌العماره- سردر باغ ملی- کاخ موزه ملت- کاخ احمد شاهی- کاخ سرخه‌حصار- کاخ شهرستانک- کاخ مرمر- کاخ مظفری اوشان- کاروانسرای شاه عباسی کرج- کاروانسرای فتحعلی شاهی- کلیسای سرکیس- کلیسای طاطاوس مقدس- کلیسای مریم مقدس- مدرسه دارالفنون- مسجد امام خمینی- مسجد جامع تهران- مسجد عتیق- مسجد جامع ورامینی- مسجد جامع رجبعلی- مسجد سیدعزیزاله- مسجد شهید مطهری- مسجد شیخ عبدالحسین- مسجد و مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)- مسجد و مدرسه معیرالممالک- مسجد همت- مصلای بزرگ تهران- منزل قوام‌الدوله- منزل قوام السلطنه (منزل آبگینه)- منزل مرحوم آیت‌اله طالقانی- موزه ایران باستان- موزه ملی ایران- نقش برجسته تنگ‌واشی

▪ مناطق گردشگری:

آبشار سنگان- باغهای حاشیه رود کرج- برکه حاشیه دماوند- پناهگاه سرکچال- تنگ واشی- حیات وحش- خط‌الرأس دارآباد به توچال- خلنو- دامنه‌های البرز و آزاد کوه و دماوند- درکه- دربند- دره یخار- دشت شقایق- دماوند- غاراسک- غار بورنیک- فشم- کلک چال- کوه‌های شمیران- ولیان کرج

● چهار محال و بختیاری

▪ مناطق تاریخی:

کتیبه‌های مشروطیت- مسجد اتابکان- مسجد جامع شهرکرد- مسجد جامع نقنه- مسجد حاج‌شیخ علی- منزل آزاده- منزل ستوده- امامزاده حمزبن علی- امامزاده دو معصوم- امامزاده شهسوار- امامزاده عبدالله- بردگوری‌ها- بقعه امامزادگان حلیمه و حکیمه‌خاتون- پل زمان‌خان- پل هوره- جاده ذرپارت- سقاخانه- ارباب میرزا- عصار خانه- قلعه جونقان- قلعه دزک- قلعه سردار اسعد- قلعه سورک

▪ مناطق گردشگری:

آبشار آتشگاه- آبشار دره عشق- آبشار کوهرنگ- آبشار لردگان- اردل- بازفت- پل زمان‌خان- تالاب چغاخور- تالاب گندمان- تونل کوهرنگ- چشمه برم- چشمه پیرغار- چلگرد- دریاچه سولون- دریاچه لردگان- رود کارون- رود لردگان- رودخانه کارون- زاینده‌رود- زردکوه- سرچشمه کارون- طبیعت زیبای چهارمحال- طبیعت زیبای شهرکرد- طبیعت زیبای لردگان- گل اشک- لردگان- منطقه حفاظت شده تنگ صیاد- منطقه شهریاری- نوغان

● خراسان

▪ مناطق تاریخی:

آرامگاه خیام- آرامگاه عطار- آرامگاه فردوسی- آرامگاه کمال‌الملک- آسیاب‌های خرگرد- امامزاده زین‌العابدین- امامزاده محروق- بنای نادری- حرم حضرت امام رضا (ع)- خانقاه شیخ احمد جامی- گنبد و گلدسته مسجد گوهرشاد- مقبره نادرشاه افشار- هارونیه- مدرسه غیاثیه- مسجد جامع سبزوار

▪ مناطق گردشگری:

باغ طبس- بند طرق- پارک ملی تند روره - جنگل‌های کشف رود- رباط شرف- رودخانه قره شو- رودخانه اترک- روستای دیهوک- طبس- طبیعت اطراف مشهد- طبیعت زیبای خراسان- طبیعت زیبای نیشابور- فردوس- فریمان- کشف رود- کوه سنگی- کوه‌های آلاداغ- کوه‌های بینالود- کوه‌های هزارمسجد- منطقه حفاظت شده در خراسان

● خوزستان

▪ مناطق تاریخی:

آپادانا (کاخ داریوش)- آرامگاه تپتی- آهار آکروپل- بقعه پیر فراش- بقعه میرمحمد- چغازنبیل- شوش- شهر صنعتگران (پیشه‌وران)- شهرشاهی- قربانگاه جغازنبیل- کاخ شائور (کاخ اردشیر)- هفت‌تپه

▪ مناطق گردشگری:

طبیعت زیبای دزفول

● زنجان

▪ مناطق تاریخی:

امامزاده اسماعیل- سلطانیه- مسجد جامع زنان

▪ مناطق گردشگری:

رود قزل‌اوزن- طبیعت زیبای ابهر- طبیعت زیبای منطقه زنان- غار کتله خور

● سمنان

▪ مناطق تاریخی:

آرامگاه پیر علمدار- امامزاده سید جعفر- امامزاده شاه نظر- امامزاده علویان- امامزاده یحیی- برج چهل دختران- برج طغرل- برج کاشانه- چشمه علی- دروازه ارگ- صومعه بایزید بسطامی- غازان خان- کاخ ملاده- کاروانسرای آهوان- کاروانسرای شاه عباسی- مسجد امام (سلطانیه)- مسجد تاریخانه- مسجد جامع بسطام- مسجد جامع سمنان

▪ مناطق گردشگری:

دشت کویر- سنگسر- شاهوار- طبیعت زیبای سمنان- منطقه کودان

● سیستان و بلوچستان

▪ مناطق تاریخی:

درخت انیر معابر- دهانه غلامان- روستای گشت- شهر سوخته- قبرستان هفتادملا- قلعه سب- قلعه سه کوه- قلعه کن- قلعه ناصری (دوست محمد)- قلعه نو- کوچه‌باغ‌های جالق- کوه خواجه- مسجد تیس- مسجد جامع خاش- مقبره سید غلامرسول

▪ مناطق گردشگری:

باغ نهوک- تفتان- درخت انیر معابد- دریاچه قلعه تیمور- دریاچه هامون- رود هیرمند- طبیعت زیبای زابل- طبیعت زیبای سیستان- طبیعت زیبای سیستان و بلوچستان- کوه سه انگشتی- کویر- کویر لوت- گل افشان

● فارس

▪ مناطق تاریخی:

آتش‌دان سنگی- ارگ کریم‌خانی- بازار وکیل- باغ ارم- باغ نف آباد- برج سنگی (معروف به زندان سلیمان)- پاسارگاد- تخت جمشید- حافظیه- حمام وکیل- خانه زینت‌الملک- خدای خانه- دروازه قرآن- ستون نذورات- سعدیه- سیدعلاءالدین- عمارت دیوان‌خانه- غار شاپور- قلعه دختر- قلعه کریم‌خان- کاخ اختصاصی- کاخ اختصاصی کوروش- کاخ بارعام- کاخ دروازه (کاخ انسان بالدار)- کاخ ساسانی- مسجد جامع نیریز- مسجد نصیرالملک- مسجد وکیل- موزه پارس(کلاه فرنگی)- نقش رجب- نقش رستم- نقش ساسانی- تل تخت (تخت مادر سلیمان)- کاخ اردشیر- نارنسان قوام

▪ مناطق گردشگری:

آبشار مارگون- دریاچه مهارلو- دشت ارژن- دنا- رودخانه فهلیان - طبیعت زیبای اردکان- طبیعت زیبای استهبان- طبیعت زیبای سپیدان- طبیعت زیبای شیراز- غار زکریا- کوهپایه‌های دنا- کوهمره سرخی- گل‌های زیبای باغ دلگشا- نخلستان‌های فراشبند

● قزوین

▪ مناطق تاریخی:

آرامگاه حمدالله مستوفی- امامزاده حسین (ع)- برج‌های دوگانه خرقان- بقعه پیر- دروازه درب کوشک- دروازه قدیم تهران- عمارت کلاه فرنگی- قلعه حسن صباح- قلعه شمس کلایه- قلعه شمیران- قلعه لمبسر- مسجد جامع کبیر (عیتق)- مسجد سردار- مسجدالنبی

▪ مناطق گردشگری:

خارود- خشچال- دریاچه اوان- روستا و دریاچه اوان- سفره‌های نمک- شالیزارهای الموت- شالیزارهای برذ- صخره‌های اندج- طبیعت اطراف قزوین- طبیعت زیبای الموت- طبیعت زیبای قزوین- فلار- قسطین لار- قله خشچال- مخازن آب قلعه حسن

- قم

▪ مناطق تاریخی:

امامزاده علی‌بن‌جعفر- امامزاده معصومه- تیمچه بزرگ قم- حرم حضرت معصومه (س)- سرو هادی مهدی- مدرسه فیضیه- مسجد اعظم- مسجد جامع قم- مقبره‌های باغ گنبد سبز

▪ مناطق گردشگری:

دریاچه قم- دریاچه نمک- سرو ۵۰۰ ساله- غار کهک- کویر قم

- کردستان

▪ مناطق تاریخی:

اورامان- عمارت مشیر دیوان- عمارت وکیل الملک- مسجد جامع سنندج- موزه سنندج

▪ مناطق گردشگری:

پارک آبیدر- پل قشلاق- دریاچه زریوار- دریاچه قشلاق دام- رود قزل‌اوزن- رودخانه فرهادآباد- طبیعت زیبای (بانه- کامیاران- مریوان- سقز) غار کرفتو- کوه آربابا- منطقه حفاظت شده کردستان

- کرمان

▪ مناطق تاریخی:

آرامگاه میرزبیر- ارگ بم- بادگیر چپقی- باغ شازده- بقعه شاه نعمت‌اله ولی- حمام گنعلی خان- حمام وکیل- عمارت گنعلی خان- قلعه دختر- قلعه کریم‌خان- گنبد جبلیه- مدرسه ابراهیم‌خان- مسجد امام (ملک)- یخدان مویدی

▪ مناطق گردشگری:

آبشار وروار- پارک جنگلی کرمان- دریاچه جازموریان- طبیعت زیبای جیرفت و ماهان- علم‌شاه- کوچه باغی در ماهان- کویر کرمان

- کرمانشاه

▪ مناطق تاریخی:

آرامگاه احمدابن اسحاق- آرامگاه بابایادگار- بیستون- پل صفوی کوچه- تکیه معاون‌الملک- چارقاپی (آتشکده ساسانیان)- دخمه‌های مادها- طاق بستان- طاق گارا- قبرستان مادها- قلعه کرج- کاروانسرای بیستون و ماهیدشت- کتیبه‌های بیستون- گودین تپه- مسجد هرکولس- مسجد بازار- معبد آناهیتا- مقبره‌های بزرگ دربند

▪ مناطق گردشگری:

باتلاق نیلوفر- پارک کوهستان- دیواره بیستون- غار آوازا- غار قوری قلعه- غار هفت‌درویش- گردنه هوبه- آبشار دربند

- کهکیلویه و بویراحمد

▪ مناطق تاریخی:

بقعه تاریخی

▪ مناطق گردشگری:

سی‌سخت- طبیعت زیبای یاسوج

- گلستان

▪ مناطق تاریخی:

آرامگاه قابوس‌بن وشمگیر- تورنگ تپه

▪ مناطق گردشگری:

آبشار اول شیرآباد- آبشار باران کوه- آبشار کبود وال- آبشار لوه- پارک ملی گلستان- تالاب آق‌قلا- جنگل گلستان- طبیعت گرگان- غار شیرآباد- کردکوی- کوه‌های گاوکشان- گنبد کاووس- مراوه تپه- منطقه حفاظت شده جهان نما- مینودشت

- گیلان
  - مناطق تاریخی:

امامزاده سیدجلال‌الدین اشرف- پل قدیمی لنگرود- قلعه رودخان- مقبره شیخ‌انور- مقبره میرزا کوچک خان

  - مناطق گردشگری:

آبشار لاهیجان- آبشار لونک- اسالم- تالاب انزلی- درفک- دریاچه شیطان کوه- دیلمان- رودبار- رودخانه ماسوله- سفیدرود- غار خرمنه‌سر- فومن- ماسال- ماسوله- مراتع زیبای هشتپر- مرداب انزلی- مزارع چای- هشتپر توالش

- لرستان
  - مناطق تاریخی:

پل شکسته- پل کشکان- پل گاومیشان- قلعه فلک الافلاک- لوح تاریخی- نقاشی دیواره غار

  - مناطق گردشگری:

آبشار افرینه- آبشار بشیه- آبشاری در دورد- اشتران کوه- چشمه بلقیق- دریاچه کیور- دریاچه گهر- رودخانه کشکان- ساحل دریاچه گهر- طبیعت زیبای بابا عباس- طبیعت بروجرد- طبیعت زیبای پل دختر- طبیعت زیبای خرم‌آباد- طبیعت زیبای سیلاخور- طبیعت زیبای کوهدشت- طبیعت زیبای لرستان- منطقه حفاظت شده در لرستان

- مازندران
  - مناطق تاریخی:

امامزاده ابراهیم- خانه منوچهر خان کلبادی- مسجد امام سجاد- مسجد جامع آمل- مقبره میربزرگ- میدان ساعت

  - مناطق گردشگری:

آبشار دو قلو- استخر عباس‌آباد- اشکور- جنگل‌های پارک بنه- چالوس- دره دو هزار- دره سه هزار- دریاچه اسختر پشت- دریاچه ولشت- دشت نساء- سواحل خزر- عباس آباد- علم کوه- علی‌آباد کتول- غار گردکوه- غار گل زرد- فیروزکوه- قله منار- کلاردشت- مزارع چای- هراز

- مرکزی
  - مناطق تاریخی:

امامزاده سهل‌بن علی- بازار نوذری- مدرسه سپهداری

  - مناطق گردشگری:

روستای دو خواهران- غار دو خواهران- کوه شاه‌زند

- هرمزگان
  - مناطق تاریخی:

آب انبار قدیمی- پل لاتیدان- چاه‌های طلا- سربینه حمام خانی شاه شهید- شهر حریره- قلعه پرتقالی‌ها- قلعه نادری- قلعه هرمز- کاروانسرای صفوی- مموعه برکه‌ها- مسجد افغان- مسجد قبا- مسجد گله‌داری- مسجد ملک‌ابن عباس- مسجد هندوها

  - مناطق گردشگری:

آبگیرهای قشم- جنگل دریایی حرا- خلیج فارس- درخت انیر معابر- درختان نخل- ساحل خلیج فارس- غار خربس- قلعه گنو- کوه نمک- کوه‌های قشم- گنو

- همدان
  - مناطق تاریخی:

آرامگاه ابن سینا- آرامگاه باباطاهر- آرامگاه حیقوق نبی- برج قربان- تپه مصلا- حمام میرزا تراب- خانه مسعودی- شیرسنگی- کاروانسرای فرسفه- کتیبه گذنامه- گنبد علویان- مسجد باغدار- مسجد جامع همدان- مقبره استرو مردخای- میدان امام- هگمتانه

  - مناطق گردشگری:

آبشار گذنامه- جنگل عباس‌آباد- دره تویسرکان- رشته کوه گرین- غار سراب- غار سید صادق- غار علی صدر- قله گرین- گوه الوند

- یزد

▪ مناطق تاریخی:

آتشکده زرتشت- آتشکده نارستانه- بادگیرهای یزد- باغ دولت‌آباد- بانک شاهی- تکیه امیر چقماق- حسینیه و مسجد جامع فهرج- خانقاه بندر آباد- خانه لاری‌ها- دخمه زرتشتیان- گنبد عالی- مسجد پنعلی - مسجد جامع خرانق - مسجد جامع کبیر یزد- مسجد ملا اسماعیل

▪ مناطق گردشگری:

اسلامیه- تفت- سرو ابرقو- عقاب کوه- کوه‌های چک چک- کویر- هرات مروست

http://vista.ir/?view=article&id=274295

vista.ir
Online Classified Service

موانع توسعه گردشگری

به نظر می رسد مشکل اصلی عدم توسعه گردشگری به موضوع فرهنگی بر می گردد و آن هم طرز تلقی ما از گردشگر است که درست تبیین نشده و اگر این طرز تلقی را اصلاح نکنیم و موانع ذهنی را از سر راه برنداریم گردشگری توسعه پیدا نخواهد کرد. گروه موافق و مخالف توسعه گردشگری هر دو با موانع ذهنی مواجه هستند و هر دو معتقد هستند که گردشگری ناهنجاری های اجتماعی و ضایعات فرهنگی دارد، گروه نخست می گویند ما باید ناچارا گردشگری را توسعه دهیم و با توجه به اهمیت ارزآوری و اشتغال زایی آن ناهنجاری های فرهنگی را تحمل کنیم ولی گروه دوم می گویند ما هنوز به آن مرحله نرسیده ایم که ناچار شویم از محل گردشگری ارتزاق کنیم.

این موانع ذهنی باعث برخوردهای سخت گیرانه در مبادی ورودی و خروجی و سخت گیری در ارایه ویزا برای ورود گردشگر به کشور شده و نوع نگاه به گردشگر تحقیر کننده گردیده نه تشویق کننده، شاهد آن کاهش سختگیری ها در سال های اخیر و افزایش نسبی گردشگر خارجی می باشد که بدون انجام اقداماتی خاص در جذب گردشگر اتفاق افتاده است این موضوع نشان می دهد که کشور ما به لحاظ سابقه تاریخی قدرت جذب بالقوه ای دارد ولیکن موانع ذهنی را باید حذف نمود تا گردشگری کشور توسعه یابد.

مانع اصلی در نگرش به موضوع گردشگری کشور قرار دارد که چون گردشگری فرهنگی را نمی شناسیم از بدیهیات گردشگری همانند درآمد ارزی و اشتغال صحبت می کنیم نه از ایجاد وحدت و وفاق ملی، امنیت، تقویت بنیه فرهنگی، تنش زدایی و این که هر منطقه ما دارای مزیت های تاریخی، فرهنگی فراوانی است که می تواند در توسعه سهم داشته و نقش ایفا کند، لذا صحبت از گردشگری فرهنگی می شود ولی مفهوم گردشگری فرهنگی روشن نمی شود.

گردشگر فرهنگی به ملاقات فرهنگ ما می آید، اما این ملاقات در کجا اتفاق می افتد؟ هر چند مقصد میراث فرهنگی است ولی از همان بدو ورود ملاقات های فرهنگی روی می دهد در گمرک، در سیستم حمل و نقل (هوایی، دریایی، زمینی)، در هتل ها، رستوران ها، بازارهای خرید، فضاهای تفریحی و فرهنگی تا بازدید از ابنیه تاریخی.

او می آید به ملاقات اقوام ما با فرهنگ های متنوع، می آید به ملاقات اقوام کرد، لر، بلوچ، ترک، ترکمن و ... که این ملاقات ها باعث تقویت فرهنگ های محلی شده و افتخار اقوام مختلف را به همراه دارد، از طرف دیگر گردشگر فرهنگی علت و معلول (امنیت، تقویت بنیه فرهنگی، وفاق ملی، تنش زدایی و ...) است چون حضور گردشگر فرهنگی در کشور باعث تقویت پدیده های فوق شده و عاملی برای تنش زدایی می شود که فراهم شدن این ویژگی ها خود باعث توسعه گردشگری فرهنگی می شود.

در حال حاضر آحاد جامعه شناخت کمی نسبت به امکانات و محدودیت های کشور دارند که این موضوع در اظهار نظر طیف وسیع مسئولین و کارشناسان برای توسعه کشور تاثیر منفی می گذارد با توسعه گردشگری فرهنگی داخلی شناخت آحاد جامعه نسبت به امکانات و محدودیت های کشور افزایش یافته و تفاهم و وفاق ملی تقویت می گردد و سو تفاهم ها نسبت به فرهنگ های محلی از بین می رود. که این وضعیت آثار

مثبتی در توسعه کشور دارد، همچنین وقتی گردشگران خارجی به کشور می آیند تصورات آنها از فضای اجتماعی ایران اصلاح می شود که در موضوع تنش زدایی بسیار موثر و مفید است چون با افزایش درجه امنیت کشور و با اصلاح افکار عمومی جهان نسبت به کشور و موفقیت سیاست تنش زدایی، ضریب ریسک سرمایه گذاری در ایران نیز کاهش یافته و تمایل برای سرمایه گذاری در کشور افزایش می یابد که خود باعث توسعه گردشگری می شود.

بنابراین حتی اگر توسعه گردشگر فرهنگی در ایران نیازمند سرمایه گذاری نباشد لازم است جهت دستیابی به امنیت ملی، وفاق ملی و تنش زدایی، در جاذبه های فرهنگی سرمایه گذاری انجام شود.

در گردشگری فرهنگی هر مکان زیستی با توجه به استعدادها و مزیت های تاریخی، فرهنگی که دارد می تواند نقش اساسی در توسعه ایفا نماید و شناسایی و پژوهش های تاریخی فرهنگی کشور که توسط محققان و دانشمندان انجام می شود سهم عمده ای در بازاریابی گردشگری فرهنگی ایفا می کند و باعث تقویت بنیه فرهنگی می گردد که حضور ایمن کشور در صحنه جهانی را با آسیب کمتری مواجه می کند. بنابراین مساله اصلی در توسعه گردشگری اصلاح نگرش مسئولان، کارشناسان و مردم نسبت به موضوع گردشگری فرهنگی است که در این صورت ضمن رفع موانع پیش گفته دغدغه های افراد فرهیخته ناشی از شکل گیری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را نیز کاهش خواهد داد.

اردشیر اروجی

منبع : خبرگزاری میراث فرهنگی

http://vista.ir/?view=article&id=216033

vista.ir
Online Classified Service

موزه لوور نگین درخشان فرانسه

موزه لوور بزرگ‌ترین موزه پاریس با مساحت ۲۱۰۰۰۰ متر مربع است که ۶۰۰۰۰ متر مربع آن اختصاص به نمایشگاه دارد. این موزه در قلب شهر پاریس بین ساحل راست‌رود سن و خیابان ریوولی در منطقه یک قرار دارد. ساختمان کاخ لوور قدیمی‌ترین کاخ پادشاهی است. تندیس سوارکاری لوئی چهاردهم نقطه شروع محور تاریخی (راه شاهی) را تشکیل می‌دهد، اما این کاخ در ردیف این محور جای نگرفته است. موزه لوور یکی از قدیمی‌ترین موزه‌ها و سومین موزه بزرگ جهان از حیث مساحت است. لوور از زمان پادشاهان کاپسین تا زمان حاضر، دارای یک تاریخ طولانی نگهداری آثار هنری و تاریخی است. موزه جهانی لوور، از حیث ترتیب زمانی، از زمان باستان تا سال ۱۸۴۸ میلادی و از حیث فضای گسترده جغرافیایی، از اروپای غربی تا ایران، یونان، مصر و خاور نزدیک را در خود حفظ کرده است. موزه‌های اورسی و مرکز ژرژ پمپیدو در پاریس، نگهداری هنرهای اروپایی پس از سال ۱۸۴۸م را برعهده دارند (در سال ۱۹۸۶ که موزه ارسی شکل گرفت، بیشتر آثار هنری پس از سال ۱۸۴۸ را از لوور بیرون و به امپرسیونیست‌های این موزه جدید پیوستند. از آن پس، مجموعه‌های موجود در موزه لوور، در طبقه دوم دوباره سازماندهی شدند) و حال آنکه صدها آثار هنر آسیایی در موزه گیمه به معرض نمایش درآمده‌اند. هنرهای آفریقایی، آمریکایی و اقیانوسیه در موزه «که برانلی» جای دارند، ولی

صدها اثر هنری در پاویون جلسات و نشست‌ها به نمایش درآمده‌اند. آثار متفاوت موزه لوور را نقاشی‌ها، تندیس‌ها، اشیای باستانی و اشیای هنری تشکیل می‌دهند. از برگزیده‌ترین قطعات موزه، قانون حمورابی، ونوس دو میلو، لبخند ژکوند لئوناردو داوینچی و تابلوی آزادی اوژن دولاکروا را می‌توان نام برد. موزه لوور با رقم ۳/۸ میلیون نفر در سال ۲۰۰۷ میلادی پربازدیدکننده‌ترین موزه جهان محسوب می‌شود.

● تاریخ موزه از آغاز

همه چیز با نمایشگاه زیباترین تابلوهای مجموعه سلطنتی آغاز گردید که در کاخ لوکزامبورگ از سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۷۸۵ نگهداری می‌شدند و با موفقیت بزرگی همراه بود. کنت مارکی مارینی، مدیرکل ساختمان‌های پادشاه و کنت دانژی ویله جانشین وی، پروژه تبدیل کاخ لوور به موزه را تدارک دیدند. با قانون شش می ۱۷۹۱ م و ۱۰ اوت ۱۷۹۳ م محل جدید موزه افتتاح می‌شود و در ابتدا محل آموزش هنرمندان آن دوره است تا اینکه در سال ۱۸۵۵ م این توانایی را پیدا نمود تا غیر هنرمندان نیز بدانجا وارد شوند و مردم را فقط در روزهای یک‌شنبه پذیرا بود. در دوران امپراتوری، لوور نام موزه ناپلئون به خود گرفت و دو دومینیک ویوان دونو اولین مدیر بزرگ‌ترین موزه جهان بود و آن را تا هنگام ویرانی‌اش به هنگام سقوط امپراتور (در دو دوره) اداره کرد. موزه توسط آقایان پرسیه و فونتن که محور خیابان ریوولی را ساختند، توسعه پیدا کرد، تغییرات دیگر در زمان حکومت ناپلئون سوم و به‌ویژه تحقق طرح بزرگ صورت گرفت: هکتور مارتن لوفوئل بر اساس طرح‌های لوئی ویسکونتی گالری شمالی پیوسته به لوور در توئیلری را به همراه ضمیمه ساختمان‌های ساخته شده به پایان رساند. در بخش جنوب نیز تغییرات دیگری برای تضمین یک تقارن به این مجموعه بزرگ بناهای معماری اضافه شد. اما در سال ۱۸۷۱ م این موزه در زمان حکومت کمون دچار آتش‌سوزی شد و آرشیتکت لوفوئل، می‌بایست یک بخش از این بنا را بازسازی نماید. توئیلری هرگز بازسازی نشد و پس از سال‌ها مذاکره، در سال ۱۸۸۲ م نهایتا خرابه‌ها تراشیده شدند.

● مجموعه‌های مختلف

موزه لوور متشکل از مجموعه‌های غنی آثار هنری است که به تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف تعلق دارد. این موزه حدود ۳۰۰۰۰۰ قطعه دارد که ۳۵۰۰۰ قطعه از آنها به نمایش گذارده شده و نشان دادن مابقی آثار بیش از سه ماه به‌طور متوالی به‌دلیل نوع نگهداری، دست دوم بودن آثار، وضعیت بد آنها یا سری‌های باستان‌شناسی غیرممکن است. مجموعه‌های آثار هنری در لوور عبارتند از: آثار باستانی شرق- آثار باستانی مصر- آثار باستانی یونان- آثار باستانی اتروسک‌ها (از اقوام اولیه ایتالیایی‌ها)- آثار باستانی رومی‌ها- هنرهای اسلامی- پیکرتراشی و تندیس‌سازی- اشیای هنری- هنرهای تجسمی (نقاشی)- هنرهای گرافیکی.

● سایت موزه لوور

سایت مربوط به ارائه آثار هنری موجود در موزه «لوور» پاریس از روز سیزدهم تیرماه ۱۳۸۴ (چهارم ژوئیه) راه‌اندازی شد و هم‌اکنون در اینترنت قابل دسترسی است. در این سایت می‌توان معروف‌ترین نقاشی لئوناردو داوینچی با نام «لبخند ژکوند» را در زاویه بزرگ‌تر مشاهده کرد. در این سایت بیش از سه هزار و ۵۰۰ اثر هنری موجود در این موزه به نمایش درآمده است. آدرس الکترونیکی این سایت WWW.LOUVRE.FR است.

محمدحسین نعیمی

منبع : روزنامه کارگزاران

http://vista.ir/?view=article&id=126035

vista.ir
Online Classified Service

مولانای ایرانی ها، منبع درآمد ترک ها

در حالی که مولانا و اشعار او همواره جایگاه مهمی در فرهنگ فارسی زبانان داشته اما زیارت آرامگاه او در قونیه -درگذشته-به عده معدودی از ایرانیان و دیگر فارسی زبانان محدود بوده است. با اینکه سفر به ترکیه به دلیل عدم نیاز به اخذ روادید همچنین هزینه اندک آن و همجواری جغرافیایی، برای ایرانیان آسان تر از هر کشور دیگری بوده اما تا چند سال پیش تنها شمار محدودی از ایرانیان که بیشتر علائق و تخصص های ادبی و تاریخی و عرفانی داشتند، برای زیارت آرامگاه مولانا به مدفن او در قونیه سفر می کردند.

اما به یک باره ظرف چند سال اخیر در ایام گرامیداشت مولانا طی آذرماه، شهر قونیه به یکی از مقاصد اصلی توریستی ایرانیان تبدیل شده است.

شاهین شهبازی نوازنده موسیقی سنتی ایرانی که همراه با یکی از تورهای مسافرتی و به منظور اجرای برنامه برای مسافران ایرانی از تهران به قونیه سفرکرده، می گوید: «دلیل افزایش ناگهانی اقبال ایرانیان به زیارت آرامگاه مولانا، تنها تبلیغات گسترده بنگاه های گردشگری ایرانی است وگرنه در میزان علاقه ایرانیان به مولانا و جایگاهی که این شاعر و عارف بزرگ میان ایرانیان داشته، طی سال های اخیر تغییر محسوسی دیده نمی شود و اتفاق تازه ای در این زمینه نیفتاده است. »

بنگاه های گردشگری ایرانی بسته به اینکه مسافرت با اتوبوس، قطار یا هواپیما باشد و نیز کیفیت هتل محل اقامت، هر مسافر را با هزینه ای بین ۴۵۰ هزار تا یک میلیون تومان به قونیه می برند و این سفر علاوه بر بازدید از قونیه شامل دیدار از چند اثر تاریخی دیگر در ترکیه نیز می شود.

به دنبال افزایش شمار علاقه مندان به سفر به قونیه در ایران، بین تهران و قونیه پروازهای مستقیم دایرشده و در دو هفته ای که مراسم بزرگداشت مولانا در قونیه برقرار است، هفته ای چهار پرواز بین تهران و قونیه انجام می شود. محمد یوندن معاون فرهنگ و گردشگری قونیه علت موفقیت این شهر در جذب گردشگران داخلی و خارجی را عملکرد درست و به موقع دولت ترکیه در بخش گردشگری می داند.

وی در خصوص تعداد گردشگران این شهر می گوید: «استانبول، ازمیر وآنتالیا در رده های اول قرار دارند. قونیه پس از این شهر ها بیشترین گردشگران مذهبی را در خود جای می دهد. سالانه حدود پنج میلیون گردشگر به آنتالیا سفر می کنند اما قونیه میزبانی دو میلیون گردشگر را عهده دار است که ۵۰۰ هزار نفر آنان را گردشگران خارجی تشکیل می دهند و بقیه آنان گردشگران داخلی هستند. » اگرچه این شهر سالانه میزبان هزاران گردشگر ایرانی است اما مدیر گردشگری این شهر می گوید: «بیشترین گردشگرانی که به دیدن بارگاه مولانا می آیند از کشورهای اروپایی مثل انگلیس و فرانسه و آمریکا هستند. البته هر سال در آذرماه که مراسم سالگرد مولانا در این شهر برگزار می شود ایرانی ها بیش از سایر ملیت ها به قونیه می آیند.»

همچنین یکی از راهنمای تورهای مسافرتی در این خصوص می گوید: «علاوه بر شمار زیادی از علاقه مندان و اهل ادب و عرفان که به قونیه سفر کرده اند، بسیاری از ایرانیان نیز از روی کنجکاوی عازم قونیه می شوند. »

برای مردم ترکیه که هنگام زیارت آرامگاه مولانا در مقابل مقبره او در سکوت و احترام کامل ایستاده و به دعا می پردازند، دیدن ایرانی هایی که با حالتی خاص به راز ونیاز با مولانا می پردازند شگفت انگیز است. نظری به هزینه سفر به قونیه و توجه به افزایش متوسط سطح درآمد ایرانیان طی سال های اخیر نشان می دهد درصد قابل توجهی از جمعیت ایران، چه علاقه مند و چه کنجکاو برای سفر به قونیه با دشواری چندانی مواجه نیستند.

مدیرگردشگری قونیه در خصوص متوسط هزینه سفر به این شهرمی گوید: «کیفیت خدمات را بالابردیم و نرخ آن را پایین آوردیم. دولت به گونه ای برنامه ریزی کرد که هر کارمند می تواند در سال ۱۵ سفر داخلی داشته باشد. هزینه این سفر حدود ۱۰۰۰ لیر است و تا جایی که می توانیم امکانات می دهیم. »

وی درخصوص میزان حمایت دولت از سرمایه گذاری در بخش گردشگری گفت: «سیستم تجارت در بخش گردشگری در ترکیه و بسیاری از کشورهای جهان از قدمت چندانی برخوردار نیست. ترکیه از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۶۰ معنی یک تجارت جدی را در گردشگری فهمید. در اولین قدم دولت ترکیه قانون تشویق را برای سرمایه گذاران در پیش گرفت به این ترتیب اقدام به ایجاد زیرساخت های مورد نیاز با بودجه دولتی کرد. حتی در برخی موارد با قرض کردن از سایر کشورهای خارجی زیربناها را ایجاد کرد و آرام آرام کنار کشید و تاسیسات را به بخش خصوصی واگذار کرد. در

بخش آموزش هم موسساتی به نام «توربان» تشکیل داد و استانداردها را ایجاد کرد. حال با گذر از مرحله توسعه و آموزش این موسسات هم جمع شدند و دولت بیشترین بودجه را روی کنترل و استاندارد های پیشرفته، تبلیغ و شناساندن ترکیه هزینه می کند. در حال حاضر هر منطقه در ترکیه به طور مستقل برای تبلیغات گردشگری فعالیت می کند به طوری که برخی گردشگران روس که به آنتالیا سفر می کنند، نمی دانند که آنتالیا هم جزء ترکیه است. در برخی موارد حتی محله ها در هر منطقه، خودشان اقدام به تبلیغات برای جذب گردشگر و معرفی جاذبه های شان می کنند. هر جایی هم که نیاز باشد دولت برای حمایت حضور پیدا می کند. دولت ترکیه در رونق گردشگری به درآمد دولتی فکر نمی کند بلکه قصدش افزایش درآمد ملی است. در حال حاضر دولت در بخش گردشگری بیشتر نقش نظارتی و پشتیبانی دارد. »

طی چند سال اخیر ادعای ترکیه بر ترک بودن مولانا واکنش های منفی بسیاری را در بین ایرانیان در سراسرجهان در پی داشته است. پس از سفر به این شهر بارها از خود پرسیده ام که شاید اگر آرامگاه مولانا هم درون مرزهای جغرافیایی ایران بود، موقعیتی شبیه آرامگاه های حافظ و سعدی و خیام با معماری خاص آنها می یافت که بیشتر حال و هوای شاعرانه دارند تا نقطه عطفی درجذب گردشگری کشور.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=346948

vista.ir
Online Classified Service

مهاجران افغانی در ایران، انسانهایی از نوع درجه دو

بحث اخراج افغانها از ایران، بحثی چند وجهی است که مسائل حقوقی، اقتصادی، سیاسی و بالاخره حقوق بشری فراوانی در پشت آن قرار دارد که هر کدام متخصصین و صاحب نظران خاص خود را دارد.

اما در ابتدا باید گفت که طبق آمار غیر رسمی چیزی در حدود دو میلیون افغانی در ایران زندگی می کنند که تهران با عنوان پایتخت و خراسان بزرگ به عنوان نزدیکترین استان ایران به کشور افغانستان صاحب بیشترین تعداد ساکنین این جمعیت در خود هستند. اما سابقه حضور افغانها در ایران به سالهای بسیار دور باز می گردد. گر چه امروزه ممکن است که بخشی از جامعه ایرانی، افغانها را خطرناک، بچه دزد، عامل بیکاری و بسیاری دیگر بدانند، اما سابقه این گروه اقلیت در ایران این طور نشان می دهد که در تمام طول تاریخ، حضور این مهاجران یا به نوعی پناهجویان در ایران، وجهه ای منفی نداشته است. آن چیزی که امروزه دولت ایران به نمایندگی از ملت ایران در حال اجرای آن است، بازتابی از نگاه غالب ایرانیان به این مهاجرین می باشد؛ رفتارهای زننده و گاها غیر انسانی، توهین و تبعیض، عدم رعایت حقوق اولیه افغانها از جمله حق زندگی، تحصیل، انتخاب همسر و مکان زندگی که از اصول اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر است و بسیاری دیگر، از جمله مسائلی است که در رفتار روزمره ایرانیان در مقابل افغانها قابل مشاهده است. نگاه به افغانی از بالا به عنوان "انسان درجه دوم"، آسیبی است که روح این جامعه مهاجر را در سرزمین ایران خراش می دهد.

به نظر می رسد که دو عامل در نشان دادن این تصویر بسیار منفی در جامعه ایرانی موثر بوده است. عامل اول، رسانه ای شدن جرایم این گروه از مهاجرین به شکل وسیع و غیر قابل کنترل در روزنامه ها و رادیو تلویزیون بود. رسانه هایی که در اوایل انقلاب و همچنین در فضای سالهای جنگ، هنوز به شکل حرفه ای شکل نگرفته بودند، افغانها را سوژه هدف خود قرار دادند و با بزرگنمایی جرایم ایشان، ترس را در دل ایرانیان انداختند. این

در حالی بود که پناهجویان افغانی که به دلیل وقوع جنگ و قحطی در کشور خود، به طور غیر قانونی وارد خاک ایران شده بودند، از هیچ امکان رسانه ای و قانونی برای دفاع از خود و معرفی صحیح جامعه خود به مردم ایران برخوردار نبودند و در واقع اینها را می توان به عنوان "قربانیان رسانه های تازه کار" معرفی کرد. مطبوعاتی که به دلیل نوپا بودن خود، از درج هر سوژه ای برای کسب شهرت و فروش بیشتر دریغ نمی کردند، دیواری کوتاه تر از دیوار افغانهای غیر قانونی پیدا نکرده بودند. بدون شک قتل، سرقت و بچه دزدی مختص مهاجرین افغانی نبود و ایرانیان نیز به این جرایم دست می زدند، اما این افغانها بودند که به دلیل حساسیت رو به فزون جامعه و همچنین به دلیل به یدک کشیدن نام افغانی (غیر ایرانی) قربانی کارهای ژورنالیستی می شدند. ماجرای سر بریدن یک افغانی در ذهن مردم، بسیار ماندگار تر از انجام همین عمل توسط یک ایرانی بود، در حالی که هر دو مرتکب یک جرم مشابه می شدند. این در حالی بود که در هیچ کدام از رسانه ها از نقش سازنده این گروه در بازسازی خرابه های کشور در غیاب مردان به جنگ رفته ایرانی خبر نمی دادند.

عامل دوم که در شکل گیری تصویر منفی از جامعه افغانی در میان ایرانیان نقش داشت، متاثر از عامل اول و همچنین تاثیر گذار بر آن نیز بود؛ افغانهای بدون مدرک اقامت به دلیل عدم آماده بودن جامعه و بازار کار ایران، و همچنین عدم حمایت های دولتی و رسانه ای از ایشان، راهی به ادارات نمی یافتند و هیچ ارگان رسمی حاضر به استخدام آنها نبود. همین عامل و عدم واکنش سریع دولت وقت به این دسته از بحرانها، به دلیل درگیر بودن به مسائل جنگ، باعث شد که افغانها بسوی مشاغل فصلی و کارهای روزمزدی روی بیاورند که ساده ترین آن، کار در ساختمان بود که هیچ گونه نیازی به مدرک خاصی نداشت و کارفرما بدلیل دستمزد کمتر و سطح توقع پایین تر نسبت به کارگر ایرانی، کارگر افغانی را ترجیح داد. بعلاوه، بدون مدرک رسمی بودن افغانها، این امکان را به کارفرما می داد که در هر زمان آنها را اخراج کند و یا هرگونه رفتار دیگری را بر آنها روا دارد.

همین عوامل باعث شد که افغانها روز به روز در گرداب قهر و دوری مردم ایران فرو روند و زحمات آنان در زمینه بازسازی مناطق جنگ زده یا ساختمانهای بمباران شده نادیده گرفته شود. نتیجه افتادن در این گرداب، به حاشیه رانده شدن ایشان از سطح عمومی جامعه، تشکیل گروههای کوچک افغانی و خارج نشدن از این پیله به هم تنیده شده و عدم ارتباط با قشر روشنفکر ایرانی بود. این عدم ارتباط با سطح تحصیل کرده جامعه ایرانی، به مرور زمان باعث شد که جامعه افغانی ساکن در ایران، پایگاههای اجتماعی خود را از دست بدهد و نتواند هویتی را برای خود در سرزمین ایران بسازد و آن طور که باید و شاید شخصیت و پرستیژ خود را نگه دارد. رجوع به کارهای ساختمانی و مشاغلی که ایرانیان با اکراه به آن درست می زدند، باعث شد افغانها به مرور زمان، به عنوان "شهروندان درجه دو" به حساب بیایند.

اما از جهتی نمی توان چشم به برخی از واقعیت های موجود نیز بست. سیر قهقرایی و دوری جستن جامعه ایرانی از این دسته از مهاجرین، کم کم باعث بالارفتن درصد بیکاری در میان این قشر شد، و از آنجا که رابطه مستقیمی بین جرم و جنایت و فقر وجود دارد، دست برخی از این مهاجرین به کارهای خلاف باز شد. فروش مواد مخدر، بچه دزدی برای فروش به دوره گردها، دزدی از منازل و اتومبیل ها از عواقب همین بیرون راندن ها بود.

اما در این میان، دسته ای از مهاجرین نیز بودند که توانستند خود را از این گرداب خارج کنند؛ ازدواج با خانواده ایرانی یا اشتغال در بازار تجارت، برای برخی از سرمایه داران افغانی این امکان را برای آنان فراهم کرد تا مدارک شناسایی رسمی دریافت کنند. بدست آوردن مدرک شناسایی رسمی برای این دسته از مهاجرین، امکان تحصیل برای خود و خانواده شان را برای ایشان فراهم کرد، تا آنجا که امروزه شاهد شکوفا شدن استعدادهای ایشان و فرزندان نسل دوم این دسته از مهاجرین در عرصه های مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هستیم. این نسل از جامعه افغانی توانست با بدست آوردن فرصت مناسبی که به لطف "کاغذ رسمی" برای آنان فراهم شده بود، فرزندان مستعد و نخبه ای را به جامعه تحویل دهد. پزشکان، مهندسان و محققین افغانی فراوانی در تهران و مشهد مشغول حرفه هایی با درجه اجتماعی بالا هستند که این رشد و نمو خود را مدیون چند برگ کاغذ رسمی می دانند. ولی این راه رشد برای بسیاری دیگر که اکثریت جامعه افغانی را در ایران تشکیل می دادند امکان پذیر نشد. در حالی که بر اساس قوانین ایران، از آنجا که ایرانی بودن از طریق خون و نه از طریق خاک انتقال داده می شود، کودکی که در ایران متولد می شود، در صورتیکه از پدر یا مادر ایرانی به دنیا نیامده باشد، ایرانی نمی باشد و شناسنامه ای به او تعلق نمی گیرد. همین عامل باعث شد تا کودکانی که در خاک ایران چشم به جهان گشوده بودند، ولی والدینی افغانی و بدون مدرک رسمی داشتند، از داشتن شناسنامه و متعاقب آن از حق تحصیل که از حقوق اولیه هر بشری است، محروم بمانند.

این دسته از عوامل، بعلاوه جنگ ایران و عراق و همچنین نوپا بودن و کم تجربه بودن مقامات قانونگذار و مجری، باعث شد که افغانها در ایران روزگار بدی را تجربه کنند. تحقیرهای ساختاری، اخراج از مدرسه، عدم پرداخت دستمزد کافی و گاه پرداخت نکردن دستمزدها به این قشر مهاجر و همچنین عدم حمایت های قانونی به دلیل عدم دلسوزی مسئولان و عدم توجه به قوانین حقوق بشری و کم توجهی مسئولان بین المللی به

مسائل مهاجرین در ایران، بیشتر راههای امید را در میان این قشر بسته بود.

با این همه، حکومت ایران تا پایان دوران حکومت طالبان در مقابل پناهجویان بدون کاغذ حالتی انفعالی به خود نشان می داد. یعنی نه به اخراج و جمع آوری آنها اقدام می ورزید و نه به کمک آنها می شتافت، ولی با به پایان رسیدن دوران طالبان و به روی کار آمدن حکومتی معتدل در افغانستان، دولت ایران وجهه سخت تری به خود گرفت و در صدد اخراج ایشان از ایران بر آمد. بدین شکل بود که برخی از سربازان نیروی انتظامی در جریان دستگیری و اخراج این دسته از پناهجویان، بر خلاف دستورات مقامات بالاتر، گاه رفتارهای ناشایستی با آنها انجام دادند. انداختن یک کارگر افغانی از ساختمان چند طبقه به پایین که موجب مرگ او شد از جمله رفتارهایی بود که جنبه بین المللی بخود پیدا کرد و مسئولان سازمانهای جهانی را به واکنش بر انگیخت.

در نهایت باید گفت که خود افغانها نیز در به قهقرا کشاندن خود در جامعه ایرانی بی تاثیر نبودند. عدم علاقه به مشارک اجتماعی، عدم تلاش برای تشکیل سندیکایی قوی و نیز قدرت پایین چانه زنی ایشان در مقابل مقامات رسمی ایرانی برای بدست آوردن حقوق اولیه خود به عنوان پناهجو بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله کم کاری هایی بود که در به حاشیه رانده شدن این قشر تاثیر گذار بود.

منبع : جامعه‌شناسی ایران

http://vista.ir/?view=article&id=291978

vista.ir
Online Classified Service

مهاجران در راه ماندگان در انتظار

هفت ماه را لای جرز دیوارهای کشتی گذرانده بود، تا بتواند به شکل غیرقانونی از ایران خارج شود و به استرالیا برود. کاوه می گوید: پیش از ترك ایران مدتی را در بندرعباس به دنبال ملوانی بودم که راضی شود، مرا قاچاق کند. یکی از این ملوانان حاضر شد با دریافت ۹ میلیون تومان این کار را انجام دهد. در این مدت سختی بسیاری را تحمل کردم، به غیر از دو ملوان بقیه خدمه کشتی و افسران از حضور من بی اطلاع بودند و همین امر سبب می شد که بسیار نگران و مضطرب باشم. می ترسیدم از اینکه گرفتار شوم، یا بمیرم. در طول مسیر غذایی که به من داده می شد، بسیار ناچیز بود و بارها به دلایل مختلف دچار دریازدگی شدم. پس از گذشت هفت ماه که به نظرم، صد سال بود، روزی ملوانی که با هم قرار گذاشته بودیم به سراغم آمد و گفت برای اینکه گارد ساحلی پیدایم نکند، باید تا ساحل شنا کنم. کاوه با یادآوری ترسی که در این مدت داشت، می گوید: تن به آب زدم و مدت طولانی را شناکردم، به ساحل رسیدم و این تازه ابتدای بدبختی بود. در حال حاضر دو سال از مهاجرت غیرقانونی کاوه می گذرد، او همچنان در بازداشتگاه های مهاجران غیرقانونی به

سر می برد. بازداشتگاه هایی که به گفته کارشناسان امور مهاجرت و پناهندگی دارای هیچ یك از امکانات استاندارد برای زندگی افراد نیست، اتاق های کوچك با جمعیت بیش از ظرفیت، نبود آب گرم و عدم دسترسی به امکانات بهداشتی، از همه مهم تر عدم امنیت در این مراکز. در بسیاری موارد ماموران امنیتی خود موجبات ناامنی را در این بازداشتگاه ها سبب می شوند.

نمونه بارز آن تجاوز به مهاجران غیرقانونی در این مراکز است که همچنان پرونده این مسئله در حال رسیدگی است. این جوان ۲۹ ساله با این حال خود را خوش شانس می داند که در این دو سال او را بازنگردانده اند. کاوه می گوید: هیچ مدرك شناسایی به همراه خود ندارم و همین امر وضعیت مرا سخت تر کرده، در این دوسال به هر دلیلی متوسل شدم، تا مرا در این کشور بپذیرند، اما هر شش ماه یك بار پرونده ام در دستور کار قرار می گیرد و تغییری در آن ایجاد نشده است. ضمن اینکه استرالیا سخت ترین قوانین را برای پذیرش دارد و برخورد نامناسبی با مهاجران غیرقانونی دارد و هیچ مرجعی نیز نتوانسته تاکنون این کشور را وادار کند تا رفتار مناسبی را در پیش گیرد. کاوه با اشاره به یکی دیگر از دوستانی که دربازداشتگاه پیدا کرده می گوید: برخلاف من که تا حدی شانس آورده ام، علی دیگر مهاجر غیرقانونی است که به جای سردرآوردن از استرالیا کشتی او را به سنگاپور برده و علی از آنجا نیز پول هنگفتی پرداخته و با شرایط بسیار نامناسبی به استرالیا آمده، علی به دلیل تجاوزی که به او شده دچار مشکلات روحی و افسردگی حاد است و هفته پیش نیز در بیمارستان بستری شده است. علی مهندس الکترونیك است و به آرزوی زندگی بهتر آمده اما حال و روزش بسیار بد است. دکترها معتقدند باید مورد روان درمانی قرار گیرد، اما امکانات چندانی به مهاجران غیرقانونی داده نمی شود. حتی بسیاری از مهاجران غیرقانونی امکان شکایت ندارند و مسئولان بازداشتگاه های مهاجران غیرقانونی صراحتاً به آنها می گویند که در صورت هر نوع شکایتی به بازرسان امور پناهندگان و مهاجران پرونده آنها را بسته و شاکیان را به کشورهایشان باز پس می فرستند.

از طرف دیگر بسیاری از مهاجرانی که با کشتی قاچاق می شوند، سرنوشتشان نامعلوم است. نمونه بارز آن نیز انداختن مهاجران در مرز یونان به آب بود. ملوانان برای نجات از مجازات مهاجران را وسط دریا به آب انداختند که در این حادثه تعدادی از مهاجران غیرقانونی غرق شدند و تعداد دیگر را نیز گارد ساحلی از آب گرفت. پدیده مهاجرت سرمایه های انسانی سال هاست که در کشورهای در حال توسعه و عقب مانده به یك معضل جدی و تهدیدکننده در فرآیند توسعه بدل شده است. مفهوم امروزی این پدیده از پایان جنگ جهانی دوم به وجود آمده و تاکنون ادامه دارد. به گفته کارشناسان امر انگیزه برخی از علاقه مندان به مهاجرت ساده اندیشی است. آنها پیش از سبك و سنگین کردن شرایط زندگی در کشورهای مختلف شیفته جاذبه ها می شوند. در این میان هستند کسانی که با توجه به امکانات مختلف چنین کاری را انجام می دهند و شرایط آنها متفاوت با این گروه هاست، از طرفی هم عده ای تن به مهاجرت غیرقانونی می دهند با این که می دانند شرایط بسیار سختی را در پیش خواهند داشت و در بسیاری موارد امکان بازگرداندن آنها به کشورهایشان وجود دارد، اما با این حال بسیاری از افراد بدون بررسی دقیق و اطلاع از شرایط سخت و مصیبت باری که در انتظارشان است، تن به مهاجرت غیرقانونی می دهند.

این گروه از مهاجران همانند افرادی که در تلاش برای پناهندگی هستند، هیچ نوع مدرکی برای اثبات هویت خود به همراه ندارند، این رویه سبب می شود کشورهایی که این گروه به آن جا سفر می کنند شرایط بسیار سختی را برای آنها در نظر بگیرد، مراجع قانونی و بین المللی نیز نمی توانند چندان تغییری را در این روند ایجاد کنند، نمونه بارز آن پرونده پسر ۱۰ ساله ای به نام شایان است که از اوایل سال ۲۰۰۵ از دولت استرالیا به دلیل شرایط نامناسب در بازداشتگاه های مهاجران غیرقانونی شکایت کرده اما هنوز پرونده او در حال بررسی است. از سوی دیگر مهاجران جوانی که برای ادامه تحصیل به کشورهای مهاجرپذیر سفر می کنند نیز با مشکلاتی روبه رو هستند. این افراد با توجه به نوع تحصیل امکان مهاجرت دریافت می کنند، اما نباید هزینه های تحصیل را فراموش کنند. جذب هر فرد تحصیلکرده با مدرك فوق لیسانس یا دکتری از کشورهای در حال توسعه و جهان سوم یك میلیون دلار سود عاید کشورهای مهاجرپذیر می کند.براساس آمار منتشر شده صندوق بین المللی پول از هند ۲۲۸ هزار نفر، چین ۱۶۵ هزار نفر و ایران ۱۰۵ هزار نفر با تحصیلات عالیه به آمریکا مهاجرت کرده اند. نتایج این تحقیقات نشان می دهد که بیشترین نرخ مهاجرت ها در ۶۱ کشور در حال توسعه مربوط به افراد با تحصیلات عالیه است. به گفته کارشناسان پدیده فرار مغزها زیان مالی بالغ بر ۳۸ میلیارد دلار به ایران وارد می کند. در این تحقیق مشخص شده ایران رتبه نخست را در میان این کشورها از لحاظ فرار مغزها دارد. اما دسته بندی انجام شده برای مهاجرت های انجام شده ایرانیان در سه دسته تقسیم می شود، نخست فرارمغزها که به پدیده ای غیرقابل حل بدل شده، براساس آمار منتشره حدود ۸۰ درصد از برگزیدگان المپیادهای علمی در سال های اخیر جذب دانشگاه های اروپایی و آمریکایی شده اند و دلیل آن نیز پیشرفت و امکانات مناسب این دانشگاه ها در مقایسه با ایران است.گروه دیگر مهاجرانی که بنا به شرایط سیاسی ایران را ترك می کنند، دسته دیگر مهاجران اجتماعی و فرهنگی اند. اما مسئله دیگر در این پدیده تفاوت بین دختران و پسران است، با توجه به مسایل فرهنگی و سختگیری

بیشتر بر دختران، پسران راحت تر تن به این سفر می دهند.

با این حال وضعیت دختران خطرناك تر است، بیشتر مهاجرت دختران با عنوان عروس پستی انجام می شود. بسیاری از این دختران و خانواده های آنها بدون شناخت از وضعیت فرهنگی خانواده و پسری که تنها با یك عکس مورد پسند قرار گرفته تن به سفر می دهند و در واقع پا در مسیری از زندگی می گذارند که تماماً در ابهام قرار دارد. نرگس دختری ایرانی است که با عکس و آدرس و آرزوهایی در سر پا به دانمارك می گذارد که با همسرش که هرگز ندیده زندگی آغاز کند. او که هم اکنون در دفتر نگهداری زنان بی سرپرست در یکی از شهرهای این کشور کار می کند، می گوید: وقتی در فرودگاه چمدان هایم را با هزار امید گرفتم در سالن نامم را بر یك مقوا دیدم، این مقوا در دست شوهرم نبود و من متعجب از اینکه چرا خودش به استقبالم به فرودگاه نیامده است. از آنجایی که مردی که برای بردن من آمده بود زبان انگلیسی نمی دانست، تنها به من فهماند که به دنبالش بروم و سوار ماشین شدم. نرگس با یادآوری آن روز که از آن به عنوان جهنم زندگی یاد می کند می گوید: وقتی به داخل خانه ای که قرار بود خانه آرزوهایم باشد وارد شدم، مهدی شوهرم را دیدم، عکسش تفاوتی با خودش نداشت، اما مسئله ای که به من نگفته بودند، این بود که مهدی از دو پا فلج بود. نمی دانستم باید چه کار کنم، تنها سعی کردم تغییری در رفتارم ندهم و با روی باز با مهدی برخورد کردم. به او گفتم که خانواده اش به من نگفته بودند او معلول است. البته در دو ماه ابتدای زندگی متوجه شدم که همسرم دچار افسردگی شدید است و تاکنون دو بار خودکشی کرده است. مهدی نیز تلاش می کرد تا تغییر کند، زمانی که به خانواده ام اطلاع دادم و به آنها گفتم ترجیح می دهم به وطن بازگردم، پدرم گفت: دختر با لباس سفید به خانه بخت می رود و باید با کفن خارج شود. نرگس که هیچ پشتوانه ای برای بازگشت به کشور نداشت، خود را وقف رسیدگی به همسرش می کند. او که در حال حاضر به آرتروز حاد مبتلاست می گوید: شش سال با مهدی زندگی کردم، تا اینکه دو سال پیش بر اثر عفونت داخلی درگذشت. نرگس می گوید: ضربه سنگینی بود، در این کشور تنها مانده بودم.برای پیدا کردن کار به این مرکز آمدم و تازه شانس آورده ام که می توانم در جایی کار کنم و حقوق دریافت کنم. این زن جوان دلیل عدم بازگشتش به ایران را عدم حمایت خانواده عنوان می کند.

اما تمامی این ازدواج ها چنین پایان منفی ای ندارد. سودا یکی از دختران خوش شانسی است که ازدواج پستی کرده و در حال حاضر در هلند زندگی می کند، همسر او دندانپزشکی است که درآمد خوبی دارد. سودا که در حال حاضر فوق لیسانسش را در رشته نقاشی رئال دریافت کرده در شهرداری محل زندگی خود مشغول به کار است.

وضعیت پسرانی که تن به مهاجرت می دهند نیز به همین صورت با فراز و فرود روبه رو است. این در حالی است که براساس آمار رسمی که از سوی سازمان ملی جوانان منتشر شده، در یك نظرسنجی ۴۴ درصد از جوانان ایرانی از فرصت مهاجرت به خارج استقبال می کنند. حمید یکی از چهره های موفق در بین مهاجران ایرانی است. وی که در حال حاضر مشغول به تحصیل در سطح دکترا در رشته هوا- فضاست می گوید: لیسانس فیزیك را از تهران دریافت کردم و برای مهاجرت اقدام کردم، البته به دلیل معدل بالا توانستم به سرعت پذیرش دریافت کنم و تکلیفم روشن شد. او تاکنون چند مقاله در چند همایش خارجی ارائه کرده است. سام یکی دیگر از ایرانیانی است که ۲۱ سال پیش به سوئد رفته و در حال حاضر در آنجا زندگی می کند، او می گوید: دستاورد این مهاجرت برایم بسیار سودمند بوده، تحصیل در مقطع فوق لیسانس همراه با وام تحصیلی، استخدام پس از پایان تحصیل و پیشرفت شغلی به سبب استعدادهایم، ازدواج و داشتن دو فرزند که هم اکنون در یکی از بهترین مدارس استکهلم بدون پرداخت هزینه ای مشغول به تحصیلند، ویلایی در خارج از استکهلم برای تعطیلات، قدرت مالی برای حداقل انجام یك سفر خارجی در سال و بهداشت و درمان مجانی.

هومن در مقابل یکی از مهاجرانی است که با مشکلات بسیاری مواجه است. او در حال حاضر در کانادا زندگی می کند. او با اشاره به اینکه کانادا کشوری با بهترین استانداردهای زندگی است می گوید: روزی بیش از ۱۰ ساعت کار می کنم. اما با این حال از پس هزینه ها بر نمی آیم. اگر کسی می خواهد مهاجرت کند، بهتر است از نظر مالی مشکلی نداشته باشد. متاسفانه با تمامی نکات مثبت در این کشور نظام سرمایه داری اینجا هر کسی را که توانایی پرداخت مخارج را نداشته باشد له می کند. در کانادا با مسئله نژادپرستی روبه رو نمی شوید، اما هر روز یکی از نماینده های سوپرمارکت ها تماس می گیرد که هرچه سریع تر باید نسبت به پرداخت بدهی اقدام کنیم و در غیراین صورت عواقب ناگواری در انتظار مقروضان است.

از دیگر کشورهایی که پذیرای ایرانیان شده، دوبی است. علی که یك سال از اقامتش در این کشور می گذرد، می گوید: دوبی در حال حاضر حکم اروپا و آمریکا را دارد در شرایطی که این کشورها به سختی ویزا می دهند، به راحتی می توان با خرید ملکی در این کشور ویزا دریافت کرد. در حال حاضر یك دهم شرکت های فعال منطقه تجاری آزاد دوبی متعلق به ایرانیان است. براساس گزارش شورای فرهنگی ایرانیان حدود ۴۰۰ هزار ایرانی

سرمایه ای معادل ۲۰ میلیارد دلار را در دوبی تحت کنترل خود دارند. به گفته کارشناسان امر پدیده مهاجرت که هرساله در کشورهای جهان سوم در حال گسترش است، می تواند با استفاده از الگویی که دفتر توسعه و عمران سازمان ملل در سال ۱۹۷۰ آن را ابداع کرده است، به نوعی با ارائه امکانات از سوی کشورهای مهاجرفرست، امکان جذب مهاجرین خود را داشته باشد. این روش ابداعی که به نام TOKTEN معروف است، سبب می شود که کشورهای مهاجرفرست جهان سوم بتوانند با مهاجران خود به عنوان مشاور در امور تخصصی ارتباط داشته باشند. این ارتباط محدود به افراد متخصص نیست و مهاجران با این نوع ارتباط می توانند شرایط مناسبی را در وطن خود احساس کنند.

کشورهای مهاجرفرست در این برنامه موظفند تابعیت مضاعف را پذیرفته و تعهدات مهاجرین و حقوق آنها را قبول کنند. این نوع ارتباط می تواند فرارمغزها را به جذب مغزها بدل کند. در حال حاضر کشورهای پاکستان، هند، فلسطین، ویتنام، لبنان، سنگال، ایتالیا، بوسنی، نپال و سوریه از این تسهیلات استفاده می کنند.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=218873

vista.ir
Online Classified Service

مهاجرت

اعتبار هر کشوری وابسته به دانایی و فراست نیروی انسانی متخصص، آموزش‌دیده و اندیشمند آن است. از همین روست که کشورهای صنعتی به روش‌های گوناگون سعی در جذب نیروهای متخصص کشورهای در حال توسعه دارند. با این همه در چنین شرایطی، کشورهای در حال توسعه تحلیل دقیقی از ریشه‌ها و شیوه‌های فرار مغزها، مهاجرت دانش‌آموختگان و نخبگان خود ندارند.

بدین ترتیب که عده‌ای با نگاهی بدبینانه، مهاجرت‌کنندگان به ورای مرزها را خائن به وطن تلقی می‌کنند، ولی شماری نیز مهاجرت و چرخش مغزها را از ویژگی‌های جهانی شدن اطلاعات می‌دانند. به‌طور کلی، با توجه به شکل مهاجرت در عصر جهانی شدن دیگر نمی‌توان به سادگی هر مهاجرتی را به فراسوی مرزهای ملی فرار مغزها و مهاجرت نخبگان نامید و آن را مقوله‌ای ذاتا منفی نام برد، بلکه اکنون باید فرصت‌های ناشی از امکان مهاجرت نخبگان را شناسایی و بهره‌برداری کرد.

ولی در جامعه کنونی ما این پرسش قابل طرح است که: چرا در خلال سه دهه اخیر، بسیاری از تحصیلکرده‌های دانشگاهی، نخبگان و جوانان کشورمان از ایران مهاجرت کرده‌اند، یا بهتر بگوییم این عده مهاجرت یا کوچ کرده‌اند؟ سپس پاسخ داده شود که این مهاجران چه دستاوردی در مسیر توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ما ایفا کرده‌اند؟ در واقع با پاسخگویی به بخش دوم این پرسش می‌توان پی برد که ما از مهاجرت مغزها مغبون گشته‌ایم یا سود برده‌ایم؟

عمدتا کوچ یا مهاجرت نخبگان و تحصیلکرده‌های دانشگاهی کشور ما و کشورهای نظیر ما که درباره آن بحث می‌کنیم می‌تواند جنبه‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، رفاهی و یا اجتماعی داشته باشد، یعنی به خاطر فشارهای مستقیم، غیرمستقیم و تنگناهای سیاسی و اقتصادی - معیشتی در یک جامعه، شماری از شهروندان ناگزیر از جلای وطن می‌شوند. عامل حرکت گاهی می‌تواند سیاسی و تشتت تصمیم‌های غیرکارشناسی باشد. در شرایط امروزی که جهان به سلاح اینترنت، ماهواره، موبایل و دیگر ابزارهای ارتباطاتی مجهز است، کشور ما

به سرعت در حال تحول است و این تحولات بیشتر جنبه اقتصادی دارد. به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک جهان سیاسی- اقتصادی به سرعت در حال تغییر بوده و پدیده‌های جدیدی در تمامی علوم توسط نخبگان فکری به وجود می‌آید که این تغییرها، بیشتر جنبه اقتصادی دارند و در این میان ما با پدیده‌ای به نام جهانی شدن سر و کار داریم که جنبه غالب آن اقتصادی است. در مجموع همان گونه که اشاره شد مهاجرت را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد:

الف) مهاجرت یک امر نکوهیده شناخته نمی‌شود و بیش از آنکه معنا یا جنبه‌ای سیاسی داشته باشد، در ذهن مهاجر راه‌حل ساده‌ای است برای دستیابی و دسترسی بیشتر و بهتر به امنیت و رفاه اجتماعی، علمی، آزادی بیان، اندیشه نو و اقتصاد.

ب) ابزارهای جدید ارتباطی و اطلاع‌رسانی مانند اینترنت، ماهواره و موبایل از طریق تسهیل ارتباط میان فرد و خانواده و محفل دوستان قدیمی خارج از کشور باعث شده است که مهاجران بدون فاصله‌گیری از فضای عاطفی روزمره خود در وطن، دست به مهاجرت بزنند. در چنین شرایطی پدیده فرار مغزها و نخبگان، تحصیلکرده‌ها و جوانان از نظر مفهومی نیز دچار تغییر شده است؛ به گونه‌ای که فردی ممکن است پا از کشور بیرون نگذارد، اما به لحاظ اینکه تولیدات فکری و علمی خویش را در اختیار مجامع علمی و اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌دهد و به نوعی دارای رابطه استخدامی با آنها است، جزو مهاجران محسوب می‌شود.

البته همچون دیگر کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و گذار، مسائل فراگیر درونی و انگیزشی فراوانی زمینه را برای میل سرمایه‌گذاران و نخبگان تحصیلکرده‌های دانشگاهی و جوانان به جست‌وجوی رفاه و خوشبختی بیشتر در فراسوی مرزها فراهم آورده است. برای جذب و جلوگیری از فرار مغزها، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی تنها هنگامی اثربخش خواهد بود که از نظر زمانی به موقع اتخاذ شود. اساس سیاستگذاری یا مدیریت کردن کشور عبارت است از سنجش و تدارک و تلاش توسعه پایدار و منظم برای اصلاح و بهبود وضعیت یک جامعه به‌ویژه کم کردن فاصله طبقاتی فقرا و مرفهین جامعه. در پدیده‌های پیچیده و چندجانبه‌ای نظیر مهاجرت، مشکل این است که سیاستگذاری‌ها بهنگام و متکی بر مطالعه نیست. تنها هنگامی که پدیده‌ای بروز می‌نماید و شکل بحران به خود می‌گیرد، به آن توجه می‌کنیم و سعی خواهیم کرد از سیاستگذاران و برنامه‌ریزان استمداد بگیریم، حال آنکه برنامه‌ریزی باید مبتنی بر دانش و تحلیل کافی توسط نخبگان و کارشناسان حوزه مربوطه باشد.

- فرار مغزها و ریشه‌های آن:

۱) موقعیت و شرایط متفاوت کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه

۲) ضعف امنیت علمی، فرهنگی، ارتباطات با مجامع مهم (علمی، فرهنگی دانشگاهی) و آزادی‌های فردی و اجتماعی ناشی از ضعف جامعه مدنی و اقتصاد آزاد

برای مقابله با این مشکلات می‌باید در پی آن بود که با بهبود شرایط اجتماعی - اقتصادی و گسترش مناسبات و اعتماد میان دولت - ملت و نخبگان و گسترش فضای امن، مقدمه تبادل آرا و اندیشه و ایجاد فضای اعتماد میان متخصصان و دولت زمینه را برای جذب نخبگان و حتی بازگشت مغزهای آن سوی آب‌ها به ایران فراهم کرد. در همین راستا باید دو رویکرد را به طور کامل و همزمان مورد توجه قرار داد:

الف) دولت می‌تواند در درجه اول به استقبال دعوت مغزها برود تا میزان ارتباط و تعامل میان آنان با نهادهای مختلف اجتماعی ایران حفظ شود.

ب) از طریق ارتقای جایگاه قدر و مرتبه فرهیختگان، نخبگان، تحصیلکرده‌ها و سرمایه‌داران که در کشور مانده‌اند، زمینه‌هایی فراهم آورد که باعث افزایش انگیزه آنان به ماندن و خدمت به ملت و کشور باشند.

منبع : روزنامه اعتماد ملی

http://vista.ir/?view=article&id=283850

vista.ir
Online Classified Service

مهاجرت

● تعریف مهاجرت

مهاجرت واژه‌ای است که برای انواع حرکات جمعیتی بین قلمروها که منجر به تغییر دائم یا نیمه دائم مکان سکونت شود. واژه مهاجرت در فرهنگ فارسی معین به معنی از موطن خود بجایی دیگر انتقال کردن، آمده است. همچنین در لغت نامه دهخدا به معنی ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن می‌باشد. مهاجرت به معنی اعم کلمه عبارت است از ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور دائم و یا موقت. ولی به معنی اخص کلمه که مهم‌ترین نوع تحرک جمعیت می‌باشد. عبارتست از جابجایی دسته جمعی یا انفرادی انسان‌ها به طور دائم بدون قصد بازگشت به مبدأ.

متأسفانه اتفاق نظر کلی در مفهوم مهاجرت بین صاحبنظران وجود ندارد ولی به طور کلی شاید بتوان مهاجرت را از دیدگاه جغرافیای جمعیت چنین تعریف کرد که مهاجرت عبارتست از جابجایی بین دو واحد جغرافیایی و به عبارت دیگر ترک یک سرزمین و اسکان در سرزمین دیگر.

● انواع مهاجرت

مهاجرت‌های به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود.

▪ بر حسب مدت:

۱) فصلی

۲) موقت

۳) دوره‌ای

۴) دایمی

▪ بر حسب فاصله:

۱) کوتاه مدت یا کوتاه فاصله

۲) بلند مدت یا بلند فاصله

▪ بر حسب انگیزه:

۱) تحصیلات

۲) تأهل

۳) انتقال شغلی

۴) خدمت سربازی

۵) فشارهای سیاسی، طبیعی و ... .

▪ بر حسب قلمرو سیاسی:

۱) داخلی

۲) خارجی

▪ بر حسب خواست مهاجر:

۱) اختیاری

۲) اجباری

▪ بر حسب تعداد مهاجر:

۱) فردی

۲) گروهی

▪ بر حسب قانونی و غیر قانونی بودن:

۱) مهاجرت‌های قانونی

۲) مهاجرت‌های غیر قانونی

● علل مهاجرت

به منظور بررسی علل مهاجرت‌ها، جغرافیدانان با مشکل مواجه می‌شوند. زیرا قاعده‌ای منسجم برای مهاجرت وجود ندارد. علت‌ها و انگیزه‌ها برای مهاجرت گوناگون و در عین حال مکمل یکدیگرند.

عواملی که بر مهاجرت مؤثرند را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی به چهار دسته تقسیم کرد. این عوامل را می‌توان در مهاجرت‌های روستا ـ شهری مؤثر دانست:

۱) عوامل آموزشی

در قدیمی‌ترین آثار مرتبط به شناخت عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا به شهر، آموزش همگانی بعنوان مهم‌ترین دلیل مهاجرت جوانان مطرح است.

گوستاولوبون نویسنده فرانسوی در کتاب روانشناسی توده‌ها می‌گوید:

اگر آموزش و پرورش ما تنها بی فایده بود می‌توانستیم به حال بچه‌های بدبخت اکتفا کنیم اما آموزش و پرورش متضمن خطر بسیار جدی‌تر است. کسانی که آموزش می‌بینند نسبت به شرایطی که در آن متولد شده‌اند نفرت شدید پیدا می‌کنند و در پی فرار از آن بر می‌آیند.

نظریه‌های متعددی وجود دارند که سعی نموده‌اند تا رابطه بین مهاجرت و تحصیلات را تبیین کنند. یک نظریه مهاجرت را وسیله‌ای می‌داند که فرد تحصیل کرده بازده دانش و مهارت‌های خود را به حداکثر می‌رساند. افرادی که تحصیلات رسمی دارند. بویژه آنهایی که در دوره دبیرستان یا بالاتر هستند می‌توانند در بخش دولتی یا تجاری مشاغلی را به دست آورند. این مشاغل خوب در مراکز شهری مهم قرار دارند، از این رو مهاجرین به این شهرها گرایش می‌یابند. یافته‌های مشابهی در غنا کنیا، ترکیه و تایلند این نتیجه را تأیید می‌کنند که تحصیلات بعنوان وسیله‌ای که آرزوهای دانش آموزان را تغییر می‌دهد مورد توجه است.

۲) عوامل اقتصادی

نوشته‌های مربوط به اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه ۶۰ که در آثار لوئیس، تودارو، فی ورانیس، هاریس و استیگلیتز مشهود است، دلایل اساسی مهاجرت‌های روستا به شهر را به ساختارهای اقتصادی مرتبط می‌سازند. نوشته‌های آن دوره که ارجاعات عمده در مطالعات اخیر نیز بوده است با تأکید بر سیاست‌های تعادل منطقه‌ای مهاجرت را ناشی از عدم تعادل میان مناطق مختلف می‌دانند. در بررسی‌های موردی در پاره‌ای از مناطق روستایی مکزیک در ناحیه توکسی که توسط لوردس آریزپ انجام گرفته است سطح بالای بیکاری، ارائه تصویر نادرست از مشاغل سنتی، شرایط نامتوازن در نظام‌های مبادله بخصوص جهت تولیدات کشاورزی، مالیات‌ها و ادغام در بازارهای ملی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت‌های روستا به شهر محسوب می‌شوند.

۳) عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی به اشکال گوناگون آشکار می‌شوند مثلاً در بسیاری از کشورها از جمله هند رسوم اجتماعی مانند نقل مکان عروس به محل اقامت داماد و حرکت زنان به محل اقامت شوهرانشان در زمان اولین زایمان موجب افزایش معنی‌دار تعداد مهاجران شده است. مسئله آزادی‌های مذهبی از دیگر عوامل مهم اجتماعی مهاجرت در گذشته و حال شمرده می‌شود.

تماس فرهنگی، فراهم بودن اطلاعات، مناقشات سیاسی حکومتی نیز از عوامل دیگر اجتماعی است که همگی بر روند مهاجرت تأثیر می‌گذارند.

فاوست و همکاران معتقدند که از دیدگاه نظری چهار عامل در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثر هستند:

الف) فشارهای بوم شناختی

ب) عوامل هنجاری

ج) انگیزه‌های اقتصادی

د) انگیزه‌های روانشناختی

وی آن گاه به ترسیم ماتریس هزینه ـ فایده مهاجرت می‌پردازد و تصمیم به مهاجرت را تابعی از هزینه‌ها و منافع آن می‌داند. فاوست همچنین معتقد است که بین دلایل و انگیزه‌های شخصی و ویژگی‌های ساختاری در ابعاد اجتماعی و اقتصادی با ارزش‌های مورد انتظار از مهاجرت را در

هفت مؤلفه ثروت، منزلت اجتماعی، آسایش، تحرک، آزادی عمل، استقلال، وابستگی و اخلاقیات خلاصه می‌کند و به تشریح هر یک در ارتباط با انگیزه‌های شخصی و ویژگی‌های شخصی و ویژگی‌های ساختاری و اجتماعی می‌پردازد.

۴) عوامل جمعیت شناختی

نقش عوامل جمعیت شناختی در کنترل جریان‌ها مهاجرت بسیار مهم است. ناهمگنی مناطق و نرخ افزایش طبیعی جمعیت اساس همه جابجایی‌های جمعیتی است. عوامل مؤثر جمعیت شناختی رابطه بسیار نزدیکی با منابع منطقه و رشد جمعیت دارد. به بیان دیگر فشار جمعیت آن طور که بر حسب ارتباط بین منابع انسانی و فیزیکی منطقه بیان می‌شود عامل جمعیت شناختی مهمی برای همه انواع مهاجرت شمرده می‌شود. بنابراین از دیدگاه ارتباط فیزیکی و انسانی میان مناطق کلید درک روندهای مهاجرت شمرده می‌شود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که عوامل موثر بر روند مهاجرت را نمی‌توان تنها به یک عامل وابسته دانست. بلکه چندین عامل بر این روند مؤثر است. مایکل تودارو در کتاب مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه عوامل مؤثر بر جریان مهاجرت را علاوه بر عوامل اقتصادی شامل عوامل زیر می‌داند:

۱) عوامل اجتماعی، شامل میل مهاجرین برای دور شدن از فشارهای سنتی ساختارهای اجتماعی روستایی باز دارنده.

۲) عوامل فیزیکی، شامل فاجعه‌های اجتماعی و جوی نظیر سیل، خشکسالی و قحطی که مردم را به جستجوی محیط دیگر برای زندگی مجبور می‌کند.

۳) عوامل جمعیتی، شامل کاهش نرخ مرگ و میر و نرخ‌های بالای رشد جمعیت روستایی که با آن همراه است و منجر به تراکم سریع جمعیت روستایی می‌شود.

۴) عوامل فرهنگی، شامل روابط خانوادگی گسترده شهری که امکان تأمین مالی اولیه برای مهاجرین جدید و جذب آنان به زرق و برق شهری را فراهم می‌کند.

۵) عوامل ارتباطی، که نتیجه بهبود حمل و نقل، سیستم‌های آموزشی شهری و اثار نوگرایانه رادیو تلویزیون و سینما است و آثار موانع مداخله کننده‌لی را تغییر می‌دهد.

همان طور که مشاهده شد مایکل تودارو نیز بعنوان یک اقتصاددان معتقد است که مهاجرت و روند آن بر آیند یک عامل نیست و عوامل متعددی در روند مهاجرت موثر است. مطالعه پدیده مهاجرت از روستا به شهر زمانی از ارزش و اعتبار علمی برخوردار می‌شود که بتواند از روش سیستمی نهایت استفاده را بعمل آورد. در این شیوه پیوند متقابلی بین اجزاء حاصل شده و تأثیر هر یک از عوامل در اجزاء مورد مطالعه و بررسی قرار گرفه و آنگاه با استفاده از روش استقرایی، تعمیم پذیری مناسبی از نتایج تحقیق به دست می‌آید.

منبع : کلوب

http://vista.ir/?view=article&id=284512

vista.ir
Online Classified Service

مهاجرت ایرانیان به آمریکا

رستوران های ایرانی، چلوکبابی ها، کله پزی ها، فروشگاه های سرشار از مواد غذایی ایرانی و حتی برخی سینماها با اکران فیلم های فارسی زبان تا حدی غم غربت را از دل هموطنان دور از دیار مادری می زداید. حتی در کیوسك های روزنامه فروشی نیز مجلات فارسی زبان حال و هوای ایران را

زنده می کند. خیابان های لس آنجلس و نیویورك مملو از همو طنانی است که به رغم تسلط کامل به زبان شیرین مادری، از تکلم با آن خودداری می کنند. در آمریکا حتی کانال های تلویزیونی و رادیویی نیز به زبان فارسی وجود دارند که اغلب با استقبال جامعه ایرانیان مقیم آمریکا مواجه هستند.

مهاجرت ایرانیان به آمریکا تقریباً بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۷ آغاز شد. لیکن با پیروزی انقلاب اسلامی سیل مهاجرت به این کشور افزایش پیدا کرد و در این میان افراد زیادی به عنوان پناهنده سیاسی در این کشور اقامت گرفتند. بین سال های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ سالانه نزدیك به ۱۰۰ هزار ایرانی به این کشور مهاجرت کردند. براساس آمار در سال ۱۹۶۵ فقط ۱۵ هزار ایرانی در ایالات متحده اقامت داشته اند که این تعداد در سال ۱۹۸۰ به ۱۲۱ هزار و در سال ۲۰۰۰ به یك میلیون نفر افزایش پیدا کرد. هم اکنون نیز قریب به دو میلیون ایرانی سکنه آمریکا هستند. در میان این مهاجرین مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان زیادی بودند، لیکن درصد مهاجرت ایرانیان یهودی به آمریکا زیاد بود. در سال ۱۹۷۹ حدود دو تا سه میلیون یهودی ایران را ترك کردند که نزدیك به یك سوم این تعداد وارد آمریکا شدند. در سال ۱۹۸۷ حدوداً ۵۵ هزار یهودی در لس آنجلس و نیویورك ساکن بوده اند که تا سال ۱۹۹۲ ، ۳۵ هزار نفر به جمعیت آنان افزوده شد. هم اکنون یهودیان ایرانی مقیم لس آنجلس بزرگترین جامعه ایرانی این منطقه را تشکیل می دهند.

با این وجود دین اکثریت جوامع ایرانی مقیم آمریکا اسلام است. مسلمانان ایرانی نیز مراسم مذهبی- ملی خود را کماکان برقرار می کنند و به آن پایبند هستند، ازجمله ماه محرم که برنامه هایی چون تعزیه، روضه و نذری دادن در مساجد و انجمن های اسلامی برقرار است. از دیگر مسائل ایرانیان مسلمان مصرف غذاهای شرعی است که به وفور در رستوران ها و فروشگاه ها علی الخصوص فروشگاه عرب ها یافت می شود. به عنوان مثال در شهر هایی که تعداد ایرانیان زیاد است ازجمله لس آنجلس، نیویورك و... بر سر در برخی مغازه ها به سه زبان انگلیسی، اسپانیولی و عربی نوشته شده: گوشت ذبح اسلامی موجود است. مسئله حجاب زنان نیز مقوله ای قابل بحث است. در آمریکا زنان به راحتی می توانند طبق شئونات اسلامی حجاب خود را رعایت کنند و در انظار نیز ظاهر شوند، اما در کل این کشور زنی با حجاب چادر دیده نمی شود زیرا این پوشش در آمریکا متداول نیست و زنان مسلمان ترجیح می دهند به طرزی دیگر حجاب خود را رعایت کنند. ایرانیان مقیم آمریکا اکثراً مراسم ازدواج را طبق آداب و رسوم ایرانی و مطابق با شرع انجام می دهند و بسیار به آن پایبند هستند. اما مسئله قوام و دوام زندگی در این کشور کمی قابل تامل است. در آمریکا برخلاف ایران پایه خانواده ها کمی سست تر است و پدر به عنوان محور اصلی خانواده محسوب نمی شود. زیرا فرزندان پس از طی دوره نوجوانی به راحتی از حمایت خانواده خارج می شوند و به راحتی برای خود تصمیم می گیرند و از والدین خود دور می شوند. در عین حال مادران به دلیل مشغله و کار خارج از منزل کنترل کمتری روی فرزندان دارند. بر اساس آمار سال ۱۹۹۰ حدودا ۴۸ درصد از زنان ایرانی مقیم لس آنجلس در مشاغلی چون استاد دانشگاه، پزشك متخصص، وکیل و تاجر مشغول به کار هستند و از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار. در حالی که در آمار سال ۱۹۸۰ فقط ۲۷ درصد از این زنان دارای شغل بوده اند. بسیاری از زنان ایرانی مقیم ایالات متحده با مشکلات خانوادگی و اعمال خشونت روبه رو هستند و این افراد تمایل زیادی به بازگشت به ایران دارند. درمیان ایرانیانی که در ایالات متحده اقامت دارند نزدیك به ۳۰ درصد در سال های ۱۹۸۰ به قصد تحصیل به این کشور وارد شده اند. پس از مدتی برای اقامت دائم اقدام کرده و سپس خانواده هایشان به آنها ملحق شده اند. مهاجرانی که پیش از انقلاب و سال های اولیه پیروزی انقلاب ایران را به قصد آمریکا ترك کرده اند، اغلب از تمکن مالی خوبی برخوردارند. براساس گفته محققان سنین دانشجویی سنین خوبی برای مهاجرت ایرانیان به آمریکا بوده است زیرا به دلیل جوان بودن به آسانی مشغول به کار می شده اند و راحت تر اقامت می گرفته اند. امروزه این عملیات با سختی های بیشتری مواجه است و فرآیند ورود به این کشور و اخذ اقامت دائم با مشکلاتی روبه رو است. به دلیل کاهش بازار کار برخی اقشار متوسط و فقیر با مشکلات مالی عدیده ای مواجه شده و حتی قصد ترك این کشور را می کنند. بین سال های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ حدوداً صدهزار ایرانی به میهن شان بازگشتند و در سال های اخیر نیز این بازگشت کماکان ادامه دارد. البته از میان ایرانیان مقیم آمریکا ۱۰ درصد در ایران نیز اقامت دارند و ۱۸ درصد از آنان هنوز در ایران خویشاوندان نزدیك دارند. به گفته هافمن یك محقق امور ایرانیان، ایرانی ها اغلب از ابتدای ورود به آمریکا قادرند به خوبی به زبان انگلیسی تکلم کنند و اکثراً از تحصیلات بالایی برخوردارند. آمار نشان می دهد که ۸۴ درصد ایرانیان مقیم آمریکا به این زبان کاملاً مسلط هستند. ۵۶ درصد تحصیلات بیش از لیسانس دارند، ۴۳درصد در مشاغل کلیدی مشغول به کارند، ۴۸ درصد درآمد بسیار بالایی دارند و ۲۲درصد از آنان برای خودشان کار می کنند. پس ایرانیان مقیم آمریکا با صرفنظر از ارتباطات سیاسی، در سطح خوبی از اجتماع آمریکا زندگی می کنند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۳ در امتحان ورودی دوره دکترای مهندسی برق دانشگاه استنفورد ۱۵ ایرانی فارغ التحصیل دانشگاه شریف موفق شده و به دوره دکترا راه پیدا کردند. بر اساس آمارگیری جرج

سباغ و مهدی بزرگمهر، وضعیت اقتصادی و وجهه اجتماعی اغلب ایرانیان شهر لس آنجلس در رده های بالایی قرار دارد. ایرانیان در تمام ایالت های این کشور مستقر هستند لیکن شهرهای نیویورك و لس آنجلس بزرگترین پایگاه ایرانیان در این کشور است و جالب توجه اینکه منطقه اورنج کانتی واقع در شهر لس آنجلس بیشترین سکنه ایرانی را داراست. متاسفانه به رغم تمامی موفقیت های اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی ایرانیان در اجتماع و برتری نسبت به مهاجران سایر کشورها، به زبان مادری صحبت نمی کنند و حتی سعی در مخفی کردن ملیت خود دارند. پیش از پیروزی انقلاب، کشور ایران به عنوان مخزن نفت و کشور ثروت در دنیا معرفی شده بود. با پیروزی انقلاب و دستگیری ۵۲ آمریکایی در سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹، وجهه ایرانیان کمی خدشه دار شد و تبلیغات گسترده ای در مقابله با این کشور شروع شد. این تبلیغات از مرزهای سیاسی هم عبور کرد و به فرهنگ آمریکایی نیز منتقل شد. به گونه ای که حتی در فیلم ها و کارتون ها نیز ایرانیان را افرادی خشکه مقدس، یك بعدی و با خصوصیت بربرها معرفی می کنند.

به همین دلیل نیز تعدادی از ایرانیان که تعصب خاصی نسبت به خاك و آب خود نداشته اند به سوی فرهنگ غربی روی آوردند و به شیوه آمریکایی ها زندگی می کنند. از سوی دیگر نسل مسن ایرانی نیز که چشم بسته و بدون برنامه ریزی دقیق به دنبال فرزندانشان راهی دیار غربت شده اند با مشکلات عدیده ای مواجه هستند. زیرا آنها اغلب زبان نمی دانند، در سنین بازنشستگی هستند و فرزندانشان وقتی را برای صرف کردن با این گروه سنی ندارند. به همین دلیل سالمندان ایرانی نیز در مراکز مشخصی اجتماعات گرم و متناسب با فرهنگ ایرانی تشکیل داده اند و با همسن و سال های خود سرگرمند. این مراکز برنامه هایی چون مسافرت، برگزاری جشن ها و مراسم سنتی ایرانی و برنامه های تفریحی متناسب با سن و سال این افراد ترتیب می دهند. هم اکنون از حدود دو میلیون ایرانی مقیم آمریکا، ۷۰۰ هزار نفر در کالیفرنیا و ۱۰۰ هزار نفر در واشینگتن DC اقامت دارند و مابقی نیز در اجتماعات بزرگ و کوچك در دیگر ایالات اقامت دارند.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=223859

vista.ir
Online Classified Service

مهاجرت ژن‌ها

● چکیده

در این مقاله مهاجرت ژن‌های هوشمند به‌عنوان یك نظریه جدید ارائه شده است. براساس این نظریه نه تنها نخبگان کشور که ثروت ملی می‌باشند از دست می‌روند بلکه پس از گذشت قرن‌ها از نظر ژنتیکی کشورهای نخبه‌پذیر (مقصد) به جوامع نخبه تبدیل خواهد شد و درصد ژن‌های هوشمند آنها به شکل گسترده‌ای افزایش می‌یابد. لذا در زمینه تولید علم، فن و فنآوری همچنان پیشتاز خواهند بود. در نتیجه کشورهای نخبه‌گریز (مبدأ) روزبه‌روز فقیرتر شده و به دلیل همین فقر، وابسته‌تر می‌شوند و تعادل جهانی با شدت بیشتری به هم می‌خورد. بنابراین ضرورت دارد، موضوع حفظ، صیانت و کرامت نخبگان به‌عنوان یك پروژه ملی تعریف شود و عوامل دافعه‌زا رفع گردد. یکی از جمله راهکارهای عملی برای جلوگیری از مهاجرت طیف وسیعی از ژن‌های هوشمند، حمایت مقاطع دکتری در داخل کشور و

همچنین مشارکت تمامی شرکت‌های خصوصی و دولتی در تأسیس مراکز پژوهشی تخصصی و همچنین بکارگیری نخبگان در این مراکز می باشد.

- نخبگان و توسعه پایدار

نخبگان و متخصصان هر کشور را به حق باید «ثروت ملی» آن سرزمین به شمار آورد. پدیده مهاجرت نخبگان و متخصصان به خارج از مرزها، به دلیل تأثیری که در فرآیند توسعه و همچنین تخریب اعتبار ملی و تغییر نسل‌های آینده دارد قابل تأمل و مطالعه است. به همین دلیل است که آثار و تبعات فرهنگی، روانی و سیاسی مهاجرت نخبگان برای نظام ما که در تلاش برای استقرار الگوی جدیدی در مدیریت جامعه بر پایه دین است و توسعه علمی کشور و بالندگی مراکز و نهادهای آموزشی و پژوهشی را از لوازم استحکام بنیان‌های امنیت ملی و سربلندی کشور می‌داند به‌صورت یك نگرانی و دل‌مشغولی جدی درآمده است؛ به‌ویژه آنکه برای کشور ما «منابع انسانی توسعه» از جمله سرمایه‌ها و مزیت‌های اساسی است و آسیب‌پذیری آن به منزلهٔ تهدیدی بزرگ برای حال و آینده جامعه می‌باشد.[۱]. مهاجرت مورد نظر این گفتار شامل مهاجرت موقت نخبگان جهت کسب و انتقال علم، فن و تجربه نمی‌شود، زیرا چنین مهاجرت و یا در واقع مسافرتی در راستای توسعه پایدار کشور بوده و از ضروریات تعامل واقعی با پدیده جهانی شدن و رسیدن به توسعه علمی می‌باشد. دانش، ثروت و سلامت از مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار است. توسعه نتیجهٔ کمی یك مقولهٔ کیفی به نام رشد است و از اساسی‌ترین شرایط رسیدن به توسعه پایدار این است که منابع مادی یك کشور جهت رفاه فعلی شهروندان به حراج گذاشته نشود، زیرا در این‌صورت نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خویش دچار مشکل خواهند شد[۲]. رکن دانش و نقش آن در توسعه، وابستگی جدی با نخبگان علمی دارد و درگیر کردن ایشان به امور علمی سرعت رسیدن به توسعه را افزایش داده و زمان دستیابی به آن را کاهش می‌دهد. لذا ایجاد شرایط مادی و معنوی مناسب جهت حفظ، پاسداشت و کرامت فرزانگان، دانشمندان، اندیشمندان، قهرمانان ورزشی و هنری و در یك کلام نخبگان جامعه از مهمترین وظایف مردم، حکومت و دولتمردان جامعه است. اگر چه نخبگان متعلق به کل جامعه بشریت بوده و نقش موثر آنها در زندگی بشریت به حصار مرزها محدود نمی‌شود ولی حضور ایشان جهت دستیابی به توسعه پایدار در هر محدوده جغرافیایی نقش کلیدی دارد. در این حقیقت که مهاجرت مغزها تعادل جهانی را به هم می‌زند[۳] و باعث می‌شود تا کشورهای فقیر همچنان فقیر باقی بمانند اجماع بین‌المللی وجود دارد[۴]. لذا کشورهای پیشرفته با ایجاد شرایط و جاذبه‌های مادی و معنوی، نخبگان دیگر کشورها را جذب نموده و با اتکاء به توان علمی، ابتکارات، ابداعات و اکتشافات ایشان، توسعه پایدار کشورهای خویش را سرعت می‌بخشند. در عوض به همان میزان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته و یا به عبارت دیگر نابرخوردار، از توسعه و پیشرفت کشور خویش باز می‌مانند و به مرور زمان این شکاف و اختلاف بین کشورهای مختلف افزایش یافته و این تفاوت خود را در ابعاد مختلف علمی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهد. در نتیجه در مقوله جهانی شدن در همه ابعادش تعداد معدودی از کشورها نقش کلیدی را ایفا خواهند نمود و کشورهای غنی، ثروتمندتر شده و کشورهای نابرخوردار همچنان فقیر مانده و به کشورهای پیشرفته و نخبه‌پذیر وابسته خواهند بود.

- مهاجرت ژن‌ها و چالش‌های جهانی

واقعیت‌های مورد اشاره در بخش اول این نوشتار، اگر چه جدی است ولی نگاه سطحی به اثرات و تبعات مهاجرت نخبگان است. لذا به نظر نگارنده بایستی اصطلاحات و مفاهیم مهاجرت نخبگان (Brain Drain, Elites Migration) را با مهاجرت ژن‌های هوشمند یا ژن‌های بالقوه دانایی و توانایی) (Brainy Genes Migration جایگزین کرد و از این پس به جای این لغات و عبارات مهاجرت ژن‌ها را به‌کار برد. زیرا ژن‌ها هستند که اطلاعات وراثتی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌نمایند و هوش و استعداد نیز با ژن‌ها ارتباط لاینفك داشته و این، یك اصل علمی اثبات شده است. بنابراین، هدف اصلی این مقاله ارائه نظریه‌ای جدید تحت عنوان: مهاجرت تدریجی ژن‌های دانایی و توانایی و یا به‌عبارت بهتر ژن‌های هوشمند می‌باشد. نبوغ و نخبگی در اثر دو عامل مهم وراثت ـ که همان ویژگی‌های ژنتیکی افراد بوده ـ و محیط ـ که شرایط و بستر لازم جهت رشد علمی و عقلی است ـ حاصل می‌شود. با توجه به مقدمه فوق می‌توان نتیجه گرفت که هر نخبه‌ای که از کشور خارج می‌شود، یك ژنوم هوشمند از کشور خارج شده و با زندگی در کشوری دیگر و ازدواج و تولید نسل در آنجا به تکثیر ژن‌های هوشمند آن کشور کمك می‌کند. لذا به تدریج درصد ژن‌های هوشمند جوامع نخبه‌پذیر افزایش یافته و در طولانی مدت و پس از گذشت سال‌ها، اختلاف فاحش ژنتیکی بین کشورهای نخبه‌پذیر و نخبه‌گریز ایجاد خواهد شد. به‌گونه‌ای که کشورهای نخبه‌پذیر به جوامعی نخبه تبدیل می‌شوند و جوامع نخبه‌گریز با کاهش ژن‌های هوشمند خویش، به تبعیت بی‌چون و چرا از جوامع نخبه‌پذیر،تن در داده و اداره امور جامعه با اتکا به افرادی انجام خواهد شد که از ضریب هوشی کمتری برخوردار هستند و به عقب‌ماندگی کشور خواهد انجامید[۵].

چراکه جوامع نخبه هر روزه به علم، فن، صنعت و تولید جدیدی دست می‌یابند و دیگر کشورهای دنیا به دلیل نیاز به علوم، فنون، صنایع و تولیدات

جدید، ناگزیر باید هزینه لازم را پرداخت نموده و فرهنگ کشورهای نخبه را که با علوم، فنون، صنایع و تولیدات آنها همراه است را نیز بالاجبار بپذیرند، زیرا فرهنگ جدید و نو نیز با تولید علم و فن جدید حاصل می‌شود. یعنی محصول فیزیکی و تولیدی حاصل از علم و تکنولوژی جدید به همراه خود فرهنگ استفاده جدید را نیز متولد می‌نماید. به‌عبارت دیگر کالاهای تولیدی هر کشور بر اساس فرهنگ همان کشور تولید می‌شود. لذا هر کشوری با صدور کالاهای خود به دیگر کشورها، فرهنگ خویش را نیز صادر نموده و به مرور زمان فرهنگ دیگر کشورها را با فرهنگ خویش جایگزین می‌نماید و در نهایت کشورهای نخبه‌گریز به دلیل نیاز و وابستگی همیشگی، خدمتکار این کشورها می‌شوند. زیرا حکام و دولتمردان هر کشوری موظف هستند تمامی ملزومات رفاهی جدید و یافته‌های نوین بشریت را برای شهروندان خویش مهیا نمایند. به‌عنوان مثال با پیشرفت علم الکترونیك و توسعه صنعت تلفن همراه، رایانه و شبکه‌های اینترنت اولاً تاثیرگذاری کشورهای مولد این تکنولوژی بر روی فرهنگ کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته (نابرخوردار) بسیار سهل، آسان و مقدور شده و از طرف دیگر با ارائه یافته‌های جدید و محصولات جدیدتر روز به روز وابستگی این کشورها را به خود افزایش می‌دهند. کشورهای در حال توسعه و نابرخوردار نمی‌توانند استفاده از دستاوردهای انقلاب فناوری اطلاعات یعنی صنعت IT و الکترونیك را برای شهروندان خود تحریم کنند زیرا چنین کاری خودکشی علمی را در پی خواهد داشت. چند دهه قبل تصور اینکه رایانه بتواند روزی اینقدر زندگی بشریت را متحول نماید ممکن نبود. در این رابطه می‌توان این سئوال را مطرح نمود که، واقعاً صنعت و فنآوری رایانه و یا تلفن همراه چقدر فرصت شغلی برای کشورهای مولد خود ایجاد نموده و خواهد نمود؟ مسلماً درآینده نیز علوم و تکنولوژی‌های جدیدی ظهور خواهند کرد که نقشی به مراتب مهمتر از رایانه بر زندگی بشر خواهند داشت و دانشمندانی که این فنون و فنآوری‌ها را کشف می‌نمایند آیندهٔ کشورهای خویش را بیمه می‌کنند و کشورهایی که دانشمندان و اندیشمندان بیشتری را پذیرا باشند، رهبری جهان آینده را در دست خواهند داشت. لذا جهت رهبری آیندهٔ جهان، نیازی به قدرت نظامی از جمله: بمب اتمی، تکنیك‌ها و تاکتیك‌های نظامی پیشرفته، برای وادار کردن دیگر کشورها به تبعیت وجود ندارد. زیرا قدرتمندترین ابزار برای تغییر و دگرگون ساختن جامعه و جهان، استفاده از علم و فنآوری است[۶]. بعید نیست در آینده با تولید و کشف منابع جدید انرژی مناسب و مواد اولیه ارزان و سازگار با محیط زیست، تنها منبع اقتصادی خیلی از کشورها یعنی نفت، کم‌ارزش و یا بی‌ارزش شود و یا ذخایر آن به اتمام برسد. با کمی دقت می‌توان دریافت که نخبگان قادرند علم، فن، فنآوری و صنعت جدید تولید نموده که به تبع آن فرصت‌های شغلی جدید برای جامعه خویش ایجاد نمایند. لذا درصد بیکاری در کشورهای پیشرفته در همه سطوح بسیار کم می‌شود، این در حالی است که مهمترین مشکل کشورهای در حال توسعه و نابرخوردار از جمله کشور ما بیکاری و باز هم مهاجرت ژن‌ها است. بنابراین بهترین و مطمئن‌ترین نقطه برای سرمایه‌گذاری در خصوص اشتغال و رفع معضل بیکاری در بلند مدت، توجه ویژه به نخبگان، دانشمندان و اندیشمندان جامعه است تا با تولید علم، فن، تکنولوژی و صنعت جدید ، فرصت‌های شغلی برگرفته از علم و صنعت داخلی را برای کشور ایجاد نمایند. در غیر این‌صورت کشورهای بیگانه از این نعمت‌های خدادادی استفاده می‌کنند. یعنی نخبگان کشور را جذب نموده و با استفاده از علم و د انش فنی تولید شده توسط ایشان محصولات جدیدی تولید نموده و این محصولات را به بازار کشور ما روانه می‌کنند، از استعداد، دانایی و توانایی نسل مهاجر استفاده نموده و موجبات وابستگی کشورش را ایجاد می‌نمایند. با توجه به دلایل فوق است که کشورهای نخبه‌پذیر، نخبگان دیگر کشورها را با هر دین و آیینی می‌پذیرند و نه تنها از هوش و استعداد و توان ایشان در توسعه علمی، فنی و صنعتی خویش استفاده می‌کنند بلکه ذخایر ژن‌های هوشمند خویش را برای نسل‌های آتی افزایش داده و آینده روشنی را برای ایشان ترسیم می‌نمایند. یعنی به طور کاملاً طبیعی اصلاح ژنتیکی انجام می‌دهند. در نتیجه با یك تیر دو نشان را هدف قرار می‌دهند. لذا نسل‌های آینده در کشورهای نخبه‌پذیر برای برآوردن نیازهای خویش نه تنها مشکلی ندارد بلکه با سهولت بیشتری توسعه پایدار کشور خود را دنبال خواهند نمود. به عبارت دیگر سیاستمداران کشورهای نخبه‌پذیر مهمترین «ثروت ملی» خود، یعنی نخبگان را چند برابر افزایش می‌دهند. چنین جوامعی با داشتن ذخایر ژنتیکی هوشمند، کافی، مناسب و همچنین حفظ منابع و ذخایرمادی خود از یك طرف و استفاده از ذخائر و منابع مادی کشورهای در حال توسعه و نابرخوردار از طرف دیگر، اختلاف طبقاتی و سرانه ثروت ملی بین کشورهای نخبه‌پذیر و نخبه‌گریز را افزایش می‌دهند. مهمتر اینکه جوامع نخبه‌پذیر با بکارگیری علوم و فنون جدید حاصل از پژوهش و تحقیق نخبگان، امکان کشف منابع طبیعی که بشر قبلاً به دلیل نداشتن علم و فن کافی از آنها بی‌بهره بوده است را نیز ممکن می‌سازند. این واقعیت سبب خواهد شد که کشورهای نخبه‌پذیر جهت کشف و استخراج چنین منابعی در کشور خویش نخواهند داشت.

- نخبه‌پذیری و تأثیرات آن بر جامعه

از جمله سؤالاتی که ممکن است مطرح شود مسائل امنیتی ناشی از حضور افراد غیربومی در کشورهای نخبه‌پذیر است. تجربه نشان داده است نخبگان غیربومی به دلیل داشتن امکانات مادی و معنوی در حد شأن خویش و همچنین فرهنگ بالا از لحاظ امنیتی برای کشورهای نخبه‌پذیر مشکلاتی ایجاد نمی‌نمایند. سؤال دیگری که در خصوص مهاجرت ژن‌ها جای طرح دارد این است که آیا فرزندان نخبگان در خارج از کشور در زمینهٔ

علم و فن تلاش خواهند نمود تا به مرجعیت علمی یا همان نخبگی برسند؟ در این خصوص می‌توان گفت امکان بالقوه برای بلوغ علمی از نظر ژنتیکی و محیطی وجود دارد. بنابراین جهت توسعه منابع انسانی در کشورهای نخبه‌پذیر هر دو عامل رشد یعنی وراثت هوشمند و شرایط محیطی مناسب برای اینگونه افراد وجود دارد. به‌طوری که بهره‌گیری از نهایت پتانسیل نخبگان و دانشمندان در این کشورها به سادگی میسر است. شرایط محیطی عبارتند از ملزومات تحقیق و پژوهش که در حد عالی در کشورهای نخبه‌پذیر مهیا است به گونه‌ای که هر وسیله، دستگاه یا ماده‌ای را که محقق نیاز داشته باشد در کمترین زمان ممکن در اختیارش قرار می‌گیرد.حقوق مادی و معنوی محققین و نخبگان در این جوامع نسبت به دیگر کشورها چندین برابر است، دانشمندان و پژوهشگران در این کشورها از سوی صنایع و شرکت‌های خصوصی مورد حمایت مادی قرار می‌گیرند و از محل این حمایت مالی، دانشمندان کشورهای نخبه‌پذیر به سهولت می‌توانند نخبگان دیگر کشورها را جهت کار بر روی پروژه یا پروژه‌های خویش که در ارتباط با رفع معضلات شرکت‌های خصوصی حمایت کننده هست را جذب نمایند. علاوه بر موارد فوق، اکثریت قابل توجهی از نخبگان به دلیل هوش و استعداد سرشار، از نظر معنوی و اخلاقی هم تفاوت قابل توجهی با دیگر افراد جامعه داشته و الگوی عملی برای اقشار مختلف می‌باشند و معمولاً ارتباط و اعتقاد عمیق‌تری با ماوراءالطبیعه و خداوند دارند. لذا به نظر نگارنده افزایش شمار نخبگان در هر جامعه، تقویت باورهای دینی را نیز در پی دارد.

- عوامل دافعه‌ای و جاذبه‌ای و تاثیرات آنها در مهاجرت ژن‌ها

مهاجرت نخبگان دغدغه اکثریت کشورهای جهان است و خیلی از کشورها محققین توانمندی را، جهت بررسی علل و عوامل این پدیده و ارائه راهکارهای مناسب مأمور به تحقیق و پژوهش نموده‌اند که بخشی از نتایج یافته‌های آنها منتشر گردیده و می‌تواند مورد استفاده محققین دیگر کشورها قرار گیرد [۳-۵، ۸-۱۲]. تنها جستجو در پایگاه علمی آمار و اطلاعات بین‌المللی ISI با کلیدواژهٔ فرار مغزها (Brain Drain) تا تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۴ میلادی، ۵۳۸ گزارش را در این خصوص نشان داد [۱۳]. گریت لادل (Grit Laudel) در سال ۲۰۰۳ میلادی سعی کرده است پدیده فرار مغزها را به روشی سیستماتیك مورد بررسی قرار دهد [۱۴]. آنچه از تحقیق در این موضوع حاصل می‌شود این است که نخبگان هر کشوری، سرمایه‌های ملی محسوب شده و کشورهایی که در نخبه‌پروری و حفظ و نگهداری آنها می‌کوشند، در فرآیند جهانی شدن از دیگران در همه زمینه‌ها گوی رقابت را خواهند ربود. به همین دلیل در کشورهایی مانند: انگلستان، روسیه، نیوزلند، هندوستان، آفریقای جنوبی و غیره جهت مقابله با این پدیدهٔ زیانبار، مطالعات جدید صورت پذیرفته است.

لذا ضرورت دارد در کشور ما هم تحقیقی جامع‌الاطراف جهت روشن شدن زوایای مختلف این پدیده زیانبار صورت پذیر و پاسخ مناسبی برای انبوهی از سؤالات که در این رابطه مطرح است یافته و راهکار عملی و بومی ارائه گردد. واقعاً باید بررسی نمود که در کشور ما صنایع خصوصی چقدر حاضر هستند که در زمینه تحقیق و پژوهش سرمایه‌گذاری نمایند تا نخبگان کشور از این طریق بتوانند نقش مؤثر خویش را ایفاء نمایند؟ تا چه اندازه در تامین ملزومات تحقیق و پژوهش جهت رسیدن به بلوغ علمی نخبگان خویش، سرمایه‌گذاری کرده‌ایم؟ و آیا پژوهشگران و نخبگان برای اینکه فعالیت علمی خویش را به حداکثر برسانند، امکانات لازم و به موقع را در اختیار دارند؟ بنابراین محرز می‌گردد که مدل جاذبه ـ دافعه در خصوص مهاجرت ژن‌ها سازگار است.

- برخی از عوامل ایجاد کننده دافعه در کشورهای نخبه‌گریز از جمله ایران عبارتند از:

۱) عدم کارایی علمی و فنی در وطن برای سطوح عالیه نخبگان اعم از نخبگان علمی، ورزشی، هنری [۱].

۲) عدم امکان کسب علوم و دانش مورد علاقه برای دانشجویان مستعد همراه با دریافت حمایت مالی (بوسیه شدن)، رویه‌ای که در کشورهای نخبه‌پذیر در حال انجام است.

۳) عدم تامین امکانات زندگی در شأن نخبگی و قابل مقایسه نبودن با حقوق و شرایط رفاهی کشورهای نخبه‌پذیر. جدیدترین گزارشات حاکی از آنست که دانشگاه‌های آمریکا جهت جذب دانشمندان عالی رتبه جهان، حقوق بسیار بالایی را برای ایشان در نظر گرفته‌اند، به‌گونه‌ای که این سیاستگذاری، کشورهای اروپایی و روسیه را دچار اضطراب جدی نموده است[۷]. به‌عنوان مثال دولت انگلستان در سال ۲۰۰۱ میلادی مبلغ قابل توجهی را به حقوق اعضاء هیات علمی دانشگاه‌ها خود اضافه نمود تا اختلاف حقوق بین اساتید دانشگاه‌های خود با کشور آمریکا کاهش دهد و از خروج دانشمندان خود جلوگیری نماید[۸].

۴) کمبود امکانات و ملزومات تحقیق و پژوهش جهت رشد علمی و عدم امکان تهیه آنها در زمان مناسب[۱۳]، که مواردی از آنها عبارتند از:

الف) کمبود دستگاه‌ها، وسایل کمك آموزشی، آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و ...

ب) عدم هماهنگی و هم جهتی سیاست‌های علمی و فنی کشور با انقلاب فناوری اطلاعات یعنی صنعت IT. نخبگان و محیط کارشان یعنی

دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی برای رقابت کردن با همتایان خود در سطح بین‌المللی و برای اینکه نقش رهبری خویش را در عصر اطلاعات به خوبی بازی نمایند[۱۶] باید امکان دسترسی به تمامی بانك‌های اطلاعاتی و پایگاه‌های اطلاعات علمی دنیا برایشان مقدور باشد، چرا که مشارکت نخبگان در تولید علم و فن بین‌المللی بایستی بر اساس شاخص‌های اساسی تولید علم و فن جهانی باشد[۱۷]. این بدین معناست که یکی از سهل‌الوصول‌ترین مسیرها جهت تعامل علمی نخبگان با محققین بین‌المللی و همچنین استفاده از علم جهانی، امکان اتصال به پایگاه‌های علمی دنیا است که متاسفانه به دلیل محدودیت‌های مالی چنین امکانی برای دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی نخبه‌پرور در کشور ما در حد مناسب وجود ندارد. این واقعیت، بزرگترین محدودیتی است که در حال حاضر نخبگان جامعه را رنج می‌دهد. امروزه، به‌طور کلی این واقعیت پذیرفته شده است که علم در جوامعی که دانشمندان آن با یکدیگر دارای روابط و ارتباطات متقابل هستند با سرعت و شدت بیشتری رشد می‌کند [۱۸ـ۱۹].

ج) عدم امکان تهیه نشریات و کتب علمی جدید و به روز.

چ) ناکافی بودن بودجه‌های پژوهشی و عدم تحقق بودجه‌های پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه کشور.

ح) بی‌ثباتی ردیف‌های حمایتی بودجه‌های پژوهشی و برخوردهای سلیقه‌ای با پژوهش و پژوهشگر در سطح کلان کشوری. لذا با وضع موجود نخواهیم توانست در حفظ نیروهای متخصص موفق شویم به همین دلیل بسیاری افراد، کشور را ترك می‌کنند. زیرا نمی‌توانند فکر و ایده خود را عملی کنند. محقق عمده‌ترین نیازش امکان کار است، اگر برای او مهیا نشود در کشور نمی‌ماند[۲۰]. در این خصوص گفته شده است: ملتی که پژوهش را قدر می‌داند، پژوهشگر را بر صدر می‌نشاند.

خ) عدم توجه ویژه به پژوهش‌های بنیادی که تنها منجر به گسترش مرزهای دانش و تولید علم می‌شوند. لذا نخبگان و متخصصان علوم بنیادی و رشته‌های علوم پایه به ظاهر نقش پژوهش‌های خویش را در راستای نیازهای جامعه ندیده و از طرف دیگر دائماً به ایشان وانمود می‌شود که نتایج یافته‌های شما چه مشکلی را از جامعه حل می‌کند و در نهایت محققین توانمند در این رشته‌ها، مکانی مناسب را در کشورهای نخبه‌پذیر، جهت گذران زندگی علمی خویش انتخاب می‌کنند که در آنجا برای پژوهش‌های بنیادی ارزش بیشتری قائل هستند و در نهایت عازم کشورهای نخبه‌پذیر می‌شوند.

۵) عدم رعایت جدی شایسته سالاری در انتصاب مدیران در کشور که این مورد شامل تمامی سطوح مدیریتی می‌گردد. در جوامع پیشرفته که دموکراسی به معنی واقعی حاکم است، نخبگان جامعه به طریقی کاملاً عادی بر مسند امور قرار می‌گیرند و جامعه توسط نخبگان مدیریت می‌شود. چون مدیران خود از نخبگان هستند و از نیازهای نخبگان آگاهی کامل دارند، لذا شرایط لازم را جهت حضور و اثرگذاری نخبگان مهیا می‌کنند و برای نخبگان هم پذیرش شرایط ساده‌تر شده و حضور خویش را در وطن موثر می‌بینند.

۶) امنیت و آرامش ملی در ابعاد مختلف آن تاثیری جدی در مهاجرت نخبگان و مهاجرت ژن‌ها دارد. این واقعیت در خصوص طبیعت و تمامی موجوداتش تحت عنوان انتخاب طبیعی (Natural Selection) امری پذیرفته شده است.

موارد فوق در کشورهای نخبه‌پذیر عکس می‌باشد محدودیت را برای تولید علم و توسعه علمی برداشته و توانسته‌اند در نقطه مقابل با سرمایه‌گذاری بر روی عوامل دافعه‌زای کشورهای نخبه‌گریز، آنها را به جاذبه تبدیل نمایند. اگر چه در مقولهٔ علوم انسانی بالاخص وقتی که تحلیل رفتار انسان‌ها مورد نظر است، اظهارنظر و حتی تحقیق و پژوهش، کاری بسیار مشکل است و برخلاف علوم طبیعی و تجربی امکان ارائه نسخه‌ای حاوی نوشدارو و کاری غیرممکن است. لذا از نظر منافع شخصی وقتی نخبه‌ای حقوق و مزایای مکفی و چندین برابر از یك طرف و امکان رشد علمی به مراتب بیشتر از طرف دیگر را در اقدام به مهاجرت می‌بیند، جهت کسب وجهه بین‌المللی و زندگی بی‌دغدغه وطن خویش را با تمام علایقی که در آن دارند ترك می‌نماید. در اینجا وظیفه دولتمردان است که با درایت لازم برنامه‌ریزی نموده و به نحو مطلوبی نخبگان کشور خویش را حفظ و شرایط مناسب را برای مهاجرت معکوس ژن‌ها نیز مهیا نمایند. مهاجرت معکوس، منظور جذب نخبگان ایرانی مقیم دیگر کشورها و همچنین نخبگان کشورهای دیگر است. چرا که مهاجرت معکوس موجب می‌شود که ذخیره ژن‌های هوشمند کشور، غنی‌تر شود.برای تحقق اهداف مورد نظر در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و همچنین ارتقاء جایگاه علمی ایران به ده کشور اول تولیدکننده علم در جهان[۲۱]، ضرورت وجود و حضور نخبگان، دانشمندان و اندیشمندان، غیرقابل انکار می‌باشد، چرا که کلید دستیابی به اقتصاد مبتنی بر دانایی، استفاده از نبوغ و استعداد خدادادی نخبگان جامعه است. لذا مسئولان کشور می‌باید، حفاظت، صیانت و کرامت نخبگان را به‌عنوان پروژه و آرمان ملی تعریف نموده و با نگاهی ویژه، زمینه شکوفایی استعدادهای ایشان و کاربست توانایی‌های حاصله را مهیا نمایند. مطمئناً هرگونه سرمایه‌گذاری در این خصوص به‌منزلهٔ استخراج منابع خدادادی بوده و منجر به افزایش ارزش افزوده تولیدات علمی، فنی، صنعتی و منابع طبیعی کشور خواهد شد. توجه به تمامی سطوح نخبگان از دوران دانش‌آموزی گرفته تا سطوح پژوهشگرای، دانشمندی و اندیشمندی ضرورت دارد. زیرا هر پژوهشگر موفق و یا دانشمند در سطوح

ملی و بین‌المللی، برای به حداکثر رساندن فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی خویش، نیاز به حمایت همه جانبه دارد، همانطوری که یك دانش‌آموز تیزهوش دبیرستانی به امکانات، دبیر و شرایط ویژه و متفاوتی نیاز دارد. توجه به یك مقطع خاص از نخبگی و هوشمندی، آن‌هم با هدف ویژه، دلالت بر عدم فهم صحیح از مفاهیم نخبه و نخبگی است. نخبگانی نیز هستند که حضور فیزیکی در کشور دارند ولی به دلیل کمبود امکانات مادی و معنوی لازم جهت رشد علمی و پژوهشی خویش عملاً همچون نخبگان مهاجرت نموده نقش آنها در توسعه علمی و فنی کشور کمرنگ است. تنها تفاوت این گروه با افراد مهاجرت نموده در این است که خسارتی از نظر کاهش ژن‌های هوشمند به جامعه نمی‌رسد. به‌هرحال مدیران کشور در هر سطحی وظیفه ملی، میهنی و دینی دارند تا به سلسله مراتب نیازهای این قشر موثر جامعه توجه نمایند[۲۲] و تمامی همت خویش را جهت بسترسازی مناسب برای جلوگیری از مهاجرت ژن‌های هوشمند کشور و همچنین بهره‌مندی از نخبگان موجود به‌کار گرفته، تا دین خویش را به میهن و نسل‌های آتی کشور ادا نمایند.

ای که دستت می‌رسد کاری بکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

اهمیت توجه به نخبگان و همچنین ویژگی‌های استثنایی این قشر از جامعه توسط بزرگان علم و ادب کشور نیز تذکر داده شده است. شعر زیبای باباطاهر موید این واقعیت است.

به هر الفی، الف قدی برآید الف قدم که در الف آمدستم

یعنی یك متفکر، حاصل و فشرده تلاش میلیون‌ها انسان در طول سال‌ها و قرن‌هاست و این الف قدها هستند که اندیشهٔ مردم را بارور می‌سازند و مسیر جامعه بشریت را عوض می‌نمایند و برای کشور خویش علوم و فنون، فرهنگ نو، ثروت، عزت و افتخار می‌آفرینند.

- نخبه کیست؟

در کنفرانس توسعه دانش و فنآوری در ایران سه مقاله تحقیقی بسیار جالب ارائه گردید که یکی از ارائه‌دهندگان مقالات براساس اداره گذرنامهٔ آمریکا هر فرد متخصص را نیروی نخبه معرفی نمود. صرف‌نظر از تعدادی افراد سیاسی هر کسی که مهاجرت می‌کند حتماً توانایی خاصی دارد که با اتکاء به آن مهاجرت می‌نماید، این توانایی می‌تواند ثروت و یا تفکر و تخصص باشد که دسته دوم موضوع بحث در این مقاله می‌باشد [۲۳ـ۲۵]. نخبه فردی با هوش، مستعد،خلاق، کارآفرین و با نبوغ فکری می‌باشد که با فعالیت ذهنی خود و ایجاد نوآوری به رشد و توسعه کشور سرعت می‌بخشد[۲۶]. نخبگان می‌توانند امور را بهتر انجام داده و قدم‌های موثری در رفع مشکلات محیط، جامعه و کشور خود بردارند[۲۷].

- نخبه‌پروری و راه‌کارهای حفظ و بکارگیری نخبگان

خوشبختانه طی سال‌های گذشته توجه بیشتری به نخبگان کشور شده و تاسیس بنیاد نخبگان امر مقدسی است که در حال انجام می‌باشد. اخیراً حساسیت مسئولین کشوری و همچنین محققین واندیشمندان کشور به معضل مهاجرت نخبگان شدیداً افزایش یافته و تحقیقی نسبتاً جامع تحت عنوان «چالش‌ها و راه‌کارهای حفظ و بکارگیری نخبگان» در بخش گزارش کمیسیون راه‌حل‌ها و راه‌کارهای کنفرانس توسعه دانش و فنآوری در ایران به چاپ رسیده است[۲۸].

در سال ۱۳۸۱ قانعی راد در مقاله‌ای بسیار جالب، نهادینه شدن علم را شرط لازم برای نگهداری و استقرار مغزها دانسته و راهکارهای منطقی وعلمی، در این خصوص ارائه نموده است[۲۹]، که خلاصه آنها عبارتند از:

- گفتگو بین مردم و نخبگان علمی جهت تقویت نظام ارزشی علم و گسترش درك عمومی از علم و فنآوری.
- پیشبرد برنامه‌های آموزشی و پژوهشی نیازگرا به دست نخبگان علمی.
- حمایت سخاوتمندانه از فعالیت‌های علمی و پژوهشی.
- آشنایی مسئولین امور با نقش دانش در ادارهٔ جامعه.
- ایمن بودن ساختار و مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در مقابل تحولات سیاسی کشور.
- افزایش میزان دانشبری (Knowledge Intensity) در کلیه فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی و خدماتی.
- پرداخت بخشی از حقوق و دستمزد اعضای هیأت علمی، اساتید و پژوهشگران براساس کار کیفی ایشان جهت ایجاد رقابت سالم و افزایش نوآوری.
- افزایش همبستگی و انسجام بین اهل علم و دانش از طریق تقویت انجمن‌ها، مجلات و همایش‌های علمی.
- استقرار مغزها از طریق افزایش جذابیت‌های کاری و محیطی با ایجاد شبکه‌های آموزشی، پژوهشی و فنآوری بین دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی و سازمان‌های اجرایی.

در هر صورت تاسیس و راه‌اندازی مقاطع تحصیلات تکمیلی بالاخص دوره‌های دکتری، زمینه نگهداری تعداد قابل توجهی از نخبگان کشور را جهت تحصیل و اشتغال در داخل ایجاد نموده است که این امر مبارك مسیر حرکت علمی کشور را از ترویج علم به سمت تولید علم و در نهایت تولید ثروت از دانش سوق داده و خواهد داد[۳۰].

لذا به نظر نگارنده، تقویت جدی مقاطع تحصیلات تکمیلی و حمایت در ابعاد مختلف مادی و معنوی و به میزان شایسته از قشر اثرگذار در این بخش، یکی از بهترین مسیرهای حمایت از طیف وسیعی از نخبگان کشور بوده و همچنین بهترین فرآیند برای نخبه‌پروری در تمامی رشته‌های مورد نیاز کشور می‌باشد. همچنین ضرورت دارد راه‌کارهای مناسب جهت شناسایی و کشف استعدادهای درخشان و پرورش آنها (نخبه‌پروری) در کنار حفظ سرمایه‌های انسانی موجود (نخبگان) تدوین و اعمال گردد. چه بسیار استعدادهای عالی و فراوانی در کشور وجود دارد که به دلیل فقر و امثال آن به فعلیت نمی‌رسند.

چنانچه کسب ثروت از طریق حلال به یك فرهنگ تبدیل شود و ثروتمند بودن حاصل از نخبگی و نبوغ، ضد فرهنگ تلقی نشود و این باور در مردم ایجاد گردد که امنیت لازم برای ثروت و سرمایه در کشور وجوددارد و ثروتمندان و صنایع خصوصی و دولتی می‌توانند با اتکاء و بهره‌مندی از پتانسیل نخبگان و متخصصان ثروت خویش را افزایش دهند. همچنین در صورتی که تمامی شرکت‌های دولتی و خصوصی موظف شوند که واحدهایی تحت عنوان مرکز پژوهشی تخصصی داشته باشند و درصدی از درآمدهای خویش را در خصوص پژوهش هزینه نمایند. این اقدام، ضمن اینکه زمینه اشتغال فارغ‌التحصیلان مقاطع تحصیلات تکمیلی را ایجاد می‌نماید محصولات شرکت‌های خصوصی و تولیدی روز به روز بهبود کیفیت بیشتری خواهند داشت. از طرف دیگر از پتانسیل علمی نخبگان کشور هم به نحو مطلوبی استفاده شده و از نبوغ ایشان در راستای اثرگذاری بر جامعه بهره‌برداری خواهد شد. آن‌وقت است که مردم با نقش نخبگان و خواص جامعه بیشتر آشنا شده و در راستای حفظ، صیانت و کرامت ایشان از هیچ حمایتی دریغ نخواهند نمود. چرا که مردم در آن‌صورت می‌دانند که توسعه پایدار کشور بایستی به دست نیروهای خودی و با تکیه بر توانایی‌های نخبگان و خواص جامعه صورت پذیرد و در فرآیند جهانی شدن مطمئناً نخبگان جامعه می‌توانند در تولید محصولات با کیفیت بهتر و هزینه کمتر، شرکت‌های خصوصی و دولتی را کمك نمایند تا در میدان رقابت بین‌المللی و در فرآیند جهانی شدن در حفظ و ارتقاء جایگاه خویش موفق شوند. ما باید باور داشته باشیم که، توسعه و پیشرفت کشور، با هدایت و حمایت از بیرون از مرزهای آن خوابی بیش نیست. شاعر شیرین سخن علامه اقبال لاهوری چه زیبا این واقعیت را بیان نموده است.

خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت

به آن ملت، سرو کاری ندارد که دهقانش برای دیگران کشت

و یا ایشان چه خوش سروده است که:

آن جهان بینان که خود را دیده‌اند خود گلیم خویش را بافیده‌اند

- نتیجه‌گیری

امید است مدیران کشور دست در دست یکدیگر داده و کرامت نخبگان، یعنی حفاظت، صیانت از آنان را به‌عنوان یك پروژه و آرمان ملی تعریف نمایند تا افتخارات گذشته کشور احیاء شده و ایران اسلامی مهد فرهنگ، علم، فن و تکنولوژی جهانی بشود. یقیناً موارد مطرح شده در این نوشتار مورد عنایت ویژه مسئولین اثرگذار در سیاستگذاری آینده کشور قرار خواهد گرفت و مطالب مطروحه در آن صرفاً مصداق شعر زیر قرار نخواهد گرفت.

گرچه دانی که نشنوند بگوی هرچه دانی زنیك خواهی و پند

منبع : سایر منابع

http://vista.ir/?view=article&id=241271

vista.ir
Online Classified Service

مهاجرت مثبت؛ فرار منفی

در گیرودار دست و پنجه نرم کردن مردم با انواع مسائل مختلف، از بحران هسته‌ای و انتخابات مجلس گرفته تا تورم و فساد و اخیراً نیز بحران گاز، ظاهراً جای چندانی برای طرح بحثی چون مهاجرت نمی‌ماند، به‌ویژه آنکه پدیده مهاجرت، حداقل در حال حاضر جهشی نیست و روندی یکنواخت دارد و در نتیجه عادی به نظر می‌رسد، ضمن اینکه آثار آن معمولاً در میان‌مدت و بلندمدت دیده می‌شود و در کوتاه‌مدت نمودی ندارد و در مقایسه با موضوعات فوری و عاجل حساسیت کمتری را برمی‌انگیزد اما فراموش نکنیم که پرداختن به علل و پیامدهای مهاجرت احتمالاً می‌تواند اولویت‌های مشکلات جامعه ما را نمایان‌تر کند.

منظورمان از مهاجرت، بهطور مشخص مهاجرت بین‌المللی و از ایران به خارج از کشور است، گرچه و تا حدودی استدلال‌های آن برای مهاجرت‌های داخلی نیز صادق است. اجمالاً باید گفت که مهاجرت در اصل پدیده مثبتی است، مشروط بر آنکه ناشی از فرآیند طبیعی جامعه باشد. در تمامی جوامع (بدون استثنا) نوعی مهاجرت از روستا به شهر را شاهد بوده‌ایم، هم برای ادامه تحصیل و آموزش و هم برای اشتغال، زیرا با توسعه جوامع، سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کم می‌شود و سهم صنعت و خدمات افزایش می‌یابد، پس نیروی کار اضافی روستایی به شهرها سرریز می‌شود و هم بازار کار شهر را تأمین می‌کند و هم زمینه را برای افزایش بهره‌وری (تولید به ازای هر فرد) برای روستاییان باقیمانده فراهم می‌کند.

در سطح بین‌المللی هم مهاجرت موجب کاهش هزینه‌های تولید می‌شود و نیز هنگام بازگشت مهاجران به وطن موجب نقل و انتقال تجربه و آموزش و فناوری و حتی سرمایه می‌گردد، گرچه در هر دو مورد معضلاتی را هم ایجاد می‌کند. در مقابل اگر مهاجرت ناشی از اختلالات ساختاری و مشکلات سیاسی و اجتماعی باشد، ممکن است نابرابری و عدم توازن اجتماعی را تشدید کند. فرض کنید که در شهر و منطقه معینی، مردم به پزشک متخصص نیازمندند و نیز زمینه لازم برای سرمایه‌گذاری و توسعه صنعتی نیز فراهم است و حتی بازگشت سرمایه در این منطقه بیشتر از مناطق دیگر است اما به دلیل فقدان ناامنی و سوء مدیریت مسوولان محلی، نه‌تنها پزشک متخصص و سرمایه‌دار و کارآفرین از مناطق دیگر به آنجا نمی‌آیند، بلکه بومی‌های آنجا نیز مهاجرت را بر بقا ترجیح می‌دهند و حاضرند به منطقه و شهری بروند که از امنیت لازم برخوردار باشند، حتی اگر درآمد آنها در شهر مقصد کمتر باشد و یا با مردم منطقه مقصد نیز احساس بیگانگی کنند. در این حالت مهاجرت برای فرد و سرمایه مهاجر و نیز مقصد مهاجرت مثبت اگرچه ناخواسته است، اما برای منطقه مهاجرفرست، منفی است و اوضاع آن را وخیم‌تر می‌کند و شکاف میان این منطقه را با مناطق مهاجرپذیر بیشتر کرده و در نهایت به کل تولید و رفاه و آسایش جامعه لطمه می‌زند. این مهاجرت ناشی از نابسامانی و سوء مدیریت است و ربطی به رقابت سازنده میان مناطق مختلف ندارد. در واقع این مهاجرت محصول بغض و نفرت از مبدأ است و لزوماً ناشی از حب و علاقه و یا کشش مقصد نیست. چنین مهاجرتی موجب کنده شدن از مبدأ و رفتن به مقصد علی‌رغم میل باطنی است، در حالی که در مهاجرت مثبت، نگاه مهاجر عموماً به مبدأ و وطن خود است و چه بسا در اولین فرصت سرمایه مادی و معنوی اکتسابی خود را به وطن برگرداند تا شرایط آنجا را تغییر داده و بهبود بخشد. این مهاجر، فردی فعال و کنشگر و مثبت است، اما مهاجری که از ناچاری و بر اثر اضطرار و دافعه مبدأ، موطن خود را ترک می‌کند معمولاً ویژگی‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهد. مهاجر اول، به محض آنکه مقصد را نپسندید، رأی خود را تغییر می‌دهد و به موطن و مبدأ خود بازمی‌گردد، رفت و آمد خود را هم با وطن قطع نمی‌کند، لذا دچار عوارض فرهنگی هم نمی‌شود یا کمتر با چنین عوارضی دست به گریبان می‌شود و کمتر دچار بی‌هویتی می‌گردد اما مهاجر دوم در بسیاری از موارد چون از روی استیصال و ناچاری مهاجرت کرده، حتی مجبور است، پل‌های پشت سر خود را خراب کند و اگر به نحو مناسب در مقصد جذب نشود، اجبارا با هر وضعیتی خواهد ساخت و به معنای دیگر از اینجا مانده

از آنجا رانده می‌شود و دچار بحران‌های روانی و هویتی می‌گردد.

نوع خاص و مهم مهاجرت در جهان امروز و نیز برای ایران، مهاجرت مغزهاست. آیا این مهاجرت منفی است یا مثبت؟ با توجه به نکات فوق، هر دو نوع مثبت و منفی مهاجرت مغزها وجود دارد. اگر واقعاً مهاجرت و نه فرار باشد، نه‌تنها اشکالی ندارد که مثبت هم هست اما اگر فرار باشد قضیه فرق می‌کند. اگر یک محقق و پژوهشگر به مرحله‌ای از پیشرفت برسد یا این استعداد را در خود ببیند که ساختار علمی جامعه ما نمی‌تواند پاسخگوی عملی کردن توان‌های وی باشد، نه‌تنها اشکالی به مهاجرت وی نیست، بلکه پسندیده هم هست، چون او می‌تواند با عشق و علاقه‌ای که به میهن خود دارد در کشور دیگری خود را باور کرده و پیشرفت کند و افتخار کشورش هم باشد و چه‌بسا سرپلی برای انتقال علم و فناوری و حتی سرمایه به کشور و جامعه خود باشد.

در مقابل اگر شاهد فرار مغزها باشیم، یعنی نیروها و متخصصینی را که در کشور خود به آنان نیازمندیم و حتی بهره‌وری آنان در جامعه ما هم بیشتر است، ولی به دلایل متعدد، از جمله بی‌توجهی به علم و دانش، فقدان امنیت شغلی و حیثیت انسانی یا... آنان نسبت به جامعه و مدیریت آن بدبین باشند و فرار را بر قرار ترجیح دهند، در این صورت با وجه منفی مهاجرت مواجهیم.فراموش نکنیم که عین همین استدلال درباره انتقال سرمایه هم وجود دارد، امروز در بسیاری از کشورهای پیشرفته، سرمایه‌های کلانی وجود دارد که در پی تولید و منفعت حاصل از آن هستند.

اگر در کشوری مثل چین این سرمایه‌ها سالانه ۲۵ درصد سود دهد و در کشور خودشان ۱۵ درصد؛ سرمایه‌گذار آن را به چین منتقل می‌کند و این برای کشور مبدأ سرمایه هم سودآور است، زیرا این سرمایه دیر یا زود و با سودش به کشور مبدأ برمی‌گردد و چین یا کشور مقصد هم از آن بهره‌مند می‌شود اما اگر در کشور مبداء مانع خروج این سرمایه شوند، به مرور بهره‌وری سرمایه در آنجا کمتر و کمتر می‌شود، چون راهی برای رقابت ندارد. کاهش تولید و بحران اقتصادی نتیجه این سیاست است.

مثلاً اگر سرمایه‌گذاری در عراق و افغانستان به دلایلی برای ایرانیان سود بیشتری داشته باشد، هیچ اشکالی ندارد که اجازه صدور سرمایه به آنجا داده شود اما اگر فرار سرمایه از ایران به دلیل فقدان مقررات یا نبود حاکمیت قانون یا بی‌ثباتی سیاست‌ها و فساد و نبود امنیت مالی باشد، در این صورت سرمایه صادر نمی‌شود، بلکه فرار می‌کند و این مسأله موجب بحران اقتصادی در جامعه می‌شود. در چنین جامعه‌ای ورود سرمایه خارجی نیز مشکل را حل نمی‌کند.

با توجه به نکات فوق باید گفت که اگرچه خروج نیروی انسانی و به طور مشخص متخصص یا سرمایه از ایران تماما منفی نیست، اما به نظر می‌رسد که وجه منفی آن نوعاً غالب است و مابیشتر با فرار نیروی متخصص و سرمایه مواجهیم تا صدور آن. نکته مهم اینکه عواملی که سبب فرار نیروی انسانی و سرمایه می‌شود، باعث ناکارآمدی سرمایه و نیروی انسانی موجود در کشور هم می‌گردد و خسارت آن فقط فرار سرمایه و مغز نیست، بلکه خسارت ناشی از ناکارآمدی سرمایه و مغزهای موجود و باقیمانده در کشور، بسیار بسیار بیشتر از خسارات ناشی از فرار آنهاست.

آیا تاکنون فکر کرده‌ایم که چرا با این همه سرمایه و درآمد ناشی از نفت، رشد اقتصادی ما از برخی کشورها مثل آسیای جنوب شرقی و کره و حتی ترکیه در همسایگی ما بسیار کمتر است؟ که نه‌تنها صادرکننده نفت نیستند که واردکننده عمده آن هم هستند، در این کشورها هم صدور نیروی متخصص را شاهدیم و هم صدور سرمایه را، اما پدیده فرار را کمتر می‌بینیم، زیرا زمینه‌های لازم برای استفاده از حداکثر توان و سوددهی و بهره‌وری نیروی انسانی و سرمایه را فراهم کرده‌اند و سرریز این دو عامل نیز به طور طبیعی مهاجرت می‌کند و نتایج مثبت حاصل از مهاجرت را به مبدأ خود برمی‌گرداند.

فقدان حاکمیت قانون، فساد اداری، بی‌اعتباری منزلت و حیثیت انسانی، نبود امنیت فکری و مالکیت و... از اهم دلایل فرار است و برداشتن هیچ قدمی برای توسعه کشور موثر و مفید نخواهد بود، مگر اینکه ابتدا به این موارد ریشه‌ای، اهتمام جدی شود.

منبع : روزنامه اعتماد ملی

http://vista.ir/?view=article&id=294962

vista.ir
Online Classified Service

مهاجرت و پدیده ای به نام "خارجی هراسی" در فرانسه

گرچه از ابتدای قرن بیستم و حتی پیش از آن، مهاجرت به کشورهای اروپایی جزو آرزوهای جوانان سرزمینهای کمتر توسعه یافته بود، اما این پدیده از آغاز قرن بیستم، با رشد اقتصادی و همچنین شکل گیری بازارهای گسترده کار در منطقه اروپا، سرعت بیشتری به خود گرفت.

این هجوم بیسابقه به اروپا در دوران جنگ جهانی اول و دوم به دلایل مختلف از جمله نبود امنیت جانی افول کرد. اما پس از پایان جنگ جهانی دوم، و بخصوص بعد از جنگ الجزایر (جنگ استقلال) و به پایان رسیدن دوران استعمار کهن اروپاییان در خاک کشور های آفریقایی و بالاخص آفریقای شمالی، سرزمینهای کشورهای اروپایی مجددا مورد هجوم مهاجران از سرتاسر دنیا قرار گرفت. گرچه مهاجران به هدف بالا بردن سطح زندگی اقتصادی یا به دلایل مختلف سیاسی، خاک اروپا را برای زیستن انتخاب کردند، اما هیچگاه این مسئله مورد علاقه کشورهای مهاجر پذیر نبود. در واقع، پس از پایان چنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، روشنفکران و مخالفان سیاسی بلوک شرق، یا همان شوروی سابق، و به طور کلی مخالفان تفکر مارکسیستی ـ لنینیستی، که از رژیم دیکتاتوری وقت، دلزده و منزجر بودند، سرزمین های اروپایی را به دو دلیل برای اقامت خود برگزیدند. اول اینکه کشورهای اروپای با شوروی فاصله زیادی نداشت و از این رو مخالفین می توانستند به راحتی با اپوزیسیون درون ارتباط برقرار کنند و دوم اینکه کشورهای اروپایی و بخصوص فرانسه، در آن دوران ادعای آزادی داشتند و مخالفان رژیم کمونیستی توانستند از این فرصت نهایت استفاده را برده و مامنی برای خود در اینگونه کشورها بیابند.

اما اینها تنها قسمتی از مهاجرین بودند. جوانان جویای کار از افسا نقاط دنیا و بخصوص از آفریقا به اروپا سرازیر شدند. بدین واره، در دهه ۱۹۸۰ میلادی اروپا با موج فروزان مهاجرین و بالاخص "مهاجرین اقتصادی" روبرو شد. مهاجرینی که غالبا به هدف پیدا کردن شغل وارد این قاره کوچک می شدند. ولی باید گفت که شرایط به یکباره در دهه ۱۹۹۰ برای مهاجران سخت و سنگین شد. کشورهای پیشرفته اروپایی که با سیلابی از مهاجران آسیایه میانه، اروپای شرقی و بخصوص آفریقایی روبرو شده بودند، به یکباره وضعیت اقتصادی خود را آشفته دیدند. بیکاری فراگیر، تهدیدات تروریستی، مسئله تغییر به اصطلاح "نژاد اصیل اروپایی" و غیره و غیره، دست به دست هم داد تا کشورهای اروپایی در سال ۱۹۹۷ تصمیم تاریخی خود را در اجلاس "آمستردام" مبنی بر جلوگیری از وارد شدن بی رویه خارجیان و بخصوص آفریقاییان را اتخاض کنند. از این پس بود که مرزهای اتحادیه اروپا، با محافظت شدید نیروهای امنیتی و پلیسی و سربازان مخصوص این اتحادیه روبرو شد و تلاش برای جلوگیری از قاچاق انسان یا به قول فرانسوی ها "مهاجران مخفی" به این قاره بحران زده قوت گرفت.

در واقع، پدیده مهاجرت که تا پیش از این اجلاس، نوعی "مشکل اقتصادی" عنوان می شد، پس از وارد شدن به حوزه سیاست کلان اتحادیه اروپا، شکل "سیاسی ـ امنیتی" به خود گرفت. جرایم اعراب آفریقایی مسلمان در رسانه ها انعکاس فزاینده ای یافت، و پدیده "اسلام هراسی" جای خود را در افکارعمومی باز کرد.

با این اوصاف، گرچه هنوز منشوری کلی و فراگیر در رابطه با سیاست مهاجرتی در اتحادیه اروپا نگاشته نشده است، اما بر اساس توافقنامه ای که بین اعضای این اتحادیه شکل گرفت، هر یک از اعضای عضو اتحادیه، تا زمان دسترسی به یک توافق کلی، مسئول سیاستگذاری مهاجرتی برای خود هستند. از این روست که در برخی کشورهای اروپایی به دلیل باز بودن درهای اداره پلیس به روی هر خارجی از راه رسیده، میزان درخواست پناهندگی در این گونه کشورها گاهی به چند برابر کشورهای همسایه می رسد. و صد البته این مسئله از دید سایر کشورهای عضو پنهان نیست و دولتها در تلاشند تا در سال ۲۰۱۰ میلادی، منشوری جامع برای کل اتحادیه اروپا تنظیم کنند تا دیگر شاهد این گونه تناقضات در خاک این اتحادیه نباشند.

اما اروپا با توجه به نگاه امنیتی خود به پدیده مهاجرت، هیچگاه نتوانست نیاز کشورهای عضو را به نیروی کار "بدون تخصص" یا "با تخصص پایین"

انکار کند. اجلاس "لیسبون" که با عنوان نیاز اروپا به نیروی کار "غیر متخصص" شکل گرفت، به بررسی این پدیده پرداخت، که چگونه بدون فراموش کردن مشکلات امنیتی، اعضا میتوانند به نیاز جامعه خود مبنی در تامین "نیروی کار غیر متخصص خارجی" بپردازند. اجلاس "لیسبون" با محوریت "نیاز بدیهی، ترس بیرونی"، بیانگر این واقعیت بود که کشورهای عضو اتحادیه اروپا و بالاخص کشورهای حوزه اسکاندیناوی نیاز مبرمی به "کارگران ساده مهاجر" دارند، اما همواره این نگرانی در میان صاحبان قدرت به چشم می خورد که در یک نگاه کلان چگونه میتوانند اصالت قومی و امنیت اجتماعی خود را حفظ کنند در حالی که نیاز خود را نیز برآورده سازند.

ولی در نهایت، بدلیل غالب بودن نگاه امنیتی بر نگاه اقتصادی و همچنین نقش تصمیم گیرنده گان و طراحان طرح، که عموما از اعضای سیاسی کابینه و نه اعضای اقتصادی آن بودند، وزنه به سوی سیاستمداران چرخید و هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا دست به تشدید قوانین مهاجرتی خود زدند و از طریق تصویب قوانین در مجلس، هرکدام به نوبه خود تلاش کردند راه ورود خارجی ها را به سرزمین خود تنگ تر و تنگ تر کنند. با نگاهی اجمالی به مجموعه قوانین کشورها، سه نکته مشترک در تمام آنها دیده می شود :

۱) چند برابر کردن مراحل آزمون پرونده مهاجرتی به منظور رد ردخواستها پیش از بررسی نهایی.

۲) مانع تراشی و عدم دریافت فوری پرونده در مراکز پلیس به منظور محدود کردن تعداد درخواست ها.

۳) افزایش تعداد رد ردخواستها در روزهای اولیه اجرای قانون به منظور ایجاد مانع روانی برای متقاضیان پناهندگی.

برای نمونه، مجلس فرانسه به پیشنهاد وزیر کشور"نیکولا سارکوزی"، در تاریخ دهم دسامبر ۲۰۰۳ میلادی قانونی را به عنوان " حق پناهندگی" به تصویب رساند که از دیدگاه بسیاری از نهادهای بین المللی و همچنین انجمنهای فرانسوی طرفدار حقوق بشر، مغایر با " کنوانسیون ژنو" و همچنین " اعلامیه جهانی حقوق بشر" بود. در این قانون، وزارت خارجه فرانسه قدرت بیشتری به وزارت کشور واگذار کرد و دست افراطگرایان دست راستی را برای رد درخواست پناهندگی در همان ابتدا باز گذاشت. به این ترتیب که بر اساس این قانون تمام درخواستهای پناهندگی باید در اداره پلیس محلی به ثبت برسد و پلیس (که در فرانسه به ضد خارجی بودن شهرت دارد) پس از بررسی مقدماتی پرونده و رد بسیاری از درخواست ها در همان ابتدا به دلایل مختلف و گاها غیر منطقی ـ از جمله "نداشتن آدرس ثابت "یا" عدم نگاشتن درخواست پناهندگی به زبان فرانسه" که برای بسیاری از خارجیان غیر ممکن بود ـ ، الباقی درخواستها را به " اداره حمایت از پناهندگان و بی وطن ها " (OFPRA) ارسال می کرد. البته این رد درخواست ها به همین شکل ادامه داشته تا جایی که بر اساس گزارش "کمیساریای عالی مهاجرت" وابسته به سازمان ملل متحد، فقط در سال ۲۰۰۴ میلادی، ۶۱۰۰۰ درخواست پناهندگی در OFPRA به ثبت رسیده که ۹۰ در صد آن از سوی این اداره رد شده است. بر اساس گزارش OFPRA، درخواست کنندگان کارت پناهندگی در نود درصد موارد، به دلیل عدم آشنایی به قوانین جدید پناهندگی در فرانسه، به کنوانسیون ژنو استدلال می کنند که پس از قانون سال ۲۰۰۳، از نظر دولت فرانسه بی اعتبار است.

این رد درخواست ها در حالی است که بر اساس توافقنامه ژنو در سال ۱۹۵۲، تمام کشورهای جهان ملزم به پذیرش درخواست پناهندگی، از میان تمام اقوام، بدون توجه به جنس، رنگ پوست، نژاد، دین و ملیت شده اند. مضاف بر اینکه بر اساس "اعلامیه جهانی حقوق بشر" ، تمام افرادی که در کشور خود مورد شکنجه، یا آزار قرارگرفته یا تهدید به مرگ می شوند، حق دارند از کشور ثالثی درخواست پناهندگی کنند. اما بر طبق گزارش انجمن حمایت از حقوق پناهندگاه فرانسه، در بررسی پرونده ها، نگاه های نژاد پرستانه به آسانی به چشم می خورد. "تهدید امنیتی" از دلایل شایع رد درخواست بسیاری ساهپوستان و مسلمانان است. مضاف بر آن، رفتار پلیس در زمان تحویل گرفتن پرونده با افراد نیز غیر عادلانه توصیف شده است.

وجه دیگری که در رابطه با این پدیده باید مورد توجه قرار داد، برخورد دولت فرانسه با سازمانهای غیردولتی است. از آنجا که در سیستم دموکراسی فرانسوی، تنها دولت بازیگر عرصه سیاسی نیست و انجمنها، نهادهای بین المللی حقوق بشر و رسانه ها هر کدام به تنهایی وزنه ای جداگانه در عرصه سیاسی این کشور هستند، رفتار دولت فرانسه، همواره با تیزبینی خاصی از سوی هر یک از این نهادها مورد بررسی قرار می گیرد.

در فراگرد تصویب قانون سال ۲۰۰۳، گروههای غیر دولتی هر کدام به نوعی مخالفت خود را با تصویب آن ابراز کردند. مجله "لوموند" در مارس ۲۰۰۴ اروپا را " گورستان حقوق مهاجران" نامید و در مقاله تندی به قلم آلن موریس (Alain Morice) قانون جدید مهاجرتی را به باد انتقاد گرفت. همچنین برخی انجمن ها اعلام کردند که قانون ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ حقوق مهاجرین را در فرانسه به طور بنیادینی تغییر داد. سازمانهای غیر دولتی نیز اعلام کردند که هم اکنون ۲۵۰۰۰ نفر به طور قاچاق در خاک فرانسه زندگی می کنند که وضعیت آنان بسیار دردناک است که با وضع قانون جدید، حداقل شانس اینان برای زندگی قانونی در فرانسه به صفر نزدیک می شود.

در این شرایط، وزیر کشور فرانسه از آماده سازی طرحی برای تصویب در سال ۲۰۰۷ میلادی خبر می دهد که بر اساس آن شرایط ورود خانواده های پناهندگان را به خاک فرانسه سخت تر می کند. او از "مهاجران نادرست" صحبت می کند. کسانی که به نظر او، با اظهارات دروغ و ادعاهای غیر قابل اثبات، درخواست اقامت می کنند. در واقع اشاره "سارکوزی" به افزایش قابل توجه تعداد درخواست های پناهندگی در طی سالهای اخیر است. بر اساس گزارش OFPRA ، در سال ۱۹۹۵ تعداد درخواستهای پناهندگی ۳۰۰۰۰ بوده، در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۱ میلادی به ۸۰۰۰۰ رسیده است. البته دولتمردان فرانسوی از افزایش تعداد درخواست ها، ابراز خشنودی کردند و اعلام کردند که فرانسه پس از آمریکا، و بالاتر از انگلستان، آلمان، کانادا و هلند، دومین کشور در جهان و اولین کشور در اروپا، از نظر تعداد درخواست پناهندگی است و این پدیده نشان دهنده "آزادی و دموکراسی" در این کشور می باشد.

اما جناح راست و بالاخص راست افراطی در اروپای غربی و بخصوص در فرانسه همواره بر حفظ منافع ملی و محکم نگه داشتن مرزها تاکید داشته است، تا آنجا که "لوپن"، رئیس حزب "مرز ملی" یا "Frontière Nationale" و رقیب اصلی "ژاک شیراک" در انتخابات قبلی ریاست جمهوری فرانسه، همواره بر اخراج خارجیان از فرانسه تاکید داشته و بیکاری فزاینده در فرانسه را معلول حضور بدون محدودیت خارجیان در فرانسه یا همان "شش ضلعی" میداند. وی در جواب مخالفین خود که او را به "راسیست یا نژادپرست" بودن متهم می کنند، خود را میهن پرستی میداند که به جای فکر کردن به منافع اروپا (کنایه به ژاک شیراک)، به منافع ملی و مردم سرزمین خود فکر می کند. FN در پژوهشی نشان داد که پناهندگان برای گرفتن کارت اقامت از چهار روش معمول استفاده می کنند.

▪ دسته اول پناهنده جویان " کنوانسیونی " هستند که برای دست یافتن به کارت اقامت، به متن کنوانسیون ژنو استدلال می کنند، که بر اساس آن، کسانی که در کشور خود و توسط دولت مرکزی، رسما دچار شکنجه قرار گرفته یا تهدید به مرگ شده باشند، حق دارند مکانی امن در کشور دیگر برای خود بیابند.

▪ گروه دوم پناهجویان هستند که در درخواست پناهندگی خود به " قانون اساسی جمهوری فرانسه " استدلال می کنند. این قانون به افراد حق می دهد که بدون در نظر گرفتن محل تولد، محل اقامت خود را با میل شخصی انتخاب کند.

▪ دسته سوم پناهندگان " سرزمینی " هستند. یعنی کسانی که مورد شکنجه و آزار افرادی خارج از حوزه قدرت دولت متبوع خود قرار می گیرند. مانند افرادی که توسط گروههای فشار یا مافیا و یا گروههای تروریستی زیرزمینی مورد شکنجه و تهدید قرار می گیرند. در نهایت،

▪ دسته چهارم مهاجران مرزی هستند که به روشهای غیر قانونی و غالبا از طریق قاچاقچیان انسان، خود را به مرز زمینی یا هوایی (فرودگاهی) میرسانند. اینان پس از ورود، به منطقه حفاظت شده ای به نام "منطقه انتظار" انتقال داده می شوند، و به آنان ۹۶ ساعت فرصت داده می شود که مدارک خود را به مسئولان ارائه کنند. بر اساس تحقیقات پلیسی، این دسته از پناهجویان غالبا مدارک مستندی برای ارائه ندارند و به کشور مبدا یا به کشور ثالثی انتقال داده می شوند. اما در صورت پذیرش مدارک اولیه به آنها ویزای ۸ روزه ای داده خواهد شد که درخواست پناهندگی خود را مانند گروه اول پر کنند. اما، "نیکولا سارکوزی"، وزیر کشور و کاندیدای مصمم پست ریاست جمهوری آینده فرانسه در سال ۲۰۰۷ و رئیس "حزب سوسیالیست فرانسه"، که خود نیز فرزند یک مهاجر اروپای شرقی میباشد، از مخالفان سرسخت حضور خارجیان در این کشور است. بیرون کردن فله ای خارجیان بدون کارت اقامت، جلوگیری از "ازدواجهای سفید" که همان ازدواج صوری برای گرفتن کارت اقامت و پاسپورت فرانسوی است و همچنین قانون" مهاجرت انتخابی" از جمله روشهایی است که او برای بازگرداندن خارجیان به کشورشان استفاده میکند. قانون "مهاجرت انتخابی" که در ۱۸ می ۲۰۰۶ به تصویب رسید به تحصیل کرده های کشورهای خارجی با مدارک تحصیلی بالا و کارهای علمی معتبر اجازه می دهد که در کشور فرانسه به تحصیل و کار مشغول شوند. همچنین به سرمایه گذاران، ورزشکاران با مدالهای جهانی و هنرمندان نامدار اجازه میدهد که به مدت سه سال توانایی خود را در این خاک نشان دهند، که در غیر این صورت به کشور خود بازگردانده خواهند شد. در این قانون ، به افرادی که سارکوزی به اصطلاح آنها را "ظرفیت ها و هوش ها" می نامد فرصت نسبتا خوبی برای نشان دادن ظرفیت خود داده خواهد شد و با لعکس سخت گیری شدیدی نسبت به سایرین اتخاذ و مانع از ورود افراد با هوش متوسط خواهد شد. مخالفین، از جمله "انجمن مبارزه با مهاجرت زباله ای" که کنایه از طرح وزیر کشور در به زباله انداختن افراد با هوش متوسط است، این طرح را دزدی مغزهای کشورهای دیگر میداند و می گویند که " انسان مانند مواد خوراکی نیست که آن را پس از مصرف به سطل زباله بیاندازیم". اینان معتقدند که این قانون، باعث افزایش فقر و عدم پیشرفت سایر کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته خواهد شد. علاوه بر آن، مخالفین می گویند که این قانون سخت ترین و غیر عادلانه ترین قانون در تاریخ فرانسه از پایان جنگ جهانی دوم است. اما موافقان، این طرح را راهی برای برآورده کردن نیازهای کشور میدانند و عنوان می کنند که همچنان که طرح " مهاجرت انتخابی" در کانادا و استرالیا در حال اجراست و این گونه کشورها از طریق مصاحبه و روشهای دیگر اقدام به جذب نخبگان می

کنند، فرانسه نیز میتواند از این راه، نیاز خود را در رابطه با مغزهای جدید برطرف کند.

علاوه بر آنچه مطرح شد، قانون پیشنهادی جدیدی که سارکوزی در سال ۲۰۰۷ به مجلس ارائه خواهد کرد، از هم اکنون با مخالفتهای شدید در داخل این کشور مواجه است، در صورت تصویب شرایط ورود را برای همسر، فرزندان و وابستگان مهاجرین را سخت تر می شود. مخالفان می گویند که قانون CESED، ابتدایی ترین حقوق انسانی را نیز به زیر سئوال برده، چرا که حق مسلم مهاجرین در زندگی در کنار خانوادش را از او می گیرد. در واقع، چیزی که سارکوزی را ناخرسند کرده این است که بر اساس آمار اداره پلیس بیش از هشتاد درصد ویزاهای تمدید شده در فرانسه مربوط به وابستگی های خانوادگی یا ازدواج با فرانسوی بوده است و تنها هفت درصد ویزاها به ویزاهای کاری اختصاص داشته. وی هدف خود را برای به اجرا گذاشتن این قانون، اصلاح چنین وضعیتی عنوان می کند.

در نهایت، باید گفت که بر اساس آمار موسسه Insee ، معتبرترین مرکز آمارگیری فرانسه، در سال ۱۹۹۹ تعداد کمی بیش از چهار میلیون مهاجر در فرانسه ساکن بوده که معادل ۷ درصد جمعیت این کشور است. با این حال مهاجرین مقیم فرانسه، فقط ۴ درصد نیروی شاغل جامعه را شامل میشوند، اما به دلیل حساسیت تاریخی پدیده مهاجرت در افکار عمومی فرانسویان، بحث اقامت اینان در خاک فرانسه یکی از موضوعات محوری بحث های انتخاباتی است. این موضوع بالاخص پس از حمالات ۱۱ سپتامبر به آمریکا جنبه های جدیدی به خود گرفت. رئیس جمهور آمریکا، حمله به این کشور را با "جنگهای صلیبی" مقایسه کرد که این اظهارات، عامل تشدید کننده ای در احساسات "خارجی هراسی" و بالاخص "اسلام هراسی" در میان ساکنان اروپایی شد.

منبع : آتیه

http://vista.ir/?view=article&id=291975

vista.ir
Online Classified Service

مهاجرت و فرار مغزها

هر کشوری دارای سه نوع سرمایه است: یکی نیروی انسانی، دیگر محیط و منابع طبیعی از قبیل زمین و آب، معادن و ذخایر زیرزمینی و سوم محیط انسانی و ساخته شده از قبیل بناها، جاده‌ها، کارخانه‌ها، وسایل تولید، موزه‌ها و کالاهای تولید شده قدیم و جدید.

تردیدی نیست که ترقی و رشد یک جامعه، در گرو هماهنگ کردن و ربط دادن نیروی انسانی ماهر با عوامل طبیعی و مادی است. اگر بارورترین و خوش آب و هواترین مزرعه‌ها، بی کشاورز و باغبان بماند، محصولی از آن عاید نمی‌شود و اگر بهترین متخصص کشاورزی درکویر بی آب و علف، محصور شود، زمین شوره سنبل برنیارد.

پدیده مهاجرت و بدتر از آن پناهندگی، حاصل ناهماهنگی‌ها بین نیروی انسانی و عوامل طبیعی و زیست‌محیطی است. گاهی عوامل طبیعی همچون زلزله، خشک‌سالی، قحطی و گاهی عواملی انسانی هم چون جنگ یا انقلاب یا حتی استقلال، موجب جابه‌جایی توده‌یی جمعیت یک کشور شده است و می‌شود، ولی گاهی هم افراد یک جامعه با حساب و

کتاب و برای دسترسی به اهداف شخصی و خانوادگی به بازار کار در کشورهای بیگانه جذب می‌شود. اگر کسی در وطن خود احساس امنیت نکند، یا فرصت و آزادی برای کسب و کار دلخواه خود نیابد، نه به اجبار بلکه به اختیار راهی سرزمین‌های بیگانه می‌شود.

برابر آمارهای محاسبه شده در سازمان بین‌المللی مهاجرت، روند مهاجرت در جهان رو به رشد است؛ یعنی در ۱۹۶۰ تنها هفتاد و شش (۷۶) میلیون نفر از مردم جهان در کشوری بیرون از کشور زادگاه‌شان سکونت داشته‌اند، ولی در سال ۲۰۰۰ این تعداد به یکصد و هفتاد و پنج (۱۷۵) میلیون نفر رسیده است. یک نگاه گذرا به هر کشور نشان می‌دهد که مهاجرت توده‌ای متعلق به کشورهای فقیر است. برای مثال مسلمانان هند در سال استقلال هندوستان از بریتانیا در ۱۹۴۸، زادگاه خود را برای پیوستن به پاکستان ترک کردند. هم چنین در سه دهه اخیر قریب هفت میلیون افغانی از افغانستان به پاکستان و ایران و دیگر کشورهای همسایه پناهنده شده‌اند. در آفریقا هم بر اثر خشک‌سالی یا قحط و غلا و یا جنگ داخلی و ناامنی، گروه‌های زیادی به طور دسته‌جمعی از کشور فقیر خود به یکی از کشورهای کم‌تر فقیر مجاور هجرت می‌کنند که نمونه‌های آن در آفریقای جنوبی، آفریقای مرکزی، فاجعه دارفور و جنگ سودان و چاد دیده می‌شود.

در مهاجرت‌های فردی و انتخابی، مهاجرت همیشه از کشورهای فقیر و توسعه نیافته به کشورهای ثروتمند و توسعه یافته صورت می‌گیرد. کشورهای پیش رفته به داشتن ثبات سیاسی و فرصت‌های شغلی و رفاهی، برای متخصصان و تیزهوشان و نیز فعالان سیاسی دگراندیش در کشورهای در حال توسعه، بسیار پرجاذبه‌اند. دولت‌های سرمایه‌دار و صنعتی اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و اشباه آن‌ها هم جذب نخبگان کشورهای دیگر را برای پیشرفت جامعه خود همیشه در دستور کار خویش داشته‌اند و برای این که سرمایه‌های معنوی و استعدادهای درخشان را از کشورهای دیگر (اعم از کشور توسعه‌یافته رقیب یا کشورهای توسعه نیافته) به داخل کشور خود جذب کنند، بسیار آگاهانه عمل می‌کنند. ایالات متحده آمریکا همیشه برای شکار بهترین مغزهای اروپا (از جنگ جهانی دوم تا امروز) تلاش کرده است و با توجه به این که میزان بودجه‌اش برای پژوهش و توسعه به مراتب بالاتر از کشورهای اروپایی‌ست، در جذب پژوهشگران بسیار موفق بوده است.

فرار مغزها brain drain اول بار، توسط هندوستان در دهه ۱۹۶۰ به دنبال کمبود نیروی کار متخصص در آن کشور مطرح شد. شکایت دولت هند از این بود که ویژه‌کاران هندی که در دانشگاه‌های هندوستان به رایگان تحصیل کرده‌اند، در کشورهای دیگری که در تربیت آنها سرمایه‌گذاری نکرده‌اند، استخدام می‌شوند. هم‌چنین پس از فروپاشی شوروی سابق، سد مهاجرت نیروی کار متخصص از روسیه به اروپا و آمریکا شکسته شد. پژوهشی که در سال ۲۰۰۳ در روسیه انجام شد، علل مهاجرت ویژه‌کاران و نخبگان روسی را کمی حقوق ماهیانه آنها و حمایت نشدن طرح‌های پژوهشی‌شان در داخل کشور عنوان کرد. دو سال بعد، مطالعه‌ای مقایسه‌ای از فرار مغزها از آسیا به کشورهای عضو "سازمان همکاری اقتصادی و توسعه" (ایالات متحده و کشورهای هم پیمان او) نشان داد که در دهه‌های اخیر ایران در فرار مغزها در قاره آسیا رتبه اول را داشته است و پس از ایران، به ترتیب کشورهای کره، فیلیپین و تایوان مقام دوم و سوم و چهارم را داشته‌اند (مجله آفتاب، ش ۳۲، بهمن ۱۳۸۲) همچنین برابر آمار رسمی، در میان شصت و یک کشور در حال توسعه جهان، ایران از نظر فرار مغزها مقام اول را داشته است. (روزنامه اطلاعات، ۸ دی ۱۳۸۰)

با مهاجرت نخبگان فرهنگی، علمی و صنعتی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته، کشورهای درحال توسعه همچنان در حالت فقر، عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی می‌مانند و کشورهای سرمایه‌دار، از برکت وجود نیروهای انسانی تربیت شده در کشورهای فقیر، بیش‌ترین بهره را می‌برند و به رشد و شکوفایی هر چه بیش‌تر می‌رسند. به این گونه قدرت‌های استعمار نو، نه تنها منابع و موادخام کشورهای فقیر را می‌برند و می‌خورند، بلکه با سودجویی از فرار مغزها، نیروی انسانی برتر این کشورها را نیز می‌ربایند و از آنان به سود خویش بهره می‌برند.

وضع موجود "صادرات و واردات مهاجران" در ایران معاصر بسیار غریب است. ایران در سه دهه اخیر چندین میلیون پناهنده فقیر و بی‌سواد یا کم‌سواد را از افغانستان و عراق در خود جای داده است. به همین نسبت یا بیش‌تر حتی، ایرانیان متخصص و دانشگاه رفته و درس‌خوانده و با استعداد و کارگران ماهر ایران را ترک کرده و به کشورهای آمریکا، اروپا، کانادا، استرالیا، ژاپن و کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس مهاجرت کرده‌اند. حاصل این جابه‌جایی عجیب، این است که ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، با داشتن دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های فعال، بخشی از نیروی انسانی تربیت یافته خود را صادر کرده است. تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد، البته در برگیرنده هزینه‌های فراوان و سرمایه‌گذاری بسیار از سوی ملت و دولت است. آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها در ایران از یارانه‌های دولتی برخوردارند و خانواده‌های ایرانی بدون استثنا به هزینه کردن برای تعلیم و تربیت فرزندان خود اولویتی کم‌نظیر قائل‌اند. ملت ایران چه از رهگذر پرداخت وام‌های دراز مدت کم بهره، چه کمک به

پرداخت شهریه، چه سکونت در خوابگاه‌های دانشجویی و چه در نهایت دادن بورس تحصیلی به دانشجویان بورسیه برای ادامه تحصیل در خارج از کشور و چه از طریق ساخت و ساز مدرسه و دانشگاه و آزمایشگاه و کتابخانه و مراکز فرهنگی برای تربیت نیروی جوان خود هزینه می‌کند؛ دریغ که درصدی قابل توجه از این نیروی انسانی تربیت شده را به دلیل فراهم نکردن بستری مناسب برای اشتغال آن‌ها از دست می‌دهد.

با کمال تعجب، در مقابل فرار مغزها، ایران میلیون‌ها نفر افغانی و عراقی را به‌طور قانونی یا غیرقانونی در کشور پذیرفته است. این مهاجران نسل اخیر به ایران به قصد بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های موجود در ایران به میهن ما آمده و در این جا سکونت اختیار کرده‌اند و بعضا با سودجویی از راه‌کارهای شبه قانونی، تابعیت ایران هم تحصیل کرده و شناسنامه ایرانی گرفته‌اند. خلاصه کلام، همان طور که بسیاری از جوانان ما با تحصیلات عالیه، همه تلاش خود را به کار می‌برند که راهی دیار غربت شوند و به هر زحمتی هست ویزای تحصیل، کار، اقامت در فرنگ بگیرند. پناهندگان کشورهای همسایه خودمان هم چه از طریق قانونی و چه با ترفندهایی از جمله دعوی اثبات نسب، تنظیم اقرارنامه، ازدواج با اتباع ایرانی و حتی دزدیدن یا جعل شناسنامه به تحصیل تابعیت ایرانی می‌پردازند. سخن حق را باید گفت که یک‌افغانی مقیم ایران (اعم از آن که اسناد اقامتش قانونی یاغیرقانونی) باشد، در ایران مثل هر شهروند دیگر از برق، آب، اتوبوس، نان، لبنیات و دارو (و هر کالای دیگر که یارانه دولتی دارد) بهره‌مند می‌شود. اغلب آن است که دیناری هم مالیات نمی‌دهد و قطعا خدمت نظام وظیفه هم انجام نداده است و نمی‌دهد، نسبت به حفظ محیط زیست و رعایت میراث فرهنگی و آثار ایرانی، زیاد دل نمی‌سوزاند و احیانا در ارتکاب جرائم و به ویژه انواع قاچاق هم "آسان‌گیر"تر از یک شهروند ایرانی است. در اوضاعی که جمهوری اسلامی ایران برای حفظ اخلاقیات جامعه، به صنعت توریسم و آمدن اروپاییان مجال زیادی نمی‌دهد و عطای اقتصادی گردشگری بیگانگان را به لقای آن‌ها می‌بخشد، آیا رواست که درهای مملکت را به روی بیگانگان که خطرات حضور آن‌ها برای امنیت اخلاقی و ناموسی مردم ما به مراتب بیش از توریست‌های غربی‌ست، باز بگذارد؟ صریح‌تر بگویم، در اوضاعی که جمهوری اسلامی بسیاری از ایرانیان را به ادنی شبهه عدم التزام به بعضی از اصول قانون اساسی، ممنوع الورود و ممنوع الخروج یا ممنوع القلم می‌کند، آیا رواست پذیرای کسانی باشد که قطعا هیچ گونه التزامی به هیچ یک از اصول قانون اساسی ندارند؟ سخن درست‌تر بگویم، آیا حضور یک اقلیت بزرگ فقیر، کم فرهنگ جویای نان به ویژه در اوضاع بحرانی و خدا ناکرده در صورت حمله نظامی بیگانه به کشور خطر آفرین نیست؟ آیا اینان بالقوه ستون پنجم نمی‌توانند شد؟

صرف‌نظر از ملاحظات علمی، فرهنگی، حیثیتی و امنیتی، ملاحظات اقتصادی هم باید منظور نظر قرار گیرد. در این راستا معادله غریب دیگر این است که ما در ایران شاید بیش از پنج میلیون جوان بیکار و آماده بکار داریم و در مقابل پنج میلیون یا بیش‌تر هم کارگر افغانی داریم. آیا مدیریت کلان جامعه نباید ایجاد کار برای ایرانیان را در اولویت قرار دهد؟

ایرانیان در طول هزار و چهار صد ساله اخیر چند بار به‌طور جدی مجبور به مهاجرت شده‌اند:

۱) به هنگام حمله اعراب، یزدگرد سوم خود پیشاپیش از جلوی اعراب در جبهه‌های باختری ایران گریخت و به سوی خاوران فرار کرد. در پی او انبوهی از ایرانیان به ویژه زرتشتیان کرمان و فارس که نخواستند به تعویض دین اجدادی خود تن بدهند، به‌طور دسته جمعی مهاجرت کردند و در مناطق شمال شرقی ایران مستقر شدند ولی پس از استیلای اعراب بر شمال کشور از خراسان بزرگ به جزیره هرمز در خلیج فارس رفتند و از آنجا هم ناچار از راه دریا به گجرات هجرت کردند. این مهاجران فراری تا به امروز در هند همچنان به پارسی معروف‌اند. داستان این مهاجرت را زنده‌یاد استاد ابراهیم‌پور داود در رساله "ایران شاه: تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هندوستان" نوشته و در ۱۹۲۶ م در بمبئی به چاپ رسانده است. جمعی از زرتشتیان از هند نیز دورتر رفتند و خود را به چین رساندند.

۲) دومین مهاجرت دسته‌جمعی ایرانیان پس از حمله مغول اتفاق افتاد. پس از عقب‌نشینی سلطان جلال‌الدین‌محمد خوارزمشاه بسیاری از نخبگان ایران از شمال‌شرقی (خراسان) به جنوب (مخصوصا فارس) یا غرب (آسیای صغیر) یا شرق (به ویژه شهرهای شمال غربی شبه قاره هند) فرار کردند و نمونه آن‌ها خاندان مولانا جلال‌الدین محمد بلخی بود که در قونیه مستقر شدند و نیز نجم‌الدین دایه مولف مرصادالعباد که به هنگام حمله مغولان به عراق عجم، خانواده و خویشان خویش را در مهلکه رها کرد و خود به تنهایی به آسیای صغیر پناه برد. بعدها شمس قیس رازی، صاحب المعجم و دیگران با بیان این قول که "الفرارممالایطاق من سنن المرسلین" از جلوی دشمن گریختند و به جاهای امن‌تر پناهنده شدند.

۳) پس از برآمدن صوفیان و رسمی شدن مذهب تشیع، در ۹۰۷ ق بسیاری از ایرانیان سنی مذهب به ویژه هنرمندان و شاعران به هند یا عثمانی یا ماوراءالنهر هجرت کردند. شاه اسماعیل صفوی در سن شانزده سالگی در تبریز بر منبر برآمد و در حالی که سه چهارم اهالی تبریز در آن تاریخ، مذهب تسنن داشتند، مذهب تشیع را مذهب رسمی قرارداد و با سخت‌گیری و تعصب و تفتیش عقاید به مهاجرت بسیاری از ایرانیان سنی از

ایران از یک‌سو و مهاجرت بسیاری از شیعیان جبل عامل و حله و بحرین به ایران از سوی دیگر دامن زد. این شعر معروف نتیجه مهاجرت‌های خواسته و ناخواسته ایرانیان در این دوره به هندوستان است:

رو به هند آوردن ایرانیان بی‌وجه نیست روزگار آیینه را محتاج خاکستر کند

سفر نخگبان ادبی و هنری ایران به هند برای کسب ثروت و برخورداری از امکانات رفاهی در عصر بابریان (گورکانیان) بی‌شباهت به فرار مغزها در عصر حاضر نیست. این شوق سفر به هند در اشعار اکثر شاعران عصرصفوی (از جمله مشرقی، فیاض لاهیجی، صائب تبریزی، حسن بیگ، رفیع قزوینی و کلیم کاشانی) بازتابی صادقانه دارد:

حبّذا هند، قبله‌ی احباب خاصه یاران مصلحت جو را

هرکه شد مستطیع علم وهنر رفتن هند واجب است او را

۴) پس از انقلاب ۱۳۵۷ بسیاری از ایرانیان که برجان و مال خود می‌ترسیدند و یا این ترس را برای نیل به فرصت‌های اقتصادی و رفاهی در بیرون مرز بهانه کردند، از ایران به اروپا و آمریکا پناهنده شدند. بیش‌تر این پناهندگان (برای مثال چهار نخست وزیر سابق رژیم شاهنشاهی یعنی جمشید آموزگار، جعفر شریف امامی، ارتشبد غلامرضا ازهاری و شاپور بختیار که از دولت‌های بیگانه پناه جستند) در سنین بالا بودند. موج دوم پناهندگان پس از درگیری مسلحانه اعضای سازمان مجاهدین خلق با حکومت اسلامی (همزمان با فرار ابوالحسن بنی‌صدر، رییس‌جمهور معزول ایران) کشور را ترک کردند. اینان جوان‌تر و فقیرتر از پناهندگان موج اول بودند و اغلب نخست به عراق، ترکیه، یونان، قبرس،کشورهای جنوب اروپا، آلمان، هند و پاکستان رفتند. موج سوم مهاجرت با حمله عراق به ایران شروع شد و در پی آن تحصیل‌کردگان و دانشگاهیان و تیزهوشان نه به صورت دسته‌جمعی، اما به مرور و به طور خانوادگی یا فردی به خارج مهاجرت کردند چندان که برابر آمارهای رسمی ۹۲ درصد از جوانان ایرانی برگزیده در المپیادهای جهانی و درصد قابل ملاحظه از دیگر جوانان نخبه کشور (مانند برگزیدگان جشنواره خوارزمی و نفرات برتر کنکور) جذب دانشگاه‌های کشورهای بیگانه شده‌اند.

امروز قریب هفت میلیون ایرانی برون مرزی در سراسر جهان زندگی می‌کنند که نزدیک یک میلیون و دویست هزار نفر از آن‌ها در آمریکا و پانصد هزار نفرشان در ترکیه، چهارصد هزار نفرشان در اروپا و سیصد هزار نفرشان در هند و پاکستان و بقیه در دیگر کشورهای جهان مستقر شده‌اند. این گروه ایرانیان برون مرز، از جهت مادی و مالی اکثرا آسوده‌تر از ایرانیان درون مرز به زندگی مشغول‌اند و یا خودشان یا فرزندانشان از تسهیلات و امکانات بالاتر ازحد متوسط برخوردار شده‌اند. ما حق مهاجرت را به عنوان یکی از حقوق بشر برای فرد فرد اشخاص انکار و تحریم نمی‌کنیم، اما عقیده داریم که نخبگان هر جامعه اگرچه جهانی می‌اندیشند، باز هم باید بومی عمل کنند و ایران را از یاد نبرند و هم دولت ایران باید بهتر از این و بیش‌تر از این، از فرار مغزها جلوگیری کند و تا آن جا که می‌تواند تسهیلاتی برای بازگشت نیروی انسانی برون مرزی به آغوش میهن فراهم کند.

سخن پایانی ما این است که آیا دلیل واقعی فرار مغزها از ایران چیست و چه گونه می‌توان از این تهدید جدی پیش‌گیری کرد؟ آنچه مسلم است این است که انسان موجودی است خواستار ترقی و تکامل، آرزمند دست یافتن به چیزهای بهتر و امکانات بیشتر، بنابراین روند مهاجرت شهرنشینان ایرانی به خارج از ایران در سطح فراملی با مهاجرت شهرستانی‌ها به تهران و خالی شدن روستاها از نیروی کار جوان در سطح ملی بی‌شباهت نیست. تا امکانات و رفاه و فرصت‌های شغلی در تهران و شهرهای بزرگ بیشتر است با وعظ و نصیحت تنها مهاجرت شهرستانی‌ها به تهران متوقف نخواهد شد، به همین ترتیب، مهاجرت نسل جوان و فرار مغزها از ایران به کشورهای صنعتی هم تا امکانات موجود در داخل ایران به پایه کشورهای مهاجرپذیر نرسد، متوقف نخواهد شد. اگر ما بخواهیم جلوی مهاجرت از شهرستان‌ها را به تهران بگیریم باید در روستاها و شهرهای کوچک امکانات بیشتری فراهم کنیم تا تهران جاذبه‌اش را (به رغم دود و دم وآلودگی هوا) از دست بدهد. به همین ترتیب اگر بخواهیم نیروی کار تربیت شده ایرانی به آمریکا و کانادا و استرالیا جذب نشود و سرمایه ایرانی به خارج از کشور فرار نکند باید در داخل کشور شرایطی ایجاد کنیم که حق به حق دار برسد، امنیت شغلی و فرصت سرمایه‌گذاری ایجاد شود و اعضای جامعه با تمام وجود صادقانه احساس کنند که در داخل کشور خودشان هم فرصت شکوفا شدن را دارند.

باید به امید روزی بود که ایران با داشتن این همه ذخایر طبیعی و نیروی انسانی به جایی برسد که متخصصان و ویژه‌کاران ملیت‌های دیگر پشت در سفارتخانه‌های ما صف بکشند و برای اشتغال در ایران لحظه شماری کنند، نه آن که بهترین جوانان ما برای شکوفا شدن و به ثمر رسیدن و دستیابی به مواهب عادی زندگی به ترک شهر و دیار خود مجبور شوند و بلکه با تن در دادن به اقسام مشقت‌ها، مهاجرت به کشورهای دیگر را برماندن درخانه پدری و خدمت به آب و خاک خویش، ترجیح بدهند.

منبع : دسترنج

http://vista.ir/?view=article&id=296952

مهاجرت؛ واکنش به توسعه نامتوازن

اگرچه نمی‌توان در مقابل آثار مشهود اقتصادی و اجتماعی پدیده رو به رشد مهاجرت، دستی از روی عادت تکان داد و بی‌تفاوت از کنار دیوار غربت شهرهای دور و نزدیك گذشت، با این حال، گویا غم نان و دغدغه کار و زندگی بهتر را هیچ اندیشه گریزی جز پناه بردن به دیوارهای جان گرفته مهاجرت نیست. شاید در باب مهاجرت، کمتر بتوان به معنای تردیدی رسید که گریبانگیر مهاجران می شود، تردیدی که مهاجرت را به عنوان آخرین راه‌حل رهایی از شرایط موجود، در قالب واکنشی به تفاوت‌های آشکار ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در مناطق مختلف یك کشور معنا می‌کند. در میان انبوه واژگان سر به راه و معمول فارسی، مهاجر کسی است که از موطن خود به جایی دیگر نقل مکان کرده باشد. براساس آنچه تحقیقات از سهم فزاینده نیروی جویای کار در آمار هر ساله مهاجرت نشان می دهد، مهاجرت در ذات خود وابسته به همان انگیزه ای است که شرایط متفاوت اقتصادی و اجتماعی را طلب می کند. این انگیزه در این جایگاه به محوری برای جست وجوی آرمان ها تبدیل شده و جنبه ای کارکردی و معناساز به شرایط حال فرد می بخشد، آن هم جنبه ای که رنج زیستن پس از مهاجرت را به وسعت رو یای شیرین آینده تزریق می کند و این نقطه آغاز مفهوم از خودبیگانگی است.

مهاجرت و فقر روستایی

با پرسه ای در دنیای پرفراز و فرود آمارها، به روشنی دریافت می شود که چگونگی افزایش نرخ شاخص های مختلف جمعیتی، افزایش جمعیت را در نطفه می پروراند. درعین حال نمی توان از تا ثیر پدیده مهاجرت در این افزایش غافل بود، باتوجه به اینکه مهاجرت، به تنهایی مهم ترین یا اصلی ترین عامل افزایش جمعیت شهرها نیست. افزایش طبیعی جمعیت و تبدیل برخی روستاها به شهر نیز در فزونی جمعیت شهری مؤ ثر بوده اند. بسیاری از پژوهشگران اجتماعی معتقدند که هنوز ضعف های بزرگی در بسیاری از داده های مربوط به جمعیت شهری وجود دارد، این مشکلات هم برای محاسبه جمعیت شهرها که معمولاً با کم شماری همراه است و هم برای محاسبه نرخ رشد جمعیت آنها وجود دارد. در بعضی موارد مهاجرانی که به صورت دوره ای در شهر به سر می برند، به عنوان جمعیت شهری محاسبه نمی شوند، گاهی نیز ممکن است چنین تصور شود که مهاجران دوره ای که ساکنان دایمی شهرها نیستند، جمعیت شهر محسوب نمی شوند، اگرچه این گروه جمعیتی نیازمند خدمات اساسی شهری هستند. آنچه بیش از هر چیز در بررسی ها، بهانه توجه قرار می گیرد، چگونگی پذیرش پدیده شهرگرایی و شهری شدن در پی مهاجرت های کوتاه مدت یا بلندمدت اجباری و اختیاری از روستاها به شهرها و شهرهای بزرگتر است.دکتر شهلا کاظمی پور، عضو هیا ت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دبیرانجمن جمعیت شناسی ایران با اشاره به دیدگاه های مختلفی که دربارهِ مهاجرت مطرح است می گوید: درمورد مهاجرت، نظریه پردازانی که دیدگاه اقتصادی یا دیدگاه وابستگی دارند، نظرات مختلفی ارایه می دهند. بررسی ها در ایران نشان می دهد که دیدگاه وابستگی درمورد پدیده مهاجرت در ایران صادق است، با این توجیه که به دلیل توسعه نیافتگی و توسعه نابرابر، پدیده مهاجرت در کشور ما رخ می دهد. شهرنشینی و کلان شهرنشینی در برخی نقاط کشور و درنتیجه توسعه نابرابر در کشور باعث شده است که مقداری از ظرفیت

های بزرگ توسعه ای و اعتبارهای دولتی به شهرهای بزرگ اختصاص پیدا کند. وی معتقد است: تمامی شواهد و مدارك حاکی از آن است که این فقیرترین افراد نیستند که مهاجرت می کنند. به نظر می رسد سطح و دامنه ای از فقر وجود دارد که پایین تر از آن مهاجرت مقدور نیست، چرا که خود مهاجرت نیز نیاز به امکاناتی دارد.این جمعیت شناس، نوع قالب مهاجرت در ایران را مهاجرت روستا - شهری عنوان می کند و می گوید: نمی توان بر روی پدیدهِ مهاجرت، برچسب زد. اگرچه از دید مسائل اجتماعی، می تواند کارکردی مثبت هم داشته باشد. مهاجرت بیشتر در بین افراد تحصیل کرده تر جامعه رخ می دهد. افراد باسوادتر موقعیت های شغلی را که در مناطقی دیگر وجود دارد، بهتر شناسایی می کنند. ازاین رو احتمالاً فقیرترین ها از بین کسانی هستند که مهاجرت نمی کنند و در روستاها باقی می مانند. با این تحلیل، با رفتن افراد فعال تر و پرانرژی تر روستا، مهاجرت بیش از آنکه باعث کاهش فقر شود، تشدید فقر در روستا را به همراه دارد.در مقابل دکتر علی حسن زاده، اقتصاددان معتقد است: اگرچه مهاجرت به مناطق شهری برای جوامع مهاجرفرست می تواند پیامدهای منفی داشته باشد، اما درمجموع می توان آن را مثبت دید. بخش شهری، نیروی انسانی بیشتری را جذب می کند و نقصانی در اقتصاد خانوارهای روستایی ایجاد می کند. اما یك نظام ارتباطی شهری که بر اصول منظمی استوار شده، می تواند عرصه عمل منابع را امتداد دهد و خانوارها را دربرابر ناامنی حمایت کند. بخش شهری دراین حالت به عنوان پشتیبان روستاها عمل می کند و در زمان تغییر و تحولات شدید، آنها را استوار می دارد.دکتر کاظمی پور، همچنین می گوید: اگرچه مهاجرانی که از روستاها مهاجرت می کنند، از بین گروه های ثروتمندتر و باسوادتر آن جامعه هستند، اما احتمالاً فقیرتر و کم سوادتر از اکثریت غالب جمعیت شهری هستند. ازاین رو، میانگین سطح درآمد در جامعه شهری را کاهش می دهند و زمینه بروز انواع آسیب های اجتماعی در جوامع مهاجرپذیر ایجاد می شود، به گونه ای که علاوه بر تشکیل کلان شهرهای غیرسازمان یافته، پدیده هایی چون بیکاری، فقر، حاشیه نشینی و انواع انحرافات را در شهرها موجب می شوند.

مهاجرت در پناه بخش غیررسمی کار

شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه نرخ مشارکت پذیری نیروی کار مهاجران در مناطق شهری بیش از غیرمهاجران در کارها است. همچنین اطلاعاتی وجود دارد مبنی بر اینکه زنان در مشاغلی با درآمدهای بسیار پایین به کار گرفته می شوند. دکتر حسن زاده، اقتصاددان می گوید: مهاجران در مقایسه با نیروی کار شهرهای مهاجرپذیر، از تخصص های لازم و کافی برخوردار نیستند. ازاین رو بخش وسیعی از نیروی کار مهاجر، بیکار می شود و با افزایش فشار تقاضا برای کالاهای اساسی، افزایش قیمت ها را به دنبال می آورند. از سوی دیگر بخش غیررسمی اغلب به عنوان پناهگاهی برای مهاجران فقیر و کم تخصص است که در حاشیه شهرهای بزرگ زندگی می کنند. این بخش که شامل کارهای خدماتی پیش پا افتاده و فعالیت های کوچك صنعتی است خارج از نظارت دولت قرار دارد. این بخش، بدون پرداخت مالیات و هزینه های تامین اجتماعی و با ساعت کاری قابل انعطاف، ممکن است جذبه بیشتری نسبت به کار در بخش رسمی اداری داشته باشد. وی با اشاره به اینکه بخش غیررسمی، سهم مهمی در حمایت از مهاجران دارد، می گوید: معمولاً مهاجران هر منطقه، دسترسی به حرفه خاصی را کنترل می کنند. این بدان معناست که مهاجران آن منطقه، وقتی به شهر می آیند، معمولاً می توانند شغلی به دست بیاورند. زمانی که در شهر کاری سراغ داشته باشند به روستا اطلاع می دهند تا کسی که تمایل به کار دارد، برای گرفتن آن شغل به شهر بیاید. ازاین رو، این نظریه که جست وجو برای کار در شهر به صورت باز انجام می گیرد صحیح نیست، به ویژه در سطوح پایین مهارت.

سیاست های مهاجرتی چشم به راه آینده

بررسی ها نشان می دهد سیاست های مهاجرتی در کشورهای درحال توسعه تقریباً بدون استثنا قصد دارند میزان مهاجرت ها را محدود کند. به ندرت، سیاست هایی برای تشویق مهاجرت های داخلی وجود دارد، مگر اینکه مهاجرت به دور از شهرها و درجهت اسکان در نواحی کشاورزی باشد.همواره، رشد جمعیت شهرها از موارد توجه و دغدغه دولت ها بوده است، مهاجران روستایی از این رهگذر، گاه با بی مهری مواجه می شوند. بررسی ها نشان می دهد تجربه محدود کردن مهاجرت به شهرهای بزرگ شکست خورده و به غیر از موفقیت چین طی دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، کمتر سیاستی در جهان غیرسوسیالیست (سابق)، توانسته اثر خاصی بر روی رشد جمعیت شهری داشته باشد. اگرچه دولت ها را از رویارویی با پیامدهای روزافزونی مهاجرت به شهرهای کوچك و بزرگ، گریزی نیست، ولی براساس آنچه دکتر کاظمی پور، جمعیت شناس می گوید، اگر مهاجرت با برنامه ریزی باشد و افراد به دلیل عوامل جاذب واقعی در شهرها مهاجرت کنند، این امر می تواند برای فرد و جامعه مهاجرپذیر اثرات مثبتی به همراه داشته باشد. وی معتقد است: دولت ها باید در سیاست های کلان خود، برنامه هایی را تنظیم کنند که تا حد امکان از شمار مهاجرت های بدون برنامه کاسته شود.دکتر حسن زاده، اقتصاددان نیز می گوید: در زمینه شهرها، مسا له ای که حساسیت بیشتری دارد موضوع اداره مناسب شهرهای بزرگ است تا کنترل رشد جمعیت در آنها. در مناطق روستایی، مسا له حساس، گشایش طیف وسیعتری از فرصت

ها برای روستاییان است. بسیاری از خط مشی هایی که با این هدف به کار می آید، ممکن است محلی و در محدوده روستا باشد، اما سایر سیاست ها ممکن است حیطه عملی تا شهرها یا حتی تا خارج را داشته باشند. بنابراین سیاستی که باید به دنبال آن بود، راه های ارتقای سیستم ارتباطی سودمند شهر و روستاست. وی می افزاید: هنوز بسیاری از دولتمردان و متخصصان قبول ندارند که هم مهاجرت و هم فعالیت های بخش غیررسمی می توانند نقش اساسی در ارتقای وضعیت زندگی و کاهش فقر داشته باشد. گرچه تردیدی نیست که اینها پیامدهای منفی هم می توانند داشته باشند. ولی در مقایسه، باتوجه به کمکی که مهاجرت می تواند به کاهش فقر داشته باشد، اثرات مثبت آن بیش از پیامدهای منفی آن است. با این حال، اگرچه نمی توان بر آثار اجتماعی و اقتصادی به جا مانده از پدیده مهاجرت، نقطه پایان گذاشت. نانچه اگر با استناد به پژوهش فیلیپ مارتین، کارشناس ارشد مؤ سسه بین المللی مطالعات کار سازمان بین المللی کار در باب مهاجرت نیروی کار، مهاجرت را واکنشی طبیعی به تفاوت های ساختاری در زمینه های رشد جمعیتی، فرصت های اقتصادی، امنیت و حمایت های حقوق بشری بدانیم، باید نقش مهاجرت در توسعه را پررنگ تر کرده و قدری از بی مهری ملی به این پدیده بکاهیم.

ناهید حسینی

منبع : هفته نامه آتیه

http://vista.ir/?view=article&id=212974

vista.ir
Online Classified Service

مهاجرتهای روستایی و علل و پیامدهای آن؛ نمونه: استان سیستان و بلوچستان

اصولا افزایش طبیعی جمعیت و در واقع رشد عرضه نیروی کار درنواحی روستایی بیشتر از نواحی شهری است؛ این امر باعث شده که بهره دهی روستایی کاهش یابد و تفاوت درآمدهای روستایی و شهری بیش از پیش معنا دارشود و در نتیجه برشتاب مهاجرت به شهرها افزوده گردد.

در سیستان و بلوچستان عواملی از قبیل رکود اقتصادی در روستاها، بیکاری تعداد زیادی از نیروی مازاد بخش کشاورزی، عدم گسترش مناسب زیر ساختهای خدماتی در روستاها، خشکسالی و سیلابهای پی در پی درمنطقه از یک سو و وجود زمینه های اشتغال و درآمد نسبی بهتر در شهرها، امکان اشتغال و فعالیت در آن سوی مرز (پاکستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس) و غیره بر شدت مهاجرتهای روستایی در دهه های اخیر دامن زده است؛ چنان که از سال ۱۳۴۵ تاکنون بیش از ۰۰۰/۶۰۰ نفر فقط از سیستان به خارج از منطقه مهاجرت کرده اند. این روند پیامدهای متعددی بر مبدا و مقصد مهاجرت در پی داشته است؛ که از آن جمله می توان به خالی شدن بسیاری از روستاها از سکنه، به انفعال کشیده شدن جمعیت باقیمانده در روستاها، گسترش حاشیه نشینی شهری، دامن زدن به ناهنجاریهای اجتماعی و اخلاقی در شهرها، عدم پویای اقتصاد ملی و منطقه ای و در مجموع عدم توسعه شهری و روستایی مناسب در منطقه، اشاره نمود.

بمنظور تعدیل روند مهاجرتهای روستایی در این استان بایستی به نکات زیر توجه کرد؛

۱) ضرورت کاهش عدم تعادل فرصت های اشتغال در شهر و روستا

۲) تامین نیازهای اساسی و خدمات زیر بنایی در نواحی روستایی

۳) توسعه و توجه بیش از پیش به بخش کشاورزی در منطقه

۴) گسترش صنایع کوچک، کاربر و صنایع جنبی فعالیتهای کشاورزی در استان

۵) تامین سرمایه و جهت دهی سرمایه های کوچک در بخش تولید و توسعه روستایی

منبع : پایگاه اطلاعات علمی

http://vista.ir/?view=article&id=312856

مهاجرین شهری و هویت قومی

با آغاز دوره سرمایه‌داری، شکل تولید و سبک زندگی تغییر کرده و متعاقب آن مهاجرت به مناطق اقتصادی‌تر که وضع مطلوب تولید و امکانات جذب روستانشینان را داشتند، به وجود آمد و در نتیجه تراکم و تغییرات بافتی به معنای امروزی آن پدید آمد. در این راستا بیش از آنکه جنبه‌های اقتصادی و جغرافیای شهری مدنظر باشد، مهاجرت به شهر بیشتر بر اساس نیاز انسان تعریف شده و این انسان مجبور است با دنیای پیرامونی و معانی ارتباط برقرار کند؛ ارتباطی که گاه در تضاد با فرهنگ اصلی خود بوده است.ساکنان چنین محیطهایی، ناخودآگاه به تجارب بصری خاصی که سیمای شهر برایشان فراهم‌آورده پاسخ می‌گویند و این مظاهر مرئی شهریت چندان قوی است که حتی تازه‌وارد به شهر یا تماشاگر را از آن گریزی نیست.

ساختمان‌های بلند و خیابان‌های طویل و دراز با ماشین‌های رنگارنگ و آدم‌های متنوع از هر شهری چنان برای این افراد تازه‌وارد شده جذابیت دارد که فرصت بازگشت به موطن را از آنان گرفته و هر چه بیشتر در خود هضم می‌کند.

شهری که هر شخص به اتکای خودش شناخته می‌شود شخصیت او با تحصیلات او، شغل او و ... تعریف می‌شود. فرد با استفاده از شاخصه‌های نوینی تعریف می‌شود که متفاوت با شهر سنتی است. ورود به این <شکل> شهرها که ساختار تعریف‌شده‌ای ندارد، انسان را به دنیایی ابهام‌آمیز می‌کشاند که در برخورد با محلات جدید باید خود را وفق دهد و این وفق دادن نیازمند آشنایی با شهرنشینی و هویت شهری است که در صورت عدم تعریف درست ممکن است هویت را هر چه بیشتر مخدوش کند.

مهاجرت سیل جمعیت به شهرهای بزرگ در یک دهه اخیر، با اجرای برنامه‌های موسوم به نوسازی و توسعه شدت یافته است که این وضعیت با توجه به عدم تکافوی امکانات اجتماعی با منویات مهاجرین، حالت نگران‌کننده به خود گرفته است.

طی دهه‌های اخیر شهرها و فضاهای شهری در سیر تحول و فرآیند رشد و شکل‌گیری نوین خود و به تبع تحولات و جریان‌های ناشی از اندیشه جهانی شدن پدیده‌ها، دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های شگرفی شده‌اند. در این روند رابطه گذشته و کنونی فضاهای شهری از هم‌گسیخته و در ارتباط معنا میان انسان و محیط زندگی او فاصله و شکاف بزرگی را موجب شده است.

امروزه شهرنشینی به گونه خاص ایران، همانند بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته، بازتاب فضایی تحول در سازمان‌یابی تولید و بازتاب بسط سرمایه‌داری پیرامونی در ایران است. بسط امکانات اشتغال و زندگی در برخی نقاط (عمدتا شهر) بر اثر توسعه مناسبات سرمایه‌داری از یک سو و کاهش این امکانات در نقاط دیگر (عمدتا روستا) بر اثر فروپاشی مناسبات پیش‌سرمایه‌داری، از سوی دیگر زمینه مهاجرت‌های داخلی و شهرنشینی در ایران را فراهم آورده است. زندگی در شهرهای بزرگ برای یک خانواده مهاجر، با تشتت فرهنگی موجود، نیازمند بازتعریف مفهوم هویت منطقه‌ای برای استحکام پیوندهای روحی ساکنین محله‌های مختلف با محل سکونت خود است.

شکل و هویت شهری که البته معنای وسیعی دارد، یکی از همان نشانه‌هایی است که در جای‌جای شهر، آدمی را به مدلول‌های خود ارجاع داده و کنشگران اجتماعی را بر حسب درک ایشان از مدلول‌ها به سمت ارتباط موثر و انتخاب عمل مناسب رهنمون می‌کند.

در جوامع مدرن امروزی ارتباط گروهی بین افراد بومی با مهاجرین قدیمی و جدید از اهمیت زیادی برخوردار است، بنابراین درباره تطابق با اجتماع، نشانه‌های قومی و نژادی و سایر تفاوت گروه‌های مختلف مهاجر و بومی بررسی‌هایی صورت گرفته و توجه زیادی به انواع مهاجرت و همچنین رفتار اجتماعی با مهاجرین شده است. مشکلات موجود در این زمینه عمدتا مربوط به تفاوت نژادی و فرهنگی نیست بلکه بیشتر مشکلات بستگی به وضعیت اجتماعی و اقتصادی مهاجرین دارد و همین عامل است که پذیرش یا عدم پذیرش ساکنان اصلی را تعیین می‌کند.

زندگی در این شهرها موجب تحول نیازها، علایق و تولید هویت جدید برای شهرنشینان شده و در این میان گاه مهاجران، در مواجهه با هویت جدید شهری هویت خود را از دست داده و در بافت شهری ادغام می‌شوند.

در واقع هویت مقوله‌ای تمام و کمال و ذاتی نیست بلکه همیشه تولیدی اجتماعی، سیال و در حال شکل گرفتن است. هویت مقوله‌ای مربوط به معنا است. از آنجا که معنا طبیعت و ذات اشیا نیست بلکه یک رابطه قراردادی است بنابراین می‌توان گفت هویت نیز <همواره قرارداد و نوع‌آوری است، همواره تا اندازه‌ای به اشتراک گذارده می‌شود و تا اندازه‌ای درباره آن چون و چرا می‌شود.(>جنکینز ۱۳۸۱- ۶)

هویت را باید <محصولی بدانیم که هیچگاه کامل نمی‌شود و همواره در حال تغییر و شدن است و همواره در داخل بازنمایی و نه خارج از آن ساخته می‌شود.(>هال ۱۹۹۰- ۲۲۲)

هویت چیزی در بیرون نیست که ما درباره آن قصه‌پردازی کنیم، حتی هویت در خود وجود ندارد، هویت همیشه رابطه‌ای است با دیگران، به بیان دیگر همسانی و ناهمسانی با یکدیگر همراهند و در ارتباطی متقابل قرار دارند. <هویت بنایی است که در روابط ساخته می‌شود که یک گروه را در برابر دیگر گروه‌هایی که با آنها در تماس است قرار می‌دهد.(>کوش ۱۳۸۱- ۱۴۷)

شاید بتوان گفت هویت لایه‌های مختلفی از تاریخ زندگی اجتماعی انسان است، پس هویت دارای بعد زمان است، علاوه بر بعد زمانی هویت دارای بعد مکانی هم هست و تعلق انسان به یک سرزمین را تعریف و محقق می‌کند. از جنبه دیگر هویت ماهیتی قومی هم دارد و با نژاد و رگ و ریشه انسانی هم سر و کار دارد بنابراین تداوم زندگی جوامع انسانی در مقاطع مختلف تاریخی در یک مکان، همان هویت انسانی است.

در منابع علمی شهرسازی هویت شهری به عنوان یک هنجار توسعه قلمداد می‌شود، به عبارتی دیگر یک شهر یا جامعه رشد می‌کند که بخشی از صفات هویتش در جریان رشد تغییر کند و ساماندهی جدیدی یابد. حال سوال این است که انسان مهاجر که ریشه و هویت تعریف‌شده‌ای از گذشته و اصالت خود دارد با ورود به شهر که تعریف و فرهنگ تعریف‌شده‌ای ندارد چگونه رفتار خواهد کرد. غالب نسل جدید مهاجران در شکل و نمای زیستی خود، از هویت قومی بهره‌ای نمی‌گیرد یعنی در فرم زیستی آن را به فراموشی می‌سپارند، اما عطف به سامان یافتن آن مبانی هویتی در ساختار ذهنی و خانواده و در رفتار اجتماعی خویش، نشانه‌هایی را از آن بروز می‌دهند. با این حال، مشکل عظیم‌تری در باب آنها موضوعیت دارد.

کنش اجتماعی این افراد مهاجر با افراد بومی و همچنین ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی جمعیتی آنها در تغییرات اجتماعی و تحولات اقتصادی و فرهنگی جامعه مهاجرپذیر تاثیر مستقیم و قابل‌ملاحظه‌ای دارد.

از آنجا که این <هویت قومی> خود را در گستره‌ای عظیم از هویت‌های دیگر می‌بیند و هویت واحد و غالب اجتماعی را در مقابل خویش نمی‌بیند، ماهیت و حضور اجتماعی خود را دوام می‌بخشد و به محلاتی می‌رود که بیشترین خویشاوندان و تعلق‌خاطر را داشته باشند.

آنچه یک گروه انسانی را هویت می‌بخشد شباهتی است که باعث تفاوت آنها از گروه‌های دیگر می‌شود. شباهت و تفاوت معناهایی هستند که افراد آنها را می‌سازند. فرهنگ جوامع بشری فرآیند تفاوت و شباهت را عینیت می‌بخشد. ابزارهای فرهنگی هویت‌ساز، باعث شکل‌گیری مقوله‌های هویتی در بین جوامع بشری می‌شوند. زبان، مذهب، پوشاک، علایق زیباشناختی، تفریحات و سرگرمی، ورزش، تغذیه و ... مواردی فرهنگی هستند که برای زندگی هر گروهی ایجاد معنا می‌کنند و باعث شباهت درون‌گروهی و تفاوت از برون‌گروه می‌شوند.

افراد هنگامی خود را دارای هویت و زندگی معنادار می‌دانند که نیاز آنها به تداوم، ثبات، تمایز، همانندی با اجتماع، برتری و امر مطلق به اندازه قابل قبول تامین شود. هر گاه مرزهای زندگی انسان روی دنیایی بزرگ‌تر باز شود امنیت و آرامش ناشی از احساس حضور در یک خانه امن و محصور هم تهدید و متزلزل می‌شود.

نبود محیط زیست بومی، سبب نبود بافت فرهنگی متناسب با شأن هویتی جامعه شده که در بحث آسیب‌های اجتماعی، جامعه را به شدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد لذا محله‌گرایی به عنوان شعارمحوری متولیان فرهنگ شهری می‌تواند در تغییر شرایط فرهنگی شهر به زیستگاهی

فرهنگی، موثر باشد.

این قومیت‌ها در هر شهر و کشوری که باشند سعی می‌کنند در یک منطقه و در کنار هم سکونت کنند و همین همسایگی و نزدیکی باعث پیوند و ارتباط آنان شده و اینگونه می‌توانند به احساس امنیت و آرامش برسند. لذا ویژگی‌های شغلی و... خانوادگی به فرد منتقل می‌شود و بخشی از سرمایه اجتماعی فرد را می‌سازد.

اینها پدیدآورنده همبستگی اجتماعی است. پس سرمایه جمعی با مساله همبستگی اجتماعی رابطه مستقیم دارد. این چارچوب برای فرد یک سرمایه را به ارمغان می‌آورد که جایگاه فرد را در جامعه تعریف می‌کند. در تهران که محل زندگی همه اقوام است، هنوز یک رابطه منسجم و سازنده پدید نیامده و به همین جهت تهران شهر غریبه‌هاست و همه نسبت به هم غریبند.

باید گفت هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق کنند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می‌شود و با افزایش تعلق اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. بسیاری از جامعه‌شناسان شهری بر این باورند که دلایل اصلی پایین آمدن مشارکت شهروندان در اداره شهر با موضوع تعلق خاطر آنها با شهر ارتباط معناداری دارد.

احساس تعلق و در نتیجه آن افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری می‌تواند در تامین منابع اقتصادی، کاهش هزینه‌خدمات، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و تنش‌های ناشی از زندگی شهری و رضایت شهروندان موثر باشد.

منبع : روزنامه اعتماد ملی

http://vista.ir/?view=article&id=340103

vista.ir
Online Classified Service

مهم‌ترین توصیه‌های بهداشتی پزشکان برای حفظ سلامت حجاج

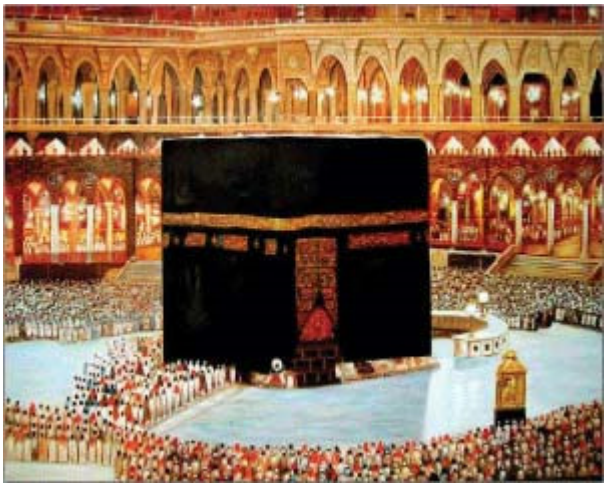

همه ساله تعدادی از هموطنان ما برای ادای فریضه حج به عربستان می‌روند. اما آنچه باعث می‌شود افراد بیشترین بهره را از فرائض این سفر ببرند، داشتن جسمی‌سالم و بدون ناراحتی است. افرادی که به حج مشرف می‌شوند، به خوبی می‌دانند که بیش از سی روز را باید در سفر باشند و نباید در طول این مدت سلامتشان به خطر بیفتد.

مسوولان بهداشت حج در آماری که ارائه کرده‌اند، مشکلات تنفسی را بیشترین ناراحتی حجاج ایرانی اعلام کرده‌اند. همچنین طبق این آمار بیماری‌های قلبی ۵ درصد، فشار خون ۱۸ رصد ، دیابت ۸ درصد، گاستریت (ورم معده۷) درصد، بیماری‌های روانی يك درصد، ایجاد حالت فراموشی در حجاج سالخورده ۱۶% درصد و اختلالات اسکلتی عضلانی (کمردرد ، درد زانو و...۱۲) درصد سال گذشته بین زائران ایرانی وجود داشته است.

در این سال، سرماخوردگی ۵۳ درصد، عود سینوزیت ۸ درصد، نشانگان قطع دارو در معتادان ۰۰۴% درصد، شکستگی استخوان ۱۸% درصد، پیچ خوردگی پا ۸۱% درصد، سر خوردن ۴۵% درصد، تصادف ۱۳% درصد سقوط از پله برقی ۱۷% درصد و سوختگی با آب داغ ۶% درصد بین زائران دیده شده است. هرچند مسوولان بهداشت و درمان حج، همه ساله تلاش خود را در آموزش دادن به زائران و همچنین انجام معاینات قبل از اعزام، انجام آزمایش‌های تشخیصی و غربالگری، شناسایی و تشکیل پرونده برای افراد پرخطر نظیر مبتلایان پرفشاری خون، دیابت، بیماران دیالیزی،

جانبازان یا افرادی با مشکلات جسمی انجام می‌دهند، اما به طور حتم، زائران محترم در این راه بیشترین مسوولیت را دارند و لازم است به نکات بهداشتی قبل از تشرف به سرزمین وحی توجه کافی داشته باشند تا در این سفر پرخیر و برکت تنی سالم داشته باشند و بتوانند نهایت استفاده را از سفرشان ببرند.نکات بهداشتی که حجاج محترم ملزم به رعایت آن هستند، در ادامه ذکر می‌کنیم.

● واکسیناسیون

قبل از اینکه به سفر حج مشرف شوید، نسبت به واکسینه کردن خود در برابر سه بیماری مننژیت منگوکوکی، بیماری‌های پنوموکوکی و آنفلوآنزا اقدام کنید.۲۰ درصد عفونت‌های ویروسی تنفسی به علت آنفولانزاست. به همین دلیل تزریق واکسن آنفوآنزا به همه زائران به خصوص مبتلایان دیابت، اختلالات ایمنی، مشکلات قلبی، آسم و برونشیت توصیه می‌شود.

● آلرژی

یکی از مهم ترین مشکلات تنفسی زائران، ناشی از آلرژی به مواد ضدعفونی‌کننده و پرزهای حوله لباس احرام است. اگر شما هم نسبت به پرزهای حوله و مواد ضد عفونی کننده حساسیت دارید، بهتر است قبل از سفر با پزشك خود مشورت کنید .

● مصرف داروها

همراه داشتن برخی داروها در کشور عربستان غیر قانونی است. استامینوفن کدئین، شربت اکسپکتورانت کدئین و داروهایی مثل دیازپام، لورازپام، کلونازپام، فنوباربیتال و... از این دسته هستند. اگر دچار ناراحتی‌ای هستید که مجبور به استفاده از این نوع داروها هستید، قبل از تشرف به مسوول کاروان خود اطلاع دهید.

● آب سالم

در برخی توقفگاه‌ها یخ‌هایی برای خنك کردن بطری‌های آب وجود دارد. توجه داشته باشید این یخ‌ها غیر بهداشتی هستند و نباید همراه آب مصرف شوند. بیشتر بیماری‌ها و امراض از راه آب‌های غیر بهداشتی منتقل می‌شوند. پس دقت کنید که فقط از بطری‌های آب سالم و پلمب شده استفاده کنید. گرمای فوق العاده هوا در جدّه، مکه و مدینه به خصوص در فصول گرم، همراه داشتن یك قمقمه کوچك آب و یك بادبزن دستی را برای هر زائری ضروری می‌سازد.لازم است، لیوان نشکنی نیز با خود همراه داشته باشید تا از استفاده از لیوان‌های آلوده بی نیاز شوید.

● لوازم بهداشت شخصی

خمیر دندان و مسواك، حوله، وسایل اصلاح، صابون، شامپو و دیگر لوازم بهداشتی را فراموش نکنید .

● لباس مناسب

لباس‌های نخی و فاقد الیاف مصنوعی به رنگ سفید یا روشن، از دیگر لباس‌ها مناسب‌تر و با شرایط آب و هوای عربستان سازگارتر است. بهتر است در انتخاب لباس شوون ملی را در نظر بگیرید. همچنین با توجه به اینکه ممکن است هوا سرد باشد، لباس گرم به همراه داشته باشید و در صورت ابتلا به بیماری‌های تنفسی استراحت و استفاده از مایعات گرم را فراموش نکنید.

● حمل مواد غذایی

تجربه نشان داده است، زائرانی که برای بین راه خود غذا می‌آورند، اغلب دچار مسمومیت‌های غذایی می‌شوند. لذا توصیه اکید می‌شود، هیچ نوع غذای فاسد شدنی را همراه خود به هواپیما نبرید. اگر در فرودگاه‌های عربستان به شما یك وعده غذایی داده شد، آن را همان وقت میل کنید و اگر تمایلی به غذا خوردن ندارید، به هیچ وجه غذا را با خود نبرید. این کار، خطر مسمومیت را چند برابر افزایش می‌دهد. فراموش نکنید به‌جز آب، میوه، نان و نوشابه و تنقلات فاسدنشدنی حمل هیچ‌گونه خوردنی دیگری برای زائران مجاز نیست.

شست و شوی مکرر دست‌ها با صابون قبل از غذا و بعد از توالت رفتن و نوشیدن آب آشامیدنی سالم به مقدار زیاد از جمله نکات ضروری است که باید رعایت شود.

● خوردن درحد اعتدال

در ایام حج از خوردن عذاهای چرب و شیرین خود داری کنید . همچنین برخی نان‌ها و شیرینی‌ها ادویه مخصوص دارند و نباید زیاد مصرف شوند. در شرایط آب و هوایی مکه اگر غذا زیادی در معده بماند احتمال فساد و مسمومیت هست. بهتر است در ایام حج چای و آب بنوشید و ناهار و شام را به میزان اعتدال مصرف کنید.

● استحمام

با توجه به تعریق زیاد بدن در آب و هوای عربستان بهتر است هر روز استحمام کنید و لباس تمیز بپوشید.

● خوردن میوه

بهترین خوراك برای زائران میوه است. خوردن میوه با تامین آب و املاح و ویتامین مورد نیاز بدن، موجب هوشیاری و سرحالی شما شده، و کمك می‌کند بهتر به عبادت بپردازید، در صورتی که مصرف غذاهای چرب و سنگین باعث بی‌حالی و خواب آلودگی در این سفر معنوی می‌شود.

● مواد مخدر

شاید بسیاری از زائران محترم با قوانین عربستان آشنایی نداشته باشند. برای اطلاع بد نیست بدانید، حمل و مصرف مواد مخدر در عربستان مجازات گردن زدن به همراه دارد . ستاد مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی کشور اعلام کرده است هر سال بین حجاجی که به عربستان اعزام می‌شوند، معتادانی حضور دارند که با خود مواد حمل می‌کنند.

در حج واجب سال ۸۳، ۵۳۶ زائر به جرم حمل حدود ۱۰ کیلوگرم مواد مخدر، سال ۸۲، ۶۵۵ نفر به جرم حمل ۱۰ کیلوگرم مواد مخدر و سال ۸۱، ۴۲۳ نفر به جرم حمل حدود چهار و نیم کیلوگرم مواد مخدر -که عمدتاً تریاك بوده است- دستگیر شدند.

از آنجا که این افراد مشکلات زیادی را از نظر دیپلماتیك در عربستان برای کشور به وجود می‌آورند. هم اکنون متخصص‌ترین افراد در فرودگاه‌ها به شناسایی معتادان و کشف مواد از آنها اقدام می‌کنند. برای این که چنین مشکلاتی را در طول سفر معنوی حج نداشته باشید، بهتر است چند ماه قبل از اعزام به حج نسبت به ترك اعتیاد خود اقدام کنید . مطمئن باشید این بهترین سفر شما خواهد بود و هیچ چیز بهتر از این نیست که پاکی جسم، روح و روان را یك جا به دست آورید.

● چند توصیه

▪ اگر قصد دارید در ایام حج، غذای کمتری بخورید، بهتر است از مولتی ویتامین‌ها استفاده کنید تا دچار کمبود ویتامین و مواد معدنی مورد نیاز نشوید.

▪ اگر دچار آسم و تنگی نفس هستید، با پزشك کاروان مشورت کنید . شما در ایام حج با گرد غبار مواجهه دارید و این باعث می‌شود دچار مشکلات تنفسی شوید.

▪ از استعمال عطرهایی با بوی بسیارقوی خودداری کنید. خصوصاً هنگامی‌که به مسجد می‌روید. این کار شما باعث ناراحتی کسانی که مبتلا به ناراحتی‌های قلبی و یا میگرن و یا آسم هستند خواهد شد.

▪ در حج شما مجبور به پیاده روی به مقدار زیاد هستید. اگر به این کار عادت ندارید از چند هفته قبل از مشرف شدن به حج شروع به پیاده روی کردن کنید تا در آنجا دچار مشکل نشوید. با این کار گرفتگی عضلات شما هنگام حج به حداقل خواهد رسید.

▪ بهتر است در اماکن شلوغ و پر جمعیت از یك ماسك تمیز برای پوشاندن دهان و بینی خود استفاده کنید تا دچار بیماری‌های مسری نشوید.

▪ اگر از عینك استفاده می‌کنید، حتماً برای خودتان یك یا دو عدد عینك اضافی به همراه بیاورید.ممکن است هنگام اجرای مراسم حج عینك شما بیفتد و شیشه آن بشکند و شما دچار مشکل شوید.

▪ اکثر زائران هنگام اقامت در اتاق‌های چند نفری اسکان می‌یابند. اگر شما هنگام خواب خرخر می‌کنید بزرگترین بلا برای هم اتاقی‌هایتان هستید . ممکن است آنها مانند همسرتان خرخر شما را تحمل نکنند و شما را مورد خطاب قرار دهند و مشکلاتی برای شما به‌وجود آورند. لذا حتماً با پزشك خود مشورت کنید و از داروهای مناسب اتفاده کنید.

▪ یك یا دو ماه قبل از مشرف شدن به سفر حج به دندانپزشکی مراجعه کنید تا دندان‌های خراب شما را ترمیم کند . یکی از مشکلات هنگام حج دندان‌درد است.

▪ برای اینکه دچار بیماری‌های مسری نشوید، از سجاده، مهر و تسبیح کسی استفاده نکنید، مگر اینکه به سلامت وی مطمئن باشید.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=243266

vista.ir
Online Classified Service

میدان امام حسین(ع) اصفهان

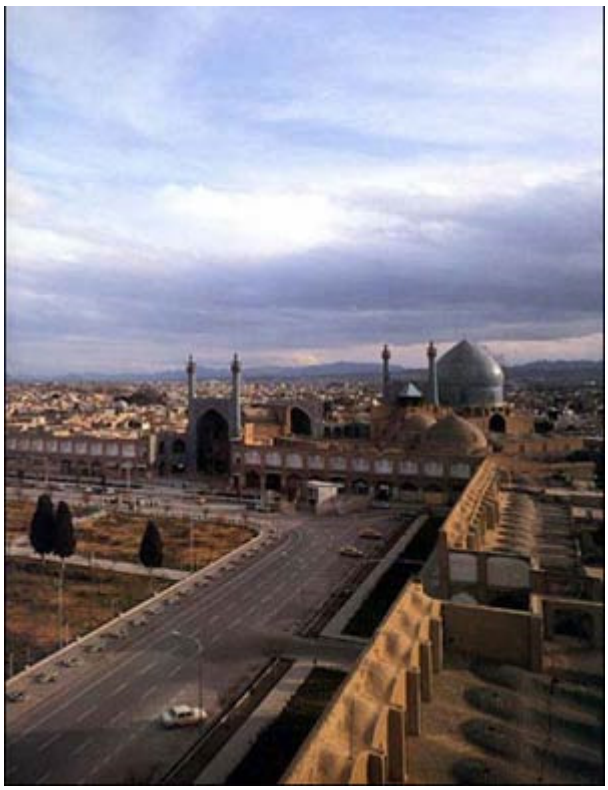

- موقعیت: میدان امام حسین(ع) خیابان سپاه
- سال تاسیس: ۱۱ هجری قمری (دوره شاه عباس اول)
- طول تقریبی: ۵۰۷ متر و عرض ۱۵۸ متر

سه بنای مسجد امام ، مسجد شیخ لطف الله و سر در بازار قیصریه با طاقهای متحدالشکل به هم مربوط شده اند این میدان محل انجام مسابقات و بازی های معمول آن عصر (چوگان، قاپوق اندازی) بوده و سان و رژه سربازان بوده است. غرفه های دو اشکوبه محل داد و ستد و تجارت بوده دور تا دور این میدان را احاطه کرده است.

چهار طرف میدان چهار بازار قرار گرفته که به وسیله مغازه های داخل میدان به میدان مربوط می شوند

- قسمتهای دیدنی میدان عبارت است از:
  - چهار بنای معروف مسجد امام
  - مسجد شیخ لطف الله
  - عمارت عالی قاپو
  - سر در بازار قیصریه
  - دو دروازه سنگی چوگان در شمال و جنوب میدان

با انتخاب اصفهان به پایتختی و گسترش شهر به طرف جنوب، میدان عظیم امام با طول تقریبی ۵۰۷ و عرض ۱۵۸ متر در شرق گردشگاه چهارباغ به عنوان یکی از ویژگی های عصر صفوی مطرح گردید. در طراحی شهری این میدان به عنوان عضو اصلی گسترش شهر مورد توجه قرار می گیرد و تا مدتها بعد از بزرگترین و زیباترین میدان های جهان نامیده می شود.

میدان امام به جای میدان کوچکی که از دوران تیموریان باقی مانده بود احداث گردید. به هنگامی که دو مسجد امام و شیخ لطف الله و سردر بازار قیصریه ساخته شد این ۳ بنا با طاقهای متحدالشکل به هم مربوط شدند و با پایان یافتن میدان و خاتمه تزئینات، کف آن شن ریزی و مسطح شد. از این زمان بود که میدان برای انجام مسابقات و بازی های معمول آن عصر مانند چوگان و قاپوق اندازی مورد استفاده قرار می گرفت و سان و رژه سربازان و سپاهیان نیز در همین محل انجام می شد. دو ستون سنگی که در جلو مسجد امام واقع شده و قرینه آنها نیز روبروی بازار قیصریه هستند بیانگر انجام بازی چوگان و سایر ورزش ها در میدان می باشند.

« در گرداگرد کناره میدان نهری به عرض ۳ متر و عمق ۲ متر جریان داشت. در طول نهر ردیفی از درختان چنار بر رهگذران سایه می افکند. میدان روزها اغلب پوشیده از چادر دستفروشان بود و در طول روز افرادی از ملیت های مختلف نظیر انگلیسی، هلندی، پرتغالی، عرب، ترک، یهودی، ارمنی، روسی و هندی به این محل می آمدند ».

شبها نیز میدان به محل تردد بازیگران، شعبده بازان، خیمه شب بازان، بند بازان و قصه گویان تبدیل می شد.

به غیر از بناهای تاریخی چهارگانه که در چهار سمت میدان قرار گرفته اند و به جز خیابان هائی که از میدان می گذرند دور تا دور میدان را غرفه های دو اشکوبه احاطه کرده اند.

این غرفه ها در آن روزگار به داد و ستد و تجارت اختصاص داشتند. همچنان که امروز همین کاربری حفظ شده و انواع صنایع دستی و منسوجات کار اصفهان در آنها به مسافران و گردشگران عرضه می شود.

چهار طرف میدان، چهار بازار قرار گرفته که به وسیله مغازه های داخل میدان به میدان مربوط می شوند. این بازارها در روزگار صفویه هر یک به شغلی اختصاص داشت.

بیشتر سیاحان و جهانگردانی که از اصفهان مطلب نوشته اند بر شکوه و عظمت میدان نقش جهان تأکید کرده و از حضور سفرا و نمایندگان خارجی و سایر اتباع کشورهای دیگر در این میدان خاطراتی را ذکر کرده اند.

به نوشته برخی از این سفر نامه ها، بسیاری از مذاکرات تاریخی که بین دولتمردان ایران و فرستادگان خارجی انجام می شد در همین میدان صورت می گرفت.

مقدمات احداث موزه بزرگ اسلامی در طبقه فوقانی میدان انجام شده و به زودی میدان بزرگ و با عظمت امام محلی برای نمایش و ارائه آثار اسلامی خواهد بود.

آنچه درباره میدان امام می توان گفت اینکه این اثر نفیس و با شکوه که در دنیا از شهرتی چشمگیر و بی نظیر برخوردار است با مجموعه عناصر و عملکردهائی که در نقش های سیاسی، مذهبی، اقتصادی، توریستی، و تفریحی داشته پیوسته در آسمان هنر و زیبائی ایران و جهان می درخشد. بطوری که با جرأت می توان ادعا کرد که این میدان همراه با فضاهای تکمیلی و عناصر مربوط به آن یعنی عمارت عالی قاپو، مسجد شیخ لطف الله، مسجد امام، توحید خانه، سردر قیصریه و راسته بازارها به تنهائی با تمام زیبائی ها و جاذبه های جهانگردی ایران برابری می کند.

منبع : روابط عمومی شهرداری اصفهان

http://vista.ir/?view=article&id=105898

vista.ir
Online Classified Service

میدان نقش جهان در اصفهان

در مکان فعلی میدان امام قبل از اینکه اصفهان پایتخت دولت صفویه شود . میدان دیگری قرار داشت که نقش جهان نامیده می شد و اندازه آن از میدان کنونی کوچکتر بود. شاه عباس اصفهان را پایتخت خود قرار داد و فرمان داد که این میدان باید تا اندازه کنونی خود بزرگ شود و بقیه ساختمانها به دور آن ساخته شوند. طول این چهار گوش بزرگ یا در حقیقت مستطیل ۵۰۰ متر از شمال به جنوب است و عرض آن در حدود ۱۵۰ متر از شرق به غرب است . این بنا در زمان حکومت شاه عباس بزرگ دراوایل قرن ۱۷ طرح ریزی و ساخته شد. این بنا تغییرات زیادی تا ۶۰ سال پیش و امروزه کرده است و شکل کنونی آن بسیار متفاوت با شکل قدیم آن است. در ضلع جنوبی آن مسجد شاه ودرضلع شرقی آن مسجد شیخ لطف الله ودر ضلع غربی آن قصر شاه (عالی قاپو) و در طرف شمال آن دروازه قیصریه وجود دارد که به بازار می رسد. شاید بارزترین و&#۶۵۲۶۷;&#۶۴۳۹۵;گی میدان نقش جهان این باشد که در نور خورشید و در سایه و در نورهای مختلف روز تمام فضای آن صدها منظره زیبا و دل انگیز ایجاد می کند.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94314

vista.ir
Online Classified Service

میهمان‌نوازی به سبک ایرانی

<مدارس ما هیچ هزینه و زحمتی برای دولت جمهوری اسلامی ایران ندارد و تازه برای دولت مفید هم هست، چرا که ما کودکان را از خیابان‌ها جمع می‌کنیم و با بضاعت ناچیز خود به آنها درس می‌دهیم تا سربار جامعه نباشند. با وجود این ماموران دولت، مدارس ما را جمع و بچه‌ها را آواره خیابان‌ها می‌کنند. > اینها حرف‌های یک معلم افغان است؛ زنی که در طول سال‌های گذشته بارها و بارها برای کودکان محروم از تحصیل افغانی مدرسه و کلاس درس تدارک دیده و بارها و بارها کارش را از نقطه صفر دوباره آغاز کرده است.

معلم افغان که همزمان سه مدرسه خودگردان افغانی را اداره می‌کند دل پردردی دارد و حرف‌هایش رنگ گلایه به خود می‌گیرند: <شش سال است که من برای آموزش کودکان هموطنم که در ایران حتی حق درس خواندن هم ندارند تلاش می‌کنم و امسال در سه مدرسه‌ای که به طور مستقیم اداره می‌کنم حدود ۱۰۰ دانش‌آموز را تحت پوشش داریم. دولت اجازه نمی‌دهد که ما مدارس علنی راه بیندازیم، اما مدارسمان را که جمع می‌کنند ما بچه‌ها را در حیاط و اتاق‌های خانه‌هایمان درس می‌دهیم.

این کلاس‌ها هم هر کدام چند وقت پابرجاست و دوباره جمع می‌شود. دوباره ما می‌رویم به فرمانداری و التماس و خواهش می‌کنیم و دوباره از آنها می‌خواهیم که فقط اجازه دهند بچه‌های ما درس بخوانند. فقط همین.>

افغان‌ها در کنار مدارس خودگردانشان، نهضت‌های کوچکی هم برای آموزش سواد به بزرگسالان بیسواد در میان خود به راه انداخته‌اند اما بساط همین نهضت‌ها را هم دولت برمی‌چیند. خانم معلم مدرسه که از بیم برچیده شدن مدارس جدیدش نمی‌خواهد نامی از او در گزارش بیاید، می‌گوید : <نمی‌دانستند که ما نهضت زنان و مردان راه انداخته‌ایم. اگر می‌دانستند زودتر از این جلو کارمان را می‌گرفتند، اما از وقتی که فهمیدند مانع کار شدند. از اول فروردین امسال نهضت سوادآموزی مردان را جمع کرده‌اند و زنان هم تنها به بهانه کلاس قران و کارهایی از این قبیل به نهضت می‌آیند و ما نمی‌دانیم واقعا چه اشکالی دارد و به ضرر چه کسی است که افغانی‌های ساکن ایران بدون هیچ هزینه‌ای برای دولت باسواد بشوند؟>

● آیا ما <میهمان‌نواز> هستیم؟

اما پاسخگویی به پرسشی که معلم افغانی مدارس خودگردان طرح می‌کند تنها به دولت جمهوری اسلامی ایران مربوط نمی‌شود. ما ایرانی‌ها ملت بسیار میهمان‌نواز و شریفی هستیم. میهمان در نزد ما <حبیب خدا> است و در خانه‌هایمان همیشه و در هر شرایطی به روی او باز است. برای همین هم هست که مهربانانه و با تکیه بر ارزش‌های اخلاقی اسلامی - ایرانی و با تبلیغات وسیع، در طول سه دهه گذشته مرزهای کشورمان را به روی برادران و خواهران افغان خود باز گذاشتیم و آنان را به عنوان همسایگان پناه‌جو در میان خود پذیرفتیم. با این حال حتی در ویژگی درخشان <میهمان‌نوازی> هم به نظر نمی‌رسد که چندان ملت ثابت‌قدمی باشیم.

زیرا هنوز زمان زیادی از پذیرش افغان‌ها در ایران نگذشته که با چرخشی اساسی در ادبیات و نگاه خود، افاغنه پناه آورده به ایران را دیگر نه <پناه‌جو> که <آواره> خطاب می‌کنیم و با اتکا به روش‌هایی نه چندان انسانی، حقوقی و قانونی، میهمانان خود را از کشور بیرون می‌رانیم. طرح خروج افاغنه از ایران این روزها در حالی با شدت و حدت و البته در سکوت کامل خبری ادامه دارد که نحوه برخورد دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای این طرح نگرانی‌ها و هشدارهای بین‌المللی را به دنبال داشته است. ده‌ها هزار تن از پناهندگان افغان که سال‌ها در ایران زندگی کرده و نسلی از آنها حتی در کشور ما متولد شده و خود را ایرانی - افغانی می‌دانند، به دنبال اجرای این طرح مجبور به ترک ایران و یا پناه بردن به

زندگی‌های پنهانی شده‌اند. در همین حال عملیات اخراج افغان‌ها با زور و خشونت همراه بوده و حتی سبب کشته و زخمی شدن تعدادی از افاغنه شده است.

از سوی دیگر دولت جمهوری اسلامی ایران با به حاشیه راندن و در اقلیت قرار دادن جامعه افغان، میهمانان خود را عملا در برابر جامعه ایرانی قرار داده و شرایط بروز آسیب‌های اجتماعی را در این جمعیت تشدید کرده است. به طوری که کودکان افغانی در کشور ما حتی حق درس خواندن و تحصیلات ابتدایی نیز ندارند. این در حالی است که ماده بیست‌وششم اعلامیه حقوق بشر تصریح می‌کند : <هرانسانی حق دارد که از آموزش‌وپرورش بهره‌مند شود . آموزش‌وپرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل برای همه فراهم باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره گیرند.>

با وجود این و به دلیل وجود حجاب خبری شدید درباره نحوه اجرای طرح خارج کردن افاغنه از ایران و عدم اطلاع‌رسانی شفاف درباره برخوردی که در حاشیه‌های شهری و در اردوگاه‌های مرزی کشور با این گروه از مهاجران می‌شود، تضییع حقوق انسانی افاغنه در ایران همچنان ادامه دارد. معلم مدرسه خودگردان افغان‌ها با اشاره به سکوت رسانه‌ها و فعالان حقوق بشر در قبال این رفتارها می‌گوید: <نه تنها همه در برابر این رفتارها سکوت کرده‌اند بلکه برای تشدید این رفتارها همکاری هم می‌کنند. ما الان در اتاقی که ۱۰ عدد نیمکت خراب و از رمق‌افتاده دارد به بچه‌هایمان درس می‌دهیم و همین نیمکت‌ها را هم با هزار التماس و خواهش از مدارس دولتی خریده‌ایم.

در حالی که آنها نیازی به این نیمکت‌ها نداشتند و آنها را در انباری مدارس خود نگهداری می‌کردند. ما تخته سیاه کلاسمان را از مدرسه‌ای خریدیم که به کلی در حال تعمیر بود و هیچ نیازی هم به این تخته نبود اما مسوولان مدرسه حاضر نشدند تخته سیاه را به بچه‌های فقیر ما ببخشند.>

این معلم افغان همچنین درباره وضعیت خانوادگی دانش‌آموزان تحت پوشش مدارس خودگردان می‌گوید: <بچه‌های ما همه بچه‌های کار هستند و در هر ساعتی که بتوانند به صورت فشرده در مدارس ما درس می‌خوانند. خانواده‌شان همه از قشر کارگر هستند؛ یعنی از کسانی که بچه‌هایشان هنوز ۱۰ ساله نشده کار می‌کنند و خودشان را هم هر ماه از یک کارگاه بیرون می‌اندازند.>

- بچه‌هایی که هرگز بازی نمی‌کنند

بچه‌های افغان بازی نمی‌کنند. دانش‌آموزان مدارس خودگردان زنگ تفریح ندارند. آنها نباید سر و صدا و بازی و شیطنت کنند آخر ممکن است همسایه‌های ایرانی از صدای آنها آزرده شوند و از ماموران بخواهند که مدرسه‌شان را جمع کنند! آخر این بچه‌ها افغانی هستند. آخر آنها کودک کارند و بدون اینکه گناهی مرتکب شده و یا در انتخاب شرایط زندگی‌شان سهمی داشته باشند، خیلی زودتر از آنچه فکرش را بکنید با تلخی‌های زندگی آموخته شده‌اند. خانم معلم می‌گوید: <البته در این میان بعضی از ایرانی‌ها هم هستند که برای تدریس به مدارس ما می‌آیند اما آنها هم اغلب مثل خود ما محروم‌اند. پولدارها که به بدبختی ما فکر نمی‌کنند.

امروز دیگر کسی به خداپرستی و کمک به همنوع فکر نمی‌کند.> خانم معلم در ایران به دنیا آمده. پدر خانم معلم هم از پیش از انقلاب ایران در کشور ما زندگی می‌کرده است. خانم معلم اینجا را کشور خودش می‌داند و خاطره‌ای از افغانستان ندارد. اما در کشوری که به آن احساس تعلق می‌کند، جایی ندارد: <ما در ایران با رنج و تحقیر بزرگ شده‌ایم و الان فرزندانمان هم همین تجربه را از سر می‌گذرانند. هم‌اکنون به افغانی به عنوان یک جنس گندیده نگاه می‌کنند؛ یک لجن به جا مانده از سیلاب. البته خیلی‌ها هم هستند که خدا خیرشان بدهد با ما مثل انسان رفتار می‌کنند اما عموم مردم، ما را تحقیر می‌کنند. حتی ماموران به خودشان اجازه می‌دهند که یک ملت را تحقیر کنند یا افغان‌ها را بزنند. حتی مامور راهنمایی و رانندگی در منطقه <آب سرد> دماوند برادر من را به شدت کتک زده است و هزاران مورد دیگر. کارت شناسایی ما را می‌گیرند و پاره می‌کنند و همین سال گذشته زنان و مردان افغان را زیر برف در اردوگاه عسگرآباد سه شبانه روز نگه داشتند.>

- متهمان بیگناه و پرونده بیکاری در ایران

از مدت‌ها پیش، مقامات مختلف دولت برای فضاسازی و آماده کردن زمینه اخراج افغان‌ها، دست به تبلیغاتی درباره اشغال فرصت‌های کاری در کشورمان به وسیله نیروهای کار افغان کرد و نرخ بالای بیکاری در ایران را به حضور افغان‌ها ربط داد. مدیر کل اشتغال اتباع خارجی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس اعلام کرد که با اخراج ۵۰۰ هزار کارگر خارجی - که اغلب آنها افغان هستند- نرخ بیکاری ۲ درصد کاهش خواهد یافت. این تبلیغات اما در حالی صورت می‌گیرد که به نظر نمی‌رسد نوع اشتغال کارگران افغان ارتباطی با الگوی بیکاری در جامعه ما داشته باشد. طراحان این تبلیغات هنوز به این پرسش پاسخ نداده‌اند که آیا اگر کارگران افغانی نیز مثل کارگران مهاجر در کشورهای دیگر از حقوق و بیمه کارگر مهاجر بهره‌مند بودند و از نظر اشتغال وضعیت بسامانی داشتند باز هم این همه فرصت شغلی در اختیارشان بود؟ خانم معلم مدرسه خودگردان اما برای این پرسش

پاسخ روشنی دارد : <من کارگر ایرانی‌ای را نمی‌شناسم که مثل کارگران بدبخت افغانی از ۷ صبح تا ۱۰ شب بار بکشد و گونی سیب‌زمینی ۸۰ کیلویی بلند کند و آخر شب هم کمتر از ۱۰۰۰ تومان دستمزد بگیرد و هر خفتی را تحمل کند تا بچه‌هایش شب گرسنه نمانند و بتوانند پنهانی درس بخوانند. شما کدام افغانی را می‌شناسید که یک فرصت شغلی واقعی را در کشورتان اشغال کرده باشد؟ آیا جز این است که ما عمله و بنای برج‌های شما هستیم و شهرهای بزرگ شما را آباد کرده‌ایم و هیچ حقوقی هم نداشته‌ایم؟> در همین حال اظهارات مدیرعامل سازمان خدمات موتوری شهرداری تهران نیز شاهدی بر مدعای خانم معلم افغان است. شهریور ماه سال گذشته، مهندس سلیمی اعلام کرد: <با توجه به اینکه بخش اعظم نیروی انسانی فعال در حوزه جمع‌آوری زباله در شهر تهران کارگران غیرایرانی بودند، با اجرای طرح خروج افاغنه از کشور نتوانسته‌ایم، نیروی انسانی لازم را جذب کنیم و با خروج افاغنه دچارکمبود نیروی جمع‌آوری زباله شده‌ایم، چرا که نیروی ایرانی تمایلی به حضور در این حوزه را ندارد.> از سوی دیگر ردیف‌های اشتغالی که در طرح آمایش جامعه افغان قابل مطالعه است نیز بیش از ۳۰۰ شغل را در اختیار جامعه افغان ساکن ایران اعلام کرده است که در میان آنها <روده پاک‌کنی گوسفند>، <چاه‌کنی< >کارگری در مرغداری‌ها و گاوداری‌ها> و <رفتگری> بهترین شرایط ممکن برای افاغنه هستند!

● چرا افغان‌ها عوارض می‌دهند؟

هر افغانی ۱۸ سال به بالا برای دریافت مجوز کار ۷۰ هزار تومان می‌پردازد. هر خانواده افغان نیز ۱۸۰ هزار تومان به‌عنوان عوارض شهری و ۲۲۰۰ تومان نیز به حساب فرمانداری واریز می‌کند. با این هزینه‌ها افاغنه ساکن ایران یک کارت با شش ماه اعتبار دریافت می‌کنند تا بتوانند با آن مشغول به کار شوند اما حتی در طول همین شش ماه هم وضعیت معیشت و اشتغال خانوار افغانی قابل‌انطباق با معیارهای انسانی نیست. اینچنین است که خانم معلم افغان در طرح جدید خود به برگزاری همایش‌هایی در سطح شهرستان‌های مختلف ایران برای هموطنانش می‌پردازد.

همایش <بازگشت و بازسازی> که از افغان‌ها می‌خواهد به کشور خودشان بازگردند؛ هرچند که هنوز کشورشان دستخوش ناآرامی‌های پیامد جنگ‌های اخیر است و هنوز معیارهای حداقلی زندگی و امنیت در بسیاری از مناطق آن متزلزل و دور از دسترس است. اما مهمان‌نوازی ما ایرانیان چنان همسایگان افغانمان را تحت‌تاثیر قرار داده که ناامنی و فقر و حتی مرگ را در سرزمین جنگ‌زده و آسیب‌دیده خود به ماندن و تحقیرشدن در ایران ترجیح می‌دهند. ما ایرانی‌ها ملت مهمان‌نوازی هستیم و حتما این گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر که از تمام نهادهای مسوول خواست تا به وضعیت نگران‌کننده افغانی‌ها هنگام خروج از ایران توجه نشان دهد، چندان معتبر نیست. گزارشگر این سازمان در گزارش خود نوشت: <این انسان‌ها پناهنده هستند، به ایران پناه آوردند، حالا به هر دلیلی؛ طالبان، جنگ، فقر.

این کوتاهی دولت افغانستان و سازمان ملل متحد است که دولت ایران به خود اجازه چنین رفتاری می‌دهد. این اردوگاه‌ها وسط بیابان درست شدند، نه غذا و نه حتی آب کافی به این آدم‌ها داده نمی‌شود، جای خجالت دارد. برای همه، برای سازمان ملل، برای دولت افغانستان، برای دولت ایران.> اما این گزارش حتما بی‌اعتبار است، چراکه ما ایرانی‌هایی بسیار مهمان‌نواز هستیم!

منبع : روزنامه اعتماد ملی

http://vista.ir/?view=article&id=314540

vista.ir
Online Classified Service

میهمان‌نوازی حرفه‌ای را بیاموزیم

راهنمای موزه که دختر جوانی است با دیدن زن انگلیسی به طرف او و همراهان ایرانی‌اش می‌آید. بعد درباره تمام زوایای موزه از زمان ساخت آن و دلیل شکل جالب معماریش تا سرگذشت پادشاهی که در قبر داخل موزه

آرمیده، مجسمه‌ها و لباس‌های رزم داخل موزه و هر چیز دیگری که فکر می‌کند جالب است برای زن انگلیسی توضیح می‌دهد. یکی از همراهان زن انگلیسی هم مطالب را برای او ترجمه می‌کند. در حینی که راهنما توضیح می‌دهد، هر بازدید کننده دیگری که از او سؤالی می‌پرسد یا راهنمایی می‌خواهد جوابش را نمی‌دهد یا جواب سربالا می‌دهد. راهنما زن انگلیسی را حتی تا بیرون از محوطه موزه و کنار مغازه‌هایی که صنایع دستی می‌فروشند هم می‌برد. در آخر با وجود این که دو زن دیگر هم همراه زن انگلیسی هستند تنها با او دست می‌دهد و خیلی گرم از او خداحافظی می‌کند و بدون خداحافظی از بقیه به محل کارش برمی گردد! توضیحات او قریب به نیم ساعت طول می‌کشد و واقعاً زن انگلیسی را تحت تأثیر کارها و شخصیت مغرور پادشاهی قرار می‌دهد که تلاش زیادی کرده بود تا ایران را متحد کند و به عنوان کشوری قدرتمند در صحنه جهانی مطرح کند. اما رفتار او به عنوان یک ایرانی به هیچ وجه نمی‌توانست زن انگلیسی را تحت تأثیر قرار دهد. زن انگلیسی به خوبی متوجه می‌شد که راهنما او را با وجود این که تنها یک کارمند ساده در کشورش است، به انبوهی از هموطنانش که در بین آنها افراد فرهیخته زیادی وجود دارند ترجیح می‌دهد یا حتی اگر می‌خواسته تصویر مثبتی از ایران نشان دهد رفتارش به حدی همراه با افراط بوده که تبدیل به رفتاری زننده شده است.

این تنها نمونه‌ای از رفتارهای غیرمتعارفی است که ما در مواجهه با خارجی‌ها به ویژه غربی‌ها در پیش می‌گیریم. در واقع به نظر می‌رسد که رفتار ما در مواجهه با این افراد دچار نوعی افراط و تفریط است. افراط و تفریط از یک طرف از جانب کسانی که نظیر راهنمای موزه رفتار می‌کنند و برعکس از جانب کسانی که می‌خواهند به خارجی‌ها نشان دهند که افراد مغروری هستند و خارجی‌ها را هیچ حساب می‌کنند و یا رفتار خصمانه‌ای با آنها دارند. این هر دو نوع رفتار هم از گذشته همراه با شیفتگی ما نسبت به جهش‌های اقتصادی غرب از یک سو و از سوی دیگر صدمات جبران ناپذیری که استعمارگران به کشور ما و غرور ملی‌مان وارد کرده‌اند و نهایت آن اجرای قانون کاپیتولاسیون در دوره پهلوی است ناشی می‌شود. ولی از هرچه که ناشی شود لازم است که در رفتارها، تعدیلی به وجود آید و همه فکر و برداشت‌هایمان را برای خودمان نگه داریم. چراکه این امر به دیدگاه خارجی‌ها به ویژه جهانگردان نسبت به فرهنگ ما خدشه وارد می‌کند. در واقع خارجی‌هایی که به دلیل مأموریت و یا به دلایل دیگر در ایران ماندگار می‌شوند یا طولانی مدت در ایران به سر می‌برند و به تدریج با فرهنگ عمومی مردم ایران آشنا می‌شوند پس از مدتی حتی ترک ایران را سخت می‌بینند. ولی برای جهانگردی که تنها مدت کوتاهی در ایران به سر می‌برد گاهی هضم بعضی از رفتارها سخت می‌شود. به ویژه که روزبه روز بر اهمیت توریسم در اقتصاد کشورها افزوده می‌شود و در کشور ما هم به تدریج رویکردی نسبت به گسترش توریسم ایجاد شده است. طبیعی است که گسترش توریسم هم به فرهنگ خاصی نیاز دارد.

سعید بیگلری کارشناس توریسم می‌گوید:«مهم‌ترین بخش این فرهنگ این است که به جهانگردان لبخند بزنیم، به آنها احترام بگذاریم و بکوشیم به آنها خدمات بهتری در ازای دریافت مبلغی که از هموطنان خودمان نیز دریافت می‌کنیم ارائه کنیم».

فرانسه هر سال بیشترین میزان جهانگرد را در جهان جذب می‌کند در عین حال فرانسوی‌ها پیشگام قوانینی هستند که به مذاق فرهنگ‌های دیگر جور درنمی‌آید. نمونه آن برخورد با دانش آموزان محجبه بود که فرانسه در ایجاد جریان آن نقش زیادی داشت. ولی جهانگردان محجبه‌ای که وارد این کشور می‌شوند متوجه فکر و برداشت برخی از فرانسوی‌ها نسبت به خود نمی‌شوند. چراکه فرانسوی‌ها در هر صورت به همه لبخند می‌زنند، احترام می‌گذارند و تشکر از هیچ کس را فراموش نمی‌کنند. این نمونه نشان می‌دهد که با همین رفتارهای محترمانه و لبخند از خارجی‌هایی که با عرف جامعه ما آشنا نیستند می‌توان خواست که به مؤلفه‌های فرهنگی ما احترام بگذارند یا رفتارهای بخصوصی را انجام ندهند. به عنوان مثال پلیس یا مأمور یک موزه در فرانسه هم ممکن است به شما تذکر دهد ولی این تذکر همیشه با لبخند همراه است.

- طوری با جهانگردان رفتار کنیم که مطمئن شویم آنها باز می‌گردند

یکی از فکرهای اشتباه ما در قبال خارجی‌ها به ویژه جهانگردان این است که گمان می‌کنیم آنها افراد مناسبی برای تیغ زدن هستند. در حالی که ما لازم است اصول مشتری مداری را در قبال جهانگردان نیز رعایت کنیم. لبخند زدن و احترام گذاشتن به مشتری و ارائه خدمات مناسب به او اصول اصلی مشتری مداری هستند که نه تنها در قبال خارجی‌ها بلکه در قبال خریداران کالا و خدمات داخلی نیز باید رعایت شوند و بقای صنایع در شرایط رقابت جهانی به آنها بستگی دارد.

در واقع در کشورهای موفق در زمینه صنعت توریسم این مشتری مداری به خوبی رعایت می‌شود. ترکیه نمونه این کشورها است. در این کشور رستوران‌ها، هتل‌ها و بخش‌های خدماتی دیگر با هم رقابت می‌کنند تا با قیمت مناسب تر خدمات بهتری نسبت به رقیبشان به جهانگردان ارایه

دهند و حداکثر رفاه را برای او فراهم آورند. هدف آنها این است که توریست دفعه بعد هم به هتل یا رستوران آنها مراجعه کند. یا در کشور فرانسه توریست‌ها برای خرید کالا از معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند و در هنگام خروج از کشور با ارایه رسید خریدها، پول مالیاتی که از شهروندان عادی کسر می‌شود به آنها پرداخت می‌شود. در حالی که یک فکر اشتباه در بخش‌های خدماتی ما این است که جهانگرد همین یک بار به آنها مراجعه می‌کند و بنابراین باید با او گران تر حساب کنند.

یک خارجی که برای مأموریت در ایران به سر می‌برد، از این بابت شاکی است. او می‌گوید: «هر بار که به تنهایی به رستورانی می‌روم قیمت غذا را برای من گران تر حساب می‌کنند. بنابراین همیشه با یک ایرانی به رستوران می‌روم. در مورد کرایه تاکسی هم همین طور است. راننده‌ها فکر می‌کنند که هر کرایه‌ای که بخواهند حق دارند از من بگیرند. بنابراین سعی می‌کنم میزان کرایه هر مسیر را بفهمم و حتماً پول خرد همراه داشته باشم».

برخی از هتل‌ها هم به شیوه‌ای که فکر می‌کنند زرنگی است به خارجی‌ها می‌گویند خدماتشان را به یورو یا دلار هم ارائه می‌کنند و در این میان مقدار زیادی از ما به التفاوت را برای خود برمی دارند.

این تفکر حتی در بخش‌های خدماتی دولتی نظیر موزه‌ها نیز وجود دارد. گاهی قیمت بلیت یک موزه برای یک خارجی به چند برابر قیمت عادی هم می‌رسد. تمام این پول‌ها در نهایت برای صنعت توریسم ما ثروتی را به همراه نمی‌آورد، ولی چون قیمت تمام شده سفر را برای جهانگرد بالا می‌برد، هر چه قدر هم که او از طبیعت و آثار دیدنی کشورمان لذت برده باشد برای بار دوم کمتر تمایل دارد به کشورمان سفر کند.

- در هنگام مواجهه با خارجی‌ها عادی باشیم

تمام این نمونه‌ها نشان می‌دهد که نه تنها مردم ما بلکه حتی افرادی که در بخش‌های خدماتی کار می‌کنند در زمینه رفتار با خارجی‌ها اطلاعات زیادی ندارند. رانندگان آموزش ندیده نمی دانند با جهانگردان چگونه رفتار کنند. به ندرت آشپزهای مجربی وجود دارند که طریقه پخت غذاهای ملت‌های دیگر را بدانند. گارسن‌ها شیوه رفتار با مشتری را فقط به تجربه آموخته اند. رسانه‌ها هم به مردم آموزش نمی دهند چگونه با جهانگردان رفتار کنند و...

نمونه‌های دیگری هم در رفتار ما با خارجی‌ها به چشم می‌خورد که همگی نیازمند تصحیح هستند. به عنوان نمونه بسیاری از هموطنان ما با دیدن یک فرد خارجی سفره دلشان را برای او باز می‌کنند و از همه زوایایی که فکر می‌کنند کشورشان مشکل دارد برای آنها صحبت می‌کنند. این کار ارزش و مرتبه کشوری قدرتمند که از اولین تمدن‌های جهان با میراثی کهن است را در نزد آنها پائین می‌آورد. هر چند که بی شک از نظر توسعه اقتصادی ما در حد کشورهای پیشرفته نیستیم ولی موضوعات ارزشمند زیادی وجود دارد که می‌توانیم به آنها ببالیم. ضمن این که به طورکلی مردم بسیاری از کشورها اصلاً دلیلی نمی‌بینند که درباره مشکلات کشورشان به دیگران پاسخ دهند. به عنوان مثال ژاپنی‌ها هنگامی که درباره نحوه اداره کشورشان، یا حتی انتخابات آینده و این که به که رأی می‌دهند از آنها پرسش می‌شود تنها لبخند می‌زنند.

برخی نیز فکر می‌کنند که هیچ یک از خارجی‌ها زبان فارسی بلد نیستند. در نتیجه در کنار آنها به صحبت درباره شان می‌پردازند یا درباره آنها شوخی می‌کنند. چهره کسانی که درباره یک خارجی شوخی می‌کنند و سپس می‌فهمند که او به خوبی فارسی صحبت می‌کند دیدنی است. به اینها می‌توان نگاه کنجکاوانه عده‌ای را افزود که گاهی آزاردهنده می‌شود.

نکته دیگر این است که بیاموزیم توریست‌ها تنها محدود به افراد موبور و چشم آبی کشورهای اروپایی و امریکا نیستند. بلکه جهانگردانی از کشورهای همسایه یا کشورهای آفریقایی وارد کشور ما می‌شوند که ثابت شده برخی از آنها بیش از جهانگردان اروپایی پول خرج می‌کنند ولی همیشه رفتارها با آنها مؤدبانه و توأم با میهمان نوازی نیست.

در واقع لازم است که رویه مشخصی را در رفتار خود با خارجی‌ها از جمله جهانگردان در پیش بگیریم و این رفتار را بدون تبعیض و بدون فکر خوش آمدن یا بد آمدن از این یا آن به کار ببندیم. طبیعتاً این رویه نیاز به دادن آموزش هم به افراد عادی و هم به کارکنان بخش‌هایی دارد که با جهانگردان یا خارجی‌ها در تماسند و یا به نوعی ممکن است با آنها برخورد کنند. حتی این آموزش‌ها را می‌توان در کتاب‌های درسی نیز گنجاند. این جا است که می‌توانیم بگوییم به توریسم به چشم یک فرصت نگاه کرده‌ایم.

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=367925

vista.ir
Online Classified Service

نارنجستان قوام - شیراز

نارنجستان قوام متعلق به خاندان قوام الملک بوده است . عمارت این بغ بعنوان دیوانخانه و محل مراجعات رعیت ها و دیگر مردم و همچنین محل تشکیل جلسه های عمومی و نشست های بزرگان و اشراف در زمان قاجاریه مورد استفاده قرار می گرفته است.

خاندان قوام الملک از خانواده های مقتدر دوران قاجاریه بوده که چندین قرن سردمدار حکومت نواحی فارس بودند.

عمارت نارنجستان با صنعت آینه کاری ، نقاشی ، کاشیکاری ، گچبری و منبت کاری تزیین شده است و یکی از شاهکارهای دوره قاجاریه می باشد .

ایوان یا تالار آینه در وسط و اتاقهای در چپ و راست آن به صورت قرینه ساخته شده اند . حتی سنگهای پایین دیوار نیز به صورت قرینه حجاری شده اند . بر سطح این سنگها نقشهایی از شیر، مقبره و سربازان هخامنشی ، مبارزه با هلاهل (موجود افسانه ای) بچشم می خورد .

کف ایوانهای این بنا با قطعات کاشی سفید و آبی به طرز زیبائی مفروش شده است و دیوار ایوانها از نمونه های جالب هنر دوره قاجاریه می باشد که روی آنها گچبریهای زیبائی انجام شده است.

این بنا دو متر از کف حیاط بلند تر است و آجر بعنوان مصالح اصلی بکار برده شده است.سقف بنا با نقاشیهای زیبا با رنگهای گرم و طرحهای متنوع پوشیده شده است .

ابراهیم خان قوام الملک در سال ۱۳۴۵ خورشیدی این بنای با ارزش و زیبا را به دانشگاه شیراز اهدا کرد و امروزه به موزه نارنجستان که وابسته به دانشکده هنر معماری است تبدیل شده و برای بازدید عموم آزاد می باشد.

آدرس : شیراز – خیابان لطفعلی خان زند

منبع : کتاب شیراز یادگار گذشتگان – محمد کریم خرمایی

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=96047

vista.ir
Online Classified Service

ندارها به بعضی جاها می روند داراها به همه جا

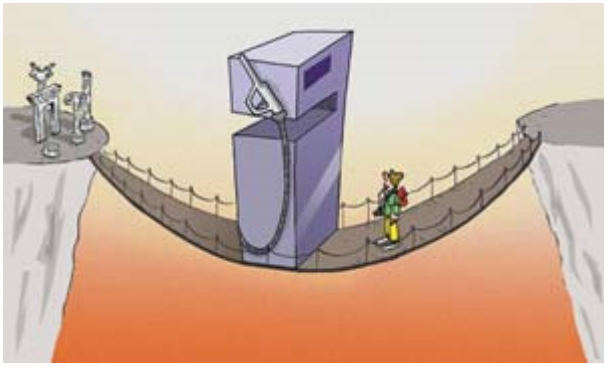

برای یک سفر حسابی، برای یک استراحت پرلذت، برای یک رخوت بی دریغ باید اول حساب جیبت را بکنی. بنشین و ریز خرج هایت را بنویس، می توانی برای اینکه مبادا اشتباه کنی و بعد ویلان شوی برای ردیف ها شماره بزنی. اگر خودرو شخصی نداری حتماً همان بالای لیست، حساب خرج رفت و آمد را یادداشت کن.

اگر هم خودرویی داری حول وحوش یک پیکان فکسنی توسری خورده مغموم، باید بخصوص حالا، اول هزینه این بنزین لعنتی را بنویسی. حالا که بنزین گران شده سعی کن کوتاه ترین مسیر ممکن را انتخاب کنی. چاره ای نیست یا قید سفر را بزن یا چند ساعتی با همین رقم های جنون آور و زشت سر و کله بزن. تو یکی از مایی، یکی از این پایینی ها.

برای عوض کردن آب و هوا، برای یک تفریح دیشلمه، برای یک سفر خفن به احساست رجوع کن و بعد اگر حس آنتالیا و دبی و باکو، حس قبرس و مالزی و هند و پاتایا را نداشتی فکر کن که کجای این خاک آنقدر دنج است که بتوانی از این بوق های گه گاهی که دائم از چند خیابان پایین تر سوت می زنند در امان باشی. نگران مخارج سفر نباش. احساس مهم است و عوض کردن آب و هوا خرج برمی دارد. تو یکی از آنهایی، یکی از آن بالایی ها.

به واقع حکایت سفر درست همین است. ندارها برای سفر باید حساب هزار و یک مورد را بکنند. آنها باید بدانند اگر برای این سفر فلان قدر خرج کنند آیا می توانند تا آخر ماه زندگی را ادامه دهند و نیازمند قرض کردن نشوند.

درست به همین دلیل است که تا قران آخر باید در آن لیست کذایی پیش بینی شود و وای از هزینه های پیش بینی نشده که سفر را زهرمار می کند و اعصاب را داغان.مهم ترین مساله در سفر ندارها محلی است که بتوان در آن ماندگار شد. چنین است که سفرهای ایشان محدود به شهرهایی می شود که خویشاوند یا دوستی خوشرو در آنجا دارند.

البته در دهه اخیر این مشکل با تمهیداتی حل شده است. ایام تعطیل زمانی است که خویشان کارمند و معلم، عزیز می شوند. آنها می توانند به مدد یک کارت از کلاس مدرسه های تعطیل و احیاناً هتل های دولتی برای ماندن استفاده کنند.

برای همین است که در دهه اخیر سر و کله ندارها در شهرهای بیشتری پیدا می شود. با آن قیافه های نگران که سعی می کنند به شدت شبیه گردشگران حرفه ای باشند. با عینک های دودی ارزان قیمت و کلاه های لبه دار.آنهایی که «دارند» اما می توانند به راحتی از روی دل تصمیم بگیرند. آنها می توانند به هر شهری که رفتند در بهترین هتل شهر اتاق بگیرند. می توانند از بنزین آزاد استفاده کنند.

می توانند خودروهای کرایه ای را دربست در اختیار داشته باشند. می توانند با هواپیما سفر کنند. آنها «دارند».با این همه همین دارندگی محدودیت هایی هم ایجاد می کند. آن کسی که دارد و لااقل یک شب را در هتل معروف کیش نگذرانده، چیزی کم دارد.

او خلئی بزرگ در زندگی اش حس می کند. او باید بهترین اجناس پاساژهای معروف قشم را در اتاقش داشته باشد. او باید حتماً شبی را در ویلایی درندشت بماند که در رامسر، خزرشهر، متل قو، کلاردشت یا دوهزار بوده باشد. او باید حتماً هر چند هفته یک بار برای اسکی به دیزین یا شمشک برود. برای او هتل های بزرگ و گران قیمت مشهد و اصفهان و شیراز باید نام های آشنایی باشند.

ندارها معمولاً جمعی سفر می کنند. آنها باید بتوانند هزینه سفر را سرشکن کنند. معمولاً زن ها مطابق همان وظیفه سنتی باید غذای فراوانی برای جمع بپزند. گاهی هم البته مردها با مثلاً کباب تابه ای یا خیلی کم، کباب کوبیده از همسفران پذیرایی می کنند. یادتان باشد غذایی که خودتان بپزید حتماً از غذای بیرون ارزان تر است.

آنهایی که «دارند» معمولاً تنها سفر می کنند. این «تنها» یعنی با نزدیکان در یک جمع کوچک جور. آنها می توانند در بهترین رستوران محل اقامتشان خود را سیر کنند. آنها یک منبع متحرک پر از نام غذاهایی هستند که حتی تلفظ نامشان دشوار است. آنها می دانند هر کدام این غذاهای عجیب و غریب در کدام رستوران کدام شهر بهتر پخته می شوند. اصلاً خود همین می تواند انگیزه مهمی برای یک سفر باشد. مثلاً خوردن «رست بیف» در فلان رستوران وکیل آباد مشهد.

ندارها معمولاً سوغاتی های یک شکل و یک جور می خرند. آنها از اصفهان برای همه گز می خرند، از شیراز برای همه مسقطی، از مشهد برای همه تسبیح و از قم برای همه سوهان. اصلاً سوغاتی خریدن خودش یکی از مراحل مهم سفر ندارها است.

سفر آنچنان اتفاق باورنکردنی در زیست چنین جماعتی است که تا ده خانه این ور و آن ورشان همه می دانند که آنها در سفرند.آنهایی که «دارند» هم سوغاتی می خرند اما از سوغاتی های یک شکل و یک جور و معمولی بیزارند. آنها هم سوغاتی ها را به دقت انتخاب می کنند، هم گیرندگان سوغاتی ها را. سفر در زندگی این جماعت اتفاق نیست. امری است معمولی مانند خود زندگی.

ندارها بعد از هر سفر هزاران خاطره ریز و درشت دارند که هی آن را با دیگرانی که در آن سفر نبوده اند با دیگرانی که در آن سفر بوده اند و با خودشان مرور می کنند. آنان از به یاد آوردن شادکامی شان با صدای بلند می خندند و اشک به چشم هایشان می آید.

آنهایی که «دارند» خیلی در مورد سفرهایشان صحبت نمی کنند. آنها برای اطرافیان تعریف می کنند که چقدر صندلی های هواپیما ناراحت بوده است و آنها چقدر خسته شده اند. چقدر سرویس هتل از سرویس هتل های اروپایی عقب تر بوده و خودشان را شایسته لعنت می دانند اگر یک بار دیگر به جای آنتالیا درون مرزهای ایران سفر کنند. برای آنها یادآوری سفر، یادآوری روزهای سختی است که هیچ امکاناتی در اختیار نداشتند.

ندارها علاقه غریبی به شهرهای کوچک دارند. در شهرهای کوچک هزینه ها پایین تر است. مسافرخانه های ارزان، رستوران های کوچک، بقالی های سنتی، بازارهای کوچک برای مایحتاج روزانه و دیگر هیچ. چه سفر بی دردسری،آنهایی که «دارند» از شهرهای کوچک گریزانند. شهرهای کوچک جهنم آنهاست. مسافرخانه های عقب افتاده، رستوران های مشکوک، بقالی های فکسنی، بازارهای درهم غیربهداشتی و دیگر هیچ. چه سفر وحشتناکی،

ندارها شب های سفر دور هم جمع می شوند و اگر دلی و دماغی بود می زنند و می خوانند. آنها دور هم می نشینند به تعریف لطیفه و خاطره. دور هم می نشینند به شکستن تخمه و خوردن میوه. آنها شب دور هم جمع می شوند تا زخم های هم را التیام دهند و به یاد هم بیاورند که دو روزی جاکن شده اند تا از زندگی لذت ببرند.

آنهایی که «دارند» می نشینند در اتاق های بزرگ هتل و هی کانال های تلویزیون را به اضافه سه- چهار شبکه خبری مجازشده ماهواره ای بالا و پایین می کنند. آنها دلشان لک می زند برای رسیورهایشان که در خانه است. آنها مجبورند خودشان را خسته کنند تا خوابشان ببرد. کتاب؟ نه، باور کنید این یک مورد دارا و ندار نمی شناسد. در این مملکت کسی کتاب نمی خواند.

این اما تنها یک سویه ماجرا است. درست همان سویه ای که هم ما دوست داریم ببینیم تا راحت تر زندگی کنیم و هم دیگران دوست دارند ما ببینیم تا راحت تر زندگی کنند. به همین دلیل است که درست مثل فیلم های فارسی ندارها در آن شادند و سرخوش و آنهایی که «دارند» ناراحت و کلافه.

می شود کل این روایت را از نو نوشت. می شود نوشت ندارها مجبورند غیرقابل تحمل ترین افراد فامیل را تحمل کنند چون می خواهند هزینه سفرشان کمتر شود. می شود نوشت این جمع ناهمگون چه دردسری می شود وقتی یک عده بخواهند بروند بازار، یک عده بخواهند از آثار تاریخی بازدید کنند و یک عده بخواهند در خیابان ها گشت بزنند.

می شود از دردسرهای آن کلاس های اجاره ای بی در و پیکر نوشت. می شود از مدرسه هایی نوشت که آب گرم ندارند. می شود از ادامه سنت های زندگی خانوادگی نوشت؛ از غذا پختن زن ها، از ظرف شستن زن ها، از نظافت کردن زن ها و البته از بحث های کسالت آور مردها.

می شود از آن چیزهایی نوشت که ندارها دوست دارند داشته باشند اما نمی توانند داشته باشند.

می شود از نگاه هایی نوشت که با حسرت خیره می شوند به ویترین مغازه ها. می شود از ذهن انسان نوشت که سختی ها را فراموش می کند تا خوشی ها بر جا بمانند. می شود از شهرهای کوچک سوت و کوری نوشت که هیچ چیزی برای دیدن ندارند، هیچ جایی برای گردش ندارند. می شود از اتاق های کوچکی نوشت که چندین نفر در آن تیغه ای می خوابند. می شود از خر و پف های وحشت آور خان دایی بزرگتر و بوی گند جوراب پسرخاله کوچک نوشت. اینها یک روی دیگر سکه است که حالا دارد خودش را نشان می دهد.

می شود از آسودگی خیال نوشت. می شود از دوش هر شبه و استراحت در وان پر آب نوشت. می شود از کنسرت های بزرگ نوشت و طعم های نچشیده. می شود از مصرف بهینه زمان نوشت. می شود از خوشی های بزرگ نوشت. از خریدهای بی پایان. از اینکه در بسته های اندک سوغات چقدر سلیقه و احساس و احترام نهفته است. می توان از بی شمار دیدن، بی شمار تجربه، بی شمار فرصت نوشت. فیلمفارسی ما پایان خوشی ندارد.

با این همه هنوز راهی برای رستگاری باقی است. شیوه ای از سفر هست که مخصوص ندارهاست. شاید بشود نام آن را گذاشت «سفر

آلترناتیو». درست همان طور که سینمای آلترناتیو، در برابر جریان مسلط سینمایی جهان مقاومت می کند. درست همان طور که اطلاع رسانی آلترناتیو، در برابر جریان اطلاع رسانی مسلط، در برابر دیکتاتوری نوین رسانه های بزرگ مقاومت می کند. درست همان طور که جهانی شدن آلترناتیو، ندارهای جهان را به مقاومت در برابر جهانی سازی آنهایی که «دارند» فرامی خواند.

سفر آلترناتیو یعنی شکستن تمام این بایدهای دست و پاگیر لعنتی. یعنی ماجراجویی به معنای واقعی کلمه. هستند کسانی که با یک کوله پشتی پر از کنسرو و بیسکویت سلامت تمامی قفقاز را گشته اند. هستند کسانی که با پنجاه یورو از آلمان به فرانسه رفته اند و قهوه پاریسی را در پیاده روهای پاریس تجربه کرده اند.سفر آلترناتیو یعنی بر خوردن با مردم. یعنی خوابیدن در قهوه خانه های سر راهی.

یعنی هم کلام شدن با راننده تنهای کامیونی که ممکن است شما را تا مقصد بعدی برساند. یعنی یک کوله پشتی کوچک و یک اراده بزرگ. یعنی جاده ها و دشت ها و کوه ها و انسان هایی که باور کرده اند می توانند و باید تجربه کنند.سفر آلترناتیو یعنی غلت زدن در سایه روشن های زندگی. یک زندگی که به وسعت جهان بزرگ است. سفر آلترناتیو یعنی پیروزی واقعیت بر فیلم های فارسی. واقعیتی که پایانی ندارد.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=265745

vista.ir
Online Classified Service

نقاط دیدنی میلان - ایتالیا

میلان چند نقطه دیدنی و بسیار معروف دارد:

▪ La Scala :

اپرائی که در نوع خود در سطح جهان بی نظیر و پر طرفدار است.

▪ IL DUOMO :

کلیسای جامع که در مرکز شهر قرار گرفته است. این کلیسا با قدمت ۶۰۰ ساله خود، سومین کلیسای بزرگ اروپا پس از کلیسای St.Peter s در رم و کلیسای Seville می باشد.

▪ Santa Maria delle Grazie :

کلیسای معروف و زیبا که در ۲ Pizza delle Grazie واقع شده است . برای تماشای تابلوی معروف لئوناردو داوینچی ، شام آخر می توانید از این کلیسا دیدن کنید.

▪ Castello Sforzesco :

عمارتی است زیبا و دیدنی که در Pizza Castello واقع شده است. این عمارت دارای موزه می باشد و کار نیمه تمام میکلانژ یعنی Rondanini Pieta در این موزه قرار دارد و گردشگران زیادی برای دیدن این کار و همچنین کارهای دیگر بزرگان هنر ،از این موزه بازدید می کنند.

▪ Galleria Vittorio Emanuele :

این مکان ما بین کلیسای جامع IL DUOMO و اپرای La Scala واقع شده است و با رستورانها و کافی شاپهای متنوع و انواع و اقسام فروشگاهها محل خوبی برای خرید کردن و گشت زدن محسوب می شود.

منبع : مطالب ارسال شده

http://vista.ir/?view=article&id=123073

نقبی بر تبدیل شدن دوبی به قطب گردشگری و تجاری برای ایرانیان

این تلاشها گاهی به عملکرد تصمیمات دولتی هم چشم امیدی دوخته و حتی برای آن , حساب خاصی را باز کرده است . از جمله آن که سهم قابل توجهی از « صادرات مجدد » دوبی , به جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته و در واقع دوبی بعنوان یك بندر صادراتی برای صدور کالا به ایران شناخته می شود و حال آن که تقریبا بدون استثنا همه کالاهای صادراتی از دوبی به ایران , از سایر کشورها تامین و وارد می شود و فقط کافیست که تجار و وارد کنندگان ما مستقیما از کشور مبدا , برای وارد کردن کالاهای مورد نظر اقدام کنند . سهم قابل توجهی از درآمدهای بندری و تجاری دوبی , دقیقا از همین مورد و به صورت « صادرات مجدد » تامین می شود. بر این نکته بایستی هجوم ایرانیان برای سفر به دوبی به منظور گردشگری و تجارت را هم افزود , این پدیده اخیرا به شکل بسیار تحقیرآمیزی در حال توسعه است و مرتبا ابعاد و زمینه های تازه ای پیدا کرده و می کند. شاید مراجعه به آمار در این زمینه بتواند برای درك ابعاد این پدیده به ما کمك کند . مطابق آمارهای موجود , روزانه ۳۰ پرواز از نقاط مختلف کشور حدود ۳ هزار نفر گردشگر ایرانی را به دوبی منتقل می کند . تقریبا تمامی فعالیت های خدماتی برای جابجایی و اسکان این جمعیت گردشگران ایرانی را ۵۰ شرکت گردشگری ایرانی در دوبی بر عهده دارند که عموما در همین زمینه فعالیت دارند و در زمینه جذب گردشگران امارات به ایران , هیچگونه اقدام قابل ذکری انجام نداده اند و طبعا کمترین موفقیتی هم در این زمینه نداشته اند. این بدین معنی است که سیل عظیم گردشگران ایرانی بصورت یکطرفه به سوی امارات و مشخصا « دوبی » سرازیر شده ولی در عوض کمترین تلاشی برای جذب گردشگران عرب به ایران صورت نپذیرفته و یك جریان یکسویه برای انتقال درآمدهای گردشگری از ایران به سوی امارات , همواره برقرار بوده و حتی روند تصاعدی دارد. برای مثال , فقط در تعطیلات نوروز ۱۳۸۳ بیش از ۲۰۰ هزار ایرانی وارد دوبی شدند که مطابق ارزیابی ها دستکم ۱۶۳ میلیون دلار درآمد ارزی برای دوبی به همراه داشته است , این ارقام شامل مخارج روادید , هتل , هزینه های شخصی و خریدهای ویژه می شود.

نکته بسیار مهمی که نباید از آن غافل شد , دسترسی تقریبا بی حد و مرز به امکانات مفسده انگیز در دوبی است که در آن واحد , دو دسته از ایرانیان را , هرچند در مقیاس محدود ولی به طرز چندش آوری , به سوی دوبی می کشاند. گروه اول دختران و زنانی هستند که گاه با وعده های فریبکارانه عوامل فساد و گاه نیز عالما عامدا به سوی فساد و فحشا در دوبی کشانیده می شوند. گزارشات موثق و در عین حال تکان دهنده ای وجود دارد که نشان می دهد گاه دختران و زنان ایرانی در شبکه های فساد آنچنان دست به دست می شوند که نه تنها حیثیت و شرف و آبروی آنها برای همیشه از میان می رود بلکه حتی عامل انتقال انواع بیماریهای مقاربتی می شوند و سپس آن را به داخل کشور منتقل می کنند. گروه دومی که بایستی آنها را نیز در این فهرست گنجانید , مردان هرزه و خوشگذرانی هستند که برای سواستفاده از شرایط به وجود آمده در دوبی , به این شیخ نشین سفر می کنند تا به فساد و خوشگذرانی بپردازند و سپس به ایران بازگردند. ارزیابی ها نشان می دهد که این عده را هم بایستی جزو ناقلین بیماریهای مقاربتی تلقی کرد و برای رفع مسائل و مشکلاتی اقدام نمود که از این رهگذر دامنگیر کشور می شود و بنیان خانواده ها را سست و بهداشت عمومی را تهدید می کند. دامنه فعالیت باندهای فساد و فحشا ایرانی در دوبی بقدری گسترش یافته است , که

اخیرا احساس می شود یك قدرت خارجی در ترویج و تسهیل و دامن زدن به آن , فعالیت دارد و حتی بایستی آن را تدریجا یك مشكل برای امنیت ملی كشور ارزیابی نمود. نكته قابل ذكر در این میان اینست كه نه تنها هجوم گردشگران ایرانی به دوبی , روند صعودی دارد بلكه حتی تعداد شركتهای ایرانی فعال در امارات و به ویژه دوبی , نیز به صورت تصاعدی رو به افزایش است . در این زمینه مطابق برخی آمارها , فقط در امارات دوبی , دستكم ۳ هزار شركت ایرانی فعالیت دارند كه حجم سرمایه گذاری آنها در دوبی , میلیاردها درهم است (تقریبا هر ۳,۲ درهم معادل یك دلار آمریكاست) . سرمایه گذاران در امارات دوبی با مشاهده این روند حیرت انگیز , برای بهره برداری روزافزون از این پدیده سعی دارند خود را برای استقبال از گردشگران بیشتر آماده كنند و از جمله آن كه به دلیل رشد فزاینده گردشگران ایرانی در دوبی , مقامات این امارات درصدد احداث ۴۲ هزار اتاق دیگر در سطح هتل های این بندر تا سال ۱۳۸۶ هستند . برخی گمانه زنی ها بر این نكته تاكید دارد كه ممكن است حتی این رقم برای توسعه خدمات هتلداری در دوبی هم پاسخگوی تقاضای بازار گردشگران ایرانیان در دوبی نباشد.

این پدیده را از ابعاد مختلفی می توان ارزیابی كرد و به آن توجه نمود. ممكن است كسانی بدون توجه به آثار و تبعات این روند تاسف بار و در عین حال حقارت آمیز , از كنار آن به سادگی بگذرند و موضع خود را در چارچوب این دیدگاه توجیه كنند كه گردشگری بهرحال یك پدیده بدون ضرر و زیان است و چه بهتر كه مردم ما از وضع سایر كشورها هم از نزدیك آگاه شوند. اما آیا این موضع را می توان بعنوان یك دیدگاه مسئولانه پذیرفت فراموش نكنیم كه ایران به لحاظ برخورداری از جاذبه های عظیم سیاحتی , زیارتی , طبیعی و تاریخی , موقعیت بی نظیری در سطح منطقه و حتی جهان دارد. تنوع آب و هوایی در سراسر كشور باعث شده است كه در زمستان , تفاوت درجه حرارت میان سردترین و گرمترین نقاط كشور گاهی ۵۰ درجه سانتی گراد شود و این تفاوت در تابستان هم گاهی از مرز ۴۰ درجه سانتی گراد می گذرد. این بدین معنی است كه در زمستان , بخش های جنوبی كشور و در تابستان بخش های شمالی كشور دارای جاذبه های خاص ناشی از تنوع آب و هوایی است . علاوه بر این , جاذبه های استثنایی و منحصر بفردی كه ناشی از قدمت تاریخی و وجود اماكن زیارتی است , زمینه های عملی برای رونق روزافزون گردشگری در كشور را فراهم می كند. طبعا باید پرسید كه اشكال كار در كجاست كه علیرغم وجود چنین ظرفیت های بالقوه ای برای گسترش قلمرو « ایران گردی » , شاهد سرازیر شدن خیل عظیم و گردشگران ایرانی به دوبی هستیم كه باعث رونق اقتصادی برای بیگانگان گردیده . و حتی تداركات چنین خدمات یكسویه ای را هم شركتهای ایرانی , متكفل شده اند سئوال بعدی این است كه برای تاثیرگذاری در جهت تصحیح و بهبود شرایط گردشگری در ایران چه پیشنهادات عملی و موثری را میتوان در نظر گرفت . در پاسخ میتوان مواردی از این قبیل را مطرح كرد :

۱ ـ شناسایی و مقابله جدی و موثر با حمایتهای آشكار و نهان كسانی كه از توسعه فعالیتهای گردشگری , تجاری در دوبی , منافع خاص دارند و از این پدیده , سود ویژه می برند. این پدیده می تواند با كالبدشكافی دقیق موضوع همراه باشد و یقینا با ریشه یابی پدیده « صادرات مجدد » و بررسی علل واردات كلان كشور از دوبی و رمزیابی علل سرمایه گذاری انبوه بانكهای ایرانی در دوبی , بسیاری از مسائل آشكار و نهان در این مقوله , رمزگشایی می شود.

۲ ـ هدایت سرمایه های ملی كشور از جمله خدمات هواپیمایی در مسیری كه منطبق بر منافع ملی باشد. منطقی نیست كه خدمات هواپیمایی كشور تا این اندازه در مسیر دوبی متمركز باشد (۳۰ پرواز ایرانی در روز به دوبی) اما در مسیرهای داخلی , مسافرین با مشكل كمبود جا و كمبود پرواز مواجه شوند و در برخی شرایط , حتی حق انتخاب هم از آنها پیشاپیش سلب شده باشد.

۳ ـ این پدیده , یك موضوع عادی نیست و بایستی دقیقا مورد بررسی كارشناسی از ابعاد مختلف قرار گیرد. طبعا لازمست سازمان بازرسی كل كشور با بررسی دقیق علل و عوامل موثر در جذب سرمایه بانكهای ایرانی به سمت دوبی و بده ـ بستانهای بانكهای ایرانی با برخی افراد خاص كه در واقع كار چاق كن این شركتهای ایرانی در دوبی هم محسوب می شوند , پرده از رازهای ناگفته این پرونده پر ابهام بردارد و مشخص كند چرا عده ای ظاهرا ایرانی به خاطر منافع حقیر شخصی و « رانت خواری » حاضرند چنین سرمایه های عظیمی را به جیب دیگران سرازیر كنند تا بلكه سهمی از همان درآمدها را به خودشان اختصاص دهند

۴ ـ در ضرورت شناسایی و مقابله با باندهای فساد و فحشا كه به تجارت فحشا در دوبی سرگرمند و حیثیت ایران و ایرانی را در آن سرزمین به لجن كشیده اند , هیچ تردیدی وجود ندارد. این مسئولیت بزرگ و تعطیل ناپذیر شبكه های اطلاعاتی كشور است و بایستی جز اولویت های این مجموعه ها تعریف شود و سریعا برای اقدام جدی , موثر و متناسب با ابعاد فاجعه , تصمیمات لازم اتخاذ گردد.

۵ ـ تاسف بزرگ قضیه در این است كه نیروهای مخلص انقلاب نیز در مورد پرداختن به این مقولات و نقد و بررسی آن دچار تردید شده اند. رسانه های كشور اعم از صدا و سیما و مطبوعات در زمینه تلاش مستمر برای فرهنگ سازی و تشویق آحاد مردم به ایران گردی می توانند نقش موثری را ایفا كنند به علاوه ضرورت درك خطرات و لغزشگاههای موجود كه بر اثر فعالیت ها و سرمایه گذاریهای چند منظوره بر روی سفر به امارات صورت

گرفته , نکته مهم دیگری است که عمدتا از طریق اطلاع رسانی صریح بجا و به موقع می توان آثار و تبعات منفی آن را مهار کرد. بر این مقوله , این نکته را هم باید اضافه کرد که امروزه طیف وسیعی از همین شرکتهای رنگارنگ , به راحتی فرصت یافته اند تا در مطبوعات کشور , آگهی های پرجاذبه ای ارائه کنند و حال آن که تبلیغ برای سفر به دوبی , بعضا بعنوان « پوشش » برای انجام خلافکاریهای دیگر مورد سواستفاده قرار می گیرد. در واقع , برخی رسانه ها نه تنها موضع هشدار دهنده ای نسبت به این پدیده ندارند تا مردم را نسبت به آثار و تبعات سو چنین موضوعی آشنا سازند , که حتی از طریق تبلیغات روزانه برای جلب مشتریان بیشتر به منظور سفر به دوبی و... در واقع تشویق کننده این سفرها هستند و دستکم اینکه « قبح » مسئله را از بین می برند و افراد ساده لوح باور نمی کنند که یك شرکت به ظاهر توریستی , پوششی برای اعمال خلاف عفت عمومی و کشاندن دختران و زنان به شبکه های منحرف و مخوف دلال فساد و فحشا در دوبی باشند. علاوه بر این موارد , پیشنهادات دیگری هم در جهت تقویت بنیه گردشگری داخلی و افزایش جاذبه های کشور در قطب های گردشگری می توان ارائه گردد و از جمله الف ـ اصلاح و بهبود شبکه راههای کشور به منظور ایمن سازی هرچه بیشتر سفرها و افزایش ضریب امنیت جاده ها ب ـ افزایش سطح خدمات بین شهری به منظور ارتقا سطح رفاه گردشگران و ایجاد رضایت نسبی آنها نسبت به خدمات مورد انتظار ج ـ ارائه تسهیلات لازم و جهت دادن به سرمایه گذاریها به منظور تقویت بنیه هتلداری و خدمات جانبی در مناطق دارای جاذبه های گردشگری د ـ معرفی صحیح و ارائه تبلیغات موثر و مستمر به منظور شناساندن جاذبه های گردشگری کشور هـ ـ به روز درآوردن امکانات ارتباطی و مخابراتی در قطب های گردشگری کشور به منظور ایجاد رضایت نسبی نزد گردشگران وـ ایجاد و توسعه فرهنگ گردشگری توسط مجموعه ای متشکل از وزارت ارشاد و رسانه های گروهی

نکته مهم در این میان اینست که هرکس در هر رده ای از مسئولیت که هست , این پدیده را جدی بگیرد و برای مقابله با آن , به مسئولیت های خود عمل کند و دیگران را هم به درك و تصمیم و اقدام در این زمینه وادار نماید. چرا که در غیر این صورت , همه ضرر خواهیم کرد و جامعه اسلامی ما بیش از پیش , از این پدیده آسیب خواهد دید و چنین مباد. دوبی درواقع یك بندر صادراتی برای « صدور مجدد » کالا به ایران شناخته می شود و حال آن که تقریبا بدون استثنا , همه کالاهای صادراتی از دوبی به ایران , از سایر کشورها تامین و وارد می شود و « صادرات مجدد » است . هجوم ایرانیان برای سفر به دوبی , به شکل تحقیرآمیزی در حال گسترش است , حال آن که در زمینه جذب گردشگران امارات به ایران , هیچگونه اقدام قابل ذکری صورت نگرفته است . یك جریان یکسویه برای انتقال درآمدهای گردشگری از ایران به سوی دوبی همواره برقرار بوده و حتی روند تصاعدی دارد. گزارشات موثق و در عین حال تکاندهنده ای وجود دارد که دختران و زنان ایرانی در شبکه های فساد در امارات دست به دست می شوند و علاوه بر هتك حیثیت و شرف , عامل انتقال انواع بیماریهای مقاربتی به داخل کشور شده اند. گسترش دامنه فعالیت باندهای فساد و فحشا ایرانی در دوبی به قدری است که احساس می شود یك قدرت خارجی در ترویج و تسهیل و دامن زدن به آن فعال است و حتی بایستی آن را تدریجا یك مشکل برای امنیت ملی کشور ارزیابی کرد. کسانی هستند که از توسعه فعالیتهای گردشگری , تجاری در دوبی , منافع خاص دارند و از این پدیده , سود ویژه ای می برند. شناسایی و مقابله با این عوامل , یك ضرورت عینی است . منطقی نیست که خدمات هواپیمایی کشور تا این اندازه در مسیر دوبی متمرکز باشد (۳۰ پرواز ایرانی در روز به دوبی) , اما به طور همزمان , مسافرین در پروازهای داخلی با مشکل کمبود جا و کمبود پرواز مواجه باشند. هدایت سرمایه های ملی بایستی منطبق بر منافع ملی باشد. سازمان بازرسی کل کشور بایستی با بررسی دقیق علل و عوامل موثر در جذب سرمایه بانکهای ایرانی به سمت دوبی و بده بستانهای بانکهای ایرانی با افراد خاص پرده از رازهای ناگفته این پرونده برابهام بردارند. رسانه هایی که صفحات خود را به راحتی در اختیار تبلیغات برای جذب گردشگران به دوبی می گذارند , باید بررسی کنند که تا چه اندازه در فجایع ناشی از این پدیده سهیم هستند و چرا دستکم , « قبح » مسئله را از بین برده اند

http://vista.ir/?view=article&id=206757

vista.ir
Online Classified Service

نقش جهان طنین کاشی آبی یا لاجورد دریای چین!

پائیز هر چه در بساط داشته رو کرده است. باد می‌وزد و دانه‌های برف را به پیکرهٔ میدان می‌کوبد. می‌ایستم سر در بازار قیصریه و نگاهش می‌کنم. پیر و فرسوده شده است، اما هنوز همه می‌شناسندش. میدان نقش جهان به همراه زیگوراتِ چغازنبیل و تخت جمشید از معدود بازمانده‌های تمدنی ۶۰۰۰ ساله هستند که خودشان را در فهرست آثار تاریخی جهان ثبت کرده‌اند. نمی‌دانم آن دو رفیق بزرگ تاریخیش در چه وضعی هستند، ولی می‌دانم که اینجا، در اصفهان چند سالی است داریم تمام تلاشمان را می‌کنیم تا نقش جهان را از لیست خارج کنیم! مدام تنش را با صدای سهمگین بلندگوها و برگزاری کارنوال‌ها و عبور ماشین‌ها می‌لرزانیم، ناخواسته حریم زمینی‌اش را به آتش می‌کشیم و خواسته، حریم هوائیش را نذر جهان سومی‌ترین بیلبوردها و برج و باروهای سربی و سیمانی می‌کنیم. از درون هم که اجناس چینی مثل جونده‌های موذی دارند ریشه صنایع دستی‌اش را می‌جوند!

جز از مغازه‌دارها از کسی انتظاری نمی‌رود، ولی انگار آنها هم تعصبشان را در برابر هجوم صنایع غیربومی از دست داده‌اند! می‌کوشند تا فروششان را بیشتر کنند و هزینهٔ حجره‌هائی را که بعضاً، فقط مالک سرقفلی‌اش هستند تأمین کنند...

http://vista.ir/?view=article&id=343523

vista.ir
Online Classified Service

نقش رستم

در حدود چهار کیلومتر از کوه حاجی آباد در شمال تخت جمشید , بناهایی تاریخی متعلق به شاهان ایلامی وهخامنشی و ساسانی وجود دارند که به خاطر عظمت وبلندی شان نقش رستم نامیده می شوند. درقله این کوه چهار مقبره قرار دارند که تصورمیشود مقبره های خرگز, داریوش اول و داریوش دوم هخامنشی باشند. در اولین قسمت برجسته کاری که در قسمت پایینی کوه تراشیده شده , نارسی پسرشاپور اول در حال دریافت حلقه پادشاهی که نماد آناهیتاست می باشد, دراین کنده کاری مدل لباس , تاج, آرایش مو , جواهرات ونوارهایی که به قوزک پا بسته شده اند به زیبایی نشان داده می شوند. کنده کاری دوم که درزیر مقبره داریوش کبیر واقع گردیده , شامل دو صحنه می باشد که به وسیله یک خط باریک نسبی از هم مجزا گشته اند و هردوی آنها شباهتهایی به هم دارند چنانکه صحنه بالایی بهرام دوم (۲۹۳- ۲۷۶ پس از میلاد)رادریکی از نبردها با دشمنانش نشان می دهد. سومین برجسته کاری شامل عظیم ترین و مجلل ترین کنده کاری دوره ساسانی درنقش رستم می باشد و طرح آن پیروزی شاپور اول (۲۷۱-۲۴۲ پس از میلاد) بر امپراطور روم , والریان است, در این کنده کاری شاپور اول در حال راندن اسبش غرق درجلال و شکوه و امپراطور رم به حال تعظیم در پشت سر وی است. چهارمین برجسته کاری پیروزی هرمز دوم , شاه ساسانی (۳۱۰-۳۰۲ پس از میلاد) را نشان

می دهد که دشمنش را شکست داده است. پنجمین برجسته کاری پیروزی بهرام دوم و ششمین , همراهی وی را با افراد دربار و وزیرانش نشان می دهد. هفتمین برجسته کاری که یکی از کهن ترین آنهاست آرتاگزرگس (۲۴۳-۲۲۶ پس ازمیلاد) را نمایش می دهد که درحال دریافت حلقه پادشاهی از اهورا مزدا است.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94313

vista.ir
Online Classified Service

نقش گردشگری روستایی در توسعه کشاورزی منطقه ریجاب استان کرمانشاه

مناطق روستایی دارای جاذبه های طبیعی هستند که همگی نیازمند به نظارت برای تخریب نشدن و از بین نرفتن اثار طبیعی . تاریخی و فرهنگی هستند . در مناطق شمالی ایران به خصوص مناطق روستایی ان دارای فرهنگ و آداب و رسوم . پوشش لباس های محلی . غذاهای محلی . زیبایی های طبیعی . جنگل و مراتع هستند که این موارد را میتوان در مناطق غرب کشور بخصوص در منطقه ریجاب نیز مشاهده کرد.

- گردشگری روستایی:

فعالیتهای تورسیتی که در روستا صورت می گیرد را توریسم روستایی می گویند و تعریف دیگر عبارت است از اینکه : کلیه فعالیتهایی از قبیل جاذبه ها ی گردشگری . طبیعی . فعالیتها یفرهنگی . ورزشی . آموزشی . بهداشتی. و درمانی و هنری و میراث فرهنگی را گویند.

انواع توریست در مناطق روستایی عبارتند از :

توریسم طبیعی. فرهنگی . اکوتوریسم . اگروتوریسم. سیاحت.

- گردشگری روستایی چیست؟

اصطلاح جهانگردی ورستایی اغلب به جای مقوله های دیگری مانند جهانگردی بوم زیستها. جهانگردی سبز . یا جهانگردی طبیعیت به کار می رود. اما به طور کلی گردشگر یروستایی فعالیتی است براسی شناسایی روستا به عنوان یک قطب اقتصادی و اجتماعی با در نظر داشتن تمامی هویت و تاریخچه مناطق روستایی.

حیطه های فعالیت گردشگران با توجه به نوع گردشگر یانها اعم اا توجه به جاذبه های طبیعی . اجتماعی . تاریخی متعدد و متنوع است. اما در ایران این صنعت مانند سایر کشورها دیگر من جمله کشورهای اروپایی و اسیای میانه مورد توجه کارشناسان قرار گرفته که دلیل ان را باید وجود پتانسیلهای موجود در مناطق روستایی ایران چه به لحاظ طبیعی. تاریخی و فرهنگی و گاها اقتصاد ی دانست و هم اینکه ورود گردشگر باعث معرفی مناطق دور افتاده . ایجاد اشتغال در سطح روستاها . کاهش بیکاری و فقر و مهاجرت در روستاها. و در نهایت رونق چرخ های اقتصادی می شود.

منطقه ریجاب در غرب شهرستان اسلام اباد قرار دارد. از شمال به منطقه جوانرود و از جنوب به منطقه پتاقو و سپس گیلان غرب و از غرب به سر پل ذهاب و از شرق به منطقه کرند غرب در ارتباط است. این منطقه در ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۶درجه و ۲۲ دقیقه در عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. . این منطقه به صورت یک کفه قرار دارد و دور تا دور ان کوههای دالاهو که از رشته

کوه زاگرس نشات گرفته اند قرار دارند .

این منطقه دارای ۱۴ روستا به شرح زیر میباشد : با با جانی . شاه مراد . دارابی کوچک . شالان . بان مزاران . شهرک ریجاب . ژاگله . گوئین کژه . داراب . قله قله.یاران. زرده. با با ایدگار. سید محمد.

این منطقه د ارای اب هوای معتدل است. و جزئ نواحی نیمه خشک محسوب می شود که هوای دشتهای ان نسبتا خنک است و میزان بارندگی که بیشتر در فصل بهار می باشد ۵۳۱.۳ میلی متر می باشد. حداکثر دما دراین منطقه ۲۰.۶ درجه تا ۳۰.۵ در جه در نوسان است.

▪ منابع اب اشامیدنی :

منابع جاری اب منطقه که برای تامین اب مورد نیاز بخش باغداری حائز اهمیت است. بیشتر از کوههای دالاهو که از رشته کوههای زاگرس نشات گرفته است . تامین می شود. زیرا این منطقه کوهستانی است و بیشتر منابع ابی ان از کوه ها نشات می گیرد و اب به صورت رودخانه شالان که در رروستای شالان واقع است. که به زمین های باغی منطقه رسیده و پس از سیراب کردن به سمت شهرستان سر پل ذهاب حرکت می کند.

خاک منطقه از نوع لیتوسل اهکی است. این گروه خاک ها بر روی اراضی پر شیب و پست و بلند روستایی در ناحیه خاک های برون و چیت و نت وجود دارد.

▪ ویژگی های کشاورزی:

به طور کلی منطقه ریجاب به خاطر موقعیت ویزه جغرافیایی و کوهستانی و محدودی تهای دیگر مانند اب و خاک از موقعیت کشاورز ی مطلوبی بر خوردار نیست. میزان نزولات اسمانی به طور متوسط ۳۸ میلیمتر در سال است. به علت باراندگی اندک و خشکی بیش از حد منطقه و مشکل دستیابی به اب کشاورزی زیاد رونق نیافته است و این خود باعث رجوع مردم به فعالیتهای باغی شده است.

منطقه ۱۰۰۰ هکتار است که ۳۴۰ هکتار آن زیر پوشش کشت انجیر است. شیوه ایباری نیز به دو صورت کرند بندی و بهرمندی از یک کانان بتونی صورت می گیرد. محدودیت های موجود در تولدیات ابغی منطقه عبارتند از :

محدودیت ها ی منابع ابی. کمبود انبار . . عدم وجود صنایع بسته بندی و تبدیلی . کمبود نیروی انسانی متخصص ....

گردشگری روستایی در مناطق روستایی می تواند دارای اثرات مطلوب و نا مطلوبی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی روستا ایفا کند. زمانی که توسعه اقتصادی را با تاکید بر کاهش و ای از بین بردن فقر . نا برابری و بیکاری مطرح می کنیم در می ابیم که انی صنعت تاثیرات مطلوب بر جامعه روستایی ما خواهد داشت.

منطقه ریجاب با وجود منابع گردشگری ارزشمند اعم از منابع تولیدی . باغی ... صنعت گردشگری روستایی در آنجا رشد نکرده است و طبق آمار به دست امده جز تعدادی گردشگری افراد دیگری به این منطقه رفت و امد نمی کنندکه از جمله عوامل مهم در این امر را می توان عدم امکانات. تاسیسات . تجهیزات گردشگری . اعم از ورزشی. زیر بنایی . مهمان پذیری . حمل و نقل .... ذکر کرد. از سوی دیگر عوامل مهمی برای ورود گردشگران به منطقه ریجاب وجود دارد. از جمله این عوامل که تاثیر بسزایی در رشد و روند توسعه اقتصادی منطقه دارد . در آمد . بهبود حمل و نقل . شناسایی مناطق روستایی . تبلیغات است. اما از آنجایی که اثرات اقتصادی صنعت گردشگری را به طور عام می توان ایجاد شغل متنوع. در آمد . پس اندازط بیشتر . سرمایه گذاری در امور تولیدی . استفاده از نیروی فعال در روستا.... می توان قلمداد کرد در منطقه ریجاب این اثرات متنوع تر خواهد بود زیرا یک منطقه کاملا توریستی زیارتی و تاریخی است.

در منطقه ریجاب اکثر مردم به فعالیتهای باغی و دامی مشغول هستند که کل در آمد آنها حداکثر ۱ میلیون تومان در سال است که متاسفانه این امر هم به طور فصلی است و مردم منطقه برای تامین در آمد خود مجبور به مهاجرت برای کار به استان کرمانشاه و شهرستان اسلام آباد غرب هستند اگر وضع زندگی و میزان بر خورداری از امکانات رفاهی ساکنان مناطق مختلف روستایی را در استان کرمانشاه مثل منطقه پاوه . هرسین با منطقه ریجاب مورد مقایسه قرار دهیم در میابیم که ساکانان ان مناطق از قدرت خرید. سطح زندگی بالا بر خوردار هستند . اگر با تسهیلات مورد نیاز برای جلب و جذب گردشگر صورت گیرد و در سال ۵ هزار نفر برای بازدی و گردشگری به این منطقه بیایند به طور تقریبی ۱۱ شغل اعم از مستقیم و غیر مستقیم برای جوانان و سایر اقشار جامعه روستایی منطقه ریجاب ایجاد یمش ودزیرا این منطقه از یک سو هم دارای نیرو ی جوان و فعال است و از سوی دیگر از لحاظ اقلیمی . موقعیت جغرافیایی . وسعت و اندازه منطقه زیمنه لازم را برای ایجاد شغلهای متنوع را داراست.

این شغل ها عبارتند از : حمل و نقل . اقامت. تاسیس رستوران . صنایع دستی . آژانسهای خدماتی . خرده فروش ها . عمده فروش ها . سو پر مارکتها . محصولات باغی . در آمد مالیاتی برای دولت است که از میان این شغل ها حمل و نقل . اقامت. رستوران داری . آژانسهای خدماتی را می توان از جمله شغل های مستقیم نامید.

به طور تقریبی می توان برر آورد کرد که با ورود گردشگران وضعیت حمل و نقل و ارائه خدمات انان با قرار دادن وسایل مناسب که با کیفیت باید فراهم شود ۳۰ الی ۴۰ در صد وضعیت حمل و نقل که به موقع صورت گیرد بهتر می شود و در زمینه اقامت و ارکان گردشگری می توان چندین خانه پیش ساخته در یک محدوده مشخص کرد در شهرک ریجاب جای و موقعیت آن فراهم است زیرا گردشگران به تمام نقاط دسترسی دارند احداث شود که میزان احداث این اقامتگاه را می توان به وطر تقریبی به توجه به تحقیقات صورت گرفته در حدود ۵۰ دست خانه پیش ساخته که به صورت یک سوئیت با مشارکت سازمان جاد کشاورزی و سازمان ایرانگرد ی و مردم روستا احداث شود.

گردشگران به منطقه ریجاب می توانند تاثیر خاصی بر فروش تولیدات لبنی وباغی مثل شیر . ماست .... و یا حتی گرد و انجیر که در حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد در امد خانوار ها ذاتا تشکیل می دهند موثر باشند که خود در بالا بردن سطح در آمد آنها موثر است. ایجاد و احداث حداکثر ۱۰ مغازه ی خرده فروشی مثل سوپر مارکت برای خرید اقلام موارد غذایی در سطح منطقه خود می تواند با توجه به جوان بودن منطقه در حدود ۶۰ در صد جوانان این منطقه را مشغول به کار کند. با توجه به مطالب ذکر شده در آمد مالیاتی برای دولت به عنوان یک شغل غیر مستقیم ایجاد میشود که این در آمد مالیاتی می تواند در احداث به موقع کارخانه صنایع بسته بند و تبدیلی برای بسته بندی محصولات باغی و گرفتن آب میوه جات به صورت استاندارد نقش موثری داشته باشد. و به نوعی ایجاد اشتغال برای جوانان بیکار منطقه را فراهم کند.

در شکل زیر به طور خلاصه به بیان مطالب ارائه شده می پردازیم

از دیگر اثرات اقتصادی ورود گردشگران به منطقه ریجاب می توان در غالب توسعه بخش کشاورزی و باغی منطقه دید . طبق تعریف توریسم کشاورزی هر گونه فعالیت تولیدی که گردشگران در تولید و یا حتی بازدید ازمزارع . باغات را داشته باشند توریسم کشاورزی گویند. با این توضیح با ید اشاره کرد که منطقه ریجاب به دلیل کوهستانی بودن فعالیتهای کشاورزی در آنجا انجام نمی شود و بیشتر فعالتیهای باغی است و کل تولیدات این منطقه در حدود ۱۰۰۰ هکتار است که بیشترین ان را انجیر در ۳۴۰ هکتار و سپس گردو ۲۳۵ هکتار در روستای داراب . بان زرده و ژاگله تحت پوشش دارند.

از اثرات دیگر می توان به وجود شرکت تعاونی اشاره کرد. با توسعه و گسترش شرکت تعاونی می توان به جلب و جذب گردشگر از طریق بازاریابی محصولات باغی کمک شایانی کرد . بر این اساس می توان از نظریه سیبل استفاده کرد . بر اساس این نظریه بازاریابی زیر نظامی است که به روی سایر زیر نظام های مزرعه یعنی تولید. عرضه . سرمایه گذاری و مدیریت باز است و بر روی مقاصد معشیتی . مقاصد عملیاتی مزرعه . بذر و کود و سم و مقاصد تجاری . انبار کردن محصولات . کمبود بازارها نقش خاصی دارند . می توان به راحتی استفاده کرد هر گردشگر زمانی وارد منطقه ریجاب می شود و در پی معرفی محصولات خوب باغی اعم از انجیر و گردو به دنبال خرید این محصولات است می توان با تاسیسی یک شرکت دیگر تعاونی با سرمایه ای در حدود ۷ میلیون تومان هم به نوعی به تعداد اعضا که می تواند از خدمات بیشتری اعم از خدمات ماشینی . مروجین . کود .... استفاده کنند اضافه کند که این امر از یک سو به ورود باغدارانی که اکثرا کمتر از ۲ هکتار زیمن دارند کمک کرده و وارد عرصه اقتصادی می شوند و به نوعی برای خود کسب در امد کرده و از سوی دیگر با تاسیپس این شرکت تعاونی که بر آورد می شود لازم است یکی احداث شود کمک به بازاریابی محصولات باغی که زیمنه را برای رشد در آمد . استفاده بهتر از خدمات ترویجی و آموزشی . فروش مستقیم و حذف واسطه ها . احداث سیلوهای مناسب برای نگهداری محصول و ارائه محصولات در مزانی که خارج از فصول تولیدی است این شرکت تعاونی می تواند با در نظر گرفتن اصل بازاریابی برای فروش بهتر که خود در پی کیفیت بالای محصولات باغی است . برای جلب و جذب گردشگر به این منطقه لازم و ضروری است که شکل گیرد. در کل می توان گفت بازاریابی از طریق شرکت تعاونی از یک سو به تولید با کیفیت بالا توام با کمیت . عرضه راحت تر و سهل تر و با قیمت ارزان تر به گردشگران . سرمایه گذاریاز طریق سود حاصله از فروش محصولات باغی و مدیریت همه جانبه توام با مشارکت روستائیان ایجاد می شود و می توان به راحتی اشاره کرد که شرکت تعاونی با گردشگری و ارائه خدمات موثر به گردشگران در حیطه فعالیت تولیدی ارتباط موثری دارد زیرا شرکت تعاونی به عنوان یکی از ابزارهای بازاریابی و معرفی منطقه نقش شایانی دارد.

ورود گردشگران می تواند در فعالیتها یباغی این منطقه در حدود ۷۰ الی ۸۰ در صد در امد کل خانوار ها را تشکیل دهد .کل هکتارهای افراد منطقه ریجاب در حدود ۲ هکتار اتس که این میزان برای تولید بیشتر و توجه روی کیفیت محصولات ابغی منطقه ناچیز است و ورود گردشگران می تواند فروش محصولات که امروزه متاسفانه در این منطقه توسط واسطه هایی که از کرند غرب می آیند صورت گیرند آن هم با قیمت کم بطور مثال انجیر را کیلویی ۹۰ تومان از باغداران خریداری می کنند و در خودکرند غرب و اسلام اباد حدود ۲۵۰ تومان می فروشند. با و رووود گردشگران هم کیفیت محصولات بالا می رود و هم محصولات راحتر به فروش می رسند زیرا مردم این منطقه مشکل نگهدای و انبارداری محصولات را به دلیل نبود سیلو دارند که این امر زمینه را برای تاسیس حداقل دو سیلوی بزرگ در کل منطقه به ویژه روستاهای شالان و ژاگله دارد. زیرا این دو روستا به راه اصلی

نزدیک ترند و کار حمل و نقل سریع تر انجام می شود. از اثرات دیگر ورود گردشگران در بعد باغدار ی منطقه ایجاد چند شغل جدید اعم از احداث یک شرکت تعاونی دیگر برای ارائه خدمات و گرفتن نیروی جوان و تحصیل کرده در غالب فعالیتهای اداری و نظارتی و دیگر توسعه بخش باغداری و استفاده از باغات بلا استفاده که شرایط بهر برداری را دارا هستند .

از دیگر اثرات توسعه شکت زیتون که جهاد کشاورزی کرند غرب در حدود ۷۰۰ هکتار از زمین ها یبلا استفاده از روستای ابن زرده را در غالب این کشت در نظر دارد که اختصاص دهد را توسعه می بخشد که خود هم به خدمت گرفتن نیروی انسانی در حدود ۳۰ درصد از مردم کل منطقه و دیگر استفاده از منابع طبیعی که خود در آمد زا است را فراهم م یشود.

از دیگر اثرات می توان به افزایش در آمد خانوار چیزی در حدود ۴۰ درصد و در آمد بخش کشاورزی برای فروش محصولات در غالب بورس و ارز خارجی که از طریق صادرات این محصولات به کشورهای همسایه مثل ترکیه . عراق. سوریه صورت گیرد حاصل می شود که این امر به تامین منابع اعتباری که وزرات جهاد کرند غرب به باغداران ارائه می دهد موثر است.

البته شایان ذکر است که می توان به ازای هریک نفر گردشگر ۲ درصد از تولیدات باغی را افزایش داد تا مشکلی از لحاظ ازدیداد تولید و نبود ابزار فروش وجود نداشته باشد.

از اثرات دیگر تاسیسی بنگاههایی که قیمت زمین و باغ را بطور دقیق و کارشناسانه برای خرید و فروش تعیین کنند..

از دیگر اثرات گرفتن وام ها یاعتباری از بانک کشاورزی است زیرا بانک کشاورزی به باغدارانی که هکتار ها باغ دارند و قدرت مالی بیشتری دارند وام هایی را به صورت بلند مدت و کوتاه مدت البته با گرفتن وثیقه ارائه میدهد که از طریق ورود گردشگران هم قدرت مالی برای خرید باغات توسط روستائیان منطقه صورت می گیرد و هم آنها قدرت باز خرید وام های خود را دارند.

به طور کلی می توان اثرات اقتصادی صنعت گردشگری در منطقه ریجاب در غالب بالا بردن سطح کیفیت محصولات بغی بخصوص انجیر . گردو که با راه اندازی کارخانه صنایع بستهب ندی جنبه صادراتی می تواند داشته باشد . حذف واسطه ها . ایجاد حداقل ۳ بازار جدید برا ی فروش محصولات باغی . لبنی در روستای ریجاب به عنوان مرکزیت منطقه . روستای شالان . روستای بان زرده . افزایش در آمد روستائیان در حدود ۵۰ در صد . بالا بردن انگیزه تولیدی و ایجاد شغل جدید که قبلا ذکر شد بیان کرد.

ایجاد دو کانال ابرسانی دیگر برا یکل منطقه و افزایش در امد . پس انداز افراد روستا بالا می رود که این خود می تواند از یک سو مشکل کمبود اب و.از وسی دیگر مشارکتهای مالی و خصوصی در زیمنه احداث مراکز رفاهی. تفریحی در روش را ایجاد کند و از سوی دیگر یک اتیه برای حل مشکلات در مانی و یا مواقعی که روستائیان به دلیل نبود بیمه تامین اجتماعی نیازمند منابع مالی هستند کمک شایانی می کند.

▪ اثرات نا مطلوب :

از معایب رشد گردشگری در منطقه ریجاب را میتوان تورم اقتصادی ذکر کرد. زیرا هزینه هایی که گردشگران در هنگام ورود به منطقه اعم از صرف اقامت. پرداخت مبالغی به صورت انجام به کارکنان و همینطور خرید کالاهای تولیدی مثل محصولات باغی و لبنی موجب ایجاد فشار در بازار کالا و خدمات می شود و در نتیجه سطح قیمتها بالا می ورد و همچننی افزایش تعداد گردشگران در سال بدون برنامه ریزی از سوی دولت موجب افزایش تاسیسات مورد نیاز گردشگران منطقه ریجاب اعم از تاسیسات بهداشتی . خدماتی . رفاهی و تفریحی می شود و انی امر زمین رشد باغ . خانه و یا حتی چیزهای دیگر خود ما بفروشند و به شهرها ینزدیکی از جمله اسلام اباد و پایین استان کرمانشاه مهاجرت کنند که این امر را می توان در جوانان که بیشتر طالب زندگی مرفه و شغل هستند مشاهده کرد.

از دیگر اثرات نا مطلوب اقتصدی این ممکن است این شغل ها پیش بینی شده برا یتمام فصول باشد اما ممکن است به دلیل شرایط اب و هوایی گردشگران به منطقه نیایند در آن زمان در آمد حاصله کمتر از در آمد پیش بین یشده خواهد بود که خود مشکلاتی از قبیل مهاجرت برای در ایفت در امد. شغل . فقر . عدم انگیزه برای ادامه کار از سوی روستائیان ایجاد می شود.

از دیگر اثرات نا مطلوب تخریب باغات است زیرا طبق تحقیقیات صورت گرفته در سایر کشور های دیگر گردشگران تمایل دارند چادر در باغات بزنند که این امر با تحقیقات صورت گرفته در منطقه ریجاب نشان می دهد که باغداران تمایلی به این کار ندارند زیرا موجیب تخریب زمین های باغی آنها می شود زیرا در آمد اکثر مردم منطقه از طریق فروش محصولات بدون آسیب دیدگی تامین میشود.

از اثرات دیگر توان به افزایش تولید اشاره کرد و به خصوص باغی با توجه به اینکه اکثر صاحبنظران معتقد باشند که اگر تولید در محصولات باغی بیش از حد مجاز باشد می توان در سیلو ها نگهداشت و یا آن را از طریق حمل و نقل و یا صنایع بسته بندی و تبدیلی به اسیر نقاط دیگر صادر کرد اما با توجه کرد که اگر به ازای هر گردشگر بیش از ۲ % تولید در محصولات باغی خود داشته باشیم فروش زود به دلیل نبود حمل و نقل و

مشکلات ان با اینکه اگر قرار باشد سیلوهایی ساخته شود مشکل فروش بیش از حد و اشباع بازار را داریم که خود در کاهش انگیزه تولید برای باغاداران و متحمل شدن انان برای ضرر و زیان هایی که موجود است . بیشتر می شود زیرا وام هایی که کشاورزان از شرکت تعاونی درذ یافت می کنند چیزی کمتر از آنچه تصور می شود است. پس به طور خلاصه می توان اثرات منفی را به صورت نمودار زیر بیان کرد:

- پیشنهادات:

۱) ایجاد زمینه های سرمایه گذاری بخش خصوصی برای احداث کارخانه های صنایع بسته بندی و تبدیلی.

۲) بازدید گردشگران از باغات منوط به اگاهی دادن انها از تخریب نکردن باغها

۳) احداث سیلوهای مجهز برای نگهداری محصولات باغی.

۴) مشارکت دادن کشاورزان در تولید . برداشت و یا حتی بسته بندی.

۵۰ وجود مروجین کشاورزی و ارائه الگوها ی جدید کشت برای مرغوبیت بیشتر محصولات و جلوگیری از تخریب باغات .

http://vista.ir/?view=article&id=281035

vista.ir
Online Classified Service

نقش مرز مهران در توسعه روابط تجاری توریستی

تلاش در جهت رسیدن به توسعه و استفاده بهینه از منابع طبیعی از اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهاست و این امر مستلزم گسترش سایر فعالیت‌های ارز آور مانند توریسم است. دیری است که توریسم بین المللی بعنوان ابزاری ساده که از نظر اقتصادی به پیشرفت کشورهای در حال توسعه کمک می کند مورد توجه قرار گرفته است، چرا که علاوه بر اشتغال و درآمد زائی و ارتقای سطح فرهنگی به مثابه پلی قلمداد می شود که انسانها و ملیت‌های گوناگون را به یکدیگر ارتباط می دهد و موجب استحکام پیوندهای اجتماعی ملل می شود و در بسط و گسترش روابط بین الملل و برقراری صلح جهانی نیز سهم بسزائی دارد.

در این بین حمل و نقل و خطوط مواصلاتی در ارتباط ملت‌ها با هم و توسعه توریسم نقش بسزائی را ایفا می نمایند چرا که رابطه بین جهانگردی و حمل ونقل جنبه بسیار حیاتی از مطالعات جهانگردی به شمارمی آید و ساختار مناسب حمل و نقل و دسترسی به بازارهای تولید کننده جهانگردی یکی از مهمترین لازمه‌های ایجاد هر منطقه جهانگردی است.

استان ایلام از طریق مرز مهران با کشور عراق ارتباط می یابد و این مرز به عنوان یکی از گذرگاه‌های رسمی کشور شناخته شده است و به دنبال گشایش مرز مهران و گمرک آن و دسترسی سریع و آسان به کربلا، نجف و دیگر مراکز زیارتی کشور عراق و نیز مسیر ترانزیتی کالا به کشور عراق و ازآنجا به دیگر کشورها، شرایط مناسبی را جهت جذب گردشگران و زائران عتبات عالیات و در استان فراهم ساخته است که این امر فصل جدیدی در روابط بازرگانی، تجاری، گردشگری و زیارتی با کشور عراق گشوده و به ویژه از سال ۱۳۸۲ به بعد، نمود واقعی و چشم گیری پیدا کرده است.

مفهوم توسعه دارای ابعاد وسیعی است که در آن نقش عوامل و پدیده‌های طبیعی و انسانی و تغییرات آنها در طول زمان در برنامه و منطقه در نظر گرفته می شود، که بعداز دهه ۱۹۹۰ وارد مباحث ادبیات زیست محیطی شده است و طرفداران بسیار مخصوصا از کشورهای توسعه یافته اروپایی پیدا کرده است.

- منطقه مهران، دروازه عتبات عالیات

شهرستان مهران با وسعتی حدود ۴۰۳۰ کیلومتر مربع در غرب استان ایلام واقع شده و از طرف شمال به ایلام، از طرف جنوب به سلسله جبال کم ارتفاع حمرین (مرز ایران و عراق) و از طرف شرق به بخش زرین آباد و بخش مرکزی دهلران و از سمت غرب به کشور عراق محدود است. این شهرستان در قسمت جنوب و جنوب غربی حدود ۱۵۰ کیلومتر با کشور عراق هم مرز است و از این لحاظ دارای اهمیت سیاسی و نظامی قابل توجهی است.

- اهمیت پایانه مرزی مهران

پایانه‌های مرزی اعم از زمینی، دریایی و هوایی، بستر جابجایی کالا و مسافر میان کشورها به شمار می روند. هر چند کارکرد اصلی پایانه‌های مرزی، تسهیل و تسریع جابجایی کالا و مسافر میان دو کشور است، اما با عنایت به اینکه این مراکز به عنوان دروازه‌های ورود به هر کشور و نخستین محل تلاقی به شمار می آیند، معرف و نمایانگر شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن کشور است.

وجود عتبات عالیات در کشور عراق، یکی از عمده ترین دلایل حجم کثیر تردد مسافران میان دو کشور ایران و عراق است. شور و اشتیاق وافر شیعیان برای زیارت اماکن مقدسه که در این کشور وجود دارد، هر ساله صدها زائر مسلمان ایرانی و سایر کشورهای همجوار را روانه کشور عراق می کند.هم چنین مسیر عراق یکی از مناسبترین گزینه‌ها برای جایگزینی مسیر سنتی ترکیه برای راهیابی زائران و مسافران ایرانی به کشور سوریه است. مسیر عراق در مقایسه با مسیر ترکیه واجد ویژگی‌هایی همچون کاهش زمان سفر و کوتاه شدن مسیر به میزان ۶۰۰ کیلومتر و در نتیجه کاهش هزینه جابجائی مسافران است.

با توجه به این ویژگی‌ها انتظار می رود با بهبود هر چه بیشتر روابط سیاسی موجود، بخش عمده ای از سفرهای زائران ایرانی به کشور سوریه، از طریق کشور عراق انجام شود که با حل پاره ای از مشکلات موجود در این مسیر، گردشگران ایرانی و نیز گردشگران کشورهای منطقه فرصت می یابند با استفاده از وسایل حمل و نقل جاده ای از مسیر ایران به کشورهای سوریه و لبنان و عربستان و نیز کشورهای شمال افریقا دسترسی پیدا کنند. این مسیر به عنوان مسیری کوتاه و کم هزینه جاذبه‌های فراوانی برای گردشگران دارد.

با توجه به قرار گرفتن عراق در مسیر کریدور شرق و غرب که یکی از کریدورهای مهم ترانزیت میان آسیا و اروپاست، بهره برداری از پایانه مرزی مهران، بستر مناسبی برای فعال شدن هر چه بیشتر این کریدور فراهم می آورد و با بهبود اوضاع و برقراری امنیت در این کشور، امکان ترانزیت کالا از قلمرو این کشور، ایران به یکی از مهمترین چهار راه‌های ترانزیتی منطقه تبدیل می شود که می تواند به عنوان حلقه اصلی کریدور شرق - غرب به کریدور شمال - جنوب ایفای نقش نماید.

در زمینه تجارت نیز شهرستان مهران دارای قابلیت‌های فراوانی است از جمله وجود اشتراکات فرهنگی وقومی در دو سوی مرز، سابقه تجارت بین دو طرف، نیاز مبرم کشور عراق به مبادلات تجاری با ایران با توجه به بازسازی در آن، هم چنین با توجه به شرایط موجود، استان ایلام می تواند سهم بزرگی در جابجایی کالا و مسافر از طریق احیای جاده ابریشم داشته باشد.با باز شدن مرزهای بین دو کشور عراق و ایران و مشتاقان زیارت عتبات عالیات یکی از مرزهائی که اهمیت پیدا کرد مرز مهران بود، چرا که کوتاهترین مسیر را به عتبات عالیات دارد.

در آبانماه سال ۸۲ از مرز مهران حدود ۱میلیون و۵۰۰ هزار نفر به طور رسمی به عتبات عالیات سفر کرده و یا از کشور عراق به ایران سفر کرده اند که با توجه به آمار، تردد مسافران از مرز مهران نسبت به سایر مسیرها، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. لذا مرز مهران قطعاً یکی از راه‌هائی است که علاوه بر ارتباط زیارتی، از لحاظ ترانزیت نیز از اهمیت زیادی برخوردار است و شرایط بسیار خوبی را برای اقتصاد استان فراهم آورده است.

- توانمندی‌ها و فرصت‌های بخش توریسم و ترانزیت در استان

در دنیای امروز، ترانزیت وتوریسم به لحاظ سهم مهمی که در تأمین درآمد کشورها دارند مورد توجه قرار گرفته و هر روز به اهمیت آنها افزوده می شود. همسایگی مناطق غرب کشور از جمله ایلام با کشور عراق و وجود مشترکات دینی، فرهنگی وتاریخی، موقعیت ممتازی را برای منطقه فراهم کرده است، که بسط روابط اقتصادی و سیاسی با سایر کشورهای دیگر از طریق کشور عراق را تسهیل می کند و با استفاده از این موقعیت می توان در توسعه روابط تجاری و توریستی حداکثر بهره را برد. در حال حاضر مانعی بر سر راه ترانزیت از مسیر ایلام - مهران وجود ندارد و کوتاهی مسیر، ارزانی و ایمنی حمل ونقل از جمله ویژگی‌های مهم عبور مسافر و کالا از ایلام است.احیای دوباره جاده ابریشم به عنوان کریدور اصلی همکاری تجاری شرق و غرب در دستور کار کشورهای واقع در مسیر این جاده قرار گرفته است.

جاده ابریشم با قدمت ۲ هزار ساله و به طول ۱۶ هزار کیلومتر از منتهی الیه شرق چین از شهرهای شانگهای و سیان شروع و با عبور از

کشورهای آسیای میانه، وارد ایران می شود در مسیر ایران به دو شاخه تقسیم می شود. مسیر شمالی به ترکیه و از آنجا به اروپا متصل می شود و مسیر جنوبی از ایران به طرف شهرهای بغداد و دمشق و قاهره و از آنجا به شمال افریقا می رود. در امتداد مسیر این جاده تاریخی حدود ۴۰ کشور قرار دارند که اهمیت این جاده را بازگو می کند و از همین جا به اهمیت منطقه غرب کشور از جمله ایلام در ادامه مسیر جنوبی جاده ابریشم پی برده می شود.

- مشکلات و تنگناها

استان ایلام به صورت یک تحدب نسبت به پهنه اصلی سرزمین مادر و یک فرورفتگی در خاک کشور عراق واقع شده است. تحدب خاک ایلام نسبت به پهنه اصلی سرزمین و کوهستانی بودن آن، علت اصلی حاشیه ای شدن استان است. در مقابل اهمیت استراتژیکی این منطقه و مجاورت با کشور عراق، ضرورت گسترش شبکه راه‌های شعاعی از مرکز به سمت مرزهای غربی کشور را ایجاب می کند.

استان ایلام به دلایلی چند از توسعه بدور بوده است که عبارتند از: صعب العبور بودن - دوری از مرکز- مرزی بودن و به دلیل واقع شدن در منتهی الیه غرب کشور و وجود کوهستانهای زاگرس، از مرکز ایران جدا شده که این امر به آن موقعیتی ایزوله و منزوی داده است و به همین دلیل این منطقه بیش از آنکه با فلات ایران ارتباط داشته باشد با جلگه میان رودان ارتباط دارد. دوری از مرکز و مرزی بودن استان نیز از دیگر عوامل مهم توسعه نیافتگی استان بوده است و وقوع ۸ سال جنگ در منطقه نیز مزید بر علت بوده است.

- راهکارها و پیشنهادات

طرح راه آهن: راه آهن در زمینه جابجایی محصولات در فواصل طولانی و تناژ بالا یکی از ارزانترین، مناسب ترین ومطلوب ترین وسایل در حمل ونقل زمینی بوده که از مهمترین امتیازات آن می توان به موارد زیر شاره کرد:صرفه جویی در نیروی محرکه-صرفه جویی در مصرف سوخت نیروی انسانی کمتر -ایمنی و راحتی بیشتر مسافران و توریست‌ها - نقش مؤثر نظامی در کشورها - تنوع در نوع انرژی مصرفی- آلودگی کمتر هوا و حفظ محیط زیست واشغال کمتر زمین- هزینه کمتر نسبت به حمل ونقل جاده ای و هوایی

توسعه سیستم ریلی که دسترسی سریع، راحت و موثری به نواحی اصلی توریستی کشور مهیا سازد، نه تنها موجب گسترش سریعتر گردشگری در سراسر کشور می شود بلکه زمانی که به سایر خطوط راه آهن بین المللی متصل شود، جاذبه ویژه ای ایجاد می نماید. بنابراین مهم است که تا سرحد امکان نیازهای توسعه گردشگری در طرحهای توسعه راه آهن ملحوظ شود.

استان ایلام به سبب داشتن حدود ۴۲۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارای بهترین شرایط برای حمل و نقل کالا و مسافر به این کشور از طریق راه آهن در مرز مهران است. این در حالی است که سخت گذر بودن راه‌های ارتباطی و کم بودن پروازهای هوایی باعث مشکلاتی برای فعالان بخش صادرات شده است. با سرمایه گذاری در احداث خط راه آهن و به دنبال حجم بالای حمل و نقل، می توان بخش زیادی از مشکلات ترانزیتی این استان را برای توسعه صادرات کاهش دهد.برای این منظور استان ایلام از دو سو قابلیت گسترش راه آهن را دارد.

یکی از سمت شمال یعنی اتصال به راه آهن کرمانشاه و مسیر دیگر اندیمشک- دهلران و مهران و در ادامه اتصال به راه آهن کشور عراق و از آنجا اتصال به شبکه ریلی کشورهای همسایه عراق مانند سوریه است. با احداث خط ریلی در استان و با توجه به ترانزیت کالا ومسافر و اتصال کشورمان از منطقه مهران به عراق و دیگر کشورهای همسایه عراق، می توان در راه رسیدن به توسعه پایدار قدم‌های اساسی را برداشت.هم اکنون نیز رایزنی‌هایی برای ادامه خط راه آهن از طریق سرشاخه استان خوزستان در حال انجام است که امید می رود با سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران برای رفع محرومیت، خواسته‌های مردم این منطقه که سالها در خط مقدم جنگ مورد آماج حملات هوایی و زمینی دشمن بوده اند، تحقق عملی یابد.

طرح احداث فرودگاه در شهرستان مهران: اثر کلی این استراتژی درمناطق و در سطح ملی ایجاد سیستم حمل و نقل هوایی بسیار منسجمی است که قادر خواهد بود امکان دسترسی مؤثر و کارآمدی را به جهانگردان داخلی و بین المللی ارائه نموده و فرصت‌های توسعه محصولات را در کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت به حداکثر برساند و زیر ساخت‌های راه‌های هوایی را در جهت توسعه توریسم به طور مؤثر به خدمت بگیرد.

درحال حاضر اکثر مسافران کشورهای دوردست و همچنین مسافران کشورهای عربی منطقه جهت سفر به ایران ازخطوط هوائی به عنوان راحت ترین وسیله حمل ونقل استفاده می‌کنند و در استان ایلام نیز برای رسیدن به توسعه باید شبکه حمل و نقل هوایی گسترش پیدا کند. فرودگاه شهدای ایلام به دلیل مکاتبابی نامناسب خود قابلیت تبدیل شدن به یک فرودگاه بین المللی را ندارد و برای این منظور و با توجه به موقعیت مهم شهرستان مهران دشت صالح آباد برای احداث فرودگاه مجهز و استاندارد پیشنهاد می‌شود، چرا که برای احداث فرودگاه و باند آن نیاز به زمین هموار و بدون عارضه می‌باشد که دشت صالح آباد این امتیاز را دارد..نکته قابل توجه در این مورد این است که ظرفیت خدمت رسانی در همه

بخش‌ها و مخصوصا در حمل و نقل هوایی برپایهِ اصول رقابتی گسترش می‌یابد که در این میان ومهمتر از همه شرکت‌های هواپیمائی می‌توانند تعداد قابل توجهی از گردشگران پردرآمد داخلی، منطقه ای وبازار را ه دور را جذب نمایند و برای رسیدن به این منظور جذب سرمایه خصوصی بسیار ضروری می‌نماید.

خدمات در مبادی ورودی: سیستم دسترسی به مبادی ورودی بین المللی باید با یک سیستم ملی موثر و کارآمد جاده ای،راه آهن و هوایی ترکیب شود که پایانه مرزی مهران نیز از این قائده مستثنی نیست.

در اینجا توجه اصلی در زمینه توسعه راههای مواصلاتی باید به ایجاد شبکه‌های حمل ونقل مدرن و چند منظوره بین نواحی اصلی گردشگری و مبادی ورودی آنها معطوف شود و در کنار آن به توسعه مسیرهای اصلی درون منطقه ای گردشگری نیز توجه ویژه مبذول شود.اولویت بعدی در زمینه توسعه باید بهبود شبکه دسترسی در داخل منطقه گردشگری با توجه خاص، به راههای اصلی بین منطقه ای داده شود. شهر مهران به عنوان یک مبدا ورودی اصلی مرزی در استان، تسهیلات و خدمات گردشگری مناسبی را باید در اختیار صنعت گردشگری قرار دهد. در صورت بهبود شبکه خطوط هوایی، زمینی و راه آهن و ورود جهانگردان بیشتر به ایران از طریق مرز مهران، استان ایلام از حالت انزوا نیز خارج خواهد شد. مبادی ورودی در شهر مهران باید بعضی خدمات و تسهیلات گردشگری را شامل اقامتگاه‌های شبانه، رستوران و تسهیلات فروشگاهی ارائه کنند.

منبع : روزنامه سیاست روز

http://vista.ir/?view=article&id=357295

vista.ir
Online Classified Service

نقش مهاجران در افزایش جرایم جامعه

ایران به دلیل وسعت خاک و برخورداری از قومیت‌های گوناگون از جمله کشورهایی است که از مواهب طبیعی و منابع غنی انسانی برخوردار است. اگر در این باره برنامه‌ریزی صحیح مانند تامین امکانات گوناگون آموزشی، بهداشتی و تاسیس مراکز فرهنگی وجود داشته باشد، هرکس در کشور می‌تواند با استفاده از امکانات تخصیا یافته رشد کند. متاسفانه تاکنون آنطور که باید امکانات عادلانه در جامعه توزیع نشده و کلیه امکانات در کلانشهرهای ایران بویژه تهران جمع شده است. این موضوع باعث ایجاد یکی از بزرگترین معضل‌های جامعه ایران یعنی مهاجرت بی‌رویه روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک به کلانشهرها می‌شود.

بدیهی است با ورود مهاجران به شهرها اولین نیاز آنان اشتغال است. مهاجرت نه تنها موجب خدشه‌دار شدن تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار کار می‌شود، بلکه به ایجاد بافت‌های جمعیتی ناهمگون و پدیدآمدن پیامدهای منفی فرهنگی اجتماعی منجر خواهد شد. بروز، شیوع و رشد جرایم در طول دوران هشت ساله جنگ تحمیلی بخصوص در سطح کلان شهرها موید این ادعاست. مهاجران این دوره نه تنها از نقاط مختلف جنگ خیز به تهران می‌آمدند، بلکه گروه عظیمی از آنان را ملیت‌های دیگری مانند افغانی و عراقی تشکیل می‌دادند. درگیری نیروهای مسلح با جنگ منجر به کاهش نظارت بر مرزهای شرقی شد و سیل افغان‌های مصیبت‌زده از جنگ با شوروی کمونیستی به سوی کشور سرازیر شدند. حتی بسیاری از شهروندان عراقی نیز با وجود آنکه کشورشان در جنگ با ایران بسر می‌برد، به دلیل شرایط خاص ناشی از حاکمیت رژیم بعث به ایران مهاجرت کردند.

از جمله آثار این مهاجرت‌ها، اخراج کارگران بومی توسط کارفرمایان یا بازخرید و جایگزین کردن مهاجران در واحدهای صنعتی و تجاری بود که البته نرخ ارزان‌تر دستمزدهای مهاجران، مهمترین نقش را در این بین بازی می‌کرد. گرچه با حصول شرایط جدید سیاسی عده‌یی از آنان به کشور خود بازگشتند اما جامعه ما همچنان متاؤر از همکاری بعضی از آنان در قالب گروه‌های قاچاق کالا و موادمخدر و مباشرت و شرکت تعدادی از آنان در جرایمی مانند سرقت، ضرب و جرح، نزاع جمعی و حتی قتل بوده که بطور مستقیم بر حجم جرایم ارتکابی تاؤیر گذارده و مشکلات عدیده‌یی را در امنیت جامعه ایجاد کرده است. دکتر تقی هنرمند، آسیب‌شناس اجتماعی معتقد است: از عوامل موثر بر بروز جرایم، مشکلات فرهنگی ناشی از پدیده مهاجرت است زیرا بخشی از علل و عوامل ریشه‌یی ارتکاب جرایم در کلانشهرها، ناشی از ترکیب چند فرهنگی و چند قومیتی آن است. در حقیقت وقوع بسیاری از جرایم ناشی از بی‌هویتی مهاجران و فقدان انگیزه‌های فردی و اجتماعی برای رشد و تعالی اجتماعی در آن است چرا که به جهت نداشتن شغل مناسب، نه تنها در جایگاه اقتصادی بلکه به عنوان یکی از جلوه‌های انسانی و مشارکتی نیز فاقد هویت و حرمت اجتم اعی هستند.

از سوی دیگر مهاجرن به دلیل عدم خودباوری و اشتراک با گروه خاص اجتماعی که آرمان‌ها و ایده‌آل‌هایش را در آن بیابند، خود را موجودی عبث و باطل می‌یابند. آنها پس از مدتی به این باور می‌رسند که فردی متمایز از دیگرانند و برای جامعه عنصری فاقد اهمیت هستند. نمی‌دانند که هستند و به کجا خواهند رفت پس طبیعی است که عکس‌العمل‌هایشان در مقابل سایر افراد اجتماع منفی و تند باشد.

وی در ادامه می‌افزاید: در واقع وقتی تحقیر می‌شوند، از امید به آینده‌یی روشن مایوس شده و چنین تصور می‌کنند حال که به آنان توجه نمی‌شود می‌توانند از طریق راه‌های خلاف و ارتکاب به جرم کمبودشان را جبران کنند. از طرفی این فقدان هویت در تحلیل و کسب مهارت‌های شغلی آنها نیز موثر بوده و ازدواج و تشکیل خانواده آنان را نیز دچار مشکل می‌کند. واضح است آن دسته از افراد مهاجری که به طمع زندگی مرفه، شهر و دیار مادری خود را ترک کرده‌اند، بدون داشتن مهارت به چه سرنوشتی دچار می‌شوند. در واقع آنان بخاطر نداشتن پایگاه خانوادگی در شهرها یا عدم اشتراک با یکی از طبقه‌های تعریف شده اجتماعی، از دستیابی به مشاغل پایدار محروم می‌شوند. آنها نه تنها جذب بازار کار نمی‌شوند بلکه دچار سرخوردگی و حتی در برخی مواقع طعمه باندهای فساد و تباهی می‌شوند.

عامل دیگر در بروز جرایم، گسترش فقر ناشی از مهاجرت است. آمار بالای تعداد تحصیلکرده‌های بیکار کشور ما در مقایسه با کشورهای صنعتی نیز تاؤیر سوء این موضوع را افزایش داده است. هرچند عواقب و تبعات پدیده مهاجرت بسیار گسترده است، به نظر می‌رسد سهم دولت در رفع موانع و مشکلات موجود بسیار برجسته است. وظیفه دولت است که با شناخت نیازهای لازم و وضع برنامه‌های جامع، به گسترش و تعمیم امکانات در سطح ملی بپردازد تا زمینه‌های مهاجرت به شهرها کاهش یابد.

گرچه در سال‌های اخیر دولتمردان با همکاری سازمان ملل برای خروج مهاجران خارجی بویژه افغانیان اقدامات مثمرثمری انجام داده‌اند اما هنوز افغان‌ها، پاکستانی‌ها و عراقی‌ها در ایران بویژه شهرهای شرقی، جنوبی و شهرهای زیارتی حضوری چشمگیر دارند. اغلب این مهاجران خارجی غیرقانونی وارد ایران شده و با حداقل دستمزد فعالیت می‌کنند. متاسفانه طی دهه اخیر وقوع جرم از سوی این عده بخصوص افغان‌ها در ایران افزایش یافته است.

دولت باید هرچه سریع‌تر برای رفع این معضل اقدامات بیشتری انجام دهد. از سوی دیگر در مورد مهاجران داخلی یعنی آنان که از مناطق محروم روستا و شهرهای کوچک به کلانشهرها مهاجرت می‌کنند دولت با دو اقدام زیر می‌تواند از مهاجرت بی‌رویه آنان جلوگیری کند:

۱. اقدامات اقتصادی: مسئولان با اشتغالزایی و اعطای تسهیلات ویژه برای روستاییان می‌توانند انگیزه آنان را از مهاجرت به شهرها که همان تامین معاش است از بین ببرند.

۲. اقدامات فرهنگی: هم‌اکنون که کلیه روستاها به تلویزیون و وسایل ارتباط جمعی دسترسی دارند، مسئولان فرهنگی کشور می‌توانند با پرداختن به معایب شهرها و محاسن روستاها، چهره واقعی کلان شهرها را برای روستاییان روشن کنند.

بر این اساس مهمترین گام، توزیع عادلانه امکانات در سطح استان‌ها با تکیه بر ظرفیت‌های بومی است که می‌تواند بنیانی‌ترین نقش را در ایجاد تعادل اجتماعی و دسترسی اقشار مختلف جامعه به زندگی راحت داشته باشد. از جمله اقدامات موثر دیگر بررسی راه‌های کم کردن فاصله‌های طبقاتی، تعمیم خدمت‌رسانی و ارایه امکانات رفاهی بویژه بیمه محصولات کشاورزی در قبال خطرهای طبیعی در سطح کشور است. همچنین سازمان تامین اجتماعی می‌تواند با پوشش گسترده‌تر کارگران بیکار شده، آنان را از آسیب‌پذیری بیشتر مصون داشته و منافع صنعتگرانی را که تولید سرمایه کرده‌اند حفظ کند و از بروز بعضی جرایم ناشی از بیکاری جلوگیری کند.

وحید شریفی

منبع : روزنامه اعتماد

http://vista.ir/?view=article&id=216201

vista.ir
Online Classified Service

نکات ایمنی سفر به کویر

کویر در عین زیبایی محیطی است خشن.سفر به کویر مستلزم نکاتی است که عدم رعایت آنها چه بسا موجب خسارات جانی ومالی می شود.در این مقاله در پی آنیم که بگوییم چگونه به کویر سفر کنیم تا از زیباییهای آن لذت ببریم و سفری سالم و بیادماندنی داشته باشیم.

- مشخصات یک راهنمای خوب

۱) راهنما باید به موقعیت جغرافیایی منطقه – مسیر جاده ها – محل چشمه های آب – عوارض طبیعی مانند تپه ها ، کوهها ، دریاچه نمک ، بندریگ و فاصله بین آنها آگاه باشد.

۲) تسلط بر زمین شناسی و توپوگرافی منطقه – پستی و بلندی هایی که بر اثر سیل ایجاد می شود (در کویر سیل هم می آید!) برای راهنما اهمیت دارد. در نقاط پست ممکن ایت خاک به حدی گل شود که عبور ماشین غیرممکن شود و یا ماشین در گل بماند.

۳) تسلط به شیمی خاک و شیمی دریاچه ویژگی دیگر راهنماست.این تسلط باعث آسودگی خاطر در مواقع حرکت روی سطح دریاچه میشود(در عمق ۵۰-۵ سانتیمتری زیر سطح دریاچه آب موجود است) و در سطح دریاچه لایه ای از سولفات کلسیم ایجاد شده که می توان با اتکا به آن بر روی آن ماشین سواری کرد.همچنین نوع عناصر موجود در خاک در عبور از کویر مؤثر است. مثلا سولفات سدیم که در خاک برخی مناطق کویر زیاد یافت می شود باعف پوکی خاک و گیرافتادن ماشین می شودو یا خاک رس و یا کائولن در مواقع بارانی سبب می شود که ماشین بکسواد کند و درجا بزند.

۴) یک راهنما باید با ستارگان و موقعیت آنها در فصول مختلف سال آشنا باشد تا تشخیص جهت و مسیر حرکت در شب ممکن شود.

۵) آشنایی با جانوران و خزندگان و حشرات کویر هم ویژگی مهم دیگر است. در این مورد و موجودات ذیل الذکر نکاتی قابل توجه است:

الف) شتر:

معمولا هنگام عصر بسوی آب حرکت می کند و با تعقیب آنها می توان به آب رسید!

ب) عقرب:

آشنایی با خصوصیات این جانور مانند اینکه چه مواقعی از سال در خواب زمستانی است و یا اینکه در چه اوقاتی از روز و شب احتمال وجود عقرب کم است (یا اینکه با توجه به درجه حرارت، مثلا در آذر ماه میتوان تشخیص داد که احتمال وجود آن هست یا نه؟)همچین نحوه عمل و کمکهای اولیه در هنگام عقرب گزیدگی . و نیز آگاهی به این نکته که در کویر بعضی نقاط هستند که اصلا عقرب در آن یافت نمیشود(مانند محلی نزدیک ارغوانی آران ، که حتی در شب میتوانید با آسودگی خاطر روی ماسه های آنجا استراحت کنید!

ج) سوسمارها:

خطرناکترین آنها بزمجه است که در کویر مناطقی هست که احتمال یافت شدن آنها زیاد است (مثلا در کویر آران و بیرگل ناحیه ای به طول و عرض ۶ کیلومتر هست که در آن بزمجه زیاد یافت میشود.)

د) مار:

آشنایی با انواع سمی و غیر سمی مارهای کویر و کمکهای اولیه در هنگام مارگزیدگی

ه) سایر جانوران:

آشنایی با زیستگاه انواع سوسک، مارمولک ، روباه ، خرگوش ، موش و همچنین حیواناتی نظیر کل ، بز ، میش ، آهو ، جیبر و ...

۶) راهنمای خوب در کویر با نوع گیاهان و مناطق رویش آنها آشناستو میداند که:

الف) برخی از گیاهان در مناطق خاصی می رویندو از طریق نوع گیاه میتوان نوع آب (شور ، تلخ ، شیرین و...) در آن منطقه را تشخیص داد.

ب) ریشه بعضی گیاهان بسیار پرآب است که در هنگام نیاز و با روشهای خاص میتوان از آن استفاده کرد.

ج) آتش چوب بعضی از گیاهان بسیار پرحرارت و عالی است

د) از ساقه برخی گیاهان در مواقع بحرانی به عنوان غذا میتوان استفاده کرد.

ه) بعضی گیاهان برخلاف ظاهر زیبایشان سمی هستند!

۷) علاوه بر موارد فوق بعضی تجربیات راهنما بسیار باارزش است مثل طریقه بیرون آوردن ماشین مانده در باتلاق دریاچه یا ماسه بادی ، یا پیاده راه رفتن در شبهای بدون ستاره از طریق هاله نور شهرهای مجاور کویر با تهیه کرسی ساده در شبهای سرد زمستانی برای خواب.

● آب درکویر

هنگام حرکت به سوی کویر حداقل به اندازه دوبرابر نیاز آب بردارید زیرا تشنگی سریع انسان را از پای درمی آورد و بدون آب در روزهای گرم نمیتوان زیاد دوام آورد.د رمرز شروع تپه های شنی در کویر احتمال وجود آب هست. راههایی برای جمع آوری و استفاده آب موجود در خاک هست . مردمان کویر برای جلوگیری از عطش ، بجای آب چای می نوشند! از ریشه پر آب بعضی گیاهان میتوان استفاده کرد و وجود گیاهانی خاص نشانه وجود آب است. از مصرف غذاهایی که آب زیادی لازم دارندو باعث عطش می شوند بپرهیزید.

● نکات مفید دیگر :

▪ تجهیزات کافی به همراه داشته باشید مانند:غذا ، چادر ، لوازم بهداشتی ، چراغ قوه ، کیسه خواب ، کفش مناسب ، سوخت ، طناب ، دوربین شکاری ، قطب نما ، نقشه و ...

▪ از دو یا چند وسیله نقلیه استفاده کنید (بهتر است از نوع کمک دار دودیفرانسیل شاسی بلند باشد) بنزین و لاستیک زاپاس فراموش نشود. بهتر است از عیبهای جزئی ماشین هم آگاه باشید.

▪ آچار و ابزار و چسب به همراه داشته باشید.(یکی از خرابیهای رایج سوراخ شدن رادیاتور است)

▪ به همراه داشتن بیل و تخته های چوب برای بیرون کشیدن ماشین از باتلاق ، مفید است.

▪ به همراه داشتن شکر ، قند یا نبات و آبمیوه و هندوانه میتواند جان شما را نجات دهد! (در مواقع اضطراری میتوان با مخلوط کردن شکر با آب تلخ آن را قابل استفاده نمود.

▪ استفاده از عینک آفتابی مخصوصا در دریاچه نمک در توقف طولانی در کویر توصیه می شود.

▪ در کویر مراقب وسایل الکترونیکی خود باشید(با داخل شدن ذرات ماسه از کار می افتند.

▪ برای نگهداری گوشت در گرمای کویر از قیمه کردن در چربی خودش و یا در مشک ریختن و یا نمک سودکردن استفاده کنید. (گوشت را به تخته هایی با قطر ۳ سانتیمتر تبدیل کرده و تکه های بریده شده را در داخل نمک قرار می دهیم بطوریکه نمک تمام سطح آن را بپوشاند.)

منبع : سایت کویرهای ایران

http://vista.ir/?view=article&id=249405

vista.ir
Online Classified Service

نکات بهداشتی برای پیشگیری از بیماری در طول سفر

امروزه مسایل مختلفی سلامتی کودکان، این گل‌های باغ زندگی را به خطر می‌اندازند. مواد خوراکی آلوده، سوءتغذیه، آب آلوده، حوادث و سوانح در طول سفر از مهم‌ترین علل بروز بیماری‌ها محسوب می‌شوند. از آنجا که کودکان به علت آسیب‌پذیری بیش‌تر در مقابل عوامل بیماری‌زا با خطر بیماری‌های روده‌ای مواجه هستند، بنابراین والدین باید در فصل گرما به نکات بهداشتی ذیل توجه داشته باشند تا بتوانند کودکان شیرخوار خود را از خطر ابتلا به بیماری‌های روده‌ای مصون دارند:

نوزادانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند کم‌تر دچار بیماری و سوءتغذیه می‌شوند، بنابراین ضرورت دارد تا تغذیهء نوزادان در طول شش ماه اول تولد و تا دو سالگی (همراه با غذای کمکی) فقط با شیر مادر باشد، این روش تغذیه از مرگ و میر بیش از یك میلیون نوزاد در سال پیشگیری می‌کند. انتظار می‌رود مادران گرامی تغذیه با شیر مادر را در طول سفر مد نظر داشته باشند.

دست‌های کودك را در طول سفر مرتب با آب و صابون بشویید، از پستانك و شیشه‌های غیربهداشتی استفاده نشود، زیرا عامل مهمی در بروز اسهال کودکان است. علت بیش از نیمی از تمام بیماری‌ها و مرگ‌و میر کودکان خردسال، ورود میکروب به دهان از طریق غذا و آب است، بنابراین سعی کنید در طول سفر آب را بجوشانید و پس از سرد شدن به کودك خردسال بدهید.

اقدامات درمانی که می‌توانید برای کودکان مبتلا به اسهال در طول سفر انجام دهید: چون اسهال با دفع زیاد مایعات از بدن، می‌تواند باعث مرگ کودکان شود بنابراین در صورتی که کودك شیرخوار است، تغذیه با شیر مادر (حتی بیش‌تر از قبل) را ادامه دهید. تاکید می‌شود در هنگام اسهال کودکان از محلول O.R.S استفاده کنید و به توصیه‌های پزشك متخصص برای درمان سریع کودك توجه کنید.

● عوامل آلوده‌کنندهء مواد غذایی در سفر _و راه‌های پیشگیری از آن

عناصر و موادغذایی گوناگون به موازات تامین نیازهای موجودات زنده تحت شرایط خاص و غیربهداشتی، مواد سمی و آلودگی‌های زیان‌آوری را به مصرف‌کنندگان انتقال می‌دهند که سبب انتشار بسیاری از مسمومیت‌ها و بیماری‌ها می‌شوند این عوامل به صورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:

الف) عوامل فیزیکی:

مانند سرما، گرما، رطوبت، آب‌وهوا.

ب) عوامل شیمیایی:

مانند سموم باقیمانده از دفع آفات نباتی و حیوانی

پ) عوامل بیولوژیك:

مانند میکروب‌ها، قارچ‌ها، سموم‌آن‌ها، انگل‌ها و حشرات

علایم مسمومیت غذایی: بر حسب سموم و میکروب‌های مختلف متفاوت است. علایم مسمومیت‌های غذایی به طور کلی عبارتند از:

- دردهای عضلانی،
- اسهال،
- استفراغ،
- تب
- دل‌پیچه

که تمام این علایم ممکن است در هر مسمومیتی وجود نداشته باشد، بنابراین به محض بروز یك یا چند علامت از علایم فوق باید فوری به پزشك مراجعه کنید.

• روش‌های پیشگیری از مسمومیت غذایی

اشخاصی که مبتلا به سرماخوردگی، بیماری پوستی و بیماری‌های دستگاه گوارش هستند نباید در تهیه و توزیع غذا مداخله داشته باشند. در صورت سلامت کامل، این قبیل پرسنل هنگام کار یا پخت غذا و توزیع آن، باید از لباس کار تمیز، پیش‌بند و کلاه استفاده کرده و مرتب آن‌ها را تمیز و پاکیزه نگه دارند.

بوفه و محل نگهداری و توزیع موادغذایی باید دارای نورگیر، به طور کامل خشك و دور از گرد و خاك و حشرات باشد - از کاغذ باطله، پاکت مستعمل و... نباید به منظور بسته‌بندی هیچ نوع موادغذایی استفاده شود - در حوالی محل غذاخوری نباید زباله و سایر عوامل جلب حشرات و جوندگان وجود داشته باشد، بنابراین وجود سطل‌های زبالهء دردار به اندازهء کافی در داخل و خارج محل کار و توزیع مواد غذایی، ضروری است - از قرار دادن موادغذایی در تماس با سطح زمین خودداری شود، زیرا بعضی از گردشگران در زمان استراحت و صرف غذا مرتکب چنین اشتباهاتی شده و در نتیجه دچار بیماری می‌شوند - از خرید گوشت چرخ کرده که قبلا آماده شده از فروشگاه‌ها و قصابی‌ها خودداری کنید- در هنگام خرید مواد غذایی بسته‌بندی شده به تاریخ تولید و انقضای محصول و مجوز پروانهء ساخت و دیگر مشخصات آن دقت کنید و از خرید بسته‌بندی‌هایی که پوشش آن مخدوش شده است پرهیز کنید.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=268248

vista.ir
Online Classified Service

نگاه به بیرون

همهء ما بارها و بارها در زندگی‌مان هنگامی که با پدیدهء شگفت‌انگیزی مواجه شدیم از آن به عنوان عجایب خلقت نام بردیم. گاه هم آن پدیده را به عنوان عجایب هشت‌گانه نامیده‌ایم. آنچه بدیهی است این که شش اثر تاریخی، باغ‌های معلق بابل، مجسمهء زئوس در المپیا، معبد آرتمیس در افسوس، آرامگاه مایوسلیوم، مجسمهء رودس، فانوس اسکندریه و اهرام ثلاثهء مصر در فهرست عجایب هفت‌گانهء دنیای باستان جا خوش کردند که البته در طول سال‌های گذشته به دلیل عوامل طبیعی و انسانی در معرض خطر و نابودی قرار گرفتند.

از سوی دیگر دنیای مدرن درصدد آن برآمد تا برای خودش و آیندگان عجایب هفت‌گانه‌ای دیگر را برگزیند. به این ترتیب طی مراسمی با حضور هنرمندانی مانند بن کینگسلی (Ben Kingsley) ، هیلاری سوانك (Hillary Swank) ، جنیفر لوپز (Jennifer Lopez) ، نیل آرمسترانگ-فضانورد مشهور- (Neil Armstrong) و نخست وزیر پرتغال در استادیوم نور شهر لیسبون هفت‌گانهء دنیای مدرن اعلام شدند.

این عجایب عبارتند از:

۱) دیوار چین در چین

کم‌تر کسی است در جهان که نام دیوار چین را نشنیده باشد که بین مغولستان و چین به معنی اخص ممتد است. این دیوار بزرگ بیش از دو هزار سال عمر کرده است و بیش از ۶٫۰۰۰ کیلومتر طول دارد. بلندی آن قسمت دیوار که در شمال پکن بنا شده است ۵/۸ متر و در نقطهء دیگر از چهار تا ۱۵ متر است و قطر دیوار ۵/۴ تا ۵/۷ متر است و در فواصل برج‌ها قرار دارد. تصور نکنید دیوار چین یك دیوار متصل به دیوارهای دراز و کوتاه در هم و برهم است. چون هر دودمان پس از روی کار آمدن دیوارهایی می‌ساختند از این روی دیوار چین شامل دیوارهای متعدد جداگانه شده است. ابتدای دیوار در مشرق شانهای گوان، نانکو، ین من (در شانسی) و جیایوگوان (در گانسو) است و ساختن دیوار در قرن سوم قبل از میلاد در عهد امپراتور «شی خوانگ‌تی» از سلسله سلاطین «چین» ۲۲۱۱ تا ۱۰۸ قبل از میلاد) شروع شد و دامنهء کار دیوارسازی طی سلطنت آن دودمان بسیار وسیع شد. یك میلیون برای این کار بسیج شده بودند و چون شرایط کار بسیار سخت بود گروه کثیری از کارگران می‌رفتند و برنمی‌گشتند. کسانی که در محل ساختمان می‌مردند جسدشان را لای دیوار می‌گذاشتند.

۲) تاج محل در هندوستان

تاج محل آرامگاه ارجمند بانو ملقب به ممتاز محل، همسر محبوب پنجمین پادشاه گورکانی موسوم به شاه جهان است. ممتاز محل در ۱۰۴۰ هـ.ق درگذشت و آرامگاه او در میان سال‌های ۱۰۴۹ تا ۱۰۶۵ هجری قمری برپا شد.

امپراتور جایگاهی را در کنار رود جمنا برگزید. وی قصد داشت برای خود نیز آرامگاهی در کران دیگر رود و برابر آن بسازد و این دو بنا را با پلی به یکدیگر متصل سازد. به نشانهء آن که پیوند او و همسرش از جریان زمان هم در می‌گذرد. قرار بود که برخلاف نمای تاج محل که از مرمر سفید بود، آرامگاه شاه از مرمر سیاه باشد، اما سرنوشت بر این شد که آرامگاه دوم هرگز برپا نشود و امپراتور در کنار همسرش آرام گیرد.

۳) بنای تاریخی پترا در اردن

پترای اردن یکی از مکان‌های باستانی است که به احتمال زیاد غار اصحاب کهف نیز در این محل قرار داشته است. از امان پایتخت سرزمین افسانه‌های خاورمیانه دو راه تو را به پترا سرزمین سنگ می‌رساند; راه صحرایی و راه ملوکی. راه صحرایی سه ساعت در کویر به سمت افسانه‌ها پیش می‌رود و راه ملوکی که البته سبز است و سرشار از طبیعت زنده پنج ساعت. شهر در دل صحرا می‌درخشد. وقتی خسته از تصویر کوه‌های خالی به پترا می‌رسی می‌توانی عظمتی را به چشم ببینی که تا مدت‌ها خیالش با تو خواهد بود. شهر صخره‌های سرخ. یونانیان آن را آرابیا پترا نامیده‌اند، به معنای سنگ. ترجمهء عبری آن سلع است و عربی آن الرقیم که برخی مورخان قوم نبط را همان اصحاب کهف می‌دانند. آنان اگرچه اصلا عرب بودند، اما چون به زبان آرامی تکلم می‌کردند عرب به حساب نمی‌آمدند. با این حال عده‌ای از مورخان آن‌ها را از قریش و نوادگان اسماعیل می‌دانند و دلیل آن‌ها قرابت زیاد در خط و اسامی آن‌ها با قریش است. شهر با دیوارهای بلندرسی رنگ و شن‌های روان بزرگ‌ترین حامی طبیعی را در مقابل قبایل وحشی داشت. شهر پترا یکی از چهارراه‌های تجارتی بزرگ در دنیای قدیم مجهز به سیستم آبرسانی پیشرفته در سدهء ۱۸۰۰ میلادی کشف شد تا تمدن سنگی دوباره به حرف بیاید و از داستان خود بگوید.

۴) کلزیوم رم در ایتالیا

«کلزیوم»، همان محلی است که در دنیای قدیم گلادیاتورها در آن به جنگ یکدیگر می‌رفتند و مردم رم در آن‌جا به تماشای نبرد انسان با حیوانات می‌نشستند. نبرد بردگانی که در جنگ‌ها اسیر شده و یا کسانی که به آیین مسیحیت گرویده بودند با انواع حیوانات وحشی نظیر شیر و...

در کنار کلزیوم ساختمانی بنا شده که نماد پایان خشونت و سخت‌گیری علیه مسیحیت است. «سردرگاه کنستاتیوم» که در آن فرمان تاریخی کنستاتیوم مبنی بر پایان خشونت علیه مسیحیت و کسانی که به این آیین گرویده‌اند، نصب شده است.

۵) ویرانه‌های ماچوپیچو متعلق به تمدن اینکاها در پرو

قلعهء ماچوپیچو، یکی از مهم‌ترین آثار به جا مانده از تمدن باستانی اینکا در کشور پرو که بر فراز کوهی با ارتفاع ۲٫۳۵۰ متر از سطح دریا ساخته شده است، از سال ۱۹۸۳ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.

قلعهء ماچوپیچو در سال ۱۴۴۰ میلادی ساخته شده است و این قلعه و محوطهء اطرافش تا سال ۱۵۳۲، یعنی سال فتح پرو توسط کریستف کلمب و نیروهای اسپانیایی، مسکونی بوده است. بر اساس شواهد باستان‌شناسی، ماچوپیچو شهری معمولی نبوده و از آن به عنوان خلوتگاهی برای گذران اوقات فراغت بزرگان اینکا استفاده می‌شده است. این محوطهء باستانی از یك قصر بزرگ، چندین معبد که در اطراف حیاط قصر برای خدایان اینکا ساخته شده و حدود ۱۵۰ خانه برای خدمتگزاران تشکیل شده است.تخمین زده می‌شود که حداکثر ۷۵۰ نفر قادر به سکونت همزمان در این شهر که در حدود پنج کیلومتر مربع وسعت دارد، بوده‌اند و به احتمال زیاد در فصل‌های بارانی که سفرهای بزرگان اینکا به ماچوپیچو قطع می‌شده است، جمعیت شهر بسیار کم‌تر از این تعداد می‌شده است.اینکاها این محوطه را به خاطر موقعیت جغرافیایی و

زمین‌شناختی استثنایی‌اش برای ساخت ماچوپیچو انتخاب کرده‌اند. بر اساس اعتقاد اینکاها، شبح سلسله جبالی که در پشت ماچوپیچو به چشم می‌خورد، نمایانگر چهرهء اینکاست که سر به آسمان برداشته است. مجموعهء ماچوپیچو را می‌توان به سه بخش کشاورزی، مسکونی و مذهبی تقسیم کرد. ورودی اصلی این قلعه در قسمت جنوب غربی آن و در انتهای جاده‌ای موسوم به «مسیر اینکا» قرار داشته است_ اما ورودی فعلی که در جنوب شرقی این محوطه قرار دارد، به محوطه‌های کشاورزی ماچوپیچو منتهی می‌شود.

۶) شهر تاریخی چیچن ایتازی متعلق به تمدن مایاها در مکزیك

در صورتی که خرابه‌های تمدن مایا در منطقهء چیچن ایتازی مکزیك به عنوان عجایب هفت‌گانه معرفی شود دیگر هیچ اثری از این بنای تاریخی روی کرهء زمین باقی نخواهد ماند. در حالی که تمام کشورهای دنیا سعی در معرفی کردن آثار باستانی خود و شناساندن تمدن‌های کهن رشد یافته در سرزمین‌شان دارند، مکزیکی‌ها ترجیح می‌دهند آثار باستانی کشورشان ناشناس باقی بماند. باستان‌شناسان معتقدند در صورتی که معابد جنوب مکزیك به عنوان عجایب هفت‌گانهء جدید معرفی شوند سیل غیرقابل کنترل گردشگران آسیب‌شدیدی را به منطقهء محیطی آن وارد خواهد کرد و آمد و شد بیش از حد افراد ممکن است به آثاری که هنوز در زیر خاك هستند آسیب وارد کند. در صورتی که سازمان میراث جهانی از انتخاب معابد مکزیك منصرف نشود دولت باید قوانین شدیدی را برای بازدید از این معابد تعیین کند. چیچن ایتازی که به طور قطع بزرگ‌ترین معبد مایاهاست از لحاظ ساختاری دارای مهندسی بسیار قوی است و در رقابت تعیین عجایب هفت‌گانهء جدید در رتبهء دوم قرار دارد. در این رقابت معابد چیچن ایتازی توانسته برج ایفل، تاج‌محل، استون هنج و تالار اپرای سیدنی را پشت‌سر بگذارد، اما این موفقیت تنها برای مکزیکی‌ها سبب شر خواهد شد.ادواردو پزو دی هردیا مسوول نگهداری از این منطقهء باستانی می‌گوید: «این اتفاق تنها به ضرر این مکان تاریخی تمام می‌شود و ما مجبوریم محدودیت‌هایی را برای افراد در بازدید از این مکان تاریخی تعیین کنیم. این منطقه سالانه تنها می‌تواند پذیرای ۵/۱ میلیون نفر باشد و ما شرمندهء گردشگران بیش‌تر خواهیم شد.»منطقهء چیچن ایتازی که معبد الکاستیلو آن شهرت بسیار زیادی دارد بین ۶۰۰ تا ۱۵۰۰ سال قدمت دارد. این تمدن با ورود اسپانیایی‌ها به خاك این سرزمین از بین رفت. سالانه ۲/۱ میلیون نفر از این مکان که دور تا دور آن با جنگل پوشیده شده بازدید می‌کنند. آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها از ساحل دریای کارائیب پس از طی مسافتی در حدود دو ساعت با ماشین می‌توانند به این منطقه راه پیدا کنند.

۷) مجسمهء مسیح (ع) در ریودو ژانیروی برزیل

ریودوی ژانیرو (در اسپانیایی: Rio de Janerio) شهری است بسیار زیبا و توریستی که در کنار کوه‌های انبوه از جنگل و سواحل و خلیج‌های زیبای اقیانوس اطلس قرار گرفته است. شهر ریودو ژانیرو در جنوب‌شرقی کشور برزیل قرار دارد. این شهر پس از شهر سائوپولو بزرگ‌ترین شهر برزیل است و تا سال ۱۹۶۰ پایتخت این کشور بود که مجسمهء ۱۲۵ فوتی حضرت مسیح رهایی‌بخش با دست‌های باز کشیده شده به طرفین در ارتفاع ۲٫۳۳۴ فوتی کوه کورکووادا در این شهر قرار گرفته است. البته سواحل اقیانوسی برای کشور برزیل همان اقیانوس اطلس بوده چرا که برزیل در سمت شرقی آمریکای لاتین واقع است و سواحل دریایی آن تماما به سمت اقیانوس اطلس است و همین‌طور کشور برزیل نسبت به سایر کشورهای مشرف به اقیانوس اطلس بیش‌ترین ساحل را دارد.این نظرسنجی که از مدت‌ها پیش آغاز شده بود، با مشارکت بیش از یکصد میلیون نفر پایان یافت.

منبع : روزنامه سرمایه

http://vista.ir/?view=article&id=266980

vista.ir
Online Classified Service

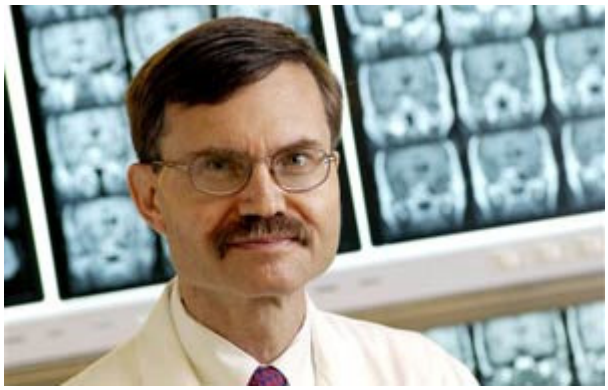

• پرواز پرستوها

نیروی کار پزشکی و بهداشتی، همواره از دغدغه‌های بزرگ دست‌اندرکاران بخش بهداشت و درمان در تمامی کشورها - به خصوص ممالک در حال توسعه- به شمار می‌آمده است. کمبود نیروی انسانی پزشکی در دو دهه اخیر شدت بیشتری یافته و علت عمده این امر در سطح ملی، تمایل نداشتن پزشکان به اشتغال در مناطق دورافتاده و روستایی و در سطح بین‌المللی، مهاجرت پزشکان از کشورهای فقیر و در حال توسعه به کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته بوده است. وابستگی برخی کشورهای توسعه‌یافته به نیروی کار پزشکی خارجی به حدی رسیده که برای مثال، در ایالات متحده با تغییر قوانین کاری و مهاجرتی از نیمه دوم دهه ۹۰ به تعداد قابل توجهی از پزشکان دارنده ویزاهای تحصیلی (J1) اجازه اقامت دایم در این کشور داده شده است و امروزه، مجموع کمک‌های مالی که در قالب برنامه‌های مدیکیر برای دستیاران تخصصی خارجی پرداخت می‌شود، از مبالغی که صرف فارغ‌التحصیلان داخل آمریکا می‌شود، بیشتر است. در کانادا نیز به تازگی برای جذب پزشکان خارجی و تسهیل ورود آنان به بازار کار، ظرفیت پذیرش دستیاران تخصصی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. امروزه بیش از ۲۵ درصد حجم کل نیروهای کادر پزشکی و پرستاری را در آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا خارجیان تشکیل می‌دهند و قریب دو سوم این افراد از کشورهای دارای سطوح متوسط و پایین درآمد مهاجرت کرده‌اند.

پدیده مهاجرت پزشکان در مقابل منافعی که برای خود پزشکان مهاجر و کشورهای پذیرنده پزشک دارد، سیستم بهداشت و درمان کشورهای در حال توسعه را به دلیل از دست رفتن نیروی کار پزشکی دچار مشکلات جدی می‌کند. مطابق جدیدترین آمار منتشره، کشورهای هندوستان، فیلیپین و پاکستان در سال‌های اخیر، بیشترین تعداد پزشک را روانه کشورهای توسعه یافته کرده‌اند. از لحاظ تعداد مطلق پزشکان مهاجر، رتبه اول در سطح جهان متعلق به هندوستان است، به‌طوریکه حدود ۶۰ هزار پزشک هندی در کشورهای آمریکا، انگلیس، کانادا و استرالیا مشغول کار هستند. تأثیر ناگوار این مهاجرت بر وضعیت بهداشت و درمان در کشور مبدأ، هنگامی واضح‌تر می‌شود که بدانیم در خود هندوستان برای هر ۱۰ هزار نفر تنها یک پزشک وجود دارد، حال آنکه این رقم در استرالیا، ۲۴۹ پزشک برای هر ۱۰ هزار نفر، در کانادا ۲۰۹ پزشک، در انگلستان ۱۶۶ پزشک و در آمریکا ۵۴۶ پزشک به ازای هر ۱۰ هزار نفر است. علاوه بر این، باید توجه داشت که بیشتر پزشکان مهاجر، هم به لحاظ تحصیلی (نمرات دانشگاهی) و هم از جهت مهارت حرفه‌ای، افرادی ممتاز به شمار می‌آیند و این موضوع، اثر مخرب پدیده مهاجرت پزشکان را بر ممالک در حال توسعه دوچندان می‌کند.

ایران نیز از قاعده کلی مهاجرت پزشکان مستثنی نبوده و نیست. آمار موجود، حاکی از شتاب گرفتن روند مهاجرت پزشکان عمومی و متخصص به کشورهای غربی، به خصوص آمریکا، کانادا و استرالیاست. در سنوات اخیر، مهاجرت پزشکان ایرانی به آمریکای شمالی بیشتر در قالب شرکت در برنامه‌های دستیاری تخصصی و آموزشی ـ پژوهشی و عزیمت آنان به استرالیا اغلب به انگیزه اشتغال به حرفه طبابت در رده پزشک عمومی و در مناطق نیازمند پزشک صورت گرفته است.

در نگاه کلی، کشور آمریکا از نظر جذب افراد تحصیل‌کرده ایرانی (به خصوص پزشکان) در رده نخست قرار می‌گیرد. بر اساس تحقیقات انجام شده از سوی دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد حدود ۲۵۰ هزار ایرانی دارای تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می‌کنند و در مجموع حدود ۴۶درصد ایرانیان مقیم آمریکا دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. در مقابل به نظر می‌رسد در سه چهار سال اخیر، استرالیا از نظر شتاب جذب پزشکان ایرانی بر سایر کشورهای توسعه یافته پیشی‌گرفته به گونه‌ای که هم اکنون تعداد زیادی پزشک عمومی در چارچوب برنامه‌های جذب افراد متخصص در صف مهاجرت به استرالیا قرار گرفته‌اند. در ضمن طی همین برهه افزون بر دو هزار فرد متخصص زیر ۳۰ سال از جمله حدود ۴۰۰ پزشک جوان در قالب توافقات انجام شده میان وزارت کار ایران و اداره مهاجرت استرالیا و با استفاده از تسهیلات ویزاهای توریستی ـ کاری رهسپار این کشور شده‌اند. آنطور که از مطالعات جدید روی پدیده مهاجرت پزشکان بر می‌آید، مهم‌ترین انگیزه‌های اقدام به مهاجرت در قشر پزشک به قرار زیرند:

▪ چشم انداز نامطلوب اقتصادی پس از اتمام تحصیل

ساختار مالی نامناسب بخش بهداشت و درمان، وضعیتی را رقم زده که در آن از یک سو حقوق و مزایای دریافتی پزشکان بخش دولتی به زحمت پاسخگوی احتیاجات اولیه آنهاست و از سویی محدودیت فرصت‌های شغلی در بخش خصوصی و نیاز به صرف سرمایه هنگفت در ابتدای کار امکان

استقلال و کسب درآمد را از بیشتر پزشکان جوان سلب کرده است. اجرای طرح پزشک خانواده و سعی در ایجاد انگیزه‌های مالی نیز در کل، کارایی زیادی برای جذب پزشکان در مناطق محروم نداشته و علت این امر تمایل نداشتن پزشکان به دور شدن از شهرهای محل اقامت یا تحصیل خود و نیز افزایش شدید هزینه زندگی و متناسب نبودن آن با متوسط درآمد افراد در بخش دولتی بوده است

▪ محدودیت فرصت‌های شغلی مناسب

در اغلب کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، تعداد افرادی که هر سال از دانشکده‌های پزشکی فارغ‌التحصیل می‌شوند به مراتب بیشتر از تعداد موقعیت‌های شغلی مناسب و راضی کننده است. نتیجه چنین وضعی بیکار ماندن بخش عمده‌ای از یک نیروی کاری دارای تخصص بالاست و این امر عامل مهمی در ایجاد تمایل به مهاجرت محسوب می‌شود. ساختار بیمار اجرایی و حاکمیت روابط بجای ضوابط موجب می‌شود که توزیع موقعیت‌های شغلی موجود نه بر مبنای شایستگی‌های علمی و مهارت‌های حرفه‌ای بلکه بر اساس تبارگرایی، روابط شخصی و ملاحظات سیاسی صورت گیرد و این خود عاملی است که سرخوردگی و دلسردی پزشکان جوان را نسبت به تشکیلات بهداشت و درمان کشور بیشتر کرده و میل به مهاجرت را در آنان تقویت می‌کند.

▪ کیفیت بالاتر آموزش‌های تخصصی در خارج

بسیاری از پزشکان جوان، به خصوص آن دسته‌ای که از نظر تحصیلی و توانایی علمی در سطح بالاتری قرار دارند، بر این باورند که تحصیلات تخصصی در کشورهای توسعه یافته امکان موفقیت و پیشرفت بیشتری برای آنان فراهم می‌کند و در نهایت، رضایت شغلی بالاتری به آنان می‌دهد. به نظر می‌رسد که این نوع انگیزه در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های بزرگ و به اصطلاح «مادر» و نیز افرادی که در مراکز آموزشی ـ پژوهشی مرتبط با دانشگاه‌های خارج فعالیت داشته‌اند، بیشتر باشد.

▪ میل به اقامت در خارج

بعضی از پزشکان به انگیزه زندگی و تشکیل خانواده در کشورهای ثروتمندتر، فراهم کردن چشم‌انداز تحصیلی و شغلی بهتر برای فرزندان و سایر اعضای خانواده خود و برخورداری از آزادی‌های اجتماعی و سیاسی موجود در کشورهای توسعه یافته تصمیم به مهاجرت می‌گیرند.

▪ ترغیب یا فشار اطرافیان

تعدادی از پزشکان- به خصوص آنان که دوستان و بستگانی در خارج از کشور دارند- به انگیزه رقابت با این افراد یا در نتیجه تشویق و ترغیب آنها تمایل به مهاجرت پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد سایر دلایل مهاجرت پزشکان که در مطالعات خارجی ذکر شده- از قبیل انگیزه‌های صرفا سیاسی یا قومی و مذهبی- درباره پزشکان ایرانی کمتر مطرح باشد.

▪ راهکارهای مقابله با پدیده مهاجرت پزشکان

مقابله با پدیده مهاجرت پزشکان امری دشوار و پیچیده است. از یک سو می‌توان گفت که روند مهاجرت، کشورهای در حال توسعه را به لحاظ نیروی انسانی پزشکی فقیر می‌سازد و سرمایه عظیم صرف شده برای تربیت پزشک را به هدر می‌دهد و از این رو خلاف اصل اخلاقی «عدالت اجتماعی» شمرده می‌شود. از سوی دیگر، ایجاد محدودیت و جلوگیری از مهاجرت پزشکان ناقض یکی از اصول اساسی حقوق بشر یعنی آزادی در جابه‌جایی و انتخاب محل زندگی است. تجربه نشان داده که ایجاد مانع و محدودیت در امر مهاجرت پزشکان می‌تواند به کاهش گرایش به رشته پزشکی و سرخوردگی بیشتر شاغلان این حرفه بینجامد و از این رهگذر خسارات بیشتری به تشکیلات بهداشت و درمان کشورهای در حال توسعه وارد کند.

منبع : هفته نامه سپید

http://vista.ir/?view=article&id=319339

vista.ir
Online Classified Service

نگاهی به قلعه تاریخی "فلک‌الافلاک" خرم‌آباد

استان لرستان باپیشینه تاریخی دارای آثار تاریخی و باستانی فراوانی از دوره‌های گذشته است که از جمله آن‌ها می‌توان به قلعه "فلک الافلاک" در دوره ساسانی اشاره کرد.

هم‌اکنون این استان با پیشینه تاریخی و وجود آثار متعدد مربوط به قبل و بعد از میلاد، دوران هخامنشی، ساسانی و اسلامی یکی از مناطق مهم باستانی کشور است.

قلعه تاریخی فلک الافلاک خرم‌آباد در سال ۱۳۴۷از مکان امنیتی و نظامی به موزه مردم شناسی و در سال ۱۳۵۴با به نمایش گذاشتن آثار مفرغی لرستان به طور رسمی به موزه تبدیل شد.

هنگام ورود به شهرستان خرم‌آباد مرکز لرستان کنگره‌های قلعه تاریخی "فلک الافلاک" بیش از هر چیز دیگری نمایانگر وجود یک اثر تاریخی بسیار زیباست که چشم هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌کند.

درون قلعه که تبدیل به موزه مردم شناسی شده، زنی با زبان و آهنگ لری مرثیه می‌خواند و غم روی دیوارهای اتاق چنبره انداخته و کمی آن سوتر مراسم عروسی است و مردان لر دوپا می‌رقصند و عروس روی اسب نظاره‌گر مردان و زنان لر است.

در این قلعه همچنین دست‌افزارهای انسان‌های اولیه از جمله اشیای مفرغی مشهور لرستان، سفالی، ظروف زرین و سیمین مکشوفه غار شگفت‌انگیز "کلماکره" وجود دارد.

در موزه اشیا مربوط به باورها و اعتقادات نظیر چشم زخم‌ها، دعاها و طلسم‌ها در باب تولد و مرگ و جعبه‌های کوچک قرآن، جام چهل کلید و گوشواره هفت محمدی به نمایش گذاشته شده است.

در گوشه‌ای دیگر از این موزه نحوه پخت نان و غرفه آب، شکار و موسیقی‌های محلی این استان به نمایش درآمده است.

پوشاک زنان و مردان نظیر شال و عبا، لباس‌های محلی، کفش، زیورآلات، انواع دستبند وگردن بند ساخته شده ازسنگ‌های گرانبها که‌زنان به خود ولباس هایشان آویزان می‌کنند، در معرض دید قرار گرفته است.

صحنه‌هایی از شیوه تولید کشاورزی سنتی و ابزارهای آنها شامل تندیس‌هایی از کشاورزان در حال شخم به نمایش درآمده است.

کتابهای خطی، دوات، قلمدان، عینک،انواع پیه‌سوز، نمونه‌ای ازآهنگری سنتی، ورشوسازی، مسگری، خراطی، سراجی، موتایی، بافت سیاه چادر و بافت فرش در لرستان نیز در این موزه وجود دارد.

شبیه‌سازی صحنه‌هایی از برپایی مراسم عروسی و عزاداری در استان لرستان نیز به نمایش درآمده تا مردم و مسافران نوروزی بیشتر با آداب و رسوم مردم این استان آشنا شوند.

وسایل و ابزار رزم و شکار (زره، کلاه خود، شمشیر، جای باروت، تفنگ، دوربین شکاری، زین و برگ اسب، شلاق و رکاب) مردم لرستان نیز در موزه وجود دارد.

نمایش سازهای محلی و بازسازی صحنه‌هایی از نوازندگان لر به همراه آلات موسیقی همچون کمانچه، تنبک، سرنا و دهل و عکس‌هایی از شرایط زیست مردم در موقعیت‌های گوناگون به تصویر کشیده شده است.

در گنجینه مردم شناسی قلعه فلک الافلاک نیز آثار فرهنگی این خطه باستانی نظیر زیورآلات، پوشاک سنتی زنان و مردان و صحنه‌هایی از کار و زندگی روزمره کشاورزان این استان را برای عموم به نمایش گذاشته شده است.

پیشینه‌های سنتی نظیر ماشته بافی، سیاه چادربافی، موتایی و امثال آن نیز از جمله موضوعات گنجانده شده در این گنجینه می‌باشد.

در بخش‌های دیگری از موزه قلعه فلک الافلاک ابزار و وسایل مربوط به شکار اسب، ظروف و اشیای ورشو از صنایع دستی استان وجود دارد.

قلعه فلک‌الافلاک درمنابع مکتوب، بنامهای دژ "شاپور خواست"، "سابر خواست" و خرماباد و فلک‌الافلاک نامگذاری شده و در گذشته به خاطر موقعیت سوق‌الجیشی در جنگ‌ها از آن به عنوان دژ استفاده می‌شده است.

قلعه یاد شده دارای مساحت پنج هزار و ۳۰۰متر و ۴۰متر ارتفاع است و فضای داخل آن از دو حیاط با چهار تالار نسبتا بزرگ و چندین اتاق کوچک و بزرگ ساخته شده است.

این بنای تاریخی دارای هشت برج، دو صحن و ۲۴طاق است که بلندترین دیوار آن ۲۲/۵متر ارتفاع دارد.

در مجاورت تپه و قلعه تاریخی فلک الافلاک چشمه فوران پرآب گلستان چشم هر بیننده‌ای را به خود خیره می‌کند.

فلک الافلاک در دوره قاجاریه در لغت به معنی "سپهر سپهران" و "فلک نهم" عنوان شده است.

این اثر تاریخی و فرهنگی به شماره ۸۸۳در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.ک/۴

منبع : خبر گزاری جمهوری اسلامی

http://vista.ir/?view=article&id=100762

vista.ir
Online Classified Service

نگاهی به مهاجرت و تأثیرات آن بر خانواده‌ها و زنان ایرانی

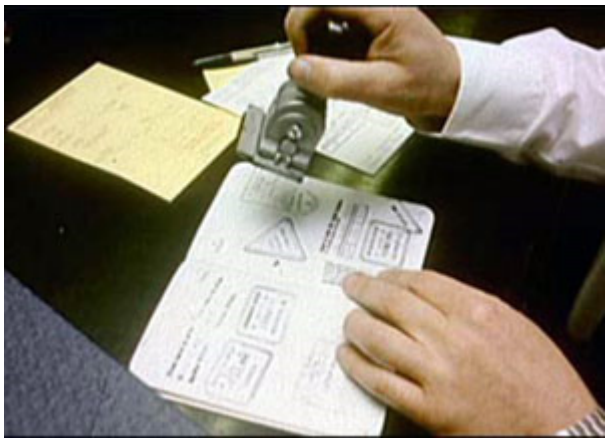

سست شدن شدید ساختار و نهاد خانواده یکی از تبعات مهاجرت به شمار می‌رود به نحوی که خانواده‌های ایرانی در محیط مهاجرت ، به شدت در معرض فروپاشی قرار دارند . طبق تحقیقات ، میزان طلاق در بین ایرانیان ساکن امریکا و اروپا ، ده برابر میزان طلاق در ایران است . به گزارش "ایونا" ، این رقم در بین مهاجران ایران در کشورهای اسکاندیناوی (سوئد، نروژ، فنلاند و...) به رقم تکان‌دهنده سه طلاق از هر چهار ازدواج می‌رسد . در سفرنگارنده به کشور سوئد ، رئیس مرکز اسلامی این کشور در استکهلم ابراز داشت که در هر پانزده دقیقه در عصر روزهای تعطیل ، یک فقره طلاق اتباع ایرانی توسط ما به ثبت می‌رسد .

در بررسی دلایل این آمار تکان‌دهنده در بین مهاجرین ایرانی می‌توان به چند نکته اشاره کرد :

الف) تغییر ساختار سنتی خانواده و تضعیف جایگاه پدر

به دلیل مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، جایگاه پدر به شدت متزلزل شده و عملاً عنوان سرپرست خانواده در بین بسیاری از خانواده‌های مهاجر ایرانی معنا و مفهوم ندارد . به دلیل اشتغال بسیاری از زنان مهاجر ایرانی که در سال‌های قبل از مهاجرت به شغل رسمی خاصی اشتغال نداشته‌اند و به دنبال آن «افزایش قدرت اقتصادی زن در خانواده» ، آتش اختلافات فزونتر گشته و احساس «تنش‌های شدید روانی» در خانواده ، سبب فروپاشی آن می‌گردد. زن مهاجر در نقش جدید خود دلیلی برای حفظ پایگاه سنتی خانواده نمی‌بینند و به دلیل تمکن نسبی مالی خود چارچوب‌های گذشته را مراعات نمی‌نمایند . طبق آمار یکی از کارشناسان ، حدود ۷۵درصد از زنان ایرانی مهاجربه کاراشتغال دارند .

ب) شرایط جدید فرزندان

فرزندان در محیط جدید علاوه بر عامل بحران هویت ، به چند دلیل کمتر قادر به حفظ ساختار خانواده می‌باشند که در آن میان می‌توان به عوامل ذیل اشاره کرد :

۱) اول اینکه فرزندان به زبان انگلیسی و یا زبان‌های خارجی دیگر تسلط دارند و به دلیل سپری کردن سنین رشد در غرب بسیار کمتر با زبان

فارسی آشنا هستند و همین امر موجب می‌شود ارتباط کلامی والدین و فرزندان کمتر گردد .

۲) دوم، فرزندان خانواده، به ویژه فرزندان دختر که در دوران حضور در ایران به نحوبیش‌تری تحت کنترل بودند ، در محیط جدید و به دلیل شرایط ارزشی و قوانین کشورهای محل مهاجرت به سادگی قادر به جدایی از والدین و خانواده بوده و نیازی به حفظ زندگی خود به نحو سنتی ندارند .

در بررسی‌های مربوط به زنان و حوزه زن ، از معقول‌ترین بحث‌ها ، نگاه دقیق و جامع به زن و خانواده مهاجر ایرانی در خارج از کشور است . در این راستا مقاله حاضر با تأکید بر نقش زن ، به نگارش در آمده است .

● خلاصه‌ای در زمینه ایرانیان مهاجر

ایرانیان در حال حاضر در بیش از پنجاه کشور جهان حضور دارند که از میان این‌کشورها حضور ایرانیان مهاجر به ترتیب در کشورهای امریکا ، فرانسه ، انگلستان ، آلمان ، ترکیه و استرالیا بیش از دیگر نقاط جهان است . در حال حاضر تعداد مهاجرین ایرانی در خارج از کشور طبق آمار غیررسمی تا سه میلیون نفر برآورد می‌شود که حدود یک میلیون نفر در امریکا ، یک میلیون نفر در اروپای غربی و اسکاندیناوی و مابقی در دیگر کشورهای جهان سکونت دارند . از نظر ویژگی جمعیتی در حال حاضر سن متوسط ایرانیان مقیم و مهاجر بین ۲۵ - ۳۲ سال بوده و اکثر آنان را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند . تقریباً جمعیت زنان با مردان مساوی است .به طور کلی پیشرفت تحصیلی و علمی ایرانیان مقیم در کشورهای دیگر از موضوعات قابل توجه به شمار رفته و تاکنون چندین پایان‌نامه و رساله دکتری در این زمینه نگارش یافته است .

در زمینه ثروت و دارایی نیز ایرانیان به طور کلی ثروتمندترین اقلیت مهاجر به شمار می‌روند و برخی از ایرانیان مقیم اروپا و امریکا از ثروتمندترین افراد جهان به شمار می‌روند . طبق آمار ایرانیان مقیم خارج از کشور تاکنون حدود چهارصد میلیارد دلار در جهان سرمایه‌گذاری نموده‌اند . با وجود این ، مهاجرت برای تمامی خانواده‌های ایرانی و در رأس آن‌ها زنان مهاجر ایرانی سبب معضلات بسیاری گردیده است که در ادامه به بررسی تأثیر مهاجرت در خانواده‌های ایرانی مقیم و مهاجر می‌پردازیم .

● خانواده مهاجران و بحران هویت

یکی از جامعه‌شناسان ایرانی مقیم سوئد ، در تحقیقی در زمینه تأثیر مهاجرت بر خانواده‌های ایرانی ، از مهاجرت به عنوان زمین لرزه‌ای که بنیان بسیاری از اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی خانواده‌ها را تکان داده است ، یاد می‌کند . در این زمینه نگاهی به خانواده‌های ایرانی مهاجر روشن می‌سازد که عواملی چون تضاد فرهنگی نسل اول و دوم خانواده (پدر، مادر و فرزندان) سبب بحران هویت در بین خانواده‌های ایرانی شده است ؛ زیرا محیط رشد فرزندان عملاً با محیط رشد فرهنگی پدر و مادر خود تناسبی ندارد و علاوه بر این ، فرزندان در فضای خانه با یک فرهنگ و در جامعه با فرهنگی کاملاً متفاوت درگیرند .

این بحران هویت حتی در بسیاری از موارد به زوج‌های ایرانی نیز سرایت کرده و چگونگی برخورد زن و مرد مهاجر ایرانی را به شدت تحت‌الشعاع قرار داده است .

● اعتیاد و فساد و فحشا در بین خانواده‌های ایرانیان مقیم

یکی دیگر از معضلات خانواده‌های ایرانیان مقیم ، روی آوردن بسیاری از اعضای این خانواده‌ها به مسائلی چون فساد اخلاقی و اعتیاد است . متأسفانه بازیگران بسیاری از فیلم‌های ضداخلاقی به خصوص در سطح اروپا را زنان ایرانی تشکیل می‌دهند و حضور ایرانیان از جمله دختران نوجوان در باندهای ضداخلاقی غربی ، بسیار شایع می‌باشد . علاوه بر این ، اعتیاد نیز از مسائل دامنگیر ایرانیان مهاجر است و با وجود عدم در دست بودن آمار علمی در این زمینه ، نگاهی به نشریات و رسانه‌های ایرانیان مهاجر در سطح اروپا و امریکا نشان‌گر فراگیر بودن این معضل می‌باشد .

● سوءاستفاده ازمهاجرین ایرانی بالاخص زنان

یکی دیگر از معضلات مطرح در جامعه ایرانی ، سوءاستفاده از ایرانیان مقیم در مسائل سیاسی توسط گروه‌های سیاسی و اپوزیسیون می‌باشد . گروه‌های سیاسی معارض با حاکمیت ایران ، به ویژه در دهه اول پس از پیروزی انقلاب و پس از مهاجرت ایرانیان ، اقدام به سوءاستفاده‌های بسیار زیادی از آن‌ها نموده و هر از چندی با عَلَم کردن یک نفر و ساپورت تبلیغاتی آن فرد در زمینه‌هایی چون شکنجه و... در ایران ، علاوه بر بهره‌برداری در جهت منافع خود ، بسیاری از ایرانیان را نیز از فعالیت‌های مختلف سرخورده نمودند .

این اقدام که در مورد زنان مهاجر ایرانی ابعاد بیش‌تری پیدا می‌کند ، متأسفانه سبب سرخوردگی بسیاری از ایرانیان در سال‌های بعد شده و می‌شود .

● برگزاری جنبش‌های ملی و مذهبی

از دیگر نکات بسیار بارز در زندگی خانواده‌های مهاجر ایرانی ، سعی در بازیابی فرهنگ‌ها و زنده نمودن همبستگی در درون گروه‌های خود می‌باشد . از بارزترین این روش‌ها به خصوص در سال‌های اخیر می‌توان به برگزاری جشن‌های سنتی و ملی چون عید نوروز ، عید مهرگان ، عزاداری امام حسین علیه السلام و... اشاره نمود که به صورت جمعی برگزار می‌شوند . با وجود مقاومت گروه‌های سیاسی ، در مناسبت‌هایی چون‌سیزده نوروز ، جشن نوروز و... حتی دولتمردان امریکا نیز کمک‌هایی در این زمینه مبذول داشته‌اند .

برخی ایرانیان ، مانند ایرانیان مقیم نیوجرسی نیز در برخی مناسبت‌ها مانند عید نوروز ، ضمن برپایی سفره بزرگ هفت سین به برگزاری جشن عید به صورت همگانی پرداخته‌اند .

در سال‌های اخیر علاوه بر موارد ذکرشده می‌توان به روی‌آوری ایرانیان مهاجر به فن‌آوری اینترنت و گشایش و افتتاح وب‌سایت‌های مخصوص ایرانیان در آن اشاره کرد .

- نتیجه‌گیری

با توجه به وجود حدود۸۰۰ هزار خانواده ایرانی مهاجر و با توجه به مسائل ذکرشده ، ضرورت بررسی دقیق و جامع رویکردهای مربوط به مهاجرت و آسیب‌شناسی مسائل مربوط به آن از مهم‌ترین وظایف متولیان و مسئولین مربوطه می‌باشد . حضور نزدیک به دو میلیون زن ایرانی مهاجر و مشکلات ناشی از آن ، سستی نهاد خانواده به دلیل مسائل ویژه مهاجرت و... در میان این گروه ، ضرورت فعالیتی جامع در این زمینه را آشکار می‌سازد .

منبع : روزنامه تفاهم

http://vista.ir/?view=article&id=352839

vista.ir
Online Classified Service

نگاهی گذرا به مهاجرت

مهاجرت نخبگان و متخصصان که در ادبیات مربوطه از آن به (فرار مغزها) تعبیرمی‌شود نوع خاصی از مهاجرت است که کنکاش در تعاریف و انواع آن، حدود و ثغور تعریف دقیق و جامع آن را به دست خواهد داد.

مهاجرت عبارت است از تغییر دائمی یا نیمه دائمی مسکن، بدون هیچ محدودیتی در مورد فاصله‌ی حرکت و ماهیت اختیاری یا اجباری مهاجرت همچنین بدون هیچ‌گونه تمایزی بین مهاجرت داخلی یا خارجی.

تعریف دیگری که از مهاجرت وجود دارد (مهاجرت بین‌المللی) را از (مهاجرت داخلی) جدا می‌کند عبارت است از (تغییر محل اقامت) ضمن عبور از مرزهای سیاسی برای مدتی بیش از یک سال، این تعریف که یک تعریف کاربردی و عملیاتی است، رفت و آمد روزانه‌ی کارگران مرزی و افراد محلی را به آن طرف مرزها استثنا می‌کند.

از نظر (اداره‌ی امور اجتماعی سازمان ملل) کسانی مهاجر تلقی می‌شوند که:

۱) جهانگرد، بازرگان، دانشجو و یا مسافر عادی نباشند.

۲) ساکنان نواحی مرزی نباشند (که به طور عادی بین دو کشور رفت وآمد می‌کنند).

۳) جزء پناهندگان یا افراد و یا جمعیت‌های جابه جا شده یا انتقال یافته نباشند. پس کسانی مهاجر خطاب می‌شوند که در جستجوی شغل

دائمی، فصلی یا موقت در یک سطح جغرافیائی جابه‌جا شوند. یکی از تعاریفی که ما را به مقصود نزدیک می‌کند واژه‌ی (مهاجرت منفی) است. مهاجرت زمانی یک مسأله‌ی اجتماعی تلقی می‌شود که میزان مهاجرت از داخل به خارج در مدت یک سال بیش از میزان مهاجرت از خارج به داخل باشد. علاوه بر بُعد کمی قضیه، توجه به چند نکته‌ی دیگر ضروری است. نخست این که بین مهاجرت نیروی کار که به طور عمده شامل کارگران ماهر می‌شوند و یک پدیده‌ی عام است، یا مهاجرت نیروهای نخبه و متخصص باید تفاوت قائل شد. ثانیاً مهاجرت نیروهای متخصص زمانی به عنوان یک پدیده‌ی منفی مورد ارزیابی قرارمی‌گیرد که در داخل کشور به تخصص آنان نیاز مبرم وجود داشته باشد و تخصص علمی و کاری آنها با داخل کشور به کلی قطع شود.

پدیده‌ی مهاجرت نخبگان و متخصصان به خارج از مرزها برای نخستین بار در دهه ی ۱۹۶۰ به صورت مهاجرت اندیشمندان، متخصصان و صاحبنظران کشورهای در حال توسعه به ایالات متحده‌ی آمریکا، کانادا و اروپای غربی و اقامت آنها در این مناطق ظهور و بروز یافت. به این ترتیب، سرمایه‌ی اصلی کشورهای در حال توسعه که نیروی انسانی متخصص است به بهائی ارزان در اختیار کشورهای توسعه یافته قرارمی‌گیرد و این کشورها هر ساله میلیاردها دلار از طریق مهاجرت مغزها از دست می‌دهند. در محاسبات اقتصادی کشورهای صنعتی، جذب هر فرد تحصیلکرده با مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری از کشورهای جهان سوم یک میلیون دلار سود عاید آنها می‌کند به این ترتیب ملاحظه می‌شود که کشورهای جهان سوم به رغم دارا بودن ۸۰ درصد جمعیت جهان تنها ۲۰ درصد درآمد جهان و ۱۰ درصد توان علمی جهان را دراختیار دارند.

براساس اطلاعات منتشر شده‌ی صندوق بین‌المللی پول از کشور ایران ۱۰۵ هزار نفر با تحصیلات عالی به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. تعداد ذکر شده جدا از ۳۰۰ هزار نفر مهاجر با تحصیلات ابتدایی و ۴۱ هزار نفر مهاجر با تحصیلات متوسطه است که به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. نتایج این بررسی که در مورد ۶۱ کشور کمتر توسعه یافته انجام شده است، نشان می‌دهد که بیشترین رشد مهاجرت مربوط به افراد با تحصیلات عالی بوده است.

زمینه‌ی مسأله‌ی فرار مغزها را از نظر علوم اجتماعی (ضعف روابط اجتماعی و اصول حاکم بر آن) از نظر علوم اقتصادی (کمبود نیروی انسانی) و از نظر علوم سیاسی (ضعف نظام و تشکیلات سیاسی) و از نظر فرهنگی (نقصان بار فرهنگی آموزش) می‌دانند.

در ایران پدیده‌ی مهاجرت نخبگان و متخصصان به خارج از مرزها به عنوان یک آسیب اجتماعی از دهه‌ی ۴۰ ظهور گسترده یافت. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، با درون مایه‌های عمیق فرهنگی، این روند تا پس از پایان جنگ تحمیلی کاهش محسوسی پیدا کرد. اما در سالهای اخیر مجدداً شاهد شکل‌جدید و در عین حال وسیعی از پدیده‌ی مهاجرت نخبگان هستیم. روند تاریخی این پدیده‌ی در کشور ما شامل سه دوره‌ی مشخص است:

۱) دهه‌های ۴۰ تا ۵۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی است که مقارن باز شدن باب مراوده با غرب سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی و رشد ثروتها بود.

۲) مقطع سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ابتدای جنگ تحمیلی که به طور عمده طیف ناراضیان از انقلاب اسلامی را شامل می‌شد و با تعطیل شدن دانشگاه‌ها در دوره‌ی انقلاب فرهنگی تشدید گردید.

۳) دوره‌ی جدید مهاجرت که ازسال ۱۳۶۷ آغاز شد و در سال ۱۳۷۷ شتاب بیشتری گرفت.

برابر گزارشها، در حال حاضر بیش از ۱۵۰ هزار نفر مهندس و پزشک ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. همچنین بر اساس اطلاعات واصله، کلیه‌ی ورودی‌های دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با رتبه‌ی دو رقمی (۹۹-۱) در سال دوم به دانشگاه، نامه‌هایی ازطرف دانشگاه‌های دنیا با بهترین امکانات دریافت می‌کنند. قریب۹۰ نفر از ۱۲۵ دانش آموزی که طی سه سال گذشته در المپیادهای مختلف علمی صاحب مقام شده‌اند در یکی از بهترین دانشگاههای آمریکا تحصیل می‌کنند که امید به بازگشت آنها به میهن تنها ۳ درصد است.

آمار متقاضیان تغییر اقامت از جمهوری اسلامی ایران به سایر کشورها در سال ۱۳۷۷ نشان می‌دهد که از مجموع ۴۱۲ نفر متقاضی تعداد ۳۹۰ نفر از آنان را افراد تحصیلکرده دارای مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تشکیل داده‌اند. این نکته بیانگر این است که در بطن پدیده‌ی مهاجرت و جابه‌جایی نیروی‌انسانی که امری طبیعی است، واقعیت دیگری نهفته است وآن پدیده‌ی (مهاجرت نخبگان و متخصصان) است. پدیده‌ی مهاجرت نخبگان به خارج ازکشور در دوره‌ی جدید، با مقطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی تفاوت فاحشی دارد زیرا بخش عمده‌یی از مهاجران یا متقاضیان مهاجرت در این دوره، افراد متدین از نسل انقلاب هستند که صرفاً برای حفظ شان و منزلت خود و در جستجوی دستیابی به محیطی مناسب و امن برای فعالیت‌های علمی به مهاجرت روی آورده‌اند.

فضای متلاطم و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی، همانگونه که در حوزه‌ی اقتصاد مانع سرمایه‌گذاری بلند مدت برای تولید می‌شود، جامعه را از حضور افرادی که نمی‌خواهند سرمایه‌های ذهنی‌شان در محیطهای متلاطم هدر رود، محروم خواهند کرد.

منبع : هفته نامه پزشکی امروز

http://vista.ir/?view=article&id=287043

vista.ir
Online Classified Service

نگینی بر دامن کرکس

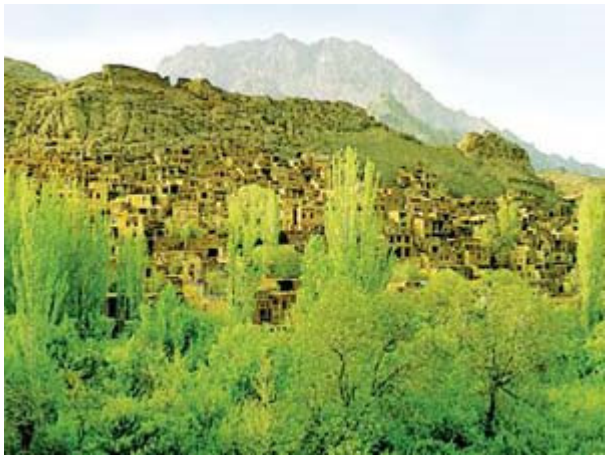

در غرب کوه‌های کرکس و در دامنه صخره‌ای دره هنجن، همرنگ با طبیعت قرمز رنگ صخره‌ها، روستایی قرار دارد با عمری به بلندای تاریخ. این روستا که در ۴۵ کیلومتری شمال غربی جاده نطنز به کاشان جاده منشعب از جاده اصلی به طول ۱۸ کیلومتر واقع شده ابیانه نام دارد. واژه ابیانه از ریشه «ویونا» که به معنی بیدستان است گرفته شده زیرا در گذشته‌های دور در این منطقه جنگلی از درختان بید وجود داشته است و به این جهت آن را بدین نام خوانده‌اند. واژه «ویونا» تحت تاثیر لهجه‌های ناشناخته پارسی بعدها به ابیانه تبدیل شده است.

آنچه این روستا را حائزاهمیت ساخته سابقه تاریخی، خصوصیات زندگی و اخلاقی مردم آن و به ویژه علاقه شدیدی است که اهالی این روستا به حفظ آداب و رسوم و سنن قدیمی خود دارند. وجود این خصایص باعث گردیده که ابیانه با حفظ بافت معماری، آداب و رسوم، صنایع دستی و آنچه که مربوط به فرهنگ گذشتگان است امروزه به عنوان بکرترین روستای ایران به شمار آید.

برای تدوین تاریخ ابیانه باید به آثار و ابنیه به جای مانده از گذشته این روستا رجوع کرد. وجود آتشکده «هرپاك» یا «هارپاك» که قدمت تاریخی آن به بیش از ۲۰۰۰ سال پیش می‌رسد و همچنین معبد «هینزا» که به احتمال زیاد «هینزا» همان «میترا» است. و وجود آتشکده‌های دیگر و آثار به جای مانده از قلعه کهن و قدیمی آن واقع در کوه «چیخمه» که یکی از قدیمی ترین آثار به جای مانده آن روستا است نشان از آن دارد که ابیانه در ایران قبل از اسلام محلی آباد بوده است.

کهن ترین بنای اسلامی روستا که هم اکنون بر جای مانده مسجد جامع آن است که تاریخ بنای آن به ۹۵۰ سال پیش می‌رسد و منبر و در دولنگه چوبی آنکه قدمتی بیش از ۹۰۰ سال دارند با کنده کاری‌های زیبا از باارزش‌ترین و زیباترین آثار تاریخی این روستا به شمار می‌روند.

گذشته از مسجد جامع چند حسینیه و بنای امام زاده و منزل مسکونی در این روستا برجای مانده که سابقه چندصدساله دارند و با گذشت قرن ها در دامنه قله های بلند کرکس و در زیر بارش برف و باران بر پای ایستاده‌اند تا از هنر معمارانی بگویند که با سنگ و خاك و چوب، فرهنگی دیرینه را برای نسل امروز این روستا به یادگار گذاشته‌اند.

آنچه امروزه بیش از هر موضوع این روستا را در دید گردشگران، دیدنی جلوه می دهد نمای ظاهری آن است. فضای عمومی روستا مجموعه‌ای متشکل از صدها واحد مسکونی است که همرنگ و همگون با طبیعت اطراف در دامنه های کوه بنا شده اند. آنچه در این معماری جلب توجه می کند استفاده از تیرك‌های چوبی در ساخت بنای دیوارها و سقف‌ها است که از خصیصه معماری ایران قدیم به شمار می‌رود و همچنین ماندگاری سنت معماری در ساخت طاق‌های هلالی و جناقی که حکایت از نفوذ و پایداری هنر معماری صفویه در این روستا است. پله‌ای بودن منازل مسکونی و شیب تند کوچه‌ها و یکنواختی رنگ قرمز بناها کاهگل دیوارها و استفاده از درها و پنجره‌های مشبك و... دست به دست هم فضایی بی نظیر و تماشایی را به وجود آورده است.شیب تند روستا در دامنه کوه، شکلی خاص به ساختمان ها و معابر داده است. بناها به گونه ای

است که عبور از معابر در فصول مختلف سال تا آنجا که امکان دارد به راحتی صورت گیرد و ساختمان ها نیز به تبعیت از شکل معابر و همچنین شیب دامنه ها، قرار گرفته اند.

به دلیل این شیب تند، ساختمان‌ها در طبقات متعدد بر روی هم بنا شده‌اند و به وسیله معابری که در سطوح متفاوت قرار گرفته‌اند می‌توان با طبقات مختلف رابطه مستقیم داشت.

نمای ظاهری روستا به صورت مجموعه مکعب هایی است با ابعاد کم و بیش یکسان که در روی صخره های سنگی و بر روی هم قرار گرفته اند و تندی و کندی شیب محل و همچنین طول و عرض این مکعب ها نسبت به هم، حجم های متنوعی را ایجاد کرده که تراکم و پیچیدگی این ابعاد حجمی، در قسمت‌های مسطح کمتر و در شیب‌های تند، بیشتر به چشم می‌خورد تا اینکه در قسمت‌های مسطح به زمین‌های مزروعی و باغات و روستا منتهی می شود.

عدم تطابق طبقه بالایی ساختمان ها با طبقه زیرین باعث ترکیب‌هایی از مجموعه‌های مکعب شکل در ارتفاعات مختلف شده که خود زیبایی خاصی به روستا و بافت معماری آن داده است. علاوه بر آن استفاده از خاك قرمز رنگ آن محل جهت کاهگل دیوارها که از چسبندگی زیادی برخوردار است گذشته از همرنگ کردن بناها با طبیعت، عاملی برای بالا بردن مقاومت ساختمان ها در برابر بارندگی های شدید فصل زمستان در این روستا شده است.

گذشته از آثار تاریخی و بافت معماری ابیانه باید از هنر و صنایع دستی این روستا یاد کرد که از گذشته‌های دور به یادگار مانده است. چرا که هنر و دستمایه آن زیباترین آثاری است که از فرهنگ و گذشته یك ملت و یا قوم به یادگار می ماند. یکی از رشته‌های هنری که بیش از همه ریشه در قدمت و تاریخ گذشته ابیانه دارد هنر چوبکاری، چوب بری و کنده کاری روی چوب است. مردمان این روستا از گذشته های دور چوب را به خوبی می شناخته اند و سلیقه های متنوعی در به کار بردن آن از خود نشان داده اند و شاید نیاکان امروزین این روستا بعد از خاك یکی از مهمترین ابزاری که آنها به خوبی به شناخت آن واقف بوده اند و از آن استفاده می کرده اند چوب بوده است.

موقعیت روستا درگذشته به گونه‌ای بوده است که انبوهی از درختان بید و گردو و ... فضای اطراف روستا را احاطه می کرده و مواد اولیه مورد استفاده هنرمندان نجار را فراهم می‌ساخته است. ولی در حال حاضر از گستردگی درختان و فضای سبز این منطقه کاسته شده و با مهاجرت های بی رویه اهالی روستا هنر چوبکاری در معرض نابودی قرار گرفته و آنچه از هنر درخشان این رشته در این روستا به یادگار مانده است وجود تعداد زیادی از درهای کنده کاری شده منازل و اماکن عمومی روستا است که روی بیشتر آنها با کنده کاری های برجسته، نام صاحب خانه، نجار و سازنده در و بعضا اشعاری به خط ثلث، نسخ نستعلیق کنده کاری شده است. در کوی «خانقاه» روی هفت در از خانه ها و مساجد آنجا تاریخ سال های ۷۰۱ ، ۹۳۶ ، ۹۵۹، ۱۰۰۹ ، ۱۰۴۴ ، ۱۰۵۸ ، ۱۰۸۶ دیده می شود و به عنوان نمونه بر در خانه ای شعر ذیل حك شده است:

الهی تو بگشای بر من دری

که منت نمی خواهم از دیگری

تاریخ: سلخ شعبان المعظم سنه ست و ثمانین و الف

صاحبه استاد امیرقلی میراج ابیانه عمل استاد محمد نجارابیانه

گذشته از هنر چوبکاری که امروزه رو به زوال است، قالی بافی، یراق دوزی، گل دوزی و دوخت لباس‌های محلی از مهمترین صنایع دستی زنان این روستا به شمار می‌رفته که کم و بیش امروزه هم ادامه دارد.

پوشش مردم ابیانه همچون بافت معماری و فرهنگی آن یادگاری است که از نیاکان خویش به ارث برده اند. پوشش مردان در این روستا عبارت است از: روقبا یا «آرلخالق» تن پوشی است شبیه جلیقه با آستین های بلند و یقه، قبا که در زیر آرلخالق می پوشند، پیراهن بلند بی یقه، «تمبون ده» شلوار گشاد بسیار بلند، گیوه سفید، کلاه نمدی سیاه یا قهوه ای. پوشاك زنانه عبارت است از: روسری بلند گل دار یا چارقد، دامن پرچین، پیراهن بلند زنانه، کت زنانه یا یل، جوراب و گیوه ملکی.

آنچه که در مورد پوشاك مردم ابیانه قابل توجه است، استفاده از رنگ های شاد و روشن است که به صورت یك فرهنگ دیرینه از گذشته تا به حال همچنان باقی مانده و این انتخاب شاید پیوندی نزدیك با رنگ و فرم در معماری روستا داشته باشد و از طرف دیگر تناسبی است که بین روشنی رنگ ها و سن افراد وجود دارد. یعنی هرچه بر سن افراد افزوده می‌شود رنگ لباس‌ها به تیرگی می‌گراید و اوج این تشخیص در اختلاف لباس دختران و زنان روستا به چشم می‌خورد و تنها علائم شناخت دختران از زنان در این است که دختران اکثرا جوراب بسیار روشن و چارقدهای سفید با گل‌های قرمز و صورتی رنگ می‌پوشند ولی زنان جوراب های تیره و چارقد کرم رنگ با گل های سرمه‌ای، که این خود اوج سنت گرایی و حفظ آداب

و رسوم دیرینه ساکنین این روستا را می‌رساند.

آنچه تا به حال به آن اشاره شد آثار به جای مانده از گذر زمان بود که همراه و همگام با فرهنگ و سنت دیرینه آن ابیانه را به یکی از زیباترین و باارزشترین روستاهای تاریخی ایران تبدیل کرده است. ابیانه در حصار قله های بلند کرکس درگذر زمان از تهاجم بیگانگان در امان مانده و آنچه از آن به جا است دارای بکرترین آثاری است که از زبان و فرهنگ ایران باستان، می توان در پهنه ایران زمین از آن نام برد.

ترکیب فرهنگ اسلامی با آداب و سنن دیرینه زرتشتی نشان از تغییر دین اهالی به سازش و رغبت بوده که طی سال های متمادی و با تمایل خود ساکنین انجام گرفته و بدین جهت است که امروزه در جای جای مراسم و اعیاد مذهبی و ملی این روستا می‌توان نمادهایی از فرهنگ و سنت زرتشتی را جست وجو کرد.

نخل گردانی در روز عاشورا و کشیدن نخل به بالای کوه را شاید بتوان با فرهنگ زرتشتی در باب اینکه مردگان خویش را بر فراز قله‌ها و برج‌ها می‌نهادند مقایسه کرد. هرچند این خلط و آمیزش فرهنگی در این يك مورد خلاصه نمی‌شود و در بیشتر مراسم از جمله عزاداری‌ها، اعیاد و... وجود دارد و این نشان از اعتقادات اهالی به دین مبین اسلام همراه با آمیخته‌ای از فرهنگ و سنت رنگ باخته و تغییر شکل یافته زرتشتی است که در گذر قرن‌ها به اهالی امروزین این روستا رسیده است که می‌توان در تك تك این موارد از آداب و رسوم به کنکاش و تحقیق پرداخت. امروزه ابیانه با گذشت بیش از ۲۰ قرن از تاریخش، با همه کوچکی دیگر يك روستا نیست. تاریخ بلند يك ملت است با فرهنگی غنی و ره پیموده در فراز و نشیب زمان وبا کوله باری از آداب و سنن باقی مانده از نیاکان این سرزمین. خشت خشت بنای این روستا از گذشته‌های دور سخن می‌گویند.

... اگر روزی تو پای بر کوچه های پرشیب‌اش گذاشتی آهسته قدم بردار، و گوش بسپار به زمزمه تاریخ که از فراسوی قله های کرکس به گوش می‌رسد.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=233320

vista.ir
Online Classified Service

نیاسر

تنوع بی‌مانندی را در خود جای داده و همین کافی است که حضورش در کنار کویر مرکز ایران بسیار غنیمت باشد.

درخت‌زارها و بیشه‌ها و باغاتش سبب شده تا شهر سبز بنامندش و به راستی که چنین نیز هست.

امروزه کمتر مسافر و گردشگری است که پا به دیار کاشان بگذارد، اما نیاسر را نبیند. چرا که این شهر سبز با تمامی جاذبه‌های خود به ویژه گلاب‌گیران هر گردشگری را با افسون دوباره به این دیار بازمی‌گرداند.

● نیاسر کجاست؟

کهن‌شهر توریستی نیاسر در ۲۵ کیلومتری شمال غربی شهرستان کاشان در حاشیه کویر مرکزی ایران واقع شده است .

وجود منابع آب و خاک کافی ، شرایط اقلیمی مطلوب ، راههای ارتباطی مناسب ، وجود آثار ارزشمند تاریخی و جاذبه‌های زیبای طبیعی از مهم‌ترین شاخصه‌های شکل‌گیری ، رونق و استمرار بی وقفه زندگی در این

خطه شده است .

با فرارسیدن فصل بهار و عطر گلهای محمدی طراوتی تازه همچون شبنم بهاری در کنار چشمه اسکندریه و آبشار زیبا به شهر بخشیده .

وجود آثار ارزشمند تاریخی همچون آتشکده ساسانی ، غار تاریخی رئیس ، آسیاب آبی ، حمام صفویه ، برج قاجاریه ، خانه بروجردیها، مقبره‌های قدیمی و جاذبه‌های زیبای طبیعی مانند چشمه اسکندریه ، آبشار زیبا ، گلستان‌های گل محمدی ، درختان تنومند چنار و سروها و سپیدارهای سر بفلک کشیده در دل باغهای سر سبز و زیبای نیاسر موجب شده است تا این شهر در فصول مختلف بویژه فصل گلابگیری (بهار) و تابستان پذیرای هزاران گردشگر داخلی و خارجی باشد.

● جاذبه‌های شهر سبز:

▪ آبشار سرسبز:

آبشار سرسبز نیاسر دارای ارتفاعی بیش از ۱۰۰ متر است. آب چشمه اسکندریه پس از گذر و چرخش از دورن باغ تالار، از آبشار سرازیر می‌شود که باعث بوجود آمدن یکی از زیباترین مناظر منطقه گردیده است.

به منظور بهره‌مند شدن گردشگران از زیبایی‌های وصف‌ناپذیر مناظر دیدنی آبشار و اطراف آن، توسط شهرداری نیاسر، از پای آبشار تا بالای آن و در ادامه تا باغ تالار، پله ساخته شده است که شمارش پله ها تقریباً ۳۰۰ عدد می‌رسد.

▪ چشمه اسکندریه:

یکی از آثار جالب و دیدنی نیاسر، چشمه نیاسر و یا چشمه اسکندریه است.آب این چشمه از پای آتشکده جاری می‌شود.

آب پاک و زلال از میان شکاف سنگ‌های درون گودالی می‌جوشد. این چشمه یقیناً عامل اصلی ایجاد و تداوم تاریخ چند هزار ساله نیاسر بوده است و اکنون نیز منشأ زیبایی‌های فراوان و منبع اصلی آب شهر و مزارع کشاورزی محل است.

آب این چشمه همسان با آب چشمه سلیمانیه فین است.

به نقل از کتاب تاریخ کاشان، اسکندر بن فیلقوس که علم کشف الاسرار داشته و از یاران دانیال نبی بوده محل این چشمه را کشف نمود و به حجاران دستور داد تا آنجا را حفر کنند.آنها هم در یک شبانه روز این چشمه را احداث و احیا نمودند.

آب این چشمه بسیار زلال و مصفا بوده و پس از خروج از دل کوه و در مسیری نسبتاً طولانی بعد از عبور از باغ تالار و باغات بصورت آبشار بسیار زیبایی به پایین و به سمت شهر در حرکت است.این چشمه در تمام طول سال پر آب است و آب آن در تابستان خنک و در زمستان گرم و ولرم است.

▪ آتشکده:

بنای آتشکده گنبددار که به نام آتشکده اردشیر موسوم است از زیباترین چهار طاقی‌های دوره ساسانی است. که بر فراز نیاسر واقع شده و همچنان، پس از عبور دهه‌ها و سده‌ها، اگرچه به خاموشی، اما بردبار و پابرجا مانده است.

براساس نظر آندره گدار، معمار و باستان‌شناس فرانسوی چهار طاقی آتشکده نیاسر به وسیله اردشیر بابکان ساخته شده و اولین معبد و آتشکده‌ای که به وسیله ساسانیان در اوج رواج دین و آیین زرتشتی در ایران بنیان گرفته، آتشکده نیاسر است.

این آتشکده با شماره ۳۱۶ در فهرست آثار ملی ایران ثبت گشته است.

▪ غار نیاسر:

سابقه احداث این غار را که دارای تالارها و چاه‌هی دست‌ساز می‌باشد به دوران هخامنشیان نسبت می‌دهند. ساکنین معتقدند که این غار در دوران گذشته جهت محافظت از محصولان و گریز از دست اشراشر بنا شده است و آن را غار ریس می‌نامند.

در سرتاسر بدنه‌های داخلی این غار آثار شیء نوک تیز که بوسیله آن غار حفر شده است دیده می‌شود. طول غار در حدود ۷۸۰ متر است که شامل چهار دهانه ورودی و دو قسمت مجزا است که بخش مرکزی آن شامل مجموعه‌ای است از هفت اتاق که در سطوح گوناگون استادانه حجاری شده است و از طریق چاه‌ها و دالانها به طبقات زیرین مرتبط می‌شود و از عجایب این غار می‌توان به تهویه هوا حتی در عمیق‌ترین نقاط اشاره کرد.

▪ باغ تالار نیاسر:

این باغ در دوره ساسانی ابنیه‌ها و قصرهای زیبا و معظمی را در خود جای داده بود که در گذر زمان رو به نابودی گذاشت. اکنون تنها یک کوشک از این باغ تاریخی بر جای مانده که یادگار اواخر عهد صفوی است. این بنا، محل اتراق سلاطین و بزرگان روزگار بوده، چنانکه پادشاهان آن سلسله

هنگام مسافرت به کاشان، گاه و ناگاه برای تفریح و تماشا به تالار نیاسر رفته و مردم آبادی، شب هنگام با افرختن مشعلها و آتش فراوان چراغانی می‌نمودند تا شاه و همراهانش از فراز عمارت منظر را تماشا کنند.

هم اکنون شهرداری نیاسر این باغ را خریدار و به بوستانی عمومی کرده است.

▪ گل و گلاب:

در کنار جاذبه‌های طبیعی و تاریخی نیاسر، جاذبه‌های فرهنگی و انسانی بسیاری نیز وجود دارد که از مهمترین آن می‌توان به گل و گلاب اشاره کرد. نیمه اردیبهشت معمولا آغاز گل چینی و شروع فصل گلابگیری است. گل محمدی با توجه به نامی که برای آن برگزیده‌اند در نظر مردمان شهر تا اندازه‌ای وجه مقدس نیز دارد.

از ویژگی‌های این محصول، حساس بودن آن است در برابر نور خورشید گل چینان صبح زود برای جمع‌آوری گل راهی گلستان می‌شوند. بطوریکه ظهر نشده گل گلستانها چیده شده‌اند. سپس آنها را به کارگاههای گلابگیری می‌فرستند. گلها را به همراه آب در دیگهای مخصوص جوشانده و بخار آن بوسیله لوله‌هایی از آن به پارچهایی وصل می‌شود که داخل آب سرد قرار دارد و بخار، تبدیل به گلاب ناب می‌شود. در فصل گلابگیری گردشگران بسیاری بخاطر گلستانهای پر از گل و عمل گلابگیری به تماشا می‌آیند.

▪ چنارهای کهن:

در نیاسر این درختان بیش از چهار هزار سال عمر دارند که معمولا در کار قنات‌ها هستند. چنار محله رود آب و چنار سرچشمه از جمله اینگونه درختان هستند.

دیگر اماکن تاریخی و طبیعی نیاسرمی‌توان برج چالقاب، چشمه اسکندریه، کوشک صفوی، حمام صفوی، آسیاب آبی، مسجد تاریخی رودآب، خانه بروجردی‌ها،سلخ آب و ... را نام برد.

لازم به ذکر است طی طرح مشارکتی از سوی جمعیت کویر سبز کاشان و شهرداری نیاسر درختان کهنسال این شهر بالغ بر ۱۵۰۰ درخت پلاک گذاری می شوند که هم اکنون این طرح در مرحله نهایی قرار دارد.

http://vista.ir/?view=article&id=278276

vista.ir
Online Classified Service

نیاسر، میراث جهانی

●●شهر سرسبز و تاریخی نیاسر در یك نگاه

●موقعیت اداری:

شهر نیاسر مرکز بخش نیاسر از توابع شهرستان کاشان و استان اصفهان است. این شهر در فاصله ۲۴ کیلومتری شمال غربی شهر کاشان (مرکز شهرستان) قرار دارد.

شهر نیاسر از طریق اتوبان در فاصله ۲۴۰ کیلومتری شهر تهران پایتخت ایران، ۱۰۰ کیلومتری شهر قم مرکز استان قم و ۲۶۰ کیلومتری شهر تاریخی اصفهان مرکز استان اصفهان قرار دارد. فاصله‌ی این شهر از سه محور ارتباطی مهم کشور یعنی از راه‌آهن و محور زمینی بندرعباس- تهران ۲۴ کیلومتر و از محور شیراز- اصفهان- تهران ۶۰ کیلومتر است.

●موقعیت طبیعی:

شهر نیاسر یکی از ۳ مرکز مهم تولید گل محمدی، گلاب و عرقیات گیاهی شهرستان کاشان و کشور است. چنین ویژگی کم نظیری به سبب قرارگیری در دامنه‌ی شرقی کوههای کرکس و وجود چشمه‌ی پرآب اسکندریه و قنات‌های زیاد است که محدوده‌ای به وسعت ۸۰۰ هکتار را به زیر کشت برده و با گسترش روش‌های مدرن آبیاری و کشاورزی به میزان زیادی قابل گسترش است.

متوسط ارتفاع شهر نیاسر از سطح دریا ۱۶۵۰ متر است. ارتفاع چارطاقی که بلندترین نقطه‌ی شهر است ۱۷۵۰ متر و ارتفاع پایین‌ترین نقطه نیز ۱۵۵۰ متر است. وجود اختلاف ارتفاعی به میزان ۲۰۰ متر باعث ایجاد چشم‌اندازهای بی‌نظیر و بسیار زیبایی از نقاط مختلف شهر به شکل رویاگونه‌ای به پایین می‌ریزد و قطرات ریز آب با عطر گل و سبزه درمی‌آمیزد و بر گونه‌ها می‌نشیند و نوازشگر روح و جان می‌شود. و بدینسان آبشار زیبای نیاسر رخ می‌نمایاند و همه‌ی کویر را به سوی خویش می‌خواند.

●ویژگی‌های تاریخی:

نیاسر یکی از کهن‌ترین مراکز سکونت بشری است. قدمت چارتاقی نیاسر به اواخر دوره‌ی اشکانی و اوایل دوره‌ی ساسانی می‌رسد. در پای چارطاقی و در زیر تالار فعلی و غار زیرین (غار رییس) لایه‌ای است که قدمت آن بسیار زیاد است.

به احتمال زیاد پیدایش غار نیاسر پیش از شکل‌گیری تمدن سیلك کاشان می‌باشد، که خود با زیگورات عظیمش یکی از مهدهای تمدن ایران و جهان است.

در محیطی این چنین عناصر چهارگانه آب، باد، خاك و نور دست به دست هم داده‌اند و محیطی دلپذیر برای سکونت امروز و نیایش دیروز فراهم آورده‌اند. وجود فضاها، بناها و عناصر مهم و با ارزش چون چارتاقی (با ملحقات آن که از بین رفته‌اند)، چشمه‌ی اسکندریه، غار رییس و آبشار زیبای آن در دوره‌ی قبل از ورود اسلام به ایران نشانگر اهمیت این نقطه و نقش بارزی بوده که در مراسم آیینی و پرستش داشته است و پس از ورود اسلام به ایران نیز از جهات مختلف این توجه استمرار داشته است. از جمله احداث مسجدی در پای چشمه- که شاید بر روی بنایی باستانی استمرار یافته باشد و یا توجهی که در دوره‌ی صفوی به آن شده، مانند احداث و یا بازسازی شهرك تالار و آسیاب و حمام پای آبشار و مقبره‌هایی که در کنار آنها قرار دارد. سنگهای مزارهایی چون مزار پای آتشکده بیانگر سنگ‌نویسی قابل توجه، و هنر نقاشی و حکاکی روی سنگ است و نشانه‌های متنوع دیگری که قابل مشاهده یا قابل کشف است.

●ویژگی‌های گردشگری

محلات مسکونی شهر نیاسر در میان مساحتی بالغ بر ۸۰۰ هکتار از باغها و گلستان‌های اراضی زراعی پرکنده شده است. غار تاریخی رییس و لایه کهن زیرین آن، چارتاقی، بافت تاریخی با عناصر، فضاها، راسته‌ها و بناهای عمومی و مسکونی متعدد و گوناگون، باغ‌های گسترده، گلستان‌های زیبا و قرارگیری در دامنه‌ی کوه به همراه چشمه اسکندریه و آبشار معروف آن و باغ و کوشك تالار، این شهر را تبدیل به یکی از شهرهای تاریخی و گردشگری کشور نموده است.

وجود گلستان‌های گسترده باعث شده تا این شهر تبدیل به یکی از سه مراکز عمده‌ی تولید گل‌محمدی و گلاب و عرقیات گیاهی در شهرستان کاشان و کشور شود. حجم عظیم بازدیدکننده از این شهر و شهرهای دیگر شهرستان کاشان به ویژه در فصل بهار و در ایام گل و گلاب به برگزاری جشنواره گل و گلاب منجر شد، که چند سالی است به طور متناوب اجرا شده و باعث جذب گردشگری زیادی در روز و شب در ماه‌های اردیبهشت و خرداد شده است.

میزان جذب گردشگری این شهر روزانه بین ۳ تا ۱۰۰ هزار نفر در شش ماهه‌ی اول سال برآورد شده است که در مجموع میزان گردشگری برابر ۰۰۰/۰۰۰/۱ نفر را شامل می‌شود. وجود جاذبه‌های متنوع میراث فرهنگی و طبیعی و اقلیمی در این شهر و پیرامون آن باعث تداوم تدریجی جذب گردشگر در فصول پاییز و زمستان شده و روی‌آوری گردشگران به شهر جهت اسکان و اقامت در آن را به دنبال داشته است.

فاصله‌ی کم شهر نیاسر با شهرهای اصفهان، کاشان، قم و تهران، جاذب جمعیت بسیاری از این شهرها شده است، هر چند که گردشگران خارجی بسیاری به همراه سایر ایرانی‌ها نیز از این شهر و جاذبه‌های آن بازدید می‌کنند. از آنجا که شهر نیاسر در حد وسیعی برای گردشگران و تورهای گردشگری داخلی و خارجی شناخته شده است، و به لحاظ ویژگی‌های متعددی که دارا است به تدریج با هجوم سرمایه‌داران، متقاضیان

ساخت ویلا و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی روبرو است. از آنجا که ادامه‌ی حیات شهر بدون وجود باغات و گلستانها و ... محیط طبیعی آن ممکن نیست، شهرداری نیاسر با هماهنگی استانداردی و سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان از ساخت و ساز غیر عرف محلی در بافت مسکونی و ساخت و سازهای غیر بومی در سطح باغات و مزارع و گلستان‌ها جلوگیری نموده است اما کماکان روزانه با فشار زیادی برای تملك و تخریب آنها روبرو است.

●دسته‌بندی متقاضیان ویلاسازی در شهر نیاسر:

می‌توان متقاضیان ویلاسازی در شهر نیاسر را به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

۱- مردم کاشان که از دیرباز روستاها و نقاط ییلاقی واقع در دامنه‌ها و ارتفاعات کرکس را برای اقامت تابستانی و مقابله با گرما انتخاب می‌کرده‌اند.

۲- سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران شهرهای اصفهان، قم و تهران و حتی فراتر برای ساخت ویلا سرمایه‌گذاران خارجی برای ساخت فضاهای اقامتی- پذیرایی.

۳- وزارتخانه ها و سازمان‌های مهم برای ساخت مجموعه‌های ویلایی جهت اقامت پرسنل.

۴- گردشگران شهرهای اصفهان، تهران و قم و سایر شهرهای کشور جهت ساخت ویلا و اقامت.

از سوی دیگر در طرح توسعه‌ی کالبدی- گردشگری شهر نیاسر برآورده شده که در ده سال آینده شهر نیاسر سالانه پذیرای حدود ۲ میلیون نفر گردشگر باشد که بدون شك بخشی از آنها همچون حال حاضر متقاضی اقامت در شهر برای یك یا چند روز و ساخت ویلا هستند.

●ویژگی‌های آب و هوایی:

ارتفاع ۱۵۵۰ تا ۱۷۵۰.

گروه اقلیمی ۲ زمستان خیلی سرد و تابستان نیمه گرم و خشك.

میانگین سالانه دمای هوا ۷/۱۴ درجه سانتیگراد.

میانگین حداکثر دما ۱/۲۳ درجه سانتیگراد.

میانگین حداقل دما ۲/۶ درجه سانتیگراد.

تعداد روزهای یخبندان سال ۹۹ روز در سال.

میانگین سالانه رطوبت نسبی هوا ۴۲ درصد.

متوسط میزان بارندگی سالانه ۴/۱۰۴ میلیمتر.

میزان بادهای آرام ۲/۶۳ درصد.

سطح آبهای زیرزمینی ۱۲ تا ۳۰ متر.

●جاذبه‌های طبیعی:

جاذبه‌های طبیعی و محیطی شهر نیاسر را می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد. قابل توجه آنکه شهر نیاسر در تمام ماه‌های سال زیبا است.

- ۱۵ اسفند تا اواخر فروردین ، شکوفه‌دهی درختان به ویژه بادام، هلو و زردآلو.

- نیمه دوم فروردین تا نیمه اول اردیبهشت، رویش گلهای لاله، شقایق و سرسبزی زمین.

- ۱۵ اردیبهشت تا اواخر خرداد ماه، ثمردهی گلهای محمدی و مراسم گلابگیری و جشنواره.

- گل و گلاب و آغاز به کار کارگاه‌های گلابگیری و تولید عرقیات گیاهی.

- اوایل اردیبهشت تا اواخر مهر ماه، حضور پرندگان و پروانه‌ها در باغها.

- اوایل خرداد ماه تا اواخر آبان، به بار نشستن درختان میوه به تناوب.

- اوایل مهر ماه تا پایان آذر ماه، برگ‌ریزان درختان و هوای مه‌آلود و ایجاد پاییزی زیبا.

- اوایل دیماه تا اواسط اسفند بارش برف و باران.

- ریزش آبشار در همه ماه‌های سال.

●ویژگی‌های کالبدی:

این شهر در حال حاضر از زیرساخت‌های آب، برق، گاز و مخابرات و پوشش تلویزیونی و تلفن همراه برخوردار است. ادارات متعددی همچون شهرداری، بخشداری و نیروی انتظامی به همراه بانك، مراکز بهداشتی- درمانی و پمپ بنزین در این شهر مستقر هستند.

این شهر از ۷ محله‌ی مسکونی کوچك تشکیل شده که هرکدام با شکل خاصی استقرار یافته اما همگی با تبعیت از ویژگیهای طبیعی- بومی و اغلب با استفاده از مصالح بومی و پیروی از معماری سنتی ساخته شده‌اند.

●جاذبه‌های آیینی:

شهر نیاسر یکی از مراکز سکونتی کهن سرزمین ایران است. آثار و بقایای بسیاری همچون چارتاقی و غارنشینی و لایه‌ی زیرین آن نشانگر وجود تمدن و انجام مراسم و آیین‌های کهن است. با ورود اسلام به ایران و مسلمان شدن ساکنین منطقه، برخی از آیین‌های کهن تداوم یافته و یا در قالب مراسم اسلامی و مذهبی نمود یافته‌اند.

از مهمترین مراسم آیینی منطقه و شهر نیاسر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اجرای مراسم آیینی قالی‌شویان در مشهد اردهال در جمعه دوم مهرماه هر سال.

۲- سوگواری امام سوم شیعیان در دهه‌ی محرم.

۳- مراسم آیینی روز ۲۱ ماه مبارك رمضان.

۴- مراسم آیینی ذبح گاو در عید قربان.

●طرح توسعه کالبدی- گردشگری شهر نیاسر:

این طرح با دو رویکرد حفظ میراث فرهنگی، طبیعی و آیینی و توجه به امکانات و قابلیت‌های گردشگری در افق ۱۵ ساله برای شهر نیاسر توسط مهندسان مشاور ایوان نقش جهان تهیه شده است. در این طرح ویژه، در طی یك فرآیند منظم برنامه‌ریزی نسبت به بررسی ویژگی‌ها، تحلیل، تدوین راهبردها، سیاست‌های اجرایی و تعریف پروژه‌ها و همچنین اولویت‌بندی اقدامات پرداخته شده است.

●ضرورت سرمایه‌گذاری در نیاسر

نیاسر به دلایل گوناگون می‌تواند و باید نقش تامین کننده‌ی امکانات و فضاهای اقامتی و تفریحی منطقه‌ی کاشان را برعهده بگیرد. علاوه بر آن این نقش می‌تواند در مقیاس استانی و ملی و فراملی نیز گسترش یابد.

موارد زیر از جمله این دلایل است:

۱- تاریخ کهن و قدمت سکونت در نیاسر.

۲- وجود جاذبه‌های آیینی و فرهنگی در شهر و پیرامون.

۳- وجود جاذبه‌های طبیعی متنوع، پوشش گیاهی و آبشار.

۴- دسترسی راحت، آسان و نزدیك به محورهای ارتباطی اصلی استانی و ملی.

۵- نزدیکی به مراکز جمعیتی، اقتصادی و سیاسی (تهران، اصفهان، قم و کاشان).

۶- اقلیم مساعد نیاسر به ویژه در مقایسه با گرمای کویر.

۷- وجود فصول چهارگانه و زیبا در شهر.

سند توسعه‌ی پایدار شهر نیاسر براساس این مزیت‌ها به تعریف پروژه‌های مهم پرداخته است.

منبع : مسافران

http://vista.ir/?view=article&id=227206

vista.ir
Online Classified Service

نیگ شیا در چین

منطقه خود مختار ملیت هوی نینگ شیا واقع در غرب چین یکی از کوچکترین نواحی اداری استانی و بزرگترین منطقه هوی نشین این کشور است .

هویها یک سوم جمعیت نینگ شیا و یک پنجم جمعیت کل هویهای سراسر کشور را تشکیل می دهند . از قرن سیزدهم میلادی عربها ، پارسها (ایرانی ها) و مردم کشورهای دیگر آسیای میانه و آسیای غربی برای دادو ستد وارد چین شدند ؛ آنان در بعضی شهرهای چین اقامت کرده ، همسر گزیده و از نسل ایشان کسانی زاده شدند، سپس در جریان آمیختن آنها با ملیتهائی از قبیل "هان" و " مغول " و " ایغور" ملیت هوی شکل گرفت . هویها معتقد به دین اسلام هستند ، لذا نینگ شیا استان مسلمان نشین خوانده می شود . ملیت هوی یکی از اعضای خانواده بزرگ ملت چین برای تمدن چین بویژه نینگ شیا سهم شایانی ادا کرده است . دردوره باستانی جاده ابریشم از نین شا عبور کرد ، لذا بازرگانی دراین منطقه پیشرفته بود . امروز این منطقه با استفاده از ویژگی اسلامی فعالانه جاده ابریشم جدید را گشوده است . در سالهای اخیر ، نین شا بیش از ۱۰ گروه و جمعا بیش از ۳۰هزار نفر از مهندسان و کارکنان را برای مقاطعه کاری یا اشتغال به کار به کشورهای عربی مانند کویت ؛ یمن و مصر اعزام کرده است . تولیدات نینگ شیا با ویژگی های ملیت هوی در کشورهای عربی و ایران مورد استقبال گسترده واقع شده است . در۳۰هزار سال پیش فعالیتهای بشر در نینگ شیا مشاهده می شد . سال ۱۰۳۸ " لی یوان هائو " سرکرده ملیت " دان سیان" در این منطقه سلسله سلطنتی" دای شیا " را تاسیس کرد ، پایتخت آن " سین چین فو " در شهر این چوان امروز مرکز منطقه خودمختار نینگ شیا ایجاد شد . بعلت آنکه " دای شیا" در شمال غربی چین وکناره غربی رود زرد واقع شده بود ؛ تاریخ دانان ونسل های بعدی از روی عادت این کشور را " شیای غربی" می خوانند . شیای غربی با کشورهای " سون " و" لیائو" رویاروئی داشت . سال ۱۲۲۷ میلادی ، شیای غربی توسط سلسله یوان مغول نابود شد ، مغول ها آثار باستانی و ساختمانهای این کشور را کاملا سوزاندندو این در زمینه تحقیقات تاریخی آن کشور مشکلات زیادی فراهم آورد . اکنون علم شیای غربی شناسی به رشته علمی مورد توجه جهانیان مبدل شده و دانشمندان بسیاری کشورها در این زمینه فعالیت دارند . نام " نینگ شیا" پس از نابودی کشور " شیای غربی " شکل گرفت ، " نینگ " به زبان چینی به معنی آرامش بوده و" نینگ شیا" به معنی آرام کردن "شیا" است . در سلسله یوان پارسها ، عربها مهارجرت به نینگ شیا را آغاز کردند ، در سلسله مینگ دولت هویها را برای کشت زمین و مرزبانی به این منطقه اعزام کرد. در سلسله چینگ ایالت نین شا تاسیس شد و بزرگترین منطقه هوی نشین چین بتدریج شگل گرفت . سال ۱۹۲۹ استان نینگ شیا ایجاد شد ، سال ۱۹۵۸دولت چین نو منطقه خودمختار ملیت هوی نینگ شیا را ایجاد کرد . در نینگ شیا کوه های معروف " خه لان" و" لیو پان" وجود دارد . کوه "خه لان" در شمال غربی و کوه " لیو پان " در جنوب این منطقه قرار دارد . درمرکز و شمال این منطقه یک دشت پهناورواقع است ، از سلسله های " چین " و "هان" دو هزار سال پیش به این طرف ، مردم در دشت نینگ شیا کانالهای آبیاری ساخته، زمین ها را کشت و زرع کرده و کشاورزی را توسعه داده اند، اکنون دشت نینگ شیا به نام جنوب رود یان تسه غربی شناخته می شود . با زحمات و تلاشهای مردم در بیش از دو هزار سال گذشته این دشت به یک پایگاه مهم کشاوری در چین مبدل شده است .

منبع : بانک اطلاعات گردشگری

http://vista.ir/?view=article&id=97302

vista.ir
Online Classified Service

نیمی از مهاجران زنان هستند

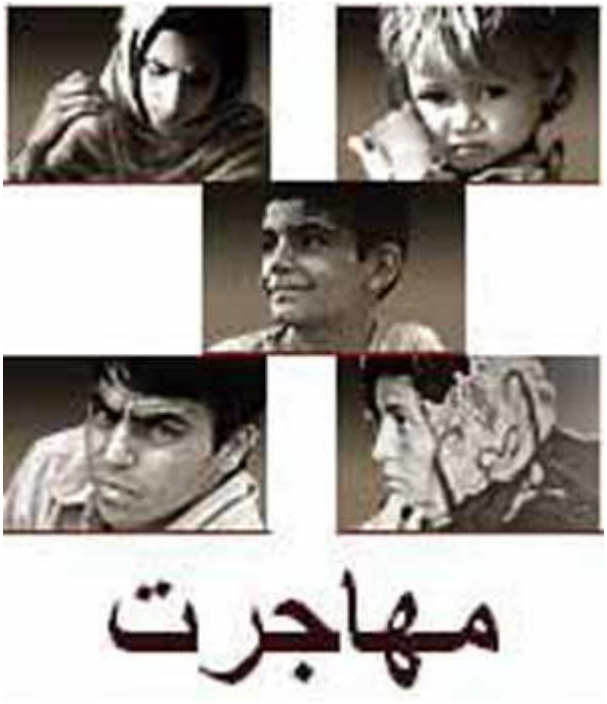

حدود نیمی از مهاجران در سراسر جهان را زنان تشکیل می دهند. آمار این گروه در کشورهای توسعه یافته بیشتر از مردان مهاجر است.

در آخرین گزارش سازمان ملل متحد در خصوص آمار مهاجرت بین المللی ضمن اشاره به این مسئله، آمار مهاجران ۱۹۱ میلیون نفر در سال ۲۰۰۵ اعلام شده که بر اساس همین آمار ۹۵ میلیون و ۵۰۰هزار نفر را زنان مهاجر تشکیل داده اند. نزدیك به شش نفر از هر ۱۰ مهاجر بین المللی معادل ۱۱۲ میلیون نفر در کشورهایی که دارای درآمد بالا هستند، زندگی می کنند. این کشورها شامل ۲۲ کشور در حال توسعه مانند سنگاپور، برونئی، کویت، قطر، کره، عربستان سعودی، امارات متحده و... می شود. در این ارزیابی اشاره شده است که یك سوم مهاجران در کشورهای در حال توسعه به سر می برند یا از کشورهای در حال توسعه دیگری آمده اند، در حالی که یك سوم دیگر در کشورهای توسعه یافته به سر می برند. بر همین اساس در سال گذشته میلادی اروپا میزبان ۳۴ درصد مهاجر، آمریکای شمالی ۲۳ درصد و آسیا ۲۸ درصد بوده اند. اما در همین حال آفریقا تنها ۹ درصد مهاجر، آمریکای لاتین، کارائیب و اقیانوسیه نیز فقط پذیرای ۳ درصد مهاجر بوده اند.

این نکته که در کشورهای مهاجرپذیر، مهاجران تازه وارد کارهای ضروری را انجام می دهند که ساکنین آن کشورها از انجام آن امتناع می کنند، نقطه نظر مشترك کارشناسان و دبیرکل سازمان ملل است.

آنها بسیاری از خدمات ویژه را ارائه می دهند که جوامع به آنها وابسته هستند. آنان از کودکان، بیماران و سالمندان مراقبت می کنند، محصول درو می کنند، به تدارك غذا می پردازند و خانه ها و ادارات را نظافت می کنند.

آنان تنها به کارهای پست اشتغال ندارند. تقریباً نیمی از آنچه بر تعداد مهاجران با سن ۲۵ سال یا بالاتر در کشورهای صنعتی در دهه ۱۹۹۰ اضافه شدند از افراد با مهارت بالا تشکیل یافته بودند. با مهارت یا بدون مهارت، تعداد بسیاری از آنان کارآفرینانی هستند که کسب و کار جدیدی را آغاز می کنند، از یك مغازه شبانه روزی گوشه یك چهارراه گرفته تا گوگل. در عین حال عده ای دیگر هنرمندان، نوازندگان و نویسندگانی هستند که به ساختن شهرهای محل سکونت جدید خود به عنوان مراکز خلاقیت و فرهنگ کمك می کنند.

مهاجران همچنین نیاز به کالاها و خدمات را افزایش می دهند، به تولید ملی می افزایند و در مجموع بیش از آنکه در ازای بهزیستی و سایر رفاهیات از دولت چیزی بستانند، به آن مالیات می پردازند و در منطقه ای مانند اروپا، جایی که جمعیت ها بسیار کند رشد می کنند یا اصلاً رشدی ندارند، کارگران جوان از خارج فرامی رسند تا به تقویت نظام مستمری بگیری که در مضیقه مالی قرار دارد، کمك نمایند.

تمامی کشورهایی که به مهاجران خوشامد می گویند و در ادغام آنان در جوامع خود موفق هستند، جزء پویاترین ها از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهان به شمار می روند.

در عین حال، کشورهای مبنا نیز از پولی که مهاجران به خانه می فرستند بهره می برند، رقمی که سال گذشته مجموعاً به حدود ۲۳۲ میلیارد دلار رسید و ۱۶۷ میلیارد دلار آن به کشورهای در حال توسعه ارسال شد. این مبلغ از نظر حجم بیش از میزان کمك رسمی ای است که در حال حاضر در مجموع از سوی کشورهای کمك کننده ارائه می شود، هر چند که به طور قطع جایگزین آن نمی تواند باشد. نه تنها دریافت کنندگان اصلی این وجوه از آن بهره می برند، بلکه آنان که کالاها و خدماتی را با پولی که از این راه خرج می شود ارائه می دهند نیز بدین ترتیب منتفع می گردند. تاثیر آن بر افزایش درآمد ملی و به حرکت درآوردن سرمایه گذاری قابل مشاهده است.

در همین خصوص آمار ارائه شده نشان دهنده آن است که سهم وجه ارسالی جهانی به کشورهای در حال توسعه از ۵۷ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۷۲ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است.

۲۰ کشور عمده دریافت کننده وجه ارسالی به وسیله مهاجران جمعاً ۶۶ درصد از وجه ارسالی مهاجران را در سال ۲۰۰۴ به دست آوردند. از این کشورها تنها هشت کشور توسعه یافته اند. یك سوم این وجوه در جهان به هند، فرانسه، چین و مکزیك فرستاده شده است.

مهاجران موفق غالباً به سرمایه گذارانی در کشورهای زادگاهشان تبدیل و مشوق دیگران در این امر می شوند و از راه مهارتی که کسب می کنند، همچنین به انتقال فناوری و دانش کمك می کنند. صنعت نرم افزاری در هندوستان عمدتاً از شبکه قوی بین دور از وطنان، مهاجرانی که به وطن بازگشته اند و کار آفرینان هندی هم در کشور و هم در خارج از کشور پا به عرصه گذارده است. پس از کار در یونان، آلبانیایی ها با خود مهارت های جدید کشاورزی به خانه آوردند که به آنان اجازه داد تولید را افزایش دهند و مثال هایی دیگر.

در بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ حداقل ۳۵ طرح در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته برای تبدیل وضعیت مهاجران از حالت غیرعادی به وضعیت منطبق با قواعد ملی به مورد اجرا گذاشته شده و در مجموع این طرح ها وضعیت حداقل پنج میلیون و ۳۰۰ هزار مهاجر قانونمند شده است.

براساس آمار منتشر شده در مورد مهاجران تحصیلکرده بین ۳۲ تا ۵۵ درصد از مردم تحصیلکرده آنگولا، بروندی، غنا، کنیا، موزامبیك، اوگاندا و... در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه زندگی می کنند.

تقریباً شش نفر از هر ده مهاجر با تحصیلات عالی ساکن در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۰۰ اهل کشورهای در حال توسعه هستند.

در این گزارش همچنین به این موضوع که مهاجرت جنبه منفی نیز دارد، توجه شده و کارشناسان و فعالان این حوزه بهترین راه برای مقابله با این مشکلات را مدیریت صحیح دانسته اند.

کوفی عنان نیز در این رابطه می گوید: مهاجرت یك حقیقت زندگی است . متوقف کردن آن امکان پذیر نیست. مدیریت بهتر است. مهاجرت می تواند انجام شود و منافعی برای همه به ارمغان آورد، به دور از اینکه یك بازی بدون نتیجه باشد.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=226268

vista.ir
Online Classified Service

ورزش و گردشگری

براساس برنامه چهارم توسعه، کشور ایران باید تا پایان سال ۱۳۸۸ سالانه میزبان حداقل ۵ میلیون گردشگر باشد، رقمی که باید تا پایان سال ۲۰۲۴ به رقمی معادل ۲۰ میلیون نفر در سال برسد و در این میان نمی توان از سهم و جایگاه ورزش و برگزاری تورنمنت های ورزشی به سادگی گذشت.

کافی است به درآمدهای نجومی که پس از برگزاری هر تورنمنت بین المللی نصیب کشورهای میزبان می شود، نگاه دوباره داشته باشیم تا بیشتر پی به اهمیت این موضوع ببریم. به عنوان مثال می توان به برگزاری جام جهانی ۲۰۰۶ در آلمان اشاره کرد.

با برپایی رقابت های جام جهانی ۲۰۰۶ در آلمان، میلیون ها توریست و هوادار راهی این کشور شدند که این امر سودی حدود ۲/۸۶ میلیارد یورو نصیب مردم این کشور کرد. گفته می شود تأثیرات مثبت اقتصادی این میزبانی تا سال ۲۰۰۸ به طور ناخالص حدود ۳/۸۸ میلیارد یورو برآورد شده

است. اگر هزینه ای که دولت آلمان برای این بازی ها متقبل شده را از این مبلغ کسر کنیم باز هم به این نتیجه خواهیم رسید که میزبانی جام هجدهم برای آلمان موفقیتی اقتصادی به حساب می آید، البته این رقم تنها در بخش گردشگری برای ژرمن ها محقق شده است و هنوز آمار مربوط به رونق صنایع و تجارت در این کشور به واسطه برگزاری رقابت های جام جهانی ۲۰۰۶ منتشر نشده است و کارشناسان اقتصادی این کشور ارقام اعجاب آوری را برای این بخش ها تخمین می زنند.

این در شرایطی است که درآمد کشورهای پیشرفته جهان از محل توریسم ورزشی سالانه چیزی بیش از ۲۰ میلیارد دلار است و کشور ما با وجود همه جاذبه های توریستی و اکوتوریستی و قرار گرفتن در میان ۵ کشور اول جهان از نظر داشتن آثار باستانی و میراث فرهنگی چندین هزار ساله، بهره چندانی از توریسم ورزشی نبرده و نمی برد.

- ارقام نجومی

در این باره بد نیست به مثالی که سیدعلی موسوی نایب رئیس انجمن ورزشی آیکیدوی ایران می زند نیز توجه کنیم. او در مقاله ای که به روزنامه ارسال کرده است می نویسد: «امروزه در صنعت گردشگری، توریسم ورزشی دارای اهمیت ویژه ای است و در کشورهای پیشرفته بهره شایانی از این امر می برند و برای آن برنامه ریزی می نمایند.

به طور مثال در منطقه یورکشایر در انگلستان برای المپیك سال ۲۰۱۲ که در آن کشور برگزار می شود پیش بینی شده است مبلغ ۶۰۰ میلیون پوند سود نصیب انگلیسی ها می شود. از جمله منابع درآمدی که می توان به آن اشاره کرد آگهی های شرکت ها در بازی های المپیك است. چنانکه برای نمونه بانك بارکلی که یك بانك بریتانیایی است رکورد جدیدی را برای به دست آوردن تبلیغات ورزشی پرداخت کرده است. این بانك مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار هزینه کرده است تا برای ۲۰ سال نام خود را بر روی تابلوی استادیوم ورزشی آره نا به ثبت برساند».

و این مثال ها البته مشتی است نمونه خروار، به تازگی دولت های چین و یونان درباره همکاری در عرصه گردشگری در چارچوب رقابت های المپیك ۲۰۰۸ پکن به توافق رسیدند. به نوشته روزنامه «ورزش چین»، «شائوچی وی» رئیس اداره گردشگری چین و «فانی بالی پترالیا» وزیر جهانگردی یونان در این باره قراردادی در پکن به امضا رساندند.

براساس این توافق میزبان المپیك آتن در سال ۲۰۰۴ میلادی، تجربیات خود در بخش گردشگری را در اختیار پکن میزبان المپیك ۲۰۰۸ می گذارد. آمار نشان می دهد در سال ۲۰۰۴ میلادی ۱۸ میلیون جهانگرد خارجی به یونان سفر کردند که در مقایسه با سال ۲۰۰۳ میلادی یك افزایش ۱۵ درصدی داشته است.

همچنین درآمد ارزی یونان از قبال سفر گردشگران خارج به این کشور در سال ۲۰۰۴ میلادی به ۱۳ میلیارد یورو رسید و ۱۴ درصد فزونی گرفت. این در شرایطی است که گردشگری صنعت زیربنایی یونان محسوب می شود و بخش عمده ای از درآمد دولت این کشور را تأمین می کند.

- اهمیت توریسم ورزشی

برای درك اهمیت توریسم ورزشی بهتر است مثالی بزنیم. فرض کنیم قرار است یك تورنمنت بین المللی ورزشی در ایران برگزار شود. اگر قرار باشد در این تورنمنت ۱۶ تیم شرکت داشته باشند و برای هر تیم تنها ۱۰ هزار نفر تماشاچی راهی ایران شوند بیش از ۱۵۰ هزار نفر وارد ایران می شوند تا بازی های این تورنمنت فرضی را از نزدیك تماشا کنند.

آنها با ورودشان به ایران اگر روزی تنها ۱۰۰ دلار هزینه کنند و مدت این تورنمنت فرضی ۳۰ روز باشد، چیزی بیش از ۴۵۰ میلیون دلار درآمد نصیب کشورمان خواهد شد و این البته تنها بخش کوچکی از درآمدهای اقتصادی ناشی از یك تورنمنت بین المللی ساده و کوچك خواهد بود و تأثیرات دیگر این ماجرا خودش هفت من مثنوی می طلبد.

در این باره رئیس آکادمی ملی المپیك می گوید: «گردشگری ورزشی در حال حاضر یکی از بخش های مهم ورزش محسوب می شود. در رویدادهای جذاب، مردم با فرهنگ و قابلیت های کشورهای میزبان آشنا می شوند و این موضوع می تواند به طور خاص در کشورهای اسلامی هم دنبال شود». سیدامیر حسینی معتقد است: «کشورهای مسلمان می توانند با برگزاری و تعریف برنامه های ورزشی مشترك، قابلیت های خود را در سراسر دنیا معرفی کرده و در نهایت گردشگری خود را رونق دهند».

دبیرکل فدراسیون بین المللی ورزش های زورخانه ای می گوید: «در اواخر قرن ۱۹ گسترش رویدادهای ورزشی زمینه رشد توریسم را بویژه در کشورهای غربی فراهم کرد. اکنون نیز کشورهای اسلامی می توانند با استفاده از این قابلیت، گردشگران را به خود جلب کنند». او ادامه می

دهد: «مسابقات ورزشی این چنینی می تواند به رونق اقتصادی و تبادل فرهنگ ها منجر شود و برای مردم محلی نیز مفید خواهد بود».

با این همه توسعه توریسم ورزشی در ایران اما و اگرهایی دارد که پرداختن به آنها ضروری است. یکی از این اما و اگرها نداشتن برنامه استراتژیك برای گردشگری و گردشگری ورزشی در ایران است که موجب شده در ایران بسیاری تعریفی معین و مشخص از گردشگری ورزشی با توجه به قابلیت هایش نداشته باشند. دکتر حمید قاسمی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد، با تأکید بر اهمیت تدوین طرح جامع گردشگری ورزشی یکی از موارد رشدنیافتگی این بخش در میان فدراسیون ها را نبود برنامه جامع می داند و می گوید: «نداشتن سیاست واحد برای پیشبرد گردشگری ورزشی در کشور سبب شده است بخش های مختلف ورزشی تك بعدی و منفرد برنامه های خود را پیش ببرند».

او همچنین تعاریف گردشگری ورزشی را برآمده از فرهنگ هر کشور عنوان می کند و می افزاید: «نداشتن فرهنگ و برنامه ریزی استراتژیك برای گردشگری و گردشگری ورزشی سبب شده است ایران تعریفی از گردشگری ورزشی خود با توجه به قابلیت هایش نداشته باشد.» قاسمی با اعلام این که گردشگری در ۲ دهه آینده صنعت اول جهان خواهد بود، می گوید: «ایران نتوانسته از قابلیت های گردشگری خود برای رشد فرهنگ و اقتصاد خود بهره ببرد».

البته مسئولان و دست اندرکاران امر ورزش در سال های اخیر پی به اهمیت این موضوع برده اند و در همین راستا کمیته بین المللی المپیك (ICO) و سازمان جهانی جهانگردی، کنفرانس های بین المللی را برای تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به توریسم ورزشی در خلال بازی های المپیك برگزار و برای اخذ تفاهم نامه مشترك میان دو سازمان تلاش می کنند. به تازگی هم سند همکاری متقابلی میان کمیته ملی المپیك ایران و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در راستای توسعه پایدار گردشگری ورزشی منعقد شده است و البته کمیسیونی در کمیته ملی المپیك ایران تشکیل شده که در این رابطه عمل می کند.

توریسم ورزشی در برخی از کشورهای جهان چنان دارای اهمیت است که در برخی از آنها فعالیت های مربوط به توریسم و ورزش در قالب یك وزارتخانه ویژه به نام Sport Tourism امور مربوطه را برنامه ریزی و اجرا می کند. همچنین سازمان ملل از سال۲۰۰۱ تاکنون سال های جهانی برنامه خود را با عنوان سال جهانی توریسم- اکوتوریسم و سال ورزش نامگذاری و معرفی نموده است. حال با در نظر گرفتن مطالب عنوان شده و با مطالعه سیاست های عمومی (کلان) می توانیم بسیاری از موضوعات مهم را مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

موضوعاتی که مورد علاقه و توجه بسیاری از گروه های بانوان است. از بخش توریسم سازمان ها و دانشجویان جهانگردی گرفته تا آن دسته از پژوهشگرانی که در زمینه مربوطه و حتی به ظاهر غیرمربوط به جهانگردی تحقیق می کنند. (اقتصاد، جغرافیا، تاریخ، جامعه شناسی و...)این موضوعات مهم عبارتند از: طبیعت سیاسی فرایند سیاست گذاری توریسم- مشارکت مردم در برنامه ریزی و سیاست گذاری توریسم- منابع قدرت در سیاست گذاری توریسم- شیوه و نوع انتخاب مدیران دولتی در محیط های سیاسی- اثر بخشی سیاست های ترویسم. بنا بر عقیده بسیاری از کارشناسان صنعت گردشگری، توریسم دانشی چندرشته ای است که اگر بدون انسجام تجزیه وتحلیل سیاسی دقیق، توسعه و تکامل یابد قطعاً کامل نمی گردد. یکی از این رشته ها توریسم ورزشی و یا به بیانی دیگر گردشگری ورزشی است.

موضوعی تلفیق شده از دو صنعت جذاب ورزش و گردشگری، صنعتی که بسیاری از کشورهای دنیا سرمایه گذاری های کلان را برای توسعه آن انجام می دهند چرا که اثرات ورزش و جهانگردی بر اقتصاد کشورها تأثیرگذار است. بنابراین با وجود اختلاف ظاهری ورزش و گردشگری باید به قرابت بیش از پیش این دو مقوله به یکدیگر اذعان داشت زیرا با توجه به ۳ عنصر مهم توریسم یعنی «جاذبه های فرهنگی، طبیعی و ورزشی» که به عبارتی سه موتور توسعه پایدار محسوب می شوند رشد قابل توجه توریسم در ۵۰ سال گذشته یکی از مهم ترین پدیده های اقتصادی و اجتماعی در قرن بیستم بوده است.

از سوی دیگر فرار انسان ها از زندگی ماشینی و تمایل به انجام فعالیت های ورزشی و تفریحی در طبیعت بستر مناسبی را برای سرمایه گذاری در صنعت توریسم فراهم آورده زیرا براساس برآورد سازمان جهانی جهانگردی ۱۲ میلیارد دلار درآمد حاصل از همین موضوع بوده است. بنابراین قرن ۲۱ قرن برداشتن گام های طلایی برای حفاظت از طبیعت معنویت و سلامت است و در این راستا جوامع انسانی و همچنین بانوان نقش بسیار سازنده ای به سوی آینده خواهند داشت.

- توریسم ورزشی چیست و توریست ورزشی کیست؟

مشارکت در حرکت های مختلف ورزشی فعال و یا غیرفعال و طریق سازماندهی عوامل اقتصادی- تجارتی از کشور مبدأ به کشور مقصد و سفرهای پیش آمده در این میان را توریسم ورزشی می نامند. توریست ورزشی شخصی است که توسط یك تور ورزشی از رشته ورزشی مورد دلخواه به عنوان تماشاچی همانند بازی های آسیایی، جهانی، بازی های المپیك و یا بازی های ویژه بانوان بازدید نماینده و یا تمایل دارند در رویدادهای

ورزشی مشارکت نمایند. توریست های ورزشی می توانند براساس اهداف ورزشی به ۳ طبقه تقسیم شوند.

الف) مشارکت کنندگان در رویداها (ورزشکاران).

ب) تماشاچیان ورزشی

ج) عاشقان ورزشی

مشارکت کنندگان ورزشی به آن دسته از اشخاص گفته می شود که هدف از سفر آنها مشارکت در رویدادهای ورزشی سازماندهی شده باشد (رقابتی یا غیررقابتی) . تماشاچیان آن دسته از افرادی هستند که هدف از سفر برای آنها حضور در رویدادهای ورزشی است.

عاشقانه ورزشی آن دسته از اشخاص هستند که هدف از سفر برای آنها حضور در رویدادهای ورزشی است که خود تدارکات آن را مهیا ساخته اند.

با توجه به منابع موجود در کشور می توان راه را برای توسعه این صنعت گشود و همچنین با توجه به رشد جمعیت برای غنی سازی اوقات فراغت بانوان و خانواده ها، برنامه ریزی های بسیار انجام داد زیرا ایران با گستردگی خاك خود امتیازات طبیعی و ورزشی بی شماری دارد و قادر است برای جذب گردشگران ورزشی مطرح باشد.

در این میان آنچه که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، جاذبه های گردشگری بی شمار کشور ایران است که به گواهی همه کارشناسان گردشگری داخلی و خارجی کشور ما را در ردیف ۱۰ کشور پرجاذبه دنیا قرار داده است و برگزاری تورنمنت های رده بالای جهانی می تواند کارکرد بسیار مؤثری در شناخته شدن هر چه بیشتر این جاذبه ها داشته باشد. در این باره دبیر کمیته راهبردی گردشگری ورزشی کشور با اشاره به محور قرار گرفتن ایران در کمیته بین المللی گردشگری ورزشی می گوید: «برای جلب نظر کشورهای دنیا به توریسم کشورمان، ضروری است به صورت حرفه ای وارد این مقوله شویم که تشکیل کمیته بین المللی ورزشی و در کنار آن برپایی همایش های بین المللی زمینه تعاملات بیشتری را در عرضه بین الملل برای کشور و صنعت گردشگری ما به ارمغان خواهد آورد.»

دکتر اسرافیل شفیع زاده، مدرس دانشگاه و عضو هیأت مدیره انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی کشور و رئیس هیأت مدیره شرکت یاسمین پارسه که در زمینه جذب گردشگران بین المللی فعال است نیز درباره پتانسیل های موجود در کشور ما برای توریسم ورزشی می گوید: «قاعدتاً در مورد توریسم ورزشی، ما امکانات زیادی به شکل طبیعی در اختیار داریم. وقتی ما راجع به توریسم ورزشی صحبت می کنیم نگاه همه ما متوجه پیست های اسکی است که می تواند زمینه خوبی برای توسعه فعالیت های ورزشی زمستانی باشد. یا نوعاً فعالیت هایی که تأکیدش بر استفاده از منابع آبی است.

مانند ورزش قایقرانی، چنین پتانسیل هایی در کشور ما وجود دارد و همین طور فعالیت هایی که به شکل سازمان یافته در قالب فعالیت های ورزشی در رودخانه ها و آب راه ها می تواند شکل بگیرد. این ها همه فرصت های خوبی در اختیار می گذارد که در فصول مختلف از این پتانسیل ها می توان بهره های بیشتری گرفت. می توانیم این موضوع را در نظر بگیریم که بسیاری از تیم های ورزشی مانند تیم های فوتبال، اردوهای خودشان را در فصول مختلف در کشورهای مختلفی برگزار می کنند.

مثلاً ایران به دلیل تنوع آب و هوایی، می تواند این امکان را در اختیار بسیاری از تیم های آسیایی و اروپایی قرار دهد تا آنها بتوانند اردوهایشان را در ایران برگزار کنند. مشروط بر این که از نظر زیرساخت ها سرمایه گذاری های مناسب صورت بگیرد و به نوعی زمینه جذب این تیم ها فراهم شود.

شما می دانید در ترکیه سرمایه گذاری های بسیار خوبی در زمینه ایجاد اردوهای ورزشی صورت گرفته و ترکیه مقصد مهمی برای ایجاد اردوهای تیم های ورزشی محسوب می شود. طبیعی است که در کشور ما هم چنانچه مدنظر است از پتانسیل های موجود در حوزه توریسم ورزشی بهره گیری شود. قاعدتاً باید شرایط و فضای مناسب برای آن فراهم شود.

رئیس کمیته ملی المپیك نیز در باره توریسم ورزشی می گوید: «ورزش زمینه بسیار خوب و مناسبی برای جذب و توسعه توریسم است.» دکتر قراخانلو ادامه می دهد: «اهمیت توریسم در منطقه و جهان مسأله بسیار مهمی است و ما اکنون شاهد تبلیغات وسیع کشورهای آسیایی کوچك و منطقه برای جذب توریسم هستیم. ما نیز با توجه به منابع و ارزش های کشور خود در زمینه جذب توریسم باید گام های بسیاری برداریم.»

او معتقد است: «ما در کمیته ملی المپیك با تشکیل کمیسیونی به نام توریسم ورزش این مسأله را به جدیت پیگیری می کنیم و با هماهنگی های لازم و تأکیدات سازمان تربیت بدنی بر این مهم سعی داریم که با تشکیل کمیته هایی در فدراسیون های ورزشی در جذب توریسم ورزشی قدم برداریم.» رئیس کمیته ملی المپیك در ادامه خاطرنشان می کند: «ما باید میهمانان ورزشکاران خارجی را که برای مسابقه ها به ایران می آیند تبدیل به توریسم ورزشی کنیم و همچنین به ورزشکاران خود الزام کنیم تا در مسابقه ها برون مرزی ضمن آشنایی با آداب و سنن آن کشور ها، فرهنگ خود را معرفی نمایند.»

بد نیست این نوشته را با بخش دیگری از مقاله ارسالی سیدعلی موسوی قمی نایب رئیس انجمن ورزشی آیکیدوی ایران به پایان ببریم. او با تشریح فواید برگزاری تورنمنت های بزرگ بین المللی برای کشورهای میزبان به نکته جالبی درباره ایران اشاره می کند. می نویسد: « توجه به امکانات و زیرساخت های موجود در هر کشور از نکات مهم و کلیدی است که هرگز نباید مورد غفلت واقع شود. در کشور پهناور ما نیز در کنار هزاران نوع جاذبه جهانگردی و تاریخی که وجود دارد و موجب افتخار ایران و ایرانی است، از لحاظ پتانسیل های لازم جهت راه اندازی فعالیت های مختلف ورزشی در سطح ایده آل و مطلوبی قرار داریم. به نحوی که متأثر از ظرایف متنوع اقلیمی، توانایی راه اندازی و ایجاد سایت های بسیار عظیم و مجهز ورزشی در کشور و در نقاط مختلف وجود دارد.

ولی عملکرد ضعیف برخی ازمدیران سازمان تربیت بدنی نشان دهنده آن است که ما در اجرای مواردی از برنامه های ورزشی بسیار نامطلوب عمل کرده ایم و حتی در مواردی برنامه ریزی نداشته و نداریم که مدیریت ورزش کلان کشور باید به این امر توجه وافری نماید.»

به هر حال برگزاری تورنمنت های ورزشی آن هم در سطوح بالای بین المللی و تحولات عظیم و مثبت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ورزشی که برای کشور میزبان به ارمغان می آورد، به قدری برای کشورهای توسعه یافته و مترقی اهمیت دارد که بسیاری از دولتمردان این کشورها برای به دست آوردن میزبانی رقابت هایی همچون المپیك، جام جهانی و مسابقات منطقه ای و قاره ای به انواع راه ها و روش ها متوسل می شوند. تا جایی که حتی حاضرند از راه های غیر قانونی نیز برای رسیدن به این موفقیت استفاده نمایند.

منبع : روزنامه ایران

http://vista.ir/?view=article&id=271418

vista.ir
Online Classified Service

وضعیت عمومی منابع گردشگری

چین دارای کوهها و رودهای قشنگ و زیبا و فرهنگ درخشان باشکوه وکثیر المله با عادات و رسوم متفاوت است این کشور در عین حال نیروی بالقوه ای برای توسعه دارد. به دنبال توسعه اقتصادی و گشایش بیش از پیش درهای باز در چین ، گردشگری و چین گردی نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است . هم اکنون تعداد مناظر زیبا در مناطق سراسر کشور فزونی گرفته وساختارهای زیربنایی به طور مستمر افزایش می یابد و شمار جهانگردان نیز سال به سال بیشتر می شود. تنوع منابع چین گردی زیاد و انواع ان فراوان است . به لحاظ چشم انداز عوارض زمین ، نگرش به اعماق دریاچه "ا دین " واقع در حوضه تورفان که از سطح دریا پائین تر است ، تا قله اورست بلندترین قله جهان با ارتفاع ۹۰۰۳ متر بیانگر بی نظیر بودن مناظر و طبیعت زیبای چین است. منابع اب و هوایی چین نیز متغیر است . چین دارای آب و هوایی چهار فصل است و در بعضی نقاط آن به فاصله تنها چند کیلومتر چند نوع آب و هوا وجود دارد . چین یکی ازمنشاهای تمدن های جهان و دارای تاریخ و فرهنگ درخشان است و میراث گرانبهای آن سینه به سینه نقل شده و به منابع گردشگری فوق العاده پرارزش تبدیل شد ه است. از زمان تاسیس چین نو در سال ۱۹۴۹ میلادی تا به حال در میان ۳۴ واحد اداری در سطح استان ، ۲۹ خرابه مربوط به عصر حجر کشف گردیده است . در میان بسیاری اثار دیدنی و مکان های باستانی چین ، مجسمه های سربازان و اسبان سفالی امپراتور چین شی خوان ، یکی از ۸ اعجازجهان شناخته می شود و موزه مربوط به آن نیز سالانه توجه بیش ازیک میلیون گردشگر را به خود جلب می کند. نقاشی های دیواری در غارهای سنگی "دون هونگ " انبار گنجینه هنر جهان دانسته می شود .دیوار چین در این کشور شهرت جهانی دارد و هر گردشگر خارجی که به دیدن چین می اید از آن بازدید می کند . به علاوه در چین ۵۶ ملیت زیست می کنند و هر یک از انان دارای تاریخ و فرهنگ و عادات و رسوم مخصوص به خود است که به چشم انداز انسانی غنی و رنگارنگی تبدیل شده است .

منبع : رادیو بین‌المللی چین

http://vista.ir/?view=article&id=9201

وقتی رویای مهاجرت به غرب کابوس می شود

وقتی نقطه‌های نارنجی دیگری روی صفحه رادار روشن می‌شود، ناخدا به آرامی با فشار یک دکمه موتورهای لامبرو خود را روی ۳۰ گره دریایی تنظیم می‌کند. دوساعت از یک گشت شبانه گذشته، قایق گاردساحلی به هدف ناپیدای خود درتنگه باریکی که جزیره یونانی لسبوس را از سرزمین اصلی ترکیه جدا می‌سازد نزدیکتر می‌شود. این قایق ۱۱ متری با نزدیک شدن به شکارش حرکت خود را کند می‌کند، و چهار ملوان یونانی‌اش در جلو قایق جمع می‌شوند.

یکی از مردان نورافکن‌های لامبرو را روشن می‌کند. ۵۰ پا دورتر دروسط دریا ۵ مرد جوان که پایین و بالا می‌روند جلو چشم‌هایشان را از نور ناگهانی نورافکن می‌گیرند. نزدیکتر که می‌شوند روشن می‌شود آنها در این شب سرد، تنها لباس شنا و زیرپیراهن به تن دارند و بر یک قایق بادی آبی و زرد که با دو پاروی آلومینیومی و پلاستیکی حرکت می‌کند، سوار هستند.

آنها درحالیکه چشم‌هایشان ازترس ازحدقه درآمده و از سرما می‌لرزند به داخل قایق گارد ساحلی آورده می‌شوند. یکی ازملوانان یونانی که دستکش پلاستیکی پوشیده و چراغ قوه‌ای در دست دارد به انگلیسی شکسته بسته‌ای با آنها صحبت می‌کند. او می‌پرسد «از کجا می‌آئید؟» یکی ازمردان به آرامی پاسخ می‌دهد و می‌گوید از افغانستان، و بقیه حرف او را تکرارمی کنند. هیچ یک ازآنها اسناد شناسایی ندارند. ساعت از یک بعدازظهر گذشته است و فرمانده گارد ساحلی با یک برآورد تقریبی حساب می‌کند قایق ۴ساعت قبل سواحل ترکیه را ترک کرده است. مردان بیش از نیمی از تنگه را تا چند صد یارد داخل آب‌های ارضی یونان پارو زده‌اند. آنها زنده به اروپا رسیده‌اند. ۵ دقیقه بعد رادار یک قایق بادی دیگر را با ۵ مرد جوان دیگر ردیابی می‌کند و ماجرا تکرار می‌شود. در حالیکه ناخدا لامبرو را به طرف ساحل برمی‌گرداند. به ۱۰ مرد گفته می‌شود در عرشه روی چهار تهویه هوای داغ بنشینند تا گرم شوند.

این صحنه که اوایل اکتبر در نزدیکی «مای‌تیلن» مرکز بندری لسبوس اتفاق افتاد، هرشب در آب‌های اژه یونان که یک سوراخ جدید درآن در مرز بین اروپا وبخش‌های فقیر و جنگ زده آسیا و خاورمیانه بازشده است تکرار می‌شود.

با افزایش شمار مردمی که از عراق، افغانستان و قفقاز می‌گریزند، قاچاقچیان انسان شروع به استفاده از مسیر ساحل جنوب غربی ترکیه به چند جزیره شرقی یونان به عنوان درعقبی به خاک اروپا کرده‌اند که این مسیر جدیدی را به مسیرهای شناخته شده ترشمال آفریقا به سیسیل، لمپدرسا، مالت و جزایر قناری اضافه می‌کند. شمار مهاجران غیرقانونی که وارد یونان می‌شوند طی سال گذشته افزایش یافته است. پروکوپیس پاولوپولس وزیر کشور یونان پیش‌بینی می‌کند ۱۵۰ هزار نفر از آنها هنگام ورود غیرقانونی به یونان درسال ۲۰۰۸ گیر خواهند افتاد که این رقم ۳ برابر رقم ۵ سال پیش است. هزاران نفر نیز احتمالاً به طور مخفی وارد خواهند شد. پاولوپولس می‌گوید «ما با یک حالت اضطراری روبرو هستیم. در حال حاضر یونان بزرگترین مشکل مهاجرت را در اروپا دارد.»

- کنترل ازدست رفته

یونان که در محل تقاطع سه قاره واقع شده است دارای یک تاریخ طولانی مهاجرت است. یونان دردهه ۱۹۹۰ مقصد هزاران نفر بود که از جنگ در یوگسلاوی سابق می‌گریختند. اما آنچه اکنون دارد اتفاق می‌افتد بزرگتر و پیچیده‌تر است.

شما از بندر مای‌تیلن می‌توانید چراغ‌های شهرساحلی دیکیلی را که در افق چشمک می‌زنند ببینید. جلوتر به طرف شمال که تنگه بین دوکشور باریک می‌شود و عرض آن تنها به ۳ کیلومتر می‌رسد، قاچاقچیان، مهاجران را با جت اسکی مثل برق رد می‌کنند. اما شکل معمول حمل و نقل، یک قایق بادی زهوار دررفته یا قایق موتوری فرسوده با جمعیتی بیش از ظرفیت‌شان که باید پس از عبور ـ اگر قایق و مسافرانش موفق شوند ـ رها شود، است. در ماه اکتبر در ۳ حادثه جداگانه، مسئولان یونان و ترکیه ۱۸ جنازه پیدا کردند، اتحادیه اروپا تخمین می‌زند سالانه ۳۰۰۰ نفر یا بیشتر در تلاش برای ورود غیرقانونی به اروپا ازطریق دریا جان خود را ازدست می‌دهند. یکی از ملوانان پیش از آغاز گشتی که من هم همراهش بودم سرش را تکان داد و اوضاع را در یک کلمه ساده خلاصه کرد: «هرج و مرج»

در مورد ۱۰ مردی که ازکلک‌های لاستیکی‌شان گرفته شدند، آنها پس ازگذراندن بقیه شب در یک وانت پلیس، برای مدتی بین ۱۵ تا ۴۵ روز به یک زندان جزیره‌ای شلوغ فرستاده شدند و پس ازآزادی احتمال می‌رود مسئولان یک دستور اخراج ۳ روزه و یک بلیط رایگان به آتن به آنها بدهند. اما اخراج خیلی نادراست، بنابراین آنها به یک موجود مخفی تبدیل می‌شوند. بعضی ممکن است در یونان بمانند، اما بیشترشان در جستجوی کار درکشورهای اروپایی به شمال و غرب عزیمت خواهند کرد.

در ماه سپتامبر مسئولان در لسبوس ۱۸۸۶ مهاجر غیرقانونی را دستگیرکردند. این رقم در ماه مشابه سال گذشته ۹۲۵ نفر و در سپتامبر سال ۲۰۰۶ تنها ۸۷ نفر بود. آناناسیوس اسکاراکاکیس ۵۳ ساله، یک ماهیگیر ساردین مای تیلن، مرتب هروقت که مهاجران را می‌بیند به گارد ساحلی بی‌سیم میزند، و باوجود اینکه برای مردمی که آنقدر مستاصل هستند که جان خودرا باچنین قایق‌های قراضه‌ای به خطر می‌اندازند احساس ناراحتی می‌کند، نگران اثری است که ورود آنها بر کشورش می‌گذارد. او می‌گوید: «ما به‌زحمت شکم مان را سیرمی کنیم، آنها چکار خواهندکرد؟ آنها کجا خواهندرفت.»

آنهایی که موفق می‌شوند ازدست گارد ساحلی بگریزند، معمولاً سروکارشان به‌هرحال با پلیس می‌افتد، و سر از بازداشتگاه دولتی جوانان بر روی یک تپه خاکی در دو مایلی بندر مای‌تیلن درمی‌آورند. شرایط دراین ساختمان ویژه که قبلاً یک انباربوده، هواداران حقوق بشر را نگران کرده است.

آنها می‌گویند زندانیان از مراقبت‌های بهداشتی صحیح محروم‌اند و انبار غیربهداشتی است. اما مسئولان یونانی ادعا می‌کنند این مرکز به تازگی بهبود داده شده و اتاق خواب‌های جدیدی به آن اضافه شده‌اند و به علاوه مقرراتی وضع شده است که استفاده بیشتر از فضای باز را اجازه می‌دهد. عملیاتی نیزبرای ساخت چند مرکز جدید برای کاهش مشکلات موجود در جریان است. با این حال گیورگوس کارامالیس رئیس عملیات حفاظت غیرنظامی در مای‌تیلن اعتـــراف می‌کند که برای مقابله با سیل ورود مهاجران تقلا می‌کند. کارامالیس می‌گوید او تعداد کارکنان این بازداشتگاه دوطبقه را به دوبرابر ظرفیت ۳۵۰ نفری آن افزایش داده است، یا سعی می‌کند - اغلب بی‌فایده - اتاق‌هایی درهتل برای بازداشت‌شده‌ها اجاره کند. او می‌گوید: «ما گزارش‌هایی در باره صدها هزار نفر که در سواحل ترکیه منتظرند تا از دریا بگذرند دردست داریم، شمار آنها آنقدر زیاد است که مـــا می‌ترسیم کنترل آن را ازدست بدهیم.»

چندمهاجر که آزاد شده بودند گفتند که حمام‌ها و دوش‌های مرکز، کثیف بودند و آنها اجازه داشتند فقط برای مدتی کوتاه آن هم تنها دوبار درهفته وارد محوطه شوند.

یونان تنها به عده کمی از مهاجران غیرقانونی پناهندگی می‌دهد - یک منبع نگرانی دیگر هواداران آوارگان و حقوق بشر. سال گذشته کمتر از ۱ درصد از متقاضیان موفق به اخذ پناهندگی شدند، نرخی خیلی پایین‌تر از آلمان (۱۸ درصد) و ایتالیا (۱۱درصد) یا حتی اسپانیا (۴درصد). گیورگوس کارامالیس مدیر کمک کشور به گروه پزشکان بدون مرز می‌گوید که مسئولان یونان باید اقدام بیشتری انجام دهند. او می‌گوید: «بحث ما یک بحث سیاسی نیست، بلکه یک بحث ملی و پزشکی است. اجازه بدهید حداقل استانداردها را رعایت کنیم. ما این کار را برای بلایای طبیعی می‌کنیم. این کارآسان نیست، اما ممکن است.»

این مسأله که مهاجران غیرقانونی از ترکیه ـ دشمن قدیمی یونان می‌آیند ـ هم کمکی نمی‌کند. براساس یک موافقت نامه دوجانبه سال ۲۰۰۲ ترکیه موظف است بازگرداندن همه مهاجران بالقوه ازیونان را قبول کند، اما یونان می‌گوید می‌تواند ثابت کند که از بیش از ۲۶ هزار نفری که از مرز ترکیه گذشته‌اند تنها ۱۶۰۰ نفرآنها دریونان پذیرفته شده‌اند. الکساندروس زاووس رئیس مؤسسه سیاست‌گذاری مهاجرت یونان که می‌گوید آنکارا « به مهاجرت به عنوان یک وسیله معامله» برای عضویت در اتحادیه اروپا نگاه می‌کند، مدعی است که «آنها اصلاً همکاری نمی‌کنند.» پاولوپولوس وزیرکشور استدلال می‌کند: «ترکیه اگر می‌خواهد یک عضو اتحادیه اروپا باشد باید به قانون این اتحادیه احترام بگذارد و تا وقتی که دوست دارد این

طور عمل کند غیرممکن است بتوان حرکتی درجهت پیوستن‌اش به اتحادیه انجام داد.» مقام‌های ترکیه که خاطرنشان می‌سازند برای مقابله با سیل مهاجران تلاش می‌کنند، فقدان همکاری را رد می‌کنند و می‌گویند یونان سعی دارد بارسنگین مهاجرانی را که ممکن است قبل ازهرچیز پا به خاک ترکیه نگذاشته باشند، سبک کند.

به هرحال نقش ترکیه به عنوان یک کانال عبور آوارگان به احساسات ضدمهاجران در یونان می‌افزاید. صاحب یک فروشگاه لوازم ورزشی در محله‌ای چندملیتی دراطراف میدان اومونویا آتن می‌گوید: «از هر۱۰ نفری که از این خیابان می‌گذرد تنها یک نفریونانی است. مهاجران، هم خوب دارند هم بد. ۵ درصد خوب و ۹۵ درصد بد هستند.»

● راه ورودی به اروپا

مقام‌های یونانی می‌گویند این مشکل به اروپا تعلق دارد، نه فقط یونان. آتن می‌خواهد مؤسسه کنترل مرزی اروپا فراتکس نقش بزرگتری در آب‌های یونان ایفا کند و اخیراً تشکیل یک گارد ساحلی جدید را به اتحادیه اروپا پیشنهاد کرده است.

پاولوپولوس می‌گوید: «اتحادیه اروپا باید از مرزهای خودحراست کندوهمه اعضا باید دراین حراست شرکت کنند.» پاناگیوتیس تزیلاس فرمانده گارد ساحلی در مای‌تیلن می‌گوید نجات جان‌ها باید در اولویت قرار گیرد، اما یونان به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. تزالاس می‌گوید: «مسأله این نیست که ما چکار باید بکنیم. مسأله این است که اروپا چکار باید بکند. این مرزاروپا است.»

این مرزی که تعداد فراوانی همیشه می‌خواهندازآن بگذرند. در حالیکه اروپا دارد وارد یک دوره رکود اقتصادی می‌شود، هنوز می‌تواند فرصت‌های بهتری نسبت به مکان‌هایی که مهاجران غیرقانونی ازآنها می‌آیند ارائه دهد. سعید یک جوان دراز و لاغر ۱۸ساله، اخیراً کشورش افغانستان را ترک کرد، وبا اتوبوس، پای پیاده و تاکسی از ایران و ترکیه گذشت تا خود را با ده نفر دیگر به وسیله یک قایق موتوری کوچک به مای‌تیلن برساند. او می‌گوید این سفر با تخفیفی که از یکی از خویشان دور خود که دریک شبکه قاچاق انسان کار می‌کند گرفته، تاکنون ۳۰۰۰دلار برای او خرج برداشته است.

سعید پس ازیک ماه دریک بازداشتگاه جوانان سواربریک موتورلنج درحالیکه آفتاب دارد در اژه غروب می‌کند عازم آتن است. برادر او که ۲۹ سال دارد یک دهه قبل خود را از طریق روسیه به اروپا رساند، در هلند مستقر شد و اکنون درآنجا یک خیاط است. سعید درحالیکه برای خواب برروی کف قایق آماده می‌شود پلوور اسکی‌اش را که قبل ازعبور از کوههای ترکیه به مبلغ ۶۰ دلار خریده بود نشان می‌دهد؛ یکی از آستین‌هایش پاره شده است. سعید می‌گوید: «اما گرم است. و گرم بودن خیلی مهم است.»او در حالیکه دستور اخراج ۳۰ روزه‌اش را که به زبان یونانی نوشته شده است بیرون می‌کشد گزینه‌های خود را سبک سنگین می‌کند. او می‌خواهد هرچه زودتر یونان را به قصد هلند ترک کند، اما نمی‌داند چگونه: هواپیما، قطار، قایق. او می‌گوید: «نمی‌دانم چطور، اما باید غیرقانونی باشد.» و دستور اخراج را به جیب جلو شلوار جین رنگ باخته‌اش که تمام راه از قندهار به تن‌اش بوده است بازمی‌گرداند.

منبع : روزنامه اطلاعات

http://vista.ir/?view=article&id=364612

vista.ir
Online Classified Service

وقتی زمان و مکان فراموش می‌شود

اینجا به هیچ مکان و زمان و تمدنی تعلق ندارد، گویی که این خشت‌ها همیشه تاریخ، این چنین پابرجا بوده و با تو از روزگاران نامده و رفته، سخن گفته‌اند.

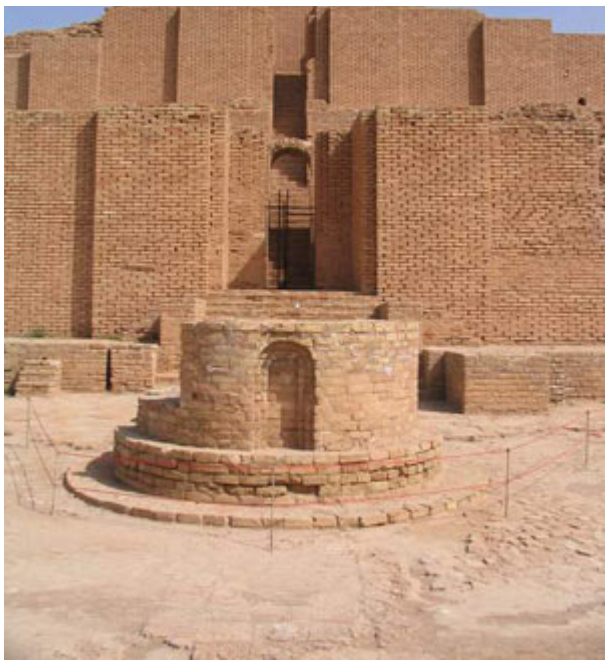

بنای مقدسی که روبه‌روی توست و از فرش به عرش کشیده شده و هزاران سال چون کوهی استوار، پابرجا باقی مانده، زیگورات چغازنبیل است.

تا هنوز هوای خوزستان بهاری است باید این فرصت را غنیمت شمرد. هنوز هم باید مقصد را از قبل روی نقشه تعیین کرده باشید وگرنه در فاصله شوش – اهواز فقط یک تابلو و آن هم با عنوان « چغازنبیل – ۲۵ » کیلومتر بعد از آنکه حدود ۱۰ کیلومتر از شوش به سمت اهواز خارج شدید وجود دارد. هنوز هوا آنقدر گرم نشده که سفر به شوش و چغازنبیل برایتان سخت باشد.... اگر به این مقصد رفتید بناهای جانبی آن مثل فاضلاب و تصفیه‌خانه را فراموش نکنید...

زیگورات چغازنبیل در استان خوزستان و در فاصله ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش و ۲۰ کیلومتری هفت‌تپه، در نزدیکی کرانه غربی رود دز جای گرفته است؛نیایشگاهی که در سال۱۲۵۰ پیش از میلاد و در دوره عیلامیان به فرمان پادشاه مشهور عیلامی، «اونتاش گال» (۱۲۶۵- ۱۲۴۵ پیش از میلاد) در میانه شهر «دوراونتاشی» ساخته شده تا با ما از تمدن کهن و ریشه‌دارمان سخن بگوید، تمدنی که برخی به اشتباه آن را به دوره مادها و هخامنشیان نسبت می‌دهند:« من، اونتاش-گال پسر هویانومنا، شاه اتران و شوش همین که محل شهر، محصور شد در آنجا شهر اونتاش-گال و مکان مقدس را ساخته‌ام... آن را در یک حصار بیرونی و درونی محصور کردم.شاهان قدیم نساخته بودند، من ساختم...»

بنایی که به تمامی از خشت و آجر و در زمینی به مساحت ۱۱ هزار متر مربع و در ۵ طبقه(که اکنون تنها ۲ طبقه از آن باقی مانده) ساخته شده و ارتفاع آن در زمان آبادانی به ۵۰ متر و سطح زیربنای آن به ۲۵هزارمتر مربع می‌رسیده است. معبدی که به‌صورت طبقات متداخل ساخته شده بوده و هر طبقه بالاتر و البته کوچک‌تر از طبقه دیگر بوده است؛ به عبارتی می‌توان، زیگورات را به هرم توپری مانند کرد که بنا به گفته بعضی، ۵طبقه داشته و امروز، تنها ۲ طبقه از آن باقی مانده است و بقایای طبقات بالاتر نیز به شکل تلی از خشت به چشم می‌خورد.

واژه « چغازنبیل»، از ۲بخش « چغا » به معنای تپه و زنبیل، تشکیل شده است. گویا پیش از آنکه زیگورات را از دل خروارها خاک بیرون بکشند، ویرانه‌های تپه مانندش یک زنبیل واژگونه را تداعی می‌کرده و بدین سبب بومیان، این نام را بر آن نهاده‌اند.آری زیگورات که طی قرون و اعصار زیر تلی از خاک مدفون شده بود، در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۱ توسط رومان گیرشمن، باستان‌شناس بزرگ فرانسوی، از دل خاک بیرون آمد و پاره‌ای از رازهای سر به مهر خود را آشکار کرد.

زیگورات چغازنبیل در تابستان سال ۱۳۵۷ همراه با تخت جمشید و میدان نقش جهان اصفهان، در مسیر جهانی شدن، گام برداشت و در فهرست میراث فرهنگی جهانی جای گرفت. آن زمان، کمتر کسی زیگورات را می‌شناخت یا تصویری از آن در ذهن داشت، اگرچه امروز هم، پس از گذشت ۳۰ سال، زیگورات نسبت به سایر آثار تاریخی ایران، همچنان ناشناخته است.

در سه سوی زیگورات چغازنبیل ۳ بنای کوچک آجریِ دایره‌ای شکل ساخته شده است که تنها یکی از آنها که در سوی شمال غربی قرار دارد، تا حدودی بنای شمال شرقی نیز، کاملاً از بین رفته و تنها شالوده آن باقی مانده است در باره کاربرد این ۳ بنا نظریه‌های متفاوتی عرضه شده بود. رومان گیرشمن، سرپرست هیئت کاوش چغازنبیل و نیز آندره پارو از آنها به‌عنوان «پوستامنت» به معنای پایه مجسمه نام برده‌اند. عده‌ای دیگر نیز، این۳ بنا را سکو، نیمکت، مذبح، محراب و قربانگاه دانسته‌اند.

از درهای چوبی معبد که با میله‌های شیشه‌ای تزئین می‌شده اند، چیزی باقی نمانده، اما پاشنه سنگی درها در گوشه‌ای از محوطه به چشم می‌خورد. بی‌شک دروازه‌های ورودی زیگورات شکوه گذشته را ندارند، اما هنوز هم، استوار و پرقدرت جلوه می‌کنند.

به جز این، حتی جای پای کودکان و سگان هم، بر آجر فرش‌ها به جا مانده تا حال و هوای روزگاری را که بزرگ‌ترین معبد عیلامی ساخته می‌شده، تداعی کنند. شاید آن کودک، فرزند یکی از کارگرانی بوده که پدر زحمتکش خود را یاری می‌رسانده یا بچه شیطانی که بی‌توجه به تقدس معبد و تنها از سر کنجکاوی به آن قدم گذاشته است.

- گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند...

دور تا دور زیگورات را دیواری در برمی‌گرفته که در کناره بخش شمال غربی آن، معابد کوچکی برای دیگر خدایان عیلامی «کریریشا»، «ایشنی‌کرب» و « هومبان» ساخته شده بوده است. امروز هم آن دیوارباقی است و هم بقایای معابدی که زیر سایه زیگورات، خفته بودند.مجموعه این معابد با دیوار دیگری احاطه می‌شده در پس آن، خانه‌های شهر قرار داشته ؛ شهری که دیگر چیز زیادی از آن به جا نمانده، مگر بقایای چند ساختمان و خرده سفال‌هایی پراکنده در این سو و آن سو. البته دورادور شهر نیز حصاری به طول نزدیک به ۴ کیلومتر وجود داشته که باستان‌شناسان، بقایایش را کشف کرده‌اند.

کاخ‌های شاهی، در شرق شهر قرار گرفته‌اند؛ کاخ که نه، بقایای تعدادی دیوار که به سختی می‌توان باور کرد در گذشته بارگاه دست نیافتنی شاهان عیلامی بوده‌اند و زیر همین بقایا،

۵ آرامگاه زیرزمینی کشف شده است که احتمالا از آن خانواده شاهی بوده‌اند.

اگرچه امروز، مدیریت سایت جهانی چغازنبیل کوشیده تا حداقل استانداردها را در نگهداری از این اثر جهانی رعایت کند، اما...

خوشبختانه زیگورات چغازنبیل، در وسط بیابان قرار گرفته و اطراف آن جز رود دز و جنگل‌های حاشیه آن و مزارع نیشکر هفت تپه چیز دیگری به چشم نمی‌خورد، بی‌گمان اگر در وسط شهر قرار داشت، تاکنون در میان انبوه برج‌ها و آپارتمان‌های نوساز گرفتار آمده یا بنا بود که از زیرش تونل مترو بگذرد یا بخشی از عرصه و حریمش در طرح تعریض خیابان قرارمی‌گرفت؟! باور کنید، مگر میدان نقش جهان که همزمان با زیگورات چغازنبیل به ثبت در فهرست آثار جهانی رسیده، همه این نامهربانی‌ها و بی‌فرهنگی‌ها را از جانب متولیان فرهنگی، به چشم ندیده است؟!

با این حال، زیگورات نیز مشکلات خاص خود را دارد. کشت و صنعت در هفت تپه، تهدیدی جدی برای این مکان مقدس است. هفت تپه از دیگر محوطه‌های پراهمیت عیلامی است که در ۱۷ کیلومتری چغازنبیل قرار گرفته؛ در مسیر راه چغازنبیل به هفت تپه، به درختان کهنسالی برمی‌خوریم که قلع و قمع شده‌اند تا زمین‌های بیشتری به طرح گسترش مزارع اختصاص پیدا کند و این یعنی، تهدید منظر طبیعی چغازنبیل و هفت تپه که بسیار مورد توجه یونسکواست ؛ راستی عشق به برهوت و سترونی تا چه حد؟!

رفت‌وآمد وسایط نقلیه نیز مشکل دیگری است که نه تنها در چغازنبیل که در تمام محوطه‌های تاریخی چون سیلک نیز وجود دارد. اینجا هم، جای چرخ ماشین و موتورسیکلت درست در میانه محوطه‌های تاریخی از جمله بقایای کاخ‌ها و مقابر شاهان عیلامی کاملا مشهود است.

کیفیت گردشگران در چغازنبیل، مهم‌تر از کمیت آن است. چغازنبیل با نزدیک‌ترین شهرها (شوش و شوشتر) بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه فاصله دارد و جز با خودروی شخصی، نمی‌توان به سراغش رفت. در اطرافش نه رستورانی وجود دارد، نه بازاری، نه اقامتگاهی و نه هیچ خدمات و امکانات گردشگری دیگری. با این وصف، باید کسانی را که ازاین سو و آن سوی کشور به دیدارش می‌آیند، ارج نهاد و این در حالی است که جز آقای حیدری که با زیروبم مکان آشناست، کس دیگری نیست تا گردشگران را راهنمایی کند و برایشان از رمز و رازهای سر به مهر کهن‌ترین اثر تاریخی در ایران بگوید.برگه‌ها و نقشه‌هایی در گوشه و کنار به چشم می‌خورد اما نه کافی است و نه درخور اثری جهانی چون چغازنبیل.

شب، فرا رسیده و تاریکی همه جا را فراگرفته است، چراغ‌های روشن، جلوه خاصی به زیگورات چغازنبیل بخشیده و بر شکوه آن افزوده‌اند.روبه‌روی این معبد کهن می‌نشینی و دل به نوایی می‌سپاری که از خوزستان تا «جاده ابریشم»، همراهی ات می‌کند تا با تو از بی‌مکانی و بی‌زمانی، سخن بگوید.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=365886

vista.ir
Online Classified Service

سفر و مسافرت اگر به قصد زیارت ، سیاحت و تفریح باشد و به خصوص اگر به همراه خانواده صورت گیرد، به طور حتم فواید زیادی هم برای جسم و هم برای روان انسان دارد و نیز به تجربه و دانش می‌افزاید.اما اگر مسافرت به منظور انجام کاری اداری باشد و یا شما به یك سفر تجاری بروید آن‌قدر مشغولیت فکری و گرفتاری دارید که کمتر از سفر خود لذت می‌برید.

در سفرهای تجاری و کاری افراد تنها و بدون خانواده به مسافرت می‌روند و این مشکلات کار را بیشتر می‌کند. طبق گزارش سازمان جهانی توریسم وابسته به سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶حدود۸۵۰ میلیون جهانگرد در دنیا سفر کرده‌اند.این تعداد سفر، نشان دهنده رشدی حدود ۵ درصد در صنعت گردشگری و توریسم است. همچنین با توجه به اظهارات اداره بازرگانی ایالات متحده، حدود ۳۰ درصد از مجموع مسافـرت‌های جهانی را ، سفرهای تجارتی تشکیل می‌دهد. در این میان توجه به وضعیت سلامت و بهداشت جسمی‌و روانی افرادی که به سفرهای تجارتی می‌روند دارای اهمیت زیادی است.

با توجه به شیوع بیماری‌های واگیردار مانند آنفلوآنزای مرغی و همچنین تغییر در رژیم‌های غذایی و شرایط اقلیمی‌که به بروز بیماریهای مختلفی مانند اختلال دستگاه گوارشی و اختلال در خواب منجر می‌شوند، توجه به این گونه افراد که به سفرهای تجاری عزیمت می‌کنند، اهمیت زیادی دارد.

برای مثال می‌توان به ۱۰ هزار کارمند و مشاوری که بانك جهانی از ۱۸۰ کشور جهان استخدام کرده و آنها به منظور کمك به کشورهای در حال رشد به مناطق مختلفی در جهان مسافرت می‌کنند اشاره نمود. تحقیقاتی که پزشکان و متخصصان بهداشت شغلی بر روی این کارکنان انجام داده‌اند، نشان می‌دهد این افراد از استرس و فشار کاری بالایی به‌دلیل مسافرتهای تجاری خود رنج می‌برند. همچنین در یك تحقیق دیگر روی درخواست‌های بیمه پزشکی در دهه نود در ایالات متحده آمریکا مشخص شد بیشترین این درخواست‌ها متعلق به کارمندانی است که به سفرهای تجاری می‌روند.در این میان ۱۶ درصد آنها را زنان و ۸۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. نکته جالب توجه در این تحقیق این بود که درخواست‌های مربوط به مشکلات روانی دو تا سه برابر نسبت به دیگر مشکلات و ناراحتی‌ها افزایش داشته است. همچنین قسمت عمده مشکلات و ناراحتی‌های روانی مربوط به مسافران سفرهای تجاری بوده است. بانك جهانی و دیگر سازمان‌ها که بیشترین حجم سفرهای تجاری را دارند، سرگرم یافتن جوابی برای این سوال هستند که چه عواملی در ایجاد فشارهای روانی موثرند ؟

کارشناسان امور سلامت و بهداشت معتقدند چندین عامل مهم در استرس‌ها و فشارهای روانی افراد در سفرهای تجاری نقش دارند:

- تاثیر این سفرها روی زندگی خانوادگی و شخصی افراد که شامل بر هم خوردن نظم زندگی خانوادگی آنها می‌شود.
- احساس منزوی بودن و تنهایی به هنگام سفر و قرار گرفتن در محیطی ناآشنا و غریب
- نشانگان جت لگ یا پرواز با هواپیما در مسافت‌های طولانی که باعث اختلال در سیستم خواب این افراد می‌شود.
- مشکلات تصمیم‌گیری و انجام دادن کارها و مواجه شدن با مشکلات و پیچ و خم‌های اداری یا تجاری
- نگرانی در مورد سلامتی و ایمنی خود در طول مدت سفر
- تغییر رژیم غذایی افراد
- تغییرات آب و هوایی

تحقیقات مربوط به متخصصان بهداشت شغلی بانك جهانی، استرس و نشانگان جت لگ (مشکلات پرواز با هواپیما در مسافت‌های طولانی)را به عنوان مشکلات اصلی برای مسافران تجاری خود بیان کرده است.

نشانگان جت لگ دسته‌ای از علایم جسمانی و روانی است که در پروازهای با سرعت بسیار زیاد و در مسافت‌های طولانی و در بین مناطق زمانی مختلفی در دنیا به وجود می‌آیند.این نشانگان زمانی بروز می‌کنند که فرد روز را بسیار زودتر و یا بسیار دیرتر از حد معمول خود شروع کند.

به طور مثال اگر فرد صبح زود از مبدا پرواز کند و پس از چند ساعت پرواز به محض رسیدن به مقصددر آنجا صبح شروع شده باشد (به جای اینکه

غروب باشد) ساعت زیستی بدن فرد دچار سردرگمی‌و مشکل خواهد شد در نتیجه ترشح هورمون‌ها و سایر مواد شیمیایی که توسط این ساعت کنترل می‌شوند دچار اختلال خواهند شد.نتیجه مواجه شدن با چنین پدیده ای بی قراری ، تحریك پذیری و اختلالات معدی - روده‌ای است.

مدتی طول می‌کشد تا فرد ساعت زیستی خود را با شرایط جدید تنظیم کند.این تنظیم با خوابیدن و استراحت کافی صورت می‌گیرد و به همین دلیل است که چنین افرادی نباید بلافاصله عازم انجام دادن مأموریت کاری یا تجاری خود شوند و لازم است پس از استراحت و خواب کافی و آمادگی لازم برای کار مراجعه کنند.

تحقیقات بخش‌های پزشکی دیگر سازمانها نیز نتایج مشابهی را نشان می‌دهند اما هنوز استنباط جامعی از عوامل تشکیل دهنده استرس‌ها در سفرهای تجاری به دست نیامده است.

برخی از سازمان‌ها سفرهای تجاری را پاداشی برای تقدیر از کارکنان خود به حساب می‌آورند و کارکنان نیز از موقعیت به دست آمده به خاطر مزایای شخصی که برای آنها دارد به خوبی استقبال می‌کنند. معمولاً این افراد به خاطر از دست ندادن این فرصت‌ها کمتر از مشکلات و استرس‌های آن حرفی به میان می‌آورند. به همین دلیل اکثر سازمان‌ها نیز به این موضوع توجهی نشان نمی‌دهند.

کارشناسان برای جلوگیری یا کاهش فشارها و استرس‌ها به مسافران سفرهای تجاری پیشنهادهای زیر را ارائه کرده‌اند :

- ایجاد فرصتی که فرد بتواند بعد از رسیدن به مقصد استراحت کافی نموده و سپس برای انجام کار یا مأموریت مراجعه کند.
- استفاده از رژیم غذایی مناسب در طول مدت سفر
- ورزش کردن و تحرك داشتن در طول سفر
- قبل و بعد از مسافرت حداقل یك روز در مرخصی باشد
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای کارکنان و خانواده‌هایشان در خصوص روشهای مبارزه با استرس و ایجاد تعادل بین کار و زندگی
- توزیع کتب و مجلات با موضوع سلامتی و بهداشت در شرکت برای کارکنان و نیز خانواده‌هایشان به منظور بالا بردن سطح آگاهی‌های این افراد در خصوص سلامتی در کار و زندگی
- مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی از افراد و خانواده‌هایشان
- برگزاری اردوهای تفریحی برای خانواده افراد
- تحت حمایت قرار دادن خانواده افرادی که در سفر تجاری به سر می‌برند و رسیدگی به مشکلات آنها از سوی سازمان .
- آشنا کردن افراد با بیماری‌های واگیردار و روش‌های جلوگیری از این بیماری‌ها.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=257703

vista.ir
Online Classified Service

وقتی عجیب بودن، عجیب است

سرانجام پس از یک سال تبلیغات فراوان،نتایج رای گیری بنیاد "عجایب هفتگانه جدید" در شهر لیسبون پرتغال اعلام شد و هفت مکان از نقاط مختلف جهان برای ثبت در این فهرست انتخاب شدند: دیوار بزرگ چین، آمفی تئاتر کلوسئو در رم، تاج محل در هند، پترا در اردن، شهرک ماچوپیکچو در پرو، مجسمه مسیح نجات دهنده در برزیل و هرم چیچن ایتزا در مکزیک.

بنیاد عجایب هفتگانه جدید، بنیادی است خصوصی که هدف خود را از این کار بازبینی فهرست باستانی ِعجایب دنیا و توجه دادن مردم نسبت به حفظ و نگهداری این آثار ارزشمند عنوان کرده‌است.

این بنیاد اعلام کرد در طی یک سال نظر سنجی بیش از صد میلیون رای از طریق تلفن، ای میل و اس.ام.اس جمع آوری کرده‌است. سازمان جهانی یونسکو یک روز پیش از اعلام نتایج نظر سنجی با انتشار اعلامیه، عدم دخالت خود در این رای گیری را به صراحت اظهار و بر مرتبط نبودن این پروژه با سازمان یونسکو تاکید کرد.

● فهرست‌های باستانی

تهیه فهرست از آثار شاخص و یا مهم تمدن انسانی، سابقه‌ای طولانی دارد. مورخان از فهرست‌هایی سخن می‌گویند که توسط هرودت و کالیماخوس در کتابخانه اسکندریه تهیه شده بود. فهرست‌هایی که اثری از آنها باقی نمانده ولی ظاهرا مبنا و مرجعی برای فهرست‌های بعدی قرار گرفته است.

آخرین فهرست از آثار دنیای باستان که همچنان به عنوان عجایب هفتگانه شناخته می‌شود را به فیلون بیزانسی و حدود دوهزار سال پیش نسبت می‌دهند. گرچه اثر او را بیشتر به دفترچه راهنمای توریستی برای مسافران یونانی تشبیه کرده‌اند. خصوصیت مشترک این فهرست‌های باستانی، یونانی محور بودن همه آنهاست. به این مفهوم که تهیه کنندگان فهرست‌ها، تنها آثاری را فهرست بندی کرده‌اند که در حوزه جغرافیایی دریای مدیترانه و یا خاورمیانه بوده است. منطقه‌ای که سفر به آن برای یونانیان آن روزگار آسان و قابل دسترسی بوده است.

اما با تمام کاستی‌ها و محدودیت‌های فهرست‌های باستانی، این نکته قابل توجه است که ایده و یا مفهوم اصلی دسته بندی و فهرست کردن آثار ساخته انسان، ریشه در همین فهرست‌ها دارد. این فهرست‌ها در دنیای مدرن به شکل‌های متعددی بازتولید شدند. از فهرست بناها و میراث فرهنگی ملی هر کشور گرفته تا فهرست میراث جهانی یونسکو . اما تفاوت‌های مهمی بین فهرست "عجایب هفتگانه جدید" و فهرستی مانند "میراث جهانی یونسکو" وجود دارد.

کمیته تخصصی یا مراجعه مستقیم به مردم؟

مکانیزم سازمان جهانی یونسکو برای ثبت آثار در فهرست خود، مکانیزمی است صد در صد تخصصی و بدون مراجعه به آرای عمومی. کاندید شدن و معرفی این آثار به یونسکو از طریق کمیته‌های ملی و یا به زبان دیگر از طریق سازمان‌ها و وزارتخانه‌های میراث فرهنگی کشورها صورت می‌گیرد و پس از بررسی در کمیته تخصصی میراث جهانی، آثاری که دارای خصوصیات فرهنگی، فنی، هنری و تاریخی ِ لازم باشند، در نشست‌های سالانه به رای گیری میان اعضاء گذاشته می‌شوند.

اما در مقابل آن بنیاد "عجایب هفتگانه جدید" معیار خود را بر مبنای رای گیری مستقیم از مردم سراسر جهان قرار داد. این بنیاد در مرحله اول تعدادی بنا، مجموعه و مجسمه معروف را در سراسر جهان به انتخاب اعضای خود، کاندیدای حضور در فهرست عجایب نمود و سپس با قرار دادن آنها بر روی سایت اینترنتی از مردم سراسر جهان خواست تا در رای گیری شرکت کنند. برای شرکت در رای گیری هر فردی می‌بایست اسم و مشخصات خود را ثبت می‌کرد، اما تضمینی وجود نداشت که افراد نتوانند با هویت‌های مختلف در این رای گیری شرکت کنند.

● معیاری نه چندان علمی

به جز نحوه انتخاب آثار، تفاوت مهم دیگر میان فهرست میراث جهانی یونسکو و عجایب هفتگانه به ملاک‌های این انتخاب بر می‌گردد. فهرست عجایب هفتگانه جدید همان طور که از نام آن بر می‌آید، بیشتر در پی برگزیدن مکان‌های شگفت آور و عجیب است حال آن که معیار شگفتی، ارزشی است نسبی و متغییر. اما در مقابل آن، سازمان یونسکو برای انتخاب آثار، ملاک‌های دقیق تر و گسترده تری دارد: آثاری که معرف نبوغ یا خلاقیت انسان باشند و یا نشانی از سنت‌های فرهنگی و اعتقادی موجود یا از میان رفته و یا بیانگر سبک‌ها و شیوه‌های گوناگون معماری و نحوه استقرار و زندگی انسان در طول تاریخ باشند.

انتخاب "عجایب هفتگانه جدید" از سوی بنیادی با همین نام و با تکیه بر رای گیری عمومی و البته غیر قابل کنترل و بازرسی، در نهایت می‌تواند معرف "پر طرفدارترین" و یا شناخته شده ترین محوطه‌های فرهنگی- تاریخی باشد و نه الزامن "ارزشمندترین" آنها. محدود بودن به عدد هفت، تکیه بر عنصر عجیب بودن و همچنین کاندید کردن آثاری برای رای گیری بدون در نظر گرفتن بسیاری از آثار شاخص دیگر می‌تواند از جهانی بودن این فهرست بکاهد. به عنوان مثال اهرام مصر، که از دیرباز به عنوان تنها اثر برجای مانده از عجایب هفتگانه قدیم محسوب می‌شد در فهرست جدید نتوانست راه پیدا کند. مساله‌ای که تنها به میزان شناخت رای دهندگان، مشارکت آنها در این فرآیند و همچنین نظر و سلیقه آنان باز می‌گردد.

برخلاف محدودیت‌های این لیست، فهرست یونسکو هر سال بازبینی شده و آثار جدیدی به آن اضافه می‌شوند.

● واکنش‌های گوناگون

واکنش مردم پس از اعلام نتایج نظر سنجی نیز متفاوت بوده است. در برخی کشورها مانند پرو و اردن جشن‌های عمومی برگزار شد. پس از انتخاب شدن ماچوپیکچو در پرو، رییس جمهور این کشور همراه با مردم به رقص و شادمانی پرداخت. این در حالی است که در شهر رم که هر سال شاهد ورود و خروج میلیون‌ها توریست است، انتخاب آمفی تئاتر باستانی کلوسئو باعث واکنش خاصی از سوی مردم نشد. به نظر می‌رسد این استقبال بیشتر از سوی کشورهایی صورت گرفته باشد که به دنبال معرفی بیشتر جاذبه‌های گردشگری خود در سطح جهانی هستند.

منبع : رادیو زمانه

http://vista.ir/?view=article&id=268849

vista.ir
Online Classified Service

وقتی همه بازمی‌گردند...

درست است که عید تمام شده و همه از سفر برگشته‌اند و سرشان گرم کار و زندگی است، اما آیا دیگر هیچ کسی نیست که در این روزهای دلانگیز بهاری هوس گشت‌وگذار و سیرو سیاحت کند؟

اکنون که « هوا خوشگوار و زمین پرنگار» است، چه کسانی پای در راه سفر می‌گذارند؟ آیا اصولاً کسانی هستند که به جای ۲هفته تعطیلات و فراغت عید، اردیبهشت ماه را برای سفر انتخاب کنند؟

در نگاه اول به نظر می‌رسد پاسخ سؤالات بالا منفی باشد. منطقی به نظر می‌رسد اگر چنین استدلال کنیم که اغلب مردم با استفاده از فرصت خوبی مانند عید، به سفر رفته‌اند و اکنون دیگر تمایل چندانی برای وقفه انداختن در روند زندگی روزمره خود ندارند؛خصوصا که هزینه‌های خرید شب عید و سفر و... باعث شده «کفگیر» بسیاری به «ته دیگ» بخورد و تامین هزینه‌های سفری دیگر، از توانشان خارج باشد.

علاوه بر آن، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارمندان و... و خانواده‌های آنان در این فصل از سال نمی‌توانند مرخصی دیگری به خود بدهند. تمام این دلایل تا حد زیادی درست هستند و شاهد این مدعا افت کمی و کیفی سفر در حد فاصل تعطیلات نوروز تا شروع تعطیلات تابستانی است اما همیشه عده‌ای هستند که از این قاعده مستثنی می‌شوند. این عده چه کسانی هستند و به کجا می‌روند؟

اولین نکته این است که این افراد کسانی هستند که در طول تعطیلات عید نتوانسته یا نخواسته‌اند به سفر بروند. به گفته آقای یاسی، یکی از مدیران آژانس‌های مسافرتی این افراد شامل خارجی‌ها و ایرانیانی هستند که در طول عید در کشور نبوده‌اند. همچنین عده زیادی برای سفرهای کاری یا نمایشگاهی به خارج از کشور سفر می‌کنند. آقای درویش، یکی از تورگردانان معتقد است که طبیعت‌گردان و میانسالان نیز به‌دلیل سرسبزی فصل بهار و خلوت بودن نسبی گردشگاه‌ها در مقایسه با ایام عید این فصل را برای سفر انتخاب می‌کنند. خانم تبریزی، مدیر فروش یکی دیگر از آژانس‌های مسافرتی، مسافران بهاری را افراد تحصیلکرده و مستقلی می‌داند که به‌دلیل اتمام دوره دانشگاه خود و توان مالی، محدودیتی برای سفر در این فصل ندارند.

سؤال دیگری که پیش می‌آید این است که «آیا روزهای بهار برای مسافرت به جاهای مختلف با یکدیگر فرقی ندارند؟» آقای شجاعی، مدیر یک آژانس گردشگری ضمن دوره‌بندی فصل بهار می‌گوید: از دهم اردیبهشت تا دهم خرداد تورهای گلابگیری کاشان و بهارنارنج شیراز طرفداران بسیاری دارد. البته نمک‌آبرود و کلاردشت نیز با هفته‌ای حدوداً ۳۰ مسافر جزو تورهای ثابت سال است. از دهم خرداد تا ۲۵ خرداد تورهای کردستان، خوانسار، سنندج و به ویژه لاله‌های واژگون با هفته‌ای ۲۰ تا ۳۰ مسافر پررونق است. از این تاریخ به بعد درصورت گرم شدن هوا تورهای یکروزه تنگه واشی هر جمعه حدود ۸۰ نفر را به خود جذب می‌کند. در تمامی دوره‌های مذکور تورهای اصفهان، شیراز، کیش و مشهد هرکدام به‌طور متوسط هفته‌ای ۲۰ مسافر دارد. خانم براتی از فعالان گردشگری، قشم را نیز یکی از هدف‌های مهم گردشگری بهاری می‌داند.

یکی از پرسش‌های مهم این است که «سفرهای سیاحتی و زیارتی در برنامه گردشگران بهاری چه جایگاهی دارند؟» یاسی با تاکید بر تورهای طبیعت‌گردی (اصفهان، شیراز، کیش و...) و خارجی اظهار می‌کند که تورهای بهاری کمتر از فصل‌های دیگر زیارتی هستند، اگرچه مشهد و سوریه در تمام طول سال مشتریان ثابتی دارند. آقای علیخانی – تورگردان- دوبی را با روزانه ۱۰تا ۲۰ مسافر از مقصدهای ثابت گردشگران در طول بهار می‌داند اما اذعان می‌کند قیمت تورها در مقایسه با عید به نصف کاهش یافته است.

آقای قربانی از مدیران یکی دیگر از آژانس‌های گردشگری، لبنان، ارمنستان، تایلند و گرجستان -به ویژه تورهای ترکیبی از دو یا چند شهر یا کشور- را از محل‌های جذب مسافر بهاری می‌داند. وی با افت عمومی قیمت تورها بعد از عید مخالف است و به‌طور کلی مناطق گرمسیر مثل دوبی را دچار افت می‌داند و مناطق سردسیر مانند ارمنستان و باکو را با افزایش قیمت مواجه می‌داند.

خانم دلشاد، مدیر یک آژانس گردشگری دیگر-تورهای آسیای شرقی (مالزی، سنگاپور، چین و تایلند) و تورهای یکروزه داخلی که از نظر قیمت مقرون به صرفه هستند، مانند ماسوله و ابیانه را از تورهای پرفروش بعد از عید برمی‌شمرد.

خانم تبریزی با تاکید بر رونق تورهای طبیعت‌گردی – فرهنگی و تحقیقی در بهار، مناطق کردستان، کوهرنگ و خوانسار را از مقصدهای حدود ۴۰ تا ۸۰ مسافر در اردیبهشت اعلام می‌کند. او با وجود پذیرش افت نسبی قیمت‌ها به این نکته اشاره می‌کند که به‌طور کلی تورهای طبیعت‌گردی در مقایسه با تورهای شهرگردی گران‌تر هستند.

یک نکته مهم درباره سفر، هزینه‌های آن است. اغلب فعالان گردشگری ضمن پذیرش رکود بازار سفر در بهار، افت نسبی قیمت‌ها را از ۲۰ تا ۵۰ درصد متغیر و این موضوع را تابعی از تقاضای مشتریان برای تورهای ارزان‌قیمت می‌دانند. استقبال از تورهای کوتاه‌مدت یک تا سه روزه موید این نکته است.

یکی از مسائل مهم، نوع خدماتی است که مسافران بهاری طالب آن هستند. درویش در این باره می‌گوید: مسافر بالطبع دنبال بهترین خدمات با پایین‌ترین قیمت است اما توریست‌های حرفه‌ای که می‌دانند ارزان‌ترین همیشه بهترین نیست، بیشتر به‌دنبال کیفیت هستند.

درباره تورهای یکروزه بیشترین چیزی که برای مسافر اهمیت دارد، نوع گشت‌ها و بازدیدهاست و شاید درباره سایر مسائل چندان سختگیری نکند اما در تورهای ۳-۲ روزه که مستلزم اقامت طولانی‌تر در محل هستند، مسلماً حساسیت بیشتری درباره اقامتگاه و نوع خوراک وجود دارد؛ آنهم نه از جنبه تجملی آن مانند مسافران عید که راجع به تعداد ستاره‌های هتلشان با ما چانه می‌زنند بلکه صرفاً از نظر بهداشت و راحتی و مسائلی از این دست.

البته این مسائل بستگی کامل به مقصد تور دارند بدیهی است در اکوتوری که مقصد آن بیابان و اقامتگاه شبانه آن چادر یا کاروانسرایی قدیمی است، بحث درباره شیکی سالن غذاخوری بی‌معنی است.

روی هم رفته، اگرچه بسیاری در روزهای بعد از عید حضر را به سفر ترجیح می‌دهند اما برای عده‌ای دیگر اردیبهشت با طبیعت رنگارنگ و هوای دلپذیرش بهترین وقت است برای آنکه کوله‌بارشان را ببندند و گریزی به دامن طبیعت بزنند. سفر به خیر.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=366726

vista.ir
Online Classified Service

ویژگی های منطقه نمونه گردشگری بوذرجمهر قاین

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک

شاخه های شسته، باران خورده، پاک

آسمان آبی و ابر سپید

برگ های سبز بید

نغمه شوق پرستوهای شاد

خلوت گرم پرستوهای مست

نرم نرمک می رسد اینک بهار

خوش به حال روزگار...

آخرین روزهای سال ۱۳۸۷ را در حالی سپری می کنیم که خراسان جنوبی با دامن های پر از گل و سبزه های رسته برکنار جویباران خود را آماده پذیرایی از مهمانان بهار می کند.

هر چند این خطه دارای ویژگی های آب و هوای کویری است اما با نگاهی به اطراف متوجه می شویم که جاذبه های فراوانی در گوشه و کنار این دیار وجود دارند که هر بیننده ای را به تعجب وا می دارند.

در چند هفته گذشته به معرفی تعدادی از مناطق نمونه گردشگری خراسان جنوبی چون بند دره بیرجند و منطقه نمونه گردشگری مصعبی کریمو پرداختیم و اینک در واپسین ساعات سال ۱۳۸۷ و در آخرین صفحه میراث کویر امسال، قصد داریم تا با سفری هر چند کوتاه به قاین و گذراندن لحظاتی در مقبره بوذرجمهر، با بیان منطقه نمونه گردشگری بیشتری آشنا شویم.

شهرستان قاین در شمال استان و در مرز با خراسان رضوی قرار گرفته است و در ۳ کیلومتری جنوب قاین، بر دامنه کوه ابوذر مقبرهایی وجود دارد که متعلق به یکی از عرفای نامدار و شاعران قرن چهارم و پنجم هجری قمری به نام بوذرجمهر قاینی است.

بنای مقبره بوذرجمهر در قرن ۶ و ۷ هجری قمری به صورت چلیپایی و با معماری زیبایی ساخته شده است.

بقعه آن چهار ایوانی است که گنبدی برفراز ایوان ها استوار می باشد. طاق ایوان ها به صورت کلیل اجرا شده اما جرز اصلی طاق ها به صورت نیمه بیضی باز کار شده آن گاه با استفاده از پوشش کاذب به شکل کلیل درآمده است.

برای تزئین داخلی بنا از گچ استفاده شده و نوع کاربندی پیشانی ایوان ها به شکل طاق نماهای جناقی می باشد.تزئینات گچ کاری زیر گنبد نیز یکی از زیباترین بخش های این بنا محسوب می شود که لچکی های ۴ به ۸ آن مقرنس ها و گچ بری های خفیف و هنرمندانه ای دارد.

در این مکان اتاق های بسیار جالبی دیده می شود که یکی از آن ها گنبد زیبایی دارد که با سنگ کار شده است. مصالح اصلی به کارگرفته در ساخت این مقبره سنگ، گچ و آجر می باشد و در پشت بقعه، صفحه ای ایجاد شده که بناهای جنبی مقبره روی آن ساخته شده اند.

همچنین در کنار مقبره بوذرجمهر قاینی درخت کهنسال بنه ای دیده می شود که حداقل ۷۰۰ سال از عمر آن می گذرد.

منطقه نمونه گردشگری بوذرجمهر حدود ۵۰۹ هکتار وسعت دارد که از سمت شرق و جنوب شرق به ارتفاعات کوه ابوذر و قلعه کوه از جنوب تا انتهای پارک جنگلی قهستان در ضلع شرق جاده قاین- بیرجند و همچنین جاده کمربندی گسترده شده است.

در این منطقه سه گونه جاذبه تاریخی و فرهنگی، طبیعی و انسان شناخت وجود دارد که آرامگاه ابوالمفاخر (از رجال قرن ششم هجری)، آرامگاه بوذرجمهر و قلعه چهل دختر و قلعه کوه از جاذبه های تاریخی و فرهنگی این منطقه محسوب می شوند.

اراضی کوهستانی همراه با دشت و چشم اندازهای مناسب در حومه شهر که به منطقه بوذرجمهر جلوه خاصی بخشیده نیز از جاذبه های طبیعی این منطقه است.

میدان مشاهیر، اراضی زراعی زعفران، مزار شهدای گمنام، پارک جنگلی از جاذبه های انسان شناخت آن است.

عبور راه ارتباطی مشهد به استان سیستان و بلوچستان، جذب گردشگران ترانزیتی خراسان رضوی، امکان احداث و ایجاد خدمات زیرساختی و رفاهی مناسب از جمله اقامتگاه و ایجاد اشتغال از مهم ترین ظرفیت های موجود در این منطقه است.

همچنین ایجاد هتل، تاسیسات تجاری، پارک بازی از جمله فرصت های سرمایه گذاری است که می توان در منطقه نمونه گردشگری بوذرجمهر قاین در این زمینه اقدام کرد.

منبع : روزنامه خراسان

http://vista.ir/?view=article&id=132952

هارون ولایت دراصفهان

عمارت هارون ولایت یا هارونیه ازیک گنبد, یک مقبره , دو محوطه محصور ودو ایوان که به زیبایی کاشی کاری شده اند تشکیل شده است. این ساختمان درزمان پادشاه صفوی (شاه اسماعیل) , درسال۱۵۱۲میلادی بنا شد وبعدها توسط شاهان دیگرهمین سلسله مرمت شد. کاشی کاریهای این مقبره یکی از ارزشمندترین بقایای تاریخی اصفهان به شمار میرود. دست نوشته های بی شماری در گونه های خطاطی مختلف بر روی کاشی کاریهای زمینه آن به کار رفته است. برخی ازسطرهای شعرکه مربوط به صفویان وقاجارمی باشند در مقبره و ایوان آن نیز دیده می شوند. گنبد کاشی کاری شده بسیار با شکوه این بنا دارای کتیبه ای نیزبه خط کوفی می باشد که درگرداگرد ستون آن واقع شده است.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=91958

هرم بزرگ جیزه

با وجود اینکه اکثر افراد میدانند فهرستی از عجایب هفت گانه وجود دارد، اما کمتر کسی نام همه آنها را میداند. تهیه فهرست کامل عجایب هفت گانه در اصل

حدود قرن دوم قبل از میلاد کامل شده است و اولین اشاره به ایده تهیه این مجموعه مکتوب در کتاب تاریخ هرودوت آمده است که در قرن ۵ قبل از میلاد مربوط میشود.

چندین دهه بعد از آن، تاریخ نگاران یونانی درباره بزرگترین بناهای تاریخی دوران خود شروع به نوشتن کردند. از جمله کالیماکوس (Callimachus) - که در ۳۰۵ تا ۲۴۰ قبل از میلاد می زیست - سر کتابدار کتابخانه اسکندریه، مجموعه ای از عجایب جهان" را تهیه کرد. امروز، تمام چیزی که درباره این مجموعه میدانیم، همین عنوان آن است و بس، به این دلیل که این کتاب نیز در آتش سوزی بزرگ کتابخانه اسکندریه از بین رفت.

فهرست نهایی عجایب هفت گانه در قرون وسطا تکمیل شد. این فهرست شامل چشمگیرترین بناهای تاریخی جهان باستان بود که از بعضی، شواهد بسیار اندکی در دست بود و تعدادی نیز اصلا باقی نمانده بودند. آثار کنده کاری هنرمند هلندی مارتن ون هیمسکرک (Marten Van Heemskerck) و کتاب تاریخ معماری یوهان فیشر ارلاخ (Johann Fischer von Erlach) از قدیمی ترین منابعی هستند که در آن به این فهرست عجایب هفت گانه اشاره شده است.

امروز، شواهد باستان شناسی از بسیاری از اسرار تاریخی که قرنها عجایب هفت گانه را احاطه کرده بودند، پرده برداشته است. عجایب هفت گانه برای سازندگانشان نمادهایی از مذهب، اسطوره شناسی، هنر، قدرت و علم بودند و برای ما، آنها شواهدی از توانایی انسان هستند.

از زمانهای بسیار قدیم تا کنون، فهرستهای متعدد و متفاوتی از عجایب هفت گانه به نگارش درآمده است.

- هرم بزرگ جیزه

این هرم که همراه با دو هرم کوچکتر در خارج از قاهره - در مصر- قرار دارند، به دستور خوفو یا خئوپس ، فرعون سلسله چهارم، ساخته شد. مصریان باستان به زندگی پس از مرگ اعتقاد فراوانی داشتند و این هرم در واقع مکان مقبره و محل زندگی فرعون پس از مرگ او به شمار می آمده است. از آنجایی که گنجینه فرعون نیز همراه با او در این هرم قرار داده میشد، راه ورود به مقبره بسیار پیچیده و تودرتو است و تعداد زیادی از سازندگان و مهندسین آن نیز در راهروهای آن ناپدید شدند.

هرم در اصل ۱۴۷ متر ارتفاع داشته است که در حال حاضر در اثر فرسایش، به حدود ۱۳۷ متر رسیده است. هر ضلع قاعده هرم ۲۳۰ متر طول دارد و در ساخت آن از حدود ۲,۳۰۰,۰۰۰ بلوک به وزن متوسط ۲.۵ تن استفاده شده است. تاریخ اتمام این بنای عظیم حدود ۲۶۸۰ قبل از میلاد تخمین زده شده است. هرم جیزه تنها بازمانده عجایب هفت گانه است.

منبع : سایت فریا

http://vista.ir/?view=article&id=10163

vista.ir
Online Classified Service

هرم جیزه و باغهای معلق بابل

با وجود اینکه اکثر افراد میدانند فهرستی از عجایب هفت گانه وجود دارد، اما کمتر کسی نام همه آنها را میداند. تهیه فهرست کامل عجایب هفت گانه در اصل حدود قرن دوم قبل از میلاد کامل شده است و اولین اشاره به ایده تهیه این مجموعه مکتوب در کتاب تاریخ هرودوت آمده است که در قرن ۵ قبل از میلاد مربوط میشود.

چندین دهه بعد از آن، تاریخ نگاران یونانی درباره بزرگترین بناهای تاریخی دوران خود شروع به نوشتن کردند. از جمله کالیماکوس (Callimachus) - که در ۳۰۵ تا ۲۴۰ قبل از میلاد می زیست - سر کتابدار کتابخانه اسکندریه، مجموعه ای از عجایب جهان" را تهیه کرد. امروز، تمام چیزی که درباره این مجموعه میدانیم، همین عنوان آن است و بس، به این دلیل که این کتاب نیز در آتش سوزی بزرگ کتابخانه اسکندریه از بین رفت. فهرست نهایی عجایب هفت گانه در قرون وسطا تکمیل شد. این فهرست شامل چشمگیرترین بناهای تاریخی جهان باستان بود که از بعضی، شواهد بسیار اندکی در دست بود و تعدادی نیز اصلا باقی نمانده بودند. آثار کنده کاری هنرمند هلندی مارتن ون هیمسکرک (Marten Van Heemskerck) و کتاب تاریخ معماری یوهان فیشر ارلاخ (Johann Fischer von Erlach) از قدیمی ترین منابعی هستند که در آن به این فهرست عجایب هفت گانه اشاره شده است.

امروز، شواهد باستان شناسی از بسیاری از اسرار تاریخی که قرنها عجایب هفت گانه را احاطه کرده بودند، پرده برداشته است. عجایب هفت گانه برای سازندگانشان نمادهایی از مذهب، اسطوره شناسی، هنر، قدرت و علم بودند و برای ما، آنها شواهدی از توانایی انسان هستند.

هرم بزرگ جیزه

این هرم که همراه با دو هرم کوچکتر در خارج از قاهره - در مصر- قرار دارند، به دستور خوفو یا خئوپس ، فرعون سلسله چهارم، ساخته شد. مصریان باستان به زندگی پس از مرگ اعتقاد فراوانی داشتند و این هرم در واقع مکان مقبره و محل زندگی فرعون پس از مرگ او به شمار می آمده است. از آنجایی که گنجینه فرعون نیز همراه با او در این هرم قرار داده میشد، راه ورود به مقبره بسیار پیچیده و تودرتو است و تعداد زیادی از سازندگان و مهندسین آن نیز در راهروهای آن ناپدید شدند.

هرم در اصل ۱۴۷ متر ارتفاع داشته است که در حال حاضر در اثر فرسایش، به حدود ۱۳۷ متر رسیده است. هر ضلع قاعده هرم ۲۳۰ متر طول دارد و در ساخت آن از حدود ۲,۳۰۰,۰۰۰ بلوک به وزن متوسط ۲.۵ تن استفاده شده است. تاریخ اتمام این بنای عظیم حدود ۲۶۸۰ قبل از میلاد تخمین زده شده است. هرم جیزه تنها بازمانده عجایب هفت گانه است.

باغهای معلق بابل

این باغها بنا به نظر بسیاری از مورخین و محققین توسط نبوخدنصر (Nebuchadnezzar) شاه بابل در قرن ۶۰۰ قبل از میلاد برای همسرش ملکه آموهیا (Amuhia) ساخته شده است. با توجه به منابع مکتوب یونانی، باغهای معلق دارای چنین مشخصاتی بوده اند:

"باغها مربع شکل بوده و دارای گنبدهای قوسی شکلی بوده که بر روی کف شطرنجی مکعبی شکلی قرار داشته است. ایوانی که دور بام ایجاد شده بوده توسط پلکان با پایین مرتبط میشده است. باغهای معلق از گیاهانی که بالاتر از سطح زمین کاشته شده بودند ایجاد شده و ریشه گیاهان و درختان به جای کاشته شدن در زمین، در کف ایوانها جاسازی شده بودند. تمام این مجموعه بر روی ستونهایی قرار داشت و آب از طریق وسایل بالا برنده در کانالهای شیب دار ریخته و در کل باغ جریان میافت. آبیاری گیاهان و رطوبت موجود در فضا از همین آب بود. درواقع این بنا با چمن همیشه سبز و درختان محکمش، کاری هنری و تجملی شاهانه بود. یکی از جالبترین جنبه های بنا این بود که کار باغبانی و زراعت در بالای سر بیننده انجام میشد."

همانطور که میبینید، بیشترین اطلاعات درباره باغهای معلق مربوط به مورخین یونانی است و جالب اینکه در کتیبه های بابل هیچ اشاره ای به این باغها نشده است در حالی که توضیح مفصل قصر و شهر بابل در آنها وجود دارد. بنا به نظر تاریخ نگاران امروز، باغهای بابل محصول تخیل شعرا و تاریخ نگارانی است که شرح بابل را از زبان سربازان اسکندر شنیده و به آن شاخ و برگی شاعرانه داده اند.

در قرن بیستم بعضی از اسرار باغهای معلق فاش شده است زیرا باستانشناسان در حفاریهای خود در محل شهر باستانی بابل در عراق امروز، زیر بنای این باغها را یافته اند و یک کشف دیگر مربوط به بنای طاق و گنبد دار اصلی است، که شامل دیوارهای ضخیم و یک چاه آبیاری در نزدیکی قصر جنوبی بوده است. گروهی از باستان شناسان منطقه قصر جنوبی را نقشه برداری کرده و ساختمان طاق دار اصلی را بازسازی کرده اند. (ادامه دارد ...)

http://vista.ir/?view=article&id=203481

vista.ir
Online Classified Service

هشت بهشت در اصفهان

هشت بهشت یک ساختار هشت سطحی است که نمونه ای ازکاخهای اصفهان به شمار می رود. این بنا به فرمان شاه سلیمان درسال ۱۰۸۱ هجری شمسی ساخته شد. باغ آن که همیشه از بین طاقهای بزرگش قابل رویت است قسمت کاملی ازاین بنا می باشد. سقف گنبدی شکل اتاق پذیرایی اصلی , با رنگ زرشکی رنگ شده است که بر روی پایه ای طلایی و درخشان قرار گرفته است و بالای پنجره ها , آینه ها درخشندگی خاصی را ایجاد می کنند. بر روی قسمت خارجی طاقها طرحهای زیبایی از پرندگان , حیوانات و صحنه های شکار به چشم می خورد . این تصاویر به نمای خارجی هشت بهشت جان می بخشند. درآن زمان شکار یکی از تفریحات شاهان به شمار می رفت و معمولا هفت روز قبل ازعزیمت دربار برای شکار , چادرها, قالیچه ها , سرویسهای طلا و دیگر لوازم به محل کمپ فرستاده می شدند , برای حمل این میزان بار تقریبا پنج تا هفت هزار شتر مورد نیاز بود. در موردشکوه وجلال این اردوهای شکار اینگونه قضاوت می کردند که به هر نجیب زاده پانصد فوت مربع برای چادرش اختصاص داده می شد که درچادرهای ابریشمی وی اتاقهایی برای حرمسرا, یک حمام ویک هال پذیرایی قرار داشتند.سقف طبقه دوم اتاق پذیرایی هشت بهشت با دکوراسیون آینه ای می درخشد وبسیار با شکوه وپرعظمت است.

منبع : ایران توریست

http://vista.ir/?view=article&id=94312

vista.ir
Online Classified Service

هفت خان مسافرت

یك جاده پربرف در پیش روی شماست. درختانی که در کنار جاده سفیدپوش شده‌اند به قدری زیباست که شاید اجازه فکر کردن به خطراتی که در پیش روست را از شما بگیرند اما این محیط دل‌چسب، بسیار پرخطر است و اگر با مسائل ایمنی آشنا نباشید ممکن است روی دیگر خود را به شما نشان دهد. پس گول نخورید و به قول معروف با "دنده سنگین حرکت کنید." اگر چه موارد احتیاط در چنین مسافرت‌هایی بسیار زیاد هستند اما می‌توان آنها را در هفت نکته خلاصه کرد.

● خان اول: سلامت جسم

خوشبختانه آنچنان پیشرفت‌های بشری زیاد بوده‌اند که شما در حال حاضر طی کمترین زمان ممکن می‌توانید از یك شهر به شهر دیگری سفر کنید. فواصل با سرعت بالای وسایل نقلیه بسیار کم شده‌اند اما باز هم در طی همین مسافرت‌ها سلامت جسم می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد. این مساله به ویژه درمورد افراد مسن بسیارمهم است. به افراد سالمند توصیه می‌شود به ویژه در فصل سرما کمتر مسافرت کنند و در این مسافرت‌ها حتی‌المقدور تنها نباشند. مخصوصا در مورد مسافرت‌های طولانی مدت زمینی با اتومبیل بهتر است افراد بیمار حضور نداشته باشند و یا از وسایلی استفاده کنند که نظیر هواپیما هم مدت زمان کمی را صرف می‌کنند و هم شرایط راحت و مطمئن‌تری را برای بیمار مهیا می‌کنند.

در صورتی که به هر گونه بیماری جسمانی خاصی مبتلا هستید پیش از اقدام به مسافرت‌های دور و سنگینی حتما با پزشك خود مشورت کنید. در فصل سرما افرادی که به بیماری‌های قلبی و همچنین بیماری‌های ریوی مبتلا هستند به شدت در خطر بروز عوارض و نیز تشدید بیماری می‌شوند. به بیماران قلبی توصیه می‌شود از مواجهه طولانی مدت با سرما پرهیز کنند.سرما از طریق تنگ کردن عروق خونی پوست، فشارخون را بالا می‌برد و با این حساب فشار روی قلب به طور چشمگیری افزایش می‌یابد.

پس قلب برای پمپ کردن خون باید نیروی بیشتری صرف کند که این کار برای یك قلب بیمار نظیر قلبی که دچار تنگی عروق کرونر است یا یك بیماری دریچه‌ای دارد، ممکن است کار چندان راحتی نباشد. همین احتیاطات برای بیماران مبتلا به بیماری‌های ریوی هم صدق می‌کند. این افراد هم ممکن است در مواجهه با سرمای شدید دچار تشدید بیماری و حمله تنگی نفس شوند. به ویژه در هنگامی که هنوز به مقصد نرسیده‌اید و در جاده حضور دارید، سعی کنید از وسیله نقلیه کمتر خارج شوید و در معرض سرمای شدید کمتر قرار بگیرید.

● خان دوم: توشه راه

یکی از مهمترین نکته‌هایی که باید در مسافرت به خاطر داشته باشید، این است که به همراه آوردن داروهای مصرفی خود را فراموش نکنید. همان‌طور که پیش از این گفته شد در سفرهای زمستانی به ویژه در افراد سالمند، مبتلایان به بیماری‌های قلبی عروقی و نیز کسانی که سابقه بیماری‌هایی نظیر آسم و برونشیت دارند، احتمال تشدید و حمله بیماری هست. باید همیشه احتمال بروز این مشکلات را پیش‌بینی کنید و تدابیر درست برای مقابله با آنها بیاندیشید. مهمترین مساله این است که به همراه بردن داروهای خود را فراموش نکنید.

اگر اسپری مصرف می‌کنید مطمئن شوید که اسپری خالی نیست. از به همراه بردن داروی اضافی ضرر نمی‌کنید. در ضمن حتما سعی کنید آب سالم و تمیز همراه داشته باشید. غذا و مواد خوراکی را هم که باید بسته به طول مسیر با خود ببرید. سعی کنید حتی‌المقدور به قدری مواد غذایی مناسب با خود داشته باشید که نیاز کمتری به تغذیه در رستوران‌های وسط راه پیدا کنید. هر زمان که نیاز به استفاده از مواد غذایی میان راهی دارید هم سعی کنید از غذاهای از پیش آماده شده مثل کنسرو استفاده کنید. با توجه به اینکه در فصل زمستان تعداد مسافرت‌های بین شهری کم می‌شود، ممکن است این غذاها قدیمی و تاریخ مصرف گذشته باشند. پس در این موارد حتما به اطلاعات روی قوطی یا بسته مواد غذایی کاملا دقت کنید.

● خان سوم: سلامت اتومبیل

اگر با وسیله نقلیه شخصی خود مسافرت می‌کنید حتما باید از صحت و سلامت اتوموبیل خود اطمینان داشته باشید. در مسافرت‌های طولانی به ویژه در فصل سرما شاید سلامت اتوموبیل شما اهمیتی معادل سلامتی خود شما داشته باشد. وسایل ایمنی اتوموبیل نظیر کمربند، زنجیر چرخ، چراغ‌ها و غیره را پیش از شروع حرکت کنترل کنید. به هیچ عنوان با اتوموبیلی که نقص فنی دارد مسافرت نکنید. یکی از مهمترین قسمت‌های اتوموبیل شما در مسافرت‌های زمستانی بخاری است. حتما پیش از حرکت آن را امتحان کنید. هیچ وقت سعی نکنید محیط داخل اتوموبیل را با

وسایلی مثل گاز سفری و غیره گرم کنید. این قبیل اقدامات پرخطر تنها باعث تهدید جان شما و همراهان شما می‌گردند.

● خان چهارم: کودکان

بچه‌ها هم جزو گروه‌های حساس و در معرض خطر باید در نظر گرفته شوند. سعی کنید پوشش مناسب و گرم حتما برای آنها در نظر بگیرید و همراه داشته باشید. بچه‌ها ممکن است بدون توجه در ایستگاه‌ها از شما دور شوند و در معرض سرما قرار گیرند سعی کنید در مواقعی که کنار جاده استراحت می‌کنید کاملا مراقب آنها باشید.

فعالیت‌های بدنی شدید بچه‌ها در شرایط بد آب‌وهوایی مثل ریزش باران و برف آنها را در معرض سرماخوردگی و دیگر صدمات بدنی قرار می‌دهد و اگر پدر و مادر و همراهان هشدارهای لازم را به آنها ندهند برای آنها آسیب‌های شدیدی ایجاد می‌گردد. سعی کنید با بچه‌ها صحبت کنید و آموزش‌های لازم را به آنها بدهید.

علاوه براین، در مورد بچه‌هایی که سابقه بیماری‌های خاص دارند باید نکات خاصی را مدنظر داشت. در مورد بچه‌هایی که آسم دارند سعی کنید از مواجهه آنها با سرما جلوگیری کنید. اسپری‌ها و داروهای آنها را فراموش نکنید. در مورد بیماری‌های دیگر هم به تناسب نوع بیماری مراقبت‌های لازم را انجام دهید.

● خان پنجم: کمك‌های اولیه

به طور قطع در مسافرت‌های زمستانی بیشتر از مسافرت‌های فصول دیگر سال احتمال حوادث هست. این حوادث چه به صورت تصادفات رانندگی و چه به صورت سوانح جسمانی همیشه در مسافرت‌های بین جاده‌ای در کمین هستند و شما باید نسبت به بروز آنها واکنش‌های صحیحی بدهید. چند توصیه جدی در برخورد با این موارد کمك کننده است:

۱. سعی کنید روی اعصاب خود مسلط باشید. استرس شدیدی در این موارد به شما و همراهان شما وارد می‌شود اما اگر خودتان را کنترل نکنید علاوه براینکه شرایط را بدتر می‌کنید، قابلیت کمك رسانی به دیگران هم از شما سلب می‌شود.

۲. سعی کنید بلافاصله حوادث را به پلیس راه یا اورژانس اطلاع دهید. گاهی اوقات کمکی که از دست افراد خبره و پرتجربه این گروه‌ها برمی‌آید به هیچ عنوان شما قادر به انجام آنها نیستید.

۳. سعی کنید در اتومبیل خود یك جعبه کامل کمك‌های اولیه داشته باشید. قبل از مسافرت کنترل کنید که محتویات جعبه کامل باشد. از دست زدن به اقدامات پزشکی که در آن تجربه ندارید خودداری کنید چون گاهی اوقات باعث می‌شود که آسیب‌های بیشتری به فرد مصدوم برسانید.

● خان ششم: بی‌خبر حرکت نکنید

انجام مسافرت بدون اطلاع دیگران مخصوصا در فصل زمستان اصلا کار درستی نیست. سعی کنید خانواده و اطرافیان را پیش از مسافرت از نوع وسیله نقلیه، زمان حرکت و زمان احتمالی رسیدن به مقصد مطلع کنید. حتما به آنها مسیر خود را بگویید. علاوه بر این سعی کنید خودتان نیز اطلاعات کافی از مسیری که قرار است طی کنید داشته باشید.

در هنگام مسافرت هیچ‌گاه بدون برنامه تغییر مسیر ندهید. از وارد شدن به مسیرهای ناشناخته پرهیز کنید. به ویژه اگر تنها مسافرت می‌کنید حتی‌المقدور سعی کنید تلفن همراه داشته باشید تا در صورت مواجهه با هر مشکلی به راحتی بتوانید با دیگران و مخصوصا پلیس راه ارتباط برقرار کنید. شاید فکر کنید این توصیه‌ها جزو بدیهیات هستند اما نگاهی به آمار سوانح و حوادث جاده‌ای نشان می‌دهد که بسیاری از مردم به علت بی‌توجهی به همین مسائل ساده و پیش پا افتاده دچار مشکل و دردسر می‌شوند.

● خان هفتم: تفکرات غلط

▪ متاسفانه تفکرات افراد در جامعه معمولا در مورد سرمازدگی چندان صحیح نیست. به ۹ نکته زیر حتما توجه داشته باشید:

۱. سرمازدگی همیشه به کوهنوردی در ارتفاعات اورست و مواجهه با سرمای شدید احتیاج ندارد. اگر فرد خود رابه طور مناسب برای مقابله با سرما آماده نکرده باشد، سرمازدگی در مواجهه با درجات خفیف‌تری از سرما هم ایجاد می‌شود.

۲. نمی‌توان درجه خاصی از سرما را به عنوان حد و مرز سرمازدگی معرفی کرد چون عوامل متعدد مختلفی وجود دارند که خطر سرمازدگی را تحت تاثیر قرار می‌دهند که مهمترین آنها حساسیت خود فرد به سرما، مدت مواجهه با سرما، میزان لباس‌های وی، میزان رطوبت هوا و سرعت باد است.

۳. افراد مسن، کودکان و نوزادان، افراد خسته و از پا افتاده و افراد دچار سوءتغذیه حساسیت بیشتری نسبت به سرما دارند و حتی در مواجهه با درجات خفیف‌تر سرما هم باید نسبت به افراد عادی بیشتری مراقب باشند.

۴. مبتلایان به دیابت (مرض قند)، بیماری‌های تیروئید و اختلالات اعصاب و نخاع حساسیت بیشتری به سرما دارند و باید از پوشش مناسب‌تری برخوردار باشند.

۵. در مراحل اولیه سرمازدگی، اندام‌ها و به ویژه دست‌ها، صورت و پاها (مچ به بعد) دچار درد و احساس سوزن سوزن شدن می‌شوند. این قسمت‌ها سرد و رنگ پریده می‌شوند. اگر این حالت سرمازدگی شدیدتر شود، قسمت‌های فوق کرخت و بی‌حس می‌شود به هر حال برحسب علائم، نمی‌توان شدت سرمازدگی را به دقت تخمین زد.

۶. پس از گرم کردن اندام مبتلا، امکان بروز تورم و تاول‌های بزرگ وجود دارد. آسیب عروق خونی ممکن است به گانگرن، سیاه شدن و حتی عفونت نیز منتهی گردد.

۷. قبل از دسترسی به پزشك و بیمارستان، ابتدا سعی کنید که بیمار را به مکانی گرم منتقل کنید. پس از آن لباس‌ها و پوشش‌هایی را که به بدن بیمار نچسبیده‌اند، خارج کنید اما اگر به بدن چسبیده‌اند آنها را تا زمان گرم شدن بدن، جدا نکنید.

۸. هرگز اندام یخ زده و سرمازده را جهت گرم کردن، مالش ندهید که باعث افزایش تخریب خواهد شد. درضمن از آب داغ هم استفاده نکنید و حداکثر از آب گرم جهت گرم نمون استفاده نمایید.

۹. اما برای پیشگیری از سرمازدگی، بهترین اقدام، ممانعت از مواجهه با سرماهای بسیار شدید است. هنگام مسافرت به مناطق سرد (مثلا هنگام تصمیم‌گیری به کوهنوردی در مناطق مرتفع و سرد) حتما دیگران را از مقصد و زمان برگشت خود، خبر کنید، لباس و غذای کافی همراه داشته باشید. از نوشیدن الکل جدا خودداری کنید و حتی‌المقدور به طور جمعی (و نه تنها) مسافرت کنید.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=238751

vista.ir
Online Classified Service

هفت، رقمی اسرارآمیز و مقدس

● عجایب هفتگانه قرون وسطی

امروز و بنا به تقویم خویشاوندان آنسوی آب، فردا، روزی بسیار بسیار جالب است. این روز که هفتم جولای دوهزار و هفت نام دارد، هنگامی که به این شکل ۷/۷/۰۷ نوشته میشود، ماهیت جادویی خود را نشان میدهد.

در این روز که از نظر شمار فراوانی از افراد، خوش یمن ترین روز ممکن شناخته میشود، از شدت برگزاری مراسم عروس، رکورد شکن شده و مسئولین برگزاری مراسم ازدواج نمیدانند چگونه از عهده این تعداد فراوان جشن در یک شب، بر خواهند آمد.

از طرفی این روز، روزی عالی برای دارندگان کازینو در لاس وگاس و سایر نقاط "قمارخیز" جهان است. چرا که در قمار، قرار گرفتن سه عدد ۷ در کنار هم به معنای برنده شدن است و آزمودن بخت در روز ۷ ماه ۷ سال ۷، دیگر چه خواهد بود! اما به راستی چرا عدد ۷ از این همه قدر و منزلت برخوردار است؟

● جادوی هفت

هفت، از ترکیب دو عدد سه و چهار ایجاد شده است که بنابر حکمت فیثاغورثی و زمانی بسیار دورتر از آن، اعدادی خوش یمن شناخته میشدند. به عقیده بابلیان، مصریان و تمدنهای باستانی دیگر، به وجود ۷ سیاره مقدس اعتقاد داشتند. در زبان عبری لغت قسم خوردن، به طور تحت اللفظی به معنای قرار گرفتن تحت نیروی ۷ چیز است که برگرفته از هفت میشی است که در پیمان میان ابراهیم نبی و ابی ملک در بیرشیبا به آن اشاره شده است.

هرودوت نیز به یک قسم عربی اشاره کرده که در آن هفت سنگ به خون آغشته میشوند. آفرینش جهان در هفت روز انجام شده، هفته هفت روز دارد، هفت حسن خداداد، هفت گناه کبیره، هفت مرحله در زندگی انسان، هفت طبقه بهشت و جهنم و مثالهای بیشمار دیگری در میان ادیان، ملل و اعصار مختلف از جمله مصادیق حضور جادویی عدد ۷ در زندگی و مرگ انسانها هستند.

● تعدادی از مشهورترین ۷ های جهان از این قرارند:

▪ هفت طبقه بهشت:

بر اساس آیات قرآن و مفسران احادیث، بالاترین درجه سعادت معنوی، ورود به طبقه هفتم بهشت است. مسلمانان به وجود هفت طبقه یا مرحله آمرزش و بهشتی شدن اعتقاد دارند. این طبقات هفتگانه همانهایی هستند که حضرت محمد(ص) در شب معراج خود سوار بر "براق" آنها را طی نموده است.

▪ هفت گناه کبیره:

هفت گناه کبیره، گناهانی هستند که در زمان تاریخ بسیار قدیم رهبانیت مسیحی مشخص شده و در قرن ششم میلادی توسط پاپ گرگوری اول یا گرگوری کبیر در یک دسته قرار گرفته اند. این گناهان عبارتند از : تکبر، طمعکاری، شهوت –در معنای تمایل بیش از حد یا نامشروع جنسی، حسادت، شکم پرستی که معمولا مستی نیز در آن منظور میشود و تنبلی. هفت گناه کبیره از موضوعات مورد علاقه در وعظ و خطابه ها، نمایشنامه های اخلاقی و هنر اروپای قرون وسطا بوده است.

▪ هفت کلمه آخر:

هفت کلمه آخر، به آخرین جمله حضرت عیسی بر صلیب اشاره دارد. این کلمات از این قرارند: " خدای من، چرا مرا به خود واگذاشتی؟"

▪ هفت علم انسانی (علوم سبعه):

طبقه بندی آزاد موضوعاتی که از قرن پنجم میلادی به بعد، دربرگیرنده برنامه آموزشی غرب در قرون وسطا بود. به نظر میرسد که نام "علوم انسانی" برگرفته از رساله "سیاست" ارسطو باشد که در آن از "شاخه هایی از دانش که شایسته انسان آزاد است"، یعنی دانش اولیه ای که برای یک شهروند با تحصیلات مناسب لازم است، سخن گفته است. این علوم عبارتند از علوم سه گانه : دستور زبان (ادبیات)، علم بیان و دیالکتیک (مباحثه و مکالمه) و علوم چهارگانه که پیشرفته تر بوده و از این قرارند: حساب، هندسه، موسیقی و نجوم.

▪ عجایب هفتگانه طبیعی:

کوه اورست در مرز نپال و چین، آبشار ویکتوریا در آفریقا، گرند کنیون Grand Canyonآمریکا، ساحل مرجان بزرگ استرالیا، سپیده دم شمالی قطب شمال، آتشفشان پاریکوتین Paricutinدر مکزیک و بندر ریو دوژانیرو برزیل

▪ هفت مرد فرزانه:

نامی که در سنت یونانی به هفت تن از سیاستمداران، قانونگذاران و فیلسوفان قرن ۷ و ۶ قبل از میلاد داده شد. این فرزانگان عبارتند از: سولون قانون گذار یونانی، تالس فیلسوف اهل میلتوس، پیتاکوس فرمانده نظامی اهل میتیلن، کلئوبولوس فیلسوف اهل رودس، شیلون اسپارتی از ناظران شاه، بیاس فرزانه ترین هفت فرزانه، اهل پری ین و پریاندر حاکم مستبد کورنتی.

▪ هفت دریا:

شامل دریاهای قطب شمال و قطب جنوب، اقیانوس آرام شمالی و جنوبی، اقیانوس اطلس شمالی و جنوبی و اقیانوس هند.

▪ هفت حس:

بر اساس تعلیمات باستانی، روح انسان یا "بدن مقدس درون" او مرکب از هفت خاصیت است که هر یک تحت تاثیر یکی از سیارات هفتگانه اند. آتش موجب زندگی، خاک به وجود آورنده توانایی احساس کردن، آب موجب قدرت بیان، هوا حس چشایی، مه موجد حس بینایی، گلها به وجود آورنده حس شنوایی و باد جنوب به وجود آورنده حس بویایی هستند.

▪ هفتمین پسر از هفتمین پسر:

همانطور که گفتیم، هفت جادویی ترین اعداد است و در معرفت قومی، هفتمین فرزند پسر از هفتمین پسر یک خانواده با نیروهای قدرتمند جادویی و شفادهندگی متولد میشود. او پیشگو است و میتواند طلسمهای قدرتمندی را اجرا کند و میتواند با نهادندست خود بر بدن افراد رنجور، آنان را شفا دهد.

▪ عجایب هفتگانه قرون وسطی:

۱) آمفی تئاتر روم،

۲) کاتاکومبهای (سرداب) اسکندریه،مصر

۳) دیوار بزرگ چین

۴) استون هنج در ویلتشایر انگلستان

۵) برج کج پیزا

۶) برج چینی (از جنس چینی) نانکینگ، چین

۷) مسجد ایا صوفیه در استانبول

http://vista.ir/?view=article&id=282476

vista.ir
Online Classified Service

هگمتانه، شهر کوه و تاریخ

●رشته کوه الوند

الوند قله سه هزار و ۵۷۴ متری همدان در جنوب شهر همدان و شمال شهر تویسرکان قرار گرفته و حد طبیعی این دو شهر است. این کوهستان از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده و استان همدان را به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم می کند. الوند با دره های عمیق و سرسبز، چشمه سارها، چمن زارها، قله و پوشش گیاهی متنوع منطقه ای مناسب برای گردش های یك روزه است. در دامنه های شمالی الوند دره های پرآبی مانند دره برفین، دره گنجنامه، دره عباس آباد، دوزخ دره، دره گوساله، دره کیوارستان، سیمین دره، دره مرادبیگ، دره دیوین، دره قز، دره حیدریه و غیره وجود دارد. دره سرکان، دره آرتیمانی، دره فاران، دره گذندره و دره شهرستانه نیز دره های دامنه جنولی الوند هستند. آلماباغ در ۴۶ کیلومتری همدان، دائم برف در ۲۰ کیلومتری همدان و غرب قله الوندکلاه قاضی در ۱۵ کیلومتری جنوب همدان از دیگر ارتفاعات همدان و مورد توجه کوهنوردان اند.

●غار علیصدر

غار علیصدر در روستای علیصدر از توابع شهرستان کبودرآهنگ و در ۷۵ کیلومتری شمال غربی شهر همدان واقع شده است. زمین شناسان قدمت سنگ های این کوه را به دوران دوم زمین شناسی، یعنی دوره ژوراسیك (۱۹۰ تا ۱۳۶ میلیون سال قبل) نسبت می دهند و شواهد به دست آمده از درون غار حاکی از آن است که این غار پناهگاه انسان های اولیه بوده است. غار علیصدر به علت وجود گذرگاه های ممتد آبی و دریاچه های وسیع و قابل قایقرانی که در سرتاسر غار گسترده شده اند، منحصر به فرد است. دسترسی به این غار از طریق جاده های همدان - لالجین به

بیجار(مناسب ترین راه)، تقاطع سه راهی پایگاه هوایی نوژه (در جاده همدان به رزن) و همدان به صالح آباد ممکن است. در مجموعه سیاحتی غار علیصدر برای بازدیدکنندگان تسهیلاتی شامل مهمانسرا، ویلاهای چوبی، سوئیت های اقامتی، بازارچه خرید مواد خوراکی و صنایع دستی، نمازخانه، پارکینگ و فضای سبز فراهم است.

● گنجنامه

گنجنامه، در یکی از دامنه های کوهستان الوند و به فاصله ۵ کیلومتری جنوب غربی همدان، در دره عباس آباد قرار دارد. در نزدیکی گنجنامه، چشم انداز زیبایی از آبشار گنجنامه و دره های سرسبز عباس آباد، تاریك دره و کیوارستان دیده می شود. به دلیل آن که هگمتانه پایتخت تابستانی هخامنشیان بوده و در مسیر جاده شاهی قرار داشته است، داریوش اول هخامنشی پس از اتمام کار سنگ نوشته بیستون، دستور نقد کتیبه کنونی گنجنامه را داده است.

● تپه های باستانی هگمتانه

قدیمی ترین محوطه باستانی همدان شهر هگمتانه است که پیش از آن که پایتخت مادها باشد وجود داشته و مردمانی از قوم کاسی در آن زندگی می کرده اند. از ویژگی های شهر باستانی هگمتانه معماری و طرح و نقشه منظم این شهر است که در بین آثار باستانی به دست آمده کم سابقه است.

● آرامگاه باباطاهر

باباطاهر شاعر، عارف و اندیشمند مشهور قرن پنجم قمری است. شهرت باباطاهر سرودن دوبیتی های شیرین و عارفانه اوست که به «ترانه» و «فهلویات» معروف هستند. باباطاهر را به خاطر اندیشه خاصی که داشته به دیوژن یونانی و برنز ایرلندی مانند کرده اند. باباطاهر در حدود سال ۴۵۰ قمری فوت شده و آرامگاه او زیارتگاه عارفان و دوستداران عرفان است.

● آرامگاه ابن سینا

آرامگاه ابوعلی سینا فیلسوف قرن چهارم هجری در همدان یکی از شاهکارهای معماری معاصر است که با الهام از معماری ایران قدیم بنا شده. طرح برج آرامگاه بوعلی از برج قابوس وشمگیر (گنبد کاووس) گرفته شده و هر یك از ستون های سنگی و مدور جلو آرامگاه نشان دهنده گذشت یك قرن از تولد ابن سینا است. همدان با رشته کوه های مرتفع و پرآب و آثار تاریخی متعددش مقصدی مناسب برای سفر در ماه های تیر و مرداد است. سفری دو یا سه روزه برای دیدن طبیعت و بعضی از آثار تاریخی همدان کافی است.

منبع : روزنامه شرق

http://vista.ir/?view=article&id=229027

vista.ir
Online Classified Service

همسفر شما بیماری شماست!

سبک زندگی ما با شروع تعطیلات نوروزی تغییر می‌کند و به‌ویژه آنهایی که مبتلا به بیماری‌هایی نظیر چربی خون بالا، فشار خون بالا، دیابت و بیماری‌های قلبی هستند، مشکلات‌شان در این ایام بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، مسافرت هم یکی از پدیده‌های شایع عید است که مشکلات این قبیل بیماران را در این ایام به دلایل متعددی بیشتر می‌کند. آنچه در پی می‌آید، توصیه‌هایی است که به بیماران کمک می‌کند سفری سالم‌تر و

شیرین‌تر تجربه کنند...

● بیماران مبتلا به بیماری حرکت

▪ بیماری حرکت معمولا زمان سوار شدن ماشین، هواپیما، قطار و یا هر وسیله نقلیه دیگر ایجاد می‌شود. سرگیجه و تهوع و گاهی استفراغ از علایم این بیماری است. برای کاهش این حالت بهتر است در صندلی جلوی ماشین بنشینید. از کتاب یا روزنامه خواندن اجتناب کنید.

▪ اگر سابقه این بیماری را دارید، حتما قبل از سفر به پزشک مراجعه کنید تا داروی پیشگیری از این حالت برایتان تجویز شود.

● بیماران مبتلا به آلرژی

▪ افرادی که مبتلا به آلرژی هستند، باید هنگام سفر توصیه‌های پزشک را رعایت کنند بنابراین هرگونه دارویی که به‌طور منظم مصرف می‌کنید، باید هنگام سفر هم همراه داشته باشید.

▪ قبل از سفر داروی آنتی‌هیستامین به همراه داشته باشید تا در صورتی که واکنش‌های آلرژیک در شما تشدید شد، از آن استفاده کنید.

▪ در ماشین یا اتوبوس و یا قطار از همسفران خود بخواهید که سیگار نکشند.

● بیماران مبتلا به آرتروز

▪ هنگام مسافرت‌های طولانی به دلیل بی‌تحرکی، آرتروز یعنی همان التهاب مفاصل، ممکن است شدیدتر بشود.

▪ در صورتی که با ماشین خود سفر می‌کنید، هراز گاهی بایستید و کمی قدم بزنید.

▪ داروهایتان را فراموش نکنید.

● بیماران مبتلا به مثانه بیش‌فعال و روده تحریک‌پذیر

▪ در صورتی که مبتلا به بیماری مثانه بیش‌فعال یا روده تحریک‌پذیر هستید، حتما قبل از سفر با پزشک خود ملاقاتی داشته باشید و داروهای خود را به همراه ببرید.

▪ از استرس دوری کنید و زیاد قهوه و چای ننوشید و غذاهای کم‌چرب بخورید.

● بیماران مبتلا به نیش حشرات

▪ در صورتی که در طول سفر، حیوان وحشی به شما حمله کرد و یا گازتان گرفت، بلافاصله به نزدیک‌ترین پزشک مراجعه کنید.

▪ اگر توسط مارگزیده شدید، روی زمین دراز بکشید تا ماده سمی بیشتر در بدنتان پخش نشود و سپس کسی را برای جست و جوی کمک بفرستید.

▪ در صورتی که در محلی هستید که احتمال نیش پشه و سایر حشرات موذی وجود دارد، سعی کنید از پشه‌بند استفاده کنید و یک حشره‌کش به همراه داشته باشید.

● بیماران مبتلا به دیابت

▪ انسولین یا داروی مصرفی، دستگاه قند خون و باتری، لانست نمونه گیری خون، سرنگ، نوار تست قند خون و ادرار، آمپول گلوکاگن، مواد قندی سریع الجذب، الکل پزشکی یا پارچه نمدار را با خود بردارید.

▪ توجه کنید که در زمان حرکت قند خون از ۹۰ میلی‌گرم درصد کمتر نباشد. همچنین در مسیر طولانی لازم است هر دو تا سه ساعت یک بار قند خون خود را اندازه‌گیری کنید.

▪ با کوچک‌ترین علامت افت قند باید در کمترین زمان مواد قندی مصرف کنید.

▪ در صورت سفر با اتوبوس به‌طور دایم روی صندلی ننشینید و برای برقراری جریان طبیعی خون در پاها، برخی اوقات بایستید یا وسط اتوبوس چند قدم راه بروید.

▪ هنگام سفر با قطار باید به اندازه کافی کربوهیدارت همراه داشته و در صورت سفر با هواپیما وسایل مورد نیاز را در کیف دستی خود قرار دهید.

● بیماران مبتلا به بیماری قلبی

▪ از تردد در مکان‌های شلوغ و پر رفت و آمد و پر از سر و صدا خودداری کنید.

▪ وضعیت مقصد خود را کاملا بررسی کنید و به نکاتی مثل ارتفاع محل، دمای محل و وضعیت آلودگی هوای منطقه توجه کنید.

▪ بیشتر به شهرهایی سفر کنید که دارای آب و هوای پاک و تمیز به همراه کوه و جنگل و دشت باشند که در شما آرامش ایجاد کنند.

▪ به مدت طولانی از نشستن خودداری کنید.

▪ اگر مبتلا به آترواسکلروز هستید قبل از سفر از لحاظ وضعیت عروقی بررسی شوید.

▪ اگر دارای دستگاه ضربان ساز قلبی یا پیس‌میکر هستید، باید قادر به اندازه‌گیری فشار خون و نبض خود باشید و بتوانید نامنظمی‌های نبضتان را تشخیص دهید.

▪ در طول سفر رعایت رژیم غذایی سالم و کنترل شده خود را فراموش نکنید. از مصرف غذاهای شور، دارای چربی زیاد و قند بالا خودداری کنید.

▪ ورزش و پیاده‌روی را فراموش نکنید. مکانی آرام و سرسبز را انتخاب کنید و روزانه نیم‌ساعت در کمال آرامش قدم بزنید.

● مادران باردار

▪ در صورتی که بارداری بدون عارضه باشد، سفر کردن اثر مضری روی آن ندارد اما بهتر است با مشورت پزشک باشد.

▪ سفر با هواپیما خطر خاصی ایجاد نمی‌کند به شرط اینکه فشار هوا در داخل هواپیما کاملاً تنظیم شده باشد. مسافرت هوایی باید پس از ماه هشتم بارداری با اجازه پزشک متخصص باشد و خانم باردار باید حداقل هر دو ساعت یک بار قدم بزند. هرگز در هفته‌های آخر بارداری (از هفته ۳۵ به بعد) با هواپیما مسافرت نکنید.

▪ طی مسافرت با اتومبیل، از کمربند ایمنی آن استفاده کنید. کمربند باید در زیر شکم و روی قسمت فوقانی ران‌ها قرار گیرد و تا آن جایی که ممکن است باید چگونگی قرارگیری کمربند راحت باشد، کمربند شانه نیز باید در میان دو سینه قرار گیرد.

▪ از نشستن به مدت طولانی خودداری کنید و حداقل هر ۱ تا ۲ ساعت یک بار قدم بزنید و بدن خود را بکشید.

▪ هر ۳ تا ۴ ساعت، حداقل یک لیتر آب برای جلوگیری از هدر رفتن آب بدن بنوشید و برای جلوگیری از عفونت‌های ادراری از وسایل بهداشتی استفاده کنید.

▪ غیر از وعده‌های اصلی غذا، میان وعده هم مصرف کنید.

▪ لباس گشاد و راحتی بپوشید. همچنین کفش راحتی به پا کنید. همراه خود بالش کوچکی برای جلوگیری از کمردرد داشته باشید و حتما قبل از مصرف هرگونه دارو با پزشک خود مشورت کنید.

● بیماران مبتلا به آسم

▪ اگر خانه یا هتلی را برای اقامت انتخاب می‌کنید، بهتر است کاملا تمیز و عاری از هر گونه گرد و غبار باشد؛ مخصوصا اگر کودکی همراه شما است که مبتلا به آسم است.

▪ اگر به مناطق سردسیر مسافرت می‌کنید، توجه کنید که با افزایش عفونت‌های دستگاه تنفسی فوقانی چه از نوع ویروسی و چه باکتریایی علایم بیماری آسم شدیدترمی‌شود. از این رو برای پیشگیری از ابتلا به عفونت‌های تنفسی برای کودکان آسمی واکسن آنفلوآنزا توصیه می‌شود.

▪ ورزش و فعالیت، خنده، هوای سرد و خشک، بوی قوی و محرک‌هایی مثل دود سیگار و تنباکو، رنگ و بخارات شیمیایی و حتی استرس‌های روحی‌روانی مانند ترس، اضطراب و عصبانیت نیز بیماری آسم را شدیدترمی‌کند.

▪ و توصیه آخر این‌که قبل از مسافرت حتما داروها و اسپری‌های استنشاقی را در کیف مخصوص کمک‌های اولیه خود قرار دهید.

● و پیشگیری از اسهال در سفر

▪ در طول سفر، آب سالم و پاک به همراه داشته و قبل از خوردن مواد غذایی، میوه و سبزی دست‌هایتان را به خوبی بشویید.

▪ میوه و سبزی را از قبل تمیز شسته و در بسته‌بندی مناسب قرار دهید و یا آنها را به‌طور کامل و تمیز بشویید.

▪ هرگز از آب‌های جاری و رودخانه‌هایی که احتمال آلودگی و شست و شوی بدن و دست در آن وجود دارد، آب نخورید.

▪ در طول مسیر، مواد غذایی و مایعات و شیر و آب‌میوه‌ها را از جای مطمئن بخرید و حتما به تاریخ مصرف آن توجه کنید.

▪ هیچ‌گاه گوشت را تا کاملا پخته نشده نخورید و مواد غذایی را برای نگهداری در جای خنک و در صندوقی پر از یخ قرار دهید.

▪ در صورتی که احساس ناخوشی کردید و یا تب داشتید، کمی استراحت کنید. چای بنوشید و یا اگر به اسهال شدید دچار شدید، به نزدیک‌ترین اورژانس‌های بین راه مراجعه کنید.

منبع : روزنامه سلامت

http://vista.ir/?view=article&id=364930

vista.ir
Online Classified Service

همه چیز در مورد برج ایفل - La Tour Eiffel

هر هفت سال یک بار با استفاده از ۵۰ تن رنگ، ایفل را رنگ می کنند. رنگ هایی که به کار گرفته می شود بسته به موقعیت متغیر است، در حال حاضر رنگ ایفل تقریبا قهوه ای است.

برج ایفل که در زبان فرانسه La Tour Eiffel نامیده می شود، برجی فلزی است که در فضای یک سبز عمومی (Champ de Mars) در مجاورت رود سن (Seine) در پاریس بنا شده است. ایفل مرتفع ترین بنای پاریس، در زمره مشهورترین نمادهای جهان است که امروزه از مهمترین مراکز جذب توریست به شمار می رود. نام ایفل در حقیقت برگرفته از نام گوستاو ایفل (Gustave Eiffel) طراح این برج باشکوه است.

• اعداد و ارقام

برج ایفل با ۳۰۰ متر ارتفاع تقریبا معادل یک ساختمان ۷۰ طبقه می باشد، با انضمام یک آنتن ۲۴ متری که در بالای آن قرار گرفته ارتفاع کلی برج به ۳۲۴ متر - یک ساختمان ۸۱ طبقه - می رسد.

ایفل در سال ۱۸۸۹ به عنوان مرتفع ترین برج جهان بنا شد و این عنوان را تا سال ۱۹۳۰ که آسمانخراش کرایسلر (Chrysler) با ۳۱۹ متر ارتفاع در شهر نیویورک ساخته شد، حفظ کرد. امروزه ایفل، در کشور فرانسه پس از برج فرستنده Allouis Longwave با ۳۵۰ متر ارتفاع، در رده دوم قرار دارد، اما در شهر پاریس کماکان رتبه اول را به خود اختصاص داده است.

در این بنا ۷,۳۰۰ تن فلز به کار رفته و وزن کلی آن ۱۰,۱۰۰ تن می باشد. تعداد پله هایی که به نوک برج منتهی می شود تقریبا پس از هر بار بازسازی تغییر کرده، در ابتدا ۱,۷۱۰ پله وجود داشت، در اوایل دهه ۱۹۸۰ پس از اولین بازسازی، تعداد آنها به ۱,۹۲۰ رسید و امروز نیز ۱,۶۶۵ پله در ایفل به چشم می خورد.

بسته به دمای محیط اطراف، نوک برج ممکن است بر اثر انبساط فلزات، در قسمتی از برج که به سمت خورشید است، تا هشت سانتی متر تغییر مکان داشته باشد.

به منظور حفاظت در مقابل زنگ زدگی هر هفت سال یک بار با استفاده از ۵۰ تن رنگ، ایفل را رنگ می کنند. رنگ هایی که به کار گرفته می شود بسته به موقعیت متغیر است، در حال حاضر رنگ ایفل تقریبا قهوه ای است.

• تاریخچه

این بنا بین سالهای ۱۸۸۷ تا ۱۸۸۹ به عنوان ورودی یک نمایشگاه بین المللی (Exposition Universelle) که به مناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب فرانسه برگزار می شد، در مختصات جغرافیایی ۴۸″۵۱°۲۹′N و ۲″۱۷°۴۰′E ساخته شد. ایفل در روز ۳۱ ماه مارس سال ۱۸۸۹ افتتاح شد و از ۶ ماه مه همان سال در معرض بازدید عمومی قرار گرفت.

سیصد کارگر با استفاده از تعداد سه میلیون و پانصد میخ پرچ، ۱۸,۰۳۸ قطعه فلز ساختمانی را به هم متصل کردند. عملیات ساخت چنین بنایی بدون شک با خطرات بسیاری همراه بود، زیرا بر خلاف آسمان خراش های عادی، این برج روباز و بدون طبقات میانی بنا شده و عملا به جز دو طبقه که در پایین آن قرار دارد، چیز دیگری به چشم نمی خورد.

به دلیل دقت و احتیاط فراوانی که در ساخت بنا به منظور حفظ جان کارگران به عمل آمد، ساخت این برج عظیم تنها یک نفر تلفات داشت، آنهم در زمان نصب آسانسوری که توسط شرکت Otis، بزرگترین شرکت سازنده آسانسور در جهان، انجام شد.

از ابتدای قرن بیستم، تاسال ۱۹۰۹ که در مجاورت ضلع جنوبی ایفل یک مرکز رادیویی دائمی ساخته شد، از ایفل به عنوان فرستنده رادیویی استفاده می شد. از سال ۱۹۵۷ این برج جهت ارسال رادیو و تلویزیون FM استفاده می شود.

ایفل دو رستوران به نام های Altitude ۹۵ در طبقه اول (۹۵ متر بالاتر از سطح دریا) و Jules Verne که یک رستوران فرانسوی بسیار گران قیمت مجهز به آسانسور خصوصی است، قرار دارد.

- تصویر زمین از بالای برج ایفل

▪ رخدادها

ـ در سال ۱۹۳۰ با اتمام آسمانخراش Chrysler در نیویورک، ایفل عنوان مرتفع ترین برج جهان را از دست داد.

بین سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۴ تابلو های تبلیغاتی شرکت سیتروئن (Citroën)، به عنوان مرتفع ترین بیل بوردهای جهان، زینت بخش سه وجه برج بودند.

ـ در سوم ژانویه سال ۱۹۵۶ قسمت بالای برج طعمه حریق شد.

ـ در سال ۱۹۵۹ آنتن رادیویی فعلی به بالای برج افزوده گشت.

ـ در سال ۲۰۰۰ نورافکن های پر قدرت در برج نصب شد و از آن تاریخ تا کنون هر شب نمایشی از نورهای رنگارنگ برج، برفراز آسمان شهر پاریس اجرا می گردد.

ـ در ۲۸ نوامبر سال ۲۰۰۲ شمار بازدید کنندگان ایفل به ۲۰۰ میلیون نفر رسید.

ـ در ساعت ۷:۲۰ بعدازظهر روز ۲۲ ژوئیه سال ۲۰۰۳، در اتاق تجهیزات فرستنده رادیویی ایفل، آتش سوزی رخ داد و فرو نشاندن آتش ۴۵ دقیقه به طول انجامید. خوشبختانه این واقعه تلفات جانی به دنبال نداشت.

▪ ۷۲ نام

نام ۷۲ تن از دانشمندان و مهندسین فرانسوی که در راه اندازی و ساخت این پروژه همکاری داشته اند، بر روی برج حک شده است. روی این حکاکی در اوایل قرن بیستم با رنگ پوشانده شد. در سال ۱۹۸۶ مجددا شرکتی به نام (SNTE (d&#۰۳۹;Exploitation de la Tour Eiffel Société Nouvelle به بازسازی این حکاکی پرداخت. شرکت مذکور طی قراردادی با مقامات شهر پاریس مسئولیت اداره و نگهداری ایفل را عهده دار شده است.

منبع : ستاره‌ها

http://vista.ir/?view=article&id=96062

vista.ir
Online Classified Service

هیچ کس منتظر ما نبود

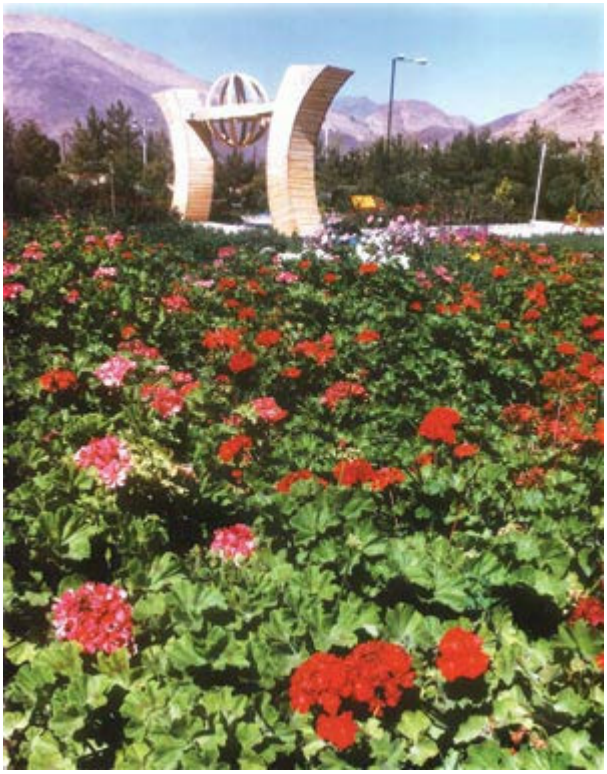

برخی‌ها معتقدند که در عصر اینترنت و رسانه‌های ارتباط‌جمعی تصویری گوناگون، نوشتن سفرنامه محلی از اعراب ندارد.

این عده سفرنامه‌ها را برای زمانی مناسب می‌دانند که از رسانه‌های تصویری و دیجیتالی و... خبری نبود، اما واقعیت این است تا زمانی که سفر اتفاق می‌افتد سفرنامه هم می‌تواند نوشته شود و گاهی لازم نیز هست.

سفرنامه تجربه و نگاه شخصی هر فرد به محیط و منطقه‌ای است که به آن وارد می‌شود. ولی اینجا نگاه ما زیاد سفرنامه‌ای نیست، بلکه اشاره‌ای گذرا به برخی کاستی‌ها یا نقاط قوت مناطقی است که به آن سفر کردیم.

به هر حال نقل بخشی از خاطرات این سفر شاید خالی از لطف نباشد.

می‌گویند برای سفر چند چیز را باید به همراه داشت که مهمترین آن حس سفر است. این حس الان کمی بوی بنزین گرفته است و به راحتی هم نمی‌توان در آن حس غرق شد. ولی جمع کوچک ما به هر ترتیبی بود با این حس راهی شد، تا بخشی از دیدنی‌های ایران بزرگ و با عظمت را ببیند. ما البته دل به خبرهای مربوط به بنزین سفر خوش نکرده بودیم، فقط با همان حس راهی شدیم، تا مناطق غرب کشور را تماشا کنیم.

هر گاه به سفر می‌رویم و گستره وسیع ایران را تماشا می‌کنیم، حس عجیبی داریم. غرور و سربلندی ما را فرا می‌گیرد، از اینکه با خودرو روزها و شب‌ها راه بپیماییم، ولی باز انگار که جایی را ندیده باشیم، چنان برایمان شگفت‌انگیز و خوشایند است که به سرزمین وسیع، زیبا و پربر و بار ایران می‌بالیم.

برای همین همیشه اصرار داریم که با خودرو و از راه زمینی باید ایران را دید و از تماشای کوه‌ها و دره‌ها و رودخانه‌های آن لذت برد. دلمان می‌خواهد هر جایی را که دیدیم برای دیگران تعریف کنیم، اما گاهی از دادن نشانی و تعریف و تمجید کردن این مکان‌ها می‌ترسیم؛ ترس از اینکه مبادا پا و دست برخی از آدم‌ها به آن برسد و همه زیبایی‌های آن را یکباره لگدمال کنند. شاید همین حس باشد که مجبوریم این جمله را تکرار کنیم:«برای حفظ محیط‌زیست و زیبایی‌های ایران نشانی هیچ جایی را به هیچ کس ندهید.

صبح روز جمعه ۱۹مرداد از تهران به مقصد ارومیه حرکت کردیم. هوای نیمه‌گرم تهران را هنوز آفتاب نزده ترک کردیم. نرسیده به کرج طلوع آفتاب از آینه خودرو تماشایی بود. حس اینکه آفتاب هم امروز تا ارومیه همراه ما خواهد بود، چنان برایمان خوشایند بود که گویی همراه و همسفری مهربان در جمع کوچک ما خواهد بود.

بعد از عوارضی کرج – قزوین برای دقایقی کنار جاده توقف کردیم. برخی کنار جاده حصیر انداخته و در حال استراحت بودند، چیزی که در این بین جلب توجه می‌کرد، آت‌وآشغالی بود که در ۲ طرف جاده خودنمایی می‌کرد.

اولین عکسی که گرفتیم از همین جا بود. هیچ کس و هیچ نهادی ظاهراً مسئولیت تمیزی این مکان‌ها را ندارد. شاید سال‌هاست که مردم آشغال‌های خود را بدون توجه به عواقب زیست‌محیطی آن رها می‌کنند و خوشبختانه! هم کسی در فکر جمع‌آوری آنها نیست.

این تصویر از ذهن ما هنوز فراموش نشده بود که در اطراف عوارضی قزوین – زنجان هم با صحنه‌هایی به مراتب بدتر از آن مواجه شدیم.

این صحنه‌ها متأسفانه ما را رها نکرده بودند، در حدود ۸۰کیلومتری تبریز برای صرف صبحانه اتراق کردیم؛ جایی تقریبا سرسبز و با درختانی بلند. اما نتوانستیم نقطه‌ای را بیابیم که بتوانیم چیزی را آنجا پهن کنیم. تمامی فضای اطراف باغ را آت و آشغال‌ها فراگرفته بود. در نتیجه مجبور شدیم فضایی حدود ۳در۳ را تمیز کنیم تا با طیب راحت بنشینیم.

اما تماشای کوه‌ها و تپه‌های کناره جاده در استان آذربایجان شرقی خوشبختانه آن تصاویر ناخوشایند را از ذهن ما زدود. اما از زنجان تا تبریز جای مناسبی برای توقف مسافران نبود. بعد از آنکه وارد تبریز شدیم برای ساعتی در پارک ایل‌گلی اتراق کردیم؛ جایی درست روبه‌روی دریاچه.

چون مقصد، ارومیه بود، باید قبل از غروب راه می‌افتادیم تا بتوانیم از زیبایی‌های دریاچه ارومیه هم لذت ببریم. حدود ساعت ۴ بعداز ظهر به کناره‌های دریاچه ارومیه رسیدیم. دریا با تلألوی انوار خورشید به ما لبخند می‌زد. قرار بود با کشتی به آن طرف دریا برویم تا هم تجربه‌ای جدید باشد و هم از تماشای دریای عصرگاهی ارومیه لذت ببریم.

دقایقی بعد با خودرو روی جاده میان‌گذر دریاچه رفتیم: خدای من، صدها خودرو جلوتر از ما بودند، باید به نوبت می‌ایستادیم تا لنچ‌های خودروبر به نوبت ما را سوار می‌کردند. اینجا داستانی دیگری داشت. اگر گذرتان به این گذر افتاد خواهید دید که گویی لشکری با هزاران نفر اینجا را غارت کردند و هر چه داشتند همه را روی جاده میان‌گذر رها کردند. شاید بتوان به راحتی چندین کامیون آشغال از روی این جاده جمع کرد. البته اینجا هم انگار کسی مسئول جمع‌آوری این همه آشغال نبود.

خوشبختانه دریاچه آنقدر زیبا بود که توانستم دقایق زیادی را آنجا به تمدد اعصاب بپردازیم. آب دریا چنان شور و نمکین بود که سنگ‌های کنار آب همچون تپه‌های مرجانی جلوه‌گری می‌کردند.

قندیل‌های زیبایی که در لابه‌لای تخته‌سنگ‌ها خودنمایی می‌کردند، در حقیقت از شوری زایدالوصف این دریاچه منحصر به فرد حکایت داشت. یکی از مسافران که اتفاقا روی تنها گونه جاندار دریاچه یعنی آرتمیا در ارومیه مطالعه می‌کرد، می‌گفت این میان‌گذر، هم تعداد آرتمیا را کاهش داد و هم دریاچه را شورتر کرد.

او معتقد بود که درصد شوری دریاچه حتی بیش از ۶۰درصد است. البته به اذعان او مسئولان سعی دارند که از بیان آن خودداری کنند. او اعتقاد داشت که این میان‌گذر در درازمدت حتی باعث نابودی دریاچه خواهد شد. منتظر ماندیم تا قبل از غروب خورشید نوبت ما فرابرسد. گذشت زمان گویی بر اعصاب ما سوهان می‌کشید.

آفتاب کم‌کم داشت غروب می‌کرد و دریاچه را با انوار رنگارنگش زیبا می‌ساخت. بعد از گذشت ۲ ساعت خودروی مان شاید ۱۰متر هم از جایش تکان نخورد. مجبور شدیم قدم زنان به کنار اسکله برویم. ظاهرا آنجا هر کس قوی‌تر بود و به راحتی حق دیگران را زیر پا می‌گذاشت، می‌توانست بدون رعایت نوبت با خودرو سوار لنچ شود. نه از مأمور خبری بود و نه از مسئول نظم و انضباط؛ به قول معروف هر کی به هر کی بود.

مردم در زیر تیغ آفتاب بدون حتی یک سرپناه چشم‌انتظار رسیدن لنچ‌ها بودند. ظاهرا ۴ فروند لنچ بیشتر برای حمل مسافر نبود که ۳ فروند آن می‌توانستند حداکثر ۴۰خودرو را حمل کنند. غروب زیبایی‌هایش را هم با خود برد، حالا ما مانده بودیم و شبی که ماه هم نداشت.

نبرد باید شروع می‌شد. بسیاری از خانم‌ها کنار اسکله آمدند تا مانع جماعتی شوند که بدون نوبت سوار لنچ می‌شدند. غلغله‌ای شده بود، بسیاری بهانه می‌آوردند که از فلان نهاد آمدند و باید زودتر به آن‌طرف آب بروند.

اما خانم‌ها که گویی زورشان بر بسیاری از آنها می‌چربید مانع ورود آنها شدند. کاش می‌بودید و می‌دیدید که چقدر حس نوع‌دوستی و رعایت اخلاق روی جاده میان‌گذر دریاچه ارومیه غریب شده بود. نمی‌دانستم ما همان مردم مهماندوست و مبادی آداب هستیم، یا دشمنان هم...

هر چه از زمان می‌گذشت، شایعه‌ها هم زیاد می‌شد: «لنچ‌ها فقط حداکثر تا ۱۱ شب مسافران را جابه‌جا خواهند کرد» این خبر دقیقا روح و اعصاب مسافران را تخریب می‌کرد: مبادا شب در این دریای نمک و ترس و جاده بی‌در و پیکر مجبور شوند بمانند تا آفتاب دو باره در همین نقطه به تماشای آنها بیاید.

در آن تاریکی شب و غلغله مسافران، یک مامور انتظامی را دیدیم. او می‌گفت چون چند نفر از مسافران صبح، یکی از همکارهای او را مورد ضرب و جرح قرار دادند، او هم ماموری برای ایجاد نظم به اینجا نفرستاد. به همراه او مدیر یکی از شرکت‌های کشتیرانی هم حضور داشت.

آنها فقط سرگردانی مسافران را تماشا می‌کردند. در آن وقت شب اگر مشکلی برای مسافران پیش می‌آمد، نه تلفن همراه به راحتی خط می‌داد، نه ارگان و سازمانی بود که بخواهد به داد مردم در آن نقطه متروک برسد.

به هر حال ما ساعت حدود ساعت۱۰شب با خودرو سوار لنچ شدیم. از جماعتی که پشت سر ما بودند خبری نداریم، آیا همه آنها آن شب به این طرف آب آمدند یا آنکه شب را روی جاده میان‌گذر سپری کردند؟

روی لنچ آسمان ما را مهمان ستاره‌هایش کرده بود، با آن همه سختی اما آرامش داخل لنچ و موج نمکین دریاچه لذت دیگری داشت.

فکر می‌کردیم الان آن طرف دریا خیلی ها منتظر ما هستند و به ما خوشامد می‌گویند، اما خبری از کسی نبود. ما خوش‌خیال بودیم. جاده پردست‌انداز و تاریک را تا شهر ارومیه طی کردیم. چراغ‌های شهر ارومیه به ما خوشامد می‌گفتند. پرسان پرسان نشانی چند هتل را گرفتیم، اکثر هتل‌ها پر بود. بالاخره با کلی گشتن و خواهش و تمنا توانستیم در یکی از هتل‌ها سوئیتی پیدا کنیم. جای آرمیدنی بود.

انگار همه به آرامش رسیده بودیم. شام ناچیزی خوردیم و به امید دیدار آفتاب صبح ارومیه آرمیدیم. خواب دریا شیرین بود، اما سختی انتظار و سرگردانی کنار جاده زهرخواب دیگری بود.

صبح باز امیدوار بودیم کسی در شهر منتظر ما باشد. اما شنبه، همه جا تعطیل بود، ولی منطقاً مکان‌های دیدنی و به اصطلاح توریست‌پذیر باید در چنین روزهایی باز باشند.

شهر ارومیه هوای مطبوع و خنکی داشت، ما را یاد شهرهای سرسبز سوادکوه مازندران می‌انداخت. بهار هنوز در شهر مانده بود. نشانی از گرمای شدید تابستان نبود، گاهی نسیم خنک خاطره بهار را تداعی می‌کرد.

خودروی ژیان قدیمی در بسیاری از کوچه‌ها روبه‌روی ما خودنمایی می‌کرد ، به گونه‌ای که یکی از همراهان می‌گفت باید این شهر را شهر ژیان نامید. از مسئول هتل نقشه راهنمای شهر را با کلی منت گرفتیم. ایشان می‌گفت همین یک نسخه برای او باقیمانده است.

ظاهراً نقشه با نامگذاری جدید شهر زیاد هماهنگ نبود. سازمان میراث هم آن را منتشر کرده بود، البته بهتر از هیچی بود. اولین جایی که طبق نقشه به ما نزدیک بود محل تاریخی سه‌گنبد بود. گنبدی که گویا در قدیم آتشکده بود.

فضای کوچکی که دور آن را دیوار کشیده بودند و در آهنی آن هم قفل بود. بجز ما چندین ایرانگرد دیگر هم آمده بودند، اما انگار این میراث تاریخی هم به تعطیلی رفته بود.

بعد قرار شد به موزه تاریخی ارومیه برویم. رفتیم، آنجا هم بسته بود. یکی از افرادی که در حیاط موزه بود می‌گفت امروز مگر تعطیل نیست؟ راست می‌گفت ما روز تعطیلی رفته بودیم و مکان‌های تاریخی هم تعطیل بودند؛ مثل موزه طبیعی یا دفاع مقدس. به هر حال اینها از محاسن ایرانگردی است.

اما از همه جالبتر یخچال قدیمی شهر ارومیه بود. با چه مکافاتی پیدایش کردیم. براساس نقشه جلو می‌رفتیم، به بن‌بست می‌خوردیم. خیلی‌ها هم نمی‌دانستند، کجاست. جای تعجب و پرسش داشت!؟ فکر می‌کردیم الآن به یکی از یخچال‌های تمیز و خنک می‌رویم. رفتیم. حداقل یک وانت آشغال جلوی در آن از ما استقبال کرد. تابلوی میراث فرهنگی به ما دهن‌کجی می‌کرد.

این میراث دیگر به تعطیلی نخورده بود، خودش تعطیل بود. درهای آن بسته بود و عده‌ای دستفروش دور آن را گرفته بودند، به شکلی که حتی نمی‌شد از آن عکس گرفت. برخی از همسایه‌های می‌گفتند این یخچال همیشه بسته است. وقتی که روی پشت بام یخچال مشغول پرسه‌زدن بودم، یکی از همسایه‌ها گفت آقا شما دنبال گنج هستید؟

خوشبختانه مسجد جامع و بازار سنتی ارومیه را توانستیم ببینیم. معماری زیبای مسجد جامع و تماشای گنبد آن توانست حداقل بخشی از خستگی ما را بکاهد و از اینکه بالاخره توانستیم جای دیدنی این شهر را ببینیم خوشحال بودیم. بازار سنتی ارومیه می‌توانست همچون بازار سنتی شهرهای تاریخی دیگر مثل زنجان،کرمان، اصفهان و... باشد، با این حال تماشای آن لطفی داشت.

مکان بعدی، کلیسای ننه‌مریم بود. کلیسایی ساده و در عین حال زیبا با حیاطی بزرگ. به اذعان یکی از مسئولان آن از قدیمی‌ترین کلیساهای جهان است که روی آتشکده‌ای در سال ۳۶ میلادی ساخته شده است.

طبقه دوم آن توسط عثمانی‌ها تخریب شد. همزمان عده زیادی وارد کلیسا شده بودند راهنمایی آنها را هدایت می‌کرد. تنها جایی که توانستیم اثری از سازمان ایرانگردی و جهانگردی را شاهد باشیم.در مجاورت پارک ساحلی اتاقک گوی مانندی خودنمایی می‌کرد که مخصوص راهنمایی مسافران بود، البته در این اتاق هم بسته بود.

دیگر خیال ما از بابت اماکن تاریخی شهر ارومیه راحت شد، مطمئن شدیم که همه بسته است، مجبور شدیم به اماکن جدید و زیبایی مثل مجتمع گردشگری باری و بعد دره شهدا برویم.

به هر حال روز بعد که احتمالاً در اماکن تاریخی باز شده بود با ارومیه خداحافظی کردیم. شهر زیبایی که نه کسی منتظر ما بود و نه کسی بدرودمان گفت.

منبع : روزنامه همشهری

http://vista.ir/?view=article&id=274595

vista.ir
Online Classified Service

یاوری به نام توریسم ورزشی

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و عصر حاکمیت ریز تراشه ها، هر چیزی که به روز و نوین باشد گوی سبقت را از دیگران می رباید. بر این اساس باتوجه به جهانی شدن ورزش که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و موجب تغییر نقش ورزش در جامعه گردید و فرصت های درآمدزایی بسیاری را برای افراد، موسسات و رسانه های مختلف ایجاد نمود. با توجه به موارد فوق، ایجاد و توسعه واحد ارزیابی که یکی از رهاوردهای نوین توسعه هر سازمانی بدون توجه به ماهیت شغلی آن سازمان به شمار می رود، در توسعه وضعیت اقتصادی هر جامعه ای نقش بسزایی را ایفا می نماید. حال با توجه به فقدان یا کم اثر بودن این واحد در سازمان های ورزشی کشور، پژوهش حاضر ضرورت بازنگری به تشکیل یا توسعه ریتم عملکردی واحد بازاریابی را در سازمان تربیت بدنی ایران و به طور خاص در رشته ورزشی فدراسیون بدنسازی و قوی ترین مردان را بررسی می کند. صنعت توریسم و گردشگری به عنوان بزرگترین و پررونق ترین و درعین حال متنوع ترین صنعت جهان محسوب می گردد لذا انتظار می رود که در قرن بیست و یکم نیز این صنعت پیشتاز بوده و سیر صعودی آن ادامه یابد. بسیاری از کشورها این صنعت پویا را به عنوان منبع اصلی درآمد، اشتغالزایی، رشد بخش خصوصی و توسعه زیرساخت ها می دانند. امروزه ورزش نیز یکی از صنایع بزرگ و پولساز دنیا محسوب می شود که افراد بسیاری در سرتاسر جهان در آن اشتغال دارند. گردشگری ورزشی صنعتی است که از ترکیب دو صنعت جهانگردی و صنعت ورزش پدید آمده است. به عبارت دیگر ورزش یکی از متداول ترین عوامل ایجاد شده برای گردشگران است.

- وجه تلاقی ورزش و گردشگری

توریست های ورزشی را می توان براساس اهداف ورزشی به سه طبقه: الف) مشارکت کنندگان در رویدادها (ورزشکاران)، ب) تماشاچیان ورزشی، ج) عاشقان ورزشی تقسیم نمود.

در مطالعه و نظر کلی به سابقه تحقیقات انجام شده مشاهده می شود که بازاریابی و گردشگری ورزشی از حوزه های جدید تحقیقی و رایج شده در ۱۰ سال گذشته در جهان است و از آنجا که تا به حال تحقیق در مورد بازاریابی ورزشی در کشور بسیار کم بوده و علی الخصوص در فدراسیون جدیدالتاسیس رشته بدنسازی و قوی ترین مردان، کم می باشد لذا محقق قصد دارد علل و عوامل مؤثر بر بازاریابی محصولات، ظرفیت های بالقوه (اسپانسرها و تولیدکننده گان مکمل های غذایی) و موانع و محدودیت های توسعه و پرورش فدراسیون بدنسازی و قوی ترین مردان را از دیدگاه مسوولان و مربیان و دست اندرکاران ورزش بدنسازی و قوی ترین مردان مورد بررسی قرار دهد. در اواخر قرن نوزدهم، علاقه خاصی برای بدنسازی در مردم به وجود آمد و این بدنسازی به معنی اضافه کردن عضلات برای دفاع شخصی و بقا نبود، بلکه منظور از آن، بازگشت به این ایده یونانیان بود که با افزایش عضلات، از بدن تجلیل و تقدیر می کردند.

در سال های دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ ثابت شد که سلامتی و رشد بدن به یکدیگر نزدیک و مربوط بوده و کار کردن با وزنه، بهترین وسیله برای ازدیاد حجم عضلات در کوتاه ترین زمان است. از دهه ۱۹۸۰ فدراسیون بین المللی بدنسازی (IFBB) به صورت سازمانی موفق عمل می کرد و تا سال ۲۰۰۶ بیش از ۲۰۰ کشور عضو این فدراسیون بودند و در ایران نیز این فدراسیون در سال ۱۳۸۳ تاسیس گردید.

بازاریابی عبارت است از فرایند مدیریتی و اجتماعی که به وسیله آن افراد و گروه ها آنچه را که نیاز دارند و می خواهند از طریق خلق ارزش محصول و مبادله آن با دیگران به دست آورند. نیازهای انسان، یکی از مفاهیم اساسی بازاریابی است. مدیریت بازاریابی عبارتست از: تجزیه و تحلیل، طرح ریزی، اجرا و کنترل برنامه هایی جهت ایجاد، ارایه و حفظ فرایند داد و ستدهای سودآور با مشتریان (خریداران) مورد نظر، به منظور دستیابی به هدف های سازمان. بازاریابی ورزشی به مجموعه فعالیت های انسانی- اقتصادی که در جهت یافتن بازار مصرف کالاها و خدمات ورزشی ارایه شده از سوی سازمان ورزشی جهت دستیابی به سودآوری و اخذ اعتماد مصرف کنندگان انجام می گیرد، بازاریابی ورزشی می گویند.

گام اول در بازاریابی شناخت محصول و خدمات قابل عرضه فدراسیون ها برای متقاضیان یا مشتریان در استفاده علمی از بازاریابی علمی است که مهمترین گام می باشد. برخی از این محصولات شامل برگزاری مسابقات، آموزش، امور فرهنگی، امور پژوهشی و اردوهای تیم ملی و غیره است.

گام دوم قیمت گذاری در بازار رقابت است. سومین گام ترفیع یا ارایه اطلاعات درباره محصولات و خدمات و آگاهی های لازم برای مشتریان است و در نهایت گام چهارم نیز توزیع است که محل مورد نظر مشتری برای ارایه محصول مورد توجه است.

پیش بینی و تعیین منابع مالی برای اجرای برخی از رویدادهای تقویم سالانه فدراسیون های ورزشی کشور منوط به فروش محصولات فدراسیون است. در بسیاری از فدراسیون ها اعم از فدراسیون بدنسازی و قوی ترین مردان بودجه تخصیصی از سوی سازمان تربیت بدنی جوابگوی برنامه های فدراسیون نیست.

از این رو بازاریابی در فدراسیون های ورزشی حایز اهمیت بیشتری می گردد. بررسی توصیفی عوامل مؤثر در بازاریابی رشته ورزشی بدنسازی و قوی ترین مردان براساس اطلاعات به دست آمده از مصاحبه و نتایج تحقیق حاضر نشان داد که صددرصد افراد نمونه آماری با ایجاد واحدی به نام واحد بازاریابی در فدراسیون بدنسازی و قوی ترین مردان موافق بوده و عملکرد این واحد را در توسعه و پرورش رشته ورزشی بدنسازی و قوی ترین مردان بسیار مؤثر می دانند.

چنانکه نظرات اعمال شده از سوی آزمودنی ها درخصوص کارایی واحد بازاریابی با عملکردهایی چون تبلیغات، جذب اسپانسر و حامیان مالی، افزایش جذب اعتبار، توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی و ایجاد واحدهای تولیدی، باعث افزایش منابع مالی و اعتبارات تخصیصی فدراسیون در نتیجه توسعه و پرورش رشته ورزشی بدنسازی و قوی ترین مردان می گردد. همچنین در نظرسنجی که از افراد نمونه آماری درخصوص کارایی واحد بازاریابی با محور قرار دادن صنعت توریسم ورزشی انجام گرفت، اکثر قریب به اتفاق آزمودنی ها (۸۰%) با ارایه پیشنهادات مؤثر، اثربخش بودن این واحد را در جهت جذب توریست ورزشی به رویدادهای ورزشی داخلی، مورد تایید قرار دادند.

منبع : سایر منابع

http://vista.ir/?view=article&id=304426

vista.ir
Online Classified Service

یکبار دیگر، انتخاب عجایب هفتگانه

یونانیان باستان فهرست خودشان را از عجائب هفتگانه داشتند که اطراف و درون مدیترانه قرار داشت و به مسافران در گذراندن بهتر تعطیلاتشان کمك می‌کرد و آنها را سرگرم می‌نمود.

از این عجائب فقط اهرام ثلاثه مصر باقی‌مانده است. اما در ۷ جولای در نمایشگاهی فوق‌العاده در لیسبون پرتغال، وقتی از فهرست عجائب هفتگانه پرده‌برداری شدف این ترفند دوباره تکرار شد.

برنارد وبر، جهانگرد سوئیسی – کانادایی که این نمایشگاه را برگزار کرد امیدوار است با پیر دی‌کوبرتین، فرانسوی احیاءکننده المپیك برابری کند.

فهرست اصلی شامل ۱۷۷ اثر تاریخی بود که توسط میزگرد متخصصان معماری به ۲۱ اثر تقلیل یافت. این میزگرد توسط رییس سابق یونسکو اداره می‌شد.

این فهرست شامل آثار تاریخی کاملا شناخته شده از جمله آکروپولیس در یونان و شهر مخفی پترا در اردن است.

اما برای پیشی‌گرفتن از آنچه یونانی‌ها در نظر دارند، مجسمه‌های ایسترآیلند و معبد کیومیزو در توکیوی ژاپن در میان دیگر آثار این فهرست گنجانده شده‌اند.

تلاش آقای وبر برای ایجاد فهرست نمادین مکان‌های تاریخی چندان اصیل نیست. در فهرست بی‌پایان «عجائب» آثار باستانی، قرون وسطایی یا

مدرن همگی وجود دارند. جامعه مهندسین راه و ساختمان آمریکا فهرست «عجائب هفتگانه دنیای مدرن» خود را در سال ۱۹۹۴ اعلام کرد، که شامل کانال پاناما و تونل چنل بود. فهرست رقیب عجائب هفتگانه که سال گذشته توسط دو نمایندگی رسانه آمریکا منتشر شد شامل اینترنت و کوه‌های یخی قطب بود.

مساله‌ای که این تلاش را قابل توجه‌تر می‌کند ادعای آقای وبر مبنی بر مردمی بودن این فهرست است. در حالی که در مورد فهرست‌های دیگر متخصصان و کارشناسان تصمیم گرفتند، در این فهرست هرکسی که به اینترنت یا تلفن همراه دسترسی دارد می‌تواند به برندها رای دهد.

به طور تعجب‌آوری، رای‌دهندگان در برخی کشورها اشتیاق بیشتری نسبت به دیگران ایجاد کردند. هند از جاذبه بالی‌وود برای تبلیغ تاج محل یکی از هفت برنده استفاده کرد.

در سال ۲۰۰۴ آیشواریا رای در مراسم پرتاب بالنی که روی آن درخواست برای رای دادن به عجایب هندوستان حك شده بود شرکت داشت آنها از وحشت آسیب رساندن به بالن آن را به زمین بستند.

به تازگی یك خواننده موسیقی پاپ دور این کشور را طی کرد در حالی که درباره تاج محل آواز می‌خواند. در برزیل هزینه رای دادن از طریق پیام کوتاه توسط شرکت‌های تلفن لغو شد و رییس‌جمهور مردم را تشویق کرد در رای‌گیری شرکت کنند.

احتمالا در نتیجه این اقدامات بود که، مجسمه کریستاد ریدیر در شهر ریو به عنوان یکی از عجائب انتخاب شد. (گزینه‌های دیگر شامل ویرانه‌های شیشن اتزا در مکزیك، دیوار بزرگ چین، ماچوپیچو در پرو، پترا در اردن و کولوسوم در ایتالیا هستند.

اما همه به این موضوع علاقه‌مند نبودند. مقامات مصر این رقابت را «بی‌معنی» خواندند. رییس شورای عالی آثار باستانی مصر زاهی‌هاواس گفت: اهرام «در قلب مردم سراسر جهان زنده هستند و برای قرار گرفتن در میان عجائب هفتگانه نیاز به رای‌گیری ندارند.»

اهرام از عجائب هفتگانه کنار گذاشته شده‌اند. یونسکو نیز برای دور نگه داشتن خود از رقابت به دردسر افتاد و اعلام کرد «شباهتی» بین فعالیت آقای وبر و کار عالی و جدی علمی انجام شده توسط متخصصان سازمان ملل در بنیاد جهانی هریتج وجود ندارد.

اعضای سازمان ملل همچنین اعتراض کردند که نتیجه رقابت اخیر نمی‌تواند مردمی باشد وقتی بسیاری از مردم به اینترنت دسترسی ندارند.

آیا معنی آن بی‌ارزش بودن این رقابت است؟ آقای وبر پروژه خصوصی «عجائب هفتگانه جدید» را راه‌اندازی کرد و متعهد شد نیمی از کل درآمد خالص این برنامه صرف مرمت آثار منتخب شود.

در برخی مکان‌ها تبلیغات بیشتر ممکن است صنعت گردشگری را تقویت کند که این امر احتمالا به افزایش بودجه برای حفاظت از آنها کمك می‌کند.

برای ۱۰۰میلیون نفری که به گفته برگزارکنندگان این رقابت رای داده‌اند و برای کسانی که از طریق رسانه‌های جهانی نتیجه آن را می‌بینند، سود آن احتمالا به همان اندازه‌ای است که مسافران یونان باستان از آن بهره می‌بردند. یعنی لذت بردن از همه این عجایب.

منبع : روزنامه دنیای اقتصاد

http://vista.ir/?view=article&id=268238

vista.ir
Online Classified Service

ویستا

support@vista.ir